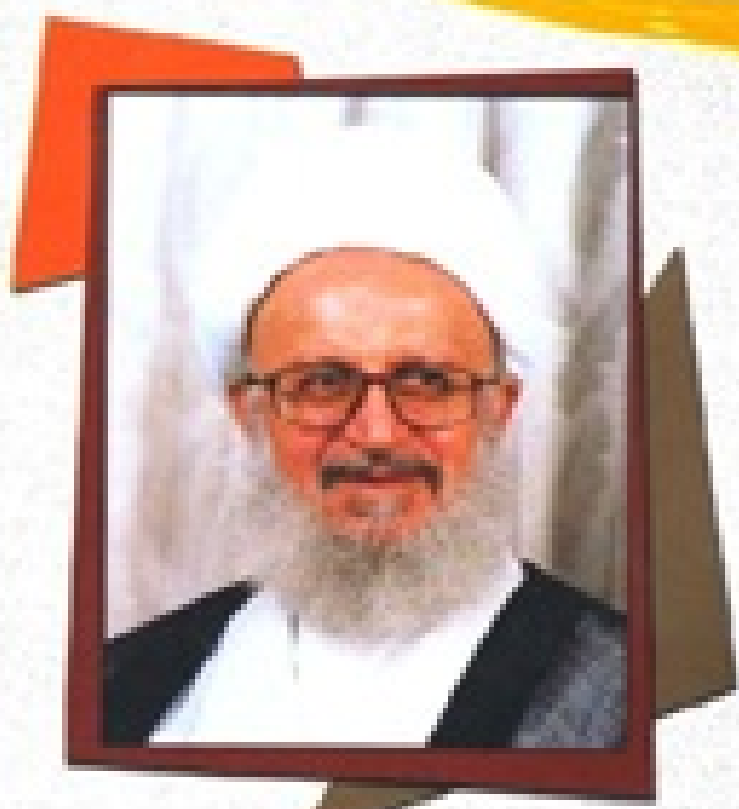


۱-۳

استقامت جدید



مربع عالیقدر حضرت آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی

مربع عالیقدر حضرت آیت الله العظمیٰ مکارم شیرازی

کتابخانه جامع امام خمینی (ره) قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله توضیح المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید

نویسنده:

ناصر مکارم شیرازی

ناشر چاپی:

مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۴۵	رساله توضیح المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید
۴۵	مشخصات کتاب
۴۵	جلد اول
۴۵	اشاره
۴۵	مقدمه
۴۵	اشاره
۴۵	استفتا
۴۶	پیشینه استفتا
۴۶	*** جاذبه استفتا
۴۶	کتاب حاضر
۴۷	چند یادآوری لازم
۴۷	فصل اول: احکام تقلید
۵۱	فصل دوم: احکام آبها
۵۱	فصل سوم: احکام نجاسات
۵۳	فصل چهارم: احکام مطهرات
۵۴	فصل پنجم: احکام وضو
۵۵	فصل ششم: غسل جنابت
۵۷	فصل هفتم: احکام حیض
۵۸	فصل هشتم: احکام اموات
۶۰	فصل نهم: احکام تیمم
۶۰	فصل دهم: احکام نماز
۶۰	اشاره

۶۱	احکام قبله
۶۲	لباس نمازگزار
۶۴	مکان نمازگزار
۶۴	اشاره
۶۵	احکام مسجد
۷۰	اذان و اقامه
۷۱	واجبات نماز
۷۳	نماز مسافر
۷۶	نماز استیجاری و قضا
۷۷	نماز جماعت
۷۹	نماز جمعه و عیدین
۸۰	مسائل متفرقه نماز
۸۱	فصل یازدهم: احکام روزه
۸۱	مبطلات روزه
۸۲	احکام روزه قضا و کفاره
۸۳	احکام رؤیت هلال
۸۴	فصل دوازدهم: احکام خمس
۸۴	ارباح مکاسب
۸۹	مصرف خمس
۹۰	مسائل متفرقه خمس
۹۱	انفال
۹۱	فصل سیزدهم: احکام زکات
۹۱	زکات غلات
۹۱	مستحقین زکات

۹۱	زکات فطره
۹۱	مسائل متفرقه زکات
۹۲	فصل چهاردهم: احکام حج
۹۲	شرایط وجوب حج
۹۳	حج نیابتی
۹۶	عمره تمتع
۹۶	۱- احرام
۹۷	۲- طواف
۱۰۰	۳- سعی
۱۰۱	۴- تقصیر
۱۰۱	واجبات حج تمتع
۱۰۱	۱- احرام حج تمتع
۱۰۱	۲- رمی جمرات
۱۰۱	۳- قربانی
۱۰۲	۴- بیتوته در منی
۱۰۳	احکام مصدود و محصور
۱۰۴	متفرقات حج
۱۰۶	فصل پانزدهم: احکام قضا
۱۰۹	فصل شانزدهم: احکام خریدوفروش
۱۰۹	معاملات باطل و بخشی از کارهای حرام
۱۰۹	۱- خریدوفروش میته
۱۰۹	۲- موسیقی
۱۱۱	۳- رقص
۱۱۲	۴- دست زدن

- ۱۱۲ ۵- قمار
- ۱۱۳ ۶- شطرنج
- ۱۱۳ ۷- مجسمه‌سازی
- ۱۱۴ ۸- غیبت
- ۱۱۴ ۹- دروغ
- ۱۱۵ ۱۰- هیپنوتیزم
- ۱۱۵ ۱۱- خریدوفروش موادّ مخدّر
- ۱۱۵ ۱۲- شعبده‌بازی
- ۱۱۵ ۱۳- فال گرفتن
- ۱۱۶ ۱۴- تراشیدن ریش
- ۱۱۶ ۱۵- مسائل عزاداری
- ۱۱۸ ۱۶- ربا
- ۱۱۸ شرایط خریدار و فروشنده
- ۱۱۹ معامله نقد و نسیه
- ۱۱۹ خریدوفروش طلا و نقره
- ۱۲۰ موارد فسخ معامله
- ۱۲۱ مسائل متفرقه بیع
- ۱۲۶ فصل هفدهم: احکام شرکت
- ۱۲۷ فصل هیجدهم: احکام مضاربه
- ۱۲۸ فصل نوزدهم: احکام اجاره
- ۱۲۹ فصل بیستم و بیست و یکم: مزارعه و مساقات
- ۱۳۰ فصل بیست و دوم: کسانی که حق ندارند در مال خود تصرّف کنند (حجر)
- ۱۳۰ فصل بیست و سوم: احکام وکالت
- ۱۳۱ فصل بیست و چهارم: احکام قرض

۱۳۱ اشاره
۱۳۳ ربا
۱۳۴ فصل بیست و پنجم: احکام رهن
۱۳۴ فصل بیست و ششم: احکام نکاح
۱۳۴ صیغه عقد دائم و موقت
۱۳۵ شرایط عقد ازدواج
۱۳۶ عیوب موجب فسخ
۱۳۸ زنانی که ازدواج با آنها حرام است
۱۳۸ اشاره
۱۳۹ محارم
۱۴۰ احکام عقد دائم
۱۴۴ ازدواج موقت
۱۴۷ احکام نگاه کردن
۱۵۳ احکام نفقه
۱۵۴ مسائل متفرقه ازدواج
۱۶۰ احکام رضاع
۱۶۰ فصل بیست و هفتم: احکام طلاق
۱۶۰ اشاره
۱۶۱ عدّه طلاق
۱۶۳ ترک زینت در ایام عدّه وفات
۱۶۳ طلاق رجعی
۱۶۳ اشاره
۱۶۳ احکام رجوع
۱۶۴ طلاق خلع و مبارات

۱۶۵	مسائل متفرقه طلاق
۱۶۹	فصل بیست و هشتم: احکام غضب
۱۶۹	فصل بیست و نهم: احکام اموال گمشده و مجهول المالک
۱۷۰	فصل سی‌ام: احکام سر بریدن و شکار حیوانات
۱۷۱	اشاره
۱۷۲	شوک دادن به هنگام سر بریدن حیوانات
۱۷۲	شکار با اسلحه
۱۷۳	صید ماهی
۱۷۴	مسائل متفرقه
۱۷۴	فصل سی و یکم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها
۱۷۶	فصل سی و دوم: احکام نذر
۱۷۸	فصل سی و سوم: احکام وقف
۱۸۵	فصل سی و چهارم و پنجم: احکام هبه و احکام احیای موات
۱۸۵	احکام هبه
۱۸۵	احکام احیای موات
۱۸۸	فصل سی و ششم و سی و هفتم: احکام اقرار و شهادت
۱۸۸	احکام اقرار
۱۸۹	احکام شهادت
۱۸۹	فصل سی و هشتم: احکام وصیت
۱۹۱	فصل سی و نهم: احکام ارث
۱۹۱	ارث گروه اول
۱۹۳	ارث گروه دوم
۱۹۴	ارث گروه سوم
۱۹۴	ارث زوجین

۱۹۵	مسائل متفرقه ارث
۲۰۰	فصل چهارم: امر به معروف و نهی از منکر
۲۰۱	فصل چهل و یکم: احکام دفاع و جهاد
۲۰۴	فصل چهل و دوم: احکام حدود
۲۰۴	[حدود]
۲۰۴	۱- حدّ زنا
۲۰۶	۲- حدّ لواط
۲۰۶	۳- حدّ قذف
۲۰۷	۴- حدّ شرب خمر
۲۰۷	۵- حدّ سرقت
۲۰۹	۶- حدّ محارب
۲۱۰	۷- حدّ ارتداد
۲۱۱	مسائل متفرقه حدود
۲۱۳	تعزیرات
۲۱۴	فصل چهل و سوم: احکام قصاص
۲۱۴	قتل عمد و شبه عمد
۲۱۷	قتل خطا
۲۱۷	عفو از قصاص
۲۱۸	تبدیل قصاص به دیه
۲۱۸	قسامه
۲۱۹	مسائل متفرقه قصاص
۲۲۲	فصل چهل و چهارم: احکام دیات
۲۲۲	موجبات ضمان
۲۲۶	دیه نفس

- ۲۲۷ دیه اعضا
- ۲۳۱ دیه جنین
- ۲۳۲ دیه ولد الزنا
- ۲۳۲ انواع دیه
- ۲۳۳ عفو از دیه
- ۲۳۳ مسائل متفرقه دیات
- ۲۳۶ فصل چهل و پنجم: مسائل بانکی
- ۲۳۸ فصل چهل و ششم: مسائل پزشکی
- ۲۳۸ مسائل مربوط به تشخیص و درمان
- ۲۴۰ ضمان طبیب
- ۲۴۷ مسائل مربوط به هزینه‌های درمان و معاینات
- ۲۴۹ مسائل مربوط به پیوند اعضا
- ۲۵۳ مسائل مربوط به تشریح
- ۲۵۶ سقط جنین
- ۲۶۰ جلوگیری از انعقاد نطفه
- ۲۶۲ مسائل تلقیح
- ۲۶۳ مسائل مربوط به عمل جراحی
- ۲۶۴ مسائل مربوط به حفظ جان
- ۲۶۵ تغییر جنسیت
- ۲۶۶ مسائل متفرقه پزشکی
- ۲۷۲ فصل چهل و هفتم: مسائل متفرقه
- ۳۰۶ نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشان...
- ۳۰۶ اشاره
- ۳۰۶ ۱- آغاز پربرکت

- ۲- حیات علمی ۳۰۶
- ۳- هجرت در جوانی ۳۰۷
- ۴- رسم دیرینه حوزه ۳۰۷
- ۵- رجعتی پس از هجرت ۳۰۷
- ۶- حوزه‌های دیگر، درسی دیگر ۳۰۷
- ۷- حیات سیاسی ۳۰۷
- ۸- خدمات ارزنده معظم له ۳۰۷
- ۹- مجموعه تألیفات و آثار ۳۰۸
- جلد دوم ۳۱۱
- اشاره ۳۱۱
- پیشگفتار ۳۱۱
- اشاره ۳۱۱
- چه کسانی مقصّرند؟ ۳۱۲
- ارزش فوق‌العاده تعلیم و تعلّم احکام شرعی ۳۱۲
- کتاب حاضر ۳۱۳
- تقاضا از خوانندگان ۳۱۳
- فصل اول: احکام تقلید ۳۱۴
- فصل دوم: احکام آبها ۳۱۷
- فصل سوم: احکام تخلی ۳۱۷
- فصل چهارم: احکام نجاسات ۳۱۸
- [نجاسات] ۳۱۸
- ۱- مردار ۳۱۸
- ۲- خون ۳۱۹
- ۳- کافر ۳۱۹

- ۳۲۰ ۴ و ۵- سگ و خوک
- ۳۲۰ ۶- مسکر مایع و انواع الکل
- ۳۲۲ راههای ثابت شدن نجاست و احکام وسواس
- ۳۲۳ مسائل متفرقه نجاسات
- ۳۲۴ فصل پنجم: احکام مطهرات
- ۳۲۴ فصل ششم: مسائل وضو
- ۳۲۴ شرایط وضو
- ۳۲۵ احکام وضو
- ۳۲۶ اموری که باید برای آنها وضو گرفت
- ۳۲۸ مسائل متفرقه وضو
- ۳۲۸ فصل هفتم: مسائل مربوط به غسل
- ۳۲۸ احکام غسل
- ۳۲۹ احکام جنابت
- ۳۲۹ غسل استحاضه
- ۳۳۰ غسل حیض
- ۳۳۱ غسل نفاس
- ۳۳۱ غسل مسّ میت
- ۳۳۲ فصل هشتم: احکام اموات
- ۳۳۲ ۱- غسل میت
- ۳۳۳ ۲- نماز میت
- ۳۳۳ ۳- دفن
- ۳۳۳ ۴- نبش قبر
- ۳۳۳ ۵- مسائل متفرقه اموات
- ۳۳۴ فصل نهم: مسائل تیمم

۳۳۴	طریقه تیمم
۳۳۵	احکام تیمم
۳۳۵	فصل دهم: احکام نماز
۳۳۵	اوقات نمازهای پنج‌گانه
۳۳۷	نمازهای مستحبی
۳۳۸	احکام قبله
۳۳۸	لباس نمازگزار
۳۴۰	مکان نمازگزار
۳۴۰	اشاره
۳۴۰	[احکام مسجد]
۳۴۰	فضیلت مسجد
۳۴۱	تجدید بنا و توسعه مسجد
۳۴۲	امور اقتصادی، مالی مساجد
۳۴۲	الحاق بخشی از مسجد به جای دیگر
۳۴۳	هیأت امنای مسجد
۳۴۳	تطهیر مسجد
۳۴۴	متعلقات و لوازم مسجد
۳۴۶	فروش لوازم مسجد
۳۴۶	تبدیل قبرستان به مسجد
۳۴۶	مستحبات و مکروهات مسجد
۳۴۷	مسائل دیگر مسجد
۳۴۹	اذان و اقامه
۳۵۱	واجبات نماز
۳۵۱	۱- تکبیره الاحرام

- ۲- قرائت ۳۵۱
- ۳- رکوع ۳۵۳
- ۴- سجده ۳۵۳
- ۵- تشهد ۳۵۴
- قنوت نماز ۳۵۴
- مبطلات نماز ۳۵۵
- نماز احتیاط ۳۵۶
- نماز مسافر ۳۵۶
- کثیرالسفر ۳۵۷
- کسانی که شغل آنها در سفر است ۳۵۸
- وطن ۳۵۸
- مسائل دیگر نماز مسافر ۳۵۹
- نماز استیجاری ۳۶۰
- نماز قضا ۳۶۱
- اشاره ۳۶۱
- نماز قضای پدر و مادر ۳۶۲
- نماز جماعت ۳۶۲
- فضیلت نماز جماعت ۳۶۲
- شرایط امام جماعت ۳۶۳
- احکام جماعت ۳۶۵
- مسائل متفرقه نماز جماعت ۳۶۷
- نماز آیات ۳۶۸
- نماز جمعه ۳۶۸
- اشاره ۳۶۸

۳۶۸	شرایط نماز جمعه
۳۶۹	وقت نماز جمعه
۳۷۰	کیفیت نماز جمعه
۳۷۲	احکام نماز جمعه
۳۷۴	مسائل متفرقه نماز
۳۷۵	فصل یازدهم: احکام روزه
۳۷۵	مبطلات روزه
۳۷۵	۱- خوردن و آشامیدن
۳۷۶	۲- دروغ بستن به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)
۳۷۶	۳- رساندن غبار غلیظ به حلق
۳۷۶	۴- تنقیه کردن با مایعات
۳۷۷	مکروهات روزه
۳۷۷	قضا و کفاره روزه
۳۷۸	کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
۳۷۸	احکام رؤیت هلال
۳۷۹	مسائل متفرقه روزه
۳۸۰	فصل دوازدهم: احکام اعتکاف
۳۸۰	تعریف، فلسفه و فضیلت اعتکاف
۳۸۰	زمان اعتکاف
۳۸۰	مکان اعتکاف
۳۸۲	شرایط اعتکاف
۳۸۳	خروج از محلّ اعتکاف
۳۸۴	کارهایی که بر معتکف حرام است
۳۸۵	مبطلات اعتکاف

۳۸۶	قضا و كفاره اعتكاف
۳۸۶	فصل سیزدهم: احكام خمس
۳۸۶	[متعلق خمس]
۳۸۶	۱- خمس منافع كسب
۳۹۱	۲- مال حلال مخلوط به حرام
۳۹۱	۳- گنج
۳۹۲	۴- معدن
۳۹۳	مصرف خمس
۳۹۵	مسائل متفرقه خمس
۳۹۶	انفال
۳۹۶	فصل چهاردهم: احكام زكات
۳۹۶	اشاره
۳۹۷	اشیایی كه زكات آن واجب است
۳۹۸	زكات فطره
۳۹۸	فصل پانزدهم: احكام حج
۳۹۸	شرایط وجوب حج
۴۰۰	حج نیابتی
۴۰۰	عمره
۴۰۰	احرام عمره مفرده
۴۰۱	محرمات احرام
۴۰۱	شرایط طواف
۴۰۳	نماز طواف
۴۰۴	سعی بین صفا و مروه
۴۰۴	واجبات حج تمتع

- ۴۰۴ ۱- احرام
- ۴۰۵ ۲- وقوف در مشعر
- ۴۰۵ ۳- رمی جمرات
- ۴۰۵ ۴- قربانی
- ۴۰۶ ۵- حلق
- ۴۰۶ ۶- بیتوته در منی
- ۴۰۶ احکام مصدود و محصور
- ۴۰۷ مسائل متفرقه حج
- ۴۰۹ فصل شانزدهم: مسائل قضا
- ۴۰۹ اشاره
- ۴۱۰ رشوه
- ۴۱۱ حکم غیابی
- ۴۱۱ اقامه دعوی مسلمانان در دادگاههای غیر اسلامی و بالعکس
- ۴۱۲ قاضی تحکیم
- ۴۱۳ مدارک و منابع قضا
- ۴۱۴ مسائل متفرقه قضا
- ۴۱۵ فصل هفدهم: احکام معاملات
- ۴۱۵ معاملات واجب و مکروه
- ۴۱۶ معاملات باطل و بخشی از کارهای حرام
- ۴۱۶ ۱- خریدوفروش اشیای نجس
- ۴۱۶ ۲- موسیقی
- ۴۱۹ ۳- رقص
- ۴۱۹ ۴- خریدوفروش پول، چک، سفته و ارزهای خارجی
- ۴۲۰ ۵- قمار

- ۴۲۱ ۶- شطرنج
- ۴۲۲ ۷- مجسمه‌سازی
- ۴۲۳ ۸- غیبت
- ۴۲۳ ۹- دروغ
- ۴۲۴ ۱۰- مواد مخدر
- ۴۲۴ ۱۱- تراشیدن ریش
- ۴۲۵ ۱۲- ربا
- ۴۲۶ ۱۳- خریدوفروش حیوانات حرام گوشت
- ۴۲۶ مسائل عزاداری
- ۴۲۸ شرایط خریدار و فروشنده
- ۴۲۹ معامله نقد و نسیه
- ۴۳۰ خریدوفروش طلا و نقره
- ۴۳۱ شرایط مجاز و غیر مجاز در معاملات
- ۴۳۲ مسائل متفرقه بیع
- ۴۳۷ فصل هجدهم: احکام شرکت
- ۴۳۹ فصل نوزدهم: احکام صلح
- ۴۴۰ فصل بیستم: احکام اجاره
- ۴۴۰ اشاره
- ۴۴۳ سرقتی
- ۴۴۴ فصل بیست و یکم: احکام مزارعه
- ۴۴۵ فصل بیست و دوم: احکام مضاربه
- ۴۴۶ فصل بیست و سوم: احکام حجر
- ۴۴۶ کسانی که حق ندارند در مال خود تصرف کنند
- ۴۴۷ فصل بیست و چهارم: احکام وکالت

۴۴۷	فصل بیست و پنجم: احکام قرض و دین
۴۴۷	اشاره
۴۴۸	ربای قرضی
۴۴۹	احکام بدهی‌ها
۴۵۱	فصل بیست و ششم: احکام رهن
۴۵۲	فصل بیست و هفتم: احکام ضامن شدن
۴۵۲	فصل بیست و هشتم: احکام کفالت
۴۵۳	فصل بیست و نهم: احکام ودیعه
۴۵۴	فصل سی‌ام: احکام نکاح
۴۵۴	صیغه عقد
۴۵۵	شرایط عقد نکاح
۴۵۶	اولیای عقد
۴۵۸	ازدواجهای مجاز و غیر مجاز
۴۵۹	محارم
۴۶۱	موارد فسخ نکاح
۴۶۵	احکام عقد دائم
۴۷۱	احکام عقد موقت
۴۷۳	احکام پوشش
۴۷۵	احکام لمس
۴۷۵	احکام نگاه کردن
۴۷۸	نفقه
۴۷۸	احکام اولاد
۴۷۹	احکام شیر دادن
۴۸۰	احکام حضانت

۴۸۱	مسائل متفرقه ازدواج
۴۸۹	فصل سی و یکم: احکام طلاق
۴۸۹	شرایط طلاق
۴۹۰	عده
۴۹۲	طلاق خلع و مبارات
۴۹۲	اشاره
۴۹۵	حکمین
۴۹۶	مسائل متفرقه طلاق
۵۰۰	فصل سی و دوم: احکام غصب
۵۰۱	فصل سی و سوم: احکام مجهول المالک و اموال گمشده
۵۰۱	اشاره
۵۰۳	احکام لقیط
۵۰۴	فصل سی و چهارم: احکام ذبح حیوانات
۵۰۴	چگونگی ذبح
۵۰۴	شرایط ذبح
۵۰۵	شرایط ذبح
۵۰۵	۱- اسلام
۵۰۵	۲- وسیله ذبح
۵۰۶	۳- قبله
۵۰۶	۴- تسمیه (گفتن نام خدا به هنگام ذبح)
۵۰۷	۵- استقرار حیات
۵۰۸	احکام صید
۵۰۸	مسائل متفرقه ذبح
۵۰۹	فصل سی و پنجم: احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

۵۱۱	فصل سی و ششم: احکام نذر و عهد
۵۱۲	فصل سی و هفتم: احکام قسم خوردن
۵۱۳	فصل سی و هشتم: احکام وقف
۵۲۱	فصل سی و نهم: احکام هبه
۵۲۲	فصل چهلم: احکام شفعه
۵۲۳	فصل چهل و یکم: احیای موات
۵۲۵	فصل چهل و دوم: احکام شهادت
۵۲۵	فصل چهل و سوم: احکام وصیت
۵۲۷	فصل چهل و چهارم: احکام ارث
۵۲۷	ارث گروه اول
۵۲۸	ارث گروه دوم و سوم
۵۲۹	ارث زوجین
۵۳۱	حکم اموال مفقود الاثر
۵۳۱	حبوه (اموال اختصاصی فرزند بزرگ)
۵۳۲	چگونگی تقسیم ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند
۵۳۲	مسائل متفرقه ارث
۵۳۵	فصل چهل و پنجم: احکام امر به معروف و نهی از منکر و دفاع
۵۳۵	اشاره
۵۳۷	احکام دفاع
۵۳۷	فصل چهل و ششم: احکام حدود
۵۳۷	[حدود]
۵۳۸	۱- حدّ زنا
۵۳۸	موجبات حدّ زنا
۵۳۹	اقسام حد

۵۴۰	چگونگی اجرای حدّ زنا
۵۴۲	۲- حدّ لواط
۵۴۳	۳- حدّ قذف
۵۴۴	۴- حدّ شرب خمر
۵۴۴	۵- حدّ سرقت
۵۴۶	۶- حدّ محارب
۵۴۸	۷- حدّ ارتداد
۵۴۹	مسائل متفرقه حدود
۵۵۱	تعزیرات
۵۵۴	فصل چهل و هفتم: احکام قصاص
۵۵۴	قتل عمد و شبه عمد
۵۵۶	شرایط قصاص
۵۵۷	قصاص (اطراف) اعضا
۵۵۹	اولیای دم
۵۶۱	تبدیل قصاص به دیه
۵۶۲	قسامه
۵۶۵	مسائل متفرقه قصاص
۵۶۷	فصل چهل و هشتم: احکام دیات
۵۶۷	موجبات ضمان
۵۷۴	دیه اعضای بدن
۵۷۴	اشاره
۵۷۶	دیه مو
۵۷۷	دیه چشم
۵۷۷	دیه بینی

- ۵۷۸ دیه دست
- ۵۷۹ دیه پاها
- ۵۷۹ دیه دندان
- ۵۸۰ دیه شکستگیها
- ۵۸۱ شجاج و جراح
- ۵۸۳ تغلیظ دیه
- ۵۸۴ دیه جنین
- ۵۸۵ عفو از دیه
- ۵۸۵ عاقله
- ۵۸۶ نحوه پرداخت دیه
- ۵۸۷ موارد پرداخت دیه از بیت المال
- ۵۸۸ مسائل متفرقه دیات
- ۵۸۹ فصل چهل و نهم: مسائل بانکی
- ۵۹۴ فصل پنجاهم: احکام پزشکی
- ۵۹۴ ضمان طیب
- ۵۹۶ معاینات پزشکی
- ۵۹۸ پیوند اعضا
- ۵۹۹ کالبدشکافی و تشریح
- ۶۰۰ تلقیح مصنوعی
- ۶۰۳ جلوگیری از بارداری
- ۶۰۵ تغییر جنسیت
- ۶۰۶ شبیه‌سازی
- ۶۰۶ مسائل متفرقه پزشکی
- ۶۰۹ نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشان حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی «دام ظلّه»

- ۱- آغاز پربركت ۶۰۹
- ۲- حیات علمی ۶۰۹
- ۳- هجرت در جوانی ۶۰۹
- ۴- رسم دیرینه حوزه ۶۰۹
- ۵- رجعتی پس از هجرت ۶۰۹
- ۶- حوزه‌ای دیگر، درسی دیگر ۶۱۰
- ۷- حیات سیاسی ۶۱۰
- ۸- خدمات ارزنده معظم له ۶۱۰
- ۹- مجموعه تألیفات و آثار ۶۱۰
- جلد سوم ۶۱۴
- اشاره ۶۱۴
- فصل اول: احکام تقلید ۶۱۴
- محدوده تقلید ۶۱۴
- گستره فقه ۶۱۴
- راههای شناخت مرجع اعلم ۶۱۵
- اصطلاحات تقلید ۶۱۶
- تقلید از میت ۶۱۶
- تبعیض در تقلید ۶۱۷
- مسائل دیگر تقلید ۶۱۷
- فصل دوم: احکام آبها ۶۱۸
- فاضلاب تصفیه شده ۶۱۸
- آب مضاف ۶۱۹
- فصل سوم: احکام نجاسات ۶۱۹
- [نجاسات] ۶۱۹

۶۱۹	۱ و ۲- بول و غائط
۶۱۹	۳- مردار
۶۲۰	۴- خون
۶۲۰	۵- کافر، و کسانی که در حکم کفارند.
۶۲۱	۶- سگ
۶۲۱	۷- شراب و سایر مسکرات
۶۲۲	وسواس
۶۲۲	مسائل متفرقه نجاسات
۶۲۳	فصل چهارم: احکام مطهرات
۶۲۳	۱- استحاله
۶۲۳	۲- ثلثان
۶۲۴	فصل پنجم: احکام وضو
۶۲۴	طریقه وضو گرفتن
۶۲۵	افعال وضو
۶۲۵	اشاره
۶۲۶	مسح
۶۲۶	مسح سر
۶۲۷	مسح پا
۶۲۹	شرایط وضو
۶۳۲	احکام وضو
۶۳۳	اموری که باید برای آن وضو گرفت
۶۳۵	وضوی جبیره
۶۳۵	سؤالات متفرقه وضو
۶۳۵	فصل ششم: احکام غسل

۶۳۵	غسل جنابت
۶۳۶	غسل استحاضه
۶۳۶	غسل بدون خارج کردن لباس از بدن
۶۳۶	فصل هفتم: [در باره مردگان]
۶۳۶	احکام مردگان
۶۳۶	۱- غسل میت
۶۳۷	۲- کفن
۶۳۷	۳- خُطُوط
۶۳۸	۴- نماز میت
۶۳۸	۵- دفن میت
۶۳۹	۶- نبش قبر
۶۴۰	احکام قبرستان
۶۴۱	احکام شهید
۶۴۲	مراسم عزاداری
۶۴۳	فصل هشتم: احکام تیمم
۶۴۳	فصل نهم: احکام نماز
۶۴۳	وقت نماز
۶۴۴	لباس نمازگزار
۶۴۴	اشاره
۶۴۵	حجاب زنان
۶۴۵	مکان نمازگزار
۶۴۶	آداب و احکام مسجد
۶۴۶	اشاره
۶۴۶	فتاوی‌های مساجد

- ۶۴۶ ورود کفار به مسجد
- ۶۴۷ موقوفات مسجد
- ۶۴۷ تخریب ساختمان مسجد
- ۶۴۸ دیگر احکام مسجد
- ۶۵۰ اذان و اقامه
- ۶۵۰ واجبات نماز:
- ۶۵۰ ۱- قیام
- ۶۵۰ ۲- قرائت
- ۶۵۳ ۳- سجده
- ۶۵۳ ۴- تشهد
- ۶۵۴ مبطلات نماز
- ۶۵۴ شکایات نماز
- ۶۵۴ شکستن نماز
- ۶۵۵ نماز مسافر
- ۶۵۷ نماز قضا
- ۶۵۷ اشاره
- ۶۵۷ نماز قضای پدر و مادر
- ۶۵۷ [نماز جماعت]
- ۶۵۷ فضیلت نماز جماعت
- ۶۵۸ شرایط امام جماعت
- ۶۵۸ اشاره
- ۶۵۹ اقتدا به غیر روحانی
- ۶۵۹ احکام جماعت
- ۶۶۱ نماز آیات

- ۶۶۲ نماز جمعه
- ۶۶۲ سؤالاتی دیگر پیرامون نماز
- ۶۶۳ فصل دهم: احکام روزه
- ۶۶۳ مبطلات روزه
- ۶۶۳ کفاره و قضای روزه
- ۶۶۴ تشخیص ضرر برای بیمار
- ۶۶۴ رؤیت هلال
- ۶۶۵ سؤالات متفرقه روزه
- ۶۶۵ فصل یازدهم: احکام اعتکاف
- ۶۶۵ اهمیت اعتکاف
- ۶۶۶ شرایط اعتکاف
- ۶۶۶ مکان اعتکاف
- ۶۶۶ خروج از مسجد
- ۶۶۶ مبطلات اعتکاف
- ۶۶۷ محرمات اعتکاف
- ۶۶۸ متفرقات اعتکاف
- ۶۶۸ فصل دوازدهم: احکام خمس
- ۶۶۸ منافع کسب
- ۶۶۹ مصرف خمس
- ۶۷۰ سؤالات متفرقه خمس
- ۶۷۱ فصل سیزدهم: احکام زکات
- ۶۷۱ زکات فطره
- ۶۷۲ مصرف زکات فطره
- ۶۷۳ فصل چهاردهم: احکام حج

- استطاعت ۶۷۳
- میقات ۶۷۴
- احرام ۶۷۵
- محرمات احرام ۶۷۵
- طواف ۶۷۵
- نماز طواف ۶۷۶
- رمی جمرات ۶۷۶
- قربانی ۶۷۶
- عمره مفرده ۶۷۷
- حج کودکان ۶۷۷
- متفرقه ۶۷۷
- فصل پانزدهم: احکام قضا ۶۷۹
- صفات قاضی ۶۷۹
- راه‌های اثبات جرم و براءت از اتهام ۶۸۰
- الف و ب و ج) اقرار، بینه، علم قاضی ۶۸۰
- د) قسم ۶۸۰
- علم قاضی ۶۸۲
- تعارض اسناد و بینه ۶۸۴
- رشوه ۶۸۵
- قضاوت غیابی ۶۸۵
- تجدید نظر در حکم قاضی ۶۸۵
- اقامة دعوی مسلمانان در دادگاههای غیر اسلامی ۶۸۶
- سؤالات دیگر مسائل قضایی ۶۸۶
- فصل شانزدهم: احکام بیع ۶۹۰

- تجارت‌های حرام و باطل ۶۹۰
- ۱- فیلمها و عکسهای مبتذل ۶۹۰
- ۲- نوارهای صوتی و تصویری مبتذل (موسیقی) ۶۹۱
- ۳- رقص ۶۹۴
- ۴- دست زدن ۶۹۴
- ۵- قمار ۶۹۴
- ۶- مجسمه‌سازی ۷۰۰
- ۷- غیبت ۷۰۱
- ۸- دروغ ۷۰۱
- ۹- مواد مخدر ۷۰۲
- ۱۰- استعمال دخانیات ۷۰۳
- ۱۱- تراشیدن ریش ۷۰۵
- ۱۲- حیوانات حرام گوشت ۷۰۵
- ۱۳- احضار ارواح ۷۰۶
- عزاداری ۷۰۶
- شرایط خریدار و فروشنده ۷۰۷
- ولایت فقیه ۷۰۸
- مقدار سود در معامله ۷۰۹
- معاملهٔ سلف ۷۱۰
- نقد و نسیه ۷۱۰
- خيارات: ۷۱۰
- ۱- خيار شرط ۷۱۱
- ۲- خيار عيب ۷۱۲
- ۳- خيار غبن ۷۱۳

۷۱۳	بیع فضولی
۷۱۴	فروش اعتبار
۷۱۴	اوراق بهادار
۷۱۵	مالکیت زمانی
۷۱۶	پورسانت
۷۱۶	قاچاق کالا
۷۱۷	سؤالات متفرقه بیع
۷۱۸	فصل هفدهم: احکام شرکت
۷۱۹	فصل هجدهم: احکام صلح
۷۱۹	فصل نوزدهم: احکام اجاره
۷۲۱	فصل بیستم: احکام مضاربه
۷۲۲	فصل بیست و یکم: احکام حجر
۷۲۴	فصل بیست و دوم: احکام وکالت
۷۲۵	فصل بیست و سوم: احکام دین و قرض
۷۲۵	اشاره
۷۲۶	ربای قرضی
۷۲۷	فصل بیست و چهارم: احکام رهن
۷۲۷	فصل بیست و پنجم: احکام ضامن شدن
۷۲۸	فصل بیست و ششم: احکام کفالت
۷۲۹	فصل بیست و هفتم: احکام ودیعه و امانت
۷۲۹	فصل بیست و هشتم: احکام نکاح
۷۲۹	مقدمات نکاح
۷۳۰	خواستگاری
۷۳۰	صیغه عقد

۷۳۱ نکاح معاطاتی
۷۳۱ شرایط مجاز و غیر مجاز
۷۳۲ اولیای عقد
۷۳۳ عیوب موجب فسخ
۷۳۳ ۱- عنن
۷۳۳ ۲- جنون
۷۳۴ ۳- تدلیس
۷۳۶ محارم
۷۳۶ زنانی که از دواج با آنها حرام است
۷۳۸ احکام عقد دائم
۷۳۸ ۱- مهریه
۷۴۰ ۲- تمکین
۷۴۱ ۳- اطاعت از شوهر
۷۴۱ ۴- مسکن
۷۴۱ ۵- اجرة المثل
۷۴۲ از دواج موقت
۷۴۴ احکام نگاه و نظر
۷۴۵ پوشش
۷۴۵ ارتباط زن و مرد
۷۴۶ احکام شیر دادن
۷۴۷ نشوز
۷۴۸ احکام اولاد
۷۵۰ احکام وطی به شبهه
۷۵۰ حضانت

۷۵۲	نفقه
۷۵۳	اختلافات زوجین
۷۵۴	سؤالات متفرقه نکاح
۷۵۶	فصل بیست و نهم: احکام طلاق
۷۵۷	شرایط طلاق
۷۵۷	عده طلاق
۷۵۸	طلاق رجعی
۷۵۸	طلاق خلع
۷۵۹	محلّ
۷۶۰	طلاق غیابی
۷۶۱	سؤالات متفرقه طلاق
۷۶۳	فصل سی‌ام: احکام لعان
۷۶۴	فصل سی و یکم: احکام غضب
۷۶۵	فصل سی و دوم: احکام اموال مجهول المالک
۷۶۶	فصل سی و سوم: احکام سر بریدن و شکار حیوانات
۷۶۶	احکام ذبح
۷۶۷	احکام شکار
۷۶۸	احکام صید
۷۶۸	فصل سی و چهارم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها
۷۷۰	فصل سی و پنجم: احکام نذر و عهد
۷۷۱	فصل سی و ششم: احکام وقف
۷۷۷	فصل سی و هفتم: احکام هبه
۷۷۷	فصل سی و هشتم: احکام احیای موات
۷۷۹	فصل سی و نهم: احکام اقرار

۷۸۲	فصل چهارم: احکام شهادت
۷۸۳	فصل چهارم و یکم: احکام وصیت
۷۸۵	فصل چهارم و دوم: احکام ارث
۷۸۵	طبقه دوم ارث
۷۸۵	ارث زوجین
۷۸۶	ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند
۷۸۷	موانع ارث
۷۸۷	محروم کردن از ارث
۷۸۸	سؤالات متفرقه
۷۹۰	فصل چهارم و سوم: امر به معروف و نهی از منکر
۷۹۰	فصل چهارم و چهارم: احکام دفاع
۷۹۳	فصل چهارم و پنجم: احکام حدود
۷۹۳	مقدمات حدود:
۷۹۳	الف) اقرار
۷۹۳	ب) شهادت
۷۹۴	ج) بلوغ و رشد
۷۹۴	د) توبه
۷۹۶	ه) اجرای حد در ملاء عام
۷۹۶	و) چگونگی کشف جرم
۷۹۷	ز) تغییر نوع مجازات
۷۹۷	اقسام حدود
۷۹۷	۱- حدّ زنا
۷۹۷	اشاره
۷۹۸	زنای محصنه

۷۹۹	تداخل حدّ و تعزیر
۷۹۹	حکم زناى با محارم
۸۰۰	حکم زناى به عنف
۸۰۱	حکم زناى غير مسلمان
۸۰۱	تبعید
۸۰۲	۲- حدّ مساحقه
۸۰۲	۳- حدّ لواط
۸۰۲	۴- حدّ قوادى
۸۰۳	۵- حدّ قذف
۸۰۳	۶- حدّ شرب خمر
۸۰۳	۷- حدّ سرقت
۸۰۴	اشاره
۸۰۵	شرکت در سرقت
۸۰۵	مستثنیات حدّ سرقت
۸۰۵	الف) سرقت در سال قحطى
۸۰۶	ب) سرقت زن از شوهر
۸۰۶	ج) سرقت در حال اضطرار
۸۰۶	د) سرقت پدر از فرزند
۸۰۷	ه) سرقت اموالى که مالیت ندارد
۸۰۷	و) سرقت منافع
۸۰۷	ز) سرقت موقت
۸۰۷	ح) سرقت از سارق
۸۰۸	احکام دیگر سرقت
۸۰۹	۸- حدّ محارب

۸۱۰	۹- حدّ ارتداد
۸۱۱	سؤالات متفرقه حدود
۸۱۳	تعزیرات
۸۱۶	فصل چهل و ششم: احکام قصاص
۸۱۶	مصادیق قتل عمد و شبه عمد
۸۱۹	شرایط قصاص
۸۱۹	۱- مساوات در دین
۸۲۰	۲- قاتل پدر مقتول نباشد
۸۲۱	۳- مساوات در عقل
۸۲۱	۴- مقتول محقون الدم باشد
۸۲۱	۵- مساوات در جنسیت
۸۲۱	لوث و قسامه
۸۲۶	اولیای دم
۸۲۸	استیفای قصاص
۸۳۰	تأخیر قصاص
۸۳۰	تبدیل قصاص به دیه
۸۳۱	قصاص اعضا
۸۳۲	عفو از قصاص
۸۳۳	کفاره قتل عمد
۸۳۳	سؤالات متفرقه قصاص
۸۳۴	فصل چهل و هفتم: احکام دیات
۸۳۴	موجبات ضمان
۸۴۶	ضمان جریره
۸۴۶	جانی یا مجنیّ علیه مردّد بین چند نفر معین است

- ۸۴۷ دية زنان
- ۸۴۸ دية كفّار
- ۸۴۹ دية اعضا
- ۸۴۹ ۱- دية مو
- ۸۵۰ ۲- دية چشم
- ۸۵۰ ۳- دية بينى
- ۸۵۱ ۴- دية گوش
- ۸۵۲ ۵- دية گردن
- ۸۵۲ ۶- دية دست
- ۸۵۳ ۷- دية انگشتان دست
- ۸۵۴ ۸- دية پا
- ۸۵۴ ۹- دية آلت تناسلى
- ۸۵۴ ۱۰- دية اعضاى داخلى
- ۸۵۵ دية شكستگيها
- ۸۵۷ دية منافع
- ۸۶۰ ارش
- ۸۶۰ اشاره
- ۸۶۰ ۱- ارش دررفتگى كتف
- ۸۶۰ ۲- ارش بافت نرم عصبى دست
- ۸۶۰ ۳- ارش نقص حاصل از استخوان معيوب
- ۸۶۱ ۴- ارش پارگى مقعد
- ۸۶۱ ۵- ارش نقص راه رفتن
- ۸۶۱ ۶- ارش البكاره
- ۸۶۳ شجاج

۸۶۷ دية جنين
۸۶۷ عاقله
۸۶۸ دية جنایت بر میت
۸۶۹ موارد پرداخت ديه از بيت المال
۸۷۰ عفو از ديه
۸۷۱ خسارت عدم النفع
۸۷۲ تغليظ ديه
۸۷۲ نحوه پرداخت ديه
۸۷۳ سؤالات ديگر ديات
۸۷۴ فصل چهل و هشتم: احكام بانكها و صندوقهای قرض الحسنه
۸۷۴ استخدام در بانكها
۸۷۵ سپرده‌ها
۸۷۶ احكام وامها
۸۷۸ کارمزد
۸۷۹ ديگر احكام بانكها
۸۷۹ فصل چهل و نهم: احكام پزشکی
۸۷۹ تحصیل در رشته پزشکی
۸۸۰ ضمان طبيب
۸۸۱ ويزيت
۸۸۲ معاینه
۸۸۵ احكام مختلف معالجه و درمان
۸۸۶ روان درمانی
۸۸۷ پیوند اعضا
۸۸۷ تغییر جنسیت

- ۸۸۸ تلقیح مصنوعی
- ۸۹۰ جلوگیری
- ۸۹۱ سقط جنین
- ۸۹۲ خریدوفروش اعضای بدن
- ۸۹۲ کالبد شکافی و تشریح
- ۸۹۳ پیشگیری
- ۸۹۴ پایان دادن به زندگی!
- ۸۹۴ سؤالات دیگر پزشکی
- ۸۹۶ فصل پنجاهم: مسائل متفرقه
- ۸۹۶ ۱- آسیب‌شناسی تربیت دینی
- ۸۹۷ ۲- احکام اکراه
- ۸۹۷ ۳- اعتقادات
- ۸۹۷ الف) نبوت
- ۸۹۸ ب) عصمت
- ۸۹۹ ج) عدل الهی
- ۸۹۹ د) سرانجام جاهلان قاصر
- ۸۹۹ ه) مقایسه ائمه با انبیا
- ۸۹۹ و) ولایت
- ۹۰۰ ز) امام زمان علیه السلام
- ۹۰۰ ح) وظیفه منتظران
- ۹۰۱ ط) رجعت
- ۹۰۱ ی) شفاعت
- ۹۰۱ ک) جهان آخرت
- ۹۰۲ ۴- بیت المال

- ۵- بیمه ۹۰۲
- ۶- تبلیغ دین ۹۰۳
- ۷- تراست و کارتل ۹۰۴
- ۸- تقلب ۹۰۴
- ۹- تکدی‌گری ۹۰۵
- ۱۰- جبران خسارت ۹۰۶
- ۱۱- حقوق ۹۰۷
- الف) حقّ الطبع ۹۰۷
- ب) کیی‌رایت ۹۰۸
- ج) حقّ الاختراع ۹۰۹
- د) حقّ همسایه ۹۰۹
- ه) حقوق والدین ۹۱۰
- و) حقّ فرزند ۹۱۱
- ز) حقّ الناس ۹۱۱
- ح) حقّ المازّه ۹۱۲
- ط) حقّ ارتفاق ۹۱۲
- ۱۲- حکومت اسلامی ۹۱۲
- ۱۳- خرافات ۹۱۶
- ۱۴- دعاها ۹۲۰
- ۱۵- دعانویسی ۹۲۱
- ۱۶- رؤیا ۹۲۲
- ۱۷- رسانه‌ها ۹۲۲
- الف و ب) اطلاع‌رسانی و اطلاع‌رسانان ۹۲۲
- ج) جرایم مطبوعاتی ۹۳۰

- ۹۳۲ (د) فیلمها
- ۹۳۵ (ه) فیلمها و تبلیغ کالا
- ۹۳۵ (و) نابود کردن فیلمهای فاسد
- ۹۳۵ (ز) فیلمها و طنزها
- ۹۳۷ ۱۸- سؤالات سیاسی
- ۹۳۸ ۱۹- صدقه
- ۹۴۰ ۲۰- صلۀ رحم
- ۹۴۰ ۲۱- طی الارض
- ۹۴۱ ۲۲- عید الزهراء
- ۹۴۱ ۲۳- فراگیری فلسفه و علوم غریبه
- ۹۴۲ ۲۴- قرآن مجید
- ۹۴۳ ۲۵- کاروانهای عروسی
- ۹۴۴ ۲۶- کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان
- ۹۴۵ ۲۷- گروههای منحرف
- ۹۴۶ ۲۸- گناهان
- ۹۴۶ الف) قاچاق
- ۹۴۶ ب) خودکشی
- ۹۴۷ ج) حقیر شمردن گناه
- ۹۴۷ د) اهانت
- ۹۴۷ ه) سوء ظن
- ۹۴۸ و) آشکار کردن گناه
- ۹۴۸ ز) هجرت از محیط گناه
- ۹۴۸ ح) توبۀ از گناه
- ۹۴۸ ۲۹- مراسم ولادت امام هفتم علیه السلام

- ۳۰- مسائل عمومی مشاغل ۹۴۹
- ۳۱- مشاغل خاص ۹۵۲
- الف) شغل روحانیت ۹۵۲
- ب) خدمه هواپیماها ۹۵۳
- ج) رفتگران ۹۵۳
- د) کارکنان کمیته امداد ۹۵۳
- ه) طلافروشان ۹۵۳
- و) کارمندان مخابرات ۹۵۴
- ز) دامپزشک ۹۵۴
- ح) راننده تاکسی ۹۵۴
- ط) معلمان ۹۵۵
- ی) جاسوسی ۹۵۵
- ۳۲- نگهداری حیوانات ۹۵۵
- ۳۳- ورزش ۹۵۷
- ۳۴- ورزش بانوان ۹۵۸
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۹۵۹

رساله توضیح المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۰۵ -

عنوان و نام پدید آور : رساله توضیح المسائل با اضافات فراوان و استفتاءات جدید / مطابق با فتاوی مکارم شیرازی.
وضعیت ویراست [: ویراست ؟] .

مشخصات نشر : قم: قدس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری : ۴۹۶ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۶۳۹۵-۰۹-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : چاپ شصت و پنجم.

موضوع : فقه جعفری -- رساله عملیه

رده بندی کنگره : BP۱۸۳/۹م ۵۷۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۲۱۳۹۰۸

جلد اول

اشاره

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقدمه

اشاره

روح جستجوگر و ذهن پرسؤال هر انسانی او را برای رسیدن به حقیقت و برطرف کردن ابهاماتی که پیرامون مسائل مختلف وجود دارد به سؤال کردن وادار می‌نماید، چرا که یکی از بهترین طرق روشن کردن مجهولات و رسیدن به واقعیتها، سؤال نمودن از کسانی است که اطلاع کافی دارند.

همان طور که خداوند متعال می‌فرماید: (فَسِئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ*)؛ مسائلی را که نمی‌دانید از اهل اطلاع و کسانی که آگاه هستند پرسید). «۱»

به همین دلیل اسلام که یک آیین فطری و هماهنگ با عقل و منطق است نه تنها بر این مسأله فطری که در بین عقلا- معمول و معروف است مهر تأیید نهاده، بلکه به طرق مختلف مردم را به آن تشویق و در مواردی الزام کرده است، البته سؤالاتی که انگیزه الهی و منطقی دارد نه سؤالاتی که هدف از آن لجاجت، خودنمایی، اظهار فضل، و تحقیر دیگران باشد.

این کلمه یک واژه عربی است و به نوع خاصی از سؤالات اطلاق می‌شود، سؤالی که پیرامون مسائل و احکام شرعی و عملی از افراد ذی صلاح و مراجع معظم تقلید مطرح می‌گردد.

(۱). سوره انبیاء، آیه ۷.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶

پیشینه استفتا

سابقه استفتا به صدر اسلام برمی‌گردد، یعنی از زمانی که مسلمانان مکلف به تکالیف و احکام عملی مانند نماز، روزه و ... شدند استفتا نیز متولد شد، چرا که مسلمین پیرامون این احکام از نبی مکرم اسلام حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) سؤالاتی می‌کردند که بسیاری از آنها موجود است، حتی قرآن مجید عین این ماده را در مورد بعضی از سؤالات مربوط به ارث ذکر فرموده است: «يَسْأَلُونَكَ قُلِّ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكُلَالَةِ» (۱) و این مسأله در اعصار ائمه (علیهم السلام) در مقیاس وسیعتر ادامه پیدا کرد و در عصر حضرت امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) وسعت زیادی پیدا کرد. به گونه‌ای که قسمت عمده‌ای از روایات فقهی موجود که از معصومین (علیهم السلام) به دست ما رسیده است، همه به صورت سؤال و جواب و به اصطلاح استفتا می‌باشد.

*** جاذبه استفتا

استفتا، بلکه هر نوع سؤال و جوابی، جاذبه خاصی دارد یعنی علاقه مردم به کتابهای سؤال و جواب نسبت به کتابهای دیگر، و استفتانات نسبت به رساله‌های عملیه، بیشتر است و شاید علت، این باشد که در این نوع کتابها آنچه را که خواننده می‌خواهد، آمده است نه هر آنچه را که نویسنده اراده کرده است. همانند میزبانی که غذای مورد علاقه میهمان را تهیه می‌کند نه آنچه خودش می‌خواهد، استفتانات نیز غذای روح آدمی است که مطابق میل و علاقه و نیاز سؤال‌کننده تهیه شده است.

کتاب حاضر

این کتاب حاصل جلسات چندساله «شورای استفتا» استاد معظم، مرجع

(۱). سوره نساء، آیه ۱۷۶.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷

عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی مدّ ظلّه العالی می‌باشد، این جلسات که در محضر معظم له و با شرکت جمعی از علمای محترم حوزه علمیه قم تشکیل می‌شد، عهده‌دار جوابگویی استفتاناتی بود که از داخل و خارج از کشور به دفتر معظم له می‌رسید که پس از بحث و بررسی کامل به آنها جواب داده می‌شد، و از بین نامه‌ها، سؤالات جدید و تازه برای استفاده عموم انتخاب می‌شد که به شکل کتاب حاضر درآمده است.

لازم به ذکر است که بر اثر زیاد بودن استفتانات، روزانه دو جلسه استفتا تشکیل می‌شد و مرجع عالیقدر با صبر و حوصله کافی به سؤالات جواب می‌دادند، به گونه‌ای که گاهی از اوقات پاسخ به یک سؤال تمام وقت جلسه را می‌گرفت. در اینجا لازم است که از زحمات اعضای محترم شورای استفتای معظم له تقدیر و تشکر و برای روح اعضایی که به جوار حق شتافته‌اند طلب رحمت و مغفرت نماییم.

چند یادآوری لازم

در اینجا لازم است خوانندگان عزیز را به چند نکته توجه دهیم:

الف) اگر چه تمام سؤالات این مجموعه همان گونه که قبلاً اشاره شد نخست در شورای استفتای معظم له مطرح شده بود، ولی از آنجا که حضرت استاد نسبت به مسائل علمی و بخصوص مسائل شرعی و استفتائات عنایت خاصی دارند قرار شد که همه مسائل دوباره از نظر معظم له گذرانده شود به همین دلیل بعد از این که یک سال کارهای مقدماتی روی استفتائات انجام شد، کار قرائت استفتائات در محضر معظم له شروع گردید و تک تک سؤالات دوباره به نظر ایشان رسید و مرجع عالیقدر در بعضی از موارد اصلاحاتی را نیز انجام دادند، در ضمن قسمتی از سؤالات نیز توسط خود معظم له در کنار بیت الله الحرام و حرم حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) (رزقنا الله و ایاکم ان شاء الله) در سفر عمره مفرده‌ای که به مکه مکرمه داشتند مطالعه و اصلاح شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸

ب) استفتائات این مجموعه، منحصر به ایران اسلامی نیست بلکه حاصل نامه‌هایی است که از سراسر کشورهای مسلمان‌نشین رسیده است، بنابراین اگر به سؤالاتی برخورد کردید که با جو حاکم بر میهن اسلامی ما سازگار نبود، احتمالاً آن سؤالات از سایر کشورهاست.

ج) برای حفظ اسرار سؤال کنندگان عزیز، ویژگیهای شخص سؤال کننده که در متن نامه بوده حذف شده است و بعضی از سؤالات نیز تلخیص گردیده است.

د) از آنجا که متن فعلی به نظر آن مرجع عالیقدر رسیده و بعضی از جوابها اصلاح شده است، اگر تفاوتی بین جوابهایی که در دست دارید با آنچه در این کتاب آمده است، وجود داشته باشد جوابهای این کتاب مقدم است.

در خاتمه از تمام عزیزانی که ما را در تهیه این مجموعه همراهی کرده‌اند، به خصوص حجة الإسلام آقای محمد ربانی که در مقابله قسمت عمده این کتاب ما را یاری کرده است، تقدیر و تشکر نموده و منتظر پیشنهادات سازنده خوانندگان محترم می‌باشیم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

قم - حوزه علمیه

أبو القاسم علیان نژادی

شهریور ماه ۱۳۷۵ - مطابق با جمادی الاولی ۱۴۱۷

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹

فصل اول: احکام تقلید

سؤال ۱- اگر فقیهی دارای علمومی غیر از فقه و اصول باشد سبب ترجیح او در مقام تقلید می‌شود؟

جواب: دارا بودن علمومی دیگر غیر از فقه و اصول سبب ترجیح فقیهی بر فقیه دیگر نمی‌شود مگر علمومی که در فهم احکام یا تنقیح موضوعات، مؤثر بوده باشد.

سؤال ۲- آیا می‌توان از مجتهد مرده تقلید نمود؟

جواب: احتیاط ترک تقلید ابتدایی می‌تواند است اما بقای بر تقلید می‌تواند در مسائلی که عمل کرده یا اخذ فتوا برای عمل نموده جایز است.

سؤال ۳- کسی که بدون اجازه مجتهد زنده به تقلید می‌تواند باقی مانده است اعمالی که انجام داده چه حکمی دارد؟

جواب: حال باید از مجتهد زنده در مسأله بقای بر تقلید میّت، تقلید کند چنانچه فتوای مرجع فعلی او جواز بر بقا باشد اعمال سابق او صحیح است.

سؤال ۴- در چه مسائلی می‌توان به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نمود؟

جواب: تنها در مسائلی می‌تواند باقی بماند که به آن عمل کرده باشد.

سؤال ۵- تفاوت بین فتوا و حکم از کجا سرچشمه می‌گیرد که فتوا فقط بر مقلدین لازم العمل است اما حکم بر جمیع افراد؟ اگر دو فقیه احکام مختلف دهند چه وضعی پیش می‌آید؟ اصلاً فقیهی که حاکمیت عامه ندارد آیا حکمش بر امت نافذ است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰

جواب: به کتاب «أنوار الفقاهة» ما مراجعه نمایید.

سؤال ۶- آیا در این عصر که مسائل و مشکلات زندگی انسانها بسیار گسترده و پیچیده شده و قدرت یافتن بر استنباط احکام این مسائل نیاز به احاطه بر علوم و اطلاعات گسترده‌ای دارد کسی می‌تواند به رتبه اجتهاد مطلق نائل شود؟

جواب: البته امکان‌پذیر است و بهترین دلیل بر امکان، وقوع آن است که ما در حوزه‌های علمی شاهد و ناظر آن هستیم.

سؤال ۷- اگر مرجع تقلید یا مجتهدی احساس کند که شرایط مرجعیت یا اجتهاد را از دست داده آیا لازم است که اعلام کند؟

جواب: لازم است اعلام کند.

سؤال ۸- اگر انسان بتواند تشخیص دهد که فلان مرجع از نظر مبانی اصولی قویتر است آیا این تشخیص، در اعلم بودن آن مرجع دخیل است؟

جواب: اعلم بودن تنها به آگاهی و اعلمیت در علم اصول حاصل نمی‌شود بلکه شرایط دیگری نیز دارد.

سؤال ۹- آیا کسی که می‌خواهد عمل به احتیاط بنماید می‌تواند مثلاً احتیاطات بیع را از فلان مرجع و احتیاطات صلاه را از مرجع دیگر اخذ کند؟

جواب: اگر منظور پیروی کردن در اخذ طریقه احتیاط از دو مجتهدی که هر دو مساوی در فقاہت باشند بوده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰- آیا کسی که عمل به احتیاط می‌کند باید احکام صادره از مجتهدین میّت را هم لحاظ دارد؟

جواب: اگر مقصودش احتیاط مطلق است باید همه اقوال را ببیند و اگر هدفش احتیاط بین محتمل المرجعیه‌هاست، تنها آگاهی از اقوال علمای زنده برای او کافی است.

سؤال ۱۱- آیا تصریح به جواز عمل به رساله که معمولاً در ابتدای رساله‌ها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱

نوشته می‌شود به معنای نفی دیگران است؟ و آیا مردم نسبت به مرجعی که ناشناخته مانده چون قدرت بیان نداشته است مسئول هستند؟

جواب: الف) تصریح به جواز عمل به رساله، دلیل بر نفی دیگران نیست، بلکه ممکن است دیگران هم در شرایط مساوی و هر دو یا هر چند نفر جایز التقلید باشند. آری اگر کسی در اوّل رساله خود بنویسد عمل به این رساله متعین است و عمل به غیر آن جایز نیست مفهومش نفی دیگران است در حالی که هرگز ندیده‌ایم احدی در مقدمه رساله چنین چیزی بنویسد.

ب) درست است که قدرت بیان باعث معرفی شخص است اما اگر کسی بیانی نداشت و مقام علمی او مجهول ماند و بعد از فحص نیز مقام علمی او روشن نشد مردم نسبت به او وظیفه‌ای ندارند، مانند گنجی است که شناخته نشده و کسی در برابر آن گنج وظیفه‌ای ندارد.

سؤال ۱۲- چنانچه بین قانون مصوّب و لازم الاجرای جمهوری اسلامی (که از کلیه مراحل تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان و

غیره گذشته است) با فتوای مراجع تقلید تفاوت وجود داشته باشد وظیفه قاضی مقلد چیست؟

جواب: قاضی اگر مجتهد باشد به رأی خود حکم می‌کند و اگر بر اثر ضرورتها غیر مجتهد برای منصب قضا نصب شود به رأی مرجع تقلید خود عمل خواهد کرد و در تعارض قوانین حکومت اسلامی با رأی مرجع تقلید چنانچه عمل به احتیاط ممکن باشد اولی عمل به احتیاط است و اگر ممکن نباشد یا موجب ضرر و زیان و عسر و حرج گردد، قوانین حکومت اسلامی در مسائل عمومی و اجتماعی مقدم است و در مسائل خصوصی باید به رأی مرجع خود عمل کند.

سؤال ۱۳- چنانچه پاسخ سؤال پیش این باشد که از بین قانون و فتوای معارض با هم حتماً باید به فتوای مرجع تقلید عمل نمود، بنابراین مرقوم بفرماید که فلسفه ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی و فلسفه تشکیل قوه مقننه و وضع استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲

قانون چیست؟ و اگر پاسخ سؤال این است که باید بر طبق قانون عمل کرد بنابراین فلسفه تقلید و فلسفه وجودی مراجع تقلید چیست؟ و چه آثاری بر آن مترتب است و صدور فتوا از ناحیه آنان در ابواب مختلف فقهی که قانون نیز در مورد آنها وجود دارد چه فایده‌ای خواهد داشت؟

جواب: از آنچه در پاسخ سؤال قبل گفته شد هم فلسفه وجودی حکومت و هم فلسفه مرجعیت روشن می‌شود.

سؤال ۱۴- مستدعی است تعیین فرمایید احتیاطات حضرت عالی را به کدام یک از مراجع عظام مراجعه نماییم؟
جواب: می‌توانید به یکی از مراجع معروف در محافل علمی مراجعه فرمایید.

سؤال ۱۵- شخصی ده سال بدون تقلید عبادت می‌کند، عبادتش چگونه است؟

جواب: باید هم اکنون تقلید کند و آنچه مطابق دستور مرجع فعلی او واقع شده صحیح است و غیر آن را باید اعاده کند.

سؤال ۱۶- آیا انتشار رساله توسط مجتهدی به معنای این است که او خود را از دیگران اعلم می‌داند؟

جواب: چنین دلالتی ندارد.

سؤال ۱۷- در رساله‌های عملیه نوشته شده است که از باید مجتهد اعلم تقلید کرد، از آن جایی که تشخیص و تعیین فرد اعلم در میان مجتهدین برای اهل علم و خیره مشکل و برای عوام محال و ممتنع است، آیا می‌توان در مسائل مورد اختلاف به جای تقلید از یک شخص معین، رأی اکثریت را ملاک عمل قرار داد؟

جواب: رأی اکثریت کافی نیست، اگر اعلم ثابت است باید در مسائل اختلافی از او تقلید کرد و اگر ثابت نیست مردم مخیر هستند.

سؤال ۱۸- کسانی که مجتهد نیستند واجب است در مسائل شرعی و احکام غیر ضروری دین از دستورات مجتهد جامع الشرایط تقلید کنند، آیا در مسائل سیاسی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳

حکومتی نیز چنین است مثلاً- در نظام جمهوری اسلامی ایران آیا اطاعت از قوانین و مقررات دولت که به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده، واجب شرعی است؟

جواب: باید از قوانینی که در بالا شرح دادید تخلف نکنند.

سؤال ۱۹- شخصی پس از فوت مرجع تقلیدش از مجتهدی تقلید نموده، ولی قبل از عمل به فتوای آن مجتهد مجدداً از مرجع قبلی که فوت نموده تقلید کرده است، آیا عدول با توصیف فوق‌الذکر جایز می‌باشد؟ با در نظر گرفتن اینکه در بعضی از مسائل از جمله در مسائل تقلید، مقلد همین مجتهد زنده می‌باشد.

جواب: چنانچه مجتهد زنده اعلم بوده، عدولش صحیح و بازگشت از آن جایز نیست و اگر میت اعلم بوده، تقلیدش از مجتهد زنده در موارد علم اجمالی یا تفصیلی به اختلاف جایز نبوده است.

سؤال ۲۰- اگر بر انسان طبق فتوای مرجع قبلی خود، احکامی از قبیل خمس و غیره واجب و یا بعضی از اعمالش باطل و یا مشکوک به نظر برسد، ولی طبق فتوای مرجع فعلی اعمالش صحیح و یا خمس و غیره واجب نباشد، لطفاً مرقوم فرمایید آیا می‌تواند طبق فتوای مرجع بعدی خود عمل و در نتیجه اعمالش صحیح و خمس و امثال آن را پرداخت نماید؟
جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۲۱- آیا از مجتهدی که در مسائل روز جامعه و سیاست داخلی و خارجی کشور آگاه نیست ولی دارای شرایطی که در رساله عملیه ذکر شده می‌باشد، تقلید جایز است؟
جواب: جایز است بشرط آن که فتاوی او موجب مفسده‌ای در جامعه اسلامی نگردد.

سؤال ۲۲- آیا حضرت عالی حکم حاکم را نافذ می‌دانید، بنابراین اگر مرجعی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴

حکم کرد آیا بر همه حتی مراجع دیگر واجب است عمل کنند؟
جواب: بر همه واجب است عمل نمایند مگر اینکه خلاف آن، یقینی باشد.

سؤال ۲۳- آیا مرجع باید مجتهد مطلق باشد یا متجزی هم می‌تواند باشد؟
جواب: تقلید متجزی خالی از اشکال نیست.

سؤال ۲۴- آیا زن می‌تواند علوم اسلامی را تحصیل نماید و به مقام اجتهاد برسد؟
جواب: مانعی ندارد و ممکن است به مقام اجتهاد برسد.

سؤال ۲۵- اگر زنی به مقام اجتهاد برسد آیا بر او نیز تقلید حرام است؟
جواب: در این مسأله فرقی میان مرد و زن نیست.

سؤال ۲۶- آیا رجوع از مرجع مساوی به مساوی را جایز می‌دانید؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۷- شخصی از مرجعی تقلید می‌کرده است، پس از فوت او با اجازه مرجع دوم زنده به تقلید مرجع اول باقی مانده است، سپس مرجع دوم از دنیا رفته است و اکنون از مرجع سوم که زنده است تقلید می‌کند، اکنون آیا با اجازه مرجع زنده باید بر تقلید از مرجع اول باقی بماند یا مرجع دوم؟
جواب: به تقلید مرجع اول باقی بماند

سؤال ۲۸- تقلید بر مجتهد حرام است آیا این مسأله شامل فضلا و طلبی که در مسائل اندکی مجتهد هستند می‌شود؟
جواب: شامل مجتهد مطلق و متجزی هر دو می‌شود.

سؤال ۲۹- خواهشمندم بفرمایید چرا تقلید واجب است؟

جواب: به دلیل عقل و بنای عقلای دنیا که جاهل در هر مسأله‌ای باید به عالم رجوع کند، آیا شما هرگاه مریض شوید از طبیب دستور نمی‌گیرید، احکام دین را نیز باید از متخصصان آن فرا گرفت.

سؤال ۳۰- بنده از حضرت آیت الله العظمی اراکی (رضوان الله تعالی علیه) استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵

تقلید می‌کردم و بعد از فوت ایشان به فتوای شما بر تقلید ایشان باقی ماندم، آیا باید حتماً مسائل جدیدی که پیش می‌آید را از شما سؤال کنم یا می‌توانم به مراجع دیگر رجوع کنم و اگر به کس دیگری رجوع کردم در حالی که استفتائاتی از جنابعالی نموده بودم و به بعضی از آنها عمل کردم می‌توانم همان سؤالات را از او سؤال کنم؟

جواب: چنانچه به ما رجوع کرده‌اید، باید مسائل تازه را از ما سؤال کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷

فصل دوم: احکام آبها

سؤال ۳۱- با توجه به اینکه درصد نمک آب خلیج فارس و دریای عمان و بسیاری از دریاهاى دیگر بالاست به طوری که در هر متر مکعب آن ۳/۲۰۰ کیلوگرم نمک وجود دارد، آیا این آب حکم آب مضاف را دارد؟

جواب: اینگونه آبها مضاف نیست و شستشو با آن موجب طهارت است.

سؤال ۳۲- در یکی از روستاهای خوزستان سه چاه آب قلیل در کنار هم است، در یکی از چاهها سنگ ولوغ کرده و در دومی چیز نجس ریخته شده است. اما سومی پاک است، ولی ما نمی‌دانیم که کدام یک از آن، چاهها پاک است در این صورت که شبهه، محصوره است، آیا اجتناب از همه آنها لازم است؟

جواب: چنانچه چاههای معمولی باشد که از آن آب می‌جوشد با ملاقات نجس، نجس نمی‌شود مگر اینکه رنگ یا طعم یا بوی آن تغییر پیدا کند.

سؤال ۳۳- تصفیه آبهای زاید و فاضلاب و غیره به آب زلال در بعضی از کارخانه‌ها و مراکز انجام می‌گیرد، آیا این آبها پاک هستند؟

جواب: اشکال دارد مگر این که با آب جاری یا کر به اندازه کافی مخلوط شود.

سؤال ۳۴- آیا لباس به وسیله ماشین لباسشویی اتوماتیکی که خود چند بار لباس را می‌شوید و آب آن را می‌کشد پاک می‌شود؟ جواب: پاک است خواه در حال شستن لباسها اتصال با آب لوله کشی داشته باشد یا بعد از قطع شدن، شروع به شستشو کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹

فصل سوم: احکام نجاسات

سؤال ۳۵- تغذیه کردن حیوان به نجاست (غیر از مدفوع) مانند استفاده از خون برای تغذیه طیور چه صورتی دارد؟

جواب: تغذیه حیوان به غیر مدفوع از سایر نجاسات باعث حرمت گوشت و شیر آن نمی‌شود، ولی پرهیز کردن از آن بهتر است.

سؤال ۳۶- با توجه به اینکه امروزه بسیاری از لوازم آرایش مورد مصرف بانوان مسلمان از جفت جنین تهیه می‌گردد استفاده و مصرف آن چه حکمی دارد در ضمن بفرمایید جفت نجس است یا متنجس؟

جواب: دلیلی بر نجاست جفت نیست (همان‌طور که در تعلیقه عروه نیز نوشته‌ایم) بنابراین اگر آلوده به خون نباشد یا شک داشته باشیم پاک است.

سؤال ۳۷- آیا دست نجس همراه آب کشیدن گوشت و دنبه پاک می‌شود؟

جواب: پاک می‌شود مگر اینکه جرم چربی روی آن را گرفته باشد ولی چربی مختصر اشکال ندارد.

سؤال ۳۸- اگر گوسفندی از شیر سگ بخورد آیا گوشت آن نجس و حرام است؟

جواب: در مورد شیر سگ دلیلی بر حرام بودن نداریم هر چند گوسفند از آن زیاد بخورد آن چنان که استخوانش محکم گردد، ولی در مورد خوردن شیر خوک هرگاه به این مقدار بنوشد هم گوشت خودش حرام است و هم نسلهای بعد از آن، اما اگر کمتر از آن باشد گوشتش مکروه است و بهتر آن است که هفت روز آن را ببندند و غذای پاک بدهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰

سؤال ۳۹- حکم ژلاتین که از استخوان خوک و یا گاو گرفته می‌شود چیست؟ لازم به ذکر است بیشتر موادی که ویتامین دارد و نیز بیشتر داروها در آمریکا و حتی بعضی از شیرینی‌جات از این ماده درست می‌شود.

جواب: استفاده از آن در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۴۰- در احکام داریم که اگر سگ به ظرفی زبان بزند باید آن را خاک مال کرد، حال با وجود موادی مانند الکل، مایعات ظرفشویی و غیره آیا خاک مال کردن لازم است؟

جواب: آری لازم است.

سؤال ۴۱- آیا اهل کتاب نجس هستند؟

جواب: احتیاط اجتناب است مگر برای کسانی که در سفرهای خارج یا در محیط خود به آنها نیاز پیدا می‌کنند.

سؤال ۴۲- نظر شما در مورد طهارت اهل کتاب چیست؟ در حال اضطرار چگونه؟

جواب: اجتناب از اهل کتاب در موارد ضرورت واجب نیست و بعد از آن تطهیر لازم نمی‌باشد.

سؤال ۴۳- آیا مجوس از اهل کتاب هستند؟

جواب: مجوسیان محکوم به احکام اهل کتاب هستند.

سؤال ۴۴- وحدت وجود یعنی چه و معتقد به آن چه حکمی دارد؟

جواب: وحدت وجود معانی متعددی دارد، آنچه به طور قطع باطل و به عقیده همه فقها موجب خروج از اسلام است این است که کسی معتقد باشد خداوند عین موجودات این جهان است و خالق و مخلوق و عابد و معبودی وجود ندارد همان‌طور که بهشت و دوزخ نیز عین وجود اوست و لازمه آن انکار بسیاری از مسلمات دین است، هرگاه کسی ملتزم به لوازم آن بشود خارج از اسلام است و غالب فقهای معاصر - اعم از احیا و اموات (رضوان الله تعالی علیهم) این موضوع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱

را پذیرفته و در حواشی عروه به آن اشاره کرده‌اند.

سؤال ۴۵- لطفاً توضیح روشنی در مورد وحدت وجود بیان فرمایید؟

جواب: توضیح اینکه وحدت وجود گاه به معنای وحدت مفهوم وجود است که اشکالی ندارد و گاه به معنای وحدت حقیقت است مانند حقیقت نور آفتاب و نور چراغ که هر دو یک حقیقت است ولی مصداق متعدد است آن هم اشکالی ندارد و گاه به معنای وحدت مصداق وجود است به این معنا که در عالم هستی وجودی جز خدا نیست و همه چیز عین ذات اوست این سخن مستلزم کفر است و هیچ یک از فقها آن را قبول نکرده‌اند.

سؤال ۴۶- بسیاری از بزرگان به وحدت وجود معتقد هستند، آیا طبق این مسأله احتیاطاً باید از این بزرگواران نیز اجتناب شود؟

جواب: هیچ‌یک از این بزرگواران (رضوان الله تعالی علیهم) قائل به وحدت وجود به معنای سوّم که در سؤال بالا آمد نبوده‌اند و هرکس چنین نسبتی به آن بزرگواران بدهد جسارت کرده است.

سؤال ۴۷- خواهشمند است سندی دالّ بر اینکه این نظر و عقیده پوچ و باطل است بیان نمایید؟

جواب: به عروه الوثقی و حواشی و شروح آن مراجعه نمایید.

سؤال ۴۸- بنا به نقل بعضی از دانشجویان رشته شیمی، مواد تشکیل دهنده الکل صنعتی و طبی یکی است و فقط به لحاظ غیر قابل شرب شدن به الکل صنعتی ماده‌ای رنگی اضافه می‌گردد، با این فرض حکم این دو نوع الکل را بیان فرمایید؟

جواب: الکل طبی صنعتی پاک است زیرا با قطع نظر از ماده رنگی، قابل شرب نیست نوعی سمّ محسوب می‌شود بنابراین ادله مسکر مایع، شامل آن نمی‌شود. سؤال ۴۹- آیا هر ماده‌ای که در آن الکل باشد حرام است؟

جواب: اگر عرفاً مسکر و مست کننده نباشد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲

سؤال ۵۰- حکم الکل را از نظر طهارت و نجاست بیان فرمایید؟

جواب: الکل صنعتی طیبی پاک است ولی مشروبات الکلی مست کننده اشکال دارد.

سؤال ۵۱- مصرف غذاها یا مایعاتی که به طور طبیعی مقدار بسیار کمی از آن را الکل تشکیل می‌دهد مانند سرکه و یا آبجو بدون الکل چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه صدق مشروبات الکلی بر آن نکند اشکالی ندارد.

سؤال ۵۲- آیا در مسأله نجاست یقین لازم است یا ظنّ و گمان کافی است؟

جواب: در مسأله نجاست یقین قطعی و صد در صد لازم است و مادامی که چنین یقینی حاصل نشود تکلیفی ندارید و اگر یقین صد در صد حاصل شد اجتناب لازم است مگر در موارد اضطرار.

سؤال ۵۳- گوشتهایی که از کشورهای غیر مسلمان وارد می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه از بازار مسلمین و از دست مسلمانان خریداری شود و احتمال بدهید که خریدار تحقیق کرده، پاک و حلال است.

سؤال ۵۴- آیا تماس دست مرطوب با پول اسکناس یا سکه که در بین مردم ردّ و بدل می‌شود موجب نجاست دست می‌شود؟

جواب: تا یقین به نجاست پیدا نشود محکوم به پاکی است.

سؤال ۵۵- اگر موش زنده وارد غذا شود زنده بیرون بیاید آیا آن غذا پاک است؟ جواب: پاک است ولی آلوده است و بهتر پرهیز از آن است.

سؤال ۵۶- نمی‌دانیم کجای فرش ۱۲ متری نجس است، آیا این شبهه محصوره است یا غیر محصوره؟ آیا می‌توان روی آن نماز خواند؟

جواب: شبهه محصوره، است ولی نماز خواندن روی آن مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳

فصل چهارم: احکام مطهرات

سؤال ۵۷- حکم ظرفی که خوک از آن چیزی خورده است و همچنین ظرفی که موش صحرایی در آن افتاده چیست؟

جواب: ظرفی را که خوک از آن چیز مایعی خورده باید هفت مرتبه با آب شست و لازم نیست آن را خاک مال کنند و در لیسیدن خوک و مردن موش صحرایی نیز بنابر احتیاط واجب باید هفت مرتبه شست.

سؤال ۵۸- اگر سگی با لباس شخصی تماس پیدا کند و او با همان لباس وارد مسجد شود، آیا تطهیر مسجد واجب است؟

جواب: در صورتی که لباس، یا بدن سگ رطوبت نداشته باشد، نه لباس نجس می‌شود و نه مسجد.

سؤال ۵۹- ژلاتین ماده‌ای است که پس از تأثیر اسید و برخی از موادّ شیمیایی و طی روند خاصی از استخوان و پوست گاو یا خوک استخراج می‌گردد. از نظر نحوه استخراج می‌توان استخوان و پوست را به پارچه‌ای بافته شده از انواع الیاف تشبیه نمود که به طریقی الیاف نوع پشم جدا می‌گردد این ماده در صنایع غذایی، دارویی، فیلم‌سازی و چسب‌سازی مورد مصرف دارد و در حال حاضر کشورهای غربی، سازنده این محصول بوده و بازار مصرف دنیا را پوشش می‌دهند:

الف) با توجه به نحوه استخراج ژلاتین از پوست و استخوان آیا می‌توان آن را نوعی استحاله دانست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴

ب) از آن جایی که نیاز کشور در حال حاضر از کشورهای خارجی و عمدتاً غربی تأمین می‌گردد و با توجه به نوع ماده اولیه، مصرف آن چه حکمی دارد؟

جواب: الف) در موارد مشکوک که نمی‌دانیم از چه ماده‌ای گرفته شده، حکم حلیت و طهارت است و فحوص و جستجو لازم نیست.

ب) اگر یقین داشته باشیم که از ماده حرام و نجس گرفته شده است استحاله صدق نمی‌کند، اما راه دیگری برای حلیت و طهارت آن وجود دارد.

سؤال ۶۰- چگونه می‌توان خمیر نجس را تطهیر کرد؟

جواب: ظاهراً راه قابل ملاحظه‌ای ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵

فصل پنجم: احکام وضو

سؤال ۶۱- اگر شخصی در وضو سه بار صورت و دستها را بشوید، وضو و عباداتش چه حکمی دارد؟

جواب: وضو و عبادت‌های اشکال دارد و لکن باید توجه کرد که منظور از سه بار یا دو بار شستن این است که عضو مورد نظر یک بار کاملاً شسته شود، سپس بار دوم را شروع کند و کامل بشوید و اما ریختن آب بر عضوی دو بار یا بیشتر تا زمانی که از شستن کامل آن فارغ نشده است اشکالی ندارد.

سؤال ۶۲- آیا مسح کشیدن سر فقط از جلوی سر است یا می‌توان از عقب سر یا طرفین آن مسح کشید؟

جواب: محل مسح تنها جلوی سر است.

سؤال ۶۳- اگر انسان به قصد وضو آب زیادی بر دست راست خود بریزد، آیا مسح پا با این آب جایز است؟

جواب: جایز است، لکن گاهی از اوقات این کار که موجب اسراف است حرام است و از این جهت موجب اشکال می‌شود.

سؤال ۶۴- کسی که معتقد است باید دست راست در وضو دو بار شسته شود، آیا وضویش صحیح است؟

جواب: بنا بر قول به استحباب مرتبه دوم وضویش صحیح است اگر چه در اعتقاد به وجوب دو بار، اشتباه کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶

سؤال ۶۵- اگر شخص دیگری انسان را وضو یا غسل دهد صحیح است؟

جواب: وضو و غسل او باطل است مگر اینکه هنگامی که دیگری آب بر بدن او می‌ریزد خود او خودش را شستشو دهد، ولی این کار در غیر موارد ضرورت مکروه است.

سؤال ۶۶- خالکوبی چه حکمی دارد و آیا برای غسل و وضو مشکلی ایجاد می‌کند؟

جواب: هرگاه ضرر خاصی برای بدن نداشته باشد عکسهای موجب فساد اخلاق در آن نباشد جایز است و در هر حال برای وضو و غسل مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال ۶۷- این جانب مبتلا به سینوزیت هستم و استعمال آب برایم ضرر دارد، البته یک بار هم عمل جراحی کردم ولی مؤثر واقع نشد که هیچ، بلکه مضر هم واقع شده است. هر وقت که برای وضو آب استعمال می‌کنم سر دردم بیشتر می‌شود و گاه خون از مجرای بینی‌ام ترشح می‌کند و فعلاً هم با تیمم نمازهایم را ادا می‌کنم، با توجه به مطالب بالا آیا باید تیمم کنم و یا وضو بگیرم (ضمناً بعضی معتقدند وضو با آب گرم ضرری ندارد)؟

جواب: اگر وضو با آب گرم ضرری ندارد تهیه آن ممکن است باید وضو بگیرید، در غیر این صورت تیمم کنید هر چند مدت

طول بکشد جای نگرانی نیست.

سؤال ۶۸- شخصی است که ادرار یا مدفوع بی اختیار از او خارج می شود و با کیسه از سرایت آن به سایر بدن جلوگیری می کند، حال قبل از نماز اگر کیسه آلوده باشد آیا تعویض آن واجب است؟ اگر کیسه پاک باشد و در حال نماز مدفوع و یا بول بدون اختیار خارج گردد، تکلیف چیست؟

جواب: کسی که بول یا غایط پی در پی از او خارج می شود باید بعد از هر وضو فوراً مشغول نماز شود و برای بجا آوردن نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷

شده، وضو گرفتن دیگر لازم نیست به شرط اینکه میان نماز و این کارها فاصله‌ای نیندازد و در حال نماز حمل کیسه آلوده با خود، نماز را باطل نمی کند.

سؤال ۶۹- آیا موارد زیر برای وضو مانع به حساب می آید و باید قبل از وضو آنها را برطرف کرد:

الف) اثر نفتی که بعد از شستن با آب به دستها باقی مانده و به طور کامل برطرف نگردیده است.

ب) رنگی که بر اثر مالیدن پوست بعضی از خوراکیها به دست می ماند مثل پوست گردو که معمولاً با گذشت زمان برطرف می گردد.

ج) اثر گچ و سیمان.

د) اگر با خود کار یا خودنویس و مانند اینها به اعضای وضو خط کشیده شود.

ه) دستها آلوده به مانعی است که نجس نیست ولی دیر (مثلاً ظرف ده روز) برطرف می گردد.

جواب: هرگاه از این اشیا جرمی که مانع رسیدن آب باشد روی دست باقی نماند مانعی برای وضو نیست هرچند رنگ یا چربی وجود داشته باشد ولی اگر مانع از وصول آب وضو باشد و نمی توان آن را فعلاً برطرف کرد، باید مطابق دستور وضوی جیره عمل کند.

سؤال ۷۰- اگر قبل از وضو از نظر وجود مانع واریسی شود ولی بعد از نماز ببیند که مانعی وجود داشته، آیا باید مانع را برطرف کرده و دوباره نماز بخواند؟

جواب: اگر احتمال می دهد مانع بعد از وضو پیدا شده، اعاده لازم نیست.

سؤال ۷۱- آیا افراد وسواسی باید به ظنّ و گمان خود عمل کنند (اگر ظنّ و گمان قوی باشد چطور)؟

جواب: باید به همان مقدار که افراد متعارف انجام می دهند اکتفا کنند حتی اگر ظنّ و گمانی هم پیدا نشود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹

فصل ششم: غسل جنابت

سؤال ۷۲- اگر بر گردن شخصی هیچ غسلی نباشد، آیا می تواند به قصد قربت غسل کند و با آن نماز بخواند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۳- کسی که بی اختیار از او منی خارج می شود چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: خروج منی به هر صورت موجب غسل است به شرط اینکه یقین داشته باشد و هرگاه به خاطر عمل پروستات ذرات منی در بول مستهلک شود موجب جنابت نخواهد شد.

سؤال ۷۴- آیا ریختن آب زیاد برای غسل ضرر دارد و آیا کسی که عرق زیادی کرده است قبل از شستن عرقهایش غسل او صحیح

است؟

جواب: آب زیاد ضرری به غسل نمی‌زند ولی اگر اسراف باشد مقدار اضافی حرام است اما عرق بدن اگر باعث مضاف شدن آب نشود اشکال ندارد هر چند بهتر این است که اول عرق را بشوید بعد غسل کند.

سؤال ۷۵- اگر در حین غسل حدث اصغر خارج شود غسل چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که غسل را از سر بگیرد و بعدا برای نماز و مانند آن وضو بگیرد.

سؤال ۷۶- جنبی که می‌داند اگر غسل کند به درس نمی‌رسد آیا جایز است در مسجد با تیمم توقف کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰

جواب: لازم است اول غسل کند سپس در کلاس درس حاضر شود.

سؤال ۷۷- اگر شخص جنبی به حمام برود و فراموش کند که غسل را بجا آورد، آیا می‌تواند وارد مسجد شود؟

جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۷۸- در جنب شدن زنها توسط خروج منی، آیا همان شرایطی که برای مردها گفته شده لازم است؟

جواب: در زن لازم نیست که با جستن بیرون آید بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است حکم منی دارد.

سؤال ۷۹- آیا زن پس از نزدیکی شوهر با او و قبل از غسل، باید صبر کند تا منی شوهر از او خارج شود و اگر فوراً غسل کرد و

آب یا رطوبت مشکوکی خارج شد، تکلیفش چیست؟

جواب: غسل ندارد، ولی اگر یقیناً منی است باید خود را آب بکشد

سؤال ۸۰- چرا با غسل جنابت بدون وضو می‌شود نماز خواند ولی با غسلهای دیگر نمی‌شود و باید وضو گرفت؟

جواب: با همه غسلهای واجب مستحب قطعی مانند غسل جمعه می‌توان نماز خواند ولی غسلهای مستحبی که به عنوان رجا بجا آورده می‌شود جانشین وضو نمی‌گردد.

سؤال ۸۱- در رساله حضرت امام (قدس سره الشریف) مطالعه کردم که اگر منی از انسان خارج شود با اختیار یا بدون اختیار با شهوت یا بدون شهوت انسان جنب می‌شود. در حال حاضر من سرباز هستم و دستشوییهای این پادگان که ما در آن مستقر هستیم بسیار تاریک است و مدتی است که (بعضی مواقع) بی‌اختیار بعد از بول یا به هنگام بول از من منی دفع می‌شود (در این مورد مطمئن هستم) طبق فتوای حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) من جنب می‌شوم. مشکل من این است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱

که در شب که نمی‌شود دقیقاً ادرار را مشاهده کرد، اگر شک کنم که از من منی دفع شده یا نه باید غسل نمایم یا خیر، و در ضمن اینجا حمامها آبرگمکن ندارد (چون فقط در شب می‌توانیم حمام برویم) و حالا هم زمستان است و آب در شب سرد است و چند بار که حمام رفتم کلیه درد گرفته‌ام و حمام رفتن هم قدری زحمت دارد لطف بفرمایید و بنویسید که چه کار باید بکنم و آیا در موارد ذکر شده جنب هستم؟

جواب: برای شناختن منی نشانه‌هایی است و برای شناخت آنها به مسأله ۳۶۱ توضیح المسائل ما مراجعه کنید، ولی اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر (یعنی مذی، وذی و ودی که هر سه پاکند و غسل ندارند و وضو را هم باطل نمی‌کنند) چنانچه همراه با جستن و شهوت (یعنی لذت و خوش آمدن) بوده باشد، آن رطوبت حکم منی دارد اما رطوبت لزوج که بعد از بول خارج می‌شود منی نیست و هر کجا که شک دارید واجب نیست غسل کنید و هر کجا به خروج منی یقین کردید اگر به واسطه نبودن آب گرم یا جهت دیگری نتوانید غسل کنید، تیمم بدل از غسل کنید و بدن را تطهیر کنید و با لباس طاهر نماز بخوانید

و هر چند مدت آن طولانی شود برای شما اشکال ندارد.

سؤال ۸۲- این جانب مبتلا به بیماری وسواس هستم و متأسفانه بسیار شدید و غیر قابل تحمل است مثلاً در مورد تطهیر و غسل وسواس من خیلی شدید است به گونه‌ای که گاهی اوقات وقتی شب به حمام می‌روم نزدیک طلوع آفتاب موفق به تطهیر می‌شوم و از حمام بیرون می‌آیم. باور کنید در طول این چند سال به اندازه بیست سال آب مصرف کرده‌ام، برای درمان به نزد بعضی از علمای شهرمان و یکی از مراجع قم رفتم و اذکاری را به من گفتند ولی مؤثر واقع نشد. به خدمت حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در مشهد رفتم با چه گرفتاریهایی که در سفر و هنگام تشریف داشتیم و دعا و تضرع بسیار کردم ولی متأسفانه شفا نیافتم. این بیماری نزدیک است مرا از پای درآورد نه تنها خود که خانواده را نیز نگران و در زحمت انداخته‌ام بلکه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲

باعث شده است عبادت‌هایم را نتوانم انجام دهم و برای این جهت ماه رمضان را سفر می‌کنم تا مشکل روزه گرفتن نداشته باشم اگر چه در سفر هم هیچ چیز نمی‌خورم. لطفاً مرا راهنمایی کنید تا از این وضع غمبار نجات یابم و از زخم زبانهای اطرافیان آسوده گردم؟

جواب: مشکل شما در واقع از خود شماس و مقصر اصلی خودتان هستید و به همین دلیل دعای شما هم مستجاب نمی‌شود و علت اصلی آن ندانستن مسأله است. مسأله اصلی این است که بر شما واجب نیست یقین به طهارت و غسل و مانند آن پیدا کنید، آنچه بر شما به عنوان یک وظیفه شرعی لازم است این که به مقدار سایر مردم آب بریزید و به همان قناعت کنید هر چند شک در غسل و طهارت داشته باشید و ما مسئولیت شرعی این کار را می‌پذیریم. شما از امروز فقط به مقدار مردم آب بریزید و قناعت کنید و با بدن نجس و حال جنابت (به گمان خودتان) نماز بخوانید و هیچ اشکالی هم ندارد و نماز و روزه شما کاملاً صحیح است و ما به این وسیله بر شما و تمام افراد وسواسی اتمام حجت می‌کنیم و مخالفت با آن گناه است. ما از خداوند می‌خواهیم که به شما توفیق توجه به این مسأله را عنایت کند و از دام شیطانی نجات پیدا کنید.

سؤال ۸۳- آیا در مورد قضای غسل جمعه دلیلی داریم؟

جواب: آری در این زمینه روایتی داریم که تا غروب روز شنبه می‌توان آن را قضا کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳

فصل هفتم: احکام حائضی

سؤال ۸۴- آیا داخل شدن زن حائض به رواقهای اطراف ضریح مطهر امام رضا (علیه السلام) اشکال دارد گرچه قبر را ببیند و به ضریح نزدیک باشد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی وارد حرم نشود.

سؤال ۸۵- تکلیف زنی که چندین ماه است که لکه‌های پی‌درپی می‌بیند چیست؟ لازم به ذکر است که اطمینان می‌دهند که این خونها مربوط به زخمهای درونی باشد.

جواب: مسأله دو صورت دارد، اگر ثابت شود که خون مربوط به زخم یا دمل و رحم است غسل ندارد و طبق معمول باید وضو بگیرد و نماز بخواند و اگر خون مربوط به عوارض رحم بوده باشد استحاضه است، چنانچه کم باشد در حدود دیدن لکه‌های مختصر باید برای هر نماز وضو بگیرد و غسل ندارد و باید بدن را بشوید و نماز بخواند و اگر جریان دارد غسل واجب می‌شود (یک غسل برای نماز صبح و غسل دیگر برای ظهر و عصر و غسل سوم برای مغرب و عشا) و اگر غسل برای او ضرر یا مشقت شدید دارد می‌تواند تیمم کند.

سؤال ۸۶- آیا نزدیکی با حائض بعد از قطع خون و قبل از غسل جایز است؟

جواب: جایز است ولی احتیاطاً مستحب در ترک آن است.

سؤال ۸۷- هرگاه زن جنب بوده و عادت ماهیانه او فرارسید یا در حال عادت ماهیانه جنب شد، آیا می‌تواند در همان حال غسل جنابت کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴

جواب: مانعی ندارد و با غسل جنابت از جنابت پاک می‌شود و همچنین غسل‌های مستحب را نیز می‌تواند انجام دهد.

سؤال ۸۸- در مسأله شماره ۴۲۶ مرقوم فرموده‌اید (حیض خونی است که در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می‌شود و به هنگام انعقاد نطفه غذای فرزند است) انطباق این مسأله با توجه به نکات مشروحه ذیل با موازین علمی مبهم است لذا خواهشمند است توضیحات بیشتری مرقوم فرمایید: یک دوره ماهیانه در یک زن بالغ قبل از یائسگی معمولاً دارای مراحل ذیل می‌باشد:

الف) مرحله افزایش حجم رحم در این مرحله رحم زن در اثر ترشح هورمون استروژن ضخیم می‌شود، ضخیم شدن دیواره رحم به منظور آمادگی رحم برای پذیرش جنین می‌باشد.

ب) در صورتی که آبستنی صورت پذیرد و جنین تشکیل شود، جنین موجود از لوله‌های رحمی گذشته وارد رحم می‌شود و در این لایه ضخیم و پرخون لانه‌گزینی می‌کند، در اینجا جنین تا مدتی از مواد غذایی که به وسیله خون حمل می‌گردد تغذیه می‌کند و رشد می‌نماید در واقع جنین از خود خون به عنوان غذا تغذیه نمی‌نماید بلکه از اکسیژن و مواد غذایی که به وسیله خون حمل می‌شود استفاده می‌کند.

ج) تقریباً پس از سه هفته از لانه‌گزینی، جفت تشکیل می‌شود در اینجا وظیفه جفت، گرفتن مواد غذایی و اکسیژن از بافت ضخیم شده رحم و انتقال آن به جنین از طریق بند ناف می‌باشد همین‌طور گاز کربنیک حاصل از فعالیت‌های حیاتی جنین را به خون مادر انتقال می‌دهد و وظیفه دیگر جفت ترشح هورمون مادری یا پرژسترون می‌باشد که از عادت ماهیانه جلوگیری می‌کند.

د) در صورتی که آبستنی اتفاق نیفتد دیواره ضخیم و پرخون شده رحم تخریب و شروع به ریزش می‌نماید که به نام عادت ماهیانه معروف می‌باشد. پس از پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵

خونریزی، دیواره رحم مجدداً خود را برای پذیرش جنین بعدی آماده می‌کند یعنی شروع به ضخیم شدن و پرخون شدن می‌نماید و لذا وقتی یک زن، آبستن می‌شود معمولاً به دلیل ترشح هورمون‌های مخصوص که ذکر آن گذشت اصولاً قاعدگی اتفاق نمی‌افتد (نه اینکه جنین آن خون را می‌خورد) یعنی اصولاً خونریزی وجود ندارد که جنین آن را بخورد.

ه-) کلیه مراحل فوق به وسیله ترشح هورمون‌های مختلف کنترل می‌شوند و اگر این هورمون‌ها را توسط تزریق یا خوراکی به یک زن بدهند قاعده نمی‌شود پس در اینجا خوردن خون را در چگونه می‌توان به عنوان غذای بچه محسوب داشت؟

جواب: منظور این نیست که دیواره رحم خونریزی می‌کند و جنین آن را می‌بلعد بلکه منظور این است که در موقع بارداری خون در عروق مادر ذخیره می‌شود و از طریق جفت یا غیر آن به جنین منتقل می‌گردد و مواد غذایی و اکسیژن موجود را جنین از همان خون مادر می‌گیرد همان‌گونه که در مدت شیرخوارگی غالباً عادت ماهانه نیست زیرا قسمتهایی از خون تبدیل به شیر می‌شود و غذای نوزاد می‌گردد پس اگر بگوییم خون غذای بچه است منظور این معناست نه آنچه نوشته‌اید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷

سؤال ۸۹- بعد از غسل سدر و کافور و قبل از غسل با آب خالص، قطراتی که از بدن میت ترشح می‌کند پاک است یا نجس؟
جواب: تا اغسال سه گانه تمام نشود میت پاک نمی‌شود.

سؤال ۹۰- اگر سهواً به میت یکی از سه غسل که دادن آن واجب است داده نشود حکمش چیست؟
جواب: در صورتی که مستلزم هتک حرمت میت نشود جایز است که قبر را نبش کنند و میت را خارج نمایند و غسل را تکمیل کنند ولی این کار واجب نیست.

سؤال ۹۱- شخصی دار فانی را وداع کرده و معلوم نیست مرد است یا زن، وضعیت نماز این فرد و همچنین غسلش چگونه است؟
جواب: اگر منظور خنثی است لازم است محارم او را غسل دهند و اگر محرمی نباشد هر یک از زن و مرد می‌تواند او را غسل دهد و در نماز عمل به احتیاط می‌کنند.

سؤال ۹۲- آیا وجود حایل میان تابوت و نماز گزار اشکال دارد؟

جواب: مانعی ندارد ولی نباید میان نماز گزار و میت دیوار یا پرده باشد.

سؤال ۹۳- زن مسلمانی که بچه مسلمان هفت ماهه‌ای در شکمش بوده فوت کرده است، بعضی می‌گویند باید آینه‌ای در سمت پشت مادر قرار دهند تا انعکاس صورت استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸

بچه به طرف قبله باشد آیا این کار لازم است؟

جواب: رو به قبله بودن مادر کافی است و گذاشتن آینه معنا ندارد.

سؤال ۹۴- بعضی از مسلمانها در لبنان وصیت می‌کنند که در لباس عروسی دفن شوند آیا این وصیت جایز است؟ و بر فرض جواز آیا عمل به این وصیت بر وصی لازم است؟

جواب: اگر شرایط کفن در آن لباس موجود باشد یا اضافه بر کفنه‌های سه گانه باشد لباس خیلی گران قیمت نباشد به گونه‌ای که اسراف محسوب شود جایز است.

سؤال ۹۵- در یک گورستان که صد سال از دفن اموات در آن می‌گذرد آیا می‌توانیم دوباره مرده‌ها را در آن دفن کنیم؟

جواب: مانعی ندارد. در صورتی که آثار اموات از بین رفته باشد

سؤال ۹۶- آیا انتقال جنازه به گونه‌ای که نبش قبر نشود جایز است؟

جواب: در صورتی که هتک و توهین از نظر مردم لازم نیاید می‌توان آن را به محل دیگری منتقل نمود، ولی بهتر آن است که محل آن را تغییر ندهند.

سؤال ۹۷- نبش قبر تا چند وقت پس از دفن حرام است؟

جواب: برای نبش قبر زمان خاصی مطرح نیست زیرا بدن اشخاص و همچنین زمینها متفاوت است تنها در صورتی می‌توان نبش کرد که یقین به از بین رفتن تمام آثار بدن حاصل شده باشد.

سؤال ۹۸- دختر ۱۵ ساله‌ای در حادثه تصادف ماشین از دنیا رفت و او را به خاک سپردیم اکنون مدتی است خویشاوندان و آشنایان و مخصوصاً خواهر بزرگترش مرتباً او را در خواب می‌بیند که اصرار می‌کند بیایند او را ببرند چون او زنده است و آن قدر این خوابها تکرار شده است که وضع روحی خانواده آن مرحومه را به مخاطره افکنده و سلامتی آنها مختل شده است آیا اجازه می‌فرمایید که نبش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹

قبر نموده و این امر را معلوم سازیم؟

جواب: با توجه به ضرورت ناشی از نگرانی شدید این خانواده عدم صدق هتک احترام در مورد سؤال مراعات احتیاط (در انجام حد اقل نبش لازم) جایز است.

سؤال ۹۹- در کنار قبر مؤمنی توالث احوال کرده‌اند و این کار باعث شده است که حتی امکان خواندن یک سوره قرآن در آنجا نباشد مراجعه به مسئولین برای انتقال توالثها به مکان دیگر مؤثر واقع نشد آیا اجازه می‌دهید نبش قبر کنیم و میت را به جای دیگر منتقل کنیم؟

جواب: به آنها فشار بیاورید که توالثها را به محل دیگری ببرند و به مسئولین بگویید این کار شرعاً صحیح نیست زیرا اهانت به قبر مؤمن می‌باشد و اگر ادامه این وضع باعث هتک آن میت باشد جابه‌جا کردن او جایز است.

سؤال ۱۰۰- آنچه در کتب فقهی حتی در رساله‌های عملیه فقها از عروه الوثقی تا تحریر الوسيله جستجو شد حضرات نمازی به عنوان نماز غریق بیان فرموده‌اند حال اگر کسی در دریا یا رودخانه غرق شد و جسدش هم پیدا نشد چه باید کرد آیا نماز دارد یا ساقط است؟ بر فرض اینکه نماز داشته باشد چگونه باید ادا کرد؟

جواب: چنین کسی نماز ندارد تا جسدش پیدا شود، ولی در کلمات علما چیزی به عنوان نماز غرق داریم و آن نماز یومیته کسانی است که در حال غرق شدن هستند و بیش از تکبیرات و اشاراتی نمی‌توانند کاری انجام دهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱

فصل نهم: احکام تیمم

سؤال ۱۰۱- اگر شخصی به جای غسل جنابت تیمم بدل از آن را بجا آورد آیا می‌تواند وارد مسجد شود یا کلمات قرآن را مس نماید؟

جواب: در مواردی که تیمم جایز است تمام کارهایی را که مشروط به طهارت است می‌توان انجام داد.

سؤال ۱۰۲- کسی که همواره موقع ادرار اجزای منی هم از او بیرون می‌آید و امید خوب شدن نیز ندارد آیا می‌تواند تیمم کند و اعمالش را انجام دهد؟ چون فرض بر این است که غسل جنابت به صورت همیشگی برای او زیان غیر قابل جبران جسمی دارد.

جواب: در فرض مسأله احتیاط واجب آن است که به مقداری که ضرر ندارد غسل کند و در مواردی که ضرر دارد تیمم جایز است ولی وضو را نیز احتیاطاً بگیرد این در صورتی است که ذرات منی در بول مستهلک نشود، ولی اگر مستهلک شود احتیاج به غسل نیست همچنین اگر شک داشته باشد که آن ذرات منی است یا رطوبتهای چسبنده دیگر که از انسان احیاناً دفع می‌شود غسل ندارد.

سؤال ۱۰۳- کسی که مبتلا به مرضی باشد که نتواند از خروج باد جلوگیری کند و وضو گرفتن هم برایش ضرر دارد آیا باید در محلی (مثلاً روی سنگ) نماز بخواند تا بتواند بعد از اینکه چیزی از او خارج شد تیمم کند و نماز را ادامه دهد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲

جواب: اگر تجدید تیمم در وسط نماز برای او میسر باشد بی‌آنکه منافی نماز به جا آورد لازم است، مگر اینکه تکرار آن باعث عسر و حرج شود که در این صورت واجب نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳

فصل دهم: احکام نماز

سؤال ۱۰۴- تأخیر نماز در شبهای مهتابی به نظر شما چگونه است؟

جواب: شبهای مهتابی و غیر مهتابی تفاوت نمی‌کند.

سؤال ۱۰۵- چرا شیعیان نمازهای ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا را با هم می‌خوانند ولی سایر مسلمین این نمازها را از هم جدا و در پنج نوبت می‌خوانند؟

جواب: جدا خواندن نمازها به عقیده ما هم مستحب و سنت است ولی جمع میان آنها جایز می‌باشد حتی در روایات اهل تسنن نیز دلیل بر جواز داریم بنابراین جمع رخصت است ولی جدا کردن فضیلت است.

سؤال ۱۰۶- آیا نماز مستحبی که کیفیت خاصی دارد، مانند نماز وحشت را می‌توان به جای نافله یومیه حساب کرد؟

جواب: هرگاه قصد نافله با آن بکند نافله محسوب می‌شود و امید است ثواب آن نماز مخصوص را نیز داشته باشد.

سؤال ۱۰۷- اینکه گفته شده نماز شب اگر نشسته به جا آورده شود احتیاطاً به جای یک رکعت، دو رکعت خوانده شود این احتیاط لازم است یا مستحب؟

جواب: این احتیاط مستحب است.

سؤال ۱۰۸- نوافلی که در سفر منع شده، انجام دادن آن به عنوان کم‌بودن ثواب است یا بدعت؟ چه نوع بدعتی؟

جواب: انجام این نوافل مشروع نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴

احکام قبله

سؤال ۱۰۹- مسلمانان مقیم لوس آنجلس که در غرب آمریکا زندگی می‌کنند به کدام جهت باید نماز بگذارند که نمازشان صحیح و روبه قبله انجام شده باشد البته قبله‌نماهای موجود مثل قبله‌نمای رزم آرا و غیره قبله نیویورک را که در شرق آمریکاست مشخص می‌کند ولی قبله لوس آنجلس را که شش ساعت با هواپیما از نیویورک فاصله دارد معین نکرده و مردم دقیقاً تکلیف خود را نمی‌دانند و به استناد (فَأَيْنَمَا تُولُوْنَ فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ) «۱» به یک جهتی نماز می‌خوانند لطفاً وظیفه آنها را معین کنید.

جواب: به همان طرفی که در میان مسلمانان آنجا مشهور به قبله است بایستید اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۰- اگر شخصی به غیر جهت قبله به نماز ایستاد ما نیز می‌دانیم که جهت قبله بر عکس است آیا وظیفه داریم به وی اعلام کنیم؟ امر به معروف و نهی از منکر در اینجا لازم است؟

جواب: لازم نیست ولی بهتر است.

سؤال ۱۱۱- برادران مجروح و یا معلولی که نمی‌توانند در هیچ صورت رو به قبله نماز بخوانند آیا جهت‌های غیر قبله برای آنان یکسان است؟

جواب: فرقی با هم ندارد.

سؤال ۱۱۲- آیا صحیح است که می‌گویند وقتی که حضرت حجت (عج) ظهور می‌کند قبله را به مزار امام حسین (علیه السلام) تغییر می‌دهد؟

جواب: این روایت مخالف قرآن و روایات ثابت از طرف معصومین (علیهم السلام) است و باید طرح و دور انداخته شود. سؤال ۱۱۳- هنگامی که کشتی یا قطار در حال حرکت می‌باشد و اشخاص اقامه نماز می‌کنند در صورتی که از قبله منحرف شوند وظیفه آنها چیست؟

جواب: باید فوراً به سوی قبله تغییر جهت دهند.

(۱). سوره بقره، آیه ۱۱۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵

لباس نماز گزار

سؤال ۱۱۴- اگر در حال نماز، دهان نماز گزار خون بیاید آیا نمازش باطل می‌شود؟

جواب: اگر خون در دهان بوده باشد موجب بطلان نماز نیست ولی اگر به ظاهر لب به مقدار درهم و بیشتر رسیده باشد باید نماز را رها کند و دهان را آب بکشد و سپس نماز بخواند و اگر کمتر از درهم باشد و با آب دهان آمیخته شود و خارج شود آن هم برای نماز اشکال دارد.

سؤال ۱۱۵- پوشیدن مانتو چه حکمی دارد؟ آیا جزء لباسهای زینتی است؟

جواب: پوشیدن لباسهای زینتی اشکال دارد ولی مانتوهای معمولی زینتی نیست و لباسی که تمام بدن جز صورت و کفین را بپوشاند کافی است هر چند چادر محفوظتر و بهتر است.

سؤال ۱۱۶- نماز در لباسی که در نجاست آن شک داریم چه حکمی دارد؟

جواب: مادامی که یقین به نجاست آن نداشته باشید می‌توان با آن نماز خواند

سؤال ۱۱۷- حکم استفاده از طلای زرد، سفید و پلاتین را برای مردان بیان فرمایید.

جواب: آنچه طلا نامیده می‌شود زینت کردن با آن بر مردان حرام است خواه طلای زرد باشد یا سرخ یا سفید، ولی باید توجه داشته باشید که پلاتین طلا نیست و فلز دیگری است.

سؤال ۱۱۸- آیا پلاتین همان طلای سفید است؟ و در صورتی که غیر آن است حکم آن چیست؟

جواب: پلاتین و طلای سفید- طبق شهادت اهل خبره- دو چیز است پلاتین فلزی است و طلای سفید فلز دیگری، دو می‌حرام است و اولی حرام نیست هر چند بعضی بدون توجه پلاتین را طلای سفید می‌دانند.

سؤال ۱۱۹- آیا کراهت لباس سیاه برای نماز شامل چادر مشکی خواهران و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۶

همچنین عبا سیاه می‌شود؟

جواب: معروف کراهت لباس سیاه در نماز است و دلیلی که برای آن ذکر شده زن و مرد را شامل می‌شود، ولی عبا از آن استثنا شده و بعید نیست چادر زنان نیز مشمول استثنا باشد.

سؤال ۱۲۰- چنانچه زن هنگام نماز یا پس از آن دریابد برخی از اندامش که پوشیدن آن لازم بوده است عریان مانده، تکلیفش چیست؟

جواب: نمازش صحیح است.

سؤال ۱۲۱- استفاده از زینت آلات طلا اعم از انگشتر و گردنبند برای مردان چه صورتی دارد؟

جواب: حرام است.

سؤال ۱۲۲- آیا نگاه کردن به وجه و کفین زن نامحرم بدون قصد لذت اشکال دارد؟ و منظور از قصد ریه و لذت چیست؟

جواب: اشکال ندارد و منظور از ریه آن است که بترسد به گناه بیفتد و منظور از لذت هم لذت جنسی است.

سؤال ۱۲۳- لباس شهرت چیست؟ و استفاده از آن چه صورتی دارد؟

جواب: منظور از لباس شهرت آن است که لباسی بپوشد که مشهور به زهد و قدس شود و جنبه ریاکاری داشته باشد و استفاده از چنین لباسی شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۲۴- اگر شیء مسروقه در جیب لباس نماز گزار باشد، آیا نماز او باطل است؟

سؤال ۱۲۵- بعضی از مجروحین، زخمهای بدنشان به گونه‌ای است که در مدت شبانه روز خون می‌آید این افراد برای نماز چه باید بکنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۷

جواب: باید در صورت امکان زخم را ببندند تا به جای دیگر سرایت نکند و با همان حال نماز بخوانند.

سؤال ۱۲۶- فرد مریضی که بنا به عللی نتواند بعد از بول خود را با آب بشوید اگر با پارچه‌ای خود را تمیز نماید می‌تواند نماز بخواند؟

جواب: در فرض مسأله که محلّ ضرورت است اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۷- کسی که ادرار و مدفوع او غیر ارادی است با توجه به اینکه هر لحظه امکان دارد از او ادرار یا مدفوع خارج گردد و اطراف عورتین و لباس او اکثر اوقات نجس است حتی اگر عوض کند مجدداً نجس می‌شود چگونه نماز بخواند؟

جواب: با همان حال نماز بخواند و در مورد وضو گرفتن مطابق دستوری که در رساله توضیح المسائل مسأله ۳۲۹ داده‌ایم عمل کند.

سؤال ۱۲۸- چنانکه نپوشاندن وجه و کفین (صورت و دستها تا مچ) فساد را برای زن در جامعه به بار آورد آیا پوشاندن وجه و کفین واجب می‌شود؟

جواب: اگر موجب فساد باشد لازم است.

سؤال ۱۲۹- دندانه‌های غیر طبیعی (مصنوعی) اگر از اجزای غیر حلال گوشت باشد آیا برای نماز اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۰- آیا پوشش زن در نماز باید طوری باشد که از هیچ طرف، بدن او دیده نشود؟ و آیا پوشاندن زینت و زیورهای صورت و دست در نماز در جایی که نامحرم نیست لازم است؟

جواب: پوشاندن تمام بدن در نماز به استثنای وجه و کفین و پاها تا مچ از چهار طرف لازم است و زینت آلات اگر روی لباس باشد برای نماز اشکال ندارد.

سؤال ۱۳۱- در جایی که نامحرم به قصد ریه و تلذذ به زن نگاه می‌کند و یا صورت و کفین او زینت دارد و بدون پوشاندن آنها نماز می‌خواند، نمازش چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۸

جواب: نمازش اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که خود را در معرض دید نامحرم قرار ندهد.

سؤال ۱۳۲- منظور از اینکه فرموده‌اند پوشیدن لباس مخصوص مرد برای زن و بالعکس اشکال دارد چه نوع لباسی است لطفاً توضیح فرمایید؟

جواب: منظور لباسی است که در عرف عام می‌گویند لباس زنانه است (ولی هرگاه فساد بر آن مترتب نشود حرام نیست).

سؤال ۱۳۳- پوشیدن لباس سیاه در عزای امام حسین و دیگر ائمه (علیهم السلام) چنانچه صاحب حدائق فرموده رجحان شرعی دارد یا خیر؟

جواب: هرگاه جنبه تعظیم شعایر داشته باشد رجحان دارد.

سؤال ۱۳۴- از آنجا که مسأله حجاب یک امر ضروری اسلام است و از آنجا که باید حدود و قوانین اسلامی در کشور جمهوری

اسلامی خصوصاً در شهرهای مذهبی از جمله شهر مقدّس قم رعایت شود که بحمد الله این قوانین اسلامی تا به امروز در شهر مقدّس قم رعایت شده اما متأسفانه این روزها در این شهر مقدّس اعمال ناشایستی مشاهده می‌شود که در شأن و مقام و منزلت این شهر مقدّس نیست لذا کراراً مشاهده می‌شود که اعمال ناشایستی در وسایل نقلیه خصوصاً در کاروانهای عروسی که از مقابل حرم مطهر حضرت معصومه (علیها السلام) عبور می‌کنند انجام می‌شود و یا به طور کلی در مکانهای مقدّسی از جمله در مسجد مقدّس جمکران که مورد لطف و مرحمت پروردگار و حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده صورت می‌گیرد که واقعاً جای تأسف و نگرانی است چرا که مقام و منزلت این شهر بالاتر و والاتر از آن است که اجازه بدهد این گونه اعمال در آن صورت گیرد لذا از آنجا که مراجع بزرگوار همیشه و در هر حال به فریاد و کمک انقلاب و اسلام می‌رسند و با فتاوی‌ای دندان‌شکن خود مشت محکمی بر دهان استکبار جهانی می‌زنند بر آن شدیم که فتوای صریح حضرت تعالی را در خصوص این مسأله در شهر مقدّس قم بدانیم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۹

جواب: بدون شک حجاب از مسلّمات اسلام است و تمام فقهای اسلام در آن اتفاق نظر دارند و هر گونه بدحجابی و بی‌حجابی بر خلاف شریعت مقدّسه است مخصوصاً در شهرهای مذهبی و از آن بالاتر در اماکن مقدّسه دینی باید مراعات بیشتری شود و گناه بدحجابی و بی‌حجابی در این اماکن بیشتر است و بدون شک پوشیدن چادر همه جا مخصوصاً در این اماکن اولی است.

سؤال ۱۳۵- اشخاصی که عمل جزّاحی روده بزرگ انجام داده‌اند و محلّ خروج مدفوع را بسته و مدفوع توسط کیسه‌ای جمع‌آوری می‌گردد در موقع نماز تکلیفشان چیست؟

جواب: اگر کیسه به صورت محمول است اشکالی ندارد و اگر بدن آلوده شود چنانچه عسر و حرجی نباشد آن را بشویند و اگر عسر و حرجی هست به همان حالت نماز بخوانند.

سؤال ۱۳۶- مدالهای طلا که ورزشکاران می‌گیرند و به گردن آنها می‌آویزند چه حکمی دارد؟

جواب: گرفتن مدال اشکال ندارد لکن برای مردان به گردن انداختن اشکال دارد مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۳۷- حجاب از نظر اسلام چیست و چه نوع پوششی برای زن و مرد حجاب است آیا موهای مصنوعی که بعضی از زنها بر سر می‌گذارند حجاب موهای طبیعی آنها حساب می‌شود؟

جواب: حجاب شرعی در مورد زنان پوشیدن تمام بدن به جز صورت و دستها تا میچ می‌باشد، اما بعضی از انواع پوششها که زینت ظاهری محسوب می‌شود مثل موهای مصنوعی کافی نیست و همچنین لباسهایی که لباس زینت محسوب می‌شوند نیز کافی نیست و حجاب برای مردان پوشیدن قسمتهایی از بدن است که در بین مردم مسلمان پوشیدن آن مرسوم است بنابراین پوشیدن سر و دستها و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۰

مقداری از بازو (در پیراهنهای آستین کوتاه) و مانند آن بر مردان واجب نیست.

سؤال ۱۳۸- آیا اشکال دارد که مردها در خانه دمپایی‌های زنان را بپوشند و یا بالعکس؟

جواب: اشکالی ندارد بلکه لباسهای مخصوص هر کدام را نیز اگر دیگری بپوشد و مفاسدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد اما آنجا که فسادانگیز است حرام است.

مکان نماز گزار

اشاره

سؤال ۱۳۹- آیا بودن پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی دارد؟

جواب: بودن پرده بهتر است ولی واجب نیست مشروط بر این که موازین شرعی رعایت شود.

سؤال ۱۴۰- آیا گذشت زمان حکم زمین غصبی را عوض می‌کند؟

جواب: مسلم است که نماز در زمین غصبی حرام است و مرور زمان هرگز حکم آن را تغییر نمی‌دهد.

سؤال ۱۴۱- خواندن نماز در اماکن و ادارات دولتی که استیجاری می‌باشد و مالکش مصرّ به تخلیه است و اظهار عدم رضایت

می‌کند در صورتی که به علت ناچاری ساختمان هنوز تحت اختیار ارگانهای دولتی می‌باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورت ضرورت قطعی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۲- آیا می‌توان روی فرش که قسمت کمی از آن با پول حرام رفو شده است نماز خواند یا همان قسمت خاص اشکال

دارد؟

جواب: همان قسمت خاص اشکال دارد.

سؤال ۱۴۳- در دانشگاه معمولاً مکانی را برای نماز اختصاص می‌دهند آیا بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۱

دانشجویان لازم است که به خاطر نماز خواندن در این مکانها مبلغی به فقرا بدهند به اعتبار این که این مکانها مجهول المالک است

و آیا این مسأله در مورد تدریس در دانشگاه هم صادق است؟

جواب: اگر مکانی که برای نماز اختصاص داده شده است در دست حکومت است و وضع آن برای شما روشن است نماز خواندن

در آن با اجازه مسئولین مانعی ندارد و لازم نیست چیزی بدهید و اگر واقعا مجهول المالک است و راهی برای شناخت مالک آن

نیست در این صورت می‌توانید نماز بخوانید و وجهی را در مقابل آن به فقرا بپردازید.

سؤال ۱۴۴- شخصی در زمان طاغوت یک عدد بلیط بخت‌آزمایی به قیمت ۵ تومان خرید و مبلغ ۱۰۰ هزار تومان برنده شد و با آن

خانه‌ای تهیه کرد، آیا نماز خواندن در این خانه جایز است؟

جواب: باید آن را به عنوان مجهول المالک با اجازه حاکم شرع صدقه دهد و اگر خودش مستحق باشد می‌تواند با اجازه حاکم شرع

تصرف کند.

احکام مسجد

سؤال ۱۴۵- آیا در ساختن مسجد رضایت همسایگان شرط می‌باشد؟

جواب: رضایت آنها شرط نیست ولی نباید ایجاد مزاحمت برای آنها بشود مثلاً بلندگوی مسجد یا پارک ماشینها در اطراف مسجد

نباید مزاحم همسایه‌ها باشد.

سؤال ۱۴۶- در یکی از روستاهای لارستان به نام شرقویه یک حمام قدیمی بوده که حدود بیست سال است مورد استفاده قرار

نگرفته بود یکی از مؤمنین آن را خراب کرده و اکنون به صورت زمین می‌باشد چنانچه اجازه بفرمایید چون در حریم مسجد جامع

روستای مذکور قرار گرفته مقداری از این زمین برای احداث توالی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۲

دستشویی برای مسجد و بقیّه، راه عبور مردم گردد؟

جواب: چنانچه امیدی برای تجدید بنای آن نیست و همچنین نیاز به حمام دیگری در آن آبادی نمی‌باشد که این زمین را بفروشند و

صرف آن کنند، در این صورت می‌توانید طبق آنچه نوشته‌اید عمل نمایید.

سؤال ۱۴۷- آیا تطهیر ظاهر مسجدی که از مصالح متنجس ساخته شده کفایت می‌کند؟

جواب: کافی است و در دل مؤمنان و سوسه نکنید.

سؤال ۱۴۸- آیا در زمینی که وقف عزاداری سید الشهداء (علیه السلام) شده است می‌توان مسجدی احداث کرد؟

جواب: اگر ممکن است از متولی و در صورت نبودن متولی، از حاکم شرع زمین را برای ساختن مسجد اجاره کنند و عده‌ای از معتمدین محل پای این سند را امضا نمایند که فراموش نشود و هر ساله مال الاجاره آن را صرف مجالس عزاداری سید الشهداء (علیه السلام) بنمایند و مدت اجاره نیز مشخص و محدود باشد که بعد از پایان مدت، مجدداً اجاره کنند.

سؤال ۱۴۹- آیا وسایلی را که متعلق به مسجد است ولی مورد نیاز نیست، می‌توان فروخت و پول آن را خرج مسجد کرد؟

جواب: چنانچه آن وسایل مورد نیاز نباشد بفروشید و صرف همان مسجد کنید زیرا در این گونه موارد آنچه اقرب به نظر واقف یا باذل است صرف در همان مسجد است و اگر آن مسجد احتیاج ندارد می‌توانید در سایر مساجد صرف کنید.

سؤال ۱۵۰- اگر با وام بانک زمینی را برای احداث مسجد بخرند اقساط وام پرداخت نشود آیا بانک می‌تواند برای استیفای وام خود در زمین مسجد تصرف نماید؟

جواب: بانک حق ندارد زمین را به ملک خود درآورد، تنها حق مطالبه وام خود را دارد، مگر اینکه در وام شرط شده باشد که اگر اقساط پرداخت نشود زمین را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۳

در اختیار بانک بگذارند، در ضمن باید توجه داشته باشید که وام باید طبق عقود شرعیه باشد نه وام توأم با ربا.

سؤال ۱۵۱- آیا نمایش فیلم در مساجد جایز است؟

جواب: این کارها مناسب شأن مسجد نیست بلکه باید محلّ جداگانه‌ای برای این کار در نظر گرفت.

سؤال ۱۵۲- آیا تخریب مسجد قریه متروکه جایز است؟

جواب: تخریب مسجد جایز نیست اما اگر خودش خراب شود مصالح آن را می‌توان به مسجد آن قریه یا قریه دیگر منتقل نمود.

سؤال ۱۵۳- پولهای ختم و فاتحه‌خوانی باید به چه مصرفی برسد؟ آیا خادم هم حقی دارد؟

جواب: پولهای ختم و فاتحه‌خوانی باید زیر نظر متولی یا امام جماعت (هرکدام که نظارت بر این کار دارند) صرف مصالح مسجد گردد. خادم مسجد نیز می‌تواند به مقدار متعارف با نظر آنها مصرف کند ولی توجه داشته باشید پولی در مقابل استفاده از مسجد نمی‌توان گرفت مگر اینکه افراد با رضایت خود چیزی بدهند و یا در برابر خدماتی که انجام می‌شود بگیرند.

سؤال ۱۵۴- مساجدی که در خیابانها واقع می‌شود و همچنین مساجدی که در بیابانها و قرای متروکه واقع شده و به هیچ‌وجه برای نماز قابل استفاده نیست و گاه مرکزی برای حیوانات نجس و آلودگیهای دیگر می‌شود حکمش چیست؟

جواب: در مورد مساجدی که در خیابان افتاده امید بازگشتی در آن نیست هم حکم مسجد بودن زایل می‌شود و هم حکم وقف بودن و شخصی که چنین کرده باید معادل ثمن آن را صرف ساختن مسجد دیگر یا تعمیر سایر مساجد کند و در حقیقت از قبیل اتلاف عین مال است ولی تا ضرورت فوق‌العاده شدیدی نباشد تخریب مسجد به هیچ‌وجه جایز نیست و در مورد مساجد متروکه در بیابانها و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۴

قرای متروکه باید آنها را طوری محفوظ کرد که هتک و بی‌احترامی نسبت به آنها نشود.

سؤال ۱۵۵- آیا منع دخول کفار در مساجد لازم است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که از ورود کفار در مساجد جلوگیری شود مگر در جایی که برای تحقیق اسلام و مانند آن باشد.

سؤال ۱۵۶- آیا کارهایی چون هبه و بخشش در مسجد جایز است در صورت جواز آیا نیاز به حکم حاکم شرع دارد؟
جواب: انجام اینگونه کارها در مسجد حرام نیست و نیازی به اجازه حاکم شرع ندارد ولی انجام کارهای دنیوی در مسجد مکروه است و اگر مزاحمت برای نمازگزاران داشته باشد حرام است.

سؤال ۱۵۷- مسجدی است سه طبقه و طبقه سوّم آن چندان مورد استفاده برای نماز نمی‌باشد مگر در ایّام ماه مبارک رمضان و امثال آن، حال آیا می‌توان طبقه سوّم این مسجد را قسمت بندی نموده هر قسمتی را برای یک واحد فرهنگی از قبیل دار القرآن، مرکز تحقیقات و مطالعات دانشجویی به طور محصور اختصاص داد؟ جواب: چنانچه با وسایل متحرک، جداسازی شود که برای نماز در موارد لزوم قابل جابه‌جا کردن باشد و کارهای دینی در آن منظور باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۸- از قدیم حایلی مثل پرده بین زنان و مردان بوده و اکنون عدّه‌ای می‌گویند پرده و دیوار بین زنان و مردان در حال نماز خواندن و موعظه کردن لزومی ندارد، نظر شما چیست؟

جواب: اگر صفوف زنان پشت سر مردان باشد پرده لازم نیست ولی اگر در کنار هم باشد احتیاط واجب نصب پرده است.

سؤال ۱۵۹- آیا داخل شدن کفّار در مسجد برای شنیدن مطالب اسلامی اشکال دارد؟

جواب: هرگاه برای تحقیق جدّی از اسلام باشد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۵

سؤال ۱۶۰- چرا برنامه‌های مسجد را در حسیه و برنامه‌های حسیه را در مسجد نمی‌توان انجام داد؟ چون در صورت جواز می‌توانیم یکی از این دو را داشته باشیم تا از اسراف از نظر زمین و مخارج ساختن جلوگیری شود.

جواب: مسجد محدودیتی برای زنان و گاه برای مردان دارد و در حسیه آزادی بیشتری وجود دارد، البته ثواب نماز در مسجد نسبت به حسیه بسیار تفاوت دارد و همین امر سبب تأسیس دو بنا شده است.

سؤال ۱۶۱- ایجاد شبستان بخصوص در طرف قبله در مسجدی که شبستان نداشته باشد چه صورت دارد؟

جواب: در صورت نیاز اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۲- اگر مسجدی چند متر بالاتر از زمین واقع شده باشد و زیر زمین هم نداشته باشد آیا می‌توانند زیر مسجد را مغازه درست کرده و سرفلی آن را بفروشند و خرج مسجد بکنند؟

جواب: جایز نیست ولی اگر واقف از اول این کار را می‌کرد جایز بود ولی اگر این کار برای مرافق مسجد مانند کتابخانه و غیر آن انجام گیرد مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۳- اگر مسجدی فرش یا لوازم اضافی داشته باشد آیا در صورت نیاز نداشتن مساجد دیگر، می‌توانند به مستحق بدهند؟

جواب: جایز نیست ولی می‌توان آن را فروخت و در نیازمندیهای مشابه آن مسجد مصرف کرد.

سؤال ۱۶۴- اگر دو مسجد کنار هم و چسبیده به هم بنا کنند یک مسجد تابستانی و یک مسجد زمستانی و مسجد زمستانی به علت کوچک بودن در مواقع ضروری از جمله ماه محرم جوابگوی مردم نباشد آیا می‌توانند از مسجد تابستانی جزء مسجد زمستانی کرده و دیوار را عقب بکشند؟

جواب: اشکال دارد، ولی می‌توانید دربی از یک مسجد به دیگری باز کنید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۶

سؤال ۱۶۵- اگر مسجد دربی داشته باشد که مردم از آن رفت و آمد می‌کنند و در مواقعی مثل ماه محرم که خانمها نیز مسجد می‌روند نیاز به درب دیگری هم باشد آیا می‌توانند درب دیگری نیز از یک طرف مسجد بگذارند تا در مواقع ضروری از آن استفاده بکنند و بعد از رفع نیاز باز از همان درب اول رفت و آمد بکنند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶- اگر مسجد نیاز به آبدارخانه داشته باشد و آشپزخانه مسجد کوچک باشد آیا می‌توان از خود مسجد، آبدارخانه درست کرد و آشپزخانه را بزرگ کرد؟

جواب: اگر مزاحم نمازگزاران نباشد و جا را بر آنها تنگ نکند و از نیازهای مسجد محسوب شود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۷- شخص سرمایه‌داری یک مسجد را حدود پانزده سال قبل بنا کرده است و فعلاً آن مسجد درست و تکمیل شده است و قسمتی از مسجد پایگاه نیروی مقاومت بسیج می‌باشد. بانی مسجد راضی نیست که پایگاه بسیج در قسمتی از آن مسجد باشد در حالی که پایگاه برای امتیّت آن محل زحمت زیادی می‌کشد آیا نماز خواندن و فعالیت‌هایی که در آنجا صورت می‌گیرد صحیح است؟

جواب: چنانچه کارهای فرهنگی مثبت اسلامی انجام دهند و مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشند جایز است و رضایت بانی اصلی شرط نیست.

سؤال ۱۶۸- در تهران بانوان در مجالس تحریم مساجد شرکت می‌کنند و بعضی از آنها عادت زنانگی دارند و در اثر جهل به مسأله با همان حال به مسجد می‌روند و گاهی پس از پایان مراسم مشاهده می‌شود که فرش مسجد نجس شده است اکنون نظر مبارکتان را مرقوم فرمایید.

جواب: زنان در حال عادت زنا نه حرام است که در مسجد توقّف کنند و اگر فرش مسجد آلوده شود باید تطهیر کرد و افراد ناآگاه را باید به این مسائل آشنا کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۷

سؤال ۱۶۹- عمارتی را کنار مسجد در طبقه فوقانی جهت بانوانی که از ورود به مسجد معذورند، ساخته‌اند و آن را فاطمیّه نامیده‌اند اما صیغه وقف بر آن خوانده نشده است، البتّه با پولی که از مردم جمع‌آوری شده است، و اکنون ساختمان وسیعی به نام حسینیّه جنب مسجد احداث شده است نظر به اینکه خادم مسجد که پنج نفر عائله دارد و از نظر جا و مکان در مضیقه است اجازه می‌فرمایید آن عمارت قبلی را به خادم اختصاص دهند؟

جواب: جایز نیست، باید محل دیگری برای او در نظر گرفته شود و آن محل در حکم وقف است.

سؤال ۱۷۰- در حیدرآباد کرج زمینی وقف مسجد گردیده و مردم به نیت ساختن مسجد کمک کرده‌اند چندین سال در زیرزمین این مسجد نماز برگزار می‌گردید اکنون که طبقه همکف ساخته شده است از زیرزمین برای نگهداری وسایل مسجد استفاده می‌شود و در ایام محرم و صفر به عزاداران ابا عبد الله (علیه السلام) غذا داده می‌شود و افراد معذور وارد آن نمی‌گردند آیا می‌توان از این زیرزمین برای مکان ورزشی جوانان و نوجوانان استفاده و عواید حاصل را صرف بنای همان مسجد کرد؟

جواب: جایز نیست بلکه باید برای مسجد و کارهای مناسب مسجد استفاده شود.

سؤال ۱۷۱- مسجدی در زمین مشاعی که بین مالکین مسلمان و ارمنی مشترک بوده است با اجازه خودشان بنا شده است، اهل کتاب مراسم ختم امواتشان را در مسجد مسلمانان برگزار می‌کنند و واعظ مسلمان در آن مجلس سخنرانی می‌نماید و خود ایشان هم در مجلس حضور دارند و همچنین در مراسم مسلمین که در مسجد منعقد می‌شود شرکت می‌کنند آیا حضور آنها در مسجد هتک مقام مسجد محسوب می‌شود؟

جواب: اگر آمدن آنها به مسجد سبب علاقه بیشتر آنها به اسلام گردد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۸

سؤال ۱۷۲- در بعضی از مساجد شهر اردکان تعدادی قرآن خطی و حزب قرآن مجید وجود دارد که اکثر آنها خراب و ناقص

گردیده و بقیه در حال از بین رفتن است و حتی ممکن است به سرقت برود آیا جایز است که به عنوان امانت به نام همان مسجد در موزه اردکان نگهداری شود؟

جواب: اگر در مسجد قابل استفاده نیست یا در حال از بین رفتن است می‌توان آن را تبدیل به احسن کرد یعنی به موزه یا غیر موزه بفروشند و به جای آن قرآن نو خریداری کنند و وقف آن مسجد کنند.

سؤال ۱۷۳- در بعضی از مساجد و تکایا تعداد زیادی چراغ نفتی (لامپا و غیره) وجود دارد که فعلا بدون استفاده می‌باشد و اکثر آنها در انبار مسجد افتاده و شکسته یا در آینده ممکن است شکسته شود و بعضی از آنها نیز توسط مسئولین به فروش رسیده و به اصطلاح تبدیل به احسن گردیده آیا نگهداری این قبیل اجناس به نام همان مسجد در موزه جایز می‌باشد؟
جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۷۴- در اردکان نظر کرده‌ای بوده به نام فاطمیه که در مسیر خیابان قرار گرفته و تعدادی چراغ قدیمی و آئینه و غیره از آن باقی مانده که در انبار مخروبه‌ای نگهداری می‌شود و موردی برای استفاده ندارد و ممکن است بر اثر فروریختن سقف انبار، کلیه آنها از بین برود آیا نگهداری آنها در موزه جایز می‌باشد؟

جواب: مطابق مسأله سابق عمل کنند و اگر پول آن قابل مصرف در آن فاطمیه نیست در حسینیه‌ها یا مساجد مصرف خرید اجناس مشابه نمایند.

سؤال ۱۷۵- ما یک مسجد قدیمی در روستایی به نام خولیکان از شهرستان مبارکه اصفهان داریم به علت این که چند مسجد جدید و بزرگ بعد از انقلاب اسلامی ساخته شده دیگر از این مسجد به طور کلی استفاده نمی‌نمایند، در ضمن صیغه وقف هم برای این مسجد خوانده نشده است، ولی چند سال است که عده‌ای از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۶۹

ورزشکاران این روستا چون جایگاه ورزشی نداشته از این مسجد به عنوان باشگاه ورزش باستانی استفاده می‌نمایند حال با توجه به اینکه ورزش باستانی یکی از ورزشهای سنتی است از اول تا آخر این ورزش فقط ذکر یا علی (علیه السلام) و صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و امثال اینها یاد می‌شود آیا ورزش کردن و تصرف در این مسجد صحیح است؟

جواب: مسجد را به هیچ وجه نمی‌توان از مسجد بودن خارج کرد یا تبدیل به ورزشگاه نمود اما ورزش در آن اگر موجب وهن مسجد نباشد و مزاحمت برای نمازگزاران نداشته باشند جایز است.

سؤال ۱۷۶- آیا شعار مذهبی دادن و نعره حیدری گفتن که در بعضی از مساجد پاکستان گفته می‌شود از مکروهات است؟

جواب: شعارهایی که دارای محتوای صحیح و مذهبی بوده باشد مانعی ندارد به شرط اینکه مزاحمتی برای نمازگزاران تولید نکند و صداهایی که موجب وهن مسجد شود در آن نباشد.

سؤال ۱۷۷- آیا زینت کردن مساجد و حسینیه‌ها جایز است؟

جواب: اگر تزئین به طلا یا با عکس موجودات زنده نباشد و جنبه اسراف نیز پیدا نکند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۸- یک باب مسجد قدیمی واقع در گوشه روستاست که حریم آن مقداری زمین بایر و بدون استفاده می‌باشد حدود ۳۰ سال قبل چند جنازه کودک در آن دفن گردیده و هیچ گونه مدرکی مبنی بر وقف بودن آن وجود ندارد، لذا هیأت محبان چهارده معصوم (علیهم السلام) با رضایت اهالی محل تصمیم گرفتند که دور این زمین را حصار کشی نموده حسینیته‌ای در آنجا احداث کنند و آن مسجد قدیمی که در حال تخریب است را بازسازی و توسعه دهند آیا از نظر شرعی این کار جایز است؟

جواب: اگر دلیلی بر وقف بودن آن زمین در دست نیست و بنای حسینیته

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۰

موجب نبش قبر نمی‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۹- مسجدی در حدود ۶۰ یا ۷۰ سال پیش ساخته شده ولی از نظر مکانی در جای مناسب نیست یعنی در زمستان به قدری سرد است که مردم محله قدرت رفتن به مسجد و نماز خواندن را ندارند این مسجد در نزدیک زمین فردی است که خودش فوت کرده اما فرزندان او ادعا دارند که مسجد به زور اربابان محل ساخته شده در حالی که آنها زمینهای اطراف مسجد و زمین خود مسجد را که زمین موات بوده احیا کرده‌اند، به طوری که تا نزدیک درب مسجد زمین کشاورزی درست کرده‌اند به همین جهت مردم محل مدتی است که در یک جای مناسب مسجد دیگری ساخته‌اند و مسجد قبل به مخروبه تبدیل شده، تکلیف مردم در این زمینه چیست؟ آیا می‌توانند مسجد را خراب کنند و جای آن را درخت بکارند و حاصل آن درختان را مصرف مسجد جدید بکنند در ضمن تعداد مردم این محل زیاد نیست که دو مسجد داشته باشند؟

جواب: مسجد را نمی‌توان خراب کرد ولی اگر خودش خراب شود و مصالح آن در معرض خطر باشد می‌توان آن را در مسجد دیگر مصرف کرد و اگر خراب شد و زمین آن به هیچ‌وجه قابل استفاده نبود استفاده از آن زمین به نفع مسجد دیگر اشکالی ندارد و قول مالکین اطراف زمین بدون مدرک شرعی پذیرفته نیست.

سؤال ۱۸۰- مسجدی است که دارای پایگاه فرهنگی است، این پایگاه گاهی به خاطر جذب نونهالان و نوجوانان به مسجد و آشنا کردن آنها با تعالیم اسلام، اقدام به آوردن ویدیو و نمایش فیلمهای مجاز (جمهوری اسلامی) در مسجد می‌کند آیا این عمل جایز است؟

جواب: نمایش دادن فیلمهای سالم و مفید برای هدایت جوانان و نوجوانان مانعی ندارد، ولی محلّ دیگری غیر از مسجد را انتخاب کنید مگر اینکه در سالن مخصوص کتابخانه مسجد باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۱

سؤال ۱۸۱- آیا اعضای هیأت امنای مسجد می‌توانند برای تعمیر مسجد و سایر تصرفات بدون اجازه متولّی اقدام کنند؟

جواب: احتیاط آن است که از متولّی اجازه بگیرند ولی اگر متولّی نسبت به مصالح مسجد مخالفت یا بی‌اعتنایی کند از حاکم شرع اجازه بگیرند.

سؤال ۱۸۲- آیا می‌شود از طبقه زیر ساختمان مسجد جهت استفاده‌های مطلوب برای مسجد مثل ساختن موتورخانه شوفاژ استفاده کرد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۱۸۳- آوردن میز تنیس به فضای مسجد از قبیل زیرزمین، حیاط و ... جهت انجام فعالیت‌های سالم فرهنگی ورزشی در کنار آموزش تعالیم دینی (آموزش قرآن، احکام و عقاید) چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از وسایل فوق در شبستان یا فضای مسجد مجاز نیست ولی اگر سالنهایی برای کتابخانه یا فعالیت‌های فرهنگی در مسجد ساخته شده، از فضای آن می‌توان برای این کار استفاده کرد.

اذان و اقامه

سؤال ۱۸۴- شهادت به ولایت امیر مؤمنان مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب (علیه آلاف التحية والثناء) از چه زمانی در جامعه شیعیان در اذان گفته شده است؟

جواب: از بعضی روایات استفاده می‌شود که این کار از عصر ائمه (علیهم السلام) شروع شد ولی در آن عصر جنبه عمومیت نداشته است، سپس به صورت شعار شیعه درآمد (برای توضیح بیشتر به کتاب نفیس مستمسک، بحث اذان و اقامه رجوع شود).

سؤال ۱۸۵- آیا بلند کردن صدای اذان مسجد مخصوصاً اذان صبح در صورتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۲

همسایگان مسجد اعتراض می‌کنند و اظهار می‌نمایند که صدای اذان موجب اذیت و آزار آنها می‌شود جایز است؟
جواب: بلند کردن صدای اذان در حد معمولی مانعی ندارد و همسایگان نمی‌توانند مانع صدای اذان شوند.

سؤال ۱۸۶- آیا گفتن «اشْهَدُ اَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللهِ» در اذان، اختراع و بدعت است؟

جواب: بدعت آن است که به قصد جزئیت اذان بگویند، و اگر به این قصد نباشد بدعت نیست و اشکالی ندارد و شیعیان به این قصد نمی‌گویند.

واجبات نماز

سؤال ۱۸۷- برادران معلولی که از پای مصنوعی استفاده می‌کنند و به وسیله آن نماز را ایستاده می‌خوانند، گاهی به علت خستگی پا و یا احتمال زخم شدن آن، پای مصنوعی را در آورده و نشسته نماز می‌خوانند؛ آیا بر این افراد واجب است که همواره به کمک پای مصنوعی نماز را ایستاده بخوانند یا می‌توانند در اینگونه موارد نماز را نشسته بخوانند؟

جواب: اگر عسر و حرج نداشته باشد ایستاده نماز بخوانند و لو با تکیه بر عصا و مانند آن باشد و اگر موجب عسر و حرج و ناراحتی است نشسته نماز بخوانند.

سؤال ۱۸۸- آیا بلند خواندن قرائت نماز ظهر در روز جمعه جایز است؟

جواب: اگر در حضر نماز بخوانند بلند خواندن مستحب است و اگر در سفر باشد در صورتی مستحب است که با جماعت بخوانند نه فرادی.

سؤال ۱۸۹- آیا مطابق همه قرائات می‌توان قرائت نماز را انجام داد؟

جواب: اگر قرائت مشهور در میان مسلمین باشد مانعی ندارد، ولی از آنجا که در زمان ما، مشهور همان قرائت عاصم مطابق روایت حفص است که در قرآنها معمولی موجود است گرفتن از قرائات دیگران خالی از اشکال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۳

سؤال ۱۹۰- آیا قرائت مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ در نماز صحیح است؟

جواب: احتیاط گفتن مالکک یوم الدین است.

سؤال ۱۹۱- منظور از این که باید قرائت و ذکر نماز صحیح خوانده شود چیست؟

جواب: تلفظ صحیح به مقداری که عرب آن را عربی صحیح بداند لازم است ولی مراعات دقتهای علمای تجوید لازم نیست.

سؤال ۱۹۲- کسی که در موقع قرائت سوره حمد نماز در جمله «مالکک یوم الدین» کلمه «یوم» را با ضمّه یاء تلفظ کرده با وجودی که می‌توانسته صحیح آن را تلفظ کند اما جاهل به مسأله بوده، آیا نمازهای او صحیح است یا باید دوباره اعاده و قضا کند؟

سؤال ۱۹۳- حکم نماز پیرزنی که در نمازش غلطهای زیادی است و قادر به تصحیح آنها نیست چیست؟

جواب: اگر قادر به یاد گرفتن نباشد به همان شکل که می‌تواند بخواند.

سؤال ۱۹۴- اگر آیه سجده را از رادیو یا تلویزیون بشنویم آیا سجده واجب است؟

جواب: اگر قرائت قرآن به طور مستقیم پخش شود سجده کردن واجب است و اگر مستقیم نباشد احتیاط است.

سؤال ۱۹۵- آیا سجده بر دستمال کاغذی و کاغذی که روی آن خطکشی شده جایز است؟

جواب: سجده بر دستمال کاغذی و همچنین ورق خطکشی شده جایز است در صورتی که خطها مانع رسیدن پیشانی بر کاغذ

نباشند و یا بین خطها به مقداری که سجده صحیح است فاصله باشد.

سؤال ۱۹۶- آیا سجده نمودن بر طرف نوشته شده مهرها (مثل اینکه می‌نویسند استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۴

(ترتیب اعلا مال کربلا) جایز است یا احتیاط می‌فرمایید؟ جهت احتیاط چیست؟
جواب: اشکالی ندارد مگر در مواردی که دستاویزی به دست دشمنان بدهد.

سؤال ۱۹۷- آیا سجده بر سیمان و موزاییک و سنگ مرمر جایز است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۹۸- کسی که سجده را روی صندلی بجا می‌آورد اگر با کفش نماز بخواند چه صورتی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد ولی بهتر است کفش را بیرون آورد.

سؤال ۱۹۹- آیا سجده بر کاغذ رنگی که در اصل عکس رنگی است (مثل اسکناس) جایز است؟
جواب: رنگی که جرم نداشته باشد مانع نیست ولی بهتر است از سجده بر اسکناس خودداری شود.

سؤال ۲۰۰- آیا شهادت بر ولایت امیر المؤمنین (علیه السلام) در تشهد نماز جایز است؟
جواب: نظر به اینکه ائمه معصومین (علیهم السلام) اجازه اضافه کردن شهادت ثالثه را نداده‌اند، این کار صحیح نیست و وظیفه ما در اینگونه موارد تبعیت از دستورات معصومین (علیهم السلام) است.

سؤال ۲۰۱- اگر شخصی تشهد نماز را فراموش کند، آیا بعد از قضای تشهد، سلام نماز را هم باید بخواند؟
جواب: احتیاط آن است که سلام را نیز بخواند و باید سجده سهو نیز بجا آورد.

سؤال ۲۰۲- از روشهای مختلف نشستن هنگام تشهد، آیا نشستن به روش معمولی افضل است یا نشستن برخی از برادران که به قصد قرار دادن سنگینی بدن (بیش از حد معمولی) در سمت چپ، شبیه اهل سنت علی الخصوص حنفیها می‌نشینند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۵

جواب: صورت دوم تورک نامیده می‌شود جزء مستحبات شمرده شده است.

سؤال ۲۰۳- آیا برگرداندن انگشتر در قنوت نماز ثواب دارد؟
جواب: از بعضی از روایات استحباب آن استفاده می‌شود.

سؤال ۲۰۴- فرستادن صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چه حکمی دارد؟
جواب: مستحب مؤکد است.

سؤال ۲۰۵- شخصی در حال رفتن به سجود طوری تعادلش به هم خورد که به پشت سر افتاد، آیا نماز او باطل است؟
جواب: هرگاه قبل از آن که صورت نماز به هم بخورد به حال اول برگردد مانعی ندارد.

سؤال ۲۰۶- اگر نماز گزار در رکعت اول یک سجده و در رکعت دوم، تشهد و در رکعت سوم رکوع را فراموش کند وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه در سجده اول رکعت سوم متوجه شود، آن رکعت را رکعت دوم خود قرار می‌دهد و تشهد می‌خواند و بعد از نماز سجده فراموش شده را قضا می‌کند و سپس سجده‌های سهو را طبق دستور رساله انجام می‌دهد و احتیاطاً نماز را اعاده کند و اگر بعد از هر دو سجده متوجه شود، نماز او باطل است.

سؤال ۲۰۷- کسی که زیاد فراموشکار است مثلاً غالباً در نمازها فراموش می‌کند که ۲ یا ۳ یا ۴ رکعت خوانده، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: کثیر الشک بنا را بر طرفی می‌گذارد که مفید به حال اوست

نماز مسافر

سؤال ۲۰۸- آیا تهران یا مانند آن از بلاد کبیره است؟

جواب: حکم بلاد کبیره و غیر کبیره یکسان است مگر در جاهایی که هر محله

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۶

از آن عرفاً یک شهر مستقل محسوب شود.

سؤال ۲۰۹- مبدأ و منتهای سفر در مسافت نماز قصر کجا محسوب می‌شود؟

جواب: معیار فاصله بین دو شهر یعنی آخرین خانه مبدأ حرکت و اولین خانه مقصد می‌باشد.

سؤال ۲۱۰- آیا خروج زن از وطن الزاماً به تبعیت از شوهر اعراض محسوب می‌شود یا بستگی به قصد و نیت او دارد؟

جواب: بستگی به قصد و نیت خود زن دارد چنانچه امیدوار باشد که شوهر را بازگرداند اعراض نیست و اگر امیدی ندارد اعراض قهری حاصل است.

سؤال ۲۱۱- مقصود از بلاد کبیره چیست؟ در ایران چند شهر کبیره داریم و در بلاد کبیره مسافت را از آخر شهر باید حساب کرد یا آخر محله؟

جواب: همان گونه که در بالا- آمد تفاوتی میان شهرهای بزرگ و کوچک نیست و بلاد کبیره و صغیره در احکام مسافر یکسان است مگر اینکه شهری به قدری بزرگ شود که هر محله از آن یک شهر مستقل محسوب شود مثل شمیران و شهر ری که در عین اتصال به تهران شهرهای مستقلی محسوب می‌شوند ولی محلات مختلف تهران جزء تهران محسوب می‌شوند و در مواردی که هر محله‌ای شهر مستقلی است اگر بین آنها فاصله نماز قصر باشد نماز شکسته می‌باشد و در غیر این صورت تمام است و معیار در مسافت، آخرین خانه‌های شهر است.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۷۶

سؤال ۲۱۲- حکم نماز کسی که مدت طولانی در شهری مانده است چیست؟

جواب: در صورتی که مدتی طولانی در آن محل بماند در حکم وطن او خواهد بود.

سؤال ۲۱۳- آیا محلّ تحصیل دانشجویان در دوره‌های ۲ و ۴ ساله یا بیشتر جزء وطن محسوب می‌شود؟

جواب: آری در حکم وطن است هر چند وطن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۷

سؤال ۲۱۴- کسی که دائم السفر بین دو شهر مثلاً- قم و کرج است ولی هر روز از کرج که وطن او نیست به دو فرسخی جهت

تدریس یا کار دیگری می‌رود و برمی‌گردد آیا چنین شخصی در قم و کرج و اطراف آن نمازش را باید تمام بخواند؟

جواب: باید تمام بخواند.

سؤال ۲۱۵- اگر محلّ کار شخصی به اندازه مسافت قصر از وطنش دور باشد و هر روز به محل کار می‌رود و برمی‌گردد یا یک

هفته در محل کار می‌ماند، حکم نماز خانواده‌اش که همراهش هستند چیست؟

جواب: هرگاه خانواده‌اش مرتباً با او همراه هستند نماز همه آنها تمام است.

سؤال ۲۱۶- طلبی که قریب ۱۵ سال در قم ساکنند ولی آن را وطن قرار نداده و قصد اقامت دائم هم ندارند لکن در مورد زمان

بازگشت به وطنشان مردّد هستند و نمی‌دانند چه زمانی برمی‌گردند، نماز و روزه این افراد چگونه است؟ آیا در این مسأله تفاوتی بین طلب ایرانی و خارجی هست؟

جواب: در فرض مسأله قم نسبت به همه آنها حکم وطن را دارد.

سؤال ۲۱۷- آیا اعراض قهری برای زنی که قصد جدایی و طلاق از همسرش ندارد و همسرش هم تصریح کرده است که به وطن زوجه‌اش برای سکونت حتی به صورت موقت نمی‌رود، حاصل می‌شود یا اینکه آنجا وطن او خواهد بود؟ وظیفه فرزندان چیست؟

جواب: این مصداق اعراض قهری است همچنین نسبت به اولادشان تا زمانی که با آنها زندگی می‌کنند.

سؤال ۲۱۸- اگر محلّ دانشگاه نسبت به روستای دانشجو کمتر از چهار فرسخ باشد ولی مرکز دوّم دانشگاه بیشتر از مسافت شرعی است و دانشجو در ماه یکی دو بار به آنجا می‌رود، حکم نماز و روزه‌اش چیست؟

جواب: نسبت به مرکز دوّم دانشگاه، نماز و روزه‌اش قصر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۸

سؤال ۲۱۹- محلّ تحصیل دانشجویی در چهار فرسخی محلّ سکونت اوست، نماز و روزه‌اش را چگونه انجام دهد؟

جواب: اگر رفت و آمد مستمر دارد نمازش را تمام می‌خواند و روزه‌اش را می‌گیرد.

سؤال ۲۲۰- این جانب طلبه‌ای هستم اهل ساری که بر حسب موقعیت شغلی مدّتی است که در رشت مشغول خدمت می‌باشم و مدّتی که باید در اینجا بمانم معلوم نیست، اما بر حسب وظیفه شغلی و نیز برای منبر باید به طور مرتّب به شهرستانهای استان گیلان سفر کنم. و به ندرت و به طور استثنایی اتفاق می‌افتد که ده روز در محل سکونت بمانم و لذا اقامه ده روز میسر نمی‌باشد، وضعیت نماز و روزه‌ام چگونه است؟

جواب: وظیفه شما اتمام نماز و روزه است و اگر ده روز اقامت کردید در اولین سفر شکسته می‌باشد.

سؤال ۲۲۱- انسانی به خیال اینکه مسافر است نماز را شکسته خوانده و یا به خیال اینکه مسافر نیست نماز را تمام و روزه گرفته است بعد از چندی متوجه اشتباه خود شده است، نماز و روزه گذشته او چه حکمی دارد؟

جواب: در هر دو صورت بنا بر احتیاط واجب اعاده کند.

سؤال ۲۲۲- شرکتی در کوه و بیابان، محلّی را برای استراحت و زندگی کارکنان خود تعیین نموده است؛ کارکنانی از شهرهای مختلف دور دست برای کار به این شرکت می‌آیند به این کیفیت که ۱۴ روز در اینجا مشغول کار بوده و ۱۴ روز دیگر به شهرهای خود مراجعت می‌کنند. در مدّت ۱۴ روز کاری نحوه کارشان به شرح زیر است لطفاً تکلیف نماز و روزه هر دسته را بیان فرمایید.

الف) عده‌ای همه روزه یا اغلب روزها از جایگاه مذکور (استراحتگاه) به فاصله کمتر از مسافت شرعی که محلّ کار آنهاست می‌روند و شب برمی‌گردند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۷۹

جواب: اگر فاصله میان محلّ استراحت و محلّ کار آنها سه یا چهار کیلومتر باشد قصد اقامه در دو محل صحیح است و نماز و روزه آنها کامل است و اگر فاصله زیاد است قصد اقامه درست نیست نماز آنها قصر است و نمی‌توانند روزه بگیرند.

ب) عده‌ای دیگر یک هفته روز به محلّ کار می‌روند و شب برمی‌گردند و یک هفته شب به محلّ کار می‌روند و روز برمی‌گردند، فاصله استراحتگاه این عده تا محلّ کارشان نیز کمتر از مسافت شرعی است.

جواب: مانند مسأله سابق است.

ج) عده‌ای دیگر فاصله محلّ کارشان تا استراحتگاه فوق‌الذکر به اندازه مسافت شرعی است اینها هم بعضی همه روزه یا اغلب روزها به محلّ کار می‌روند و بر حسب وضع کاری خود قبل از ظهر یا بعد از ظهر به استراحتگاه برمی‌گردند.

جواب: اینها کثیر السّفر هستند.

د) بعضی دیگر از عده فوق که فاصله محلّ کارشان تا استراحتگاه به اندازه مسافت شرعی است یک هفته، روز به محل کار می‌روند و شب برمی‌گردند و هفته‌ای دیگر، شب می‌روند و روز به استراحتگاه برمی‌گردند.

جواب: مانند مسأله قبل است.

ه) عده‌ای محلّ کارشان همان استراحتگاه است ولی اتفاقاً ممکن است به طور موقت مسافت شرعی را بپیمایند و مجدداً جهت ادامه کار به محلّ کار خود یعنی استراحتگاه برگردند.

جواب: در صورتی که قصد ده روز اقامت در آن محل نداشته باشند نماز و روزه آنها قصر است.

و) آیا بین اشخاصی که مدت زیادی به این کار مشغول هستند و کسانی که جدیداً مشغول این کار شده‌اند فرقی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۰

جواب: فرقی نیست.

سؤال ۲۲۳- آیا زن در وطن، تابع شوهر است؟

جواب: اگر قصد زن تبعیت از شوهر بوده باشد، از نظر وطن تابع است.

سؤال ۲۲۴- اگر محلّ تحصیل جزء وطن حساب نشود و دانشجو قصد ده روز کند آیا قبل از ده روز می‌تواند بیش از دو ساعت از حدّ ترخیص بگذرد. قابل ذکر می‌باشد که دانشکده بیرون از حدّ ترخیص می‌باشد و خوابگاه داخل شهر است و مجبوریم هر روز (غیر از روزهای تعطیل) از حدّ ترخیص عبور کنیم؟

جواب: محلّ تحصیل مستمر به حکم وطن می‌باشد و نماز و روزه در آن کامل است و قصد ده روز لازم نیست و خارج شدن از محلّ اقامت و رفتن به مناطق نزدیک (مثلاً ۳ الی ۴ کیلومتر) نیز اشکال ندارد.

سؤال ۲۲۵- آیا محلّ اقامت طلاب و دانشجویانی که دو سال و یا بیشتر در آنجا اقامت کرده و یا خواهند کرد از نظر حضرت عالی در حکم وطن حساب می‌شود؟ آیا در صورتی که از آنجا به وطن اصلی خود یا جایی دیگر که موقتاً جهت تفریح و استراحت سفر کرده و باز به همان محلّ اقامت برمی‌گردند چه حکمی دارد؟

جواب: اینگونه اقامتگاهها در حکم وطن محسوب می‌شوند.

سؤال ۲۲۶- شخصی که کثیر السّفر است اگر در یکی از سفرها، انگیزه سفرش چیز دیگری باشد همانند معلمی که همواره جهت تدریس می‌رفته و این بار برای عیادت مریض و در غیر مسیر همیشگی خود سفر کرده است از لحاظ افطار و قصر چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: حکم او مانند سایر مسافرین قصر و افطار است.

سؤال ۲۲۷- در هر سال جمع کثیری از دانشجویان غیر مشهدی وارد دانشگاه مشهد می‌شوند. برخی از آنها از شهرهای استان خراسان می‌باشند که معمولاً هر هفته به وطن خود برمی‌گردند و فاصله محلّ تحصیل تا وطن آنها هم بیش از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۱

مسافت شرعی است و در دوران تحصیل این رفت و آمدها ادامه دارد مثلاً از شب تا چهارشنبه را در مشهد هستند و دو روز دیگر را به وطن خود برمی‌گردند وظیفه شرعی این گروه از دانشجویان در ارتباط با نماز و روزه چیست؟

جواب: محلّ درس خواندن طولانی در حکم وطن است بنابراین مسأله مربوط به کثیر السّفر نمی‌باشد، اینگونه دانشجویان هم در وطن و هم در محلّ تحصیل خود نماز و روزه را تمام بجا می‌آورند ولی اگر در راه سفر بین این دو محل که هفته‌ای یک بار انجام می‌شود نماز و روزه بجا آورند شکسته است.

سؤال ۲۲۸- به نظر حضرت عالی وظیفه کسی که شغل او سفر است با کسی که شغل او در سفر است فرق می‌کند؟
جواب: فرق نمی‌کند.

سؤال ۲۲۹- محلّ خدمت من در بندر عباس است ولی وطنم شیراز است در هنگام مرخصی نمازهایم را در هر دو شهر (شیراز و بندر عباس) چگونه بخوانم؟

جواب: شما در بندر عباس و شیراز نماز را تمام و روزه هم بگیرید اما در بین راه نماز و روزه شما شکسته است.

سؤال ۲۳۰- کسی که محل سکونت او تا ملکی که دارد اندازه مشخصی ندارد و کیلومتری بر آن مشخص نکرده است ولی به طور معمول دو ساعت راه است حکم نماز او و فرزندانش در آن ملک چیست؟

جواب: اگر ممکن است تحقیق کند و اگر راهی برای تحقیق نیست و مقدار مسافت مشکوک است نماز را تمام بخواند.

نماز استیجاری و قضا

سؤال ۲۳۱- آیا کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد می‌تواند از طرف شخص دیگر اجیر شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۲

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۳۲- آیا دو نفر یا بیشتر می‌توانند در یک روز برای یک میّت روزه بگیرند و همین‌طور آیا امام و مأموم می‌توانند هر دو به نیت یک نفر نماز بخوانند؟

جواب: اشکال ندارد ولی نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا مربوط به یک روز باید به ترتیب انجام گیرد.

سؤال ۲۳۳- آیا انسان به دلیل عدم حضور قلب و توجه در نماز می‌تواند مجدداً آن را بجا آورد؟

جواب: اگر در نماز ظاهراً نقصانی نبوده اعاده نکند و با تعقیبات آن را جبران کند.

سؤال ۲۳۴- اگر شخصی نماز قضای میّتی را از عالمی به عهده بگیرد و بعد از گذشت مدتی قادر به انجام آن نشود و آن عالم هم از دنیا برود، آیا می‌تواند شخص دیگری را اجیر کند؟

جواب: چنانچه صاحب پول را نمی‌شناسد می‌تواند با اجازه مجتهد دیگری کسی را برای این کار اجیر کند.

سؤال ۲۳۵- کسی که نمی‌داند دقیقاً چقدر نماز قضا دارد تکلیفش چیست؟

جواب: به مقداری که می‌داند در سفر یا در حضر فوت شده قضا کند و آنچه شک دارد واجب نیست، در ضمن ترتیب در نماز قضا لازم نیست مگر نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشایی که از یک روز فوت شده باشد.

سؤال ۲۳۶- نمازهایی را که در سفر قضا شده است در وطن چگونه قضا کند؟

جواب: نمازهایی را که در سفر قضا شده شکسته می‌خواند خواه در سفر باشد یا حضر و نمازهایی که در حضر قضا شده تمام می‌خواند خواه در سفر باشد یا در حضر.

سؤال ۲۳۷- نمازهای زیادی از من فوت شده است و قدرت بر انجام همه آنها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۳

را ندارم، وظیفه من چیست؟

جواب: نمازهای گذشته را به تدریج به مقداری که توانایی دارید قضا کنید.

سؤال ۲۳۸- اگر نماز و روزه قضای پدر و مادر زیاد باشد یا در بعضی موارد از روی نافرمانی باشد، وظیفه فرزندان چیست؟

جواب: آنچه از روی عمد و نافرمانی بوده قضای آن بر فرزند بزرگتر واجب نیست ولی بهتر است انجام دهد و آنچه از روی عذر

بوده باید فرزند بزرگتر به مقدار توانایی قضا کند.

سؤال ۲۳۹- آیا نمازها و روزه‌های قضای میت بر هر پسر بزرگتر از هر یک از همسرانش واجب است یا فقط به عهده یک نفر از آنان است؟ و در صورتی که ولد اکبر نخواهد خود بخواند آیا پول نماز و روزه‌ها را از سهم خود بدهد یا از اصل مال کم کند؟
جواب: به پسر بزرگتر از نظر سن تعلق می‌گیرد از هر زنی که باشد، و او می‌تواند از مال خودش با شرایط اجیر بگیرد و اگر دو فرزند از نظر سن کاملاً مساوی باشند تقسیم می‌کنند.

سؤال ۲۴۰- این جانب پسر بزرگ خانواده هستم پدرم مدت زیادی نماز و روزه‌هایش را بجا نیاورده است و در وصیت‌نامه‌اش نوشته که هیچ قضای نماز و روزه نمی‌خواهد و قضای این عبادات به خودش مربوط است، با توجه به این مطلب وظیفه من چیست؟
جواب: شما نماز و روزه‌هایی را که به خاطر عذر از پدر فوت شده (و همچنین از مادر بنا بر احتیاط واجب) باید قضا کنید و غیر از آن واجب نیست ولی احتیاط مستحب است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۴

نماز جماعت

سؤال ۲۴۱- آیا در یک نماز می‌توان به دو نفر اقتدا کرد؟

جواب: در یک نماز به دو نفر در غیر موارد ضرورت نمی‌توان اقتدا کرد.

سؤال ۲۴۲- نماز کسانی که در طبقه سوم مسجد به جماعت اقتدا کرده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که با جماعتی که در پایین منعقد است یک جماعت حساب شود اشکال ندارد.

سؤال ۲۴۳- لطفاً برای این جانب که امام جماعت مسجدی هستم اجازه‌ای صادر فرمایید.

جواب: اگر منظور اقامه جماعت در مسجد است اجازه لازم ندارد و اگر چیز دیگری است مرقوم بدارید تا جواب داده شود.

سؤال ۲۴۴- آیا مقلد مرجعی می‌تواند به امام جماعتی که مقلد مرجع دیگر است اقتدا کند؟

جواب: مقلد هر کس به هر کس می‌تواند اقتدا کند مگر اینکه علم به بطلان نماز او داشته باشد.

سؤال ۲۴۵- آیا امام راتب صاحب اختیار مسجد یا محراب است؟ به گونه‌ای که نماز خواندن غیر او در آنجا اشکال داشته باشد یا اینکه اولویت امام راتب به نحو افضلیت است؟ لطفاً توضیح دهید.

جواب: رعایت حق امام راتب، واجب نیست بلکه مستحب است؛ ولی برای این که مفاسدی به وجود نیاید سزاوار است اینگونه مسائل رعایت گردد.

سؤال ۲۴۶- آیا کسی که یک دست او قطع شده است می‌تواند امام جماعت بشود؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۴۷- یک نفر از اهل علم وارد شهر یا روستایی می‌شود که اهالی او را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۵

نمی‌شناسند، آیا می‌توانند به او اقتدا کنند؟

جواب: چنانچه اطمینان به عدالت او داشته باشند کافی است.

سؤال ۲۴۸- آیا اقتدا به امام جماعت و سواسی که مثلاً کلمه‌ای را چند بار تکرار می‌کند جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست ولی توجه داشته باشید رعایت احتیاط به تکرار یکی دو بار دلیل بر سواسی بودن نیست. سؤال ۲۴۹- شخصی امام جماعت را در حال تشهد دید، ظن یا علم پیدا کرد که تشهد آخر است. از جهت دریافت ثواب اقتدا کرد و نشست،

بعد معلوم شد که تشهد اول بوده، تکلیف او چیست؟

جواب: احتیاط آن است که نمازش را همراه امام تمام کرده و بعداً اعاده نماید.

سؤال ۲۵۰- امام جماعت مقلد مرجعی است که اعاده جماعت را در مسجد دیگر با جماعت دیگر جایز می‌داند ولی مأمومین مسجد دوم مقلد مرجعی دیگرند که جایز نمی‌داند، آیا مأمومین مسجد دوم می‌توانند به آن امام اقتدا کنند؟

جواب: نمی‌توانند ولی اگر آنها خبر ندارند بر امام لازم نیست مطلب را برای آنها شرح دهد.

سؤال ۲۵۱- امام جماعتی در دو محل نماز می‌خواند. آیا شخصی که همیشه ملازم اوست می‌تواند به همین امام در هر دو محل اقتدا کند؟

جواب: نماز دوم مأموم اشکال دارد مگر اینکه احتمال دهد در نماز اولش خللی بوده یا قصد نماز قضا برای خودش یا شخص مبتدی نماید.

سؤال ۲۵۲- شخصی در مسجد جهت نماز جماعت جانمازی گذاشته و بیرون رفته و جماعت برپا شده و صاحب آن مراجعت نکرده است، در این صورت به محض منعقد شدن نماز جماعت حق او از آن مکان ساقط شده و دیگری می‌تواند جای او را تصرف کند؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۶

جواب: احتیاط آن است که تا رکوع رکعت اول مهلت دهد اگر نیاید حق دارد.

سؤال ۲۵۳- یک پای امام جماعتی در اثر حادثه‌ای شکسته، حال در اثر شکستگی، پای او درست جمع نمی‌شود که برای تشهد و سجود و سلام زانو بزند و باید آن پای شکسته را در سجود و تشهد کمی دراز کند، ولی شرایط دیگر موجود است، آیا جایز است که با این حال امامت نماید؟

جواب: جایز است.

سؤال ۲۵۴- امامت جماعت زن برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است.

سؤال ۲۵۵- امام راتب مسجدی غیر روحانی است. اگر فردی روحانی به طور اتفاقی به آن مسجد برود و بخواهد امام جماعت بشود آیا باید از امام راتب غیر روحانی اجازه بگیرد؟ و آیا با وجود روحانی، غیر روحانی می‌تواند امام جماعت بشود؟ جواب: اجازه گرفتن واجب نیست ولی به اخلاق مؤمن نزدیکتر است اما در جایی که آقایان روحانی هستند امامت غیر روحانی خالی از اشکال نیست.

سؤال ۲۵۶- آیا برای مأموم جایز است که در رکعت دوم بعد از آن که امام سوره توحید را خواند «کذلک الله ربی» بگوید؟

جواب: به قصد ذکر مطلق مانعی ندارد.

سؤال ۲۵۷- امام جماعتی از مردم و مأمومین مقداری پول و قدری سهم مبارک امام (علیه السلام) جهت ساختن مسجدی گرفته ولی در این مورد اقدامی نکرده است. اکنون صاحبان پول، پول خود را طلب می‌کنند ولی او می‌گوید شما حق مطالبه ندارید، من و کیل حاکم شرع هستم و خودم می‌دانم چه کنم آیا نماز خواندن پشت سر این عالم جایز است؟

جواب: اگر وجوه مزبور را به عنوان سهم مبارک امام (علیه السلام) داده‌اند، او باید با نظر مجتهد یا نماینده او عمل کند و اگر به عنوان تبرع بوده باید نظر مردم را تأمین کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۷

سؤال ۲۵۸- نماز کسانی که به هنگام انعقاد نماز جماعت در محل اقامه جماعت به صورت فرادی می‌خوانند چه حکمی دارد؟

جواب: هر گاه هتک امام جماعت مسجد شود اشکال دارد.

سؤال ۲۵۹- اگر امام جماعت بعد از نماز بفهمد که به علتی نمازش باطل بوده آیا لازم است که به مأمومین اطلاع بدهد تا آنان نماز خود را اعاده کنند؟
جواب: لازم نیست.

سؤال ۲۶۰- آیا شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیّه کراهت دارد؟
جواب: در شرایط فعلی شرکت آنها بهتر و گاهی لازم است.

سؤال ۲۶۱- کسی که نماز ایستاده می‌خواند و رکوع را به طور معمولی انجام می‌دهد اما برای سجده روی صندلی می‌نشیند و روی میز مهر می‌گذارد و سجده می‌کند، آیا چنین کسی می‌تواند امام جماعت بشود؟
جواب: احتیاط واجب در ترک آن است.

سؤال ۲۶۲- اگر انسان شک کند که قرائت امام جماعت مطابق فتوای مرجع او می‌باشد آیا می‌تواند اقتدا کند؟ و در صورت جواز اقتدا؛ آیا اعاده نماز به عنوان احتیاط لازم است؟
جواب: تا زمانی که یقین به خلاف نداشتن اقتدا جایز است و اعاده نماز احتیاطاً لازم نیست.

سؤال ۲۶۳- اگر در مسجد جامع شهری نماز جماعت برگزار گردد و عدّه قلیلی در هنگام اقامه نماز جماعت به قصد تضعیف، تشکیل نماز فرادی بدهند نمازشان چه حکمی دارد؟
جواب: نمازشان اشکال دارد.

سؤال ۲۶۴- در صف اول نماز سه نفر که لباسشان نجس است، نماز می‌خوانند آیا اتصال سمت راست خود را به هم می‌زنند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۸

جواب: هرگاه شخصی نداند لباس یا بدن او نجس است و نماز بخواند نماز او صحیح است و اتصال برقرار می‌باشد.

سؤال ۲۶۵- مردم روستا به این جانب پیشنهاد امامت جماعت را می‌نمایند که در صورت نبودن روحانی نماز جماعت برقرار باشد و روحانیون محترم هم که برای تبلیغ به این روستا تشریف می‌آورند نیز پیشنهاد نموده‌اند ولی بنده به واسطه ضعیف بودن دید چشم احتیاط می‌کنم، چنانچه اجازه فرمایید این مسئولیت را به عهده می‌گیرم.

جواب: در صورتی که مردم به عدالت شما عقیده دارند و قرائت شما صحیح است و روحانی برای اقامه جماعت حضور ندارد می‌توانید امام جماعت شوید.

نماز جمعه و عیدین

سؤال ۲۶۶- اگر مسافر با طهارت فقط دو خطبه نماز جمعه را استماع کند آیا از دو رکعت ظهر کفایت می‌کند و اصولاً آیا مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند؟

جواب: مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند و نماز او مجزی است ولی تنها استماع دو خطبه کافی نیست و باید دو رکعت نماز جمعه را بخواند.

سؤال ۲۶۷- در بعضی مناطق خطبه‌های نماز جمعه را پیش از اذان می‌خوانند در این صورت آیا بازم شرکت در نماز جمعه واجب تخییری است و اگر کسی در نماز جمعه شرکت کند نماز ظهر را نیز باید بخواند؟
جواب: در فرض مسأله احتیاط آن است که نماز ظهر را هم بخواند.

سؤال ۲۶۸- مسافتی که بین دو نماز جمعه معتبر است آیا از راهی که مردم رفت و آمد می‌کنند محاسبه می‌شود و یا اینکه از راه هوایی محاسبه می‌شود، دلیل بر این مسأله چیست؟

جواب: معیار راه زمینی است و دلیل بر این مطلب انصراف اطلاقات به راه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۸۹

عادی و معمولی است مخصوصاً که راه مستقیم هوایی از راه عادی که مردم رفت و آمد می‌کنند معمولاً کوتاهتر است و اگر مدار بر راه مستقیم بود باید در روایات به آن تصریح می‌شد.

سؤال ۲۶۹- آیا اقتدا به نماز عصر امام جمعه صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۰- آیا شرکت بانوان در نماز جمعه کراهت دارد؟

جواب: شرکت آنها در نماز جمعه با توجه به عناوین ثانویه در عصر و زمان ما اولی است.

سؤال ۲۷۱- آیا نماز عید را می‌توان به جماعت در دو مکان انجام داد؟

جواب: مشکل است، ولی در نمازهای یومیّه دو بار با دو گروه مختلف می‌توان خواند.

مسائل متفرقه نماز

سؤال ۲۷۲- آیا سلامهای سه گانه‌ای که نمازگزاران بعد از نماز می‌خوانند نصّ خاصی دارد؟

جواب: سلامهای سه گانه‌ای که به سه طرف خوانده می‌شود دلیل خاصی ندارد ولی به نیت اوامر مطلقه زیارت مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۳- آیا می‌توان نماز فریضه را به صورت تعلیمی خواند؟

جواب: هرگاه قصد قربت داشته باشد مانعی ندارد.

جواب: خوابیدن با علم به اینکه نماز قضا می‌شود اشکال ندارد ولی تا ممکن است این کار را انجام ندهد.

سؤال ۲۷۵- چنانچه فرد مسلمانی در مأموریت‌های فضایی به خارج از جوّ کره زمین برود با توجه به اینکه در خلأ قرار گرفته و هیچ

ایستایی و سکونی نمی‌تواند داشته باشد و نمی‌تواند وضو بسازد، زیرا آب نیز در آنجا به حالت معلق می‌باشد و همچنین به واسطه

حساسیت دستگاههای فضاپیما کوچکترین ذره غباری نیست که حتی بتواند تیمّم کند و اگر باشد آن هم معلق است و حتی برایش

افق معنا ندارد و قبله‌ای نیست، تکلیف وی چه می‌باشد؟

جواب: نماز خود را به همان حالت بخواند و اگر مدّت کوتاه است احتیاطاً بعداً قضا کند و اگر مدّت طولانی است قضا ندارد.

سؤال ۲۷۶- نظر شما در مورد سن و شرایط بلوغ دختران و تکالیف شرعی آنها چیست؟

جواب: دختران پس از تمام شدن ۹ سال قمری بالغ می‌شوند ولی اگر نتوانند بعضی از وظایف را مانند روزه بر اثر ضعف انجام

دهند از آنها ساقط می‌شود و به جای آن برای هر روز یک مد طعام (تقریباً ۷۵۰ گرم گندم یا مانند آن) به فقیر می‌دهند.

سؤال ۲۷۷- شخصی که به طریقی یا برای سفر یا به عنوان کاری که ایجاب کرده است به قطب سفر کرده و مدّت مدیدی را قصد

اقامت کرده (قابل توجه اینکه در قطب شش ماه روز و شش ماه شب می‌باشد) با توجه به این مطلب نماز و روزه و قبله این شخص

چگونه می‌باشد؟ حال اگر شخصی قصد سفر کره ماه را داشته باشد نماز و روزه و قبله او در طول راه (و داخل سفینه) و در روی

کره ماه چگونه می‌باشد؟

جواب: باید مطابق مناطق معتدله عمل کند شرح این مطلب را در کتاب نماز و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۱

روزه در قطبین نوشته‌ایم اما قبله در مناطق قطبی مشکل ندارد، به سمتی می‌ایستد که نزدیکترین فاصله را با مکه داشته باشد و از

اینجا حکم نماز و روزه در سفرهای فضایی روشن می‌شود و قبله مسافران فضا آن سمت است که زمین و امتداد آن در آسمان قرار

دارد.

سؤال ۲۷۸- تبعیت از مدیران تارک الصلاة چگونه است؟

جواب: تبعیت از دستورات نامشروع آنها جایز نیست ولی از دستورات صحیح و مشروع آنها باید تبعیت کرد و باید افرادی را در رأس کارهای جامعه اسلامی بگذارند که ملتزم به احکام شرع باشند.

سؤال ۲۷۹- کسی که می‌داند یا احتمال قوی می‌دهد که به جهت شب‌نشینی و یا مطالعه و غیره نماز صبحش قضا می‌شود آیا شرعاً برای شب‌نشینی یا مطالعه مجاز است؟

جواب: این کار بر خلاف احتیاط است و اگر موجب وهن نماز شود حرام می‌باشد.

سؤال ۲۸۰- دعا کردن به زبان غیر عربی و به غیر ادعیه مأثوره در قنوت نماز چه حکمی دارد؟

جواب: به زبان غیر عربی اشکال دارد و خواندن هر دعایی که مضمون صحیحی داشته باشد در قنوت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸۱- برخی از دانشجویان عقیده دارند از آنجا که حکم مصافحه بعد از نماز در احادیث نیامده است این کار بدعت محسوب می‌شود و باید ترک کرد و از طرفی در صورت ترک مصافحه بعد از نماز اهداف خاص نماز جماعت آن چنان که شایسته است به اجرا در نمی‌آید حال تمنا دارد حکم مصافحه بعد از نماز را بیان بفرمایید؟

جواب: بدعت آن است که چیزی را به قصد جزئیت در دین انجام دهد و یا در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۲

عمل معرف چنین مطلبی باشد بنابراین اگر مصافحه را به نیت مطلوبیت مطلقه که دارد انجام دهند و گاهی نیز آن را ترک کنند اشکالی حاصل نمی‌شود.

سؤال ۲۸۲- آیا کسی که قادر به اصلاح قرائت نیست ولی در صورت مراجعه به گفتار درمانی به احتمال قوی موفق به اصلاح می‌گردد آیا این درمان برایش واجب خواهد بود؟

جواب: احتیاط آن است که درمان کند.

سؤال ۲۸۳- آیا بستن چشمان در نماز جهت تواضع و تمرکز حواس جایز است؟

جواب: بستن چشمها در نماز مکروه است ولی اگر راه حضور قلب منحصر به آن گردد مستحب بودن آن بعید نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۳

فصل یازدهم: احکام روزه

مبطلات روزه

سؤال ۲۸۴- آیا فرو بردن وسایل غیر خوراکی (مانند وسایل معاینات پزشکی) در دهان به هنگام روزه باعث بطلان روزه می‌گردد؟
جواب: موجب بطلان روزه نمی‌شود مگر اینکه آلوده به آب دهان شود و آن را بیرون آورد و سپس وارد دهان کند و رطوبت آن ابزار به قدری باشد که در آب دهان مستهلک نشود و آن را فرو برد.

سؤال ۲۸۵- فردی مبتلا به نفس تنگی شدید است و از یک نوع وسیله طبئی استفاده می‌نماید که با فشار دادن سوزن آن داروی مایع به صورت پودر گاز از راه دهان به ریه‌ها پاشیده می‌شود باعث تسکین می‌گردد (این عمل چندین بار در روز تکرار می‌گردد) آیا می‌تواند با وجود استفاده از این وسیله روزه‌دار هم باشد با توجه به این که بدون استفاده از این دستگاه روزه گرفتن مشقتی غیر قابل تحمل دارد؟

جواب: اگر به صورت گاز رقیق وارد بدن می‌شود مانعی ندارد و روزه‌اش صحیح است و ما نمونه‌های معمول آن را دیده‌ایم اشکالی ندارد.

سؤال ۲۸۶- آیا فرو بردن چرک گلو باعث باطل شدن روزه می‌گردد؟

جواب: اگر به فضای دهان وارد نشود یا بدون اختیار فرو رود مانعی ندارد.

سؤال ۲۸۷- آیا فرو بردن اخلاط سینه موجب ابطال روزه می‌شود؟

جواب: اگر به فضای دهان نرسد موجب ابطال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۴

سؤال ۲۸۸- آیا در بیدار شدن جنب در شب ماه مبارک رمضان مختصر بیداری کافی است (مثلاً ساعت زنگ بزند و او مست

خواب بوده فوراً زنگ ساعت را خاموش کرده و خوابیده است)؟

جواب: این مقدار کافی نیست.

احکام روزه قضا و کفاره

سؤال ۲۸۹- آیا شخصی که احتمال می‌دهد روزه قضا دارد می‌تواند روزه مستحبی بگیرد و اگر برای روزه مستحبی مانند اعتکاف

نذر کند چطور؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۹۰- آیا با اجازه فقها (دام بقائهم) و یا مأذونین از طرف آنها می‌توان کفارات غیر عمدی روزه را در حوایج عمومی فقرا

(غیر از اطعام) صرف نمود؟

جواب: مصرف آن فقط اطعام است.

سؤال ۲۹۱- قیمت کفاره روزه ماه رمضان که به عذر شرعی مثل مرض و غیر آن افطار شده است چقدر است؟ و آیا معیار قیمت

شهری است که در آن زندگی می‌کنیم یا معیار ۷۵۰ گرم گندم یا خرما یا نان است بدون در نظر گرفتن شهری که در آن هستیم؟

جواب: ملاک قیمت شهری است که کفاره در آن پرداخت می‌شود و مقدار آن ۷۵۰ گرم است ولی قیمت آن را می‌توانید به

شخص مستحق بدهید بشرط این که اطمینان داشته باشید مصرف نان می‌کند.

سؤال ۲۹۲- آیا می‌توانم کفاره قضای روزه ماه رمضان را به برادرم که قصد ازدواج دارد و برای این امر به آن نیازمند است

بپردازم؟

جواب: احتیاط آن است که فقط مصرف نان شود.

سؤال ۲۹۳- بنده الآن حدود ۲۲ سال دارم و تقریباً از ۴ سال پیش تمامی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۵

روزه‌هایم را گرفته‌ام ولی قبل از آن چند روزی از روزه‌هایم را به دلایلی نگرفته‌ام و نمی‌دانم که تعداد آن روزها چقدر بوده است

وظیفه من چیست؟

جواب: همان مقدار که یقین دارید روزه نگرفته‌اید قضا کنید و اگر روزه نگرفتن عمدی بوده کفاره نیز واجب است مگر اینکه

جاهل به مسائل روزه بوده‌اید.

سؤال ۲۹۴- تکلیف شخصی که روزه‌های زیادی را افطار کرده است چیست؟

جواب: تا آنجا که بتواند روزه‌های گذشته را قضا کند و نسبت به کفاره آنها مطابق مسأله ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ توضیح المسائل ما عمل

کند و هر چه توانایی ندارد از او ساقط است.

سؤال ۲۹۵- کسی که فقط ۲۸ روز از ماه رمضان را درک بکند چون که در اول ماه مبارک در ایران است و آخر ماه مبارک در یک کشور عربی است که ماه شوال یک روز زودتر دیده می‌شود و لهذا ۲۸ روز را درک کرده است آیا قضای یک روز بر او واجب است یا هیچ قضا لازم نیست؟

جواب: قضای یک روز بر او واجب نیست ولی احتیاط مستحب است.

سؤال ۲۹۶- دادن کفاره به واجب التّفقه جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که کفاره را مطلقاً به واجب التّفقه ندهد.

سؤال ۲۹۷- وظیفه خانمی که سال اول تکلیف روزه‌اش را خورده است چیست؟ و اگر باید قضا کند چگونه قضا نماید؟

جواب: کفاره ندارد خواه جاهل مقصر بوده یا قاصر ولی اگر عمداً و عالماً روزه نگرفته کفاره دارد و در تمام صور مسأله، قضا لازم است.

سؤال ۲۹۸- شخصی چند روز از ماه رمضان را عمداً افطار کرده است اما تعداد دقیق آن را نمی‌داند وظیفه او چیست؟

جواب: به مقداری که یقین دارد، روزه‌هایی را که خورده باید هم قضا کند و هم برای هر روز کفاره بدهد و چنانچه بار او سنگین شود و نتواند، مطابق آنچه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۶

مسأله ۱۴۰۲ توضیح المسائل گفته‌ایم عمل کند.

سؤال ۲۹۹- آیا افطار روزه استیجاری بعد از ظهر جایز است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۰۰- این جانب مقلد امام خمینی (رحمه الله) بوده‌ام و به فتوای حضرت‌تعالی بر تقلید از ایشان باقی هستم، ایشان در باب روزه مستحبی می‌فرماید اگر سبب اذیت پدر و مادر و جدّ شود جایز نیست با توجه به این مطلب که این جانب قادر به ازدواج نمی‌باشم و گرفتن روزه مستحبی را تنها راه جلوگیری از فعل حرام یافته‌ام و از طرفی هم پدر و مادرم راضی به گرفتن روزه مستحبی توسط من نمی‌گردند و نمی‌توانم آنان را به این امر راضی کنم آیا با وجود چنین شرایطی می‌توان بدون در نظر گرفتن رضایت پدر و مادر روزه گرفت؟

جواب: در فرض مسأله گرفتن روزه مستحبی برای شما جایز است ولی سعی کنید رضایت آنها را تا آنجا که می‌توانید جلب کنید.

سؤال ۳۰۱- چنانچه دکتر مریض را از روزه گرفتن منع کند (با توجه به اینکه بعضی از دکترها نسبت به مسائل شرعی بی‌اطلاع هستند) آیا نظریه او در این مورد قابل قبول است؟

جواب: اگر دکتر مورد اطمینان باشد نظریه او قابل قبول است.

احکام رؤیت هلال

سؤال ۳۰۲- اگر اول ماه شوال در مشهد رؤیت شود که با افغانستان نیم الی یک ساعت تفاوت افق دارد آیا اول ماه در افغانستان هم ثابت می‌شود؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۳۰۳- در شهری که اکثریت با اهل سنت است و شیعه‌ها در اقلیت هستند اگر در عید قربان و عید فطر قطع به خلاف نداشته باشیم آیا می‌توانیم با آنها عید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۷

بگیریم و اگر در نجف اشرف ماه را دیده باشند و بیست و نه روز روزه گرفته‌اند ولی در استانبول دیده نشده و سنی‌ها سی روز روزه می‌گیرند و یک روز بعد از نجف عید می‌نمایند وظیفه ما شیعه‌ها چیست؟

جواب: اگر موازین تقیّه وجود داشته باشد می‌توانید با آنها عید کنید و اگر ماه در نجف ثابت شود برای استانبول کافی است.

سؤال ۳۰۴- اگر هلال ماه رمضان در شهری دیده شود آیا برای شهرهای دیگری که افق آنها یک یا دو ساعت فرق دارد اول ماه ثابت می‌شود؟

جواب: اگر شهری که ماه در آن دیده شده نسبت به شهر مورد بحث غربی باشد ماه ثابت نمی‌شود و اگر شرقی باشد ثابت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۹۹

فصل دوازدهم: احکام خمس

ارباح مکاسب

سؤال ۳۰۵- آیا هدیه خمس دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب خمس به آن تعلق می‌گیرد.

سؤال ۳۰۶- اگر خانمی دارای طلای ساخته شده برای زینت باشد و بعضی از آن هدیه باشد و سال بر آن بگذرد، آیا خمس دارد؟

جواب: چنانچه زینت آلات مزبور مورد نیاز یا جزء شئون او بوده باشد خمس ندارد.

سؤال ۳۰۷- آیا هبه پدر به فرزند نابالغ خمس دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اگر پدری به فرزند نابالغ خود چیزی ببخشد فرزند پس از بلوغ خمس آن را بپردازد.

سؤال ۳۰۸- علما می‌گویند انسان باید حساب سال داشته باشد، اگر کسی درآمد او کمتر از مخارجش باشد باز هم واجب است

حساب سال داشته باشد؟

جواب: منظور علما نیز کسی است که درآمد اضافی و پس‌انداز داشته باشد نه کسی که درآمد اضافی و پس‌اندازی نداشته باشد.

سؤال ۳۰۹- آیا خمس به حقوق بازنشستگی تعلق می‌گیرد؟

جواب: پولی که از دولت بعد از بازنشستگی دریافت می‌کند درآمد همال سال محسوب می‌شود و اگر از مخارج آن سال اضافه

باشد خمس دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۰

سؤال ۳۱۰- آیا باغی که با پول مخمس خریده شده خمس دارد؟

جواب: باغ مزبور خمس ندارد ولی میوه‌ها خمس دارد و نسبت به قیمت اضافی در موقع فروش باید خمس آن را بپردازد.

سؤال ۳۱۱- شخصی مقداری پس‌انداز دارد که حاصل وام، حقوق و اضافه کاری است آیا خمس دارد؟

جواب: آنچه وام بوده و اقساط آن را پرداخته خمس ندارد و اما آنچه به عنوان حقوق و اضافه کار گرفته یا وامی که اقساط آن را

پرداخته خمس دارد.

سؤال ۳۱۲- آیا سپرده‌های بلند مدت بانکها که توسط بانک در گردش کاری می‌باشد مشمول خمس می‌شود؟

جواب: چنانچه خمس آن را پرداخته باشد باید بپردازد.

سؤال ۳۱۳- آیا خانه‌ای که پدرم به من بخشیده و خود نیز مقداری خرج آن کرده‌ام متعلق خمس است؟

جواب: چنانچه خانه‌ای که پدر به شما بخشیده مورد نیاز برای سکونت بوده است خمس ندارد ولی احتیاط این است که خمس مبلغی را که کار کرده بودید پردازید، نسبت به کار پدرتان نیز حمل بر صحت کنید و بگویید ان شاء الله کارش درست بوده است.

سؤال ۳۱۴- آیا به پول حاصل از فروش زمین و وسایل زندگی و طلاجات خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه زمین مورد نیاز برای منزل مسکونی بوده حتی بعد از فروشش خمس ندارد و آنچه از طریق فروش وسایل زندگی و طلا و امثال آن بوده آن هم خمس ندارد.

سؤال ۳۱۵- آیا حیوانات اهلی چون گاو و گوسفند خمس دارند؟

جواب: چنانچه از شیر و پشم آنها و مانند آن برای مصارف شخصی استفاده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۱

می‌کنند خمس ندارد اگر تنها برای کود زراعت و خرد کردن خرمن است حکم سرمایه و ابزار کار دارد و همچنین اگر از آنها به عنوان بهره‌برداری کسبی استفاده می‌کنند.

سؤال ۳۱۶- در جلسات ترحیم و هفته و چهلم، گلهای گران قیمتی به صورت تاج گل به این مجالس می‌برند که این گلهای پس از مدتی به سطل زباله ریخته می‌شود اول این که آیا بردن چنین گلهای گرانی از مصادیق اسراف می‌باشد و دوم این که آیا خمس دارد؟

جواب: اگر قیمت زیادی برای آن می‌پردازند بعید نیست که مصداق اسراف و مشمول خمس باشد مگر اینکه برای امر مهمی تهیه شود.

سؤال ۳۱۷- آیا بر هیزمهایی که برای سوخت و مصارف دیگر ذخیره می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: آنچه برای مصارف سوخت و سایر مصارف آن سال است خمس ندارد و آنچه برای سالهای آینده است خمس دارد.

سؤال ۳۱۸- آیا پولی که به عنوان دیه خون گرفته شده با گذشت سال خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: دیه خمس ندارد.

سؤال ۳۱۹- اگر شخصی چهار ماه قبل از اینکه حساب سالش برسد پولی را که کار کرده به شخصی قرض بدهد و بعد از دو سال شخص قرض گیرنده پول را پردازد آیا مدّت دوسالی که بر این پول گذشته، خمس به این پول تعلق می‌گیرد؟

جواب: بعد از وصول طلب باید خمس آن را داد.

سؤال ۳۲۰- شخصی بیست سال قبل سرقفلی مغازه‌ای را به مبلغ صد هزار تومان خریده و خمس آن را پرداخته است اینک آن را به مبلغ پانزده میلیون تومان فروخته، با توجه به تورم و پایین آمدن ارزش پول آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۲

جواب: به مازاد یک صد هزار تومان خمس تعلق می‌گیرد.

سؤال ۳۲۱- مردم بلتستان برای مؤونه خودشان درخت مثمر و غیر مثمر می‌کارند و بعد از رسیدن زمان قطع درخت غیر مثمر شاخه‌های آن را قطع می‌کنند و برای مؤونه خودشان و عیالات و ... استفاده می‌کنند و اصلش را می‌گذارند باز همین طور دو سال سه سال و گاهی بیشتر از این می‌ماند بعد شاخه‌ها را باز قطع می‌کنند و خرج می‌کنند و از میوه درخت مثمر برای مخارج استفاده می‌کنند آیا بر اینها خمس تعلق می‌گیرد و بنابر تعلق به چه کیفیت باید ادا شود؟

جواب: هرگاه غرض از کاشت درختان تأمین مصارف شخصی باشد خمس ندارد و اگر برای کسب و کار و تجارت باشد خمس دارد.

سؤال ۳۲۲- مردم بلتستان حیوانات را هم برای مؤونه نگهداری می‌کنند و اگر حیوانات در خانه نباشند بری زراعت کود لازم است

و شیر و روغن و گوشت برای خوردن و مو و پشم آنها برای لباس و فرش و غیره استفاده می‌کنند و هکذا لوازمات خانه را عموماً از حیوانات تهیه می‌کنند آیا این حیوانات خمس دارند؟ و اگر دارند طریقتش را بیان فرماید.
جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۳۲۳- ابتدای عمل، چه درخت باشد و چه حیوان، قصد تجارت ندارد بلکه قصد مؤونه دارد و گاهی نه قصد مؤونه دارد و نه قصد تجارت بلکه مطلق می‌گذارد و بعد از به دست آوردن ثمره و رشد و ... هم تجارت و هم در خرج مؤونه استعمال می‌کنند اینجا درباره خمس چه حکم می‌فرماید؟

جواب: نسبت به مقدار مورد نیاز برای مؤونه و مصارف شخصی خمس ندارد و نسبت به مازاد آن خمس دارد.

سؤال ۳۲۴- طلباب در حال تحصیل در حوزه علمیه کتابهای تاریخی و ... آنچه لوازم خودشان هست می‌خرند و اگر نخرند بعداً نمی‌توانند تهیه کنند یا مثلاً خیلی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۳

گران می‌شود به هر حال بعداً مشکلاتی به وجود می‌آید لذا حتی الامکان کوشش می‌کنند که ارزانتر بخرند امّا همه را الآن نمی‌توانند مطالعه کنند لاقلاً یک سال یا دو سال بدون مطالعه می‌ماند، آیا خمس دارد؟ اگر دارد قیمت زمان خرید را حساب کند یا قیمت روز را؟

جواب: آنچه مورد نیاز نبوده خمس دارد و ملاک قیمت امروز است.

سؤال ۳۲۵- در بعضی مناطق سردسیر به علت کمبود نفت و مانند آن، از هیزم استفاده می‌کنند به همین منظور درختانی می‌کارند که از شاخه‌های آنها برای سوخت استفاده کنند مردم این مناطق خمس هیزمهایی که از سال اضافه می‌آید را می‌پردازند آیا این کار صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد، بلکه لازم است.

سؤال ۳۲۶- طلبه‌ای از پدرش خانه‌ای را به ارث برده است که متعلق خمس است در حالی که این طلبه قادر به پرداخت خمس نیست و بدهکار نیز هست چه کار کند که تصرفش در این خانه جایز باشد؟

جواب: می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند و چنانچه مستحق گرفتن خمس باشد با او دستگردان نماید.

سؤال ۳۲۷- زمینی در حدود سی سال قبل جهت تأمین مسکن مجاناً به گروهی از فرهنگیان واگذار شد، ولی چون موقعیت زمین مذکور جهت تهیه مسکن تا سالها بعد اجازه نمی‌داد که در آن ساختمان مسکونی به وجود آید ناچار پس از چندین سال اقدام به خرید منزل نموده‌اند اکنون زمین مذکور چنانچه به فروش برسد یا تبدیل به ساختمان شود وجهی که از بابت فروش زمین مذکور عاید می‌گردد مشمول پرداخت خمس می‌گردد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خمس آن پرداخت شود.

سؤال ۳۲۸- کسی که سال خمس او در پایان اسفند ماه بوده است اگر در نیمه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۴

اسفند فوت کرد آیا بر وجوه باقیمانده وی که به عنوان ارث باقیمانده و مربوط به یازده ماه و نیم (۱۱/۵ ماه)، سال قبل می‌باشد خمس تعلق می‌گیرد؟ و همچنین این مرحومه قالی کهنه خود را تبدیل به یک قالیچه به قیمت (۲۵۰۰۰ تومان) نموده بوده که زیر پا انداخته نشده آیا به قیمت این فرش خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به درآمد آن سال خمس تعلق می‌گیرد ولی قالیچه اگر مورد نیاز بوده خمس ندارد.

سؤال ۳۲۹- اگر میتی تعداد ۱۷۱ رأس گوسفند داشته باشد آیا خمس به آنها تعلق می‌گیرد یا زکات؟ در صورتی که گوسفند

سرمایه میت بوده است؟

جواب: در صورتی که شرایط زکات در آنها بوده اول باید زکات گوسفندان را بدهد و چنانچه در آخر سال چیزی از مخارج سال اضافه بماند باید خمس آن را نیز پردازد.

سؤال ۳۳۰- در منطقه ما بعضی از خانواده‌ها دارای حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ رأس گوسفند هستند که به وسیله آنها امرار معاش می‌کنند مستدعی است صورت‌های مسأله را در رابطه با خمس این گوسفندان بیان فرمایید؟

جواب: خمس به سرمایه تعلق می‌گیرد و آنچه نوشته‌اید شکل سرمایه دارد، ولی اگر با کمتر از آن مقدار سرمایه، زندگی او اداره نشود از خمس معاف است.

سؤال ۳۳۱- اگر کاسبی در سال گذشته یک تن آلومینیوم به ارزش سیصد و پنجاه هزار تومان سرمایه‌اش بوده و خمس آن را حساب کرده و پرداخته باشد، ولی اکنون ارزش هر تن آلومینیوم حدود یک میلیون تومان است در صورتی که مقدار تغییر نکرده است ولی قیمت آن ششصد و پنجاه هزار تومان بیشتر از سال قبل است با توجه به اینکه سودی در کار نیست و این کار اگر دو یا سه سال تکرار شود دیگر سرمایه‌ای باقی نمی‌ماند که کاسب بتواند کار خود را ادامه دهد.

الف) نظر جنابعالی در این مورد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۵

ب) اگر کسی یک پنجم اصل سرمایه را (نه قیمت آن را) به صورت خمس بدهد سال بعد می‌تواند مقدار را ملاک قرار دهد؟
جواب: الف) افزایش قیمت بازار موجب خمس است ولی اگر به جایی برسد که سرمایه او برای اداره زندگی بعد از دادن خمس کافی نباشد از دادن خمس معاف است.

ب) ملاک قیمت است نه مقدار.

سؤال ۳۳۲- مبنای سال خمس کارمند اولین حقوق دریافتی است یا زمان دیگر، سال شمسی مورد نظر است یا قمری؟

جواب: مبدأ آن، اولین درآمد است سال قمری و شمسی هر دو جایز است.

سؤال ۳۳۳- آیا مردم می‌توانند مالیاتی که به دولت اسلامی پرداخت می‌نمایند را بابت خمس حساب نمایند؟

جواب: مالیات شبیه سایر هزینه‌هاست و جزء هزینه سال محسوب می‌شود و بابت خمس محسوب نمی‌شود.

سؤال ۳۳۴- خانه مسکونی را که زمانی با مقدار کم خریده‌ام اکنون قیمت آن زیاده شده است آیا مازاد قیمت آن خمس دارد؟

جواب: خانه مسکونی هر اندازه هم قیمتش بالا برود خمس ندارد

سؤال ۳۳۵- از طرف بنیاد شهید حقوقی به خانواده محترم شهدا پرداخت می‌شود و عده‌ای از خانواده‌ها هزینه زندگی‌شان از سوی

دیگر تأمین می‌شود سؤال این است که به این حقوقی که از بنیاد می‌گیرند خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بنا بر احتیاط لازم در سر سال خمس زیادی را بدهند.

سؤال ۳۳۶- در شهر ما اکثر خانمها قالی‌باف هستند و در کنار خانه‌داری فرش نیز می‌بافند ولی معمولاً خرید لوازم فرش و همچنین

فروش فرش و تصرف در پولش به عهده شوهر است و از آنجا که بافتن این فرشها چند سال طول می‌کشد تا تمام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۶

شود افراد سر سال خود چگونه حساب کنند؟ و اگر بعد از چند سال که فروخت و موقع وصول پول آن در سال بعد باشد بفرمایید

جزء درآمد سالی که پول را وصول می‌کند حساب می‌شود یا به مجرد این که پول را وصول کرد باید خمس آن را پرداخت کند؟

جواب: فرش هنگامی که آماده فروختن شد جزء درآمد آن سال محسوب می‌شود که با گذشت سال خمسی اگر چیزی اضافه بماند

باید خمس آن را پردازد.

سؤال ۳۳۷- این جانب بدون داشتن خانه شخصی رنج می‌برم و بدون وام قدرت خرید خانه ندارم فلذا با دریافت وام دولتی (و یا شخصی) خانه‌ای خریدم با این حال اول این که در مبدأ سال خمسی که دارم به مازاد بر مایحتاج که خواهم داشت خمس تعلق می‌گیرد یا نه و دوم این که به هنگام پرداخت اقساط بانکی و یا شخصی تخمیس قسطها را واجب می‌دانید؟
جواب: تخمیس قسطها واجب نیست اما زاید بر قسطها اگر داشته باشید خمس دارد.

سؤال ۳۳۸- کسانی که تاکنون خمس نداده‌اند آیا تنها پول نقد آنها محاسبه می‌شود یا ضروریات زندگی نیز محاسبه می‌شود و یا باید مصالحه شود؟

جواب: تمام اموالشان را باید حساب کنند و نسبت به ضروریات و وسایل زندگی با حاکم شرع مصالحه نمایند.

سؤال ۳۳۹- اگر ارثیه‌ای را که متعلق خمس نیست بفروشند و تبدیل به نقد کنند آیا بعد از تبدیل مشمول خمس خواهد بود؟
جواب: مشمول خمس نیست.

سؤال ۳۴۰- آنچه بعضی از فقها (رضوان الله علیهم) از جمله امام (قدس سره) فرموده‌اند که در هدیه خمس نیست آیا تملیک‌های کلان اعم از زمین و خانه و مغازه و اتومبیل و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۷

را نیز شامل می‌شود و یا آنها حساب دیگری دارند؟

جواب: فرقی بین هبه کلان و غیر کلان نیست، ولی طبق فتوای ما همه اینها بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

سؤال ۳۴۱- آیا تعیین سال روز خمسی اختصاص به مردها دارد که به عنوان نان‌آور و مدیر خانواده هستند و یا زنان خانه‌داری که تحت سرپرستی مردها به سر می‌برند و عایدات جزئی و محقر دارند را نیز شامل می‌شود؟ اگر عایدات آنها نیز متعلق خمس باشد آیا کیفیت تخمیس اموال آنان با مردان متفاوت است یا نه (توضیح اینکه گویا بعضی از آقایان گفته‌اند زن شوهردار باید به محض دریافت تخمیس کند)؟

جواب: هر کس درآمدی زاید بر مخارج دارد باید سال خمس داشته باشد و بعد از گذشتن سال اموال خود را تخمیس کند.

سؤال ۳۴۲- شخصی به طور متناوب از درآمدش که مخلوط از نقد و نسیه و ارثیه و احیاناً مخلوطی هم از پول حرام است برای خود خانه مسکونی و اثاثیه آن را فراهم کرده و از ابتدای تکلیف تا این ساعت تصفیه حساب خمس نکرده است و حال می‌خواهد تصفیه کند آیا به این خانه و اثاثیه آن خمس تعلق می‌گیرد و یا جزء مثنونه سال و مستثناست مضافاً اینکه فرضاً خمس تعلق بگیرد تخمینی حدود یک میلیون بدهکار می‌شود و از عهده پرداخت آن (چه فعلاً و چه به تدریج) عاجز است چون درآمدی بسیار کم دارد با این وضع آیا می‌تواند با حاکم شرع و یا نماینده او به مبلغی که قادر به پرداخت باشد مصالحه کند؟

جواب: در صورتی که در حال و آینده مطمئناً قادر به پرداخت نیست می‌تواند مصالحه کند.

سؤال ۳۴۳- حقیر در خرید و فروش عمده سبزی و باربری با یک ماشین با چند نفر شریک هستم یکی از آنها برادرم هست که در پرداخت خمس کوتاهی می‌کند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۸

ایشان تصمیم به این کار دارد حتی یک بار هم انجام داده ولی فعلاً چند سال است که خمس نداده است موقعیت ما هم طوری است که کنار زدن او از شراکت نه از نظر فامیلی و نه از نظر وضع شغلی در محل به صلاح ما نیست تکلیف من چیست؟

جواب: ما به شما اجازه می‌دهیم که خمس خود را بدهید و نسبت به سهم خود تصرف کنید و سعی کنید برادران را نیز امر به معروف کنید.

سؤال ۳۴۴- این جانب ملک موروثی پدری را فروخته و جهت تحصیل فرزندانم در شهر، منزلی خریداری نموده‌ام آیا به پول به

دست آمده از فروش ملک ارث پدری خمس تعلق می‌گیرد و در صورت تعلق، آیا مجاز هستم به صوت اقساط پردازم؟
جواب: اگر آن ملک بعد از فوت پدر ترقی نکرده خمس ندارد و اگر ترقی کرده احتیاط واجب آن است که خمس تفاوت را بدهید مانعی ندارد به صورت اقساط پردازید.

مصرف خمس

سؤال ۳۴۵- کسی که خود را در معرض خطر دشمنانش می‌بیند آیا می‌تواند از سهم امام (علیه السلام) و سایر وجوه شرعی اسلحه و ابزار جنگی تهیه نماید؟
جواب: با اجازه حاکم شرع یا نماینده او مجاز است.

سؤال ۳۴۶- تبدیل وجه خمس به اجناس دیگر از قبیل پوشاک و وسایل زندگی و دادن آنها به سادات چگونه است به ویژه هنگامی که سید از پذیرفتن سهم سادات جداً ناراحت می‌شود؟
سؤال ۳۴۷- آیا سیادت از طریق مادر به فرزندان او منتقل می‌شود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۰۹

جواب: بعضی از احکام سیادت از جمله گرفتن خمس منتقل نمی‌شود و سبب آن در کتب فقهیه بیان شده است.

سؤال ۳۴۸- آیا سید غنی که مجتهد یا نماینده حاکم شرع نیست می‌تواند صرفاً به عنوان سیادت خویش در مواردی که پیش می‌آید، با فقرای مؤمنین دستگردان و امهال نماید؟
جواب: بدون اجازه مجتهد جامع شرایط اشکال دارد.

سؤال ۳۴۹- آیا لازم است که هر مقلدی خمس اموالش را به مرجع تقلید خودش بدهد؟
جواب: اعطای خمس به مرجع مقلد در صورتی لازم است که معلوم نباشد مجتهدین دیگر در همان مصارفی که مرجع مقلد لازم می‌داند مصرف می‌کنند و نیز در صورتی که مرجع به عنوان حکم حاکم از مقلدین خود خمس را طلب کند، لازم است. در غیر این دو صورت می‌توان به نظر مجتهدین دیگر مصرف کرد.

سؤال ۳۵۰- صرف سهم امام در زیارات چگونه است؟
جواب: اگر جزء شئون اوست و اسراف نیست جایز است.

سؤال ۳۵۱- آیا طلاب می‌توانند از سهم امام (علیه السلام) استفاده کنند؟

جواب: اخذ سهم امام برای آنان با اجازه حاکم شرع در صورتی که مشغول تحصیل علم مفید اسلامی هستند جایز است.

سؤال ۳۵۲- اگر میتی مدیون باشد و خمس نیز بدهکار باشد و ترکه، وافی به هر دو نباشد ورثه کدام را مقدم کنند؟
جواب: هرگاه مالی که به آن خمس تعلق گرفته موجود باشد باید خمس را مقدم بدارند و اگر آن مال موجود نیست احتیاط آن است که آن مال را میان هر دو طلبکار تقسیم کنند.

سؤال ۳۵۳- آیا تغییر زمان حساب سال جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۰

جواب: جلو انداختن حساب سال به هر اندازه هیچ مانعی ندارد ولی تأخیر آن جز با اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۳۵۴- اگر سیادت شخصی از طریق خبر دادن یکی از علمای انساب ثابت شود و عدّه زیادی از علما به وثاقت و خبره بودن و عدالت آن عالم شهادت بدهند آیا قول آن عالم حجت است؟
جواب: سیادت با شرایط ذکر شده ثابت می‌شود.

سؤال ۳۵۵- آیا اجازه حاکم شرع در مصرف سهم امام (علیه السلام) و سادات لازم است؟

جواب: در مورد سهم امام (علیه السلام) اجازه حاکم شرع واجب است و در مورد سهم سادات بنا بر احتیاط واجب باید اجازه گرفت.

سؤال ۳۵۶- الف) اگر شخصی به دیگری که مستحق خمس است مقداری پول به عنوان سهم امام (علیه السلام) بدهد که چیز معینی بخرد ولی آن شخص این پول را صرف خرید چیز مهمتری که ارزاتر است می کند آیا این کار جایز است؟

ب) اگر شخصی بر اثر شرم و خجالت به نام شخص دیگری طلب سهم امام کند و خود مصرف کند چه حکمی دارد؟

جواب: الف) در مورد سهم مبارک امام (علیه السلام) هرگاه مالک مصرف خاصی را تعیین کند پیروی از او لزومی ندارد و اما اگر حاکم شرع تعیین کند احتیاط رعایت آن است.

ب) هرگاه به نام زید بگیرد و در مورد عمرو مصرف کند اشکال دارد و اگر برای یک عنوان کلی بگیرد در هر یک از مصادیق آن صرف شود مانعی ندارد.

مسائل متفرقه خمس

سؤال ۳۵۷- حکم گنجی که افراد در زمین خود پیدا می کنند چیست؟

جواب: با شرایطی که در مسأله ۱۵۳۵ توضیح المسائل گفته ایم می تواند آن را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۱

تملک کند و خمس آن را پردازد.

سؤال ۳۵۸- آیا صرف نیت باعث جداسازی اموال و پولهایی که خمس آنها داده شده از غیر آنها می شود؟ به هر حال راه جداسازی چیست؟ مخصوصاً اگر در صندوقی یا بانکی باشد.

جواب: نیت کفایت نمی کند و جداسازی خارجی لازم است یا اینکه مخمس در حساب مشخصی باشد و غیر مخمس در حساب دیگر.

سؤال ۳۵۹- به طوری که می دانیم فقهای اسلام در اصل خمس اتفاق نظر دارند، ولی در موارد و مصارف آن اختلاف است، فقهای اهل سنت مورد خمس را منحصر به غنایم جنگی دانسته اند ولی فقهای امامیه به سودها و بازیافتهای تعمیر داده اند، سؤال این است که آیا از فقها و علمای طراز اول هر دو مذهب کسی یا کسانی هستند که نظر طرف مقابل را داشته باشند؟

جواب: ظاهراً مخالف معروفی نیست، به کتاب خلاف شیخ، کتاب الزکاة و الخمس، مسأله ۱۳۸ مراجعه کنید.

سؤال ۳۶۰- کسی که حساب سالانه جهت تعیین خمس قرار داده باشد و به منازل کسانی که وجوه شرعی خود را نمی پردازند به میهمانی برود و از غذای آنها استفاده کند یا با آب منزل آنها وضو بگیرد و در منزل آنها نماز به جا آورد چه صورتی دارد؟

جواب: هرگاه یقین داشته باشد که مال خمس در آن خانه یا غذا وجود دارد تصرف در آن جایز نیست مگر این که از حاکم شرع اجازه بگیرد.

سؤال ۳۶۱- آیا پرداخت عشریه، ریشه اسلامی دارد کفایت از خمس می کند؟

جواب: عشریه در اویش، ریشه اسلامی ندارد و عشریه در اسلام فقط مربوط به زکات غلات چهارگانه است به شرط این که با آب باران و قنات و مانند آن آبیاری شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۲

سؤال ۳۶۲- آیا کسی که در خانه پدری زندگی می کند باید خمس بدهد؟

جواب: اگر درآمد اضافی دارد باید خمس بدهد.

انفال

سؤال ۳۶۳- آیا بر جنگلها حکم ملک، جاری می‌شود و می‌توان مسأله ارث، وقف، اجاره و ... را بر آن مترتب کرد؟
جواب: ظاهر این است که بر این گونه جنگلها حکم ملک، جاری می‌شود و مسأله ارث و وقف و اجاره و ... صحیح است ولی بعد از تشکیل حکومت اسلامی و نهی حکومت از تملک جنگلها بدون رضایت حکومت نمی‌توان اقدام کرد.

سؤال ۳۶۴- طبق ظاهر آیات و روایات، انفال شامل همه دشتها و کوهها و جنگلها و دریاها و ... در سراسر جهان است؛ اما در شرایط فعلی که مرزهای جغرافیایی بین المللی مورد قبول همه حکومتهاست آیا انفال هم به این مرزبندیها محدود می‌شود؟
جواب: ظاهر روایات انفال، بلکه صریح بسیاری از آنها، شامل تمام منافع روی زمین است ولی پر واضح است که حاکم اسلامی و ولی فقیه می‌تواند طبق مصالح مسلمین ضوابط جهانی را ملحوظ دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۳

فصل سیزدهم: احکام زکات

زکات غلات

سؤال ۳۶۵- مقدار زکات گندم آبی و حد نصاب آن را بیان فرمایید.

جواب: زکات آن ۲۰۱ است (۵ درصد) و مقدار نصاب آن مانند سایر موارد ۸۴۷ کیلوگرم است.

سؤال ۳۶۶- معیار قیمت بذری که از حاصل کسر می‌شود چه زمانی است؟ روز بذرافشانی یا روز برداشت محصول؟

جواب: معیار قیمت روز بذرافشانی است ولی به فتوای ما بنابر احتیاط واجب نباید قیمت تخمی را که برای زراعت پاشیده از حاصل کسر کند ولی می‌توانید در این مسأله به مراجع دیگر مراجعه کنید.

مستحقین زکات

سؤال ۳۶۷- فقیر به چه کسی گفته می‌شود؟

جواب: کسی که مخارج سال خود را مطابق معمول ندارد فقیر است.

زکات فطره

سؤال ۳۶۸- اگر شخصی هنگام غروب شب عید فطر بیهوش باشد آیا زکات فطره از او ساقط است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۴

جواب: بیهوش بودن باعث سقوط زکات فطره نمی‌شود.

سؤال ۳۶۹- زکات فطره سربازی که نانخور دولت است بر عهده چه کسی است؟

جواب: بر دولت واجب نیست و اگر فقیر است بر خود او نیز واجب نیست، اما اگر غنی باشد احتیاط آن است که خودش زکات را بپردازد.

مسائل متفرقه زکات

سؤال ۳۷۰- آیا پرداخت مالیات در نظام جمهوری اسلامی از وجوه شرعیّه کفایت می‌کند؟

جواب: مالیات مانند سایر هزینه‌های کسب و کار است و جای وجوه شرعیّه را نمی‌گیرد.

سؤال ۳۷۱- آیا کارگران کشاورزی که سهمی از زراعت را به عنوان حق الزّحمه می‌گیرند، موظّف به دادن زکات هستند؟

جواب: اگر گرفتن سهمی از زراعت در مقابل همه کارهای کشاورزی باشد (آن چنان که در میان مالک و رعیت در بلاد ما معمول است) زکات به سهم آنها تعلق می‌گیرد به شرط اینکه سهم آنها به حدّ نصاب برسد. اما اگر سهم را فقط در مقابل درو کردن یا مانند آن بگیرد- یعنی بعد از وقت تعلق زکات- در این صورت چیزی بر کارگر نیست.

سؤال ۳۷۲- به جز نه مورد زکات آیا موارد دیگری نیز مشمول آن می‌گردد؟

جواب: موارد زکات واجب همان موارد نه‌گانه است ولی زکات مستحب شامل غیر آن نیز می‌شود.

سؤال ۳۷۳- شخصی زکات نمی‌دهد، آیا پدرش می‌تواند بدون اینکه پدر بفهمد مقدار زکات را جدا کند و به مستحق برساند؟

جواب: با اجازه حاکم شرع می‌تواند این کار را انجام دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۵

فصل چهاردهم: احکام حج

شرایط و وجوب حج

سؤال ۳۷۴- شخصی مستطیع است ولی چون ثبت نام نکرده، استطاعت رفتن به حج را نداشته است ولی اکنون به نیابت از پدرش-

که ثبت نام کرده بود و فوت کرده- عازم حج است، آیا این نیابت صحیح است؟

جواب: چنانچه استطاعت مالی داشته ولی بر اثر موانعی موقّ به ثبت نام نشده نیابت او صحیح است.

سؤال ۳۷۵- خدمه‌ای که در کاروان به حج می‌روند با توجه به عدم استطاعت مالی خود، حج را چگونه انجام دهند آیا باید نیت

واجب کنند؟

جواب: خدمه کاروان مستطیع هستند (به شرط اینکه نفقه همسر و فرزندان خود را در مدّت حج داشته باشند) و باید نیت حجّ واجب

کنند و اگر مرتبه اول آنهاست نمی‌توانند به قصد نیابت کسی حج بجا بیاورند همچنین اگر کسی به عنوان کمک کسی به حج

برود.

سؤال ۳۷۶- آیا شخصی که به منزل شخصی احتیاج دارد مستطیع می‌شود؟

جواب: چنانچه احتیاج به منزلی داشته باشد می‌تواند آن پول را صرف خرید منزل کند و در این صورت مستطیع نخواهد بود.

سؤال ۳۷۷- مهریه خانمی چند برابر استطاعت اوست آیا بعد از فوت زن بر ورثه لازم است که قبل از تقسیم ترکه مخارج حج را

کسر کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۶

جواب: چنانچه زن در حیات شوهر، طبق عرف و عادت می‌توانسته مهریه را از شوهر بگیرد، مستطیع بوده باید از ترکه او برداشته

شود و چنانچه نمی‌توانسته، مستطیع نبوده است.

سؤال ۳۷۸- در سفر حج، سازمان حج و زیارت از زن مستطیعه اجازه رسمی شوهرش را می‌خواهند و شوهرش اجازه نمی‌دهد، حال

زن چه باید بکند؟

جواب: بعید است آنها در حج واجب اجازه شوهر را بخواهند، زیرا شرعاً اجازه شوهر شرط نیست.

سؤال ۳۷۹- کسی پنج سال پیش مثلاً مستطیع بوده و در ثبت نام حج شرکت کرده، ولی الآن فقیر شده آیا حج بر چنین شخصی واجب است؟ و اگر سید باشد می‌شود از خمس آل محمد (صلی الله علیه و آله) به او داد تا به مکه برود؟
جواب: اگر موقعی که نوبت او می‌رسد فاقد بعضی از شرایط باشد حج بر او واجب نیست.

سؤال ۳۸۰- شخصی حدود ده سال قبل برای حج بیت الله الحرام ثبت نام نموده لیکن در سال ۶۶ به رحمت ایزدی پیوست امسال نوبت حج آن مرحوم رسیده است مستدعی است تکلیف ورثه و بری شدن ذمه آن مرحوم را بیان فرمایید از طرف دیگر تصرف در این وجه چگونه است؟

جواب: اگر راهی برای رفتن به مکه جز بودن در نوبت نداشته است چنین کسی مستطیع نشده و وجه مزبور جزء مال الارث است و اگر بخواهند احتیاط کنند می‌توانند حج میقاتی به مبلغ کم بگیرند مشروط بر اینکه صغیر نداشته باشد یا اگر صغیر دارد از سهم کبیر بردارند.

سؤال ۳۸۱- اگر خانمی قبل از ازدواج نذر کرده باشد که حجی بجا آورد و بعد از آن ازدواج کند، آیا باز هم جهت انجام فریضه حج اجازه شوهر لازم است؟ و آیا شوهر حق ممانعت دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۷

جواب: اجازه شوهر لازم است و شوهر حق ممانعت دارد.

سؤال ۳۸۲- تمام مخارج حج را شوهرم بر عهده گرفته است، ولی می‌دانم که اهل خمس نیست و من از خود مالی ندارم، تکلیف من در ارتباط با هزینه رفت و برگشت، ارز، لباس احرامی و قربانی چیست؟ خمس اینها بر عهده کیست؟
جواب: خمس اینها بر عهده شماست و اگر توانایی ندارید مستطیع نیستید.

سؤال ۳۸۳- اگر زنی نیاز به همراه داشته باشد و همراه هم مزد می‌گیرد و او توانایی پرداخت مزد را ندارد آیا مستطیع است؟
جواب: مستطیع نیست.

سؤال ۳۸۴- شخصی در حج اجیر کس دیگری بوده است، بعد از انجام عمره تمتع، به سگته قلبی دچار شده و از برگزاری اعمال حج معذور گردید و به ایران مراجعت کرده است و در سال آینده می‌خواهد مشرف شود، آیا اعلام این وضعیت به اولیای منوب عنه و اجازه مجدد به نیابت از منوب عنه در سال آینده لازم است؟
جواب: چنانچه برای سال معینی اجیر شده، اعلام و اجازه لازم است.

سؤال ۳۸۵- در صورتی که کسی بر تهیه فیش حج به قیمت آزاد قدرت داشته باشد ولی این قیمت با نرخ متعارف خیلی متفاوت باشد و مستلزم به تأخیر افتادن نوبت دیگران شود، آیا حج بر او واجب است؟

جواب: در صورتی که تفاوت قیمت به صورت اجحاف کلی بوده باشد و یا مایه ضایع شدن حق دیگران گردد مستطیع نیست.

سؤال ۳۸۶- آیا خانمی که به لحاظ مالی و بدنی و راه مستطیع است ولی طفل شیرخواری دارد که با غیر او آرام نمی‌گیرد مستطیع است؟

جواب: چنانچه جدا شدن از آن طفل دارای خطر جانی یا بیماری شدید یا سبب عسر و حرج برای دیگران شود مستطیع نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۸

حج نیابتی

سؤال ۳۸۷- کسی که بی سواد است و نماز او چندان کامل نیست یعنی خوب یاد نگرفته، در عین حال الآن به نیابت از پدر مرحومش به حج می‌رود آیا حج او درست است؟

جواب: در صورتی که بتواند در خلال این مدت تا موقع نماز طواف، نمازش را کامل کند مانعی ندارد، ولی در غیر این صورت نیابت او مشکل است.

سؤال ۳۸۸- کسی که خود مستطیع نیست ولی پدرش ثبت نام کرده و الآن فوت کرده فیش بانکی او را به نام خود کرده و به نیابت او حج انجام می دهد مخارج اعمال بعدی از جمله فراهم کردن ارز به عهده کیست؟ آیا از ثلث مال او می تواند بگیرد؟
جواب: هرگاه پدرش در اولین فرصت استطاعت ثبت نام کرده و قبل از رفتن به حج فوت نموده، نیابت از او واجب نیست و تنها در صورتی که ورثه راضی باشند می تواند حج به جا آورد و اما اگر قبلاً مستطیع شده و در ثبت نام و رفتن به حج کوتاهی نموده، باید حج میقاتی برای او انجام بدهند مگر اینکه وصیت کرده باشد که حج بلدی انجام دهند و اگر بتوانند فیش بانکی او را طبق موازین قانونی بفروشند با قسمتی از آن اجیر بگیرند احتیاط واجب آن است که چنین کنند.

سؤال ۳۸۹- پدری چند فرزند دارد و تمام اموال خود را به دو تن از فرزندان به عنوان مصالحه داده است ولی شرط کرده که بعد از مرگ از طرف وی کسی را حد اکثر ظرف چهار سال برای ادای حجه الاسلام بفرستند، فرزند او طبق شرط عمل کرده و در سال چهارم کسی را برای حج از بلد خویش روانه کرده است ولی این نایب وقتی به شهر دیگر رسید خودش نرفت و کسی دیگر را برای حج میقاتی فرستاد و حج میقاتی انجام گرفته است در حالی که فرزندان این میت از این جریان خبر نداشتند (ناگفته نماند که حج میقاتی برای مردم آنجا شناخته شده نیست و از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۱۹

نیابت برای حج بلدی انصراف دارد) سؤال این است که:

الف) آیا نایب، حق نایب ساختن شخص دوم را دارد؟

ب) آیا حج انجام گرفته از طرف میت صحیح است و میت بری الذمه شده است؟

ج) حکم مصالحه چیست؟

د) آیا به شرط عمل شده؟ زیرا فرزندان دیگر میت، مدعی هستند که به شرط عمل نشده است لذا باید ماترک به عنوان ارث بین ورثه تقسیم شود.

جواب: الف) نایب حق نایب قرار دادن دیگری را ندارد

ب) حج انجام گرفته صحیح است و میت بری الذمه شده است.

ج) مصالحه به قوت خود باقی است.

د) پسر باید پول حج را از نایب اول بازپس بگیرد و بهتر آن است که میان ورثه تقسیم کند.

سؤال ۳۹۰- مردی برای انجام حج وصیت کرده است، آیا دختر و یا همسر او هم می توانند به نیابت از او حج بجا آورند؟

جواب: اگر شخص معینی را در وصیتنامه قید نکرده باشد دختر و یا همسر او هم می توانند نیابت کنند.

سؤال ۳۹۱- پیرزنی هستم که توانایی انجام اعمال حج را به علت کهولت سن ندارم با این که مستطیع هستم، آیا می توانم در حال حیات کسی را به نیابت خود به حج بفرستم و حال آن که امید بهبود در آینده نیز ندارم؟
جواب: باید نایب بگیرد.

سؤال ۳۹۲- زنی هستم که نیابتاً به حج مشرف شده‌ام آیا نذر احرام قبل از میقات برای من جایز است؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۹۳- زنی که روز دهم و یازدهم و دوازدهم قادر به رمی جمرات نیست، ولی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۰

می‌تواند شبها رمی جمره نماید و یا در روز سیزدهم قضای هر سه روز را به جا آورد آیا می‌تواند از طرف کسی نایب شود؟ و در صورت امکان آیا همه صور مذکوره یکسانند و یا آن که فرق دارند؟
 جواب: نیابت او صحیح است و باید شبها به جای روز رمی کند.
 سؤال ۳۹۴- آیا زن به نیابت از دیگری می‌تواند نماز طواف بخواند؟
 جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۹۵- کسی که نماز او چندان کامل نیست اگر برای خود یا به نیابت از کسی به حج برود آیا در انجام نماز طواف می‌تواند دیگری را نایب کند؟

جواب: در مورد حجّ خودش باید به اندازه‌ای که توانایی دارد انجام دهد و کوشش کند تا آنجا که می‌تواند قرائت نماز را اصلاح کند ولی اگر قرائتش صحیح نیست نایب شدن او برای دیگران مشکل است.

سؤال ۳۹۶- اگر شخصی قبل از درست شدن خدمه گری به نیابت از کسی به انجام حج پذیرفته شده باشد و بعداً مسأله خدمه گری درست شود حج را برای چه کسی انجام دهد؟ همچنین کسی که مستطیع نیست ولی به عنوان کمک کار کسی به حج می‌رود؟
 جواب: کسی که قبلاً اجیر برای نیابت از کسی شده چنانچه بعداً مسأله خدمه گری او درست شود باید حج را فقط به قصد نیابت انجام دهد ولی اگر اجیر نشده در حکم مستطیع است و حج او حجّ واجب محسوب می‌شود.

سؤال ۳۹۷- فقها می‌گویند کسی که چندین سال بعد از استطاعت یا در اولین سال استطاعت به مکه مشرف شده و بعد از دخول در محدوده حرم فوت شده نیابت برای او لازم نیست. حال اگر بعد از تمام کردن عمره تمتع از دنیا برود هم نیابت لازم نیست؟
 جواب: در صورتی که بعد از دخول در حرم با احرام فوت شده باشد یا بعد از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۱

عمره تمتع، نیابت لازم نیست.

سؤال ۳۹۸- آیا نایب حقّ نایب گرفتن دارد و در صورت انجام این عمل آیا میت بریء الذمه می‌شود؟

جواب: نایب حقّ نایب قرار دادن دیگری را نداشته است ولی حجّ انجام گرفته صحیح است و میت بریء الذمه شده است ولی نایب نسبت به پولی که گرفته مدیون است.

سؤال ۳۹۹- اگر مردی که می‌تواند در روز رمی کند برای رمی زنی نایب شود آیا می‌تواند رمی زن را در شب انجام دهد؟
 جواب: نمی‌تواند.

سؤال ۴۰۰- اگر زنی که نیابت را پذیرفته، نیز خوف حیض یا مرض داشته باشد آیا می‌تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد؟

جواب: می‌تواند.

سؤال ۴۰۱- کسی که حجّ نیابتی انجام می‌دهد علاوه بر طواف نساء که برای منوبّ عنه به جا می‌آورد آیا واجب است که برای خود نیز طواف نساء انجام دهد؟
 جواب: واجب نیست.

سؤال ۴۰۲- آیا ضروره (یعنی کسی که تا کنون به حجّ مشرف نشده است) می‌تواند نایب شود، مرد باشد یا زن از طرف مرد باشد یا از طرف زن؟

جواب: نیابت ضروره چه مرد باشد و چه زن جایز است، خواه از طرف مرد باشد یا از طرف زن، بله نیابت زن مخصوصاً اگر منوبّ عنه مرد باشد کراهت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۳

عمره تمتع

۱- احرام

سؤال ۴۰۳- آیا در حال احرام، پوشیدن لباسهایی که برای تزئین، قسمتهایی از آن توردوزی یا گلدوزی شده برای زنها جایز است؟ و آیا مقنعه جزء لباس می‌باشد؟

جواب: احتیاط در ترک آن است و مقنعه نیز جزء لباس است.

سؤال ۴۰۴- اگر لباس احرامی زنان به قدری نازک باشد که بدن آنها نمایان گردد، آیا به اعمال حج آنان ضرری می‌رساند؟ جواب: این کار حرام است ولی اگر در غیر طواف و نماز طواف باشد موجب بطلان حج نمی‌شود.

سؤال ۴۰۵- آیا می‌توان پوستهای زاید که از لبها یا کنار ناخن‌ها برآمده است را از بدن جدا کرد؟ جواب: در صورتی که خون نیاید اشکال ندارد.

سؤال ۴۰۶- زنی که در پشت ناخن و انگشتهای او لاک چسبیده و با این کیفیت اعمال حج را بجا آورده و نمی‌دانسته که این رنگ لاک مانع برای وضو و غسل می‌باشد آیا اعمال او صحیح است و چنانچه پس از انجام اعمال حج متوجه شود چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: طواف و نماز او صحیح نیست بنابراین باید این دو عمل را اعاده کند و بنابر احتیاط واجب باید سعی و تقصیر را نیز اعاده کند و بقیه اعمال او صحیح است و اگر نمی‌تواند شخصاً انجام دهد نایب بگیرد.

سؤال ۴۰۷- آیا سوار شدن بر ماشین سقف‌دار در شب به حج یا عمره ضرری وارد می‌کند و کفاره دارد؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۴

جواب: حج و عمره را باطل نمی‌کند و اگر شبهای معمولی باشد کفاره هم ندارد اما در شبهای سرد و بارانی کفاره دارد.

سؤال ۴۰۸- این جانب به علت قطع بودن نخاع و عدم کنترل بول و ... نمی‌توانم بدن و لباس احرام خود را پاک نگهدارم، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: آن مقدار که می‌توانید محافظت کنید و آنچه موجب عسر و حرج است اشکالی ندارد.

سؤال ۴۰۹- اگر جامه احرام را از پول خمس یا زکات نداده خریده باشند آیا احرام در آن صحیح است؟ جواب: احرام در آن حرام است.

سؤال ۴۱۰- آیا زنها در حال احرام می‌توانند جوراب بپوشند یا بایستی روی پای آنان مثل مردان باز باشد؟ جواب: حرمت پوشیدن پا مخصوص مردان است و برای زنان پوشیدن پشت پا جایز است.

سؤال ۴۱۱- در موسم حج یک نفر از کارکنان گروه حج همراه زنها به عنوان راهنما در روز با ماشین مسقف به مکه می‌رود آیا کفاره لازم است؟

جواب: در موقع ضرورت رفتن زیر سایه جایز است، ولی کفاره دارد و کفاره آن یک گوسفند برای هر احرام است. یعنی برای مجموع احرام عمره یک گوسفند و برای مجموع احرام حج نیز یک گوسفند کافی است.

سؤال ۴۱۲- آیا احرام عمره تمتع از شهر جدّه جایز است؟

جواب: چون محاذات شهر جدّه با هیچ‌یک از میقاتها مسلم نیست، برای احرام باید به میقات یا به محاذات میقات رفت و اگر هیچ‌کدام امکان ندارد، احتیاطاً با نذر محرم می‌شود و سپس بنابر احتیاط در ابتدای حرم تجدید احرام می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۵

سؤال ۴۱۳- بعد از اعمال عمره تمتع، کارکنان کاروان حج برای تعیین چادر و بردن آذوقه حججاج چند دفعه بدون احرام حج تمتع به عرفات و منی رفت و آمد می‌کنند، حکمشان را بیان فرمایید؟

جواب: جایز است و چنانچه عسر و حرج نباشد محرم به احرام حج شوند. سؤال ۴۱۴- طبق فتوای مراجعی که فرموده‌اند احتیاطاً زنان هم مثل مردان محرم شوند، آیا زن بعد از پوشیدن حوله‌های احرام می‌تواند حوله‌ها را کنار بگذارد و با لباس معمولی خودش اعمال حج را انجام دهد؟

جواب: زنان می‌توانند در همان لباسهای معمولی محرم شوند و پوشیدن حوله‌های احرام لازم نیست.

سؤال ۴۱۵- حججایی که فعلاً از ایران برای عمره مفرده می‌روند با ماشین مسقف می‌روند و در بین راه برای نماز و غذا چند مرتبه سوار و پیاده می‌شوند، آیا یک کفاره کافی است یا برای هر دفعه که پیاده و سوار می‌شوند کفاره لازم است؟

جواب: برای تمام مدت احرام عمره یا تمام مدت احرام حج یک کفاره کافی است.

سؤال ۴۱۶- حججایی که اول شب در مسجد شجره یا جحفه محرم شده و شبانه وارد مکه می‌شوند، آیا می‌توانند با ماشین سرپوشیده مشرف شوند؟

جواب: جایز است و کفاره ندارد مگر در شبهای سرد و بارانی که باید یک گوسفند کفاره بدهند.

سؤال ۴۱۷- آیا استفاده از دست و پای مصنوعی که با چرمهای دوخته شده به بدن می‌بندند، در حال احرام کفاره دارد؟

جواب: اشکالی ندارد و کفاره هم ندارد.

سؤال ۴۱۸- در مناسک حضرتعالی، قطع شجر حرم، جزء محرمات احرام ذکر نشده است، آیا این مسأله از محرمات احرام نیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۶

جواب: این مسأله از محرمات احرام نیست بلکه بر همه کس قطع درخت حرم، حرام است.

سؤال ۴۱۹- آیا بلند گفتن تلبیه توسط بانوان به گونه‌ای که مرد نامحرم بشنود جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۰- آیا پوشاندن قسمتی از صورت برای زن نیز حکم تمام آن را دارد؟

جواب: پوشیدن بعضی صورت به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند جایز است.

سؤال ۴۲۱- آیا احرام در کفش دوخته شده که پشت پا را نگیرد جایز است؟

جواب: آری جایز است، ولی بهتر است مردان در حال احرام چنین کفشی نپوشند.

۲- طواف

سؤال ۴۲۲- اگر بچه‌های کوچک در حال طواف یا سعی به خواب روند یا در حال طواف نوزاد در قنداقه خود بول کند چه حکمی دارد؟

جواب: در هر دو صورت صحیح است ان شاء الله.

سؤال ۴۲۳- در موسم حج کارکنان مسجد الحرام، اشخاص پیر و مریض را با سریر روی سرشان طواف می‌دهند و نوعاً در بیرون دایره طواف کنندگان حرکت می‌کنند آیا حج اینها صحیح است؟

جواب: طواف آنها اشکالی ندارد زیرا در طواف رعایت محدوده معروف واجب نیست بلکه احتیاط مستحب است و اتصال به صفوف شرط نمی‌باشد.

سؤال ۴۲۴- کسی که ختنه او به طور ناقص انجام شده و با این حال حج به جا آورده تکلیف او چیست؟

جواب: چنانچه ختنه به طور ناقص انجام شده، احتیاط واجب آن است که بعد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۷

از ختنه صحیح، طوافها و نماز طوافها را اعاده کند و احتیاط آن است که سعی را هم به دنبال طواف عمره و طواف حج اعاده کند و اگر قادر به رفتن مکه نیست نایب بگیرد.

جواب: نایب باید تمام طواف را انجام دهد.

سؤال ۴۲۶- نسبت به اینکه زن می‌تواند طواف را مقدّم بدارد آیا صرف شک در وقوع طواف در ایام حیض کفایت می‌کند یا اینکه باید احتمال قوی بدهد که عادت می‌شود؟

جواب: خوف حاصل از مجرّد احتمال عقلایی کفایت می‌کند.

سؤال ۴۲۷- تکلیف زن مضطربه در طواف چیست؟

جواب: باید به دستور زن مضطربه در نماز عمل کند و آن چنین است: مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده است- و اگر ده روز یا کمتر خون ببیند هم‌اشار حیض است و اگر بیشتر از ده روز ببیند چنانچه بعضی نشانه حیض داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد حیض محسوب می‌شود و اگر هم‌اشار یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می‌کند (اگر عادت همه یا اکثریت قاطع آنها یکسان باشد) و هرگاه عادت آنها مختلف باشد احتیاط آن است که عادت خود را هفت روز قرار دهد.

سؤال ۴۲۸- شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس حاصل می‌نماید از این تماس متلذذ می‌گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می‌کند؟ تکلیف او چیست؟ آیا طواف مستحبی با واجب فرق دارد؟

جواب: مضرب به طواف نیست و اگر از روی لباس لمس کرده است کفاره ندارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۸

ولی مسلماً گناه کرده است.

سؤال ۴۲۹- حکم کسی که طوافش قطع شده یا طوافش را برای نماز واجب قطع کرده است؛ در دو صورت تجاوز از نصف طواف و قبل از تجاوز چیست؟

جواب: جایز بلکه مستحب است که طواف را برای نماز واجب در وقت فضیلت آن یا برای درک نماز جماعت قطع کند و بعد از اتمام نماز، طواف را تمام کند و بقیه دورهای آن را انجام دهد و تجاوز از نصف معتبر نیست.

سؤال ۴۳۰- شخصی بعد از اتمام اعمال حج تمتع، متوجه شده که یک غسل مسّ میت بر او واجب بوده و غسل واجب دیگری هم انجام نداده است، آیا حجّش صحیح است؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۱۲۸

جواب: حج او صحیح است ولی احتیاط واجب آن است که طوافها (و سعی و تقصیر) را اعاده کند و اگر قادر نیست نایب بگیرد.

سؤال ۴۳۱- شخصی در عمره مفرده یا عمره تمتع بعد از تقصیر از احرام خارج شده است و بعد از چند روز قبل از احرام دوّم متوجه شده در طواف و نمازش طهارت نداشته، آیا باید دوباره لباس احرام بپوشد یا اعاده طواف و نماز آن با لباس معمولی جایز است؟

جواب: واجب نیست لباس احرام بپوشد و احتیاط آن است که سعی و تقصیر را نیز اعاده کند.

سؤال ۴۳۲- آیا برای کسی که نیت احرام حج کرده و نیت او محقق شده است، جایز است که طواف مستحبی انجام دهد؟

جواب: احتیاط آن است که طواف مستحبی را ترک کند اما اگر انجام داد ضرری برای حج او ندارد.

سؤال ۴۳۳- آیا مطاف حتماً باید در حد بیت و مقام ابراهیم باشد یا در حال غیر اضطرار هم می‌توان در خارج حد، طواف نمود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۲۹

جواب: مطلقاً جایز است.

سؤال ۴۳۴- با توجه به اینکه همراه خود کیسه مخصوص بول دارم و چون با حرکت بدن بول خارج می‌گردد برای طواف و نماز

طواف چه کنم؟

جواب: یک وضو برای طواف و یک وضو برای نماز کافی است

سؤال ۴۳۵- نسبت به اعمالی که زن در حال تقدیم طواف انجام می‌دهد آیا فقط طواف مقدم می‌شود یا طواف و سعی هر دو مقدم

می‌شوند؟

جواب: همه اعمال مکه مقدم می‌شود، یعنی طواف زیارت و نماز طواف زیارت و سعی و طواف نساء و نماز طواف نساء را قبلاً

انجام می‌دهد.

سؤال ۴۳۶- در مسأله نیابت در نماز طواف آیا فرقی بین کسی که می‌تواند قرائتش را به تدریج تصحیح کند بین کسی که اصلاً

قدرت بر تصحیح ندارد هست؟

جواب: اگر قادر بر تصحیح به تدریج هست بر او واجب است به تدریج تصحیح کند و الاً جایز است به همان مقدار که قدرت دارد

نماز را بخواند و لازم نیست که نایب بگیرد و یا آن را با جماعت به جا آورد.

سؤال ۴۳۷- مختون بودن انسان در طواف شرط است بنابراین اگر انسانی را ختنه کرده باشند به طوری که ختنه‌اش ناقص است به

این معنا که حشفه‌اش کاملاً در نیامده و مقدار کمی در آمده است و در حال نعوظ کاملاً در می‌آید، آیا این شخص مختون

محسوب و طوافش صحیح خواهد بود؟ اگر مختون محسوب نشود و ختنه نمودن بر آن شخص بار دیگر برای طواف لازم باشد و

آن شخص به علت سن زیاد از ختنه نمودن خجالت بکشد، نسبت به طوافش چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که طواف و نماز آن را بعد از ختنه کردن اعاده کند و همچنین سعی را، و در اینگونه مسائل

خجالت کشیدن معنا ندارد، می‌تواند به طور پنهانی نزد طیب آگاهی برود و ختنه کند، ولی طلاق دادن در این حال اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۰

سؤال ۴۳۸- زن و شوهری به مکه رفتند و مناسک حج را بجا آوردند، لکن چون زن شوهرش را نمی‌خواست طواف نساء و نماز

آن را بجا نیاورد و شوهر هم این طواف و نماز را ترک کرده و به وطن خود برگشته‌اند اکنون وظیفه آن زن از نظر حرمت و

بودنش در خانه شوهر چیست؟

جواب: این زن و شوهر به همدیگر نامحرم هستند تا زمانی که برگردند و طواف نساء و نماز آن را بجا آورند و اگر نمی‌توانند لازم

است برای طواف نایب بگیرند یعنی از کسانی که به مکه می‌روند خواهش کنند که به نیابت آنها طواف نساء و نماز آن را بجا

آورند.

سؤال ۴۳۹- اگر کسی طواف نساء را در حج بجا نیاورد زن بر او حرام می‌شود، آیا مقصود فقط مقاربت است و یا سایر استمتاعات

نیز حرام خواهد بود و اگر اولادی به وجود آید حلال زاده است یا نه، ارث می‌برد یا نمی‌برد؟

جواب: سایر استمتاعات نیز حرام است و اگر این مسأله را عمداً هم ترک کند و فرزندی به وجود آید حلال زاده است و از او ارث

می‌برد.

سؤال ۴۴۰- کسی که طواف نساء را انجام نداده و در این حال عقد ازدواج بسته است، آیا عقد او صحیح است؟

جواب: عقد او باطل است و چنانچه علم به حکم داشته باشد آن زن برای او حرام ابدی است.

سؤال ۴۴۱- در اثر کثرت ازدحام، مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) در موسم حج وسط طواف کنندگان قرار می‌گیرد، اگر کسی آنجا نماز طواف واجب بخواند مشکل و دیگران اعتراض می‌کنند، آیا تا آخر مسجد الحرام پشت مقام ابراهیم می‌تواند نماز بخواند؟

جواب: مانعی ندارد عقب‌تر نماز بخواند و اگر مزاحم طواف کنندگان است نماز خواندن وسط آنها خالی از اشکال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۱

سؤال ۴۴۲- اگر زن تکبیره الاحرام یا قرائت را در نماز طواف بلند بگوید به طوری که نامحرم بشنود جایز است یا خیر؟ و بر فرض عدم جواز آیا اعاده لازم است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۴۴۳- در مقام ابراهیم (علیه السلام) به واسطه ازدحام ممکن نمی‌شود که در موقع نماز طواف مردها و زنها طوری بایستند که محاذی هم نباشند، یا زن جلوتر از مرد مشغول نماز نباشد، آیا در این صورت نماز آنها صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

۳- سعی

سؤال ۴۴۴- شخصی در سعی صفا و مروه بعد از چند روز، قبل از احرام دوم متوجه شده سعی را از مروه شروع و در صفا ختم کرده، آیا اعاده سعی لازم است؟

جواب: چنانچه به خاطر ندانستن مسأله باشد، باید سعی را از نو بجا آورد و اگر از روی سهو و فراموشی باشد، بعید نیست که بجا آوردن یک دور از صفا به مروه کافی باشد ولی احتیاط آن است که هفت دور به قصد ما فی الذمه بجا آورد.

سؤال ۴۴۵- شخصی در سعی صفا و مروه، در صفا متوجه شد دور هشتم است، وظیفه او چیست؟ آیا غیر از این سعی صفا و مروه، سعی صفا و مروه مستحبی نیز داریم؟

جواب: باید به زیادی اعتنا نکند و سعی او صحیح است و سعی صفا و مروه مستحب نداریم.

سؤال ۴۴۶- در اثر تعمیرات فعلی آخر کوه صفا و مروه معلوم نیست، کارکنان مسجد الحرام با گرفتن حق الزحمه از حجّاج پیر و مریض آنها را با چرخ سعی می‌دهند و زودتر از دور حجّاج، با چرخ دور می‌زنند، تکلیف آنها چیست؟

جواب: قسمت سربالایی مفروش جزء کوه است و مسیری را که چرخها طی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۲

می‌کنند قطعاً روی کوه صفا و مروه است و هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۴۴۷- حکم شک در تعداد دورهای سعی چیست، آیا بنا را بر کمتر بگذارد یا بیشتر؟

جواب: اگر شک کند که این دور هفتم است یا بیشتر به شکش اعتنا نکند. بله اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که دور هفتم است یا کمتر، ظاهراً سعی او باطل است و همچنین اگر شک او به کمتر از هفت دور تعلق بگیرد مثل این که بین یک دور و سه دور یا دو و چهار و غیر اینها شک بکند.

سؤال ۴۴۸- وظیفه کسی که سعی را از مروه آغاز کرده است چیست؟

جواب: در صورتی که شوط اول را اسقاط کند سپس بقیه را تکمیل کند تا اینکه دور هفتم به مروه خاتمه پیدا کند بعید نیست که

سعی او صحیح باشد.

۴- تقصیر

سؤال ۴۴۹- شخصی بعد از احرام حج در عرفات یقین کرده در عمره تقصیر نکرده است، چه کند؟
جواب: هرگاه تقصیر را فراموش کند و به سراغ اعمال حج برود (یعنی احرام ببندد و به عرفات برود) عمره و حج او صحیح است و چیزی بر او نیست ولی بهتر آن است که یک گوسفند به عنوان کفاره ذبح کند.

واجبات حج تمتع

۱- احرام حج تمتع

سؤال ۴۵۰- آیا احرام بستن در حج تمتع باید در مکه قدیم باشد یا در هر کجای مکه باشد اشکالی ندارد؟
جواب: فرق نمی‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۳

سؤال ۴۵۱- آیا از محلّات جدید الإحداث مکه مثل محلّات قدیم، بستن احرام حج جایز است؟
جواب: مانعی ندارد ولی احتیاط واجب این است که از مناطقی که بعد از مسجد تعیم در بیرون حرم واقع شده، احرام نبندد.

۲- رمی جمرات

سؤال ۴۵۲- رمی جمرات در طبقه فوقانی چه حکمی دارد؟

جواب: هنگام ازدحام جایز است.

سؤال ۴۵۳- آیا در رمی جمرات می‌توان به نیابت از افرادی که سالم هستند عمل رمی را انجام داد؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۴۵۴- آیا خانمها برای اینکه بدنشان با نامحرم برخورد نکند می‌توانند در رمی جمرات مردان را نایب کنند؟
جواب: خود زن باید رمی کند.

سؤال ۴۵۵- برای امثال من رمی جمرات در روز مقدور نیست، آیا در شب می‌توانیم رمی جمرات کنیم و در صورت مثبت بودن، آیا همراهان من هم می‌توانند در شب رمی جمرات کنند؟

جواب: می‌توانید در شب رمی کنید اما همراهان اگر توانایی دارند در روز رمی کنند.

سؤال ۴۵۶- آیا رمی به غیر از دست مثل رمی با دهان و پا و یا سنگ قلاب و مانند اینها جایز است؟
جواب: با غیر دست کفایت نمی‌کند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۴

۳- قربانی

سؤال ۴۵۷- آیا حاجی می‌تواند به جای قربانی کردن، در صورت نبودن گوشت آن توسط بولدوزر در قربانگاه، پول آن را

برای اماکن خیریه در نظر گیرد؟

جواب: باید در محلّ دیگری مانند شهر خودش در ذی الحجّه قربانی کند و صرف پول آن در جای دیگر کافی نیست.

سؤال ۴۵۸- در چه صورتی حاجی موظّف است در وطنش قربانی کند؟

جواب: در شرایط فعلی قربانی سه حالت دارد:

الف) در صورتی که بتواند در آنجا قربانی کند و در آنجا قربانی را به مصرف برساند این مقدم بر هر چیز است.

ب) در صورتی که آنجا قابل مصرف نباشد اما مسلمین بتوانند آن را بسته‌بندی کرده به خارج منی و بلد دیگر بفرستند تا مصرف نیازمندان شود. در صورت عدم امکان روش اول، روش دوم واجب است.

ج) اینکه هیچ کدام از آن دو صورت ممکن نباشد و قربانی ضایع می‌شود و از بین می‌رود پول آن را کنار بگذارند و در ماه ذی الحجّه هنگام بازگشت قربانی کرده و در مصارف آن مصرف کنند هیچ اشکالی برای حج آنها نخواهد داشت و اگر نمی‌توانند پول قربانی را کنار بگذارند بر ذمه بگیرند.

سؤال ۴۵۹- محل توزیع گوشت در مکه مکرمه حدود یک کیلومتر بعد از مسجد تنعیم قرار دارد با توجه به اینکه عوامل خدماتی مجبورند برای گرفتن سهمیه کاروان به آن محل تردد کنند، آیا به عمره تمتّع یا حج واجب آنها اشکالی وارد می‌شود؟ حکم مسأله در خصوص کسانی که حجّ مستحبی یا نیابتی بجا می‌آورند چگونه است؟

جواب: بعد از انجام عمره تمتّع می‌تواند به اینگونه مناطق رفت و آمد کند و در عمره مفرده هرگاه قبل از گذشتن ماهی که در آن عمره انجام داده است خارج

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۵

شود و بازگردد تکرار عمره لازم نیست اما اگر در ماه بعد برگردد باید از همان مسجد تنعیم محرم شود و عمره بجای آورد.

سؤال ۴۶۰- در منی فقیر نیست به مجرد ذبح قربانی مأمورین گوشت قربانی را از بین می‌برند یا تلف می‌شود آیا لازم است قبل از سفر از یک نفر فقیر و کالت بگیریم و

بعد از ذبح از سهم او مثل سهم خودمان اعراض کنیم یا لازم نیست؟

جواب: در این صورت قربانی کردن در آنجا، چه با اخذ و کالت و چه بدون و کالت، اشکال دارد و باید به روشی که در مسائل قبل گفته شد عمل شود.

سؤال ۴۶۱- دولت سعودی چندین محلّ ذبح، در خارج از منی تعیین کرده، وظیفه حجاج را بیان فرمایید؟

جواب: غالب قربانگاههای امروز خارج منی است ولی ذبح در آنها در شرایط فعلی اشکالی ندارد.

سؤال ۴۶۲- اگر کسی به قصد ما فی الذمه در ماه ذی الحجّه در وطن خود قربانی کند آیا پوست و روده آن باید تماماً به فقیر داده شود یا ممکن است یک سوم آن به فقیر داده شود و دو سوم دیگر به عنوان سهم دوستان و خودش صرف شود و اگر خلاف عمل شده باشد آیا قیمت روز کشتن گوسفند را بدهکار است یا موقع ادای دین؟

جواب: می‌تواند آن را به عنوان سهم خود صرف کند یا به دوستان یا فقرا بدهد ولی دادن به قصاب به عنوان عوض کاری که انجام داده مشکل است و احتیاط مستحب آن است که اگر خودش از آن استفاده کرد قیمت آن را صدقه بدهد و ملاک قیمت همان روز ذبح است.

۴- بیتونه در منی

سؤال ۴۶۳- افراد پیر و دارای عذر را بعد از نیمه شب دوازدهم از منی به جمرات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۶

آورده، اعمال فردا را انجام می‌دهند و سپس به مکه برده شده و اعمال بعدی را همان شب انجام می‌دهند و غیر دارای عذر نیز چنین کرده‌اند جز انجام رمی جمرات که فردا برای انجام آن بازگشته‌اند، آیا اعمال آنها درست است؟
جواب: انجام دادن اعمال مکه (طوافین و سعی) برای غیر دارای عذر در شب دوازدهم بلکه در شب یازدهم بعد از نیمه شب نیز جایز است.

سؤال ۴۶۴- آیا حجاج می‌توانند شب دوازدهم، بعد از نیمه شب شرعی به مکه بیایند و عصر روز دوازدهم فقط برای رمی جمرات به منی برگردند و عمل خویش را انجام دهند؟
جواب: برای بیتوته در منی کافی است نیمه اول یا نیمه دوم شب را بمانند.

سؤال ۴۶۵- آیا زنها می‌توانند شب دوازدهم رمی جمرات نمایند و همان شب به مکه بروند و دیگر به منی نبرگردند یا باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند؟
جواب: باید مانند مردان تا ظهر در منی بمانند مگر اینکه از ماندن معذور باشند.

سؤال ۴۶۶- شب عید کارکنان کاروانها بعد از نصف شب با خانمها به منی می‌روند و دوباره به مشعر باز نمی‌گردند، آیا کفاره دارد و حجاجشان صحیح است؟

جواب: چنانچه برای راهنمایی و اداره وضع آنها لازم است با آنها بروند مانعی ندارد و کفاره هم لازم نیست.

سؤال ۴۶۷- در اثر کثرت حجاج چادرهای بعضی از حجاج را خارج از منی نصب می‌کنند تکلیف چیست؟
جواب: در مقام ضرورت اشکال ندارد و در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۶۸- در شب عید بعد از نیمه شب زنان را به منی می‌برند، آیا مردی که با زنش در آن گروه است می‌تواند با زنش به منی برود؟

جواب: اگر ضرورتی داشته باشد که همراه همسرش باشد جایز است و الا جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۷

سؤال ۴۶۹- کسی که نیمه اول شب را در خارج از منی بیتوته کرده است، آیا جایز است که به مسجد الحرام برود و نیمه دوم شب را آنجا بیتوته کند بدون اینکه به منی جهت بیتوته برگردد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که برای بیتوته نیمه دوم شب به منی برگردد.

سؤال ۴۷۰- آیا تلاوت قرآن یا دعا و یا نماز در مسجد الحرام یا نگاه کردن به کعبه از عبادات محسوب می‌شود که حاجی هنگام بیتوته در مسجد الحرام باید انجام دهد یا این که حتماً در هنگام بیتوته باید طواف کند؟
جواب: همه موارد ذکر شده عبادت محسوب می‌شود و کفایت می‌کند.

احکام مصدود و محصور

سؤال ۴۷۱- وظیفه کسی که به خاطر بیماری و مانند آن قادر به انجام اعمال منی یا طواف و سعی و اعمال مکه نیست چه می‌باشد؟
جواب: این شخص در حکم محصور است ولی اگر می‌تواند نایب بگیرد این کار از اعاده حج کفایت می‌کند و لازم نیست در سال آینده حج را مجدداً بجا آورد.

سؤال ۴۷۲- حکم کسی که حجاج را فاسد کرده سپس مصدود و یا محصور شده است چیست؟
جواب: واجب است که اعمال مصدود و محصور را انجام دهد و سپس در سال آینده حج بجا آورد.

سؤال ۴۷۳- وظیفه کسی که محصور شده و قربانی خود را به منی فرستاده، سپس مرض او خفیف شده است چیست؟
جواب: بر او واجب است که ملحق به بقیه حجّاج شود و تمام اعمال را انجام دهد و هدی خود را قربانی کند. در این صورت حج او صحیح است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۸

سؤال ۴۷۴- کسی که همراه خود قربانی آورده و سپس محصور یا مصدود شده است، آیا قربانی کردن همین هدی که همراه دارد کفایت می‌کند یا علاوه بر این، قربانی دیگر نیز بر او واجب است؟
جواب: قربانی دیگری بر او واجب نیست.

سؤال ۴۷۵- اگر مانع دیگری غیر از حصر و صدّ- مثل اینکه پایش بشکند یا وسیله نقلیه‌اش خراب شود یا راه را گم کند- پیش آید، آیا احکام محصور و مصدود را دارد؟

جواب: نسبت به کسی که پای او شکسته است احکام محصور و نسبت به موانع دیگر مثل خراب شدن وسیله نقلیه یا مانع دیگر احکام مصدود جاری می‌شود.

سؤال ۴۷۶- کسی که دعای شرط را که قبل از نیت احرام مستحب است بخواند در صورتی که محصور یا مصدود شود احکام مصدود و محصور بر او جاری می‌شود یا اینکه به مجرد صدّ و حصر و بدون هدی از احرام خارج می‌شود؟
جواب: احوط، بلکه اقوی این است که قربانی بر او واجب است.

متفرقات حج

سؤال ۴۷۷- اگر بعضی از وراثت بدون پرداختن سهم وراثت دیگر (یعنی با تصاحب کلّ ارث) به حج بروند حکم حجّشان چگونه است و صله رحم با آنها چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه سهم ارث بعضی از وراثت پرداخته نشود و به صورت مشاع در اموال بقیه بماند تصرف در آن حرام است و اگر با همان پول حج بروند و لباس احرام و قربانی را از آن تهیه کنند حج آنها نیز اشکال دارد و تا سهم ارث بقیه را نپردازند آن مال حکم مال غصبی را دارد و اگر صله رحم با این اشخاص سبب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۳۹

جرات و جسارت آنها بر حرام شود جایز نیست و اگر ترک صله رحم باعث نهدی از منکر شود واجب است و اگر صله رحم و ترک آن تأثیری در نهدی از منکر نداشته باشد نباید صله رحم را ترک نمود.

سؤال ۴۷۸- در موسم حج مردم به امام جماعت اهل سنت اقتدا می‌کنند، آیا در وسعت وقت اعاده لازم است؟
جواب: نماز آنها صحیح است و اعاده لازم نیست.

سؤال ۴۷۹- آیا مسافر در محلات قدیم و جدید الإحداث مکه و مدینه مثل مسجد النبی و مسجد الحرام بین قصر و تمام مخیر است و یا باید قصر بخواند؟

جواب: مسافران مخیرند در مکه و مدینه نماز خود را در مسجد الحرام و مسجد النبی بلکه در تمام شهر مکه و مدینه تمام یا قصر بخوانند و نماز تمام افضل است و فرقی میان مکه و مدینه قدیم و امروز نیست.

سؤال ۴۸۰- حجّاجی که در مکه قصد اقامه کرده‌اند آیا در عرفات و مشعر و منی هم می‌توانند نمازشان را تمام بخوانند؟
جواب: در شرایط فعلی که فاصله مکه از عرفات به مقدار مسافت شرعیّه نیست نمازشان تمام است.

سؤال ۴۸۱- بعضی از اشخاص که از اوّل عمرشان حساب و کتابی نسبت به خمس محمّد و آل محمّد (علیهم السلام) ندارند و با

همین وضع به حج تمتع و عمره مفرده می‌روند، حج اینها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که پول قربانی و احرام آنها از آن نباشد صحیح است و الا اشکال دارد و در هر حال گناه کرده است.

سؤال ۴۸۲- شخصی مستطیع نبوده ولی چند سال قبل در مرض موتش چند نفر او را مجبور می‌کنند در وصیت به پرداخت پنج هزار پول افغانی به عنوان حج میقاتی، آیا این وصیت صحیح است و اگر صحیح است از آنجا که آن مبلغ برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۰

حج میقاتی کافی نیست تکلیف چیست؟

جواب: اگر واقعاً وصیت از روی اجبار بوده، نافذ نیست و اگر بعد از اصرار افراد او راضی به وصیت شده و وجه مزبور برای حج میقاتی کفایت نکند، باید آن وجه را در کارهای خیر مصرف کنند.

سؤال ۴۸۳- آیا خرید و فروش فیش حج جایز است؟

جواب: هر گاه خودش مستطیع نباشد یا حج واجب را انجام داده است و این کار مخالف مقررات حکومت اسلامی نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۴۸۴- سال گذشته یکی از دوستان در مراسم حج دو قطعه سنگ از کوه حرا به من هدیه کرد و بنده هم سنگها را در محل مناسبی قرار دادم و هر چند روز یک بار به عنوان تبرک آن سنگها را می‌بوسم و زیارت می‌کنم، آیا این عمل بنده کفر و شرک نمی‌باشد؟

جواب: این کار ذاتاً حرام نیست اما تکرار آن ممکن است منشأ برداشتهای سوء یا بدعت شود، بنابراین از این کار خودداری کنید.

سؤال ۴۸۵- چندین سال قبل شوهرم برای حج مرا نام‌نویسی کرد و هم اکنون که نوبتم رسیده، شوهرم فوت کرده است، نمی‌دانم آیا خمس مبلغ ثبت نامی را داده یا نه، تکلیف چیست؟

جواب: اگر شک دارید، بگویید ان شاء الله داده است.

سؤال ۴۸۶- زنی که اعمال عمره تمتع خود را به جهت عادت شدن انجام نداده است صبح روز نهم در عرفات پاک می‌شود ولی آمدن به مکه جهت انجام اعمال عمره تمتع به دلیل ازدحام در مسیر و یا نداشتن همراه امکان ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: حج او تبدیل به افراد شده است و باید ادامه دهد و بعد از اتمام حج، عمره مفرده بجا آورد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۱

سؤال ۴۸۷- خانمی که وظیفه‌اش حج افراد است، عمره مفرده را تا چه وقتی بدون عذر می‌تواند تأخیر بیندازد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بلافاصله بعد از حج بجا آورد و اگر ناچار به تأخیر شد، قبل از پایان ذی الحجه بجا آورد.

سؤال ۴۸۸- وظیفه زنی که در عمره در حال احرام یا قبل از احرام یا بعد از آن حائض شده است، چیست؟

جواب: احرام این زن در هر حال صحیح است، لکن صبر می‌کند تا پاک شود سپس طواف و نماز طواف را بجا می‌آورد و بعد بقیه اعمال عمره را انجام می‌دهد.

سؤال ۴۸۹- آیا حجاج کفارات عمره و حج تمتع را می‌توانند بعد از مراجعت در شهرهای خودشان پرداخت نمایند؟

جواب: مانعی ندارد ولی تمام آن را به نیازمندان بدهند.

سؤال ۴۹۰- وظیفه ما در مراسم حج زمانی که قاضی اهل سنت حکم به رؤیت هلال می‌کند چیست در صورتی که در نظر شیعه یا رؤیت هلال مشکوک است یا اینکه خلاف آن ثابت است؟

جواب: باید با سایر مسلمانان هماهنگی کنید و حج شما صحیح است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۳

فصل پانزدهم: احکام قضا

سؤال ۴۹۱- آیا عهده‌دار شدن منصب قضا برای غیر مجتهد در صورت فقدان مجتهد جامع شرایط در آن محل جایز است؟
جواب: در صورتی که مجتهد جامع شرایط در آن شهر نباشد باید از اهل علم که به مسائل قضایی و حقوقی آشنا هستند- و لو از راه تقلید- استفاده شود.

سؤال ۴۹۲- آیا قاضی می‌تواند حکم قاضی دیگر را باطل کند؟ و در صورت عدم جواز، چه راه حلی برای نقض حکم یک قاضی توسط دیوان عالی کشور وجود دارد؟

جواب: تنها راهی که از طریق عناوین اولیه می‌توان برای تجدید نظر در پرونده‌ها پیدا کرد این است که به قضات مرحله اول در مسائل مهمه (مانند دِما و اموال مهمه و ...) دستور داده شود که در مرحله اول انشای حکم نکنند بلکه نظر مشورتی خود را ثبت نمایند یا به تعبیر دیگر انشای حکم در اینگونه مسائل از حوزه اجازه قضای آنها خارج است و به این ترتیب راه برای تجدید نظر باز خواهد بود و حاکم دوم می‌تواند تمام کارهای قضایی را روی پرونده انجام دهد، در ضمن از نظر مشورتی قاضی اول نیز استفاده کند. البته این در صورتی است که ارباب دعوا تقاضای تجدید نظر بکنند و اگر تقاضای تجدید نظر نکنند قاضی اول می‌تواند انشای حکم کند (یعنی در این صورت مجاز به انشای حکم است).

سؤال ۴۹۳- احکامی که قضات محترم جمهوری اسلامی بر اساس علم صادر می‌کنند آیا در آثار و احکام چون آرای صادره بر اساس اقرار است یا ملحق به آرای استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۴

صادره بر اساس بینه است و یا راه سوّمی است که ملحق به هیچ کدام نخواهد بود؟
جواب: در هر موردی باید تابع دلیل آن مورد بود مثلاً در مسأله فرار از حفره ادله شامل علم قاضی نمی‌شود و حدّ ساقط نمی‌گردد.
سؤال ۴۹۴- در شرایط کنونی جمهوری اسلامی که اکثر قضات محترم مأذون و منصوب هستند و حتی با اجتهاد مطلق هم باید نصب شوند و طبعاً احکام برخی از قضات استحکام لازم را نداشته یا ضعفهایی خواهد داشت، اگر تمام احکام قابل تجدید نظر باشد اطاله دادرسی چند برابر شده و حقوق مردم ضایع می‌شود و اگر منحصر به همان سه مورد معروف باشد- که تجربه نشان داده در طول بیش از یک دهه حکومت اسلامی حتی موارد انگشت شمار هم از آن موارد سه گانه رخ نداده و بقیه قطعی باشد، بیشتر حقوق ضایع می‌شود بخصوص در دما و اموال مثل (احکام اعدام و مصادره اموال). به نظر می‌رسد قابل تجدید نظر دانستن احکام این قضات در بخشی از احکام با محدود کردن حوزه اجازه و نصب، بلاشکال باشد. مقصود از تجدید نظر یعنی پس از حکم کردن قاضی، مجدداً قاضی دیگری پرونده را به شکل ماهوی بررسی کند اگر به همان نظر رسید تأیید و گرنه نقض کند و خود حکم کند؟

جواب: در اینگونه موارد می‌توانند مطابق آنچه در جواب سؤال ۴۹۲ آمد عمل نمایند.

سؤال ۴۹۵- هرگاه کسی دیگری را بکشد و بعداً مدعی شود که او را به این علت کشتم که سب خدا و پیامبر یا ائمه (علیهم السلام) کرده بود، آیا این ادعا بدون دلیل و بینه پذیرفته می‌شود؟
جواب: نافذ و معتبر نیست و اگر اثبات نکند محکوم به قصاص خواهد شد.

سؤال ۴۹۶- با توجه به مطالبی که در ذیل می‌آید آیا قاضی در زمان فعلی می‌تواند به اسناد رسمی اعتماد نموده و آنها را مستند حکم خود قرار دهد:

الف) اوضاع و احوال و اماراتی وجود دارد که عرفاً باعث اعتماد به تنظیم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۵

کنندگان این اسناد و نیز باعث اعتماد به اسناد رسمی می‌شود مانند وجود مجازاتهای حقوقی و کیفری برای سردفتران متخلف، وجود بازرسان دائمی که دفاتر اسناد رسمی را بازرسی می‌نمایند و از طرفی سردفتران برای اعتماد نمودن مراجعین به آنها دقت زیادی در کار خود به خرج می‌دهند.

ب) قسمت اعظم روابط حقوقی و اقتصادی مردم و مسائل قضایی بر مبنای اسناد رسمی قرار گرفته به طوری که بدون وجود این اسناد (مانند شناسنامه، سند ازدواج، اسناد مالکیت زمین، خانه، اتومبیل و امثال آن) این قسم از نظام معیشتی جامعه مختل می‌گردد. جواب: امضای کتبی، حکم انشای لفظی را دارد؛ بنابراین اسناد معتبر فعلی حجت است و ما در آخر جلد دوم تعلیقه عروه الوثقی دلایل کافی برای این مسأله نوشته‌ایم.

سؤال ۴۹۷- نظر خودتان را در مورد مرور زمان حقوقی (گذشت مدتی که پس از آن دعوا دیگر در محکمه شنیده نمی‌شود) و مرور زمان کیفری (گذشت مدتی که پس از آن دیگر مجرم مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد یا اگر مورد تعقیب قرار گرفته دیگر تعقیب ادامه نمی‌یابد یا اگر حکم قطعی صادر شده دیگر حکم اجرا نمی‌شود) بیان فرمایید؟

جواب: ظاهراً در قوانین فقهی اسلام اصلی به نام مرور زمان نداریم، تنها چیزی که در اینجا وجود دارد این است که گاه مرور زمان دلیل قطعی یا حجت شرعی بر اعراض صاحب حق و ابرای او می‌شود و گاه ممکن است عناوین ثانویه مانع از رسیدگی به اینگونه جرایم یا حقوق گردد اما در غیر این دو صورت ظاهراً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۶

مسأله‌ای به نام مرور زمان وجود ندارد.

سؤال ۴۹۸- گاهی، مواردی از ارتباط نامشروع دختر و پسر گزارش می‌شود اما پس از تشکیل پرونده، طرفین منکر هرگونه رابطه‌ای هستند، یا به رابطه و تماس بدنی اعتراف می‌کنند لیکن نسبت به مقاربت منکر می‌باشند، در این صورت قاضی، دختر را جهت روشن شدن موضوع به پزشک قانونی می‌فرستد و دکتر وی را قبلاً و دُبُرّاً مورد معاینه قرار می‌دهد. سؤال این است که:

الف) آیا لازم است دختر به پزشک (مرد یا زن) جهت معاینه معرفی شود یا نه؟ چنانچه خانواده دختر ابراز نگرانی و درخواست معاینه نمایند چطور؟

ب) آیا نظر پزشک می‌تواند در حکم تأثیر نماید؟ چنانچه پزشک قانونی گزارش نماید که جسم سختی با قبل یا دُبُرِ دختر برخورد کرده و صریحاً مشخص نگردد چطور؟

جواب: الف) قاضی مأمور به فحص در اینگونه از مسائل نیست و معاینه کردن جایز نمی‌باشد مگر اینکه ضرورتی ایجاب کند.

ب) نظر پزشک قانونی به تنهایی در فرض بالا کافی نیست.

سؤال ۴۹۹- آیا دادن رشوه برای استخدام در یک مؤسسه در صورتی که بدون پرداخت آن استخدام امکان‌پذیر نباشد جایز است؟ جواب: چنانچه با دادن پول، باطلی را حق و حقی را باطل نکند و حق کسی یا نوبت کسی را ضایع نکند اشکال ندارد و رشوه محسوب نمی‌شود ولی برای گیرنده اگر انجام این کار جزء وظایفش باشد حرام است.

سؤال ۵۰۰- در هنگام بازی، بچه غیر مکلفی جنایتی بر هم‌بازی خود وارد می‌کند (ضربتی به چشم وی می‌زند) اولیای طفل به معالجه وی پرداخته و به امید آن که بهبود پیدا می‌کند از اقامه دعوا شکایت خودداری می‌کنند. پس از چند سال و پس از بهبود مبادرت به شکایت می‌کنند. اینک که جانی مکلف و کبیر شده، چنانچه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۷

بینه‌ای نباشد و متهم منکر قضیه باشد چگونه باید فصل خصومت کرد؟

جواب: در فرض عدم بینه منکر قسم یاد می‌کند، احتیاط آن است که ولی او نیز قسم یاد کند.

سؤال ۵۰۱- نظر مبارک را در خصوص قضات مأذون بیان فرمایید؟

جواب: آنها که مجتهد عادلند قضاوت آنها قطعی است و غیر مجتهد مسأله‌دان، در صورت عدم دسترسی به مجتهد جامع الشرایط نیز قضاوت او مقبول است.

سؤال ۵۰۲- آیا متهم نمودن فردی بدون تفهیم اتهام و عدم احضار وی به دادگاه و عدم اجازه دفاع، و بازداشت با جرم نامعلوم به مدت ۲/۵ سال و نبودن مدرک اتهام در پرونده، می‌تواند شرعی و اسلامی باشد؟

جواب: لازم است طبق مقررات شرع گناه متهم به او تفهیم شود و اجازه دفاع را به او بدهند و سپس بر طبق موازین عدل اسلامی و طبق آنچه در احکام مقدس فقهی آمده است داوری شود.

سؤال ۵۰۳- در دعوی بر میت که علاوه بر بینه، قسم هم لازم می‌باشد، آیا تنها اختصاص به دیون دارد و یا شامل هر ادعایی می‌شود مثل اینکه کسی بگوید که فلان زمین میت از من بوده یا فلان زمین یا فلان چشمه و فلان جوی آب را با هم شریک بودیم؟

جواب: این حکم اختصاص به دیون دارد.

سؤال ۵۰۴- شخصی عازم سفر ایران بوده، فرد دیگری قبل از ورود به مرز از او می‌خواهد که در این سفر با هم باشند، در گمرک خسروی هنگام بازدید اسبابهای او معلوم شد مقدار زیادی اشیای ممنوع الورد همراه دارد که تمامی آنها را اداره گمرک مصادره کرد و شخص اول فقط تعدادی سمباده ایتالیایی همراه داشت و مأمور گمرک به گمان آن که سمباده‌ها هم راجع به شخص دوم است آن را هم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۸

مصادره کرد و توسیلات و التماسات شخص اول نتیجه‌ای نداد لاجرم شخص اول معادل قیمت سمباده‌ها را از شخص دوم که به او بدهکار بود از بابت قیمت سمباده‌ها تقاص کرد، آیا این کار اشکال دارد؟

جواب: اگر صاحب اموال قاچاق سبب شده است که اموال غیر قاچاق مربوط به شخص اول نیز از بین برود ضامن است و می‌توان تقاص کرد.

سؤال ۵۰۵- شخصی فوت کرده و دارای چند وارث صغیر است، خواهر این میت ادعا می‌کند که فلان زمین میت ملک من است ولی ورثه میت سندی مبنی بر اینکه خواهر، آن زمین را به برادرش هبه کرده است ارائه می‌دهند ولی خواهر این هبه‌نامه را نمی‌پذیرد و حاضر به قسم خوردن شده است، آیا از جانب صغیر طرف مقابل را می‌توان قسم داد؟

جواب: آنها باید نزد حاکم شرع بروند و مدارک خود را ارائه دهند اگر قسم لازم بشود ولی صغیر می‌تواند برای دفاع از حق آنها قسم بخورد.

سؤال ۵۰۶- آیا تعدد قضات با موازین اسلامی مطابقت دارد؟

جواب: در قاضی تحکیم، تعدد قضات ممکن است ولی در قاضی منصوب حکم نهایی به وسیله یک نفر صادر می‌شود ولی مانعی ندارد قاضی با قضات دیگر مشورت کند بلکه مستحب است.

سؤال ۵۰۷- در صورتی که بین چند قاضی رسیدگی کننده به یک پرونده اختلاف حاصل شود، آیا رأی قاضی که اعلم است در اولویت می‌باشد؟

جواب: در یک پرونده باید یک قاضی دخالت کند هر چند می‌تواند با دیگران مشورت کند.

سؤال ۵۰۸- اگر در بین چند قاضی که به یک پرونده رسیدگی می‌کنند یک نفر مجتهد باشد، آیا ایشان در انشای رأی با دیگران

تفاوتی دارد؟

جواب: قاضی مجتهد مقدم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۴۹

سؤال ۵۰۹- آیا در فقه اسلامی نظام تعدد قاضی در محکمه وجود دارد و مورد تأیید قرار گرفته است؟ در صورت مثبت بودن شیوه دادرسی و صدور رأی به چه طریق است؟ رأی اکثریت ملاک است یا رأی مجتهد اعلم ملاک است؟
جواب: هرگاه قضات با هم اتفاق نظر داشته باشند مانعی ندارد ولی در صورت اختلاف نظر باید یک نفر در قضیه دخالت کرده و حکم صادر نماید.

سؤال ۵۱۰- علم قاضی که از اقرار متهم و کیفیت اظهارات متخاصمین و محتویات پرونده و امارات و قراین موجود در آن حاصل می‌شود، آیا حجت شرعی است و قاضی می‌تواند استناداً به چنین علمی حکم حدود و قصاص و سایر حقوق شرعی را صادر نماید؟
جواب: هرگاه علم قاضی از مبادی حسیه یا قریب به حس حاصل شود حجت است.

سؤال ۵۱۱- بین عمرو و زید درباره ملک نزاع شده است و هر کدام مدعی است که آقای خالد آن ملک را به او داده است. هر دو شاهد دارند اما زید علاوه بر شاهد نوشته‌ای هم دارد ولی عمرو نوشته خود را گم کرده است و شاهدان عمرو می‌گویند که خالد چندین سال قبل از تاریخ نوشته زید، ملک را به عمرو داده و ما شاهد هستیم لطفاً بفرمایید شهادت کدام یک از این دو مقدم است؟

جواب: اگر ملک در دست یکی از آن دو می‌باشد بینه و شاهد او مقدم است و اگر ملک در دست هر دو می‌باشد یا در دست هیچ کدام نیست باید تقسیم کنند.

سؤال ۵۱۲- اگر به خاطر نزاع و اختلاف، کسی بر شاهی جرح نماید مثلاً بگوید که فلان شاهد با من نزاع داشته بنابراین علیه من شهادت می‌دهد، آیا این جرح نافذ است؟
جواب: اگر بتواند عدم وثاقت او را ثابت کند جرح او پذیرفته است و گرنه مجرد ادعا پذیرفته نیست.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۱

فصل شانزدهم: احکام خرید و فروش

معاملات باطل و بخشی از کارهای حرام

۱- خرید و فروش میته

سؤال ۵۱۳- آیا جایز است ماهی‌های حرام را به کفار بفروشند و پول حاصل آن را مصرف کنند یا به حکومت اسلامی بدهند؟
جواب: فروختن به کسانی که آن را حلال می‌دانند جایز است و همچنین بیع میته و غذای نجس و بعضی از حیوانات غیر مأكول، ولی فروختن شراب و مانند آن جایز نیست.

۲- موسیقی

سؤال ۵۱۴- حکم موسیقی سنتی و غیر سنتی چیست؟
جواب: آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام است و غیر آن اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۵- طبل زدن در مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) چه حکمی دارد؟

جواب: تعظیم شعائر حسینی از افضل قربات است و از هر وسیله معقول می‌توان استفاده کرد، استفاده از طبل اگر با آهنگهای مناسب مجالس فساد نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۶- استفاده از طبل و سنج در مراسم عزاداری و غیر آن چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۲

جواب: استفاده از طبل و سنج در این مراسم آن چنان که معمول است و آهنگ لہوی در آن نیست اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۷- بعضی از موسیقی‌های تلویزیون همان موسیقی غربی است که تنها آوازش برداشته شده است پخش و گوش دادن به آن چه صورت دارد؟

جواب: اگر در محیط ما نیز جزء موسیقی مناسب مجالس لہو و فساد حساب شود حرام است.

سؤال ۵۱۸- بعضی از اهل خبره می‌گویند: برخی از موسیقی‌های رادیو و تلویزیون، موسیقی رقص است. خرید و فروش نوار آنها و استماع آن چه صورت دارد؟

جواب: در صورتی که این امر ثابت شود، جایز نیست.

سؤال ۵۱۹- چه نوع موسیقی حرام است؟

جواب: موسیقی‌هایی که مناسب مجالس لہو و فساد است حرام می‌باشد و غیر آنها حلال است و تشخیص آن با مراجعه به عرف عام امکان‌پذیر است.

سؤال ۵۲۰- آیا هر نوع موسیقی حرام است؟ حکم آن در موارد مشکوک چیست؟

جواب: کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لہو و فساد است حرام و غیر آن جایز است و در مصادیق مشکوک اصل برائت است و احتیاط مستحب اجتناب است.

سؤال ۵۲۱- نی زدن اگر موجب فساد نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از قبیل آهنگهایی باشد که مناسب مجالس لہو و فساد است حرام است.

سؤال ۵۲۲- خواندن سرود توسط زنان به صورت دسته جمعی همراه با مردان اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۳

سؤال ۵۲۳- بنابر قول بعضی از فقها غنا در مجالس عروسی استثنا شده است، نظر مبارک حضرت عالی چیست؟

جواب: فرقی میان مجالس عروسی و غیر عروسی (بنابر احتیاط) نیست.

سؤال ۵۲۴- چه نوع آلات موسیقی حرام است، آیا آهنگهایی که همراه با رژه نظامی نواخته می‌شود حرام است؟

جواب: منظور آلاتی است که غالباً از آن برای حرام استفاده می‌شود، اما آهنگهای رژه نظامی حرام نیست.

سؤال ۵۲۵- حکم شرعی وسایل موسیقی از قبیل سه تار و سنتور و ... که در مجالس لہو و لعب مانند مجالس عروسی از آنها استفاده نمی‌شود چیست؟

جواب: ساختن و خرید و فروش هر گونه وسیله‌ای که غالباً برای حرام از آن استفاده می‌شود حرام است و اگر وسیله مشترک باشد جایز است.

سؤال ۵۲۶- گوش دادن به آواز زن نامحرم برای مرد در صورتی که اشعار مذهبی بخواند و موجب مفسده هم نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۵۲۷- اساساً چه ملاکی برای تشخیص غنای حرام از حلال وجود دارد؟ حکم شنیدن موسیقی و ترانه چیست؟ و آیا بین موسیقی نوین و سنتی یا بین موسیقی فرح‌انگیز و حزن‌انگیز از نظر شرعی تفاوتی وجود دارد؟
جواب: همان گونه که در مسائل سابق اشاره شد، موسیقیهای مناسب مجالس لهو و فساد حرام است و غیر آن حلال است و تفاوتی میان موسیقی سنتی و نوین و یا فرح‌انگیز و غیر آن نیست.

سؤال ۵۲۸- دایره زدن در مجالس عروسی و غیر عروسی چه حکمی دارد؟

جواب: حکم دایره زدن حکم سایر آلات موسیقی است و فرقی میان مجالس عروسی و غیر آن نمی‌باشد (بنابر احتیاط واجب).
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۴

سؤال ۵۲۹- آواز خواندن زن برای زنان و برای شوهرش چه به صورت غنا و چه بدون غنا چه حکمی دارد؟

جواب: برای شوهرش و برای سایر زنان بدون غنا و بدون آهنگهای مناسب لهو و فساد اشکال ندارد.

سؤال ۵۳۰- قرآن خواندن زن در حضور مردان غریبه چه حکمی دارد و آیا می‌تواند بدون حالت غنا اشعاری را به صورت تک‌خوانی برای مردان بخواند؟

جواب: اگر با آهنگ بخواند اشکال دارد.

سؤال ۵۳۱- زنان در کشمیر در مراسم ازدواج برای استقبال داماد و عروس در خیابانها و در جمع نامحرمان ترانه‌های محلی می‌خوانند، این عمل چه حکمی دارد و آیا شرکت در این مراسم شرعاً اشکال دارد؟
جواب: خواندن این ترانه‌ها جایز نیست و شرکت در اینگونه مجالس اشکال دارد.

سؤال ۵۳۲- آیا تلاوت قرآن به صورت سرود و همراه با آهنگ جایز است؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۵۳۳- گوش دادن به موسیقی تند در نوارهای جدید که از طرف ارشاد تکثیر می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: همان گونه که گفته شد کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود و فرقی میان نوارهایی که از طرف ارشاد پخش می‌شود و غیر آن نمی‌باشد.

۳- رقص

سؤال ۵۳۴- رقص زن در مجلس زنان چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۵

جواب: رقص زن جز برای همسر خود جایز نیست.

سؤال ۵۳۵- آیا رقص در مجالس عروسی جایز است؟

جواب: رقص منشأ فساد است و اشکال دارد خواه رقص زن برای زن یا مرد برای مرد و یا زنان برای مردان باشد ولی رقص زن برای همسرش اشکال ندارد.

سؤال ۵۳۶- آیا نگاه کردن به رقص جایز است؟

جواب: نظر کردن به رقص حکم خود آن را دارد.

سؤال ۵۳۷- آیا جایز است زن در میان زنان برقصد و اگر جایز نیست حکم نشستن زنان در تالارها و یا در چنین مجالسی چگونه است؟

جواب: همان گونه که گفته شد تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیه اشکال دارد و رقصیدن زن در بین زنها و یا مرد در بین مردها جایز نیست و در مجالس معصیت نباید شرکت کنید.

۴- دست زدن

سؤال ۵۳۸- دست زدن همراه با مدّاحی در مجالس شادی ائمه معصومین (علیهم السلام) و روزهای تولّد آنها از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: دست زدن اگر با امور حرام دیگری مقرون نباشد حرام نیست، ولی در مساجد و حسینیه‌ها از آن پرهیز کنید.

سؤال ۵۳۹- در تهران و بعضی از شهرهای دیگر، برخی از گویندگان و مدّاحها در تولّد ائمه اطهار (علیهم السلام) مردم را به کف زدن تشویق می‌نمایند. لطفاً مرقوم فرماید اصلاً کف زدن جایز است؟

جواب: کف زدنهای معمولی حرام نیست ولی رعایت احترام مساجد و حسینیه‌ها لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۶

۵- قمار

سؤال ۵۴۰- چه نوع بازیهای قمار محسوب می‌شود؟ اخیراً در این مناطق بازیهایی به نام «رُمینو» که مشکوک به نظر می‌رسد رواج یافته، آیا می‌توان بازی فوق را انجام داد؟

جواب: آنچه در میان مردم به عنوان قمار شناخته می‌شود حرام است و موارد مشکوک اشکالی ندارد به شرط اینکه پول یا چیز دیگری برد و باخت نکنند.

سؤال ۵۴۱- آیا بازی با پاسور بدون برد و باخت جایز است؟

جواب: اگر پاسور در عرف عام از آلت قمار خارج شده و صرفاً به عنوان یک سرگرمی استفاده می‌شود بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکال ندارد.

سؤال ۵۴۲- مؤسسه‌هایی در کشور اتریش با عنوان بدون درد سر صاحب ۳۰۰۰۰ دلار شوید فرمهایی را به ترتیب زیر در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند:

الف) متقاضی مثلاً زید فرم را از شخص نامبرده در ردیف پنجم به مبلغ ۳۰ دلار می‌خرد.

ب) سپس ۳۰ دلار چک تضمینی به نام شخص ردیف اول و ۳۰ دلار چک تضمینی به نام مؤسسه به همراه فرم خریداری شده که در آن نام و مشخصات خود را درج نموده است برای آن مؤسسه می‌فرستد (یعنی در مجموع ۹۰ دلار می‌پردازد).

ج) پس از مدتی چهار عدد فرم که در آن نام ردیف اول حذف گردیده و نامهای ردیف‌های پایین هر یک، به یک ردیف بالاتر ارتقا نموده به دست آقای زید می‌رسد البته به این ترتیب نام آقای زید در ردیف پنجم قرار می‌گیرد.

د) آقای زید ۴ فرم واصل شده را به چهار نفر متقاضی جدید به قیمت هر فرم ۳۰ دلار می‌فروشد به این ترتیب علاوه بر ۹۰ دلار پرداختی ۳۰ دلار اضافه نیز دریافت می‌کند.

ه) افرادی که فرمهای آقای زید را خریده‌اند هر کدام به ترتیب سابق عمل نموده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۷

(به ترتیبی که در شماره ۲ توضیح داده شد) و هر یک ۴ فرم جدید دریافت می‌نمایند کم‌کم نام زید از ردیف پنجم به ردیف‌های

بالاتر ارتقا می‌یابد تا به ردیف اول می‌رسد و در اینجا هر متقاضی جدید موظف است ۳۰ دلار به حساب آقای زید واریز نماید که جمعاً حدود ۳۰۰۰۰ دلار خواهد شد، بعد نام ایشان نیز از لیست خارج شده و ردیفهای بعد به ترتیب بالا می‌آیند. آیا شرکت در این مؤسسه جایز است؟

جواب: شرکت در این کار حرام و پول عاید از آن مباح نیست و در واقع این نوعی کلاهبرداری مرموز برای تصاحب اموال دیگران است.

۶- شطرنج

سؤال ۵۴۳- آیا بازی با شطرنج در عصر حاضر اشکال دارد؟

جواب: اگر شطرنج در عرف عام از آلات قمار محسوب شود بازی با آن حرام است و اگر از حالت قمار خارج و جزء ورزشهای فکری در آمده باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۴۴- نظر حضرت عالی در مورد بازی با آلات قمار همچون شطرنج و پاسور بدون برد و باخت چیست؟

جواب: در مورد بازی با آلات قمار بدون برد و باخت احتیاط واجب اجتناب است و اما در مورد شطرنج و پاسور همان گونه که در بالا ذکر شد چنانچه در عرف عام واقعاً به عنوان ورزش یا سرگرمی شناخته شود جایز و گرنه حرام است.

۷- مجسمه‌سازی

سؤال ۵۴۵- این جانب مدتی است که بعضی از تصاویر را بر روی چوب به صورت برجسته حک می‌کنم و از این طریق امرار معاش می‌نمایم چون شنیده بودم که ساخت مجسمه کامل دارای روح حرام می‌باشد نه بخشی از حجم بدن، آن هم به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۸

صورت حک بر روی چوب، آیا امرار معاش این جانب از این راه شرعاً جایز می‌باشد؟

جواب: این قبیل نقوش برجسته شرعاً اشکالی ندارد ولی سعی کنید نقشهایی که موجب ترویج ادیان و مذاهب غیر اسلامی می‌شود و یا تصویرهایی که موجب فساد اخلاق است نبوده باشد.

سؤال ۵۴۶- مجسمه‌سازی تمام تنه یا نیم تنه انسان یا حیوان چه حکمی دارد، نقاشی آنها چطور؟

جواب: مجسمه‌سازی اشکال دارد و نقاشی جایز است.

سؤال ۵۴۷- خرید و فروش مجسمه‌هایی که از گچ یا مواد ساخته می‌شود و به عنوان اسباب بازی و یا برای نگهداری در منازل به کار می‌رود، چه حکمی دارد؟ مثل انواع عروسکها و سگها و گربه‌ها و مرغها که از گچ یا مواد ساخته می‌شود؟

جواب: هرگاه به صورت اسباب بازی باشد مانعی ندارد ولی بهتر آن است که از آنها برای تزیین استفاده نشود.

سؤال ۵۴۸- با توجه به اینکه ساختن مجسمه‌های دارای روح مطابق اجماع فقها حرام است، چرا در کشور اسلامی ما مجسمه می‌سازند و در میدان شهرها نصب می‌کنند و پارکها را مزین به آن می‌کنند و بیت المال را صرف ساختن آن می‌نمایند، آیا حرمت به حال خود باقی است یا حکم ثانوی بر آن مترتب شده است؟

جواب: مجسمه‌سازی اشکال دارد و شایسته است از نگهداری این گونه مجسمه‌ها پرهیز شود.

سؤال ۵۴۹- آیا حرمت نقاشی و مجسمه‌سازی به دلیل برداشت شرک‌آمیز از آنها و جنبه بت پرستی آن است؟ در این صورت امروز که این امور ذهنتیت بت پرستی را در عموم مردم ایجاد نمی‌کند و به عنوان هنر شناخته شده و به کار گرفته می‌شود، پرداختن به آن

چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۵۹

جواب: مجسمه‌سازی و خرید و فروش آن در هر حال اشکال دارد مگر در مواردی که جنبه اسباب‌بازی دارد.

سؤال ۵۵۰- از آنجا که رشته نقاشی و مجسمه‌سازی در تعدادی از دانشگاه‌های ایران اسلامی تدریس می‌شود، این رشته‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: رشته نقاشی اشکالی ندارد.

سؤال ۵۵۱- استفاده از هنر مجسمه‌سازی در ترویج شعائر اسلامی چه حکمی دارد و اصولاً آیا موضوع اینگونه کارهای هنری در کیفیت حکم تأثیری دارد؟

جواب: از جوابهای بالا روشن شد.

۸- غیبت

سؤال ۵۵۲- معنای غیبت را بیان فرمایید؟

جواب: غیبت آن است که عیب پنهانی کسی را پشت سر او بگویند ولی در مواردی که مسأله مهمی مطرح است مانند موارد مشورت و اصلاح ذات‌البین و امثال آنها استثنا شده است.

سؤال ۵۵۳- شخصی به رفیق خود می‌گوید: شما اگر فلان کار را انجام بدهید همه بر ضد تو حرف می‌زنند، آیا پشت سر «همه» غیبت است؟

جواب: این عبارت غیبت محسوب نمی‌شود.

سؤال ۵۵۴- شخصی را می‌شناسیم که هر وقت با او برخورد می‌کنیم و گفتگو و صحبت را آغاز می‌کنیم بسیار وسواس دارد و با کوچکترین حرف و صحبتی می‌گوید: غیبت نکن، لطفاً معنای غیبت را مختصراً توضیح فرمایید؟

جواب: غیبت آن است که عیب مستور کسی را پشت سر او بگویند و اگر از این قبیل نباشد نباید مردم را نهی کرد و نسبت غیبت به آنها داد.

سؤال ۵۵۵- آیا غیبت کردن مسئول اداره و یا کارمندی که خلافی مرتکب شده، جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۰

جواب: اگر به قصد نهی از منکر باشد و اثر داشته باشد لازم است.

سؤال ۵۵۶- آیا گفتگو درباره رسوم، آداب، گفتار، کردار، طرز لباس پوشیدن، شکل ظاهری، ادا در آوردن روستایی، شهری‌ها و قبایل گوناگون ایران و سایر کشورها غیبت محسوب می‌شود؟

جواب: اگر به قصد عیب‌جویی و مسخره کردن نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۵۷- آیا بررسی کارهای مسئولی از مسئولین نظام مقدّس جمهوری اسلامی در غیاب او با عنایت به مفاد حدیث شریف «کلکم راعٌ و کلکم مسئول عن رعیتة» از نظر شرع مقدّس اسلام غیبت محسوب می‌شود؟

جواب: بررسی مسائل اجتماعی و انتقادهای سازنده و مثبت غیبت محسوب نمی‌شود.

۹- دروغ

سؤال ۵۵۸- داستانهایی که ساخته می‌شود و طبعاً دروغ هستند و واقعیت ندارند (اما برای آموزش مثبت به مخاطبین ساخته و گفته می‌شود) از لحاظ فقه و شریعت مقدّس اسلام چه حکمی دارد؟
جواب: اگر قرینه‌ای بر تخیلی بودن آن وجود داشته باشد مانعی ندارد.

۱۰- هیپنوتیزم

سؤال ۵۵۹- آیا هیپنوتیزم از نظر اسلام حرام است؟
جواب: برای مقاصد طبّی و مانند آن مانعی ندارد ولی برای کشف امور پنهانی یا خبر از گذشته و آینده و حال جایز نیست.

۱۱- خرید و فروش موادّ مخدّر

سؤال ۵۶۰- آیا صحیح است که بگوئیم خرید و فروش موادّ مخدّر مانند خرید و فروش استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۱

شراب است به این معنا که خریدار مالک مواد نمی‌شود و فروشنده مالک ثمن و مبلغ آن مواد نمی‌باشد؟
جواب: آری صحیح است و معامله این مواد باطل است.

سؤال ۵۶۱- فرموده‌اید استفاده از موادّ مخدّر حرام است آیا برای اشخاصی که مدّت ۲۰ سال یا بالاتر از تریاک استفاده می‌کنند و سنّ آنها بالاست نیز حرام است؟

جواب: استفاده از موادّ مخدّر برای هیچ کس جایز نیست مگر این که اگر کسی بخواهد آن را ترک کند جانش به خطر بیفتد.

۱۲- شعبده‌بازی

سؤال ۵۶۲- شعبده‌بازی را به عنوان کسب قرار دادن چه حکمی دارد؟ آیا شرکت در مجلس یا محفلی که در آنجا شعبده‌بازی می‌شود اشکال دارد؟

جواب: بازیهایی که به عنوان نمایش و سرگرمی و تفریح در بعضی مجالس مشاهده می‌شود که تردستی و زرنگی شخص را نشان می‌دهد و غرضی جز آن در کار نیست اشکالی ندارد. امّا اگر برای اغفال مردم باشد نوعی از سحر است که کسب آن حرام و حضور در آن مجلس هم حرام است.

۱۳- فال گرفتن

سؤال ۵۶۳- بعضی از اشخاص در خارج با فالگیری از جامع الدّعوات و یا دوازده برج، از آینده و گذشته و مرض مراجعین خبر می‌دهند و می‌گویند: فلان گرفتاری داری یا خواهی داشت، فلان مقدار باید بدهی تا دعای حسابی بنویسم و دعای محبّت مابین دخترها و پسرها و زوجها و برای دیوانه‌ها و جن‌زده‌ها می‌نویسند و پولهای زیادی دریافت می‌کنند و در ضمن نماز جمعه و نماز جماعت می‌روند، بفرمایید پول گرفتن در مقابل این کارها چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۲

جواب: پول گرفتن در برابر این کارها جایز نیست.

سؤال ۵۶۴- آیا رجوع به فالگیرها و جادوگران برای معالجه جایز است در حالی که گاهی از اوقات امراض سختی را معالجه

می‌کنند؟

جواب: رجوع به آنها حرام است.

سؤال ۵۶۵- آیا دعانویسی و پول گرفتن در مقابل آن به عنوان کسب یا هدیه جایز است؟

جواب: اگر دعاهای مشروعه مأثوره باشد مانعی ندارد ولی دعانویسی خرافی حرفه‌ای جایز نیست.

۱۴- تراشیدن ریش

سؤال ۵۶۶- آیا روایات مربوط به این که ریش تراشی مثله است دلالت بر حرمت تراشیدن ریش نمی‌کند؟

جواب: این روایات شاید ناظر به جایی است که کسی به اجبار محاسن دیگری را بتراشد و اما اگر با موافقت او بتراشد داخل عنوان مثله نیست، هر چند احتیاط واجب ترک آن است.

سؤال ۵۶۷- تراشیدن موی صورت و گلو و گونه با تیغ یا ماشینهای برقی چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد موهای صورت اشکال دارد ولی در مورد موهای گونه و گلو اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۸- آیا زیر گردن پشت گردن و قسمتی از پایین چشمها را با تیغ زدن اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۵۶۹- چندی پیش در جریان مسأله‌ای از احکام معظم له مبنی بر عدم جواز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۳

شرعی غیبت شخص ریش تراش (در خصوص تراشیدن ریش قرار گرفتیم) مضمون مسأله چنین بود که «نظر به اینکه بعضی از علما و مجتهدین تراشیدن ریش را حرام نمی‌دانند جایز نیست از شخص ریش تراش در خصوص این عمل غیبت شود» بفرمایید کدام یک از علما این کار را مجاز می‌دانند؟

جواب: بعضی از مراجع گذشته که الآن در قید حیات نیستند و بعضی از مراجع زنده، حکم به حرمت نمی‌نمایند، شاید شخص مزبور مقلد آنها باشد.

سؤال ۵۷۰- انسان در اوایل جوانی دارای ریشه‌های کم پشت و بعضی از قسمتهای صورت او خالی از مو می‌باشد، آیا تراشیدن صورت به قصد اینکه ریشه‌ها پرپشت شود و قسمتهای خالی از ریش هم پر شود حرام است؟

جواب: اگر موهای صورت نوجوان کم بوده باشد به طوری که صدق ریش بر آن نکند تراشیدن آن مانعی ندارد.

۱۵- مسائل عزاداری

سؤال ۵۷۱- آیا زنجیر زنی و قمه زنی و شمشیر زنی در عزای امام حسین (علیه السلام) جایز است؟

سؤال ۵۷۲- آیا تعزیه و شبیه‌خوانی اشکال دارد و اگر اشکال نداشته باشد بفرمایید که اگر مرد لباس زنان را در تعزیه بپوشد و به جای او بخواند اشکال دارد؟ و آیا صدای شیپور و طبل و دهل در تعزیه حرام است یا خیر؟ در پایان مستدعی است شرایط تعزیه‌خوانی را بیان فرمایید.

جواب: شبیه‌خوانی اگر با دروغ و آلات لهو توأم نباشد و موجب توهین به مقام شامخ حسین بن علی (علیه السلام) یا سایر شهدا نشود اشکالی ندارد و احتیاط آن است که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۴

مردان لباس زنان را نبوشند.

سؤال ۵۷۳- آیا شبیه‌خوانی- که نمایش مذهبی است و درباره واقعه عاشورا یا اربعین حسینی (علیه السلام) برگزار می‌گردد- جایز است؟

جواب: اگر امر خلاف شرعی در آن نباشد و موجب هتک مقدّسات نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۵۷۴- سینه زدن با تیغ و یا زنجیر زدن با زنجیری که دارای چاقو و یا تیغ می‌باشد و منجر به زخمی شدن بدن و جاری شدن خون می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره کرده‌ایم مسأله عزاداری حضرت سید الشهداء (علیه السلام) در هر زمان و در هر مکان از افضل قربات و مایه تقویت روح ایمان و شهادت اسلامی و ایثار و فداکاری و شجاعت در مسلمین است ولی کیفیت عزاداری باید چنان باشد که بهانه‌ای به دست دشمنان اسلام ندهد و موجب سوء استفاده از آن نشود و این مراسم عظیم و پرشکوه تضعیف نگردد و به همین جهت از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید پرهیز شود.

سؤال ۵۷۵- نظر مبارک را در رابطه با کیفیت مطلوب نحوه برگزاری عزاداری سالار شهیدان (علیه السلام) بیان فرمایید؟

جواب: بهترین شیوه عزاداری، تشکیل مجالس با شکوه و ذکر اهداف مقدّس امام حسین (علیه السلام) و تاریخچه کربلا و تحلیل فرازهای آن و مراسم سوگواری، و همچنین تشکیل دسته‌جات عزاداری با شکوه، توأم با شعارهای بیدارکننده و سازنده و پخش جزوه‌ها و پوستره‌های حساب شده و پرمحتوا و استفاده از پلاکاردها یا شعارهای جالب و جذاب و روشن‌کننده اهداف عزاداری حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و مانند آن است.

سؤال ۵۷۶- در آستارا، سنتی است که مردم به آن اعتقاد راسخ دارند، مسأله بدین صورت است که: روز تاسوعا و عاشورا علمای که در تمام مناطق مرسوم است در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۵

دست افراد خاصی می‌دهند که آن فرد با حرکت‌های مخصوص و حتی گاهی با حمله‌ور شدن به زنان و مردان و ترساندن بچه‌ها و به تعبیر مردم علم را جوش می‌آورند و آن را نسبت به امام حسین (علیه السلام) می‌دهند، مردم دور آن جمع می‌شوند و می‌گویند علم فرد را دنبال خود می‌برد، وقتی علم بعضی از افراد را زخمی می‌کند به معنای آن است که آن فرد، انسان بدی است و با دیده تردید به علم نگاه کرده است. متأسفانه علم در دست افراد معلوم الحال به جوش می‌آید و گاهی افراد متدین و وجیه را زخمی می‌کند، نظر شما را در این مورد خواستاریم؟

جواب: عزاداری حضرت خامس آل عبا (علیه السلام) از موجبات مهم تقویت دین است ولی نباید آن را آلوده به اینگونه کارهای نادرست کرد که موجب اذیت و آزار عزاداران و هتک حرمت افراد آبرومند شود.

سؤال ۵۷۷- در شرایطی که دشمنان اسلام سعی در منزوی کردن مسلمانان دارند و با حیل‌هایی می‌خواهند اسلام را خرافی و مسلمانان را بی‌منطق معرفی کنند، انجام برخی اعمال که در متن دین وجود نداشته و در بعضی مناطق عده‌ای در تظاهر به اسلام و تعظیم شعائر، مرتکب آن می‌شوند که حیثاً موجبات وهن شیعه و عزاداری را فراهم آورده است، چه حکمی دارد؟

جواب: لازم است در این شرایط و اوضاع پیروان اهل بیت (علیهم السلام) و عاشقان مکتب حسینی از هر کاری که موجب وهن این مراسم می‌شود پرهیزند و به جای آن به سراغ مراسمی بروند که عظمت اهداف حسینی را بیش از پیش آشکار می‌سازد و اگر جمعی از بزرگان فقهای پیشین (رحمه الله) در عصر و زمان خود بعضی از این کارها را به دلایلی اجازه فرموده‌اند، هرگاه در عصر و زمان ما بودند مسلماً نظر دیگری داشتند. خداوند همه ما را از پیروان مکتب آن بزرگوار و جان‌نثاران او قرار دهد.

سؤال ۵۷۸- در شهرستان ما مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا و سایر ایام بصورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۶

تعزیه خوانی برگزار می‌شود، تا شش سال قبل که فقط در محلّ ما برگزار نمی‌شد اهالی محلّ به محلات دیگر جهت دیدن تعزیه می‌رفتند و در آن محلات با مشکلات زیادی مواجه می‌شدند لهذا تصمیم گرفتیم این مراسم را در محلّ خودمان برگزار کنیم نظر شما چیست آیا در این شرایط تعزیه خوانی جایز است؟

جواب: چنانچه تعزیه خوانی مشتمل بر امر حرامی مانند دروغ یا هتک حرمت امامان بزرگوار و بزرگان دیگر و امثال اینها نباشد و مانع مجالس سخنرانی و نماز نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۵۷۹- آیا استفاده از وسایلی که به شکل صلیب هستند و در ماه محرم الحرام در جلوی صف عزاداری حمل می‌شود جایز است؟

جواب: این علامتها تداعی صلیب را نمی‌کنند ولی عزاداری هرچه ساده‌تر باشد بهتر است.

سؤال ۵۸۰- آیا پول دادن به مرثیه‌سرایانی که در لابه‌لای اشعار و سخنان خود بعضی از مصایب بی‌مدرک یا ضعیف السند را نقل می‌کنند و یا با غنا می‌خوانند جایز است و آیا نقل اینگونه مطالب به عزاداری ضربه نمی‌زند؟
جواب: پول را در برابر کارهای مشروع آنها بدهند و نسبت به کارهای خلاف نهی از منکر کند.

۱۶- ربا

سؤال ۵۸۱- ربا گرفتن و دادن به کفار و بانکهای اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: ربا گرفتن از کفار و از بانک حکومت غیر اسلامی جایز است و اما ربا دادن به آنها مجاز نیست مگر در صورت ضرورت که نگرفتن وام از آنها باعث عسر و حرج و یا ضعف و ذلت مسلمین در آن گونه کشورها شود.

سؤال ۵۸۲- بهره ۱۳ درصدی که بانکها در ازای وام می‌گیرند، یا بهره ۱۰ درصدی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۷

که در برابر سپرده‌های درازمدت می‌دهند و از اول چنین شرطی می‌کنند، آیا ربا محسوب می‌شود؟

جواب: اگر آیین‌نامه‌های بانک که در زمینه عقود شرعیّه و راههای نجات از ریاست عملی شود اشکالی ندارد.

سؤال ۵۸۳- آیا محاسبه نرخ تورم در دیون و مطالبات، ربا محسوب می‌شود؟

جواب: مسأله تورم در عصر ما با این شدت و وسعت که زائیده پولهای کاغذی است هرگاه در عرف عام به رسمیت شناخته شود در فرض مسأله ربا نخواهد بود (همان طور که از بعضی کشورهای خارجی نقل می‌کنند که آنها نسبت به سپرده‌های بانکی هم نرخ تورم را محاسبه می‌کنند و هم سود را) در چنین شرایطی محاسبه نرخ تورم ربا نیست ولی سود زاید بر آن ریاست اما در محیط ما و مانند آن که در عرف عام نرخ تورم در بین مردم محاسبه نمی‌شود کلاً ربا محسوب می‌شود زیرا اشخاصی که به یکدیگر وام می‌دهند بعد از گذشتن چند ماه یا بیشتر عین پول خود را مطالبه می‌کنند و تفاوت تورم محاسبه نمی‌شود و اینکه در محافل علمی تورم به حساب می‌آید به تنهایی کافی نیست زیرا مدار بر عرف عام است، ولی ما یک صورت را استثنا می‌کنیم و آن در جایی است که مثلاً بر اثر گذشتن سی سال تفاوت بسیار زیادی حاصل شده باشد و لذا در مورد مهریه‌های قدیم زنان یا مطالباتی از این قبیل احتیاط واجب می‌دانیم که باید به نرخ امروز حساب شود، یا لاقبل مصالحه کنند.

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۵۸۴- با توجه به مسأله ۱۷۷۶ رساله شریفه حضرت عالی در مورد بالغ بودن فروشنده، چنانچه می‌دانید در کنار خیابانها و یا

ترمینالها و ... بچه‌ها سیگار، شیرینی جات و ... می‌فروشند، آیا می‌توان از آنها خرید کرد؟ در صورت منفی بودن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۸

جواب بفرمایید اگر کسی بدون آگاهی خرید کند وظیفه‌اش چیست؟

جواب: در دو صورت اشکال ندارد: نخست اینکه طرف معامله در واقع ولی طفل باشد و طفل وسیله رساندن جنس یا پول گردد، دیگر اینکه طفل طرف معامله است ولی یقین داشته باشیم که این کار با رضایت ولی انجام می‌گیرد در این صورت تصرف در چنین اجناسی شرعاً جایز است.

سؤال ۵۸۵- ولایت بر مال غایب در صورت فقدان ولی به عهده چه کسی است؟

جواب: در صورت نبودن ولی، ولایت بر مال شخص غایب با حاکم شرع یا کسی که حاکم شرع تعیین کرده است می‌باشد بلکه در صورت وجود ولی نیز احتیاط واجب اجازه گرفتن از حاکم شرع است.

سؤال ۵۸۶- به نظر حضرت عالی اختیارات فقیه در باب ولایت چگونه و چقدر است، مثلاً آیا می‌تواند در شئون زندگی ائمت دخالت کند و آیا باید فقیه حاکم بر نظام اسلامی باشد یا خیر؟

جواب: در کتاب أنوار الفقاهه، در بحث ولایت فقیه، مفصل نوشته‌ایم.

معامله نقد و نسیه

سؤال ۵۸۷- اگر جنسی که دارای قیمت مشخصی است به صورت نسیه به بیشتر از آن قیمت فروخته شود، چه حکمی دارد؟

جواب: معمولاً قیمت جنس در صورت فروش نقدی و نسیه‌ای متفاوت است و این تفاوت شرعاً اشکالی ندارد و ضمیمه کردن دستمال و کبریت و امثال آن لازم نیست.

سؤال ۵۸۸- اگر کسی به فروشنده یخچال بگوید: از تو صد عدد یخچال می‌خرم و بعد از یک هفته پول آن را می‌پردازم آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟

جواب: اگر یخچالهای مورد معامله در اختیار خریدار قرار گیرد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۶۹

سؤال ۵۸۹- شخصی متاعی را فروخته و به صورت مجزاً آن را نگهداری می‌کند ولی هنوز از خریدار خبری نشده است اکنون با اینکه در کیفیت ساخت و تهیه آن جنس ظرافت خاصی قائل شده است بایع درباره آن جنس چه وظیفه‌ای دارد (و اگر پول آن را قبلاً دریافت کرده باشد چطور)؟

جواب: هرگاه مشتری تا سه روز پول جنسی را که نقداً خریداری کرده نیاورد فروشنده حق فسخ دارد و اگر پول آن متاع را داده آن چیز در نزد شما امانت است.

خرید و فروش طلا و نقره

سؤال ۵۹۰- معامله طلا با طلا با افزایش قیمت چه حکمی دارد؟ راه حل شرعی این نوع معاملات چیست؟

جواب: بهترین راه برای معامله طلا- در اینگونه موارد این است که دو معامله جداگانه انجام شود مثلاً یک کیلو طلا را با پول نقد یک میلیون و یک صد هزار تومان بفروشند و در مجلس رد و بدل شود سپس یک کیلو طلا را که در رأس یک سال تحویل داده شود به یک میلیون از او خریداری کنند، نتیجه آن می‌شود که صاحب طلا- با این دو معامله طلای خود را در رأس سال خواهد گرفت به اضافه یک صد هزار تومان.

سؤال ۵۹۱- آیا معامله طلا با طلا در صورت تفاوت وزن اشکال دارد؟

جواب: معامله طلا با طلا با تفاوت وزن جایز نیست هرچند یکی از نوع مرغوب و دیگری از نوع نامرغوب باشد، راه صحت معامله آن است که نوع مرغوب را تبدیل به پول کنند و بخرند و سپس نوع دوم را به همین طریق بفروشند.

سؤال ۵۹۲- بسیاری از خانواده‌ها بر اساس یک سنت غلط به داماد خود انگشتری یا ساعت یا گردنبند یا حلقه طلا هدیه می‌دهند و آنها نیز از آن استفاده می‌کنند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۰

در نتیجه زستی این کار از بین می‌رود. مستدعی است نظر مبارک را در مورد استفاده مردها از انگشتر و دیگر زیور آلات و همچنین هدیه دادن آن به دامادها و جوانان و همچنین ساختن و خرید و فروش آن که مقدمه و زمینه‌ساز این منکر است صریحاً مرقوم فرمایید تا جوانان و دیگر طبقات جامعه وظیفه شرعی خود را بدانند.

جواب: زینت طلا برای مردان مطلقاً حرام است و مسلمانان و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) باید به پیروی از دستورات آن بزرگواران از این امر اجتناب ورزند و فرقی در میان هدیه و غیر هدیه و داماد و غیر داماد نیست. ساختن و خرید و فروش آنها نیز اگر استفاده‌اش مخصوص مردان باشد اشکال دارد و اگر زینت طلا به صورت صلیب باشد پوشیدن و ساختن و خرید و فروش آن گناه مضاعف دارد.

موارد فسخ معامله

سؤال ۵۹۳- اگر مشتری نیمی از پول خود را طلب کرد و بایع هم با رضایت، کل مبلغ درخواست شده را پرداخت کند، با وجود اینکه درخواست پول و پرداخت با رضایت طرفین بوده است، آیا این دلالت بر فسخ دارد؟

جواب: اگر دهنده و گیرنده پول کارشان در ارتباط با آن معامله بوده، نیمی از معامله فسخ می‌شود و اگر قصد دیگری مانند وام داشته باشند معامله به قوت خود باقی است.

سؤال ۵۹۴- آیا برای فسخ معامله علاوه بر فسخ لفظی لازم است کاری کند که دلالت بر فسخ داشته باشد؟

جواب: فسخ لفظی به تنهایی کافی است همان‌گونه که فسخ عملی نیز به تنهایی کافی است.

سؤال ۵۹۵- شخصی باغی را از دیگری می‌خرد نیمی از قیمت را می‌پردازد و نیم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۱

دیگر را به وقت محضر موکول می‌کند و شرط می‌کنند که هر کس پیشیمان شد یک میلیون تومان به دیگری بپردازد. پس از چند روزی فروشنده پیشیمان می‌شود و معامله را فسخ می‌کند، آیا این فسخ صحیح است؟

جواب: فسخ او صحیح است و باید یک میلیون تومان را به خریدار بدهد.

سؤال ۵۹۶- زید عمارتی را به اقساط با دیگری معامله می‌کند و بین طرفین چنین مقرر می‌گردد: «مشروط بر اینکه چکهای اقساطی پرداخت یا رضایت حاصل شود در غیر این صورت معامله فسخ است و پس از پرداخت تمام بهای ساختمان، فروشنده در محضر حاضر و سند را به خریدار انتقال دهد» سؤال این است که اگر خریدار مقداری از بدهی خود را که به موجب چک بوده در موعد مقرر پرداخت نکرده باشد، آیا فروشنده می‌تواند بیع را فسخ کند و یا به مناسبت شرط نتیجه بیع منفسخ می‌باشد و یا آن که مجالی برای فسخ و انفساخ وجود ندارد؟

جواب: در فرض مسأله که در صورت تخلف شرط، فروشنده حق فسخ برای خود قائل شده است، حق فسخ دارد اما اگر به صورت شرط نتیجه گفته است معامله طبق نظر کسانی که شرط نتیجه را صحیح می‌دانند منفسخ است و چون ما در شرط نتیجه احتیاط

می‌کنیم احوط آن است که در اینجا مصالحه کنند.

سؤال ۵۹۷- کسی قرآنی را به دیگری فروخته بعد از مدتی آمده و می‌گوید آن نسخه خطی بوده و من ضرر کرده‌ام، آیا بر خریدار لازم است آن را برگرداند؟

جواب: اگر مشمول یکی از خيارات مانند غبن، خيار عيب و يا غير آن بوده باشد می‌تواند، در غير اين صورت حق فسخ ندارد.

سؤال ۵۹۸- در قولنامه‌های عادی که پیش از معاملات رسمی و قانونی بین متعاملین مرسوم است مبلغی بابت حق فسخ معامله شرط می‌شود:

الف) آیا این شرط از لحاظ شرع مقدس اسلام صحیح است؟

ب) آیا هر کدام از طرفین معامله را به هم زد طرف دیگر می‌تواند مبلغی که بابت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۲

حق فسخ در نظر گرفته است از او أخذ کند؟

ج) آیا اینگونه قولنامه‌ها جنبه معاملات شرعی و قطعی دارد و کلاً از لحاظ شرعی صحیح است و طرفین معامله ملزم به رعایت آن هستند؟

جواب: الف) در صورتی که معامله قطعی شده باشد و این شرط را گذارده‌اند که هر یک از دو طرف حق فسخ را دارند به شرط اینکه فلان مبلغ را پردازند این شرط صحیح است ولی اگر بیع قطعی صورت نگرفته است گرفتن وجه مزبور جایز نیست.

ب) از جواب بالا معلوم شد.

ج) قولنامه‌ها مختلف است در بعضی تصریح می‌شود که بیع قطعی انجام گرفته است و بعضی چنین نیست و هر کدام حکم خاص خود را دارد که در بالا ذکر شد.

مسائل متفرقه بیع

سؤال ۵۹۹- خرید و فروش کلیه برای مقاصد پزشکی چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش کلیه برای مقاصد پزشکی جایز است ولی بهتر آن است که پول را در مقابل اجازه برداشتن کلیه از شخص بگیرند نه در مقابل خود آن.

سؤال ۶۰۰- آیا فروختن اجناس طبق نرخ مصوب لازم است؟

جواب: نرخهای مصوب حکومت اسلامی را رعایت کنید.

سؤال ۶۰۱- آیا مشتری قبل از اتمام قرارداد (قرارداد بیع شرط) حق دارد نصف ثمن یا کل ثمن را طلب کند؟

جواب: حق ندارد.

سؤال ۶۰۲- آیا حق اختیار را می‌توان ساقط کرد؟

جواب: جایز است.

سؤال ۶۰۳- اگر کسی بنا بر این که زمینی فلان مقدار مساحت دارد آن را بفروشد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۳

و پس از معامله مشتری متوجه شود که مساحت این زمین کمتر است، آیا کل معامله باطل است یا مشتری می‌تواند به میزانی که کمتر است مقداری از ثمن را از فروشنده بگیرد؟

جواب: معامله نسبت به مقدار موجود صحیح است ولی اگر طرفین خبر نداشته‌اند هر دو خيار فسخ دارند.

سؤال ۶۰۴- در معامله فضولی، مالک اصلی حق رجوع به کدام یک از بایع و مشتری را دارد؟

جواب: مالک می‌تواند مثل یا قیمت را از مشتری بگیرد و اگر دسترسی به او پیدا نکرد می‌تواند از بایع بگیرد و در صورت اول مشتری می‌تواند وجهی را که داده پس بگیرد و اگر قیمتی را که به مالک پرداخته بیش از آن وجه باشد تفاوت را نیز می‌تواند از بایع بگیرد مگر اینکه آگاهانه این کار را کرده باشد که در این صورت تفاوت را نمی‌تواند بگیرد.

سؤال ۶۰۵- خرید زمینهای کشاورزی از کشاورزان بدون رضایت آنها توسط زمین شهری یا نهاد دیگر چه صورت دارد؟

جواب: هیچ کس حق ندارد ملک شرعی دیگری را بدون رضایت او از او بگیرد و در فرض معامله مبلغ با توافق طرفین تعیین می‌شود و چنانچه به زور بگیرند آن زمین غصبی است و نماز در آن اشکال دارد و هرگاه ضرورتی ایجاب کند که ملکی را برای مصلحت مسلمین از صاحبش بگیرند باید با او توافق کنند یا لاقول قیمت عادلانه روز را پردازند و اگر در مالکیت ملک اختلافی هست باید به محاکم صالحه مراجعه شود.

سؤال ۶۰۶- حکم املاک به جا مانده از فراریان رژیم طاغوت چیست؟

جواب: هرگاه ملک مزبور از طریق مشروع به دست آمده است نمی‌توان آن را از مالک یا ورثه مالک گرفت، همچنین است اگر مشکوک باشد، اما اگر با ادله

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۴

شرعیه ثابت شود که نامشروع بوده اگر مالک اصلی آن شناخته شده باشد باید آن را به مالک اصلی داد اگر مجهول المالک است باید از طریق حاکم شرع به فقرا برسد.

سؤال ۶۰۷- شخصی برای پرداخت قیمت ماشینی که خریده بود به صد هزار تومان پول احتیاج داشت، به یکی از دوستانش مراجعه کرده و این پول را از او گرفته است و برای این که پول او به هنگام بازگشت ارزش خود را از دست ندهد او را در یک دانگ ماشین شریک می‌کند، این کار چه حکمی دارد؟ و آیا می‌تواند این معامله را فسخ کند؟

جواب: هرگاه معامله او نسبت به یک دانگ ماشین جدی بوده معامله صحیح است و نمی‌تواند آن را پیش خود فسخ کند و اگر معامله صوری بوده بیش از مقدار پول خود (صد هزار تومان) چیزی طلبکار نیست.

سؤال ۶۰۸- حدود شانزده سال پیش، چند قواره زمین طی قولنامه به چند نفر فروخته شد، و مبلغی دریافت گردید، طبق روال معمولی بقیه وجه زمین موکول به انتقال رسمی سند در یکی از دفاتر شد. به خاطر انقلاب اسلامی برنامه‌ها در هم گردیده و مسأله انتقال مسکوت ماند، در نتیجه به خریداران مراجعه گردید، یک نفر از آنان مبلغی پرداخت کرد. لکن بقیه با بهانه‌هایی بقیه مبلغ را پرداخت نکردند ولی جهت اخذ اسناد خود به سازمان زمین شهری و اداره ثبت اسناد و املاک رفته، تقاضای سند نمودند با توجه به مصوبه مجلس شورای اسلامی از طرف اداره ثبت اسناد، موافقت مالک عنوان گردید به همین جهت از این جانب دعوت به عمل آورده شد. پس از حضور در وقت معین اظهار داشتیم: خریداران مبلغی که در ابتدا پرداخته‌اند به نرخ تعیین شده قبول است، لکن مقدار پولی که پرداخته‌اند با توجه به ارزش ریالی پول و نرخ قیمتها و جریان روز از مقامات مسئول اداره ثبت اسناد و املاک تقاضا دارم کارشناس معرفی فرمایند تا با نرخ روز بلکه مقداری هم به نفع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۵

خریداران کارشناسی فرموده محاسبه گردد، در غیر این صورت از امضای اسناد خودداری می‌نمایم. حکم شرعی مسأله را بیان فرمایید.

جواب: اگر خریداران در پرداخت بقیه وجه کوتاهی کرده‌اند و مالک آمادگی برای قبول آن و انتقال رسمی داشته است و بر اثر گذشت زمان قیمت تفاوت بسیار فاحش پیدا کرده باید فروشنده را راضی کنند ولی اگر مالک کوتاهی کرده است بیش از آن مبلغ

طلبکار نیست.

سؤال ۶۰۹- سالها قبل، اشخاصی سرقفلی مغازه‌هایی را با رؤیت تمام خصوصیات موجود از جمله وجود بالکن (نیم طبقه) در قسمتی از مغازه، از مالک خریداری کرده‌اند و معامله شرعاً و قانوناً محقق شده است. پس از گذشت بیش از بیست سال شهرداری به خاطر وجود بالکن (نیم طبقه) مبلغی مطالبه می‌کند.

الف) آیا این مبلغ را مستأجرین باید پرداخت کنند یا به عهده مالک است (در توضیح عرض می‌شود که عندالمعامله اگر بالکن نیمه طبقه نبود مشتری یا خریداری نمی‌کرد یا ثمن معامله تفاوت می‌کرد).

ب) اگر مغازه موقع معامله بالکن نداشته و بعداً مستأجر با اذن مالک بالکن ساخته است در این صورت پرداخت مطالبات شهرداری به عهده کیست (مالک یا مستأجر)؟

جواب: الف) چنانچه مالک تعهدی در برابر اینگونه امور از اول داشته و یا عرف و عادت بازار نیز تعهدی بر عهده مالک می‌گذارد ملزم به این امر است در غیر این دو صورت الزامی بر او نیست.

ب) در این صورت بر عهده مستأجر است.

سؤال ۶۱۰- منافع حاصل از مال رشوه که نتیجه عمل مرتشی است، متعلق به چه کسی است؟

جواب: متعلق به مالک اصلی یعنی صاحب پول است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۶

سؤال ۶۱۱- اگر فروشنده، جنس را به صورت نقد به خریدار بفروشد و خریدار هم در اثر سهل‌انگاری پول فروشنده را ندهد و تا ده یا پانزده سال پول فروشنده را نگهدارد و در این مدت قیمت جنس چند برابر شود، آیا فروشنده می‌تواند خود جنس را از خریدار مطالبه کند؟

جواب: فقط حق دارد پول خود را مطالبه کند، ولی چون مدت زیادی گذشته و ارزش پول بسیار تغییر کرده، احتیاط واجب آن است که او را راضی کند و یا تفاوت را محاسبه نماید.

سؤال ۶۱۲- شخصی منزلی را دو میلیون تومان فروخته است و برای خودش خیار فسخ نگذاشته، جهت انتقال سند به شهرداری مراجعه کرده، کارشناس شهرداری به علت اضافه بنا در طبقه بالا- چهل هزار تومان جریمه نوشته و دستور تخریب بالکن را داده است، با تخریب بالکن یک متر از اطاق طبقه بالا که روی بالکن واقع است خراب می‌شود. شهرداری به فروشنده گفته است بدون تخریب بالکن اجازه انتقال سند داده نمی‌شود، ولی اگر خودت بنشین شهرداری کاری به اخذ جریمه و تخریب بالکن و قسمتی از اطاق بالا ندارد. حال آیا فروشنده باید جریمه را بپردازد و بالکن و یک متر از اطاق بالا که روی بالکن واقع است را خراب کند و منزل را با قیمت کمتری از قیمت مذکور در اختیار خریدار بگذارد؟ یا اینجا قاعده لا ضرر جاری است و این ضرر را از فروشنده نفی می‌کند و فروشنده حق دارد معامله را به هم بزند و پول خریدار را پس بدهد؟ لطفاً جواب بفرمایید.

جواب: اگر باع متعهد شده که ملک را در محضر واگذار کند باید به تعهدش عمل کرده و خسارتها را نیز متحمل شود و بعداً تفاوت قیمت را به مشتری برگرداند و مشتری مخیر است تفاوت قیمت را بگیرد یا معامله را فسخ کند.

سؤال ۶۱۳- این جانب کار قسطی فروشی را انجام می‌دهم اگر اقساط را نیاورند بابت مطالبات از وقت و کار خود در این راه صرف می‌کنم و مخارجی از قبیل کرایه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۷

راه و یا مخارجی مانند استهلاک موتور و ماشین می‌پردازم، آیا می‌توانم آنها را از ایشان مطالبه کنم؟

جواب: هزینه‌های معمولی و متعارف را که برای گرفتن مطالبات در میان مردم رایج است نمی‌توانید بگیرید ولی اگر هزینه‌های

فوق العاده‌ای بپردازید می‌توانید بگیریید، البته در صورتی که طرف مقابل دیون خود را به موقع نپردازد.

سؤال ۶۱۴- پایگاه مقاومت یکی از مساجد تهران، مسابقه‌ای به قرار ذیل برقرار کرده است: اگر کسی از سی سؤال علمی و فرهنگی به بیست و پنج سؤال پاسخ صحیح بدهد با اهدای یکصد تومان به پایگاه با قید قرعه جوایزی را برنده می‌شود، لیست جوایز در برگه مسابقه نوشته شده است، قرار مسئولین مسابقه این بوده است که پس از کسر سرمایه، از ما بقی پولهای اهدایی جوایز تهیه شود، ولی متأسفانه پولهای اهدایی به مقدار اجناس نبوده است، آیا ما بقی را مسئولین از جیب خود باید بدهند یا به همان مقدار پولهای اهدایی، دادن جایزه کافی است؟

جواب: این نوع مسابقه از اصل اشکال دارد مگر اینکه پول را در مقابل فروش اوراق سؤالات بگیرند و در این صورت باید طبق قراردادی که کرده‌اند عمل کنند.

سؤال ۶۱۵- آیا فروش روزنامه‌هایی که معمولاً نام خدا و معصومین و آیات قرآنی دارد به مغازه‌داری که از آن برای بسته‌بندی استفاده می‌کند جایز است؟

جواب: اگر موجب بی‌احترامی شود اشکال دارد.

سؤال ۶۱۶- خرید و نصب آنتن‌های ماهواره‌ای در منازل چه حکمی دارد؟

جواب: آوردن اینگونه وسایل در منازل که غالباً موجب فساد است جایز نیست و خرید و فروش آن حرام است.

سؤال ۶۱۷- فروش تمبرهای پستی که قیمت معینی دارند به قیمت بیشتر چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که غرض عقلایی داشته باشد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۸

سؤال ۶۱۸- کاسبی هستم که نزدیک بیست سال به فروشندگی قطعات یدکی اتومبیل اشتغال دارم، اما به جهت عدم پرداخت پورسانت به تعمیرکاران دچار مشکلات مالی عدیده‌ای شده‌ام از حضرت عالی استدعا دارم نظر مبارک خود را در مورد پرداخت درصدی از سود حاصله از فروش اجناس به تعمیرکاران اعلام بفرمایید (لازم به ذکر است که قریب به اتفاق فروشندگان و مصرف کنندگان اعم از تعمیرکاران و ناظران خرید شرکتها، سازمانها و ادارات، قرارداد از قبل تعیین شده‌ای مبنی بر تهیه لیست و فاکتور از سوی تعمیرکار یا ناظر خرید و پرداخت مبلغی از سوی فروشنده به وی تنظیم نموده‌اند) این امر موجب کسادی بیش از حد و رکود در کسب حقیر شده، زیرا به علت خوف از شبهه شرعی آن تاکنون ریالی به عنوان پورسانت به احدی پرداخت نکرده‌ام؟

جواب: این کار شما در صورتی صحیح است که فروشنده مقداری از منافع عادی خود را به واسطه واگذار کند بی‌آنکه چیزی بر مبلغ جنس بیفزاید، مثلاً جنس را معمولاً با ده درصد می‌فروشند ولی در این مورد قسمتی از ده درصد منافع را به واسطه واگذار می‌کنند و اما تنظیم فاکتور دروغین با اضافه بر مبلغ، حرام است و خداوند رازق است.

سؤال ۶۱۹- شخصی سند زمینی را به دیگری منتقل کرده است اما زمین در تصرف شخص سومی است حکم شرع در اینجا چیست؟

جواب: ملک متعلق به صاحب سند است.

سؤال ۶۲۰- این جانب بنگاه معاملات املاک دارم، مدتی قبل آقای زید جهت خرید منزلی برای برادرشان به بنگاه مراجعه کردند و بنده منزل فروشی را به ایشان و برادر محترمشان نشان دادم و ایشان منزل را بازدید کرده و موردپسندشان واقع شد. پس از مدت کوتاهی خریدار و فروشنده بدون مراجعه به بنگاه منزل را قولنامه کرده و معامله کردند و در حال حاضر این دو برادر که به عنوان خریدار مراجعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۷۹

کرده‌اند قبول نمی‌کنند که حق بنده را بدهند. سؤال این است که آیا شرعاً باید بنگاه را در جریان می‌گذاشتند تا قولنامه نوشته شود و حق الزحمه بنگاه را پردازند (ناگفته نماند که ما هم باید مالیات پردازیم و اگر قرار باشد به هر کس خانه‌ای معرفی کنیم و خودش برود و معامله کند پس ما از کجا تأمین شویم)؟

جواب: حق بنگاهداری را شرعاً باید پردازند و نمی‌توانند با این کار حق او را از بین ببرند.

سؤال ۶۲۱- بازرگانی به تاجری پیشنهاد می‌کند که از تجارت پنیر و یا گندم و یا ذرت فلان منطقه صرف نظر کن، من فلان مبلغ را به تو پرداخت می‌کنم توضیح اینکه قبلاً استفاده از مواد لبنیاتی و حبوبات در طی سالها به عهده زید بود و منافع اینگونه معاملات را او می‌برد، اکنون در عالم خیال اینگونه منافع احتمالی را با عمرو دادوستد می‌نماید و بهره را به عمرو واگذار می‌کند آیا شرعاً این معامله جایز است؟

جواب: نظر به اینکه در واقع از فعالیت آزاد خود در مقابل گرفتن آن وجه صرف نظر کرده است مانعی ندارد.

سؤال ۶۲۲- اگر خانواده‌ای پدر خود را از دست داده باشد و سرپرستی آنها را والده‌شان عهده‌دار شود و طفل صغیری هم داشته باشند، چنانچه از طرف دستگاه دولتی مستمری ماهانه برای تمام اعضای خانواده حتی طفل صغیر هم برسد میهمان شدن بر این خانواده چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه با اجازه ولی صغار که از طرف حاکم شرع تعیین شده است باشد مانعی ندارد و لکن باید از حد معمول و متعارف خارج نباشد و برای صغیر نفعی داشته باشد یا معادل حق صغیر را پردازد.

سؤال ۶۲۳- شخصی زمین خود را می‌فروشد و قیمت تعیین شده را می‌گیرد ولی در سند زیاده‌تر از آن قیمت معین را ثبت می‌کند، آیا شرعاً این زیاد نوشتن که بعد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۰

فروشنده آن را ادعا کند چه حکمی دارد؟

جواب: قیمت معامله همان است که هنگام خواندن صیغه یا دادوستد ثمن و مثن بر آن توافق شده است.

سؤال ۶۲۴- این جانب از اداره زمین شهری زمینی دریافت کرده‌ام و لکن گفته می‌شود که قسمتی از این زمینها ملک اشخاصی بوده و اکنون نمی‌دانم صاحبش به این تصرف راضی است یا خیر وظیفه ما در این مورد چیست، آیا احراز رضایت مالک لازم است؟

جواب: رضایت مالک را به نحوی احراز کنید.

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۶۲۶- شخصی زمینی را به ارزش یکصد و سی هزار تومان فروخته است و خریدار فقط پنجاه هزار تومان از مبلغ فوق را تسلیم فروشنده نموده است حال با گذشت چهارده سال که زمین گران شده است مشتری ادعای مالکیت نموده، در صورتی که از همان روز اول هشتاد هزار تومان که قسمت اصلی ارزش زمین بوده است را به بایع پرداخت نموده است در نتیجه بایع مدعی است چون حق خیار تأخیر ثمن بلکه عدم پرداخت ثمن در کار است ملک برگشت کرده و متعلق به خودش است و مشتری مدعی است که تمام ملک متعلق به ایشان است حکم مسأله چیست؟

جواب: خیار تأخیر مربوط به این موارد نیست و زمین متعلق به مشتری است ولی احتیاط واجب آن است که به خاطر تفاوت فوق‌العاده زمین در این مدت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۱

معادل مبلغ هشتاد هزار تومان را با توجه به قیمت امروز زمین بدهد و یا بایع را راضی کند.

سؤال ۶۲۷- آیا فروش قرآن به کفار و اهل کتاب جایز است بخصوص اگر بدانیم آنان قصد توهین ندارند، بلکه جهت مطالعه آن

را تهیه می‌کنند؟

جواب: در صورتی که امید تأثیری در آن باشد و مایه هتک و توهین نگردد جایز است.

سؤال ۶۲۸- خرید و فروش زینت آلات طلا- اعم از انگشتر، گردن بند و دستبند- مخصوص آقایان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر این گونه زینت آلات معمولاً در غیر مورد مردان به کار نرود جایز نیست.

سؤال ۶۲۹- قبل از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شخصی یک دستگاه یخچال دست دوم را به شرح زیر معامله می‌کند: «یخچال در مغازه بوده و خریدار پس از پرسش از وضع آن و تعیین قیمت به فروشنده تلفنی اعلام می‌کند که یخچال برای من، آن را نفروشید. فروشنده که فرد موثقی است با وجود مشتری آن را نمی‌فروشد، اما نه یخچال تحویل مشتری شده و نه قیمت پرداخت شده است. پس از چند روزی که قطعنامه پذیرفته می‌شود و قیمت کاهش می‌یابد، خریدار اعلام می‌کند یخچال را نمی‌خواهم. فروشنده هم به خاطر رفاقت و امثال آن چیزی نمی‌گوید ولی راضی به این کار نبوده و به هر حال پس از چند روز آن را به قیمت ارزان‌تر می‌فروشد. بفرمایید آیا خریدار در قبال فروشنده ضامن است، چه مبلغ؟ تفاوت قیمت آن زمان یا امروز؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خسارت وارده را به قیمت امروز جبران کند و یا با هم مصالحه کنند.

سؤال ۶۳۰- یک نفر که در کنار نهر، زمین دارد با شخص دیگری که زمین او در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۲

کنار نهر واقع نشده است زمینشان را مبادله می‌کنند، با این شرط که شخصی که در کنار نهر زمین دارد تعهد می‌کند هر ساله نهر را تمیز کند و خاک برداری کند و برای همیشه این کار را تا قیامت انجام خواهد داد. او به این شرط عمل می‌کند. بعد از او پسرهای او هم به این شرط عمل می‌کنند. الآن بعد از پسرها نوبت نوه‌ها رسیده که آنها به این شرط عمل نمی‌کنند، آیا بر این نوه‌ها واجب است که به شرط جد پدری خود عمل کنند؟

جواب: گذاشتن شرط بر عهده غیر مشتری یا طرف معاوضه مشروعیت ندارد.

سؤال ۶۳۱- شخصی یک باب مغازه در سال ۱۳۶۰ (ه. ش) به مبلغ معلومی طبق قرارداد منعقد فیما بین مالکین و خریدار به سرقفلی خریده و مبلغ قرارداد آن روز را پرداخت نموده است. در پایین قرارداد عبارت ذیل آمده است «مورد معامله سرقفلی و حق اولویت و انتقال به دیگری است ولی باید در موقع فروش رضایت مالکین اصلی را طبق قانون سرقفلی از سود مورد معامله جلب نماید و در ضمن اجاره از زمان تحریر لغایت دو سال تمام به مبلغ ماهیانه یکصد تومان منظور و مقرر گردید» با توجه به شرایط ذکر شده فوق:

الف) آیا مالکین یا مالک از نظر شرعی می‌تواند بدون رسیدن به توافق با صاحب سرقفلی مبلغ مال الاجاره را هر سال افزایش دهد؟

ب) در صورت افزایش فرق بین سرقفلی و اجاره چه خواهد بود؟

جواب: الف) در مواردی که سرقفلی گرفته شده و مدتی برای اجاره تعیین گردیده بعد از گذشتن مدت، مالک می‌تواند در مال الاجاره تجدید نظر کند ولی بیش از عرف بازار نسبت به این گونه اموال نمی‌تواند از مستأجر بگیرد.

ب) فایده سرقفلی این است که در عرف بازار مال الاجاره کمتری به آن تعلق می‌گیرد و حق اولویت برای تجدید اجاره همواره وجود دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۳

فصل هفدهم: احکام شرکت

سؤال ۶۳۲- شخصی به این جانب مقداری پول داده است تا با پولی که خود داشتم ماشینی خریده و ماهیانه مبلغ معینی به عنوان

سود پول به او بدهم آیا این کار جایز است؟ و در صورت عدم جواز راه شرعی آن چیست؟

جواب: برای این که معامله صورت شرعی داشته باشد باید به این نحو عمل شود که معادل مبلغ مزبور از ماشین به صاحب پول واگذار شود سپس سهم او را از ماشین به مبلغ معینی اجاره کنید و برای طرفین حق فسخ معامله در رأس مدّت قرار داده شود و چنانچه معامله مزبور به همین نحو انجام شود صحیح است.

سؤال ۶۳۳- آیا لازم است شریکها همدیگر را بشناسند؟

جواب: شناختن شریکها در عقد مشارکت ضرورتی ندارد، همین اندازه کافی است که شریکها معین و معلوم و مثلاً نامشان در دفاتر ثبت شده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۵

فصل هیجدهم: احکام مضاربه

سؤال ۶۳۴- کسی مبلغی پول را در اختیار دیگری قرار می دهد تا آن را به گردش درآورده و سود حاصله را به طور مساوی تقسیم کنند از آن جایی که کسی که پول می گیرد به علت داشتن شریک نمی تواند به طور دقیق سود حاصله را حساب کند اظهار می دارد این پول یعنی مثلاً هر صد هزار تومان به طور تقریبی می تواند ماهانه سه هزار تومان برای هر کدام سود حاصل کند، آیا این مضاربه صحیح است.

جواب: این مضاربه با سه شرط صحیح است:

الف) این که قرار داد طبق مضاربه با تعیین سود در صد هر یک، تنظیم شود یعنی معلوم شود از سود حاصل چند درصد مربوط به سرمایه گذار و چند درصد مربوط به شخص کارکننده است (در ضمن اگر ضرری حاصل شد باید آن را بپذیرد).
ب) باید صاحب مال به طرف و کالت دهد که بعد از حاصل شدن منفعت سهم او را به مبلغ مورد نظر صلح کند.
ج) زمانی که منفعتی حاصل نشده پول ماهانه‌ای که می پردازد باید به عنوان علی الحساب باشد.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۱۸۵

سؤال ۶۳۵- در عقد مضاربه و مانند آن آیا می توان درصد سودی که برای عامل یا صاحب سرمایه مشخص شده است را به مقدار معینی از پول مصالحه کرد؟

جواب: در صورتی که سود حاصل شده و مقدار آن مبهم است، صلح کردن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۶

اشکالی ندارد ولی قبل از ظاهر شدن سود، صلح جایز نیست.

سؤال ۶۳۶- آیا در شرایط فعلی که سگه‌های رایج طلا و نقره در ایران نیست با پول رایج مضاربه را تجویز می فرمایید؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۷- زید مقداری از پول خود را در یکی از شعب بانکی و یا پیش کسی به هر عنوان ودیعه می گذارد و اجازه تصرف را به او می دهد او نیز در هر ماه و یا دو ماه مبلغی را به صاحب پول به عنوان تشکر و یا هر عنوان بدون شرط قبلی می پردازد آیا دادن و گرفتن این مبلغ به نظر حضرت عالی چگونه است؟
جواب: هرگاه شرط قبلی نباشد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۷

فصل نوزدهم: احکام اجاره

سؤال ۶۳۸- آیا خداوند به کسانی که جهت انجام عبادات و کارهای دیگر مثل ساختن مسجد و حسینیّه اجیر می‌شوند و اجرت می‌گیرند، ثواب می‌دهد؟

جواب: چنانچه قصد اجیر انجام آن عمل برای نجات بندگان از دین و ادای مسئولیت بوده باشد ثواب دارد.

سؤال ۶۳۹- منزل شخصی را به مبلغی اجاره کرده‌ام سپس آن را به مبلغ بیشتری اجاره داده‌ام و رضایت صاحب خانه را نیز جلب کرده‌ام آیا این معامله صحیح است؟

جواب: اجاره دادن آن خانه به بیشتر از آنچه که اجاره کرده‌اید اشکال دارد مگر این که وسایلی بر آن بیفزایید، مانند اضافه کردن فرش و کمد و امثال آن.

سؤال ۶۴۰- اگر کسی دیگری را جهت یک ختم قرآن برای پدرش اجیر نماید اما مبلغ را تعیین نکند و اکنون بعد از قرائت، اجیر تقاضای مبلغ زیادی دارد که موجر آن را پرداخت نمی‌نماید، حکم مسأله را بیان نمایید؟

جواب: باید اجرة المثل را مطابق عرف و عادت پردازد و بیشتر از آن لازم نیست.

سؤال ۶۴۱- دو نفر از مؤمنین که کارهای روزمره و متداول مسجد و امامزاده اسماعیل جهرم را سر و سامان می‌دهند با پول خود اقدام به ساختن دو باب مغازه در گوشه‌ای از قبرستان متروکه امامزاده کرده‌اند، آنگاه آن دو مغازه را به عنوان اجاره به مدت بیست سال در اختیار هیأت مدیره شرکت تعاونی محل قرار داده‌اند و مال الاجاره آن را برای مصارف مسجد و امامزاده در نظر گرفته‌اند اکنون با توجه به این که مسجد و امامزاده متولی شرعی ندارد و وقف نامه‌ای هم موجود نیست به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۸

الف) آیا ساختن مغازه و به خصوص اجاره آن نیاز به اذن فقیه جامع الشرائط داشته است؟

جواب: البتّه نیاز به اذن دارد و چنانچه زمین مزبور متروکه بوده، آن ساختمان را فعلاً اجازه می‌دهیم و اجاره دادن در صورتی مجاز است که ساختمان مزبور مورد احتیاج برای کارهای مسجد و امامزاده نباشد و مال الاجاره برای امامزاده و مسجد مصرف شود.

ب) آیا اجاره انجام گرفته شرعاً معتبر است؟

جواب: اگر اجاره عادلانه باشد و محلّ مزبور مورد نیاز مسجد و امامزاده نباشد صحیح است.

ج) در صورت بطلان اجاره آیا تخلیه آن مغازه توسط متصدیان شرکت تعاونی و واگذاری آن به هیأت امنای مسجد جهت استفاده کارهای لازم از قبیل انبار، دفتر واجب است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

د) آیا برای تخلیه آنها، متصدیان شرکت تعاونی حقّ دریافت وجوهی اعمّ از مقدار پرداخت شده و یا اضافه بر آن و یا مبالغی که جهت گرفتن امتیاز آب و برق و یا تعمیر مصرف کرده‌اند را دارند؟

جواب: آنها فقط می‌توانند هزینه‌هایی را که در آنجا داشته‌اند بگیرند نه بیشتر.

سؤال ۶۴۲- تصرّف مستأجر بعد از انقضای مدّت اجاره و بدون رضایت مالک در مغازه یا ساختمان مسکونی چه حکمی دارد؟ با این که در قانون مدنی نظام اسلامی اگر مؤجر نیاز شخصی نداشته باشد حقّ را در تصرّف به مستأجر می‌دهند و لو مالک رضایت نداشته باشد.

جواب: تصرّفات او در صورت عدم رضایت جایز نیست مگر در موارد ضرورت و اضطرار، آن هم به مقدار ضرورت و اضطرار.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۸۹

فصل بیستم و بیست و یکم: مزارعه و مساقات

سؤال ۶۴۳- در هندوستان راجه‌ها از کشاورزان مالیاتهای زیادی بابت زمینهای کشاورزی می‌گیرند در حالی که این زمینها متعلق به کشاورزان بوده و از اجدادشان به آنها رسیده است. مرقوم بفرماید مالک زمینها کیست؟

جواب: ظاهر محتوای نامه این است که راجه‌ها «۱» ید مالکانه بر زمینها داشته و به عنوان مزارعه به رعایا واگذار کرده‌اند، حال کسانی که معتقدند آنها غاصب بوده یا اراضی موات را به دست مردم داده‌اند، چنانچه دلیل کافی برای اثبات مطلب خود اقامه کنند و ثابت شود مال پدران خودشان بوده از راجه‌ها خلع ید به عمل می‌آید.

سؤال ۶۴۴- به نظر حضرت عالی آیا مساقات از عقود لازم است یا جایز؟

جواب: از عقود لازم است.

سؤال ۶۴۵- شخصی در زمین دیگری درختی دارد که آن را قطع می‌کند ولی از ریشه آن درخت نهالی می‌روید و تبدیل به درخت می‌شود، آیا این درخت متعلق به صاحب اصلی درخت می‌باشد و یا از صاحب زمین می‌باشد؟

جواب: نهال مال صاحب درخت است.

سؤال ۶۴۶- شخصی درختی در زمین خودش می‌کارد و ریشه آن به زمین شخص دیگری می‌رسد و از آن نهال می‌روید آیا آن نهال از صاحب زمین است و یا از صاحب درخت؟

(۱). لقب حاکم و فرمانروا در هندوستان.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۰

جواب: از صاحب درخت است، لکن صاحب زمین می‌تواند یا اجاره بگیرد و یا با اطلاع به صاحب درخت آن نهال را قطع کند.
سؤال ۶۴۷- چند برادر در یک خانه زندگی می‌کنند و مال و ملک ایشان مشاع است یکی از برادران در زمین مشاع درخت می‌نشانند و یا پسری در زمین پدر بدون اجازه و یا با اجازه پدر درخت می‌نشانند و یا زارع و دهقان و یا کارگر و خادم کسی در زمین صاحب زمین درخت می‌نشانند، شرعاً این درختان مال کدام یک از آنهاست؟

جواب: درخت از آن کسی است که مالک آن بوده و در زمین نشانیده است لکن اگر بدون اجازه صاحب زمین بوده است صاحب زمین حق دارد که اجاره بگیرد یا درخت را از اصل بیرون بیاورد و به صاحبش بدهد.

سؤال ۶۴۸- دو نفر زمینی را معامله می‌کنند به این عنوان که مالک، زمین خود را به دیگری واگذار می‌کند برای درختکاری و دیگری هم درخت می‌کارد قرارشان بر این بود که بعد از بزرگ شدن درختان، زمین را با درختان نصف کنند به همین شکل با رضایت طرفین عمل نمودند ولی تعیین نکردند که این طرف مال تو و آن طرف مال من باشد، آیا این مسأله ضرری به مغارسه می‌زند؟

جواب: معامله مزبور اشکال ندارد و در موقع بلوغ درختان، می‌توانند آن را با رضایت طرفین یا به وسیله قرعه تقسیم کنند و بعد از تقسیم هر کدام مالک سهم خودشان می‌شوند.

سؤال ۶۴۹- بر فرض مالکیت در مسأله قبل، بعد از رحلت طرفین، ورثه درختها را قطع نموده‌اند، بعد از مدتی ورثه مالک زمین، بر علیه ورثه مالک درخت شکایت می‌کنند و می‌گویند این زمین مال ماست و به زور زمین را از آنها گرفته است آیا این کار جایز

است؟

جواب: اگر درختان قطع شود، مالکیت هر کدام نسبت به سهم خود از زمین باقی است و هر کسی درختها را قطع کرده ضامن است. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۱

فصل بیست و دوم: کسانی که حق ندارند در مال خود تصرف کنند (حجر)

سؤال ۶۵۰- آیا معاملات حقیقی غیر معوضی که مدیون غیر محجور نسبت به اموالش به قصد فرار از دین انجام می‌دهد نافذ است؟
جواب: در صورتی که به حکم حاکم شرع محجور نشده باشد معامله باطل نیست ولی کار حرامی مرتکب شده است.
سؤال ۶۵۱- حکم مسأله درباره معاملات حقیقی این مدیون که به قصد پنهان کردن و نامرئی نمودن اموالش و نهایتاً فرار از دین انجام می‌دهد چیست؟
جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۶۵۲- اصولاً حضرت عالی تحت چه شرایطی معاملات مدیون غیر محجور را نافذ نمی‌دانید؟
جواب: در هر حال نافذ است ولی اگر موجب سلب قدرت از ادای دین شود حرام است.

سؤال ۶۵۳- شخصی است کارهای غیر عاقلانه انجام می‌دهد مثلاً- پولهای خود را در اختیار افراد قمارباز قرار می‌دهد و فقط به گرفتن چک بی محل از قمارباز اکتفا می‌کند یا با این که زن و بچه او به خانه احتیاج دارند خانه را به دیگری واگذار می‌کند: الف) آیا می‌توان او را از این دخل و تصرفات بازداشت؟ نظر شارع در مورد این معضل چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۲

جواب: در فرض مسأله بالا چنین کسی سفیه است و حق دخالت مستقیم در اموالش را ندارد.
ب) آیا فرزندان او می‌توانند به محاکم قضایی شکایت کنند؟

جواب: حق شکایت دارند

ج) آیا حاکم شرع و نماینده ولی فقیه خود (با نبود شاکی) می‌تواند رأساً اقدام نماید؟

جواب: حاکم شرع و کسانی که از طرف او برای این گونه کارها مأذون هستند در مواردی مانند مورد فوق می‌توانند دخالت کنند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۳

فصل بیست و سوم: احکام وکالت

سؤال ۶۵۴- آیا وکالت با مرگ موکل باطل می‌شود و وکیل حق فروش اموال موکل را بعد از مرگش دارد؟
جواب: وکالت با مرگ موکل باطل می‌شود بنابراین وکیل حق فروش اموال موکل را بعد از مرگ او ندارد.

سؤال ۶۵۵- چنانچه فردی که به عنوان وکیل فرد حقیقی و یا حقوقی است متوجه شود که موکل او قصد دارد مالی را که شرعاً متعلق به طرف دعوای موکلش می‌باشد را به طریق قانونی از او خلع ید کند، آیا شرعاً مسئولیت دارد یا خیر؟
جواب: هرگاه وکیل بداند موکل شرعاً حقیقی ندارد نباید از او دفاع کند یا چیزی از دیگری به ناحق گرفته در اختیار موکل بگذارد و اگر حق الوکاله‌ای در برابر کار خود بگیرد در صورتی مشروع است که تلاش برای احقاق حقوق مشروع کند.

سؤال ۶۵۶- چنانچه وکیل به لحاظ انسانیّت و به منظور جلوگیری از تضییع حق طرف دعوای موکلش اقدام به راهنمایی و مشاوره طرف دعوا نماید و احساس کند در صورت استعفا از مورد وکالتش، وکالت به فرد دیگری محوّل و در نتیجه حق شرعی طرف دعوا به ناحق تضییع می‌گردد به نحوی که تمامی دسترنج طول زندگی کاری مفیدش از بین خواهد رفت. چه تکلیفی در مقابل موکل و نیز طرف دعوا خواهد داشت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۴

جواب: راهنمایی مظلوم برای هر کس جایز بلکه در موردی که ذکر گردید شاید واجب باشد و خیانت محسوب نمی‌شود (هر چند ظاهراً موکل طبق قانون سخن می‌گوید) ولی در این گونه موارد حق الزحمه‌ای از موکل نمی‌تواند دریافت نماید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۵

فصل بیست و چهارم: احکام قرض

اشاره

سؤال ۶۵۷- همان گونه که خاطر شریف مستحضر است در زمان حاضر نثر اسکناس و ضرب سکه در بانکهای وابسته به دولتها با ملاحظه پشتوانه موجود در خزانه صورت می‌گیرد، پولهای امروزی بر خلاف درهم (نقره) و دینار (طلا) ارزش ذاتی ندارد و ارزش اعتباری آنها در معاملات نیز ثابت نیست، ممکن است در اثر تحولات سیاسی و اقتصادی و یا تصمیم یک جانبه دولتها یک شب ارزش پول، دهها برابر کاهش یابد و طبعاً این کاهش موجب ضرری است که طلبکار متحمل می‌شود، به عنوان مثال در نجف اشرف در سال ۱۳۴۹ مهریه زوجه‌ای ۲۵۰ یا ۳۰۰ دینار عراقی قرار داده شده که در آن زمان همین پول معادل ۵۰ گرم طلا و یا یک باب منزل متوسط بوده است و لیکن امروزه با این مبلغ یک کیلو برنج یا شکر هم نمی‌توان خرید در این رابطه شیخ ابو الحسن شعرانی در شرح تبصره المتعلمین علامه حلی صفحه ۲۸۳ می‌فرماید: «کسی که اسکناس سه تومانی قرض کند وقتی که معادل سی تومان نقره بود و هنگامی ادا کند که معادل دو مثقال نقره است کافی نیست» با توجه به مراتب فوق استدعا دارد در رابطه با کیفیت ادای دین یا مضمون به در مواردی که موضوع آن وجه رایج امروزی باشد نظر مبارک را مرقوم فرمایید؟

جواب: در صورتی که تفاوت بسیار زیاد باشد بطوری که در نظر عرف ادای دین محسوب نشود (مانند مثالی که زده بودید و امثله زیادی که در استفتائات از ما سؤال کرده‌اند) باید معادل روز در نظر گرفته شود یا لااقل مصالحه تراضی شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۶

سؤال ۶۵۸- آیا خسارت تأخیر پرداخت دین، شرعی می‌باشد؟

جواب: این خسارت شرعی نیست.

سؤال ۶۵۹- با توجه به این که ارزش پول در حال کاهش می‌باشد آیا می‌توان از این نظر خسارت تأخیر را گرفت؟

جواب: جایز نیست مگر این که فاصله زمانی به قدری زیاد باشد که ارزش پول فوق‌العاده کاهش یابد مانند بدهکاریهای مربوط به ده، بیست سال قبل.

سؤال ۶۶۰- آیا اخذ این نوع خسارت از کفار جایز است؟

جواب: در مورد کفاری که اموالشان برای ما حلال است مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۱- آیا اخذ خسارت تأخیر پرداخت دین توسط بانکها به جهت مصلحت و مقتضیات زمان جنبه شرعی دارد؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۶۶۲- اگر به علت تأخیر پرداخت دین، خسارت و ضرر مسلمی به طلبکار وارد آمده باشد آیا می‌توان این نوع خسارت را گرفت؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۶۶۳- اگر خسارت تأخیر پرداخت دین به صورت شرط ضمن عقد لازم باشد اخذ آن جایز است؟

جواب: اگر در ضمن عقد خارج لازم شرط بشود جایز است.

سؤال ۶۶۴- یکی از صندوقهای قرض الحسنه که وامهای بدون بهره در اختیار افراد قرار می‌دهد با توجه به کثرت متقاضی وام در نظر دارد (در صورت عدم مانع شرعی) اعلام نماید کسانی که مقداری به واحد امور خیریه صندوق (که به افراد بی‌بضاعت و مستمند کمک بلاعوض می‌نماید) کمک نمایند بدون نوبت و با تسهیلات بهتر وام قرض الحسنه دریافت می‌نماید، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۷

سؤال ۶۶۵- چند نفر به کمک و همکاری هم صندوق قرض الحسنه‌ای را تشکیل داده‌اند و به افراد عضو وام می‌دهند، آیا بهره‌هایی که به عنوان کارمزد دریافت می‌شود حلال است؟ لازم به ذکر است که این گونه بانکها کارمند ندارند تا حقوق به او بدهند بنابراین سودی که دریافت می‌شود در صورتی که حلال باشد در چه موردی قابل استفاده است؟

جواب: منظور از کارمزد حق الزحمه‌ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می‌دهند داده می‌شود و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود مانعی ندارد ولی به صورتی که نوشته‌اید اشکال دارد.

سؤال ۶۶۶- اگر کسی پولی به دیگری قرض دهد و بگوید به شرطی به تو قرض می‌دهم که تو نیز در مقابل به فرزندان من قرآن را تعلیم دهی آیا این کار جایز است؟

جواب: احتیاط در ترک چنین شرطی است.

سؤال ۶۶۷- چنانچه شخص بدهکاری به علت ورشکستگی راضی شود حتی منزل مسکونی و محل کسب و کار خود را به قیمت روز به طلبکاران خود بدهد اما طلبکاران فقط پول نقد از او بخواهند و شخص بدهکار را زندانی نمایند آیا شخص بدهکار در این مدت که در حبس بوده و وقتش هدر رفته، بر طلبکاران حقی پیدا می‌کند که بتواند از طلب طلبکاران کسر نماید؟

جواب: در فرض مسأله از نظر شرعی نمی‌تواند خسارتی از طلبکاران بگیرد.

سؤال ۶۶۸- شخصی مبلغ چهار میلیون تومان از بابت مهریه همسرش بدهکار است، او دارای منزل مسکونی در بهترین محل مشهد می‌باشد که اکنون به مبلغ سی میلیون تومان خریدار دارد آیا این منزل جزء مستثنیات دین است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۸

جواب: هرگاه دین مزبور مطالب باشد و منزل زاید بر شئویش بوده باشد باید منزل را تبدیل به منزلی که در حد شأنش باشد بکند و تفاوت آن را برای ادای دین صرف نماید.

سؤال ۶۶۹- آیا مسئولین صندوق قرض الحسنه می‌توانند با پولی که در صندوق است بدون گرفتن و کالت از اعضا (اعضا پول را به صندوق به عنوان قرض الحسنه می‌دهند) کار کنند، حکم شرعی در دو صورت زیر چگونه است؟

الف) سود حاصل صرف صندوق به طور مشاع اعم از وام و خرید لوازم شود.

ب) سود حاصل برای عاملین بماند.

جواب: بدون اجازه گرفتن جایز نیست و اگر در شرایط باز کردن حساب به این مسأله تصریح شده باشد که بخشی از وجوه قرض الحسنه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و از آن به نفع صندوق استفاده می‌شود کافی است و به همان گونه که مردم رضایت داده‌اند باید عمل شود.

سؤال ۶۷۰- اگر در بازپرداخت وامی که از بانک گرفته شده است تأخیری صورت بگیرد، آیا بانک تحت عنوان جریمه و خسارت

تأخیر انجام تعهد می‌تواند پولی را دریافت کند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۶۷۱- چنانچه شخصی به خاطر مشکلات از شخص دیگری پول بگیرد و شخص پول دهنده چنین بگوید:

«به شرطی پول خواهم داد که گندم را به هنگام برداشت به من کیلویی فلان قیمت بفروشی» و فرض این است که فعلاً زمان برداشت محصول نیست و قیمت هم نامشخص است، در این صورت گرفتن پول چه حکمی دارد؟

جواب: این وام و این معامله باطل است.

سؤال ۶۷۲- شخصی که می‌خواهد وامی به مدت معینی بگیرد، آیا می‌تواند مبلغی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۱۹۹

به وام‌دهنده صلح کند و در ضمن آن مصالحه، وام مزبور را شرط کند، مثلاً بگوید: ۵۰ هزار تومان به تو صلح می‌کنم به شرط آن که ۲۰۰ هزار تومان ۱۰ ماهه به من قرض بدهی و او هم این صلح را قبول کند؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۶۷۳- آیا پول اسکناس شمردنی است که اگر به کسی قرض داده شود بتوانیم اضافه از مقدار بگیریم، آیا ربا محسوب نمی‌شود؟

جواب: در قرض تفاوتی میان شمردنی و غیر شمردنی نیست و در همه آنها ربا حرام است (اعم از مکمل و موزون و معدود).

ربا

سؤال ۶۷۴- معامله پول با پول چه صورت دارد؟

جواب: اگر منظور مبادله ارزهای مختلف با هم باشد، اشکالی ندارد و اگر منظور معامله نوع واحد پول بوده باشد که مثلاً اسکناس ایرانی را با همان مبادله کنند چنانچه اسکناسها با هم در عرف بازار متفاوت باشد مثل این که اسکناسهای درشت را گاه بهتر از اسکناسهای کوچک می‌پسندند همان‌طور که برای مسافران مرغوب‌تر است در اینجا نیز می‌تواند به صورت یک کالا و تابع عرضه و تقاضا باشد (البته با تفاوت کمی که در این گونه موارد در میان عقلاً ملحوظ است) صورت سومی نیز دارد و آن این که بخواهند برای فرار از ربا مقداری از اسکناس نقد را با مقدار بیشتری به صورت نسیه و مدت‌دار بفروشند بی‌آنکه تفاوت اسکناسها مورد نظر باشد این نوع معامله اشکال دارد و در واقع همان وام توأم با رباست که نام بیع بر آن نهاده شده است.

سؤال ۶۷۵- آیا اجازه می‌فرمایید مثلاً مبلغ یک میلیون تومان را به مدت ۶ ماه به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروشیم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۰

جواب: این کار در واقع خریدوفروش نیست زیرا خریدوفروش اسکناس واحد در عرف عقلاً وجود ندارد، بلکه همان وام توأم با رباست که نام بیع بر آن گذارده شده است.

سؤال ۶۷۶- آیا اجازه می‌فرمایید مثلاً مبلغ یک میلیون دلار را به مدت یک سال به مبلغ مثلاً ۳۰۰ میلیون تومان بفروشیم؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۷۷- اگر کسی مالی را به شخصی به کمتر از قیمتش بفروشد و شرط کند که خریدار مبلغ معینی را به او قرض دهد آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۶۷۸- شخصی دارای حساب بانکی است و احتیاج به پول هم دارد، ناچار است از کسی قرض نماید، آیا می‌تواند مبلغ مورد

نیاز را یک ساله از طرف مقابل به زیادت‌تر از آن مبلغ بخرد و چک یک سال بعد را بنویسد و به او بدهد؟
جواب: جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۱

فصل بیست و پنجم: احکام رهن

سؤال ۶۷۹- یکی از مسائل لازم در اسناد تجارتي (چک، سفته، برات) پشت‌نویسی آنهاست که به وسیله پشت‌نویسی انتقال آنها صورت می‌گیرد آیا نظر به این که اینها در بین تجار و بازرگانان ارزش تجارتي دارند و حتی به جای وجه نقد معامله و معاوضه می‌شوند آیا می‌توان این اسناد را به طور مستقل (نه این که همراه با قراردادی نزد بانک و وثیقه باشند) به عنوان مال مرهونه (مال در گرو و وثیقه) وثیقه و گرو گذاشت یا؟

جواب: اگر چک و سفته از فرد معتبری باشد می‌توان آن را به عنوان وثیقه پذیرفت.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۳

فصل بیست و ششم: احکام نکاح

صیغه عقد دائم و موقت

سؤال ۶۸۰- مرد مقلد مرجعی است که مثلاً تعدد موجب و قابل را شرط می‌داند و زن از مجتهدی تقلید می‌کند که اتحاد موجب و قابل را کافی می‌داند، در اینجا طبق نظر کدام یک از این دو مرجع باید عمل کرد؟
جواب: در چنین مواردی احتیاط آن است که مطابق فتوای مرجعی که تعدد را شرط می‌داند عمل کنند.

سؤال ۶۸۱- به دختری گفتند مهریه شما ۱۵ هزار روپیه هندی است و او به این مهریه راضی شد ولی در عقدنامه ۱۰ هزار نوشته شد، و کیل بعد از خواندن عقدنامه، بر مهریه نوشته شده صیغه جاری کرد، آیا این صیغه (ازدواج دائمی) صحیح است؟
جواب: احتیاط آن است که صیغه عقد را مجدداً با مهریه مورد توافق جاری کنند.

سؤال ۶۸۲- اگر زن، مرد را وکیل در اجرای عقد دائم کند و مرد مدعی اجرای عقد موقت باشد (آن هم بعد از چند سال) حکم عقد، مهر و توارث بین زن و شوهر و فرزندان چیست؟

جواب: در صورتی که یقین داشته باشد که مرد راست می‌گوید و عقد موقت خوانده است، عقد باطل است و زن و مرد از هم ارث نمی‌برند ولی فرزندان آنها از آنها ارث می‌برند مگر اینکه مرد عالم بوده که این عقد باطل است، در این استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۴

صورت فرزندان، تنها از زن ارث می‌برند نه از مرد و حدّ زنا بر مرد جاری می‌شود و در هر حال باید مهر المثل زن را بپردازد.

سؤال ۶۸۳- آیا یک نفر می‌تواند اصالت و وکالت عقد را به فارسی یا عربی اجرا کند؟

جواب: مرد می‌تواند از طرف زن وکیل شود و عقد را بخواند و از طرف خودش قبول کند مثل این که بگوید: موکله خودم فلان کس را به عقد موقت خودم در فلان مدّت به فلان مبلغ مهر در آوردم سپس بگوید قبول کردم، در صورتی که عربی بتواند، به عربی بخواند و اگر نتواند به فارسی بخواند و زن هم می‌تواند از طرف مرد وکیل شود.

سؤال ۶۸۴- کسی که بدون انقضای عقد موقت، عقد دائم اجرا کند و بعداً متوجه شود، آیا عقد دائم او باطل است؟
جواب: احتیاط واجب آن است که مجدداً عقد را بخواند ولی اگر قبلاً فرزندان به وجود آمده باشند، حلال زاده‌اند.

سؤال ۶۸۵- آیا تعدّد و کیل از سوی مرد و زن در اجرای عقد لازم است؟

جواب: تعدّد و کیل در اجرای عقد احتیاط مستحب است.

سؤال ۶۸۶- چنانچه مستحضر هستید در احکام عقود از قبیل بیع و اجاره و نکاح و ... طرفین عقد (یا وکیل آنها) به منظور ایجاب و قبول باید صیغه بخوانند- مخصوصاً در عقد ازدواج- و منظور از صیغه کلمات و جملات به هر لفظ و زبانی که باشد، البتّه مقصود و مطلوب بالذات، معانی و مفاهیم و مفاد کلمات و جملات می‌باشد، بنابراین عقل و منطق حکم می‌کند که صیغه به زبانی باشد که طرفین ازدواج و شاهدان قضیه و حضار مجلس با آن زبان آشنایی داشته باشند؛ سؤال این است که برای غیر عرب چه لزومی دارد که این صیغه به عربی باشد در حالی که هر شخصی با زبان مادری و رسمی خودش بهتر می‌تواند مطلبی را بیان و تفهیم و یا تفهم نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۵

جواب: اجرای صیغه به هر زبانی که برای طرفین مفهوم باشد جایز است، فقط در نکاح و طلاق احتیاط اجرای صیغه به زبان عربی است مشروط بر این که معنای آن را بدانند بنابراین اگر مجری صیغه آشنا به عربی نباشد می‌تواند آن را هم به زبان خودش اجرا نماید.

شرایط عقد ازدواج

سؤال ۶۸۷- اگر دختر باکره بدون اجازه پدر و یا جدّ پدری شوهر کند شرعاً تکلیف چیست؟

جواب: احتیاط آن است که دختر اجازه پدر را به دست آورد.

سؤال ۶۸۸- طبق فتوای علما در صورتی که پدر و یا جدّ پدری غایب باشد و دختر باکره احتیاج به شوهر داشته باشد، اجازه ساقط می‌شود، معنای احتیاج داشتن به شوهر چیست؟

جواب: منظور این است که به سنی رسیده است که هرگاه شوهر نکند به زحمت یا به خطر می‌افتد.

سؤال ۶۸۹- آیا برای ازدواج با دختر باکره، اذن پدر یا ولی لازم است؟ آیا در این مسأله، ازدواج موقت با دائم فرق دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اجازه بگیرند و تفاوتی میان ازدواج موقت و دائم نیست.

سؤال ۶۹۰- دختر جوانی بدون اذن پدر و مادر خود به خانه کسی می‌رود و به درخواست پسر و دختر عقد نکاح بدون رضایت پدر خوانده می‌شود و اعمال مترتب بر نکاح انجام می‌گیرد، در حالی که اگر دختر با پدر مشورت می‌کرد مانعی هم وجود نداشت، در این دو صورت (تحصیل رضایت پدر بعد از عقد و عدم تحصیل رضایت)، حکم عقد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۶

جواب: بهتر این است که بعداً رضایت پدر را جلب نماید.

سؤال ۶۹۱- دختری قبل از نه سالگی به عقد شخصی در آمده است در حالی که دختر از موضوع خبر نداشته و عقد را پدر دختر جاری کرده است و در ضمن، فاصله سنی بین این دختر و آن مرد حدود ۲۵ سال است و آن مرد زن دیگری نیز دارد و حتی دخترش با این زن دوّم هم سن است. وقتی دختر بالغ می‌شود عدم رضایت خود را از این عقد اعلام می‌کند و اصرار می‌کند که این ازدواج به مصلحت من نیست و من طلاق می‌خواهم ولی مرد حاضر به طلاق نمی‌شود، آیا این عقد درست است و باید به این عقد ملتزم باشد یا می‌تواند با کسی دیگر ازدواج کند با توجه به اینکه دختر به حدی رسیده که احتیاج به شوهر کردن دارد؟

جواب: چنانچه این عقد به مصلحت دختر نبوده، باطل است و دختر می‌تواند بدون طلاق شوهر کند ولی اگر دختر بعد از بلوغ رضایت داده است نمی‌تواند آن را به هم بزند.

سؤال ۶۹۲- اگر دختری با پسر هم‌شأن شرعی و عرفی خود قصد ازدواج داشته باشد، آیا اذن پدر ساقط است؟

جواب: در فرض مسأله اگر پدر مخالفت کند اذن او ساقط می‌شود.

سؤال ۶۹۳- برای خاله بنده خواستگارهای زیادی آمده که بیشتر آنها افرادی متدین بوده‌اند ولی پدر بزرگ من که پدر خاله‌ام می‌باشد آنها را رد کرده است. او می‌گوید فقط با فامیل من باید ازدواج کند حال می‌خواستم بدانم که تکلیف او با چنین پدری چیست و چه راهی را در پیش بگیرد؟

جواب: هرگاه خواستگاران با او تناسب داشته‌اند و کفو شرعی و عرفی بوده‌اند، او حق نداشته آنها را رد کند همچنین حق ندارد اصرار بر ازدواج با فامیل کند و اجازه و اذن او در این صورتها ساقط است، در عین حال اگر بتواند رضایت پدر را به دست آورد کار خوبی کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۷

سؤال ۶۹۴- اگر مرد، مقلد مرجعی باشد که معتقد است ازدواج موقت دختر باکره بدون اجازه پدرش جایز است ولی دختر مقلد کسی است که می‌گوید احتیاط واجب کسب اجازه از پدر است، آیا آن مرد می‌تواند این دختر را بدون اجازه پدرش عقد کند؟ جواب: بنابراین احتیاط واجب، دختر نمی‌تواند بدون اجازه پدر ازدواج کند.

عیوب موجب فسخ

سؤال ۶۹۵- زن و مردی پس از چند سال ازدواج بچه‌دار نشدند، دکتر تشخیص داده است که عیب از جانب مرد بوده است و اکنون زن می‌گوید شوهرش فاقد بیضه است و بچه‌دار نشدن آنها بدین جهت است، در این صورت آیا زن می‌تواند عقد را فسخ کند؟ جواب: در صورتی که آگاهی بر این امر نداشته، می‌تواند فسخ کند مگر اینکه بعد از آگاهی راضی شده و با او زندگی کرده باشد.

سؤال ۶۹۶- آیا بیماری ایدز را در هر یک از زن و مرد، از عیوبی که بتوان عقد نکاح را بدون طلاق فسخ کرد می‌دانید؟

جواب: اگر به گواهی اهل اطلاع این بیماری در مرحله‌ای باشد که موجب سرایت و خطر گردد و شوهر حاضر به طلاق دادن زن نباشد، زن می‌تواند طلاق خود را به وسیله حاکم شرع بگیرد و مرد نیز در اینگونه موارد می‌تواند زن را طلاق بدهد.

سؤال ۶۹۷- شوهرم پزشک محترم و مطلعی بوده که بعد از چند سال زندگی مشترک زناشویی متأسفانه مبتلا به جنون شد. من اختلال حواس او را به دادگاه اعلام و پزشک قانونی هم مراتب را تأیید کرده است، در صورتی که حاکم شرع حجر را ثابت و او را محجور علیه بداند، آیا با صرف صدور حکم حجر، عقد نکاح فسخ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۸

می‌شود؟ یا جهت وقوع فسخ ازدواج باز باید به محکمه مراجعه شود؟

جواب: زن می‌تواند صیغه فسخ را جاری کند و احتیاط آن است که آن را به اطلاع حاکم شرع برساند.

سؤال ۶۹۸- اگر زن بعد از ازدواج بفهمد شوهرش مسلمان نیست، حکمش چیست؟

جواب: نمی‌تواند با او زندگی کند و ازدواجش باطل است.

سؤال ۶۹۹- دختری را به ازدواج دائمی پسر در آورده‌ام و عروسی هم نموده‌اند، حال معلوم شده که دختر مدتهاست به بیماری صرع «۱» مبتلاست، خود دختر و دکترش هم تصدیق نموده‌اند ولی پدر و مادرش این مطلب را نگفته و پنهان نموده‌اند، حتی دختر می‌گوید: می‌خواستم بگویم، ولی پدر و مادرم مانع شدند، تکلیف عقد و مهریه چیست؟

جواب: بیماری صرع موجب خیار فسخ در عقد نکاح نیست و اگر بخواهد دختر را طلاق دهد، چنانچه عروسی نموده باید تمام مهر

را بپردازد.

سؤال ۷۰۰- آیا نبودن بکارت در دختر، باعث جواز فسخ عقد می‌شود؟ و معنای فسخ چیست؟

جواب: در صورتی که شرط بکارت کرده باشد حق فسخ دارد و معمولاً در محیطهای ما، شرط بکارت به عنوان یک شرط ضمنی و از پیش توافق شده می‌باشد و معنای فسخ این است که بگویند من عقد را فسخ کردم یا به هم زدیم و به هر زبانی باشد کافی است.

سؤال ۷۰۱- در صورتی که داماد به خاطر عدم بکارت، نکاح را فسخ کند چه مقدار از مهریه را باید بپردازد و در صورت تدلیس از چه کسی می‌تواند بگیرد؟

جواب: در صورت شرط بکارت یا هر شرط کمال و عدم نقص - خواه به

(۱). بیماری صرع یعنی غش کردن.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۰۹

صورت ذکر در عقد باشد یا قبل از آن - چنانچه خلاف آن ثابت شود حق فسخ دارد و هرگاه دخول حاصل نشده باشد، مهر به کلی ساقط است و اگر حاصل شده باشد، مهر المسمی پرداخته می‌شود سپس از کسی که تدلیس کرده می‌گیرد.

سؤال ۷۰۲- زید، دختر بالغه خودش زینب را به عقد نکاح بکر، فرزند خالد در آورد و خالد، دختر نابالغ خودش سلمی را به عقد نکاح عمرو فرزند زید در آورد. بعد از مدتی زید پدر زینب این رشته را قطع کرد و تزویج دخترش زینب را به بکر انکار کرد و برای فسخ نکاح دخترش زینب به دادگستری جور مراجعه کرد و وقتی که طرفین برای قضاوت به دادگستری رسیدند دختر زید (زینب) ادعای فسخ نکاح را تکذیب کرد و گفت من می‌خواهم همراه همسرم بکر که به عقد او در آمده‌ام بروم و قانون به نفع زینب و بکر حکم کرد. وقتی زید اینجا تحقیر شد، دشمن خانواده خالد شد خواست دختر خالد سلمی که به عقد نکاح پسرش عمرو در آمده بود را به خانه بیاورد ولی دختر خالد سلمی فهمید که زید قصد انتقام دارد، چرا که مخاصمت پسرش عمرو با او شروع شده بود و به خاطر همین، نکاح عمرو را فسخ کرد الان سلمی بالغ شده است، آیا فسخ سلمی صحیح است؟

جواب: هرگاه ازدواج دختری قبل از بلوغ مصلحت نداشته است، از اول عقد باطل بوده است اما اگر در آن زمان برای دختر مصلحت داشته و الآن دارای مفسده مهمی است باید پیش یکی از علما برود و مدرک خود را بر وجود مفساد فعلی و اینکه منظور آنها انتقام جویی است ارائه دهد، اگر ثابت شود خطری آن دختر را تهدید می‌کند، آن عالم می‌تواند صیغه طلاق او را جاری کند.

سؤال ۷۰۳- اگر مردی قبل از ازدواج از نزدیکی عاجز باشد و زن بعد از مراسم عروسی بفهمد و فوراً عقد و نکاح را به هم نزند و از شوهر جدا نشود، آیا در این صورت زن می‌تواند بدون طلاق شوهر کند؟

جواب: در این موارد، زن باید به حاکم شرع مراجعه کند و حاکم یک سال به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۰

مرد مهلت می‌دهد اگر درمان شد ازدواج باقی است، در غیر این صورت زن می‌تواند نکاح را فسخ کند و احتیاج به طلاق نیست و به فرض که مرد بعد از آن هم خوب شود قابل بازگشت نیست مگر به صورت ازدواج جدید.

سؤال ۷۰۴- اگر تدلیس کننده خود زن باشد و شوهر پس از آگاهی از وجود عیب، نکاح را فسخ کند، موردی که دارای بیماری روانی، سرگیجه، استفراغ، تشنج، پرخاشگری و حالت‌های غیر عادی که ناشی از بیماری روانی غیر قابل علاج باشد و پزشکان متخصص و شهود عینی تصدیق کرده‌اند آیا این فسخ صحیح است؟

جواب: هرگاه زوجه و کسان او طوری وانمود کنند که زن سالم است و در واقع سلامت زن به صورت شرط در ضمن عقد در آید و بعداً کشف خلاف شود شوهر می‌تواند عقد را فسخ کند و اگر دخول نکرده، مهری برای زن نیست و اگر قبل از آگاهی بر عیب

دخول کرده است تمام مهر بر او لازم است و می‌تواند آن را از تدلیس کننده بگیرد و اگر تدلیس کننده زن باشد مهر او ساقط است. سؤال ۷۰۵- اگر زن بعد از عقد بفهمد همسرش معتاد است آیا می‌تواند عقد را فسخ کند، تکلیف مهریه چه خواهد شد؟ جواب: اگر زن در موقع عقد شرط کند که هرگاه شوهر مثلاً- مسافرت نماید یا معتاد به مواد مخدر گردد یا خرجی او را ندهد اختیار طلاق با او باشد این شرط باطل است ولی هرگاه شرط کند که او از طرف شوهرش وکیل باشد که هرگاه این کارها را انجام دهد خود را مطلقه کند این وکالت صحیح است و در چنین صورتی حق دارد خود را طلاق دهد.

زنانی که ازدواج با آنها حرام است

اشاره

سؤال ۷۰۶- آیا ازدواج غیر سید با زن سیده جایز است؟ چون بعضی معتقدند که در ازدواج کفو بودن شرط است و سیده با غیر سید کفو نیست و ثانیاً اگر احتمال استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۱ درگیری باشد حکم مسأله چیست؟ جواب: جایز می‌باشد و در زمان ائمه معصومین (علیهم السلام) فراوان بوده است ولی اگر خطر درگیری باشد از آن صرف نظر کنید.

سؤال ۷۰۷- آیا ازدواج مرد شیعه با دختر یهودی و نصرانی و ارمنی و سایر اهل کتاب جایز است؟ جواب: تنها ازدواج موقت جایز است.

سؤال ۷۰۸- آیا ازدواج مردان سنی با دختران شیعه جایز است؟ ازدواج مرد شیعه با دختر سنی چگونه؟

جواب: در صورتی که خوف انحراف نباشد مانعی ندارد ولی در صورتی که احتمال انحراف عقیدتی باشد جایز نیست.

سؤال ۷۰۹- اخیراً از چند تن از علما پرسیده‌اند که آیا ازدواج پدر، با مادر زن فرزند خویش شرعاً جایز است؟ ایشان گویا فرموده‌اند: جایز نیست، نظر حضرت عالی چیست؟ جواب: جایز است و کسی قائل به حرمت نیست.

سؤال ۷۱۰- شخصی با پسری لواط کرده است ولی شک دارد که در زمان این عمل بالغ بوده یا نه، آیا ازدواج او با خواهر یا دختر یا مادر آن پسر جایز است؟

جواب: در صورتی که فاعل، مشکوک البلوغ باشد، خواهر و مادر و دختر آن پسر بر او حرام نمی‌شود.

سؤال ۷۱۱- دختری در ایام عقد با یک نفر زنا کرده است، شوهرش که فعلاً صورت عقدش معلوم نیست، او را طلاق داده و بعد از طلاق، زانی این دختر را عقد کرده است آیا این عقد شرعاً درست است؟

جواب: در صورتی که عقد قبلی با رضایت انجام شده و صحیح بوده و زنا با زن شوهردار واقع شده، آن دختر بر زانی حرام ابدی است (بنابر احتیاط واجب).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۲

سؤال ۷۱۲- آیا ازدواج با صوفیه جایز است؟

جواب: صوفیه فرقه‌های مختلفی دارند و عقاید آنها مختلف است، بعضی از نظر عقیده منحرفند و بعضی منکر ضروریات دین هستند در حالی که بعضی دیگر چنین نیستند و فقط انحرافات جزئی دارند، بنابراین هر کدام را جداگانه باید سؤال کرد تا جواب داده شود.

سؤال ۷۱۳- آیا ازدواج با دختری که به ظاهر مسلمان است ولی اهل نماز نیست، مثل ازدواج با کافر است؟

جواب: این ازدواج جایز است ولی باید تدریجاً او را دعوت به انجام واجبات نمود.

سؤال ۷۱۴- اگر مردی با زنی که در عدّه است از روی جهل به مسأله، عقد دائم یا موقت بخواند، آیا این زن بر او حرام ابدی می‌شود؟ حکم صورت عمد را نیز بیان فرمایید؟

جواب: در دو صورت حرام ابدی می‌شود یکی آن که ازدواج و دخول کند هر چند از روی جهل باشد دوم آن که آگاهانه ازدواج کند، هر چند دخول ننماید.

سؤال ۷۱۵- آیا جایز است خواهرزاده زن مطلقه‌ای را که در عدّه طلاق رجعی است بدون اجازه خاله مطلقه‌اش صیغه کرد؟

جواب: بدون اذن او جایز نیست، مگر بعد از گذشتن عدّه.

محارم

سؤال ۷۱۶- چه مدرکی برای محرمیت دایی جز شهرت فتوایی وجود دارد؟

جواب: این مسأله صریحاً در آیه ۲۳ سوره نساء آمده است، آنجا که می‌فرماید: (وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ) مسلماً هنگامی که دختر خواهر به شخصی محرم باشد دایی هم با او محرم می‌شود زیرا از یک طرف دختر خواهر است و از یک طرف دایی.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۳

سؤال ۷۱۷- آیا عروس زوجه انسان (یعنی زوجه فرزندی که آن زن از شوهر دیگر دارد) بر او محرم است؟

جواب: تنها عروس خود انسان یعنی همسر پسرش بر او محرم است نه عروس همسرش.

سؤال ۷۱۸- اگر زید زنش را طلاق دهد و آن زن بعد از طلاق و عدّه، با فردی دیگر ازدواج کند و از این ازدواج دختری متولد شود، آیا زید می‌تواند بعد از رسیدن آن دختر به سنّ ازدواج با او ازدواج کند؟

جواب: دختر زن انسان از شوهر دیگر با او محرم است (به شرط دخول با آن زن) و فرقی میان دخترانی که قبل از نکاح و بعد از طلاق متولد شده‌اند نیست.

سؤال ۷۱۹- مردی زنی را برای مدت کوتاهی صیغه کرده، بعد از انقضای مدت، محرمیت بین مرد با دختر زنی که صیغه شده باقی است- چه زن زنده باشد یا فوت کرده باشد- آیا نسبت به دختر دختر این زن و همچنین هر چه پایین رود، نیز محرمیت باقی است؟

جواب: چنانچه با آن زن نزدیکی کرده باشد دختران آن زن مطلقاً بر او حرامند.

سؤال ۷۲۰- اگر زنی که شوهر او مرده است و از او پسران و دخترانی دارد با مرد دومی ازدواج کند آیا شوهر دوم به پسران و دختران این خانم محرم است؟

جواب: شوهر دوم پس از عروسی با آن زن نسبت به دختران آن زن از شوهر اول محرم است و اما نسبت به پسران محرمیت مفهومی ندارد.

سؤال ۷۲۱- شخصی با همسر شهیدی که دارای یک دختر است، ازدواج کرده، آیا این دختر بر پدر این آقا (پدر بزرگ) محرم است، اگر نیست راه محرم شدن چیست؟

جواب: نامحرم است، ولی هرگاه آن پدر فرزند دیگری داشته باشد و صیغه شرعی این دختر را با آن فرزند بخواند، حکم عروس او را پیدا می‌کند و بر او محرم می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۴

سؤال ۷۲۲- مردی دارای دو زن است و از هر دو دارای اولاد است و می‌دانیم که اولاد پسر و اولاد اولاد پسر این زن با آن زن

محرمند، اینک سؤال این است که آیا اولاد دختر آن زن (نوه دختری زن اول) نیز به زن دیگر محرم می‌باشند؟

جواب: نوه‌های پسری و دختری همه با آن زن محرمند، زیرا زن پدر و زن جد جزء محارمند.

سؤال ۷۲۳- گاهی افرادی که صاحب فرزند نمی‌شوند، دختری از پرورشگاه می‌گیرند، آیا راهی برای محرم شدن او بر پدر خوانده وجود دارد؟

جواب: هرگاه آن مرد پدری داشته باشد و این دختر به ازدواج موقت او درآید بر این مرد و فرزندان او محرم می‌شود و اگر پسرانی از همسر دیگر دارد صیغه موقت دختر را برای خودش بخواند تا برای پسرانش محرم شود ولی در این صورت نسبت به خودش بعد از پایان مدت عقد موقت، محرم نخواهد بود.

سؤال ۷۲۴- شخصی پس از فوت همسرش دوباره ازدواج کرده و مادرزن اول او نیز دوباره ازدواج کرده است، آیا هنوز با مادر زن اول محرم است؟ در صورت طلاق چطور؟ اگر پسر کسی بمیرد و عروس او شوهر دیگری کند یا عروسیش طلاق بگیرد و با دیگری ازدواج کند، آیا باز هم به پدر شوهر اول محرم است؟

جواب: مادر زن در هر حال محرم است و عروس هم در هر حال به پدر شوهر محرم است.

سؤال ۷۲۵- مردی دارای دو زن است و از هر زنی چند دختر دارد همه دخترها را شوهر داده، آیا شوهران این دختران به زن دیگر آن مرد محرمند؟ و آیا فرزندان و نوه‌ها چه از این دختران و چه از آن دختران، نسبت به زنهای دیگر آن مرد محرمند؟

جواب: بچه‌ها و نوه‌ها به مرد و زن محرمند ولی داماد یک زن به زن دیگر محرم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۵

سؤال ۷۲۶- آیا مادر زن دوم به پسر زن اول محرم است؟

جواب: محرم نیست.

سؤال ۷۲۷- در صورتی که زن اول از شوهر اولی خود (غیر از شوهر فعلی) پسری داشته باشد، تکلیف این پسری که از شوهر قبل بوده است با زن و مادر زن شوهر دوم چیست؟

جواب: محرم نیستند.

سؤال ۷۲۸- زنا در عده عقد موقت چه حکمی دارد؟ آیا موجب حرمت ابدی می‌شود؟ فتوای امام (قدس سره) در این مورد چیست؟

جواب: زنا در عده متعه مسلماً حرام است، ولی موجب حرمت ابدی آن زن نمی‌شود بنابراین اجرای صیغه عقد پس از گذشت عده اشکال ندارد و فتوای امام (رحمه الله) در تحریر الوسیله و توضیح المسائل نیز همین است.

احکام عقد دائم

سؤال ۷۲۹- مهریه‌هایی که مثلاً ۵۰ سال پیش صد تومان بوده، آیا اکنون همان مقدار بر عهده زوج است یا اینکه باید قدرت مقدار خرید صد تومان در ۵۰ سال پیش به عنوان مهریه محاسبه شود؟

جواب: باید مصالحه کنند یا بر طبق قیمت امروز بپردازد.

سؤال ۷۳۰- آیا زن می‌تواند در منزل وظایف خود را انجام ندهد مثلاً غذا نپزد، خانه را مرتب نکند؟ آیا مرد می‌تواند زن را مجبور به انجام اینگونه امور بنماید؟

جواب: حق ندارد او را مجبور کند، مگر این که زن با میل خود این کارها را انجام دهد.

سؤال ۷۳۱- اگر زنی مهریه خود را مهر السنه قرار دهد، آیا معادل آن را طلب دارد یا مهر المثل را؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۶

جواب: چنانچه طرفین می دانسته‌اند که مهر السنه طبق مشهور پانصد درهم (نقره) است اشکالی ندارد و باید با پول رایج حساب کنند، اما اگر هر دو یا یکی آگاه نبوده‌اند احتیاط آن است که در مورد مقدار مهر با هم مصالحه کنند.

سؤال ۷۳۲- مهر السنه چیست و ارزش فعلی آن چقدر است؟

جواب: مهر السنه طبق مشهور پانصد درهم نقره است و قیمت دقیق آن را می‌توانید از زرگرها سؤال کنید.

سؤال ۷۳۳- هرگاه زن جز به گرفتن مهر، حاضر به تمکین نباشد و شوهر قادر بر ادای مهر نباشد و در عین حال می‌گوید: طلاق نمی‌دهم و تا پایان عمر نفقه می‌دهم حکم این مسأله چیست؟

جواب: اولاً؛ زن حق دارد قبل از تمکین، مطالبه مهر کند، حتی اگر شوهر قدرت پرداخت مهریه را نداشته باشد. ثانیاً؛ اگر شوهر مهر ندارد باید نفقه را بدهد.

ثالثاً؛ اگر این امر مدت‌ها ادامه یابد و باعث ضرر و زیان زوجه یا عسر و حرج شدید او شود حاکم شرع مرد را وادار به طلاق می‌کند و اگر طلاق نداد حاکم شرع طلاق می‌دهد و نصف مهر بر ذمه زوج می‌ماند تا وقتی که قدرت پرداخت پیدا کند.

سؤال ۷۳۴- مردی ازدواج کرده ولی هنوز دخول نکرده است امّا زن از طریق انزال در محل باردار شده است وضعیت مهر بعد از طلاق چگونه خواهد بود؟

جواب: هرگاه مرد سبب باردار شدن زن شده است احتیاط واجب آن است که تمام مهر را بدهد، هرچند دخول نکرده باشد.

سؤال ۷۳۵- اگر زن دائمی شرط کند که هفته‌ای فقط یکی دو بار تمکین کند، آیا این شرط صحیح است؟

جواب: چنانچه طرفین به این شرط راضی شده باشند این شرط صحیح است.

سؤال ۷۳۶- آیا این شرط که همسر آینده کارهای معمولی منزل را انجام دهد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۷

صحیح است و در صورتی که به شرط عمل نکرد حکم آن چیست؟

جواب: هرگاه شرط کنند، این شرط لازم‌الاجراست و در صورت تخلف احتیاط این است که زن هزینه آن را بپردازد.

سؤال ۷۳۷- چند نفر به زنی به اجبار تجاوز کرده‌اند:

(الف) آیا هر کدام باید جداگانه یک مهر المثل بپردازند یا همه یک مهر المثل می‌دهند؟

(ب) هرگاه تجاوز از یک نفر چند بار واقع شود آیا مهر المثل نیز تکرار می‌شود؟

جواب: (الف) هر کدام باید مهر المثل جداگانه بپردازند.

(ب) هرگاه تکرار شود ظاهراً یک مهر بیشتر ندارد مگر اینکه مهر را بپردازد و مجدداً تجاوز کند.

سؤال ۷۳۸- آیا در عقد نکاح دائم می‌توان شرط کرد که نزدیکی زن و مرد صورت نگیرد؟

جواب: در عقد دائم خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۳۹- مهر السنه که پانصد درهم می‌باشد، یک درهم آن معادل چند گرم می‌باشد؟

جواب: هر درهم در حدود ۲/۵ گرم می‌باشد بنابراین پانصد درهم در حدود ۱۲۵۰ گرم می‌شود به طور تقریب.

سؤال ۷۴۰- چون درهم سکه‌دار این زمان وجود ندارد، آیا مبنای قیمت مهر السنه نرخ نقره عمومی می‌باشد؟

جواب: در شرایطی که درهم سکه‌دار وجود ندارد باید فرض را بر این بگیریم که اگر نقره موجود سکه‌دار و رایج بود چه اندازه به قیمت آن افزوده می‌شد اضافه قیمت را به طور تقریبی حساب کنیم و بر آن بیفزاییم و از آنجا که این حکم یک حکم استجابی است محاسبات تقریبی در آن ضرر ندارد.

سؤال ۷۴۱- غالب فقهای شیعه فرموده‌اند زوجه حق دارد مهر غیر مؤجل را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۸

مطالبه و قبل از دخول می‌تواند از تمکین تا گرفتن مهر امتناع نماید و نیز فرموده‌اند در صورت بذل تمکین به فرض دریافت مهر (تمکین تعلیقی) استحقاق نفقه نیز دارد. آیا حق امتناع زوجه از تمکین مختص به دخول است یا شامل سایر استمتاعات و یا اطاعت از زوج در امور لازم (از قبیل اقامت در منزل شوهر یا مسافرت با رضایت وی) نیز می‌گردد به نحوی که اگر در این امور از شوهر اطاعت نکند ناشزه محسوب می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که زن می‌تواند بدون گرفتن مهر معجل خود را مطلقاً تسلیم شوهر نکند و در این مدت بر زوج واجب است نفقه او را بدهد.

سؤال ۷۴۲- اگر بین طرفین در این جهت اختلافی حاصل شود و زوجه مدعی تمکین تعلیقی بشود و زوج اظهار نماید که همسرش اهل تمکین حتی در صورت دریافت مهر نیست و قرآینی هم در حد افاده احتمال بر صحت اظهارات زوج وجود داشته باشد آیا به صرف ادعای زوجه، شوهر ملزم به پرداخت نفقه می‌گردد و یا اینکه فصل خصومت باید از طریق اقامه بینه و یمین به عمل آید و بنابراین چه کسی مدعی و یا منکر شناخته می‌شود؟

جواب: هرگاه ظاهر حال زوجه‌ای که نزد مرد زندگی می‌کند تمکین می‌باشد و شوهر ادعای خلاف آن را کند باید ثابت نماید و اگر ظاهر حال عکس آن باشد ادعای زوج مقبول است.

سؤال ۷۴۳- در تحریر الوسیله و کتابهای فقهی دیگر مذکور است که اگر پدر برای طفل صغیر خود عیال اختیار کند و طفل فقیر باشد، مهریه آن زن به عهده پدر طفل می‌باشد حال اگر پدر برای فرزند کبیر خود که ناقص عقل و گوش و زبان می‌باشد و قادر نیست هزینه زندگی خود و همسرش را تأمین کند، عیال اختیار کند مهریه و نفقه این زن بر عهده چه کسی می‌باشد؟

جواب: ظاهر این است که نفقه بر پدر است و اگر مهر نقدی باشد آن هم بر پدر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۱۹

است و در صورتی که بر ذمه زوج باشد می‌توان انتظار بهبودی مجنون را کشید و اگر بهبود نمی‌یابد بر عهده پدر است.

سؤال ۷۴۴- زن و مردی و یا اولیا و بزرگان آنها قراردادی بین خودشان می‌گذارند، مهریه را هم تعیین می‌نمایند، سپس مبلغ دوست هزار تومان از مهریه نقداً داده می‌شود و بقیه بر ذمه زوج می‌باشد و ارتکاز عرفی بر این است که پس از انجام مراسم عروسی زوجه می‌تواند مطالبه نماید و زوج هم باید عند القدره بپردازد همان طوری که علمای گذشته در عقدنامه‌ها می‌نوشتند (فلها المطالبه بشرط التمکین و له الاداء عند القدره و الامکان) ولی در این زمان دفاتر رسمی ازدواج بنای مذکور را در نظر نگرفته و می‌نویسند که زوج باید عندالمطالبه پرداخت نماید و روی این اصل وقتی که اختلافی در بین آنها واقع می‌شود زن می‌گوید مادامی که شوهر مهریه را نقداً نپردازد حاضر به تمکین نخواهد شد باید نفقه او را هم بدهد آیا زوجه چنین حقی را دارد؟

جواب: در صورتی که شرط شده باشد مهریه را عندالمطالبه بپردازد زن حق مطالبه مهر را دارد و اگر عدم تمکین به استناد عدم پرداخت مهریه باشد حق نفقه نیز دارد و اگر شرط شده باشد و یا قرینه از جهت عرف و عادت وجود داشته باشد که عند القدره و الاستطاعه بپردازد در صورت عدم توانایی شوهر، زن حق مطالبه ندارد و اگر تمکین ننماید حق نفقه ندارد.

سؤال ۷۴۵- در فرع مذکور اگر زن حق امتناع از تمکین داشته باشد تا مهر به وی تسلیم شود اگر زن جهت استمتاعات به غیر از مقاربت تسلیم شده و مدتی خود را در اختیار زوج قرار دهد این امر باعث از بین رفتن حق امتناع زوجه می‌شود یا این که فقط تسلیم و تمکین تام مسقط است؟

جواب: تمکین تام مسقط است.

سؤال ۷۴۶- برادر این جانب ده سال پیش (سال ۶۴) ازدواج نمود و بابت مهریه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۰

عقدنامه چنین نوشته شده است: یک جلد کلام الله مجید به هدیه پنج هزار ریال به انضمام یکصد و ده کیلو گرم نمک طعام به ارزش چهار هزار ریال و یک صد گرم ابریشم خالص سبز به ارزش یک هزار ریال و دو بیست و بیست و پنج گرم طلا خوب و معمول بازار به ارزش فعلی نهصد هزار ریال و تعداد هفتصد (۷۰۰) سکه طلای بهار آزادی به ارزش فعلی بیست و چهار میلیون و پانصد هزار ریال که جمعاً بیست و پنج میلیون و چهارصد و ده هزار ریال می‌شود. به طوری که ملاحظه می‌فرمایید مهریه فوق تماماً به پول تبدیل گردیده است و قصد و نیت زوج در زمان عقد همان مبلغ ذکر شده بوده است که توسط عاقد قرائت گردیده و مورد توافق و امضا قرار گرفته است اکنون زن مهریه خود را بر اساس قیمت روز طلب می‌نماید آیا حق با زن است یا شوهر؟

جواب: اگر موقع اجرای صیغه عبارت به همین صورت خوانده شده و قیمت هر یک از این امور بیان شده است مهریه واقعی همان مبلغ ذکر شده می‌باشد ولی اگر به طور یقین ثابت شود که شوهر قصد قیمت داشته و زن قصد سکه نه قیمت، مهریه مذکور باطل می‌شود و باید مهر المثل داده شود.

سؤال ۷۴۷- حقیر بدون اطلاع از مرام بهائیت به ازدواج مردی بهایی با اجرای صیغه عقد اسلامی در آمدم و بعد از چند سال زندگی همسر فوت کرد، در وقت اجرای صیغه قطعه زمینی به عنوان مهریه به این جانبه تحویل شد که بعد از انقلاب چون همه املاک آنها را دولت تصرف نمود ملک این جانبه نیز همراه آنها به تصرف دولت درآمد آیا این جانبه ذی حق هستم تا مطالبه حق کنم و آیا مهر مذکور ثابت است؟

جواب: شما به اندازه مهر المثل در اموال آن مرد حق دارید.

سؤال ۷۴۸- الف) دختر خانمی مهریه‌اش هم معجل بود و هم مؤجل، مقدار معجل را در مجلس عقد دریافت نمود و در مؤجل، زمان خاصی معین نشد ولی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۱

قراین حالیه و مقالیه مثل اینکه داماد از قبول کردن مهریه سنگین امتناع داشت ولی پدر دختر گفت مهریه را کی داده و کی گرفته، به دست می‌آید که موقع پرداخت، بعد از عروسی است اما الآن دختر به تحریک والدین اصرار بر دریافت مؤجل نیز دارد آیا دختر و یا والدین او حق امتناع از عروسی را قبل از پرداخت باقیمانده مهریه دارند؟

جواب: هرگاه قراینی وجود داشته که مؤجل را با فاصله قابل ملاحظه‌ای بپردازند دختر نمی‌تواند از عروسی امتناع کند.

ب) داماد قبل از عروسی برای خانم خود مقدار قابل توجهی وسایل زینتی از قبیل طلا و غیره به عنوان هدیه گرفته است به فرض این که دختر حاضر به عروسی نشود آیا داماد حق مطالبه آن وسایل زینتی را دارد و آیا استفاده دختر بعد از اطلاع از عدم رضایت داماد از آن زینت آلات جایز است؟

جواب: حق دارد، و تصرف در آن از سوی دختر در فرض مسأله جایز نیست.

ج) اگر مهریه سیصد هزار تومان و نصف مایملک داماد باشد آیا این مهریه باطل نیست؟

جواب: این مهریه مجهول و باطل است و به جای آن باید مهر المثل بپردازد.

سؤال ۷۴۹- آیا زن می‌تواند بدون کسب اجازه از همسرش از منزل خارج و با افراد یا خانواده‌هایی رفت و آمد داشته باشد و یا در جلسات مذهبی شرکت کند؟

جواب: باید با رضایت همسرش باشد.

سؤال ۷۵۰- آیا زن می‌تواند به دلیل آن که به من تهمت زده‌ای و یا آبروی مرا پیش دوستان و نزدیکان با سخنان تهمت آمیز برده‌ای

خود را بر شوهر رسمی و شرعی خود حرام کند و با دیدنش در حجاب شود و از او تمکین عام و خاص نکند؟ اگر چه شوهر بارها به پاکی او اعتراف و از او به نحوی دلجویی کرده باشد؟

جواب: زن حق ندارد به این اعداز از تمکین خودداری کند و اگر شوهر به او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۲

تهمت زده، باید نزد حاکم شرع برود و مجازات او را بخواهد، مگر این که زن او را ببخشد.

سؤال ۷۵۱- آیا بین باکره و زنان دیگر در این مورد که دخول باعث مهر کامل و عدم دخول باعث تنصیف مهریه می شود فرقی هست؟

جواب: فرقی میان باکره و غیر آن نیست.

سؤال ۷۵۲- شخصی دختر خود را شوهر می دهد، چه مسائلی را انجام می دهند که شوهر قدرت آمیزش خود را از دست می دهد به گونه ای که منجر به طلاق می شود، بعد از عده، پدر دخترش را به عقد مرد دیگری درمی آورد که این شوهر نیز به سرنوشت مرد اول گرفتار می شود ولی وقتی به دکتر مراجعه می کند دکتر او را سالم تشخیص می دهد در عین حال دارو اثر نمی بخشد پدر دختر مبلغ ۳۱۰ هزار تومان برای طلا- و جهیزیه گرفته و پنجاه هزار تومان خرج عروسی کرده و صد هزار تومان مهریه دختر قرار داده است، اگر شوهر طلاق بدهد حق دارد پول و مصرف را پس بگیرد؟ حکم مهریه چیست؟

جواب: هرگاه دخول صورت نگرفته باشد باید نصف مهر را بدهد و اموالی که خریده است قابل بازپس گرفتن نیست. در مورد جهیزیه و طلا هرگاه جزء مهریه بوده باید نصف آن را به زن بدهد و اگر جزء مهریه نباشد آن چه موجود است را می تواند بازپس بگیرد.

ازدواج موقت

سؤال ۷۵۳- عقد موقت دوشیزه بدون اذن پدر چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر باشد.

سؤال ۷۵۴- عقد موقت از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: ازدواج موقت یکی از احکام مسلم فقهی است، شرح بیشتر را در کتاب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۳

ما به نام «این است آیین ما» و همچنین در جلد ۳ تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۴ سوره نساء مطالعه کنید.

سؤال ۷۵۵- شخصی زن جوانی را متعه کرده و با اقرار خود واقعه نیز انجام شده و زن مزبور پس از آن، وضع حمل کرده و طفل را به مرد متمتع نسبت می دهد ولی مرد منکر الحاق ولد به خود می باشد آیا قسم به نفی ولد از طرف مرد در این صورت مشروعیت دارد؟

جواب: چنانچه مرد اقرار به واقعه دارد ولد به او ملحق است و با قسم از او نفی نمی شود.

سؤال ۷۵۶- آیا مرد مسلمانی که همسر مسلمان دارد می تواند زن ذمی را به عقد موقت خود در آورد؟

جواب: متعه ذمی بر مسلمان بدون اجازه همسر مسلمانش کراهت دارد.

سؤال ۷۵۷- اگر شخصی با زن بی شوهری ازدواج موقت کند و این زن به برادرش اطلاع ندهد، آیا این کار خیانت به برادر محسوب می شود؟ در صورتی که برادر با این ازدواج مخالف باشد و زن شرایط ازدواج موقت را داشته باشد آیا این ازدواج جایز است؟

جواب: اجازه برادر معتبر نیست و اطلاع ندادن به او خیانت محسوب نمی‌شود ولی مشورت با او مناسب است.

سؤال ۷۵۸- مردی زنی را به عقد موقت خود در می‌آورد در بین مباشرت با آن زن شک می‌کند که آیا او از زنانی است که زیاد صیغه می‌شود و عده نگه نمی‌دارد یا نه، آیا تحقیق واجب است؟

جواب: سؤال و تحقیق از زن واجب نیست.

سؤال ۷۵۹- آیا متعه اهل کتاب و کافر جایز است؟

جواب: متعه اهل کتاب جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۴

سؤال ۷۶۰- در صورت جایز بودن متعه اهل کتاب در کشورهای غربی آیا باید صیغه عقد به زبان عربی خوانده شود یا همان توافق بین ۲ نفر بر سر زمان و مهریه (در قالب هدیه) کفایت می‌کند؟

جواب: در صورتی که آشنا به عربی نباشد به هر زبانی جایز است ولی باید به آنها تفهیم گردد که عقد ازدواج در اسلام دو نوع است که یک نوع آن عقد موقت است که در برابر آن هدیه‌ای پرداخت می‌شود.

سؤال ۷۶۱- این جانب به مدت ده سال به عقد موقت مردی در آمدم این آقا مدت سه سال است که رفته و من هیچ خبری از او ندارم به دادگاه مدنی هم مراجعه کردم ولی هیچ نتیجه‌ای نگرفتم. خواهشمندم که مرا آزاد کنید زیرا من شرایط ازدواج موقت را نمی‌دانستم و کسی را هم ندارم و کاری هم ندارم که زندگیم را اداره کنم؟

جواب: هر گاه به تشخیص حاکم شرع، شما در عسر و حرج شدید باشید و راه حل نداشته باشید و دسترسی به شوهرتان نیز نباشد، می‌تواند باقیمانده مدت را به شما ببخشد سپس عده نگهدارید و بعد شوهر کنید.

سؤال ۷۶۲- این جانب یکی از جانبازان انقلاب اسلامی هستم که از گردن به پایین فلج هستم و به هیچ وجه قادر به انجام کارهایم نیستم با توجه به این که یکی از خواهران راضی است که جهت رضای خدا همه کارهایم غیر از مسائل جنسی را انجام دهد آیا راهی برای محرمیت ما وجود دارد؟

جواب: هر گاه صیغه عقد موقت آن دختر (هر چند برای مدت کوتاهی) برای پدر شما خوانده شود شما برای همیشه به او محرم خواهید شد، البته مانند محرمیت مادر و خواهر نه محرمیت همسر.

سؤال ۷۶۳- اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقت با همدیگر رابطه شرعی داشته باشند در صورتی که شرایطی معتبر است:

الف) اگر رابطه صرفاً رابطه متعارف شغل یا تحصیلی باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۵

ب) اگر رابطه صرفاً به خاطر استمتاع جنسی بدون دخول باشد.

ج) اگر رابطه به خاطر آمیزش جنسی (دخول) باشد.

جواب: عقد موقت یک نوع بیشتر نیست و همه این آثار در آن جمع است مگر این که در ضمن عقد شرط کنند که آمیزش جنسی نباشد و در هر حال بنا بر احتیاط واجب اذن پدر شرط است.

سؤال ۷۶۴- اگر پسر و دختری بخواهند از طریق ازدواج موقت رابطه متعارف شغلی یا تحصیلی داشته باشند (بدون استمتاع جنسی و دخول) مستدعی است در دو فرض زیر حکم اجازه پدر دختر را بیان کنید.

الف) امکان دسترسی به ولی دختر نیست و فرضاً ایجاد رابطه شرعی، ضروری و فوری است.

ب) امکان دسترسی هست اما ولی دختر بدون منطبق مخالفت می‌کند و اصلاً رضایت نمی‌دهد.

جواب: در هر صورت احتیاط واجب استیذان از ولی است، در ضمن تجربه نشان داده است که این رابطه‌ها مخصوصاً در جوانها معمولاً در یک حد محدود و معینی ثابت نمی‌ماند و تدریجاً توسعه می‌یابد و مایه مشکلات فراوانی می‌شود.

سؤال ۷۶۵- کسی که قصد ازدواج موقت دارد آیا می‌تواند بدون اطلاع ولی دختر از او خواستگاری کند؟ در دو صورت باکره بودن و بیوه بودن زن، حکم آن را بیان فرمایید.

جواب: خواستگاری در هر صورت مانعی ندارد، ولی جاری کردن صیغه عقد بدون اذن ولی در باکره اشکال دارد اما در بیوه رضایت طرفین برای اجرای صیغه عقد کافی است.

سؤال ۷۶۶- اگر شخصی با ترک ازدواج به حرام بیفتد و امکان ازدواج دائم را ندارد ولی ازدواج موقت برایش امکان‌پذیر است چه وظیفه‌ای دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۶

جواب: وظیفه او ازدواج موقت است.

سؤال ۷۶۷- آیا در سقوط حق حضانت (حق سرپرستی و نگهداری کودک) به وسیله ازدواج مجدد فرقی بین ازدواج موقت و دائم هست؟ و در صورتی که زن از شوهر دوم طلاق بگیرد آیا حق حضانت که به خاطر شوهر کردنش ساقط شده بود دوباره بازمی‌گردد؟

جواب: در صورت ازدواج حق حضانت زن ساقط می‌شود خواه ازدواج دائم باشد یا موقت، مگر این که مدت ازدواج موقت کم و کوتاه باشد که در این صورت ساقط نمی‌شود و هرگاه از شوهر دوم طلاق بگیرد حق حضانت بازمی‌گردد هر چند احتیاط مستحب آن است که زوج و زوجه در این مورد تراضی و مصالح کنند.

سؤال ۷۶۸- اگر مردی زنی را موقتاً به مدت هشتاد سال عقد نماید حکم چه نوع عقدی را دارد؟ اگر شوهر چنین زنی مدت چهار سال یا بیشتر مثلاً در خارج زندگی نماید و زن زنا کند آیا حکم زناى محصنه را دارد؟

جواب: عقد مزبور عقد موقت است و در فرض مسأله زناى محصنه نیست.

سؤال ۷۶۹- زوج در حال عصبانیت و ناراحتی و اختلاف با زوجه موقت خود، ابرای مدت و زمان عقد می‌نماید ولی بلافاصله نادم و پشیمان می‌گردد آیا زوجه با این ابرای می‌تواند با دیگری ازدواج نماید و یا ابرای صحیح نیست و زوجیت باقی است؟

جواب: اگر در حال عصبانیت عقل و شعور خود را از دست داده ابرای مدت صحیح نبوده اما اگر این کار را از روی شعور و عقل کرده هر چند عصبانی بوده ابرای صحیح بوده است.

سؤال ۷۷۰- دختری با مردی برخورد و تماس داشته است، مثلاً در یک مکان با یکدیگر کار می‌کرده‌اند و یا تحصیل می‌نموده‌اند، آن مرد این دختر را جهت محرمت و عدم وقوع در گناه، بدون اذن پدرش به عقد موقت خود در آورده هر چند استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۷

به صرف محرمت اکتفا نشده و تقبیل و لمس انجام داده‌اند با توجه به این مقدمه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این دو گناهکارند و مرتکب معصیت گردیده‌اند؟

ب) آیا مادر دختر به این مرد محرم شده است؟

جواب: الف) چنین عقدی خالی از اشکال نیست و به صورت نامحرم با یکدیگر رفتار کنند و برای رعایت احتیاط مرد باقیمانده مدت را بیخشد.

ب) در مورد مادر هم باید احتیاط کند.

سؤال ۷۷۱- آیا برای مردی که همسر دائم دارد ازدواج موقت جایز است؟ (حکم مسأله را در صورتی که همسر دوم در همان محل

زندگی همسر دائم یا در محل دیگری زندگی کند بیان فرمایید).
جواب: اشکالی ندارد، لکن فقط در صورت ضرورت این کار را بکند.

احکام نگاه کردن

سؤال ۷۷۲- آیا دیدن فیلمهای خارجی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود و خانمهای بدون روسری و چادر در آن بازی می‌کنند جایز است؟

جواب: هرگاه موجب مفسد خاص و انحرافات اخلاقی نشود اشکال ندارد.

سؤال ۷۷۳- آیا دیدن فیلمهای ایرانی که خانمهای ایرانی با روسری در آن بازی می‌کنند جایز است؟
جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۷۷۴- شغل بعضی از خانمها ذکر توشیل به اهل بیت (علیهم السلام) در مجالس زنانه است، گاهی از اوقات در زمانی که مشغول روضه خوانی هستند مرد و یا بچه‌هایی که خوب و بد را می‌فهمند وارد حیاط آن خانه می‌شوند و صدای این خانم را می‌شنوند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۸

حکم این قبیل روضه خوانیها چیست؟

جواب: در این مورد که نوشته‌اید، صدای خود را آهسته‌تر کند و یا بدون تکیه به صوت بخواند.

سؤال ۷۷۵- نگاه کردن به فیلمهایی که زنهای بی‌حجاب و آرایش کرده در آن بازی می‌کنند و بعضاً از تلویزیون پخش می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسد خاصی بشود حرام است.

سؤال ۷۷۶- آیا اشتغال زنان در اداراتی که محلّ مراجعه مردان است جایز است؟

جواب: با رعایت شئون اسلامی اشکالی ندارد.

سؤال ۷۷۷- حجاب مرد را در برخورد با زن نامحرم بیان فرمایید.

جواب: نگاه کردن به بدن مرد نامحرم به آن مقدار که معمولاً آن را نمی‌پوشانند مانند سر و صورت و گردن و مقداری از پاها و دستها اشکال ندارد.

سؤال ۷۷۸- نگاه کردن به تلویزیون و سریالهای خارجی که به طور بسیار زشت و بی‌حجاب پخش می‌شوند چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به فیلمهای مبتذل که موجب فساد خود انسان یا خانواده‌اش می‌باشد جایز نیست و باید از نگاه کردن به آن خودداری کرد ولی برنامه‌هایی که موجب فساد نمی‌باشد جایز است.

سؤال ۷۷۹- آیا صحیح است در کشور ما که مسلمان هستیم نامحرمان در فیلمها بازی کنند؟

جواب: اگر شئون اسلامی در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۰- آیا ورزشهایی که امروز موجود است بهتر است مسلمانان بازی کنند یا نه؟

جواب: ورزشهایی که مایه قدرت جسمی یا روحی مسلمین می‌شود نه تنها جایز است بلکه در مواردی لازم هم می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۲۹

سؤال ۷۸۱- دیده می‌شود که گاهی تلویزیون شناگران را با بدنهای عربان و یا فیلمهای خارجی، زنان را نیمه‌عریان نشان می‌دهد، دیدن این مناظر چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه دیدن آنها منشأ فساد گردد جایز نیست.

سؤال ۷۸۲- مشاهده فیلمهای ایرانی در خارج و خارجی از سیمای جمهوری اسلامی ایران چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده فیلمهای ایرانی در صورتی که صحنه و آهنگهای نامشروعی در آن نباشد جایز است چه برای کسانی که در داخل هستند یا در خارج و در غیر این صورت جایز نیست و در مورد فیلمهای خارجی چنانچه صحنه‌های نامشروع سانسور می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۷۸۳- دیدن عکس زنان بدون حجاب غیر مسلمان، بدون لذت چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه بدون قصد لذت باشد و منشأ مفاسدی نگردد اشکال ندارد.

سؤال ۷۸۴- آیا تصویر تلویزیون در حکم عکس متحرک است؟

جواب: آری مناظری که در تلویزیون دیده می‌شود حکم عکس متحرک را دارد.

سؤال ۷۸۵- اگر زن با صوت قرآن بخواند، آیا مرد می‌تواند به آن گوش بدهد؟ در این مورد آیا تفاوتی بین نوار و غیر آن هست؟

جواب: در صورتی که زن به طور ساده قرآن بخواند مانعی ندارد ولی اگر با آهنگ یا صدای زیبا بخواند گوش دادن مرد اجنبی جایز نیست و نوار و غیر نوار فرقی نمی‌کند.

سؤال ۷۸۶- آیا دست دادن از روی لباس با نامحرم اشکال دارد؟

جواب: تماس از روی لباس بدون قصد ریه و تلذذ اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۰

سؤال ۷۸۷- در کلاسهای دانشگاه اساتید مرد و زن تدریس می‌کنند، نگاه کردن دانشجویان مرد به استاد زن و بالعکس چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که نگاه هوس‌آلود نباشد در مورد وجه و کفین اشکالی ندارد.

سؤال ۷۸۸- حکم مشاهده دستها و موهای سر و صورت زن، بیش از مقدار شرعی که در هنگام نوشتن روی تخته سیاه ظاهر می‌گردد چگونه است؟ (البته به منظور تفهیم استاد و دریافت و درک دانشجویان).

جواب: باید حجاب را طوری مراعات کنند که زاید بر وجه کفین ظاهر نشود.

سؤال ۷۸۹- نگاه کردن به عکسهای عریان موجود در کتب پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است و گاهی ریه‌آور است، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون قصد لذت و ریه اشکالی ندارد و هرگاه چنین حالتی خود به خود حاصل شود تنها در موارد ضرورت و به مقدار ضرورت نگاه کنند.

سؤال ۷۹۰- خنده و شوخی استاد خانم در کلاس درس دانشجویان دختر و پسر به منظور رفع کسالت و خستگی و تجدید روحیه دانشجویان چه حکمی دارد؟

جواب: رعایت آداب عفت در کلاس درس واجب است.

سؤال ۷۹۱- گذراندن واحدهای زنان و زایمان برای دانشجویان پزشکی و پرستاری الزامی است آیا این الزام، نگاه کردن به عورت زن را برای آموزش تجویز می‌کند؟

جواب: تنها در صورت ضرورت چنین آموزشی، جایز است.

سؤال ۷۹۲- لمس و تماس دست دانشجوی پسر با دست زن موقع گرفتن نبض و معاینه و معالجه در مقام آموزش علمی که از نظر استاد الزامی است در هر دو صورت ضرورت و غیر ضرورت چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در مورد ضرورت جایز است و اگر امکان داشته باشد که از روی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۱

پیراهن بگیرد مقدّم است.

سؤال ۷۹۳- نگاه به جسد همجنس و غیر همجنس، مسلمان و غیر مسلمان در مقام آموزش پزشکی برای معاینه و کالبدشکافی و تشریح یا پیوند زدن و قطع اعضا چه حکمی دارد؟

جواب: از پاسخ سؤال بالا معلوم شد.

سؤال ۷۹۴- آیا معاینه و لمس افراد غیر بیمار در مقام آموزش پزشکی جهت کنترل سلامتی و استخدام و سربازی و ... در صورتی که همجنس نباشند جایز است؟

جواب: در اموری که برای جامعه ضرورت دارد جایز است.

سؤال ۷۹۵- زن و شوهری با هم عکس گرفته‌اند ولی مرد و زن حجاب کامل و کافی ندارند سپس زن و یا مرد، مرده و یا از هم جدا شده‌اند آیا بعد از فوت و یا طلاق می‌توانند به عکسی که قبلاً گرفته‌اند نگاه کنند؟

جواب: در صورت وفات اشکالی ندارد ولی در صورت جدا شدن از هم، نگاه نکنند.

سؤال ۷۹۶- آیا سلام کردن مرد بر زن نامحرم کراهت دارد؟

جواب: کراهت ندارد ولی از بعضی از اخبار استفاده می‌شود که سلام کردن به زن جوان مکروه است.

سؤال ۷۹۷- آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟

جواب: در روایات متعددی از این معنا نهی شده و ظاهر بعضی از آنها حرمت است.

سؤال ۷۹۸- آیا خواهران مذهبی می‌توانند در عروسی‌ها و عقده‌ها که نوعاً بدحجاب و آرایش کرده هستند، جلو دوربین قرار بگیرند توسط خواهران عکاس عکس آنها گرفته بشود؟ ناگفته نماند ظاهر کردن چنین عکسهایی به دست مردان نامحرم می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۲

جواب: عکس گرفتن از زنان به وسیله زنان اشکالی ندارد، مگر این که به دست مردان بیگانه بیفتد و آنها را بشناسند و یا منشأ فساد شود.

سؤال ۷۹۹- اگر انسان همان‌طور که از دیدن یک باغ و گلستان لذت می‌برد از نگاه کردن به صورت انسان دیگر (مرد یا زن) لذت ببرد، آیا این کار حرام است و مصداق قصد ریبه و لذت به حساب می‌آید؟

جواب: غالباً اینگونه نگاه‌ها جنبه لذت جنسی دارد لذا اشکال دارد.

سؤال ۸۰۰- حنای دست زن را اگر نامحرم ببیند و موجب ریبه نباشد چه صورت دارد؟

جواب: ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۱- چنانچه زن با خود زینت داشته باشد (مانند حلقه ازدواج، یا انگشتری در دست، یا چهره آراسته کرده باشد) آیا واجب است وجه و کفین را بپوشاند؟

جواب: در مورد حلقه و انگشتر مانعی ندارد ولی در مورد آرایش مشکل است.

سؤال ۸۰۲- آیا سرمه کشیدن یا ابرو چیدن، انگشتر عقیق، ساعت، عینک طبی زیبا برای زنان زینت به حساب می‌آید که پوشش آن لازم باشد؟

جواب: ظاهراً جزء زینت ممنوع نیست.

سؤال ۸۰۳- آمپول زدن زن توسط مرد نامحرم چگونه است؟

جواب: در غیر صورت ضرورت جایز نیست.

سؤال ۸۰۴- آیا گفتگو با زن نامحرم به طور کلی جایز است؟

جواب: در صورتی که به طور عادی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۵- آیا خواهران دانشجو می‌توانند در مورد امور کلاس یا مسائل علمی در میان برادران دانشجو کنفرانس ارائه نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۳

جواب: هرگاه موازین شرعی در آن رعایت گردد و مفسده خاصی نداشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۶- افعال و مشاغلی برای زن و مرد هست که مستلزم نظر لمس بدن دیگری است مثل دندان پزشکی، زایمان، جراحی و...

در این گونه موارد تکلیف چیست؟ و آیا فرقی بین حال ضرورت و غیر آن هست و ملاک ضرورت چیست؟

جواب: اینگونه امور فقط در صورت ضرورت جایز است و معیار ضرورت تشخیص عرف عام و صالح است.

سؤال ۸۰۷- هنگامی که در مراسم صبحگاهی مدرسه یکی از خواهران قرآن را با صوت تلاوت می‌کند دبیران مرد صدای وی را

می‌شنوند، آیا به طور کلی تلاوت قرآن در صورت شنیدن نامحرم توسط خواهران گناه است؟

جواب: اگر با آهنگ باشد اشکال دارد و اگر به طور ساده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۸- خانمی می‌خواهد به تحصیل خود ادامه دهد که بعدها شغل حلالی انتخاب کند ولی فعلا ادامه تحصیل ملازم با این

است که با نامحرم رو به رو شود مثلا نزد مرد نامحرم درس بخواند یا این که با مردها در یک کلاس باشند، آیا تحصیل با چنین

شرایطی جایز است؟

جواب: هرگاه توأم با امر حرامی نگردد مانعی ندارد، مانند خلوت با اجنبی و مفسد دیگر.

سؤال ۸۰۹- مراجعه زن به دکتر مرد اگر دکتر حاذق زن نباشد چه حکمی دارد؟ جواب: در مورد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۰- دست دادن زن با مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر ترک این کار است مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۱۱- گوش دادن به خنده زن نامحرم اگر موجب مفسده نباشد چه حکمی دارد و در صورتی که مفسده داشته باشد چه

حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۴

جواب: در مواردی که مفسد خاصی بر آن مترتب نشود مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۲- نگاه کردن به صورت زنان چادر نشین که معمولا قسمتی از موی سر آنها نیز دیده می‌شود برای مرد نامحرم چه حکمی

دارد؟ توضیح اینکه ایشان به این نوع پوشش عادت کرده‌اند و اگر تذکر داده شود نمی‌پذیرند.

جواب: اگر قصد تلذذ و ریه نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۱۳- گاهی دانشجوی پسری در بین عده‌ای دانشجوی دختر یا بالعکس درس می‌خواند، آیا درس خواندن بدین صورت

جایز است؟

با توجه به اینکه اگر با این شرایط ادامه تحصیل ندهد متضرر می‌شود مثل این که دیرتر فارغ التحصیل می‌شود.

جواب: اگر موجب کار حرامی نمی‌شود اشکالی ندارد ولی سزاوار است که مسئولین کشورهای اسلامی برنامه‌ای برای جدا ساختن

مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند.

سؤال ۸۱۴- آیا پوشاندن صورت واجب است با توجه به این که در محیط درسی کار مشکلی است؟

جواب: وجه و کفین از حجاب مستثنا هستند و پوشاندن آنها واجب نیست.

سؤال ۸۱۵- امروزه زنهای آرایش کرده در جامعه زیاد ظاهر می‌شوند، آیا نگاه کردن به آنها بدون قصد شهوت جایز است؟ و اگر جایز نیست حکم نگاه غیر عمدی چیست؟

جواب: نگاه غیر عمدی اشکال ندارد و رفت و آمد چنین زنهایی در کوچه و خیابان نمی‌تواند مانع رفت و آمد مردان مسلمان گردد اگر چه بدانند بدون قصد، نگاهشان به آنها می‌افتد.

سؤال ۸۱۶- شخصی در جستجوی ازدواج موقت است و می‌داند که در فلان مکان با عده‌ای از زنانی که برای این امر آماده‌اند رو به رو می‌شود، آیا جایز است که به آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۵

مکان رفته و به آنها نگاه کند و یکی از آنها را انتخاب کند؟

جواب: در صورتی که به قصد ازدواج باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۷- آیا برای زن جایز است که با آرایش و زینتی که جلب نظر می‌کند بدون نیت سوء از منزل خارج شود؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۸۱۸- در محیطهای دانشگاهی فرانسه، هنگام برخورد با اساتید زن یا دانشجویان دختر ناگزیر به دست دادن هستیم در غیر این صورت حمل بر اسائه ادب دانشجویان مسلمان می‌شود، در این صورت مصافحه با زنان غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: وظیفه شرعی شما دست ندادن است و باید این فرهنگ اسلامی را به آنها فهماند تا مایه حمل بر اسائه ادب نشود.

سؤال ۸۱۹- گفتگو با زن نامحرم در چه صورت جایز است؟

جواب: اگر تلذذ و ریبه در آن نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۸۲۰- مقدار پوشش زن مسلمان در برابر زنان غیر مسلمان را بیان فرمایید.

جواب: در مورد زنان غیر مسلمان بهتر آن است که بدن خود را در برابر آنها برهنه نکنند هر چند با پوشاندن عورت، ظاهر کردن بقیه حرام نیست.

سؤال ۸۲۱- دیدن فیلمهای ویدئویی که در آن زنها در برابر زنها و مردان در برابر مردان می‌رقصند چه حکمی دارد؟

جواب: مشاهده این فیلمها موجب فساد است و جایز نیست.

سؤال ۸۲۲- آیا برای نمایش صحنه‌های تاریخی، اختلاط زن و مرد مسلمان که در نقش کفار بازی می‌کنند و همراه با مکالمات مهیج شهوت و عاشقانه است، جایز است؟

جواب: بازی کردن در نقش کفار به منظور اهداف آموزنده مانعی ندارد ولی مکالمات محرک و شهوت‌انگیز جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۶

جواب: هرگاه ترک این کار مظنه مفاسد و اختلافات مهمی بوده باشد جایز است در این صورت باید حتی الامکان از طیب زن اگر ممکن است از غیر طریق رؤیت مثلا با استفاده از لمس غیر مستقیم به وسیله دستکش و مانند آن انجام گیرد.

سؤال ۸۲۴- تبعیت از دستور استادی که مقتد به فرایض شرعی نیست و با وجود دانشجویان دختر به دانشجویان پسر دستور معاینه زنان بیمار را می‌دهد چه حکمی دارد؟ البته تمرّد از دستور استاد ممکن است در نمره قبولی یا رد او دخالت داشته باشد؟

جواب: در این مورد که ضرورت نیست باید به صورت معقولی تمرّد کند مگر این که معاینه زنان برای تکمیل تحصیلات پزشکی لازم باشد (تحصیلاتی که سبب نجات جان زنان می‌شود) که در این صورت جایز است.

سؤال ۸۲۵- منظور از قصد «ریبه» و «تلذذ» چیست؟

جواب: منظور از ریبه ترس از افتادن در حرام است و منظور از لذت همان لذت جنسی است.

سؤال ۸۲۶- چنانچه نبوشاندن وجه و کفین (صورت و دستها تا مچ) فسادى را برای زن در جامعه به بار آورد، آیا پوشاندن وجه و کفین واجب می‌شود؟

جواب: در این صورت واجب می‌شود، ولی تا یقین به چنین چیزی نداشته باشد پوشانیدن وجه و کفین لازم نیست.

سؤال ۸۲۷- گفته می‌شود که زن باید خود را از پسر بچه ممیز ببوشاند، بفرمایید ممیز بودن پسر بچه از چه راه و یا راههایی شناخته می‌شود؟

جواب: مستحب است خود را از چنین پسری ببوشاند و منظور از ممیز این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۷

است که راجع به مسائل جنسی آگاه باشد.

سؤال ۸۲۸- آیا مراجعه زن به پزشک مرد در صورتی که بتواند پزشک زن در آن رشته بیابد جایز است؟ با توجه به این که مستلزم نگاه کردن و معاینه نمودن است.

جواب: در صورتی که مستلزم نگاه به غیر وجه و کفین یا مستلزم لمس کردن است فقط در صورت ضرورت جایز است و با وجود پزشک زن جایز نیست.

سؤال ۸۲۹- استفاده افراد از برنامه‌های ماهواره‌ای چگونه است، با اینکه بعضی برنامه‌های خوب نیز دارد؟

جواب: استفاده از این برنامه‌ها جایز نیست و برنامه‌های ظاهراً خوب یا بی‌ضرر آن وسیله‌ای است برای سوق دادن به برنامه‌های فاسد، بنابراین نباید مسلمانان از حیل‌های دشمنان اسلام برای نشر فساد در میان مسلمین غافل باشند.

سؤال ۸۳۰- آیا استفاده کودکان از برنامه‌های ماهواره‌ای مجوز تهیه و نصب آنتن و استفاده از آن می‌باشد؟

جواب: فرقی در میان کودکان و بزرگسالان نیست و خطر آن برای هر دو مسلم است.

سؤال ۸۳۱- نظر حضرت عالی در مورد مدارس مختلط پسر و دختر که در مدارس روستایی به لحاظ کمبود محلّ درس انجام می‌گیرد چیست؟

جواب: در موارد ضرورت با رعایت حجاب اسلامی و موازین شرعی مانعی ندارد، ولی باید کوشش برای جداسازی این مدارس ادامه یابد.

سؤال ۸۳۲- دوختن لباس زنانه توسط خیاط مرد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مستلزم تماس بدنی و محرّات دیگری نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳۳- نگاه کردن به دختری که قصد ازدواج با او را دارد و برای آگاهی بیشتر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۸

باید به اندام و صورت او نگاه کند و نیز حرف زدن با او چطور است؟

جواب: به مقدار لازم برای شناخت او مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۴- پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چه حکمی دارد؟ اگر حرام است آیا علت تحریم احتمال معاونت بر اثم است؟ در این صورت، چگونه حکم قطعی می‌آورد و دوم این که با توجه به کیفیت لباس احرام که به مراتب بازتر از پیراهن آستین کوتاه است و استفاده از آن هنگام طواف برای مردان که دوش به دوش زنان طواف می‌کنند الزامی است آیا احتمال معاونت بر اثم در آنجا بیشتر نیست؟

جواب: استفاده از لباس آستین کوتاه برای مردان اشکالی ندارد مگر در مواردی که بدانیم مفسد خاصی بر آن مترتب می‌شود.

سؤال ۸۳۵- پوشیدن لباسهایی که فقط تنه را می‌پوشاند برای بانوان در مقابل بانوان دیگر در مکانهای ورزشی مخصوص بانوان که

هیچ مردی حضور ندارد چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله مانعی نیست، مگر در مواردی که مفسد خاصی ظاهر گردد.

سؤال ۸۳۶- نگاه کردن به موی سر زنان اهل کتاب بدون قصد لذت چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به قصد لذت نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۸۳۷- گوش دادن به آواز زن نامحرم برای مرد در صورتی که اشعار مذهبی بخواند و موجب مفسده هم نباشد چه حکمی

دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۸۳۸- آیا جایز است عکسی که بدون حجاب اسلامی گرفته شده را به عکاس نامحرم برای ظاهر کردن داد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۳۹

جواب: در صورتی که عکاس صاحب آن عکس را نشناسد و منشأ مفسد خاصی نشود مانعی ندارد.

احکام نفقه

سؤال ۸۳۹- مرسوم است که بین ازدواج و زفاف، مادامی که زن به خانه شوهر نرفته است از زوج نفقه نمی گیرند، بنابراین اگر زوجه

پس از مدتی در مقام مطالبه نفقه آن زمان برآید، آیا حق نفقه دارد در صورتی که تمکین تام ننموده است؟

جواب: نفقه ندارد.

سؤال ۸۴۰- آیا زن شوهردار می تواند از مال شخصی خود در موارد تبرع بدون اجازه شوهر استفاده نماید؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۴۱- این جانب با خانمی بیوه ازدواج نموده‌ام، نامبرده پسری داشته که از آن زمان تا به حال نزد ما بوده است، با وجود این

که این پسر، پدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ هم داشته و از نظر مالی متمکن هستند و من هم که یک کارمند جزء هستم تا به حال

با سختی و قرض، نفقه این بچه را داده‌ام و هیچ نوع تعهد و قراردادی هم نداشته‌ایم، آیا از نظر شرعی و قانونی پدر و پدر بزرگ و

مادر بزرگ نامبرده، مدیون نفقه این بچه نسبت به من هستند؟

جواب: هرگاه شما تبرعاً و بدون قرارداد با پدر او نفقه بچه را داده‌اید نمی توانید چیزی از او مطالبه کنید ولی اگر با امر یا اجازه پدر

او این کار انجام گرفته، مطالبه نفقه مانعی ندارد.

سؤال ۸۴۲- آیا مادر کودک نامشروع حق مطالبه نفقه برای کودکش را از پدر این بچه دارد؟

جواب: چنین مادری حق نفقه ندارد ولی نفقه فرزند نامشروع بر پدر واجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۰

سؤال ۸۴۳- آیا بر شوهر لازم است که ماهیانه یا روزانه پولی جهت مخارج همسرش به او بپردازد و در صورت وجوب، آیا شوهر

حق دارد مورد مصرف پول را تعیین کند؟

جواب: مانعی ندارد که شوهر به همسرش در تهیه نفقه و کالت دهد و بر زن لازم است که طبق آن شرط عمل کند. این در صورتی

است که شوهر به زن و کالت در تهیه نفقه بدهد ولی اگر حق نفقه را به او واگذار می کند زن در مصرف آن مختار است.

سؤال ۸۴۴- خواهر این جانب به نام خدیجه، همسر مردی به نام سهراب بوده است، در زمان حیات خواهرم، شوهرش جهت

کارگری و اعاشه به امیرنشین قطر رفت و مدت ۶ سال تمام نفقه و مخارج خواهرم و دخترشان را شخصاً داده‌ام تا این که خواهرم

در منزل ما از دنیا رفت، حتی مخارج کفن و دفن خواهرم و مخارج خواهرزاده‌ام تا رسیدن به سن بلوغ و ازدواج را بنده پرداخته‌ام،

آیا شوهر خواهرم بابت امور مذکور به این جانب بدهکار است؟

جواب: خواهر شما از شوهرش نفقه تمام این مدت را طلبکار است و جزء ترکه او محسوب می‌شود و شما در صورتی می‌توانید آنچه را داده‌اید از ترکه بردارید که با خواهرتان قرار گذاشته باشید که به عنوان وام نفقه او را می‌دهید، یا قرائن روشنی بر این معنا وجود داشته باشد.

سؤال ۸۴۵- آیا تأمین مخارج پدر و مادر نیازمند، به عهده پسران آنها می‌باشد؟ یا به عهده دخترانی که دارای درآمد باشند نیز می‌باشد؟

جواب: فرقی میان پسر و دختر از این نظر نیست و نفقه پدر و مادر فقیر بر هر دو واجب است.

سؤال ۸۴۶- آیا بر زوج لازم است که آنچه معمولاً تمام زن‌ها به آن نیاز دارند را به عنوان نفقه برای زوجه تهیه کند؟ یا فقط غذا و مسکن و لباس لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۱

جواب: آنچه واقعاً مورد حاجت است و مرد قدرت بر آن دارد بر او لازم است.

سؤال ۸۴۷- آیا هزینه دارو و درمان زوجه مریض با توجه به اینکه مداوای بیماری عرفاً جزء نیازهای اولیه هر انسانی می‌باشد نیز جزء نفقه زوجه محسوب می‌شود؟

جواب: مداوا در حد متعارف جزء نفقه است.

سؤال ۸۴۸- نفقه ولد الزنا بر عهده کیست؟

جواب: بر عهده زانی است.

مسائل متفرقه ازدواج

سؤال ۸۴۹- آیا ازدواج خنثای مشکله و غیر مشکله جایز است؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۲۴۱

جواب: در مورد خنثای مشکل جایز نیست و غیر مشکل اگر وضع او روشن شود جایز است.

سؤال ۸۵۰- شیرینی دختر و پسری را می‌خورند، پسر و بزرگان او هدایایی را برای عروس و خانواده‌اش می‌برند، در صورتی که نامزدی به هم بخورد و یا یکی از پسر و دختر بمیرند، حکم این هدایا چیست؟

جواب: آنچه مصرف نشده باید برگردانند، ولی نسبت به آنچه مصرف شده مدیون نیستند.

سؤال ۸۵۱- ازدواج مرد غیر سید با دختر سیده و بالعکس چه حکمی دارد؟ در صورتی که این کار باعث اختلافاتی بشود وظیفه چیست؟

جواب: مسلماً از نظر شرع اسلامی اشکال ندارد ولی اگر در مناطقی بر اثر تعصب یا ناآگاهی مردم منشأ اختلافاتی می‌شود از آن پرهیز نمایید.

سؤال ۸۵۲- اگر عمل به حق الحضانة مستلزم عسر و حرج فوق العاده نسبت به دیگری باشد مثل اینکه گرفتن فرزند از مادر بعد از دو سال و ردّ به پدر باعث مشقت غیر قابل تحمل برای او باشد که این مشقت اضافه بر اصل مشقت فراق است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۲

که معمولاً متوجه مادر می‌شود- و یا عمل به حقّ الحضانة باعث فساد و انحراف اخلاقی و تربیتی باشد و کودک در معرض فساد قرار گیرد در این صورت آیا باز هم حقّ حضانت ثابت است یا به حکم حرج و فساد ساقط می‌شود؟
جواب: در صورتی که به تشخیص حاکم شرع، فرزند با حضانت پدر در معرض انحراف و فساد قرار می‌گیرد حقّ حضانت او ساقط می‌شود.

سؤال ۸۵۳- معمولاً خانواده عروس هدایایی برای دخترشان بعد از عقد و عروسی می‌برند، پس از جدا شدن این عروس و داماد و یا مرگ عروس این هدایا متعلق به چه کسی است؟
جواب: اگر قرینه خاصی در کار نباشد ظاهر این است که مال دختر است و پدر جهت احترام به دخترش و آبرومندی او در نزد شوهر به او بخشیده است.

سؤال ۸۵۴- در بین مردم و شیعیان افغانستان مرسوم است که در ازدواج علاوه بر مهریه، پدر دختر مبلغی پول از داماد می‌گیرد آیا این پول حلال است و اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد؟

جواب: اگر پول مزبور را به صورت شرط ضمن عقد جهت پدر قرار دهند حلال است و با گذشتن سال، خمس آن واجب می‌شود.
سؤال ۸۵۵- پولی را که پدر دختر از داماد جهت جهیزیه دخترش می‌گیرد در صورتی که از جهیزیه زیاد بیاید آیا برای پدر دختر حلال است؟

جواب: اگر به صورت شرط ضمن العقد پول مزبور را جهت پدر قرار دهند مبلغ اضافی برای او حلال است و اگر آن پول را به نام دختر قرار داده باشند و جزء مهریه باشد متعلق به دختر است.

سؤال ۸۵۶- اگر پدر دختر همان پول را که از داماد می‌گیرد مهریه دخترش قرار دهد، به این معنا که دختر مبلغ را کاملاً از شوهرش به عنوان مهریه خود اخذ کند، هر مقدار که خواست برای خودش جهیزیه تهیه کند و اضافه آن را به پدر یا مادر و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۳
یا برادر خود هبه کند، آیا برای آنها حلال است؟

جواب: در صورتی که مهریه و شیربها را دختر به صورت مهریه از شوهر بگیرد و مقداری از آن را صرف تهیه جهیزیه نماید و اضافی آن را به هر کس بدهد جایز است.

سؤال ۸۵۷- آیا برای پاسخ دادن به خواستگار دختر، استخاره کردن مورد دارد؟

جواب: هر گاه بعد از مشورت و تحقیقات لازم، مشکل حل نشود می‌توان از استخاره استفاده کرد.

سؤال ۸۵۸- آیا در صورت انجام استخاره، عمل به آن واجب است؟

جواب: عمل به استخاره واجب نیست ولی حتی الامکان مخالفت نشود مگر این که مدت قابل ملاحظه‌ای تأخیر بیندازد و بعد اقدام کند.

سؤال ۸۵۹- آیا در مورد ازدواج، تجدید استخاره جایز است به چه روش؟

جواب: در هیچ مورد تجدید استخاره درست نیست مگر اینکه مدت قابل ملاحظه‌ای بگذرد یا شرایط مورد استخاره تغییر کند.

سؤال ۸۶۰- اگر کسی همسر منحرف خود را که رابطه نامشروع داشته و محکوم به ۷۵ ضربه شلاق شده، طلاق دهد و دختر سه ساله‌ای داشته باشد آیا از نظر شرع مقدّس، این زن مطلقه منحرف می‌تواند حضانت او را بر عهده گیرد؟

جواب: اگر خوف انحراف بچه باشد، نباید بچه را به چنان مادری سپرد.

سؤال ۸۶۱- اگر مردی به زنش تهمت ارتباط نامشروع بزند و نتواند ادعای خویش را در دادگاه صالحه اثبات نماید:

الف) آیا برای مرد جایز است دوباره با زن خویش ادامه زندگی دهد؟

جواب: اگر ادعای رویت نکند می‌تواند بدون هیچ تشریفات با او ادامه زندگی دهد ولی به خاطر تهمتی که به او زده است زوجه می‌تواند از حاکم شرع تقاضای حدّ قذف کند (حدّ آن ۸۰ تازیانه است) مگر این که زوجه او را ببخشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۴

(ب) آیا برای زن از لحاظ شرعی واجب است با همسرش ادامه زندگی دهد؟

جواب: آری لازم است ادامه زندگی دهد.

(ج) آیا در این خصوص زن می‌تواند تقاضای طلاق نماید و به حقّ و حقوق خویش اعمّ از مهریه و جهیزیه و دارایی‌های زندگی برسد؟

جواب: اگر شوهر راضی به طلاق بشود اشکالی ندارد.

سؤال ۸۶۲- آیا شوهر می‌تواند در مقابل دیگران عیوب زنش را بگوید و او را تحقیر کند اگر چه به شوخی باشد؟

الف) در صورتی که زن ناراحت شود؟

جواب: جایز نیست.

ب) در صورتی که زن ناراحت نشود؟

جواب: بهتر ترک است.

سؤال ۸۶۳- دروغ گفتن به زن برای جلب محبت او چه حکمی دارد مثلا- بگوید: امروز از صبح تا به حال یک لحظه از فکر تو بیرون نبودم و حال آن که چنین نباشد؟

بیرون نبودم و حال آن که چنین نباشد؟

جواب: دروغ جایز نیست مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۸۶۴- حکم توهین کردن زن به شوهر و بالعکس چیست؟

جواب: هیچ کس حقّ توهین به دیگری را ندارد حتی زن و شوهر.

سؤال ۸۶۵- آیا ادای وعده به زن واجب است؟

جواب: بهتر این است که مسلمان همیشه به وعده خود وفا کند مگر در جایی که توانایی ندارد.

سؤال ۸۶۶- شخصی قبل از ازدواج با دختری صحبت می‌کند و می‌گوید با شما ازدواج می‌کنم به شرط این که به مادر پیری که دارم رسیدگی کنی و او قبول می‌کند ولی آن دختر پس از ازدواج به مادر شوهرش رسیدگی نمی‌کند آیا چنین شرطی

دارم رسیدگی کنی و او قبول می‌کند ولی آن دختر پس از ازدواج به مادر شوهرش رسیدگی نمی‌کند آیا چنین شرطی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۵

قبل از ازدواج الزام آور است؟

جواب: این شرط الزام آور است.

سؤال ۸۶۷- آیا پدر می‌تواند حقّ ولایت خود را بر دختر در مقابل وجهی به داماد منتقل کند؟

جواب: حقّ ولایت پدر قابل انتقال نیست نه در برابر پول و نه بدون آن.

سؤال ۸۶۸- آیا مادر می‌تواند شیربها بگیرد؟

جواب: مادر در صورتی می‌تواند شیربها بگیرد که به صورت شرط ضمن العقد به هنگام خواندن عقد نکاح قید شود.

سؤال ۸۶۹- عقدنامه باید نزد چه کسی باشد؟ خانواده عروس یا نزد خود داماد؟

جواب: چنانچه قرار و شرط خاصی قبل از عقد درباره عقدنامه نگذاشته باشند باید آن را به خانواده زن داد و زوج می‌تواند در

صورت نیاز گواهی از دفتر بگیرد.

سؤال ۸۷۰- آیا ازدواج با بستگان نزدیک مکروه است؟

جواب: طبق روایتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به این مضمون رسیده است که با نزدیکان ازدواج نکنید به علت این که فرزند ضعیف و لاغر به دنیا می‌آید ازدواج با نزدیکان مکروه است. «۱»

سؤال ۸۷۱- آیا مرد و زن می‌توانند هر گونه لذتی از یکدیگر ببرند؟
جواب: دو همسر می‌توانند هر گونه لذتی از یکدیگر ببرند.

سؤال ۸۷۲- آیا شخص مسلمانی که مبتلا به ایدز می‌باشد، می‌تواند دختر مسلمانی را به عقد خود در آورد؟
جواب: در صورتی که تولید خطر کند جایز نیست.

سؤال ۸۷۳- زنی که در اثنای وضع حمل بمیرد و بعد به برکت توکل به ذات پاک خدا و اولیاء الله زنده شود، آیا زوجیت او باقی است؟

(۱). قواعد شهید، صفحه ۳۸۱، جلد ۱ و مسالک اوائل کتاب نکاح.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۶

جواب: در فرض مسأله زوجیت باقی است.

سؤال ۸۷۴- حکم ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده را بیان فرمایید؟

جواب: در صورتی که بتوانند ترک ازدواج و عمل به احتیاط کنند و به عسر و حرج شدید گرفتار نشوند، احتیاط آن است که از ازدواج صرف نظر نمایند و اگر ناچار از ازدواجند، آن دو دختر می‌توانند به نوبت به ازدواج مرد واحدی در آیند. به این ترتیب که یکی را به عقد خود در آورد و بعد از طلاق و گذشتن عدّه دیگری را عقد کند (البته برای این که گرفتار مشکلات طلاق‌های متعدد نشوند می‌توانند از عقد موقت استفاده کنند). در مورد دو پسر نیز احتیاط آن است که اگر ممکن است ازدواج نکنند و در صورت ضرورت انتخاب یک همسر در زمان واحد جایز نیست، ولی می‌توانند به طریق بالا با یک زن ازدواج کنند و به هر حال با توجه به اینکه وجود چنین افرادی بسیار کم است ذکر این احکام شرعی نیز اگر عجیب به نظر برسد، جای بحث و گفتگو نیست.

سؤال ۸۷۵- منظور از عدالت میان همسران چیست؟

جواب: منظور از عدالت آن است که بر طبق شئون آنها هر کدام متناسب حالش رفتار کند و عدالت همیشه به معنای مساوات نیست و در مورد حق‌القسم آن است که برای هر کدام یکی از چهار شب را قرار دهد.

سؤال ۸۷۶- آیا خلوت با زن نامحرم اگر چه مطمئن باشد مرتکب حرام نمی‌شود جایز است؟ محدوده خلوت اجنبیه چیست؟

جواب: اگر در مکانی هستند که معمولاً هیچ کس رفت و آمد نمی‌کند، خلوت با زن نامحرم محسوب می‌شود و خلوت با اجنبیه اشکال دارد حتی اگر فکر می‌کنند به حرام نمی‌افتند.

سؤال ۸۷۷- حکم چیدن و برداشتن قسمتی از موهای ابروی خانمها و خالکوبی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۷

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۸۷۸- اگر یکی از محارم مردی ملتزم به حجاب شرعی نباشد، آیا مرد حق دارد به خاطر این کار او را بزند، البته بعد از اینکه راههای مختلف زیادی را برای قانع ساختن او پیموده و نتیجه‌ای نگرفته است؟

جواب: زدن به منظور امر به معروف و نهی از منکر بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۸۷۹- اگر مردی همسرش را به حجاب شرعی ملتزم نکند، آیا فاسق محسوب می‌شود؟

جواب: اگر نهی از منکر را ترک کند فاسق است.

سؤال ۸۸۰- آیا حضانت و نگهداری پدر و مادر بیمار یا معلول به عهده پسران و دختران وی می‌باشد یا دختران در این مورد مسئولیتی ندارند؟

جواب: هر دو مسئولیت دارند.

سؤال ۸۸۱- آیا نگهداری و حضانت پدر و مادری که دارای پسر نمی‌باشند به عهده دختران آنها می‌باشد؟
جواب: آری به عهده دختران است به مقداری که توان دارند.

سؤال ۸۸۲- آیا پرستاری پدر در صورت نیاز بر اولاد الزامی است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که هزینه پرستاری او را بپردازند و یا شخصاً از او پرستاری کنند.

سؤال ۸۸۳- حکم کاروانهای عروسی که عروس را با بوق زدن و دست زدن در خیابانها می‌برند چیست؟
جواب: این کارها مناسب اهل دین نیست.

سؤال ۸۸۴- اگر زانی و زانیه با یکدیگر ازدواج کنند فساد کمتری در محل آنها به وجود می‌آید و اصلاح می‌شوند در این صورت آیا می‌توان آن دو را مجبور به ازدواج کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۸

جواب: کسی را نمی‌توان مجبور به ازدواج کرد ولی توصیه و ارشاد آنها بلامانع است، همچنین در مواردی که قاضی می‌تواند عفو کند و از اجرای حدّ صرف نظر کند حق دارد عفو کردن را مشروط به ازدواج آنها نماید.

سؤال ۸۸۵- بچه‌ای که از زنا متولد شده آیا به زانی داده می‌شود یا به زانیه؟

جواب: از نظر حق حضانت و نگهداری مانند فرزند حلال‌زاده است.

سؤال ۸۸۶- اگر بچه ولد الزنا به دست زانیه داده شود باعث فساد می‌شود و موجب لطمه به آبروی یک عده مؤمن آن روستا می‌شود آیا اگر شرع مقدّس یا قانون دولت، این بچه را به اداره بهزیستی تحویل نماید، هم فساد کم می‌شود و هم آبروی چندین مؤمن حفظ می‌شود، در این صورت وظیفه چیست؟

جواب: باید حاکم شرع در اینگونه موارد تصمیم بگیرد و اگر فساد هست جلوی آن را بگیرد.

سؤال ۸۸۷- فردی که موقع ازدواج وی رسیده، مادرش دختری را که واجد شرایط می‌باشد انتخاب نموده ولی وی از ازدواج با دختر انتخاب شده مادر خودداری می‌کند، حکم شرعی چیست؟

جواب: پسر مجبور نیست با آن دختر ازدواج کند ولی در احترام مادر کوتاهی نکند.

سؤال ۸۸۸- در بحث محلّ، صرف دخول کفایت می‌کند یا هر دو باید ارضا شوند؟
جواب: دخول کافی است.

سؤال ۸۸۹- حکم هدایای قبل از عقد در صورت ادامه یافتن عقد یا به هم خوردن آن را بیان فرمایید.

جواب: چنانچه عقد به هم نخورد این اشیا جنبه هدیه از طرفین دارد و تصرّف در آن جایز است ولی هرگاه ازدواج به هم بخورد باید آن هدایا را برگردانند زیرا مرسوم این است که هدایا را مشروط به انجام عقد می‌دانند مگر هدایای جزئی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۴۹

قبیل موادّ خوراکی که از این حکم خارج است.

سؤال ۸۹۰- اگر صغیر، جدّ پدری نداشته باشد آیا مادر می‌تواند با اجازه حاکم شرع قیم او بشود؟

جواب: با اجازه حاکم شرع مانعی ندارد.

سؤال ۸۹۱- بین دو طایفه، در محلّی درگیری واقع می‌شود و چشم پسر بچه‌ای نابینا می‌شود، به عنوان وجه المصالحه دختر ده

ساله‌ای را با اجازه ولیش برای برادر بچه ۸ ساله‌ای که چشمش از بین رفته بود عقد می‌کنند. خود دختر ادعا می‌کند من راضی نبوده و نیستم. در قانون سنّ پسر و دختری که بتوانند مستقلاً در کارهای خود مداخله کنند ۱۸ سال است و کمتر از ۱۸ سال باید به دادگاه مراجعه و دادگاه به پزشک متخصص ارجاع می‌دهد که بالغ و رشیده باشند، چنانچه پزشک متخصص قانونی بر بلوغ و رشد گواهی کند، دادگاه قبل از سن ۱۸ سالگی حکم رشد صادر می‌کند. در این مورد چنین اقدامی نشده لیکن در سن ۱۶ سالگی صورت جلسه‌ای بین زوجین به این کیفیت که تا پایان تحصیلات متوسطه زوجین به تحصیل خود ادامه دهند، تنظیم شده است. در همین صورت جلسه نیز دختر ادعا می‌کند پدر و مادرم تهدیدم کردند من امضا کردم. این ازدواج در بعضی از روستاها مرسوم بوده و هست. در ضمن در مسأله ۴ تحریر الوسیله در فصل اولیای عقد آمده است که «یشترط فی صحه تزویج الاب و الجد و نفوذ عدم المفسده» و در آخر مسأله ذکر شده «بل الاحوط مراعات المصلحه» آیا این عدم مفسده و رعایت مصلحت مربوط به دختر می‌باشد یا به پدر و فامیل دختر؟ آیا چنین عملی اصلاً درست است یا نه؟

جواب: رعایت مصلحت و مفسده مربوط به دختر است یعنی مصالح دختر باید در نظر گرفته شود ارتباطی به پدر و مادر ندارد و ملاحظات فامیلی و جبران خسارتها، نمی‌تواند مجوز باشد که صغیر مال المصلحه شود و اما در مورد کبیر شرعی واضح است که بدون رضای او عقد صحیح نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۰

سؤال ۸۹۲- حکم ازدواج معاطاتی چیست و چه شرایطی دارد؟ اگر یکی از مقلدین شما در این مسأله (به فرض عدم صحّت ازدواج معاطاتی به نظر شما) به مرجع دیگری رجوع نماید حکم چیست؟ اگر فردی به علت عدم آشنایی به حکم (در صورت عدم صحّت ازدواج معاطاتی) با فردی به این طریق ازدواج کند و بعد حکم را بفهمد وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم چنین ازدواجی باطل است.

سؤال ۸۹۳- اگر مردی با زن نامحرمی تفخیز کند و انزال شود و فرزندی منعقد گردد بی‌آنکه دخول صورت گرفته باشد حکم فرزند و زوال بکارت که بر اثر تولد فرزند حاصل می‌شود چیست؟

جواب: هرگاه یقین داشته باشد که انزال نمی‌شود، بعید نیست فرزند آنها همچون فرزند شبهه باشد و اگر احتمال می‌داده است، خالی از اشکال نیست و در مورد مهر المثل اگر زن با میل و رضایت خود حاضر شده و احتمال این امر را می‌داده مهر المثل ندارد و اگر احتمال نمی‌داده و رضایت به غیر تفخیز نداشته، احتیاط واجب دادن مهر المثل است.

سؤال ۸۹۴- اگر زن به خاطر انجام مستحبات زیاد، دچار خستگی مفرط شود به طوری که مرد نتواند تمتعات لازم را از او ببرد، آیا مرد حق دارد او را از انجام چنین مستحباتی نهی نماید و آیا اطاعت از شوهر در اینجا لازم است؟

جواب: مرد نمی‌تواند او را نهی کند مگر به طور کلی تمتع از بین برود و در این صورت چون مزاحم حق شوهر است زن بدون اجازه او نمی‌تواند اقدام کند.

سؤال ۸۹۵- اگر مردی به هیچ وجه قادر به ازدواج نباشد یعنی همیشه در امور زندقه‌گیش با شکست مواجه بوده و حتی قادر به سبکترین نوع ازدواج هم نیست و ازدواج نکردن هم موجب اختلالاتی در بدنش می‌شود، آیا می‌تواند به وسیله خوردن دارو و یا عمل جراحی، مردی خود را از بین ببرد؟

جواب: جایز نیست و باید صبر کند تا خداوند فرجی برای او فراهم سازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۱

سؤال ۸۹۶- همسر شهیدی که یک پسر دارد پس از گذشتن چند سالی ازدواج کرده است، پدر شهید می‌گوید: من به عنوان ولی نمی‌گذارم نوهام در خانه بیگانه بماند چون من وظیفه دارم او را پرورش دهم و فعلاً این پسر بچه ۵ ساله است، مادرش می‌گوید:

من به عنوان مادر، او را پرورش می‌دهم، از نظر اسلام کدام یک مقدم هستند؟
 جواب: در مورد نگهداری بچه و پرورش او تا زمان بلوغ، مادر بچه بر جدّ او مقدم است حتّی در صورتی که شوهر کند، ولی در مسأله ولایت بر اموال حق با جدّ است و مادر ولایتی بر اموال کودک ندارد.

احکام رضاع

سؤال ۸۹۷- اگر خانمی دختر برادر شوهر خود را شیر دهد آیا غیر از آن دختر، فرزندان دیگر دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند؟

جواب: آن دختری که شیر زن برادر را خورده نسبت به تمام فرزندان آن زن محرم است ولی سایر فرزندان آن دو برادر می‌توانند با هم ازدواج کنند.

سؤال ۸۹۸- اگر خواهری بچه‌های خواهر خود را شیر دهد، آیا این خواهر به شوهر خواهرش محرم می‌شود؟
 در ضمن حکم فرزندان او چه خواهد بود؟

جواب: خواهری که شیر داده به پدر بچه شیرخوار محرم نمی‌شود، ولی فرزندان این خواهر با پدر بچه شیرخوار محرمند.

سؤال ۸۹۹- آیا نوه‌های مادر رضاعی بر شیرخوار محرم می‌باشند؟

جواب: نوه‌ها بر شیرخوار محرم می‌باشند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۳

فصل بیست و هفتم: احکام طلاق

اشاره

سؤال ۹۰۰- حکم مردی که به تعهدات خویش در رابطه با همسرش عمل نمی‌کند و حاضر به طلاق او نیز نمی‌باشد چیست؟
 جواب: آن مرد باید به تعهد خود عمل کند و اگر زوجه را معلقه گذارده و حاضر نیست به وظایف شرعی خود درباره آن زن عمل کند، حاکم شرع او را ملزم به طلاق و در صورتی که طلاق ندهد حاکم شرع می‌تواند به درخواست زن او را مطلقه سازد.

سؤال ۹۰۱- اگر زنی شرط کرده باشد که در صورتی که شوهرش همسر دیگری اختیار کند وکالت در طلاق داشته باشد آیا در صورتی که شوهر به خاطر ناسازگاری زن، همسر دوّمی اختیار کند باز هم همسر اوّل وکیل در طلاق است؟

جواب: ظاهر این است که این شرط از چنین صورتی منصرف است، زیرا هدف از این شرط، این بوده که به همسر اوّل قناعت کند حال اگر همسر اوّل با پشت پا زدن به زندگی زن‌شویی مرد را در بلا تکلیفی گذاشته، جایی برای تأمین آن شرط باقی نمی‌ماند یعنی زن وکالت در طلاق نخواهد داشت.

سؤال ۹۰۲- آیا طلاق به مجرد ادعای شوهر و اینکه بگوید: من او را مطلقه نموده‌ام ثابت می‌شود؟ به گونه‌ای که زن حق ازدواج داشته باشد و نفقه ساقط شود، یا اینکه باید با شهادت دو عادل باشد؟

جواب: فقها در این مورد اختلاف دارند، مرحوم محقق قمی در جامع الشّتات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۴

و محقق یزدی در ملحقات عروه مشروحاً بحث کرده‌اند و از مجموع ادلّه ظاهر می‌شود که طلاق به مجرد ادعای زوج خالی از اشکال نیست، بلکه باید بینه‌ای بر آن قائم شود.

سؤال ۹۰۳- آیا در طلاق، عدالت دو شاهد در نظر زوج کافی است؟

جواب: بله، عدالت دو شاهد در نظر زوج مادام که یقین بر خلاف آن نباشد کافی است.

سؤال ۹۰۴- زن و مردی ازدواج کرده‌اند و مرد معترف به ازدواج هست ولی ادعا می‌کند در حضور عدّه‌ای، که آنها را عادل می‌دانسته‌ام- ولی امکان اثبات عدالت آنها ممکن نیست- صیغه طلاق را جاری کرده‌ام و معلوم نیست که خود صیغه طلاق صحیح بوده یا خیر، چون زوج روحانی نیست امّا سواد فارسی دارد و می‌گوید از روی رساله صیغه طلاق را جاری کرده‌ام، آیا چنین طلاقی که اصل آن محرز است ولی از نظر صحت معلوم نیست، صحیح است؟

جواب: ادعای طلاق مزبور ظاهراً مسموع است.

سؤال ۹۰۵- پدری دختر نابالغش را به عقد نکاح یک پسر بچه در آورده است، الآن دختر ۱۷ ساله است در حالی که پسر ۱۳ ساله است و از نظر جسمانی خیلی کوچک به نظر می‌رسد، دختر پدر را از دست داده و یتیم شده و حاضر نیست با آن بچه ازدواج کند، زیرا نمی‌تواند منتظر بزرگ شدن او باشد. با توجه به مطالب فوق از حضرت عالی تفضلاً داریم اگر شرع مقدّس اسلام اجازه دهد حکم فرمایید دختر مذکور با برادر بزرگ آن پسر بچه ازدواج کند که خود دختر هم راضی است.

جواب: هرگاه اجرای عقد مذکور از اول به مصلحت دختر صغیر نبوده، اصل عقد باطل است و اگر فرضاً مصلحت بوده ولی الآن در انتظار ماندن آن دختر بیش از این موجب عسر و حرج شدید است ولی پسر می‌تواند صیغه طلاق آن دختر را اجرا کند و بعد با هر کس خواست ازدواج کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۵

سؤال ۹۰۶- شخصی می‌خواهند زن خود یا زن دیگری را طلاق دهد، در شهری که ساکن است، عادل به آن معنایی که فقها عظام فرموده‌اند نیست مگر بعضی از اشخاصی که شخص مطلقاً نه به چشم خود از آنها معصیتی دیده و نه از دیگران شنیده که تا حال معصیتی کرده باشند و در شهرهای مجاور هم اشخاص عادل را نمی‌شناسد و از طرفی هم به ناچار باید این طلاق واقع شود بفرمایید آیا نزد همان اشخاص فوق الذکر که مورد وثوق و حسن ظن هستند می‌تواند اجرای طلاق کند؟

جواب: همین گونه افراد برای شهود طلاق کافی هستند و عادل محسوب می‌شوند.

عدّه طلاق

سؤال ۹۰۷- دوشیزه‌ای به عقد دائم جوانی در می‌آید؛ نظر به اینکه از خانواده مذهبی بوده و به خاطر این که در رفت و آمد مشکلی نداشته باشند، صیغه عقد خوانده می‌شود و بعد از عقد در مواقعی که خلوت می‌کرده‌اند نامزد و دوشیزه از راه دبر آمیزش می‌کرده‌اند، پس از مدّتی کار آنان منجر به اختلاف و جدایی می‌گردد، دختر چون مسائل شرعی را نمی‌دانسته فکر می‌کرده این نوع آمیزش عدّه ندارد به همین جهت متأسفانه در حال عدّه به عقد دائم دیگری در می‌آید و بعد از چند سال زندگی و بچه‌دار شدن متوجه مسأله می‌شوند حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: احتیاط واجب آن است که در فرض مسأله بعد از عدّه مجدداً صیغه عقد بخوانند و حرام ابدی نیست.

سؤال ۹۰۸- با توجه به این که مدّت دو سال است که اسلام را پذیرفته‌ام و مدّت شش ماه است که از شوهر زرتشتی‌ام جدا شده‌ام عدّه نگه داشتن این جنبه چگونه خواهد بود؟

جواب: چنانچه مدّت دو سال است اسلام را پذیرفته‌اید از همان زمان قبول

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۶

اسلام، عدّه شما شروع شده و اگر شوهر شما از این امر با خبر بوده و در مدّت عدّه شما اسلام نیاورده، عدّه شما پایان یافته و از آن

شوهر جدا شده‌اید و نیازی هم به طلاق نیست.

سؤال ۹۰۹- زنی که از زنا باردار شده با زانی یا غیر او ازدواج می‌کند آیا احتیاج به عده دارد؟ و اگر شوهرش او را بعد از ازدواج طلاق دهد آیا عده دارد؟ و در صورتی که عده دارد آیا عده او اُبعد الأجلین است یا عده اقرء؟

جواب: زنی که حامل از زناست عده ندارد، و جایز است به عقد زانی یا غیر او در آید و اگر او را طلاق داد عده او به اقرء یا سه ماه است و وضع حمل معیار نیست و اما در مورد طهر غیر موقه چون این شرط در حامل ساقط است می‌تواند او را طلاق دهد، بنابراین اگر عادت ماهانه نمی‌بیند سه ماه صبر می‌کند و ازدواج می‌نماید.

سؤال ۹۱۰- فلسفه عده زنان مطلقه چیست؟ و آیا زنان نازا و یا زنانی که رحم خود را برداشته‌اند از این قانون مستثنا هستند؟

جواب: مسأله عده زنان، فلسفه‌ها متعددی دارد و منحصر به مسأله انعقاد فرزند نیست لذا در تمام مواردی که شرع گفته است، زن باید عده نگهدارد هر چند عقیم و نازا باشد، یا رحم خود را برداشته باشد یا فرضاً چند سال است از شوهر خود جدا زندگی می‌کند در تمام این صورتها باید عده نگهدارد.

سؤال ۹۱۱- زن مطلقه‌ای بعد از انقضای عده، متعه می‌شود و بعد از چندی با وساطت بزرگان فامیل بنا می‌شود با شوهر اول ازدواج کند، به همسر دوم مراجعه و چاره‌جویی می‌نماید او بقیه مدت را می‌بخشد و دوباره زن را صیغه می‌کند و قبل از دخول فسخ می‌نماید و زن بلافاصله به عقد شوهر اول درمی‌آید با این استدلال که این فسخ دوم قبل از دخول است و غیر مدخوله عده ندارد، آیا این مطلب صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۷

جواب: عده عقد سابق با این امور از بین نمی‌رود و تا عده پایان نیابد ازدواج مجدد او صحیح نمی‌باشد و نمی‌تواند بدون عده به عقد نکاح کسی در آید.

سؤال ۹۱۲- هرگاه زنی به خاطر شیر دادن بچه، عادت ماهانه نبیند، تکلیف او برای طلاق چیست؟

جواب: سه ماه بعد از آخرین نزدیکی صبر می‌کند و بعد اجرای صیغه طلاق می‌شود، سپس عده سه ماه نگه می‌دارد.

سؤال ۹۱۳- چنانچه زنی را در عده وفات عقد نمایند و بعد از حدود پانزده روز که عده تمام شده، عروسی نمایند و زفاف به عمل آید یعنی عقد در عده و دخول در خارج عده بوده و زوجین هم جاهل به مسأله و حرمت ازدواج در عده بوده‌اند، لطفاً بفرمایید: آیا حرمت ابدی برای آنها ثابت شده یا فقط عقد باطل است؟ و آیا عده وفات را برای همسر اول باید تمام کند یا خیر؟ و به فرض این که عقد باطل شده و بخواهند عقد جدید بخوانند آیا باید برای همسر دوم عده نگهدارد؟

جواب: عقد ازدواج باطل است ولی حرمت ابدی نمی‌آورد و عده نسبت به وطی به شبهه در مورد شوهر دوم باید تمام شود و بعد می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند ولی ازدواج او با همسر دوم نیاز به عده وطی به شبهه ندارد.

سؤال ۹۱۴- زن مطلقه‌ای پس از طلاق، یک یا دو بار عادت ماهانه دیده و سپس یائسه شده است، آیا باقیمانده عده ساقط است؟

جواب: اگر یک بار عادت شده است باید دو ماه دیگر عده نگهدارد و اگر دو بار عادت شده است باید یک ماه عده نگهدارد.

سؤال ۹۱۵- اگر زنی به عقد موقت مردی در آید و مطمئن باشد که از آمیزش با او حامله نشده است (مثلاً مرد خواهه باشد یا زن رحم خود را خارج کرده باشد) آیا باید پس از پایان مدت عقد موقت، عده نگهدارد؟

جواب: اگر دخول حاصل شده است عده لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۸

سؤال ۹۱۶- ابتدای عده وطی به شبهه چه زمانی است مدرک آن چیست؟

جواب: مبدأ عده وطی به شبهه زمان حصول علم به وطی به شبهه است همان طور که در تعلیقه ما بر عروه الوثقی نیز آمده است و

مدرک، ظهور اخبار باب است (به تعلیقه مراجعه کنید).

ترک زینت در ایام عده وفات

سؤال ۹۱۷- زنی که شوهرش مرده و خودش هم جوان است (مثلاً ۳۰ ساله است) به خاطر فوت شوهرش بیشتر از متعارف ترک زینت می‌کند، حتی نظافت هم به اندازه عرف نمی‌کند و ازدواج را نیز ترک کرده است و اگر کسی برای خواستگاری بیاید می‌گوید: من با شوهرم عهد کرده‌ام دیگر ازدواج نکنم و بین ما شرط شده که هر کس جلوتر مُرد، دیگری ازدواج نکند، آیا این کار درست است و شرط آنها واجب العمل است؟

جواب: حداد به معنای ترک زینت در ایام عده وفات لازم است، ولی ترک زینت، به معنای ترک نظافت نیست و شرط مزبور اعتباری ندارد و سزاوار است آن زن بعد از گذشتن عده ازدواج کند.

طلاق رجعی

اشاره

سؤال ۹۱۸- در طلاق رجعی که نباید زوجه مطلقه از منزلی که با همسر خود در آن زندگی می‌کرده خارج شود و زوج حق ندارد تا زمانی که عده باقی است او را از منزل بیرون کند، آیا این نهی، وظیفه کیست؟
زوجین یا محضر که صرفاً طلاق را ثبت می‌کند یا مجری صیغه طلاق یا دادگاه که اجازه طلاق را صادر می‌کند. و اگر در موقع اجرای صیغه طلاق زوجین جدا از هم زندگی کنند، یا طلاق در شهر غربت واقع شود و زوجین اهل یک محل نباشند، تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۵۹

جواب: به مقتضای آیه شریفه قرآن و سایر ادله، این نهی وظیفه زوجین است ولی دادگاه یا محضر به مقتضای مسأله ارشاد جاهل و امر به معروف، آنها را واقف بر این حکم می‌کنند و در صورت جدا بودن مسکن آن دو چنانچه مطابق رضایت طرفین انجام شده باشد و جدایی آنها به معنای قهر کردن از یکدیگر نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۹۱۹- زوجه در طلاق خلعی، مهریه خویش را به زوج می‌بخشد و پس از طلاق در ایام عده به بذل خود رجوع می‌کند در این صورت زوج حق رجوع به زوجیت دارد آیا اگر زوج به زوجه رجوع نکرد آیا مهریه متعلق به زوجه است؟ حکم سایر احکام طلاق رجعی از قبیل نفقه زوجه و توارث و غیره چیست؟

جواب: با رجوع زوجه به بذل در ایام عده، طلاق رجعی می‌شود و احکام آن را دارد و مهر را باید به او بدهد.

احکام رجوع

سؤال ۹۲۰- زید همسر خود را طلاق رجعی می‌دهد و از هم جدا می‌شوند، مرد در یک شهر و زن در شهر دیگر به سر می‌برد و قبل از انقضای عده، مرد رجوع می‌کند ولی زن مطلع نمی‌شود و پس از انقضای عده، زن ازدواج می‌کند وظیفه چیست؟ یا مرد رجوع کرده و زن هم تمایل نشان می‌دهد ولی پدر و برادران زن اجازه نمی‌دهند برگردد و الآن چند سالی گذشته و زن ازدواج نکرده آیا زوجیت اول برقرار است؟ یا مرد وقتی که دید اصرارش اثر ندارد و اعراض کرد نیاز به طلاق مجدد دارد؟

جواب: اگر رجوع مسلم باشد عقد دوم باطل است و گذشتن زمان طولانی اثری ندارد و نیز عقد زوجیت با اعراض از بین نمی‌رود

و طلاق لازم است تا از یکدیگر جدا شوند.

سؤال ۹۲۱- کسی که در عده رجعی به زن رجوع کند و فوراً پشیمان شود و بگوید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۰

همان جدایی و طلاق برقرار باشد، آیا صرف پشیمانی از رجوع کافی است و یا این که طلاق مجدد لازم است اگر طلاق لازم است چه زمانی باید انجام گیرد؟

جواب: پشیمانی فایده ندارد و با رجوع کردن، آن زن همسر او می‌باشد و اگر بخواهد جدا شود باید مجدداً طلاق دهد.

سؤال ۹۲۲- اگر مردی زن خود را طلاق دهد امّا ورثه زن به آن مرد بگویند که فلان مقدار پول بگیر و طلاق مده، آیا شوهر می‌تواند رجوع کند؟

جواب: مردی که همسرش را طلاق داده می‌تواند پولی بگیرد و رجوع کند و اگر غیر طلاق رجعی است احتیاج به عقد مجدد دارد.

طلاق خلع و مبارات

سؤال ۹۲۳- این جانب با شوهرم توافق کردیم که مبلغی را به صورت اقساط پردازم تا مرا طلاق خلعی بدهد، وقتی طلاق مذکور انجام شد، از طریق دادگاه اقدام به گرفتن دختر دوساله‌ام کردم درحالی که اقساط مذکور را می‌پردازم، ولی چون شوهرم از گرفتن دخترم ناراحت شده است می‌گوید: چون تمام مبلغ را تا کنون نداده‌ای مطلقه نیستی و طلاق بهم خورده است، آیا این حرف صحیح است؟

جواب: طلاق خلعی واقع شده و مرد نمی‌تواند برگردد مگر این که زن برگردد.

سؤال ۹۲۴- این جانب با بذل یکصد عدد سکه بهار آزادی از همسرم مطلقه خلعی شده‌ام، در زمان عده طی نامه کتبی به دفتردار محضر، مراتب رجوع به بذل را اعلام کردم، اکنون متوجه شده‌ام که دفتردار رجوع قانونی را به علت فراموشی در دفتر ثبت ننموده است، حکم رجوع چیست؟ آیا مستحق دریافت مهریه هستم؟

جواب: چنانچه در عده، رجوع به بذل خود کرده‌اید و به شوهر اطلاع داده‌اید، حق دارید بذل خود را بازپس بگیرید و اگر خبر نداده‌اید عده گذشته است کافی نیست و هرگاه دفتردار متکفل این کار شده و کوتاهی کرده است ضامن می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۱

سؤال ۹۲۵- همسر این جانب نسبت به احکام اسلامی بی‌اعتناست و تمکین نمی‌کند و هنوز غیر مدخوله است، آیا می‌توانم او را طلاق دهم؟ طلاق او از چه نوعی است و حکم مهریه او چیست؟

جواب: سزاوار است مدتی با او مدارا کنید و او را نصیحت کرده و به او محبت نمایید شاید تدریجاً عوض شود و کار به طلاق نکشد و در غیر واجبات و محرّمات زیاد سختگیری ننمایید، اگر نتیجه نگرفتید می‌توانید از او جدا شوید، ولی چون مطابق آنچه نوشته‌اید این زن ناشزه و غیر مدخوله است حق نفقه ندارد و اگر او بخواهد طلاق بگیرد، طلاق او طلاق خلع است و جز از طریق بذل مهریه یا مانند آن و رضایت زوج امکان پذیر نیست.

سؤال ۹۲۶- در رساله حضرت امام (رحمه الله) آمده است: در صورت رجوع زن بما بذل، مرد می‌تواند دوباره بدون عقد او را زن خود قرار دهد، حال سؤال این است که اگر زن تقاضای استرداد مهریه بخشیده شده خود را کرد و مرد هم پرداخت، ولی دیگر نمی‌خواهد با او زندگی کند و از او متنفر است، با این وصف آیا زن پس از انقضای ایام عده می‌تواند شوهر کند؟ یا اگر مرد ارث به او تعلق می‌گیرد یا طلاق به قوت خود باقی است؟ در ضمن آیا مسأله مذکور صرفاً مربوط به طلاق خلع است یا در مبارات هم همین طور است؟

جواب: مرد اگر بخواهد می‌تواند رجوع کند و اگر نخواهد می‌تواند رجوع نکند. در مبارات نیز اگر مایل نباشد رجوع نمی‌کند و در مواردی که طلاق رجعی است در زمان عده از یکدیگر ارث می‌برند.

سؤال ۹۲۷- طلاق خلعی واقع شده است ولی شوهر مدعی است که قبل از طلاق با همسرش آمیزش کرده‌ام و دیگر این که شاهدین عدلین حضور نداشته‌اند بلکه طلاق در حضور عده‌ای از مؤمنین ظاهر الصلاح واقع شده است، آیا چنین طلاقی صحیح است؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۲

جواب: طلاق مزبور در هر حال محکوم به صحت است زیرا ادعای شوهر در مورد واقعه قبل از طلاق در فرض مسأله پذیرفته نیست و به اعتراف خود او ظاهر حال شهود، عدالت بوده و ما مأمور به باطن نیستیم، بنابراین طلاق اشکالی ندارد مگر این که با دلیل شرعی ادعای خود را ثابت کند.

سؤال ۹۲۸- اگر مردی زنی را به طلاق خلعی دوّم مطلقه کند، لیکن قبل از انقضای عده، زن به بذلش رجوع کند اما زوج می‌گوید: من رجوع می‌کنم به شرط آن که اکنون که به قرء دوّم رسیدی تو را صیغه می‌کنم و به عقد انقطاعی در می‌آورم و همین عمل هم انجام شد، اما باز اختلاف شروع شد و آنها بر بذل مدّت توافق کردند و احتیاطاً طلاق نیز جاری شد. اکنون بیان فرماید:

الف) آیا این زن باید سه ماه عده طلاق نگهدارد و یا عده ۴۵ روزه عقد انقطاعی نگهدارد؟

ب) آیا بذل مدّت صحیح است یا طلاق سوّم؟

ج) اگر چنانچه بذل مدّت صحیح باشد آیا مجدداً می‌تواند صیغه کند و یا محلّل لازم است؟

جواب: الف) احتیاط این است که عده طلاق نگهدارد.

ب) از جواب بالا معلوم شد.

ج) احتیاط آن است که بدون محلّل ازدواج نکند.

سؤال ۹۲۹- آیا طلاق خلع بدون گرفتن مال از زن صحیح است؟

جواب: صحیح نیست.

مسائل متفرقه طلاق

سؤال ۹۳۰- زنی که معلوم نیست همسرش در فلان حادثه کشته یا مفقود شده است و مدّت چهار سال است که خبری از او نیست، آیا می‌تواند با شخص دیگری ازدواج کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۳

جواب: نمی‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند، مگر این که یقین به فوت او پیدا کند یا مراجعه به حاکم شرع کرده تا او دستور تحقیق درباره شخص مورد نظر را صادر نماید و پس از طیّ مراحل شرعی او را طلاق دهد.

سؤال ۹۳۱- وظیفه زنی که شوهرش مفقود شده چیست و در این مدّت نفقه او از کجا تأمین می‌شود؟

جواب: زنی که شوهرش مفقود شده است چند حالت دارد:

الف) اگر صبر کند تا خبری آید مانعی ندارد و باید نفقه او را از مال شوهرش داد.

ب) اگر انفاق کننده‌ای از ولی یا غیر او باشد باید صبر کند، مگر این که عسر و حرج شدید و ضرر مهمّی حاصل شود که حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

ج) در غیر این دو صورت، رفع امر به حاکم شرع می‌کند و او به مدّت ۴ سال از اطراف محلّ فقدان وی تحقیق می‌کند، اگر خبری نشد نخست به ولیّ او پیشنهاد طلاق می‌کند و اگر او طلاق نداد خودش طلاق می‌دهد سپس عده وفات نگه می‌دارد (هر چند

کفایت عدّه طلاق رجعی نیز قوی است اما احتیاط مهما ممکن ترک نشود) و بعد شوهر می‌کند. اگر شوهر اول مادام که در عدّه است مراجعه کرد اولی است و اگر بعد از عدّه- حتی قبل از ازدواج مجدد- شوهر اول بیاید طلاق نافذ است و تنها با رضایت طرفین و عقد جدید امکان بازگشت است.

سؤال ۹۳۲- هرگاه مردی زندگی را بر همسرش سخت بگیرد و حاضر به طلاق او هم نباشد قاضی در چه صورتی می‌تواند این زن را طلاق دهد؟

جواب: طلاق در صورتی برای قاضی جایز است که عدم امکان سازش در حدی باشد که منجر به عسر شدید و حرج اکید گردد زوج شخصاً حاضر به طلاق نباشد و طلاق قاضی طلاق رجعی است، ولی اگر رجوع واقع شود و باز موضوع عدم سازش باقی باشد مجدداً طلاق می‌دهد تا سومین مرتبه که طلاق بائن بشود.

سؤال ۹۳۳- بیش از ده سال است که به دلایل زیر قصد طلاق زوجه‌ام را دارم:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۴

الف) عدم تمکین ب) خروج بدون اذن از منزل و حتی از شهر در موارد غیر ضروری. ج) اقدام به آبروریزی و هتک حرمت بنده در جامعه د) تهمت‌های ناروا و) تهدید به مسموم نمودن ه- نامشروع قلمداد کردن صیغه ازدواج، و قانون نیز توجّهی به من نکرده آیا می‌توانم خود صیغه طلاق را بخوانم و آیا گرفتن حکم طلاق در مقابل پرداخت پول امکان‌پذیر است و چنین حکمی اعتبار شرعی دارد؟

جواب: عدم تمکین به تنهایی می‌تواند دلیلی بر اقدام به طلاق باشد، ولی تا می‌توانید از طلاق پرهیزید مگر این که ناچار شوید.

سؤال ۹۳۴- طلاق زنی که همسرش تریاکی است و مدّتی است که مفقود الاثر شده و محکوم به اعدام است، چگونه است؟

جواب: چنانچه فرار کرده و امید به بازگشت او نیست و زن در عسر و حرج شدید می‌باشد و زندگی کردن با چنین مردی برای او مقدور نیست حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد، ولی اگر می‌تواند صبر کند و احتمال بازگشت و امکان زندگی با او وجود دارد، حکم او عدم طلاق است.

سؤال ۹۳۵- در موضوع اختلاف زن و شوهری که حضرت امام رضوان الله تعالی علیه احتیاط داشتند در تعیین حکمین، که نظر مبارک حضرت عالی هم همین است، اگر زن از شوهر خود تقاضای طلاق کند با اینکه شرعاً و قانوناً اختیار طلاق با مرد است (مگر موارد استثنایی) آیا در چنین موردی نیز احتیاج به تعیین حکمین است؟ چون اگر زوج راضی به طلاق نباشد حکم نمی‌تواند کاری بکند و نتیجه ندارد و در موارد استثنایی مانند ترک نفقه و عدم امکان اخذ نفقه زوجه از زوج، که دادگاه می‌تواند اقدام به طلاق کند آیا در چنین موردی تعیین داور لازم است یا خیر؟

جواب: حکمیت طبق ظاهر قرآن مجید مربوط به مواردی است که اختلاف شدید میان زن و مرد پیدا شده و ممکن است منجر به جدایی یا مطالب ناگوار دیگر شود در اینجا حاکم شرع دو حکم برای رسیدگی به کار آنها تعیین می‌کند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۵

و حکمین در صورتی می‌توانند حکم به جدایی دهند که این امر از سوی زوجین به آنها محوّل شده باشد که هر چه را صلاح دیدند عمل کنند حتی طلاق.

سؤال ۹۳۶- خانمی ۲۱ سال پیش با مردی به صورت لفظی و غیر معلوم از نظر دائمی و موقّتی ازدواج نموده، بعد از چهار سال زندگی و تولد اولین فرزندشان، آن مرد این خانم و بچه را رها کرده و مفقود شده و جستجو نیز بی‌فایده بوده آیا این خانم می‌تواند ازدواج بنماید یا نه؟

جواب: باید به حاکم شرع مراجعه کند هرگاه مایوس از اطلاع بر احوال او شد می‌تواند او را طلاق دهد و بعد از چهار ماه و ده روز

ازدواج کند و احتیاطاً حاکم شرع مدّت باقیمانده را (به فرض موقت بودن عقد) نیز می‌بخشد و اگر احتمال پیدا شدن شوهر وجود دارد حاکم شرع چهار سال برای جستجو تعیین می‌کند هرگاه اثری پیدا نشد اقدام به طلاق می‌کند.

سؤال ۹۳۷- هرگاه زوج بدون عذر شرعی از دادن نفقه خودداری کند آیا طلاق زوجه جایز است؟

جواب: حاکم شرع باید از مال زوج نفقه را بپردازد و اگر میسر نشود به او تکلیف طلاق کند و اگر طلاق ندهد شخصاً او را طلاق می‌دهد.

سؤال ۹۳۸- اگر زنی پس از طلاق از شوهر اول با مرد دیگری ازدواج کند و به علتی ازدواج دوم باطل باشد آیا این زن می‌تواند پیش شوهر دوم بماند چون اگر شوهر دوم آن زن را طلاق بدهد و از هم جدا شوند مایه آبروریزی آن مرد یا آن زن است؟

جواب: می‌تواند بماند، اما نامحرم است و روابط زن و شوهری نباید میان آن دو باشد.

سؤال ۹۳۹- این جانب مدّت شانزده سال قبل با مردی ازدواج نمودم و مدّت هشت ماه زندگی مشترک داشتیم که شوهرم به جمهوری اسلامی ایران مسافرت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۶

نموده و مدّت شانزده سال این جانب را ترک نمود. در این مدّت هیچ گونه خرجی و نفقه برایم نفرستاد، به ناچار همراه پدر شوهرم جهت ردیابی از همسرم به ایران آمدیم، متأسفانه ایشان به جرم موادّ مخدر در یکی از زندانها محبوس بود، بعد از یک سال انتظار همسرم آزاد شد و دوباره زندگی مشترک را آغاز نمودیم و از او حامله شدم، شوهرم بازهم فرار کرد بعد از مدّتی با زن دیگری که تبعه ایرانی است با تعدادی از فرزندانش پیدا شد، و از آنجا که نه حقیر از همسر دوّمش اطلاع داشتم و نه همسر دوّمش از من اطلاع داشت، همسر ایرانیش بنای ناسازگاری گذاشت، بعد از مدّتی با همسر دوّمش به جای نامعلومی رفت و فرزند ما بعد از این به دنیا آمد و اکنون مدّت دو سال است که در عالم هجرت بدون سرپرست و خرجی و نفقه زندگی می‌کنم، در ضمن این دفعه پدر پیرش را نیز همراه خود برده است به مراجع قضایی شاکی شده‌ام خبری از همسرم معلوم نیست، حال تکلیف من چیست و چه کار کنم؟

جواب: در صورتی که مرد حاضر به دادن نفقه و زندگی کردن با این همسر نیست و طلاق هم نمی‌دهد حاکم شرع می‌تواند صیغه طلاق او را اجرا کند.

سؤال ۹۴۰- من همراه شوهر و فرزندانم در سال ۱۳۶۶ به نروژ آمدم و الآن سه سال است که شوهرم من و بچه‌هایم را رها کرده و رفته و مرا بلا تکلیف گذاشته است ولی طلاق دولتی را در نروژ انجام داده‌ام در نروژ مرکز توحید اسلامی برای شیعیان و مسلمین وجود دارد، از جنابعالی درخواست می‌کنیم که به روحانی این مرکز وکالت و اجازه برای جاری کردن صیغه طلاق شرعی بدهید تا مرا طلاق دهد؟

جواب: چنانچه همسر شما نه حاضر است با شما زندگی کند و نه طلاق شرعی می‌دهد به روحانی محترم محلّ وکالت دادیم که شما را بعد از ثبوت این موضوع مطلقه سازد و همچنین در مورد سایر مسلمانانی که در شرایطی همانند شرایط شما زندگی می‌کنند.

سؤال ۹۴۱- آیا برای تبدیل ازدواج دائم به موقت غیر از طلاق و انجام عقد موقت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۷

راهی وجود دارد؟ و اگر ندارد آیا عده نگهداشتن لازم است یا شوهر سابق در عده می‌تواند زن را متعه کند؟

جواب: راه آن فقط طلاق است و در عده می‌تواند با او ازدواج نماید به شرط این که طلاق رجعی نباشد و اگر طلاق رجعی است باید بعد از تمام شدن عده او را به عقد موقت درآورد.

سؤال ۹۴۲- میان من و شوهرم سه سال پیش نزاع و اختلاف به وجود آمد که کار به دادگاه کشیده شد، بعد از آن که شوهرم

فهمید که محکوم می‌شود فرار کرد و به افغانستان رفت و شنیدم که در آنجا زن گرفته و من در اینجا سرگردان و بی‌سریست در خانه خواهر خود به سر می‌برم، آیا شرعاً حاکم شرع می‌تواند با ولایت خود مرا طلاق دهد؟

جواب: اگر عمداً همسر خود را رها کرده و رفته و رسیدگی به حقوق شرعی او نمی‌کند و همسر در عسر و حرج گرفتار است حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد ولی اگر دسترسی به او هست قبلاً اتمام حجت شود.

سؤال ۹۴۳- این جانب با شخصی ازدواج کردم و مدت یک سال و نیم با هم بودیم ولی اکنون ایشان سه سال است که مفقود الاثر شده و خبری از ایشان ندارم، من از مهاجرین خارجی هستم و با یک فرزند خود در شهر مقدس مشهد بی‌سرپرست و آواره زندگی می‌کنم و بسیار پریشان می‌باشم، من در زمان جاری شدن عقد به شوهرم گفتم که اگر به مدت شش ماه نفقه به من نرسید اختیار طلاق به دست خودم باشد ولی آنها در عقدنامه ازدواج این مورد را ننوشتند، من هم سواد نداشتم که بخوانم، حال وظیفه من چیست؟

جواب: اگر او عمداً شما را رها کرده و رفته و در عسر و حرج شدید قرار دارید می‌توانید به روحانی سرشناس و آگاه به مسائل مراجعه کنید تا شما را طلاق دهد.

سؤال ۹۴۴- این جانب مدت ۲۴ سال است که با خانم زندگی می‌کنم و دارای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۸

شش فرزند می‌باشیم، در این مدت با دخالت مستقیم پدر و مادر و برادر خانم رو به رو بوده‌ام و زندگی تلخی را گذرانده‌ام تا این که مدتی قبل دیگر کارد به استخوانم رسید و تصمیم به جدایی از همسر گرفتم و چون در تصمیم خود جدی بودم در چند جلسه (البته به فارسی) گفتم: همسرمان مانند خواهر و مادرم برای من می‌باشد، حال همسرمان از گذشته خود پشیمان شده و تعهد داده که دیگر مثل گذشته به تحریکات بستگان خود گوش نکند و من هم می‌خواهم مدتی دیگر به ایشان فرصت بدهم و با ایشان زندگی کنم با توجه به گفته بالا آیا می‌توانم با ایشان به عنوان زن و شوهر زندگی کنم؟

جواب: چنانچه این سخن را در حالی گفته‌اید که دو شاهد عادل حضور داشته‌اند و آن زن هم در حال عادت نبوده بعد از پاک شدن با او نزدیکی نکرده باشید باید کفاره بدهید و کفاره آن دو ماه روزه است که باید سی و یک روز آن پشت سر هم باشد و اگر توانایی به روزه نداشته باشید ۶۰ مسکین را طعام دهید اما اگر دو شاهد عادل حضور نداشته، کفاره‌ای هم ندارد و این سخن بی‌اثر است، در ضمن توجه داشته باشید در آنجا که کفاره لازم باشد تا کفاره ندهید حلال نمی‌شود.

سؤال ۹۴۵- خانم شوهرداری با افرادی حدود دو سال رابطه داشته است و حتی مدت ۲۰ روز بدون اجازه شوهرش معلوم نیست که در کجا به سر برده است آیا لازم است این خانم مشهور به فساد را طلاق داد؟

جواب: طلاق دادن او واجب نیست ولی لازم است او را از کار خلاف بازدارد.

سؤال ۹۴۶- شخصی به زنش اختیار داد که از سوی او کسی را برای طلاق وکیل کند، مدتی گذشت زنش او را مطلع نکرد که طلاق جاری شده یا نه؟ آیا نفقه در این مدت بر شوهر واجب است و آیا شوهر می‌تواند این زن را به عنوان همسرش بپذیرد؟

جواب: مادامی که وقوع طلاق مشکوک است در حکم زوجه اوست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۶۹

سؤال ۹۴۷- همسران مفقودالآثرهای جنگ تحمیلی که چندین سال از شوهرانشان خبری ندارند در چه صورتی می‌توانند ازدواج کنند؟

جواب: در صورتی که یقین به فوت همسرشان پیدا کنند، ازدواج جایز است و در غیر این صورت اگر ماندن در آن حال، مایه عسر و حرج شود، حاکم شرع می‌تواند آنها را طلاق دهد و در غیر این صورت باید طبق دستور حاکم شرع چهار سال درباره آنها تحقیق

شود اگر اثری پیدا نشد حاکم شرع آنها را طلاق می‌دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۱

فصل بیست و هشتم: احکام غصب

سؤال ۹۴۸- شخصی می‌داند پدرش ملکی را غصب کرده است، آیا می‌تواند از آن استفاده کند؟

جواب: نمی‌تواند، بلکه باید اگر صاحب آن را می‌شناسد به او بدهد و اگر نمی‌شناسد حکم مجهول المالک را دارد.

سؤال ۹۴۹- آیا غاصب علاوه بر خلع ید از مالی که غصب کرده است وظیفه دیگری نیز نسبت به صاحب مال دارد؟

جواب: غاصب موظف است مال الاجاره آن را نیز در مدت غصب طبق نظر اهل خبره بپردازد.

سؤال ۹۵۰- آیا انسان می‌تواند هزینه‌هایی را که برای به دست آوردن حق خود خرج کرده از غاصب بگیرد؟

جواب: احتیاط آن است که نگیرد، مگر این که هزینه زیادی را متحمل شده باشد.

سؤال ۹۵۱- تشکیل جلسات قرآن، در مکان غصبی چه صورتی دارد؟

جواب: حرام است.

سؤال ۹۵۲- اگر کسی قرآنی را بدون رضایت صاحب آن تصرف نموده باشد آیا در صورت تلاوت آن ثوابی بر قرائت او مترتب

می‌شود؟

جواب: مشکل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۳

فصل بیست و نهم: احکام اموال گمشده و مجهول المالک

سؤال ۹۵۳- در آستان قدس رضوی، گاه هزاران کفش گمشده موجود است، حکم این کفشها را بیان فرمایید؟

جواب: کفشهایی که بدون صاحب در کفشدارهای حرماهای مطهره می‌ماند، باید از طریق اعلام کردن به اطلاع عموم برسانند و

بعد از یأس از پیدا کردن صاحبانش، آنها را به مستحقین بدهند یا بفروشند و قیمتش را به آنها بدهند.

سؤال ۹۵۴- یک حیوانی همراه حیوانات کسی از بیابان می‌آید، بعد از یک سال که مالک حیوان پیدا نشده آن را ذبح می‌کنند و

مردم گوشت آن را می‌خورند، حکم کسانی که از این گوشت استفاده کرده‌اند را در دو صورت علم و جهل به مجهول المالک

بودن حیوان، بیان فرمایید.

جواب: هرگاه کسی حیوان گمشده‌ای را پیدا کند، باید یک سال از صاحب آن سراغ بگیرد، اگر پیدا نشد، می‌تواند آن را از طرف

صاحب اصلی آن در راه خدا صدقه بدهد یا خودش بردارد به نیت این که اگر صاحبش پیدا شد عوض آن را بدهد و اگر مجهول

المالک باشد باید با اجازه حاکم شرع آن را به مستحقین داد.

سؤال ۹۵۵- وظیفه کسی که اموال حرام یا مواد غذایی حرام در اختیار او قرار گرفته است و قدرت بازگرداندن آنها را به صاحبش

ندارد یا این امر برای او مشکل است چیست؟

جواب: اگر رد آن و لو به حیل‌های عقلایی، امکان دارد باید رد کند و الا به فقرا صدقه دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۴

سؤال ۹۵۶- اجناس و وسایل قیمتی که در سرزمینهای غیر اسلامی پیدا می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر علامتی ندارد می‌توان آن را تملک کرد و اگر علامت دارد و امکان دارد صاحبش را پیدا کند باید به او بدهد، ولی در

کشورهای محارب با اسلام تملک آن در هر حال مانعی ندارد.

سؤال ۹۵۷- آیا اموال دولت از نظر شما در حکم مجهول المالک است؟

جواب: حکم مجهول المالک را ندارد، بلکه مال عنوان دولت است نه ملک اشخاص.

سؤال ۹۵۸- در چه صورتی برای پیدا کردن صاحب اشیایی که پیدا می‌شود باید تلاش کرد و در چه صورتی لازم به تعریف نیست؟ در زمان معاصر وضعیت تعریف چگونه است؟

جواب: جایی که می‌توان با تعریف صاحبش را پیدا کرد تعریف لازم است و تعریف در زمان ما از طریق گفتن در مساجد و آگهی زدن در مراکز جمعیت و مناطقی که گمشده را یافته‌اند و همچنین در جراید و مانند آن می‌باشد.

سؤال ۹۵۹- زنی به اعتراف خود سالهای متمادی مبتلا به اعمال منافی عفت بوده و از این راه کسب معیشت می‌نموده و با آن درآمد نامشروع، خانه و زندگی تهیته کرده است. اکنون که می‌خواهد توبه کند تکلیف داراییهای موجود اعم از خانه و اثاث و چیست؟

جواب: اگر صاحبانش را می‌شناسد باید به آنها بازگرداند و اگر نمی‌شناسد حکم مجهول المالک را دارد و اگر او نیاز مبرم دارد حاکم شرع می‌تواند با توجه به این که توبه کرده به عنوان رد مظالم به او بدهد.

سؤال ۹۶۰- یک سال و نیم پیش یک کیف پول در ماشین این جانب جا مانده بود و هیچ نشانه‌ای نداشت، اطلاعی‌هایی در محلی که احتمال می‌دادم مسافر آنجا پیاده شده به در و دیوار کوچه و خیابان نصب کردم و همچنین در یکی از روزنامه‌ها استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۵

چاپ نمودم، با توجه به توضیحات داده شده تکلیف شرعی من چیست؟ لازم به ذکر است که کل وجه، مبلغ ۳۰۸۰۰۰ ریال می‌باشد که از محل این پول ۴۵۰۰۰ ریال به آن روزنامه و مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به شخصی جهت چسباندن اطلاعی‌ها به در و دیوار دادم و باقیمانده وجه را خرج عروسی جوانی که برادر خودم می‌باشد کردم اکنون تکلیفم چیست؟

جواب: نسبت به آن وجهی که برای عروسی داده‌اید اگر نیازمند بوده ما اجازه می‌دهیم و اشکالی ندارد، اما نسبت به آنچه هزینه کرده‌اید اگر یقین به رضایت صاحب آن داشته‌اید آن هم اشکالی ندارد، ولی اگر رضایت او محرز نباشد نسبت به آن بدهکار هستید و احتیاط آن است که معادل آن را به شخص مستحق بدهید.

سؤال ۹۶۱- افرادی که در خدمات شهری (شهرداری) شهرها کار می‌کنند اشیایی مانند لامپ و غیره پیدا می‌کنند که با کمی خرج قابل استفاده می‌شود، به طور کلی نسبت به اشیایی که پیدا می‌شود مانند قراضه آلومینیوم، آهن، پلاستیک، کفش و غیره چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: اگر صاحبان این اشیا آنها را به دور انداخته‌اند اشکالی ندارد.

سؤال ۹۶۲- شخصی، کیف جیبی را که دارای پول و کارت شناسایی بود پیدا کرد، آیا این شخص می‌تواند از این پول، مقداری برای فرستادن کیف به صاحبش از طریق پست خرج کند؟

جواب: چنانچه مخارج مختصری است خودش بر عهده بگیرد اما اگر مخارج سنگینی دارد و هیچ راهی برای رساندن به صاحبش جز صرف این مخارج نیست می‌تواند از آن پول بردارد.

سؤال ۹۶۳- مدتی قبل قرآنی را در یکی از پارکها پیدا کردم تکلیفم نسبت به آن چیست؟

جواب: از قبیل اموال گمشده است و باید مطابق دستور آن که در توضیح المسائل ما مسأله ۲۱۹۳ به بعد آمده است عمل کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۷

اشاره

سؤال ۹۶۴- چنانچه از میان شکم ماهی صید شده، ماهی کوچک مرده‌ای مشاهده گردد، آیا محکوم به حلیت است یا حرمت؟
جواب: خالی از اشکال نیست، احتیاط در اجتناب از آن است.

سؤال ۹۶۵- آیا در ذبح حیوان لازم است که ابزار حتماً آهن باشد یا هر فلز برنده‌ای کفایت می‌کند؟
جواب: با هر فلز تیزی جایز است.

سؤال ۹۶۶- آیا جایز است در هنگام ذبح، شخص دیگری به جای ذابح بسم الله بگوید و آیا در ذبح فقط لفظ بسم الله کافی است؟
جواب: بسم الله کافی است و باید خود شخص ذابح بگوید.

سؤال ۹۶۷- یکی از شرایط ذبح حیوان این است که با وسیله‌ای که از آهن است ذبح شود، با توجه به این که امروزه چاقوهای استیل در منازل رواج دارد و چاقوهای آهنی از مُید افتاده و مردم نیز با همین چاقوهای استیل حیوان را ذبح می‌کنند، حکم آن را بیان فرمایید؟
جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۹۶۸- کندن سر گنجشک چه حکمی دارد؟ آیا با این کار گنجشک حلال می‌شود؟
جواب: حرام است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۸

سؤال ۹۶۹- آیا ذبح با دستگاههای امروزی جایز است؟
جواب: اگر شرایط شرعی در آن جمع باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۷۰- ذبح گوسفند به وسیله چاقوهای استیل چه حکمی دارد و کلمه استیل به چه معنا می‌باشد؟

جواب: ذبح، با این گونه چاقوها مانعی ندارد بلکه ذبح با تمام فلزات تیز جایز است و استیل معمولاً به نوعی از فولاد گفته می‌شود.

سؤال ۹۷۱- اگر مرغ و خروس و گاو و گوسفند را با ماشین ذبح کنند آیا چنین ذبیحه‌ای حلال است یا آن که حرام و میتة و نجس می‌باشد و خرید و فروش و پولش هم حرام است؟

جواب: همان طور که در بالا آمد در صورتی که شرایط ذبح مراعات شود مانعی ندارد و چنین ذبیحه‌ای حلال است.

سؤال ۹۷۲- حکم ذبیحه‌ای که کاملاً طبق موازین شرعی ذبح شده لکن پس از ذبح، آن را در آب خیلی داغ فرو می‌برند به طوری که رگهای بسته یا نیم‌بند شده و در نتیجه خون متعارف بیرون نیامده است از لحاظ گوشت و رگهای خون دار داخل آن چیست؟
جواب: گوشت آن حلال است ولی احتیاط آن است که از خونهای داخل آن اجتناب شود.

سؤال ۹۷۳- آیا می‌توان به یک بار گفتن نام خدای متعال در وقت روشن کردن دستگاه ذبح برای جمیع ذبیحه‌ها اکتفا نمود؟ یا آن که برای هر کدام یا هر چندتایی که دستگاه فرصت می‌دهد یک بسم الله لازم است؟

جواب: اگر ماشین مرتباً کار می‌کند احتیاط آن است که مرتباً نام خدا را تکرار کنند، هر چند همراه یک بسم الله چندین حیوان ذبح شود.

سؤال ۹۷۴- آیا نام خدای متعال را باید همان شخص روشن کننده دستگاه و لو

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۷۹

این که نزدیک و مقابل ذبیحه نباشد و فقط مثلاً یا الله یا الله بگوید یا آن که اگر دیگری هم بگوید کافی است؟

جواب: باید همان شخصی که دستگاه را روشن می‌کند نام خدا را ببرد و گفتن یا الله نیز کافی است و حضور در محل ذبح لازم

نمی‌باشد.

سؤال ۹۷۵- اگر برای سرعت و سهولت و کند نشدن تیغهای چرخان دستگاه ذبح، براده و نرمه الماس را با چسب‌های مخصوص به لبه تیغ‌ها محکم بچسبانند بطوری که ذبح به وسیله الماس انجام شود نه با آهن یا فولاد، اگر چه آهن به فاصله تقریباً یک میلی‌متر عقب‌تر از الماس باشد، آیا ذبیحه از این جهت حلال است البته در صورت عدم اضطرار و داشتن فرصت و اختیار؟
جواب: اشکالی ندارد، حلال است.

سؤال ۹۷۶- آیا صرف پخش آیات قرآن و یادآوری ذکر خدا در هنگام ذبح حیوانات، کفایت می‌کند یا حتماً باید خود ذابح نام خدا را بگوید؟
جواب: احتیاط واجب آن است که ذابح بگوید.

سؤال ۹۷۷- خوابانیدن بعضی از گاو و گوساله‌هایی که در کشتارگاهها انجام می‌شود به علت بزرگی جثه و سنگینی وزن به طرف قبله ممکن نیست، در این صورت اگر به صورت ایستاده رو به قبله ذبح شود کافی است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۷۸- در کشتارگاههای مرغ معمولاً یکبار پنج هزار قطعه مرغ را با هم ذبح می‌کنند آیا گفتن یک بسم الله در اول کشتار کفایت می‌کند؟
جواب: احتیاط تکرار آن به طور عادی است.

سؤال ۹۷۹- گاهی از اوقات گاو را ایستاده ذبح می‌کنند، سپس گاو بر زمین می‌افتد و قبل از جان دادن، گاو را رو به قبله می‌کنند آیا این ذبح صحیح است؟
جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۰

شوک دادن به هنگام سر بردن حیوانات

سؤال ۹۸۰- اگر حیوانات را قبل از ذبح شوک برقی دهند به طوری که قبل یا بعد از ذبح هیچ حرکتی نکنند یا حرکت کمی بکنند، با فرض این که در هر صورت خونی از آنها نیاید یا بیاید، آیا اینها حلالند یا حرام و میته؟ و خرید و فروش و بهای آنها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حیوان بعد از شوک، زنده باشد و ذبح شرعی بشود حلال است و خوردن و خرید و فروش آن جایز است ولی از خونهای داخل آن پرهیز کنید.

سؤال ۹۸۱- اگر حیوان حلال گوشت را قبل از ذبح به وسیله آمپول و یا چیز دیگری سست نمایند به جهت این که کمتر احساس درد کند آیا این عمل جایز است؟

جواب: اگر حیوان بعد از شوک و سست شدن زنده بماند اشکالی ندارد، و هر کاری که سبب شود حیوان کمتر زجر ببیند مستحب است.

شکار با اسلحه

سؤال ۹۸۲- در چه صورت حیوانی که بر اثر شکار از بین می‌رود حلال است؟

جواب: در صورتی که وقت برای رسیدن و سر بردن کافی نباشد و گلوله بدن او را مجروح کرده، و خونی از آن آمده باشد،

حلال است. مشروط بر این که سایر شرایط مانند بردن نام خدا به هنگام شکار کردن و مسلمان بودن شکارکننده نیز در آن جمع باشد، و در صورتی که وقت برای سر بریدن دارد و در ذبح آن کوتاهی کند حرام است.

صید ماهی

سؤال ۹۸۳- اخیراً عده‌ای از صیادان نقل می‌کنند که ماهی را به وسیله برق صید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۱

می‌کنند ماهی صید شده در آب می‌میرد مرده آن را از آب بیرون می‌آورند، سؤال این است که این چنین ماهی از نظر حلیت و یا حرمت چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد، مگر این که بیرون از آب بمیرد.

سؤال ۹۸۴- متخصصین علم جانورشناسی می‌گویند: در دریاها جنوبی کشور نوعی خرچنگ دراز به نام شاه میگو و در آبهای شیرین مرداب انزلی و رودخانه‌های وابسته به آن و بعضی دیگر از آبهای شیرین داخلی نوعی خرچنگ دراز به نام خرچنگ آب شیرین زندگی می‌کند که شباهت ساختمانی بسیار زیادی با میگو دارد، از لحاظ ساختمان ظاهری «شاه میگو» و «خرچنگ آب شیرین» تفاوت فاحشی با خرچنگ معروف که دارای بدنی گرد و پهن است و در کنار دریا و یا رودخانه‌ها زندگی می‌کند دارد، آیا اینها حلال هستند یا حرام؟

جواب: حکم در اینجا تابع صدق موضوع در نظر عرف است، اگر به آن، خرچنگ (سرطان) گفته شود حرام است و اگر صدق رویان (میگو) بر آن کند حلال است، برای تشخیص این موضوع می‌توانید به صیادان مراجعه کنید.

سؤال ۹۸۵- چون در رساله‌های عملیه نامی از «صدف» و حکم آن دیده نشده و متخصصین فن نظر می‌دهند که گوشت داخل صدف از بهترین گوشتهاست و مصداق جدی لَحْمًا طَرِیًّا می‌باشد و دارای خواص بی‌شماری است، و بعضاً اطبا برای معالجه بعضی از امراض تجویز می‌کنند لطفاً حکم آن را در صورت اختیار و اضطرار و معالجه بیان فرمایید؟

جواب: تنها در صورت ضرورت بی‌اشکال است.

سؤال ۹۸۶- در مسأله اربیان (رویوان) که معروف به «میگو» است و به طور شایع صید می‌شود و مأكول است فرموده‌اند که: «فلس دارد» آیا همه اقسام میگو را شامل می‌شود؟ چون یک رقم میگو که معروف به شاه میگوست (و اسم خارجی آن لابستر است) که تمام مشخصات اربیان رایج در او دیده می‌شود جز آن که جثه او بزرگتر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۲

است، آیا اربیان خاصی حلیت دارد یا هر چه که اربیان و میگو نامیده شده با وحدت مشخصات، حلال است؟

جواب: فرقی میان انواع اربیان نیست ولی باید مانند اربیان معمولی فلس داشته باشد.

سؤال ۹۸۷- متخصصین فن نظر می‌دهند که کوسه‌ماهی هم مانند ماهیان دیگر دارای فلس و قشر (به نام فلس میخی یا دندانهای) است که با دست کشیدن روی پوست آنها محسوس است و از نوع ماهیهای غضروفی است، بنابراین حکم کوسه‌ماهی چیست؟

جواب: اگر در نظر عرف، فلس دارد حلال است و تفاوتی میان ماهیها نیست.

سؤال ۹۸۸- آن دسته از آبزیان که خوردن آنها حرام است و لو این که زنده از آب گرفته شده باشد آیا محکوم به حکم میت است که خرید و فروش آن حرام می‌باشد؟ (چون از آنها استفاده‌های دیگری مانند خوراک برای دام و طیور و بعضاً استفاده‌های صنعتی می‌شود).

جواب: خرید و فروش آنها برای منافع دیگر اشکالی ندارد.

سؤال ۹۸۹- در استان فراه افغانستان مردم بعد از صید ماهی، سر آن را جدا کرده و بدنش را می‌خورند، اخیراً متوجه شدیم که سرها بعد از جدا شدن زنده‌اند و دهان ماهیها باز و بسته می‌شود، آیا خوردن چنین ماهیهایی جایز است با اینکه هنوز سر آنها زنده است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۹۰- نظر به اینکه عده‌ای با استفاده از نارنجک و یا دیگر مواد منفجره اقدام به صید ماهی می‌نمایند به طوری که در اثر موج انفجار ایجاد شده، ماهیها روی سطح آب قرار می‌گیرند و سپس آنها را از روی آب جمع می‌کنند آیا چنین ماهیهایی حلال هستند؟
جواب: اگر ماهیها زنده یا نیمه جان از دریا گرفته شوند حلال هستند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۳

مسائل متفرقه

سؤال ۹۹۱- آیا به دلیل زیادی فوق‌العاده کشتار (مثلاً در هر روز یک صد یا چند هزار حیوان ذبح می‌شود) و مشکل بودن ذبح مباشرتی مسلمین و تسمیه و بالا رفتن مخارج آن، می‌توان به دلیل حلیت اضطراری اکل میته یا به دلیل دیگری، از احکام اصلیه اولیه الهیه صرف نظر نموده با مقداری مصرف کم یا زیاد آن برای هر کس حکم به حلیت و حتی طهارت آن نمود؟
جواب: بحمد الله ضرورتی از این نظر وجود ندارد و ذبیحه مسلمین به قدر کافی وجود دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۵

فصل سی و یکم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها

سؤال ۹۹۲- غذاهایی که از دست کفار گرفته می‌شود چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که احتمال بدھیم این غذاها به وسیله کارخانه‌ها یا ابزار و آلات یا دستکش تهیه شده، هیچ اشکالی ندارد، ولی هرگاه یقین داشته باشید با دست یا بدن آنها با رطوبت تماس پیدا کرده احتیاط آن است که در غیر موارد ضرورت اجتناب شود اما در موارد ضرورت مثل مسافرت‌هایی که به کشورهای غیر اسلامی می‌شود و پرهیز از این امور مشکل است، می‌توانید پرهیز نکنید.
سؤال ۹۹۳- خوردن گوشت خرگوش چگونه است؟
جواب: مطلقاً حرام است.

سؤال ۹۹۴- خوردن دنبان (بیضه حیوان) چگونه است؟
جواب: حرام است احتیاط واجب آن است که به کودکان هم خورانده نشود.

سؤال ۹۹۵- آیا استعمال سیگار در صورتی که اشخاص دیگری که در آن مجلس هستند راضی نباشند و موجب اذیت آنها شود یا برای آنها زیان داشته باشد جایز است؟ در حالی که بعضی از مجامع طبّی می‌گویند: ضرر سیگار برای کسی که در آن فضای دودآلود است سه برابر ضرری است که برای سیگاری دارد، لذا در بسیاری از مکانهای تجاری و ادارات دولتی سیگار کشیدن را ممنوع اعلام کرده‌اند، آیا جایز است با این اعلان «سیگار کشیدن ممنوع است» مخالفت کرد یا باید به آن پایبند بود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۶

جواب: اذیت کردن دیگران جایز نیست و سیگار کشیدن در صورتی که موجب ضرر به دیگران شود نیز جایز نیست و در ادارات دولتی یا خصوصی که سیگار کشیدن را ممنوع کرده‌اند این کار حرام است حتی اگر موجب اذیت هیچ کس نشود.
سؤال ۹۹۶- به نظر مبارک نگهداری مشروبات الکلی چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است و موجب تعزیر می‌باشد، مگر در مواردی که غرض مهمی باشد یا بخواهند آن را تبدیل به سرکه کنند.

سؤال ۹۹۷- آیا خرچنگ و لاک‌پشت دریایی حلال گوشت هستند؟

جواب: خرچنگ و لاک‌پشت حرام گوشت هستند ولی میگو اشکالی ندارد.

سؤال ۹۹۸- آیا کوسه ماهیها حلال گوشت می‌باشند؟

جواب: اگر به تصدیق اهل اطلاع دارای فلس باشند حلالند و الا حرام می‌باشند.

سؤال ۹۹۹- خوردن گوشت طاووسی که درباره‌اش حضرت علی (علیه السلام) یک خطبه طولانی انشا فرموده‌اند و در آن، طاووس

را به مرغ تشبیه کرده‌اند، چه حکمی دارد؟

جواب: طاووس چه سفید باشد چه سیاه، حرام گوشت است و شرح عجایب آن، دلیلی بر حلال گوشت بودن آن نیست همان‌گونه

که حضرت عجایب خفّاش را نیز بیان کرده است.

سؤال ۱۰۰۰- شخصی به خاطر جاهل بودن به مسأله چند سال قبل با حیوانی وطی می‌کند و الآن متوجه مسأله شده است و احتمال

می‌دهد که صاحب گوسفند، آن را فروخته و یا اینکه آن گوسفند احتمالاً تلف شده باشد، آیا بر این شخص واجب است که

گوسفندی را بکشد و بسوزاند و در صورتی که واجب باشد و به عللی این کار برای او امکان نداشته باشد اگر توبه کند می‌تواند از

شیر و گوشت گوسفندان استفاده کند و این شخص که کشتن و سوزاندن حیوان برایش (در صورت احتمال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۷

وجود آن گوسفند) ممکن نیست آیا عادل است؟

جواب: هرگاه یقین دارد که آن گوسفند از بین رفته است و یا به کسی فروخته شده که از دسترس بیرون است در حال حاضر

تکلیفی ندارد و باید جداً از کار خود توبه کند و به کلی از گذشته فاصله گیرد و هرگاه ملکه عدالت و خدا ترسی در او حاصل

گردد می‌تواند امام جماعت باشد و اگر احتمال می‌دهد هنوز آن گوسفند در میان آن گله وجود دارد باید قرعه کشی کند، به این

ترتیب که گوسفندان را به دو قسمت می‌کند و قرعه‌ای بر آنها می‌زند و باز آن قسمت را به دو قسمت می‌کند و مجدداً قرعه می‌زند

تا سرانجام یک گوسفند باقی بماند و آن را ذبح می‌کند و گوشت آن را می‌سوزاند و اگر مال او نیست آن را خریداری می‌کند،

مگر اینکه این کار مشکلات و محذورات مهمی داشته باشد.

سؤال ۱۰۰۱- سوسیس‌هایی که از کشورهای خارج وارد می‌شود چه حکمی دارد، آیا حرام است یا خیر؟

جواب: مواد غذایی که در آن از گوشتهای غیر ذبیحه اسلامی استفاده شده است حرام است.

سؤال ۱۰۰۲- آیا در مورد گوسفند موطوئه‌ای که داخل گوسفندان می‌باشد و معلوم نیست کدام آنهاست، جایز است که انسان به

این شکل قرعه بزند که مثلاً از یک تا صد روی گوسفندان شماره بچسباند و بعداً شماره‌های یک تا صد را داخل پلاستیکی بریزد

و یکی از شماره‌ها را بردارد و با آن شماره‌هایی که روی گوسفند چسبانده مطابقت کند و آن گوسفند را ذبح کند و گوشت آن را

بسوزاند.

جواب: آنچه در روایت وارد شده است آن است که گوسفندان را به دو قسمت تقسیم کند یک قسمت را با قرعه جدا کند و باز آن

را به دو قسمت تقسیم کند و به همین ترتیب عمل کند تا یک گوسفند باقی بماند ولی آن طرز قرعه‌ای که نوشته‌اید نیز مانعی ندارد

زیرا آنچه در روایت آمده بیان نوعی از قرعه است.

سؤال ۱۰۰۳- با گوسفندی چند سال پیش در حالی که هنوز بره نیاورده بود و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۸

آبستن هم نبود، وطی شده است، اگر الآن که چند سال می‌گذرد و بزّه‌هایی آورده ولی نه خود گوسفند و نه بزّه‌هایش معلوم است،

خود گوسفند موطوئه را با قرعه جدا و ذبح کند و گوشت آن را بسوزاند، آیا این نسلهایش که در بین گوسفندان است و معلوم

نیست کدام یک از گوسفندان نسل او هستند حلال می‌شوند؟ و دیگر اینکه اگر مثلاً آن گوسفند موطوئه سفید بوده، آیا این شخص باید بین همه گوسفندان قرعه بزند یا فقط بین گوسفندان سفید؟ و آیا بعد از چند سال قرعه شامل بزه و گوسفند یک‌ساله نیز می‌شود؟

جواب: بنابر احتیاط واجب، بچه‌های آن حیوان نیز حکم او را دارند و باید به همان ترتیب درباره آنها قرعه زد و عمل کرد. سؤال ۱۰۰۴- اگر شخص واطی به خاطر مسائلی مانند فقر، ترس از آبروریزی یا عدم توانایی بر قرعه به خاطر تعداد زیاد گوسفندان، نتواند قرعه بزند، آیا راه دیگری وجود دارد و دیگر اینکه اگر این شخص این کار را نکند و در بقیه اعمالش مراقبت کند، آیا عادل است؟

جواب: غیر از قرعه‌کشی راه دیگری ندارد و باید به وظیفه‌اش عمل کند در غیر این صورت عادل نیست مگر اینکه مفسده مهمی از آن ناشی شود.

سؤال ۱۰۰۵- زید چندین سال قبل با حیوان عمرو، عمل نامشروع انجام داده است و صاحب حیوان آن را فروخته و قیمت آن را گرفته و مصرف کرده و معلوم نیست حیوان کجاست، مرده است یا زنده، اکنون با گذشت زمان، متوجه شده و در مقام توبه بر آمده و سؤال می‌کند:

الف) قیمت آن حیوان را به صاحب یا ورثه آن ضامن است یا خیر؟

ب) آیا بالغ و مکلف بودن و نبودن زید و انزال شدن و نشدن منی در حکم فرق می‌کند یا خیر؟

ج) در صورت شک در بلوغ و عدم بلوغ وظیفه چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۸۹

د) در صورت ضمان، مأكول اللحم بودن مرسوم حیوان مثل گوسفند و بز و غیره یا مأكول اللحم مرسومی نبودن آن مثل اسب و الاغ و غیره در حکم فرق می‌کند یا خیر؟

ه- در صورت وجوب ادای قیمت، آیا لازم است به طرف عنوان وجه را اظهار کند چون ممکن است اظهار کردن باعث مفسده و یا شرمندگی و خجالت باشد؟

جواب: الف) ضامن است و باید قیمت آن را بپردازد.

ب) اگر بالغ و مکلف نباشد این حکم در مورد او جاری نمی‌شود.

ج) در صورت شک در بلوغ حکم به عدم بلوغ می‌کند.

د) در هر دو صورت باید قیمت آن را به صاحبش بدهد ولی در صورت دوم اگر حیوان پیدا شود آن را به شهر دیگری ببرند و بفروشند پول آن متعلق به فاعل است.

ه- اعلام کردن لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۱

فصل سی و دوم: احکام نذر

سؤال ۱۰۰۶- بعضی افراد برای اماکن مشکوکی نذر می‌کنند (مانند قدمگاه‌های منسوب به امیر مؤمنان (علیه السلام) سپس آن را در خیرات در آن محل مصرف می‌کنند آیا این کار جایز است؟

جواب: مصارف مذکور اشکالی ندارد ولی مردم باید توجه داشته باشند که این نذورات را به عنوان ابراز ارادت به پیشگاه مولا امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بدهند و این که آن مکان منسوب به اوست، نه اینکه آن محل قطعاً قدمگاه آن حضرت است و اگر

اینگونه کارها سبب شود محلّ مشکوکی در نظر مردم اعتبار پیدا کند مشکل است.

سؤال ۱۰۰۷- شخصی نذر کرده است و مقدار نذر را می‌داند ولی در مورد محل و مکان مصرف نذر مردّد بین یکی از سه مکان است مثلاً- حرم حضرت رضا (علیه السلام) یا حضرت معصومه (علیها السلام) یا حضرت عبد العظیم (علیه السلام) تکلیف این شخص چیست؟

جواب: اگر مبلغ نذر جزئی است احتیاط آن است که در هر یک از سه مورد، آن مقدار را مصرف کند و اگر مبلغ و مقدار قابل توجهی است می‌تواند قرعه بزند و مطابق آن عمل کند.

سؤال ۱۰۰۸- پدر و مادری نذر می‌کنند که اگر خدا به آنان فرزند پسر بدهد روز عاشورا بر سر او تیغ بزنند، آیا با توجه به اینکه انجام اینگونه اعمال باعث وهن شیعه و عزاداری سید الشهداء (علیه السلام) و موجب سوء استفاده دشمنان اسلام می‌گردد عمل به این نذر واجب است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۲

جواب: این نذر صحیح نیست چون در نذر رجحان عمل شرط است و این عمل با توجه به اینکه بهانه‌ای به دست دشمنان اسلام برای زیر سؤال بردن کلّ مسائل سوگواری خامس آل عبا (علیه السلام) که از افضل قربات است می‌دهد، خالی از اشکال نیست و بر فرض رجحان این عمل، نذر درباره دیگری کردن صحیح نیست.

سؤال ۱۰۰۹- همه‌ساله در روز تاسوعا و عاشورا، مردم محلّ گوسفندهایی را به عنوان نذر در جلوی هیأت سینه‌زنی و علمهایی که به نام حضرت أبو الفضل (علیه السلام) برپا می‌گردد ذبح می‌کنند و وجه آن توسط هیأت امنای حسینیّه در مرمت و گسترش آن مکان مقدّس خرج می‌شود آیا پول این گوسفندهای قربانی را می‌شود در مسجدی که به نام حضرت أبو الفضل (علیه السلام) در کنار جاده جهت عبادت و رفاه حال مسافران و رهگذران در حال احداث است خرج کرد، در صورتی که خود آن حسینیّه نیز احتیاج مبرم به بازسازی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که این گوسفندان را صرف اطعام عزاداران نمایند مگر این که از قراین معلوم شود که نذر کنندگان هدف دیگری داشته‌اند.

سؤال ۱۰۱۰- شخصی نذر کرده که سالی ده روز روزه بگیرد ولی حالا به علّت پیری توان آن را ندارد، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: نذر او نسبت به این سنین صحیح نیست.

سؤال ۱۰۱۱- در شهر زنجان مسجدی است به نام زینبیه که در ایام عزاداری امام حسین (علیه السلام) در مقابل دسته‌های عزاداری این مسجد گاو و گوسفند زیادی قربانی می‌شود و قسمتی از این گوشتها صرف اطعام و قسمتی بین مردم تقسیم می‌شود و اضافه آن را جهت توسعه بنای مسجد و احداث درمانگاه یا مانند آن زیر نظر هیأت امنای به فروش می‌رسانند، آیا این عمل جایز است؟
جواب: هرگاه مردم از این جریان قبلاً با خبر باشند و با رضایت به این امور

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۳

قربانی کنند اشکالی ندارد و اگر با خبر نیستند باید گوشتها را صرف در مصارف عزاداری کنند.

سؤال ۱۰۱۲- گوسفندی که نذر امامزاده شده است چگونه باید مصرف شود؟ آیا خود نذرکننده می‌تواند استفاده کند؟

جواب: گوسفندی را که نذر امامزاده کرده، باید گوشت آن را به زوّار و فقرای آن محل بدهد و چنانچه خودش نیز جزء زوّار باشد می‌تواند سهمی از آن ببرد.

سؤال ۱۰۱۳- شخصی چندین سال قبل نذر کرده که اگر حاجت او برآورده شود یک مقدار از درآمد حَمّام عمومی‌اش را وقف امیر المؤمنین علیه السلام کند که شبهای ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ ماه مبارک رمضان افطاری دهد. چندین سال این سه شب را افطاری می‌داده

است در حالی که این غذا به مستحقین واقعی نمی‌رسید و در ضمن شخص مزبور نمی‌داند که بر این نذر خود صیغه خوانده است یا زبانی گفته است، با توجه به این مقدمه، آیا اجازه می‌فرمایید که این پول در کارهای عام المنفعه خرج شود، مثلاً در راه ازدواج پسران و دختران بی‌بضاعت و یا این که کل پول به کمیته امداد تحویل شود، مقدار پول حدوداً صد هزار تومان می‌باشد خواهشمندم ما را راهنمایی فرمایید.

جواب: چنانچه صیغه نذر را، هر چند به زبان فارسی خوانده باشد، تغییر دادن آن جایز نیست و اگر نخوانده است تغییر مانعی ندارد. سؤال ۱۰۱۴- آیا نذر حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت ابو الفضل العباس و حضرت سید الشهداء و دیگر ائمه اهل بیت (علیهم السلام) جایز است؟

جواب: نذر برای خدا جهت این بزرگواران جایز و مشروع است.

سؤال ۱۰۱۵- آیا نذر کردن با کتابت منعقد می‌شود؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۰۱۶- اگر کسی نذر کند که اگر مشککش برطرف شد هر روز سه جزء قرآن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۴

بخواند ولی اکنون با توجه به شغلش عمل به این نذر مقدور نیست، وظیفه او چیست؟

جواب: به مقداری که توانایی دارد بخواند.

سؤال ۱۰۱۷- شخصی نذر کرده که به مدت یک سال هر روز بر سر مزار پدرش رفته و یک جزء قرآن تلاوت نماید، ولی اکنون به خاطر سرمای زمستان یا گرمای بیش از حد، قدرت این کار را ندارد، آیا می‌تواند این کار را در منزل انجام دهد و یا در تابستان به هنگام شب بر سر مزار برود و بخواند؟

جواب: به مقداری که می‌تواند و قدرت دارد به نذر خود عمل کند.

سؤال ۱۰۱۸- کسی که نذر نموده است که در صورت مشرف شدن به بیت الله الحرام یک ختم قرآن در زیر ناودان طلا بجا آورد

ولی بعد از تشرف به جهت تعمیرات، قرائت در آن مکان ممکن نشود، وظیفه او چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در جای دیگری از مسجد الحرام به جا آورد که به آن نزدیک باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۵

فصل سی و سوم: احکام وقف

سؤال ۱۰۱۹- با عنایت به جایگاه مهم مراکز آموزش عالی و پژوهشی در دنیای امروز در راستای ایفای رسالت تعلیم و تربیت و با توجه به نیاز مبرم این مراکز به کمکهای مردمی و نظر به اهمیت سنت حسنه وقف استدعا دارد نظر شریف را نسبت به وقف، برای بهره‌مندی این مراکز مرقوم فرمایید.

جواب: وقف یکی از سنتهای مهم اسلامی است که از زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وجود داشته و در اعصار ائمه معصومین (علیهم السلام) مورد توجه بوده و تأکیدهای فراوانی نسبت به آن در روایات اسلامی آمده است و در طول تاریخ کارهای مهمی به وسیله موقوفات انجام شده و بسیاری از مراکز علمی، درمانی و مدارس دینی و کارهای خیر اجتماعی از این طریق انجام گرفته است و مسلمانان جهان از برکات موقوفات، بهره فراوان گرفته و می‌گیرند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می‌خوانیم: کسی از حضرتش پرسید چه چیز بعد از مرگ انسان ممکن است به او برسد؟ فرمود: سنت نیکویی در میان مردم بگذارد هر کسی که به آن عمل کند اجر و پاداشش برای او خواهد بود بی‌آن که از اجر و پاداش عمل کنندگان به آن سنت کاسته شود، دیگر این

که صدقه جاریه (موقوفه) ای از خودش به یادگار بگذارد که آثار و برکاتش ادامه داشته باشد و این صدقات جاریه، مایه نجات او در عالم دیگر خواهد بود. درست است که سوء استفاده بعضی از افراد ناآگاه و بی‌ایمان از موقوفات چهره آن را در نظر بعضی دیگرگون ساخته، ولی ما نباید اجازه بدهیم که استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۶

این سنت بزرگ و پربرکت اسلامی که در طول تاریخ هزاران هزار فایده و نتیجه مهم داشته است به خاطر سوء استفاده بعضی از ناهالان به دست فراموشی سپرده شود، بلکه باید جلوی سوء استفاده‌ها را گرفت و این امر کاملاً ممکن است، عمران و آبادی بسیاری از مساجد، مدارس، مراکز علمی و مخصوصاً حریمهای مقدسه ائمه اطهار (علیهم السلام) از برکت همین موقوفات است. امروز باید به این سنت حسنه اسلامی اهمیت بیشتر داد مخصوصاً برای مراکز علمی و فرهنگی از آن استفاده کرد و به یقین هر دانشمندی از چنین مراکزی برخیزد و هر خدمتی انجام دهد، بانیان موقوفه‌های مربوط به آن در این جهان و جهان دیگر از آن بهره‌مند خواهند شد، خداوند همه را به احیای سنت‌های راستین اسلامی موفق دارد.

سؤال ۱۰۲۰- شخصی، قطعه زمین موقوفه‌ای را از متولی اجاره می‌کند، بعد از اجاره، قسمتی از زمینهای موات حریم آن را نیز احیا می‌کند. آیا متولی می‌تواند زمین مزبور را که مستأجر احیا کرده است جزء وقف محسوب دارد یا مستأجر مالک آن می‌شود؟
جواب: چنانچه حریم شرعی بوده مستأجر حق احیا نداشته و مالک نمی‌شود و مادام که مدت اجاره زمین تمام نشده مستأجر حق استفاده از آن را دارد و باید اجاره آن را بدهد و متولی نمی‌تواند از او بگیرد ولی بعد از اتمام مدت اجاره، حقی برای مستأجر باقی نیست.

سؤال ۱۰۲۱- وقف از چه راههایی ثابت می‌شود؟

جواب: اثبات وقف بودن یا از طریق علم و شهرت در محل است و یا بینه شرعیه (دو شاهد عادل) و تنها با ادعا و حتی وقف‌نامه‌های مشکوک چیزی ثابت نمی‌شود، مگر آن که وقف‌نامه مورد اعتماد باشد.

سؤال ۱۰۲۲- آیا نوع تصرف آب و زمین موقوفه‌ای که در دست شخصی است، تصرف خاص و معینی است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۷

جواب: چنانچه آب و زمین موقوفه را اجاره کرده و شرط خاصی نگذارده، هر نوع مایل باشد می‌تواند از آن استفاده کند.

سؤال ۱۰۲۳- از چه راههایی وقف بودن موقوفه ثابت می‌شود و آیا ادعای اختلال فکری واقف، مسموع است و آیا صیغه وقف باید به عربی خوانده شود؟

جواب: چنانچه شهود بر وقف شهادت دهند و یا شیاع وقف در محل باشد، حکم وقف بر آن جاری خواهد بود و در وقف، صیغه عربی شرط نیست بلکه به هر زبانی جایز است حتی اگر صیغه نخواند اما به موقوف علیهم تحویل دهد باز کفایت می‌کند و ادعای اختلال فکری بدون دلیل و شاهد پذیرفته نیست.

سؤال ۱۰۲۴- در آمد موقوفه‌ها در چه راهی باید مصرف شود و تغییر مصرف آن در چه صورتی جایز است؟

جواب: طبق اصل مسلم و روایت معروف «الوقوف علی حسب ما یوقفها اهلها» باید در آمد موقوفه را طبق همان چیزی که در وقف‌نامه تصریح شده به کار گیرند، مگر آن که در یک یا چند بند قابل عمل نباشد مثلاً ظرف مسی در عصر و زمان ما تبدیل به ظروف دیگر می‌شود.

سؤال ۱۰۲۵- شخصی مقداری از اموال خود را وقف خاص کرده، یعنی برای فرزندان خود، آیا وقف صحیح است؟
جواب: در صورتی که شرایط دیگر وقف فراهم باشد صحیح است.

سؤال ۱۰۲۶- فروختن زمین زراعتی موقوفه در چه صورتی جایز است؟

جواب: فروختن عین موقوفه جایز نیست و اگر قابل زراعت نباشد و به درد ساختمان بخورد می‌توان آن را برای ساختمان اجاره داد، مگر آن که به هیچ وجه نتوان از آن استفاده نمود و چاره‌ای جز فروش و تبدیل به احسن نباشد.

سؤال ۱۰۲۷- در اثبات سیادت و وقف، شیاع مفید اطمینان را کافی می‌دانید؟
جواب: کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۸

سؤال ۱۰۲۸- اگر کسی در مورد وقفی که حدود پانصد سال پیش وقف شده و عمل شده، اکنون شک نماید که آیا واقف حق وقف کردن را داشته یا نه، آیا اینگونه شک را محکوم به فساد می‌دانید یا صحت؟
جواب: این شک اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۲۹- آیا منظور واقف در عبارت ذیل «ارشد سنی» است یا «ارشد علمی»؟

«تولیت آن را رجوع فرموده اول این که با خودم مادام حیا و بعد از آن به سید غیاث الله که اسنّ ارشد اولاد حضرت واقف است و بعد از آن به اسنّ ارشد ذکور اولاد واقف و بعد از آن به اسنّ ارشد ذکور اولاد اولاد نسل بعد نسل و عقباً بعد عقب و اگر در طبقه عالی رشید نباشد در هر طبقه از نسل او که رشید باشد تولیت از آن او باشد».

جواب: منظور از ارشد، ارشد بر حسب سن است، مشروط بر اینکه هوش و عقل کافی برای تولیت وقف داشته باشد و اگر ارشد بر حسب سن، رشد فکری کافی برای اداره وقف ندارد به فرد دیگری می‌رسد که واجد این شرط باشد.

سؤال ۱۰۳۰- خانه‌ای توسط شخص خیری در زمینی که ملک مسجد است احداث شده است. خانه مذکور وقف شرعی گردیده مقتضیاً به اینکه امام جماعت همان مسجد در آن سکونت نماید آیا شارع مقدّس اسلام اجازه می‌دهد دیگری در آن خانه سکنا گیرند و در صورت عدم سکونت امام راتب مسجد آیا شرعاً اجاره دادن آن جایز است؟

جواب: تا ممکن است باید امام مسجد از آن استفاده کند و اگر ممکن نشد اجاره دهند و مال الاجاره آن برای امام مسجد استفاده شود و اگر امام مسجد نیاز ندارد در سایر حوایج مسجد مصرف گردد.

سؤال ۱۰۳۱- دو مسجد کنار هم ساخته شده است و وسط آنها حیاطی است که مربوط به هیچ کدام نیست، آیا می‌شود در وسایل مربوط به دو مسجد تداخل کرد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۲۹۹

مثلاً فرش یک مسجد را به مسجد دیگر منتقل کرد یا نه؟

جواب: جایز نیست مگر اینکه ثابت شود وقف آنها عام است.

سؤال ۱۰۳۲- اشیایی مانند ظروف قدیمی که فعلاً استعمال آن معمول نیست وقف مسجد شده است، آیا می‌توان اینگونه ظروف را به جهت اینکه فعلاً استعمال آن مرسوم نیست فروخت و با پول آن مشابه آن ظروف یا اشیای دیگری جهت مسجد خریداری کرد؟
جواب: اگر فعلاً قابل استفاده نیست، می‌توان آن را تبدیل به ظروف مشابه کرد و اگر مسجد به ظروف نیاز ندارد در سایر حوایج مسجد مصرف گردد.

سؤال ۱۰۳۳- فرشهایی جهت مسجد خریداری یا وقف شده و فعلاً قابل استفاده هست ولی چون این فرشها با هم هماهنگ نیست و هر کدام وضع خاصی دارد، آیا می‌توان اینگونه فرشها را فروخت و به جای آنها فرشهای هماهنگ و یکنواخت و زیباتر خریداری کرد؟

جواب: فرشهای وقف را نمی‌توان فروخت، مگر اینکه قابل استفاده نباشد.

سؤال ۱۰۳۴- گاهی، فرش یا اشیای دیگری وقف مسجد شده و از همان زمان وقف یا بعد از آن به مرحله‌ای رسیده که طبق نظر

عرف یا متخصصین فن، استفاده از آن جایز نیست و بایستی فروخته شود و الاً به مرور زمان از ارزش آن کاسته خواهد شد، در مورد اینگونه فرشها یا اشیای دیگر آیا جایز است فروخته شود و به جای آن فرشها یا اشیای دیگری جهت مسجد خریداری کرد؟
جواب: اگر فعلاً قابل استفاده نیست یا موجب از بین رفتن آنها می‌شود، می‌توان آن را تبدیل به مشابه کرد.
سؤال ۱۰۳۵- اشیایی که به مسجد داده می‌شود ممکن است گاهی با عنوان وقف و گاهی با عنوان تملیک باشد، آیا احکام شرعی این دو عنوان مختلف است؟

جواب: آری مختلف است. آنجا که تملیک است کار آسان‌تر می‌باشد و طبق استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۰

مصلح مسجد می‌توان آن را عوض کرد، ولی وقف تا در آستانه سقوط از انتفاع قرار نگیرد، تبدیل آن جایز نیست.
سؤال ۱۰۳۶- چیزهایی که قبلاً به مسجد داده شده به فرض این که احکام وقف و تملیک فرق کند اگر ندانیم که وقف مسجد شده یا تملیک، حکم کدام یک بر آن بار می‌شود؟
جواب: احتیاط واجب این است که با آن معامله وقف کنیم.

سؤال ۱۰۳۷- برای این که معلوم شود وقف یا تملیک شده، آیا باید در هر مورد کلمه یا جمله خاصی را بر زبان بیاورند یا فقط صرف نیت اهداکننده کافی است؟
جواب: نیت کافی است و با عمل جنبه معاطاتی پیدا می‌کند.

سؤال ۱۰۳۸- اگر اشیایی مانند فرش با پول اشخاص مختلف مشترکاً خریداری شده و نیت بعضی از افراد که پول داده‌اند وقف بوده و نیت بعض دیگر تملیک، در اینگونه موارد اینگونه اشیا موقوفه حساب می‌شوند یا خیر؟
جواب: هر کدام حکم خود را دارد و اگر قابل تفکیک نیست طبعاً باید با آن معامله وقف شود.
سؤال ۱۰۳۹- اگر واقف یا تملیک کننده از یک مرجع و مجریان کارهای مسجد (هیأت امناء) هر کدام از مرجع دیگری تقلید می‌کنند چنانچه این دو مرجع در مسائل فوق با هم اختلاف نظر داشته باشند کدام نظر باید عمل شود؟
جواب: نظر مرجع متولی و مجری کارهای مسجد شرط است.

سؤال ۱۰۴۰- در مواردی که شرعاً مجاز به فروش اشیای وقف شده یا تملیک شده هستیم، آیا می‌توانیم با پول آن چیز دیگری که مورد احتیاج مسجد است خریداری کنیم یا بایستی صرف خرید همان شیء و مشابه آن بشود؟
جواب: خرید مشابه در صورت نیاز مقدم است.

سؤال ۱۰۴۱- در مورد بالا اگر بایستی حتماً فرش خریداری گردد، اگر مثلاً به جای استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۱

فرش دستباف، فرش ماشینی یا موکت خریداری شود، آیا اشکال شرعی ندارد؟
جواب: آنچه اصلح است انتخاب کنید.

سؤال ۱۰۴۲- اشیایی که می‌خواهند به مسجد بدهند (وقف یا تملیک کنند) در صورتی که قدیمی باشد یا مناسب نباشد و استعمال آن فعلاً معمول نیست یا مستهلک شده باشد، آیا می‌توان اینگونه اشیا را قبول نمود و رد کرد؟
جواب: قبول هدایا برای مسجد واجب نیست، ولی اگر وقف یا تملیک شده باشد باید پذیرفت و مطابق وظیفه رفتار کرد.

سؤال ۱۰۴۳- استفاده از اموال حسینیّه یا مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: در غیر احتیاجات همان مسجد یا حسینیّه جایز نیست مگر این که واقف آنها تصریح به عمومیت استفاده از آنها کرده باشد.
سؤال ۱۰۴۴- دو موقوفه است از دو واقف: موقوفه اولی با هزینه کم و در آمد بسیار که فرضاً هشتاد درصد از در آمد آن اضافه

می‌آید و دومی در آمد کم و هزینه زیاد دارد، آیا اداره اوقاف محل یا متولی که هر دو موقوفه زیر نظر آنها اداره می‌شود مجازند که از مازاد در آمد اولی برای موقوفه دومی با رعایت سایر موازین شرعی صرف نمایند یا خیر؟
جواب: هر گاه مصارف موقوفه اول عمومیت دارد که شامل موقوفه دوم هم می‌شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۴۵- آیا می‌توان با توجه به شرایط روز و در جهت مصالح دولت و امت اسلامی و با ملحوظ داشتن نیت اصلی واقف در جهت هماهنگی با سایر برنامه‌های مدون و جاری دولت اسلامی در کاربرد نظرات واقف تغییراتی به عمل آورد؟
جواب: در صورت امکان باید طبق وقف‌نامه عمل شود و اگر امکان ندارد به آنچه نزدیک‌تر به محتوای وقف‌نامه و نیت واقف است عمل شود.

سؤال ۱۰۴۶- آیا می‌شود در نحوه پیاده کردن و شیوه کاربرد نظر واقف، تغییراتی به عمل آورد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۲

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۰۴۷- موقوفات بسیاری در سطح کشور وجود دارد که یا شناسایی نشده و یا به مرور زمان از بین رفته است که هر دو گروه موقوفات مزبور در صورت شناسایی و احیا، درآمدهای فوق‌العاده‌ای برای میهن اسلامی ایجاد خواهند نمود، در این صورت آیا می‌توان با تغییرات جزئی در نحوه استفاده از درآمدهای موقوفات موجود، برای شناسایی موقوفات مزبور (ناشناخته) اقدامی به عمل آورد؟

جواب: از موقوفاتی که مصرف عام دارد می‌توان استفاده کرد.

سؤال ۱۰۴۸- در جهت توسعه سنت حسنه وقف لازم است مبالغی صرف هزینه‌های پرسنلی و اداری کارکنان شود، که طبعاً در هیچ‌یک از وقف‌نامه‌ها به این موارد اشاره‌ای نشده است، آیا می‌توان با تغییراتی در نحوه کاربرد درآمدهای حاصل از موقوفات به ویژه موقوفات متصرفی که اوقاف متولی آن است مبالغی صرف هزینه‌های مزبور نمود؟

جواب: نظر به اینکه اینگونه کارها اگر با دقت و احتیاط انجام شود جزء کارهای خیر محسوب می‌گردد می‌توان از اوقافی که مصرف آن عام است استفاده کرد مشروط بر اینکه مسئولان اوقاف به وظیفه خود دقیقاً عمل کنند.

سؤال ۱۰۴۹- هیأت امنای مسجدی قصد دارند فاضلاب توالی عمومی مسجد را به وسیله لوله‌کشی از قبرستان متروکه‌ای که حدود سی و پنج سال در آن مرده‌ای دفن نکرده‌اند و ظاهراً آثار و شواهدی در آنجا دلالت بر قبرستان بودن نمی‌کند عبور دهند بدون اینکه نجاست تماسی با خاک قبرستان داشته باشد، آیا این کار جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست مگر اینکه آثار قبرستان به کلی از بین برود و زمین هم موقوفه نباشد.

سؤال ۱۰۵۰- چند نفر خیر در سال ۱۳۴۹ «هـ. ش» زمینی را با سند مالکیت و ادعای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۳

مالک مبنی بر عدم وقف بودن، جهت احداث مسجد خریداری نموده‌اند که امروز به صورت مسجد حضرت أبو الفضل (علیه السلام) ساخته و مورد استفاده قرار گرفته است، ولی در بین مردم معروف است که زمین این مسجد وقف می‌باشد، با توجه به مسائل شرعی وقف، هیأت امنای مسجد اقدام به تحقیق این مسأله نمودند، نتیجه تحقیق بدین صورت به اطلاع آن مقام معظم می‌رسد: به طور مسلم زمین مسجد دارای واقفی به نام حاج محمد علی می‌باشد ولی نوع وقف مشخص نیست بنا به اظهار عده‌ای وقف حاج محمد علی، وقف اولاد می‌باشد و عده‌ای در نوع این وقف تردید دارند و احتمال می‌رود وقف شاه نجف باشد (لکن به احتمال قوی وقف حاج محمد علی وقف اولاد می‌باشد) خواهشمند است تکلیف اهالی محل را نسبت به ادامه فعالیت‌های مذهبی در مسجد مذکور بیان فرمایید.

جواب: اگر تحقیق کرده‌اید و مصرف وقف روشن نشده، باید مال الاجاره مناسبی برای آن زمین در نظر بگیرید، نصف آن را در مصارف مربوط به مجالس مولا امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و نصف دیگر را به موقوف علیهم برسانید مگر اینکه آنها رضایت دهند که به خاطر مسجد از مال الاجاره صرف نظر کنند و صغیری هم در میان آنها نباشد.

سؤال ۱۰۵۱- شخصی می‌خواهد مقداری از املاک خود را وقف حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام) کند که تا حیات دارد درآمد آن ملک، مال خودش باشد و بعد از حیاتش مال امام (علیه السلام) باشد، آیا چنین وقفی شرعاً صحیح است؟
جواب: صحیح است ان شاء الله.

سؤال ۱۰۵۲- شخصی است که در دار الزحمة شیراز مدفون گردیده است و چون در راه سیر و سلوک گام برداشته- چه در زمان حیات و چه بعد از مرگ- طرفدارانی دارد و اخیراً علاقه‌مندان وی به خاطر علاقه‌مندی وی به خواجه شیراز بارگاهی به شکل بارگاه حافظ ساخته و بر روی قبر او نصب کرده‌اند که محلّ زیارت پیروان او
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۴

شده است. چون عده زیادی نسبت به این کار حساس شده و اعتراض نموده‌اند و از این دفتر خواسته‌اند که آن را برداریم لذا تقاضا می‌کنیم نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: تصرف در قبرستان عمومی که وقف عام است به این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۰۵۳- زمینی وقف است و از نظر زراعت باید از آن زمین خاک برداشته شود تا زراعت خوب شود آیا این کار جایز است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۵۴- یکی از علمای بحرین پنجاه سال قبل جایی را برای عزاداری وقف کرده است که از درآمد آن عزاداری کنند و در زمان حیات، خود متولّی وقف بود و بعد از وفات او اداره اوقاف بحرین عده‌ای را به عنوان متولّی تعیین کرده است که اینها مدعی هستند از طرف فقها هم مأذونند در حالی که معروف است که اینها آدمهای موثقی نیستند، با توجه به این مقدمه به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا این اوقاف بر وقفیت خود باقی هستند و باید زیر نظر حاکم شرع باشند یا تبدیل به مجهول المالک می‌شوند چون که متولّی فعلی آنها غیر شرعی هستند؟

جواب: وقف با این مسائل از بین نمی‌رود بلکه باید از حاکم شرع اجازه گرفته شود.

ب) در صورتی که بر حال وقف باقی بماند آیا جایز است این درآمدها را در غیر مورد وقف مثل تجدید بنای محلّ عزاداری یا ساختن محلّی وابسته به محلّ عزاداری جهت کسب درآمد از آن، صرف کرد؟

جواب: موقوفه باید بر طبق آنچه که وقف شده است، مصرف شود همان طوری که این دستور در روایات وارد شده است و مخالفت با مصرف وقف جایز نیست مگر اینکه امکان مصرف در آن مورد نباشد که در این صورت در موارد دیگری که نزدیک‌تر به آن مصرف است صرف شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۵

سؤال ۱۰۵۵- خانه موقوفه‌ای موجود است که از درآمد املاک رحیم آباد خورمیز (مهریز) می‌باشد و هر ساله مراسم روضه‌خوانی در آن برپا می‌شود ولی متأسفانه وقف‌نامه‌ای که حاکی از چگونگی وقف بودن این خانه باشد در دست نیست که بتوانیم طبق آن به ثبت برسانیم، به طوری که از بزرگترهایمان شنیده‌ایم بعضی وقف ثلث و بعضی هم وقف اولاد، ذکر می‌کنند، حال این جانب که تولّیت شرعی آن را به عهده دارم برای به ثبت رسانیدن آن دچار اشکال شده‌ام که به چه نحوی آن را به ثبت برسانم که مسئولیت شرعی برایم نداشته باشد، وظیفه‌ام چیست؟

جواب: باید درآمد آن وقف را در میان دو یا سه مصرفی که محتمل است به طور مساوی تقسیم کنید.

سؤال ۱۰۵۶- برخی از متصرفین موقوفات، افرادی بی بضاعت و فقیر عیالوار و بعضاً از خانواده محترم شهدا و ایثارگران هستند، آیا اجازه می‌فرمایید اداره اوقاف در این رابطه در غیر جهت نظر واقف در مال الاجاره موقوفه تخفیفی قائل شود؟
جواب: فقط در دو صورت جایز است: الف) در صورتی که مستأجرهای مذکور، مصرف آن موقوفه بوده باشند.

ب) در صورتی که از موقوفات دیگر که قابل انطباق با آنهاست برداشته شود و در مصارف وقف مذکور صرف شود.
سؤال ۱۰۵۷- زمینی وقف بر اولاد ذکور است، آیا موقوف علیهم می‌توانند آن زمین موقوفه را با زمین دیگری که ملکی است معاوضه نمایند چون که این زمین نافع‌تر و امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای موقوف علیهم بیشتر است؟
جواب: در فرض بالا تبدیل جایز نیست و اگر معامله کنند معامله باطل خواهد بود مگر در مواردی که موقوفه از انتفاع ساقط شود و به درد موقوف علیهم نخورد و یا مایه اختلاف و نزاع شدید گردد و ناچار شویم برای رفع اختلاف آن را تبدیل یا تقسیم کنیم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۶

سؤال ۱۰۵۸- در قسمت شرقی مسجدی جوی آب و ممرّ قنات کشاورزی می‌باشد و در ایام گذشته آسیاب آبی بوده که محلّ آرد کردن گندم اهالی بوده است که نصف درآمد آسیاب وقف می‌باشد و به عناوین مختلف مصرف می‌شده، در اثر تکنولوژی و صنعت جدید، آسیاب و تنوره (مخزن آب) آن مخروبه و پر شده و تنها به صورت زمین در آمده که جزء راه عبوری مردم می‌باشد و در آینده در طرح بهسازی روستا قرار دارد و جزء خیابان می‌شود و به علت نم دادن و رطوبت به ساختمان مسجد و خانه‌های مجاور و همچنین پستی و بلندی کف مسجد با جوی آب، تغییر مسیر و ممرّ آب در ۴-۵ متری مسیر قبلی لازم است، آیا این کار را تجویز می‌فرمایید؟

جواب: چنانچه آسیاب به کلی مخروبه شده و جوی آب فعلی باعث ضرر و زیان به اطراف می‌شود تغییر مسیر آن جایز است.
سؤال ۱۰۵۹- چنانچه شخصی به علت نافرمانی فرزندان، زمین خانه مسکونی خویش را بدون اجرای صیغه و رضایت قلبی وقف نموده باشد تا ایشان را از ارث محروم نماید سپس محضری نموده و تولیت آن را مادام‌العمر به خود اختصاص داده و بعد از مدتی پشیمان گشته است و به مدت ده سال عمل به مقتضای وقف هم نکرده است و اکنون فوت نموده است، وراثت هم احتیاج مبرمی به این ملک دارند، آیا چنین وقفی صحیح است؟

جواب: وقف مزبور ظاهراً صحیح است و باید به آن عمل شود و پشیمانی مزبور فایده‌ای ندارد.

سؤال ۱۰۶۰- زمینی را برای ساخت حسینیّه اهدا نمودند ولی به جهت وجود حسینیّه در آن محل نیاز به ساخت حسینیّه نیست آیا می‌شود در آن زمین دار القرآن احداث کرد؟
جواب: با اجازه اهدا کنندگان جایز است.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۳۰۶

سؤال ۱۰۶۱- آیا جایز است آب انبارهایی که قبلاً مورد استفاده اهالی بوده و اکنون استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۷

به آن نیازی نیست آن را تخریب نموده و در زمین آن دار القرآن احداث نماییم؟

جواب: احتیاط آن است که آن را برای این کار اجاره بدهند و مال الاجاره آن را صرف لوله‌کشی آب برای مستضعفان کنند.

سؤال ۱۰۶۲- آیا جایز است قرآنها و مفاتیح مسجدی که خراب شده را در مسجد دیگری در شهر یا روستا مورد استفاده قرار داد و

از آن مسجد خارج نمود؟

جواب: اگر در آینده نزدیکی بازسازی نمی‌شود می‌توان به مساجد دیگر همان شهر یا روستا انتقال داد و اگر بازسازی شد به جای اول برگردانند.

سؤال ۱۰۶۳- اگر مسجدی که در آن قرآنهایی وجود دارد خراب شود و بودن قرآن در آن مسجد موجب هتک حرمت قرآن باشد، آیا مؤمنین مجازند جهت حفظ قرآنها، آنها را به منازل خود برده و احیاناً تلاوت نمایند؟
جواب: باید مطابق مسأله سابق عمل شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۰۹

فصل سی و چهارم و پنجم: احکام هبه و احکام احیای موات

احکام هبه

سؤال ۱۰۶۴- آیا هبه به زوجه، هبه لازم است؟

جواب: هبه به زوجه لازم نیست ولی بازگشت در آن مکروه است.

سؤال ۱۰۶۵- اگر شخصی منزلی را به نام همسرش در محضر اسناد ثبت کند ولی نه صیغه هبه بخواند و نه منزل را تحویل او دهد یعنی منزل را تخلیه نکرده است و در اختیار او نگذاشته است بلکه خودش و همسرش و فرزندانشان در آن منزل زندگی می‌کنند و صاحب اختیار منزل خود اوست، تا اینکه زن وفات می‌کند. آیا این منزل ملک آن زن محسوب می‌شود یا مال شوهر است؟
جواب: ظاهر این کار هبه شرعیه است ولی چون قبض داده نشده است اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۶۶- شخصی ملک و زمین خود را به نفر دیگر هبه می‌کند و می‌گوید: مشروط بر اینکه تا زنده‌ام اختیار آن را داشته باشم، آیا این هبه نافذ و آن شرط لازم است؟

جواب: چنانچه ملک و زمین را به قبض او بدهد اشکالی ندارد و هبه نافذ و لازم است و منافع آن زمین تا زنده است مال صاحب زمین است.

سؤال ۱۰۶۷- شخصی زمین خود را به کسی به شرط عوض هبه می‌کند، ولی موهوب له عوض را نمی‌پردازد تا واهب فوت می‌کند، آیا وارث واهب خیار فسخ هبه موروث را دارد یا خیر؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۰

جواب: آری حق خیار فسخ دارد.

سؤال ۱۰۶۸- شخصی از مال منقول خود به پسرش که غایب بوده هبه کرده و شخصی را وکیل کرده که از جانب پسرش قبض کند و او قبض کرده است، آیا این هبه نافذ است چون واهب قبل از برگشت فرزندش از دنیا رفته است (لازم به توضیح است که این وکالت با اجازه حاکم شرع بوده است)؟

جواب: اگر فرزند غایب به حد بلوغ رسیده، وکالت مزبور مفید نیست و اگر نابالغ بوده کافی است بلکه احتیاج به وکالت ندارد.

سؤال ۱۰۶۹- اگر کسی به دیگری قرآنی را هدیه بدهد، آیا می‌تواند آن را پس بگیرد؟

جواب: اگر با قصد قربت بوده باشد مشکل است.

احکام احیای موات

سؤال ۱۰۷۰- املاک و زمینهایی از پدرانمان به ما ارث رسیده است ولی چگونگی تملک آنها برای ما روشن نیست، آیا می‌توانیم این زمینها را مانند بقیه اموال طبق قانون ارث تقسیم کنیم؟

جواب: اگر زمین را پدران شما احیا کرده‌اند و قبلاً موات بوده، طبق قانون ارث به ورثه آنها می‌رسد و همچنین اگر خریداری کرده باشند، و اگر هیچ سندی نسبت به سابقه این زمین در دست نیست و شاهد و گواهی نیز وجود ندارد، ملک از آن کسی است که در دست اوست یعنی ملک اجداد شما بوده و باید به قانون ارث عمل کنید.

سؤال ۱۰۷۱- شهرداری، قطعه زمینی را در یکی از شهرستانها که در طرح جامع شهرسازی به عنوان فضای سبز در نظر گرفته شده است، طبق قانون خریداری کرده و تملک نموده است، نظر به مجاورت زمین فوق با گلزار شهدای شهرستان، پس از استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۱

کسب مجوز قانونی، قسمتی از آن مکان به مدفن آنان اختصاص یافته و تاکنون قریب به ۵۰ شهید دفاع مقدس در آنجا مدفون گردیده است، بعضی در اباحه آن مکان ایجاد تردید می‌کنند، حکم شرع در این مسأله چگونه است؟

جواب: چنانچه زمین مزبور موات بوده اشکالی ندارد و چنانچه زمین آبادی بوده که مالک داشته، اگر شهرداری طبق موازین شرع آن را تملک کرده است اشکالی نیست، در غیر این صورت دفن اموات در آن جایز نیست.

سؤال ۱۰۷۲- زمین مواتی را یک نفر یهودی در رژیم گذشته با همکاری آن رژیم تسطیح کرده و برای آن اسنادی از اداره ثبت اسناد گرفته است. بعد از انقلاب آن شخص به خارج فرار کرده اموالش مصادره شده آن زمینها را سازمان زمین شهری تصاحب کرده و چند قطعه آن را به مسجد اختصاص داده است که فعلاً در آن مسجدی بنا شده است، لطفاً در این زمینه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) بفرمایید مجرد تسطیح و قطعه‌بندی زمین موات موجب ملکیت می‌شود و حکم تحجیر را دارد یا خیر؟

ب) آیا فرار این شخص حکم اعراض را دارد یا خیر؟

ج) در صورتی که استرضای یهودی لازم باشد و دسترسی به او نباشد، آیا مؤمنین آن محل می‌توانند قیمت آن زمین را به ذمه خودشان قرار دهند که هر وقت مالک مطالبه کرد پردازند یا خیر؟

د) اگر به هیچ‌وجه نتوانستیم مالک را پیدا کنیم و رضایتش را کسب نماییم، آیا با اذن فقیه می‌شود در این مسجد نماز خواند؟

جواب: الف) این کار موجب احیای زمین برای خانه‌سازی است و موجب ملکیت است.

ب) فرار، دلیل بر اعراض نیست.

ج) اگر آن یهودی جزء کسانی بوده که بر ضد حکومت اسلامی یا دین اسلام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۲

فَعَالِيَّتِ داشته است کافر حربی خواهد بود و تملک آن زمین جایز است.

د) از جواب سؤال سابق معلوم شد.

سؤال ۱۰۷۳- چاهی در فاصله حدود ۷۰۰ متری قنات قدیمی این روستا که تاریخ تأسیس آن مشخص است و از دهها سال قبل مورد بهره‌برداری بوده، حفر شده است. که مقداری از قنات، موقوفه امام حسین (علیه السلام) می‌باشد. با توجه به قراین و شواهد، حفر چاه فوق سبب خشک شدن یا کم آب شدن مخزن قنات مذکور شده است، آیا صاحبان قنات و متولیان موقوفه حق ممانعت استفاده از چاه فوق‌الذکر را دارند و استفاده از آب این چاه جهت نماز و غسل چه صورتی دارد؟

جواب: در صورت ضرر زدن به قنات، احتیاط واجب ترک حفر آن چاه عمیق است و اگر حفر شده و صاحبان قنات زیان دیده‌اند باید مصالحه شود و آلا وضو و غسل با آن اشکال دارد.

سؤال ۱۰۷۴- شخصی در حریم زمین و قریه دیگران ساختمانی درست می‌کند، در ابتدا کسی از اهل قریه از ساختن عمارت جلوگیری نمی‌کند ولی بعد از ساختن آن اعلام نارضایتی می‌کنند، شرعاً چه کسی مالک این عمارت است؟
جواب: حریم قریه یا خانه، متعلق به اهالی قریه یا صاحب خانه است و ساختمان و تصرف دیگری در آن جایز نیست مگر به اذن ایشان.

سؤال ۱۰۷۵- آیا حریم قریه قابل تقسیم است؟ در صورتی که قابل تقسیم است آیا معیار، مقدار زمین زراعتی هر فرد است؟ یا معیار مقدار گوسفندان و هیزم و چیزهای دیگری که احتیاج دارند می‌باشد؟
جواب: با توافق صاحب حق می‌توان آن را تقسیم کرد و سهم هر یک به مقدار عرف محل است.

سؤال ۱۰۷۶- در بین اهل قریه‌ای، عدّه‌ای از مردم روستا زمین زراعتی ندارند و بعضی خیلی کم دارند، حریم قریه را بین خود تقسیم کرده‌اند، آیا اشخاصی که زمین استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۳

ندارند یا زمین کمتری به آنها رسیده است می‌توانند از چراگاه کسانی که زمین بیشتری دارند استفاده کنند؟

جواب: اگر تقسیم‌بندی کرده‌اند و راضی شده‌اند باید مطابق آن عمل کنند و سهم هر کدام مطابق عرف محل است.

سؤال ۱۰۷۷- در جایی رسم است هر کس علفهای نقطه‌ای از کوه را برای نگهداری دام جمع‌آوری می‌کند به طوری که مالک علفهای آن نقطه حساب می‌شود، بر فرض ثبوت ملکیت علفها آیا مالک هیزم آن هم می‌شود؟

جواب: چنانچه آن منطقه جزء حریم روستا و آبادی معینی باشد، اهل آن آبادی حق دارند آن را در میان خود تقسیم کنند و بعد از تقسیم، هر یک حق دارند علفها و هیزم آن را بچینند و اگر جزء حریم نباشد در صورتی حق دارند، که آنجا را حیات یا علامت‌گذاری و سنگ چین کرده باشند.

سؤال ۱۰۷۸- در بعضی از مناطق روستایی مرسوم است که مردم، کوه و صحرا و مراتع را بین خود تقسیم می‌کنند و در آنجا کشت می‌کنند و از علفهای آن استفاده می‌کنند، با توجه به این مقدمه به دو سؤال زیر جواب دهید:

الف) اگر کسی علفهای محدوده شخص دیگری را درو کند آیا صاحب آن محدوده می‌تواند آن علفها را برای خود بردارد؟

ب) آیا صاحب هر محدوده‌ای می‌تواند علفهای خود را بفروشد و پول آن را بگیرد؟

جواب: الف) در صورت اول صاحب ملک حق دارد علفهایی را که بدون اجازه او کنده‌اند برد.

ب) در صورت دوم گرفتن پول در برابر اجازه کردن آن علفها اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۷۹- یک قطعه زمین موات واقع در بخش گله‌دار از توابع شهرستان لامرد فارس در تاریخ ۱۳۵۲/۲/۶ به این جانب واگذار شده است. مبلغ یکصد و پنجاه تومان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۴

به عنوان وجه نقد بابت واگذاری زمین مذکور در همان زمان جهت عمران و آبادی محل پرداخت نموده‌ام، آیا این واگذاری که طبق مقررات آن زمان می‌باشد صحیح است؟ و با توجه به تصرف این جانب، آیا بنده در حال حاضر مالک زمین مذکور می‌باشم؟

جواب: با تصرف مزبور حق اولویت دارید و حق خود را می‌توانید در مقابل عوض و یا بدون عوض به دیگری واگذار کنید و اگر آن را احیا کرده‌اید مالک هستید.

سؤال ۱۰۸۰- زمینهایی که قبلاً مرتع عمومی بوده، دولت اسلامی آنها را تقسیم نموده و به کسانی که واجد شرایط هستند واگذار می‌کند ولی عدّه‌ای بدون اجازه دولت خودسرانه آنها را شخم زده و تملک می‌کنند، آیا مجاز هستند؟

جواب: شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۰۸۱- ۲۵۰ الی ۳۰۰ خانوار از جای دیگر به محلّه‌ای می‌آیند و در آن سکونت دائمی می‌کنند، آیا در منافع حریم سابق این محلّه شریک می‌باشند؟

جواب: باید طبق عرف محل عمل نمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۵

فصل سی و ششم و سی و هفتم: احکام اقرار و شهادت

احکام اقرار

سؤال ۱۰۸۲- در اداره آگاهی، افرادی را به اتهام دزدی دستگیر می‌کنند. غالباً این طور است که اگر به طور عادی و بدون کتک از آنها سؤال شود اقرار نمی‌کنند و رفقای خود را معرفی نمی‌نمایند، نتیجه این می‌شود که اموال مردم از قبیل ماشین و فرش در دست دزدان می‌ماند، اما اگر شلاق و کتک در کار باشد غالباً اقرار به دزدی و معرفی رفقای خود می‌کنند. کارمندان این اداره چه کنند که از نظر شرعی مسئول نباشند؟

جواب: هیچ متّهمی را بدون ثبوت شرعی جرم نمی‌توان تعزیر کرد مگر در دو صورت: الف) در جایی که مرتکب گناهی مانند ورود بدون اجازه در خانه مردم یا باز کردن در اتومبیل و یا مفساد اخلاقی که با اقرار و اعتراف خودش به ثبوت رسیده و مشمول ادله تعزیرات است، شده باشد. در اینجا می‌توان او را به این عنوان تعزیر کرد و در ضمن از او خواست که مطالب خود را شرح دهد.

ب) در جایی که مسأله بسیار مهمی مطرح باشد که با کیان اسلام یا حکومت اسلامی و یا دما و نفوس مسلمین در سطح وسیع و گسترده مربوط باشد که از باب قاعده اهم و مهم، امکان چنین مجازاتی وجود داشته باشد. در ضمن امروز در دنیا روشهایی پیدا شده که باز پرس بدون آزار متهم، می‌تواند مطالب را از او بگیرد.

سؤال ۱۰۸۳- آیا اقرار توأم با اجبار نزد مأمورین انتظامی از راههای ثبوت جرم می‌باشد و یا این که باید در محضر حاکم شرع و با رعایت شرایط و ضوابط مقدّس اسلام صورت گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۶

جواب: باید در حضور حاکم شرع با شرایط و ضوابط اسلامی انجام شود.

سؤال ۱۰۸۴- جوانی به اتهام جعل و کلاهبرداری تحت تعقیب قوه قضائیه بوده و در مراحل تحقیق، نزد ضابطین قوه قضائیه خود و دو نفر از دوستانش اعتراف نموده‌اند که با زنی که وجود خارجی ندارد زنا می‌کند. در تحقیقات بعدی زنی که نام برده‌اند مورد شناسایی واقع نشده است و در مبادی غیر رسمی هم اعلام نموده‌اند که این اعتراف را در حالتی نموده‌ایم که به نحوی غیر از آزار و شکنجه مورد فشار بوده‌ایم، آیا تعقیب نامبردگان به اتهام زنا می‌کند با توجه به مقدمه‌ای که عرض شد جایز است؟

جواب: اگر اقرار و اعتراف تحت فشار باشد اعتباری ندارد و همچنین اگر اقرار نسبت به مورد خاصی بشود که وجود خارجی ندارد.

سؤال ۱۰۸۵- مرد دارای شرایط احصان و زن مجرده است، زن ادّعی اکراه می‌کند ولی مرد ادّعی رضایت بین طرفین می‌کند و چهار بار اقرار می‌کند. با توجه به نتیجه حکم در خصوص مرد که اگر ادّعی وی را بپذیریم باید رجم شود و اگر نپذیریم و ادّعی زن را بپذیریم حکم مرد قتل است و با توجه به حدیث «لیس علی المستکرهه شیء اذا قالت استکرهت» و یا با توجه به این که فعل اکراه منوط به دو طرف هست و پذیرفتن حرف هر یک به نفع خود مغایر با مفهوم اکراه است و پذیرفتن حرف هر یک بر علیه

دیگری، مغایر با «اقرار العقلاء علی انفسهم» هست، در ضمن اصل وقوع زنا با توجه به اقرار و وضع حمل دختر محرز است، خواهشمند است حکم موضوع فوق با توجه به محل ابتلا بودن در پرونده را جهت بهره‌برداری لازم بیان فرمایید؟

جواب: حکم رجم بر مرد به مقتضای اقرارش جاری می‌شود و زن به خاطر ادعای اکراه تبرئه می‌گردد و تفکیک در احکام ظاهریه مانعی ندارد هر چند در بعضی از موارد مخالف علم اجمالی باشد، مانند ثوب نجس مغسول به ماء مشکوک الکریه و القله که ثوب محکوم به نجاست و ماء، محکوم به طهارت به مقتضای استصحاب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۷

احکام شهادت

سؤال ۱۰۸۶- حکم بازگشتن شهود از شهادتشان را بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه شهود از شهادت خود بازگردند سه صورت دارد:

الف) قبل از صدور حکم، در اینجا مشهور عدم حکم است.

ب) بعد از صدور حکم و تلف مال مورد ادعا، مشهور انفاذ حکم و غرامت شهود است.

ج) بعد از صدور حکم و تنفیذ و قبل از تلف مال، در اینجا نیز جمع کثیری از فقها حکم به نفوذ حکم و غرامت شهود کرده‌اند.

سؤال ۱۰۸۷- دو نفر بچه نابالغ روی یک منزل تابستانی که به لفظ محلی کپر گفته می‌شود نشسته یا بازی می‌کردند، یکی از آنها از کپر افتاده و نقص عضو پیدا کرد. بچه مجروح، مدعی است که آن یکی او را انداخته و بچه مدعی علیه منکر این ادعاست و چند نفر بچه نابالغ دیگر هم حضور داشتند و به نفع مدعی یا مدعی علیه شهادت می‌دهند:

الف) آیا گواهی بچه نابالغ مسموع است؟

ب) آیا بچه مدعی علیه که منکر است خودش یا ویش می‌توانند سوگند یاد نمایند؟

ج) آیا مدعی علیه یا ویش می‌توانند سوگند مردود یاد نمایند؟

جواب: الف) شهادت مزبور پذیرفته نیست، مگر این که منجر به قتل شده باشد، ولی بهتر این است که مصالحه نمایند.

ب و ج) از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۰۸۸- آیا شهادت بر شهادت قبول است؟

جواب: شهادت بر شهادت در حقوق الناس قبول است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۱۹

فصل سی و هشتم: احکام وصیت

سؤال ۱۰۸۹- آیا نوشتن وصیت نامه واجب است؟

جواب: نوشتن وصیت مستحب است، مگر اینکه چیز واجبی از حق الله یا حق الناس بر عهده او باشد و بدون وصیت خطر از بین رفتن آن باشد.

سؤال ۱۰۹۰- کسی مالی را برای شخصی وصیت کرده است ولی جد پدری میت، آن مال را بدون مجوز شرعی فروخته است و مدتی از این جریان می‌گذرد و ارزش آن کمتر شده است، حکم شرعی مسأله را بیان فرمایید؟

جواب: چنانچه وصیت نسبت به مال معینی بوده و بیش از ثلث نبوده، تمام آن مال متعلق به موصی له است و اگر فروش رفته می‌تواند تمام قیمت آن را بگیرد و در صورتی که ارزش آن کمتر شده باشد و جد پدری بدون مجوز شرعی آن را فروخته باشد

تفاوت قیمت را احتیاطاً باید به او بپردازد.

سؤال ۱۰۹۱- آیا حضرت عالی اجازه می‌فرمایید ثلث ترکه مرحوم پدرم را به یکی از ارحام (که بدهی دارد و اگر نپردازد با مشکل مواجه می‌شود) بدهیم؟

جواب: هرگاه وصیت به ثلث کرده و مصرف خاصی که مغایر با این مصرف است تعیین نکرده باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۹۲- شخصی وصیت کرده است که «ثلث اموال این جانب را در موردی خرج کنید که از نظر قرآن و سنت بهترین موارد است و بهتر از آن موردی نیست» نظر مبارک را در این مورد بیان فرمایید که پول ایشان در چه موردی مصرف شود؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۰

جواب: در مورد حوزه‌های علمیه و افراد باتقوایی که در این حوزه‌ها به امر تدریس و تبلیغ و ارشاد خلق و امر به معروف و نهی از منکر اشتغال دارند مصرف کنید. در حدیث آمده: «و ما اعمال البرّ کلّها و الجهاد فی سبیل الله، عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، الا کفثه فی بحر لّجی؛ تمام اعمال نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مانند آب دهان در برابر دریای عمیق است».

سؤال ۱۰۹۳- اگر میت وصیت نکرده باشد، آیا از اصل مال حقی دارد؟

جواب: جز تجهیزات لازمه میت حقی ندارد.

سؤال ۱۰۹۴- اگر میت تعیین وصی نموده، اما وصیت به ثلث ننموده باشد، آیا لازم است ثلث او را در کارهای خیر مصرف کنند؟

جواب: تعیین وصی مفهومش تعیین ثلث نیست، مگر اینکه در بعضی از مناطق، تعیین وصی به معنای وصیت به ثلث باشد در این صورت باید به آن عمل کرد.

سؤال ۱۰۹۵- شخصی یک باب منزل نوساز به همسرش مصالحه و هبه نموده است و یک سوم اموال خودش را وصیت کرده که خرج کفن و دفن و امور خیریه شود که در سال اول اجرا شد، امّا حال یک برادر و خواهر مادری او پیشنهاد می‌کنند دیگر ادامه داده نشود، آیا این پیشنهاد صحیح است؟

جواب: اگر چیزی از ثلث باقی مانده است حتماً باید در امور خیریه مصرف شود.

سؤال ۱۰۹۶- اگر کسی در حال حیات وصیت کند که بعد از مرگش اعضای بدنش را در اختیار بیماران نیازمند به آن اعضا قرار دهند، آیا ورثه می‌توانند از این کار جلوگیری کنند؟

جواب: جلوگیری ورثه تأثیری در این مسأله ندارد و در صورتی که آن اعضا، برای نجات جان بیماران لازم باشد برداشتن آن جایز است و همچنین اگر برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۱

نجات عضو مهمی مانند چشم باشد.

سؤال ۱۰۹۷- شخصی وصیت کرده که قرآنهایی که مدّتها آنها را می‌خوانده است با او در قبر بگذارند، آیا عمل به این وصیت جایز است؟

جواب: اگر قرآنهایی متعدّدی باشد خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۰۹۸- میتی وصیت نموده است که بعد از فوت او سه ختم قرآن و یک حج انجام دهند و مبلغی به مسجد کمک نمایند، آیا ورثه می‌توانند ختم قرآن را مقدّم بدارند؟

جواب: اگر حج واجب نباشد و ثلث برای همه کفایت نکند باید به ترتیب عمل کنند.

سؤال ۱۰۹۹- اگر میت وصی را ملتمز به یک ختم قرآن نموده باشد و او کسی را جهت تلاوت اجیر نماید و اجیر، قرآن را ختم

نماید ولی وصی از پرداخت اجرت خودداری نماید، آیا به وصیت عمل شده و در صورت نپرداختن اجرت ثوابی به میت می‌رسد؟

جواب: وصیت عمل شده و ثواب به میت می‌رسد ولی وصی بدهکار و مشغول الذمه است.

سؤال ۱۱۰۰- در زمان تنظیم صلح‌نامه یا وصیت‌نامه، آیا حضور تمامی ورثه الزامی است؟

جواب: حضور ورثه لزومی ندارد، مگر اینکه وصیت زاید بر ثلث باشد که نسبت به زیاده رضایت ورثه شرط است.

سؤال ۱۱۰۱- اگر بعضی از فرزندان در هنگام وصیت یا مصالحه حضور نداشته باشند، آیا می‌توانند منکر وصیت‌نامه یا صلح‌نامه شوند و یا آن را قبول نکنند؟

جواب: در صورتی که مدرک کافی بر صلح یا وصیت وجود داشته باشد، هیچ کس حق مخالفت ندارد مگر این که وصیت زاید بر ثلث باشد که نسبت به زیاده، بدون اجازه ورثه نافذ نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۳

فصل سی و نهم: احکام ارث

ارث گروه اول

سؤال ۱۱۰۲- آقای احمد با خانمی به نام فاطمه ازدواج دائم کرد و مهریه یک میلیون تومان تعیین شد که مبلغ دویست هزار تومان آن نقداً پرداخت شد و برای باقیمانده چکی به مبلغ هشتصد هزار تومان توسط احمد در وجه فاطمه نوشته شد و آن چک به طور امانت تحت شرایطی نزد این جانب است. آن خانم پس از چندی فوت کرد و آن مرحومه از شوهر اول خود که هم اکنون زنده است یک دختر دارد که با پدرش زندگی می‌کند. پدر مرحومه پیشنهاد کرده که چک آقای احمد که در وجه مرحومه است به خود ایشان مسترد شود لازم به تذکر است که پدر و مادر مرحومه زنده‌اند و مرحومه تعدادی خواهر و برادر نیز دارد، با توجه به این مقدمه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) وارثین این مرحومه چه کسانی هستند؟

ب) از این چک سهم آن دختر مرحومه که هم اکنون با پدر مرحومه زندگی می‌کند چقدر است؟

ج) آیا شرعاً می‌توانم چک را به پدر آن مرحومه بدهم که ایشان به همسر آن مرحومه ببخشد؟

د) از نظر شرعی تکلیف بنده با در اختیار داشتن چک و شرایطی که آنها نوشته‌اند و داور بودن من چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۴

جواب: الف) وارث او پدر و مادر و آن یک دختر است (در صورتی که بچه دیگری از آن زن وجود نداشته باشد) و همچنین همسر او، همسرش یک چهارم مال او را به ارث می‌برد و باقیمانده به صورت زیر تقسیم می‌شود. پدر و مادر هر کدام یک پنجم را می‌برند و آن دختر سه پنجم را می‌برد.

ب و ج) وجه آن چک متعلق به همه ورثه است و پدر تنها می‌تواند حق خود را ببخشد و شما نمی‌توانید چک را در اختیار فرد خاصی بگذارید، باید در اختیار همه قرار دهید.

د) شما باید به همه ورثه خبر دهید تا تکلیف چک را روشن کنند.

سؤال ۱۱۰۳- اخوی این جانب، دوازده سال قبل در جنگ، مفقود الاثر گردیده و در آن زمان مشخص نبود که شهید است یا اسیر و اکنون پس از دوازده سال، شهادت او مسلم و محرز شده است. این شهید همسر داشته، اما فرزند ندارد، استدعا دارد به سؤالات ذیل

پاسخ فرمایید:

الف) حقوق این شهید در طول این دوازده سال به طور کامل و یک جا توسط همسر او گرفته و خرج شده است، آیا تمام این حقوق از او بوده است یا اینکه چیزی از آن به عنوان ارث به پدر و مادر و برادر و خواهر آن شهید می‌رسد؟
جواب: حقوق او متعلق به همسر او بوده است

ب) اکنون که شهادت او مسلم شده است مقداری پول به عنوان پول خون یا غرامت، توسط اداره‌ای که آن شهید در آن کار می‌کرده داده می‌شود، این پول متعلق به چه کسی است؟
جواب: متعلق به همه ورثه است، مگر اینکه آن اداره مصرف خاصی برای آن تعیین کند.

ج) با توجه به این که وی در سال ۶۱ شهید شده و خبر شهادتش در سال ۷۳ آمده است و از طرفی پدر آن شهید در سال ۶۶ مرحوم شده، آیا پدر شهید از شهید استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۵
ارث می‌برد یا شهید از پدر خود ارث می‌برد؟
جواب: پدر از اموال او ارث می‌برد ولی از پولی که دولت داده ارث نمی‌برد.

د) دو سال قبل از آن که شهادت آن شهید محرز شود، همسر او از بنیاد شهید تقاضای طلاق نموده و رئیس بنیاد شهید طبق ضوابطی او را طلاق شرعی داده است، آیا این همسر از آن شهید ارث می‌برد و آیا از پول خون ارث می‌برد یا نه؟ و آیا در مدت این دو سال حق داشته است که حقوق شهید را بگیرد و خرج کند؟

جواب: چنانچه دولت با علم به طلاق او پول و حقوق به او می‌داده جایز است بگیرد اما اگر به شرط عدم طلاق حقوق می‌داده، گرفتن پول مزبور برای او جایز نبوده است ولی به هر حال از اموال شهید ارث می‌برد و همچنین از پول خون.

سؤال ۱۱۰۴- این جانب دختری هستم شانزده ساله که از بدو تولد، مادرم فوت نموده و بعد از گذشت یک سال از ازدواج پدرم را نیز از دست دادم. ماترک پدرم شامل یک باب منزل مسکونی چهار طبقه در تهران می‌باشد که در یکی از طبقات آن یکی از همسرانش سکونت دارد و بقیه به اجاره داده شده است و همچنین مستمری از طرف اداره دولتی دریافت می‌گردد. سایر ورثه پدرم عبارتند از مادر پدرم و دو همسر که یکی دارای سه فرزند دختر و دیگری دارای دو فرزند (یکی پسر و یکی دختر) می‌باشند. لطفاً سهم مرا از جهت اجاره ساختمان ارث مرقوم فرمایید. لازم به توضیح است که در طول سه سال فوت پدرم تا کنون هیچ گونه وجهی دریافت ننموده‌ام.

جواب: ارث پدر در فرض بالا- به ۲۴ سهم تقسیم می‌شود، سه سهم آن، سهم دو همسر است که به طور مساوی میان آنها تقسیم می‌شود و چهار سهم، سهم مادر است و ۱۷ سهم باقیمانده به هفت قسمت تقسیم می‌شود، دو قسمت آن متعلق به پسر و پنج قسمت در میان دختران به طور مساوی تقسیم می‌گردد ولی توجه داشته باشید همسران، از زمین خانه و مغازه یا زمینهای زراعتی ارث نمی‌برند، تنها از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۶

قیمت ساختمان و همچنین اموال منقول ارث می‌برند و در مورد مال الاجاره نیز همین طور است.

سؤال ۱۱۰۵- شخص متوفی پدر و مادر و زوجه غیر مدخوله دارد، نحوه تقسیم ارث را بیان فرمایید؟

جواب: زوجه یک چهارم می‌برد و باقیمانده سه قسمت می‌شود دو قسمت را به پدر می‌دهند یک قسمت را به مادر و اگر میت حد اقل دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد (در صورتی که پدر آنان با پدر میت یکی باشد) باقیمانده، شش قسمت می‌شود یک قسمت، به مادر و پنج قسمت به پدر می‌رسد.

سؤال ۱۱۰۶- در یک منطقه از مناطق کشمیر رسم مردم مسلمان اینگونه است که پسرها همیشه همراه پدر و در خانه او زندگی می‌کنند. هنگامی که پدر از دنیا می‌رود تمام اموال پدر در اختیار پسرها قرار می‌گیرد، اما دخترها که در خانه شوهران خود زندگی می‌کنند سهم ارث خود را از برادرانشان مطالبه نمی‌کنند، بلکه اغلب به برادران خود می‌بخشند، بعضی هم تا خودشان زنده هستند با رضایت در اختیار برادران می‌گذارند، بعد از فوت خواهران و برادران، اولاد خواهران از اولاد برادران حصّه مادرشان را مطالبه می‌نمایند و می‌گویند: مادران ما حصّه خودشان را به پدران شما بخشیده بودند بلکه به عنوان اباحه گذاشته بودند و اولاد برادرها هم نمی‌دانند که عمّه‌هایشان حصّه خود را به پدران آنها بخشیده بودند یا به صورت اباحه گذاشته بودند، تکلیف اولاد برادران چیست؟

جواب: هرگاه بخشش آن اموال به برادرها ثابت نشود باید سهم خواهرها به ورثه آنها داده شود.

ارث گروه دوم

سؤال ۱۱۰۷- دو سال پیش مادرم عمرش را به شما داد و از وی چهار فرزند ذکور و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۷

سه فرزند اناث مانده است. ماترک آن مرحومه ملکی است به ارزش حدود ده میلیون تومان که تصمیم داشتیم بفروشیم و هرکس سهم خود را بردارد. خواهرانم دستخطی از آن مرحومه ارائه می‌دهند به این مضمون که فرزندانم هنگام تقسیم ارثیه بین دختر و پسر فرق قائل نشوند و همه به یک نسبت برخوردار شوند حال با توجه به این که همگی ما صحت دستخط یعنی تعلق داشتن به آن مرحومه را قبول داریم اما ممکن است بعضی از برادران لاقول ته دل به این امر رضایت نداشته باشند، بفرمایید که تکلیف شرعی چیست؟

جواب: با توجه به این که مادر حق داشته در ثلث مال خود تصرف کند، آنچه درباره سهم دختران گفته است هیچ اشکالی ندارد چون تفاوت مزبور از ثلث کمتر می‌شود. بنابراین همان‌طور که مادر وصیت کرده است باید عمل کنید.

سؤال ۱۱۰۸- زنی بیست و پنج سال پیش از شوهرش طلاق گرفته و از آن شوهر یک پسر و یک دختر دارد و مرد زن دیگری اختیار کرده که از او نیز دختری دارد و او را نیز بیست سال پیش طلاق داده است و زن سوّمی اختیار کرده است. پدر و پسرش در اثر واژگون شدن ماشین، فوت نموده‌اند و تقدّم و تأخر فوت هیچ کدام معلوم نیست و زن طلاق گیرنده ادّعا می‌نماید پسرش که هیچ گونه مالی ندارد و با پدرش زندگی می‌کرد و مجرد بوده، باید از پدر ارث برده و ارث پسرش به او برسد، آیا به او ارث می‌رسد (توضیح اینکه پدر دارای ورثه‌های زیر می‌باشد: دو دختر، مادرش و زنی که در حال حاضر در خانه اوست)؟

جواب: ارث آن مرد به دو دختر و پسری که تصادف کرده و همسر و مادرش می‌رسد، یک هشتم آن به همسر و یک ششم آن به مادر و بقیه ۴ سهم می‌شود، دو سهم، از آن پسری است که تصادف کرده و از طریق او به مادرش می‌رسد (در صورتی که وارثش فقط مادر بوده باشد) و به هر یک از دختران یک سهم می‌رسد.

سؤال ۱۱۰۹- وارث زید متوفی یک خواهرزاده مادری است، از طرف دیگر سه تن از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۸

عموزادگان او در قید حیاتند، ارث زید چگونه تقسیم می‌شود؟

جواب: با وجود خواهر زاده به عموزاده‌ها ارثی نمی‌رسد، و اگر وارث دیگری نیست، باید تمام مال را به همان خواهرزاده داد.

سؤال ۱۱۱۰- شخصی در زمان حیات خویش، حقوق تنها وارث خود را که خواهرش بوده با پرداختن مبلغ ۱۴۰۰۰ تومان به عنوان مصالحه از او سلب نموده و بیان داشته که مشاراً الیها هیچ گونه حقی نسبت به ارث برادر خود بعد از وفات وی ندارد و جمیع

مایملک را نیز به همسر خویش صلح نموده است و این صلح و مصالحه دو سال قبل از فوت مشاّر الیه و در حالت مرضی بوده است که منجر به وفات وی شده است با توجه به اجمالی که گذشت، آیا این صلح و مصالحه صحیح است و مانع ارث می‌شود؟
جواب: کسی نمی‌تواند دیگری را از ارث محروم کند تنها می‌تواند نسبت به یک سوّم مال خودش وصیت کند که در هر مصرفی که می‌خواهد صرف کنند و در مورد بخشش اموال به همسرش اگر در حال حیات و صحت و سلامت صورت گیرد و تحویل داده شود ملک او خواهد شد ولی اگر تحویل نداده، اموال او به صورت ارث در میان همه بستگان کما فرض الله تقسیم می‌شود و اگر در حال بیماری منجر به مرگ باشد احتیاط آن است که تنها ثلث آن، به شخص مزبور داده شود و در بقیه، با ورثه مصالحه شود.

ارث گروه سوّم

سؤال ۱۱۱۱- شخصی از مؤمنین فوت نموده و ورثه حین الفوت او به شرح زیر می‌باشند: الف) زوجه دائمی که دختر عمومی متوفی بوده. ب) دختر عمومی دیگر. ج) یک پسر دایی. د) از دایی دیگری سه پسر دایی و سه دختر دایی. ه) دو پسر خاله و دو دختر خاله. لطفاً بفرمایید پسر و دختر دایی‌ها و پسر و دختر خاله‌ها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۲۹

به طور مساوی ارث می‌برند یا للذکر مثل حظ الانثیین؟

جواب: بعید نیست ارث آنها مساوی باشد ولی احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند.

سؤال ۱۱۱۲- کسانی که حقّ مسلمی دارند، مثل خواهر، عمّه یا غیر آنان- اعمّ از مال منقول یا غیر منقول- ولی ادّعی آن حق را نمی‌کنند، آیا پس از فوت آنها ورثه آنها می‌توانند آن حق را ادّعا کنند؟
جواب: حق دارند، مگر اینکه صریحاً حقّ خود را بخشیده باشند.

ارث زوجین

سؤال ۱۱۱۳- شخصی با کامیون خود به جبهه رفته، هم خودش شهید شده و هم کامیون او نابود گردیده است، سپس دولت عوض کامیون را به خانواده شهید داده است، آیا همسر شهید می‌تواند سهم الارث خود را از آن ادعا کند؟
جواب: اگر آوردن کامیون به جبهه به امر دولت بوده یا به ضمانت او (هرچند ضمانت جنبه عام داشته باشد نه در خصوص این شخص) همسر شهید یک‌هشتم از کامیون را به ارث می‌برد و اگر شخص مزبور با میل خود و بدون امر و ضمانت دولت اقدام به چنین کاری کرده، باید از مسئولین ذی ربط پرسید که هدف آنها تنها کمک کردن به فرزند شهید بوده یا همسر او را هم شامل می‌شود و نیز باید سؤال کرد که آیا این هدیه به نسبت سهم الارث است یا بیشتر و کمتر؟

سؤال ۱۱۱۴- چگونگی ارث زن و شوهر را از همدیگر در صورتی که وارث دیگری نباشد، بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه زوج یا زوجه از دنیا برود و وارث دیگری نباشد، اگر زوجه از دنیا برود تمام مال از آن زوج است و اگر زوج از دنیا برود یک چهارم مال از آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۰

زوجه و بقیه به امام (علیه السلام) تعلق می‌گیرد. «۱»

سؤال ۱۱۱۵- زن اول زید در وقت وضع حمل مرده و بچه او هم به فاصله کمی از دنیا رفته است. بعد از یک سال دختر یکی از اقوام را گرفته است و بیست سال هم زندگی نموده‌اند و از این زن دوّم اصلاً اولاد ندارد و فعلاً شوهر مرده است، ارث زن چگونه است؟

جواب: هرگاه شوهر هیچ فرزندی در زمان مرگ نداشته باشد یک چهارم اموال او به همسرش می‌رسد (غیر از زمین) بقیه متعلق به ورثه دیگر است.

سؤال ۱۱۱۶- آیا زن، از آب قنات یا چاه ارث می‌برد؟

جواب: فقط از آن مقدار آبی که در حال مرگ شوهر در آن موجود است ارث می‌برد.

سؤال ۱۱۱۷- آیا مهریه زن جزء ترکه اوست و اگر جزء ترکه اوست آیا شوهر می‌تواند به نسبت سهم الارث خود از آن، کسر و مانده مهریه را به سایر ورثه زن (زوجه خود) پرداخت نماید؟

جواب: آری جزء ترکه اوست و مانند سایر اموال تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۱۸- آیا در ازدواج دائم، مرد می‌تواند ضمن عقد با همسرش شرط کند که اگر زن وارث مرد واقع شد، ارث خودش را به فرزند آن مرد که از زوجه مرحومه او باقی مانده است ببخشد و هبه کند؟

جواب: با توجه به اینکه این شرط کاملاً مبهم است خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۱۱۹- آیا زوجه از پولی که عوض دیه خون شوهر گرفته حقی دارد و چه مقدار؟

جواب: آری، از آن مانند سایر اموال ارث می‌برد.

سؤال ۱۱۲۰- شوهر این جانب فاطمه، در سال ۶۳ فوت کرده است، با توجه به

(۱). جواهر، جلد ۳۹؛ وسایل الشیعه، جلد ۱۷، باب میراث الازواج.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۱

۱- باغات پسته ۲- سه واحد منزل مسکونی که سند آنها به نام آن مرحوم است. ۳- تراکتور با تمام وسایل ۴- چاه و پمپ و ساختمان موتورخانه و امتیاز آب و برق و پروانه چاه. ۵- اموال منقول و وسایل خانه. با توجه به مطالب فوق‌الذکر لطفاً به سؤالات زیر جواب دهید:

الف) آیا بنده از این اعیانی حقی دارم و اگر دارم به چه صورت می‌باشد؟

ب) با توجه به اینکه در طول ۱۳ سال ارثیه مرا نداده‌اند، آیا در آمد این چند سال به من تعلق می‌گیرد؟

ج) آیا در دادن ارثیه، قیمت روز پرداخت ملاک می‌باشد یا قیمت روز مرگ میت و اگر قیمت روز مرگ میت ملاک است، آیا تورم این چند سال محاسبه می‌شود؟

جواب: الف) یک هشتم از قیمت اعیانی و یک هشتم اموال منقول به هر دو زن می‌رسد که به طور مساوی میانشان تقسیم می‌گردد.

ب) نسبت به درآمد اموال منقول باید منافع این مدت را بپردازند و احتیاط آن است که نسبت به اعیانی نیز همین کار را بکنند.

ج) قیمت یوم الادا ملاک است.

مسائل متفرقه ارث

سؤال ۱۱۲۱- هرگاه برادر و خواهری وارث پدری شوند و ترکه در دست برادر بماند و بعد هر دو از دنیا بروند، وارثان خواهر می‌گویند سهم ما را بدهید ولی وارثان برادر می‌گویند آن خواهر سهم خود را هبه کرده یا فروخته است، تکلیف چیست؟

جواب: در صورتی که پس از تحقیقات کافی از آشنایان و بستگان و اهل اطلاع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۲

مسأله روشن نشود، احتیاط آن است که طرفین ورثه با هم مصالحه کنند، در صورتی که صغیری در بین نباشد، وگرنه احتیاط

رعایت حقّ اوست.

سؤال ۱۱۲۲- دیه را چه کسی ارث می‌برد؟

جواب: تمام وارثان نسبی و سببی، مگر متقربان به مادر (مانند برادر و خواهر مادری).

سؤال ۱۱۲۳- آیا ورثه می‌توانند از ترکه میت، شخصی را برای انجام نماز و روزه احتیاطی میت، استیجار کنند؟

جواب: تنها ورثه کبیر می‌توانند از حصّه خود برای او استیجار کنند.

سؤال ۱۱۲۴- آیا بعضی از ورثه حق دارند بیش از سهم ارث خود، در ترکه تصرف کنند؟

جواب: هیچ یک از ورثه حق ندارند بیش از سهم خود را از اموال میت بردارند، مگر به رضایت بقیه.

سؤال ۱۱۲۵- آیا بخشش در حال حیات مانع از سهم الارث می‌شود؟

جواب: آنچه را انسانها در حال حیات به بعضی از ورثه می‌بخشند مانع سهم الارث آنها از اموال میت نخواهد بود.

سؤال ۱۱۲۶- آیا طبقه دوّم و سوّم ارث، حقّ قصاص دارند؟

جواب: تمام کسانی که از مال ارث می‌برند حقّ قصاص دارند مگر زوج و زوجه که حقّ قصاص ندارند ولی در دیه سهیمند.

سؤال ۱۱۲۷- در صورتی که وکیل صیغه عقد را اشتباه خوانده باشد، آیا فرزندان از این مرد و زن ارث می‌برند؟ آیا خود مرد و زن

از همدیگر و از فرزندان در صورت فوت ارث می‌برند؟

جواب: بچه‌ها از پدر و مادر و مادر از بچه‌ها ارث می‌برند ولی زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۳

سؤال ۱۱۲۸- آیا در صورتی که وارثان توافق کنند، می‌توانند خلاف سهام ارث عمل نمایند؟

جواب: با رضایت همه- در صورتی که صغیری میان آنها نباشد- مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۲۹- آیا بهائی از مسلمان ارث می‌برد؟

جواب: ارث نمی‌برد ولی اگر فرزندان آن بهایی در حال فوت پدر مسلمان بوده‌اند و وارث دیگری مقدّم بر آنها وجود نداشته باشد

ارث می‌برند.

سؤال ۱۱۳۰- اگر نایب برای حج به شرط عمل نکند و نایب دیگری بگیرد و به حج بفرستد و نایب دوّم حج را از طرف میت انجام

دهد، آیا ورثه حق دارند پول را پس گرفته و بین خود تقسیم کنند؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۱۱۳۱- آیا لباسهای مختلف و زیورها و امثال اینها را که شوهر در حال حیات برای همسرش گرفته متعلّق به زن است یا مال

شوهر است که باید بین ورثه تقسیم شود؟

جواب: هرگاه عرف محل این باشد که لباسها و زیور آلات را به زن می‌بخشد، مال اوست و اگر عرف محل این است که آنها به

عنوان امانت در نزد او می‌باشد و فقط حقّ تصرف در زمان حیات شوهر دارد، میان همه ورثه تقسیم می‌شود، ولی معمولاً به زن

تملیک می‌شود.

سؤال ۱۱۳۲- در صورتی که عدّه‌ای در اثر هدم و غرق از بین بروند و رابطه آنها به نحوی باشد (مثل پدر و پسر) که هرگاه یکی از

آنها قبل از دیگری بمیرد از او ارث می‌برد و در شرع مقدّس حکم به توارث هر یک از دیگری می‌شود، حال اگر عدّه‌ای در نفت یا

حوض شیر یا مایعات دیگر غرق شوند، آیا مشمول این حکم می‌شوند یا خیر؟ همچنین آیا هدم، شامل انفجار هواپیما و امثال آن

نیز می‌شود؟ تصادف اتومبیل چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۴

جواب: تفاوتی میان مایعات نیست. انفجار یا سقوط هواپیما و همچنین تصادف اتومبیل نیز همین حکم را دارد، یعنی پسر از تمام اموال پدر مطابق سهم خود ارث می‌برد و ارث او به ورثه‌اش می‌رسد، همچنین پدر نسبت به اموال پسر.

سؤال ۱۱۳۳- هرگاه پس از صدور حکم موت شخص مفقود الاثر و تقسیم ترکه بین ورثه، مفقود الاثر پیدا شود تکلیف ورثه نسبت به عین مال و منافع مستوفات و منافع غیر مستوفات چیست؟ و اموالی که در مدت تصرف از بین رفته است چه حکمی دارد؟

جواب: تا یقین به موت او حاصل نشود نمی‌توان اموال او را تقسیم کرد و حکم طلاق از آن جداست و اگر بعد از تقسیم مراجعت کند، اموال و منافعش به او برمی‌گردد و کسانی که اموال میان آنها تقسیم شده، ضامن اموالی که تلف کرده‌اند می‌باشند.

سؤال ۱۱۳۴- آیا ید متصرفین (ورثه) بعد از صدور حکم موت و تقسیم ترکه بین آنها امانی است یا ضمانی؟
جواب: ید آنها ضمانی است.

سؤال ۱۱۳۵- هرگاه شخص مسلمان که دارای چند فرزند مسلمان است بهائی شود و زن بهائی اختیار کند، در صورت فوت آن شخص، سهم الارث فرزندان مسلمان و بهائی او و زن بهائیش چگونه تقسیم می‌شود؟

جواب: اموالی که قبلاً داشته یا بعداً به دست می‌آورد همگی به ورثه مسلمان او می‌رسد.

سؤال ۱۱۳۶- این جانب تمام اموال منقول و غیر منقول خود را در مقابل هزار تومان به فرزندم فروخته و منتقل نموده بودم، به شرط این که تا من زنده‌ام در اختیار خودم باشد، متأسفانه فرزندم قبل از من از دنیا رفته است، آیا اموال به خودم برمی‌گردد یا به ورثه فرزندم منتقل می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۵

جواب: اگر منظورتان این بوده که ملک منتقل به فرزندان شود و منافع آن مادام الحیاه در اختیار شما باشد، اکنون که او از دنیا رفته، آن مال به ورثه او منتقل می‌شود و شما مادام الحیاه خود فقط مالک منافع هستید.

سؤال ۱۱۳۷- آیا تفنگ هم مثل شمشیر به ولد اکبر می‌رسد؟

جواب: احتیاط مصالحه با سایر ورثه است و در صورتی که صغیر داشته باشد، حق صغیر را بدهند.

سؤال ۱۱۳۸- در صورتی که تفنگ، بیش از خشاب خود گلوله داشته باشد، آیا باز هم به ولد اکبر می‌رسد؟

جواب: مانند مسأله سابق است، مگر این که گلوله بیش از متعارف باشد که حق تمام ورثه است.

سؤال ۱۱۳۹- اگر مردی چند زن داشته باشد که هر کدام ولد اکبر داشته باشند، این سلاح به کدام یک از آنها می‌رسد؟

جواب: معیار بزرگتر بودن از نظر سن است و در صورت تساوی آنها در سن، در میان همه آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۴۰- در جایی که میت وصیت به ثلث نکرده باشد، آیا ورثه می‌توانند از اصل ترکه برای میت نماز و روزه استیجار نمایند؟

جواب: اگر رضایت داشته باشند و کبیر باشند مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۴۱- تکلیف اموال کسی که مفقود الاثر گشته، چیست؟

جواب: مادامی که یقین به مرگ او نباشد باید اموال او را حفظ نمود و اگر اموالی است که ممکن است ضایع شود با اجازه حاکم شرع می‌فروشند و پول آن را با گرفتن شهود به بعضی از ورثه که مورد اعتمادند می‌دهند تا خبری از آن گمشده بیابند.

سؤال ۱۱۴۲- اگر هیچ یک از طبقات ارث موجود نباشند، اموال میت به چه کسی می‌رسد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۶

جواب: ارث او به امام (علیه السلام) یا جانشین او می‌رسد.

سؤال ۱۱۴۳- یکی از پسرهای یک خانواده زرتشتی در سال ۶۲ به عنوان یکی از مهره‌های تقریباً مهم چریکهای فدایی دستگیر و زندانی می‌شود و حکم محکومیت نامبرده به زندان نیز صادر و در زندان توبه کرده و پس از گرایش به اسلام و نیز پس از تحمّل

مدت زندانی آزاد می‌شود. در سال ۶۶ پدرش فوت می‌کند و در سال ۶۸ شخص مورد نظر سهم الارث خود را می‌گیرد و غیر منقول را رسماً منتقل می‌کند. اکنون با راهنمایی یکی از وکلای دادگستری به استناد ماده ۸۸۱ مکرر قانون مدنی که می‌گوید: «کافر از مسلم ارث نمی‌برد و اگر در بین ورثه متوفای کافری مسلم باشد وراثت کافر ارث نمی‌برند اگر چه از لحاظ طبقه و درجه مقدم بر مسلم باشند» اقدام به طرح شکایت بر علیه مادر و خواهر و برادرش کرده است، بفرمایید آیا غیر از وارث مسلمان بقیه ورثه هم ارث می‌برند؟

جواب: در فرض مسأله تنها وارث مسلمان از او ارث می‌برد ولی اگر مسائل اخلاقی را در اینگونه موارد رعایت کنند بهتر است.

سؤال ۱۱۴۴- شخصی دو سال قبل از فوتش، با وجود مرضی که منجر به فوت او شده است، جمیع مایملک خود را به همسرش فروخته است که بالتبع ورثه شرعی او از ارث محروم شده‌اند، آیا این معامله صحت شرعی دارد؟ در فرض مذکور اگر معامله صوری بوده باشد صحیح است یا خیر؟ اگر در فرض مذکور احتمال اجبار در معامله باشد حکم آن چیست؟ اگر در فرض مذکور احتمال قصد ضرر زدن به ورثه باشد حکم آن چیست؟

جواب: هرگاه معامله به صورت ظاهر، جدی و اختیاری بوده نافذ است مگر آن که خلاف آن ثابت شود و چون در مرض موت بوده، احتیاط آن است که فقط در یک سوم آن عمل شود و در بقیه، با ورثه مصالحه گردد.

سؤال ۱۱۴۵- پدر این جانبان و همسر این جانبه مرحوم بهرام که دارای دین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۷

زرتشتی بوده است حدود پنج سال قبل از فوتش با یک خانم مسلمان ازدواج انقطاعی نموده است که در صیغه‌نامه مذکور خود را مسلمان معرفی کرده است و ثمره این وصلت موقت دو فرزند می‌باشد، لیکن چون ما از مراتب مسلمان شدن احتمالی وی و همچنین از ازدواج موقت مشاراً الیه هیچ اطلاعی نداشتیم و او را هیچ وقت در حال انجام فرایض دین مقدس اسلام ندیده بودیم و خود وی نیز در این مورد هیچ گونه صحبتی با ما یا با دیگران نکرده بود، لذا هنگامی که وی فوت نمود او را به عنوان یک انسان زرتشتی و طبق آداب و رسوم دین زرتشتی در گورستان زرتشتیان دفن نمودیم که همسر به اصطلاح صیغه‌ای وی و دو فرزندش در تمام مراحل و در کلیه مراسم اعم از خاکسپاری متوفی و مراسم عزاداری وی شرکت داشتند و هیچ گونه اشاره‌ای به مسلمان بودن خود یا مسلمان شدن آن مرحوم و ازدواج موقت وی ننمودند تا این که بعداً این جانبان از ماجرای ازدواج انقطاعی آنان و مفاد صیغه‌نامه مزبور که در آن دین آن مرحوم اسلام قید شده است با اطلاع گشتیم که موضوع را با یکی از همسایگان خود که فردی است مسلمان و مطالعات و تحقیقات و تجربیاتی در امور حقوقی و فقه اسلامی دارد در میان گذاشتیم، وی ضمن برشماری مزایا و محاسن فراوان دین مقدس اسلام و حقایق و برتری دین مبین اسلام بر سایر ادیان و این که اسلام کاملترین و بهترین و آخرین دین الهی می‌باشد این جانبان را به مسلمان شدن تشویق و دعوت نمود که سرانجام با ارشاد و راهنمایی‌ها و کوشش بی‌دریغ وی به فراگیری و آموزش فرایض به دین مقدس اسلام مشرف گردیدیم و رسماً مسلمان و شیعه اثنی عشری شدیم، با توجه به مراتب فوق و همچنین با توجه به این که دلایل و مدارک مستندی که دال بر این باشد که آن مرحوم مسلمان شده باشد وجود ندارد تقاضا نمودیم به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا آن مرحوم مسلمان بوده است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۸

ب) آیا ازدواج انقطاعی آن مرحوم با خانم مسلمان شرعاً صحیح بوده است؟

ج) آیا دو فرزندی که از این وصلت به وجود آمده است مشروع هستند و از ما ترک آن مرحوم ارث می‌برند؟

د) با وجودی که تا کنون دیون متوفی ادا نشده و ماترک آن مرحوم تقسیم نشده است و در ضمن تا کنون حکم قطعی حصر وراثت

صادر نشده، آیا این جانبان که مسلمان شده‌ایم جزء ورثه آن مرحوم محسوب می‌گردیم و از ما ترک وی ارث می‌بریم؟
 جواب: الف) اگر اظهار اسلام کرده محکوم به احکام اسلام است هر چند در عبادات و انجام وظایف دینی کوتاهی داشته است.
 ب) به حسب ظاهر صحیح بوده است.

ج) فرزندان مزبور مشروع هستند و از او ارث می‌برند.

د) در فرض مسأله که ارث هنوز تقسیم نشده و شما مسلمان شده‌اید، طبق قانون ارث اسلامی ارث می‌برید.

سؤال ۱۱۴۶- ما دو برادر هستیم و باغی از پدر به ما ارث رسیده است که نصف آن حق من بوده و نصف دیگرش حق برادرم می‌باشد اکنون من قصد فروش حق خود را دارم، ابتدا به برادرم و سپس به همسایه بغل دستی خود نیز گفته‌ام و آنها از خریدن این ملک صرف نظر کرده‌اند. اکنون می‌خواهم به شخص دیگری بفروشم ولی برادرم مانع می‌شود و می‌گوید: بیا دوباره زمین را تقسیم کنیم، در حالی که ۲۵ سال از تقسیم اولیه که با رضایت انجام شده است می‌گذرد و علت جلوگیری ایشان این است درختی است که ریشه و تنه آن در ملک برادرم می‌باشد امّا اکثر شاخه و برگهای آن در ملک من است و مانع از تابش نور خورشید بر زمین من می‌باشد تکلیف ما چیست؟

جواب: در فرض سؤال شما می‌توانید زمین خود را بفروشید و چنانچه قبلاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۳۹

تقسیم صورت گرفته، تقسیم مجدد لازم نیست و اگر شاخ و برگ درخت زمین مجاور مزاحم زمین شماست می‌توانید از آن جلوگیری کنید.

سؤال ۱۱۴۷- پدر و پسری همزمان با هم در اثر یک سانحه تصادف به رحمت حق پیوسته‌اند. پدر دارای سه فرزند دیگر نیز می‌باشد، از طرف دیگر پسر که همراه پدر مرده است نیز دارای چهار فرزند می‌باشد، آیا از ارث پدر بزرگ به این فرزندان یتیم چیزی می‌رسد؟

جواب: باید فرض کنیم که پدر قبلاً فوت کرده و سهمیه‌ای از او به این فرزند رسیده است و سهمیه او منتقل به یتیمان او می‌شود و باز فرض می‌کنیم که پسر قبلاً فوت کرده و از اموالی که قبلاً داشته است سهمی به پدر و سهمی به فرزندان او می‌رسد، خلاصه این که هر کدام از اموال دیگری طبق قانون ارث سهمی می‌برند و آن سهم منتقل به ورثه آنها می‌شود.

سؤال ۱۱۴۸- یک نفر با سه بچه‌اش در یک شب، در اثر گاز گرفتگی زغال فوت کرده‌اند و معلوم نیست کدام مقدم و کدام مؤخر فوت کرده‌اند، قابل توجه این که بچه‌ها مالی ندارند و وارث پدر فعلاً یک زن و پدر و مادر او می‌باشند، کیفیت تقسیم ارث را بیان فرمایید؟

جواب: سهم فرزندان از مال پدر برداشته می‌شود و به ورثه آنها می‌رسد و بقیه به باقی ورثه پدر می‌رسد.

سؤال ۱۱۴۹- لطفاً در روایت زیر:

قال الشعبي: «ما رایت افرض من علیّ و لا- احسب منه و قد سئل عنه علیه السلام و هو علی المنبر یخطب، عن رجل مات و ترک امراته و ابوین و ابنتین، کم نصیب المرأة؟ فقال- علیه السلام:- صار ثمنها تسعاً فلقت بالمسألة المنبریة شرح ذلك: للابوین السدسان و للبتین الثلثان و للمرأة الثمن عالت الفریضة فکان لها ۳ من ۲۴ ثمنها فلما صارت الی ۲۷ صار ثمنها تسعاً فان ثلاثه من ۲۷ تسعها و بقی ۲۴ للابنتین ۱۶ و ۸ للابوین سواء» جمله عالت الفریضة را توضیح دهید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۰

جواب: منظور این است که سهم زوجه‌ای که شوهرش دارای فرزند است بنا بر حکم اولی یک‌هشتم می‌باشد ولی هنگامی که با سهام والدین و بنتین در کنار هم قرار می‌گیرد اگر مجموع سهم آنها را با هم جمع کنیم ۲۷ سهم می‌شود (هرگاه مال را ۲۴ سهم

کنید ۱۶ سهم ثلثین می‌باشد و ۸ سهم سدسین است و ۳ سهم ثمن می‌باشد و مجموع ۱۶ و ۸ و ۳ می‌شود ۲۷ سهم) هرگاه سه سهم را از بیست و هفت سهم بردارید معادل یک‌نهم می‌شود، تفسیر حدیث چنین است، ولی از نظر مبانی فقهی با توجه به سایر احادیث، این مسأله قابل گفتگوست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۱

فصل چهارم: امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۱۱۵۰- با وجود نهادی برای امر به معروف در نظام جمهوری اسلامی، آیا وظیفه امر به معروف و نهی از منکر از دیگران سلب می‌شود؟ و در صورت تداخل کار آنها با دیگران، تکلیف چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر یک حکم عام است و همه به مقدار توان خود موظف به آن هستند و وجود چنین نهادی سلب مسئولیت از دیگران نمی‌کند و موارد تداخل را با برنامه‌ریزی باید حل کرد.

سؤال ۱۱۵۱- گاهی بعضی از اساتید زن در کلاس درس دانشجویان با لباسهای تحریک‌کننده حضور پیدا می‌کنند و دانشجویان بناچار برای دریافت درس و مطلب به او نگاه می‌کنند، تکلیفشان چیست؟

جواب: در این گونه موارد باید با هماهنگی مسئولین دانشگاه جلو اینگونه مسائل را گرفت تا دانشجویان به مشکل برخورد نکنند و اساتید به وظیفه شرعی خودشان عمل نمایند.

سؤال ۱۱۵۲- آیا در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت شرط است؟

جواب: قصد قربت شرط نیست ولی بدون آن ثواب به کسی نمی‌دهند.

سؤال ۱۱۵۳- آیا با اشخاصی که افعال و کردار غیر معقولانه و ناشایست دارند و با تذکر، از افعال خود دست بردار نیستند، می‌شود قطع رابطه نمود؟

جواب: در صورتی که قطع رابطه موجب خودداری از منکر شود لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۲

سؤال ۱۱۵۴- وظیفه یک طلبه در رابطه با مفاسد اجتماعی جامعه و بدحجابی خانمها بطور واضح چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه است ولی باید به شرایط آن توجه داشته باشید.

سؤال ۱۱۵۵- اگر کسی در بین جمع، غیبت بکند و مطمئن باشیم امر به معروف و نهی از منکر در او تأثیر نمی‌کند، وظیفه ما چیست؟

جواب: در چنین جلسه‌ای شرکت نکنید.

سؤال ۱۱۵۶- آیا قطع رابطه با اقوامی که نسبت به امور شرعی بی‌تفاوتند مثلاً (خمس و زکات نمی‌دهند) و یا امور خلاف شرع انجام می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر در آنها تأثیری ندارد جایز است؟

جواب: اگر قطع رابطه موجب بیدار شدن آنها گردد واجب است و اگر اثر منفی دارد، این کار را نکنید.

سؤال ۱۱۵۷- اگر امر به معروف و نهی از منکر در اداره باعث شود که انسان از مزایایی همچون اضافه کار و یا پاداشهای دیگر محروم شود، آیا باز هم واجب است؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیان مهمی نشود واجب است.

سؤال ۱۱۵۸- آیا تذکر به کسی که قرآن را غلط می‌خواند واجب است؟

جواب: بهتر است با زبان خوب تذکر دهید.

سؤال ۱۱۵۹- یکی از مسئولین دانشگاهها به غلط امر به معروف و نهی از منکر و تذکر به دانشجویان خاطی را محدود به مسئولین انضباطی دانشگاه می‌داند و به دانشجویان مؤمن میدان نمی‌دهد، با توجه به این مطلب وظیفه یک دانشجوی متعهد و انقلابی در این زمینه چیست؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مسلمانهاست و کسی نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد ولی باید طوری انجام گیرد که نظم دانشگاهها و مؤسسات به هم نخورد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۳

سؤال ۱۱۶۰- اگر سوار تاکسی شدیم و راننده نوار ترانه غیر مذهبی گذاشت تکلیف ما در این حال چیست؟

جواب: باید نهی از منکر کنید و اگر نمی‌پذیرد پیاده شوید، مگر اینکه عسر و حرج لازم آید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۵

فصل چهل و یکم: احکام دفاع و جهاد

سؤال ۱۱۶۱- آیا در تقسیم متعارف کافر به ذمی و حربی که غیر ذمی را حربی می‌دانند، می‌توان به همه احکام آن ملتزم شد که کفاری که در حکومت جمهوری اسلامی هستند، ذمی و بقیه در هر کجای دنیا که باشند حربی باشند و همه اقدامات درباره کافر حربی درباره آنان جایز باشد، یا حربی اختصاص دارد به حالت محاربه و در غیر حالت جنگ، قسم سومی داریم که نه ذمی و نه حربی است و جان و مال و عرض آنان که در جنگ نیستند محترم است؟

جواب: کافر، قسم سوم و چهارمی نیز دارد و قسم سوم آن کافر «معاهد» است و بسیاری از دول امروز که با ما روابط سیاسی دارند و با ما در حال جنگ نیستند مصداق آن محسوب می‌شوند و مادام که به نحوی از انحا با مسلمین وارد محاربه نشوند همه چیز آنها و جان و مالشان محترم است، زیرا طبق تعهداتی که از طریق روابط سیاسی و قوانین پذیرفته شده بین المللی با آنان داریم داخل در معاهد هستند. در ضمن باید توجه داشت که کافر معاهد بر خلاف آنچه بعضی گفته‌اند زمان محدودی ندارد و شامل اهل کتاب و غیر اهل کتاب نیز می‌شود. این نکته نیز قابل توجه است که اهل کتاب در صورتی به عنوان کافر ذمی شناخته می‌شوند که در داخل کشورهای اسلامی زندگی کنند، ولی اهل کتابی که در داخل کشور خودشان زندگی می‌کنند آنها فقط جزء معاهد می‌توانند باشند و پیمان ذمه در مورد آنها مفهوم ندارد (مگر این که کشوری خود را در پناه کشور اسلامی قرار دهد) زیرا در احکام ذمه قرائن زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد مربوط به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۶

اقلیتهای داخل کشورهای اسلامی است.

قسم چهارم، کفاری هستند که نه جزء کفار ذمی می‌باشند و نه معاهد و نه حربی و در واقع در بی‌طرفی کامل نسبت به مسلمین به سر می‌برند که می‌توان آنها را کفار بی‌طرف نامید که در دو آیه از قرآن به وضع آنها اشاره شده است، در سوره ممتحنه آیه ۸ می‌فرماید: (لَمَّا يَنْهَئُكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) و سوره نساء آیه ۹۰ بعد از اشاره به کفار حربی می‌فرماید: (أَلَا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ مَا حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ... فَإِنْ اعْتَرَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَ أَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا).

بنابراین که مراد از «القای سلم» پیش گرفتن راه مسالمت‌آمیز باشد نه برقراری پیمان صلح، زیرا تعبیر به القای سلم تناسب با همین معنا دارد و آیه بعد نیز شاهد بر این مطلب است، به هر حال کافر بی‌طرف هم، جان و مال و ناموسش محفوظ است شرح بیشتر در مورد اقسام چهارگانه کافر نیاز به بحث مبسوطتری دارد.

سؤال ۱۱۶۲- آیا فقیه مبسوط الید می‌تواند حکم به جهاد ابتدایی کند؟

جواب: باید طبق فتوای خودش عمل کند چون تقلید برای مجتهد حرام است.

سؤال ۱۱۶۳- آیا کشتن کسی که به انسان حمله می‌کند و یا سارقی که به منزل انسان آمده است جایز است؟

جواب: در صورتی که راهی جز کشتن او نباشد جایز است و خون او هدر است.

سؤال ۱۱۶۴- مسأله‌ای برای من هنگام اشغال کویت توسط لشکر متجاوز عراق اتفاق افتاد لطفاً جواب این مسأله را بفرمایید- داستان

از این قرار است که روز هشتم اشغال کویت وقتی که به خانه برگشتم یکی از سربازان عراقی را در خانه، در کنار برادر کوچکم

دیدم از او سؤال کردم این شخص کیست؟ گفت: یکی از سربازان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۷

عراقی است که مردم کویت را می‌کشند، ولی من به حرف او اعتنایی نکردم و به اطاق رفته به نماز ایستادم. در این هنگام آن سرباز

با اسلحه گرم او رازد به طوری که خون از بدن او جاری شد ولی هنوز به زمین نیفتاده بود که من از ترس جان خود و خانواده

آماده دفاع شدم و به او حمله کردم، از نظر شرعی این دفاع چگونه بوده است؟

جواب: اگر آن سرباز مهاجم قصد جان یا مال شما یا فرزندانان را داشته، دفاع با هر وسیله‌ای جایز بوده است و خون او هدر است.

سؤال ۱۱۶۵- اگر یک طایفه از شیعیان بر طایفه دیگر حمله مسلحانه نماید بطوری که خوف جان، مال و ناموس عده‌ای در آن

باشد، آیا بر طایفه دیگر دفاع واجب است؟

جواب: آنها حق دارند از خود دفاع کنند ولی باید نهایت کوشش را برای جلوگیری از این گونه درگیریها به عمل آورند تا کار به

خونریزی نکشد.

سؤال ۱۱۶۶- با توجه به مسأله فوق اگر افراد یا مسئولین یکی از جناحها (در حالی که اسلحه با خود حمل نمی‌کرده و قاتل کسی

هم نبوده) توسط جناح دیگر ترور گردد حکم قاتل و مقتول چیست؟

جواب: هر کس، مؤمنی را عمداً به قتل برساند حکم او قصاص است ولی قصاص باید به وسیله حاکم شرع یا نماینده او انجام شود.

سؤال ۱۱۶۷- پس از بیرون رفتن استعمار انگلستان از شبه قاره هند و تقسیم آن به ایالت مسلمان نشین جامو و کشمیر، بر خلاف

مقررات تقسیم و خواست مسلمانان، این منطقه در نتیجه زورگویی و لشکرکشی زیر سلطه هند درآمد. مسلمانان برای حفظ مذهب،

فرهنگ، ناموس و آزادی خود علیه متجاوز، قیام کرده‌اند و در این مبارزه به بدترین مصائب از جمله قتل عام، شکنجه، اسارت و

غارت و حتی ... گرفتار شده‌اند، آیا کشته‌شدگان مسلمانان در این مبارزه شهیدند و این حرکت جهاد محسوب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۸

جواب: مادام که برای دفاع از جان و مال و ناموس مسلمین و اساس اسلام و مذهب اهل بیت (علیهم السلام) تلاش می‌کنند عمل

آنها جهاد است و آنها که در این راه کشته می‌شوند شهیدند، اما باید سعی کنند از مجتهد یا نماینده مجتهدی دستور بگیرند.

سؤال ۱۱۶۸- اگر روشن شود که کالاهای اسرائیلی را به نام کشورهای دیگر مثل ترکیه و قبرس و یا سایر کشورها، به کشورهای

اسلامی وارد می‌کنند تا خریداران متوجه نشوند که این کالاها اسرائیلی است چون می‌دانند که اگر مسلمانان بدانند اسرائیلی است

نمی‌خرند، حکم این فریب دادن مسلمانان چیست؟

جواب: در این فرض خرید این کالاها جایز نیست و جایز نیست که مسلمانان را فریب دهند و مسلمانان باید از هر کاری که باعث

تقویت دشمن می‌شود بپرهیزند.

سؤال ۱۱۶۹- آیا برای آژانسهای مسافرتی، جایز است که تورهای مسافرتی به اسرائیل ترتیب دهند؟

جواب: برگزاری این تورهای مسافرتی از اسباب تقویت دشمنان اسلام و تضعیف مسلمین است و این کار بر هیچ مسلمانی جایز

نیست.

سؤال ۱۱۷۰- اگر آژانسهای مسافرتی مرتکب چنین کاری بشوند آیا برای مسلمانان جایز است که از این آژانسها برای سفر به اسرائیل بلیط تهیه کنند؟
جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۱۷۱- بسیاری از بهائیهای مقیم جمهوری اسلامی ایران اظهار می‌دارند که ما تابع قوانین عمومی ایران بوده و هیچ تخلفی را مرتکب نشده‌ایم لیکن متحمل تضییع حقوق هستیم، آیا اصولاً بهائیها، به خصوص بهائیهای مقیم ایران اهل ذمه محسوب می‌شوند؟
جواب: می‌دانیم مسأله بهائیکگری در شرایط کنونی تنها یک مسأله مذهبی نیست بلکه بیشتر جنبه سیاسی دارد و قرائن فراوانی در دست است که آنها به نفع بیگانگان فعالیت می‌کنند و دفاع شدید مجالس قانون گذاری بعضی از کشورهای استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۴۹

غربی از آنها از جمله این قرائن است. بنابراین در چنین شرایطی نمی‌توان با آنها به عنوان گروهی که می‌خواهند در این مملکت زندگی مسالمت آمیز داشته باشند نگاه کرد و آنها در واقع محارب هستند.

سؤال ۱۱۷۲- آیا جایز است که مسلمانی، کشورهای غیر اسلامی را وطن خود قرار دهد؟ آیا این تعزب بعد الهجره نیست؟
جواب: اگر از کفر و فساد در امان است اشکال ندارد و این مصداق تعزب بعد الهجره نیست، به خصوص این که بتواند کم کم با قول و فعل خود در آنجا مبلغ اسلام باشد.

سؤال ۱۱۷۳- آیا سفر به کشورهای کفر و فساد برای ادامه تحصیل با احتمال ضعف دین خود یا همسر یا یکی از فرزندان، یا بی‌اعتنایی در بعضی از فرایض یا متأثر شدن به اخلاق و عادات آنها، جایز است؟
جواب: در فرض مسأله خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۱۷۴- آیا پناهنده شدن به کشورهای کفر به خاطر این که کاری در وطن خود گیر نمی‌آورد جایز است؟
جواب: اگر ضرورتی ایجاب کند و متأثر به آداب حرام آنها نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۷۵- آیا سفر به کشورهای غیر مسلمان برای گذراندن تعطیلات و استراحت و اطلاع بر فرهنگ آن کشورها، با احتمال وقوع در حرام یا ضعف اعتقادات خود یا همسر یا فرزندان یا متأثر شدن از اخلاق مردم آن مملکت جایز است؟
جواب: همان طور که گذشت اگر این احتمال یک احتمال عقلایی باشد جایز نیست.

سؤال ۱۱۷۶- آیا جایز است که مسلمان به بلاد کفر و فساد مهاجرت کند و در آنجا کار کند و تخصیص و فن خود را در اختیار کفار قرار دهد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۰

جواب: مغزهای متفکر مسلمین و افراد متخصص آنها، باید در خدمت کشورهای اسلامی باشند ولی در موارد ضروری اگر باعث تقویت کفار و ضعف مسلمانان نشوند و متأثر به آداب حرام آنها نگردند اشکالی ندارد و اگر بتوانند با قول و فعل خود مبلغ اسلام در آن مناطق باشند کار خوبی خواهد بود.

سؤال ۱۱۷۷- آیا زن حق مخالفت با شوهرش را دارد که به بلاد کفر نرود؟

جواب: اگر رفتن به آنجا به دین و اعتقاد و اخلاقش ضربه می‌زند، مخالفت او جایز است.

سؤال ۱۱۷۸- آیا فرزند می‌تواند در رفتن به بلاد کفر با پدر و مادرش مخالفت کند؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۱۷۹- آیا مبلغ دینی در صورتی که احتمال ضعف دین همسر و فرزندان را بدهد می‌تواند برای تبلیغ به بلاد کفر سفر

کند؟

جواب: مجزّد احتمال کافی نیست مگر این که احتمال قوی باشد و در اینگونه مسائل که مربوط به تبلیغ اسلام است نباید وسوسه به خرج داد.

سؤال ۱۱۸۰- آیا مسلمان می‌تواند با فرض احتمال ضعف دین خود یا خانواده‌اش، برای معالجه طولانی به بلاد کفر مسافرت کند؟
جواب: از جواب سابق روشن شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۱

فصل چهل و دوم: احکام حدود

[حدود]

۱- حدّ زنا

سؤال ۱۱۸۱- حکم مجامعت با نامزد قبل از عقد شرعی از طریق دبر چیست؟

جواب: اگر دخول حاصل شود حدّ زنا در باره او جاری می‌شود.

سؤال ۱۱۸۲- شخصی با اعتقاد به این که دامادش (شوهر دخترش) با همسر او زنا نموده است عمداً وی را به قتل رسانده است، آیا علم به زنا مجوّز قتل می‌شود؟ و آیا اعتقاد قاتل، تأثیری در نوع قتل دارد و موضوع ملحق به اعتقاد به مهدور الدّم بودن مقتول می‌باشد؟

جواب: علم به زنا به تنهایی مجوّز قتل نمی‌شود، مگر این که او را در حال زنا با همسرش ببیند که در این صورت قتل او جایز است ولی تا در محکمه اثبات نکند قتل عمد شمرده می‌شود. در مواردی که ثابت شود که شخص اعتقاد به مهدور الدّم بودن کسی داشته و او را به قتل رسانده، قتل شبه عمد حساب می‌شود.

سؤال ۱۱۸۳- دختری با پسری ازدواج کرده است و صیغه دائمی بین اینها خوانده شده، ولی هنوز عروسی نکرده‌اند و دختر در خانه پدر زنا کرده است، آیا این زنا محصنه است یا غیر محصنه؟
جواب: زنا محصنه نیست.

سؤال ۱۱۸۴- آیا حاکم شرع می‌تواند برای اثبات زنا یا لواط، پایه و اساس علم خود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۲

را نظریه پزشکی قانونی قرار داده (متهمین را جهت معاینه) انجام آزمایشات دقیق علمی به او معرفی کند، یا این که در اینگونه موارد نفس رؤیت شهود در اثبات حد لازم است؟
جواب: نظریه پزشکی قانونی به تنهایی کافی نیست.

سؤال ۱۱۸۵- پسر و دختری زنا کردند و پسر بعد از این عمل با دختر دیگری ازدواج کرده است، اما بعد از تزویج نیز همین عمل را با آن دختر تکرار کرده است، آیا این زناهایی که بعد از تزویج پسر با دختر دوّم ادامه داشته، زنا محصنه محسوب می‌شود؟
جواب: هرگاه بعد از ازدواج، عروسی کرده و این عمل را با دختر اوّل ادامه می‌دهد، زنا محصنه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۱۸۶- حدّ زنا محصنه چیست؟

جواب: حدّ زنا محصنه سنگسار است، ولی در شرایطی که محذورات مهمّی بر این امر مترتب شود می‌توان اعدام را به نحو دیگری انجام داد و شبیه حکم فرار از حفیره در صورت اقرار در اینجا نیز جاری است.

سؤال ۱۱۸۷- آیا حدّ زنا باید در محلّ وقوع آن انجام شود یا جای دیگر هم اشکالی ندارد؟

جواب: محل در آن شرط نیست.

سؤال ۱۱۸۸- در صورتی که برگشتن دختر و پسر زناکار به محل زندگیشان باعث مفسده و اختلافاتی بین اهالی آن محل شود، آیا می‌توان آنها را به محل دیگری تبعید کرد؟

جواب: هرگاه ماندن آنها در محل خود موجب فساد شود، می‌توان آنها را به محل دیگری فرستاد.

سؤال ۱۱۸۹- چنانچه شخصی بعد از عقد و قبل از عروسی زنا کند، آیا غیر از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۳

تازیانه، تبعید و کوتاه کردن موهای او نیز لازم است؟ در صورت مثبت بودن جواب، آیا تمکن از دخول و عدم تمکن در حکم تأثیری دارد؟

جواب: تراشیدن سر و تبعید لازم است و تمکن از دخول شرط نیست، مگر این که زن مدّت طولانی به اجبار از شوهر جدا باشد.

سؤال ۱۱۹۰- در خصوص این روایت که اگر دو مرد، یا یک زن و مرد، زیر یک لحاف دیده شوند باید تعزیر شوند آیا صرف این کار، دالّ بر سوء نیت است و تعزیر دارد، یا احراز سوء نیت لازم است؟

جواب: احراز سوء نیت نیز لازم است.

سؤال ۱۱۹۱- چنانچه زنی، مردی را با اسلحه یا به نحوی دیگر تهدید کند که اگر با وی زنا نکند چنین و چنان می‌کند و مرد واقعاً مکره واقع شود، آیا حکم مکره در اینجا نیز ثابت است؟

جواب: در فرض مسأله، حکم زنای به عنف که اعدام است در مورد زن جاری نمی‌شود، فقط حد دارد (رجم یا جلد به اختلاف موارد).

سؤال ۱۱۹۲- الف) اگر مرد زناکار، زانیه را که باکره بوده و بر اثر زنا حامله شده است عقد کند، آیا حد ساقط می‌شود یا رضایت اولیای دختر لازم است؟

ب) اگر اولیای دختر راضی نشوند و او را برای زانی عقد نکنند، آیا شخص دیگری می‌تواند دختر را بگیرد؟ و حدّ زنا در این صورت چگونه است؟

جواب: الف) حد با عقد و یا رضایت اولیای دختر ساقط نمی‌شود ولی این مسأله اگر نزد حاکم شرع از طریق اقرار (نه شهود) ثابت شده، می‌تواند با ملاحظه مصالح او را عفو کند.

ب) اشکالی ندارد و حکم حد همان است که در بالا گفته شد و با این کار ساقط نمی‌شود.

سؤال ۱۱۹۳- لطفاً جواب مسائل زیر را مرقوم بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۴

الف) آیا آوردن متهم به زنا به دادگاه جهت اعتراف جایز است؟

ب) در صورت جواز آیا جایز است قاضی مأذون به متهم تفهیم کند که جرم او چیست؟

ج) در صورت جواز سؤال ب و اظهار قبولی متهم آیا قبول اتهام تفهیمی به عنوان اقرار محسوب می‌شود یا این که باید اقرار کند و تصریح به عمل، موضوعیت دارد و در صورت اقرار واحد آیا تکرار سؤال به دفعات یا جلسات متعدّد لازم یا جایز است؟

د) آیا سکوت متهم کاشف از انکار اوست؟

جواب: الف) متهم به زنا را نمی‌توان به دادگاه احضار کرد، مگر این که شهود قبلاً بروند و شهادت بدهند، و یا زنای به عنف صورت گرفته باشد و مزنی بها شکایت کند و یا متهم مرتکب جرائم منکراتی دیگری مانند خلوت با اجنبیه شده باشد که به خاطر

این امور جلب شود.

ب) از جواب سؤال بالا معلوم شد.

ج) اقرار باید صریح باشد و اصرار قاضی برای گرفتن اقرار وجهی ندارد.

د) با سکوت چیزی ثابت نمی‌شود و انکار در اینجا لازم نیست بلکه اقرار اثر دارد.

سؤال ۱۱۹۴- فردی در وطنش محصن یا محصنه است و به قصد زنا به شهر دیگری مسافرت می‌کند که بیش از مسافت شرعی است و در آن شهر- العیاذ بالله- مرتکب زنا می‌شود آیا حدّ زنا محصنه دارد؟
جواب: اگر از همسرش به مقدار قابل ملاحظه‌ای دور شده باشد و مصداق «یغدو و یروح» نباشد یعنی همسرش عملاً در اختیار او نیست، زنا محصنه محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۱۹۵- در زناهی که موجب رجم است اگر زانی پس از اقرار چهارگانه انکار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۵

نمود حدّ رجم ساقط است اول این که آیا این حکم اختصاص به رجم دارد یا این که در مواردی که زنا، موجب قتل است مانند زنا به عنف یا با محارم، هم جاری است و دوم این که آیا حکم مذکور در لواط ایقابی هم جاری است؟
جواب: در این گونه موارد حدّ اقل قاضی می‌تواند عفو کند.

سؤال ۱۱۹۶- اگر برادر بالغی با خواهر بالغ خود (نعوذ بالله) زنا کند آیا هر دو محکوم به اعدامند؟ و نیز اگر برادری که سنّش قانونی (۱۸ سال) باشد با خواهر بالغ و یا نابالغ (کمتر از ۱۸ سال) خود زنا کند آیا رضایت ولی و یا قیم دختر از اعدام زانی مذکور جلوگیری می‌کند؟

جواب: در صورتی که زانی و زانیه به حد بلوغ شرعی رسیده باشند حکم درباره آنها جاری است خواه ولی راضی شود یا نشود، مشروط بر این که موضوع نزد حاکم شرع با دلایل کافی ثابت شود.

سؤال ۱۱۹۷- آیا زنا با خواهر رضاعی و یا مادر زن از حیث کیفر همچون زنا با خواهر و مادر واقعی است؟

جواب: زنا با این دو، حکم زنا با محارم نسبی را ندارد ولی مجازات اصل زنا ثابت است.

سؤال ۱۱۹۸- آیا حرمت زنا ذاتی است و یا عرضی؟

جواب: اگر منظور از ذاتی بودن این باشد که زنا حرام است خواه آثار زیانباری داشته باشد و خواه نداشته باشد، جواب این است که آری حرمت زنا ذاتی است.

۲- حدّ لواط

سؤال ۱۱۹۹- آیا در لاطی احصان را شرط می‌دانید؟

جواب: در لواط فرقی میان محصن و غیر محصن نیست.

سؤال ۱۲۰۰- آیا می‌توان شخصی که به اتهام لواط محکوم به یکی از مجازاتهای معروف در فقه شده است را با چوبه دار یا اسلحه گرم اعدام کرد؟

جواب: تبدیل نوع اعدام در صورت ایجاب مصلحت مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۶

۳- حدّ قذف

سؤال ۱۲۰۱- کسی که دیگری را متهم به ارتداد و کفر می‌کند و نمی‌تواند این اتهام را در محضر حاکم شرع اثبات نماید، حکمش چیست؟

الف) آیا چنین موردی را می‌توان مصداق قذف دانست؟

ب) در صورت منفی بودن پاسخ، با وی باید به چه نحوی عمل کرد؟

ج) چنانچه شخص مورد اتهام از حق خود صرف نظر کند، آیا حد یا تعزیر چنین شخصی ساقط می‌گردد؟

جواب: الف و ب) قذف تنها در دو مورد است: نسبت زنا یا لواط دادن، بقیه نسبت‌های ناروا تعزیر دارد.

ج) ظاهر این است که حکم تعزیر با گذشت صاحب حق جاری نمی‌شود، مگر این که حاکم شرع ملاحظه کند که ترک تعزیر در این گونه موارد، منشأ مفساد اجتماعی می‌شود که بر طبق عنوان ثانوی تعزیر می‌کند.

سؤال ۱۲۰۲- در مورد زن ۷۵ ساله‌ای حد قذف صادر شده است، ولی به گواهی پزشکی قانونی، زن بیمار است و شلاق برای او خطرناک است، آیا مسأله ضغث یا صبر نمودن تا بهبودی ایشان در حد قذف هم مطرح است؟ و اگر بیماری هیچ‌گاه علاج نشود تکلیف چیست؟

جواب: اگر خوف خطر در اجرای حد باشد باید از آن خودداری شود و موکول به زمان رفع خطر گردد و اگر امید بهبودی نیست باید از ضغث استفاده کرد.

سؤال ۱۲۰۳- شخص مسلمانی به طور مکرر و در حال عصبانیت به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) (نعوذ بالله) توهین می‌کند در حالی که به خیال خودش به حضرت أبو الفضل (سلام الله علیه) اعتقاد و علاقه دارد وظیفه همسر، فرزندان و بستگان او را بیان فرمایید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۷

جواب: اگر حال او حال عادی باشد، از اسلام بیرون رفته است و همسرش باید از او جدا بشود ولی اگر از حال طبیعی خارج شده و یا مشکوک است که از حال طبیعی خارج شده یا نه، محکوم به اسلام است و در صورت اول اگر توبه کند و دوباره آن زن به عقد آن مرد درآید عقدش صحیح است.

سؤال ۱۲۰۴- مردی که دشنام خواهر و مادر به زنش می‌دهد و همیشه زبانش به غیبت دیگران عادت کرده چه حکمی دارد؟

جواب: دشنام دادن به دیگران در بعضی از موارد مجازات تعزیر دارد و در بعضی از موارد حد قذف (۸۰ تازیانه) که به وسیله حاکم شرع انجام می‌شود.

۴- حد شرب خمر

سؤال ۱۲۰۵- آیا لعنت کردن شارب الخمر جایز است؟ حد آن چقدر است؟

جواب: لعنت کردن کسی که علناً شراب می‌خورد جایز است و حد آن هشتاد تازیانه می‌باشد.

۵- حد سرقت

سؤال ۱۲۰۶- آیا سارق بعد از قطع دستش می‌تواند دست قطع شده را پیوند بزند؟

جواب: در باب قصاص از فقه، این مسأله مشهور است که اگر گوش قطع شده را به جای اولش پیوند بزنند و پیوند بگیرد «مجنی علیه» می‌تواند آن را قطع کند تا همانند خودش شود و حدیثی در این زمینه از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که یا سند آن معتبر

است و یا حدّ اقل «معمول به اصحاب» می‌باشد، هر چند الغای خصوصیت از آن و تسری به باب حدود مشکل است، ولی ظاهر ادله قطع ید سارق آن است که پیوند زدن آن جایز نیست. به خصوص این که در روایت علل و عیون عن الرضا (علیه السلام) آمده است که: «و علة قطع الیمین من السارق لانه تباشر الاشياء (غالباً) بیمینه استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۸

و هی افضل اعضائه و أنفعها له فجعل قطعها نکالا- و عبرة للخلق لئلا یتغوا اخذ الاموال من غیر حلّها و لانه اکثر ما یتباشر السرقة بیمینه، و این معنا، با پیوند زدن سازش ندارد. در حدیث دیگری آمده است: عن النبی (صلی الله علیه و آله) انه اتی بسارق فامر به فقطعت یده ثم علقت فی رقبتہ» (۱).

سؤال ۱۲۰۷- پیوند زدن انگشتان قطع شده سارق به دست شخص دیگری که فرضاً در کارخانه بریده شده چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز آیا اجازه صاحب عضو برای این کار لازم است؟
جواب: با اجازه صاحب عضو جایز است.

سؤال ۱۲۰۸- استفاده از داروهای بی حس کننده به هنگام اجرای حدّ سرقت چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۰۹- در قانون مجازات اسلامی و بعضی از متون فقهی یکی از شرایطی که برای اجرای حدّ سرقت به طور مطلق بیان شده این است که: «سارق پس از سرقت، مال را تحت ید مالک قرار نداده باشد» آیا شرط مذکور در تمام مراحل رسیدگی، حتی پس از ثبوت جرم و انشای رأی نیز جاری می‌باشد؟ یا اختصاص به قبل از شکایت نزد حاکم دارد؟
جواب: بازگرداندن مال به مالک پس از ثبوت جرم و انشای رأی، فایده‌ای ندارد و موجب سقوط حدّ نمی‌شود.

سؤال ۱۲۱۰- اگر درب پارکینگ باز باشد آنجا حرز محسوب می‌شود یا نه و اگر بسته باشد چگونه است؟
جواب: در صورت اول حرز نیست و در صورت دوم که درب پارکینگ بسته است حرز محسوب می‌شود.

(۱). جواهر، جلد ۴۱، صفحه ۵۴۳ و سنن بیهقی، جلد ۸، صفحه ۲۷۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۵۹

سؤال ۱۲۱۱- آیا جسد انسان مال تلقی می‌شود و خرید و فروش آن برای اهداف مشروع جایز است و آیا موضوع جرم برای عنوان سرقت واقع شود یا خیر؟

خصوصاً وقتی که صدها سال از تاریخ مرگ، گذشته باشد و موضوع از جهت باستان‌شناسی و تاریخی حائز اهمیت باشد؟
جواب: خرید و فروش بدن میت مسلمان جایز نیست و مال محسوب نمی‌شود اما بدن غیر مسلمان برای اهداف مشروع مانند تشریح در مواردی که مجاز است نیز خالی از اشکال نیست و در هر حال اجرای حدّ سرقت مشکل است.

سؤال ۱۲۱۲- در مورد اجرای حدّ سارق، علاوه بر جمیع شرایط، آیا تقاضای قطع ید از طرف مالباخته نیز لازم است، و یا به مجرد شکایت نزد قاضی با فرض وجود شرایط دیگر اجرای حدّ واجب می‌شود؟
جواب: شکایت او کافی است و نیاز به تقاضای اجرای حد ندارد.

سؤال ۱۲۱۳- چنانچه قبل از طرح شکایت از طرف مالباخته نزد قاضی، اموال مسروقه توسط اداره آگاهی از سارق اخذ و جهت تحویل به مالباخته نگهداری شود به نحوی که هر موقع مالباخته تقاضا نماید اموال به او تحویل می‌گردد، ولی مالباخته با وجود علم به این موضوع قبل از تحویل گرفتن اموال نزد قاضی شکایت می‌کند آیا در این صورت نیز اجرای حدّ سرقت واجب است؟
جواب: حدّ سارق در اینجا اجرا نمی‌شود، و از قبیل بازگشت مال به دست صاحب آن است.

سؤال ۱۲۱۴- کسی که مرتکب چهار فقره سرقت شده همه اینها به ثبوت رسیده است آیا برای تمامی اینها یک حد کافی است یا هر کدام حدّ جداگانه‌ای دارد؟

جواب: حدّ واحد برای همه آنها کافی است.

سؤال ۱۲۱۵- با توجه به این که نصاب حدّ سرقت یک ربع دینار شرعی است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۰

موضوع درهم و دینار فعلاً منتفی است، نصاب حدّ سرقت را چگونه به دست بیاوریم؟ آیا می‌توان پول رایج یا طلای غیر مسکوک را معیار قرار داد؟

جواب: باید از اهل خبره سؤال کرد که اگر دینار مسکوک وجود داشته باشد چه اندازه قیمت دارد و قیمت یک ربع آن، نصاب حدّ سرقت خواهد بود و هرگاه سرانجام شک در مقدار حاصل شود باید قدر متیقّن را حساب کرد.

سؤال ۱۲۱۶- تقریباً سه سال پیش (بر اثر جهالت و به خاطر معاشرت با دوستان ناباب) مبادرت به سرقت چند شاخه مفتول از شهرداری و فروختن آنها کردم. اگر من بخواهم وجه آنها را بپردازم:

الف) باید به چه شخص یا سازمانی بدهم؟

ب) در این مورد که طرف مقابل من شهرداری است آیا حلالیت طلبیدن و راضی کردن شخص خاصی لازم است؟

ج) در آن موقع قیمت هر کیلو مفتول مثلاً چهل تومان بوده ولی امروز ۱۲۰ تومان است باید کدام مبلغ را بپردازم؟

د) ما سه نفر بودیم (البته کل پول بین ۲ نفرمان تقسیم شد) حال من باید کلّ مبلغ مفتولها را بپردازم یا باید مثلاً وزن کلّ آنها را نصف کرده و پول نصف مفتولها را بدهم؟

ه) وزن تقریبی مفتولها درست به خاطر من نیست در این مورد باید چگونه وجه را بپردازم؟

جواب: شما می‌توانید مبلغ آن را به یکی از حسابهای درآمدهای مربوط به شهرداری در بانک واریز کنید و لازم است مبلغ فعلی آن را بدهید و اگر دیگران سهمی نپردازند شما در مقابل تمام مبلغ ضامن هستید و با انجام این کار حلالیت طلبیدن لازم نیست، باید به درگاه خدا توبه کنید و در صورت شک نسبت به مقدار آن، احتیاط کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۱

سؤال ۱۲۱۷- در فرض سؤال بالا و به همین صورت و با همان رفیق قبلی، مفتولهای یک زمین شخصی را بردیم (البته همان طور که ذکر کردم یکی از دلایل این اعمال قبیح، جوانی بود و من خیلی دوست داشتم که خودم را انسان زرنگی نشان بدهم) بازهم وزن

آن مفتولها درست به خاطر من نیست و حتی تعداد آنها را هم دقیق نمی‌دانم، چگونه باید پول آن بنده خدا را بپردازم؟

جواب: از جواب بالا- معلوم شد و طرز رساندن وجه آن به صاحب مال یا از طریق پیدا کردن حساب بانکی یا فرستادن از طریق حواله بانکی به درب مغازه و یا منزل او به ضمیمه نامه‌ای که به طور سربسته نشان می‌دهد شما فلان مبلغ را از این جانب طلبکار بوده‌اید، بدون این که امضا کنید و یا طرق مطمئن دیگر و نسبت به مقدار آن احتیاط کنید و بیشتر بدهید تا یقین به برائت ذمه حاصل شود.

۶- حدّ محارب

سؤال ۱۲۱۸- عده‌ای از مسیحیان بعضی از کشورها، یا مستقیماً با مسلمانان در جنگ هستند و یا از نظر اقتصادی به کسانی که با مسلمانان در جنگ هستند کمک می‌کنند، آیا احکام محارب بر آنها جاری می‌شود و اساساً شرایط صدق محارب در این زمان

چیست؟

جواب: آنها جزء محاربند ولی اگر اجرای احکام محارب بر آنها موجب تشدید کینه و فساد می‌شود باید با آنها مدارا کرد.
سؤال ۱۲۱۹- جاسوسانی که اطلاعات نظامی یا غیر نظامی کشور اسلامی را با علم و آگاهی، در اختیار دشمن می‌گذارند و در این رابطه گاهی در کشورهای بیگانه آموزشهایی دیده‌اند و در مقابل آن مبلغی هم دریافت می‌کنند و یا بدون پاداش این کار را انجام می‌دهند چه حکمی دارند، آیا محاربند؟

جواب: اطلاق عنوان محارب بر جاسوس مشکل است، زیرا در تعریف آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۲

اموری در فتاوا و روایات آمده است که بر جاسوس تطبیق نمی‌کند ولی مواردی از جاسوسی پیدا می‌شود که از محاربه نیز شدیدتر است. به طور کلی جاسوسی را باید مطابق محتوای آن تقسیم کرد هرگاه مربوط به اخباری بوده باشد که پایه‌های احکام اسلامی یا حکومت اسلامی را متزلزل سازد و یا جان مسلمانان را به وسیله آن به خطر می‌اندازد مسلماً محکوم به اعدام است. همچنین اگر اخبار او سبب گسترش فساد در مقیاس وسیعی گردد به طوری که عنوان مفسد فی الارض به معنای قطعی‌اش بر او صادق شود، نیز محکوم به اعدام است، ولی اگر در موضوعات کوچکتری باشد که هیچ یک از مسائل فوق در آن نیست، مثل این که اطلاعات غیر مهم و خالی از خطر عمده، در اختیار بیگانگان بگذارد در این صورت مشمول قانون تعزیرات است و مقدار تعزیر تناسب با میزان ضرر جاسوسی او خواهد داشت.

۷- حد ارتداد

سؤال ۱۲۲۰- اگر کسی با کوچکترین ناراحتی حرفهایی بزند که از آن بوی ارتداد و خدای ناکرده اهانت به مقام خداوند متعال یا معصومین (علیهم السلام) می‌آید با توجه به این که می‌دانیم لحظه‌ای دیگر وضو می‌گیرد و نماز می‌خواند و سایر عبادات را بجا می‌آورد، برخورد با اینگونه افراد به چه صورت باید باشد؟

جواب: اگر از خود بی‌خود می‌شود و کلمات کفرآمیز می‌گوید مرتد نمی‌شود و در غیر این صورت مرتد است.

سؤال ۱۲۲۱- اگر شوهر مرتد شود و نه فقط به دین اعتقادی نداشته باشد بلکه علیه آن نیز صحبت کند، حکم زندگی کردن همسرش با او چیست، لازم به ذکر است که امر به معروف و نهی از منکر نیز در او اثری نداشته است؟
جواب: همسرش باید از او جدا شود و بر او حرام است و نیازی به طلاق ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۳

سؤال ۱۲۲۲- آیا توهین به قرآن و فحاشی نمودن به آن (العیاذ بالله) سبب ارتداد می‌شود، تکلیف کسانی که شاهد و ناظر این مسأله هستند چیست؟

جواب: اگر از روی علم و عمد باشد مرتد می‌شود و بر دیگران لازم است که نهی از منکر کنند.

سؤال ۱۲۲۳- اگر مسلمانی معتقد به تحریف قرآن باشد، حکمش چیست و آیا اعتقاد به تحریف، انکار ضروری دین محسوب می‌شود؟

جواب: نظر به این که افراد کمی از علمای مذاهب مختلف اسلامی قائل به تحریفند (هرچند محققان، هرگز تحریف را قبول نکرده‌اند) حکم ارتداد جاری نمی‌شود، اما چنین کسی مرتکب اشتباه بزرگی شده است.

سؤال ۱۲۲۴- اگر کسی معتقد باشد که معانی قرآن، بر قلب مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شده است و آن حضرت با این کلمات آن معانی را بیان فرموده‌اند و کلمات فعلی صادر از ناحیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است نه خداوند، آیا این اعتقاد موجب ارتداد می‌شود و وظیفه ما در مقابل چنین شخصی چیست؟

جواب: این عقیده خطا و اشتباه است و باید او را ارشاد کرد ولی موجب کفر نمی‌شود.

مسائل متفرقه حدود

سؤال ۱۲۲۵- خارج کردن منی به وسیله استمنا در صورتی که باقی ماندن آن در بدن ضرر داشته باشد چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که واقعا ضرورتی باشد حرام نیست.

سؤال ۱۲۲۶- آیا استمنا با تخیل امکان‌پذیر است و در صورتی که آبی از انسان خارج شود چه حکمی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۴

جواب: استمنا با تخیل کاملاً امکان‌پذیر است ولی اگر آب مشکوکی خارج شود که علامات منی را ندارد یا فقط بعضی از علایم را دارد منی محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۲۲۷- با توجه به این که طبیعتاً زن احساساتی‌تر است زودتر تحت تأثیر وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرد آیا کیفر خطاهایش با مردان تفاوت می‌کند؟

جواب: در مسائل تعزیرات مسئولیت هر کس در برابر اعمالش رابطه‌ای با میزان تأثیرپذیری از عوامل مختلف و میزان جرم او دارد.
سؤال ۱۲۲۸- اگر کسی حافظ کل و یا قسمتی از قرآن باشد و جرمی مرتکب شود که موجب حد است، آیا حفظ قرآن سبب تخفیف و یا گذشت از حد می‌شود؟

جواب: اگر اثبات عمل از طریق اقرار باشد، حاکم شرع می‌تواند مجازات او را تخفیف دهد و یا صرف نظر کند و اگر از طریق یننه باشد، حکم مجازات به قوت خود باقی است.

سؤال ۱۲۲۹- آیا مرتکب زنا محصنه و لواط، می‌تواند خود را به قتل برساند؟

جواب: اجرای حد، باید به وسیله حاکم شرع باشد و لزومی ندارد مرتکب گناه خود را به حاکم شرع معرفی کند، بلکه می‌تواند فوراً توبه کند و با اعمال صالحه، گذشته خود را جبران کند و خود را از اجرای حد شرعی معاف سازد.

سؤال ۱۲۳۰- اگر انسان مجبور شود برای نجات از زنا استمنا کند، آیا این عمل جایز است؟

جواب: راه نجات از گناه، گناه دیگر نیست. باید به فکر ازدواج باشد و یا از طریق روزه و ورزش و مانند آن خود را از گناه بازدارد و به گناه دیگری پناه نبرد.

سؤال ۱۲۳۱- آیا طفل متولد از زنا، حکم فرزند شرعی را دارد؟

جواب: طفل متولد از زنا، از نظر حضانت و وجوب انفاق و مانند آنها (جز در مواردی که دلیل قائم بر استثنا آن شده است مانند مسأله ارث) حکم فرزند شرعی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۵

را دارد، بنابراین ولد الزنا تمام احکام محرمیت و وجوب نگهداری و تربیت را دارد فقط ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۲۳۲- اصل اولیه در حدود چیست؟ و در موارد شک در سقوط حد چه باید کرد؟

جواب: اصل اولیه در تمام حدود پس از ثبوت، عدم سقوط است. منظور از اصل در اینجا اطلاقات ادله است که می‌گوید فلان حد باید جاری شود اعم از این که طرف انکار بکند یا نکند، فرار کند یا نکند، البته مقتضای استصحاب نیز بقای حد است (هرگاه استصحاب را در شبهات حکمی جاری بدانیم) بنابراین تا دلیلی قائم نشود بر این که حد ساقط می‌شود، باید آن را جاری کرد. در نتیجه در تمام مواردی که علم قاضی حجت است، حدود باید جاری گردد زیرا دلیل سقوط حد به هنگام عفو امام یا انکار بعد از اقرار یا فرار بعد از اقرار، شامل محل بحث نمی‌شود، مگر سرچشمه علم حاکم اقرارات غیر صریح و یا اخذ به لوازم اقرار و مانند آن

بوده باشد که اجرای حدود در چنین مواردی بعد از انکار یا فرار یا عفو حاکم مشکل است و لااقل مشمول «تدرأ الحدود بالشبهات» است.

سؤال ۱۲۳۳- آیا مجرمین غیر مسلمان طبق احکام اسلام مجازات می‌شوند یا طبق مذهب خودشان؟ و در صورت دوّم مجری آن قاضی مسلمان است یا قاضی خودشان؟

جواب: آنچه از آیه شریفه ۴۲ سوره مائده استفاده می‌شود و فتاوی فقهای ما در ابواب حدود و جهاد مؤید آن است و روایات متعددی نیز بر آن دلالت دارد این است که: قاضی مسلمان راهی جز این دو ندارد که اگر آنها درخواست کنند، طبق حکم اسلام با آنها رفتار شود یا آنها را ارجاع به قاضی خودشان بدهند تا به حکم خودشان داوری کند، اما این که قاضی مسلمان طبق احکام مذهب آنان که به اعتقاد ما مذهب تحریف یافته و منسوخ است قضاوت کند و بر آن صحّحه بگذارد استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۶

چنین چیزی نه از ادله استفاده می‌شود و نه از فتاوی بزرگان. تنها راهی که برای پرهیز از آنچه در بالا مطرح فرمودید وجود دارد این است که قاضی صالحی از خودشان زیر نظر حکومت اسلامی طبق احکام آنها داوری کند و برای رعایت دقت و اقامه قسط قبلا احکام مذهب آنان با استفاده از کارشناسان، تصویب و ضمن مواردی (در احوال شخصیه) تنظیم کنند تا هیچ گونه سوء استفاده‌ای نشود.

سؤال ۱۲۳۴- اگر اموری مانند نظریه پزشکی، نوار ضبط صوت، فیلمها و عکسها و تصاویر، نوشته‌ها و اسناد عادی و رسمی، برای قاضی در قضیه‌ای ایجاد علم نماید، آیا قاضی می‌تواند آنها را مستند حکم خود قرار دهد؟ به عبارت دیگر آیا مستند حکم قاضی منحصر به اموری مانند بینه، یمین و اقرار است که در شرع مذکور است یا هر آنچه که باعث ایجاد علم برای قاضی شود می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد؟

جواب: اسناد و نوشته‌های معتبر عقلایی چنان که در بالا گفته شد، حجّت شرعیّه است؛ ولی نوار و فیلم و مانند آن دلیلی بر اعتبارش نیست و حجیت علم قاضی تنها در صورتی است که از مبادی حسّیه، مانند مشاهده یا قریب به حسّ، مانند داستانهایی که از حضرت علی (علیه السلام) درباره نزاع غلام و آقا و نزاع دو زن (درباره فرزند) روایت شده، حاصل شود. شرح بیشتر در این باره را در بحث علم قاضی گفته‌ایم.

سؤال ۱۲۳۵- در صورتی که حدی بر شخص مریضی واجب شود آیا می‌توان هشتاد چوب نازک در کنار هم گذاشت و با آن یک ضربه بر بدن آن مریض زد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد آیا تعزیر هم همین حکم را دارد؟ با توجه به این مقدمه حکم مسأله زیر را بیان فرمایید: زنی در زمان مجرد بودن کاری کرده که حکمش تعزیر بوده و اکنون پس از ازدواج در حالی که در دوران حمل به سر می‌برد و شوهرش نیز از این کار او مطلع نبوده، جرم او ثابت شده است، با توجه به این که این زن در حال حاضر مریض است و هم دوران حمل را سپری می‌کند و هم این که اگر تعزیر شود شوهر وی مطلع گشته و ممکن است وی را طلاق دهد یا مفاسد دیگری ایجاد می‌شود، آیا در چنین مواردی مثلا- می‌توان سی ترکه نازک کنار هم گذاشت و به عنوان تعزیر با آن یک ضربه بر بدن او وارد کرد؟

جواب: در مورد بیمار می‌توان به تعداد حد، چوبه روی هم گذارد و بر بدن او زد و در مورد زن حامل باید بعد از وضع حمل اجرای حد شود. امّا در مورد تعزیر می‌توان به یک یا چند شلاق هم قناعت کرد و تعزیر منحصر به شلاق نیست و می‌توان در این گونه موارد به وسیله توبیخ یا نصیحت به شرط این که امید اثر در آن باشد قناعت کرد.

سؤال ۱۲۳۶- بعضی از مرتکبین اعمالی که حدّ شرعی یا تعزیر دارند، وقتی متوجّه ثبوت جرم خود می‌شوند، شروع به گریه و زاری و اظهار ندامت می‌کنند، آیا صرف این ندامت کافی است یا منوط بر انجام اعمال نیک و ترک عملی گناه ارتکابی است لطفاً

توضیح دهید؟

جواب: در صورتی که ندامت در محکمه قاضی باشد تأثیر ندارد، مگر در موارد اقرار که قاضی می‌تواند، عفو کند و اگر قبل از آن باشد در «حقوق الله» باعث سقوط حد است.

سؤال ۱۲۳۷- با توجه به وضع کنونی افغانستان، چه کسانی عهده‌دار اجرای احکام و حدود الهی هستند؟

جواب: هر مجتهد عادل که در آن منطقه است می‌تواند اقدام کند و در صورت نبودن مجتهد، علما عادل که نمایندگی از طرف مجتهد جامع الشرایط داشته باشند می‌توانند مجری حدود شوند.

سؤال ۱۲۳۸- اگر متهم به زنا و لواط با فرض حصول علم برای قاضی قبل از حکم حاکم اظهار ندامت و پشیمانی نماید آیا حد مطلقاً اعم از رجم و قتل و غیره به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۸

لحاظ این که موضوع با اقرار و یا علم قاضی ثابت شده است نه با بینه ساقط است یا این که حاکم مخیر است بین عفو و اجرای حد و یا این که فرق است بین رجم و قتل و سایر حدود؟

جواب: در هر موردی باید تابع دلیل آن مورد بود، مثلاً در مسأله فرار از حفره ادله شامل مورد علم قاضی نمی‌شود، ولی در بعضی از موارد علم قاضی حکم اقرار را دارد.

سؤال ۱۲۳۹- در مواردی که انکار پس از اقرار موجب سقوط رجم و قتل است، آیا حد مطلقاً اعم از رجم و قتل و صد ضربه شلاق کلا- ساقط است یا این که حاکم شرع می‌تواند با توجه به سقوط رجم و قتل، متهم را به شلاق محکوم نماید همان طور که از دو صحیحه حلبی استفاده می‌شود؟

جواب: حد بطور کامل ساقط است ولی تعزیر بعید نیست و اما روایات حلبی در این قسمت در نزد اصحاب «معمول بها» نمی‌باشد تنها افراد شاذی به آن فتوا داده‌اند بنابراین عمل بر طبق آن مشکل است.

سؤال ۱۲۴۰- زن شوهرداری به خاطر زنا محکوم به رجم شده است. اگر شوهر او قبل از اجرای حکم، وی را طلاق دهد، آیا طلاق به منزله رضایت نسبت به او تلقی و باعث جلوگیری از اجرای حد خواهد بود؟

جواب: طلاق و رضایت شوهر مانع از اجرای حد مزبور نیست.

تعزیرات

سؤال ۱۲۴۱- پزشکی از معالجه امتناع کرد و در نتیجه مصدوم یا مریض فوت کرد، مجازات او چیست؟

جواب: مجازات او تعزیر است.

سؤال ۱۲۴۲- در مواردی که اشخاص در منازل خود و دور از انظار مردم و بدون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۶۹

ایجاد مزاحمت برای همسایگان، مرتکب اعمال حرام ذیل می‌شوند آیا قاضی مأذون می‌تواند این افراد را از باب ارتکاب فعل حرام تعزیر نماید، یا مجوز شرعی این کار وجود ندارد: الف) تماشای فیلمهای مبتذل و مستهجن ویدئویی ب) استماع آهنگهای مبتذل نوارهای کاست ج) نگهداری عکسهای مبتذل و مستهجن زنان اجنبیه د) نگهداری آلات قمار و استفاده شخصی از آن.

جواب: چنانچه قاضی در این گونه امور نیز مأذون باشد و علم از طرق عادی و معمولی بر این گونه امور حاصل گردد تعزیر کردن لازم است، مگر در مواردی که این گونه اقدامات منشأ مفاسدی گردد که در این صورت پرده‌پوشی لازم است و هرگاه با احضار کردن و هشدار دادن و ارشاد نمودن و تعهد گرفتن ردع و منع حاصل گردد باید به همان مقدار قناعت کرد.

سؤال ۱۲۴۳- چنانچه شخصی، زن و مردی را مجبور به زنا کند حکم شخص سوّم چیست؟

جواب: تعزیر شدید دارد.

سؤال ۱۲۴۴- آیا برای مسئول پایگاه مقاومت بسیج، جایز است به کسی که جرمی انجام داده است سیلی بزند؟

جواب: تعزیر بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۱۲۴۵- آیا پدر می‌تواند فرزند خود را به خاطر سرپیچی در یادگیری قرآن، تأدیب نماید؟

جواب: بهتر است از طریق تشویق این کار را انجام دهد.

سؤال ۱۲۴۶- کسی که زن دارد، با اجازه زنش استمنای می‌کند آیا این استمنای حرام است؟

جواب: اگر استمنای از طریق ملامت با همسر بوده باشد اشکالی ندارد، اما اگر با خودش استمنای کند حرام است خواه به رضایت زن

باشد و خواه نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۰

سؤال ۱۲۴۷- اگر شخصی به شخص دیگری تهمت دزدی (و سارق مسلح) بزند و در محاکم قضایی نتواند ادعای خود را به اثبات

برساند و متهم از نظر قانونی تبرئه شود از نظر شرعی مجازات شخصی که تهمت زده چیست؟

جواب: چنین کسی تعزیر دارد و مقدار آن به نظر حاکم شرع است.

سؤال ۱۲۴۸- شخصی دختری را به قصد ازدواج فراری می‌دهد و مدتی با هم در این حال هستند و اعمالی غیر از آمیزش انجام

می‌دهند، سپس رضایت اولیای دختر را جلب می‌کنند و عروسی می‌نمایند، آیا پسر نسبت به اعمالی که در زمان فرار از قبیل با هم

خوابیدن، دست‌بازی و ... انجام داده است باید تعزیر شود؟

جواب: همه این اعمال، خلاف شرع است و تعزیر دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۱

فصل چهل و سوّم: احکام قصاص

قتل عمد و شبه عمد

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۳۷۱

سؤال ۱۲۴۹- اگر مأموری در تعقیب متهمی به سوی او تیراندازی کند و متهم به قتل برسد، آیا این قتل عمد است یا شبه عمد؟

حکم مسأله چیست؟

جواب: این مسأله دارای چند صورت است:

صورت اول: این که شخص فراری، متهم به انجام گناه کوچکی است که مجازات تعزیر دارد، در این صورت غیر از تیراندازی

هوایی یا به اطراف، کار دیگری نمی‌توان کرد زیرا مفروض مسأله استحقاق چنین مجازاتی را حتی پس از ثبوت جنایت ندارد.

صورت دوم: آن است که عدم واکنش شدید در برابر چنین جرمی نظم کلی جامعه را به هم می‌ریزد و برای کلّ اجتماع خطر دارد.

در این صورت باید از طریق «الاسهل فالاسهل» و استفاده از سلسله مراتب اقدام کرد و اگر چاره‌ای جز تیراندازی مثلاً به سوی پاهای

متهم نبوده و مأمور هم از مهارت کافی برخوردار بوده و در عین حال تیر خطا رفت و به محلّی که مایه قتل اوست اصابت کرد،

خونش هدر است نه قصاص دارد نه دیه؛ زیرا کاری که با اذن حاکم شرع انجام شده و طرف هم مستحق آن است، دیه ندارد. صورت سوم: در صورتی که موجب اختلال کلی نباشد ولی جرم، جرم سنگینی است که اگر در خصوص آن جرم اقدامی نشود (مانند قاچاقچیان اسلحه برای دشمن در مواقع جنگ) که اگر در مناطق حساس جلوگیری نکنیم کشته‌های زیادی می‌دهیم بی آن که حتی سرنوشت جنگ عوض شود و در اینجا نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۲

تیراندازی با سلسله مراتب جایز است و اگر منتهی به قتل گردد، خون طرف مقابل هدر است (با شرایطی که در بالا گفته شد). سؤال ۱۲۵۰- سربازی دو شیشه الکل صنعتی را با خود به پادگان می‌آورد. ابتدا به انگیزه رفع خطر از الکل صنعتی با وسایلی که در اختیار داشته‌اند و با همکاری دیگر سربازان آن را تقطیر نموده، سپس خودش و چند تن دیگر از سربازان، از آن مایع به قصد مست شدن می‌نوشند. با توجه به این که مصرف الکل صنعتی بسیار خطرناک و مهلک است، یکی از سربازان به دلیل مصرف زیاد فوت نموده و سایرین نیز دچار تهوع و استفراغ می‌شوند، آیا سربازی که الکل را به پادگان آورده، در مقابل خون کسی که از روی اختیار آن را مصرف کرده، و فوت نموده، مسئولیتی دارد؟

جواب: در صورتی که مصرف کنندگان از خطرات احتمالی آن باخبر بوده‌اند کسی در مقابل خونشان مسئول نیست، ولی اگر آورنده الکل آنها را اغفال کرده باشد که شرب آن مشکلی ندارد، در این صورت مسئول است و در فرض اخیر، قتل شبه عمد است.

سؤال ۱۲۵۱- سه نفر نظامی در منطقه در سنگرهای مخروبه مشغول تهیه وسیله بوده‌اند. نظامی دیگری با فاصله حدود سیصد متر، چندین تیر به طرف آنها شلیک کرده که منجر به قتل یکی از آنها شده، قاتل مدعی است که من فکر کردم آنها افراد غیر نظامی هستند و قصد تیر هوایی و ترساندن آنها را داشتم که منطقه را ترک کنند ولی قصد شلیک به آنها را نداشتم البته ادعای وی مبنی بر این که فکر کردم افراد غیر نظامی هستند قابل قبول نیست چون که افراد متعددی به وی گفته‌اند نظامی هستند. حال با توجه به این که قاتل افراد را می‌دیده و به سوی آنها تیراندازی متعدّد کرده، بر فرض این که قبول کنیم قصد تیراندازی به افراد یا فرد معینی را نداشته، آیا این قتل عمد است یا خیر؟

جواب: مادام که ثابت نشود تیراندازی به سوی آنها و برای هدف قرار دادن آنها بوده، قتل عمد محسوب نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۳

سؤال ۱۲۵۲- در صورتی که مردی زوجه‌اش را عمداً به قتل برساند و وراثت مقتوله منحصر به مادر و یک دختر باشد و با عنایت به عدم امکان قصاص پدر توسط دختر و تقاضای قصاص قاتل توسط مادر مقتوله: الف) با عنایت به لزوم پرداخت نصف دیه توسط متقاضیه قصاص به قاتل، آیا نسبت به سهم دختر باید دیه پرداخت کند یا خیر و با توجه به این که قاتل دارای پدر می‌باشد که جدّ صغیره محسوب می‌شود، آیا رعایت غبطه صغیر، و تقاضای دیه یا عفو به عهده جد می‌باشد یا خیر؟

جواب: باید سهم دیه دختر را پردازد ظاهراً جدّ صغیره در این امر ولایت دارد.

ب) در صورت امتناع و یا عدم توانایی مالی متقاضی قصاص نسبت به پرداخت دیات متعلقه، آیا حقّ قصاص ساقط یا تبدیل به دیه می‌گردد یا اجرای آن به تأخیر می‌افتد و در صورت اخیر، آیا محکوم از زندان آزاد می‌گردد یا خیر؟

جواب: اگر امیدی به توانایی ولی دم در آینده نه چندان دور باشد باید در انتظار آینده بود و محکوم با اخذ وثیقه کافی از زندان آزاد می‌شود ولی اگر امیدی نیست ملزم به پرداخت دیه می‌شود.

سؤال ۱۲۵۳- جوانی به هنگام دعوا چاقو کشیده و در شکم جوان ۲۲ ساله‌ای فرو کرده است (در حدود ۱۵ الی ۶ سانتی‌متر) جوان مجروح را به بیمارستان بردند و به گمان این که زخم سطحی است و چیز مهمی نیست جراحات را باز نکردند و منجر به فوت او

شد، بعداً معلوم شد چاقو به طحال او سرایت کرده و اطمینان کوتاهی کرده‌اند و اگر باز می‌کردند راه نجات وجود داشت. بعضی از قضات آن را جزء قتل عمد دانسته‌اند و بعضی تردید دارند. لطفاً حکم آن را بیان فرمایید و نیز حکم اطمینانی که به گواهی پزشکی قانونی مرتکب قصور در این مورد شده‌اند را بیان فرمایید؟

جواب: مسأله ظاهراً از قبیل قتل عمد است هر چند جوان قاتل قصد قتل را هم نداشته باشد؛ زیرا چاقو را در محلی فروبرده است که احتمال قتل در آن شایع است و کوتاهی پزشکان - حتی اگر از روی تقصیر باشد - مانع از صدق قتل عمد استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۴

نیست. در مورد پزشکان اگر مقصّر تشخیص داده شوند، تعزیر دارند و دیه و امثال آن برای آنها ثابت نمی‌شود.

سؤال ۱۲۵۴- تیری به بدن کسی اصابت کرده و از طرف دیگر خارج شده و منجر به قطع کامل نخاع هم شده، مصدوم پس از مدتی فوت نموده، پزشکی قانونی اعلام نموده علت مرگ عوارض ناشی از جراحات اولیه است. حال با توجه به این که ضارب در مرحله اول یک دیه کامل برای قطع نخاع و دو ثلث یک دیه کامل هم برای جائفه مدیون شده، خواهشمند است نظر مبارک را در مورد فوق و این که ضارب چه مقدار دیه بدهکار است، بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه تیراندازی عمدی بوده، ضارب دیه داده شده را پس می‌گیرد و آماده قصاص می‌شود و اگر خطا یا شبهه عمد است دیه جدیدی تعلق نمی‌گیرد و یک دیه کافی است و اگر ضربه واحده سبب مرگ شده، دیه جائفه نیز ندارد.

سؤال ۱۲۵۵- کسی که در جنگها و درگیریهای داخلی افغانستان نقش فعالی داشته، توسط طرف دیگر در خانه خود ترور می‌شود، حکم آن چیست؟

جواب: هر کس مؤمنی را عمداً به قتل برساند حکمش قصاص است و اگر او مرتکب خطایی شده، باید به وسیله حاکم شرع حکم الهی در مورد وی اجرا گردد.

سؤال ۱۲۵۶- شخصی قصد کشتن فرد بی‌گناهی را دارد ولی به علت اشتباه در هویت مجنی علیه، شخص دیگری را که وی نیز بی‌گناه بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟

جواب: این قتل عمد است و قصاص دارد ولی احتیاط مستحب آن است که اولیای مقتول با جانی مصالحه به دیه یا مانند آن کنند.

سؤال ۱۲۵۷- شخصی قصد کشتن مهدور الدمی را دارد ولی به علت اشتباه در هویت مجنی علیه، شخص دیگری را که محقون الدم بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۵

جواب: قتل شبهه عمد است.

سؤال ۱۲۵۸- در صورتی که قاتل به قصد کشتن زید تیراندازی کند و بعد از مرگ معلوم شود آن شخص مقتول، بکر بوده است (اشتباه در هویت) قتل عمد است یا شبهه عمد؟

جواب: در صورتی که هر دو محقون الدم باشند قتل عمد محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۵۹- شخصی نسبت به دیگری کاری انجام می‌دهد که یا نوعاً کشنده است، مثل سم مهلک، و یا نوعاً کشنده نیست، مثل ایراد جرح جزئی به بازوی دیگری، در هر حال طرف مقابل به بیمارستان منتقل می‌شود و پزشک از انجام وظیفه و تخلیه مواد سمی در فرض اول خودداری می‌نماید و یا با سهل‌انگاری و به کار بردن مواد و ابزار آلوده و غیر بهداشتی در فرض دوم موجب ایجاد عفونت و تسری آن و قطع عضو یا مرگ مجروح می‌گردد. در دو فرض مذکور چه کسی قاتل است؟ نوع قتل چیست؟ در صورتی که پزشک و ضارب هر دو مسئول باشند میزان مسئولیت هر کدام چگونه است؟

جواب: در فرض اول کسی که سم مهلک داده است قاتل محسوب می‌شود و قتل عمد است و در فرض دوم که خطای پزشک

سبب مرگ شده، او قاتل محسوب می‌شود ولی قتل، قتل شبه عمد است و در صورتی که هر دو مسئول باشند دیه به مقدار دخالت آنها در قتل، خواهد بود.

سؤال ۱۲۶۰- راننده‌ای مقصر با عابر پیاده تصادف می‌کند و به بهانه انتقال به بیمارستان بیمار را سوار می‌کند، اما از ترس برای فرار از مجازات، او را در بیابان و دور از دسترس مردم رها می‌سازد و مصدوم به علت خونریزی و عدم کمک و مراقبت در همان محل فوت می‌نماید، آیا این قتل، قتل عمد محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه رها کردن او به این حال در بیابان قاعدتاً سبب مرگ بوده، قتل عمد محسوب می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۶

قتل خطا

سؤال ۱۲۶۱- شخصی قصد کشتن فرد محقون الدمی را دارد ولی به علت خطای در تیراندازی، شخص دیگری را که وی نیز محقون الدم بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوع خواهد بود؟

جواب: اگر منظور از خطای در تیراندازی این باشد که نفر دوم در محدوده تیراندازی او نبوده و تیر به عللی مانند این که کمانه کرده و به دیگری خورده و او را کشته است، قتل خطاست.

سؤال ۱۲۶۲- شخصی قصد کشتن مهدور الدمی را دارد ولی به علت خطای در هدف‌گیری یا تیراندازی، شخص دیگری را که محقون الدم بوده می‌کشد، قتل واقع شده از چه نوعی خواهد بود؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

عفو از قصاص

سؤال ۱۲۶۳- فقها گفته‌اند: حکم اکراه‌کننده در قتل، حبس ابد است و حکم نگاه‌دارنده، کور کردن چشم اوست، آیا در صورتی که یک نفر اکراه‌کننده و دیگری امساک‌کننده و سومی مرتکب قتل شود همان‌گونه که اولیای دم می‌توانند از قاتل گذشت کنند، آیا از اکراه‌کننده و امساک‌کننده نیز می‌توانند گذشت کنند؟ یا این که این یک حد الهی مانند حد زناست که قابل گذشت نیست؟

جواب: چنانچه اولیای دم از ممسک و مکره صرف نظر کنند اجرای احکام مربوط به آنها، دلیلی ندارد و شبیه حکم قصاص است و حکم مکره و ممسک هر دو حبس است و کور کردن، فقط حکم رأیی (بیننده یا دیده‌بان) می‌باشد و آن در صورت خاصی است.

سؤال ۱۲۶۴- آیا مجنی علیه (کسی که جنایتی بر او واقع شده) می‌تواند قبل از آن که بمیرد، جانی را از قصاص نفس عفو نماید؟ در فرض قصاص عضو چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۷

جواب: در قصاص عضو جایز است ولی در قصاص نفس در میان فقها اختلاف است و جواز عفو بعید نیست و احتیاط در مصالحه است.

سؤال ۱۲۶۵- آیا شخصی که می‌خواهد جنایتی بر او واقع شود می‌تواند جانی را از قصاص نفس عفو نماید؟ در فرض قصاص عضو چطور؟ بطور کلی در فرض دیه چطور؟

جواب: دلیلی بر جواز عفو در این صورت نداریم.

سؤال ۱۲۶۶- در ضرب و جرح عمدی اگر مجنی علیه قبل از مرگ، جانی را از قصاص (الف: قصاص عضو، ب: قصاص نفس) عفو کند و همان جنایت سرایت کند و موجب مرگ مجنی علیه شود، آیا حق قصاص نفس ساقط می‌شود یا این که ولی دم

می‌تواند قصاص را مطالبه نماید؟

جواب: بخشیدن قصاص عضو، موجب بخشش قصاص خون نمی‌شود (در مواردی که جراحت سبب قتل گردد) یا جانی قصد قتل داشته باشد.

تبدیل قصاص به دیه

سؤال ۱۲۶۷- در موارد حکم به قصاص در جروح که پس از تعیین طول و عمق جراحت به وسیله پزشک قانونی به دلیل اختلاف چاق و لاغری جانی و مجنی علیه که مثلاً عمق سه سانتی متر جرح وارده زیاد شدید نبوده و خطری نداشته است، اما اگر قصاصاً با همین عمق در جانی وارد شود به دلیل لاغری حتی خطر مرگ خواهد داشت تکلیف چیست، آیا تبدیل به دیه می‌شود و در صورت عدم تراضی چه باید کرد؟

جواب: در این مسأله چند صورت است:

الف) در صورتی که رعایت طول و عرض و عمق خطر قطعی یا حتی خوف خطر جانی (بر اثر لاغری) داشته باشد، مسلماً تبدیل به دیه می‌شود زیرا اطلاق قصاص از این صورت منصرف است یا به تعبیر دیگر مماثلت عرفیه وجود ندارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۸

به علاوه ادله‌ای که می‌گوید در جائفه و منقله و مأمومه قصاص نیست زیرا موجب خطر است، شامل مفروض بحث نیز می‌شود. ب) هرگاه خطری برای طرف مقابل نداشته باشد ولی تفاوت بدن آن دو، به قدری باشد که عمق یک سانتی متر در بدن یکی، مساوی سه سانتی متر در بدن دیگری است در اینجا رعایت عمق نباید بشود زیرا اول این که مماثلت عرفیه که اساس، در ادله قصاص است حاصل نیست چه این که فی المثل عمق سه سانتی متر در فرد لاغر به استخوان می‌رسد در حالی که در فرد چاق یک جراحت سطحی حساب می‌شود. بنابراین مشمول مساوات در ادله قصاص نیست و روایت خاصی که دلالت بر مساوات در عمق کند نیز وجود ندارد و دوم این که طبق روایاتی که در شجاج یا مطلق جروح آمده، معیار در عمق، صدق اسم است (جائفه، دامیه، باضعه، سمحاق، موضحه و ...) و می‌دانیم صدق این نامها نسبت به اشخاص چاق و لاغر از نظر عمق یکسان نیست.

ج) این مسأله از نظر طول و عرض نیز قابل تأمل است، اگر فرضاً کسی بازوی کوچکی دارد که طول و عرضش بسیار کم است و به عکس بازوی دیگری طول و عرضش چند برابر اوست، حال اگر جراحی بر بازوی شخص بزرگتر وارد شود که تنها کمتر از نیمی از بازوی او را فراگیرد و این جراحت از نظر طول تمام بازوی مجرم را فرامی‌گیرد، در اینجا نیز دلیل قانع کننده‌ای بر مماثلت طول و عرض نیست بلکه مقتضای مفهوم قصاص و اطلاق مماثلت در آیه شریفه ۱۹۴ سوره بقره (فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ) مماثلت نسبی است (آن گونه که در بالا گفته شد، نه مماثلت در طول و عرض که گاهی تمام بازوی یک نفر را فرامی‌گیرد).

قسامه

سؤال ۱۲۶۸- چنانچه شخصی با اجرای مراسم قسامه به قصاص محکوم شود، در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۷۹

مرحله اجرا (پس از قطعیت حکم) پسر محکوم علیه، اقرار به قتل عمدی همان مقتول نماید، تکلیف چیست؟

جواب: مسأله چند صورت دارد:

الف) این مدعی خودش جزء قسامه بوده، در این صورت نمی‌توان به اقرار بعدی ترتیب اثر داد مگر این که مدعی تکذیب خویش کند.

ب) این که خودش جزء قسامه نبوده و قبول قسم شخص او لازم نیست. باز اگر مدعی قطعی بوده باشد نمی‌توان به اقرار او ترتیب اثر داد مگر این که تکذیب خویش کند.

ج) این که ادعاهای او مبنی بر ظن بوده باشد، در این صورت مخیر است بین عمل به مقتضای قسامه یا به مقتضای اقرار، ولی قبول ادعای مبنی بر ظن در مسائل قضایی مشکل است، نتیجه این که در صورتی که خود را تکذیب نکند عمل به اقرار نمی‌تواند بنماید. سؤال ۱۲۶۹- دو پسر بچه ۱۲ ساله که هم کلاس بوده‌اند قبل از رسیدن وقت مدرسه به طرف رودخانه می‌روند و یکی از آنها در رودخانه غرق می‌شود. اولیای طفل غرق شده ادعا دارند که همراه وی او را به رودخانه هل داده و او افتاده و غرق شده است. ولی متهم منکر قضیه است و بیینه نیز اقامه نشده و حتی از اطفال هم سن و سال نیز کسی به عنوان مطلع وجود ندارد. حال با توجه به مراتب فوق چنانچه قضیه به قسم منجر شود، قسم متوجه چه کسی می‌باشد و آیا مسأله راه حل دیگری دارد؟

جواب: با توجه به این که در فرض مسأله کسی در آنجا حاضر نبوده و در قسمهای قسامه، علم لازم است و قسم خوردن مدعی یا مدعیان موضوعیت ندارد چون دلیلی بر اثبات جرم نیست، متهم تبرئه می‌شود و احتیاط این است که کودک قسم یاد کند. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۰

سؤال ۱۲۷۰- آیا قصاص در اطراف با قسامه قابل اثبات است؟

جواب: قسامه در جنایت اعضا نیز ثابت است ولی به وسیله آن تنها دیه ثابت می‌شود نه قصاص.

مسائل متفرقه قصاص

سؤال ۱۲۷۱- آیا قتل نفس از نظر اسلام جنبه خصوصی دارد یا عمومی؟ و در صورت عفو اولیای دم، آیا حاکم شرع می‌تواند تعزیراتی را در نظر بگیرد؟

جواب: قتل نفس در اسلام جنبه خصوصی دارد و با گذشت اولیای دم، قصاص منتفی می‌شود مگر این که تکرار آن اثر خاصی در جامعه بگذارد و نظم و امتیّت را مختل سازد، در این صورت مسأله جنبه عمومی پیدا می‌کند و پای عناوین ثانویه به میان می‌آید و نه تنها در مورد سؤال بلکه در موارد مشابه که در شهرها یا روستاها اتفاق می‌افتد، حاکم شرع می‌تواند به عنوان مقدمه حفظ نظم از تعزیرات بازدارنده مناسبی بهره بگیرد. این مسأله را به موارد دیگری که در شرع حق، جنبه شخصی دارد نیز می‌توان تسری داد و هرگاه مشکل جنبه عمومی پیدا کند از تعزیرات استفاده نمود، البته تشخیص موضوع بر عهده خود حاکم شرع است و گاه احتیاج به نظر خواهی از اهل خبره در اینگونه موضوعات دارد.

سؤال ۱۲۷۲- اگر شخصی به خیال این که طرف مهاجم است، به سوی او تیراندازی کند و او را بکشد، آیا قصاص دارد؟

جواب: اگر قاتل به گمان این که طرف مهاجم است تیراندازی کرده است قصاص ندارد ولی باید دیه بدهد.

سؤال ۱۲۷۳- اگر کسی انگشت یا دست کسی را عمداً قطع کند و مصدوم بلافاصله خود را به مراکز درمانی رسانده و عضو قطع شده را پیوند زده و خوب شود، آیا مصدوم حق قصاص جانی را دارد یا خیر؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۱

جواب: حق قصاص دارد ولی دومی نیز حق دارد انگشت خود را پیوند بزند.

سؤال ۱۲۷۴- آیا تجهیز شخصی که محکوم به قصاص نفس گردیده، قبل از قصاص لازم است یا تغسیل و تکفین بعد از قصاص نیز بلامانع است؟

جواب: لازم است قبلاً باشد.

سؤال ۱۲۷۵- آیا مسلمان در مقابل ولد الزنا (مسلمان) قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص می‌شود.

سؤال ۱۲۷۶- آیا قصاص حقی انحلالی و مرکب است یا غیر انحلالی و بسیط؟

جواب: اولیای دم باید متفقاً اقدام به قصاص کنند یا کسی را وکیل بر این امر نمایند. اگر یکی از آنها بدون اجازه دیگران قصاص کند کار حرامی کرده و باید حصّه دیگران را پردازد.

سؤال ۱۲۷۷- بر فرض این که قصاص حقی انحلالی باشد، اگر اولیای دم همگی عاقل و بالغ باشند و بعضی خواهان قصاص و بعضی خواهان دیه و بعضی خواهان عفو باشند، حکم مسأله چگونه است؟

جواب: اگر بعضی خواهان دیه باشند، بقیه حق قصاص دارند به شرط این که سهم دیه بقیه را پردازند و اگر بعضی عفو کنند بقیه حق قصاص دارند ولی سهم دیه را باید به شخص جانی و ورثه او پردازند.

سؤال ۱۲۷۸- بر فرض انحلالی بودن قصاص، اگر اولیای دم بعضی بالغ و عاقل و بعضی صغیر و مجنون باشند، در صورت مطالبه قصاص یا عفو و با توجه به حالت صغر و جنون بعضی از اولیای دم که حق قصاص یا عفو را ندارند مسأله چگونه قابل حل است؟

جواب: اگر کبیرها بخواهند قصاص کنند باید سهم صغیرها را به ولی یا قیم آنها بدهند.

سؤال ۱۲۷۹- در صورتی که اولیای دم همگی صغیر و مجنون باشند، آیا ولی یا قیم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۲

به ولایت از ناحیه آنها حق مطالبه قصاص یا عفو را دارد؟

جواب: قصاص یا عفو مشکل است، مگر جایی که برای مصلحت صغار ضرورت قطعی داشته باشد.

سؤال ۱۲۸۰- اگر بعضی از اولیای دم، صغیر و بعضی کبیر باشند و ولی صغیر قصاص را غبطه صغیر تشخیص دهد، آیا می‌تواند بدون پرداخت دیه صغیر قصاص نماید؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۲۸۱- بر فرض این که ولی صغیر حق قصاص نداشته باشد و تا بلوغ صغیر هم فاصله زیادی باقی مانده باشد، آیا قاتل را می‌شود زندانی کرد تا صغیر بالغ شود و خود تصمیم بگیرد و آیا اصلاً فاصله زمانی تا سن بلوغ صغیر برای مطالبه قصاص مداخلت دارد؟

جواب: اگر فاصله زیاد باشد باید جانی را با اخذ وثیقه کافی آزاد کرد.

سؤال ۱۲۸۲- چنانچه کسی محکوم به قصاص شود و به عنوان قصاص نفس حلق آویز شود و پزشک متخصّص گواهی نماید که فوت کرده است ولی در سردخانه به هوش بیاید و زنده شود:

الف) آیا حکم قصاص به قوت خود باقی است یا ساقط است؟

ب) در صورت باقی بودن قصاص به قوت خود، آیا دیه حلق آویزی اول به جانی تعلق می‌گیرد؟

ج) مسئول پرداخت دیه کیست؟

د) مهلت پرداخت دیه چه مدت است؟

جواب: الف) حکم قصاص به قوت خود باقی است و ارباب دم می‌توانند آن را مطالبه کنند.

ب و ج) هرگاه جراحت یا نقص عضوی یا ضایعه دیگری بر او وارد شده، احتیاط واجب آن است که دیه آن را از بیت المال پردازند.

البته این در صورتی است که حکم توسط قاضی و مأموران او اجرا شده باشد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۳

و در اجرای حکم عمداً کوتاهی نشده باشد.

(د) مانند سایر دیات است.

سؤال ۱۲۸۳- زوج و یا زوجه‌ای به قتل رسیده و غیر از یکدیگر وارث دیگری ندارند، بفرمایید که:

(الف) آیا ایشان اولیای دم یکدیگرند؟

(ب) آیا حق دریافت دیه را از قاتل دارند؟

(ج) آیا رضایت آنان در مورد قتل یکدیگر مانع از قصاص قاتل خواهد شد؟

جواب: زوج و زوجه حق قصاص نسبت به قاتل یکدیگر را ندارند، ولی سهم آنها در دیه محفوظ است.

سؤال ۱۲۸۴- اگر وارث حین الفوت زوج یا زوجه مقتولی، خود آنها به اضافه چند فرزند، مادر یا پدر (والدین) باشند، آیا در این

صورت هر کدام از زوجین جزء اولیای دم محسوب می‌شوند و نیز اگر جزء اولیای دم یکدیگر محسوب نمی‌شوند، رضایت آنها هم

وجوبی دارد یا خیر؟

جواب: زوجین از اولیای دم نیستند ولی سهم آنها از دیه محفوظ است.

سؤال ۱۲۸۵- شخصی بر اثر اصابت دو گلوله کلاشینکف کشته شده است، مظنونین به قتل چهار نفرند که در دست سه نفر آنها که

در حال حاضر متواری می‌باشند اسلحه کلاش بوده و در دست نفر چهارم که دستگیر شده، اسلحه برنو بوده است. با این وصف، آیا

اولیای دم می‌توانند تقاضای قصاص نفر چهارم را بنمایند و بطور کلی قضیه تابع چه حکمی است؟

جواب: تا استناد قتل طبق موازین شرعی به او ثابت نشود حق قصاص ندارند.

سؤال ۱۲۸۶- آیا برای قصاص قاتل نیاز به اذن ولی امر یا نماینده او می‌باشد؟ در صورتی که این اذن داده نشود تکلیف قاتل

چیست، آیا باید تا زمان اذن و لو دهها سال طول بکشد در حبس بماند و یا این که فوراً آزاد می‌شود، در صورت دوم چه تأمینی

باید اخذ شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۴

جواب: اذن ولی امر لازم نیست، حکم قاضی کافی است و اگر دسترسی به قاضی نباشد عدول المومنین می‌توانند به جای حاکم

شرع اذن بدهند و اگر حاکم شرع اذن داد اما اولیای دم راضی نشدند، با او اتمام حجت می‌شود که یا قصاص کند و یا در صورت

رضایت قاتل، دیه بگیرد و اگر به هیچ کدام راضی نشدند، قاتل را می‌توان با اخذ وثیقه کافی آزاد کرد تا تکلیف روشن شود.

سؤال ۱۲۸۷- شخصی در حال نزاع به دیگری جراحی وارد نموده که نوعاً کشنده نیست و در صورت مراجعه به پزشک و مداوا،

زخم بهبود می‌یابد (مثلاً- یک بند انگشت او را قطع نموده) اما شخص مجروح عمداً به پزشک مراجعه نمی‌کند و به مداوا

نمی‌پردازد (یا به علت فقر و نداشتن هزینه درمان یا به علت بی‌مبالایی و سهل‌انگاری یا بر اثر لجابت و غیره) در نتیجه موضع

جراحات دچار عفونت و سرایت به نقاط دیگر بدن شده و در نهایت منجر به مرگ شخص می‌گردد. در فرض مسأله آیا ضارب

مرتکب قتل عمد گردیده و باید قصاص شود یا این که چون قصد نتیجه قتل را نداشته، شبه عمد است یا اساساً قتل منتسب به او

نبوده و تنها باید نسبت به جراحات، محکوم به قصاص یا دیه شود؟

جواب: در فرض مسأله ضارب بیش از قصاص عضو در صورت عمد و دیه عضو در صورت غیر عمد ضامن نیست.

سؤال ۱۲۸۸- در صورتی که قاتل ادعا کند که جهل به حکم دارد و نمی‌دانسته مجازات قتل عمد قصاص است و این ادعا از نظر

دادگاه مقرون به واقع باشد و احتمال صدق آن وجود داشته باشد، آیا تأثیری در اعمال قصاص دارد؟

جواب: جهل به حکم قصاص هیچ تأثیری در اعمال قصاص ندارد.

سؤال ۱۲۸۹- آیا قاتل مقتول بلاوارث (قتل عمد) اعدام می‌شود؟

جواب: ولی دم در این صورت امام و حاکم شرع است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۵

فصل چهل و چهارم: احکام دیات

موجبات ضمان

سؤال ۱۲۹۰- هرگاه یک نفر نفت یا ماده محترقه دیگری روی متاع شخصی بریزد و شخص دیگری به آن کبریت بزند و آن مال تلف شود، ولی هر کدام مدعی است که دیگری کبریت زده، تکلیف چیست؟
جواب: در صورتی که معلوم شود یکی از آن دو نفر این کار را انجام داده‌اند و دلیلی بر اثبات مقصّر واقعی نباشد، ضمان در میان آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۲۹۱- در منطقه جنگی، سرباز راننده‌ای به همراه مافوقش نفربری را در آب عمیق شستشو می‌داده‌اند، موتور به علتی خاموش شده و نفربر زیر آب می‌رود و تعدادی سرباز که روی آن بوده‌اند خود را در آب پرتاب می‌کنند ولی دو نفر آنها غرق می‌شوند. راننده تأکید دارد که مافوق من دستور داده و شخص مافوق منکر است. حال با توجه به این که غرق شوندگان ملزم به سوار شدن نبوده‌اند و قبل از زیر آب رفتن خود را در آب انداخته‌اند، آیا راننده ضامن است؟

جواب: چنانچه نفربر را برای شستشو می‌برده و همه می‌دانسته‌اند و بعضی به میل خود سوار آن شده‌اند یا باقی مانده‌اند، راننده ضامن نیست و همچنین اگر ماندن آنها روی نفربر موجب نجات آنها می‌شده و آنها عجله کرده‌اند و خود را به آب پرتاب کرده‌اند، باز راننده ضامن نیست. ادعای راننده مبنی بر این که مافوق دستور داده، در حالی که طرف منکر باشد هیچ فایده‌ای ندارد حتی اگر منکر هم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۶

نباشد باز مسئولیت او را از بین نمی‌برد.

سؤال ۱۲۹۲- شخصی مدتی مرغ و گوسفند را با کارد استیل ذبح کرده و فروخته است، آیا نسبت آن مقدار پول که در قبال این نوع مرغ و گوسفند گرفته ضامن است؟ در صورت ضامن بودن برای بریء الذمه شدن چه باید بکند؟
جواب: ذبح با کارد استیل و فلزهای برنده دیگر اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۹۳- اگر بر اثر جاری شدن آب از ناودان شخصی، همسایه‌اش متضرر شود، آیا خسارت بر عهده صاحب ناودان است؟ در صورتی که کارشناسی برای تشخیص مسأله بیاورند، خرج او بر عهده کیست؟
جواب: اگر دو طرف پیشنهاد کارشناس کرده‌اند خرج کارشناسی بر عهده هر دو می‌باشد و نسبت به خسارت، اگر خانه صاحب ناودان قبلاً ساخته شده و مطابق عرف و عادت بوده، خسارتی بر عهده او نیست.

سؤال ۱۲۹۴- اگر انسان به مال شخصی عمدتاً یا سهواً در غیاب وی آسیبی برساند و مطمئن باشد که اگر آن شخص را از موضوع مطلع سازد ناراحت نمی‌شود و راضی می‌گردد، حکم چیست؟
جواب: اگر اطمینان به رضایت او دارد لازم نیست به او خبر دهد ولی ذمه او (بنابر احتیاط) بدون اسقاط صاحب مال بریء نمی‌شود.

سؤال ۱۲۹۵- آیا شکسته شدن ظروف مسجد بطور ناگهانی مثلاً در حال پذیرایی عزاداران در ایام محرم موجب ضمان می‌گردد؟

جواب: هرکس بشکند ضامن است مگر ضایعاتی که اجتناب‌ناپذیر است.

سؤال ۱۲۹۶- طبق مقرراتی در قانون راهنمایی و رانندگی اگر شخصی محلّ حادثه را ترک کند مقصّر شناخته می‌شود. آیا از نظر شرع مقدّس اسلام کسی که از خسارت خود صرف نظر نماید و محلّ حادثه را ترک کند شرعاً ملزم به پرداخت خسارت به دیگری است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۷

جواب: اگر واقعاً مقصّر نبوده، عند الله مسئول نیست ولی قانون در ظاهر او را مسئول می‌شمارد و خسارت از او می‌گیرد و بعید نیست عمل به این قانون برای کارشناس و قاضی که علم به حقیقت حال ندارند مشروع باشد.

سؤال ۱۲۹۷- صندوق قرض الحسنه‌ای قبل از شروع به کار، طیّ قراردادی مسئولیت سرپرستی و نظارت بر کارگاه را به عهده یکی از معماران گذاشته است. بعلاوه همزمان با شروع عملیات ساختمانی صندوق قرض الحسنه، مسئولیت جوشکاری ساختمان را طی قرارداد دیگری به عهده یکی از جوشکاران گذاشته است. شخص دیگری نیز مسئولیت استخدام کارگر و تهیه مصالح ساختمانی را عهده‌دار گردیده، که این شخص کودک هشت ساله‌ای را به عنوان کارگر استخدام می‌نماید و در حین جوشکاری درب گاو صندوق به روی این کودک افتاده و متأسفانه این کودک به قطع کامل نخاع دچار می‌گردد، با توجه به مراتب بالا چه کسی ضامن دیه این کودک می‌باشد؟

جواب: اگر استخدام به اذن ولیّ و مطابق مصلحت و توان کودک بوده و کوتاهی در حفظ کودک نشده و حادثه اتفاقی بوده، هیچ کس ضامن نیست و در صورتی که بدون اجازه ولیّ بوده یا در حفظ او کوتاهی شده است، استخدام کننده ضامن دیه است.

سؤال ۱۲۹۸- شخصی زراعت می‌کند و مرغان خانگی قریه، تخم زراعت او را می‌چینند و با پایشان آن زراعت را خراب می‌کنند. اگر صاحب زراعت برای جلوگیری از مرغان، دانه را زهر آلود کرده و بپاشد و مرغان بخورند و بمیرند در حالی که صاحب مرغان را از سم‌پاشی نیز خبر کرده است آیا ضمان مرغهایی که بر اثر این کار صاحب زراعت تلف می‌شوند به عهده صاحب زراعت است؟

جواب: اگر راهی برای جلوگیری جز این راه نباشد و به صاحبان مرغ اعلان کند مانعی ندارد و ضامن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۸

سؤال ۱۲۹۹- در بعضی جاها مرسوم است که گوسفندان روستا را هر خانه به نوبت به چراگاه می‌برند و بعضی خانواده‌ها در روز نوبت خود اطفال صغیر را روانه می‌کنند و گرگ بعضی از گوسفندان را می‌خورد، آیا تاوان به چه کسی تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه قراردادی داشته‌اند یا رسم در محل چنان بوده که به همراه گوسفندان افرادی فرستاده می‌شدند که از عهده جلوگیری از خطر گرگ برآیند، تاوان بر ذمه هر کسی است که خلاف قرارداد یا رسم محل عمل کند.

سؤال ۱۳۰۰- اگر کسی چیزی مثلاً لباسی را در مغازه‌ای بگذارد و بگوید این لباس در مغازه شما باشد بعداً می‌برم و صاحب مغازه هم قبول کند، آن شخص بعد از مدّتی مراجعه می‌کند که مال خود را بردارد، مغازه‌دار می‌گوید: آن را کس دیگری برده، آیا صاحب مال حقّ شکایت و مطالبه را دارد؟

جواب: هرگاه صاحب مغازه بدون تحقیق کافی لباس را به دیگری داده، ضامن است.

سؤال ۱۳۰۱- اگر شخصی، دیگری را اجیر کند که یک ختم قرآن برای پدر او قرائت نماید و در مقابل اجرتی را دریافت نماید ولی بعد از ختم قرآن از پرداخت اجرت خودداری کند، آیا در مقابل اجرت ضامن است؟

جواب: ضامن است.

سؤال ۱۳۰۲- در صورتی که نجات غریق که وظیفه امداد دارد از نجات شخص غریق امتناع ورزد و آن شخص غرق شود، آیا مسئولیتی متوجّه او خواهد بود؟

جواب: اگر نجات غریق مسئولیت مراقبت را پذیرفته و محل، جای خطرناکی است که مردم به اعتماد پذیرش مسئولیت او، وارد استخر یا دریا می‌شوند، اگر کوتاهی کند مسئول است.

سؤال ۱۳۰۳- شخصی در اثر سوختگی به بیمارستان منتقل می‌شود و پزشک معالج در انجام معالجه کوتاهی می‌کند و شخص مصدوم فوت می‌نماید، پزشک قانونی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۸۹

اعلام می‌کند: میزان سوختگی به حدی بوده است که در نهایت منجر به فوت می‌شده، اما سهل‌انگاری پزشک، باعث گردیده که بیمار زودتر فوت کند، آیا در این فرض مسئولیتی متوجه پزشک می‌باشد؟

جواب: پزشک گناه کرده و باید تعزیر شود.

سؤال ۱۳۰۴- تعمیرکار یا نمایندگی مجاز، بخاری گازی را در منزل شخصی بدون رعایت اصول ایمنی یا با نقص فنی یا بدون دودکش نصب می‌نماید و در نتیجه استفاده از آن، تمام اعضای خانواده در اثر گاز گرفتگی فوت می‌نمایند و اولیای دم آنها از مقصیر شکایت می‌نمایند. در صورتی که نمایندگی یا تعمیرکار نقص فنی یا عدم رعایت اصول ایمنی را به صاحب خانه اطلاع و تذکر داده یا نداده باشد، مسئولیت متوجه چه کسی است؟ و در هر حال چه نوع قتلی اتفاق افتاده است؟

جواب: اگر خبر داده، مسئولیتی ندارد ولی اگر خبر نداده و مسأله خطرناکی بوده، قتل شبه عمد محسوب می‌شود و باید از مال خود، دیه بدهد.

سؤال ۱۳۰۵- سه نفر چوپان به نامهای خسرو، محمد و اسماعیل در بیابان قصد کشیدن آب از چاه برای گوسفندان خود داشته‌اند. خسرو و محمد طی یک قرارداد لفظی، گوسفندان یکدیگر را در نوبت دو ماهه می‌چرانیده‌اند، تعدادی گوسفند نیز متعلق به شخصی به نام مسعود در گله آنها نگهداری می‌شده است. روز حادثه، محمد در نوبت خود خطاب به خسرو اظهار می‌دارد: «من دیگر خسته شده‌ام چون این قدر آب از چاه بیرون می‌آورم فکری به حال من بکن». خسرو موتوری را از منزل می‌آورد و با هم آن را به درون چاه می‌فرستند. محمد مقدمات نصب موتور آبکش را در عمق ۱۲ متری چاه فراهم و به داخل چاه می‌رود و آن را روشن می‌نماید و سپس در اثر گاز گرفتگی جان می‌سپارد. خسرو فرزندش اسماعیل را به درون چاه می‌فرستد، در نتیجه او هم فوت می‌نماید، در آخرین مرحله، خود نیز به قصد نجات، به داخل رفته، متوجه گاز گرفتگی می‌شود و سپس سریعاً بالا می‌آید و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۰

تلاش وی جهت نجات آن دو نتیجه‌ای نداشته است. حال نظر به مراتب فوق‌الاشاره مستدعی است بفرمایید شرع مقدس اسلام چه کسی را مقصر می‌داند و در خصوص امر جزا و وصول و پرداخت دیه، چه کسی مسئولیت کیفری و مدنی دارد؟
جواب: در مورد محمد، که خودش اقدام به این کار کرده کسی مسئول خون او نیست و در مورد اسماعیل فرزند خسرو، اگر پدر با علم و آگاهی از خطر او را به درون چاه فرستاده و پسر آگاهی نداشته، پدر مسئول است و در غیر این صورت اگر بچه صغیر نبوده و با آگاهی بر خطر اقدام کرده، پدر مسئولیتی ندارد.

سؤال ۱۳۰۶- روزی پدر و مادر و افراد خانواده‌ام به مسافرت رفتند و پسر خاله‌ام را نیز با رضایت پدر و مادرش به همراه خود بردند. در بین راه بر اثر تصادف همه سرنشینان ماشین از جمله پسر خاله‌ام از بین رفتند. مبلغی را که بیمه برای هر کدام از افراد مشخص کرده، پرداخت خواهند کرد، آیا پدر و مادر پسر خاله‌ام می‌توانند دیه از ورثه والدینم درخواست کنند؟
جواب: اگر پدر او اجازه داده باشد، مسئولیتی متوجه پدر و مادر شما نیست.

سؤال ۱۳۰۷- آیا شرب خمر سبب از بین رفتن عقل و شعور نیز هست، در صورتی که هست اگر شخصی مبادرت به این عمل شنیع کند آیا ضامن اعمال خود می‌باشد؟ و آیا در صورت توبه، خداوند او را خواهد بخشید؟

جواب: بدون شک شرب خمر در عقل انسان اثر می‌گذارد و آن را ضعیف می‌کند ولی همیشه منتهی به جنون و دیوانگی نمی‌شود و هرگاه توبه نموده و ترک نماید ان شا الله جبران می‌شود، اما اعمالی که در حال مستی انجام می‌دهد در برابر آن مسئول است. سؤال ۱۳۰۸- در کارخانه سنگ‌بری تمام وسایل از قبیل دستگاه و سنگ را صاحب کارخانه آماده می‌کند و با کارگر قرارداد می‌بندد که هر متر سنگ را مثلا در مقابل هزار تومان برای وی آماده سازد. اگر زمانی که کارگر مشغول کار می‌شود، دست وی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۱

زیر سنگ برود و قطع گردد، آیا دیه دست به صاحب کارخانه تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه قراردادی با صاحب کارخانه نداشته باشد و او نیز مقصّر در تنظیم دستگاه شناخته نشود، دیه‌ای بر او تعلق نمی‌گیرد. در ضمن اگر جبران این خسارت در مواد قانونی استخدام آمده باشد و آنها با توجه به این مواد، کسی را استخدام کرده باشند، آن هم به منزله قرارداد محسوب می‌شود.

سؤال ۱۳۰۹- اگر صاحب کار، شخصی را که در کار کردن چاه استاد و به کارش آگاهی کامل دارد و بیش از پنجاه سال دارد، برای کردن چاهی استخدام کند و آن شخص در حین انجام کار برای کردن و رفتن در چاه پایش بلغزد و در چاه سقوط کند و جان خود را از دست بدهد، آیا ورثه متوفی حقی بر مالک محلّ مزبور دارند؟

جواب: در شرایط بالا، مالک محلّ مسئولیتی ندارد مگر این که آن محل دارای ویژگی‌های خاصی بوده که موجب خطر می‌شده و مالک می‌دانسته و در اعلام آن کوتاهی کرده باشد.

سؤال ۱۳۱۰- فردی در مکانیکی مشغول کار است، برابر اظهار نظر پزشکی قانونی وی ناراحتی ریوی داشته و در حال نظافت مکانیکی دچار حساسیت شده و فوت نموده است، آیا صاحب مغازه، با توجه به این که علم به ناراحتی ریوی او نداشته است، ضامن است؟

جواب: در فرض مسأله ضامن نیست، مگر در قوانین کار ضامن او پیش‌بینی شده باشد و او با علم و آگاهی اقدام به استخدام کارگر کرده باشد.

سؤال ۱۳۱۱- کارخانه پتروشیمی بر خلاف اصول بهداشتی و امّیتی، ضایعات و سموم خطرناک خود را جهت صرفه‌جویی در هزینه، در برکه آبی در حوالی کارخانه تخلیه می‌نماید و چند کودک بدون اطلاع در آن آب شنا می‌کنند و دچار مسمومیت شده و پس از مدتی فوت می‌نمایند، آیا مسئولیتی متوجه کارخانه می‌باشد؟ لطفاً جواب این سؤال را در دو صورتی که برکه آب در زمین متعلق به کارخانه باشد یا نباشد بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۲

جواب: چنانچه برکه در معرض رفتن بچه‌ها بوده، کسانی که آب را آلوده کرده‌اند، در برابر دیه مسئولند و اگر در معرض نبوده، چیزی بر آنها نیست.

سؤال ۱۳۱۲- بنده، خانه‌ای در دست تعمیر داشتم که چندی پیش جهت سرکشی به آنجا رفته بودم، پاکتی به همراه داشتم که محتوی مقدار زیادی پول، ارز و چک بود. در همین اثنا دوستم (که از بستگان نیز می‌باشد) وارد خانه شد. با ورود دوستم به خانه، من که نگران این پاکت بودم و می‌ترسیدم بر اثر اشتغال زیاد به محتوای پاکت آسیبی برسد، آن را به دوستم سپردم البته به دو علت موقع سپردن پاکت به دوستم نگفتم که این پاکت محتوی پول است: اول به خاطر این که پیمانکار و کارگران در محل حضور داشتند، دوم به خاطر این که در آن منطقه معمول است که پول را در پاکت معمولی کاغذی قرار می‌دهند. بنابراین ایشان می‌دانستند که این پاکت محتوی پول است، متأسفانه موقع رفتن از آنجا غافل شدم و یادم رفت که آن پاکت را از او پس بگیرم. بعد از آن که چند دقیقه‌ای گذشت به خاطر آوردم که پاکت را به ایشان سپرده بودم. بعد از مراجعه به ایشان، به من گفتند که آن

پاکت را در همان محل جا گذاشته‌ام، فوراً به آن محل مراجعه کردم و هر قدر گشتم آن را نیافتم، فهمیدم که آن را روده‌اند، آیا ایشان در این رابطه ضامن هستند؟
 جواب: اگر می‌دانسته و یا احتمال قوی می‌داده که در آن پاکت پول وجود دارد و در عین حال کوتاهی کرده ضامن است و اگر طرفین در این مسأله اختلاف دارند، باید به حاکم شرع مراجعه کنند.

دیه نفسی

سؤال ۱۳۱۳- حدود چهار سال قبل فرزند حقیر، به نام مهدی (که در آن زمان سه‌ساله بود) در یک مجلس مهمانی با مادرش دعوت داشته‌اند که در آن مجلس در موقع صرف میوه، مهدی- طبق گفته مادرش و دیگران- چاقویی را پرتاب می‌کند که استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۳
 به صورت پسر بیچه سه‌ساله دیگری که مشغول بازی بودند خورده و یک چشم آن پسر بیچه نابینا می‌شود. به عرض مبارک می‌رساند که بزرگترها هیچ‌گونه مداخله‌ای نداشته و بیچه‌ها با یکدیگر مشغول بازی بودند و از طرفی بیچه مضروب فرزند خواهرم می‌باشد. خواهرم پس از گذشت سه سال از آن حادثه، دادخواهی نموده است و از نظر وضع مالی جز یک مشت بدهی چیز دیگری ندارم، با توجه به وضع مالی من دیه بر عهده چه کسی است؟
 جواب: دیه باید پرداخت شود ولی بر عهده شما نیست، بلکه بر عهده مردان خویشاوند از طرف پدر است که در میان آنها تقسیم کرده و هر کدام سهمی از آن را به مقدار توانایی پردازند.

سؤال ۱۳۱۴- در حادثه تصادفی در یک شب بین پیکان سواری و موتورسیکلت، راکب موتورسیکلت فوت می‌نماید. کارشناس هر دو را به میزان پنجاه در صد مقصر می‌داند، زیرا راننده موتور، چراغ نداشته و با بی‌احتیاطی و عدم رعایت قوانین، رانندگی می‌کرده و راننده پیکان نیز به علت عدم توجه به جلو و سرعت زیاد مقصر بوده است، در فرض مسأله حکم آن چگونه است؟ در همین فرض اگر تقصیر یکی از دو نفر بیشتر باشد ولی نتوان علت و سبب اصلی تصادف را بطور تمام و کامل به یکی از آنها منتسب دانست، زیرا قسمتی از علت تصادف به طرف مقابل منتسب است حکم مسأله چگونه است؟
 جواب: اگر هر دو مشترکاً سبب وقوع قتل شده‌اند، دیه تقسیم می‌شود. در فرض دوم احتیاط این است که به نسبت حساب کنند.

سؤال ۱۳۱۵- در یک حادثه رانندگی، پیکان سواری با یک کامیون تصادف کرده و در وسط جاده متوقف شده است، بلافاصله یک اتوبوس از پشت سر با پیکان تصادف می‌کند. در حادثه اول، راننده پیکان و در حادثه دوم، راننده اتوبوس مقصر شناخته شده‌اند، در هر حال تمام سرنشینان پیکان فوت می‌نمایند و به درستی معلوم نیست
 استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۴

علت فوت، تصادف اول بوده است یا دوم، حکم قضیه چگونه است؟
 جواب: دیه سرنشینان پیکان باید در میان راننده اتوبوس و راننده پیکان تقسیم شود یعنی پنجاه درصد آن از اموال باقیمانده از راننده پیکان برداشته شود و پنجاه درصد آن را راننده اتوبوس می‌پردازد.
 سؤال ۱۳۱۶- دو نفر متعمداً به قصد قتل به سوی شخص ثالثی تیراندازی می‌کنند و یکی از تیرها اصابت می‌کند و آن شخص به قتل می‌رسد ولی معلوم نیست گلوله از تفنگ کدام یک شلیک شده، بنابراین علم اجمالی است بر این که یکی از این دو نفر قاتل است. از هر دو که نمی‌شود قصاص کرد و قرعه هم جاری نیست، زیرا اینجا جای قاعده دره است و موضوع قرعه امر مشکل است (همان طوری که در امور مالی هم جاری نیست) زیرا اینجا قاعده عدل و انصاف حاکم است. حکم شرعی را بیان فرمایید؟
 جواب: در اینجا دیه باید بالمناصفه تقسیم شود.

سؤال ۱۳۱۷- شخصی دارای ناراحتی قلبی بوده است، دوستش به قصد شوخی از طریق تلفن خبر دروغین مرگ فرزندش را به او می‌دهد او هم سکنه قلبی کرده و می‌میرد، حکم مسأله چیست؟

جواب: اگر یقین داشته باشد که بر اثر خبر دادن او سکنه کرده، باید دیه او را پردازد و اگر می‌دانسته که طرف بیماری قلبی دارد و چنین خبری برای بیماری قلبی غالباً کشنده است، بعید نیست حکم قصاص درباره او جاری شود.

سؤال ۱۳۱۸- هرگاه اتوبوسی با یک پیکان‌بار تصادف کند و راننده پیکان‌بار و شخص کنار دست او کشته شوند و پلیس راننده پیکان‌بار را مقصر بداند، تکلیف چیست؟

جواب: اگر راننده پیکان‌بار بطوری مقصر بوده که تلف شدنش مستند به خود او باشد، خون او هدر است و باید دیه شخص دیگری را که با او کشته شده از مال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۵

او بدهند و اگر تخلف از امور رانندگی تا آن حد نبوده که قتل مستند به خودش باشد بلکه مستند به هر دو بوده، نصف دیه هر دو بر عهده راننده اتوبوس و نصف دیه مقتول دوم بر مال راننده پیکان‌بار است. در این گونه موارد قول اهل اطلاع در صورتی که موثق باشند حجت است.

سؤال ۱۳۱۹- هرگاه قتل غیر عمدی اتفاق بیفتد، دیه چگونه بایستی پرداخت شود؟ و قتل عمد اگر در ماه محرم اتفاق بیفتد و ولی مقتول رضایت بدهد که قصاص انجام نگیرد و به جایش دیه بدهند، چگونه بایستی باشد؟

جواب: در قتل غیر عمد باید مقدار یک سوّم دیه در ماههای حرام بر آن افزوده شود ولی در قتل عمد ملاک چیزی است که طرفین بر آن توافق کنند.

سؤال ۱۳۲۰- اگر کسی بر اثر سانحه تصادف از بین برود و طرف دیگر جان سالم در ببرد، در صورتی که طرفی که جان سالم به در برده مقصر باشد، حکم آن چیست؟

جواب: اگر مقصر است باید دیه پردازد.

سؤال ۱۳۲۱- شخصی که محکوم به قصاص نفس گردیده ولی باید تفاضل دیه را اخذ نموده و سپس قصاص شود، آیا انتخاب نوع دیه در اختیار اوست یا کسی که موظف به پرداخت دیه است؟

جواب: در اختیار دهنده است.

دیه اعضا

سؤال ۱۳۲۲- دیه کلیه چیست؟

جواب: در مورد دو کلیه حکم دیه کامل جاری می‌شود چون موجب هلاکت می‌شود و در مورد یک کلیه نیز احتیاط واجب آن است که نصف دیه را پردازد.

سؤال ۱۳۲۳- شخصی در اثر انفجار مواد منفجره در کارخانه ریخته‌گری (که صاحب کار بدون مجوز قانونی مصرف می‌کرده) انگشتش قطع شده است، آیا دیه آن بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۶

صاحب کار است؟ و اگر هست چه مقدار از نقدین می‌باشد؟

جواب: هرگاه شخص مزبور با آگاهی از این امر خودش با مواد منفجره کار کرده و انگشتانش قطع شده است، کسی ضامن نیست.

سؤال ۱۳۲۴- چنانچه جنایتی بر شخصی وارد شود و علاوه بر جراحات وارده و شکستگی استخوان، در همان عضو درصدی هم

نقص عضو ایجاد گردد- البته این نقص عضو مربوط به شکستگی استخوان و ... می‌تواند باشد- آیا در اینگونه مسائل فقط دیه جراحات وارده و شکستگی استخوان را باید گرفت یا برای آن نقص عضو هم باید دیه دیگری در نظر گرفت؟
جواب: در هر حال یک دیه گرفته می‌شود و آن، دیه شکستگی استخوان و جراحات است ولی میان دیه کسر عضو توأم با نقص عضو و دیه کسر بدون نقص تفاوت است.

سؤال ۱۳۲۵- شخصی را بر روی زمین کشیده‌اند که در اثر این کار و سرمازدگی در کف پا و انگشتان پا و پشت دست تاول ایجاد شده است، دیه‌اش چگونه تعیین می‌گردد؟
جواب: دیه به نسبت تأثیر این امور، تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۳۲۶- فردی در اثر جنایت شخص دیگری حدود یک سال قادر به ضبط مدفوع خود نبوده ولی بعداً در اثر عمل جراحی قادر به ضبط مدفوع شده است، ولی ده در صد نقص عضو باقی است یعنی ده درصد قادر به ضبط مدفوع خود نیست و دادگاه هم در زمان بهبودی می‌خواهد حکم صادر کند، آیا مصدوم، حق دیه کامل دارد یا حق ده درصد از دیه کامل؟
جواب: در اینجا دیه کامل است.

سؤال ۱۳۲۷- در اثر تصادف یا نزاع، ضربه‌ای به کلیه‌های شخصی وارد و کلیه‌ها از بین رفته است، یا این که در اثر ضربه، علی‌الدوام باید تحت معالجه و مراقبت استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۷

پزشک باشد، یا یکی از کلیه‌ها یا طحال و یا مثانه همان گونه شده است، تکلیف قاضی در این موارد برای صدور حکم چیست؟ مشروحاً جواب مرقوم فرمایید. در ضمن هزینه معالجه به عهده ضارب است یا مضروب؟ و در صورتی که به عهده مضروب باشد ممکن است دیه کفایت معالجه را نکند، جریان را چگونه باید اصلاح نمود؟

جواب: باید کارشناسان نظر دهند که این آسیب دیدگی عضو داخلی چند درصد کل بدن است (همان‌طور که در مجروحین جنگی محاسبه می‌کنند) و سپس به همان نسبت از دیه کامله محاسبه کنند و اگر هزینه درمان بیشتر شود، احتیاط واجب این است که باقیمانده هزینه درمان را بدهند.

سؤال ۱۳۲۸- شخصی با ریختن بزمین بر یک نفر و شعله‌ور کردن آن، وی را سوزانیده و به قسمتهایی از بدن وی صدماتی وارد نموده است، به نحوی که پوست آن قسمت از بدن از بین رفته، ولی به هر حال صدمات سوختگی ترمیم پیدا کرده است، مستدعی است مرقوم فرمایید:

الف) جنایت مزبور دیه دارد یا ارش؟

ب) بر فرض داشتن دیه چه مقدار تعیین می‌گردد؟

ج) بر فرض داشتن دیه (یا ارش) هزینه درمان و عملیات جراحی برای رفع نقص وارده و بهبودی صدمات وارده به عهده چه کسی می‌باشد؟

جواب: دیه‌ای ندارد بلکه ارش دارد و احتیاط واجب آن است که هزینه درمان زاید بر ارش را نیز شخص جانی بپردازد.

سؤال ۱۳۲۹- در یک نزاع، دو نفر فردی را مورد حمله خود قرار داده و ضرباتی به وسیله بیل و چهار شاخ آهنی (شانه دنداندار) به سر و صورت او وارد می‌سازند که به نظر پزشک قانونی ضربه‌های وارده بر سر، باعث ضربه مغزی شده و ضربه وارده به صورت، فقط سوراخ شدن گوشت صورت را در دو مورد باعث گردیده است و شخص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۸

مضروب بعد از چند ساعتی فوت می‌کند. پزشک قانونی ضربه مغزی را علت مرگ اعلام نموده است. اولیای دم نیز به دلیل حضور

در صحنه نزاع، دو نفر ضارب فوق‌الذکر را قاتل معرفی کرده‌اند و قاضی شرع هم با اجرای قسامه نظر اولیای دم را تأیید کرده است. در این مرحله شخص سوّمی ابراز می‌دارد که ضربه وارده بر صورت توسط او بوده است. اکنون بر فرض صادق بودن شخص سوّم در ادعایش سؤال این است که آیا شخص سوّم از نظر شرع مقدّس اسلام به عنوان شریک در قتل به حساب می‌آید و یا این که باید دیه پرداخت کند و در صورت دوّم مقدار دیه (دو سوراخ عمیق در گوشت صورت با چهار شاخ) چه میزانی است؟

جواب: در فرض مسأله که ضربه صورت سبب قتل نبوده باید جانی دیه پردازد و دیه آن اگر به استخوان نرسیده، برای هر زخمی سه شتر است. سؤال ۱۳۳۰- دیه شکستگی استخوان در صورت معیوب بودن یک پنجم دیه همین عضو می‌باشد و از طرفی دیه شکستگی بعضی از اعضا مانند دیه شکستگی بینی را بالخصوص قید نموده‌اند، آیا در این مورد، دیه مذکور با قاعده کلیه تطبیق و محسوب می‌شود و یا دیه قید شده در مورد همین عضو ملاک عمل می‌باشد؟

جواب: قاعده مزبور همه جا را شامل نمی‌شود، زیرا در بعضی از موارد خلاف آن منصوص یا اجماعی است، بنابراین در موارد نص و اجماع باید به همان حکم مورد خاص عمل کرد.

سؤال ۱۳۳۱- دیه طحال را توضیح دهید؟

جواب: هرگاه از بیرون جراحی بر طحال وارد گردد، دیه جائفه دارد (و آن ثلث دیه کامله است) و اگر جراحی در ظاهر وجود نداشته باشد و تنها از طریق ضربه یا مانند آن نقصی بر طحال وارد شود، باید کارشناسان مقدار نقص عضو را تعیین کرده و با مجموع دیه کامله انسان بسنجند و دیه را حساب کنند.

سؤال ۱۳۳۲- تیری به پهلوی راست کسی اصابت نموده و با فاصله حدود ۲۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۳۹۹

سانتیمتر از همان جا خارج شده است، به عبارت دیگر به مقدار کمی زیر پوست واقع شده و با فاصله کوتاهی خارج شده ولی به درون بدن وارد نشده است، پزشک قانونی اعلام نموده تیر مذکور هیچ آسیب داخلی به احشا و امعا وارد نکرده است، آیا این جرح، مصداق جائفه‌ای است که یک سوّم دیه کامل، دیه آن است یا مصداق جائفه‌ای که دو سوّم دیه کامل است یا هیچ کدام و باید ارش معین گردد؟

جواب: این جراح ظاهراً مصداق نافذه است که دیه آن در روایات معتبره صد دینار تعیین شده است.

سؤال ۱۳۳۳- اگر در اثر ضرب و جرح مثلاً یک موضع از استخوان پای راست مضروب شکسته شود، دیه آن نسبت به کلّ یک پا چقدر است؟ اگر با همان یک ضربه چهار جای پا شکسته شود، دیه آن چه مقدار است؟ حال اگر بر اثر ضربه‌های متعدد چهار جای پا شکسته، در صد دیه از چه قرار است؟

جواب: دیه شکستگی استخوان پا یک دهم دیه کامل انسان است (یک پنجم دیه یک پا) این در صورتی است که به حال اول برنگردد ولی اگر به حال اول برگردد چهار پنجم این مقدار خواهد بود و اگر بیش از یک جا بشکند دیه آن همین مقدار برای هر کدام است- خواه در یک ضربه شکستگیهای متعدّد وارد شود یا در ضربات متعدّد.

سؤال ۱۳۳۴- دیه شکستگی متعدّد و جدا از هم در یک عضو چه مقدار است؟ مثلاً شخصی از چند ناحیه یک پایش شکستگی دارد مانند شکستگی استخوان لگن در طرف پای چپ و شکستگی دیگر در کاسه استخوان لگن و استخوان نازک نی چپ و استخوان کشکک زانوی چپ و شکستگی استخوان عانه در طرف چپ، که جدا از هم محسوب و جمعاً ۵ عدد می‌باشد. آیا در فرض مذکور و امثال آن در سایر اعضای بدن بر هر شکستگی دیه جداگانه تعلق خواهد گرفت یا برای همه، دیه یک شکستگی استخوان تعلق می‌گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۰

جواب: هر یک از شکستگیها دیه مستقلى دارد.

سؤال ۱۳۳۵- آیا جرح بر گردن ديه دارد یا ارش و آیا شکستگی استخوان با قسامه ثابت می‌شود؟

جواب: در بعضی از موارد ديه دارد و در بعضی موارد ارش و شکستگی استخوان با قسامه ثابت می‌شود.

سؤال ۱۳۳۶- اگر بر اثر خراشاندن یک موضع از صورت فردی، یک شتر ديه تعلق بگیرد حال اگر با همان حمله چند جای صورت به همان نحو خراشیده شود، آیا در پرداخت ديه فرقی هست یا خیر؟ حال اگر این چند موضع بر اثر تکرار، خراشیده شوند چگونه؟

جواب: هر خراش یک ديه دارد، خواه همه آنها در یک حمله باشد یا در حملات متعدد.

سؤال ۱۳۳۷- چنانچه جانی یک ضربه به چشم مجنی علیه بزند و این یک ضربه باعث جراحت از نوع دامیه یا غیره و سیاه‌شدگی توأماً گردد، آیا ديه متعلق به این دو اثر دو نوع است یا ديه فقط به جراحت دامیه تعلق می‌گیرد؟

جواب: باید ديه هر دو را پردازد.

سؤال ۱۳۳۸- در یک نزاع بر اثر ضربه عمدی ضارب، مجنی علیه دچار شکستگی جمجمه و خونریزی مغزی شده که پس از انتقال به بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفته و پس از حدود دو هفته دچار خونریزی دستگاه گوارش می‌گردد که مجدداً تحت عمل جراحی (زخم خونریزی دهنده اثنا عشر) قرار می‌گیرد و بعد از عمل علی رغم عدم اجازه پزشک معالج، بیمار با رضایت همراهان مرخص و به بیمارستان دیگری منتقل می‌شود و پس از دو روز در بیمارستان اخیر فوت می‌نماید. کمیسیون پزشکی علت تامه مرگ را عفونت منتشر شده خون ناشی از آبه چرکی در فضای شکم تعیین نموده و اضافه نموده است در پیدایش عارضه یاد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۱

شده عوامل مختلفی از جمله: الف) ضربه وارده به ناحیه جمجمه که سبب خونریزی گردیده، هفتاد درصد ب) زمینه قبلی موجود در بیمار، پانزده درصد ج) انتقال بی‌مورد و مکرر بیمار از بیمارستان، پانزده درصد دخالت داشته است، نظر مبارک را در مورد عمل جانی در خصوص عمدی یا غیر عمدی بودن قتل یا پرداخت ديه نفس یا عضو بیان فرمایید؟

جواب: اگر نظریه کارشناسان مورد اطمینان چنین باشد که اگر این شخص را جا به جا نمی‌کردند نمی‌مرد بلکه نجات می‌یافت، کسی که ضربه مغزی وارد کرده تنها ديه شکستگی جمجمه را باید بدهد و ديه قتل خطا به عهده کسانی است که جا به جا کرده‌اند و اگر هر دو کار مؤثر در مرگ او بوده، هر کدام باید سهمی از ديه یک انسان را به نسبت مذکور بدهد، مگر این که تفاوت میان آن دو زیاد نباشد که در این صورت می‌توانند مساوی بدهند.

سؤال ۱۳۳۹- شخصی در اثر تصادف رانندگی مصدوم و طحالش بدون صدمه ظاهری و پارگی شکم، پاره شده است، در نتیجه پس از عمل جراحی طحال وی را در آورده‌اند، آیا جراحت فوق‌الذکر از مصداق جراحت جائفه می‌باشد تا ثلث ديه به او تعلق بگیرد؟

جواب: احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند.

سؤال ۱۳۴۰- در مورد سؤال قبل با قطع نظر از مصالحه طرفین و عدم امکان مصالحه، پاسخ را مرقوم فرمایید؟

جواب: باید از روش حکومت استفاده شود یعنی درصد نقصی که از این جهت حاصل شده با کل ديه بدن بسنجند و به همان نسبت از ديه دریافت کنند، مثلاً اگر به اعتقاد اهل خبره این نقص معادل سی درصد است، سی درصد ديه تعلق می‌گیرد و اگر کمتر یا بیشتر است به همان صورت ملاحظه می‌شود.

سؤال ۱۳۴۱- اگر پدر یا مادری فرزند خود را برای تربیت یا از روی غضب بزند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۲

جای آن سیاه یا کبود و یا قرمز بشود، آیا ديه دارد؟

جواب: دیه دارد.

سؤال ۱۳۴۲- شخص راننده‌ای با فرد دیگری تصادف کرده است و لگن خاصره او شکسته و بعد از معالجه، محل شکستگی بهبود یافته ولی منجر به کوتاهی پای چپ به مقدار ۳ سانتی‌متر شده است و همچنین بر اثر این تصادف کنترل مدفوع نیز از دست رفته است، دیه این عوارض طبق احکام مقدّس اسلام چقدر می‌باشد؟

جواب: اگر کنترل مدفوع بطور کامل از بین رفته است باید دیه کامل به خاطر آن پردازد و نسبت به لگن خاصره باید با مراجعه به اهل خبره درصد ناقصی آن مشخص و روشن شود و به همان نسبت از کلّ دیه پردازد (و اگر درصدی از آن از بین رفته باشد به همان نسبت پردازد).

دیه جنین

سؤال ۱۳۴۳- جنینی در شکم مادر به قتل رسیده است اما مؤنث و مذکر بودن آن معلوم نیست، دیه آن چقدر است؟
جواب: در صورتی که جنین کامل شده و روح در آن دمیده نشده دیه آن صد دینار است و فرقی میان مؤنث و مذکر نیست و اگر روح در آن دمیده شده باشد در مذکر هزار دینار و در مؤنث پانصد دینار و در مواردی که مشکوک باشد هفت صد و پنجاه دینار است.

سؤال ۱۳۴۴- دیه از بین بردن نطفه بسته شده یا سقط جنین چه مقدار است؟

جواب: هرگاه تنها نطفه باشد بیست مثقال شرعی طلا (۲۰ دینار) و اگر به صورت خون بسته شده باشد چهل مثقال (۴۰ دینار) و اگر مضغه باشد شصت مثقال (۶۰ دینار) و اگر به صورت استخوان باشد بدون گوشت هشتاد مثقال (۸۰ دینار) و اگر جنین کامل باشد و هنوز روح و حرکت نداشته باشد صد مثقال طلا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۳

(۱۰۰ دینار) و اگر روح در آن دمیده شده باشد هزار مثقال (۱۰۰۰ دینار) در مذکر و پانصد مثقال (۵۰۰ دینار) در مؤنث است (منظور از مثقال شرعی هیجده نخود است که سه چهارم مثقال معمولی است).

سؤال ۱۳۴۵- اگر زن حامله‌ای برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و او هم، عالماً و عامداً اقدام به سقط جنین کند، اگر روح در جنین دمیده شده باشد، آیا باید قصاص شود یا دیه کامله به عهده اوست؟

جواب: در قتل عمد جنین دیه است و قصاص نیست حتّی جنین کامل، زیرا اولّ این که عموماً قصاص شامل جنین نمی‌شود. دوم این که در روایات متعدّدی که در باب دیه جنین وارد شده، تعبیراتی وجود دارد که یا صریح در قتل عمد است و یا اعم از قتل عمد و خطا و شبه عمد می‌باشد و در همه آنها تصریح به دیه شده و ثالثاً بر فرض که مصداق شبهه شود، حدود و قصاص بالشبهات به خصوص این که فتوای به جواز قصاص در باب جنین از کسی از مشاهیر فقها دیده نشده است جز در موارد نادر.

سؤال ۱۳۴۶- لطفاً آدرس موارد نادری که فرموده‌اید فتوای بعضی از مشاهیر بر قصاص جنین ذی الرّوح است را مرقوم فرمایید؟

جواب: در شرح لمعه در باب دیه جنین اشاره‌ای به این معنا شده است در کشف اللثام و قواعد الاحکام علامه نیز اشاره، بلکه تصریح به این معنا شده است.

سؤال ۱۳۴۷- اگر زن حامله‌ای حمل خویش را سقط کند (مباشراً یا تسبیحاً) آیا باید قصاص شود یا دیه پردازد؟

جواب: قصاص نمی‌شود بلکه فقط دیه دارد.

سؤال ۱۳۴۸- ماده ۹۱ قانون تعزیرات که به تأیید فقهای شورای نگهبان رسیده و لازم‌الاجرا می‌باشد، مقرر می‌دارد «اگر زن حامله برای سقط جنین به طبیب و یا قابله مراجعه کند و طبیب هم عالماً و عامداً مباشرت به اسقاط جنین نماید دیه جنین به عهده اوست و

اگر روح در جنین دمیده شده باشد باید قصاص شود و اگر او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۴

را به وسایل اسقاط جنین راهنمایی کند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود» نظر به این که فقهای شیعه در مورد جنین بین حلول روح و غیر آن فرقی قائل نیستند و در هر حال سقط جنین را موجب ثبوت قصاص نمی‌دانند، آیا ماده قانونی مذکور منطبق با شرع می‌باشد؟ در صورت منفی بودن، تکلیف قاضی در صدور حکم چیست؟

جواب: با توجه به روایات متعددی که درباره سقط جنین وارد شده و در این روایات (که بعضی از آنها در مورد عمد می‌باشد) چیزی جز دیه وجود ندارد و با توجه به مدارک دیگری که از کلمات فقها در دست است، قصاص در مورد جنین مطلقاً منتفی است و تنها دیه تعلق می‌گیرد و باید فقهای محترم شورای نگهبان را در جریان این مسأله گذاشت تا قانون را اصلاح نمایند.

سؤال ۱۳۴۹- چندی قبل خانمی که در ماه هشتم حاملگی بود در اثر تصادف اتومبیل، همراه فرزندی که در رحم داشت فوت می‌کند، از آنجا که جنسیت بچه که در رحم مادر بوده مشخص نیست، دیه آن چگونه محاسبه می‌شود؟
جواب: باید دیه دختر و پسر را جمع و تقسیم بر دو کنند.

دیه ولد الزنا

سؤال ۱۳۵۰- زنی از راه نامشروع حامله شده است، سپس آن بچه را کشته است:

الف) آیا بچه دیه دارد؟

ب) اگر دارد به چه کسی می‌رسد؟

جواب: احتیاط واجب پرداختن دیه به مقدار هشت صد درهم است اگر جنین کامل باشد (البته اگر این بچه بزرگ و بالغ می‌شد و اسلام را می‌پذیرفت دیه کامل داشت) و دیه او فقط به امام می‌رسد، یا مجتهد جامع شرایط که نایب الامام است و در مصالح مسلمین مصرف می‌کند و اگر این بچه می‌ماند و زن و فرزندان پیدا می‌کرد دیه او به همسر و فرزندانش می‌رسید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۵

انواع دیه

سؤال ۱۳۵۱- آیا تمام موارد ششگانه دیه قتل نفس، اصالت دارد یا بعضی از آنها اصالت دارد؟

جواب: ظاهر این است که تمام موارد ششگانه اصالت دارد ولی شکی نیست که در بسیاری از موارد اصل، همان دینار است.

سؤال ۱۳۵۲- نظر حضرت عالی را در باب اعیان ششگانه دیات اول این که از جهت رعایت تعادل ارزشی آنها و دوم این که انتخاب احد اعیان با فرض نزول بهای آن به حد ادنی بیان فرمایید، در حال حاضر در دادگاهها معمولاً نقره انتخاب می‌شود و بهای یوم الادا به نرخ بازار تعیین و پرداخت می‌گردد که تناسبی با ارزش اعیان دیگر دیه نداشته و سقوط ارزشی آن در آینده نیز محتمل است. آیا به فرض سقوط کامل ارزش هم، انتخاب عین نقره و پرداخت ده هزار درهم نقره صحیح است؟ و سقوط قیمت تا چه پایه‌ای قابل قبول است.

جواب: الف) احتیاط واجب این است که در حال حاضر که قیمت نقره بسیار سقوط کرده است، نقره را انتخاب نکنند و اگر طلا را انتخاب کنند یک هزار مثقال شرعی، مساوی هفتصد و پنجاه مثقال معمولی کافی است و لزومی ندارد طلای عیار ۱۸ حساب کنند بلکه می‌توانند عیارهای پایین‌تر که در عرف بازار وجود دارد حساب نمایند.

ب) اگر ارزش نقره کاملاً سقوط کند بدون شک در دیه کافی نیست.

سؤال ۱۳۵۳- با مراجعه به خبرگان، حتی عتیقه‌فروشان در خصوص درهم و دینار شرعی و قیمت و ارزش آن نتیجه‌ای حاصل نگردید آیا جایز است هزار دینار و ده هزار درهم را با هزار گوسفند یا دویست گاو و یک صد شتر سنجید و به واحد موجود مثلاً گوسفند یا شتر تقویم گردد؟

جواب: می‌توان قیمت دویست دست لباس متوسط معمولی را حساب کرد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۶

زیرا حله به معنای لباس است و یمنی بودن در آن شرط نیست و نیز می‌توان به جای درهم و دینار از گوسفند و گاو و شتر استفاده کرد.

عفو از دبه

سؤال ۱۳۵۴- آیا اخذ دبه تعبدی است یا از مقدار آن می‌توان عدول کرد؟

جواب: مستحق دبه می‌تواند از قسمتی یا از تمام حق خود صرف نظر کند، ولی حاکم شرع نمی‌تواند تغییری در آن بدهد، همچنین جانی نیز چنین حقی را ندارد.

سؤال ۱۳۵۵- آیا مجنی علیه (کسی که جنایت بر او واقع شده) می‌تواند قبل از مرگ به طور کلی جانی را از دبه عفو نماید؟

جواب: جواز عفو بعید نیست ولی احتیاط در مصالحه است.

مسائل متفرقه دیات

سؤال ۱۳۵۶- آیا جانی غیر از دبه، زیانهایی که در اثر جراحتهای وارده بر مجنی علیه وارد شده است را نیز لازم است به مجنی علیه پردازد؟ مانند هزینه محاکمه و از کار و کاسبی افتادگی و غیره.

جواب: جانی زاید بر دبه مقززه را شرعاً ضامن نیست ولی اگر هزینه درمان بیش از دبه باشد، احتیاط واجب آن است که تفاوت را پردازد.

سؤال ۱۳۵۷- ماهیت حقوقی دبه چیست؟ آیا دبه به عنوان مجازات یا جبران خسارت وارده بر مجنی علیه تشریح شده است؟ آیا جایی که خسارت وارده بیشتر از مقدار دبه باشد می‌توان از جانی مطالبه کرد؟

جواب: دبه جنبه جبران خسارت مادی دارد و اگر در موردی برای جبران خسارت، علاوه بر مبلغ دبه هزینه‌های بیشتری را برای درمان متحمل شود همان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۷

گونه که در بالا- اشاره شد احتیاط واجب آن است که شخص جانی اضافی را پردازد (البته حد اقل لازم برای جبران خسارت را می‌پردازد نه بیشتر از آن).

سؤال ۱۳۵۸- اگر شخصی که دارای حرفه جوشکاری است، جوشکاری ساختمانی را از اول تا آخر کترات نماید و با صاحب کار قرارداد ببندد و شخص پیمانکار جهت جوشکاری از برق فشارقوی خیابان که از طرف اداره برق استفاده از آن ممنوع گردیده، استفاده نماید و دچار برق گرفتگی شود و منجر به مرگ جوشکار شود در این صورت آیا صاحب کار مقصر است یا خود جوشکار که در فرض مسأله پیمانکار است؟

جواب: در اینجا مقصر جوشکار است.

سؤال ۱۳۵۹- چنانچه مرگ مقتول و نبودنش در خانه و جامعه، علاوه بر خانواده، به گروه یا در فرض مثال به یک جامعه لطمه و

ثلمه‌ای که هم مادّی و هم معنوی باشد وارد آورد، آیا مقدار دیه قبلی که منحصرأً جهت جبران خسارت مادّی عدم حضور وی در خانواده‌اش بوده را می‌توان افزایش داد؟ زیرا غیر خانواده‌اش گروه و جامعه‌ای نیز از مرگ وی متضرّر شده‌اند؟
 جواب: گرچه افراد با هم متفاوتند ولی شارع مقدّس برای همه، دیه یکسان قائل شده است (جز در مواردی مانند زن و مرد و امثال آن) و ممکن است فلسفه آن این باشد که قبول تفاوت با توجه به این که معیار روشنی ندارد، سبب درگیریهای فراوان اجتماعی و کشمکشهای نامحدودی می‌شود و ضرر و زیان آن از منافعش بیشتر خواهد بود.

سؤال ۱۳۶۰- در صورت پرداخت دیه از ناحیه جانی، انتخاب نوع دیه به عهده پرداخت کننده است یا گیرنده؟
 جواب: در مواردی که حکم مبنی بر قصاص است انتخاب نوع دیه مشروط به توافق طرفین است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۸

سؤال ۱۳۶۱- در قتل عمد، اگر پدر رضایت داد و مطالبه دیه کرد و جد مخالفت کند و مطالبه قصاص نماید کدام مقدّم است؟
 جواب: با وجود پدر نوبت به جد نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۶۲- در مناطق ما رسم است که اهالی هر محلّه در ایام فراغت و مناسبت‌های مختلف به عنوان تفریح و تفتّن، اقدام به مسابقه تیراندازی می‌کنند که متأسفانه در جریان یکی از مسابقه‌ها شخصی اسلحه کلاشینکف شخص دیگری را در اختیار پسر بچه نابالغی (۱۲- ۱۳ ساله) قرار داده و با این که اطرافیان تذکر می‌دهند که مواظب اسلحه و پسر بچه باشد می‌گوید کاملاً مواظب هستم و مشغول راهنمایی او شده و می‌گوید چنان کن و چنین بگیر، پسر بچه طبق دستور عمل کرده، ولی چون اسلحه روی رگبار بوده از اختیار بچه خارج شده و راهنما را مورد اصابت قرار داده و به قتل می‌رساند، حال:

الف) آیا راهنمای مقتول بدون اجازه والدین پسر بچه به هر عنوان، حق داشته اسلحه در اختیار وی قرار دهد؟

ب) آیا مقتول در قتلش معاون یا مباشر می‌باشد یا هر دو محسوب می‌شود و یا هیچ کدام؟ خلاصه، دیه مقتول به عهده چه کسی می‌باشد؟

ج) در صورتی که دیه بر عاقله تعلق گیرد، آیا با وجود پدر شامل باقی نزدیکان نیز می‌شود؟ در ضمن مشخص بفرمایید تقسیم دیه بر عاقله بر چه اساس می‌باشد؟

جواب: الف) حقّ چنین کاری را نداشته است.

ب) هرگاه قرار دادن اسلحه در اختیار چنین کودکی عرفاً کار خطرناکی محسوب شود، راهنما در برابر آن مسئول است و اگر خودش کشته شده باشد دیه ندارد در غیر این صورت دیه بر عاقله است.

ج) احتیاط این است که پدر هم شرکت کند و امّا شرکت دیگران قطعی است و طرز تقسیم دیه بین آنها بر حسب توانایی و چگونگی امکانات آنهاست که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۰۹

خودشان یا در صورت اختلاف به کمک حاکم شرع، دیه را در میان خود سرشکن می‌کنند.

سؤال ۱۳۶۳- گرفتن پول خون مقتول چگونه است لطفاً توضیح دهید؟

جواب: دیه یک حقّ الهی است و گرفتن آن در مواردی که شرع اجازه داده است مانعی ندارد هر چند عفو کردن در بعضی از موارد بهتر است.

سؤال ۱۳۶۴- شخصی تصادف کرده و یک نفر را کشته است، دادگاه حکم کرده که قاتل باید دیه بپردازد ولی قاتل قبل از پرداخت دیه فوت کرده است، آیا بر ورثه واجب است که این دیه را بپردازند؟

جواب: دیه مانند سایر دیون است و واجب است که از اصل مال او بپردازند.

سؤال ۱۳۶۵- آیا دایره ولایت ولّی قهری بر مولی علیه صرفاً ناظر بر حقوق مالی است و یا اطلاق دارد. به عبارت دیگر آیا ولّی قهری در حق قصاص نفس و عضو از باب ولایت می‌تواند قاتل و جانی را عفو نماید و یا این که لزوماً غبطه صغیر در اخذ دیه است و بدون اخذ آن مجاز به عفو نیست، در صورتی که غبطه صغیر و مولی علیه در اخذ دیه نفس و عضو باشد در صورت اخذ آن از جانی آیا او به اعتبار ولایت می‌تواند هر گونه دخل و تصرفی را در سهم مالی مولی علیه و لو به نفع خود بنماید.

جواب: ولایت ولّی صغیر شامل دیه و مانند آن می‌شود، اما نمی‌تواند بر خلاف غبطه صغیر، دیه و مانند آن را ببخشد یا به نفع خود تصرف کند.

سؤال ۱۳۶۶- در کشورهای حوزه خلیج فارس، شرکتهایی است که اگر کارگر شاغل در آن شرکتها در هنگام کار در اثر سانحه‌ای مانند سقوط از ساختمان فوت نماید مبلغ سی میلیون تومان به عنوان دیه به ورثه متوفی پرداخت می‌نماید، این مبلغ چه حکمی دارد؟

جواب: هر گاه پرداختن دیه مزبور به صورت شرط استخدام کارگر در آمده باشد، اشکال ندارد، این شرط ممکن است به هنگام قرارداد با کارگر ذکر شده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۰

باشد و یا این که به صورت قانون کلی در عرف کارگری آنجا باشد که جزء شرایط عامه استخدام محسوب گردد.

سؤال ۱۳۶۷- آیا دیه مقتول جزء ماترک و دارایی اوست و آیا تقسیم آن بین ورثه همچون قانون ارث است؟

جواب: تمام وارثان نسبی و سببی از دیه ارث می‌برند، مگر متقربان به مادر مانند برادر و خواهر مادری.

سؤال ۱۳۶۸- اگر کسی زن شخص دیگری را به قتل برساند و این زن جز مرد وارث دیگری نداشته باشد آیا شوهر این زن می‌تواند از قاتل مطالبه خرج و مخارجی را که در رابطه با ازدواج همسرش متوجه او شده بنماید؟ و با توجه به این که دادن غذا و خرج در مراسم عزاداری و جوب شرعی ندارد آیا می‌تواند چنین مخارجی را نیز از قاتل مطالبه بنماید؟

جواب: تنها سهم دیه را می‌تواند بگیرد و حق مطالبه نسبت به هزینه‌های فوق را ندارد.

سؤال ۱۳۶۹- نظر به این که در سال گذشته در حادثه رانندگی که منجر به فوت شخص مصدوم شد ملزم به پرداخت دیه بر اساس شرایط شرع مقدّس شدم و در حال حاضر پس از گذشت بیش از یک سال با گرفتن وام و استفاده از بیمه وسیله نقلیه، تنها حدود نصف دیه را می‌توانم نقداً پرداخت نمایم، آیا می‌توانم مابقی را به صورت اقساط پردازم؟

جواب: شما می‌توانید دیه مزبور را ضمن دو سال پرداخت نمایید هر سال نصف آن را، مگر این که با وارثان آن شخص توافق بر مدت بیشتری نمایید.

سؤال ۱۳۷۰- اگر در جریان تصادف رانندگی مقتول مقصّر شناخته شود آیا باز نسبت به راننده خطاء در قتل محسوب است که دیه مقتول بر عاقله راننده واجب گردد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۱

جواب: در تصادف رانندگی قتل خطا نیست، اگر راننده مقصّر باشد شبه عمد است اگر عابر مقصّر باشد مثل این که خود را به زیر ماشین انداخته هیچ دیه‌ای وجود ندارد و اگر قتل مستند به هر دو باشد دیه از راننده به نسبت گرفته می‌شود.

سؤال ۱۳۷۱- قتل غیر عمدی واقع شده است و در این مدّتی که از قتل گذشته مقدار دیه تغییر کرده است آیا پرداخت کننده دیه ملزم به پرداخت وجه زمان حادثه است یا وجه فعلی؟

جواب: ملزم به پرداخت وجه فعلی است مگر این که قبلاً توافق و مصالحه‌ای بر مبلغ معینی شده باشد.

سؤال ۱۳۷۲- چندین نفر همزمان به شخصی تیراندازی کرده‌اند و آن شخص به وسیله یک یا چند گلوله کشته شده است، اما معلوم

نیست تیر کدام یک از تیراندازان به او اصابت نموده، ولی قدر مسلم تیر یکی از این چند نفر بوده است، حکم قضیه چگونه است؟
جواب: چنانچه ثابت شود که به واسطه یکی از آنها این شخص کشته شده و راهی برای تعیین قاتل نیست دیه در میان همه آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۳۷۳- اگر سه نفر شخص واحدی را به قتل برسانند و ولی دم خواهان قصاص هر سه نفر باشد نوع فاضل دیه که باید توسط ولی پرداخت شود را چه کسی تعیین می‌کند؟ آیا تعیین در اختیار ولی دم است یا اولیای قاتلانی که قصاص خواهند شد؟
جواب: انتخاب با ولی دم است.

سؤال ۱۳۷۴- با توجه به این که در شرع و قانون مسئول پرداخت دیه، جانی می‌باشد و انتخاب نوع آن هم در اختیار اوست، چنانچه در موقع انتخاب نوع دیه، جانی اطلاع کافی در مورد قیمت انواع دیه نداشته باشد یا بطور صحیح به وی تفهیم نگردیده باشد و به خاطر عدم اطلاع گاو یا گوسفند را انتخاب کند و بعد از انتخاب و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۲

صدور حکم و قبل از اتمام مهلت پرداخت و قبل از شروع به اجرای آن، اظهار نماید من قدرت پرداخت دیه از نوع گوسفند را ندارم ولی از نوع شتر را دارم در فرض مسأله آیا حق تغییر را دارد؟ تغییر نوع دیه با علم و اطلاع چه صورت دارد؟
جواب: مانعی ندارد، در هر دو صورت می‌تواند تغییر دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۳

فصل چهل و پنجم: مسائل بانکی

سؤال ۱۳۷۵- حکم سپرده‌های بلند مدت بانکها، بدون شرط صاحب پول چیست؟
جواب: در صورتی که طبق عقود شرعیّه انجام شود و یا این که صاحب پول انتظار و مطالبه‌ای نداشته باشد و بانک از ناحیه خود چیزی بدهد اشکال ندارد و در صورت دوم نشانه‌اش این است که اگر بانک به او چیزی ندهد مطالبه نکند.

سؤال ۱۳۷۶- در زمان فعلی - که بحمد الله دوران حاکمیت جمهوری اسلامی می‌باشد و به برکت خون شهدا و فعالیت‌های مردم و بینش و رهبری حضرت امام (رحمه الله) طاغوت از بین رفته است، پول گذاشتن در بانکها چه صورت دارد؟ آیا می‌توان سودی که بانکها برای حسابهای پس انداز پرداخت می‌کنند را گرفت؟ و همچنین قرض گرفتن از بانکها و دادن بهره چه صورت دارد؟

جواب: سود پس انداز که بانک داوطلبانه می‌دهد مشکلی ندارد مگر آن که به صورت قرارداد درآید و اما سود سپرده‌های ثابت یا وامهایی را که از بانک می‌گیرند، در صورتی که به آیین‌نامه بانکی در رابطه با عقود شرعیّه عمل شود نیز مانعی ندارد و در صورت شک می‌توان حمل بر صحت کرد، ولی اگر یقین داشته باشید که به آیین‌نامه‌های عقود شرعیّه عمل نمی‌کنند جایز نیست.

سؤال ۱۳۷۷- بانکها در جمهوری اسلامی تحت عناوین شرعیّه مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، جعاله با مشتریان و بالعکس قرارداد منعقد می‌کنند و هر ماه علی الحساب ۱۴ درصد یا کمتر یا بیشتر سود در اختیار مشتریان قرار داده و در پایان استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۴

مدت تسویه حساب می‌کنند، نظر به این که مردم عادی و مشتریان، عموماً شرایط و قیود مندرج در برگه قرارداد را مطالعه نمی‌کنند و نوعاً به امضا کردن اکتفا می‌کنند و بدین وسیله رضایت خود را در پذیرش کلیه شروط و قیود اعلام می‌دارند، آیا صرف امضا کردن یا قبول کلیه شرایط به طور شفاهی با آن که از خصوصیات و عناوین شرعیّه آگاهی ندارند، سبب تحقق عقود مذکوره و مشروعیت آنها می‌شود؟ یا لازم به تفهیم و تفهّم از طرف بانکها یا متعاقدین می‌باشد؟ و در صورت عدم مشروعیت، آیا راه حل دیگری به نظر مبارک می‌رسد؟

جواب: هرگاه وکالت مطلقه به بانکها بدهد که پول او را طبق عقود شرعی به کار گیرد و سود حاصل را به او بدهد اشکال ندارد و آگاهی به جزئیات بعد از وکالت مطلقه لازم نیست.

سؤال ۱۳۷۸- از آن جایی که بانکهای ایران گاهی توان پرداخت به موقع مطالبات خارجی را ندارند راه چاره‌های مختلفی پیش گرفته‌اند از جمله: یکی از بانکها با بعضی از بانکهای خارجی قراردادی منعقد نموده که طبق آن، بانک خارجی از طرف بانک ایرانی پول معامله را در آن کشور سر موعد به فروشنده پرداخت می‌نماید و یک سال بعد پول خود را به اضافه ۹ درصد از بانک ایرانی و ۶ درصد از فروشنده، به عنوان نرخ بیمه برای پرداخت سر موعد دریافت می‌دارد. توضیح این که پس از حمل جنس از فروشنده که حدوداً سه ماه بعد از قرارداد از طریق بانک خارجی و ایرانی می‌باشد، بانک خارجی پول فروشنده را تحویل می‌دهد ولی پول پرداختی را یک سال بعد، از بانک ایرانی با ۹ درصد بهره تحویل می‌گیرد، بنابراین روش کار، بانک ایرانی در روز عقد قرارداد معامله توسط خریدار ۱۰۰ درصد مبلغ معامله را به اضافه ۹ درصد بهره‌ای که بانک خارجی توافق نموده، از خریدار دریافت می‌دارد فروشنده نیز که دریافت به موقع پولش را حق طبیعی خود می‌داند ۶ درصد کارمزدی را که به بانک خارجی، تحت عنوان نرخ بیمه برای پرداخت به موقع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۵

می‌پردازد عملاً- به قیمت جنس افزوده و از مصرف‌کننده دریافت می‌کند. با توجه به این که فروشنده چیز اضافه‌ای از خریدار دریافت نمی‌دارد، آیا شکل معامله فوق برای خریدار صحیح است؟

جواب: در صورتی که شما از ماهیت این کار باخبر باشید و رضایت بدهید، برای شما اشکالی ندارد، به این معنا که شما پول خود را به بانک، وام بدون سود می‌دهید و بانک برای شما جنس را به طور نسیه به قیمت بالاتر از قیمت نقد خریداری می‌کند مشروط بر این که شما بیمه مربوط را نیز بپردازید، در این صورت معاملات فوق شرعاً برای شما صحیح خواهد بود. ولی این کار در صورتی برای بانک جایز است که مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند که معاملات با طرفهای خارجی به این شکل انجام شود، در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۳۷۹- شخصی پولی را به صورت سپرده کوتاه مدت و یا بلند مدت در بانک می‌گذارد و هر ماه بانک به نسبت مقدار پول، طبق شرایط خاصی مبلغی به صاحب حساب می‌پردازد، آیا می‌شود این پول را قبول کرد و آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟
جواب: چنانچه آیین‌نامه بانکی مربوط به عقود شرعی، عمل بشود، حلال است و خمس نیز دارد و اگر مسئولین بگویند عمل می‌کنیم و دلیلی بر خلاف آن نباشد کافی است.

سؤال ۱۳۸۰- گاهی بانکها به منظور ترغیب مشتریان که پولشان را به بانک بسپارند و یا حساب باز کنند جوایزی از طریق قرعه‌کشی قرار می‌دهند کسی که قرعه به نام او اصابت کند جایزه‌ای می‌برد آیا این عمل جایز است و جایزه حلال می‌باشد؟
جواب: اگر این کار واقعی باشد نه برای فریب مردم جایز و حلال است.

سؤال ۱۳۸۱- اگر شخصی که به بانک بدهکار است به صورت قسطبندی مبلغی را علاوه بر بدهی به عنوان سود به بانک بپردازد و سپس بعد از مدتی پولی به بانک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۶

بسپارد و سودی در برابر آن بگیرد آیا می‌تواند این را به عنوان تقاص سودی که داده بگیرد؟

جواب: اگر در معامله اولی پولی را به عنوان ربا داده کار حرامی کرده است، ولی می‌تواند در معامله دوم، به نیت تقاص معادل آن را پس بگیرد.

سؤال ۱۳۸۲- بانکها برای وامهایی که به متقاضی می‌دهند از همان اول محاسبه سود را به عنوان کارمزد می‌نمایند، اگر همین کار را

یک فرد بازاری به عنوان وام یا فروختن جنس به صورت نسیه، انجام دهد، آیا حکم ربا دارد؟

جواب: منظور از کارمزد حق الزحمه ای است که به کارمندان بانک یا صندوق قرض الحسنه به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت حفظ حسابها و سایر خدمات بانکی انجام می‌دهند داده می‌شود و کارمزد متعلق به آنهاست و اگر دهنده پول، کارمزد را به عنوان خودش بگیرد ربا و حرام است و در معاملات بازار نیز همین گونه است.

سؤال ۱۳۸۳- بانکها برای سپرده‌های کوتاه مدّت و بلند مدّت سود معینی را در نظر می‌گیرند، ولی در سپرده‌های قرض الحسنه جز اجر معنوی سودی وجود ندارد با توجه به مطلب فوق سپرده‌گذاری در بانک به عنوان سپرده کوتاه مدّت یا بلند مدّت که ارزش پول کاهش نمی‌یابد و از همان پول، دیگران نیز به عنوان وام استفاده می‌کنند چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه رعایت عقود شرعی را بنمایند یا این که وکالت مطلقه به مسئولین بانک داده شود که رعایت این عقود را بکنند، حلال است.

سؤال ۱۳۸۴- هرگاه شخصی بخواهد مثلاً مبلغ پانصد هزار تومان وام (قرض) بگیرد باید معرف داشته باشد و معرف هم نصف مبلغ وامی که قرض گیرنده می‌خواهند بگیرد را باید در بانک مسدودی داشته باشد، یعنی از مبلغ پانصد هزار تومان، مبلغ ۲۵۰ هزار تومان را باید به عنوان مسدودی در صندوق بخواباند تا وقتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۷

وام گیرنده تمام بدهی خود را پرداخت نماید و با پرداخت آخرین قسط، مسدودی هم آزاد می‌شود، حال بفرمایید اگر معرف موجودی در صندوق نداشته باشد آیا می‌تواند به قرض گیرنده بگوید: شما دو برابر مورد نیاز خود درخواست کنید، مثلاً یک میلیون تومان درخواست وام کنید که پانصد هزار تومان آن را به حساب معرف مسدود نمایند تا معرف ایشان را معرفی کند که به ایشان ۲ برابر وام دهند که پانصد هزار تومان آن، به وام گیرنده داده شود تا زمانی که آخرین قسط یک میلیون تومان پرداخت گردید صندوق پانصد هزار تومانی که به عنوان مسدودی ضبط کرده بود بدون هیچ گونه کم و زیادی به قرض گیرنده پرداخت نماید که در حقیقت وام گیرنده در آخر کار مبلغ پانصد هزار تومان پس‌انداز دارد که یک جا دریافت می‌کند. لطفاً بفرمایید اول این که این گونه عملکرد بانک از نظر شرعی صحیح است؟ و دوم این که این پانصد هزار تومانی که در آخرین پرداخت قسط می‌گیرند خمس دارد؟

جواب: در صورتی که صندوق قرض الحسنه کار تجاری با پولهای مردم انجام ندهد هر دو صورت مسأله صحیح است و در صورت دوم خمس به پول پس‌انداز شده تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۳۸۵- این جانب با یکی از اقوام خود صحبت نمودم که حواله وام قرض الحسنه‌ای را به نام ایشان از بانک بگیرم، ایشان وام را دریافت کرد و کلاً مبلغ آن را جهت رفع مشکلاتم به من داد و اقساط آن را من داده و می‌دهم، جهت دریافت وام ابتدا حساب پس‌انداز باز می‌کنند که کارمزدها را از آن برداشت کنند، اینک با توجه به این که صاحب دفترچه از خود هیچ گونه هزینه و سرمایه‌ای نداده است، این دفترچه پس‌انداز مبلغ ۴۵۰۰۰۰ ریال جایزه برنده شده است، این جایزه از آن کیست و یا به چه نسبت به من می‌رسد؟

جواب: جایزه به کسی می‌رسد که صاحب دفترچه پس‌انداز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۱۹

فصل چهل و ششم: مسائل پزشکی

مسائل مربوط به تشخیص و درمان

سؤال ۱۳۸۶- اگر تشخیص بیماری به درستی صورت گیرد ولی داروی مؤثر در دسترس نباشد و یا بسیار گران باشد و بیمار قادر به تهیه آن نباشد، آیا پزشک معالج ملزم به تهیه آن دارو به هر طریق ممکن برای بیمار می‌باشد؟
جواب: اگر جان بیمار در خطر باشد و طبیب قدرت بر آنچه گفته شد داشته باشد، لازم است و هرگاه یکی از این دو شرط حاصل نباشد واجب نیست.

سؤال ۱۳۸۷- اگر پزشک به خاطر فراموشی انواع و علائم بیماریها- به خاطر گستردگی موضوع- بیماری شخص را تشخیص ندهد و لذا نداند داروی مناسب چیست و در نتیجه اصلاً دارویی تجویز نکند در صورتی که بیماری تشدید و یا منجر به مرگ گردد، این پزشک در چه حدی مسئول است؟ (در صورتی که امکان ارجاع به متخصص باشد).
جواب: وظیفه‌اش آن است که دخالت نکند و او را به فرد آگاهتری هدایت نماید.

سؤال ۱۳۸۸- اگر فرصت و امکان آزمایش وجود داشته باشد امّا به دلایل دیگری همانند: الف) عدم قدرت بیمار بر پرداخت هزینه‌ای که به او تحمیل می‌شود ب) نبودن امکانات مورد نیاز ج) نداشتن وقت کافی از ناحیه بیمار، آزمایشات لازم صورت نگیرد، در این صورت وظیفه پزشک چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۰

جواب: اگر بدون آزمایش تشخیص بیماری ممکن نیست باید به سراغ آن برود (مگر اینکه وقت کافی موجود نباشد) و اگر تشخیص بیماری طبق موازین داده شده، و آزمایش برای اطمینان بیشتر است و جویی ندارد.

سؤال ۱۳۸۹- اگر بدانیم یا احتمال بدهیم که یک بیمار در اثر یک بیماری خاصی مثل برخی سرطانها بزودی خواهد مرد، آیا مجازیم فقط برای افزایش طول عمر وی هر چند به مدّت کوتاه روش‌های درمانی خطرناک و بسیار پرعارضه، مثل شیمی درمانی که گاهی عوارض آن بسیار شدیدتر از بیماری اولیه است را برای وی تجویز کنیم؟
جواب: در فرض مسأله دلیلی بر وجوب و جواز این گونه درمانها نداریم ولی اگر بیمار خودش با علم به این عوارض راضی بشود مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۰- در بعضی از بیماریها، مثل برخی عفونتهای نه چندان مهم، پزشک جهت تسریع بهبودی بیمار، یا اطمینان از این که داروی تجویزی وی بسیار قوی است و در مورد خیلی از عفونتها می‌تواند مؤثر باشد، و یا به خاطر این که از هزینه درمان بیمار و مراجعات مکرر وی بکاهد، اقدام به تجویز داروهای می‌کند که ضررهای آنها کاملاً شدید بوده و به اثبات رسیده است و این در حالی است که شاید بتوان از طریق داروهای دیگری که ضرر بسیار کمتری دارند، ولی ممکن است با عدم اطمینان کامل و هزینه زیادتر همراه باشند بیمار را معالجه نمود. با چنین فرضی، بهترین کار چیست؟ انتخاب راه سریع و پرخطر یا راه کم خطر و احیاناً دیر تأثیر.

جواب: انتخاب راه دوم لازم است.

سؤال ۱۳۹۱- گاهی اوقات مطمئن هستیم که یک بیماری، بیمار را به زودی خواهد کشت، از طرفی می‌دانیم که با یک عمل درمانی مثل جراحی ممکن است یا بیمار بهبودی نسبی و احتمالی پیدا کند و یا حتی زودتر از موعد از دنیا برود، وظیفه ما در چنین حالتی چیست؟ اگر با این کار به تسریع مرگ بیمار کمک کنیم، آیا مدیون نیستیم؟ همچنین اگر اقدام به درمان نکنیم، آیا مسئول نیستیم؟ با توجه به این که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۱

گاهی نتیجه کار کاملاً نامشخص است.

جواب: اگر احتمال بهبودی، احتمال قابل توجهی است باید اقدام کرد (با جلب رضایت بیمار) و اگر احتمال ضعیف است و احتمال

خطر نیز وجود دارد اقدام نکنید.

ضمان طیب

سؤال ۱۳۹۲- اگر پزشک بنا به اصرار بیمار، دارویی تجویز نماید و یا سایر اقدامات درمانی که مضر است انجام دهد، در صورت ایجاد عارضه، مسئول کیست؟

جواب: اگر پزشک اثر زیان‌بخش دارو را اعلام کند مسئولیتی در برابر عارضه ندارد و اگر اعلام نکنند، مسئول است ولی در هر صورت پزشک باید مقاومت کرده و داروی مضر را به بیمار معرفی نکند.

سؤال ۱۳۹۳- با توجه به این که ممکن است جان بیمار به طور اورژانسی (فوری) در خطر باشد و زمانی جهت تعیین حساسیت فرد به دارویی خاص وجود نداشته باشد، اگر با تجویز دارو، بیمار به آن حساسیت پیدا کرده دچار عوارض شدید و یا مرگ شود، آیا پزشک معالج در قبال این عوارض مسئولیتی خواهد داشت؟

جواب: باید از بیمار یا ولی او اجازه بگیرد و اگر دسترسی به آنها نیست ما به عنوان حاکم شرع در این گونه موارد ضروری به اطبا اجازه می‌دهیم و ضامن نیستند. (به شرط اینکه دقت کافی کنند)

سؤال ۱۳۹۴- اگر با توجه به علوم امروزی، امکان تعیین حساسیت یک دارو وجود نداشته باشد، آیا پزشک، در صورت ایجاد عارضه مسئول است؟

جواب: در صورتی که آن دارو منحصر به فرد، نباشد و بیمار جنبه اورژانسی نداشته باشد، استعمال آن دارو روی انسان جایز نیست، اما اگر دارو منحصر به فرد است و استعمال آن ضروری به نظر می‌رسد و احتمال نجات بیشتر از احتمال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۲

خطر است باید آن را در مورد بیمار بکار ببرد.

سؤال ۱۳۹۵- به طور کلی با توجه به علوم امروزی اگر بدانیم یا احتمال بدسیم که نجات جان بیمار وابسته به مصرف داروهای خاصی می‌باشد که مضرند و این مضرات به احتمال قوی برای همگان رخ خواهد داد و با تجویز پزشک، شخص دچار یک یا چند مورد از این عوارض شود، آیا پزشک مسئول است؟

جواب: در صورتی که دارو منحصر به فرد باشد و تأثیر آن از زیانهای آن بیشتر است و پزشک چگونگی را به بیمار اعلام کند تجویز آن مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۶- اگر دارو یا داروهایی، نه برای نجات جان بیمار بلکه جهت تسکین و مداوای ناراحتیهایی که باعث آزار بیمار می‌شوند همانند: تب، خارش، درد، زخم و ... مصرف شوند و بدانیم یا احتمال دهیم که این داروها مؤثرند و با توجه به این که اکثر داروهای مؤثر، در کوتاه مدت یا درازمدت دارای عوارض زیادی می‌باشند، در صورت تجویز پزشک و ایجاد عارضه که گاهی بدتر از بیماری اولیه می‌باشد، آیا پزشک مسئولیتی به عهده خواهد داشت؟ (لازم به ذکر است شایع‌ترین و بیشترین تجویز دارو در چنین مواردی صورت می‌گیرد و لذا اهمیت فراوانی دارد و از طرفی اگر بخواهیم درمان هیچ ضرری نداشته باشد گاهی اصلاً هیچ درمانی نباید انجام دهیم).

جواب: اگر ضرر مهمی نداشته باشد اشکالی ندارد زیرا داروها به هر حال عوارضی دارند، ولی اگر ضرر مهمی داشته باشد تجویز آن جایز نیست مگر در صورت ضرورت شدید با کسب رضایت بیمار یا ولی او.

سؤال ۱۳۹۷- در صورتی که داروهای کاملاً مؤثر به هر علتی در دسترس نباشند، آیا پزشک می‌تواند داروهایی را که احتمال می‌دهد مؤثر باشند تجویز کند؟ در صورت عدم موفقیت، آیا پزشک در قبال عوارض احتمالی این داروها یا هزینه بیهودهای که بر

بیمار تحمیل شده مسئول و مدیون است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۳

جواب: اگر راه منحصر به استفاده از آن داروها باشد اشکالی ندارد، ولی باید بیمار را در جریان بگذارد و جلب رضایت کند.

سؤال ۱۳۹۸- با توجه به گستردگی بسیار زیاد علوم پزشکی که واقعاً امکان فراگیری و به خاطر سپردن تمامی بیماریها و تمامی داروهایی که روی همه بیماریها مؤثرند و نیز تشخیص عوارض آنها وجود ندارد، اگر پزشک به خاطر فراموشی بنا به حدس خود، چه در موارد اورژانس جهت نجات جان و یا تسکین آلام بیمار، سهواً اقدام به تجویز دارویی غیر مؤثر به بیماری کند که بیمار را متحمل هزینه بیهوده و یا عوارض جانبی کند، در این صورت آیا پزشک مسئول و مدیون است؟ (در صورتی که امکان ارجاع به متخصص دیگری هم نباشد)

جواب: از جواب مسأله بالا معلوم شد.

سؤال ۱۳۹۹- اگر به خاطر کمبود امکانات لازم برای تشخیص کامل، تشخیص ممکن نگردد و مداوای لازم صورت نگیرد و بیماری تشدید یا منجر به مرگ شود، آیا پزشک معالج مسئول است؟

جواب: مسئولیت ندارد، ولی باید داروهای مشکوک و مضر به بیمار ندهد.

سؤال ۱۴۰۰- در برخی بیماریها همانند فشار خون بالا، به علت عوامل ناشناخته ایجادکننده آن، طبق روش معمول که اجرای آن طبق علوم روز ضروری است، یک یا چند دارو به کار برده می‌شود و در صورت عدم تأثیر، داروهای دیگری به کار برده می‌شود، الی آخر. با توجه به اینکه این داروها از یک طرف در افراد مختلف همگی مؤثر نیستند و ممکن است در شخصی، درمانهای اولیه و در شخص دیگری درمانهای آخر مؤثر باشند و از طرف دیگر، هر یک از داروها دارای عوارض خاصی هستند، آیا پزشک معالج- که در حقیقت داروهای مختلف را به ترتیب در مورد بیمار آزمایش می‌کند- در قبال هزینه اضافه یا عوارض داروها مسئول است؟

جواب: اگر راه درمان منحصر به همین راه است باید اقدام کند و مسئولیتی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۴

سؤال ۱۴۰۱- اگر پزشک با توجه به گستردگی موضوع نداند و یا فراموش کرده باشد که دارو یا روش تشخیصی وی برای خانمهای باردار یا شیرده مضر است، مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عارضه در جنین یا مادر در چه حدی می‌باشد؟

جواب: پزشک موظف است از زنانی که در معرض بارداری هستند سؤال کند و اگر بدون تحقیق داروی مضر بدهد مسئول است.

سؤال ۱۴۰۲- به طور کلی آیا جواب منفی خانم بیمار در مورد پرسش پزشک از حاملگی وی چه خود بداند باردار است و به هر علتی نگوید و چه نداند که باردار است از پزشک معالج در قبال عوارض احتمالی رفع مسئولیت می‌کند؟

جواب: اگر راه تشخیص بارداری منحصر به سؤال از بیمار است در فرض مسأله مسئولیتی ندارد.

سؤال ۱۴۰۳- اگر پزشک از بارداری بیمار سؤال نکند و وی هم متذکر نشود، مسئولیت عوارض احتمالی به عهده کیست؟

جواب: جواب این مسأله از آنچه در جواب سؤال ۱۴۰۱ گفته شد روشن می‌شود.

سؤال ۱۴۰۴- گاهی اوقات، پزشک تنها جهت احتیاط و مطمئن شدن در جهت تشخیص و یا ردّ یک بیماری احتمالی مثل سل در هر بیمار مشکوکی- با هر علامت غیر اختصاصی- دستور رادیوگرافی می‌دهد تا یک بیماری مخفی احتمالی را کشف کند، در صورت وجود یا عدم هر گونه بیماری (که احتیاج به رادیوگرافی دارد) آیا پزشک در ایجاد عوارض احتمالی و هزینه درمان مسئول است؟

جواب: در صورتی که احتمال بیماری، احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، این اقدام اشکال ندارد و مسئول نیست.

سؤال ۱۴۰۵- با توجه به اینکه تشخیص بسیاری از بیماریها یا اختلالات به وسیله آزمایش امکان‌پذیر است و از طرفی امکان اشتباه

در آزمایشگاه و تفسیر آزمایشها،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۵

همیشه وجود دارد، در صورت اشتباه آزمایشگاه و در نتیجه معالجه اشتباه پزشک، مسئول خسارات و عوارض احتمالی کیست؟
جواب: آزمایشگاه مسئول است.

سؤال ۱۴۰۶- با توجه به این که بارداری، در هفته‌های اول از روی ظواهر و گاه با روشهای ساده چندان قابل تشخیص نیست و از طرفی بیشترین عوارض خطرناک روشهای درمانی تشخیص مضر، در همین زمان آن هم به صورت اختلالات شدید در جنین رخ می‌دهد و بدین ترتیب چون یا به خاطر کمبود امکانات یا عدم فرصت کافی یا عدم تمایل بیمار به صرف هزینه‌های تشخیص بارداری، یا عدم اطلاع وی از بارداری خود و در نتیجه جواب منفی دادن وی در مورد پرسش پزشک از بارداری وی و حتی گاهی عدم امکان تشخیص به وسیله روشهای مدرن به خاطر جوابهای منفی کاذب آزمایشات، پزشک نمی‌تواند تشخیص دهد و یا نمی‌داند که بیمار باردار است، روشهای تشخیصی درمانی مختلف را برای وی به کار می‌گیرد حال در صورت ایجاد عارضه در مادر یا جنین، آیا پزشک معالج مسئول است؟

جواب: در صورتی که راهی برای تشخیص بارداری نباشد و داروها منحصر به فرد باشد و از بیمار اجازه بگیرد مسئول نیست.

سؤال ۱۴۰۷- اگر پزشک روش یا دارویی را تعریف کند و بگوید این دارو برای فلان بیماری مفید است و یا بگوید درمان، مرتب بر فلان داروست- بدون آن که بیمار را وادار به مصرف آن دارو کند- آیا در این حالت، در صورت عدم تأثیر یا عوارض دارو، پزشک مسئول یا مدیون است؟

جواب: اگر پزشک در کار خود کوتاهی نکرده باشد مسئولیتی ندارد.

سؤال ۱۴۰۸- در بسیاری از بیماریها و اختلالات جسمانی، پزشک دستور انجام رادیوگرافی، سی‌تی‌اسکن و ... می‌دهد که مطمئناً به خصوص برای برخی افراد مضر می‌باشد ولی در خیلی از موارد، این آزمایشات می‌توانند کمک‌کننده در تشخیص استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۶

بیماری باشند به هر حال، در فرض فوق مسئولیت پزشک در صورت ایجاد عوارض آزمایشها تا چه حدی است؟
جواب: از پاسخهای قبل روشن شد.

سؤال ۱۴۰۹- در فرض مسأله فوق اگر بیمار کاملاً بیهوش باشد آیا می‌توان از خویشان بالغ وی اجازه گرفته و یا با آنها شروط فوق را انعقاد نمود؟

جواب: می‌توان از ولی او اجازه گرفت.

سؤال ۱۴۱۰- یک سؤال مهم و اساسی مطرح است که به طور کلی و در تمامی روشهای تشخیصی و درمانی اگر پزشک قبل از انجام هر عملی به خود بیمار و یا ولی او- اگر بیمار بالغ یا عاقل نباشد- متذکر شود که این روشها از یک طرف ممکن است بی‌فایده باشند و وقت و مال او را به هدر دهند و از طرف دیگر ممکن است عوارض متفاوتی برای او داشته باشند و بدین ترتیب با ذکر این مطلب پزشک، قبل از هرگونه معاینه و دستور روشهای تشخیصی و درمانی و تجویز دارو در قبال خسارات و عوارض احتمالی از خود کاملاً سلب مسئولیت کند و بیمار چه از روی ناچاری و چه از روی تمایل و یا به ظاهر از روی تمایل، این شرط را قبول نماید، آنگاه در صورت اشتباه سهوی پزشک هزینه‌های بیهوده، بی‌فایده بودن و یا عوارض ناشی از روشهای تشخیصی و درمانی، آیا پزشک مسئول است؟ در صورتی که وی حد اکثر تلاش خود را نیز بکند.

جواب: اگر از آنها اجازه گرفته و سلب مسئولیت در برابر این گونه امور نموده ضامن نیست.

سؤال ۱۴۱۱- در فرض مسأله فوق، آیا باید با تک تک بیماران شرط نمود و با امضای پرسشنامه مربوطه و یا نصب اطلاعیه در

مراکز درمانی مبنی بر این که مراجعه بیماران نشانگر قبول این شرایط است و یا به اطلاع رساندن از طریق رسانه‌های گروهی که مراجعه شما نزد پزشک به این شرایط، مترتب است، از پزشک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۷

رفع مسئولیت شرعی نمود؟ و مثلاً- اگر قبل از عمل جراحی، بیمار مجبور به امضای شرایطی باشد که در صورت هر گونه ناموفق بودن جراحی وی هیچ گونه حق و حقوقی بر جراح و بیمارستان ندارد، آیا در صورت هر گونه اختلال در جراحی می‌توان مدعی شد که با توجه به امضای قبلی بیمار، کادر درمانی هیچ مسئولیت شرعی ندارد؟

جواب: بهترین راه برای حل مشکل پزشکان از نظر ضمان شرعی این است که از طریق رسانه‌های گروهی و طرق دیگر اعلان همگانی، اعلام شود که پزشکان نهایت سعی و کوشش و دقت خود را برای درمان بیماران به کار می‌گیرند ولی با توجه به جهات مختلف اعم از کمبودهای علم پزشکی و وسایل شناخت بیماریها و اختلاف وضع جسمانی و روحی بیماران و خطاهای احتمالی که در طبیعت هر انسانی نهفته است چون بشر به هر حال جایز الخطاست ممکن است عوارضی پیش آید، پزشکان در برابر آن مسئول نیستند و مراجعه به پزشک به معنای قبول این رفع مسئولیت است ولی البته در برابر عوارضی که بر اثر سهل‌انگاری تقصیر حاصل شود مسئولیت آنها بر قوت خود باقی است، این اعلان ممکن است به صورت تابلویی در تمام مطب‌ها و بیمارستانها نیز نصب شود به طوری که به همه مراجعین تفهیم گردد و در مورد جراحیهای مهم براءت خصوصی نیز گرفته شود.

سؤال ۱۴۱۲- در فرض مسأله ۱۴۱۰ اگر بیمار، کاملاً بیهوش باشد و در حال حاضر هیچ شخص بالغ یا نابالغ که خویشاوند وی باشد نیز در دسترس نباشد و از طرفی جان بیمار در خطر فوری باشد، جهت اجازه و شرط چه باید کرد؟ آیا می‌توان طبق وظیفه پزشکی هر گونه اقدام ممکن را بدون اجازه انجام داد؟ اگر سهواً با اقدامات غیر مؤثر به مرگ بیمار تسریع بخشیده شود مسئولیتی بر گردن پزشک معالج خواهد بود؟ و اگر به خاطر خوف از عدم تأثیر درمان و کمک به تسریع مرگ و مدیون شدن، پزشک هیچ کاری انجام ندهد آیا در این صورت پزشک مسئول خواهد بود؟ زیرا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۸

مشاهده شده است گاهی اجل شخصی فرا رسیده ولی علت مرگ را به غلط به پزشک معالج وی نسبت می‌دهند؟
جواب: اگر بتواند از حاکم شرع اجازه بگیرد لازم است و ما به پزشکان برای این گونه موارد اجازه می‌دهیم که با دقت عمل کنند و مریض را رها نکنند.

سؤال ۱۴۱۳- در فرض مسائل فوق اگر بیمار یا ولی او شرط را قبول نکردند، آیا پزشک می‌تواند بیمار را رها نماید؟

جواب: اگر بیمار در خطر نیست می‌تواند. سؤال ۱۴۱۴- یک نکته و سؤال مهم در مورد کشفیات جدید علوم پزشکی این است که هر سال و هر ماه و یا حتی هر روز، کشفیات و یا نتایج تحقیقات جدیدی در مورد جنبه‌های مختلف علوم پزشکی اعلام می‌شود که طبق روشهای تشخیصی یا درمانی جدید، داروهای متفاوت و جدید یا مواد غذایی مؤثر جدید برای انواع بیماریها پیشنهاد می‌شود و برعکس، برخی روشها یا داروها یا مواد قبلی کاملاً- غیر مؤثر، مضر و بی‌فایده معرفی می‌شوند. آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه‌های بیهوده ناشی از روشهایی که در گذشته مطرح بوده‌اند، اما کسی نمی‌دانسته که آنها مضر یا بی‌فایده‌اند ولی همین روشها امروزه آنها را بی‌فایده یا مضر شناخته‌اند مسئول می‌باشد؟

جواب: مراجعه بیماران به طبیب در چنان شرایطی براءت ضمنی محسوب می‌شود بنابراین ضامن نیستند.

سؤال ۱۴۱۵- اگر این کشفیات جدید خیلی دیرتر از زمان کشف به اطلاع پزشک برسد و قبل از اطلاع، طبیعی است به همان روشهای قبلی عمل شود آیا پزشک در قبال عوارض یا هزینه‌های بیهوده روشهای بی‌فایده مسئول است؟

جواب: مانند جواب مسأله ۱۴۱۱ است.

سؤال ۱۴۱۶- نظر به اینکه به خاطر سیر تکامل علوم، تعلیم روشهای قبلی نیز در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۲۹

دوران دانشجویی امکان پذیر نیست، چه برسد به روشهای جدید، آیا پزشک می تواند به همان روشهای قبلی اکتفا نماید و یا فقط در حدی که وقت محدودش اجازه می دهد به فراگیری آنها بپردازد؟ در این صورت اگر متوجه مسائل مهم جدید نشود آیا مسئولیتی بر عهده اوست؟

جواب: پزشک باید نهایت تلاش خود را در فراگیری بکند و چنانچه طبق جواب مسأله ۱۴۱۱ عمل شود، مسئول نیست.

سؤال ۱۴۱۷- اگر به خاطر عدم وجود امکانات کافی اطلاع رسانی، اطلاعات جدید به پزشک نرسد و وی هیچ گاه مطلع نگردد مسئولیت بی فایده بودن روشهای قبلی بر عهده کیست؟

جواب: مانند جواب مسأله ۱۴۱۱ است.

سؤال ۱۴۱۸- با توجه به این که گروههای بسیار زیادی در جهان مشغول تحقیق هستند و نتایج کار خود را دائم اعلام می نمایند و از طرفی افراد این گروهها ممکن است برخی از لحاظ علمی، برخی از لحاظ اخلاقی و صداقت و برخی از لحاظ هر دو مورد، کاملاً قابل تأیید نباشند به عبارت بهتر هیچ تضمینی نیست که نتیجه اعلام شده تحقیق با واقعیات کاملاً منطبق باشد و از طرف دیگر هیچ مرجع واحدی در مورد تأیید یا رد تحقیقات وجود ندارد و یا اگر موجود هم باشد مدت زیادی طول می کشد که نتیجه صحیح کار ارائه شود، در چنین شرایطی اگر نتیجه تحقیقاتی که در رسانه ها و مجلات حتی معتبر اعلام می شود با روشهای قبلی ما که به فایده کامل و قطعی آنها اطمینان نداریم مغایر باشد و یا مکمل آنها باشد در این صورت وظیفه ما چیست؟ عمل به روشهای قبلی یا جدید؟

جواب: باید طیب بررسی لازم را به عمل بیاورد و با اطمینان دیگر در صورت امکان مشورت کند و آن روشی که بهتر به نظر می رسد برگزیند.

سؤال ۱۴۱۹- با توجه به اینکه اگر بخواهیم طبابت پزشک را با توجه به مشکلات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۰

فوق و در صورت مواجهه با این مشکلات، تنها در صورتی مجاز بدانیم که وی در این زمینه ها دارای تخصص و تجربه کافی باشد عملاً مسائل درمان با اختلال کامل روبه رو خواهد شد زیرا:

اول این که هر پزشکی تا رسیدن به این تخصص و تجربه کافی باید همان مراحل اولیه را طی کند- که همان دوران بدون تجربه و تخصص است.

و دوم این که به علت جمعیت زیاد، امکانات کم، فرصت های ناکافی و دهها علل دیگر حد اقل در کشور ایران- نمی توان انتظار داشت پزشکانی که از ابتدا کاملاً مسلط باشند به طبابت بپردازند.

با توجه به مقدمه فوق و موضوعات مطرح شده در کلیه سؤالات فوق، مسائل مهمی مطرح می شود که:

الف) در مواردی که پزشکی داروی مؤثر بر بیماری یا عوارض خطرناک آن را فراموش نموده و فرصت و امکانات کافی جهت دسترسی به اطلاعات کافی یا پزشک متخصص دیگری نیز ندارد.

ب) مطمئن است که داروی خاصی برای بیماری مفید است اما همچنین مطمئن است و یا احتمال می دهد که در صورت تجویز آن دارو عوارضی خفیف و یا شدیدتر از خود بیماری و حتی مرگ در اثر این دارو، گریبانگیر این بیمار خواهد شد- که البته موارد الف و ب شامل مسائل تشخیصی نیز می باشد- آیا پزشک در این حالات می تواند مریض را به حال خود بگذارد و چنین فرض کند که گویا پزشکی موجود نبوده و قضا و قدر الهی هر چه باشد بر او جاری خواهد شد و بدین ترتیب خود را در معرض خطر مؤاخذه

مادی و معنوی حاصل از عوارض احتمالی و هزینه‌های نابجای آن قرار ندهد و کار وی را به خداوند واگذارد که یا خود بهبودی نسبی یابد و فرصت تحقیقات بعدی فراهم گردد و یا به تدریج دچار عوارض شدید و مرگ گردد. اصولاً در چنین مواردی که پزشک واقعاً نمی‌داند که برای نجات جان یا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۱

رفع و تسکین آلام یک بیمار چه کاری انجام دهد وظیفه او چیست؟ درمانهای بدون اطمینان و غیر قابل اعتماد که ممکن است خود آنها باعث مرگ یا عوارض شدیدتر شوند؟ و یا عدم هر گونه اقدام درمانی؟ آیا اگر پزشک با اقدام به درمان نامطمئن موجب خسارت و مرگ مریض گردد مسئول است؟ آیا اگر اقدام به هیچ درمانی نکند با توجه به علل و توضیحات فوق، مسئولیتی متوجه اوست؟ این موضوع با توجه به این نکته باید در نظر گرفته شود که گاهی فرصت هیچ مشورت و ارجاع بیمار به پزشکان متخصص و آگاه دیگری وجود ندارد. در خاتمه جهت روشن شدن موضوع، مثالی ذکر می‌شود: گاهی پزشکی که دارای تجربه کافی نباشد با بیماری در حالت بیهوشی مواجه می‌شود که نمی‌داند به طور مثال این بیمار در اثر کمبود یا ازدیاد قند، بدنش دچار بیهوشی شده و در این حالت طبیعی است که درمان کاملاً متناقض است و باعث اشتباه پزشک می‌شود. جواب: این مسأله چند حالت دارد.

الف) در صورتی که خطر قطعی یا ظنی بیمار را تهدید نمی‌کند و معالجه نیز نامطمئن است در این صورت اقدام به معالجه نشود.
ب) در صورتی که معالجه از نظر عرف پزشکی قابل قبول است هر چند احتمال عوارض وجود دارد در این مورد پزشک می‌تواند اقدام کند، مخصوصاً اگر خطری بیمار را تهدید کند.
ج) در صورتی که خطر حتمی است و معالجه نامطمئن است ولی درصد نجات وجود دارد و امکان مراجعه به متخصص نیز وجود ندارد در اینجا می‌تواند اقدام کند با رعایت آنچه در جواب مسأله ۱۴۱۱ گفته شد.

سؤال ۱۴۲۰- اگر پزشک سعی خود را در مداوای بیمار انجام دهد ولی بیمار بهبود نیابد، آیا پزشک نسبت به هزینه درمانی که بیمار قبلاً پرداخته و حق ویزیت مدیون است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۲

جواب: در صورتی که پزشک وظیفه خود را طبق ضوابط انجام داده باشد مسئولیتی ندارد.
سؤال ۱۴۲۱- طبیبی حاذق و ماهر بدون سهل‌انگاری اقدام به عمل جراحی بیماری نموده و در ضمن عمل، آسیبی به بیمار وارد گردیده، لطفاً موارد ضمان یا عدم ضمان طیب را در وجوه ذیل بیان فرمایید:
الف) بدون اذن از بیمار یا کسان وی اقدام به عمل نموده باشد؟
ب) غفلت از اذن گرفتن داشته است؟

ج) بیمار در حال اغما بوده و برای اذن دسترسی به کسان بیمار نداشته و تأخیر هم موجب به خطر افتادن جان بیمار می‌شده؟
د) در مورد فوق اگر تأخیر موجب نقص عضو و یا تعطیل شدن عضوی از بیمار گردد حکم چیست؟
ه) اگر در موارد فوق باید دیه به بیمار داده شود آن دیه به عهده کیست؟
جواب: در صورت «الف و ب» طبیب ضامن است و در صورت «ج» اگر دسترسی به حاکم شرع باشد، اذن بگیرد و اگر دسترسی به شخص خاصی نیست ما اذن می‌دهیم که اطبا اقدام کنند و ضامن نیستند و در صورت «د» اگر کوتاهی کند گناه کرده ولی دیه ندارد. و جواب «ه» از جوابهای گذشته معلوم شد.

سؤال ۱۴۲۲- در مواردی که برای معالجه بیمار باید اذن گرفت تا ضامن متوجه طیب نشود، بفرمایید:
الف) آیا اذن از ولی طفل ممیز کافی است یا باید از طفل هم اذن گرفته شود؟

ب) در مورد عمل جراحی روی بیماری که در حالت اغما فرو رفته، از کدام یک از کسان بیمار باید اذن گرفت، آیا ترتیب یا اولویتی در کار است؟

ج) در مورد بیماری که در اغما فرو رفته، یا طفل صغیر مصدوم که مشخص نیست، آیا ولی دارند یا ندارند و دسترسی به حاکم شرع هم برای اذن نیست و عدول

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۳

مؤمنین هم حاضر نیستند و معالجه هم فوری باید انجام شود تکلیف چیست؟

د) آیا طبیب می‌تواند از حاکم شرع اسلام برای کل موارد مشابه فوق قبلاً اذن بگیرد؟
جواب: الف) اذن ولی کافی است.

ب) از ولی شرعی او اذن بگیرد و اگر ولی شرعی نداشت از حاکم شرعی.

ج) در این گونه موارد ما اجازه به اطبا می‌دهیم که با رعایت دقت و احتیاط وظیفه را انجام دهند.

د) نسبت به مواردی که دسترسی به ولی نیست و یا ولی ندارد مانعی نیست.

سؤال ۱۴۲۳- الف) اگر به واسطه تشخیص نادرست طبیب حاذق آسیبی به بیمار وارد شود، آیا باید دیه پرداخت شود، اگر باید دیه داده شود به عهده کیست؟

ب) چنانچه در تشخیص سهل‌انگاری نموده باشد حکم چگونه است؟

جواب: در صورت اول ضامن است مگر این که قبلاً به طور خصوصی یا به طور عام اعلام برائت از خسارتها کرده باشد و در صورت دوم به هر حال طبیب ضامن است چون کوتاهی کرده است.

سؤال ۱۴۲۴- سهل‌انگاری طبیب در عمل جراحی موجب آسیب وارد شدن به بیمار گشته بفرمایید:

الف) آیا طبیب ضامن پرداخت دیه است؟

ب) اگر به واسطه سهل‌انگاری در عمل جراحی قلب، نیاز به عمل جراحی و درمان بعدی برای بیمار پیدا شود آیا طبیب سهل‌انگار باید هزینه آنها را پردازد یا همان دیه کافی می‌باشد؟

ج) اگر سهل‌انگاری طبیب منجر به فوت بیمار شود، قتل چگونه قتلی خواهد بود؟

جواب: الف) آری ضامن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۴

ب) هرگاه هزینه بیش از دیه باشد باید علاوه بر دیه تفاوت آن را نیز پردازد.

ج) معمولاً از قبیل قتل شبه عمد است.

سؤال ۱۴۲۵- اگر طبیب حاذق اشتبهاً دستور داروی عوضی را برای بیمار به پرستار داد و پرستار هم دارو را به بیمار داد و بیمار آسیب دید، بفرمایید: آیا چیزی باید پرداخت شود، در صورتی که باید داده شود به عهده کیست؟

جواب: بر عهده طبیب است.

سؤال ۱۴۲۶- اگر طبیب حاذق نسخه را غلط نوشت (با توجه به این که شیوه معالجه و درمان به این شکل است که نسخه را نوشته و به بیمار می‌دهند و او دارو را تهیه و استفاده می‌کند) و در نتیجه صدمه‌ای به بیمار وارد شد بفرمایید:

الف) آیا باید دیه‌ای پرداخت شود؟

ب) دیه به عهده کیست که پردازد؟

ج) در صورت حاذق نبودن طبیب حکم چیست و دیه به عهده کیست؟

د) در صورت سهل انگاری چه تکلیفی متوجه طبیب می‌باشد؟

جواب: الف تا د بر عهده طبیب است.

سؤال ۱۴۲۷- آمپولی به بیماری تزریق شده و بیمار به واسطه آن فوت می‌کند بفرمایید در مورد ضمان یا عدم ضمان و فردی که باید دیه بپردازد در وجوه ذیل حکم چگونه است؟

الف) تزریق آمپول توسط شخص آشنا به آمپول و آشنا به تزریق صورت گرفته و در تزریق اشتباه کرده است؟

ب) آمپول توسط شخص غیر آشنا به آمپول و تزریق، تزریق گردیده است؟

ج) تزریق توسط طبیب حاذق بوده و لیکن سهل انگاری در کار بوده است؟

جواب: الف تا ج) کار تزریق کننده مانند کار طبیب است هرگاه حاذق باشد و اخذ برائت (به طور عام یا خاص) کند ضامن نیست و بدون اخذ برائت ضامن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۵

است و در صورت سهل انگاری و عدم حذاقت مطلقاً ضامن است.

سؤال ۱۴۲۸- در مواردی که به علل غیر مربوط به کار پزشک (مثل اختلال در دستگاهها و رفتن برق و ...) به بیمار لطمه‌ای وارد شود ضامن کیست؟

جواب: در صورت عدم تقصیر و عدم سهل انگاری طبیب ضامن نیست، در مورد مدیر بیمارستان و مسئول برق نیز همین گونه است.

سؤال ۱۴۲۹- در مراکز آموزشی که برای آینده پزشک متخصص تربیت می‌نمایند؛ به دلیل کمی مهارت دستیاران و دانشجویان، عوارض و خطراتی متوجه جان بیمار می‌گردد؛ اگر احیاناً نقص عضو و فوتی واقع شود، ضامن، دستیار مربوطه است یا پزشک مسئول و استاد یار مربوطه؟

جواب: اگر دستیار در کار خود مستقل و آگاه از خطرات باشد ضامن است و اگر به صورت آلت دست استاد باشد ضامن نیست.

مسائل مربوط به هزینه‌های درمان و معاینات

سؤال ۱۴۳۰- با توجه به این که حق طبابت- همانند حق وکالت و مواردی از این قبیل، بر خلاف اجناس که دارای قیمت خاصی هستند- از لحاظ مادی، غیر قابل تعیین می‌باشد به نظر حضرت عالی بهترین راه تعیین میزان حق طبابت چیست؟ آیا مقداری که دولت تعیین می‌کند در هر شرایطی قابل دریافت است و پزشک مدیون نخواهد بود؟

جواب: آنچه مطابق عرف و عادت است مجاز می‌باشد.

سؤال ۱۴۳۱- به نظر حضرت عالی بهترین روش دریافت حق طبابت کدام است؟ جواب: اگر منظور جنبه شرعی آن است باید با رضایت طرفین صورت گیرد و اگر قبلاً تراضی حاصل نشده، آنچه اجرت المثل در عرف و عادت است باید بپردازد و در هر حال رعایت انصاف و عدالت از طرفین بسیار خوب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۶

سؤال ۱۴۳۲- آیا دریافت حق طبابت قبل از بهبود بیماری طبق روش مرسوم صحیح است؟

جواب: از جواب قبل معلوم شد.

سؤال ۱۴۳۳- اگر بطور مثال، خانم بیماری که جانش در خطر است به تنها پزشک یک روستای دور افتاده که مرد است مراجعه کند، آیا این پزشک مجاز است هرگونه معاینه ضروری را در مورد بیمار انجام دهد؟

جواب: اگر دسترسی به طبیب زن یا مرد محرم نباشد جایز است.

سؤال ۱۴۳۴- در فرض سؤال فوق، اگر جان بیمار در خطر نباشد بلکه یک بیماری خفیف یا متوسط باشد، آیا خانم حتماً باید به پزشک خانم در شهر مراجعه کند و یا در همان جا پزشک مرد مجاز است با انجام معاینات ضروری، اقدام به تشخیص و درمان نماید؟

جواب: اگر رفتن به شهر کاری شاق و موجب عسر و حرج باشد و بیمار مزبور نیاز به مراجعه به طبیب داشته باشد جایز است.

سؤال ۱۴۳۵- در صورت لزوم، به طور کلی چه پزشک خانم در دسترس باشد و چه نباشد لمس بدن خانم بیمار از روی لباس، چه صورتی دارد؟

جواب: در فرض مسأله برای مقاصد پزشکی مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۳۶- ذکر نکته مهمی در اینجا ضروری به نظر می‌رسد که اگر با یک سری تمهیدات لازم بتوانیم در سطح کشور، موفق به جداسازی مراکز درمانی خواهران از برادران بشویم، با توجه به این که هر پزشکی در طول دوران دانشجویی خود باید هر چند مختصر از انواع و اقسام اختلالات و بیماریها چه در مورد آقایان و چه خانمها آگاهی یافته و آموزش ببیند اعم از انجام معاینات کامل، آگاهی از بیماریهای زنان و چگونگی انجام زایمان سالم و ... با توجه به این که در مورد دانشجویان، این موارد بیشتر آموزشی هستند تا درمانی، یعنی ممکن است نجات جان بیمار در همان وابسته به این درمان نباشد اما به وسیله این آموزش که در بیمارستانهای آموزشی صورت می‌گیرد دانشجو برای مراحل که در آینده زندگی بیماران وابسته به وجود او خواهد بود، آماده می‌شود و از این رو هر یک از دانشجویان در دوره‌های مختلف، ملزم و مجبور به گذراندن واحدهای درسی در بیمارستانهایی که بیماران آن اعم از زنان و مردان می‌باشند، فراگیری تمام مسائل و امتحان دادن در پایان دوره می‌باشند تا بتوانند در نهایت فارغ التحصیل موفق باشند. با در نظر گرفتن تمامی این شرایط، بفرمایید تکلیف و وظیفه دانشجو چیست؟ آیا می‌تواند به خاطر رعایت مسائل شرعی از فراگیری کامل بسیاری مسائل بگذرد و در نتیجه در گذراندن واحدهای درسی هم ناموفق باشد و یا در هر شرایطی و با هر وسیله ای باید به فراگیری صحیح کارش بپردازد تا در آینده کمتر دچار مشکل شود؟ و به طور کلی چگونه می‌توان بین وظیفه پزشکی و دانشجویی که در کتب پزشکی بر انجام آنها تأکید شده و وظیفه شرعی و اسلامی که نباید با وظیفه پزشکی تناقض داشته باشد جمع کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۷

جواب: چنانچه نجات مسلمین (و لو در آینده) متوقف بر اینگونه آموزشها باشد و راه منحصر به این معاینات و مشاهدات باشد جایز است.

سؤال ۱۴۳۷- همان‌طور که مستحضر می‌باشید تخصصهای علوم پزشکی بسیار زیاد است و متخصصین خانم در هر رشته معمولاً در حال حاضر در ایران به جز در برخی رشته‌ها یا نادر و یا کم می‌باشند، فلذا در شهرهای کوچک و بزرگ نیز باید به خاطر تعداد زیاد بیماران و تعداد کم پزشک و یا تحمیل هزینه گزاف، همان‌طور که بسیار شایع است خانمهای بیمار به پزشک مرد مراجعه کنند. در این صورت وظیفه پزشک مورد مراجعه چیست؟ آیا اگر بتواند و یا احتمال دهد که می‌تواند با معاینات مختلف و ضروری بیماری را تشخیص و درمان کند مکلف است چنین کاری را انجام دهد و یا باید وی را به یک پزشک خانم ارجاع دهد؟ در شرایطی که خیلی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۸

بیماران، به دلایل فوق قادر به این کار نیستند، آیا در صورت ارجاع و تأخیر در تشخیص و درمان بیماری وی، این پزشک مسئول نیست؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ هـ ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۴۳۸

جواب: در فرض مسأله نباید در درمان او تعلل ورزد چون نوعی ضرورت است و اگر تعلل ورزد مسئول است.

سؤال ۱۴۳۸- در صورت لزوم، مشاهده و لمس موهای خانم بیمار، جهت معاینه توسط پزشک مرد چه صورتی دارد؟
جواب: در صورتی که لمس یا مشاهده برای تشخیص بیماری ضرورت داشته باشد جایز است.

سؤال ۱۴۳۹- اگر پزشک مرد مجبور به معاینه خانم بیمار شد و یا بر عکس خانم بیمار ناچار به مراجعه به پزشک مرد شد، با توجه به اینکه در صورت رعایت کامل مسائل شرعی و اخلاقی در معاینه کامل خانمها شاید بتوان گفت بیش از ۹۰ درصد معاینات که در کتب پزشکی به انجام آنها تأکید شده است نباید انجام بگیرد. اگر با این گونه معاینه سطحی و غیر کامل، بیماری وی تشخیص صحیح داده نشد و درمان کامل صورت نگرفت آیا پزشک مسئول است؟ اگر مسئول است چاره چیست؟ آیا باید بر خلاف مسائل شرعی عمل کند؟ تذکر این نکته ضروری است که پزشکان متخصص و مجرب بدون احتیاج به معاینات کامل ممکن است بتوانند تشخیص و درمان انجام دهند، اما برای افراد نامجرب و دانشجویان تا رسیدن به این مرحله، زمان زیادی لازم است.
جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۴۴۰- با توجه به این که جهت معاینه ساده پروستات، حتماً باید از طریق مقعد، بیماری را مورد بررسی قرار داد تا تشخیص قطعی بیماریهای پروستات داده شود، همچنین در بسیاری بیماریهای آلات ادراری- تناسلی- مشاهده و گاه لمس آنها ضروری است. آیا در چنین مواردی پزشک مرد می تواند بیمار مرد را بدون استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۳۹

اشکال شرعی معاینه نماید؟ اگر با عدم انجام این معاینه، بیماری را تشخیص ندهد و بیماری- مثلاً سرطان- پیشرفت کند، آیا پزشک مسئول است؟ (با توجه به اینکه استفاده از آینه همیشه امکان پذیر نیست و در ضمن عمل لمس را نیز باید با دید کامل با دست انجام داد و از این رو در حال حاضر در تمامی مراکز درمانی این معاینه مستقیماً انجام می شود).
جواب: از سؤال استفاده می شود که این امر ضروری است و در این صورت معاینات مزبور اشکالی ندارد و اگر در اینگونه موارد پزشک کوتاهی کند مسئولیت دارد.

سؤال ۱۴۴۱- طبق نظرات عموم پزشکان، یکی از معایناتی که امروزه در هر بیماری بخصوص در بیماریهای ادراری- تناسلی- جزء معاینات اصلی اولیه به شمار می آید اگر چه در انجام آن متأسفانه یا خوشبختانه مسامحه می شود، عملی به نام «توشه رکنال» است- که یک نوع معاینه نظری و لمسی از طریق مقعد می باشد و از طرفی یکی از دقیقترین روشهای تعیین درجه حرارت فرد از طریق مقعد می باشد. با توجه به این موضوعات و این که این معاینات گاهی به خاطر احتیاط در جهت تشخیص یا ردّ برخی بیماریها انجام می شود و گاهی در تشخیص برخی بیماریها بسیار مؤثر و روش کم خرج و ساده‌ای به نظر می آید. آیا پزشک مرد مجاز است چنین معاینه‌ای را چه جهت آموزش (به وسیله دانشجویان) و چه جهت تشخیص احتمالی یا قطعی در مورد بیمار مرد انجام دهد؟ و اگر با عدم انجام آن متوجه بیماری و راه درمان وی نشود آیا مسئول نیست؟
جواب: دقیقاً مانند مسأله سابق است.

مسائل مربوط به پیوند اعضا

سؤال ۱۴۴۲- اگر جسدی مجهول الهویه که اعضای قابل پیوندی داشته باشد در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۰

دسترس باشد، آیا می‌توان این اعضا را به بیماری که محتاج است پیوند زد؟

جواب: اگر موجب نجات جان مسلمانی از مرگ یا بیماری مهمی بشود جایز است.

سؤال ۱۴۴۳- در فرض مسأله فوق اگر بعداً ولی متوفی پیدا شود و از این کار ناراضی باشد، چه باید کرد؟

جواب: در فرض فوق عدم رضایت او مشکلی ایجاد نمی‌کند و فرقی بین مجهول الهویه و غیر او نیست، ولی احتیاط صرف دیه آن در خیرات برای میت است.

سؤال ۱۴۴۴- اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضای قابل پیوندش را به بیماران پیوند زند آیا مجاز به این کار هستیم؟

جواب: تنها با شرطی که در جواب مسأله ۱۴۴۲ گفته شد مجاز است.

سؤال ۱۴۴۵- اگر شخصی وصیت کند بعد از وفاتش، اعضایش را به دیگران پیوند بزنند اما ولی وی پس از مرگش از این کار

ناراضی باشد آیا مجازیم این کار را بدون اجازه ولی انجام دهیم؟

جواب: اجازه ولی در فرض جواب مسأله ۱۴۴۲ شرط نیست.

سؤال ۱۴۴۶- اگر شخصی از پیوند اعضای خود به دیگران پس از مرگش ناراضی باشد ولی پس از وفاتش ولی وی مایل به این

کار باشد، آیا می‌توانیم چنین کاری انجام دهیم؟

جواب: با شرط فوق جایز است.

سؤال ۱۴۴۷- اگر شخصی در طول زندگیش نظر مخالف یا موافقی در مورد پیوند اعضایش نداشته باشد، آیا پس از مرگش

می‌توان به اجازه ولی وی چنین کاری را انجام داد؟

جواب: اگر ضرورتی ایجاب کند مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۱

سؤال ۱۴۴۸- آیا برداشتن عضوی از بدن فرد زنده جهت پیوند، مستلزم پرداخت دیه می‌باشد؟

جواب: اگر با اجازه خود او باشد و خطری او را تهدید نکند جایز است و دیه ندارد.

سؤال ۱۴۴۹- اگر احتمال بدهیم با برداشتن یک یا چند عضو از شخصی که زنده است، در آینده نزدیک یا دور، وی دچار عوارض

خفیف یا شدید خواهد شد و از طرفی نجات جان بیمار دیگری وابسته به همین کار باشد و مورد دیگری نیز در دسترس نباشد، آیا

مجازیم بدون آگاهی دادن شخص پیوند دهنده، چنین کاری را انجام دهیم؟ اگر به وی اطلاع بدهیم و با تمایل وی عضو پیوندی را

از بدنش خارج کنیم، در صورت ایجاد عارضه در وی، آیا پزشک مسئول است؟

جواب: اگر عارضه مثلاً به خاطر از دست دادن یک کلیه یا مانند آن باشد واجب نیست کسی برای نجات جان دیگری این کار را

انجام دهد، اما اگر عارضه، خفیف و قابل تحمل باشد و جوب نجات جان دیگری با رضایت صاحب عضو بعید نیست و در صورتی

که با اطلاع و رضایت صاحب عضو باشد و احتمال عارضه ضعیف بوده اما تصادفاً گرفتار آن شود پزشک مسئول نمی‌باشد، مانند

برداشتن یک کلیه که معمولاً خالی از خطر است، ولی گاه ممکن است عارضه‌ای پیش آید.

سؤال ۱۴۵۰- اگر مطمئن باشیم و یا احتمال دهیم که این پیوند رد خواهد شد و مفید نخواهد بود آیا مجازیم با خوش بینی و به

عنوان کمک به بیمار، از بدن فرد زنده یا مرده دیگری عضوی را جدا و به آن بیمار پیوند بزنیم؟

جواب: اگر اطمینان به عدم نتیجه باشد این کار جایز نیست ولی در صورت احتمال عقلایی، برداشتن عضو پیوندی از مرده مانعی

ندارد و از زنده در صورت عدم ضرر و خطر نیز جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۲

سؤال ۱۴۵۱- با توجه به این که بعد از پیوند، شیمی درمانی ضروری به نظر می‌رسد و همین عمل باعث عوارضی خفیف یا شدید

در بیمار می‌گردد، آیا پزشکی که مجبور به انجام این کار جهت عدم ردّ پیوند می‌باشد در ایجاد عوارض آن مسئول است؟
جواب: چنانچه قبلاً مسأله را با بیمار در میان بگذارد و به او تفهیم کند و او رضایت بدهد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۲- آیا برای شخص جایز است که اجازه دهد در حال حیات یا پس از مرگ، بعضی اعضای او که حفظ نفس بیمار بر آن متوقف نیست از قبیل انگشت، دست، قرنیه چشم و ... را در مقابل وجه یا مجاناً به دیگری پیوند زنند؟
جواب: در حال حیات مشکل است ولی بعد از مرگ در مواردی که اثر مهمی دارد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۳- آیا می‌توان از اعضای بدن خوک به انسان پیوند زد؟
جواب: در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۴- آیا بعد از قطع انگشتان سارق، بلافاصله پیوند زدن به دست خود سارق جایز می‌باشد یا مقصود باقی ماندن بر وضع بریدگی، برای عبرت دیگران می‌باشد؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۵۵- در صورتی که بشر موفق به شبیه‌سازی برخی از اعضای انسان شود پیوند زدن آن به انسان چه حکمی دارد؟
جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۶- آیا با توجه به هزاران هزار بیمار دیالیزی و نظر به اینکه پیوند کلیه قطعی‌ترین درمان این عزیزان است، احتراماً خواهشمند است نظریات خود را در مورد مسائل ذیل مرقوم بفرمایید:
الف) به نظر حضرت عالی آیا پیوند عضو از فردی که دچار مرگ مغزی (با توجه استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۳

به نظر متخصصین با از کار افتادن مغز، کلیه اعضای بدن نیز پس از ساعتی از کار می‌افتد) شده است، جایز است یا نه؟
ب) آیا با وصیت فرد، چنین پیوندی جایز است؟

ج) چنانچه به نظر حضرت عالی پیوند عضو از فرد دچار مرگ مغزی شده جایز است، لطفاً بفرمایید برای روشن شدن اذهان مردم نسبت به این امر چه باید کرد؟

جواب: هر گاه مرگ مغزی بطور کامل و مسلّم باشد و هیچ گونه احتمال بازگشت به زندگی عادی وجود نداشته باشد، برداشتن بعضی از اعضا (خواه مانند قلب باشد یا کلیه یا عضو دیگر) برای نجات جان مسلمانی، مانعی ندارد، خواه وصیت به این کار کرده باشد یا نه ولی بهتر جلب رضایت اولیای میت است.

سؤال ۱۴۵۷- آیا اهدای اعضای بدن، مثل قلب، کلیه و چشم، بعد از فوت و با موافقت ورثه جهت پیوند به انسان زنده دیگر جایز است؟

جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۵۸- پیوند عضوی که با قصاص قطع می‌شود جایز است؟
جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۴۵۹- آیا فروش عضو قطع شده در حدّ یا قصاص یا واگذاری آن به مسلمان دیگر جایز است؟

جواب: اگر به منظور پیوند به دیگری باشد (همان گونه که در پیوند کلیه مرسوم است) با اجازه صاحب آن جایز است.

سؤال ۱۴۶۰- خرید و فروش اعضا برای پیوند چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است ولی بهتر این است که پول را در برابر اجازه برداشتن عضو بگیرد.

سؤال ۱۴۶۱- در موارد زیر آیا از فردی که در حال مرگ مغزی است ولی به وسیله دستگاه تنفس مصنوعی به حیات نباتی ادامه

می‌دهد و از نظر پزشکی امکان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۴

برگشت وی وجود ندارد و مرده تلقی می‌شود می‌توان عضوی را مثل چشم یا کلیه برای پیوند خارج کرد؟ الف- در مورد مسلمانان به طور کلی. ب- در مورد مسلمانان با وصیت قبلی و یا جواز اطرافیان. ج- در مورد غیر مسلمانان.

جواب: با اجازه و رضایت قبلی خودش در مورد یک کلیه و مانند آن مانعی ندارد و اما در غیر مسلمان مطلقاً جایز است و در مورد اعضای اصلی مانند مسأله ۱۴۵۶ است.

سؤال ۱۴۶۲- آیا می‌توان تخفیف جرم محکومین به اعدام را موکول به اهدای عضوی از آنها برای نجات جان مسلمانی دانست؟
جواب: تنها صاحب حق در مورد قصاص یا دیات می‌تواند گذشت از تمام حق خود یا بعضی از آن را مشروط به اهدای عضوی که اهدای آن جایز است بکند و طرف مقابل می‌تواند این شرط را بپذیرد یا نپذیرد.

سؤال ۱۴۶۳- آیا برداشتن قطعه‌ای از استخوان یا عضله از شخص مسلمان «با رضایت یا بدون رضایت» برای استفاده در بدن شخص غیر مسلمان که دشمنی با مسلمانان ندارد جایز است؟

جواب: اگر با اجازه بردارند و شخصی که از او برمی‌دارند به خطر جانی یا نقص عضو مهمی گرفتار نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۴- استفاده از باقیمانده‌های زایمانی جفت، پرده جنین و ... برای اعمال جراحی دیگران، چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۶۵- آیا انسان بالغ می‌تواند وصیت کند که بعد از مرگش اعضای بدنش را (مانند قلب و کلیه و ...) بدون اخذ وجهی به بیماران نیازمند بدهند و سپس او را دفن کنند و آیا می‌تواند شرط کند که اعضا را بفروشند و در مواردی که وصیت می‌شود خرج یا اهدا کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۵

جواب: این وصیت تنها در صورتی نافذ است که ضرورتی ایجاب کند که، اعضای بدن او را بردارند و بهتر این است که رایگان در اختیار نیازمندان بگذارند، هر چند گرفتن پول هم به صورتی که در بالا گفته شد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۶- اگر مریضی به خاطر ضعف و ناراحتی اعضای مهم بدنش، مثل قلب در حال مرگ باشد و از طرفی جسد مرده‌ای نیز در اختیار باشد، آیا جایز است که عضو مورد نظر را از بدن میت برداریم و به بدن شخص مریض پیوند بزنیم؟
جواب: اگر زندگی آن مریض متوقف بر این کار باشد، واجب است.

سؤال ۱۴۶۷- در چه سنی اهدای کلیه جایز است، آیا برای انسان غیر بالغ در صورتی که ولی او اجازه دهد این کار جایز است؟
جواب: اهدای کلیه برای غیر بالغ جایز نیست، چون ولی در اینگونه موارد ولایت ندارد.

سؤال ۱۴۶۸- آیا جایز است شخص وصیت کند که اعضای بدنش را بعد از وفاتش به مریض مسلمانی که اعضای مهم بدنش مثل قلب و غیر آن در خطر است اهدا کنند، به شخص غیر مسلمان چطور؟

جواب: در مورد مریض مسلمان، در فرض مسأله اشکالی ندارد و اما در مورد مریض غیر مسلمان جایز نیست، مگر این که غرض مهمتری در کار باشد و یا این که کننده از کفار باشد.

سؤال ۱۴۶۹- آیا برای طبیب جایز است که عملیات انتقال کلیه از شخصی به شخص دیگر را عهده‌دار شود، در حالی که می‌داند اهداکننده کلیه پولی را در مقابل این کار می‌گیرد؟

جواب: در صورتی که باعث نجات جان مسلمانی شود جایز است.

سؤال ۱۴۷۰- تعدادی از بیماران به دلیل ضایعات مغزی غیر قابل بازگشت و غیر قابل جبران، فعالیت‌های قشر مغز خود را از دست

داده و در حالت اغمای کامل بوده و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۶

به تحریکات داخلی و خارجی پاسخ نمی‌دهند، در ضمن فعالیت‌های ساقه مغز خود را نیز از دست داده، فاقد تنفس و پاسخ به تحریکات متفاوت نوری و فیزیکی می‌باشند. در اینگونه موارد احتمال بازگشت فعالیت‌های مورد اشاره، مطلقاً وجود نداشته، بیمار دارای ضربان خودکار قلب بوده که ادامه این ضربان هم موقتی و تنها به کمک دستگاه تنفس مصنوعی به مدت چند ساعت و حد اکثر چند روز مقدور می‌باشد. این وضعیت در اصطلاح پزشکی مرگ مغزی نامیده می‌شود از طرفی نجات جان عده دیگری از بیماران منوط به استفاده از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی است. با عنایت به اینکه این اشخاص فاقد تنفس، شعور، احساس و حرکت ارادی هستند و هیچ‌گاه حیات خود را باز نمی‌یابند:

الف) آیا در صورت احراز شرایط فوق می‌توان از اعضای مبتلایان به مرگ مغزی برای نجات جان بیماران دیگر استفاده کرد؟
ب) آیا صرف ضرورت نجات جان مسلمانان نیازمند به پیوند عضو، برای جواز قطع عضو کافی است یا اذن قبلی و وصیت صاحب عضو نیز لازم است؟

ج) آیا اطرافیان میت می‌توانند پس از مرگ مغزی چنین اجازه‌ای بدهند؟

د) آیا انسان می‌تواند در زمان حیات خود با امضای کارتی رضایت خود را برای برداشتن اعضای بدنش در صورت عارضه مرگ مغزی، جهت پیوند به انسانهای مسلمان نیازمند اعلام نماید؟

هـ) آیا در موارد جواز قطع اعضا دیه ثابت است یا ساقط می‌شود؟

و) در صورت ثبوت دیه، پرداخت آن بر عهده کیست پزشک یا بیمار؟

ز) موارد مصرف دیه مذکور کدام است؟

جواب: الف) جواب این مسأله در سابق گفته شد ولی از نظر اهمیت مسأله توضیحاتی عرض می‌شود که در موارد مرگ مغزی بصورتی که در بالا ذکر شده اگر موضوع قطعی و یقینی باشد چنان فردی در این گونه احکام مانند میت است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۷

(هر چند پاره‌ای از احکام میت مانند غسل و نماز و کفن و دفن و غسل مس میت بر او جاری نمی‌شود) بنابراین برداشتن اعضای او برای نجات جان مسلمانها مانعی ندارد.

ب) در مواردی که عضو را بعد از مرگ کامل برمی‌دارند و نجات جان دیگران منوط به آن است، اذن قبلی یا اجازه بازماندگان لازم نیست، هر چند بهتر است.

ج) از جواب بالا معلوم شد.

د) از جواب بالا معلوم شد.

هـ) در موارد جواز قطع اعضا، احتیاط دادن دیه است.

و) بر عهده کسی است که عضو را قطع نموده است.

ز) در کارهای خیر برای میت مصرف می‌شود.

مسائل مربوط به تشریح

سؤال ۱۴۷۱- آیا مجازیم مسلمانی را که وصیت کرده بعد از وفاتش وی را تشریح کنند، تشریح نماییم؟

جواب: تشریح مرده مسلمان برای مقاصد طبّی به چند شرط جایز است:

الف) مقصود یاد گرفتن و تکمیل اطلاعات طبّی برای نجات جان مسلمانان بوده باشد و بدون تشریح این مقصود حاصل نشود.

ب) دسترسی به مرده غیر مسلمان نباشد.

ج) به مقدار ضرورت و احتیاج قناعت شود و اضافه بر آن جایز نیست. با چنین شرایطی تشریح جایز بلکه واجب است.

سؤال ۱۴۷۲- اگر ندانیم جسدی که در اختیار ماست جسد یک مسلمان است یا کافر یا اهل کتاب، آیا مجازیم آن را تشریح نماییم؟

جواب: اگر جسد از بلاد اسلامی نباشد مانعی ندارد و اگر مربوط به بلاد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۸

اسلامی است ظاهر این است که جسد مسلمان است و احکام مسلمان بر او جاری می‌شود و اگر از بلدی است که هر دو گروه به طور وسیع در آن هستند نیز مانعی ندارد و اگر ندانیم از کدام بلد است آن هم جایز است.

سؤال ۱۴۷۳- آیا تفاوتی بین اهل تسنن و اهل تشیع در عدم جواز تشریح جسد بدون ضرورت وجود دارد؟

جواب: تفاوتی وجود ندارد.

سؤال ۱۴۷۴- آیا می‌توان جسد افراد به ظاهر مسلمان- مسلمان اسمی- را که به خاطر ارتداد، فساد اخلاقی، قاچاق مواد مخدر،

مسائل سیاسی و ... اعدام شده‌اند تشریح نمود؟

جواب: در مورد مرتد جایز است و در مورد دیگران تنها طبق ضرورت‌های فوق جایز می‌باشد.

سؤال ۱۴۷۵- آیا می‌توان برای تشریح، جهت آموزش، به علت کمبود جسد و استخوان که بدون آنها آموزش امکان‌پذیر نیست

اقدام به نبش قبر غیر مسلمان نمود؟

جواب: هرگاه مفسده خاصی بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۷۶- در فرض مسأله فوق اگر ندانیم این قبر متعلق به مسلمان یا غیر مسلمان است، آیا مجازیم نبش قبر انجام دهیم؟

جواب: مانند مسأله ۱۴۷۲ می‌باشد، به شرط این که قرآینی که نشانه اسلام است در آن قبر نباشد.

سؤال ۱۴۷۷- در صورت کمبود جسد استخوان، آیا می‌توانیم استخوانهایی را که در بیابان و قبرستان‌ها می‌یابیم و یا به وسیله

عملیات حفاری شهرداری‌ها در سطح خاک ظاهر می‌شوند چه متعلق به مسلمان باشد و چه غیر مسلمان مدتی جهت آموزش

استفاده کرده و بعد از اتمام کار، به یک مرکز آموزشی هدیه نماییم و یا دفن کنیم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۴۹

جواب: نسبت به غیر مسلمان اشکالی ندارد و نسبت به مسلمین تنها در صورت ضرورت تشریح و تکمیل اطلاعات طبّی جایز است و

بعداً باید آن را دفن کرد.

سؤال ۱۴۷۸- الف) آیا برای تشخیص علت مرگ جهت پیشرفت علم پزشکی و تعلیم به دانشجویان، کالبد شکافی جایز است؟

ب) اگر کالبد شکافی برای کشف جرم شناسایی قاتل باشد حکم چگونه است؟

ج) اگر کالبد شکافی تنها راه برای رهایی یک متهم بی‌گناه از مرگ باشد قضیه چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرورتی ایجاب کند که کالبد شکافی شود مانند نجات جان متهم بی‌گناه و شناسایی قاتل و تعلیماتی که

برای دانشجویان ضروری است، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۷۹- اگر برای تشخیص حیات یا مرگ مصدومی تنها راه، منحصر به شکافتن یکی از شریانهای وی باشد بفرمایید:

الف) آیا این کار جایز است؟

ب) آیا این عمل در صورت ضرورت مستلزم پرداخت دیه می‌باشد و دیه آن به عهده کیست؟

جواب: جایز است و دیه هم ندارد.

سؤال ۱۴۸۰- معمولاً برای کسب اطلاعات بیشتر پزشکی در جهت تشخیص امراض و درمان آنها روی انسانها آزمایشهای طبی گوناگونی که گاه خطرناک هم می‌باشد انجام می‌دهند، بفرمایید:

الف) اگر بیمار یقین داشته که چنانچه خود را در معرض چنین آزمایشاتی قرار دهد به استقبال خطرات جانی برای خود رفته است ولی از طرفی هم به پیشرفت علم پزشکی و به معالجه و مداوای جامعه مسلمانان در آینده کمک نموده است، آیا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۰

خود را در معرض چنین آزمایشاتی قرار دادن جایز است؟

ب) اگر ضرر جانی محتمل، ولی کمک به علم پزشکی فوق‌الذکر قطعی باشد آیا در این صورت می‌تواند خود را در معرض آزمایش قرار دهد؟

ج) اگر هیچ‌گونه علمی به ضرر جان برای خود نداشته باشد و فایده آزمایش هم برای کمک فوق‌الذکر محتمل باشد، چه حکمی دارد؟

د) اگر فایده آزمایشات فوق‌الذکر به سود تمامی افراد بشر تمام گردد بفرمایید حکم خود را در معرض قرار دادن در صورت علم به ضرر و یا احتمال ضرر و یا عدم علم به ضرر چه خواهد بود؟

ه- در صورتی که آزمایشات فوق برای اهداف فوق‌الذکر هیچ‌گونه ضرری برای انسان بیمار نداشته باشد، آیا طیب بدون اطلاع دادن به بیمار و بدون کسب اجازه از او می‌تواند چنین اقدامی نماید؟

و) اگر در صورت ضرورت انجام چنین آزمایشاتی جایز باشد، چگونه بودن آن ضرورت را بیان فرمایید؟
جواب: الف) جایز نیست.

ب) اگر احتمال آن قوی باشد مشکل است.

ج) اشکالی ندارد.

د) تنها در صورتی که احتمال ضعیف باشد می‌تواند اقدام کند.

ه- اگر آزمایشها، جزئی از معالجه بیمار یا مقدمه درمان او باشد مانعی ندارد. در غیر این صورت نیاز به اجازه دارد.

و) در صورتی که نجات جان مسلمانان بستگی به آزمایش روی این شخص داشته باشد و این شخص راضی باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۸۱- اگر آزمایشات فوق روی حیوانات انجام شود که در پایان آنها از بین خواهند رفت، بفرمایید صرف نظر از ضمان، آیا چنین کاری برای پیشرفت کارهای پزشکی جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۱

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۸۲- در صورتی که ضرورت داشته باشد علت مرگ یک شخص به طور مثال جهت تعیین قاتل وی مشخص شود، آیا مجازیم جسد وی را در پزشکی قانونی تشریح نماییم و یا اگر مدفون باشد، نبش قبر کرده، جسد وی را بررسی نماییم؟

جواب: در صورت ضرورت هر دو مورد جایز است.

سؤال ۱۴۸۳- با وجود امکان تهیه جسد کافر از خارج- چنانچه در بعضی از ممالک اسلامی عمل می‌شود- آیا واجب است مسئولین مربوطه اقدام نمایند؟ و با وجود امکان تهیه، ضرورت جواز تشریح میت مسلمان پیدا می‌شود یا خیر؟

جواب: لازم است تا آنجا که امکان دارد از جسدهای دیگر استفاده شود.

سؤال ۱۴۸۴- آیا تشریح بدن در جایی که جایز است دیه دارد؟

جواب: تشریح بدن انسان در آنجا که شرعاً جایز است دیده‌ای ندارد.

سقط جنین

سؤال ۱۴۸۵- اطبا در آزمایشگاه، منی مرد «اسپرم» را با منی زن «اوول» در لوله آزمایش قرار داده و آن را رشد می‌دهند، بفرمایید: الف) آیا نطفه رشد یافته را می‌توان دور افکند یا این که حکم سقط جنین را پیدا می‌کند و باید تا طفل کامل (صاحب روح) شدن از وی محافظت نمود؟

ب) اگر دور افکندن آن جایز نباشد، آیا باید دیه سقط جنین پرداخت شود و در صورتی که باید پرداخت شود به عهده کیست؟

ج) آیا دوراندازی آن در زمان قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج، فرق دارد، لطفاً بیان نمایید؟

د) در مورد سؤال فوق آیا فرقی بین منی مرد اجنبی با منی زن اجنبیه برای لقاح و رشد در لوله آزمایشگاهی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۲

ه- اگر منی مرد و زن اجنبی و اجنبیه باشد، آیا اصل انجام این عمل جایز است؟

جواب: الف) نگهداری آن واجب نیست.

ب) از جواب قبل روشن شد که دیه ندارد.

ج) مادامی که به صورت انسان زنده‌ای در نیامده، حفظ آن دلیلی ندارد.

د) تفاوتی نیست.

ه- خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۴۸۶- اطبا می‌توانند جنین را از شکم زنی که نمی‌تواند آن را در رحم معیوب خود پرورش دهد و سقط می‌کند خارج نموده و در رحم سالم زن دیگری قرار داده که در آنجا به رشد خود ادامه داده تا به طور طبیعی متولد شود، بفرمایید:

الف) آیا اگر زن دوم هم همسر شوهر زن اول باشد (که نطفه متعلق به یک شوهر می‌شود) این کار جایز است؟

ب) در صورتی که زن دوم با شوهر زن اول بیگانه و اجنبی باشد، آیا این کار جایز می‌باشد؟

ج) اگر انجام این کار قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح فرق دارد، آن را بیان فرمایید؟

جواب: در هر سه صورت، انتقال جنین (بعد از انعقاد نطفه) مانعی ندارد، ولی چون معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در مواردی مجاز می‌باشد که ضرورتی وجود داشته باشد.

سؤال ۱۴۸۷- آیا سقط عمدی جنینی که مطمئنیم یا احتمال می‌دهیم، معیوب و نارسا می‌باشد در هر ماهی از بارداری اگر دیه لازمه هم پرداخت شود، مجاز است؟

جواب: هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد و جنین به صورت انسان کامل در نیامده باشد باقی ماندن جنین در آن حالت سپس تولد ناقص آن باعث عسر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۳

حرج شدید برای پدر مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد و احتیاطاً باید دیه را بدهند.

سؤال ۱۴۸۸- اگر طیب تشخیص قطعی دهد که ماندن جنین در شکم مادر موجب مرگ مادر می‌گردد، بفرمایید:

الف) آیا جایز است جنین را در شکم مادر از بین ببرد تا مادر سالم بماند؟

ب) آیا می‌توان مادر را به همان حال باقی نهاد تا بچه سالم بماند و مادر بمیرد؟

ج) اگر در باقی گذاردن مادر به همان حال، احتمال مرگ، هم برای مادر و هم برای بچه در کار باشد تکلیف چیست (یعنی

احتمال مرگ و سلامت برای هر دو مساوی باشد)؟

(د) اگر حکم فوق نسبت به جنین قبل از ولوج روح فرق پیدا می‌کند حکم هر دو حال را توضیح فرمایید؟

جواب: الف) چنانچه خلقت جنین کامل نشده مانعی ندارد.

ب) هرگاه بچه به صورت انسان کامل در نیامده باشد، سقط جنین برای نجات مادر اشکال ندارد.

ج) اگر بدانیم یکی از آن دو قطعاً نجات پیدا می‌کند باید آنها را به حال خود گذاشت تا یکی از آن دو بدون دخالت انسان

دیگری نجات یابد و اگر امر دایر میان این است که هر دو بمیرند یا فقط جنین بمیرد می‌توان جنین را سقط کرد تا مادر زنده بماند.

(د) از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۴۸۹- با عکس برداری از جنین درون شکم مادری معلوم شد که جنین ناقص الخلقه می‌باشد و پس از تولد مانند تکه

گوشتی به کناری خواهد افتاد و هیچ‌گونه فعالیتی نمی‌تواند داشته باشد و فاقد هرگونه درک و شعور انسانی خواهد بود، بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۴

الف) آیا جایز است در همان حال جنین بودن- قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح- وی را از بین برد و جنین را ساقط نمود؟

ب) اگر این طفل به دنیا آمد و سپس مریض شد، آیا جایز است که هیچ‌گونه اقدامی در مورد درمان وی انجام نداد تا زودتر بمیرد

و چه بسا از درد و رنج هم راحت شود؟

جواب: الف) مانند مسأله ۱۴۸۴ است.

ب) خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۴۹۰- بر طبق تشخیص پزشکان، جنینی هست که اگر در شکم مادر بماند خواهد مرد ولی اگر آن را از شکم مادر خارج

نمایند و در دستگاه مخصوص (انکوباتور) بگذارند زنده می‌ماند و به رشد و حیات خود ادامه می‌دهد، بفرمایید:

الف) تکلیف در این مورد چیست، آیا می‌توان بچه را از شکم مادر خارج نمود؟

ب) آیا قبل از ولوج روح و یا بعد از ولوج، حکم فرق می‌کند آن را هم بیان فرمایید؟

جواب: الف) اگر این موضوع قطعی باشد نه تنها اشکالی ندارد بلکه اقدام بر آن مطابق احتیاط است.

ب) تفاوتی ندارد.

سؤال ۱۴۹۱- در مواردی که پزشک باید سقط جنین کند، دیه لازمه باید توسط چه کسی پرداخت شود؟ آیا حتماً باید قبلاً پزشک

شرط کند که دیه به عهده وی نیست و آیا این شرط، جهت رفع دین از وی کافی است؟

جواب: احتیاط این است که طیب با بیمار یا کسان او شرط کند که دیه را خودشان بپردازند و الا خودش باید عهده‌دار بشود (بنابر

احتیاط).

سؤال ۱۴۹۲- اگر طبیعی متوجه شود که جنین درون شکم مادری، دارای نقص عضو می‌باشد که در صورت اطلاع دادن به والدین

او، احتمال می‌دهد آنان اقدام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۵

برای سقط جنین بنمایند و شاید هم در مقام معالجه نقص عضو از جنین برآیند که احتمال بهبودی بسیار کم است و در ضمن اگر

اطلاع ندهد در معرض شکایت والدین نسبت به عدم اطلاع به آنان از وضعیت جنین قرار نخواهد گرفت، بفرمایید وظیفه طیب در

اینجا چیست؟

جواب: اطلاع دادن اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۹۳- بیمارانی که از درد، شدیداً رنج می‌برند چنانچه به آنان مسکن‌های قوی داده شود، دردشان تسکین خواهد یافت،

لیکن به احتمال قوی به این خاطر بعداً دچار عوارض جنین و ناراحتیهایی خواهند شد، بفرمایید تکلیف طیب نسبت به اینگونه بیماران چیست؟

جواب: هرگاه ضرری باشد که در برابر تسکین درد شدید در میان عقلاً قابل پذیرش باشد اشکالی ندارد و اگر ضرر مهمی است که او را به خطر می‌اندازد، جایز نیست و اگر برای خودش ضرر نداشته باشد بلکه برای جنین ضرر داشته باشد نیز مسأله همین است.

سؤال ۱۴۹۴- اگر پزشک به طور قطع تشخیص دهد که فرزندان بعدی زن و شوهری، ناقص العضو خواهند شد، بفرمایید:

الف) آیا بر طیب واجب است در صورت سؤال والدین، واقعیت را به آنان اطلاع دهد؟

ب) آیا در صورت عدم سؤال آنان، بر طیب واجب است به آنان بگوید تا آنان از پیدا کردن چنین فرزندان جلوگیری نمایند، اگر واجب نیست آیا گفتنش حرام می‌باشد؟

ج) اگر طیب احتمال دهد که آنان در صورت اطلاع از این جهت هر باری که فرزند پیدا کنند اقدام به سقط وی خواهند نمود، در اینجا وظیفه طیب چیست گفتن یا نگفتن؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۶

جواب: الف) واجب نیست مگر این که در سرنوشت بیمار اثر مهمی داشته باشد.

ب) در اینگونه موارد اگر مسأله مهمی است طیب کتمان نکند.

ج) طیب باید به وظیفه خود عمل کند و اگر بیمار عمل خلافی انجام دهد او مسئول نیست، منتها طیب وظیفه خود را در امر به معروف و نهی از منکر انجام دهد.

سؤال ۱۴۹۵- خانمی دچار بیماری چشمی گردیده که اطبا نظر به عمل جراحی به طور اورژانسی داده‌اند، اما متأسفانه این خانم دارای حمل سه ماهه می‌باشد که باید سقط جنین انجام دهد و بعد عمل جراحی چشم را به انجام برساند و اگر چشم خود را عمل نکند کور می‌شود و همچنین ضررهای زیادی نسبت به جنین وارد می‌گردد در این صورت آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله پایان دادن به بارداری ظاهراً مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۹۶- آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن جایز است؟

جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر نباشد جایز نیست و دیه دارد.

سؤال ۱۴۹۷- آیا سقط جنین صورت مجازی دارد؟

جواب: در صورتی که یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی برای مادر داشته باشد در مراحل اولیه جایز است.

سؤال ۱۴۹۸- سقط جنین مسلمان و کافر چه حکمی دارد؟

جواب: ساقط کردن جنین مسلمان واضح است که جایز نیست، حتی اگر فرزند نامشروع باشد و در مورد بچه‌های کفار نیز ساقط کردن مجاز نیست، حتی اگر در مذهب آنها فرزند نامشروع باشد.

سؤال ۱۴۹۹- آیا سقط جنین جایز است و اگر جایز باشد دیه دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۷

جواب: در صورتی که از گفته متخصصین یقین یا خوف خطر یا ضرر مهمی حاصل شود اقدام به سقط جنین جایز است (مادامی که به صورت انسان کاملی در نیامده باشد) و چون احتمال تعلق دیه می‌رود احتیاط آن است که ورثه این کودک (غیر از پدر و مادر) با میل و رضای خود از آن صرف نظر کنند.

سؤال ۱۵۰۰- آیا در موارد زیر قبل از ولوج روح می‌توان سقط درمانی انجام داد: الف) بیماریهایی که می‌دانیم مسلماً جنین پس از تولد خواهد مرد. ب) بیماریهای ژنتیکی. ج) ناهنجاریهای نوزادان مثل آنانسفالی.

جواب: سقط جنین در این موارد اشکال دارد به خصوص اینکه پیش‌بینی‌های فوق جنبه قطعی ندارد.

سؤال ۱۵۰۱- عوامل فوق در مورد جنین پس از ولوج روح چگونه خواهد بود؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۰۲- ولوج روح چه زمانی می‌باشد؟

جواب: هنگامی که بچه در شکم مادر به حرکت در می‌آید که معمولاً در حدود چهارماهگی است.

سؤال ۱۵۰۳- در زن حامله‌ای که مبتلا به سرطان رحم شده است و درمان آن هم به اشعه درمانی نیاز دارد و دادن اشعه هم باعث

ناقص الخلقه شدن جنین می‌شود آیا می‌توان قبل از اشعه درمانی، سقط درمانی کرد؟

جواب: اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید است و در مراحل نخستین بارداری و قبل از رسیدن به مرحله جنین کامل باشد و

راه درمان نیز منحصر به این راه گردد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۰۴- معمول است که در زنان حامله مبتلا به سرطان «مثلاً سرطان پستان» اگر سرطان از نوع پیشرفته باشد حمل در هر

مرحله‌ای باشد سقط درمانی را انجام داده و به درمان مادر می‌پردازند، از دو نظر یکی اینکه حیات مادر در خطر است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۸

دیگر اینکه با اجازه ندادن به ختم حاملگی هم مادر از بین می‌رود و هم فرزند بدون مادر به جای می‌ماند که نیاز به مهر مادری

دارد و اگر سرطان از نوع اولیه باشد اگر حاملگی در ماههای انتهایی است صبر می‌کنند تا جنین به حد قابلیت زندگی برسد و سپس

با عمل جراحی جنین را زودتر از موعد از شکم خارج و تحت مراقبت ویژه او را بزرگ می‌کنند و اگر حاملگی در ماههای اولیه

است سقط درمانی انجام شده و درمان سرطان هم صورت می‌پذیرد البته در این موارد سقط درمانی در صورتی انجام می‌پذیرد که

درمان اساسی سرطان برای جنین مضر باشد مثل شیمی درمانی یا اشعه درمانی آیا تعاریف فوق با احکام اسلام مطابقت دارد؟

جواب: اگر حیات مادر در خطر باشد و جنین ماههای اول را طی کند مانعی ندارد. متولّد کردن بچه قبل از موعد و پرورش او با

شرایط ویژه هم اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۰۵- سقط جنین غیر شیعه چگونه است؟

جواب: سقط جنین در هیچ مورد جایز نیست، مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۵۰۶- پس از ولوج روح، اگر علم به تلف شدن مادر و جنین باشد، آیا سقط جنین جایز است؟

جواب: در فرض مسأله که اگر مادر به همان حال باقی بماند، هر دو می‌میرند، می‌توان با سقط جنین، جان مادر را نجات داد.

سؤال ۱۵۰۷- اگر مادری برای سقط بچه‌اش کاری انجام ندهد، لکن با مراعات نکردن موارد لازم و تهیه نکردن شرایط حفظ جنین،

باعث سقط بچه شود، آیا کار حرامی کرده است؟

جواب: اگر در حفظ جنین مطابق معمول کوتاهی کرده باشد مسئول است.

سؤال ۱۵۰۸- زنی که در ماه هفتم حاملگی به سر می‌برد، در اثر تصادف نیاز به عمل جراحی فوری پیدا می‌کند، که لازمه‌اش

بیهوش نمودن اوست، ولی در اثر بیهوشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۵۹

بچه می‌میرد (علم یقینی به فوت بچه داریم) آیا جایز است مادر، جراحی و عمل شود؟

جواب: اگر جان مادر در خطر است و راه منحصر به عمل جراحی و بیهوشی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۰۹- در فرض بالا در صورتی که احتمال فوت بچه برود، آیا باز هم جایز است مادر عمل شود؟

جواب: با شرایط بالا، این فرض به طریق اولی جایز است.

سؤال ۱۵۱۰- دکترها به مادری دارویی را داده‌اند که بخورد تا بچه‌اش سالم بماند و سقط نشود، آیا زن می‌تواند به منظور سقط جنین دارو را استفاده نکند؟
جواب: جایز نیست.

جلوگیری از انعقاد نطفه

سؤال ۱۵۱۱- جلوگیری از انعقاد نطفه، شرعاً چگونه است؟

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله‌ای که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل بیفتد) نشود مجاز است، ولی اگر مستلزم نظر یا لمس حرام باشد جایز نیست مگر در موقع ضرورت.

سؤال ۱۵۱۲- خانمی برای جلوگیری از بارداری می‌خواهد دستگاه بگذارد و برای این کار دکتر زن باید به عورت او نگاه کند دست بزند. با توجه به این دو نکته غیر مجاز و این که جلوگیری از بارداری معالجه نیست، آیا این کار جایز است؟
جواب: اگر ضرورت فردی یا اجتماعی نباشد جایز نیست و در صورت ضرورت (به تشخیص طبای مورد وثوق) جایز است.

سؤال ۱۵۱۳- آیا مرد می‌تواند به زن دائمی خود بگوید نباید بچه‌دار شوی؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۰

جواب: زن را نمی‌توان مجبور کرد که مثلاً لوله‌های خود را ببندد، حتی نمی‌توان او را مجبور کرد که به وسیله قرص و مانند آن جلوگیری کند، ولی مرد می‌تواند با خوردن دارو یا استفاده از آمپول یا مانند آن، موقتاً از انعقاد نطفه جلوگیری کند.

سؤال ۱۵۱۴- بستن لوله‌های رحم به منظور جلوگیری از حمل چه حکمی دارد؟

جواب: تا ضرورتی نباشد جایز نیست.

سؤال ۱۵۱۵- بستن لوله‌های «منی‌بر» در مردان (وازکتومی) و لوله‌های «منی‌بر» در زنان (تریکتومی) که اکثراً موجب عقیمی دائمی می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب عقیم شدن دائم است اشکال دارد.

سؤال ۱۵۱۶- بستن لوله‌های رحم از نظر شرع مقدّس اسلام در بیماریهای مختلف چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قابل بازگشت نباشد جایز نیست و در صورت قابل بازگشت بودن جایز است (مشروط بر اینکه موجب لمس و نظر حرام نشود) ولی در موارد ضروری جایز است.

سؤال ۱۵۱۷- در مورد استفاده از «آی یو دی» که اثر آن جلوگیری از لانه‌گزینی نطفه بسته شده است آیا جواز شرعی وجود دارد یا خیر؟

جواب: هرگاه موجب لمس و نظر حرام نشود مانعی ندارد، مگر این که ضرورت فردی یا اجتماعی ایجاب کند.

سؤال ۱۵۱۸- آیا زن بدون اجازه شوهر می‌تواند اقدام به بستن لوله بنماید؟

جواب: اگر ضرورتی نباشد جایز نیست.

سؤال ۱۵۱۹- در مواردی که حاصل حاملگی جنینهای دارای نقص در خلقت یا بیماری ژنتیکی است، آیا می‌توان با بستن لوله‌های زن یا مرد اقدام به جلوگیری از حاملگی بعدی کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۱

جواب: هرگاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه‌ای هرچند نسبت به بچه وجود داشته باشد جایز است.

سؤال ۱۵۲۰- در صورتی که بستن لوله‌های زن یا مرد اجازه داده شود حق تقدّم با کدام یکی است؟

جواب: در شرایط مساوی بعید نیست مرد مقدم باشد.

سؤال ۱۵۲۱- با توجه به منابع علمی پزشکی معتبر در مورد مادرانی که بیش از پنج زایمان داشته‌اند و دارای سن بالاتر از ۳۵ سال می‌باشند مبنی بر این که اگر حامله شوند در معرض خطرات جسمی قرار دارند، آیا مجاز به بستن لوله‌های رحم هستند؟
جواب: چنانچه خطر قطعی یا به احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد جایز است.

سؤال ۱۵۲۲- پزشکی که در استخدام دولت می‌باشد، بفرماید:

الف) اگر از طرف دولت موظف شد برای کنترل موالید، مردان و زنان را عقیم سازد چه تکلیفی دارد؟

ب) اگر طیب را برای انجام این کارها مجبور نمودند در چه مرحله‌ای از اجبار، چنین اقدامی برای وی معصیت محسوب نمی‌گردد؟
ج) آیا در مورد اجبار، ضمانتی هم به عهده طیب خواهد آمد؟

جواب: الف) هرگاه کارشناسان متدین ضرورت این کار را تصدیق کنند مانعی ندارد.

ب) اگر منظور از اجبار این است که شغل خود را از دست می‌دهد، نباید تن به کار حرام بدهد.

ج) طیب در این حال ضامن است.

سؤال ۱۵۲۳- آیا برای جلوگیری از بچه‌دار شدن، جایز است لوله زنان یا مردان بسته شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۲

جواب: در مواردی که به تشخیص اهل خبره، کنترل جمعیت ضرورت داشته باشد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شوند) نشود ذاتاً مجاز است ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۱۵۲۴- تبلیغ و ترویج مردم مسلمان ایران در امر جلوگیری و کنترل جمعیت به عنوان یک کار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ایرانی در منابر و محافل دینی، شرعاً چه حکمی دارد؟ آیا خلاف شرع است (بدون اینکه کسی ما را وادار سازد و این را تشخیص شخصی دانسته و انجام دهیم)؟

جواب: در صورتی که اهل خبره و کارشناسان متدین، مسأله کنترل و محدود ساختن موالید را یک ضرورت اجتماعی تشخیص دهند، شرعاً می‌توان به طور موقت با آن موافقت کرد و یا در صورت لزوم به طور حساب شده از آن تبلیغ نمود. در ضمن باید توجه داشت که افزایش نسل به عقیده هیچ‌کس جزء واجبات نیست و بنابراین محدود ساختن، حرام نمی‌باشد، مگر در مناطقی که تغییر بافت جمعیتی به زیان مسلمین یا پیروان مکتب اهل البیت (علیهم السلام) باشد که در چنین مواردی باید برنامه کنترل موالید تعطیل شود. در ضمن باید در موارد کنترل جمعیت به جای افزایش کمی به سراغ افزایش کیفی رفت، تا مسلمانانی عالم تر و کارآمدتر به جامعه اسلامی تحویل داده شود و عزت و عظمت مسلمین حفظ شود و نیز باید توجه داشت که در مواردی که طبق تشخیص اهل خبره متعهد، کنترل جمعیت ضروری است، باید حتماً از وسایل مشروع استفاده کرد، نه از وسایل نامشروعی مانند سقط جنین و امثال آن.

سؤال ۱۵۲۵- حکم کاهش رشد جمعیت با استفاده از قرصهای ضد حاملگی و اعمال جراحی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۳

جواب: برای جلوگیری از انعقاد نطفه، هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن (مثل اینکه مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شوند) نشود ذاتاً مجاز است ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد تنها در صورت ضرورت فردی یا اجتماعی جایز است.

سؤال ۱۵۲۶- اگر دکترها به خانمی بگویند که حاملگی برایت خطرناکی دارد آیا زن می‌تواند لوله‌های رحم خود را ببندد اگر چه

مستلزم عقیم شدن دائم و یا مستلزم نظر و لمس حرام باشد؟ آیا این از مصادیق اضطرار است؟
جواب: در صورتی که از گفتار دکترها خوف خطر حاصل شود مجاز هستید.

مسائل تلخیص

سؤال ۱۵۲۷- آیا جایز است نطفه مرد بیگانه‌ای را به زن شوهرداری تلخیص کرد؟ نطفه شوهرش چگونه؟

جواب: تلخیص نطفه مرد بیگانه به آن زن جایز نیست و تلخیص نطفه شوهر اگر مستلزم نگاه و لمس نامحرم باشد تنها در موقع ضرورت جایز است.

سؤال ۱۵۲۸- منی مرد تا ۷۲ ساعت بعد از مرگ از نظر علمی دارای حیات کامل است. اگر زوجه درخواست تلخیص مصنوعی از شوهر متوفای خود بکند آیا اطبا مجاز به این کار هستند و حکم ولد چیست؟ لازم به ذکر است که این عمل بعضاً در خارج اعمال می‌گردد و عمدتاً در مواردی است که زوجه از زوج فرزندی نداشته باشد و در همان اوایل ازدواج به هر دلیلی زوج متوفی گردد.
جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۵۲۹- رحم بانویی به هر علت قادر به نگاهداری جنین نیست و سقط می‌کند. با آمیزش نطفه وی و شوهرش در آزمایشگاه و انتقال جنین به رحم زن دیگری که شوهر ندارد به اصطلاح مادر جانشین و یا مادر قائم مقام نامیده می‌شود
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۴

بچه رشد می‌کند و به موقع، متولد می‌شود و برابر قرارداد مزد معینی به مادر جانشین داده می‌شود تا کودک تحویل زن و شوهر گردد. آیا این امر می‌تواند جایز باشد؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد ولی مسائل جنبی حرامی از قبیل لمس کردن و نظر کردن در آن موجود است. هرگاه به وسیله محرمی مانند شوهر انجام شود به این صورت که نطفه خود و یکی از دو همسرش را بگیرد و ترکیب و در رحم همسر دیگر (هرچند عقد موقت با او خوانده باشد) کشت کند، مرتکب حرامی نشده و در غیر این صورت برای مجاز بودن این محرمات جنبی باید ملاحظه کرد که آیا این کار ضرورتی پیدا کرده است یا نه؟

سؤال ۱۵۳۰- در مفروض سؤال قبل اگر این عمل چه جایز باشد و یا نه به هر حال انجام بگیرد، با وجود اینکه این کودک در رحم مادر جانشین بزرگ شده است اما دارای صفات ارثی زن اول می‌باشد. با توجه به آیه دوم سوره مبارکه مجادله به کدام یک از این دو زن تعلق دارد و وارث کدام یک از آنهاست؟

جواب: این فرزند متعلق به صاحبان نطفه و با آنها محرم است و از آنها ارث می‌برد و در مورد مادر جانشین به منزله فرزند رضاعی است بلکه از آن در بعضی جهات اولویت دارد چرا که تمام گوشت و استخوان او از وی روییده است بنابراین حرام است که بعداً با آن زن و فرزندان او ازدواج کند اما ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۵۳۱- شوهر نطفه ندارد و همسرش سالم و نطفه دار است. آیا می‌شود نطفه مرد اجنبی را با نطفه این زن شوهردار مخلوط کرد و به رحم این زن تزریق نمود؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۳۲- مرد نطفه ندارد و از همسرش جدا شده است، اگر این زن به صیغه مردی درآید، نطفه این مرد جدید و نطفه زن را ترکیب می‌کنند، زن بعد از پایان صیغه و عدّه به عقد شوهر اول درمی‌آید و بعداً آن نطفه را به داخل رحم زن تزریق
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۵

می‌کنند در این صورت پدر و مادر، ارث و محرمیت به چه صورت است و حکم شرعی آن چیست؟

جواب: اگر ضرورتی ایجاب کند جایز است ولی فرزند به صاحبان اصلی نطفه تعلق دارد.

سؤال ۱۵۳۳- آیا پیوند تخمدان زن اجنبی (مانند پیوند کلیه) به زوجه برای باردار شدن جایز است و اگر جایز است آیا: الف) دیه دارد؟ ب) تخمدان را می‌توان فروخت؟ ج) حکم اولاد زوجه چگونه است؟ د) زن اجنبی حقیقی مانند مادر بودن پیدا می‌کند یا خیر؟
جواب: چنانچه ضرورتی برای این کار نباشد از آن صرف نظر کنید و اگر ضرورتی وجود دارد، بعد از پیوند این عضو جزء بدن آن زن می‌شود و فرزند مال خود اوست و در فرض فوق دیه ندارد و خرید و فروش آن جایز است، هر چند بهتر این است که پول را در مقابل اجازه برداشتن عضو مزبور بگیرد نه در مقابل خود آن.

سؤال ۱۵۳۴- بعضی از مؤمنین و مؤمنات که برای اولاددار شدن به مراکز ناباروری مراجعه می‌کنند و از حیث نطفه نقایصی دارند، آیا می‌توانند از نطفه‌هایی که در بانک نطفه نگهداری می‌شود در لقاح مصنوعی با منی خود آنها ممزوج و شرایط لقاح را فراهم و با دستگاه در رحم همسران آنها قرار دهند یا خیر؟ در صورتی که به طور کلی در منی آنها اسپرم و تخمک وجود نداشته باشد آیا می‌توانند از اسپرمها و تخمکهای مجهول الهویه موجود در بانک نطفه استفاده نمایند و چنانچه در دو فرض فوق فرزندی به وجود آید ولد متعلق به چه کسی خواهد بود؟

جواب: استفاده از نطفه بیگانه برای صاحب فرزند شدن جایز نیست و تولد فرزند باید مستند به ازدواج صحیح شرعی باشد ولی اگر چنین عملی انجام شود، فرزند متعلق به صاحبان نطفه است و نسبت به مادری که در رحم او کشت شده نیز محرم می‌باشد، بی آن که از او ارث ببرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۶

مسائل مربوط به عمل جراحی

سؤال ۱۵۳۵- بیماری که بنابر تشخیص طبای حاذق در صورت ترک نمودن عمل جراحی به زودی خواهد مرد و در صورت اقدام به عمل جراحی احتمال قوی دارد که زنده بماند و لیکن تا پایان عمر دچار درد و رنج شدید و توانفرساست و احتمال مرگ هم در کار می‌باشد، بفرمایید تکلیف این بیمار چیست؟
جواب: مخیر است که یکی از این دو طرف را انتخاب کند.

سؤال ۱۵۳۶- شخصی استخوان پای وی شکسته است چنانچه جراحی روی پای وی انجام ندهند تا پایان عمر زمین گیر شده و با درد و رنج باید به سر ببرد و اگر عمل کند احتمال بهبودی داده می‌شود، بفرمایید:
الف) با چند درصد احتمال بهبودی تکلیف وی اقدام برای عمل می‌باشد؟
ب) چنانچه عمل و شرایط به گونه‌ای است که احتمال مرگ هم بعید نباشد بفرمایید با چند درصد احتمال مرگ وظیفه ترک کردن عمل می‌باشد؟

جواب: الف) اگر احتمال قابل ملاحظه‌ای برای بهبودی باشد، احتیاط آن است که کوتاهی نکند.

ب) اگر احتمال مرگ زیاد نباشد جایز است.

سؤال ۱۵۳۷- بیماری که به ناراحتیهای روانی شدیدی دچار است و جهت معالجه به پزشک مراجعه می‌نماید پزشک هم احتمال خوب شدن وی را منحصراً در اقدام به عمل جراحی می‌داند و در صورت عمل کردن هم احتمال می‌دهد حیات مغزی این بیمار از بین برود و برای همیشه بیمار فلج شود، آیا در این صورت طیب می‌تواند دست به عمل جراحی بزند؟

جواب: اگر وضع بیماری روانی او و همچنین درصد احتمال نجات با جراحی در حدی است که عقلاً چنین اقدامی را معقول و منطقی می‌دانند شرعاً اشکالی ندارد. در ضمن باید شخص نامبرده (اگر قدرت تشخیص دارد) یا ولی او (در صورت عدم قدرت

تشخیص) با این کار موافقت کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۷

مسائل مربوط به حفظ جان

سؤال ۱۵۳۸- الف) آیا دروغ گفتن برای حفظ جان مسلمانی جایز است؟

ب) دروغ گفتن جهت حفظ جان کافر ذمی چه صورتی دارد؟

ج) در جایی که انسان می‌تواند با دروغ گفتن و به خطر انداختن جان خود و یا شخص دیگر، موجب نجات جان چند مسلمان بشود تکلیف وی را در این مورد بیان فرمایید که آیا این کار جایز است و در صورت به خطر افتادن جان آن شخص دیگر (با دروغ این

انسان) و تلف شدن، دیه به عهده کیست؟

جواب: الف) نه تنها جایز بلکه واجب است.

ب) اشکال ندارد.

ج) دروغ گفتن برای نجات جان افراد اشکال ندارد ولی به خطر انداختن جان خود یا دیگری برای حفظ جان دیگران لازم نیست و اگر جان دیگری را به خطر بیندازد ضامن است.

سؤال ۱۵۳۹- در عالم پزشکی متداول شده که روی موجودات بسیار ریز ژنهای درون سلولهای بدن انسان و غیر انسان اقداماتی انجام می‌دهند که گفته می‌شود موجب پیدایش تغییراتی در ساختمان روانی انسانها و یا تغییرات جسمی انسانها و غیر انسانها می‌گردد، بفرمایید:

الف) آیا نفس این عمل (دست کاری کردن ژنها) جایز است؟

ب) در صورتی که این اقدام به منظور درمان صورت نگیرد و لیکن در جهت دستیابی به برتریهای جسمی و یا روانی و پیشرفت علم پزشکی بوده باشد، آیا جایز است چنین اقداماتی انجام گیرد؟

ج) اگر اقدام فوق روی نطفه یا جنین انجام شود حکم چگونه خواهد بود؟

جواب: الف) هرگاه این تغییرات مثبت باشد اشکالی ندارد.

ب) اگر مثبت باشد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۸

ج) مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۵۴۰- الف) آیا برای نجات جان یک مسلمان، انسان می‌تواند عضوی از اعضای خود را به او هدیه کند، بدون این که هیچ خطر جانی متوجه انسان دهنده عضو بوده باشد؟

ب) آیا دهنده عضو می‌تواند پولی در عوض دریافت نماید؟

ج) اگر احتمال آسیب و خطر کمتر از مرگ برای دهنده عضو در کار باشد آیا این اقدام جایز است در صورتی که با این کار مسلمانی را از مرگ نجات بدهد؟

جواب: الف) نه تنها اشکالی ندارد بلکه راجح و خوب است و گاه ممکن است واجب شود.

ب) جایز است ولی بهتر این است که پول را در مقابل این که اجازه می‌دهد عضو را بردارند بگیرد نه در مقابل خود عضو.

ج) جایز است.

سؤال ۱۵۴۱- نسبت به شخصی که به گونه‌ای می‌خواهد اقدام به خودکشی نماید بفرمایید:

الف) آیا جلوگیری از خودکشی وی بر دیگران واجب است؟

ب) اگر ممانعت از خودکشی آن شخص، مستلزم مخارجی باشد آن مخارج را چه کسی و تا چه مقداری باید پرداخت نماید؟
ج) اگر بازدارنده شخص فوق از خودکشی، مستلزم استقبال از خطر جانی یا به خطر افتادن سلامت شخص نجات دهنده باشد تا چه اندازه باید از این خطر استقبال نماید؟

د) آیا در نجات جان چنین فردی، فرقی بین مسلمان یا کافر حربی یا کافر غیر حربی که می‌خواهد خودکشی نماید وجود دارد، اگر هست احکام آن را بفرمایید؟

هـ) آیا برای ممانعت از خودکشی آن شخص، رضایت یا عدم رضایت وی برای نجات در تکلیف نجات دهنده، مدخلیت دارد یا خیر؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۶۹

و) در صورت عدم رضایت برای نجات جان خود اگر کسی اقدامی در جهت نجات وی انجام داد که در ضمن آسیبی هم به شخص خودکشی کننده وارد شد، آیا منجی ضامن است؟

جواب: الف تا ج) جلوگیری از خودکشی بر هر مسلمانی واجب است و اگر هزینه کمی داشته باشد باید شخص بازدارنده بپردازد اما اگر هزینه آن سنگین باشد یا مستلزم خطر جانی باشد بر آن شخص لازم نیست ولی چنانچه بیت المال توانایی داشته باشد باید آن را بپردازد.

د) نجات جان کافر حربی لازم نیست و در مورد کافر ذمی احتیاط نجات دادن است.

هـ) رضایت او لازم نیست.

و) در صورتی که راه نجاتش منحصر به راهی است که آسیبی به او می‌رسد اشکالی ندارد و ضامن نیست.

تغییر جنسیت

سؤال ۱۵۴۲- تغییر جنسیت از نظر شرع چگونه است؟

جواب: تغییر جنسیت ذاتاً خلاف شرع نیست، ولی باید از مقدمات مشروع استفاده شود، یعنی نظر به عورت و لمس آن لازم نیاید مگر اینکه به حدّ ضرورت همچون ضرورت مراجعه به طیب رسیده باشد، که در این صورت جایز است.

سؤال ۱۵۴۳- دختری از کودک کی لباس مردانه می‌پوشیده و حالا- که بزرگ شده خود را مرد می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالت مردانه در او ایجاد شده و با مراجعه به پزشک، درخواست تغییر جنسیت خود را نموده است، آیا پزشک مجاز به تغییر جنسیت می‌باشد؟

جواب: تغییر جنسیت اگر صوری باشد جایز نیست و اگر واقعی باشد (این امر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۰

در افراد دو جنسی واقع می‌شود) به عنوان درمان و ظاهر شدن جنسیت واقعی جایز و گاه واجب است.

سؤال ۱۵۴۴- اگر مردی در اثر عدم تربیت صحیح و عدم مراعات مسائل شرعی در خانواده، در کودک کی لباس زنانه پوشیده و حالا که بزرگ شده خود را زن می‌داند و با استفاده از داروهای شیمیایی حالات زنانه در او تقویت شده و درخواست تغییر جنسیت می‌کند، آیا جایز است تغییر جنسیت بدهد؟

جواب: همان‌طور که در بالا گفته شد تغییر جنسیت صوری جایز نیست، ولی اگر جنسیت واقعی او خلاف آن است که در او ظاهر می‌باشد، تغییر آن جایز بلکه گاه واجب است.

سؤال ۱۵۴۵- با توجه به اینکه تغییر جنسیت از نظر طبی در غیر از خنثی (دو جنسی) به تعبیر اطبا تنقیص جنسیت محسوب می‌شود، بعضاً اطبا با مواردی مواجهند که شخص از نظر ظاهر بدن بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات، احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می‌گویند اگر این تغییر و لو به طور صوری و ظاهری صورت نگیرد، انتحار خواهیم کرد (تا به حال دو بار این مسأله پیش آمده) و با توجه به اینکه آمارهای علمی نشان می‌دهد، اینگونه افراد شش الی شانزده ماه بعد از وضعیت جدید پشیمان خواهند شد، آیا اطبا در اینگونه موارد که با تهدید انتحار مواجهند، می‌توانند از باب اینکه حفظ نفس مقدم بر حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟

جواب: همان‌گونه که گذشت تغییر جنسیت دو صورت دارد، گاهی صرفاً ظاهری و صوری است یعنی اثری از آلت جنس مخالف در او نیست فقط یک جراحی صوری در او انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می‌گردد، این کار جایز نمی‌باشد و گاه واقعی است، یعنی با جراحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌شود، این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد، استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۱

مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد، اما چون این جراحی نیاز به نظر و لمس دارد تنها در موارد ضرورت مانند آنچه ذکر کرده‌اید مجاز است.

مسائل متفرقه پزشکی

سؤال ۱۵۴۶- در برخی بیماریها مثل نارسایی کلیه با اطمینان می‌توان به بیمار توصیه نمود که روزه نگیرد اما در خیلی از موارد به علت شکی که در اصل بیماری و یا چگونگی تأثیر روزه بر آن وجود دارد یا به علت عدم وجود تحقیقات و نتایج لازم در مورد اثرات روزه بر بسیاری بیماریها و به خاطر عدم امکان تعیین نقش روزه بر بیماری، پزشک واقعاً نمی‌داند روزه را به بیماری توصیه کند یا خیر، در این صورت وظیفه پزشک چیست؟ آیا در صورت توصیه یا عدم توصیه به روزه مسئول است؟

جواب: این مسأله دو صورت دارد: گاه برای طبیب خوف ضرر حاصل می‌شود یعنی احتمال قابل توجهی نسبت به زیان داشتن روزه برای او حاصل می‌شود در اینجا می‌تواند همان را به بیمار منتقل کند، چنانچه بیمار از قول طبیب خوف ضرر پیدا کند روزه را ترک می‌کند. صورت دوم آن است که احتمال ضعیف و کم رنگی باشد در این جا نمی‌تواند به بیمار توصیه ترک روزه کند.

سؤال ۱۵۴۷- آیا تزریق آمپولهایی که جهت بی‌حسی، کاهش درد، کشتار میکروبها و ... به کار می‌روند در صورتی که هیچ خاصیتی در جهت رساندن ویتامین یا مواد غذایی به بدن نداشته باشند، مبطل روزه می‌باشد؟

جواب: تفاوتی میان آمپولهای دارویی و غذایی و سرمها (و به طور کلی آمپولهایی که در کل بدن اثر می‌گذارد) نیست و همه اینها بنابر احتیاط واجب برای روزه‌دار اشکال دارد ولی آمپولهای موضعی که برای بی‌حسی یا غیر آن استفاده می‌شود اشکال ندارد. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۲

سؤال ۱۵۴۸- آیا خوردن داروهای خوراکی که هیچ جنبه غذایی نداشته باشد و جهت تسکین آلام بیماری به کار می‌رود مبطل روزه می‌باشد؟

جواب: بدون شک مبطل روزه است.

سؤال ۱۵۴۹- آیا بردن وسایل غیر خوراکی- مثل وسایل دندانپزشکی- در دهان، باعث ابطال روزه می‌شود؟

جواب: باعث ابطال روزه نیست مگر این که رطوبتهایی از دهان روی آن قرار گیرد و بعد آن را به دهان برگرداند و به اندازه‌ای زیاد باشد که با آب دهان مستهلک نشود و فرو ببرد.

سؤال ۱۵۵۰- آیا الکلی که جهت ضد عفونی، بعد از تزریقات، به کار برده می‌شود نجس است؟

جواب: پاک است، مگر این که با خون مخلوط شود.

سؤال ۱۵۵۱- در بعضی از بیمارستانها از دانشجویانی که دوره آشنایی با کارهای طبابت را به صورت عملی می‌گذرانند می‌خواهند که از بیماران مراجعه‌کننده معاینه به عمل آورند و قصدشان هم تعلیم امور درمانی می‌باشد، بفرمایید:

الف) در صورت عدم رضایت بیماران می‌توان آنان را به نوعی به معاینه مجبور نمود، مانند اینکه پزشک معالج اصلی بگوید اگر از معاینه دانشجویان ممانعت بنمایی من تو را معالجه و درمان نخواهم نمود؟

ب) اگر اقدام فوق در مورد ضرورت تعلیم بدون اشکال است مورد ضرورت را توضیح فرمایید؟

جواب: الف) کسی را نمی‌توان مجبور به معاینه کرد ولی اگر درمان او فوری و واجب نباشد و طبیب درمان را مشروط به اجازه معاینه کند و او هم این شرط را بپذیرد مانعی ندارد از این راه وارد شود.

ب) منظور از ضرورت این است که اگر این معاینات صورت نگیرد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۳

دانشجویان طب نمی‌توانند اطلاعات خود را کامل کرده و جان مسلمانان را از خطر نجات دهند.

سؤال ۱۵۵۲- آیا طبیب می‌تواند ضمن انعقاد قرارداد معالجه با بیمار، سلب هرگونه مسئولیت شرعی از خود نسبت به آسیبهای احتمالی که در ضمن معالجه ممکن است پیش بیاید بنماید تا هیچ‌گونه ضمانتی به عهده وی یا عایله وی نباشد؟

جواب: اشکالی ندارد مشروط بر این که طبیب در تلاش و کوشش خود کوتاهی نکند.

سؤال ۱۵۵۳- اگر از طرف قاضی، زنی را جهت معاینه و تشخیص نطفه‌ای که وی در رحم دارد به نزد پزشک قانونی بفرستند، در صورتی که طبیب به طور قطع بتواند تشخیص دهد که نطفه متعلق به شوهر این زن نبوده بلکه از مرد اجنبی می‌باشد، در این حال اگر طبیب واقعیت را گزارش دهد یقین دارد این زن را بناحق اقوام وی خواهند کشت و اگر خلاف گزارش کند بچه ملحق به شوهر این زن می‌گردد و مسائل حقوقی و ارث و محرمیت و سایر مشکلات پیش خواهد آمد، بفرمایید وظیفه طبیب چیست؟

جواب: مهم این است که قول طبیب و یقین او برای قاضی در این گونه موارد حجت نیست و حتی یقین خود قاضی هم که از این طریق حاصل شود حجیت آن محل اشکال است بنابراین لزومی ندارد طبیب یقین خود را در اینگونه موارد بازگو نماید و در نتیجه به حسب حکم ظاهری بچه ملحق به آن شوهر است و اینگونه احکام ظاهری مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال ۱۵۵۴- نسبت به کسی که اعتصاب غذا نموده و جان خود را به خطر انداخته یا لاقط سلامتی خود را دچار مخاطره کرده و تنها با تغذیه اجباری توسط پزشک می‌توان او را از خطر جانی حفظ نمود، بفرمایید:

الف) آیا این کار برای پزشک واجب است یا می‌تواند اقدامی نداشته باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۴

ب) اگر تغذیه واجب باشد و راه آن منحصر به ضرب و جرح اعتصاب‌کننده باشد، برای نجات دادن وی انسان چه مقدار مجاز به ضرب و جرح او می‌باشد؟

ج) اگر ضرب و جرح چنین کسی موجب تغییر رنگ پوست وی گردد و مستلزم دیه باشد، دیه آن به عهده کیست؟

د) آیا حکم فوق نسبت به اعتصاب‌کننده‌ای که می‌داند با اعتصاب غذا، خود را به پای مرگ می‌کشانند با دیگری که از عواقب کارش بی‌خبر است فرق می‌کند، اگر فرق دارد وظیفه طبیب را در مورد او هم بیان فرمایید؟

ه-) اگر پزشک را مجبور به تغذیه اجباری نسبت به اعتصاب‌کننده غذا بنمایند نه به جهت حفظ جان اعتصاب‌کننده بلکه برای اقرار گرفتن از وی نسبت به امری، پزشک چه تکلیفی در این صورت دارد؟

جواب: الف) این کار برای پزشک و سایر مسلمانان در موارد وجوب، واجب است.

ب) حدّ اقل لازم در موارد احساس خطر برای اعتصاب کننده غذا جایز است.

ج) در موارد وجوب دیه ندارد.

د) برای طیب تفاوتی ندارد.

ه) هرگاه جان بیمار در خطر نباشد طیب نمی‌تواند او را مجبور به غذا خوردن کند مگر در مواردی که مصالح مهمّ کشور و جامعه اسلامی در میان باشد.

سؤال ۱۵۵۵- اگر دو مصدوم را برای پزشکی جهت معالجه بیاورند که هر دو نفر در شرایط خطر جانی قرار دارند، در صورتی که یکی از آن دو مصدوم عضو خانواده‌ای باشد که این پزشک، طیب خانوادگی آنان می‌باشد و اقدام پزشک برای معالجه هر یک از آن دو مستلزم رها ساختن مصدوم دیگر می‌باشد که در نتیجه آن مصدوم دیگر خواهد مرد، بفرمایید در اینجا وظیفه طیب پرداختن به معالجه کدام یک از این دو مصدوم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۵

الف) با توجه به این که طیب هیچ‌گونه تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده مصدومی که وی پزشک آنان است نداده باشد؟

ب) در صورتی که تعهّد شرعی نسبت به معالجه اعضای خانواده یکی از آن دو داشته باشد حکم چگونه است؟

ج) در صورتی که مصدوم و مجروحی که وی پزشک خانوادگی آنان می‌باشد حالش بسیار سخت ولی احتمال خطر مرگ برای وی کمتر است تا مصدوم دیگر، در این صورت وظیفه طیب چیست؟

جواب: در صورت اول و دوم با توجه به این که هر دو بیمار در شرایط مساوی قرار دارند طیب مخیر است ولی اگر تعهّد شرعی نسبت به یکی از آنها دارد او را مقدم دارد و در صورت سوم باید آن را که خطرش بیشتر است مقدم دارد.

سؤال ۱۵۵۶- اگر بیماری به پزشک مراجعه نماید و پزشک هم در معاینات وی به سرّی از اسرار بیمار مطلع شود که در صورت کتمان نمودن، نفع بیمار و کسان وی در آن لحاظ می‌گردد و بیمار هم خواهان پنهان ماندن آن عیب و بیماری باشد، ولی اگر طیب به اطلاع مسئولین مملکتی و حکومتی برساند نفع و مصلحت جامعه در آن وجود دارد اینجا طیب چه تکلیفی دارد؟

جواب: تنها در موردی که مصالح جامعه به خطر می‌افتد لازم است آن را فاش کند و به مسئولین مربوطه اطلاع دهد.

سؤال ۱۵۵۷- شخصی سرطان دارد و طیب می‌داند هرگونه اقدام در جهت معالجه او بی‌فایده است و اگر به بیمار و کسان وی اطلاع دهد گرچه ضربه روحی و صدمات روانی به آنان وارد می‌شود اما از صرف هزینه فراوانی برای معالجه جلوگیری می‌شود و طیب هم مورد شکایت نسبت به کتمان بیماری قرار نمی‌گیرد و اگر اطلاع ندهد اموال فراوانی خرج معالجه می‌شود که بی‌فایده خواهد بود و طیب هم مورد اعتراض واقع می‌شود، بفرمایید با توجه به اصراری که بیمار و کسانش در مورد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۶

دانستن واقعیت دارند تکلیف طیب چیست؟

جواب: با توجه به این که ضربه‌های روحی از یکسو و هزینه‌های درمان از سوی دیگر کاملاً متفاوت است طیب باید آن طرف را اختیار کند که صدماتش کمتر است.

سؤال ۱۵۵۸- جوانی جهت ازدواج برای آزمایش به پزشک مراجعه می‌کند که پزشک وی را دچار بیماری مسری می‌یابد و یا متوجه می‌شود که او معتاد است و در اینجا اگر پزشک واقعیت را برای دیگران که منتظر نتیجه آزمایش می‌باشند بگوید، پرده از روی راز پنهان بیمار برداشته که قطعاً طیب می‌داند برای بیمار تبعات بدی به دنبال خواهد داشت و اگر نگوید همسر آینده وی دچار بیماری مسری می‌شود و گرفتاریهایی پیدا می‌نماید و برای طیب هم ممکن است دچار درد سر بشود بفرمایید تکلیف طیب

چیست؟

جواب: با توجه به اینکه اینگونه آزمایشها نوعی مشورت با طیب است کتمان کردن واقعیت، خیانت در مشورت محسوب می‌شود و باید واقعیت را بگوید.

سؤال ۱۵۵۹- مبلغی پول در اختیار است که آن را می‌توان یا صرف مداوای یک بیمار قلبی نمود و یا صرف ده بیمار دیگر که به امراض دیگری مبتلا هستند، حال اگر بیمار قلبی را مداوا نماییم خواهد مرد و اگر مداوای بیماران دیگر را رها سازیم دچار رنجهای شدید و موجب پیشرفته‌تر شدن بیماری آنان می‌گردد و راهی هم برای مداوای هیچ‌یک از بیماران فوق جز از طریق خرج کردن این مبلغ پول وجود ندارد، در این صورت تکلیف طیب انتخاب کدام طرف می‌باشد؟

جواب: هرگاه بیماری آن یک نفر خطر جانی دارد و بیماری آن ده نفر خطرناک نیست، باید اولی را مقدم داشت.

سؤال ۱۵۶۰- اگر پزشکی خطرناک بودن بیماری بیمار و ناامید بودنش را از حیات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۷

بیمار، به وی بگوید اسباب نگرانی شدید روحی بیمار و کسان وی را فراهم می‌نماید. ولی از طرف دیگر برای گرفتن اذن از بیمار و کسان وی در صورت نیاز به عمل جراحی گفتن آن لازم است و چه بسا موجب می‌شود بیمار وصیت نماید و یا امانات مردم را به آنان رد نماید و کسب حلیت کند و همچنین پزشک هم مورد اعتراض بعدی بازماندگان بیمار نسبت به عدم اخبار به آنان در مورد خطرناک بودن بیماری قرار نمی‌گیرد و چنانچه خطرناک بودن بیماری را اطلاع ندهد، صدمه روحی و فکری به بیمار وارد نمی‌شود- هر چند تأثیر هم در جهت بهبودی مریض ندارد- ولی از طرف دیگر ممکن است به خاطر وصیت نکردن، حقوق افرادی از بین برود و پزشک هم مورد اعتراض گروهی از جهت عدم اطلاع واقع می‌گردد، بفرمایید اگر راه منحصر به گفتن صریح خطرناک بودن بیماری و یا نگفتن باشد، طیب چه باید بکند؟

جواب: معمولاً راه سومی در این گونه موارد وجود دارد که با عبارات مناسبی از مریض و کسان او اجازه می‌گیرند و می‌توان مطلب را برای بعضی از کسان او که روحیه بهتری دارند بیان کرد، بنابراین ضرورتی که همه چیز را بخواهد با صراحت بگوید نیست.

سؤال ۱۵۶۱- انتخاب اولویت در رسیدگی به چند بیمار که همگی به اقدامات اورژانس نیاز دارند بر چه اساسی است؟ آیا تنها معیار، رسیدگی به حال بیمار بدحال‌تر است یا این که شخصیت حقوقی و حقیقی افراد باعث تفوق یک نفر بر دیگری می‌شود. مثلاً رسیدگی به جان یک پزشک یا مهندس تحصیل کرده که برای جامعه مفیدتر است با یک کارگر ساده یکسان است؟ یا مثلاً رسیدگی به یک فرد معتاد به هروئین که تصادف کرده با یک فرد مؤثر در جامعه یکسان است؟

جواب: اگر حال یکی خطرناک‌تر است اولویت دارد و هرگاه از نظر وضع پزشکی در شرایط مساوی باشند رعایت اولویتهای اجتماعی و اخلاقی بهتر است.

سؤال ۱۵۶۲- آزمایش و پژوهش روی افراد چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان از انسانها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۸

برای آزمایش داروها استفاده کرد؟ برای مثال معمول است که در آزمایش داروها از گروه شاهد (گروه سالم) استفاده می‌کنند و برخی می‌گویند: اگر اثر داروی مورد مطالعه مشخص نباشد می‌توان گروه شاهد را انتخاب کرد ولی در مواردی که اثر درمانی داروی مورد مطالعه حتمی است و یا عدم تجویز آن سبب خطراتی می‌شود تعیین گروه شاهد صحیح نیست نظر شما چیست؟ مثال دیگر: آیا از نظر اخلاقی تجویز دارونما اشکالی ندارد؟ برخی می‌گویند استفاده از داروی کاملاً بی‌اثر (Placebo) اشکال دارد و در مقایسه یک دارو، باید آن را با داروی قدیمی مقایسه کرد ولی اگر داروی قدیمی موجود نباشد می‌توان از دارونما استفاده کرد. البته دارونمای کاملاً بی‌اثر «مثل تزریق مایع نمکی داخل رگ به جای دارو» باید با اطلاع و موافقت بیمار باشد. آیا بیماران چنین

مسئله‌ای را می‌پذیرند؟ بیماری که به بیمارستان مراجعه می‌کند برای درمان است نه برای آزمایش و پیدا شدن افراد داوطلب که بیمار هم باشند مشکل است پس راه حل چیست، آیا می‌توان بدون اطلاع بیمار به او دارونما داد؟ مثال دیگر: آیا استفاده از کفّار، اسرا و محکومین به مرگ، برای آزمایش و پژوهش مجاز است؟ این روش را هیتلر روی یهودیها و آمریکاییها روی سیاه‌پوستان انجام می‌دادند.

جواب: استفاده از داروهایی که خطر مرگ یا بیماریهای مختلف دارد جایز نیست، مخصوصاً با عدم اطلاع طرف استفاده از داروهای بی‌اثر اگر جنبه درمانی و لو از طریق تلقین داشته باشد، در فرض نبودن داروهای واقعی مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶۳- نظر شما در مورد عمل جراحی زیباسازی که بعضی انجام می‌دهند چیست؟ قابل توجه این که این عملیات گاهی برای از بین بردن زشتی مادرزادی است و گاهی برای از بین بردن زشتی است که مادرزادی نیست مثل زخمها و جراحاتی که بعداً عارض می‌شود و گاهی اصلاً برای از بین بردن زشتی نیست، بلکه برای زیباتر شدن است؟

جواب: در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشد در هیچ صورت اشکال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۷۹

ندارد و در صورتی که مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس نامحرم) تنها در صورت ضرورت، جایز است.

سؤال ۱۵۶۴- شخصی از یک بیماری سخت مانند سرطان رنج می‌برد و پزشکان هم از معالجه وی ناامید شده‌اند، حال اگر پزشکی از روی ترحم و دلسوزی از معالجه وی که منجر به ادامه زندگی شخص بیمار در مدت کوتاهی می‌شود خودداری نماید و بیمار زودتر بمیرد، آیا از نظر فقهی و شرعی چنین کاری جرم است یا نه؟ لطفاً به طور اجمال به دلیل آن را اشاره کنید.

جواب: قتل انسان مطلقاً جایز نیست حتی از روی ترحم و حتی با اجازه خود مریض و ترک معالجه منجر به مرگ نیز جایز نیست. دلیل اصلی این مسئله اطلاقات ادله حرمت قتل از آیات و روایات است و همچنین ادله وجوب حفظ نفس و فلسفه آن ممکن است این باشد که چنین اجازه‌ای سبب سوء استفاده‌های فراوان می‌شود و به بهانه‌های واهی قتل از روی ترحم صورت می‌گیرد یا افرادی به قصد انتحار و خودکشی از این راه وارد می‌گردند، به علاوه مسائل پزشکی غالباً یقین‌آور نیست و ای بسا افرادی که از حیات آنها مأیوس بوده‌اند و به طور عجیبی از مرگ رهایی یافته‌اند.

سؤال ۱۵۶۵- آیا کسی می‌تواند به دیگری اجازه قتل خودش را بدهد؟ آیا قاتل ضامن است؟ اعم از این که مانند مریض در حال مرگ باشد که به پزشک اذن تزریق آمپول مرگ آور می‌دهد یا شخص دیگر؟

جواب: اجازه چنین چیزی جایز نیست و اگر اجازه بدهد و راضی باشد سبب جواز نمی‌شود.

سؤال ۱۵۶۶- بیماران مرگ مغزی در علم پزشکی اشخاصی هستند که دچار توقف تمامی فعالیت‌های شناخته شده مغزی شده‌اند و لکن قلب و بعضی از ارگانهای دیگر بدن به کار خود ادامه می‌دهند، تنفس در این بیماران متوقف شده و با استفاده از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۰

دستگاه تنفس دهنده (اسپراتور) می‌توان تنفس را برقرار کرد. تمامی اینگونه بیماران در فواصل زمانی چند ساعت یا بیشتر نهایتاً دچار ایست قلبی و مرگ خواهند شد، آیا می‌توان با توجه به فروض ذیل اینگونه بیماران را از دستگاه تنفس دهنده جدا نمود:

الف) هزینه سنگین دستگاه‌های تنفس دهنده.

ب) استهلاک این دستگاه‌ها به صورتی که در موارد ضروری‌تر کارآیی کافی را نخواهند داشت.

ج) تحمل اضطراب و انتظار طولانی خانواده بیمار در حالی که بیمار آنها بهبود نخواهد یافت.

د) وجود بیماری که شانس بهبودی بیشتری داشته باشد و همزمان محدودیت در تعداد دستگاه‌های تنفس دهنده وجود داشته باشد.

جواب: در فرض مسئله اگر به امور مزبور یقین حاصل شود در تمام موارد ادامه معالجه واجب نیست.

سؤال ۱۵۶۷- معاینه مرد توسط پزشک زن در صورتی که پزشک مرد در دسترس نباشد و یا اینکه باشد چه حکمی دارد؟
جواب: جز در موارد ضرورت و عدم دسترسی به جنس موافق جایز نیست.

سؤال ۱۵۶۸- مشاهده می‌شود که برخی از دانشجویان و اساتید پزشکی از امکانات دولتی و بیت المال، مثلاً فرمهای بیمارستانی و کاغذهای مکاتبه‌ای استفاده شخصی می‌کنند در حالی که هزینه این وسایل یا از بیت المال تأمین می‌شود یا به هزینه بیماران اضافه شده و از آنها اخذ می‌گردد، آیا این کار جایز است؟

جواب: جایز نیست، مگر به اجازه مسئولان بیمارستان با در نظر گرفتن مصالح مجموعه.

سؤال ۱۵۶۹- خانمی نمی‌دانسته که گذاشتن دستگاه درون رحم مستلزم نظر و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۱

لمس حرام است و این کار را انجام داده لکن حالا- فهمیده است، آیا باید آن را بیرون بیاورد؟ با توجه به اینکه اگر آن را خارج نکند مجبور است هر چند وقت یک بار برای معاینه نزد دکتر برود این مستلزم نظر و لمس حرام است.

جواب: مادامی که بیرون آوردن آن لازم نباشد می‌تواند آن را به حال خود باقی بگذارد و بعد به عنوان ضرورت آن را خارج نماید.

سؤال ۱۵۷۰- آیا محافظت از بچه در رحم واجب است یعنی مادر باید تمام شرایط لازم جهت حفظ و سلامتی بچه را فراهم کند؟
جواب: تا آنجا که مایه عسر و حرج نشود لازم است.

سؤال ۱۵۷۱- آیا توصیه پزشک و پرستار مبنی بر ضرر داشتن روزه و یا حرکت اعضا و استعمال آب برای وضو و نماز به بیمار از نظر شرعی مجوز محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه در مخالفت دستور او خوف ضرر باشد مجوز شرعی دارد.

سؤال ۱۵۷۲- در صورتی که در یک شهر هم پزشک زن باشد و هم پزشک مرد، مراجعه بیمار زن:

الف) در صورت تساوی علمی و مهارت تخصصی دو پزشک (زن و مرد) به متخصص مرد چه حکمی دارد؟

ب) در صورتی که احتمال برود متخصص مرد عالم‌تر است چه حکمی دارد؟

جواب: الف) اگر احتیاج به معاینه بدنی و نظر و لمس داشته باشد باید به پزشک زن رجوع کند. ب) اگر احتمال قوی به تفاوت آن دو بدهد و این تفاوت در درمان او یا رفع خطرات مؤثر باشد می‌تواند پزشک مرد را مقدم بدارد.

سؤال ۱۵۷۳- در بیمارستانها و مراکز آموزشی پزشکی، دانشجویان جهت آموزش مبادرت به معاینه نواحی مختلف بدن شکم، سینه، لگن، نواحی تناسلی و بیمار غیر همجنس می‌نمایند. با توجه به اینکه این امر یک موضوع آموزشی است که در برنامه تربیت پزشکان قرار دارد چه حکمی دارد؟ و نظر مبارک در مورد حدود آن چیست؟

جواب: تنها در صورتی جایز است که این آموزش برای غیر همجنس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۲

ضرورتی داشته باشد یعنی بدون آن تعلیمات کافی برای نجات جان بیماران از خطر یا از بیماری میسر نشود.

سؤال ۱۵۷۴- در بیمارستانها و مراکز آموزشی پزشکی، دانشجویان پسر و دختر جهت یادگیری و آموزش مبادرت به انجام زایمان، کورتاژ و ... می‌نمایند، نظر مبارک در این خصوص چیست؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۵۷۵- گرفتن نبض و فشار خون و عمل کردن سایر دستورات پزشک توسط پرستار جنس مخالف بیمار چه حکمی دارد؟
جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۵۷۶- آیا اظهارات مسئولین بیمارستانها مبنی بر کمبود پرسنل جهت جداسازی پرستاران، ضرورت انجام امور بیماران توسط

پرستاران مخالف جنس بیمار را فراهم می‌نمایند؟

جواب: در صورتی که مورد اعتماد باشند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۷۷- درباره مرگ مغزی بارها سؤال کرده‌ایم و جواب فرموده‌اید اجازه دهید آن را بصورت کلی‌تر مطرح کنیم، در مورد مرگ مغزی که مغز از کار افتاده و تنها دستگاه‌های حیات نباتی کار می‌کند و هیچ امیدی به بازگشت چنین کسی به حیات حیوانی و انسانی نیست احکام مختلفی در زمینه مسائل گوناگون حقوقی و مالی و پزشکی تصور می‌شود لطفاً شرح جامعی درباره تمام این مسائل هر چند بصورت فشرده بیان فرمایید؟

جواب: با توجه به این که پزشکان تصریح می‌کنند اینگونه افراد مانند شخصی هستند که مغز او بکلی متلاشی شده و یا سر او را از تن جدا کرده‌اند که با وسایل تنفس مصنوعی و تغذیه ممکن است تا مدتی به حیات نباتی او ادامه داد، یک انسان زنده محسوب نمی‌شوند در عین حال یک انسان کاملاً مرده هم نیستند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۳

بنابراین در احکام مربوط به حیات و مرگ باید تفصیل داده شود مثلاً احکام مس میت، غسل و نماز میت و کفن و دفن درباره آنها جاری نیست تا قلب از کار بیفتد و بدن سرد شود اموال آنها را نمی‌توان در میان ورثه تقسیم کرد و همسر آنها عده وفات نگه نمی‌دارند تا این مقدار حیات آنان نیز پایان پذیرد ولی وکلای آنها از وکالت ساقط می‌شوند و حق خرید و فروش یا ازدواج برای آنها یا طلاق همسر از طرف آنان را ندارند و ادامه معالجات در مورد آنها واجب نیست و برداشتن بعضی از اعضا از بدن آنها در صورتی که حفظ جان مسلمانی متوقف بر آن باشد مانعی ندارد، ولی باید توجه داشت که اینها همه در صورتی است که مرگ مغزی به طور کامل و بصورت قطعی ثابت گردد و احتمال بازگشت مطلقاً وجود نداشته باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۵

فصل چهل و هفتم: مسائل متفرقه

سؤال ۱۵۷۸- آیا حق الماره مشروع است؟

جواب: آری، جایز است برای مسافر هنگام عبور از کنار باغها از میوه آن به مقدار حاجت بخورد، به شرط آن که به قصد این کار حرکت نکرده باشد و چیزی با خود حمل نکند و موجب افساد نگردد و احتیاط آن است که در صورت یقین به عدم رضایت مالک خودداری کند.

سؤال ۱۵۷۹- نظر شما در مورد تفسیر علی بن ابراهیم چیست؟

جواب: خود علی بن ابراهیم از افراد ثقه است، اما رجالی که در سلسله سند تفسیر او آمده‌اند باید هر کدام مستقلاً مورد بحث قرار گیرند، زیرا در این تفسیر روایات متعدّد از افراد مختلفی، نقل شده است.

سؤال ۱۵۸۰- نظر شما در مورد محمّد بن سنان چیست؟

جواب: محمّد بن سنان در بین علمای رجال محل اختلاف است مدارکی بر مدح و ذم او در دست است، بنابراین قناعت کردن به روایات او به تنهایی مشکل است.

سؤال ۱۵۸۱- نظر حضرت عالی در مورد معاویه ثانی چیست؟

جواب: معروف و مشهور در بین افراد موثق و در بعضی زیارات، این است که همه بنی امیه مطرودند، هر چند درباره شیعه بودن معاویه بن یزید روایاتی در منابع معروف نقل شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۶

سؤال ۱۵۸۲- چرا در بعضی از زیارت‌هایی که میان مردم معمول است به حضرت مهدی (عج) شریک القرآن گفته شده است؟
جواب: این تعبیر اشاره به حدیث معروف ثقلین است که در میان شیعه و اهل سنت متواتر است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: من از میان شما می‌روم و دو چیز گرانبه به یادگار می‌گذارم که اگر دست به دامن آنها بزنید هرگز گمراه نخواهید شد کتاب خدا و عترتم.

سؤال ۱۵۸۳- چرا بعضی محل دفن امام هشتم (علیه السلام) را قبله هفتم نامیده‌اند؟

جواب: نظر به این که هفت مدفن برای معصومین (علیهم السلام) وجود دارد:

(۱- مدینه محل دفن پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۲- قبرستان بقیع ۳- نجف ۴- کربلا ۵- کاظمین ۶- سامرا ۷- مشهد) لذا مدفن امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) را بعضی از مردم قبله هفتم نامیده‌اند. البته منظور از قبله در اینجا قبله نماز نیست بلکه قبله به معنای چیزی است که انسان به آن توجه می‌کند.

سؤال ۱۵۸۴- آیا تنبیه بدنی دانش‌آموزان از سوی معلمان جایز است؟

جواب: زدن دانش‌آموزان جایز نیست، مگر این که این امر به خاطر تربیت آنها لازم باشد و با اجازه ولی باشد و با توجه به این که در شرایط فعلی آثار منفی آن بیشتر می‌باشد، لازم است حتی الامکان از این کار پرهیز شود.

سؤال ۱۵۸۵- معنای قیام با سیف (شمشیر) که در روایات مربوط به قیام حضرت مهدی (عج) وارد شده است، چیست؟

جواب: قیام با سیف ممکن است اشاره به استفاده از نیروی نظامی و قدرت بوده باشد، زیرا سیف معمولاً کنایه از قدرت و قلم کنایه از علم است، ولی این احتمال نیز وجود دارد که سلاحهای گرم در آن زمان از کار بیفتند و تنها جنگها با سلاح سرد صورت گیرد، زیرا سلاحهای گرم مخصوصاً سلاحهای سنگین و موشکها و بمبها غالباً بی‌گناه و با گناه را از بین می‌برد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۷

سؤال ۱۵۸۶- ماهیت استخدام دولتی چیست؟ با توجه به این که حقوق کارمند با گذشت زمان تغییر می‌یابد و دولت اعتباراتی را در تعیین زمان بازنشستگی او دارد.

جواب: استخدام دولتی ظاهراً داخل عقد اجاره است و تغییراتی که در جهت سالهای خدمت و ساعات کار و جدول حقوقی پیدا می‌شود، مشکلی در این عقد اجاره ایجاد نمی‌کند و می‌توان آنها را از دو راه تصحیح کرد:

الف) از طریق وکالت، به این معنا که کارمند از آغاز، خود را به عنوان سی سال با حقوق فعلی و ساعات کار مشخص در خدمت دولت قرار می‌دهد و عقد اجاره (به صورت انشای لفظی و یا معاطات) انجام می‌گیرد، سپس وکالت مطلقه‌ای به دولت می‌دهد که اگر خواست در ۲۵ سالگی یا کمتر یا بیشتر این قرارداد اجاره را فسخ کند و نیز وکالت می‌دهد که ساعات کار و حتی مقدار حقوق و مزایا را طبق جدولهای عادلانه‌ای که خودش تنظیم می‌کند تغییر دهد و در حقیقت اجاره جدیدی را بر اساس حقوق و مزایای فعلی ترتیب دهد بنابراین در قرارداد ابتدایی باید این مسائل قید شود که «کارمند» چنین وکالتی را در چهارچوبه ضوابط هر زمان به دولت داده است و این مسائل هنگام استخدام باید تفهیم شود و از آنجا که دولت شخصیت حقوقی دارد، همان گونه که می‌تواند مالک بشود، می‌تواند طرف وکالت نیز واقع شود.

ب) این تغییرات را از طریق شرط ضمن عقد نیز می‌توان تصحیح کرد، به این معنا که در قرارداد نخستین، شرط می‌شود که دولت در هر زمانی بخواهد، می‌تواند این قرارداد را (مثلاً طبق ضوابطی که در مجلس شورای اسلامی یا هیأت دولت تصویب می‌شود) فسخ کند و کارمند را بازنشست کند و یا این که کارمند شرط می‌کند که باید مبلغی اضافه بر آنچه در قرارداد آمده طبق جدولهایی که دولت یا مجلس تصویب می‌کند به او بپردازد.

درست است که این شرط دارای ابهام است ولی ابهام آن در حدی نیست که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۸

اهل عرف بر آن اقدام نکنند و ما بیش از این در باب شروط ضمن عقد دلیل نداریم.

سؤال ۱۵۸۷- ماهیت بازنشستگی و حقوق مترتب بر آن چیست؟

جواب: مسأله بازنشستگی را نیز می‌توان از دو طریق حل کرد:

الف) این که آن را به عنوان یک عقد جدید از عقود مستحدثه که تابع عقد قرارداد خواهد بود منعقد کنند که باید شرایط عمومی عقود را داشته باشد، یعنی طرفین عقد معین، عاقل، بالغ و بوده باشند و ابهاماتی که در گوشه و کنار عقد بازنشستگی است نظر به این که جنبه سفهی به این عقد نمی‌دهد بلکه جنبه عقلایی آن محفوظ است ضرری به صحت این عقد نمی‌زند و در واقع این عقد و قرارداد، شبیه عقد و قرارداد بیمه است که به عنوان یک عقد مستقل قابل قبول است و مشمول آیه شریفه (أَوْفُوا بِالْعُقُودِ) می‌باشد و ابهاماتی که از نظر مقدار وجه پرداختی یا مانند آن وجود دارد ضرری به آن نمی‌زند و همچنین مسأله ربا، نه در عقد بیمه جاری است و نه در عقد بازنشستگی.

ب) این مسأله با تمام ویژگیها و مقرراتش به صورت شرط ضمن العقد در قرارداد استخدام اخذ می‌شود و ابهاماتی که در آن وجود دارد مانع از صحت آن نیست همان گونه که در بالا نیز اشاره شد.

سؤال ۱۵۸۸- حضرت آدم (علیه السلام) در کدام بهشت بوده است؟ و چگونه ممکن است کسی از بهشت بیرون رانده شود؟

جواب: آنچه در داستان آدم (علیه السلام) آمده است، مربوط به بهشت دنیا است و خلود و جاودانگی مربوط به بهشت آخرت است.

سؤال ۱۵۸۹- آیا مصادره اموال فراریان جایز است؟ و آیا صرف فرار به خارج، مجوز مصادره می‌شود؟

جواب: مصادره اموال باید تحت یکی از عناوین فقهی صورت گیرد و تنها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۸۹

مسافرت یا فرار مالک به خارج دلیل بر مصادره نمی‌شود، بلکه باید مثلاً- از طریق شرعی ثابت شود که همه اموال او از طریق نامشروع به دست آمده و مجهول المالك است.

سؤال ۱۵۹۰- وظیفه مسلمانان در مقابل کسانی که به نواب اربعه امام زمان (عج) و علمای شیعه توهین می‌کنند چیست؟

جواب: کسانی که به نواب اربعه امام زمان (عج) نعوذ بالله- جسارت کنند و یا نسبت به فقها و علمای بزرگ شیعه اهانت روا دارند، مسلماً از طریقه شیعه منحرفند و از ما نیستند. چنانچه با نصیحت و ارشاد بتوان آنها را هدایت کرد باید اقدام به نصیحت و ارشاد نمود و در غیر این صورت باید از آنها اجتناب کرد و جوانان شیعه باید مراقب باشند که دستهای تفرقه‌افکنان میان آنها تفرقه نیندازند و در مقابل دشمنان اسلام متحد و متفق باشند و اعتقادات اصیل مکتب اهل بیت علیهم السلام را از علمای شناخته شده و کتابهای معتبر فراگیرند، تا وسوسه‌های منحرفان در آنها اثر نکند.

سؤال ۱۵۹۱- آیا اخذ شهریه برای طلبی که به کار دیگری اشتغال دارند جایز است؟ تکلیف شهریه‌هایی که تاکنون گرفته شده است، چیست؟

جواب: هرگاه دهندگان شهریه، آن را مشروط به ادامه تحصیلات حوزوی کرده باشند باید بازگرداند و اگر مشروط به شرطی نبوده، ضامن نیستند و در صورت شک باید از آنها سؤال کنید.

سؤال ۱۵۹۲- آیا مراعات نوبت در اموری که طبق نوبت به کار افراد رسیدگی می‌شود، یک حق عقلایی و شرعی است و تخلف از آن حرام است؟

جواب: در حال حاضر که بسیاری از کارها در اجتماع به صورت صف و قرار گرفتن در نوبت انجام می‌شود این امر، یک حق عقلایی محسوب می‌گردد، یا به تعبیر دیگر از بین بردن آن نوعی ظلم به حساب می‌آید و مشمول ادله حرمت ظلم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۰

و تعدی بر حقوق مردم است (می‌دانیم در همه جا احکام از شرع گرفته می‌شود و موضوعات از عرف، جز در موضوعات مخترعه) آری در مواردی که در عرف عقلاً استثنا می‌شود، مثل یک بیمار اورژانسی در مطب دکتر و مانند آن، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۹۳- در چه روزهایی از هفته نباید به عیادت مریض رفت؟

جواب: در روایات آمده است که همه روز به عیادت مریض نروید بلکه یک روز در میان باشد و اگر بیماری طولانی شود، عیادت پی‌درپی لزومی ندارد (مگر آن مقدار که باعث شادی بیمار یا پیشرفت بهبودی او گردد) و درباره تفاوت ایام هفته در مسأله عیادت، روایت معتبری نیافتیم.

سؤال ۱۵۹۴- این جانب در رشته ریاضی دانشگاه اصفهان مشغول تحصیل هستم ولی به علت علاقه شدید به دروس حوزوی از خواندن دروس خود بازمی‌مانم، تکلیف شرعی من در اینجا چیست؟

جواب: بهتر این است که با عزم راسخ و اراده قوی، دروس دانشگاهی را تمام کنید، بعد می‌توانید با بصیرت بیشتری دروس حوزوی را شروع کنید.

سؤال ۱۵۹۵- تقسیمات ابواب فقهی بر چه مبنایی است؟ اگر مبنای تقسیم‌بندی، مسائلی از قبیل عبادات، حقوق قضایی جزایی، اجتماعی، خانوادگی، فردی باشد چگونه است؟ گروهی مبنای تقسیمات را مثلاً قصد تقرّب و عدم آن می‌دانند و گروهی لفظی و غیر لفظی می‌دانند. در هر صورت آیا می‌توان تقسیمی جامع ارائه داد که بابهای هم سنخ در یک مقوله قرار گیرند؟

جواب: معروف در میان فقها این است که ابواب فقه را به سه الی چهار بخش تقسیم می‌کنند:

الف) عبادات به معنای اخص، ب) معاملات به معنای اعم، ج) عقود و ایقاعات (معاملات به معنای اخص)، د) سیاسات و مرحوم محقق در شرایع آن را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۱

به چهار باب تقسیم کرده: عبادات (ده کتاب)، عقود (پانزده کتاب)، ایقاعات (یازده کتاب)، احکام (دوازده کتاب).

سؤال ۱۵۹۶- آیا حضرت عالی عکسی را که به عنوان تمثال حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در بازار موجود است و حضرت را به صورت جوان کم سن کم سن و سالی نشان می‌دهد، تأیید می‌فرمایید؟

جواب: هیچ دلیل معتبری بر تأیید این عکس و سایر عکسهای منتشر شده در دست نیست.

سؤال ۱۵۹۷- گروهی از متصوّفه به نام اهل حق در استان کرمانشاه و برخی از استانهای دیگر ایران زندگی می‌کنند که دارای عقاید زیر می‌باشند: ۱- یگانگی ذات لایزال خداوند متعال ۲- نبوت پیامبران پیشین ۳- رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) ۴-

معاد و بهشت و جهنم ۵- امامت دوازده امام معصوم (علیهم السلام) از حضرت علی (علیه السلام) تا حضرت مهدی غائب (عج)، همه فرقه‌های متعدّد آنها و سرانشان علاوه بر این که در کلیه اظهارات شفاهی و مذاکرات حضوری، صریحاً اعتراف به شهادتین و عقاید فوق نموده‌اند، تعدادی از آنها کتباً هم اعتراف نموده‌اند که دستخط آنها به پیوست تقدیم می‌گردد. اما در عین حال دارای

انحرافات عقیدتی و عملی از قبیل موارد زیر می‌باشند:

الف) خداوند در بعضی مقاطع تاریخ در برخی اولیا و انسانها، مانند حضرت علی (علیه السلام) و سلطان اسحاق، ظهور و حلول می‌کند و به هدایت مردم می‌پردازد. البتّه آنها گاهی در تعابیر کتب خویش نوشته‌اند علی مظهر خداست و گاهی می‌گویند علی

ذات خداست و ما گرچه از واقع عقیده آنها خبر نداریم اما وقتی از آنها می‌پرسیم نظر شما واقعاً چیست؟ می‌گویند: اصلاً عاقلانه نیست که کسی یک انسان مادی محدود را ذات خدای خالق عالم بداند، خدا لعنت کند کسی که علی را واقعاً ذات خدا بداند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۲

ب) اعتقاد به تناسخ، یعنی ارواح همه انسانها پس از مرگ وارد بدن انسانهای بعدی می‌شوند تا پاداش یا کیفر زندگی قبلی خویش را ببینند، اما پس از هزار و یک مرتبه حلول، شخص وارد جهان ابدی و معاد خواهد شد.

ج) بسیاری از آنها نماز نمی‌خوانند و روزه نمی‌گیرند و به عموم تکالیف اسلامی بی‌اعتنا هستند، زیرا معتقدند تمام احکام شریعت و تکالیف اسلامی قالبهایی هستند که اسرار و روح و باطنی را دارا می‌باشند، مثلاً نماز ظاهرش حرکات و سکونات و اذکار است، اما باطنش ذکر الله و توجه قلبی به خداست و باطن شریعت که طریقت نامیده می‌شود از ظاهرش مهم‌تر و ارزشمندتر است بنابراین اگر کسی خود را به بواطن احکام شریعت ملتزم بداند لازم نیست احکام ظاهری را کاملاً انجام دهد.

لطفاً بفرمایید: آیا عقاید فاسد و جاهلانه فوق الذکر، موجب کفر و خروج آنها از اسلام می‌شود؟ یا این که اعتقاد آنها به ارکان عقیدتی اسلامی مذکور در اول سؤال، برای مسلمان بودن آنها کافی است، گرچه مسلمانان منحرفی هستند که باید هدایت گردند؟
جواب: معتقدان به عقاید فوق بر حسب ظاهر در زمره مسلمانند هر چند انحرافات مهمی دارند و منکر بخشهای زیادی از ضروریات دینند امّا چون به ضروری بودن آنها توجه ندارند و انکار اینها مستلزم انکار توحید، نبوت و رسالت نیست حکم کفر بر آنها بار نمی‌شود و جان و مال و عرضشان محفوظ است ولی با توجه به انحرافات شدید آنها از موازین اسلامی، باید کار فرهنگی فراوانی روی آنها صورت گیرد، و الله العالم.

سؤال ۱۵۹۸- در بعضی شهرها مجالس مردانه و زنانه به عنوان ختم سوره انعام برقرار می‌گردد در این رابطه جزواتی نیز منتشر شده در وسط آیه‌های مبارکه، اذکاری نیز وارد شده است و همچنین یازده مرثیه؛ نظر مبارک خود را در این مورد مرقوم فرمایید.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۳

جواب: درباره ختم انعام به صورتی که معمول است روایت مستندی نیافتیم هر چند در بعضی کتابها، اشاره‌ای به آن دیده می‌شود، ولی جای شک نیست که تلاوت این سوره مبارکه و عمل به آن می‌تواند باعث حلّ مشکلات گردد و شایسته است به هنگام تلاوت سوره مطلقاً چیزی به آن نیفزایند و هنگامی که تلاوت سوره تمام شد به سراغ دعاها و مرثیه‌ها بروند. «۱»

سؤال ۱۵۹۹- فرق واجب و لازم چیست؟

جواب: لازم و واجب معمولاً به یک معناست، ولی گاهی لازم مفهوم وسیعتری دارد و بر غیر احکام تکلیفی نیز اطلاق می‌شود.
سؤال ۱۶۰۰- قاعده اقدام یعنی چه؟

جواب: منظور از قاعده اقدام این است که انسان آگاهانه به ضرر خود اقدام کند، مثلاً جنسی را که می‌داند هزار تومان ارزش ندارد به خاطر ملاحظاتی آن را به این قیمت خریداری کند.

سؤال ۱۶۰۱- منظور از این که می‌گویند حکم، دایره مدار موضوع است، چیست؟ جواب: این که می‌گویند حکم دایره مدار موضوع است مفهومش این است که مثلاً- شراب مادامی که شراب است، نجس و حرام می‌باشد امّا هنگامی که سرکه شد پاک و حلال می‌شود، همچنین سایر احکام شرع، تابع موضوعات آن می‌باشد و با تغییر و تبدیل موضوعات، ممکن است عوض شود.

سؤال ۱۶۰۲- منظور از اماره چیست؟

جواب: منظور از اماره هر دلیل ظنی معتبر است، مانند شهادت شهود عادل و گاه به دلایل قطعی نیز امارات قطعی گفته می‌شود.

سؤال ۱۶۰۳- آیا همکاری رابطه یا کمک به دولت غاصب اسرائیل جایز است؟

(۱). درباره فضیلت ختم سوره انعام، مرحوم مجلسی در بحار الأنوار، جلد ۸۷، صفحه ۳۴۱، حدیث ۵۴، باب اعمال الاسبوع و ادعیتها و صلواتها، روایتی نقل کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۴

جواب: هر چیزی که باعث تقویت اسرائیل غاصب شود، حرام است.

سؤال ۱۶۰۴- آیا رضایت والدین در مورد طلبه شدن و پوشیدن لباس مقدّس روحانیت شرط است؟

جواب: در اینگونه موارد رضایت والدین لازم نیست، اصولاً- اطاعت آنها در جایی لازم است که ترک آن موجب اذیت و آزار گردد و در مسائل سرنوشت‌ساز زندگی انسان (مانند ازدواج و طلاق) نباشد و اما در مورد تحصیل علوم دینی در امثال زمان ما که نیاز مبرم به دانشمندان و علمای لایق دین است و من به الکفایه وجود ندارد، رضایت آنها شرط نیست. در مورد لباس نیز رضایت آنها ضرورت ندارد ولی بهتر است تا می‌توانید در همه کارها رضایت آنها را تحصیل کنید.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۴۹۴

سؤال ۱۶۰۵- آیا بوسیدن دست استاد فقه جایز است؟ اصولاً روایات مربوط به موارد جواز بوسیدن دست و صورت را بیان فرمایید؟
جواب: بوسیدن دست استاد فقه جایز، بلکه مستحب می‌باشد، و در مورد روایات مربوط به بوسیدن دست و صورت به بحار الأنوار، جلد ۷۳، صفحه ۳۷، حدیث ۳۴ تا آخر و وسایل، ابواب العشره، باب ۱۳۳ و مستدرک، ابواب العشره، باب ۱۱۶، مراجعه کنید.

سؤال ۱۶۰۶- تمام حروف تهجی در کدام آیه قرآن جمع است؟

جواب: در آخرین آیه سوره فتح و آیه ۱۵۴ آل عمران.

سؤال ۱۶۰۷- تحصیل علوم دیگر، غیر از علوم دینی، برای طلبه چه صورت دارد؟

جواب: اگر مزاحم تحصیل حوزوی نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۰۸- تقلّب در سر جلسه امتحان، چه طرف دوّم راضی نباشد و چه طرفین راضی باشند. آن هم در مدرسه یا مکانی که توسط بیت المال مسلمین هزینه می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: تقلّب در امتحانات جایز نیست، خواه در اماکن مربوط به بیت المال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۵

باشد یا اماکن دیگر و خواه طرفی که از او می‌گیرد راضی باشد یا نه، ولی تقلّب در انجام تکالیف، زیانش متوجّه خود اوست و در صورتی که در نمره‌های امتحانی تأثیری نداشته باشد، حرام نیست، مگر این که بگوید خودم نوشته‌ام که از باب دروغ حرام می‌شود.

سؤال ۱۶۰۹- نصب آنتن ماهواره برای استفاده از برنامه‌های تلویزیونهای خارجی چه حکمی دارد؟ با توجه به این که:

الف) در اکثر برنامه‌ها، به خصوص فیلمهای سینمایی ترویج فساد و فحشا و پخش اعمال جنسی به صورت عریان یا نیمه عریان مشاهده می‌شود.

ب) برخی یا اکثر برنامه‌ها بر اساس نیت سوء یا مقاصد شوم اجانب، علیه اسلام و مسلمین هدف گذاری شده است و جنبه تهاجم فرهنگی دارد و با مصالح مسلمین هماهنگ نیست.

ج) برخی از برنامه‌ها ناظر به پیشرفت بشری در کلیه زمینه‌هاست و اطلاع از آن مفید به نظر می‌رسد.

جواب: چنانچه نصب این آنتن‌ها موجب اشاعه فساد در سطح جامعه یا در خانواده شود، به یقین حرام است و وجود بعضی از برنامه‌های آموزنده، کافی برای رفع حرمت نمی‌باشد. مسلمانان باید دقت داشته باشند که این مسائل جزئی از تهاجم فرهنگی برای نابود ساختن اخلاق و متزلزل کردن پایه‌های ایمان و در نتیجه سلطه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بر کشورهای اسلامی است، سلطه‌ای که باعث نابودی دین و دنیای آنها، هر دو می‌شود.

سؤال ۱۶۱۰- هنگامی که انسان خواب می‌بیند آیا روح از جسم جدا می‌شود؟ و آیا وقتی شخص دیگر را خواب می‌بیند، روح او با

روح آن شخص ملاقات می‌کند؟

جواب: در موقع خواب، روح جدایی نسبی پیدا می‌کند و در موقع مرگ رابطه آن به کلی قطع می‌شود و با توجه به این که خوابها و رؤیاهای بسیار متفاوت است،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۶

دیدن دیگری را در خواب دلیل بر ملاقات با روح او نیست.

سؤال ۱۶۱۱- قضیه مسجد جمکران از ابتدا در خواب بوده، یا در بیداری اتفاق افتاده و آیا سندش صحیح است؟

جواب: داستان مسجد مقدس جمکران در بیداری بوده و روایت آن در کتب معروف نقل شده است علمای بزرگ اهمیت خاصی برای این مسجد قائل بوده‌اند.

سؤال ۱۶۱۲- آیا این روایت که به وسیله بعضی از گویندگان در میان مردم منتشر شده، درست است یا نه؟ حدیث است یا عبارت عرفا «من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دینه و من علی دینه فانا دینه».

جواب: این حدیث در منابع معروف وجود ندارد.

سؤال ۱۶۱۳- آیا نواب اربعه از سلسله سادات بوده‌اند؟

جواب: از میان این بزرگواران، عثمان بن سعید و محمد بن عثمان از طایفه بنی اسد و حسین بن روح از نوبختی‌هاست و علی بن محمد سمری نیز سیادتش ثابت نیست، بنابراین هیچ کدام ظاهراً از بنی هاشم نبوده‌اند.

سؤال ۱۶۱۴- آیا در بهشت، افراد با هم چنین صحبت‌هایی دارند، مثلاً چگونه از دنیا رفتی، در برزخ به تو چگونه گذشت و یا این که آیا تو با توجه به این که گناهکار بودی آیا به وسیله شفاعت به بهشت راه پیدا کردی یا طریق دیگری؟
جواب: بعید نیست اینگونه سخنان میان آنها رد و بدل شود.

سؤال ۱۶۱۵- در روستایی که ما در آن زندگی می‌کنیم تعدادی سگهای ولگرد هستند که زمینهای کشاورزی را آلوده می‌کنند، آیا از بین بردن آنها گناه دارد؟

جواب: در صورت ایجاد مزاحمت، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۱۶- همان طور که حضرات مراجع می‌فرمایند: اگر کسی به درون خانه دیگری نگاه کند صاحب خانه می‌تواند به آن شخص لطمه بزند، آیا ماشین در بازهم هم همین حکم را دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۷

جواب: ماشین حکم خانه را ندارد این حکم در مورد خانه نیز شرایطی دارد.

سؤال ۱۶۱۷- طلباب علوم دینی که مشغول تحصیل دروس حوزه می‌باشند و دروس جدید (دبیرستان، دانشگاه) را هم تحصیل می‌کنند، آیا می‌توانند از امکانات حوزه علمیه (حجره شهریه) استفاده نمایند؟

جواب: اگر به وظایف طلبگی خود عمل می‌کنند مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۱۸- نظرتان را در مورد کتابهای دکتر علی شریعتی بیان فرمایید؟

جواب: مطالبی را که خوب است، عمل کنید و آنچه بد است، رها کنید و اگر توانایی جدا کردن ندارید از اهل اطلاع بپرسید و یا از کتابهای دیگری که کاملاً شناخته شده است استفاده نمایید.

سؤال ۱۶۱۹- مدارس دولتی که در شهرهای ما هست بعضی از افکار مخالف اهل بیت (علیهم السلام) و نیز بعضی اعتقادات فاسد مثل این که خداوند دیده می‌شود و زیارت قبور اولیا مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) حرام است و غیر اینها

را نیز تدریس می‌کنند، آیا فرستادن بچه‌ها، مخصوصاً دختران به این مدارس با توجه به این که رفتن به مدرسه خطرهای بزرگی دارد از جمله این که به خاطر بی‌سواد بودن آنها، پسران حاضر به ازدواج با آنها نمی‌شوند از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
جواب: فرستادن آنها به مدرسه جایز بلکه گاهی از اوقات لازم است، همان طور که بر اولیای آنها واجب است که به فرزندان مخصوصاً دختران خود عقاید حقّه را تعلیم دهند و اگر برای آنها امکان دارد که مدارس مخصوص خودشان بسازند، این کار بر آنها واجب است.

سؤال ۱۶۲۰- زمینی ملک کسی است که در یک سمت همین قطعه زمین خانه خود مالک بوده، راهی که از شاهراه به خانه خود مالک منتهی می‌شد از میان همین قطعه زمین بود و دیگران هم از این راه استفاده می‌کردند ولی اکنون مالک، خانه خود را در جای دیگری ساخته است، لذا از راه مذکور بی‌نیاز شده است ولی از استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۸

آنجا که جای خانه و راه مذکور ملک خود مالک بوده، لذا اکنون می‌خواهد با انسداد راه مذکور آنجا را به مزرعه خود ملحق کند و لکن دیگران که قبلاً از این راه استفاده می‌کردند می‌گویند که: سه نسل از ما گذشته و تاکنون از این راه استفاده می‌کرده‌ایم لذا نمی‌گذاریم شما این راه را مسدود کنید. البته برای استفاده دیگران از راه مذکور، علاوه بر گذشتن سه نسل در مدّت استفاده، جواز شرعی دیگری (مثل خرید و فروش، هبه، عوض و غیر آن) وجود ندارد و بیان گواهان طرفین هم چنین است که می‌گویند: ما بیش از این نمی‌دانیم که آنها از راه مذکور از سه نسل گذشته تاکنون استفاده می‌کرده‌اند و بس و از جواز شرعی دیگری اطلاع نداریم آیا مسدود کردن این راه توسط مالک جایز است؟

جواب: هرگاه آن راه، اختصاصی باشد و در ملک شخص دیگری باشد، باید از او اجازه گرفت و تنها استفاده دو سه نسل در مقابل سند مالکیت صاحب آن زمین، دلیل بر حق آنها نیست.

سؤال ۱۶۲۱- یک حلقه چاه عمیق یا نیمه عمیق در حدود ۲۰ سال قبل به تقاضای اهالی روستای «نویگان داراب» با مقداری خودیاری مردم به منظور تأمین آب آشامیدنی و رفع احتیاجات ضروری اهالی و مردم محل، توسط نظام گذشته جهت این محل حفر شده است. اکنون به علت ازدیاد جمعیت و نبودن زمین، جهت خانه و مسکن تعدادی از اهالی مذکور به فاصله هشت کیلومتری محل قدیم، روستای جدیدی را احداث نموده‌اند. با توجه به عدم رضایت اهالی روستای قدیم، آیا اهالی محل جدید می‌توانند به وسیله لوله کشی از آب چاه مذکور جهت شرب و غسل و وضو استفاده نمایند؟

جواب: هرگاه با خودیاری مردم بوده و الآن آنها راضی نباشند در سهم آنها جایز نیست، ولی در سهم حکومت که اباحه منافع شده بوده است، اکنون حکومت اسلامی می‌تواند تصمیم بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۴۹۹

سؤال ۱۶۲۲- در صورت جواز در سؤال فوق، آیا اشخاصی که امتیاز و سهمیه آبی که از چاه فوق‌الذکر داشته‌اند و به دیگری فروخته‌اند نیز می‌توانند در محل جدید از همان آب چاه استفاده نمایند؟

جواب: نسبت به سهمیه حکومت می‌توانند تصرف کنند، یعنی اگر به مقدار سهمیه مردم روستای اول به آنها آب داده شود و از مازاد آن برای روستای دوم ببرند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۲۳- مالک فعلی چاه آبی که رژیم گذشته به اهالی روستایی هبه و واگذار نموده است کیست مردم یا دولت؟

جواب: در این گونه موارد معمولاً اباحه منافع است نه هبه اصل، بنابراین مالک، دولت است و اجازه او شرط است.

سؤال ۱۶۲۴- چنانچه ناشری مجموعه اشعار شاعر یا نوشته‌های نویسنده‌ای را بدون پرداخت حقّ تألیف و کسب اجازه مؤلف و در صورت فوتش بدون موافقت و رضایت ورّاث شرعی و قانونی او منتشر کند و آنها را بفروشد و درآمد حاصله را کلاً به نفع خود

بهره‌برداری کند، چنین عملی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: حقّ تألیف یک حقّ عقلایی است که در میان عقلای جهان به رسمیت شناخته شده است و تجاوز به آن، مصداق ظلم و ممنوع می‌باشد و نشر آثار مؤلفین و شعرا بدون اجازه آنان جایز نیست و این نکته را باید توجه داشت که همیشه مصادیق از عرف گرفته می‌شود و احکام از شرع مقدّس و مانعی ندارد که با گذشت زمان، حقوق تازه عقلاییه پیدا شود و مشمول احکام کلیه اسلام گردد.

سؤال ۱۶۲۵- چند سالی است بعضی از هیأت‌های مذهبی توسط بعضی از مداحان، نهم ربیع الأوّل را جشن مفصلی می‌گیرند و تا دیر وقت (شبها) جلسات جشن دارند و متأسفانه کمتر مسائل شرعی رعایت می‌شود. با توجه به این مقدمه به سؤالات زیر پاسخ دهید:
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۰

الف) نظر شما راجع به این جلسات چیست؟ آیا شرکت کنیم؟

ب) آیا ائمه اطهار (علیهم السلام) هم در این ایام جشن می‌گرفتند و شادی داشته‌اند؟

ج) آیا حدیث رفع قلم نسبت به این ایام صحیح است و افراد آزادند هر کار خلافی را انجام دهند؟

د) با چه بیان و دلیلی می‌توان اینها را قانع کرد؟ با چه مدارکی؟

جواب: در اینجا نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد:

الف) تولی دوستان اهل بیت عصمت (علیهم السلام) و تبری از دشمنان آنها، جزء ارکان مذهب ماست.

ب) نباید کاری کرد که شکاف در صفوف مسلمین بیفتد.

ج) نباید به نام مقدّس اهل بیت (علیهم السلام) مجالس مشتمل بر گناه تشکیل داد.

د) حدیث رفع قلم مخصوص به کودکان نابالغ و دیوانه‌ها و حالت خواب است و معاذ الله که ائمه معصومین (علیهم السلام) اجازه ارتکاب گناه به افراد در این ایام یا غیر این ایام را داده باشند.

سؤال ۱۶۲۶- مستدعی است نظر مبارک را پیرامون مسأله تحریف و عدم تحریف قرآن بیان کنید؟

جواب: محققان و علمای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت، قائل به عدم تحریف قرآنند و معتقدند که آنچه در قرآن کنونی است همان چیزی است که بر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نازل شده نه یک کلمه زیادتر و نه کمتر، ولی اقلیت بسیار ناچیزی از شیعه و همچنین اهل تسنن قائل به تحریف قرآنند که علمای معروف اسلام اعتنایی به حرف آنها ندارند. ما شرح این مطلب را در «تفسیر نمونه» و در بحث عدم تحریف قرآن در «أنوار الأصول» به طور کامل نوشته‌ایم.

سؤال ۱۶۲۷- همان گونه که در تفسیر نمونه جلد اول، ذیل آیه ۱۲۴ سوره بقره کلمه ظلم را این گونه تعبیر نموده‌اید که: منظور از ظلم در جمله (لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۱

تنها ظلم به دیگران نیست بلکه ظلم در برابر عدل است و عدل به معنای گذاردن هر چیز به جای خودش می‌باشد، با توجه به این مقدمه، دانش آموزی که نمره نمی‌آورد و تحت عناوینی چون رضای خدا و یا آشنایی، نمره‌ای که حقّ وی نیست به او داده می‌شود، آیا عنوان ظلم درباره این کار صدق می‌کند؟

جواب: این کار نوعی ظلم و تبعیض است و نه تنها موجب رضای خدا نیست بلکه مایه نارضایی حق تعالی است، مگر در مواردی که استحقاق ارفاق دارد که باید آن را نیز درباره همه کسانی که آن ویژگی را دارند اعمال نمود.

سؤال ۱۶۲۸- اگر گوسفندی مورد تجاوز قرار بگیرد و دامپزشک تأیید کند، آیا قولش حجت است؟

جواب: اگر یقین یا اطمینان از قول او حاصل شود، کافی است و اگر یقین و اطمینان حاصل نشود کفایت نمی‌کند.

سؤال ۱۶۲۹- اگر کارمندی برای کارفرما چندین سال کار کند و کارفرما کلیه حقوق و مزایا، پاداش و مرخصی‌های نامبرده را به طور مرتب پرداخت نماید و علاوه بر این از هیچ کمکی نیز در حق کارگر چشم‌پوشی نکرده باشد ولی پس از چند سال کارگر به میل خود می‌خواهد کار را ترک کند، به همین خاطر به کارفرما اظهار می‌دارد که سوابق کار این جانب را حساب کرده بپردازید، یعنی مجدداً به عنوان سوابق کار می‌خواهد پول دیگری از کارفرما بگیرد آیا این پول از نظر قوانین اسلام حرام است؟
جواب: چنانچه گرفتن حق سوابق قانونی باشد و طرفین با اطلاع و پذیرفتن این قانون، قرارداد کارمندی را بسته‌اند کارفرما موظف است سوابق را بپردازد.

سؤال ۱۶۳۰- اگر شخصی حدیثی را که جزم به صحت آن ندارد از اهل البیت (علیهم السلام) نقل کند ولی چون شنوندگان از عوام هستند و تمیزی بین حدیث صحیح و غیر آن نمی‌دهند به این مطلب اشاره‌ای نکنند، آیا اشکال دارد؟
جواب: اگر تصریح به صحت حدیث نکند و مضمون روایت معروف باشد، جایز است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۲

سؤال ۱۶۳۱- اگر انسان اراده کند که پولی را به عنوان ردّ مظالم از طرف پدر مرحومش بپردازد آیا معیار قیمت مظالم به هنگام پرداخت است یا قیمت آن به هنگام واقع شدن آن ظلم؟
جواب: اگر مظالم مثلی است- مثل گندم و جو و امثال آن باید- خود آن و در صورت توافق طرفین قیمتش را، مطابق روز پرداخت بدهد و اگر مثلی نیست مثل انواع حیوانات باید قیمت وقت تلف را حساب کند.

سؤال ۱۶۳۲- در بعضی از کشورها، دولت قسمتی از زمینهای ثروتمندان را گرفته و بین کشاورزانی که در همان زمین کار می‌کردند، تقسیم کرده است. اگر صاحبان اصلی این زمینها از محاربین اهل کتاب باشند، آیا تصرف کشاورزان در آن زمینها جایز است؟
جواب: اگر از محاربین باشند جایز است.

سؤال ۱۶۳۳- وظیفه کسی که اموال حرام یا مواد غذایی حرامی در اختیار او قرار گرفته است و قدرت ردّ آن به صاحبش را ندارد و یا این امر برای او مشکل است، چیست؟
جواب: اگر ردّ آن و لو به حيله‌های عاقلانه‌ای امکان دارد، باید به صاحب اصلی ردّ کند و الاً به فقرا صدقه دهد.

سؤال ۱۶۳۴- عدم استفاده از بلیط در مترو و اتوبوس داخل شهری یا بین شهری و یا تصاحب بعضی از اجناس به شکل غیر قانونی در صورت نیاز به آنها و عدم استطاعت مالی در بلاد کفر چه حکمی دارد؟
جواب: چون این گونه کارها در کوتاه مدت یا درازمدت موجب وهن اسلام و مسلمین است جایز نیست.

سؤال ۱۶۳۵- چرا کشورهای عربی در روز شهادت حضرت امام حسین (علیه السلام) در برنامه‌های رادیو، موسیقی شاد پخش می‌نمایند، آیا آنها از واقعه عاشورا بی‌خبرند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۳

جواب: آنها غالباً از عاشورا خبر ندارند و ده روز اول محرم را آغاز سال نو می‌دانند و شادی می‌کنند ولی بسیاری از آنها که از واقعه عاشورا با خبر شده‌اند، در مراسم عزاداری با ما همکاری می‌کنند.

سؤال ۱۶۳۶- اگر مردی همسرش را به امور شرعی و وظائف دینی ملترم نکند، آیا فاسق محسوب می‌شود؟
جواب: اگر می‌تواند نهی از منکر کند و ترک نماید، فاسق است.

سؤال ۱۶۳۷- حکم برخورد و همنشینی اشخاصی که مشکوک به همکاری با دشمنان اسلام هستند چیست؟
جواب: احتیاط ترک آن است و اگر شبهه قوی باشد ترک آن واجب است.

سؤال ۱۶۳۸- آیا ریا کردن در شعائر و عزاداری امام حسین (علیه السلام) جایز است؟

جواب: ریا در هر عبادتی حرام محسوب می‌شود ولی تظاهر به عزاداری امام حسین (علیه السلام) و تعظیم شعائر دین به قصد قربت جایز بلکه مستحب است، مثل این که پرداختن صدقه آشکارا قربۀ الی الله برای تشویق دیگران همان طور که در قرآن آمده، مستحب است.

سؤال ۱۶۳۹- آیا به هنگام ظهور حضرت حجت (عج) قرآنی غیر از قرآن موجود آورده می‌شود؟

جواب: قرآن موجود، همان قرآن نازل شده بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و هیچ کلمه‌ای از آن کم و زیاد نشده است و قرآن موجود در نزد حضرتش نیز همین قرآن است، منتها تفاسیر و شأن نزول‌هایی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده، نزد آن حضرت است.

سؤال ۱۶۴۰- نظر مبارک خودتان را راجع به جنگ‌های داخلی افغانستان در شرایط فعلی مرقوم فرمایید؟

جواب: جنگ‌های داخلی افغانستان مایه تأسف و تأثر همه مسلمین جهان است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۴

و شرعاً و عقلاً- لازم است هر چه زودتر متوقف گردد و برای حلّ مسائل سیاسی و اجتماعی از مذاکرات دوستانه و توأم با عفو و اغماض و گذشت، استفاده شود. همه آگاهان از این برادرکشی رنج می‌برند و خون دل می‌خورند، نیمی از این کشور بزرگ اسلامی را کمونیستها ویران کردند، اگر بنا باشد نیم دیگر آن به وسیله گروه‌های اسلامی ویران گردد چیزی برای حکومت کردن باقی نمی‌ماند. خداوند همه را به وظایف شرعی خویش آشنا فرماید و برادران را متوجه مسئولیت خطیر خود نماید.

سؤال ۱۶۴۱- در عصر حاضر طلبه شدن برای افراد مستعد واجب عینی است یا کفایی؟

جواب: واجب عینی بودن برای کسانی که مستعدند و مانعی ندارند، بعید نیست.

سؤال ۱۶۴۲- وظیفه کسی که پدر و مادرش از رفتن او به حوزه‌های علمیّه جلوگیری می‌کنند چیست؟

جواب: جلب رضایت آنها در خصوص این امر لازم نمی‌باشد، ولی سعی کند رضایت آنها را جلب کند.

سؤال ۱۶۴۳- آیا جایز است قوانین مصوّب نظام مقدّس جمهوری اسلامی را از نظر حرمت نقض آنها، به سایر احکام الهی تشبیه نماییم؟

جواب: اگر مراحل قانونی دقیقاً طی شده باشد مستند به قوانین الهی خواهد بود.

سؤال ۱۶۴۴- شخصی هست که می‌تواند رد اشیای گمشده را به صاحبان آنها به طور دقیق اطلاع دهد و تا بحال چندین مورد که به او مراجعه کرده‌اند به نتیجه رسیده‌اند. از طرفی پسر عموی من در جنگ مفقود الاثر شده است و همسر و دو فرزند ایشان قصد و اصرار بر مراجعه به این شخص را دارند تا از او اطلاعی کسب کنند، آیا این کار جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۵

جواب: ادعای این گونه اشخاص غالباً صحّت ندارد و رجوع به آنها برای کشف گمشده‌ها جایز نیست.

سؤال ۱۶۴۵- آیا استفاده از کراوات و پاپیون اشکال شرعی دارد و اگر شخص داماد برای شب عروسی از آن استفاده نماید حکم مسأله چیست؟

جواب: در حال حاضر و در کشور ما، این امر به عنوان شعار بیگانگان و همبستگی با آنها محسوب می‌شود، از آن اجتناب کنید.

سؤال ۱۶۴۶- آیا قمه زدن جایز است و در صورت عدم جواز اگر کسی نذر کرده باشد چه باید بکند؟

جواب: عزاداری خامس آل عبا علیه السلام از افضل قربات و مایه بیداری مسلمین است، ولی از کارهایی که موجب وهن مذهب می‌شود و بهانه به دست مخالفان می‌دهد باید اجتناب کرد.

سؤال ۱۶۴۷- سیادت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از چه کسی برای ایشان به وجود آمده و آیا امام علی (صلی الله علیه و آله) سید بوده‌اند؟

جواب: سیادت به معنای بزرگی و عظمت است و عظمت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) از سوی خداست و اجداد او تا هاشم به خاطر پیامبر (صلی الله علیه و آله) همه سادات و دارای عظمت بوده‌اند و حضرت علی (علیه السلام) علاوه بر عظمت مقام والای خودش، از بنی هاشم و سید و مولاست.

سؤال ۱۶۴۸- آیا دراز کردن پاها در حال تلاوت قرآن کریم، موجب بی حرمتی است؟

جواب: در صورتی که قصد بی احترامی نداشته باشد حرام نیست ولی در هر حال (در غیر صورت ضرورت) بهتر است این کار را ترک کند.

سؤال ۱۶۴۹- رانندگی اتومبیل برای زنان چه حکمی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب اسلامی و جهات شرعی دیگر، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵۰- آیا بانوان می‌توانند آموزش فنون نظامی ببینند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۶

جواب: اگر مستلزم گناهی نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۵۱- آب مشترکی بوده که در اثر سیلاب از بین رفته است، بعد از چندین سال شخصی با زحمت آب را پیدا کرده آیا مال آن شخص است یا مال مشترک؟

جواب: اگر بعد از مدت طولانی باشد مال کسی است که آن را یافته است اگر مدت کوتاهی باشد تنها در صورت اعراض صاحبان قبلی می‌تواند آن را تملک کند.

سؤال ۱۶۵۲- طبق آیه قرآن، ظاهراً خنثی نباید وجود داشته باشد چرا که خداوند می‌فرماید: (يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ ذَكَورًا) «۱» بنابراین موضوع خنثی را چگونه باید توجیه کرد؟

جواب: هر خنثایی در واقع یا مذکر است یا مؤنث خواه شناخته بشود یا نه.

سؤال ۱۶۵۳- در بعضی از مناطق صاحب حیوان نر، در مقابل جفت‌گیری از صاحب حیوان ماده پول یا جنسی می‌گیرند آیا این کار جایز است؟

جواب: به عنوان حَقِّ الزَّحْمَةِ مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵۴- آیا در حیات کسی، می‌توان به نیابت از او، اعمال خیر مثل اهدای قرآن به مساجد و ... انجام داد؟

جواب: انجام اعمال خیر به نیت احیا و اموات اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۵۵- پدرم با شوهرم اختلاف پیدا کرده‌اند در اثر این اختلاف از دست من ناراحت شده و گفته حق نداری به خانه من بیایی، تکلیف من چیست؟ با این که در آن خانه مادر و برادرم هستند و من می‌خواهم به آنها سر بزنم، آیا می‌توانم بدون اجازه پدرم به خانه آنها بروم آیا نرفتن من باعث قطع رحم نمی‌شود؟

جواب: آنها می‌توانند به دیدار شما بیایند یا در محلّ دیگری ملاقات کنید، ولی در خانه ملکی پدر بدون اجازه او نمی‌توان رفت.

(۱). سوره شوری، آیه ۴۹.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۷

سؤال ۱۶۵۶- پدر بنده در زمان حیات، مرتکب بسی خطاها شده است و بنده ایشان را ظالم یا فاسد یا می‌دانم و ایشان را مستحقّ

هیچ گونه امر خیری نمی بینم و هیچ گونه حقی را بر گردن خود نمی دانم و تا بحال نیز هیچ امر خیری برای ایشان انجام نداده‌ام، تکلیف بنده چیست؟

جواب: پدرتان هر کاری کرده است فعلاً از دنیا رفته و دست او کوتاه است و چون مسلمان و شیعه علی بن ابی طالب (علیه السلام) بوده، سزاوار ترحم می باشد. از خداوند برای او آمرزش بطلبید و بدانید پدر اگر فاسق هم باشد باز بر فرزند حقوقی دارد، امید است خداوند همه ما را ببخشد و بیامرزد.

سؤال ۱۶۵۷- آیا داستان عقد و عروسی حضرت قاسم بن الحسن (علیه السلام) در کربلا صحّت دارد، خواندن و بیان کردن این داستان چه حکمی دارد؟

جواب: چون در منابع معتبر نیامده است بهتر ترک آن است.

سؤال ۱۶۵۸- آیا انتقال دادن میت به عتبات مقدسه ائمه طاهرين (علیهم السلام) جایز است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۵۹- آیا شبیه قبور ائمه طاهرين با چوب و سنگ ساختن جایز است؟
جواب: دلیلی بر حرمت این امور نداریم.

سؤال ۱۶۶۰- تحصیل در حوزه و یا دانشگاه کدام یک واجب تر است، با توجه به این که عده‌ای از جوانان با استعداد و علاقه مند به علوم اسلامی، بین انتخاب حوزه و دانشگاه مردّد می باشند؟

جواب: تحصیلات حوزوی در شرایط فعلی مقدّم است، البته گروهی نیز باید به تحصیلات دانشگاهی پردازند، تا سایر شئون جامعه اسلامی به صورت آبرومند اداره شود.

سؤال ۱۶۶۱- دانشجویان با استعدادی هستند که در رشته‌های پزشکی یا مهندسی مشغول به تحصیلند و به علوم اسلامی نیز علاقه خاصی دارند، آیا شرعاً وارد شدن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۸

به حوزه و کسب معارف دینی بر آنها واجب است؟

جواب: بهتر این است که تحصیلات دانشگاهی را به پایان برسانند سپس به تحصیلات حوزوی پردازند.

سؤال ۱۶۶۲- گرفتن شهریه برای طلبایی که به کارهای فرهنگی مشغولند با توجه به این که درس و بحث حوزوی ندارند و از نظر مادی هم کاملاً تأمین نمی شوند، حرام است یا حلال؟ اگر از نظر مادی تأمین شوند چطور؟ ملاک حلال بودن استفاده از شهریه حوزه را بفرمایید.

جواب: شهریه حوزه مربوط به محصلین حوزه علمیه است مگر این که دهندگان شهریه در موارد خاصی اجازه بدهند.

سؤال ۱۶۶۳- اخیراً در میان برخی از جوانان مدل مو و لباسهایی مد شده که از کشورهای اروپایی و بلاد بیگانه ارائه می گردد (مانند رپ و غیره) نظر به اینکه پوشیدن این لباسها و این گونه آرایش کردن عرفاً از مصادیق تشبه به کفار است آیا شرعاً حرام است یا حلال؟

جواب: با توجه به این که این امور بخشی از فرهنگ منحط بیگانگان است، مسلمانان باید از آن پرهیز کنند و فرهنگ خود را زنده کنند.

سؤال ۱۶۶۴- مرحوم حاج شیخ عباس قمی (ره) در «مفاتیح الجنان» از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که «مکروه است روایت شعر برای روزه دار و مُحرم و در حرم و در روز جمعه و شبها و لو شعر حق باشد» حضرت عالی در این مورد چه می فرمایید؟

جواب: این مطلب در یکی از روایات معتبره وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «یکره روایه الشعر للصائم و للمحرم»

و فی الحرم و فی یوم الجمعہ و ان یروی باللیل؛ مکروه است نقل شعر برای روزه‌دار و محرم و در حرم مکه و در روز جمعہ و در شب «۱» و حتی در ذیل حدیث آمده است: هر چند شعر حق باشد، ولی ممکن

(۱). وسائل الشیعه، جلد ۷، صفحه ۱۲۱، ابواب آداب الصائم، باب ۱۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۰۹

است عناوین ثانویه مهمتری، این کراحت را تحت الشعاع قرار دهد.

سؤال ۱۶۶۵- در شهرهای بزرگ، زنان مسافر به دلیل نبودن جا، بعضاً در صندلی جلو تاکسی‌ها و در کنار مردان به طور فشرده می‌نشینند، از لحاظ شرعی این مسأله چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چه تماس بدن‌ها از روی لباس حرام نیست، ولی اگر منشأ فساد گردد حرام است.

سؤال ۱۶۶۶- استفاده از تلفن ادارات و نهادها با پرداخت هزینه آن و یا استفاده از وسایل نقلیه در ساعات غیر اداری جهت انجام کارهای شخصی از قبیل عیادت مریض و تشییع جنازه و یا سخنرانی در مجالس وعظ و سوگواری، توسط آقایان روحانیون محترم

سیاسی عقیدتی (با اینکه روغن و بنزین و استهلاک اتومبیل را خودشان از جیب خود تأمین می‌نمایند) چگونه است؟

جواب: جایز نیست، مگر به اجازه مسئولین ذی صلاح.

سؤال ۱۶۶۷- تردد روحانی در بعضی موارد بدون لباس روحانیت چه صورتی دارد؟

جواب: اگر موجب وهن روحانیت نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶۸- شانه خالی کردن از زیر بار مواردی همچون مالیات، عوارض، مقررات راهنمایی و رانندگی، با لطایف الحیل و پرداختن وجه آن و یا کم کردن وجه در نظر گرفته شده، با توجه به این که خلاف مقررات دولت اسلامی است، شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۶۶۹- از آنجا که نگهداری مجلات و روزنامه‌هایی که آیات قرآن در آنها نوشته شده مقدور نیست با آنها چه بکنیم؟

جواب: می‌توانید آنها را در جایی دفن کرده و یا به رودخانه‌ای بریزید و یا به مراکزی بدهید که آنها را خمیر می‌کنند و از آن مقوا و مانند آن می‌سازند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۰

سؤال ۱۶۷۰- با توجه به اینکه هجرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از مکه به مدینه در ماه ربیع الأول صورت گرفته است، چرا ماه محرم به عنوان مبدأ سالهای قمری و اولین ماه آن انتخاب شده است؟

جواب: ماه محرم قبل از اسلام نیز آغاز سال بوده است و هجرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانند سرآغاز انقلاب اسلامی ما بود، اگر فرضاً ما بخواهیم سال انقلاب را مبدأ تاریخ قرار دهیم بهمن ماه را آغاز سال قرار نمی‌دهیم بلکه آغاز سال همان فروردین است.

سؤال ۱۶۷۱- آیا رعایت حجاب و پوشانیدن بدن در اعمال عبادی غیر از نماز همانند تلاوت قرآن و دعا، فضیلتی برای زن محسوب می‌شود؟

جواب: دلیلی بر وجوب یا استحباب آن نداریم ولی اگر مشکلی ایجاد نکند محترمانه‌تر محسوب می‌شود.

سؤال ۱۶۷۲- آیا معیاری برای رؤیاهای صادق و وجود دارد که آدم رؤیاهایش را با آن بسنجد و رؤیاهای صادق را بتواند تشخیص دهد؟

جواب: معیار مسلمی ندارد.

سؤال ۱۶۷۳- مبلغ ۱۵۴۴۰ تومان بابت سازندگی جبهه نزد شخصی است. این مبلغ را در حال حاضر به چه مصارفی برسانیم؟
جواب: با توجه به این که هم اکنون نیز در محلّ جبهه‌های سابق مرزداران فعالیت دارند، به وسیله شخص امینی به آنها برسانید تا در همان مصرف صرف شود.

سؤال ۱۶۷۴- این جانب کارمند یک شرکت دولتی و در قسمت صدور چک امور مالی انجام وظیفه می‌نمایم و از آنجا که ارباب رجوع جهت دریافت چکشان به این جانب رجوع می‌کنند گاهی رخ می‌دهد که یک جعبه شیرینی و یا حتی پول نقد می‌آورند، از نظر شرعی چه صورتی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۱

جواب: اگر شما حقّ کسی را ضایع نکنید و کسی را بی‌جهت بر دیگری مقدّم ندارید و فرقی میان آنهايي که هدیه‌ای می‌آورند و نمی‌آورند نگذارید، گرفتن آن هدیه مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۷۵- آیا قطع رحم و یا صلّه رحم که در اسلام بر آن تأکید شده است معیار مشخصی دارد و آیا محدوده آن از نظر نصوص و روایات بیان شده است و آیا اگر بنده با نتیجه خواهرم و یا برادرم و یا خاله‌ام و غیره قطع رحم کنم، قاطع رحم محسوب می‌شوم؟

جواب: منظور، داشتن ارتباط و پیوند با آنها در حدّ متعارف و معمول است، البته هر قدر خویشاوندی نزدیکتر باشد رابطه باید بیشتر باشد.

سؤال ۱۶۷۶- آیا برای مسئول مدرسه جایز است که به خاطر مراعات نکردن نظافت و یا کوتاه نکردن موی سر و یا مسافرت، از شهریه طلب مدرسه کم کند، مطلب دیگر این که آیا شهریه گرفتن در سه ماه تعطیل تابستان جایز است؟ و در صورتی که طلبه‌ای برای گرفتن شهریه‌اش نیاید، آیا مسئول مدرسه می‌تواند این پول را در جاهایی که خودش می‌داند مصرف کند؟

جواب: در مسائل مربوط به شهریه باید نظر بیوتی که شهریه را می‌دهند در تمام جهات فوق رعایت شود و با اجازه آنها اقدام گردد.
سؤال ۱۶۷۷- آیا استفاده از مدارک دیگران مانند دفترچه بیمه درمانی، گذرنامه، کارت شناسایی و غیره با رضایت کامل طرف مقابل جایز است؟ و در صورت عدم جواز استفاده از این مدارک آیا شرعاً هم عقوبت دارد؟

جواب: اگر بر خلاف قوانین و مقرّرات و قرارداد باشد، جایز نیست و مسئولیت الهی دارد.

سؤال ۱۶۷۸- معمول است خانمها هنگام رفتن به مجالس عروسی و جشن، علاوه بر زینتهای نامرئی، خود را معطر می‌کنند، با توجه به اینکه نفس خوشبو و معطر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۲

بودن خود نوعی از زینت و آرایش حساب می‌شود و معمولاً بوی آن را مرد نامحرم در بین راه احساس می‌کند، آیا اشکال دارد؟
جواب: اشکال دارد و در خبر است که تا به منزل برگردد مورد لعن ملائکه است.

سؤال ۱۶۷۹- آیا تلاوت قرآن در مجلس ترحیم تارک نماز و یا منکر نماز جایز است؟

جواب: تقاضای عفو و بخشش و انجام اعمال خیر برای همه مسلمانان هرچند که گناهکار باشند جایز است.

سؤال ۱۶۸۰- خشک کردن و یا کشتن حیوانات به جهت دکور و غیر آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر باعث اذیت و آزار خاصی نباشد اشکالی ندارد، ولی در مورد حیوانات موذی مسأله روشن تر است ولی اگر از حیوانات دارای خون جهنده باشد با توجه به اینکه ذبح شرعی نمی‌شود، احتیاط آن است که با دست تر، بدن آنها لمس نشود.

سؤال ۱۶۸۱- چرا خداوند در سوره الرحمن آیه ۲ و ۳ می‌فرماید: (عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ) وقتی انسان خلق نشده، چگونه به او

قرآن یاد داده شده است؟

جواب: ترتیب در ذکر و بیان، گاهی به خاطر ترتیب در اهمیت است و گاه به خاطر ترتیب در وجود خارجی و در اینجا از قبیل اول می‌باشد.

سؤال ۱۶۸۲- تقیّه چیست؟

جواب: تقیّه عبارت است از کتمان عقیده در جایی که اظهار آن باعث خطر یا ضرر مهمی می‌گردد و این مسأله از قرآن مجید و روایات اسلامی و حالات اصحاب پیامبر در مقابل مشرکان گرفته شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۳

سؤال ۱۶۸۳- آیا ساختن خانه‌های ضد زلزله کار درستی است؟

جواب: اشکالی ندارد، بلکه گاهی لازم است، زیرا خداوند دفع خطر را بر عهده انسان گذارده تا با استفاده از وسایل مختلف در برابر خطرات بایستد.

سؤال ۱۶۸۴- اگر پدر و مادر از انجام کارهای خوب مثل درس خواندن جلوگیری کنند وظیفه فرزند چیست؟

جواب: اطاعت در این گونه موارد لازم نیست، ولی حتی الامکان باید طوری رفتار کرد که رنجیده نشوند و لازم است که فواید کار خوب را برای ایشان توضیح داد تا مسأله برای آنها روشن شود و ممانعت نکنند.

سؤال ۱۶۸۵- در بین بیماران مراجعه کننده به کلینیک‌های روانپزشکی، بیمارانی وجود دارند که دارای تمایلات همجنس‌گرایی می‌باشند، علم روانپزشکی امروز این بیماران را به دو گروه تقسیم می‌کند:

گروه اول که اصطلاحاً به آنها (اگودیستانتیک) می‌گویند، این افراد از این که دارای تمایلات همجنس‌گرایی هستند احساس ناراحتی می‌نمایند و این احساس را به درون خود متعلق نمی‌دانند و خود مایل هستند درمان شوند، علم روانپزشکی این بیماران را مداوا می‌کند و درمان اکثر این بیماران موفقیت‌آمیز است و پس از درمان، این بیماران به جنس مخالف علاقه پیدا می‌کنند و می‌توانند ازدواج کنند.

گروه دوم که اصطلاحاً به آنها (اگوسینتانتیک) می‌گویند، این افراد دارای تمایلات همجنس‌گرایانه هستند، امّا از داشتن چنین تمایلاتی ناراحت نیستند و آن را با درون خود موافق و مطابق می‌بینند و بر عکس نسبت به جنس مخالف احساس کشتی ندارند و بعضاً از جنس مخالف بیزار و متنفرند، علم روانپزشکی جدید برای این دسته درمانی نیافته است، این نوع بیماران چنانچه جبراً ازدواج کنند دچار مشکلات جنسی و عاطفی با همسر خود می‌شوند و معمولاً حاصل ازدواجشان طلاق و جدایی است (چنان که مشاهده گردیده است).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۴

البته از نظر پزشکی ثابت گردیده است که سه عامل مهم در ایجاد حالت همجنس‌گرایی در گروه دوم نقش دارد که عبارتند از: الف) ژنتیک ب) هورمونهای بدن مادر در طی دوران بارداری ج) نحوه تربیت فرد در دوران کودکی و تأثیر پدر و مادر در این دوران. توصیه روانپزشکی نوین به افراد گروه دوم این است که رابطه جنسی خود را با یک فرد هم‌جنس برقرار کنند و از اقدام به ازدواج با غیر هم‌جنس خودداری نمایند زیرا کراً مشاهده گردیده که این افراد قادر به تحمّل جنس مخالف نبوده و ازدواج آنها به طلاق می‌انجامد. حال پرسش حقیر این است که نظر حضرت عالی در مورد درمان گروه دوم چیست؟

جواب: از نظر موازین شرع اسلام نمی‌توان به این گروه اجازه برقرار ساختن رابطه با جنس موافق هر چند در مراحل سطحی و ابتدایی داد و آن را یک ضرورت شمرد، بلکه باید از طرق مختلف مخصوصاً عواطف مذهبی که بسیار قوی و مؤثر است، روی آنان کار کرد تا مشکلشان حل شود و هرگز نباید تسلیم توصیه‌های بعضی از روانپزشکان شد که می‌خواهند کار را بر خودشان

آسان و بر دیگران مشکل کنند، بلکه باید پزشکان مؤمن بکوشند و طرق درمان معقول و مشروع را بیان کنند.

سؤال ۱۶۸۶- نظر اسلام در مورد اعتصاب غذا که بعضی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی به عنوان اعتراض به وضع نامناسب زندان و یا اعتراض بر حکمی که دادگاه بر ایشان صادر کرده است یا اعتراض به بلا تکلیفی خود به آن متوسل می‌شوند چیست، لازم به ذکر است که این نوع اعتصاب گاهی منجر به مرگ و گاهی منجر به ضررهایی می‌شود؟

جواب: در صورتی که باعث ضرر مهمی در جان یا بدن نشود اشکال ندارد، مگر این که زندانی در معرض خطر مهمی باشد که هیچ راهی برای رهایی از خطر، جز اعتصاب غذا نباشد که در این صورت از باب تقدیم اهم بر مهم جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۵

سؤال ۱۶۸۷- اعتصاب بعضی از کارمندان دولت ظالم، مثل زندانیان به عنوان اعتراض به احکامی که از سوی دادگاه به عنوان توهین دین و مذهب یا موهن جلوه دادن دین صادر می‌شود چه حکمی دارد (با توجه به این که اعتصابات گاهی به از دست دادن شغل آنها منجر می‌شود)؟

جواب: موارد مختلف است، گاهی مسأله‌ای که به خاطر آن اعتراض کرده است از نظر اسلام مهمتر است مثل این که مقدسات دین یا بلاد مسلمین یا خود مسلمین در خطر باشند و گاهی از اوقات آن مسأله نسبت به خطری که برای اعتصاب کنندگان پیش می‌آید کم‌اهمیت‌تر است، خلاصه این که حکم دائر مدار قاعده اهم و مهم است.

سؤال ۱۶۸۸- اگر کسی عمداً به قرآن قسم دروغ بخورد و بعداً پشیمان شود وظیفه او چیست؟

جواب: باید توبه کند و با اعمال صالح، گذشته خود را جبران نماید.

سؤال ۱۶۸۹- به نظر شما طلاب علوم دینی، از چه هنگام بهتر است ملبوس به لباس مقدس روحانیت شوند؟

جواب: پوشیدن لباس مقدس روحانیت از هر زمانی که بتوانند وظیفه آن لباس را ادا کنند خوب است و معمولاً اگر خوب درس خوانده باشند بعد از «لمعه» زمان مناسبی برای این امر است.

سؤال ۱۶۹۰- آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام (علیه السلام) به قوت نبوت و امامت می‌توانند مرده را زنده نمایند یا خیر به چه دلیل؟

جواب: آری می‌توانند و قرآن مجید صریحاً این مطلب را در مورد حضرت مسیح ذکر کرده است «۱» و این امر به اذن الهی و قدرت او انجام می‌گیرد.

(۱). سوره آل عمران، آیه ۴۹.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۶

سؤال ۱۶۹۱- اگر شخصی به طوری در تنگی معاش باشد که نتواند زندگی خود را اداره کند و به هر دری هم بزند با شکست مواجه شود و حاضر هم نباشد زکات یا صدقه قبول کند، آیا می‌تواند برای غیر مسلمانها کار کند؟

جواب: کار کردن برای غیر مسلمانان حرام نیست مشروط بر این که، کار حلال و آبرومند و مباحی باشد و سبب اهانت و ذلت مسلمین نگردد.

سؤال ۱۶۹۲- آیا درست است که شخص مسلمان فقط از روی قرآن کاری را انجام دهد، مثل نماز خواندن و وضو گرفتن و کارهای دیگر؟

جواب: در احکام دینی یا باید درس خواند و مجتهد شد و احکام را از ادله چهارگانه (قرآن و سنت و اجماع و دلیل عقل) استنباط کرد و یا باید تقلید کرد.

سؤال ۱۶۹۳- آیا اصلاح کلمات یا حرکات چاپی و یا رسم الخط قرآن که غلط نوشته شده باشد جایز است؟

جواب: اگر یقین به غلط بودن آن داشته باشد خوب است اصلاح کند.

سؤال ۱۶۹۴- علمی که ائمه اطهار (علیهم السلام) و رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) به آن تأکید فراوان نموده‌اند چیست؟ آیا علوم مختلف امروزی از قبیل ریاضی، فیزیک، شیمی و غیره، نیز در ردیف آن علم هستند؟ آموختن علم در کشورهای غیر اسلامی و گاهی مخالف اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: قبل از هر چیز باید معارف و احکام دینی را فرا گرفت و علوم دیگری که برای نظام زندگی جامعه اسلامی ضرورت دارد نیز به عنوان واجب کفایی می‌باشد و فرا گرفتن آنها برای عظمت و اعتلای جامعه اسلامی و رفع نیازها، لازم است.

سؤال ۱۶۹۵- نظر شما در مورد کاندیدا شدن روحانیونی که قدرت راه یافتن به مجالس قانون‌گذاری را دارند و توسط مردم انتخاب می‌شوند چیست؟ در صورتی که اگر این روحانیون شرکت نکنند اشخاصی غیر متعهد به این مجالس راه پیدا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۷

می‌کنند و احکام غیر اسلامی را تصویب می‌کنند.

جواب: ظاهر این است که شرکت آن روحانیون و افراد متعهد دیگر با شرایطی که گفتید واجب است.

سؤال ۱۶۹۶- اخیراً در بعضی مجامع و هیئات مذهبی تهران اشعاری سروده و خوانده می‌شود که در ضمن آن، لفظ جلاله (الله) را به ذوات مقدسه عصمت- علیهم صلوات الله- و غیره نسبت می‌دهند، مثلاً- گفته می‌شود من علی‌اللهی‌ام، یا من حسین‌اللهی‌ام و یا زینب‌اللهی‌ام، آیا بیان این گونه اشعار جواز شرعی دارد؟

جواب: این تعبیّرات مناسب افراد معتقد به مکتب معصومین (علیهم السلام) نیست و لازم است به این اشخاص تذکر داده شود و آنها را از این کار نهی کرد و برای بزرگداشت مقام آن بزرگواران راههای خوب و سنجیده و معقول وجود دارد که نیازی به این حرفها ندارد.

سؤال ۱۶۹۷- مؤلفی کتابی می‌نویسد و با ناشری قرارداد چاپ و نشر منعقد می‌نماید و در کتاب می‌نویسد: «حقوق طبع برای مؤلف محفوظ است». پس از چندی ناشر دیگری بدون اجازه از مؤلف، کتاب را تجدید چاپ می‌نماید. در عرف ناشران چنین است که مقداری از کتاب را به عنوان حقّ التالیف به مؤلف می‌دهند، آیا این چنین حقّی برای مؤلف وجود دارد و آیا نیاز به اجازه از مؤلف در مقام تجدید و افست از روی کتابش می‌باشد؟

جواب: حقّ التالیف یک حقّ عقلایی است که در تمام دنیا از سوی همه عقلای جهان به رسمیت شناخته شده است و مخالفت با آن مصداق ظلم شمرده می‌شود و شرعاً حرام است، بنابراین مؤلف می‌تواند حقّ خود را از کسانی که بدون اجازه او تجدید چاپ کرده‌اند بگیرد، در ضمن توجه داشته باشید ناشر نیز نسبت به حروفچینی و مانند آن حق دارد و اگر کسی از روی آن عکسبرداری کند باید حقّ ناشر را نسبت به آن پردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۸

سؤال ۱۶۹۸- در بعضی از مناطق هندوستان در بیست و دوم رجب شیرینی و چیزهای خوردنی دیگری به عنوان نذر امام صادق (علیه السلام) تقسیم می‌شود، آیا این نذر مشروع است؟

جواب: بیست و دوم رجب طبق روایات مشهور، ارتباط خاصی با امام صادق (علیه السلام) ندارد ولی اگر به قصد تجلیل مطلق از مقام شامخ آن حضرت در هر روزی از سال مراسمی برپا کنند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۹- در روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) نقل شده که ایشان فرموده‌اند: همین که قائم (علیه السلام) بپاخیزد امری جدید می‌آورد همان‌گونه که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در آغاز ظهور اسلام امری جدید آورد، با توجه به این که ما

مجتهدین را به عنوان کسانی که در هر دوره زمانی دین را از تحریف حفظ می‌کنند می‌شناسیم و برای دستیابی به احکام درست و صحیح به آنها مراجعه می‌کنیم، تفسیر صحیح این حدیث را بیان کنید؟

جواب: منظور این است که در دین خدا و مفاهیم دینی بدعت‌هایی گذارده می‌شود و تحریف‌هایی صورت می‌گیرد که وقتی آن حضرت (عج) بیاید با آن بدعتها مبارزه می‌کند، تا آنجا که گروهی از مردم تصور می‌کنند که آیین تازه‌ای آورده است.

سؤال ۱۷۰۰- اگر انسان در سالهای اول تکلیف به علت بچگی دست به کارهایی بزند که در بزرگی برای او مسأله شود، مثلاً وسیله‌ای را بدون اجازه صاحبش و بدون اطلاع او، از جایی بردارد و آن را به دوست خود هدیه بدهد، حال اگر بخواهد اکنون که بزرگ شده و متوجه عمل زشت خود شده است، وسیله را به صاحبش برگرداند پای از میان رفتن آبرو و حیثیت او در نزد هر دو طرف در میان باشد، در این مورد چگونه باید عمل کند و به چه نحو وظیفه‌اش را انجام دهد؟

جواب: اگر بتواند همان وسیله را از دوست خود ظاهراً بخرد و جهت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۱۹

صاحبش به عنوان هدیه به دست خودش یا توسط دیگری بفرستد، این کار را بکند و اگر نمی‌تواند، قیمت آن را در حساب بانکی او یا به وسیله پست به صورت ناشناس جهت او ارسال دارد.

سؤال ۱۷۰۱- در مسأله اعجاز و انجام کارهای خارق العاده که یکی از راههای شناسایی پیامبران است آیا خداوند به پیامبران خود قدرتی می‌دهد که آنها، یا خود به آوردن معجزه اقدام می‌کنند و یا معجزه کاملاً به وسیله خدا انجام می‌شود و فقط در قالب کاری از جانب پیامبران نشان داده می‌شود؟

جواب: معجزه به هر دو صورت ممکن است انجام شود، گاه خداوند به پیامبرش قدرت این کار را می‌دهد و گاه پیامبر دعا می‌کند و خدا دعای او را اجابت می‌کند.

سؤال ۱۷۰۲- آیا تلاوت قرآن برای کسی که چشم درد دارد و مطالعه برای چشم او ضرر دارد ولی به جهت علاقه به قرآن هر روز مقداری قرآن تلاوت می‌کند، جایز است؟

جواب: کاری که موجب ضرر باشد انجام ندهد، ولی می‌تواند به مقداری که ضرر ندارد همه روزه بخواند و اگر از روی قرآن نمی‌تواند بخواند آنچه را حفظ دارد بخواند.

سؤال ۱۷۰۳- آیا اجرت گرفتن در برابر تلاوت یا ختم قرآن و اهدای ثواب آن، جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰۴- کسی که علاقه زیادی به تلاوت قرآن دارد ولی نمی‌تواند آن را کاملاً صحیح بخواند و سعی در تصحیح آن می‌کند، آیا قرآن خواندن او بهتر است یا ترک آن؟

جواب: بهتر است بخواند و سعی در اصلاح آن نیز بکند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۰

سؤال ۱۷۰۵- آیا جایز است از پولی که در ماه محرم و ماه رمضان، برای خرج مسجد و عزاداری جمع‌آوری می‌گردد جهت هیأت قرآن و کلاسهای مسجدها، قرآن و تخته سیاه و لوازم دیگر خریداری نمود؟

جواب: اگر برای عزاداری باشد نمی‌شود برای کار دیگری مصرف کرد ولی اگر برای هزینه‌های مسجد باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۶- اگر هیئت امنای مسجد یا حسینیه‌ای بگویند: «ما راضی به برگزاری کلاس قرآن در مسجد یا حسینیه نیستیم» آیا رعایت نظر آنها لازم است؟

جواب: رعایت نظر آنها در این گونه موارد لازم نیست، ولی بهتر است هماهنگی برقرار گردد و در هر حال مزاحمتی برای

نمازگزاران به وجود نیاید.

سؤال ۱۷۰۷- آیا سوزاندن قرآنهایی که ورق ورق شده و قابل نگهداری و استفاده نیست، جایز می‌باشد؟ و آیا جایز است آن را سوزاند و خاکستر آن را دفن کرد؟ و در صورتی که کسی چنین کرده باشد تکلیفش چیست؟

جواب: جایز نیست، می‌توانید آن را در محل پاک دوردستی دفن کنید و یا در نهر آب جاری بریزید، به شرط آن که به جای نامناسبی نرود، اگر کسی آن را سوزانده باید تأکید کنید که دیگر مرتکب این کار نشود و از کار خود توبه کند.

سؤال ۱۷۰۸- اخیراً لباسهایی وارد شده که بر روی آن اسم جلاله (الله) نوشته شده است، آیا پوشیدن چنین لباسهایی جایز است؟ و در هر صورت، تکلیف کسی که آن را پوشیده چیست؟

جواب: اگر در محلی نوشته شده که باعث هتک احترام این نام مقدس نمی‌شود اشکالی ندارد و در هر حال باید مراقبت کرد که دست بی‌وضو بر آن نگذارند و آن را نجس نکنند.

سؤال ۱۷۰۹- در صورتی که پدر به فرزند بگوید: راضی نیستم در جلسه قرآن شرکت کنی، آیا اطاعت پدر در اینجا هم لازم است؟

جواب: اطاعت از او در این مورد لازم نیست، ولی سعی کند موافقت او را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۱

جلب کند.

سؤال ۱۷۱۰- اگر به صورت غیر عمد، قرآن از دست انسان به زمین بیفتد وظیفه چیست و آیا کفاره لازم است؟

جواب: کفاره ندارد ولی فوراً بردارد و احترام کند.

سؤال ۱۷۱۱- آیا پدر می‌تواند یاد گرفتن قرآن را بر فرزند واجب نماید و اگر بگوید: من راضی نیستم که در این مسأله کوتاهی نمایی، وظیفه فرزند چیست؟

جواب: اگر سرپیچی فرزند موجب اذیت و آزار پدر می‌گردد، باید از او اطاعت کند.

سؤال ۱۷۱۲- در مراسم فاتحه در بعضی از شهرستانها رسم است که هنگام تلاوت قرآن افراد شرکت کننده با صدای بلند به بازماندگان تسلیت می‌گویند و بازماندگان جواب آنها را می‌دهند، آیا این عمل جایز است؟

جواب: بهتر است احترام قرآن را بیشتر رعایت کنند و از این کار بپرهیزند.

سؤال ۱۷۱۳- لطفاً بفرمایید: آیا گرفتن اجرت در مقابل تعلیم قرآن جایز است؟

جواب: جایز است، ولی کراهت دارد.

سؤال ۱۷۱۴- قرای معروفی که آیاتی از قرآن مجید را با صوت زیبا تلاوت می‌کنند و آن را بر روی نوار کاست و یا ویدئو ضبط می‌کنند، آیا می‌توانند امتیاز آن را خرید و فروش کنند و آیا باید دیگران در موقع تکثیر از آنها اجازه بگیرند؟

جواب: در صورتی که در عرف عقلا به عنوان حقّی برای قاری شمرده شود، کسانی که می‌خواهند تکثیر کنند باید با موافقت او باشد.

سؤال ۱۷۱۵- اگر شخصی، پسر بچه‌ای را که در سنین (۱۴-۱۲) سالگی است کتک زده باشد و آن بچه هنوز بالغ نشده باشد، آیا باید خود مضروب را راضی کند یا پدر و مادر او را؟

جواب: باید از پدر و مادر او حلیت بطلبد و احتیاطاً هنگامی که بالغ شد از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۲

خود او نیز حلیت بخواهد.

سؤال ۱۷۱۶- اگر طلبه‌ای به علت مشکلات درسی و یا به عللی دیگر نتواند به تحصیل خود ادامه دهد و از تحصیل منصرف شود، آیا باید شهریه‌هایی را که در طول مدت تحصیل دریافت کرده است برگرداند؟

جواب: بازگرداندن شهریه لازم نیست، ولی سعی کند به مقداری که از بیت المال استفاده کرده خدمت دینی کند.

سؤال ۱۷۱۷- آیا کاتب مطلع از محتویات کذب مورد کتابتش که شامل اتهام و هتک حرمت گیرنده نامه و دیگران می‌باشد با این که آن نوشته با امضای دیگری برای گیرنده ارسال می‌گردد، شریک در گناه صاحب امضا می‌باشد؟

جواب: این مصداق روشن اعانت بر اثم و کمک به گناه است و جایز نیست.

سؤال ۱۷۱۸- احترام برادر بزرگتر چه حکمی دارد؟

جواب: همه برادران احترام دارند مخصوصاً برادر بزرگتر و در روایت آمده است که برادر بزرگتر به منزله پدر است.

سؤال ۱۷۱۹- تهمت زدن به مرده چه حکمی دارد؟

جواب: تهمت زدن به هر کسی حرام است و نسبت به مرده و هر کس که نمی‌تواند از خود دفاع کند، گناهش بیشتر است.

سؤال ۱۷۲۰- نظر شما در مورد ورزش بکس با توجه به خطراتی که دارد چیست؟

جواب: با توجه به خطراتی که ورزش بکس دارد مشروعیت آن مشکل است مگر در موارد ضرورت مثل کسانی که برای آمادگی رزمی این کار را می‌کنند.

سؤال ۱۷۲۱- ریشه درخت کسی به ملک همسایه سرایت و شاخه می‌کند، مدت سی سال یا بیشتر شاخه‌ها در ملک همسایه می‌ماند، در این مدت خسارت و ضرر این شاخه‌ها و درخت را همسایه متحمل می‌شود و خسارت و ضرر درخت‌ها چنین است:

یک مقدار از ملک را اشغال کرده و به زراعت مقدار دیگری از زمین، خسارت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۳

و ضرر وارد کرده و این درخت‌ها مانع از تابش آفتاب به زراعت است و ریشه‌ها هم مانع از رشد و نمو زراعت می‌شود، آیا این درختها حق صاحب درخت اولی است یا حق صاحب زمین و اگر حق صاحب درخت اولی است، آیا صاحب زمین حق مطالبه خسارت و ضرر وارده را دارد؟

جواب: درختان متعلق به صاحب ریشه است، ولی صاحب زمین دوم می‌تواند آنها را از ملک خود قطع کند و یا مال الاجاره آن را مطالبه کند و اگر خسارتی بر او وارد شده که نتیجه عمل صاحب درخت بوده، می‌تواند از او بگیرد.

سؤال ۱۷۲۲- این جانب یک قطعه زمین دارم که یک اصله درخت گردو از طرف جنوب و سه اصله درخت گردو از طرف شمال که متعلق به برادرم می‌باشد زمین بنده را احاطه کرده است و هر ساله موجب خسارت مالی قابل توجهی به این جانب می‌باشد و

تذکرات بنده مؤثر واقع نشده، حکم شارع مقدس اسلام در این مورد چه می‌باشد؟

جواب: چنانچه وجود آن درختان موجب ضرر و زیان شماست می‌توانید به صاحبش تذکر دهید که شاخه‌های آن را قطع کند یا مال الاجاره مناسبی بپردازد و اگر به هیچ کدام راضی نشد شما حق قطع کردن آن را با نظر حاکم شرع و در نبودن حاکم شرع با نظر معتمدین محل دارید، مگر این که از روز اول زمین به همین شکل به شما واگذار شده باشد.

سؤال ۱۷۲۳- طلاب علوم دینی در چه زمانی باید مفتخر به پوشیدن لباس روحانیت شوند؟

جواب: هنگامی که به مرحله قابل ملاحظه‌ای از معلومات دینی برسند، باید لباس را بپوشند و از نظر مقررات فعلی حوزه کسی که شهریه دروس خارج می‌گیرد ملزم به پوشیدن لباس روحانیت است.

سؤال ۱۷۲۴- در بعضی از کشورهای اسلامی قانون جدیدی وضع شده است که طبق آن، غیر مسلمانان در انتخابات می‌توانند دو

بار رأی دهند یعنی آنها هم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۴

می‌توانند با مسلمانان رأی بدهند و هم با غیر مسلمانان. طبق فقه جعفری آیا می‌شود به غیر مسلمانان چنین حقی داد؟
جواب: نباید غیر مسلمانان امتیازی بر مسلمین داشته باشند، مگر این که ضرورت‌هایی در کار باشد.

سؤال ۱۷۲۵- کالاهایی که از قاچاقچیان کشف می‌شود یا کالاهایی که بعد از مدتی انبار شدن در گمرکات با قیمت مناسب در اختیار بعضی از افراد قرار می‌گیرد استفاده از آنها چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه مجتهد جامع الشرائط به عنوان تعزیر از آنها بگیرد سپس بفروشد، خریدن آن اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۶- وارد کردن کالا- به صورت غیر قانونی از مرز چه حکمی دارد؟ پول حاصل از این کالا برای واردکننده چه حکمی دارد؟

جواب: از کارهایی که بر خلاف مقررات حکومت اسلامی است باید اجتناب کرد و هر گونه کمک کردن به این تخلفات اشکال دارد و درآمد آن نیز مشکل است.

سؤال ۱۷۲۷- شخصی فوت شده و وصیت هم نکرده، در میان اولاد او دو نفر صغیر هم وجود دارد، آیا برای آنهايي که برای تسلیت و تعزیت بازماندگان آن مرحوم می‌روند، جایز است بر روی فرشی که صغیر شرکت دارد بنشینند و همچنین نماز خواندن در آن خانه‌ای که ارث آن مرحوم می‌باشد و آن دو نفر صغیر نیز شریک می‌باشند در صورت ضرورت یا غیر ضرورت چه صورت دارد؟
جواب: در این گونه موارد مبلغ مختصری که جوابگوی آن تصرف باشد برای صغیر در نظر بگیرید و هزینه او کنید در این صورت تصرفات فوق جایز است.

سؤال ۱۷۲۸- با توجه به رواج تمسخر بعضی از زبانها در بین مردم و استفاده از تعبیری اهانت‌آمیز خواهشمند است نظر مبارک را مرقوم فرمایید؟

جواب: اگر غرض اهانت و تحقیر باشد جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۵

سؤال ۱۷۲۹- آیا جایز است در ساعات اداری که مراجعه‌کننده نداشته و بیکار می‌باشیم از وقت خود جهت درس خواندن و کسب علم استفاده نماییم؟

جواب: هرگاه هیچ وظیفه‌ای در آن ساعت ندارید، درس خواندن و مانند آن مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۳۰- انتقاد از کاندیداتورها و بیان نکات منفی آنها در جمع یا بین دو نفر چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که در مقام مشورت برای رأی دادن به آنها باشد اشکال ندارد، ولی باید صفات آنها را بیان کرد نه توهین و مذمت و تحقیر و یا خدای نکرده تهمت به آنها زده شود.

سؤال ۱۷۳۱- آیا اجرت گرفتن برای نطفه نر و باروری حیوان ماده جایز است؟

جواب: احتیاط آن است که در مقابل نطفه چیزی نگیرد، بلکه در مقابل تصرفاتی که بخاطر مقدمات باروری در آن حیوان می‌کند چیزی بگیرد.

سؤال ۱۷۳۲- در بعضی از نقاط تا بیست سال قبل برده‌داری رایج بوده و هویت آنان مشخص است و اکنون آنان به عنوان و اسم «غلام» معروف هستند و اطمینان موثق است که تا حالا از طرف موالی آزاد نگردیده‌اند، اکنون که آنان برای خود کار می‌کنند و دارای مایملک هستند حکم چیست؟

الف) آیا آنان آزاد شمرده شده و اموال ایشان برای خود آنان است؟

ب) آیا آنان با مایملک خود برای مولا هستند و حق هیچ گونه تصرف در اموال را ندارند؟

ج) در حالی که موالی آزادشان نکرده‌اند، آیا می‌توانند ازدواج کنند و حکم فرزندان آنان بدون اذن مولا چیست؟
 جواب: الف) احتیاط واجب آن است که صاحب آنها از طریق مکاتبه و در برابر گرفتن مال الکتابه آنها را آزاد کنند و قبل از آن، اموالشان متعلق به مولا است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۶
 ولی شایسته است مولا با آنها مصالحه کند.

ب) از جواب سابق معلوم شد.

ج) احتیاط آن است که در شرایط فعلی مولا به آنها اجازه دهد و ازدواجشان را امضا کند. اصولاً هر نوع برده‌داری در عصر و زمان ما اشکال شرعی دارد.

سؤال ۱۷۳۳- چهارشنبه‌سوری و مراسم آتش بازی آن از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
 جواب: جزء خرافات است و باید از آن اجتناب کرد.

سؤال ۱۷۳۴- رفت و آمد با اقوامی که مقید به قوانین اسلامی نیستند (برای مثال بی‌حجاب در جلوی ما ظاهر می‌شوند) با توجه به واجب بودن صله رحم چه حکمی دارد؟

جواب: اگر این رفت و آمد مایه نهی از منکر می‌شود مانعی ندارد در غیر این صورت ترک کنید.

سؤال ۱۷۳۵- آیا تحصیل علم، واجب عینی است یا واجب کفایی یا مستحب؟

جواب: نسبت به معارف و احکام مورد ابتلای دینی، واجب عینی و نسبت به سایر احکام و همچنین علمی که بقای نظام جامعه اسلامی نیاز به آن دارد واجب کفایی است و در غیر این موارد، اگر علوم مفیدی است مستحب است.

سؤال ۱۷۳۶- حکم دوچرخه سواری و موتور سواری خواهران با مانتو در سطح شهر، با توجه به آثار و تبعات سوء اجتماعی و اخلاقی آن چیست؟

جواب: با توجه به پیامدهای سوئی که اینگونه امور دارد، لازم است از آن پرهیز شود و به وسوسه‌هایی که این و آن می‌کنند توجه نکنید.

سؤال ۱۷۳۷- با توجه به این که افزایش حجم پول با سیاستهای انبساطی پولی، موجب کاهش قدرت خرید پول در دست مردم می‌شود، آیا این اقدامات از سوی دولت مطلقاً مجاز و مشروع است یا در صورت ضرورت و با وجود مصلحت ملزمه و احیاناً با اعمال ولایت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۷

جواب: حق احتمال دوّم است، دولت آزاد نیست هر کاری را در این زمینه انجام دهد اصولاً دولت در تمام حرکات اقتصادی خود باید غبطه جامعه و مخصوصاً مستضعفین را در نظر بگیرد، زیرا ولایت یا وکالت او تنها در این محدوده است.

سؤال ۱۷۳۸- با عنایت به محدودیت منابع آب قابل شرب و شیرین در سرزمین ما، مصرف بی‌رویه و غیر ضروری آن چه صورتی دارد؟

جواب: مصرف بی‌رویه آب قابل شرب یا آبهای زراعتی، در هیچ زمانی مجاز نیست باید در این نعمت گرانبهای الهی، همه مردم صرفه‌جویی کنند و جلو هر گونه اسراف را بگیرند.

سؤال ۱۷۳۹- ریختن فاضلابها در چشمه‌ها، رودها و دریاچه‌ها موجب تلف شدن هزاران هزار جاندار آبی و صدمات غیر قابل جبران به طبیعت است نظر مبارک نسبت به انجام چنین کاری چیست؟

جواب: آلوده کردن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به طوری که موجب ائتلاف جانداران آبی شود و در نتیجه مردم گرفتار خسارت و

زیان گردند، جایز نیست.

سؤال ۱۷۴۰- اگر کسی از وسیله‌ای استفاده می‌کند که موجب آلودگی هواست، در حالی که امکان استفاده از وسایلی که آلودگی کمتری ایجاد می‌کنند نیز وجود دارد وظیفه شرعی وی چیست؟
جواب: هوا از مواهب بزرگ الهی است، نباید آن را بی‌جهت آلوده کرد.

سؤال ۱۷۴۱- صناعی که مدت‌ها بدون اطلاع کسی، عوامل آلوده کردن محیط زندگی انسانها را فراهم آورده‌اند، چگونه بری‌الدّمه می‌شوند؟

جواب: سزاوار است از طرق ممکن، برای پاک کردن آلودگیها به مقداری که موجبات آن را فراهم ساخته‌اند، تلاش کنند.

سؤال ۱۷۴۲- بنابر نظر مبارک، استفاده از بعضی سموم شیمیایی که موجب مرگ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۸

جانداران مفید یا بی‌ضرر طبیعت می‌شود، چه صورتی دارد؟

جواب: استفاده از هر چیزی که حیات جانداران مفید و بی‌خطر را به خطر بیندازد اشکال دارد.

سؤال ۱۷۴۳- در قوانین حقوقی بعضی از کشورهای غربی، قاعده‌ای وجود دارد که به موجب آن زیان دیده پس از ورود خسارت و ارتکاب خطا از طرف عامل زیان، باید اقدامات متعارفی را در جهت اجتناب یا تقلیل و به حدّ اقل رساندن خسارت به عمل آورد، در غیر این صورت نمی‌تواند خساراتی را که بدین طریق قابل اجتناب یا تقلیل بوده است، مطالبه نماید مثال مشهور در این مورد این است که پس از نقض قرارداد توسط فروشنده و عدم تحویل مبیع، خریدار باید سریعاً نسبت به خرید کالای مشابه جایگزین اقدام نماید و در نهایت تفاوت قیمت خرید مجدد و ثمن معامله اول را مطالبه نماید. یا در مورد قراردادهای استخدام، پس از اخراج غیر قانونی مستخدم، وی موظف به جستجوی کاری مشابه کار اولیّه است و نمی‌تواند کلّ دستمزد مدت بیکاری خود را مطالبه نماید. حال با توجه به تملیکی بودن عقد بیع در فقه امامیه و اصل الزام بایع به تسلیم مبیع، آیا می‌توان این تکلیف را بر خریدار تحمیل نمود؟ و آیا چنین قاعده‌ای در حقوق اسلامی پذیرفته شده است؟ مبانی آن در فقه امامیه چیست؟

جواب: از نظر اسلام نیز این گونه خسارتها که ناشی از کوتاهی خود شخص می‌گردد بر عهده طرف مقابل نیست و دلیل آن، قاعده اقدام است. برای آگاهی بیشتر بر مفاد قاعده اقدام و ادله آن به کتاب ما «القواعد الفقهیه» جلد اول، قاعده اقدام، مراجعه نمایید.

سؤال ۱۷۴۴- یکی از برادران شاعر جوان، اخیراً ترجمه کل قرآن مجید را به شعر و به نظم درآورده است که به عنوان نمونه دو سوره حمد و کوثر ضمیمه می‌باشد.

سوره حمد:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۲۹

سرآغاز صحبت به نام خداست که بخشنده و مهربان کبریاست

ستایش بود خاص آن کردگار که باشد دو گیتی از او برقرار

که بخشنده و مهربان است نیز بود صاحب عرصه رستخیز

تو را می‌پرستیم تنها و بس نداریم یاور به غیر از تو کس

مرا کن هدایت به راه درست به آن کس که مُنعم ز نعمات تُست

نه آنان که خشم بر آنان رواست نه آنان که هستند گمره ز راست

سوره کوثر:

سرآغاز صحبت به نام خداست که بخشنده و مهربان کبریاست

همانا تو را ای پیامبر که ما نمودیم خود حوض کوثر عطا

تو هم پس به شکرانه می‌خوان نماز برای خدایت بکن ذبح باز همانا

همان کس که عیبت بخواند خودش نسل مقطوع و ابتر بماند

جهت نشر فرهنگ قرآنی با زبان شعر که در بسیاری از مردم اثر عمیق و مثبت دارد، این نهاد مصمم است آن را تکثیر و ترویج دهد، چنانچه حضرت عالی مصلحت می‌دانید مراتب را اعلام فرمایید تا اقدام لازم به عمل آید.

جواب: هرگاه بقیه اشعار مزبور، مانند همین نمونه یا بهتر باشد و در عین حال زیر نظر گروهی از صاحب نظران، مضامین آن کنترل و تکمیل گردد مقدمه‌ای بر آن نوشته شود که ترجمه آیات، ترجمه‌ای است نسبتاً آزاد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۴۵- این جانب باغی دارم، برای ریختن توت، شخصی را با سابقه‌ای که از ایشان در بالا رفتن از درخت داشتم اجیر کردم، ولی این بار بعد از ریختن دو درخت توت از بالای درخت افتاد، بعد از چهار روز که در بیمارستان بود مرحوم شد. آیا به نظر شما من که صاحب درخت هستم شرعاً در برابر این مرحوم یا ورثه او مسئولیتی دارم؟

جواب: چنانچه نامبرده نسبت به کار خود آگاهی داشته و این حادثه تصادفاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۰

واقع شده، شما مسئولیتی ندارید.

سؤال ۱۷۴۶- در منطقه ما وقتی بین دو نفر یا دو گروه دعوا و ناراحتی واقع می‌شود، نفر سومی برای صلح به طرف متجاوز می‌گوید: باید مقداری پول یا حیوان یا چیز دیگری را به طرف دیگر که متجاوز علیه است بدهید تا او راضی شود و ناراحتی برطرف گردد، آیا این کار جایز است؟

جواب: هرگاه با رضایت داده شود اشکال ندارد و همچنین اگر آن پول به مقدار زیان و خسارتی باشد که به متجاوز علیه وارد شده است خواه طرف راضی باشد یا نباشد.

سؤال ۱۷۴۷- لطفاً نظر مبارک را در موارد زیر بیان فرمایید:

الف) ادامه تحصیل مسئولین دولتی با استفاده از وقت و وسیله ایاب و ذهاب دولتی از شهرستانی به شهرستان دیگر؟

ب) پذیرایی از میهمانان دولتی یا غیر دولتی که از طرف مسئول به قصد تفریح دعوت شده‌اند؟

ج) استفاده نمودن از وسیله نقلیه دولت به هنگام مرخصی جهت مسافرت؟

د) پرداخت هزینه آب و برق و تلفن منزل شخصی و استفاده از وسایل خانگی موجود در اداره جهت منزل و هزینه تعمیر پس از استفاده آن؟

ه- استفاده مسئول از کارمندان بیکار به اسم کار اداره در امور شخصی خویش؟

جواب: وسایل و سایر امکانات دولتی را نمی‌توان در مصارف شخصی صرف کرد، مگر این که مسئولین مربوط طبق ضوابط و مقررات اجازه خاصی در مورد یا مواردی بدهند.

سؤال ۱۷۴۸- در صورتی که فکر کنیم موارد مذکور در سؤال فوق را مسئول ما فوق در استان یا مرکز می‌داند ولی ما به او نگفته باشیم، آیا سکوت او دال بر اجازه می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۱

جواب: سکوت به تنهایی کافی نیست بلکه اجازه لازم است، آن هم طبق ضوابط و مقررات.

سؤال ۱۷۴۹- دیده می‌شود که بعضی از متدینین به هنگام شنیدن نام مبارک حضرت مهدی امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به احترام آن حضرت دست بر سر می‌گذارند، آیا این مطلب در روایتی وارد شده است؟

جواب: در روایت معروف دعبل خزاعی شاعر اهل بیت (علیهم السلام)، آمده است که وقتی قصیده مشهور مدارس آیات را خدمت امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) می‌خواند، هنگامی که به این بیت رسید:

خروج امام لامحاله خارج یقوم علی اسم الله و البرکات

امام (علیه السلام) دست بر سر نهاد و به عنوان احترام برخاست و از خداوند متعال فرج حضرت ولی عصر «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء» را درخواست نمود. (۱)

سؤال ۱۷۵۰- آیا در جملاتی از قبیل «خالی از اشکال نیست»، «محلّ تأمل است» و «بعید نیست که چنین باشد» می‌شود به مرجع تقلید دیگری رجوع کرد؟

جواب: در احتیاطات، رجوع به غیر جایز است و همچنین در جمله «خالی از اشکال نیست» و جمله «محلّ تأمل است» و اما جمله «بعید نیست» در تعبیرات ما فتواست.

سؤال ۱۷۵۱- آیا «خطبه البیان» روایت صحیحی است؟

جواب: «خطبه البیان» ظاهراً مجعول است و اعتباری ندارد.

سؤال ۱۷۵۲- می‌دانیم خودکشی در اسلام حرام است؛ لکن اگر رزمنده‌ای در حال جنگ و در معرض اسارت دشمن باشد و اطلاعاتی داشته باشد که اگر لو رود، باعث مرگ عدّه‌ای از رزمندگان شده، بعلاوه ضایعات دیگری نیز به دنبال خواهد داشت، و این رزمنده می‌داند دشمن او را شکنجه‌های بسیار خواهد نمود تا به آن اطلاعات

(۱). الغدیر، جلد ۲، صفحه ۳۶۱ و منتهی الآمال، باب چهاردهم، فصل ششم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۲

برسد و این شخص تحمّل آن شکنجه‌ها را ندارد؛ آیا می‌تواند قبل از اسارت خودکشی کند؟

جواب: چنانچه مسلم باشد طاقت شکنجه‌ها را ندارد و اطلاعاتی می‌دهد که ضایعات بزرگی به بار می‌آورد و موجب مرگ گروهی می‌شود، این عمل نوعی ایثار و فداکاری محسوب می‌شود.

سؤال ۱۷۵۳- در شهر ما، در هر مسجد، یک عَلم وجود دارد که هر سال در ایام عزاداری، مخصوصاً در روزهای عاشورا این عَلم را به حرکت در می‌آورند، هر یک از این عَلم‌ها هر چند دقیقه یک بار بر شانه فردی می‌نشیند و آن فرد پس از بوسیدن آن عَلم، به یکی از پارچه‌های آن پول می‌بندد. مردم می‌گویند: «هر کس نذری داشته باشد و عَلم روی شانه‌اش نشیند و او به عَلم پول ببندد نذرش قبول می‌شود» افراد زیادی به عَلم اعتقاد دارند، آنها می‌گویند: «عَلم به وسیله کسی که آن را در دست دارد حرکت نمی‌کند، بلکه حرکت آن توسط قدرت الهی است» نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: پرچمهایی که در عزاداری امام حسین (علیه السلام) حمل می‌شود، چون متعلّق به عزاداری آن حضرت می‌باشد محترم است، اما حاجت را باید از خداوند با شفاعت امام حسین (علیه السلام) خواست، نه از عَلم.

سؤال ۱۷۵۴- اگر کسی با وجود تحقیق در اصول دین، دلیلی بر اثبات اصول دین پیدا نکند، آیا از عذاب جهنّم دور خواهد ماند و به بهشت خواهد رفت؟ آیا در هر صورت به واسطه احتمال درست بودن اصول دین، باید به واجبات خود عمل کند و از محرّمات دوری نماید؟ در ضمن اگر بخواهد تحقیق کند، از واجباتش، از جمله کسب رزق حلال، باز می‌ماند.

جواب: واجب است بر انسان نهایت کوشش خود را در تحقیق آیین خدا بنماید؛ هر گاه بعد از کوششهای لازم بجای نرسید، عند الله معذور است؛ منتها

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۳

عقل می‌گوید: «احتیاط را در عمل به واجبات و ترک محرمات، ترک نکند».

سؤال ۱۷۵۵- من دبیر دبیرستان هستم؛ گاهی اتفاق می‌افتد که در امتحان آخر سال دانش‌آموزی در درس من، برای قبول شدن محتاج یک یا دو نمره می‌شود؛ اما هنگامی که ورقه او تجدید نظر می‌کنم هیچ جایی برای اضافه کردن نمره به جوابهای او وجود ندارد، مگر این که خودم به جوابهای ورقه او، به میزان نیاز به آن نمره، اضافه، و در واقع به ورقه امتحانی او دست ببریم با توجه به این که عمر انسان بسیار با ارزش است و بعضاً این دانش‌آموزان از خانواده‌های فقیر می‌باشند و اگر مردود شوند، اثرات منفی در آنها و زندگی آنها ایجاد می‌شود و معلّم تشخیص می‌دهد که اگر این میزان نمره را به او بدهد، نتیجه مثبتی در زندگی و روحیات او دارد، آیا این کار جایز است؟

جواب: چنانچه این مقدار ارفاق در میان دبیران متعهد معمول باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۵۶- استفاده شخصی از امکانات مدرسه، صرفاً برای امور تحصیلی، با اجازه مدیر آموزشگاه چه حکمی دارد؟ در صورت ضامن بودن آیا با پرداخت خسارت به بیت المال، رفع ضمان می‌شود؟

جواب: هر گاه مسئول مدرسه، طبق ضوابط اجازه دهد مانعی ندارد و همین اندازه که بگوید طبق ضوابط است کافی می‌باشد.

سؤال ۱۷۵۷- حضرت‌عالی بارها بر ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی تأکید نموده‌اید؛ ولی حتی تجمل‌کرها نیز خود را تجمل‌گرا نمی‌دانند. وقتی از ایشان علت را جویا می‌شویم، بحث عرف و شأن را پیش می‌کشند. لطفاً بفرمایید: ملاک اصلی و مشهود اسراف و تجمل‌گرایی چیست؟

جواب: هر گونه هزینه‌ای که زاید بر نیازهای مشروع انسان باشد، نوعی اسراف و تجمل‌گرایی است؛ البته شئون افراد، مختلف است و برای تشخیص مصداق،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۴

باید به عرف متعهد و آگاه مراجعه کرد.

سؤال ۱۷۵۸- با توجه به تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین که از جمله می‌خواهند همچون گذشته با لباس مردان، به ویژه جوانان، چادر و روپوش زنان و یا نازک بودن آن لباسها، جامعه را به فساد بکشانند، تولید و مصرف این گونه لباسها چه حکمی دارد؟ و نیز عکسهای برهنه زنهای بی‌حجاب و یا مردان بدنام که بر روی بالشها، روفرشی‌ها، ظروف و پاره‌ای از البسه انداخته می‌شود چه صورت دارد؟ و بطور کلی حکم آنچه در مسیر ترویج فساد اخلاق جامعه و کمک به تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام و مسلمین باشد، چیست؟ و وظیفه مسلمین در قبال آن کدام است؟

جواب: هر کاری که موجب اشاعه و توسعه فرهنگهای فاسد و بیگانه باشد جایز نیست؛ ولی تولید لباسهای نازکی که می‌تواند در منزل مورد استفاده زن در برابر همسرش بوده باشد اشکالی ندارد، و دیگران نباید از آن سوء استفاده کنند.

سؤال ۱۷۵۹- یکی از روحانیون در منطقه گلپایگان مشغول خدمت و ترویج اسلام و احکام فقهی و معارف قرآن و مبانی عقیدتی و تشکیل گروه‌های ورزشی و خدمات فرهنگی، اجتماعی و دینی به مردم آن منطقه و تشویق و ترغیب جوانان به اسلام و شعائر دینی می‌باشد و اقدام به تأسیس یک مرکز دینی و پایگاه اسلامی نموده است، وظیفه قاطبه مسلمانان خصوصاً مردم آن منطقه، نسبت به برنامه‌های آن روحانی خدمتگزار چیست؟

جواب: وظیفه مردم علاقه‌مند به اسلام کمک به برنامه‌های اسلامی است، تا از گمراه شدن نوجوانان و جوانان مسلمان جلوگیری شود و این مسئولیت تنها بر دوش روحانیون نمی‌باشد.

سؤال ۱۷۶۰- آیا استخاره و تفأل با استفاده از کلام الله مجید برای خود و دیگران جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۵

جواب: استخاره با قرآن اشکالی ندارد ولی بهتر است از تفأل به قرآن خودداری شود.

سؤال ۱۷۶۱- آیا تعبیر و تفسیر خواب، از روی کتب تعبیر خواب، مثل کتاب تعبیر خواب حضرت یوسف، ابن سیرین و دانیال پیامبر و مانند آن، برای خود و دیگران جایز است؟

جواب: اگر به این کتابها نسبت داده شود، مثلاً- گفته شود: «در فلان کتاب چنین نوشته شده است» و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۶۲- آیا بیان تأثیر خواص داروهای گیاهی، در جهت معالجه امراض، بر اساس روایات و فرمایشات ائمه (علیهم السلام) و همچنین سایر کتب داروهای گیاهی؛ مانند طب الرضا، طب الصادق (علیهما السلام)، نسخه عطار و مانند آن، جایز است؟

جواب: در صورتی که بگوید: «در فلان کتاب چنین نوشته شده است» اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۶۳- اگر پدر یا جد پدری و یا قیمی، در رابطه با ظلمی که از طریق فرد کبیری نسبت به صغیر تحت ولایتش شده باشد؛ مثلاً با لواط شده و یا او را عمداً کشته باشند، چه با گرفتن پول (دیه) و چه مجانی، در دادگاه به ظالم رضایت داده باشد، چنانچه بعداً تشخیص دهد که رضایت او به صلاح صغیر نبوده با توجه به این که می‌گویند: «عدول از رضایت مسموع نیست» آیا پدر و جد پدری و یا قیم این صغیر، می‌تواند به رضایتی که داده معترض و تقاضای کیفر ظالم را بنماید؟

جواب: اگر در زمانی که رضایت داده اشتباه کرده است و بر خلاف مصلحت صغیر اقدام نموده، باید برگردد.

سؤال ۱۷۶۴- هنرپیشگی زن، که در فیلمهای مختلف نقش همسری برای افراد گوناگون را دارد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب فساد نباشد، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۶

سؤال ۱۷۶۵- حجامت از نظر شرعی چه صورتی دارد؟

جواب: طبق روایات متواتره، مستحب است. مگر برای اشخاصی که حجامت برای آنها ضرری داشته باشد.

سؤال ۱۷۶۶- شرکتها و ادارات معمولاً به مناسبتهای مختلف، پوسترها و آگهی‌هایی چاپ می‌کنند، و اسم شرکت خود را در زیر آن می‌آورند. آیا از این پوسترها و مجلات می‌توان با حذف کردن نام شرکت مربوطه استفاده نمود؟ (مثلاً شرکتی به مناسبت سال نو، تقویم سال جدید را چاپ می‌کند و با اسم شرکت خود به بازار می‌فرستد، آیا می‌توان از این تقویم با حذف نام شرکت استفاده کرد)؟

جواب: در صورتی که خریداری کنید، اختیار آن به دست شماست؛ اما اگر هدیه کنند، تغییر نام آن اشکال دارد.

سؤال ۱۷۶۷- کشیدن سیگار برای افراد مبتدی، و استمرار آن برای افراد معتاد، اعم از این که ترک آن به آسانی ممکن باشد یا نباشد، چه حکمی دارد؟

جواب: کشیدن سیگار و انواع دخانیات، حرام است و با توجه به این که ترک آن برای همه معتادان ممکن است، حالت اضطرار معمولاً در آن تصور نمی‌شود؛ مگر به دستور خاص طیب آگاه، و فرقی بین افراد مبتدی و معتاد نیست.

سؤال ۱۷۶۸- مدرسه‌ای در قم (البته بعنوان خوابگاه طلبه‌ها) وجود دارد که، طلبه‌های آن مدرسه در کنار درسهای حوزوی، به سایر دروس هم مشغولند، مثلاً دروس دبیرستان و یا دانشگاه می‌خوانند، در حالی که مسئول آن مدرسه در ابتدای ورود هر طلبه، با او در مورد این که در وقف‌نامه ذکر شده که: «طلبه‌ها نباید به درسی غیر از دروس حوزه اشتغال داشته باشند»، صحبت می‌کند و به ظاهر خود مسئول مدرسه با این کار طلبه‌ها مخالف نیست و برای رفع مسئولیت شرعی وقف‌نامه را می‌خواند، حالا این سؤال پیش می‌آید که کار طلبه‌های این مدرسه چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۷

جواب: رعایت شرایط وقف‌نامه واجب است و بدون آن، ماندن طلبان در آن مدرسه، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۶۹- خواهری مسأله خود را چنین بیان می‌کند: - در مصرف آب کاملاً زیاده روی می‌کنم و هر کاری می‌کنم، نمی‌توانم جلوی این اسراف را بگیرم. - مرتب با همسر در این مورد بحث دارم، او می‌گوید گذشته از این که کار حرامی می‌کنید و موجب ضمان می‌گردید، من که همسر شما هستم، راضی به این عمل تو نیستم، اگر همسرم راضی نباشد، آیا در وضو و نماز اشکالی ایجاد می‌شود و دوّم این که آیا کارم حرام و موجب ضمان می‌گردد؟ فتوای حضرت‌عالی موجب می‌شود نجات پیدا کنم.

جواب: سعی کنید به مقدار متعارف آب مصرف کنید. اگر بیش از آن باشد و همسرتان راضی نباشد حرام و موجب ضمان است و اگر شیطان وسوسه کند که فلان مقدار آب کافی نیست، اعتنا نکنید و اعمالتان اشکالی نخواهد داشت و ما مسئولیت آن را به عهده می‌گیریم و به فرض که همسرتان هم راضی باشد، اسراف در آب وضو و غسل، جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۰- مالیات چیست؟ و به چه جهت از مردم گرفته می‌شود؟ و آیا کفایت از خمس می‌کند؟

جواب: مالیات جهت هزینه تأمین امنیت و حفظ کشور از داخل و خارج است تا مردم، کشور، ناموس و اموالشان در امنیت کامل باشند و همچنین برای کشیدن جاده‌ها، ساختن مدارس و بیمارستانها و سایر نیازهای اجتماع می‌باشد و همان گونه که در سابق گفته شد، مالیات را نمی‌توان به جای خمس محسوب داشت، بلکه مانند سایر هزینه‌های کسب و کار است.

سؤال ۱۷۷۱- شخصی انگشتی که غصبی بوده به کسی هدیه داده است و مدتهاست که آن انگشت دائماً در دست شخص اهدا شده می‌باشد، اکنون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۸

اهداکنده از این کار پشیمان است، ولی قدرت در آوردن انگشت از دست آن شخص را ندارد، اگر صاحب انگشت را بشناسد، آیا لازم است که پول را به خود او بدهد؟ اگر از لحاظ اجتماعی و ترس از آبرو نتواند این کار را بکند، آیا می‌تواند پول آن را به فقیر برساند؟

جواب: چنانچه صاحب انگشت را بشناسد، و بتواند رضایت او را با دادن مبلغی فراهم کند، مشکلی ندارد، و اگر راضی نمی‌شود، به بهانه‌ای می‌تواند انگشت را از او بگیرد، مثلاً- انگشت خوبی معادل آن، یا بهتر از آن بخرد و نزد آن شخص ببرد و به او بدهد و انگشت را بگیرد، و اگر صاحب آن به هیچ وجه پیدا نمی‌شود، کافی است قیمت آن را به مستحقّی بدهد.

سؤال ۱۷۷۲- شخص محترمی است که برای مستحقّین و بی‌بضاعتها بضاعتهای (که آبرومند هستند) کمک‌هایی جمع‌آوری می‌کند و به آنها می‌رساند، افراد یا جاهایی که به واسطه این شخص کمک شده‌اند، چون فکر می‌کنند کمکها فقط از ناحیه او می‌باشد، برای او هدایایی می‌فرستند؛ شخص خیر می‌گوید: «چون من در پرداخت آن مبالغ سهمی ندارم و فقط آن را رسانده‌ام، آیا مجاز هستم که هدایای آن را مصرف کنم؟ چنانچه مجاز نیستم، آیا باید آن هدایا را به پرداخت کنندگان آن برسانم و یا همین هدایا را هم می‌توانم صرف امور خیریه بنمایم؟»

جواب: صداقت از هر کاری بهتر است. واسطه این کار خیر باید واقعیت را به مردم بگوید؛ چنانچه بعد از آن هدیه‌ای به او دادند بی‌اشکال است و نسبت به هدیه‌های گذشته نیز همین گونه عمل کند.

سؤال ۱۷۷۳- فردی دارای ملک موروثی می‌باشد؛ از میان این ملک آب گرم خدادادی جریان داشته و دارد، فرد مورد نظر آب گرم را بصورت استخر در آورده و از استحمام کنندگان پول می‌گیرد و از بقیه آب در مزرعه خود استفاده می‌برد.
لطفاً بیان فرماید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۳۹

الف) آیا مالک زمین، مالک آب گرم هم هست؟

ب) آیا کسی می‌تواند بدون پرداخت قیمت زمین و آب گرم، آنها را مصادره کند و حوضهای نامبرده را تبدیل به احسن کرده و خود مالک شود؟

ج) آیا غسل و استحمام سایر اشخاص مؤمنین از همان حمام احدائی، در ملک مصادره‌ای، صحیح است؟ با توجه به این که صاحب ملک می‌گوید: من راضی نیستم کسی در آن استخرها استحمام کند.

جواب: الف) مالک زمین مالک آب گرم است.

ب) کسی نمی‌تواند بدون رضایت صاحب زمین آن را از ملکیت او به در آورد.

ج) غسل و استحمام بدون رضایت مالک آن زمین جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۴- عده‌ای از جوانان- از نظر علمی نیز در حدّ بالایی هستند- به طرز خاصی لباس می‌پوشند و بیش از اندازه محاسن می‌گذارند، داشتن محاسن به حدّی که مایه تمسخر شود، چه حکمی دارد؟

جواب: از پوشیدن لباس، یا گذاردن محاسن بیش از اندازه که موجب تمسخر و توهین به شخص باشد باید اجتناب کرد و شخص مؤمن همیشه باید عزّت خود را حفظ کند.

سؤال ۱۷۷۵- رانندگی موتور برای کسی که مهارت دارد، ولی گواهینامه ندارد، چه حکمی دارد؟ در مورد ضرورت چطور؟

جواب: مراعات مقرّرات راهنمایی حکومت اسلامی، لازم است.

سؤال ۱۷۷۶- آیا ادعیه و زیارات مفاتیح الجنان را می‌توان به قصد استحباب خواند؟

جواب: به قصد زیارت مطلقه مانعی ندارد، و بهتر است به قصد رجا خوانده شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۰

سؤال ۱۷۷۷- آیا ادعیه و زیارات زیر نیز مستحب هستند؟

ندبه، کمیل، توسّل، دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه، مناجات خمس عشره، زیارت جامعه کبیره و صغیره، امین الله و عاشورا.

جواب: این دعاها و زیارات مشهور است و اگر به قصد دعا و زیارت مطلق انجام شود، هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۷۸- به موجب برخی از مقرّرات جاری، در طول خدمت افراد شاغل در دستگاههای دولتی و غیر دولتی، وجوهی از حقوق دریافتی افراد کسر و به همراه مبالغی که توسط دستگاه به کارگیرنده افراد، به آن افزوده می‌شود، به صندوق خاصی واریز و

اندوخته می‌شود، تا این صندوقها پس از بازنشستگی یا فوت مستخدم، مبالغی را به عنوان حقوق بازنشستگی و یا مستمری به خود فرد و یا عائله تحت تکفل او، با سنین و شرایط معینی بپردازد. با توجه به قوانین جاری پس از فوت مستخدم، وجوه مستمری صرفاً به

عائله تحت تکفل حین الفوت متوفی و بر اساس موازینی غیر از موازین پیش بین شده در احکام مربوط به ارث پرداخت می‌شود و سایر ورثه که تحت تکفل متوفی نبوده‌اند از دریافت آن محروم می‌باشند؛ با عنایات به مراتب فوق، آیا وجوه مزبور که بصورت

ماهیانه برای مدّتی نامعین پرداخت می‌گردد، جزء ما ترک متوفی محسوب می‌گردد یا خیر؟

جواب: جزء ترکه نیست و باید طبق ضوابط بازنشستگی عمل شود.

سؤال ۱۷۷۹- در قراردادهایی که امروزه به اصطلاح «بیمه عمر» نامیده می‌شود، بیمه‌گر با بیمه‌گذار قراردادی را منعقد می‌سازد و طی آن تعهد می‌کند در قبال مبلغی که ماهیانه دریافت می‌کند در زمان انقضای مدّت، مبلغ معینی را به بیمه‌گذار بدهد و هرگاه در

اثنای مدّت قرار داد بیمه‌گذار فوت کند، بلافاصله تمامی آن مبلغ را به فرد یا افرادی که نام آنها در قرار داد (به عنوان منتفع) ذکر گردیده- که ممکن است یکی از ورثه یا غیر از ورثه باشد- بپردازد با عنایت به فرض مذکور بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۱

الف) آیا اساساً انعقاد چنین عقدی صحیح است؟

جواب: عقد بیمه عقد صحیحی است، البته باید شرایط کلی عقد، مانند عقل و بلوغ و اختیار و روشن بودن امور مربوط به قرارداد، در آن رعایت شود و باید طبق آن عمل شود.

ب) آیا وجه پرداختی بیمه به منتفع، بعنوان ما ترک متوفی محسوب می‌شود؟

جواب: وجه مزبور جنبه ارث ندارد و باید طبق ضوابط بیمه، عمل شود.

سؤال ۱۷۸۰- معلمین مدارس ابتدایی و راهنمایی گاهی از اوقات مجبور می‌شوند، جهت نظم کلاس و یادگیری بیشتر بچه‌ها، آنها را تنبیه کنند، البته لازم به ذکر است که با حفظ مراتب تنبیه، یعنی تذکر، نگاه تند، تهدید به دادن نمره کم و امثال ذلک می‌باشد و در نهایت مجبور به زدن آنها می‌شوند که این زدن ممکن است در دست یا بدن آنها سرخی و کبودی ایجاد کند، سؤال این است که آیا حرمت یا ضمانتی در کار است؟ برای مزید اطلاع عرض می‌کنم که اگر زدن نباشد، نه معلم می‌تواند مطلب درسی را خوب بیان کند و نه محصل می‌تواند از درس بهره‌ای ببرد، چون با مشاهده عدم تنبیه از ناحیه معلم، کلاس را بر سر معلم ویران می‌کنند، مضافاً به این که مزاحمت آنها ممکن است به محیط مدرسه و کلاسهای دیگر نیز سرایت بکند؟

جواب: همان گونه که قبلاً نیز گفته‌ایم، باید حتی الامکان از تنبیه بدنی صرف نظر کرد و در صورت ضرورت باید با اجازه خاص یا عام ولی کودک باشد و کاری که سبب دیه شود انجام ندهند و با توجه به آثار منفی تنبیه بدنی، تا ممکن است باید از آن پرهیز کرد.

سؤال ۱۷۸۱- از آنجا که اکثر مردم در کارهای خود به قرآن کریم استخاره می‌کنند، یا به آن فال می‌زنند آیا این استخاره حجیت دارد؟ در صورت شکستن آن به چه اثرات ظاهری و باطنی بر آن مترتب می‌شود؟ استخاره در چه مواردی شرعاً وارد شده است؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۲

جواب: استخاره مربوط به موارد تحیر است که با مشورت و غیر آن مشکل حل نشود و بعد از استخاره، مخالفت با آن صلاح نیست، هر چند حرام نمی‌باشد و مسأله استخاره در روایات متعددی وارد شده است.

سؤال ۱۷۸۲- شرکت سهامی مخابرات یکی از استانهای کشور، در یک اقدام غیر منتظره، تعدادی تلفن موبایل، به رؤسای ادارات و مراکز به صورت خارج از نوبت و با نرخ دولتی، ۶۲۰ هزار تومان، واگذار نمود، طی مدت یک هفته برخی از افراد فوق با فروش تلفنهای مذکور به مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان سودی معادل یک میلیون و یک صد هزار تومان، نصیب خویش نمودند. اقدام فوق باعث بدبینی و یأس فراوان در بین مردم، خصوصاً افراد حزب اللهی و دلسوز انقلاب گردید، حال با توجه به سود باد آورده یک شبه از بیت المال و دادن امتیاز خاص به افراد خاص و همچنین با توجه به این که سال گذشته نیز به تعداد کثیری از افراد مذکور، خودروی دولتی تعلق گرفت که اختلاف فروش در بازار با قیمت جدید یک میلیون تومان به بالا بود، متمنی است نظر مبارک را درباره این گونه امتیازات، که از بودجه بیت المال داده می‌شود و نیز معاملات مذکور، مرقوم فرمایید؟

جواب: هر گونه تصرف در اموال بیت المال، باید طبق مصالح امت اسلامی و با در نظر گرفتن حق و عدالت باشد و اگر از موازین فوق تخلف شود، جایز نیست.

سؤال ۱۷۸۳- با توجه به این که خداوند در سوره «شمس» یازده قسم برای تزکیه نفس خورده است، آیا تزکیه و تهذیب نفس را واجب می‌دانید.

جواب: مراحلی از تزکیه نفس، به یقین جزء واجبات است و مراتبی جزء کمالات و مستحبات. شرح بیشتر آن را می‌توانید در کتب اخلاقی مطالعه کنید.

سؤال ۱۷۸۴- آیا دولت اسلامی می‌تواند به علت مصالحی مهم، صحت بعضی از عقود یا ایقاعات (مثل ازدواج یا طلاق) را منوط به

ثبت در دفاتر رسمی کشور، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۳

منوط به گذراندن مراحل خاصی کند؟

جواب: صحت عقود منوط به ثبت در دفتر نیست؛ ولی می‌توان بخاطر مصالحی برای متخلفان مجازات‌هایی قائل شد.

سؤال ۱۷۸۵- در مجموعه‌های سازمانی که غذا بطور دسته جمعی تقسیم و صرف می‌شود، غذا زیاد اسراف می‌شود، بطوری که بعضی حدود یک سوم غذایی را که کاملاً قابل خوردن است دور می‌ریزند؛ آیا به نظر حضرتعالی جایز است کسانی که غذایشان اضافه می‌ماند، بیشتر از حد خوراکشان از مقسم، غذا دریافت نمایند؟

جواب: چنانچه ممکن باشد که زیادی را به دیگری واگذار کند و دور ریخته نشود، مانعی ندارد که زیاده بگیرد، و الا اسراف است و حرام می‌باشد.

سؤال ۱۷۸۶- الف) آیا موضوع حق ارتفاق، آنچنان که در قانون مدنی به عنوان مبحثی مستقل، مورد بحث قرار گرفته، در فقه اسلامی نیز عنوان مستقلی دارد؟

ب) حقوقدانان ایرانی در تألیفات خود گفته‌اند که «تدوین کنندگان قانون مدنی، موادّ مربوط به حق ارتفاق را، عمدتاً از قانون مدنی فرانسه اقتباس کرده‌اند» آیا فقه امامیه به عنوان یک منبع، جهت استفاده قانون مدنی، کافی نبوده است؟

جواب: الف) حق ارتفاق که در قانون مدنی آمده، به این عنوان در فقه اسلامی مطرح نیست، ولی محتوا و نتیجه آن می‌تواند داخل در عموماً و اطلاقات ادله عقود و شروط باشد و از روایات خاصی، مانند حدیث معروف سمره بن جندب، در باب لا ضرر نیز استفاده می‌شود که اسلام آن را به رسمیت شمرده است؛ زیرا «سمره» مالک نخلی در زمین دیگری بود و حق عبور از زمین مرد انصاری برای رسیدگی به درخت خود داشت، ولی چون می‌خواست از آن حق، سوء استفاده کند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مانع از آن شد.

ب) همان طور که در بالا- آمد، اصل این حق در ادله عامه و خاصه اسلامی وارد شده است، ولی نه به این نام و نه به این عنوان. ممکن است تدوین کنندگان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۴

قانون مدنی، نام را از جای دیگری گرفته باشند و محتوا را از ادله اسلامی.

سؤال ۱۷۸۷- به نظر جنابعالی «حدّ اقل» صله رحم و قطع رحم، چه مقدار است؟

جواب: حدّ اقل صله رحم آن است که در عرف گفته شود: «فلان کس با خویشاوندانش ارتباط دارد» و اگر طوری رفتار کند که بگویند: «قطع رابطه کرده» قطع رحم محسوب می‌شود و بستگان در این رابطه با هم متفاوتند.

سؤال ۱۷۸۸- آیا پرداخت وجه، یا دادن کالای رایگان از طرف شرکتها یا اشخاص، تحت عنوان عیدی یا هدیه و احیاناً کمک به کارکنان بانکها و سازمانهای دولتی مرتبط با آنها، که خود حقوق ماهیانه از مؤسسه متبوع دریافت می‌دارند و علاوه بر آن، از مؤسسه متبوع خود عیدی و پاداش دریافت می‌کنند، با توجه به این که جزء هزینه‌های اعطاکننده به حساب آمده و نهایتاً بر افزایش قیمت مصرف کننده کالا یا خدمات اثر دارد، حلال است یا حرام؟ حکم گرفتن چنین هدایایی را نیز در فرض مذکور، بیان فرمایید؟

جواب: هرگاه گیرنده هدیه، حقی را باطل و باطلی را حق نکند، و حتی نوبت دیگران را ضایع نماید اشکالی ندارد؛ ولی احتیاط آن است که از این گونه امور که معارض و سوسه‌های شیطانی است، اجتناب شود؛ زیرا شیطان غالباً از راههای ظاهراً مشروع وارد می‌شود، تا انسان را به گناه آلوده کند.

سؤال ۱۷۸۹- آیا این مطلب صحیح است که:

«در عصر حضور ائمه معصومین (علیهم السلام) شیعه به هیچ وجه نیازمند اجتهاد نبوده، لذا هیچ نیازی به علم اصول نداشته است، و بنابراین علم اصول را اهل سنت بوجود آورده‌اند و شیعه در عصر غیبت امام زمان - عجل الله تعالی فرج الشریف - که به اجتهاد روی آورد، علم اصول را از آنان گرفت، پس اهل سنت در زمینه علم اصول، هم در تأسیس و هم در تألیف و تدوین پیشتاز بوده‌اند؟»
 جواب: قسمت مهمی از علم اصول از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۵

ما رسیده است؛ مانند اصل برائت، احتیاط، استصحاب، ابواب تعادل و تراجیح، عام و خاص، مطلق و مقید و غیر آن، و اصحاب خود را نسبت به این مسائل آشنا فرمودند و بسیاری از علمای شیعه نیز در این راه پیشگام بوده‌اند، برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتاب «تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام» نوشته مرحوم سید حسن صدر مراجعه فرمایید؛ الآن هم علمای شیعه در علم اصول، بسیار مبرزتر از دیگرانند.

سؤال ۱۷۹۰- در برخی از منازل و معابر عمومی و فیلمهای موجود، تمثال و عکسهای منسوب به ائمه معصومین (علیهم السلام) دید ناظر را به خویش جلب می‌کند، تا جایی که در پاره‌ای از برنامه‌های تلویزیونی و گاه‌ها نمایشی، قسمتهایی از اندام نورانی آن معصومین همام به تصویر کشیده می‌شود؛ از سوی دیگر در بعضی از محافل که جایگاه مذهبی و حوزوی دارد، نشان دادن صورت مبارک ائمه اطهار در فیلمها بلامانع بیان می‌گردد. البته تا حال بطور کامل در فیلمها مشاهده نشده، ولی بیم آن می‌رود که این کار انجام شود، با توجه به ذکر این موضوع که در ایام پربرکت آن بزرگواران معصوم، وسایل عکسبرداری امروزی مرسوم و رایج نبوده و ایشان مقرب در گاه الهی‌اند، نظر مبارک در این مورد چه می‌باشد؟

جواب: اگر این عکسها را بطور قطع به پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یا ائمه (علیهم السلام) نسبت بدهند جایز نیست، ولی بصورت احتمال اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که عکس مناسبی باشد و در مورد فیلمها رعایت احترام آن بزرگواران ایجاب می‌کند، که چهره مبارک آنها را بطور واضح و آشکار نشان ندهند، ولی حضورشان در صحنه‌ها حفظ کنند.

سؤال ۱۷۹۱- با توجه به ضرورت گسترش و تقویت بسیج، در امر پاسداری از آرمانهای انقلاب اسلامی و تشکیل بسیج مساجد: الف) آیا نیروهای بسیج می‌توانند در مساجدی که زمین یا ساختمان و امکانات آنها وقفی است، مستقر شوند؟
 استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۶

ب) استفاده از امکانات چنین مساجدی (مانند آب و برق)، ... برای بسیج چگونه است؟

جواب: الف) در صورتی که مزاحمتی برای نمازگزاران و سایر امور مسجد ایجاد نشود، مانعی ندارد.

ب) احتیاط آن است که سهم خود را نسبت به آب و برق و ... بپردازند؛ مگر این که بانیان این گونه امور از آغاز وقف را توسعه داده باشند.

سؤال ۱۷۹۲- برای استخدام به یکی از ادارات مراجعه کردم، در جواب گفتند: «فقط به شرطی استخدام رسمی می‌شوید که اینارگر باشید (جانباز- آزاده- خانواده شهید)» من دو سال خدمت سربازی را در جبهه گذرانده بودم و در یک بمباران، در منطقه به بیمارستان انتقال یافتم و پرونده‌ای نیز در بیمارستان تشکیل شد ولی (واقعیت) کوچکترین جراحی بر نداشته بودم، بعد با توجه به آن پرونده توانستم به ناحق ۱۵ درصد جانبازی بگیرم و به واسطه همان گواهی جانبازی در اداره مذکور استخدام شوم طبیعتاً جانباز بودن مزایای حقوقی بیشتری نسبت به افراد غیر جانباز دارد به همین جهت، مبالغی هم به ناحق دریافت کردم، اینک پس از گذشت سه سال از کار خود نادم و پشیمان هستم و مدتی است که عذاب وجدان رهايم نمی‌کند، از طرفی شرم دارم که موضوع را با ریاست محل کار و همکاران در میان بگذارم؛ چون ممکن است پس از اطلاع، مرا از استخدام رسمی به قراردادی تبدیل کنند، که آن هم کار خیلی مشکلی است و به آسانی صورت نمی‌گیرد و اگر هم این کار صورت بگیرد، از لحاظ اجتماعی ضربه بزرگی

می‌خورم. با توجه به مطالبی که به عرض رساندم خواهشمندم بنده را راهنمایی فرموده تا نزد خداوند متعال و مردم، مسئول نباشم.
جواب: برای حلّ این مشکل شرعی، چاره‌ای نیست جز این صادقانه به استناد پاسخ ما، با مسئول مربوط تماس گرفته و وضع خود را در میان بگذارید و از او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۷

خواهش کنید به شما کمک کند و راه حلّی در نظر بگیرد.

سؤال ۱۷۹۳- آیا یکی بودن چاه آشپزخانه با حمام، در صورت تنگ بودن حیاط، یا مطلقاً، از نظر شرعی اشکالی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد؛ ولی بهتر جدا کردن این دو چاه است.

سؤال ۱۷۹۴- بنده از کسانی هستم که مایلیم شعائر اسلامی در تمام سطوح زندگی زنده باشد؛ بنابراین یکی از علاقه‌مندان به طرح تعویض مسکوکات نیکلی و طلا و اسکناسهای رایج داخلی و تبدیل آن به شکل طراحی اسلامی هستم، آیا می‌توان مثلاً کلمه «الله» یا «محمد» یا «بسم الله الرحمن الرحیم» را روی مسکوکات و اسکناسهای رایج ترسیم کرد؟
جواب: اشکالی ندارد، ولی بر مردم لازم است که احترام آن را حفظ کنند.

سؤال ۱۷۹۵- در بعضی از نهادها و ارگانها مانند سپاه، ممکن است پادگانها و مراکزی وجود داشته باشد که در آن برای برخی از سمتها و پستها، عملاً کار چندانی وجود نداشته باشد، و فقط به خاطر مسئولیت حقوق می‌گیرند، و یا این که در هفته دو روز کار مفید وجود دارد و یا مثلاً در طول روز در ساعات اداری کار محوله را می‌توان ظرف دو ساعت انجام داد ولی آن را با طمأنینه و معطلی انجام می‌دهند، چون کار چندانی هم ندارند.

به نظر حضرت تعالی، کسی که اکثر اوقات بی‌کار است و نیز برای تشکیلات مثمر ثمر نیست، آیا حلال است که حقوق خود را تمام و کمال دریافت نماید و از همه امکانات موجود کمال استفاده را ببرد؟ یا این که به بیت المال مسلمین مدیون است و باید در حدّ و اندازه‌ای که کار می‌کند حقوق بگیرد؟ و همچنین حکم کلیه ادارات، ارگانها و نهادهای دیگر کشور جمهوری اسلامی ایران، که چنین وضعیتی دارند را بیان فرمایید؟

جواب: این گونه مسائل باید به وسیله کارشناسان مورد وثوق پیگیری شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۸

چنانچه ثابت شود بعضی از پستها ضرورتی ندارد، آن را باید حذف کنند و مادام که چنین کاری انجام نشده و مسئولین مربوط؛ از وضع شما و امثال شما آگاهند، شما مسئولیتی در برابر حقوقی که می‌گیرید ندارید.

سؤال ۱۷۹۶- منظور از دروغ به عنوان یکی از گناهان کبیره چیست؟ آیا هنگامی که انسان، نسبت به درست بودن مطلبی احتمال زیاد می‌دهد، یا احتمال بیش از ۵۰ درصد می‌دهد می‌تواند آن را بیان کند؟ (به خصوص در مواردی که از سوی شنونده، احتمال خطای گوینده در نظر گرفته شده است، مثلاً هنگامی که استاد از شاگرد مطلبی را می‌پرسد و شاگرد احتمال زیاد یا بیش از ۵۰ درصد به درستی جوابش می‌دهد، آیا می‌تواند آن را با صراحت بیان کند)؟

جواب: انسان تا یقین نداشته باشد، نباید چیزی را به صورت قطعی بیان کند؛ بلکه باید به عنوان احتمال بیان کند، مگر این که قرائنی وجود داشته باشد که آن بیان در واقع جنبه احتمالی دارد و در موارد امتحان انسان می‌تواند جوابی را که احتمال قوی به صحیح بودنش می‌دهد، بنویسد.

سؤال ۱۷۹۷- آیا علاقه به انجام گناه از سوی خود یا دیگری، بدون انجام آن، به تنهایی گناه است؟

جواب: نیت گناه، گناه محسوب نمی‌شود، ولی بهتر است کاری کند که این حالت ترک شود.

سؤال ۱۷۹۸- آیا در زمان غیبت کبری می‌توان به خدمت حضرت ولی عصر (روحی فدا) رسید؟

جواب: جمعی از بزرگان که شایستگی و سعادت آن را داشته‌اند به خدمت آن حضرت رسیده‌اند، ولی کسی نمی‌تواند پیامی از آن حضرت، برای دیگران نقل کند.

سؤال ۱۷۹۹- تعدادی از مسلمانان که به علت تحصیل و امثال آن، در کشورهای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۴۹

غیر اسلامی زندگی می‌کنند، احیاناً برای اشتغال و امرار معاش، مجبور به کار در فروشگاهها و رستورانهایی می‌شوند که مواد غذایی غیر اسلامی، از قبیل مشروبات الکلی، گوشت ذبح غیر اسلامی و امثال آن دارند، با توجه به این نکته که مشتریان این نوع مراکز را غیر مسلمانان تشکیل می‌دهند و اگر مسلمانی مراجعه داشته باشد، به قسمتهای گفته شده مراجعه ندارد. یا این که فروشندگان مسلمان، فروشنده مباشر مواد غذایی نیستند، بلکه در قسمت مالی یا قسمتهای دیگر این اماکن اشتغال دارند؛ حکم چنین اشتغالی در کشورهای غیر مسلمان، که مشروبات الکلی، ذبایح غیر شرعی و یا گوشتهای حرام را جایز می‌دانند چیست؟

جواب: اشتغال در این گونه فروشگاهها در صورت ضرورت اشکالی ندارد؛ ولی در هر حال باید به دقت مراقب باشند که خودشان و سایر برادران و خواهران مسلمان آلوده نشوند، و چه بهتر که مسلمانان دست به دست هم دهند و مؤسسه‌ساتی بوجود آورند که بتوانند موازین اسلامی را در همه چیز رعایت کنند.

سؤال ۱۸۰۰- در بعضی از شهرها مرسوم است که وقتی شخصی از زیارت اماکن مقدسه (مانند مکه معظمه، مدینه منوره و ...) بازمی‌گردد، دستکشی به دست می‌کند تا زنان نامحرم نیز، بتوانند به عنوان تبرک دست او را ببوسند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: شرعاً حرام نیست، ولی از نظر شرع کار خوبی نمی‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۱

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشان...

اشاره

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشان
حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی «دام ظلّه»

۱- آغاز پربرکت

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضایل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲- حیات علمی

با این که هیچ یک از افراد خانواده معظم له در کسوت روحانیت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا بابا خان شیراز» آغاز کرد و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق العاده‌ای که داشت، مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در

مدتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت، و گاه در یک روز- علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند- هشت جلسه تدریس داشت!

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۲

ایشان در ۱۸ سالگی از شیراز وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیه الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

۳- هجرت در جوانی

معظم له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ ه- ق وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم، خویی، سید عبد الهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر- قدس الله اسرارهم- شرکت جستند.

۴- رسم دیرینه حوزه

معظم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵- رجعتی پس از هجرت

معظم له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوا گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد.

۶- حوزه‌های دیگر، درسی دیگر

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۵ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهم فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه‌های علمیه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلا عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۳

۷- حیات سیاسی

معظم له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول نیز نقش مؤثری داشتند.

۸- خدمات ارزنده معظم له

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزه علمیه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه

تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید.

معظم له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیه قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار- در میان مجلات علمی و دینی- در تمام جهان اسلام، جزء درجه اولها بود.

۹- مجموعه تألیفات و آثار

از معظم له حدود یکصد و سی و دو جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی بار تجدید چاپ گردیده است و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است که به اسامی آنها اشاره می‌شود:

۱- ترجمه شیوا و روان قرآن مجید

۲- تا ۲۸ تفسیر نمونه (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی و ترکی)

۲۹- تا ۳۸ تفسیر موضوعی پیام قرآن (عربی و فارسی)

۳۹ و ۴۰- ترجمه تفسیر المیزان

۴۱ و ۴۲ و ۴۳- اخلاق در قرآن

۴۴- فیلسوف‌نماها

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۱، ص: ۵۵۳

۴۵- مدیریت و فرماندهی در اسلام

۴۶- زهرا، برترین بانوی جهان

۴۷- زندگی در پرتو اخلاق

۴۸- جلوه حق

۴۹- عود ارواح و ارتباط با ارواح

۵۰- پرسشها و پاسخهای مذهبی

۵۱- خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

۵۲- انگیزه گرایش به مذاهب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۴

۵۳- خدا را چگونه بشناسیم؟

۵۴- آفریدگار جهان

۵۵- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر

۵۶- قرآن و آخرین پیامبر

۵۷- معاد و جهان پس از مرگ

۵۸- عقیده یک مسلمان

۵۹- مهدی انقلابی بزرگ

- ۶۰- ارزشهای فراموش شده
- ۶۱- پایان عمر مارکسیسم
- ۶۲- آخرین فرضیه‌های تکامل
- ۶۳- آیین ما (ترجمه اصل الشیعه)
- ۶۴- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان (فارسی، عربی، انگلیسی، چینی و فرانسه)
- ۶۵- سرگرمیهای خطرناک
- ۶۶- نماز مکتب عالی تربیت
- ۶۷- معراج، شق القمر، نماز در قطبین
- ۶۸- معمای هستی
- ۶۹- فلسفه شهادت
- ۷۰- اسرار عقب ماندگی شرق
- ۷۱- چهره اسلام در یک بررسی کوتاه
- ۷۲- در جستجوی خدا
- ۷۳- مشکلات جنسی جوانان
- ۷۴- آنچه از اسلام باید بدانیم (اسلام در یک نگاه)
- ۷۵- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم
- ۷۶- قرآن و حدیث
- ۷۷- تقلید یا تحقیق
- ۷۸- خمس پشتوانه استقلال بیت المال
- ۷۹- مسأله انتظار
- ۸۰- تفسیر به رأی
- ۸۱- تقیه سپری برای مبارزه عمیقتر
- ۸۲- این مسائل برای همه جوانان مطرح است
- ۸۳- اسلام و آزادی بردگان
- ۸۴- یکصد و پنجاه درس زندگی (فارسی و انگلیسی)
- ۸۵- شیوه همسررداری در خانواده نمونه
- ۸۶- طرح حکومت اسلامی
- ۸۷- رساله مقدمه وحی یا ...
- ۸۸- التقاط و التقاطیها
- ۸۹- مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام)
- ۹۰ و ۹۱- اخلاق اسلامی در نهج البلاغه
- ۹۲- رساله توضیح المسائل (فارسی، عربی، اردو، ترکی، انگلیسی، چینی)
- ۹۳- رساله احکام جوانان

- ۹۴- رساله احکام بانوان
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۵
- ۹۵- مناسک حج (فارسی-عربی)
- ۹۶ و ۹۷- استفتاءات جدید (فارسی و عربی)
- ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰- انوار هدایت
- ۱۰۱- تعلیقات علی عروۃ الوثقی
- ۱۰۲ و ۱۰۳- القواعد الفقهیّه
- ۱۰۴- انوار الفقاهه (کتاب التّجاره- مکاسب محرّمه)
- ۱۰۵- انوار الفقاهه (کتاب البیع- ولایت فقیه و حکومت اسلامی)
- ۱۰۶- انوار الفقاهه (کتاب الخمس و الانفال)
- ۱۰۷- انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التّعزیرات)
- ۱۰۸- أنوار الفقاهه (کتاب النکاح ج ۱)
- ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱- انوار الاصول (مشمّل بر تقریرات درس خارج اصول)
- ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴- پیام امام (علیه السلام) (شرح نهج البلاغه) (عربی)
- ۱۱۵- ربا و بانکداری اسلامی (فارسی و عربی)
- ۱۱۶- بررسی طُرُق فرار از ربا
- ۱۱۷- مثالهای زیبای قرآن (فارسی و عربی)
- ۱۱۸- یادآوری‌های ماندگار
- ۱۱۹- جامعه سالم در پرتو اخلاق
- ۱۲۰- بحوث فقہیّه هامّه (مسائل مهمّ فقہی به زبان عربی)
- ۱۲۱- حکم الأضحیه
- ۱۲۲- عمره مفرده
- ۱۲۳- حج بانوان
- ۱۲۴- مناسک جامع حج
- ۱۲۵- حکومت جهانی مهدی
- ۱۲۶- جوانان را دریابید
- ۱۲۷- ۱۱۰ سرمشق از سخنان حضرت علی (علیه السلام)
- ۱۲۸- چند نکته مهم درباره رؤیت هلال (به زبان عربی)
- ۱۲۹- حیلہ‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح
- ۱۳۰- آیات ولایت (عربی)
- ۱۳۱- مفاتیح نوین
- ۱۳۲- تعزیر و گسترده آن
- وَقَّهَ اللَّهُ لِمَرْضَاتِهِ وَ آيِدَهُ اللَّهُ بِتَأْيِيدَاتِهِ

ناشر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۱، ص: ۵۵۶

آدرس و شماره تلفن‌های

دفاتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

جهت پاسخگویی به مسائل شرعی

۱- قم: ابتدای خیابان شهدا تلفن: ۷۷۴۳۱۲۰، ۱۳- ۷۷۴۳۱۱۰ فاکس: ۷۷۴۳۱۱۴

۲- شیراز: خیابان قآنی کهنه، کوی رحمت تلفن: ۲۳۰۳۱۲۱، فاکس: ۲۳۰۷۴۲۱

۳- تهران: خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای بزرگراه شهید محلاتی، ضلع جنوبی، پلاک ۲۹ تلفن: ۷۵۰۹۶۹۷، ۲- ۷۵۱۲۲۴۱، فاکس:

۷۶۳۸۸۸۸

۴- اراک: ابتدای خیابان محسنی تلفکس: ۲۲۴۲۴۷۰، تلفن: ۲۲۲۴۴۱۵

۵- مشهد: چهارراه شهدا، خیابان آزادی، آزادی ۶ فاکس: ۲۲۵۴۹۷۰، تلفن: ۲۲۵۶۱۶۸-۲۲۲۷۸۷۹

۶- اصفهان: چهارراه شکرشکن، خیابان احمدآباد، خیابان شهید توانا، پلاک ۱۰۵ تلفن: ۲۲۵۳۶۰۰، تلفکس: ۲۲۶۵۲۰۵

۷- کرج: بلوار امامزاده حسن، بین گلستان سوم و چهارم.

تلفن: ۲۲۴۳۹۳۸، تلفکس: ۲۲۳۱۰۳۳

اینترنت: www.makarem.irE-mail: makarem@makarem.ir**جلد دوم****اشاره**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار**اشاره**

أثنى على الله احسن الثناء، و احمده في السراء و الضراء، و الصلاة و السلام على رسوله خير الوری، محمد (صلى الله عليه و آله) و آله افضل الاوصياء، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين، من الآن الى قيام الدين.

ضرورت دانستن و فراگیری، و سپس عمل به احکام شرعی و فروعات فقهی، که هر روزه در تمام زوایای زندگی با آن سر و کار داریم، امری روشن و بدیهی است؛ امّا متأسفانه این «ضرورت» در بسیاری از موارد گویا «باور» نشده است و طبیعتاً هنگامی که انسان «نیاز» خود را «باور» نکند، برای تحصیل آن اقدامی نمی‌کند، همان گونه که اگر شخص بیمار، بیماری خود را باور نکند به سراغ درمان آن نمی‌رود، و از این رهگذر چه بسا متحمل ضررهای جسمی و روحی و مادی و معنوی فراوانی می‌گردد؛ بلکه گاهی تمام هستی خود را از دست می‌دهد و تسلیم مرگ می‌گردد.

ناآگاهی از احکام و مسائل شرعی، گاهی باعث از بین رفتن یک عمر طاعت و عبادت انسان می‌گردد، و برخی از اوقات موجب به زحمت افتادن و تلخ شدن زندگی خود شخص و دیگران می‌گردد، و در پاره‌ای از موارد بنیان خانواده‌ای را متلاشی می‌کند! به

گونه‌ای که هیچ راهی جز جدایی زن و شوهر برای آن دیده نمی‌شود؛ در حالی که اگر قبلاً از حکم شرعی آن اطلاع داشتند، به چنین سرنوشتی دچار نمی‌گشتند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸

همان گونه که بسیاری بر اثر ناآگاهی از این احکام نورانی اسلام به راحتی به حرام می‌افتند و گوشت و پوست خود و دیگر اعضای خانواده را آلوده به آن می‌کنند و به همین جهت از بسیاری از برکات معنوی محروم می‌گردند. در حالی که با دانستن یک مسأله شرعی می‌توان از محیط ظلمانی حرام به حریم نورانی حلال منتقل شد.

چه کسانی مقصرند؟

راستی چه کسانی مقصرند؟ چرا در یک جامعه اسلامی باید چنین حوادث تلخی رخ دهد؟ چگونه می‌توان پذیرفت که برخی از مردم با ساده‌ترین مسائل شرعی خود آشنا نباشند؟

باید اعتراف کرد که ما طلباب و روحانیون، که وظیفه خطیر و بسیار با ارزش تبیین احکام الهی را داریم، شاید در این جهت بی‌تقصیر نباشیم و امکان دارد در بعضی موارد این وظیفه مهم را به فراموشی سپرده باشیم! و متأسفانه عده‌ای، هرچند کم، این عبادت بزرگ را دون شأن خود می‌دانند! و این راستی عجیب است.

البته گروهی از مکلفین نیز در این راستا بی‌تقصیر نیستند و کوتاهی آنها نیز قابل انکار نیست؛ ولی همان گونه که گذشت، کوتاهی مردم غالباً به این مطلب برمی‌گردد که احساس نیاز نمی‌کنند.

ارزش فوق‌العاده تعلیم و تعلم احکام شرعی

برای روشن شدن ارزش این کار مهم و سرنوشت‌ساز (فراگیری احکام و مسائل شرعی) و اجر و قرب فراوانی که برای بیان‌کننده این احکام نورانی و مسائل شرعی و شنونده آن وجود دارد، کافی است در روایتی که از وجود مقدس حضرت صدیقه کبری، فاطمه زهرا (علیها السلام) به ما رسیده است، توجه و دقت لازم را بنماییم:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹

امام حسن عسکری (علیه السلام) روایت فوق را چنین نقل می‌فرماید: «زنی به خدمت صدیقه کبری، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) مشرف شد و عرض کرد: مادر ضعیف و ناتوانی دارم که در مورد نماز مشکلی برایش پیش آمده است، مرا خدمت شما فرستاده تا مشکل او را حل فرمایید و سؤالش را پاسخ دهید (سپس مسأله را مطرح کرد و در روایت، شرح مسأله نیامده است) حضرت فاطمه (علیها السلام) پاسخ سؤالش را بیان فرمود. آن زن سؤال دیگری مطرح کرد، حضرت نیز پاسخ داد. برای بار سوم سؤال‌کننده مسأله سومی مطرح نمود، حضرت صدیقه (علیها السلام) نیز با صبر و حوصله پاسخ فرمود. این سؤالها و جوابها تا ده بار تکرار شد سپس زن سائل، که از تکرار سؤال خود شرمنده و خجل گشته بود، عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، ای حبیبه پیامبر (صلی الله علیه و آله) شما را به زحمت انداختم، حضرت فرمودند: (نه! بازهم) بیا و هر مشکلی که برایت پیش آمد بپرس (سپس به بیان ارزش تبیین مسائل شرعی و احکام مورد نیاز مردم پرداخت و فرمود): اگر از کارگری بخواهند که یک بار سنگین را به پشت بامی ببرد و برای این کار به او صد هزار دینار «۱» بدهند، آیا این کار برای او سنگین و سخت است؟ آن زن گفت: نه (این کار با این مزد بسیار زیاد کار مشکلی نیست!) حضرت صدیقه (علیها السلام) فرمودند: برای هر سؤالی که تو می‌پرسی و من جواب می‌دهم بیش از آنچه در زمین و آسمان گنجایش جواهرات و ثلث و مرجان دارد اجر می‌برم، پس سزاوار است که (چنین کاری با چنان اجری) بر من سنگین نباشد! (سپس فرمودند): از پدرم حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) شنیدم که فرمودند: علما و

دانشمندان شیعیان ما هنگامی که در روز قیامت محشور می‌شوند به مقدار علم و دانشی که داشته‌اند و تلاش و کوششی که در راه ارشاد و هدایت بندگان خداوند کرده‌اند به آنها از بهترین نعمتها و

(۱). هر دینار یک مثقال شرعی طلاست و هر مثقال شرعی ۴۳ مثقال معمولی است؛ بنابراین یک صد هزار دینار شرعی معادل هفتاد و پنج هزار مثقال طلای معمولی می‌شود که اگر هر مثقال طلا بیست هزار تومان باشد، قیمت طلای فوق به پول امروز ۱۰۰۰/۱۰۰۰/۵۰۰ تومان می‌شود!

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰

خلعتها داده می‌شود؛ به گونه‌ای که به یک عالم هزار هزار لباس از نور! داده می‌شود «... ۱»

کتاب حاضر

به دنبال انتشار جلد اول کتاب «مجموعه استفتائات جدید» و استقبال شایسته شما خوانندگان محترم و تقاضای مکرر بسیاری از عزیزان خواننده، مبنی بر انتشار جلد دوم این کتاب، از میان نامه‌های فراوان و بسیار زیادی که از «داخل» و «خارج» کشور به ما می‌رسید هزار و هشتصد سؤال تازه و نو انتخاب شد، و مرجع عالیقدر تمام سؤال و جوابهای آن را با صبر و حوصله مورد مطالعه و بررسی مکرر قرار دادند، قسمت مهمی از این کار در تابستان امسال (۱۳۷۸) در کنار بارگاه هشتمین امام شیعیان جهان، حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) انجام شد، و به صورت کنونی در اختیار شما عزیزان قرار گرفت. امید است که این کتاب راهگشای مشکلات بسیاری از مؤمنین و مؤمنات، به ویژه فضلا و دانشمندان، و ذخیره‌ای برای عالم قیامت ما باشد، و مورد قبول خداوند متعال و نماینده‌اش، حضرت ولی عصر، عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرار گیرد.

تقاضا از خوانندگان

همان طور که در جلد اول این کتاب اشاره شد هر روز، نامه‌های فراوانی از داخل و خارج از کشور به دست ما می‌رسد که یک جلسه استفتا در روز پاسخگوی آن نیست، به همین جهت روزانه دو جلسه برگزار می‌شود و مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله) در هر دو جلسه حضور دارند، و به آنها پاسخ

(۱). بحار الأنوار، جلد ۲، صفحه ۳، حدیث ۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱

می‌دهند و در صورت لزوم تحت مطالعه قرار خواهند داد؛ ولی باز هم جوابگوی سیل عظیم نامه‌های شما خوانندگان گرامی نیست، که برخی از اوقات این امر باعث تأخیر زیاد در پاسخ نامه‌های شما می‌شود. برای تسهیل در پاسخگویی به استفتائات و استفاده بهتر از وقت آن مرجع عالیقدر در این دو جلسه روزانه، از خوانندگان عزیز خواهشمندیم نکات زیر را در نامه‌های ارسالی حتماً مراعات فرمایند:

۱- لطفاً سؤالات دینی خود را با خطی خوش و خوانا بنویسید؛ چون گاهی قسمتی از وقت جلسه صرف خواندن نامه‌های بدخط و ناخوانا می‌شود.

۲- قبل از طرح سؤالات و ارسال آن، حتماً به رساله توضیح المسائل و استفتائات جدید جلد اول و دوم مراجعه کنید، تنها سؤالاتی را که در این کتابها نیافتید برای ما ارسال کنید.

۳- لطفاً در هر نامه بیش از پنج سؤال مرقوم نفرمایید، تا نوبتها طولانی نشود و به سؤالات دیگر عزیزان نیز زودتر پاسخ داده شود.
۴- در مسائل اختلافی که سؤال مربوط به دو نفر یا بیشتر می‌شود سؤال با امضای طرفین دعوا طرح شود، تا جواب روشنتری داده شود.

۵- سعی شود در نامه‌ها از مسائل کلی سؤال شود و از سؤال در مورد اشخاص پرهیز شود.

در پایان از تمام عزیزانی که به شکلی در پدید آمدن این اثر با ارزش سهمیم بوده‌اند، مخصوصاً اعضای محترم شورای استفتای مرجع عالیقدر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مدّ ظلّه) و سایر عزیزانی که در مراحل دیگر، تنظیم، تصحیح و نشر همکاری نموده‌اند تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم و برایشان آرزوی موفقیت و بهروزی دارم.
پیشاپیش از خوانندگان گرامی که با دقت این کتاب را مورد مطالعه قرار می‌دهند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲

و پیشنهادات خود را برای ما ارسال می‌دارند نیز تشکر می‌کنم.

خداوندا، به ما توفیق تفقه در دین و آیین خود را عنایت فرما!

پروردگارا، به ما توفیق درک و شناخت احکام نورانی اسلام، و سپس عمل بر طبق آن را عنایت کن، تا مشمول آن دسته از کسانی باشیم که در روایت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) به آن اشاره شد.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

قم حوزه علمیه

أبو القاسم علیان نژادی

آبان ۱۳۷۸ هـ - ش مطابق با بیست و پنجم رجب ۱۴۲۰ هـ - ق

سالروز شهادت حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳

فصل اول: احکام تقلید

سؤال ۱- این جانب پیرو مذهب اهل حق هستم، البتّه اعتقاد ما نسبت به بعضی از افراد این گروه، که حضرت علی (علیه السلام) را (نعوذ بالله) خدا می‌دانند، متفاوت است؛ این شاخه از اهل حق، که ما پیرو آن هستیم، از بسیاری جهات با مذهب شیعه مشابه است؛ ولی در تحقیقاتی که انجام داده‌ام برایم ثابت شده که مذهب شیعه کامل‌ترین مذاهب است، به همین علت تصمیم گرفته‌ام که تغییر مذهب دهم؛ با توجه به این که در مذهب شیعه باید از کسی تقلید نمود، لذا بنده بر سر دوراهی قرار گرفته‌ام که از کدام یک از مراجع بزرگ شیعه تقلید کنم؟ و با توجه به اطلاعاتی که کسب کرده‌ام شما را به عنوان مرجع تقلید خود انتخاب کرده‌ام، در ابتدای کار سؤالاتی به شرح زیر برایم پیش آمده است:

الف) چرا باید از کسی تقلید کنیم؟ آیا در این زمینه، حدیث یا آیه‌ای وجود دارد؟

جواب: تقلید به معنای رجوع غیر متخصّص به متخصّص است؛ به همان دلیل که شما در مسائل طبّی، به طبیب و در مسائل ساختمانی، به مهندس ساختمان و در سایر کارها، به اهل خبره آن کار مراجعه می‌کنید، در احکام اسلام نیز باید به فقیه، که متخصّص در دین است، مراجعه شود، قرآن مجید می‌فرماید: «فَسْئَلُوا أَهْلَ الدُّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (۱)؛ یعنی اگر چیزی را نمی‌دانید، از اهل اطلاع سؤال کنید».

(۱). سوره نحل، آیه ۴۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴

(ب) آیا تمام مسائلی که در رساله مراجع تقلید وجود دارد، برگرفته شده از احادیث و آیات قرآنی است؟ یا این که می‌توان بعضی از مسائل را با دلیل عقلی بیان کرد؟

جواب: معمولاً تمام مسائل مزبور، از قرآن و اخبار اسلامی گرفته شده است؛ ولی دلیل عقلی نیز یکی از ادله چهارگانه فقهی است.

سؤال ۲- آیا در احتیاط واجب می‌توان به هر مجتهدی مراجعه کرد؟

جواب: رجوع به مجتهدی که اعلم یا حدّ اقل مساوی دیگران باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۳- اگر برای انسان طبق فتوای مرجع تقلید قبلی، احکامی از قبیل خمس و مانند آن، واجب و یا بعضی از اعمالش باطل و یا مشکوک به نظر برسد، ولی طبق فتوای مرجع فعلی، اعمالش صحیح و یا خمس و مانند آن واجب نباشد، آیا می‌تواند طبق فتوای مرجع بعدی خود عمل و در نتیجه اعمالش صحیح و خمس و امثال آن را پرداخت نماید؟
جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۴- طرح مسائل قومی و نژادی در باب مرجعیت چه حکمی دارد؟

جواب: مرجعیت هیچ ارتباطی با مسائل قومی و نژادی ندارد؛ شرایط و ضوابط آن در رساله‌های عملیه نوشته شده است.

سؤال ۵- وظیفه مکلفی که از چند مجتهد، یکی پس از فوت دیگری، تقلید نموده و از هر کدام مسائلی را در زمان حیاتشان یاد گرفته، نسبت به بقای بر تقلید در موارد ذیل چیست؟

الف) هر یک از مراجع میت قبلی، اعلم از بعدی بوده‌اند و هر یک، اعلم از حی بوده‌اند.

جواب: باید در مسائلی که از مرجع اول تقلید کرده است، بر تقلید او باقی بماند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵

(ب) دو نفر از این مراجع متوفی با هم مساوی یا مشکوک‌الاعلمیه بوده‌اند و هر دو، از میت سؤم و از حی اعلم بوده‌اند.

جواب: مانند جواب سابق است.

(ج) هر سه میت با هم مساوی یا مشکوک‌الاعلمیه و اعلم از حی بوده‌اند.

جواب: بر تقلید اول باقی بماند.

سؤال ۶- اگر مکلفی از مرجع میت اعلم از حی تقلید نموده باشد؛ ولی بعد از فوت ایشان، حی، اعلم از میت و یا مشکوک‌الاعلمیه گردیده باشد، در این صورت نظر مبارک را راجع به بقای بر تقلید بیان فرمایید. و نیز هرگاه این موضوع فقط در بین امواتی که مکلف از آنها تقلید می‌کرده، پیش آمده باشد، آیا اعلمیت سابق بر بقای تقلید متعین است یا اعلمیت لاحق؟ حکم مشکوک‌الاعلمیه را نیز بیان فرمایید.

جواب: در صورتی که اعلمیت حی محرز شود، باید در مسائل اختلافی به او عدول کند.

سؤال ۷- آیا طلبه‌هایی که سالهای اول طلبگی را می‌گذرانند، می‌توانند با استفاده از معیارهای فکری خودشان، مجتهد اعلم را انتخاب کنند؟

جواب: کافی نیست؛ بلکه لازم است از افراد سابقه‌دار حوزه، که مورد وثوق هستند، سؤال کنند.

سؤال ۸- آیا کسی که در میان مراجع کنونی، فقط درباره اعلمیت مثلاً سه نفر شک دارد، می‌تواند رساله هر سه نفر را بگیرد و بدون توجه به نظر مراجع دیگر، که احتمال اعلمیت آنها را نمی‌دهد، احتیاط کند؟

جواب: اشکالی ندارد

سؤال ۹- آیا شلوغ بودن درس خارج یک مجتهد، با توجه به سؤمین راه شناخت مجتهد اعلم (اشتہار در محافل علمی)، و با توجه به این که کسانی که درس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶

خارج می‌خوانند عموماً از اهل علم هستند، می‌تواند دلیل اعلمیت او باشد؟
جواب: می‌تواند یکی از قرائن باشد؛ ولی به تنهایی دلیل قطعی نیست.

سؤال ۱۰- تقلید از کدام یک از این دو مرجع رجحان دارد، عالمِ عدل، یا عادلِ اعلم؟
جواب: عادلِ اعلم مقدم است.

سؤال ۱۱- اگر دو مجتهد مساوی باشند، آیا مکلف می‌تواند در یک مسأله از یک مجتهد و در مسأله دیگر از مجتهد دیگر تقلید کند؟

جواب: تبعیض در تقلید، در صورت تساوی دو مجتهد مانعی ندارد؛ ولی در عمل واحد از یک نفر تقلید کند؛ زیرا در بعضی از موارد مبتلا به اشکال می‌شود.

سؤال ۱۲- شخصی از مجتهد زنده‌ای تقلید می‌کند، ولی اعلمیت آن مجتهد برایش محرز نیست، همان طور که اعلمیت سایر مراجع نیز بر وی پوشیده است، آیا می‌تواند در بعضی از مسائل عمل به احتیاط نماید؟
جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۳- در زمان مراجع و علمای گذشته- رضوان الله تعالی علیهم- انتخاب مرجع تقلید، به جهت شهرت آن بزرگواران آسان بود؛ ولی در این زمان تشخیص اعلم و حتی آشنایی با مراجع حی، برای مردم مشکل است، در این صورت طاعات و عبادات و اعمال کسانی که مرجعشان از دنیا رفته و بدون رجوع به مجتهد حی، بر تقلید میت باقی مانده‌اند، چه حکمی دارد؟
جواب: به حمد الله مشکلی در کار نیست، جناب عالی با مراجعه به اهل خبره و علمای آگاه می‌توانید مرجع خود را تعیین کنید و آشنایی با مراجع کار سختی نیست، و باقی ماندن بر تقلید میت باید به نظر مجتهد حی باشد و مراجع فعلی بقای بر تقلید را معمولاً جایز می‌دانند، در گذشته نیز مسأله به همین منوال بوده است.

سؤال ۱۴- بعضی از فقها در مسأله سودهای بانکی و نیز چند مسأله دیگر، که استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷

محلّ ابتلای من است، با مرجع این جانب اختلاف نظر دارند، آیا در این چند مسأله می‌توانم به مرجع دیگری رجوع کنم؟
جواب: در مسائلی که از کسی تقلید کرده‌اید، باید باقی بمانید؛ مگر این که ثابت شود نفر دوم اعلم است و یا مرجع شما در آن مسأله احتیاط کند، که در این مورد رجوع به غیر جایز است.

سؤال ۱۵- الف) با توجه به این که ما در مسأله تقلید با مشکلاتی مواجه می‌شویم، مثلاً بعضی می‌گویند: فلانی اعلم است و بعضی دیگر بر خلاف آنها نظر می‌دهند، در این صورت تکلیف ما چیست؟

جواب: هر کس وظیفه دارد در صورت علم به اختلاف، نسبت به اعلم، از اهل خبره- یعنی علما و مدرّسین مورد وثوق- تحقیق کند، اگر اعلم برای او ثابت نشد، در میان آن عده که مطرح هستند مخیر است.

ب) در جاهایی که شما احتیاط واجب فرموده‌اید، آیا در مراجعه به غیر، رعایت «الاعلم فالاعلم» «۱» لازم است؟
جواب: در مورد علم به اختلاف، رعایت این شرط لازم است.

سؤال ۱۶- بنده از ابتدای تکلیف، مقلد یکی از مراجعی که اکنون از دنیا رفته‌اند بوده‌ام. البتّه فتاوی ایشان را ندیده بودم و به دستورات ایشان نیز عمل نکرده بودم، فقط در حدود شش ماه ایشان را مرجع قرار داده بودم که متأسفانه به رحمت ایزدی پیوستند؛

پس از ایشان به شما رجوع کردم؛ آیا عمل من صحیح است؟
 جواب: چون به فتاوی معظّم له عمل نکرده‌اید، رجوع شما اشکالی ندارد.
 سؤال ۱۷- معنای جمله «اشکال دارد» چیست؟ اگر مجتهدی از این الفاظ

(۱). منظور از این جمله این است که در احتیاطات می‌توانید از مجتهدی که پس از مرجع شما از بقیّه اعلم است- هر چند نسبت به مرجع شما اعلم نباشد- تقلید کنید و اگر او هم در آن مسأله فتوای صریح نداشت از مجتهد سوّمی که- با قطع نظر از دو مرجع فوق- از بقیّه مراجع اعلم است می‌توانید تقلید کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸

استفاده کند و مقلّد آن عمل را انجام دهد، آیا عملش باطل و مرتکب عمل حرامی شده است؟
 جواب: تعبیر به «اشکال دارد» در فتاوی ما، به معنای احتیاط واجب است؛ که یا باید مطابق آن رفتار کنید و یا به مجتهدی دیگری مراجعه نمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹

فصل دوم: احکام آبها

سؤال ۱۸- شرکتی در نظر دارد فاضلابهای ناشی از خطّ تولید نوشابه (شامل آبهای شستشو، آبکشی کف سالنها و دستگاهها را) به همراه فاضلابهای بهداشتی (ناشی از حمامها و دستشوییها را) تصفیه نماید، در تصفیه‌خانه جریان مخلوط فاضلاب صنعتی و انسانی مراحل مختلفی را طی می‌کند و در مرحله اصلی تبدیل به حالتی خواهد شد که با حالت اولیّه فاضلاب تصفیه نشده، کاملاً متفاوت است و مایعی ایجاد می‌شود که حالت آب مضاف را دارد. در ادامه خطّ تصفیه، با جداسازی مایع مذکور دو فاز ایجاد می‌شود، که یک فاز آن کاملاً زلال و شبیه آب معمولی بدون رنگ و بو و بدون آثار آلودگی است؛ چنانچه آب خروجی از تصفیه‌خانه دارای مشخصات ظاهری آب معمولی باشد، آیا پاک است؟ در صورت منفی بودن پاسخ، آیا اتّصال آن با آب جاری یا کر یا باران، باعث طهارت آن می‌شود؟

جواب: آب مزبور نجس است؛ ولی اگر به آب کر یا باران متّصل و سپس ممزوج گردد پاک خواهد شد.

سؤال ۱۹- گاهی از اوقات که آب شلنگ را باز می‌کنیم آب وقتی به سوراخ توالت می‌ریزد ترشح می‌کند، آیا این ترشح نجس است؟ با علم به این که در سوراخ مدفوع و ادرار وجود دارد.

جواب: چنانچه با آن ترشح نجاست همراه نباشد، نجس نیست؛ زیرا آب جاری با ملاقات نجاست نجس نمی‌شود؛ مگر این که بو، یا رنگ، یا طعم نجاست به خود گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰

سؤال ۲۰- گاه آبی که از لوله خارج می‌شود کاملاً به رنگ سفید است؛ ولی هرگاه چند لحظه در ظرفی بماند صاف و بی‌رنگ می‌شود، آیا این آب در ابتدا مضاف است؟

جواب: مضاف نیست و حبابهای هواست که آن را به این صورت در آورده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱

فصل سوّم: احکام تخلی

سؤال ۲۱- آبی که بعد از بول بیرون می‌آید گاه چسبندگی دارد، آیا در وقت تطهیر باید دست کشید؟ یا ریختن آب روی آلت کفایت می‌کند و دست کشیدن لازم نیست؟
جواب: هر گاه بدون دست کشیدن برطرف نمی‌شود، دست بکشید.

سؤال ۲۲- در کشورهای غیر مسلمان که احکام اسلام را در ساخت دستشویی‌ها رعایت نمی‌کنند و توالت رو به قبله است، وظیفه مسلمانان چیست؟

جواب: باید طوری بنشینند که رو به قبله و پشت به قبله نباشند، و وظیفه شرعی آنها ساقط نمی‌شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳

فصل چهارم: احکام نجاسات

[نجاسات]

۱- مردار

سؤال ۲۳- ظاهراً بین مسأله ۱۷۵۶ و مسأله سوم (در رساله‌های چاپ قدیم، و مسأله سی و یکم در رساله‌های چاپ جدید) از مسائل عمومی و مورد ابتلا، که در آخر توضیح المسائل حضرت‌تعالی آمده است، تناقضی به چشم می‌خورد؛ لطفاً بفرمایید: چنانچه حیوانی به غیر از دستور شرعی ذبح شده باشد، آیا پوست و چرم آن حیوان (چنانچه از ممالک غیر اسلامی باشد) پاک است؟
جواب: این دو مسأله با هم منافاتی ندارد؛ در یک مسأله سخن از حلال و حرام بودن گوشت است و در مسأله دیگر سخن از پاک بودن آن، آری حیوانی که به صورت غیر شرعی ذبح شده گوشتش حرام، ولی چرم و پوست آن پاک است.

سؤال ۲۴- آیا تماس اشیا با رطوبت بدن میت، بعد و قبل از سرد شدن بدن، باعث نجاست می‌شود؟
جواب: باعث نجاست می‌شود، حتی اگر با رطوبت نباشد و باید از آن اجتناب کرد (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۲۵- آیا میت مسلمان قبل از غسل نجس است؟

جواب: هر حیوانی که روح از بدنش خارج شود نجس می‌باشد، خواه انسان باشد یا غیر انسان ولی بدن انسان با غسل پاک می‌شود.
سؤال ۲۶- آیا غسله‌ای که در زمان غسل مستقیماً از بدن میت ترشح می‌کند نجس است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴

جواب: آری نجس است، مگر این که متصل به آب لوله کشی باشد.

سؤال ۲۷- استفاده نمودن از چرمهای کشورهای که ذبح شرعی ندارند، مثل کیف، کفشها و جلد دفترهایی که چرم آنها خارجی است، چه صورت دارد؟

جواب: در صورتی که ذبح شرعی نباشد، خوردن گوشت آن حرام است؛ ولی چرم آن نجس نیست.

سؤال ۲۸- استفاده از اشیای چرمی که از کشورهای خارجی خریداری می‌شود و ذبح اسلامی آن مورد شک و تردید است، چه صورتی دارد؟

جواب: اشیای چرمی، خواه از ذبح اسلامی باشد یا ذبح غیر اسلامی، پاک و خرید و فروش آن جایز است؛ ولی گوشت و اجزای خوردنی باید حتماً ذبح اسلامی شود.

سؤال ۲۹- آیا پوست مار و اشیایی که از پوست مار درست می‌شود، نجس است؟
جواب: نجس نیست.

۲- خون

سؤال ۳۰- بیمارانی که دارای ناراحتی لثه می‌باشند، به هنگام غذا خوردن مقداری خون از لثه آنها خارج و با غذا مخلوط می‌گردد، خوردن غذای فوق برای آنها چه حکمی دارد؟

جواب: اگر خون قطع نمی‌شود و جنبه ضرورت دارد جایز است؛ اما احتیاط واجب آن است که اگر ممکن است درمان کنند.

سؤال ۳۱- آیا با خوردن چیز نجس (مثل خون)، یا متنجس (مانند غذای نجس) به مجرد بلعیدن دهان پاک می‌گردد؟ در صورت وجود دندان مصنوعی، برای پاک شدن دهان چه باید کرد؟

جواب: به مجرد بلعیدن غذای نجس دهان پاک می‌شود؛ ولی پاک شدن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵

دندان‌های مصنوعی و مانند آن، خالی از اشکال نیست و احتیاط آن است که آب بکشد.

سؤال ۳۲- اگر در دهان، دندان مصنوعی متحرک (پارسیل یا کامل) باشد، در صورت نجس شدن آیا باید حتماً از دهان خارج و پاک گردد؟ طریقه پاک شدن با آب قلیل چگونه است؟

جواب: با گرداندن یک مرتبه آب قلیل در دهان و بیرون ریختن، پاک می‌شود.

۳- کافر

سؤال ۳۳- فتوای شما را درباره طهارت کفار دیدم، لطفاً در این باره مسائل زیر را توضیح دهید.

الف) آیا این فتوا شامل مشرکین هم می‌شود؟

جواب: اگر بتوانید، احتیاط کنید.

ب) آیا مراد از کفار، تنها افرادی هستند که منکر رسالت و خاتمیت می‌باشند؟ یا منظور افرادی است که با انکار رسالت و خاتمیت، برای خدا شریک هم قایل باشند؟

جواب: هر دو گروه جزء کفارند.

ج) اگر خوردن دست‌پخت کافر جایز باشد، آیا گوشت و ماهی که کافر می‌پزد را نیز می‌توان خورد؟

جواب: اگر ذبیحه اسلامی باشد و ماهی با شرایطش از آب گرفته شده باشد، اشکالی ندارد؛ ولی تا ضرورتی نباشد پرهیز کنید.

د) اگر کافر پاک است، در این صورت آیا فقط خوردن غذای آنان جایز است، یا ازدواج با آنان نیز جایز است؟

جواب: ازدواج موقت با اهل کتاب جایز است و با غیر آنها جایز نیست.

سؤال ۳۴- آیا صابی‌ها، که مردم آنها را «صبی» می‌نامند، از اهل کتاب هستند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶

معامله، معاشرت و هم‌غذا شدن با آنها، یا غذا خوردن از دست آنها، چه حکمی دارد؟

جواب: ثابت نیست که آنها جزء اهل کتاب باشند؛ ولی روابط حسنه با هر کسی که با اسلام خصومت ندارد کار خوبی است، مخصوصاً اگر سبب تمایل آنها به اسلام شود؛ اما خوردن و آشامیدن از دست آنها مشکل است؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۳۵- آیا برنامه‌هایی که در اویش در خانقاه دارند و با خواندن اشعار بعضی از شعرا و ... و یا سر تکان دادن زنها و مردان به شکلی که به حد سرگیجه و مستی می‌رسند و می‌گویند خدا را دیدیم، از نظر اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: این برنامه‌ها مشروع نیست، و ادعاهای مزبور خیال و اوهامی بیش نمی‌باشد.

سؤال ۳۶- عدّه زیادی از اهالی یکی از شهرهای فارس، از قدیم الایام به فرقه تصوّف گرویده‌اند و همواره بر اساس رهنمود اقطاب و بزرگان این مسلک و روش‌های مختصّ خود عمل نموده‌اند؛ حقیقت این است که رونق خانقاه در این محل بیش از یک مسجد است و کتاب‌هایی چون مثنوی مولوی، دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی، نیز بر قرآن و سایر کتابها برتری دارد، تا این که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و اعزام روحانیون در ماه مبارک رمضان و محرم الحرام، صحبت از بطلان این مسلک به میان آمد، مستدعی است نظر خود را نسبت به این گروه، که از فرقه شاه‌نعمت‌الله ولی می‌باشند، اعلام نمایید.

جواب: تمام فرق صوفیه گرفتار اشتباهات و انحرافات هستند و اکنون که به حمد الله اهالی محترم آن منطقه روشن شده‌اند، لازم است خانقاه را تبدیل به مسجد کنند و همانند سایر مسلمین و شیعیان خالص و مخلص علی (علیه السلام) و یازده فرزند معصومش (علیهم السلام)، برنامه‌های دینی را انجام دهند و از گذشته خود توبه کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷

خداوند همه طرفداران حق را ثابت‌قدم نگهدارد و توفیق دهد.

سؤال ۳۷- نظر حضرت‌تعالی در مورد عرفانی که قائل به «طریقت»، «وحدت وجود و موجود»، «حلول»، «اتحاد»، «مهدویت نوعیه»، «صلح کل»، «ترک عبادت» و «اتیان محرمات» (۱) می‌باشد، چیست؟ با توجه به این که داشتن این گونه عقاید، مستلزم انکار ضروری دین می‌باشد، آیا این گونه افراد در حکم بقیه کفارند؟ و اگر کسی قبلاً در سبک مسلمان‌ها بوده ولی بعدها در ارتباط با این فرق، دارای چنین عقایدی شده باشد و عقایدش را هم برای دیگران اظهار کند، آیا چنین کسی در حکم مرتد است؟

جواب: فرق صوفیه عموماً گرفتار انحرافات هستند، بعضی بیشتر و بعضی کمتر، کسی که عقاید فوق را داشته باشد، مانند «حلول» و «اتحاد» و «وحدت موجود» (نه وحدت مفهوم وجود) و «ترک عبادت» و «انکار محرمات»، به گونه‌ای که مستلزم انکار توحید یا نبوت شود در سبک کفار است و اگر قبلاً مسلمان بوده و سپس به این عقاید معتقد شده، مرتد است و تا آنجا که ممکن است باید در رفع شبهات آنها از طرق منطقی کوشید و اگر ممکن نشد باید از آنها دوری کرد.

۴ و ۵- سگ و خوک

سؤال ۳۸- آیا حیواناتی که در علم جانورشناسی جزء خانواده سگ و یا خوک هستند، مانند بعضی از انواع درندگان، حکم سگ و یا خوک را دارند و باید از آنها اجتناب کرد؟

جواب: حکم سگ و خوک را ندارند.

(۱). شرح این اصطلاحات را در کتاب «جلوه حق» مطالعه فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸

۶- مسکر مایع و انواع الکلی

سؤال ۳۹- بعضی از مردم در کشور هندوستان به این اعتقاد که اگر قلب انسان پاک باشد کافی است، شراب می‌خورند و می‌گویند: «خدا در قرآن فرموده خمر حرام است، نه مشروبات الکلی» ما در مقابل این گونه افراد با چه دلایلی سخن بگوییم؟

جواب: این افراد به یقین از احکام شرع اسلام و قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و روایات معصومین (علیهم السلام)

بی‌خبرند؛ تمام علمای اسلام، بدون استثنا، معتقدند که تمام انواع مشروبات الکلی حرام است و هیچ مسلمانی حق ندارد با این بهانه‌ها و خیالات شیطانی به سراغ یکی از مشروبات الکلی برود، و در احادیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و سایر معصومین (علیهم السلام) تصریح شده که همه مسکرات یکسانند و در آیات قرآن نیز اشاراتی به این معنا وجود دارد.

سؤال ۴۰- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا از نظر طهارت تفاوتی بین الکل صنعتی و الکل طبی وجود دارد؟

جواب: تمام الکل‌هایی که درجه غلظت آن بالاست و به خاطر غلظت آن قابل شرب نیست، هرچند مواد سمی در آن نباشد پاک است و فرقی میان الکل طبی و صنعتی از این نظر نیست؛ اما الکل‌هایی که درجه غلظت آنها در حدی است که قابل شرب است از نظر طهارت اشکال دارد.

ب) الکل را می‌توان از تقطیر مشروبات الکلی نیز به دست آورد. این چنین الکل چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه از تقطیر مشروبات الکلی به دست می‌آید همان حکم را دارد.

ج) اگر ندانیم الکل از مشروبات الکلی تهیه شده است یا از طرق دیگر، آیا این الکل پاک است؟

جواب: با شرایطی که در بالا گفته شد پاک است.

د) آیا استفاده از الکل برای ضد عفونی کردن محل تزریقات، یا ناف بچه، موجب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹

نجاست پوست می‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد، پاک است.

هـ) برخی از داروهای پوستی، نظیر محلول‌های جلوگیری از ریزش مو، یا برطرف کننده جوش‌های جلدی، حاوی الکل می‌باشند؛ آیا

استفاده از این محلولها موجب نجاست مو و پوست بدن می‌شود؟

جواب: اگر از الکل‌های پاک در آن استفاده شده اشکالی ندارد، همچنین، اگر شک داشته باشیم.

و) مصرف عطرها و ادکلن‌هایی که حاوی الکل می‌باشند از لحاظ طهارت چه حکمی دارد؟ منظور عطرها و ادکلن‌های خارجی

(فرانسوی، ایتالیایی و مانند آن است) که در مغازه‌های فروش لوازم آرایشی و بهداشتی بفروش میرسد. آیا برای نماز اشکال دارد؟

استفاده نمودن طلاب و روحانیت معزز از آنها چه صورت دارد؟

جواب: آنها نیز اشکالی ندارد.

سؤال ۴۱- لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون الکل پاسخ دهید:

الف) در مواردی الکل حکم دارو دارد (مثل مسمومیت با متانول) و خوردن آن ضرورت پیدا می‌کند. در این گونه موارد شرب

الکل چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که از الکل‌های مست کننده و در غلظت‌های قابل شرب باشد، تنها وقتی جایز است که داروی منحصر به فرد

محسوب شود و جان‌شینی نداشته باشد.

ب) گروهی از داروهای تزریقی به دلیل مسائل فرمولاسیون حاوی مقادیری الکل هستند. مصرف این گونه داروها چه حکمی

دارد؟

جواب: اگر از الکل‌های طبی در آن استفاده شود و در شرایط فعلی جنبه مایع مسکر ندارد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲- آیا الکل سفید خالص، که مسکر است و برای مصارف پزشکی مورد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰

مصرف قرار می‌گیرد، نجس است و باید از آن پرهیز کرد؟ سایر الکل‌ها که مسکر نیستند چطور؟

جواب: الکل‌هایی که به صورت فعلی قابل شرب نیست و باید آن را رقیق کرد نجس نمی‌باشد؛ ولی اگر به صورت کنونی قابل شرب باشد نجس است (بنابر احتیاط واجب) و اگر مشکوک باشد آن نیز پاک است.

سؤال ۴۳- اگر الکل سفید را در ادکلن‌ها و مواد آرایشی بکاربرند، با توجه به این که مواد شیمیایی دیگری نیز به این گونه کالاها اضافه می‌کنند و در نتیجه مثل الکل صنعتی، قابلیت شرب ندارند، محکوم به طهارت هستند؟

جواب: اگر بدون آن مواد قابل شرب است و مایع مست‌کننده محسوب می‌شود نجس است (بنابر احتیاط واجب).

سؤال ۴۴- اگر مقادیر کمی الکل سفید، به منظور استفاده و خواص دارویی، به شربت‌ها اضافه شود این گونه کالاها پاک می‌باشند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۴۵- «کامبوجیا» قارچی است که در محلول چای و شکر تکثیر می‌شود و مدت تکثیر آن، یک هفته تا ۱۵ روز است. قارچ را در محلول شکر و چای قرار می‌دهند و بعد از یک هفته محلول به دست آمده را به مصرف دارویی - که یک نوشیدنی است - می‌رسانند، البته بدون بیماری هم می‌توان از آن استفاده کرد؛ ولی این محلول حاوی ۵٪ الکل است. آیا نوشیدن این محلول حلال است؟

جواب: اگر این محلول مست‌کننده بوده باشد، هرچند مستی خفیف بیاورد، حرام است؛ مگر در مواردی که داروی منحصر به فرد باشد.

راه‌های ثابت شدن نجاست و احکام وسواس

سؤال ۴۶- جوانی ۲۰ ساله هستم و به شدت وسواس دارم، این وسواس مانع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱

ترقی من شده است. یک بار برای شما در این مورد نامه نوشتم و شما این گونه جواب دادید: «ما راهی نشان می‌دهیم که به افراد بسیاری توصیه کرده‌ایم و بسیار مؤثر است و آن این است که شما نگاه کنید به افراد متدین معمولی، ببینید آنها چقدر آب می‌کشند، به همان مقدار قناعت کنید. بقیه برای شما پاک است و ما مسئولیت آن را شرعاً می‌پذیریم»، در حالی که من در نامه قید کرده بودم که فقط از شما یک فتوا می‌خواهم و آن این که چیزهای نجس و متنجس را برای مدتی بر من پاک بدانید؛ ولی شما جوابی که در بالا ذکر شد را مرقوم داشتید و من بازهم روی حرفم هستم، این فتوا را بدهید تا من چیزهای نجس و متنجس را پاک بدانم.

جواب: شما باید تسلیم حکم خدا باشید. حکم خدا این است که به مقدار متعارف بشوید؛ بقیه برای شما «پاک» است، هرچند حالت وسواس به شما می‌گوید نجس است، این روشن‌ترین راه است، و بسیاری از این طریق درمان شده‌اند.

سؤال ۴۷- چند مسأله در مورد طهارت و نجاست برایم پیش آمده که همواره فکر و ذهن مرا مشغول کرده است. و مرا به شدت عذاب می‌دهد، از درس و مطالعه افتاده‌ام و خانواده‌ام نیز از رفتار من به تنگ آمده‌اند. شما را به مقام رسول الله (صلی الله علیه و آله) قسم می‌دهم، مرا نجات دهید. اگر شما بفرمایید: «اعتنا به این موارد حرام است؛ و در صورت اعتنا، به جهنم می‌روی» و گناهِش را به گردن بگیرید، نجات پیدا می‌کنم.

جواب: به یقین اعتنا کردن شما به مواردی که برخاسته از وسواس است حرام می‌باشد و باید آن را ترک کنید و ما مسئولیت آن را به گردن می‌گیریم.

سؤال ۴۸- تکلیف من در موارد زیر چیست؟

الف) گاهی زمینی نجس می‌شود، بعداً برف یا باران می‌آید و تمام زمین‌ها خیس می‌شود، مردم و وسایل نقلیه از روی آن زمین نجس عبور می‌کنند و به همه جا می‌روند (مسجد، حرم، ثانوی، قصابی، داخل اتوبوس شرکت واحد، مدرسه، بازار استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲

و) ... و به خاطر خیس بودن زمین‌ها نجاست را به همه آن مکان‌ها منتقل می‌کنند، به همین جهت آن مکان‌ها را نجس می‌دانم، همان‌گونه که گرد و خاک‌های آن خیابان‌ها و مکان‌ها را نیز نجس می‌دانم.

ب) هرگاه توالی می‌روم با این که در موقع بول کردن بسیار مواظب هستم تا بول من ترشح نکند، در عین حال قطع پیدا می‌کنم که بول به شلوار و پایم ترشح کرده است؛ لذا توالی رفتن برایم مشکل شده و تا آن موضع را آب نکشم راحت نمی‌شوم.

ج) در بعضی مواقع پشت و جاهای دیگر دستم به لبه میز و یا لبه کتاب و یا چیزهای زبر برخورد می‌کند و بدون این که دستم زخم شود یا خونی بیرون بیاید، از گوشه و کنار ناخن‌ها و جاهای دیگر دستم چیزی با احساس کمی درد جدا می‌شود و یا روی انگشت‌های دستم پوست‌های مختصری وجود دارد که با فرو بردن دست به داخل جیب و یا تماس گرفتن با چیز دیگر، آنها با احساس کمی درد از دستم جدا می‌شود، لطفاً در این موارد تکلیف مرا بیان فرمایید.

جواب: بدون شک شما گرفتار وسواس هستید؛ وظیفه شما این است که به سایر مردم نگاه کنید و ببینید در چه حد به این امور اعتنا می‌کنند و علم به نجاست پیدا می‌کنند (منظور قشر متدین است) آن مقدار که آنها یقین پیدا می‌کنند و آب می‌کشند شما هم آب بکشید و نسبت به بقیه تکلیفی ندارید؛ هرچند فکر شما به شما بگوید نجس است؛ زیرا در اینگونه موارد افراد متدین عادی علم و یقین به نجاست پیدا نمی‌کنند. ضمناً پوستهایی که از دست و بدن جدا می‌شود محکوم به پاکی است، مگر این که شما آنها را با فشار بکنید و محل آنها سوزش پیدا کند، که در این صورت احتیاط کنید.

سؤال ۴۹- منزل ما از نظر طهارت مشکل دارد؛ فرشها، دربها، دیوارهای اطاقها، پنجره‌ها، پرده‌ها، بخاری زمینی، بخاری دیواری، جاروبرقی، کمد‌ها، بعضی از کتاب‌ها، بالشت‌ها، رختخواب و تشک‌ها، قاب عکس‌ها و خلاصه تمام زندگی ما استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳

نجس است، گفتم نامه‌ای برای شما بنویسم تا بلکه در مورد من فتوای خاص (اجازه مخصوص) بدهید و این جانب را از معافیت مخصوصی در مورد چیزهایی که تا به حال نجس شده برخوردار سازید، تا همه چیز و همه کس برای من ظاهر باشد.

جواب: شما گرفتار وسواس هستید و تنها درمان آن بی‌اعتنایی است. فتوای ما برای شما این است که ببینید مؤمنان دیگر چه اندازه به این امور اعتنا می‌کنند، به همان اندازه اعتنا کنید؛ بقیه برای شما پاک است.

مسائل متفرقه نجاسات

سؤال ۵۰- آیا مایعی که از کیسه آب جنین (مایع آمنیوتیک) خارج می‌شود حکم نجاست دارد؟ شایان ذکر است که کیسه آب جنین ممکن است قبل از زایمان پاره شود و از طریق مجرای تناسلی خارج گردد.

جواب: محتوای کیسه آب جنین نجس نیست؛ مگر این که آلوده به خون باشد.

سؤال ۵۱- چنانچه شیئی با تماس با نجاست نجس شود، سپس خود این شیء با شیء دومی تماس پیدا کند و همان طور شیء دوم با شیء سوم و ... حال این واسطه‌ها تا چه تعداد باعث انتقال نجاست به شیء بعدی می‌شود؟

جواب: تا دو واسطه باعث انتقال نجاست می‌شود نه بیشتر، یعنی اگر دست نجس مثلاً به دست دیگری برخورد آن هم نجس می‌شود و اگر آن، به شیء سوم برخورد نجس می‌شود؛ ولی اگر شیء سوم به چهارمی برخورد نجس نخواهد شد و به تعبیر دیگر، متنجس

اول و دوم سبب سرایت نجاست می‌شود ولی متنجس سوم سبب نخواهد شد. و این امر بسیاری از مشکلات باب طهارت و نجاست را حل می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵

فصل پنجم: احکام مطهرات

سؤال ۵۲- اگر لباسی را غیر مسلمان شسته باشد، ولی لباس در آفتاب خشک شده باشد، آیا آن لباس پاک است؟
جواب: آفتاب لباس را پاک نمی‌کند، فقط اشیای غیر منقول اگر با آفتاب خشک شود پاک می‌شود و در تماس دست غیر مسلمان، اگر رطوبت سرایت کننده‌ای در دست باشد، احتیاطاً آب می‌کشید و اگر احتمال بدهید با ماشین لباسشویی یا با دستکش شسته است، آن هم پاک است و جستجو لازم نیست.

سؤال ۵۳- پوسته‌ای که روی زخمها به وجود می‌آید و معمولاً متشکل از خون و ترشحات زخم می‌باشد، آیا حکم نجاست را دارد؟
جواب: هرگاه استحاله گردد، یعنی تبدیل به پوست بدن یا شبیه آن باشد، نجس نیست، و اگر واقعاً خون است و با شستشو از بین می‌رود نجس است.

سؤال ۵۴- هرگاه دندانپزشک هنگام پر کردن دندان، متوجه نجس شدن ماده پرکننده یا خود دندان طبیعی شود که طبعاً بعد از پر کردن، باطن آن نجس است، آیا تطهیر ظاهر کفایت می‌کند؟
جواب: آری کفایت می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷

فصل ششم: مسائل وضو

شرایط وضو

سؤال ۵۵- آیا جوهر خودکار، مازیک، رنگ و مانند آنها، مانع از رسیدن آب به پوست می‌گردد؟ رنگی که خانمها برای موی سر استفاده می‌کنند چگونه است؟

جواب: اگر جرم نداشته باشد مانع نیست؛ در مورد خودکار، که رنگ غلیظتری دارد تجربه کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که جرم ضعیفی دارد که مانع از آب نمی‌باشد.

سؤال ۵۶- استفاده از آب قنات و آبی که صاحبانش مجهول می‌باشد، ولی در فضای باز جریان دارد، برای گرفتن وضو و شستن فرش و مانند آن چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده در حدی که متعارف و معمول است مانعی ندارد.

سؤال ۵۷- شخصی قصد خواندن نماز در مسجدی را ندارد، ولی قصد قرائت قرآن مجید دارد، آیا می‌تواند با آب مسجد وضو بگیرد و مقداری قرائت قرآن کند و برای نماز به جای دیگر برود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۵۸- خانمی سؤال نموده که در آرایشگاه‌های زنانه خط ابرو را ترمیم می‌کنند، حکم این عمل چیست؟ آیا برای وضو و غسل اشکالی ندارد؟

جواب: اگر منظور از ترمیم، کاشتن مو است و آب به پوست بدن برای وضو و غسل می‌رسد، اشکالی ندارد، و اگر منظور

خال کوبی با رنگ است که زیر پوست قرار می‌گیرد، آن هم اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸

احکام وضو

سؤال ۵۹- شخصی چند سال پیش به علت غده پروستات تحت عمل جراحی قرار گرفت، تا یک سال و نیم پیش هیچ گونه ناراحتی نداشته و فرایض دینی خود را انجام می‌داد، اکنون مکرراً از وی ادرار خارج می‌شود، به شکلی که حتی امکان رسیدن به دستشویی نیست، وظیفه او چیست؟

جواب: هرگاه توانایی داشته باشد که خود را به اندازه وضو و نماز حفظ کند و بدن و لباس را پاک نگهدارد باید این گونه نماز بخواند و اگر این حالت در وسط نماز دست می‌دهد و می‌تواند ظرف آبی در کنار خود بگذارد و وضو بگیرد باید چنین کند و اگر این کار طبق آنچه قبلاً گفته شد مشقت شدید دارد می‌تواند یک وضو برای نماز بگیرد و به همان حال نماز بخواند و بعداً نیز قضا لازم نیست.

سؤال ۶۰- این جانب از مدتی قبل دچار بیماری داخلی شده‌ام؛ از نشانه‌های آن تکرر ادرار و باد شکم می‌باشد، گاهی فکر می‌کنم شاید جنبه وسواس داشته باشد، فقط در هنگام وضو گرفتن و یا نماز خواندن و یا نشستن در یک جا مقیدم که چیزی از من خارج نشود؛ با توجه به توضیحات فوق به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا به احساس دوم که فقط در مواقع خاص (وضو و نماز) به من دست می‌دهد اعتنا نکنم؟

جواب: در مورد شک، مخصوصاً اگر ناشی از وسواس باشد، ابداً اعتنا نکنید.

ب) آیا به قطراتی که امکان دارد بعد از چند دقیقه از من خارج شود اعتنا نکنم، یا حکم دیگری می‌فرماید؟

جواب: اگر استبرا کرده‌اید و قطرات مشکوک است که بول است یا چیز دیگر، باز اعتنا نکنید و اگر یقین دارید بول است، چنانچه تجدید وضو مایه مشقت زیاد می‌شود یک بار وضو برای هر نماز کافی است.

سؤال ۶۱- شخصی دارای دست و پای اضافی است، چگونه وضو بگیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹

جواب: در صورتی که دست اضافی بالای مرفق باشد و یکی اصلی و دیگری فرعی باشد، اصلی را بشوید کافی است و اگر هر دو مانند یکدیگر هستند، هر دو را بشوید ولی مسح با یکی کافی است و اگر پایین مرفق باشد احتیاطاً هر دو را بشوید و با هر دو مسح کند.

سؤال ۶۲- برادران جانبازی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمم و گرفتن نایب را ندارند، تکلیفشان برای نماز چیست؟

جواب: اگر توانایی بر وضو و تیمم و گرفتن نایب ندارند، با همان حال نماز بخوانند کافی است و در پیشگاه خداوند مقبول است.

سؤال ۶۳- کسی که به علت جراحات جنگی بول و غائط او بی‌اختیار خارج می‌شود، با توجه به این که هیچ گونه احساسی ندارد تا بفهمد چه موقع از او خارج می‌شود، آیا می‌تواند با یک وضو، دو نماز بخواند؟

جواب: در صورتی که بول و مدفوع مرتباً از او خارج می‌شود، برای هر نماز یک وضو بگیرد و اگر احتمال می‌دهد که بعد از گرفتن وضو برای نماز اول چیزی از او خارج نشده، می‌تواند نماز دوم را با آن بخواند.

سؤال ۶۴- کسی که از یک پا و یا از هر دو پا محروم است، چگونه وضو بگیرد؟

جواب: افعال وضو را بجا می‌آورد و مسح پا از او ساقط است.

سؤال ۶۵- بعضی از فقها در موضوع شستن صورت در وضو تصریح کرده‌اند که سفیدی دو طرف جلو سر (نزعتان) از حد صورت خارج است، آیا این مطلب اتّفاقی است؟

جواب: در مورد خروج «نزعتان» ادّعی اجماع شده است.

سؤال ۶۶- کسی که یک دست یا هر دو دست او از مرفق قطع شده و وضو و تیمّم برایش ممکن نیست، تکلیفش چیست؟
جواب: احتیاط آن است که اگر ممکن است صورت خود را زیر شیر یا مانند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰

آن بشوید و پیشانی خود را آهسته بر چیزی که تیمّم بر آن جایز است بمالد و نماز بخواند، این در صورتی است که فاقد هر دو دست باشد؛ اما اگر یک دست دارد از آن برای شستن صورت و سپس شستن دست و مسح سر و پا استفاده می‌کند و تیمّم لازم نیست، و در همه این صورتهای نماز و عبادات او صحیح و مقبول در گاه خداوند است.

سؤال ۶۷- اگر احتیاطاً چند بار مسح سر و پا را تکرار کنیم، آیا به وضو ضرر نمی‌رساند؟

جواب: از وسوسه اجتناب کنید؛ اگر دفعه اول مسح صحیح انجام شده تکرار نکنید، ولی اگر واقعاً در اولی شک دارید تکرار آن لازم است.

اموری که باید برای آنها وضو گرفت

سؤال ۶۸- هر روزه هزاران اسمای متبرّک پس از استفاده، در قصابی‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها به سطل‌های زباله و مکان‌های ناپاک ریخته و یا زیر دست و پا می‌افتد. آیا مسئولان روزنامه‌ها که این اسمای متبرّک را چاپ می‌کنند مسئول هستند؟ در صورت مسئول بودن، آیا نباید آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود؟

جواب: مسئولین مطبوعات در این زمینه مسئولیتی ندارند. آنها برای نشر اسلام و مسائل دینی ناچار از این کار هستند و هرگز نباید به این بهانه‌ها، آیات الهی و روایات و نام خدا را از نظرها محو کرد؛ ولی مردم در مورد حفظ آنها مسئولیت دارند. در زمان معصومین (علیهم السلام) اسم خداوند و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) روی سکه‌ها بوده و سبب تعظیم شعائر می‌شده و کسی از آن نهی نمی‌کرده است.

سؤال ۶۹- اگر سکه ده تومانی که اسم شریف امام رضا (علیه السلام) روی آن نقش بسته است، در دستشویی بیفتد و نتوان آن را بیرون آورد، وظیفه چیست؟

جواب: باید آن دستشویی را تخلیه کنند و سکه را بیرون آورند، و اگر این کار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱

امکان ندارد، باید آن دستشویی را بسته و در جای دیگر دستشویی بسازند.

سؤال ۷۰- اگر حیوان حلال گوشتی صفحه‌ای از قرآن را بلعد، وظیفه صاحب آن چیست؟ آیا ذبح آن واجب است؟

جواب: اگر طوری جویده باشد که صورت قرآن کاملاً محو شده است وظیفه‌ای ندارد؛ ولی اگر اوراق قرآن به حال خود باقی است، باید وقتی که از شکم او بیرون آمد آن را تمیز کنند، ولی ذبح آن حیوان واجب نیست.

سؤال ۷۱- مسّ قرآن توسط دانش‌آموزانی که در کلاسهای قرآن مدرسه شرکت می‌کنند، امّیا وضوی آنان تمام شرایط را دارا نیست، چه صورتی دارد؟ وظیفه مربّی آنها چیست؟

جواب: وظیفه مربّی ارشاد آنهاست؛ ولی این امر مانع از شرکت در کلاس قرآن نمی‌شود.

سؤال ۷۲- تکلیف کسانی که اسمای جلاله و یا آیاتی از قرآن را بر روی بدن خود خالکوبی نموده‌اند، نسبت به طهارت و جنابت و

مس بدن بدون وضو چیست؟

جواب: چون هنگام خالکوبی آیات زیر پوست قرار می‌گیرد، مس آنها اشکالی ندارد؛ ولی اگر بتوانند بدون عسر و حرج آنها را پاک کنند، احتیاط واجب آن است که آن را پاک کنند.

سؤال ۷۳- به موجب فتاوی کلّیه علمای اعلام و آیات عظام لمس و تماس بدن با خط قرآن برای کسی که وضو نداشته باشد حرام است، آیا این فتوا بین مؤمنین و قرآن فاصله ایجاد نمی‌کند؟ آیا بنده مؤمن متعبّد تارک الکبائر به علت نداشتن وضو از لمس قرآن ممنوع است، در حالی که بنده عاصی به علت داشتن وضو می‌تواند قرآن را لمس کند؟ آیا وضو، بنده عاصی را جزء مطهرون و مؤمن را خارج از آن قرار می‌دهد؟

جواب: دست زدن به جلد و کاغذ قرآن برای کسانی که وضو ندارند اشکالی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲

ندارد، فقط دست روی خط قرآن نباید بگذارند، خواندن قرآن نیز با وضو و بی‌وضو هر دو ثواب دارد، هر چند با وضو بهتر است، بچه‌ها را نیز نباید از دست زدن به قرآن نهی کرد؛ بلکه باید آنها را به قرآن آشنا کنید؛ حتی اگر دست روی خطوط قرآن بگذارند برای بچه‌های نابالغ اشکالی ندارد؛ اما باید به آنها توجّه داد که احترام قرآن را حفظ کنند.

سؤال ۷۴- در صورتی که خطوط قرآن، یا صفحه‌ای از آن، در اثر آفتاب و یا باران از بین رفته و قابل خواندن نباشد و فقط مقداری از سیاهی خطوط معلوم باشد، آیا در موقع لمس و مس آن، حکم قرآن جاری می‌شود؟
جواب: این سیاهی حکم قرآن را ندارد.

سؤال ۷۵- دست زدن به آرم جمهوری اسلامی ایران به صورت مستقیم، یا در مکان در نظر گرفته شده برای آرم، مثل اسکناس، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد، هر چند احتیاط بهتر است.

سؤال ۷۶- اسامی متبرّکه، اعم از اسماء الله و اسمای ائمه اطهار (علیهم السلام)، که زیر دست و پا می‌افتد چه حکمی دارد؟ و جهت رفع این مشکل چه راه حلی پیشنهاد می‌شود؟

جواب: احترام آنها باید حفظ شود؛ بهترین راه همان است که در بعضی از مراکز انتخاب شده است، که ظرف یا محلی برای نگهداری این گونه اسما و کلمات در نظر گرفته شود و بعد از چند مدّت محتوای آن را، یا در گوشه‌ای از بیابان دفن می‌کنند، یا در رودخانه‌ای می‌ریزند، و یا به مراکزی می‌دهند که آنها را خمیر کرده، برای کارتن از آن استفاده می‌کنند.

سؤال ۷۷- خالکوبی اسامی ائمه (علیهم السلام) در قسمتی از بدن، اگر از روی ارادت قلبی - نه به منظور دیگر - باشد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که این کار را ترک کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳

سؤال ۷۸- آیا کوبیدن خال سوزنی برای شخص خالکوب و شخصی که خالکوبی شده جایز است؟

جواب: خالهای معمولی اشکال ندارد؛ ولی اگر بیش از حد باشد و موجب آزار بدن شود؛ یا اسامی مقدّسه معصومین خالکوبی شود اشکال دارد.

سؤال ۷۹- آیا در غسل و وضو خال سوزنی مانع رسیدن آب به نقاط خالکوبی شده می‌گردد؟

جواب: مانع نیست.

سؤال ۸۰- اگر خالکوبی جایز نیست، کسی که خالکوبی کرده، چگونه آنها را از بین ببرد؟

جواب: در مواردی که خالکوبی جایز است، از بین بردن آن لزومی ندارد و در مواردی که جایز نیست، چنانچه بتواند با کمک پزشک، بدون صدمه دیدن بدن از بین ببرد اقدام می‌کند؛ در غیر این صورت وظیفه‌ای ندارد؛ ولی احتیاط آن است که تا می‌تواند وضو داشته باشد.

مسائل متفرقه وضو

سؤال ۸۱- آیا سوزاندن آیات قرآن و اسامی مبارکه ائمه معصومین (علیهم السلام) که در روزنامه‌هاست جایز می‌باشد؟
جواب: جایز نیست؛ برای محو آنها راههای صحیحی وجود دارد که قبلاً اشاره کرده‌ایم.

سؤال ۸۲- وضو گرفتن زن، آنجا که نامحرم او را ببیند چگونه است؟
جواب: جایز نیست؛ ولی اگر وضو بگیرد وضوی او باطل نمی‌شود.

سؤال ۸۳- پاره کردن کاغذی که اسم باری تعالی بر روی آن نوشته شده باشد چه حکمی دارد؟ در صورتی که قصد بی‌احترامی یا توهین نباشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴

جواب: لازم نیست قصد بی‌احترامی کند، این کار خود بی‌احترامی است؛ مگر این که منظورش این باشد که آن را از صورت اسم باری تعالی درآورد تا بعداً مورد بی‌احترامی قرار نگیرد.

سؤال ۸۴- موقعی که به نیت طهارت وضو گرفته شود سپس وقت نماز واجب داخل شود، آیا تجدید وضو برای آن نماز واجب است؟

جواب: تجدید وضو لازم نیست؛ ولی به قصد رجا مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵

فصل هفتم: مسائل مربوط به غسل

احکام غسل

سؤال ۸۵- شخصی ۳۵ سال در غسل کردن، اول سمت راست بدن و سپس سمت چپ و در مرحله سوم سر و گردن را غسل داده و با همین وضع حج رفته و نماز خوانده و روزه گرفته است، اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: نمازهای خود را باید تدریجاً و بطوری که به زحمت نیفتد قضا کند؛ ولی روزه او صحیح است و در مورد حج باید طوافها و نماز طوافها و احتیاطاً سعی و تقصیر را اعاده کند و اگر خودش قادر به انجام این کار نیست از کسانی که به حج یا عمره می‌روند بخواهد تا به نیابت او تمام طوافهای عمره و حج و نمازهای آنها و همچنین احتیاطاً سعی و تقصیر را از طرف او بجا آورند.

سؤال ۸۶- این جانب دختر ۱۶ ساله‌ای هستم که می‌خواستم نظر حضرت تعالی را در مورد کوتاه نمودن موهای زاید بدن قبل از ازدواج جویا شوم؛ زیرا مادرم من را از این کار منع می‌کند، ولی دبیران دینی و قرآن در مدرسه همواره به کوتاه نمودن موهای زاید سفارش می‌کنند و می‌گویند: «بلند بودن این موها باعث باطل شدن غسل می‌گردد» حال وظیفه من چیست؟

جواب: کوتاه کردن موهای زاید بدن نه تنها اشکالی ندارد، بلکه کار خوبی است؛ ولی بودن و نبودن آن ضرری برای غسل ندارد، اما در مواردی که متعارف است دوشیزه‌ها موهای زاید را از بین نمی‌برند (مانند اصلاح ابرو و صورت) بهتر است مراعات عرف و عادت را بکنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶

سؤال ۸۷- افرادی که به علت قطع نخاع و یا علل دیگر نمی‌توانند خودشان غسل کنند و مجبورند نایب بگیرند، نایب چگونه باید این افراد را غسل دهد؟

جواب: باید طبق آداب غسل ترتیبی یا ارتماسی آنها را غسل دهند، یعنی در غسل ترتیبی اول آب را روی سر و گردن آنها بریزند، سپس طرف راست را بشویند و بعد طرف چپ را، البته خود آنها نیت غسل می‌کنند.

سؤال ۸۸- مدتی قبل، تقریباً در همه امور در دام و سواس افتادم. اکنون تا حدودی آن را از خود دور کرده‌ام، ولی مشکلی که هنوز دارم طول کشیدن غسل (در حدود ۴۰ دقیقه) و گاهی هم تکرار الفاظ نماز است. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

جواب: بهترین راه برای ترک و سواس، بی‌اعتنایی به آن است؛ یعنی ملاحظه کنید دیگران چه مقداری مثلاً برای غسل معطل می‌شوند، شما هم چنین کنید، مثلاً ۱۰ دقیقه یا حد اکثر یک ربع ساعت، اگر شیطان گفت درست نشد، اعتنا نکنید، عمل شما صحیح است و نگران نباشید، و ما مسئولیت آن را بر عهده می‌گیریم.

احکام جنابت

سؤال ۸۹- آیا نوشتن آیات قرآن و اسمای متبرکه برای حائض یا جنب، مکروه یا حرام است؟

جواب: اگر آن را لمس نکند حرام نیست، ولی بعید نیست مکروه باشد.

سؤال ۹۰- آیا کار کردن (مثل پخت‌وپز یا شیر دادن بچه) قبل از انجام غسل جنابت کراهت دارد؟

جواب: امور مزبور کراهتی ندارد، هرچند بهتر است انسان در همه حال با طهارت باشد.

سؤال ۹۱- اگر در آزمایش ادرار شخصی منی مشاهده شود، آیا این شخص جنب محسوب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷

جواب: اگر منی به صورت مشخص و نمایان باشد غسل واجب می‌شود؛ ولی اگر آمیخته با ادرار و ظاهراً ناپیدا باشد چیزی بر او نیست.

سؤال ۹۲- گاه در موقع عمل جراحی لوله انزال منی در مثانه قرار گرفته و منی با ادرار دفع می‌شود، این ترشحات چه حکمی دارد؟

آیا با این وضعیت فرایض دینی (نماز، روزه، مس خط قرآن و توقف در مساجد) را چگونه انجام دهد؟

جواب: هرگاه منی در ادرار مستهلک شود، یعنی به صورت چیز ناپیدایی درآید، موجب جنابت نمی‌شود؛ ولی اگر منی بطور آشکار دفع می‌گردد باید غسل کند و اگر مشقت دارد تیمم کند؛ ولی در این گونه موارد معمولاً از قبیل قسم اول است.

سؤال ۹۳- آیا شخص جنب می‌تواند قرآن همراه داشته باشد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۴- اگر رطوبتی از مرد خارج شود که نداند منی است یا آب دیگر، آیا ملاحظه این رطوبت جهت فهمیدن آن که چه نوع رطوبتی است ضروری است؟ یا بدون مشاهده هم می‌توان رأی به پاک بودن آن داد؟

جواب: اگر با مختصر بررسی روشن می‌شود باید بررسی کند و الا لازم نیست.

غسل استحاضه

سؤال ۹۵- زنی حامله هستم که مدت سه ماه است پشت سر هم خون می‌بینم، به سونوگرافی مراجعه کردم خونریزی را از ناحیه

جفت تشخیص داده‌اند، دکتر هم همین عقیده را دارد و می‌گوید: «چون جفت پایین تر از حد معمول است خونریزی می‌کنید، اگر

جفت بالا- رود خون قطع خواهد شد» تا حال به وظیفه مستحاضه عمل کرده‌ام، چون خون کم بود حتی بعضی اوقات فقط ترشح زردرنگی می‌آمد. ولی امروز یک ساعت مانده به سحری ناگهان خون زیادی آمد یعنی به اندازه استحاضه کثیره استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸

خون دیدم، برای نماز صبح غسل کردم ولی باز خون قطع نشد و هر بار بعد از غسل بلافاصله خون می‌آمد ناچاراً وضو گرفتم و نماز خواندم.

الف) وظیفه‌ام را بیان فرمایید.

جواب: مطابق دستور مستحاضه عمل کنید و اگر غسل کردن برای شما ضرر دارد یا موجب مشقت شدید است تیمم نمایید؛ ولی در ایام عادت، آن خون در حکم عادت ماهیانه است.

ب) چون دکترها خون را از جفت می‌دانند، آیا باز هم حکم استحاضه دارد، وانگهی سه ماه پی‌درپی حتی بدون یک روز فاصله خون دیده‌ام، آیا استحاضه این قدر طول می‌کشد؟

جواب: خون مزبور حکم استحاضه را دارد و استحاضه حدّ معینی ندارد و انجام اعمال آن ساده است.

سؤال ۹۶- آیا زن در ایام استحاضه می‌تواند قرآن تلاوت نماید؟

جواب: اگر وظایف مستحاضه را انجام دهد در حکم طاهر است، و همه عبادات را می‌تواند انجام دهد.

سؤال ۹۷- خانمی که عمل جراحی کرده و رحم او را برداشته‌اند، خونی که می‌بیند و در سنّ کسی است که عادتاً حیض می‌بیند، آیا حکم حیض را دارد یا حکم استحاضه؟ در صورتی که احتمال بدهد و یا این که یقین کند که خون از زخم و عمل جراحی است چه صورت دارد؟

جواب: اگر یقین داشته باشد یا احتمال بدهد خون زخم یا جراحی است تکلیفی برای او ایجاد نمی‌کند تنها خود را می‌شوید و غسل و وضو به خاطر آن واجب نیست.

سؤال ۹۸- همان طور که در توضیح المسائل ذکر شده، خانمها در سنّ ۵۰ سالگی (ه-ق) که تقریباً مطابق با ۴۸ سال و ۶ ماه (ه-ش) است یائسه می‌شوند. اگر بعد از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹

این سن هر ماه مثل عادت ماهانه خون ببینند، آیا باید آن را حیض قرار دهند، یا استحاضه؟ و عبادت خود را در این حال انجام دهند یا ترک نمایند؟

جواب: خونهایی که زنان بعد از ۵۰ سال قمری می‌بینند استحاضه محسوب می‌شود، خواه به شکل و صفات حیض باشد یا نباشد.

غسل حیض

سؤال ۹۹- اگر زنی به وسیله خوردن قرص از عادت ماهانه خود جلوگیری نماید، آیا می‌تواند با آن حال قرآن بخواند و روزه و حج و سایر عبادات را انجام دهد؟

جواب: می‌تواند و اعمال او اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰- زنی برای جلوگیری از بچه‌دار شدن از دستگاه استفاده می‌کند، به همین علت روزهای عادتش کم و زیاد می‌شود و موقع معینی ندارد، وظیفه او چیست؟ آیا عباداتی که انجام داده، باطل است؟ توضیح این که: قبل از استفاده از دستگاه، ایام عادت او هفت روز بوده است. آیا بعد از هفت روز می‌تواند غسل کند و عباداتش را انجام دهد؟

جواب: اگر چند مرتبه در مواقع مختلف یا ایام مختلف بر خلاف عادت اول خون ببیند جزء مضطربه است و در این حال اگر ۱۰

روز یا کمتر خون ببیند همه‌اش حیض است، و اگر بیش از ده روز خون ببیند آن مقدار از آن که نشانه حیض را داشته باشد و از سه روز کمتر و از ده روز بیشتر نباشد حیض محسوب می‌شود و اگر همه‌اش یک جور باشد مطابق عادت خویشاوندان خود عمل می‌کند.

سؤال ۱۰۱- آیا نزدیکی در روز آخر عادت ماهیانه در حالی که هنوز خون قطع نشده، حرام است؟ و در صورتی که قطع شده ولی هنوز غسل نکرده چه حکمی دارد؟

جواب: اگر خون قطع نشده حرام است و بعد از آن اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰

سؤال ۱۰۲- در بعضی از اوقات عادت ماهانه زنان در اثر مصرف دارو دچار اختلال می‌شود؛ از آن جمله این که در ایام عادت خون کم‌رنگ و گاهی به صورت لکه مشاهده می‌کنند، در این صورت وظیفه زن نسبت به نماز و روزه و طواف چیست؟
جواب: خون کم‌رنگ و لکه در ایام عادت اگر سه روز متوالی ادامه یابد در حکم عادت است؛ ولی اگر سه روز متوالی ادامه نیابد حکم استحاضه را دارد.

غسل نفاس

سؤال ۱۰۳- در صورت شک بین خون نفاس و خون زخم، تکلیف زن چیست؟

جواب: در این مورد احتیاط کند؛ یعنی عبادات را انجام دهد و از آنچه بر حائض حرام است پرهیز کند تا وضع او روشن شود.

غسل مسّ میّت

سؤال ۱۰۴- مادری که در شکم خود جنین مرده‌ای دارد، آیا لازم است جهت انجام فریضه نماز غسل مسّ میّت انجام دهد؟ و در صورت لزوم، آیا باید برای هر نماز غسلی بجا آورد، یا یک غسل تا خارج شدن جنین کافی است؟ آیا در این مسأله تفاوتی میان جنین کامل و ناقص می‌باشد؟

جواب: در هیچ یک از دو حالت غسل مسّ میّت بر او نیست.

سؤال ۱۰۵- چنانچه دست پزشک با جنین مرده داخل شکم مادر تماس پیدا کند، آیا غسل مسّ میّت بر او واجب می‌شود؟ خواه سنّ جنین زیر چهار ماه باشد، یا بالای چهار ماه.

جواب: تنها در صورتی غسل مسّ میّت واجب می‌شود که تماس در بیرون از رحم انجام گیرد و خلقت جنین کامل شده باشد؛ یعنی بعد از چهار ماه.

سؤال ۱۰۶- یکی از مؤمنین به دست ظلمه شهید شد و بعد از آن، ظلمه برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱

محو آثار جنایتشان بر روی بدن مطهر شهید ماشین رانده‌اند، به همین جهت حتی شیشه فانوس همراه و موتور وی سالم مانده؛ ولی بدن شهید بطور دلخراشی متلاشی شده است و فقط توانسته بودند تکه‌های جمجمه و مغز سر وی را از روی آسفالت جمع‌آوری کنند و همراه با بدن، پس از غسل به خاک بسپارند، سپس قطعه استخوان دیگری از او پیدا شد، کسی که این تکه جمجمه را مسّ کند، غسل مسّ میّت می‌خواهد؟ حکم کفن و دفن این تکه چگونه است؟

جواب: غسل آن واجب نیست؛ در لفافه‌ای بپیچید و دفن کنید و غسل مسّ میّت نیز ندارد.

سؤال ۱۰۷- آیا غسل مسّ میّت برای مسّ دندان جدا شده هم لازم است؟ و اگر همراه دندان، مقداری گوشت لته نیز باشد، چه

حکمی دارد؟ مقدار گوشت لته (کم یا زیاد) نقشی در حکم دارد یا خیر؟

جواب: در هر حال غسل ندارد.

سؤال ۱۰۸- در جراحی‌های فک و صورت، مقداری گوشت و استخوان به صورت ریز و پودر شده، جدا می‌گردد و به دست و صورت دندانپزشک می‌ریزد. آیا این امر باعث وجوب غسل مسّ میّت می‌گردد؟

جواب: غسل مسّ میّت ندارد.

سؤال ۱۰۹- اگر دست کسی که تماس با میّت انسان داشته، به دست شخص دیگری، که مستقیماً با میّت تماس نداشته، اصابت کند، آیا بر شخص دوم نیز غسل مسّ میّت واجب می‌شود؟

جواب: غسل ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۳

فصل هشتم: احکام اموات

۱- غسل میّت

سؤال ۱۱۰- میّتی که خون زخم او را با پلاستیک و یا چیز دیگری قطع کرده‌اند و مقداری از اعضایش هنگام غسل شسته نمی‌شود، آیا تیمّم تنها کافی است؟ یا باید اوّل غسل بدهند و بعد تیمّم کنند؟ آیا باید غسل را با آب لوله‌کشی انجام بدهند یا با آب قلیل نیز صحیح است؟

جواب: فقط او را غسل دهند و با آب لوله‌کشی بی‌اشکال‌تر است.

سؤال ۱۱۱- آیا میّت پس از غسل طاهر می‌شود؟

جواب: بعد از تمام شدن سه غسل، بدن میّت مسلمان طاهر می‌شود.

سؤال ۱۱۲- شخصی در اثر تصادف با ماشین می‌میرد، سر و صورت او بر اثر جراحات وارده خون می‌آید و نمی‌توان جلوی خون را گرفت، آیا می‌توان عوض هر سه غسل، او را تیمّم داد؟

جواب: آری می‌توانند او را تیمّم دهند، بجای هر غسل یک تیمّم.

سؤال ۱۱۳- بدن میّت قبل از اتمام غسل‌های سه‌گانه نجس است، کسی که میّت را غسل می‌دهد، یا ظروف و وسایلی که استفاده می‌کنند نجس می‌شود؛ فقها می‌فرمایند: «بعد از تمام شدن غسل‌ها میّت طاهر می‌شود و نیز دست و لباس غسل دهنده و ظروف و وسایلی که مورد استفاده قرار گرفته به حکم تبعیّت طاهر می‌شود» آیا افرادی که تماشا می‌کنند، ظروفی که مورد استفاده نبوده و لباسهایی که به دیوار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۴

آویزان بوده و آب به آنها ترشح شده نیز طاهر می‌شوند؟

جواب: اشیایی را که ذکر کردید مشمول تبعیّت نیست؛ ضمناً توجه داشته باشید که غیر از دست و محلی که میّت را بر آن می‌شویند و لباس خود میّت (چنانچه با لباس او را غسل دهند)، پاک شدن بقیّه، که ذکر کرده‌اید، محلّ اشکال است.

سؤال ۱۱۴- همان‌گونه که مستحضرید باقیمانده اجساد مطهّر برخی از شهدای مفقود الاثر پس از سالیانی دراز کشف و به خانواده‌های معزّز آنها تحویل داده می‌شود، با توجه به این که جز مثنی استخوان چیزی از این پیکرهای پاک باقی نمانده است، کیفیت غسل و کفن و نماز میّت و نماز وحشت آن را بیان فرمایید. آیا تماس با آنها موجب غسل مسّ میّت می‌شود؟

جواب: در صورتی که در میان استخوانها استخوان سینه بوده باشد، احتیاط آن است که آن را غسل دهند و کفن کنند و نماز بر آن بخوانند و دفن کنند، و اگر استخوان سینه در آن نباشد بنا بر احتیاط غسل و کفن و دفن لازم است، ولی نماز واجب نیست. و در هر حال غسل مسّ میت ندارد و بهتر خواندن نماز وحشت است به قصد رجا.

۲- نماز میت

سؤال ۱۱۵- میتی را غسل داده و سپس بر او نماز خوانده‌اند، ولی در موقع دفن متوجه شدند که از جنازه خون آمده است. آیا بعد از پاک کردن کفن و جنازه، تکرار نماز میت واجب است؟

جواب: اگر نمی‌دانید کی خون آمده است تکرار نماز لازم نیست.

سؤال ۱۱۶- آیا نماز میت بر بچه‌ای که کمتر از شش سال دارد، واجب است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که بر بچه نابالغ نیز، اگر کمتر از شش سال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۵

نداشته باشد، نماز خوانده شود.

سؤال ۱۱۷- کیفیت ذکر نماز میت برای میت منافق، مستضعف و بچه نابالغ را بیان فرمایید.

جواب: اگر منافق است چهار تکبیر اول را بگوید و تکبیر پنجم را نگوید، و اگر مجهول الحال است بعد از تکبیر چهارم بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ يُحِبُّ الْخَيْرَ وَ أَهْلَهُ فَاعْفِرْ لَهُ وَ ارْحَمْهُ وَ تَجَاوَزْ عَنْهُ» و اگر طفل است بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِمَا بَوَّيْهِ وَ لَنَا سَلَامًا وَ فَرَطًا وَ اجْرًا».

۳- دفن

سؤال ۱۱۸- آیا دفن میت در حیاط مسجد، در صورتی که وصیت کرده باشد، لازم است؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که واقف در حال وقف کردن چنین حقی را برای خود یا دیگری قائل شده باشد.

۴- نبش قبر

سؤال ۱۱۹- آیا ورثه میت می‌توانند جنازه میت را از قبر بیرون آورند و آن را در گورستان دیگری (در همان شهر یا شهر دیگری)

دفن کنند؟ آیا در این مسأله تفاوتی بین کسی که تازه دفن شده با کسی که مدّت زیادی از دفن او می‌گذرد، وجود دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

۵- مسائل متفرقه اموات

سؤال ۱۲۰- تعدادی از قبرها (به استثنای قبور شهدا) در قبرستان عمومی کوچک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۶

این روستا قرار دارد که به وسیله فرزندان آنها مسقف شده است، اطراف این سرپوشها باعث مزاحمت در رفت و آمد و پاره شدن

لباس و بدن زائرین قبرستان شده است، زائرین از شورای روستا درخواست رفع ممانعت و سهولت در رفت و آمد را نموده‌اند، آیا

برداشتن پوششهای آهنی سقف (نه نرده اطراف آن) شرعاً موجب هتک حرمت به میت می‌شود؟

جواب: چنانچه بازماندگان اموات حاضر شوند سقفها را طوری نصب کنند که مزاحم مردم نباشد، باقی ماندن سقفها جایز است، در

غیر این صورت می‌توان رفع مزاحمت کرد.

سؤال ۱۲۱- آیا نگهداری جنین ساقط شده، چه از حیث جسمی سالم یا ناقص الخلقه و یا عقب مانده باشد و چه مال خود شخص باشد و یا آن را از صاحبش گرفته باشد، به عنوان کلکسیون در شیشه الکل جایز است؟

جواب: هرگاه جنین به صورت انسان کاملی درآمده باشد باید او را غسل داد و کفن کرد و دفن نمود و نگهداری آن به صورتی که نوشته‌اید جایز نیست، اما اگر به این مرحله نرسیده باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۲- آیا جایز است انسان جسد مورث خود را، چه زن باشد و چه مرد، بجای دفن در قبر، به صورت مومیایی و یا در شیشه الکل نگهداری نماید؟ و اگر جایز نیست موضوع مشمول تعقیب و تعزیر است؟

جواب: جایز نیست و مشمول تعزیر است.

سؤال ۱۲۳- آیا قبر به منزله ملک شخصی محسوب می‌شود؟

جواب: در زمین‌های موقوفه و مباح، قبر ملک نمی‌شود؛ ولی اگر زمین را خریداری کند، یا زمین مباح بوده و قصد تملک و حیازت نموده است، مالک می‌شود.

سؤال ۱۲۴- چرا میت مرد را از طرف سر، و میت زن را از طرف عرض بدن، وارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۷

قبر می‌کنند؟ خواهشمند است محسنات آن را بیشتر شرح دهید.

جواب: این کار در مردان نوعی عبرت و در زنان برای رعایت اصول عفت است.

سؤال ۱۲۵- شعری را سروده‌ام که بر سنگ قبرم نوشته شود؛ ولی فرزندانم این شعر را بر خلاف شرع مقدّس می‌دانند؛ اما به نظر خودم بسیار مناسب حالم می‌باشد، لطفاً نظر مبارک خود را در این مورد مرقوم دارید:

به یک عمر طبعی با دل ریش نمودم زندگی شد عاقبت هیچ

ترخم کن تو ای دانای اسرار که در گور التیام یابد دل ریش

جواب: شعری که در بالا ذکر کرده‌اید خلاف شرع نیست؛ ولی جستجو کنید اشعاری بهتر از آن پیدا کنید.

سؤال ۱۲۶- با توجه به این که تجهیزات میت و هزینه کفن و دفن او شرعاً واجب است، اگر میت مالی نداشته باشد که از مال او مخارج کفن و دفنش را بدهند، و بدین جهت یکی از ورثه حین الفوت میت به تنهایی و از مال خودش این مخارج را متحمل شود،

آیا این فرد می‌تواند به منظور وصول سهم سایر ورثه به آنها مراجعه کند؟ و اگر می‌تواند، آیا این مخارج بایستی بطور مساوی از کل ورثه وصول شود یا طبق قانون ارث؟

جواب: در چنین فرضی نمی‌تواند به سایر ورثه رجوع کند، مگر این که با توافق آنها این کار را کرده باشد، و در این صورت باید طبق توافق عمل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۹

فصل نهم: مسائل تیمم

طریقه تیمم

سؤال ۱۲۷- کسی که یک دست او قطع گردیده، ولی ذراع او باقی است و دست دیگر او سالم می‌باشد، چگونه تیمم نماید؟

جواب: ذراع را به جای کف دست قطع شده قرار دهد.

سؤال ۱۲۸- کسی که هر دو دستش به گونه‌ای قطع گردیده که حتی ذراع او هم باقی نمانده است، چگونه باید تیمم نماید؟
جواب: پیشانی را آهسته بر روی خاک تمیز، یا قطعه سنگ صافی مسح کند.

سؤال ۱۲۹- کسی که هر دو دستش قطع گردیده، ولی ذراع هر دو دست او باقی است، وظیفه او در تیمم چیست؟
جواب: از ذراع به جای کف دست استفاده کند.

سؤال ۱۳۰- کسی که یک دست او به گونه‌ای قطع شده است که ذراع هم باقی نمانده و دست دیگر او سالم است، چگونه باید تیمم نماید؟

جواب: دست سالم را روی خاک می‌زند و با آن صورت را مسح می‌کند، و سپس پشت دست را به روی خاک مسح می‌کند.

احکام تیمم

سؤال ۱۳۱- شخصی که به علت بیماری، برای انجام وضو و غسل، نمی‌تواند از آب سرد استفاده کند و آب گرم نیز در دسترس ندارد، چنانچه تیمم نماید تکلیف او بعد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۰

از یافتن آب گرم، قبل و بعد از نماز چیست؟

جواب: اگر داخل وقت باشد احتیاطاً اعاده کند و اگر وقت گذشته است قضا لازم نیست.

سؤال ۱۳۲- کسی که به خاطر بیماری ناگزیر از تیمم شده است، اگر قبل از شروع به نماز بتواند وضو بگیرد، یا غسل کند تکلیف او چیست؟

جواب: لازم است وضو یا غسل بجا آورد.

سؤال ۱۳۳- سجده کردن بر سیمان و موزاییک، آهک و گچ پخته، و همچنین تیمم بر آنها چه حکمی دارد؟

جواب: سجده بر آنها جایز است؛ ولی تیمم بر آنها اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۱

فصل دهم: احکام نماز

اوقات نمازهای پنج‌گانه

سؤال ۱۳۴- از ظاهر مسأله ۶۷۳ رساله حضرت‌تعالی این طور برداشت می‌شود که بین غروب و مغرب، وقت نماز نمی‌باشد؛ یعنی نماز عصر قضا شده و هنوز وقت نماز مغرب نرسیده است، آیا این برداشت از فتوای حضرت‌تعالی صحیح است؟

جواب: با غروب آفتاب نماز ظهر و عصر قضا می‌شود؛ ولی احتیاط آن است که نماز مغرب و عشا را تا مغرب تأخیر بیندازد.

سؤال ۱۳۵- آیا هنگامی که قرص خورشید در افق پنهان شود، می‌توان نماز مغرب را خواند و روزه را افطار کرد؟ آیا پنهان شدن قرص خورشید در افق، همان غروب آفتاب است؟

جواب: پنهان شدن قرص در افق همان غروب آفتاب است؛ ولی احتیاط آن است که نماز مغرب و افطار روزه را تا مغرب تأخیر بیندازد.

سؤال ۱۳۶- ملاک در طلوع و غروب آفتاب چیست؟ آیا همین که خورشید از پشت کوه دیده شد و یا این که پشت کوه رفت، طلوع و غروب محسوب می‌شود؟

جواب: ملاک، طلوع و غروب از خطّ افق است نه کوه، بنابراین اگر خورشید از خطّ افق گذشته و در پشت کوه قرار گرفته، آفتاب طلوع کرده است.

سؤال ۱۳۷- حدود ۱۸ سال قبل به منظور دستیابی به ساعات شرعی دقیق به راهنمایی دفتر حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه)، به محضر حضرت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۲

آیت الله العظمی مرعشی نجفی (رضوان الله تعالی علیه) هدایت و با راهنماییهای پراج معظّم له توفیق این کار حاصل شد. ایشان پس از اطمینان از انطباق کامل ساعات شرعی مستخرج مرکز تقویم مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران با موازین شرعی، نسبت به صدور حکم شرعی اقدام فرمودند. اضافه می‌نماید که این ساعات شرعی با ساعات شرعی استفاده شده در چندین قرن گذشته در ایران نیز بخوبی مطابقت دارد؛ لذا حدود ۱۵ سال است که ساعات شرعی استخراج این مرکز، مورد استفاده امت مسلمان ایران و جهان قرار می‌گیرد و از رسانه‌های گروهی اعلام می‌شود.

اخیراً مقام معظّم رهبری (مدّ ظلّه) در پاسخ به استفتای مصلای امام خمینی تهران، که علت استفتا عدم امکان تشخیص دقیق لحظه طلوع فجر اعلام شده است، فرمودند: «با شروع اذان صبح اعلامی از رسانه‌ها روزه‌داران امساک کنند و حدود ۵ تا ۶ دقیقه بعد از آن، شروع به ادای فریضه صبح شود»، بنابراین ساعات شرعی، از جمله لحظه اذان صبح استخراج این مرکز با تغییری حدود ۸ تا ۱۰ دقیقه از رسانه‌ها اعلام می‌شود، این عمل رسانه‌ها با توجه به این که در ۱۵ سال گذشته ساعات شرعی استخراج این مرکز، بطور گسترده در شهر یا بخش یا روستاهای کشور مورد استفاده قرار گرفته، مردم را در بلا-تکلیفی قرار داده است، از این رو تقاضا می‌شود نظر مبارک را درباره لحظه اذان صبح استخراج این مرکز و تغییری که در رسانه‌ها داده شده است اعلام فرمایید.

جواب: قبل از آن که سر و صدا درباره چگونگی استخراج تقویمی که ملاک رسانه‌های گروهی بود شود، ما احساس کرده بودیم که این استخراج منطبق با وقت شرعی نماز صبح (فجر صادق) نیست، لذا خود این جانب شخصاً قبل از طلوع فجر به بیابان رفته و ملاحظه کردم که حدود یک ربع ساعت میان اذان صبح رادیو و صبح واقعی فاصله است؛ یعنی اذان رادیو زودتر گفته می‌شود، جمعی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۳

آقایان مورد اعتماد در قم نیز همین کار را در وقت دیگری انجام داده بودند و نتیجه آن نیز همین بود. بنابراین عقیده ما این است که آنچه اخیراً مورد عمل قرار گرفته، که وقت اذان صبح را حدود ۱۰ دقیقه عقب کشیده‌اند، و با توجه به این که حدود ۵ دقیقه نیز اذان طول می‌کشد، بعد از پایان اذان وقت نماز صبح داخل شده است و قبل از آن مشکل است.

سؤال ۱۳۸- شخص مکلفی ۵ دقیقه مانده به اول غروب شرعی می‌خواهد نماز ظهر و عصر را بجا آورد، با احتساب یک دقیقه برای هر رکعت، ۴ دقیقه اول را نماز ظهر بجا می‌آورد، منتها در نماز ظهر به دلیل شکّ بین ۳ و ۴ احتیاج به نماز احتیاط جهت تکمیل نماز ظهر اقامه شده دارد، آیا یک دقیقه باقیمانده را نماز عصر بخواند، یا صرف نماز احتیاطی مکمل ظهر نماید؟

جواب: نماز عصر را بجا آورد و نماز ظهر را قضا کند.

سؤال ۱۳۹- تعدادی از پرسنل شرکت فولاد آلیاژ ایران، برای آموزش فنی، مدّتی به کشورهای اروپایی می‌روند، در مناطق شمالی اروپا، واقع در بالای مدار قطبی، از ۲۶ ماه مه (۵ خرداد) تا ۱۸ ژوئیه (۲۷ تیر) خورشید در آسمان غروب نمی‌کند، در ۲۱ ژوئن در «ماپاراند» واقع در خلیج «بوتینا»، طول روز ۲۳ ساعت و در «آکین»، در منتها الیه جنوب، ۱۷ ساعت می‌باشد. تکلیف نماز و روزه این برادران در این ایام چیست؟

جواب: در مناطقی که خورشید غروب نمی‌کند، یا طول روز بسیار زیاد و خارج از متعارف مناطق مختلف دنیاست، باید بر طبق

مناطق معتدله در آن فصل از سال عمل کنند؛ یعنی اگر در مناطق معتدله (روی همان خط نصف النهار) روزها در آن موقع ۱۴ ساعت است و شبها ۱۰ ساعت، به همان صورت نماز و روزه خود را تنظیم کنند؛ شرح بیشتر درباره این موضوع را در کتاب «معراج، شق القمر، عبادت در قطبین» نوشته‌ایم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۴

سؤال ۱۴۰- با وسایل پیشرفته امروزی، انسان می‌تواند در یک شبانه‌روز چندین بار به دور کره زمین بچرخد؛ در این صورت وظیفه او در مورد نمازهای پنج‌گانه چیست؟

جواب: هرگاه با سفینه‌های فضایی دور زمین بگردد، باید پنج نماز را در شبانه‌روز بجا آورد و می‌تواند مقیاس را وطنش در روی زمین قرار دهد.

سؤال ۱۴۱- جهت معالجه به یکی از شهرهای «آلمان»، که در ۷۵ کیلومتری «فرانکفورت» می‌باشد، رفتیم. چون هوا ابری و مه‌آلود بود، تشخیص طلوع و غروب آفتاب امکان نداشت، یک مسجد که مربوط به برادران اهل تسنن ترکیه بود، پیدا نمودم. کسی جز امام مسجد در آنجا نبود. از او اوقات شرعی را سؤال کردم. ایشان تقویم دیواری که اوقات نماز هر روز زیر آن نوشته شده بود را به من داد، مطابق آن نماز صبح و ظهر را بجا می‌آوردم ولی نماز مغرب و عشا را ده دقیقه بعد از زمان تقویم انجام می‌دادم، تا این که در تاریخ ۱۳/۶/۷۶ روزنامه اطلاعات خارج از کشور، شماره ۸۱۱ بدستم رسید. اوقات شرعی که در آن قید شده بود با اوقات شرعی ترکها تفاوت فاحشی به شرح زیر داشت:

اوقات شرعی روزنامه اطلاعات: طلوع آفتاب (۴۵ و ۵)، ظهر (۲۴ و ۱۲)، مغرب (۲۴ و ۱۹) (که البته ساعت ۴۵ و ۱۹ هم آفتاب روی دیوار مشاهده می‌شد!).

و اما اوقات شرعی ترکها: طلوع آفتاب (۳۹ و ۶)، ظهر (۳۹ و ۱۳)، مغرب (۱۰ و ۲۰).

از آن تاریخ نمازها را بدین شرح به جا می‌آوردم: طبق روزنامه اطلاعات نماز صبح را در ساعت ۵، ظهر را در ساعت ۴۰ و ۱۳ و نماز مغرب را، با توجه به رؤیت آفتاب، ساعت ۱۵ و ۲۰، آیا نمازهایم صحیح بوده است؟

جواب: چنانچه در آنجا، مطمئن‌ترین طریق شما برای وقت، همان شیوه‌ای بوده که عمل کرده‌اید عمل شما صحیح و کافی بوده است، در این گونه موارد اگر مقداری احتیاط در تأخیر بشود، بهتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۵

سؤال ۱۴۲- آیا می‌توان به ساعات شرعی رسانه‌های خبری و تقویمها عمل نمود؟

جواب: چنانچه موجب اطمینان یا ظن قوی شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۳- ابتدای وقت ادای نماز نافله صبح و انتهای آن چه زمانی است؟

جواب: وقت نافله صبح پیش از نماز صبح است، از طلوع فجر تا آشکار شدن سرخی در طرف مشرق، و می‌توان آن را بعد از نماز شب بلافاصله بجا آورد.

نمازهای مستحبی

سؤال ۱۴۴- اگر کسی موفق به خواندن نوافل روزانه، در اوقات شرعی آن نشود، تکلیف چیست؟

جواب: می‌تواند قضا کند.

سؤال ۱۴۵- اگر نماز گزار دعاهای وارده قنوت نماز وتر را نخواند و تنها به قنوت ساده‌ای قناعت کند و همچنین برای ۴۰ نفر مؤمن دعا نکند، بلکه بصورت کلی «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» بگوید، آیا نماز او صحیح است؟

جواب: نماز وتر او به این صورت صحیح است؛ ولی ثواب کمتری دارد.

سؤال ۱۴۶- شخصی که نماز ظهر و عصر را به جماعت می‌خواند، وقتی برای انجام نافله‌های آن نخواهد داشت، اگر بعد از ادای نماز بخواند نافله‌ها را هم بخواند چه نیتی باید بکند؟

جواب: نیت ما فی الذمه کند.

سؤال ۱۴۷- هرگاه پس از خواندن چهار رکعت از نماز شب، اذان از مسجد یا رادیو به گوش برسد، آیا بقیه نافله شب را باید به نیت ادا بخوانیم یا قضا؟

جواب: اگر چهار رکعت یا بیشتر از نماز شب را بجا آورده باشید، بقیه را به نیت ادا تکمیل کنید، سپس به نافله صبح یا نماز صبح مشغول شوید.

سؤال ۱۴۸- با توجه به این که در نماز غفيله، بعد از قرائت سوره حمد، باید آیات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۶

وارد شده مخصوصه خوانده شود، حکم گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» یا «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم»، قبل از شروع آیات مخصوصه چیست؟

جواب: لازم نیست.

احکام قبله

سؤال ۱۴۹- مسجدی، در زمان سلسله صفویه، در یکی از روستاها بنا شده است و تا کنون حدود چهارصد سال مردم در آن نماز خوانده‌اند. اکنون آقای معممی قبله مسجد را کمی تغییر داده است؛ آیا نمازهایی که تا به حال خوانده شده صحیح است؟ نماز خواندن به سمت قبله‌ای که ایشان تعیین کرده‌اند چه حکمی دارد؟

جواب: نمازهای گذشته اشکالی نداشته است، و اما در حال حاضر می‌توانید به وسیله قبله‌نماهای سالم، قبله مسجد را تعیین کنید و مطابق آن عمل نمایید، و چنانچه ایشان هم این کار را کرده باشد اشکالی ندارد.

لباس نمازگزار

سؤال ۱۵۰- رأی شریف حضرت تعالی در مورد وجه و کفین برای زنان، در حال نماز و در اعمال حج و غیر این دو چیست؟

جواب: وجه و کفین در حکم حجاب در همه جا مستثناست.

سؤال ۱۵۱- در عرف مرسوم است که بانوان بعد از ازدواج، خود را به اموری از قبیل برداشتن زیر ابرو و زایل کردن موهای ریز صورت و مانند آن زینت می‌کنند، آیا در این صورت، بنا بر رأی جواز در مسأله قبل، استتار واجب است؟

جواب: اگر تنها کم کردن موهای صورت و ابرو و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۲- گفته می‌شود که استفاده از چادر مشکی برای خواهران مناسب نیست و مکروه می‌باشد، و خواهران باید از پوشاک روشن و رنگهای متنوع استفاده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۷

نمایند و دلیلی ندارد که توصیه شود خانمها کفش و مانتوی تیره بپوشند، حال سؤال این است که در حال حاضر و با توجه به شرایط فعلی جامعه ما، تکلیف پوشش خواهران چیست و آیا سخنان فوق و امثال آن، با توجه به آثار و تبعات آن برای جامعه، شرعاً صحیح است؟

جواب: انتخاب چادر مشکی برای زنان، و عبا‌ی مشکی برای مردان، مکروه نیست. و استفاده از رنگهای ساده دیگر مادام که منشأ مفاسدی نشود نیز جایز است؛ البته رنگهای سنگین بهتر است.

سؤال ۱۵۳- آیا پوشیدن مانتو برای زنان، در صورتی که حفظ حجاب اسلامی نشود و برجستگی‌های اندام مشخص باشد، اشکال دارد؟

جواب: در صورتی که لباس چسبان باشد حرام است؛ ولی اگر لباس گشاد باشد اشکال ندارد.

سؤال ۱۵۴- آیا پوشیدن جورابهای نازک، در صورتی که پا در آن پیدا باشد برای زنان جایز است؟

جواب: اگر پا در آن پیدا باشد جایز نیست؛ ولی معلوم بودن حجم پاها ضرری ندارد.

سؤال ۱۵۵- اگر مدرسه‌ای ابلاغ کند که دختران در مدرسه دخترانه برای ورزش باید لباس مخصوص ورزش بپوشند، چه باید کرد؟

جواب: پوشیدن لباس ورزشی برای دختران، در صورتی که در محیط مخصوص خودشان باشند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶- پوشیدن لباسهای مبتذل و یا لباسهای تنگ و مهیج و یا مدلهایی که موجب ترویج فرهنگ غرب است، چه برای زن و چه برای مرد، چگونه است؟

جواب: این گونه لباسها اشکال دارد و بر پسران و دختران و مردان و زنان مسلمان لازم است رعایت موازین عفت اسلامی را، که مایه سعادت دنیا و آخرت آنهاست، بنمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۸

سؤال ۱۵۷- پوشیدن لباسی که مخصوص زن نمی‌باشد و صرفاً برای پوشیدن در شبیه‌خوانی درست شده است (این لباس از قطعه‌ای پارچه سیاه که تا اندازه‌ای شبیه چادر دوخته شده می‌باشد تشکیل شده است) و مردانی که در نقش زن انجام وظیفه می‌نمایند و از آن استفاده می‌کنند، چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۸- آیا مردانی که نقش زنان کفار را به نمایش می‌گذارند، می‌توانند لباس زنانه بپوشند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۹- پوشیدن لباس مختص زنان توسط مردان و یا بالعکس در منزل چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مفسده خاصی بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۰- اگر در حال نماز خواندن از دماغ انسان خون بیاید، آیا باید نمازش را ادامه بدهد یا شکستن نماز واجب است؟

جواب: چنانچه ظاهر صورت یا دست او بیش از مقدار درهم آلوده شود باید نماز را بشکند و اعاده کند، و اگر کمتر باشد ادامه نماز اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۱- اگر دستمال نجسی در جیب لباس نماز گزار باشد، آیا نماز صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۲- بیماران یا بعضی از عزیزان که در جنگ بدنشان ترکش خورده و چندین جای آن مجروح است، گاه در طول شبانه‌روز از بدن آنها خون می‌آید، وظیفه این عزیزان برای نماز چیست؟

جواب: آن مقدار که می‌توانند، از سرایت به سایر اعضا جلوگیری می‌کنند و بقیه مانعی ندارد و نمازشان صحیح است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۷۹

سؤال ۱۶۳- به کار بردن روکش طلا- و گذاشتن دندان مصنوعی از جنس طلا، یا محکم کردن دندانها با طلا، برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر جنبه تزینی نداشته باشد اشکالی ندارد، و در موارد ضرورت نیز جایز است؛ هر چند زینت باشد.

سؤال ۱۶۴- استفاده از طلا- جهت زینت مردان، مثل ساعت، حلقه، انگشتر و غیره چه حکمی دارد؟ و اگر جهت امتحان کردن و یا برای نگهداری موقت استفاده شود، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده کردن از زینت آلات طلا- برای مردان مطلقاً جایز نیست و نماز را باطل می‌کند؛ ولی برای امتحان و یا به قصد نگهداری موقت و کوتاه مدت مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵- استفاده از حلقه طلا برای مردان (جدای از این که نماز را باطل می‌کند) چه حکمی دارد؟ حلقه نامزدی چطور؟
جواب: حلقه طلا برای مردان حرام است؛ ولی می‌توانند به جای آن از پلاتین استفاده کنند.

مکان نماز گزار

اشاره

سؤال ۱۶۶- آیا نجس بودن صندلی چرخ‌دار، یا عصایی که به دست برادران جانباز است، برای نماز مانعی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۷- نماز خواندن بر سجاده‌ها و یا قالیچه‌هایی که در آن آیات قرآن و کلمات مقدسه نوشته شده است، چه صورتی دارد؟ در حالی که در موقع نشستن و به سجده رفتن، آیات قرآن زیر پا قرار می‌گیرد.
جواب: جایز نیست؛ مگر این که آیات زیر پا نماند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۰

سؤال ۱۶۸- آیا نماز خواندن بر سجاده‌هایی که بر آن عکس مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) یا مسجد الحرام کشیده شده است و گاهی در زیر پا قرار می‌گیرد، اشکال دارد؟

جواب: اگر قصد توهین نباشد اشکالی ندارد؛ ولی بهتر این است که آن طرف سجاده را در جلوی رو قرار دهند.

سؤال ۱۶۹- گاهی مشاهده می‌شود که هنگام مسافرت با اتوبوس، بعضی از رانندگان مسافران را برای خواندن نماز پیاده نمی‌کنند و اگر تذکر بدهند احتمال دارد که توجه نکنند، تکلیف چیست؟

جواب: تا آنجا که توان دارید تذکر بدهید و اگر جدی تذکر بدهید مطمئن باشید اثر می‌کند و نگه می‌دارند و اگر نگه نداشتند باید در ماشین، به هر طور که می‌توانید، نماز بخوانید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۱

[احکام مسجد]

فضیلت مسجد

سؤال ۱۷۰- تعدادی از مساجد در افکار عامه مردم از قداست بیشتری برخوردار است، مثل مسجد جمکران، سهله، کوفه و مانند آن؛ دلیل اهمّیت این مساجد چیست؟

جواب: هر کدام از اینها، روایت خاصی دارد که دلالت بر اهمّیت و قداست فوق‌العاده آن می‌کند.

سؤال ۱۷۱- آیا در ثواب نماز جماعت، بین مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مدینه و مساجد اطراف، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: مسلماً نماز در مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) افضل است.

سؤال ۱۷۲- چگونگی نماز تحیت، که به هنگام ورود در مساجد مستحب است، را بیان فرمایید و فلسفه آن را توضیح دهید.

جواب: نماز تحیت دو رکعت، مانند نماز صبح یا نمازهای نافله است و اذان و اقامه ندارد؛ و می‌توان آن را بلند یا آهسته خواند و فلسفه اش احترام به مسجد است.

تجدید بنا و توسعه مسجد

سؤال ۱۷۳- زمینی وقف مسجد شده، و طبق معمول قسمتی از آن تبدیل به حیاط، توالت و آبدارخانه، و قسمتی دیگر تبدیل به مسجد شده است، ولی به علت تجدید بنا مقداری از شبستان مسجد جزء حیاط شده یا بالعکس، آیا اشکال دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۸۲

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۲

جواب: در صورتی که این کار به نفع مسجد و نمازگزاران بوده باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴- مسجد کوچکی در فاصله ۲۰ الی ۳۰ متری مسجد جامع قرار دارد که قبلاً دارای سقف و درب بوده و در تنگی وقت از آن استفاده می‌شده است، اخیراً در اثر مرور زمان و عدم توجه، به حالت مخروبه درآمده، و احتمالاً قسمتی از این مسجد در طرح خیابان و تعریض راه قرار می‌گیرد، مضافاً به این که مورد بی‌احترامی از طرف بچه‌های غیر ممیز قرار می‌گیرد، آیا جایز است مسجد مذکور نوسازی شود و به عنوان انبار مسجد جدید مورد استفاده قرار گیرد، یا باید به حالت مسجد برگردد؟ لازم به ذکر است که اگر به حالت مسجد برگردد، کمتر کسی در آن نماز می‌گزارد؛ چون در چند قدمی آن، مسجد جامع محل می‌باشد.

جواب: آن را طوری بسازید که هم قابل استفاده برای نمازگزاران باشد و اگر هم کسی حاضر به نماز در آن نبود بتوانند به عنوان انبار مسجد مجاور از آن استفاده کنند.

سؤال ۱۷۵- مسجدی در تهران با بیش از ۴۰ سال سابقه ساخت و عدم رعایت اصول فنی ساختمان‌سازی وجود دارد که طبق نظر کارشناسان ساختمانی، فاقد مقاومت لازم در برابر حوادث احتمالی است و با توجه به عدم وجود امکانات تأسیساتی در حال حاضر به هیچ وجه قابل استفاده برای نماز و فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و کلاسهای درسی و مانند آن نمی‌باشد. در نهایت اکثر اهالی مؤمن و متدین نمازگزار و هیأت امنای محترم، با بررسیهای همه‌جانبه تصمیم به تخریب و ساخت مجدد با طراحی مطلوب گرفته‌اند. استدعا داریم در موارد ذیل راهنمایی لازم را بفرمایید.

الف) تخریب بنای موجود با توجه به موارد فوق چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله تخریب و تجدید بنای این مسجد مانعی ندارد؛ بلکه کار بسیار خوبی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۳

ب) مجوز دفع ضایعات ساختمانی و فروش بعضی اقلام که نمی‌توان در مسجد جدید استفاده نمود و صرف درآمد حاصل از فروش آن در ساختمان جدید مسجد را صادر بفرمایید.

جواب: اگر ضایعات مربوطه در مساجد دیگر قابل استفاده نباشد، مجاز هستید آن را به فروش رسانده در همان مسجد مصرف کنید.

سؤال ۱۷۶- مسجدی است در یکی از شهرها، که جهت اقامه نماز جماعت و برگزاری مجالس دینی، مخصوصاً در ماه مبارک

رمضان مشکلاتی برای مؤمنین دارد. پشت مسجد باغچه‌ای در حدود دو‌یست متر وجود دارد، که گویا در قدیم مردم مراجعات خود را در همین مکان نزد عالم محل می‌بردند؛ به همین جهت محکمه نامیده شده است، اما وقفنامه خاصی ندارد، چند سال پیش شخصی یک نهال گردو در همین زمین کاشته است که الآن سالی حدود چند هزار دانه گردو دارد، آن شخص نهال گردو را وقف نکرده، بلکه فقط جهت نیل به ثواب این کار را کرده است و اکنون که نیاز به توسعه مسجد است، لازم است درخت گردو قطع و آن زمین ضمیمه مسجد گردد، آیا اجازه می‌فرمایید درخت گردو قطع و زمین محکمه ملحق به مسجد گردد؟

جواب: چنانچه باغچه متعلق به مسجد است و توسعه مسجد برای نمازگزاران لازم می‌باشد، قطع درخت مزبور اشکال ندارد.

امور اقتصادی، مالی مساجد

سؤال ۱۷۷- آیا جمع‌آوری پول در مساجد، جهت امام‌جماعت یا بنای مسجد یا غیر اینها، جایز است؟ مورد مصرف آن چیست؟

جواب: در صورتی که به صورت آبرومندانه باشد اشکالی ندارد و طبق وکالتی که مردم داده‌اند در مصارف صرف کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۴

سؤال ۱۷۸- فعالیت اقتصادی در مسجد، جهت رونق امور مساجد چه صورتی دارد؟ برای مثال ما در منطقه جنوب تهران در آشپزخانه وسیع و مجهز مسجد اقدام به پخت غذا برای مراسم مختلف مؤمنین می‌نماییم و درآمد حاصله را پس از پرداخت اجرت آشپز، صرف امور جاریه مسجد می‌نماییم. آیا این کار مشروع است؟

جواب: چنانچه آشپزخانه مختص به مسجد باشد جایز نیست؛ ولی اگر از روز اول به تیت عام ساخته شده است، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۹- مبالغی پول جهت ساختمان و تعمیر مسجدی جمع‌آوری شده که پس از مصارف لازمه، مقداری از آن پول‌ها موجود و در اختیار شخص امینی است، مسجد در حال حاضر احتیاج ندارد؛ ولی بعدها احتیاج بیشتری خواهد داشت.

الف) آیا می‌شود با آن پول معامله انجام داد و سود آن برای مسجد باشد؟

ب) آیا اجازه می‌فرمایید آن پول در یکی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، جهت رفع احتیاجات مؤمنین، قرار گیرد؟

ج) آیا می‌شود پول مزبور را در بانکی به حساب سپرده بلندمدت یا کوتاه‌مدت سپرد؟

د) امام‌جماعتی در آن مسجد در تمام ایام سال و ماه رمضان بدون چشم‌داشتی نماز جماعت می‌خواند و مسأله می‌گوید و مردم را ارشاد می‌کند و مسجد عایدات دیگری ندارد، آیا جایز است مبالغی از آن پول را به امام‌جماعت داد؟

جواب: مصرف کردن این پول تنها در صورتی جایز است که رضایت دهندگان پول نسبت به آن جلب شود؛ ولی حفظ آن در صندوق قرض‌الحسنه یا سپرده بانکی برای آینده مانعی ندارد.

الحاق بخشی از مسجد به جای دیگر

سؤال ۱۸۰- مسجدی است در منطقه راوند کاشان که مدتهاست مؤمنین در آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۵

اقامه نماز می‌کنند؛ در کنار آن کوچه‌ای قرار دارد که مربوط به بهرداری است و این کوچه احتیاج ضروری به تعریض دارد، فعلاً هم مسجد تخریب شده تا تجدید بنا شود و از نظر نقشه شهرداری چهار متر عقب‌نشینی دارد. مستدعی است بفرمایید از نظر حکم شارع مقدس آیا شهرداری مجاز به تعریض می‌باشد؟

جواب: تصرف در مسجد برای این گونه امور جایز نیست، مگر این که واقعاً ضرورتی ایجاب کند و شهرداری عوض آن را بدهد و صرف مسجد شود.

سؤال ۱۸۱- مسجدی است به نام مسجد قلعه با قدمت زیاد که در اثر مرور زمان و ازدیاد نسلهای قدیم و جدید، در ایام سال، مخصوصاً ماه مبارک رمضان، کشش و ظرفیت نمازگزاران را ندارد؛ در جوار این مسجد خانه‌ای قدیمی بوده که مالک آن، آن را به مسجد اهدا نموده و مسجد مذکور توسعه پیدا کرده است، لازم به ذکر است در این مسجد اکثراً مجالس روضه‌خوانی و ذکر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) خصوصاً در ایام محرم و صفر برپا می‌شود و هیأتی به نام هیأت چهارده معصوم (علیهم السلام) وابسته به مسجد در ایام محرم و صفر برنامه دارند؛ در قسمت غربی مسجد چهار صّفه و غرفه وجود دارد، آیا جایز است آن صّفه و غرفه‌ها را به صورت مجزی به نام هیأت چهارده معصوم وقف و صیغه جاری کرد؟

جواب: صّفه‌ها و غرفه‌های مسجد متعلق به خود مسجد است و نمی‌توان آن را وقف مجدد کرد.

سؤال ۱۸۲- اگر زمینی برای مسجد وقف شده باشد، آیا جایز است طبقه اول آن را حسیتیه و طبقه دوم را مسجد بنا کنند؟
جواب: هر دو طبقه حکم مسجد را پیدا می‌کند؛ ولی عزاداری در آن اشکال ندارد؛ به شرط آن که مزاحم نماز نباشد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۶

هیأت امنای مسجد

سؤال ۱۸۳- به نظر حضرت تعالی جهت رشد و استفاده بهینه از مساجد، هیأت امنا باید چه شرایطی داشته باشند؟
جواب: باید افرادی متدین، خوش نام، مدیر و مدبر باشند، و بتوانند امور مسجد را به بهترین وجهی اداره کنند.

سؤال ۱۸۴- هیأت امنای مسجد چگونه انتخاب می‌شوند؟

جواب: مردم آن محلّ و امام جماعت مسجد می‌توانند با اجازه حاکم شرع، هیأت امنایی از افراد صالح، برای تمشیت امور مسجد انتخاب کنند.

سؤال ۱۸۵- آیا سازندگان و بانیان مسجد می‌توانند مانع فعالیت‌های فرهنگی، دینی در مسجد شوند؟ و آیا امام جماعت می‌تواند در امر تعیین هیأت امنا یا برکناری آنها دخالت نماید؟

جواب: پس از تحقق وقف مسجد کلیه کارهایی که موجب تقویت برنامه مسجد و مراسم نماز و نشر حقایق تشیع در آن است، احتیاج به اجازه دیگران حتّی واقف یا متولّی ندارد، همچنین نماز و اقامه جماعت؛ و اگر هیأت امنا از طرف واقف یا واقفین برای حفظ مسجد و اموال آن تعیین شده‌اند، کسی نمی‌تواند آنها را عزل کند.

سؤال ۱۸۶- حدود اختیارات امام جماعت، هیأت امنا، متولّی و واقف مسجد را مشخص فرمایید، تا در کارهای یکدیگر تداخل نکنند و از بروز اختلاف جلوگیری شود.

جواب: مسجد تعلق به همه مسلمانان دارد، و کسی نمی‌تواند محدودیتی در آن قائل شود، و اگر حفظ مسجد و نگهداری اموال و نظم برنامه‌های آن احتیاج به مدیرانی دارد، هیأتی از طرف حاکم شرع برای این کار تعیین می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۷

تطهیر مسجد

سؤال ۱۸۷- ساختمانی که به دست کفار تعمیر شده، آیا بدون تطهیر آن، احکام مسجد بر آن مترتب می‌شود؟ آیا نماز خواندن در آن ثواب مسجد را دارد؟ داخل شدن زن حائض و شخص جنب در آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برای مسجد وقف شود ثواب مسجد را دارد و احکام مسجد بر آن مترتب می‌شود؛ ولی بهتر آن است که ظاهر آن را تا آنجا که در دسترس است، اگر موجب خرابی نمی‌شود آب بکشند، یا چیزی بر آن نصب کنند که دست با آن تماس پیدا نکند و ورود جنب و حائض در فرض وقف شدن برای مسجد، در آن جایز نیست.

سؤال ۱۸۸- عده‌ای از مردم بدون هماهنگی با دیگران مسجدی را تخریب نموده‌اند و اکنون به صورت تلی از خاک درآمده است. الف) آیا تطهیر آن خاک و گِلها لازم است؟

جواب: تطهیر خاکها لازم نیست؛ ولی بهتر آن است که آن را از محوطه زمین مسجد بیرون ببرند.

ب) اشخاصی که بدون رضایت و هماهنگی بقیه مردم، مسجد فوق را خراب کرده‌اند چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: آنها موظفند مسجد را تعمیر کنند و به صورت اولیّه یا بهتر از آن درآورند، مگر این که دیگران عهده‌دار این کار شوند.

متعلقات و لوازم مسجد

سؤال ۱۸۹- قطعه زمینی، که در کنار مسجد است، را وقف مسجد نموده‌اند، الآن می‌خواهیم از گوشه آن کتابخانه‌ای درست کنیم، آیا این کار جایز است؟ و در فرض جواز، بانوانی که عذر شرعی دارند می‌توانند در آنجا رفت و آمد کنند؟ و در ضمن استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۸

آیا می‌توان از یک اتاق از کتابخانه یاد شده موقتاً برای پایگاه بسیج استفاده کرد؟

جواب: احداث کتابخانه مسجد در آن قسمت، اگر مزاحم نمازگزاران نباشد و هر زمان مورد نیاز قرار گیرد در اختیار مسجد قرار دهند، مانعی ندارد؛ ولی بانوانی که عذر شرعی دارند نمی‌توانند در آنجا رفت و آمد کنند و برای پایگاه نیز با شرایط فوق می‌توان استفاده کرد.

سؤال ۱۹۰- اگر مسجدی ایوان داشته باشد، آیا می‌توان گفت: ایوان شرعاً اختصاص به خواهران دارد؟ در صورتی که ایوان از داخل شبستان احداث شود، آیا خواهروانی که عذر شرعی دارند می‌توانند در ایوان توقف نموده یا فعالیتی نمایند؟

جواب: فرقی میان ایوان و شبستان نیست؛ مگر این که در عرف محل چنین باشد که ایوان را خارج از مسجد و مخصوص خواهران بدانند.

سؤال ۱۹۱- ختیری قطعه زمینی به نام مسجد اهدا نموده است؛ ولی نظر خویش را در مورد احداث سرویس بهداشتی، ایوان، چایخانه، حیاط و آشپزخانه بیان نکرده است، آیا می‌شود در موقوفه فوق موارد بالا را احداث نمود؟

جواب: اگر این امور مورد نیاز مسجد است و در عرف محل جزء لوازم مسجد محسوب می‌شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۹۲- اشخاصی، مقداری از شبستان داخل مسجد را در یکی از شهرستانها به صورت مغازه ماندنی در آورده و از آن برای نوارفروشی و کتابفروشی استفاده می‌نمایند، آیا انجام چنین کاری در مسجد از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: هرگاه این کارها داخل مسجد باشد و در طریق نشر فرهنگ اسلامی قرار گیرد و کمک به اهداف مسجد کند و مزاحم نمازگزاران نباشد مانعی ندارد، و اگر آن را از مسجد جدا کرده و محل کسب و کار قرار داده‌اند جایز نیست و باید آن را بازگردانند.

سؤال ۱۹۳- اگر زمینی وقف مسجد شده باشد، آیا زیرزمین و طبقات فوقانی نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۸۹

حکم مسجد را دارد؟ احداث کتابخانه در آن چه حکمی دارد؟

جواب: آری حکم مسجد را دارد؛ ولی مانعی ندارد در آن کتابخانه احداث کنند؛ مشروط بر این که مزاحم نمازگزاران نباشد.

سؤال ۱۹۴- آیا از نظر شرع مقدّس اسلام، دایر کردن پایگاه مقاومت و کانون فرهنگی و ورزشی در داخل مساجد و حسینیه‌ها جایز است؟

جواب: دایر کردن پایگاه ورزشی در مسجد صحیح نیست؛ ولی کانونهای فرهنگی و پایگاههای مقاومت در صورتی که مزاحمتی برای نمازگزاران نداشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۹۵- مسجدی قدیمی است که جهت استفاده بهتر، قسمتی از حیاط مسجد و منزل پشت آن را جهت ساختمان جدید مسجد خریداری نموده‌اند و دو شبستان از شبستانهای آن را تبدیل به مسجد جدیدی نموده‌اند؛ چهار شبستان از شبستانهای مسجد قدیم باقیمانده است. بفرمایید خراب کردن شبستانها در رابطه با امور زیر چه حکمی دارد؟

الف) جهت حیاط مسجد. ب) جهت امور فرهنگی نظیر سالن و کتابخانه مسجد. ج) وصل آن به کوچه عام جهت پارکینگ مسجد. جواب: باید کاری انجام دهید که به نفع مسجد و نمازگزاران باشد، و چنانچه مسجد احتیاج به حیاط یا کتابخانه دارد می‌توان از آن استفاده کرد؛ ولی نمی‌توان آن را جزء کوچکی نمود.

سؤال ۱۹۶- شخصی زمینی را برای مسجد واگذار می‌کند و آن را از زمینهای خودش جدا می‌سازد، سپس مرحوم می‌شود، بعد که زمین را مسجد می‌سازند مقداری از آن را شبستان و مقداری از آن زمین را دستشویی درست می‌کنند، ساختن دستشویی در آن زمین چه حکمی دارد؟

جواب: ساختن دستشویی در آنجا اشکال ندارد و منظور واقف، مسجد و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۰

لوازم مسجد بوده است.

سؤال ۱۹۷- تشکیل و برگزاری کلاسهای آموزش قرآن، احکام، آموزش هنرهای دستی (از قبیل خیاطی، گلدوزی) و تشکیل کلاسهای تقویت درسی در مسجد جهت جوانان، نوجوانان و نونهالان چه حکمی دارد؟

جواب: آموزش قرآن و احکام و مانند آن در مساجد بی‌اشکال است و به اهداف مسجد کمک می‌کند؛ ولی آموزش خیاطی و امثال آن، تنها در صورتی جایز است که از ابتدای تأسیس مسجد، کلاسها در کنار مسجد برای این کار ساخته شده باشند.

سؤال ۱۹۸- مسجد جامع قدیمی در روستای ما وجود دارد که به وسیله خودیاری مردم ساخته شده است؛ ولی از آنجا که بنای درستی نداشته و کوچک بوده فرد خیری قسمتی از شبستان را که جزء نمازخانه است خراب نموده و می‌خواهد مسجد را وسعت دهد، او تصمیم دارد یک زیرزمین از همین قسمت گرفته و در آن سالن اجتماعات فرهنگی برای جوانان بسازد، در ضمن قسمت بالای زیرزمین یعنی طبقه همکف جزء نمازخانه شبستان است، آیا در قسمت زیرزمین می‌توان سالن فرهنگی و سرویس دستشویی ساخت؟

جواب: ساختن محلی در زیرزمین مسجد برای کارهای فرهنگی اسلامی و یا وضوخانه مانعی ندارد؛ ولی ساختن توالی در آنجا جایز نیست؛ مگر این که از ابتدای تأسیس مسجد و هنگام وقف آن چنین امری در نظر باشد.

سؤال ۱۹۹- در قریه ایزدخواست داراب مسجدی وجود دارد که در میان آن حوضی جهت وضو احداث گردیده است، اینک به علت کثرت جمعیت و عدم مراعات بهداشت و مانند آن، می‌خواهند حوض مذکور را بردارند و در یک گوشه مسجد وضوخانه‌ای بسازند، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر از بین بردن حوض به نفع مسجد و نماز گزاران است، اشکالی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۱

ندارد، همچنین ساختن وضوخانه برای وضو گرفتن در گوشه‌ای از مسجد، آن هم به شرطی که در بالا آمد، مانعی ندارد.

فروش لوازم مسجد

سؤال ۲۰۰- مقداری تیر آهن، درب و پنجره و سایر وسایل، از مسجد قدیمی به جای مانده است، آیا می‌توان آنها را به فروش رسانید و خرج خود مسجد کرد؟ با توجه به این که درب و پنجره‌ها به درد مسجد جدید نمی‌خورد.

جواب: اگر امکان دارد از عین آن در مسجد دیگر استفاده کنند، این کار مقدم است؛ و اگر به درد مسجد دیگر نمی‌خورد، بفروشند و صرف همان مسجد اصلی کنند.

سؤال ۲۰۱- منزلی که با مسجد مقداری فاصله دارد وقف مسجد شده است، و آن را تبدیل به آشپزخانه مسجد کرده‌اند و مدتی نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است؛ ولی اکنون زمینی که در جنب مسجد است، وقف آن مسجد شده و قرار است آشپزخانه مسجد شود. آیا جایز است آشپزخانه سابق را بفروشند و پول آن را صرف آشپزخانه جدید کنند؟

جواب: اگر وقف مسجد شده، فروختن آن جایز نیست؛ بلکه می‌توانند اجازه دهند و درآمد آن را صرف آشپزخانه جدید کنند، و اگر ملک مسجد است می‌شود آن را فروخت و صرف آشپزخانه جدید کرد.

تبدیل قبرستان به مسجد

سؤال ۲۰۲- یکی از روحانیون اصفهان، بر روی بعضی از قبور تخت فولاد، مشغول ساختن مسجد است و برای ساختن مسجد مذکور، قبور بعضی از علمای بزرگ قریه خوراسگان را نیز صاف نموده است؛ آیا نماز خواندن در چنین مسجدی صحیح است؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۲

جواب: در صورتی می‌توان قبرستان را تبدیل به مسجد کرد که در حال حاضر به هیچ وجه اجازه دفن در آنجا ندهند و ساختن مسجد موجب نبش قبر، مخصوصاً قبور علما نشود؛ ولی نماز خواندن در آن مسجد به هر حال جایز است.

مستحبات و مکروهات مسجد

سؤال ۲۰۳- آیا استحباب آراستگی و خوشبو نمودن، در موقع حضور در مسجد، اختصاص به آقایان دارد، یا این که خانمها نیز در این حکم مشترک هستند؟

جواب: استعمال عطر، برای خواهان در خارج از منزل، طبق روایات اشکال دارد؛ ولی زینت‌هایی که آشکار نباشد، عیبی ندارد.

سؤال ۲۰۴- اگر شخصی در مسجد بخوابد و در حال خواب جنب شود، آیا گناه کرده است؟ تکلیف او چیست؟

جواب: با توجه به این که یقین به این مسئله از قبل نداشته، گناهی نکرده است؛ ولی خوابیدن در مسجد مکروه است.

سؤال ۲۰۵- شنیده‌ایم کسی که سیر بخورد مکروه است به مسجد برود، آیا این مطلب صحیح است؟ در این صورت نماز خود را در منزل بخواند، و یا این که به مسجد برود؟ وظیفه او چیست؟

جواب: آری صحت دارد و بهتر این است که نماز را در منزل بخواند.

سؤال ۲۰۶- مکروهات مسجد به چه معناست؟

جواب: در مورد عبادات به معنای «أَقْلُ ثَوَابًا» «۱» می‌باشد، و در مورد اصل حضور در مسجد می‌تواند به معنای کراهت واقعی باشد.

(۱). یعنی ثواب آن کمتر است، نه این که مورد رضایت خداوند نباشد، مثلاً اگر ثواب کسی که سیر نخورده و در مسجد نماز می‌خواند، یکصد حسنه باشد، برای نمازگزارانی که سیر خورده کمتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۳

مسائل دیگر مسجد

سؤال ۲۰۷- تزئین مساجد در مراسم اعیاد و تولد حضرات معصومین (علیهم السلام) با پرچمها و عکسها و کاغذهای رنگی و مانند آن، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تزئیناتی باشد که ذاتاً حلال است و مزاحم نمازگزاران و منافی احترام مسجد نباشد، اشکالی ندارد؛ ولی از آوردن عکس به مساجد خودداری شود.

سؤال ۲۰۸- آیا قبول هدایای پادشاهان و دولتهای همسایه- که غالباً نیت سوئی دارند- برای مسجد جایز است؟

جواب: قبول هدایا مانعی ندارد؛ مگر این که اثر سوئی برای اسلام و مسلمین داشته باشد.

سؤال ۲۰۹- اگر کسی فرش را بخرد و بعد از خریدن ببیند در پشت آن نوشته شده است: «وقف مسجد امام حسین (علیه السلام)» و او نداند که این مسجد کجاست، تکلیف او چیست؟

جواب: احتیاط آن است که تحقیق کند، اگر مسجدی در آن منطقه، یا در آنجا به نام امام حسین (علیه السلام) است، تحویل آنجا بدهد و اگر نیست به یکی از مساجد دیگر بدهد.

سؤال ۲۱۰- اگر انسان سهواً خسارتی به یک قسمت از مسجد وارد کند، آیا باید حتماً خسارت را جبران کند، اگر متولّی اجازه دهد که خسارت را نپردازد چه حکمی دارد؟

جواب: باید خسارت را جبران کند؛ مگر این که متولّی یا دیگری به جای او این کار را انجام دهد.

سؤال ۲۱۱- مسجد قدیمی کوچکی در محله ما وجود دارد که دیگر ظرفیت جمعیت محله را ندارد، و صاحبان زمین‌های اطراف آن حاضر نیستند جهت توسعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۴

مسجد، از زمین خودشان چشم پوشند، لذا مردم در مکانی دورتر، مسجد وسیعی ساخته‌اند و آن مسجد قدیمی متروک شده است؛ وظیفه مردم نسبت به مسجد متروکه چیست؟

جواب: آن مسجد را باید حفظ کنند، هرچند کمتر در آن نماز خوانده شود.

سؤال ۲۱۲- آیا رفتن به مسجد با لباس نجس، برای غیر نماز، مثل مجلس ترحیم، حرام است؟

جواب: حرام نیست؛ مگر این که سرایت به مسجد کند.

سؤال ۲۱۳- آیا کفّارات را می‌شود صرف تعمیر مسجد نمود؟

جواب: کفّارات را باید به مستحقّین داد.

سؤال ۲۱۴- اگر کسی فرش یا لوازم دیگری را از سارقی بخرد و بعد معلوم شود از اموال مسجد بوده که سارق آن را به سرقت برده است، وظیفه او چیست؟

جواب: وظیفه او این است که آن وسایل را به مسجد بازگرداند، و اگر قدرت داشته باشد می‌تواند وجه خود را از سارق بازپس بگیرد.

سؤال ۲۱۵- برگزاری مجلس ترحیم اشرار و قاچاقچیان که در درگیری کشته شده‌اند، در مسجد چه صورتی دارد؟

جواب: اشکال دارد؛ ولی برگزاری مجلس ترحیم برای کسانی که با حدود شرعی، یا قصاص، یا انتحار از دنیا رفته‌اند مانعی ندارد.

سؤال ۲۱۶- آیا مشورت کردن و جلب موافقت امام جماعت و متولی مسجد، در امور تبلیغی که در مسجد انجام می‌شود، لازم است؟ و اگر مشورت نشود و یا موافقت آنها جلب نشود، موجب هتک حرمت آنهاست؟

جواب: در صورتی که تبلیغ مناسب مسجد باشد و مزاحم نمازگزاران نباشد، مشورت لازم نیست؛ ولی بهتر است که در این امور به امام جماعت مسجد احترام بگذارند و با او مشورت شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۵

سؤال ۲۱۷- با توجه به التقاطی فکر کردن بعضی از افراد در دانشگاه‌ها، آیا ساخت مسجد در این مکانها ضروری نیست؟

جواب: بی‌شک وجود مساجد در دانشگاهها و در همه جا بسیار مؤثر و مفید است، و علاقه‌مندان زیادی در دانشگاهها نسبت به مسجد وجود دارد، که با ایجاد آن گسترش خواهند یافت.

سؤال ۲۱۸- آیا اعتقاد به این که، مسجد مهم‌ترین پایگاه مذهبی مسلمانان است، از ضروریات دین است؟ کسانی که «جمع خانه» و «خانقاه» را مهم‌تر از مسجد می‌دانند، حکمشان چیست؟

جواب: آنها یا منحرفند و یا در اشتباهند، و احترام به مسجد از ضروریات دین است. و چیزی نباید جای مسجد را بگیرد.

سؤال ۲۱۹- از نظر احکام شرع، تغییر نام مسجد چه حکمی دارد؟ مثلاً در جایی که بانی مسجد نام خود را بر آن نهاده است، می‌توان نام آن مسجد را تغییر داد؟

جواب: هرگاه مسجد به نام شخص بانی یا افرادی مانند او بوده باشد و بخواهند آن را به نام امامان معصوم (علیهم السلام)، یا شخصیت‌های معروف اسلامی تغییر بدهند، اشکالی ندارد؛ ولی بهتر آن است که نام بانی را به عنوان بنا کننده، زیر نام مسجد بنویسند تا مردم برای او طلب مغفرت کنند؛ ولی اگر بر فرض در وقف مسجد نام خاصی شرط شده، احتیاط حفظ آن نام است.

سؤال ۲۲۰- آیا باز کردن درب مساجد، در اوقات سه‌گانه نماز واجب است؟ در صورتی که خادم و هیأت امنای کوتاهی کنند، چه باید کرد؟

جواب: باید در اوقات سه‌گانه، درهای مساجد باز باشد؛ مگر در مواردی که نمازگزاران در آنجا نباشد، یا به خاطر خلوت بودن مفسده‌ای مترتب شود.

سؤال ۲۲۱- آیا پختن غذا در ایام سوگواری، در پشت بام مسجد، جایز است؟

جواب: اگر ضروری به مسجد نزنند و مزاحم نمازگزاران و همسایگان نباشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۶

اشکال ندارد؛ ولی غالباً مزاحم و زیان‌آور است.

سؤال ۲۲۲- آیا نمازخانه داخل هواپیما و قطار، حکم مسجد را دارد؟

جواب: چنین محلی حکم مسجد را ندارد؛ ولی وجود آن برای مسلمانان کار بسیار خوبی است.

سؤال ۲۲۳- نماز خواندن در مساجدی که وهابیها در بعضی از مناطق شیعه‌نشین، برای ضدیت با شیعه می‌سازند، چه صورتی دارد؟

جواب: اگر نماز خواندن در آنجا، باعث ترویج و تقویت وهابیت بشود اشکال دارد.

سؤال ۲۲۴- آیا ساخت مساجد، با انگیزه‌های محلی و طیفی و یا سیاسی، در نزدیک یکدیگر جایز است؟

جواب: ساختن مساجد نزدیک یکدیگر کار خوبی نیست و باید نیازها را در نظر بگیرند، و از کشاندن اختلافات به مساجد خودداری کنند.

سؤال ۲۲۵- آیا ساخت مناره و گلدسته برای مسجد ضروری است؟

جواب: ضروری نیست؛ ولی اگر باعث شکوه مسجد شود کار خوبی است.

سؤال ۲۲۶- اعلام اشیای گمشده و یا فروش اجناس، از بلندگوی مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: اعلام اشیای گمشده مکروه است؛ ولی استفاده از بلندگوی مسجد، برای فروش اجناس، جایز نیست.

سؤال ۲۲۷- در فارس شهری است با جمعیتی بالغ بر ۲۷۰۰۰ نفر، که جملگی شیعه اثنا عشری بوده و در امر دیانت و ارادت به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام) زبانزد خاص و عام می‌باشند، به همین سبب این مردم خیر در امر بنای ساختمانهای مذهبی و فرهنگی و مانند آن به حدی تلاش داشته و دارند که نمونه آن کم است. از آن جمله ساخت بیش از ۵۹ مسجد کوچک و بزرگ و حسینه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۷

سطح شهر می‌باشد که در هر خیابان و کوچه‌ای حد اقل یک مسجد وجود دارد.

حال سؤال این است که با توجه به جمعیت محدود این شهر و کثرت بناهای مذهبی، آیا شایسته و سزاوار است که افراد خیر این شهر برای ساخت مسجد، که بیش از نیاز شهر است، اقدام یا وصیت نمایند، یا این که اصرار بر این امر خود مصداق اسراف است؟ این در حالی است که این شهر در زمینه‌های دیگر شدیداً محتاج امکانات و فضاهای مناسب می‌باشد.

جواب: در صورتی که به مقدار کافی در آن شهر مسجد ساخته شده، مؤمنین و مؤمنات به بناهای خیر دیگر، که مورد نیاز مردم است، بپردازند که إن شاء الله ثوابش کمتر از مسجد نخواهد بود، یا به مناطق محروم و نیازمند توجه کنند.

اذان و اقامه

سؤال ۲۲۸- همان گونه که مستحضرید، روایات فراوانی در فضیلت مؤذن، و اذان گفتن وارد شده است، که تنها در کتاب شریف وسائل الشیعه، «۱» بیش از بیست روایت آمده است، در بین این روایات، چندین روایت به این مضمون: «مؤذنین در روز قیامت نسبت به دیگران گردن بلندتری دارند» از ائمه معصومین (علیهم السلام) نقل شده است، منظور از این روایات چیست؟ توضیح فرماید.

جواب: ظاهراً این روایات اشاره به گردن فرازی مؤذنان است، و کنایه از سربلندی آنهاست.

سؤال ۲۲۹- آیا اذان رادیو و تلویزیون و مانند آن، کفایت از اذان نماز می‌کند؟

جواب: کفایت نمی‌کند، باید برای نماز اذان جداگانه گفته شود.

سؤال ۲۳۰- آیا اذان و اقامه مردان و زنان مانند هم است، یا تفاوت دارد؟

جواب: تفاوتی با هم ندارد؛ ولی اگر زن مایل باشد، می‌تواند به جای اذان

(۱). وسائل الشیعه، جلد دوم، صفحه ۶۱۳.

کامل، تنها چهار تکبیر و شهادتین را بگوید، و به جای اقامه دو تکبیر و شهادت به وحدانیت خداوند و نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بدهد.

سؤال ۲۳۱- در کشور پاکستان، کتابی به نام «اصلاح الزموم» که نویسنده آن یکی از روحانیون شیعه می‌باشد، چاپ شده است؛ متأسفانه در کتاب مذکور چیزهایی نوشته شده که موجب تضعیف مکتب تشیع می‌باشد، مثلاً در صفحه‌ای از آن نوشته شده: «همان طوری که برادران اهل سنت در اذان «الصلوة خیر من النوم» را اضافه کردند، برادران شیعه هم در اذان جمله «اشهد ان علیاً ولی الله» را اضافه نمودند؛ وقتی که این کتاب در بازار پخش شد وهابی‌ها بیشتر از شیعه این کتاب را خریدند، و انجمن سپاه صحابه، در دادگستری مرکزی پاکستان در لاهور، با استناد به این کتاب به شیعیان گفتند: باید جمله «اشهد ان علیاً ولی الله» از اذان شیعه حذف شود؛ در بیان این مسأله، جمعیت علمای جعفریه، به دولت پاکستان اعلام کردند که مؤلف این کتاب شیعه نیست و نظریات او مورد قبول شیعیان نمی‌باشد؛ چون ما در مسائل دینی به مراجع تقلید رجوع می‌کنیم و به گفته آنها عمل می‌کنیم نظر حضرت‌عالی را جهت ارائه به دادگستری پاکستان خواهانیم.

جواب: شهادت به ولایت امیر مؤمنان (علیه السلام) در اذان و اقامه، به عنوان تیمن و تبرک، و به تعبیر دیگر، به عنوان استجاب مطلق نه جزئیت، از مسائلی است که اکثر علمای شیعه و فقهای امامیه به آن تصریح کرده‌اند و همان گونه که علامه محقق، مرحوم آیه الله العظمی حکیم در کتاب نفیس خود «مستمسک العروه» تصریح کرده، ذکر این شهادت از شعائر ایمان، و رمز تشیع است، و از این جهت راجح، بلکه در بعضی از موارد ممکن است جنبه وجوب و لزوم پیدا کند، این نکته نیز لازم به تذکر است که اتحاد و وحدت صفوف مسلمین، اعم از شیعه و اهل سنت، مفهومی است که شیعیان آنچه را که مقتضای مذهبشان و فتوای فقهایشان می‌باشد کنار بگذارند، همان گونه که مذاهب چهارگانه اهل سنت هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۹۹

کدام برای خود ویژگیها و خصوصیات دارند که پیروان هر مذهب اصرار به حفظ آن دارند؛ به هر حال نباید وسوسه‌های ناآگاهان سبب شک و تردید شود.

سؤال ۲۳۲- در حین قرائت اذان و اقامه، و قبل از شروع به ادای فریضه نماز یومیه، کمی خم شدن از برای احترام به نبی مکرم اسلام، حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) به هنگام رسیدن به جمله «اشهد ان محمداً رسول الله» چه حکمی دارد؟
جواب: در مورد خم شدن به هنگام بردن نام پیامبر (صلی الله علیه و آله) اگر گاهی انجام شود و گاهی ترک شود اشکالی ندارد؛ ولی اگر همیشه این کار را بکنند و به صورت یک وظیفه مستحب یا واجب منعکس شود، درست نیست.

سؤال ۲۳۳- با توجه به این که در اذان، حدّ اقل ۶ مرتبه دعوت به نماز می‌شود، آیا گفتن «عجلوا بالصلاة» که در این روزها در مساجد متداول است، بدعت نیست؟

جواب: اگر جمله «عجلوا بالصلاة» به قصد ورود در شرع و به صورت جزئی از اذان گفته شود اشکال دارد؛ امّا اگر منظور تأکید بیشتر در تعجیل در نماز باشد و از آن جدا گردد اشکالی ندارد.

سؤال ۲۳۴- در سمنان مسجیدی هست که در آن اذان را به صورت دسته‌جمعی (حدود ۲۰۰ نفر) و به اتفاق و با صدای بلند می‌گویند، در این رابطه چند سؤال مطرح می‌باشد.

الف) آیا چنین اذانی در طول تاریخ وجود داشته است؟

ب) آیا در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و خلفا، اذان را این طور می‌گفتند؟ اگر چنین بوده، به عنوان وجوب یا مستحب، یا محض تقرب بوده است؟

ج) آیا چنین اذانی در فقه بلا مانع می‌باشد؟

جواب: آنچه از روایات و تاریخ استفاده می‌شود این است که اذان به صورت انفرادی بوده است، چنانچه همین سنت رعایت شود و دیگران آهسته به قصد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۰

حکایت آن را تکرار کنند، اقرب به احتیاط است.

سؤال ۲۳۵- بعضی از مراجع عظام، در سقوط اذان در نماز جماعت، سماع امام را شرط می‌دانند، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این مسأله در روایاتی وارد شده که امام اذان را بشنود.

سؤال ۲۳۶- آیا می‌توانیم به وقت شرعی اذان که از طرف مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، ارسال شده است، اعتماد نماییم؟ در این منطقه اذان ظهر و مغرب و صبح را بر مبنای افق استخراج شده از مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، که مطابق با فتوای شما مجتهدین بزرگوار می‌باشد، گفته می‌شود. بعضی از آقایان که اذان مغرب و ظهر آن را قبول دارند، در مورد اذان صبح این مطلب را قبول ندارند و می‌گویند: «اذان صبح نباید طبق این تقویم گفته شود»، در حالی که با وجود این همه روشنایی لامپها، که در سطح شهر وجود دارد، پیدا کردن سپیده صبح مشکل می‌باشد. در این مورد وظیفه ما چیست؟

جواب: همین اندازه که گمان قوی، یا اطمینان بر دخول وقت حاصل شود، کافی است؛ از هر طریقی که باشد فرقی نمی‌کند.

سؤال ۲۳۷- فردی در مسجد محلّ ما مؤذن دائمی است، اگر دیگری از بلندگوی مسجد اذان بگوید ایشان ناراحت شده و مانع این کار می‌شود؛ آیا ایشان حقّ منع دیگران را دارد؟

جواب: همه حق دارند در مسجد اذان بگویند و کسی نمی‌تواند دیگری را منع کند؛ ولی بهتر است رعایت احترام اذان گوی راتب بشود؛ مگر این که برای او مشکلی پیش آید.

سؤال ۲۳۸- ویژگیهای یک مکبر خوب چیست؟ آیا لازم است بالغ باشد؟

جواب: مکبر باید به مسائل نماز آگاه و فرد ظاهر الصّلاحی باشد و بهتر است از صدای مناسبی برخوردار باشد؛ ولی لازم نیست بالغ بوده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۱

سؤال ۲۳۹- آیا به بهانه مزاحمت صدای بلندگوی مسجد، می‌توان از پخش اذان جلوگیری نمود؟

جواب: اگر بلندگو صدای معتدلی داشته باشد، جلو پخش اذان را نمی‌توان گرفت؛ حتی اذان صبح را.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۲

واجبات نماز

۱- تکبیره الاحرام

سؤال ۲۴۰- با توجه به این که از مسأله ۸۷۷ رساله شما، برداشتهای مختلفی شده است، و به طرق گوناگون عمل می‌شود، لطف فرمایید این مسأله را تفسیر نمایید: «مستحب است در موقع گفتن تکبیره الاحرام و سایر تکبیرهای نماز، دستها را تا مقابل گوش بالا ببرد».

جواب: مشهور در میان فقها این است که با حرکت دستها به طرف بالا «الله اکبر» شروع شود و هنگامی که دست به محاذی گوش، یا صورت می‌رسد، تکبیر پایان گیرد و فتوای ما نیز همین است.

۲- قرائت

سؤال ۲۴۱- آیا قرائت سوره‌های طولانی (مثل سوره بقره) در نمازهای واجب، سبب خروج از حالت نماز گزار نمی‌شود؟ حتی اگر هر رکعت یک ساعت طول بکشد؟

جواب: سبب خروج از حالت نماز گزار نمی‌شود، و انتخاب این سوره‌ها گناه مستحب است.

سؤال ۲۴۲- آیا خواندن سوره‌هایی از قرآن از روی آن، در نمازهای واجب یا مستحب، جایز است؟
جواب: اشکالی ندارد؛ خواه نماز واجب باشد یا مستحب.

سؤال ۲۴۳- اگر کسی در رکعت دوم، که وظیفه‌اش قرائت حمد و سوره است، اشتهاً تسیحات اربعه را بگوید و هنگام دخول در رکوع متوجه شود، تکلیفش چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۳

جواب: اشکال ندارد و بهتر است دو سجده سهو به جا آورد.

سؤال ۲۴۴- جهت صحیح بودن قرائت در نماز، آیا واجب است که کسره بسم الله یا موارد مشابه دیگر را که عربها آن را با صدای تقریباً (ای) ادا می‌کنند، مانند آنها ادا کرد؟ و یا با صدای کسره معمولی صحیح است؟
جواب: همین اندازه که قرائت از نظر عرف عرب صحیح باشد کافی است؛ هر چند مانند لهجه آنها نباشد.

سؤال ۲۴۵- شخصی از زمان تکلیف تا چندین سال به علت نامساعد بودن محیط خانه، هیچ یک از فرایض دینی را انجام نداده است؛ به لطف خداوند متعال توبه کرده و از دو سال پیش شروع به انجام فرایض دینی نموده است، اکنون پس از گذشت دو سال متوجه شده که نمازش اشکال دارد؛ یعنی حمد و سوره را درست نمی‌خوانده است، اکنون در حال یاد گرفتن صحیح نماز می‌باشد؛ حکم نماز و روزه سالهای گذشته و دو سال اخیرش چه می‌باشد؟

جواب: باید تدریجاً نماز و روزه‌ها را قضا کند و کفاره بدهد و اگر قادر به کفاره نیست مطابق مسأله ۱۴۰۲ رساله توضیح المسائل ما عمل کند؛ ولی نسبت به دو سال اخیر اگر تلاش خود را کرده، اما اشتباه نموده است نمازش صحیح است و قضا لازم ندارد.

سؤال ۲۴۶- بیماری که فقط با استفاده از پای مصنوعی، قادر به ایستادن است، وظیفه‌اش در موارد زیر چیست؟
الف) آیا برای نماز خواندن لازم است حتماً از پای مصنوعی استفاده نماید، و یا می‌تواند نشسته نماز بخواند؟
جواب: اگر عسر و حرج لازم نیاید ایستاده نماز بخواند.

ب) اگر ایستادن لازم است، تکلیف نمازهایی که در حالت نشسته خوانده چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۴

جواب: چنانچه جاهل قاصر بوده نمازهای او صحیح است.

سؤال ۲۴۷- اهل تسنن در نماز بعد از کلمه «و لا الضالین» آمین می‌گویند؛ ولی شیعیان «الحمد لله» می‌گویند، به نظر می‌آید گفته آنها درست باشد، نظر شما چیست؟

جواب: در احکام شرع نباید تابع ذوق و استحسان بود؛ بلکه باید تابع کلمات معصومین (علیهم السلام) باشیم و معصومین (علیهم السلام) فرموده‌اند: «الحمد لله» بگویند و آمین نگویند؛ چرا که نماز را باطل می‌کند.

سؤال ۲۴۸- اخیراً معمول شده که در نمازهای یومیّه ظهر و عصر، تنها حمد و سوره را آهسته قرائت می‌کنند و بقیه اجزای نماز (مثل ذکر رکوع و سجود و تشهد و سلام) را با صدای بلند می‌خوانند، آیا این طور نماز خواندن جایز است؟
جواب: در نماز ظهر و عصر، تنها آهسته خواندن حمد و سوره واجب است و در بقیه مختار است.

سؤال ۲۴۹- برخی از نماز گزاران «كُفُوا احِد» را، با همزه و بدون واو قرائت می‌کنند، همچنین در سوره قدر روی «بِاذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ

امر سَلَامٌ... وقف می‌نمایند، زیرا در بعضی از قرآن‌ها روی این کلمه (سلام) علامت «وقف کردن بهتر است» نهاده شده و در بعضی روی کلمه «امر» علامت وقف دیده می‌شود، بفرمائید کدام یک صحیح است؟
جواب: احتیاط آن است که «كُفُوًا اِحْد» را آن طور که مشهور است با «واو» بخوانند، و در وقف آیه مزبور، روی کلمه «امر» توقف کنند.

سؤال ۲۵۰- با توجه به این که در نماز ظهر و عصر، خواندن حمد و سوره به صورت اخفات واجب است؛ چنانچه شخصی برای تعلیم در حین نماز، به صورت جهر بخواند، چه حکمی دارد؟
جواب: جایز نیست و باید برای تعلیم از طرق دیگر استفاده کند.
سؤال ۲۵۱- اگر کسی در تعداد تسبیحات اربعه شک کند چه باید بکند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۵

جواب: اگر به رکوع نرفته بنا را بر کمتر می‌گذارد و آن را تکمیل می‌کند؛ هر چند به فتوای ما یک تسبیح کافی است.
سؤال ۲۵۲- برخی از مؤمنین نماز گزار، نمازهای صبح و مغرب و عشای خود را آهسته می‌خوانند و علت آن را شرم و حیا و خجالت بیان می‌کنند، آیا شرم و حیا مجوز آهسته خواندن این نمازها برای مردان می‌شود؟
جواب: هرگز مجوز نیست باید بلند خواند، و این حیا، حیای جاهلانه است نه حیای عاقلانه.
سؤال ۲۵۳- لطفاً نظرتان را پیرامون قرائت قرآن، که همراه با ریا و خودنمایی باشد بیان فرمایید.
جواب: حرام است؛ ولی اگر قرآن را با صدای خوب برای تحسین شنوندگان بخواند جایز است.

۳- رکوع

سؤال ۲۵۴- تکلیف بیماری که نمی‌تواند به مقدار رکوع، در حالت رکوع باقی بماند (یعنی تنها قسمتی از ذکر را می‌تواند در حالت رکوع بگوید)، چیست؟
جواب: همان مقدار که می‌تواند بگوید؛ مثلاً یک سبحان الله.
سؤال ۲۵۵- آیا در نماز، به جای ذکرهایی که معمول است و در رساله‌های عملیه نیز آمده است، می‌توان ذکرهایی را که در بعضی از احادیث وارد شده، گفت؟ مانند حدیث محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) «۱» که مأموم بعد از این ذکر امام: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، بگوید: «رَبَّنَا وَ لَكَ الْحَمْدُ».
جواب: گفتن هر گونه ذکر خداوند در نماز، به قصد ذکر مطلق جایز است.

(۱). وسائل الشیعه، جلد ۴، ابواب الزکوع، باب ۱۷، حدیث ۴. البته طبق این روایت، ذکر مزبور در صورتی گفته می‌شود که نماز جماعت باشد، ولی اگر به صورت فرادی نماز می‌خواند این ذکر را بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۶

۴- سجده

سؤال ۲۵۶- در مساجد و مکانهایی که نماز جماعت برگزار می‌شود و امکان مهر گذاشتن نیست و یا این که مهر پیدا نمی‌شود، آیا می‌شود به سنگ مرمر و یا موزاییک سجده کرد؟

جواب: سجده بر سنگ مرمر در هر حال جایز است و همچنین بر موزاییک، خواه دسترسی به مهر باشد یا نه.

سؤال ۲۵۷- اگر عمداً ذکر رکوع یعنی (سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ) را در سجده بگوییم، کفایت می‌کند؟ عکس آن چه حکمی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

سؤال ۲۵۸- اگر بچه نابالغی، یکی از سوره‌هایی که سجده واجب دارد را بخواند، آیا بر شنوندگان سجده واجب می‌شود؟ جواب: آری واجب است، فرقی میان بالغ و نابالغ نمی‌کند.

سؤال ۲۵۹- اگر نماز گزار در حین انجام نماز بشنود که خواننده‌ای آیات سجده را تلاوت می‌نماید، وظیفه‌اش چیست؟ جواب: احتیاط آن است که سجده واجب را بجا آورد و برخیزد و نماز را تمام کند و بعداً اعاده کند.

سؤال ۲۶۰- یک نفر در زمان عادی (غیر از زمان حج) پشت سر امام جماعت اهل سنت به نیت فرادا نماز می‌خواند؛ ولی گاهی به چیزی سجده می‌کند که در فقه جعفری سجده بر آن جایز نیست، آیا اعاده نماز لازم است؟ جواب: در صورتی که جنبه تقیه داشته باشد، نمازش صحیح است.

سؤال ۲۶۱- منظور از سجده کردن بر کاغذ، آیا کاغذهای سفید است، یا می‌توان بر کاغذهای رنگی و کاغذی که نوشته دارد نیز سجده کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۷

جواب: مانعی ندارد، بر همه اینها می‌توان سجده کرد؛ حتی در حال اختیار.

سؤال ۲۶۲- برادران شیعه در نماز جماعت اهل سنت نیز شرکت می‌نمایند؛ گاه دیده شده که امام جماعت در حین قرائت، آیه سجده را تلاوت می‌کند و خود و تمامی نماز گزاران به سجده می‌روند و شیعیان هم همراهی کرده به سجده می‌روند، آیا این سجده اضافی باعث بطلان نماز آنها نمی‌شود؟ جواب: احتیاط آن است که نماز را بعداً اعاده کنند.

۵- تشهد

سؤال ۲۶۳- اگر در تشهد نماز، صلوات این گونه خوانده شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ» نماز باطل می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که این کار را نکنند و مطابق آنچه در رساله‌ها آمده است عمل نمایند.

قنوت نماز

سؤال ۲۶۴- در قنوت، معتبر است که نماز گزار دستها را تا مقابل صورت بلند کند؛ لطفاً بفرمایید: منظور از مقابل صورت چیست؟ جواب: منظور این است که کف دستها به سوی آسمان و خود دستها محاذی با صورت باشد.

سؤال ۲۶۵- آیا دعا کردن به غیر عربی در نماز واجب جایز است؟ شعر خواندن در قنوت نمازهای واجب و مستحب چطور است؟ جواب: دعا به غیر عربی در نماز اشکال دارد و احتیاط آن است که از شعر هم پرهیزند.

سؤال ۲۶۶- اگر در قنوت یا سجده، برخی از فرازهای دعا را تکرار کنیم، نظیر این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۸

که در دعای «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، فراز «مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

محمد را دو بار، یا بیشتر تکرار کنیم جایز است، یا اشکال دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، همه اینها دعاست.

سؤال ۲۶۷- حقیر در نمازهای واجب و مستحب به اشخاص بیمار، زندانی و گرفتار دعا می‌کنم. آیا به این روش دعا کردن اشکالی در نماز ایجاد نمی‌کند، مثلاً در قنوت عرض می‌کنم: «اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ مَخْبُوسٍ» یا «اللَّهُمَّ فَكِّ وَلَدِي أَحْمَدَ مِنَ السَّجْنِ» یا «اللَّهُمَّ اشْفِ بِنْتِي الْمَرِيضَةَ»؟

جواب: دعا برای اشخاص به زبان عربی در نماز واجب و مستحب، اشکال ندارد.

مبطلات نماز

سؤال ۲۶۸- این جانب مدتی در نماز، سوره قدر را می‌خواندم و کلمه «مَطَّلَع» را به ضم می‌خوانده‌ام؛ چون در مفاتیح من این طور نوشته بود، آیا نمازهایم درست بوده است؟

جواب: چون مقصر نبوده‌اید نماز شما صحیح است و قضا ندارد؛ ولی بعد از این مراقب باشید.

سؤال ۲۶۹- اگر انسانی در حال نماز فراموش کند آدامس در دهان اوست (آدامسی که مزه‌ای ندارد)، آیا باید نماز را بشکند یا ادامه دهد؟ و بطور کلی، اگر انسان در حال نماز سقز یا آدامسی را که شیرینی آن از بین رفته در دهان داشته باشد، ولی نخورد، آیا نمازش باطل است؟

جواب: نماز باطل نیست.

سؤال ۲۷۰- آیا جواب سلام، در صورتی که به غیر زبان عربی باشد (مثلاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۰۹

انگلیسی)، واجب است؟

جواب: آری واجب است.

سؤال ۲۷۱- جواب دادن سلامی که در نامه می‌باشد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که جواب داده شود.

سؤال ۲۷۲- اگر کسی وارد مسجد شود و سلام کند، و همه مشغول نماز باشند، جواب سلام بر چه کسی لازم است؟ در صورتی که

هیچ کس جواب سلام را ندهد، وضعیت نماز این عده چگونه خواهد بود؟

جواب: بر یکی از آنها به عنوان واجب کفایی «۱» جواب سلام لازم است و اگر هیچ کس جواب ندهد، همه معصیت کرده‌اند؛ ولی نمازشان صحیح است.

سؤال ۲۷۳- گذاشتن «ناس» «۲» در دهان، به هنگام نماز چه صورتی دارد؟

جواب: اشکال دارد، و خوردن ناس با توجه به ضررهای فراوان آن در غیر نماز هم اشکال دارد.

سؤال ۲۷۴- ما همیشه نماز مغرب و عشا را در مسجد جامع برگزار می‌کنیم، اما نه به جماعت (چون امام جماعت نداریم)، در حین

نماز، افرادی که وارد مسجد می‌شوند «سلام» می‌کنند و چون پاسخ سلام، یک امر واجب کفایی است و شخص سلام کننده باید

پاسخ را به گونه‌ای بشنود که آن را پاسخ خود تلقی کند، و از طرفی در شرایطی که ما نماز را بجا می‌آوریم، اگر برای پاسخ دادن،

صدایمان را بیش از حد معمول بلند کنیم، موجب از بین رفتن حالت روحانی نماز و تمرکز حواس در این فریضه مقدس می‌شود،

لذا اطلاعیه‌ای به این مضمون نوشته‌ایم: «لطفاً در صورتی که نمازگزاران در حال نمازند، سلام نکنید». اما این امر باعث حساسیت

بعضی از مؤمنین شده است. لطفاً بفرمایید این کار چه حکمی دارد؟

(۱). منظور از واجب کفایی این است که اگر یک نفر آن عمل واجب را انجام بدهد، کفایت می‌کند و از بقیه ساقط می‌شود. بر خلاف «واجب عینی» که بر تک تک مکلفین واجب است.

(۲). «ناس» نوعی مواد مخدر خفیف است که بیشتر در افغانستان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۰

جواب: بسیاری از فقها گفته‌اند: «سلام کردن بر نماز گزار مکروه است «۱»»، بنابراین اطلاعیّه مزبور بد نیست.

سؤال ۲۷۵- آیا شک بعد از سلام نماز مغرب، در صورتی که یک طرف شک باطل نباشد (مثل شک بین دو و چهار)، نیز از شکهایی است که نباید به آن اعتنا کرد؟

جواب: شک بعد از سلام اعتباری ندارد، به شرط این که یک طرف آن صحیح باشد.

سؤال ۲۷۶- در خارج شدن از حالت کثیرالشک در نماز فرموده‌اند: «اگر در سه نماز پی‌درپی شک نکنند از حالت کثیرالشک خارج می‌شود» آیا باید حتماً نماز یومیّه باشد؟ یا این که اگر در سه نماز قضای پی‌درپی، یا سه نماز مستحبی پی‌درپی نیز شک نکنند، از حالت کثیرالشک خارج می‌شود؟

جواب: معیار این است که عرفاً بگویند او دیگر کثیرالشک نیست و مادام که این موضوع ثابت نشود حکم حالت سابق باقی است.

سؤال ۲۷۷- اگر نماز گزار در حال قیام، شک بین سه و چهار کند و بعد از شک یادش بیاید که در رکعت قبل یک سجده را فراموش کرده تکلیفش چیست؟

جواب: نماز او باطل است و باید آن را رها کرده از نو شروع کند.

سؤال ۲۷۸- اگر کسی در حال نماز شک کند نمازی که می‌خواند نماز ظهر است یا عصر، و یا مغرب است یا عشاء، تکلیف چیست؟
جواب: در صورت اول به نیت نماز ظهر، و در صورت دوم به نیت نماز مغرب، نماز را تمام می‌کند، سپس نماز بعدی را به جا می‌آورد.

نماز احتیاط

سؤال ۲۷۹- اگر کسی مثلاً نماز ظهر را بخواند و شکی بر او عارض شود که موجب

(۱). عروه الوثقی، جلد اول، مبطلات الصلاة، مسأله ۲۹.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۱

نماز احتیاط بوده است؛ ولی از روی فراموشی، بدون این که نماز احتیاط را بخواند، نماز بعدی را شروع کند و در حال نماز بعدی متذکر شود که نماز احتیاط را نخوانده است، تکلیف او چیست؟ آیا در نماز دوم فرقی بین نماز فریضه و نافله هست؟ تفصیل مسأله را بیان فرمایید.

جواب: اگر وارد نماز نافله یا فریضه غیر مترتبه شده است، آن را پایان می‌دهد و به آخر می‌رساند، سپس نماز اول را اعاده می‌کند، و اگر وارد فریضه مترتبه شده و محلّ عدول نگذشته، احتیاطاً عدول می‌کند و نماز را تمام کرده سپس اعاده می‌نماید، و اگر محلّ عدول گذشته آن را قطع می‌کند و نماز اول را اعاده می‌نماید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۲

نماز مسافر

کثیرالسفر

سؤال ۲۸۰- تکلیف روزه و نماز کارمندی که محلّ کارش خارج از شهر محلّ سکونت او می‌باشد، و به ناچار هر روز بیش از چهار فرسنگ راه می‌پیماید چیست؟ آیا این شخص حکم دائم السفر را دارد؟
جواب: حکم دائم السفر را دارد.

سؤال ۲۸۱- کسی که قاری قرآن است و دائماً جهت قرائت به شهرهای مختلف دعوت می‌شود، تکلیف نماز و روزه‌اش چیست؟
جواب: نماز و روزه او تمام است.

سؤال ۲۸۲- استاد یا دانشجوی دانشگاه اهواز، شهرکی در ۴۵ کیلومتری اهواز مسکن اوست و هر روز در این مسیر برای تحصیل یا تدریس رفت و آمد می‌کند.
الف) با توجه به این که هیچ کدام از این دو مکان وطنش نیست، نمازش چه حکمی دارد؟
جواب: نماز و روزه آنها در هر دو محل و در اثنای راه کامل است.

ب) در فرض بالا- با توجه به این که بین وطنش و این دو محل، یعنی شهرک محلّ سکونت و اهواز که محلّ کارش است، بیش از مسافت شرعی فاصله است، اگر آخر هر هفته برای سرکشی اقوامش به وطنش برود، در بین راه نمازش چه حکمی دارد؟ اگر ابتدای حرکتش به طرف وطن از محلّ کار (اهواز) باشد، یا محلّ سکونت (شهرک) آیا در حکم تأثیری دارد؟
جواب: نماز و روزه او در بین راه در هر حال شکسته است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۳

ج) اگر در فرض بالا که رفتن به سوی وطن سفر غیر شغلی است و نماز او قصر است موقع برگشت از وطن به طرف محلّ سکونت (شهرک) یا محلّ شغل (اهواز) آیا این سفر، سفر شغلی حساب می‌شود؟ آیا نماز او کامل است؟ و اگر در وطن ده روز بماند، آیا سفر اول شغلی برای کامل بودن نماز کفایت می‌کند یا از سفر دوم نمازش کامل است؟
جواب: در راه بازگشت از وطن، احتیاطاً جمع بخواند؛ ولی اگر ده روز توقف کرده، شکسته است.

د) اگر موقع برگشت از وطن، هنوز وقت تحصیل و تدریس نباشد، مثلاً دانشگاه دو یا سه روز تعطیل باشد) و این فرد جهت مطالعه و آماده شدن برای تحصیل و تدریس به محلّ سکونت (شهرکی که با محلّ کار به اندازه مسافت شرعی فاصله دارد)، بیاید آیا این سفر شغلی حساب می‌شود، تا در بین راه و محلّ سکونت نمازش کامل باشد؟
جواب: در هر دو محل نماز او تمام است.

سؤال ۲۸۳- اگر کثیرالسفر، سفر غیر شغلی بکند، آیا بعد از رجوع به سفر شغلی، در همان سفر شغلی اول نمازش کامل می‌شود، یا از سفر دوم به بعد؟ و آیا اقامه ده روز در وطن و غیر وطن، در کامل خواندن نماز در سفر اول یا دوم نقشی دارد؟
جواب: اگر اقامه ده روز نکند، از همان سفر اول نماز و روزه‌اش کامل است.

سؤال ۲۸۴- آیا کثیرالسفر بلافاصله بعد از شروع به کار باید نمازش را کامل بخواند؟ یا بعد از گذشتن مدّتی از شروع کار که عرفاً کثیرالسفر صدق بکند؟
جواب: بعد از چند سفر که عرفاً صدق کثیرالسفر کند، و در چند سفر اول احتیاط کند.

سؤال ۲۸۵- پرستار بیمارستان که مأمور است همراه مریض به شهرستانهای همجوار اعزام شود، گاهی اتفاق می‌افتد در یک هفته ۱۰ مورد هم اعزام می‌شود و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۴

گاه هم ممکن است در یک هفته اصلاً اعزام نشود، نماز و روزه او به چه صورت است؟
جواب: اگر بیشتر هفته‌ها اعزام می‌شود و اعزام بطور مکرر است، نماز و روزه او تمام است، در غیر این صورت نماز و روزه او شکسته است.

سؤال ۲۸۶- روحانیونی که فقط در ماه مبارک رمضان، هر روز بین دو محلّ تبلیغی، که فاصله آن بیش از مسافت شرعی است، رفت و آمد می‌کنند، نماز و روزه آنها چه حکمی دارد؟ و بطور کلی معیار کثیرالسفر چیست؟
جواب: ظاهراً کثیرالسفر بودن در یک ماه برای اتمام نماز و روزه کافی است.

کسانی که شغل آنها در سفر است

سؤال ۲۸۷- دانشجویی در شهری مشغول تحصیل است، بین وطنش تا آن شهر سی، یا چهل کیلومتر، یا بیشتر فاصله است، حکم نماز و روزه او را در موارد زیر بیان فرمایید.

الف) قصد دارد هر روز برای تحصیل در این مسیر تردد بکند.

جواب: نماز و روزه‌اش کامل است.

ب) قصد دارد هفته‌ای یک بار در این مسیر تردد بکند؛ یعنی اول هر هفته برای تحصیل به آن شهر می‌رود و آخر هفته به وطن خود بر می‌گردد.

جواب: نماز و روزه او در دو محل کامل است؛ ولی در اثنای راه شکسته است.

ج) این دانشجو از وطنش اعراض کرده و هنوز وطنی اختیار نکرده است و هر روز یا هر هفته بین وطن سابق و اهواز تردد می‌کند، آیا حکم کثیرالسفر را دارد؟

جواب: حکم کثیرالسفر را دارد.

د) استاد یا دانشجوی مذکور، در هفته پنج روز را مثلاً در اهواز تحصیل و یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۵

تدریس می‌کند، و دو روز بقیّه هفته را برای ادامه تحصیل به قم می‌رود، با فرض این که نه قم وطنش است نه اهواز، حکمش چیست؟ آیا هر دو محل در حکم وطن اوست؟

جواب: اهواز در فرض بالا وطن اوست؛ ولی قم به حکم وطن او نیست.

ه- در این فرض حکم نماز همسر و فرزند این استاد و دانشجو چیست؟ اگر آنها هم همراه پدر یا همسر در این مسافرتها باشند، حکم کثیرالسفر را دارند؟ اگر مسأله برعکس باشد، یعنی شوهری به خاطر شغل خانمش مجبور به تردد بین وطن و محلّ تحصیلش باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برنامه رفت و آمد هر دو یکسان باشد، حکم آنها نیز یکسان است.

سؤال ۲۸۸- آیا حضرت‌تعالی بین کسی که شغل او سفر است (مانند راننده) و کسی که شغل او در سفر است (مانند کارمندان، سربازان، معلّم‌ها، کارگران، طلبّاب و مانند آنها) تفاوتی قائل هستید؟ و بطور کلی حکم نماز و روزه افراد در سفر چیست؟

جواب: هیچ تفاوتی بین آنها نیست و نماز و روزه آنها کامل است.

سؤال ۲۸۹- نماز و روزه طلبه‌ای که در شهر دیگری، غیر از وطنش درس می‌خواند، و نمی‌تواند قصد ده روز کند، و هر چهارشنبه به وطن خویش بازمی‌گردد، شکسته است یا تمام؟
جواب: اگر این کار برای مدت طولانی، مانند یک سال یا بیشتر ادامه یابد، محلّ تحصیل در حکم وطن اوست و نماز و روزه‌اش در هر دو محل تمام است.

سؤال ۲۹۰- مأموران دولتی که در خارج از وطن و مسافت شرعیّه اشتغال به کار دارند، آیا محلّ کار، وطن آنها محسوب می‌شود؟ در صورتی که نمی‌دانند چه مدّتی در آنجا می‌مانند؟ نماز آنها در ابتدای مأموریت چه حکمی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۶

جواب: اگر برای مدت طولانی (مثلاً یک سال یا بیشتر) در آن محل می‌مانند به حکم وطن آنهاست.

سؤال ۲۹۱- آیا بدون قصد توطن امکان دارد محلّی حکم وطن را پیدا کند؟ مثلاً استاد یا طلبه‌ای ده سال است که بدون قصد توطن مقیم اهواز یا قم شده است و مشغول تحصیل یا تدریس است؛ آیا قم یا اهواز برای فرد مذکور حکم وطن را دارد؟
جواب: چنین اقامتگاهی حکم وطن را دارد.

سؤال ۲۹۲- زنی به عقد دائم مردی که از شهرستان دیگری است درآمده، آیا قبل از آغاز زندگی مشترک، شهرستان شوهر وطن زن محسوب می‌شود؟
جواب: وطن او محسوب نمی‌شود.

مسائل دیگر نماز مسافر

سؤال ۲۹۳- نماز مسافر را چگونه نیت کنیم؟

جواب: نیت خاصی ندارد، همین که نماز چهار رکعتی را دو رکعت بخوانید، نماز مسافر محسوب می‌شود؛ حتی اگر نیت تمام کنید و قبل از پایان دو رکعت یادتان بیاید و نیت را برگردانید کافی است.

سؤال ۲۹۴- دختری شوهر کرده و در شهر دیگری که بیش از چهار فرسخ شرعی از وطنش فاصله دارد، در منزل شوهرش زندگی می‌کند، زمانی که به صورت متعارف، جهت صلّه ارحام و دید و بازدید به دیدن پدر یا مادر و خویشان به منزل پدری مراجعه می‌کند، اگر توقفش کمتر از ده روز باشد، نماز و روزه‌اش چگونه است؟ اگر این دختر فرضاً ملکی هم در شهر پدری داشته باشد حکم تغییر می‌کند؟

جواب: اگر دختر تصمیم دارد با شوهر خود در شهر دیگری زندگی کند و قصد بازگشت برای اقامت مستمرّ به شهر پدری ندارد، نماز و روزه‌اش شکسته است، زیرا اعراض حاصل شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۷

سؤال ۲۹۵- بیماری در شهرستانی غیر از وطن خود بستری است و مدّت یک ماه از بستری شدنش می‌گذرد و مشخص نیست چه مدّت دیگر زمان درمان طول خواهد کشید، تکلیف نماز و روزه این شخص چیست؟
جواب: بعد از گذشت یک ماه نماز و روزه‌اش تمام است.

سؤال ۲۹۶- کسی که قصد سفر به قله‌ها و کوه‌های بلند و مرتفع را دارد، با توجه به این که مسیر او گاهی بیش از مسافت شرعی است، اگر شهر خود را ببیند حکم نماز و روزه او چیست؟

جواب: اگر به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود، از حد ترخص گذشته است و اگر شرایط دیگر سفر در آن جمع باشد نماز و روزه‌اش شکسته است.

سؤال ۲۹۷- مسافت شرعی را از کجا حساب می‌کنند؟ مخصوصاً با توجه به این که امروزه در اطراف اکثر شهرها، شهرکها یا کارخانجاتی احداث شده است، آیا آنها هم جزء شهر حساب می‌شوند؟

جواب: شهرکها و کارخانجات اطراف شهر که جدا هستند، جزء شهر محسوب نمی‌شوند.

سؤال ۲۹۸- مسافت بین دو شهر به صورت مارییچ، ۵۰ کیلومتر و به خط مستقیم، ۲۰ کیلومتر است، حکم نماز و روزه چگونه است؟ جواب: از هر مسیری که برود حکم همان مسیر را دارد.

سؤال ۲۹۹- اگر کسی فرضاً ساعت ۸ صبح به مسافرت رفته و قرار است ساعت ۲/۵ بعد از ظهر به منزل برگردد، آیا این شخص نماز واجبش (یعنی ظهر و عصر) را به صورت شکسته در محل سفر بخواند، یا این که در ساعت ۲/۵ بعد از ظهر در منزل خودش کامل بخواند؟ کدام مقدم است؟

جواب: اگر در سفر بخواند شکسته است و اگر در منزل بخواند تمام است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۸

نماز اول وقت مقدم است.

سؤال ۳۰۰- مردی در حین سفر، نماز را با انگشتر طلا خوانده است حکم نماز او چگونه است؟ اگر قرار است قضا نماید، آیا به همان صورت شکسته بخواند؟ با توجه به این که حکم حرمت طلا برای مرد می‌دانسته و عمداً با آن نماز خوانده است.

جواب: باید نماز را به صورت شکسته قضا کند.

سؤال ۳۰۱- زائرانی که در ماه مبارک رمضان به عمره مشرف می‌شوند، اگر شب به مدینه و یا مکه برسند، قصد اقامه عشره کرده و روزه می‌گیرند و مشکلی ندارند؛ ولی اگر در بین روز رسیدند، آیا از همان ساعتی که می‌رسند، باید ده روز را به حساب آورند، یا این که ده روز کامل مراد است و شبها به حساب نمی‌آید؟

جواب: از همان لحظه ورود حساب می‌کنند و معیار ۱۰ روز؛ است یعنی اگر ظهر روز اول ماه وارد شده‌اند، ظهر روز یازدهم ۱۰ روز کامل می‌شود و کافی است.

نماز استیجاری

سؤال ۳۰۲- کسی، شخصی را اجیر می‌کند تا نماز قضای پدر او را بخواند، آیا می‌تواند شرط کند که باید نماز را در مسجد بخواند؟

جواب: اگر شرط کند باید به شرط عمل شود.

سؤال ۳۰۳- شخصی برای انجام یک سال نماز و روزه مرحوم زید اجیر شده است؛ ولی زمان مشخصی برای انجام این کار تعیین نشده است و اکنون سالها از زمان اجاره می‌گذرد و اجاره دهنده نیز فوت کرده است، آیا مستأجر مرتکب گناهی شده است؟ فعلاً وظیفه او چیست؟

جواب: مستأجر مرتکب خلاف شده است؛ ولی اکنون باید وظیفه خود را انجام دهد، و اگر دسترسی به دهندگان پول دارد، از آنها نیز احتیاطاً اجازه بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۱۹

سؤال ۳۰۴- برخی از فقها گرفتن اجرت بر عبادات استیجاری را مشکل می‌دانند، نظر حضرتعالی چیست؟ اگر اشکال دارد راه حل آن چیست؟

جواب: در مورد حج استیجاری مشکلی نیست؛ چون روایات متعددی از معصومین (علیهم السلام) در این زمینه وارد شده است؛

ولی در سایر عبادات مانند نماز و روزه خالی از اشکال نمی‌باشد؛ چون در هیچ یک از روایات اشاره‌ای به استیجار برای نماز و روزه دیده نمی‌شود؛ اما اظهر بر حسب قواعد عامه صحت آن است.

نماز قضا

اشاره

سؤال ۳۰۵- تفاوت نماز قضا و روزه قضا را بیان فرمایید.

جواب: قضای نماز با قضای روزه تفاوت‌هایی دارد، که به برخی از آنها، بطور اختصار اشاره می‌شود.

الف) نمازهایی که زن در حال عادت ماهانه نخوانده قضا ندارد؛ اما قضای روزه ایام عادت، در ماه مبارک رمضان لازم است.

ب) کسی که روزه قضا دارد، جایز نیست روزه مستحبی بگیرد؛ ولی اگر نماز قضا داشته باشد، می‌تواند نماز مستحبی بخواند.

ج) قضای نماز را نباید طوری تأخیر انداخت که بی‌اعتنایی به آن بشود؛ ولی اگر تأخیر بیندازد کفاره ندارد؛ اما قضای روزه ماه مبارک رمضان را باید پیش از رسیدن ماه مبارک رمضان سال بعد انجام دهد و چنانچه به تأخیر اندازد باید هم قضا کند و هم کفاره مدّ طعام بدهد.

د) در نماز قضا باید از اول نماز نیت داشته باشد؛ لکن این امر در روزه قضا لازم نیست، بنابراین در روزی که هیچ قصد روزه نداشته و مفطری بجا نیاورده؛ می‌تواند قبل از ظهر قصد روزه قضا بنماید.

ه- کسی که به خاطر مریض بودن نتواند در ماه رمضان روزه بگیرد و بعد از آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۰

هم به خاطر مریضی تا ماه رمضان بعد نتواند روزه را قضا کند، روزه از او ساقط است و باید کفاره مدّ طعام بدهد؛ اما قضای نماز در هر صورت لازم است (ایستاده، نشسته، با وضو، با تیمم)؛ اگر چه سالها گذشته باشد.

و) کسی که در شب ماه رمضان تفحص کند و معتقد شود که صبح نشده و مشغول خوردن سحری شود، اگر بعداً معلوم شود که همان وقت صبح بوده و اشتباه کرده، روزه او صحیح است و قضا ندارد؛ اما اگر پیش از وقت به گمان این که صبح شده شروع به نماز کند و در بین نماز وقت داخل نشود، باید نماز را از سر بگیرد.

ز) کسی که به قهر و غلبه چیزی در حلق او کنند و به خورد او دهند، روزه ماه مبارک رمضان او صحیح است؛ اما اگر نماز کسی را باطل کنند باید از سر بگیرد.

ح) اگر روزه قضای ماه مبارک رمضان را بعد از ظهر بشکنند کفاره دارد؛ ولی شکستن نماز کفاره ندارد؛ هر چند مرتکب گناه شده است (بنابر احتیاط).

سؤال ۳۰۶- اگر انسان پس از مدّتها نماز خواندن، متوجه شود که به علّت ناآگاهی وضو را غلط انجام می‌داده، یا غسلی که بر او واجب بوده انجام نداده است، آیا باید قضای تمام نمازهایی را که با وضوی غلط، یا بدون غسل واجب خوانده است بجا آورد؟

جواب: قضای نمازها لازم است و می‌تواند تدریجاً بجا آورد، بطوری که مایه مشقّت و زحمت نشود؛ ولی قضای روزه بر او واجب نیست.

سؤال ۳۰۷- شخصی حدود ۱۴ ماه نماز قضا بر ذمه دارد، و در بعضی از این ایام هم مسافر بوده است؛ ولی مقدار و زمان دقیق ایام مسافرت، به علّت گذشتن وقت معلوم نیست؛ نسبت به قضای نمازها چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: آن مقدار که یقین دارد در وطن بوده تمام می‌خواند و آن مقدار که یقین دارد در سفر بوده شکسته می‌خواند و در مقدار

مشکوک جمع بین قصر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۱

اتمام می‌کند؛ یعنی به آن مقدار، هم نماز تمام و هم نماز قصر بجا می‌آورد.

سؤال ۳۰۸- کسی که با وضو، یا غسل جبیره‌ای نماز می‌خواند، آیا می‌تواند نمازهایی را که در زمان سلامتی اش فوت شده، در این حال قضا نماید؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۰۹- انسانی که تا سن ۲۰ سالگی نماز نخوانده و روزه نگرفته است، آیا به مجرد توبه نمازها و روزه‌هایی که از او فوت شده ساقط می‌شود؟

جواب: باید قضای آنها را نیز بجا بیاورد، و روزه او کفاره نیز دارد و اگر نتواند کفاره را انجام بدهد مطابق مسأله ۱۴۰۲ توضیح المسائل ما عمل کند.

سؤال ۳۱۰- آیا قضای نمازهای نافله شب همان ثواب و پاداش ادای آن را دارد؟

جواب: شک نیست که میان ادا و قضا تفاوت است.

نماز قضای پدر و مادر

سؤال ۳۱۱- پدر و مادری نسبت به انجام فریضه نماز و روزه سهل‌انگاری دارند، یا اصلاً نمی‌خوانند، و از نظر اعتقادی، شیعه اثنا عشری هستند. این که فقها فرموده‌اند: «نماز و روزه قضای پدر و مادر بر ذمه پسر بزرگ است» در صورتی که والدین این مسأله را بدانند و عمداً به تکالیف خود عمل ننمایند، آیا واقعاً با انجام نماز و روزه قضای پدر و مادر توسط پسر بزرگ آنها، بریء الذمه می‌شوند؟ آیا این یک شگرد نیست و باعث سوء استفاده نمی‌شود؟ البته ما تابع حکم خدا هستیم که حضرت تعالی مرقوم خواهید داشت.

جواب: نماز و روزه در صورتی بر فرزند بزرگتر واجب است که به خاطر عذری ترک شده باشد نه عمداً؛ بنابراین مشکلی پیش نمی‌آید.

سؤال ۳۱۲- شخصی بر اثر سکتة مغزی چند سال حواس درستی نداشته، به گونه‌ای که اگر به او تذکر می‌دادند نماز را بدون شرایط می‌خواند و الا خودش نماز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۲

نمی‌خواند، آیا چنین فردی مانند شخص بی‌هوش است که نمازش قضا ندارد، یا نمازهای او بر پسر بزرگتر واجب است؟

جواب: در فرض مسأله نماز از او ساقط است و قضا بر عهده فرزند او نیست؛ اما اگر عقل و شعور کافی دارد، ولی گرفتار فراموشی می‌شود احتیاط واجب آن است که فرزند بزرگتر بعد از فوت او نمازهایش را قضا کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۳

نماز جماعت

فضیلت نماز جماعت

سؤال ۳۱۳- در مورد ارزش و اهمیّت نماز جماعت احادیث فراوانی وارد شده است؛ طبق یکی از این روایات- که در ابتدای احکام

نماز جماعت رساله حضرت تعالی نیز آمده است- در شرایط خاصی ثواب نماز جماعت نامحدود است، بنابراین کسی که در چندین نماز جماعت با شرایط مذکور شرکت کند، آیا امکان دارد ثواب نماز جماعت گناه یا گناهایی که عقوبت محدودی دارد را از بین ببرد؟

جواب: ثواب نماز جماعت بیش از آن است که تصور شود؛ ولی شرط از بین رفتن گناه توبه است و تنها خواندن نماز جماعت باعث از بین رفتن آثار گناه نیست.

سؤال ۳۱۴- همان گونه که در رساله و جلد اول استفتائات حضرت تعالی آمده است، امام جماعت می‌تواند نماز خود را دو بار به جماعت بخواند، لطفاً بفرمایید که در نماز دوم نیت او چگونه است؟
جواب: در مرتبه دوم نیز نیت ادا می‌کند؛ ولی نیت واجب نمی‌کند.

سؤال ۳۱۵- اگر امام و مأمومین قبلاً نماز خود را فرادی خوانده‌اند، آیا همان نماز را می‌توانند دوباره با جماعت اقامه نمایند؟
جواب: اگر قبلاً توجه به امکان اقامه نماز جماعت نداشته باشند و بعداً متوجه شوند، می‌توانند نماز را به جماعت اقامه کنند.

سؤال ۳۱۶- اگر امام جماعت نماز قضا در ذمه‌اش باشد، آیا برای بار سوم می‌تواند با افرادی غیر از افراد اول و دوم اعاده کند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۴

جواب: اگر نماز قضا قطعی باشد می‌تواند؛ خواه نماز قضای قطعی خودش باشد یا دیگری.

سؤال ۳۱۷- مکلفی نمازش را به صورت فرادی خوانده، سپس نماز جماعت برپا شده است، این شخص اگر بخواهد نمازی را که خوانده دوباره به جماعت بخواند، چگونه نیت کند؟

جواب: نیت نماز ادای مستحب می‌کند؛ ولی توجه داشته باشید نیت وجوب و مستحب لازم نیست، همین اندازه که قصد قربت کند کافی است.

سؤال ۳۱۸- اگر شخص مذکور در نماز جماعت نیت واجب بکند، نماز اولش را که فرادی خوانده چه حکمی پیدا می‌کند؟
جواب: نماز اول واجب بوده و نماز دوم مستحب، و این اشتباه مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سؤال ۳۱۹- طی پرسشنامه‌ای از سوی دفتر نهاد رهبری در دانشگاه فردوسی مشهد که بین دانشجویان توزیع شد، سؤالاتی در مورد نماز جماعت دانشگاه و این فریضه با شکوه طرح شده بود؛ در پاسخ‌های جمع‌آوری شده مواردی دیده می‌شود که اهمیت نماز جماعت و شرکت در آن در مسجد، برای خانم‌ها محل سؤال بود، مثلاً بعضی خانم‌ها بر این باورند که: «زنان مستحب است نماز خود را در خانه بجای آورند» یا «نماز جماعت آن قدر که برای آقایان ثواب دارد برای خانم‌ها ثواب ندارد»، این قبیل عقاید مانعی برای حضور ایشان در نماز جماعت می‌باشد. این مسأله را تشریح نموده تا رفع شبهه شود.

جواب: در شرایط فعلی برای زنان نیز مستحب است که نماز خود را در مسجد و با جماعت بخوانند و مطمئناً ثواب زیادی دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۵

شرایط امام جماعت

سؤال ۳۲۰- آیا کسی که نقص عضوی دارد، می‌تواند امام جماعت شود؟

جواب: چنانچه بعضی از اعضای سجده را داشته باشد و بعضی را نداشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۳۲۱- در ادارات معمولاً به دلیل عدم حضور دائمی امام جماعت، یکی از کارکنان به عنوان امام، نماز را برگزار می‌کند، با توجه به شرایط لازم برای امام جماعت و ویژگیهای ادارات از نظر برگزاری نماز به عنوان بخشی از اعمال روزانه، اقتدا کردن به این اشخاص که شناخت جامعی از اعتقادات، عدالت و سایر صفات آنان وجود ندارد و یا در رفتار اداری آنان سوء عدالت دیده

می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: در امام جماعت عدالت و اطلاع از مسائل مورد ابتلا لازم است، و اگر دسترسی به روحانی واجد شرایط نباشد اقتدا به غیر روحانی واجد شرایط جایز است.

سؤال ۳۲۲- در نزدیکی منزل ما دو مسجد وجود دارد که امام جماعت یکی از آنها سید و دیگری عامّ است؛ اقامه نماز جماعت با کدام یک اولویت دارد؟

جواب: در شرایط مساوی سادات مقدمند.

سؤال ۳۲۳- اگر نماز امام جماعت به دلیلی باطل شود، آیا لازم است به مأمومین اطلاع دهد؟ حکم نماز جماعت مأمومین چیست؟
جواب: یکی از مأمومین، که ظاهر الصّلاح است، را جلو می‌اندازد تا نماز را با او تمام کنند.

سؤال ۳۲۴- در مسجد محلّه ما، روزهایی که امام جماعت مسجد تشریف نمی‌آورند، چند نفر از جوانان، در گوشه‌ای از مسجد یا شبستان- نه جای همیشگی امام جماعت- نماز جماعت کوچکی برپا می‌دارند. امام جماعت ظهر اجازه این کار را استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۶

داده است؛ امّا امام جماعت شب مشروط کرده که امام جماعت باید روحانی ملّبس باشد؛ در حالی که در آن زمان هیچ روحانی ملّبسی در مسجد نیست و غالباً یکی از دوستان طلبه غیر ملّبس، امامت جماعت این جمع کوچک را بر عهده می‌گیرد. با این توضیحات بفرمایید:

الف) آیا با چنین شرایطی می‌شود نماز جماعت خواند؟

ب) آیا اجازه امام جماعت شرط است؟

ج) با توجه به این که این مسجد سه امام جماعت دارد، آیا شرط یکی برای نوبت دیگری نیز نافذ است؟

د) حکم کلی در مورد برپایی نماز جماعت غیر علنی در غیاب امام جماعت چیست؟

جواب: با توضیحاتی که در بالا ذکر شد امامت جماعت شخص مزبور اشکالی ندارد، و اجازه امام مسجد شرط نیست.

سؤال ۳۲۵- بعضی از امام جماعتها برای نماز صبح به مسجد نمی‌آیند، در این صورت آیا می‌توان یکی از مؤمنین عادل را انتخاب کرد تا نماز صبح را به جماعت اقامه کنند؟

جواب: در صورتی که دسترسی به روحانی جامع الشرائط نباشد مانعی ندارد.

سؤال ۳۲۶- امام جماعت شدن مجروحان و معلولان در فروض زیر چه حکمی دارد؟

الف) دست امام جماعت به گونه‌ای باشد که نتواند تمام کف دست را روی زمین بگذارد.

ب) دست امام جماعت مصنوعی باشد.

ج) رکوع و سجود را به اشاره انجام دهد.

جواب: در صورت اول و دوم جایز است و در صورت سوم اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۷

سؤال ۳۲۷- فردی خود را عادل نمی‌داند؛ ولی مردم او را عادل می‌دانند، آیا می‌تواند با پیشنهاد مردم امام جماعت شود؟ در صورتی که جواب مثبت است، آیا وظیفه دارد که به مردم عدم عدالت خویش را اعلام دارد؟

جواب: امامت او اشکالی ندارد و لزومی ندارد چیزی به مردم بگوید.

سؤال ۳۲۸- شخصی امام جماعت مسجدی بوده است، تمام امور و شرایط امامت را دارا بوده و حتی به درجه اجتهاد هم رسیده است؛ ولی اخیراً مبتلا به مرض درد زانو (آرتروز) شده است؛ اطّباء متخصص معالج وی می‌گویند: «به هنگام نماز، بایستی مقداری

موضع سجده را بلند کند و روی آن سجده نماید؛ ولی بقیه موارد (حمد و سوره و رکوع و غیره) را به خوبی انجام می‌دهد. آیا اینجا از مصادیق اقتدای شخص ایستاده به نشسته است که جایز نیست؟
جواب: از نظر ما دلیلی بر عدم جواز نیست و ادله جماعت (و لو به اطلاق مقامی)، شامل چنین اشخاصی می‌شود؛ بنابراین اقتدا به چنین کسی جایز است.

سؤال ۳۲۹- آیا ارتکاب خلاف شأن، مُسَقَطِ عدالت است؟

جواب: کارهای خلاف شأن مختلف است. در بعضی از موارد حرام و موجب سقوط عدالت و در بعضی موارد کراهت دارد و مسقط عدالت نیست.

سؤال ۳۳۰- آیا اجازه می‌دهید غیر از زمان حَجِّ، پشت سر امام جماعت سنی نماز جماعت خوانده شود؟

جواب: هر گاه به منظور ایجاد وحدت صفوف مسلمین باشد، اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

سؤال ۳۳۱- آیا اقتدا کردن به امام جماعتی که از میتی تقلید ابتدایی می‌کند، در حالی که مرجع ما تقلید ابتدایی میت را اجازه نمی‌هد، جایز است؟

جواب: مجزّد تقلید ابتدایی از میت برای مأمومی که این تقلید را باطل می‌داند، باعث باطل شدن نماز جماعت نمی‌شود، تا زمانی که در اعمالی که عمداً یا جهلاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۸

موجب بطلان نماز می‌شود، مخالفت نکند، مانعی ندارد.

سؤال ۳۳۲- شخصی از هر نظر عادل است؛ ولی مخالف انقلاب است، امامت جماعت او جایز است؟

جواب: هر کس به اسلام علاقه دارد به انقلاب اسلامی نیز علاقه دارد، بنابراین چنین کسی حتماً در اشتباه است، سعی کنید او را به صورت منطقی توجیه کنید.

احکام جماعت

سؤال ۳۳۳- در مدرسه‌ها، نماز جماعت برپا می‌شود؛ ولی بعضی از دانش‌آموزان وضو نمی‌گیرند، آیا برای نماز بقیه اشکال دارد؟
جواب: نماز بی‌وضو صحیح نیست؛ ولی چنانچه ارتباط صفوف با امام جماعت توسط کسانی که وضو دارند برقرار باشد کافی است، و فاصله شدن دو سه نفر از آنها مانع اتصال نیست.

سؤال ۳۳۴- آیا کسانی که مقلد مرجعی هستند که نماز کسی را که شغل او در سفر است شکسته می‌داند، می‌توانند به امام جماعتی که هر روز مثلاً از بابل (که تا ساری بیش از ۵۰ کیلومتر است جهت شغل اداری) به ساری می‌آید و برمی‌گردد و چون خود را کثیرالسفر می‌داند نمازش را تمام می‌خواند، اقتدا نمایند؟
جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۳۳۵- در رساله حضرت‌عالی آمده است: «در رکعت‌های دیگر نماز نیز باید خود را به رکوع امام برساند و گرنه جماعت اشکال دارد».

الف) کسی که به هر عنوان، مثلاً به علت این که یک رکعت دیر رسیده و در حال خواندن حمد است، و به رکوع امام نمی‌رسد، چه باید بکند؟

جواب: چنانچه برای خواندن سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع خود را به امام برساند و اگر در حال حمد امام سر برداشت، حمد را تمام کند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۲۹

سوره را بخواند و خود را به امام برساند سپس احتیاطاً نماز را اعاده کند.

(ب) اگر در سایر ارکان مانند سجده‌تین به امام نرسد، چه حکمی پیدا می‌کند؟

جواب: هرگاه در ارکان دیگر به امام نرسیده است، احتیاط آن است که آن نمازها را نیز اعاده کند.

سؤال ۳۳۶- در رساله حضرتعالی آمده است: «کسی که یک رکعت عقب است وقتی امام تشهد می‌خواند، احتیاط آن است که زانوهای را از زمین بلند کند و دست و سینه پاها را بر زمین بگذارد و همراه او تشهد یا ذکر بخواند و اگر تشهد آخر است، صبر کند تا امام سلام بگوید، بعد برخیزد».

(الف) آیا خواندن تشهد یا ذکر، واجب است و اگر واجب است، باید به چه نیتی باشد؟

جواب: خواندن تشهد واجب نیست و به نیت ذکر مطلق مستحب بگوید.

(ب) در تشهد، نشستن به حالت تجافی و صبر کردن تا اتمام سلام، واجب است؟

جواب: احتیاط آن است که ترک نکند.

(ج) اگر سلام را در حالت تجافی بعد از تشهد عمداً و به قصد همراهی (البته بدون آگاهی) گفت، چه وظیفه‌ای در قبال آن نمازها دارد؟

جواب: نماز را اعاده کند.

سؤال ۳۳۷- اگر مأوم زودتر از امام از رکوع یا سجود، سر بلند کند، اول اینکه اگر می‌داند که اگر به رکوع یا سجود برود، به امام نخواهد رسید چه وظیفه‌ای دارد؟ دوم این که اگر شک دارد به امام خواهد رسید یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در صورت اول لازم نیست بازگردد و نماز او درست است، و در صورت دوم اگر اطمینان ندارد، وارد نشود.

سؤال ۳۳۸- آیا نماز گزار می‌تواند قبل از امام جماعت، عمداً سلام نماز را بگوید؟

جواب: بهتر است بعد از او بگوید؛ ولی اگر قبلاً بگوید باطل نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۰

سؤال ۳۳۹- آیا دیوار حایل بین صفوف بانوان و آقایان، قاطع صفوف نماز جماعت می‌باشد؟

جواب: در صورتی که دیوار به قدری بلند نباشد که دو محل را از هم جدا کند و در واقع همه آنها زیر یک سقف نماز بخوانند، اشکال ندارد.

سؤال ۳۴۰- بعضی از بیماران مجبورند روی تخت یا چرخ نماز بخوانند، آیا این امر موجب به هم خوردن اتصال صفهای نماز جماعت می‌شود؟

جواب: اتصال صفوف به هم نمی‌خورد.

سؤال ۳۴۱- آیا در بین نماز جماعت می‌توان نیت فرادی نمود؟ و در صورت جواز، در کجای نماز می‌توان این عمل را انجام داد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در هیچ جای نماز بدون ضرورت نیت فرادی نکند، خواه از اول قصد داشته باشد یا نه.

سؤال ۳۴۲- طلبه ای هستم که ظهرها در یک ارگان دولتی نماز جماعت برپا می‌کنم، عادت داشتم هر روز قبل از رفتن به محل نماز، در منزل وضو می‌گرفتم، ولی یک روز به علت کمبود وقت در منزل وضو نگرفتم، به امید آنکه در ارگان وضو بگیرم، وقتی به آن ارگان رفتم طبق عادت همیشگی که وضو داشتم وضو نگرفتم و نماز را از روی فراموشی بدون وضو با جاعت اقامه کردم و بعداً یادم آمد که نماز را بدون وضو خوانده‌ام، تکلیف من در این مسأله چیست؟

جواب: اعلان به مأومین لازم نیست و نماز صحیح است، ولی نماز خودتان را باید اعاده کنید.

سؤال ۳۴۳- اگر شخصی که در صف اول است و با امام جماعت پنج نفر فاصله دارد، بلافاصله پس از امام جماعت نیت کند و تکبیر بگوید و پس از آن دیگران تکبیره الاحرام بگویند، نماز جماعت او چه حکمی دارد؟
جواب: هنگامی که صفوف جماعت آماده شد، هر کس در هر جایی از صفوف استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۱
باشد می تواند اقتدا کند؛ هر چند در صف آخر باشد.

سؤال ۳۴۴- چنانچه امام جماعت در نماز چهار رکعتی اشتباه کند و پس از خواندن سه رکعت خیال کند رکعت چهارم است و تشهد و سلام بخواند، آیا بعد از اتمام نماز، خواندن یک رکعت فقط بر عهده امام جماعت است، یا بر عهده مأمومین نیز هست؟
جواب: امام بلافاصله باید بلند شود و نماز خود را ادامه دهد و اگر منافیاتی بجا آورده، نماز را از سر بگیرد و مأمومین اگر نمی دانستند نیز حکمشان همین است و اگر می دانسته‌اند و تشهد و سلام خوانده‌اند، نمازشان باطل است.

مسائل متفرقه نماز جماعت

سؤال ۳۴۵- اگر بین نماز جماعت و جلسه قرآن تراحم پیش آید، کدام یک مقدم است؟
جواب: نماز مقدم است.

سؤال ۳۴۶- اگر شخصی به علتی توفیق شرکت در نماز جمعه را پیدا نکند، اشکالی دارد که در نماز جماعتی که نزدیک منزلش، یا در مسیر کارش واقع می گردد، شرکت نماید؟
جواب: اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است که در وقت نماز جمعه، نماز جماعت نخوانند؛ مگر در جایی که توانایی بر حضور در نماز جمعه نداشته باشند.

سؤال ۳۴۷- آیا متولی وقف مسجد حق تعیین، یا عزل امام جماعت را دارد؟
جواب: متولی نسبت به این امور در مساجد حقی ندارد.

سؤال ۳۴۸- حکم برپا داشتن نماز جماعت دوم، بعد از پایان یافتن نماز جماعت امام اصلی، در مسجد چیست؟
جواب: در صورتی که موجب اهانت به نماز جماعت اول نباشد، مانعی ندارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۲

سؤال ۳۴۹- آیا کسی حق دارد از اقامه نماز جماعت به امامت شخصی غیر از امام راتب مسجد جلوگیری کند؟
جواب: جایز نیست؛ مگر این که موجب اهانت به نماز جماعت اول شود.

سؤال ۳۵۰- اگر کسی در صحت جماعتی شک داشته باشد (به دلیل شک در عدالت امام جماعت، یا دیگر شرایط جماعت)، آیا می تواند در آن جماعت شرکت کند و بعداً نماز خود را اعاده کند؟ برای حفظ وجهه امام جماعت چطور؟
جواب: اگر مفسده خاصی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۱- در فرض بالا اگر یقین به بطلان جماعت داشته باشد چطور؟
جواب: اگر موجب ترویج باطل نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۳۵۲- اگر یک روحانی با تعویض مکان نمازش، باعث شود جماعت همراهش به چند برابر جماعت قبلی تبدیل شود، تکلیفش چیست؟

جواب: این کار برای درک ثواب بیشتر مانعی ندارد؛ بلکه مستحب است.

سؤال ۳۵۳- از نظر شرعی و قانونی، ادارات به هنگام ظهر برای برگزاری نماز جماعت چه مقدار وقت می توانند کار خود را تعطیل

و ارباب رجوع را منتظر نگهدارند؟

جواب: بهتر این است که نماز را سریعتر انجام دهند و به کارهای مردم برسند.

سؤال ۳۵۴- مدتی بود که هر شب توفیق شرکت در نماز جماعت را داشتم، تا این که یک شب نتوانستم به نماز بروم، به همین جهت فکر کردم که دیگران می‌گویند: چرا امشب به نماز نیامده؟ و یا اگر یک شب دیرتر می‌رفتم، فکر می‌کردم که دیگران می‌گویند: چرا دیرتر آمد؟ آیا این تفکرات نشانگر آن است که عبادت‌هایم از روی ریاکاری بوده است؟

جواب: هرگاه نیت شما برای شرکت در نماز جماعت خداست، این گونه خیالات ضرری به جماعت شما نمی‌زند؛ ولی سعی کنید این افکار را از خود دور کنید، که ممکن است منشأ مشکلاتی شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۳

نماز آیات

سؤال ۳۵۵- اگر زلزله‌ای واقع شود، اما انسان وقوع آن را احساس نکند، خواه بیدار باشد یا در خواب، سپس از منبع موثق و معتبری، مانند سازمان زلزله‌نگاری، کسب اطلاع کند که در محل سکونت او زلزله‌ای رخ داده است؛ آیا در این صورت باید نماز آیات را بخواند؟

جواب: اگر زلزله جز به وسیله دستگاهها قابل درک نباشد نماز ندارد، و اگر قابل درک بوده اما او نفهمیده، احتیاط آن است که نماز آیات را بخواند.

نماز جمعه

اشاره

مسئله ۳۵۶- در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز جمعه واجب تخییری است، یعنی مکلف می‌تواند روز جمعه به جای نماز ظهر نماز جمعه بخواند؛ ولی به هنگام تشکیل حکومت اسلامی احتیاط در انجام نماز جمعه است. مسئله ۳۵۷- کسی که نماز جمعه را بجا آورده، واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند.

شرایط نماز جمعه

مسئله ۳۵۸- نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می‌شود؛ ولی زنان هم می‌توانند در آن شرکت کنند.

مسئله ۳۵۹- نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را بطور فردی بجا آورد.

مسئله ۳۶۰- همه شرایطی که در نماز جماعت معتبر است، در نماز جمعه نیز لازم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۴

است؛ مانند نبودن حائل، بالاتر نبودن جای امام، فاصله بیش از حد در میان صفوف و افراد و غیر اینها «۱».

مسئله ۳۶۱- همه شرایطی که در امام جماعت لازم است، باید در امام جمعه هم باشد؛ مانند عقل، ایمان و عدالت؛ ولی امامت زنان در نماز جمعه جایز نیست؛ هرچند در نمازهای دیگر، برای خودشان جایز باشد.

مسئله ۳۶۲- کمترین فاصله لازم بین دو نماز جمعه یک فرسخ است، بنابراین اگر فاصله کمتر باشد نماز جمعه دوم باطل است و اگر هر دو با هم خوانده شود هر دو باطل است.

مسئله ۳۶۳- کمترین عدد لازم برای انعقاد نماز جمعه، پنج نفر است که باید یکی از آنها امام باشد؛ پس نماز جمعه با کمتر از پنج نفر واجب نیست و منعقد نمی‌شود؛ ولی اگر هفت نفر و بیشتر باشند، فضیلت نماز جمعه بیشتر خواهد بود.

مسئله ۳۶۴- در صورت وجود شرایط لازم، نماز جمعه بر ساکنین شهرها، شهرک‌ها، حاشیه‌نشینان، روستاییان، چادرنشینان و عشایر و بیابانگردهایی که روش زندگی آنها به همین صورت است واجب تخییری است.

مسئله ۳۶۵- فاقدین شرایط وجوب نماز جمعه، اگر اتفاقاً در نماز حاضر شوند، یا با مشقت خود را به آن برسانند، نمازشان صحیح است و نماز ظهر بر آنها واجب نیست. همچنین کسانی که با وجود باران، یا سرمای شدید، یا نداشتن پا، یا عضو دیگر، که موجب مشقت و اسقاط تکلیف نماز جمعه است، در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، نمازشان صحیح است و نیز نماز جمعه پسران نابالغ صحیح است؛ گرچه نمی‌توانند مکمل عدد لازم (۵ نفر) باشند، همان گونه که نمی‌توانند به تنهایی تشکیل نماز جمعه بدهند.

(۱). درباره شرایط، موانع، مبطلات، خلل، شک، سهو و غیره، به فصل مربوط به نماز جماعت در توضیح المسائل ما مراجعه شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۵

مسئله ۳۶۶- مسافر می‌تواند در نماز جمعه شرکت کند، و در این صورت نماز ظهر از او ساقط است؛ لکن مسافرین بنا بر احتیاط واجب به تنهایی (بدون شرکت غیر مسافرین) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند؛ بلکه باید نماز ظهر بخوانند. مسافر نمی‌تواند مکمل عدد لازم (۵ نفر) باشد؛ ولی اگر مسافرین قصد اقامه (ده روز یا بیشتر) بنمایند می‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۱۳۵

مسئله ۳۶۷- زنان می‌توانند در نماز جمعه شرکت کنند و نمازشان صحیح و مجزی از نماز ظهر است؛ اما به تنهایی (بدون شرکت مردان) نمی‌توانند نماز جمعه تشکیل دهند، همان گونه که نمی‌توانند مکمل عدد لازم (۵ نفر) باشند بنا بر احتیاط واجب.

وقت نماز جمعه

مسئله ۳۶۸- وقت نماز جمعه از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود، و با گذشتن آن، وقت نماز جمعه پایان می‌یابد.

مسئله ۳۶۹- احتیاط واجب آن است که خطبه‌ها را قبل از اذان ظهر نخوانند؛ بلکه بعد از اذان باشد و اگر قبل از اذان شروع کنند اما بعد از ورود وقت واجبات خطبه را بطور فشرده انجام دهند کافی است.

مسئله ۳۷۰- جایز نیست امام جمعه خطبه‌ها را آن قدر طولانی کند که وقت نماز بگذرد، و الا باید نماز ظهر را بخواند؛ زیرا نماز جمعه در خارج از وقت آن قضا ندارد.

مسئله ۳۷۱- اگر در بین نماز جمعه وقت آن تمام شود، در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد صحیح است؛ ولی احتیاط مستحب آن است که پس از اتمام آن، نماز ظهر را هم بجا آورد و اگر حتی یک رکعت آن در وقت واقع نشده باطل است؛ هر چند احتیاط واجب آن است که آن را تمام کند، سپس نماز ظهر را بخواند.

مسئله ۳۷۲- اگر یقین دارد وقت به اندازه‌ای هست که می‌تواند حدّ اقل واجب را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۶

خواندن دو خطبه و دو رکعت نماز بجا آورد، بین نماز جمعه و ظهر مختیر است. و اگر یقین دارد که به این اندازه وقت نیست باید

نماز ظهر را بخواند، و اگر شك دارد، نماز جمعه صحیح است؛ ولی در صورتی که پس از نماز معلوم شود که حتی برای یک رکعت هم وقت باقی نبوده، باید نماز ظهر را بجا آورد.

مسئله ۳۷۳- اگر مقدار وقت را می‌داند، ولی شك دارد که در این مقدار می‌تواند نماز جمعه را بجا آورد یا نه؟ جایز است نماز جمعه را شروع کند؛ پس اگر وقت برای همه نماز کافی بود، نمازش صحیح است و الاً باید نماز ظهر را بجا آورد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در این صورت اساساً نماز ظهر را اختیار کند.

مسئله ۳۷۴- در صورتی که نماز جمعه با عدد کامل و در وقت کافی شروع شود، ولی مأمومی به رکعت اول نرسیده باشد، اگر به رکعت دوم، و لو به رکوع آن برسد و اقتدا کند نمازش صحیح است (به شرط آن که بداند وقت به اندازه‌ای هست که رکعت دوم او هم در وقت واقع می‌شود) در این صورت دومین رکعت نماز خود را بطور فردی به جا می‌آورد.

کیفیت نماز جمعه

مسئله ۳۷۵- نماز جمعه دو رکعت است و کیفیت آن مانند نماز صبح است؛ حمد و سوره با صدای بلند خوانده می‌شود و سزاوار است در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم، سوره منافقون را قرائت نمایند.

مسئله ۳۷۶- نماز جمعه دارای دو قنوت است، قنوت اول قبل از رکوع رکعت اول و قنوت دوم بعد از رکوع رکعت دوم است.

مسئله ۳۷۷- نماز جمعه دارای دو خطبه است، که مانند اصل نماز واجب بوده و باید توسط امام جمعه ایراد شود؛ بدون این دو خطبه نماز جمعه محقق نمی‌شود.

مسئله ۳۷۸- واجب است دو خطبه را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر اول نماز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۷

جمعه را بجا آورد باطل است، و در صورتی که وقت باقی است، باید پس از ایراد خطبه‌ها مجدداً نماز جمعه را بخواند؛ ولی اگر نسبت به حکم مسئله جاهل بوده، یا اشتباه کرده احتیاط واجب آن است که خطبه‌ها و نماز را اعاده کند.

مسئله ۳۷۹- در خطبه اول حمد الهی واجب است و به هر لفظی که حمد الهی محسوب شود جایز است؛ ولی احتیاط مستحب آن است که به لفظ جلاله «الله» باشد و پس از آن به ثنای الهی بپردازد و سپس به پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) درود فرستد، و واجب است مردم را به تقوا سفارش کند و یک سوره کوچک از قرآن را بخواند. و در خطبه دوم نیز حمد و ثنای الهی (به صورتی که ذکر شد) و درود بر پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) واجب است. در این خطبه نیز به تقوا سفارش کند و سوره کوچکی از قرآن تلاوت نماید.

مسئله ۳۸۰- احتیاط واجب آن است که در خطبه دوم پس از درود بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، به ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز درود فرستد و برای مؤمنین استغفار کند. و بهتر است از خطبه‌های منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام) یا آنچه از ائمه معصومین (علیهم السلام) وارد شده انتخاب کند.

مسئله ۳۸۱- شایسته است امام جمعه، خطیب و بلیغ باشد و به تناسب اوضاع زمان و مکان سخن گوید و عبارات فصیح و روان به کار برد. به حوادثی که در سراسر جهان برای مسلمین می‌گذرد، بخصوص حوادث منطقه خود، آشنا باشد. مصالح اسلام و مسلمین را تشخیص دهد، چنان شجاع باشد که در راه خدا از ملامت و نکوهش احدی بیم به خود راه ندهد. در اظهار حق و ابطال باطل بر حسب شرایط زمان و مکان صراحت داشته باشد. اموری از قبیل مواظبت در اوقات نماز، و عمل به روش صلحا و اولیای خدا را، که موجب تأثیر کلام او در مردم است، رعایت کند. اعمال او با مواعظ و وعده و وعیدهایش تطبیق نماید. از آنچه که موجب وهن او و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۸

کلامش می‌شود، حتی از قبیل پرگویی، شوخی و بیهوده‌گویی بپرهیزد. و همه این امور را تنها برای خداوند رعایت کند و هدفش اعراض از دنیاپرستی و ریاست‌طلبی، که سرسلسله همه گناهان است، باشد.

مسئله ۳۸۲- شایسته است امام و خطیب جمعه در خطبه نماز جمعه، مصالح دین و دنیای مسلمانان را تذکر دهد، و مردم را در جریان مسائل زیانبار و سودمند کشورهای اسلامی و غیر اسلامی قرار دهد، و نیازهای مسلمین را در امر معاد و معاش تذکر دهد. از امور سیاسی و اقتصادی، آنچه را که در استقلال و کیان مسلمین نقش مهمی دارد، گوشزد کند. کیفیت صحیح روابط آنان را با سایر ملل بیان نماید، و مردم را از دخالت‌های دولتهای ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمین، که منجر به استعمار و استثمار آنها می‌شود، بر حذر دارد. خلاصه، نماز جمعه و دو خطبه آن، نظیر حج و مراکز تجمع آن و نمازهای عید فطر و قربان و غیره، از سنگرهای بزرگی است که متأثرانه مسلمانان از وظایف مهم خود در برابر آن غافل مانده‌اند؛ همان گونه که از سایر پایگاه‌های عظیم سیاست اسلامی گاه غافلند. اسلام آمیخته با سیاست است و کسی که در احکام قضایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام اندکی تأمل کند، متوجه این معنا می‌شود. هر کس گمان کند اسلام از سیاست جداست، نه اسلام را می‌شناسد نه سیاست را.

مسئله ۳۸۳- خوب است به رجاء مطلوبیت، امام و خطیب جمعه در زمستان و تابستان، عمامه داشته باشد و ردایی بپوشد و خود را بیاراید، تمیزترین لباسهای خود را بپوشد و بوی خوش به کار برد، بطوری که با وقار و سکینه باشد. قبل از خطابه، هنگامی که مؤذن اذان می‌گوید، او بر منبر نشسته باشد تا اذان به پایان برسد و خطبه را آغاز کند. هنگام صعود بر منبر خطابه، روبه‌روی مردم بایستد و سلام کند، و مردم نیز با چهره‌های خود از او استقبال کنند و به چیزی از قبیل اسلحه یا عصا تکیه کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۳۹

مسئله ۳۸۴- واجب است امام جمعه شخصاً و در حال ایستاده به ایراد خطبه پردازد. و اگر نتواند خطبه‌ها را در حال ایستاده بخواند، باید دیگری به ایراد خطبه پردازد و امامت نماز را هم بر عهده گیرد، و اگر هیچ کس برای ایراد خطبه‌ها در حال ایستاده پیدا نشود، بنا بر احتیاط واجب نماز جمعه ساقط و نماز ظهر واجب است.

مسئله ۳۸۵- جایز نیست امام جمعه، خطبه‌ها و بخصوص موعظه و توصیه به تقوا را، آهسته ادا کند؛ بلکه لازم است که در هنگام موعظه و سفارش به تقوا، صدای خود را در حدّ مقدور به نمازگزاران برساند، و در مجامع بزرگ توسط بلندگوها به خطبه پردازد تا تشویق و تحذیر و مسائل مهمه به گوش همگان برسد.

مسئله ۳۸۶- احتیاط مستحب آن است که امام در حال خطبه، سخنی غیر مربوط به خطبه‌ها نگوید؛ البته در فاصله بین خطبه‌ها و نماز، سخن گفتن بلامانع است.

مسئله ۳۸۷- واجب است امام پس از خطبه اول، مقدار کمی بنشیند و سپس به خطبه دوم پردازد.

مسئله ۳۸۸- احتیاط واجب آن است امام و مستمعین، در حال خطبه دارای طهارت کامل (که برای نماز معتبر است) باشند.

مسئله ۳۸۹- احتیاط واجب آن است که امام جمعه در خطبه حمد الهی و درود بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) را به زبان عربی ایراد نماید، گرچه او و مستمعین عرب نباشند؛ امّا می‌تواند در مقام وعظ و توصیه به تقوا، به زبان دیگری تکلم نماید. و احتیاط واجب آن است که موعظه و آنچه را به مصالح مسلمین مربوط می‌شود، به زبان مستمعین ادا نماید، و اگر مستمعین مختلفند، آنها را به زبانهای مختلف تکرار کند. گرچه در صورتی که مأمومین بیش از حدّ نصاب (چهار نفر) باشند می‌تواند به زبان حدّ نصاب (چهار نفر) اکتفا نماید؛ ولی احتیاط واجب آن است که آنها را به زبان خودشان موعظه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۰

مسئله ۳۹۰- احتیاط واجب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه با طهارت باشند و رو به امام بنشینند و سکوت را رعایت کنند

و به خطبه‌ها گوش فرا دهند؛ ولی اگر عمداً سخن بگویند نماز جمعه آنها باطل نمی‌شود؛ هر چند کار خلاف کرده‌اند.
مسئله ۳۹۱- اذان دوّم (اذان بعد از خطبه‌های نماز جمعه) در روز جمعه بدعت و حرام است.

احکام نماز جمعه

مسئله ۳۹۲- اگر مأومومی، که رکوع رکعت اول امام جمعه را درک کرده، به علت کثرت جمعیت، یا غیر آن، نتواند در سجده‌ها با امام همراهی کند، در این صورت اگر بتواند (پس از قیام امام برای رکعت دوّم) سجده‌ها را خود بجا آورده و قبل از رکوع، یا در حین آن به امام ملحق شود نمازش را ادامه دهد؛ ولی احتیاط واجب در این صورت اعاده نماز به صورت ظهر بعد از اتمام نماز جمعه است، و الا باید به همان حال باقی بماند تا امام به سجده‌های رکعت دوّم برسد، آنگاه دو سجده را به نیت سجده‌های رکعت اول نماز خود، همراه با امام بجا آورد و سپس رکعت دوّم را فرادی بخواند و نمازش صحیح است.

مسئله ۳۹۳- اگر مأوموم به قصد اتصال به نماز، در رکوع رکعت دوّم تکبیر بگوید و به رکوع برود؛ ولی شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه؟ نماز جمعه او محقق نمی‌شود، و احتیاط واجب آن است که آن نماز را به نیت نماز ظهر به پایان برساند و سپس نماز ظهر را اعاده کند.

مسئله ۳۹۴- اگر مأومومین پس از اتمام خطبه‌ها و شروع نماز امام به عللی از اقتدا به او خودداری کنند و امام را تنها بگذارند، نماز جمعه منعقد نشده و باطل است و امام می‌تواند آن نماز را رها نموده و به نماز ظهر بپردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۱

مسئله ۳۹۵- اگر عدد مأومومین بیش از حدّ لازم (۴ نفر) برای نماز جمعه باشد، پراکندگی عده‌ای از آنها مطلقاً ضرر ندارد؛ به شرط آن که افراد باقی‌مانده از ۴ نفر کمتر نباشند.

مسئله ۳۹۶- اگر مأومومین بعد از خطبه یا در اثنای آن متفرّق شوند (بطوری که کمتر از ۵ نفر باقی بمانند) و سپس برگردند تا عدد لازم کامل شود، در صورتی که حدّ لازم خطبه محقق شده باشد، اعاده خطبه واجب نیست، به شرط آن که موالات عرفیه به هم نخورده باشد و الا اشکال دارد، و در صورتی که حدّ لازم خطبه محقق نشده باشد، اگر علت تفرّق انصراف مأومومین از نماز جمعه بوده، احتیاط واجب آن است که پس از بازگشت آنها، امام خطبه‌ها را از نو بخواند (و لو این که مدّت تفرّق کم باشد) و اگر علت تفرّق و پراکندگی امری نظیر باران و غیره بوده، در این صورت اگر مدّت آن به قدری طولانی شود که عرفاً به یکپارچگی خطبه لطمه بزند، واجب است خطبه‌ها را از نو بخواند و الا خطبه قبلی را ادامه می‌دهد و صحیح است.

مسئله ۳۹۷- اگر در جایی نماز جمعه برگزار شد، نباید در فاصله‌ای کمتر از یک فرسخی آن نماز جمعه دیگری منعقد شود، پس اگر با فاصله یک فرسخ دو نماز جمعه برگزار شود هر دو صحیح است. لازم به تذکر است که میزان در مسافت، محلّ نماز جمعه است، نه شهری که نماز جمعه در آن تشکیل شده است؛ بنابراین در شهرهای بزرگی که طول آن چند فرسخ است، می‌توان چند نماز جمعه تشکیل داد.

مسئله ۳۹۸- احتیاط مستحب آن است که قبل از اقامه نماز جمعه، مطمئن شوند که در کمتر از حدّ مقرر نماز جمعه دیگری، قبل از آنها و یا مقارن آنها، برگزار نشده و نمی‌شود.

مسئله ۳۹۹- اگر دو نماز جمعه در یک زمان و در فاصله کمتر از حدّ معین (یک فرسخ) تشکیل شود، هر دو باطل است؛ ولی اگر یکی از آنها قبلاً شروع شده است، دیگری باطل است؛ چه نماز گزاران بدانند که قبل از آنها یا بعد از آنها، نماز جمعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۲

دیگری در فاصله کمتر برقرار شده و یا می‌شود و چه ندانند؛ و میزان در صحت، تقدّم در نماز است و احتیاط آن است که خطبه‌ها

نیز مقدم باشد.

مسئله ۴۰۰- اگر یقین دارند که در فاصله کمتر از حد لازم (یک فرسخ) نماز جمعه‌ای برپا شده، ولی شک دارند که آن نماز قبلاً برگزار شده یا نه، و یا شک دارند که آن نماز مقارن با آنها برگزار می‌شود یا نه، در هر دو صورت می‌توانند خود نماز جمعه‌ای تشکیل دهند، و همچنین است در صورتی که نسبت به اصل انعقاد نماز جمعه دیگر، اطمینان نداشته باشند.

مسئله ۴۰۱- اگر پس از پایان نماز جمعه متوجه شوند که نماز جمعه دیگری در کمتر از حد مقرر تشکیل شده و هر یک از دو گروه احتمال دهد که قبل از دیگری به اقامه جمعه پرداخته، بر هیچ یک اعاده جمعه و نیز نماز ظهر واجب نیست؛ گرچه این کار مطابق احتیاط است. ولی اگر گروه سومی خواسته باشند در همان محدوده، اقامه جمعه دیگری بنمایند، باید یقین داشته باشند که آن دو نماز جمعه باطل است و اگر احتمال صحت یکی از آن دو را بدهند، نمی‌توانند اقامه جمعه دیگری بنمایند.

سؤال ۴۰۲- آیا نرسیدن به خطبه‌های نماز جمعه اشکال دارد؟

جواب: باید سعی کنند به خطبه‌های نماز برسند؛ ولی اگر نرسیدند و به نماز برسند، نماز صحیح است.

سؤال ۴۰۳- اگر کسی تمام خطبه‌های نماز جمعه را گوش نکند؛ یعنی مثلاً وسط خطبه برسد، یا این که صحبت کند بطوری که مفاهیم خطبه را آن طوری که باید بفهمد متوجه نشود، آیا نماز جمعه او کفایت از نماز ظهر می‌کند؟

جواب: نماز جمعه او صحیح است و کفایت از ظهر می‌کند؛ هر چند کار خلافی کرده است.

سؤال ۴۰۴- در رساله عملیه برخی از مراجع تقلید آمده است: «اگر کسی پشت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۳

ستون بایستد هر چند از طرف راست و چپ هم اتصال داشته باشد، نمازش اشکال دارد» در نمازهای جمعه که عده زیادی به این طریق نماز می‌خوانند و فقط از طرف راست یا چپ اتصال دارند، نماز آنان چه حکمی دارد؟

جواب: کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ، به واسطه مأموم دیگر به امام متصل باشد کافی است.

سؤال ۴۰۵- معمولاً در بین خطبه‌های نماز جمعه، نمازگزاران با گفتن سه تکبیر و دادن شعارهایی، سخن امام جمعه را تأیید می‌نمایند، و هنگام شنیدن اسم مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می‌کنند، و صلوات می‌فرستند، و موقعی که امام جمعه دعا می‌کند آمین می‌گویند، و گاهی بعضی حرکت می‌کنند و با یکدیگر حرف می‌زنند، آیا این امور نماز جمعه را باطل نمی‌کند؟

جواب: اشکال ندارد، و در فرض سؤال نماز جمعه صحیح است؛ ولی از حرف زدنی که فایده خطبه را فوت کند، اجتناب لازم است.

سؤال ۴۰۶- آیا زن بدون اجازه شوهر می‌تواند در نماز جمعه، دعای کمیل، و راه‌پیمایی‌های اسلامی، شرکت نماید؟

جواب: خروج زن از منزل در غیر واجبات (مثل تشرف به حج واجب و مراجعه به دکتر)، منوط به اجازه شوهر است؛ مگر در مواردی که اگر به مجالس دینی و مساجد نرود، از اسلام دور می‌ماند و تعالیم لازم اسلام را فرا نمی‌گیرد و اخلاق اسلامی را ترک می‌کند، یا در آن ضعیف می‌شود. در چنین شرایطی شرکت در مراسم مزبور برای بانوان مانعی ندارد؛ هر چند شوهر راضی نباشد.

سؤال ۴۰۷- اگر در یک مکان دو نماز جمعه اقامه شود، در حالی که امام جمعه می‌داند این کار خلاف شریعت است، آیا تقصیر امام جمعه نیست که باعث اقامه این بدعت شده است، و اگر او مقصر باشد از عدالت خارج می‌شود؟

جواب: هر گاه دو نماز جمعه در جایی بدون فاصله یک فرسخ خوانده شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۴

نماز دوّم باطل است و اگر کسی عالمّاً و عامداً این کار را بکند، گنہکار است.

سؤال ۴۰۸- اگر در وقت خطبه‌های نماز جمعه چرت بزند، و گمان کند وضویش باطل شده و بدون تجدید وضو، نماز جمعه و عصر را با امام جمعه بخواند، آیا نمازش صحیح است؟ و اگر صحیح نبوده، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: چنانچه یقین به باطل شدن وضو پیدا نکند، نمازش صحیح است.

مسائل متفرقه نماز

سؤال ۴۰۹- رفت و آمد و دوستی با کسانی که نماز نمی‌خوانند چه حکمی دارد؟

جواب: دوستی با آنها، برای راهنمایی و تشویق به خواندن نماز خیلی خوب است؛ ولی اگر فایده‌ای ندارد از آنها جدا شود.

سؤال ۴۱۰- آیا نماز در هیچ حال از مسلمان ساقط نمی‌شود؟ (البته به استثنای ایّام عادت و ولادت برای زن) به عنوان مثال آیا در جنگ، در حال آتش‌سوزی، کسی که آب یا خاک برای وضو و تیمّم ندارد، یا در حالت تقیّه، یا کسی که فلج است و بر تخت بیمارستان بستری شده، یا کسی که با اشاره چشم هم نمی‌تواند نماز بخواند، و مانند آن نماز ساقط می‌شود؟
جواب: در هیچ حالی، جز آنچه در بالا- در مورد زنان اشاره گردید، نماز ساقط نمی‌شود؛ منتها گاه بطور کامل خوانده می‌شود و گاه با اشارات و گاهی به صورت کوتاه و مختصر و یا حتّی با اشاره قلبی و گذراندن مفاهیم و اعمال نماز در دل انجام می‌گیرد، آری نماز در هیچ حال ترک نمی‌شود.

سؤال ۴۱۱- اگر در مسجد بین نماز خواندن و دیگر اعمال، مانند قرآن خواندن، یا دعا خواندن تراحم شود، کدام یک مقدّم است؟
جواب: نماز مقدّم است؛ هیچ چیز در مسجد نباید مزاحم نماز شود.

سؤال ۴۱۲- اگر نماز خود را به سبب گوش دادن به صدای قرآن طولانی نماید، آیا به نماز او ضرر می‌رساند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۵

جواب: ضرر نمی‌رساند.

سؤال ۴۱۳- مدّت شش ماه است که مرد چهل ساله بی‌سوادی که دارای همسر و هفت فرزند می‌باشد را به عنوان خادم به مسجدی آورده‌اند؛ اکنون معلوم شده که نماز بلد نیست و برای یاد گرفتن و انجام آن رغبتی نشان نمی‌دهد، و هیأت امنای قصد اخراج او را دارند؛ ولی از آنجا که با اخراج او و قطع درآمدش، قطعاً اهل و عیال و فرزندانش دچار مضیقّه شدید مالی خواهند شد، و در اجتماع سرگردان می‌شوند، و به گدایی خواهند افتاد، آیا به علت بی‌نمازی و بی‌مبالاتی‌های دینی، او را اخراج کنیم؟ یا به خاطر اطفال صغار که ممکن است در آینده افرادی نمازخوان و متدین شوند او را نگهداریم؟

جواب: بهتر این است که او را از طرق مختلف، چه از طریق نصیحت و یا تهدید به اخراج، تدریجاً وادار به انجام فرایض دینی کنید؛ حتّی به او قول بدهید که اگر در این قسمت جدّی شود، مثلاً مبلغی بر حقوقش بیفزایید و از نتیجه این کار مأیوس نباشید.

سؤال ۴۱۴- تا چه حد از بیماریها و اختلالات روحی و روانی، باعث ساقط شدن تکلیف نماز و روزه می‌شود؟ تشخیص آن به عهده چه کسی است؟

جواب: در صورتی که عرفاً به او دیوانه و مجنون بگویند، و یا این که وقت نماز را نتواند تشخیص دهد، نماز از او ساقط می‌شود.

سؤال ۴۱۵- بعد از هر نماز واجب (چه به صورت فردی و چه به صورت جماعت)، چه تعقیباتی در اولویّت است؟ در نمازهای جماعت چون غالباً در مدّتی که برای نمازهای نافله و تعقیبات خاصّ آن نماز وجود دارد، به دعاهای دیگری می‌پردازند (مثلاً دعای فرج می‌خوانند) آیا اولویّت با تعقیبات هر نماز و نافله‌های آن نماز است؟ یا با این دعاهایی که به صورت دسته جمعی خوانده می‌شود؟ تکلیف سایر نمازگزاران چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۶

جواب: از تعقیبات معروف و مهم، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است که ثواب بسیار دارد، تعقیبات مشترک و خاص هر نماز نیز در روایات وارد شده که قسمت مهمی از آن در کتب ادعیه، از جمله مفاتیح الجنان، آمده است و خواندن دعاهای دسته جمعی نیز اشکالی ندارد.

سؤال ۴۱۶- اگر نماز گزار در نماز عمدتاً حواس خود را در جای دیگری ببرد، نمازش چه حکمی دارد؟

جواب: نمازش باطل نیست؛ لکن روح نماز توجه به خداست، باید کوشش کرد حضور قلب حاصل شود.

سؤال ۴۱۷- اگر فرزند مکلف انسان خواب باشد، آیا بیدار کردن او برای نماز صبح واجب است؟

جواب: اگر علم به رضایت او دارد، او را بیدار کند و همچنین اگر می‌داند ادامه این وضع باعث سهل‌انگاری او در امر نماز می‌شود؛ در غیر این دو صورت جایز نیست.

سؤال ۴۱۸- اگر بیدار کردن فرزند مکلف برای نماز موجب ناراحتی او شود و از نماز زده شود، بیدار کردن او چه حکمی دارد؟

جواب: در این فرض جایز نیست؛ ولی باید تدریجاً او را توجیه کند تا رضایت به بیدار کردن بدهد.

سؤال ۴۱۹- آیا مجبور کردن مردم به نماز خواندن در ادارات و مدارس، که گاه موجب تمسخر آنان می‌شود، درست است؟

جواب: برای امر به معروف، باید از راههایی که مفید و مؤثر است و پیامدهای منفی ندارد، استفاده کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۷

فصل یازدهم: احکام روزه

مبطلات روزه

۱- خوردن و آشامیدن

سؤال ۴۲۰- آیا خوردن و آشامیدن سهوی، در روزه قضا و مستحبی موجب بطلان روزه است؟

جواب: موجب بطلان روزه نیست، مانند روزه ماه مبارک رمضان.

سؤال ۴۲۱- در سحرگاه ماه مبارک رمضان اغلب طعم و بوی بعضی از غذاها، یا خمیر دندان، برای مدتی در دهان می‌ماند، در این موارد پس از چند بار بیرون ریختن آب دهان، اگر باز هم طعم یا بوی اینها در دهان باقی بماند تکلیف چیست؟

جواب: اگر دهان به خوبی شستشو داده شود، که اجزای غذا باقی نماند، اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۲- ماده‌ای است به نام «نسوار» که از تنباکو و آهک تهیه می‌شود، ماده مزبور را در دهان می‌گذارند و مقداری هم سبب بی‌حالی می‌شود، استفاده از آن برای روزه‌دار چه حکمی دارد؟

جواب: شیء مزبور مطمئناً برای روزه اشکال دارد و در غیر حال روزه نیز استفاده از آن شرعاً بدون اشکال نیست.

سؤال ۴۲۳- آیا شستشوی معده از طریق سوند معده، باعث ابطال روزه بیمار می‌شود؟ (توضیح این که شستشوی معده با مایعات از طریق سوند انجام می‌گیرد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۸

سپس مایع وارد شده از طریق سوند به بیرون کشیده می‌شود).

جواب: جایز نیست، مگر در حال ضرورت و در این صورت باید روزه را قضا کند.

سؤال ۴۲۴- آیا تزریق خون به بدن موجب ابطال روزه می‌شود؟

جواب: احتیاط اتمام آن روزه و قضای آن است.

سؤال ۴۲۵- در ترمیم و قالب‌گیری دندان، از موادی استفاده می‌شود که قابل حل شدن با آب دهان است و مزه آن چشیده می‌شود، آیا برای روزه اشکال دارد؟

جواب: اگر آب دهان را بیرون بریزد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۲۶- هنگامی که انسان روزه‌دار است، چنانچه گُندُر، سقز یا آدامسی که مزه شیرینی آن رفته باشد بجود، آیا روزه او باطل است؟

جواب: با توجه به این که اجزای آن تدریجاً جدا می‌شود، جایز نیست.

سؤال ۴۲۷- حکم روزه بیمارانی که از دارو استفاده می‌کنند، در فروض زیر چیست؟

الف) تزریق آمپول یا سرم از طریق رگ انجام می‌شود و دارو:

۱- فقط جنبه تقویتی داشته باشد.

۲- جنبه درمانی و تقویتی داشته باشد.

۳- جنبه غیر تقویتی داشته باشد.

جواب: تمام انواع تزریقات برای روزه‌دار اشکال دارد؛ مگر تزریقات موضعی، مانند آمپولهایی که برای سر کردن عضوی می‌زنند.

ب) استفاده از قطره، در سه فرض فوق نسبت به دارو، از طریق چشم، گوش، یا بینی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به حلق وارد نشود، یا شک داشته باشیم، اشکالی ندارد.

ج) وارد کردن دارو از طریق سوند معده (لوله‌ای که از طریق دهان یا بینی وارد معده بیمار می‌شود) چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۴۹

جواب: جایز نیست؛ مگر در مواقع ضرورت که آن نیز موجب بطلان روزه است.

۲- دروغ بستن به خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله)

سؤال ۴۲۸- آیا حدیث شریف کسا، که منقول از عوالم العلوم شیخ عبد الله بحرانی است، معتبر است؟ اگر در حال روزه بخوانیم برای روزه اشکال دارد؟

جواب: حدیث مزبور از احادیث مشهوره است، البتّه اجمال آن به طور متواتر در کتب شیعه و اهل سنت نقل شده است؛ ولی مفصل و مشهور آن تنها در بعضی از کتب شیعه آمده است و مرحوم «شیخ عبد الله بحرانی» در کتاب «عوالم» آن را با سند خود، از جابر بن عبد الله انصاری، از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) نقل کرده است؛ و چون بعضی از رجال این سند در میان بزرگان مورد گفتگو هستند بهتر این است که به قصد رجا خوانده شود، و در این صورت روزه باطل نمی‌شود (۱).

۳- رساندن غبار غلیظ به حلق

سؤال ۴۲۹- کشیدن سیگار، قلیان و چپق، در حال روزه چه حکمی دارد؟

جواب: تمام اینها اشکال دارد، و اگر عمداً انجام دهند احتیاط واجب قضای روزه است؛ بلکه استفاده از دخانیات در غیر حال روزه نیز حرام است.

۴- تنقیه کردن با مایعات

سؤال ۴۳۰- روزه بیماری که تنقیه می‌کند، اما مایع به شکم او نمی‌رسد و فقط به نشیمنگاه او وارد می‌شود، چه حکمی دارد؟
جواب: روزه او باطل است؛ هر چند به شکم نرسد.

(۱). احقاق الحق، جلد دوم، صفحه ۵۴۶.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۰

سؤال ۴۳۱- بیماری که ناچار است هر روز، یا یک روز در میان با آب خالص تنقیه کند، تکلیف روزه‌هایش چه می‌شود؟
جواب: اگر می‌تواند، این کار را در شب انجام دهد، و اگر نمی‌تواند باید روزه را قضا کند.

مکروهات روزه

سؤال ۴۳۲- حکم کشیدن دندان، یا هر گونه اعمال جراحی لثه و دندان که باعث خونریزی شود، در حال روزه چیست؟
جواب: مکروه است؛ ولی باطل نیست.

قضا و کفاره روزه

سؤال ۴۳۳- اگر انسان فراموش کند که روزه قضا دارد و آن را انجام ندهد و چند روز مانده به ماه مبارک یادش بیاید، ولی نتواند قضا را بجا آورد، حکم او چیست؟

جواب: آنچه از قضای روزه مانده، بعد از ماه رمضان بجا می‌آورد و احتیاط آن است که برای هر یک روز روزه یک مد طعام (یعنی معادل ۷۵۰ گرم گندم) به فقیر بدهد.

سؤال ۴۳۴- شخصی سه روز روزه بدهکار می‌باشد و سه روز هم به ماه رمضان مانده است، اگر پیش از ظهر افطار کند، آیا کفاره دارد؟ و اگر تا سال دیگر تأخیر بیندازد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر قبل از ظهر افطار کرده، کفاره تأخیر دارد؛ یعنی برای هر یک روز یک مد طعام باید بدهد و از گناه خود استغفار کند و قضای آن را بعداً بجا آورد و اگر بعد از ظهر بوده علاوه بر آنچه گفته شد باید کفاره افطار روزه قضا را هم بدهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۱

سؤال ۴۳۵- آیا در مد طعام، که به عنوان کفاره روزه پرداخته می‌شود، گوشت هم کفایت می‌کند؟
جواب: به تنهایی اشکال دارد.

سؤال ۴۳۶- آیا کسی که قضای روزه ماه رمضان بدهکار است، می‌تواند نذر کند و روزه بجا آورد؟ کسی که قضای روزه‌های ماه رمضان را بجا آورده باشد، ولی کفاره روزه ماه رمضان بدهکار است چگونه؟

جواب: نذر در تمام این موارد اشکال دارد.

سؤال ۴۳۷- در ماه مبارک رمضان امتحان داشتم و چون درسها را تا آن زمان مطالعه نکرده بودم، دچار این اضطراب شدم که شاید با گرفتن روزه نتوانم در امتحان موفق شوم؛ البته قبل از شروع ماه مبارک، سه روز از روزه‌های قضایم را گرفتم، ولی در آن روزها به هیچ عنوانی درس نخواندم و با این که هیکل درشتی داشتم ضعف می‌کردم (از نظر بدنی عذری ندارم) به همین جهت روزه نگرفتم؛ البته با تمام شدن امتحانات، باقیمانده ماه مبارک را روزه گرفتم، حکم روزه‌هایی که نگرفتم چیست؟

جواب: ترک عمدی روزه در ماه مبارک رمضان کفاره دارد، و گناه بزرگی است؛ ولی اگر شما یقین داشته‌اید که در آن شرایط

روزه بر شما واجب نیست، کفاره ندارد.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

سؤال ۴۳۸- زنی هستم ۶۳ ساله که شش بچه به دنیا آورده‌ام، در دوران حاملگی و شیرخوارگی بچه‌هایم (حدود ۱۲ سال) نتوانسته‌ام روزه بگیرم، پس از آن نیز تا کنون هر وقت خواستم روزه بگیرم دچار خونریزی معده شده‌ام و با توصیه پزشکان روزه نگرفته‌ام، حال تکلیف روزه‌های بنده چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۲

جواب: در حال حاضر شما مکلف به روزه نیستید و احتیاط آن است که اگر قدرت دارید برای هر روز به اندازه یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم گندم) به شخص مستحق بدهید، همچنین برای ایام گذشته که روزه نگرفته‌اید و تا سال بعد هم توانایی بر روزه نداشته‌اید.

سؤال ۴۳۹- دختری به سنّ بلوغ رسیده است؛ ولی به واسطه ضعف جسمی توان روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان را ندارد و بعد از ماه رمضان هم تا سال بعد نمی‌تواند قضا کند، حکمش چیست؟

جواب: باید کفاره مدّ طعام را بدهد؛ یعنی برای هر روز معادل ۷۵۰ گرم گندم و مانند آن به فقیر بدهد. و قضای این روزه‌ها بر او واجب نیست.

سؤال ۴۴۰- بعضی از برادران قطع نخاعی، به دستور پزشک باید هر چند ساعت مقداری مایعات بنوشند، وظیفه آنان برای روزه چیست؟

جواب: روزه از آنها ساقط است و بجای آن، در صورتی که قدرت مالی داشته باشند، برای هر روز یک مدّ طعام کفاره می‌دهند.

سؤال ۴۴۱- فردی معتاد به تریاک است و نمی‌تواند ترک نماید، به همین علت، نه به صورت ادا و نه به صورت قضا، توان روزه گرفتن را ندارد، آیا این فرد حکم مریض را دارد؟ یا این که باید کفاره بدهد؟

جواب: باید احتیاطاً روزه بگیرد هر چند از آن دود به مقدار ضرورت استفاده کند و بعد هم برای هر روز یک فقیر را هم سیر نماید.

سؤال ۴۴۲- در مسأله ۱۴۵۰ توضیح المسائل فرموده‌اید: «مرد و زن پیر که روزه گرفتن برای آنها مشکل است می‌توانند روزه را ترک کنند» لطفاً معیار و میزان پیری را معین فرمایید.

جواب: میزان پیری موکول به عرف است؛ یعنی توده مردم به چنین کسی پیرمرد و یا پیرزن اطلاق کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۳

سؤال ۴۴۳- آیا بر مادری که بچه شیر می‌دهد، روزه واجب است؟

جواب: زنانی که بچه شیر می‌دهند خواه مادر بچه باشند یا دایه، اگر روزه گرفتن باعث کمی شیر آنها و ناراحتی بچه می‌شود روزه بر آنها واجب نیست، ولی برای هر روز کفاره (یک مدّ طعام) واجب است، بعداً نیز باید روزه را قضا کنند؛ اما اگر روزه برای خودشان ضرر داشته باشد کفاره لازم نیست، ولی بعداً روزه‌های را که نگرفته‌اند قضا نمایند.

احکام رؤیت هلال

سؤال ۴۴۴- اگر هلال ماه شوال دیده شود و هنوز مغرب نشده باشد، آیا می‌شود روزه را افطار کرد؟ اگر عمداً روزه را افطار کنند حکم آن چیست؟ اگر کسی دستور دهد که روزه را افطار کنید و هنوز وقت افطار نباشد، آیا بر او کفاره خود و مردم واجب است؟ جواب: دیدن ماه شوال به تنهایی برای افطار کافی نیست؛ بلکه باید روز تمام شود. و اگر کسی جاهل به مسأله بوده باید قضا کند، اما کفاره ندارد و بر کسی که دستور افطار داده کفاره‌ای نیست؛ هر چند نباید بدون تحقیق مسأله بگوید.

سؤال ۴۴۵- در کشور پاکستان دو نفر از علمای شیعه و دو تن از اهل سنت و چهار نفر از اهل حدیث (وهابی‌ها) را برای رؤیت هلال انتخاب نموده‌اند. این کمیته از طرف دولت وقت انتخاب شده است، نه از طرف مجتهد جامع الشرائط؛ در اواخر هر ماه، کمیته مذکور در شهر لاهور پاکستان تشکیل می‌شود و رؤیت هلال از زبان رئیس کمیته (که از اهل تسنن است) به وسیله رادیو و تلویزیون، به اطلاع مردم می‌رسد، آیا به مجرد اطلاع و اعلام رئیس این کمیته، روزه را می‌توان افطار کرد؟

جواب: هر گاه در میان آنها دو شیعه عادل بوده باشد که شهادت به رؤیت هلال ماه بدهند، شهادت آنها قبول است؛ همچنین اگر از مجموع شهادت آنها اطمینان به رؤیت هلال حاصل شود کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۴

مسائل متفرقه روزه

سؤال ۴۴۶- برخی از مردم در ماه مبارک رمضان افطاریه می‌دهند، طبق تحقیقات انجام شده این افطاریه‌ها طبق نذر خاصی نیست؛ یعنی اگر وضعشان خوب باشد افطاریه می‌دهند و اگر نباشد نمی‌دهند؛ از سوی دیگر آنها شدیداً نیاز به کارهای فرهنگی و خرید لوازم فرهنگی، نظیر بلندگو و تشکیل کتابخانه و مانند آن دارند، آیا می‌توان مبالغ این افطاریه‌ها را جمع‌آوری نموده، صرف کارهای فرهنگی خود آنها کرد؟

جواب: در صورتی که نذر نکرده باشند و صاحبان پول رضایت به این کار بدهند مانعی ندارد؛ ولی بهتر این است که سنت افطاری تعطیل نشود و کارهای فرهنگی را نیز انجام بدهند، و اعتدال را در هر دو قسمت رعایت کنند.

سؤال ۴۴۷- شخصی به هنگام افطار، همراه دوست سنی خود می‌باشد، آیا می‌تواند طبق وقت آنها افطار بکند؟ یا باید به وقت خودش افطار نماید؟

جواب: اگر محذوری ندارد، منتظر وقت افطار خودش باشد.

سؤال ۴۴۸- آیا مقدمه کتاب «روزه روش نوینی برای درمان بیماری‌ها» نوشته «الکسی سوفورین» که روزه خاصی را دستور می‌دهد و ترجمه جناب آقای «محمد جعفر امامی» است از شماست؟ اگر چنین است، این روش درمانی در این دوران چگونه است؟

جواب: همان‌گونه که در مقدمه آن نوشته‌ایم اگر زیر نظر طبیب انجام شود، برای افرادی که استعداد و آمادگی آن را دارند می‌تواند مفید واقع شود؛ ولی توصیه ما به روزه اسلامی است، مشروط بر رعایت تعادل در خوردن افطاری و سحری؛ که اگر این مسأله رعایت شود همان منافع مهم را دارد، بدون مشکلات آن.

سؤال ۴۴۹- با توجه به این که در مراسم حج عمره، در ماه مبارک رمضان، در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۵

مسجد الحرام و مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) قبل از اذان مغرب، سفره افطار گسترده شده و به محض شروع اذان مغرب (که با اذان مغرب واقعی به نظر اکثر علمای امامیه یک ربع فاصله دارد) همه شروع به افطار نموده و از دیگران نیز دعوت به افطار می‌نمایند، و در صورت عدم افطار موجب انگشت‌نما شدن و بعضاً وهن شیعه می‌شود و تقیّه مداراتی در اینجا ضروری‌تر از شرکت در نماز مغرب به نظر می‌رسد، آیا اجازه می‌فرمایید که شیعیان در هتل‌ها بمانند و هنگام مغرب در ماه مبارک در مساجد حاضر نشوند؟ یا این که حضور یافته و تقیّه افطار نمایند؟

جواب: بهتر است برای نماز مغرب در مسجد حضور یابند و اگر به آنها اصرار بر افطار شود، می‌توانند افطار کنند و روزه آنها صحیح است.

سؤال ۴۵۰- اگر انسان افسرده باشد، نه از نوع خیلی شدید؛ بلکه از نوعی که دکترها و روانشناسان تشخیص افسردگی دهند و در

این مدت نمازش را عمداً ترک کند و روزه هم نگیرد و به خدا بدگمان شود و از رحمت او مأیوس گردد. و کشف حجاب کند، در حالی که عقلش سر جاییش است و آگاه و عاقل است، حکمش چیست؟

جواب: انسان باید همیشه به خداوند قادر مهربان امیدوار باشد و آنچه را او دستور داده از نماز، روزه، حجاب، یا سایر وظایف دینی انجام دهد و از رحمت واسعه او مأیوس نباشد، که ناامیدی از گناهان کبیره است و هیچ کس حق ندارد به بهانه افسردگی وظایف شرعی خود را ترک کند؛ مگر این که بر اثر بیماری افسردگی عقل و هوش خود را از دست بدهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۷

فصل دوازدهم: احکام اعتکاف

تعریف، فلسفه و فضیلت اعتکاف

سؤال ۴۵۱- اعتکاف را تعریف کنید. آیا در اعتکاف، توقف در مسجد بدون قصد عبادت کافی است؟

جواب: اعتکاف عبارت است از ماندن با آداب مخصوص در مسجد به قصد قربت؛ و تنها ماندن در مسجد بدون قصد، اعتکاف محسوب نمی‌شود، و هر مسجدی نیز کافی نیست؛ بلکه باید از مساجد جامع شهر باشد.

سؤال ۴۵۲- اعتکاف چه فلسفه‌ای دارد؟ لطفاً به برخی از فضایل آن اشاره فرمایید.

جواب: اعتکاف یک برنامه مهم خودسازی است که انسان را در مدت چند روز به کلی از مظاهر مادی دنیا جدا می‌سازد و در یک عالم روحانی و معنوی غرق می‌کند، و او را به نگرستن مجدد به برنامه‌های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسبه و مراقبه وامی‌دارد، و در مجموع یک تولد ثانوی محسوب می‌شود، و شایسته است مسلمانان از آن بهره گیرند و این سنت اسلامی را زنده نگه دارند.

سؤال ۴۵۳- آیا سنت اعتکاف اختصاص به شریعت مقدسه اسلام دارد؟ یا این که در شرایع و ادیان سابق نیز وجود داشته است؟

جواب: مراسمی شبیه به اعتکاف در میان بعضی از مؤمنان به شرایع سابق بوده است و در زندگی حضرت مریم، و زکریا (علیهم السلام) آثاری از آن دیده می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۸

زمان اعتکاف

سؤال ۴۵۴- آیا اعتکاف در تمام ایام سال جایز است، یا اختصاص به ماه رجب المرجب و ماه مبارک رمضان دارد؟ اعتکاف در کدام یک از این دو ماه افضل است؟

جواب: اعتکاف در تمام ایام سال، جز در دو روز که روزه در آن حرام است، مطلوب است؛ ولی در ماه مبارک رمضان و ماه رجب فضیلت بیشتری دارد.

مکان اعتکاف

سؤال ۴۵۵- اعتکاف در حیاط مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکاف در شبستان و سرداب و صحن مسجد جایز است؛ مگر در مواردی که جزء مسجد نیست، یا ظاهر حال چنین باشد، و در موارد شک حکم مسجد بر آنها جاری نمی‌شود.

سؤال ۴۵۶- آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاه‌ها، به امید مطلوبیت اشکال دارد؟ در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف، از قبیل ترک محرّمات، جاری می‌شود؟

جواب: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد؛ و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که قشرهای مختلف شهر در آن شرکت می‌کنند، و از اعتکاف در سایر مساجد و نمازخانه‌ها خودداری شود.

سؤال ۴۵۷- اعتکاف در مساجد دانشگاه‌های سراسر کشور چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که گروه‌های خارج از دانشگاه هم برای اقامه نماز از جاهای مختلف به مسجد دانشگاه می‌آیند، اعتکاف در آن جایز است.

سؤال ۴۵۸- آیا می‌توان نذر کرد که در شهر خاصی معتکف شد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۴۵۹- اگر در شهری مسجد جامع متعدّد باشد، تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۵۹

جواب: در تمام مساجد جامع شهر می‌توان اعتکاف کرد.

سؤال ۴۶۰- آیا اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران، که از آن جهت نمازهای یومیّه و نماز آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) استفاده می‌شود (البته به صورت مرتّب نماز جماعت ندارد)، جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۶۱- اگر اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران جایز باشد، در صورتی که بین طبقه پایین و بالا در ورودی باشد، آیا می‌توان

اعمال را در طبقه بالا و خواب و استراحت را در طبقه پایین انجام داد، یا هر دو عمل باید در یک مکان باشد؟

جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۶۲- آیا در اعتکاف، وحدت مسجد شرط است؟ اگر دو مسجد به هم پیوسته و متصل باشد چطور؟

جواب: بهتر است که تمام مدت اعتکاف در یک مسجد باشد؛ ولی در دو مسجد متصل به هم نیز مانعی ندارد.

سؤال ۴۶۳- اعتکاف در مکانهایی که شک داریم جزء مسجد است (مثل بام، سرداب و مقداری که به مسجد افزوده شده)، چه

حکمی دارد؟

جواب: آنچه مشکوک است، حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آن جایز نیست؛ ولی اگر مسجد، یعنی محلّ نماز گزاران را توسعه

دهند، جزء مسجد محسوب می‌شود.

سؤال ۴۶۴- اگر محلّ خاصی از مسجد را برای اعتکاف خود معین نماید، آیا لازم است خود را مقید به آن نماید؟

جواب: متعین نمی‌شود.

سؤال ۴۶۵- آیا محوطه اطراف مسجد جمکران، که به عنوان حیاط از آن استفاده می‌شود، حکم مسجد را دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۰

جواب: ظاهراً حیاط این مسجد جزء مسجد نیست.

سؤال ۴۶۶- آیا صرف غذا در سالن نهارخوری، که در محوطه مسجد است، برای معتکفین جایز است؟ با توجه به این که صرف

غذا در مسجد با مشکلاتی همراه است.

جواب: پاسخ این سؤال متوقف بر سؤال قبل است؛ ولی اگر صرف غذا در داخل شبستان‌ها ایجاد مشکلاتی کند معتکفین می‌توانند

به حکم ضرورت غذا را در صحن مسجد صرف کنند.

شرایط اعتکاف

سؤال ۴۶۷- آیا در اعتکاف واجب و مستحب، قصد وجوب یا استحباب لازم است؟
جواب: لازم نیست، قصد قربت کافی است.

سؤال ۴۶۸- زمان نیت اعتکاف چه وقت است؟ آیا می‌توان اول شب نیت کرد؟
جواب: وقت نیت از اول صبح است؛ ولی مانعی ندارد که نیت در قلب از قبل بوده باشد.

سؤال ۴۶۹- اگر از روی اشتباه، برای اعتکاف واجب، نیت استحباب نماید (یا بالعکس)، تکلیف چیست؟
جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۴۷۰- آیا می‌توان اعتکاف را به نیابت از میت یا حی انجام داد؟
جواب: آری، می‌توان انجام داد؛ ولی احتیاط این است که قصد اهدای ثواب کند.

سؤال ۴۷۱- آیا در اعتکاف زن و فرزند، اجازه شوهر و ولی لازم است؟
جواب: زن بنابر احتیاط واجب از همسرش اجازه بگیرد؛ ولی فرزندان بالغ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۱
احتیاج به اجازه ولی ندارند.

سؤال ۴۷۲- آیا اعتکاف بچه ممیز صحیح است؟
جواب: اگر شرایط اعتکاف را انجام دهد صحیح است.

سؤال ۴۷۳- اگر آجر و خاک مسجد یا لباس معتکف غصبی باشد، اعتکاف چه حکمی دارد؟
جواب: غصبی بودن لباس ضرری به اعتکاف نمی‌زند؛ ولی اگر آجر یا خاک غصبی باشد، اعتکاف روی آن اشکال دارد.

سؤال ۴۷۴- انجام غسل در مسجد برای معتکف چه حکمی دارد؟ آیا بین غسل جنابت و غسل‌های مستحبی دیگر فرقی وجود دارد؟
جواب: غسل جنابت را نمی‌توان در مسجد انجام داد؛ چون سبب توقّف در مسجد در حال جنابت است؛ ولی غسل‌های دیگر اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که در جایی باشد که مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند.

سؤال ۴۷۵- آیا مسافر می‌تواند معتکف شود؟

جواب: در صورتی که قصد ده روز کند مانعی ندارد؛ در غیر این صورت اشکال دارد.

سؤال ۴۷۶- اعتکاف به واسطه نذر، عهد، قسم، شرط ضمن عقد و اجاره چه حکمی دارد؟

جواب: به واسطه نذر و عهد و قسم واجب می‌شود، و به عنوان شرط ضمن عقد یا اجاره، هرگاه به شکل استیجار باشد، ظاهراً مانعی ندارد؛ هرچند عبادات استیجاریه غیر از حج در روایات اسلامی وارد نشده است.

سؤال ۴۷۷- آیا اعتکاف مستحبی را می‌توان قطع کرد؟

جواب: در روز اول و دوم می‌توان قطع کرد؛ ولی در روز سوم جایز نیست.

سؤال ۴۷۸- آیا بیشتر از سه روز می‌توان اعتکاف کرد؟ بطوری که آن زیاده بخشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۲

از یک روز یا قسمتی از یک شب باشد.

جواب: اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است؛ ولی هرگاه دو روز اضافه کند، بنابر احتیاط واجب روز سوم را هم بر آن بیفزاید؛ ولی بخشی از یک روز یا بخشی از یک شب اشکال ندارد.

سؤال ۴۷۹- منظور از روز، در اعتکاف چیست؟

جواب: مراد از اول طلوع فجر تا غروب آفتاب است.

سؤال ۴۸۰- آیا در تحقق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۴۸۱- کسی که معتکف می‌شود، آیا می‌تواند روزه‌های این سه روز را به عنوان نذر، یا استیجار، یا کفاره حساب کند؟

جواب: لازم نیست روزه برای اعتکاف باشد؛ بلکه می‌تواند روزه ماه مبارک رمضان یا روزه قضا و مانند آن را بجا آورد؛ ولی روزه استیجاری مشکل است.

سؤال ۴۸۲- آیا در مسافرت می‌شود روزه در سفر را نذر کرد؟

جواب: اشکال دارد؛ ولی اگر نذر کرد، احتیاط آن است که به نذر خود عمل کند.

سؤال ۴۸۳- شخصی نذر کرده در ایام البیض «۱»، در مسجد مقدس جمکران معتکف شود، و نذر کرده در فرض مسافرت هم روزه بگیرد، آیا نذرش منعقد شده است؟ آیا اعتکاف او صحیح است؟ (هرچند مسافر باشد)

جواب: خالی از اشکال نیست؛ ولی احتیاط آن است که به این نذر عمل کند.

سؤال ۴۸۴- اگر کسی نذر کند برای حصول حاجت دنیوی یا معنوی معتکف شود، نذر او چه حکمی دارد؟

جواب: نذر اعتکاف به عنوان شکرانه قضای حوایج مانعی ندارد.

(۱). منظور در اینجا روزه‌های سیزدهم الی پانزدهم ماه رجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۳

سؤال ۴۸۵- اگر کسی اعتکاف یک ماه را نذر کند، آیا شب اول هم جزء همان ماه است؟

جواب: شب اول جزء نیست.

سؤال ۴۸۶- اگر اعتکاف یک ماه را نذر کند و ماه ناقص باشد، آیا تکلیف او ساقط می‌شود؟

جواب: آری ساقط می‌شود.

سؤال ۴۸۷- اگر کسی اعتکاف را نذر کند و مشغول اعتکاف شود؛ ولی در ایام اعتکاف مریض شود، یا ضرورتی پیش آید (مثل

فوت نزدیکان)، می‌تواند اعتکاف را بر هم بزند؟ و اگر بر هم بزند، کفاره دارد؟ در اعتکاف مستحبی چطور؟

جواب: در صورتی که ضرورتی پیش آید، می‌تواند اعتکاف را بر هم بزند و در صورتی که روز سوم باشد باید قضا کند، همچنین

اگر به عنوان نذر بوده باشد، و کفاره ندارد.

سؤال ۴۸۸- اگر اعتکاف چهار روز را نذر کند و پیوستگی آن چهار روز را شرط ننماید و روز چهارم را بر خلاف نذرش عمل

کند و از اعتکاف خارج شود، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: باید مجدداً اعتکاف چهار روز را بجا آورد.

سؤال ۴۸۹- اگر زمان معینی را برای اعتکاف نذر کند؛ ولی آن اعتکاف را به جهت فراموشی یا نافرمانی یا اضطرار ترک نماید، آیا

قضا بر او واجب است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که قضا کند.

سؤال ۴۹۰- اگر کسی به جهت ضرورت از مسجد خارج شود و خروج او طولانی گردد، اعتکافش چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۴

جواب: هر گاه به قدری طولانی شود که صورت اعتکاف را محو کند، اعتکاف او باطل است.

سؤال ۴۹۱- اگر معتکف مدیون باشد و برای پرداخت دین از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۴۹۲- آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خارج شود؟

جواب: جایز است در اعتکاف در آغاز نیت، شرط کند که هر گاه عذر عرفی یا شرعی برای او پیدا شد، بتواند اعتکاف را بر هم بزند؛ در این صورت هر وقت عذری پیدا شد، می‌توان آن را بر هم زد؛ حتی در روز سوّم، و کفّاره‌ای ندارد.

سؤال ۴۹۳- اگر کسی از روی فراموشی محلّ اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: خروج از مسجد عمداً موجب بطلان اعتکاف است و از روی فراموشی نیز بنا بر احتیاط چنین است؛ ولی احتیاط این است که اگر روز سوّم است، ادامه دهد و اگر نذر کرده بود، بعداً قضا کند.

سؤال ۴۹۴- آیا معتکف می‌تواند برای انجام اموری مثل ادای شهادت، تشییع جنازه، نماز میت از مسجد خارج شود؟ برای

ضروریات عرفی یا امور شرعی واجب یا مستحب چه حکمی دارد؟

جواب: برای هر کار ضروری شرعی یا عرفی، مانند رفتن به دستشویی، غسل واجب، تهیه ضروریات و همچنین برای گواهی دادن در دادگاه، نماز جمعه، تشییع جنازه و عیادت مریض، می‌توان از مسجد خارج شد؛ اما برای هر کار مستحبی جایز نیست.

سؤال ۴۹۵- شخصی قصد اعتکاف در مسجد الحرام را دارد؛ آیا می‌تواند قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۵

اذان صبح در تنعیم مُحَرَّم شود و بقیه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد؟ با توجه به این که محلّ سعی جزء مسجد نیست.

جواب: این مقدار اشکالی ندارد.

سؤال ۴۹۶- خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف) برای وضو، غسل مستحبی و مسواک زدن.

جواب: برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن به عنوان مقدمه وضو اشکالی ندارد.

ب) جهت تلفن زدن به خانواده و دوستان در موارد غیر ضروری و امور متعارف.

جواب: اشکال دارد.

ج) جهت دیدار با خانواده در بیرون مسجد (یعنی حیاط مسجد).

جواب: اشکال دارد؛ مگر این که حیاط مسجد جزء مسجد باشد.

کارهایی که بر معتکف حرام است

سؤال ۴۹۷- آیا هر آنچه بر محرم حرام است، بر معتکف نیز حرام می‌باشد؟

جواب: فقط قسمتی از چیزهایی که بر محرم حرام است، بر معتکف حرام می‌باشد؛ نه همه آنها.

سؤال ۴۹۸- آیا در اموری که بر معتکف حرام است، تفاوتی بین شب و روز هست؟

جواب: در این امور فرقی بین شب و روز نیست.

سؤال ۴۹۹- استشمام بوی عطر و گل، با نیت لذت‌جویی از بوی خوش، برای معتکف چه حکمی دارد؟

جواب: بوییدن عطریات و بوهای خوش، هر چند به قصد لذت نباشد، برای معتکف حرام است.

سؤال ۵۰۰- خرید و فروش در صورت ضرورت و عدم ضرورت، برای معتکف چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۶

جواب: خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، با نبودن ضرورت برای معتکف، بنا بر احتیاط حرام است؛ ولی پرداختن به امور دنیوی، مانند خیاطی و امثال آن، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۰۱- آیا ممارات و مجادله در امور دنیوی و دینی، برای معتکف جایز است؟

جواب: جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی، به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، حرام است.

سؤال ۵۰۲- لمس و تقبیل همسر، برای معتکف جایز است؟

جواب: این امور برای معتکف حرام است، بنا بر احتیاط واجب.

سؤال ۵۰۳- اگر زنی را که معتکف است، طلاق رجعی دهند، تکلیفش چیست؟ و اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکافش باطل می‌شود و باید به خانه شوهر برای ادامه عده برود (زیرا زن در مدت عده طلاق رجعی نباید از خانه شوهر خارج شود).

سؤال ۵۰۴- غیر از موارد چهارگانه‌ای که در سؤالات بالا به آن اشاره شد، چه چیزهایی بر معتکف حرام است؟

جواب: پنج چیز بر معتکف حرام است، چهار مورد آن در سؤالات قبل گذشت و مورد پنجم استمناس است بنا بر احتیاط، هر چند از طریق حلال باشد، مانند ملاعبه با همسر.

مبطلات اعتکاف

سؤال ۵۰۵- اگر روزه شخص معتکف باطل شود، آیا اعتکاف او هم باطل می‌شود؟

جواب: آری اعتکاف او هم باطل می‌شود.

سؤال ۵۰۶- اگر معتکف مرتکب فعل حرامی شود که روزه را باطل نمی‌کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۷

جواب: هر کار حرامی اعتکاف را باطل نمی‌کند؛ تنها امور خاصی اعتکاف را باطل می‌کند که در بالا آمد.

سؤال ۵۰۷- اگر اعتکاف به وسیله یکی از مبطلات و مفسدات باطل شود در صورت زیر چه حکمی دارد؟

الف) در صورتی که اعتکاف، واجب معین باشد.

ب) در صورتی که اعتکاف واجب غیر معین باشد.

ج) در صورتی که اعتکاف استحبابی باشد.

د) در هر صورت آیا قضای اعتکاف، واجب فوری است؟

جواب: هر گاه اعتکاف خود را با یکی از امور پنج‌گانه بالا باطل کند، اگر به سبب نذر بر او واجب معین بوده باید قضا کند، و اگر واجب غیر معین بوده و این امر در روز سوم بوده، نیز باید قضا کند و اگر در روز اول و دوم بوده لازم نیست. در ضمن، قضای اعتکاف واجب فوری نیست؛ بلکه وقت آن وسیع است.

سؤال ۵۰۸- اگر شخصی جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده‌اند اعتکاف او باطل است. حال اگر جاهل یا عامد بوده

و اکنون پشیمان شده و جای خود را عوض کرده، آیا اعتکاف او صحیح است؟ و در صورت عمد آیا کفاره دارد؟

جواب: اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکاف او صحیح است؛ ولی اگر غصب بودن را می‌دانسته و حکم اعتکاف را نمی‌دانسته،

اعتکاف او صحیح نیست و توبه در اینجا مشکلی را حل نمی‌کند.

قضا و کفّاره اعتکاف

سؤال ۵۰۹- اگر شخص معتکف در اثنای اعتکاف واجب (به نذر یا مثل آن) بمیرد، آیا قضای آن بر ولی او واجب است؟
جواب: واجب نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۸

سؤال ۵۱۰- آیا باطل کردن اعتکاف به وسیله جماع یا سایر محرّمات کفّاره دارد؟ و اگر کفّاره دارد، آیا مثل کفّاره ماه رمضان است؟

جواب: آری جماع کفّاره دارد و مانند کفّاره ماه رمضان است؛ ولی سایر مبطلات غیر جماع کفّاره ندارد.

سؤال ۵۱۱- در فرض بالا- اگر اعتکاف او در ماه رمضان همراه قضا و روزه ماه رمضان باشد و باطل شود، آیا باز هم همان کفّاره را دارد؟

جواب: در چنین فرضی دو کفّاره بر او واجب می‌شود؛ یک کفّاره برای ماه رمضان یا قضای آن و یک کفّاره برای اعتکاف.

سؤال ۵۱۲- در فرض فوق اگر نذر کند در ماه رمضان معتکف شود، سپس در ماه رمضان روزه خود را باطل کند، چند کفّاره بر او واجب است؟

جواب: سه کفّاره بر او واجب می‌شود؛ کفّاره‌ای برای ماه رمضان و کفّاره‌ای برای اعتکاف و کفّاره‌ای برای تخلف از نذر؛ مگر این که زمان برای ادای نذر او باقی باشد که در این صورت کفّاره نذر تعلق نخواهد گرفت.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۶۹

فصل سیزدهم: احکام خمس

[متعلّق خمس]

۱- خمس منافع کسب

سؤال ۵۱۳- اگر سرمایه کسی مخمّس شود و با گذشت یک سال مالی، در اثر تورّم ناشی از افزایش حجم پول در گردش، ارزش پولی آن افزایش بیابد؛ ولی جنس عوض نشود و مقدار آن ثابت بماند آیا در اینجا ربح صدق می‌کند و مشمول خمس می‌شود؟
جواب: ربح در اینجا صدق می‌کند، زیرا نوسانات محدود و کوتاه مدّت در عرف بازار هنوز به رسمیت شناخته نشده است و تنها در محافل علمی مورد بحث است؛ توضیح این که در بعضی از جوامع کنونی کمترین تغییر در تورّم، در محاسبات بدهی‌ها و مطالبات در عرف بازار لحاظ می‌شود، مثلاً بانکهای این کشورها هر سال، هنگامی که بهره سپرده‌ها را می‌دهند در کنار بهره، تفاوت تورّم را هم می‌پردازند، یعنی در عرف بازار آنها، محاسبه تورّم به عنوان یک اصل اقتصادی شناخته شده است؛ در این کشورها می‌توان تورّم را در همه دادوستدها ملحوظ داشت؛ ولی در عرف کشورهای دیگر این مسأله فقط در محافل علمی مطرح است و می‌دانیم مسائل فقهی بر محور موضوعات عرفی دور می‌زند؛ نه موضوعات خاصّ محافل علمی.

سؤال ۵۱۴- چندین سال است که مشغول ساختن منزل مسکونی می‌باشم، فقط پول زمین را یکجا پرداخته‌ام؛ ولی بقیه کارهایش را به تدریج انجام داده‌ام، حکم خمس آن را بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۰

جواب: در صورتی که مبلغ اولیّه از درآمد همان سال بوده خمس ندارد؛ اما اگر از درآمدهای سالهای قبل بوده خمس دارد؛ ولی بقیّه را که تدریجاً ساخته‌اید، مشمول خمس نیست.

سؤال ۵۱۵- یک منزل مسکونی ساخته‌ام که یک سوّم پول آن غیر مخمّس، و یک سوّم آن قرض مضاربه‌ای، و یک سوّم آن وام می‌باشد، آیا در صورت فروش خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

اگر آن را با زمین معامله کنم و اضافی آن را خرج خودش کنم چطور؟
اگر از پول فروش آن بلافاصله زمین خریده و اقدام به ساخت کنم چطور؟
جواب: نسبت به غیر مخمّس خمس تعلق می‌گیرد.

سؤال ۵۱۶- آیا پولی که به خاطر خریدن خانه، یا ازدواج، یا مانند آن نگهداری می‌شود، مشمول خمس است؟
جواب: اگر سال بر آن بگذرد خمس دارد و در موارد ضروری حاکم شرع می‌تواند ارفاقهایی لحاظ کند.

سؤال ۵۱۷- وقتی شوهرم فوت کرد خانه‌ای حدود هشتاد متر داشتم که آن هم در طرح خیابان بود، با کار کردن و زحمت فراوان، در حالی که سه کودک یتیم داشتم، بطور اقساط زمینی خریدم و اکنون آن زمین را به قیمت دو میلیون تومان فروخته و قصد دارم که با مقداری از این پول به زیارت حج بیت الله الحرام بروم و بقیّه را در بانک بگذارم و از سود آن زندگی خود را بگذرانم تا محتاج فرزندان و خلق روزگار نباشم، آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر زمین را برای خانه مسکونی خریده‌اید و بعداً ناچار به فروش آن شدید خمس ندارد، در غیر این صورت خمس دارد؛ ولی می‌توانید با یکی از نمایندگان ما دستگردان کنید تا به شما ارفاق کند و تخفیف بدهد.

سؤال ۵۱۸- طبق فتوای امام راحل (قدس سرّه) به قیمت منزل مسکونی خمس استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۱

تعلق می‌گیرد؛ هر چند وسط سال خمسی آن را بفروشد و سال بر پول آن نگذرد، آیا برای کسانی که مقلد معظم له هستند؛ راه حلی وجود دارد که از خمس آن معاف باشند و آن را در جای دیگری منزل خریداری کنند؟

جواب: در این مسأله، می‌توانند از دیگری تقلید کنند و ما معتقدیم که در فرض بالا خمس واجب نیست.

سؤال ۵۱۹- برادرم می‌خواهد یک باب منزل مسکونی برای این جانب بخرد، در حالی که یقین دارم مال ایشان مخلوط به حرام است و خمس نمی‌پردازد؛ حجّ واجب بر گردن دارد و به وظایف شرعی خود عمل نمی‌کند، آیا استفاده کردن از چنین منزلی برای بنده جایز است؟ معاشرت با چنین اشخاصی چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد منزل باید خودتان وجوه آن را بپردازید، و اگر مخلوط به حرام است نیز طبق وظیفه‌ای که در مورد این اموال در شرع مقدّس وارد شده عمل کنید. «۱» و در مورد معاشرت، چنانچه توأم با امر به معروف و نهی از منکر و احتمال تأثیر باشد اشکالی ندارد، و اگر در اموال غیر مخمّس او تصرّف می‌کنید خمس آن را بپردازید.

سؤال ۵۲۰- آیا حقّ التّولیه متولّی، که در آخر سال بابت انجام امور تولیتی به او تعلق می‌گیرد، مشمول خمس می‌گردد؟
جواب: آری مشمول خمس است.

سؤال ۵۲۱- چیزی را که انسان لازم دارد، مانند تمبر، پاکت و غیره، اگر برای نیاز بلند مدّت تهیّه کند و یک سال از خرید باقیمانده، یا خرید همه آنها بگذرد، در صورتی که از نظر عقلی تهیّه آن برای استفاده تدریجی معقول باشد، آیا خمس بر آنچه یک سال از خرید آن گذشته تعلق می‌گیرد؟

جواب: احتیاط آن است که خمس آن را بدهد.

(۱). شرح آن در مبحث خمس حلال مخلوط به حرام خواهد آمد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۲

سؤال ۵۲۲- در گذشته از روی علاقه و بدون قصد فروش، تمبر یادگاری جمع می‌کردم، حال قصد فروش آنها را دارم، آیا بعد از فروش به پولش خمس تعلق می‌گیرد؟ و اصولاً آیا خود تمبر یادگاری خمس دارد؟

جواب: بعد از فروش، اگر تا آخر سال خمسی خرج نشود، خمس دارد.

سؤال ۵۲۳- شخصی در وسط سال خمسی به مسجد کمک می‌کند، آیا این، جزء مؤونه حساب می‌شود؟

جواب: آری، جزء مؤونه است.

سؤال ۵۲۴- مستأجرین باید مبلغی به عنوان ودیعه و سپرده به مالکین بدهند تا به آنها خانه اجاره دهند و گرنه، یا خانه را اجاره

نمی‌دهند، یا مال الاجاره بیشتری طلب می‌کنند، آیا مبلغ ودیعه و سپرده که طبعاً سال بر آن می‌گذرد مشمول خمس است؟

جواب: مبلغ مذکور جزء مؤونه است و خمس ندارد؛ اما اگر آن را بازپس گرفت و نیازی به آن نداشت احتیاط آن است که خمس آن را بدهد.

سؤال ۵۲۵- برادری از صندوق قرض الحسنه وام چهارساله‌ای دریافت می‌کند و در مدت سه سال و نیم اقساط آن را می‌پردازد، در

آخر سال که حساب خود را می‌رسد حدود پنج هزار تومان پس‌انداز و مبلغ بیست هزار تومان بدهی دارد، آیا می‌تواند بدهی مزبور

را کسر نماید، یا این که پنج هزار تومان مشمول خمس است؟

جواب: چنانچه اقساط وجه فعلی را پرداخته باشد، وجه موجود خمس دارد؛ ولی اگر بدهی دارد می‌تواند از آن کم کند.

سؤال ۵۲۶- پدری در طول سال گاهی برای فرزندان خود مبلغی را پس‌انداز می‌کند، در واقع این پس‌انداز را به تملیک آنها

درمی‌آورد، آیا به پس‌اندازهای فوق خمس تعلق می‌گیرد؟ در صورت تعلق، خمس آن بر عهده ولی است، یا فرزندان پس از

بلوغ؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۳

جواب: چنانچه به فرزندان خود بخشیده، و اگر بالغ هستند به قبض ایشان داده، احتیاطاً باید خود فرزندان خمس آن را بدهند، و اگر

نابالغ هستند و مال تا سن بلوغ باقی باشد، بنابر احتیاط واجب خمس به آن تعلق می‌گیرد و فرزندان باید بپردازند.

سؤال ۵۲۷- دانشگاهها پولی به عنوان قرض (بورسیه) به دانشجویان می‌دهند و بعداً به تدریج پس می‌گیرند، آیا این پول خمس

دارد.

جواب: خمس ندارد.

سؤال ۵۲۸- اگر بعد از اتمام بافت قالی، بدون این که سال بر آن بگذرد، آن را بفروشند و به مصرفی برسانند، خمس دارد؟

جواب: هرگاه سال خمسی بر آن نگذشته، خمس ندارد.

سؤال ۵۲۹- چنانچه شغل و درآمد فرد از قالی بافی نباشد، بلکه قالی صرفاً جنبه کمک هزینه زندگی داشته باشد، آیا خمس دارد؟

جواب: فرقی نمی‌کند، اگر سال بر آن گذشته باشد خمس دارد.

سؤال ۵۳۰- افرادی که سال خمسی دارند، اگر هنگام حساب سال قالی ناتمام باشد، خمس آن را چگونه حساب کنند؟

جواب: جزء درآمد سال بعد حساب می‌شود.

سؤال ۵۳۱- زید برای احیا کردن زمین موات نهری کشیده و قسمتی از آن زمین را قبل از گذشتن سال احیا نموده است. آیا به این

زمین خمس تعلق می‌گیرد؟ حکم قسمت دیگر آن زمین که بعد از گذشتن سال احیا نموده چیست؟

جواب: آن قسمت که قبل از گذشتن سال احیا نموده، مشمول خمس است و بقیه در آینده مشمول خمس می‌شود.

سؤال ۵۳۲- کسی مقداری از پول خود را به صورت مضاربه سرمایه گذاری کرده است، اگر سال بر این پول، که اصل سرمایه است، بگذرد و همچنان با آن معامله کند، آیا خمس دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۴

جواب: اگر خمس آن پول را قبلاً داده، اصل پول خمس ندارد و الا باید خمس آن را بدهد؛ ولی منافع آن در هر حال خمس دارد.
سؤال ۵۳۳- آیا به پولی که در بانک مسکن، جهت تهیه مسکن گذاشته می شود، و چندین سال می گذرد تا منزل آماده شود، خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر پول را برای این گذارده که وام بیشتر بگیرد خمس دارد، و اگر پول پیش پرداخت مسکن است خمس ندارد.

سؤال ۵۳۴- آیا به جوایز بانکی خمس تعلق می گیرد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خمس آن را بدهند.

سؤال ۵۳۵- شخصی مبلغی را در بانک به عنوان پس انداز بلند مدت ۵ ساله سرمایه گذاری می کند، پس از مدتی متوجه می شود که خمس آن مبلغ را نداده است. اگر بخواهد حساب را ببندد بانک سودهای متعلقه را کسر می نماید و به مقدار کمی تقلیل می دهد، آیا این شخص باید فوراً حساب بانکی را ببندد تا مبلغ خمس را جدا کند، یا می تواند در انتهای پنج سال خمس اصل مال و سود آن را با هم بدهد؟ آیا می تواند خمس مال را از پول دیگری بپردازد تا حساب بانکی بسته نشود؟

جواب: مجاز است که خمس آن را از مال دیگری بپردازد، و اگر مال دیگری ندارد به او اجازه می دهیم خمس خود را تا پایان مدت تأخیر بیندازد.

سؤال ۵۳۶- یک سال و نیم است به استخدام سازمان بهزیستی درآمده‌ام و ماهیانه ۳۰ هزار تومان حقوق می گیرم، با توجه به این که مجرد هستم و در خانه پدری می باشم، حقوق ماهیانه‌ام را در حساب کوتاه مدت بانکی به صورت پس انداز جمع نموده‌ام؛ لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به این حساب پس انداز خمس تعلق می گیرد؟

جواب: آری، خمس تعلق می گیرد؛ ولی در صورت نیاز مبرم به شما اجازه می دهیم خمس را به تأخیر بیندازید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۵

ب) بهره‌ای که به این پس انداز تعلق می گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه شرط خاصی در مورد پس انداز نکرده باشید و خود آنها بهره‌ای بدهند؛ اشکالی ندارد، ولی خمس به آن تعلق می گیرد.

سؤال ۵۳۷- آیا به پولی که پدر و مادر به فرزندانشان، به عنوان بخشش یا هزینه تحصیل می دهند، با گذشت سال خمس تعلق می گیرد؟

جواب: چنانچه تملیک کرده باشند و اضافه از هزینه سال باشد، بنابر احتیاط واجب خمس دارد.

سؤال ۵۳۸- این جانب در کارخانجات مخابراتی مشغول به کار می باشم و در وقت اضافی اقدام به طراحی و ساخت تعدادی ابزار نموده و از آنها درآمد خوبی به دست می آورم، با توجه به این که ابزارهای فوق باید با دستگاه اجاره‌ای تکمیل شده و قطعه تولید نماید، آیا به آنها خمس تعلق می گیرد؟

جواب: چنانچه با دادن خمس آنها مشکلی برای زندگی شما پیدا نشود، باید خمس آن را بدهید.

سؤال ۵۳۹- آیا هزینه‌ای که صرف تصفیه فاضلابهای خطرناک بعضی از صنایع می شود، از هزینه‌های تحصیل کالا محسوب شده و از پرداخت خمس معاف است؟

جواب: این هزینه‌ها جزء هزینه کالاست و خمس تنها به سود تعلق می‌گیرد.

سؤال ۵۴۰- آقای زید احتیاج به لباس و فرش دارد، ولی پشمی را که در دسترس دارد کم است، به همین جهت چند سال پشم را جمع کرده و لباس و فرش درست می‌کند، آیا به این پشم که سال بر آن گذشته خمس تعلق می‌گیرد؟
جواب: اگر برای لباس و مانند آن کنار گذاشته و تهیه لباس جز از این راه میسر نیست، خمس ندارد.

سؤال ۵۴۱- شخصی مبلغی پول جهت تشرّف به زیارت خانه خدا در بانک ودیعه گذاشته است، آیا به آن پول خمس تعلق می‌گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۶

جواب: خمس ندارد.

سؤال ۵۴۲- خانمی زمین موروثی پدری را فروخته و با پول آن جهت عزیمت به حج، خود و فرزندانش ثبت نام نموده و امسال اسامی آنان اعلام شده است، آیا در صورت گذشتن یک سال یا بیشتر بر زمین یا پول زمین، خمس به آن تعلق می‌گیرد؟
جواب: ارث مشمول خمس نیست؛ مگر این که قیمت زمین از زمانی که مال الارث به او منتقل شده، افزایش یافته باشد که به افزایش آن خمس تعلق می‌گیرد، اگر قبل از گذشتن سال آن را برای نام‌نویسی هزینه کرده، در این صورت چیزی بر او نیست.

سؤال ۵۴۳- آیا به سرمایه خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: سرمایه خمس دارد؛ مگر این که ادای خمس سبب شود که نتواند به وسیله بقیه، زندگی خود را اداره کند.

سؤال ۵۴۴- آیا به مواد مصرفی مورد نیاز، مانند مواد غذایی موجود در منزل که مقداری از آن به مصرف رسیده و مقداری از آن در انتهای سال خمسی باقی می‌ماند، خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: تمام این‌ها خمس دارد، و می‌توان مبلغی بطور تخمین برای آنها در نظر گرفت، و به قیمت روز در بازار آزاد محاسبه می‌شود.

سؤال ۵۴۵- آیا به پول کسانی که خمس اموال خود را نمی‌پردازند و به مساجد و یا حسینیته‌ها کمک می‌کنند، خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر در همان سال درآمد، هدیه کنند خمس ندارد، و اگر یقین دارید که آن پول غیر مخمس است، باید خمس آن را داد و سپس مصرف کرد؛ ولی برای این که مؤمنین در زحمت نیفتند ما در این گونه موارد اجازه می‌دهیم آن خمس را در همان مسجد یا حسینیته مصرف کنند.

سؤال ۵۴۶- آیا کسی که مالیات می‌پردازد، آن مقدار جزء خمس و زکات او حساب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۷

جواب: مالیات جزء خمس حساب نمی‌شود؛ بلکه مانند مال الاجاره منزل یا اجرت دکتر و کارگر است. اگر مثلاً شما کارگری را استخدام کنید که کوچه شما را تمیز کند، آیا هزینه آن از باب خمس حساب می‌شود، یا مؤونه سال شماست؟ مصارف مالیات همه از این قبیل است.

سؤال ۵۴۷- از آنجا که سیگار جزء مؤونه شرعی نیست، آیا باید خمس آن پرداخت شود؟

جواب: استعمال دخانیات و از جمله سیگار مطلقاً جایز نیست و پولی که در این راه مصرف می‌شود، جزء مؤونه زندگی نیست.

سؤال ۵۴۸- افراد مجزّد از درآمد بین سال به مرور زمان لوازم ازدواج تهیه می‌کنند؛ چون در وقت حاجت، تمکن تهیه آن را ندارند، آیا این وسایل جزء مؤونه حساب می‌شود، یا خمس دارد؟

جواب: در صورتی که این کار در میان مردم رایج باشد و به صورت هزینه معمولی درآید، خمس ندارد.

سؤال ۵۴۹- در مسأله ۱۵۰۶ توضیح المسائل فرموده‌اید: «وسایل مورد نیاز که در اثنای سال می‌خرد، اگر بعداً از آنها بی‌نیاز شود، خمس ندارد»، آیا کتاب داستانی که شخص می‌خرد و یک بار می‌خواند و دیگر به درد او نمی‌خورد، خمس دارد؟
جواب: خمس ندارد.

سؤال ۵۵۰- کسی که چندین سال خمس اموالش را نداده و به یاد ندارد که هر سال چقدر پس‌انداز کرده است، چگونه باید تسویه حساب کند؟ آیا می‌توان مبلغ خمس را کنار گذاشت و بعداً پرداخت کرد، یا باید حتماً سر سال پرداخت نمود؟
جواب: آنچه مربوط به خانه و وسایل زندگی است، خمس ندارد، بقیه را محاسبه نماید و خمس آن را بپردازد و در صورت شک با حاکم شرع مصالحه می‌کند، و پرداختن خمس از آغاز سال جایز است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۸

سؤال ۵۵۱- عالمی در شهر ماست که اموال مشمول خمس را بر مبنای پول زمان خرید محاسبه می‌نماید، آیا طریقه عمل کردن ایشان صحیح است؟

جواب: خمس بر اساس قیمت فعلی است؛ ولی اگر برای پرداخت کننده مشکل و سنگین باشد، می‌توان به قیمت سابق محاسبه کرد؛ مشروط بر این که هرگاه ملک را بفروشند، خمس تفاوت را بدهند.

سؤال ۵۵۲- شخصی در امرار معاش سالیانه خود به زمین مزروعی احتیاج دارد و غیر از آن زمین، منبع درآمد دیگری ندارد. به همین جهت گاو و گوسفندانی را فقط برای کود آنها نگهداری می‌کند (لازم به ذکر است زمین مذکور بدون کود، ابداً زراعت نمی‌دهد)، از شیر و پشم و موی حیوانات مذکور نیز استفاده می‌کند؛ ولی مقصود از نگهداری حیوانات همان طور که گفته شد استفاده از کود آنهاست. آیا حیوانات مذکور خمس دارد؟
جواب: حیواناتی که برای کود نگهداری می‌شود، جزء سرمایه است و خمس دارد.

۲- مال حلال مخلوط به حرام

سؤال ۵۵۳- هرگاه مالی که از راه حرام به دست آمده، در کار حلالی سرمایه‌گذاری شود و سود بدهد، آیا این سود حلال است؟
جواب: این سود نیز تابع سرمایه است و تصرف در هر دو حرام است.

سؤال ۵۵۴- آیا از مال حلال مخلوط به حرام می‌شود به مسجد کمک کرد؟

جواب: اگر مقدارش را نمی‌داند و صاحبان آن را نمی‌شناسد، باید خمس آن را بپردازد و بعد صرف مسجد کند.

سؤال ۵۵۵- پدری که ثروتش از راه حرام به دست آمده، چنانچه جهیزیه‌ای برای دخترش تهیه کند، یا هدیه‌ای به او بدهد، آیا دختر می‌تواند از آن در خانه شوهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۷۹

استفاده کند؟ راه پاک کردن آن چیست؟

جواب: اگر یقین ندارد که از مال حرام است برای او اشکالی ندارد و اگر یقین دارد چنانچه مقدار حرام و صاحبانش شناخته شده نیستند، واجب است خمس آن را بپردازد، و بقیه پاک می‌شود.

۳- گنج

سؤال ۵۵۶- منطقه‌ای وجود دارد که در آن اشیای عتیقه یافت می‌شود؛ ولی این اشیاء همراه میت دفن شده است و بیش از پانصد

سال از دفن آنها می‌گذرد. آیا کندن زمین برای بیرون آوردن این گنج‌ها، با توجه به این که احتمالاً یا قطعاً نبش قبر می‌شود و استخوانهای میت نیز بیرون می‌آید، جایز است؟ آیا اشیای مذکور حکم گنج دارد و خمس آن واجب است؟
جواب: هر گاه - آن طور که نوشته‌اید - صدها سال بر آن گذشته، اشیای مذکور حکم گنج را دارد و خمس آنها واجب است؛ ولی اگر موجب نبش قبر مسلمان شود جایز نیست؛ مگر این که اثری از اموات باقی نباشد.

سؤال ۵۵۷- یکی از مواردی که طبق فتوای همه مراجع تقلید - ادام الله عزهم - خمس آن واجب می‌باشد، گنج است؛ و معنای این سخن این است که یابنده گنج شرعاً مالک آن می‌شود، و باید خمس آن را پردازد؛ با توجه به این مسأله چرا دولت اسلامی این گونه گنج‌ها را به بهانه حفظ آثار باستانی و غیر آن تملک می‌کند؟ و بر فرض جواز آیا نباید معادل قیمت آن را به یابنده گنج که شرعاً مالک است، پردازد؟

جواب: البته به عنوان اولی گنجها با شرایطی متعلق به صاحبان زمین، و در اراضی مباح، متعلق به یابنده آن است؛ ولی هر گاه حکومت اسلامی به خاطر مصالحی که در عنوان ثانویه می‌گنجد لازم ببیند که گنج در اختیار بیت المال اسلام قرار گیرد، باید مطابق آن عمل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۰

۴- معدن

سؤال ۵۵۸- پدری دارای شش پسر است، خرج و مخارجشان مشترک است و متعارف هم این است که تا وقتی که پدر اموال را بین آنها تقسیم نکند، مال پدر محسوب می‌شود، حالا - یکی از برادران، که کارش حفر معدن است، با چند نفر دیگر (غیر از افراد خانواده خود) به معدنی از زمین‌های عمومی دست یافته است، و پس از اخراج معدن مقداری از آن را به فروش رسانده و پولی به دست آورده و بعد از تقسیم، این پول را به خانه می‌آورد، و آن را به اسم داییش مدتی در بانک می‌گذارد و منافی هم به دست می‌آورد، اکنون برادران می‌خواهند تشکیل خانواده بدهند، لذا پدر تمام مایملک خود را با پول مذکور (غیر از منافع بانکی) بین فرزندان تقسیم می‌کند، سؤال این است که آیا نسبت به باقیمانده معدن پدر و برادران دیگر حق استفاده دارند؟ و نیز نسبت به منافع بانکی که در اموال تقسیم شده نبود، حق دارند؟

جواب: اگر معدن را به نیت همه برادران و پدر استخراج کرده، باقیمانده آن و منافع شرعی پول، به همه تعلق می‌گیرد، و اگر به نیت شخص خودش اخراج کرده متعلق به خودش می‌باشد، و به هر نحو که بخواهد می‌تواند میان فرزندان تقسیم کند، یا برای خودش نگهدارد.

سؤال ۵۵۹- لطفاً پیرامون معدن به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) با توجه به مالکیت دولت اسلامی نسبت به معادن کشور، آیا کسی می‌تواند خارج از ضوابط حکومت اسلامی، معدنی را مالک شود؟

ب) اگر کسی معدنی را مالک شد و یا به صورت موقت بهره‌بردار آن شد، آیا می‌تواند نسبت به حریم معدن ادعایی داشته باشد؟
ج) اگر نسبت به حریم بتواند مدعی باشد، آیا این مطلب در فرض مالکیت او نسبت به معدن است؟ یا اعم از مالکیت و بهره‌برداری است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۱

د) اگر کسی موقتاً بهره‌بردار از معدنی شد، آیا می‌تواند نسبت به حریمی که فعلاً مورد نیازش نیست، مدعی شود؟

ه) با فرض مالکیت دولت نسبت به معادن، و فرض وجود حریم برای معدن، و لو حریمی که سالهای آتی احتمالاً مورد نیاز باشد،

اگر همان دولت مالک، حریمی تصویری و احتمالی را به فرد ثالث (غیر از بهره‌بردار معدن)، واگذار قطعی نماید، آیا بهره‌بردار از معدن می‌تواند نسبت به حریم تصویری و احتمالی معدن ادعایی داشته باشد؟

و) اگر مالک معدن (یعنی دولت) هیچ‌گونه ادعایی نسبت به حریم تصویری یا واقعی معدن نداشته باشد، آیا بهره‌بردار می‌تواند نسبت به هر دو قسم از حریم (تصویری و واقعی) ادعایی داشته باشد؟

ز) اگر بهره‌بردار از معدن نتواند از معدن بهره‌برداری نماید؛ به دلیل این که مالک معدن (یعنی دولت) حریم واقعی معدن را به فرد ثالث واگذار نموده است، آیا شرعاً بهره‌بردار می‌تواند برای فرد ثالث ایجاد مزاحمت نماید؟

ح) اگر بهره‌بردار از معدن اقدام به انفجار نماید و این انفجار موجب تشنج اعصاب افراد ساکن در اطراف معدن شود، از نظر شرع مقدّس این نوع بهره‌برداری چه حکمی دارد؟ حکم شرعی متوجه بهره‌بردار است یا صادرکننده مجوز بهره‌برداری؟ اگر شدت انفجار فرضاً موجب سقط جنینی شود، چه کسی مقصّر است؟

ط) اگر بهره‌برداری از معدن موجب سلب آسایش، آرامش و آلوده نمودن محیط زیست شود، آیا شرعاً می‌توان از معدن بهره‌برداری کرد؟ اگر برای امور خیریه و عام المنفعه باشد، چه حکمی دارد؟

ی) اگر کسی ادعا کند حق استفاده از معدن از نظر زمانی، بر حق استفاده از منزل مسکونی در اطراف معدن تقدّم دارد. در این صورت کدام یک باید از حق خود صرف نظر کند؟ و یا هر یک می‌تواند از حق خود استفاده کند و هیچ یک بر دیگری ندارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۲

ک) بر فرض لزوم رعایت حریم معدن، ملاک حریم واقعی است (یعنی آنچه الان مورد احتیاج است) یا حریم احتمالی، که ده‌ها سال آینده - بر فرض ادامه بهره‌برداری از معدن - مورد نیاز خواهد بود را نیز شامل می‌شود؟ (با توجه به این که هرچه از معدن استخراج می‌شود، مکان مواد استخراجی به عنوان حریم عملیاتی استخراج، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد).

جواب: معدن، خواه در تملک اشخاص باشد یا تملک دولت، و واگذاری خواه به صورت تملک باشد یا بهره‌برداری، دارای حریم است، و مراد از حریم معدن، آن مقدار فضا و محلی است که در عرف و عادت معدنچیان، برای استخراج و بارگیری و سایر احتیاجات متعارف، مورد نیاز است.

هرگاه در قانون حکومت اسلامی حدی برای آن معدن در نظر گرفته شده است، بر طبق آن عمل می‌شود و اگر در قانون تبیین نشده، باید با مشاوره چند نفر از معدنچیان با سابقه و متدین، حد و حدود آن تعیین گردد و مطابق آن عمل شود و واگذاری این حریم به دیگران در صورتی که از طرف مسئولان بخش معدن و مطابق مقررات باشد، اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست. البته حریم معدن، نسبت به بهره‌برداری‌های ممکن در حال و آینده نزدیک، در نظر گرفته می‌شود و آینده دور معیار نیست. ضمناً بهره‌برداران از معدن در نحوه بهره‌برداری و انفجارات خود، باید طوری عمل کنند که مزاحمت و ضرر و زیانی برای همسایگان حاصل نشود.

سؤال ۵۶۰- قریه‌ای کوه بزرگی دارد، همه اهالی روستا گاو و گوسفند خود را در این کوه می‌چرانند، هر قسمت از کوه به گاو و گوسفندان یک محله اختصاص داده شده است، حال اگر کسی در چراگاه محله دیگر، اشیای معدنی مثل یاقوت، زمرد و سایر اشیای قیمتی پیدا کند، آیا حلال و جایز است؟

جواب: هرگاه کسانی معادنی در آنجا پیدا کنند، متعلق به خود آنهاست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۳

سؤال ۵۶۱- هرگاه مالی را به سید غنی بدهند و معلوم نباشد که از سهم سادات است یا غیر آن، آیا سید غنی می‌تواند بدون تفحص آن را بگیرد و مصرف کند؟

جواب: احتیاط آن است که تحقیق کند، اگر سهم سادات است نپذیرد.

سؤال ۵۶۲- آیا می‌توان تمام یا قسمتی از سهم مبارک امام (علیه السلام) را به صندوق خیریه، که برای کمک به مستمندان و ایتم تأسیس شده است، پرداخت نمود؟

جواب: سهم امام (علیه السلام) در شرایط فعلی برای اقامه حوزه‌های علمیه است، که سبب بقای دین و مذهب و توجه مردم به اسلام و برنامه‌های فرهنگی است، و در موارد استثنایی می‌توان با اجازه مرجع تقلید مقداری از آن را در سایر کارهای خیر مصرف کرد.

سؤال ۵۶۳- آیا می‌توان به خانواده شخص نیازمند غیر سیدی که سید است و خرج او اداره نمی‌شود، خمس داد، تا خرج زندگی مشترک کند؟ یعنی خرج شوهر و فرزندانش نماید.

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶۴- آیا کتب معتبره انساب و نیز مشجرات و نسب‌نامه‌هایی که در خانواده‌های سادات موجود است و نوعاً به تأیید علما رسیده، در تأیید سیادت کافی است؟

جواب: مشجرات و نسب‌نامه‌هایی که به تأیید علمای معروف رسیده باشد، برای اثبات سیادت کافی است.

سؤال ۵۶۵- آیا ظنّ و اطمینان حاصل از طرق شرعیّه، برای اثبات سیادت کافی است (با توجه به این که غیر از امارات ظنّیه وسیله دیگری جهت حصول قطع به موضوع مذکور نداریم)؟

جواب: ظنون قویّه و اطمینان کفایت می‌کند، و از همه بهتر شهرت به سیادت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۴

در محل تولّد و زندگی است.

سؤال ۵۶۶- آیا شهرت کم، در حدّ ظنّ و اطمینان، برای اثبات سیادت کافی است؟ با توجه به این که شجره‌نامه در اختیار نیست، آیا وظیفه داریم که شجره‌نامه را پیدا کنیم؟

جواب: پیدا کردن شجره‌نامه لازم نیست؛ و اگر شهرت قابل ملاحظه‌ای در محل وجود داشته باشد، کفایت می‌کند.

سؤال ۵۶۷- رؤیاهای صادقه در حدّ اطمینان یا ظن، مربوط به سیادت، و نیز ارتکازاتی که کثیری از مؤمنین بدون سابقه ذهنی یا آشنایی قبلی برایشان حاصل شده، آیا نقشی در اثبات سیادت اشخاص دارد؟

جواب: این گونه امور برای اثبات سیادت کفایت نمی‌کند.

سؤال ۵۶۸- اگر مسجد یا حسینیه یا مدرسه‌ای، احتیاج شدیدی به کمک داشته باشد، بطوری که اگر حاصل نشود، به احتمال قوی تعطیل خواهد شد، از طرفی تحصیل اجازه مصرف وجوه شرعیّه، از مجتهد و مرجع تقلید خیلی مشکل باشد، یا بعد از مدّت طولانی حاصل شود، آیا در این حالت اجازه مصرف وجوه شرعیّه یکی از مجتهدین جامع الشرائط، برای مقلّدین دیگر مراجع تقلید، کفایت می‌کند؟

جواب: ما به شما اجازه می‌دهیم که در این گونه موارد، که ضرورتی ایجاب می‌کند، به علمای معروف محل مراجعه کنید و با رعایت دقّت و احتیاط طبق نظر آنان عمل نمایید.

سؤال ۵۶۹- این جانب از نسل میر شاه‌وردی خان عباسی، آخرین اتابک در چهارصد سال پیش، هستم. بنا به نقل منابع تاریخی، وی خود را از فرزندان حضرت عیّاس بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) می‌دانسته و شجره‌نامه‌ای دالّ بر این مدّعا نیز در دست

است.

از سوی دیگر به شهادت پیرمردان و معتمدین فامیل و غیر آنها از طوایف دیگر،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۵

نیاکان و اجداد ما هم به نشانه سیادت شال سبز به کمر می‌بسته‌اند. مسائلی چون یائسگی زنان در ۶۰ سالگی و مشاهده در عالم رؤیا و امثال آن، نیز مؤید مطلب است؛ لکن برخی از طوایف دیگر - البته بدون مدرک - می‌گویند: «خاندان میر شاهوردی از نسل عباس بن عبد المطلب هستند» یعنی آنها هم انتساب به هاشم بن عبد مناف را قبول دارند ولی نه از طریق عباس بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام). با این اوصاف مستدعی است بفرمایید: آیا شرعاً آثار سیادت مترتب می‌شود؟

جواب: چنانچه آنها در محل خودشان مشهور به سیادت باشند، خواه از نسل عباس بن عبد المطلب، یا عباس بن علی (علیهما السلام)، آثار سیادت و انتساب به هاشم را خواهند داشت.

سؤال ۵۷۰- چرا وقتی پدر خانواده سید است، نام سید روی فرزند باقی می‌ماند، ولی اگر مادر سید باشد، چنین نمی‌شود؟

جواب: معمولاً نسب انسان در عرف از طریق پدر منشعب می‌شود، به همین جهت همیشه فامیل کودکان، مطابق فامیل پدر ثبت می‌شود، و در اسلام نسب خانواده از طریق پدر است؛ هر چند سیادت مادر نیز سبب احترام فرزند است.

مسائل متفرقه خمس

سؤال ۵۷۱- اگر کسی شک داشته باشد که پدر یا برادر او، خمس یا زکات مالش را می‌دهد، آیا می‌تواند به صرف این که با چشم خود نمی‌بیند حمل بر صحت کند؟ تکلیف سایر اعضای خانواده در مصرف پول و مایحتاج روزانه که به آن احتیاج دارند چیست؟

جواب: فعل او را حمل بر صحت کنید و بگویید ان شاء الله به وظیفه خود عمل می‌کند، و برای شما اشکال ندارد.

سؤال ۵۷۲- مدتی قبل خانه‌ای از شخصی خریداری شد؛ ولی مبلغی از قیمت این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۶

خانه مانده بود؛ بعد از عقد قرارداد، شخص بنگاهی باقیمانده پول را بابت خمس قبول می‌کند و معامله تمام می‌شود و سند خانه هم طبق قرارداد به نام مشتری می‌شود؛ اما بعد از چند ماهی شخص قبول کننده خمس، از عمل خود پشیمان می‌شود، آیا با پشیمانی این شخص لازم است مبلغی را که بابت خمس قبول کرده، به او برگردانده شود؟

جواب: این پشیمانی اثری ندارد، و خمس بر نمی‌گردد.

سؤال ۵۷۳- کسانی که توانایی پرداخت خمس را ندارند، چه باید بکنند؟

جواب: به اقساط و بطور تدریجی می‌پردازند و حاکم شرع می‌تواند با ملاحظه حال آنها تخفیفی به آنها بدهد.

سؤال ۵۷۴- آیا اشخاصی که معتقد به خمس نیستند، یا هستند و خمس نمی‌دهند (سنی یا شیعه)، پولی که از آنها می‌گیریم اشکال دارد؟ و آیا خمس آن را باید بدهیم؟

جواب: اگر یقین داشته باشید که به آن پول خمس تعلق گرفته، و طرف شیعه باشد، باید خمس آن را بدهید، و اما اگر از اهل سنت و یا از غیر مسلمین بگیرید، خمس دادن از آن لازم نیست.

سؤال ۵۷۵- اگر بدانیم صاحب خانه از پولی که خمس نداده غذا تهیه نموده است، استفاده از آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر یقین ندارید خانه یا غذای او از پول غیر مخمس تهیه شده، تصرف در آن مانعی ندارد، و اگر یقین دارید ما به شما اجازه می‌دهیم تصرف کنید و معادل خمس آن را، که تصرف کرده‌اید، به سادات نیازمندی بپردازید و اگر تمکن ندارید بر ذمه بگیرید و هر موقع توانستید بپردازید.

سؤال ۵۷۶- اگر کودک، یا سفیه، یا کسی که جنون ادواری دارد پولی به دست آورد، یا کسی پولی را به حساب او از طرف کسی واریز کند، خمس آن بر عهده چه کسی است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۷

جواب: در مورد کودک نابالغ احتیاط آن است که خودش پس از بلوغ بپردازد، و در مورد مجنون خمس به مال او تعلق نمی‌گیرد؛ ولی مجنون ادواری در آن زمانی که عاقل است باید خمسش را بپردازد، و اما سفیه ادای خمس مالش با ولی اوست.

سؤال ۵۷۷- خانمی است که مقید به نماز می‌باشد؛ ولی همسر او گهگاه، آن هم به اجبار زن نماز می‌خواند. همچنین شوهر حساب سال ندارد؛ آیا ماندن در خانه شوهر و استفاده از خوراک و پوشاک او جایز است؟

جواب: ماندن در خانه او جایز است و می‌تواند از خوراک و پوشاک او استفاده کند و ما اجازه می‌دهیم وجوه شرعی آن را بر ذمه بگیرد و هر وقت توانایی پیدا کرد بپردازد و از امر به معروف و نهی از منکر، در مورد نماز و وجوه شرعی، خودداری نکند.

سؤال ۵۷۸- با توجه به این که خمس یکی از ضروریات اسلام است و جماعت صوفیه فقط عشریه می‌دهند، آن هم به قطبشان، استفاده کردن از غذاها، منزل آنها، مخصوصاً نماز خواندن در منازل آنها، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که خمس آن مقداری که تصرف می‌کنید بر ذمه بگیرید و بعداً بپردازید.

سؤال ۵۷۹- آیا جایز است شخص قبل از رسیدن سال، اموال خود را به قصد فرار از خمس به همسرش، یا به شخص دیگری ببخشد؟

جواب: چنانچه واقعاً ببخشد و این مقدار بخشش در شأن او باشد خمس به او تعلق نمی‌گیرد؛ ولی از فضیلتی محروم شده است.

سؤال ۵۸۰- کسی برای فرار از خمس، قبل از سال خمسی پولش را به کسی می‌بخشد تا بعد از سال خمسی آن شخص دوباره همان پول را به او ببخشد، آیا این کار باعث ساقط شدن خمس است؟

جواب: اشکال دارد و خمس ساقط نمی‌شود (بنابر احتیاط واجب).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۸

انفال

سؤال ۵۸۱- طبق نظر حضرت‌تعالی بریدن بی‌رویه درختان جنگل‌ها، که منابع اصلی تولید اکسیژن و ادامه حیات بشر بر کره خاکی است، و تبدیل آن مناطق به منطقه خشک چه صورتی دارد؟

جواب: الف) جنگل‌ها جزء انفال است و تصرف در آن منوط به اجازه حکومت اسلامی است.

ب) هر کاری که موجب ضرر و زیان مسلمین، در کوتاه مدت یا درازمدت می‌شود، جایز نیست، و لازم است مردم مسلمان در این گونه مسائل، که با محیط زیست انسان‌ها ارتباط شدید دارد، کاملاً هوشیار و مراقب باشند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۸۹

فصل چهاردهم: احکام زکات

اشاره

سؤال ۵۸۲- فلسفه تشریح زکات و اهداف آن را، با توجه به آیات و روایات، بیان فرمایید.

جواب: در تفسیر نمونه، جلد ۸، ذیل آیه ۶۰ سوره توبه، مشروحاً بیان کرده‌ایم.

سؤال ۵۸۳- آیا زکات گندم و جو که با آبهای رودخانه‌ای که دولت به کشاورزان می‌فروشد مشروب می‌شود، ۱۰۱ است، یا ۲۰۱ می‌باشد؟

جواب: زکات آن ۱۰۱ است؛ مشروط بر این که آب را با پمپ و مانند آن از رودخانه نکشند و الا ۲۰۱ است.

سؤال ۵۸۴- طبق قانون بخش تعاون جمهوری اسلامی ایران، شرکتی با سرمایه ۲۵۰ نفر از کارکنان تشکیل شده است. این شرکت طبق اساسنامه وظیفه دارد نسبت به پرداخت وام به سهامداران اقدام نماید. بر اساس اساسنامه، هیأت مدیره می‌تواند جهت تأمین بخشی از منابع مالی پرداخت وام، به انجام امور اقتصادی و خدماتی مبادرت نماید؛ در این راستا شرکت مذکور با اجاره ۱۵۰ هکتار زمین مزروعی به کاشت گندم و چغندر قند مبادرت نموده که پس از کسر هزینه‌ها سود مناسبی نیز به دست آمده است. با توجه به تعاونی بودن شرکت و جمع‌آوری سرمایه‌های اندک و عدم تعیین محور کسب درآمد توسط سهامداران، به سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

آیا هیأت مدیره شرکت می‌تواند بدون اخذ اجازه از سهامداران، نسبت به کسر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۰

زکات شرعی محصولات کشاورزی اقدام نماید؟

جواب: باید به سهامداران تذکر دهند، اگر آنها خودشان اقدام نکردند، ما به شما اجازه می‌دهیم که زکات را به صاحبانش برسانید.

سؤال ۵۸۵- به نظر حضرت تعالی آیا زکات مال التجاره واجب است؟

جواب: زکات مال التجاره مستحب است.

اشیایی که زکات آن واجب است

سؤال ۵۸۶- آیا زکات نقدین شامل دیگر اوراق نقدیه (پول) می‌شود؟ به بیان دیگر آیا در زکات، درهم و دینار (طلا و نقره بودن)

جزء موضوع است، یا آن که تمام موضوع جنبه پولی و ارزش مبادله‌ای آن است، خواه طلا و نقره باشد، یا چیز دیگر؟

جواب: ظاهر ادلّه، انحصار زکات به طلا- و نقره مسکوک است و شمول آن نسبت به اوراق نقدی و اسکناس، نیاز به الغای خصوصیت قطعیه دارد که قابل تأمل است؛ زیرا اگر الغای خصوصیت جنبه ظنی داشته باشد در حکم استحسان و قیاس خواهد بود، که از نظر فقهای ما مردود است.

سؤال ۵۸۷- آیا زکات منحصر به اشیای نه گانه است؟ یا با توجه به فلسفه تشریح آن، در صورت نیاز جامعه، قابل توسعه به اشیای

دیگر نیز می‌باشد؟

جواب: درست است که فلسفه تشریح آن تعمیم دارد؛ ولی روایاتی داریم که صریحاً زکات را منحصر به نه چیز می‌کند و غیر آن را نفی می‌نماید.

سؤال ۵۸۸- آیا حاکم اسلامی می‌تواند غیر از خمس و زکات واجب، پرداخت وجوه دیگری مانند مالیات را بر مردم مقرر سازد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۱۹۰

جواب: در صورتی که ضرورتی برای جامعه اسلامی پیش آید و هیچ راهی برای حل آن جز مالیات‌های جدید نباشد، حکومت اسلامی می‌تواند به مقدار لازم مالیات وضع کند، و رعایت عدالت دینی در این امر واجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۱

سؤال ۵۸۹- آیا تفاوتی بین دین مؤخّل و دین حال، که وام‌دهنده قدرت بر گرفتن آن را دارد؛ ولی به خاطر فرار از زکات آن را مطالبه نمی‌نماید وجود دارد؟

جواب: تفاوتی وجود ندارد؛ هیچ‌کدام مشمول زکات نیستند.

سؤال ۵۹۰- آیا به پولهایی که در بانکها به صورت قرض الحسنه، یا سپرده، یا حساب جاری گذاشته می‌شود، عنوان دین صادق است یا ودیعه؟ و در هر صورت حکم زکات آن چیست؟

جواب: حساب قرض الحسنه و حساب جاری جنبه دین دارد و به همین دلیل در تمام اوراق بانک بستانکار و بدهکار نوشته می‌شود و وام چیزی جز این نیست که عین را مصرف کنند و عوض آن را بپردازند؛ ولی سپرده، جنبه سرمایه‌گذاری برای مضاربه دارد و همان‌گونه که قبلاً گفته شد زکات در اسکناس و مانند آن نیست، هرچند احتیاط پرداختن آن است.

سؤال ۵۹۱- آیا زکات تنها به عین تعلق می‌گیرد، یا شامل دین نیز می‌شود؟ در صورت تعلق به دین بر عهده چه کسی است، وام‌دهنده یا وام‌گیرنده؟

جواب: در صورتی که وام‌گیرنده مالی که زکات به آن تعلق می‌گیرد را نزد خود برای مدت یک سال (با اجتماع شرایط دیگر) نگاهداری کند زکات به او تعلق می‌گیرد، نه وام‌دهنده.

سؤال ۵۹۲- آیا زکات گرفتنی است یا دادنی؟ به بیان دیگر در حکومت اسلامی که قدرت بر مطالبه زکات و دریافت آن از زکات‌دهندگان هست، آیا دولت می‌تواند مطالبه زکات نماید؟ و در صورت ممانعت، آن را با زور بگیرد؟ یا این که پرداخت زکات تکلیف شرعی زکات‌دهنده است و اگر نپردازد گناه کرده است و کسی حق گرفتن از او را ندارد؟

جواب: حکومت اسلامی حق دارد زکات را از مردم جمع‌آوری کند، همان‌گونه که در عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امیر مؤمنان (علیه السلام) مأموران جمع‌آوری زکات به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۲

فرمان آن حضرت به مناطق مختلف می‌رفتند و به جمع‌آوری زکات مشغول می‌شدند.

زکات فطره

سؤال ۵۹۳- آیا پرداختن زکات فطره از طرف حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشروع است؟

جواب: دادن فطره برای آن حضرت مفهوم صحیحی ندارد؛ بهتر آن است که برای سلامتی و تعجیل در ظهور پرنورش هر مقدار می‌خواهند صدقه بدهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۳

فصل پانزدهم: احکام حجّ

شرایط وجوب حجّ

سؤال ۵۹۴- زنی که مهریه زیادی، که به حدّ استطاعت حجّ می‌رسد، از شوهرش طلبکار است، آیا به صرف طلب کاری مستطیع شده و حجّ بر او مستقرّ می‌باشد؟ و هرگاه قبل از گرفتن مهریه از دنیا برود، آیا لازم است شخصی را به نیابت از او به حجّ بفرستند؟ جواب: هرگاه گرفتن مهریه از شوهر برای او عیب نباشد و مشکلی در زندگانی او و شوهرش ایجاد نکند، مستطیع است و باید به حجّ برود و اگر نرفت باید ورثه او از مالش بردارند و ادا کنند.

سؤال ۵۹۵- زن جوانی از طرف شوهر، دوستان و فامیله‌ها، در جشن عروسی دارای مقداری طلا- شده، که قیمت آن به اندازه استطاعت حجّ می‌باشد، آیا این زن مستطیع است؟ یا چون زمان زینت و آرایش او می‌باشد و خود را با آن آرایش می‌کند طلای مذکور جزء مؤونه می‌باشد؟ اگر همین طلا را بفروشد، یا برای تبدیل بطور مکرر خرید و فروش نماید چه تکلیفی دارد؟
جواب: اگر آن مقداری که دارد جزء شئون او در مورد زینت است، مستطیع نیست.

سؤال ۵۹۶- حضرت تعالی برای وجوب حجّه الاسلام شرط فرموده‌اید که مکلف عاقل باشد، آیا منظور حضرت تعالی جنون دائمی است، یا جنون ادواری و گاهگاهی را نیز شامل می‌شود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۴

جواب: مراد جنون دائمی است و مجنون ادواری اگر بتواند اعمال حجّ را در حالی که عاقل باشد بجا آورد اشکال ندارد.
سؤال ۵۹۷- اگر مکلف در بین سال از حیث مالی مستطیع شود، ولی قبل از رسیدن موسم حجّ در همان سال فوت کند، آیا حجّ بر او واجب است؟
جواب: حجّ بر او واجب نیست.

سؤال ۵۹۸- خانمی مستطیع شده و امسال نام او را اعلام نموده‌اند. نامبرده به دلیل این که نابینا شده، فرزند خود را نایب نموده است. آیا صرف نابینا شدن موجب اسقاط استطاعت است؟ ضمناً نامبرده همراه ندارد و توان مالی برای پرداخت هزینه همراه را نیز ندارد.

جواب: افراد نابینا اگر همراه نداشته باشند، معمولاً مستطیع نیستند و اگر قبلاً استطاعتی نداشته‌اند لزومی ندارد کسی را به جای خود بفرستند؛ مگر این که خودشان مایل باشند.

سؤال ۵۹۹- خانمی به دلیل استطاعت مالی و بدنی ثبت نام نموده و امسال نام او را اعلام کرده‌اند، بعد از اعلام، تصادف کرد و در چند جای بدنش شکستگی استخوان به وجود آمد، در حال حاضر توان حرکت و شستشو و طاهر کردن خود را ندارد و ممکن است این وضعیت تا موسم حجّ ادامه یابد، سؤال این است که آیا نامبرده با همین وضع و با بدن نجس باید به حجّ برود و طواف و نماز را با همین وضع بجا آورد، یا این که باید صبر کند تا سال بعد حالش مساعد شود؟ و اگر سازمان حجّ و زیارت قول مساعد برای سال بعد نداد وظیفه‌اش چیست؟

جواب: اگر می‌تواند با همین حال به مکه برود و طبق وظیفه شرعی خود عمل کند؛ مگر این که از رفتن عاجز باشد.
سؤال ۶۰۰- مدّتی قبل به منظور تشرّف به مکه معظّمه ثبت نام کردم؛ ولی تا کنون موفق به رفتن نشده‌ام، با توجه به گذشت زمان، از لحاظ جسمانی ضعیف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۵
شده‌ام و به همان نسبت از نظر درآمد، فعلاً امکانات مالی اجازه این کار را نمی‌دهد؛ مگر این که ملک شخص خودم را در معرض فروش قرار دهم، و چنان چه ملک را به فروش برسانم در مضیقه قرار خواهم گرفت. آیا جایز است ملکی که از آن امرار معاش می‌کنم، در معرض فروش قرار دهم؟

جواب: اگر هزینه‌های واجب حجّ را ندارید مستطیع نیستید و می‌توانید فیش حجّ خود را بفروشید و قیمت آن را مصرف کنید.
سؤال ۶۰۱- یکی از مؤمنین اهل مدینه از مسجد شجره محرم می‌شود و به قصد این که در جدّه پولی از برادرش بگیرد، تا به وسیله آن مستطیع شود، به طرف جدّه حرکت می‌کند؛ ولی برادرش پولی ندارد که به او بدهد، مدّتی برای تهیه پول معطل می‌شود تا این که پس از مدّتی شخصی مقداری پول به عنوان هدیه یا غیر آن به برادرش می‌دهد و او هم در اختیار این شخص می‌گذارد آیا احرام اوّلش صحیح است؟

جواب: ظاهر این است که احرامش صحیح و حجّ او کفایت از حجّه الاسلام می‌کند.

حجّ نیابتی

سؤال ۶۰۲- پدر یا مادری برای حجّ ثبت نام کرده و پیش از فرا رسیدن نوبت اعزام، فوت نموده و نسبت به حجّ خود وصیّتی نکرده است؛ اکنون با توافق ورثه، یکی از فرزندان متوفی جهت انجام حجّ نیابتی انتخاب می‌شود و این در شرایطی است که این شخص (فرزند)، استطاعت بدنی و مالی دارد و استطاعت طریقی او منحصرأ با استفاده از فیش متوفی (پدر یا مادر) حاصل می‌شود. سؤال این است که:

الف) آیا این شخص (فرزند) باید برای خود حجّ بجا آورد، یا برای پدر و مادر خود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۶

جواب: باید برای پدر یا مادر، که صاحب فیش بوده‌اند، حجّ بجا آورد؛ مگر این که با ورثه توافق کند که برای پدر و مادر حجّ میقاتی خریداری کند و برای خود حجّ استطاعتی بجا آورد.

ب) اگر باید برای پدر یا مادر خود حجّ بجا آورد، چنانچه تخلّف کند و برای خودش بجا آورد، آیا حجّ او مجزی از حجّه الاسلام خودش می‌باشد؟

جواب: حجّ او صحیح است ولی باید تمام پول فیش را به قیمت روز بازپس دهد، تا ورثه درباره حجّ پدر یا مادر تصمیم بگیرند.

سؤال ۶۰۳- آیا انجام یک عمره مفرده استحبابی، به نیت خود و به نیابت تبرّعی دیگران، صحیح است؟

جواب: احتیاط آن است که آن را به نیت خود بجا آورد و هر مقدار از ثواب آن را که می‌خواهد به دیگران هدیه کند.

عمره

سؤال ۶۰۴- هرگاه شخصی رجاء به احرام عمره مفرده محرم شود، آیا باید در طواف، نماز طواف، سعی، تقصیر، طواف نساء و نماز طواف نساء کلمه رجاء را در نیت بیاورد؟ مثلاً نیت کند: «هفت دور طواف عمره مفرده بجا می‌آورم رجاء قربه الی الله»، یا این کار لازم نیست؟

جواب: همین اندازه که نیت رجاء در ذهن او نسبت به تمام اعمال عمره وجود دارد کافی است، و لازم نیست کلمه رجاء را تکرار کند.

سؤال ۶۰۵- در مواردی که فاصله بین دو عمره کمتر از یک ماه است و شخص می‌خواهد برای خودش رجاء عمره مجدّد بجا آورد، اگر به این صورت نیت کند: «محرم می‌شوم به احرام عمره مفرده رجاء قربه الی الله»، کافی است؟
جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۷

احرام عمره مفرده

سؤال ۶۰۶- آیا زائران ایرانی بیت الله الحرام، در موسم حجّ تمتّع و یا عمره مفرده، می‌توانند از میقات حدیبیه (که محلی است میان جدّه و مکه) محرم شوند؟

جواب: حدیبیه میقات عمره مفرده است (نه میقات عمره تمتّع).

سؤال ۶۰۷- برخی از زائران ایرانی در تلفظ کلماتی مانند «لَبَّيْكَ»، «غَيْر»، «يَوْم» و مانند آن فتحه را به گونه‌ای ادا می‌کنند که گاهی

احساس می‌شود به کسره یا به ضمه متمایل شده است، و در مقابل بعضی از اهل دقت یا وسواس اظهار می‌دارند که باید فتحه کاملاً ظاهر شود و در تلفظ گاهی چنان اشباع می‌کنند که شبیه به «الف» می‌شود، در حالی که اساتید قرائت زبان عرب و ائمه جماعت مکه و مدینه نیز به دقتی که گروه دوم لازم می‌دانند، ادا نمی‌کنند. لطفاً نظر مبارک خود را در خصوص ادای صحیح این کلمات مرقوم فرمایید.

جواب: در این گونه مسائل باید به تلفظ اهل لسان توجه کرد و از آنجا که اهل لسان فتحه را به صورت گروه دوم نمی‌گویند، احتیاط آن است که از آن پرهیز شود و آنچه از اهل لسان بارها شنیده‌ایم، فتحه را کمی مایل به ضمه یا کسره می‌گویند، و همان صحیح است.

سؤال ۶۰۸- یکی از کارمندان سازمان حج و زیارت، که بیش از یک ماه در مکه بوده و همین مدت از عمره قبلی او گذشته، برای کاری به جده می‌رود، در برگشت بدون احرام وارد مکه شده است، وظیفه‌اش چیست؟
جواب: کار خلاف شرعی انجام داده است و باید برگردد و مُحَرَّم شود، و عمره مفرده بجا آورد؛ زیرا عبور از میقات و ورود به مکه برای کسی که یک ماه از عمره او گذشته باشد بدون احرام و انجام اعمال جایز نیست.

محرمات احرام

سؤال ۶۰۹- تزریق آمپول در حال احرام در صورتی که خون بیاید، برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۸

تزریق کننده و شخص مُحَرَّم که به او تزریق می‌شود، چه صورتی دارد؟

جواب: حرام نیست، خواه خون بیاید یا نیاید.

سؤال ۶۱۰- شخصی در حال احرام، داخل اتوبوس غیر مسقف در حال طی مسیر در روز، مجبور است برای نوشیدن آب یا آوردن

آب برای دیگر زائران، به قسمت جلو اتوبوس که مسقف است، برود. آیا گناهی کرده و کفاره‌ای بر ذمه او می‌آید؟

جواب: این کار جایز نیست و کفاره دارد و کفاره آن، یک گوسفند برای تمام مدت احرام است؛ ولی اگر در شب باشد و وجود سقف تأثیری در حفظ از باران و سرما نداشته باشد اشکال ندارد.

سؤال ۶۱۱- آیا آقایان در حال احرام و به هنگام طی طریق، برای محافظت بدن از سرما، می‌توانند از پتو که حاشیه آن دوخته شده

استفاده کنند و خود را بپوشانند؟

جواب: اشکالی ندارد، و حکم لباس دوخته بر آن جاری نمی‌شود.

سؤال ۶۱۲- آیا منظور از «مخیط»، دوختنی است که قطعات جدا از هم را به هم متصل کند، یا حتی اگر روی همین جامه احرام

امروزی که یک پارچه است هم دوخت بزنند بدون این که پاره شده باشد، آن هم اشکال دارد؟

جواب: این گونه دوختن ضرری ندارد.

شرایط طواف

سؤال ۶۱۳- بعضی از بانوان هستند که برای عادت نشدن، مخصوصاً جهت اعمال حج، قرص می‌خورند و در این هنگام بعد از

نزدیکی یا بدون نزدیکی و در حال احرام لگه مختصری می‌بینند، این خون چه نام دارد؟ آیا ضرری به طواف و اعمال واجب آنها می‌زند؟

جواب: خون مزبور حکم استحاضه را دارد و ضرری به اعمال حج نمی‌زند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۱۹۹

باید مطابق استحاضه عمل کند، و با توجه به این که فقط لگه‌هایی دیده و ادامه نداشته جز وضو چیزی بر او نیست.
سؤال ۶۱۴- اگر بعد از تقصیر در عمره مفرده یادش بیاید که طواف را بدون طهارت انجام داده، و یا به هر علتی طواف باطل بوده است، آیا وظیفه او تنها اعاده طواف و نماز است، یا اعاده تمام اعمال لازم است؟ ضمناً آیا پوشیدن لباس احرام، مجدداً واجب است؟

جواب: اعاده طواف و نماز لازم است و اعاده سعی و تقصیر هم بنابر احتیاط لازم است؛ اما پوشیدن لباس احرام لازم نیست.
سؤال ۶۱۵- شخصی عمره مفرده‌ای به نیابت از پدرش انجام داده و روز بعد به نیابت مادرش محرم می‌شود، در اثنای آن متوجه می‌شود که در عمره اول، طواف و نماز آن را بدون وضو انجام داده است. وظیفه او در این صورت چیست؟
جواب: طواف و نماز عمره اول را اعاده می‌کند و عمره دوم را به قصد رجا ادامه می‌دهد (توجه داشته باشید که در یک ماه قمری بیش از یک عمره نمی‌توان انجام داد؛ مگر به قصد رجا، یعنی به امید این که مطلوب باشد، نه بطور قطعی).

سؤال ۶۱۶- شخصی در پایان یکی از دورهای طواف، آن را رها کرده و لحظه‌ای استراحت می‌کند و هنگامی که برای تکمیل آن برمی‌گردد شک می‌کند که شوط پنجم بوده یا ششم، تکلیفش چیست؟
جواب: احتیاط واجب آن است که آن طواف را رها کند و از نو شروع کند.

سؤال ۶۱۷- فقها در دورهای طواف و سعی موالات عرفیه را معتبر دانسته‌اند، با توجه به این مسأله؛ اگر در بین طواف و یا سعی نماز فریضه را شروع کردند و ما نیز به تبعیت آنها نماز را در همان جا که بودیم خواندیم، در حالی که نماز در حدود ربع ساعت طول می‌کشد، آیا از همان جا طواف و سعی را ادامه داده و تکمیل نماییم، یا اعاده نیز لازم است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۰

جواب: از همان جا که قطع کرده‌اید تکمیل نمایید و اعاده لازم نیست، خواه قبل از چهار دور باشد یا بعد از آن.
سؤال ۶۱۸- شخصی در یکی از دورهای طواف یا سعی گامهایی را در اثر فشار جمعیت بی‌اختیار پیموده و به همان نحو ادامه داده و طواف را به پایان برده است. تکلیف او چیست؟

جواب: اگر منظور از بی‌اختیار بودن این است که در وسط جمعیت قرار گرفته و قصد طواف دارد و جمعیت او را پیش می‌برد، این وضع ضرری به طواف نمی‌زند، همین اندازه که به اختیار خود در میان جمعیت به قصد طواف قرار گیرد کافی است.

سؤال ۶۱۹- با توجه به تعمیرات خانه کعبه، که گاهی با حصار چوبی این خانه از دید مردم مخفی می‌شود و فقط حجر الاسود قابل رؤیت است و در اطراف کعبه از محدوده طواف ظاهراً چیزی باقی نمی‌ماند، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید؟
الف) اگر مکلف قبل از عزیمت به حج از این جریان اطلاع داشته باشد و بداند که در محدوده معروف نمی‌تواند طواف کند، آیا احرامش صحیح است و در صورت صحت آیا این مورد از موارد اضطرار شمرده می‌شود که طواف خارج از محدوده معروف صحیح می‌باشد؟

جواب: احرام و طواف در این حال صحیح است و دیدن خانه کعبه در صحت مناسک معتبر نیست و طواف محدوده معینی ندارد؛ حتی در حال اختیار؛ چه رسد به حال اضطرار.

ب) آیا طواف در اطراف کعبه با وجود حصار چوبی صحیح می‌باشد؟ چه مانع دیدن بیت الله شود و چه نشود؟
جواب: طواف در هر دو حالت صحیح است؛ همان‌گونه که در بالا اشاره شد.

ج) در صورتی که احرام و طواف در این حالت صحیح نباشد اگر کار تعمیرات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۱

مذکور طولانی شود، آیا کسانی که قصد ورود به مکه را دارند می‌توانند بدون احرام و انجام مناسک وارد مکه شوند؟
جواب: بدون احرام و انجام مناسک نمی‌توان وارد مکه شد و بر فرض که طواف را در محدوده مقام و بیت لازم بدانیم اینجا از باب ضرورت در خارج از محدوده جایز است.

سؤال ۶۲۰- اگر کسی چندین طواف مستحبی در زمان ازدحام انجام دهد، به گونه‌ای که مزاحم طواف کنندگان واجب گردد، آیا ضرری به طواف‌های مستحبی او می‌رساند؟ مخصوصاً اگر در زمان دیگر وقت برای این کار داشته باشد.
جواب: در مناسک نوشته‌ایم که احتیاط ترک طواف مستحبی به هنگام ازدحام جمعیت و حضور طواف کنندگان واجب است.

نماز طواف

سؤال ۶۲۱- وقتی قسمتی از زمین مسجد الحرام (به سبب خون یا بول یا مانند آن)، نجس می‌شود کارکنان مسجد الحرام اقدام به تطهیر آن با روش غیر صحیح می‌نمایند؛ در این صورت نماز بر روی آن قسمت از زمین - در صورتی که هنوز مرطوب است - چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط این است که در مکان دیگری نماز بخواند، و اگر یقین به نادرستی روش آنها ندارد اشکالی ندارد و جستجو لازم نیست.

سؤال ۶۲۲- آیا روحانی کاروان، که نماز طواف را به صورت فردی خوانده، می‌تواند همان نماز را همانند نمازهای یومیه، با نیت جماعت، برای افراد کاروان بخواند؟

جواب: دلیلی بر مشروعیت جماعت در نماز طواف نداریم، بنابراین باید جماعت در نماز طواف را ترک کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۲

سؤال ۶۲۳- آیا نماز پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) حکم تکلیفی است یا وضعی؟ و به تعبیر دیگر اگر کسی نمازش را نزدیک دیوار زمزم بخواند، آیا نمازش باطل است، یا این که فقط معصیت کرده؛ ولی نمازش صحیح است؟

جواب: خواندن نماز طواف واجب پشت مقام ابراهیم جزء شرایط است؛ ولی اگر بر اثر ازدحام نتواند نماز را پشت مقام بخواند، تا جایی که مزاحمتی برای طواف کنندگان نداشته باشد عقب‌تر می‌رود.

سؤال ۶۲۴- در صورتی که فردی به خاطر ازدحام نتواند نماز طواف را پشت مقام بخواند، آیا باید صبر کند؟ یا می‌تواند فوراً نمازش را در جایی که مقدور است بخواند و بعد در صورت امکان، و لو روزهای بعد، نزدیکتر اعاده نماید؟

جواب: می‌تواند در جایی که مقدور است بخواند و صبر کردن برای نزدیکتر خواندن لازم نیست.

سؤال ۶۲۵- اخیراً در یکی از روزنامه‌های عربستان، مقاله‌ای تحت عنوان «آیا جابه‌جایی مقام ابراهیم (علیه السلام) مناسب است؟» به چاپ رسیده و مطالبی در مورد لزوم جابه‌جایی مقام ابراهیم به منظور رفع مانع برای طواف کنندگان، مطرح شده است. از آنجا که معمولاً دولت عربستان برای اقدامات خود قبلاً از طُرُق مختلف زمینه‌سازی می‌کند، لذا خواهشمند است بفرمایید:

الف) چنین اقدامی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: جابه‌جایی مقام ابراهیم (علیه السلام) جایز نیست، و ممانعتی برای طواف کنندگان نیز ندارد؛ زیرا جایز است طواف در دو طرف مقام ابراهیم انجام شود؛ اما از آنجا که مقام ابراهیم معیاری برای محلّ نماز طواف واجب است و این تغییر سبب می‌شود که معیار مزبور به هم بخورد. تغییر آن شرعاً مجاز نیست.

ب) در صورت عملی شدن این طرح، تکلیف زائران و حجاج بیت الله الحرام در رابطه با طواف و نماز پشت مقام چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۳

جواب: همان طور که گذشت برای مسأله طواف مشکلی ایجاد نمی‌شود؛ زیرا طواف در پشت مقام نیز جایز است. اما اگر خدای نکرده اقدام به چنین کار خلافی کنند، زائران بیت الله الحرام باید محلّ تقریبی فعلی آن را برای نماز طواف واجب در نظر بگیرند و طبق آن عمل کنند.

سؤال ۶۲۶- شخصی علاقه‌مند است که قرائت قرآن و نمازهای مستحبی و دعای توسّل را پشت مقام ابراهیم (علیه السلام) انجام دهد، در حالی که در جاهای دیگر مسجد الحرام نیز این امر ممکن است. از طرفی ازدحام جمعیت به گونه‌ای است که برای کسانی که می‌خواهند نماز طواف واجب بخوانند کمبود جا می‌باشد، آیا این کار جایز است؟
جواب: در صورت مزاحمت این کار جایز نیست.

سعی بین صفا و مروه

سؤال ۶۲۷- با توجه به این که در روزهای ششم و هفتم ذیحجه، بر اثر ازدحام زیاد، مأمورین مانع می‌شوند که معذورین را با چرخ در طبقه پایین سعی دهند، آیا در این صورت می‌توان معذورین را با چرخ در طبقه دوم و سوم صفا و مروه سعی داد؟
جواب: باید به جای آنها نایب بگیرند، و احتیاط آن است که هم نایب بگیرند و هم از طبقه دوم سعی کنند.

سؤال ۶۲۸- کودکی که مُحرم به احرام عمره مفرده بوده گاهی در هنگام سعی می‌دوید و گاهی به عقب بر می‌گشته و با همین وضعیّت اعمال عمره را به پایان برده است. اکنون چه وظیفه‌ای دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۲۹- آیا در رعایت موالات عرفیه، سعی نیز مانند طواف است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۴

جواب: استراحت و نشستن در وسط سعی برای کسی که خسته شده است جایز است؛ ولی احتیاط واجب آن است که موالات به هم نخورد.

سؤال ۶۳۰- کسی که بر چرخ سوار بوده، و از صفا به مروه و از مروه به صفا برده می‌شده به علت خستگی مفراط در بعضی از حالات رفت و برگشت سعی خواب بوده، آیا سعی او با این وضع صحیح است؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۳۱- اگر کسی در سعی صفا و مروه سوار بر چرخ باشد و کلاً در حال خواب سعی کند چه حکمی دارد؟
جواب: احتیاط آن است که اعاده کند.

سؤال ۶۳۲- سعی بین صفا و مروه برای زائران سالم و توانمند، با چرخ چه صورتی دارد؟
جواب: اشکال ندارد؛ افراد سالم نیز می‌توانند با چرخ یا بطور سواره سعی کنند.

سؤال ۶۳۳- چنانچه فردی نتواند سعی انجام دهد و در گرفتن چرخ هم با مشکل مواجه باشد، آیا می‌توان از او نیابت کرد و سعی را انجام داد؟

جواب: آری جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۵

واجبات حجّ تمتع

۱- احرام

سؤال ۶۳۴- آیا برای افراد ساکن مکه، که وظیفه آنها حج افراد است و آن را انجام داده‌اند و قصد دارند حج مستحبی تمتع را انجام دهند، جایز است که برای عمره تمتع از منزلشان، که از میقات به مکه مکرمه نزدیکتر است، مُحرم شوند، یا باید از میقات محرم شوند؟ و اساساً آیا فرقی بین آفاقی و مکی در احرام عمره تمتع مستحبی هست؟

جواب: جایز است آنها از منزلشان محرم شوند؛ اگر چه احرام آنها از یکی از مواقیت پنج گانه نیز جایز می‌باشد.

سؤال ۶۳۵- شخصی در طریق حج به جدّه می‌رسد، به قصد رفتن به جُحفه برای احرام عمره تمتع حرکت می‌کند، در جدّه به او گفته می‌شود که فقط راه مکه باز است، در فرودگاه جدّه یک عالم شیعه را ملاقات می‌کند، از او می‌پرسد که چه کار کنم؟ ایشان می‌گوید: «چون شما نمی‌توانید به میقات بروید، می‌توانید از جدّه محرم شوید» آن شخص هم از جدّه محرم می‌شود، آیا حج او درست است؟

جواب: احرام از جدّه اشکال دارد؛ ولی شخص مزبور چون جاهل بوده عملش صحیح است.

۲- وقوف در مشعر

سؤال ۶۳۶- آیا برای وقوف در مشعر، یک نیت کافی است؟ یا این که باید برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۶

وقوف تا طلوع فجر یک نیت، و بعد از طلوع فجر برای وقوف تا طلوع آفتاب، نیت دیگری نماید؟

جواب: یک نیت کافی است.

۳- رمی جمرات

سؤال ۶۳۷- کسانی که همراه زنان و معذورین، که بعد از نیمه شب از مشعر به منی کوچ می‌نمایند، حرکت می‌کنند، آیا می‌توانند شبانه رمی جمره عقبه نمایند، یا باید صبر کنند و بعد از طلوع آفتاب، رمی نمایند؟

جواب: چنانچه بتوانند بعد از طلوع آفتاب رمی کنند، باید در روز رمی نمایند؛ و گرنه در شب جایز است.

۴- قربانی

سؤال ۶۳۸- با توجه به این که از گوشت قربانی در منی هیچ استفاده‌ای نمی‌شود، اگر حاجی در روز عید قربان در آنجا قربانی کند، آیا این قربانی مجزی است؟

جواب: در صورتی که قربانی از بین برود به فتوای ما مجزی نیست، و مقلدین ما نمی‌توانند به آن قناعت کنند؛ بلکه با توجه به اسراف بودن، باید از آن خودداری کنند.

سؤال ۶۳۹- حاجی بعد از این که در روز عید قربان رمی جمره عقبه نمود، با توجه به فتوای شما از قربانی صرف نظر می‌کند، آیا می‌تواند حلق یا تقصیر کند، یا تا زمانی که قربانی نکند در احرام می‌ماند؟

جواب: پول قربانی را در آنجا یا در محلّ خود کنار می‌گذارد و حلق می‌کند و از احرام بیرون می‌آید و هیچ مشکلی ندارد و شبیه کسانی است که پول دارند، ولی قربانی پیدا نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۷

سؤال ۶۴۰- اگر قبل از رفتن به حجّ هماهنگ کند که قبل از ظهر عید قربان به نیابت از او قربانی بکنند و حاجی در مکه بعد از ظهر عید قربان حلق یا تقصیر بکند، حال با توجه به این که معمولاً روز عید قربان در عربستان یک روز جلوتر از ایران است، آیا نایب طبق روز عید قربان در ایران قربانی کند، یا طبق تقویم عربستان؟

جواب: مدار روز عید قربان عربستان است؛ ولی باید توجه داشت که اگر می‌خواهند هماهنگ کنند، طوری هماهنگ کنند که قربانی بعد از رمی جمره عقبه، و قبل از حلق باشد.

سؤال ۶۴۱- بعضی از زائرین خانه خدا شب عید قربان تلفن زده‌اند که در روز عید گوسفندی برای ما قربانی کنید و خودشان قربانی روز عید را ترک کرده‌اند، آیا این کار صحیح بوده و مطابق با نظر جنابعالی است؟

جواب: قربانی و حجّشان صحیح است؛ ولی همان طور که گفتیم طوری هماهنگ کنند که بعد از رمی جمره عقبه و قبل از تقصیر باشد.

۵- حلق

سؤال ۶۴۲- شخصی که در حجّ مخیر بین حلق (یعنی تراشیدن سر) و تقصیر (یعنی کوتاه کردن مو) است، حلق را انتخاب کرده و مشغول به حلق می‌شود؛ بعد از آن که مقداری از سر را حلق نموده پشیمان می‌شود و می‌خواهد حلق را قطع نموده و با تقصیر از احرام خارج شود. بفرمایید آیا در این صورت بازهم تخیر باقی است و این فرد با تقصیر از احرام خارج می‌شود، یا این که حلق متعین شده و باید حلق را تمام نماید؟

جواب: او مخیر است؛ می‌تواند قسمتی از موی خود را کوتاه نماید و از احرام بیرون بیاید.

سؤال ۶۴۳- زائری اعمال رمی جمره عقبه و قربانی روز عید را انجام می‌دهد، آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۸

می‌تواند حلق یا تقصیر را بعد از اذان مغرب و عشا (هنگام شب) انجام دهد؟ یا باید روز انجام دهد؟

جواب: انجام حلق یا تقصیر در شب اشکال دارد.

۶- بیتوته در منی

سؤال ۶۴۴- مدیر یکی از کاروانها، زنها را قبل از ظهر روز دوازدهم از منی خارج نموده است، وظیفه آنان که از مسأله اطلاعی نداشته‌اند، یا اگر متوجه مسأله بودند و نمی‌توانستند بدون مدیر و همراهان در منی بمانند چیست؟

جواب: اگر می‌توانند احتیاط آن است که به منی برگردند و بعد از ظهر کوچ کنند، و اگر نتوانند، معذور بوده‌اند و اشکالی برای حجّ آنها ندارد.

احکام مصدود و محصور

سؤال ۶۴۵- این جانب روحانی کاروانی بودم، یکی از حجّاج آن کاروان که پیر و مریض بود پس از خارج شدن از عمره تمتّع، مرض او شدیدتر شده و در بیمارستان بستری گردید؛ قبل از حرکت به عرفات جهت بردن ایشان به عرفات به مسئولین بیمارستان مراجعه نمودم، آنها گفتند: «ما مریضها را محرم نموده و به عرفات و مشعر می‌بریم، شما در منی مریض خود را تحویل بگیرید»، در منی به درمانگاه مراجعه کردم، گفتند: «حال مریض شما وخیم بود، پزشک معالج اجازه حرکت او را نداد»، پس از مراجعت از منی

به بیمارستان رفته دیدم با این که حالش وخیم است لباس احرام در تن دارد، هرچه تحقیق کردم نفهمیدم چه کسی او را محرم کرده است و آیا تلبیه گفته است یا خیر؟ با توجه به مسأله‌ای که در باب وقوفین آمده است که از هر کس وقوفین ترک شود حج او تبدیل به عمره مفرده می‌شود، احتیاطاً برای انجام اعمال عمره و کالت خواستم، به زحمت گفت: «هرچه می‌خواهید بکنید و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۰۹»

مرا از احرام خارج نمایید»، طواف و نماز و سعی را به نیابت او انجام داده و ابلاغ کردم تا او تقصیر نموده سپس طواف نساء و نماز آن را به نیابت او انجام دادم و او را به ایران فرستادند. متأسفانه در اواخر ماه ذیحجه از دنیا رفت، بعداً در باب محصور به مسأله دیگری برخورد کردم مبنی بر این که: «محصور باید برای قربانی در منی نایب بگیرد» در رابطه با این واقعه جواب مسائل ذیل را مرقوم فرمایید:

الف) با توجه به این که اگر کسی بعد از احرام و دخول حرم از دنیا برود، حج او مجزی است، آیا این حکم فرد مذکور را، با این که در غیر حرم با چند روز فاصله از دنیا رفته، شامل می‌شود؟
جواب: این حکم شامل چنین شخصی نمی‌شود.

ب) بر فرض عدم شمول، با توجه به شک در صحت احرام او، آیا می‌توان حکم به عدم محرم شدن او نمود؟
جواب: این مقدار برای اثبات احرام کافی نیست، بنابراین نمی‌توانید او را محرم حساب کنید.

ج) در این فرض آیا طواف نساء بر او واجب بوده است؟

جواب: انجام طواف نساء در این مورد موافق احتیاط است، و عمل نایب در فرض مسأله کافی است.

د) بر فرض وجوب، آیا طواف نسائی که به نیابت او، در ضمن عمره مفرده، انجام شده کفایت می‌کند؟
جواب: ظاهر این است که کفایت می‌کند.

هـ) بر فرض حکم به صحت احرام او، آیا اعمال انجام شده مجزی است، یا این که لازم است در سال آینده به نیابت او در منی قربانی نمایند؟
جواب: قربانی لازم نیست.

و) در صورتی که قبلاً حج در ذمه او مستقر شده باشد، آیا ورثه آن مرحوم، وظیفه‌ای دارند؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۰

جواب: اگر واجب الحج بوده باید برای او حج بجا آورند، و آنچه شما بجا آورده‌اید کافی نیست.

ز) در صورت اختلاف در فتوا، آیا باید طبق فتوای مرجع تقلید نایب در عمره مفرده، یا مرجع ورثه، و یا مرجع میت عمل شود؟
جواب: به فتوای مرجع تقلید نایب عمل شود.

مسائل متفرقه حج

سؤال ۶۴۶- این حقیر برای ادای فریضه حج از طریق آزاد مشرف شدم، در مکه به یک کاروان، که حجاج آن هم از طریق آزاد مشرف شده بودند ملحق گردیدم، چند نفر دیگر مثل بنده به آن کاروان ملحق شدند، مبلغی که با مدیر کاروان قرار گذاشتند ۵۰۰ دلار بود، ولی بنده فقط در مکه با کاروان مزبور بودم و برای زیارت مدینه جداگانه مشرف شدم، بعد از مراجعت از مکه از مدیر کاروان، که از دوستان بود، سؤال کردم چه مبلغ باید بابت اقامت در مکه به شما بدهم؟ ایشان فرمودند: «هر مقدار که مایل هستی» چندین مرتبه سؤال کردم، ایشان همین جواب را دادند، تا این که در یک مسأله شغلی بین بنده و ایشان مشاجره و درگیری واقع شد، حال ایشان می‌گوید: «برای چند روز اقامت در مکه که در کاروان من بودید باید مبلغ ۸۰۰ دلار بدهید» بنده عرض کردم:

«شما جهت اقامت در مکه و مدینه از دیگران ۵۰۰ دلار گرفتید، حال من که فقط در مکه با شما همسفر بودم باید ۸۰۰ دلار بدهم؟»
 لطفاً وظیفه بنده را مرقوم فرمایید که چگونه عمل کنم تا مدیون نباشم؟

جواب: باید محاسبه شود مبلغی که از دیگران می گرفته طبق نظر اهل خبره چه مقدار آن در مقابل اقامت در مکه و چه مقدار در مقابل اقامت در مدینه قرار می گرفته، به همان نسبت پردازید و بیش از آن بدهکار نیستید.

سؤال ۶۴۷- فردی که قبلاً حجّ واجب خود را انجام داده است، هنگام تشرّف به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۱

مکه مکرمه به قصد حجّ تمتّع استجابی محرم به احرام عمره تمتّع می شود و بعد از انجام اعمال عمره تمتّع، به عللی از انجام حجّ تمتّع پشیمان می گردد؛

الف) آیا این فرد می تواند حجّ تمتّع را انجام ندهد و به ایران مراجعه کند؟

ب) آیا او می تواند برای شخص دیگری نایب شود تا حجّ تمتّع برای او انجام دهد، یعنی به میقات برگردد و به نیابت از او به احرام عمره تمتّع محرم شود و بعد از انجام عمره تمتّع، حجّ تمتّع را هم به نیابت انجام دهد؟

ج) اگر اصل عمل جایز باشد و این فرد نتواند به میقاتهای معروفه عمره تمتّع برود، آیا می تواند از ادنی الحل، محرم شود؟

جواب: اگر مجبور نباشد بنا بر احتیاط واجب باید حجّ تمتّع خود را تکمیل کند، و به سراغ نیابت از دیگری نرود.

سؤال ۶۴۸- این جانب می خواهم به وصیت پدرم عمل نمایم. ایشان وصیت نموده است که به جای او به حج بروم و اعمال را انجام بدهم، آیا عمل به این وصیت بر من واجب است؟ در صورتی که چیزی برای من به ارث نگذاشته است، و اگر واجب است آیا

می توانم به مکه رفته و کسی را اجیر نمایم تا به جای پدرم حجّ کند و خودم برای خودم عمل حجّ را انجام دهم؟ در ضمن آیا قربانی برای او و خودم واجب است؟

جواب: اگر هیچ مالی از خود به جا نگذاشته، بر شما واجب نیست برای او حجّ بجا بیاورید؛ و اگر خودتان مایل باشید می توانید کسی را در آنجا نایب بگیرید که برای او حجّ بجا آورد، و هر کدام باید یک قربانی انجام دهید.

سؤال ۶۴۹- آیا با اذان مغرب اهل تسنّن، می شود نماز فرادی یا جماعت خواند؟

جواب: در مورد نماز صبح و ظهر، چنانچه از اذان آنها یقین یا گمان قابل ملاحظه‌ای حاصل شود، کافی است؛ ولی در مورد نماز مغرب احتیاط آن است کمی صبر شود تا حمره زائل گردد. این در صورتی است که می خواهید جداگانه نماز بخوانید؛ ولی اگر با آنها نماز بخوانید کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۲

سؤال ۶۵۰- شرکت در نماز جماعت اهل تسنّن بدون رعایت اتصال صفوف، چگونه است؟

جواب: اتصال صفوف را رعایت کنید.

سؤال ۶۵۱- با توجه به این که در صورت استفاده از مهر یا کاغذ و یا سجاده حصیری، موجبات انگشت نما شدن فراهم می شود، سجده بر فرش داخل حرمین و مساجد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی در مواردی که می توان از سنگهای خود مسجد استفاده کرد، از آنها استفاده کنید.

سؤال ۶۵۲- با توجه به این که در این ایام فاصله عرفات با مکه، کمتر از مسافت شرعی است، آیا می شود با احتساب ایام عرفات و مشعر و منی قصد ده روز کرد؟

جواب: نظر به این که قصد اقامه باید در یک محل یا دو محلّ نزدیک به هم باشد (مثلاً با فاصله سه چهار کیلومتر) قصد مزبور صحیح نیست؛ ولی اگر قصد ده روز توقّف در مکه کند و پس از گذشت ده روز به عرفات و مشعر و منی برود نمازش در همه این

مکانها کامل است.

سؤال ۶۵۳- در جایی که عده‌ای منتظر نوبتشان برای رفتن به حج واجب هستند، آیا جایز است عده‌ای برای مرتبه دوم یا بیشتر به حج رفته و جای آنها را بگیرند؟
جواب: بهتر است رعایت حال آنها را بکنند.

سؤال ۶۵۴- اگر مدیر کاروان با توجه به این که می‌داند توقف زائران در مدینه، یا مکه کمتر از ده روز است، به آنها اعلام کند که ده روز می‌مانیم و آنان به اعتماد گفته او نمازشان را تمام بخوانند و روزه بگیرند؛ ولی قبل از ده روز از آنجا بروند، حکم شرعی نسبت به کار مدیر کاروان و نماز و روزه زائران چیست؟
جواب: نماز و روزه زائران صحیح است؛ ولی مدیر کاروان نباید دروغ بگوید.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۳

فصل شانزدهم: مسائل قضا

اشاره

سؤال ۶۵۵- زید و عمرو برادرند و در یک قریه سکونت داشتند، زید در قریه دیگر ملکی خریداری نموده و آن ملک را تحویل برادرش عمرو داده و ملک عمرو را تحویل گرفته است. در مدت حیات دو برادر چون و چرایی در بین آنها نبوده است. بعد از وفات عمرو، زید به فرزندان برادرش می‌گوید: «ملک من دست پدر شما بطور امانت بوده و ملک او نیز در دست من بطور امانت است» ولی فرزندان عمرو امانت بودن هر دو را منکرند و شهودی ندارند. حکم مسأله را بیان فرمایید.
جواب: تا زید شهودی اقامه نکند سخن او پذیرفته نیست.

سؤال ۶۵۶- در فرض سؤال بالا اگر قسم شرعی بر اولاد عمرو لازم شود، با توجه به این که بعضی اولاد عمرو صغیرند، چه کسی از طرف آنها قسم می‌خورد؟
جواب: بالغ‌ها قسم می‌خورند و ولی صغیر از طرف صغیر قسم می‌خورد.

سؤال ۶۵۷- مهدی و علی برادر ابوینی بوده‌اند، و ترکه پدرشان بین آنها بطور مساوی تقسیم شده است، سپس هر دو فوت نموده‌اند، حال بین ورثه آنها بابت یک مزرعه اختلاف است و هیچ کدام بیینه ندارند، آیا باید زمین را بین خود بطور مساوی تقسیم کنند؟

جواب: اگر مدرک مطمئنی برای مالکیت یکی از آن دو به دست نیاید، باید آن ملک را میان خود تقسیم کنند.

سؤال ۶۵۸- شخصی در حضور چند شاهد زمین خود را به دیگری منتقل می‌کند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۴

پس از چندی همان شهود ادعا می‌کنند که در آن زمین حق داریم، در حالی که در زمان انتقال سند چیزی نگفته بودند، آیا ادعای آنها پذیرفته می‌شود؟

جواب: اگر هنگام تنظیم سند بدون مانعی سکوت کرده‌اند، و بر آن عملاً رضایت داده‌اند، ادعای بعدی آنها مسموع نیست.

سؤال ۶۵۹- شخصی با اصرار زیاد ماشین بنده را به امانت گرفته که حد اکثر تا ظهر روز بعد تحویل دهد، ولی متأسفانه با ماشین بنده تصادف کرده و از بیمه یکصد و سی هزار تومان به عنوان خسارت گرفته است؛ اما به دروغ وانمود کرده که سی هزار تومان بیشتر نگرفته است، من هم با توجه به این مبلغ و از جهت عاطفی و اخلاقی سخت نگرفته و ماشین را که به صورت ناقص تعمیر شده

بود از ایشان تحویل گرفتیم؛ ولی بعداً متوجه شدم که مبلغ واقعی یکصد و سی هزار تومان بوده است؛ حال ایشان مدعی است آن مبلغ حلال و روزیشان می‌باشد، لطفاً بفرمایید حق با چه کسی می‌باشد (ضمناً ماشین بجای یک روز و نصف، حدوداً نه روز معطل بوده است)؟

جواب: اول این که تمام مبلغ بیمه متعلق به صاحب ماشین است و دوم این که در مقابل روزهایی که بدون اجازه ماشین را نگه داشته باید مال الاجاره آن را بپردازد.

سؤال ۶۶۰- در کتب فقهای بزرگ شیعه، در بعضی از موارد آمده است که مثلاً در یک مسأله «قول، قول فلانی است با قسم» سؤال اینجاست که آیا چون فلانی منکر است با قسم قول او معتبر است، و برابر قاعده کلی «الْبَيِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعَى وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ» باید مدعی هم مطالبه قسم نماید؟ یا این که حکم خاصی است و بدون مطالبه از ناحیه مدعی و بدون در نظر گرفتن منکر و مدعی این حکم جاری می‌شود؟

جواب: موارد مختلف است. در بعضی موارد حکم خاصی است؛ مانند قسم استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۵

خوردن مدعی دین بر میت، ولی غالباً از باب «الْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ» است.

سؤال ۶۶۱- در موردی که از منزل یا مغازه‌ای سرقت صورت می‌گیرد و پس از شناسایی و دستگیری سارق، و اقرار وی به سرقت، یا احراز آن توسط دادگاه، در مورد این که چه اموالی توسط سارق به سرقت رفته است، اختلاف وجود دارد و شاکی مدعی است، اجناس و ارقام بیشتری از وی به سرقت رفته است؛ ولی سارق اموال کمتری را اعلام نموده است. در این صورت که هیچ کدام جهت اثبات ادعای خود دلیلی ندارند، قول کدام یک پذیرفته شده و کدام یک از طرفین باید ادعای خود را ثابت کند؟

جواب: باید قدر مسلم را گرفت و زاید بر آن باید اثبات شود.

سؤال ۶۶۲- اگر عده‌ای ادعا کنند که پدر و مادر ما در این ملک حق داشته و ما هم حق داریم و «مدعی علی» انکار کند و در نتیجه، منکر قسم بخورد و بر اساس آن، حکم صادر شود و ملک به منکر واگذار شود؛ ولی بعد از مدتی بعضی از فرزندان مدعی (یا بعضی از مدعی‌ها) بگویند ما در آن زمان کوچک یا غایب بوده‌ایم، حکم چیست؟ آیا حق اقامه دعوا دارند؟

جواب: آنهایی که قبلاً ادعایی نکردند، چنانچه ادعایی داشته باشند، می‌توانند در حضور قاضی مدارک خود را ارائه دهند تا در میان آنها حکم کند.

رشوه

سؤال ۶۶۳- آیا فروش کالا- یا خدمت به کارکنان بانکها یا سازمانهای دولتی و عمومی توسط ارباب رجوع یا مشتریان با اعطای تسهیلاتی نظیر تخفیف و تسریع در نوبت که به سایر مردم داده نمی‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: قبول این تسهیلات در صورتی جایز است که نوبتی را ضایع نکنند و حقی را باطل نمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۶

سؤال ۶۶۴- شخص شروری به شخص دیگری می‌گوید: «این قدر پول بده تا تو را اذیت نکنم» به اصطلاح باج‌خواهی می‌کند یا گاهی انسان کاری دارد که باید فلان شخص انجام دهد، می‌گوید: «این قدر بده تا زود انجام دهم و گرنه کارت را به تأخیر می‌اندازم»، یا شخصی می‌داند که مورد آزار فرد شرور واقع می‌شود و یا اگر چیزی ندهد مدتی معطل خواهد شد و این خود موجب خرجهای دیگر خواهد بود. در این صورت و بدون آن که شخص مورد مثال چیزی بگوید، مبلغی به او می‌پردازد، بفرمایید دادن چنین وجهی برای دهنده، رشوه محسوب می‌شود؟

جواب: دادن وجه برای رفع شرّ شرور، هرگاه راه دیگری برای خلاصی از دست او نباشد اشکالی ندارد، و همچنین برای انجام کاری که حقّ مشروع است؛ ولی گرفتن این پولها برای گیرنده جایز نیست.

سؤال ۶۶۵- نظر مبارک خود را در مورد حکم رشوه در موارد ذیل بیان فرمایید:

الف) گرفتن و دادن رشوه برای انجام کارهای اداری.

جواب: حرام است.

ب) خریدن لباس و منزل از پول رشوه.

جواب: حرام است.

ج) خوردن غذا یا پوشیدن لباسی که از پول رشوه تهیه شده است.

جواب: جایز نیست؛ ولی باید توجه داشت که رشوه مربوط به جایی است که حقی را باطل و باطلی را حق کند، خواه رشوه به معنای خاص باشد که در امر قضاوت است و یا به معنای عام، ولی اگر کسی پولی در مقابل انجام کاری که وظیفه اداری اوست بگیرد این پول رشوه نامیده نمی‌شود ولی در عین حال برای گیرنده حرام است؛ زیرا پول گرفتن در برابر انجام وظیفه اداری، اکل مال به باطل محسوب می‌شود، ولی اگر در غیر وقت اداری زحمتی بکشد، بی آن که حق کسی باطل شود و اجرتی در برابر آن بگیرد اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۷

حکم غیابی

سؤال ۶۶۶- آیا می‌توان در باب تعزیرات به صورت غیابی حکم صادر کرد؟

جواب: اگر ادله کافی وجود داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۶۷- در مواردی که متهم علی رغم اخطارهای متعدّد، در جلسه محاکمه حاضر نمی‌شود، آیا می‌توان حکم غیابی صادر کرد؟ آیا چنین حکمی شرعی است؟

جواب: در صورتی که طرف حاضر نشود، صادر کردن حکم غیابی جایز است.

سؤال ۶۶۸- دادگاه انتظامی سردفتران و دفترباران، به تخلفات اداری و انتظامی آنها رسیدگی می‌کند. اگر متهمی از هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مذکور، درخواست کند که در جلسه دادگاه انتظامی حاضر گردیده و جهت اثبات بی‌گناهی خود، مدارک و ادله تکمیلی یا تفصیلی را حضوراً ارائه نماید و چنانچه سؤال جدیدی مطرح شود، پاسخگو باشد و از خود دفاع نماید. در چنین حالتی آیا دادگاه انتظامی می‌تواند بدون احضار متهم، غیاباً مبادرت به صدور رأی نماید؟

جواب: در این گونه موارد چنانچه احتمال بدهد، دفاعیات متهم تأثیری در حکم دارد باید با حضور او رسیدگی شود.

اقامه دعوی مسلمانان در دادگاههای غیر اسلامی و بالعکس

سؤال ۶۶۹- آیا برای مسلمین جایز است که دعوی خود را بر ضدّ شخص مسلمانی به محاکم غیر اسلامی ببرند؟

جواب: در روایات معتبره وارد شده است که تقاضای داوری از آنها مانند تقاضای داوری از جبت و طاغوت و حرام است؛ بله در صورتی که رجوع به آنها تنها راه احقاق حق باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۶۷۰- چنانچه بنابر مصالحی دولت جمهوری اسلامی ایران ناچار به انعقاد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۸

قراردادی با یک کشور غیر اسلامی مبنی بر مبادله مجرمان باشد (به این معنا که جمهوری اسلامی متعهد شود مجرمان تابع آن کشور را برای تحویل حبس به کشور متبوع تحویل دهد، تا ادامه حبس در آنجا صورت گیرد و زندانیان تابع کشور ایران را جهت ادامه حبس در ایران تحویل بگیرد) بفرمایید.

الف) در مورد مجرمین ایرانی، با توجه به صدور احکام حبس توسط دادگاههای غیر اسلامی، آیا از نظر شرعی احکام صادره از سوی آنها برای محاکم قضایی ایران قابلیت اجرا دارد؟

جواب: هرگاه مصلحت نظام اسلامی در عقد قرارداد مبادله مجرمان باشد، تحویل دادن مجرمان به آنها اشکالی ندارد، هر چند در دادگاههای آنها محاکمه و طبق آن مجازات شوند؛ ولی احکام صادره آنها درباره مجرمین مسلمان اعتباری ندارد.

ب) در صورت عدم قابلیت اجرا، آیا اصولاً دادگاههای ما مکلف به محاکمه مجدد و صدور حکم بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران می‌باشند؟

جواب: در حقّ الله طبق موازین اسلامی محاکمه می‌شوند و در حقّ الناس مشروط به مطالبه شاکی خصوصی است.

ج) با توجه به ضرورت انعقاد چنین قراردادی، شیوه‌ای را که مغایر موازین شرع نباشد، ارشاد فرمایید؟

جواب: هرگاه چنین قراردادی به مصلحت نظام اسلامی باشد، باید مطابق آن عمل نمود و باید قرارداد بر اساس تحویل مجرمان باشد، نه تأیید مجازات آنها.

د) در صورت قابلیت اجرا، با توجه به این که مجازات جرایم ارتكابی در کشور غیر اسلامی تنها زندان می‌باشد، ولی از دیدگاه مقررات جمهوری اسلامی دارای صورتهای مختلف ذیل است، تکلیف چیست؟ آیا حاکم شرع می‌تواند صورتهای ذیل را به حبس تبدیل نماید؟ (مجازاتهایی چون حدّ شرعی، دیه، حبس، تعزیر غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۱۹

حبس، قصاص و یا جاهایی که عمل ارتكابی از دیدگاه اسلام جرم محسوب نمی‌شود).

جواب: حدود و دیات را نمی‌توان تبدیل به زندان نمود؛ ولی تعزیر قابل تبدیل است.

هـ) در مورد مجرمین خارجی، در صورتی که تبعه کشور دیگر، در جمهوری اسلامی مرتکب جرم گردیده و هم‌اکنون مجازات حبس را می‌گذرانند، آیا از نظر شرعی، جمهوری اسلامی می‌تواند فرد محکوم را قبل از استیفای کامل مجازات، به کشور متبوع بسپارد تا ادامه حبس در آنجا صورت گیرد؟

جواب: اشکالی ندارد.

و) اگر یک کشور مسلمان طرف قرارداد باشد، آیا حکم مسأله تغییر می‌کند؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

ز) آیا رضایت و عدم رضایت محکومین در موارد فوق تاثیر دارد.

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۶۷۱- بر اساس فقه شافعی و بعضی دیگر از مذاهب اهل تسنن، چنانچه یک نفر از اولیای دم رضایت خود را نسبت به قاتل اعلام نماید، موضوع قصاص قاتل علی رغم شکایت سایر اولیای دم منتفی می‌گردد و دعوا به مصالحه و یا اخذ دیه پایان خواهد یافت. چنانچه طرفین نزاع پیرو مذهب شافعی باشند، آیا در این مورد دادگاه می‌تواند بنا بر مذهب شافعی بین آنها حکم نماید؟

جواب: آری می‌تواند طبق آن مذهب برای آنان حکم نماید.

سؤال ۶۷۲- آیا قاضی تحکیم مشروعیت دارد؟ اگر جایز نباشد وظیفه ما، که در بعضی از کشورها زندگی می‌کنیم و دسترسی به قاضی منصوب نداریم، چیست؟

جواب: برای امثال شما مراجعه به قاضی تحکیم بی‌اشکال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۰

مدارک و منابع قضا

سؤال ۶۷۳- آیا نظرات کارشناسان فنی، که دارای شرایط شهادت نیستند، می‌تواند منشأ حکم قرار گیرد؛ و لو این که از نظر آنان علم حاصل نشود؛ یا علم قاضی بر خلاف نظریه کارشناسان باشد؟

جواب: در فرض مسأله اعتماد بر نظر کارشناسان خالی از اشکال نیست؛ مخصوصاً اگر علم قاضی بر خلاف آن باشد.

سؤال ۶۷۴- نظر اسلام را پیرامون اعتبار اسنادی که توسط دستگاههای مدرن تهیه می‌شود بیان فرمایید: مانند فاکس، فیلم، عکس، نوار ضبط، تلفن گرام، زیراکس، فتوکپی، پرینتر و اسکنر کامپیوتر و مانند آن؛ کدام یک می‌تواند مستند حکم قاضی قرار گیرد و به عنوان مؤید تا چه حد قابل استنادند؟

جواب: معیار حصول علم از این اسباب برای قاضی است، و در مواردی که امکان جعل وجود دارد، علم حاصل نمی‌شود.

سؤال ۶۷۵- آیا قاعده «البینه للمدعی و الیمین علی من انکر» اختصاص به مسائل حقوقی و مالی دارد، یا در مورد مسائل کیفری مانند ایراد ضرب ساده، فحاشی، تخریب و مانند آن نیز قابل اجراست؟

جواب: قاعده مزبور در امور کیفری نیز جایز است.

سؤال ۶۷۶- آیا قاعده «الیمین علی من انکر» در رابطه با تعزیرات نیز جاری می‌شود؟ و در صورت مثبت بودن، آیا جرایم تعزیری با نکول منکر و قسم خوردن مدعی ثابت می‌شود؟

جواب: در حدود و تعزیرات قسم نیست، و نکول از قسم هم راه ندارد.

سؤال ۶۷۷- آیا در مقام صدور حکم، بینه طریق است یا موضوعیت دارد؟ در صورتی که موضوعیت داشته باشد، اگر با علم قاضی تعارضی پیدا کند، تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۱

جواب: بینه طریق است و اگر قاضی از طریق حسّی یا قریب به حسّ، یقین بر خلاف آن پیدا کند، بینه از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

سؤال ۶۷۸- آیا دلایل کشف جرم و اثبات آن از نظر فقهی منحصر به شهادت، اقرار و سوگند است؟

جواب: راه چهارمی نیز وجود دارد که آن علم قاضی است که از مجموعه قرائن حسّی یا قریب به حس حاصل می‌شود و دامنه وسیع و گسترده‌ای دارد که بسیاری از طرق کشف جرم در زمان ما را شامل می‌شود؛ ولی علم حاصل از مقدمات نظری و حدسیات خالی از اشکال نیست.

سؤال ۶۷۹- آیا دلایل علمی مانند: اثر انگشت، آزمایش خون و طرق علمی و تجربی دیگر، که امروزه در دنیا مورد استفاده جرم‌شناسان قرار می‌گیرد، می‌تواند به عنوان دلیل شرعی برای کشف و اثبات جرم به حساب آید؟

جواب: هرگاه این امور سبب علم گردد قاضی می‌تواند بر آنها تکیه کند.

سؤال ۶۸۰- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا قوام اماره به دست عرف است یا در انحصار شرع؟ به این معنا که اگر انحصار امارات در دست شارع باشد و عرف و عقلا هیچ‌گونه نقشی نداشته باشند، در این صورت جایی برای راههای علمی کشف و اثبات جرم امروزی نخواهد بود جز از طریق نقش

آنها در علم قاضی آن هم اگر در علم قاضی مبنای خاصی اتخاذ نکنیم.

(ب) آیا وسایل امروزی که برای اثبات جرم در محاکم قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد اماره است؟

(ج) آیا هر اماره‌ای در دادرسی حجت است؟

جواب: معمولاً در اصول فقه، که صحبت از امارات شرعیّه و عقلانیّه می‌شود، می‌گویند: «امارات عقلانیّه باید در زمان شارع باشد و به امضای شرع برسد و لو به عدم ردع»؛ ولی در مسأله علم قاضی که در دنیای امروز مهمترین طریق اثبات جرم است راه بسیار باز و برنامه کاملاً روشن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۲

مسائل متفرقه قضا

سؤال ۶۸۱- چنانچه در دعوایی، چه حقوقی و چه کیفری، قسم متوجه طرف دعوی شود و او صغیر باشد، آیا می‌تواند قسم بخورد، یا قسم متوجه ولی یا قیم او می‌شود؟ حال اگر از نظر شرعی بالغ باشد؛ مثلاً دختر ۱۱ ساله یا پسر ۱۵ ساله، ولی به نظر دادگاه متوجه آثار زیانبار قسم دروغ نباشد و به جهت عدم رشد، امکان قسم دروغ کاملاً وجود داشته باشد، آیا باز هم می‌شود ایشان را قسم داد؟ سؤال دیگر این که اگر کسی که حق مطالبه سوگند از طرف خود را دارد صغیر باشد، می‌تواند تقاضای قسم کند؟

جواب: در هر دو صورت انجام وظایف مربوطه به دادگاه، متوجه قیم و ولی صغیر می‌شود؛ و قسم صغیر و مانند او اعتبار ندارد.

سؤال ۶۸۲- طبق ماده ۱۵۹ قانون تعزیرات، و تبصره ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی، جرایم تعزیری قابل گذشت، با مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی او تحت تعقیب قرار می‌گیرد و در صورت عفو آنها، تعقیب متوقف می‌شود و قاضی در این باره مکلف است نه مخیر؛ ولی با تصویب ماده ۷۳۷ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ و نسخ ضمنی مواد قبل، تعقیب جرایم تعزیری قابل گذشت، همانند سابق، تنها با شکایت شاکی خصوصی (صاحب حق) صورت می‌گیرد و در صورت گذشت شاکی خصوصی دادگاه در اعمال تخفیف مجازات و یا توقف تعقیب مخیر است، با توجه به موازین فقهی، آیا بعد از گذشت شاکی خصوصی، دادگاه مکلف به مختومه کردن پرونده است، یا مخیر می‌باشد؟

جواب: مخیر بودن قاضی در صورتی است که جرم جنبه عمومی پیدا کند؛ یعنی مشکلی برای جامعه ایجاد نماید، که در این صورت حتی با گذشت شاکی خصوصی، قاضی می‌تواند مجرم را به نوعی تعزیر نماید، در غیر این صورت با گذشت شاکی خصوصی باید پرونده مختومه شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۳

سؤال ۶۸۳- بعضی از احکام صادره توسط دادگاه‌ها قابل اعتراض است. چنانچه «محکوم علیه» اعتراضی به حکم نداشته باشد، آیا این به معنای رضایت به حکم محسوب می‌شود، تا از این جهت چنانچه حکم اشتباه باشد، قاضی دچار مسئولیت اخروی نگردد؟ جواب: ظاهر حال رضایت به حکم صادره طبق موازین شرع است؛ ولی رضایت محکوم علیه تأثیری ندارد. اگر قاضی به وظیفه شرعی خود عمل کرده باشد، مسئول نیست.

سؤال ۶۸۴- در بعضی از موارد، نظر قانون مخالف نظر مشهور فقهای بزرگ، و یا حتی به نظر می‌رسد مخالف اجماع می‌باشد. با توجه به این که ما قاضی مآدون هستیم و ابتدا موظف به اجرای قانون می‌باشیم، آیا اجرای چنین قوانینی دارای مسئولیت اخروی است؟ و آیا در این مورد می‌توانیم به نظر مرجع خود عمل نماییم؟ از جمله این قوانین، عدم لزوم تعهّد ابتدایی در شرع مقدّس و جواز عمل به آن مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی، و عدم صحّت ضمّ ذمه به ذمه در شرع در باب ضمان و صحّت آن در قانون تجارت، و موضوع محاسبه نرخ تورّم در مهریه که اخیراً تصویب شده، می‌باشد؛ حال چنانچه قانون در موردی ساکت بود، باید به قول

مشهور عمل نمود؟ یا می‌توان نظر مرجع تقلید خود را، هر چند مخالف مشهور باشد، عمل کرد؟

جواب: در مواردی که علم به خلاف ندارید، می‌توانید به قانون جمهوری اسلامی عمل کنید؛ ضمناً مسأله ضمّ ذمه به ذمه در باب ضمان و همچنین گرفتن مهریه‌های زمانهای گذشته به قیمت امروز، مورد تأیید ما نیز می‌باشد و اشکال شرعی ندارد، و تصور نمی‌کنم قانون شرط ابتدایی را لازم بداند.

سؤال ۶۸۵- در مواردی که قاضی باید اصحاب دعوا را امر به مصالحه نماید، آیا امر به مصالحه به نحو مطلق کافی است، یا باید کیفیت آن را نیز خود دادگاه مشخص نماید؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۴

جواب: چنانچه طرفین بتوانند مصالحه را انجام دهند امر به نحو مطلق کافی است، و گرنه قاضی می‌تواند نحوه آن را (هر چند به صورت تخییر) به آنها پیشنهاد کند.

سؤال ۶۸۶- طرق شرعی احراز عدالت شاهد در قضاوت را ذکر فرمایید.

جواب: احراز عدالت شاهد مانند احراز سایر موضوعات است، از طریق علم و یقین، یا شیاع موجب اطمینان، یا حسن ظاهر در برخوردها و معاشرت‌ها که کاشف از تقوای باطنی باشد، یا شهادت دو شاهد شناخته شده بر عدالت او، حاصل می‌شود.

سؤال ۶۸۷- لطفاً نظر خود را پیرامون دو عنوان حقوقی ذیل بیان فرمایید:

الف) آثار تبعی حکم: افرادی که به حبس بالای یک سال یا جریمه نقدی بیش از دویست هزار تومان و مانند آن محکوم می‌شوند، این حکم آثاری دارد. از جمله این که این افراد حق استخدام شدن در ادارات دولتی و مانند آن را ندارند که اصطلاحاً این را آثار تبعی حکم می‌گویند.

ب) اعاده حیثیت: یعنی زایل شدن آثار تبعی حکم؛ مثلاً در حبسهای جنایی، بعد از گذشت ده سال از محکومیت آثار تبعی زایل می‌شود.

جواب: آثار تبعی احکام، تابع قراردادهای و مقررات است؛ یعنی هرگاه دولت یا هر شخص دیگری برای استخدامهای خود مقرراتی وضع کند، کسی نمی‌تواند مانع آن گردد، و همچنین در مورد اعاده حیثیت به معنایی که در بالا گفته شد.

سؤال ۶۸۸- در صورتی که شخصی از بابت آزادی متهمی در مراجع قضایی اقدام به تودیع وثیقه نموده باشد آیا مرجع قضایی می‌تواند پس از آزادی متهم و احضار مجدد او و در حالی که متهم در اختیار مراجع قضایی باشد، به ضبط وثیقه ادامه دهد؟
جواب: اگر متهم را بعد از احضار مجدداً بازداشت کرده‌اند وثیقه باید به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۵

صاحب آن برگردد؛ مگر مایل به ادامه باشد و اگر به خاطر ناقص بودن پرونده یا مانند آن، او را آزاد کرده و رسیدگی به کارش را به بعد موکول نموده‌اند مسأله دو صورت دارد: نخست این که وثیقه در مقابل احضار اول بوده است که در این صورت باید وثیقه را برگردانند؛ ولی اگر در برابر احضارهای مکرر تا مختومه شدن پرونده بوده است وثیقه بر نمی‌گردد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۷

فصل هفدهم: احکام معاملات

معاملات واجب و مکروه

سؤال ۶۸۹- با توجه به این که در فقه اسلامی تجارت بر سه قسم است (مباح، مکروه و حرام)، آیا تجارت واجب نداریم؟

جواب: کلیه کسب‌هایی که نظام جامعه مبتنی بر آن است، واجب کفایی می‌باشد، همچنین در تمام مواردی که انجام یک واجب متوقف بر تجارتی گردد، آن تجارت نیز به عنوان مقدمه واجب، واجب می‌شود.

سؤال ۶۹۰- چرا کفن فروشی مکروه است؟ آیا این حکم شامل پارچه‌فروشی‌هایی که شغل آنها پارچه‌فروشی است و در ضمن کفن نیز می‌فروشند، می‌شود؟

جواب: شامل آنها نمی‌شود و فلسفه کراهت کفن فروشی احتمالاً احساس خشنودی از کثرت مرگ و میرهاست.

معاملات باطل و بخشی از کارهای حرام

۱- خرید و فروش اشیای نجس

سؤال ۶۹۱- با توجه به این که خرید و فروش چیزهای نجس حرام است و خون یکی از نجاسات است، چرا سازمان انتقال خون، به خرید و فروش خون مبادرت می‌کند؟

جواب: خرید و فروش اشیای نجس در صورتی حرام است که فایده حلالی نداشته باشد و خون در حال حاضر، که برای نجات جان بیماران مصرف می‌شود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۸

و دارای منافع حلالی است، خرید و فروش آن مانعی ندارد.

سؤال ۶۹۲- شخصی در کشورهای کفر، مثل آلمان و هلند، کار می‌کند و از گوشتی که ذبح شرعی نشده کباب درست می‌کند و به اهل کتاب و کسانی که ذبیحه اهل کتاب را حلال می‌دانند و مسلمانانی که بین حلال و حرام فرق نمی‌گذارند می‌فروشد، سودی که به دست می‌آورد چه حکمی دارد؟ در صورت حرمت اگر پول را مثلاً به قصد نان و سالاد که به آنها می‌دهد بگیرد چه حکمی دارد؟

جواب: می‌تواند به غیر مسلمانان و کسانی که حلال می‌دانند بفروشد؛ ولی نسبت به غیر آنها جایز نیست.

سؤال ۶۹۳- آیا عمل کسی که به اهل کتاب شراب می‌فروشد، به قصد این که من شیشه را می‌فروشم نه شراب را، صحیح است؟ جواب: جایز نیست و قصد شیشه کردن مشکل را حل نمی‌کند.

۲- موسیقی

سؤال ۶۹۴- اگر موسیقی حرام، یعنی غنا، تأثیرات مخرب بر فرد یا جامعه می‌گذارد، ویژگی آن تأثیرات منفی چگونه تشخیص داده می‌شود؟

جواب: البته و بدون شک موسیقی حرام آثار مخرب دارد «۱»؛ ولی حکم، تابع بروز و ظهور آنها نیست.

سؤال ۶۹۵- اساساً ملاک و مناط تشخیص موسیقی حرام با چه کسانی است؟ اگر با عرف است کدام عرف، عرف مؤمنین و متشرعین، یا عرف موسیقی دانان و آهنگسازان، یا عرف کارشناسان فرهنگی جامعه، یا عرف علما و اندیشمندان، یا عرف فقها و مفتیان؟

جواب: در این گونه موارد باید به عرف عام متدین مراجعه کرد که تشخیص

(۱). شرح این مطلب را در تفسیر نمونه، جلد ۱۷، صفحه ۲۹ به بعد مطالعه فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۲۹

دهند کدام آهنگ و صوت مناسب مجالس لهو و فساد است و کدام نیست. علما و فقها نیز در این گونه موارد به چنین عرفی رجوع می‌کنند.

سؤال ۶۹۶- اگر موسیقی یک هنر مبتنی بر اصول و قواعد علمی و تاریخی است، آیا بهتر نیست کارِ کارشناسی تشخیص حکم آن با افراد دیندار موسیقی‌شناس قرار گیرد و مقصود از عرف، عرف مؤمنان موسیقی‌شناس باشد؟

جواب: تشخیص حکم با مجتهد است؛ ولی تشخیص موضوع می‌تواند بر عهده کسانی که ذکر کردید باشد.

سؤال ۶۹۷- آیا بهتر نیست فقها، که نه جزء عرف محسوب می‌شوند و نه جزء کارشناسان موسیقی و نه با موضوع موسیقی آشنایی دارند، درباره مصادیق موسیقی حکم ندهند؟

جواب: بسیاری از مصادیق موسیقی حرام، طوری است که همه کس آن را درک می‌کند؛ آری بعضی از مصادیق آن، خالی از اجمال و ابهام نیست که باید به عرف متدین و آگاه مراجعه شود، و ممکن است فقیه در تشخیص موضوع آن آگاهی کافی نداشته باشد؛ ولی تعیین حکم با فقیه است.

سؤال ۶۹۸- موسیقی و غنا چه تغییر و تحوّل روحی و نفسانی در انسان می‌گذارد؟

جواب: غالباً سبب بیگانگی از خدا و تحریک شهوات و آلودگی به مفساد دیگر است؛ ولی حکم تابع این امور نیست، همان گونه که حرمت شراب، تابع مست شدن نیست.

سؤال ۶۹۹- برخی، حالت طرب را تشبیه به حالت مستی کرده‌اند. چه دلیلی بر این تشبیه وجود دارد؟ آیا چنین حالتی را تا کنون کسی دیده است؟

جواب: از این که بسیاری از انواع غنا مانند موادّ مخدر عمل می‌کند جای شک نیست، منتها در اینجا تخدیر از طریق گوش حاصل می‌شود.

سؤال ۷۰۰- موسیقی در صدر اسلام چه ویژگی‌هایی داشته است که به محض سؤال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۰

از امام معصوم (علیه السلام) و پاسخ آن حضرت که می‌فرمودند: «هو الغناء» سؤال کننده قانع می‌شد؟

جواب: با توجه به این که سؤال کننده، اهل لسان بوده، جواب را به راحتی درک می‌کرده است؛ ولی برای ما که اهل لسان عربی نیستیم، ممکن است مسأله کمی پیچیده شود که باید از طریق مراجعه به اهل عرف حل شود.

سؤال ۷۰۱- مبنای حرمت غنا در اسلام آیات و روایات است. در تفسیر آیات قرآن «قول زور، لهو الحدیث، قول باطل و کلام لغو» تفسیر به غنا شده که هر یک از این تعابیر می‌بایست در چهارچوب شرایط زمانی و با منابع تاریخی و لغت معتبر تعریف شوند، آیا کلام لهوی و باطل، غنا به حساب می‌آید، یا آهنگ و لحن لهوی و باطل غناست؟

جواب: معیار در حرمت غنا، کیفیت آهنگ است و محتوا در آن تأثیری ندارد. شرح این مطلب را در کتاب أنوار الفقاهه، کتاب مکاسب محرّمه، نوشته‌ایم. تفسیر آیات مزبور نیز در آنجا آمده است. و هر آهنگ و صدایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام می‌باشد و غیر آن حلال است.

سؤال ۷۰۲- اگر لهو را به لهو باطل و غیر باطل و نیز غیر باطل را به عقلایی و غیر عقلایی تقسیم کنیم، موسیقی و غنا نیز انواعی خواهد داشت؛ تشخیص حکم هر یک با چه ملاکها و معیارهایی ممکن خواهد بود؟

جواب: معیار حرمت غنا در پاسخ سؤالات بالا ذکر شد و با مراجعه به عرف متدین موسیقی حرام از غیر حرام شناخته می‌شود.

سؤال ۷۰۳- دختری ۱۸ ساله هستم و در دوره پیش‌دانشگاهی مشغول به تحصیل می‌باشم. در رابطه با موسیقی سنتی و عرفانی ایران

سؤالی داشتم؛ البته، آن موسیقی که انسان را از حالت عادی خارج نکند و مناسب با مجالس عیش نباشد، سؤال من این است که آیا نواختن با این نوع آلات موسیقی حرام می‌باشد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۱

جواب: کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود؛ و آلتی که غالباً برای این گونه موسیقی‌ها از آن استفاده می‌شود آلات حرام است، باید از آنها پرهیز کنید.
سؤال ۷۰۴- مجالس لهو و لعب به چه نوع مجالسی گفته می‌شود؟

جواب: منظور مجالسی است که برای عیاشی و هوسرانی و بی‌بندوباری تشکیل شده است و به تعبیر دیگر به مجالسی گفته می‌شود که در نزد عرف متشرّعه و متدین مجلس گناه محسوب شود، موسیقی‌های مناسب آن حرام است؛ هرچند در مجلس عادی نواخته شود یا به صورت فردی باشد (دقت کنید).

سؤال ۷۰۵- آیا می‌توان در ولادت امامان معصوم (علیهم السلام) در مسجد نوار آهنگ مذهبی غیر حرام گذاشت؟
جواب: گذاشتن آهنگ مذهبی در مساجد و حسینیه‌ها مناسب نیست. از آن اجتناب کنید.

سؤال ۷۰۶- گذاشتن نوارهایی که موجب اذیت همسایه‌ها و مردم محل شود چه حکمی دارد؟
جواب: جایز نیست و از گناه و ایدای دیگران بایستی پرهیز کنید.

سؤال ۷۰۷- در حرمت خرید و فروش و استفاده از آلات موسیقی، آیا فرقی بین آلات مختصّه و مشترک نیست؟
جواب: آری فرق است؛ فقط خرید و فروش آلات مختصّه، یا آلتی که غالباً برای حرام استفاده می‌شود حرام است.

سؤال ۷۰۸- سرودهایی که با اشعار عرفانی نظیر مثنوی، حافظ و مانند آن به صورت غزل یا غیر آن در دستگاههای موسیقی ایرانی (سنتی) توسط مرد خوانده می‌شود و معمولاً آهنگ تندی ندارد، چگونه است؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۲

جواب: فرقی بین محتوای اشعار نیست؛ معیار آهنگ‌هایی است که در بالا به آن اشاره شد.

سؤال ۷۰۹- مورد سؤال بالا، توسط خواننده زن چه حکمی دارد؟

جواب: خوانندگی زنان در برابر نامحرمان بدون اشکال حرام است؛ هرچند در موسیقی حرام ننگند.

سؤال ۷۱۰- خرید، نگهداری و استفاده از وسایل موسیقی مانند کمانچه، ارگ، پیانو، ضرب و مانند آن، که معمولاً جهت موسیقی سنتی از آن استفاده می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش و استفاده از اسباب و آلتی که از آنها غالباً برای موسیقی حرام استفاده می‌شود حرام است.

سؤال ۷۱۱- یادگیری موسیقی اعم از خوانندگی یا نوازندگی توسط فرزندانمان (نوجوانان- جوانان- دختر یا پسر) چگونه است؟
جواب: یادگیری نوع حرامش حرام است.

سؤال ۷۱۲- آیا صرف پخش برنامه یا موزیکی از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند دلیل مجاز بودن آن باشد؟

جواب: پخش آهنگ از صدا و سیما، دلیل بر مجاز بودن آن نیست و خود مسئولین نیز اعتراف دارند که هنوز صدا و سیما تصفیه کامل نشده است.

سؤال ۷۱۳- در صورت امکان مختصراً در مورد اثر تخریبی موسیقی توضیحی بفرمایید، یا کتابهایی را در این مورد معرفی بفرمایید؟
جواب: در تفسیر نمونه، ج ۱۷ از صفحه ۲۹ تا ۳۸ مباحث مفید و جامعی در این زمینه مطرح شده است.

سؤال ۷۱۴- چنانچه سلامت وضعیّت روحی شخصی، در بعضی اوقات، منوط به شنیدن و یا نواختن موسیقی حرام باشد، حکم نواختن و گوش کردن شخص فوق به این نوع موسیقی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۳

جواب: در صورتی که واقعاً درمان منحصر به فرد باشد، اشکالی ندارد و این مسأله با مراجعه به اطبای متخصص روشن می‌شود؛ ولی از وسوسه‌های نفس و شیطان پرهیزید.

سؤال ۷۱۵- آیا استماع نوار خواننده‌های ترانه، که فعلاً از مواضع قبلی خود که فساد بوده، دست برداشته و توسط وزارت ارشاد مجوز گرفته‌اند، جایز است؟

جواب: باز تکرار می‌کنیم: کلیه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است و تشخیص آنها با مراجعه به اهل عرف عام خواهد بود و گرفتن مجوز از وزارت ارشاد کافی نیست.

سؤال ۷۱۶- شنیدن صدای نوار ترانه که از منزل همسایگان یا در وسیله نقلیه دیگران از قبیل تاکسی به گوش می‌رسد و مجبور به استماع آن هستیم، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که عمداً گوش ندهید حرام نیست؛ ولی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را در آنجا که احتمال اثر دارد، نباید فراموش کنید.

سؤال ۷۱۷- با توجه به این که انگیزه خواننده، انگیزه شنونده، شرایط مکانی (مجلس خاص)، شرایط زمانی (زمان مناسب)، در انتخاب لحن و کلام نقش دارد، حکم حرمت غنا متوجه کدام ناحیه است؟

جواب: کراراً گفته‌ایم: کلیه صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود. و انگیزه‌ها و شرایط زمانی و مکانی در آن تأثیری ندارد؛ مانند حرمت شرب خمر که زمانها و مکانها در آن اثر ندارد، جز در موارد اجبار قطعی.

۳- رقص

سؤال ۷۱۸- اخیراً در یک مجلس عمومی برای آقایان، پس از اجرای سخنرانی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۴

برنامه‌های دیگر، چند نفر از آقایانی که ورزش بدنسازی و زیبایی اندام را تمرین کرده بودند، در مجلس حاضر شده و بدن نیمه عریان خود را به معرض دید تماشاچیان گذارده و با حرکاتی، ماهیچه‌های خود، سینه‌های بزرگ شده و سایر قسمت‌های تقویت شده را به دیگران نشان دادند. لطفاً حکم این عمل را از نظر شرع مقدس اسلام بیان بفرمایید.

جواب: این کار شایسته مسلمانان نیست و اگر منشأ فساد گردد حرام است.

سؤال ۷۱۹- شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می‌داند در آن رعایت شئون اسلامی نمی‌شود (از قبیل اختلاط زن و مرد، رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن)، چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت در مجالس گناه حرام است.

۴- خرید و فروش پول، چک، سفته و ارزهای خارجی

سؤال ۷۲۰- خرید و فروش دلار و ارزهای خارجی در بازار آزاد چه حکمی دارد؟ آیا چنین کسبی حلال است؟
جواب: آنچه بر خلاف مقررات حکومت اسلامی و مصالح کشور در مورد این گونه معاملات است مجاز نیست.

سؤال ۷۲۱- خرید و فروش سکه‌های طلا در بازار آزاد چه حکمی دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۷۲۲- کسی که شغل او دلالی است و در بازار به خرید و فروش سگه و ارز خارجی مشغول است شغل او چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که کاری بر خلاف مقررات و قوانین شرع و قوانین جاری مملکت و مصالح کشور نکند اشکالی ندارد.

سؤال ۷۲۳- خرید و فروش چک و سفته چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۵

جواب: خرید و فروش چک یا سفته‌ای که سند بدهکاری کسی می‌باشد به کمتر یا بیشتر مانعی ندارد.

سؤال ۷۲۴- آیا خرید و فروش اسکناس صحیح می‌باشد؟ در صورتی که جواب منفی است آیا احکام ربای معاملاتی در آن جاری است؟

جواب: اسکناس جزء معدودات است، و حکم ربا در خرید و فروش آن جاری نمی‌شود؛ ولی در اینجا مشکل دیگری وجود دارد و آن این که در عرف عقلا اسکناس همیشه ثمن واقع می‌شود و جنبه مثنی ندارد، هیچ کس در عرف بازار نمی‌گوید: «من ده هزار تومان پول نقد را به یازده هزار تومان که یک ماه دیگر تحویل بدهی، به شما فروختم» مگر کسانی که بخواهند آن را حيله فرار از ربا قرار دهند؛ یعنی در واقع نوعی وام ربوی است که نام آن را بیع می‌گذارند و این گونه حيله‌ها به فتوای ما اعتباری ندارد، تنها دو مورد استثنا در این مسأله وجود دارد:

الف) نخست خرید و فروش ارزهای مختلف که مثلاً دلار را با اسکناس مبادله کنند، که چنین معامله‌ای صحیح است.

ب) دیگر معامله نقدی اسکناسهای کوچک و بزرگ، یا نو و کهنه با تفاوت مختصر به خاطر استفاده از نو بودن اسکناس یا حجم کم پول بزرگ در مسافرت و مانند آن؛ در غیر این دو صورت اشکال دارد.

سؤال ۷۲۵- آیا احکام صرف (معامله نقدین)، مانند وجوب قبض و اقباض در مجلس معامله، در مورد پول اعتباری، یعنی اسکناس، جاری است؟

جواب: احکام مزبور در پول اعتباری جاری نیست؛ زیرا نه ادله نسبت به آن شمول دارد و نه پشتوانه در حال حاضر طلا و نقره مسکوک است؛ اصولاً پشتوانه در زمان ما یک امر اعتباری است.

سؤال ۷۲۶- آیا پول از مثلیات است یا قیمیات؟ اصولاً ملاک مثلی و قیمی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۶

جواب: بدون شک پول از مثلیات است، و ملاک مثلی آن است که همانند آن به راحتی و وفور پیدا شود و غیر آن، قیمی است.

۵- قمار

سؤال ۷۲۷- چند تیم والیبال، یا فوتبال، یا غیر آن، مبالغی وجه نقد در بین خود جمع‌آوری نموده و پس از مسابقه آن را به تیم برنده اختصاص می‌دهند، آیا این کار جایز است؟

جواب: حرام است، و نوعی قمار محسوب می‌شود؛ ولی اصل این ورزشها بدون برد و باخت اشکالی ندارد.

سؤال ۷۲۸- جوایزی که در مسابقه‌های علمی و فرهنگی و غیره به قید قرعه به اسم افراد در می‌آید، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که شرکت کنندگان پولی به حساب برگزار کنندگان مسابقه نریخته باشند اشکالی ندارد، در غیر این صورت مشکل است.

سؤال ۷۲۹- شرکت در اعانه ملی، یا قرعه کشی‌هایی که در کشورهای خارجی انجام می‌شود (مثل بلیط بخت آزمایی که در سابق در

ایران بود) و غالباً افراد شرکت کننده با میل خود شرکت نموده و پولی را پرداخت می نمایند، و بعضی افراد به پول های هنگفتی می رسند چه حکمی دارد؟ و اگر کسی برنده شود آیا استفاده از پول آن جایز است؟
جواب: بخت آزمایی و مانند آن حکم قمار را دارد و اگر کسی چنین پولی را گرفته و صاحبان آن را نمی شناسد به فقرای مسلمان بدهد.

سؤال ۷۳۰- اگر شخصی دیگران را وادار کند که با او شرط بندی کنند و اتفاقاً در این شرط بندی ببازد، آیا گرفتن وجه یا هر چیز مقرر در این شرط، جایز است؟ اگر شرط در مورد مسأله علمی باشد و قرار بگذارند که هر یک از طرف های شرط در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۷

صورت مغلوب شدن یک کتاب برای کتابخانه مسجد بخرد، یا مقدار معینی پول یا چیز دیگر به کتابخانه یا به مکان عام المنفعه ای بدهد چطور؟
جواب: این برد و باخت ها و شرطها در هر صورت جایز نیست.

سؤال ۷۳۱- اخیراً سازمان بهزیستی اوراقی به عنوان «ارمغان بهزیستی» در معرض فروش می گذارد، در آن اوراق چند سؤال بهداشتی مطرح می نماید که اگر خریدار اوراق به آنها پاسخ صحیح بدهد، به قید قرعه جوایزی دریافت می نماید، در غیر این صورت وجه پرداختی به نفع دولت ضبط می شود، بعضی بنگاه های خصوصی نیز به همین عنوان و با توجه به علاقه شدید جوانان به ورزش فوتبال اوراقی را در معرض فروش قرار داده و از خریداران می خواهند که نتیجه مسابقات بین تیم های ورزشی را پیشگویی نمایند، و به کسانی که صحیح ترین پاسخ را بدهند، جایزه نقدی اعطا می کنند، از آنجا که شرعاً شرط بندی منع گردیده، مگر در موارد خاص، آیا موارد مذکور که اولی با انگیزه آموزش بهداشت و دومی به منظور تشویق جوانان و توجه به ورزش و گرم نگه داشتن بازار مسابقات ورزشی صورت می گیرد، از مصادیق «سَبَق» تلقی می گردد؟ یا به علت برنده شدن بعضی و بازنده شدن دیگران از مصادیق شرط بندی حرام است؟

جواب: اینگونه کارها نوعی شرط بندی حرام است و جایز نیست؛ ولی در مواردی مثل بهزیستی اگر تیت شرکت کنندگان کمک بلاعوض به این سازمانها بوده و تیت شرط بندی در آن نباشد و جوایز آن صرفاً برای تشویق باشد حلال است؛ ولی ظاهراً آنچه فعلاً جریان دارد به این صورت نیست و بسیاری از مردم به شرط جایزه شرکت می کنند.

سؤال ۷۳۲- آیا بازی بوکس جایز است؟ مسابقات فوتبال که موجب مغلوب شدن طرف دیگر می شود چه حکمی دارد؟ آیا تعیین جایزه از طرفین، یا گروه، یا شخص سومی اشکال دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۸

جواب: بازی بوکس از بازی های خطرناک است و اشکال دارد؛ ولی فوتبال و مانند آن اشکالی ندارد؛ اما شرط بندی از سوی طرفین، یا از طرف شخص ثالث جایز نیست؛ ولی دادن جایزه بدون قرارداد با کسی بی مانع است.

سؤال ۷۳۳- بازی کردن، خرید و فروش و نگهداری آلات قمار، مثل ورق پاسور، تخته نرد، بلیارد و یا دیگر وسایل قمار، در صورتی که قصد برد و باخت در کار نباشد و فقط جهت بازی و سرگرمی باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: بازی با آلات قمار، هر چند بدون برد و باخت باشد، اشکال دارد و نگهداری آلات قمار حرام است.

۶- شطرنج

سؤال ۷۳۴- نظر حضرت تعالی درباره بازی شطرنج با دستگاه کامپیوتر چیست؟
جواب: اگر شطرنج در عرف عام از صورت قمار خارج شده باشد و به عنوان ورزش شناخته شود مانعی ندارد؛ خواه با کامپیوتر

باشد یا غیر آن.

سؤال ۷۳۵- با توجه به روایات شطرنج که از برخی حرمت و از برخی کراهت استفاده می‌شود و با توجه به آنچه از «شیخ طوسی» (رحمه الله) در «مبسوط»، و «شافعی» در کتاب «الام» نقل شده که «سعید بن مسیب» و «سعید بن جبیر» که مقامشان بر همه واضح است، شطرنج را با مهارت تام بازی می‌کردند به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) روایاتی نظیر «الشطرنج میسر» «۱» با توجه به این که همه مفسرین و لغوین میسر را «قمار با رهن» معنا کرده‌اند، آیا به تناسب حکم و موضوع و یا انصراف، به بازی با رهن حمل نمی‌شود؟
جواب: احتیاط واجب این است که از قمار، چه با شرط و چه بی شرط، اجتناب شود و دلیل منحصر به روایت فوق نیست و اگر شطرنج قمار باشد بدون

(۱). وسائل الشیعه، جلد ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۰۲، حدیث ۱۲ و ۱۴ و ۱۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۳۹

شرطبندی نیز اشکال دارد.

ب) آیا بازی ایشان، (سعید بن مسیب و سعید بن جبیر) در عصر حضور و نرسیدن ردعی از امام (علیه السلام) برای ایشان، نمی‌تواند دلیل بر جواز باشد؟

جواب: وصول این خبر- به فرض صحت آن- به محضر امام (علیه السلام) از طرق عادی ثابت نیست.

۷- مجسمه سازی

سؤال ۷۳۶- ساختن مجسمه انسان، مخصوصاً شخصیتهای بزرگ گذشته و امروز، که جنبه تبلیغی نیز دارد، به صورت تمام اندام یا نیم تنه چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب ترک آن است.

سؤال ۷۳۷- آیا ساختن مجسمه غیر انسان از حیوانات مختلف تمام اندام یا بعضی اندام که با سر همراه باشد یا ترکیب خیالی مانند سر انسان و پیکر اسب بالدار و امثال اینها صورت شرعی دارد؟

جواب: در میان انواع مجسمه جانداران تفاوتی نیست، حتی جانداران خیالی.

سؤال ۷۳۸- آیا خرید و فروش مجسمه انسان و حیوان، تمام اندام یا بعضی اندام، که با سر همراه باشد جایز است؟

جواب: احتیاط واجب در ترک آن است؛ مگر در مورد اسباب بازی بچه‌ها.

سؤال ۷۳۹- نقاشی تمثال پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است؛ ولی باید موهن نباشد و انتساب قطعی نیز ندهند.

سؤال ۷۴۰- آیا عکس گرفتن، برای عکاس و شخصی که از او عکس می‌گیرند، مکروه است؟

جواب: دلیلی بر کراهت آن نداریم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۰

سؤال ۷۴۱- خرید و فروش در موارد زیر چه حکمی دارد؟

الف) روغن و داروهای روان و عطرها که از کشورهای غیر مسلمان وارد می‌شود.

ب) تیغ و ماشین خودتراش با عدم اطمینان به مصرف حرام.

- ج) مجسمه یا صابون یا چیزی که روی آن مجسمه دارد.
- د) لوازم آرایش زنانه توسط مرد.
- ه) خمیر ریش (اگر مصرف حلال نیز داشته باشد).
- و) پیه و چربی حیوانی که از خارج وارد می‌شود، جهت تهیه صابون.
- ز) الکل صنعتی و سفید با احتمال استفاده سوء برخی دریافت کنندگان.
- جواب: جواب سؤالات فوق به شرح زیر است:
- الف) اشکال ندارد؛ مگر روغن‌هایی که از چربی بدن حیوانات گرفته می‌شود و خوراکی است.
- ب) کلیه وسایلی که منافع حلال قابل ملاحظه دارد، خرید و فروش آن جایز است.
- ج) خرید و فروش مجسمه اشکال دارد؛ اما صابون و مانند آن که روی آن مجسمه می‌باشد اشکال ندارد.
- د) اگر مفسده خاصی بر این خرید و فروش مترتب نشود، اشکالی ندارد.
- ه) اشکالی ندارد، چون مصرف حلال هم دارد.
- و) بهتر است از آن پرهیز شود.
- ز) مادام که یقین یا ظن قوی به سوء استفاده نباشد، اشکال ندارد.

۸- غیبت

- سؤال ۷۴۲- در بین بعضی از مردم مرسوم است که وقتی می‌خواهند نشانی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۱
- شخصی را بدهند، مثلاً می‌گویند: «همان کسی که قدش کوتاه است» یا «شکمش بزرگ است» و مانند این تعبیرات؛ اگر آن فرد را ما بشناسیم و بدانیم با این حرفها ناراحت می‌شود، آیا غیبت محسوب می‌شود؟
- جواب: در صورتی که این صفات در عرف جنبه مذمت داشته باشد جایز نیست.
- سؤال ۷۴۳- در جریان تبلیغات برای انتخاب رئیس جمهور و یا وکلای مجلس، ذکر نیکی‌ها یا بدی‌های شخصی که داوطلب است و یا ذکر جریان‌های خوب یا بد که ایشان مسبب آن بوده، داخل در مبحث غیبت است؟
- جواب: در صورتی که برای شناخت آنها لازم باشد و قصد هتک و اهانت نداشته باشد، مانعی ندارد.
- سؤال ۷۴۴- آیا بررسی کارهای مسئولین نظام جمهوری اسلامی در غیاب آنها، با عنایت به مفاد حدیث شریف «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (۱) از نظر شرع مقدس اسلام، غیبت محسوب می‌شود؟
- جواب: بررسی مسائل اجتماعی و انتقادهای سازنده و مثبت از مسئولین غیبت محسوب نمی‌شود.

۹- دروغ

- سؤال ۷۴۵- دروغ را تعریف بفرمایید؟ آیا از گناهان کبیره است؟
- جواب: هر سخنی را که انسان بر خلاف واقع بگوید، دروغ است و از گناهان کبیره محسوب می‌شود.
- سؤال ۷۴۶- آیا مواردی وجود دارد که دروغ گفتن واجب باشد؟
- جواب: در مورد اصلاح ذات البین، یا نجات دادن جان مسلمان، یا امور مهمه

(۱). میزان الحکمه، باب ۱۷۰۰، حدیث ۸۰۳۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۲

دیگر، دروغ گفتن جایز و گاهی واجب می‌شود.

سؤال ۷۴۷- آیا در این گونه موارد استفاده از راه فرار از دروغ، یعنی «توریه»، یا غیر «توریه» واجب است؟

جواب: در صورتی که از طریق توریه امکان خلاصی از دروغ باشد، احتیاط واجب آن است که از این راه استفاده کنند.

۱۰- مواد مخدر

سؤال ۷۴۸- تقاضا دارد فتوای آن مرجع عالیقدر را درباره مصرف مواد مخدر و مقدمات آن از قبیل کشت، تولید، نگهداری،

مخفی کردن، حمل، توزیع و خرید و فروش آن اعلام فرمایید؟

جواب: بدون شک استعمال مواد مخدر یکی از گناهان کبیره است، که ادله مختلف شرعی بر حرمت قطعی آن دلالت دارد. و بر

همه مسلمانان واجب است که از این مواد پلید پرهیز و اجتناب کنند و فرزندان و بستگان و آشنایان خود را از آنها شدیداً بر حذر

دارند و هر کس هر گونه کمکی به کشت، تهیه، حمل و نقل و پخش این مواد کند مشمول مجازات الهی خواهد بود و هر گونه

درآمدی از آن حاصل شود حرام و نامشروع است. همه مسلمین باید بدانند یکی از نقشه‌های خطرناک دشمنان برای نابود کردن

ایمان و توان جوانان، توسعه همین مواد مخدر می‌باشد؛ بنابراین بر حکومت‌های اسلامی و عموم مردم فرد به فرد واجب است که با

آن مبارزه کنند و ان شاء الله روزی بیاید که مواد مخدر از سرزمین کشورهای اسلامی ریشه کن گردد.

سؤال ۷۴۹- نظر حضرت‌عالی در مورد استعمال دخانیات و تریاک چیست؟ و در صورت تحریم آیا در صورت معالجه و یا صرفاً

تفرج حکم تحریم باقی است؟

جواب: همان گونه که گذشت استعمال مواد مخدر و تریاک حرام است؛ و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۳

همچنین استعمال دخانیات دیگر نیز جایز نمی‌باشد.

۱۱- تراشیدن ریش

سؤال ۷۵۰- این جانب مردی ۳۶ ساله و دبیر هستم، هفته‌ای یکی دو بار ریشم را با ماشین که تقریباً مانند تیغ است کوتاه می‌کنم،

تراشیدن ریش با توجه به این که اگر موهای صورتم را نزنم چندین سال مرا مسن تر از سنم نشان می‌دهد و این امر در روحیه‌ام تأثیر

منفی می‌گذارد، چه حکمی دارد؟

ضمناً همیشه برایم این مسأله مطرح بوده است که اگر بر اساس فتوای بعضی از مراجع تقلید احتیاط واجب در ترک این عمل است

و از نظر اسلام تراشیدن ریش منع قطعی شده است، پس چرا بعضی از افرادی که حتی اسلام‌شناس هستند و بعضاً کتابهای اسلامی

زیادی نیز نوشته‌اند صورت خود را با تیغ می‌زنند؟ پس شاید این امر تحت شرایطی نهی شده است که اگر آن شرایط را رعایت

کنیم این عمل خالی از اشکال باشد؛ لطفاً بر من منت نهاده راهنمایی فرمایید.

جواب: تراشیدن ریش خلاف احتیاط است و مطمئن باشید که با گذاشتن ریش چیزی از شخصیت شما کاسته نمی‌شود؛ بلکه قیافه

شما را نورانی‌تر و روحانی‌تر می‌کند و بر محبوبیت شما در میان افراد فهمیده می‌افزاید؛ درباره فلسفه این مطلب، کتاب مرحوم آقای

حسین عبداللّهی خوروش به نام «تراش ریش از نظر بهداشت» را مطالعه فرمایید؛ ولی اگر ضرورتی پیدا شود مانعی ندارد.

سؤال ۷۵۱- حدّ ریش چه اندازه است؟ و تراشیدن قسمتی از ریش جهت زیبا کردن صورت چه حکمی دارد؟ ریشهای به اصطلاح پرفسوری نیز حرام است؟

جواب: حدّ ریش آن است که در عرف بگویند او دارای ریش است و تراشیدن دو طرف صورت، در صورتی که چانه و اطراف آن محفوظ باشد (ریشهای پرفسوری)، اشکالی ندارد.

سؤال ۷۵۲- آیا بلند کردن سیبل اشکال دارد؟ تراشیدن آن چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۴

جواب: کوتاه کردن و حتّی تراشیدن سیبل مانعی ندارد و همچنین بلند بودن آن؛ به شرطی که شبیه کارهای صوفیان و بعضی فرق غلات (علی اللّهی‌ها) نباشد.

سؤال ۷۵۳- تراشیدن ریش و یا ماشین کردن آن بطوری که صدق ریش نکنند، چه حکمی دارد؟ آیا به واسطه مسخره کردن دیگران و یا تازه رویدن ریش به صورت ناموزون در افراد تازه بالغ، و یا جهت بازی در تئاتر، حکم تغییر می‌کند؟

جواب: احتیاط این است که از ریش تراشی مطلقاً خودداری شود؛ ولی اگر به صورت کم و ناموزون باشد و آن را بتراشند تا به صورت طبیعی درآید، اشکالی ندارد و با مسخره کردن، احکام خداوند عوض نمی‌شود، بلکه پایداری سبب می‌شود که به صورت یک فرهنگ مقبول گردد.

۱۲- ربا

سؤال ۷۵۴- گرفتن سود به واسطه حیل‌های شرعی چه حکمی دارد؟ آیا حیل شرعی با ضمیمه نمودن چیزی دیگر جایز است؟

جواب: اگر منظور از حیل‌های شرعی معاملات صوری بدون قصد جدی است، مسلماً تأثیری در حکم ربا ندارد. و غالباً در حیل‌های شرعی، طرفین قصد معامله جدی ندارند و منظورشان فقط رباست.

سؤال ۷۵۵- شخصی که شغل او مسگری است، در معاملات خود به هنگام معاوضه جنس خوب با جنس بد، چیزی اضافه می‌گرفته است، آیا چنین معامله‌ای ربا محسوب می‌شود؟ قابل ذکر است که ایشان نسبت به این مسأله جاهل بوده، بدین جهت به مجرّد این که متوجّه حرمت این عمل شده، چنین معامله‌ای را ترک کرده است. این نوع معامله حدوداً شصت سال صورت گرفته است، اکنون وظیفه آن شخص چیست؟ لازم به ذکر است که او هیچ کدام از مشتریان را نمی‌شناسد و کسانی را که می‌شناسد در قید حیات نیستند، تکلیف او چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۵

جواب: احتیاط آن است که اگر توانایی دارد مبالغ مزبور را به عنوان ردّ مظالم به فقیر دهد، و اگر خودش نیازمند است از طرف ما قبول کند و به خودش ببخشد.

سؤال ۷۵۶- قبول داریم که «کل شیء مع أصله بحکم جنس واحد، و ان اختلفا فی الاسم» نتیجتاً شیر با روغن گاو از مصادیق کبرای فوق الذکر می‌باشد و نمی‌شود یک کیلو کره گاو که مثلاً دو هزار تومان ارزش دارد بدهیم و چند کیلو شیر گاو که قیمت آن مثلاً چند صد تومان می‌شود بگیریم و تا آن اندازه که به ما یاد داده‌اند این مسائل جنبه تعبد صرف دارد، نظر حضرت‌تعالی در این مورد چیست؟

جواب: اضافه وزن در جنس واحد جایز نیست و احتیاط در اشیایی که به یک ریشه برمی‌گردند، مانند روغن و پنیر و شیر، این است که با تفاوت وزن معامله نشود، بنابراین می‌توانند کره را مثلاً جداگانه بخرند و شیر را جداگانه بفروشند.

سؤال ۷۵۷- آیا شخصیت حقیقی و حقوقی در ربا تفاوت ایجاد می‌کند؟

جواب: احتیاط واجب این است که فرقی میان این دو گذارده نشود.

سؤال ۷۵۸- آیا می‌توان دولت را در حکم پدر حساب کرد و در نتیجه ربا بین دولت و مردم جایز باشد؟

جواب: این تعبیر، یک تعبیر شاعرانه است و از نظر حکم شرع اثری ندارد.

سؤال ۷۵۹- در مسأله ۱۷۷۴ رساله توضیح المسائل فرموده‌اید: «پدر و فرزند می‌توانند به یکدیگر ربا بدهند» آیا منظور از فرزند، تنها

پسر است، یا دختر هم می‌تواند از پدر ربا بگیرد؟ و از سوی دیگر آیا مادر هم می‌تواند از پسر و یا دختر و یا هر دو، ربا بگیرد، یا

این حکم مخصوص پدر است؟

جواب: فرقی میان پسر و دختر نیست؛ ولی این حکم شامل مادر نمی‌شود.

۱۳- خرید و فروش حیوانات حرام گوشت

سؤال ۷۶۰- آیا فروش ماهیان و یا هر حیوان حرام گوشت (غیر از نجس العین)، جهت خوردن و یا منافع دیگر، به افرادی که اعتقاد

به حلال و حرام نداشته و اصلاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۶

مسلمان نیستند جایز است؟

جواب: فروختن ماهیان حرام گوشت به غیر مسلمانان اشکالی ندارد، و فروختن ماهیان حرام گوشتی که منافع گسترده دیگری، مانند

تغذیه طیور دارد، به مسلمانان نیز جایز است.

سؤال ۷۶۱- این جانب در صدد احداث یک واحد تولید، تکثیر و پرورش نوعی حشره خوراکی که دارای مواد مفیدی است

می‌باشم، این حشره خوراکی هم‌اکنون در کشور مکزیک تهیه و کنسروش در بازار کشورهای دیگر به فروش می‌رسد و در آمریکا

گرانترین همبرگر همین حشره در بازار به مصرف می‌رسد. البته حمل، تولید و زیست این حشره بر روی درختی به نام «یوکا»

صورت می‌گیرد و هیچ‌گونه تماس با خاک یا مدفوع یا خون جهنده ندارد. نظر حضرت‌تعالی در مورد تهیه، خوردن و فروش آن

چیست؟

جواب: خوردن غذایی که از این حشره تهیه می‌شود از نظر شرع مقدّس اسلام جایز نیست؛ ولی تهیه و فروختن آن به کسانی که آن

را مجاز می‌دانند و از آن استفاده می‌کنند، شرعاً اشکالی ندارد.

مسائل عزاداری

سؤال ۷۶۲- شرایط افرادی که می‌توانند نقش ائمه (علیهم السلام) را ایفا نمایند چیست؟

جواب: اگر در شبیه‌خوانی کسانی می‌خواهند در نقش آن بزرگواران ظاهر شوند، باید افراد مهذب و پاک و خوشنامی باشند و چه

بهرتر که آن بزرگواران بطور وضوح نشان داده نشوند.

سؤال ۷۶۳- آیا کسانی که در شبیه‌خوانی نقش کفار را ایفا می‌کنند باید دارای شرایط خاصی باشند؟ یا این که هر کس بدون قید

و شرط می‌تواند در نقش کفار باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۷

جواب: شرایط خاصی برای آنها از این نظر نیست.

سؤال ۷۶۴- مرثیه‌خوانی و یا مدّاحی زنان با بلندگو، بطوری که هر شنونده‌ای را جذب می‌کند، چه صورت دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۷۶۵- مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) و سایر مجالس اسلامی در بسیاری از کشورها برپا می‌شود؛ ولی بعضی از این مراسم در این کشورها عجیب به نظر می‌رسد، از جمله زنجیرزنی و قمه‌زنی که باعث وهن اسلام و مسلمین نیز می‌شود. در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) بر سر و سینه زدن تا چه حدودی جایز است؟

جواب: عزاداری امام حسین (علیه السلام) از فضل قربات است؛ ولی بر مسلمانان واجب است که از هر چیزی که باعث وهن و بی‌حرمتی مسلمانان می‌شود، خودداری کنند.

ب) آیا برای مردان جایز است که در زمان عزاداری، بدنشان را برابر زنان برهنه کنند؟

جواب: احتیاط واجب آن است که مردان از این کار خودداری کنند؛ ولی مشاهده این صحنه‌ها از تلویزیون، در صورتی که مفسده خاصی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

ج) آیا جایز است به گونه‌ای بر سر و سینه بزنند که موجب جراحت و خونریزی شود و باعث نجس شدن خود و اطرافیان و زمین مسجد و یا حسیته گردد؟

جواب: لازم است به گونه‌ای باشد که منجر به جراحت و خونریزی نشود و مسجد نجس نگردد.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۲۴۷

د) آیا خونی که از بدن سینه‌زنان و عزاداران، به سبب قمه زدن و غیره، بیرون می‌آید، باعث تبرک و شفای مریضها و زنده‌های عقیم و مانند آن می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۸

جواب: این سخنان پایه و اساسی ندارد، و سزاوار است عزاداری به صورتی باشد که باعث هتک دین و مقدّسات نشود و عزاداران حسینی - علیهم رضوان الله و برکاته - از تفرقه و اختلاف دوری کنند و متحد باشند.

سؤال ۷۶۶- در خصوص دسته‌جات عزاداری حضرت ابا عبد الله الحسین (علیه السلام)، مواردی رؤیت می‌شود که به نحوی مقدّمه فساد محسوب می‌شود و مردم به خاطر نگاه کردن به این دسته‌جات، مساجد را خالی گذاشته و بالطبع اختلاط زن و مرد صورت گرفته و منجر به یک رشته مفاسد اجتماعی می‌گردد. نظر مبارک در مورد این قبیل مراسم چیست؟

جواب: مراسم عزاداری سید الشهداء (علیه السلام) از بزرگترین شعائر دینی است و جلوی بسیاری از توطئه‌های دشمنان را می‌گیرد، و هرگز نباید تعطیل شود؛ ولی جلوی سوء استفاده‌ها را باید گرفت و باید به مردم گوشزد نمود که مساجد را خالی نگذارند و نماز جماعت را در مساجد به موقع فراموش نکنند، و بحمد الله در این سالها در مراسم عزای حسینی نماز جماعت احیا شده است.

سؤال ۷۶۷- از آنجا که احساس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) یک حالت روحی است و در هیچ جنبنده‌ای قابل کنترل نیست، جلوگیری از اجرای تعزیه، که نوعی عزاداری است، توسط افراد غیر خوشنام، چه حکمی دارد؟

جواب: همان گونه که گفته شد اگر تعزیه‌خوانی مشتمل بر کار خلاف، مانند دروغ و هتک مقدّسات و مانند آن نباشد، شرعاً اشکالی ندارد.

سؤال ۷۶۸- در نسخه‌های تعزیه‌های موجود، گاهی الفاظ رکیک توسط ایفاگر نقش معصوم (علیهم السلام) بر زبان جاری می‌شود، آیا چنین زبان حالی که دون مقام اهل بیت (علیهم السلام) اما براننده سپاه مخالفین است، تلفظش مجاز است؟

جواب: باید تمام نسخه‌های موجود توسط آگاهان بررسی شود و الفاظ رکیک و آنچه دون شأن امام است، از آن حذف گردد و به صورت معقول و متین درآید،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۴۹

تا استفاده از آنها شرعاً مجاز باشد.

سؤال ۷۶۹- در اکثر مناطق حکومت‌های اسلامی (غیر از ایران) و غیر اسلامی، مردم متدین شیعه با مذاهب دیگر با هم زندگی می‌کنند و در ایام محرم، بالأخص روز عاشورا، متدینین مجالس سوگواری منعقد می‌کنند و نوجوانان با نوحه‌سرایی (بدون آهنگ غنا) سینه‌زنی و زنجیرزنی می‌کنند؛ در نتیجه از بدنشان گاهی خون جاری می‌شود، این حالت بر افراد و جامعه غیر شیعی اثر خوبی می‌گذارد و گاهی مایل به تشیع هم می‌شوند، آیا در صورت حاصل شدن اثر مثبت و نتایج خوب، زنجیرزنی به شکل فوق جایز است؟

جواب: همان طور که بارها گفته‌ایم عزاداری خامس آل عبا (علیه السلام) از افضل قربات است؛ ولی نباید کاری کرد که بدن مجروح شود؛ برای بزرگداشت این شعائر از طرق بهتر استفاده کنید.

سؤال ۷۷۰- در ایام عزاداری و شهادت ائمه اطهار (علیهم السلام) هیأت‌های عزاداری در کوچه و خیابان به عزاداری و ذکر مصایب اهل بیت عصمت و طهارت می‌پردازند و احیاناً عزاداران محترم صدماتی بر بدن خود وارد می‌کنند لطفاً بفرمایید:

الف) آیا اقامه این نوع عزاداری‌ها از نظر عقلی و شرعی بهتر است یا ترک آن؟

ب) آیا این نوع عزاداری‌ها زنده کردن شعائر الهی محسوب می‌شود، که خداوند ما را به آن دستور داده است، یا نوعی بدعت شمرده می‌شود؟

ج) در خلال این عزاداری‌ها اشعاری خوانده می‌شود که در ضمن آن مطالب اجتماعی و اعتقادی و مصالح مسلمین وجود دارد، آیا این کار اشکال شرعی دارد؟

د) آیا برای مؤمنین جایز است که به خاطر بعضی از فشارهای داخلی و خارجی، که هدفشان محو عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) است، دست از عزاداری بردارند؟

و) آیا پدران حق دارند فرزندان را از شرکت در چنین مراسمی منع کنند؟

ه- وظیفه علما در مقابل این هیأت‌های عزاداری چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۰

جواب: عزاداری سید الشهداء، حسین بن علی (علیهما السلام)، از افضل قربات است و همچنین برپا داشتن هیأت‌های عزاداری سیار، مخصوصاً اگر مشتمل بر اشعاری باشد که مصالح اسلام و مسلمین در آن باشد و باید پدران و مادران فرزندان خود را تشویق کنند که در چنین مراسمی شرکت کنند و به وسوسه‌های دشمنان اسلام یا کسانی که اطلاع کافی از این امور ندارند توجه نکنند، در عین حال سعی کنند بر بدن جراحی وارد نشود و کاری که موجب وهن مذهب است انجام ندهند. خداوند همه ما را در این راه پرفیض موفق دارد.

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۷۷۱- پدرم پس از سکت مغزی و بستری شدن در بیمارستان، پس از دو روز بیهوشی از مرگ نجات یافته و از بیمارستان مرخص شد. نامبرده که در حال صحت جسمی و فکری کامل نبود بنا به توصیه یک نفر، ملک خود را بین پسر و دختر علی‌السویه تقسیم کرد و این تقسیم به خاطر دریافت سند عادی از ثبت اسناد به صورت خرید و فروش نوشته شده، بدین گونه که فروشنده پدرم

و خریدار هر یک از فرزندان هستند؛ ولی در واقع هیچ گونه مبادله‌ای صورت نگرفته و از طرف خریداران هیچ مبلغی پرداخت نشده و قبض و اقباضی صورت نگرفته است، لطفاً در این باره به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

الف) آیا شخص مذکور با چنین حال مزاجی، که در اثر سکنه مغزی قسمتی از مغزش از کار افتاده، می‌تواند شخصاً به نقل و انتقال مالی دست بزند؟

جواب: اگر این مقدار از بیماری موجب اختلال در عقل او نشده باشد، نقل و انتقالات او اشکال ندارد، و فلج شدن بدن ارتباطی به اختلال فکری ندارد.

ب) آیا تقسیم مزبور در تمام مال نافذ است، یا نسبت به ثلث مال نافذ می‌باشد؟

جواب: هرگاه واقعاً بیمار بوده و بیماری‌اش سرانجام سبب مرگ او شده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۱

تصرفات او که شکل بخشش داشته باشد، تنها در یک سوم مال نافذ است بنابر احتیاط واجب، و اگر بیمار نباشد و یا آن بیماری سبب مرگ او نشود، تصرفات او بطور کامل جایز است؛ مشروط بر این که در صورت بخشش آن را تحویل دهد.

ج) آیا نوشتن قرارداد بیع بدون نقل و انتقال مالی و یا رد و بدل اسناد، صحیح است؟

جواب: اگر قرارداد معامله را بنویسند و امضا کنند و پول آن را نقداً بپردازند یا در ذمه باشد مانعی ندارد و همچنین اگر قرائنی باشد که منظور از بیع هبه است آن هم مانعی ندارد، ولی باید ملک را تحویل طرف بدهد.

سؤال ۷۷۲- همان طور که در رساله و استفتانات جلد اول حضرتعالی آمده، معامله با طفل نابالغ اشکال دارد، مگر این که طرف معامله در واقع ولی طفل باشد، یا این که یقین به رضایت ولی طفل حاصل شود، حال اگر هیچ یک از دو مورد بالا محرز نشود معامله با چنین بچه‌هایی، که در سطح جامعه فراوان هستند چه حکمی دارد؟
جواب: این گونه معاملات باطل است و باید مؤمنان از آن پرهیز کنند.

معامله نقد و نسیه

سؤال ۷۷۳- شخصی در مغازه‌ای حساب دارد و ماهیانه حسابش را به صاحب مغازه می‌پردازد، اگر صاحب مغازه مبلغی زیاده‌تر از حسابش از ایشان بگیرد، بدون این که طرف بفهمد، چطور است؟

جواب: تفاوت قیمت فروش نقد و نسیه اشکالی ندارد، ولی باید به طرف مقابل گفته شود که جنس را نقداً به فلان قیمت و نسیه را به قیمت بیشتری می‌فروشم.

سؤال ۷۷۴- این جانب می‌خواهم منزل یا زمینی را نقداً قولنامه نمایم و به شخص دیگری به قیمت گرانتر در مقابل چک مدت‌دار بفروشم، این معامله چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۲

جواب: اگر هر دو معامله به صورت قطعی و جدی با شرایط انجام گیرد اشکالی ندارد.

سؤال ۷۷۵- فروش جنس قبل از تحویل گرفتن چه صورتی دارد؟

جواب: جنسی را که سلف خریده‌اند نمی‌توانند پیش از رسیدن مدت به دیگری بفروشند؛ ولی فروختن آن بعد از رسیدن مدت، هر چند آن را تحویل نگرفته باشند، بی‌مانع است.

سؤال ۷۷۶- در خرید و فروش و تفاوت نقد و نسیه نیاز به محاسبه قیمت بر اساس بازار می‌باشد، آیا این گونه محاسبات صحیح است؟

جواب: در صورتی که بعد از محاسبه، قیمت را یک جا حساب کنند؛ مثلاً بگویند: «نقد این مبلغ و نسیه این مبلغ» و مشتری یکی را انتخاب نماید، اشکالی ندارد.

خرید و فروش طلا و نقره

سؤال ۷۷۷- طلا فروش‌ها در خرید و فروش طلا به مقداری که طلا می‌فروشند به همان مقدار در عوض، طلا به اضافه مبلغی اجرت می‌گیرند و در صورتی که معامله به صورت نسیه یا مدت‌دار باشد مبلغ اجرت را بیشتر می‌گیرند، این گونه معامله چه صورت دارد؟
جواب: هر گاه طلا را در مقابل طلای هموزن بدهند و چیزی به عنوان اجرت بگیرند جایز نیست؛ مگر این که به صورت دو معامله جداگانه انجام شود، طلای اول را به قیمت معین بخرد و طلای ساخته دوم را به قیمت بالاتر بفروشد.

سؤال ۷۷۸- شخصی به یکی از دوستانش مبلغی پول می‌دهد که آن را به قیمت طلا حساب کند. و این عمل صرفاً به لحاظ جلوگیری از احتمال تنزل ارزش ریال بوده است؛ توضیح این که گیرنده وجه طلا فروش نبوده و فاقد هر گونه طلا می‌باشد، استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۳

آیا تغییر و تبدیل صوری پول به طلا شرعاً جایز است؟

جواب: هر گاه نرخ روز طلا معلوم بوده و آن وجوه ریالی با طلا محاسبه و از او طلا خریده است بر فروشنده واجب است همان طلا را بپردازد، و اگر معامله صوری بوده اعتباری ندارد.

سؤال ۷۷۹- مادری به رحمت خدا رفته و خانه‌ای از خود به ارث گذاشته است، یکی از ورثه قرار گذاشته که سهم دیگران را به نرخ عادلانه بخرد، حق السبب بعضی را بطور کامل و بعضی دیگر را بطور ناقص پرداخت نموده است؛ ولی در موقع تحویل ملک و انتقال سند مالکیت، شهرداری اعلام عقب‌نشینی نموده است، در حالی که هیچ کدام از ورثه، اعم از خریدار و فروشنده، از عقب‌نشینی مطلع نبوده‌اند. آیا مبیع معیوب حساب می‌شود؟

جواب: چنانچه مسأله عقب‌نشینی قبل از خرید سهام بقیه ورثه در برنامه بوده و از آن آگاهی نداشته عیب محسوب می‌شود و خریدار می‌تواند فسخ کند.

سؤال ۷۸۰- در صورتی که مشتری تمام قیمت مبیع (کالا) را نپردازد، آیا فروشنده حق فسخ دارد؟ و در صورتی که در هبه معوضه مقداری از عوض پرداخته نشود، آیا واهب حق فسخ دارد؟

جواب: در بیع خیار فسخ ندارد؛ ولی می‌تواند حق خود را مطالبه کند و همچنین در هبه معوضه، بنا بر احتیاط واجب.

سؤال ۷۸۱- شخصی گاوی را جهت کشتن و استفاده از گوشت آن خریده و ثمن آن را نقداً پرداخت کرده است، پس از مراجعه به کشتارگاه و ذبح حیوان، دامپزشک اعلام می‌نماید که گاو مریض بوده و قابل مصرف نیست و باید سوزانده شود، با توجه به نظریه دامپزشک، آیا معامله صحیح می‌باشد، یا از اصل باطل بوده است؟

جواب: اگر بیماری حیوان در واقع طوری بوده که در زمان فروش، حیوان هیچ ارزشی نداشته، مثلاً قابل معالجه نبوده، در چنین صورتی می‌تواند تمام وجه را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۴

باز پس بگیرد، ولی اگر با علم به بیماری مخصوص، خریدارانی برای حیوان پیدا می‌شده، مشتری می‌تواند تنها تفاوت بین سالم و معیوب را بگیرد.

سؤال ۷۸۲- اگر شخصی چند سال قبل از فوت خود، شفاهاً در نزد برادران و افرادی از اقربای نسبی (بنا بر اظهار اقربای نسبی) اقرار به فروش نصف سرقفلی مغازه‌ای به شریک خود، که برادرش می‌باشد، نماید و خریدار (صاحب نصف دیگر سرقفلی) ظرف چهار

سال نسبت به پرداخت ثمن اقدام ننماید و پس از سپری شدن دو سال دیگر از تاریخ فوت فروشنده، خریدار ثمن مورد معامله را به قیم صغیر (همسر برادر متوفّایش) پرداخت نماید:

الف) آیا معامله نافذ است یا باطل بوده و نیاز به تنفیذ صغیر (ورثه) دارد؟

ب) شهادت اقربای نسبی در این خصوص اعتباری دارد؟

جواب: اگر شهود عادل باشند و متهم نباشند شهادتشان قبول است؛ ولی تخلف از شرایط عقد برای ورثه حقّ فسخ می‌آورد، و اگر مصلحت صغیر باشد می‌توانند بلکه لازم است فسخ کنند.

سؤال ۷۸۳- این جانبه با جهل به ارزش خانه خود، اقدام به فروش آن کردم، بنگاه معاملات در قولنامه جمله "اسقاط کلیه اختیارات" را قید کرده و من معنا و مفهوم آن را نمی‌دانستم، بعد از امضای سند متوجه شدم که خانه را خیلی پایین تر از قیمت و ارزش واقعی آن فروخته‌ام، بدین جهت انصراف خود را به خریدار اعلام و معامله را فسخ نمودم، خواهشمندم بفرمائید: آیا این جانبه حقّ فسخ معامله را دارم؟

جواب: اگر نمی‌دانسته‌اید و مغبون شده‌اید حقّ فسخ معامله را دارید؛ ولی با توجه به این که پای سند را امضا کرده‌اید، باید ثابت کنید که نمی‌دانسته‌اید و الاّ از شما پذیرفته نمی‌شود.

شرایط مجاز و غیر مجاز در معاملات

سؤال ۷۸۴- اگر پدری تمام دارایی، یا عمارت مسکونی‌اش را به فرزند خود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۵

بفروشد، مشروط بر این که مادام الحیاء در حیطة تصرّف خودش باشد آیا جایز است؟ در صورت جواز اگر در حیات پدر، فرزند فوت کند آیا بیع به قوت خود باقی است، یا فسخ می‌شود؟

جواب: بیع مزبور صحیح بوده و آن اموال با همان شرایط به ورثه آن مرحوم منتقل می‌شود و پدر مادام الحیاء فقط حقّ تصرّف در منافع را دارد.

سؤال ۷۸۵- لطفاً بفرمائید آیا شرایط ذیل که خریدار و فروشنده در ضمن عقد خارج لازم متعهد گردیده‌اند، لازم الاجراست؟

الف) در ظرف مدّت حدّ اکثر ۸۰ روز از تاریخ این مبیعه‌نامه، در دفترخانه رسمی حاضر و سند به نام خریدار تنظیم و تحویل گردد.

ب) چنانچه بند «الف» رأس مدّت مقرر به اجرا در نیاید شخص مقصّر موظف است بیست و پنج درصد از بهای مورد معامله را به عنوان خسارت به طرف دیگر پرداخت نماید.

ج) کشف هرگونه فساد تا تاریخ تنظیم سند و تحویل ملک مورد معامله به عهده فروشنده می‌باشد.

د) کلیه هزینه‌ها و مخارج مربوط به انتقال سند به عهده فروشنده می‌باشد؛ مگر هزینه حقّ الثبت که به عهده طرفین می‌باشد.

ه) - کلیه اختیارات، حتّی خیار غبن فاحش بل افحش، از طرفین ساقط شده است

ضمناً فروشنده متعهد گردید که اگر در موعد مقرر اقدام به تخلیه ننماید و یا در موعد مقرر در بند «الف» در محضر حاضر نگردد روزانه مبلغ پانصد هزار ریال تحت عنوان خسارت به خریدار پرداخت نماید.

جواب: شرایط مزبور کلاً صحیح و لازم الاجراست.

سؤال ۷۸۶- شخصی با اذن مالک در زمین او چهار واحد آپارتمانی احداث می‌کند، قبل از احداث آپارتمانها تعهد می‌کند یک واحد از چهار واحد مذکور را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۶

متری ۱۵۰۰۰ تومان در سهم مالک زمین قرار دهد، در زمان این تعهد هنوز هیچ کدام از واحدها احداث نشده و اوصاف کتی و کیفی آپارتمان (که تعهد به تحویل آن شده است) نزد طرفین معلوم نبوده و طرفین از وضعیت ظاهری بنای داخلی ساختمان و مساحت آن هیچ گونه اطلاعی نداشته‌اند و نیز معین نبوده که کدام یک از چهار واحد آپارتمان در سهم مالک زمین قرار می‌گیرد، حال آیا (تعهد به تحویل یک واحد آپارتمان) صحیح و لازم‌الوفاست، یا این تعهد از مصادیق معاملات و تعهدات غری است؟
جواب: این تعهد باطل است و صاحب زمین می‌تواند معامله را فسخ کند؛ مگر این که نمونه آپارتمان در نظر طرفین معلوم باشد که در این صورت معامله صحیح است.

سؤال ۷۸۷- آیا معامله زیر، با توجه به بعضی از بندهای قولنامه که مذکور است، و با توجه به اشکالاتی که مطرح شده، صحیح است؟

الف) طبق عبارت بند دوم قرارداد «معامله قطعی بانک منوط به تصویب کمیسیون معاملات عمده بانک است» یعنی مفهوماً و ظاهراً عقد معلق است. و در فقه امامیه طبق قول مشهور، جزم در عقد معتبر است و تعلیق منافات با جزم دارد.
ب) طبق ماده دوم، که در بالا آمده، آیا جایز است در عقد معلق متعاملین شرط کنند که هر دو یا یکی از آنها با ثالثی مشورت کنند، اگر آن شخص مصلحت دید، معامله باقی و الا بر هم خورد؟
ج) به علت نداشتن مدت در بند دوم قرارداد، آیا رعایت توالی ایجاب و قبول غیر ممکن است.
د) ثمن و مثنی از تاریخ تنظیم قرارداد تبادل نشده و قبض و اقباض به عمل نیامده است.

جواب: پاسخ تمام سؤالات به شرح زیر است:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۷

بعضی از تعبیرات این قرارداد حکایت از تعلیق در انشا می‌کند که موجب بطلان این معامله است و بعضی حکایت از نوعی بیع خیاری دارد و در مجموع احراز صحت چنین معامله‌ای میسر نیست و اصاله الفساد حاکم است؛ مگر این که بعد از موافقت بانک قبض و اقباض هرچند در ثمن یا مثنی حاصل شود، در غیر این صورت معامله مزبور اعتباری ندارد.

مسائل متفرقه بیع

سؤال ۷۸۸- آیا احتکار از نظر شرع مقدس اسلام حرام است یا مکروه؟

جواب: احتکار در مواردی حرام و در مواردی مکروه است.

سؤال ۷۸۹- آیا موضوع احتکار تنها منحصر به کالاهای مذکور در روایات می‌باشد، یا این که شامل تمام نیازمندیهای مردم است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که در تمام اجناس ضروری برای زندگی مردم، احتکار ترک شود.

سؤال ۷۹۰- شخصی آرایشگاه زنانه دارد، خانمی را آرایش می‌کند، آن خانم با آن وضع خاص در اجتماع رفت و آمد می‌کند، با توجه به این مطلب، پولی که آرایشگر دریافت می‌کند چه حکمی دارد؟

جواب: آرایشگر اگر زن باشد گناهی ندارد و آنچه را که دریافت می‌کند حلال است؛ لکن آن خانم که خود را در معرض دید نامحرمان قرار می‌دهد گناهکار است.

سؤال ۷۹۱- شخصی شش دانگ یک قطعه زمین را که دارای سند ثبتی به مساحت یکصد و نود متر مربع می‌باشد خریداری نموده است، هنگام معامله شهرداری ابراز داشته که این زمین چهل متر عقب‌نشینی دارد و خریدار قبول کرده است، بعد از آن تمام شش دانگ زمین به نام خریدار در محضر سند زده شده است،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۸

ولی در طرح تفصیلی جدید شهرداری، ۴۰ متر مربع عقب‌نشینی از بین رفته است، آیا خریدار نسبت به فروشنده چیزی بدهکار است؟

جواب: چنانچه قانون بعد از معامله عوض شده فروشنده حقی ندارد و اگر قبلاً عوض شده و آنها نمی‌دانسته‌اند احتیاط واجب آن است که خریدار فروشنده را راضی کند.

سؤال ۷۹۲- این جانب یک طبقه از ملک خود را با شخصی قولنامه نمودم؛ ولی بعداً متوجه شدم خریدار بهایی است، آیا از نظر شرع مقدس اسلام این معامله جایز است؟

جواب: با شخص مزبور معامله نکنید؛ زیرا معامله با او اشکال دارد.

سؤال ۷۹۳- معامله‌ای انجام می‌شود و در یکی از بندهای قولنامه این معامله عبارت ذیل آمده است: «چنانچه فروشنده مایل به قیمت‌گذاری مجدد باشد، قبل از انتقال سند توسط کارشناس دادگستری، کارشناسی انجام می‌شود و ما به التفاوت از مبلغ مورد معامله محاسبه می‌گردد و هزینه کارشناسی به عهده فروشنده است»، حکم این معامله چیست؟

جواب: با توجه به این که معامله از نظر قیمت قطعی نشده، زیرا اجازه کارشناسی مجدد داده شده است، معامله مزبور باطل است.

سؤال ۷۹۴- تعاونی مسکن فرهنگیان سالهاست که جهت کارمندان فرهنگی بدون مسکن و زمین به صورت اسم‌نویسی و اخذ وجهی علی‌الحساب و سپس اجرای قرعه‌کشی، مبادرت به فروش زمین به این کارمندان می‌نماید، اخوی این جانب که زمین و خانه‌ای نداشت نیز در سال ۱۳۷۲ با واریز مبلغ پنجاه هزار تومان اسم‌نویسی نمود، ولی در سال ۷۴ مسکنی خریداری کرد که حدود یک میلیون تومان آن را بدهکار می‌شود، سپس در سال ۱۳۷۵ به رحمت ایزدی می‌پیوندد، اکنون که این جانب به تعاونی مسکن مراجعه نمودم مرسوم چنین است که جهت تحویل زمین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۵۹

باید سوگندنامه‌ای مبنی بر نداشتن خانه و یا زمین نیز کامل نمود، بنده داشتن مسکن اخوی را به مسئولین تعاونی اطلاع داده و آنها چنین گفتند: «در هنگام اسم‌نویسی اخوی شما چنین سوگندنامه‌ای نبوده است، حال برای این که حق بچه‌های آن مرحوم ضایع نشود می‌توانید با اجازه یکی از مراجع معظم تقلید، بقیه پول را واریز کرده و زمین را تحویل بگیرید». از حضرت‌تعالی استدعا می‌نمایم نظر مبارک خویش را در این مورد مرقوم فرمایید.

جواب: چنانچه از نظر مسئولین تعاونی مشکلی نداشته باشد مجاز هستید این کار را بکنید؛ ولی هرگز سوگند دروغ نخورید.

سؤال ۷۹۵- شخصی باغ خود را به دیگری می‌فروشد، خریدار با تظاهر به این که متمول و متمکن می‌باشد بیش از نصف بهای مورد معامله را به صورت چکی که فاقد تاریخ بوده است به فروشنده تسلیم می‌دارد، سپس بین متعاملین در خصوص زمان چک اختلاف به وجود می‌آید و خریدار از تأمین وجه چک خودداری می‌نماید، حتی پس از دو سال، که فروشنده خودش تاریخ روی چک را می‌نویسد و به بانک مراجعه می‌کند، چک به علت نبودن وجه برگشت می‌خورد و بانک گواهی کرده که خریدار به جز چند تومانی در این مدت پول در حساب نداشته است.

الف) آیا چنین معامله‌ای باطل است؟

جواب: اگر زمان پرداخت چک را تعیین نکرده و لفظاً نیز توافقی بر آن نشده، معامله مزبور صحیح نیست.

ب) برای فروشنده چه حقی از جهت رفع ضرر وجود دارد؟ آیا اصولاً چک بدون تاریخ در معاملات شرعاً ثمن محسوب می‌شود؟

جواب: چک در هر حال حواله است و معامله در صورتی صحیح است که یا بطور نقد باشد و یا نسیه با تعیین زمان، و چک تا تاریخ آن معین نباشد برای معامله کفایت نمی‌کند. و اگر آگاهانه اقدام به ضرر خود کرده است قابل جبران نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۰

سؤال ۷۹۶- در مورد بیع فضولی که فرموده‌اید: «بایع اگر بدون اجازه مبیع را به تصرف مشتری دهد مستحقّ تعزیر است» دو نکته قابل تأمل است:

اول این که بیع ممکن است به توقع اجازه، نه با سوء نیت و کلاهبرداری باشد و بدیهی است که عام، دلیل بر خاص نیست، همان طور که در نکول منکر از یمین، به محض نکول حکم نمی‌شود؛ چون ممکن است به سبب اجلال ذات اقدس حق باشد. دوم این که به قول اکثر فقها بیع رأساً هم باطل نیست. لطفاً در این دو مورد توضیح بفرمایید.

جواب: تحویل دادن اموال مردم به دیگران بدون وکالت یا بیع قطعی جایز نیست، هر کس این کار را بکند مرتکب گناه کبیره شده، هر چند به توقع اجازه بوده باشد. و هر گناه کبیره‌ای تعزیر دارد و بیع فضولی صورت بیع است، نه حقیقت بیع. و به تعبیر دیگر، مانند جسم بی‌روح است، و اگر کسانی می‌گویند باطل نیست یعنی قابلیت دارد که این جسم بی‌روح با اجازه، روح پیدا کند.

سؤال ۷۹۷- شخصی زمینی را که در آن مقداری درخت میوه و غیر میوه می‌باشد فروخته است؛ ولی در معامله، درختها ذکر نشده است، فروشنده می‌گوید: «درختها را نفروختم و خریدار عدواناً متصرف شده است»، با توجه به این مقدمه بفرمایید:

الف) آیا فروش زمین، درختها را هم شامل می‌شود؟

جواب: اگر در عرف محل اشجار تابع زمین است و زمین را بدون اشجار نمی‌فروشند، آنها متعلق به خریدار می‌باشد.

ب) آیا مالک جدید زمین می‌تواند اشجار مذکور را قطع کند؟

جواب: در فرض مذکور قطع آنها جایز است.

ج) طبق عرف آن منطقه باید درختها در معامله، ذکر شده باشد و الا معامله شامل آنها نمی‌شود، در این صورت حکم مسأله چیست؟

جواب: عرف محل که به وسیله افراد اهل اطلاع و خیره شناخته می‌شود معیار اصلی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۱

سؤال ۷۹۸- اگر کسی مسئول فروش وسایل بیت المال باشد و وسیله‌ای از بیت المال را بدون پرداخت پول آن بردارد و بعد از مدتی پشیمان شود و قصد کند پول آن را به سازمان بپردازد و قبل از پرداخت قیمت، آن را هدیه دهد چه حکمی دارد؟
جواب: چنانچه مجاز بوده که به هر کس طبق قیمت عادلانه بفروشد می‌تواند آن جنس را به قیمت عادلانه به خودش بفروشد و هنگامی که قیمت را پرداخت، هدیه‌ای که داده است اشکالی ندارد.

سؤال ۷۹۹- با توجه به این که سرمایه شرکت‌های سهامی به تعدادی سهام تقسیم می‌شود و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی آنهاست و از جمله حقوق صاحبان سهم عبارت است از:

الف) تقسیم منابع به نسبت تعداد سهام بین سهامداران.

ب) اداره شرکت، افزایش سرمایه، انحلال و غیره بر اساس مواد اساسنامه‌ای است که قبلاً چگونگی آنها مشخص شده و معمولاً بر مبنای اکثریت آرای سهامداران (که هر سهامداری به تعداد سهامش دارای رأی است) تصمیم‌گیری می‌نمایند.

خرید و فروش سهام این شرکت‌ها به شرح فوق چگونه است؟

جواب: چنانچه با علم و آگاهی، شرایط فوق را پذیرفته‌اند و شرکت کار مشروعی را انجام می‌دهد، مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۰- فروش یک ملک به صورت زمانی به چند نفر چه حکمی دارد؟ (مثلاً ملک یا خانه‌ای در مشهد به چهار نفر فروخته شود تا این ملک در هر فصل از سال در اختیار مالک همان فصل باشد که خودش استفاده کند یا اجاره دهد).

جواب: این کار جایز نیست؛ ولی اگر به صورت اجاره مادام العمر و در فصل معینی از سال یا ماه معینی باشد صحّت آن بعید نیست.

سؤال ۸۰۱- مدارهای ماهواره‌ای در سازمانی معین به کشورها اختصاص می‌یابد که بعد از واگذاری آن کشور می‌تواند ماهواره‌های خود- اعم از خودساخته، خرید،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۲

یا استیجاری- را در آن مدارها قرار دهد. حق استفاده یک کشور از این مدارها به نحو مالکیت است یا حق انتفاع؟

جواب: اگر این کار در عرف عقلاً نوعی حق مالکیت محسوب شود، هر چند این حق ناشی از توافق بین المللی باشد، خرید و فروش و اجاره یا وقف آن جایز است.

سؤال ۸۰۲- اگر شخصی مالی را به عنوان مال خودش به دیگری با سند عادی بفروشد و بعداً به جهت تعهدی که با شخص ثالثی داشته، همان مال را با سند رسمی به شخص ثالث انتقال دهد کدام یک از دو معامله فوق شرعاً صحیح است؟

جواب: معامله اول صحیح و دومی باطل است.

سؤال ۸۰۳- شخصی چک بانکی که به نام حامل است به کاسبی می‌دهد، کاسب هم به اعتبار کلمه حامل، که شامل همه افراد است، به مبلغ چک، جنس می‌دهد و بعد که برای وصول وجه به بانک مراجعه می‌کند معلوم می‌شود که چک مزبور مسروقه است،

آیا صاحب جنس می‌تواند از صاحب اصلی چک وجه را بگیرد؟

جواب: اگر چک مسروقه بوده، باید آن را به صاحبش برگرداند، و پول خود را از مشتری مطالبه کند.

سؤال ۸۰۴- فروشنده‌ای هستم که کالا را به صورت متر مربع می‌فروشم. چنانچه خریداری قادر به پرداخت کل، یا قسمتی از ثمن نباشد ناچار باید مبلغی گرانتر بفروشم. بدین جهت به خریدار می‌گویم: «در صورت نسیه، متر مربعی فلان ریال در روز باید گرانتر

خریداری نمایی و اگر قبل از سررسید، نسبت به پرداخت بدهی خود اقدام کنی؛ مبلغی که گران خریداری به همان صورت در مدت باقیمانده محاسبه و برگشت داده خواهد شد». چنانچه تأخیری در بدهی روی دهد، هیچ گونه وجهی بابت دیرکرد دریافت

نمی‌شود، از آنجا که برخی از مشتری‌ها در این گونه خرید، احتیاط می‌نمایند. نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۳

جواب: اگر این معامله به صورت مبهم و بدون تعیین قیمت و زمان پرداخت صورت بگیرد، باطل است. تنها راه صحت آن این است که تاریخ و زمان پرداخت، به هر مبلغ که می‌خواهند، برای معامله تعیین کنند و قرارداد طبق آن صورت گیرد، سپس بگویند اگر

زودتر از آن، مبلغ را پرداختی فلان مقدار تخفیف می‌دهیم، در این صورت معامله صحیح است؛ ولی اگر مبهم بگذارند معامله صحیح نیست.

سؤال ۸۰۵- مواردی که شخص، فرش خود را با قیمت مشخص شده جهت فروش بطور امانت به شرکتی تحویل می‌دهد و آن شرکت ممکن است فرش را بیشتر از قیمت مشخص شده به فروش برساند، مقدار اضافه بر قیمت معین، حق صاحب مال است، یا

حق شرکتی که فرش را فروخته است؟

جواب: در صورتی که فرش به صورت امانت باشد، قیمت اضافی متعلق به صاحب فرش است.

سؤال ۸۰۶- فرشی که به صورت امانت و با قیمت مشخص در اختیار یک شرکت قرار می‌گیرد، و صاحب مال شرط می‌کند که هر گونه سانحه‌ای بر عهده شرکت می‌باشد، اگر شرکت فرش را به قیمت بیشتر بفروشد، با توجه به شرط فوق، اضافه از قیمت حق

چه کسی است؟

جواب: در صورتی که به شکل امانت باشد مبلغ اضافی متعلق به صاحب فرش است؛ مگر این که مسئولین شرکت هنگام امانتگذاری تصریح کنند که مبلغ اضافه از آن آنها می‌باشد.

سؤال ۸۰۷- بعضی از بنگاهها اجباراً مقداری از پول فروشنده را نگه می‌دارند. آیا از نظر شرعی این کار صحیح است؟

جواب: نگه داشتن پول فروشنده جایز نیست؛ مگر این که قراردادی در بین باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۴

سؤال ۸۰۸- آیا قولنامه سند معتبری است و مورد اختلاف را به نفع صاحب قولنامه اثبات می‌کند؟

جواب: قولنامه هر گاه به صورت بیع قطعی بوده باشد و طرفین آن را امضا کرده باشند، شرعاً و عرفاً سند معتبری محسوب می‌شود.
سؤال ۸۰۹- شخصی، که دارای ۵۰۰ هزار تومان پول نقد بوده، سگته مغزی می‌نماید و در مشاعر و حواس او اختلال پیش می‌آید بطوری که عملاً سفیه شرعی محسوب و محجور می‌گردد؛ همسر و یکی از فرزندان او تصمیم می‌گیرند خانه‌ای با همان پول خریداری کنند و سند رسمی آن را به نام یکی از فرزندان دیگر ثبت کنند، تا این فرزند که در سن ازدواج بوده در آن سکونت نماید؛ قابل توجه این که شخص محجور، ولی خاصی ندارد و همسر و فرزندان او نیز از طرف حاکم شرع یا به حکم قانون قیم او نیستند، و از طرف دیگر هیچ یک از همسر و دو فرزند مذکور قصد تملک و خرید خانه برای خود نداشته و قصد قرض گرفتن پول را نیز نداشته‌اند، لطفاً بفرمایید:

الف) شرعاً چه کسی مالک آن خانه است؟

جواب: چنانچه خانه را با پول پدر گرفته‌اند و او در آن زمان محجور بوده است، معامله باطل است؛ مگر این که قیم شرعی آن را اجازه دهد، در این صورت خانه تعلق به پدر دارد.

ب) فرزند که در آن منزل سکونت کرده و سند به نام اوست، مخارجی در آن منزل نموده است، اگر قرار باشد مخارج به او داده شود، باید همان مبلغی را که آن زمان خرج نموده به او داده شود؟ یا با قدرت خرید و نرخ امروز محاسبه شود؟
جواب: هزینه‌هایی که آن فرزند در آن منزل کرده از کیسه خود او رفته است و اگر چیزهای قابل انتقالی، مانند کابینت و امثال آن باشد، متعلق به خود اوست.

سؤال ۸۱۰- پسر بچه‌ای پنج ساله، مادرش را از دست می‌دهد. اموال مادر بین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۵

تمام وراثت تقسیم می‌گردد، شش دانگ خانه بدون استثنا در سهم این پسر بچه می‌شود و پدر بچه خانه را بلافاصله به قیمت نازل می‌فروشد، آیا معامله فوق صحیح است؟

جواب: اگر فروش آن منزل در آن زمان و به آن قیمت، به مصلحت صغیر نبوده، معامله باطل است و باید بازگردانده شود و اگر خریدار بی‌اطلاع بوده و خسارتی به او رسیده، فروشنده یعنی پدر باید خسارت او را هم جبران کند.

سؤال ۸۱۱- آیا ثبت نام و خریداری ماشین از شرکتهای ماشین‌سازی با شرایط ذیل جایز است؟

الف) تحویل گرفتن ماشین در شش ماه یا یک سال آینده صورت می‌گیرد.

ب) اگر از موعد مقرر تخلف شود، مبلغی به عنوان دیرکرد پرداخت می‌شود.

ج) قیمت ماشین در بازار آزاد در موقع تحویل از مقداری که از مشتری در موقع ثبت نام گرفته شده بیشتر است و تخفیفی هم به او می‌دهند.

جواب: معامله مزبور به خاطر معلوم نبودن قیمت و زمان تحویل جنس باطل است و سود آن پول رباست؛ مگر این که سود به عنوان مضاربه باشد و قطعی شدن معامله در زمان تحویل صورت گیرد.

سؤال ۸۱۲- خرید، فروش، و نگهداری عکسها، مجلات، نوار و فیلمهای مبتذل چه حکمی دارد؟

جواب: نگهداری و خرید و فروش و مشاهده عکسها و مجلات و فیلمهایی که مایه فساد است جایز نیست، و به یقین این گونه امور از دامهای استعمار برای درهم کوبیدن مقاومت دینی مسلمین، مخصوصاً نسل جوان آنهاست، باید کاملاً مراقب باشند.

سؤال ۸۱۳- آیا مسئولین صندوق قرض الحسنه می‌توانند با پولی که در صندوق است بدون گرفتن وکالت از اعضا (افرادی که پول را به عنوان قرض الحسنه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۶

صندوق می‌دهند) کار کنند؟ جواب در دو صورت زیر چگونه است؟

الف) سود حاصل صرف صندوق اعم از وام و خرید لوازم شود.

ب) سود حاصل برای عاملین بماند.

جواب: بدون اجازه گرفتن جایز نیست، و اگر در شرایط باز کردن حساب به این مسأله تصریح شده باشد که بخشی از وجوه قرض الحسنه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و از آن به نفع صندوق استفاده می‌شود کافی است؛ ولی به نفع اشخاص معنا ندارد.

سؤال ۸۱۴- سازمانهایی که متکفل امر مسکن هستند قبل از ساختن خانه یا آپارتمان پول آن را از متقاضیان می‌گیرند، با توجه به این که مسکن برای خریدار معین و معلوم نیست، آیا دریافت پول و پیش‌فروش کردن مسکن شرعاً صحیح است؟
جواب: چنانچه صفات و خصوصیات خانه را که تأثیر در زیادی و کمی قیمت دارد معین کنند جایز است، و اگر مبهم باشد جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۷

فصل هجدهم: احکام شرکت

سؤال ۸۱۵- منزلی بین دو نفر مشترک بوده، یکی از شرکا بدون رضایت شریک دیگر سه دانگ خانه خود را به دیگری می‌فروشد، آیا به خاطر راضی نبودن شریک، نماز شخصی که سه دانگ خانه را خریده و در آنجا سکونت دارد باطل است؟
جواب: معامله مزبور صحیح است؛ ولی شریک حق دارد آن را فسخ کند و خودش بردارد و ثمن معامله را پردازد. و تا تکلیف شریک روشن نشود نماز در آن جایز نیست.

سؤال ۸۱۶- یک قطعه زمین به نام پدر بنده و پدر شخصی به نام سید علی ثبت شده است و یک اصله خرما به صورت خودرو در این زمین روییده و مدت چند سال است که این درخت خرما به ثمر رسیده است، سید علی، بدون این که زمین مذکور تقسیم شده باشد، از ثمره آن درخت بدون رضایت این جانب استفاده می‌نماید، وی مدعی است که درخت سهم خودم می‌باشد، از نظر شرع مقدس این درخت متعلق به چه کسی است؟

جواب: در فرض مسأله هر دو در درخت سهم دارند و هیچ کدام بر دیگری ترجیحی ندارد.

سؤال ۸۱۷- این جانبان، مالک ۲۵٪ یک شرکت تولیدی فرش ماشینی هستیم، اعضای هیأت مدیره شرکت به علت صدور چک بی‌محل و خیانت در امانت و سوء استفاده از اموال شرکت، تحت پیگرد قانونی بوده و فعلاً دو نفر از آنها در زندان استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۸

و دو نفر دیگر متواری هستند، اخیراً چند نفر داخل شرکت شده و اظهار می‌دارند که ما شرکت را اجاره کرده‌ایم، بدین صورت که در قبال هر تخته فرش تولید شده مبلغی پرداخت نمایند. خواهشمند است اعلام فرمایید که آیا برای ادامه کار رضایت شرعی ۲۵٪ سهامداران شرکت لازم است؟

جواب: جلب رضایت شرکا لازم است؛ مگر این که قبلاً اختیاراتی به افرادی داده باشند که از طرف کل سهامداران عمل کنند.

سؤال ۸۱۸- هرگاه شخصی مالک شرعی و قانونی قطعه زمینی باشد و با فرد دیگری مشاعاً در آن، اعیانی بنا کنند و مالک عرصه به علت گرفتاری مالی بخواهد تمامی عرصه و اعیان را به شخص ثالثی بفروشد و سهم شریک در اعیانی را پردازد، ولی شریک در

اعیانی به هیچ وجه حاضر به فروش سهم خود نباشد، از نظر شرعی تکلیف چیست؟

جواب: حقّ شریک را بدون اجازه او نمی‌توان فروخت؛ ولی می‌تواند مال خود را بفروشد و نسبت به مال شریک اجاره داده شود.

سؤال ۸۱۹- در سال ۱۳۷۲ یک شرکت بازرگانی با مشارکت یک شرکت تعاونی اقدام به خرید کارخانه‌ای از کردستان عراق کردند. این معامله بر اساس رؤیت فیلم ویدئویی، که دستگاه‌های خریداری شده را نمایش داده بود، صورت گرفته است. ثمن نقداً پرداخت شده، اقسامی مابین پس از حدود سه سال (یعنی در سال ۱۳۷۵) تحویل گردید. در این میان شرکت تعاونی مذکور در سال ۱۳۷۴ با تحت فشار قرار دادن خریدار، درخواست برهم زدن شرکت را نمود و سهم خود را همراه با سود به خریدار فروخت. از محضر مبارکتان تقاضا نمودیم بفرمایید که:

الف) آیا اصل قرارداد شرکت در ابتدای کار صحیح بوده است؟

جواب: هرگاه قرارداد شرکت با شرایط روشن و معلوم منعقد شده صحیح بوده و باید طرفین به آن پایبند باشند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۶۹

ب) آیا فروش سهام شرکت قبل از قبض مبیع صحیح بوده است؟

جواب: تحویل نگرفتن جنس مانع از صحّت بیع نمی‌شود، مشروط بر این که قدرت بر تسلیم، و لو در زمانی که در معامله شرط کرده‌اند، وجود داشته باشد.

سؤال ۸۲۰- یک نفر به عنوان عضو شرکتی در قبال اخذ حقوق، کارهای شرکت را انجام می‌داده، ولی چون خودش کارمند دولت بوده، فرد دیگری را به جای خود جهت پیگیری کارهای شرکت معین کرده است. همین فرد حدود ۳/۵ ماه کار کرده و شرکت همانند دیگر کارگران خود، حقوق او را پرداخته است؛ ولی فرد مزبور مبلغ هنگفتی را به خاطر جابه‌جایی از شرکت مطالبه نموده است. آیا این مطالبه را باید خودش از حقوق خودش بپردازد، یا باید از شرکت بگیرد؟

جواب: هیچ کس نمی‌تواند دیگری را به جای خودش به کاری که انجام آن را پذیرفته، قرار دهد؛ مگر این که قرارداد مشروط به مباشرت نباشد و در این صورت خودش باید حقوق آن واسطه را بپردازد.

سؤال ۸۲۱- این جانب در یک امر تجاری با سه نفر از دوستان شریک شدم. پس از مدّتی شرکت به علّت سهل‌انگاری یکی از شرکا زیان نمود و صندوق شرکت مواجه با کسری شد، من حاضر به پرداخت سهم ضرر خود می‌باشم، اما شریک مذکور، که صندوقدار شرکت است، اظهار می‌دارد چون سایر شرکا ضرر را قبول ندارند و حاضر به پرداخت سهم خود نیستند، شما باید سهم آنها را نیز بپردازید. آیا این جانب، با توجه به این که هیچ‌گونه تضمینی در مورد سایر شرکا نداده‌ام، ملزم به پرداختن سهم سایر شرکا نیز هستم؟

جواب: اگر قرارداد خاصی نباشد همه شرکا به نسبت سهم خود باید زیان را بپردازند و کسی مسئول پرداخت زیان دیگران نیست.

سؤال ۸۲۲- شریک مذکور چند ماه پیش سه فقره چک، جمعاً به مبلغ ۳۰ میلیون تومان، جهت اخذ وام از شخصی برای کار خرید ماهی و فروش آن از این جانب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۰

گرفت، لکن پس از مدّتی اظهار نمود که شخص وام‌دهنده حاضر به پرداخت وام نمی‌باشد؛ اما از اعاده چکها استنکاف ورزیده و قصد دارد به عنوان جبران ضرر مندرج در سؤال قبل چکها را با اعمال فشار تبدیل به نقد نماید، آیا این کار شرعاً جایز است؟
جواب: در صورتی که طلب خاصی ندارد، نگهداری چکها حرام است.

سؤال ۸۲۳- شخصی از شرکتهای متفرقه سهامی خریداری می‌کند. شرکت طبق قرارداد، و زیر نظر قانون تجارت عمل می‌کند؛ ولی شرکا و اصل عمل شرکت و نوع آن نامعلوم است، آیا این مقدار جهل، به شرکت ضرری نمی‌زند؟

جواب: اگر اطلاع کافی از کار شرکت ندارد؛ خرید سهام اشکال دارد؛ مگر این که وکالت مطلقه‌ای به مسئول آن شرکت بدهد که برای او سهامی را خریداری کند.

سؤال ۸۲۴- ۶۱ از سهم خانه، ماشین، تلفن و سرمایه آزمایشگاهی که با یک نفر شریک بوده‌ام، به مادر شوهرم تفویض شده است. بعد از این که سهم ایشان از کل سرمایه داده شد، آیا درآمد ماهیانه نیز به ایشان تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر منظور این است که سهم او را خارج کرده‌اید، در این صورت از درآمد چیزی به او نمی‌رسد؛ ولی اگر سهم او در این اموال الآن موجود است، در درآمد نیز شریک است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۱

فصل نوزدهم: احکام صلح

سؤال ۸۲۵- یکی از طرفین مصالحه می‌داند که این صلح باعث تلف و تضييع حقّ او می‌شود؛ ولی به خاطر فشار طرف مقابل و اعمال زور از ناحیه او، یا هر کس دیگر، تن به آن مصالحه می‌دهد و ظاهراً قبول می‌کند. آیا این صلح ارزش دارد؟

جواب: مصالحه اجباری اعتباری ندارد؛ ولی اگر ظاهراً مصالحه درست بوده و بعد بخواهد ادعای اجبار کند، پذیرفته نیست؛ مگر این که دلیل شرعی بر این امر اقامه کند.

سؤال ۸۲۶- شخصی دارای چندین فرزند است. آیا در زمان حیاتش و بدون اطلاع بعضی از فرزندان، می‌تواند مقداری از املاکش را به بعضی دیگر از فرزندانش مصالحه کند؟

جواب: هر کس حق دارد در حال سلامت و در حال حیات خود هر گونه تصرفی در اموال خود بنماید و به هر کس ببخشد.

سؤال ۸۲۷- شخصی در زمان حیات خویش، تمام اموال خود را با شرایط زیر به همسرش صلح نموده است.

الف) مادام الحیاة اختیار منافع آن، حتی خیار فسخ، با شخص مصالح باشد.

ب) بعد از فوت مصالح، متصالح لها هزینه تجهیز و انجام وصایای او را پردازد.

ج) متصالح لها حقّ واگذاری املاک مورد مصالحه را به غیر در زمان حیات خود ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۲

د) بعد از وفات متصالح لها نصف مایملک بین ورثه مصالح تقسیم شود و نصف دیگر با اذن ورثه در خیرات و میزات مصرف شود. با توجه به اجمالی که گذشت؛ آیا این صلح با شرایط مذکور صحیح است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۸۲۸- مادر بزرگ پدری‌ام در سال ۱۳۶۱ فوت نموده و ترکه خود را، که شامل ۳ سهم خانه و سه سهم آب و املاک می‌باشد، طبق صلح نامه‌ای که الآن موجود است به پدر بزرگم مصالحه نموده و ۳ سهم دیگر خانه را جهت مخارج پس از فوتش به

فرزندانش سپرده است. مراتب مذکور انجام شده و ۳ سهم آب و املاک که حاشیه صلح نامه می‌باشد در زمان حیات پدر بزرگم به او مصالحه شده بود تا پس از فوت ایشان طبق سهم الارث بین فرزندان تقسیم گردد، پدر بزرگم در سال ۷۴ فوت نمود، قبل از

فوت یک سهم آب و املاک که از مادر بزرگم در اختیار داشت را به دو نفر از نوادگان پسری خود (به نام حسن و حسین) صلح نمود، آیا پدر بزرگم اختیار داشته است که یک سهم آب و املاک مصالحه شده از مادر بزرگم را به دو نفر از نوادگان خود صلح

نماید؟

جواب: اگر مادر بزرگم منافع آن را در حال حیات به او صلح کرده و شرط نموده که بعد از وفات او، در میان ورثه تقسیم شود، حق نداشته است عین آن را به کسی بدهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۳

فصل بیستم: احکام اجاره

اشاره

سؤال ۸۲۹- هنگام اجاره دادن منازل مسکونی و سایر مستغلات، رسم بر این است که مورد اجاره در مقابل مبلغی پول به عنوان ودیعه یا رهن به موجر داده می‌شود و به نسبت مقدار پول سپرده شده قسمتی از مال الاجاره، یا تمام مبلغ اجاره کسر می‌شود، آیا چنین اجاره‌ای مشروع است؟

جواب: اگر ملک را به مبلغی (هرچند مقدار آن کم باشد) اجاره بدهد، به شرط این که مبلغ معینی به عنوان وام (یا ودیعه و رهن که به معنای وام است) به او بدهد مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۰- کسانی که منزلشان را به دیگری رهن می‌دهند و مبلغی می‌گیرند؛ مثلاً منزل را به مدت یک سال به یک میلیون تومان رهن می‌دهند و در عوض، آن طرف یک سال بدون مال الاجاره در آن منزل می‌نشینند، چنین رهنی چه صورت دارد؟ اساساً ماهیت چنین معامله‌ای چیست؟ و آیا تصرف در مورد رهن جایز است؟

جواب: در فرض مسأله ربا و حرام است. راه صحیح این است که موجر بگوید: «این خانه را ماهی مثلاً هزار تومان به شما اجاره می‌دهم به شرطی که یکصد هزار تومان وام یا رهن به من بدهی و این وام تا پایان مدت اجاره در نزد من باشد» مسأله رهن و اجاره به این صورت صحیح خواهد بود و ماهیت آن همان اجاره و وام است، ضمناً خانه مزبور رهن در مقابل وام نیز هست و تصرف در آن به شکل بالا مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۴

سؤال ۸۳۱- آیا امین می‌تواند شرط نماید که هرگاه مال مورد امانت با تعدی و تفریط او تلف شود، مسئولیتی نداشته باشد؟

جواب: در صورتی که از قبیل اجاره و مانند آن باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳۲- این جانب بموجب سند عادی اموالی را به دیگری بطور قطعی فروخته و تحویل داده‌ام، تا در آینده رسماً در دفترخانه سند را به خریدار انتقال دهم، آیا به اموال معامله مذکور در فاصله بین فروش عادی تا سند رسمی، شرعاً اجاره‌ای تعلق می‌گیرد؟ آیا می‌توانم اجاره‌ای طلب کنم؟

جواب: اگر در سند عادی قید نکرده‌اید، جایز نیست چیزی از او بگیرد.

سؤال ۸۳۳- قطعه زمینی جهت احداث مؤسسه‌ای عام المنفعه از طرف موجر، در قبال مبلغ معینی مال الاجاره، و برای مدت ۲۹ سال، اجاره داده شده است، در مقدمه عقد اجاره آمده است: «در ضمن عقد خارج لازم شرایط مفصله ذیل بین موجر و مستأجر واقع شده است، یکی از شرایط این که کلیه تأسیسات و ساختمانهای احداثی که در زمین مورد اجاره نصب و احداث می‌گردد پس از انقضای مدت اجاره مجاناً و بلاعوض متعلق به عین مستأجره می‌باشد».

سؤال این است:

الف) با توجه به عبارت «ضمن عقد خارج لازم شرط شده است» ... آیا تحقق چنین شرایطی نیاز به تحقق عقد خارج لازم دارد، یا با انعقاد قرارداد اجاره مستقر می‌شود؟

جواب: مفهوم این جمله آن است که عقد خارج و لازمی خوانده شود و این شرایط را در ضمن آن بگنجانند؛ ولی اگر منظور طرفین این بوده که در عقد اجاره شرط باشد و از این جمله این مفهوم را فهمیده‌اند مانعی ندارد و نیاز به عقد خارج لازم نیست.

ب) با توجه به این که ساختمان در زمان عقد از نظر کمی و کیفی مشخص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۵

نبوده، آیا این شرط باطل و مبطل عقد است، یا فقط شرط باطل است؟

جواب: شرط مزبور ظاهراً اشکالی ندارد.

ج) آیا شرط «تملیک کلیه تأسیسات و ساختمانهای احداثی به صورت مجانی و در انتهای مدت اجاره» بدون این که در زمان انعقاد

قرارداد مشخص و یا وجود خارجی داشته باشد و یا این که در مالکیت شرط دهنده در آمده باشد صحیح است؟

جواب: تملیک بعد از پایان مدت اجاره است، و این ابهام در شرط مانعی ندارد.

سؤال ۸۳۴- فرد یا افرادی به شخص نامه‌نگاری مراجعه می‌کنند و از او می‌خواهند که اوراق احکام و یا مدارکی را بر ایشان خوانده

و تفسیر کرده و یا درباره مسأله‌ای که دارند با او صحبت و تبادل نظر کرده و در نتیجه بدون آن که از نامه‌نگار بخواهند که نامه‌ای

برایشان بنویسد باعث اشغال وقت نامه‌نگار می‌شوند، آیا در چنین صورتی نامه‌نگار حق دارد در حد معقول و منصفانه بابت وقتی

که به شرح فوق از وی اشغال شده از ارباب رجوع وجهی را مطالبه بنماید؟

جواب: حق دارد مبلغ عادلانه‌ای بگیرد؛ مگر این که قصد مجانی کرده باشد، یا ظاهر حال مجانی باشد.

سؤال ۸۳۵- بر اساس ماده ۲۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، حقی تحت عنوان «حق سنوات» برای کارگران در نظر گرفته شده

و به این کیفیت تعریف شده است «به نسبت هر سال سابقه کار، معادل یک ماه آخرین حقوق کارگر به او داده می‌شود» با اوصاف

فوق، کارگری چند سال پیش در حین اشتغال به کار، به کارفرمای خود مراجعه و اظهار می‌دارد: «به لحاظ نیاز به پول تقاضا دارم

حق سنوات این جانب را محاسبه و به من پرداخت نمایید». کارفرما هم طبق ضوابط و بر اساس آخرین حقوق و مزایای وی در آن

زمان «حق سنوات» وی را محاسبه و به وی پرداخت می‌کند و از وی رسید دریافت می‌دارد، لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۶

الف) آیا در فرض فوق، با پرداخت حق سنوات به نحو مذکور، کارفرما نسبت به کارگر بریء الذمه می‌شود؟

جواب: در چنین فرضی کارفرما نسبت به گذشته بریء الذمه می‌شود.

ب) هرگاه پس از دریافت حق سنوات بازم به کار خود ادامه دهد و پس از چند سال با کارفرما ارتباط کاری خود را قطع نماید،

آیا از بابت حق سنوات، فقط نسبت به سنوات اخیر (بعد از دریافت حق سنوات قبلی) حق مطالبه دارد، یا می‌تواند حق سنوات

دریافتی قبلی را مبلغی علی الحساب تلقی نموده، از نو مطالبه حق سنوات تمام مدت خدمت خود را بر اساس آخرین مقدار حقوق و

مزایای خود بنماید؟

جواب: نسبت به سنوات گذشته حقی ندارد؛ ولی نسبت به بعد حق دارد.

سؤال ۸۳۶- اگر کسی درباره کار ساختمانی قراردادی منعقد کند و پس از انجام مقصداری از کار، امروز و فردا کند، و کار را به

تأخیر اندازد، و هرچه اصرار شود که دنباله کار را انجام دهد انجام ندهد، وظیفه ما در مورد فسخ قرارداد و مقدار کار انجام شده

چه می‌باشد؟

جواب: در فرض مسأله قرارداد را می‌توان فسخ کرد و به نسبت کاری که انجام داده است حق او را بدهید.

سؤال ۸۳۷- فقهای عظام درباره اجاره می‌فرمایند: «و تملك الأجره بالعقد و يحسب تسليمها بتسليم العين الموجهه و ان كانت علی

عمل من بعده» «۱» آیا آنچه اکنون متداول است که در پایان ماه کرایه را می‌پردازند خلاف ضوابط شرعی است؟ آیا موجر حق

دارد اول ماه، بعد از تحویل خانه کرایه را مطالبه کند؟ مثلاً در موردی که خانه را یک‌ساله یا دو‌ساله کرایه داده، آیا می‌تواند در

ابتدای اجاره کرایه یک سال یا دو سال را مطالبه نماید؟

(۱). یعنی: «مالک به مجرّد بستن قرارداد اجاره، مالک مال الاجاره می‌شود و هنگامی که عین مورد اجاره را تحویل داد می‌تواند اجرت را مطالبه کند و اگر برای انجام کاری باشد بعد از انجام کار».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۷

جواب: در شرایط فعلی متعارف این است که کرایه هر ماه را در پایان آن ماه می‌پردازند و این به صورت یک شرط ضمنی در آمده است و عمل بر طبق آن اشکالی ندارد؛ مگر این که تصریح بر خلاف آن کنند و زمان معینی را شرط نمایند.

سؤال ۸۳۸- شخصی منزلی را برای مدّت یک سال اجاره می‌کند، پس از گذشت سه ماه در یک حادثه اتومبیل فوت می‌کند، همسر و فرزندان صغیر وی تا پایان قرارداد در منزل می‌مانند، در صورتی که وصیت نکرده باشد، آیا بدهی ما بقای اجاره به عهده همسرش می‌باشد، یا از اصل مال برداشته می‌شود؟

جواب: بقیه مال الاجاره مانند سایر دیون باید از اصل ترکه پرداخته شود؛ ولی منافع خانه در مدّت باقیمانده متعلق به همه ورثه است.

سؤال ۸۳۹- تغییر اوضاع و احوال پیش‌بینی نشده در لزوم قرارداد چه تأثیری دارد؟

توضیح این که در صورتی که حوادث پیش‌بینی نشده اجرایی، اجرای یک قرارداد را سخت و مشکل کند بطوری که متعهد را با مشقّت زیاد رو به رو نماید، ولی به حدّ قوه قاهره نرسد، آیا بروز این حوادث در عدم اجرای تعهد تأثیر دارد؟ خواهشمند است در صورت امکان علت آن را توضیح دهید.

مثال: اگر کسی خانه‌ای را ماهیانه به مبلغ ده هزار تومان و برای ده سال اجاره کند و در ضمن عقد شرط شود، که هزینه گرم کردن موتورخانه به عهده صاحب ملک باشد و هزینه گرم کردن در یک ماه در زمان عقد اجاره دو هزار تومان باشد، اما بعد از دو سال مواد سوختی به قدری گران شود که هزینه گرم کردن موتورخانه به ماهی پانزده هزار تومان برسد، آیا این تغییر می‌تواند دلیل بر عدم اجرای قرارداد باشد؟

جواب: چنانچه نشانه‌های تورّم مستمر در محیط آشکار بوده و طرفین با آگاهی از این معنا، قرارداد را امضا کرده‌اند باید به آن عمل کنند؛ ولی اگر چنین تورّمی قابل پیش‌بینی نبوده، شخص مزبور ملزم نیست چنان مبلغ بالایی را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۸

بپردازد؛ تنها مقدار متعارف بر او واجب است.

سؤال ۸۴۰- شخصی قرآن می‌خواند و اجرت می‌گیرد، این شخص بدون این که قصد شخص خاصی را نماید شروع به قرائت قرآن می‌کند و قرآن را ختم می‌نماید، بعد از چند روز شخصی به وی مراجعه می‌کند و می‌گوید: «یک ختم قرآن برای پدرم بخوان» نامبرده می‌گوید: «یک قرآن دو سه روز پیش ختم نموده‌ام و به کسی هبه نکرده‌ام، ثواب آن را به روح پدر شما هبه می‌نمایم»، ایشان هم قبول می‌کند و اجرت آن را می‌دهد، آیا این کار صحیح است؟

جواب: این کار خالی از اشکال نیست؛ لازم است هنگامی که قرآن می‌خواند قصد شخص خاصی را داشته باشد.

سؤال ۸۴۱- همسایه دیوار به دیوار ما خانه اضافی خود را به یکی از دبستانهای غیر انتفاعی اجاره داده است. سالهاست سر و صدای دانش‌آموزان نه تنها موجبات ناراحتی مداوم ما را فراهم آورده، بلکه باعث عارضه «میگرن» نیز جهت همسر شده است. لازم به یادآوری است که صاحب دبستان اخیراً مدرسه‌ای سه طبقه ساخته و خود فقط از طبقه زیرین آن به عنوان مدرسه راهنمایی استفاده می‌کند و به علت عدم نیاز، یکی از طبقات را به یک مؤسسه زبان خارجی به عنوان رهن واگذار نموده و دبستان خود را به آنجا منتقل نمی‌کند و ما همچنان در عذاب‌های گوناگون معذبیم. دو بار با صاحب اصلی منزل و یک بار با آقازاده ایشان صحبت کرده

و مسئولیت شرعی ناشی از این اذیت و آزار را به آنان متذکر گشته‌ایم؛ ولی تأثیری نداشته است. لطفاً بفرمایید تکلیف شرعی صاحب خانه و صاحب دبستان (مستأجر) چیست؟

جواب: وجود مدارس در سطح شهر اشکالی ندارد؛ زیرا لازمه زندگی اجتماعی امروز است، و بردن مدارس به بیرون شهر نه امکان دارد، و نه مصلحت جامعه می‌باشد؛ ولی بر صاحبان مدارس لازم است که سر و صداها و مزاحمت‌ها استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۷۹

را به حدّ اقلّ برسانند، و اگر بیش از متعارف مزاحمت کنند می‌توان جلو آنها را گرفت و بر مسئولین لازم است که در صورت امکان مدارس را در محلی قرار دهند که مزاحمت آن کمتر باشد.

سؤال ۸۴۲- کسی محلی را مثلاً به مدت یک سال به شخصی اجاره داده است؛ ولی مستأجر پس از شش ماه از تاریخ قرارداد از دنیا می‌رود، اگر در اجاره شرط مباشرت مستأجر را کرده باشند، آیا اجاره به قوت خود باقی است؟
جواب: موجر و ورثه هر کدام می‌توانند اجاره را فسخ کنند.

سؤال ۸۴۳- در طبقه دوم منزلی یک اتاق اجاره کرده‌ایم، حیاط ما و صاحب خانه مشترک است، اول این که در نبود صاحبخانه، آیا ما می‌توانیم در حیاط بنشینیم؟ دوم این که وقتی ما به مسافرت می‌رویم و صاحب خانه هم نیست، آیا می‌توانیم کلید منزل را به یکی از دوستان مطمئن بدهیم تا در اتاق ما باشد؟

جواب: در مورد سکونت شخص دیگری در آنجا تابع قرارداد است، و در مورد استفاده از حیاط اگر صاحب‌خانه راضی باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۸۴۴- شخصی جهت کار، به یک کارگاه تولیدی مراجعه و تقاضای کار می‌کند. کارفرما شرایطی را تعیین و حقوق و مزایایی را مشخص کرده و مدت یک هفته هم مهلت می‌دهد که کارگر راجع به شرایط و حقوق و مزایا، مشورت و تحقیق بنماید. کارگر پس از مشورت، شرایط را قبول و به کار مشغول می‌شود و طبق قرارداد حقوق می‌گیرد، پس از گذشت یک سال قرارداد به اتمام می‌رسد و کارفرما می‌خواهد تسویه حساب کند؛ ولی کارگر به اداره کار مراجعه و شکایت می‌نماید که حقوق من در مدت یک سال کم بوده است، کارفرما هم اظهار می‌دارد که طبق قرارداد و توافق طرفین پرداخت کرده‌ام، ولی اداره کار می‌گوید: «کارفرما باید مبلغ ۵۰ هزار تومان بابت کسری حقوق و مزایا به کارگر پرداخت نماید. و این مبلغ اجباری است». آیا گرفتن مبلغ مذکور جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۰

جواب: هرگاه با توجه به تمام جهات طرفین توافق کردند، گرفتن اضافه اشکال دارد؛ ولی اگر طرفین به نحوی با هم مصالحه کنند بهتر است.

سرقفلی

سؤال ۸۴۵- این جانب سرقفلی یک باب مغازه قهوه‌خانه را در سال ۱۳۶۷ به مبلغ یک میلیون تومان خریداری نموده‌ام. اخیراً به علت تغییر شغل به خواروبارفروشی، موجر اقدام به شکایت نموده و موفق به اخذ صدور حکم تخلیه توسط دادگاه به استناد قانون روابط موجر و مستأجر، تصویب سال ۱۳۵۶ (یعنی قبل از انقلاب) گردیده است.

ماده ۱۴ بند ۷ این قانون می‌گوید: «در صورت صدور حکم تخلیه به دلیل تغییر شغل کمترین وجهی به صاحب سرقفلی یا حق کسب و پیشه تعلق نمی‌گیرد!» آیا این حکم عادلانه است؟

جواب: اگر در موقع اجاره، شغل خاصی در سند اجاره قید نشده باشد انتخاب شغل جدید برای شما مانعی ندارد؛ ولی اگر شغل

خاصی قید شده، شما می‌توانید به شغل اول بازگردید و محل و سرقفلی آن را برای خود حفظ کنید، یا به نحوی با مالک تراضی نمایید.

سؤال ۸۴۶- مغازه‌ای را سرقفلی کرده‌ام، اجاره‌اش ۳۰۰ تومان بوده است، بعد از پنج سال مالک گفت اجاره‌اش کم است، ۴۰۰ تومان نمودیم، بعد از پنج سال دیگر مبلغ اجاره را پانصد تومان نمودیم، حال بعد از پنج سال سوّم می‌گوید: «باید ماهی هزار تومان بدهید»، در صورتی که قانون می‌گوید هر سه سال ۲۰ درصد اضافه شود و یا این که کارشناس قیمت را مشخص کند؛ ولی او نه به ۲۰ درصد قانع می‌شود و نه کارشناس می‌آورد، آیا این مبلغ برای ایشان مباح است؟
جواب: در صورتی که سرقفلی را پرداخته‌اید باید اجاره را به قیمت کارشناس استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۱

بگیرد نه به میل خود، و اگر با علم و اطلاع طرفین از قانون ۲۰٪ اجاره منعقد شده، لازم است معیار را همان بیست درصد قرار دهند.
سؤال ۸۴۷- اگر شخصی حقیقی یا حقوقی صاحب سرقفلی مکانی باشد، و مالک شخص دیگری باشد، و مدّتی صاحب سرقفلی مستأجر آن ملک بوده است، ولی بعداً صاحب سرقفلی حقّ خود را به نفر سوّم صلح می‌کند و صاحب ملک هم به همان نفر سوّم ملک را اجاره می‌دهد؛ نفر سوّم به علّتی قرارداد با هر دو را فسخ می‌نماید، آیا از نظر شرعی صاحب اول سرقفلی می‌تواند بدون اجازه و اذن در آن تصرّف کند؟ و اگر تصرّف او اشکال دارد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید؟
الف) آیا تصرّف صاحب سرقفلی غاصبانه و عدوانی است؟

جواب: در صورتی که نفر سوّم حقّ فسخ داشته، با فسخ کردن سرقفلی به نفر دوّم برمی‌گردد و ملک به نفر اول (صاحب اصلی) و اگر صاحب سرقفلی بخواهد در آن تصرّف کند باید مجدداً آن را اجاره کند.
ب) اگر تصرّف عدوانی است، آیا منافع مغضوبه باید به «اعلی‌القیم» اخذ شود؟
جواب: اگر قبل از اجاره مجدّد تصرّفی بنماید باید اجرت المثل را طبق عرف روز بدهد.
ج) در صورتی که تصرّف عدوانی باشد، آیا متصرّف مستحقّ تعزیرات شرعی می‌باشد؟
جواب: اگر آگاهانه تصرّف عدوانی کرده باشد مستحقّ تعزیر است.

د) در صورتی که مالک برای رسیدن به منافع مغضوبه مخارجی را متحمّل شده باشد، آیا می‌تواند از غاصب و متصرّف عدوانی اخذ نماید؟

جواب: اگر ناچار شود مخارج فوق العاده‌ای هزینه کند می‌تواند بگیرد؛ ولی هزینه‌های معمولی را نمی‌توان گرفت.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۳

فصل بیست و یکم: احکام مزارعه

سؤال ۸۴۸- در صورتی که یکی از مالکین مزرعه مشاع بدون رضایت دیگران و با مخارج خود چاهی حفر نماید، آیا این چاه ملک حافر است، یا دیگران هم در این چاه حقی دارند؟
جواب: ملک همه است.

سؤال ۸۴۹- قبل از انقلاب اسلامی زمین مالک در دست کشاورز بوده و آن را کشت می‌کرده است، از طرف حکومت آن زمان نسق زمین را به اسم آن کشاورز ثبت کرده‌اند، آیا این نسق‌بندی حقی برای کشاورز ایجاد می‌کند که بعد از آن قابل نقل باشد؟
جواب: چنانچه حقّ نسق در حال حیات برای زارع و بعد از ممات برای فرزندان او جزء عرف محل باشد، از قبیل شرط ضمن العقد در قراردادهای مزارعه با زارعین محسوب می‌شود و این حق برای او و فرزندانش شرعی خواهد بود.

سؤال ۸۵۰- کشاورزی هستم که حدود چهل سال است به صورت ارباب و رعیتی روی زمین مالک، کشاورزی نموده‌ام؛ اکنون مالک قصد گرفتن زمین را از این جانب دارد. آیا حقیر به عنوان زارعی که حدود چهل سال روی زمین او کار کرده و زمین او را حفظ کرده و هر سال مبلغی را به عنوان حق ارباب به او پرداخت نموده‌ام، حقی دارم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۴

جواب: اگر قراردادی با او در این مورد داشته باشید، حق دارید. همچنین اگر در عرف و عادت محل این باشد که برای این گونه کارگران حق خاصی قائل می‌شوند و طرفین با علم و آگاهی بر این مسأله اقدام نموده‌اند، حق برای شما ثابت می‌شود (مطابق آنچه معمول محل است) در غیر این صورت حقی ندارید؛ هر چند مستحب است مالک زمین، ملاحظه حال شما را بنماید.

سؤال ۸۵۱- زمین‌های کشاورزی از قدیم الایام بطور مزارعه در اختیار زارعین بوده و زارع هر ساله مبلغی به مالک می‌پرداخته است. آیا زارع می‌تواند این زمین را به مبلغی بیشتر به دیگران جهت زراعت یک‌ساله اجاره دهد؟

جواب: اگر صاحب زمین با مستأجر شرط مباشرت نکرده باشد، اجاره دادن آن اشکالی ندارد، و لو به زیادت از آنچه که اجاره داده است؛ ولی احتیاط واجب آن است که کاری روی زمین انجام داده باشد، یا وسیله‌ای بر آن اضافه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۵

فصل بیست و دوم: احکام مضاربه

سؤال ۸۵۲- طبق فتوای مشهور، در مضاربه سرمایه باید درهم و دینار باشد؛ آیا اسکناس می‌تواند جایگزین درهم و دینار در سرمایه گذاری گردد؟

جواب: در سرمایه گذاری مضاربه و مانند آن، درهم و دینار شرط نیست؛ بلکه از هر پولی می‌توان استفاده کرد. بعلاوه لازم نیست سرمایه گذاری در خصوص تجارت باشد؛ بلکه در هر کاری بی مانع است.

سؤال ۸۵۳- در ماده ۵۵۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران چنین آمده است:

«مضارب باید اعمالی را که برای نوع تجارت متعارف و معمول بلد و زمان است بجا آورد؛ ولی اگر اعمالی را که بر طبق عرف بایستی به اجیر رجوع کند، خود شخصاً انجام دهد، مستحق اجرت آن نخواهد بود» شایان ذکر است نظرات فقها تا حد اطلاع این جانب متفاوت است که به سه نمونه آن اشاره می‌شود:

الف) امام خمینی (رحمه الله) معتقدند که اگر مضارب قصد تبرع نداشته باشد مستحق اجرت المثل است.

ب) صاحب شرایع (رحمه الله) قائل به عدم استحقاق اجرت المثل است.

ج) صاحب جواهر (رحمه الله) قائل به تفکیک بین قصد تبرع و عدم تبرع شده‌اند.

نظر حضرت تعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که قصد تبرع داشته باشد شرعاً چیزی به او تعلق نمی‌گیرد؛ ولی اگر قصد تبرع نداشته باشد، با توجه به این که این کار طبق قرارداد وظیفه او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۶

نیست و نیاز به اجیر دارد، می‌تواند اجرت کار را خود بگیرد.

سؤال ۸۵۴- این جانب مغازه‌دار هستم. شخصی مبلغی نزد این جانب گذاشته تا با سرمایه خود مشترکاً معامله کنم و سود سهام او را بپردازم، یکی دو سال موفق شدم و سود او را پرداختم؛ ولی دو سال است که موفق به محاسبه نشده‌ام، اکنون که می‌خواهم سود سالهای گذشته را بپردازم باید همان سود را بپردازم، یا این که سود سالانه وی جزء شرکت شده و باید منافع آن را نیز محاسبه کنم؟

جواب: چنانچه در پرداختن سود سهام او کوتاهی کرده‌اید باید منافع آن سود را نیز محاسبه کرده و بپردازید.

سؤال ۸۵۵- در استان چهار محال و بختیاری از قدیم الایام رسم بر این بوده که صاحبان سرمایه چند رأس دام در اختیار فرد دیگری قرار می‌دادند، تا از آنها نگهداری کرده و در پایان سال هرچه خداوند کرامت فرماید «از نتاج و سایر عواید حاصله» بالمناصفه بین یکدیگر تقسیم نمایند، به این قرارداد عرفاً «نیمسودنامه» می‌گویند. عرف متداول بر این امر بوده که هم زمان با انعقاد قرارداد «نیمسودنامه» سرمایه (تعداد دامها) تقویم می‌گردیده و پس از پایان مدّت نیز مجدداً دامها تقویم می‌گردید و نخست اصل سرمایه به صاحب سرمایه مسترد و سپس مازاد بر سرمایه اولیه بین طرفین به نسبت مساوی تقسیم می‌گردید. با توجه به مطالب بالا دو سؤال برای حقیر مطرح است:

الف) قرارداد بالا را با کدام یک از عقود شرعی تطبیق نماییم؟ به عبارت دیگر مقررات کدام یک از عقود شرعی را حاکم بر روابط طرفین کنیم؟

جواب: این امر شبیه عقد مضاربه است؛ زیرا به عقیده ما عقد مضاربه مخصوص امور تجاری نیست؛ بلکه کارهای تولیدی و دامداری و غیر آن را نیز شامل می‌شود و در هر حال قرارداد مزبور صحیح است؛ هر چند نام آن را مضاربه نگذاریم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۷

ب) اگر در فرض مسأله سرمایه اولیه سهواً یا عمداً تقویم نگرديده باشد، قرارداد منعقد را صحیح می‌دانید؟

جواب: قرارداد نسبت به نتایج و پشم و شیر و مانند آن به قوت خود باقی است، و نسبت به اضافه قیمت مصالحه کنند.

سؤال ۸۵۶- دادن پول از طرف بانکها به شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی، برای مضاربه و گرفتن سود مشخص از آنها چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه شرایط مضاربه را رعایت کنند و سود مضاربه بیش از مقدار مزبور باشد، چنین قراردادی اشکال ندارد.

سؤال ۸۵۷- این جانب مبلغ ۴۰۰ هزار تومان وجه نقد به عنوان سرمایه به شخصی داده‌ام تا در مدّت یک سال گاو خرید و فروش نماید و تمام مخارج و خدمات طبق قرارداد به عهده ایشان است، که پس از خاتمه مدّت و برداشت سرمایه، چنانچه نفعی یا ضرری باشد، بین صاحب پول و عامل بالمناصفه تقسیم شود. در این مدّت که گاوها تحویل ایشان می‌باشد، چنانچه محصولی از شیر و ماست به عمل آید، آیا جزء سود محسوب می‌شود تا نصف آن به این جانب تعلق بگیرد؟

جواب: این مسأله تابع قرارداد شماسست؛ هر گاه سخن از منافع بطور مطلق بوده، شامل شیر و مانند آن نیز می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۸۹

فصل بیست و سوم: احکام حجر

کسانی که حق ندارند در مال خود تصرف کنند

سؤال ۸۵۸- لطفاً در مورد بلوغ دختران به سؤالات زیر پاسخ بفرمایید:

الف) سنّ بلوغ دختران از نظر شرعی دقیقاً چه مقدار است؟

ب) آیا برای دختر از حیث بلوغ می‌توان بین عبادات و عقود و ایقاعات تفاوتی قائل شد؟

ج) برای اجرای حدود و قصاص چطور؟

جواب: سنّ بلوغ دختران ۹ سال تمام قمری است و اگر سال شمسی را در دست دارند از طریق کامپیوتر به راحتی تبدیل به قمری

می‌شود؛ ولی چنانچه از نظر نیروی جسمانی قدرت انجام بعضی از تکالیف، مانند روزه را نداشته باشند، روزه بر آنها واجب نیست و بجای هر روز کفّاره مدّ طعام می‌دهند، و در مورد عقود و ایقاعات مالی معیار تنها بلوغ نیست، بلکه رشد عقلی نیز لازم است، و در مورد حدود و قصاص همانند سایر مکلفین با آنها رفتار خواهد شد؛ مگر این که عقل کافی که یکی از شرایط چهارگانه حدود و قصاص است نداشته باشند و در مورد ازدواج علاوه بر بلوغ و رشد عقلی، رشد جسمانی برای این امر نیز لازم است، یعنی اگر خطر افضا وجود داشته باشد جایز نیست؛ بنابراین بلوغ در چهار مرحله پیاده می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۰

سؤال ۸۵۹- چنانچه محجور، قبل از ممنوع شدن، نذر روضه‌خوانی سالیانه به مدّت ده روز داشته باشد، آیا پس از حجر می‌تواند از اموالش برای انجام نذرش برداشت کند؟
جواب: حقّ طلبکاران مقدّم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۱

فصل بیست و چهارم: احکام وکالت

سؤال ۸۶۰- شخصی جهت فروش اتومبیل خود به کسی وکالت با حقّ توکیل غیر می‌دهد؛ وکیل نیز وکالت را به استناد حقّ توکیل، به دیگری واگذار می‌کند و در وکالت دوّم تصریح می‌کند که: «اقدام و امضای وکیل به منزله امضای موکل و موکل موکل، نافذ و معتبر و دارای اثرات قانونی است». حال موکل مبادرت به عزل وکیل اوّل نموده، آیا وکیل دوّم نیز معزول شده است؟ یا این که باید مراتب عزل توسط موکل به وکیل دوّم مستقلاً اعلام شود؟

جواب: اگر عزل وکیل دوّم از سوی موکل به او اعلام شده است، معزول می‌شود و الا وکالت وکیل دوّم به قوّت خود باقی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۳

فصل بیست و پنجم: احکام قرض و دین

اشاره

سؤال ۸۶۱- شخصی متوفّی هم خمس بدهکار است و هم دین شخصی دارد، ولی ترکه او به هر دو نمی‌رسد؛ آیا پرداخت بدهی مقدّم است، یا پرداخت خمس؟

جواب: هرگاه مالی که به آن خمس تعلّق گرفته موجود باشد باید خمس را مقدّم بدارد، و اگر آن مال موجود نیست، احتیاط واجب آن است که آن مال را میان هر دو تقسیم کند.

سؤال ۸۶۲- آیا جایز است برای وصول طلب، بدهکار را زندانی کرد؟

جواب: چنانچه راه دیگری برای وصول طلب نباشد حبس او جایز است. (۱)

سؤال ۸۶۳- نحوه پرداخت بدهی‌هایی که مربوط به سنوات قبل می‌باشد، در حالی که ارزش پول فعلاً بسیار کاسته شده، چگونه است؟ مثلاً کسی بیست سال پیش وجهی از کسی قرض گرفته که هم اکنون ۱۰۱ پول آن زمان هم ارزش ندارد. و اگر واجب است به پول امروز بپردازد، پول آن زمان با چه اشیا‌یی مقایسه می‌شود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که تورّم متوسط قیمت‌ها را در نظر بگیرد و مطابق آن بپردازد و شاید از شاخص قیمت‌های معتبر بعضی از بانکها نیز بتوان استفاده کرد. و یا از طریق مصالحه طرف مقابل را راضی کند.

سؤال ۸۶۴- آیا بدهکاری که از پرداخت بدهی خود در وقت مقرّر خودداری می‌نماید و بدهی خویش را به تأخیر می‌اندازد تنها ضامن مبلغی که بدهکار بوده

(۱). ملحقات عروه، باب القضاء، مسأله ۴ و مبانی تکملة المنهاج، جلد ۱، صفحه ۲۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۴

است می‌باشد، یا ضامن کاهش ارزش پول و اتلاف مالیت هم می‌باشد؟

جواب: بدهکار مدیون اصل پول است؛ مگر این که سالیانی فاصله شود و ارزش پول دگرگون گردد، در این صورت رعایت مقدار تورّم، یا جلب رضایت طلبکار واجب است. و این مسأله منحصر به بدهی مهریه و مانند آن نیست؛ بلکه تمام اقسام بدهی‌ها را شامل می‌گردد؛ مگر در جایی که بدهکار بخواهد بدهی خود را بپردازد و طلبکار قبول نکند.

سؤال ۸۶۵- شخصی اموالی نزد زید دارد، فرد دیگری از همین شخص طلبکار است؛ ولی او از پرداخت بدهی خودداری می‌کند، از این رو طلبکار به زید مراجعه می‌نماید و می‌گوید: «صورت اموال او را در اختیار من بگذار، تا از طریق شرعی و قانونی بتوانم طلب خود را از او وصول کنم» آیا برای زید جایز است صورت اموال او را به طلبکار بدهد؟

جواب: باید اول به حاکم شرع مراجعه کنند و حاکم شرع به بدهکار اخطار نماید، اگر ترتیب اثر نداد می‌تواند صورت اموال را بگیرد و با اجازه حاکم شرع در برابر مطالباتی که دارد تقاص کند.

ربای قرضی

سؤال ۸۶۶- ملکی به صورت مشارکت خریده می‌شود و سپس یکی از شرکا سهم خود را به شریک دیگر، اجاره به شرط تملیک می‌دهد، بطوری که بعد از پرداخت تمامی اقساط (که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود) مورد اجاره به ملکیت مستأجر در می‌آید، آیا می‌توان این کار را، که در بانک‌ها و یا شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، و بعضاً توسط اشخاص حقیقی صورت می‌گیرد، راهی شرعی برای تخلّص از ربای قرضی دانست؟

جواب: اگر قصد جدی در اجاره به شرط تملیک بوده باشد مانعی ندارد و ربا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۵

محسوب نمی‌شود؛ ولی اگر جنبه صوری دارد و ظاهراً برای فرار از ربایست جایز نیست.

سؤال ۸۶۷- شخصی قرض ربوی گرفته و اصل آن را پرداخته است، لکن مقداری از سود آن را هنوز نپرداخته، آیا می‌تواند سود آن را بپردازد؟ و آیا می‌تواند مقدار سودی را که پرداخته به عنوان تقاص از اموال رباگیرنده بردارد؟

جواب: اگر جنبه ربا داشته (نه مضاربه) پرداختن سود جنبه شرعی ندارد، و می‌تواند از آن سرباز زند، و تقاص از اموال رباگیرنده با اجازه حاکم شرع جایز است.

سؤال ۸۶۸- لطفاً جواب سؤالات سه گانه زیر را مرقوم فرمایید:

الف) آیا در شرایط تورمی می‌توان به میزان کمتر یا همان میزان ارزش پول از دست رفته، اضافه بر مقدار کمی پول، دریافت نمود؟ توضیح این که: قرض اسکناس، تملیک مقداری معین از قدرت خرید خواهد بود که باید به همان میزان مسترد گردد. به عبارتی دیگر قرض گیرنده بموجب قرارداد و قرض متعهد به پرداخت همان میزان قدرت خرید دریافتی در سررسید قرض می‌باشد، هرچند آن میزان قدرت خرید دریافتی در مبلغ بیشتری اسکناس عیبت خارجی یابد.

علاوه بر این وام‌دهنده در این قرارداد منفعتی کسب نکرده است تا ربا محسوب شود.

به بیان دیگر، هر زیادتیی، منفعت نیست؛ یعنی افزایش مقداری اسکناس یا هر واحد پولی دیگر بدون افزایش قدرت خرید، ایجاد منفعت نخواهد بود، بلکه تساوی بین ارزش پرداختی (عوض) و ارزش دریافتی محقق می‌سازد. بنابراین اگر کسی بخواهد مثلاً ۱۰۰۰ ریال قرض دهد. این مقدار پول در ۶ ماه دیگر برابر ۷۰۰ ریال خواهد بود، پس قرض دهنده هنگام تحویل ۳۰۰ ریال از قدرت خرید خود را نیز از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۶

دست داده است. نتیجتاً ارزش قبلی خود را دریافت ننموده است، مگر این که ۱۳۰۰ ریال دریافت نماید تا برابر ۱۰۰۰ ریال ۶ ماه قبل گردد. آیا در چنین شرایطی سود وام مشروع است؟

جواب: اگر فاصله زمانی زیاد بوده و بدهکار در پرداخت بدهی خود کوتاهی کرده و توّرم نیز شدید باشد باید به حساب روز محاسبه نماید، در غیر این صورت ربا و حرام است.

مسئله مهم این است که آنچه شما نوشته‌اید مطلبی است که در محافل و در تحلیلهای اقتصاددانان مطرح است؛ ولی در عرف توده مردم و بازار مطرح نیست؛ یعنی اگر کسی چکی به دیگری بپردازد، هر چند مدت‌دار باشد، خود را ملزم به ادای مبلغ چک می‌داند نه بیشتر؛ آری اگر روزی حساب توّرم جزء عرف مردم و بازار شود، همان طور که از بعضی از کشورها نقل می‌کنند، تحلیلی را که شما نوشته‌اید قابل قبول خواهد بود.

(ب) آیا منظور از آیه ۲۷۹ سوره بقره: «وَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ» اصل قدرت خرید و ارزش حقیقی پول نیست؟

جواب: از آنچه در پاسخ سؤال قبل گفته شد، جواب آیه شریفه «وَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ» معلوم می‌شود؛ منظور آن است که سرمایه طبق عرف توده مردم بازگردانده شود.

(ج) در صورتی که توجیه بالا را نپذیریم (در شرایط توّرمی) میل به قرض دادن کاهش می‌یابد؛ چرا که افراد با کاهش قدرت خرید مواجه می‌شوند. آیا به نظر شما ممکن است شارع به ضرر قرض دهنده بی‌اعتنا باشد؟ یا این که جهت تشویق و ترغیب افراد به این فعل حسنه، ضرر او را در نظر می‌گیرد؟

جواب: قرض الحسنه یک عبادت است و انگیزه الهی دارد، بنابراین باید شخص قرض دهنده تفاوت قدرت خرید را نیز بپذیرد و اگر تفاوت توّرم را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۷

حساب کند عملی نیمه تجاری محسوب می‌شود.

سؤال ۸۶۹- تاجری به یک کارخانه تولیدی مبلغی را پرداخت می‌نماید که به مدت یک سال نزد کارخانه‌دار به امانت باشد و مقرر می‌نماید که کالای آن کارخانه را به مدت یک سال، معادل ۵٪ از قیمت مشخص شده کمتر، خریداری نماید و در صورتی که آن تاجر از آن کارخانه خریداری نکند در مقابل پول امانت داده شده، هیچ گونه وجهی را دریافت نکند. آیا این عمل تاجر و کارخانه‌دار شرعی است.

جواب: هر گاه در مقابل وامی که داده است قرارداد تخفیف داشته باشد، ربا و حرام است؛ ولی اگر قراردادی در میان آنها نباشد و او مبلغ را به عنوان وام بدهد و آنها نیز به میل خود تخفیف بدهند، بی آن که قراردادی باشد، اشکالی ندارد.

احکام بدهی‌ها

سؤال ۸۷۰- برابر یک فقره قرارداد فی ما بین دو نفر، شخص اول مبلغ یک میلیون تومان به شخص دوم قرض داده است و شخص دوم متعهد گردیده که اصل مبلغ را در روز معین به شخص اول پرداخت نماید، ولی شخص دوم به تعهد خود عمل ننموده است و

شخص اول بعد از سه سال پیگیری از طریق دادگاه توانسته اصل مبلغ یک میلیون تومان را از نفر دوم وصول نماید. در ظرف این مدت سه سال، که نفر دوم به تعهد خود عمل ننموده و مبلغ مذکور در نزد او بوده، منافی برای او داشته است و با مبلغ مذکور در سه سال پیش (بعد از اتمام روز معین) اتومبیلی خریده که بعد از سه سال، قیمت اتومبیل به دو میلیون تومان افزایش یافته است، آیا نفر اول می‌تواند منافی که از این پول در این مدت سه سال نصیب نفر دوم شده است را از دادگاه مطالبه نماید، یا این که به عنوان خسارات ناشی از عدم اجرای بموقع تعهد، از نفر دوم چیزی طلب کند؟

جواب: منافع پول از آن وام‌گیرنده است؛ ولی اگر ضرر و زیانی به خاطر طرح

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۸

دعوی در دادگاه متوجه طلبکار شده باشد می‌تواند از بدهکار بگیرد، همچنین اگر زمان تأخیر زیاد باشد و تورم شدید بوده است باید مطابق مبلغ روز پردازد.

سؤال ۸۷۱- ابرای دین، یعنی گذشتن از بدهی کسی، شبیه عقد لازم است، یا قابل بازگشت می‌باشد؟

جواب: ابراء لازم است، و قابل بازگشت نیست.

سؤال ۸۷۲- مستثنیات دین در ارتباط با شخص ورشکسته، که اموالش در توقیف طلبکار است، چیست؟

جواب: خانه و لوازم زندگی عادی و معمولی که در شأن اوست جزء مستثنیات دین می‌باشد؛ ولی داراییهای دیگر و سرمایه مطلقاً جزء مستثنیات نمی‌باشد.

سؤال ۸۷۳- مستثنیات دین در ارتباط با ضامن شخص ورشکسته چیست؟

جواب: در مستثنیات دین فرقی بین بدهکار اصلی و ضامن نیست.

سؤال ۸۷۴- شخصی در اثر گرفتاریهای بازاری در تجارت مقروض شده، و قدرت بر ادای دین ندارد، فقط یک باب خانه مسکونی که مدت سی و پنج سال در آن ساکن است دارد، آیا طلبکار که وضع خوبی هم دارد می‌تواند این خانه را از دست بدهکار بگیرد؟ با این که شخص مدیون حاضر است تدریجاً و به اقساط دینش را ادا نماید.

جواب: خانه مسکونی در حد شأن را در مقابل بدهی کسی نمی‌توان از او گرفت، مگر این که خانه در مقابل طلب رهن باشد.

سؤال ۸۷۵- نظر مبارک در مستثنیات دین چیست؟ آیا تلفن، ماشین و مانند آن به هر قیمت که باشد جزء مستثنیات دین است؟

جواب: اگر در حدود شأن او باشد جزء مستثنیات است.

سؤال ۸۷۶- مستدعی است ضمن برشمردن مستثنیات دین مرقوم فرمایید، آیا کامیون و مانند آن، که تنها وسیله امرار معاش مدیون است، جزء مستثنیات دین می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۲۹۹

جواب: اینها جزء مستثنیات دین نیست؛ ولی مرکب سواری جزء مستثنیات است.

سؤال ۸۷۷- اگر به فردی مدیون باشیم، و طلبکار به کشور دیگری مسافرت کند و محل او را ندانیم، با این دین چه کنیم؟ آیا کفایت می‌کند آن را در صندوق زکات مسجد بیندازیم، تا صرف مخارج مسجد گردد؟ یا آن را صدقه بدهیم؟

جواب: در صورتی که احتمال دسترسی به او را می‌دهید باید صبر کنید و تلاش نمایید تا او را پیدا کنید، و اگر مایوس شدید از طرف او صدقه بدهید.

سؤال ۸۷۸- شخصی بدهکار است و اظهار می‌دارد توان پرداخت ندارم، لذا طلبکار می‌گوید: «چون امکان دارد شما تا یک سال دیگر نتوانید بدهی خود را پرداخت کنید، من به این شرط صبر می‌کنم که مبلغ بدهی را شما امروز به طلا تبدیل کنید» برای مثال مبلغ بدهی، امروز مساوی ۱۰ مثقال طلاست، و طبق این سخن بدهکار به هنگام پرداخت بدهی باید ۱۰ مثقال طلا بدهد، آیا این

کار مشروع است؟

جواب: این عمل صحیح نیست؛ چون هم پول نسیه است و هم طلا؛ مگر این که بدهکار این مقدار طلا را تهیه کرده و به عنوان ادای دین خود به او بدهد، سپس طلبکار آن را به او بازگرداند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۱

فصل بیست و ششم: احکام رهن

سؤال ۸۷۹- آیا در اخذ عین مرهونه، همین مقدار که در این زمان مرسوم است، یعنی سند را از طریق اداره ثبت اسناد توقیف می‌کنند، کافی است؟

جواب: اگر شخص گروگیرنده از این طریق بتواند عنداللزوم طلب خود را از فروش عین مرهونه بردارد، همین مقدار که نوشته‌اید کافی است.

سؤال ۸۸۰- با توجه به مقدمه زیر به سؤالات بعد پاسخ دهید:

نحوه صدور احکام شرعی ممکن است به دو صورت باشد؛ یا شارع مقدس «به عنوان شارع» حکمی صادر فرماید، یا «به عنوان یکی از عقلا» به صدور حکم اقدام نماید. احکام نیز به «اعتباری» و «تأسیسی» و «امضایی» تقسیم می‌شوند.

سیره عقلا با توجه به زمان و مکان و پیشرفت‌های روز تغییر می‌نماید. به عنوان مثال در گذشته در باب رهن «عیثیت» شرط اساسی بود، ولی از آنجا که هدف از عقد رهن، اطمینان به وصول طلب است، امروزه سیره عقلا متحول شده و نه تنها عیثیت شرط نیست؛ بلکه تجار و بانکها، اسناد تجاری را که به صورت دین می‌باشد بر هر مالی ترجیح می‌دهند؛ زیرا مزایای فراوان اسناد تجاری از قبیل سهولت، سرعت و اطمینان بر وصول، آن را بر اموال عینی برتری داده است، با توجه به مراتب فوق، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) در موردی که سیره عقلا دگرگون شود و منع خاصی بر سیره جدید نباشد، با توجه به آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و روایات مطلقه، آیا سیره جدید حجیت دارد و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۲

فقه‌های عظام آن را می‌پذیرند؟ یا چون در شرع سابقه ندارد، مردود است؟

جواب: سیره باید به زمان معصومین (علیهم السلام) برسد؛ مگر این که مشمول عموم عام و یا الغای خصوصیت از نصوص خاصه شود که در واقع سیره نیست؛ بلکه تمسک به عموم عام یا تنقیح مناط و الغای خصوصیت است (دقت کنید).

ب) در خصوص عیثیت مال مرهونه با توجه به رویه اکثریت بانکها (حتی بانکهای اسلامی) که اسناد تجاری را مانند چک و سفته به عنوان وثیقه و رهن می‌پذیرند، آیا رهن این اسناد صحیح است؟ شایان ذکر است که ممکن است این اسناد با عنوان ضمانت، تحویل ذی نفع گردد؛ ولی یقیناً رهن است؛ چون اشخاص قصد رهن و وثیقه را دارند، بعلاوه از شخص مدیون نیز چک یا سفته می‌گیرند و بدیهی است که کسی نمی‌تواند ضامن خود گردد.

جواب: این کار، یعنی وثیقه گرفتن اسناد تجاری که در میان عده‌ای معمول شده است، اشکالی ندارد، خواه رهن نامیده شود یا نامیده نشود. شاید آن مواد قانونی که عیثیت را در رهن معتبر دانسته به خاطر عنوان رهن بوده است و گرنه اصل این گونه قراردادها هیچ گونه محذور شرعی ندارد. همچنین آنچه معمول است که بعضی از موجرین یک قطعه چک را برای تخلیه عین مستأجره در رأس مدت، نزد موجر می‌گذارند، آن هم شرعاً اشکالی ندارد؛ هرچند نام رهن بر آن گذارده نشود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۳

فصل بیست و هفتم: احکام ضامن شدن

سؤال ۸۸۱- شخصی مدیون است، بطوری که این دین شامل تمام اموالش می‌شود، در عین حال ضامن شخصی می‌شود؛ ولی طلبکار این مطلب را نمی‌داند و بعداً متوجه می‌شود، آیا این ضمانت به قوت خود باقی است و یا فسخ می‌گردد؟
جواب: در فرض مسأله طلبکار حق فسخ ضمانت را دارد؛ ولی اگر فسخ نکند به قوت خود باقی است.

سؤال ۸۸۲- بنده شخصی را به عنوان کارگر به کارگاهی معرفی کردم، متأسفانه بعد از مدتی مبلغی را از کارفرما سرقت نمود، با توجه به اعتماد کارفرما به بنده، به عنوان معرّف برای معرفی کارگر مورد اطمینان، و این که اگر معرفی بنده نبود این کارگر استخدام نمی‌شد، آیا بنده ضامن هستم؟

جواب: اگر شما کارگر مزبور را با زبان یا با عمل خود تضمین کرده‌اید، در برابر خسارتهایی که او وارد کرده ضامن هستید، همچنین اگر عرفاً صدق کند که شما سبب ضرر و زیان او شده‌اید؛ اما اگر تنها به معرفی او پرداخته‌اید و گفته‌اید تا آنجا که خبر دارید آدم درستی است، شما ضامن نیستید.

سؤال ۸۸۳- شخصی با مراجعه به دادگاه سند مالکیت خود را به عنوان وثیقه در ضمانت یک زندانی گذاشته است؛ پس از چندی زندانی از مرخصی اعطایی با همان ضمانت سوء استفاده نموده و فرار کرده است، آیا ضبط و فروش وثیقه مذکور شرعاً مجاز است؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۴

جواب: در صورتی که آن زندانی مدیون به دین یا دیه‌ای باشد و امید بازگشت او نرود و راهی برای وصول دین وجود نداشته باشد، می‌توان از قیمت وثیقه آن را تأمین کرد.

سؤال ۸۸۴- «زید» منزلی به «عمرو» می‌فروشد، فروشنده متعهد می‌شود که سند مالکیت ملک مزبور را به خریدار، به صورت رسمی، منتقل نماید و شخص ثالثی تعهد می‌نماید که چنانچه فروشنده، سند را به نام خریدار انتقال ندهد، مبلغی به خریدار بپردازد و بابت آن، چکی به همان مبلغ، صادر و تحویل خریدار می‌دهد. حال فروشنده یا عمداً و یا به جهات دیگری که خارج از اختیار او می‌باشد از انتقال سند خودداری می‌کند.

و یا در فرض مذکور، فروشنده با توافق خریدار، متعهد می‌شود که در مهلت مقرر نسبت به تخلیه ملک اقدام نماید و شخص ثالثی تعهد می‌نماید که در صورت عدم تخلیه ملک توسط فروشنده در مدت مقرر، مبلغی را به خریدار بپردازد و بابت آن، چکی به کیفیت مذکور، تحویل خریدار می‌دهد و تصادفاً فروشنده از تخلیه خودداری می‌نماید.

آیا تعهد شخص ثالث در هر یک از دو فرض بالا، داخل در باب ضمانت می‌باشد، یا این که تعهد مستقلی است؟ و چنانچه تعهد مستقلی باشد، شرعی و الزام‌آور می‌باشد؟
جواب: ظاهراً تعهد مزبور الزام‌آور است و ادله بطلان شرط ابتدایی شامل اینجا نمی‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۵

فصل بیست و هشتم: احکام کفالت

سؤال ۸۸۵- اگر عقد کفالت واقع شود، ولی در زمان احضار شخص متهم، کفیل قدرت حاضر کردن او را نداشته باشد، آیا مسئولیت کفیل در خصوص احضار متهم منتفی می‌شود؟ لازم به ذکر است که صاحب جواهر در جلد ۲۶، صفحه ۲۰۲ و ۲۰۸ قول دوم را اختیار کرده است.

جواب: در صورت عدم قدرت بر احضار متهم مورد کفالت، احتیاط واجب آن است که حق مورد نزاع را بپردازد.

سؤال ۸۸۶- آیا می‌توان در عقد کفالت شرط نمود که در صورت ناتوانی کفیل از احضار شخص مورد کفالت، هیچ مسئولیتی نداشته باشد، و در نتیجه موظف نباشد که دین آن شخص را پرداخت نماید؟
جواب: جایز نیست، و این شرط با حقیقت کفالت سازگار نیست.

سؤال ۸۸۷- اگر کسی از شخص دیگری کفالت نماید و متهم فرار کند، آیا کفیل را می‌توان زندانی نمود؟
جواب: اگر جانی محکوم به قصاص بوده می‌توان کفیل را زندانی نمود، تا به وسیله‌ای او را تحویل دهند.

سؤال ۸۸۸- آیا می‌توان کفیل را به خاطر معرفی نمودن فرد مورد کفالت حبس کرد؟ همان گونه که صاحب جواهر الکلام در جلد ۲۶، صفحه ۱۸۹ به این امر فتوا داده و آن را از «نهایه»، «سرائر»، «تحریر»، «ارشاد» و «روضه» نقل کرده است.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۶

جواب: باید مهلتی به او داد تا فرد مورد کفالت را حاضر کند. اگر حاضر نکرد، جایز است او را زندانی کنند.

سؤال ۸۸۹- در صورتی که نظر حضرت تعالی، موافق فتوای فوق باشد، حال اگر کفیل ممتنع را حبس کردیم، حد اکثر حبس چقدر است؟ اگر متهم را معرفی نکنند، آیا تا ابد در حبس می‌ماند، یا این که مانند ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی کیفری، حد اکثر حبس وی یک سال است؟

جواب: در روایات اسلامی و کلمات فقها، حدی برای این حبس تعیین نشده و ظاهر اطلاق نصوص و فتاوا دلیل بر این است که این حبس نامحدود است؛ ولی سه صورت را می‌توان از آن استثنا کرد.

الف) نخست این که ثابت شود که کفیل واقعاً از احضار مکفول عاجز و ناتوان شده است.

ب) دیگر این که حاضر شود حق مورد نزاع را شخصاً بپردازد.

ج) سوم این که عناوین ثانویه‌ای ایجاب کند که او در زندان نماند.

شاید تنظیم کنندگان ماده فوق، نظر به عناوین ثانویه داشته‌اند؛ ولی به نظر ما راه اول و دوم مقدم است.

سؤال ۸۹۰- نظر به این که در کفالت ایجاب کفیل و حد اقل قبول مکفول له شرط است، در مواردی که شاکی به دادگاه مراجعه و طرح دعوا می‌کند، آیا دادگاه از باب این که امر رسیدگی به وی محول گردیده، مجاز است که به جای مکفول له، قبول را انجام دهد؟ (همان گونه که این مطلب از فتوای بعضی از فقها، که کفالت را در تعزیرات جایز می‌دانند، استفاده می‌گردد). و در صورتی که دادگاه مجاز است، آیا می‌تواند قبول کفالت را به پاسگاه محول کند؟

جواب: عقد کفالت، مانند سایر عقود، قابل انجام از طریق وکالت است؛ و معمولاً مردمی که به دادگاهها مراجعه می‌کنند وکالت در این گونه امور را به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۷

دادگاهها، یا کسانی که از سوی دادگاه وکالت دارند می‌سپارند.

سؤال ۸۹۱- آیا در صحت عقد کفالت، تمکن کفیل نسبت به احضار مکفول شرط است؟ به عبارت دیگر، اگر عقد کفالتی منعقد شد و متهم آزاد گردد و بعداً فهمیدیم در زمان انعقاد عقد کفالت، کفیل تمکن از احضار در آینده را نداشته است. آیا در این صورت عقد کفالت باطل و کفیل هیچ گونه مسئولیتی ندارد؟ آیا تمکن کفیل شرط تکلیفی است یا شرط وضعی؟

جواب: ظاهر این است که قدرت واقعی بر احضار مکفول شرط وضعی است نه تکلیفی؛ مانند اشتراط قدرت بر تسلیم در بیع و اجاره و سایر عقود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۰۹

سؤال ۸۹۲- شخصی قرآنی را از کسی به امانت گرفته و اکنون صاحب قرآن فوت نموده است، تکلیف این شخص چیست؟
جواب: باید امانت را به ورثه او بازگرداند.

سؤال ۸۹۳- اگر کسی چیزی را به امانت بگیرد و بعد نیت کند که پس ندهد، ولی مدتی بعد توبه کند، اگر بعد از توبه آن مال تلف گردد (بدون افراط و تفریط در نگهداری)، آیا ید او ید امانی است؟

جواب: بعد از توبه ید او امانی است؛ مشروط بر این که در بازگرداندن امانت در تمام مدت کوتاهی نکرده باشد.

سؤال ۸۹۴- خانمی گردنبد طلای خود را به من سپرد تا جهت تعویض زنجیر آن، آن را به مغازه طلافروشی ببرم. از آنجا که ایشان اصرار فراوانی کرد من قبول کردم، گردنبد را در کیف دستی خود نهاده و به مغازه طلافروشی رفتم، وقتی به مغازه رسیدم متوجه شدم گردنبد در کیف نیست، آیا من ضامن هستم؟

جواب: چنانچه شما در حفظ گردنبد سهل‌انگاری یا کوتاهی کرده‌اید ضامن هستید، در غیر این صورت ضامن نمی‌باشید و اگر شک دارید با یکدیگر مصالحه کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۱

فصل سی‌ام: احکام نکاح

صیغه عقد

سؤال ۸۹۵- در چه صورت می‌توان صیغه را به زبان غیر عربی خواند؟

جواب: در صورتی که توانایی بر صیغه عربی نداشته باشد؛ خواه دسترسی به وکیل عربی دان داشته باشد یا نه.

سؤال ۸۹۶- اگر صیغه به زبان غیر عربی خوانده شود، آیا عبارتی که خوانده می‌شود، باید حتماً مطابق عبارت عربی باشد؟

جواب: همین مقدار که زن به مرد برای خواندن عقد وکالت دهد، و مرد بگوید: «این زن را برای همیشه، یا برای فلان مدت، به فلان مبلغ مهریه به عقد خود در آوردم» و بعد بگوید: «از سوی خودم قبول کردم»، کافی است.

سؤال ۸۹۷- مردی می‌خواهد با زنی ازدواج موقت نماید، آیا مرد می‌تواند تمام صیغه را خودش بخواند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد که می‌تواند.

سؤال ۸۹۸- آیا اجرای صیغه عقد دائم، یا غیر دائم از طریق مکالمه تلفنی و امثال آن، توسط مرد و زن، یا وکیل آن دو صحیح است؟

جواب: هرگاه شرایط رعایت شود، اشکالی ندارد.

سؤال ۸۹۹- نظر شریف‌تان راجع به عقد معاطاتی نکاح چیست؟ منظور این است که معیار حلیت در نکاح، آیا صرفاً لفظ «انکحت» و مانند آن می‌باشد، یا این که فقط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۲

نیت و قصد انشا و رضایت قلبی طرفین کفایت می‌کند؟ اگر ملاک روح توافق و قصد انشای طرفین است، در این فرض چه لزومی به ادای الفاظ مخصوص است؟ بویژه آن که به جای آن الفاظ مخصوص، می‌توان به وسیله حرکات نیز از قصد و رضایت طرفین مطلع شد.

جواب: اول این که درست است که عقد نکاح از نظر قرارداد مانند سایر عقود است؛ ولی اجماع علمای اسلام بر این است که در نکاح باید صیغه عقد خوانده شود و روایات نیز شاهد بر اعتبار صیغه است؛ بلکه در میان عقلای اهل عرف نیز همیشه در عقد نکاح

نوعی قرارداد لفظی یا کتبی وجود داشته و دارد و این نشان می‌دهد که نکاح وضعی مخصوص به خود دارد. دوم این که معروف در میان فقها این است که نکاح به عبادات شبیه‌تر است تا به معاملات؛ منظور این است که نکاح در شرع مقدس قیود تعبیدی زیادی دارد که آن را شبیه به عبادات می‌کند که جنبه توقیفی دارد.

سؤال ۹۰۰- بعضی از سردفتران ازدواج به گمان این که چون لفظ «انکحت و زوجت» گاهی بنفسه و گاهی به حروف «من» و «باء» متعدی می‌شود، در جواب «أنکحت موکلتی فلانۀ من موکلک فلان» این طور می‌خوانند «قبلت النکاح من موکلی، و یا قبلت التزویج بموکلی» با این که به آنها تذکر داده می‌شود که این عبارت غلط است و باید گفته شود «قبلت النکاح یا قبلت التزویج لموکلی» باز به اشتباه خود ادامه می‌دهند. خواهشمند است مرقوم فرمایید در صورت غلط بودن چنین صیغه‌ای، آیا عقد صحیح است؟
جواب: اجرای عقد با صیغه مزبور اشکالی ندارد؛ هر چند بهتر است که صیغه بطور صحیح‌تر، طبق موازین ادبیات عرب خوانده شود.

شرایط عقد نکاح

سؤال ۹۰۱- آیا زن می‌تواند در موقع اجرای عقد نکاح با شوهر شرط کند که امر استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۳

تدریس یا درس خواندن را همچنان ادامه دهد و در جلسات مختلف شرکت کند؟
جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۹۰۲- آیا شرایط نکاح باید در متن عقد ذکر شود، یا در خارج عقد؟

جواب: شرایط باید در متن عقد باشد؛ مگر این که قبلاً بر آن توافق شود و عقد را مبنی بر آن شرایط بخوانند.

سؤال ۹۰۳- اگر زنی خواسته باشد با مردی با این شرط ازدواج کند که مرد او را در طلاق دادن از طرف خود وکیل کند، آیا چنین شرطی صحیح است؟ آیا این شرط در ضمن عقد ازدواج هم تحقق می‌یابد؟ یا باید در ضمن یک معامله لازم دیگری تحقق یابد؟
جواب: این شرط می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، یا عقد لازم دیگری باشد.

سؤال ۹۰۴- آیا زن می‌تواند حق وکالت در طلاق دادن از طرف مرد را نه برای خود، بلکه برای یک فرد ثالث، مثلاً برای پدر خود، به عنوان شرط عقد ازدواج قرار بدهد؟ آیا در این صورت نیز چنین شرطی در ضمن عقد ازدواج تحقق می‌یابد، یا باید در ضمن معامله مستقل دیگری تحقق یابد؟ و آیا زن بعد از عقد ازدواج می‌تواند حق وکالت در طلاق را برای خود، یا فرد ثالثی در ضمن معامله‌ای، یا مستقلاً از شوهرش بگیرد؟

جواب: قرار دادن وکالت برای فرد ثالث در عقد ازدواج اشکال ندارد، و بعداً نیز می‌توان آن را در ضمن معامله دیگری، هر چند بعد از ازدواج باشد، قرار داد.

سؤال ۹۰۵- همان طور که امروز در ازدواجها معمول است ازدواج دوم مرد باید با اذن و رضایت همسر اول باشد، آیا این شرط واجب العمل است؟ هر چند زن نتواند مرد خود را تأمین کند، یا از خواسته او سرباززند، یا از او دوری گزیند.

جواب: ازدواج دوم مشروط به اجازه همسر اول نیست؛ ولی دادگاهها معمولاً به خاطر مسائلی که بر اثر ازدواج دوم بدون قید و شرط حاصل می‌شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۴

محدودیت‌هایی برای آن قائل هستند.

سؤال ۹۰۶- زوجین توافق می‌نمایند که اختیار طلاق مطلقاً با زوجه باشد؛ آیا چنین شرطی منافات با مقتضای عقد دائم ندارد؟

جواب: تنها در صورت شرط وکالت زن از طرف مرد این کار صحیح است، نه شرط واگذاری طلاق به زن.

سؤال ۹۰۷- آیا مرد می‌تواند در ضمن عقد نکاح، حق ازدواج مجدد را از خود سلب نماید، یا تعهد نماید که ازدواج مجدد نکند؟ آیا این شرط از شروط مخالف کتاب خدا می‌باشد؟

جواب: این شرط صحیح نیست؛ ولی می‌توان شرط کرد که در صورت ازدواج مجدد، زن وکالت در طلاق خود داشته باشد.

سؤال ۹۰۸- چنانچه زوج در سند ازدواج شرط کند که ازدواج مجدد ننماید و این شرط مطلق باشد، پس از آن برای یک روز زنی را به عقد موقت خود درآورد، آیا در این فرض با شرط مذکور مخالفت شده است؟

جواب: اگر منظور شرط وکالت طلاق است که در عقد نامه‌های کنونی در این گونه موارد به زوجه داده می‌شود، ظاهراً شامل چنین ازدواج کوتاه مدتی نمی‌شود.

سؤال ۹۰۹- آیا مرد در ازدواج دائم می‌تواند شرط کند که تأمین مخارج زن بطور دائم یا تا مدتی بر عهده او نباشد؟

جواب: این شرط اشکال دارد؛ ولی زن می‌تواند نفقه خود را به او ببخشد.

سؤال ۹۱۰- اگر زن مهریه خود را به مردش ببخشد و بگوید: «به شرط آن که تا وقتی که من زنده هستم زن دومی نگیری»؛ در این صورت:

الف) آیا این شرط از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۵

ب) آیا در طول عمل کردن مرد به این شرط مهریه از گردن او ساقط می‌شود؟ و اگر مرد خلاف شرط عمل کند، زن اول و زن دوم نسبت به مرد چه حکمی پیدا می‌کنند؟ آیا زن دوم حرام می‌شود؟

جواب: چنانچه مرد از این شرط تخلف کند و ازدواج نماید ازدواجش صحیح است؛ ولی زن می‌تواند مهریه‌اش را بازپس بگیرد، بنابراین زن دوم حرام نیست.

سؤال ۹۱۱- شخصی جهت ازدواج از دختری خواستگاری می‌کند، خانواده عروس از اول با داماد شرط می‌کند که مثلاً مقدار ۵۰ من برنج، چند عدد روغن بزرگ و فلان مقدار چیزهای دیگر جهت خرج مطبخ، یا یک صد هزار تومان پول باید بدهد، در صورتی که داماد شرایط فوق را بپذیرد آیا عمل به آن لازم است؟

جواب: هرگاه در ضمن عقد یا قبل از آن شرط کرده باشند صحیح و لازم الاجراست و باید بپذیرد.

سؤال ۹۱۲- با توجه به این که طبق ماده ۱۵ بند ۳ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، کلیه قراردادها و اسناد خصوصی که در جهت محدود کردن اختیارات و اهلیت قانونی زنان است ملغی اعلام می‌شود، آیا زن و مرد هنگام ازدواج می‌توانند شروطی را در ضمن عقد بگنجانند که مفاد آن محدود کردن اختیارات همسر باشد؟

جواب: در بعضی از موارد می‌توان از طریق شرطی حق همسر را محدود کرد، مانند حق سکنی و امثال آن؛ اما در مواردی که شرط بر خلاف کتاب و سنت یا مقتضای عقد باشد جایز نیست، خلاصه موارد مختلف است.

اولیای عقد

سؤال ۹۱۳- اگر در نکاح منقطع باکره بالغه رشیده، بنا بر دخول نداشته باشد، یا زن شرط عدم دخول نماید، اذن ولی شرط است؟

جواب: اذن ولی در تمام موارد شرط است، بنا بر احتیاط واجب.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۶

سؤال ۹۱۴- شخصی مایل به ازدواج با دختری است که خودش او را پسندیده است، اما والدین او فرد دیگری را در نظر دارند، اگر

با او ازدواج نکند شاید و یا حتماً باعث ناراحتی پدر و مادر می‌گردد. در این صورت آیا اطاعت از آنها لازم و واجب است؟

جواب: رعایت نظر پدر و مادر در این گونه مسائل واجب نیست؛ ولی اگر بتواند موافقت آنها را جلب کند بهتر است.

سؤال ۹۱۵- دختر باکره‌ای که عقل و شعور کافی دارد و به سن بلوغ رسیده، آیا می‌تواند بدون اذن پدر، خود را به عقد دائم و یا موقت مردی درآورد؟

جواب: جایز نیست، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۹۱۶- دختر و پسری روابط نامشروع داشته‌اند، که در نتیجه منجر به حامله شدن دختر می‌شود و در هفت ماهگی به وسیله پسر

سقط جنین انجام می‌شود، آیا ازدواج ایشان از نظر شرعی، با توجه به این که پدر دختر موافق نیست، جایز است؟

جواب: در اینجا اجازه پدر شرط نیست؛ ولی بهتر است با موافقت او اقدام کنند.

سؤال ۹۱۷- می‌خواهیم دختری را به عقد موقت درآوریم؛ ولی نمی‌دانیم پدر او راضی است یا نه؟ اگر دختر بگوید: «پدرم راضی است» حرف او قابل قبول است؟

جواب: احتیاط آن است که خودتان از پدر دختر اجازه بگیرید.

سؤال ۹۱۸- در بعضی مواقع پسران و دختران مجرد، که رشید می‌باشند، به اتفاق هم به حقیر مراجعه و اعلام می‌نمایند که چندین

بار خانواده پسر به خانواده دختر جهت امر مقدس ازدواج مراجعه کرده‌اند، اما پدر دختر بدون جهت با ازدواج نامبردگان مخالفت

می‌نماید، که این امر باعث افسردگی روحی دختر و پسر، که اغلب بالای سنین ۲۰ سال می‌باشند، شده و طرفین اصرار شدید جهت

اجرای صیغه عقد بدون اذن ولی زوجه دارند و اعلام می‌کنند که در عسر و حرج خاصی به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۷

سر می‌برند، آیا در اینجا اذن پدر ساقط است؟

جواب: اگر شوهری که برای دختر پیدا شده شرعاً و عرفاً کفو و مناسب او باشد، پدر حق مخالفت ندارد؛ ولی باید تحقیق کرد که

آیا پدر دلیلی برای مخالفت خود دارد یا نه؟

سؤال ۹۱۹- دختری ۲۳ ساله و دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستم، مدت یک سال است فارغ التحصیل شده‌ام و به علت نیافتن

شغل مناسب در خانه به سر می‌برم. از زمانی که به خاطر دارم مادرم به دلایلی، که برای هیچ فرد عاقلی قابل قبول نیست،

خواستگارم را جواب می‌کند، حتی بدون این که من یا پدرم اطلاع داشته باشیم. در آن زمان چون مشغول به تحصیل بودم و خود

نیز تمایلی به ازدواج نداشتم، این امر چندان برایم مهم نبود، ولی حالا که تصمیم به ازدواج با شخص مؤمن و متعهدی، که پسر عمه

ام نیز می‌باشد، گرفته‌ام مخالفت غیر منطقی و اخلاق ناسازگار مادرم برایم مشکل ساز شده است. جوان مورد نظر که به همراه

خانواده‌اش از من خواستگاری کرده، از هر جهت مورد اطمینان و قابل قبول تمامی کسانی است که او را می‌شناسند، و از آن که

پدرم تحت نفوذ مادرم می‌باشد با حرف ایشان مخالفت نمی‌کند، آیا در چنین صورتی اجازه والدین شرط است؟

جواب: در صورتی که خواستگار، از نظر دینی و جهات اجتماعی، کفو و هم‌شان بوده باشد، مخالفت پدر ضرری ندارد و رضایت

مادر نیز شرط نمی‌باشد.

سؤال ۹۲۰- اگر پدری دختر ۲ ساله خود را به عقد پسری درآورد و دختر پس از بلوغ بگوید: «به این ازدواج راضی نیستم» حکم

شرعی چنین ازدواجی چیست؟

جواب: در صورتی که ازدواج مذکور در آن زمان که صورت گرفته به مصلحت دختر بوده باید آن را بپذیرد؛ ولی اگر مصلحت او

نبوده، ازدواج مزبور از اصل باطل است، و غالباً در عصر و زمان ما ازدواج دختران کوچک توسط پدرها به مصلحت آنان نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۸

سؤال ۹۲۱- اجازه پدر در ازدواج دختر تا چه حدی لازم است؟ اگر پدر مانع ازدواج دختر شود، در حالی که دختر در اثر ترک ازدواج به گناه می‌افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که همسر مناسب شرعی و عرفی پیدا شود و پدر مخالفت کند رضایت او شرط نیست.

سؤال ۹۲۲- آیا پدر در امر ازدواج بر فرزند صغیر ولایت دارد؟

جواب: با توجه به این که ولایت پدر منوط به مصلحت صغیر است و در عصر و زمان ما غالباً غبطه و مصالح صغیر در ازدواج نمی‌باشد، بنابراین پدران جز در موارد استثنایی حق ندارند صغیر یا صغیره را به عقد کسی درآورند.

ازدواجهای مجاز و غیر مجاز

سؤال ۹۲۳- آیا مرد می‌تواند با خواهر همسر خود ازدواج کند؟ با فرض این که همسرش بیماری داشته باشد و اجازه این ازدواج را به او بدهد.

جواب: مادام که آن خواهر در زوجیت اوست ازدواج با خواهر دیگر حرام است؛ خواه اجازه بدهد یا ندهد.

سؤال ۹۲۴- در قضیه جمع بین اختین در نکاح، در صورت حیات یکی، حرمت عقد و ازدواج با خواهر دیگر روشن است. حال اگر مردی به شکل صوری موقتاً یکی را طلاق بدهد و در منزل نگهدارد و با خواهرش ازدواج نماید، آیا این کار در شرع انور جایز است؟ ضمناً بعد از طلاق سوّم در ازدواج که محلّل لازم است، آیا بین عقد دائم و موقت تفاوتی هست؟

جواب: اگر جدّاً نیت طلاق کند بعد از عده می‌تواند با خواهرش ازدواج کند و بعد از طلاق سوّم احتیاج به محلّل است؛ ولی اگر به صورت عقد موقت باشد هرچند بار تکرار شود، محلّل لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۱۹

سؤال ۹۲۵- آیا با دختر خوانده می‌توان ازدواج کرد؟

جواب: در صورتی که رابطه نسبی و سببی نداشته باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲۶- مرد متأهل و زن شوهرداری شدیداً به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند و معاشرتهای غیر شرعی نیز داشته‌اند؛ برای این که این علاقه مشروع باشد، زن از شوهر خود جدا و به عقد مرد مزبور در می‌آید، پس از هشت سال از این ماجرا، متوجه مسأله‌ای می‌شوند که به موجب آن عقد این دو نفر جایز نبوده است؛ ولی از فرط علاقه‌ای که به یکدیگر دارند نمی‌توانند از یکدیگر جدا شوند، به گونه‌ای که تلاشهای آنان برای ترک این علاقه، به بیماری آنها منجر شده است. لطفاً بفرمایید آیا راه حلّ شرعی یا پرداخت کفّاره‌ای وجود دارد که اینها بتوانند به زندگی مشترک خود ادامه دهند؟

جواب: در صورتی که قبل از ازدواج و در زمانی که زن در عقد شوهر اول بوده، مرتکب زنا و آمیزش شده‌اند، آن دو بر یکدیگر حرام هستند بنا بر احتیاط واجب و باید از هم جدا شوند؛ ولی اگر معاشرتهای آنان در آن زمان، در حدّ آمیزش نبوده است، ازدواجشان اشکالی ندارد.

سؤال ۹۲۷- ازدواج کردن با زنانی که اشتها به زنا دارند، حرام است یا مکروه؟ اگر حرام نیست، آیا این گونه زنان مرتد هستند؟ آیا واجب است قبل از ازدواج از اعتقادات آنها تحقیق شود؟

جواب: این گونه زنان مرتد نیستند؛ بلکه مسلمان معصیت‌کارند و پرسش از اعتقادات قبل از ازدواج لازم نیست و اما ازدواج با زنان مشهوره به زنا، احتیاط لازم در ترک است؛ مگر این که واقعاً توبه کنند و راه سابق را ترک نمایند.

سؤال ۹۲۸- با توجه به این که در مبحث لعان، پس از انجام تشریفات ملا-عنه، رابطه نسبی بین پدر و ارحام پدری با فرزند قطع می‌شود، آیا ازدواج فرزند با عمّه سابق خود که با لعان رابطه نسبی‌اش با این فرزند قطع شده صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۰

جواب: ظاهراً اشکالی ندارد؛ هر چند احتیاط ترک آن است.

سؤال ۹۲۹- چند سالی است که در محافل و رسانه‌ها، از سوی اهل فن و علم اعلام می‌گردد که از ازدواجهای فامیلی، بخصوص ازدواج پسر عمو با دختر عمو و امثال آن، خودداری شود، در این صورت لطفاً بفرمایید:

الف) ازدواج حضرت علی (علیه السلام)، با دختر پسر عموی خویش، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) که به سفارش و با موافقت پیامبر (صلی الله علیه و آله) واقع گردیده، چگونه توجیه می‌گردد؟ آیا صرف نظر از تمامی مسائل، این خود یک امر تبلیغی برای این گونه ازدواجها نیست؟

ب) دین اسلام که کاملترین دینهاست و درباره تمامی آداب و رفتار و اعمال انسانها حکم لازم را منظور و تبیین فرموده است، آیا در خصوص موضوع مورد سؤال، حکمی دارد؟

جواب: در بعضی از روایات اسلامی از ازدواج فامیل‌های نزدیک نهی شده و در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌خوانیم که فرمود: «این کار را نکنید که مایه ناتوانی فرزند می‌شود»؛ «۱» ولی هر قاعده کلی استثنایی دارد و گاه دیده‌ایم که حاصل ازدواج فامیلی فرزندان بسیار باهوش و سالم بوده است و ازدواج آن دو بزرگوار نیز از این استثناءهاست.

سؤال ۹۳۰- آیا خواهر، مادر و دختر لواطکننده بر لواط دهنده حرام می‌باشند؟ در صورت نابالغ بودن طرفین، یا شک در دخول چه حکمی دارد؟

جواب: مادر، خواهر و دختر لواطکننده بر لواط دهنده حرام نیست؛ ولی عکس آن، یعنی مادر، خواهر و دختر لواط دهنده بر لواطکننده حرام است، به شرط آن که یقین به دخول حاصل شده باشد و لواطکننده بالغ باشد.

سؤال ۹۳۱- دادن دختر به درویش و صوفیه و گرفتن دختر از آنان چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۳۲۰

(۱). القواعد و الفوائد، جلد اول، صفحه ۳۸۱، قاعده ۱۴۷؛ و الحدائق الناضرة، جلد ۲۳، صفحه ۱۸؛ و نهایة الاحکام، جلد ۳، صفحه ۱۰۶، و تذکره الفقهاء، جلد ۲، صفحه ۵۶۹؛ و تلخیص الحبیر ابن حجر عسقلانی، جلد ۳، صفحه ۱۴۶.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۱

جواب: هرگاه توبه کنند مانعی ندارد.

سؤال ۹۳۲- با توجه به این که طبق ماده ۱۶ بند ۳ کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان، ازدواج کودک غیر قانونی اعلام شده، و کودک در عرف بین المللی به کمتر از ۱۸ سال اطلاق می‌شود، ازدواج دختران کمتر از ۱۸ سال چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بالغ شرعی باشند و نیز رشد جسمانی، و رشد کافی عقلی برای تصمیم‌گیری در امر ازدواج داشته باشند، مانعی ندارد.

محرارم

سؤال ۹۳۳- همسر حقیر هفت سال پیش فوت نمود. پس از سر و سامان دادن فرزندانم و سپری شدن هفت سال از فقدان وی، در مشهد مقدس تجدید فراش کردم و با خانم مؤمنه و صالحه‌ای ازدواج نمودم. مستدعی است بفرمایید آیا بنده نسبت به دختران و

عروسی که دارند محرم هستیم؟ و فرزندان من نسبت به ایشان چطور؟

جواب: شما نسبت به دختران همسران محرم هستید (البته بعد از عروسی و دخول با همسران) و اما نسبت به عروسهای او محرم نیستید، فرزندان شما نیز نسبت به همسر جدیدتان محرم هستند.

سؤال ۹۳۴- اگر از نظر طبّی این امکان فراهم گردد که همانند سایر اعضا بتوان تخمدان یک زن را به زن دیگر پیوند نمود، در این صورت اگر زن دوم (دریافت کننده پیوند) در اثر ازدواج صاحب فرزند شود، با توجه به این که نطفه، حاصل لقاح سلولهای زایای مرد (اسپرم) با سلولهای زایای موجود در تخمدان (تخمک) زن اول است و طبیعتاً از نظر وراثت و خصوصیات فردی و ژنتیکی، پنجاه درصد متعلق به زن اول است. حال از نظر شرعی، مسأله محارم شوهر و زن اول و دوم و محارم فرزند چگونه است؟ آیا رابطه محارم در مورد وابستگان به زن اول برقرار است، یا زن دوم، یا هر دو؟ لطفاً نظر شرعی خود را بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۲

جواب: در صورتی که تخمدان زنی را به دیگری پیوند بزنند و جزء بدن او شود، یعنی پیوند کاملاً بگیرد، در این صورت هر چه از آن متولد شود متعلق به زن دوم است، و رابطه‌ای با زن اول ندارد.

سؤال ۹۳۵- آیا زن پدر نسبت به فرزندان دختر و پسر شوهر خود که از زن دیگری می‌باشند محرم است؟
جواب: همه با هم محرمند.

سؤال ۹۳۶- زن و شوهری صاحب اولاد نمی‌شوند، اگر بخواهند بچه‌ای از شیرخوارگاه اختیار کنند برای محرم شدن با مرد و زن چه راه شرعی وجود دارد؟

جواب: اگر دختر باشد و پدر آن مرد در حیات باشد می‌تواند عقد موقت آن دختر را با اجازه حاکم شرع، برای پدر خویش بخواند تا حکم زن پدر را پیدا کند و محرم شود. و اگر خواهر آن مرد شیر داشته باشد و آن بچه شیرخوار باشد و از شیر آن خواهر بخورد (با شرایط لازم) حکم خواهرزاده‌اش را پیدا می‌کند و محرم می‌شود. و در صورتی که پسر باشد راه محرمیت همان است که از شیر خواهر یا مادر آن زن فاقد فرزند بخورد تا آن زن، خاله یا خواهر رضایی آن پسر شود و محرم گردد و اگر دوران شیرخوارگی پسر بچه گذشته باشد راهی برای محرمیت او نیست.

سؤال ۹۳۷- چون قرار است در آینده نزدیک فرزندی را از طریق اداره بهزیستی به عنوان فرزند خوانده (پسر یا دختر) جهت سرپرستی قبول نمایم، لذا خواهشمند است نظرات خود را پیرامون سؤالات ذیل مرقوم فرمایید.

الف) با توجه به آیه ۵ سوره احزاب، نامگذاری فرزند به نام شخصی که فرزند را جهت سرپرستی قبول می‌نماید چه حکمی دارد؟
جواب: نباید چیزی بر خلاف واقع بگوید و او را فرزند خود بنامد؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند.

ب) از نظر شرعی رابطه مادر و پدر با فرزند خوانده (پسر یا دختر) با توجه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۳

قضیه محرمیت چگونه می‌باشد؟ آیا خواندن صیغه محرمیت کفایت می‌کند؟

جواب: صیغه محرمیت در اینجا معنا ندارد؛ مگر آن فرزند مثلاً دختر باشد و او را با اجازه حاکم شرع به عقد موقت پدر آن مرد در آورند تا نسبت به آن مرد به عنوان زن پدر محرم شود، یا در صورت پسر بودن آن فرزند، شیر خواهر یا مادرزن را بخورد.

ج) اگر در آینده به خواست خداوند فرزندی از پدر و مادر متولد گردید (پسر یا دختر)، رابطه آنها از نظر محرمیت با فرزند خوانده چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر طبق مسأله قبل عمل کنند و زن پدر او شود به همه فرزندان او محرم می‌شود.

سؤال ۹۳۸- از نظر مشروع و نامشروع بودن فرزند، آیا گفته نماینده بهزیستی کفایت می‌نماید؟

جواب: آری؛ برای مشروعیت کافی است.

سؤال ۹۳۹- کسی که زن برادرش را به خاطر دین، ایمان، تقوا، حیا، حجاب و عفتش دوست دارد و نگاهش به او مانند خواهرش باشد و او را مانند خواهرش دوست داشته باشد لطفاً بفرمایید:

الف) آیا راهی برای محرم شدن با او وجود دارد؟ حکمش چیست؟

جواب: با حسن نیتی که آن شخص دارد باید توجه داشته باشد که این گونه مسائل دام شیطان است و گرفتاری دنیا و آخرت دارد و در انتظار محرم شدن نباشد، و رابطه‌اش در حدود عادی باشد.

ب) دست دادن (مصافحه) با زن برادر مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است، و این نخستین گام به سوی افتادن در دام شیطان است.

سؤال ۹۴۰- زنی دو شوهر کرده و از هر کدام یک دختر دارد، آیا پدر پدر (جد پدری) هر یک از این دخترها به دختر دیگر محرم است؟ به عبارت دیگر، آیا مرد با ربیبه فرزندش محرم است؟

جواب: محرم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۴

موارد فسخ نکاح

سؤال ۹۴۱- تعریف «برص» که سبب جواز فسخ نکاح می‌شود چیست؟

جواب: برص به معنای پیسی است و آن یک نوع بیماری پوستی است که رنگ قسمتی از پوست بدن بر اثر آن سفید می‌شود.

سؤال ۹۴۲- لطفاً «کوری» را تعریف کنید؟

جواب: کوری آن است که مطلقاً چیزی را نبیند، یا بینایی بقدری کم باشد که به حساب نیاید؛ خواه چشم ظاهراً سالم باشد یا غیر سالم.

سؤال ۹۴۳- تعریف «خصا» را بیان فرمایید؟

جواب: خصا به معنای بیرون کشیدن و بیرون آوردن بیضه‌هاست و اگر بیضه‌ها را بطوری بکوبند که از کار بیفتد آن هم در حکم خصاست.

سؤال ۹۴۴- تعریف «جَبّ» چیست؟

جواب: جَبّ آن است که آلت قطع شده باشد؛ بطوری که قادر بر دخول نباشد.

سؤال ۹۴۵- پدر و مادرم به اجبار مرا به عقد شخصی درآوردند، بعد از مدتی که با او زندگی کردم متوجه شدم که او شیعه نیست و مانع انجام فرایض دینی‌ام می‌گردد. او به من صریحاً دستور می‌دهد: «که باید به مذهب من درآیی، در غیر این صورت تو را خواهم کشت» تکلیف مرا روشن بفرمایید تا از این گرفتاری نجات یابم.

جواب: در فرض مسأله شما می‌توانید به دادگاه شکایت کنید، اگر او از کارش دست برداشت و حاضر به طلاق نشد، حاکم شرع می‌تواند شما را طلاق دهد. و هرگاه ازدواج شما به اجبار بوده از اول باطل بوده است و احتیاج به طلاق ندارد و اگر شما راضی به ازدواج شده‌اید در حالی که او خود را به عنوان شیعه معرفی کرده و از مذهب او آگاه نبوده‌اید، حق فسخ دارید و نیازی به طلاق نیست.

سؤال ۹۴۶- زوجه‌ای به علت بیماری پیسی زوج (بیماری برص که در هر دو پا و هر دو دست اوست) از تناول غذا با زوج و نیز در

انجام وظایف زناشویی با او کراهت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۵

دارد. حال با توجه به این که بیماری زوج مسلم و مبتنی بر گواهی پزشکی قانونی است و با عنایت به این که اقوام و خویشاوندان زوجه به لحاظ بیماری زوج محدودیت شدیدی در رفت و آمد خود قائل شده‌اند و تقریباً قطع رابطه نموده‌اند، و حتی مردان آنها حاضر به دست دادن با زوج نیستند، آیا چنین وضعیتی برای زوجه «عسر و حرج» محسوب می‌شود؟
جواب: اگر ترس آنها از سرایت بیماری مزبور از نظر پزشکی بجاست و پزشکان آن را تأیید می‌کنند، عسر و حرج در فرض بالا مسلم است.

سؤال ۹۴۷- اگر زوجه، یا بستگان زوجه در ازدواج تدلیس کنند و پس از روشن شدن مسأله، نکاح فسخ شود (بعد از نزدیکی)، آیا زوج باید مهر زن را بدهد؟ اگر قبلاً پرداخت کرده باشد، می‌تواند بازپس گیرد؟
جواب: زوج باید تمام مهر را بدهد و می‌تواند به مدلس رجوع کند.

سؤال ۹۴۸- شخصی، از دختری که در افغانستان است برای پرسرش که در ایران ساکن است خواستگاری می‌کند، دختر راضی می‌شود؛ مشروط بر این که تعریف و توصیف‌هایی که پدر داماد از پرسرش کرده مطابق با واقع باشد، پس از آن که دختر به ایران می‌آید متوجه می‌شود که آن توصیفها کاملاً دروغ بوده و پدر داماد عکس شخص دیگری را به عنوان عکس پرسرش به دختر نشان داده و پسر خودش معیوب است، آیا عقدی که قبلاً در غیاب آنها جاری شده صحیح است؟
جواب: در فرض مسأله دختر حق فسخ دارد.

سؤال ۹۴۹- برای ازدواج این جانب، دوشیزه‌ای را از اقارب نسبی معرفی نمودند. علی رغم قرابت، چون از کودکی ایشان در خارج از کشور زندگی می‌کردند، هیچ نوع آشنایی قبلی از یکدیگر نداشتیم.
از آنجا که شغل این جانب پزشکی است، از ابتدای تحصیلات و حشت زیادی از انواع بیماری‌ها، بویژه بیماری‌های ارثی که به فرزند منتقل می‌شود داشته‌ام. مطابق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۶

توصیه‌های علمی، بویژه در مورد ازدواج با اقارب نسبی، پس از تفهیم موضوع بیماریها و لزوم معاینات پزشکی و شرط صحت کامل به دوشیزه خانم که او نیز خود را پزشک معرفی نموده، با استقبال او و خانواده‌اش، دو بار به پزشک متخصص مراجعه نمودیم و هر دو نفر مورد معاینه پزشکی قرار گرفتیم. خوشبختانه این جانب کاملاً سالم بودم و دوشیزه خانم و مادرشان هم از بیماری خود صحبتی نکردند و پزشک متخصص بر مبنای سلامت کامل طرفین، توصیه به اجرای عقد نمود، سپس با خیال راحت از سلامتی کامل دوشیزه خانم و فرزندان آینده، عقد ازدواج دائم را منعقد نمودیم. پس از مدتی از وقوع عقد و قبل از عروسی و دخول، دوشیزه خانم گفتند که بیماری خاصی داشته‌اند، ولی نمی‌خواستند قبل از عقد بگویند و نیت داشته‌اند که پس از عقد بگویند و به پزشک مربوطه هم چیزی نگفته‌اند. با فهمیدن نوع بیماری و مراجعه دوباره به پزشکان مربوطه، معلوم شد که بیماری دوشیزه خانم معالجه ندارد و این که بیماری مذکور قابل انتقال به فرزندان هم می‌باشد. با توجه به مقدمه فوق به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا این جانب می‌توانم عقد ازدواج دائم فوق الذکر را به دلیل عدم وجود شرایط ذکر شده از قبل، مبنی بر سلامت کامل زوجه و فرزندان آتی، فسخ نمایم؟

جواب: در فرض مسأله که نوشته‌اید شرایط مفقود بوده، می‌توانید عقد را فسخ کنید و در فرض مسأله، مهر واجب نیست.

ب) خساراتی در جریان عقد، از قبیل خرید هدایا و هزینه مراسمات و نفقه و مهریه و مانند آن به این جانب وارد شده، آیا دوشیزه خانم ضامن آن خسارتها هستند؟ والدینش که معرف و شاهد عقد بوده و از ابتدا از بیماری فرزندشان اطلاع کامل داشته و از شرایط این جانب مبنی بر سلامت دوشیزه خانم، مطلع بوده و پذیرفته بودند چطور؟

جواب: کلیه اشیا و هدایایی که به اعتقاد صحّت عقد یعنی واجد بودن شرایط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۷

ردّ و بدل شده به صاحبش برمی گردد و خسارات باید جبران شود؛ ولی عفو و گذشت در این گونه موارد بهتر است.

سؤال ۹۵۰- زوجه‌ای در دوران عقد متوجه بیماری روحی و عصبی صعب‌العلاجی در همسرش می‌گردد، به گونه‌ای که عوارض بیماری (شوک‌های عصبی، ضعف شدید جسمی، بی‌ثباتی شخصیتی، ناپیوستگی موقت، غش و مانند آن) زندگی را برای وی مخاطره‌آمیز ساخته است. حال، نظر به ترس و نگرانی زوجه از زندگی مشترک و ضرورت درمان طولانی چندساله و نبودن عزم جدی بر معالجه در زوج و خانواده وی، آیا زوجه در چنین شرایطی شرعاً می‌تواند درخواست طلاق نماید؟ و در صورت جدایی آیا پرداخت مهریه و نفقه بر عهده زوج است؟

جواب: در صورتی که قبلاً زوج و کسان او اظهار داشته‌اند که از سلامت کامل برخوردار است، زوجه می‌تواند به عنوان تدلیس، نکاح را فسخ کند، در غیر این صورت هرگاه ثابت شود زندگی با آن مرد مستلزم عسر و حرج شدید است، حق دارد از حاکم شرع تقاضای طلاق کند و طلاق در این صورت جنبه خلع خواهد داشت که معمولاً با بذل مهریه انجام می‌شود؛ مگر این که با زوج توافق دیگری شود.

سؤال ۹۵۱- هرگاه شخصی به خواستگاری دختری برود و بگوید: «من همسر و فرزندی ندارم» و دختر با این شرط آماده ازدواج با او شود و بعد از عقد معلوم شود که مرد دروغ گفته است، آیا زن حق فسخ دارد؟

جواب: در تمام مواردی که مرد یا زن اظهار صفاتی کنند که موجب کمال باشد و یا حتی موجب کمال نباشد؛ ولی رضایت طرف مقابل به خاطر وجود آن صفات باشد و بعداً کشف خلاف گردد، در تمام این موارد طرفی که اغفال شده خیار فسخ دارد و می‌تواند بدون طلاق عقد نکاح را بر هم بزند.

سؤال ۹۵۲- چنانچه مردی، پس از گذشت دو سال از زندگی مشترک زناشویی،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۸

متوجه شود که همسرش در طول دو سال گذشته با خدعه، بیماری‌های خفیه را، که فلج مثانه و آگزیمایا بوده و از کودکی مبتلا به آنها می‌باشد، از شوهر پنهان کرده است، در حالی که در خطبه عقد خود را از هر گونه بیماری عاری معرفی کرده است. خواهشمند است بفرمایید که در فرض مسأله آیا مرد پس از اطلاع از حال همسرش حق فسخ دارد؟

جواب: در فرض مسأله، اگر مرد بعد از اطلاع رضایت به این ازدواج نداده حق فسخ دارد. و ضرر و زیانهای را که بر او وارده شده می‌تواند از کسانی که تدلیس کرده‌اند بگیرد.

سؤال ۹۵۳- پس از ازدواج معلوم شد که در قسمتهای بالای پای زوجه آثار سوختگی قدیمی بطور ضعیف به جا مانده است و از طرفی پرده بکارت از نوع گوشتی و بسیار ضخیم است که عمل دخول بدون اقدام به عمل جراحی ممکن نیست؛ در حالی که در خصوص سلامتی زوجه، قبل از ازدواج هیچ مذاکره‌ای انجام نشده است، آیا این مورد از موارد فسخ است و زوجه مستحق مهریه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که با جراحی معمولی مشکل حل شود و عوارض خاصی نداشته باشد، این مقدار عیب باعث فسخ نمی‌شود.

سؤال ۹۵۴- اگر حال شوهر بعد از عقد بر خلاف آنچه ادعا کرده بود و عقد بر مبنای آن حال و شرایط اجرا گردیده بود، ظاهر گردد، آیا بازهم طلاق و فسخ به دست شوهر است؟ و اگر زن مهریه را گرفته و بخواهد عقد را قبل از دخول فسخ کند، حکم مهریه چیست؟

جواب: اگر زن شرایطی را بر مرد شرط کرده باشد و مرد از آن شرایط تخلف کند، یا در بعضی صفات زن را فریفته باشد و خلاف

آن ثابت شود، زن حق فسخ عقد را دارد و اگر قبل از دخول فسخ کند مستحق مهریه نیست.

سؤال ۹۵۵- این جانب، سعیده، یک سال قبل به عقد دائمی آقای «ح» در آمدم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۲۹

مدت ۶ ماه در منزل شوهرم زندگی کردم؛ ولی او توان عمل زناشویی ندارد، بنده بعد از ۶ ماه به منزل پدرم برگشتم و فعلاً باکره هستم و پزشک قانونی هم به عدم توانایی آمیزش جنسی شوهرم نظر داده است، لطفاً بفرمایید:

الف) در این صورت آیا بنده می‌توانم عقد را فسخ نمایم، یا نیاز به طلاق دارم؟

جواب: شما باید از این تاریخ تا یک سال مهلت بدهید، اگر همسرتان معالجه شد و توانایی بر آمیزش جنسی و دخول پیدا کرد عقد به قوت خود باقی است. در غیر این صورت می‌توانید فسخ کنید.

ب) در صورت فسخ، مهریه و جهیزیه‌ام، که فعلاً در دست شوهرم می‌باشد، متعلق به کیست؟

جواب: جهیزیه متعلق به شماست و حق نصف مهریه را دارید.

سؤال ۹۵۶- اگر در مدت یک سال مهلت به فرد عنین، زوجه از تمکین خودداری کند، آیا بعد از اتمام مدت، زوجه حق فسخ دارد، یا باید مدت بیشتری داده شود؟

جواب: چنانچه درمان او نیاز به همبستر شدن با زوجه دارد، در صورت عدم تمکین زوجه، باید مدت تمکین تجدید شود.

سؤال ۹۵۷- این جانبه مدت ۲/۵ سال است به عقد دائم فردی در آمدم که به علت ناتوانی جنسی قادر به تصاحب بنده نبوده و هنوز هم باکره می‌باشم. در این خصوص لطفاً به سؤالات این جانبه پاسخ دهید:

الف) آیا این جانبه شرعاً مستحق نفقه می‌باشم؟

ب) آیا این مورد از موارد فسخ نکاح است؟

ج) به هنگام انعقاد عقد، داشتن مدرک لیسانس جزء شروط ضمن عقد بوده که پس از عقد مشخص گردید که زوج فاقد آن مدرک است. آیا این مورد هم موجب فسخ نکاح می‌شود؟

د) آنچه از حقوق شرعی، اعم از مهریه و غیره، به بنده تعلق می‌گیرد، مشروحاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۰

بیان فرمایید. ضمناً شروط ضمن عقد در عقدنامه تماماً به امضای طرفین رسیده است.

جواب: در صورتی که به عیب او رضایت نداده باشید، حق فسخ دارید و چنانچه حکم را نمی‌دانسته‌اید و فسخ نکرده‌اید و آماده تمکین بوده‌اید، حق نفقه دارید و همچنین در مورد مدرک لیسانس اگر کشف خلاف شده و شما راضی نشده‌اید، حق فسخ دارید و در صورت جدا شدن با فسخ، هرگاه عروسی نشده باشد حق مهر ندارید.

سؤال ۹۵۸- این جانبه در سن ۲۷ سالگی با آقای «ق»، که ۵۵ ساله است، ازدواج کردم. متأسفانه بعد از ازدواج و آمیزش نامبرده مبتلا به بیماری عنین شده، لذا بنده از دادگاه تقاضای طلاق کرده‌ام؛ ولی شوهرم نمی‌خواهد طلاق بدهد، در حالی که در سنین جوانی هستم، آیا شرعاً می‌توانم تقاضای طلاق کنم؟ اگر شوهر طلاق ندهد وظیفه زن در این مورد چیست؟

جواب: شما باید موضوع کار خود را با حاکم شرع در میان بگذارید تا یک سال به همسر شما مهلت دهد، اگر بعد از یک سال بیماری همچنان باقی بود و بیماری او قطعی و مسلم شد، حق دارید نکاح را فسخ کنید و مهریه را بگیرید.

سؤال ۹۵۹- زوجه مدعی عنین بودن زوج است، ولی زوج برای نفی ادعای زوجه حاضر نیست اعمالی از قبیل معاینه دکترهای عدول و مجامعت با زوجه انجام دهد و نیز حاضر نیست که نفقه زوجه را بدهد، حکم شرعی چنین زوجه‌ای را بیان فرمایید.

جواب: نسبت به ترک انفاق اگر زوج اصرار داشته باشد و حاضر به انجام وظیفه شرعی نشود حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلقه

سازد و یا حقّ او را از زوج بگیرد و نسبت به اّتهام عنین بودن اگر این امر از ابتدای زوجیت بوده و زوج حاضر به آزمایش نشود و بر آن اصرار ورزد باز حاکم شرع می‌تواند زوجه را مطلقه سازد. ضمناً توجه داشته باشید هرگاه ثابت شود زوج عنین است باید یک استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۱

سال مهلت داد، اگر بیماری او خوب نشد زوجه حقّ فسخ دارد، و می‌تواند نصف مهر خود را بگیرد.

سؤال ۹۶۰- اگر زن و شوهری قبل از ازدواج و نزدیکی، یا بعد از ازدواج و دخول، به مرض جنون ادواری مبتلا شوند، آیا حقّ فسخ نکاح را دارند؟

جواب: احتیاط آن است که به فسخ قناعت نشود، زوج از طلاق استفاده کند و زن هم، در صورت موافقت زوج، از خلع استفاده کند.

سؤال ۹۶۱- زوج در موقع ازدواج، با اشتغال زوجه (که معلّم است) در خارج از منزل، موافقت کرده و متعهد شده که مانع ادامه کار زوجه نشود. حال بعد از گذشت چند سال از زندگی و اشتغال زوجه، مانع از ادامه کار او گشته است، و چون در سند ازدواج، ضمانتی برای تخلف از شرط قید نشده، زوجه تقاضای طلاق خود را به علت تخلف از شرط، به دادگاه تقدیم نموده است. آیا این خواسته زوجه در طلاق و جدایی از شوهر برای دادگاه قابل قبول می‌باشد؟

جواب: آری، اگر شوهر تخلف از شرط کند، زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند.

سؤال ۹۶۲- مواردی که قبلاً بیان می‌شد که مرد می‌تواند عقد را به هم بزند، مانند بیماری برص (ویتیلیگو)، نقص مادرزادی، افضا، موانع مقاربت (مانع استخوانی، یا پرده پوستی و مانند آن) همگی امروزه با درمان قابل رفع می‌باشند. حال چنانچه مردی پس از ازدواج متوجه موارد مذکور گردد، آیا بازهم اختیار برهم زدن عقد را دارد؟ چنانچه نیاز به درمان باشد، آیا درمان بر عهده زن و خانواده اوست، یا بر عهده شوهر است؟

جواب: هرگاه به سهولت قابل معالجه بوده باشد و زن با هزینه خود اقدام به درمان نماید، خیار فسخ جاری نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۲

احکام عقد دائم

سؤال ۹۶۳- لطفاً به سؤالات زیر، پیرامون محدوده اطاعت زن از شوهرش، پاسخ فرمایید.

الف) آیا زوجه بدون رضایت زوج حقّ خروج از منزل را دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب باید اجازه بگیرد؛ مگر برای کارهای واجب شرعی یا ضروری زندگی.

ب) در صورت ترک منزل، با وجود عدم رضایت زوج و تقاضای مکرّر بازگشت و عدم تمکین مشار الیها، آیا شرایط ناشزه بر وی محقق می‌گردد؟

جواب: چنین زنی ناشزه است.

ج) در شرایط فوق، آیا زوجه استحقاق دریافت نفقه را دارد؟

جواب: قدر مسلم از نشوز و عدم تمکین که موجب سلب حقّ نفقه می‌شود عدم تمکین در برابر تمتّعات جنسی است. بنابراین نفقه در فرض بالا، یعنی خروج از منزل، ساقط نمی‌شود (بنا بر احتیاط واجب).

سؤال ۹۶۴- آیا زن بدون رضایت شوهر می‌تواند برای فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، از منزل خارج شود؟

جواب: در صورتی که منافات با حقّ زوج نداشته باشد احتمالاً بتواند؛ ولی احتیاط در ترک آن است و در صورتی که زن در عقد ازدواج چنین حقّی را برای خود قائل شده باشد اشکال ندارد.

سؤال ۹۶۵- در صورت حالّ بودن (نقد) مهریه، زوجه غیر مدخول بها حق دارد تا گرفتن مهریه تمکین نکند؛ اما آیا این حق را دارد که در غیر تمکین نیز از زوج اطاعت نکند؛ مثلاً منزل خانواده خود بماند، و هر جا خواست برود و هر کار خواست انجام دهد و با این حال می‌تواند مطالبه نفقه نماید؟

جواب: باید به وظایف دیگر خود عمل کند، تنها می‌تواند تمکین را منوط به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۳

گرفتن مهر کند، آن هم در صورتی که مهر حالّ بوده و قرائن دلیل بر تأخیر آن نبوده است.

سؤال ۹۶۶- در صورتی که مرد با رفتن زنش به دانشگاه، اداره، و هر محیط دیگری مخالف باشد، زن شرعاً چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید رضایت شوهر را جلب کند؛ مگر این که در عقد ازدواج شرط کرده باشد.

سؤال ۹۶۷- شخصی ۱۲ سال قبل به عیال خود پیشنهاد می‌کند که از تهران به شهر دیگری مهاجرت کنند؛ ولی زن حاضر به این هجرت نمی‌شود و مرد به آن شهر هجرت می‌کند. اکنون مرد به بهانه این که زن اطاعت نکرده، نه نفقه می‌دهد و نه طلاق. آیا مرد حق دارد زن را در این مدت طولانی بلا تکلیف رها کند؟

جواب: در صورتی که در ازدواج قرارداد خاصی برای محلّ سکونت زن نباشد، زن موظف است در محلّ سکونت تابع مرد باشد؛ مگر این که ضرر و زیان مهمی برای او داشته باشد.

سؤال ۹۶۸- لطفاً به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) اگر شوهر اجازه اتخاذ شغلی را به همسر خود دهد، آیا بعد از طیّ مراحل خاص و اشتغال، شوهر می‌تواند بگوید: «اجازه ادامه کار را نمی‌دهم»، و یا اجازه اول التزام به تمام لوازم آن می‌باشد؟ در این مورد آیا تفاوتی بین کار موقت و دائم هست؟
جواب: هر گاه زن قراردادی با اجازه شوهر نسبت به مدتی با اداره یا مؤسسه‌ای بسته است، آن قرارداد لازم الاجراست و شوهر حقّ ممانعت ندارد و این در صورتی است که هنگام عقد، اجازه کار بیرون زن شرط نشده باشد و الاّ احتیاجی به اجازه شوهر در عقد قرارداد نیست؛ ولی در هر حال باید شئون شوهر و خانواده را رعایت کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۴

ب) آیا بین استخدام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی، خصوصاً دولتی، تفاوتی وجود دارد؟
جواب: تفاوتی ندارد.

ج) آیا بین کاری که با حقّ شوهر منافات داشته باشد، با شغلی که چنین منافاتی ندارد فرقی هست؟
جواب: در فرض بالا تفاوتی نیست.

د) آیا بین شغلی که با رها کردن آن به صاحب کار و یا دیگران لطمه جدی می‌خورد، با شغلی که چنین نیست فرقی هست؟ (مثل ممنوعیت زن از ادامه تدریس در وسط سال تحصیلی که باعث ضرر زدن به آموزشگاه و محصلین می‌گردد).
جواب: در این فرض شوهر حقّ ممانعت ندارد.

سؤال ۹۶۹- آیا اطاعت نکردن زن از شوهر در غیر مسائل واجب و مستحب حرام است؟

جواب: اطاعت زن از شوهر مربوط به حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است، در کارهای دیگر اطاعت بر او واجب نیست، هر چند بهتر است که زن و مرد در تمام مسائل با هم تفاهم داشته باشند.

سؤال ۹۷۰- چنانچه در امور عادی و مباح نظر پدر دختر و شوهر متفاوت باشد، ترجیح با کدام است؟

جواب: در فرض مسأله اطاعت هیچ کدام لازم نیست؛ مگر این که مایه اذیت و آزار پدر گردد، که در این صورت اطاعت او واجب است.

سؤال ۹۷۱- زنی پس از فوت همسرش، با برادر شوهرش ازدواج می‌کند، آیا می‌تواند پنجشنبه‌ها برای قرائت فاتحه به مزار شوهر اول برود؟

جواب: با اجازه شوهر اشکال ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۵

سؤال ۹۷۲- آیا زنان می‌توانند بدون اجازه و رضایت همسران خویش، که افرادی مؤمن و متدین می‌باشند، در مسجد فعالیت نمایند؟ بطوری که کاملاً امورات یک مسجد را به دست گیرند؛ در حالی که این عمل موجب اختلاف در بین اعضای خانواده می‌شود.

جواب: بدون اجازه همسر جایز نیست؛ ولی رفتن به مسجد برای فراگرفتن احکام و معارف دین جایز است.

سؤال ۹۷۳- زن موظف نیست که در منزل کار کند، حتی می‌تواند برای شیر دادن و پرورش طفل از شوهر اجرتی دریافت نماید، لکن چون در ایران رسم است که زن معمولاً کارهای خانه را انجام می‌دهد و پس از تولد بچه را نگهداری نموده و او را شیر می‌دهد، آیا می‌توان گفت که عقد مبنیاً علیها واقع شده و نتیجتاً زن باید کارهای معمولی خانه را انجام دهد و مزدی هم از شوهر طلبکار نیست، مگر جایی که خلاف آن ثابت شود؟

جواب: این گونه موارد عقد مبنی علیها نیست تا حکم شرط ضمن العقد داشته باشد؛ ولی از آنجا که زنان و مردان در این گونه خانواده‌ها نسبت به خدمات اضافی هر دو قصد تبرع دارند گرفتن اجرت المثل مشکل است؛ مگر در مقابل کارهایی از قبیل قالی‌بافی و شبیه آن، و یا در مواردی که از ابتدا شرط اجرت کند.

سؤال ۹۷۴- با توجه به این که مورّخین مهریه بزرگ بانوی اسلام، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را مختلف نقل کرده‌اند: الف) یک زره جنگی به مبلغ ۴۸۰ درهم، به اضافه یک دست لباس کتانی و یک قطعه پوست گوسفند.

ب) چهارصد درهم.

ج) چهارصد مثقال نقره.

و از طرف دیگر با توجه به روایت «جَعَلَ اللَّهُ مَهْرَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءَ، شَفَاعَةَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۶

اُمّة ابیها» ۱) که در اخبار اسلامی وارد است، آیا صرف تعیین مهریه حضرت زهرا (علیها السلام) برای عروسان، بدون این که میزان ارزش زمان حال برآورد و معلوم شود، صحیح است؟

جواب: معروف است که مهر السنّه، معادل پانصد درهم می‌باشد (هر درهم تقریباً چهارصد تومان است، که مجموعاً ۲۰۰ هزار تومان می‌شود) «۲» هرگاه در محیط زوجین این شهرت وجود داشته باشد کافی است و الا باید تعیین کنند.

سؤال ۹۷۵- در صورت اختلاف زوجین در مقدار و وصف مهریه، قول کدام یک ترجیح دارد و در صورتی که هیچ کدام جهت اثبات ادعای خود دلیلی نداشته باشند، قول کدام یک مقدم است؟

جواب: چنانچه زوج مدعی مقدار کمتر است، قول او پذیرفته می‌شود؛ مگر این که دلیلی بر خلاف آن اقامه شود.

سؤال ۹۷۶- آیا در صورت فوت زوجه قبل از دخول، مهریه وی نصف می‌گردد؟

جواب: تمام مهر را می‌برد؛ تنها طلاق است که سبب تنصیف می‌شود.

سؤال ۹۷۷- لطفاً نظر مبارک خویش را در خصوص این مسأله که اگر زوج در هنگام ازدواج جهیزیه زوجه را از مال خودش تهیه نماید. آیا در موقع طلاق زوجه حق مطالبه و استرداد چنین جهیزیه‌ای را دارد یا خیر، بیان فرمایید.

جواب: اگر جهیزیه را جزئی از مهر یا شرط ضمن العقد قرار دهد، نمی‌تواند بازپس بگیرد؛ ولی اگر هبه کرده قابل بازپس گرفتن

است.

سؤال ۹۷۸- اگر زنی همسری اختیار کند و آن مرد را برای زن با صفات خوبی توصیف کرده باشند؛ ولی پس از عروسی مرد بگوید: «می‌خواهی نماز بخوان و نمی‌خواهی نخوان» و خود مرد نسبت به نماز بی‌اعتنا و تارک الصلاة و نسبت به

(۱). احقاق الحق، جلد ۱۰، صفحه ۳۶۷.

(۲). البته این نرخ در زمانهای مختلف متغیر است، قیمت مزبور مربوط به سال ۱۳۷۸ هـ- ش می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۷

قرآن و امام حسین (علیه السلام) و حضرت أبو الفضل، العیاذ باللّٰه، هتّاکی کند، در این صورت اگر زن بخواهد از چنین مردی جدا شود، آیا حقّ مهریه دارد؟

جواب: با توجّه به این که فرد مذکور مرتدّ است، ازدواج با او باطل بوده و زن باید فوراً و بدون طلاق از او جدا شود و اگر بدون توجّه به این مسأله عروسی و آمیزش انجام گرفته زن می‌تواند مهر المثل را مطالبه نماید.

سؤال ۹۷۹- اگر زوج (با توجّه به معسر بودن) به حکم دادگاه، مهریه را به صورت قسطی بپردازد، با توجّه به این که امروزه مهریه‌ها بالاست و پرداخت قسطی آن هم سالها طول می‌کشد تا تمام شود، آیا با این حال زن به فرض باکره بودن و عدم واقعه، حق دارد تا پایان قسط آخر تمکین نکند؟

جواب: در صورتی که قرائنی وجود داشته که این مهریه سنگین را یک جا نمی‌توان مطالبه کرد، خودداری زن از تمکین جایز نیست، بنابراین متوقّف کردن تمکین بر پرداخت تمام مهر در این گونه موارد جایز نیست.

سؤال ۹۸۰- فقها در ازاله بکارت در اثر ارتکاب زنا، مهر المثل تعیین نموده‌اند، نحوه محاسبه مهر المثل چگونه است؟ آیا نحوه پرداخت آن مانند دیه مؤجل است یا حالّ؟

جواب: مهر المثل مزبور حالّ است، مگر این که شخص مدیون قدرت بر پرداخت نداشته باشد، که در این صورت تقسیط می‌شود، و نحوه محاسبه آن مراجعه به عرف محل در تعیین مقدار مهریه چنین زنی است.

سؤال ۹۸۱- زوجه از شوهر خود تمکین نموده است، ولی زوج قدرت نزدیکی با وی را، به علّت عدم قدرت جنسی، نداشته است؛ زوجه اکنون تمکین مجدّد خود را از شوهر، منوط به دریافت کلّ مهریه می‌نماید. آیا به علّت عدم دخول، حقّ زوجه به قوّت خود باقی است، یا به صرف تسلیم، حقّ مزبور ساقط شده است؟

جواب: حقّ زوجه در گرفتن مهریه قبل از تمکین مجدّد ثابت است؛ مشروط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۸

بر این که مهر حالّ بوده باشد، نه بر ذمه زوج.

سؤال ۹۸۲- در صورتی که مهریه حالّ باشد و زوج قدرت پرداختن کلّ مهریه را به صورت یکجا نداشته باشد و در صورت تقسیط بتواند آن را در طول چند سال پرداخت کند، آیا دادگاه می‌تواند بدون توافق زوجه با تقسیط مهریه، با وصول اولین قسط (بدون رعایت حقّ عدم تمکین زوجه) وی را مجبور به تمکین از زوج نماید؟

جواب: در صورتی که قرائنی، مانند سنگین بودن مهریه و عدم تمکّن زوج به هنگام اجرای عقد، چنین نشان دهد که مهریه یک جا قابل پرداخت نیست، بلکه منظور تدریجی، یا عند القدرة و الاستطاعه بوده است، زن باید با گرفتن قسط اول تمکین کند.

سؤال ۹۸۳- به علّت شکایت همسر، مبنی بر درخواست مهریه، دادگاه دستور توقیف اشیای مغازه‌ام را داده است، همچنین سند مغازه‌ای که تنها منبع درآمد این جانب می‌باشد را توقیف نموده است. آیا این کار مشروع است؟ آیا مهریه را نمی‌توان به صورت

اقساط پرداخت؟

جواب: هرگاه مرد در پرداخت مهریه به عسر و حرج بیفتد باید به صورت اقساط از او گرفت، به نحوی که حق زن نیز رعایت گردد.

سؤال ۹۸۴- آیا زوج می‌تواند مهریه همسر خود را آموزش تلاوت قرآن قرار دهد؟ در صورت مثبت بودن، اگر مرد تلاش خود را انجام دهد؛ ولی زن به جهت کند ذهن بودن، یا کمبود استعداد نتواند یاد بگیرد وظیفه زوج چیست؟

جواب: آموزش قرآن می‌تواند مهریه بوده باشد و مرد باید وظیفه خود را انجام دهد، اگر زوجه استعداد نداشت و مرد کوشش لازم را کرد دین خود را ادا کرده است.

سؤال ۹۸۵- مرسوم است که عقد را به انضمام یک جلد کلام الله مجید جاری می‌کنند، آیا این کار به معنای همان تعلیم قرآن، که در روایات و سنت پیغمبر (صلی الله علیه و آله)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۳۹

مطرح شده، می‌باشد و بر ذمه مرد است که قرآن را به همسرش یاد دهد؟

جواب: قرار دادن قرآن جزء مهریه کار خوبی است و مفهومیست تهیه یک جلد کلام الله مجید برای زوجه است، نه آموزش قرآن؛ ولی لازم است قیمت آن در موقع عقد تعیین شود، تا مبهم نباشد.

سؤال ۹۸۶- بطور کلی شایستگی زنان مسلمان را به چه مهریه‌ای می‌دانید؟ و برای دختران و پسران جوان و پدر و مادرهای آنان چه توصیه‌ای دارید؟

جواب: اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مهریه‌ها سبک باشد و اصولاً ازدواج با هزینه کم انجام گیرد، که مایه سعادت زوجین خواهد شد، و سنگین کردن بار ازدواج شرعاً مذموم و عواقب ناگوار و مسئولیت شدید دارد.

سؤال ۹۸۷- آیا آمیزش با زوجه در دوره نامزدی نیز موجب پرداخت مهریه کامل، در فرض طلاق، می‌گردد؟
جواب: آری موجب پرداخت مهریه کامل می‌گردد.

سؤال ۹۸۸- آیا تعیین مهریه در عقد دائم لازم است و بدون آن عقد باطل می‌شود؟
جواب: عقد دائم بدون مهر باطل نیست، و تبدیل به مهر المثل می‌شود.

سؤال ۹۸۹- حد و میزان مهریه چقدر است؟ حد اقل و حد اکثر آن را بیان فرمایید.

جواب: مهر حد ثابتی ندارد؛ ولی شایسته است که از مهریه‌های سنگین پرهیز شود که طبق برخی از روایات چنین زنانی که مهریه سنگین دارند شوم هستند. «۱»

سؤال ۹۹۰- عقدی بدون شرط باکره بودن، ولی مبتنی بر این وصف منعقد شده است، شب زفاف، چه در اثر دخول و چه بدون دخول، بر اساس اقرار زوجه معلوم می‌شود که وی باکره نیست، در این صورت اگر مرد تقاضای فسخ نکاح نماید، آیا باید

(۱). روایات متعددی به این مضمون در کتاب شریف وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ابواب المهور، باب ۵، آمده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۰

نصف مهر را بدهد، یا هیچ چیزی به زن تعلق نمی‌گیرد؟

جواب: در هر صورت مرد حق فسخ دارد، اگر خود آن زن تدلیس کرده حق مهر ندارد و اگر شخص دیگری، مانند پدرش، تدلیس نموده و دخول حاصل شده حق مهر دارد؛ ولی مرد بعد از پرداختن مهریه می‌تواند به کسی که تدلیس کرده رجوع کند و آن را از او بگیرد.

سؤال ۹۹۱- مهریه خانمی حدود چهل سال قبل دو هزار تومان بوده است، این زن اخیراً از دادگاه تقاضای مهریه‌اش را نموده است. زوج می‌گوید: «مهریه تو دو هزار تومان است و آن را می‌دهم»، زوجه می‌گوید: «مگر در آن زمان نگفتی مهریه یک ساعت آب، و نصف منزل» و من نیز قبول کردم، لکن به لحاظ این که مشکل ثبتی داشت انجام نشد. بدین جهت مهریه همان مبلغ دو هزار تومان واقع شد. اکنون با توجه به وضعیت فعلی نظامهای اقتصادی دنیا، از جمله ایران، تکلیف چیست؟

جواب: اگر آن زن ثابت کند که مهریه واقعی همان آب و منزل بوده حق دارد آن را بگیرد، و اگر مهریه دو هزار تومان بوده می‌تواند معادل آن را به قیمت امروز بگیرد. و همین‌طور در سایر مطالبات هرگاه فاصله زمانی و تورم زیاد باشد به قیمت روز محاسبه می‌شود.

سؤال ۹۹۲- هفده سال پیش به عقد دائم مردی در آمدم. حاصل این ازدواج سه فرزند است که آنها را به یاری خداوند متعال بزرگ کرده‌ام، در روز اول نکاح غذای روزمزه نداشتیم؛ ولی پا به پای آن مرد کار کردم تا این که صاحب ۲۵ میلیون تومان سرمایه منقول و غیر منقول شد؛ هنگامی که وضع او خوب شد همسر دوم اختیار کرده و بدون هیچ گونه تقصیر شرعی و عرفی مرا طلاق داد، مهریه‌ام از آن زمان تا به حال تنزل بسیار فاحشی داشته و به مبلغ ناچیزی درآمده است، زمانی که در خانه او کار می‌کردم شفاهاً می‌گفت حقوق تو را می‌دهم، آیا از جهت شرعی و عرفی می‌توانم حقوق ۱۷ ساله خود و بزرگ کردن سه بچه‌ام را مطابق عرف دریافت کنم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۱

جواب: چنانچه ارزش مهریه نسبت به زمان گذشته تفاوت کلی کرده باید قیمت امروز را پردازد و اگر در مقابل خدمات شما قول داده است که جبران کند موظف است به قولش عمل نماید.

سؤال ۹۹۳- آیا زوجه غیر مدخوله بعد از فوت زوج، مستحق تمام مهریه است یا نصف آن؟
جواب: مستحق تمام مهر است.

سؤال ۹۹۴- شخصی که با پدرش زندگی می‌کرده، از دنیا رفته و هیچ گونه مالی از خود نداشته است، آیا مهریه زوجه چنین فردی به عهده پدرش می‌باشد؟

جواب: مهریه زن بر عهده شوهر است، نه پدر؛ مگر این که پدر شوهر آن را تضمین کرده باشد، یا مزد کارهای فرزندش را نداده باشد و آن مزد به اندازه مهریه یا بیشتر از آن است.

سؤال ۹۹۵- پدر داماد قسمتی از مهریه عروس خود را بر ذمه می‌گیرد؛ ولی قبل از عروسی و بعد از عقد، یعنی هنگامی که می‌خواستند مهریه را ثبت کنند، از تعهد خود استنکاف می‌ورزد و داماد مهر را به وجه نقد مصالحه و بر ذمه خود می‌گیرد و عروسی واقع می‌شود، آیا عروس می‌تواند مدعی آنچه بر ذمه پدر شوهر بوده است بشود؟
جواب: اگر در موقع خواندن صیغه عقد بر ذمه گرفته موظف است پردازد و بازگشت جایز نیست.

سؤال ۹۹۶- یکی از طلباب بحرین هستم که با خانمی از لبنان، به مهریه ده هزار لیره لبنانی، ازدواج شرعی و رسمی نمودم؛ ولی متأسفانه زندگی ما منجر به جدایی شد و نزدیکی از علما با حضور دو مرد عادل صیغه طلاق جاری و مهریه وی پرداخت شد. اما وی به دادگاه شکایت کرده و منکر دریافت مهریه گردیده است و متأسفانه من هنگام پرداخت مهریه، شاهدی نگرفتم. حال دو سؤال دارم:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۲

الف) آیا بر او واجب است که برای ادعای خود قسم بخورد تا بار دیگر مهریه را بگیرد؟ و با توجه به این که قیمت لیره امروز با قیمت آن به هنگام عقد تفاوت دارد، آیا همان مقدار لیره ذکر شده در حین عقد را باید بدهم، یا ملاک قیمت امروز است؟

جواب: مقتضای قاعده، اقامه بیّنه توسط مدّعی است و اگر او بیّنه نداشت، منکر باید قسم بخورد؛ بنابراین زوجه که در مورد سؤال منکر گرفتن مهریه است باید قسم بخورد و اما نسبت به تفاوت قیمت مهریه، در صورتی که تفاوت فاحش باشد، ملاک قیمت زمان پرداخت مهریه اوست.

(ب) آیا زوجه در مقابل خدماتی که در مدّت زندگانی مشترک انجام داده است، چیزی طلبکار است، در حالی که در این مورد چیزی در ضمن عقد شرط نشده است؟

جواب: اگر شرط نکرده، و عرف و عادت محل بر این است که خدمات زن مجانی است، زوجه مستحقّ چیزی نیست.

احکام عقد موقت

سؤال ۹۷۹- آیا در عقد موقت اطاعت از شوهر بر زوجه، همچون همسر دائمی، لازم است؟ در مورد مسافرت و خروج از منزل و کار در بیرون منزل چگونه؟

جواب: واجب نیست؛ مگر در جایی که مزاحم حقّ شوهر باشد.

سؤال ۹۹۸- زنی به عقد موقت مردی درآمده و بعد از دخول، شوهرش را رها کرده و رفته است، آیا بر مرد واجب است که تمام مهریه او را بپردازد؟

جواب: تنها آن مقدار از زمان که زن تمکین کرده مهریه اش لازم است.

سؤال ۹۹۹- هنوز یک سال از مدّت عقد موقت باقی مانده است، آیا جایز است برای چند سال دیگر عقد جاری گردد؟ یا باید مدّت مذکور تمام شود و سپس عقد مجدد خوانده شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۳

جواب: باید باقیمانده مدّت از طرف مرد بخشیده شود و سپس عقد را برای مدّت مورد نظر تجدید کنند و یا مهلت دهند آن یک سال بگذرد و بعد تجدید عقد کنند، در عقد دائم بعد از عقد موقت نیز حکم چنین است.

سؤال ۱۰۰۰- حضرت تعالی در مسأله ۲۰۷۱ توضیح المسائل فرموده‌اید: «ازدواج موقت هر چند برای لذّت بردن هم نباشد، بلکه به قصد محرم شدن نزدیکان آن دختر باشد جایز است، مشروط بر این که دختری را که به ازدواج موقت در می‌آورند در حدی باشد که قابل لذّت جنسی باشد، مثلاً اگر کوچک است باید وقت را به اندازه‌ای زیاد کنند که دوران آمادگی دختر را شامل شود، هر چند بعد از عقد، مدّت را ببخشند»، حال کسی به خاطر محرم شدن نزدیکان دختری که به حدّ بلوغ نرسیده، به مدّت کوتاهی صیغه عقد نکاح موقت او را خوانده است و بعداً هم آن مدّت را می‌بخشد و آن قید که دختر در حدی باشد که قابل لذّت جنسی باشد را در نظر نگرفته است، آیا نزدیکان آن دختر به این مرد محرم خواهند شد؟ آیا مادر آن دختر به پسران این مرد محرم خواهد بود؟ اگر نادیده گرفتن این قید در حین اجرای عقد اصلاً ایجاد محرمیت نمی‌کند، آیا این پدر می‌تواند آن دختر را به ازدواج پسر خود درآورد؟

جواب: اگر می‌خواهند محرم بشوند احتیاط آن است که مجدداً صیغه عقد متعه را با همان اوصافی که گفته شد بخوانند و الا معامله محرم بودن با مادر او نکند؛ هر چند احتیاط آن است که آن دختر را برای فرزند خود نیز نگیرند.

سؤال ۱۰۰۱- اگر مرد و زنی بخواهند ازدواج موقت کنند، آیا لازم است به محضر ازدواج و طلاق بروند تا در آنجا صیغه خوانده شود، یا این که خود مرد و زن می‌توانند شرایط همدیگر را قبول کنند و صیغه را بخوانند؟

جواب: احتیاط آن است که در این ایام در محضر رسمی ثبت کنند؛ خواه صیغه عقد را در محضر بخوانند، یا در خارج.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۴

سؤال ۱۰۰۲- در صورتی که در ازدواج موقت با اهل کتاب، زن بدون «مهر» نیز راضی باشد، آیا بازهم دادن مهر واجب است؟

جواب: دادن «مهر» واجب است، هرچند به این صورت گفته شود که در مذهب ما در مقابل ازدواج موقت باید هدیه‌ای داد.

سؤال ۱۰۰۳- در این کشور (کانادا) افرادی هستند که اصلاً دین ندارند، آیا قبل از صیغه عقد موقت لازم است از دین زن مورد نظر تحقیق کرد؟

جواب: آری، باید تحقیق کرد.

سؤال ۱۰۰۴- اهل کتاب و اهل سنت، به صیغه (ازدواج موقت) عقیده ندارند. بنابراین در صورتی که زن از اهل کتاب یا اهل سنت باشد صیغه‌ای که خوانده می‌شود، فقط لقلقه زبان است. آیا صیغه بدون اعتقاد، صحیح خواهد بود؟

جواب: اگر به خاطر اعتقاد شوهر اعلام آمادگی برای این امر کند، کافی است.

سؤال ۱۰۰۵- می‌دانیم عقد موقت با زنی که در «عده» است، باطل می‌باشد. اهل کتاب اعتقاد به «عده» ندارند، آیا عقد موقت با آنها، اگر در عده باشند، صحیح است؟

جواب: صیغه در حال «عده» جایز نیست.

سؤال ۱۰۰۶- آیا قبل از عقد موقت باید تحقیق کرد که زن شوهر دارد یا نه؟

جواب: اگر خودش بگوید شوهر ندارم و در گفتارش متهم نباشد، کافی است.

سؤال ۱۰۰۷- قبل از عقد موقت مرد به زن نگاه و با او صحبت می‌کند، تا زمینه را برای ازدواج موقت آماده سازد، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این مقدار اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۰۸- آیا مدت ازدواج موقت اندازه معین دارد؟ اگر قدر معینی ندارد چنانچه مدت آن تمام عمر را در بر بگیرد، یا مدت را بیشتر از عمر طبیعی بگذارند، بطوری که قطعاً می‌دانند آن مقدار زنده نمی‌ماند. آیا صحیح است؟

جواب: نکاح منقطع حد معینی ندارد؛ ولی اگر مدت آن را بسیار طولانی قرار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۵

دهند (یا حتی بیشتر از عمر طبیعی عادی مانند ۹۹ سال باشد) احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم بر آن جاری کنند (البته در مواردی که مقرون به احتیاط است)، بنابراین مردانی که برای فرار از زیر بار رفتن وظایف عقد دائم، صیغه موقت ۹۹ ساله جاری می‌کنند فایده‌ای برای آنها ندارد.

سؤال ۱۰۰۹- اگر زن و مردی مصمم به ایجاد رابطه جنسی با یکدیگر باشند و فقط به دلیل گریز از عذاب وجدان (یا عذاب اخروی)، قبل از ایجاد رابطه مذکور، با وجود شرایط و نبودن موانع، صیغه عقد موقت بخوانند، آیا عقدشان صحیح است؟ یا

همچنان عملشان «فساد و فحشا» می‌باشد، چون نیتشان چیز دیگر بوده است؟

جواب: اگر صیغه عقد را با تمام شرایط بخوانند، عملشان مشروع است.

سؤال ۱۰۱۰- آیا ازدواج موقت به مدت ۹۹ سال یا بالاتر، با عنایت به این که مدت متوسط عمر اشخاص، کمتر از این مقدار است و در واقع عملاً یک ازدواج دائم است، دارای احکام مربوط به ازدواج دائم می‌گردد؟

جواب: چنین ازدواج موقتی اشکال دارد، و همان گونه که قبلاً گفته شد احتیاط آن است که احکام عقد دائم بر آن مترتب کنند (در مواردی که مقرون به احتیاط است).

سؤال ۱۰۱۱- اگر عقدی واقع شده باشد، اما اکنون زن مدعی دوام و مرد مدعی انقطاع است، این عقد از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این عقد در حکم انقطاع است و باید مادام که مدّت عقد انقطاع وجود دارد احکام زوجیت اجرا شود و احتیاط مستحب آن است که در پایان مدّت، صیغه طلاق را نیز جاری کنند.

سؤال ۱۰۱۲- زن و مردی صیغه عقد غیر دائمی (موقت) جاری می‌کنند؛ ولی مقدار، زمان و مهر را معین نمی‌کنند. بعد از آمیزش و نزدیکی می‌فهمند که این کار مشروع نبوده است. آیا این کار در حکم زناست و آنها گناهکار شناخته می‌شوند و بچه به دنیا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۶

آمده نامشروع است؟ آیا جایز است که پس از عقد وقت و مهر را تعیین کنند، یا این که باید دوباره صیغه را به صورت صحیح جاری کنند؟

جواب: آنچه در حال ندانستن مسأله انجام داده‌اند، زنا نبوده و بچه حلال‌زاده است؛ ولی احتیاطاً صیغه طلاق را جاری کنند و سپس می‌توانند عقد موقت نمایند، و گذشتن زمان عده در اینجا شرط نیست.

سؤال ۱۰۱۳- بطور کلی نظرتان در رابطه با ازدواج موقت چیست؟ آیا آن را راه حلی برای جوانانی که مشکلاتی جهت ازدواج دائم دارند و از طرف دیگر می‌ترسند به فساد کشیده شوند می‌دانید؟

جواب: اگر با شرایط معقول و رعایت موازین شرعی انجام شود و دستاویزی برای هوسبازی هوسبازان و فساد بیشتر نشود به یقین کارساز است؛ ولی این کار بسیار دقیق و ظریفی است.

سؤال ۱۰۱۴- ازدواج موقت با زنانی که معمولاً معروف به فساد هستند و یا شغل آنان روسپی‌گری می‌باشد، چه صورتی دارد؟ در صورت ناچاری چطور؟

جواب: در صورتی که واقعاً مشهور و معروف به فساد باشند، ازدواج با آنها اشکال دارد و اگر چنین نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۱۵- آیا در عقد انقطاعی، عسر و حرج برای زوجه متصور است؟ در صورت اثبات، آیا می‌توان زوج را به بذل مدّت اجبار نمود؟

جواب: در صورتی که واقعاً به تشخیص حاکم شرع عسر و حرج حاصل شود، تفاوتی بین عقد انقطاعی و دائم نیست و حاکم شرع زوج را ملزم به بذل باقیمانده مدّت می‌کند و اگر زوج قبول نکند، حاکم شرع به عنوان ولی ممتنع باقیمانده مدّت را می‌بخشد و زوجه می‌تواند بعد از سپری شدن عده شوهر کند.

احکام پوشش

سؤال ۱۰۱۶- نظر حضرت‌عالی در مورد حدّ پوشش مردان چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۷

جواب: سر و گردن و مقداری از پا و مقداری از دست و آرنج که متعارف و معمول است را می‌توانند بیرون بگذارند و استفاده از لباس‌های آستین کوتاه معمولی نیز اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۱۷- آیا بلوز آستین کوتاه و شلوارک تا سر زانو برای مردان دوچرخه‌سوار در جاده‌های بیرون از شهر مجاز می‌باشد؟

جواب: اگر منشأ فساد خاصی نباشد اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۱۸- در برخی از مراکز علمی مسائلی به وجود آمده که سبب ایجاد ذهنیت ناخوشایند، و بدبینی به دین، و موجبات دوری جوانان از دین و مذهب را فراهم آورده است؛ مسائلی که هیچ‌گونه ممانعتی برای انجام آن، نه از سوی دین و نه از سوی مراجع عالیقدر تقلید، ذکر نشده است.

در دانشگاه «ع-ک» پوشیدن لباس‌های آستین کوتاه برای مردان ممنوع است، و این مسأله بحث و گفتگو‌هایی را در پی داشته است.

از آن جایی که طرح تمام گفتگوهای مطرح شده فی ما بین ما و مسئولین دانشگاه قدری مشکل است، سعی کرده‌ایم خلاصه آن را در این استفتا بگنجانیم:

دانشگاه: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه ممنوع است.

دانشجویان: در کجای دین پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان حرام شمرده شده است؟

دانشگاه: بعضی از مراجع تقلید حرام دانسته‌اند.

دانشجویان: کدام مرجع تقلید حرام شمرده است؟ شاید ما مقلد ایشان نباشیم.

دانشگاه جوابی ندارد و فقط می‌گوید: شما باید مقلد همان کسی باشید که ما هستیم.

چندی بعد یکی از روحانیون سرشناس به دانشگاه ما تشریف آوردند، موضوع را با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان فرمودند: هیچ مرجع تقلیدی آن را حرام نشمرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۸

نظر حضرت تعالی در این مورد چیست؟

جواب: پوشیدن لباسهای آستین کوتاه برای مردان شرعاً حرام نیست؛ ولی مسئولین دانشگاه حق دارند مقرراتی را طبق مصالحی که در نظر دارند برای محدوده دانشگاهها وضع کنند، مثلاً بگویند شرط ورود به دانشگاه استفاده از فلان نوع و رنگ لباس است. همان گونه که در محیطهای نظامی و انتظامی لباسهای خاصی را شرط می‌کنند، بنابراین خوب است دانشجویان عزیز با مسئولین دانشگاهها در این گونه مسائل بطور منطقی و بدون جزّ و بحث کنار بیایند تا مشکل شرعی برای هیچ یک از دو طرف پیدا نشود.

سؤال ۱۰۱۹- پوشانیدن چهره برای زنان خوش سیما، که می‌دانند در صورتی که صورتشان پوشیده نباشد باعث گناه و انحراف جوانان می‌شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: پوشانیدن صورت بر آنان واجب نیست؛ جوانان وظیفه دارند نگاه نکنند.

سؤال ۱۰۲۰- اگر خانمی از روی احتیاط که مبدا پوشانیدن وجه و کفین فساد را باعث شود آن را بپوشاند، آیا امر مستحبی را انجام داده است؟

جواب: عمل به احتیاط کرده است.

سؤال ۱۰۲۱- آیا حجاب از ضروریات اسلام است؟ منکر آن و کسانی که به این دستور الهی، بویژه در جامعه اسلامی، بی‌اعتنایی می‌کنند، چه حکمی دارند؟

جواب: حجاب از ضروریات اسلام است و تمام فِرَقِ مسلمین آن را واجب می‌شمرند و در قرآن مجید در آیات متعددی صریحاً آمده است؛ حتی غیر مسلمانان می‌دانند چنین حکمی در اسلام وجود دارد.

سؤال ۱۰۲۲- حدود حجاب اسلامی برای بانوان چیست؟ برای این منظور، آیا پوشیدن لباس بلند و آزاد و شلوار و روسری کفایت می‌کند؟ اصولاً چه کیفیتی در لباس و پوشش زن در برابر افراد نامحرم باید رعایت شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۴۹

جواب: برای حجاب اسلامی کافی است که تمام بدن را با لباس مناسب (بجز گردی صورت و دستها تا مچ) بپوشانند؛ ولی بی‌شک پوشیدن چادر به عنوان حجاب برتر خصوصاً در اماکن مذهبی مطلوبتر است.

سؤال ۱۰۲۳- آیا پوشیدن جوراب ضخیم بدون شلوار، با این که حجم بدن مشخص و در بعضی موارد مهیج است، یا پوشیدن کفشهایی که در هنگام راه رفتن صدای مهیج دارد، جایز است؟

جواب: در صورتی که منشأ مفسده‌ای باشد، اشکال دارد.

احکام لمس

سؤال ۱۰۲۴- دست دادن با غیر مسلمان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که جنس مخالف نباشد اشکالی ندارد، و اگر رطوبت سرایت کننده‌ای در دست باشد، احتیاطاً بعداً دستها را بشوید؛ ولی با جنس مخالف جایز نیست.

سؤال ۱۰۲۵- آیا در حکم تماس بدن مرد و زن نامحرم، فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان می‌باشد؟

جواب: فرقی نیست، هر دو حرام است.

سؤال ۱۰۲۶- در منطقه جنوب رسم و عرف بر این است که گاه زن عمو دست پسر برادر شوهر خود را می‌گیرد و می‌بوسد، زن برادر و خواهر زن نیز خود را با برادر شوهر و شوهر خواهر محرم حساب می‌کنند و دست دادن، خصوصاً بوسیدن سر و دست، در هنگام بازگشت از سفر و ایام عید و دید و بازدید، شدیداً رایج و مرسوم است. بارها به آنها تذکر داده شده است، اما نه تنها قبول نمی‌کنند، بلکه در مواقعی موجب ناراحتی شدید و رنجش خاطر نیز می‌گردد. اگر ممکن است راه چاره‌ای برای بنده و دیگران که به این مسأله مبتلا هستیم بیان فرمایید. اگر موجب قطع صلّه رحم شود چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۰

جواب: این گونه کارها حرام و خلاف شرع است و نتیجه ناآگاهی بعضی از مردم است. وظیفه شما آن است که با زبان خوش امر به معروف و نهی از منکر کنید و اگر صلّه رحم بدون آن میسر نیست، صلّه رحم را ترک کنید.

سؤال ۱۰۲۷- تماس مرد با زن نامحرم در موقع پول دادن، یا مبادله شیء و یا تماس بدنی در معابر، یا نشستن کنار زن نامحرم در وسیله نقلیه چه حکمی دارد؟

جواب: در موقع پول دادن و مبادله اشیا، اگر دستها با هم تماس پیدا کند حرام است؛ ولی تماس بدنها از روی لباس در وسایل نقلیه یا مکانهای پر ازدحام اشکالی ندارد؛ مگر مفسده خاصی بر آن مترتب شود.

سؤال ۱۰۲۸- بوسیدن و یا لمس کردن همجنس که موجب لذت و یا ریبه می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

احکام نگاه کردن

سؤال ۱۰۲۹- بیرون بودن مقداری از موی سر، امروزه در شهرهای بزرگ امری عادی شده است، آیا می‌توان از این جهت که این مقدار از موی سر بیرون است به آن نگاه کرد؟ (همانند برخی قبایل که معمولاً مقداری از موی سر آنها در معرض دید است).

جواب: اگر با نهی از منکر رعایت نمی‌کنند مصداق «إِذَا نَهَيْنَ لَا يَنْتَهِينُ» هستند و نگاه کردن بدون تَلَذُّذ و ریبه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۰- نگاه کردن به بدن نیمه عریان زنان در فیلمهای غربی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ حدّ مجاز نگاه کردن به آن چقدر است؟ آیا بین زنان مسلمان و غیر مسلمان و اهل کتاب تفاوتی وجود دارد؟ نگاه کردن زنان به بدن نیمه‌عریان مردان در مسابقات ورزشی از قبیل شنا، وزنه‌برداری و کشتی چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۱

جواب: با توجه به این که نگاه به فیلمها مشاهده مستقیم نیست، نگاه کردن به آنها مصداق نگاه به نامحرم نمی‌باشد، مگر این که منشأ فسادی گردد، که در این صورت نگاه کردن به آنها در هر دو صورت حرام است.

سؤال ۱۰۳۱- نگاه کردن به اعضای جدا شده از بدن نامحرم چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۲- فیلمبرداری و عکاسی در بعضی از مجالس عروسی، که به علت لابلایگری مسائل محرم و نامحرم احیاناً رعایت نمی‌شود، توسط عکاس زن که شغلش این کار است چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۳۳- استفاده هنرجویان رشته هنر از عکسها و مجلّات خارجی، که بدن زن و مرد عریان را نشان داده است، چه حکمی دارد؟ با توجه به این که بعضی از اساتید آنها تأکید دارند که برای به دست آوردن تجربه هنری، لازم است.

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۳۴- در کتاب تفسیر نمونه در شرح آیه ۳۱ سوره نور آورده‌اید که: «از آیه استفاده می‌شود زینتهایی که در صورت و دست باشد تابع صورت و دست می‌باشد و پوشاندن آنها لازم نیست» آیا فتوای اجتهادی شما نیز چنین است؟ آیا اصلاح صورت و ابرو زینت است؟

جواب: فتوای اجتهادی ما هم همین است و اصلاح صورت و ابرو اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۵- تدریس دبیران مرد در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های دخترانه چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه مراعات تمام موازین شرعی شود و مفاصدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد، ولی به یقین استفاده از دبیران همجنس به احتیاط نزدیکتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۲

سؤال ۱۰۳۶- اگر انسان بداند وقتی به خیابان و بازار می‌رود نگاهش به نامحرم می‌افتد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: نظر و نگاه اتفاقی حرام نیست؛ لکن عمداً نگاه نکند.

سؤال ۱۰۳۷- با توجه به این که زنان و مردان به همدیگر نامحرم می‌باشند، آیا جایز است از مجلس مردان فیلمبرداری شود و در پشت پرده برای خواهران به صورت مستقیم و به وسیله تلویزیون مدار بسته نمایش دهند؟

جواب: در صورتی که مردان برهنه نباشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۳۸- آیا نشان دادن زنان بد حجاب یا بی‌حجاب، به عنوان مظهر فساد رژیم سابق، حتی با استفاده از موی مصنوعی و کلاه گیس و استفاده از چهره‌پرداز زن، در فیلمهای سینمایی تلویزیون و نمایش‌های روی صحنه مجاز است؟

جواب: برای نشان دادن مفاصد بدحجابی و بی‌حجابی راههای بی‌اشکالتر پیدا می‌شود.

سؤال ۱۰۳۹- نگاه کردن به زنهایی که رعایت حجاب شرعی نکرده و بی‌مبالا هستند، در گذرها، یا به هنگام گفتگو، یا در وسایل نقلیه، که طبعاً نگاه انسان به آنها می‌افتد، چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه قهری و بدون قصد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۰- در این منطقه دیده می‌شود که بعضی از زنها یا دختر خانمها در داخل کوچه و بیرون از حیاط خود (که محل عبور و مرور مردم می‌باشد) می‌نشینند و با هم صحبت می‌کنند، نشستن یا توقف خانمها در داخل کوچه از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که مراعات حجاب شرعی را بنمایند و مزاحمت ایجاد نکنند، حرام نیست؛ ولی بهتر است این کار را ترک کنند.

سؤال ۱۰۴۱- گروهی از خانواده‌ها معتقد هستند که قبل از ثبت رسمی ازدواج،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۳

جهت محرّمیت و ارتباطات دختر باکره و پسر، عقد شرعی جاری شود. با عنایت به این که طبق قانون ثبت ازدواج، قبل از ثبت رسمی، عقد ممنوع است و از طرفی ثبت بدون ارتباطات و شناخت، متضمّن مشکلاتی، از جمله طلاق زودرس است که گاه حتی

در هفته‌های اولیه ازدواج رخ می‌دهد، و از سوی دیگر عقد شرعی بدون ثبت رسمی هم مشکلات دیگری به وجود می‌آورد که قانونگذار نیز این معنا را مراعات و به این خاطر آن را ممنوع نموده، بنابراین خواهشمندم بفرمایید که حدود شرعی ارتباط دختر و پسری که حقیقتاً قصد ازدواج دارند تا چه میزانی است؟ اگر دیده شود بعضی از پسرها و دخترهایی که به رسم سنتی نامزد هستند و در شهر تردد دارند، از سوی مسئولین امر تحت تعقیب قرار می‌گیرند، حکم چیست؟

جواب: مرد و زنی که می‌خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می‌توانند به مقدار لازم در جلسه‌ای بنشینند و یکدیگر را ببینند و با یکدیگر صحبت کنند و اگر در یک جلسه مقصود حاصل نشد، می‌توانند در چند جلسه با هم بنشینند و صحبت کنند، سپس تصمیم بگیرند.

سؤال ۱۰۴۲- آیا برای عکاس مسلمان جایز است که از چیزهای غیر اسلامی، مانند رقص، عکسبرداری کند؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۰۴۳- نگرستن به مرد نامحرم چه حکمی دارد؟ آیا می‌توان به مردانی که پیراهن آستین کوتاه می‌پوشند، نگاه کرد؟
جواب: هرگاه نظر از روی شهوت نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۴- عکس گرفتن زن نزد عکاس نامحرم، یا ظاهر کردن عکس توسط نامحرم چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که او را نمی‌شناسد، ظاهر کردن عکس اشکالی ندارد و عکس گرفتن در صورتی جایز است که با حجاب شرعی باشد.

سؤال ۱۰۴۵- نقش بازی کردن دختران و زنان در فیلم‌های تلویزیونی و سینمایی در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۴

کنار مردان نامحرم به عنوان همسر صوری آنان چگونه است؟ آیا در هنگام اجرای نقش مجاز به خنده و گفتگوی صمیمانه با مردی که بطور صوری نقش همسر آنها را بازی می‌کند، هستند؟

جواب: صحبت‌های معمولی و ایفای این نقشها، اگر مفسده خاصی بر آن مترتب نشود و حجاب اسلامی رعایت شود، اشکالی ندارد.
سؤال ۱۰۴۶- نظر مبارک خویش را در مورد ورزشهای بانوان از قبیل دوچرخه‌سواری، اسب سواری، قایقرانی و دو میدانی در اماکن و معابر عمومی، که در معرض دید نامحرم قرار دارد بیان فرمایید در ضمن بفرمایید. تماشای این نوع برنامه‌ها در تلویزیون چه حکمی دارد؟

جواب: اگر در انظار عمومی نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۴۷- آیا می‌توان بیماری که امکان طهارت عورتین توسط خودش وجود ندارد، را تطهیر نمود؟

جواب: چنانچه مستلزم نگاه و لمس نباشد، یا این که به وسیله همسر انجام شود، اشکالی ندارد؛ در غیر این صورت تنها در موارد ضرورت می‌توان انجام داد.

سؤال ۱۰۴۸- نگاه کردن به عکس برهنه زنان اهل کتاب و مشرکین، بدون لذت و شهوت و بدون آن که مقدمه گناه شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از برهنه این است که موهای سر خود را پوشانده باشند در فرض مسأله بالا که فساد بر آن مترتب نمی‌شود، اشکالی ندارد؛ اما اگر منظور، برهنه مادرزاد و یا نیمه عریان است، جایز نیست.

سؤال ۱۰۴۹- مکالمه تلفنی بین پسر و دختر و مراد و طرفین جهت دوستی چه حکمی دارد؟ اگر این گونه امور مقدمه‌ای برای تحقیق پیرامون ازدواج با وی باشد، آیا جایز است؟

جواب: جایز نیست؛ مگر به مقداری که برای تحقیق در ازدواج ضرورت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۵

نَفَقَه

سؤال ۱۰۵۰- نفقه (خوراک، پوشاک و مسکن) فرزند تا چندسالگی بر پدر واجب است؟

جواب: هرگاه فرزند توانایی اداره کردن زندگی خویش را نداشته باشد و پدر بتواند نفقه او را بدهد بر او لازم است و سنّ خاصی شرط نیست؛ ولی فرزند نباید در تأمین زندگی خود کوتاهی کند، اگر کوتاهی کند چیزی بر پدر نیست.

سؤال ۱۰۵۱- شوهر در عقد زوجیت و قبل از دخول می‌گوید: «قدرت برگزاری مراسم عروسی را از لحاظ مالی ندارم»، زوجه هم می‌گوید: «فقط با رعایت شرایط و تشریفات مرسوم و عرف محل حاضریم به خانه شوهر بروم» در فرض مسأله آیا زوجه مستحقّ نفقه می‌باشد؟

جواب: اگر در عقد نکاح چنین شرطی ذکر نشده، زوجه حقّ امتناع ندارد؛ و اگر امتناع کند حقّ نفقه ندارد.

سؤال ۱۰۵۲- زنی به سبب آتش‌سوزی در منزل شوهر، در بیمارستان بستری و سپس فوت کرده است، آیا هزینه بیمارستان او بر عهده شوهرش می‌باشد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که شوهر هزینه درمان او را بدهد.

سؤال ۱۰۵۳- شخصی برای مدّتی از طریق دادگاه زندانی شده است، سرانجام یا با حصول براءة و یا تحمّل حبس از زندان آزاد می‌شود، اگر به همسر و یا عائله تحت کفالت وی، در طول این مدّت، از طریق کمیته امداد حضرت امام (رحمه الله) و یا سایر مراجع حمایتی وجهی به عنوان نفقه داده شده باشد، یا هیچ وجهی داده نشده باشد؛ در هر دو صورت آیا عائله زندانی حقّ مطالبه نفقه معوّقه خود را خواهد داشت؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نفقه آنها را بپردازد یا با آنها مصالحه کند.

سؤال ۱۰۵۴- آیا شخص ثالثی می‌تواند نفقه زوجه را ضمن عقد ازدواج، تعهد نماید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۶

و هرگاه بین این زن و شوهر راجع به نفقه اختلافی به وجود آید، نفقه زوجه را پرداخت نماید؟

جواب: مانعی ندارد که شخص ثالثی ضمانت نفقه را بنماید.

سؤال ۱۰۵۵- آیا برای همسر و فرزندان شخصی که از راه نامشروع کسب درآمد می‌کند، جایز است که از درآمد او استفاده کنند؟

جواب: اگر می‌دانند نفقه‌ای که به آنها پرداخته است از همان پول است، تصرف در آن جایز نیست؛ مگر در حال ضرورت.

سؤال ۱۰۵۶- امام (رحمه الله) در تحریر الوسیله، جلد ۲، صفحه ۳۰۶، مسأله دوم فرموده‌اند: «اگر زوج حقوق زن را از قبیل نفقه نپردازد ابتدا حاکم زوج را الزام می‌کند و در صورت عدم تأثیر او را تعزیر می‌نماید» در صورتی که فتوای حضرت‌عالی مطابق با این فتواست، آیا مراد از الزام صدور دستور قضایی است، یا صدور حکم به الزام؟

جواب: منظور این است که حاکم شرع او را مجبور می‌کند که نفقه زن را بپردازد و هرگاه ترتیب اثر ندهد او را تعزیر کند.

احکام اولاد

سؤال ۱۰۵۷- مردی به مسافرت رفته و مسافرتش بیش از یک سال به طول کشیده است. در این مدّت همسرش پسری به دنیا آورده که بعداً باعث اختلاف بین زوجین شده و بدین سبب مرد زنش را طلاق داده است. اینک آن زن از دنیا رفته و آن پسر بزرگ شده و حقّش را می‌خواهد. مرد می‌گوید: «زنم این بچه را بعد از یک سال از مسافرتم به دنیا آورده است، او پسر من نیست؛ هرچند

همسرم عقیقه و مؤمنه بوده، و از او هیچ بدی ندیده‌ام» و زن تا آخر عمرش می‌گفت: «این بچه فرزند شوهرم است و روز قیامت حَقِّم را خواهم گرفت». اکنون چند سؤال مطرح است:

الف) آیا قول شوهر که می‌گوید: «چون زن بچه را بعد از یک سال از جدایی او به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۷

دنیا آورده است پس فرزند من نیست» قبول می‌شود؟

ب) اگر مشکوک باشد که زن بچه را بعد از دوازده ماه از سفر زوج، یا قبل از دوازده ماه به دنیا آورده است، حکم چیست؟

ج) حکم ارث و محرمیت این پسر نسبت به آن زن و شوهر و بچه‌های آن دو چیست؟

د) حکم خود این پسر فی حدِّ ذاته چیست؟

جواب: چنانچه تولد بچه از آن زن معلوم باشد و شوهر ادعا کند که بعد از یک سال از مسافرت او بوده و دلیلی بر ادعای خود نداشته باشد، آن بچه متعلق به آن زن و شوهر است و با هر دو محرم است و از هر دو ارث می‌برد؛ ولی اگر مرد بتواند با دلیل شرعی ثابت کند که بعد از یک سال از سفر او متولد شده است فرزند او محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۰۵۸- دختری از طریق نامشروع باردار شده است و این حمل را به پسری نسبت می‌دهد؛ ولی آن پسر می‌گوید: «من یقین دارم قبل و بعد از من افراد دیگری نیز با او ارتباط داشته‌اند» این حمل شرعاً به کدامیک از آنها تعلق دارد؟ مهر المثل این دختر را چه کسی باید پردازد؟

جواب: اگر با اختیار و رضایت دختر بوده مهر المثل تعلق نمی‌گیرد، و اگر به جبر و اکراه بوده هر کدام از آنها باید مهر المثل جداگانه‌ای بدهند؛ و در مورد فرزند اگر ثابت شود چند نفر با او زنا کرده‌اند و معلوم نشود بچه منتسب به کدامیک است، باید با قرعه تعیین کنند.

احکام شیر دادن

سؤال ۱۰۵۹- دختری از سنِّ هفت ماهگی به بعد، به مدّت سه ماه و بطور متفرّقه، روزی یک بار یا دو بار، از زنی شیر خورده است و در همین روزها از شیر مادر، یا از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۸

شیر خشک، یا آب قند، نیز استفاده کرده است و بعضی مواقع در طول این سه ماه، ۷ الی ۱۰ روز اصلاً از شیر آن زن استفاده نکرده است، آیا این دختر فرزند رضاعی آن زن محسوب می‌شود؟

جواب: در فرض مسأله، با توجه به این که گوشت و استخوان آن کودک تا حدّی به وسیله شیر آن زن روییده است، فرزند رضاعی او محسوب می‌شود.

سؤال ۱۰۶۰- خوردن شیر همسر توسط شوهر چه حکمی دارد؟ اگر خوردن شیر از روی شهوت باشد حکمش چیست؟
جواب: در هر حال اشکال ندارد.

سؤال ۱۰۶۱- در مسأله ۲۱۳۲ توضیح المسائل حضرتعالی آمده است: «هرگاه مردی بخواهد زن برادرش به او محرم شود می‌تواند دختر شیرخواری را با اجازه ولی او به عقد موقت خود در آورد و در همان حال زن برادرش آن دختر را شیر کامل دهد، بعد از آن که شیر دادن تمام شد می‌تواند مدّت عقد موقت را به او ببخشد» به نظر می‌رسد احتیاجی به قسمت اخیر مسأله نباشد؛ زیرا معقوده به عقد موقت با خوردن شیر کامل بر برادر حرام می‌شود و نیازی به بخشیدن مدّت ندارد؟

جواب: درست است؛ قسمت اخیر مسأله زیاد است، و در چابهای اخیر حذف شده است.

سؤال ۱۰۶۲- با توجه به این که هر طفل باید دو سال کامل از شیر مادر استفاده نماید، آیا شیر دادن بعد از دو سال شرعاً اشکال دارد؟
جواب: حرام نیست.

احکام حضانت

سؤال ۱۰۶۳- در مواردی که بین زوجین مفارقت حاصل می‌شود و فرزند مشترکی دارند، در خصوص حق حضانت پدر یا مادر نسبت به فرزند مشترک فتوای مشهور استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۵۹

این است که مادر در مورد فرزند دختر تا ۷ سالگی و در مورد فرزند پسر تا دو سالگی اولویت در حضانت دارد سپس در حضانت پدر است. از آنجا که ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی با الهام از این فتوا تنظیم شده است، محاکم دادگستری نیز در موارد مطروحه در پرونده‌های جاری بر این اساس عمل می‌نمایند ولی این امر چند مشکل اجرایی در بر دارد:

الف) تعلق عاطفی فرزندان، اعم از پسر و دختر، در سنین پایین به مادر بیشتر است و گرفتن پسر بچه‌های ۲ تا هفت‌ساله از مادر، در موارد زیادی موجب اخلال در مسائل تربیتی و عاطفی آنان می‌شود.

ب) غالباً پدرهای ازدواج نکرده در نگهداری این گونه کودکان دچار مشکلات مهمی می‌شوند و بیشتر به خاطر لجبختی، اصرار در گرفتن کودک دارند و بعد از تحویل غالباً کودک را به عمه، یا مادربزرگ، یا یکی دیگر از اقوام می‌سپارند و خود مباشرت در حضانت ندارند.

ج) به دلیل تعلق عاطفی شدید بین مادر و فرزند، در اغلب موارد گرفتن پسر بچه ۳ یا ۴ ساله از مادر موجب عسر و حرج بر مادر است، در صورتی که با حضانت مادر، پدر نیز از طریق اعمال ولایت و نظارت کلی، با بچه‌های خود ارتباط دارد و فشاری بر وی وارد نمی‌شود.

د) نگران‌کننده‌ترین نکته این است که در مواردی که در یک خانواده بیش از یک فرزند وجود دارد، بچه‌ها با هم مانوس و وابسته می‌باشند و جدا کردن بچه‌های خردسال از یکدیگر و سپردن بعضی به پدر و بعضی به مادر، فشار شدیدی بر آنان وارد می‌آورد. از طرفی بر طبق فتاوی برخی از فقها، از جمله مرحوم آیه الله العظمی خوئی (رحمه الله) اولویت در حضانت تا سن ۷ سالگی، هم در دختر و هم در پسر، با مادر است و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۰

احادیثی، از جمله روایت ایوب بن نوح «۱»، نیز دلالت بر این مسأله دارد. نظر حضرت‌تعالی در این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که مصالح فرزندان واقعاً به خطر بیفتد و گرفتار ضرر عاطفی شدیدی شوند، می‌توان حضانت را به مادر سپرد.
سؤال ۱۰۶۴- زنی هستم که چندین سال قبل، بنا به عللی همسر مرا طلاق داد و حضانت تنها فرزندمان، که دختری خردسال بود، نیز به من سپرده شد. با تمام مشکلات اقتصادی که جهت تأمین مخارج زندگی دخترم وجود داشت، او را بزرگ نمودم، حال که دخترم به سن ازدواج رسیده است، شوهر سابقم اصرار دارد که دختر را از من بگیرد. قابل ذکر است که:

۱- در طول مدتی که از هم جدا شده‌ایم، هیچ گونه کمکی از جانب شوهر سابقم برای دخترش نرسیده است.

۲- چون دخترم در طول این مدت پدرش را اصلاً ندیده است، شدیداً در برابر تقاضای پدرش امتناع می‌کند، با توجه به مطالب فوق به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا شوهرم حق دارد دختر را از من بگیرد؟

جواب: هرگاه دختر به سن بلوغ رسیده، نه پدر می‌تواند او را اجبار کند و نه مادر؛ بلکه نزد هر کدام میل داشته باشد، می‌تواند زندگی کند.

(ب) نفقه دخترم بر عهده کیست؟ آیا می‌توانم حقوق و نفقه او را از شوهر سابقم مطالبه کنم؟

جواب: در صورتی که به میل خود نفقه او را داده‌اید، نمی‌توانید از پدر او چیزی بگیرید؛ ولی اگر پدر نفقه او را نمی‌داده و شما به این قصد نفقه او را داده‌اید که از او بگیرید، حق دارید که نفقه را مطالبه کنید.

(۱). وسائل الشیعه، جلد ۱۵، ابواب احکام الاولاد، باب ۸۱، حدیث ۶ و ۷.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۱

سؤال ۱۰۶۵- آیا ولایت و حضانت زنزاده با زانی است؟

جواب: ولایت و نفقه بر عهده زانی و حضانت طبق موازین فقهی با زانی و زانیه است.

سؤال ۱۰۶۶- زنی است که شوهرش بر اثر تصادف از بین رفته و پنج فرزند از او باقی مانده است، که بعضی کبیر و بعضی صغیر هستند، این زن با میل و رضایت خود حق حضانت اولادش را به جد پدری بچه‌ها واگذار کرده و کلاً حق حضانت را از خود اسقاط نموده است؛ بعد از یک سال و اندی ادعای رجوع حق حضانت می‌کند، آیا حق رجوع دارد؟
جواب: بعد از واگذاری حق حضانت، حق بازگشت ندارد.

سؤال ۱۰۶۷- زوجه علاوه بر بذل تمام یا مقداری از مهریه، سرپرستی بدون نفقه و یا با نفقه فرزندان دختر بالاتر از هفت سال خود را بر عهده می‌گیرد؛ ولی بعد از طلاق از نگهداری اطفال امتناع می‌ورزد، آیا دادگاه می‌تواند زوجه را به حضانت از فرزندان دختر الزام کند، یا این که حضانت به زوج منتقل می‌شود؟

جواب: چنانچه شرعاً (از طریق مصالحه، یا شرط ضمن العقد) موظف شده باشد، دادگاه می‌تواند زوجه را به نگهداری اطفال اجبار کند.

سؤال ۱۰۶۸- چندی پیش راجع به یک نزاع خانوادگی چند سؤال از محضرتان نمودیم که فرمودید: «در صورت احراز حرج واقعی و عدم رضایت زوج به طلاق، حاکم شرع می‌تواند ولایتاً طلاق را اجرا کند» حال پس از مذاکره مجدد با زوج، ایشان قبول کرده است که همسرش را طلاق شرعی بدهد مشروط بر این که همسرش در محکمه مدنی کشور سوئد به صورت رسمی کلاً از حضانت فرزندان صرف نظر کند و امر نگهداری فرزندان را به شوهر بسپارد، همسرش اظهار می‌دارد که جدایی از فرزندانم برایم بسیار مشکل و غیر قابل تحمیل است؛ لکن شوهر اصرار دارد که یا بچه‌ها را بطور کامل در اختیار او بگذارد که بتواند آنها را به هر کشوری کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۲

بخواهد ببرد و زن هیچ حقی نداشته باشد و یا این که حاضر به طلاق نیستم، آیا شوهر می‌تواند امر طلاق را منوط به انصراف قانونی همسرش از حضانت فرزندان نماید؟

جواب: در صورتی که شوهرش حق شرعی خود را در مورد حضانت مطالبه کند و حاضر به طلاق باشد، نمی‌توان اجباراً صیغه طلاق را جاری کرد؛ ولی می‌توان مرد را وادار کرد که به مقدار متعارف به زن، حق دیدن بچه‌ها را بدهد و مرد باید از این امر امتناع نکند و مسأله حضانت غیر از مسأله حق دیدار است.

سؤال ۱۰۶۹- آیا ازدواج واجب است؟

جواب: ازدواج از مستحبات مؤکد است؛ مگر در مواردی که انسان بترسد که اگر آن را ترک کند به گناه می‌افتد، که در این صورت واجب می‌شود.

سؤال ۱۰۷۰- آیا خواهر و برادر می‌توانند از عقیقه همدیگر بخورند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۷۱- با عنایت به این که گروه زیادی از متدینین در خصوص امر ازدواج قبل از هرگونه مشورت و معارفه‌ای متوسل به استخاره می‌شوند و سنت نبوی ازدواج را به بهانه استخاره ردّ و یا به تعویق می‌اندازند و سدی در جهت تشکیل کانون گرم، صمیمی و عاطفی زوجین جوان ایجاد می‌کنند، آیا این کار صحیح است؟

جواب: استخاره همیشه باید بعد از مطالعه جوانب مسأله و مشورت باشد، اگر فکر انسان بجایی رسید جای استخاره نیست و اگر فکر به جایی نرسید جای استخاره است.

سؤال ۱۰۷۲- اگر شخصی دختری را به عقد شرعی خود درآورد، و به دلایلی ازدواج به فسخ یا طلاق منجر شود، آیا مرد شرعاً مکلف است این مطلب را به اطلاع خانم استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۳ دیگری که می‌خواهد با او ازدواج کند برساند؟

جواب: ضرورتی ندارد.

سؤال ۱۰۷۳- استمنا کردن برای شخص جوانی که ۲۵ سال سن دارد و نمی‌تواند ازدواج کند، چه حکمی دارد؟

جواب: حرام است؛ باید به فکر راههای مشروع باشد.

سؤال ۱۰۷۴- اگر زنی به بهانه اختلافات خانوادگی از شوهر خود اطاعت نکند و اطرافیان او، حتی با تهمت و دروغ گفتن به شوهر، مانع رفتن او به پیش شوهرش شوند، آیا زن و اطرافیانش گناهکارند؟

جواب: زن بدون دلیل نمی‌تواند نشوز اختیار کند و همچنین اطرافیان او بدون دلیل حق ندارند در این مسأله دخالت کنند، و اگر این کار را انجام دهند گناهکارند.

سؤال ۱۰۷۵- نظرخواهی جوانی از دختری، بدون اجازه ولی، به وسیله نامه چه حکمی دارد؟

چنانچه در ابراز علاقه و به کارگیری الفاظ در این جهت مبالغاتی شود تا در تصمیم دختر مؤثر افتد چگونه است؟

جواب: خواستگاری اشکالی ندارد و مشروط به اجازه ولی نیست؛ مگر این که منشأ مفاسدی گردد، که در این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۰۷۶- اگر کسی همسری را عقد نماید، آیا پدر و مادر دختر مجاز هستند زن و شوهر قانونی را از هم دور نگه دارند و نگذارند آن دو با هم به تفریح رفته و در کنار هم باشند؟

جواب: در صورتی که بر اساس عرف و عادت محل عقد انجام شده و مردم در آن محل برای فرستادن دختر همراه شوهر مادام که عروسی نکرده‌اند رسوم و عاداتی دارند، باید طبق آن عمل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۴

سؤال ۱۰۷۷- آیا ارگانهای دولتی حق دارند در زندگی زناشویی افراد تحقیق کنند، که آیا در قرارداد ازدواج و یا طلاق شبهه‌ای وجود دارد؟ و در صورت برخورد با شبهه و شک، آیا حق دارند به عنوان شکایت شبهه خود را به جاهایی بفرستند؟

جواب: آنها نباید در زندگانی خصوصی مردم تجسس کنند.

سؤال ۱۰۷۸- استفاده از وسایلی مثل قرص، اسپری یا پماد دارویی، برای تقویت قوه شهوانی و لذت بردن بیشتر در هنگام آمیزش

جنسی با همسر، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و مفسده‌ای نشود مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۷۹- چنانچه شخصی از دختری برای خودش خواستگاری کند و از طرف پدر دختر جواب مثبت بگیرد و پس از تحمّل مخارجی از قبیل مخارج جلسه خواستگاری، لباسهای نامزدی، جواهرات، سوغات و هدایا، جریان ازدواج به هم بخورد، چنانچه انصراف از طرف پدر دختر یا بالعکس از طرف داماد باشد، هر کدام چه حکمی دارد؟ آیا خواستگار می‌تواند مخارج خود را مطالبه نماید؟

جواب: هدایایی که موجود است بازپس گرفته می‌شود؛ ولی خرجهایی که شده است قابل بازپس گیری نیست؛ مگر این که قول قطعی داده باشد و بدون دلیل موجهی اعلان انصراف کند.

سؤال ۱۰۸۰- به نظر حضرت تعالی در ازدواج دو جوان بهتر است چه چیزهایی معیار باشد؟

جواب: بالاترین معیار ایمان و تقوا و اطاعت فرمان خدا و صفاتی است که موجب محبت و سازش با یکدیگر است.

سؤال ۱۰۸۱- آیا مرد ضامن جهیزیه همسرش می‌باشد؟ اگر شوهر فوت کرد و جهیزیه همراه دیگر ماترکش در اختیار ورثه قرار گرفت، آیا ورثه ضامن هستند؟ اگر در حین مطالبه، کل جهیزیه یا بعضی از آن وجود نداشت و ورثه هم اظهار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۵

بی‌اطلاعی نمودند آیا ورثه ضامن هستند؟

جواب: اگر ثابت شود شوهر در حفظ آن کوتاهی کرده مسئول است در غیر این صورت مسئولیت ندارد؛ و جهیزیه زن جزء ترکه شوهر نمی‌شود و اگر ورثه بدون اجازه زوجه در آن تصرف کنند ضامن هستند.

سؤال ۱۰۸۲- در بعضی از مناطق طبق عرف محل، در حین عقد زوجه قید می‌گردد که اجناسی به عنوان جهیزیه از سوی زوج تهیه و تحویل خانواده زوجه گردد و پس از تحویل به عنوان مال پدری صورت جلسه و همراه زوجه به خانه شوهر فرستاده می‌شود، بعداً در مالکیت آن اختلاف می‌شود، با توجه به این که از نیت زوج در حین تهیه و تحویل اجناس اطلاعی نیست، آیا اجناس قید شده ملک زوجه می‌باشد یا زوج؟

جواب: در فرض مسأله مالک تمام آنها زوجه است.

سؤال ۱۰۸۳- مردی همسرش را با میل خودش به سفر حج تمتع برده و بعداً به علت عدم سازش او را طلاق داده است، بعد از مدتی با پیشنهاد زوجه و با مهریه «مسافرت مکه معظمه و سفر کربلا در صورت امکان» ازدواج کردند که این ازدواج نیز به طلاق منجر شد و در مورد مهر بین آنها اختلاف شده است، در این مورد سؤالاتی مطرح می‌باشد:

الف) چون زوج قبلاً همسرش را به سفر حج تمتع برده لذا در موقع عقد مجدد نیت او از مسافرت مکه معظمه، سفر عمره بوده است، اکنون زوجه ادعای حج تمتع دارد؛ از آنجا که در عقدنامه چیزی جز کلمه مسافرت مکه قید نگردیده وظیفه او چیست؟

جواب: می‌تواند او را به حج تمتع یا عمره ببرد.

ب) هزینه سفر مکه بر چه اساس و معیاری تعیین می‌گردد؟

جواب: بر اساس قیمت سازمان حج و زیارت می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۶

ج) آیا شرط امکان در این جمله: «مسافرت مکه معظمه و سفر کربلا- در صورت امکان» شامل مکه و کربلا هر دو می‌شود؟ آیا مهریه مذکور، فقط در دوران زناشویی لازم الاجرا می‌باشد یا بعد از آن هم معتبر است؟

جواب: شرط امکان در هر دو مورد است و منظور این است که موانعی بر سر این راه نباشد، و زوج در هر صورت باید به آن عمل

کند، و اگر از هم جدا شدند وسایل این سفر را برای زوجه فراهم کند.

سؤال ۱۰۸۴- با توجه به این که در حال حاضر تعداد دختران و زنان آماده ازدواج بمراتب بیشتر از پسران و مردان آماده ازدواج است و عدم توجه به این مسأله اساسی مشکلات عدیده اخلاقی در جامعه اسلامی ایجاد می‌نماید، آیا مردانی که شرایط لازم ازدواج مجدد را دارند، این ازدواج بر آنها واجب می‌شود؟

جواب: ارقامی که ذکر کردید چندان مطابق واقع نیست و ازدواج مجدد بر افرادی که گفتید واجب نمی‌باشد و اگر شرایط ازدواج برای افراد مجرد آسان بشود ظاهراً مشکل حل می‌شود.

سؤال ۱۰۸۵- شوهرم بدون اجازه من پول مرا به دخترش که از زن اول اوست، جهت تهیه جهیزیه داده است. استفاده کردن از این جهیزیه برای آن دختر و شوهرش چه حکمی دارد؟ لازم به تذکر است که آن دختر و شوهرش از راضی بودن من اطلاع ندارند. البته قبلاً خودم جهیزیه برای این دختر جمع‌آوری کرده بودم، ولی الآن راضی نیستم؛ اما شوهرم می‌گوید: «همان اجازه قبلی را عمل کرده‌ام و جهیزیه را به دخترم داده‌ام».

جواب: تصرف آن زن و شوهر در جهیزیه‌ای که بدون رضایت شما تهیه شده جایز نیست. و اگر قبلاً نمی‌دانسته‌اند باید بعد از اطلاع و آگاهی تصرف نکنند و اگر جهیزیه‌ای با میل خودتان قبلاً داده‌اید و هنوز موجود است می‌توانید بازپس بگیرید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۷

سؤال ۱۰۸۶- شنیده‌ام که اگر شوهری زنش را چهار ماه ترک کند از عقد او خارج می‌شود. شوهرم بعد از بچه سوم یک سال مرا ترک کرده، در صورتی که در یک منزل زندگی می‌کردیم. بعد یک بار با من نزدیکی کرده و من باردار شدم؛ لطفاً بفرمایید: الف) آیا بچه چهارم ما نامشروع است؟

جواب: ترک کردن بیش از چهار ماه حرام است؛ ولی موجب جدایی مرد از زن نمی‌شود، بنابراین فرزند شما مشروع است.

ب) باز دو سال مرا ترک کرده و بعداً به مدت یک سال رابطه نزدیکی داشتیم. آیا کار ما نامشروع بوده است؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) ۱۸ سال است که شوهرم مرا ترک کرده است، در صورتی که زیر یک سقف زندگی می‌کنیم و او ۷۵ سال و من ۴۸ سال دارم، ولی من جلوی او حجاب نمی‌گیرم، آیا او به من نامحرم است؟

جواب: شما با هم محرم و زن و شوهر هستید و مشکلی از این جهت و از جهت عبادت ندارید.

د) من با تمام وجود کمبود شوهر را احساس می‌کنم و به خاطر فرزندانم طلاق نگرفته‌ام و شوهر دیگری اختیار نکردم. آیا عبادت من، مثل زن بیوه صحیح است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ه) من که ۲۱ سال در کنار شوهرم مانده‌ام، آیا می‌توانم مالی به عنوان غرامت از شوهرم بگیرم؟

جواب: هرگاه نفقه را گرفته‌اید، از او طلبی ندارید.

و) شوهرم قبل از من دو زن، سه دختر و سه پسر دارد و خانه آنها جداست. من خانه خود را به عنوان حق الزحمه از شوهرم می‌خواهم، ولی ما در روستا ساکن هستیم و ساختمان ما سند رسمی ندارد او می‌خواهد وصیتنامه بنویسد و به من

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۸

انتقال بدهد و تمام وسایل منقول و غیر منقول خود را به من ببخشد. آیا دستخط خودش قابل قبول است؟

جواب: آری دستخط خودش قابل قبول است؛ ولی توجه داشته باشید آن را به عنوان حق الزحمه بگیرید و دو نفر شاهد نیز پای آن را امضا کنند که کسی نتواند آن را انکار کند.

سؤال ۱۰۸۷- مردی با زنی ازدواج می‌نماید، در حالی که زن، در کرمان و مرد در یزد شاغل بوده است و هر دو با علم و اطلاع از شغل و محل کار همدیگر ازدواج نموده‌اند، حال مرد می‌گوید: «چون اختیار مسکن با من است باید به یزد بیایی» و زن می‌گوید: «اگر بخواهم به یزد بیایم شغل و سابقه ده‌ساله خدمتم از دست می‌رود، تو زمانی که با من ازدواج کردی می‌دانستی که من در کرمان شاغل هستم، لذا بنای ازدواج بر کار کردن در کرمان بوده است، پس من با تو نمی‌آیم». آیا حق با مرد است یا با زن؟
جواب: اگر طرفین از وضع یکدیگر آگاه بوده‌اند و عرف و عادت محل بر پیروی زن در چنین موردی از مرد نباشد، راهی جز توافق و تراضی طرفین بر محل سکونت نیست.

سؤال ۱۰۸۸- در محلی رسم است که از طرف داماد در ایام عید گوسفندی به عنوان عیدی به منزل عروس می‌برند، این گوسفند ملک کیست؟ عروس یا پدرش یا برادرانش؟
جواب: اگر قبل از آمدن عروس به خانه شوهر هدایایی ببرند، مال عروس است.

سؤال ۱۰۸۹- زن و مردی به هنگام ازدواج مسیحی بوده‌اند، زن بعداً اسلام را قبول می‌کند، ولی مرد مسیحی می‌ماند. شوهر، زن خود را بر انجام فرائض دینی تشویق می‌کند و می‌خواهد که فرزندان او هم مسلمان بشوند. وقتی از او سؤال می‌شود که استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۶۹

شما چرا اسلام را قبول نمی‌کنید؟ جواب می‌دهد: هنوز وقت این امر نرسیده است، حکم این زن چیست؟
جواب: در صورتی که شوهر مسلمان نشود، زن بدون طلاق از او جدا می‌شود و عده نگه می‌دارد و شوهر می‌کند؛ مگر این که مرد در باطن مسلمان باشد؛ هر چند به عللی حاضر به اظهار آن نگردد.

سؤال ۱۰۹۰- همان گونه که می‌دانید روز به روز فاصله بین بلوغ جنسی و سن ازدواج، رو به افزایش است و اکنون به حدود ۱۲ الی ۱۳ سال رسیده است (چه در مورد دختران و چه در مورد پسران)؛ این مسأله باعث شده که روابط پنهانی و نامشروع دختران و پسران از اصلی‌ترین مشکلات جوانان به حساب آید. در این رابطه‌ها حرمت شرعی ۱۰۰٪ است و گاهی آثار و تبعات اجتماعی و روانی نیز به دنبال دارد. حال سؤال این است که با توجه به خودداری جوانان از ازدواج (به دلیل مشکلاتی مانند تحصیل، شغل و مسکن) و سود بخشیدن تفریحاتی مانند ورزش، و غیره و همچنین نپذیرفتن ریاضت و رهبانیت در طی این دوران (و بلکه ناممکن بودن آن در بعضی اوقات) و از همه مهمتر روا نبودن سکوت در مقابل این همه خلاف شرع و اثراتی که از بُعد معنوی و عبودی بر روح و جان جوانان می‌گذارد لطفاً بفرمایید که:

آیا دعوت عمومی دختران و پسرانی که دارای روابط نامشروع هستند و به ادامه آن اصرار می‌ورزند، با حفظ همان میزان رابطه، به ازدواج غیر دائم، با اذن ولی یا بدون اذن ولی، صحیح است؟ آیا این عمل اخراج از حرام به حلال است، که در برخی روایات ابواب متعه به آن اشاره شده است؟

جواب: دعوت به سوی این رابطه ظاهراً مشروع، مفسد زیادی در بر دارد و تجربه نشان داده که غریزه سرکش جنسی هرگز آنها را در یک مرحله محدود نمی‌کند؛ بلکه غالباً به مراحل دیگر می‌کشاند که سبب مشکلات عظیم برای جامعه استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۰

می‌گردد. بعلاوه چون این گونه ارتباط مسئولیت و تقید خاصی همراه ندارد، در یک نفر محدود نمی‌شود و ممکن است یک فرد با چند نفر نیز رابطه برقرار کند که مفسد آن بر کسی مخفی نیست.

بنابراین، از چنین طریقی در شرایط فعلی جامعه ما باید صرف‌نظر کرد و به طرق دیگر، از جمله تشویق به ازدواج‌های ساده، ازدواج‌هایی در حد عقد بدون عروسی و همچنین مبارزه با عوامل تحریک‌کننده اقدام شود، که اگر این عوامل کم شود مسأله بسیار محدودتر خواهد شد. تشویق به سرگرمی‌های سالم مانند ورزش و غیر آن نیز سهمی در کنترل این امر دارد، منتها باید جوانان را

تشویق کرد در ورزش از لباسهای مناسب استفاده کنند، تا نتیجه معکوس ندهد.

سؤال ۱۰۹۱- اگر یکی از زوجین در غیاب زوج دیگر و در حین مکاتبه با او، از جملات و کلماتی استفاده نماید که موجب تحریک نویسنده و خواننده شود، آیا این کار جایز است؟ (منظور از نویسنده و خواننده زوجین است؛ نه بیگانه)
جواب: در صورتی که نامه آنها به دست دیگری نیفتد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۹۲- آیا ازدواج شخصی که قبلاً عمل منافی عفت انجام داده، با دختر باکره جایز است؟ آیا اظهار این مطلب لازم است؟
جواب: ازدواج او اشکالی ندارد؛ ولی اظهار کار خلاف جایز نیست؛ همین اندازه که توبه واقعی کند، کافی است.

سؤال ۱۰۹۳- شوهرم پس از بیست سال زندگی مشترک و با داشتن دو فرزند، بدون اجازه این جانب، همسر دومی اختیار نموده که باعث پاشیدگی زندگی مشترکمان شده، و از آن تاریخ اصلاً رعایت عدالت را در هیچ زمینه‌ای ننموده است. یک بار که شوهرم در منزل همسر دومی بود به آنجا رفتم که مشاجره لفظی کوتاهی بین من و همسر دوم او اتفاق افتاد، بدین جهت شوهرم مرا نزد همسر دومی به شدت کتک زد که منجر به خونریزی بینی گردید و از آن روز به بعد به ناچار در منزل پدرم به سر استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۱

می‌برم، زیرا در منزل خودم احساس امتیاز نمی‌کردم. اکنون همسرم شرط بازگشت به زندگی و شروع مجدد آن را منوط به عذرخواهی از همسر دوم می‌داند و می‌گوید: «باید از آن کتک کاری نیز بگذری». این امر موجب از بین رفتن غرور من نزد فامیل و فرزندانم می‌باشد، لذا خواهشمند است شرعاً تکلیف مرا در این مورد معین کنید.

جواب: چنانچه شما به همسر دوم اهانت کرده‌اید وظیفه شما این است که حلیت بطلبید؛ ولی شوهر شما نمی‌تواند بازگشت به زندگی را مشروط به این کار کند و اگر شوهر شما، شما را زده و مجروح کرده، باید دیه بدهد یا از شما حلیت بطلبد و محیط امن و امانی را برای زندگی شما فراهم سازد و بدانید این گونه مشکلات جز با مدارا کردن طرفین و عفو و گذشت و رعایت اصول عدالت، حل نخواهد شد.

سؤال ۱۰۹۴- دو سال پیش تجدید فراش کردم. از زمان ازدواج مجدد، همسر اولم بنا را بر بی‌حرمتی، فحاشی و اهانت‌های بسیار زنده گذاشته است. در آخرین بار همسر اولم پس از شکستن شیشه‌های درب ورودی منزل همسر دوم و ورود بعنف به منزل، با درگیری با من و فحاشی بسیار زنده و تهدید نسبت به همسر دوم، با من درگیر شد که بی‌اختیار او را کتک زدم (البته چنانچه دیه‌ای داشته باشد، مرقوم فرمایید تا بردارم). با این توضیحات لطفاً بفرمایید که آیا عذرخواهی همسر اولم از همسر دوم به خاطر تهدیدات زیاد و فحاشی و بدگویی و گفتن کلمات بسیار زنده و موهن، که باعث تزلزل شدید زندگی من شده است، لازم است؟
جواب: اول این که شما باید در چنین شرایطی با نهایت خویشتن‌داری و صبر و حوصله و تحمل مشکلات، رفتار نمایید و در بسیاری از موارد برای حفظ حیثیت خود و جلوگیری از تشنج از حقوق خود بگذرید.
دوم این که اگر همسر اول ناراحتی برای همسر دوم ایجاد کرده (یا بالعکس)، باید از طریق عذرخواهی و طلب حلیت جبران کند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۲

سؤال ۱۰۹۵- با توجه به این که قرار نامزدی تا قبل از وقوع عقد طبق قانون مدنی موجب علقه زوجیت نمی‌باشد، لطفاً بفرمایید: رفتن دو نامزد پسر و دختر باکره، یا دو نامزد مرد و زن بیوه به تنهایی به خیابان یا خارج از شهر و یا به شهر دیگری غیر از شهر خود بمنظور تفریح و گردش جایز است؟ یا این که مشمول تعزیرند؟
جواب: مادام که عقد شرعی خوانده نشده باشد جایز نیست.

سؤال ۱۰۹۶- این جانب مدت سه سال است که خواستگار دارم؛ ولی به علت این که خواهر بزرگترم ازدواج نکرده، خانواده‌ام به خواستگارنم جواب رد می‌دهند. در حال حاضر ۲۷ سال سن دارم. آیا جایز است که بنده برای حفظ حرمت خواهرم ازدواج نکنم؟

اگر ازدواج کنم آیا در حق خواهرم خیانت کرده و دچار معصیت شده‌ام؟

جواب: شما شرعاً و اخلاقاً می‌توانید ازدواج کنید و خیانت و بی‌احترامی نسبت به خواهرتان نخواهد بود.

سؤال ۱۰۹۷- بعضی از دختران با سن بالا (۳۰ و ۳۵ سال) خود را در محدودیتهایی از نظر ازدواج قرار می‌دهند، مثلاً می‌گویند: «فقط با سادات ازدواج می‌کنیم». آیا در چنین شرایط سنی، دختران می‌توانند خود را در چنین محدودیتهایی قرار بدهند، و ازدواج خود را به تأخیر بیندازند؟

جواب: این گونه محدودیتهایا به مصلحت دختران نیست؛ حتی اگر نذر کنند و آن نذر سبب مشکلاتی در زندگی آنان شود، آن نذر هم اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۹۸- بعضی از مؤمنین نذر می‌کنند که دختر خود را فقط به سید بدهند، بر اثر این محدودیتهایا گاهی برخی از دختران تا سن ۳۰ سالگی، بلکه بالاتر، هنوز ازدواج نکرده‌اند. آیا چنین وضعی، ظلم به دختران و خلاف عقل و شرع به حساب نمی‌آید؟ آیا پدر و مادر از نظر دستور شرع، حق دارند که چنین محدودیتی را در ازدواج دختر خود ایجاد کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۳

جواب: پدر و مادر حق ندارند درباره دختر یا پسر خود نذر کنند، یا محدودیتی از این نظر قائل شوند؛ حتی اگر خود دختران هم نذر کنند و سبب بروز مشکلاتی شوند، نذرشان اعتباری ندارد.

سؤال ۱۰۹۹- آیا در ازدواج، اخذ پول گراف اضافه بر مهریه از داماد جایز است؟ به گونه‌ای که اگر تهیه نشود عروسی معطل می‌ماند، در حالی که افراد پولداری که کفو دختر نیستند بدون در نظر گرفتن رضایت دختر، با پدر و مادر او سازش کرده، پول می‌دهند و دختر را می‌گیرند؛ اما جوان بی‌پول، و لو هم کفو دختر باشد، محروم می‌ماند. آیا در چنین مواردی اخذ پول جایز است؟

جواب: در ازدواج تنها پرداختن مهریه و آنچه در عقد شرط شده لازم است و در همه حال رضایت دختر شرط است، و مهریه و شرایط، منوط به رضایت زوج و زوجه است و زاید بر آن مشروع نیست. و سزاوار است مسلمانان در تمام این موارد از سختگیری و هزینه‌های گراف پرهیز نمایند.

سؤال ۱۱۰۰- با توجه به این که زن و مرد شریک زندگی یکدیگرند آیا مرد می‌تواند بدون اذن زن خود وجهی به دیگران بذل و یا کمک کند، همچنین آیا زن می‌تواند بدون اذن مرد از درآمد شوهر، و لو به صورت صدقه، به کسی بذل و بخشش کند؟

جواب: مرد و زن هر کدام اختیاردار مال خویش هستند؛ و بدون رضایت دیگری حق تصرف در مال او ندارند.

سؤال ۱۱۰۱- آیا زوج می‌تواند طلاهایی را که برای زوجه‌اش در زمان عقد یا عروسی یا پس از آن خریده و تحویل او داده است و معلوم نیست که قصد تملیک داشته یا نه؟ و نیز وضعیت هبه آن نامعلوم است، هر چند احتمال هبه در قبال اعمال مشروع غیر از استمتاع زیاد است، استرداد نماید؟

جواب: ظاهر کار این است که آنها به او بخشیده شده است؛ ولی باز پس گرفتن آن مادامی که اصل آن موجود باشد جایز است؛ اما اگر آن را تبدیل کرده شوهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۴

نمی‌تواند آن را باز پس بگیرد.

سؤال ۱۱۰۲- من در قم مشغول دروس حوزوی می‌باشم، زن و فرزندانم در افغانستان تحت سرپرستی پدر و مادرم می‌باشند. می‌خواهم آنها را نزد خودم بیاورم؛ اما پدر و مادرم از شدت علاقه‌ای که به نوه‌هایشان دارند اجازه این کار را نمی‌دهند، وظیفه من و پدر و مادرم را بفرمایید.

جواب: شما شرعاً می‌توانید آنها را نزد خود بیاورید؛ ولی بهتر این است که سعی کنید پدر و مادر را نیز راضی کنید.

سؤال ۱۱۰۳- حکم اسلام در مورد ختنه دختران چیست؟ و مراد از ختنه دختران چه می‌باشد؟

جواب: در مورد ختنه دختران و زنان آنچه از منابع فقه و حدیث شیعه و اهل سنت استفاده می‌شود این امور است:

الف) ختنه کردن دختران و زنان نزد علمای شیعه به اجماع و اتفاق واجب نیست؛ ولی حکم به استحباب آن کرده‌اند. «۱»

ب) نزد علمای اهل سنت نیز مشهور عدم وجوب است و «ابن قدامه» در «مغنی» تصریح کرده که قول اکثر اهل علم عدم وجوب است. «۲»

ج) در روایات شیعه تصریح به عدم وجوب شده است، مرحوم صاحب وسائل احادیث متعددی در این زمینه دارد، از جمله در خبر أبو بصیر از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «أما السنّة فالختان علی الرجال و لیس علی النساء» و در همان باب روایات دیگری نیز نقل می‌کند؛ در کتب حدیث عامه در مسند احمد حنبل نیز عدم وجوب آن در مورد زنان از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است. «۳»

د) در مورد طریقه آن در روایات تصریح شده که آن عضو مخصوص از ریشه

(۱). جواهر الکلام، جلد ۳۱، صفحه ۲۶۲.

(۲). مغنی ابن قدامه، جلد ۱، صفحه ۱۰۰ و ۱۰۱.

(۳). وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۶۶، باب ۵۶، ابواب احکام اولاد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۵

برداشته نشود؛ بلکه تنها قسمت بالای آن برداشته شود؛ توضیح این که در بالای فرج قطعه گوشت کوچکی وجود دارد که ختنه مربوط به آن است. «۱»

ه- در حال حاضر در محیط اسلامی به این امر عمل نمی‌شود؛ زیرا به اتفاق علمای شیعه جزء واجبات نیست و لزومی ندارد اقدام به چنین کاری کنند. «۲»

سؤال ۱۱۰۴- آیا کادو و هدایایی را که بستگان عروس، که فامیل داماد نیستند، می‌آورند تماماً متعلق به عروس (زوجه) است؟

جواب: آری متعلق به زوجه است؛ مگر این که بگویند متعلق به داماد است، و یا قرائن قطعی حکایت از آن کند.

سؤال ۱۱۰۵- اگر عروس و دامادی با هم فامیل باشند، آیا کادو و هدایایی که ضمن عروسی برای ایشان می‌آورند، متعلق به هر دوی ایشان است؟

جواب: آنچه زنانه است متعلق به عروس و آنچه مردانه است متعلق به داماد و بقیه مشترک است.

سؤال ۱۱۰۶- آیا بطور کلی و در هر صورت پس از فوت زوجه، جهیزیه او جزء ماترک است؟

جواب: جهیزیه، جزء ماترک زوجه است.

سؤال ۱۱۰۷- مرکز توانبخشی و نگهداری معلولین ذهنی «امید سروستان» حدود ۱۰۰ نفر از عقب‌افتادگان ذهنی و جسمی پسر بالای

۱۵ سال را بطور شبانه‌روزی، سرپرستی و نگهداری می‌کند، این عده طبیعتاً دارای غریزه جنسی بوده و چون در محیط شبانه‌روزی

زندگی می‌کنند ممکن است در بعضی مواقع و به دور از چشم مددیاران اقدام به کارهای نامشروعی کنند. این اعمال:

الف) از نظر اسلام گناه است.

(۱). مسند احمد، جلد ۵، صفحه ۷۵.

(۲). وسائل الشیعه، جلد ۱۲، ابواب ما یکتسب به، باب ۱۸، حدیث ۱، صفحه ۹۲.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۶

(ب) باعث شیوع امراض مقاربتی می‌گردد.

(ج) ممکن است به صورت عادت همه گیر شود.

(د) خطر شیوع بیماری ایدز هم وجود دارد.

با توجه به مشکلات ذکر شده و این که برای این گونه افراد معلول ذهنی ازدواج ممنوع می‌باشد، آیا می‌توان این گونه افراد را به طرق مختلف پزشکی، یا با اعمال جراحی از گزینه جنسی محروم کرد؟

جواب: محروم کردن آنها از گزینه جنسی جایز نیست؛ ولی می‌توان به وسیله داروهایی که مثلاً در غذای آنها ریخته می‌شود، یا از طرق دیگر، گزینه جنسی آنها را کم کرد تا به سراغ این امور نروند.

سؤال ۱۱۰۸- آیا در شرع مقدّس اسلام تغییر سنّ شرعی و قانونی ازدواج دختران از ۹ سال به ۱۵ سال مجاز است؟

جواب: سنّ نه سالگی سنّ تکلیف است و الزاماً سنّ ازدواج نیست.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۳۷۶

توضیح این که ازدواج در صورتی جایز است که دختر رشد جسمانی کافی برای ازدواج داشته باشد و در صورتی که کارشناسان بطور خصوص یا بطور عام تأیید کنند که فلان دختر یا عموم دختران در محیط ما، در فلان سن، رشد جسمانی کافی برای ازدواج ندارند، ازدواج در چنان سنّی حرام است.

به تعبیر دیگر بلوغ به حسب ادله شرع چهار مرحله دارد.

الف) بلوغ به معنای سنّ تکلیف و رعایت واجب و حرام و نماز و مانند آن.

ب) بلوغ به معنای آمادگی برای روزه بطوری که مایه ضرر و زیان و بیماری پسران و دختران نشود.

ج) بلوغ برای ازدواج بطوری که دختران از نظر جسمی آمادگی کافی داشته باشند و خطر افضا و نقایص دیگری در کار نباشد.

د) بلوغ و رشد برای مسائل اقتصادی و مالی بطوری که در معاملات مغبون نشوند. از آنچه در بالا گفته شد جواب سؤال روشن شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۷

فصل سی و یکم: احکام طلاق

شرایط طلاق

سؤال ۱۱۰۹- شخصی می‌خواهد همسر خود را که دوشیزه و غیر مدخوله می‌باشد، طلاق بدهد؛ آیا در این طلاق شرط است که زوجه از حیض پاک باشد؟

جواب: در زوجه غیر مدخوله، خالی بودن از حیض شرط نیست.

سؤال ۱۱۱۰- آیا پسران زن و شوهر می‌توانند به عنوان شهود طلاق والدین خود باشند؟

جواب: اگر پسران او بالغ و عادل باشند، می‌توانند شهود طلاق شوند.

سؤال ۱۱۱۱- در مورد طلاق اهل تسنن شنیده شده است که آنها، مخصوصاً شافعی‌ها، صیغه طلاق جاری نمی‌کنند؛ بلکه به صرف اراده جدایی و لفظ «تو مطلقه‌ای» اکتفا می‌کنند، آیا صحت دارد؟ آیا حضور شاهدین عدلین را لازم نمی‌دانند؟

جواب: طلاق اهل تسنن اگر واجد شرایط شرعیّه، مانند شاهدین عدلین، نباشد در مورد شیعیان کفایت نمی‌کند؛ ولی درباره خودشان اگر چنین طلاق دارند از باب قاعده الزام طلاقشان مقبول است و مشهور در میان آنان عدم اعتبار شاهدین است؛ بلکه شیخ در «خلاف» اجماع فقهای اهل سنت را بر عدم اعتبار شاهدین ادعا می‌کند.

سؤال ۱۱۱۲- زن و شوهری ایرانی و شیعه پس از چند سال زندگی مشترک، در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۸

ایران از یکدیگر طلاق گرفته‌اند. سپس هر دو به استرالیا هجرت کرده و پس از ۵ سال مجدداً با یکدیگر ازدواج می‌کنند. مجری این ازدواج یک نفر سنی بوده که در عرف ایرانیان مقیم «سیدنی» به عنوان وکیل ازدواج شرعی معروف بوده و هست. پس از ازدواج دوباره از یکدیگر طلاق می‌گیرند، لیکن این بار طلاق مدنی بوده (مطابق قوانین استرالیا) و طلاق شرعی انجام نشده است. سپس بعد از دو سال زن توسط همان عاقد با مرد دیگری ازدواج نموده و اکنون باردار است. زن اخیراً مطلع شده که طلاق استرالیایی او از شوهر اولش از نظر شرعی معتبر نیست و لذا ازدواج با شوهر دوم نیز دچار اشکال است. ایشان اظهار می‌دارد مطلقاً تصور نمی‌کرده که طلاق دادگاه استرالیایی بدون اعتبار باشد؛ خصوصاً که وکیل فوق‌الذکر، ازدواج مجدد ایشان را با همسر دوم اجرا کرده است. اکنون زن و همسر دوم بسیار نگرانند، حل مشکل آنها چگونه است؟

جواب: با توجه به این که طلاق فاقد شرایط شرعیّه، یعنی حضور دو شاهد عادل بوده، باطل است و زن در عقد شوهر اول است و حتی اگر از شوهر اول طلاق شرعی بگیرد، ازدواج او با شوهر دوم مشکل است؛ مگر این که ثابت شود که ازدواج دوم زن با شوهر اول باطل بوده است، در این صورت مشکلی با شوهر دوم ندارد.

سؤال ۱۱۱۳- یکی از برادران اهل سنت زوجه خویش را در یک جلسه و در حالت عصبانیت سه طلاق کرده است، علمای اهل سنت گفته‌اند: «طلاق بائن واقع شده و زوجه‌اش بر او حرام شده است و باید محلّل بگیرد». اگر آن مرد سنی شیعه شود چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که نسبت به آنچه در گذشته واقع شده معامله مذهب سابق را کند، یعنی احتیاطاً محلّل بگیرد.

سؤال ۱۱۱۴- شخصی زوجه مدخول بهای خود را طلاق می‌دهد و تمام مهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۷۹

المسمی را به زوجه پرداخت می‌کند، زوجه فقط نفقه ایام عدّه را به زوجهش بذل و گذشت می‌نماید، در قبال بذل نفقه ایام عدّه، آیا طلاق خلعی می‌باشد یا رجعی؟ (در صورتی که مهریه را خود دریافت می‌نماید).

جواب: بذل نفقه ایام عدّه کافی نیست؛ زیرا هنوز نفقه‌ای واجب نشده است؛ بعلاوه زوجه مختلعه نفقه ندارد، نفقه مخصوص مطلقه رجعیّه است، بنابراین طلاق مذکور رجعی است.

عدّه

سؤال ۱۱۱۵- زنی به عقد ازدواج مردی در می‌آید و سپس عروسی می‌کنند و به خانه شوهر می‌رود، مرد توان نزدیکی ندارد؛ ولی استمتاع دیگر غیر از نزدیکی صورت گرفته است، متأسفانه زندگی مشترک آنها منجر به طلاق می‌شود، آیا زن باید عدّه طلاق نگهدارد؟ و در صورت طلاق، آیا مهریه زن نصف می‌شود؟ آیا زن برای ازدواج بعدی باز احتیاج به اذن پدر یا جدّ دارد؟ آیا این دختر می‌تواند خود را به عقد موقت دیگری درآورد؟

جواب: در فرض مسأله زن عدّه ندارد و مهر او با طلاق نصف می‌شود و هنوز حکم باکره را دارد.

سؤال ۱۱۱۶- اگر شخصی زنی را برای خود عقد دائم یا موقت نماید و تمام تمتعات (غیر از دخول) را ببرد و بعداً او را طلاق بدهد،

یا مدتش تمام بشود، یا مدتش را ببخشد، آیا در این صورت می‌تواند بدون رعایت عده طلاق، خواهر یا دختر آن زن را عقد کند؟
جواب: چنین زنی عده ندارد و ازدواج با خواهر یا دختر او بلامانع است.

سؤال ۱۱۱۷- شخصی زن غیر یائسه‌ای را به عقد موقت خود به مدت ۶ ماه درمی‌آورد و قبل از اتمام مدت (مثلاً پس از دو ماه) مابقی مدت را (که چهار ماه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۰

می‌باشد) بخشیده و آن زن را به عقد دائم خود در می‌آورد؛ لطفاً بفرمایید:

الف) آیا عده لازم است؟

جواب: عده لازم نیست، هر چند دخول حاصل شده باشد.

ب) با توجه به این که آثار عقود از زمان انعقاد عقد جاری می‌شود، چنانچه در فرض بالا، پس از بذل مدت، زن را به عقد دائمی خود در آورد و قبل از دخول طلاق دهد، آیا در اینجا نگهداشتن عده بعد از طلاق لازم است؟

جواب: چنانچه زن بخواهد با دیگری ازدواج کند باید عده نگهدارد.

ج) اگر عده لازم است مدت عده دو طهر است یا سه طهر؟ و به عبارتی زن باید عده بذل مدت را نگه دارد، یا عده طلاق را؟

جواب: با توجه به این که طلاق قبل از دخول بوده عده ندارد؛ ولی باید باقیمانده عده عقد موقت را نگه دارد.

د) در فرض مسأله بالا، آیا زن مصداق غیر مدخول بها در عقد دائم می‌باشد؟

جواب: نسبت به عقد دائم مصداق غیر مدخول بهاست؛ ولی نسبت به عقد موقت سابق چون مدخول بها بوده عده او باقی است؛ هر چند بقای عده مزاحم ازدواج شوهر سابق نمی‌باشد؛ ولی مانع ازدواج دیگران خواهد بود.

ه- در صورتی که جواب منفی است، دلیل آن چیست؟ آیا عنوان مدخوله‌ای که ناشی از عقد متعه می‌باشد می‌تواند در عقدی که بعداً منعقد شده و آثار خاص آن بر آن بار می‌شود تأثیر بگذارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۱۸- عده زنان بدون رحم (یعنی زنی که رحمش را برداشته‌اند) چقدر است؟

جواب: زنانی که رحم ندارند و طبعاً حائض نمی‌شوند و به سن یائسگی نرسیده‌اند باید سه ماه عده طلاق نگه دارند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۱

سؤال ۱۱۱۹- آیا زن در صورت یقین به عدم انعقاد نطفه، می‌تواند قبل از سپری شدن ایام عادت اقدام به ازدواج کند؟

جواب: عده در واقع حریم زوجیت است و فلسفه و حکمت آن منحصر به انعقاد نطفه نیست؛ به همین دلیل اگر مرد سالها جدا از زن خود زندگی کند، یا در مسافرت باشد بعد از طلاق، عده بر زن مدخوله غیر یائسه واجب است.

سؤال ۱۱۲۰- امروزه از نظر پزشکی امکانات آزمایشگاهی و تجهیزاتی نظیر سونوگرافی وجود دارد که در کوتاهترین زمان می‌توان بطور قطع، یقین حاصل نمود که زنی در اثر همبستری و نزدیکی باردار شده است یا خیر؟ حال با چنین فرضی، آیا مدت عده طلاق همان است که قبلاً در احکام آورده شده، یا قابل تغییر است؟

جواب: همان گونه که قبلاً اشاره شد عده تنها مربوط به مسأله بارداری نیست؛ بلکه در واقع حریم زوجیت است؛ لذا اگر زنی چند سال از شوهرش دور باشد سپس او را طلاق دهد، باید عده نگه دارد.

سؤال ۱۱۲۱- امروزه با استفاده از دارو (خوراکی- تزریقی)، یا به کار بردن وسایل پیشگیری پزشکی، بطور قطع می‌توان از بارداری زن جلوگیری کرد، با چنین فرضی آیا بر زنانی که از امکانات فوق استفاده می‌کنند لازم است عده نگه دارند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۲۲- در صورتی که زمان فهمیدن اشتباه در وطی به شبهه مدتی پس از وطی باشد، آیا در این صورت نیز نگاه داشتن عدّه لازم است؟

جواب: احتیاط نگاه داشتن عدّه است.

سؤال ۱۱۲۳- هرگاه زنی از شوهر خود بصورت خلع طلاق گرفته باشد و قبل از پایان مدّت عدّه طلاق شوهرش از دنیا برود، آیا چنین زنی عدّه وفات نیز دارد؟

جواب: در این گونه موارد که طلاق، طلاق بائن است عدّه وفات ندارد؛ هر چند احتیاط بهتر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۲

طلاق خلع و مبارات

اشاره

سؤال ۱۱۲۴- زنی برای شوهرش چنین می نویسد: «مهرم را می بخشم و آنچه از شما گرفته‌ام پس می‌دهم و هر آنچه داده‌ام را می‌بخشم، به شرط این که مرا طلاق دهی» شوهر در جواب گفته است: «به این درخواست با شرایط فوق موافقت می‌کنم» حال سؤال این است که:

الف) آیا این ورقه موافقت بدوی، طلاق به حساب می‌آید؟

ب) آیا این نوشته دلالت بر وکالت ضمنی می‌کند؟

ج) اگر شخص ثالث با استناد به این ورقه صیغه طلاق را جاری کند، آیا طلاق صحیح است؟

جواب: طرفین باید به شخص ثالثی وکالت بدهند که در مقابل بذل اموال مزبور صیغه طلاق خلع را با حضور عدلین جاری کند.

سؤال ۱۱۲۵- بر مبنای توافق زوجین قرار شد زوجه علاوه بر مهریه، مبلغی را نیز جهت طلاق خلع به شوهر بپردازد؛ ولی بعد از اجرای طلاق خلع، زوجه، یا وکیل او از دادن مال مورد توافق امتناع می‌ورزند. زوج نیز به مجرد امتناع زوجه از بذل مال در همان

زمان، رجوع خویش را به همسر و خانواده‌اش اطلاع می‌دهد، آیا در این فرض بعد از رجوع و احراز آن، طلاق بر هم می‌خورد؟

جواب: هرگاه عدم پرداخت به عنوان رجوع به بذل باشد زوج حق دارد رجوع کند و اما اگر صرفاً تعللی در پرداخت بوده باشد زوج حق رجوع ندارد و ازدواج زن بعد از عدّه جایز است، و زوج می‌تواند طلب خود را از زوجه بگیرد.

سؤال ۱۱۲۶- مردی در قبال بذل مهریه زوجه، او را طلاق داد، و در ضمن آن حضانت فرزند خردسال خود را برای همیشه به زوجه داده است، آیا بعد از گذشت ایام عدّه و یا چند سالی که طفل هنوز صغیر است، مرد می‌تواند تقاضای استرداد طفل را بنماید؟ و

اگر بتواند، آیا زن هم می‌تواند به مهر خود رجوع و آن را مطالبه نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۳

جواب: با موافقت طرفین قرارداد به هم می‌خورد.

سؤال ۱۱۲۷- زوجه در طلاق خلع، که قبل از دخول صورت گرفته است، تمام مهر خود را به زوج بذل نموده است؛ آیا زوج حق دارد نصف مهر را بعد از طلاق مطالبه نماید؟

جواب: حق ندارد.

سؤال ۱۱۲۸- خانم مطلقه به طلاق خلعی با رجوع شوهرش موافقت کرده است؛ مدّت زیادی عمل زناشویی انجام داده‌اند؛ ولی زوجه رجوع به بذل نکرده است. با توجه به این مقدمه به سؤالات زیر پاسخ فرماید:

الف) آیا عمل آنها صحیح است؟

جواب: تازن رجوع به بذل نکند زوج حق رجوع ندارد؛ ولی می‌تواند با توافق طرفین او را عقد جدید بنماید.

ب) آیا کار آنان زناست، یا وطی به شبهه محسوب می‌شود، و یا رجوع قهری حساب می‌شود؟

جواب: چون جاهل به مسأله بوده‌اند وطی به شبهه است و رجوع قهری محسوب نمی‌شود و زنا هم نیست.

ج) چنانچه بچه‌دار شوند، کیفیت ارث چگونه است؟ تکلیف فعلی آنان چیست؟ آیا باید از هم جدا شوند، یا نیاز به طلاق مجدد دارند؟

جواب: اولاد ایشان ملحق به ایشان است و در جمیع احکام مانند بچه حلال‌زاده است؛ ولی اگر از این به بعد بدون عقد جدید با هم آمیزش کنند زنا محسوب می‌شود.

د) در صورتی که بدون طلاق جدا شوند علی القاعده باید عدّه نگه دارد. آیا از وقتی که از شوهر جدا می‌شود عدّه شروع می‌شود یا بعد از توجّه؟ در صورتی که رجوع قهری حساب شود، آیا زن مالک مهریه مبذوله می‌شود یا نه؟ در صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۴

امکان تمام شقوق محتمله در این موضوع را بیان فرماید.

جواب: به واسطه دخول مستحقّ مهر المثل می‌باشد و احتیاط واجب آن است که زن عدّه نگه دارد و اگر عدّه طلاق خلع تمام نشده بنا بر احتیاط واجب باید بقیه عدّه را بگیرد و بعداً عدّه‌ای هم برای وطی به شبهه نگه‌دارد.

سؤال ۱۱۲۹- در طلاق خلع زوجه با بذل مهریه، یا عند اللزوم مازاد بر آن، طلاق خود را از زوج تقاضا می‌نماید. سؤال این است که:

الف) آیا بذل مهریه و مازاد بر آن در قالب عقد هبه ضمن طلاق خلع صورت می‌گیرد؟ اصولاً تملیک زوجه نسبت به زوج در طلاق خلع از لحاظ فقهی تحت چه عنوانی از عناوین فقهیه است؟

جواب: بذل زوجه نوعی هبه معوضه است؛ ولی احکامی مخصوص به خود دارد.

ب) در صورتی که زوجه در طلاق خلع و در زمان عدّه به مبذول خود رجوع نماید آیا محض رجوع وی، مهریه یا مال دیگری که توسط زوجه بذل شده، قهراً به ملکیت زوجه برمی‌گردد و یا برگشت مال به ملکیت زوجه مستلزم رجوع زوج است و تا زمانی که زوج رجوع نکرده مال مبذول در ملکیت زوج باقی است و تنها اثر رجوع زوجه به بذل این است که طلاق خلع که بائن است تبدیل به طلاق رجعی می‌شود؟

جواب: صحیح همان تعبیر اول است؛ یعنی به محض رجوع زوجه به بذل، مالکیت او بازمی‌گردد.

سؤال ۱۱۳۰- چهار سال قبل از همسر به طلاق خلع جدا شدم؛ خانم در زمان عدّه تلفن کردند و بنده را همراه تنها فرزندمان دعوت کردند، رجوع و نزدیکی انجام گرفت. بعد نشستیم و صحبت کردیم و مطالب زیر مطرح شد:

۱- ما شرعاً رجوع کردیم، ولی من محضر نمی‌آیم، برای این که اگر اداره باخبر شود بنده را اخراج می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۵

۲- حقوق خود را دیگر به شما نمی‌دهم. گفتم چه بهتر، شما هر طور بخواهی می‌توانی انجام دهید.

۳- مهریه را که بخشیده بود طلب کرد، جواب دادم جای خود باقی است.

۴- از من خواست با برادرش صحبت کنم، که صحبت کردم و او را در جریان گذاشتم.

الف) آیا رجوع مزبور درست است؟ اگر درست نباشد من مرتکب گناه شده‌ام؟

ب) اگر رجوع درست باشد، آیا این خانم می‌تواند بدون جاری شدن صیغه طلاق با مرد دیگری ازدواج نماید؟ اگر با مرد دیگری

ازدواج کرده باشد، آیا این زن نسبت به من حرام است؟

ج) اگر زن بعد از رجوع مهر خود را ببخشد، آیا رجوع درست نیست؟

جواب: اگر قبل از اتمام عده، زن از مهریه‌ای که بخشیده برگردد و مرد پس از آن رجوع کند رجوع صحیح است و بدون طلاق مجدد از هم جدا نمی‌شوند و اگر زن بدون طلاق شوهر کند به شوهر اول حرام نمی‌شود؛ اما اگر بعد از تمام شدن عده رجوع کنند، رجوع باطل است.

سؤال ۱۱۳۱- این جانب با دختری ازدواج نمودم و بعد از ازدواج از او نفرت پیدا کردم؛ ولی از دادگاه تقاضای طلاق نکردم، اما دختر تقاضای طلاق کرد. من به دلایل عاطفی که دختر مذکور بدبخت نشود با طلاق مخالفت کردم. با توجه به این که قبلاً هم به این امر راضی هستم و می‌خواهم او را طلاق دهم و با توجه به این که دختر باکره است و فقط قسمت‌هایی از آلت مرد به مهبل دختر داخل شده است او را باید چه نوع طلاقی داد؟ اگر او را طلاق خلع باین داده باشند آیا طلاق صورت گرفته است؟ آیا ایشان باید عده نگه دارد؟ در ضمن دختر مهریه خود را بخشیده است.

جواب: اگر تمام حشفه داخل شده باشد عده لازم است، در غیر این صورت عده واجب نیست و دخول و عدم دخول تأثیری در نوع طلاق ندارد و اما نوع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۶

طلاق در صورتی که زوج مایل به طلاق نباشد، و لو به خاطر جهات عاطفی، و تنها زوجه مایل باشد طلاق خلع است و الا طلاق مبارات است.

سؤال ۱۱۳۲- اگر در ایام طلاق خلع، زن به مهر خود رجوع کند و زوج نتواند در یک قسط تمام مهر زوجه را پرداخت کند، یا از پرداخت مهر معسر باشد، یا بطور کلی از پرداخت مهر امتناع کند، آیا با این اوصاف طلاق به قوت خود باقی است، یا این که به صرف رجوع زن به مهر بدون رضایت زوج، طلاق باطل و ازدواج برقرار و مرد مکلف به ادامه زندگی زناشویی با زوجه است؟ یا این که طلاق برقرار و زوجه بایستی جهت وصول مهر خود، به مراجع صالحه مراجعه و اقامه دعوا نماید؟

جواب: در مدت عده، زن می‌تواند بذل خود را بازپس گیرد و شوهر حق ندارد امتناع کند و بعد از بازپس گرفتن طلاق رجعی می‌شود.

سؤال ۱۱۳۳- طلاقی که به درخواست زوجه و بدون موافقت زوج واقع می‌شود چه نوع طلاقی است؟ آیا قاضی دادگاه می‌تواند بدون رضایت زوج قبول بذل نماید و رأی به طلاق خلع دهد؟

جواب: در مواردی که دادگاه به خاطر تخلفاتی از سوی زوج حق طلاق دارد و بازگشت و رجوع سبب تجدید مشکل می‌شود، می‌تواند طلاق خلع دهد و بذل را از طرف زوج بپذیرد.

سؤال ۱۱۳۴- شخصی خانم خود را در حضور سه نفر عامی طلاق داده، ولی صیغه را به صورت «بذلت» و بدون «علی» خوانده است و خانم پس از اتمام عده، ازدواج کرده است. حکم این طلاق چیست؟

جواب: چنانچه بقیه صیغه را مطابق آنچه در رساله ما آمده است خوانده باشد، اشکالی ندارد؛ زیرا طلاق به هر صورت واقع شده است.

سؤال ۱۱۳۵- شخصی سنّی مذهب در کشور هند با دختری شیعه مذهب ازدواج می‌کند، پس از مدّتی در جایی دیگر با خواهر کوچکتر همسر خود ازدواج می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۷

حکم ازدواج این مرد با خواهر همسرش چگونه است؟ در صورتی که این کار حرام بوده، آیا می‌تواند پس از طلاق همسر خود،

دوباره آن خواهر را به عقد دائم خود در آورد؟

همسر وی پس از این جریان از شوهر خود تقاضای طلاق خلعی دارد و ۴ سال است که مکرراً از وی به وسیله نامه و یا تلفن این تقاضا را تکرار می‌نماید؛ ولی شوهر این زن در موعد مقرر برای طلاق حاضر نمی‌شود، این در حالی است که در صورت تمایل زن دادگاههای هند برای وی حکم طلاق صادر خواهند کرد؛ ولی ایشان می‌خواهد حکم شرعی خود را بداند. لطفاً بیان نمایید که در صورت عدم حضور شوهر، طلاق خلعی چگونه صادر خواهد شد و تکلیف این زن چیست؟ در ضمن شوهر او طلاق و نفقه نمی‌دهد.

جواب: الف) ازدواج او با خواهر دوّم حرام و باطل بوده و اگر مسأله را می‌دانسته حدّ شرعی دارد؛ ولی اگر خواهر اوّل را طلاق شرعی بدهد، بعد از پایان عدّه او، می‌تواند با خواهر دوّم ازدواج کند.

ب) در مورد طلاق خواهر اوّل، اگر آن مرد بدون عذر شرعی نفقه او را قطع کرده و با او زندگی نمی‌کند، حاکم شرع یا کسی که از طرف او مجاز است به او اتمام حجت می‌کند، اگر به وظیفه خود عمل نکرد می‌تواند زن را طلاق خلعی بدهد و نفقه آن مدّت را از او بگیرد، یا به جای مال خلع حساب کند.

سؤال ۱۱۳۶- لطفاً به سؤالات چهارگانه زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا برای مردی که طلاق رجعی یا خلعی داده، جایز است که همسر مطلقه‌اش را در زمان عدّه، عقد موقت کند؟

جواب: در طلاق خلع جایز است، و در طلاق رجعی در واقع رجوع به نکاح سابق است و نکاح جدیدی محسوب نمی‌شود.

ب) اگر شخص مزبور در زمان عدّه، صیغه عقد موقت را بخواند و در زمان عدّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۸

آمیزش کند، آیا این عقد موقت، رجوع محسوب می‌شود؟ در حالی که در طلاق رجعی، قصد رجوع ندارد و در طلاق خلع بدون رجوع به بذل، رجوع صحیح نیست.

جواب: در مواردی که رجوع جایز است، عقد مزبور، مصداق رجوع است و در طلاق خلع، عقد جدید محسوب می‌شود.

ج) در فرض مزبور، اگر عقد موقت رجوع محسوب نشود، عدّه طلاق پس از انتهای مدّت عقد موقت چه مقدار است؟

جواب: احتیاط آن است که عدّه خلع تکمیل شود، سپس عدّه عقد جدید را شروع کند.

د) اگر شوهر در فرض مسأله بالا در اثنای عدّه و حتی بعد از تمام شدن عدّه، چندین بار آمیزش کند و زن اکنون قصد دارد با مرد

دیگری ازدواج کند، عدّه‌ای که زن برای ازدواج با شوهر جدید باید نگهدارد، چه مدّت است؟

جواب: احتیاط آن است که عدّه طلاق خلع را بعد از پایان عقد موقت تکمیل کند، سپس عدّه عقد موقت را شروع کند.

حکمین

سؤال ۱۱۳۷- در صورتی که به علل ذیل بین زوجین اختلاف باشد، آیا تعیین حکمین لازم است؟

الف) مدّت مدیدی زوج نفقه همسر خود را پرداخت نمی‌کند و اخذ نفقه از طریق دادگاه نیز ممکن نمی‌باشد.

ب) عسر و حرج زندگی زوجه با همسر خود از نظر دادگاه ثابت شده است.

ج) طلاق از ناحیه زوجه مطالبه شده است؛ ولی زوج موافقت نمی‌کند.

د) زوج مفقود الاثر است و مدّت مقرر از طرف دادگاه منقضی شده است.

جواب: در مسأله حکمیت ظاهر آیه شریفه وجوب است و بسیاری از فقها نیز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۸۹

از آن همین را فهمیده‌اند و دلیل بر خلاف آن نیست، بنابراین در موردی که امید اصلاح هست حدّ اقل احتیاط واجب عدم ترک آن است.

سؤال ۱۱۳۸- در مورد حکمین لطفاً به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) در اختلاف شدید بین زوجین، آیا جایز است که از غیر بستگان خود داوری برگزینند؟
جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر داور منتخب (که غیر از بستگان است) نسبت به زندگی زن و شوهر ناشناس، بی‌اطلاع و حتی بی‌ارتباط باشد انتخاب او چه حکمی دارد؟
جواب: باید او را مطلع کنند.

ج) بر فرض که داور از غیر بستگان زوجین باشد، و زن یا شوهر نسبت به رفتارهای خلاف شرع یکدیگر اعتراض داشته باشند، آیا می‌توانند با چنین داوری مطرح کنند؟

جواب: به هر حال داور باید از آنچه دخالت در داوری دارد آگاه شود.

د) آیا داور غیر فامیل موجب مخدوش شدن حرمت خانواده‌ها نمی‌گردد؟
جواب: اگر داور فرد امینی باشد اشکال ندارد.

ه) آیا این عمل و اقدام، منطبق با اخلاق اسلامی است؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۳۹- این جانبه فرزانه، مدّت پنج سال است به عقد شخصی به نام اسماعیل درآمده‌ام. ایشان در این مدّت هیچ گونه سازشی با من نداشته، بلکه مرا بازیچه دست خود قرار داده است، به همین جهت در این مدّت فقط چند ماه در خانه ایشان بودم و بقیه مدّت را در منزل پدرم، بدون هیچ گونه خرج و مخارجی، بلا تکلیف مانده‌ام. ایشان نه حاضر است با من زندگی کند و نه حاضر است مرا طلاق بدهد و مرا از حقّ شرعی‌ام محروم نموده است. شکایت هم کرده‌ام و مدّت دو سال استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۰

است که کارمان به دادگاه کشیده است؛ ولی به دلیل حيله‌بازی ایشان هنوز تکلیف مرا مشخص نکرده‌اند. ایشان یا در دادگاه حاضر نمی‌شود و یا وقتی که حاضر می‌شود به خاطر این که مهریه‌ام را نپردازد، می‌گوید: «من همسر را می‌خواهم» و به محض این که از دادگاه خارج می‌شویم، همه چیز را زیر پا می‌گذارد و می‌گوید: «به هیچ وجه حاضر به زندگی با تو نیستم و تنها در صورتی که از مهریه‌ات بگذری و جهیزیه‌ات را نیز به من ببخشی، حاضرم تو را طلاق بدهم» لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:
الف) تکلیف من چیست؟

جواب: طبق دستور قرآن یک نفر از طرف شما و یک نفر از طرف شوهرتان حکم می‌شود، تا درباره کار شما تصمیم بگیرند، هرگاه شوهر نه راضی به زندگی شود و نه راضی به طلاق، حاکم شرع می‌تواند شما را در مقابل بذل مختصری، طلاق خلع بدهد و مهریه را از شوهرتان بگیرد.

ب) او نه حاضر به سازش و نه حاضر به طلاق بوده و با این وجود من بارها به منزل ایشان مراجعت کردم و سعی نمودم نگذارم زندگی‌ام از هم بپاشد و موجب آبروریزی شود، ولی او هیچ گونه اعتنایی نمی‌کند. آیا بنده در این صورت مستحقّ نفقه خواهم بود؟

جواب: در فرض مسأله بالا، شما مستحقّ نفقه خواهید بود.

سؤال ۱۱۴۰- لطفاً در مورد اجرت المثل زحمات زن در منزل شوهر به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر طلاق به درخواست زوجه باشد، آیا استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرع هم نداشته، دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۱

جواب: زوجه در صورتی می‌تواند اجرت کارهای خود را مطالبه کند که بگوید قصد تبرع ندارد و زوج این کارها را از او بخواهد.
ب) اگر طلاق به درخواست زوجه نباشد، آیا استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده و قصد تبرع هم نداشته، دارد؟

جواب: مسأله طلاق چه از طرف زوج باشد و چه به خواست زوجه، هیچ ارتباطی با مسأله فوق ندارد؛ حتی بدون طلاق نیز در فرضی که ذکر شد می‌تواند مطالبه اجرت کند.

سؤال ۱۱۴۱- یکی از شروطی که بر اساس تصویب شورای عالی قضایی در سند عقد ازدواج گنجانده شده این است که زوج بعد از عقد ازدواج در کلیه دارایی خود با زوجه شریک خواهد بود و در صورت قبول زوج، زوجه حق خواهد داشت در صورت طلاق نصف اموال شوهر را دریافت نماید، آیا زوجه با گرفتن نصف اموال بازم استحقاق دریافت حق الزحمه کارهایی را که بدون قصد تبرع در خانه شوهر انجام داده و شرعاً به عهده وی نبوده دارد؟

جواب: ظاهر این شرط این است که جبران خدمات دوران ازدواج باشد؛ ولی شرط مزبور چون آمیخته به ابهام فراوان است، شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۱۴۲- شخصی قسم می‌خورد که دیگر با زوجه‌اش همبستر نشود و حاضر به شکستن قسم هم نمی‌باشد، آیا حاکم شرع می‌تواند زوجه او را طلاق دهد؟

جواب: تا چهار ماه مهلت دارد از قسم خود برگردد و کفاره بدهد، بعد از چهار ماه حاکم شرع او را مخیر می‌کند که یا از قسم خود برگردد و یا طلاق دهد، اگر هیچ‌کدام را قبول نکرد او را به زندان می‌افکند و کار را بر او سخت می‌گیرد که یکی از آن دو برنامه بالا را انجام دهد و اگر این امور ممکن نباشد و زوجه به عسر و حرج بیفتد حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۱۱۴۳- شخصی، زنی را عقد شرعی کرده است؛ ولی الآن می‌گوید: «من با این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۲

خانم نه عروسی می‌کنم و نه او را طلاق می‌دهم» تمام مردم، دوستان و نزدیکان با تمام وسایل ممکنه بر وی فشار آورده‌اند تا شاید از این تصمیم منصرف شود، ولی او از این تصمیم منصرف نمی‌شود، وظیفه چیست؟

جواب: حاکم شرع با او اتمام حجت می‌کند، اگر گوش نداد می‌تواند آن زن را مطلقه کند تا بعد از عده بتواند شوهر دیگری انتخاب کند.

سؤال ۱۱۴۴- این جانبه به عنوان همسر شرعی و قانونی با آقای ازدواج کردم و حاصل این ازدواج سه فرزند می‌باشد. در ابتدای ازدواج از این که همسر پیرو مذهب تشیع نبوده مطلع نبودم، تا این که در خلال زندگی متوجه شدم که نامبرده پیرو فرقه اسماعیلیه می‌باشد و به مقدسات اسلام و محترمت شیعه بی‌احترامی می‌نماید، در حالی که کلاهدرداری وی در این مورد کاملاً محرز می‌باشد. در طول زندگی از سوی شوهرم مورد شکنجه‌های فراوانی قرار گرفته‌ام که هنوز آثار شکنجه مشخص می‌باشد، علاوه بر این وی معتاد به مواد مخدر است و حتی حدود یک سال با شکنجه فراوان مرا وادار به استفاده از این مواد افیونی می‌کرد و حتی بچه‌های کوچک را تحت شکنجه زیاد قرار می‌داد. به همین جهت تقاضای طلاق کردم و بر اساس رأی دادگاه، که در غیاب

نامبرده صادر شد، رأی بر حکم طلاق غیابی صادر شد و طلاق صورت گرفت؛ ولی بر اثر اعتراض وی حکم طلاق غیابی مردود اعلام شده و وی حاضر به طلاق نمی‌باشد، در حالی که وی در طول این مدت ازدواج کرده است. این جانب به مرحوم آیه الله محمد حسین نابغ آیتی مراجعه کردم، ایشان حکم کردند که نامبرده از طایفه ملاحده است و این طایفه هرچند اظهار اسلام می‌کنند و لکن نماز و روزه و حج را به هیچ وجه قبول ندارند و پیش خودم بعضی از آنها منکر نماز (به صورتی که مسلمین انجام می‌دهند) می‌باشند، و همچنین در ماه مبارک رمضان روزه نمی‌گیرند و برای خود احکام خاصی دارند و حج و بسیاری از واجبات دیگر را انجام نمی‌دهند، لهذا از نظر حقیر مرتد و ماندن زن در خانه آنان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۳

حرام است، با توجه به این که قدرت تحمل مردی خارج از دین اسلام و شکنجه او را ندارم، از محضر مبارک استدعای صدور حکم خدایی را دارم.

جواب: در دو صورت شما می‌توانید از او جدا شوید:

اول این که به یقین بدانید او نماز و روزه و سایر احکام اسلام را قبول نداشته و از اصل انکار می‌کرده است که در این صورت بدون طلاق جدا می‌شوید.

دوم این که ثابت شود شکنجه‌های طاقت‌فرسایی به شما می‌دهد و زندگی با او عسر و حرج شدید داشته باشد، در این صورت حاکم شرع یا کسانی که از طرف او مأذون هستند می‌توانند شما را طلاق دهند.

سؤال ۱۱۴۵- زوجه از خانواده مذهبی بوده و تا قبل از ازدواج چادری و با حجاب کامل بوده است، زوج بعد از ازدواج وی را وادار کرده که با مانتو و روسری، حجاب خود را حفظ کند و از چادر استفاده نکند و زوجه این موضوع را مغایر با شئونات خانوادگی خود دانسته و به این علت تقاضای طلاق نموده است و به هیچ وجه حاضر نیست که چادر را کنار بگذارد. آیا تقاضای وی برای طلاق به این جهت برای دادگاه قابل قبول می‌باشد؟ چنانچه پاسخ منفی باشد، آیا زوجه موظف به اجرای دستور زوج در این مورد می‌باشد؟

جواب: این امر مجوز تقاضای طلاق نیست؛ ولی زوجه می‌تواند نظر زوج را در این مورد رعایت نکند، و زوج حق اجبار او را ندارد.

سؤال ۱۱۴۶- زوجه به علت این که شوهرش وی را مجبور می‌نماید که حجاب اسلامی را رعایت ننماید و بعضاً در جلوی مهمانان نامحرم، بدون حجاب حاضر شود و یا در خارج از منزل با آرایش و بدون رعایت کامل حجاب اسلامی بیرون رود، از دادگاه تقاضای طلاق نموده است. آیا عسر و حرج زوجه در این مورد قابل قبول است؟

جواب: اگر این کار از طرف شوهر به صورت وسیع تکرار شود و زوجه را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۴

تنگنای شدید روحی قرار دهد، عسر و حرج ثابت است و حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۱۱۴۷- من زن دوم شوهرم می‌باشم. پس از این که زن اول ایشان فوت کرد من با ایشان ازدواج کردم، ایشان از زن اول چهار پسر و دو دختر و از من یک پسر دارد، من از داشتن شش بچه ایشان باخبر بودم. لذا تمام اقوام با ازدواج ما مخالف بودند و مرا تحقیر می‌کردند.

الآن هفت سال است که من از شوهرم دور هستم و با اجازه او در یک بیمارستان عربستان سعودی مشغول پرستاری هستم. در طول هفت سال که من زحمت کشیدم و پول به دست آورده‌ام شوهرم آن را بدون اجازه من صرف جهیزیه دخترش کرد. این بار که به هندوستان رفته بودم بر سر قضیه پول دعوا شد و من مطالبه طلاق کردم، ولی ایشان طلاق نمی‌دهد در حالی که سن من با ایشان

تفاوت زیاد دارد و من نمی‌توانم با ایشان زندگی کنم. آیا من حق طلاق یک جانبه را دارم؟

جواب: هرگاه شوهر حاضر باشد به وظایف خود طبق عقدنامه‌ای که با شما داشته عمل کند حق طلاق یک جانبه را ندارید، ولی اموالی را که از شما بدون اجازه برده باید بطور کامل برگرداند.

سؤال ۱۱۴۸- پسری، دختری را به عقد نکاح دائم خویش درمی‌آورد، بعد از یک ماه با همدیگر اختلاف پیدا می‌کنند و در نتیجه اختلاف، مدت ۶ سال در حال عقد می‌مانند و پس از آن پسر با دختر دیگری ازدواج می‌کند. در ضمن جلسه‌ای در حضور ریش سفیدان و با تصویب آنها پسر علاوه بر اخذ مهر حاضر، با گرفتن مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ تومان (که مجموعاً ۷۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود) راضی به طلاق می‌شود، آیا در برگه صورت جلسه طلاق این شرط قید می‌شود که دختر مزبور پس از طلاق نمی‌تواند با فلان شخص ازدواج کند و دختر که صورت جلسه را امضا کرده است در آن زمان به این شرط توجه نداشته است. این شرط از نظر شرعی چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۵

جواب: شرط مزبور باطل است و دختر می‌تواند بعد از طلاق و مراسم آن، با هر کس که می‌خواهد ازدواج کند.

سؤال ۱۱۴۹- زوجه به علت عدم قدرت باروری زوج و نیاز شدید به داشتن فرزند، خود را در حال عسر و حرج می‌داند، آیا با وجود این موضوع می‌توان حکم به طلاق زوجه صادر کرد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که واقعاً خطر بیماری روانی زوجه را تهدید کند.

سؤال ۱۱۵۰- زن شیعه‌ای در عقد مردی سنی بوده است، پس از چند سال زندگی مشترک مرد سنی طبق معتقدات خود، که طلاق در حضور عدلین و سایر شرایطی که در طلاق شیعه است را معتبر نمی‌داند، زن خود را طلاق گفته است؛ الف) آیا زن وظیفه دارد طبق قاعده الزام، از آن لحظه عده نگه‌دارد؟

جواب: قاعده الزام شامل حال زن شیعه نمی‌شود و باید از شوهر و کالت بگیرد و مجدداً طلاق را با شرایط آن جاری کند و اگر شوهر راضی به این کار نشود، حاکم شرع می‌تواند اجازه طلاق او را صادر کند.

ب) در صورتی که طلاق از جانب مرد سنی طبق معتقدات خود واقع شده، نفقه دوران عده به عهده وی می‌باشد یا نه؟
جواب: زن حق نفقه دارد، خواه به عنوان عده طلاق باشد یا بقای زوجیت.

ج) چون طلاق از ناحیه مرد است، آیا لازم است تمام مهریه را پرداخت نماید؟

جواب: مهریه در هر صورت بر عهده زوج می‌باشد، خواه طلاق بدهد یا ندهد.

د) چون به عقیده خودش سه طلاقه نموده، آیا بدون محلل بنا بر عقیده خودش حق رجوع دارد؟

جواب: از نظر وظیفه شرعی زن، رجوع مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۵۱- چنانچه برابر مقررات شرع و قانون برای غایب مفقود الاثر، حکم طلاق صادر گردد، زوجه باید به میزان عده وفات عده نگهدارد و هرگاه زوج قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۶

انقضای عده بازگردد، حق رجوع دارد. حال اگر زوجه مطلقه غایب مفقود الاثر، یائسه یا غیر مدخوله باشد و زوج در حین عده مراجعت نماید، آیا بازهم زوج حق رجوع دارد، و یا چون یائسه، یا غیر مدخول بهاست، دیگر حق رجوع برای زوج نمی‌باشد؟ به عبارت دیگر طلاق غایب مفقود الاثر مطلقاً رجعی است و لو در زن یائسه و غیر مدخول بها، یا چنین نیست؟

جواب: این حکم ظاهراً شامل یائسه و غیر مدخوله نمی‌شود و حق رجوع ثابت نیست.

سؤال ۱۱۵۲- زید دختر بالغه و باکره خود را نامزد شخصی کرده و پیش از عقد گفته است: «اگر زن دیگری بگیری، یا به شهر

دیگری بروی خود من، که پدر دختر می‌باشم، دخترم را طلاق می‌دهم، یا برای مدّت می‌کنم، تو مرا وکیل کن» نامزد، پدر دختر را وکیل می‌کند و سپس عقد جاری می‌شود، ولی در ضمن عقد او را دوباره وکیل نکرده، و سپس عروسی می‌کنند، تقریباً یک سال پس از عروسی، پدر به خاطر تخلف شوهر، دخترش را برای مدّت یا طلاق می‌دهد، شوهر ادّعا می‌کند: «من او را وکیل کرده بودم، ولی بعداً او را عزل نموده‌ام» در این صورت آیا این طلاق یا ابرای مدّت صحیح است؟

جواب: وکالت به قوّت خود باقی است و اگر مرد از شرایط تخلف کند پدر زوجه می‌تواند طلاق دهد.

سؤال ۱۱۵۳- اگر زنی در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر مرد قصد طلاق او را داشت باید مبلغی به زن بپردازد، آیا عمل به این شرط لازم است؟ آیا طلاق متوقّف بر پرداختن این مبلغ است؟
جواب: این شرط اشکالی ندارد و عمل به آن واجب است.

سؤال ۱۱۵۴- اگر مرتد از طلاق دادن زوجه امتناع کند، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۷

جواب: احتیاج به طلاق نیست، بعد از ارتداد از هم جدا می‌شوند.

سؤال ۱۱۵۵- اگر مردی شک داشته باشد که فلان خانم همسر اوست یا نه لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌تواند بطور قطعی و جزمی او را طلاق دهد و اگر صحیح نیست برای فرار از این شک چگونه احتیاط کند؟

ب) بر فرض عدم جواز طلاق قطعی در سؤال قبل، آیا این مسأله را می‌توان به کسی که شک در زوجیت زنی دارد بعد از آن که عقد بر آن زن تمام شده است ولی زن ادّعایی می‌کند که باعث شک زوج در همسری او شده است و با همین شک او را طلاق قطعی داده است و به شک خود اعتنایی نکرده است، مقایسه کرد.

لازم به ذکر است که آنچه باعث این سؤال شد کلام شیخ انصاری (رحمه الله) در مکاسب است که می‌فرماید: «اگر در امور مقومه شک شود امر مشکل می‌شود». و سپس از شهید اول نقل کرده که ظاهراً ایشان جزم به بطلان چنین طلاقی پیدا کرده است، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: این طلاق اگر به صورت قطعی و عن جزم انجام شده است صحیح است و اگر در زوجیت شک دارد طلاق را به قصد احتیاط جاری کند؛ و اما کلام علامه انصاری (رحمه الله) و بعضی دیگر از فقهای عظام- رضوان الله تعالی علیهم- برای اثبات بطلان این طلاق کافی نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۳۹۹

فصل سی و دوم: احکام غضب

سؤال ۱۱۵۶- یک قطعه زمین به مساحت هزار متر مربع (ملک شخصی) داشتم. چندی قبل به دستور شهردار منطقه، ۵۰۰ متر زمین مزبور در طرح قرار گرفته و آقای شهردار بدون اطلاع حقیر نیمه شب دیوارهای دور زمین را برداشته است، خواسته شهردار این است که نصف زمین، بدون پرداخت وجه و یا واگذاری زمین معوّض در اختیار آنها قرار گیرد، آیا در شرع مقدّس و قانون حکومت جمهوری اسلامی این کار جایز است؟

جواب: زمین‌هایی که در طرح‌های ضروری قرار می‌گیرد شرعاً باید قیمت آن پرداخته شود.

سؤال ۱۱۵۷- مالکی قبل از انقلاب در روستایی ساکن بوده، اوایل انقلاب زمین این مالک را مصادره کردند و به افرادی که زمین نداشتند واگذار نمودند، آیا نماز و روزه متصرّفین اشکال دارد؟

جواب: هیچ زمینی را بدون اجازه مالک شرعی نمی‌توان تصرّف کرد؛ مگر این که مالک آن را از طریق حرام به دست آورده باشد

که در این صورت باید به صاحب اصلی اش داد و اگر شناخته نیست باید زیر نظر حاکم شرع در مصارف آن مصرف شود.
سؤال ۱۱۵۸- شخصی با مرکب غصبی به زیارت عتبات عالیات می‌رود، یا منزل غصبی برای سکونت اختیار می‌کند، یا به هنگام زیارت لباس غصبی بر تن می‌کند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۰

آیا با این وجود زیارت او مقبول خواهد بود؟ و اگر مثلاً برای شخصی اجیر شده باشد بریء الذمه می‌گردد؟
جواب: اصل زیارت او باطل نیست؛ ولی این کارهای حرام ثواب زیارت او را کم می‌کند، یا از بین می‌برد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۱

فصل سی و سوم: احکام مجهول المالک و اموال گمشده

اشاره

سؤال ۱۱۵۹- فردی جنسی از من خریداری نموده و «ساعتی» در مقابل آن رهن گذاشته تا پول جنس را بیاورد، اکنون چند سال است که پول آن جنس را نیاورده و نشانی هم از او در دست نیست، حال با توجه به این که نمی‌دانم پول جنس فروخته شده در آن زمان با پول «ساعت» برابر بوده یا تفاوت داشته، وظیفه این جانب چیست؟

جواب: شما می‌توانید ساعت را بفروشید و قدر مسلم طلب خود را بردارید و اگر به هیچ وجه به صاحب آن دسترسی نیست، بقیه را از طرف صاحب آن در راه خدا صدقه بدهید.

سؤال ۱۱۶۰- این جانب تحویلدار بانک هستم، در طی ایام تحویلداری، روزهایی پیش می‌آید که در آخر روز مبلغی پول اضافه داریم، یا این که کسر می‌آوریم. مبالغ پول اضافی را به حساب بانک واریز می‌نمایم و مبالغ کسری را نیز باید از خودمان تأمین کنیم. آیا جایز است از پولهایی که اضافه می‌آوریم، کسری‌ها را جبران نمایم؟

جواب: شما باید طبق مقررات بانک و قراردادی که با آنها دارید عمل نمایید و اگر در مورد پولهایی که اضافی می‌آید قراردادی ندارید و از پیدا کردن صاحب آن مأیوس هستید می‌توانید به شخص نیازمندی بدهید و اگر خودتان نیاز دارید به اندازه پولهایی که کم می‌آید از آن استفاده کنید.

سؤال ۱۱۶۱- شخصی دو حلقه لاستیک ماشین دست دوم از فردی آشنا خریداری

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۲

می‌کند، پس از چند روز متوجه می‌شود که فروشنده، لاستیکهای سرقت شده را به قیمت کمتر می‌فروشد، لذا شخص خریدار مدت یک سال است که از لاستیک‌ها به علت مشکوک بودن استفاده نکرده است و از طرفی هم نمی‌تواند آنها را به فروشنده بازگرداند؛ چون مدت زیادی از آن گذشته است. حال می‌خواهد از لاستیکها استفاده کند و حاضر است هر مبلغی را که دستور می‌فرمایید بابت حلال شدن مال مذکور پرداخت نماید. خواهشمند است حکم چگونگی استفاده از آن را مرقوم فرمایید.

جواب: اگر یقین ندارد که شخص مزبور اکثر کارش فروختن لاستیکهای مسروقه است، می‌تواند از آن لاستیک استفاده کند و معامله ظاهراً صحیح است؛ ولی اگر یقین به این امر دارد، احتیاط واجب آن است که معادل قیمت لاستیک را از طرف صاحب اصلی اش به شخص نیازمندی صدقه بدهد، سپس می‌تواند در آن تصرف کند.

سؤال ۱۱۶۲- برادر بنده مشغول خدمت مقدس سربازی است. یکی از دوستان او پای خودش را با گلوله می‌زند، او را به بیمارستان می‌برند، تمام وسایلش را به برادرم تحویل می‌دهند، وقتی که او در بیمارستان بود برادرم به مرخصی می‌رود، در حین مرخصی، آن

آقا به عللی از خدمت سربازی معاف می‌شود و می‌رود، وقتی که برادرم برمی‌گردد آن آقا رفته بود و وسایل او در دست برادرم مانده است، آن وسایل چه حکمی دارد؟

جواب: تصرف در آنها جایز نیست، بلکه باید از او جستجو کند و کلیه آن وسایل را به صاحبش برساند و اگر از پیدا شدن او مأیوس شد به شخص نیازمندی بدهد.

سؤال ۱۱۶۳- اگر انسان پول و وسایلی پیدا کند که ارزش ریالی آن کمتر از صد تومان باشد، آیا می‌تواند آن را خرج کند؟
جواب: اگر صاحب آن را نشناسد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۳

سؤال ۱۱۶۴- آیا مال پیدا شده را، در صورتی که از یافتن صاحب آن مأیوس شدیم، می‌توانیم در امورات مسجد صرف کنیم؟
جواب: می‌توانید آن را تملک کنید و سپس به مسجد بدهید، یا به نیازمندان صدقه داده شود.

سؤال ۱۱۶۵- بنده در اداره فروش یک کارخانه تولیدی مشغول خدمت بودم، متأسفانه مورد وسوسه شیطان قرار گرفته و کاری خلاف شرع انجام دادم، به این صورت که تعداد خیلی کم و جزئی محصولات کارخانه را به بازار آزاد فروختم (البته عقیده من این بود که چون محصول کارخانه را می‌فروشم و کارخانه نیز از این لحاظ نه تنها ضرر نمی‌کند، بلکه محصولاتش براحتی به فروش می‌رود، از لحاظ شرعی اشکالی ندارد)؛ ولی الآن به این نتیجه رسیدم که این طرز فکر نیز وسوسه شیطان بود. به هر حال تصمیم دارم پولی را که از این طریق به دست آورده‌ام از خود دور کنم. از امام جماعت مسجد پرسیدم، گفتند: "باید خمس این مال را بدهید تا حلال شود" ولی من خودم فکر می‌کنم مالی که از راه اختلاس بدست بیاید حرام است و تصمیم دارم که تمام این مال را در راه رضای خدا خرج و صرف مستمندان کنم. آیا چنین کاری اسراف نیست؟ با توجه به این که من وضع مالی خوبی ندارم و شاید خودم نیز از جمله مستمندان باشم و اگر اسراف است چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که به صاحبان آن پول، یعنی صاحبان کارخانه، دسترسی دارید باید حتماً به آنها برسانید و لازم نیست بگویید از چه محلی بوده است، بلکه می‌توانید به حساب بانکی آنها واریز کنید یا به شخص ناشناسی بدهید که نزد آنها ببرد و بگوید این را یکی از بدهکاران داده است که به شما برسانم و امثال این راهها؛ ولی اگر صاحبان را نمی‌شناسید، یا بکلی از دسترس بیرون رفته‌اند، باید تمام آن را به فقرا و نیازمندان بدهید و چنانچه خود شما از نیازمندان هستید مجاز هستید سهمی از آن را برای خودتان بردارید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۴

سؤال ۱۱۶۶- لطفاً به سؤالات مربوط به اموال گمشده و مجهول المالك که ذیل خدمتتان تقدیم می‌شود پاسخ فرمایید.

الف) اگر قبل از سن تکلیف، حق الناس بر گردن داشته باشیم، باید بعد از تکلیف بپردازیم؟

جواب: آری بعد از تکلیف موظفید حق الناس را بپردازید.

ب) اگر صاحب حق زنده نباشد، آیا می‌شود به جای او صدقه داد؟

جواب: باید به ورثه او داد و اگر ورثه او به هیچ وجه شناخته نشوند، از طرف صاحب وجه صدقه بدهید.

ج) اگر مطمئن باشیم صاحب حق (اگر از او حلالیت بطلبیم) حتماً ما را حلال می‌کند. مثل این که بین دو برادر سالها قبل اتفاقاتی افتاده و الآن کاملاً از هم راضی و خشنودند، آیا بازهم استحلال لازم است؟

جواب: اگر یقین داشته باشید که راضی هستند اشکالی ندارد.

د) اگر حلیت طلبیدن از حقی که بر گردن ما هست، موجب شرمندگی شود و بخواهیم پول آن را به آنها بدهیم، آیا می‌شود پول را بدون بیان کردن عنوان آن، به نحوی به آنها بدهیم که نفهمند؟

جواب: از هر طریق برسانید اشکال ندارد.

ه-) مقداری از اموال پدر و مادرم را بیهوده مصرف کرده‌ام، مثلاً پول گرفته‌ام و برای تفریح بیش از اندازه با دوستان مصرف کرده‌ام و یا کتاب خریده‌ام و بدون حساب و کتاب به دوستانم هدیه داده‌ام و الآن پشیمان شده‌ام، آیا باید از اموال خودم به پدر و مادرم بدهم؟

جواب: باید حق آنها را بدهید یا حلالیت بطلبید.

سؤال ۱۱۶۷- در همسایگی ما منزل نیمه‌خرابه‌ای است که سالها خالی بوده و صاحب آن مشخص نیست و ممکن است دیگران از آن سوء استفاده کرده و در آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۵

مکان کارهای خلاف انجام دهند، آیا مجازیم مقداری از آن را تعمیر کرده و از آن استفاده کنیم و چنانچه صاحب آن بیاید و درخواست اجاره کند مال الاجاره‌اش را به او بدهیم و اگر بفروشد بخریم؟

جواب: بدون اجازه صاحب آن نمی‌توانید در آن تصرف کنید و اگر بعد از جستجوی کامل از پیدا شدن صاحب آن مأیوس شوید جزء مجهول المالک بوده، اختیارش با حاکم شرع است.

سؤال ۱۱۶۸- حکم اجناس مردم که از مدتها پیش جهت تعمیر در نزد تعمیرکار می‌باشد و برای تحویل گرفتن آن هیچ اقدامی نشده است، چیست؟

جواب: چنانچه صاحبانش را می‌شناسد باید به آنها برگرداند و اگر نمی‌شناسد، باید تحقیق کند، هرگاه از پیدا کردن صاحبانش مأیوس گردد می‌تواند آن را بفروشد و قیمت آن را به فقیر بدهد.

احکام لقیط

سؤال ۱۱۶۹- چند نفر نوزادی را که در پارچه‌ای پیچیده شده بود، در کنار دریا پیدا کردند، مردم گمان می‌کنند این نوزاد حلال‌زاده نیست، آیا پرورش این نوزاد جایز است؟

جواب: نه تنها جایز، بلکه واجب است.

سؤال ۱۱۷۰- مردم گمان می‌کنند پدر و مادرش هر دو شیعه اثنا عشری هستند، آیا می‌شود این نوزاد را به دشمن اهل بیت داد تا او را پرورش دهند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۱۷۱- نوزاد مذکور اگر حفاظت نشود ممکن است چند تن از افراد شرور او را بکشند، در چنین صورتی حفاظت از این نوزاد چه حکمی دارد؟

جواب: حفظ او واجب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۶

سؤال ۱۱۷۲- نوزاد مذکور اگر پرورش یابد و امام جماعت شود، آیا می‌توان به او اقتدا کرد؟

جواب: اگر شرایط دیگر در او جمع باشد جایز است.

سؤال ۱۱۷۳- آیا مخالفین پرورش دهنده این نوزاد بر حق هستند؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۷۴- اگر کسی این نوزاد را پرورش دهد، آیا مستحق اجر و ثوابی هست؟

جواب: البتّه ثواب بسیار دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۷

فصل سی و چهارم: احکام ذبح حیوانات

چگونگی ذبح

سؤال ۱۱۷۵- آیا قطع رگهای چهارگانه در ذبح شرعی لازم است، یا تنها قطع حلقوم کافی است؟

جواب: قطع سه رگ، حلقوم و دو رگ بزرگ گردن، کافی است؛ هرچند احتیاط قطع چهار رگ می‌باشد.

سؤال ۱۱۷۶- آیا لازم است قطع رگها پشت سر هم باشد؟ به فرض لازم بودن، اگر با فاصله قطع گردد چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که رگها را پشت سر هم ببرند؛ البتّه مختصر فاصله مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۷۷- اگر پس از ذبح، جوزک متصل به بدن باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر حلقوم و دو رگ بزرگ گردن بریده شود کافی است، ولی احتیاط بریدن چهار رگ است.

سؤال ۱۱۷۸- آیا قطع گردن حیوان مورد ذبح مانند مرغ، گوسفند، گاو و مانند آن، که ضمن آن، رگهای مورد نظر در ذبح شرعی

نیز بریده خواهد شد، کافی است؟

جواب: هرگاه از جلو برد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۷۹- آیا خروج روح از بدن حیوان باید مستند به قطع رگها باشد؟ اگر گوسفندی در بلندی ذبح گردد و قبل از خروج

روح از بلندی بیفتد و بمیرد، به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۸

گونه‌ای که خروج روح مستند به افتادن از بلندی باشد، آیا این ذبیحه حلال است؟

جواب: هرگاه ذبح بطور کامل انجام گرفته است، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۸۰- اگر پس از ذبح شرعی، با تفنگ و یا کارد بر قلب و مغز حیوان ضربه وارد کنند، حکم چنین ذبیحه‌ای چیست؟

جواب: در صورتی که ذبح کامل انجام شده باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۸۱- اگر سر حیوانی به علتی از زیر چانه بریده شود و قبل از خروج روح دوباره محل ذبح قطع گردد، حلال است یا خیر؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۸۲- آیا قطع کردن رگهای چهارگانه از پشت سر جایز است؟ اگر جواب منفی است، آیا موجب حرمت ذبیحه می‌گردد؟

جواب: این کار جایز نیست و خوردن گوشت آن اشکال دارد.

شرایط ذابح

سؤال ۱۱۸۳- آیا ذبیحه‌ای که از روی اجبار ذبح می‌شود، حلال است؟ و به تعبیر دیگر، اختیار در ذابح شرط است؟

جواب: در صورتی که شرایط ذبح در آن جمع بشود، اشکال ندارد.

سؤال ۱۱۸۴- آیا شرط است که ذابح یک نفر باشد، یا ممکن است با یک کارد، که دو دسته دارد، دو نفر در آن واحد، حیوان را

ذبح کنند؟ در این صورت بسم الله یک نفر کافی است، یا هر دو باید تسمیه را بگویند؟ اگر نصف آن را یک نفر و نصف دیگر را

شخص دیگر بگوید، آیا کافی است؟

جواب: اگر هر دو بسم الله بگویند، ذبیحه حلال است و اگر هر کدام نیمی از آن را بگویند، و یا یکی بگوید و دیگری نگوید حلال نیست.

سؤال ۱۱۸۵- ذبیحی که در اسم مسلمان است و رفتارش به هیچ وجه منطبق با استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۰۹

دستورات اسلام نیست، یعنی حتی شهادتین را بلد نیست، آیا ذبح او صحیح است؟

جواب: اگر به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) اعتقاد دارد، ذبیحه او با رعایت شرایط شرعی دیگر حلال است، هر چند در انجام عبادات و وظایف اسلامی مقصر باشد.

سؤال ۱۱۸۶- ذبح کسانی که به علی اللهی معروفند، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که به یگانگی خدا و نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) معتقد باشند، ذبیحه آنها حلال است.

سؤال ۱۱۸۷- آیا ذبیحه ناصبی حلال است؟
جواب: حلال نیست.

سؤال ۱۱۸۸- آیا ذبیحه خوارج حلال است؟
جواب: حلال نیست.

سؤال ۱۱۸۹- آیا در ذبح، مرد بودن شرط است؟
جواب: شرط نیست.

سؤال ۱۱۹۰- آیا در ذبح، بلوغ شرط است؟
جواب: بلوغ شرط نیست.

سؤال ۱۱۹۱- آیا در ذبح، عقل شرط است؟
جواب: ذبح دیوانه اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۰

شرایط ذبح

۱- اسلام

سؤال ۱۱۹۲- اگر یقین کنیم که اهل سنت علاوه بر شرط استقبال قبله بعضی شرایط دیگر را نیز رعایت نمی کنند، ذبیحه آنها چه حکمی دارد؟

جواب: ذبیحه آنها برای ما حلال است.

سؤال ۱۱۹۳- ذبح افراد مسلمان غیر شیعه اثنا عشری تا چه حد مشروعیت دارد؟

جواب: ذبح تمام مسلمانان حلال و پاک است؛ مگر ناصبی‌ها و خوارج و مانند آنها.

سؤال ۱۱۹۴- در کانالهای ماهواره‌ای دبی، که در تمام دنیا دیده می شود، عده‌ای از علمای آنها، ذبیحه اهل کتاب را حلال دانسته‌اند و ادعا شده که، تعدادی از علمای قم از نظر خود برگشته‌اند، فتوای شما در این مورد چیست؟

جواب: ذبیحه اهل کتاب حلال نیست؛ هر چند پاک است. و در قم کسی را سراغ نداریم که آن را حلال بداند.

۲- وسیله ذبح

سؤال ۱۱۹۵- آیا آلت ذبح باید از جنس آهن باشد، یا آن که با هر چیز تیزی می‌توان ذبح کرد؛ اگر چه از پلاستیک و غیره تهیه شود؟

جواب: آهن بودن لازم نیست و می‌توان با کاردهایی که از آهن یا استیل یا فلز دیگری ساخته شده باشد سر حیوان را برید؛ ولی اشیای تیز دیگر اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۱

۳- قبله

سؤال ۱۱۹۶- انحراف ذبیحه از قبله تا چه مقدار بی‌اشکال است؟

جواب: به مقداری که عرفاً آن را رو به قبله بگویند کافی است.

سؤال ۱۱۹۷- اگر یک یا چند شرط از شرایط ذبح سهواً ترک گردد، آیا خوردن چنین ذبیحه‌ای حلال است؟ آیا در این جهت فرقی در شرایط وجود دارد؟

جواب: در صورتی که قبله یا نام خدا فراموش شود، ذبیحه حلال است، بقیه اشکال دارد.

سؤال ۱۱۹۸- آیا در رو به قبله کردن حیوان، روش خاصی وجود دارد؟ اگر جواب منفی است، بهترین روش آن که مطابق با احتیاط باشد کدام است؟

جواب: در مثل گوسفند و طیور معمولاً آنها را می‌خوابانند بطوری که سر و سینه و پاهای آن رو به قبله باشد، و در صورتی که ایستاده ذبح یا نحر کنند باید سر و دستها رو به قبله باشد.

سؤال ۱۱۹۹- گوشت مرغی که آن را در کارخانه توسط دستگاه ذبح می‌کنند، حلال است یا حرام؟ اگر حلال است، آیا رعایت رو به قبله بودن و تکرار بسم الله برای هر مرغ لازم است؟ اگر کسی در بلاد کفر از مسلمانی مرغی خریداری کند، در صورت ایجاد زمینه شک، آیا لازم است از کیفیت ذبح مرغها سؤال کند؟

جواب: ذبح با ماشین در صورتی که شرایط شرعیه را رعایت کنند اشکالی ندارد، و رعایت رو به قبله بودن لازم است و بسم الله را در طول مدتی که ماشین کار می‌کند بطور تدریجی ادامه دهد؛ هر چند چندین مرغ با یک بسم الله ذبح شود. و اگر ذبیحه را از دست مسلمانی بخرد که جای حمل بر صحت دارد، تحقیق لازم نیست.

سؤال ۱۲۰۰- آیا در هنگام ذبح رو به قبله بودن ذابح نیز شرط است؟

جواب: رو به قبله بودن ذابح شرط نیست؛ ولی مستحب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۲

۴- تسمیه (گفتن نام خدا به هنگام ذبح)

سؤال ۱۲۰۱- در ذبح با دستگاه، آیا به هنگام روشن کردن آن تسمیه لازم است، یا به هنگام قطع رگهای حیوان؟

جواب: بسم الله به هنگام قطع رگهای حیوان لازم است و مقارنت عرفیه کافی است.

سؤال ۱۲۰۲- اگر دو نفر مشترکاً بسم الله بگویند، آیا برای ذبح کافی است؟

جواب: اگر هر کدام نیمی از نام خدا را بگویند کافی نیست، ولی اگر هر دو بگویند کافی است.

سؤال ۱۲۰۳- حکم فاصله زمانی میان بسم الله و ذبح چیست؟

جواب: اگر مقارنت عرفیه باشد کافی است.

سؤال ۱۲۰۴- آیا بسم الله گفتن اشخاص لال که قدرت بر ادای درست سخن ندارند، کافی است؟

جواب: در صورتی که دسترسی به افراد سالم نباشد، کافی است.

سؤال ۱۲۰۵- آیا در ذبح شرعی بسم الله باید به زبان عربی باشد، یا به هر زبانی کافی است؟

جواب: بردن نام خدا به هر زبانی کافی است.

سؤال ۱۲۰۶- آیا در بسم الله قصد ذبح لازم است؟ اگر به قصد دیگر بگوید و حیوان را ذبح کند چه حکمی دارد؟

جواب: باید به قصد ذبح باشد.

سؤال ۱۲۰۷- اگر بسم الله را مثلاً به قصد ذبح مرغ به زبان آورد و سپس گوسفندی را ذبح کند، صحیح است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۲۰۸- آیا دانستن معنای بسم الله لازم است؟ و بر فرض جایز بودن به غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۳

عربی، اگر بدون توجه به معنای آن، مثلاً به زبان انگلیسی بگوید، آیا ذبح صحیح است؟

جواب: همین اندازه که اجمالاً بداند نام خدا را می‌برد کافی است، به هر زبانی که باشد.

سؤال ۱۲۰۹- اگر جنب یا زن حائض بسم الله را به قصد خواندن یکی از سوره‌های سجده بگوید، برای ذبح کافی است؟ به عبارت

دیگر، آیا در ذبح تسمیه حرام کافی است؟ هر چند به نیت ذبح باشد؟

جواب: تسمیه حرام کافی نیست؛ ولی به فتوای ما برای جنب و زن حائض تنها آیه سجده حرام است و بقیه سوره حرام نیست؛

هر چند احتیاط مستحب در ترک آن است.

سؤال ۱۲۱۰- اگر چند ثانیه پیش از شروع به گفتن نام خدا، قطع رگها را آغاز کرده باشند، آیا ذبیحه حلال است؟

جواب: اشکال ندارد، مقارنه عرفیه کافی است.

سؤال ۱۲۱۱- آیا ضبط مکرر بسم الله در ضبط صوت و پخش آن صدا به هنگام ذبح کفایت می‌کند؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۱۲۱۲- آیا بسم الله باید بر زبان جاری شود، یا آن که بسم الله در قلب و دل هم کافی است؟

جواب: بسم الله باید بر زبان جاری شود.

سؤال ۱۲۱۳- آیا گفتن الحمد لله، الله اکبر، سبحان الله، یا فقط گفتن الله، یا اذکار دیگر که مشتمل بر الله است، یا ترجمه یکی از

اینها، مانند «خدا منزّه است» کافی است؟

جواب: کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۴

۵- استقرار حیات

سؤال ۱۲۱۴- آیا در ذبیحه استقرار حیات به هنگام ذبح در ذبیحه شرط است؟

جواب: حیات مستقر به این معنا که حیوان برای مدّت قابل ملاحظه‌ای، یک روز و یا حتی یک ساعت زنده بماند، شرط نیست، ولی

حیوان باید به هنگام ذبح زنده باشد.

سؤال ۱۲۱۵- اگر پیش از ذبح، حیوان را با آمپول یا با وارد کردن شوک و یا با وسایل دیگر بی‌هوش کنند، آیا چنین ذبحی صحیح

است؟ آیا با استقرار حیات منافات ندارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد که استقرار حیات شرط نیست، بعلاوه بی هوشی منافات با استقرار حیات ندارد.

سؤال ۱۲۱۶- آیا حرکت دست و پای ذبیحه و خروج خون از آن، هر دو شرط حلیت ذبیحه است؟

جواب: باید بعد از ذبح، مختصر حرکتی داشته باشد و احتیاط آن است که خون به مقدار متعارف از آن خارج شود.

سؤال ۱۲۱۷- چنانچه قطع سر حیوان قبل از خروج روح اشکال داشته باشد، آیا این حکم در حیواناتی مانند گنجشک نیز جریان دارد؟

جواب: قطع سر حیوان بطور کامل قبل از خروج روح حرام نیست بلکه مکروه است.

احکام صید

سؤال ۱۲۱۸- آیا صید برای سرگرمی و خوشگذرانی جایز است؟

جواب: جایز نیست، تنها برای نیاز شخصی یا برای کسب و کار جایز است.

سؤال ۱۲۱۹- آیا در صید ماهی لازم است صیاد، مسلمان باشد؟

جواب: لازم نیست، صید کافر هم حلال است؛ قبله و بسم الله نیز در آن شرط نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۵

سؤال ۱۲۲۰- اگر ماهی در تور بمیرد برای حلیت آن کافی است، یا باید آن را از آب خارج کنند و در خارج آب بمیرد؟
جواب: هر دو حلال است.

سؤال ۱۲۲۱- ماهیانی در دریا وجود دارد، از جمله کوسه ماهی، که آنها را صید می کنند و گوشت آنها را مصرف می نمایند، بدن آنها پولک (فلس) دارد؛ ولی با چشم غیر مسلح دیده نمی شود. حکم شرعی این گونه ماهیان چیست؟
جواب: پولک باید با چشم عادی دیده شود.

سؤال ۱۲۲۲- آیا خوردن گوشت صید لهوری حرام است؟

جواب: حرام نیست؛ ولی عمل صید کردن لهوری حرام است.

سؤال ۱۲۲۳- ملاک لهوری بودن صید چیست؟ آیا صید ماهی از باب تفریح، لهوری محسوب می شود؟

جواب: هر گونه صید تفریحی که مورد نیاز برای زندگی شخصی یا تجارت یا امثال آن نباشد، لهوری محسوب می شود.

مسائل متفرقه ذبح

سؤال ۱۲۲۴- در موارد شک در ذبح شرعی وظیفه چیست؟ آیا اصل عدم تزکیه جریان دارد، یا اصل حلیت و طهارت؟
جواب: در صورتی که مسلمانی اقدام به آن کرده باشد، حکم به حلیت می شود، در غیر این صورت حرام است.

سؤال ۱۲۲۵- در ذبح با دستگاه‌های جدید که یک نفر کلید دستگاه را می زند و می رود، اگر به سبب قطع برق، دستگاه به کار نیفتد و پس از مدتی (با جریان پیدا کردن برق) دستگاه روشن شود و بطور اتوماتیک حیوانات آماده را ذبح کند، آیا این گونه ذبح صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۶

جواب: در صورتی که جهات شرعی دیگر رعایت شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۲۶- آیا مقلد مجتهدی که قطع رگهای چهارگانه را شرط حلیت ذبح می داند، می تواند از ذبیحه شخصی که تنها قطع

حلقوم را شرط حلیت می‌داند، استفاده کند؟

جواب: اگر یقین داشته باشد جایز نیست؛ ولی در صورت شک، حمل بر صحت کند.

سؤال ۱۲۲۷- شرایط حلیت جنین در شکم حیوان مذبوح کدام است؟

جواب: باید خلقتش کامل باشد و مو یا پشم بر بدنش روییده باشد، در این صورت با ذبح مادرش آن هم حلال و پاک است؛ ولی سزاوار است جنین حیوانی را ذبح نکنند.

سؤال ۱۲۲۸- آیا قطع سر حیوان پیش از خروج روح حرام است؟ اگر حرام است، حرمت آن تکلیفی است یا وضعی؟

جواب: حرام نیست، مکروه است.

سؤال ۱۲۲۹- طبق اعلام بعضی مؤسّسات آگاه، نوع بعضی از جانداران، کمیاب و یا رو به زوال است، به نظر مبارک حضرتعالی

شکار آنها برای نگهداری و یا فروش چه صورتی دارد؟

جواب: سزاوار است برای حفظ این نعمت‌های الهی کوشش شود، و حیوانات کمیاب شکار نشود، تا نوع آنها منقرض نگردد.

سؤال ۱۲۳۰- گروهی از پرندگان در کشورهای مجاور تحت حفاظت بوده و برای پرورش آنها هزینه‌های کلانی صرف می‌شود،

آیا شکار آنها در زمانی که به کشور ما مهاجرت می‌کنند جایز است؟

جواب: شکار آنها دور از انصاف اسلامی است.

سؤال ۱۲۳۱- اگر نسبت به رعایت قبله و گفتن بسم الله واقعاً تردید و شک وجود داشته باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۷

الف) آیا خوردن گوشت آن جایز است؟

ب) پول حاصل از فروش آن چه حکمی دارد؟

ج) این گوشت نجس است، یا پاک؟

جواب: باید فعل مسلم را حمل بر صحت کرد و مادام که یقین به خلاف نداشته باشد ذبیحه آنها پاک و حلال است.

سؤال ۱۲۳۲- شکار و صید بی‌رویه آبیان، که موجب نابودی نسل آنها خواهد شد، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیان جامعه گردد حرام است.

سؤال ۱۲۳۳- آیا تماس بدن مرطوب اهل کتاب با لاشه ذبیحه موجب نجاست آن می‌شود؟

جواب: احتیاط، اجتناب است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۱۹

فصل سی و پنجم: احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

سؤال ۱۲۳۴- آیا غذا خوردن و انداختن سفره در مسجد کراهت دارد؟ منظور از کراهت در اینجا چیست؟

جواب: آری کراهت دارد، و اگر مزاحم نماز گزاران باشد جایز نیست و کراهت در اینجا همان کراهت اصطلاحی است؛ یعنی کار خوبی نیست، هر چند حرام نمی‌باشد.

سؤال ۱۲۳۵- پختن انگور، و نیز پختن یا سرخ کردن کشمش، یا خوردن آن چه حکمی دارد؟

جواب: پختن انگور اشکال دارد؛ ولی کشمش اشکال ندارد؛ مگر این که یقین حاصل شود که آب درون کشمش به جوش آمده است.

سؤال ۱۲۳۶- آیا جایز است از دنبلان (بیضه گوسفند و مانند آن) به خاطر برخورداری از هورمون، و از پودر تولیدی آن به منظور

غذای ماهی برای پرورش مرغ یا ماهی استفاده کرد؟

جواب: خوردن آن برای انسان حرام است؛ ولی استفاده از آن برای تغذیه حیوانات اشکال ندارد و آن حیوان حلال است.

سؤال ۱۲۳۷- در مسأله سوم از مسائل عمومی و مورد ابتلای آخر توضیح المسائل چاپ‌های قدیم (و مسأله ۳۱ همان بحث در چاپ‌های جدید) فرموده‌اید: «اگر حیوان به غیر دستور شرعی ذبح شود گوشت آن پاک، ولی خوردنش حرام است» با توجه به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۰

این مسأله، آیا می‌توان گوشت را از بقیه مواد غذایی که با آن پخته شده جدا کرد و آن غذا را خورد، یا این که خوردن چنین غذایی نیز حرام است؟

جواب: اگر بطور کامل جدا شود، که عصاره گوشت نیز در آن نباشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۳۸- همه ساله تعداد زیادی از حیوانات حرام گوشت، مانند گراز، به علت وارد آوردن خسارت به مزارع کشاورزان، شکار می‌گردد. آیا تحویل لاشه این حیوانات به اقلیتهای دینی، از قبیل ارامنه، و دریافت حق الزحمه، از بابت شکار و هزینه حمل و نقل، حلال و مطابق با دستورات شرع مقدس اسلام می‌باشد؟

جواب: راهی که برای این امر تصور می‌شود، این است که شکارچیان را از اقلیتهای دینی انتخاب کنند که هزینه شکار کردن به عهده آنها باشد و در مقابل از گوشتهای آن هرطور بخواهند استفاده کنند و صاحبان اراضی نیز می‌توانند در مقابل ورود شکارچیان به زمینهای خود حقی دریافت کنند.

سؤال ۱۲۳۹- مدتی است که بچه گوسفندی از سگ گله، شیر می‌خورد، آیا گوشت آن حرام است؟

جواب: حرام نیست؛ هرچند پرهیز از آن بهتر است.

سؤال ۱۲۴۰- اگر خوراک حیوانی مشروب و آبجو باشد؛ خوردن گوشت آن چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی اجتناب بهتر است.

سؤال ۱۲۴۱- برخی از عوام معتقدند: «طرف راست گوشت گرگ و خرگوش حلال و طرف چپ آن حرام است»، آیا این مسأله صحیح است؟

جواب: این مسأله به هیچ وجه صحیح ندارد و از خرافات است.

سؤال ۱۲۴۲- خواهشمند است نظر مبارک را در مورد حلیت یا حرمت گوشت و تخم شترمرغ برای مصارف داخلی و خارجی بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۱

جواب: گوشت و تخم شترمرغ حلال است؛ خواه برای مصارف داخلی باشد یا خارجی.

سؤال ۱۲۴۳- در کشور جمهوری اسلامی ایران مصرف سرانه سیگار، «یک نخ سیگار ده تومان برای هر نفر در روز» می‌باشد که در مجموع نسبت به جمعیت ۶۰ میلیونی کشور، معادل «۶۰۰ میلیون تومان» در هر روز دود می‌شود، قسمتی از آن از خارج وارد شده و بالاجبار در هر روز بطور مستمر مقداری از بیت المال مسلمین به صورت ارز از کشور خارج می‌شود و مصرف‌کننده سیگار، بطور غیر مستقیم به این عمل کمک می‌کند. آیا با این وجود استعمال سیگار جایز است، یا این که مصرف‌کننده آن به بیت المال مدیون می‌شود؟ لازم به توضیح است که با این مبلغ در هر روز می‌توان یک بیمارستان مجهز احداث کرد.

جواب: ضرر سیگار تنها منحصر به اینها نیست، سیگار زیانهای فراوانی دارد، هم زیان اقتصادی و هم زیان جسمی و روحی، به همین جهت در رساله توضیح المسائل آن را حرام دانسته‌ایم.

سؤال ۱۲۴۴- اگر کارشناسان صریحاً بگویند: «کشیدن سیگار برای سلامتی ضرر دارد» کشیدن سیگار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله حرام است.

سؤال ۱۲۴۵- جوانی چند سال قبل با گاوی جماع کرده است، از آن گاو چند گوساله به وجود آمده است، آیا علاوه بر حرام بودن گوشت گاو و گوساله‌ها و لزوم از بین بردن آن، خوردن شیر آن گاو، یا فروختن لبنیات آن نیز حرام است؟
جواب: خوردن شیر آن، و همچنین خرید و فروش لبنیات آن جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۳

فصل سی و ششم: احکام نذر و عهد

سؤال ۱۲۴۶- اگر شخصی در دل نیت کند که سه روز روزه بگیرم، ولی به زبان جاری نکند، آیا این نذر صحیح است؟

جواب: نذر بدون اجرای صیغه لفظی صحیح نیست، و چیزی بر او واجب نمی‌شود.

سؤال ۱۲۴۷- شخصی نذر نموده که ۵۰۰ لیتر شیر به عزاداران حسینی بدهد و هر سال ۵۰ کیلو بر آن اضافه نماید، بعد از چند سال، الان باید ۸۰۰ لیتر شیر بدهد. حال با توجه به حجم و تساعد سالانه آن، تهیّه، پخت، و پخش و همچنین تهیّه وسایل پخت برای این شخص مقدور نمی‌باشد. با توجه به شرایط فوق، آیا با اجازه معظم له می‌توان این نذر را تبدیل به نذر دیگری برای عزاداران حسینی یا فقرا نمود؟

جواب: آن مقداری را که می‌تواند در میان عزاداران پخش کند، بقیّه را اگر ممکن است سفارش کند در جاهای دیگر در مجالس عزاداری شیر بدهند. اگر آن هم ممکن نیست تبدیل به غذای دیگر کند، بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۱۲۴۸- کسانی هستند که از اوّل دهه محرم روزه‌های نذری دارند که باید در همین ایّام خوانده شود، و از سوی دیگر اشخاص دیگری نیز هستند که روزه‌های نذری در خصوص همین ایّام دارند که آن هم باید خوانده شود و روزه‌ها تماماً در شب خوانده می‌شود، مگر شب عاشورا که حیثاً بیشتر از یک روزه در یک مجلس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۴

خوانده می‌شود. در اینجا روزه‌خوان چطور جمع بین این روزه‌های نذری کند؟ آیا ممکن است در یک روزه برای چند نفر نیت داشته باشد که همه به ثواب برسند؟

جواب: معمولاً هر کس نذر جداگانه‌ای می‌کند و باید روزه جداگانه‌ای برای او خوانده شود و اگر منبری نتواند باید به دیگری واگذار کند؛ مگر این که مردم با علم و آگاهی از این مسأله نذر کنند که بطور مشترک برای آنها روزه خوانده شود، در چنین صورتی می‌تواند نیت دو یا چند نفر را داشته باشد.

سؤال ۱۲۴۹- اگر کسی کفاره نذر و عهد بر گردن داشته باشد و توانایی روزه گرفتن و نیر در آمدی برای پرداختن کفاره نداشته باشد، آیا باید در وصیتنامه خود قید کند که کفاره‌اش را بدهند؟

جواب: در صورتی که نمی‌تواند، هر چند مدّ طعام که می‌تواند به فقیر بدهد و اگر نمی‌تواند، هر چند روز که می‌تواند روزه بگیرد، و اگر نمی‌تواند، استغفار کند.

سؤال ۱۲۵۰- اگر کسی بخواهد زیارت عاشورا بخواند و به نذر خود در این رابطه عمل کند، آیا با حذف صد لعن و صد سلام و نماز زیارت و دعای علقمه، نذرش ادا می‌شود؟

جواب: اگر نذر او مطلق بوده، باید صد لعن و صد سلام را بخواند؛ ولی دعای علقمه شرط نیست؛ ولی اگر نذرش اعم بوده (اعم از صد لعن و صد سلام، یا یک لعن و یک سلام) در این صورت، هر دو رقم کافی است.

سؤال ۱۲۵۱- شخصی با صیغه «لله علیّ» اموال اضافه بر نیازش را بر خود حرام کرده و نذر کرده اگر خداوند به وی اموالی بیش از

نیازش عطا کند، همه را در راه خدا انفاق کند. حال که این ثروت به ایشان رسیده از نذر خود پشیمان است و می‌خواهد به نذر خود عمل نکند، آیا یک بار کفّاره کافی است، یا این که تا آخر عمر نمی‌تواند از اموال اضافی استفاده کند؟ یا هر بار که چیزی با آن پول‌های اضافی بخرد، باید کفّاره بدهد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۵

جواب: با نذر نمی‌توان حلال را بر خود حرام کرد؛ ولی اگر نذر کرده که مازاد بر شأن را در راه خدا انفاق کند باید به نذر خود عمل نماید؛ ولی اگر عمل نکرده گناه کرده و احتیاط آن است که در هر سال یک بار کفّاره شکستن نذر بدهد.
سؤال ۱۲۵۲- آیا پدر و مادر می‌توانند عهد یا نذر فرزند خود (مثلاً سه شب نماز شب خواندن در هفته) را بشکنند؟
جواب: نذر فرزند نیازی به اجازه پدر و مادر ندارد؛ مگر این که کار او مایه آزار پدر باشد، که در این صورت نذر او صحیح نیست.

سؤال ۱۲۵۳- در بعضی از روستاها مرسوم است که در دهه محرم علمی درست می‌کنند و خانه به خانه می‌گردانند و اهل روستا نذوراتی جهت این علم می‌دهند، این نذورات متعلق به چه کسی است؟
جواب: متعلق به مراسم عزاداری سید الشهداء و هزینه‌های مختلف آن است.

سؤال ۱۲۵۴- در یکی از روستاهای منطقه مغان مسجدی هست که بین مردم منطقه شهرت زیادی پیدا کرده و نذورات فراوانی به آن می‌رسد، بطوری که در عمران و آبادی مسجد، دیگر نقصی باقی نمانده و مسجد نیازی به آن ندارد و احتمال می‌رود نذورات جمع شده توسط افرادی ناباب با عناوین مختلف حیف و میل شود، آیا حضرتعالی اجازه می‌فرمایید نذورات مسجد مذکور توسط سازمان تبلیغات اسلامی در جهت عمران و آبادی روستای مذکور و آموزش و نشر علوم قرآنی در این منطقه محروم مرزی صرف شود؟

جواب: می‌توانند نذورات مذکور را صرف کارهای فرهنگ اسلامی در همان مسجد کنند و اگر در آن مسجد ممکن نیست صرف عمران و آبادی مساجد دیگر، یا کارهای فرهنگی آنها کنند.

سؤال ۱۲۵۵- این جانب نذر کرده‌ام هر سال در شب عاشورای امام حسین (علیه السلام) شام بدهم، به دلیل پاره‌ای از مشکلات قصد دارم از سال آینده شام را به صورت غذای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۶

آماده بین خانواده‌ها تقسیم کنم، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر نذر شما مقید به شکل خاصی نبوده، یا تنها نذر اطعام بوده، تغییر مزبور اشکالی ندارد؛ ولی اگر مقید به خانه و مسجد و سفره دسته‌جمعی و مانند آن بوده باید به همان طور عمل کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۷

فصل سی و هفتم: احکام قسم خوردن

سؤال ۱۲۵۶- اگر کسی قسم بخورد که به مسجد نرود، آیا عمل کردن به این قسم لازم است و شکستن آن کفّاره دارد؟

جواب: عمل کردن به این قسم لازم نیست و شکستن آن کفّاره ندارد.

سؤال ۱۲۵۷- فردی زنی را به عقد موقت خود درمی‌آورد، زن می‌گوید: «چون احتمال دارد حامله شوم، اجازه دخول نمی‌دهم» مرد قسم می‌خورد در صورتی که حامله شد او را به عقد دائم خویش دریاورد. آیا این قسم واجب الوفاست؟

جواب: چنانچه به نام خدا قسم یاد کرده، عمل به این قسم واجب است.

سؤال ۱۲۵۸- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) کفاره قسم چه می‌باشد؟

جواب: هر گاه عمداً با قسم خود مخالفت کند، باید کفاره بدهد؛ یعنی ده فقیر را سیر کند، یا بر آنها لباس بپوشاند، و اگر توانایی بر اینها نداشته باشد، باید سه روز روزه بگیرد.

ب) اگر با زبان به یکی از سه واژه «و الله، بالله، تالله» قسم یاد کرد که فلان کار را انجام ندهد (البته نزد خودش، یعنی پیش خود قسم یاد کرد که فلان کار را نمی‌کنم) آیا عمل بر این قسم لازم است؟

جواب: اگر با زبان سوگند بخورد، کاری را انجام ندهد عمل به آن واجب است؛ مشروط بر این که کاری باشد که شرعاً واجب یا مستحب نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۸

ج) آیا می‌تواند قسم را از گردن خود ساقط کند؟ اگر می‌تواند، چگونه؟

جواب: در صورتی که قسم با شرایطش انجام شود، ساقط کردنش ممکن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۲۹

فصل سی و هشتم: احکام وقف

سؤال ۱۲۵۹- شخصی چند اصله نخل وقف حضرت سید الشهداء (علیه السلام) نموده و سالیان طولانی است که خرماي آن صرف عزاداری می‌شود، اما هم‌اکنون واقف پیر شده و توانایی سرپرستی نخل‌ها را ندارد و امکان دارد که نخل‌ها بر اثر بی‌سرپرستی از بین برود، آیا واقف می‌تواند نخل‌ها را بفروشد و پول آن را خرج ساخت بنای حسینیته نماید؟

جواب: لازم است آنها را به شخص امینی واگذار کند تا آنها را سرپرستی نماید، حتی می‌تواند از درآمد آن اجرتی برای او قرار بدهد؛ ولی فروش آن نخل‌ها جایز نیست.

سؤال ۱۲۶۰- این جانب زمینی به مساحت ۵۰۰ متر خریدم که از موقوفات حضرت سید الشهداء (علیه السلام) است و بهره آن در هر سال در مسجد جامع این محل خرج می‌شود، از آنجا که نسبت به مسائل وقف آگاه نبودم در آن زمین ساختمان ساختم، حال متوجه شده‌ام که خرید و فروش زمین وقف جایز نیست، اکنون تکلیف من چیست؟

جواب: باید آن زمین را اجاره کنید و مال الاجاره زمین را هر ماه یا هر سال پردازید تا مصرف موقوفه کنند و هر گاه خواستید آن را بفروشید فقط باید اعیانی را بفروشید.

سؤال ۱۲۶۱- مقداری درخت که چندین سال قبل مسلوب المنفعه شده بود، به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۰

مستأجر داده شد، پس از احیای شرعی، سالها بطور مشاع بوده است. هم‌اکنون که شریک وقف از دنیا رفته است، ورثه او تصمیم دارند سهمیه خود را به فروش برسانند، ولی اگر این ملک مشاع، که هم آبی است و هم دیمی، تقسیم گردد، نگهداری آن مشکل و سودی برای وقف خامس آل عبا (علیه السلام) ندارد. آیا اجازه می‌دهید که سهم وقف به فروش برسد و معادل پول آن، ملکی که نزدیک محل باشد خریداری گردد، یا در راه دیگری صرف گردد؟

جواب: چنانچه به تأیید معتمدین محل، وقف مزبور بلااستفاده می‌شود و راهی برای حل مشکل به جز فروختن آن نیست، مجاز هستید آن را بفروشید و تحت نظر معتمدین، بلافاصله تبدیل به ملک مناسبی بنمایید.

سؤال ۱۲۶۲- اداره مخابرات شهر قطب‌آباد، از استان فارس، قصد دارد زمینی را خریداری کرده و در آن، ساختمانی بنا کند. حال

جهت توسعه ساختمان مخابرات، اصرار بر ضمیمه کردن یا اجاره دائمی قطعه زمین مجاور که موقوفه است، دارد. و حتی خرید زمین اصلی را منوط به این ضمیمه نموده است. حال آن که با استناد به وقفنامه، واقف زمین آن را وقف کاشتن درخت کرده تا از ثمراتش مخارج مسجد و خیرات آن مرحوم فراهم آید. لطفاً نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: در صورتی که تصریح شده باشد که باید در آن زمین درخت کاشته شود، باید به این شرط عمل کرد؛ مگر این که زمین در جایی قرار بگیرد که عملاً امکان غرس درخت نباشد و فایده قابل ملاحظه‌ای از این راه عاید نشود، در این صورت می‌توان آن را اجاره داد.

سؤال ۱۲۶۳- این جانب به اتفاق یکی از آشنایان، قطعه زمینی را، از چند نفر از زارعین روستایی خریداری نموده و مبالغ هنگفتی در آن خرج نمودیم، بعداً متوجه شدیم که اراضی مذکور به صورت مشاع با اوقاف مشترک می‌باشد، وقتی از آنها مسأله را جویا شدیم، اظهار داشتند که ما مسأله را با اوقاف حل کرده‌ایم؛ ولی با استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۱

کنجکاوی زیاد پی بردیم که چنین نیست. حال با اذعان به این مطلب که خرید و فروش چنین زمینی اصلاً جایز نیست و قلباً نیز از درآمد آن اکراه داریم و خود را نیز مالک نمی‌دانیم، چه باید کرد؟

جواب: چنانچه زمین مزبور موقوفه بوده، معامله باطل است و شما حق دارید پول پرداخت شده و خساراتی که آنجا متحمل شده‌اید را از فروشندگان بگیریید و اگر بین فروشندگان و اوقاف به صورت مشاع بوده و زمین را بطور مفروض به شما فروخته‌اند، حق دارید معامله را فسخ کنید و تمام خسارات خود را بگیریید و اگر صاحبان زمین، با اوقاف زمین را تفکیک کرده‌اند، معامله صحیح است و جایی برای فسخ نیست.

سؤال ۱۲۶۴- زارعین چهار دانگ روستای فوق‌الذکر نیز در این معضل بزرگ مانده‌اند؛ چرا که بعضی از آنها پنج یا شش برادر هستند و به هر کدام مقدار کمی زمین تعلق می‌گیرد؛ آنها هم نمی‌توانند سهمیه زمین خود را به یکی از آنها بفروشند و نه مقدار کم زمین قابلیت آن را دارد که هر کدام آن را به تنهایی کشت کنند و بعضی‌ها هم به خاطر همین مسأله زمین را رها کرده و به شهر رفته‌اند، چون راه درآمدی ندارند. آیا اداره اوقاف، اجازه دارد زمین‌های مذکور را تفکیک نماید؟

جواب: اگر مصلحت موقوفه آن است که تفکیک شود، تفکیک کردن آن مجاز است.

سؤال ۱۲۶۵- در مدرسه علمیه واقع در طبقه فوقانی مسجدی، حدوداً ۱۸ سال است فعالیت‌هایی از قبیل خیاطی، گلدوزی، عکاسی، قالی‌بافی، تزیینات و مانند آن به عمل می‌آید، نظر به این که طبق وقفنامه، مکان ذکر شده برای مدرسه علوم دینی وقف شده است، آیا چنین فعالیت‌هایی مشروع و استمرار آن صحیح است؟

جواب: مدرسه مزبور باید در اختیار طلاب علوم دینی قرار بگیرد؛ مگر این که در آنجا مطلقاً طلبه‌ای نباشد و مکان مزبور بی‌فایده بماند، در این صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۲

می‌توان از آن برای کارهای خیر و عام‌المنفعه استفاده کرد.

سؤال ۱۲۶۶- شخصی با همت خود و کمک مردم و بعضی از مراجع محترم قم، حمامی را پایه‌گذاری کرده است. او پولها را به عنوان حمام مردانه می‌گرفت و پس از اتمام آن نیز بر درب حمام و داخل آن با کاشی نوشته شد «حمام مخصوص مردان» و بر زنان ورود به آن را حرام کرد. آیا کسی می‌تواند همیشه یا بطور موقت آن را در اختیار خانم‌ها قرار دهد؟ و اگر خانم‌ها با اطلاع از موضوع به آن حمام بروند و غسل کنند، آیا غسل آنها صحیح است؟

جواب: در فرض مسأله حمام مخصوص مردان است و زنان نمی‌توانند از آن استفاده کنند و غسلشان در آن جایز نیست و سزاوار

است برای خانم‌ها حمام دیگری بسازند.

سؤال ۱۲۶۷- حقیر در تهران مسجدی ساخته‌ام که دارای حوزه علمیه نیز می‌باشد و آن را وقف کرده‌ام، شخصی در محضر امام جماعت مسجد قراردادی با خطّ خودش تنظیم کرد که از این محل به عنوان حوزه علمیه بهره‌برداری نماید، ولی متأسفانه پس از تعمیرات داخلی این محل را به صورت مدرسه غیر انتفاعی دایر و حدود چهار سال است که مشغول بهره‌برداری است و از هر دانش‌آموز سالانه مبلغ قابل ملاحظه‌ای شهریه دریافت می‌نماید، حکم شرعی این مسأله چیست؟

جواب: عمل بر خلاف وقف حرام است و باید از آن جلوگیری کرد و اجرت المثل استفاده‌های سابق را نیز باید بپردازد تا در مصارف موقوفه صرف شود.

سؤال ۱۲۶۸- پنج هکتار زمین در شهر محمودآباد از طرف بنیاد مستضعفان جهت گورستان به شهرداری واگذار گردید، گرچه صیغه وقف خوانده نشده، اما چند جنازه در آن زمین دفن گردیده است. آیا می‌توانیم جهت احداث بیمارستان شهر، از یک هکتار این زمین استفاده کنیم، یا زمین مزبور را برای امر فوق اجاره کنیم؟ (با توجه به این که در شهر بیمارستان وجود ندارد؛ اما قبرستانهای متعددی موجود است).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۳

جواب: آن مقدار از زمین مزبور که مورد نیاز برای قبرستان در حال و آینده است به حکم وقف می‌باشد و بقیه را می‌توان در احتیاجات عمومی صرف کرد.

سؤال ۱۲۶۹- در وسط شهرستان بم زمینی حدود هزار متر مربع از حدود ۲۵ سال پیش وقف قبرستان شده است؛ اما پس از دفن حدود ۴۰ نفر، همسایگان مانع ادامه کار شده‌اند و آن زمین همچنان معطل مانده است. آیا زمین مزبور بر وقفیت باقی می‌باشد؟ در صورت باقی ماندن بر وقف، آیا می‌توان آن را تبدیل به مکان عمومی دیگر (مانند مدرسه، بیمارستان، حسینیه و غیره) کرد؟

جواب: در صورتی که زمین وقف برای قبرستان شده باشد، تنها باید در همین مورد از آن استفاده شود؛ مگر این که دفن در آن به جهاتی امکان‌پذیر نباشد که در این صورت باید بفروشند و پول آن را صرف خرید زمینی جهت قبرستان کنند و آن را وقف نمایند و چنانچه به اندازه کافی قبرستان دارند، می‌توان از آن زمین برای مسجد و حسینیه و کتابخانه و مانند آنها استفاده کرد.

سؤال ۱۲۷۰- قبرستان قدیمی شیراز، که سالهاست هیچ میتی در آن دفن نگردیده، مدفن عدّه زیادی از بزرگان می‌باشد و از سوی دیگر با توجه به مخروبه بودن آن، محلّ مناسبی برای گرد آمدن افراد خلافکار و بزهکار و معتادان گردیده است. با توجه به لزوم زیباسازی شهر و فضای گسترده این محل که اطراف آن، منازل مسکونی قرار گرفته و در داخل محدوده شهری نیز می‌باشد و با تبدیل این منطقه به فضای سبز و یا مرکز فرهنگی عام المنفعه، چهره شهر دگرگون خواهد شد. لذا مستدعی است در خصوص تغییر وضعیت محلّ فوق‌الذکر به گونه‌ای که به هیچ یک از قبور مؤمنین در این قبرستان بی‌احترامی نشود و تغییر هندسی شکل مقبره‌ها در شأن بزرگان مذکور باشد و این محل تبدیل به مراکز فوق‌گردد، نظر مبارک را امر به ابلاغ فرمایید.

جواب: در فرض مسأله هرگاه شرایطی که در بالا نوشته‌اید، دقیقاً و بدون کم و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۴

زیاد عمل شود، تغییر وضع قبرستان به شکلی که نوشته‌اید، مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۷۱- مطابق تبصره ۶ ماده ۹۶ قانون شهرداریها، کوچه‌ها و پیاده‌روها و خیابانها و گورستانهای عمومی ملک عمومی محسوب شده و در مالکیت شهرداری قرار دارد؛ شهرداری به علت متروکه شدن گورستان، مقداری از آن را طبق ضوابط قانونی به افراد واجد شرایط واگذار نموده است، با عنایت به این که دلیلی بر وقفیت زمین گورستان نیست، بفرمایید که اراضی مذکور وقف است، یا مالکیت شهرداری طبق قانون فوق صحیح است؟

جواب: هرگاه زمین مزبور سابقه ملکی نداشته باشد، یا احتمال موات بودن آن از روز اول برود حکم وقف بر آن جاری نمی‌شود؛ اما اگر سابقه ملکیت داشته و برای قبرستان واگذار شده است حکم وقف بر آن جاری است.

سؤال ۱۲۷۲- در روستای ما قبرستانی وجود داشته که اکنون محو شده است؛ زیرا در آن محل خانه ساخته و قبرها را ویران کرده‌اند، قبر پدربزرگ ما در آنجا بوده و حال اثری از آن نیست، آیا می‌توانیم در قبرستان جدید سنگی به عنوان یادبود بگذاریم تا مردم بر آن فاتحه قرائت کنند؟

جواب: اگر قبرستان جدید در زمین وقف قرار داده شده است نمی‌توانید این کار را کنید و اگر در زمین موات است مانعی ندارد. سؤال ۱۲۷۳- قطعه زمینی حدود صد سال پیش جهت دفن اموات مسلمین تعیین و اموات در آن دفن شدند؛ ولی اکنون بیش از پنجاه سال است میتی در آن دفن نمی‌شود. طبق شیاع موجود در محل و فتوای بعضی از مراجع معظّم تقلید قبرستان مورد نظر وقف می‌باشد، ولی واقف آن مشخص نیست؛ در قسمتی از قبرستان در سالهای گذشته مدرسه احداث گردیده است، حال با توجه به این که گورستان موقوفه متروکه گردیده و آثار قبور از بین رفته است و با عنایت به نیاز اهالی به مسجد، جهت انجام فرایض الهی، آیا اهالی می‌توانند در گورستان مذکور یک باب مسجد احداث نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۵

جواب: چنانچه آن محل برای دفن اموات در حال حاضر و در آینده قابل استفاده نیست می‌توانید از آن برای بنای مسجد استفاده نمایید؛ ولی مواظب باشید نبش قبر لازم نیاید.

سؤال ۱۲۷۴- شخصی در زمان رژیم منحوس گذشته با حضور در دفتر اسناد رسمی، بعضی از اموال مورد تنازع و اختلاف را اجباراً به نفع رهبر فرقه شیخیّه در کرمان صلح و از طرف آن شخص مورد صلح را وقف کرده است. با توجه به مراتب مذکور و این که در رژیم گذشته فرقه یاد شده از نفوذ و اختیارات وسیعی برخوردار بوده‌اند، آیا شرعاً اعمال فوق لازم الاجرا بوده و یا این که بر طبق موازین شرعی باطل و بی‌اثر است؟

جواب: وقف بر فرقه مزبور و سران آنها صحیح نیست و اعتباری ندارد.

سؤال ۱۲۷۵- شخصی بهائی منزل خود را جهت مجالس و مراسم بهائیت وقف نموده و از دنیا می‌رود، فرزندان وی نیز محلاً سکونت خود را ترک کرده و به شهر دیگری رفته و سپس با دنیا وداع کرده‌اند، یکی از فرزندان واقف زنده و مدّعی است که مسلمان شده است، آیا وقف صحیح است؟ یا وقف باطل و تمام اولاد، بالسویه از آن ماترک ارث می‌برند؟ یا فقط آن که مدّعی اسلام است ارث می‌برد؟

جواب: وقف مزبور باطل بوده و اموال نامبرده تنها به وارث مسلمان او می‌رسد، و برای این که از صداقت او در ادّعی اسلام آگاه شوید باید در یکی از جراید معروف، اسلام خود را آگهی کند.

سؤال ۱۲۷۶- شخصی می‌خواهد دو میلیون تومان پول در یکی از بانکهای جمهوری اسلامی ایران به عنوان سپرده همیشگی بگذارد و اصل این پول را وقف مسجدی بنماید و از بهره بانکی آن خرج همان مسجد و روحانی مسجد و امثال آن بنماید، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: پول را نمی‌توان وقف کرد؛ ولی می‌توان به مسجد تملیک نمود و در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۶

این صورت مسجد مالک آن می‌شود و درآمد مشروع آن در مصارف مذکور در بالا صرف خواهد شد.

سؤال ۱۲۷۷- اگر منزلی برای امام جماعت در طبقه فوقانی حسینیّه ساخته باشند و امام جماعت از آنجا برود، تکلیف آن منزل چیست؟

جواب: منزل تعلق به کسی دارد که بعداً امام جماعت می‌شود.

سؤال ۱۲۷۸- آیا امام جماعت حسینیّه می‌تواند بالای حسینیّه برای خود منزل مسکونی بنا کند؟

جواب: نمی‌تواند منزل شخصی بسازد؛ ولی می‌تواند برای امام جماعت حسینیّه (هر کسی که باشد) بسازد.

سؤال ۱۲۷۹- اگر زمینی برای حسینیّه وقف شده باشد، آیا می‌شود بالای آن حسینیّه، مسجد ساخت؟

جواب: ساختن طبقه بالا- و استفاده از آن برای نماز و عزاداری اشکالی ندارد؛ ولی حکم مسجد را ندارد؛ مگر این که از اول به همین صورت وقف شده باشد که طبقه پایین حسینیّه و طبقه بالا مسجد باشد.

سؤال ۱۲۸۰- در یکی از روستاهای شهرستان بابل حسینیّه‌ای وجود دارد که مردم خیر به خاطر وسعت کم آن، و این که از نظر شکل ظاهری هم مناسب نمی‌باشد، مبادرت به ساختن حسینیّه‌ای جدید نموده‌اند، ناگفته نماند که حسینیّه قدیمی بین ساختمان جدید و یک حسینیّه دیگر واقع شده است و مردم این محل به خاطر اعتقادی که به این محل دارند، بیم و هراس دارند که آن را خراب نمایند، نظر جنابعالی چیست؟

جواب: اگر ضرورتی ندارد آن محل را خراب نکنید و از آن برای عزاداری استفاده نمایید.

سؤال ۱۲۸۱- در شهر ما حسینیّه‌ای ساخته‌اند که برای بعضی شهروندان نزدیک و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۷

برای بعضی دور و باعث مشقت است، آیا می‌توان حسینیّه را به جای مناسبی منتقل کرد؟ در صورت امکان زمین حسینیّه قدیم و باقی مواد ساختمانی آن چه حکمی دارد؟

جواب: حسینیّه اول باید به جای خود باقی باشد؛ هر چند همه نتوانند در آن شرکت کنند و می‌توانند حسینیّه دیگری در محل دیگری بسازند.

سؤال ۱۲۸۲- با توجه به تعریف وقف، که آن را «حبس عین و تسبیل منفعت» می‌دانند، آیا می‌توان سهام شرکتهای تجاری را وقف نمود؟ به چه دلیل؟

جواب: اشکالی ندارد؛ و عموم ادله وقف و همچنین اطلاقات شامل این مورد می‌شود و مانعی از شمول نیست.

سؤال ۱۲۸۳- تغییر ارزش سهام تأثیری بر صحت وقف فوق دارد؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۱۲۸۴- ورشکستگی شرکت چه تأثیری در وقف دارد؟

جواب: مادامی که آن مؤسسه برقرار است، وقف برقرار است.

سؤال ۱۲۸۵- در سنوات گذشته بعضی از املاک، که گاهی شامل چندین روستا می‌شده، توسط مالکین بزرگ وقف شده است، با عنایت به این که در این روستاها قبل از وقف شدن املاک، حمام، اشجار، پل، تپه، قبرستان، مسجد و امامزاده وجود داشته که وقفنامه‌ای جهت این مورد تنظیم نشده و اگر هم بوده فعلاً در دسترس نیست. آیا متولی موقوفات می‌تواند به استناد وقفنامه تنظیم شده، ادعایی در خصوص اماکن موجود قبل از تنظیم وقفنامه داشته باشد؟

جواب: مساجد، حسینیّه‌ها، امامزاده، حمام یا هر بنای وقفی دیگری که از قبل در این روستاها بوده از محدوده وقف دوم خارج است؛ زیرا موقوفه را نمی‌توان بار دیگر وقف کرد. بنابراین وقف روستا فقط شامل زمین و تمام بناها و اشجاری می‌شود که در روستا وجود داشته و در ملک مالک بوده است؛ به استثنای موقوفات قبل.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۸

سؤال ۱۲۸۶- آیا اجاره اراضی موقوفه (وقف خاص اولاد ذکور) به مدت ۹۰ سال برای بنای مسجد و مصلی و حسینیّه جایز است؟

اگر صحیح است مشروط به چه شرایطی می‌باشد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۴۳۸

جواب: اجاره‌های بلند مدت بر خلاف مصلحت وقف است و جایز نیست، باید چند سال به چند سال تجدید شود و استفاده از آن برای مسجد و مصلی و حسینیّه مانعی ندارد؛ هر چند جریان احکام مسجد بر آنها مشکل است.
سؤال ۱۲۸۷- عبور و مرور در خیابانهایی که حکومتها جدیداً و قدیماً احداث نموده‌اند چه حکمی دارد؟ هر چند وضع مالکیت آنها را ندانیم.

جواب: عبور و مرور و سایر استفاده‌های غیر مزاحم اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۸۸- موقوفه‌ای در اراک است که مصرف آن کمک به زوّار کربلای معلی است، از آنجا که سالهاست مصرف این موقوفه معطل مانده، آیا از باب اقرب به نظر واقف می‌توان عواید مذکور را موقتاً به زوّار امام رضا (علیه السلام) داد؟
جواب: در شرایط کنونی مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۸۹- نظر مبارک شما در مورد موقوفه اولاد چیست؟ آیا اولاد می‌توانند آن ملک را مجدداً برای بعضی امور خیریه وقف کنند؟
جواب: وقف مجدد جایز نیست.

سؤال ۱۲۹۰- عده‌ای از مؤمنین خانه‌ای را در مشهد خریده و برای عزاداری و سکناى زوّار امام رضا (علیه السلام) وقف نموده‌اند؛ ولی چون خانه قدیمی است و نیاز به ساختمان جدید با هزینه زیادی دارد واقفین می‌خواهند هر کدام یک میلیون تومان یا بیشتر پول داده و چهار طبقه ساختمان بسازند، ضمناً می‌خواهند یک باب اطاق به خود و بستگانشان اختصاص بدهند که در آن ساکن شوند، آیا می‌توان یک باب اطاق را به آنها، که هزینه ساختمان را متقبل می‌شوند، اختصاص داد؟

جواب: چنانچه آنها بخواهند به عنوان زوّار در آنجا باشند و راهی برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۳۹

تکمیل ساختمان جز از این طریق نباشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۹۱- در بعضی از روستاها املاک وقفی از قبیل باغات، زمین و آب وجود دارد که اداره اوقاف آنها را به نصف اجاره می‌دهد و مال الاجاره را هم به آن قریه‌ای که واقف، وقف مسجد آن کرده، یا نمی‌دهد یا قسمتی از آن را می‌دهد، آیا عالم و یا معتمدین می‌توانند اعتراض نمایند؟

جواب: مال موقوفه را نمی‌توان به کمتر از اجرت المثل اجاره داد، و اگر کار خلافی صورت گرفته وظیفه دیگران امر به معروف و نهی از منکر است.

سؤال ۱۲۹۲- موقوفه تحت تولیت این جانب دارای تعدادی مغازه و رقبه تجاری است، آیا گرفتن مبلغی بابت نقل و انتقال سرقفلی و ما به التفاوت آن در انتقالات بعدی جهت موقوفه طبق قانون عرف، شرعی است؟

جواب: اگر در زمان واگذاری موقوفه به افراد، چنین حقی در عرف وجود داشته، حکم شرط ضمن العقد پیدا می‌کند و حالا که می‌خواهند سرقفلی را نقل و انتقال دهند موظف به پرداخت آن هستند، و اگر در واگذاری موقوفه اصولاً مسأله نقل و انتقال به دیگری مطرح نبوده، گرفتن حقی برای موقوفه به هنگام نقل و انتقال سرقفلی مانعی ندارد.

سؤال ۱۲۹۳- شش دانگ قریه سوهان طالقان وقف خاصّ اولاد ذکور سادات گردیده است، در وقفنامه حدود چهارگانه روستای

مذکور مشخص است، طبق وقفنامه کوههای روستا که جزء آن روستاست، جزء سامان (یا مرز) ذکر شده است، اکنون عده‌ای می‌گویند: «کوه‌ها جزء انفال است و واقف حق وقف کردن کوه‌ها را نداشته، در نتیجه در صحت وقف تردید است»، آیا این ابهام وقف را باطل می‌کند؟

جواب: آنچه در عرف و عادت محل جزء حریم و نیازهای آبادی محسوب می‌شود، جزء توابع موقوفه است و زاید بر آن جزء انفال می‌باشد و اگر چیزی از انفال را زاید بر آنچه که گفته شد، جزء موقوفه قرار داده باشند، وقف باطل استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۰
نمی‌شود؛ بلکه اضافات باطل می‌شود.

سؤال ۱۲۹۴- آیا اداره اوقاف شهرستان می‌تواند از تمدید اجاره‌نامه ملک موقوفه خاص، که سالهاست در اجاره این جانب است و ممر درآمدم می‌باشد، بدون رضایت این جانب خودداری نماید؟
جواب: تمدید اجاره موقوفه منوط به مصلحت موقوفه است.

سؤال ۱۲۹۵- جدّ اعلاّی این جانب تعدادی از رقبات ملکی خود را در گذشته وقف بر تعزیه‌داری حضرت امام حسین (علیه السلام) نموده است، و در طول سالیان گذشته مقداری از رقبات موقوفه مذکور به صورت مغازه‌های تجاری احداث گردیده که اعیان احداثی مانند عرصه متعلق به موقوفه می‌باشد، در گذشته تعدادی از مستأجرین که دارای حق سرقفلی در مغازه‌های فوق‌الذکر بوده‌اند، سرقفلی خود را بدون اجازه موقوفه و متولّی به غیر منتقل نموده‌اند. در اینجا چند سؤال داریم، جواب محبت بفرمایید.
الف) با عنایت به توضیح مذکور، آیا می‌توان جهت حفظ حقوق حقّه وقف، کسانی را که بدون اجازه مغازه‌ها را متصرف شده‌اند و اجاره‌بهای معوّقه و حقّ نقل و انتقال را طبق قانون اوقاف پرداخت نمی‌کنند، تخلیه آن را با شرایط از پیش گفته شده از دادگاه صالحه تقاضا نمود؟

جواب: مستأجرین حق ندارند بدون اجازه سرقفلی را به دیگری واگذار کنند مگر این که در قرارداد اجاره به آنها اجازه داده شده باشد و اگر واگذار کنند متولّی حق دارد محل را تخلیه کند و به مستأجر اول بدهد و اگر مستأجر اول حاضر نیست شخصاً از آن محل استفاده کند باید با توافق متولّی به شخص ثالث داده شود.

ب) چنانچه متصرفین غیر مجاز نسبت به پرداخت حقوق موقوفه طبق قانون (شامل اجاره‌بهای معوّقه و حقّ نقل و انتقال و سایر حقوق) آن هم به صورت عادلانه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۱

روز برآیند، آیا تخلیه مورد تصرف مجاز است؟

جواب: در فرض مسأله تخلیه جایز است؛ ولی متولّی موقوفه تنها می‌تواند حقّ و حقوق موقوفه را بردارد و زاید آن را باید به مستأجر اصلی بپردازد.

ج) آیا تحقیقاتی که کارشناس دادگستری در امر تعیین قیمت سرقفلی می‌دهد مجاز است؟

جواب: معیار عادلانه روز با نظر کارشناسان مورد وثوق است.

سؤال ۱۲۹۶- در جلد دوم عروّه الوثقی، کتاب وقف، فصل ۶، مسأله یک، چنین آمده است: «لا اشکال و لا خلاف فی انه يجوز للواقف ان يجعل التولیة لنفسه مادام حیاً، او الی مدّة، مستقلاً او بالشركة، و خلاف ابن ادریس غیر محقق، و کذا يجوز ان يجعلها لغيره كذلك، بل يجوز ان يجعل امر التولیة بیده بان یشرط ان یکون له ان ینصب کل من یریده و کذا يجوز ان يجعل امرها بید اجنبی بان یکون هو المعین للمتولی و يجوز ان يجعل لکل متول ان ینصب متولياً بعده...»

و حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی (رحمه الله) در مسأله ۲۹۰۵ توضیح المسائلشان می‌فرمایند:

«تصرف و دخالت در امور اوقاف مجهول التولیه و غیب و قصیر و مساجد و مدارس دینی و موقوفه و کتابخانه‌های موقوفه‌ای که متولی مخصوص ندارد برای غیر مجتهد جامع الشرائط، یا مأذون از طرف او حرام و خلاف شرع است».

با توجه به مراتب بالا- آیا متولیان مفروض در فتوای مرحوم صاحب عروه (رحمه الله) منصوص التولیه از طرف واقف در قبال منصوب التولیه از طرف مجتهد جامع الشرائط هستند؟

جواب: در صورتی که طبق شرط واقف عمل شود و افرادی به عنوان متولی تعیین گردند و دارای صلاحیت باشند حاکم شرع یا مقام دیگری حق دخالت برای نصب متولی ندارد و این مورد از قبیل منصوص التولیه است، و کلام آیه الله

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۲

العظمی گلپایگانی (رحمه الله) شامل آن نمی‌شود.

سؤال ۱۲۹۷- از بیست سال قبل در شیراز مهر نماز به مردم هدیه می‌کنم و از آنجا که مهرها رایگان است مراجعه کننده زیاد دارم. غالباً از منازل، کم یا زیاد، مهرهای خرد و فرسوده و بدرد نخور می‌آورند و به من می‌بخشند، یا از مساجد و حسیته‌ها مقدار زیادی مهرهای بدرد نخور برای تعویض می‌آورند و چون بازسازی مهرهای مساجد هر کدام جداگانه مقدور نبوده، غالباً با هم مخلوط می‌شود و بعد از نوسازی هر کس به اندازه احتیاج می‌برد، سربازخانه‌ها، مدارس، ادارات و نهادها هم از مازاد مهرهای مساجد و حسیته‌ها استفاده می‌نمایند. نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست؟

جواب: مجاز هستید و مانعی ندارد؛ ولی بهتر است به آن مقدار که از مساجد و حسیته‌ها مهر برمی‌دارید (هرچند بطور تقریبی باشد) به آنها بازگردانید.

سؤال ۱۲۹۸- سال قبل شخصی بنده را به منزل یکی از اهالی شهر برد و گفت: این آقا قرآن خطی دارد؛ ولی خود و اهل منزلش بی‌سواد هستند و شاید چند سال باشد که این قرآن حفظ و قرائت نگردیده است، اگر شما، که دارای ذوق مطالعه و دوستدار کتاب هستید، آن را بگیرید و بخوانید ثواب دارد " بنده دیدم که قرآن، وقف اولاد می‌باشد از خریداری آن منصرف گردیدم، تا این که شب عید واسطه گفت: " چون آقا احتیاج به پول دارد، افرادی از اصفهان آمده‌اند که آن را خریداری کنند و به خارج از کشور بفرستند. " حقیر دیدم حیف می‌باشد که این قرآن به خارج برود، لذا تصمیم گرفتم آن را خریداری نموده و آن را به همراه یک قرآن خطی نفیس موروثی خودم، به آستان حضرت امام رضا علیه السلام تقدیم نمایم تا برای ایشان محفوظ و نگهداری بشود؛ چون اولاد واقف معلوم نیست که چه افرادی هستند و در کجای این مملکت می‌باشند، به منظور فوق و با وجود این که وضع مادی بنده هم مناسب نیست، آن را به مبلغ گزافی خریداری نمودم، فقط برای آستان حضرت امام رضا (علیه السلام) تا هر وقت خداوند عالم، زیارت آن حضرت را نصیب نمود، آن را به مشهد مقدس ببرم. اکنون از جنابعالی استدعا دارم اجازه بفرمایید که این قرآن، تا وقتی به مشهد نرفته‌ام، بطور امانت نزد این حقیر باشد تا آن را قرائت نموده و سوره‌ای هم به روح واقف و کاتب آن هدیه بنمایم؟

جواب: اگر موقوف علیهم به هیچ وجه قابل شناسایی نیستند، شما و دیگران می‌توانید آن قرآن را قرائت کنید و سپردن آن به جایی که اصلاً قرائت نمی‌شود، اشکال دارد؛ مگر این که قرآن بسیار نفیسی باشد که بیم از دست رفتن آن برود.

سؤال ۱۲۹۹- حدود ۲۵ مرتع، اعم از مشجر و غیر مشجر، در صد سال قبل توسط مردم نور با تأیید علما و فقهای منطقه وقف شد، تا درآمد آن در دهه عاشورا به مصرف عزاداران خامس آل عبا (علیه السلام) در محل برسد، تولیت آن نیز به عالم محل و سپس به اولاد او واگذار شد. تا زمان اجرای ماده ۵۶ حفاظت از مراتع، طبق وقفنامه عمل می‌شد و از زمان اجرای قانون فوق در رژیم سابق، اجرای مفاد وقفنامه کاملاً تعطیل شد. پس از پیروزی انقلاب، ماده واحده‌ای برای ابطال اسناد فروش آب و اراضی موقوفه در مجلس شورای اسلامی تصویب و مقرر گردید اوقاف و متولیان موقوفات با تعلیف کنندگان مراتع غیر مشجر روابط استیجاری برقرار کنند تا درآمدهای حاصل طبق وقفنامه به مصرف برسد؛ ولی منابع طبیعی و جنگلداری مدعی است مراتع مشجر جزء انفال است. حال

سؤال این است:

الف) آیا مراتع مشجر کماکان وقف است یا نه؟ در صورت دوّم، اصلاً عقد باطل بوده یا انحلالی صورت گرفته است؟
جواب: در صورتی که احتمال داده شود در این مراتع در گذشته احیایی صورت گرفته، حکم وقف کماکان جاری است.

ب) مال الاجاره مراتع غیر مشجر، که مورد تعلیف حشم‌داران است، در چه راهی باید مصرف شود؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۴

جواب: هرگاه در آنها نیز احتمال احیا بدهید که زمین را برای مرتع آماده کرده باشند حکم وقف بر آنها نیز جاری می‌شود و باید درآمد آن در مصارف وقف مصرف گردد.

ج) اگر بعضی از این مراتع جزء محدوده روستاها قرار گرفت، تکلیف شرعی چیست؟

جواب: هرگاه از اول، در محدوده روستا بوده، تعلق به روستا دارد و می‌توان با رضایت اهل روستا آن را وقف کرد و اگر قبلاً وقف شده، سپس در محدوده روستا قرار گرفته، حکم وقف باطل نمی‌شود.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۵

فصل سی و نهم: احکام هبه

سؤال ۱۳۰۰- شخصی مقداری از اموال خود را در زمان حیاتش به نام بعضی از فرزندانش نموده است؛ ولی عایدات بعضی از آن اموال را خودش، و قسمتی دیگر را صاحبان همان اموال مصرف می‌کرده‌اند، این اموال شرعاً متعلق به چه کسی است؟
جواب: اموالی را که در زمان حیات به اسم اشخاص کرده و تحویل داده، یا صغیر بوده‌اند و تحت تصرف ولی آنها بوده، به خود آنها تعلق دارد.

سؤال ۱۳۰۱- زید تمام اموال خود (خانه، زمین و متعلقات آن) را به دست دائی‌اش داده و از وطن خود به هندوستان رفته و در آنجا سکونت اختیار کرده است، سپس تمام مایملک خود را در زمان حیات خویش با این مضمون به فردی هبه کرده است: «اگر من زنده به وطن خود برسم مایملک خودم را از فلان شخص می‌گیرم و اگر به حکم الهی زنده به وطن خود نرسم در این صورت تمام مایملک خود را به فلان شخص هبه کرده‌ام، اگر کسی در این باب دعوا کند ادعای او باطل خواهد بود. و در این هبه اول خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) گواهند، بعد از آن ۴ نفر از مؤمنین با نشانه انگشت شهادت داده‌اند» بعد از تحریر هبه‌نامه بلافاصله تمام مایملک زید از دست دایی‌اش پس گرفته شده و تحت تصرف آن فرد قرار داده شده و تا به حال تمام مایملک وی در تصرف اوست؛ ولی زید به حکم الهی در هندوستان وفات و در آنجا مدفون گردید. آیا این هبه‌نامه طبق شرع مقدس اسلام نافذ است؟

جواب: فقط یک سوّم هبه‌نامه که در واقع وصیتنامه است صحیح می‌باشد، بقیه
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۶

به ورثه برمی‌گردد و اگر وارثی ندارد باید به حاکم شرع داده شود.

سؤال ۱۳۰۲- شخصی ادعا می‌کند که برادرزاده‌اش تمام اموال خود را به او هبه کرده است؛ ولی او انکار می‌کند و می‌گوید: «تمام اموالی که از پدرم به ارث رسیده است را امانت گذاشته‌ام و اصلاً و ابداً به کسی نداده‌ام» آیا در صورت عادل بودن مدعی، قول او شرعاً مسموع است؟

جواب: قول مدعی به تنهایی کافی نیست، هرچند عادل بوده باشد؛ بلکه باید لاقول دو شاهد عادل بر ادعای او گواهی دهند.

سؤال ۱۳۰۳- پدری مالی را به پسر نابالغ خویش هبه شرعی نموده است؛ ولی مدتی بعد پدر، مقداری از آن زمین را می‌فروشد.

الف) آیا معامله پدر نسبت به زمین پسر نابالغ صحیح است، یا پدر ضامن می‌باشد؟

جواب: پدر بعد از هبه به پسر نابالغ خود نمی‌تواند برگردد و اگر معامله‌ای روی آن برای خودش انجام دهد باطل است و اگر برای پسر و به نفع او بوده جایز است؛ ولی پولش مال پسر است و اگر آن مال تلف شده، پدر ضامن است.

ب) اگر پسر بالغ شود آیا حق فسخ دارد؟ و اگر حق فسخ دارد، آیا پسر باید به مشتری رجوع کند و مال خودش را بگیرد، یا باید به پدرش رجوع کند؟

جواب: اگر مال موجود است پسر می‌تواند معامله را به هم بزند و از مشتری پس بگیرد، و اگر نیست می‌تواند عوض آن را از پدر بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۷

فصل چهلم: احکام شفعه

سؤال ۱۳۰۴- خانه‌ای مشترک بین دو نفر است، یکی از شرکا سهم خود را به مبلغ معینی به شخص ثالث می‌فروشد، شخص ثالث که خانه را خریده نه حاضر است سهمیه شریک دیگر را بخرد و نه حاضر است سهم خود را بفروشد، نماز خواندن شخص ثالث در این خانه چگونه است؟

جواب: چنانچه خانه در میان آنها به صورت مشاع باشد شریک دوم حق دارد معامله شخص ثالث را فسخ کند و خودش به همان قیمت بخرد و اگر از این حق استفاده نکرد حق شفعه ساقط می‌شود، و امّا در مورد نماز خواندن باید به رضایت دو مالک فعلی باشد.

سؤال ۱۳۰۵- حسین آقا با محمد آقا در یک دستگاه کامیون خاور بطور مساوی شریک می‌باشند، حسین آقا بدون اطلاع و مشورت و پیشنهاد خرید یا فروش سهام مورد شراکت خود به محمد آقا، سهم خویش را به شخص ثالث می‌فروشد. حال با توجه به این که محمد آقا از خریدار، که همسایه او بوده و از خصوصیات اخلاقی او اطلاع دارد، احساس خطر مالی، جانی و آبرویی می‌نماید، تقاضای حق شفعه نسبت به خرید سهام حسین آقا (فروشنده) با همان شرایط و مبلغ مندرج در معامله نموده است؛ آیا در فرض مسأله حق شفعه تعلق می‌گیرد؟

جواب: شفعه عام است و شامل منقول و غیر منقول هر دو می‌شود، و شریک دوم در فرض مسأله حق دارد سهم شریک اول را بخرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۸

سؤال ۱۳۰۶- برخی از شرکا برای جلوگیری از استفاده حق شفعه شریک خود حيله‌ای به شرح زیر به کار می‌برند: سهم خود را از ملک مشترک مشاع به چند برابر قیمت واقعی به مشتری می‌فروشد و با هم قرار می‌گذارند که پس از تحقق معامله و عدم استفاده شریک از حق شفعه، مازاد بر قیمت واقعی را به خریدار بازگرداند، آیا این حيله مشروع است؟

جواب: این حيله مشروع نیست و معامله مزبور جدی نمی‌باشد و باطل است و بفرض که جدی باشد چون مشتمل بر ضرر و زیان شریک است، باطل می‌باشد.

سؤال ۱۳۰۷- آیا حق شفعه در جایی که شرکا بیش از دو نفر باشند نیز جاری می‌گردد، یا این که مختص جایی است که فقط دو شریک باشند؟

جواب: حق شفعه فقط در جایی است که دو شریک بیشتر نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۴۹

فصل چهل و یکم: احیای موات

سؤال ۱۳۰۸- در بعضی از مناطق کوهستانی از قدیم الایام سیره چنین بوده که در فصل بهار حیوانات در چراگاه کلاً آزاد بوده‌اند؛ اما ذخیره علف برای فصل زمستان محدود است؛ یعنی هر منطقه علفهای محدود خویشت را جمع‌آوری می‌کند. بعضی اوقات اهالی یک منطقه به حدود خود قناعت نکرده به علفهای منطقه دیگر طمع می‌کنند. آیا اهالی آن منطقه شرعاً می‌توانند از علفزارهایشان جلوگیری کنند؟

جواب: علفزارهایی که در حریم هر آبادی واقع شده تعلق به همان آبادی دارد و می‌توانند از غیر اهل آبادی جلوگیری کنند و همچنین اگر علفزارها را تقسیم کرده و علامتگذاری کرده باشند، هر قسمت متعلق به صاحب آن است؛ ولی با رضایت صاحب حق، تصرف در آن مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۰۹- در حدود ۶۰ سال قبل، زمینی مزروعی با حدود چهارگانه و سند دولتی به نام چند نفر به ثبت رسیده است، بعد از ۴۰ سال فرزندان یکی از شرکا چشمه و زمینهای موات واقع در خارج از محدوده موصوفه را احیا نموده‌اند. ۱۸ سال پس از احیای زمینهای موات، فرزندان بقیه شرکا ادعا می‌کنند که چون چشمه و زمین در منطقه‌ای واقع شده که تحت نام زمین مشترک است، یعنی جزء منطقه حساب می‌شود- و لو این که خارج از محدوده زمین مشترک مزروعی است- آنها هم در آن زمین و چشمه احیای شده حق دارند، حکم چیست؟

جواب: در صورتی که دلیل قاطعی بر این امر نداشته باشند، که آن منطقه جزء

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۰

حریم زمین مشترک است، ادعای آنها پذیرفته نیست.

سؤال ۱۳۱۰- منازل عده‌ای از رزمندگان در اثر ریزش کوه نابود شده است، با صلاحدید عده‌ای از مسئولین دولت جمهوری اسلامی زمینی که حدود صد سال زراعت نشده و به نام یکی از درباریان زمان طاغوت بوده بین افراد واجد شرایط تقسیم شده است، و به جای ساختمان به آنها داده‌اند، آیا تملک زمینهای مذکور مجاز است؟

جواب: اگر زمین موات بوده است کسی مالک آن می‌شود که آن را آباد کند (مثلاً خانه بسازد) و اگر سابقاً آباد بوده تعلق به مالک سابق دارد و اجازه او لازم است؛ مگر این که او از طریق غصب بر آن مسلط شده باشد و صاحب اصلی معلوم نباشد، که باید با اجازه حاکم شرع به نیازمندان داد.

سؤال ۱۳۱۱- آیا انسان می‌تواند مراتع و چراگاههای عمومی را احیا کند؟

جواب: در حکومت اسلامی باید از مقامات مسئول اجازه گرفته شود.

سؤال ۱۳۱۲- قطعه زمینی خریداری و به قطعات کوچکتر تقسیم شده و کوچه‌ای بن‌بست از همین زمین برای عبور و مرور در نظر گرفته شده است، در رابطه با این کوچه سؤالات زیر مطرح است:

الف) مالکین کوچه بن‌بست چه کسانی هستند؟

جواب: معمولاً مالک کوچه بن‌بست کسی است که در خانه‌اش در آن کوچه باز شده است.

ب) کسانی که فقط دیوار خانه آنها در مجاورت کوچه بن‌بست می‌باشد و محل عبورشان از جای دیگری است، آیا می‌توانند از کوچه بن‌بست فوق‌الذکر نیز دری برای عبور و مرور باز کنند؟

جواب: نمی‌توانند؛ مگر این که عرف محل اقتضا کند.

ج) با فرض این که مالکین کوچه بن‌بست مذکور کسانی باشند که کوچه بن‌بست

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۱

از زمین آنان افزای گردیده، آیا مالکان آن کوچه می‌توانند پنجره‌های دیگران را به آن کوچه مسدود نمایند؟

جواب: در فرض مسأله که کوچه بن‌بست از ملک بعضی از مالکین گرفته شده، اختیار آن با آنهاست.

سؤال ۱۳۱۳- آیا انسان می‌تواند راه عمومی حیوانات را، که قدمت چندین ساله دارد، مسدود نماید؟

جواب: اگر شارع عام بوده (نه جاده خصوصی) مزاحمت جایز نیست.

سؤال ۱۳۱۴- در یک قریه یا شهر نهری قدیمی وجود دارد که چندین سال از آب آن برای کشاورزی استفاده می‌کردند؛ اما الآن

کسانی که در ابتدای نهر قرار دارند و آب از ملک آنها عبور می‌کند به دیگران اجازه نمی‌دهند که از آن آب استفاده کنند، آیا

این کار جایز است؟

جواب: باید طبق عرف محل عمل کنند.

سؤال ۱۳۱۵- زید و بکر نهری کشیدند و آب را بین خودشان تقسیم نمودند، آیا بر فرزندان آنان لازم است بر تقسیم پدران بمانند،

یا می‌توانند دوباره بین خود تقسیم نمایند؟

جواب: تقسیم مجدد فقط با توافق طرفین جایز است.

سؤال ۱۳۱۶- مالک چشمه زراعت خود را با آب همان چشمه آبیاری می‌کرده و به همسایگان نیز اجازه داده که در ملکش جوی

آب ایجاد نمایند، مدت بیست و چند سال از آب چشمه زراعتشان را مشروب نموده‌اند، آیا اکنون مالک مذکور می‌تواند

همسایگان را از رفت و آمد در ملکش، جهت سرکشی و استفاده از آب چشمه، منع نماید؟

جواب: اگر سهمی از چشمه را به آنها در مقابل چیزی بخشیده نمی‌تواند برگردد و اگر تنها با رضایت او در این مدت استفاده

می‌کرده‌اند، می‌تواند از نظر خود برگردد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۲

سؤال ۱۳۱۷- در ملک کسی چشمه‌ای ظاهر شده و جاری است، آیا کسی می‌تواند بدون رضایت مالک ملک مذکور جهت زیاد

شدن آب، چشمه مذکور را تعمیق کند؟ اگر کسی این کار را کند و آب چشمه زیاد شود، آیا برای حضرکننده حقی ایجاد می‌شود؟

جواب: چشمه متعلق به صاحب زمین است و اگر کسی آن را توسعه دهد و آب آن زیاد شود حقی برای او ایجاد نمی‌شود؛ مگر این

که قراردادی با مالک زمین داشته باشد.

سؤال ۱۳۱۸- یک جریان طبیعی آب از چشمه‌سارهای دامنه یک کوهستان از قدیم الایام وجود دارد، مزارع و باغاتی نیز از گذشته

در اطراف مجرای آب مزبور به وجود آمده، که از همین آب مشروب می‌شده است. در سالهایی که بارندگی زیاد و مقدار آب

بیش از نیاز مزارع و باغات می‌باشد مقدار آب زائد بر مصرف داخل در مسیل گردیده و پس از عبور از یک مسیر کوهستانی

لم‌یزرع در فاصله ۳۰ کیلومتری به مزرعه و روستای دیگری می‌رسد که اهالی آن روستا، آن را بر آب قنات خویش اضافه نموده و

از آن استفاده می‌کنند. در سالهای کم باران مقدار آب بیش از نیاز مصرفی مزارع بالادست نبوده و طبعاً آبی به روستای بعدی

نمی‌رسد و همین امر مایه نزاع بین اهالی دو روستای مزبور شده که هنوز نیز ادامه دارد. مقررات فقهی موجود و اصل ۴۹ قانون

اساسی و قانون توزیع عادلانه آب، مصوب سال ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی، و ماده ۱۵۶ قانون مدنی، مبنی بر حق تقدم مزارعی

که به منبع آب نزدیکترند، ظاهراً برای رفع خصومت و قطع مایه نزاع کافی نیست. لطفاً در این موضوع به دو سؤال ذیل پاسخ

فرماید:

الف) نظر حضرت‌تعالی در این خصوص چیست؟

جواب: چنانچه عرف محل، به تصدیق اهل اطلاع و آگاهان آن منطقه، این بوده که آبادی‌های پایین فقط از اضافه آب، آن هم در

سالهای پرآبی، استفاده کنند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۳

باید در سالهایی که آب کم است، آب در اختیار آبادیهای بالا قرار گیرد؛ ولی آبادیهای بالا باید صرفه‌جویی‌های لازم را انجام دهند تا اگر آب اضافی باشد به آبادیهای پایین برسد.

ب) نظر شرع مقدّس در خصوص چگونگی حقّ تقدّم استفاده از آب چشمه‌سارهای طبیعی که توسط آبادیها و روستاهای اطراف آن چشمه‌سارها به صورت سنتی و بدون قرارداد مدوّن مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و موجب اختلاف می‌شود چیست؟
جواب: کسانی که قبلاً چشمه را متصرف شده و از آن برای کشاورزی خود استفاده کرده‌اند مقدّمند، و اگر معلوم نباشد چه کسانی روز اول چشمه را متصرف شده‌اند عرف محل در این موارد معیار عمل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۵

فصل چهل و دوم: احکام شهادت

سؤال ۱۳۱۹- چرا در اسلام شهادت (گواهی) دو زن برابر با شهادت یک مرد است؟

جواب: به تفسیر نمونه، جلد دوم، صفحه ۴۴۴، ذیل آیه ۲۸۲ سوره بقره، مراجعه فرمایید، پاسخ روشن در آنجا آمده است.

سؤال ۱۳۲۰- شهادت افرادی که یا عادل نیستند، یا ظاهر الصّلاح نیستند و حتّی گاهی معلوم الفسق و نسبت به امور دینی بی‌مبالات هستند، چه حکمی دارد؟ آیا مورد قبول واقع می‌شود؟

جواب: شهادت اینگونه افراد باطل است، شاهد باید ظاهر الصّلاح و عادل باشد.

سؤال ۱۳۲۱- گاهی مدّعی یا منکر، برای اثبات ادّعای خود افرادی را به عنوان شاهد معرفی می‌کند که با انگیزه قومی یا گروهی می‌خواهند به نفع یکی و ضرر دیگری شهادت بدهند؛ حتّی دیده شده که شخص وعده می‌دهد که اگر به نفع او شهادت بدهند، هر زمان که آنها با کسی دعوا داشتند تلافی می‌کند، شهادت این نوع افراد چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه قاضی بداند این گونه افراد با انگیزه‌های فوق شهادت می‌دهند، نمی‌تواند شهادت آنها را بپذیرد.

سؤال ۱۳۲۲- با توجه به این که در شرع مقدّس یکی از ادلّه شهادت است و اوصاف شهود آن چنان که تصریح شده در میان مردم کم است و اگر هم به دادگاه معرفی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۶

شوند، دادگاه آنها را نمی‌شناسد و تزکیه نمودن آنها هم مشکل است؛ چون احوال تزکیه کنندگان نیز در نظر دادگاه مجهول است و اگر همین گونه ادامه یابد، دور لازم می‌آید و این امر برای ارباب دعاوی کار را بسیار مشکل می‌کند و باعث جرأت متجاوزان و بروز ناامنی در میان مردم می‌شود. سؤال اینجاست که اگر عدّه‌ای شهادت دهند که شاهد آدم درستکاری است و ظاهر خوب و قابل قبولی دارد، به حدّی که عدالت شاهد در نزد عدّه‌ای شایع باشد در صورتی که دادگاه اوصاف آن عدّه را نشناسد و فقط بداند که از هم محلّه‌های شاهد هستند و ظاهری آراسته دارند، آیا قاضی می‌تواند به این شیاع متمسک شده و شهادت شاهد را قبول نماید؟
جواب: همان گونه که مسامحه در این امور صحیح نیست، سختگیری نیز درست نمی‌باشد. آنچه ذکر کردید برای اثبات دعاوی در دادگاه‌ها کافی به نظر می‌رسد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۷

فصل چهل و سوم: احکام وصیت

سؤال ۱۳۲۳- آیا انسان می‌تواند ثلث مالش را هنگام وصیت در اشیای خاصی قرار دهد؟

جواب: برای هر موردی که مشروع و مباح است می‌تواند وصیت کند، و ثلث را در مال خاصی که بخواهد تعیین نماید.

سؤال ۱۳۲۴- اگر کسی بخواهد همسرش پس از فوتش مادام الحیات در منزل مسکونی او سکونت داشته باشد و سایر ورثه مزاحمتی برای او ایجاد نکنند، چگونه باید وصیت کند؟

جواب: می‌تواند منافع خانه را به عنوان ثلث به او واگذار کند و احتیاطاً از ورثه هم رضایت بگیرد، و یا این که منافع مزبور را به همسرش در برابر چیز معینی مصالحه کند و عوض را دریافت دارد، و از همه بهتر این که منافع خانه را به عنوان «عمری» و «سئیکنی» (یعنی اسکان همسرش در آن خانه مادام الحیات) به او واگذار کند، در این صورت ورثه حق بیرون کردن او را از خانه مادام‌العمر ندارند.

سؤال ۱۳۲۵- اگر شخصی بیش از ثلث اموالش را ثلث قرار دهد و فرزندانش هم با توجه به باقیمانده موافقت کنند، سپس در اواخر عمرش (سه ماه قبل از فوت) وصیتنامه‌ای تنظیم و در آن قسمتی از اموال خود را به فردی هبه نماید، حکم هبه و وصیتنامه را بیان فرماید:

جواب: چنانچه رضایت آنها مشروط به باقی ماندن مقدار مزبور بوده و او در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۸

آخر عمر چیزی را ببخشد، وصیت مازاد بر ثلث نافذ نیست.

سؤال ۱۳۲۶- چندی قبل یکی از دوستان به رحمت ایزدی پیوست، از ایشان وصیتنامه‌ای به جای مانده که طبق آن باید ثلث دارائی‌اش صرف مخارج کفن و دفن و نماز و روزه شود و هر چه باقی ماند کار خیر انجام شود، اکنون برای ما دو سؤال پیش آمده، لطفاً جواب این دو سؤال را روشن فرماید:

الف) ایشان مقدار نماز و روزه را معین نکرده است، برای اجرای وصیت ایشان چند سال باید نماز و روزه بخریم؟

جواب: اگر مقدار ثلث زیاد است، به اندازه‌ای که احتمال می‌دهید از او نماز و روزه فوت شده، و یا عیب و اشکالی داشته استیجار کنید، و بقیه را در کار خیر مصرف نمایید.

ب) آیا مصرف یک سوم اموال ایشان جهت کار خیر فوریت دارد، یا می‌توان با تأتی و در درازمدت انجام داد؟

جواب: باید در کوتاه مدت انجام گیرد.

ج) آیا اثاث معمول منزل، مثل ظروف و وسایل آشپزخانه، باید در محاسبه اموال بطور دقیق بیاید؟

جواب: آری، آن هم باید محاسبه شود.

سؤال ۱۳۲۷- شخصی در وصیتنامه دوّم خود چنین می‌نویسد:

«خانه‌ای در خیابان فلان دارم، آن را به فرزندم یوسف منتقل کردم، به شرط آن که اختیار فسخ مادام الحیات با خودم باشد. و قطعه زمینی که دارای دو سند می‌باشد به دو دخترم، محبوبه و منیره، برای جهیزیه آنها منتقل نمودم، و اختیار فسخ در این مورد نیز مادام الحیات با خودم می‌باشد» با توجه به عبارات فوق، آیا این وصیت مصداق هبه است، یا صلح تلقی می‌شود؟ و آیا اختیار فسخ مادام الحیات ضرری به صحت آن وارد نمی‌کند؟

جواب: ظاهر این است که این واگذاری به صورت هبه، یا صلح بلاعوض - که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۵۹

آن هم مفهوم هبه را دارد - می‌باشد، بنابراین چنانچه مورد هبه را تحویل داده، صحیح است و خیار فسخی که برای خودش قرار داده، آن هم مشکلی ندارد، اما اگر تحویل نداده باطل است.

سؤال ۱۳۲۸- شخصی محترم و خیر در وصیتنامه خود از بازماندگان درخواست نموده، از محل ثلث اموال او یک حسینیّه و یک مسجد احداث نمایند. بازماندگان حسینیّه را ساخته‌اند و اکنون در صدد احداث مسجد می‌باشند، حال با توجه به امور زیر، آیا می‌توان به جای مسجد حسینیّه‌ای دیگر، یا یکی دو سالن به بنای امامزاده محل اضافه نمود؟

الف) منطقه از نظر مسجد اشباع می‌باشد و می‌توان گفت هر ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر یک مسجد وجود دارد، بطوری که از بعضی مساجد فقط چند روز اول ماه محرم استفاده می‌شود.

ب) بازماندگان متوفی اصرار به ساخت مسجد در محل و محدوده زندگی خود دارند.

ج) وکیل متوفی، که مسئول اجرای وصیتنامه می‌باشد، و نیز اطرافیان آن مرحوم با توجه به حضور گسترده مردم در امامزاده محل به منظور زیارت و نیز برگزاری مراسم مختلف مذهبی از قبیل زیارت عاشورا، دعای ندبه، جشن اعیاد مذهبی، جشن میلاد معصومین (علیهم السلام) و جلسات قرآن و احیا و شب‌زنده‌داری لیلی قدر و عزاداری ماه محرم الحرام و دیگر مراسم مذهبی در این امامزاده، تمایل به احداث بنایی برای رفع نیازها در این مکان مقدّس دارند.

د) زمینهای امامزاده همگی وقف می‌باشند و ساخت مسجد در این مکان چندان مناسب و ضروری نمی‌باشد.

جواب: وصیت را نمی‌توان تغییر داد و باید مسجد ساخته شود، البته در محلی که احتیاج به مسجد بیشتر است، خواه دور باشد یا نزدیک (در صورتی که جای معینی در وصیتنامه تعیین نشده باشد).

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۱

فصل چهل و چهارم: احکام ارث

ارث گروه اول

سؤال ۱۳۲۹- خانمی دارفانی را وداع نموده است، مرحومه دارای خواهری ابوینی و نبیره پسری می‌باشد، ماترک آن مرحومه را بین خواهر مرحومه و اولاد اولادش تقسیم نموده‌اند. آیا تقسیم مذکور شرعاً صحیح است؟ در صورتی که صحیح نیست چگونه باید تقسیم کرد؟

جواب: مادام که نوه یا نبیره وجود دارد نوبت به خواهر نمی‌رسد و تمام مال باید به نوه و سپس به نبیره داده شود.

سؤال ۱۳۳۰- شخصی در امارات عربی بر اثر تصادف فوت کرده، پدر و مادر متوفی در حال حیات بوده و متوفی مجرد بوده و اولاد ندارد. مدت یک سال بعد پدرش فوت کرده و ۲۰ روز بعد از فوت پدر، دیه متوفی وصول شده است. آیا بعد از فوت پدر، پول دیه به پدر می‌رسد یا مادر یا هر دو، در صورتی که مادر حاجب هم دارد؟ سهم الارث هر یک را بیان فرمایید.

جواب: به فرض وجود حاجب دیه به شش قسمت تقسیم می‌شود، پنج قسمت به پدر و یک قسمت به مادر تعلق می‌گیرد و سهم پدر از دیه مانند سایر اموالش بین فرزندان و همسر او طبق قانون ارث تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۳۳۱- مردی که صاحب یک زوجه و دو پسر و دو دختر است از دنیا رفته و دارای اموالی از منقول و غیر منقول است، پدر و مادر متوفی در قید حیاتند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۲

چگونگی تقسیم ماترک را ذکر نمایید. ضمناً آیا صغیر یا کبیر بودن فرزندان متوفی تأثیری در حکم دارد؟

جواب: یک هشتم از مال به همسر داده می‌شود و یک ششم به پدر و یک ششم به مادر، باقیمانده را شش قسمت می‌کنند به هر پسر دو سهم، و به هر دختر یک سهم می‌رسد و صغیر یا کبیر بودن تأثیری ندارد.

سؤال ۱۳۳۲- خانمی در اثر تصادف با ماشین فوت شده است، ورثه او سه پسر، سه دختر و همسر و مادرش می‌باشند. با توجه به توضیحاتی که می‌آید، به سؤالات مطرح شده پاسخ فرمایید:

۱- شوهر فعلی ایشان پدر هیچ کدام از اولاد او نیست و آن مرحومه تقریباً همه ثروت خود را قبل از این که با این شوهر ازدواج کند به دست آورده است.

۲- وارثین دیه را به متهم (تصادف کننده) بخشیده‌اند و قرار شده مبلغی کمتر از دیه از او دریافت نمایند.

۳- مرحومه ثلث اموال خود را برای مصرف در مورد معینی وصیت کرده و شخصی را به عنوان وصی خود تعیین نموده است. با توجه به مقدمه بالا سؤالاتی مطرح است:

الف) سهم هر کدام از ورثه به تفکیک چه مقدار می‌باشد؟

جواب: یک ششم اموال او به مادر و یک چهارم به شوهر و بقیه نه سهم می‌شود، به پسرها هر کدام دو سهم و به دخترها هر کدام یک سهم داده می‌شود.

ب) آیا مبلغی که از متهم دریافت می‌کنند (با توجه به این که دیه نیست) مثل مال الارث تقسیم می‌شود؟

جواب: دیه و آنچه به جای آن گرفته شود مانند مال الارث است.

ج) ثلث اموال شامل مبلغی که از متهم دریافت می‌کنند نیز می‌شود؟

جواب: ثلث از آن نیز خارج می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۳

سؤال ۱۳۳۳- منزلی از عموی مرحوم به مادر بزرگ این جانب به ارث رسیده است. با توجه به این که ایشان به علت کهولت سن، قدرت انجام کاری را ندارند و پول حاصل از فروش منزل، مورد نیاز پدر و عمه‌هایم بود، آنها با توافق یکدیگر تصمیم گرفتند منزل را با اخذ وکالت از مادر بزرگ، توسط پدرم فروخته و مبلغ حاصل بین طرفهای ذی‌نفع تقسیم شود؛ اما در حین انجام معامله پدرم مرحوم شد.

با توجه به این که مادر بزرگم به علت کهولت سن در جریان ماجرای فروش قرار نداشت، عمه‌های این جانب تصمیم گرفتند این منزل را فروخته ولی سهم پدر مرحوم این جانب را به ورثه نپردازند. و برای ورثه پدرم امکان صحبت با مادر بزرگم و روشن نمودن موضوع وجود ندارد. حال آیا از نظر شرعی انجام چنین عملی (فروش منزل و تقسیم مبلغ آن) جایز است؟ آیا ورثه پدرم می‌توانند سهم خود را از این مبلغ مطالبه نمایند؟ (لازم به توضیح است که معامله تا حد قولنامه پیش رفته و حتی چک‌های آن نوشته شده است).

جواب: فروش منزلی که به مادر بزرگ تعلق دارد، و تقسیم پول آن بین عموها و عمه‌ها و پدر شما جز به رضایت مادر بزرگ جایز نیست، و اگر بر اثر کهولت سن قادر به تصمیم‌گیری نمی‌باشد، باید فروش آن با اجازه حاکم شرع باشد و برای خود مادر بزرگ انجام گیرد و تقسیم پول حاصل از آن، میان دیگران، تا زنده است وجهی ندارد.

سؤال ۱۳۳۴- زن و شوهری چند فرزند دارند. یکی از فرزندان آنها، که مجرد است، فوت می‌کند و از او اموالی باقی می‌ماند، پدر این متوفی نیز قبل از تقسیم ارث فرزند فوت می‌کند. اگر پدر این فرزند دارای والدین باشد، آیا سهم الارثی که از فرزند خود دارد به والدینش می‌رسد؟

جواب: آری ارث آن پدر به والدین او و سایر فرزندان و همسرش می‌رسد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۴

سؤال ۱۳۳۵- مرحومه بانو سیده قمر، اموال خود را به مسجد مصالحه نموده است، در حالی که وارث طبقه دوم او (برادر و خواهر) موجودند، آیا اموال مختصر او به مسجد می‌رسد، یا ورثه او نیز حقی دارند؟

جواب: اگر این صلح را به عنوان بعد از مرگ سفارش کرده، وصیت محسوب می‌شود و فقط در یک سوم اموالش مؤثر است. و اگر صلح قطعی در حال حیات کرده و تحویل داده، کسی در آن حقی ندارد؛ زیرا انسان تا زنده است حق تصمیم‌گیری در اموال خود را دارد.

سؤال ۱۳۳۶- در صورتی که ورث متوفی عبارت باشند از: دختر عمو، یا پسر عموی ابوینی و دختر عمو و پسر عموی پدری، آیا در این صورت به دختر عمو و پسر عموی پدری هم ارث می‌رسد؟

جواب: در فرض مسأله دختر عمو و پسر عموی پدری ارث نمی‌برند، فقط ابوینی ارث می‌برد.

ارث زوجین

سؤال ۱۳۳۷- اگر شوهر قسمتی از ثلث اموالش را به همسرش هبه کند؛ مشروط بر این که بعد از مرگ شوهر از هشت یک خود صرف نظر کند، آیا زوجه می‌تواند بعد از مرگ زوج درخواست هشت یک کند؟

جواب: زوجه باید به شرطی که با او شده عمل نماید و اگر به شرط عمل ننماید هبه از سوی ورثه قابل فسخ است.

سؤال ۱۳۳۸- آیا سرقفلی زمین و مغازه قابل فروش است؟ آیا زوجه از آن ارث می‌برد؟

جواب: سرقفلی زمین و مغازه حکم زمین را ندارد و همسر از آن ارث می‌برد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۵

و با موافقت مالک متولی موقوفه قابل فروش است.

سؤال ۱۳۳۹- شخصی از دنیا رفته و وارث او پدر و مادر و همسرش می‌باشند، در اینجا این سؤالات مطرح می‌شود:

الف) آیا زن علاوه بر جهیزیه خود، مالک زیورآلات و طلاجاتی که شوهر مرحومش برای او خریده نیز می‌باشد؟

جواب: زیورآلات معمولاً ملک زن است؛ مگر این که شوهر تصریح کرده باشد که به عنوان امانت نزد اوست.

ب) آیا بدهی متوفی از کل ماترک، منقول و غیر منقول، پرداخت می‌شود یا فقط از منقول داده می‌شود؟

جواب: بدهی از کل ماترک پرداخت می‌شود.

ج) آیا وسایل خانه، که از طرف بستگان اهدا می‌شود، مال شخص زن می‌شود، یا جزء ماترک است؟

جواب: وسایلی را که برای زن آورده‌اند مال زن می‌باشد، و وسایلی که برای مرد آورده‌اند مال اوست و اگر کسانی قصد هر دو کرده‌اند مال هر دوست.

سؤال ۱۳۴۰- شخصی در زمان حیات خود، صاحب قطعه باغی بوده است. ده سال پس از فوت نامبرده قطعه باغ مزبور در طرح ساخت و ساز شهری و در مسیر خیابان قرار گرفته است و شهرداری معادل آن، زمینی داده است، حال زمین مزبور به فروش رفته است، با توجه به برگ حصر وراثت که یک هشتم اموال منقول و بهای اعیانی غیر منقول سهم زن قید گردیده و سند مالکیت زوجه

نیز بر این اساس تنظیم شده، آیا زوجه آن مرحوم در ثمن (۸۱) زمین که به جای درخت باغ داده‌اند ذیحق می‌باشد، یا ثمن بهای اعیانی زمان بعد از فوت شوهرش ملاک می‌باشد و او ذیحق نیست؟

جواب: آن زن مالک ثمن بهای اعیانی در زمان فوت است و اگر با گذشت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۶

زمان قیمت اعیانی بالا رفته و زمین مزبور به عنوان قیمت آن پرداخت شده است، زن در آن زمین سهم است.

سؤال ۱۳۴۱- شخصی از دنیا رفته است. وارث او همسر و دو برادرزاده و یک خواهرزاده‌اش می‌باشند. ترکه او عبارت است از آب، ملک و رودخانه؛ لطفاً نحوه تقسیم ارث را بیان فرمایید.

جواب: همسر او از زمین چیزی نمی‌برد؛ ولی اگر ساختمان و مانند آن دارد از قیمت آنها ارث می‌برد (به مقدار یک چهارم مال)، بقیه در میان برادرزاده‌ها و خواهرزاده تقسیم می‌شود. برادرزاده‌ها دو سهم و خواهرزاده یک سهم می‌برند، این در صورتی است که همه از یک پدر و مادر باشند، بعلاوه زن از آب رودخانه هم سهم می‌برد.

سؤال ۱۳۴۲- زنی در زمان حیات شوهر مهریه‌اش را مطالبه نکرده است، آیا پس از فوت شوهرش می‌تواند مطالبه نماید؟ در صورتی که باید پرداخت شود، آیا در مرتبه دیون است یا خیر؟ و در صورتی که در مرتبه دیون است، آیا بر سایر دیون مقدم است؟ جواب: مهریه مانند سایر دیون و همدریف آنهاست و باید از اصل ترکه پرداخت شود.

سؤال ۱۳۴۳- اگر زنی که در حالت حیات مهریه‌اش را مطالبه نکرده فوت کند، آیا ورثه این زن می‌توانند مهریه او را از شوهر مطالبه کنند، اگر شوهر هم مرده باشد حکم مسأله چیست؟

جواب: همانطور که در بالا اشاره شد مهریه مانند سایر دیون است و به ارث منتقل می‌شود، و ورثه می‌توانند آن را مطالبه کنند.

سؤال ۱۳۴۴- آیا زوجه از سرقفلی املاک موقوفه ارث می‌برد؟

جواب: زوجه از سرقفلی ارث می‌برد، چه در املاک موقوفه و چه در غیر موقوفه.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۷

سؤال ۱۳۴۵- هرگاه مردی از دنیا برود و وراثت وی عبارت باشد از یک زوجه و چند فرزند صغیر و کبیر، و از متوفی یک واحد مسکونی به عنوان ماترک باقی مانده باشد، با عنایت به این که زوجه حقی نسبت به عین ابنیه نداشته و فقط در قیمت آن سهم می‌باشد، آیا قبل و بعد از پرداخت حق زوجه، نامبرده می‌تواند به سکونت در آن منزل ادامه دهد، یا منوط به اذن سایر وراثت می‌باشد؟

جواب: باید سایر ورثه اجازه دهند.

سؤال ۱۳۴۶- شوهر در ضمن عقد تعهد می‌دهد که پس از عروسی و آمدن زوجه به خانه او، چند یا چندین قلم کالا و چیز دیگری به عنوان جهیزیه، برای همسرش خریداری نماید. بعد از عروسی و قبل از این که شوهر به تعهد خود عمل نماید همسرش فوت می‌کند. اگر سایر ورثه این زن از طریق دادگاه زوج را ملزم به انجام تعهد نمایند، آیا خود شوهر نیز جزء وراثت زنش می‌باشد و از جهیزیه‌ای که می‌خرد، ارث می‌برد؟

جواب: سهم الارث دارد.

سؤال ۱۳۴۷- فردی که نظامی بوده، بر اثر جدال و نزاع خانوادگی، با پدرزنش درگیر شده است. پدر زن به طرف اسلحه داماد دست دراز کرده و قصد استفاده از اسلحه را داشته است؛ او برای این که پدرزنش دست از جدال و نزاع بردارد، ابتدا دو تیر هوایی شلیک می‌کند، سپس به علت این که پدرزن دور نشده، بلکه با چوبدستی به طرف او و اسلحه‌اش نزدیک می‌شود، به طرف دست پدرزنش شلیک می‌کند که ناگهان همسرش به حمایت از پدرش درمی‌آید و در این میان اشتبهاً کشته می‌شود. قاتل از این همسر، دارای پسری دوساله است و متوفیه پدر و مادر هم دارد. در این مورد سهم همسر، پسر، پدر و مادر متوفیه را بطور دقیق مشخص نمایید.

جواب: یک ششم دیه کامله به پدر و یک ششم دیه کامله به مادر و بقیه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۸

فرزند می‌رسد و چیزی از دیه به شوهر نمی‌رسد؛ خواه دیه قتل خطا باشد یا دیه قتل عمد، که گاه به جای قصاص توافق بر آن می‌شود.

حکم اموال مفقود الاثر

سؤال ۱۳۴۸- حدود چهارده سال پیش پدرم در جبهه جنگ تحمیلی مفقود الاثر گردید. علی‌رغم اقدامات به عمل آمده، مدرکی دال بر شهادت ایشان از ارگانهای مربوطه به دستمان نرسیده است؛ بلکه مدارکی شبهه اسیر شدن ایشان را ایجاد نموده است، به هر حال پدر بزرگ این جانب نیز تا چهار سال پیش در قید حیات بودند؛ مستحضرید مفقود شدن پدرم حدود ده سال جلوتر از درگذشت پدر بزرگم بوده است، آیا از اموال منقول و غیر منقول پدر بزرگم به پدرم و به ما چیزی تعلق می‌گیرد؟ آیا بقیه ورثه می‌توانند اموال به جای مانده از پدر بزرگم را تقسیم کنند و سهم الارث ما را ندهند؟ وظیفه ما و بقیه ورثه چیست؟

جواب: باید سهم پدرتان را کنار بگذارند و به دست شخص امینی بسپارند و مادام که یقین به شهادت او حاصل نشود سهم پدر شما نزد او نگهداری می‌شود، و اگر ثابت شد که بعد از وفات پدر بزرگ شهید شده است سهم او به شما و سایر ورثه او می‌رسد.

سؤال ۱۳۴۹- اگر تنها وارث متوفی یا مقتولی مفقود الاثر شده باشد، آیا چنین مقتول و یا متوفایی در حکم بلاوارث است؟

جواب: مادام که مرگ آن وارث ثابت نشود به حکم زنده است؛ و باید ارث او را نزد فرد امینی نگه داشت.

سؤال ۱۳۵۰- برادری داشتم که در جنگ مفقود الاثر شده و تا کنون هیچ خبری از او به دست نیامده است. نامبرده، زن و یک فرزند دختر دارد و درآمد سالانه او یک صد هزار تومان می‌باشد، از آنجا که فرزند او نیاز به کمک مالی دارد، آیا می‌توان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۶۹

درآمد ایشان را به فرزندش داد و یا طبق وصیت ایشان عمل کرد؟

جواب: تا زمانی که یقین به فوت او پیدا نکرده‌اید نمی‌توانید اموال او را تقسیم کنید، ولی باید از منافع آن به کسانی که واجب التّفقه او هستند، مانند همسر و فرزندش، به مقدار نیاز بردارید.

سؤال ۱۳۵۱- برای تقسیم میراث کسی که مفقود شده چه مقدار باید صبر کرد؟ آیا بدون فحص و جستجو ده سال و با فحص و جستجو چهار سال صبر کردن کافی است؟

جواب: باید بقدری صبر کرد تا علم به مرگ مفقود حاصل شود.

حبوه (اموال اختصاصی فرزند بزرگ)

سؤال ۱۳۵۲- آیا موتور و اتومبیل یا دوچرخه سواری و ساعت مچی به عنوان حبوه محسوب می‌شود؟

جواب: هیچ کدام از حبوه نیست.

سؤال ۱۳۵۳- پدر بزرگوارمان در اثر سکت قلبی دار فانی را وداع گفته و از وی اموال منقول و غیر منقول و یک دستگاه پیکان به جای مانده است، پدر ابتدا با پای پیاده، سپس با اسب در روستاها در مساجد و منابر به ارشاد مردم مشغول بود، با توجه به موقعیت

زمانی اسب را فروخت و پیکان فوق را خریداری نمود، آیا پیکان متعلق به تمام اهل خانواده می‌باشد، یا به بنده که پسر ارشد خانواده هستم و بر حسب وظیفه شرعی باید قضای نماز و روزه‌های او را بجا آورم تعلق می‌گیرد؟

جواب: مرکب جزء حبوه نیست و متعلق به تمام ورثه می‌باشد.

سؤال ۱۳۵۴- برخی تصور می‌کنند که فلسفه حبوه برای پسر بزرگتر این است که او قضای نمازها و روزه‌های پدر را باید انجام بدهد و در واقع حبوه عوض و اجرت عبادتهای مذکور است، آیا این سخن صحیح است؟ اگر صحیح باشد، در صورتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۰

پدر عبادت قضا شده‌ای نداشته باشد، آیا حبه باید در بین تمام ورثه تقسیم شود؟
جواب: مسأله حبه ارتباط صددرصد با مسأله قضای نماز و روزه ندارد؛ هر کدام حکم جداگانه‌ای است.

چگونگی تقسیم ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند

سؤال ۱۳۵۵- داماد این جانب به همراه همسر و دو فرزندش به هنگام بازگشت از مسکو به تهران به وسیله هواپیمای نظامی، در حین عبور از فضای کشور ارمنستان هدف موشک نظامیان آن کشور قرار گرفته و از بین رفتند. وارث داماد فقط مادرش می‌باشد و وارث دخترم، این جانب و عیالم می‌باشیم. مستدعی است درباره مهریه و جهیزیه دخترم، که متعلق به حقیر و عیالم می‌باشد، و نیز در مورد اموال باقیمانده از متوفی حکم شرعی را صادر فرمایید.

جواب: حکم اسلام در این گونه موارد چنین است: که باید اول فرض کنیم شوهر قبل از بقیه فوت کرده است و اموال او را میان مادر و همسر و دو فرزندش تقسیم کنیم، سپس سهم همسرش به پدر و مادر او می‌رسد و سهم بچه‌ها به پدر بزرگ، یعنی شما، و مادر بزرگ‌ها می‌رسد؛ سپس فرض می‌کنیم که زوجه قبلاً فوت کرده و اموال او را که شامل جهیزیه و مهریه و مانند آن می‌شود، میان ورثه او تقسیم می‌کنیم، سپس یک چهارم شوهر را به مادرش می‌دهیم و سهم فرزندان به پدر بزرگ، یعنی شما، و مادر بزرگ‌ها می‌رسد (دقت کنید)، اگر بچه‌ها مالی نداشته‌اند که مشکلی نیست و گرنه باید به صورت بالا میان همه ورثه تقسیم شود.

مسائل متفرقه ارث

سؤال ۱۳۵۶- در مورد تفاوت‌های زن و مرد از لحاظ ارث، که چرا اسلام سهم مرد را دو برابر سهم زن قرار داده است، توضیح بفرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۱

جواب: دلیل آن روشن است؛ زنان هنگامی که شوهر می‌کنند هزینه‌ای برای زندگی نمی‌پردازند و در اسلام تمام هزینه آنها بر دوش مردان است، و به تعبیر دیگر مردان هم باید هزینه زندگی خود را بپردازند و هم هزینه زندگی فرزندان و زنانشان را، و با این حال طبیعی است که سهم ارث آنها بیشتر باشد، ممکن است گفته شود بعضی از زنان شوهر نمی‌کنند و بعضی از مردان زن نمی‌گیرند، درباره آنها چگونه؟ پاسخ آن نیز با توجه به یک نکته معلوم می‌شود و آن این که قوانین الهی (بلکه تمام قانونها) هماهنگ با نوع افراد جامعه است. افراد استثنایی معیار قوانین نیستند (شرح بیشتر را در تفسیر نمونه، جلد سوم، صفحه ۳۷۴، ذیل آیه دوازدهم سوره نساء مطالعه فرمایید).

سؤال ۱۳۵۷- آیا شرعی و انسانی است که پدری، فرزندان همسر دوم خود را، علاوه بر تبعیض شدید عاطفی و مادی در دوران حیات، پس از مرگ نیز از ارث محروم و همه را به فرزندان همسر اول ببخشد؟

جواب: کسی نمی‌تواند فرزندان خود را از ارث محروم کند؛ تنها می‌تواند نسبت به یک سوم از اموال خود سفارش کند که آن را به هر کس می‌خواهد بدهند؛ اما دو سوم دیگر باید مطابق قانون ارث تقسیم گردد، اضافه بر این عدالت میان فرزندان یک اصل اسلامی است.

سؤال ۱۳۵۸- بر فرض پذیرش این مسأله که انسان مالک بدن خود می‌باشد و می‌تواند وصیت نماید که در قبال برداشتن عضوی از بدن او برای جراحی وجهی در مقابل آن بگیرند، آیا این پول به وارث می‌رسد، و یا باید در امور خیریه که ثوابش به فرد فوت شده

می‌رسد، خرج و مصرف شود؟

جواب: وجه مزبور باید در کارهای خیر برای میت صرف شود، به وارث نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۵۹- پدرم از دنیا رفت و جز من فرزندی نداشتم؛ نه از مادرم و نه از همسر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۲

دیگرش. آن مرحوم وصیت کرد به شرطی که نامادری من شوهر نکند، اضافه بر هشت یک ارث ببرد. بر همین اساس، توافقی صورت گرفت و ایشان پس از اخذ ارث، با زیر پا گذاشتن وصیتنامه، ازدواج کرد. وکیل ایشان با تردستی توافقی را طوری تنظیم کرد که ضمن عمل به مفاد وصیت، در تقسیم ارث نامی از وصیتنامه برده نشد. با توجه به مقدمه فوق به سؤالات زیر پاسخ فرمایید: الف) آیا عدم ذکر لفظ وصیتنامه در توافقی، از طرف وکیل (که در حقیقت راه را برای ازدواج این خانم پس از گرفتن ارث باز کرده) نوعی تدلیس محسوب می‌شود؟

جواب: در صورتی که به شرط عمل نکرده و ازدواج نموده باشد، ازدواجش صحیح است؛ ولی باید مازاد بر یک هشتم را به ورثه برگرداند. (اگر هر دو همسر حیات دارند یک هشتم سهم مجموع آنهاست).

ب) آیا نامادری من با استناد به عدم ذکر لفظ وصیتنامه در توافقی، می‌تواند ادعا کند که ازدواج او و شکستن شرط پدرم پس از گرفتن ارث، اشکالی ندارد؟

جواب: باید مطابق شرط عمل کند و یا مقدار اضافه را برگرداند.

سؤال ۱۳۶۰- می‌دانیم که فرزندخواندگان ارث نمی‌برند. حال اگر زن و مردی که کودکی را به فرزندی قبول کرده‌اند، فرزندی از خود نداشته باشند، آیا بازهم فرزندخوانده ارث نمی‌برد؟

جواب: فرزندخوانده احکام فرزند را ندارد و در هیچ حالت ارث نمی‌برد؛ ولی مرد و زنی که او را به فرزندی پذیرفته‌اند می‌توانند وصیت کنند که مقداری از اموال آنها (حد اکثر تا ثلث) را به فرزندخوانده خویش بدهند، و یا در حال حیات و صحت و سلامت، بخشی از اموال خود را به او واگذار کنند و می‌توانند حق فسخ را برای خود مادام الحیاة محفوظ دارند.

سؤال ۱۳۶۱- از شخصی سه فرزند دختر باقی مانده است، که هر کدام بالغه و عاقله و دارای فرزند هستند، مقداری ملک از پدرشان باقی مانده است، یکی از آنها برادر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۳

شوهر و فرزند خود و دو نفر دیگر شوهر خویش را وکیل کرده‌اند تا ملک را تقسیم کنند، وکلا با ریسمان اندازه‌گیری و قرعه‌کشی کرده و هر کدام راضی و قانع شدند، مدت ۲۸ سال از این تقسیم گذشت و خواهر بزرگ فوت کرد. اکنون ورثه او مدعی هستند که مادرشان به حق خود نرسیده است؛ حکم شرع در این مسأله چیست؟

جواب: تقسیم به قوت خود باقی است؛ مگر این که با دلیل قاطع شرعی ثابت شود که او در آن زمان به حق خود نرسیده است.

سؤال ۱۳۶۲- مخارج بیماری پدر مرحوم بر عهده چه کسی است؟

جواب: مخارج بیماری پدر بر عهده خود اوست و از ترکه برداشته می‌شود؛ مگر این که بعضی از فرزندان یا غیر آنها به میل خود آن را پرداخته باشند.

سؤال ۱۳۶۳- در ادارات دولتی مبلغی حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ هزار تومان به عنوان حق دفن و کفن به کارمندان اختصاص می‌دهند، لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا مبلغ مذکور، که بعد از فوت به بستگان تحویل داده می‌شود، جزء اموال میت و ترکه او حساب می‌شود و بین همه ورثه تقسیم می‌شود؟

ب) آیا میت می‌تواند آن را برای شخص خاص یا مصرف خاصی وصیت کند؟

جواب: هر مقدار آن در مصرف خاص مصرف شده مشکلی ندارد و باقیمانده در حکم اموال میت است؛ مگر این که در مقررات اداری ضوابط خاصی برای آن قرار داده شده باشد.

سؤال ۱۳۶۴- در قتل خطا و شبه عمد، آیا قاتل از مورث خود ارث می‌برد؟

جواب: ارث می‌برد.

سؤال ۱۳۶۵- آیا فرزند متولد از تلقیح مصنوعی، اگر نطفه از یک مرد اجنبی باشد، از پدر خود ارث می‌برد؟ و آیا این فرزند از مادر، و مادر از فرزند ارث می‌برد؟

جواب: اگر نطفه از مرد اجنبی بوده باشد نه از پدر ارث می‌برد و نه از مادر؛

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۴

ولی نسبت به پدر و مادر محرم است.

سؤال ۱۳۶۶- در تجاوز به عنف، به زن تجاوز شده مهر المثل تعلق می‌گیرد، حال اگر آن زن از دنیا رفته باشد، آیا حق مطالبه مهر المثل به ورثه منتقل می‌شود؟

جواب: آری به ورثه منتقل می‌شود.

سؤال ۱۳۶۷- شخصی دارای سه دختر و چهار پسر می‌باشد، که همگی قبل از فوت پدر ازدواج نموده‌اند، سه نفر از پسرها، بنا به دلایل خاصی، ترک وطن نموده و در شهرستانها امرار معاش می‌کنند. از این پدر مقداری زمین کشاورزی، باغ، منزل مسکونی با اثاثیه، لوازم خانگی و حیوانات اهلی باقی مانده است، در هنگام فوت پدر برای این که مادر سرگردان نشود از تقسیم ارثیه خودداری شد. فرزند بزرگتر همه مایملک را تصاحب نموده و از آنها استفاده می‌کند، علاوه بر این که مقداری از زمینها را به نام خود نموده و مادر را نیز از خانه بیرون کرده است، حال که فرزندان دیگر ارثیه خود را مطالبه می‌کنند، به هیچ وجه حاضر به تقسیم ارثیه نمی‌شود و با سر و صدا و آبروریزی طفره می‌رود، حکم الهی چیست؟

جواب: مال الارث باید مطابق قانون اسلام میان همه ورثه تقسیم شود و هیچ کس حق ندارد بیش از سهم خود را بگیرد که گناه بزرگ و غیر قابل بخششی است و مالک آن نخواهد شد.

سؤال ۱۳۶۸- شوهرم مدت دوازده سال مریض بود و امسال از دنیا رفت، شش پسر و سه دختر دارم، برای سه تن از پسرها و یکی از دخترها تشکیل خانواده داده و مخارج زیادی را برایشان متحمل شده‌ام و هم‌اکنون سه پسر و دو دختر دیگر در منزل هستند و تقریباً یک صد و پنجاه هزار تومان بدهکاری داریم. حتی وضعمان به جایی رسیده که شبها بچه‌هایم گرسنه سر به بالین می‌گذارند. کل دارایی شوهرم یک قطعه زمین ۷۵ متری و یک ساختمان است که می‌خواهم زمین را بفروشم و بدهکاریها و وجوهات شوهرم از قبیل خمس، زکات، نماز، روزه و غیره که بر ذمه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۵

اوست را تدریجاً بپردازم؛ ولی بچه‌های بزرگم مخالفت و حتی مرا تهدید می‌کنند! حکم الهی چیست؟

جواب: باید با نظر وصی، زمین یا دیگر اموال آن مرحوم را بفروشید و تمام بدهکاریهای زمان حیات او را ادا کنید و حتی یک روز هم تأخیر نیندازید که شرعاً جایز نیست و همچنین اگر از باب خمس و زکات بدهکاری دارد باید پرداخته شود؛ ولی هزینه‌های ازدواج بچه‌هایی که ازدواج نکرده‌اند از سهم الارث خودشان خواهد بود؛ مگر این که دیگران رضایت دهند که از تمام مال الارث خارج شود.

سؤال ۱۳۶۹- شخصی دو همسر داشته است؛ یکی فوت شده و دومی در قید حیات می‌باشد؛ کیفیت ادای مهریه هر کدام از ترکه

میّت را بیان فرماید.

جواب: هر کدام از آن دو زن مهریه خودشان را می‌برند، و مهریه مانند سایر دیون است.

سؤال ۱۳۷۰- فرزند بزرگ خانواده که همراه پدر از کودکی کاسبی و کار کرده است نسبت به ارثی که مانده چه حقی دارد؟

جواب: فرزندی که با پدر کار کرده علاوه بر سهم الارث معادل اجرت خود را از اموال او می‌برد؛ مگر این که در مقابل آن عوضی گرفته باشد، یا ثابت شود قصد تبرّع داشته است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۷

فصل چهل و پنجم: احکام امر به معروف و نهی از منکر و دفاع

اشاره

سؤال ۱۳۷۱- لطفاً به سؤالات سه گانه زیر پاسخ فرماید:

الف) آیا فلسفه تشکیل حکومت اسلامی از باب امر به معروف و نهی از منکر بوده، یا فراتر از این موضوع می‌باشد؟

جواب: یکی از وظایف حکومت اسلامی امر به معروف و نهی از منکر است، اما وظایف آن بسیار گسترده‌تر از آن می‌باشد.

ب) بر فرض مثبت بودن پاسخ، آیا نهادهای حکومتی کنونی، این منظور (امر به معروف و نهی از منکر) را برآورده می‌سازند؟

جواب: در حکومت اسلامی بخش مهمی از این اهداف انجام می‌شود؛ ولی وظیفه مردم در این باب ساقط نمی‌گردد.

ج) در هر صورت، آیا وجود نهاد خاص و مستقلی تحت این عنوان در جامعه فعلی لازم است؟

جواب: بی‌شک اگر چنین نهادی وجود داشته باشد مؤثرتر خواهد بود و هماهنگ با آیه شریفه «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ

«...» می‌باشد، و به هر حال وظایف حکومت در این زمینه مانع از جنبه عمومی امر به معروف و نهی از منکر نیست.

سؤال ۱۳۷۲- در مقابل زنان و دخترانی که در کوچه و بازار حجاب خود را رعایت

(۱). سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۸

نمی‌کنند و اشخاصی که صدای موسیقی آنها در کوچه و خیابان بلند است و کسان دیگری که به عناوین مختلف فساد فی الارض

می‌کنند، چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: وظیفه شما امر به معروف و نهی از منکر است و هرگاه مؤثر نیفتاد باید به مقامات مسئول خبر دهید تا آنها را به وظایفشان

آشنا کنند.

سؤال ۱۳۷۳- آیا از انجام کاری که حرام است و در ملاء عام و اجتماع انجام شود می‌توان جلوگیری کرد؟

جواب: نهی از منکر بر همه واجب است؛ ولی در آنجا که احتیاج به اقدامات عملی دارد باید با اجازه حاکم شرع باشد.

سؤال ۱۳۷۴- آیا تذکر دادن به زنان بدحجاب در جامعه، از سوی برادران بسیجی جایز است؟

جواب: در صورتی که امید تأثیر باشد واجب است؛ ولی با زبان خوش و مؤدبانه باشد تا مفسده‌ای بر آن مترتب نشود.

سؤال ۱۳۷۵- اگر در جایی که حضور داریم بازی با پاسور انجام شود، یا پاسور به فروش برسد، آیا می‌توان جلوگیری کرد؟

جواب: در چنین موردی امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛ ولی اقدامهای عملی، مانند گرفتن ورقها، احتیاج به اجازه حاکم

شرع دارد.

سؤال ۱۳۷۶- در امر به معروف و نهی از منکر، اگر احتمال برود که به صورت دسته‌جمعی اثر می‌کند، آیا باید دسته‌جمعی امر به معروف کرد؟

جواب: امر به معروف به هر صورت که اثر کند واجب است؛ خواه فردی باشد یا نباشد.

سؤال ۱۳۷۷- آیا امر به معروف لسانی احتیاج به حکم یا اجازه قانونی مراجع ذی صلاح دارد؟

جواب: در آن جایی که جنبه زبانی داشته باشد احتیاج به اجازه نیست و اگر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۷۹

اقدام عملی در آن باشد اجازه حاکم شرع یا مسئولان حکومت اسلامی لازم است.

سؤال ۱۳۷۸- هرگاه نهی از منکر خود باعث عمل حرامی شود، مانند نگاه به زنان بی‌مبالات و آرایش کرده، آیا باز هم واجب است؟

جواب: باید کاری کرد که امر به معروف و نهی از منکر با این امور مخلوط نشود؛ ولی نظرهای قهری اشکال ندارد.

سؤال ۱۳۷۹- اگر امر به معروف و ناهی از منکر، احتمال تأثیر در مخاطب ندهد، یا احتمال تأثیر آنی و زودگذر دهد، چه باید بکند؟

جواب: همان مقدار که اثر دارد، کافی است.

سؤال ۱۳۸۰- آیا می‌توان در جامعه اسلامی برای محو مظاهر فرهنگ غربی و تشبیه به بیگانگان کوشید؟

جواب: با رعایت موازین اسلامی چنین کاری نه تنها جایز، بلکه لازم است.

سؤال ۱۳۸۱- آیا برای امر به معروف همه شرایط باید وجود داشته باشد و با ساقط شدن یک شرط نمی‌توان امر به معروف کرد؟

جواب: همه شرایط شرعی باید در آن جمع شود.

سؤال ۱۳۸۲- آیا به دلیل این که جامعه در وضعیت اقتصادی دشواری به سر می‌برد، می‌توان از فریضه امر به معروف و نهی از منکر دست کشید؟

جواب: دشواری شرایط اقتصادی ربطی به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارد.

سؤال ۱۳۸۳- با وجود شرایط فعلی و وضعیت جامعه کنونی، آیا حضرت‌تعالی صلاح می‌بینید که در بین بسیجیان گروههایی برای این امر تشکیل شود؟

جواب: چنانچه آموزشهای لازم را در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و شرایط و ظرافتهای آن ببینند کار بسیار خوبی است، بلکه در شرایطی واجب است؛ ولی نباید بهانه‌ای به دست مخالفان بدهند، و رعایت ادب اسلامی را در هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۰

حال بنمایند.

سؤال ۱۳۸۴- آیا به انگیزه نهی از منکر می‌توان افرادی را که مرتکب منکر می‌شوند با رعایت شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر، مورد ضرب و جرح قرار داد، یا به اموال آنها خسارتی وارد کرد؟ و یا این که مراتب نهی از منکر در این حد، از وظایف حکومت اسلامی و طبق قانون شرع است؟

جواب: امر به معروف و نهی از منکر در این حد، مربوط به حکومت اسلامی است و در حدّ تبلیغ و گفتن و نوشتن، وظیفه عموم مردم است.

سؤال ۱۳۸۵- آیا در محیط مدارس امر به معروف و نهی از منکر، با نهی مسئولین مدرسه، از دانش‌آموزان ساقط می‌شود؟

جواب: ساقط نمی‌شود؛ به شرحی که در مسائل گذشته آمد.

سؤال ۱۳۸۶- در برابر دولتهای ظالم که کوچکترین مسأله‌ای برای مسلمانان از اسرار محسوب می‌شود، اگر اشخاصی به افشای این اسرار پردازند، چه حکمی دارند؟ آیا نسبت به این افراد هم باید مراحل امر به معروف و نهی از منکر سپری شود؟ و آیا اقدامات عملی و ضرب و جرح این اشخاص نیاز به اجازه حاکم شرع دارد؟

جواب: افشای این اسرار جایز نیست، و لازم است که این افراد را امر به معروف و نهی از منکر نمود؛ اما اقدامات عملی نیاز به اجازه حاکم شرع دارد.

سؤال ۱۳۸۷- آیا صحبت کردن مرد با زن نامحرم جهت امر به معروف و نهی از منکر مشکلی دارد؟ اگر این عمل در اتاق یا محل خلوتی انجام گیرد، چگونه است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که مفسده‌ای بر آن مترتب شود.

سؤال ۱۳۸۸- در شهرهای بزرگ، مانند تهران، با وجود مفاسد مختلف، انسان هر طور که فکر می‌کند می‌بند شرایط امر به معروف و نهی از منکر موجود نیست؛ یعنی احتمال تأثیر نمی‌رود، و از طرفی در احادیث و روایات آمده است که: «در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۱

صورت عمل نمودن اشخاص به این دو فریضه الهی امکان نزول عذاب می‌رود» وظیفه ما را در این گونه موارد بیان فرمایید.

جواب: از تأثیر کردن امر به معروف و نهی از منکر مأیوس نشوید و بازهم ادامه دهید؛ مطمئن باشید اگر در مواردی بی‌اثر باشد، در مواردی دیگر مؤثر خواهد بود، و با این بهانه‌ها نباید این فریضه بزرگ الهی فراموش شود.

احکام دفاع

سؤال ۱۳۸۹- حکم دفاع و مقاومت در مقابل جانی یا سارق، برای جلوگیری از تجاوز یا هتک ناموس و یا سرقت را در موارد ذیل بیان فرمایید:

الف) آنجا که احتمال آبروریزی مجنی علیه در کار باشد.

جواب: باید مقاومت کرد.

ب) آنجا که احتمال قتل یا ضرب و جرح شدید مجنی علیه باشد.

جواب: در مورد احتمال عقلایی قتل، حفظ نفس لازم است.

ج) آنجا که مال قابل ملاحظه‌ای مورد تعرض باشد.

جواب: در اینگونه موارد می‌توان مقاومت کرد.

د) جایی که مقاومت منجر به قتل جانی یا سارق شود.

جواب: هیچ اشکالی ندارد.

ه) در موارد عدم جواز برخورد با جانی یا سارق، تکلیف مدافع چیست؟

جواب: در مواردی که دفاع جایز است، و لو بلغ ما بلغ، خون جانی و سارق هدر می‌باشد و در غیر آن حکم سایر مسلمین را دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۳

فصل چهل و ششم: احکام حدود

[حدود]

۱- حد زنا

موجبات حد زنا

سؤال ۱۳۹۰- مرد متأهلی با دختری باکره، یا با زنی بیوه آمیزش نموده است. مجازات این مرد چیست؟
جواب: اگر آن مرد متأهل بوده و همسرش نزد او و در اختیار او بوده و مانع شرعی و عرفی نداشته است، زنا او محصنه و حد او رجم است، و در مواردی که رجم میسر نباشد حکم او قتل است.

سؤال ۱۳۹۱- اگر زن شوهرداری (به عقد دائمی) با فریب و نیرنگ با مرد متأهلی ازدواج کند و دخول هم صورت بگیرد و این مرد متأهل هم عالمانه این ازدواج را کرده باشد، آیا عمل ایشان زنا محسوب و هر دو مجازات دارند؟

جواب: در صورتی که زن نزد شوهرش زندگی می‌کرده و مرتکب این عمل شده زنا محصنه می‌باشد و حدش اعدام است. مرد هم اگر همسر دائمی داشته و همسرش نزد او زندگی می‌کرده و مرتکب چنین عملی شده است حکم او نیز اعدام است.

سؤال ۱۳۹۲- اگر مردی که دارای زن صیغه‌ای (مدت دار و لو درازمدت) است، با زنی که دارای شوهر دائمی است زنا کند، آیا مجازات این مرد اعدام است؟

جواب: حد اعدام ندارد؛ بلکه حد او یک صد تازیانه است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۴

سؤال ۱۳۹۳- زن و مردی که هر دو متأهل بوده‌اند بر حسب پیشامدها و جور شدن امکاناتی (مثل اعتیاد شوهر و غیره) به یکدیگر نزدیک شده و در حد تقبیل و مانند آن تماس داشته‌اند، ولی عمل دخول انجام نشده است. خوشبختانه بعداً توبه کرده‌اند، حال سؤال این است که پس از طلاق زن (که محرک آن، این آشنایی نبوده)، آیا این دو مشمول حکم زنا محصنه می‌شوند و برای همیشه به هم حرام هستند.

جواب: آنها به یکدیگر حرام ابدی نیستند و حکم زنا محصنه ندارند؛ ولی باید جداً از آن گناه خود توبه کنند.

سؤال ۱۳۹۴- اگر کسی با زن مرده‌ای نزدیکی کند، آیا جرم زنا صورت گرفته و حد زنا دارد؟

جواب: آری زنا صورت گرفته و حد شرعی دارد.

سؤال ۱۳۹۵- آیا در جهت اثبات زناى زوجه، شهادت زوج به ضمیمه شهادت فرزندان، یا شهادت فرزندان به تنهایی کفایت می‌کند؟

جواب: شهادت آنها در صورتی که شرایط شهادت در آنها جمع باشد، کافی است؛ ولی اگر زوج جداگانه مدعی باشد باید چهار شاهد بیاورد.

سؤال ۱۳۹۶- یکی از راههای ثبوت زنا چهار بار اقرار نزد حاکم شرع است؛ فرض کنیم مأمورین انتظامی شخصی را به اتهام این فعل حرام در یکی از جلسات محاکمه نزد قاضی آوردند و قاضی از او پرسید: «آیا قبول داری مرتکب فعل حرام زنا شده‌ای؟» و متهم در پاسخ بگوید: «آری، قبول دارم».

الف) آیا بهتر است قاضی اقرار دوم، سوم و چهارم را در همان جلسه محاکمه از متهم اخذ کند، یا باید این کار در جلسات متعددی انجام شود؟

جواب: اقرارهای چهارگانه در یک مجلس خالی از اشکال نیست؛ بعلاوه قاضی وظیفه ندارد از متهم سؤال کند که تو این کار را کرده‌ای یا نه؟ بلکه باید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۵

بگذارد متهم اگر مایل است خودش اقرار کند، یا از او سؤال کند که شما را برای چه اتهامی به اینجا آورده‌اند.

ب) آیا بهتر است که قاضی قبل از اخذ اقرار به متهم اعلام کند که چهار بار اقرار مستوجب حدّ است، یا این که سکوت اختیار کند و سپس به نحو مقتضی تصمیم بگیرد؟

جواب: قاضی وظیفه‌ای برای تبیین این گونه مسائل در برابر متهمین ندارد.

اقسام حد

سؤال ۱۳۹۷- آیا برای زنی که مورد تجاوز به عنف قرار گرفته، اعم از ثیب و یا باکره، علاوه بر مجازات و یا ارش البکاره مهر المثل نیز ثابت است؟

جواب: تنها مهر المثل تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۳۹۸- مردی به صورت عنف، زن شوهردار، یا زن بیوه، یا دختر باکره‌ای را چه از طریق وطی در قُبُل یا دُبُر، مورد تجاوز قرار می‌دهد، این زن یا دختر به همین سبب به نحوی خودکشی می‌کند، آیا زانی محکوم به قصاص است؟ یا باید دیه زانیه مکره را پرداخت نماید؟

جواب: تجاوز به عنف، حکمش اعدام است، و در اینجا قصاص نیست.

سؤال ۱۳۹۹- شخصی اقرار کرده که با دختری رابطه داشته و با وی نزدیکی نموده است؛ چون دختر حامله شده به دستور زنی به وی مشروب آلوده به سم می‌دهد تا سقط جنین کند و برای این که دختر را به خوردن آن تشویق کند خود نیز از آن مشروب می‌خورد و همان روز که در حال عادی با وی نزدیکی کرده بود بعد از بی‌اختیار شدن دختر دوباره با او نزدیکی می‌کند. دادگاه نزدیکی با دختر را در حالی که بی‌اختیار بوده زنای به عنف اعلام و حکم به اعدام متهم صادر نموده است، استدعا دارد بفرماید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۶

الف) با وجود رضایت دختر در زمان هوشیاری و با وجود اصل استصحاب، آیا نزدیکی در زمان بی‌اختیاری را می‌توان زنای به عنف تلقی نمود؟

ب) آیا صرف اقرار به نزدیکی اقرار به زنا محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه ثابت نشود که آن زن نسبت به واقعه حالت امتناع داشته است صدق زنای به عنف در فرض مسأله ثابت نیست، و اقرار به واژه «نزدیکی» اقرار صریح محسوب نمی‌شود، باید اقرار به زنا باشد تا حکم جاری شود.

سؤال ۱۴۰۰- بعضی از فقها در زنای مطاوعی دختر باکره، عقیده دارند که ارش البکاره به وی تعلق می‌گیرد، نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: زانیه مطاوعه حقّ مهریه و ارش بکارت ندارد؛ مگر این که مرد او را اغفال کرده باشد که بکارت را زائل نمی‌کند.

سؤال ۱۴۰۱- کسی که قرار است به عنوان حد یا قصاص اعدام شود، اگر حدود و تعزیرات دیگری که مادون قتل است برای او ثابت شود، آیا می‌توان از آنها صرف نظر کرد؟ آیا در این جهت بین حقّ الله و حقّ الناس تفاوتی وجود دارد؟

جواب: اول باید حدود دیگر اجرا شود و بعد حدّ قتل؛ مثلاً در مورد سارق قاتل اول حدّ سرقت بر او جاری می‌شود و بعد حدّ قتل، و در اینجا تفاوتی میان حقّ الله و حقّ الناس نیست.

سؤال ۱۴۰۲- شخصی به مجازات شلاق، حبس، تبعید، اعدام، قصاص و جزای نقدی محکوم شده است، آیا تمام این مجازات‌ها باید

اجرا شود؟ اگر باید اجرا شود ترتیب اجرای مجازات‌های فوق چگونه است؟ اگر حبس وی ۲۰ سال باشد، آیا باید قصاص و اعدام بعد از ۲۰ سال که حبس وی تمام می‌شود اجرا شود؟ اگر شخص حاضر به پرداخت جزای نقدی نشد، یا قادر به پرداخت نبود، آیا باید حکم اعدام و قصاص را تا اجرای حکم جزای نقدی به تعویق بیندازیم؟

جواب: مسأله قصاص (اعدام) و شلاق بر تبعید و حبس مقدم است و نوبت به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۷

آن دو نمی‌رسد و جریمه نقدی را می‌توان از اموال او برداشت.

سؤال ۱۴۰۳- آیا در عصر ما، که اجرای حدّ رجم در پاره‌ای از موارد محذورات داخلی یا خارجی دارد، می‌توان به عنوان ثانوی آن را به نوع دیگری از اعدام تبدیل کرد؟ در این حالت، مسأله فرار از حفیره که سبب سقوط حد در فرض اقرار می‌شود چه خواهد شد؟

جواب: در فرض مسأله تبدیل رجم به نوع دیگری از اعدام مانعی ندارد و مسأله امکان فرار از حفیره الزامی نیست، یکی از طرق نجات متهم آن است که اقرار خود را پس بگیرد.

سؤال ۱۴۰۴- مراد از پیرمرد و پیرزنی که باید شلاق به صورت ضغث (یک توده چوب باریک) درباره آنها اجرا شود، چیست؟ آیا از حیث سن معیار خاصی دارد؟ اگر ندارد، آیا قدر متیقنی دارد؟

جواب: منظور، پیرمرد یا پیرزنی است که زدن شلاق بر آنها قابل تحمل نیست، یا خوف خطر دارد.

چگونگی اجرای حدّ زنا

سؤال ۱۴۰۵- شخصی که محکوم به شلاق شده، حالت صرع (غش) دارد، هر وقت او را برای اجرای شلاق حاضر می‌کنیم، دچار صرع می‌شود. چه باید کرد؟

جواب: باید حد را متوقف کرده تا از این حالت بهبودی یابد و اگر امید بهبودی نیست، باید از «ضغث و شماریک» استفاده کرد.

سؤال ۱۴۰۶- آیا واجب یا جایز است که محکوم را در هنگام اجرای حکم شلاق بست؟ در صورتی که اجرای حکم شلاق بدون بستن محکوم، امکان نداشته باشد یا متعسر باشد، چه باید کرد؟

جواب: بستن محکوم جایز نیست؛ مگر در جایی که اجرای حکم بدون آن غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۸

ممکن یا متعسر است.

سؤال ۱۴۰۷- با توجه به این که افراد از حیث قدرت جسمانی و تحمل مجازات‌ها، مختلف هستند، شخصی که مجری حکم شلاق می‌شود، چگونه باید باشد؟ نحوه وارد کردن شلاق بر بدن محکوم چگونه می‌باشد؟ مجری باید تا چه اندازه دست خود را جهت فرو آوردن شلاق بالا ببرد؟

جواب: بی‌شک ضارب باید تناسب را در این موضوعات در نظر بگیرد و در نحوه وارد کردن شلاق احتیاط آن است که دست خود را آن قدر بالا نبرد که زیر بغل پیدا شود، و مجرم را نباید برای شلاق زدن خوابانید.

سؤال ۱۴۰۸- شلاق باید بر کدام یک از قسمت‌های بدن محکوم وارد شود و بر کدام قسمت‌ها نباید وارد شود؟ آیا به یک قسمت از بدن باید وارد شود، یا به تمام قسمت‌های بدن به صورت پراکنده و یکنواخت؟

جواب: باید شلاق روی بدن تقسیم شود و بر محلّ واحد که سبب آسیب بیشتر می‌شود نباشد، و باید بر هیچ نقطه خطرناکی (مانند

سر، صورت، عورت، قلب و مانند آن) شلاق نزنند.

سؤال ۱۴۰۹- شلاقی که با آن حد یا تعزیر را اجرا می‌نمایند، از حیث ضخامت، اندازه و نوع جنس چه خصوصیتی باید داشته باشد؟ آیا می‌تواند از جنس چرم، پلاستیک، چوب یا سیم باشد؟ آیا می‌تواند لبه‌دار باشد، یا قطر آن باید گرد باشد؟
جواب: مسلماً استفاده از سیم، کابل، چوب و امثال آن جایز نیست و باید از شلاقهای متعارف و بافته باشد؛ نه زیاد قطور و نه زیاد باریک.

سؤال ۱۴۱۰- زمان اجرای شلاق باید چه ساعتی از روز باشد؟ آیا در هر ساعتی جایز است؟
جواب: زمانی که بر اثر گرما و سرما شدت خاصی پیدا نکند.

سؤال ۱۴۱۱- فضایی که در آن حکم شلاق اجرا می‌شود، چه فضایی باید باشد؟ آیا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۸۹

مثلاً در زمستان می‌توان حکم شلاق را در فضای باز، که بسیار سرد است، اجرا کرد؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد، که در چنین فضایی اجرای حد شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۴۱۲- آیا شلاق حدی و تعزیری را می‌توان در ملأ عام اجرا کرد؟

جواب: در مواردی که منصوص است، یا تأثیری در امر به معروف و نهی از منکر دارد، یا مجرم، متجاهر است، اظهار آن مانعی ندارد، در غیر این سه صورت، در ملأ عام انجام نگیرد.

سؤال ۱۴۱۳- محکوم به شلاق در هنگام اجرای حکم از حیث پوشیده و عریان بودن، چگونه باید باشد؟ در مواردی که باید پوشیده باشد، مراد از پوشیده بودن چیست؟ آیا افرادی که در زمستان شلاق می‌خورند، جایز است با لباس زمستانی باشند؟ آیا در موارد فوق بین زن و مرد، بالغ و غیر بالغ (در مواردی که تأدیب دارد)، بین تعزیرات و حدود، بعض حدود با بعض دیگر، زمستان و تابستان و ضعیف البینه و قوی البینه فرق است؟

جواب: احتیاط آن است که افراد را مطلقاً برهنه نکنند؛ ولی نباید پوشش بقدری کلفت باشد که تأثیر شلاق را از بین ببرد و در مورد زنان باید لباسهایشان را به آنها بپیچند که بدنشان نمایان نشود و ظاهراً در لباس فرقی از نظر ضعیف و قوی البینه نیست؛ ولی در نحوه زدن شلاق بین آنها تفاوت است؛ یعنی باید به نسبت توان اشخاص شلاق زد.

سؤال ۱۴۱۴- حالت محکوم در هنگام اجرای حکم شلاق از حیث نشسته، دراز کش و ایستاده بودن چگونه باید باشد؟ آیا بین زن و مرد، بالغ و غیر بالغ، تعزیرات و حدود، فرق است؟

جواب: در حد زنا، مرد باید ایستاده باشد و زن نشسته، و در غیر زنا نیز احتیاط آن است که همین روش رعایت شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۰

سؤال ۱۴۱۵- در صورتی که پس از اجرای مجازات رجم، به زعم این که مجرم به قتل رسیده، جسد وی به سردخانه منتقل شود، ولی بر حسب اتفاق، علائم حیاتی در او مشاهده شود و پس از معالجه سلامت خود را بازیابد. بفرماید:

الف) آیا صرف صدق عنوان رجم، و لو به قتل منجر نشود، کفایت می‌کند (تا در فرض مسأله نیازی به اجرای مجدد حکم نباشد)؟ یا چون قتل از طریق رجم موضوعیت دارد، باید مجدداً حکم رجم را در مورد وی به مرحله اجرا گذاشت؟

جواب: در صورتی که مسأله از طریق شهود ثابت شده باشد، باید رجم منتهی به قتل شود و اگر از طریق اقرار بوده، قاضی می‌تواند حکم عفو صادر کند.

ب) در فرض دوم، آیا مجرم می‌تواند دیه جراحات وارده در اثر اجرای حکم در مرتبه اول را مطالبه نماید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، پرداختن دیه به عهده کیست؟

جواب: در صورتی که رجم اول طبق موازین بوده و تعدی و تفریط در آن رخ نداده و زنده بودن مرجوم بر حسب تصادف بوده باید مجدداً رجم شود و پرداختن دیه جراحات سابقه بر کسی واجب نیست؛ ولی همان گونه که در بالا گفته شد، در صورتی که حدّ به سبب اقرار ثابت شده باشد، حاکم شرع می‌تواند او را مورد عفو قرار دهد (ضمناً توجه داشته باشید که اجرای حدّ به صورت رجم در شرایط عصر ما در بسیاری از موارد خالی از اشکال نیست و باید به انواع دیگر قتل مبدل شود، که شرح آن قبلاً گذشت).

سؤال ۱۴۱۶- پرده بکارت بعضی از دختران حلقوی و یا ارتجاعی است که در صورت دخول هم ازاله بکارت نمی‌شود، آیا مجازات دخول با این قبیل دختران مشمول مجازات ازاله بکارت است؟

جواب: در فرض مسأله مشمول مجازات یا دیه ازاله بکارت نیست؛ ولی احکام دیگر ثابت است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۱

سؤال ۱۴۱۷- مرد مسلمانی کراراً مرتکب زنا محصنه با زن شوهرداری شده است، لذا دادگاههای جمهوری اسلامی بر اساس شواهد، اسناد و اعترافات دو طرف و همچنین با رؤیت فیلم ویدئویی این عمل قبیح، که توسط زانی ضبط گردیده، به این پرونده رسیدگی کرده و حکم رجم را در مورد زانی صادر نموده‌اند، با توجه به این که تأیید حکم رجم باید به وسیله دیوان عالی و با طی کردن مراحل تأیید گردد.

الف) آیا همسر شرعی زانی می‌تواند به کذب ادعا کند که در طول ایام گذشته، که زانی اقدام به این عمل قبیح می‌نموده، از همسرش جدا بوده تا بدین وسیله احصان شوهرش برطرف شود و حدّ رجم ساقط گردد؟ البته همسر شرعی و قانونی او در اختیار وی بوده و مانعی برای انجام وظایف همسری وجود نداشته است.

جواب: هیچ کس نمی‌تواند از طریق دروغ و حيله مانع اجرای حدود الهی گردد.

ب) هرگونه اقدامی برای نجات این مرد از مرگ به طرق مختلف چه حکمی دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۴۱۸- پسری با دختری زنا کرده و دختر حامله شده است، آیا می‌توان پسر را مجبور کرد تا با آن دختر ازدواج کند؟ برای جلوگیری از ضایع شدن حقّ دختر چه باید کرد؟

جواب: هیچ کس را نمی‌توان مجبور به ازدواج کرد؛ ولی حاکم شرع می‌تواند، در صورتی که زنا از طریق اقرار ثابت شود، عفو او را مشروط به ازدواج کند و اگر ازدواج نکرد یک صد تازیانه به او بزند.

سؤال ۱۴۱۹- مرد متأهلی (به صورت عنف، یا با رضایت دختر) دختری را، که از نظر شرعی و قانونی بالغ است، ازاله بکارت نموده است، آیا اعلان رضایت چنین دختری بدون رضایت ولی، یا جدّ پدری در تخفیف مجازات مرد متجاوز مؤثر است؟

جواب: در اجرای حدّ تأثیری ندارد؛ ولی نسبت به مهر المثل در فرض عنف مؤثر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۲

۲- حدّ لواط

سؤال ۱۴۲۰- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) شخصی قبل از تشکیل محکمه رسمی در ستاد امر به معروف و نهی از منکر (نیروی انتظامی) در حال بازجویی به عمل شنیع لواط اقرار کرده است. قاضی مأذون با لباس مبدل در جلسه حاضر بوده و متهم واقف به سمت و منصب او نبوده است. آیا چنین

اقراری، اقرار نزد حاکم شرع تلقی و مستوجب حدّ قتل است؟

جواب: ضرورتی ندارد متهم قاضی را بشناسد، مشروط بر این که اقرار جامع الشرائط باشد.

ب) متهم در جلسه واحده ماجرا را نقل کرده است و در جملات فعلیه مرجع ضمیر فاعلی خودش بوده است. آیا این گونه اقرار، اقرار مکرر تلقی می‌گردد، یا برای تکرار اقرار تعدد جلسات و شرایط دیگر لازم است؟
جواب: تعدد مجلس شرط است، بنابر احتیاط واجب.

ج) متهم در محکمه منکر دخول شده و می‌گوید من در هنگام بازجویی فکر می‌کردم که عمل لواط اعم از دخول و تفخیز است. آیا چنین اقراری مستوجب سقوط حد قتل است؟
جواب: در صورت احتمال اشتباه در حق متهم ادعای او پذیرفته می‌شود.

د) با توجه به این که در فرض توبه اقرارکننده، حسب نظر فقهای عظام، حاکم شرع می‌تواند عفو یا اجرای حد نماید، آیا قاضی مأذون موظف و مکلف است که مراتب توبه مقرر را به ولی امر یا نایب او منعکس نماید یا آن که صرفاً مختار است؟
جواب: چنانچه قاضی مأذون در قضاوت باشد خود او می‌تواند عفو نماید و اگر رعایت ضوابط ایجاب می‌کند، به ولی امر اطلاع دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۳

۳- حد قذف

سؤال ۱۴۲۱- اگر کسی نسبت به مرده‌ای افترا ببندد، آیا حد قذف درباره او جاری می‌شود؟

جواب: از این نظر فرقی میان حی و میت نیست؛ هر دو حد قذف دارد.

سؤال ۱۴۲۲- اگر کسی به انسان زنده‌ای افترا ببندد و مقذوف قبل از صدور، یا اجرای حکم بمیرد، آیا ورثه او حق دارند تقاضای صدور حکم، یا تقاضای اجرای مجازات نمایند؟

جواب: حق مطالبه حد قذف به ورثه منتقل می‌شود.

سؤال ۱۴۲۳- اگر دو نفر بر اثر شکایت متقابل محکومیت شلاق داشته باشند، آیا تهاتر قهری صورت می‌گیرد؟ مثلاً زید به عمرو فحش داده و عمرو نیز به زید، و دادگاه هر دو نفر را به ۳۰ ضربه شلاق محکوم کرده است، آیا در مرحله اجرا این دو مجازات با تهاتر قهری کأن لم یکن محسوب و اجرا نمی‌شود؟ آیا در موارد فوق بین جرایم مشابه و جرایم غیر مشابه فرق است؟ آیا بین حدود (مانند حد قذف) و غیر حدود (مانند سرقت تعزیری) فرق است؟ در صورتی که زید به ۴۰ ضربه و عمرو به ۳۰ ضربه محکوم شود، آیا نسبت به ۳۰ ضربه تهاتر قهری صورت می‌گیرد؟ آیا تهاتر قهری در دیات و سایر مجازات‌ها نیز جاری می‌شود؟

جواب: تهاتر مربوط به اموال است و یک حکم عقلایی و شرعی است؛ ولی در باب حدود نیاز به دلیل دارد و اصل در اینگونه موارد عدم سقوط از طرفین است و چون تنها در باب قذف دلیل بر سقوط داریم نه موارد دیگر، تنها در مورد حد «قذف» حکم سقوط از طرفین جاری می‌شود؛ ولی هر دو تعزیر می‌شوند؛ اما در سایر حدود و تعزیرات از طریق تهاتر ساقط نمی‌شود، و در مورد دیات چون بازگشت به دین مالی می‌کند تهاتر ثابت است.

سؤال ۱۴۲۴- این جانب در حال تحقیق پیرامون جرم توهین به مقدسات مذهبی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۴

در حقوق ایران به عنوان پایان‌نامه این دوره می‌باشم و با توجه به ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات سال ۱۳۷۵ که مقرر می‌دارد: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام (علیهم السلام) یا ائمه طاهرین (علیهم السلام) یا حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) اهانت نماید، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می‌شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد» سؤال این است که آیا از جنبه فقهی توهین به مقدسات اسلام (غیر از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و انبیای عظام یا ائمه

طاهرین (علیهم السلام) یا حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام)) مثلاً توهین به کعبه معظمه یا مساجد و امثال آن می‌تواند به سبّ النبی (صلی الله علیه و آله) منجر شود و تحت این عنوان مشمول مجازات اعدام گردد، یا باید مجازات تعزیری قسمت دوم ماده مزبور را مورد حکم قرار داد؟

جواب: توهین به سایر مقدّسات تعزیر دارد؛ ولی در خصوص آلوده کردن خانه کعبه به نجاست روایات متعدّدی داریم که حکم آن قتل است.

سؤال ۱۴۲۵- آیا انسان می‌تواند خود را به صفاتی که به خودی خود خوب نیستند، مثل شقیّی، کثیر الذنوب و مانند آن معزّفی کند؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۲۶- آیا لقب بد گذاشتن بر کسی جایز است؟

جواب: گذاشتن القاب زشت جایز نیست.

۴- حدّ شرب خمر

سؤال ۱۴۲۷- آیا خوردن شراب به مقدار کم، در صورتی که فقط و فقط برای معالجه باشد و به هیچ وجه هدف سکر در آن نباشد و توأم با استغفار و اکراه باشد و معالجه هم بدین طریق میسر شود، به نحوی که هیچ دارویی نتواند تا این حدّ مؤثر باشد، و فی الواقع برای حفظ جان و بقای وجود باشد و لاغیر مجاز است؟

جواب: تنها در صورتی جایز است که ضرورت قطعی پیدا کند و داروی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۵

منحصر به فرد باشد و جانشینی نداشته باشد، و غالباً چنین نیست.

سؤال ۱۴۲۸- نوشیدن مسکرات، بطوری که آدمی را از خود بی‌خود نکند و برای او ضرر نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: نوشیدن مسکرات در هیچ حال جایز نیست و حدّ شرعی دارد و تفاوت حال اشخاص در آن تأثیری ندارد؛ حتّی نوشیدن یک قطره از آن هم حرام است.

سؤال ۱۴۲۹- چنانچه متهم بعد از اقرار به شرب خمر در محضر دادگاه مدّعی شود که قبل از دستگیری از گناه خود توبه نموده

است، آیا در این مورد حدّ ساقط می‌گردد، یا این که این مورد از مواردی است که می‌تواند مشمول عفو ولیّ امر قرار گیرد؟

جواب: توبه بعد از دستگیری اثری ندارد؛ ولی هرگاه سخن او حکایت از توبه فعلی او کند، حاکم شرع می‌تواند او را ببخشد، مشروط بر این که ثبوت جرم از طریق اقرار باشد.

۵- حدّ سرقت

سؤال ۱۴۳۰- آیا شروع به جرم سرقت، حقّ الناس است که قابل گذشت باشد، یا حقّ الله است که قابل گذشت نمی‌باشد؟

جواب: اگر منظور از شروع این است که مثلاً وارد خانه مردم شده و قبل از سرقت دستگیر شده است، صاحبخانه می‌تواند او را ببخشد و رها کند.

سؤال ۱۴۳۱- دو پسر عموی معتاد، مواد مخدّر به خود تزریق می‌کنند، یکی از آنها فوراً می‌میرد و دیگری زنده می‌ماند، ولی شوکه می‌شود، ترس و وحشت حواس و تصمیم‌گیری را از او سلب می‌کند، مدّتی در ماشین سواری می‌ماند و بعد جسد او را در یکی از

کوچه‌های تهران به زمین می‌گذارد، ناگهان یادش می‌آید که در جیب آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۶

مقتول هزار دلار پول وجود دارد، آن را به قصد حفظ برمی‌دارد و بعد از گزارش و اعتراف آن را دست‌نخورده به کلانتری تحویل می‌دهد و بالاخره کلانتری نیز به پدر مقتول تحویل می‌دهد، آیا از نظر شرعی این عمل سرقت محسوب می‌شود؟
جواب: در فرض مسأله برداشتن آن پول و تحویل آن سرقت محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۴۳۲- پس از اجرای حدّ سرقت، عضو قطع شده ملک کیست؟ ملک حکومتی که مجری حدّ است، یا شخص محدود؟ در صورت دوّم آیا پیوند آن عضو با جراحی به شخص محدود، یا فروش آن برای پیوند به دیگری جایز است؟
جواب: عضو قطع شده متعلق به صاحب آن است؛ ولی پیوند مجدد آن به صاحب اصلی جایز نیست. اما می‌تواند به دیگری، مجانی یا در برابر قیمت، واگذار کند.

سؤال ۱۴۳۳- شخصی ۱۵ سال قبل اتومبیلی خریده و اکنون مشخص شده که مسروقه است، طبق قانون شرع و عرف مال مسروقه به صاحب آن مرجوع می‌شود، خریدار (که احتیاج به اتومبیل دارد) چه مبلغ حق دارد از سارق بگیرد؟
جواب: صاحب پول حق دارد پول خود را از سارق بگیرد، و نظر به این که در این فاصله زمانی تورّم زیاد بوده است، می‌تواند به قیمت امروز از او بگیرد؛ یعنی نرخ متوسط تورّم اجناس را محاسبه کند و بر آن بیفزاید.

سؤال ۱۴۳۴- آیا بین حکم سارق از مسجد و غیر مسجد تفاوتی هست؟

جواب: گناه سارق از مسجد بیشتر است؛ ولی حدّ آن دو یکسان است.

سؤال ۱۴۳۵- سرقت اطلاعات سرّی کد شده و رمزدار، از شبکه‌های کامپیوتری و یا کامپیوترهای شخصی و کشف رمز آنها چه حکمی دارد؟ و نیز سرقت و فروش غیر مجاز شماره‌های موبایل توسط افراد آشنا به سیستم سوئیچ آن چه حکمی دارد؟
جواب: سرقت به هر حال حرام است و اگر اطلاعاتی باشد که جنبه مالیت دارد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۷

و در عرف عقلای امروز خرید و فروش می‌شود، در صورتی که شرایط حدّ سرقت در آن جمع باشد، اجرای حدّ سرقت در آن بعید نیست؛ البتّه این در مورد کسانی است که اموال آنها محترم است.

سؤال ۱۴۳۶- هرگاه شریک بدون اطلاع و در غیاب شریک دیگر، با سوء نیت و به قصد اضرار به شریک خود، اموال منقول شراکتی را با شکستن قفل‌ها و تخریب دیوار و سقف به صورت پنهانی به جای دیگری ببرد، آیا عمل وی سرقت محسوب می‌شود؟
جواب: اگر سوء نیت او محرز شود که با علم و اطلاع از حرمت این کار و به قصد سرقت چنین عملی را مرتکب شده است حدّ سرقت بر او جاری می‌شود.

سؤال ۱۴۳۷- با عنایت به نصاب در باب سرقت (که قیمت ربع دینار طلای خالص مسکوک رایج، یا ارزش آن طبق بند ۹ ماده ۱۹۸ قانون مجازات اسلامی می‌باشد) و این که در کشور تنها سکه‌های طلا و بهار آزادی به عنوان طلای مسکوک جریان داشته و هیچ کدام آنها ۲۴ عیار خالص نمی‌باشد و همانند سایر نقود و مسکوکات رواج واقعی ندارد، آیا قیمت ربع دینار سکه‌های طلای مسکوک غیر خالص و غیر رایج، مانند سکه بهار آزادی فعلی که ظاهراً ۱۸ عیار می‌باشد، یا قیمت ربع دینار طلای خالص غیر مسکوک را می‌توان ملاک قرار داد؟ و اصولاً در صورت نبودن سکه طلای مسکوک رایج خالص، آیا حدّ سرقت ساقط می‌شود؟

جواب: منظور از طلای خالص، طلای ۲۴ عیار نیست؛ بلکه همین طلاهای معمولی است که در عرف، خالص شمرده می‌شود و اگر سکه رایج معامله پیدا نشود باید فرض کنیم که اگر این مقدار از طلا- مسکوک رایج معامله بود، چه مقدار افزایش قیمت پیدا می‌کرد و در مورد شک باید دست بالا را گرفت، و در هر حال حدّ شرعی سرقت ساقط نمی‌شود.

سؤال ۱۴۳۸- در مورد سرقتی که موجب حدّ است بفرمایید: آیا پس از شکایت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۸

مال باخته و قبل از ثبوت جرم، عفو سارق توسط مال باخته نسبت به اجرای حد تأثیر دارد؟
جواب: بعد از طرح شکایت، عفو مال باخته تأثیری ندارد.

سؤال ۱۴۳۹- در مواردی که سارق مورد عفو مال باخته قرار می‌گیرد، آیا حاکم شرع می‌تواند بنا به مصالحی حد را اجرا نماید؟
جواب: در صورتی که قبل از طرح شکایت او را عفو کند، حاکم شرع نمی‌تواند حد را اجرا کند؛ ولی اگر مصالح مهمی ایجاب کند، تعزیر او جایز است.

سؤال ۱۴۴۰- چنانچه شخصی بدون اجازه صاحب اثر (کتاب، یا فیلم و مانند آن) منتشر شده، از محتویات آن استفاده غیر مجاز نماید، آیا می‌توان وی را به عنوان ارتکاب سرقت، تعقیب نمود؟

جواب: این مورد، احکام سرقت را ندارد؛ ولی این کار تجاوز به حق دیگران محسوب می‌شود و تعزیر دارد.

سؤال ۱۴۴۱- گوسفند و یا حیوان ماده‌ای از کسی به سرقت رفته و سارق پس از چند سال دستگیر می‌شود، آیا سارق، علاوه بر اصل یا قیمت حیوان مسروقه، بایستی زاد و ولد حیوانی را که دزدیده نیز به صاحبش بدهد؟

جواب: باید زاد و ولد و تمام منافی که از آن برده است را به صاحب اصلی برگرداند و مخارجی را که برای آن کرده نمی‌تواند کم کند.

سؤال ۱۴۴۲- در موردی که جهت اثبات موضوع سرقت ادله‌ای وجود نداشته باشد و شاکی از متهم تقاضا نماید که قسم بخورد و متهم از قسم خوردن امتناع نماید و شاکی قسم بخورد که متهم سرقت کرده است. در این مورد علاوه بر این که متهم باید اموال مسروقه را به شاکی تحویل دهد، آیا می‌توان حد بر او جاری کرد؟

جواب: حدود و تعزیرات با قسم ثابت نمی‌شود؛ ولی اموال ثابت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۴۹۹

۶- حد محارب

سؤال ۱۴۴۳- لطف فرموده پاسخ سؤالات زیر را مرقوم فرماید:

الف) تعریف «محارب» و «مفسد فی الارض» را از نظر فقهی و اصطلاحی بیان فرمایید.

جواب: محارب به کسی می‌گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد و در محیط اجتماع ناامنی ایجاد کند. و مفسد فی الارض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود؛ هرچند بدون توسل به اسلحه باشد، مانند قاچاقچیان مواد مخدر و کسانی که مراکز فحشا را بطور گسترده ایجاد می‌کنند.

ب) نظر حضرت تعالی در خصوص تعریف «محارب» و «مفسد» در قانون مجازات اسلامی، بخش حدود، مواد ۱۸۳ الی ۱۹۶ چه می‌باشد؟ کلمه «واو» در قسمت اخیر ماده ۱۸۳...: «محارب و مفسد فی الارض» چه نوع واوی است، عطفی، ربطی، یا استینافی؟
در صورت اختلاف معنای میان محارب و مفسد فی الارض، نظر شما در خصوص عمل قانونگذار در مترادف آوردن آن دو معنا چیست؟

جواب: این دو با یکدیگر تفاوت دارد و مترادف نیست؛ بلکه میان آنها نسبت عموم من وجه است.

ج) در باب حدود قانون مجازات اسلامی گاه از لفظ «مفسد فی الارض» و گاه نیز از لفظ «فساد فی الارض» استفاده شده است، به نظر حضرت تعالی علت این تغییر چه می‌باشد؟ آیا مطلب خاصی مورد نظر بوده است؟

جواب: ظاهراً در میان این دو تفاوتی نیست؛ در یک جا سخن از فاعل به میان آمده و در جای دیگر از فعل.

د) در بعضی ابواب حدود، مانند حدّ شرب خمر، آمده است که هرگاه عمل موجب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۰

حد، تکرار گردد و حد نیز در هر مرتبه اجرا شود، در مرتبه سوّم، حدّ قتل خواهد بود (ماده ۱۷۹ قانون مجازات اسلامی) حال این سؤال مطرح است که:

آیا حدّ قتل از باب افساد فی الارض است، یا از باب دیگر است؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب، بطوری که بسیاری از بزرگان گفته‌اند، در غیر شرب خمر قتل در مرتبه چهارم انجام می‌گیرد و این مسأله مربوط به عنوان «مفسد فی الارض» نیست؛ بلکه نصوص خاصّه‌ای درباره آن وارد شده است.

ه-) آیا حدّ محارب و مفسد فی الارض از قوانین امضایی است، یا از قوانین تأسیسی اسلام می‌باشد؟

جواب: ظاهر این است که از قوانین تأسیسی است؛ ولی بطور اجمال در بعضی از قوانین عقلا نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود.

سؤال ۱۴۴۴- در نوع کتب فقهی تعریف جامع و مانعی، که ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده موضوع را مشخص نماید، در مورد جرم «محاربه و افساد فی الارض» ذکر نشده است و ابهام در این مورد به قوانین مصوّب جمهوری اسلامی نیز سرایت نموده و شمول و عدم شمول این موضوع نسبت به برخی مصادیق مورد ابهام است.

از طرفی بسیاری از فقها در مورد تعریف رایج "من شهر السیف لإخافة الناس" در خصوص تشهیر سیف، الغای خصوصیت نموده و ملاک محاربه را "إخافة الناس" یا "سلب امتیّت عمومی" دانسته‌اند؛ با توجه به این نکته استدعا می‌شود نظر مبارک را در مورد شمول عنوان "محاربه" و "افساد فی الارض" در خصوص اشخاص یا باندهایی که با ارتکاب اعمالی نظیر "هواپیماری"، "آشوب و شرارت"، "دزدیدن کودکان خردسال"، "اسیدپاشی" و نظایر آن، که موجب ایجاد ناامنی و اضطراب در جامعه می‌شود، بیان فرمایید. به عبارت دیگر آیا شخص یا گروهی که با ارتکاب هر یک از اعمال فوق الذکر و نظایر آن موجب وحشت و ناامنی عمومی شود، به عنوان "محارب" قابل مجازات می‌باشند؟

جواب: کسانی که به خاطر تکرار یکی از جنایات بالا- سبب ناامنی و خوف اجتماعی شوند، مصداق مفسد هستند؛ ولی عنوان محارب مشروط به کشیدن اسلحه به روی مردم است.

سؤال ۱۴۴۵- بسیاری از اوقات، مؤمنین در بین خود شخصی را پیدا می‌کنند که برای اجانب جاسوسی می‌کند و گاهی این عمل کثیف باعث ضررهای سنگینی بر مسلمانان می‌شود. آیا کشتن چنین شخصی جایز است؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر این که از مصادیق «مفسد فی الارض» باشد که البته تشخیص این مسأله و اجرای حکم تنها بر عهده حاکم شرع است.

سؤال ۱۴۴۶- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در حدّ محارب، تبدیل «تبعید» به «حبس در تبعید» را جایز می‌دانید؟

جواب: حکم همان تبعید است، نه «حبس در تبعید» و نه «حبس»؛ مگر در جایی که تبعید مفسده‌ای دارد، یا سبب فرار مجرم می‌شود.

ب) حدّ اقل و حدّ اکثر تبعید در محاربه چند سال است؟

جواب: احتیاط آن است که کمتر از یک سال نباشد و بیش از آن دلیلی بر جواز ندارد.

سؤال ۱۴۴۷- توبه محارب در مجازات چه تأثیری دارد؟

جواب: اگر قبل از دستگیری توبه کند و اثر آن ظاهر شود مجازات او برطرف خواهد شد.

سؤال ۱۴۴۸- آیا در صدق محاربه، کشیدن سلاح شرط است، یا این که تجهیز سلاح (یعنی مسلح بودن به سلاح آشکار) یا حمل

سلاح (مسلح بودن به سلاح مخفی) نیز از مصادیق محاربه است؟

جواب: در محاربه تجرید و تجهیز سلاح به عنوان ترسانیدن مردم شرط است.

سؤال ۱۴۴۹- فردی نقشه ربودن شخصی را به منظور اخذی کشیده، و شخص دوم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۲

سلاح و اتومبیل برای این عمل تهیه کرده، و شخص سوم با اسلحه اقدام به ربودن شخص مذکور نموده است، آیا بر هر سه نفر محاربه صدق می‌کند؟

جواب: فقط نفر سوم محارب است و دو نفر دیگر به عنوان معاونت تعزیر دارند.

سؤال ۱۴۵۰- در فرض سؤال قبل، آیا بین این که اخذی تحقق پیدا کرده (پول از خود شخص یا بستگان او اخذ شده باشد) یا تحقق پیدا نکرده باشد، فرق است؟

جواب: در هر دو صورت عنوان محاربه صدق می‌کند.

۷- حد ارتداد

سؤال ۱۴۵۱- لطفاً حکم کسی را که با اختیار و علم به این که اگر وارد جمع مشرکین و وهابی‌های متعصب شود او را مجبور به کفر و ارتداد می‌کنند، با توجه به این که بنای مرتد شدن را هم نداشته است، بیان نمایید.

جواب: ارتداد به صورت اجباری اثر ندارد، و چنین کسی مرتد محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۴۵۲- آیا زمان و مکان در اصل ارتداد، یا در تشدید و عدم تشدید حکم دخیل هستند؟

جواب: زمان و مکان در این مورد تأثیری ندارد.

سؤال ۱۴۵۳- اگر کسی با این که از پدر و مادر مسلمان متولد شده نماز نخواند، بلکه به نماز و نماز گزار توهین نماید و همچنین به قرآن مجید جسارت کند، مثلاً بگوید: «آن را آتش می‌زنم» و در مورد امام حسین (علیه السلام) بگوید: «او برای این که به مقام

برسد جنگیده است» و در موارد فراوان اقرار به گناهان کبیره، همچون زنا، بکند چه حکمی دارد؟

جواب: چنین کسی مرتد است و حاکم شرع حق دارد حد ارتداد بر او جاری کند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۵۰۳

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۳

سؤال ۱۴۵۴- زندگی کردن با افراد مرتد چه حکمی دارد؟ آیا مورد تأیید اسلام است؟

جواب: حرام است؛ مگر به منظور هدایت آنها به آیین حق.

سؤال ۱۴۵۵- در مورد فرقه ضالّه بهائیت، طرز تفکر آنان، عقایدشان، برخورد ما با آنان و مواردی از این قبیل چه منابعی را معرفی می‌فرمایید تا مورد مطالعه قرار گیرد؟

جواب: کتابی به نام «محاكمه و بررسی در تاریخ باب و بهاء» که منبع بسیار خوبی است نوشته شده است، از کتاب «ارمغان استعمار» نیز می‌توانید بهره بگیرید. این گروه جزء کفار محاربند و در دامان استعمار پرورش یافته‌اند.

سؤال ۱۴۵۶- عده‌ای مسلمان و حتی اهل نماز هستند؛ ولی به هنگام خشم و عصبانیت، یا وقتی که دچار بلایی سخت می‌شوند، عادت دارند که نعوذ بالله به ذات اقدس الهی جسارت کنند، حکم آنها چیست؟ وظیفه دیگران در برخورد با آنها چیست؟

جواب: اگر از حال عادی بیرون می‌روند و مالک زبان خود نیستند از اسلام خارج نمی‌شوند، در غیر این صورت مرتد هستند و حاکم شرع باید حد مرتد بر آنها جاری کند.

سؤال ۱۴۵۷- مسلمانانی که با زبان حقایق دین را انکار می‌کنند یا حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال می‌دانند، مثلاً می‌گویند: «ربا حلال است» یا می‌گویند: «قیامت نیست و بهشت و جهنم همین دنیاست» و ما از باطن آنها آگاهی نداریم، حکم چنین کسانی چیست؟

جواب: هرگاه ظاهر حال آنها این باشد که جدی سخن می‌گویند، احکام ارتداد، در صورتی که سخنان آنها موجب انکار خدا یا نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) شود، بر آن مترتب می‌شود؛ ولی اگر قرائنی هرچند ظنی بر عدم اعتقاد آنها به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۴ محتوای این الفاظ باشد، حکم ارتداد بر آنان جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۴۵۸- کسی که امامان (علیهم السلام) را سب کند چه حکمی دارد؟ آیا سب، مرتد است؟ آیا بین فطری و ملی در این مسأله فرقی هست؟

جواب: آری مرتد است و ظاهراً در اینجا فرقی بین فطری و ملی نیست.

سؤال ۱۴۵۹- آیا حکم مرتد فطری، که به کشورهای خارجی عزیمت می‌کند، در آن بلاد قابل اجراست و نقض قوانین آن کشورها محسوب نمی‌گردد؟ آیا فرقی بین بلاد کفر و غیر آن هست؟

جواب: با فرار او حکم عوض نمی‌شود؛ ولی اگر نقض قوانین آن بلاد مشکل مهمی به بار آورد اجرای آن حکم متوقف می‌شود؛ مگر در موارد استثنایی.

سؤال ۱۴۶۰- آیا می‌توان کسی که علناً ارتدادش را نمایان کرده را بدون اذن حاکم شرع، به قتل رساند؟ آیا در این مورد فرقی بین ملی و فطری هست؟

جواب: در هر دو صورت جایز نیست، و اجرای حدود بدون اذن حاکم شرع جایز نمی‌باشد.

سؤال ۱۴۶۱- آیا غلات، کسانی که به آنها «علی‌اللهی» می‌گویند، مرتدند؟

جواب: اگر واقعاً اعتقاد به الوهیت حضرت علی (علیه السلام) داشته باشند، کافرند؛ ولی بسیاری از غلات فعلی ادعای خود را توجیه می‌کنند که منجر به ادعای الوهیت نشود و ما اظهارات آنها را می‌پذیریم؛ مگر این که علم به خلاف آن داشته باشیم.

سؤال ۱۴۶۲- بطور اتفاقی از عقاید منحرف شخصی (مثل انکار نماز و روزه، تحریف قرآن و مانند آن) مطلع می‌شویم. آیا اطلاع دادن به افرادی که با این شخص رفت و آمد دارند و از عقاید او بی‌خبرند، لازم است؟

جواب: اگر احتمال می‌دهید که خطر و ضرری برای جامعه اسلامی، یا بعضی از مسلمانان ایجاد می‌کند، خبر دهید؛ خواه خطر عقیدتی باشد یا غیر آن.

سؤال ۱۴۶۳- آیا انکار حج و نماز و روزه باعث ارتداد می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۵

جواب: اگر انکار ضروریات اسلام توأم با علم به ضروری بودن باشد موجب خارج شدن از دین می‌شود و اگر توأم با علم نباشد باعث خروج از اسلام نمی‌گردد.

مسائل متفرقه حدود

سؤال ۱۴۶۴- نظر اسلام را درباره مجازات بفرمایید، آیا مجازات هدف است یا وسیله؟

جواب: در هیچ مورد مجازات هدف اصلی نیست؛ بلکه یک وسیله بازدارنده برای مجازات شونده یا سایر مردم است. به همین جهت دستور داده شده که مجازات آشکار باشد تا اثر بازدارندگی خود را در جامعه ببخشد و نیز در مجازات تعزیری و بعضی از موارد حدود، هر گاه مجرم از طریق دیگری از گناه خودداری کند و توبه نماید، مجازات از میان می‌رود.

سؤال ۱۴۶۵- برخی معتقدند که در اسلام زندان وجود نداشته، بلکه حبس در خانه وجود دارد، آیا صحیح است؟

جواب: این سخن درست نیست، در زمان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) زندان چندان مورد نیاز نبود؛ ولی در عصر علی (علیه السلام) و همچنین در عصر خلفا زندان وجود داشت؛ زیرا جامعه اسلامی گسترش پیدا کرده بود و مجرمان افزایش یافته و گروههایی در فکر ضربه زدن به اسلام و مسلمین بودند.

سؤال ۱۴۶۶- آیا می‌توان به خاطر اجرای حدّ شرعی در مورد قطع عضو، قبل از اجرای حدّ، برای جلوگیری از احساس درد شدید و یا شوکه شدن و مانند آن، عضو مذکور را بی‌حس و یا شخص را بیهوش نمود؟
جواب: ظاهراً اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۶۷- لطف فرمایید سه مورد از تعارض «نصّ» با «ظاهر» در حدود را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۶

صورت صلاحدید مرقوم فرماید.

جواب: در مورد حدّ سرقت ظاهر آیه قرآن این است که سارق به هر اندازه و از هر جا چیزی بدزدد باید دستش قطع شود، در حالی که نصوص می‌گویند نصاب معینی برای سرقت وجود دارد و شرایط متعدّد دیگر. همچنین در مورد مقدار قطع دست، آیه مطلق است؛ ولی نصوص آن را محدود به حدّ خاصّ (انگشتان) نموده است. مورد دیگر آیه حدّ زناست که ظاهر آیه این است که در تمام موارد، حدّ آن تازیانه است؛ در حالی که نصوص در مواردی حدّ رجم و در بعضی از موارد تبعید نیز اضافه شده است، و در بعضی از موارد قتل است، مانند زنا به عنف و زنا با محارم. در آیات ارث نیز در بسیاری از موارد در نصوص استثنائاتی وارد شده، در حالی که آیات ارث مطلق است.

سؤال ۱۴۶۸- هزینه درمان و بهبود شخصی که، در اثر اجرای حدّ یا قصاص، یکی از اعضای خود را از دست داده به عهده بیت المال است یا محکوم؟

جواب: در صورتی که شخص محکوم توانایی درمان داشته باشد بر عهده خود اوست؛ در عین حال مطابق بعضی از روایات حاکم شرع در مورد حدود می‌تواند درباره او ارفاق کرده و هزینه آن را پردازد؛ ولی اگر تمکن ندارد، هزینه رأساً بر عهده بیت المال است، هم در حدود و هم در قصاص.

سؤال ۱۴۶۹- در صورتی که هزینه درمان بر عهده بیت المال باشد، حکم اختصاص به معالجات اولیّه دارد، یا معالجات بعدی را نیز در بر می‌گیرد؟

جواب: فرقی نمی‌کند.

سؤال ۱۴۷۰- اگر مجری شلاق، اشتباهاً بیشتر از مورد حکم شلاق بزند، چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که عمداً یا بر اساس سهل‌انگاری باشد قصاص می‌شود، و اگر سهواً باشد و دیه داشته باشد، دیه آن از بیت المال پرداخته می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۷

سؤال ۱۴۷۱- در حدود و تعزیرات چه کسی باید شلاق را اجرا کند؟ آیا در تعزیرات و حدودی که شاکی خصوصی دارد (مانند حدّ قذف و سرقت تعزیری) شاکی خصوصی اجرا می‌کند، یا قاضی اجرای احکام، یا هر کسی را که قاضی تعیین کند؟

جواب: شلاق اگر به عنوان حد یا تعزیر باشد، به وسیله قاضی یا کسی که از طرف قاضی، مأموریت پیدا می‌کند، انجام می‌شود؛ ولی اگر جنبه قصاص داشته باشد، صاحب حق می‌تواند، اجرا کند.

تعزیرات

سؤال ۱۴۷۲- ملاک اصلی تعزیرات در حکومت اسلامی چیست؟

جواب: هرگونه تخلف از واجبات شرع و ارتکاب گناهان کبیره تعزیر دارد، و تعزیر منحصر به شلاق یا زندان نیست؛ بلکه از اندرزه‌های دوستانه، که سبب ترک عمل گردد، شروع می‌شود تا محرومیت موقتی از حقوق اجتماعی و جریمه مالی و مانند آن.

سؤال ۱۴۷۳- لطفاً این دو سؤال را جواب فرمایید:

الف) فعل حرامی که مرتکب آن تعزیر می‌شود باید چه شرایطی داشته باشد؟

جواب: تمام گناهان کبیره در صورت صلاحدید حاکم شرع تعزیر دارد.

ب) افرادی که اقدام به نگهداری و تماشای فیلمهای ویدئویی مبتذل می‌کنند (که در آن بدن عریان، یا نیمه عریان زنان، اعمال جنسی، مجالس لهو و لعب، رقص مختلط و امثال آن نشان داده می‌شود) آیا تعزیر دارند؟

جواب: آری تعزیر دارند؛ ولی توجه دارید که تعزیر مراتبی دارد، گاه از طریق اندرز و نصیحت است و گاهی از طریق بیان تند و اعتراض شدید و گاه شلاق و زندان و گاه جریمه مالی (اشخاص و موارد با هم متفاوت است).

سؤال ۱۴۷۴- اگر شخصی مرتکب چند جرم تعزیری شود، آیا مجموع شلّاقی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۸

برای چند جرم محکوم می‌شود باید از ۷۴ ضربه کمتر باشد، یا باید شلاق هر جرم کمتر از ۷۴ ضربه باشد؟ آیا در این خصوص، بین جرایم مشابه و غیر مشابه فرق است؟ در صورتی که مجاز به صدور حکم به بیشتر از ۷۴ ضربه باشیم آیا حدّ اکثری برای آن متصور است؟

جواب: مجازات تعزیری هر جرم باید کمتر از حدّ مشابه آن جرم باشد، ولی مجموع مجازاتها حدّ معینی ندارد، اما باید توان محکوم را در نظر گرفت که جان محکوم به خطر نیفتد (البته جرایم مشابه یک تعزیر دارد).

سؤال ۱۴۷۵- کسی اقدام به خودکشی نموده، ولی به نحوی از مرگ نجات می‌یابد، آیا این فرد چون فعلش مخالف با موازین اسلامی بوده، مشمول تعزیر است؟

جواب: آری در صورت مصلحت می‌توان او را تعزیر کرد.

سؤال ۱۴۷۶- آیا زوجه را می‌توان به علت عدم تمکین در امور زوجیت، تعزیر نمود؟

جواب: تعزیر به دست حاکم شرع است که پس از شکایت زوج مبنی بر عدم تمکین زوجه و ثبوت آن انجام می‌گیرد، زوجه نیز می‌تواند به حاکم شرع شکایت کرده و برای زوج در برابر خلافکاربهایش تقاضای مجازات کند.

سؤال ۱۴۷۷- اگر مردی با زنی ازدواج کند و وظایف شرعی و قانونی خود را عمل نکند، از نظر قانونی در رابطه با ترک انفاق مجازات حبس دارد؛ ولی آیا حاکم شرع می‌تواند در رابطه با ترک وظایف واجب زناشویی، او را تعزیر کند؟

جواب: اگر ثابت شود که مرد بدون عذر شرعی و بدون رضایت همسرش به وظایف واجب خود عمل نکرده، حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر کند.

سؤال ۱۴۷۸- اگر مردی با داشتن عیال دائمی و بدون رضایت و موافقت او، با زنی ازدواج موقت نماید (درازمدت، یا کوتاه مدت)،

آیا چنین مردی بر اثر شکایت همسر دائمی اول قابل تعقیب و تعزیر است؟ اگر زن دائمی به نحوی در دسترس مرد نبوده و یا ترک منزل نموده باشد چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۰۹

جواب: کار حرامی انجام نداده است؛ ولی مردان نباید ازدواج موقت را وسیله هوسبازی خود قرار دهند.

سؤال ۱۴۷۹- اگر مستأجری ملک را بعد از پایان مدت اجاره تخلیه ننماید، آیا می‌توان او را با تعزیر، یا حبس و مانند آن وادار به تخلیه نمود؟

جواب: در صورتی که حاکم شرع مصلحت را در تعزیر و حبس بداند مانعی ندارد؛ ضمناً مستأجر هم نباید گرفتار عسر و حرج شدید باشد، در این صورت باید ضرب الاجلی برای او تعیین کند.

سؤال ۱۴۸۰- همان طور که مستحضر هستید تعزیرات به دست حاکم است. آیا حد اقل تعزیرات یک ضربه شلاق را هم شامل می‌شود؟

جواب: گاه ممکن است یک ضربه نیز حد اقل تعزیر باشد و همان تأثیر لازم را بگذارد.

سؤال ۱۴۸۱- مرد و زنی برای انجام عمل نامشروع در منزلی اجتماع کرده‌اند؛ ولی قبل از این که مرتکب عمل مذکور شوند دستگیر شده‌اند، آیا تعزیر می‌شوند؟

جواب: اگر هیچ‌گونه اقدامی نکرده باشند باید به نهی از منکر قناعت کرد.

سؤال ۱۴۸۲- زنی با آرایش زننده و حالت بدحجابی در معابر عمومی ظاهر شده و او را دستگیر کرده‌اند. لطفاً بفرمایید که:

الف) آیا می‌شود به عنوان تعزیر سر او را تراشید؟

ب) اگر مردی مرتکب فعل حرامی که مستوجب تعزیر است بشود، آیا می‌شود به عنوان تعزیر، یا علاوه بر تعزیر، سر او را تراشید؟
جواب: تراشیدن سر مطلقاً جزء تعزیرات نیست و باید راه دیگری را برای تعزیر، مانند جریمه نقدی یا زندان یا مجازات بدنی، انتخاب کرد؛ ولی در زندانها گاه برای ملاحظه مسائل امتیسی سر متهمین را می‌تراشند، و این مربوط به عناوین ثانویه است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۰

سؤال ۱۴۸۳- اگر شخصی، با دست یا چیز دیگری، کاری کند که منی از او خارج شود این عمل چه حکمی دارد؟

جواب: این عمل استمنا نامیده می‌شود و حرام است و حتی اگر بدون دست و وسایل دیگر، تنها با فکر کردن یا مشاهده بعضی از صحنه‌ها یا گوش دادن به بعضی از وسوسه‌های این و آن، این حالت به او دست دهد، مرتکب حرام شده است و تعزیر دارد.

سؤال ۱۴۸۴- افرادی که تحت تأثیر این عمل قرار می‌گیرند، چه خساراتی بر آنان وارد می‌شود؟

جواب: این عمل زیانهای بسیاری دارد؛ به تجربه ثابت شده است روی اعصاب اثر می‌گذارد، از نور چشم می‌کاهد، انسان را خمود و منزوی و گوشه‌گیر می‌کند و حتی ممکن است سبب ناتوانی جنسی شود؛ اما هنگامی که جوانان این عادت زشت را ترک کنند امید بهبودی می‌رود.

سؤال ۱۴۸۵- در بعضی از بیمارستان‌ها برای این که بفهمند انسان بچه‌دار می‌شود یا نه، از مرد می‌خواهند که با عمل استمنا منی خودش را در اختیار آزمایشگاه قرار دهد، آیا این کار جایز است؟

جواب: تا ضرورتی ایجاب نکند و راه چاره منحصر به آن نباشد، جایز نیست.

سؤال ۱۴۸۶- استدعا دارد نصیحتی نموده و اشخاص مبتلا به این عمل (استمنا) را ارشاد فرمایید.

جواب: جوانان باید از دوستان و رفقای آلوده و بی‌بندوبار که غالباً سبب این آلودگیها می‌شوند پرهیزند و از کتابهای بدآموز و مشاهده صحنه‌های محرک اجتناب کنند، و عواقب کسانی که گرفتار این گونه امور شده‌اند را مشاهده نمایند و فریب وسوسه‌های

بعضی از نویسندگان غیر متعهد، که ادعا می‌کنند این عمل ضرری ندارد، را نخوردند و نیروهای خداداد خود را بیهوده از دست ندهند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۱

ضمناً توجه به عبادات و تاریخ پیشوایان اسلام و نصایح و اندرزهای آنان اثر بازدارنده مهمی در این زمینه دارد. برای توضیحات بیشتر می‌توانید کتاب «مشکلات جنسی جوانان» را مطالعه نمایید.

سؤال ۱۴۸۷- بعد از بوسیدن یکی از دوستانم، که از روی شهوت بود، مقداری مایع بی‌رنگ و کمی چسبنده از بدنم خارج شد؛ ولی بر خلاف منی لگه‌ای روی لباس بر جای نگذارد. حال بفرمایید.

الف) عمل من چه حکمی دارد؟

جواب: این کار حرام بوده و باید توبه کنید، و برای کسی که توبه نکرده تعزیر دارد.

ب) آیا حقیر باید غسل کنم؟

جواب: اگر رطوبت خارج شده توأم با جستن نبوده، غسل ندارد.

ج) آیا این کار باعث باطل شدن وضو یا غسل می‌شود؟

جواب: در صورتی که قبلاً از بول استبرا کرده باشید، این مایع مشکوک وضو را باطل نمی‌کند.

د) اگر از روی شهوت نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: هر گاه از روی شهوت نباشد اشکالی ندارد، ولی با توجه به این که این گونه کارها دام شیطان است، سزاوار است از آن پرهیز کنید.

سؤال ۱۴۸۸- گناه زنا بیشتر است یا استمنا؟

جواب: هر دو حرام است و گناه زنا بیشتر است.

سؤال ۱۴۸۹- لطف فرمایید گناه بودن یا نبودن استمنا را طبق مقتضیات حال که در آن زندگی می‌کنیم بفرمایید. به دلیل این که به اعتقاد بنده افراط در این امر حرام و گناه است؛ ولی اگر افراط نشود گناه نیست چون در جامعه کنونی، فوق‌العاده مشکل است که انسان بر هوای نفسش غلبه کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۲

جواب: استمنا مطلقاً و بدون شک حرام است؛ امیدواریم گرفتار وسوسه‌های شیطان نشوید؛ طرق مبارزه با آن را در کتاب «مشکلات جنسی جوانان» بیان کرده‌ایم.

سؤال ۱۴۹۰- چنانچه تعزیر، علاوه بر تازیانه مصادیق دیگری داشته باشد؛ (مانند: حبس، جزای نقدی، لغو جواز کسب، ابطال گواهینامه رانندگی، محرومیت از مشاغل دولتی، ثبت سوء سابقه و مانند آن) لطفاً بفرمایید:

الف) آیا تعبیر «التعزیر دون الحد» فقط در خصوص تازیانه رعایت می‌شود، یا شامل دیگر موارد مذکور نیز می‌شود؟

ب) در صورت شمول به موارد دیگر، ملاک «دون الحد» چه می‌باشد؟

جواب: تعبیر به «دون الحد» در غیر موارد حدود معنا ندارد؛ ولی واضح است که باید تعزیر تناسب عقلایی با جرم داشته باشد.

سؤال ۱۴۹۱- اگر مرد عاقل و بالغی یکی از محارم مؤنث و یا مذکر نسبی خود را از روی شهوت ببوسد، مجازاتش چیست؟ اگر نابالغ باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد بوسیدن فقط تعزیر است و فرقی میان محارم و غیر محارم نیست (البته قاضی می‌تواند در مورد محارم، تعزیر شدیدتری قائل شود)، ولی فاعل نابالغ تعزیر ندارد؛ بلکه مقدار کمی به عنوان تأدیب تنبیه می‌شود.

سؤال ۱۴۹۲- در مجازاتهای منصوص اگر غیر از مجرم، دیگری هم زیان ببیند طبعاً از اصل قرآنی «و لا تزر وازره وزر اخری» خارج است، مثل قصاص قاتل که فرزندان او یتیم می‌شوند؛ ولی در جایی که نص صریح در مورد مشروعیت آن نیست مثل حبس، که با زندانی شدن مجرم عائله‌اش بشدت متضرر می‌شوند در حالی که جرمی نکرده‌اند و شارع نیز این عقوبت را بطور صریح از جمله مجازاتها قرار نداده است، مخالفت آن اصل قرآنی بدون نص صریح چگونه توجیه می‌شود؟

جواب: حبس یکی از انواع تعزیر است، و تعزیر در موارد مقررّه ممکن است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۳

باعث ضرر و زیان به دیگران شود، خواه به صورت شلاق باشد یا جریمه نقدی یا جریمه مالی و این امور مانع از تعزیرات نمی‌شود، و گرنه اکثر تعزیرات باید تعطیل شود؛ چرا که غالباً زیانهایش به دیگران هم می‌رسد.

سؤال ۱۴۹۳- اثبات بعضی از جرایم، علی‌الخصوص جرایم ناموسی، که جامعه واکنش شدیدی نسبت به آن نشان می‌دهد، در نزد حاکم شرع مشکل است؛ چرا که شهادت چهار شاهد عادل یا اقرار چهار بار متهم غالباً میسر نیست. حال اگر حاکم تقریباً با توجه به اوضاع و احوال قضیه، ظن حاصل کند که مثلاً شخصی مرتکب یکی از جرایم مذکور گردیده و از طرفی آزادی وی به احتمال زیاد موجب درگیری و ناامنی خصوصاً در روستاها که جمعیت کمی دارند می‌شود؛ آیا حاکم می‌تواند فقط به این جهت او را چند روزی بازداشت کند تا به قول معروف آتش فروکش کند و بعد حکم تیره وی را از جرم انتسابی صادر کند؟ همچنین در مواردی که درگیری دسته‌جمعی رخ می‌دهد و مقصّر مشخص نیست، برای حفظ امنیت جامعه و جلوگیری از درگیریهای بعدی می‌توان همه را بازداشت نمود؟

جواب: در مورد اول، اگر حاکم یقین پیدا کند متهم کارهای خلاف مقدماتی مانند خلوت با اجنبیه یا کارهای مادون لواط و زنا انجام داده است، می‌تواند او را به عنوان تعزیر بازداشت کند و در مورد دوم نیز همین معنا صادق است؛ یعنی اگر آنها درگیریهایی به وجود آورده و نظم اجتماعی را برهم زده‌اند و حفظ نظم اجتماعی منوط به بازداشت موقت اینگونه اشخاص باشد، آن هم مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۹۴- آیا در نگهداری متهم در حبس تعزیری (با قرار بازداشت) حدّ اقلّ و اکثری هست، یا مدّت زمان به نظر حاکم شرع است؟

جواب: مدّت به نظر حاکم شرع است؛ ولی گاه مصلحت وحدت رویه و پرهیز از بی‌نظمی قضایی ایجاب می‌کند که حدّ اقلّ و حدّ اکثر آن از طرف مقامات قضایی تعیین شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۵

فصل چهارم و هفتم: احکام قصاص

قتل عمد و شبه عمد

سؤال ۱۴۹۵- آیا مجازات قتل عمد فقط قصاص است، یا قصاص و دیه؟

جواب: مجازات قتل عمد قصاص است؛ مگر این که طرفین راضی به دیه، یا کمتر، یا بیشتر از آن شوند.

سؤال ۱۴۹۶- آیا اشتباه در شخص، در قتل عمدی (یعنی قصد کشتن شخص «الف» را دارد، اما به اشتباه شخص «ب» را به قتل می‌رساند) مانع عمدی بودن قتل است؟

جواب: در چنین حالتی قتل عمدی است؛ زیرا تمام شرایط و مقدمات حاصل است و اشتباه در فرد تأثیری در عمدی بودن قتل

ندارد؛ و به تعبیر دیگر، در مورد اصل کشتن شخص حاضر عمد حاصل است و خطا در تطبیق است؛ این در صورتی است که خون هر دو محترم باشد.

سؤال ۱۴۹۷- فرد گستاخی با ایجاد رابطه نامشروع علنی با زن شوهرداری در مدّت طولانی و بطور مکرر، باعث برانگیخته شدن احساسات و غیرت همسر و برادر آن زن شده است؛ آنان در صدد شناختن شخص مزبور برآمده که اتفاقاً شخص مزبور به امید به دام انداختن صیدی جدید و به نیت زنا به منزل آن زن آمده و به دست شوهر و برادر آن زن گرفتار می‌شود، علی‌رغم این که قصد کشتن مشاراً الیه نبوده، بلکه قصد، تحویل به مراجع ذیصلاح بوده است؛ ولی در نهایت به لحاظ شدت ضربات وارده وی به قتل می‌رسد حال با توجه به این که (او را مهدور الدّم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۶

می‌دانسته‌اند و) فساد اخلاقی مقتول در موارد متعدّد و این مورد احراز شده و مقتول نیز از شوهردار بودن آن زن، اطلاع داشته و خود باعث اغفال و گمراهی او شده است. لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا برای ضاربین فوق (که شامل ۶ مرد و یک زن می‌باشند)، ضمان خون وجود دارد؟

ب) آیا ضمان به قصاص نفس است یا دیه مقرّره؟

جواب: اگر ضربات وارده بر او ضرباتی بوده است که به حسب عادت موجب قتل می‌شده و یقین به مهدور الدّم بودن او نداشته‌اند قتل عمد محسوب می‌شود و اولیای مقتول حقّ قصاص دارند و اگر بخواهند هر کدام از قاتلین را قصاص کنند باید شش هفتم (۷۶) دیه او را پردازند و چون بعید است زیر بار بروند، مبدّل به دیه می‌شود. و با توجه به این که آن شخص فرد بسیار آلوده‌ای بوده اگر اولیای مقتول، قاتلین را عفو کنند بسیار بجاست و هرگاه آن ضربات عادتاً موجب قتل نبوده، ولی منتهی به قتل شده، یا این که قاتلین یقین به مهدور الدّم بودن او داشته‌اند دیه دارد. ضمناً درست است که آن مرد فاسق مجازات شدیدی دارد، ولی تنها باید به حکم حاکم شرع باشد.

سؤال ۱۴۹۸- شخصی عیال شرعی خود را سه طلاقه نموده است، با توجه به این که زوجین پیرو مذهب شافعی بوده‌اند، طبق فتوای شورای روحانیت سنندج، بین آنان طلاق بائن غیر رجعی محقق شده است؛ ولی شوهر پس از طلاق همچنان با عیال سابق خود زندگی می‌کرده است. مدّتها پس از آن شوهر سابق این زن و برادر این خانم مردی را به این عنوان که با آن زن رابطه نامشروع دارد، در ملاّ عام مشترکاً به قتل رسانده‌اند. اولیای دم فقط تقاضای قصاص برادر آن زن را به عنوان قاتل نموده‌اند، در حالی که مقتول با اطلاع از وقوع طلاق بین زوجین و به قصد ازدواج با زن مطلقه، خانه‌ای برای او در سنندج تهیه و او را در آن اسکان داده است، و برادر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۷

آن زن نیز وعده تزویج خواهرش را به مقتول داده بوده است. بر فرض وجود رابطه نامشروع بین مقتول و زن مطلقه، آیا شخص مقتول مهدور الدّم بوده و شوهر سابق و برادر آن زن از قصاص معاف هستند و این عمل آنها به اعتبار انگیزه شرافتمندانه می‌تواند دفاع مشروع تلقی شود؟

جواب: شخص مزبور در حکم قاتل عمد یا شریک قاتل عمد می‌باشد.

سؤال ۱۴۹۹- به تازگی ورزشی به نام «شدّ الحبل» یا طناب‌کشی رواج یافته که شامل دو گروه است که در هر طرف طناب یک یا چند نفر شرکت می‌کنند، این ورزش به این شکل است که هر گروهی یک سمت طناب را می‌گیرد و به سمت خود می‌کشد. هر گروهی که بتواند طناب را به سمت خود بکشد، برنده مسابقه است. در این مسابقه گاهی فرد یا افرادی از هر دو گروه به زمین می‌خورند که در برخی اوقات منجر به مرگ آنها می‌شود. آیا این مرگ، از قبیل خطای محض است؟ آیا دیه بر عهده تمام کسانی

است که در گروه دیگر قرار دارند، یا بر عهده کسانی است که این مسابقه را برگزار می‌کنند؟ آیا این مسأله در مورد سایر ورزشها مانند فوتبال هم جاری است؟

جواب: این قتل، شبه عمد محسوب می‌شود و دیه بر عهده جانی است و در صورتی که جانی چند نفر باشند، همگی باید دیه را به مقدار سهمشان در جنایت پردازند و در صورتی که مقدار تأثیر آنها را در جنایت ندانیم، به صورت مساوی بین آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۵۰۰- شخصی غیر وارد به کارهای ساختمانی خانه‌ای بنا کرده و باعث قتل چهار نفر شده است، کارشناسان رسمی نظر داده‌اند که وی در امور ساختمانی ماهر نبوده و در به کارگیری مصالح ساختمانی خیانت کرده است، بدین جهت خانه مذکور خراب شده است، این مسأله مصداق کدام قسم از قتل است؟

جواب: اگر ثابت شود که قتل آن عده بر اثر سهل‌انگاری و خیانت آن بنا بوده قتل شبه عمد محسوب می‌شود؛ یعنی بنا باید از مالش دیه را پردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۸

شرایط قصاص

سؤال ۱۵۰۱- شخصی در سن دوازده سالگی مردی را کشته است، او را تا به حال که، ۲۵ ساله است، در زندان نگه داشته‌اند تا بچه‌های مقتول بزرگ شوند و تصمیم بگیرند که قاتل اعدام شود یا دیه بگیرند و حکم اعدام او هم صادر شده است. حال اگر صبی جنایتش قصاص ندارد، پس چرا حکم اعدام این جوان را صادر کرده‌اند با این که کوچک بوده است؟

جواب: اول این که کسی که قبل از بلوغ مرتکب قتل شود نه قصاص دارد نه زندان؛ مگر مقداری به عنوان تنبیه؛ بلکه باید دیه مقتول را عاقله، که عبارت از پدر و مردان خویشاوند پدری هستند، دست به دست هم بدهند و پردازند و اگر بالغی مرتکب قتل شود و مقتول بچه‌های صغیر داشته باشد، اگر ولی بچه‌ها مصلحت را در گرفتن دیه ببیند دیه می‌گیرد و قاتل آزاد می‌شود و اگر مصلحت آنها را گرفتن دیه تشخیص ندهد باید انتظار بکشند، تا صغیرها کبیر شوند؛ ولی اگر مدت طولانی است باید قاتل را با وثیقه و کفالت لازم آزاد کنند و بعدا رسیدگی نمایند و هیچ قاضی ای حق ندارد قاتلی را برای مدّت طولانی در زندان نگه دارد.

سؤال ۱۵۰۲- قاتلی که محکوم به قصاص شده است، توسط شخصی غیر از اولیای دم و بدون اجازه آنها کشته می‌شود. در فرض مزبور، این سؤالات مطرح است:

الف) آیا این شخص (قاتل دوّم) باید قصاص شود؟ در فرض قصاص، چه کسانی حق قصاص دارند؟ اولیای دم مقتول اول، یا اولیای دم مقتول دوّم که خود محکوم به قصاص بوده است؟

ب) در صورتی که قصاص حق اولیای دم مقتول دوّم باشد، حق القصاص اولیای دم مقتول اول چه می‌شود؟ آیا موضوع منتفی شده و از بین رفته است، یا این که تبدیل به دیه می‌شود؟ در فرض تبدیل به دیه، چه کسانی باید آن را پردازند؟

جواب: با توجه به این که قاتل مهدور الدم نیست؛ بلکه در اختیار اولیای دم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۱۹

قرار می‌گیرد که اگر بخواهند قصاص می‌کنند یا با توافق طرفین دیه بگیرند، دیگری حق کشتن او را ندارد و اگر او را بکشد محکوم به قصاص یا دیه با توافق طرفین می‌باشد، و از آنجا که قاتل دوّم موضوع قصاص قاتل اول را از بین برده است، احتیاط واجب آن است که قاتل دوّم دیه‌ای به ارباب دم مقتول اول پردازد؛ شبیه مواردی که کسی قاتل را فراری می‌دهد بطوری که دسترسی به او حاصل نمی‌شود و موضوع قصاص منتفی می‌گردد که باید شخص فراری دهنده طبق نصوص وارده دیه را پردازد و

این غیر از دیه‌ای است که قاتل دوّم برای نجات از قصاص به ولی دم قاتل اوّل می‌پردازد.

سؤال ۱۵۰۳- اگر کافر ذمی عمداً مسلمانی را به قتل برساند، آیا قصاص می‌شود؟

جواب: آری؛ قصاص می‌شود.

سؤال ۱۵۰۴- مردی همسر خود را به قتل می‌رساند و اولیای دم، از جمله فرزندان مقتول، تقاضای قصاص می‌نمایند، با توجه به این

که اگر پدر فرزند خود را بکشد، قصاص نمی‌شود، آیا فرزندان می‌توانند تقاضای قصاص پدر را بنمایند؟

جواب: در فرض مسأله، فرزندان نمی‌توانند تقاضای قصاص برای پدر کنند؛ بلکه می‌توانند از او دیه بگیرند.

سؤال ۱۵۰۵- زنی به اتهام قتل عمد مردی قصاص شده است؛ با توجه به این که دیه مرد دو برابر دیه زن است، آیا می‌توان علاوه بر

قصاص یک دوّم دیه مرد مقتول را هم مطالبه نمود؟ اگر می‌شود، نحوه وصول و مطالبه آن چگونه و بر عهده کیست؟

جواب: در مورد قصاص دیه‌ای وجود ندارد.

سؤال ۱۵۰۶- اگر مردی دو زن یا بیشتر را کشته باشد و اولیای آنان خواهان قصاص باشند، بفرمایید:

الف) آیا اولیای خواهان قصاص، باید چیزی به عنوان فاضل دیه بپردازند؟

ب) در صورت لزوم پرداخت، آیا باید هر یک از اولیای خواهان قصاص، مستقلاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۰

و جداگانه نصف دیه یک مرد را بدهند، یا این که نصف دیه یک مرد، در میان اولیای خواهان تقسیم می‌شود؟ (مثلاً اگر مردی دو

زن را کشته است و اولیای هر دو خواهان قصاص هستند، هر یک از اولیا باید یک چهارم دیه مرد را بدهند)؟

جواب: هر گاه اولیای هر دو زن متفقاً و با هم خواهان قصاص باشند، چیزی به عنوان دیه به ورثه قاتل پرداخت نمی‌شود.

سؤال ۱۵۰۷- قاتل مدعی است که در حال مستی مرتکب قتل شده و اصلاً قصد قتل نداشته است، آیا در صورت صحّت ادعای متهم

قصاص وی منتفی می‌گردد؟

جواب: اگر مستی ثابت نشود، قصاص ثابت است و اگر مستی در حال قتل ثابت شود دو حالت دارد: نخست این که کسی بوده که

در حال مستی غالباً مرتکب امثال این امور می‌شده، در اینجا نیز قصاص ثابت است؛ در غیر این صورت فقط دیه دارد.

قصاص (اطراف) اعضا

سؤال ۱۵۰۸- در مورد قصاص اطراف (اعضا) بفرمایید:

الف) آیا مجنی علیه می‌تواند بخشی از قصاص را اجرا و بخش دیگر را عفو کند؟ (مثلاً جانی دست مجنی علیه را از کتف قطع

کرده است، مجنی علیه خواهان قطع دست جانی از آرنج باشد).

جواب: اشکال دارد؛ ولی اگر دو جنایت مستقل از جانی سر زده باشد، می‌تواند یکی را عفو کند و دیگری را قصاص نماید.

ب) آیا می‌تواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و برای بخش دیگر دیه بگیرد؟

جواب: در جنایت عمدی دیه نیست، فقط قصاص است؛ مگر با توافق طرفین و در اینجا اگر توافق بشود مانعی ندارد، به شرط این

که دو جنایت مستقل باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۱

ج) آیا می‌تواند برای قسمتی از جنایت طلب قصاص کرده و نسبت به بخش دیگر مصالحه کند؟

جواب: از جواب سابق روشن شد.

سؤال ۱۵۰۹- آیا ملاک در قصاص اعضا رعایت مماثلت نسبیّه است یا عرفیه؟ معیار هر کدام چه می‌باشد؟

جواب: معیار، مراعات مماثلت نسبیۀ عرفیه است؛ یعنی اگر شخص چاقی باندازه یک سانتیمتر چاقویی در بدن فردی لاغر و یا کودکی فرو کرده باشد که به اعماق بدن او رسیده باشد، در موقع قصاص باید به همان نسبت چاقو به بدن شخص جانی چاق فرو رود. در مماثلت نسبیۀ عقلی لازم نیست؛ بلکه دقت عرفی کافی است.

سؤال ۱۵۱۰- شخصی با مراجعه به دادگاه اظهار می‌دارد که فلانی در بین عده‌ای با زدن سیلی به این جانب موجب هتک حیثیت اجتماعی بنده گردیده است و تقاضای قصاص در همان جمع یا جمع مشابه را دارد، آیا قصاص سیلی به این صورت وجهه شرعی دارد؟

جواب: در قصاص این امور معتبر نیست؛ ولی حاکم می‌تواند برای هتک حیثیت او را تعزیر کند.

سؤال ۱۵۱۱- در چه مواردی تداخل قصاص عضو در نفس صورت می‌گیرد؟ ملاک در تداخل به نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: هرگاه کسی ضربه‌ای به دیگری وارد کند که موجب جراحت یا شکستگی منتهی به مرگ شود، فقط قصاص نفس دارد و دیه عضو در دیه نفس داخل می‌شود.

سؤال ۱۵۱۲- در موارد ذیل که جرح و قتل بطور عمد یا غیر عمد توسط یک نفر صورت می‌پذیرد، آیا حسب مورد قصاص عضو در قصاص نفس، و دیه عضو در دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۲

نفس، تداخل می‌کند؟ حکم را در دو صورت زیر بیان فرمایید:

الف) جرح و قتل با ضربه واحد انجام شود.

ب) جرح و قتل با دو ضربه یا بیشتر انجام شود. (در این فرض ممکن است ضربات متعدد در زمانهای متفرق یا متوالی انجام شود).

جواب: در صورتی که جرح سبب قتل شود، یک دیه بیشتر لازم نیست، خواه به یک ضربه باشد یا چند ضربه و در مورد قصاص نیز همین گونه است؛ یعنی قصاص نفس صورت می‌گیرد.

سؤال ۱۵۱۳- دیه یا مجازات ضرب ساده‌ای که موجب جراحت و تغییر رنگ نگردد و هیچ گونه آثاری از خود باقی نگذارد چیست؟

جواب: اگر این کار عمداً صورت گیرد قصاص دارد و اگر از روی خطا باشد قصاص ندارد و دیه‌ای نیز بر آن مترتب نمی‌شود.

سؤال ۱۵۱۴- در قصاص طرف که تساوی جرح قصاصی با جنایت شرط است، در صورتی که به مقدار جنایت مستلزم زیادت و لیکن در فرض اکتفا به کمتر از مقدار جنایت، زیادتی پیش نیاید، آیا قصاص به میزان کمتر از جنایت جایز است، یا تساوی در هر دو جهت شرط می‌باشد؟

جواب: اگر خوف خطر باشد قصاص تبدیل به دیه می‌شود؛ ولی اگر خوف زیادت است می‌توان به کمتر قناعت کرد.

سؤال ۱۵۱۵- در قصاص طرف، آیا زن می‌تواند به جای پرداخت فاضل دیه مثلاً در قطع چهار انگشت دو انگشت مرد جانی را قطع کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۱۶- ضربات کبودی، سیاهی، سرخی چنانچه عمدی باشد و قصاص ممکن باشد قصاص دارد یا دیه؟

جواب: در صورتی که رعایت مطابقت ممکن شود، قصاص مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۳

سؤال ۱۵۱۷- در صورتی که قصاص در اعضا به علت خطر جانی یا عضو و یا به علت عدم امکان استیفا بدون زیاده و نقصان جایز نباشد، آیا باید حکم به پرداخت دیه صادر نمود، یا باید جانی به مقدار مادون جنایت قصاص شود و نسبت به مابقی ارش بردارد،

یا این که اختیاری است و به یکی از دو شقّ اول می‌توان حکم صادر کرد؟

جواب: احتیاط قناعت به دیه است.

سؤال ۱۵۱۸- پدری به اتفاق شخص دیگری فرزند خود را کشته است. آیا رضایت این پدر در جهت عدم قصاص و یا تخفیف مجازات شخص ثالث (شریک جرم او) نافذ است؟

جواب: حقّ پدر نسبت به سهم خود در عفو و قصاص ثابت است، و بیشتر از آن مربوط به او نیست.

اولیای دم

سؤال ۱۵۱۹- آیا اولیای دم می‌توانند به جای قصاص نفس، عضوی از اعضای قاتل را قطع کنند؟

جواب: جایز نیست، چنین کاری دلیل ندارد و اصل عدم جواز است.

سؤال ۱۵۲۰- آیا اولیای دم می‌توانند به جای قصاص نفس، عضوی از بدن قاتل را قطع و نسبت به مابقی مصالحه نمایند؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۵۲۱- آیا رضایت و عدم رضایت قاتل در دو حالت فوق تأثیری خواهد داشت؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۱۵۲۲- اگر یکی از ورثه مقتولی مفقود الاثر باشد (اعم از این که از طریق مراجع صالحه حکم فوت فرضی و یا مفقود الاثر بودنش صادر شده و یا صادر نشده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۴

باشد)، و سایر ورثه او خواستار قصاص قاتل نباشند، چنانچه بعداً این وارث پیدا شود، آیا حقّ درخواست قصاص قاتل را دارد؟

جواب: حقّ او محفوظ است.

سؤال ۱۵۲۳- آیا حمل، یعنی بچه در شکم مادر، می‌تواند ولیّ دم واقع شود؟ در صورتی که ولیّ دم باشد، تکلیف قاتل تا کبیر شدن حمل چه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که حمل زنده متولّد شود، آن زمان ولیّ دم خواهد بود و چنانچه قیم او مصلحت را در اخذ دیه یا مصالحه می‌بیند، طبق آن عمل می‌کند در غیر این صورت جانی را با اخذ وثیقه کافی تا زمان بلوغ آزاد می‌کنند و اگر مصلحت ایجاب کند، قیم حقّ قصاص فوری دارد؛ ولی معمولاً در این گونه موارد، مصلحت صغیر اخذ دیه است؛ نه قصاص.

سؤال ۱۵۲۴- اگر وارث مقتول، تنها یک دیوانه صغیر، یا دیوانه کبیر باشد، و حاکم با اذن ولیّ امر مسلمین و موافقت قیم این

دیوانه، قاتل را قصاص نکند، چنانچه این دیوانه بعداً عاقل گردد، آیا حقّ درخواست قصاص دارد؟

جواب: هرگاه ولیّ او طبق موازین شرع و مصالح وی از قصاص صرفنظر کرده، حقّ رجوع ندارد.

سؤال ۱۵۲۵- اگر بین ورثه حین الفوت مقتول یک دیوانه وجود داشته باشد و قیم این دیوانه با موافقت حاکم و سایر ورثه خواستار

قصاص قاتل نباشند و دیه بگیرند، چنانچه بعداً از این دیوانه رفع حجر شد، حقّ درخواست قصاص دارد؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۵۲۶- در مواردی که اولیای دم تقاضای عفو قاتل را دارند و یا مطالبه دیه می‌نمایند، ولی حکومت اسلامی با توجه به

عوارض سیاسی و اجتماعی آن بخواهد قاتل را قصاص نماید آیا قصاص جایز است؟ و در صورت عدم رضایت اولیای دم، آیا دیه از بیت المال به آنان پرداخته می‌گردد؟ آیا ولیّ امر مسلمین با ولایتی که بر خود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۵

«ولی دم» دارد می‌تواند بر خلاف وی تقاضای قصاص نماید؟

جواب: تقاضای قصاص بدون رضایت ولی دم جایز نیست؛ مگر این که عنوان مُفسد یا مُحارب با شرایط مخصوصش را داشته باشد. سؤال ۱۵۲۷- شخصی به قتل رسیده و اولیای دم چهار نفر صغیر و فاقد ولی هستند و حاکم شرع ولی ایشان است. در چنین موردی، آیا قاتل باید قصاص شود، یا دیه بپردازد، یا قصاص و دیه تا زمان بلوغ و رشد اولیای دم به تأخیر می‌افتد؟

جواب: هر گاه بلوغ صغیرها نزدیک است، باید قصاص و دیه به تأخیر افتد و اگر تا بلوغشان فاصله زیادی است، باید قاتل را با وثیقه کافی و کفالت آزاد کرد تا بعد از بلوغ خودشان تصمیم بگیرند، و هر گاه مصلحت صغیر در گرفتن دیه باشد (که غالباً چنین است)، ولی می‌تواند دیه بگیرد، و اگر مصلحتشان در قصاص باشد ولی می‌تواند قصاص کند.

سؤال ۱۵۲۸- چنانچه به ادله ذیل، حکم در مورد شخص محکوم اجرا نشده باشد. آیا می‌توان وی را تا زمان اجرای حکم، هر چند در مدّت زمان طولانی، در حبس نگه داشت؟

الف) خودداری اولیای دم، به دلیل فقر مالی یا دلایل دیگر، از پرداخت فاضل دیه.

ب) عدم تأمین سهم اولیای صغیر شخص مقتول از طرف اولیای خواهان قصاص.

ج) عفو برخی از اولیای دم و عدم پرداخت سهم آنان به محکوم علیه از سوی اولیای خواهان قصاص.

د) عدم شناسایی اولیای دم یا عدم دسترسی به آنان و دستور حاکم شرع مبنی بر اخذ دیه از قاتل و ناتوانی وی از پرداخت آن.

هـ- مصالحه به دیه و عدم توانایی پرداخت دیه توسط محکوم علیه.

و) عدم مراجعه اولیای دم به دادگاه برای تعیین تکلیف نهایی.

ز) فقدان ابزار لازم برای اجرای دقیق حکم قصاص و استنکاف مجنی علیه و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۶

اولیای دم یا افراد خیره از اجرای حکم.

ح) مورد بند (ز) در صورتی که محکوم علیه استطاعت پرداخت یا جلب رضایت شاکی را نداشته باشد.

جواب: محکوم به قصاص را نمی‌توان برای مدّت طولانی در زندان نگاه داشت؛ بلکه باید با اخذ وثیقه کافی او را آزاد کنند تا شرایط اجرای قصاص، یا عفو، یا تبدیل به دیه حاصل گردد؛ مگر این که آزاد کردن او پیامدهای بسیار نامطلوب اجتماعی داشته باشد که در این صورت می‌توان از بیت المال، به صاحبان حق کمک کرد تا قصاص اجرا شود.

سؤال ۱۵۲۹- در صورتی که جانی محکوم به قصاص باشد، ولی محکوم به حبس نباشد و از طرفی برای اجرای قصاص، اولیای دم حاضر یا قادر به پرداخت دیه نباشند:

الف) آیا می‌توان اولیای دم را مجبور به اخذ دیه کرد؟

جواب: در این صورت باید محکوم را با گرفتن وثیقه کافی آزاد کرد تا اولیای دم تصمیم خود را بگیرند و اجبار آنان جایز نیست.

ب) آیا می‌توان فاضل دیه را از بیت المال پرداخت و حکم را جاری کرد؟

جواب: دلیلی بر پرداخت فاضل دیه از بیت المال نداریم؛ مگر در موارد ضروری.

سؤال ۱۵۳۰- در مواردی که پس از ارتکاب قتل، قاتل محبوس می‌شود، و اولیای دم جهت تعیین تکلیف مراجعه نمی‌کنند:

الف) آیا پس از اتمام ضرب الأجل و عدم مراجعه اولیای دم می‌توان جانی را آزاد کرد؟

جواب: با گرفتن وثیقه کافی باید او را آزاد کرد تا اولیای دم تصمیم خود را بگیرند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۷

ب) در صورتی که اولیای دم به عللی تا مدّت طولانی (مثلاً چند ماه یا چند سال) از مراجعه به دادگاه معذور باشند، آیا حبس کردن

جانی در این مدت جایز است؟

جواب: همان گونه که در بالا گفته شد جایز نیست.

سؤال ۱۵۳۱- زن و شوهری دارای یک یا چند فرزند مجرد هستند. خودشان (زوجین) هم والدین دارند. یکی از فرزندان آنها به قتل می‌رسد. قبل از تقاضای قصاص، یا عفو قاتل، یا توافق بر دیه یکی از زوجین فوت می‌کند. بفرمایید آیا حق قصاص، یا عفو، یا سهم الدیه او به والدینش می‌رسد، یا این که هر کدام از والدین حی این مقتول تنها وارث اوست؟

جواب: در فرض مسأله حق قصاص منتقل به پدر و مادر مقتول می‌شود و اگر یکی از آنها بعد از قتل و تعلق حق قصاص از دنیا برود به ورثه او، غیر از همسرش، منتقل می‌شود؛ ولی حق دیه به همسر نیز می‌رسد.

سؤال ۱۵۳۲- آیا ولی و قیم می‌توانند به نیابت از صغار مطالبه قصاص نمایند؟

جواب: در صورتی که مصلحت صغیر در آن باشد می‌توانند و الا حق ندارند و غالباً مصلحت صغار در اخذ دیه است.

سؤال ۱۵۳۳- شنیده‌ایم که زن در خصوص قتل عمد شوهر خود و همچنین بالعکس حق درخواست قصاص ندارد، آیا این مطلب در مورد مادر مقتول، و سایر ورثه مؤث مقتول به صرف مؤث بودن صدق می‌کند؟

جواب: این حکم در مورد زوجه است و شامل سایر زنان خویشاوند نمی‌شود.

سؤال ۱۵۳۴- دو برادر یا دو خواهر نابالغ یا بالغ شرعی (ولی فاقد سن قانونی ۱۸ سال) با هم نزاع می‌کنند، یکی از آنها دیگری را مجروح، یا مضروب می‌کند؛ مجروح یا مضروب بر ضد ضارب به دادگاه شکایت می‌کند و حاضر به دادن رضایت نیست، آیا رضایت پدر، و در صورت نداشتن پدر رضایت جد پدری، یا رضایت مادرشان که قیم آنهاست در جهت منع تعقیب ضارب نافذ است، یا رضایت مضروب الزامی است؟

جواب: در صورتی که طرفین شرعاً بالغ هستند، رضایت خودشان معتبر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۸

تبدیل قصاص به دیه

سؤال ۱۵۳۵- شخصی به قتل عمدی همسرش اقرار و اعتراف نموده است. ولی دم مادر مقتوله و یک دختر هفت ساله از همان شوهر است. نظر به این که تقاضای اجرای قصاص نفس از ناحیه مادر مشروط به رد نصف دیه یک مرد مسلمان به قاتل و تأمین و تضمین سهم صغیره می‌باشد، لذا اگر مادر مقتوله ضمن تقاضای اجرای قصاص، از رد نصف دیه به قاتل و نیز سهم صغیر اظهار عجز نماید، آیا قصاص قهراً به دیه تبدیل می‌گردد، یا باید رد و تأمین دیه از طریق بیت المال انجام شود و قصاص اجرا گردد؟ یا حق قصاص تا زمان توانایی ولی دم باقی است؟

جواب: بیت المال وظیفه‌ای برای پرداخت دیه جهت قصاص ندارد و اگر ولی دم مایل به اخذ دیه باشد، دیه پرداخت می‌شود و در مورد صغیر باید مصلحت را رعایت کرد. البته در شرایط کنونی غالباً مصلحت صغیر، گرفتن دیه است.

سؤال ۱۵۳۶- اگر قاتل اظهار نماید که من از حق خودم نسبت به نصف دیه گذشت می‌نمایم تا قصاص اجرا شود، آیا حق گذشت دارد؟ یا چون دیه در آتیه جزء مال الارث محسوب می‌گردد، حق گذشت ندارد؟

جواب: بخشش دیه در این گونه موارد از سوی قاتل خالی از اشکال نیست.

سؤال ۱۵۳۷- درباره قصاص نفس یا عضو بفرمایید:

الف) آیا ولی امر می‌تواند بر خلاف درخواست ولی دم، یا مجنی علیه بنا به مصالحی قصاص را به دیه تبدیل نماید؟

جواب: در شرایط عادی چنین حقی ندارد؛ مگر این که اجرای قصاص سبب مفسده مهمی شود.

ب) چنانچه پاسخ مثبت باشد، با توجه به این که طبق فتوای مشهور، قصاص تنها در صورت رضایت جانی به دیه تبدیل می‌شود، آیا می‌توان علی‌رغم درخواست جانی، قصاص را به دیه تبدیل نمود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۲۹

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

ج) در صورت مثبت بودن پاسخ، مسئول پرداخت دیه کیست؟ جانی، یا بیت المال؟

جواب: باید جانی بپردازد.

سؤال ۱۵۳۸- در کدام صورت، قصاص تبدیل به دیه می‌شود؟

جواب: در مواردی که قصاص خطرناک است و در موارد دیگری مانند جایی که جانی مردد بین دو یا چند نفر باشد و مواردی که رعایت مماثلت عادتاً امکان‌پذیر نباشد و مانند آن، قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

قسامه

سؤال ۱۵۳۹- موارد لوث و قسامه را در زمان کنونی بیان فرمایید.

جواب: لوث در مواردی است که اماره ظنیه نزد حاکم شرع بر صدق مدعی قائم شود؛ مانند شهادت شاهد واحد، یا در جایی که شخصی را غرق خون ببینند و شخص مسلحی را که بر سلاح او آثار خون است در آنجا بیابند، یا کشته‌ای را در خانه، یا محله‌ای که غیر از افراد خاصی وارد نمی‌شوند، مشاهده کنند، در حالی که عداوتی بین صاحبان خانه یا محله و مقتول وجود داشته است و امثال آن. در چنین مواردی قاضی احکام قسامه را جاری می‌کند.

سؤال ۱۵۴۰- شخص مسلمان و شیعه اثنا عشری در نزاعی، یک مرد علی‌اللهی (از غلات) را به قتل رسانیده است.

الف) بفرمایید در صورتی که مورد از موارد لوث باشد، آیا اولیای مقتول، که همگی علی‌اللهی هستند، می‌توانند اقامه قسامه کنند؟

ب) در صورت ثبوت قتل عمد، آیا قاتل موصوف در قبال مقتول نامبرده قصاص می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۰

ج) در صورت ثبوت دیه، آیا دیه کامل مرد مسلمان باید پرداخت شود؟

جواب: غلات و کسانی که به آنها علی‌اللهی گفته می‌شود مختلفند؛ بعضی واقعاً علی (علیه السلام) را خدا می‌دانند، یا صفات خدایی برایش قائل هستند و یا منکر ضروریات دین عن علم می‌باشند، این گروه کافرنند و احکام کفار در باب قصاص و دیات بر آنها جاری می‌شود؛ ولی عدّه بسیاری از آنها تا این حدّ غلو ندارند و ظاهراً در سلک مسلمین‌اند؛ هر چند خطاکارند، بنابراین باید تحقیق کنید که مورد سؤال از کدام یک از این دو دسته می‌باشند؛ در صورت اول احکام غیر مسلمین و در صورت دوم احکام مسلمین بر آنها جاری می‌شود.

سؤال ۱۵۴۱- مثالی که در باب لوث ذکر شده، مانند شاهد واحد یا وجود عداوت، آیا تعبداً موجب صدق لوث می‌شود، یا در

صورت حصول ظن؟

جواب: در صورتی که ظنی از آن حاصل شود حکم لوث جاری می‌شود.

سؤال ۱۵۴۲- ملاک صدق لوث، حصول ظن شخصی است، یا نوعی؟

جواب: ملاک، حصول ظن شخصی برای قاضی است؛ ولی احتیاط واجب آن است که اماره نوعیه‌ای نیز وجود داشته باشد.

سؤال ۱۵۴۳- چنانچه قاضی ظن به وقوع قتل غیر عمدی توسط متهم داشته باشد؛ ولی مدعی (ولی دم) ادعای قتل عمد داشته و

حاضر به اقامه قسامه بر وقوع قتل عمدی می‌باشد، آیا این مورد از موارد لوث می‌باشد؟

جواب: تنها با ادّعی قتل عمد از موارد لوث نمی‌شود.

سؤال ۱۵۴۴- در صورتی که برای قاضی ظن حاصل گردد که یکی از متّهمین، قاتل (در باب قتل)، یا جراح (در باب جراحات و قطع عضو) می‌باشد، مورد از موارد لوث می‌باشد؟

جواب: ظنّ قاضی مشروط به وجود اماره است و در صورت وجود آن امارات لوث نسبت به احد المتّهمین ثابت است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۱

سؤال ۱۵۴۵- در بحث قسامه با وجود لوث، آیا اولیای دم می‌توانند با قسامه، عمدی بودن قتل را ثابت کنند و قصاص نمایند، با وجودی که متّهم منکر است؟

جواب: در قتل نفس قصاص را با قسامه می‌توان ثابت کرد.

سؤال ۱۵۴۶- در بحث قسامه، آیا زن می‌تواند به تنهایی مدّعی قتل عمد باشد و اقامه قسامه نماید؟

جواب: زن می‌تواند مدّعی باشد؛ ولی باید قسامه را از مردان انتخاب کنند.

سؤال ۱۵۴۷- آیا حصول علم به قتل در قسامه برای قاضی لازم است، یا با وجود لوث و اقامه قسامه باید حکم بدهد؟

جواب: علم قاضی در اینجا شرط نیست.

سؤال ۱۵۴۸- در صورتی که قاضی احتمال دهد که قسم‌خوردگان با مدّعی تبانی نموده‌اند، آیا می‌تواند به این احتمال توجّه نموده

و قسم‌ها را کان لم یکن تلقّی نماید؟

جواب: در فرض مسأله قاضی مأمور به ظاهر حال است؛ مگر این که علم به خلاف داشته باشد.

سؤال ۱۵۴۹- آیا با قسامه می‌توان چند نفر را که متّهم به قتل هستند قصاص نمود؟

جواب: در صورتی که شرایط قسامه جمع باشد، با ردّ فاضل دیه مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵۰- آیا قسامه و لوث را در غیر جراحات، قتل و قطع اعضا، مثل ایراد ضرب غیر جرحی (کبودی، سرخی، سیاه‌شدگی) نیز

می‌توان اجرا نمود؟

جواب: در موارد بالا نیز قسامه جاری می‌شود.

سؤال ۱۵۵۱- آیا قسامه افرادی که مسلمان نیستند و در کشور اسلامی زندگی می‌کنند، علیه مسلمان مسموع است؟

جواب: قسامه غیر مسلمان بر ضدّ مسلمان مسموع نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۲

سؤال ۱۵۵۲- اگر مقتولی در شارع عام یا در مکانهایی که محلّ رفت و آمد عمومی است به صورت مجهول الهویّه کشف شود و

در مقام بررسی و تحقیقات در محاکم قضایی از جهت استناد عمل مجرمانه قتل نسبت به شخصی با وجود قرائن ظنّیه از موارد لوث

تشخیص داده شود و برای مقتول ولیّی دمی شناخته نشود، اجرای قسامه با چه شخصی است؟ اگر با ولیّی امر مسلمین است به چه

کیفیت؟

جواب: حاکم شرع ولیّی او محسوب می‌شود و با وجود لوث، مورد قسامه است.

سؤال ۱۵۵۳- در یک منازعه دسته جمعی بر اثر اصابت سنگ به ناحیه سر شخصی، وی به قتل می‌رسد، علی‌رغم انکار متّهم، به

لحاظ وجود قرائن ظنّیه شخصی، با اجرای مراسم قسامه به وسیله اولیای دم، متّهم به قصاص نفس محکوم می‌شود. به لحاظ عدم

رعایت تشریفات محاکمه و دادرسی، حکم صادره در دیوان عالی کشور نقض می‌شود. شعبه دیگر دادگاه، دلایل موجود در پرونده

را مفید علم قطعی دانسته و متّهم را به قصاص نفس محکوم می‌نماید. حکم صادره در دیوان عالی کشور تأیید و پس از استیذان،

حین اجرای حکم، فرزند متّهم اقرار به قتل می‌نماید و می‌گوید که می‌خواسته شخص دیگری را که یکی از بستگانش را به سختی

مجروح کرده است، با سنگ مضروب نماید؛ ولی سنگ به مقتول که در مجاورت شخص مورد نظر بوده، برخورد کرده است. اینک با فرض این که عمل هر دو نفر (شخصی که ابتدا محکوم به قصاص شد و مقّر) در صورت انتساب قتل به هر کدام، نوعاً کشنده باشد و ادّعی مقّر مبنی بر این که قصد زدن شخص دیگری را داشته، با توجه به اوضاع و احوال قضیه، مقرون به صحت باشد و با توجه به این که اولیای دم با اعلام نظر خود مبنی بر این که قتل به وسیله اولی صورت پذیرفته، علی رغم اصرار دادگاه در اعلام شکایت علیه یکی از دو نفر، علیه هیچ کدام از این دو بطور منجز اعلام شکایت ننموده بلکه اعلام داشته‌اند، از هر کدام که دادگاه او را قاتل تشخیص دهد، شاکی و تقاضای قصاص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۳

دارند؛ حال دو سؤال مطرح است:

الف) تکلیف دادگاه در مواجهه با شکایت اولیای دم، که تعیین قاتل را به دادگاه واگذار نموده‌اند، چیست؟ آیا با اعلام نظر اولیای دم مبنی بر این که اولی قاتل است و اجرای مراسم قسامه، دادگاه می‌تواند به اقرار شخص دوم که با اوضاع و احوال قضیه مابیتی ندارد، ترتیب اثر دهد؟ آیا اقرار شخص دوم می‌تواند به عنوان قرینه معارضی، موجب خروج موضوع (از باب لوث) نسبت به شخص اول گردد؟

جواب: هرگاه علم قاضی طبق موازین، حاصل شده باشد و با اقرار فرد دوم متزلزل نشود، حکم قصاص فرد اول با اجازه اولیای دم ثابت است. و اگر اقرار مزبور تزلزل در علم قاضی ایجاد کند، ولی لوث در طرف شخص اول باشد، باید به قسامه مراجعه شود و اگر اقرار مانع لوث گردد، باید به اقرار عمل کرد.

ب) اصولاً چنانچه شخصی قصد مضروب کردن دیگری را داشته باشد و عمل وی نوعاً کشنده باشد و به لحاظ عدم مهارت یا لرزش دست و مانند آن، شخص دیگری به قتل برسد، قتل عمدی است یا خیر؟
جواب: این مسأله دو صورت دارد: صورت اول این که فرد دوم بطور عادی در معرض نبوده و بر اثر خطا، ضربه‌ای بر او وارد شده، در اینجا قتل خطاست؛ ولی اگر هر دو در کنار هم و در معرض بوده‌اند و شخص ضارب مهارتی نداشته و احتمال اصابت به هر یک از آن دو وجود داشته است، قتل عمد محسوب می‌شود.

سؤال ۱۵۵۴- در جنایت عمدی بر اطراف، قسامه چه تعداد است؟

جواب: احتیاط آن است که در اعضا به نسبت دیه عضو از دیه کامله، که قسامه آن پنجاه نفرند، محاسبه شود.

سؤال ۱۵۵۵- آیا در موقع انجام مراسم قسامه، علم قسم‌خوردگان به موضوع قسامه شرط می‌باشد؟ آیا قاضی دادگاه می‌تواند در مواردی که می‌داند تعدادی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۴

قسم‌خوردگان نسبت به موضوع علم و اطلاع کافی ندارند، سوگند آنها را استماع نکند؟

جواب: آری علم آنها شرط است؛ و اگر قاضی طبق قرائن آشکاری یقین به کذب بعضی از آنها در قسم دارد، نباید به آن اعتنا کند.

سؤال ۱۵۵۶- چنانچه دو نفر متهم به قتل یا ضرب و جرح باشند و قاضی ظنّ اجمالی به وقوع جرم توسط یکی از آن دو نفر، لا علی التعین، داشته باشد، و اولیای دم یا ادّعی علم تفصیلی به وقوع جرم توسط یکی از آن دو نفر داشته و حاضر به اقامه قسامه با استناد جرم به یکی از آن دو به نحو معین می‌باشند، یا این که ادّعی علم اجمالی داشته و حاضر به اقامه قسامه مبنی بر استناد جرم به یکی از متهمان بدون این که آن یک نفر را معین کنند می‌باشند. آیا فروض مذکور از باب لوث می‌باشد یا خیر؟ در فرض دوم چنانچه از مصادیق لوث باشد، با اقامه قسامه به کیفیت مذکور، کدام یک از متهمان محکوم می‌شوند؟

جواب: در هر دو صورت اگر مقدمات لوث نسبت به یکی از آن دو تفصیلاً یا اجمالاً حاصل شود، می‌توان اقامه قسامه کرد. در صورت تعیین واضح است و در صورت اقامه قسامه بر احدهما، هر یک ملزم به پرداخت نصف دیه می‌باشد، و این در صورتی است که هر دو انکار کنند و قسم یاد کنند.

سؤال ۱۵۵۷- در نزاعی که بین چند نفر واقع می‌شود:

الف) اگر چندین نفر، همدیگر را مورد ضرب و جرح قرار داده باشند و به نظر دادگاه درگیری محرز باشد؛ ولی هر کدام منکر ایراد ضرب و جرح به دیگری باشد، در صورتی که هر یک از مضرورین نتواند معین کند که کدام جراحات را چه کسی وارد ساخته است بلکه فقط می‌تواند قسم بخورد که مثلاً این جراحات را این اشخاص معین زده‌اند، آیا مورد با قسامه قابل اثبات است؟ و اگر هست، نتیجه آن چه می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۵

جواب: مورد با قسامه اثبات می‌شود و نتیجتاً آن اشخاص در فرض سؤال، ملزم به دیه جروح می‌شوند و چون ضارب مشخص نیست، دیه بطور مساوی در میان آنها تقسیم می‌شود.

ب) در فرض فوق چنانچه اصل درگیری محرز نباشد و ظن حاصل شده باشد، حکم چه می‌شود؟

جواب: اصل درگیری باید احراز شود، یا به بینه، یا اقرار، یا قسامه.

ج) اگر به نظر دادگاه محرز باشد که چند نفر، شخص معینی را مورد ضرب و جرح قرار داده‌اند، اما نداند که کدام جراحات را چه کسی وارد نموده است و مضرور نیز نتواند معین کند، حکم و نتیجه آن چه می‌شود؟

جواب: دیه میان همگی تقسیم می‌گردد.

د) محل قرعه در این مورد کجاست؟

جواب: موردی برای قرعه در این گونه موارد وجود ندارد.

سؤال ۱۵۵۸- چنانچه در قتل خطای محض دیه با قسامه ثابت شود؛ مسئول پرداخت آن کیست؟

جواب: دیه در این گونه موارد بر عاقله است.

سؤال ۱۵۵۹- آیا جراحاتی که شرعاً برای آن ارش معین گردیده است، با قسامه قابل اثبات می‌باشد؟

جواب: آری ارش نیز با قسامه ثابت می‌شود.

سؤال ۱۵۶۰- آیا شکستگی‌های استخوان نیز جراحات است که با قسامه قابل اثبات باشد؟

جواب: شکستگی‌های استخوان هم مانند سایر جروح است و با قسامه ثابت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۶

مسائل متفرقه قصاص

سؤال ۱۵۶۱- در مورد حقوق زنان لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) در مورد حکم قصاص، تساوی حقوق زن و مرد در چیست؟ با توجه به این که در حال حاضر در برخی از خانواده‌ها نان‌آور خانواده زن است؛ مثل خانواده‌هایی که مرد آن معتاد یا فوت کرده است و سرپرستی بچه‌ها و تأمین معاش آنها نیز با مادر است، یا زن و مردهایی که هر دو شاغلند و در برخی از موارد حقوق ماهیانه زن بیشتر از مرد است، اگر مردی این زن، یا این مادر را چه به عمد، یا غیر عمد به قتل برساند، باز حکم او قصاص نیست؟ و حتماً باید برای قصاص نیمی از دیه پرداخته شود؟

جواب: کراراً گفته‌ایم احکام و قوانین الهی تابع افراد و اشخاص نیست؛ بلکه تابع نوع است؛ به این معنا که اگر مجموع مردان جامعه

را با مجموع زنان مقایسه کنیم بازدهی اقتصادی مردان بمراتب بیش از زنان است؛ بنابراین مصلحت شخصی معیار نیست، بلکه مصلحت نوعی باید در نظر گرفته شود. در قوانین عرفیه نیز چنین است؛ مثلاً می‌گویند: برای احراز فلان مقام، شخص باید دکترا داشته باشد، در حالی که عده‌ای از لیسانسیه‌ها از عده‌ای از دکتراها باسوادترند، حتی عده‌ای از کسانی که اصلاً مدرک ندارند بسیار بافضیلت‌تر از گروهی از آنها هستند که مدارک دانشگاهی دارند در این گونه موارد معیار فرد نیست؛ بلکه معیار مجموعه‌هاست.

ب) از ابتدایی‌ترین دوران زندگی، یعنی تولد نوزاد، تا دوران بلوغ و رشد، تربیت فرزند بر عهده مادر است، پس چرا بچه متعلق به مرد است و اگر زنی به دلیل موجهی از همسرش جدا شود، حتی با وجود داشتن تمکن مالی، حق سرپرستی از فرزند خود را ندارد و عواطف شدید مادری نادیده گرفته می‌شود؟

جواب: پاسخ این سؤال نیز مانند پاسخ سؤال گذشته است و در مجموع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۷

توانایی مردان بر حمایت و رفع نیازهای اقتصادی کودکان بیش از زنان است؛ ولی اگر در مواردی ثابت شود که حضانت پدر مصالح کودک را به خطر می‌اندازد او را به مادر می‌سپارند.

سؤال ۱۵۶۲- اگر کسی دیگری را در مسجد مجروح نماید و یا به قتل برساند، مجازات او با مجازات مرتکب این کار در خارج مسجد یکی است، یا تفاوت دارد؟

جواب: مجازات یکی است؛ ولی گناهِش نزد خدا سنگینتر است، همچنین مکانهای محترم دیگر.

سؤال ۱۵۶۳- کسی که قرار است کشته شود (تیرباران، حلق آویز و مانند آن) آیا می‌تواند با هزینه خود از پزشکی بخواهد وی را قبل از قتل بی‌حس یا بیهوش نماید، تا دردی را متحمل نشود؟ بین حد یا قصاص نفس و اطراف فرقی وجود دارد؟

جواب: در قصاص مشکل است، ولی در حدود مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶۴- کسی به خط خود، یا طبق شهادت شهود، از کسی خواسته که به نحوی از انحا او را بکشد. آیا در این صورت قاتل وی قصاص می‌شود؟

جواب: آری قصاص می‌شود و رضایت او مانع از این کار نیست.

سؤال ۱۵۶۵- امروزه زندانیان فراوانی وجود دارند که در انتظار قصاص در حبس به سر می‌برند. این گونه زندانیان که اولیای دم به علل مختلفی قادر به تصمیم‌گیری در مورد قصاص آنها نیستند؛ بعضاً باید مدّت طولانی در حبس به سر ببرند؛ نظر حضرت تعالی در این مورد چیست؟

جواب: در گذشته نیز گفته‌ایم که نگهداشتن این افراد، که در انتظار قصاص هستند، در زندانها، آن هم برای مدتهای طولانی، که گاهی به چندین سال منتهی می‌شود، هیچ‌گاه در شأن نظام جمهوری اسلامی و نظام قضایی اسلام نیست. ما هیچ دلیل شرعی و فقهی برای زندانی کردن این گونه افراد از نظر شرع مقدّس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۸

نداریم. آنها مستحقّ قصاص هستند نه مستحقّ زندان، و نگهداری آنها در زندانها، مخصوصاً برای مدّت طولانی خلاف شرع است، باید با وثیقه کافی آزاد شوند تا در مورد آنها تصمیم‌گیری شود. در این گونه مسائل که ارتباط با زندگی و حیات گروه عظیمی دارد باید بعد از مطالعه و بررسی، قاطعانه تصمیم گرفت و آن را اجرا کرد و متأسفانه تا کنون در این امر کوتاهی شده که حقیر شاهد و ناظر بعضی موارد اسفبار آن بوده‌ام و کراً در این باره از ما استفتا کرده‌اند و عدم مشروعیت آن را (جز در موارد استثنایی) یادآور شده‌ایم.

سؤال ۱۵۶۶- در فرض سؤال فوق در صورتی که تأخیر به خاطر تساهل و تسامح یا صغیر بودن اولیای دم باشد چطور؟

جواب: در صورتی که انتظار قصاص به خاطر کوتاهی اولیای دم است؛ مانند عدم مراجعه، یا عدم اقدام برای پرداخت فاضل دیه و امثال آن، با داشتن تمکن مالی، نگهداری مجرم در زندان به هیچ وجه معقول نیست و با هیچ یک از موازین فقهی نمی‌سازد؛ بلکه باید پس از اتمام حجت با اولیای دم، مجرم را با اخذ وثیقه کافی (و احیاناً کفیل لازم) آزاد کرد و در انتظار اقدام صاحبان حق بود. و در صورتی که انتظار قصاص به خاطر عدم توانایی اولیای دم بر پرداخت فاضل دیه و مانند آن است در این گونه موارد نه ضرورتی دارد که از بیت المال فاضل دیه را پردازند (مگر در مواردی استثنایی که قصاص با نظم اجتماعی مسلمین ارتباط پیدا کرده باشد) و نه می‌توان مجرم را در زندان، برای مدّت طولانی، نگهداری کرد؛ بلکه باید به همان گونه که در بالا گفته شد عمل شود. و در مواردی که تأخیر حکم قصاص به خاطر این است که پای صغیر در میان است، در این گونه موارد با توجه به این که غالباً غبطه صغیر در گرفتن دیه است نه قصاص، اولیای صغیر باید از این راه وارد شوند و در نهایت مجرم آزاد گردد و در فرض نادر که قصاص غبطه صغیر است، باید مطابق آن عمل نمود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۳۹

در خاتمه نظر دست‌اندرکاران محترم را به این نکته جلب می‌کنم که درست است که در قصاص حیات است، ولی اولو الالباب باید به این نکته توجه داشته باشند که تحمیل مجازات اضافی با توجه به عدم مجوز شرعی، با موازین عدل اسلامی و مسأله لزوم جمع بین الحقیقین و قاعده لا ضرر و اصل برائت، جز به مقداری که دلیل بر آن قائم شده است، مسئولیت آفرین است.

سؤال ۱۵۶۷- شخصی، دیگری را وادار و اکراه به قتل شخصی ثالث می‌کند و می‌گوید:

الف) اگر فلانی را نکشی تو را خواهم کشت! (مکره قدرت انجام تهدید خود را دارد و هر دو بالغ و عاقل هستند).

ب) اگر فلانی را نکشی، تو را مثله و سپس خواهم کشت؟ (با همان فرض).

ج) اگر فلانی را نکشی تو و خانواده‌ات را خواهم کشت (با همان فرض)

در موارد فوق آیا مکره می‌تواند آن عمل را انجام دهد؟

جواب: در هیچ یک از سه صورت بالا، مکره حق کشتن بی‌گناهی را ندارد؛ هرچند خود یا خانواده‌اش کشته شوند.

سؤال ۱۵۶۸- قتلی واقع شده است؛ آیا اولیای دم باید شکایت کنند تا دادگاه مجاز به بررسی و انجام تحقیقات پیرامون قتل باشد، یا این که دادگاه از باب این که نماینده حکومت است بدون شکایت شاکی باید تحقیقات را شروع کند تا قاتل شناسایی گردد؟ لازم به ذکر است گاهی پسری، پدری را می‌کشد و دادگاه از شواهد و قرائن مطمئن است که قتلی صورت گرفته، لکن اولیای دم با این بهانه که میت مثلاً خودکشی کرده، خواستار عدم پیگیری هستند. در چنین مواردی تکلیف چیست؟

جواب: در شرایط فعلی، حکومت برای حفظ نظام موظف است قتل را پیگیری کند، هرچند شاکی خصوصی نداشته باشد، و حتی در صورت عفو شاکی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۰

خصوصی حکومت می‌تواند از تعزیر مناسب استفاده کند.

سؤال ۱۵۶۹- اگر انسان فرد دیگری را اجبار کند که شخص ثالثی را بکشد، چه کسی قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص مربوط به قاتل است و شخص اکراه‌کننده حبس ابد دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۱

فصل چهل و هشتم: احکام دیات

سؤال ۱۵۷۰- اگر انسان در خانه خودش برای آشپزی، یا کار دیگری و به گمان یا اطمینان به این که به منزل همسایه سرایت نمی‌کند و با فرض این که زیاده‌روی در آن نکرده و هوا نیز طوفانی نبوده، آتش روشن کند، اگر اتفاقاً به منزل همسایه سرایت کرد و باعث آتش‌سوزی شد ضامن است؟

جواب: ضامن است؛ ولی اگر علل قهری مانند وقوع طوفان ناگهانی یا زلزله سبب سرایت شود ضامن نیست.

سؤال ۱۵۷۱- اگر کسی ظالمانه مانع فروش متاعی شود، به مدتی که سبب تنزل قیمت آن در بازار گردد، آیا ضامن نقصان قیمت است؟

جواب: در صورتی که آن متاع در مسیر فروش بوده و شخص مزبور مانع شده است ضامن است.

سؤال ۱۵۷۲- اگر کارگر روزمزدی که هر روز کار می‌کند و خرج زن و بچه‌اش را پیش می‌برد ظالمانه حبس شود، یا به هر صورتی قدرت بر کار از او سلب شود، آیا ظالم ضامن است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که خسارت را جبران کند.

سؤال ۱۵۷۳- اگر کسی قفل انباری را بشکند، سپس سارقی از آن انبار اشیایی بدزدد، یا دزد را راهنمایی کند و محلّ انبار را به او نشان دهد، چه کسی ضامن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۲

جواب: در صورتی که سارق توانایی بر شکستن قفل داشته ولی دیگری آن را به جای او شکسته، سارق ضامن است؛ اما در صورتی که خودش قادر به این کار نبوده و دیگری این راه را برای او گشوده، هر دو در ضمان شریک هستند، همچنین مسأله راهنمایی دزد بنا بر احتیاط واجب.

سؤال ۱۵۷۴- همان گونه که مستحضرید، زلزله یکی از سوانح طبیعی است که هر از چندگاهی سبب تلفات انسانی و مالی فراوان در گوشه و کنار جهان می‌شود. از نظر متخصّصان امر، بهترین و مطمئن‌ترین روش کاهش عوارض ناشی از زلزله، احداث بناهای مقاوم در برابر زلزله است. به همین جهت ضوابطی برای احداث ساختمانها وضع شده است که رعایت آن در مناطق زلزله‌خیز الزامی می‌باشد. با این وجود متأسفانه برخی از صاحبان املاک، مهندسان و پیمانکاران به این ضوابط توجهی نمی‌کنند و باعث به هلاکت رسیدن عدّه زیادی از مردم به هنگام وقوع زلزله می‌شوند. با توجه به مطالب فوق خواهشمند است نظر شرع انور را در موارد زیر مرقوم فرمایید:

الف) اگر صاحب ملک به جهت صرفه‌جویی در هزینه‌ها، رعایت ضوابط ساخت و ساز را از مهندس و پیمانکار نخواهد. آیا در صورت بروز زلزله، ضامن فوت ساکنان ساختمان می‌باشد؟

ب) اگر مهندس ناظر و مسئول مربوطه در شهرداری، یا پیمانکار به درخواست صاحب ملک در اعمال ضوابط کوتاهی کنند، آیا ضامن هستند؟

ج) اگر صاحب ملک اطلاعی از ضوابط نداشته باشد و در نتیجه رعایت آنها را از مهندس و پیمانکار نخواهد، آیا قصور مهندس و پیمانکار در اعمال ضوابط موجب ضمان آنان است؟

د) اگر صاحب ملک اعمال ضوابط را از مهندس و پیمانکار بخواهد؛ ولی آنان در رعایت ضوابط کوتاهی کنند، آیا ضامن هستند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۳

ه-) اگر فردی که قصد فروش ملک خود را در مناطق زلزله‌خیز دارد، بدون آگاهی یا از روی نیرنگ بگوید که در ساخت بنا رعایت ضوابط شده است، ولی نشده باشد، آیا ضامن است؟

و) آیا جایز است که از روی مصلحت‌اندیشی از اعلام خطر وقوع زلزله در برخی از مناطق مانند تهران، خراسان، گیلان و

آذربایجان، که از نظر متخصصان خطر وقوع زلزله دارد، طرفه رفت؟

جواب: چنانچه ضوابط مربوط به زلزله به صورت قانون یا مقررات این کشور اسلامی درآید، رعایت آن بر همه لازم است و کوتاهی در آن مسئولیت شرعی دارد؛ خواه از سوی صاحب بنا باشد یا مهندس ناظر و پیمانکار. و اگر کسی این اصول را رعایت نکرده و ملک خود را بر خلاف آن توصیف کند و بفروشد، غش در معامله و تدلیس حرام کرده و قابل تعقیب است و مخفی کردن خطرات زلزله نسبت به مناطق زلزله خیز و عدم راهنمایی مردم به وظایفشان در این قسمت، بر خلاف مصلحت جامعه اسلامی است و مسئولان باید به این امور اهمیت بدهند، و از نظر ضمان هرگاه طبق معمول عرف ساختمان را ساخته باشد ضامن نیست.

سؤال ۱۵۷۵- همان طور که مستحضرید، والدین مکلف به حضانت از صغار و مجانین هستند. حال در صورتی که آنها در انجام امر حضانت مرتکب قصور و اهمال گردند و از این بابت، صغار و مجانین خسارتی به اشخاص ثالث وارد کنند، آیا مسئولیتی متوجه والدین می‌گردد؟

جواب: در مواردی که ولی و قیم عرفاً باید آنها را از این امور محافظت کنند، در صورت کوتاهی کردن ضامن هستند.

سؤال ۱۵۷۶- در مواردی که وظیفه نگهداری و مراقبت را اشخاصی مانند دایه یا پرستار به عهده دارند، اگر خسارتی از جانب افراد تحت نظارت آنها، متوجه دیگران شود، آیا مسئولیتی متوجه محافظ می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۴

جواب: جواب مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۵۷۷- در مواردی که صغار و مجانین مجهول الهویه، خسارتی به دیگران وارد می‌نمایند، خسارت وارده به چه طریق جبران می‌گردد؟ آیا می‌توان خسارت را از بیت المال پرداخت نمود؟

جواب: در مورد قتل نفس جبران از بیت المال بعید نیست؛ ولی در موارد دیگر جبران نمی‌شود.

سؤال ۱۵۷۸- اگر دیوار ملک موقوفه‌ای مشرف به خرابی گردد و بر اثر فروریختن دیوار، کسی کشته یا مجروح شود، در این حالت مسئول پرداخت دیه چه کسی است؟ آیا متولی موقوفه مسئول است، یا دیه از عایدات موقوفه پرداخت می‌گردد؟

جواب: اگر دیوار در کنار شارع عام بوده و آثار خرابی در آن ظاهر شده و متولی کوتاهی کرده است، متولی ضامن است.

سؤال ۱۵۷۹- در زمان حاضر همین وضعیت در مورد اشخاص حقوقی (شرکتها) وجود دارد که در پاره‌ای موارد بدون این که شخص خاصی مقصّر باشد، در نتیجه فعالیت شخص حقوقی قتل یا ضرب و جرحی اتفاق می‌افتد؛ مثل این که بر اثر شکستن لوله آب و ورود آن به منزل مسکونی، فردی فوت می‌نماید، در این حالت چه کسی ضامن است؟

جواب: چنانچه حادثه غیر منتظره بوده، کسی مقصّر نیست؛ اما اگر متصدیان و مدیران آن مؤسسه کوتاهی کرده باشند، اشخاص آنها مسئولند.

سؤال ۱۵۸۰- موتور سواری در حال حرکت است، ناگهان گوسفندی را در وسط خیابان مشاهده می‌کند (حال یا گوسفند از قبل بوده یا ناگهان به وسط خیابان دویده است) و برای اجتناب از برخورد با آن، فرمان موتور را کج می‌کند و در نتیجه به زمین می‌خورد و در اثر برخورد با جدول خیابان، فوت می‌کند. با توجه به این که خیابان محل عبور گوسفند نیست، آیا صاحب گوسفند ضامن دیه موتورسوار است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۵

اگر موتور سوار کودکی را در وسط خیابان ببیند و همین جریان پیش آید، حکم چیست؟ اگر کسی چاهی را در جاده‌ای عدواناً حفر کند و عابری برای احتراز از سقوط در آن، به سمت دیگر حرکت کند و در نتیجه در ده‌ای بیفتد، آیا حفرکننده ضامن است؟ جواب: در صورتی که موتورسوار بر اثر برخورد با گوسفند، سقوط می‌کند و کشته می‌شود، دیه او بر صاحب گوسفند بود؛ به شرط

این که صاحب گوسفند در حفظ گوسفند سهل‌انگاری کرده باشد و آن محل دید نداشته باشد. ولی در محلّ کلام که حادثه بر اثر فرار اشتباه‌آمیز موتورسوار به وجود آمده، باید خسارت در میان آن دو تقسیم شود، هر کدام به نسبت تأثیرشان در این حادثه. و اگر دید داشته باشد ضامن بودن صاحب گوسفند محلّ اشکال است. و امّا در مورد کودک در جایی که ولی او در حفظ او سهل‌انگاری کرده و به محلّی از جاده رفته است که دید ندارد، همان حکم جاری است. در مورد چاهی که دید ندارد، حفرکننده چاه ضامن است.

سؤال ۱۵۸۱- شخصی کتابی را از کسی امانت گرفته و برای استفاده به جلسه امتحان می‌آورد، پس از استفاده آن را به «مراقب» امتحان می‌دهد تا به هر کس خواست بدهد، او نیز چنین می‌کند؛ آخرین استفاده‌کننده بعد از استفاده، کتاب را همان جا گذارده و خارج می‌شود، چه کسی ضامن است؟

جواب: در صورتی که نفر اول مجاز بوده به دیگران بدهد، نفر آخر که آن را در اختیار گرفته و در حفظ آن کوتاهی کرده ضامن است، و در صورتی که مجاز به این امر نبوده ضامن اصلی خودش می‌باشد.

سؤال ۱۵۸۲- اگر کسی با عرضه انبوه کالا، با بدنمایی آن، یا هر ترفند دیگری سبب کاهش بهای آن گردد آیا ضامن است؟
جواب: هر کس در مورد کالای خود می‌تواند هر تصمیمی بگیرد؛ ولی اگر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۶

کارهایی کند که در عرف مصداق اضرار به دیگران محسوب شود جایز نیست و در بعضی از موارد ضامن نیز خواهد بود.

سؤال ۱۵۸۳- اتومبیل سواری خارج از شهر حرکت می‌کند، موتور سواری نیز از روبه‌رو و در جهت مخالف در حال حرکت است، موتور سوار بدون در نظر گرفتن فاصله اتومبیل، برای این که عرض جاده را پشت سر گذارد سریعاً جلو اتومبیل می‌پیچد، راننده غافلگیر شده و با مهارت خاصی اتومبیل را از مسیر موتور سوار منحرف و جان موتور سوار را از مرگ حتمی نجات می‌دهد، ولی اتومبیل از کنترل وی خارج و به بیرون از جاده پرت و واژگون می‌گردد که در نتیجه راننده در اثر ضربه مغزی به حال اغما می‌افتد و توسط افراد نوع دوست راهی بیمارستان می‌شود، با توجه به این که عامل اصلی حادثه، موتور سوار فراری بوده است، آیا فقط باید راننده موتور از عهده مخارج تعمیر و غرامت اتومبیل و خسارتهای دیگر برآید؟

جواب: چنانچه راننده موتور مقصّر بوده هزینه‌ها از او گرفته می‌شود.

سؤال ۱۵۸۴- این جانب کارگر شرکت «ترمه‌باف» جهت مأموریت با موتور شرکت به کاشان رفتم، تا ظهر بعضی از کارهای مأموریتی را انجام دادم و مقداری از کار باقیمانده بود که ظهر شد، ظهر را تا موقعی که مغازه‌ها باز شود. به منزل یکی از برادران رفتم که متأسفانه بچه صاحبخانه مریض شد. او را به اورژانس بردم، موتور را درب بیمارستان خاموش کردم و سوئیچ آن را برداشتم و داخل بیمارستان شدم، یک دقیقه بیشتر طول نکشید که برگشتم متأسفانه موتور به سرقت رفته بود، آیا خسارت آن را باید پردازم؟

جواب: شما ضامن هستید؛ مگر این که برای این گونه استفاده‌ها اجازه گرفته باشید و در حفظ موتور نیز کوتاهی نشده باشد.

سؤال ۱۵۸۵- شخصی مدت سه سال در یکی از گاوداریها مشغول کار بوده است، در میان گاوهای شیری یک گاو نر بوده که به مرور زمان وحشی شده و کارگر را قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۷

فروختن مورد ضرب قرار داده است. کارگر به صاحب گاو اعلام می‌کند که گاو وحشی شده لذا صاحبش گاو را می‌فروشد، بعد از ۱۵ روز گاو را دوباره برمی‌گردانند، فردای آن روز آن گاو کارگر مزبور را دوباره مورد ضرب قرار می‌دهد که دنده‌هایش شکسته می‌شود و توسط صاحب گاو به بیمارستان منتقل می‌گردد و بعد از سه روز در بیمارستان فوت می‌کند، صاحب گاو فردای

آن روز گاو را می‌فروشد و بعداً وحشی بودن گاو را انکار می‌کند، در فرض مذکور آیا صاحب گاو در قبال این واقعه مسئولیت دارد؟

جواب: اگر وحشی شدن و خطرناک بودن مسلم باشد و صاحب گاو آن را برگردانده باشد ضامن است، بنابر احتیاط واجب.
سؤال ۱۵۸۶- آقای «الف» ساختمانی خریده و بر خلاف مقررات شهرداری بالای آن بالکنی ساخته است، به نحوی که دیوار آن به سیمهای برق شهری نزدیک و سیمها در دسترس قرار گرفته و طبق اعلام اداره برق به حریم سیمهای برق تجاوز شده است؛ سپس همین خانه را با بالکن موصوف به آقای «ب» اجاره داده است. بچه پنج‌ساله مستأجر در بالکن مشغول بازی می‌شود، سیم برق را می‌گیرد و کشته می‌شود. پدر و مادر بچه، صاحبخانه را مقصر می‌دانند و صاحبخانه تخلف در ساختن بالکن را قبول دارد، اما به لحاظ این که جریمه قانونی تخلف خود را به شهرداری پرداخته و به لحاظ این که شهرداری و اداره برق می‌بایست تخلف را گوشزد می‌نمودند تا در صورت لزوم بالکن را تخریب نماید و این که مستأجر می‌بایست رعایت نکات ایمنی را بنماید و به لحاظ این که مادر طفل در نگهداری او کوتاهی کرده و به لحاظ این که بچه در بازی کردن زیاده‌روی کرده و خودش را به نحو غیر عادی به سیم برق رسانیده در حالی که سیم برق در دسترس یک بچه نبوده، لطفاً بفرمایید در این قضیه چه کسی ضامن است؟

جواب: گرچه صاحب منزل به خاطر تخلف از مقررات مقصر است؛ ولی با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۸

توجه به این که سیم برق در فرض مسأله بطور عادی از دسترس اطفال بیرون بوده و طفل به صورت غیر عادی خود را به آن رسانده، کسی در برابر مرگ او مقصر نیست.

سؤال ۱۵۸۷- شخصی بچه نابالغ ۸ ساله‌ای را بدون اجازه پدر و مادرش به استخر می‌برد، این بچه اصلاً شنا بلد نبوده و مسئولین استخر بدون این که تحقیق کنند که پدر و مادر این بچه از آمدن فرزندشان اطلاع دارند یا خیر، او را به استخر راه می‌دهند. اتفاقاً این بچه غرق می‌شود. آیا کسی که این بچه را به همراه خود به استخر برده ضامن است، یا مسئولین استخر؟ هر کدام چه مقدار؟
جواب: کسی که او را به استخر برده ضامن دیه اوست.

سؤال ۱۵۸۸- سنگی که روی جاژه بوده بطور ناگهانی از زیر چرخ اتومبیل در حال حرکت خارج شده و به ماشین دیگری، که پشت سر آن حرکت می‌کرده، برخورد نموده و اتفاقاً موجب مرگ یکی از سرنشینان آن ماشین شده است. کارشناسان آگاه و متعهد راهنمایی و رانندگی اتومبیل جلویی را بی‌تقصیر شناخته‌اند ضامن و مسئولیت این حادثه بر عهده کیست؟
جواب: در فرض مسأله راننده اتومبیل جلویی در برابر این حادثه مسئول نیست.

سؤال ۱۵۸۹- آیا شوهر در مقابل جهیزیه زن که در اثر گذشت زمان و بدون تقصیر شوهر از بین رفته است، در فرض طلاق یا فوت همسر ضامن است؟

جواب: در فرض مسأله، شوهر مکلف به ادای خسارت نیست.

سؤال ۱۵۹۰- فرشهایی که به صورت امانت در اختیار شرکتی جهت فروش قرار می‌گیرد، اگر سوانحی از قبیل دزدی یا آتش‌سوزی رخ دهد و منجر به از بین رفتن اصل مال شود، آیا شرکت ضامن اصل مال است؟
جواب: در صورتی که شرکت در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۴۹

سؤال ۱۵۹۱- در یک نزاع خانوادگی ابتدا مرد روی زن خود نفت ریخته و قصد آتش زدن وی را داشته است، ولی از این کار منصرف می‌شود؛ اما بعداً زن خود را با روشن کردن کبریت، آتش می‌زند و این کار منتهی به فوت وی می‌گردد. آیا در این مورد مسئولیتی متوجه مرد می‌باشد؟

جواب: مرد گناه کرده و مستحقّ تعزیر است؛ لکن در فرض مسأله ضامن دیه آن زن نیست.

سؤال ۱۵۹۲- کارگری به صورت روزمزد برای دیگری، غیر از پیمانکار و یا صاحب شرکت، کار شخصی می‌کند. اگر این کارگر در حین کار به مرگ غیر طبیعی مثلاً به علت زمین خوردن، ضربه دیدن، یا عقرب‌زدگی و مانند آن فوت کند، آیا صاحب کار ضامن دیه اوست؟

جواب: دیه بر عهده صاحب کار نیست؛ مگر آن که قبلاً شرط کرده باشند که دیه او در هر حال بر عهده صاحب کار باشد، یا قانون کار ایجاب کند و آنها بر اساس قانون کار قرارداد بسته باشند.

سؤال ۱۵۹۳- در نزدیکی یکی از روستاها تلمبه‌خانه‌ای قرار دارد که آب آن روستا را تأمین می‌کند و نگهبانی و حراست آن بر عهده یکی از اهالی ده بوده است. در یکی از روزها، که شخص نگهبان کلید موتور را به دست فرزندش داده تا آن را روشن کند، چند دختر جوان برای آوردن آب به آنجا می‌روند که بر اثر باران به ساختمان تلمبه‌خانه پناه می‌برند؛ متأسفانه بر اثر تماس لباس یکی از دختران به موتور، آن دختر جان خود را از دست می‌دهد. فرزند آن نگهبان چون طریقه خاموش کردن موتور را نمی‌دانست، نتوانست موتور را خاموش کند و همراه دختران دیگر به بیرون فرار می‌کند. با توجه به این که مسئول تلمبه‌خانه بر اثر بی‌احتیاطی و کوتاهی، کلید ساختمان را به پسرش داده و او نتوانسته موتور را خاموش کند و این که دختران نمی‌دانستند که نزدیک شدن به موتور خطرناک است و از ورود دختران به محل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۰

موتور جلوگیری نشده است، آیا نگهبان تلمبه‌خانه ضامن خون مقتوله است؟

جواب: گرچه نگهبان تلمبه‌خانه کار خلافی انجام داده، ولی مسئول خون آن دختر نیست.

سؤال ۱۵۹۴- فردی به اتهام قتل، یا قتل‌های عمد محکوم به اعدام شده؛ ولی در زندان و یا در پای چوبه دار بدون اجرای حکم به مرگ طبیعی فوت می‌کند. آیا دیه مقتول یا مقتولین بایستی از دارایی او پرداخت شود؟

جواب: آری، دیه به مال او تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۵۹۵- بیست سال پیش، پاسی از نیمه شب گذشته، دو نفر عابر پیاده که یک نفر از آنان ظاهراً قصد استمداد و دریافت بنزین داشته، مقطع عرضی جاده را با عجله و بدون رعایت احتیاط طی می‌نمایند، که متأسفانه از بغل از ناحیه سر به شیشه یک اتومبیل سواری برخورد و به علت عکس العمل تصادم به وسط جاده پرت می‌گردد، اتومبیلی که از سمت مخالف در حرکت بوده به خارج از جاده منحرف می‌شود. توجه شود که حادثه از جلو و برخورد روبه‌رو صورت نگرفته، بلکه دقیقاً به علت همزمانی اتومبیل سواری و عابر، وی به شیشه جلو برخورد می‌نماید. راننده پس از رؤیت حادثه می‌بیند مصدوم خون‌آلود نیست؛ ولی در تاریکی به صورت بی‌هوش بر زمین افتاده است. به اتفاق همراه مصدوم، تصمیم به حمل او می‌گیرند، ولی راننده پس از روشن کردن ماشین، صحنه را ترک و فرار می‌کند. پس از گذشت سالیانی، راننده حادثه در وضعیتی قرار دارد که عذاب وجدان و مسأله شرعی او را به احساس تکلیف واداشته است و بیمار شده و چون وضعیت بیماری او شاید امکان حیات طولانی را برای وی میسر نسازد و از سویی تلاش او برای یافتن مصدوم و یا کسب اطلاع از این که وی، فوت کرده یا در حیات است، میسر نیست. تکلیف شرعی او برای رفع ادای دین چیست؟ هر چند واقعه به صورت عمد نبوده و بی‌احتیاطی عابر علت حادثه بوده و فرار راننده هم جزء مصادیق تقصیر یا قصور است، در صورتی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۱

که دیه واجب باشد، با توجه به این که مقتول شناخته شده نیست، دیه به چه کسی پرداخت می‌شود؟

جواب: اگر مقصّر عابر پیاده بوده، دیه ندارد، و اگر راننده به خاطر سرعت یا امور دیگر مقصّر بوده دیه دارد، و اگر هر دو مقصّر

بوده‌اند باید درصد تقصیر را اجمالاً حساب کند و طبق آن از دیه بپردازد و اگر دسترسی به آن شخص یا ورثه او برای ادای دیه ندارد، اجازه می‌دهیم دیه را به افراد نیازمند از فامیل یا غیر فامیل بپردازد.

سؤال ۱۵۹۶- این جانب همسری داشتم که از من جدا شد؛ پس از جدایی اقدام به ازدواج مجدد نمودم، چهار فرزند همسر اولم نزد این جانب و در کنار نامادری، احساس راحتی نمی‌کردند. حدود ۸ ماه قبل، دختر بزرگ همسر اول، که ۱۶ ساله می‌باشد، با کمال تأسف نامادری خود را به قتل رسانید و موضوع توسط مراجع قانونی در حال پیگیری می‌باشد. مراجع ذیصلاح انگیزه قتل را فشارهای روحی و روانی بیان کرده‌اند، این جانب بر سر دوراهی در قبال قتل همسر و تکلیف دختر و نهایتاً احقاق حق فرزندان همسر مقتولم از نظر شرع مقدس و وجدان درونیم می‌باشم. این جانب از یک سو ولی قهری فرزندان صغیر، و از طرف دیگر مدافع فرزند قاتل می‌باشم. دیگر این که با مسأله دیه مواجه بوده که پرداخت کننده و گیرنده دیه نیز خودم می‌باشم، هر چند از نظر مالی در مضیقه بوده و تنها مایملک این جانب یک باب منزل مسکونی می‌باشد که در حال حاضر مورد استفاده من است. لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: شما نسبت به حق خودتان، به عنوان شوهر مقتول، می‌توانید گذشت کنید؛ ولی نسبت به حق صغیران، یعنی بچه‌های مقتوله، باید بگذارید کبیر شوند و خودشان تصمیم بگیرند؛ اگر تصمیم بر قصاص بگیرند، باید یک چهارم دیه را بپردازند که ظاهراً توانایی ندارند. طبیعتاً ناچارند، دیه بگیرند. در صورتی که دختر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۲

شما مالی از خودش داشته باشد، باید سهم دیه آنها را بدهد، در غیر این صورت بر ذمه او می‌ماند؛ هر وقت توانایی پیدا کرد، قابل تعقیب است و اگر بچه‌ها بعد از بلوغ و رشد عقلی کافی او را ببخشند، همه چیز تمام می‌شود.

سؤال ۱۵۹۷- یکی از علما با فرزند جوانش، که جهادگر جبهه‌های حق علیه باطل بود، هر دو در نیمه شب به دست عوامل یکی از گروهکها شهید شدند؛ یکی را کشتند و صحنه تصادف تصنعی برایش ایجاد کردند و پس از قتل صدماتی بر بدنش وارد کردند و دیگری را در آب بسیار کم عمق خفه کردند و متأسفانه به پرونده‌های ایشان رسیدگی نشده است. اگر اولیای دم (با توجه به سفارش قرآن شریف مبنی بر اولویت عفو) فقط قصاص را عفو کنند، در مورد دیه و کفارات حکم چیست؟

جواب: هر گاه صاحبان خون از قصاص صرف نظر کنند، می‌توانند آن را مشروط به دیه (یا کمتر یا بیشتر از آن) نمایند؛ ولی موافقت قاتل یا قاتلین در آن شرط است و اگر آنها موافقت نکنند، تنها قصاص جایز است. و اگر بطور مطلق عفو نمایند، دیه‌ای نیز نصیب آنها نمی‌شود و در هر صورت باید کفاره قتل عمد را بپردازند، که در زمان ما دو چیز بیشتر نیست. و دیه آسیب رساندن به جسد مقتول به خود او تعلق می‌گیرد و باید در مصارف خیر مصرف گردد.

سؤال ۱۵۹۸- این جانب یکی از کارمندان اداره راه و ترابری استان مرکزی هستم، ماشینی از اداره در دست این حقیر بود که برای امورات اداره از آن استفاده می‌کردم، اما متأسفانه در وقت اداری با یکی از همکاران به دنبال کار اداره در جاده اراک- شازند چپ کردیم که در این حادثه همکارم صدمه سختی دید و متأسفانه بعد از ۵۲ روز بی‌هوشی فوت کرد. کارشناس راننده را مقصر قلمداد می‌کند. از طرفی ماشین اداره، بیمه سرنشین نداشته است، اکنون خانواده آن مرحوم درخواست دیه می‌کنند. آیا می‌شود ماشین اداره، آن هم برون شهری، بیمه نباشد؟ در صورتی که در روزهای اول بیمه ضمانت کرده بود که من را از زندان آزاد کند، ولی حالا می‌گوید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۳

بیمه نیست. آیا دیه آن مرحوم به عهده من است؟ چگونه بپردازم؟

جواب: چنانچه شما راننده بوده‌اید و تقصیر شما ثابت شود، دیه بر عهده شماست و لغزنده بودن جاده و امثال آن مانع تعلق دیه در

صورت مقصّر بودن نیست و اگر توانایی نداشتید بر ذمه شما خواهد بود که تدریجاً بپردازید. و اگر معمول این است که تمام اتومبیل‌های اداره باید نسبت به سرنشین نیز بیمه باشند آنها در بیمه کردن کوتاهی نموده‌اند و شما اغفال شده‌اید، آنها نسبت به مقدار بیمه مسئولند، و اگر چنین نیست آنها مسئولیتی ندارند.

سؤال ۱۵۹۹- آیا دیه زن و مرد اهل کتاب مساوی است، یا متفاوت می‌باشد؟

جواب: دیه زن در هر حال نصف مرد است.

سؤال ۱۶۰۰- کسی در یک نزاع دسته‌جمعی فردی را عمداً و دیگری را بطور غیر عمد به قتل می‌رساند. پس از اجرای حکم قصاص او در مورد قتل عمد، بفرمایید نحوه وصول و مطالبه دیه مقتول غیر عمد، چگونه و به عهده کیست؟

جواب: در صورتی که قتل شبه عمد باشد، باید دیه از اموال او برداشته شود.

سؤال ۱۶۰۱- اگر مسلمانی فردی از اهل کتاب تحت ذمه را عمداً بکشد دیه دارد یا قصاص؟

جواب: قصاص ندارد؛ مگر این که از این حکم سوء استفاده کند و چندین مرتبه دست به این کار بزند، در این صورت قصاص خواهد شد.

سؤال ۱۶۰۲- اگر کافر ذمی مسلمانی را به صورت غیر عمد بکشد، دیه دارد یا قصاص؟ دیه چه مقدار است؟

جواب: دیه کامله دارد.

دیه اعضای بدن

اشاره

سؤال ۱۶۰۳- با توجه به این که دیه صدمات وارده بر زن در صورتی که به ثلث دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۴

کامله برسد نصف می‌شود، چنانچه جراحات و صدمات متعددی به زنی وارد شود، در هر یک از صورتهای زیر چه حکمی دارد:

(الف) صدمات تماماً با یک ضربه و در یک لحظه وارد شده است و دیه مجموع بیش از یک سوم دیه کامله است.

(ب) هر یک از صدمات با ضربه‌ای جداگانه و لیکن در زمان واحد عرفی (نه عقلی)، که عرف آن را جنایت و حادثه واحد می‌شمارد، وارد شده باشد، اگر چه چند لحظه یا چند دقیقه هم طول بکشد.

(ج) هر یک از صدمات با ضربه‌ای جداگانه و در زمانهای مختلف عرفی و با رعایت فاصله وارد شده باشد.

مستدعی است بیان فرمایید باید دیه مجموع صدمات را محاسبه کرد، تا در صورت به ثلث رسیدن نصف گردد، یا این که هر یک از صدمات بایستی جداگانه محاسبه شود؟

جواب: در صورتی که صدمات وارده بر بدن بقدری نزدیک به هم باشد که یک صدمه محسوب شود دیه آن یک جا حساب می‌شود، و اگر صدمات جداگانه است، هر چند با یک ضربه یا در زمانی واحد انجام شده باشد، مثل این که با یک ضربه دست و پای او را با هم شکسته باشد، هر یک جداگانه محسوب می‌شود، همچنین اگر در زمانهای مختلف واقع شده باشد.

سؤال ۱۶۰۴- شخصی مورد ضرب قرار گرفته است، قاضی علم اجمالی دارد که ضارب یا زید است یا عمرو، ولی متعیناً نمی‌داند که کدام یک ضارب است، و خودشان هم اقرار نمی‌کنند، وظیفه قاضی چیست؟

جواب: چنانچه در اثر ضربه جراحات یا نقصی حاصل شده، و هر دو قسم یاد کنند که مرتکب آن نبوده‌اند، دیه بین هر دو تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۶۰۵- معلّم بازنشسته آموزش و پرورش هستم، به اقتضای شغلم گاهی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۵

بچه‌های مردم را تنبیه بدنی کرده‌ام و حال دسترسی به فرد فرد آنان ندارم که حلالیت بطلبم، چگونه می‌توانم ردّ مظالم کنم؟
جواب: اگر از طرف پدران آنها مجاز بوده‌اید و در حد مشروع تنبیه انجام شده مشکلی ندارید، و اگر چنین نبوده و دسترسی به آنها ندارید چنانچه تنبیهی بوده که دیه به آن تعلق می‌گرفته باید مقدار دیه را از طرف صاحب اصلی آن در راه خدا بدهید، و اگر در حدّ دیه نبوده برای آنها استغفار و کار خیر انجام دهید.

سؤال ۱۶۰۶- در یک منازعه دسته جمعی طرفین جراحات متعدّدی برداشته‌اند، مصدومین قادر به تعیین ضاربین نبوده، بلکه فقط می‌دانند که جروح وارده به وسیله مثلاً پنج نفر مقابل وارد گردیده است؛ در این صورت اگر تقاضای قصاص شود نحوه اثبات قضیه چگونه است؟ در صورت تقاضای دیه چه کسانی محکوم می‌شوند؟ و راه ثبوت آن چیست؟

جواب: هر گاه ثابت شود که جنایت از آن چند نفر خارج نیست دیه در میان آنها تقسیم می‌شود و در اینجا قصاص نیست.

سؤال ۱۶۰۷- در برخی از مسائل فقهی، از جمله بحث عقیم نمودن و دیات اعضا، اشاره به فاسد شدن عضو شده است. آیا منظور از فساد عضو از بین رفتن شکل ظاهری آن است، یا منظور از بین رفتن کارایی و عملکرد عضو می‌باشد؟

جواب: فساد عضو مراتبی دارد؛ گاهی بکلی از کار می‌افتد و گاهی درصدی از کارایی آن از بین می‌رود و هر کدام دیه یا ارزش خاص خود را دارد.

سؤال ۱۶۰۸- شخصی بر اثر ضربه جنایتکاری مبتلا به ضربه مغزی گردیده و مدّتی بیهوش می‌شود. آیا این ضربه مغزی دیه خاصی دارد؟

جواب: اگر نجات پیدا نکند و ضربه عمدی نبوده باشد دیه کامله دارد، و اگر نجات پیدا کند باید دید در چه قسمتهایی از بدن او نقص پیدا شده، دیه آن عضو ثابت می‌شود. و اگر نقصی پیدا نشود به خاطر ضربه مغزی ارزش دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۶

سؤال ۱۶۰۹- با توجه به این که دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد، دو ثلث دیه همان عضو است، آیا اگر فلج بطور کامل نباشد بلکه نسبی باشد (مثلاً چهل درصد فلج)، در این گونه موارد باید ارزش تعیین نمود، یا می‌بایست به نسبت درصد اعلام شده محاسبه نمود؛ مثلاً چنانچه در یک پا چهل درصد شل نسبی ایجاد شود، می‌بایست $۵۰۰ * ۳۲ * ۱۰۰۴۰$ دینار را محاسبه نمود، یا می‌بایست طبق نظر کارشناس ارزش تعیین کرد؟

جواب: باید دیه به نسبت ضایعه و نسبت به دیه شلل محاسبه شود.

سؤال ۱۶۱۰- همان گونه که مستحضرید، بر اساس برخی روایات وارده در باب دیات، خوب شدن بعضی جراحات یا نقص عضوها (نظیر شکستگی استخوان در اعضایی که دیه مقدّره دارد) میزان دیه را تغییر می‌دهد. با توجه به این که امروزه به خاطر پیشرفت علم پزشکی، تعداد قابل ملاحظه‌ای از جراحات و نقص عضوها، قابل درمان می‌باشد. بفرمایید:

الف) آیا تأثیر درمان در میزان دیه را، می‌توان به غیر موارد مصرّح در فقه تعمیم داد؟

جواب: در غیر موارد منصوصه تأثیری ندارد.

ب) آیا پیوند عضو مقطوع در میزان دیه تأثیر دارد یا خیر؟ مثلاً در صورتی که انگشت یا دست شخصی در اثر جنایت قطع شود، اگر به موقع اقدام گردد می‌توان عضو مقطوع را پیوند زد، حکم آن چیست؟

جواب: پیوند عضو دیه را تغییر نمی‌دهد.

سؤال ۱۶۱۱- شلیک یک گلوله، شکستگی استخوان و فلج شدن پا را به همراه داشته است؛ آیا در این مورد دیه نافذ، و شکستگی

استخوان و فلج شدن توأمماً باید از سوی ضارب پرداخت گردد؟

جواب: هر سه دیه باید پرداخت شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۷

سؤال ۱۶۱۲- در مواردی نظیر شکستگی ستون فقرات که دیه کامله دارد، طبق فتوای فقها اگر این شکستگی به گونه‌ای معالجه شود که اثری از جنایت باقی نماند، جانی باید یک صد دینار بپردازد. در این گونه موارد فعلیت درمان و اصلاح ملاک است، یا قابلیت آن؟ به این معنا که اگر فعلیت ملاک باشد، از ابتدا دیه کامله به عهده جانی قرار می‌گیرد و جانی موظف به پرداخت تمام دیه می‌باشد- که پس از اصلاح و خوب شدن، ۹۰۰ دینار به او پس داده می‌شود- یا منتظر می‌ماند که پس از معالجه، دیه مقرره (۱۰۰ دینار) را بپردازد (اگر چه ذمه‌اش به کل دیه مشغول است)؛ ولی اگر قابلیت درمان ملاک باشد، از همان ابتدا ذمه جانی به یک صد دینار مشغول می‌شود.

جواب: ظاهر ادله این مسأله فعلیت درمان است؛ بنابراین تا درمان نشده باید دیه را بدهد.

سؤال ۱۶۱۳- مطابق مبانی فقهی، آیا می‌شود به جانبازان (مجروحین جنگ تحمیلی) دیه پرداخت نمود؟

جواب: دیه در مورد مجروحان جنگی و جانبازان از بیت المال در تاریخ اسلام سابقه ندارد؛ ولی هرگونه کوششی برای حل مشکلات این عزیزان بجاست.

سؤال ۱۶۱۴- برخی معتقد به پرداخت غرامت به آسیب‌دیدگان جنگ می‌باشند و مبنای غرامت را تشخیص عرف می‌دانند. نظر حضرت تعالی چیست؟

جواب: غرامت مانند دیه در تاریخ جنگهای اسلامی سابقه نداشته است که از بیت المال بدهند؛ ولی زندگی آنان باید تأمین گردد.

سؤال ۱۶۱۵- از نظر فقهی، وظیفه کسانی که در جنگ شرکت نکردند (قاعدین)، در قبال این عزیزان (مجاهدین) چیست؟ آیا دولت می‌تواند با وضع قوانین از قاعدین چیزی دریافت داشته و به مصرف مجاهدین برساند؟

جواب: سزاوار است هم حکومت اسلامی و هم مردمی که در جنگ شرکت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۸

نکرده‌اند، ولی از برکات خونهای شهیدان و تلاش جانبازان در امن و امان به سر می‌برند، برای حل مشکلات آنها دست به دست هم دهند و در صورت ضرورت حکومت اسلامی می‌تواند قوانینی برای این موضوع وضع کند.

سؤال ۱۶۱۶- اگر فرض بر پرداخت دیه نباشد، آیا هزینه‌های درمانی این عزیزان قابل محاسبه هست؟

جواب: هزینه‌های درمانی آنان باید از بیت المال پرداخت شود.

سؤال ۱۶۱۷- پزشکی که جهت کنترل جمعیت و پیشگیری از حاملگی اقدام به بستن لوله‌ها می‌کند، و مراجعه‌کننده را عقیم می‌سازد و امکان بازگشت نیز غالباً وجود ندارد؛ آیا دیه‌ای به او تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر به تقاضای مراجعه‌کننده بوده باشد، دیه تعلق نمی‌گیرد، در غیر این صورت طیب باید ارش بدهد.

سؤال ۱۶۱۸- وطی زوجه از دُبر چه حکمی دارد؟ اگر این عمل سبب ایجاد جراحت در موضع مذکور گردد، آیا دیه یا ارشی تعلق می‌گیرد؟

جواب: این کار بدون رضایت زوجه حرام است، و با رضایت او نیز کراهت شدید دارد و اگر موجب آسیبی شود، دیه تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۶۱۹- در کتابهای علمی نوشته شده که تمام سطح بدن را مو پوشانیده است. با توجه به این مطلب که فقط کف دستها و پاها و روی ناخنها مو ندارد، آیا قطع هر نوع مویی که روی بدن وجود دارد، موجب پرداخت دیه است؟

جواب: اگر مانند ابروها و محاسن و موی سر، در آن جایی که انسان علاقه به نگهداشتن آن دارد بوده باشد، دیه یا ارش دارد.

سؤال ۱۶۲۰- آیا کیفیت موی بدن در پرداخت دیه مو تأثیر دارد؟ مثلاً اگر مویی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۵۹

باشد که زاید است، یا مویی باشد که ریشه‌اش ضعیف است، یا مویی باشد که به شکل مصنوعی در بدن کاشته‌اند، آیا کندن این طور موها دیه دارد؟

جواب: موهای زاید و مصنوعی دیه ندارد، هرچند کندن آن بدون اجازه صاحبش حرام است و خسارت موی مصنوعی و کشت آن را باید بدهد.

سؤال ۱۶۲۱- اگر کسی موی بدن شخص دیگری را به شکلی قطع کند که مو از ریشه قطع نشود؛ بلکه ریشه مو سالم باشد، آیا مقدار مویی که قطع شده دیه دارد؟

جواب: اگر مانند ابروها و محاسن و موی سر، در آن جایی که انسان معمولاً علاقه به نگهداشتن آنها دارد بوده باشد، ارش دارد.

دیه چشم

سؤال ۱۶۲۲- فردی در نزاع، یک چشم طرف مقابل را معیوب می‌کند؛ ولی در اثر مداوا و بستری شدن در بیمارستان، چشم او خوب می‌شود، از طرفی دادگاه بیش از دو میلیون تومان دیه مقرر نموده است. با توجه به این که چشم خوب شده، دریافت این دیه از لحاظ شرعی چه صورتی دارد؟

جواب: از حکمی که دادگاه داده اطلاعی نداریم؛ اما به هر حال هر آسیبی، هرچند بعداً معالجه شود، دیه دارد.

دیه بینی

سؤال ۱۶۲۳- لطفاً به دو سؤال ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا شکستگی استخوان تیغه بینی دیه دارد یا ارش؟ اگر دیه دارد، آیا طبق شکستگی استخوان عضوی که دیه کامل دارد محاسبه می‌شود؟

ب) در تعیین ارش با توجه به این که اکنون غلام و کنیزی جهت برآورد میزان ارش وجود ندارد، چگونه باید عمل کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۰

جواب: اگر بینی کاملاً ضایع شود دیه کامله دارد و اگر چنین نباشد ارش دارد و منظور از ارش آن است که مقدار درصد نقص عضو و خرابی آن در نظر گرفته شود و از مجموع کل دیه حساب شود. مثلاً اگر نقص عضو ۲۵٪ باشد، ۲۵ درصد دیه عضو به او پرداخته می‌شود، و مقایسه با غلام و کنیز معیار ارش نیست.

سؤال ۱۶۲۴- اگر در اثر ضربه‌ای قصبه بینی (قسمت نرم و انعطاف‌پذیر داخلی بینی که در طول استخوان بینی قرار دارد) از وسط بشکند، یا از استخوان بینی جدا شود. در صورت بهبود یافتن و یا عدم آن، دیه‌اش چگونه محاسبه می‌شود؟ آیا مشمول حکم شکستگی استخوان می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که مشمول ارش می‌باشد.

دیه دست

سؤال ۱۶۲۵- در اثر ایراد جرح عمدی با شیء برنده از طرف متهم، دست راست مجنی علیه از ناحیه مچ دچار جراحت از نوع متلاحمه گردیده که طبق نظر پزشک قانونی به علت آسیب اعصاب و عروق و رباطهای دست راست در ناحیه مچ، دست شاکی به میزان ۵۰٪ دچار نقص عضو شدید حرکتی گردیده است. نحوه تعیین دیه و میزان آن چگونه خواهد بود؟
جواب: احتیاط واجب آن است که علاوه بر پرداخت دیه جراحت، دیه شلل عضو را هم به نسبتی که اهل خبره مورد وثوق خبر می دهند پردازد.

سؤال ۱۶۲۶- چنانچه به دستها و پاها و یا هر یک از آن جداگانه، ضربه‌ای وارد شود که باعث از بین رفتن توانایی آن عضو در انجام وظیفه گردد، بدون آن که شکل ظاهر آن عضو تغییر کند، دیه آن چه مقدار است؟
جواب: اگر به حال شلل درآید، دیه شلل به آن تعلق می گیرد.

سؤال ۱۶۲۷- اگر فردی که در شرکتی مشغول فعالیت است و بر اثر سانحه کاری ۵۴

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۱

از کف دست راست او قطع گردد:

الف) دیه آن چقدر است؟

ب) مقدار و نوع دیه را شخص خسارت دیده باید مشخص نماید، یا شرکت خسارت دهنده؟

جواب: اگر خودش مقصر بوده و قراردادی با آن مؤسسه در این زمینه نداشته، دیه ندارد؛ ولی هرگاه علت این حادثه آن شرکت بوده یا قراردادی میان شرکت و کارگران است که حوادث ناشی از کار را جبران کنند، دیه چهار انگشت را باید پردازد و نسبت به از بین رفتن مقداری از کف دست، مصالحه کنند، و دیه هر انگشت یک دهم (۱۰۱) دیه کامل است.

سؤال ۱۶۲۸- شخصی با قمه دست مجنی علیه را از مچ قطع کرده، به گونه‌ای که به پوست آویزان شده است؛ ولی بلافاصله او را به دکتر می‌رسانند و دکتر دست مجنی علیه را پیوند می‌زند، اما آن دست ۷۵ درصد کارآیی خود را از دست می‌دهد، آیا بر جانی ارش لازم است، یا دیه قطع دست؟

جواب: اگر دست کاملاً جدا شده و به پوست آویزان بوده است دیه تعلق می‌گیرد؛ هر چند بعداً پیوند زده شود و اگر جنایت عمدی باشد قصاص دارد.

سؤال ۱۶۲۹- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرماید:

الف) پزشکی قانونی در مورد صدمات وارده بر دختر بچه صغیری ضمن معاینه در قسمتی از نظریه خود چنین نوشته است: «صدمه به عصب رادیال دست چپ که باعث افتادگی دست چپ شده است»، در خصوص صدمه عصب رادیال که از ناحیه بازو بوده است مبلغ هشتصد و سی و پنج هزار تومان ارش تعیین گردیده است، خواستم از حضرتعالی استفتا کنم در مورد افتادگی دست چپ که تحت کنترل شخص صدمه دیده نیست، آیا تعیین دیه لازم است یا ارش؟

جواب: در مورد دیه از کارافتادگی، دیه آن، دو ثلث دیه همان عضو است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۲

ب) در مورد صدمات وارده در دو مورد ۶۱ دیه کامل و ۱۰۰۲ دیه کامل برای صدمات وارده تعیین گردیده و جمعاً مبلغ یک میلیون و دویست و سی و پنج هزار تومان ارش تعیین گردیده است، در خصوص این که اگر دیه صدمات وارده به زن از ۳۱ دیه کامل بیشتر شود، نصف آن قابل پرداخت است. آیا در مورد ارش هم این مسأله صادق است؟

جواب: تفاوتی میان دیه و ارش در این قسمت نیست.

دیه پاها

سؤال ۱۶۳۰- پسر بچه‌ای یازده ساله در اثر تصادف با ماشین مجروح گردیده است، موارد جراحت به شرح زیر می‌باشد:
الف) پوست و گوشت قسمت زیادی از ماهیچه ساق پا و ران مجروح و له گردیده است (در حدّی که گوشت‌های جدا شده از پا به زمین ریخته است).

ب) کاسه زانو و مفصل هر دو قطعه‌قطعه شده است.

ج) بعضی از اعصاب و رگ‌های زیر زانو و ماهیچه‌ها که در سلامت و حرکت پا نقش دارند در حدّ پاره شدن رسیده است.

د) صفحه رشد که از سنین کودکی تا ۱۸ سالگی باعث قد کشیدن و رشد استخوان ساق پا و ران می‌شود از بین رفته، در نتیجه این پا کوتاه می‌ماند و پای دیگر به رشد طبیعی خود ادامه می‌دهد.

نهایتاً پس از جراحی‌های مکرر و پیوندهای لازم پای مصدوم کج و کوتاه و زانویش بی‌حرکت و مقداری خمیده مانده که طبق نظریه پزشکی قانونی در مجموع و در شرایط فعلی ۶۵٪ نقص عضو (نسبت به ارزش عضوی) ایجاد شده است. خواهشمند است مقدار دیه و یا ارش را که شخص ضارب و مقصّر نسبت به موارد فوق باید پردازد بیان فرمایید. در ضمن جهت ترمیم گوشت و پوست پای مصدوم از پای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۳

دیگرش گوشت و پوست برداشته و پیوند زده‌اند، آیا پای سالم هم که تگه برداری شده و اثراتش باقی است ارش دارد؟
جواب: به نسبت خسارتی که بر پا وارد شده از مجموع دیه پا، ارش باید پرداخته شود و احتیاط این است که ارش نقصی که بر عضو دیگر برای ترمیم این عضو وارد می‌شود نیز پرداخته شود، به اضافه هزینه درمان.

سؤال ۱۶۳۱- اگر استخوان کشکک زانو توسط جانی بشکند، آیا ارش دارد یا دیه؟ در صورتی که دیه داشته باشد، مقدار آن چقدر است؟

جواب: دیه آن یک صد دینار است (۷۵ مثقال طلا).

دیه دندان

سؤال ۱۶۳۲- اگر در اثر ضربه، تاج دندان دچار شکستگی شده باشد مشمول دیه کامل است؛ ولی با توجه به این که در حال حاضر با معالجه ریشه دندان و گذاشتن تاج مصنوعی، ظاهراً درمان می‌شود، چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۵۶۳

جواب: احتیاط آن است که طرفین مصالحه به ارش کنند.

سؤال ۱۶۳۳- کشیدن دندان (چه سالم، چه معیوب و یا دندانی که بر اثر بیماری لق شده است)، دیه دارد یا خیر؟ اگر دارد، به عهده کیست؟

جواب: اگر به اجازه صاحب دندان و برای معالجه باشد دیه‌ای ندارد، ولی اگر دندان سالم را اشتباهاً بکشد، ضامن است.

سؤال ۱۶۳۴- دندانهایی به علت بیماری لثه دچار سستی است و در اثر کوچکترین ضربه از دهان بیرون می‌افتد، اگر اصابت ضربه از سوی فردی باعث کنده شدن چنین دندانی شود، دیه به آن تعلق می‌گیرد؟ آیا دیه این گونه دندانها به مقدار دیه دندان سالم و طبیعی است؟

جواب: اگر دندان برای غذا خوردن و سخن گفتن قابل استفاده است، دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۴

دندان صحیح به آن تعلق می‌گیرد. در غیر این صورت نسبت به کارایی آن ارش دارد.

سؤال ۱۶۳۵- دندانهایی که در اثر ضربه سیاه می‌شوند و مشمول دیه می‌باشند، در حال حاضر با معالجه ریشه دندان و سفید کردن آن، ظاهراً شبیه دندان طبیعی می‌گردد. آیا در این صورت دیه کامله تعلق می‌گیرد؟

جواب: دیه آن ۳۲ دیه دندان سالم است.

سؤال ۱۶۳۶- بعضی افراد بیش از ۲۸ دندان دارند. در این صورت اگر کسی ۲۸ عدد آن را عمداً از بین ببرد، آیا عدد ۲۸ موضوعیت دارد و دیه کامل دارد، یا به نسبت دندانهای شکسته شده و دندانهای مانده دیه تعیین می‌گردد؟

جواب: چنانچه دندانهای طبیعی او بیش از ۲۸ عدد باشد احتیاط آن است که نسبت به از بین بردن ۲۸ دندان باید دیه بردارد و نسبت به بقیه باید از طریق حکومت و ارش اقدام شود.

دیه شکستگیها

سؤال ۱۶۳۷- در موارد ایراد صدمه بدنی غیر عمدی به مصدومی که شکستگی استخوان داشته و نهایتاً ایجاد نقص عضوی با نسبتهای مختلف، مثلاً ۲۰، ۴۰، ۹۰ درصد و مانند آن در مجتبیٰ علیه گردیده، طبق قانون دیات در مورد نقص عضو ایجاد شده مطلقاً یک پنجم دیه همان عضو منظور شده است، حال آن که در بعضی موارد نقص عضو خیلی ناچیز بوده و اختلالی در عمل آن عضو ایجاد نمی‌نماید و گاهی خیلی زیاد بوده و منجر به نقص عضوهای شدید با درصد بالا می‌گردد که باعث از کارافتادگی نسبی یا دائمی مجتبیٰ علیه می‌گردد.

آیا صلاح است که بر مبنای دیه یک عضو و بر اساس درصد نقص عضو دیه احتساب شود؟ مثلاً برای نقص عضوی ۷۰ درصدی، هفتاد درصد دیه آن عضو مقدر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۵

گردد؟ در صورت عدم صلاحید جنابعالی در مورد فوق، آیا جایز می‌باشد که علاوه بر دیه مقدر مبلغی با تشخیص حاکم شرع به عنوان ارش مازاد بر دیه (جهت ایجاد نقص عضو حاصله از شکستگی استخوان) اخذ گردد؟

جواب: چنانچه عضو مزبور مانند دست بکلی از کار بیفتد دیه شلل، که ۳۲ دیه عضو است، دارد و اگر بطور کامل نیفتد به همان نسبت از کارافتادگی از این دیه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۶۳۸- چنانچه در اثر ضربه، چند نقطه از یک استخوان (مانند استخوان ساق پا) دچار شکستگی شود بفرمایید:

الف) آیا هر شکستگی دیه جداگانه دارد، یا پرداخت یک دیه برای همه آنها کافی است؟

جواب: هر شکستگی دیه مستقل دارد؛ مگر آن که چنان به هم نزدیک باشد که یکی محسوب شود.

ب) در این فرض آیا ایجاد چند شکستگی در اثر یک یا چند ضربه با هم تفاوت دارد؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

ج) اگر در اثر ضربه، علاوه بر شکستگی استخوان تکه‌ای از همان استخوان نیز جدا شود، آیا برای جدا شدن استخوان دیه

شکستگی استخوان باید پرداخته شود، یا حکم دیگری دارد؟

جواب: برای جدا شدن قسمتی از استخوان باید ارش بردازد.

سؤال ۱۶۳۹- با توجه به این که در نحوه تعلق دیه به استخوانهای پنج‌گانه دست و پا، که در امتداد استخوانهای انگشت قرار گرفته‌اند و اصطلاحاً به آنها «مناکارپ» گفته می‌شود، تردید وجود دارد، و همچنین در کلیه اعضایی که دارای دیه معین شرعی هستند و استخوانهای متعدّد دارد این تردید موجود است، زیرا فرع فقهی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۶

مربوط به موضوع حکم مسأله را بطور کلی و مطلق و بدون شرح و تفصیل بیان می‌کند، و مواد قانونی نیز چنین است که اجمالاً متن ماده قانونی (۴۴۲ قانون مجازات اسلامی) به شرح ذیل آورده می‌شود «دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معین است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن ۵۴ شکستن آن است و ... اکنون با توجه به مراتب فوق این سؤال پیش می‌آید که در مواردی که واقعاً استخوان عضو، مثل دست و پا متعدّد است (منظور کف دست و پا می‌باشد) دیه مذکور به پنج قسمت تقسیم می‌شود، یا هر یک از آنها که بشکند، و لو این که بقیه سالم باشند، کلّ دیه یاد شده تعلق می‌گیرد؟ مثلاً در ساعد دست و ساق پا که دو استخوان «درشتی و نازک‌نی» وجود دارد مسأله از چه قرار است؟

جواب: ظاهر ادله آن است که دیه تقسیم بر استخوانها می‌شود، بنابراین هر کدام از استخوانها بخشی از دیه را به خود اختصاص می‌دهد.

سؤال ۱۶۴۰- دیه شکستگی ستون فقرات در مواردی دیه کامله و در مواردی هم صد دینار است، حال اگر ستون فقرات با ضربه واحد و یا ضربات متعدّد در یک زمان عرفی و یا در زمانهای متفاوت، مثلاً از دو جا شکسته شود یک دیه تعلق می‌گیرد، یا دو دیه، یا یک دیه و ارش تعلق می‌گیرد؟

جواب: ظاهر این است که هر کدام از شکستگیها دیه خود را دارد.

سؤال ۱۶۴۱- با توجه به این که در فقه و کتب مربوطه از جمله جواهر و لمعه و تحریر الوسیله دیه قطع لحنین مشخص شده، و در تعریف لحنین آورده‌اند «هما العظامان اللذان متلقاهما الذقن و يتصل طرف کل واحد منهما بالاذن من جانبی الوجه، و علیهما نبات الاسنان السفلی» و از طرفی در لغت فارسی و عرب، انسان دارای ۲ فک (آرواره) پایین و بالا می‌باشد، و لحنین بر اساس تعریف مذکور فقط شامل فک پایین می‌شود، حال در هر یک از فروض ۱- قلع ۲- شکستن فک بالا (قطع نظر از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۷

دندانهای بالا) دیه مربوطه چگونه محاسبه می‌شود و آیا فرض اول مشمول ارش و فرض دوم داخل در هاشمه می‌باشد؟

جواب: فک بالا جزئی از استخوان صورت است و چنانچه آن را بشکنند احکام شکستن استخوان بر آن جاری می‌شود؛ و کاری به لحنین ندارد.

سؤال ۱۶۴۲- در شکستگی‌های استخوان اعضای زن معیار یک پنجم دیه خود زن هست، یا دیه کامل مرد، با لحاظ این که میزان دیات اعضا متفاوت می‌باشد؟

جواب: دیه مرد و زن در این مورد یکسان است.

شجاج و جراح

سؤال ۱۶۴۳- تعاریف موارد زیر از نظر فقه چیست؟ (تا بتوان مشابه پزشکی آن را ارائه کرد):

الف) حارصه. ب) دامیه. ج) متلاحمه. د) سمحاق. ه) موضحه. و) هاشمه. ز) مأمومه. ح) دامغه. ط) منقله. ی) جائفه.

جواب: الف) حارصه، جراحی است که پوست بدن را می‌شکافد و به گوشت نمی‌رسد.
 ب) دامیه، آن است که علاوه بر شکافتن پوست، خون جاری شود؛ یعنی کمی در گوشت وارد گردد.
 ج) متلاحمه، جراحی است که به مقدار قابل توجهی در گوشت فرو می‌رود؛ ولی به پوست استخوان نمی‌رسد.
 د) سمحاق، ضربه‌ای است که گوشت را پاره می‌کند و به پوست نازکی که استخوان را پوشانیده است می‌رسد؛ ولی آن را پاره نمی‌کند.

ه) - موضعه، جراحی است که سفیدی استخوان در آن نمایان می‌شود، و پوست آن پاره می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۸

و) هاشمه، ضربه‌ای است که استخوان را می‌شکند، خواه توأم با جراحی باشد یا نباشد.

ز) مأمومه، ضربه‌ای است که استخوان سر را می‌شکند و به مغز سر می‌رسد؛ ولی پوسته‌ای که روی مغز قرار دارد پاره نمی‌شود.

ح) دامغه، فراتر از مأمومه است و آن ضربه‌ای است که جمجمه را شکاف می‌دهد و به مغز می‌رسد.

ط) منقله، ضربه‌ای است که سبب جابه‌جایی استخوانها می‌شود.

ی) جائفه، جراحی است که به جوف بدن، مانند شکم یا سینه یا پشت یا پهلوها، می‌رسد.

سؤال ۱۶۴۴- شخصی به وسیله ییل ضربه‌ای بر سر کسی زده که استخوان جمجمه را شکسته و مغز را مورد اصابت قرار داده است، پس از شش ماه طبق نظر پزشکان کمیسیون پزشکی مضروب دچار عوارض سردرد، سرگیجه، فراموشکاری و نقص عضو به میزان ده درصد شده است لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا این ضربه قابل قصاص است؟

جواب: این ضربه قابل قصاص نیست.

ب) اگر نباشد دیه آن که طبق نظر پزشکان «مأمومه» است و نیز عوارض و نقص عضو ده درصدی چقدر است؟

جواب: دیه این ضربه ثلث دیه قتل است و نسبت به نقص عضو دیه ندارد؛ اما حالت فراموشکاری به مقداری که حاصل شده است، ارش دارد؛ یعنی آن را به کل دیه عقل و هوشیاری که دیه کامل است می‌سنجند و به همان نسبت باید دیه پردازند.

سؤال ۱۶۴۵- آیا مورد منقله (جراحی که درمان آن جز با جابه‌جا کردن استخوان میسر نمی‌باشد) فقط اختصاص به دیه جراحات سر و صورت دارد، یا در سایر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۶۹

اعضای بدن هم جاری است؟

جواب: فرقی میان اعضای بدن نیست، در هر مورد پانزده درصد دیه عضو است.

سؤال ۱۶۴۶- در مورد جراحی جائفه که موجب فلج نیز می‌گردد، دادگاه باید دیه کدام یک از صدمات را تعیین نماید؟ دیه جائفه یا فلج، یا هر دو را؟

جواب: باید هر دو دیه پرداخت شود.

سؤال ۱۶۴۷- اگر یکی از جراحیهای حارصه، دامیه و مانند آن در کف دست واقع شود ارش دارد، یا نسبت به دیه دست محاسبه می‌شود؟

جواب: ظاهر این است که باید ارش داده شود.

سؤال ۱۶۴۸- همان طور که استحضار دارید دیه جراحات وارده بر سر و صورت با توجه به نوع جراحی متفاوت است و دیه مقرره در هر مورد در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است؛ مثلاً دیه حارصه (خراش پوست بدون آن که خون جاری شود) یک شتر

و دیه موضحه (جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کند) پنج شتر، و هکذا... با توجه به قبول این واقعیت که ارزش زمانی تعیین می‌گردد که برای جراحی و غیره شارع مقدس دیه‌ای پیش‌بینی نکرده باشد، سؤال حقیر این است: در صورتی که جراحی (از هر نوع) بر صورت کسی وارد گردد و جراح التیام یابد، ولی اثر جراحی بر روی پوست صورت مجنی علیه باقی بماند (به نحوی که هر کس ببیند متوجه آن اثر گردد) و از طرف دیگر نوعی نقص زیبایی ایجاد نماید، آیا در چنین حالتی حاکم شرع می‌تواند علاوه بر دیه مقزّره، ضارب را به پرداخت مبلغی به عنوان ارش (تحت عنوان نقص زیبایی) نیز محکوم نماید؟

جواب: ظاهر ادله شرع این است که دیه برای جبران همه این امور است و چیز اضافی لازم نیست؛ ولی اگر مجنی علیه مجبور شود هزینه‌هایی برای رفع نقایص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۰

ظاهری متحمّل شود که در عرف آن را ضروری بدانند و این هزینه‌ها از دیه زیادتر باشد می‌تواند مقدار اضافی را نیز از جانی بگیرد، اضافه بر این اگر نقص زیبایی شدید باشد احتیاط دادن ارش است.

سؤال ۱۶۴۹- طفلی صورت طفلی دیگر را با سنگ مجروح کرده است و زخم هم بنابر تشخیص پزشک قانونی «دامیه» است و دیه هم دو شتر است. سؤال این است که آیا این دیه را ولی طفل می‌تواند اسقاط کند؟

جواب: ولی نمی‌تواند دیه طفل را اسقاط کند؛ مگر این که مصلحت مهمتی برای طفل داشته باشد.

سؤال ۱۶۵۰- مّتهم اقرار می‌کند که یک سیلی به شاکی زده است، لکن مشخص نیست که ضربه وارده موجب تغییر رنگ پوست شده یا خیر؟ یا تغییر ایجاد شده چه مقدار می‌باشد، در این فرض چه باید کرد؟

جواب: باید به حدّ اقل دیه که جنبه قطعی دارد قناعت شود.

سؤال ۱۶۵۱- اگر کسی به خود ضرر و زیانی وارد کند (منظور تغییر رنگ پوست و خراشیدگی آن است)، دیه آن چگونه است و چه کسی باید پردازد؟

جواب: وارد کردن ضرر و زیان به خود دیه ندارد؛ هرچند در بسیاری از موارد گناه است.

تغلیظ دیه

سؤال ۱۶۵۲- درباره تغلیظ دیه در ماههای حرام بفرمایید:

الف) آیا تغلیظ دیه مختصّ قتل عمد است، یا شامل قتل شبه عمد و خطای محض نیز می‌شود؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ هرچند بهتر است که در دیه خطا و شبه عمد نسبت به زاید مصالحه کنند.

ب) آیا حکم مذکور مختصّ مسلمین است، یا شامل اهل کتاب نیز می‌گردد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۱

جواب: احتیاط آن است که در مورد اهل کتاب نیز دیه با تغلیظ پرداخت شود.

ج) آیا جهل قاتل به حکم یا موضوع، در تغلیظ دیه تأثیری دارد؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۱۶۵۳- مردی، زنی را کشته است. اولیای دم برای قصاص باید اول نصف دیه یک مرد را به او پردازند، حال اگر این قتل در ماه حرام اتفاق افتاده باشد، با توجه به حکم تغلیظ دیه، آیا باید نصف دیه یک مرد در ماه حرام را به وی پردازند، یا نصف دیه

یک مرد در غیر ماه حرام؟

جواب: باید نصف دیه عادی معمولی یک مرد را پردازند.

دیه جنین

سؤال ۱۶۵۴- زن حامله‌ای در اثر تصادف غیر عمدی کشته می‌شود و جنین او هم می‌میرد، آیا قاتل باید دیه هر دو را پرداخت نماید؟

جواب: آری باید دیه هر دو را بدهد.

سؤال ۱۶۵۵- در صورتی که جنین سقط شده دوقلو یا بیشتر باشد، دیه چگونه پرداخت می‌شود؟ به اندازه یک جنین، یا هر تعداد که باشد؟

جواب: به هر تعدادی که باشد دیه تعلق می‌گیرد؛ (هر کدام یک دیه).

سؤال ۱۶۵۶- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) با توجه به پیشرفت علم طب در لقاح خارج رحمی (آی-وی-اف) چنانچه کل دوره ۹ ماهه قبل از تولد در محیط آزمایشگاهی طی شود، آیا زمان حلول روح به این جنین با حلول روح به جنین در شکم مادر متفاوت است؟

جواب: باید آن آزمایشها جواب این سؤالها را بدهد که آیا در چهارماهگی حس و حرکت که نشانه حلول روح است در جنین حاصل می‌شود یا نه؟ ممکن است یکسان یا متفاوت باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۲

ب) چنانچه سلولهای مورد نیاز متعلق به مرد و یا زن یا هر دو جهت تشکیل نطفه از بانک مربوطه، که بعضاً از افراد ناشناس تهیه می‌شود باشد، آیا چنین جنینی حلال زاده است؟

جواب: تنها فرزندی که از نطفه زن و شوهر عقدی حاصل می‌شوند حلال‌زاده هستند و بقیه در حکم حلال‌زاده نیستند و ترکیب دو نطفه اجنبی جایز نیست.

ج) آیا سقط چنین جنینی دیه دارد؟

جواب: ساقط کردن آن جایز نیست.

سؤال ۱۶۵۷- خانمی بر اثر تجاوز جنسی حامله شده، و این مسأله فشار روحی سختی را بر او وارد می‌کند، آیا سقط جنین در این فرض جایز است؟

جواب: سقط جنین جایز نیست؛ مگر این که نگهداری آن جنین مایه بیماری شدید مادر و کسالت روانی او گردد، که در این صورت می‌توان به حاملگی او پایان داد؛ مشروط بر این که جنین در ماههای اولیه باشد.

سؤال ۱۶۵۸- دختری (نعوذ بالله) از زنا حامله شده است، برای حفظ آبرو جنین را (که پسری ۷ ماهه بوده) با همکاری و رضایت خودش سقط کرده‌اند، دیه این جنین چه مقدار است؟ و به چه کسی می‌رسد؟

جواب: چنانچه او دارو خورده و خودش سقط کرده دیه را خودش باید پردازد، و اگر طبیب عهده‌دار این کار بوده دیه بر عهده اوست، و دیه آن بنا بر احتیاط واجب دیه بچه حلال‌زاده است؛ اگر پسر بوده دیه کامله و اگر دختر بوده نصف دیه کامله می‌باشد. و دیه را در اینجا باید به حاکم شرع داد تا در مصالح مسلمین صرف کند و در هر صورت مرتکب گناه شده است.

سؤال ۱۶۵۹- دختری (نعوذ بالله) از زنا حامله شده و حمل او پسری ۷ ماهه بود. برای حفظ آبرو، یک نفر از بستگان دختر به همراه مادر بزرگش و یک نفر از بستگان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۳

آن پسر، که دختر مدعی بود حمل از طرف اوست، به همراه شخص دیگری که رانندگی ماشین آنها را بعهده داشت، آن دختر را پیش طیب می‌برند و آن طیب با رضایت دختر، بچه را سقط می‌کند، خواهشمندم بفرمایید شرعاً چه کسی باید دیه را بپردازد؟ همچنین مجازات آن چهار نفری که دختر را نزد طیب بردند چیست؟

جواب: ساقط کردن ولد الزنا جایز نیست و در فرض مسأله دیه بر عهده طیب است و کسانی که در این کار معاونت کرده‌اند در برابر دیه مسئول نیستند؛ ولی چون معاونت در حرام کرده‌اند تعزیر می‌شوند.

عفو از دیه

سؤال ۱۶۶۰- دوستم پیشنهاد کرد با هم به شکار برویم، هوا بارانی و زمین را گرد و غبار گرفته بود. دوش به دوش هم می‌رفتیم که در بالای کوه شبحی دیده شد. دوستم محمد گفت: «عقاب است، آن را بز» نشانه‌گیری کردم و آن را زدم، عقاب ناپدید شد. بعد از تیراندازی در پایین کوه نشستم و محمد رفت تا لاشه آن را بیاورد. بعد از صعود به بالای کوه، مرا صدا زد. رفتم، دیدم شخصی به نام محمد حسین آنجا افتاده و بر اثر اصابت تیر دار فانی را وداع گفته است، مادر مقتول سهم دیه خود را به ما بخشید؛ ولی سهم همسر مقتول و دو پسرش را به حکم شرع محول نموده است. بعد از مدتی مادر مقتول به وسوسه اهالی منطقه، دوباره سهم خود را ادعا کرد.

الف) آیا مادر مقتول می‌تواند دوباره سهم خود را مطالبه کند؟

جواب: بعد از بخشیدن، حق بازگشت ندارد.

ب) آیا قاتل قصاص می‌شود، یا باید خونبها بدهد؟

جواب: در فرض مسأله جای قصاص نیست؛ بلکه باید دیه پرداخت شود و دیه بر عهده قاتل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۴

ج) آیا دوستم محمد که مرا به شکار برد و دستور تیراندازی داد، در دادن این دیه، یا خونبها شریک است؟

جواب: او مسئولیتی ندارد و در دیه شریک نیست.

عاقله

سؤال ۱۶۶۱- عاقله چیست و در موارد پزشکی چگونه قابل تعمیم و تطبیق است؟ (مواردی که عامل، پزشک و کادر پزشکی می‌باشند و قبلاً براءت از مریض و کسان او نطلبیده‌اند).

جواب: عاقله، نزدیکان هر کس از طرف پدر می‌باشند، و شامل برادران، عموها و پسرعموها می‌شود و احتیاط این است که پدر و فرزندان شخص نیز در آن شرکت کنند، و دیه قتل خطا را در میان خود تقسیم کنند تا پرداختن آن آسان شود، و شامل هر کسی می‌شود که مرتکب قتل خطا گردد.

سؤال ۱۶۶۲- در صورت استنکاف عاقله از پرداخت دیه، آیا می‌توان عاقله را حبس کرد؟ آیا می‌توان عاقله را به عنوان متهم دستگیر و برای آنها قرار صادر کرد تا از فرار آنها جلوگیری شود؟

جواب: دیه مانند سایر دیون است؛ اگر بدهکار توانایی دارد و حاضر به پرداخت نیست می‌توان او را زندانی کرد؛ ولی در صورت عدم توانایی باید به او مهلت داد.

سؤال ۱۶۶۳- اگر عاقله جانی دیوانه باشد، آیا می‌توان از طریق دادگاه دیه را از مال او برداشت نمود؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۶۶۴- هرگاه نابالغی متهم به قتل عمدی، یا جرح عمدی مادون قتل و مافوق موضحه گردد، و پس از بلوغ اقرار و اعتراف نماید و با اقرار جرم او ثابت گردد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۵

آیا دیه بر عاقله است؟ یا چون اقرار نموده، بر عهده خود اوست؟ در این خصوص تعقیب قبل از بلوغ و اقرار بعد از بلوغ، یا تعقیب بعد از بلوغ و اقرار قبل از بلوغ تفاوتی در حکم ایجاد می‌کند؟ و نیز بین ممیز و غیر ممیز، مراهق و غیر مراهق فرق است؟
جواب: در مواردی که دیه بر عاقله است، اقرار بعد از بلوغ اثری ندارد، نه نسبت به عاقله؛ چون اقرار بر ضد آنهاست و نه نسبت به خودش؛ چون فرض بر این است که جنایت مزبور دیه‌اش بر او نیست؛ ولی در مواردی که دیه بر شخص جانی است (یعنی مادون الموضحه) اقرار مزبور مؤثر است و فرقی بین ممیز و غیر ممیز و مراهق و غیر مراهق نیست.

نحوه پرداخت دیه

سؤال ۱۶۶۵- به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) شخصی مرتکب قتل شبه عمد شده و یک سال و چند ماه است که در زندان به سر می‌برد، اختلاف بر سر این است که دیه از چه موقع حال می‌شود؟ از زمان وقوع جرم، یا از زمان محکومیت در دادگاه؟

ب) آیا با گذشت نصف مدت زمان ادای دیه، همین مقدار از دیه نیز حال می‌شود؟

جواب: از زمان وقوع جرم حساب می‌شود؛ ولی تا تمام مدت اقساط نگذرد دیه حال نمی‌شود.

سؤال ۱۶۶۶- گرچه فتوای مشهور فقهای بزرگوار (رضوان الله علیهم) این است که قیمت دیه را یوم الادا محاسبه می‌نمایند، لیکن اخیراً مستنداً به نظریه بعضی از اساتید و بزرگان عصر حاضر، شاید به دلیل برقراری یک رویه و نظم خاص در پرداخت دیه، قیمت آن را بر مبنای روز صدور و قطعیت حکم محاسبه می‌کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۶

حال سؤال این است که: به نظر مبارک حضرتعالی در پرداخت قیمت دیه معیار یوم الاداست، یا روز صدور حکم، یا روز وقوع حادثه؟

جواب: اگر دیه تبدیل به قیمت شود باید مطابق قیمت یوم الادا باشد؛ مگر این که طرفین توافق به غیر آن نمایند.

سؤال ۱۶۶۷- بر اساس دستور شارع مقدس، مهلت پرداخت دیه در قتل و جراحات شبه عمد (مانند جراحات یا تلفات ناشی از تصادفات رانندگی) دو سال می‌باشد. آیا تقاضای اعسار جانی قبل از انقضای مهلت مقرر، مسموع می‌باشد؟

جواب: قبل از مدت مقرر نیازی به تقاضای اعسار نیست. اگر این تقاضا مطرح شود، نسبت به بعد از آن مؤثر خواهد بود. ضمناً در مورد دیه اعضا، در صورتی که زیاد نباشد، احتیاط واجب آن است که فوراً پرداخت شود؛ ولی اگر زیاد باشد (حدود یک سوم دیه یا بیشتر)، زمان‌بندی فوق در آن جاری است.

سؤال ۱۶۶۸- زید در سال ۱۳۷۱ به علت بی‌احتیاطی در رانندگی، در ماه حرام مرتکب قتل شبه عمد شده است. پرونده‌ای در دادگستری تشکیل و با آن که در همان زمان آماده رسیدگی و صدور حکم بوده، به علت اشتباه یا سهل‌انگاری کارمندان دادگستری، بدون صدور حکم بایگانی شده است. در اثر پیگیری زید (متهم) در سال ۱۳۷۶ پرونده پیدا شده و در سال ۱۳۷۷ از طرف دادگاه حکم به پرداخت دیه و ثلث آن صادر شده است. آیا زید (محکوم علیه) شرعاً بایستی دیه مقرر را بر مبنای نرخ دو سال بعد از تاریخ فوت متوفی بپردازد، یا به نرخ زمان بعد از صدور حکم؟

جواب: باید طبق قیمت روز بپردازد؛ ولی چنانچه مسئولان دادگستری سبب ضرر و زیان او شده‌اند، آنها ضامن تفاوت می‌باشند.

موارد پرداخت دیه از بیت المال

سؤال ۱۶۶۹- لطفاً جواب این دو سؤال را مرقوم فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۷

الف) خانواده مقتول می‌خواهد برای قصاص نصف دیه را به قاتل بدهد، در صورت عدم تمکن اولیای دم از پرداخت این مبلغ و درخواست آنان از دستگاه قضایی، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود؟
جواب: جایز نیست.

ب) مواردی که عدم قصاص، عوارض سیاسی اجتماعی داشته باشد و به نوعی حکومت باید حضور یابد، در صورت عدم تمکن اولیای دم از پرداخت تفاوت دیه، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود؟
جواب: با رضایت اولیای دم به قصاص مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۷۰- قاتلی محکوم به پرداخت دیه شده است. پس از پرداخت قسمتی از دیه، مدعی اعسار شده و دادگاه قاتل را معسر شناخته و بقیه دیه را بر عهده بیت المال گذاشته است؛ سپس ولی دم به بیت المال مراجعه کرده و بیت المال به علت کمبود بودجه فقط حدود نیمی از آنچه را که باید پرداخت کند، پرداخت نموده است. آیا ولی دم می‌تواند مجدداً به قاتل مراجعه و بقیه دیه را مطالبه نماید؟

جواب: اگر قاتل صاحب مالی شده است، ارباب دم می‌توانند به او رجوع کنند.

سؤال ۱۶۷۱- چنانچه در قتل غیر عمدی ناشی از تصادفات رانندگی، محکوم علیه پس از انقضای مهلت پرداخت دیه (دو سال) درخواست اعسار از پرداخت دیه تقدیم دادگاه نماید و پس از بررسی توسط محکمه اعسار وی ثابت گردد و چنین احراز گردد که نامبرده قادر به پرداخت دیه در آتیه هم نخواهد بود و از طرفی اولیای دم متوفی چند نفر صغیر هستند که از نظر مالی در مضیقه هستند، آیا می‌توان حکم به پرداخت دیه از بیت المال کرد؟ در صورتی که نظر مبارک مثبت باشد، مستند حکم را اعلام فرمایید.

جواب: باید دیه او را بیت المال بپردازد و مدرک آن روایاتی است که تصریح

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۸

می‌کند «لا یبطل دم امرئ مسلم»؛ بعلاوه مورد بعضی از آن روایات خصوص مورد سؤال است.

سؤال ۱۶۷۲- چنانچه فرد محکوم به پرداخت دیه فوت نماید، و ورثه او قادر به پرداخت دیه مذکور از ترکه وی نباشند، آیا می‌توان آن را از بیت المال پرداخت نمود؟

جواب: آری دیه را باید از بیت المال پرداخت نمود.

سؤال ۱۶۷۳- بیشتر ورثه مقتول، قاتلی که بایستی اعدام شود را عفو کرده‌اند. یک یا چند نفر از ایشان نه حاضر به دادن رضایت هستند، و نه قادر به پرداخت سهم الدیه سایر ورثه می‌باشند. آیا ورثه مصرّ به قصاص می‌توانند مبلغ لازمه را از بیت المال مطالبه کنند؟ اگر چنین امری ممکن نباشد، آیا قاتل با پرداخت و تودیع سهم الدیه ورثه معترض، از قصاص معاف خواهد شد؟

جواب: در فرض مسأله اخذ از بیت المال دلیلی ندارد. چنانچه گروهی رضایت دهند و بقیه امتناع کنند، قاتل را باید با وثیقه کافی آزاد کرد تا بقیه تصمیم بگیرند.

سؤال ۱۶۷۴- درباره قتل شبه عمد اگر قاتل معسر باشد دیه از خویشان نزدیک قاتل گرفته می‌شود، با رعایت الاقرب فالاقرب، و با اعسار خویشان، نهایتاً بیت المال دیه را پرداخت می‌کند. خواهشمند است بیان فرمایید موضوع فوق منحصر به قتل است، یا شامل غیر قتل هم می‌شود؛ مثلاً کسی که ۹۰ درصد بینایی یک چشم را از دست داده، یا کل بینایی یک چشم را از دست داده و جانی هم

معسر است و خویشان و نزدیکان او نیز معسر هستند، آیا دیه از بیت المال پرداخت می‌شود؟
جواب: در غیر قتل دلیلی بر گرفتن دیه از خویشاوندان یا بیت المال نداریم.

مسائل متفرقه دیات

سؤال ۱۶۷۵- آیا دیه در جزای اسلامی جریمه محسوب می‌شود، یا نوعی جبران

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۷۹

خسارت مادی وارده از طرف جانی می‌باشد؟

جواب: ظاهر ادله این است که هر دو جنبه را دارد. هم جنبه جبران خسارت و هم جنبه بازدارنده؛ به همین دلیل یکی از نامهای دیه، عقل است، که به معنای بازداشتن می‌باشد.

سؤال ۱۶۷۶- شخصی محکوم به پرداخت دیه شده است و فقط مقداری از آن را داده و یا اصلاً دیه را نداده است. با توجه به این که طبق قانون و نظر آقایان علما، دیه، دین نبوده، بلکه نوعی مجازات است، اگر این قاتل فوت کند، آیا دیه از وی ساقط می‌شود؟ اگر ساقط نمی‌شود، نحوه وصول آن چگونه و بر عهده کیست؟

جواب: دیه هم بدهی است و هم مجازات. بنابراین بعد از فوت قاتل می‌توان، مانند سایر دیون، از اموال او برداشت.

سؤال ۱۶۷۷- چرا در اسلام دیه و ارثیه زنها نصف مردها می‌باشد؟

جواب: خون زن و مرد مؤمن هر دو محترم است؛ ولی با توجه به این که دیه جبران خسارت مادی است و پرواضح است که خسارت حاصله از فقدان مردان در خانواده غالباً بیشتر از خسارت حاصله از فقدان زنان است شارع مقدس دیه مردان را دو برابر قرار داده است، و نظر به این که هزینه‌های زندگی غالباً بر دوش مردان است نه زنان، ارثیه مردان را دو برابر قرار داده است؛ شرح بیشتر در این زمینه را در تفسیر نمونه ذیل آیه دوازدهم سوره نساء مطالعه فرمایید. (۱)

سؤال ۱۶۷۸- شخصی با مراجعه به دادگاه اعلام می‌دارد برای خرج زیدی که بر اثر ضربه به وی مجروح گردیده ۲۰۰ / ۰۰۰ تومان خرج دارو و درمان نموده است، آیا مبلغ فوق را می‌توان از دیه مقرره کسر نمود؟

جواب: هرگاه با توافق مجتبی علیه این کار صورت گرفته است مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۷۹- زن یا دختری (نعوذ بالله) به میل خود زنا داده و زناى ایشان در ملأ

(۱). تفسیر نمونه، جلد ۳، صفحه ۳۷۴.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۰

عام افشا می‌شود. به خاطر عمل ننگین خود دست به خودکشی می‌زند. آیا دیه این زن و یا دختر به عهده زانی است؟

جواب: زانی مرتکب گناه بسیار بزرگی شده است؛ ولی دیه بر عهده او نیست.

سؤال ۱۶۸۰- کسی خودکشی نموده و علت آن را شخص خاصی معرفی کرده است؛ مثلاً زنی در یادداشتی که از خود به جا گذاشته نوشته که از دست شوهرم خودکشی کرده‌ام، یا چون فلانی به من بد گفته، خودکشی نموده‌ام، آیا در چنین مواردی دیه کسی که خودکشی نموده به عهده طرف مورد ادعای اوست؟

جواب: خودکشی کار بسیار زشتی است و اگر کسی زمینه آن را فراهم کرده باشد گناه بزرگی مرتکب شده است؛ ولی دیه‌ای ندارد.

سؤال ۱۶۸۱- آیا بر قطع جوارح میت دیه تعلق می‌گیرد؟

جواب: آری دیه دارد.

سؤال ۱۶۸۲- طبق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی و کتاب دیات «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد. در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است». با توجه به این که مخارج و هزینه‌های درمانی بین زن و مرد یکسان است، بلکه در مورد زنان بعضاً بیشتر هم می‌شود (رعایت ظرافت و زیبایی و توجه ویژه به معالجه که در آینده دختران و زنان تأثیر دارد) حکم شرع چیست؟ به عبارتی دیگر دیه زن نصف دیه کامل مرد است؛ ولی هزینه‌های درمان و جبران خسارت وارده، مساوی و بعضاً بیشتر است. حکم شرعی چیست؟

جواب: اگر هزینه‌های ضروری بیشتر از دیه باشد، باید توسط جانی پرداخته شود؛ خواه مرد باشد یا زن.

سؤال ۱۶۸۳- اگر دیه زن به ثلث دیه کامله نرسد، آیا مجموع دیه و ارش او به ثلث برسد، آیا باز هم حاصل جمع دیه و ارش او نصف می‌شود؟ یا این که این تنصیف تنها در صورتی است که دیه او به ثلث دیه کامله برسد؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۱

جواب: تفاوتی بین دیه و ارش در این مسأله نیست و محاسبه مجموع در صورتی صحیح است که هر دو مربوط به یک جنایت باشد.

سؤال ۱۶۸۴- به دو سؤال زیر پیرامون ارش پاسخ فرماید:

الف) آیا ارش مثل دیه مهلت پرداخت دارد یا خیر؟

جواب: در صورتی که مقدار آن کم باشد، مهلت ندارد؛ اما اگر زیاد باشد اگر بیش از ثلث دیه کامله باشد، یک سوم ارش در سال اول و بقیه را اگر کمتر از ثلث است در سال دوم می‌پردازند.

ب) اگر میزان آن به ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد یا نه؟ و آیا اصولاً ارش همان دیه غیر معین است و طبعاً آثار و خواص گوناگون آن را دارد، یا جبران صدمه و خسارتی است نظیر خسارتهای دیگر؟

جواب: ارش دیه غیر معین است و غالب احکام آن را دارد و ارش مربوط به زن هرگاه به ثلث دیه کامله برسد به نصف تقلیل پیدا می‌کند.

سؤال ۱۶۸۵- آیا تعیین ارش با قاضی است، یا حاکم شرع، یا کارشناس خبره و مورد وثوق (در شرایط فعلی، کارشناس پزشکی قانونی)؟

جواب: تعیین ارش با کارشناس مورد اعتماد و اهل خبره است که تعیین کند خسارت وارد بر معنی علیه چند درصد بوده است. و حکم نهایی را قاضی صادر می‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۳

فصل چهل و نهم: مسائل بانکی

سؤال ۱۶۸۶- ماهیت حسابهای بانکی از نظر اسلام چیست؟ آیا در بانکها اعتبار و ارزش قراردادی پول به نام اشخاص ثبت و جابه‌جا می‌شود، یا عین اسکناس و اجازه در تصرف داده می‌شود؟ شکل‌های مختلف حسابهای بانکی (جاری، سپرده ثابت، مشارکتهای بانکی و مانند آن) یکسان است یا متفاوت؟ حکم سودهای علی الحساب که در مشارکتهای بانکی به سپرده‌گذار پرداخت می‌شود چیست؟

جواب: ماهیت سپرده‌های حساب جاری ماهیت قرض است؛ و مشروط بر این است که به مجرد مطالبه ادا شود. و ماهیت سپرده‌های درازمدت و کوتاه مدت نوعی مضاربه یا سایر عقود شرعیه مانند آن است، و پرداخت سود علی الحساب نوعی وام است که بعد از

ظهور ربح محاسبه می‌شود، و در صورت رعایت ضوابط عقود شرعیّه مانند مضاربه، سود مذکور اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۸۷- به نظر حضرت‌تعالی ماهیت پول چیست؟

جواب: پول کاغذی (التّفود الورقیه) در آغاز شکل حواله داشته است و پشتوانه، ملک یا وثیقه گیرندگان حواله بوده، ولی بعداً که از شکل روز اول فاصله گرفت و حتی پشتوانه نیز به فراموشی سپرده شد و جنبه مال اعتباری پیدا کرد و پشتوانه آن در حال حاضر در واقع اعتبار و قدرت حکومتهاست و بقیه تشریفات است و با توجه به اعتباری بودن مالیت، مشکلی در مالیت پول کاغذی نیست.

سؤال ۱۶۸۸- اگر پول مثلی است، آیا کاهش ارزش آن ضمان دارد؟ کاهش فاحش چطور؟ افزایش ارزش چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۴

جواب: کاهش و افزایش فاحش ضمان آور است؛ به تعبیر صحیح‌تر چنانچه کسی به دیگری مبلغی بدهکار باشد و بعد از گذشت ۲۰ یا ۳۰ سال (در محیط ما) بخواهد آن را بپردازد به یقین پرداخت همان مبلغ ادای دین محسوب نمی‌شود و باید به قیمت روز پرداخته شود و نرخ تورّم ملاحظه گردد؛ ولی تغییرهای غیر فاحش تأثیری ندارد؛ چرا که ادای دین محسوب می‌شود.

سؤال ۱۶۸۹- در صور مختلف فوق اگر شرط ضمان شود چه حکمی دارد؟

جواب: شرط ضمان در اینجا مفهوم صحیحی ندارد؛ جز این که شرط اضافه قیمت کند که آن هم ریاست. این در صورتی است که تفاوت غیر فاحش باشد؛ ولی در تفاوت فاحش چنان که گفته شد نیازی به شرط نیست و چنانچه در بالا گفته شد باید به قیمت روز محاسبه شود.

سؤال ۱۶۹۰- آیا در صورت ضمان کاهش ارزش پول، بین قرض، مهریه، مضاربه، خمس و سایر دیون فرقی هست؟

جواب: با در نظر گرفتن شرایطی که قبلاً ذکر شد تفاوتی در میان اقسام بدهی‌ها نیست.

سؤال ۱۶۹۱- آیا در این مسأله بین آنجا که عامل تورّم دولت باشد، یا بازار، و بورس جهانی، تفاوتی پیش می‌آید؟ در صورتی که عامل تورّم، افزایش تقاضا یا کاهش عرضه و یا افزایش هزینه باشد چه حکمی دارد؟

جواب: تفاوتی در مسائل مذکور نیست.

سؤال ۱۶۹۲- بانکهای معمولی در سپرده‌های درازمدّت در ورقه قرارداد سپرده نوشته‌اند که: «این پول را فلانی به بانک داده است و بانک را وکیل نموده که در تجارت غیر ربوی استعمال کند و از سود حاصله به صاحب سپرده طبق قانون بانکداری بدهد» از قراین معلوم می‌شود که بانکها تجارت غیر ربایی زیاد دارند، در این صورت سود اعطایی چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۵

جواب: چنانچه به مسئولین بانک و کالت داده شود که آنها این عقود شرعیّه را رعایت کنند و آنها عمل نمایند، سود آن حلال است.

سؤال ۱۶۹۳- چندی پیش سمیناری در قم در مورد پول، اقتصاد و اسلام برگزار گردید. بحث در مورد پول کاغذی و پول با ارزش (طلا و نقره و ...) بود که پول کاغذی به عنوان ارزش قدرت خرید مردم تلقی شد و اظهار نمودند که دولت نمی‌تواند با کاهش ارزش پول موجب کاهش سرمایه مردم گردد و بعضی نتیجه‌های مختلفی گرفتند از جمله این که:

الف) سودی که بانکها به پس‌اندازها می‌دهد، چون موجب جبران کمی از کاهش ارزش پول است، که به وسیله دولت ایجاد می‌شود، ربا نیست.

ب) به این سود که بانک می‌دهد، چون موجب جبران کمی از کاهش ارزش پول نزد مردم می‌گردد، خمس تعلق نمی‌گیرد.

نظر حضرت‌تعالی در دو مورد فوق چیست؟

جواب: این گونه بحث‌ها که در محافل کارشناسان اقتصادی و علمای فن مطرح می‌شود، نمی‌تواند معیار احکام شرعی گردد؛ چرا

که احکام شرعی بر محور موضوعاتی که از عرف مردم گرفته می‌شود دور می‌زند، و از آنجا که در بند اول سود تلقی می‌شود، ربا و حرام است (مگر این که تحت یکی از عقود شرعی قرار گیرد) و در بند دوم که آن نیز سود محسوب می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۶۹۴- جوایز بانکها مشمول چه عنوان فقهی می‌باشد؟

جواب: نوعی هبه بلاعوض برای ایجاد انگیزه سپرده گذاری است.

سؤال ۱۶۹۵- واریز نمودن پول به مقدار معین جهت قرعه کشی چه حکمی دارد؟ اگر شرط نکند که پول را به این جهت واریز می‌کند، بلکه داعی او این امر باشد، تغییری در حکم ایجاد خواهد شد؟ اصولاً آیا بین شرط و داعی فرقی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۶

جواب: اگر شرط کند اشکال دارد؛ ولی اگر جنبه داعی داشته باشد اشکال ندارد، و تفاوت این دو از اینجا روشن می‌شود که شخص سپرده گذار برای خود حق مطالبه از بانک قائل نباشد.

سؤال ۱۶۹۶- برخی از دولتهای کشورهای اسلامی برای سرمایه گذاری در طرحهای مختلف اقدام به پخش اوراق بهادار می‌کنند، که قیمت هر برگه همانند اسکناس در آن درج شده است. دولت در ازای خرید این برگه بدون هیچ گونه شرط از طرفین دو امتیاز به خریدار می‌دهد، اول این که پول درج شده در آن برگه‌ها برای صاحبان آن محفوظ است.

دوم این که صاحب برگه می‌تواند در قرعه کشی شرکت کند.

الف) آیا خرید این اوراق و گرفتن چنین جایزه‌ای جایز است؟

جواب: در صورتی که دولت به صورت دلخواه و بدون شرط قبلی، به قید قرعه از ملک خودش به تعدادی از صاحبان برگه جایزه بدهد، مانعی ندارد.

ب) در صورت جواز در فرض اول (چنانچه اکثر فقها آن را جایز دانسته‌اند) آیا خرید و فروش امتیاز دوم، که فقط شرکت در قرعه کشی است و عرفاً یک امتیاز و حق محسوب می‌گردد، یعنی اسقاط حق در مقابل پول جایز است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

ج) در صورت جواز در مسأله اول، اگر قیمت آن اوراق بهادار در بازار آزاد اضافه گردد و قیمت دولتی آن همان قدر بماند که در برگه درج شده است، آیا خرید و فروش آن برگه با قیمت بالاتر جایز است؟

توضیح: چون سرمایه اوراق بهادار در طرحهای مختلف استفاده می‌شود، با توجه به پیشرفت و توسعه طرح قیمت آن افزوده می‌شود، ولی دولت موظف به پرداخت همان مقدار مندرج در برگه است، در حالی که در بازار آزاد قیمت آن بالاتر از قیمت مندرج می‌باشد، آیا خرید و فروش این برگه با قیمت بالاتر جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۷

جواب: هرگاه این اوراق بیانگر مشارکت در طرحهایی باشد و سهم خود را در آن طرحها به مبلغ بیشتر یا کمتری بفروشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۷- دولت پاکستان اوراقی به اسم «پرائز بانڈز»، یعنی «اوراق جایزه»، منتشر می‌کند، بانک مرکزی پاکستان این اوراق را که به قیمت‌های مختلف می‌باشد و شماره‌های مختلف دارد، می‌فروشد و برای تعیین برنده، بعد از مدت معینی قرعه کشی می‌کند و به برنده جایزه‌ای می‌دهد. قیمت این اوراق همیشه ثابت می‌ماند؛ حتی بعد از قرعه کشی. در بعضی از اوقات این اوراق در معاملات بین مردم به جای اصل اسکناس مبادله می‌شود. لطفاً با توجه به مقدمه فوق به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

الف) آیا خرید این اوراق از دولت جایز است؟

ب) نگهداری اوراق خریداری شده چه حکمی دارد؟

ج) آیا گرفتن این اوراق به عنوان جایزه در کارهای دیگر جایز است؟

د) استفاده از این اوراق در معاملات به جای اصل اسکناس چه حکمی دارد؟

هـ) بعد از اقدام بر خریداری، آیا گرفتن جایزه جایز است؟

و) مصرف این جایزه چه می‌باشد؟

جواب: این کار همان بخت آزمایی است و بخت آزمایی حرام و جایزه‌اش نیز حرام می‌باشد؛ ولی اگر آن اوراق با قطع نظر از جایزه مانند اسکناس دارای ارزشی بوده باشد، معامله روی آن اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۹۸- در کشور ترکیه تورم اقتصادی در سال به هفتاد درصد می‌رسد. با در نظر گرفتن این تورم و نزول ارزش لیر ترکیه اگر یک نفر در بانک دولتی مقداری پول به عنوان سپرده موقت بگذارد، بانک طبق مقررات خود شصت درصد سود می‌دهد، آیا گرفتن این سود، در صورتی که کمتر از تورم باشد، در مقابل تنزل ارزش پول جایز است؟ اگر سود بیشتر از تورم باشد چه صورت دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۸

جواب: هرگاه بانک اسلامی نباشد اشکالی ندارد. و اگر بانک اسلامی باشد و تورم بقدری شدید باشد که در معاملات مدت دار روزمره مردم نیز محاسبه می‌شود گرفتن مقدار تورم اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۹۹- در عملیات بانکی بدون ربا، در سیستم بانکی جمهوری اسلامی ایران، اساس کار بر معاملات مجاز و مشروع استوار است. چنانچه شخصی از بانکی تحت عنوان یکی از عقود «مشارکت، مضاربه، جعاله، فروش اقساطی و مانند آن» وجهی در قبال تضمین معتبر یا ترهین ملک و امثال آن به نام تسهیلات بانکی دریافت کند و آن وجه را در راهی غیر از آنچه با بانک قرارداد داشته مصرف کند، آیا مرتکب فعل حرامی شده، یا آن عمل حلال است؟ منافی که از این راه به دست می‌آورد چه حکمی دارد؟ به عنوان نمونه فردی برای تعمیرات مسکن خود عقد جعاله منعقد می‌کند و وجه اعطایی را صرف خرید سهام شرکت‌ها، یا سرمایه‌گذاری در جای دیگر، یا خرید اتومبیل، یا تأمین تجهیزیه فرزند خود می‌نماید. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: صرف کردن آن وجه در غیر مصرف قراردادی جایز نیست و منافع آن اشکال دارد.

سؤال ۱۷۰۰- در بین فامیل ما صندوق قرض الحسنه ای تشکیل یافته است که عملکرد آن بدین طریق است: " هر عضو ماهانه پانصد تومان یا بیشتر پرداخت می‌کند، هرگاه درخواست وام کند با توجه به ماهانه‌هایی که پرداخت کرده است ۲ یا ۳ برابر آن به عنوان وام به او پرداخت می‌شود " حال با توجه به این که ماهانه و وامها هر دو به صورت قرض مشروط است، آیا حکم ربا بر آن جاری است؟ چنانچه این کار بدون هیچ شرطی و با رضایت کامل طرفین صورت پذیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر این کار به صورت قرارداد بین آن افراد انجام شود، اشکال ربا دارد؛ تنها راه صحت آن این است که قصد همه وام قرض الحسنه باشد؛ ولی همه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۸۹

آنها اخلاقاً مقررات آن صندوق را رعایت کنند؛ بی آن که تعهد شرعی یا قانونی داشته باشند. راه دیگر این است که پولها به صورت وام داده نشود؛ بلکه به صورت هبه باشد، ولی در واقع هبه معوضه است که در مقابل این هبه، دیگران هم بموقع هبه خواهند کرد تا دوره کامل تمام شود.

سؤال ۱۷۰۱- مدتی است در شهر مقدس مشهد شرکتی تأسیس شده که اقدام به خرید منازل اشخاص و توسعه اطراف حرم مطهر می‌نماید، آنها اعلان نموده‌اند که اگر فلان مبلغ سهام بخريد در آینده فلان مبلغ به شما خواهیم داد، بر گهای سهام خود نیز در بازار

قابل خرید و فروش است، با توجه به این مقدمه به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) سودی که می‌دهند چه صورت دارد؟

جواب: چنانچه طبق عقود شرعیّه (مضاربه یا مانند آن) باشد سود پرداختی شرکت اشکالی ندارد.

ب) اگر برگه سهام در آینده ترقی کند، اضافه مبلغ آن چگونه است؟

جواب: هرگاه سرمایه شرکت تبدیل به اموال و اعیانی شده، خرید و فروش سهام با افزایش و کاهش مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۲- جریمه دیرکرد با ربا تفاوتی دارد؛ از جمله این که در ربا از ابتدا سود تعلق می‌گیرد، ولی در خسارت تأخیر تأدیه پس از فرا رسیدن سررسید و عدم پرداخت این وجه سود تعلق می‌گیرد و در واقع مجازات ظلمی است که به بدهکاران می‌شود و جبران قسمتی از خسارت وارده می‌باشد؛ چرا که تورّم در جامعه حدود ۲۰٪ است و آنچه در قانون پیش‌بینی شده ۱۲٪ می‌باشد. با توجه به تفاوت مذکور جریمه دیرکرد چه حکمی دارد؟

جواب: جریمه دیرکرد اگر جنبه تعزیر از سوی حکومت اسلامی داشته و به صورت عادلانه باشد، جایز است. همچنین اگر در عقد جداگانه خارج لازمی قید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۰

شده باشد؛ ولی اگر به معنای سود اجباری باشد، حرام است.

سؤال ۱۷۰۳- بعضی از متّهمین یا طرفین دعوا به دستور دادگاه مبالغی را به عنوان تأمین برای مدّتی در بانک به حساب دولت واریز می‌نمایند، چنانچه بانک از سوی خود سودی به این وجه سپرده شده پرداخت نماید، آیا این سود متعلّق به سپرده‌گذاران است، یا این که متعلّق به دولت است؟

جواب: سود متعلّق به صاحبان آن پولهاست.

سؤال ۱۷۰۴- اگر پس‌انداز را به همراه پول خمس نداده‌ای در بانک مسکن جهت گرفتن وام برای تهیه مسکن و ازدواج و ادامه تحصیل به صورت حساب پس‌انداز قرار دهیم، این وام چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه وام طبق ضوابط شرعیّه باشد، اشکال ندارد؛ ولی پول غیر مخمّس را باید تخمیس کنید.

سؤال ۱۷۰۵- برخی افراد جهت گرفتن وام از بانکها نیاز به پیش‌فاکتور دارند، بانک طبق قرارداد، وجه را جهت این که وام‌گیرنده مثلاً مواد اولیه خریداری نماید، به حساب صادرکننده پیش‌فاکتور واریز می‌نماید؛ ولی متقاضی، تقاضای وجه نقد از صادرکننده فاکتور می‌نماید و در حقیقت معامله صوری است، چنین وامی چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۷۰۶- اعضای این شرکت که شغل آنها قالی‌بافی است درخواست پیش‌فاکتور وام از شرکت می‌نمایند، در حالی که شخص وام‌گیرنده، قالی نیمه تمام یا تمام شده دارد و یا در آینده مواد اولیه تهیه می‌نماید (و به نحوی در ارتباط با تولید قالی نقش دارد)؛ ولی در حاضر نیاز به پول نقد دارد. آیا پرداخت وام به صورت نقد بلامانع است؟

جواب: باید طبق قرارداد بانک عمل کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۱

سؤال ۱۷۰۷- شرکت مزبور برای صدور پیش‌فاکتور، مبلغی را به عنوان هزینه از متقاضی می‌گیرد، آیا اشکالی دارد؟

جواب: در صورتی که پول به عنوان حق الزّحمه تنظیم پیش‌فاکتور باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰۸- شرکت قالی‌بافی باید مبلغ برخی از پیش‌فاکتورها را که اشخاص از بیرون و به صورت آزاد تهیه می‌کنند، تأیید نماید، برای این کار هزینه‌ای را از طرف می‌گیرد. حکم این مسأله چیست؟

جواب: مانعی ندارد؛ ولی در هر حال انصاف را رعایت کند.

سؤال ۱۷۰۹- افرادی به قصد گرفتن وام مسکن، مبلغی پول در بانک قرض الحسنه می‌گذارند؛ آیا روایت «كُلُّ قَرْضٍ يَجْرُ مَنْفَعَةٌ، فَهُوَ رِبَا» شامل اینجا می‌شود؟

جواب: اگر این کار به وسیله صندوقهای قرض الحسنه و به نفع عموم انجام شود، اشکالی ندارد و اگر توسط مؤسسات انتفاعی انجام گیرد، اشکال دارد و حدیث «كل قرض یجر منفعه» ... مربوط به جایی است که منفعت عاید شخص وام‌دهنده شود. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۳

فصل پنجاهم: احکام پزشکی

ضمان طبیب

سؤال ۱۷۱۰- آیا دندانپزشک می‌تواند قبل از شروع به کار به بیمار یا ولی او بگوید که نسبت به ضررهای احتمالی مسئولیتی را نمی‌پذیرد؟ در صورت موافقت بیمار یا ولی صغیر، اگر بیمار صدمه‌ای ببیند، آیا دندانپزشک ضامن می‌باشد؟
جواب: هرگاه قبلاً برائت خود را اعلام دارد و در کار کوتاهی نکند ضامن نیست.

سؤال ۱۷۱۱- در همه درمانهای دندانپزشکی که توسط دانشجو انجام می‌شود (وظایف آموزشی) چون کار عملی است، گاهی باعث خسارت و بعضی اوقات موجب از بین رفتن دندان یا عوارض دیگر می‌شود، در این صورت چه کسی ضامن می‌باشد؟
جواب: کسی که مباشر ایجاد نقصان است ضامن است؛ مگر این که قبلاً از طرف مقابل برائت گرفته باشد و در کارهای خود کوتاهی ننموده باشد.

سؤال ۱۷۱۲- در علم پزشکی برخی از روشهای درمانی با گذشت زمان دچار تغییراتی می‌شود، یا بکلی ارزش خود را از دست می‌دهد، در صورتی که پزشک به علت عدم مطالعه از اطلاعات جدید مطلع نشود، آیا مسئول است؟
جواب: این مسأله دو حالت دارد: حالت اول این است که عرف پزشکان، پزشک را در برابر فرا نگرفتن معلومات جدید مقصّر می‌شناسند، در این صورت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۴

ضامن است. حالت دوم آن است که فرا گرفتن آن مسائل را وظیفه طبیب نمی‌دانند؛ بلکه جزء تکامل علم محسوب می‌شود. در این صورت مسئول نیست.

سؤال ۱۷۱۳- برخی از افراد عادی (که در مسائل پزشکی تخصصی ندارند) در امر پزشکی دخالت و قرص، آمپول یا دارویی را برای مریض توصیه می‌نمایند. در صورتی که این امر منجر به مرگ یا آسیب جسمی شود، آیا آنها ضامن هستند؟
جواب: کار خلافی کرده و مجازات دارد، ولی ضامن دیه طرف نیست؛ مگر این که شخصاً دارو را به او تزریق کرده یا خورانده باشد.

سؤال ۱۷۱۴- در مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی دولتی دستیاران، بویژه در سالهای نخست، باید با حضور و راهنمایی اساتید خود، اقدام به عمل جراحی نمایند. در صورتی که دستیار با اجازه استاد خود، یا به این امید که استاد می‌گوید: «شما کار را شروع کنید، من هم می‌رسم» (ولی استاد حاضر نمی‌شود)، به تنهایی یا با همراهی سایر دستیاران، عمل جراحی را به پایان برساند و آسیبی به بیمار وارد شود که ناشی از عدم حضور استاد است، مسئول کیست؟

جواب: دستیار مسئول است؛ مگر این که تخلف استاد از قول خود سبب این مشکل شده باشد که در این صورت نیز دستیار مقصّر

است؛ ولی می‌تواند خسارتی را که پرداخته از استاد که او را مغرور ساخته بگیرد.

سؤال ۱۷۱۵- آیا اقدامات پزشکی طبیب در غیر رشته تخصصی خود که آگاهی لازم را در آن ندارد، و باعث تشدید بیماری یا بروز عارضه‌ای جدید در بیمار می‌شود یا منجر به فوت بیمار می‌گردد، موجب ضمان است؟
جواب: آری، موجب ضمان است.

سؤال ۱۷۱۶- در صورتی که بیمار یا ولی او به پزشکی که در کارش متخصص و دانا است، اجازه معالجه دهد، آیا در صورت مرگ بیمار، پزشک ضامن است؟
جواب: در صورتی که پزشک از پیامدهای احتمالی برائت بجوید و در کار استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۵
خود، کوتاهی و سهل‌انگاری نکرده باشد ضامن نیست.

سؤال ۱۷۱۷- چنانچه پزشک معالج، عمداً یا سهواً در مداوای بیمار یا مجروحی که مسئولیت درمان وی را پذیرفته است، کوتاهی ورزد و در نتیجه آن شخص در اثر سرایت بیماری و یا جرح سابق، صدمه دیده و یا تلف شود، آیا طبیب مسئولیت خواهد داشت؟
جواب: در صورتی که مریض در شرایط خطرناکی باشد و اولیای مریض او را به طبیب بسپارند که از او مراقبت کند و طرفین یا خصوص طبیب بدانند که اگر از بیمار غفلت کند، خطری بیمار را تهدید می‌کند، چنانچه طبیب این مسئولیت را پذیرفته باشد، و از انجام وظیفه تخلف نماید، در برابر نتیجه آن مسئول است و اگر عمداً و به قصد زیان رساندن به مریض این کار را کرده باشد، قتل عمد، یا جرح عمد محسوب می‌شود و در غیر این صورت، شبه عمد است.

سؤال ۱۷۱۸- معالجات دندانپزشکی ممکن است با شکست یا کوتاهی عمر دندان همراه شود، لطفاً بفرمایید:
الف) اگر دندانپزشک سعی کافی و دقت لازم را نموده باشد، ولی در حین معالجه ضررهایی به دندان و دهان برسد، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه این گونه ضررها طبیعی باشد و معمولاً در غالب موارد رخ می‌دهد، ضامن نیست، در غیر این صورت اگر از مریض برائت نگرفته باشد، ضامن است.

ب) اگر بعد از معالجه، با وجود دقت کافی در معالجه، عوارضی برای بیمار به وجود آید چطور؟
جواب: مانند مسأله سابق است.

ج) در هر حال آیا اتمام حجت با بیمار قبل از معالجه لازم است؟

جواب: برای این که مشکلی برای طبیب پیش نیاید، بهتر است که در هر حال از استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۶
بیمار برائت بگیرد.

سؤال ۱۷۱۹- غالباً و بویژه در درمانگاههای دولتی به بیماران توصیه می‌شود که فلان دندان قابل معالجه می‌باشد و همه اصرار بر نکشیدن آن می‌نمایند؛ آیا کشیدن دندان در این حالت برای پزشک ضمانت دارد؟ اگر به خاطر وضع اقتصادی یا عدم بینش فرهنگی انجام شود، ضمان شرعی دارد؟

جواب: در صورتی که دندان خراب است و بعضی به علل مختلف ترجیح می‌دهند آن را بکشند و طبیب توجیه لازم را نموده، ولی بیمار اصرار در کشیدن آن دارد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۰- اگر تزریق آمپول منجر به عارضه، یا فوت شود، آیا تزریق کننده در موارد ذیل ضامن است؟
الف) اشتباه در تجویز پزشک باشد.

ب) تزریق کننده مجوز بهداری دارد؛ اما قواعد تزریقات را رعایت نکرده باشد.

ج) تزریق کننده مجوز بهداری دارد، و قواعد تزریقات را نیز رعایت کرده باشد.

د) تزریق کننده مجوز بهداری ندارد.

جواب: در مورد اول پزشک ضامن است. در مورد دوم تزریق کننده ضامن است. در مورد سوم چنانچه مرگ یا عارضه ناشی از خطای تزریق کننده باشد ضامن است؛ مگر این که قبلاً بطور خصوصی یا بطور عام از بیماران خود برائت گرفته باشد و اگر به خاطر عیب و علت غیر عادی در بیمار بوده، ضامن نیست. و در مورد چهارم تزریق کننده ضامن است.

سؤال ۱۷۲۱- اگر خون گرفتن منجر به عارضه گردد، چه حکمی بر آن مترتب است؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۷۲۲- با توجه به این که تجویز دارو (به استثنای داروهای بدون نسخه) به عهده پزشک است نه داروساز، اگر بیماری به حال اضطراب به داروساز مراجعه کند و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۷

داروساز، دارویی در اختیار وی قرار ندهد، آیا در صورت بروز نقص جسمی، جرح یا فوت بیمار، داروساز مقصر است؟

جواب: ضامن نیست؛ هر چند در بعضی از صور مسأله مرتکب گناه شده است.

معاینات پزشکی

سؤال ۱۷۲۳- در صورت وجود پزشک زن و مرد به تعداد کافی، آیا ملاک مراجعه بیماران، همجنس بودن پزشک است یا حاذق بودن؟

جواب: در صورتی که در عدم مراجعه به حاذق تر، بیم خطر و ضرر باشد، باید حاذق تر را مقدم بشمرد و اگر بیم ضرر و خطری نباشد معیار همجنس بودن است. (البته در مواردی که معاینات بدنی لازم است).

سؤال ۱۷۲۴- تعیین حاذق بودن طیب به عهده چه مرجعی است؟ بیمار یا مراجع دیگر؟

جواب: بدیهی است حاذق بودن را تنها اهل خبره می‌توانند تشخیص دهند.

سؤال ۱۷۲۵- آیا می‌توان بیماران را به مراجعه به پزشک همجنس، حتی با ادعای اضطراب و مجوز شرعی، ملزم کرد؟

جواب: در صورتی که بیمار خود را ناگزیر از مراجعه به غیر همجنس ببیند مراجعه به غیر همجنس مجاز است.

سؤال ۱۷۲۶- لمس و نظر به بیماران غیر همجنس تا چه سنی جایز است؟

جواب: مادامی که ممیز نباشند، لمس و نظر جایز است و هنگامی که به حد تمیز رسیدند نگاه کردن قبل از بلوغ، اگر مفسده خاصی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۷- آیا پزشک می‌تواند از معاینه بیمار غیر همجنس، که به او مراجعه کرده است، خودداری کند؟

جواب: در صورتی که بیمار بتواند به وسیله طیب همجنس، مشکل خود را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۸

حل نماید، باید به او مراجعه کند.

سؤال ۱۷۲۸- آیا ضیق امکانات مکانی، لوازم، کارکنان و وقت بیمار، جزء موارد اضطراب است؟

جواب: اضطراب یک امر عرفی است، هر گاه تشخیص داده شود راه منحصر به پزشک جنس مخالف است، یا اگر منحصر نیست عسر و حرج دارد، مصداق ضرورت محسوب می‌شود.

سؤال ۱۷۲۹- آیا معطل شدن بیمار جهت دریافت خدمات درمانی، اضطراب شمرده می‌شود؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۷۳۰- آیا مراجعه زن به پزشک مرد، در صورتی که بتواند پزشک زن بیابد، جایز است (با توجه به این که معمولاً پزشکان مرد به دلیل سابقه زیادتر از مهارت بیشتری برخوردار بوده و در امر طبابت از بانوان پزشک موفق‌تر و حاذق‌تر هستند)؟ فرض سؤال در جایی است که از او معاینه جسمی به عمل می‌آید.

جواب: در صورتی جایز است که تفاوت آگاهی آن دو در حدی باشد که بیم آن برود پزشک زن موفق به معالجه نشود و بیماری ادامه یابد یا تشدید شود یا بهبودی به تأخیر افتد.

سؤال ۱۷۳۱- از آنجا که صدور جواز دفن اجساد منوط به معاینه توسط پزشکی قانونی می‌باشد و از آنجا که در مرکز پزشکی قانونی بعضی از استانها به دلیل کمبود امکانات، معاینه متوفیات توسط پزشک مرد صورت می‌گیرد. آیا از نظر شرعی یک پزشک مرد مجاز به معاینه جسد زن می‌باشد؟ توضیح آن که معاینه جسد منوط به عریان بودن کامل آن می‌باشد.

جواب: این امر شرعاً جایز نیست؛ باید تلاش کنند پزشک قانونی زن برای زنان تعیین شود.

سؤال ۱۷۳۲- در کارهای مربوط به زایمان، دانشجویان زن (اعم از پزشکی و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۵۹۹

مامایی) به حد کفایت تربیت شده‌اند. آیا لزومی برای حضور مردان در بخشهای زایمان که موجب نظر یا تماس با بدن زن می‌شود، وجود دارد؟

جواب: در صورت وجود زنان لایق، حضور مردان در این موارد جایز نیست.

سؤال ۱۷۳۳- هرگاه گرفتن نبض و فشار خون به راحتی از روی پارچه یا دستکش امکان‌پذیر باشد، آیا برهنه کردن جایز است؟

جواب: در فرض مسأله حرام است.

سؤال ۱۷۳۴- آموزش‌هایی که همراه لمس و نظر به نامحرم است و به احتمال این که در آینده حفظ جان فردی منوط به آن باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه مقصود یاد گرفتن و تکمیل اطلاعات طبّی برای نجات جان مسلمانان بوده باشد و بدون این کار، آن مقصود حاصل نشود جایز است.

سؤال ۱۷۳۵- لطفاً نظر خود را در مورد نگاه کردن در موارد زیر بیان فرمایید:

الف) در صورتی که انسان احتمال زیادی بدهد که در طی دوره آموزش، بیمار خانم وجود نخواهد داشت، یا این که اگر وجود داشته باشد شرایط آموزش مهیا نخواهد شد؛ در هر دو صورت فوت این فرصت موجب نقصان سطح علمی او خواهد شد، یا این که یادگیری بهتر را از دست می‌دهد.

جواب: در صورتی که نگاه کردن مقدمه انحصاری برای تکمیل علم طب جهت نجات جان مسلمانان بوده باشد، به مقدار ضرورت جایز است.

ب) همان فرض بالا، در صورتی که انسان بداند عدم اطلاع و مهارت کافی به کوتاهی و قصور در درمان بیمار خواهد انجامید.

جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۳۶- آیا نگاه مستقیم به عورت بیمار، برای یادگیری مسأله مهم پزشکی و یا برای درمان جایز است؟ با فرض این که در حال حاضر در محیطهای آموزشی از طریق نگاه مستقیم به عورت بیمار آموزش داده می‌شود و شرایط و مقدماتی برای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۰

نگاه غیر مستقیم فراهم نشده است.

جواب: اگر راهی جز نگاه مستقیم نداشته باشد به مقدار ضرورت جایز است.

سؤال ۱۷۳۷- مراجعه بیمار به پزشک غیر همجنس در هر یک از دو حالت زیر چه صورتی دارد؟

الف) در صورتی که فقط نیاز به نگاه به غیر وجه و کفین باشد.

ب) در صورتی که علاوه بر نگاه، نیاز به لمس و سایر معاینات نیز باشد.

جواب: مادام که دسترسی به پزشک همجنس است به غیر همجنس مراجعه ننماید؛ مگر در موارد ضرورت یا جایی که همجنس توانایی کافی ندارد.

سؤال ۱۷۳۸- در صورتی که در یک مریض بنا به ادله‌ای (همچون خلق فرزندان ناقص الخلقه، داشتن بیماریها، زمینه‌ای که باعث خطر جانی برای زوجه گردد) طبق تشخیص طیبب جلوگیری از حاملگی لازم باشد، و از طرفی بهترین روش پیشنهادی اطبا نیز مستلزم لمس یا نظر است. آیا این مورد از مصادیق اضطرار است؟

جواب: آری از مصادیق اضطرار است.

پیوند اعضا

سؤال ۱۷۳۹- گرفتن اعضا از کسانی که به دلایلی غیر از قصاص محکوم به اعدام می‌شوند، با اجازه و رضایت خود متهم، در بیمارستان و اطاق عمل برای پیوند به افراد مسلمان نیازمند و نجات جان آنان، چه حکمی دارد؟ به عبارت دیگر در مواردی که شرع مقدس و قانون نوع اعدام را مشخص ننموده، اعضایی از آنها برداشته شود به شکلی که با این کار (برداشتن عضو مثل قلب، ریه، کبد و مانند آن) متهم فوت خواهد کرد، که این کار نوعی اعدام تلقی خواهد شد، آیا این کار جایز است؟

جواب: دلیلی بر جواز این نوع اعدام نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۱

سؤال ۱۷۴۰- اگر بگوییم که افراد می‌توانند وصیت نمایند که جسدشان یا قطعاتی از اعضای بدن آنها، برای نجات جان بیماران نیازمند و یا بالا بردن دانش پزشکی دانشجویان و اساتید در اختیار قرار گیرد، آیا می‌توان در قبال آن پولی تعیین نمود تا در مصرفی که در وصیتنامه آمده صرف شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴۱- در مواردی که عضو پیوندی برای نجات جان مسلمانی ضروری باشد و یا عدم استفاده از آن سلامت مسلمان دیگری را به خطر اندازد، آیا کسب اجازه جهت برداشت آن از اولیای میت یا از خود میت در حال حیات لازم است؟

جواب: الزامی نیست؛ ولی بهتر است کسب اجازه شود.

سؤال ۱۷۴۲- آیا در مورد اعضای پیوندی که بر روی آن عملیات آماده‌سازی انجام می‌گیرد، دریافت هزینه آماده‌سازی آن از بیمار، جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴۳- خرید و فروش موادی که از اعضای پیوندی انسان استخراج می‌گردد نظیر پروتئین، فاکتور تحریک کننده استخوان‌سازی و نظایر آن چه حکمی دارد؟

جواب: جایز است؛ هرچند بهتر است پول را در مقابل اعمالی که روی آن مواد انجام می‌دهند، بگیرند.

سؤال ۱۷۴۴- آیا استفاده از اعضای پیوندی تهیه شده در کشور ما، برای مسلمانان دیگر کشورهای اسلامی جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴۵- در صورتی که در اثر وقوع بیماری لاعلاج و پیشرونده از نظر پزشکان مرگ حتمی قریب الوقوع باشد، آیا می‌توان از اعضای بدن بیمار نظیر قلب، کلیه و کبد برای پیوند به بیماران و نجات جان آنان استفاده کرد؟
جواب: جایز نیست؛ مگر در مورد مرگ مغزی که بطور قطع قابل بازگشت نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۲

سؤال ۱۷۴۶- با توجه به قوانین اسلامی در رابطه با اصالت روح، آیا پیوند مغزی در جمجمه انسان دیگری امکان دارد؟ به عبارت دیگر آیا جسم پیوند زده شده با مغز پیوندی، هویت شخصیتی خود را از دست داده و روح شخص پیوند خورده به شخص پیوند زده شده انتقال می‌یابد؟

جواب: در حال حاضر این مسأله به عنوان یک فرضیه مطرح است؛ ولی عملاً کاری انجام نگرفته است تا بتوان درباره آن بحث کرد؛ اگر چنین امری انجام گیرد، باید دید فرد مزبور با مغز جدید، شخصیت فرد اول را نشان می‌دهد یا دوم را و یا شخص ثالثی خواهد شد، تا احکام آنها تبیین گردد.

سؤال ۱۷۴۷- آیا بر پزشکی که قادر بر پیوند اعضای مختلف می‌باشد واجب است با این کار جان انسانی را نجات دهد؟

جواب: در صورتی که بتواند او را از مرگ نجات دهد، واجب است.

سؤال ۱۷۴۸- امروزه علم پزشکی بسیار پیشرفت نموده است و پزشکان می‌توانند بعضی از اعضای فردی را که بطور طبیعی فوت کرده، و حتی ضربان قلب او نیز از کار افتاده، به بیماران که در خطر مرگ هستند و یا زندگانی پرمشقت و رنج‌آوری دارند پیوند زنند (مانند کلیه، استخوان، کبد، چشم و ...) آیا این عمل جایز است؟

جواب: در فرض مسأله اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۴۹- در مورد محکومین به اعدام یا حبسهای طولانی، آیا قاضی یا حاکم شرع می‌تواند به لحاظ مصلحت، تخفیف کیفر محکوم را موکول به اهدای عضوی برای نجات مسلمانی از بیماری یا مرگ نماید؟

جواب: هرگاه محکوم راضی به این امر باشد و ضرر مهمی برای او نداشته باشد، جایز است؛ ولی هرگاه انعکاس خارجی این امر، نامطلوب و دستاویزی برای دشمنان اسلام گردد باید از آن پرهیز کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۳

کالبدشکافی و تشریح

سؤال ۱۷۵۰- یکی از وظایف پزشکی قانونی تشخیص و تعیین علت تامه مرگ امواتی می‌باشد که بنا به دلایلی از جمله بیم وقوع و یا وقوع جنایت، باید علت تامه مرگ آنان برای محاکم قضایی روشن گردد و در اکثر موارد تشخیص و تعیین دقیق علت فوت، فقط با کالبدشکافی مقدور می‌باشد و با این اقدام است که خیلی از جنایات به وقوع پیوسته کشف گردیده و از پایمال شدن خون بناحق ریخته مقتولین جلوگیری به عمل می‌آید. حال با عنایت به مطالب فوق، نظر مبارک خویش را در خصوص مسائل زیر مرقوم فرمایید:

الف) با توجه به این که انجام عمل کالبد شکافی راهی است برای کشف حقیقت و احقاق حق اولیای دم، آیا انجام این عمل شرعاً جایز است؟

ب) بر فرض جایز بودن، آیا رضایت اولیای دم برای انجام عمل کالبد شکافی شرعاً لازم است؟ در صورتی که شرط باشد، اگر بعضی از اولیای دم راضی و بعضی ناراضی باشند، شرعاً چه حکمی دارد؟

ج) آیا برای انجام عمل کالبد شکافی، تشخیص پزشکی قانونی می‌تواند جواز شرعی باشد، یا علاوه بر آن درخواست مقام قضایی نیز در این خصوص لازم است؟

د) با فرض شرط بودن رضایت اولیای دم در جواز شرعی انجام کالبدشکافی، آیا در صورت درخواست مقام قضایی بازهم رضایت اولیای دم شرط است؟

جواب: چون شارع مقدس راضی به هدر رفتن و پایمال شدن خون مسلمان نیست، در این گونه موارد بر حاکم شرع لازم است امر به کالبدشکافی کند تا مشکل حل شود. و در این صورت بر متخصص این امر جایز بلکه واجب است اطاعت کند و در چنین فرضی بر ورثه نیز لازم است رضایت دهند.

سؤال ۱۷۵۱- کالبدشکافی در مرگهای مشکوک برای تشخیص جرم چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۴

جواب: در صورتی که کشف جرم برای احقاق حق و یا دفع فساد و نزاعی باشد کالبدشکافی اشکال ندارد.

سؤال ۱۷۵۲- تشریح جسد مردان برای دانشجویان پزشکی دختر چه حکمی دارد؟ تشریح جسد بانوان برای دانشجویان پزشکی مرد چگونه است؟

جواب: مادام که ضرورت قطعی نباشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۵۳- در مواردی که تشریح بدن مسلمان به خاطر ضرورتها جایز است، آیا اجازه او قبل از مرگ، یا اجازه اولیای او بعد از مرگ ضرورت دارد؟

جواب: جایز است؛ هرچند خودش قبل از مرگ اجازه نداده باشد و احتیاط آن است که از اولیای میت نیز اجازه بگیرند.

تلقیح مصنوعی

سؤال ۱۷۵۴- اگر مردی عقیم باشد، ولی زن او سالم و قدرت باروری داشته باشد، اگر اسپرم مرد دیگری در آزمایشگاه با تخمک زن مذکور ترکیب شود و آنگاه این نطفه ترکیب یافته یا جنین در رحم زن نهاده شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این کار جایز است؟

جواب: جایز نیست.

ب) آیا این امر زنا محسوب می‌شود؟

جواب: زنا نیست؛ ولی از جهاتی شبیه زناست.

ج) آیا مشخص بودن یا ناشناس بودن دهنده اسپرم در حکم مسأله تأثیر دارد؟

جواب: هیچ تأثیری ندارد.

د) رابطه شرعی کودک با شوهر زن از لحاظ ارث، محرمیت و نکاح چگونه خواهد بود؟

جواب: رابطه‌ای با او ندارد؛ جز این که فرزند طبیعی همسر اوست و با او محرم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۵

ه) رابطه شرعی کودک با مرد صاحب اسپرم از نظر ارث، محرمیت و نکاح چگونه می‌باشد؟

جواب: به منزله فرزند نامشروع اوست که محرم است؛ ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند.

سؤال ۱۷۵۵- در مواردی زن عقیم بوده و دارای تخمک بارور نیست ولی شوهر قدرت باروری داشته و خواستار بچه می‌باشد، اگر اسپرم مرد گرفته شود و با تخمک زن دیگری در آزمایشگاه ترکیب شود، آنگاه این نطفه ترکیب یافته یا جنین در رحم زن ثالثی

نهاده شود و در آنجا رشد نموده و متولد شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این امر جایز است؟

جواب: ترکیب نطفه آن مرد با تخمک زن اجنبی جایز نیست؛ مگر این که آن زن بی شوهر باشد و او را به عقد موقت خود در آورد و از تخمک او استفاده کند.

ب) رابطه شرعی این کودک از نظر نسب مادری، محرمیت، نکاح و ارث با همسر مرد (که هیچ نقشی در تولد کودک نداشته) چگونه است؟

جواب: هیچ رابطه‌ای با او ندارد، جز این که فرزند شوهر اوست و با او محرم است.

سؤال ۱۷۵۶- در موردی که زن دارای تخمک سالم می‌باشد، اما رحم قدرت نگهداری و پرورش جنین را ندارد، اگر اسپرم شوهر با تخمک زن در آزمایشگاه ترکیب شود و سپس این نطفه ترکیب شده یا جنین حاصله در آزمایشگاه به رحم زن دیگری منتقل شود، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این امر جایز می‌باشد؟

جواب: این کار ذاتاً جایز است، اما چون معمولاً موجب نظر و لمس حرام است، تنها در موارد ضرورت جایز است.

ب) آیا اجازه صاحب رحم لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۶

جواب: آری لازم است.

ج) آیا زنی که نطفه ترکیب شده یا جنین در رحم او قرار می‌گیرد، می‌تواند جهت انجام این عمل درخواست اجرتی نماید؟
جواب: مانعی ندارد.

ه-) رابطه شرعی کودک متولد شده، از نظر نسب مادری، با صاحب رحم و زن صاحب تخمک چگونه است؟

جواب: زن صاحب تخمک مادر اوست و زن صاحب رحم به منزله مادر رضاعی می‌باشد و به او محرم است.

و) رابطه شرعی این کودک از نظر نسب، ارث، محرمیت و نکاح با شوهر زن صاحب رحم چگونه است؟

جواب: فقط نسبت به او محرم است.

سؤال ۱۷۵۷- تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی در خارج از بدن و جایگزینی آن در رحم همان زن چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل حلال‌زاده است؟

جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی چون معمولاً مستلزم نظر و لمس حرام است، تنها در صورت ضرورت جایز می‌باشد. (منظور از ضرورت این است که مثلاً اگر این کار انجام نشود زندگی زناشویی آن مرد و زن مختل می‌شود و یا زن گرفتار بیماری می‌شود).
و در هر حال فرزند مذکور حلال‌زاده است.

سؤال ۱۷۵۸- تلقیح اسپرم و تخمک زن و شوهر شرعی و رشد جنین در محیط غیر انسانی چه حکمی دارد؟ آیا کودک حاصل از این عمل حلال‌زاده است؟

جواب: اشکالی ندارد به همان شروطی که در بالا گفته شد و فرزند مذکور حلال‌زاده است.

سؤال ۱۷۵۹- هشت سال است ازدواج کرده ام، ولی بچه دار نمی‌شوم و مشکل از ناحیه شوهرم است، هیچ امیدی به بچه دار شدن من نیست آیا می‌توان از نطفه مردی دیگر استفاده کرد؟ به صورتی که دو طرف همدیگر را نبینند و اسپرم مرد را در مطب دکتر به زن تزریق کنند. در ضمن شنیده‌ام که گفته‌اند این عمل چون برای جلوگیری از طلاق است و دو طرف همدیگر را نمی‌بینند، اشکالی ندارد و مانند خونی است که از شخصی گرفته و به شخص دیگری تزریق می‌کنند، و لهذا از نظر شرعی حلال است. آیا

چنین چیزی صحّت دارد؟

جواب: این کار گناه دارد و جایز نیست؛ مگر این که شما از شوهرتان طلاق بگیریید و بعد از گذشتن عده به عقد موقت مثلاً یک روزه مردی درآیید، هرچند او را هرگز ندیده و نبینید و نطفه آن مرد را در مطب دکتر گرفته و به شما تزریق کنند و بعد از تولد فرزند مجدداً به عقد شوهرتان درآیید. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۷۶۰- اسپرم زوج با رضایت او و به طریق اصول پزشکی گرفته شده تا به زوجه خود او تلقیح مصنوعی شود؛ اما قبل از این که این تلقیح انجام گیرد، زوج می‌میرد و پس از فوت او این عمل صورت می‌گیرد و فرزندى به دنیا می‌آید. آیا فرزند متولد شده، فرزند مشروع همان زوج متوفی است و از او ارث می‌برد؟

جواب: این کار مجاز نبوده است؛ ولی چنانچه نمی‌دانستند، فرزند مزبور حلال‌زاده است و احکام محرمیت را دارد و از مادر ارث می‌برد، ولی از پدر ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۷۶۱- تعدادی از زن و شوهرها به دلایل طبیی، بچه‌دار شدنشان بطور طبیعی مشکل بوده و لازم است که از روشهای درمانی مختلف برای کمک به آنها استفاده شود. یکی از این روشها، لقاح خارج از رحمی می‌باشد؛ به این معنا که تخمک را از زوجه و نطفه را از شوهرش گرفته و آنها را با هم مخلوط می‌نماییم. از اختلاط و امتزاج تخمک و نطفه، جنین حاصل می‌شود، سپس این جنین به رحم زوجه منتقل می‌شود تا حاملگی و بعد زایمان صورت گیرد. لازم به تذکر است که استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۸

جنین‌ها هنگام انتقال به رحم، فقط ۲۴ تا ۴۸ ساعت از زمان لقاحشان گذشته و دارای ۴ الی ۸ سلول می‌باشند. گاهی از اوقات، تعداد جنین‌های حاصل از نطفه زن و شوهر بیش از حد نیاز است که در این صورت اضافه بر نیاز منجمد شده و پس از زایمان زن با رضایت زوجین، جنین‌ها از رده خارج و دور ریخته می‌شود. از طرف دیگر، تعدادی از زوجها وجود دارند که به دلایل طبیی، به هیچ وجه صاحب فرزند نمی‌شوند؛ امّا برای برخی از آنها، این امکان از نظر طبیی وجود دارد که جنین‌های مازاد دسته اول را در صورت عدم نیاز زوجین، به رحم آنان انتقال داد. سؤالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود عبارتند از:

الف) انتقال این جنین‌های بارور نشده به رحم زن ثالث از نظر شرعی چگونه است؟

جواب: این کار ذاتاً مانع شرعی ندارد؛ ولی چون مستلزم لمس و نظر حرام است تنها در صورت ضرورت جایز است.

ب) در صورت عدم نیاز زوجین به جنین خود، آیا موافقت آنها برای هدیه جنین به غیر لازم است؟

جواب: آری، لازم است.

ج) آیا والدین صاحب جنین می‌توانند در ازای اهدای جنین خود وجهی دریافت نمایند؟

جواب: بهتر این است که چیزی نگیرند.

د) آیا ارائه مشخصات اهدا کنندگان جنین به دریافت کنندگان و برعکس، لازم است؟

جواب: نظر به این که فرزند مزبور تعلق به صاحبان اصلی نطفه دارد، لازم است هویت آنها ثبت شود و به اطلاع برسد.

هـ) در صورتی که فرزند پسر باشد، آیا این پسر با زنی که در رحم او بزرگ شده، محرم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۰۹

جواب: آری، محرم است.

و) در صورت دختر بودن فرزند، آیا با شوهر مادر جانشین (زنی که در رحم او بزرگ شده)، محرم است؟

جواب: آری، محرم است.

ز) والدین فرزند حاصل چه کسانی هستند؟

جواب: پدر و مادر او صاحبان نطفه‌اند، هرچند به زن ثالث نیز محرم می‌باشد.

(ح) تکلیف ارث این بچه‌ها پس از تولد چگونه است؟

جواب: فقط از صاحبان نطفه ارث می‌برند.

(ط) در صورت موافقت قبلی والدین صاحب جنین (صاحب نطفه و تخمک) در اهدای جنین خود، آیا می‌توانند پس از تولد نوزاد و

یا سالها بعد، از شخص ثالث مدعی استرداد طفل شوند؟

جواب: احتیاط آن است که با رضایت مادر جانشین، بچه را بگیرند.

سؤال ۱۷۶۲- آیا مادر جانشین (زن پذیرای جنین) مستحق دریافت نفقه یا اجرت المثل تا زمان تولد جنین، از صاحب نطفه و پدر

جنین می‌باشد؟ و آیا این کار نوعی اجاره اعضا (اجاره رحم) تلقی می‌گردد؟ یا مشمول عقد دیگری است؟

جواب: این موضوع تابع قرارداد است، و اگر قراردادی ندارند و جنبه رایگان نداشته حق اجرت المثل دارد و عمل مزبور نوعی

اجاره است، نه اجاره اعضا؛ بلکه اجیر شدن برای پرورش جنین.

جلوگیری از بارداری

سؤال ۱۷۶۳- با توجه به ماده «۱۴ بند ب» و ماده «۱۶ بند ه-» کنوانسیون «محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» که حق تصمیم‌گیری

در مورد تعداد فرزندان، فواصل بارداری و تنظیم خانواده را برای زنان مطرح می‌کند، آیا زن بدون رضایت همسرش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۰

می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روشهای ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری کند؟

جواب: این کار جایز نیست؛ مگر این که خطر قابل ملاحظه‌ای سلامت زن را تهدید کند.

سؤال ۱۷۶۴- کاندوم (قرار دادن روکش نازک پلاستیکی در حین مقاربت) از وسایل جلوگیری از حاملگی است، استفاده از آن

چگونه است؟ آیا رضایت همسر شرط است؟

جواب: استفاده از آن جایز است و رضایت همسر شرط نیست؛ ولی بدون اجازه او کراهت دارد.

سؤال ۱۷۶۵- آیا مصرف قرصهای ضد حاملگی جهت پیشگیری از بارداری بلامانع است؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۶۶- داروهای تزریقی وجود دارد که از طریق عضلانی تزریق می‌شود و برای مدت معینی اثرات ضد حاملگی دارد. حکم

استفاده از این مواد جهت جلوگیری از بارداری چیست؟

جواب: در صورتی که ضرر قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد و همسر راضی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۶۷- کپسولهایی به نام «نورپلانت» وجود دارد که در زیر پوست کاشته می‌شود (بیشتر در قسمت‌های خارجی فوقانی بازو

کشت می‌شود) و این یکی از روشهای جلوگیری از بارداری است. آیا شرعاً این عمل جایز است؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۷۶۸- قرار دادن «نورپلانت» توسط پزشک زن که فقط سطح خارجی بازو را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۱

مشاهده می‌کند، چه حکمی دارد؟ آیا در صورت پوشیدن دستکش توسط طیب و پوشش کامل زن، به جز محل عمل (حدود چند

سانتیمتر روی بازو)، پزشک مرد می‌تواند به این کار اقدام کند؟

جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۱۷۶۹- حکم عزل (که مرد هنگام آمیزش، نطفه خود را خارج از رحم بریزد) چیست؟ آیا رضایت زن شرط است؟
جواب: اشکال ندارد، ولی مکروه است؛ مگر در مواردی که ضرورتی باشد و رضایت زوجه شرط نیست، مگر در آمیزش واجب که در هر چهار ماه واجب است که عزل در آن اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۰- در تعیین موارد اضطرار، در صورتی که پزشکان متخصص زنان و زایمان در مورد حاملگی به خانمی اعلام خطر کنند، (خطرات جانی و جسمی و مشکلات احتمالی برای جنین) آیا کفایت می‌کند؟
جواب: هرگاه پزشکان مزبور در کار خود حاذق و از نظر صداقت و تعهد مورد تأییدند، تشخیص آنها در مورد انواع جلوگیری‌هایی که در بالا ذکر شد، کافی است.

سؤال ۱۷۷۱- بستن لوله‌های رحم باعث قطع دائم حاملگی در خانمها می‌شود و در شرایط ایده‌آل شانس برگشت، با عمل جراحی مجدد، حدوداً ۵۰٪ است. این عمل چه حکمی دارد؟
جواب: در غیر حال ضرورت، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۲- جهت بستن لوله‌های رحم، (TL) حین عمل، هیچ الزامی بر مشاهده عورت خانمها وجود ندارد و عمل از طریق شکم صورت می‌گیرد. آیا انجام عمل توسط پزشک زن مانعی ندارد؟ (با توجه به این که لمس و نظر در ناحیه شکم صورت می‌گیرد).
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۲
جواب: از نظر لمس و نظر مشکل نیست.

سؤال ۱۷۷۳- خانمی است که به علت دیگری تحت عمل جراحی قرار گرفته و شکم بیمار باز شده است. با توجه به باز بودن شکم، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا باز مسأله لمس و نظر مطرح می‌شود یا خیر؟ در صورتی که پزشک مرد مسئول جراحی مشکل اولیه بیمار باشد چگونه؟
جواب: لمس و نظر باید به مقدار ضرورت باشد و بیش از آن مجاز نیست. علاوه بر آن که احراز شرایط فوق و رضایت بیمار و همسرش نیز لازم است.

سؤال ۱۷۷۴- در صورتی که شکم زن بیمار توسط دستیار زن باز شود، آیا پزشک مرد می‌تواند با دستکش، به عمل بستن لوله‌ها پردازد، با توجه به این که نظر به پوست ظاهر شکم صورت نمی‌گیرد و بیشتر داخل شکم مشاهده می‌گردد؟
جواب: تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۷۷۵- «IUD» برای جلوگیری از حاملگی در زنان استفاده می‌شود. این وسیله بایستی از طریق مهبل در داخل رحم گذارده شود و غالباً متخصصین زن می‌توانند مبادرت به این کار نمایند؛ ولی زنان کافی در تمام مراکز بهداشتی- درمانی و یا بیمارستانها، برای این کار آموزش داده نشده‌اند. آیا حرام نیست مرد این کار را انجام دهد؟ در صورتی که این کار توسط زن صورت گیرد، آیا مشاهده توسط دانشجویان پزشکی پسر به منظور یادگیری اشکال دارد؟
جواب: این کار جز در موارد ضرورت جایز نیست و اگر ضرورتی باشد، مادام که دسترسی به جنس موافق است، مراجعه به جنس مخالف جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۶- در صورت ضرورت کنترل بارداری در زن و شوهر خاصی، و عدم موفقیت آنها در رعایت مناسب سایر روشها، بستن لوله‌ها چه حکمی دارد؟ آیا از موارد اضطرار است؟
جواب: در صورتی که خطری از ناحیه بارداری متوجه مادر باشد مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۳

سؤال ۱۷۷۷- آیا جواز شرعی برای وازکتومی (یعنی بستن لوله‌ها) جهت کنترل موالید و جلوگیری از رشد غیر متعارف جمعیت،

عنوان ثانوی داشته و با از بین رفتن ضرورت قابل لغو است؟

جواب: در صورتی که ضرورت فردی یا اجتماعی، طبق تشخیص متخصصان مورد اعتماد اقتضا کند مانعی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۸- جهت بستن لوله‌های رحمی TL، روش «لاپاراسکوپی» می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد (یعنی با برشهای حدود نیم تا یک سانتیمتری از روی شکم این عمل انجام می‌شود) حکم این روش ذاتاً چیست؟

جواب: چنانچه این روش مانند سایر روشها سبب عقیم شدن باشد جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۱۷۷۹- در سؤال فوق با توجه به پوشیده بودن بدن بیمار و فرستادن وسایل «لاپاراسکوپی» از منذهای نیم تا یک سانتیمتری به داخل شکم بیمار و عدم لزوم لمس و نظر، آیا پزشک مرد می‌تواند به این عمل اقدام کند (با توجه به آماده کردن محیط عمل تا پوشش کامل، توسط خانمها)؟

جواب: اگر لمس و نظر لازم نیاید، از این جهت مشکلی نیست.

سؤال ۱۷۸۰- در کل، با توجه به سؤالات مطروحه، در صورتی که حضرتعالی ارشاد و نظر خاصی دارید، لطفاً جهت استفاده پزشکان بفرمایید.

جواب: توصیه حقیر این است که باید در مسأله کنترل موالید، مانند همه مسائل اجتماعی، از افراط و تفریط پرهیز کرد و تنها مسائل کوتاه مدت را در نظر نگیرند و به واقعیت توجه کنند؛ نه شعارها.

تغییر جنسیت

سؤال ۱۷۸۱- مردی به علت این که در گذشته علاقه زیادی به بازی با دختران

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۴

داشته، و به جهت این که صاحب فرزندی در زندگی مشترک خود نگردیده و به خاطر لجبازی در برخی مسائل با دوستانش تصمیم به تغییر جنسیت می‌گیرد.

وی بدون اطلاع خانواده‌اش قریب به شش ماه داروهای هورمونی زنانه مصرف نموده و جهت محکم نمودن تصمیم خویش با روانشناسی مشاوره نموده است. ابتدا با طرح مسائلی دروغ در خانواده، از قبیل این که به گفته پزشکان «قلب من زنانه است» و مانند آن، قصد آماده‌سازی زمینه این کار را داشته است، پس از مدتی با اغفال خانواده‌اش موفق می‌شود خانمش را طلاق بدهد و در گام بعدی برای اولین بار لباس زنانه می‌پوشد و با آراستن شکل ظاهری خویش به شکل زنان به منزلشان می‌آید که با عکس العمل تند والدین روبه‌رو می‌شود، ولی نه تنها عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه تهدید می‌نماید که اگر به آرزویش نرسد انتحار خواهد کرد. و بالاخره تغییر جنسیت داده و با تغییر نام خود با مردی ازدواج می‌کند. حکم این مسأله چیست؟

جواب: چنانچه قبلاً هم گفته‌ایم تغییر جنسیت دو صورت دارد:

گاهی صرفاً ظاهری و صوری است؛ یعنی اثری از آلت جنس مخالف نیست، بلکه فقط یک جراحی صوری انجام می‌گیرد و چیزی شبیه آلت جنس مخالف ظاهر می‌گردد؛ این کار حرام است و باید بشدت از آن پرهیز نمود. و اگر ازدواجی بر اساس آن صورت گیرد حرام و باطل است و حد شرعی دارد.

ولی گاه واقعی است، یعنی با جراحی کردن عضو تناسلی مخالف ظاهر می‌گردد، این کار ذاتاً جایز است و محذور شرعی ندارد، مخصوصاً در مواردی که آثار جنس مخالف در او باشد؛ اما چون این جراحی نیاز به لمس و نظر دارد، تنها در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۷۸۲- اگر زن و شوهر با هم در یک زمان تغییر جنسیت دهند، حکم ازدواج قبلی آنها چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۵

جواب: اگر تغییر حقیقی باشد زوجیت بلافاصله فسخ می‌شود و می‌توانند مجدداً عقد ازدواج در شکل جدید بخوانند؛ ولی احتیاط آن است زمان عده بگذرد.

شبه‌سازی

سؤال ۱۷۸۳- شبه‌سازی تحت چه شرایطی جایز می‌باشد؟ توضیح این که از طریق موادی از پوست خود زن باعث ایجاد جنینی در او بشویم، که این جنین از هر جهت شبیه به خود او می‌باشد. این کار برای اولین مرتبه در انگلستان نسبت به گوسفند انجام شده است، آیا این عمل جایز است؟

جواب: این عمل از نظر شرعی خالی از اشکال نیست و مفسد زیادی بر آن مترتب می‌شود، به همین جهت حتی افرادی که پایبند به دین و شریعتی نیستند به خاطر مفسد اجتماعی آن به مخالفت با آن پرداخته‌اند.

سؤال ۱۷۸۴- با توجه به پیشرفت علم پزشکی و ژنتیک و موفقیت انسان در تولید غیر جنسی گوسفند، موش و مانند آن و قابلیت اجرای این عمل در تولید غیر جنسی انسان و ترمیم اعضا لطفاً بفرمایید:

الف) آیا انجام چنین عملی (تولید انسان کامل از طریق شبه‌سازی) شرعاً صحیح است؟

جواب: همان گونه که قبلاً هم اشاره کرده‌ایم این کار ممکن است ذاتاً اشکالی نداشته باشد؛ ولی با توجه به عوارض نامطلوب فراوان اجتماعی و اخلاقی که بر آن مترتب می‌شود، شرعاً مجاز نیست؛ بعلاوه، اگر مستلزم نظر و لمس حرام به هنگام کشت سلول مشابه در رحم انسان گردد، از این نظر نیز اشکال دیگری متوجه می‌شود.

ب) آیا ساخت اعضا و پیوند آن به انسان، شرعاً صحیح است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که مستلزم کار حرام خاصی نبوده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۶

ج) با فرض اجرای چنین عملی در خارج از ممالک اسلامی و پیدایش چنین موجودی، آیا این موجود می‌تواند به دین اسلام مشرف شود؟

جواب: تشرف چنین انسانی به دین اسلام بی‌مانع است.

د) آیا می‌توان با چنین موجودی معاشرت و معامله نمود؟

جواب: اشکالی ندارد؛ انسانی است همانند سایر انسانها.

ه) ازدواج با چنین موجودی چه حکمی دارد؟

جواب: ازدواج و نکاح او با هر کس جز محارم، یعنی کسی که سلول از او گرفته شده یا در رحم او پیوند زده شده، بی‌مانع است.

و) آیا می‌توان از چنین انسانی ارث برد؟

جواب: چنین انسانی از کسی ارث نمی‌برد و ارث او به امام می‌رسد؛ همانند فرزندان رضاعی که محرم هستند ولی ارث نمی‌برند و بستگان نیز از آنها ارث نمی‌برند.

ز) آیا او می‌تواند ازدواج کند؟

جواب: آری، از این نظر فرقی با سایر انسانها ندارد.

سؤال ۱۷۸۵- بعضی از افراد برای کمک به درمان بیمارانی که نیاز به فرآورده‌های خونی یا اعضای بدن دارند، حاضر می‌شوند که خون یا مثلاً کلیه یا چشم خود را بفروشند، خرید و فروش این اعضا چه حکمی دارد؟

جواب: فروختن خون و کلیه در صورتی که خطری برای دهنده ایجاد نکند اشکالی ندارد؛ ولی بهتر آن است که پول را در مقابل اجازه برداشتن کلیه یا گرفتن خون بگیرند؛ ولی در مورد چشم مطلقاً جایز نیست.

سؤال ۱۷۸۶- آیا تعیین ضرورت به عهده عرف است، یا شخص مکلف، یا افراد صاحب نظر و اهل خبره؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۷

جواب: موارد مختلف است؛ در امور ساده بسته به نظر عرف و در موارد پیچیده بسته به نظر اهل خبره است.

سؤال ۱۷۸۷- آیا در موردی که احتمال ضرورت می‌رود، می‌توان معامله ضرورت نمود؟

جواب: احتمال ضرورت کافی نیست، باید ضرورت ثابت شود؛ ولی در موارد خطر، خوف خطر کافی است و یقین به خطر لازم نیست.

سؤال ۱۷۸۸- چنانچه بنا بر ضرورت در آموزش پزشکی لازم شود دانشجو یا پزشک نامحرم، بیمار را معاینه یا درمانی که ملازم لمس و نظر می‌باشد نماید، آیا اجازه بیمار یا بستگان وی لازم است؟

جواب: هرگاه آموزش ضروری منحصر به آن مورد باشد رضایت طرف لازم نیست؛ ولی اگر موارد دیگری برای آموزش پیدا شود که طرف مقابل رضایت می‌دهد نمی‌توان از مواردی که راضی نیستند استفاده کرد.

سؤال ۱۷۸۹- اهدا و انتقال خون از غیر مسلمان به مسلمان، مرد به زن و بالعکس چه حکمی دارد؟ جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که بیم انتقال بیماری برود.

سؤال ۱۷۹۰- آیا انسان می‌تواند خون خود را به زوجه‌اش بدهد؟ جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۹۱- آیا جراحی غددی که در بدن قرار دارد (حتی اگر ضروری برای شخص نداشته باشد)، یا جراحی‌های مختلف که جهت زیبایی انجام می‌شود، جایز است؟

جواب: در حد معقول و منطقی جایز است. (حکم زیباسازی را مشروحاً در جلد اول استفتائات سؤال ۱۵۶۳ بیان کرده‌ایم).

سؤال ۱۷۹۲- برخی از خانم‌های حامله که می‌توانند به وضع طبیعی زایمان کنند، اصرار دارند سزارین شوند تا درد کمتری را تحمل کنند. در این زمینه حکم چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۸

جواب: اگر این کار جنبه عقلایی داشته باشد اشکالی ندارد.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۶۱۸

سؤال ۱۷۹۳- بسیاری از احکام شرع در مسائل پزشکی مشروط به عدم لمس و نظر جنس مخالف شده است، آیا منظور از لمس، لمس مستقیم پوست با بدن بیمار است، یا در صورتی که دست پزشک با پوششهایی نظیر دستکش طبی پوشیده باشد، لمس محسوب نمی‌شود؟

جواب: در صورتی که بدن مستقیماً تماس پیدا نکند، برای نیازهای پزشکی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۹۴- این جانب از علاقه‌مندان به طب اسلامی و سنتی می‌باشم. نیازی به توضیح نیست که جوامع روایی ما سرشار از توصیه‌های حکیمانه در زمینه مسائل بهداشتی و درمانی است (برای مثال توصیه‌های عدیده و مؤکدی در باب حجامت وجود دارد) که عمل و تمسک بدین گنجینه گرانبها، گذشته از اجر اخروی که در بر دارد، می‌تواند منشأ خیر و برکت برای جامعه اسلامی و مسلمانان بلکه تمام بشریت گردد؛ زیرا نظر به هزینه‌های گزاف درمان به شیوه امروزی و در بعضی اوقات تبعات منفی پزشکی کنونی که ناشی از وارداتی بودن صرف این شیوه است، عمل به دستورات دین مبین اسلام به دلیل هماهنگی آن با روح و جان انسان علی‌رغم سادگی این فرامین در مرحله اجرا، می‌تواند ضامن سلامت روحی و جسمی جامعه و در بعد سیاسی، اجتماعی موجب استقلال و بی‌نیازی مملکت اسلامی گردد.

از سوی دیگر در مجامع علمی امروز، اثبات یک مدعا منوط به داشتن پشتوانه محکم تحقیقاتی و بررسی آماری منطبق با شیوه‌های پژوهشی استاندارد می‌باشد. لذا با توجه به موارد فوق‌الذکر خواهشمند است نظر خود را در مورد مسائل ذیل بیان فرمایید:
الف) انجام تحقیق و پژوهش پیرامون حجامت و فصد (و سایر موضوعات پزشکی مشابه که در روایات موجود می‌باشد) مطابق با استانداردهای علمی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۱۹

بین المللی و بررسی آماری نتایج حاصل از آن از نظر شرعی چه وجهی دارد؟

جواب: این گونه پژوهش‌ها بسیار خوب و موجب سربلندی اسلام و مسلمین است؛ ولی باید موازین شرعی در موارد عوارض جانبی آن رعایت شود.

ب) با توجه به اثرات مثبت ناشی از به کارگیری توصیه‌های بهداشتی و درمانی دین مبین اسلام و نیز اثری که می‌تواند در خودکفایی و قطع وابستگی از بیگانگان داشته باشد، به نظر حضرتعالی ضرورت تحقیق پیرامون این موضوعات به منظور کاربردی کردن آنها در سطح جامعه تا چه حدی است؟

جواب: بی‌شک انجام این کار مفید و سودمند، بلکه در بعضی از موارد لازم و ضروری است.

سؤال ۱۷۹۵- آیا دندانپزشک می‌تواند مبلغ و زمان درمان را با بیمار مشخص کند؟ اگر این مقاطعه بر خلاف تعرفه‌های وزارت بهداشت باشد، چگونه است؟

جواب: مقاطعه با روشن شدن شرایط اشکالی ندارد؛ ولی تخلف از مقررات جمهوری اسلامی مجاز نیست.

سؤال ۱۷۹۶- آیا دندانپزشک می‌تواند برای درمان افراد غیر عادی (افراد حساس، بچه‌ها و مانند آن) با توجه به وقت بیشتری که صرف درمان می‌کند، مبلغ زیادتری مطالبه نماید؟

جواب: اگر واقعاً وضع بیمار غیر عادی است، قرارداد مخصوص مانعی ندارد؛ ولی در هر حال انصاف را رعایت کند.

سؤال ۱۷۹۷- استفاده از دفترچه بیمه دیگران چگونه است؟ آیا تحقیق و تفحص توسط پزشک لازم می‌باشد؟

جواب: هرگونه استفاده از دفترچه بیمه بر خلاف مقررات و قرارداد شرعاً مجاز نیست؛ ولی برای طبیب، تفحص لازم نیست.

سؤال ۱۷۹۸- تحویل دارو در مطب طبق مقررات ممنوع می‌باشد، آیا دندانپزشک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۰

می‌تواند با توجه به این که تهیه دارو برای بیمار باعث عسر و حرج می‌گردد، دارو تجویز و تحویل نماید؟

جواب: در موارد ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۹۹- آیا آزمایش اسپرم، که با استمنا حاصل می‌شود و برای ازدواج در بعضی از موارد لازم می‌باشد، جایز است؟

جواب: گرفتن اسپرم برای آزمایش از طریق استمنا تنها در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۸۰۰- پزشکی یقین دارد که عمل جراحی روی فلان بیمار تأثیری در زنده ماندن او ندارد، بطوری که بیمار چه عمل شود و چه عمل نشود بیش از مدت کوتاهی زنده نخواهد ماند. آیا بنا به اصرار همراهان بیمار یا مسئولین بیمارستان جایز است اقدام به جراحی نماید؟

جواب: در صورتی که بیمار راضی باشد و اطلاع کافی به او داده شود، مانعی ندارد.

پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۱

نگاهی گذرا بر زندگی پربرکت مرجع عظیم الشان حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی «دام ظلّه»

۱- آغاز پربرکت

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در سال ۱۳۴۵ هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضایل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظّم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

۲- حیات علمی

با این که هیچ یک از افراد خانواده معظّم له در کسوت روحانیت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظّم له در حدود ۱۴ سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا بابا خان شیراز» آغاز کرد و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق العاده‌ای که داشت، مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در مدتی نزدیک به چهار سال! به پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۲

می ساخت، و گاه در یک روز- علاوه بر درسهایی که خود می خواند- هشت جلسه تدریس داشت!

ایشان در ۱۸ سالگی از شیراز وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیه الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

۳- هجرت در جوانی

معظّم له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال ۱۳۶۹ ه- ق وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم، خویی، سید عبد الهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر- قدس الله اسرارهم- شرکت جستند.

۴- رسم دیرینه حوزه

معظّم له در سن ۲۴ سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

۵- رجعتی پس از هجرت

معظم له در ماه شعبان سال ۱۳۳۰ هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوا گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آوردند وارد شد.

۶- حوزه‌های دیگر، درسی دیگر

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۳ سپس خارج «اصول» و «فقه» پرداختند و قریب ۵۵ سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهم فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه‌های علمیّه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلا علیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

۷- حیات سیاسی

معظم له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مهاباد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول نیز نقش مؤثری داشتند.

۸- خدمات ارزنده معظم له

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزه علمیّه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید. معظم له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیّه قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی‌سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار- در میان مجلات علمی و دینی- در تمام جهان اسلام، جزء درجه اولها بود.

۹- مجموعه تألیفات و آثار

از معظم له حدود یکصد و سی و دو جلد کتاب منتشر شده که بعضی از آنها بیش از سی بار استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۴ تجدید چاپ گردیده است و بعضی به بیش از ده زبان زنده دنیا ترجمه شده و در کشورهای مختلف انتشار یافته است که به اسامی آنها اشاره می‌شود:

- ۱- ترجمه شیوا و روان قرآن مجید
- ۲- تا ۲۸ تفسیر نمونه (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی و ترکی)
- ۲۹- تا ۳۸ تفسیر موضوعی پیام قرآن (عربی و فارسی)
- ۳۹ و ۴۰- ترجمه تفسیر المیزان

- ۴۱ و ۴۲ و ۴۳- اخلاق در قرآن
- ۴۴- فیلسوف‌نماها
- ۴۵- مدیریت و فرماندهی در اسلام
- ۴۶- زهرا، برترین بانوی جهان
- ۴۷- زندگی در پرتو اخلاق
- ۴۸- جلوه حق
- ۴۹- عود ارواح و ارتباط با ارواح
- ۵۰- پرسشها و پاسخهای مذهبی
- ۵۱- خطوط اصلی اقتصاد اسلامی
- ۵۲- انگیزه گرایش به مذاهب
- ۵۳- خدا را چگونه بشناسیم؟
- ۵۴- آفریدگار جهان
- ۵۵- رهبران بزرگ و مسئولیتهای بزرگتر
- ۵۶- قرآن و آخرین پیامبر
- ۵۷- معاد و جهان پس از مرگ
- ۵۸- عقیده یک مسلمان
- ۵۹- مهدی انقلابی بزرگ
- ۶۰- ارزشهای فراموش شده
- ۶۱- پایان عمر مارکسیسم
- ۶۲- آخرین فرضیه‌های تکامل
- ۶۳- آیین ما (ترجمه اصل الشیعه)
- ۶۴- پنجاه درس اصول عقاید برای جوانان (فارسی، عربی، انگلیسی، چینی و فرانسه)
- ۶۵- سرگرمیهای خطرناک
- ۶۶- نماز مکتب عالی تربیت
- ۶۷- معراج، شق القمر، نماز در قطبین
- ۶۸- معمای هستی
- ۶۹- فلسفه شهادت
- ۷۰- اسرار عقب ماندگی شرق
- ۷۱- چهره اسلام در یک بررسی کوتاه
- ۷۲- در جستجوی خدا
- ۷۳- مشکلات جنسی جوانان
- ۷۴- آنچه از اسلام باید بدانیم (اسلام در یک نگاه)
- استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۵

- ۷۵- بحثی درباره ماتریالیسم و کمونیسم
- ۷۶- قرآن و حدیث
- ۷۷- تقلید یا تحقیق
- ۷۸- خمس پشتوانه استقلال بیت المال
- ۷۹- مسأله انتظار
- ۸۰- تفسیر به رأی
- ۸۱- تقیه سپری برای مبارزه عمیقتر
- ۸۲- این مسائل برای همه جوانان مطرح است
- ۸۳- اسلام و آزادی بردگان
- ۸۴- یکصد و پنجاه درس زندگی (فارسی و انگلیسی)
- ۸۵- شیوه همسررداری در خانواده نمونه
- ۸۶- طرح حکومت اسلامی
- ۸۷- رساله مقدمه وحی یا...
- ۸۸- التقاط و التقاطیها
- ۸۹- مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام)
- ۹۰ و ۹۱- اخلاق اسلامی در نهج البلاغه
- ۹۲- رساله توضیح المسائل (فارسی، عربی، اردو، ترکی، انگلیسی، چینی)
- ۹۳- رساله احکام جوانان
- ۹۴- رساله احکام بانوان
- ۹۵- مناسک حج (فارسی-عربی)
- ۹۶ و ۹۷- استفتاءات جدید (فارسی و عربی)
- ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰- انوار هدایت
- ۱۰۱- تعلیقات علی عروه الوثقی
- ۱۰۲ و ۱۰۳- القواعد الفقہیہ
- ۱۰۴- انوار الفقاهه (کتاب التجاره- مکاسب محرمه)
- ۱۰۵- انوار الفقاهه (کتاب البیع- ولایت فقیه و حکومت اسلامی)
- ۱۰۶- انوار الفقاهه (کتاب الخمس و الانفال)
- ۱۰۷- انوار الفقاهه (کتاب الحدود و التعزیرات)
- ۱۰۸- أنوار الفقاهه (کتاب النکاح ج ۱)
- ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱- انوار الاصول (مشمول بر تقریرات درس خارج اصول)
- ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴- پیام امام (علیه السلام) (شرح نهج البلاغه) (عربی)
- ۱۱۵- ربا و بانکداری اسلامی (فارسی و عربی)
- ۱۱۶- بررسی طُرُق فرار از ربا

- ۱۱۷- مثالهای زیبای قرآن (فارسی و عربی)
- ۱۱۸- یادآوری‌های ماندگار
- ۱۱۹- جامعه سالم در پرتو اخلاق
- ۱۲۰- بحوث فقهیه هائمه (مسائل مهم فقهی به زبان عربی)
- استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۶
- ۱۲۱- حکم الأضحیه
- ۱۲۲- عمره مفرده
- ۱۲۳- حج بانوان
- ۱۲۴- مناسک جامع حج
- ۱۲۵- حکومت جهانی مهدی
- ۱۲۶- جوانان را دریابید
- ۱۲۷- ۱۱۰ سرمشق از سخنان حضرت علی (علیه السلام)
- ۱۲۸- چند نکته مهم درباره رؤیت هلال (به زبان عربی)
- ۱۲۹- حیل‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح
- ۱۳۰- آیات ولایت (عربی)
- ۱۳۱- مفاتیح نوین
- ۱۳۲- تعزیر و گسترده آن
- وَفَقَّهَ اللَّهُ لِمَرْضَاتِهِ وَ أَيْدِهِ اللَّهُ بِتَأْيِيدَاتِهِ
- ناشر
- استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۲، ص: ۶۲۷
- آدرس و شماره تلفن‌های
- دفاتر حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله)
- جهت پاسخگویی به مسائل شرعی
- ۱- قم: ابتدای خیابان شهدا تلفن: ۷۷۴۳۱۲۰، ۱۳- ۷۷۴۳۱۱۰ فاکس: ۷۷۴۳۱۱۴
- ۲- شیراز: خیابان قآنی کهنه، کوی رحمت تلفن: ۲۳۰۳۱۲۱، فاکس: ۲۳۰۷۴۲۱
- ۳- تهران: خیابان ۱۷ شهریور، ابتدای بزرگراه شهید محلاتی، ضلع جنوبی، پلاک ۲۹ تلفن: ۷۵۰۹۶۹۷، ۲- ۷۵۱۲۲۴۱، فاکس: ۷۶۳۸۸۸۸
- ۴- اراک: ابتدای خیابان محسنی تلفکس: ۲۲۴۲۴۷۰، تلفن: ۲۲۲۴۴۱۵
- ۵- مشهد: چهارراه شهدا، خیابان آزادی، آزادی ۶ فاکس: ۲۲۵۴۹۷۰، تلفن: ۲۲۵۶۱۶۸ - ۲۲۲۷۸۷۹
- ۶- اصفهان: چهارراه شکرشکن، خیابان احمدآباد، خیابان شهید توانا، پلاک ۱۰۵، تلفن: ۲۲۵۳۶۰۰، تلفکس: ۲۲۶۵۲۰۵
- ۷- کرج: بلوار امامزاده حسن، بین گلستان سوم و چهارم.
- تلفن: ۲۲۴۳۹۳۸، تلفکس: ۲۲۳۱۰۳۳
- اینترنت: www.makarem.ir

E- mail: makarem@ makarem. ir

جلد سوم**اشاره**

بسمه تعالی

عمل به این استفتائات

□
مجزی و مبرء ذمه است ان شاء الله

قم - ناصر مکارم شیرازی

فصل اول: احکام تقلید**محدوده تقلید**

سؤال ۱- جنابعالی در ابتدای رساله مرقوم فرموده‌اید: «عقیده مسلمان به اصول دین، باید از روی دلیل باشد.» اگر مسلمانی به دنبال تحقیق رفت، و در نتیجه دینی غیر از اسلام را برگزید، آیا حق دارد پیرو آن دین شود؟ آیا حکم مرتد بر او جاری نمی‌شود؟ اگر جاری می‌شود، چرا؟ آیا این فتوا با فتوای به لزوم تحقیق در اصول دین، و عدم جواز تقلید در آن سازگار است؟ اصولاً کسی که می‌داند، اگر به نتیجه‌ای غیر از دین پدر و مادرش برسد کشته خواهد شد، چگونه می‌تواند با فکری آزاد در اصل دین تحقیق کند؟ جواب: تحقیق در دین و اعتقاد به یکی از مذاهب، غیر از تظاهر به آن است.

توضیح این که: بر همه واجب است در اصول دین به اندازه توانایی خود تحقیق کنند، و اگر واقعاً بعد از تحقیق کامل و کمک گرفتن از آگاهان، به آیینی غیر از آیین اسلام معتقد شوند، معذور هستند؛ زیرا وظیفه عقلی و شرعی خود را انجام داده، ولی به خطا رفته‌اند. اما کسی که قبلاً مسلمان بوده، و به عللی دین جدید اختیار کرده، اگر تظاهر کند محکوم به احکام مرتد است؛ و احکام مرتد در واقع از جمله احکام سیاسی اسلام، برای جلوگیری از نفوذ دشمنان در محیط اسلام، و اغفال و اغوای مردم است.

سؤال ۲- برای مسلمان بودن همین مقدار که در دوران نوجوانی، یا جوانی اصول دین را از ما سؤال کردند، و ما قبول داشتیم کافی است؟ یا تحقیق بیشتری لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴

جواب: کافی است؛ ولی سعی کنید عقاید خود را از روی دلیل و برهان و استدلال فراگیرید.

سؤال ۳- مقلد در چه زمینه‌هایی مکلف به تقلید از مرجع تقلید است؟ آیا تقلید محدود به احکام عبادی (نماز و روزه و مانند آن) می‌شود، یا احکام معاملات و اعمال حقوقی و مانند آن را نیز شامل می‌شود؟

جواب: تمام اعمال و احکام شرع، غیر از ضروریات دین را، شامل می‌شود؛ ولی تقلید در اعتقادات راه ندارد.

گستره فقه

سؤال ۴- با پیشرفت علم، ممکن است مسائلی پیش آید که در قرآن و دیگر منابع اسلامی ذکری از آن به میان نیامده باشد، و کمک گرفتن از عقل به تنهایی، با توجه به این که اشتباهات بسیاری دارد، کافی نباشد. با توجه به این مطلب، آیا مراجع محترم می‌توانند پاسخگوی تمام مسائل شرعی نسل آینده باشند؟

جواب: در اسلام یک سلسله قواعد کلی وجود دارد که پاسخگوی همه مشکلات در تمام اعصار است. و به همین جهت هر سؤالی از ما در مورد مسائل جدید بشود به کمک آنها به حمد الله پاسخ گو هستیم، و هیچ بن بست و وجود ندارد.

راههای شناخت مرجع اعلم

سؤال ۵- آیا زن و فرزند باید از مرجع تقلید شوهر و پدر تقلید کنند، یا در تقلید آزاد هستند؟

جواب: هر کس در تقلیدش آزاد است؛ باید تحقیق کند و مطابق آن تقلید نماید.

سؤال ۶- مسأله رجوع به اعلم در مسائل مورد اختلاف فقها، از جمله مسائلی است که در تمام رساله‌های عملیه آمده است؛ ولی حقیقت این است که تشخیص اعلم کاری سخت، بلکه شاید از محالات باشد! چون هر شخص یا گروهی، شخص خاصی را اعلم دانسته، و غیر او را اعلم نمی‌داند. سؤال این است که: «مراجعی بودند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵

که گفته می‌شد در زمان حیات، و حتی پس از حیات اعلم از دیگران هستند. ولی آیا ممکن است این مراجع (رضوان الله علیهم) پس از گذشت زمان طولانی از وفاتشان، و با آمدن مراجع جدید- که مشغول درس و بحث هستند، و علوم و تحقیقات جدیدی در دست دارند- باز هم اعلم از احیا باشند؟

جواب: شکی نیست که علم و دانش همراه زمان در حال تطوّر و تکامل است.

و همان گونه که در تعلیقه بر عروه الوثقی، مبحث عدم جواز تقلید ابتدایی از میت، نوشته‌ایم، ممکن است بسیاری از مجتهدین زنده از مراجع گذشته اعلم باشند؛ چون مراجع زنده معلومات و دانش گذشتگان، را به اضافه علوم جدیدی در اختیار دارند. بدین جهت ممکن است در بین مراجع میت کسانی باشند که از مراجع زنده استعدادی قوی تر داشته باشند، ولی اطلاعات احیا ممکن است نسبت به اموات اقرب به واقع باشد؛ و ملا-ک اعلمیت، اقریبیت به واقع است. همان گونه که ممکن است طبیب امروز از ابن سینا ماهرتر باشد؛ در حالی که استعداد بوعلی بیشتر بوده است. همچنین در سایر علوم؛ و روشن است که علم فقه و اصول از این قاعده کلی مستثنی نیست، و این دو علم دائماً در حال تطوّر و تکامل است.

سؤال ۷- حضرت عالی در پاسخ سؤال ۵۶۹ کتاب استفتائات جدید، جلد اول، در مورد جواز غیبت شخصی که ریش خود را می تراشد، فرموده‌اید: «با توجه به این که بعضی از علما در گذشته و حال فتوا به جواز عمل فوق می‌دهند، غیبت این فرد جایز نیست.» با عنایت به همین پاسخ، و با توجه به این که حضرت تعالی در مورد عدم جواز تراشیدن ریش احتیاط فرموده‌اید، آیا می‌توان با همین علم اجمالی به فتوای عدّه‌ای از علمای زنده در مورد جواز آن، استناد کرد، و بدان عمل نمود؟

جواب: باید در مسائل اختلافی اعلمیت احراز شود.

سؤال ۸- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون تقلید پاسخ فرمایید:

الف) اهل خبره، که با معرفتی و شهادت آنها مرجعیت و اعلمیت ثابت می‌شود، چه کسانی هستند؟

جواب: منظور از اهل خبره، علمای درجه دو و سه حوزه‌های علمیه و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶

شهرهاست، که با مبانی فقهی آشنایی دارند.

ب) آیا ممکن است غیر روحانی، توانایی شناخت مجتهد و مرجع اعلم را داشته باشد؟ در این صورت، آیا قول چنین شخصی در اثبات اجتهاد یا اعلمیت حجت است؟

جواب: در صورتی که آن فرد ثقة و مورد اعتماد باشد، و از اهل خبره پرسش کند، می‌توان به حرف او اعتماد کرد.

ج) نسبت به شخصی که از حوزه‌های علمیه دور است، چگونه امکان دارد که بفهمد فلان آقای اهل علم از اهل خبره است یا نه، تا در مورد شناخت مرجع اعلم به قول او اعتماد کند؟

جواب: علمای معروف هر محل معمولاً اهل خبره هستند.

د) برای تشخیص اعلم، آیا اهل فن باید مجتهد باشند؟

جواب: اجتهاد در اهل خبره شرط نیست.

ه) در صورت تعارض شهادت اهل خبره نسبت به اعلم، آیا بهتر نیست بینیم خبروت کدام خبره بیشتر و کاملتر است، و به قول او اعتماد کنیم؟

جواب: از هر طریقی علم یا اطمینان حاصل شود کافی است.

و) در صورت تعارض شهادت اهل خبره نسبت به اعلمیت مجتهدین، وظیفه چیست؟

جواب: در صورت تعارض مخیر هستید.

سؤال ۹- برخی از مردم روشهای دیگری، غیر از آنچه در توضیح المسائل آمده، برای انتخاب مرجع تقلید در نظر می‌گیرند. نظیر:

الف) از مرجعی تقلید می‌کنیم که شاگرد مرجع قبلی ما باشد.

ب) مرجعی را انتخاب می‌نماییم که فتاوی‌آسانتری داشته باشد.

ج) مرجعی که بیشتر اقوام و آشنایان از او تقلید می‌کنند را بر می‌گزینیم.

د) مقلد مرجعی می‌شویم که پدر و مادر، یا معلم ما معرفی نماید.

آیا انتخاب مرجع تقلید با روشهای فوق صحیح است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷

جواب: هیچ کدام از اینها معیار نیست؛ معیار آگاهتر بودن آن مرجع است، از هر طریقی که علم به آن حاصل شود.

اصطلاحات تقلید

سؤال ۱۰- من گاهی که رساله توضیح المسائل را مطالعه می‌کنم، به جملاتی مانند «احتیاط واجب» و «احتیاط مستحب» برخورد می‌کنم. آیا باید به آنها عمل کنم؟

جواب: منظور از «احتیاط واجب» آن است که مجتهد روی جهاتی فتوای نهایی خود را بیان نکرده باشد، در این صورت مقلد می‌تواند به آن احتیاط عمل کند، و می‌تواند به مرجع دیگری مراجعه نموده، و به فتوای او عمل نماید. ولی «احتیاط مستحب» چنین نیست؛ می‌تواند آن را عمل کند، یا رها نماید.

سؤال ۱۱- آیا جمله «جایز نیست» معادل جمله «حرام است» می‌باشد، یا تفاوت دارند؟ اگر تفاوت دارند، تفاوت آن در چیست؟

جواب: تفاوتی ندارد.

سؤال ۱۲- تفاوت «فتوای به احتیاط» با «احتیاط در فتوا» را در ضمن مثالی گویا بیان فرمایید.

جواب: فتوای به احتیاط آن است که مجتهد دستور به احتیاط بدهد. مثلاً بگوید: «اگر دو ظرف آب وجود دارد، و می‌دانی یکی از آن دو نجس است، امّا نجس را نمی‌شناسی باید احتیاط نموده، و از هر دو اجتناب کنی.» ولی احتیاط در فتوا این است که مثلاً بگوید: «قناعت کردن به یک تسبیح اربعه در رکعت سوم و چهارم اشکال دارد، و احتیاط آن است که سه مرتبه بخوانی.»

سؤال ۱۳- یکی از اقوام قبلاً جزء فرقه اهل حق بود، و به حمد الله اکنون راه خود را یافته، و شیعه گردیده است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸

الف) ایشان در زمان حیات امام خمینی رحمه الله بالغ بوده، ولی تقلید ننموده است.

آیا اکنون می‌تواند معظّم له را به عنوان مرجع تقلید برگزیند؟

جواب: تقلید ابتدایی از مجتهد میت اشکال دارد.

ب) با توجه به این که فرقه اهل حق غرب کشور نماز نمی‌خوانند، و به جای روزه ماه رمضان، فقط سه روز در ماه آبان روزه

می‌گیرند، آیا باید نمازها و روزه‌هایی را که در آن مدت به جا نیاورده قضا کند، یا ساقط است؟

جواب: ساقط است.

سؤال ۱۴- اگر کسی بعد از فوت مرجع تقلیدش (امام خمینی رحمه الله) به علت شدت علاقه به آن مرجع، به مجتهد حیّ مراجعه

نکند، تا با اجازه او بر تقلید مرجع سابق باقی باشد، با توجه به این که از رسانه‌ها هم نشنیده که باید با اجازه مرجع جامع الشرائط

زنده بر تقلید باقی بماند، اعمال چندین ساله او چگونه است؟

جواب: به مجتهد حیّ رجوع می‌کند، و بر طبق فتوای او بر تقلید امام راحل رحمه الله باقی می‌ماند. و در این صورت اعمال گذشته

او صحیح خواهد بود.

سؤال ۱۵- بسیاری از کسانی که بر تقلید میت باقی مانده‌اند، مایلند در تمام مسائل از مرجع تقلید زنده پیروی کنند؛ زیرا در برخی

از مسائل دچار شک و تردید می‌شوند که آیا در زمان مرجع متوفی به فتوای او در خصوص فلان مسأله عمل کرده‌اند، یا خیر؟ آیا

راهی وجود دارد که به طور کلی از مرجع زنده تقلید کنند؟

جواب: تنها در مواردی که در زمان حیات مرجع متوفی به فتوای او عمل نکرده‌اند، یا لااقل شک در عمل دارند، می‌توانند به فتوای

مرجع زنده عمل کنند.

ولی اگر اعلمیت مرجع حیّ نسبت به متوفی ثابت شود، در تمام مسائل می‌توانند از مرجع زنده تقلید کنند.

تبعیض در تقلید

سؤال ۱۶- با توجه به پیشنهاد برخی از شخصیتها، در زمینه تخصصی شدن مرجعیت تقلید، نظر خود را در این باره بفرمایید.

تخصصی شدن مراجع تقلید در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹

زمینه‌های مختلف علمی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که هر یک از آنها در بخشی از فقه اعلم باشند، و ضوابط مرجعیت بر آنها تطبیق کند، اشکال ندارد.

سؤال ۱۷- در بعضی از مسائل مربوط به حرفه پزشکی، نظر علما با هم مغایر است. کدام فتوا حجت است؟ آیا می‌شود در مسائل

پزشکی از یک مرجع، و در موضوعات دیگر- مثل عبادات- از مرجع تقلید دیگری تقلید کرد؟

جواب: مانعی ندارد.

مسائل دیگر تقلید

سؤال ۱۸- آیا می‌شود به حرف مردم، که هر کس در مورد مطالب دینی نظری می‌دهد، گوش داد، و طبق آن عمل کرد؟

جواب: مسائل دینی را باید از مجتهدین و علمای دین فرا گرفت.

سؤال ۱۹- آیا نظر ولی فقیه در مسائل شرعی بر نظر سایر فقها ترجیح دارد؟ در این صورت، تکلیف مقلد چیست؟

جواب: در مسائل مربوط به حکومت از نظر ولی فقیه، و در مسائل دیگر از نظر مرجع تقلید پیروی می‌شود.

سؤال ۲۰- اگر قاضی غیر مجتهد مأذون، که از جانب ولی فقیه به قضاوت منصوب شده، به هنگام صدور رأی (مثلاً در زمینه حدود، قصاص، معاملات و مانند آن) متوجه شود که ماده قانونی مربوطه (که مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان است) با فتوای مرجع تقلیدش متعارض است، (با توجه به این که، اگر در این مواقع از صدور رأی خودداری کند، یا بدون توجه به قانون مربوطه صرفاً با استناد به فتوای مرجع تقلیدش حکم دهد، قانوناً مرتکب تخلف انتظامی شده) تکلیف او چیست؟

جواب: قوه قضائیه باید این تضاد را حل کند، و این گونه پرونده‌ها را به دیگری ارجاع دهد؛ زیرا قاضی نمی‌تواند بر خلاف فتوای مرجع تقلیدش حکم کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰

سؤال ۲۱- خداوند بزرگ یکی است، پیامبر صلی الله علیه و آله یکی، و ائمه اطهار علیهم السلام هر کدام در زمان خود یکی بوده، و دستورات آنها نیز یکی بوده است. چرا در زمان فعلی نظر مراجع بزرگوار تقلید درباره موضوعات و مسائل دین متفاوت است، و هر یک از آنان دیدگاه خاصی دارد؟

جواب: اولاً، مراجع تقلید در اصول مسائل یک فتوا دارند، و اگر اختلافی هست در جزئیات است. ثانیاً، این اختلاف به خاطر دور ماندن ما از زمان حضرات معصومین علیهم السلام است؛ زیرا روایاتی که از آن بزرگواران نقل شده، به وسیله اشخاصی است که بعضی، آن اشخاص را افراد مطمئن، و بعضی ممکن است همه آنها را مطمئن ندانند. البته مراجع نهایت کوشش خود را در شناخت آنان انجام می‌دهند، ولی ممکن است نظر همه یکسان نباشد. به علاوه فهم کلمات معصومین علیهم السلام با گذشت این همه زمان آسان نیست، و گاه در آن اختلاف نظر پیدا می‌شود. و این، رمز اختلاف فتاواست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱

فصل دوم: احکام آبها

فاضلاب تصفیه شده

سؤال ۲۲- نظر جناب عالی در مورد آب به دست آمده از تصفیه خانه فاضلاب، و استفاده از آن در مصارف گوناگون چیست؟ ضمناً آب تصفیه شده مراحل زیر را طی می‌کند.

۱- آشغالگیری: در این مرحله آشغالهای درشت از فاضلاب ورودی جدا می‌شود.

۲- دانه‌گیری: که در آن، ذرات شن و ماسه و آشغالهای ریز گرفته می‌شود.

۳- استخرهای وسیع در اندازه ۱۰۰*۱۰۰ متر به تعداد ۵ عدد که پشت سر هم واقع شده، و فاضلاب به ترتیب در یک یک آنها وارد، و سپس خارج می‌شود. نهایتاً آب خروجی به طور تقریباً صاف از تصفیه خانه خارج می‌شود. در طول این مسیر، با انجام اعمالی، میکروبها فعال شده، و فاضلاب را تجزیه نموده، و مواد فاضلاب در پایان در استخرها ته‌نشین می‌شود، به گونه‌ای که آب خروجی، تقریباً صاف، ولی همراه با رنگ و بوی خیلی کم می‌باشد.

جواب: آبهای مزبور پاک نیست؛ ولی می‌توان برای زراعت و شرب حیوانات از آن استفاده کرد. شرح بیشتر در این باره را در پاسخ سؤال ۱۸ جلد دوم همین کتاب مطالعه فرمایید.

آب مضاف

سؤال ۲۳- گاهی از اوقات آبی که از شیر خارج می‌شود، به علت وجود کلر، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲

چیزهایی دیگر، رنگ آب ندارد. آیا این آب مضاف به حساب می‌آید؟ آیا وضو با چنین آبی جایز است؟

جواب: چنین آبی مضاف نیست؛ و وضو با آن اشکالی ندارد.

سؤال ۲۴- آبی که با آن وضو گرفته، یا غسل مستحب یا واجبی کرده‌ایم، در ظرفی جمع شده است. آیا می‌توان از این آب مجدداً

برای تطهیر، یا وضو و حتی غسل استفاده کرد؟

جواب: با آب وضو می‌توان وضو گرفت یا غسل کرد، ولی با آب غسل (البته منظور در اینجا آب قلیل است)، غسل و وضو اشکال

دارد، ولی بدون شک انتخاب آبی که مورد استعمال واقع نشده، در هر حال بهتر است.

سؤال ۲۵- آیا استفاده از آبی که با نور آفتاب گرم شده، مطلقاً کراهت دارد؟

یعنی اگر سرد شود، یا با آب سردی مخلوط گردد، و خنک شود، آیا استفاده از آن برای وضو یا غسل یا آشامیدن، کراهت دارد؟

جواب: ظاهر روایات این است که کراهت تا زمانی است که حرارت آب وجود دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳

فصل سوم: احکام نجاسات**[نجاسات]****۱ و ۲- بول و غائط**

سؤال ۲۶- اگر آبی از محل دفع مدفوع انسان خارج شود، و بوی مدفوع هم ندهد، چه حکمی دارد؟ آیا وضو را باطل می‌کند؟

جواب: در فرض مسأله نجس نیست، و وضو را هم باطل نمی‌کند.

سؤال ۲۷- چنانچه بول یا غائط از محلی غیر از محل متعارف آن خارج شود، چه حکمی دارد؟

جواب: احکام بول و غائط متعارف را دارد؛ مگر آن که رعایت این احکام موجب عسر و حرج شدید شود.

۳- مردار

سؤال ۲۸- اگر عضوی از بدن میت غیر مسلمان، به بدن مسلمان وصل شود، ولی روح در آن حلول نکند، لمس آن چه حکمی

دارد؟

جواب: چنانچه عرفاً جزء بدن کسی که به او پیوند زده شده محسوب شود، پاک است.

سؤال ۲۹- اگر چشم انسان مرده یا زنده، یا چشم حیوان نجس العین مرده یا زنده‌ای را به چشم شخص نابینا پیوند بزنند، چشم

پیوندی و رطوبتی که از آن بیرون می‌آید چه حکمی دارد؟

جواب: هنگامی که پیوند گرفت، و آن عضو عملاً جزء بدن گیرنده شد، پاک است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴

۴- خون

سؤال ۳۰- سه‌ای که روی زخم می‌بندد، و خونریزی ندارد، چه حکمی دارد، آیا باید به هنگام غسل آن را برداشت؟
 جواب: در صورتی که از حالت خون بیرون آمده، و با شستن زایل نمی‌شود، پاک است، و به همان حالت غسل می‌کند.

سؤال ۳۱- یونیت دندان پزشکی معمولاً متصل به آب شهر است. با توجه به این مطلب، ترشحاتی که به هنگام ترمیم دندان از دهان خارج می‌شود، و غالباً با آب دهان، و مواد مخصوص دندان پزشکی، و بخار و قطرات خون ملاقات کرده، و به بدن و لباس می‌ریزد، پاک است، یا نجس؟
 جواب: چنانچه آبی که در دهان می‌ریزد متصل به آب شهر باشد، و معلوم نباشد ترشحات از آن آب است یا چیز دیگر، پاک است.

۵- کافر، و کسانی که در حکم کفارند.

سؤال ۳۲- لطفاً در مورد اهل کتاب به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) در خصوص ابزار و وسایل و ادوات و صنایع آنها چگونه باید عمل شود؟
 جواب: در مواردی که معاشرت با آنها ضرورتی ندارد، از آنها پرهیز کنید. ولی برای کسانی که در بیرون کشورهای اسلامی، یا بعضی از مناطق داخل کشورهای اسلامی، ناچارند با آنها معاشرت داشته باشند، پرهیز لازم نیست.

ب) مواد خوراکی و دارویی اهل کتاب چه حکمی دارد؟
 جواب: استفاده از موادی که احتمال دارد به وسیله کارخانه‌ها تولید شده، یا به وسیله ابزار و آلاتی، بدون دخالت دست، تهیه شده باشد، یا احتمال دارد که با دستکش تهیه کرده باشند، اشکالی ندارد، ولی از خوردن گوشت‌های ذبح شده آنها حتماً پرهیز کنید.

ج) صید و ذبیحه آنان چگونه است؟
 جواب: از جواب بالا معلوم شد؛ ولی اگر ماهی را زنده از آب بگیرند، حلال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵

د) ورود اهل کتاب به اماکن مقدسه - مانند مکه مکرمه، مدینه منوره، حرم ائمه علیهم السلام، مساجد و مانند آن - چه حکمی دارد؟
 جواب: در مواردی که باعث هتک و بی‌احترامی این مراکز شود، حرام است.

ه) دفن اهل کتاب در بلاد اسلامی و قبرستان مسلمانان چگونه است؟
 جواب: اشکال دارد.

و) آیا شهدای اهل کتاب در حکم شهیدند؟
 جواب: اگر در راه اسلام و کشورهای اسلامی شهید شوند، نزد خدا مأجور هستند؛ اما چگونگی آن اجر الهی نزد ما روشن نیست.

ز) پیوند اعضای اهل کتاب به مؤمنان و عکس آن، چه حکمی دارد؟
 جواب: پیوند اعضای مؤمن به کافر و بالعکس اشکالی ندارد.

ح) آیا درمان بیماران اهل کتاب و استفاده از خدمات درمانی و بهداشتی آنان جایز است؟
 جواب: مانعی ندارد؛ مگر در مواردی که آنها بر ضد مسلمین سوء استفاده کنند.

ط) نماز در معابد اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

ی) آیا استفاده از لباس و ظروف اهل کتاب جایز است؟

جواب: در صورتی که علم به نجاست آن نباشد، اشکالی ندارد. و اگر یقین به نجاست آن دارید باید آب بکشید.

ک) غسل دادن میت مسلمان توسط اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در صورت ضرورت جایز است.

ل) آیا ازدواج با اهل کتاب جایز است؟

جواب: ازدواج موقت اشکالی ندارد؛ ولی ازدواج دائم اشکال دارد.

م) آیا پرداخت نفقه همسر، اگر از اهل کتاب باشد، لازم است؟

جواب: با توجه به این که ازدواج موقت نفقه ندارد، جواب این سؤال معلوم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶

۶- سگ

سؤال ۳۳- گاه برخی حیوانات غیر معمول را برای معاینه نزد دامپزشکان می‌آورند، که از نظر نجاست و پاکی مورد سؤال است، از جمله نژادهای مخلوطی که از اختلاط گرگ و سگ ایجاد شده است. با توجه به پاک بودن گرگ، این حیوان که شباهت زیادی به گرگ دارد، از نظر نجاست و پاکی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که شباهت آن به گرگ زیادتر باشد، پاک است.

سؤال ۳۴- همراه داشتن سگ در ماشین و خیابان، و نگهداری آن در خانه، که نوعی تقلید از بیگانگان است، چه صورت دارد؟

جواب: این کارها شایسته مسلمانان با شخصیت نیست، و از جهات شرعی مشکلات زیادی ایجاد می‌کند.

سؤال ۳۵- آیا در نجاست به سبب تماس مستقیم جایی از بدن انسان با سگ، نیز سرایت شرط است؟

جواب: آری سرایت از طریق رطوبت شرط است.

۷- شراب و سایر مسکرات

سؤال ۳۶- آیا رفتن به مجالسی که در آن مشروبات الکلی مصرف و موسیقی پخش می‌شود، جایز است؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۷- شخصی قبل از تشرّف به اسلام مشروبات الکلی می‌فروخته، و از در آمد آن به پدر و مادرش کمک می‌کرده است. حال

که مسلمان شده، آیا می‌تواند به کار مذکور ادامه دهد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۳۸- آیا برای زن مسلمان جایز است مشروب روی میز غذاخوری بگذارد، تا کسانی که آن را حلال می‌دانند مصرف کنند؟

جواب: جایز نیست؛ مگر در موارد ضرورت.

سؤال ۳۹- یک واحد تولیدی در نظر دارد نسبت به تولید ماء الشعیر از موادّ اولیّه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷

عصاره یا پودر وارداتی اقدام نماید. با توجه به این که در مراحل تهیّه موادّ اولیّه فوق، این احتمال وجود دارد که اول الکلی وجود

داشته، و بعداً طی مراحل الکل آن گرفته شده، آیا تولید ماء الشعیر از مواد فوق جایز می‌باشد؟
جواب: هرگاه وجود الکل در آن در مراحل اولیه باشد، (به این معنا که نخست مبدل به یک مایع مست کننده شود، سپس الکل آن را با حرارت یا مانند آن بگیرند) اشکال دارد. و اگر چنین نیست، یا مست کننده بودن آن مشکوک است، مانعی ندارد.

وسواس

سؤال ۴۰- مشکل اصلی من دیوار خانه و شستن بچه‌ام می‌باشد، زیرا دستمالی را که نجس بود روی لبه دیوار که رنگ روغن شده گذاشتم. البته عین نجس روی دیوار ریخته نشد، ولی رطوبت دستمال با دیوار ارتباط داشت. و چون بچه‌ام به تازگی چهار دست و پا راه می‌رود، و دستهایش را مرتب به دیوارها می‌زند، من مرتب دستهایش را آب می‌کشم، و این مرا آزار می‌دهد. لطفاً به سؤالهای زیر پاسخ دهید، تا ان شاء الله نجات یابم.

۱) راههای سرایت نجاست را خوانده‌ام، ولی نمی‌دانم منظور از رطوبت کم و غیر مسری چقدر است؟ خواهش می‌کنم توضیح دهید.

جواب: شما بی‌شک گرفتار وسواس شده‌اید، و اگر به دستوراتی که می‌دهیم عمل کنید بزودی نجات خواهید یافت، و الا مشکلات شما زیاد خواهد شد.

ابتدا پاسخ سؤالهای شما، و بعد یک دستور کلی:

منظور از رطوبت برای سرایت این است که وقتی دست خشک بر آن شیء مرطوب بگذارد، انسان به آسانی آثار تری را ببیند.

۲) آیا دیوارهای خانه بخاطر مسأله‌ای که پیش آمده نجس است؟

جواب: دیوارهای خانه به صورتی که نوشته‌اید کاملاً پاک است.

۳) ظرفی که زیر شیر (منظور آب لوله کشی) گذاشته می‌شود، حتی اگر سر نرود آیا حکم آب کر را دارد؟ آیا می‌توان لباس نجس را در آن آب کشید؟

جواب: ظرفی که زیر آب لوله کشی است حکم آب کر دارد؛ پر باشد، یا خالی.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸

۴) اگر جایی مثل دسته در، سردی آن احساس شود، آیا نجاست با دست خشک به آن منتقل می‌گردد؟

جواب: سردی دسته در هیچ ارتباطی به رطوبت ندارد، و نجاست به آن منتقل نمی‌شود، و این سؤال دلیل وسواسی بودن شماست. و اما دستور کلی:

وسواسی بودن شما به علت ندانستن مسائل است. اگر مسائل را درست، یاد بگیرید، راحت می‌شوید. مسأله مهم این است که علم و یقین وسواسی نه ملاک نجاست است، نه ملاک طهارت؛ و به عبارت واضح‌تر، باید ببینید افراد عادی متدین چه موقع علم به نجاست پیدا می‌کنند، و چه موقع علم به طهارت، به همان مقدار قناعت کنید، و اگر قلب شما راضی نشد به آن اعتنا نکنید، و مسئولیت آن را به عهده ما بگذارید. به شک و تردید اعتنا نکنید، حتی کف توالی مادامی که با چشم خود نجاستی در آن نبینید بگویید پاک است؛ کوچه‌ها، خیابانها، مغازه‌ها همه پاک است. اتومبیل‌های عمومی، صندلی‌ها و دسته درهای آنها پاک است، حمام مادامی که چیز نجسی به یقین در آن نباشد پاک است. تمام مسلمانها و بچه‌های آنها مادامی که نتوانید قسم به نجس بودن آنها بخورید پاک هستند. وظیفه شرعی شما این است که به آنچه گفته‌ایم عمل کنید، و بعد از یک هفته آثار مثبت آن را خواهید دید.

سؤال ۴۱- آیا استفراغ نجس است؟ آیا تفاوتی بین استفراغ بزرگسالان و اطفال هست؟

جواب: استفراغ نجس نیست؛ مگر این که بدانید خونی همراه آن است. و فرقی بین بچه و بزرگ، دختر یا پسر نمی‌باشد.

سؤال ۴۲- هنگامی که مادر به بچه شیر می‌دهد قطراتی از شیر به زمین، یا جای دیگر می‌ریزد، آیا زمین، یا آن شیء، نجس می‌شود؟!

جواب: در صورتی که لباسهای بچه نجس نباشد، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹

فصل چهارم: احکام مطهرات

۱- استحاله

سؤال ۴۳- ماده کلاژین که در ساختمان استخوان، زرد پی، رباط، پوست و جلد حیوانات قرار دارد، به خودی خود و در ساختار طبیعی اش دارای پروتئینهای فراوانی است، که تحصیل این پروتئینها جز با به جوش آوردن آن در آب ممکن نیست. با حرارت مخصوص و قلیایی، یا اسیدی نمودن کلاژین، و انجام فعل و انفعالات مختلف، در نهایت این پروتئینها تبدیل به «ژلاتین» که یک ماده بدون طعم، بو، رنگ ولی مقوی است می‌شود، و پس از ترکیب این ماده با اسانسهای مختلف میوه‌ای، رنگهای خوراکی، و شکر به صورت ماده خوراکی در آمده، و در ساخت شکلات، کاکائو، شیرینی، بستنی، بیسکویت و مانند آن استفاده می‌شود.

در اغلب موارد «ژلاتین» از «کلاژین» های موجود در ساختمان بدن گاو یا گوسفند، که بهترین نوع آن می‌باشد، اخذ می‌شود، ولی ممکن است این عمل از ساختمان بدن حیوانات حرام گوشت، یا حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده باشند، نیز انجام پذیرد. با توجه به استحاله شدن کلاژین و تبدیل آن به محصول جدیدی به نام ژلاتین، و این که امروزه این ماده در اکثر مواد خوراکی مورد مصرف جهانیان موجود است، آیا فرقی بین حیوانات حلال گوشت، یا حرام گوشت، و ذبح شرعی شده، یا ذبح شرعی نشده وجود دارد؟

جواب: اولاً: در موارد مشکوک که نمی‌دانید از چه ماده‌ای گرفته شده، حکم حلیت و طهارت است، و جستجو لازم نیست. ثانیاً: اگر یقین داشته باشید از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰

حیوان حرام گوشت، یا حیواناتی که ذبح شرعی نشده‌اند گرفته شده، هرگاه تغییرات زیادی روی آن داده می‌شود تا بصورت فعلی درآید، حکم استحاله را دارد، و پاک و حلال است. در غیر این صورت خوردن آن حرام است؛ مگر در موارد ضرورت.

۲- نلثان

سؤال ۴۴- در روستای ما شیره انگور را به طریق زیر تهیه می‌کنند:

«ابتدا انگورها را می‌چینند، و در حوضهای مخصوص ریخته، و می‌شویند. سپس انگورها را له کرده و آب آن را می‌گیرند. پس از آن، خاک مخصوصی با آن مخلوط کرده، و آن را رها می‌کنند، تا ته‌نشین شود. آنگاه آب انگور را در ظرفهای مخصوص بزرگی می‌ریزند، و آن را به وسیله آتش می‌جوشانند، تا ۱۳ یا ۱۴ آن تبخیر شود. سپس باقیمانده آن را در ظرفهای کوچکتر ریخته و در آفتاب قرار می‌دهند، تا دو ثلث، یا بیشتر آن، تبخیر شود، در حدی که سفت می‌شود.» با توجه به توضیحات بالا لطفاً بفرمایید:

۱- آیا خوردن شیره‌ای که به این طریق به دست آمده حلال است؟ و بر فرض حرمت، آیا نجس هم می‌باشد؟ وظیفه کسانی که

سالهای متمادی به این طریق، شیره تهیه کرده، و خود مصرف نموده، و مقدار زیادی از آن را به فروش رسانده‌اند، چیست؟

جواب: چنین شیره‌ای نجس نیست؛ ولی خوردن و معامله آن اشکال دارد. باید آن را با آتش ثلاثان کنند.

۲- در صورتی که آن قدر آب انگور را بجوشانند تا دو ثلث آن با آتش کم شود، سپس جهت سفت شدن آن را در آفتاب قرار دهند، حکم آن چیست؟

جواب: هیچ اشکالی ندارد.

۳- آیا استحاله «آب انگور» به «شیره انگور» باعث حلیت می‌شود؟

جواب: این موضوع داخل در عنوان استحاله نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱

فصل پنجم: احکام وضو

طریقه وضو گرفتن

سؤال ۴۵- دست چپ من نرسیده به آرنج قطع می‌باشد. این موضوع هنگام وضو مرا آزار می‌دهد، و همواره در صحت وضویم شک و تردید دارم. لطفاً نحوه وضو گرفتن را با نداشتن دست چپ برای بنده توضیح دهید.

جواب: وضو گرفتن برای شما کار مشکلی نیست؛ صورت را با دست راست می‌شوید، سپس دست راست را زیر شیر آب می‌گیرید، به طوری که آب همه آن را فراگیرد، و با دست راست باقیمانده دست چپ را می‌شوید، سپس سر و هر دو پا را با آن مسح می‌کنید. و اگر شیر آب وجود نداشته باشد، و بخواهید با آب قلیل وضو بگیرید، کافی است یک نفر کف دست شما آب بریزد، و شما صورت خود را بشوید، و بعد یک لیوان آب بر روی دست شما از بالا به پایین بریزد، و شما نیت وضو می‌کنید، و سپس سر و پاها را مسح می‌کنید.

سؤال ۴۶- فردی که دستهایش دچار لرزه و رعشه مداوم است، و بی‌اختیار تکان می‌خورد، تکلیف او برای وضو چیست؟

جواب: در صورتی که می‌تواند دستش را حرکت بدهد، وضو گرفتن اشکال ندارد. منتها نیتش این باشد که حرکاتی که از بالا به پایین است جزء وضو باشد، و عکس آن جزء وضو نباشد.

سؤال ۴۷- شخصی که هر دو دست او فاقد حس و حرکت است، به طوری که نمی‌تواند هنگام وضو دستها و صورت را آب بکشد، و قادر بر مسح سر و پاها نیز نمی‌باشد، برای وضو چگونه باید عمل کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲

جواب: از کسی کمک می‌گیرد که او را وضو دهد. و اگر وضو گرفتن برای او شاق است، با کمک کسی تیمم می‌کند. و اگر دسترسی به کسی نبود، با همان حال نماز می‌خواند.

سؤال ۴۸- فردی که از کمر قطع نخاع شده، فقط بعضی از اعمال را شخصاً می‌تواند انجام دهد. آیا برای قسمتی از اعمال که انجام دادنش مشقت دارد، می‌تواند از کسی کمک بگیرد؟

جواب: آری، مانعی ندارد.

سؤال ۴۹- جانبازی هستم که بر اثر جراحت وارده، دستانم هیچ گونه حس و حرکتی ندارد، تکلیف این جانب برای وضو چه می‌باشد؟

جواب: صورت را زیر شیر آب می‌گیرید، و همچنین اگر می‌توانید دست‌ها را زیر شیر آب می‌گیرید، و اگر این کار هم مشکل

است، نائِب بگیرید. و اگر نائِب گرفتن هم میسر نیست یا مشکل است، همان مقدار که می‌توانید کافی است.

افعال وضو

اشاره

سؤال ۵۰- اگر یک دست جانبازی قطع شده، و به خاطر حساسیت مقداری از دست خود را باندپیچی کرده باشد، چگونه وضو بگیرد؟

جواب: با دست دیگر صورت را می‌شوید، و یا صورت را زیر شیر آب می‌گیرد، و آن قسمت که باندپیچی شده مانند جیره دست روی آن می‌کشد.

سؤال ۵۱- فردی هستم که دو دستم قطع شده، و بجای آن دست مصنوعی می‌بندم، و به هنگام وضو در آوردن دستهای مصنوعی برایم مشکل است. چه کنم؟

جواب: در صورتی که واقعاً در آوردن دست مصنوعی برای شما موجب عسر و حرج می‌شود، شستن صورت زیر شیر آب و در صورت امکان مسح سر و پاها با دست مصنوعی از باقیمانده آب صورت کافی است.

سؤال ۵۲- آیا برای جانبازی که دو دستش از آرنج قطع شده، شستن صورت لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳

جواب: آری لازم است. و چنانچه بتواند، با باقیمانده دست (و اگر میسر نشد با دست مصنوعی) سر و پاها را با آب صورت مسح می‌کشد.

سؤال ۵۳- آیا شستن باقیمانده دستها برای جانبازی که دو دستش از آرنج قطع شده در وقت وضو لازم است؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۵۴- جانبازی هستم که بر اثر انفجار مین دو دستم از کتف قطع شده است.

تکلیف من برای وضو چیست؟

جواب: اگر می‌توانید باید صورتتان را به قصد وضو زیر شیر آب بگیرید، و از کسی کمک بگیرید تا با آب صورت، سر و پای شما را مسح کند. و اگر گرفتن کمک مشکل باشد، به همان شستن صورت قناعت کنید.

سؤال ۵۵- وضو گرفتن برای افرادی که از کمر قطع نخاع می‌باشند، ولی دستهایشان را می‌توانند حرکت دهند، چگونه است؟

جواب: آن مقدار که می‌توانند وضو بگیرند.

سؤال ۵۶- نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع، که دستهایش بی‌حس است و حرکتی ندارد، از دستهای خود کمک می‌گیرد. آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازه فاصله انگشت شصت و انگشت وسط دست خود، صورت آن فرد

را وضو دهد؟ یا باید مقدار بیشتری از صورت او را بشوید؟

جواب: احتیاط آن است که مقدار فاصله دست او را در نظر بگیرد.

سؤال ۵۷- فردی نابینا هستم، گاهی از اوقات برای وضو در هنگام شستن دست یا صورت ناخودآگاه دوباره دستانم به زیر شیر آب می‌رود، و خیس می‌شود. آیا این کار هم یک بار شستن به حساب می‌آید؟

جواب: این، شستن جداگانه‌ای محسوب نمی‌شود. قصد کنید همه به نیت یک بار شستن باشد.

سؤال ۵۸- دو دستم در جنگ تحمیلی از مچ قطع شده است. هنگام شستن پهنای صورت، که باید مقدار بین انگشت وسط و شصت

شسته شود، وظیفه من

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴

چیست؟ چه مقداری از صورت را باید بشویم؟

جواب: به همان مقدار که دیگران می‌شویند، یا قبلاً خودتان می‌شسته‌اید، بشوید.

سؤال ۵۹- جانبازی هستم که به دلیل قطع دو دست، مجبورم برای شستن صورت آن را زیر شیر آب بگیرم، و سپس صورت را دست می‌کشم تا آب به آن برسد، آیا این مقدار کفایت می‌کند؟
جواب: آری کافی است.

سؤال ۶۰- در هنگام وضو به علت قطع دو دست، گاه از پایین به بالا شسته می‌شود. آیا خللی بر وضو وارد می‌شود؟ تکلیف نمازهای قبلی چیست؟

جواب: با توجه به این که آنچه از پایین به بالا شسته می‌شود در نیت شما نیست، و سپس آن را از بالا به پایین می‌شوید، ضرری به وضوی شما نمی‌زند.

سؤال ۶۱- برادر جانبازی است که در جنگ تحمیلی دستانش از آرنج قطع شده، و نمی‌تواند با باقیمانده دستها هر دو طرف صورت را بشوید. آیا مجاز است طرف چپ صورت را با بازوی دست چپ، و طرف راست صورت را با بازوی دست راست بشوید؟
جواب: شستن صورت به هر طریق جایز است.

مسح

سؤال ۶۲- آیا فردی که دستش از مچ قطع شده، می‌تواند با دست مصنوعی مسح کند؟

جواب: احتیاط آن است که با ذراع خود مسح بکشد.

سؤال ۶۳- وظیفه شخصی که زخم یا دمل یا شکستگی، در سر یا پاهایش دارد، و روی آن باز است، و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چیست؟

جواب: هر گاه چیزی از پشت پا، یا پیش سر، برای مسح کردن- و لو به اندازه یک انگشت- سالم باشد، بر آن مسح می‌کند. و اگر نباشد، جبیره‌ای بر آن می‌گذارد، و وضوی جبیره‌ای می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵

مسح سر

سؤال ۶۴- شخصی که روی سرش موی مصنوعی می‌گذارد، و در صورتی که نگذارد دچار مشکل می‌گردد، آیا مسح بر آن موها جایز است؟

جواب: هر گاه نتواند آب را به پوست سر برساند، بر همان موها مسح می‌کند. و احتیاط آن است که تیمم هم بکند.

سؤال ۶۵- آیا می‌توان مسح سر را با رطوبت دست چپ (همانند دست راست) انجام داد؟ و آیا مسح سر از پایین به بالا جایز است؟
جواب: در صورتی که با دست راست نتواند، با دست چپ مسح می‌کند. و از پایین به بالا اشکالی ندارد.

سؤال ۶۶- آیا در مسح سر کافی است که موی سر مرطوب گردد، یا لازم است رطوبت دست به پوست سر برسد؟ و اگر شخصی از موی مصنوعی استفاده کند، چگونه مسح کند؟

جواب: کافی است که موی پیش سر مرطوب شود، و رسانیدن آب به پوست سر لازم نیست. و در مورد موی مصنوعی هر گاه به صورت کاشتن باشد باید فرق خود را باز کند، و آب را به پوست سر برساند. و اگر به صورت کلاه باشد، و برداشتن آن ممکن نشود یا مشکل باشد، بر آن مسح نموده، احتیاطاً تیمم هم کند.

سؤال ۶۷- فردی هستم قطع نخاع، که دستهایم بی اراده تکان می خورد. هنگام مسح سر، یا پا، قبل از آن که بخواهم مسح کنم دستم بی اختیار به سر، یا پایم کشیده می شود؛ آیا می توانم روی همان خیسی سر یا پا مسح نمایم، یا باید محلّ مسح را خشک کنم؟
جواب: اگر خشک کردن محلّ مسح مشکل زیادی ندارد خشک کنید. و الا، می توانید به همان صورت مسح کنید.

سؤال ۶۸- جانبازی هستم که دو دستم قطع شده، و با باقیمانده دستهایم سر و پایم را مسح می کنم، ولی به دلیل کوتاهی دست، آب وضویی که بر روی دستها مانده به قدری نیست که بتوان مسح سر و پا را کاملاً انجام داد، تکلیف چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶

جواب: می توانید از بقیه اعضای وضو آب بگیرید.

سؤال ۶۹- آیا برای کسی که دو دستش قطع شده، و به هیچ وجه نمی تواند مسح بکشد، مسح سر لازم است؟ مسح پا چطور؟
جواب: اگر بتواند بدون مشقت نایب بگیرد، سر را مسح می کند. و الا از او ساقط است.

سؤال ۷۰- آیا مسح سر و پا را از پایین به بالا قبول دارید؟ (پا از بالا به پایین)

جواب: در مسح سر هر دو صورت جایز است؛ ولی در مسح پا، از سر انگشتان به بالا باید کشید.

سؤال ۷۱- فردی هستم قطع نخاع که با دستهایم به سختی می توانم مسح بکشم، اما هنگام مسح کشیدن آب شره می کند، و از روی موها به صورتم می ریزد.

آیا وضوی من صحیح است؟ اگر صحیح نیست، تکلیفم چیست؟

جواب: رسیدن آب سر به صورت اشکالی برای وضو ندارد؛ ولی دست را به آب صورت نرسانید.

سؤال ۷۲- این جانب به علت ترمیم موی سر، جهت مسح سر دچار تردید می باشم، زیرا موهای ترمیم شده طوری است که در هر وضو، امکان بازشدن ندارد.

در این مورد راهنمایی فرمایید.

جواب: در صورتی که از این نظر ضرورتی احساس کنید، می توانید همان مو را مسح کنید.

مسح پا

سؤال ۷۳- پاهایم به گونه ای دچار آسیب شده که دائماً باید کفشهای طبی به پا داشته باشم، و بیرون آوردن کفشها برای مسح پا، بالاخص خارج از منزل، بسیار مشقت دارد. وظیفه ام چیست؟

جواب: در فرض مسأله می توانید روی کفش مسح کنید. و اگر به زحمت نمی افتید، احتیاط آن است که تیمم را هم اضافه نمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷

سؤال ۷۴- فردی هستم که پایم قطع شده، و لذا از پای مصنوعی استفاده می کنم. آیا به هنگام مسح پا لازم است روی پای مصنوعی را مسح بکنم، یا نیازی نیست؟

جواب: لازم نیست.

سؤال ۷۵- اگر کسی پایش دچار شکستگی شده، و روی آن را گچ گرفته باشد.

برای مسح پا چه کند؟

جواب: روی گچ مسح کند، و اگر به زحمت نمی‌افتد تیمم هم نماید.

سؤال ۷۶- پاهایم دچار زخم و جراحت شده، و آن را با باند پانسمان کرده‌ام.

برای مسح پا تکلیفم چیست؟

جواب: مانند مسأله بالا عمل کنید.

سؤال ۷۷- انگشت شصت پا، و چند انگشت دیگرم قطع شده است. برای کشیدن مسح پا چه کنم؟

جواب: مسح را روی بقیه پا می‌کشید.

سؤال ۷۸- در دوران دفاع مقدس پایم قطع شده است، چگونه مسح بکشم؟

جواب: اگر از مچ پا قطع شده مسح ساق است، ولی احتیاط آن است که روی ساق پا را مسح کنید. و اگر از بالاتر است، مسح از شما ساق است.

سؤال ۷۹- پایم از مچ به پایین در جنگ تحمیلی قطع شده، و فقط بخش کوچکی از روی پا باقی مانده است. آیا برای مسح پا لازم

است روی این قسمت را مسح کنم، یا نیازی نیست؟

جواب: کافی است همان قسمت را مسح کنید.

سؤال ۸۰- فردی هستم که پای راستم قطع شده است. آیا در هنگام وضو، برای کشیدن مسح، فقط مسح پای چپ کافی است، یا

کار دیگری باید انجام بدهم؟

جواب: مسح پای چپ کافی است. ولی اگر ساق پای راست مانده باشد، احتیاط آن است که بر ساق پای راست نیز مسح کنید.

سؤال ۸۱- به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طبی و عصای چوبی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸

راه می‌روم. از آنجا که بیرون آوردن بوت (کفش) در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی من در ارتباط با مسح

پاها چیست؟

جواب: کافی است که روی همان کفش مسح کنید، و احتیاطاً تیمم هم بنمایید.

سؤال ۸۲- آیا برای فردی که دو دستش قطع شده، جایز است که با باقیمانده دست، روی قسمت باریکی از پا مسح بکشد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۸۳- گاه به هنگام مسح پا، به دلیل این که دو دستم قطع شده، ناخودآگاه بقیه دستم به قسمت‌های بالاتر از پا که هنوز مسح

نشده برخورد کرده، و آن را خیس می‌کند. آیا وضوی بنده در این حالت صحیح است؟

جواب: در صورتی که محل مسح خشک باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۸۴- از آنجا که دستهایم قطع شده، در آوردن و سپس پوشیدن جوراب برایتان سخت است. آیا می‌توانم بر روی جوراب مسح

بکشم؟

جواب: در صورتی که گرفتار زحمت می‌شوید، مسح بر جوراب مانعی ندارد.

سؤال ۸۵- اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد، آیا مسح پای راست، از او ساقط می‌گردد؟

جواب: با دست چپ مسح می‌کند.

سؤال ۸۶- کسی که قادر بر وضو نیست، نایب گرفته، و خودش نیت وضو نموده، و با دست خود مسح می‌کند، و اگر قادر بر مسح

نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می‌کند، و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را

انجام می‌دهد. اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: نایب با دست خود از آب وضوی او گرفته و مسح می‌کند. و اگر پیدا کردن نایب مشکل باشد، مسح از او ساقط است.
سؤال ۸۷- فردی هستم قطع نخاع که در هنگام وضو گرفتن آب روی پاهایم می‌چکد. آیا برای مسح پا باید نایب بگیرم تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد چه کنم؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برایم مشقت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹

جواب: در صورتی که مشقت دارد، خشک کردن آن لازم نیست.

سؤال ۸۸- فردی هستم قطع نخاع که برای مسح پا تنها می‌توانم با پشت انگشتان دستم مسح بکشم. آیا این کار صحیح است؟
جواب: همین مقدار برای شما کافی است.

سؤال ۸۹- فردی هستم قطع نخاع که اگر بخواهم خودم مسح کنم، از بالا به پایین و به طرف نوک انگشتان مسح کشیده می‌شود.
آیا کافی است، یا باید نایب بگیرم؟

جواب: خودتان مسح بکشید مقدم است.

سؤال ۹۰- از جانبازان دفاع مقدس هستم. خودم می‌توانم وضو بگیرم، اما برای کشیدن مسح پا در آوردن کفش یا جوراب برایم مشقت دارد، و کمک گرفتن از دیگران برایم سخت است. آیا می‌توانم از روی کفش مسح بکشم؟ از روی جوراب چگونه؟
جواب: در صورتی که واقعاً مشقت دارد، می‌توانید از روی جوراب یا کفش مسح بکشید.

شرایط وضو

سؤال ۹۱- اگر با حوله متعلقی به دیگری دست خود را که وضو گرفته‌ایم خشک کنیم، وضوی ما در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

۱- اگر بدانیم راضی نیست.

۲- چنانچه ندانیم راضی هست یا نه؟

۳- هرگاه پس از خشک کردن متوجه شویم، و اطلاع دادن به او موجب مفسده شود.

جواب: این امور هیچ تأثیری در وضو ندارد؛ ولی بدون احراز رضایت، نباید در مال دیگری تصرف کرد.

سؤال ۹۲- بعضی اوقات به هنگام وضو از بینی‌ام خون می‌آید. آیا وضویم باطل می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰

جواب: هرگاه صورت خود را شسته باشید، آمدن خون از بینی، وضو را باطل نمی‌کند.

سؤال ۹۳- فردی نابینا هستم. پس از وضو متوجه شدم که در قسمتی از بدنم، غیر از اعضای وضو، خون یا نجاستی وجود دارد، که به هنگام وضو متوجه آن نبودم.

وضو و نمازهایی که با آن خوانده‌ام چه حکمی دارد؟

جواب: ضرری به وضوی شما نمی‌زند. و نمازهایی که با آن خوانده‌اید اشکالی ندارد.

سؤال ۹۴- یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و خواندن نماز داشته باشد. حال اگر فردی نابینا باشد، و نداند که وقت کافی برای کارهای مذکور دارد یا نه، تکلیف او چیست؟

جواب: چنین کسی باید وضو بگیرد؛ مگر این که خوف این داشته باشد که وقت تنگ است و به نماز نمی‌رسد، در این صورت تیمم می‌کند.

سؤال ۹۵- فردی هستم قطع نخاع از گردن که بناچار نایب مرا وضو می‌دهد.

بعضی از اوقات وضو دادن من طول می‌کشد، و به همین خاطر بعضی از اعضای وضو مانند دست یا صورت خشک می‌شود. آیا در وضو خللی وارد می‌شود؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۶- با توجه به این که دو دستم قطع می‌باشد، زمان زیادی طول می‌کشد تا تک تک اعضا را وضو بدهم. آیا وضویم باطل است؟

جواب: برای شما اشکالی ندارد.

سؤال ۹۷- آیا حرکات غیر ارادی اعضای وضو در افرادی که معلولیت جسمی دارند، به هنگام وضو یا مسح کشیدن، وضو را دچار اشکال می‌کند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۸- اگر نایب بخواهد فرد وضو گیرنده را وضو دهد، احتمال آن می‌رود که طول بکشد و اعضای وضو خشک شود، آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱

جواب: در صورتی که وضو پی‌درپی باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۹۹- از جانبازان جنگ تحمیلی هستم. آیا جایز است که در هنگام وضو بعضی از اعضا را وضو بدهم، و برای بعضی دیگر (مثلاً مسح پا یا سر) مسافتی را طی نموده، آنگاه وضو را ادامه بدهم؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۰- بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیر بالغ باشد؟ بچه غیر ممیز چگونه؟ در هر دو صورت نیت وضو بر عهده کیست؟

جواب: بهتر این است از افراد بالغ، در صورتی که میسر باشد، استفاده کنند. و در هر حال باید شخص وضو گیرنده نیت کند.

سؤال ۱۰۱- فردی هستم قطع نخاع که اگر برای وضو نایب بگیرم، وضو به شکل صحیح انجام می‌شود؛ اما اگر خودم وضو بگیرم، در بعضی از اعضا به جای آن که آب از بالا به پایین ریخته شود، عضو از پایین به بالا شسته می‌شود. نایب بگیرم بهتر است، یا خودم انجام بدهم؟

جواب: در صورتی که گرفتن نایب بدون مشقت ممکن باشد مقدم است، و الا خودتان وضو بگیرید.

سؤال ۱۰۲- فردی هستم قطع نخاع از گردن، که برای وضو نایب می‌گیرم. نایب مرد در دسترس نیست، ولی زن نامحرم حاضر است. تکلیف من چیست؟

جواب: در صورتی که زن نامحرم آب به روی صورت و دست‌های شما بریزد مانعی ندارد، ولی واضح است دست کشیدن جایز نیست. و اگر بدون دست کشیدن میسر نباشد، به مقداری که میسر است عمل کنید.

سؤال ۱۰۳- جانبازی هستم که هنگام وضو گرفتن احیاناً دستم طوری قرار می‌گیرد که آب وضو به طرف بالا سرازیر می‌شود، آیا اشکالی در وضو ایجاد می‌شود؟

جواب: هرگاه از بالا به پایین دست بکشید اشکالی ندارد، هر چند آب بدون این که شما نیت کرده باشید به بالا حرکت کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲

سؤال ۱۰۴- آیا لازم است مکلف برای وضو، نایب را راضی کند؟ این در حالی است که او حقوق خود را جهت پرستاری از جانباز دریافت می‌کند، ولی برای وضو دادن اکراه دارد، و دستمزد بیشتری می‌طلبد.

جواب: در صورتی که وضو دادن جزء وظایف او در برابر حقوقش باشد، رضایت او شرط نیست.

سؤال ۱۰۵- جانباز قطع نخاع از گردن، خودش نمی‌تواند وضو بگیرد، و باید نایب داشته باشد. آیا می‌تواند برای راضی کردن نایب به او دستمزد بدهد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۰۶- آیا فردی که از گردن قطع نخاع است، و خود قادر بر انجام وضو نیست، ولی می‌تواند نایب بگیرد، جایز است بدون وضو نماز بخواند؟

جواب: در صورتی که خودش قادر به وضو نیست، و گرفتن نایب برای او عسر و حرج ندارد، باید نایب بگیرد. در غیر این صورت، بدون وضو نماز می‌خواند.

سؤال ۱۰۷- فردی هستم قطع نخاع از گردن که همیشه نایب مرا وضو می‌دهد. اگر نایب از منزل بیرون رود، و تا پایان وقت برنگردد، تکلیفم چیست؟ آیا وضو از من ساقط می‌شود؟

جواب: آری در این صورت بدون وضو نماز بخوانید.

سؤال ۱۰۸- چشمه‌ایم در جبهه آسیب‌دیده است. لذا وضو گرفتن همواره برای من مشکل ایجاد می‌کند، امّا من هیچ‌گاه توجه نمی‌کنم و این سختی را تحمل کرده و وضو می‌گیرم؛ هر چند گاهی باعث می‌شود که ترشح چشمانم زیادتر شود. آیا وضوی من اشکالی دارد؟ آیا نمازهایی که با آن خوانده‌ام دچار مشکل است؟

جواب: در صورتی که رساندن آب به آن ضرر داشته باشد، تیمم کنید.

سؤال ۱۰۹- به توصیه چشم پزشک در چشمم قطره ریخته‌ام. اگر وضو بگیرم، قطره چشمه‌ایم شسته می‌شود. و این در حالی است که وقت نماز اندک است، در این حالت چه کنم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳

جواب: می‌توانید وضو بگیرید، و اگر قطره شسته شد بار دیگر قطره بریزید.

مگر این که ضرر داشته باشد.

سؤال ۱۱۰- آیا وجود چربی طبیعی، که در موهای سر و روی پوست بدن است، و از غده‌های زیر پوست ترشح می‌شود، برای وضو و غسل، مانع محسوب می‌شود؟

جواب: این مقدار چربی، که در موها و بدن وجود دارد، معمولاً مانع از وضو و غسل نیست.

سؤال ۱۱۱- آیا با انگشتر می‌توان وضو یا غسل انجام داد؟

جواب: در صورتی که آب زیر آن برود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۲- دو دست یکی از برادران جانباز بر اثر انفجار از مچ قطع شده، و باقیمانده دستها دائماً دچار حساسیت پوستی می‌شود، تا آنجا که مجبور است بسیاری از اوقات دستها را به وسیله پماد یا کرم چرب نماید، و مصلحت نیست که برای وضو چربی را پاک کند. تکلیف ایشان برای ادای فریضه وضو چیست؟

جواب: می‌تواند صورت خود را زیر شیر آب بشوید، و دستها را بدون برطرف کردن چربی نیز بشوید. و اگر می‌تواند با آن مسح کند.

سؤال ۱۱۳- به مرض پوستی - بی‌خطری - مبتلا گردیده‌ام، به گونه‌ای که هر وقت غسل می‌کنم خشکی روی پوستم ظاهر می‌شود، چه بسا این خشکی حتی با شستن دست و صورت هم پیدا شود. به این جهت مجبورم به پوست بدنم پماد بمالم، از این رو در وقت وضو با مشکلاتی مواجه می‌شوم؛ خصوصاً در وضو برای نماز صبح. آیا می‌توانم بجای وضو در نمازهای صبح تیمم کنم؟

جواب: در صورتی که چربی زیاد نباشد مانع از وضو نیست. و اگر چربی زیاد است، می‌توانید با همان حال وضو بگیرید و بعد تیمم کنید.

سؤال ۱۱۴- چشمه‌ایم مدام ترشح می‌کند. اگر بخواهم به هنگام وضو، ترشح چشمانم را پاک کنم، با تکرار این کار، ترشح آن به مرور بیشتر می‌شود. اما اگر بدون پاک کردن آن ترشحات وضو بگیرم، مشکلی پیش نمی‌آید. آیا می‌توانم به همین شکل وضو بگیرم؟

جواب: مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴

احکام وضو

سؤال ۱۱۵- متأسفانه دچار وسواس شده، وضو و غسل و طهارت و قرائت نماز و به خصوص «وَلَا الضَّالِّينَ» را زیاد تکرار می‌کنم. به طوری که خودم هم خسته می‌شوم، بلکه به خاطر این کار من، دیگران نیز خسته و ناراحت می‌شوند. اگر (مثلاً) چیزی از دستم به زمین بیفتد، حتماً باید آن را آب بکشم. و یا خیلی وقتها، روی زمین نمی‌نشینم، چون زمین را نجس می‌دانم. اگر امکان دارد حکم بنده را بیان فرمایید، و مرا از وسواس نجات دهید.

جواب: نماز و وضوی شما به ترتیبی که نوشته‌اید، اشکال دارد، و اگر ادامه دهید شرعاً مسئول خواهید بود. تنها وظیفه شما این است که به همان مقدار که افراد معمولی متدین عمل می‌کنند، همان‌طور عمل کنید. و اگر شیطان وسوسه کرد که عملتان باطل است گوش نکنید. و ما مسئولیت صحت اعمال شما را بر عهده می‌گیریم.

سؤال ۱۱۶- کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، آیا می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند؟

جواب: دو نماز پشت سر هم را می‌تواند با یک وضو بخواند. یا مثلاً تمام نماز شب را با یک وضو بخواند.

سؤال ۱۱۷- آیا مجروحین جنگ و کسانی که قطع نخاع شده، و قدرت بر نگهداری بول ندارند، می‌توانند با یک وضو در نماز جمعه شرکت کرده، و به استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر بپردازند؟

جواب: آنها باید مقارن شروع خطبه‌ها وضو بگیرند، و بلافاصله در نماز جمعه شرکت کنند. در این صورت، نمازشان (حتی نماز عصر) با همان وضو صحیح است.

سؤال ۱۱۸- آیا افراد قطع نخاع که قادر بر کنترل و حفظ وضوی خود نیستند، و متوجه باطل شدن وضو نمی‌شوند، برای هر نماز باید وضوی جداگانه‌ای بگیرند، یا مثلاً برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می‌کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵

جواب: برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می‌کند.

سؤال ۱۱۹- جانباز قطع نخاع هستم، بدین جهت بول و غائط بی‌اختیار از من خارج می‌شود. آیا برای هر نماز باید وضو بگیرم؟ برای سجده سهو و نماز احتیاط چطور؟

جواب: می‌توانید یک وضو برای دو نماز بگیرید. و نماز احتیاط و سجده و وضوی دیگری لازم ندارد.

سؤال ۱۲۰- فردی هستم قطع نخاع که بول و غائط بی‌اختیار از من خارج می‌شود. و هنگامی که وضو می‌گیرم باید سریعاً نماز بخوانم تا وضویم باطل نشود، اگر احتمال بدهم که با طولانی شدن نماز وضویم باطل می‌شود، آیا جایز است مستحبات نماز، مانند اذان و اقامه را بجا آورم؟

جواب: بهتر است تا مطمئن نباشید مستحبات را بجا نیاورید.

سؤال ۱۲۱- آیا برای مجروحین جنگی، که قطع نخاع هستند، و قادر بر جلوگیری از خروج بول نمی‌باشند، جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله بیندازند، تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟

جواب: در صورتی که فاصله به مقداری باشد که مثلاً از خانه به مسجد برسند اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۲- کسی که بول او پی‌درپی خارج می‌شود، اگر در وسط نماز اول بول خارج شود، ولی بین دو نماز بولی خارج نشود، آیا می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۲۳- کسی که مرضی دارد که در بین نماز چند مرتبه غائط از او خارج می‌شود، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: چنانچه تجدید وضو برای او مشکل نباشد، وضو را تجدید کند. و اگر مشقت زیاد دارد، با همان یک وضو می‌تواند نماز را به جا آورد.

سؤال ۱۲۴- کسی که غائط طوری پی‌درپی از او خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶

از هر دفعه برای او سخت است. اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، آیا همان یک وضو کافی است؟

جواب: یک وضو کافی است؛ بلکه می‌تواند برای دو نماز پشت سر هم به یک وضو قناعت کند.

سؤال ۱۲۵- وظیفه کسی که دائماً به اندازه ناچیزی باد از او خارج می‌شود چیست؟

جواب: یک وضو برای هر نماز کافی است؛ بلکه می‌تواند دو نماز را هم با همان یک وضو بخواند.

اموری که باید برای آن وضو گرفت

سؤال ۱۲۶- بعضی از جوانان پلاکهایی به گردن می‌اندازند که جمله «یا ابا عبد الله» و مانند آن، روی آن نوشته شده است. آیا این کار، درست است؟

جواب: این کار اشکالی ندارد، ولی در هنگامی که وضو ندارند باید نامهای خدا و اسامی معصومین علیهم السلام، بنا بر احتیاط واجب، با بدن آنها تماس پیدا نکند.

سؤال ۱۲۷- با توجه به این که واژه «رضوی» منسوب به امام رضا علیه السلام است، آیا لگد کردن یا در زباله دان انداختن کاغذها و پلاستیکهایی که روی آن جملات «محصولات آستان قدس رضوی»، «کیک رضوی»، «بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی» یا مانند آن نوشته شده، از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: ظاهراً اینها جنبه اسمی برای آن مؤسسات و محصولات پیدا کرده، و اشکالی ندارد؛ هر چند بهتر است احترام آن رعایت شود.

سؤال ۱۲۸- نام فامیلی بعضی از هموطنان «حسینی»، «موسوی»، «علوی» و مانند آن که برگرفته از اسامی اهل بیت علیهم السلام می‌باشد. حکم شرعی زیر پا انداختن یا سوزاندن چنین اوراقی چیست؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۲۹- آیا سوزاندن یا انداختن اسامی از قبیل «خیابان امام رضا»، «میدان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷

امام حسین»، «مسجد موسی بن جعفر» از نظر شرعی حرام است؟

جواب: در صورتی که نامهای معصومین علیهم السلام روی آن نوشته شده باشد، احترام آنها لازم است.

سؤال ۱۳۰- آیا بر افراد نابینا نیز لازم است که هرگاه بر روی آیات قرآن دست می‌کشند وضو داشته باشند، یا نیازی نیست؟
جواب: آنها نیز باید وضو داشته باشند.

سؤال ۱۳۱- فردی نابینا هستم. اگر بدون توجه دستم را روی اسم جلاله خداوند که در جایی نوشته شده بکشم، مرتکب گناهی شده‌ام؟

جواب: در صورت عدم اطلاع بر وجود اسم جلاله، مرتکب خلافی نشده‌اید.

سؤال ۱۳۲- فردی قطع نخاع هستم. و به دلیل آن که بول و غائط بی‌اختیار از من خارج می‌شود از کیسه ادرار استفاده می‌کنم (سند و کاندوم) به همین جهت دائماً ادرار من جریان دارد، و داخل کیسه می‌ریزد. به چه شکلی می‌توانم قرآن بخوانم، و دست به آیات قرآن بزنم؟

جواب: شما می‌توانید وضو بگیرید و مشغول قرائت قرآن شوید. و مادام که فاصله زیادی نشده، می‌توانید خط قرآن را لمس کنید.
سؤال ۱۳۳- فردی قطع نخاع از گردن هستم. به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچارم از لب و دهان کمک می‌گیرم، و کمک گرفتن از دیگری برای مشکل است، وضو گرفتن نیز برایم مشقت دارد. آیا می‌توانم بدون وضو این کار را انجام دهم؟
جواب: اگر واقعاً وضو برای شما مشقت دارد، این کار برای شما مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۴- فردی هستم قطع نخاع که ادرار و مدفوع بی‌اختیار از من خارج می‌شود، و بسیاری از اوقات بدنم نجس است. آیا می‌توانم قرآن همراه خود داشته باشم، یا حمل قرآن برای من مجاز نیست؟
جواب: مجاز هستید.

سؤال ۱۳۵- نابینایان برای خواندن از خط برجسته‌ای به نام «بریل» که با لمس استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸

انگشتان خوانده می‌شود، استمداد می‌گیرند. می‌دانیم که این خط از نقاط ششگانه تشکیل شده است. با توجه به مطلب فوق، آیا بر نابینایان لازم است در موقع فراگیری قرائت قرآن، و در وقت لمس اسامی مقدسه که با خط برجسته نوشته شده، وضو داشته باشند؟
جواب: آری باید وضو داشته باشند، یا از دستکش‌های پلاستیکی نازک استفاده کنند.

سؤال ۱۳۶- آیا بر نابینایان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته‌ای، مطمئن شوند اسامی مقدسه بر روی آن نوشته نشده است؟
جواب: تحقیق برای آنها لازم نیست.

سؤال ۱۳۷- تمبرهایی وجود دارد که مزین به آیاتی از قرآن شده، و در طول روز افراد زیادی آن را بدون وضو لمس می‌کنند، و حتی برخی از آنها در خارج از کشور مورد لمس کفار قرار می‌گیرد. نمونه‌های دیگری مزین به جملاتی مانند «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» یا «الله اکبر» یا مثل آن است. آیا چاپ چنین تمبرهایی کار صحیحی است؟

جواب: باید توجه داشته باشید که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یا ائمه هدی علیهم السلام سکه‌هایی وجود داشته که «إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» * و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بر آن منقوش بوده، و مردم همه روز به آن دست می‌زدند. وجود چنین تمبرها یا سکه‌هایی سبب ترویج اسلام و قرآن است. منتها مردم وظیفه دارند که بدون وضو دست بر آن نزنند. ما وظیفه داریم از این طریق شعائر اسلام را تبلیغ کنیم، مردم هم وظیفه خاص خود را دارند.

سؤال ۱۳۸- اگر مهری با نام «عبد الله» ... داخل چاه توالت (که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد) افتاده باشد، حکم آن چه می‌باشد؟

جواب: اگر مهر به همان صورت که در بالا نوشته‌اید «عبد الله» بوده، مشکلی ندارید. ولی اگر به صورت «عبد الله» بوده، مادام که

نقش مهر باقی است، باید آن محل را تخلیه یا تعطیل کنید، و اگر دیگران خبر ندارند، لازم نیست اعلام کنید. اما

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹

آنان که می‌دانند، باید رعایت کنند. و اگر چاه متصل به لوله کشی فاضلاب است، هنگامی که اطمینان حاصل شود آن مهر همراه فاضلاب به نقطه دوری منتقل شده، مشکلی ندارد.

وضوی جبیره

سؤال ۱۳۹- آیا دست مصنوعی در حکم جبیره است، و در هنگام وضو باید دست مرطوب بر آن کشید؟

جواب: دست مصنوعی حکم جبیره ندارد.

سؤال ۱۴۰- فردی هستم که به خاطر جراحت دائماً آمپول می‌زنم، و نمی‌توانم چسبی که روی محل تزریق زده می‌شود را جدا نموده، سپس وضو بگیرم. تکلیف من چیست؟

جواب: اگر می‌توانید، چیزی روی آنها بگذارید، و وضوی جبیره بگیرید.

سؤال ۱۴۱- دائماً به دستم آمپول می‌زنم، و اثر چسب زخم بطور کامل پاک نمی‌شود. آیا برای وضو گرفتن اشکالی پیش می‌آید؟

جواب: اگر راهی برای برطرف کردن آن نباشد، به همان صورت وضو می‌گیرید.

سؤال ۱۴۲- شخصی در یکی از اعضای وضو، زخمی دارد که خونریزی آن حتی با گذاشتن جبیره قطع نمی‌گردد. چگونه باید وضو بگیرد؟

جواب: بقیه اعضا را می‌شوید، و مسح سر و پا را انجام می‌دهد، و احتیاطاً تیمم هم می‌کند.

سؤالات متفرقه وضو

سؤال ۱۴۳- فردی هستم قطع نخاع که اگر در منزل بمانم با وسائلی که دارم یا با کمک نائب می‌توانم به راحتی وضو بگیرم، اما مجبورم برای کار یا تحصیل از خانه خارج شده، و به هنگام نماز نمی‌توانم در خارج از منزل وضو بگیرم، یا وضویی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰

می‌گیرم ناقص است. آیا لازم است دائم در خانه بمانم، و کار و تحصیل را رها سازم؟

جواب: شما می‌توانید کار و تحصیل را ادامه دهید، و به مقداری که در خارج از منزل میسر است وضو بگیرید، و نماز را بخوانید.

سؤال ۱۴۴- اگر در موقع وضو آب شیر را بنبندیم، آیا اسراف محسوب شده، و جایز نمی‌باشد؟

جواب: مسلماً اسراف است، و جایز نیست.

سؤال ۱۴۵- اگر در موقع وضو قطراتی از آب بر اعضای وضوی ما پاشد، چه حکمی دارد؟

جواب: چند قطره تأثیری ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱

فصل ششم: احکام غسل

غسل جنابت

سؤال ۱۴۶- کسانی که بر اثر عمل جراحی پروستات، در بیشتر اوقات، همراه ادرارشان منی خارج می‌شود، آیا با خروج یقینی، غسل

بر آنها واجب می‌گردد، هر چند دفعات آن فراوان باشد؟ یا ادله و جوب غسل فقط شامل خروج متعارف می‌شود؟
جواب: با توجه به این که خروج منی در چنین فرضی، داخل ادرار به صورت مستهلک خواهد بود، سبب غسل نمی‌شود؛ ولی اگر به صورت مستقل و یا شبه مستقل خارج شود، غسل واجب می‌شود. ولی چنانچه تکرار غسل موجب عسر و حرج شدید گردد، تیمم بدل از غسل می‌کند.

غسل استحاضه

سؤال ۱۴۷- جدیداً پزشکان کاری می‌کنند که به وسیله تقویت‌های هورمونی، خونریزی قاعدگی ادامه می‌یابد. در این صورت آیا خونی که بعد از پنجاه سالگی دیده می‌شود، و تمام شرایط خون حیض را دارد، استحاضه است یا حیض محسوب می‌شود؟
جواب: در صورتی که تمام شرایط قاعدگی در آن جمع باشد، حیض محسوب می‌شود.

سؤال ۱۴۸- با توجه به درمان جدید یائسگی، و با عنایت به این که یائسگی یک بیماری تلقی می‌شود، و پزشک با زن یائسه به عنوان بیمار برخورد می‌کند، و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲

داروهایی که به این بیماران داده می‌شود همان حیض و خونریزی قبل از یائسگی را ایجاد می‌کند، و از آنجا که بعد از یائسگی تمام خونهایی که دیده می‌شود استحاضه محسوب می‌شود، تکلیف فردی که از سن ۴۸ سالگی (سن طبیعی یائسگی) و گاهاً در سن ۲۰ سالگی یا کمتر یا بیشتر یائسه می‌شود، و تحت این درمانها قرار می‌گیرد چیست؟ از آنجا که یائسگی بیماری تلقی می‌شود، و این فرد خود با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کند تکلیفش چیست؟ با توجه به این که اگر استحاضه قرار دهیم، غسل‌های پی‌درپی گاهاً باعث زحمت زیاد می‌شود، آیا در صورت ضرر نداشتن آب می‌تواند تیمم کند؟ از آنجا که ۷۰ درصد زنان به این گونه احکام عمل نمی‌کنند، تکلیف این افراد چیست؟

جواب: راه حل اسلام در این زمینه آسان است. یائسگی مانند پیری نوعی سیر طبیعی عمر است، و نباید آن را بیماری دانست. هر چند تقویت کردن برای پیشگیری از عوارض آن خوب است. همان گونه که در سالخوردگان نیز مطلب چنین است. بنابراین، تمام کسانی که به سن پنجاه سال قمری می‌رسند، خونهایی که می‌بینند استحاضه است، مگر این که دارای تمام شرایط عادت ماهیانه باشد. و در مواردی که غسل کردن برای آنها ضرر یا مشقت زیاد دارد، می‌توانند به جای آن تیمم کنند، و نماز خود را بخوانند.

غسل بدون خارج کردن لباس از بدن

سؤال ۱۴۹- آیا در استخر عمومی در حالی که لباس بر تن است، می‌توان غسل ارتماسی کرد؟
جواب: غسل ارتماسی با لباس مشکل است؛ ولی غسل ترتیبی با تکان دادن لباس، به طوری که آب به زیر آن برود، و مقداری از بدن را از آب بیرون آورد، و سپس به زیر آب برگرداند، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳

فصل هفتم: [در باره مردگان]

احکام مردگان

۱- غسل میت

سؤال ۱۵۰- از یک سال پیش بیماری خطرناکی تحت عنوان «تب خونریزی دهنده کریمه کنگو» در بعضی از نقاط کشور گزارش شد. این بیماری که در کشورهای همسایه، به ویژه افغانستان، پاکستان، و عراق، شیوع داشته از طریق گزش کنه موجود در روی پوست دامها، به انسان منتقل می‌شود. عامل بیماری ویروسی است که ابتدا علائمی نظیر تب، استفراغ، کمر درد را به وجود می‌آورد، و بعد از چند روز به علت اختلالی که در سیستم انعقاد خونی به وجود می‌آید، بیمار دچار خونریزی شدید و غیر قابل کنترل می‌شود. این خونریزی ممکن است از تمامی منافذ بدن رخ دهد. سرویس دهی به این بیماران نیازمند پرسنلی ورزیده و تجهیزات مدرن می‌باشد، و علی‌رغم همه مراقبت‌ها احتمال مرگ تا ۵۰٪ وجود دارد. متأسفانه علی‌رغم تمامی تلاشها، بعضی از مبتلایان به این بیماری فوت می‌کنند. نظر به این که علت اصلی مرگ خونریزی است، بعد از فوت نیز نشت مایعات مختلف جسد، به عنوان یک عامل آلودگی شدید محسوب می‌گردد، و وضعیت جسد به نحوی است که خود در مراحل مختلف (حمل تا سردخانه و سپس غسلخانه) به عنوان یک عامل انتشار بیماری قلمداد می‌گردد. و بر اساس تحقیقات انجام شده، بایستی اجساد مبتلایان به بیماری درون بسته‌های پلاستیکی مخصوص گذاشته شده، و هرچه سریعتر و بدون هیچ گونه تماس با افراد زنده به خاک سپرده شود. با توجه به این که بر اساس آخرین یافته‌های علمی، هرگونه تماس با اجساد این مبتلایان و مواد مترشحه از بدن آنان، به ویژه خونابه و سایر مایعات خونی، برای همه افراد بسیار خطرناک بوده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴

و ممکن است منجر به سرایت بیماری مهلک فوق الذکر گردد، پیشنهاد مجامع علمی محدود سازی مراسم مذهبی مرتبط با کفن و دفن می‌باشد. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که از نظر شما پزشکان متعهد و متخصص ص خطر جدی باشد، لازم است مراسمی از قبیل غسل و مانند آن، که سبب آلودگی می‌شود حذف گردد. و اگر تیمم دادن و کفن کردن هر چند از روی پلاستیک اشکالی ایجاد نکند، باید انجام شود. و اگر آن هم ایجاد خطر می‌کند، باید به نماز سریع و ساده قناعت گردد.

۲- کفن

سؤال ۱۵۱- تمام فقهای شیعه اتفاق دارند که نوشتن شهادتین و اقرار به امامت امامان علیهم السلام و دعای جوشن صغیر و کبیر و قرآن کریم بر جمیع قطعه‌های کفن مستحب است. و می‌فرمایند: «اینها در جایی نوشته شود که مأمون از آلودگی به نجاست و قدرات باشد، و هتک حرمت نشود.» لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- منظور از نجاست و قدرات، چیزی است که به سبب پوسیدن بدن میت حاصل می‌شود، یا نجاست دیگر؟

۲- آیا نوشتن دعاها و قرآن کریم به رنگ سیاه جائز نیست. (چنانچه مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله در مفاتیح الجنان می‌فرماید که به سیاهی ننویسد.) و اگر جائز نیست، به چه رنگ نوشته شود؟

۳- آیا آویزان کردن تسبیح تربت امام حسین علیه السلام در گردن و دست میت جائز است؟

جواب: پوسیدن بدن میت سبب نجس شدن آن نمی‌شود؛ زیرا پس از غسل، بدن پاک خواهد بود. مگر این که خونی در زمان پوسیدن در بدن بوده باشد، که آن هم محرز نیست. بنابراین، منظور از نجاست چیزهایی است که از قسمت پایین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵

بدن دفع می‌شود. و در ضمن اگر با آب زعفران و مانند آن بنویسید، بعید نیست اولویت داشته باشد.

۳- خنوط

سؤال ۱۵۲- اگر غسل جنازه میتی، به واسطه عذری که در جسد دارد، ممکن نباشد؛ بلکه وظیفه تیمم تشخیص داده شود، آیا در این صورت نیز حنوط واجب است، یا حنوط اختصاص به صورت غسل دارد؟
جواب: در این صورت نیز باید حنوط انجام شود.

۴- نماز میت

سؤال ۱۵۳- نماز خواندن بر جنازه شخصی که اقدام به خودکشی کرده، چه صورت دارد؟
جواب: اشکالی ندارد، و باید نماز خوانده شود.

سؤال ۱۵۴- آیا لازم است بر اجساد مسلمانان گناهکاری که طبق حکم دادگاههای اسلامی اعدام می‌شوند، مانند قاچاقچیان مواد مخدر، محاربین، زناکاران به عنف، و مانند آنها، نماز میت خوانده شود؟
جواب: آری بر هر میت مسلمانی باید نماز میت خوانده شود.

سؤال ۱۵۵- برگزاری مجالس فاتحه برای افرادی که در دو سؤال فوق ذکر شد، و شرکت در مجالس آنها چه حکمی دارد؟
جواب: طلب مغفرت برای آنها اشکالی ندارد؛ ولی اگر شرکت در این مجالس سبب ترویج این گونه اعمال گردد، جایز نیست.

۵- دفن میت

سؤال ۱۵۶- در طول تاریخ با اجساد مردگان دو گونه برخورد شده است: گروهی آن را سوزانده و در واقع اجساد را تبدیل به گاز نموده، و فقط قدری خاکستر تحویل استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶

زمین می‌دهند. گروه کثیری اجساد را در بستر زمین دفن نموده، و آن را به طور کامل تحویل زمین می‌دهند.

سؤال این است: کار کدام یک از این دو گروه درست بوده، و کدامین روش در حاصلخیزی خاک و رشد گیاهان و به طور کلی در چرخه حیات، تأثیر درستی ایفا می‌نماید؟
جواب: بی‌شک سوزاندن کار درستی نیست، و علاوه بر این که نوعی بی‌احترامی محسوب می‌شود، به چرخه حیات هم لطمه می‌زند.

سؤال ۱۵۷- ما جماعت خوجه شیعه اثنی عشری یکی از شهرهای کانادا در حال حاضر حدود هشت قبر خالی در قبرستان داریم. در این قبرستان مسیحی، یهودی و سایر کفار به صورت مخلوط دفن شده‌اند. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:
الف) همان‌طور که گفته شد. دفن بعضی از مسلمانان با کفار مخلوط شده است.

لذا با توجه به مسأله ۵۸۱ رساله توضیح المسائل جناب عالی، که دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کفار در قبرستان مسلمانان را جایز نمی‌دانید، آنچه شیعیان شهر ما انجام داده‌اند از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
جواب: در صورت امکان باید محلّ مستقلّی برای دفن اموات مسلمین انتخاب کنید، و اگر این کار مشکلات زیادی دارد دفن در مقبره‌های مشترک ضرری ندارد.

ب) بعضی از شیعیان، که علناً گناه انجام می‌دهند (تا حدّی که حتّی در مسجد اعلام نموده‌اند که فلان گناه را انجام می‌دهیم) اظهار داشته‌اند که حتّی اگر دفن نمودن در آن قبرها، که فعلاً خالی است، طبق نظر مراجع تقلید حرام باشد برای ایشان مشکلی نیست! اگر چنین وصیّتی کنند، باید طبق وصیّتشان عمل کنیم؟

جواب: چنانچه اعتقاد آنها نسبت به اسلام و تشیع ثابت است، فرقی میان آنها و سایر مسلمین نیست؛ هر چند گنهکار باشند.
 (ج) حکم مؤمنین و مؤمناتی که در سی سال اخیر در این قبرستان دفن شده‌اند چیست؟! آیا عذاب کفار بر آنها اثر می‌گذارد؟
 جواب: ان شاء الله از عذاب کفار در امان هستند؛ اقدام به نبش قبر نکنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷

سؤال ۱۵۸- شخصی ۱۵ سال قبل از دنیا رفته است. ایشان به فرزند بزرگ خود وصیت کرده که جسدش را به امانت بگذارد، و هر وقت راه کربلا باز شد، او را در کربلا دفن کنند. بدن میت را در یک صندوق چوبی گذاشته، و در یک اتاقک اسکان داده‌اند. لطفاً بفرمایید:

۱- با توجه به این که تاکنون راه کربلا باز نشده، و یقین هم نداریم که در آینده باز شود، آیا می‌توان متوفی را به خاک سپرد؟
 جواب: لازم است ایشان را به خاک بسپارید.

۲- آیا می‌توان جسد را به طور موقت و با همان صندوق به خاک سپرد، و هر زمان راه کربلا باز شد، جسد را به آنجا منتقل کرد؟
 جواب: ایشان را دفن کنید و بعداً هم نبش قبر ننمایید.

سؤال ۱۵۹- می‌گویند: «مستحب است روی قبر تازه، آب بپاشند» این استحباب یک مرتبه بوده، یا یک هفته، یا یک ماه، یا یک سال، می‌باشد؟ و در هر حال چه نفعی برای میت دارد؟
 جواب: از بعضی روایات استفاده می‌شود که پاشیدن آب تا چهل روز مستحب است.

سؤال ۱۶۰- خانم حامله‌ای در اثر تصادف فوت نموده است. پس از فوت، پزشکی قانونی بچه‌ای را که چهار ماهش کامل شده و حتی جنسیت آن کاملاً قابل تشخیص بوده از شکم مادر بیرون آورده، و مجدداً آن را داخل شکم متوفی گذاشته و آن را بخیه نموده است. اکنون جهت تدفین آنها به چه شکلی باید عمل شود؟ آیا لازم است مجدداً بچه از شکم مادر خارج و به طور جداگانه غسل داده شود و کفن و دفن شود، یا به همان کیفیت همراه مادر دفن می‌گردد؟
 جواب: به همان کیفیت در شکم مادر دفن می‌شود.

۶- نبش قبر

سؤال ۱۶۱- در برخی از کشورها رسم بر این است که قبر میت بعد از گذشت سی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸

سال برای دفن میت تازه مورد استفاده قرار می‌گیرد. آیا نبش قبر بعد از مدت فوق اشکال دارد؟
 جواب: در صورتی که مسلم شود آثار میت در این مدت به کلی از بین رفته، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۲- بعضی از مسلمانان معتقدند که نباید قبر میت تا ابد شکافته شود، نظر حضرت تعالی چیست؟
 جواب: این عقیده درست نیست، و نبش آن بعد از محو آثار مانعی ندارد؛ مگر در مورد قبور بزرگان و اولیاء الله.

سؤال ۱۶۳- لطفاً در مورد نبش قبر به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) چنانچه جسد هنوز سالم باشد، و در هنگام شکافتن قبر سعی در عدم کشف بدن متوفی شود، و روی کفن پارچه یا حائل دیگری که باعث عدم کشف بدن شود قرار دهند، نبش قبر و انتقال جسد چه حکمی دارد؟

ب) چنانچه جسد هنوز متلاشی نشده، ولی متعفن و بد بو شده باشد، و کفن هم سالم و نپوسیده باشد، در این صورت نبش قبر چه حکمی دارد؟

ج) انتقال جسد به گونه‌ای که قبر کاملاً قالب‌گیری شود، و جسد به همراه مقبره منتقل گردد، چه حکمی دارد؟

جواب الف: این کار عین نبش قبر است؛ نبش قبر این نیست که بدن نمایان شود، نمایان شدن جسد پوشیده در کفن هم نبش قبر است.

جواب ب: جایز نیست.

جواب ج: اشکالی ندارد، مشروط بر این که سبب هتک مؤمن نباشد. البته در صورتی که اختلاف شدیدی میان ورثه واقع شود و ناراحتی‌های مهمی حاصل گردد، نبش قبر یا انتقال جسد برای پایان دادن به این امور مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۴- جهاد دانشگاهی دانشگاه، به عنوان مشاور شهرداری تهران، در نظر دارد طرح ساماندهی گورستانهای متروکه شهر را که در آنها تدفین صورت نمی‌گیرد به اجرا در آورد. این گورستانها که مجزاً از گورستان بهشت زهرا بوده، و حدود ۶۰ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹

مورد می‌باشد، به علت ممانعت از دفن و متروکه شدن به تدریج از صحنه شهر ناپدید، یا به کانونهایی پرمسأله تبدیل شده، و بعضاً به مأمین افراد فاسد و معتاد مبدل گشته‌اند. در حالی که با امکانات فضای سبز، یا مجتمعات آموزشی و فرهنگی، توان بالقوه تبدیل شدن به فضای عمومی و عرصه اجتماعی را دارا می‌باشند. لیکن با توجه به احکام شرعی خاص گورستانها، در این راستا ابهاماتی وجود دارد که خواهشمند است در هر مورد فتوای خود را مرقوم فرمایید:

۱- آیا حرمت نبش قبر فقط مربوط به مسلمانان است، یا شامل همه پیروان ادیان آسمانی، بلکه نوع انسانها می‌شود؟

۲- نبش قبر پس از چند سال جایز است؟ آیا نسبت به همه متوفیان یکسان است؟

۳- آیا پس از انقضای مدّت فوق، محدودیتی از جهت شخصیت متوفی وجود دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۵۹

۴- آیا پس از انقضای مدّت فوق، محدودیتی از جهت تغییر کاربری، بدون این که اثری از گورستانها باقی بماند، وجود دارد؟

۵- تخریب قبور قبل از موعد، بدون این که منجر به نبش آن شود، چه حکمی دارد؟

جواب ۱ تا ۵: نبش قبر مسلمین و غیر مسلمانانی که در پناه اسلام زندگی مسالمت‌آمیز دارند جایز نیست. و چنانچه قبرستان کاملاً متروکه باشد می‌توان از آن برای کارهای عام المنفعه مانند مسجد، مدرسه و امثال آن استفاده کرد. البته تخریب قبر با نبش قبر متفاوت است، و اگر قبور مربوط به بزرگان علما و شخصیت‌های برجسته جامعه بوده باشد، تخریب آن جایز نمی‌باشد.

سؤال ۱۶۵- آیا شکافتن قبر به منظور تشریح بدن میت، برای نجات فرد متهم به قتل، یا شناخت قاتل، و اصولاً اموری که اهمیت آن بیش از هتک حرمت میت است، جایز می‌باشد؟

جواب: در فرض مسأله بالا، که پای امور مهمتری در میان است، نبش قبر جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰

احکام قبرستان

سؤال ۱۶۶- گورستان عمومی شهر ما در شرق این شهر قرار دارد. اخیراً جمعی از اهالی یکی از محلات غرب شهر، باغی را به عنوان گورستان در نزدیکی بافت مسکونی (حدود ۱۰۰ متری) در نظر گرفته، و اقدام به دفن یک مرده در آن نموده‌اند. این امر باعث نارضایتی شدید ساکنین همجوار گردیده، به گونه‌ای که جهت دفن مرده یاد شده، درگیری مختصری نیز بین اهالی (موافق و مخالف) رخ داده است. با عنایت به مخالفت شهرداری، احداث این گونه گورستانها و ادامه دفن اموات در آن، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه احداث گورستان در چنین مناطقی مخالف مقررات و قوانین حکومت اسلامی باشد، یا باعث اذیت و آزار مردم گردد، از این کار خودداری شود.

سؤال ۱۶۷- سنگ چینی قبرستان برای دفن خانوادگی چه حکمی دارد؟

جواب: سنگ چینی قبرستان اشکال دارد؛ هر موقع کسی مرحوم شد، می‌توان به اندازه متعارف از آن قبرستان برای او استفاده کرد.

سؤال ۱۶۸- آیا ضرورت دارد که زمین قبرستان وقف ابدی برای قبرستان باشد، یا در زمین‌های «کرایه‌ای» طویل‌مدت هم می‌توان به تدفین اموات مسلمانها پرداخت؟

جواب: در صورتی که مدت به اندازه‌ای باشد که آثار آخرین میت دفن شده به کلی محو گردد، یا این که مالک بعد از پایان مدت، ملزم به تصرفاتی شود که سبب نبش قبور نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹- در صورتی که قبرستان مسلمانها (در خارج از کشور) در جوار قبرستان مسیحی‌ها واقع شود، چه حکمی دارد؟ بدین شکل که قبرستان مسلمانها به صورت واحد جداگانه‌ای، که دیوار احاطه، در ورودی، و دیگر تسهیلات مختص به خود داشته باشد. جواب: اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱

سؤال ۱۷۰- چون محل مناسب دیگری برای شستشو و غسل میت در محل‌های دیگر در این کشورها موجود نیست، در نظر است یک اطاق جهت شستشو و غسل میت و یک سالن جهت نماز میت مخصوص مسلمانان بنا شود. آیا شستشو، غسل و ادای نماز میت در جوار قبرستان غیر مسلمانان اشکال دارد؟ جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۱- هرگاه قبور را با سنگهای مرمر، یا سیمان فرش نمایند، و چند متر پارچه روی قبر بیندازند تا مندرس و کهنه نشود، چه حکمی دارد؟ آیا این کارها برای میت منفعت دارد؟

جواب: این کارها خرج‌های اضافی است که برای میت سودی ندارد؛ مگر در مواردی که تعظیم شعائر ایجاب می‌کند.

سؤال ۱۷۲- در بعضی مناطق مرسوم است که سنگریزه‌های سفید، سرخ و زردی روی قبر پدر و مادر خود می‌ریزند. آیا این کار برای میت فایده‌ای دارد، یا فقط تشریفاتی است؟ جواب: این امور از نظر شرعی اعتبار ندارد.

سؤال ۱۷۳- در بعضی مناطق مرسوم است که روز و شب پنج‌شنبه و جمعه که برای زیارت قبور اموات‌شان می‌روند، عطر و گل‌های قیمتی و یا غیر قیمتی روی قبر می‌ریزند. آیا این کار مشروع و درست است؟ جواب: به مقدار کم اشکالی ندارد، ولی اگر اسراف باشد جایز نیست، مگر در مواردی که جنبه تعظیم شعائر داشته باشد، و در آنجا اسراف محسوب نشود.

سؤال ۱۷۴- آیا نوشتن آیات قرآن کریم بر سنگ مزار اشکال دارد؟

جواب: اگر هتک احترام نشود اشکالی ندارد.

احکام شهید

سؤال ۱۷۵- از طرف دشمن هیچ گونه تهدیدی برای ما وجود نداشت و جان و مال و عزت ما به طور کامل در امان بود، تا این که به فرمان فرماندار سنگرهای دشمن را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲

قبضه نمودیم. در این جنگ، درگیری شدیدی رخ داد و عده‌ای از مسلمانان کشته شدند، آیا به چنین افرادی احکام شهید را دارند؟
جواب: کشته‌شدگان در راه حفظ دین، احکام شهید را دارند؛ ولی آنها که در راه دفاع از ناموس و اموال خود یا مسلمین کشته می‌شوند، هر چند ثواب شهید دارند، ولی احکام شهید را ندارند.

مراسم عزاداری

سؤال ۱۷۶- در بین مهاجرین افغانستان مرسوم است که هرگاه یکی از بستگان فوت می‌کند، عده زیادی از اقوام و دوستان بعد از کفن و دفن میت، همه در منزل یا مسجدی که از طرف صاحبان مصیبت مهیا شده، گرد آمده غذای ظهر یا شب را صرف می‌کنند، و بعد از آن منزل صاحب عزا تا چهل روز محل رفت آمد مردم قرار می‌گیرد. خانواده مصیبت دیده، از دست رفتن عزیزش را فراموش کرده به مهمانداری مشغول می‌شود، اگر خودش پول نداشته باشد، باید از مردم قرض کند تا آبرویش حفظ شود. در مدّت یاد شده بیش از یک میلیون و دویست هزار تومان خرج می‌شود. همچنین اگر شخصی در افغانستان فوت کند تمام مصارف کفن و دفن و مستحبات در آنجا انجام می‌شود و بستگانش در جمهوری اسلامی ایران بلافاصله مراسم ختم برگزار نموده، و مصارف سرسام‌آوری هزینه می‌کنند، و به مدّت یک هفته یا بیشتر رفت و آمد برقرار می‌باشد. لطفاً بفرمایید حکم این گونه مراسم و هزینه‌ها چیست؟

جواب: آنچه از مصارف بی‌رویه- که در بالا- نوشته‌اید. و تحمیل بر صاحب عزا می‌شود- شرعاً حرام است. برادران و خواهران افغانی باید هرچه زودتر این رسم غیر مشروع را ترک کنند، تا خدا از آنان راضی گردد؛ ولی خیرات و میزات برای اموات در حدّ محدود و معقول، و به دور از هر گونه اسراف و تحمیل، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳

سؤال ۱۷۷- هنگامی که کسی از دنیا می‌رود، بستگان میت به افرادی که در مراسم جمع شده‌اند، می‌گویند: «اگر کسی حقی بر گردن میت دارد، معاف بدارد، و او را ببخشد» همه حضار در جواب می‌گویند: «هزار هزار بار بخشیدیم» آیا ذمه میت ساقط می‌شود؟

جواب: هرگاه صاحب حق از صمیم دل گذشت کند، ذمه میت بری می‌شود؛ ولی اگر بستگان میت می‌دانند که صاحب حق در اثر حیا یا اجبار چنین گفته، باید رضایت او را تحصیل کنند.

سؤال ۱۷۸- پدر بنده متأسفانه دار فانی را وداع نموده است. لطفاً بفرمایید علاوه بر مراسم متداول عزاداری، بهترین عملی که می‌توانم برای شادی روح ایشان انجام دهم چیست؟

جواب: جستجو کنید اگر دیونی به مردم دارد قبل از هر چیز دین او را بپردازید، و اگر واجباتی از او فوت شده قضا کنید، و تا می‌توانید برای او صدقات و خیرات دهید؛ یعنی به مردم نیازمند به تیت پدرتان کمک کنید.

سؤال ۱۷۹- اخیراً در برخی از مناطق رسم شده که بستگان متوفی به جای برگزاری مراسم عزاداری و فاتحه، پول آن را هزینه امور خیریه می‌کنند. به نظر می‌رسد با توسعه این تفکر، مردم و میت از برکات مجالس مذکور که آشنایی با معارف دین و تذکر و تنبیه و به یاد جهان آخرت افتادن، همدردی با صاحبان عزا، و قرائت فاتحه و قرآن برای میت، و ذکر توسل و مانند آن است، محروم می‌شوند. با توجه به این مطلب، کدام یک اولویت دارد؟

جواب: بهتر است مجلس ساده‌ای بگیرند، و هزینه‌های اضافی را صرف کارهای خیر کنند.

سؤال ۱۸۰- در سفری که به یکی از شهرهای استان خوزستان داشتم، در مجلس فاتحه جوانی که قبل از ازدواج مرحوم شده بود شرکت کردم. هنگامی که برای قرائت فاتحه به سر مزارش حاضر شدیم، در کمال بهت و ناباوری شاهد اجرای موسیقی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۴

محلّی و حرکاتی شبیه رقص تویّط برخی زنان و مردان گشتم، و لهذا سریعاً محل را ترک کردم. نظر حضرت‌عالی در مورد این مراسم چیست؟

جواب: این گونه کارها جایز نیست، و دور از شأن افراد با ایمان است، و سبب آزار روح میت می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۵

فصل هشتم: احکام تیمم

سؤال ۱۸۱- در دوران دفاع مقدّس مجروح شده‌ام، دوست دارم که در طول مدّت روز و شبها در هنگام خوابیدن با وضو باشم، ولی وضو گرفتن برایم مشقّت دارد. آیا می‌توانم تیمم کنم؟

جواب: در صورتی که مشقّت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد تیمم کنید.

سؤال ۱۸۲- از جانبازان دوران دفاع مقدّس هستم که قطع نخاع شده‌ام؛ عادت کرده‌ام که دائماً با وضو باشم، اما گاهی از اوقات کسالت جسمی، اجازه وضوی مستحبّی به من نمی‌دهد، آیا می‌توانم تیمم کنم؟ در این صورت، آیا ثواب وضوی مستحبّی را می‌برم؟ آیا با این تیمم می‌توانم نماز مستحبّی بخوانم؟

جواب: مانعی ندارد، و ان شاء الله ثواب وضوی مستحبّی را می‌برید، و نماز مستحبّی را می‌توانید با آن بخوانید.

سؤال ۱۸۳- جانبازی هستم که خود را عادت داده‌ام همیشه با وضو باشم اما بعضی از اوقات به خاطر سختی و یا کسالت جسمی آمادگی انجام وضو یا تیمم بر روی خاک را ندارم، آیا می‌توانم بر روی لباس، یا اشیای دیگر که در دسترس است، مانند ملحفه، تیمم کنم؟

جواب: می‌توانید روی یک قطعه سنگ پاک تیمم کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۷

فصل نهم: احکام نماز

وقت نماز

سؤال ۱۸۴- شخصی در یکی از شهرهای هندوستان مقاله‌ای بدین مضمون نوشته است: «جمع بین نماز ظهر و عصر و نیز مغرب و عشا مطابق آیین اهل بیت علیهم السلام نیست! حضرت علی علیه السلام در نامه ۵۲ نهج البلاغه خواندن نمازها را به طور جداگانه و در پنج وقت سفارش فرموده، و در نامه ۲۷ از خواندن نماز قبل و بعد از وقت منع نموده است» بنابراین جمع بین نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشا تحریف است؟

جواب: شک نیست که خواندن نمازهای پنج‌گانه در اوقات فضیلت، که در رساله‌ها آمده و پنج وقت جداگانه است، افضل می‌باشد؛ ولی جمع میان نماز ظهر و عصر، یا مغرب و عشا نیز رخصت است، و در منابع اهل سنت آمده که گاه پیامبر صلی الله علیه و آله بدون هیچ عذری آن دو را با هم می‌خواند، که عملاً بیان کند این رخصت است، و تجربه نشان داده که استفاده از این رخصت، مخصوصاً در عصر و زمان ما، باعث کثرت نمازگزاران می‌شود، در حالی که اصرار بر جدا خواندن پنج نماز از یکدیگر بسیاری را به ترک نماز دعوت می‌کند. باید از افراط و تفریط پرهیز کرد، و به دستور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام، که در بالا اشاره شد، عمل نمود.

سؤال ۱۸۵- با توجه به مسأله ۲ و ۶ مبحث وقت نماز مغرب تحریر الوسيله، وقت فضیلت نماز مغرب محدود، و وقت نماز غفيله بعد از نماز مغرب تا تمام شدن حمرة مغربيه می‌باشد. در این صورت، آیا صحیح است که بعضی از رسانه‌ها (در بعضی از استانها) و یا تبلیغات بعضی از اماکن مهم زیارتی، به مجرد این که احیاناً تقویمی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۸

نوشته باشد مثلاً قم مقدسه ۲ دقیقه از تهران از جهت افق عقب‌تر است، اذان را با آن تقویم پخش کنند؟ و آیا شرعاً می‌توان با این کار مردم را از فضیلت نماز اول وقت و فضیلت نماز غفيله بازداشت؟ (در حالی که بعضی از شهرها مثل اهواز، افق صبح آن از تهران حدود ۲۰ دقیقه عقب‌تر است ولی مغرب آن گاهی همزمان است.

یا طلوع فجر در اصفهان گاهی چند دقیقه عقب‌تر از افق تهران است، ولی مغرب حدوداً ده دقیقه زودتر است، و رسانه‌های آنها اوقات را رعایت می‌کنند، و در شهر قم اذان مغرب حدود ۵ دقیقه از تهران زودتر است.

جواب: معمولاً وقتی تفاوت افق را بیان می‌کنند، منظور تفاوت نصف النهارها و وقت ظهر است؛ ولی صبح و مغرب در فصول سال کاملاً متغیر است. مثلاً اصفهان همیشه ظهرش کمی بعد از تهران است، ولی صبح آن در تابستان دیرتر و در زمستان زودتر است.

لباس نمازگزار

اشاره

سؤال ۱۸۶- بدن برخی از بیماران بستری در بیمارستان به واسطه خون‌گیری و مانند آن نجس است، و بعضی نیز دارای لباس نجس می‌باشند. در صورتی که امکان غسل و دسترسی به لباس پاک نباشد، برای ادای نماز چگونه باید عمل کنند؟
جواب: با همان حال نماز می‌خوانند، و اگر غسل بر آنها واجب شده باشد، تیمم می‌کنند.

سؤال ۱۸۷- آیا با خون هموروئید (بواسیر) داخلی یا خارجی، می‌توان نماز خواند؟
جواب: در صورتی که زخمها در خارج بوده باشد، نماز خواندن مانعی ندارد و ملحق به قروح و جروح است؛ ولی اگر زخم، داخل باشد و خون بیرون آید، نماز خواندن با آن اشکال دارد؛ مگر در مواردی که عسر و حرج داشته باشد.

سؤال ۱۸۸- اگر در دو جای بدن یا لباس، لکه خونی، که هر کدام به اندازه حدوداً یک درهم است، باشد. آیا نماز خواندن با آن اشکال دارد؟

جواب: آری، اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۹

سؤال ۱۸۹- نماز خواندن با کفش و دستکش، اگر چه پاک باشند چه حکمی دارد؟

جواب: با دستکش مانعی ندارد، و با کفش نیز، اگر مانع رسیدن سر انگشت پا به زمین نشود، اشکال ندارد.

سؤال ۱۹۰- استفاده از عینکی که دسته آن مخلوط به طلا، یا طلای آن ظاهر است، برای مردان چه حکمی دارد؟ نماز خواندن با آن چه صورت دارد؟

جواب: اگر مخلوط به طلا باشد، اشکالی ندارد؛ اما اگر قسمت طلا به صورت روکش باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۹۱- در مسأله ۷۷۴ رساله آمده: «اگر لباسهای کوچک، مثل جوراب نجس باشد نماز او صحیح است» آیا شورت هم جزء لباسهای کوچک است؟

جواب: شورت جزء لباسهای کوچک نیست؛ زیرا منظور از لباس کوچک، لباسی است که عورت با آن قابل پوشاندن نباشد.

سؤال ۱۹۲- پوشیدن شلوار، یا پیراهن مردانه، و سر کردن چفیه توسط بانوان چه حکمی دارد؟
جواب: احتیاط این است که چنین کاری نکنند.

حجاب زنان

سؤال ۱۹۳- همانطور که می‌دانیم خداوند متعال در سوره نور، حجاب را مختص مؤمنان، زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مؤمنین دانسته است. حال سؤال این است که: ۱- آیا حجاب برای غیر مسلمانان در کشورهای اسلامی واجب است؟ ۲- اگر واجب است، همانطور که در فرانسه و ترکیه بر اعتقادات اسلامی ما می‌تازند، و ما آنها را ظالم و ضد اسلام می‌دانیم، آیا ما هم با پوشاندن زنان خارجی که به ایران می‌آیند و یا پیروان سایر مذاهب داخل کشور، به آنها اجحاف نموده‌ایم؟ ۳- اگر حجاب اختیاری بود، بهتر نبود، و معضلات اجتماعی حل نمی‌شد؟

جواب: یک اصل مسلم در اسلام داریم که هر حکمی برای مؤمنین و مسلمانان ثابت است، دیگران نیز مکلف به آن هستند (الکفار مکلفون بالفروع کما انهم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۰

مکلفون بالأصول)، بنابراین آنها هم موظف به حکم حجاب و ترک شراب‌خوری (حد اقل آشکارا) و گناهان دیگر هستند، و نسبت به حجاب که ما می‌توانیم اعمال کنیم کار صحیح و عادلانه‌ای است، و ما دوران قبل از انقلاب را فراموش نکرده‌ایم که وقتی اختیار و آزادی داده شد چه زنانی با چه وضعی بیرون آمدند و اکثر جوانان را به فساد کشیدند؛ و نوشته‌اید که اگر ما به کشورهای آنها برویم و ما را اجبار به بی‌حجابی کنند، چه می‌شود؟ فراموش نکنید که آنها بی‌حجابی را واجب نمی‌دانند، در حالی که ما حجاب را واجب می‌دانیم.

سؤال ۱۹۴- آیا حکومت می‌تواند، یا بر او لازم است، از بدحجابی یا بی‌حجابی بعضی از خانم‌هایی که در این امر مهم کوتاهی می‌کنند جلوگیری نماید؟ توضیح این که: بنده دانشجو هستم. چندی قبل استاد در کلاس این شبهه را مطرح کرد، و مدعی شد که هیچ دلیل فقهی وجود ندارد که حکومت را ملزم کند تا مواظب حجاب خانم‌ها باشد، همان‌طور که وظیفه ندارد مواظب نماز صبح افراد باشد. علاوه بر این گفتند: حضرت امیر علیه السلام دستور دارد که حجاب را از سر کنیزانی که خود را شبیه زنان آزاد کرده بودند، بردارند. نظر شما چیست؟

جواب: حکومت اسلامی و مسلمانان نسبت به گناهان پنهانی افراد وظیفه‌ای ندارند، ولی بدون شک نسبت به گناهانی که به طور علنی و آشکار، در سطح جامعه انجام می‌شود وظیفه نهی از منکر دارند، و الا جایی برای انجام این وظیفه مهم باقی نمی‌ماند. البته با این تفاوت که مردم باید به نهی از منکر زبانی اکتفا کنند، و از هر گونه برخورد فیزیکی اجتناب ورزند، ولی حکومت می‌تواند وارد این مرحله نیز بشود؛ و در مورد کنیزها اساساً میزان پوشش آنها نسبت به زنان آزاد از نظر اسلام متفاوت بوده است.

مکان نماز گزار

سؤال ۱۹۵- نماز خواندن، یا تلاوت قرآن، در پرتو روشنایی برق و گازی که بدون اجازه دولت کشیده شده، چه صورتی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۱

جواب: استفاده غیر قانونی از این امور جایز نیست؛ ولی نماز خواندن در چنان فضایی اشکال ندارد، اما خواندن قرآن اشکال دارد.

سؤال ۱۹۶- هرگاه کسی کوچه محل عبور و مرور مردم را به زور تصرف کند، و روی آن دو اتاق بسازد، و آن را متصل به ساختمان خود نماید، آیا می‌توان در آن ساختمان نماز و سایر احکام الهی را انجام داد؟

جواب: اگر مزاحم عابرین نباشد و در آن منطقه ساختن اتاق روی کوچه‌ها معمول باشد (آن گونه که در زمانهای قدیم معمول بود)، اشکالی ندارد، در غیر این صورت، جایز نیست.

سؤال ۱۹۷- آیا انسان می‌تواند در بیابان یا مزرعه‌ای که حصار ندارد ولی مالک دارد، نماز بخواند، یا از آب تلمبه‌ای که در آن مزرعه وجود دارد، استفاده نماید؟

جواب: در صورتی که مزاحمت و فساد ایجاد نکند، مانعی ندارد.

آداب و احکام مسجد

اشاره

سؤال ۱۹۸- آیا منبر مسجد، در حرمت نجس نمودن و لزوم تطهیر فوری، حکم خود مسجد را دارد؟

جواب: منبر حکم مسجد را ندارد.

سؤال ۱۹۹- انجام کارهایی که مزاحم نماز است، مثل سخنرانی، موعظه، تفسیر قرآن، بلند خواندن تعقیبات، برپایی مجلس ترحیم، در مساجد چه حکمی دارد؟

جواب: این امور معمولاً مزاحم نمازگزاران نیست و اگر مزاحمتی ایجاد کند، باید ترتیبی بدهند که نمازگزاران بتوانند نماز خود را بخوانند.

سؤال ۲۰۰- آیا می‌توان زیرزمین متروکه مسجدی که هیچ استفاده‌ای از آن نمی‌شود را اجاره داد، و در آمد آن را صرف هزینه‌های مسجد کرد؟

جواب: جایز نیست.

فَعَالِیْتِهَی مَسَاجِد

سؤال ۲۰۱- یکی از روحانیون مدتی است کلاسهایی با عنوان، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۲

تکنیکهای موفقیت، برگزار می‌کند، که بعضاً در این کلاسها مباحثی از «یوگا» و «انرژی درمانی» و مانند آن نیز مطرح می‌شود. سؤال این است که:

۱- آیا این علم مفید و جایز می‌باشد؟

۲- تبلیغ آن در مساجد، و با هزینه بیت المال چه حکمی دارد؟

۳- آیا اجرای آن توسط شخصی که لباس دین به تن دارد اشکالی ندارد؟

جواب: یوگا و انرژی درمانی اگر در حد معقول و مفید باشد اشکالی ندارد؛ ولی باید محل دیگری غیر از مسجد برای آن انتخاب کرد.

سؤال ۲۰۲- غذا خوردن در مجلس ختم و مانند آن، که در مسجد برگزار می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد نکنند، و سبب آلودگی مسجد نگردد، اشکالی ندارد.

ورود کفار به مسجد

سؤال ۲۰۳- مسجد وکیل شیراز یکی از بناهای معظم و تاریخی تمدن اسلامی است، که مورد علاقه اغلب جهانگردان و ایرانگردان بوده و هست. در سنوات اخیر به علت عدم تعمیرات اساسی، آسیبهای غیر قابل جبرانی به وجود آمده که این جانب حسب وظیفه شرعی خود به عنوان متولی شرعی و قانونی مسجد با همکاری و هماهنگی و نظارت اداره اوقاف در خارج ساعات نماز و عبادات مسلمین، اقدام به تهیه و فروش بلیط به جهانگردان خارجی با حفظ رعایت شئون اسلامی نموده‌ام (همانند مساجد امام و شیخ لطف الله و مسجد جامع اصفهان) تا در آمد حاصله، صرف هزینه تعمیرات و نظافت و نگهداری مسجد شود؛ چنانچه این موضوع خلاف شرع و اسلام می‌باشد، ما را ارشاد فرمایید.

جواب: آمدن آنها به مسجد در صورتی که جهات شرعی را رعایت کنند و سبب آلودگی مسجد نشود و موجب خوش بینی آنها به اسلام و مسلمین گردد، اشکالی ندارد. و گرفتن وجهی از آنها در صورتی جایز است که با میل و رضای خود آن را بدهند، و الزامی برای این کار نباشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۳

موقوفات مسجد

سؤال ۲۰۴- آیا وقف کردن اجناسی که احتمال سرقت آن زیاد است، و همین امر سبب می‌شود که اغلب اوقات در مسجد بسته باشد، صحیح است؟

جواب: چنین وقفی اشکال ندارد؛ و وظیفه مردم آن است که از آن مواظبت کنند.

سؤال ۲۰۵- فروختن برخی از اجناس، که مورد نیاز مسجد نیست، یا امروزه استفاده از چنان وسایلی متعارف نمی‌باشد، و در مساجد دیگر نیز به همین جهت قابل استفاده نیست (مانند فرش کهنه، یا بخاری نفت سوز) چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله فروختن آن اجناس و تهیه اجناس مورد لزوم مانعی ندارد؛ ولی اولویت با اجناس مشابه است (مثلاً فرش نو به جای فرش کهنه).

سؤال ۲۰۶- فرش یا وسیله دیگری از مسجد، که از ارزش بسیار بالایی برخوردار است، اگر مورد استفاده قرار گیرد، در مدت بسیار کوتاهی ارزش آن به مقدار زیادی کاهش می‌یابد، در صورتی که فروش آن به نفع مسجد باشد، آیا فروش آن جایز است؟

جواب: در فرض مسأله، فروش آن اشکالی ندارد، و مانند مسأله قبل عمل شود.

سؤال ۲۰۷- فروش فرشهای مسجد که دارای اندازه‌های متفاوت و رنگهای مختلف است، به منظور یک‌نواخت کردن آنها و ایجاد جذابیت بیشتر، که در نهایت سبب جذب افراد بیشتری به مسجد خواهد شد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر فرشها وقف مسجد باشند، چنین کاری جایز نیست، چون ضرورتی ندارد. ولی اگر ملک مسجد باشد، این کار مانعی ندارد. (ملک مسجد مانند وسایلی که از درآمد موقوفه و مانند آن خریداری می‌شود).

تخریب ساختمان مسجد

سؤال ۲۰۸- مقّرر گردید با تخریب و توسعه و تبدیل به احسن مسجدی که از نظر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۴

ساختمان عمر مفید خود را سپری کرده، مصلاً شهر ما احداث گردد. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱- آیا حکم مسجد سابق در طبقات فوقانی یا تحتانی بنای جدید هم جاری است؟ آیا می‌توان فضای فوقانی آن بخش از شبستان

جدید که جایگزین شبستان قدیم می‌گردد را به استفاده جدیدی نظیر کتابخانه، کلاس آموزش و امثال آن اختصاص داد؟
جواب: احکام مسجد درباره آنچه روی زمین سابق ساخته می‌شود، جاری است، ولی اگر زمین‌هایی اضافه گردد، تابع صیغه وقف جدید است؛ و اما ساختن کتابخانه و مانند آن در صورتی که مزاحمتی با نمازگزاران نداشته باشد، اشکالی ندارد.

۲- در بنای جدید ضرورت دارد بخش کمی از شبستان قدیم برای تعریض دیوارها، یا احداث ستون، یا مأذنه (گلدسته)، یا محل ایراد خطبه اختصاص داده شود. آیا این تصرفات جایز است؟

جواب: این گونه تصرفات، که مزاحمتی با نمازگزاران ندارد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۰۹- محلی، طبق اسناد معتبر و مسلم، وقف مسجدی شده است. از طرفی قسمت اعظم آثار مسجد در اثر مرور زمان از بین رفته ولی قسمتی از آثار از جمله محراب آن هنوز باقی است. با توجه به وقف بودن محل برای مسجد، متولی موقوفه قصد احداث مسجد در محل مسجد مخروبه سابق را دارد؛ ولی احداث مسجد و عمل به نیت واقف با بعضی از مقررات میراث فرهنگی تعارض دارد؛ در صورت تعارض نیت واقف با مقررات میراث فرهنگی، عمل به کدام یک مقدم است؟ تکلیف شرعی متولی موقوفه چیست؟

جواب: تا ممکن است باید با کمک گرفتن از اهل خبره و اطلاع، جمع میان بنای مسجد و حفظ آثار فرهنگی شود. و اگر ممکن نشد، اولویت با مسجد است.

سؤال ۲۱۰- مسجد محمدیه واقع در سه راه موزه قم در طرح توسعه حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام قرار گرفته است. این اداره ناچار به واگذاری و تخریب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۵

ساختمان موجود مسجد و بازسازی مجدد آن در دو طبقه به صورت هماهنگ با طرح حرم می‌باشد. در این واگذاری به صورت کتبی شرط شده که در هر حال محدوده مسجد به عنوان مسجدیت، باید برای همیشه ثابت و مشخص بوده باشد.
نظر حضرت تعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که مطمئن باشید مسجد مجدداً بازسازی می‌شود، و چیزی از آن کم و کاست نمی‌گردد، و بلایی که بر سر بعضی از مساجد آوردند بر سر آن نمی‌آورند، تخریب و بازسازی آن اشکالی ندارد.

دیگر احکام مسجد

سؤال ۲۱۱- امام جماعتی از منزل موقوفه مسجد در طول سالیان حضورش در آن مسجد، استفاده نموده است، در حالی که خود، صاحب منزل شخصی می‌باشد. آیا می‌تواند پس از ترک منزل مسجد، و انتقال به منزل شخصی خویش، این منزل موقوفه را به شخص ثالثی اجاره داده و خود، مال الاجاره را تملک کند؟

جواب: چنانچه منزل برای سکونت امام جماعت مسجد ساخته شده، اجاره آن جائز نیست؛ مگر آن که امام جماعت از آن استفاده نکند و بلا مصرف بماند؛ در این صورت می‌توان آن را اجاره داد و مال الاجاره آن را صرف نیازهای مسجد کرد، و اگر امام جماعت ناچار است در جای دیگری خانه اجاره کند، می‌توان مال الاجاره آن خانه را از این وجه پرداخت کرد؛ ولی در صورتی که منزل ملکی داشته باشد، مال الاجاره به او تعلق نمی‌گیرد.

سؤال ۲۱۲- برای بهبود عبور و مرور بر اساس طرح تفصیلی شهر، شهرداری محل، اصرار بر عقب‌نشینی دیوار قبلی شبستان مسجد- در حدود نیم متر- دارد، در این مورد چه می‌فرمایید؟

جواب: تا مجبور نشوید، عقب‌نشینی نکنید.

سؤال ۲۱۳- مسجدی در محله ما وجود دارد که سابقاً حمامی در جلوی آن قرار داشت، و بین حمام و مسجد، کوچه‌ای فاصله شده بود. بر اثر مخروبه شدن حمام و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۶

توسعه خیابان و احداث میدان، حمام جزء خیابان شده و کوچه، جلوی مسجد و کنار میدان قرار گرفته است. از آنجا که این کوچه فعلاً هیچ استفاده‌ای جز برای مسجد ندارد، قرار شد در صورت مجاز بودن، جهت نما و کفشداری مسجد از آن استفاده شود. زمین مذکور متعلق به افرادی است که به جهت خروج از کشور، یا عدم حیات مالکین اصلی و تعدد ورثه تحصیل رضایت همگی آنها میسر نیست. از طرفی زمین مسجد و حمام سابق و کوچه، با رضایت خودشان و برای استفاده عموم ساخته شده بود. با توجه به شرح بالا، الحاق کوچه به مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که کوچه مزبور در حال حاضر هیچ استفاده‌ای برای عبور و مرور ندارد و میدان و خیابان، مشکل عبور و مرور را کاملاً حل می‌کند، و همان‌طور که نوشته‌اید، تنها فایده کوچه سابق این است که برای مسجد مورد استفاده قرار گیرد، در چنین شرایطی مانعی ندارد که از آن به نفع مسجد استفاده کنند.

سؤال ۲۱۴- شخصی گوشه‌ای از ملک خود را برای عبادت برگزیده، و حجره‌ای در آن ساخته، و در آنجا به عبادت می‌پردازد. به تدریج همسایگان او نیز در حال حیاتش در آن محل نماز می‌خوانند. مردم بعد از وفات شخص مذکور، حجره‌اش را خراب کرده، و آن را به صورت مسجد در می‌آورند. ولی ورثه نه قبلاً راضی به این کار بوده، و نه اکنون راضی هستند، بلکه آن زمین را غصبی اعلان کرده‌اند، اما مردم به حرف آنها اعتنایی ننموده، و نمازشان را در آنجا به جا می‌آورند. حکم چنین مسجدی، و نمازهایی که در ظرف بیست سال در آن خوانده شده چیست؟

جواب: هرگاه وقف آن محل برای مسجد ثابت نشود، و مالک وصیتی هم نکرده باشد، اقامه نماز در آنجا بدون رضایت ورثه جایز نیست.

سؤال ۲۱۵- اگر زمینی غصبی به مرور ایام به صورت مسجد درآمده باشد، آیا می‌توان بالای آن، طبقات دیگری ساخت؟ مثلاً در طبقه اول ساختمان مسکونی، و در دوم کتابخانه عمومی، و در طبقه سوم درمانگاه ساخت؟

جواب: هرگاه زمین به طور یقین غصبی باشد، هیچ یک از این تصرفات درست نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۷

سؤال ۲۱۶- عده‌ای گمان می‌کنند که خانقاه، خصوصیت و شرافتی بر سایر امکنه مقدسه دارد. لذا در آنجا جمع شده، و طلب حاجت نموده، و تبرک تقسیم می‌کنند. نظر جناب عالی چیست؟

جواب: خانقاه از بدعت‌های صوفیه است، و در اسلام جایگاهی ندارد. از شرکت در مجالس آن خودداری کنید.

سؤال ۲۱۷- مسجد ما، به علت قدمت بنا، رو به خرابی است. بدین جهت اهالی می‌خواهند ساختمان آن را تجدید بنا کنند. بدین منظور، لازم است زمین مسجد به مقدار پنج متر، خاک برداری شود، اگر این خاکها دور ریخته شود، اشکال دارد؟

جواب: چنانچه آن مسجد یا مساجد دیگر احتیاجی به آن خاک ندارند، و قابل فروش هم نیست، دور ریختن آن مانعی ندارد.

سؤال ۲۱۸- متولی مسجد دارای چه مسئولیتی است؟ و در قبال مسجد چه وظایفی دارد؟ آیا اداره مسجد و برنامه‌های آن به عهده متولی است، یا هیئت امنای مسجد این مسئولیتها را به عهده دارد؟

جواب: وظیفه متولی آن است که اگر مسجد موقوفاتی دارد، آنها را حفظ نموده، و صرف مسجد کند، و بقیه امور مربوط به نمازگزاران است.

سؤال ۲۱۹- آیا هنگام ساختن مسجد، می‌توان طبقه اول را به عنوان مسجد، و طبقه دوم را به عنوان حسیته ساخت؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۰- با توجه به وجود متولی منصوص، افراد خیر بدون حضور و اجازه ایشان دست به تغییر بنا و ساختمان‌سازی نموده‌اند. نماز گزاردن در محلّ جدید مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: باید در این گونه موارد با اجازه متولی محترم کار کنند؛ ولی اگر بر خلاف آن کاری انجام شده، ضرری به نماز خواندن در مسجد و حتی ساختمانهای جدید نمی‌رساند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۸

اذان و اقامه

سؤال ۲۲۱- طبق آنچه در مسئله ۸۴۴ توضیح المسائل جنابعالی آمده، از جمله موارد سقوط اذان، جایی است که دو نماز مثل «ظهرین» یا «عشائین» با هم خوانده می‌شود و فقط به مقدار تعقیب و نافله، فاصله می‌شود. اگر در چنین مواردی اذان گفته شود، خلاف شرع صورت گرفته است؟

جواب: گفتن اذان در این حالت خلاف است.

سؤال ۲۲۲- بعضی دوستان میل دارند که اذان صبح، ظهر و مغرب در خوابگاه‌های دانشجویی پخش شود؛ برخی دیگر به بهانه «ایجاد مزاحمت برای دانشجویان» با این کار مخالفت می‌کنند؛ نظر مبارک جنابعالی چیست؟

جواب: اذان شعار اسلام، و برای بیان وقت نماز است. پخش آن با بلندگو به صورت معتدل و متعارف و خالی از افراط اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۳- اخیراً در بعضی مناطق، علاوه بر جمله

«اشهد ان علیاً ولی الله»

□

، جمله «اشهد ان فاطمه الزهراء عصمه الله الكبرى» را نیز به اذان اضافه می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: این کار جایز نیست، و علاوه بر عدم مشروعیت زیانهای فراوانی برای عالم تشیع دارد. ابراز علاقه به آن بزرگوار راههای بسیار بهتری دارد.

واجبات نماز:

۱- قیام

سؤال ۲۲۴- بیماری که ایستاده نماز می‌گذارد، بناگاه احساس سرگیجه و عجز می‌کند. آیا می‌تواند بقیه نماز را به حالت نشسته یا خوابیده بخواند؟

جواب: مانعی ندارد؛ ولی اگر تا آخر وقت قدرت پیدا کند، احتیاط اعاده است.

۲- قرائت

سؤال ۲۲۵- آیا باید نهایت دقت را در درست خواندن اذکار نماز به کار ببریم، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۷۹

کافی است به عربی صحیح خوانده شود؟ مثلاً من در نماز ظهر و عصر، که باید حمد و سوره آهسته خوانده شود، مشکل دارم. و

باید کمی بلندتر بخوانم، وگرنه نمی‌توانم حروف حلقی را درست تلفظ کنم. آیا نمازم باطل است؟

جواب: در این گونه مسائل سخت‌گیری نکنید. کافی است طوری بخوانید که عربها بگویند صحیح است، و هرگز در قرائت نماز ظهر و عصر، صدای خود را بلند نکنید؛ و به نظر می‌رسد گرفتار وسوسه شده‌اید، که باید سعی کنید آن را ترک نمایید.

سؤال ۲۲۶- آیا نمازهای مستحبی، مثل نماز شب و نافله‌ها را نیز باید به عربی صحیح خواند؟ زیارتها و دعاها چطور؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۲۲۷- نظر به این که در کلمه «صراط» هم تلفظ «س» صحیح است و هم تلفظ «ص»، اگر کسی قصد هیچ کدام را نکند، آیا هر کدام به زبان آمد صحیح است؟ اگر قصد «س» کرد، و اتفاقاً «ص» تلفظ شد، یا بعکس، چه حکمی دارد؟

جواب: تلفظ «صراط» با «سین» از نظر ما خلاف احتیاط است؛ ولی اگر مقلد کسی باشد که هر دو را اجازه می‌دهد، می‌تواند نیت مطلق کند که هر کدام تلفظ شود همان منظور باشد، در این صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۲۲۸- برخی از نمازگزاران در کلماتی مانند «یوم» در «مَلِکِ یَوْمِ الدِّینِ»، و «تَوَاصُّوا بِالْحَقِّ»، حرکت فتحه قبل از واو ساکن را، شبیه به ضمه می‌خوانند. هم چنین در کلماتی مانند «عَلَيْكَ، عَلَيْنَا، عَلَيْكُمْ» حرکت فتحه قبل از یای ساکن را نزدیک به کسره، یا به صورت مکسور قرائت می‌کنند، نماز آنها چه حکمی دارد؟

جواب: عرب در تلفظهای معمول، فتحه‌های قبل از واو را کمی شبیه به ضمه، و فتحه‌های قبل از یاء را کمی شبیه به کسره ادا می‌کنند.

سؤال ۲۲۹- برخی از نمازگزاران، حرکت فتحه قبل از حرف ساکن را در موارد زیر بیش از مقدار یک حرکت (و متعارف عرب زبانان) می‌کشند: ۱- «مغضوب» ۲- «أَحَدٌ»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۰ □
در «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». ۳- «صمد» در «اللَّهُ الصَّمَدُ» ۴- «أَمْرٍ» در «مِنْ كَلِّ أَمْرٍ» ۵- «الْفَجْرِ» در «حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ». در حالی که زبان‌شناسان عرب (قدیم و جدید) می‌گویند:

حرکت فتحه، تفاوتی با الف مدی (صدای کشیده «آ») ندارد، مگر در مقدار کشش صدا. به عبارت دیگر، اگر حرکت «فتحه» را مقدار بیشتری بکشیم، تبدیل به «الف مدی» می‌شود. لطفاً نظر مبارک را در این مورد بفرمایید.

جواب: در صورتی که صدق عربی صحیح کند اشکالی ندارد؛ هر چند موافق قواعد تجوید نباشد.

سؤال ۲۳۰- درباره تلفظ «مالک» در سوره «حمد» نظر شریف خود را بیان فرمایید:

الف) آیا می‌توان «مَالِکِ» را «مَلِکِ» خواند؟ در صورت جواز، کدام بهتر است.

ب) آیا می‌توان در یک رکعت «مَالِکِ» و «مَلِکِ» هر دو را با هم خواند؟

ج) آیا می‌توان در رکعت اول، «مَالِکِ» و در رکعت دوم «مَلِکِ» خواند؟

جواب: احتیاط آن است که فقط مالک بخوانند.

سؤال ۲۳۱- آیا می‌توان نماز را به غیر از قرائت عاصم، به سایر قرائات نیز خواند؟

در فرض مذکور، مثلاً کلمه «مَالِکِ» تنها در قرائت عاصم و کسائی «مَلِکِ» خوانده شده است. سایر قراء سبعة، آن را «مَلِکِ یوم الدِّینِ» خوانده‌اند. اگر نمازگزار بخواهد «مَلِکِ» بخواند، آیا لازم است قبل از شروع نماز، نوع قرائت خود را در نماز معلوم کند؟

جواب: خواندن غیر قرائت حفص از عاصم در شرایطی که فقط این قرائت مشهور است اشکال دارد.

سؤال ۲۳۲- آیا رعایت ادغام نون ساکن و تنوین در حروف «یرملون»، مثلاً در «وَلَمْ یَكُنْ لَهُ»، یا «مَحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» در نماز واجب است؟

جواب: همین اندازه که عربی صحیح صدق کند کافی است.

سؤال ۲۳۳- آیا قصد انشا در سوره حمد و سایر اذکار نماز جایز است؟

جواب: در مورد اذکار و الفاظ نماز و قرائت حمد و غیره فهم معنا و قصد انشا نه تنها جایز، بلکه بسیار خوب است، و در اینجا توجه به چند نکته لازم به نظر می‌رسد:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۱

۱- شکی نیست که هدف از این الفاظ معانی آن است. هدف، تسبیح و تهلیل و حمد و ستایش خداست، و این امر با قصد لفظ بدون قصد معنا حاصل نمی‌شود.

حتی به عقیده ما سوره حمد نیز چنین است. آیات و تعبیرات سوره حمد به خوبی نشان می‌دهد که از لسان بنده در برابر پروردگار است، و این تصوّر، که قصد انشا در آن با قصد قرآنی منافات دارد، اشتباه بزرگی است، که باید از آن به خدا پناه برد؛ زیرا هدف سوره حمد را به کلی از بین می‌برد. به خصوص بعد از ملاحظه روایاتی که درباره سوره حمد آمده است.

۲- شکی نیست که سوره توحید، یا سوره‌های دیگر که در نماز می‌خوانیم، از این امر مستثنی است. و هدف حکایت کلمات خداوند برای گرفتن پند و اندرز و تعلیم است (مثلاً هیچ کس در «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» قصد انشا نمی‌کند).

۳- قصد معنا گاه تفصیلی است (مانند قصد خواص) و گاه اجمالی است (مانند آنچه عوام قصد می‌کنند). عوام اجمالاً می‌دانند این کلمات، حمد و تسبیح و تمجید و ثنا و دعاست؛ ولی جزئیات آن را نمی‌دانند.

۴- حق این است که قصد اجمالی کافی است، و بر عوام لازم نیست که معانی الفاظ نماز را به طور تفصیل بدانند، زیرا می‌دانیم اقوام زیادی غیر از اهل لسان وارد اسلام شدند، که به غیر زبان عربی سخن می‌گفتند، اگر دانستن معانی تفصیلی قرائت و اذکار نماز واجب بود، باید در کلام پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، یا در روایات ائمه علیهم السلام، اشاره‌ای به آن می‌شد. مخصوصاً بعضی امامان مانند حضرت امام رضا علیه السلام که مدتها در میان ایرانیان می‌زیسته‌اند.

سؤال ۲۳۴- شخصی طی سالیان متمادی، بر اثر ندانستن مسأله، سوره را قبل از حمد خوانده است. آیا نمازهایی که به شکل فوق خوانده قضا دارد؟

جواب: در صورتی که جاهل مقصّر باشد باید قضا کند؛ ولی اگر دسترسی به فراگرفتن مسأله نداشته، یا اصلاً احتمال بطلان نمی‌داده، قضا ندارد.

سؤال ۲۳۵- بنده بعد از مدتی نزد یکی از روحانیون معظّم امتحان قرائت دادم، و متوجه شدم بعضی از الفاظ نماز من صحیح نبوده است. آیا باید نمازهای قبل از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۲

تصحیح قرائت را قضا نمایم؟

جواب: در صورتی که قبلاً تصوّر می‌کرده‌اید نمازتان صحیح است، اعاده لازم نیست.

سؤال ۲۳۶- لطفاً به سؤالات زیر در مورد قرائت نماز پاسخ دهید:

۱- در بحث قرائت نماز، وقف به چه معناست؟ آیا ملاک نَفَس گرفتن است، حتی اگر توقّفی صورت نگیرد؟ یا ملاک وقف عرفی است، حتی اگر نَفَس گرفته نشود؟

۲- آیا بر هر کلمه‌ای از کلمات نماز می‌توان وقف کرد؟ یا ملاک درستی معناست؟

مثلاً اگر «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویند، و بعد از مدتی «رَبِّ الْعَالَمِينَ» گفته شود، آیا نمازش صحیح است؟

جواب ۱ و ۲: ملاک وقف، فاصله عرفی است؛ خواه نَفَس بگیرد، یا نگیرد، و تنها در جایی جایز است که رابطه جمله را قطع نکند.

۳- آیا وقف به حرکت در همه اجزای نماز اشکال دارد؟ یا فقط در قرائت اشکال دارد؟ مثلاً اگر بگوید

«سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»

(با حرکت) و بعد از مدتی بگوید

«وَبِحَمْدِهِ»

، آیا وقف به حرکت محسوب می‌شود؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

۴- آیا گفتن اذکاری که کاملاً جدای از هم هستند، به صورتهای زیر صحیح است:

الف) مثلاً گفته شود «سُبْحَانَ اللَّهِ» * سه بار بدون توقّف (با حرکت).

ب) گفته شود «سُبْحَانَ اللَّهِ» * با توقّف (با حرکت).

جواب: وقف با حرکت در هر جای نماز خلاف احتیاط است.

۳- سجده

سؤال ۲۳۷- هنگامی که شیعیان جهت اقامه نماز به مسجد الحرام و مسجد النبی مشرف می‌شوند، بعضاً از مهر یا کاغذ، یا چوب، یا حصیر، یا مانند آن، به صورت بارز و آشکار استفاده می‌کنند، و در نتیجه با هتک حرمت و برخورد انفعالی و هابییون، یا افراد متعصب سایر مذاهب اسلامی مواجه می‌شوند، که گاهی منجر به درگیری

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۳

می‌شود. لذا به منظور جلوگیری از این صحنه‌های ناخوشایند، دو نمونه سجاده که در محل سجده به جای مهر و حصیر «برگ نخل خرما» و نخ کنف «گونی بافی» جهت رفع حساسیت مذکور به طور نامحسوس تعبیه شده که به پیوست ارسال می‌گردد؛ خواهشمند است حضرتعالی نظر مبارک خود را در مورد سجده بر نخ کنف «نخ گونی بافی» و حصیر «برگ نخل» تعبیه شده روی سجاده‌های مزبور مرقوم فرمایید.

جواب: در صورتی که از برگ نخل بوده باشد اشکالی ندارد؛ ولی از کنف اشکال دارد.

سؤال ۲۳۸- آیا سجده بر مهرهایی که جملاتی مانند: «تربت اعلا- مال کربلا» یا نام پنج تن آل عبا را بر روی آن نوشته‌اند جایز است؟ به طور کلی سجده بر طرف نوشته، یا منقوش مهر چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد؛ ولی اگر عکس گنبد و بارگاه است، بهتر است آن را محو کند.

سؤال ۲۳۹- لطفاً در مورد سجده واجب قرآن به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر حرف یا کلمه‌ای از آن آیات سجده واجب خوانده شود، آیا سجده واجب می‌شود؟

۲- آیا لازم است بر مهر سجده کرد، یا می‌توان انگشتان دست را به عنوان مهر قرار داد؟

۳- شنیدن آیه سجده واجب به طور غیر مستقیم چه حکمی دارد؟

جواب: با خواندن تمام آیه سجده، یا شنیدن آن، سجده واجب می‌شود، و در مثل شنیدن از رادیو یا نوار، احتیاط انجام سجده است. و باید پیشانی را روی چیزی بگذارد که سجده بر آن جایز است.

۴- تشهد

سؤال ۲۴۰- اگر شك کند که تشهد را گفته یا نه، وظیفه‌اش چیست؟
 جواب: اگر در محل است باید به جا آورد، و اگر از محل گذشته اعتنا نکند.
 استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۴

مبطلات نماز

سؤال ۲۴۱- اگر چیزی از واجبات نماز را عمداً یا سهواً، کم یا زیاد کنیم، چه حکمی دارد؟
 جواب: در صورتی که عمداً باشد نماز باطل می‌شود. و اگر سهواً باشد و از ارکان نماز نباشد ضرری به نماز نمی‌زند، و اگر از محل نگذشته باید جبران کند.

سؤال ۲۴۲- آیا گفتن کلمه «یا زهرا»، «یا حسین» و مانند آن، در نماز به عنوان ذکر اشکال دارد؟
 جواب: اشکال دارد.

سؤال ۲۴۳- آب جاری، وقت باقی، زمین مباح، نماز باطل، علت آن چیست؟
 جواب: علل مختلفی می‌تواند داشته باشد؛ مانند غصبی بودن آب، یا باطل بودن غسل یا وضو، یا عدم نیت نماز، یا این که یکی دیگر از شرایط و اجزای نماز حاصل نباشد.

سؤال ۲۴۴- آیا در حال نماز می‌توان عمداً و با اختیار به یاد ائمه معصومین علیهم السلام گریه کرد؟ اگر کسی به اختیار در غم آنها گریه کند، نمازش چه حکمی دارد؟
 جواب: در نماز اشکال دارد.

سؤال ۲۴۵- آیا وجود ذرات غذای غصبی، یا مشتبه در دهان، نماز را باطل می‌کند؟
 جواب: این گونه ذرات، حتی اگر علم به بقای آن داشته باشیم، مشمول احکام غصب نیست، و در حکم تالف است.

سؤال ۲۴۶- در بین بعضی از مردم دو مطلب زیر مشهور است. مستند علمی و فقهی دارد؟

۱- نماز خواندن در زیر سقفی که در آنجا حشیش مصرف شده، باطل است.

۲- ماده مخدر حشیش نجس است.

جواب: استفاده از حشیش حرام و کار بسیار بدی است؛ ولی دو مطلبی که نوشته‌اید، هیچ کدام صحیح نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۵

شکایات نماز

سؤال ۲۴۷- با توجه به این که شك در نمازهای ۲ و ۳ رکعتی موجب ابطال است، آیا در نماز جماعت نیز شك مذکور موجب ابطال خواهد شد؟

جواب: در صورتی که دیگران شك نداشته باشند، باید همراه دیگران نماز را انجام داد.

شکستن نماز

سؤال ۲۴۸- اگر زمانی که مشغول نماز هستیم پدر یا مادر ما را صدا بزنند، آیا می‌توان نماز واجب را شکست، و پاسخ آنها را داد؟
 جواب: اشکال دارد، مگر در مواردی که کار بسیار ضروری باشد.

نماز مسافر

سؤال ۲۴۹- چرا نماز و روزه شخص مسافر شکسته است؟

جواب: شکسته بودن نماز و روزه شخص مسافر در واقع یک لطف الهی در برابر مشکلات سفر است. و معیار، مشکلات سفر نوع مردم می‌باشد، نه فرد فرد آنها.

سؤال ۲۵۰- همان گونه که مستحضرید، در حال حاضر، شکار به منظور ارتزاق جز در برخی مناطق کشور، مثل بخشهایی از شمال و حاشیه دریاهای جنوب، صورت نمی‌گیرد، و تقریباً غالب شکارها توسط افراد متمول، و به عنوان تفریح و تفریح، و از روی تفنن است. شکار جانوران وحشی در فرضهای فوق شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که شکار برای نیاز زندگی یا برای کسب و کار باشد، و طبق ضوابط صورت گیرد، شرعاً جایز است. ولی شکار کردن به عنوان تفریح و خوشگذرانی- هر چند گوشت آن را مصرف کنند- شرعاً حرام است، و لذا، در چنان سفری به عنوان سفر حرام نماز و روزه تمام خواهد بود.

سؤال ۲۵۱- شکار و صید به جهت تفریح و تفنن، و صدور مجوز از طرف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۶

سازمانهای مسئول در این مورد، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۲۵۲- حکم نماز و روزه دانشجویان، اساتید و معلمان محترم را در فروض و صورتهای مختلف بیان فرمایید.

جواب ۱: محلّ تحصیل، یا تدریس، اگر برای مدّت قابل ملاحظه‌ای، مثلاً یک سال یا بیشتر، ادامه پیدا کند در حکم وطن است، و نماز و روزه در آن تمام می‌باشد، و ماندن ده روز پی‌درپی در آن شرط نیست.

۲- کسانی که از وطن خود هفته‌ای سه روز یا بیشتر به محلّ تحصیل می‌روند، و این کار برای مدّت قابل ملاحظه‌ای (مثلاً یک سال یا بیشتر) ادامه دارد، آن محلّ نیز به حکم وطن آنهاست.

۳- کسانی که یک یا دو روز برای تحصیل به محلّی می‌روند و بازمی‌گردند، نماز و روزه آنها شکسته است.

۴- هرگاه در ایّام تعطیلی برای انجام کارهای دیگری غیر از تحصیل، به محلّ تحصیل برود، همان احکام بالا- درباره او جاری می‌شود.

۵- کسانی که همه روزه، یا حدّ اقل سه روز در هفته، به محلّ تحصیل یا تدریس می‌روند، یعنی صبح به محلّ تحصیل یا تدریس می‌روند و عصر بازمی‌گردند و این کار مدّتی ادامه می‌یابد، کثیرالسفر محسوب می‌شوند، و نماز و روزه آنها در آن محل و به هنگام رفت و برگشت تمام است.

۶- کسانی که به مدّت یک ماه یا بیشتر همه روزه به جایی، به اندازه مسافت شرعی می‌روند و بازمی‌گردند، حکم کثیرالسفر را دارند.

۷- دانشجویان یا معلمان مشمول بند یک و دو، در صورتی که بخواهند روزه آن روزی که به محلّ تحصیل یا تدریس سفر می‌کنند درست باشد، یا باید طوری بروند که قبل از ظهر به محلّ تحصیل یا تدریس برسند، و نیت روزه کنند، یا بعد از ظهر از وطن خود حرکت کنند، تا روزه آنها مشکلی پیدا نکند.

۸- بعد از فراغت از تحصیل یا تدریس و کارهای مربوط به امتحان و پایان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۷

نامه و امثال آن، در صورتی که به آن محلّ بروند، دیگر حکم وطن آنها را ندارد، مگر این که قصد داشته باشند در آنجا اقامت

مستمر کنند.

سؤال ۲۵۳- شخصی قصد دارد در عرض ۶ ماه یا بیشتر به جاهای متعدّد برای کار سفر کند. مثلاً فرمانده نیروی انتظامی منطقه‌ای بر حسب ضرورت کاری بایستی به پایگاههای تابعه تحت فرماندهی خود و حتی تا آخرین مرز منطقه امتیّتی مربوطه سرکشی و امور امتیّتی را از نزدیک کنترل نماید و هیچ‌گاه در مرکز ده روز نمی‌ماند:

الف) آیا چنین شخصی دائم السفر محسوب می‌شود؟

جواب: چنین شخصی کثیر السفر است، و نماز و روزه‌اش تمام است.

ب) اگر از اوّل قصد داشته باشد علاوه بر سفرهای شغلی، به سفرهای دیگری نیز برود، مثل این که به مشهد یا تهران، یا امثال آن سفر کند، آیا حکم دائم السفر را دارد؟

جواب: در سفرهایی غیر از سفر شغلی، نماز و روزه‌اش شکسته است.

ج) اگر به سفر غیر شغلی برود، آیا بعد از این سفر حکم دائم السفر بودن باقی است؟ حتی اگر یک سفر دائم السفری برود، و بعد سفر استثنایی کند، آیا بعد از این سفر استثنایی سفر اوّل دائم السفری سفر دوّم حساب می‌شود؟ بدین معنا که این سفر استثنایی به دائم السفر بودن لطمه نمی‌زند؟

جواب: اگر آن سفر زیاد طولانی نشود، لطمه‌ای به کثیرالسفر بودن او نمی‌زند.

سؤال ۲۵۴- چگونه جایی وطن انسان می‌شود؟

جواب: هر گاه کسی قصد داشته باشد برای مدّتی طولانی، مثلاً یک سال یا بیشتر، در جایی سکونت کند آنجا در حکم وطن او خواهد بود.

سؤال ۲۵۵- لطفاً در مورد وطن به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) کسی که به وطن پدر خود رفت و آمد می‌کند (در چند مرحله، ولی در طول سال کمتر از شش ماه در آنجا اقامت دارد) و آن مکان را به عنوان وطن قبول دارد، آیا آنجا وطن او محسوب می‌شود؟

ب) کسی که در جایی به دنیا آمده، ولی در آنجا زندگی نکرده، یا کمتر از شش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۸

ماه در آنجا بوده، آیا آنجا وطن او محسوب می‌شود؟

جواب الف و ب: وطن جایی است که انسان در آن زندگی مستمر دارد، و لااقل هر سال چند ماه در آنجا می‌ماند، و بقیه امور که ذکر کردید تأثیری ندارد.

د) کسی که در جایی به دنیا آمده، و چند سال ابتدایی عمر در آنجا زندگی نموده، و از آنجا به شهر دیگری مهاجرت کرده، و از وطنش اعراض نکرده، و در صورت امکان برای زندگی به آنجا بازخواهد گشت، (هر سال در تابستان مدّتی به آنجا می‌رود) حکم نماز و روزه او چگونه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که قصد داشته باشد در آینده نه چندان دور (مثلاً در چند سال دیگر) برای سکونت مستمر به آنجا بازگردد، اعراض حاصل نشده و نماز و روزه‌اش در آنجا تمام است. در غیر این صورت، نمازش شکسته است.

ه) آیا همسر و فرزندان هم در مسائل و احکام، مثل مرجع تقلید، وطن و اعراض از وطن، تابع پدر خانواده می‌باشند؟

جواب: در مسأله تقلید تابع نیستند و در وطن و اعراض هرگاه با پدر زندگی می‌کنند و موافق نظرات او هستند تابع محسوب می‌شوند.

و) آیا داشتن ملک و املاک شخصی، یا پدری تأثیری در حکم وطن دارد؟

جواب: تأثیری ندارد.

سؤال ۲۵۶- کسانی که برای مأموریت محدود (دو تا پنج سال) به جدّه می‌آیند و گاه‌وبیگاه به خارج از حد مسافرت می‌کنند، نمازشان تمام است یا قصر؟

جواب: نماز و روزه آنها در جدّه تمام و در سفرهای خارج از حدّ مسافت شرعی شکسته است.

سؤال ۲۵۷- با توجه به مسئله فوق، اگر در هفته یک بار به مکه مکرمه یا مدینه منوره سفر کنند، کثیرالسفر محسوب می‌شوند؟

جواب: به این مقدار کثیرالسفر نمی‌شوند؛ ولی همان‌طور که می‌دانید در تمام مکه و مدینه مخیر هستند نماز را تمام بخوانند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۸۹

نماز قضا

اشاره

سؤال ۲۵۸- برخی از بیماران در اثر بیماری به حالت اغما می‌روند، یا طی عمل جراحی توسط پزشک بیهوش می‌شوند و نمی‌توانند نماز بخوانند، آیا نمازهای این مدت را باید قضا کنند؟

جواب: نماز در موقع بیهوشی قضا ندارد.

سؤال ۲۵۹- در عبادات قضا دائر فعلیت حکم است، یا دائر مدار تنجز حکم؟

جواب: در بسیاری از موارد تنجز حکم کافی است؛ مانند کسی که خواب می‌ماند و نمازش قضا می‌شود، یا فراموش می‌کند، و یا در غفلت می‌ماند.

سؤال ۲۶۰- در صورتی که یک یا دو رکعت از نماز در وقت، و بقیه در خارج از وقت واقع شود، آیا این نماز ادا محسوب می‌شود، یا قضا، یا ادا و قضا؟

جواب: اگر حتی یک رکعت آن در وقت واقع شود، ادا است.

نماز قضای پدر و مادر

سؤال ۲۶۱- اگر کسی فوت کند، و اولاد او ندانند میت نماز یا روزه قضا دارد یا خیر؟ چه وظیفه‌ای دارند؟

جواب: باید حمل به صحت کنند، و بگویند ان شاء الله چیزی بر ذمه ندارد.

[نماز جماعت]

فضیلت نماز جماعت

سؤال ۲۶۲- روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نماز صبح را با جماعت خواند ولی علی علیه السلام را در مسجد ندید. از فاطمه علیها السلام علت را جویا شد، آن حضرت عرض کرد: «علی دیشب تا سپیده صبح مناجات داشت، خستگی ناشی از سنگینی عبادت شبانه باعث شد که نماز صبح را در خانه بخواند». حضرت فرمودند: «به علی بگو که مناجات شب را کوتاه کند، و قدری استراحت نماید، تا نماز جماعت صبح را از دست ندهد».

الف) آیا حدیث فوق از نظر سند و دلالت مورد قبول شماست؟

جواب: روایت مزبور از نظر سند قابل گفتگوست؛ ولی به هر حال کم کردن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۰

مناجات شب برای شرکت در نماز جماعت صبح اولویت دارد.

ب) شیعه معتقد است که امامان علیهم السلام حتی قبل از امامت دچار گناه و معصیت، و حتی ترک اولی، نمی‌شدند. اگر مطلب فوق را بپذیریم باید قبول کنیم که امام علی علیه السلام در آن مورد دچار اشتباه شده است؛ زیرا فضیلت نماز جماعت را رها کرده، و به مناجات شبانه روی آورده است! شما چه می‌فرمایید؟

جواب: ترک نماز جماعت گناه نیست، و منافات با مقام عصمت ندارد؛ بلکه نوعی ترک اولی است و اگر جنبه تعلیم به دیگران داشته باشد، ترک اولی هم محسوب نمی‌شود.

ج) حدیث فوق به گونه‌ای است که شخصیت حضرت علی علیه السلام را پایین آورده، و در مقابل عظمت نماز جماعت را بالا برده است، نظر شما چیست؟

جواب: همانطور که گفتیم ممکن است هدف، آموزش این حکم شرعی برای عامه مردم باشد. در این صورت مقام آن حضرت پایین نمی‌آید. فراموش نکنید روایت از نظر سند هم محل بحث است.

سؤال ۲۶۳- در قطعه زمینی که در نزدیکی مسجد قرار دارد، نماز جماعت برقرار است. آیا اقامه نماز به جماعت در آن مکان اولویت دارد، یا به صورت فرادی و در مسجد افضل است؟

جواب: جماعت ترجیح دارد.

شرایط امام جماعت

اشاره

سؤال ۲۶۴- امام جماعت ما کمرش خمیده است، اما این خمیدگی به حد رکوع نمی‌رسد، و برای رکوع مقدار بیشتری خم می‌شود که صدق رکوع می‌کند، آیا اقتدا به چنین امامی صحیح است؟
جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۲۶۵- عدالت یکی از شرایط امام جماعت است که در تعریف عدالت می‌فرمایند: «گناه کبیره نکند، و اصرار بر صغیره نداشته باشد» اگر کسی مدتی امام استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۱

جماعتی را می‌شناسد و می‌داند که او شخصی بزرگوار است و از لحاظ عقیده و سائر مسائل، انحرافی در او وجود ندارد؛ ولی یکی دو مورد از او غیبتی سر زده است. این کار باعث سقوط عدالت او می‌شود؟

جواب: باید این موارد استثنایی را توجیه کرد؛ شاید او معتقد بوده که در موارد فوق، فرد غیبت شده جایز الغیبه بوده؛ هر چند در اعتقاد خود خطا کرده باشد.

سؤال ۲۶۶- آیا کسی که پشت سر امام جماعتی غیبت کرده، می‌تواند به آن امام اقتدا کند؟

جواب: در صورتی که امام جماعت را عادل می‌داند اقتدا به او اشکالی ندارد؛ ولی در هر حال باید از گناه خود توبه کند، و اگر مشکل خاصی ایجاد نمی‌شود از او حلالیت بطلبد.

اقتدا به غیر روحانی

سؤال ۲۶۷- در صورتی که با حضور روحانی به امام جماعت غیر روحانی اقتدا شود، حکم نماز مأمومین از لحاظ صحت و بطلان چیست؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۲۶۸- در صورتی که طلبه‌ای بتواند به صورت غیر مرتب و نامنظم نماز جماعت را در مسجدی اقامه کند، و برای فردی غیر معمم امکان اقامه جماعت به صورت منظم وجود داشته باشد، وظیفه مأمومین اقتدا به کدام یک است؟

جواب: در این گونه موارد هرگاه روحانی حضور پیدا کند، او اقامه جماعت می‌کند، و هرگاه او حضور پیدا نکند، فرد غیر روحانی اقامه جماعت می‌کند.

سؤال ۲۶۹- در مساجدی که در طول سال به فرد غیر روحانی اقتدا می‌شود، در زمانهای خاص تبلیغ، مانند ایام ماه مبارک رمضان که روحانیون محترم برای تبلیغ اعزام می‌گردند، اولویت اقامه جماعت با کدام است؟

جواب: اولویت با روحانی جامع الشرائط است.

سؤال ۲۷۰- در صورتی که در مساجد دیگری، دور یا نزدیک، به وسیله روحانیون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۲

جماعت اقامه گردد، وظیفه اصحاب مسجدی که امام جماعت غیر روحانی دارند چیست؟ اقامه جماعت در همین مسجد با فرد غیر روحانی، یا تعطیل جماعت در این مسجد و اقامه جماعت با فرد روحانی در مسجد دیگر؟

جواب: اگر مسجدی در آن نزدیکی نیست، و دسترسی به امام جماعت روحانی نباشد، امامت غیر روحانی که واجد شرایط باشد مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۱- آیا یک طلبه می‌تواند در مواقعی که امام جماعت نیامده، نماز جماعت را برپا کند؟

جواب: می‌تواند امامت کند تا نماز جماعت تعطیل نشود.

احکام جماعت

سؤال ۲۷۲- در بعضی از مساجد اعتکاف در طبقه بالا برگزار می‌گردد. قرار گرفتن مردان معتکف به هنگام نماز جماعت در طبقه بالا، در حالی که زنان در طبقه زیرین آن مکان واقع شده‌اند، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که بین آنها حجابی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۳- در مسجد جامع شهر ما بین قسمت نماز خواهران (طبقه بالا) و قسمت برادران (طبقه پایین) دیواری به ارتفاع حدود هفتاد و عرض چهار سانتی متر حائل است. آیا این مقدار مانع اتصال صفوف خواهران و برادران می‌شود؟

جواب: چنانچه خواهران هنگام ایستادن مقداری از صفوف جماعت را مشاهده کنند، و هر دو محل یکی حساب شود، مانعی ندارد.

سؤال ۲۷۴- اگر امام نماز استیجاری بخواند، آیا مأمومین می‌توانند به او اقتدا کنند؟

جواب: در صورتی که نماز استیجاری از کسی باشد که به طور قطع نماز از او فوت شده، امامت چنین کسی اشکالی ندارد.

سؤال ۲۷۵- اگر مرجع تقلید امام جماعت و نمازگزار مختلف باشد، و در بعضی از مسائل نماز، مراجع آنها با هم اختلاف نظر داشته باشند، وظیفه مأموم چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۳

جواب: در صورتی که نداند نماز امام طبق فتوای مرجع او باطل است، می‌تواند به او اقتدا کند.

سؤال ۲۷۶- وظیفه طلباب در مورد مساجدی که فاقد امام جماعت است، و احیاناً امکاناتی برای پرداخت حق الزحمه ندارند، چیست؟

جواب: سزاوار است طلباب در این گونه موارد اقامه جماعت کنند.

سؤال ۲۷۷- طبق معمول مراسم ترحیم در مساجد برگزار می‌گردد، که بعضاً در روز جمعه واقع می‌شود؛ مسجد تا مصلائی شهر حد اقل یک کیلومتر فاصله دارد. با توجه به تحقیقاتی که از حاضرین شده، کسی قصد شرکت در نماز جمعه ندارد، همان گونه که قصد تحقیر نماز جمعه هم در کار نیست. آیا می‌شود اول وقت نماز را به جماعت خواند؟

جواب: خواندن نماز جماعت در شرایط مزبور اشکالی ندارد؛ ولی بهتر است برای احترام نماز جمعه، جماعت را در وقت نماز جمعه ترک کنند.

سؤال ۲۷۸- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر امام جماعتی به عنوان اعتراض نماز جماعت را ترک کند، و با مراجعه مکرر هیأت امنا و مؤمنین، حاضر نشود به مسجد بیاید، و مسجد، خصوصاً در ایام تبلیغی محرم و صفر، تعطیل گردد. آیا هیأت امنا می‌تواند از امام جماعت دیگری، که جامع الشرائط باشد، جهت اقامه نماز جماعت در مسجد دعوت کند؟

۲- اگر امام جماعت قبلی بگوید: «راضی نیستم کسی در این مسجد نماز جماعت بخواند.» آیا این سخن مسموع است؟

۳- آیا امام جماعت می‌تواند از هیأت امنای مسجد حقوق ماهانه مطالبه کند؟

جواب: هرگاه امام جماعتی به هر دلیلی مسجد را ترک کند، و حاضر به اقامه جماعت در آن نگردد، رضایت او برای اقامه جماعت توسط امام جماعت دیگر- که جامع الشرائط باشد- شرط نیست. و امام جماعت نمی‌تواند برای نماز جماعت مطالبه وجه کند، ولی سزاوار است مؤمنین او را تأمین کنند. و در هر حال، شایسته است اختلافات را به طور مسالمت آمیز حل کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۴

سؤال ۲۷۹- چندی است که مکبر نماز جماعت مسجد روستایمان، تکبیرات نماز را به وسیله بلندگو می‌گوید. شخصی به عده قلیلی از مأمومین القا کرده که نماز جماعتی که تکبیر آن با بلندگو گفته شود باطل، و قضای آن واجب است! بدین جهت، آن عده قلیل همزمان با نماز جماعت، نماز خود را به صورت فرادی می‌خوانند. در حالی که زمانی که نماز جماعت با بلندگو برگزار می‌گردد، به تعداد مأمومین افزوده شده، و در استفاده از بلندگو انگیزه‌ای جز تبلیغ در امر نماز و تشویق سایرین نمی‌باشد. لطفاً نظر خود را در رابطه با امور زیر مرقوم فرمایید:

۱- جماعتی که تکبیراتش با بلندگو گفته شود چه حکمی دارد؟

۲- نماز کسانی که نماز خود را همزمان با جماعت به صورت فرادی می‌خوانند چگونه است؟

۳- شخصی که با القای نظریه مذکور باعث تفرقه و جدایی در جماعت شده، چه حکمی دارد؟

جواب: ۱- در صورتی که تکبیر را بلند بگویند هیچ گونه ضرری به نماز جماعت نمی‌رساند، ولی باید صدای بلندگو طوری تنظیم شود که مزاحمتی برای مردم ایجاد نشود. مخصوصاً در نماز صبح اول وقت؛ و در هر حال اگر گوینده تکبیر از این دستور تخلف کند، لطمه‌ای به جماعت نمی‌زند.

۲- کسانی که به هنگام اقامه جماعت نماز فرادی می‌خوانند اگر نماز آنها اهانت به جماعت، یا هتک امام جماعت باشد نمازشان اشکال دارد.

۳- افراد نباید بدون اطلاع از مسأله پیش خود اظهار نظری کنند که باعث تفرقه بین مؤمنین گردد.

سؤال ۲۸۰- برخی از جلسات قرائت قرآن، که به طور هفتگی و مستمر در منازل تشکیل می‌شود، قبل از مغرب شروع و ساعتی پس از مغرب خاتمه پیدا می‌کند.

روحانی محل از اعضای آن جلسات خواسته که جهت حفظ احترام مسجد، و به منظور این که روش مذکور فراگیر نشود، وقت جلسه را طوری قرار دهند که قبل از مغرب تمام، یا پس از پایان نماز جماعت آغاز شود. اما آنها نپذیرفته‌اند و می‌گویند:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۵

«ما نماز جماعت را، توسط یکی از اعضا، در محلّ تشکیل جلسه برقرار می‌کنیم.» به نظر حضرت عالی حق با کیست؟

جواب: سزاوار نیست جلسات قرائت قرآن مزاحم نماز اول وقت شود؛ ولی اگر هنگام اذان جلسه را موقتاً تعطیل کنند، و نماز جماعت را برپا دارند، و بعد از نماز جلسه را ادامه دهند، مانعی ندارد. و اگر مراعات جماعت مسجد نیز بشود، بهتر است.

سؤال ۲۸۱- واقف خواهان اعلیّت و اهل محل بودن پیش نماز می‌باشد، ولی هم اکنون پیش نماز امام جمعه محترم شهر است، که اهل این شهر نمی‌باشد. اقامه نماز به امامت فرد مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: نظر واقف نسبت به تعیین امام جماعت شرط نیست.

سؤال ۲۸۲- امام جماعت محلّ در یکی از سخنرانیهای خود فرمود: «انسان می‌تواند اعمال مستحبی هر روز خود را، به یکی از

امامان معصوم علیهم السلام اهدا کند تا مورد استجاب واقع گردد.» نظر جناب عالی در این مورد چیست؟

جواب: اهدای اعمال مستحبی به معصومین علیهم السلام اشکالی ندارد، بلکه مستحب است؛ ولی اگر عمل اشکالی داشته باشد، با این کار برطرف نمی‌گردد.

نماز آیات

سؤال ۲۸۳- لطفاً در مورد نماز آیات، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) این که فرموده‌اید این نماز واجب فوری است، آیا کارهایی مانند قضای حاجت، یا پرداخت بدهی، و مانند آن، منافات با فوریت آن دارد؟

ب) اگر در حین خواندن نماز واجب، زلزله‌ای رخ دهد، وظیفه ما در مورد نماز واجب و آیات چیست؟

ج) اگر فرد مورد اطمینانی به انسان بگوید: «دیروز زلزله آمده»، و انسان اطمینان پیدا کند، در صورتی که در مجامع عمومی، مثل بازار و خیابان بوده، و چیزی نشنیده است وظیفه او چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۶

جواب الف: مراد آن است که سهل انگاری نکند و عقب نیاندازد.

جواب ب: چنانچه در وسط نماز واجب زلزله‌ای رخ دهد، بعد از اتمام نماز واجب، نماز آیات را به جا می‌آورد.

جواب ج: نماز آیات بر چنین کسی واجب نیست، هر چند احتیاط آن است که آن را بجا آورد.

سؤال ۲۸۴- در روز ۱۹ خرداد ۱۳۸۳ سیاره زهره در مدار گردش خود به دور خورشید، از مقابل خورشید عبور کرد. به طوری که برای زمینیان با چشم مسلح به صورت لکه‌ای سیاه رنگ بر روی خورشید قابل رؤیت بود.

۱- آیا این پدیده همچون کسوف جزئی محسوب گشته، و موجب وجوب نماز آیات می‌گردد؟

۲- آیا قرار گرفتن دیگر سیارات در مقابل یکدیگر، بطوری که مانع از رؤیت همدیگر شوند، باعث وجوب نماز آیات می‌شود؟

جواب ۱: این مقدار کسوف جزئی محسوب نمی‌شود.

جواب ۲: نماز آیات مخصوص به خسوف و کسوف خورشید و ماه است.

نماز جمعه

سؤال ۲۸۵- در رساله توضیح المسائل آمده است: «وقت نماز جمعه از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود، و با گذشتن آن، وقت نماز جمعه پایان می‌یابد.» مستدعی است مقدار زمان آن را از نظر ساعت بیان فرمائید. جواب: وقت نماز جمعه عبارتست از مقدار زمانی که برای ایراد خطبه‌ها به صورت متعارف و انجام نماز به طور متعادل لازم است، و ممکن است در حدود یک ساعت الی یک ساعت و ربع از اول زوال متعارف باشد، و بعد از آن وقت نماز جمعه می‌گذرد.

سؤال ۲۸۶- در منطقه ما دو نماز جمعه اقامه می‌شود، که مسافت بین این دو

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۷

محل دارای دو راه است؛ نخست راهی قدیمی که مسافت آن کمتر از یک فرسخ است، و ده درصد مردم با پای پیاده آن را طی می‌کنند؛ راه دوم که جدید و مسافت آن بیش از یک فرسخ است نود درصد مردم با وسیله نقلیه آن را طی می‌کنند.

بفرمایید معیار در تعیین مسافت بین جمعین کدام راه است؟

جواب: معیار راهی است که غالب مردم از آن استفاده می‌کنند.

سؤال ۲۸۷: ۱- حکم حضرت عالی درباره دو نماز جمعه که از مدتی قبل در محدوده کمتر از یک فرسخ برگزار می‌شود چیست؟

جواب: نمازی که مقدم است صحیح است، و دومی باطل.

سؤال ۲۸۸: ۲- نمازی که تأخر تکبیری داشته و لو از نظر زمان تأسیس نسبت به دیگری تقدّم داشته باشد صحیح است، یا ملاک صحّت تقدّم تأسیسی است هر چند از نظر تقدّم و تأخر تکبیری تقدّم نداشته باشد؟

جواب: معیار شروع در خطبه‌هاست؛ هر کدام قبلاً شروع کنند نمازشان صحیح است.

سؤال ۲۸۹- امام جمعه‌ای در رکعت دوم نماز پس از رکوع قنوت خواند، و بعد از قنوت اشتباهاً دوباره به رکوع رفت، تکلیف نماز امام جمعه و مأمومین چیست؟

جواب: نماز امام و مأمومینی که همراه امام به رکوع اضافی رفته‌اند باطل است، و آنها که متوجه اشتباه امام شده و به رکوع نرفته‌اند نماز خود را به صورت جمعه تکمیل می‌کنند، و سپس احتیاطاً نماز ظهر را هم به جا می‌آورند.

سؤال ۲۹۰- اقامه نماز مستحبی، یا قضا، یا استیجاری، پس از پایان خطبه و قبل از اقامه نماز جمعه چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط ترک آن است.

سؤالاتی دیگر پیرامون نماز

سؤال ۲۹۱- آیا بر کسی که یقین دارد برای نماز صبح خواب می‌ماند، لازم است به کسی سفارش کند که برای نماز او را صدا کند، یا کار دیگری کند که خواب نماند؟ در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۸

صورت احتمال چطور؟ دلیل آن چیست؟

جواب: این کار واجب نیست ولی احتیاط آن است که در صورت علم به فوت

نماز کاری کند که بیدار شود.

سؤال ۲۹۲- آیا ازاله موهای زائد بدن واجب است؟ ترک این کار تأثیری در صحّت، یا قبولی نماز دارد؟

جواب: واجب نیست؛ ولی ازاله موهای اطراف عورت مستحب است.

سؤال ۲۹۳- اگر «تراشیدن ریش» و «حقّ الناس بر ذمه داشتن» فحشا و فساد محسوب شود، و استمرار داشته باشد، آیا موجب بطلان تمام نمازهای انسان می‌شود؟ چون به گفته قرآن «نماز انسان را از فساد و فحشا دور می‌کند» پس استمرار این فحشا و فسادها باعث می‌شود نماز ما نماز واقعی نباشد. نظر شما چیست؟

جواب: هر نمازی انسان را از گناه و فساد بازمی‌دارد، ولی دائره آن مختلف است. هر قدر نماز کاملتر باشد نهی از فساد و فحشایش گسترده‌تر است. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۹۹

فصل دهم: احکام روزه

مبطلات روزه

سؤال ۲۹۴- آیا در هنگام روزه می‌توان دندانها را مسواک کرد؟ اگر مسواک مرطوب شده، در اثر تماس با آب دهان مجدداً برای تمیز کردن دندانها به کار رود، چه حکمی دارد؟

جواب: مسواک کردن در حال روزه، مانعی ندارد. ولی اگر رطوبت پیدا کند و مسواک را بیرون آورده و به دهان بازگرداند و رطوبت آن در آب دهان مستهلک نگردد، جایز نیست، و در صورتی که با خمیر دندان مسواک کند، باید دهان را بعد از آن کاملاً بشوید.

سؤال ۲۹۵- در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان در کنار موتوری بودم که دود می‌کرد. فکر می‌کنم در آن موقع از ناحیه بینی بیشتر تنفس می‌کردم. آیا روزه من باطل شده است؟

جواب: اگر در عرف آن را دود غلیظ بدانند، و شما هم عمداً و با توجه استنشاق کرده باشید، روزه شما اشکال پیدا می‌کند، و اگر مشکوک بوده است، اشکالی ندارد.

سؤال ۲۹۶- در محلی کار می‌کنیم که به خاطر موازین بهداشتی مجبوریم هر روز یک یا چند بار در استخر «کلر + آب» فرو رفته و خارج شویم؛ با توجه به این که کل سر و بدن ما در آب فرو می‌رود، روزه‌های ما چه حکمی دارد؟ در ضمن من و دوستانم نمی‌توانیم تمام ماه رمضان را مرخصی بگیریم. وظیفه ما چیست؟

جواب: بهترین راه آن است که در استخر بروید و سر را زیر آب نکنید؛ بلکه استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۰

آب بر سر خود بریزید، یا نیمی از سر را یک بار در آب فرو برید، و نیم دیگر را بار دیگر.

کفاره و قضای روزه

سؤال ۲۹۷- آیا جایز است به وسیله کفاره روزه، به فقرا اطعام داده شود؟ این حکم شامل مساکین نیز می‌شود؟
جواب: کفاره روزه را به فقرا و مساکین هر دو می‌توان داد.

سؤال ۲۹۸- اگر کسی در ماه مبارک رمضان سه روز از روزه‌های خود را عمداً با کار حرامی باطل کرده، و اکنون سخت پشیمان باشد، و نتواند برای هر روز ۶۰ روزه بگیرد، یا یک بنده آزاد کند، آیا می‌تواند فقط به ۶۰ نفر فقیر غذا دهد؟
جواب: مطابق، مسأله ۱۴۰۲ رساله توضیح المسائل ما عمل کند.

سؤال ۲۹۹- شخصی به خیال این که در روز ماه مبارک رمضان، آمیزش با زوجه نه حرام است و نه روزه را باطل می‌کند، مرتکب آن شده است، آیا کفاره هم دارد؟
جواب: فقط قضا دارد.

تشخیص ضرر برای بیمار

سؤال ۳۰۰- پزشکان شخص بیماری را از روزه گرفتن منع می‌کنند؛ ولی او می‌داند که روزه برایش ضرر ندارد. چه باید بکند؟
جواب: باید روزه بگیرد.

سؤال ۳۰۱- در بعضی موارد، پزشکان در مورد بیماران چنین اظهار نظر می‌کنند:

«روزه برای این فرد ۸۰٪ مضر است» و منظورشان این است که طبق آمار علمی ۸۰٪ افرادی که با این بیماری روزه می‌گیرند دچار ضرر شده‌اند. در صورتی که این اظهار نظر برای انسان یقین‌آور باشد، ولی وضعیت خود را از نظر تطبیق آمار بر خودش نداند حکم روزه او چیست؟

جواب: چنین آمارهایی در صورتی که از اطبای متعهد شنیده شود طبعاً موجب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۱

خوف ضرر می‌شود، و روزه با آن واجب نیست.

سؤال ۳۰۲- متأسفانه کلیه‌ام سنگ‌ساز است. بدین جهت پزشک مرا از روزه منع کرده، و دستور داده که روزانه حدّ اقل ۱۰ لیوان آب بنوشم. آیا نظر ایشان، که فردی متدین می‌باشد، لازم الاتّباع است؟ اگر روزه بگیرم، و به علت عدم شرب مایعات در روزهای ماه رمضان کلیه‌ام طبق پیش‌بینی پزشک دچار مشکل شود، آیا مرتکب معصیت شده و روزه‌ام باطل است؟

جواب: هرگاه از گفته طیب حاذق متعهد خوف ضرر پیدا کنید که روزه برایتان ضرر دارد روزه را افطار می‌کنید، و چنانچه پس از ماه مبارک توانستید، قضای آن را به جا آورید. و اگر بیماری شما تا ماه رمضان سال بعد ادامه پیدا کرد، قضا بر شما واجب نیست؛ بلکه برای هر روز فقط یک مدّ طعام (هفتصد و پنجاه گرم گندم، یا مانند آن) به فقیری می‌پردازید. و با توجه به این که اشتیاق زیادی برای روزه گرفتن دارید، خداوند ان شاء الله به شما اجر روزه داران را عنایت خواهد کرد.

رؤیت هلال

سؤال ۳۰۳- اگر از سوی حاکم شرع اهل سنّت اولّ ماه رمضان اعلام شود، برای کسانی که در آن بلاد هستند، و تقیّه‌ای هم در تبعیت نیست، و خودشان هم یقین به اولّ ماه پیدا نکرده‌اند، آیا تبعیت لازم است؟
جواب: در فرض مسأله، تبعیت واجب نیست.

سؤال ۳۰۴- با توجه به این که در زمان حاضر وسایل پیشرفته در زمینه نجوم وجود دارد، و افرادی در این علم دارای تخصص بوده، و در این فن، تجربه می‌باشند، و رجوع به اهل خبره یک سیره بوده، و صحیح می‌باشد؛ و با توجه به این که این افراد بر اساس محاسبات دقیق اعلان نظر می‌کنند. مثلاً می‌گویند: «در فلان سال، فلان روز و ساعت و دقیقه و ثانیه، در فلان کشور، کسوف اتفاق می‌افتد» و چنین هم می‌شود، پرسش ما این است که: چرا در رابطه با حلول ماه مبارک رمضان، یا سؤال،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۲

به آنان رجوع نمی‌شود، و افراد عادی برای رؤیت ماه به خارج شهرها فرستاده می‌شوند، تا تکلیف صوم و افطار روشن گردد؟

جواب: ما معتقدیم که اگر علمای نجوم در عصر ما با استفاده از وسایل دقیقی که در دست دارند در مسأله هلال ماه اتفاق نظر

داشته باشند، مخالفت با آنها مشکل است، مگر این که گروه کثیری ادعای رؤیت بر خلاف آن بنمایند. و این نظریه را در سالهای گذشته منتشر کردیم.

سؤالات متفرقه روزه

سؤال ۳۰۵- این جانب با یکی از باشگاههای فوتبال اروپا قرار داد امضا کرده، که در طول یک سال در اختیار آن تیم باشم. قاعدتاً بایستی در تمام برنامه‌های ورزشی و تمرینهای سخت بدنی، که لازمه پیروزی تیم در مسابقات آتی است، تابع باشم. از آنجا که بخشی از تمرینات سخت بدنی در ماه مبارک رمضان واقع خواهد شد، و امکان انجام آن با زبان روزه میسر نیست، و از سوی دیگر مسئول باشگاه می‌گوید:

«شما انسان متدین و مؤمنی هستید، و ما میلیونها خرج شما کرده، و وقت شما را از قبل خریده‌ایم، و در صورت خودداری شما از شرکت در تمرینات و شکست تیم، از شما راضی نیستیم. و لهذا با توجه به این که شما در این سال از ما حقوق می‌گیرید، و متعهد به ما هستید نباید روزه بگیرید» آیا می‌توانم بر اساس قرار داد با آن باشگاه، و به منظور تعهد به آن تیم، برای پیروزی در مسابقات- که مستلزم افطار روزه است- روزه نگیرم، و سال بعد قضا کنم؟

جواب: در شأن یک مسلمان نیست که اقدام به عقد چنین قرار دادی کند؛ زیرا این قرار داد شرعاً باطل است، و باید به دیگران گفت که عقیده مذهبی ما چنین اجازه‌ای نمی‌دهد. و اگر راهی ندارید، می‌توانید روز اول را به مسافرت مثلاً یک ساعته بروید و برگردید، و باز هم قبل از ده روز سفری مانند آن انجام دهید. البته به شرط این که بخواهید مدت طولانی مثلاً یک سال، در آن محل بمانید.

سؤال ۳۰۶- هنگامی که یک قسمت کره زمین شب است، قسمت دیگر آن روز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۳

می‌باشد. بنابراین زمانی که ما در شب قدر قرار می‌گیریم، در سوی دیگر کره زمین روز است. شب قدر در این قسمت از کره زمین چه وقت است؟

جواب: منظور از شب همان قرار گرفتن سایه قسمتی از کره زمین بر روی قسمت دیگر است؛ بنابراین، اگر شب قدر مثلاً از ایران شروع شود تا زمانی که این سایه تمام کره زمین را فراگیرد شب قدر ادامه دارد. و در واقع ۲۴ ساعت طول می‌کشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۵

فصل یازدهم: احکام اعتکاف

اهمیت اعتکاف

سؤال ۳۰۷- اهمیت اعتکاف را برای همه مخصوصاً نسل جوان، بیان فرمایید:

جواب: در دنیای پرغوغای مادی، که جاذبه‌ها به سوی مادّیت است، بر قلب و روح انسان زنگار می‌نشیند. زنگاری از غفلت و دوری از خدا، که اگر با نیایش و عبادت برطرف نگردد، ممکن است روحانیت و معنویت را از وجود انسان برچیند. و این که در روایات اسلامی نماز تشبیه به نهر آب پاکیزه‌ای شده که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد، اشاره به همین نکته است.

در میان عبادات «اعتکاف» ویژگی خاصی دارد، و از جهاتی شبیه به مراسم حج و احرام است، که انسان را به جهانی مملوّ از

روحانیت و معنویت سوق می‌دهد. در محیط یک مسجد جامع سه روز ماندن، روزه گرفتن، و به عبادت پرداختن، و در خودسازی کوشیدن، و به غیر خدا نیندیشیدن، تحوّل عظیمی در روح انسان پدید می‌آورد، که صفا و نورانیت آن بی‌نظیر است. به حمد الله در سالهای اخیر اعتکاف از سوی قشر جوان، و مخصوصاً دانشجویان عزیز، مورد استقبال واقع شده، و لذت و آثار این عبادت روحانی را دریافته‌اند، و ما این استقبال عظیم را به آنها تبریک می‌گوییم. امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان در این امر، که وسیله مؤثری برای قرب پروردگار است، نیز نسبت به دیگران پیشگام باشند، و از نتایج معنوی آن کاملاً بهره‌مند شوند.

شرایط اعتکاف

سؤال ۳۰۸- اگر مردی به همسرش اجازه اعتکاف بدهد، ولی در روز سوّم پشیمان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۶

شود، تکلیف زن چیست؟ اگر کفّاره واجب شود بر عهده کیست؟

جواب: زن اعتکاف را تا آخر ادامه می‌دهد.

سؤال ۳۰۹- حکم اعتکاف کودک نابالغ، خصوصاً بعد از ورود به روز سوّم اعتکاف، چیست؟

جواب: در صورتی که ممیز باشد، و شرایط اعتکاف را انجام دهد، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۰- آیا شرکت در مراسم و راه‌پیمایی‌های مهم مانند روز قدس، ۲۲ بهمن، و مانند آن، جزء مصادیق ضرورت عرفی، یا

شرعی محسوب می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که معتکف در این امور شرکت نکند.

مکان اعتکاف

سؤال ۳۱۱- با توجه به استقبال زیاد مشتاقین اعتکاف، و عدم ظرفیت مساجد جامع برای انجام این امر، نظر حضرت عالی در مورد

اعتکاف در سایر مساجد چیست؟

جواب: اعتکاف باید در مسجد جامع باشد.

خروج از مسجد

سؤال ۳۱۲- کسانی که مشکل خاصی از نظر تغذیه دارند، آیا می‌توانند جهت آوردن غذا از محلّ اعتکاف خارج شوند، و مجدداً

بازگردند؟

جواب: در صورت ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۳۱۳- هرگاه معتکف برای کار ضروری از مسجد خارج شود، حکم ایستادن و راه رفتن در سایه چیست؟

جواب: اشکالی ندارد.

مبطلات اعتکاف

سؤال ۳۱۴- آیا در حال اعتکاف می‌توان صیغه عقد خواند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۷

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۵- اگر معتکف در معامله‌ای پول نپردازد، بلکه جنس را نسیه بخرد، یا نسیه بفروشد، یا برای معامله نایب بگیرد، یا پول را به دست خود فروشنده ندهد، یا مستقیماً پول از دست خریدار نگیرد، اعتکاف چه حکمی پیدا می‌کند؟
جواب: حکم معامله کردن قبلاً گذشت؛ ولی اگر دیگری را نایب بگیرد، اشکالی ندارد.
سؤال ۳۱۶- معتکف از کسی طلبکار است، آیا می‌تواند طلب خویش را بازستاند؟
جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۳۱۷- پول دادن به حَمّامی به خاطر استفاده از حَمّام مستحبّ است؛ آیا این عمل به عنوان خرید و فروش، که مبطل اعتکاف است، محسوب می‌شود؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۱۸- آیا رفتن به حَمّام نزدیک محلّه، جهت انجام مستحبات اعتکاف، خروج از اعتکاف محسوب، و موجب ابطال آن می‌شود؟ رفتن به منزل نزدیک مسجد جهت حَمّام استحبابی چطور؟
جواب: هر دو اشکال دارد.

سؤال ۳۱۹- پول دادن به افرادی که معتکف نیستند، جهت خرید لوازم مورد نیاز، مثل شامپو و خمیر دندان و مانند آن، چه حکمی دارد؟
جواب: آنچه ضروری است، مانعی ندارد.

سؤال ۳۲۰- در مساجد معمولاً عطر می‌زنند، و گریزی از آن نیست، وظیفه معتکف چیست؟
جواب: عمداً استنشاق نکند.

سؤال ۳۲۱- آیا معتکف می‌تواند از صابونها و شامپوهای معطر استفاده کند؟
جواب: احتیاطاً پرهیز کند.

سؤال ۳۲۲- ملاقات و گفتگوی اعتکاف‌کننده با اعضای خانواده‌اش (همسر، خواهر، مادر) در طول اعتکاف چه حکمی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۸
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۲۳- اگر روزه برای کسی ضرر داشته باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: اعتکاف اشخاصی که روزه برای آنها ضرر دارد باطل است.

سؤال ۳۲۴- آیا نگاه شهوت‌انگیز موجب بطلان اعتکاف و وجوب کفّاره می‌شود؟
جواب: موجب بطلان اعتکاف نمی‌شود.

محرمات اعتکاف

سؤال ۳۲۵- کدام یک از محرمات اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می‌شود؟ و در چه مواردی کفّاره واجب می‌شود؟
جواب: پنج چیز بر معتکف حرام است:

۱- تمتّع از همسر، خواه جماع باشد، یا لمس و بوسیدن، بنا بر احتیاط.

۲- استمناء بنا بر احتیاط؛ هر چند از طریق حلال باشد، مانند ملاعبه با همسر.

۳- بوییدن عطریات و بوهای خوش؛ هر چند به قصد لذّت نباشد.

۴- خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت با نبودن ضرورت بنا بر احتیاط؛ ولی پرداختن به امور مباح دنیوی مانند خیطایی و امثال آن

اشکال ندارد.

۵- جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، و در این امور فرقی میان شب و روز نیست و هر یک از امور فوق اعتکاف را باطل می‌کند.

سؤال ۳۲۶- اگر در حال اعتکاف معامله‌ای انجام دهد آیا معامله نیز باطل می‌شود؟
جواب: معامله باطل نیست.

متفرقات اعتکاف

سؤال ۳۲۷- گفتن شعر در اعتکاف نهی شده است؛ اگر در اعتکاف اشعاری در مدح اهل بیت علیهم السلام بیان شود، آیا خللی در اعتکاف ایجاد می‌کند؟

جواب: خللی وارد نمی‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۰۹

سؤال ۳۲۸- اگر کسی در نیت خود شرط رجوع کند، آیا بدون بروز مانع می‌تواند اعتکاف را در روز سوم بهم بزند؟
جواب: اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۱

فصل دوازدهم: احکام خمس

منافع کسب

سؤال ۳۲۹- پزشکان برای معاینه بیمار نیاز به وسائل پزشکی دارند. حکم خمس این وسائل، در موارد ذیل چگونه است؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۱۱۱
الف) در صورتی که این وسائل را نقداً خریداری کرده باشند.

ب) در صورتی که این وسائل را به صورت اقساطی خریداری کرده، و اقساط آن را به تدریج در ظرف چند سال می‌پردازند.

ج) در صورتی که مبلغی را قرض گرفته، و این وسائل را خریده، و ماهانه اقساط وام را می‌پردازند، و بر این وام سود هم تعلق گرفته باشد.

د) وسائل مصرفی پزشکی، که پزشکان برای بیماران استفاده می‌کنند مثل لوازم پانسمان و تزریق و مانند آن.

جواب الف تا د: تمام این امور جزء سرمایه محسوب می‌شود. اگر از پول نقد تهیه شده، یا اگر اقساطی بوده قسط آن را پرداخته‌اند و سال بر آن گذشته، خمس دارد.

سؤال ۳۳۰- شخصی پارچه چادری تهیه نموده، ولی به خاطر مشغله کاری، یا علل دیگر، نتوانسته آن را برای دوختن به خیاط بدهد، و اکنون سال خمسی او فرا رسیده است، آیا خمس این چادر را باید بپردازد؟

جواب: در صورتی که نیاز به آن داشته، هر چند اتفاقاً آماده مصرف نشده، خمس ندارد.

سؤال ۳۳۱- اگر ملکی را برای افراد معین، مثلاً فرزندان خود، وقف کند خمس دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۲

جواب: هرگاه قبل از گذشتن سال خمس وقف کند خمس ندارد.

سؤال ۳۳۲- آیا اشیای زینتی که در حد شأن خانواده است، مانند قاب عکس، ولی نداشتن آن نقص محسوب نمی‌شود، مشمول خمس است؟

جواب: لوازم زندگی اگر در حد شأن باشد خمس ندارد.

سؤال ۳۳۳- آیا به مبالغی که شخص بیمه شده در طول چندین سال به شرکت بیمه پرداخت می‌کند، و بعداً به تدریج به عنوان حقوق ماهیانه به وی پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: خمس تعلق نمی‌گیرد؛ مگر این که چیزی از هزینه سال او اضافه بماند.

سؤال ۳۳۴- کسانی که از نظر موقعیت مالی ضعیف هستند، آیا می‌توانند برای مخارج ازدواج پسر، یا برای تهیه جهیزیه دخترشان، پول پس‌انداز کنند؟

جواب: خمس به آن تعلق می‌گیرد؛ اما اگر زیاد در زحمت باشد ما خمس آن را به آنها می‌بخشیم.

سؤال ۳۳۵- از دانشگاه وام گرفته‌ام، و پنج سال دیگر این وام را از من پس می‌گیرند. و به عبارتی من الان به آنها بدهکار هستم. آیا سر سال خمسی که می‌رسد، می‌توانم مقادیر فوق را از موجودی کسر نمایم؟ یا پنج سال بعد که قسط آن قرضها را دادم جزء

مؤونه همان سال محسوب می‌شود، و نباید سر سال خمسی پنج سال بعد آن مقادیر را به موجودی اضافه نمایم؟

جواب: اقساط مذکور جزء مؤونه همان سالی محسوب می‌شود که پرداخت می‌گردد.

سؤال ۳۳۶- امروزه برای حج واجب ثبت نام می‌کنند و پس از چند سال شخص را به حج می‌فرستند. با توجه به این که پول چند سال نزد آنها می‌ماند و در همان سال خرج نمی‌شود، با رسیدن سال خمسی باید خمس آن را داد؟

جواب: هرگاه از درآمد همان سال ثبت نام باشد خمس ندارد.

سؤال ۳۳۷- شخصی لباس یا وسیله دیگری برای جهیزیه فرزندش می‌خرد. پس از گذشت چند سال آن را از جهیزیه بر داشته و به عنوان هدیه به فرزند دیگرش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۳

می‌دهد، یا در مصادف ضروری تر هزینه می‌کند. آیا پرداخت خمس آن واجب است؟

جواب: خمس ندارد.

سؤال ۳۳۸- آیا به سرمایه ثابت طلافروشان خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: آری سرمایه خمس دارد؛ ولی یک بار که خمس بدهند کافی است، و بعداً فقط افزایش را حساب می‌کنند.

مصرف خمس

سؤال ۳۳۹- شخصی از سید فقیری طلبی دارد. می‌خواهد طلبش را از بابت سهم سادات حساب کند، ولی فعلاً سهم سادات بدهکار نیست، و از طرفی هم می‌خواهد این سید به او بدهکار نباشد. آیا راهی وجود دارد که سید مذکور به این شخص مدیون نباشد، و از

سوی دیگر این شخص بتواند سهم ساداتی که سالهای آینده بر ذمه او می‌آید را بابت طلب این سید بردارد؟

جواب: می‌تواند با اجازه حاکم شرع آن را بردارد؛ یعنی در واقع به حاکم شرع وام می‌دهد، که بعداً از باب وجوه با او محاسبه کند.

سؤال ۳۴۰- شخصی جنس معینی از سید نیازمندی طلبکار است، و می‌خواهد مقداری از طلبش را از بابت سهم ساداتی که بر

ذمه‌اش آمده، حساب کند. با توجه به این که بدهکار مذکور قدرت پرداخت هیچ مقدار از بدهیش را ندارد. به چه شکل عمل کند؟

جواب: می‌تواند بدهی او را از بابت سهم سادات قیمت کرده، و حساب کند.

سؤال ۳۴۱- کسانی که تنها از طرف مادر سید هستند، چه امتیازاتی دارند؟

جواب: از جهاتی حکم سید دارند، و از جهاتی ندارند. خمس نمی‌توانند بگیرند، و از لباس مخصوص سادات نمی‌توانند استفاده کنند؛ اما از جهاتی شرافت سیادت دارند.

سوالات متفرقه خمس

سؤال ۳۴۲- پدرم اعتقاد چندانی به مسائل دینی ندارد، و فقط نماز و روزه را به جا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۴

می‌آورد؛ آن هم کاملاً سرسری، اما بقیه تکالیف مانند خمس و زکات و مانند آن را رعایت نمی‌کند. نمی‌خواهم اموال ایشان در مسائل زندگی من داخل شود، اما اصرار دارند که به من کمک کنند. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- چه کار کنم؟ تکلیف غذا خوردن در آنجا چیست؟

جواب: شما می‌توانید از مال ایشان استفاده کنید، و خممش را بپردازید.

۲- مبلغی که تاکنون کمک کرده‌اند، مرا به ایشان زیاد وابسته کرده است. به نظر شما چه کاری در این شرایط مناسب است؟

جواب: وابستگی به پدر چیز مهمی نیست. سعی کنید با اخلاق خوش و منطق مؤدبانه، پدر را به راه راست بیاورید.

۳- عدم رعایت فروع دین، عدم اعتقاد عملی به اصول را نشان می‌دهد. دوستی با ایشان من را نسبت به دین و حلال و حرام و واجبات بی‌تفاوت می‌کند. چگونه می‌توان این مطلب را به ایشان متذکر شد به طوری که ناراحت نشود، و از طرف من نیز اتمام حجت شده باشد. با توجه به این که ایشان بسیار عاطفی هستند، و به کوچکترین انتقادات سازنده‌ای ناراحت می‌شوند، و اشک می‌ریزند؟

جواب: سعی کنید با تواضع و بردباری و زبان خوش، تدریجاً در ایشان نفوذ کنید، و هرگز مأیوس نشوید. و تذکرات در خلوت باشد، نه در جلوی مردم، و به صورت خیراندیشی باشد، نه به صورت انتقاد و خشونت و بدانید سهل‌انگاری در فروع، همیشه دلیل بر عدم ایمان به اصول نیست.

سؤال ۳۴۳- تصرف در وجوه صدقه، کفاره، زکات، خمس و مانند آن، به عنوان قرض و سپس برگرداندن آن چه صورت دارد؟ پولهایی که به عنوان امانت در نزد انسان است چطور؟

جواب: در صورتی که صاحب پول، آنها را به عنوان صدقه یا خمس جدا کرده، می‌تواند در آنها تصرف کند؛ ولی اگر کسی به عنوان امانت به آنها سپرده، حق تصرف ندارند.

سؤال ۳۴۴- در بعضی از محافل بحثی مطرح هست که آیا مالیات در نظام اسلامی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۵

(آن هم گاهی با در صد زیاد) جایگزین خمس و زکات می‌شود؟ و در صورتی که جایگزین نمی‌شود، برای کسانی که خمس و زکات می‌دهند، چاره‌ای اندیشیده شده تا مالیات کمتری (لا اقل به میزان خمس و زکات پرداختی) بدهکار باشند؟

مخصوصاً با توجه به این که در صدر اداره مالیات و اخذ وجوهات، فقیه جامع الشرائط نظارت و حضور دارد؟

جواب: مسأله مهم این است که مالیات نوعی هزینه کار اقتصادی است. یعنی کسی که فعالیت اقتصادی دارد، از جاده‌ها استفاده

می‌کند، از امتیّت بهره می‌گیرد، از رسانه‌های جمعی کمک می‌گیرد، و از دیگر امکانات بهره‌مند می‌گردد. اگر این امکانات نبود، کار اقتصادی ممکن نمی‌شد، یا بهره کمی داشت. بنابراین وظیفه دارد سهمی از هزینه‌های کارهای عمومی دولت، که در انجام امور اقتصادی او مؤثر است را بپردازد، و این یک امر طبیعی است. حال اگر بعد از پرداختن مالیات، چیز اضافه‌ای برای او باقی نماند، خمس به او تعلق نمی‌گیرد، و اگر اضافه بماند ۸۰ درصد آن مال خود اوست، و ۲۰ درصد دیگر که خمس است در حال حاضر عمدتاً صرف مسائل فرهنگ اسلامی، و حفظ عقاید و ارزشها می‌گردد، که سود آن عائد مردم می‌شود. چون اگر حوزه‌ها نباشد، نسل آینده از اسلام دور و جدا می‌گردد. بنابراین، اساساً نباید قلمرو مالیاتها را با وجوه شرعیّه مخلوط کرد.

سؤال ۳۴۵- نظر به این که متدینین اهل پرداخت خمس و زکات هستند، و بر انجام این وظیفه افتخار دارند. اگر بر حسب اتفاق کسی از آنها فقیر و نیازمند شد، آیا برای آنها در شرع مقدّس نهادی منظور شده که به آن مراجعه کنند؟ تا هم محلّ رفع نیاز محتاجین باشد، و هم متدینین بدانند اگر امروز از روی اخلاص و قصد قربت خمس پرداخت می‌کنند، روزی هم به آنها کمک می‌شود؟

جواب: البتّه بیت المال مرجعی برای این کار است.

سؤال ۳۴۶- هرگاه کسی بدهکار خمس یا زکات باشد، و قرض هم داشته باشد، بدهیهایی از بابت کفّاره و نذر و مانند آن نیز بر او واجب شده باشد، چنان چه نتواند همه آنها را بپردازد تکلیف چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۶

جواب: هرگاه عین مالی که خمس یا زکات یا نذر به آن تعلق گرفته موجود است، خمس و زکات و نذر مقدّم می‌باشد، و اگر عین آن موجود نیست، حق الناس اولویّت دارد.

سؤال ۳۴۷- کسی که حساب سال ندارد، و خمس نمی‌پردازد، آیا شرعاً می‌تواند فقط مقداری از اموال را مخمس کند و به حج برود؟

جواب: این کار جایز است؛ ولی اگر می‌خواهد از حج خود به طور کامل نتیجه بگیرد تمام اموال خود را پاک کند.

سؤال ۳۴۸- آیا بر مالی که صاحبش شک دارد خمس آن را داده یا نه، خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: احتیاط آن است که خمس آن را بپردازد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۷

فصل سیزدهم: احکام زکات

زکات فطره

سؤال ۳۴۹- حد اقل مدّت زمانی که باید شخصی میهمان صاحبخانه باشد تا نانخور او محسوب شود، چند شبانه روز است؟

جواب: چهار پنج روز کافی است.

سؤال ۳۵۰- این جانب پنج شب قبل از شب عید میهمان شخصی بودم. شب عید را در منزل خود افطار کردم، و چند شب بعد از عید را هم میهمان آن شخص شدم.

فطریّه‌ام بر عهده کیست؟

جواب: بر عهده خود شماست؛ ولی احتیاط آن است که از میزبان خود برای پرداخت این فطریّه نیز اجازه بگیرید.

سؤال ۳۵۱- هرگاه میزبان مقامد حضرتعالی باشد، که فطریّه کسی که فقط شب عید را میهمان اوست بر عهده میزبان نمی‌داند، و

میهمان مقلد مرجعی باشد که فطریه چنان شخصی را بر عهده میزبان می‌داند، تکلیف فطریه میهمان چیست؟
جواب: در فرض سؤال بر عهده هیچ کدام نیست.

سؤال ۳۵۲- در صورت عکس مسأله بالا چه می‌فرمایید؟

جواب: هر دو باید بپردازند، و مانعی ندارد که یکی از آن دو از دیگری اجازه بگیرد، که اصالتاً و نیابتاً فطریه را بپردازد.

سؤال ۳۵۳- زکات فطره کارمندان دولت، چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی، بر عهده کیست؟
جواب: بر عهده خود آنهاست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۸

سؤال ۳۵۴- زکات فطره روحانیون در ماه مبارک رمضان، که جهت تبلیغ به شهرها و بخش‌ها و روستاها سفر می‌کنند، و غالباً در منزل یکی از اهالی محل سکونت دارند، و لکن هر شب برای افطاری به منزل اشخاص دعوت می‌شوند، بر عهده کیست؟
جواب: زکات فطره آنها بر هیچ کس واجب نیست؛ مگر این که چند روزی از ایام آخر ماه رمضان در یک جا باشند، ولی اگر سحرها مرتباً یک جا باشند، بر عهده صاحب آن منزل است.

سؤال ۳۵۵- زکات فطره دانشجویان داخل و خارج کشور، که در دانشگاهها تغذیه می‌شوند، بر عهده خودشان است، یا دانشگاه؟
جواب: با توجه به این که دانشجویان محترم معمولاً غذا خریداری می‌کنند، هر چند با قیمت نازل باشد، زکات فطره بر خودشان است، یا بر کسی که خرجی آنها را می‌دهد.

سؤال ۳۵۶- آیا زکات فطره کارگرانی که در کارخانجات، یا مؤسسات کار می‌کنند، بر عهده خودشان می‌باشد، یا آن مؤسسه و کارخانه؟

جواب: با توجه به این که تغذیه در این گونه موارد جزئی از حقوق آنها محسوب می‌شود، زکات فطره بر خود آنهاست.

مصرف زکات فطره

سؤال ۳۵۷- صرف زکات فطره در راه آزادی افراد فقیری که بر اثر اشتباهاتی در زندان به سر می‌برند، چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۵۸- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون مصرف زکات فطره پاسخ فرمایید:

(الف) آیا زکات فطره را می‌توان در ساخت یا تعمیر غسالخانه، مساجد، مدارس و حسینیته‌ها مصرف نمود؟

(ب) آیا محله‌های فقیرنشین می‌توانند در جشنهای انقلاب، همانند ۲۲ بهمن، زکات فطره مصرف نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۱۹

(ج) محلی که اکثریت اهالی آن توانایی مالی ندارند، آیا می‌توانند برای دست مزد کسی که زباله آنها را جمع‌آوری می‌کند، از پول زکات فطره استفاده کنند؟

(د) در روستایی که اکثریتشان فقیرند، جلساتی از طرف دولت برگزار می‌شود، یا مأمورین دولت به آنجا اعزام می‌شوند، (مثل مأمورین صندوقهای اخذ رأی) آیا می‌توان برای غذای آنها از زکات فطره هزینه کرد؟

(ه) اهالی روستایی فقیر هستند. آیا می‌توان از زکات فطره در کارهای عام المنفعه چنین روستایی مصرف نمود؟

جواب: مصرف زکات فطره، بنابر احتیاط واجب، فقط فقرا و مستمندان هستند؛ ولی از زکات مال می‌توان در کارهای دینی و فرهنگ دینی استفاده کرد.

سؤال ۳۵۹- مصرف زکات فطره برای درمان بیمارهای بی‌بضاعت چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶۰- استفاده از فطریه جهت مصارف آموزشگاههای دولتی (با توجه به مشکلات و کمبودهای مالی مدارس، و در صورت تمایل اولیای دانش آموزان) چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب این است که فطریه را فقط صرف نیازهای فقرا کنند.

سؤال ۳۶۱- آیا برای مسئولین مدارس جایز است فطریه کسانی را که مایل هستند جمع آوری نموده، و به خانواده‌های دانش آموزانی که شرعاً مستحق هستند، برسانند؟

جواب: آری جایز است.

سؤال ۳۶۲- آیا زکات فطره را می‌توان به پدر و مادر، یا فرزند نیازمند خود داد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۶۳- آیا زکات فطره را می‌توان به برادر و خواهر فقیر، یا سایر اقوام نیازمند داد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۶۴- آیا زکات فطره را می‌توان به سادات محترم داد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۰

جواب: تنها زکات فطره سادات را به سادات نیازمند می‌توان داد.

سؤال ۳۶۵- در صورتی که نوه انسان نیازمند باشد، آیا می‌توانیم فطریه خود را به وی بدهیم؟

جواب: دادن فطریه به نوه (چه دختری و چه پسری) اشکال دارد.

سؤال ۳۶۶- اگر مرد خانواده‌ای که سید بوده فوت کرده باشد، و اکنون خانمش که غیر سیده است سرپرست خانواده باشد. آیا می‌تواند فطریه غیر سادات را بگیرد، و صرف فرزندان نیازمندی که از سادات هستند نماید؟

جواب: می‌تواند خودش آن را تملک کند، و بعد برای آنها صرف نماید.

سؤال ۳۶۷- وظیفه شخصی که سالهای متمادی زکاة فطره را جمع نموده، و صرف غیر نیازمندان کرده چیست؟

جواب: باید تمام آنها را اعاده کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۱

فصل چهاردهم: احکام حج

استطاعت

سؤال ۳۶۸- زوج، زوجه عقد بسته خود را از رفتن به عمره منع کرد، ولی با توجه به این که هنوز زوجه در خانه پدر هست، و نفقه خور همسرش به حساب نمی‌آید؛ عازم سفر عمره گردید، آیا سفر زوجه سفر معصیت است؟ آیا احرام او صحیح می‌باشد؟ به هر حال وظیفه فعلی زوجه چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که رضایت شوهر را جلب کند، و حج و عمره او در هر حال صحیح است، ولی احتیاط آن است که نمازهای خود را جمع بخواند، و اگر سفر اول او باشد، خواه برای حج یا عمره، اجازه شوهر شرط نیست.

سؤال ۳۶۹- سهم الارث شخصی به اندازه استطاعت حج می‌باشد. ولی این شخص ماشین ندارد، و در شأن اوست که ماشین داشته باشد، هر چند در مضیقه نیست.

یعنی اگر ماشین نخرد هم زندگی او می‌گذرد، ولی با ماشین راحت‌تر زندگی می‌کند.

آیا این شخص واجب الحج است؟

جواب: در صورتی که ماشین نیاز دارد، می‌تواند صرف خرید ماشین کند.

سؤال ۳۷۰- در سؤال فوق، اگر اصلاً ماشین به او ارث رسیده باشد، فرقی دارد؟

جواب: در صورت نیاز به ماشین تفاوتی ندارد.

سؤال ۳۷۱- چند سالی است که سازمان حج و زیارت همه روزه از داوطلبان تشرّف به حج تمتّع، ثبت نام می‌کند. یعنی داوطلبان با

واریز مبلغ یک میلیون تومان در نوبت اعزام قرار می‌گیرند. از طرفی این سازمان اعلام کرده: «با توجه به تعداد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۲

افرادى که تا به امروز ثبت نام کرده‌اند، کسانی که از این به بعد برای ثبت نام مراجعه می‌کنند حدود سه سال دیگر به حج مشرّف

خواهند شد.» لازم به توضیح است این برنامه به معنای انجام قرعه‌کشی نیست؛ بلکه اولویت اعزام برای کسانی است که زودتر ثبت

نام کرده یا می‌کنند. حال سؤال این است که: با توجه به مراتب فوق، اگر کسی استطاعت مالی داشته باشد، واجب است اقدام به

ثبت نام کند، و در این نوبت حدوداً سه‌ساله قرار گیرد؟ یا به دلیل باز نبودن راه مستطیع نیست، و می‌تواند در مال خود تصرّف

نموده، و خود را از استطاعت مالی خارج کند، و تا زمانی که شرایط به صورتی درآید که در همان سال ثبت نام اعزام صورت

گیرد ثبت نام واجب نیست؟

جواب: ثبت نام برای کسانی که استطاعت دارند واجب است.

میقات

سؤال ۳۷۲- مسافرانی که به قصد حج تمتّع وارد جدّه می‌شوند، و قصد دارند اولاً به مکه مشرّف شوند (مثل حاجیان پاکستان)، آیا

حتماً باید از جحفه محرم شوند، یا با توجه به این که «جدّه» محاذی «جحفه» است، می‌توانند از جدّه نیز احرام ببندند؟

جواب: احرام حج تمتّع از جدّه جایز نیست؛ زیرا محاذات آن با هیچ یک از میقاتها ثابت نشده است. باید به جحفه، یا یکی دیگر از

میقاتهای حج تمتّع بروند.

سؤال ۳۷۳- آیا با شرایط فعلی، که شهر مکه بزرگ شده، و مسجد تنعیم در داخل مکه قرار گرفته، این مسجد همچنان میقات است

و می‌توان از آنجا احرام بست؟

در صورت میقات بودن، شب و روز، و در سایه رفتن و نرفتن از نظر حکم شرعی تفاوت می‌کند؟

جواب: مسجد تنعیم میقات عمره مفرده است، و شب و روز در آن فرق نمی‌کند، و زیر سایه رفتن در داخل شهر مکه ضرری ندارد.

سؤال ۳۷۴- با توجه به نظرات متفاوت مبنی بر محاذی بودن یا نبودن جدّه با میقات جحفه، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۳

الف) احرام بستن جهت عمره مفرده، از جدّه برای شاغلین در آن شهر چگونه است؟

ب) احرام برای مسافرینی که با هواپیما به جدّه می‌آیند، و می‌خواهند عمره مفرده بجا بیاورند چگونه است؟ در صورت طرح

موضوع نذر، لطفاً مشخص فرمایید که آیا می‌توان از جدّه نذر کرد، یا می‌بایست قبل از رسیدن به جدّه نذر نمود؟

جواب الف: جدّه محاذی با هیچ یک از میقاتهای عمره مفرده حدیبیه است، که در وسط راه

مکه و جدّه قرار دارد. و امروزه در محاذات آن در نزدیکی پل شمسیه علامتگذاری شده، و مسجدی بنا کرده‌اند، که از آن محرم

می‌شوند.

جواب ب: نذر از جده مانعی ندارد.

احرام

سؤال ۳۷۵- وقف به حرکت، و وصل به سکون در تلبیه چه حکمی دارد؟

جواب: در هر دو صورت، اشکالی ندارد.

سؤال ۳۷۶- آیا طهارت لباس احرام، یا سایر شرایط لباس نماز گزار، شرط صحت احرام نیز هست؟ و آیا با ترک عمدی آن، احرام اشکال پیدا می‌کند؟

جواب: لباس احرام باید مثل لباس نماز گزار پاک باشد، و سایر شرایط لباس نماز گزار را نیز داشته باشد.

سؤال ۳۷۷- دو سال قبل به حج مشرف شدم. به خاطر ناتوانی و بیماری و خوف از ازدحام و ترس از حیض، اعمال بعد از منی را قبل از وقوفین به جا آوردم. لکن در اثر جهل به مسأله آنها را بدون احرام انجام دادم. سپس محرم به احرام حج شده، و به عرفات و مشعر رفتم، و اعمال منی را انجام دادم. اکنون متوجه اشتباه خود شده‌ام. لطفاً تکلیف بنده را روشن فرمایید.

جواب: نگران نباشید، اعمال شما صحیح بوده و نیاز به اعاده نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۴

محرمات احرام

سؤال ۳۷۸- گاه در شهر مکه به قدری ملخ فراوان است، که هنگام راه رفتن، پا روی آن گذاشته می‌شود. آیا در این گونه مواقع مواظبت لازم است؟ و در صورت لزوم، اگر مراقبت نکند و ملخی کشته شود، کفاره آن چیست؟

جواب: مراقبت لازم است، و اگر مراقبت نکند کفاره آن یک کف طعام است بنابر احتیاط واجب.

سؤال ۳۷۹- آیا خون گرفتن از بدن با سرنگ، از مصادیق ادمای محرم است، و در حال احرام پرهیز از آن لازم می‌باشد؟

جواب: جزء ادماء محسوب می‌شود؛ ولی به فتوای ما، ادماء برای محرم مکروه است، نه حرام.

سؤال ۳۸۰- پرداختن کفاره تظلیل محرم سید، به سادات فقیر چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۳۸۱- آیا می‌شود به یک مستحق، سه کفاره داد؟ در صورت عدم جواز، اگر کسی این کار را کرده باشد، آیا قضا لازم است؟

جواب: کفارات حج را به هر تعداد به مستحق می‌شود داد، تا آن اندازه که غنی نشود.

طواف

سؤال ۳۸۲- خانمی برای آن که بتواند اعمال حج را انجام دهد، از قرص استفاده کرده است. لیکن در ایام عادت یا خارج از آن ایام خون دیده، و نمی‌داند که جریان خون تا سه روز ادامه پیدا می‌کند یا نه؟ یا احتمال می‌دهد که تا سه روز ادامه پیدا نکند، در فرض داشتن صفات یا نداشتن صفات حیض، تکلیف او چیست؟

جواب: در فرض مسأله به محض مشاهده خون احکام حائض را رعایت می‌کند، ولی چنانچه تا سه روز ادامه پیدا نکند، حیض نیست و باید نماز آن چند روز را قضا کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۵

سؤال ۳۸۳- آیا ریا در ادعیه طواف موجب بطلان طواف می‌شود؟

جواب: موجب بطلان طواف نمی‌شود.

سؤال ۳۸۴- یک ماه پیش به سفر مکه رفتم، و اعمال عمره مفرده را بجا آوردم.

پس از بازگشت متوجه شدم که روی انگشت پای چپم به مقدار بسیار ناچیزی لاک (لکه‌ای به اندازه ۳-۲ میلیمتر) وجود داشته که متوجه آن نشده و در نتیجه آن را پاک نکرده بودم. یقین دارم که این لاک پیش از سفر مکه و غسل حیض، بر روی ناخن من بوده است. از این بابت بسیار نگران هستم. اعمالی که انجام داده‌ام چه حکمی دارد؟

جواب: اعمال شما ان شاء الله صحیح بوده، ولی سعی کنید در آینده چنین چیزی پیش نیاید.

سؤال ۳۸۵- اخیراً مأمورین سعودی مانع طواف افراد معذور (که با ویلچر طواف می‌کنند) در طبقه همکف می‌شوند. طواف چنین اشخاصی در طبقه بالا چه حکمی دارد؟ اگر نماز طواف و سعی را هم در همان طبقه بجا آورند چه صورت دارد؟

جواب: در فرض سؤال طواف آنها در طبقه بالا اشکالی ندارد. و در مورد نماز طواف و سعی، اگر اجازه ندهند از پایین انجام گیرد، یا اجازه می‌دهند ولی مشقت و عسر و حرج دارد، آن هم اشکالی ندارد.

نماز طواف

سؤال ۳۸۶- آیا در نیابت از چند نفر در یک عمره، یک نماز کفایت می‌کند، یا می‌بایست به تعداد منوب عنهم نماز طواف بجا آورد؟

جواب: یک نماز کافی است.

سؤال ۳۸۷- آیا نائب می‌تواند نماز منوب عنه را، بعد از انجام سعی توسط منوب عنه بجا آورد؟

جواب: باید بعد از طواف بجا آورد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۶

رمی جمرات

سؤال ۳۸۸- با توجه به این که ستون جمرات بازسازی شده و از طول و عرض و ارتفاع به مقدار زیادی به آن افزوده شده، رمی ستونهای جدید چه حکمی دارد؟

جواب: پرتاب کردن سنگریزه‌ها در حوضچه‌های فعلی کافی است، و نیز می‌توانند به ستونها بزنند تا در حوضچه‌ها بیفتند.

قربانی

سؤال ۳۸۹- با توجه به این که سازمان حج تأکید می‌کند که با تلاشهایی که صورت گرفته، طبق تعهد مسلم مسئولین سعودی، امسال گوشتهای قربانی مطلقاً تلف نمی‌شود، بلکه تمام آن بسته‌بندی شده و صرف فقرا می‌گردد، و حتی پوست و روده آن نیز مصرف می‌شود، آیا در این شرایط، مقلدین حضرت تعالی می‌توانند قربانی خود را در آنجا ذبح کنند؟

جواب: سازمان محترم حج نیز در نامه‌ای همین مطلب را از ما سؤال کرده‌اند و در پاسخ عرض کرده‌ایم: در شرایط جدید، مادام که گوشتهای قربانی کاملاً مصرف می‌گردد، بهتر است در آنجا ذبح شود؛ (هر چند قربانگاه‌ها خارج از منی است.) خدا را شکر می‌گوییم که فتوای مزبور تأثیر خود را گذاشت، و یکی از مشکلات مهم حج، یعنی اسراف عظیم و اتلاف گوشتهای قربانی، فعلاً حل شده است. بدیهی است شرایط تغییر کرده، و فتوا تغییر نکرده است. لذا هرگاه وضع برگردد و گوشت‌ها تلف شود، قربانی در

آنجا جایز نیست.

عمره مفرده

سؤال ۳۹۰- فردی قبل از غروب آفتاب شب اول ماه، جهت عمره مفرده محرم شده، و طبعاً اعمال مکه را در ساعات اولیة ماه جدید انجام داده است، این عمره به حساب کدام ماه لحاظ می‌شود؟ در همین فرض، اگر بعد از غروب آفتاب محرم شود، چگونه محاسبه می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۷

جواب: بعید نیست که معیار همان ماهی باشد که احرام در آن بسته شده است؛ هر چند احتیاط آن است که عمره ماه بعد را به قصد رجا بجا آورد.

سؤال ۳۹۱- ملاک برای انجام عمره مفرده در هر ماه، همان ماه است یا سی روز؟

جواب: ملاک همان ماه قمری است، نه سی روز.

حج کودکان

سؤال ۳۹۲- کودک ممیزی بدون امر ولی در میقات محرم شده، و تنها سعی و تقصیر را انجام داده است. تکلیف او یا ولیش نسبت به بقیة اعمال چیست؟

جواب: احتیاط آن است که برگردد و تمام اعمال، غیر از احرام، را انجام دهد.

و اگر توانایی ندارد از کسانی که به عمره می‌روند، خواهش کند که به نیابت از او انجام دهند.

سؤال ۳۹۳- اگر کودک ممیزی بدون اذن ولی، مُحرم شود و در حال احرام، یکی از محرمات را مرتکب شود، کفاره آن بر عهده کیست؟

جواب: در غیر صید، کفاره واجب نیست؛ نه بر ولی و نه بر طفل.

سؤال ۳۹۴- اگر ولی طفل، مقلد مرجعی باشد که به هنگام احرام، پوشیدن لنگ و ازار را برای بانوان نیز لازم می‌داند، آیا هنگام محرم کردن دختر بچه غیر ممیز لازم است بر او لباس احرام بپوشاند؟

جواب: آری، لازم است.

سؤال ۳۹۵- پوشش دختر بچه در حال طواف، چه اندازه است؟

جواب: احتیاط آن است که به مقدار معمول زنان باشد.

متفرقه

سؤال ۳۹۶- مرحوم مادرم، که مستطیع بوده، سال گذشته برای حج تمتع ثبت نام کرد، اما متأسفانه بعد از ثبت نام وفات یافت. وراثت او، حقیر و دو پسر دیگر و یک دختر می‌باشیم. دختر آن مرحومه نیز بعد از مادر فوت کرده است. اینک که قرعه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۸

برای حج سال جاری بنامش اصابت کرده، برادرانم طی موافقت نامه‌ای، رضایت داده‌اند که حقیر (که اولاد ارشد می‌باشم) به نیابت از او حج مذکور را برگزار نمایم.

اما شوهر خواهر متوفایم به ادعای این که من یکی از وراثت مادران (به واسطه فوت خواهرتان بعد از او) می‌باشم، راضی به انجام

حجّ مذکور نیستم، و تا سهم الارث همسرم را برابر قیمت فعلی حجّ تمتّع (که در بازار آزاد می‌خرند)، ندهید، امضا نمی‌کنم. با توجه به عرایض بالا، استدعا دارد بیان فرمایید:

الف) تتمّۀ مخارج حجّ فوق الذّکر (که طبق فیش مزبور، بلدی می‌باشد) از اصل ترکهٔ مادرمان پرداخت می‌گردد، یا از ثلث آن؟
جواب: این مسأله چند حالت دارد: نخست این که مادر شما می‌توانسته حجّ برود و کوتاهی کرده، در این صورت، حجّ بر او واجب شده و باید از ترکهٔ او برداشته شود، ولی باید حجّ بلدی را به حجّ میقاتی تبدیل کرد، و تفاوت آن در میان ورثه تقسیم شود. مگر این که ورثه رضایت دهند.

دوم: این که مادر جز از طریق فیش حجّ نمی‌توانسته به حجّ برود، ولی وصیت کرده که با آن فیش، برای او حج بجا آورند. هرگاه این وصیت زائد بر ثلث مال او نباشد، باید عملی شود و ورثه حقی ندارند.

سوم: این که نه مستطیع بوده که حجّ آزاد بجا آورد، و نه وصیت کرده، بلکه فقط فیش حجّ داشته است. در این صورت حجّ بر او واجب نیست، و آن فیش تعلق به همهٔ ورثه دارد، و باید بقیهٔ ورثه یا رضایت دهند و یا سهم آنها به قیمت روز پرداخته شود. ضمناً توجه داشته باشید در صورت اول و دوم فقط هزینهٔ گوسفند و لباس احرام را می‌توان از مال میت برداشت، نه چیز دیگر.

ب) در میان وراثت آن مرحومه، چه کسی سزاوارتر است که حجّ مزبور را به نیابت از آن مرحومه انجام دهد؟
جواب: اگر وصیت کرده، شخصی که دربارهٔ او وصیت شده اولی است. در غیر این صورت، هر کدام که ورثه توافق کنند اولی است.

سؤال ۳۹۷- کسی که مستطیع است و در منطقه‌ای زندگی می‌کند که مسجد وجود

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۲۹

ندارد، آیا می‌تواند پول حجّ را برای ساختن مسجد مصرف نماید؟

جواب: پول حجّ واجب را نمی‌توان در مسجد صرف کرد؛ ولی پول حجّ مستحبّ مانعی ندارد؛ بلکه بهتر است در چنین جایی مصرف گردد.

سؤال ۳۹۸- با توجه به این که برخی از فقهای بزرگوار، حجر اسماعیل را جزو کعبه می‌دانند، خواندن نمازهای واجب، داخل حجر چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط این است که نماز واجب را در حجر اسماعیل و داخل کعبه نخوانند، ولی نماز مستحبّ مانعی ندارد؛ بلکه فضیلت دارد.

سؤال ۳۹۹- شخصی واجب الحج است؛ ولی دارای فامیل نزدیک، یا همسایهٔ فقیر و نیازمند به کمک‌های مالی می‌باشد، و چون زندگیش خیلی سخت می‌گذرد و آن قدر از نظر مالی پیشرفته نیست که بتواند هم به شخص فقیر برسد و هم حج بجا آورد، کدام یک به خیر و صلاح نزدیکتر است؟

جواب: کسی که حج بر او واجب شده باید به حج برود، و می‌تواند از وجوه شرعی‌ای که به اموالش تعلق می‌گیرد به بستگانش نیز کمک کند.

سؤال ۴۰۰- در سالهای اخیر بانک به سپرده‌های مربوط به حجّ و عمره سود می‌دهد. لطفاً بفرمایید:

الف) گرفتن این سودها چه حکمی دارد؟

ب) آیا به سودهای مذکور که سال خمسی بر آن می‌گذرد خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: با توجه به این که قراردادی بین مردم و سازمان حج در مورد سود منعقد نشده، و آنها با میل خود آن را می‌پردازند اشکالی ندارد. و هرگاه سود را جزء هزینهٔ حج به حساب آورند، خمس نیز به آن تعلق نمی‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۱

فصل پانزدهم: احکام قضا

صفات قاضی

سؤال ۴۰۱- آیا عدالت در قاضی غیر مجتهد مأذون نیز شرط است؟ این امر برای شخص قاضی چگونه بایستی احراز گردد؟
جواب: آری عدالت شرط است. و آن عبارت از یک حالت خدا ترسی باطنی است، که او را از گناهان کبیره و اصرار بر صغیره حفظ می‌کند. و نباید در احراز آن زیاد سخت‌گیری کرد.

سؤال ۴۰۲- اگر قاضی در مورد کسب عدالت و یا حفظ این شرط در خودش اطمینان نداشته باشد، و نسبت به آن مشکوک باشد، با توجه به احتیاج مبرم جامعه و کمبود، تکلیف شرعی این فرد چیست؟
جواب: باید منصب قضا را به دیگری بسپارد.

سؤال ۴۰۳- طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قاضی مکلف است طبق قانون عمل کند؛ نه بر مبنای اجتهاد شخصی. و از طرفی قضاوت مأذون فعلی در واقع قاضی شرع مذکور در فقه نبوده، بلکه کار آنها تقریباً حالت کارشناسی داشته، و از باب تطبیق موضوع بر قوانین مقرر می‌باشد. با توجه به این مطلب، و با پیشرفت روزافزون حضور زنان در مسائل و علوم مختلف، از جمله حقوق به عنوان ابزار اساسی در مسائل قضایی کنونی، بفرمایید:

۱- آیا در نظام قضایی موجود، ذکوریت شرط لازم بر تصدی قضاوت است؟

جواب: آری ذکوریت شرط لازم است، بنابر احتیاط واجب؛ مگر این که زنان مقدمات امر کارشناسی را انجام دهند، و قاضی مذکور مافوق انشای رأی کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۲

۲- آیا زنان می‌توانند به عنوان قاضی تحکیم، عهده‌دار فصل خصومت شوند؟

جواب: اشکال دارد.

۳- با توجه به این که امروزه رسیدگی به دعاوی غالباً دو مرحله‌ای است (مرحله بدوی و تجدید نظر)، و در مرحله بدوی، قاضی اصدار حکم می‌کند، به خلاف مرحله تجدید نظر، که در بسیاری موارد صرفاً کار آنها رسیدگی شکلی است (یعنی بررسی حکم صادره از لحاظ مطابقت و یا عدم مطابقت با قانون موضوعه) آیا در این صورت زنان می‌توانند به عنوان قاضی تجدید نظر انجام وظیفه نمایند؟

جواب: در صورتی که انشاء حکم از سوی مردان باشد، اشکال ندارد.

۴- با توجه به این که در احکام قابل تجدید نظر، رأی قاضی در دادگاه بدوی قطعی نیست، و در صورت اعتراض هر یک از طرفین، دادگاه تجدید نظر نیز باید به رأی صادره را از لحاظ شکلی، و در مواردی از لحاظ ماهوی، رسیدگی کند، آیا در این گونه موارد می‌توان از زنان در دادگاه بدوی به عنوان قاضی استفاده کرد؟

جواب: هر گاه رأی نهایی از سوی مردان انشاء شود، اشکالی ندارد؛ ولی گشودن پای زنان به این گونه مراحل سرانجام منتهی به تصدی آنها نسبت به منصب قضا به طور استقلال خواهد شد.

۵- با توجه به این که در مسائل اختصاصی زنان، شهادت آنان معتبر بوده و قاضی نیز بر اساس آن حکم می‌دهد، آیا می‌توان گفت زنان در این موارد حق قضاوت دارند؟

جواب: مسأله شهادت قابل مقایسه با مسأله قضا نیست.

راه‌های اثبات جرم و برائت از اتهام

الف و ب و ج) اقرار، یننه، علم قاضی

سؤال ۴۰۴- آیا شیوه دادرسی در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام از احکام ثابت غیر قابل تغییر است، یا غرض و هدف شارع مقدس تحقق عدالت و احقاق حق است، و ابزار و روش تحقیق آن متغیر و تابع مقتضیات زمان و مکان می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۳

جواب: راه اثبات جرم یا اقرار است، یا یننه، و یا علم حاکم که از قرائن حسی یا قریب به حس حاصل می‌شود.

سؤال ۴۰۵- آیا نهادی مانند داد سرا در کنار دادگاه، که امور مقدماتی مانند احضار و تحقیق از متهم را بر عهده دارد، مخالف موازین شرع است؟ یا بودن این امور در دست غیر قاضی (صادرکننده حکم) مخالفتی با موازین شرع ندارد؟

جواب: در صورتی که نتیجه تحقیقات دادسرا در اختیار قاضی قرار گیرد، و داخل در تحت یکی از عناوین سه گانه (اقرار، یننه و علم قاضی) باشد، منافاتی با احکام شرع ندارد.

سؤال ۴۰۶- آیا فتوای مراجع تقلید، مجتهدین و همچنین اخبار و احادیث و فرمایشات ائمه اطهار علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب احقاق حق، یا اثبات بی گناهی نافذ و قابل استناد است؟

جواب: در صورتی که قاضی مجتهد باشد، می‌تواند به اتکای منابع اسلامی حکم صادر کند، و اگر مجتهد نباشد و از باب ضرورت متصدی منصب قضا شده، باید طبق فتوای مراجع حکم صادر کند.

سؤال ۴۰۷- عده‌ای بر این عقیده‌اند که: «اگر اولیای دم مدعی قتل عمدی گردند، ولی متهم منکر عمدی بودن قتل شود، و دلایل موجود در پرونده به گونه‌ای باشد که برای حاکم شرع علم حاصل نشود، حاکم شرع قبل از احلاف متهم حق ندارد قتل را شبه عمد یا خطای محض تلقی کرده، و در مقام صدور حکم برآید.» نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: روشن است که در موارد تنازع باید یا به وسیله یننه و علم قاضی و یا به وسیله حلف منکر، دعوی حل و فصل شود، و این قاعده کلی تمام ابواب دعاوی است، و صدور حکم قبل از آن جایز نیست.

د) قسم

سؤال ۴۰۸- هرگاه در قتل عمدی مورد از موارد لوث نبوده، و مدعی هم یننه‌ای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۴

نداشته باشد، و به منکر اذن سوگند داده شود، چنانچه منکر از اتیان سوگند امتناع نماید، تکلیف چیست؟

جواب: در چنین مواردی مانند سایر موارد دعاوی عمل می‌شود؛ یعنی حاکم بعد از منکر یمین را به مدعی می‌دهد، و با قسم خوردن او دعوی ثابت می‌شود.

سؤال ۴۰۹- با توجه به قاعده‌ی

«الْبَیِّنَةُ عَلَى الْمُدَّعَى وَالْيَمِينُ عَلَى مَنْ أَنْكَرَ»

و با عنایت به حدیث شریف

«لا یمین فی حدّ»

بفرماید:

الف) در صورت فقدان بینه و اقرار در دعاوی کیفری، آیا شاکی می‌تواند از متهم تقاضای قسم نماید؟

جواب: در حدود و تعزیرات، همان گونه که در روایت بالا آمده، مطلقاً قسم نیست؛ ولی در قصاص و دیه قسم راه دارد.

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، در صورت نکول متهم و ردّ قسم به شاکی، آیا با قسم شاکی می‌توان نامبرده را به مجازات مقرر محکوم نمود؟

جواب: آری احکام ردّ قسم در قصاص و دیات نیز جاری است.

ج) چنانچه متهم عمل ارتكابی را انکار نماید، و بگوید: «اگر شاکی قسم یاد کند مسئولیت آن را می‌پذیرم» آیا به استناد حلف شاکی می‌توان متهم را به مجازات جرم ارتكابی محکوم نمود؟

جواب: منکر باید قسم یاد کند. و اگر حاضر به قسم نشد و قسم را به شاکی ردّ کرد، و شاکی قسم خورد ادعای شاکی ثابت می‌شود. (این در قصاص و دیات است، نه حدود و تعزیرات.)

د) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا در جرائمی مانند سرقت - که دارای جنبه حقّ اللّهی و حقّ النّاسی هر دو می‌باشد - از جهت اثبات جنبه مالی و کیفری تفاوتی وجود دارد؟

جواب: نسبت به مسائل مالی احکام یمین مردوده جاری است، ولی در حدّ یمین راه ندارد، بلکه باید از طریق بینه یا اقرار ثابت شود. ه) در فرض فوق آیا بین حدود، قصاص، دیات و تعزیرات تفاوتی هست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۵

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۴۱۰- شخصی مدعی است که توسط دیگری مصادوم شده، ولی برای اثبات ادعای خود شاهدی ندارد، و مدعی علیه منکر حضور خود در صحنه مصادومیت مدعی می‌باشد. آیا در این فرض می‌توان قاعده فقهی

«الیئنه علی المدعی و الیمین علی من انکر»

را جاری و مدعی علیه را سوگند داد؟ آیا قاضی بدون درخواست شاکی می‌تواند متهم را سوگند دهد؟

جواب: آری قاضی مستقلاً از منکر تقاضای یمین می‌کند.

سؤال ۴۱۱- شخصی با بافنده فرش ابریشم قرار داد می‌بندد که نخ ابریشم و هزینه بافتن فرش به عهده وی، و فقط بافتن به عهده بافنده باشد، و پس از اتمام فرش و کسر هزینه‌های مربوطه، هر دو در سودش شریک باشند. بافنده پس از شروع به کار و بافتن مقداری از فرش، به صاحب کار اعلام می‌نماید: «شبان به صحرا رفته بودم و در خانه هم کسی نبود، شخصی آمده و فرش را سرقت نموده است» در مقابل کارفرما به عنوان خیانت در امانت، شکایت نموده و مأمورین نیز پس از بررسی اعلام نمودند:

«در سرقت مورد ادعا به قفل در خسارت وارد نشده، و دست نخورده است. و به نظر می‌رسد کار خود بافنده باشد» اکنون سؤال این است: آیا با توجه به مراتب فوق الذکر، و بر فرض صحّت ادعای خود بافنده، نامبرده به عنوان سهل انگاری در امانت قابل مجازات،

و ضامن خسارت است، یا موضوع با قسم بافنده حلّ و فصل می‌گردد، و وی ضامن پرداخت خسارت نخواهد شد؟

جواب: تا خیانت او ثابت نشود، ضامن نیست؛ ولی باید قسم یاد کند.

سؤال ۴۱۲- در محاکم دادگستری، به خصوص در بخش کیفری، در مواردی بستگان متوفی یا مقتول از دادن سوگند به متهم امتناع نموده، می‌گویند ما سوگند او را قبول نداریم. آیا در این فرض، که فصل خصومت و پایان دادن به نزاع متوقف بر سوگند مدعی علیه است، قاضی می‌تواند به دلیل این که ولی ممتنع است، برای فصل خصومت، خود اقدام به احلاف مدعی علیه نموده و متعاقباً

حکم به براءت صادر نماید، یا باید حکم به توقّف دعوی صادر نماید، تا حقّ احلاف شکات محفوظ بماند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۶

جواب: قاضی احلاف متهم می‌کند، و پرونده را مختومه می‌سازد.

سؤال ۴۱۳- هرگاه مدّعی جهت اثبات ادّعی خود دلیلی به محکمه ارائه ننماید، و در خواست سوگند از طرف مقابل نماید، آیا منکر می‌بایست عادل باشد و قسم بخورد، یا عدالت در اینجا شرط نیست؟

جواب: در اینجا عدالت شرط نیست.

سؤال ۴۱۴- چنانچه شاکی در بحث ضرب و جرح دارای دلیل و بیّنه نباشد، آیا جهت اثبات ادّعی خود، مانند مورد قتل، می‌تواند به قسم استناد نماید (قاعدۀ یمین و منکر) تا پس از قسم منکر، دادگاه رأی بر براءت مدّعی علیه صادر نماید، یا در این مورد قسم جاری نمی‌شود؟

جواب: آری مدّعی علیه قسم می‌خورد، و براءت حاصل می‌نماید.

سؤال ۴۱۵- تقاضامندیم فتوای شریف را در خصوص سؤالات زیر بیان فرمایید:

الف) دینی بر عهده مدیون برای دائن ثابت گردیده، و چون دسترسی به مدیون نبوده با اذن حاکم شرع مالی منقول، که مدّتی در ید و اختیار مدیون بوده و در آن تصرّف به ظاهر مالکانه داشته، برای پرداخت بدهی دائن توقیف می‌گردد. شخص ثالثی مدّعی مالکیت مال توقیف شده گردیده، و ادلّه شرعی نیز اقامه نموده که قبل از آن که مال در اختیار مدیون قرار گیرد، در مالکیت وی (شخص ثالث) بوده است.

لکن چگونگی انتقال مال به مدیون احراز نگردیده، و او مدّعی است مال به صورت امانت با اذن در تصرّف، یا عاریه به مدیون منتقل گردیده، و دائن مدّعی مالکیت مدیون نسبت به مال مورد توقیف می‌باشد. با توجه به ید مدیون، آیا می‌توان دائن را منکر محسوب و قسم را متوجه او دانست؟ در این صورت آیا مورد قسم به عدم انتقال مالکیت تعلق می‌گیرد، یا به «عدم اطلاع از انتقال مالکیت»؟ یا این که باید معترض را منکر تلقی، و بالتبع قسم را متوجه او دانست؟

ب) آیا عقد رهن با مال عاریه توسط مستعیر بدون اذن معیر و عدم اذن او بعد از اطلاع، صحیح است یا باطل؟

جواب الف: در صورتی که بیّنه شرعیّه شهادت بر ملکیت شخص ثالث در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۷

حال حاضر بدهد، ید از درجه اعتبار ساقط می‌شود، ولی اگر فقط شهادت دهند که در گذشته مال شخص ثالث بوده کافی نیست، و ادّعی زوال ید قبول است، و باید قسم یاد کند.

جواب ب: عقد رهن بدون اذن مالک جایز نیست.

سؤال ۴۱۶- بایع ادّعا می‌کند که معامله اِکراهی بوده، ولی مشتری منکر اِکراه است، قول کدام مقدّم است؟

جواب: قول منکر مقدّم است، مگر این که مدّعی بتواند با دلیل شرعی ادّعی خود را ثابت کند.

سؤال ۴۱۷- زنی ادّعی ازاله بکارت توسط مرد اجنبی را دارد، و مرد منکر آن است. در این حالت، آیا برای ثبوت اموری نظیر ارش البکاره و مهر المثل (با وجود شرایط)، قواعد عمومی قضایی مربوط به مدّعی و منکر، کارآیی دارند؟ یا چون مسأله از لوازم ثبوت زناست، تنها با اثبات زنا این امور ثابت می‌گردد؟

جواب: احکام مدّعی و منکر در اینجا نیز جاری می‌شود.

سؤال ۴۱۸- لطفاً در مورد علم قاضی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا قاضی می‌تواند در مقام قضاوت به علم خود عمل کند؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا علم قاضی در تمام موارد حجّت است؟ (دعاوی جزایی، مدنی، حقّ الله، حقّ الناس، جرایم جنسی و غیر جنسی).

ج) آیا منظور از قاضی، قاضی مجتهد است، یا قضات مأذون غیر مجتهد را نیز شامل می‌شود؟

د) آیا بین حصول علم قاضی، قبل از تصدّی امر قضا، و بعد از آن از نظر حجّیت، تفاوتی وجود دارد؟

جواب الف تا د: علم قاضی حجّت است، مشروط بر این که از طریق حس یا مبادی قریب به حس، مانند آنچه در قضاوتهای حضرت علی علیه السلام آمده، باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۸

بنابراین، علم از طریق نظری و ظنی کافی نیست، و فرقی میان قاضی مأذون و غیر مأذون نیست؛ مشروط بر این که مأذون مطلق باشد.

سؤال ۴۱۹- چنان چه مستند علم قاضی یکی از امور ذیل باشد، آیا از نظر شرعی حجّت است؟

۱- اقرار یا شهادت کمتر از حدّ نصاب نزد قاضی.

۲- گفتگوی غیر رسمی متخصصین در دادگاه، تحقیقات محلی و مانند آن.

۳- محتویات و قرائن موجود در پرونده.

۴- نظریه پزشکی قانونی، کارشناس انگشت نگاری و مانند آن.

۵- وجود عکس و فیلم از اشخاص در حین ارتکاب جرم، یا نوار ضبط شده از مکالمات افراد که مشتمل بر برخی اقرارها و اعترافات باشد.

۶- استفاده از روشهای نوین در کشف جرم، یا به کارگیری علمی مانند هیپنوتیزم.

جواب: ما معتقدیم که اگر علم قاضی ناشی از امور حسیه یا قریب به حس باشد، معتبر است.

سؤال ۴۲۰- در هنگام تعارض علم قاضی با اقرار و بیّنه کدام مقدم است؟

جواب: علم قاضی، در صورتی که از مبادی حسیه یا قریب به حس حاصل شده باشد، مقدم است.

سؤال ۴۲۱- اگر قتلی تنها در حضور یک مرد، یا یک زن واقع شود، و بر اثر شهادت وی برای قاضی در خصوص وقوع قتل عمد

یقین حاصل شود، آیا می‌تواند به استناد این علم حکم صادر کند، و یا قتل فقط از طرق خاص، مانند بیّنه، اقرار و قسامه ثابت

می‌شود؟

جواب: احتیاط آن است که بر دیه صلح کنند. مگر آن که اولیای مقتول راضی به کمتر از آن شوند.

سؤال ۴۲۲- آیا نظر کارشناسی زنان متخصصین، می‌تواند در خصوص قتل عمد، مستند صدور حکم قصاص شود؟ مثلاً دو نفر با دو

وسیله قتله به زنی ضربه زده‌اند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۳۹

که یکی از ضربه‌ها موجب قتل شده است، حال با توجه به حرمت معاینه جسد زن توسط مرد، موضوع به متخصصین زن ارجاع

شده، و آنها ضربه‌ای را که موجب قتل شده مشخص کرده‌اند. آیا بر اساس این نظر، فرد ضارب را می‌توان قصاص کرد؟

جواب: در صورتی که از اخبار آنها علم حاصل شود می‌توان قصاص کرد.

سؤال ۴۲۳- استفاده از نوار ضبط صوت و فیلم، با توجه به امکان مونتاژ و ایجاد تغییر در آن، تا چه حدّ می‌تواند دلیل اثبات دعوا

باشد؟

جواب: هیچ یک از این امور به تنهایی دلیل اثبات دعوا نیست؛ مگر این که به قرائن واضح دیگری ضمیمه شود، به طوری که از مجموع آنها برای قاضی علم قطعی حاصل شود.

سؤال ۴۲۴- چنان چه دختری پس از وضع حمل مدعی باشد که فلان شخص با وی زنا نموده، اما متهم منکر باشد، بفرمایید:

۱- اگر پزشکی قانونی در نتیجه آزمایشهای دقیق علمی، طفل را به نامبرده منتسب کند، آیا شرعاً این نظر حجیت دارد؟
جواب: این گونه آزمایشها با توجه به تخلفهای فراوانی که دارد حجیت نیست.

۲- در صورت حجیت، آیا می‌توان حدّ زنا را بر متهم جاری نمود؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۳- در فرض عدم اثبات اتهام انتسابی و تقاضای حدّ قذف از سوی مقذوف، آیا حدّ قذف بر مدعی زنا جاری می‌گردد؟

جواب: اگر نتواند اثبات کند، حدّ قذف جاری می‌شود.

سؤال ۴۲۵- در صورتی که زنی اقرار به زنا کند، و مدعی شود از زنا حامله شده، ولی متهم ارتکاب چنین عملی را انکار کند، بفرمایید:

الف) آیا آزمایشهای پزشکی (مانند...) می‌تواند تحقق زنا و باردار شدن زن از ناحیه متهم را اثبات کند؟

ب) چنانچه برای قاضی از این طریق علم، اطمینان، یا ظنّ قوی حاصل شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۰

آیا می‌تواند به اقتضای آن عمل کند؟

ج) در صورت عدم وجود دلیل کافی جهت اثبات حدّ زنا بر مرد، آیا می‌توان به استناد آزمایش مذکور و اقرار متهمه (زانیه) متهم را به جهت ارتباط نامشروع به تعزیر محکوم کرد؟

د) آیا اثبات نسب کودک به مردی که همسر این زن نمی‌باشد، و اقرار به زنا هم ندارد، و منکر وجود این انتساب می‌باشد، صرفاً به استناد آزمایشهای پزشکی (مانند...) ممکن است؟

ه) در صورتی که برای قاضی از این طریق علم، اطمینان، یا ظنّ قوی به رابطه اُبوت و بُنوت حاصل شود، آیا می‌تواند حکم به وجود نسب کند؟

جواب الف تا ه: این گونه آزمایشات زنا را اثبات نمی‌کند، و علم قاضی که ناشی از آن باشد حجیت نیست، و بر اساس آن نمی‌توان بر متهم حد و حتی تعزیر جاری کرد، و نسب نیز با این آزمایشات ثابت نمی‌شود.

سؤال ۴۲۶- آیا نظریه و شهادت پزشک در امور غیر محسوس (معاینات جهت ازاله بکارت، زنا و لواط، تجزیه خون جهت کشف جرم و غیره) و محسوس از نظر شرعی حجیت است؟

جواب: نظر پزشک در این گونه امور، اگر از قرائن نزدیک به حسّ باشد، در صورتی حجیت است که موجب علم و یقین قاضی گردد، و در امور محسوس، اگر دارای شرایط شهادت باشد، حجیت است.

تعارض اسناد و بینة

سؤال ۴۲۷- دو نفر در متن اجاره‌نامه، یا وصیتنامه‌ای، اختلاف دارند. شاهد زنده عادل بالغ به حقیقت و صحت و اصالت متن اجاره‌نامه، یا وصیتنامه، شهادت شرعی می‌دهد، و این شهادت شاهد معارضی نداشته و ندارد. مدعی جهت جرح شاهد اظهار می‌دارد که: «بایستی این متن به کارشناسی خط برود.» در صورت بروز اختلاف بین نظر شاهد عادل عالم بالغ، و کارشناسی که بر

اساس موازین خود نسبت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۱

به صحت و سقم موضوع خط و یا نوشته‌ای اظهار نظر می‌نماید، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: هر گاه قرائن خلافی در مورد اسناد نباشد، مقدم بر بینه است.

رشوه

سؤال ۴۲۸- در بعضی مواقع افرادی که برای کاری به کسی کمک نموده، یا مشکل آنها را با توجه به موقعیتی که دارند حل می‌کنند، در قبال این کار وجهی به آنها پرداخت یا هدیه‌ای به آنها داده می‌شود. این کار چه حکمی دارد؟ آیا رشوه محسوب می‌شود؟

جواب: چنانچه این کار موجب تضییع حق دیگران نشود، و صرفاً به عنوان هدیه باشد، جایز است.

سؤال ۴۲۹- آقای «الف» به آقای «ب» مراجعه نموده، و اظهار می‌دارد که کارش در فلان اداره گیر کرده، و نیاز به سفارش دارد. آقای «ب»، که صاحب نفوذ بوده، و ارتباطی با آن اداره دارد، سفارش آقای «الف» را می‌کند، در مقابل این سفارش، پاداش یا وجهی را طلب می‌کند، یا قول آن را می‌گیرد. حال اگر سفارش «ب» فقط جهت تسریع در انجام کار مربوطه بوده، و آن کار نیز غیر قانونی نبوده، و خلافی صورت نگرفته، آیا وجه مربوطه، چه نقدی و چه غیر نقدی، مصداق رشوه است؟
جواب: در صورتی که کار قانونی باشد، و فقط تسریع صورت گیرد، و مزاحمتی برای نوبت دیگران ایجاد نکند، گرفتن حق الزحمه برای غیر کارمندان اشکالی ندارد.

قضاوت غیابی

سؤال ۴۳۰- در زمان گذشته، و همچنین در پاره‌ای از کشورها، مدعی ادله اثباتی خود را به حاکم داده و به دستور حاکم تصویر این مدارک برای مدعی علیه ارسال شده و پاسخ وی را می‌خواهند. پس از وصول اظهارات مدعی علیه، چنانچه حاکم استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۲

موضوع را کافی بداند، بدون احضار طرفین، حکم لازم را صادر می‌کند. آیا این نوع روش دادرسی، مباینتی با اصول و مبانی شرع مقدس ندارد؟

جواب: در صورتی که به خاطر کمبود وقت و مشکلات دیگر، احضار طرفین میسر نشود، استفاده از این روش مانعی ندارد.

سؤال ۴۳۱- رسیدگی غیابی در حقوق الناس و امور غیر مالی، مانند طلاق، در چه مواردی و با چه شرایطی جایز است؟
جواب: در صورتی که دسترسی به طرف دعوی نباشد، یا از حضور در دادگاه امتناع ورزد، رسیدگی غیابی مانعی ندارد.

تجدید نظر در حکم قاضی

سؤال ۴۳۲- آیا متهم می‌تواند تقاضای تجدید نظر و فرجام کند؟

جواب: حق تجدید نظر و فرجام خواهی منوط به این است که قاضی رأی نهایی را صادر نکرده باشد. همچنین در صورتی که ثابت شود رأی قاضی مخالف شرع انور بوده است.

سؤال ۴۳۳- اگر طرفین دعوا بر اساس حکم یک مجتهد جامع الشرائط، یا حکمیت فرد، یا افرادی که شغلشان قضاوت نیست، دعوی خود را، و لو در دعوی قتل، حل و فصل نمایند، آیا با این وصف طرفین دعوا می‌توانند از طریق محاکم صالحه در رابطه با همین مسأله مجدداً اقامه دعوا نمایند؟

جواب: در صورتی که تراضی حاصل شده، اقامه دعوا معنا ندارد.

سؤال ۴۳۴- با توجه به این که امروزه بر اساس قانون، برخی از احکام صادره از سوی قضات در مرحله بعد از صدور حکم قابلیت تجدید نظر داشته، و ادله مورد استناد قاضی توسط مرجع بالاتر مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد، بفرمایید:

۱- چنانچه قاضی با استناد به علم خویش حکمی را صادر کند، آیا از نظر شرعی موظف است، مستند علم خود را بیان کند؟

۲- در صورت لزوم، چنانچه مستند علم قاضی مشاهدات وی باشد، با توجه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۳

این که معمولاً چنین مستندی قابل بررسی و ارزیابی در مرحله تجدید نظر نیست، چه باید کرد؟

جواب: در صورتی که قاضی بر اساس این امور حکم صادر کند، تجدید نظر در آن مشکل است. بنابراین قضات مراحل پایین‌تر پیشنهاد کنند، نه انشای حکم، تا دست مقامات بالاتر باز باشد، و اگر قاضی معتمد و دقیقی باشد، به مشاهده، یا علم او می‌توان اعتماد کرد.

اقامه دعوی مسلمانان در دادگاههای غیر اسلامی

سؤال ۴۳۵- اگر زید بداند که حق او با ظلم به شخص دیگری استیفا می‌شود، آیا در این صورت حق دارد به غیر حاکم شرع رجوع کند؟ مثلاً اگر چیزی در منزلش گم شود، و بداند که خادمش آن را سرقت کرده، آیا جایز است خادمش را تحویل پلیس دهد تا حقش به او بازگردد؟ با توجه به این که می‌داند پلیس او را مورد ضرب و جرح و حبس قرار می‌دهد؟ آیا در این مسأله بین خادم شیعه و غیر شیعه فرقی هست؟

جواب: هرگاه مال مسروقه مال مهمی باشد، و مجازات خادم توسط پلیس شدید نباشد، و راه گرفتن حق منحصر در این کار باشد، مانعی ندارد. و تفاوتی بین خادم شیعه و غیر شیعه نیست.

سؤال ۴۳۶- گاهی تشخیص موضوع روشن، و معلوم است که حق با زید می‌باشد، ولی عمرو منکر این حق است، ولی گاه چنین نیست. آیا در این صورت رجوع به غیر حاکم شرع جایز است؟

جواب: اگر حق ثابت و روشن نباشد، و در رجوع به حاکم غیر شرعی احتمال این باشد که حق به غیر صاحبش داده شود، رجوع جایز نیست. مگر با رضایت طرفین، و منحصر بودن راه در آن.

سؤال ۴۳۷- در مواردی که متداعین غیر شیعه یا غیر مسلمان بوده، و در یکی از احوال شخصیه (ارث، وصیت، نکاح و طلاق) با یکدیگر اختلاف داشته، و به دادگاه اسلامی مراجعه کنند، آیا دادگاه مزبور صلاحیت، یا الزام به رسیدگی دارد؟ و در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۴

صورت رسیدگی، مبنای حکم قاضی، احکام اسلامی خواهد بود، یا مذهب یکی از اصحاب دعوی؟ در صورت اخیر، اگر اصحاب دعوی دارای ادیان یا مذاهب مختلف باشند، ملاک حکم قاضی مذهب کدام یک از آنان خواهد بود؟

جواب: حاکم شرع مزبور می‌تواند طبق مذهب شیعه، یا طبق مذهب آنها در میان آنان حکم کند. و اگر مذهب آنها مختلف است، طبق شیعه قضاوت می‌کند.

سؤال ۴۳۸- اگر دو نفر با هم اختلافی داشته باشند، و هر کدام طبق فتوای مرجع تقلیدش حق با او باشد، آیا در این صورت برای قطع ماده نزع می‌توان به حاکم غیر شرعی رجوع کرد؟

جواب: آنها باید در نزع خود به حاکم شرعی رجوع کنند. و او طبق نظر خود حکم می‌کند، و برای طرفین پذیرش آن لازم است.

سؤال ۴۳۹- با عنایت به این که تقدیم دادخواست به دادگاه‌ها از طرف مدعی مستلزم مخارج زیادی، از قبیل هزینه تمبر دادرسی، هزینه کارشناسی، هزینه تهیه وسیله اجرای معاینه محل، و مانند آن می‌باشد، آیا دادگاه می‌تواند (در صورت وارد تشخیص دادن اصل دعوی خواهان)، علاوه بر اصل موضوع، حکم به محکومیت مدعی علیه نسبت به پرداخت هزینه‌های مزبور بنماید؟
جواب: اگر راه گرفتن حق منحصر به مراجعه به دادگاه بوده، حق دارد هزینه‌های مزبور را نیز بگیرد.

سؤال ۴۴۰- کتابهای فقهی، که دلالت بر وجود نوعی هیأت منصفه و یا شبیه آن، در پاره‌ای از محاکم رسیدگی به دعوی در دوره‌هایی از تاریخ قضای اسلامی داشته باشد، کدامند؟ چنانچه نمونه‌های تاریخی از برگزاری جلسات محاکمه با حضور فضلا و اهل علم که در محضر قاضی تشکیل شده سراغ دارید، به آنها اشاره نموده، و منبع آن را مشخص فرمایید.
جواب: مرحوم محقق در کتاب شرایع، کتاب القضاء به این مسأله اشاره کرده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۵

و صاحب جواهر رضوان الله علیه بحث نسبتاً مشروحی در این زمینه دارد. (به جلد ۴۰ جواهر الکلام، صفحه ۷۷، مراجعه شود.)

سؤال ۴۴۱- با توجه به این که در سیستم حقوقی برخی کشورها نهاد هیأت منصفه وجود دارد، و این هیأت از میان اقشار مختلف مردم انتخاب می‌شود، و در پاره‌ای از رسیدگی‌های قضایی شرکت می‌کند، و احراز مجرمیت متهم را، که در حقیقت احراز موضوع است، به نمایندگی از جامعه بر عهده دارد، لطفاً نظر تان را در مورد هیأت مذکور در دو فرض زیر بیان کند:
الف) قاضی مکلف به تبعیت از نظر آنان در مورد اعلام مجرمیت یا برائت متهم باشد.

ب) نظر هیأت منصفه به صورت مشورت با قاضی برای کشف حقیقت باشد، و الزام آور نباشد.

جواب: هیأت منصفه می‌تواند به دو صورت عمل کند:

یکی به صورت گروه مشاور، و رأی نهایی به نظر قاضی باشد.

دوم در مسائلی که کارشناسی موضوعی لازم دارد، و احتیاج به تخصص در این کارشناسی است، چنانچه افراد خبره ثقه کارشناسی کنند، نظر آنها برای قاضی در موضوعات محترم است.

سؤال ۴۴۲- از آنجا که قانون مجازات اسلامی از شرع انور الهام گرفته، و قانون گذار در مقام تدوین قانون با تمسک به منابع معتبر فقهی شیعه مبادرت به انشای قانون نموده، در باب تعزیرات حکومتی پاسخ به سؤالات زیر مورد نیاز است:

۱- با توجه به سیاق ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی در باب تعریف تعزیر، منظور از جمله «به نظر حاکم واگذار شده است» چیست؟ آیا مراد از حاکم، حاکم شرع است، یا قاضی محکمه؟

جواب: منظور حاکم شرع است. و اگر قاضی محکمه مجتهد باشد، یا مأذون در این گونه امور نیز باشد، حق تعیین تعزیر را از نظر کیفیت و کمیت به تناسب میزان جرم دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۶

۲- آیا متولیان امور رسیدگی به تعزیرات حکومتی، مأذون از طرف حاکم شرع می‌باشند؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۳- با توجه به این موضوع که متصدیان و متولیان شعب تعزیرات حکومتی از طرف وزیر دادگستری منصوب می‌شوند. آیا صلاحیت آنان جهت رسیدگی و صدور حکم در باب مسائل تعزیرات حکومتی، محل اشکال است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۴- از آنجا که سازمان تعزیرات حکومتی زیر نظر قوه مجریه اداره می‌گردد، و بر اساس مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام،

صلاحیت رسیدگی به امور محوله را دارد؛ آیا تصمیمات صادره، قضایی تلقی می‌گردد، یا جزء تصمیمات اداری می‌باشد؟
جواب: تعزیر در همه جا جزء احکام قضایی است. ولی اگر ضوابطی برای آن از سوی دستگاه قضایی تعیین گردد، و برای اجرا در اختیار دیگران قرار گیرد، جزء وظایف اجرایی محسوب خواهد شد. مثلاً اگر گفته شود: «برای حمل یا فروش هر گرم تریاک فلان مقدار جریمه باید گرفته شود.» تعیین این ضابطه حکم قضایی است، و عمل به آن در مورد مجرمین، حکم اجرایی است.

۵- با عنایت به اصل شصتم قانون اساسی که اشعار می‌دارد: «اعمال قوه مجریه، جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و وزرا است»؛ آیا رؤسای شعب تعزیرات حکومتی منصوب از طرف قوه مجریه، که مأذون از ناحیه رهبری می‌باشند، صلاحیت فصل خصومت، رسیدگی، صدور حکم و اعمال مجازات را دارند، یا بایستی مأذون از ناحیه رئیس قوه قضائیه باشند؟

جواب: در صورتی که تعیین ضوابط از سوی قوه قضائیه شده باشد، نصب آنها برای اجرا از سوی قوه مجریه مانعی ندارد.
سؤال ۴۴۳- چنانچه مأموران انتظامی گزارش نمایند که اشخاصی در منزل مسکونی خود در حال ارتکاب اعمال منافی عفت می‌باشند، آیا قاضی محکمه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۷

می‌تواند مجوز ورود به محل را صادر نماید؟

جواب: مادام که به صورت یک توطئه و فساد گسترده در نیاید، ورود به محل و تجسس جایز نیست.

سؤال ۴۴۴- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

۱- ایجاد زمینه و بسترسازی جرم و گناه چه حکمی دارد؟

۲- اگر بسترسازی و ایجاد زمینه جرم و گناه از طریق محاکم قضایی، یا ضابطین قضایی صورت گیرد. چه حکمی دارد؟ توضیح این که فردی را ترغیب و تشویق به پرداخت وجهی، تحت هر عنوان کنند (با صرف نظر از تحقق یا عدم تحقق آن) تا موجبات گرفتاری فرد یا افرادی را فراهم آورند، این عمل فی نفسه از نظر شرع مقدس اسلام چه حکمی دارد؟

جواب: بسترسازی جرم و گناه شرعاً جایز نیست؛ خواه از سوی محاکم باشد، یا غیر محاکم؛ مگر در مواردی که خطری از سوی کسی یا گروهی احساس شود، مثل قاچاقچیان مواد مخدر و امثال آنها.

سؤال ۴۴۵- در فقه اسلامی مرور زمانهایی وجود دارد که برخی از آنها به شرح زیر است:

۱- مرور زمان امحا و تخریب گورستان یک صد سال (پنجاه سال هم شنیده‌ام).

۲- مرور زمان شوهر مفقود الاثر برای زوجه هفت سال.

۳- مرور زمان اشیای گمشده و مسکوکات هفت سال.

۴- مرور زمان تحجیر (سنگ چین کردن پیرامون زمین بایر، یا موات به منظور مالکیت) یک سال.

۵- مرور زمان غصب یک سال (که اگر صاحب مال مغضوبه مراجعه کند می‌تواند ادعای غصب کند، و بعد از انقضای مدت مزبور غصب معنا پیدا نمی‌کند. چون این مدت دلیل بر اغماض یا رضایت یا اعراض مالک است؛ ولی به نحو دیگری می‌تواند مال خود را مطالبه کند).

۶- مرور زمان املاک بلا صاحب؛ مجهول المالک، یا مجهول المکان، یا املاکی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۸

از آنها اعراض شده و متروک مانده‌اند. بر حسب عرف جامعه به نظر حاکم شرع (علم قاضی) است. ولی باید زمانی داشته باشد. (این مرور زمان در قانون ۲۰ سال می‌باشد).

نظر حضرت تعالی در مرور زمانهای مذکور چیست؟

جواب: مرور زمان در امحا و تخریب گورستان وجود ندارد، مگر وقتی که گورستان متروکه شود، و استخوانها خاک گردد. در مورد همسر مفقود الاثر چهار سال از زمان مراجعه به حاکم شرع است. در اشیای گمشده باید تا یک سال به دنبال صاحب آن بگردند، اگر پیدا نشد می‌تواند آن را به شخص نیازمندی بدهند.

در تحجیر و غصب و املاک بلا صاحب مرور زمان وجود ندارد، بلکه معیار آن است که یقین به اعراض صاحب اصلی پیدا کنیم؛ خواه یقین در یک روز پیدا شود، یا پنجاه سال. البته مرور زمانهای دیگری هم داریم؛ مثلاً کسانی که دو سال در مکه بمانند به حکم اهل مکه می‌شوند، و حج آنها حج افراد است. و اشخاصی که یک سال یا بیشتر در محلی برای تحصیل، یا کسب و کار می‌مانند، آنجا به حکم وطن آنها می‌باشد.

سؤال ۴۴۶- در جرائمی، که دو یا چهار بار اقرار شرعی معتبر است (مثل سرقت و زنا)، اگر متهم در اولین جلسه دادگاه، منکر سرقت، یا قبل از اقرار چهارم در مثل زنا منکر اتهام خود باشد، آیا تشکیل جلسات بعدی، و استماع اقرار یا انکار بعدی نیز لازم است؟ یا این که قاضی می‌تواند با انکار اولیه، و با توجه به این که حتی در صورت اقرار در جلسات بعدی، نصاب اقرارها کامل نمی‌شود، حکم به براءة وی صادر نماید؟

جواب: قاضی موظف نیست در جلسات متعدد متهم را احضار و از او سؤال کند. هرگاه در جلسه اول انکار کرد و دلیلی وجود نداشت، حکم به براءة می‌کند.

سؤال ۴۴۷- نظر به این که برای قاضی جایز نیست به یکی از طرفین دعوا، یا به هر دو تلقین کند، آیا می‌تواند طرفین دعوا را به مقررات و احکام شرع مقدس آشنا کند؟ اگر پس از این ارشاد و آشنایی طرفین به موازین و مقررات جاریه، در خواست استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۴۹

قسم نشود، آیا حکم براءة مفهومی دارد؟ با در نظر گرفتن این که در قانون فعلی نیز قید شده که در صورت عدم وجود مدارک یا شواهد، مدعی علیه با قسم شرعی تبرئه خواهد شد، و در صورت انصراف از تقاضای سوگند، دادگاه با توجه به سایر مستندات به دعوا رسیدگی نموده، و رأی مقتضی را صادر می‌نماید.

جواب: بیان احکام شرع برای طرفین دعوا، داخل در مسأله تلقین حرام نیست.

سؤال ۴۴۸- اگر کسی بر علیه دیگری شکایت نماید، اما در نهایت نتواند ادعای خود را ثابت کند، و به واسطه شکایت، وقت مدعی علیه تلف شده، و متحمل ضرر مالی و آبرویی شود، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا مدعی علیه می‌تواند شاکی را به جرم افترا و اضرار، تحت تعقیب قرار دهد، و بر علیه او شکایت نماید؟

جواب: اگر ضرر قابل ملاحظه‌ای بر او وارد شود، حق دارد شکایت کند.

۲- آیا می‌توان از ادله قذف تنقیح مناط کرد، تا به محض این که شاکی نتوانست اتهام متهم را ثابت کند، جرم افترا برای وی ثابت شود؟

جواب: این، نوعی قیاس است و جایز نیست.

۳- آیا می‌توان بین جایی که شاکی خود را مُحَقِّق می‌دانسته، و مواردی که چنین نبوده، فرق قائل شد؟ در صورت چنین فرقی، آیا متهم باید ثابت کند که هدف شاکی اضرار بوده، یا شاکی باید ثابت کند که هدفش اضرار نبوده است؟

جواب: در این مسأله دخالتی ندارد؛ معیار ایجاد اضرار است.

سؤال ۴۴۹- در ماده هفت قانون مجازات اسلامی آمده است که: «هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود، طبق قانون جزای جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود.» با توجه به این که از ماده مذکور چنین استفاده می‌شود که این

حکم در مورد مطلق جرایم ارتكابی در خارج، (اعم از این که جرم ارتكابی در خارج مورد رسیدگی قرار بگیرد یا قرار نگیرد) جاری است، نظر حضرتعالی در مورد هر کدام از فروض ذیل چیست؟

۱- اگر فردی ایرانی در کشوری غیر اسلامی مرتکب جرم شود، حکم قضیه چیست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۰

جواب: باید طبق قانون اسلامی مجازات شود.

۲- اگر فردی ایرانی در کشوری اسلامی، مرتکب جرمی شود، حکم قضیه چیست؟
جواب: مانند جواب سابق است، و اصولاً تأثیری در مجازات ندارد؛ مگر در موارد بسیار نادر.

سؤال ۴۵۰- در برخی موارد که از محضر مبارک حضرتعالی استفتا شده، پاسخ فرموده‌اید، «مصالحه نمایند» منظور از مصالحه چیست؟ آیا قاضی محکمه نیز باید نقشی در این مصالحه داشته باشد، یا نباید مداخله کند؟ و چنانچه طرفین با هم مصالحه نمایند، تکلیف دادگاه چیست؟

جواب: قاضی می‌تواند به عنوان مصلح بین الناس (نه به عنوان قضاوت) در این گونه موارد دخالت کند.

سؤال ۴۵۱- اگر نظر قاضی مجتهد جامع الشرائط بر خلاف قانون، ولی مبتنی بر نظریه مشهور فقها باشد. (مثلاً قانون، ضمان را نقل ذمه دانسته، ولی وی ضم ذمه به ذمه می‌داند) چگونه باید عمل کند؟ آیا می‌تواند از صدور حکم خودداری کرده، و موضوع را به قاضی دیگر محول کند؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۴۵۲- چنانچه قاضی با توجه به پرونده، شهادت شهود و قرائن و امارات دیگر، حکمی صادر نماید، و آن حکم منطبق با واقعیت نباشد، هر چند قاضی تمام سعی و تلاش خود را در کشف حقیقت نموده باشد؛ آیا مسئولیتی بر عهده قاضی هست؟

جواب: در صورتی که قاضی تلاش خود را بکند، عند الله معذور است، و فی الحدیث «للمصیب اجران، و للمخطی اجر واحد».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۱

فصل شانزدهم: احکام بیع

تجارتهای حرام و باطل

۱- فیلمها و عکسهای مبتذل

سؤال ۴۵۳- اخیراً تهیه و توزیع تصاویر مهیج شهوت در شکلهای مختلف و بعضاً به بهانه عرضه آثار هنری و عرفانی، بر روی کاشیها، لباسها، کارتهای تبریک و مانند آن، شایع گردیده است؟ نظر مبارک نسبت به موارد ذیل چیست؟
الف) خرید و فروش این گونه تصاویر چه حکمی دارد؟

ب) وظیفه فروشندگان نسبت به محو تصاویر مبتذل، که بر روی اجناسی مانند لباس، صابون، بسته‌های شیرینی و امثال اینهاست، چیست؟

ج) مزد کارگران و بناها در قبال نصب کاشیهایی که منقش به این گونه تصاویر می‌باشد، چه حکمی دارد؟

د) آیا نصب تصاویر مذکور در معرض دید افراد جایز است؟

جواب: استفاده از تصاویر مبتذل و فسادانگیز، به هر نحو که باشد، جایز نیست، و ترویج آن نیز شرعاً ممنوع است، و مزد گرفتن در

برابر آن مجاز نمی‌باشد، و چنانچه بتوانند باید آن را محو کنند.

سؤال ۴۵۴- فرشها و کوبلن‌هایی با تصاویر زنان سر برهنه، یا رقصی‌های دسته جمعی بافته می‌شود، همچنین عکسهای مینیاتوری با همین مضامین کشیده می‌شود. تهیه، تولید، خرید، فروش و نصب آنها در منازل یا مغازه‌ها چه صورتی دارد؟
جواب: با توجه به این که این عکسها ترویج فساد است، تولید و خرید و فروش و نگهداری آن اشکال دارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۲

۲- نوارهای صوتی و تصویری مبتدل (موسیقی)

سؤال ۴۵۵- متأسفانه نوارهای ویدیویی محتوی فیلم‌های مبتدل، اعم از موسیقی، آواز، رقص زنان یا مردان، یا زن و مرد، بلکه بالاتر نوارهایی که عمل زناشویی را نمایش می‌دهد، به وفور در بازار یافت می‌شود! و از طرفی، در بعضی از محافل شایع شده که چون به صورت پخش غیر مستقیم است اشکالی ندارد، یا اگر محرک نباشد، حرام نیست! لطفاً در این زمینه به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- خرید و فروش و نگهداری این نوارها، و نگاه کردن به این فیلمها چه حکمی دارد؟

۲- آیا بین پخش مستقیم و غیر مستقیم در فرض مزبور تفاوتی است؟

۳- آیا جمع‌آوری و از بین بردن آنها واجب است؟ در صورت وجوب، این کار، بر عهده چه کسی است؟

۴- در صورتی که از شخصی به دلیل خرید، یا فروش، یا نگهداری، این گونه نوارها، یا دیدن فیلمهای محتوی آن، به دادگاه شکایت کند، مجازات آن چیست؟

جواب ۱ تا ۴: خرید و فروش و نگهداری و نگاه کردن به این گونه فیلمها حرام است؛ خواه مستقیم باشد یا غیر مستقیم، و بر حاکم شرع لازم است که آنها را جمع‌آوری کرده و از بین ببرد، و این کار تعزیر دارد.

سؤال ۴۵۶- مدتی است پیرامون موسیقی تحقیقاتی را آغاز نموده، لکن به مشکلی برخورددم، که تاکنون برایم حل نشده است. بنده به لحاظ عقلی نتوانستم خود را قانع کنم، که اسلام مطلق موسیقی را حرام کرده باشد. و اگر چنین است، باید ملاک و معیاری داشته باشد. این بود که به کتب فقهی و فتاوی بعضی از علمای بزرگوار مراجعه نمودم. متوجه شدم که در مورد حرمت موسیقی، اختلاف نظر وجود دارد. از ظاهر عبارت شیخ در مکاسب به دست می‌آید، که ایشان موضوع حرمت را لهُو می‌داند؛ اما بعضی از بزرگواران، خصوصاً امام راحل قدس سره طرب را معیار آن ذکر می‌کنند. با توجه به مطالب بالا، خواهشمند است بیان فرمایید: آیا حرمت موسیقی به خاطر مطرب بودن است، که بر اثر مرور زمان (مثل شطرنج) تغییر پیدا کرده و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۳

تبدیل به لهُو شده است؟ یا از همان ابتدا موضوع و عنوان حرمت موسیقی، لهُو بوده و هست؟ در این صورت نظر علمای بزرگوار مبنی بر مطرب بودن را چطور توجیه می‌کنید؟

جواب: بعید نیست آنچه فقها و مراجع در این زمینه می‌گویند، غالباً به یک ریشه بازگردد، هر چند اختلافی در الفاظ آنها وجود دارد. و آن همان است که ما قبلاً گفته‌ایم: آهنگهایی وجود دارد که در مجالس فساد نواخته می‌شود، و در کنار آن غالباً هرزگی‌های دیگر وجود دارد. آهنگهایی که گاهی از آن به موسیقی مبتدل، و گاه فسادانگیز، و گاه مطرب، تعبیر می‌شود. این آهنگها هر جا، و با هر محتوایی باشد، حرام است؛ ولی آهنگهای دیگری هست که چنین نیست. مانند آهنگهای معروفی که اشعار مختلف مذهبی، مرثیه‌ها و موزیکهای نظامی و ورزشی با آن نواخته می‌شود، اینها حرام نیست؛ چرا که در تعریف قسم اول نمی‌گنجد. البته مصادیق مشکوکی هم وجود دارد که به درستی شناخته نمی‌شود، که آیا از قسم اول است، یا از قسم دوم؟ و نظر به این که در شبهات تحریمیّه مصداقیّه اصل بر براءت می‌باشد، در مصادیق مشکوک براءت جاری می‌شود.

سؤال ۴۵۷- گفته می‌شود: «گوش دادن به دو نوع از موسیقی شرعاً اشکال دارد؛ صدای زن، و دیگری آهنگ مطرب؛ یعنی آهنگی که انسان را از حالت طبیعی خارج می‌سازد.

الف) در خصوص مورد اول؛ یعنی گوش دادن مرد به آواز زن مشکلی نیست، ولی آیا گوش دادن آواز زن برای زن هم حرام است؟

ب) در مورد دوم باید بگوییم که هیچ گونه آهنگی نمی‌تواند مرا از حالت طبیعی خارج سازد. گوش دادن به نوار موسیقی، چه با کلام و چه بی کلام، چه غمگین و چه غیر غمگین، برای من چه حکمی دارد؟

جواب الف: چنانچه آهنگ و صدا مناسب مجالس لهو و فساد باشد، برای زنان هم جایز نیست.

جواب ب: معیار، افراد و اشخاص نیستند، بلکه کلیه آهنگهای متناسب با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۴

مجالس لهو و فساد برای همه حرام است، خواه انسان را از حالت طبیعی بیرون ببرد یا نبرد.

سؤال ۴۵۸- خرید، فروش، توزیع و تکثیر نوارهای موسیقی غیر مجاز، و عکسهای مبتدل و مستهجن چه صورت دارد؟ پولی که از این راه کسب می‌شود، چگونه است؟

جواب: تمام اینها حرام است.

سؤال ۴۵۹- استفاده از نوارهای تصویری مبتدل و مستهجن توسط زن و شوهر، جهت تهییج قوه شهویّه، بدون این که مفساد دیگری بر آن مترتب گردد چه حکمی دارد؟ آیا کسی که این گونه نوارها را به منظور فوق نگهداری می‌کند، قابل تعزیر است؟

جواب: اشکال دارد و قابل تعزیر است؛ ولی در مرحله اول در این گونه موارد در مقام تعزیر باید به اخطارهای لفظی قناعت کرد.

سؤال ۴۶۰- لطفاً در مورد موسیقی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا موسیقی اصالتاً موضوع حکم قرار گرفته، یا تابع غنا می‌باشد؟

۲- آیا موضوع عرفی است، یا حدّ خاصّ شرعی دارد؟

۳- اگر با عرف است، کدام عرف معیار است؟ عرف عامّ، یا عرف مؤمنین، یا موسیقی دانان و آهنگ‌سازان، یا عرف فقها و مفتیان؟

۴- لطفاً حدّ و حدود موسیقی مجاز غیر غنایی را بیان نمایید. آیا این حدود در مورد موسیقی‌های محلی و سنتی است، یا در مورد موسیقی‌های خارجی و به خصوص کلاسیک هم موضوعیت دارد؟

۵- نقش طرب در تحقق موسیقی حرام چگونه است؟

جواب: پاسخ تمام سؤالات شما به شرح زیر است: کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن

حلال است، و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود. و اما آلات و ابزار موسیقی، آنچه مربوط به موسیقی حرام است،

یعنی غالباً با آن موسیقی حرام نواخته می‌شود، تولید و خرید و فروش و ارائه تصویر آن در وسایل ارتباط جمعی حرام می‌باشد. ولی

آلات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۵

مشترک، یا آنچه غالباً موسیقی حلال با آن نواخته می‌شود، در جهات فوق اشکالی ندارد.

سؤال ۴۶۱- متأسفانه در یکی دو سال اخیر، عده‌ای برای عروسی فرزندان خود از افرادی به نام «مُطرب» که دارای ابزار و آلات موسیقی بوده، و در عروسی‌ها ضمن آواز خواندن به رقص و پایکوبی نیز می‌پردازند، دعوت به عمل می‌آورند! با توجه به آثار

منفی حضور مطربان، دعوت از چنین افرادی و پول دادن به آنها شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: دعوت کردن از مطرب حرام است، و پول دادن به آنها گناه دیگری است. علاقه‌مندان به اسلام و شیعیان اهل بیت اطهار

علیهم السلام بایستی از این اعمال پرهیز کنند.

سؤال ۴۶۲- با توجه به گسترش موسیقی در جامعه، خصوصاً در بین جوانان، حکم موارد ذیل را از نظر شرعی بیان فرمایید:

الف) با توجه به این که اکثر آلات موسیقی کاربردهای مشترک بین حلال و حرام دارند، حکم خرید، فروش، نگهداری، آموزش، یادگیری و استفاده از آنها چیست؟

ب) آیا تعریف غنا از نظر شرعی بر آوازه‌خوانی‌های رایج، که یک فرد متن شعر یا نثر را با آواز خوش می‌خواند قابل تطبیق است؟ آیا محتوای متن هم دخالتی در حکم شرعی دارد؟

ج) مجلس حرام به چه مجلسی گفته می‌شود؟ آیا هدف و انگیزه برگزار کنندگان و شرکت کنندگان در تعیین مصداق دخالت دارد؟ یا صرف وقوع عمل حرام در مجلسی، آن را تبدیل به مجلس حرام می‌کند؟

د) با توجه به حکم مسأله فوق، منظور از مناسبت آهنگ یا غنا با مجلس حرام، آیا اختصاص آن صرفاً به مجلس حرام است (یعنی این آهنگ فقط در این گونه مجالس نواخته می‌شود) یا به صرف نواختن آهنگ در مجلس حرام، مناسبت با مجلس حرام تحقق پیدا می‌کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۶

جواب الف تا د: کلیه صداها و آهنگهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است، و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود.

منظور از مناسبت با مجلس لهو و فساد آن است که این گونه آهنگ‌ها، صرف نظر از محتوا، غالباً در آن گونه مجالس نواخته می‌شود و نیت تشکیل دهندگان در آن تأثیر ندارد، و منظور از آلات مشترک آلتی است که به طور گسترده هم در مجالس حرام و هم در مجالس حلال از آن استفاده می‌شود.

سؤال ۴۶۳- آیا حکم جواز غنا در مجلس زفاف و عروسی، در مجلس شب عقد نیز جاری است؟

جواب: تفاوتی بین شب عقد و عروسی و سایر شبها نیست، و آهنگها و موسیقی‌های مناسب مجالس لهو و فساد، در هر حال حرام است.

سؤال ۴۶۴- نظر به ابهامات و پرسشهایی که در خصوص چگونگی مواجه افکار عمومی با موسیقی و آواز زنان مطرح است، سؤالات ذیل تقدیم حضور می‌گردد.

۱- اجرای آواز بانوان به صورت تک‌خوانی و هم‌آوایی چه حکمی دارد؟

۲- پرداختن زنان به موسیقی و آواز تا چه حد مجاز می‌باشد؟

۳- آواز بانوان به چه نحوی و در چه مکانهایی مجاز می‌باشد؟

۴- آیا پخش و انتشار موسیقی و آواز بانوان مجاز است؟

جواب ۱ تا آخر: کلیه آهنگها و صداهایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن جایز است، و فرقی در این قسمت میان مرد و زن نیست، ولی خوانندگی نوع مباح برای زنان در صورتی جایز است که مجلس مخصوص به جنس خودشان باشد. خواه دسته جمعی بخوانند، یا به تنهایی. جوانان عزیز باید توجه داشته باشند که سیل تهاجم فرهنگی غرب نباید ما را مرعوب سازد، و تصور کنیم ما باید خود و احکام دین خود را بر فرهنگ آنها تطبیق دهیم؛ زیرا فرهنگ غرب گام به گام جوانان را به سوی ابتذال کامل پیش می‌برد، و آنها را از درون تهی می‌سازد، و به این ترتیب هر گونه مانع را که بر سر راه مطامع آنهاست بر می‌دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۷

۳- رقص

سؤال ۴۶۵- تعریف رقص از نظر شرعی چیست؟ و حکم آن به نظر حضرت تعالی چه می‌باشد؟
جواب: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است، و بقیه اشکال دارد، و رقص یک امر عرفی است، و آن حرکات موزونی است که افراد مطلع تصدیق کنند مصداق رقص است، و اگر مصادیق مشکوکی پیدا کرد حرام نیست.

سؤال ۴۶۶- با توجه به این که به جز رقص همسر برای همسر، بقیه رقص‌ها اشکال دارد، لطفاً بفرمایید: پولی که به عنوان شاباش در مجالس رقص، به ویژه عروسی‌ها، به کسی که می‌رقصد می‌دهند، برای دهنده و گیرنده آن، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
جواب: دادن و گرفتن این پول‌ها جایز نیست.

سؤال ۴۶۷- دست افشانی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر منظور از دست افشانی رقص است، رقص حرام است؛ مگر رقص زن برای همسرش.

۴- دست زدن

سؤال ۴۶۸- آیا دست زدن هماهنگ و مرتب، یا نامرتب، در مجالس مولودی ائمه اطهار علیهم السلام جایز است؟ آیا با احترام و قداست این مجالس سازگار است؟ شرکت در این مجالس، که جهت اظهار شادی به دست زدن مشغول می‌شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: کف زدن مانعی ندارد؛ اما در مساجد و حسینیه‌ها باید ترک شود.

سؤال ۴۶۹- حکم کف زدن هماهنگ و مرتب یا نامرتب به صورت مطلق، و در هر مجلسی (عروسی، مهمانی، مولودی و مانند آن) و در هر مکانی اعم از مسجد، حسینیه، منزل و مانند آن، جهت اظهار شادی و سرور، یا تشویق، چیست؟
جواب: از جواب سابق معلوم شد؛ ولی توجه داشته باشید که افراط در هیچ کاری شایسته نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۸

سؤال ۴۷۰- معمولاً در مراسم عید الزهرا کف زدن، پایکوبی، رقص و حتی اموری را که جمیع فقها صریحاً فتوا به حرمت آن

داده‌اند، را مستند به حدیث رفع القلم که ذیلًا به آن اشاره می‌شود، جایز می‌دانید؟

«وَأَمْرُ الْكِرَامِ الْكَاثِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَلَا أُكْتُبَ عَلَيْهِمْ شَيْئًا مِنْ خَطَايَاهُمْ كِرَامِيَهُ لَكَ وَ لَوْ صَيَّكَ» (۱)

آیا این نوع احادیث از نظر سند معتبر است؟ و بر فرض اعتبار معنای حدیث چیست؟

جواب: این روایت از نظر سند اعتباری ندارد؛ به علاوه مخالف کتاب الله است، و معاذ الله که ائمه معصومین علیهم السلام اجازه ارتکاب گناه به افراد در این ایام یا غیر این ایام داده باشند. و بر فرض اعتبار، معنای حدیث این است که اگر کسی لغزشی از او سر زد خداوند او را می‌بخشد، نه این که عمداً آلوده گناه شود.

۵- قمار

سؤال ۴۷۱- با عنایت به اهمیت ورزش از دیدگاه اسلام، و توسعه اماکن و فضاهای ورزشی و فرهنگی، و به منظور پیشگیری از تهاجم و شیخون دشمن، و با توجه به این که ورزش و حرکات جسمانی موجب نشاط جسمی و روحی انسان، و مقدمه تحصیل سلامتی و حفظ و تداوم آن در جامعه اسلامی است، خواهشمند است نظریه شرعی خود را نسبت به راه اندازی ورزش بیلارد اعلام

نماید.

جواب: هرگاه بازی مذکور از عنوان آلت قمار خارج شده باشد، و در نزد توده مردم به عنوان یک سرگرمی یا ورزش شناخته شود، بازی با آن بدون برد و باخت مالی اشکالی ندارد. در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۷۲- در اثر کمبود امکانات تفریحی و سرگرمی، با در اختیار داشتن یک دست ورق (پاسور) برای سرگرم کردن و گذاردن وقت، خود را مشغول کرده‌ایم. اما

(۱) بحار الانوار، جلد ۳۱، صفحه ۱۲۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۵۹

این اوراق توسط بازرسی کارخانه توقیف، و ما متهم به قمار بازی شده‌ایم. با توجه به کمبود امکانات و گذراندن وقت به صورت کسل کننده، لطفاً نظر خود را راجع به این مسأله بیان فرمایید: آیا این کار از نظر شرعی حرام است؟ و در صورت حرام بودن، آیا این کار شرعاً تعزیر دارد؟

جواب: مانند جواب سؤال قبل است.

سؤال ۴۷۳- مراجع بزرگوار در رساله‌های خود پیرامون «ورزش‌ها» چنین بیان داشته‌اند: «هرگاه بازی یا ورزشی، از آلت قمار بودن خارج شده باشد، اشکال ندارد.»

سؤال حقیر این است که: ملاک خروج از آلت قمار بودن چیست؟

۱- آیا ملاک همه مردم دنیا هستند، یا اکثریت مردم؟

۲- آیا ملاک همه مردم مسلمان هستند، یا اکثریت مسلمانان، یا کشور ایران؟

۳- آیا نباید احدی در این دنیا با وسیله مذکور، قمار کند، یا ملاک چیز دیگری است؟

جواب: ملاک این است که در منطقه‌ای که با آن بازی می‌کنند مردم به عنوان یک آلت قمار به آن نگاه نکنند، بلکه آن را یکی از انواع ورزش بشمارند.

سؤال ۴۷۴- مسابقاتی برای رشد و شکوفایی مردم در زمینه آشنایی بیشتر آنان با زندگی ائمه اطهار علیهم السلام و احکام شرعیته برگزار می‌شود:

الف) چنین مسابقاتی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ب) اگر برای کمک به مخارج مسابقه، با رضایت شرکت کنندگان وجهی از آنها دریافت شود، حکم آن چیست؟

ج) اهدای جوایز جهت ایجاد رقابت فرهنگی بین مردم از وجوه پرداختی توسط شرکت کنندگان در مسابقه، چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۱۵۹

د) در صورتی که به شرکت کنندگان اعلام شود، در آمد احتمالی مسابقه صرف کارهای فرهنگی فلان مرکز می‌شود، آیا صرف آن در کارهای مذکور اشکالی دارد؟

جواب: این کار از نظر شرعی اشکال دارد؛ مگر این که پولی از مردم نگیرند، و افراد نیکوکار هزینه آن را بپردازند. آنچه فعلاً معمول شده، در واقع شبیه بخت آزمایی و ازیلام است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۰

سؤال ۴۷۵- شرکتی ایرانی به نام ... به عنوان «طرح پیوند و همکاری» اقدام به عضوگیری می‌کند هر عضو موظف است مثلاً مبلغ ۱۳۰۰ تومان به حساب شرکت و ۴ نفر از اشخاصی که در لیست ۷ نفره ارسالی شرکت قرار دارند واریز نماید. (هر نفر ۲۰۰ تومان و ۵۰۰ تومان به حساب شرکت) بعد از واریز مبلغ فوق، ایشان جزء گردونه ۷ نفره قرار می‌گیرد و نفر هفتم از گردونه خارج می‌شود، و به همین ترتیب گردونه با گرفتن عضوهای جدید می‌چرخد، تا این که ایشان، که نفر اول بوده، نفر هفتم شود. و از گردونه خارج گردد. آنها مدعی هستند که در این مرحله ۸۲۳/۵۴۳ نفر هر کدام مبلغ ۲۰۰ تومان به حساب آن شخص واریز می‌کنند، که مجموعاً مبلغ ۱/۶۸۱/۴۰۰/۰۰۰ تومان به حسابش واریز می‌گردد، که همه این مبلغ از طرف عضوهای جدید به حسابش واریز شده است. آیا این کار از نظر شرعی جایز است؟

حکم این شرکت چیست؟ اگر به حساب خیریه و حمایت از مستمندان باشد، چگونه است؟
جواب: این کار نوعی کلاهبرداری و شبیه قمار است، و حرام می‌باشد.

سؤال ۴۷۶- برگه‌هایی به نام ارمغان بهزیستی از طرف یک سازمان دولتی به مبلغ معینی به مردم فروخته می‌شود، و در برخی از آنها سؤال یا سؤالاتی مطرح شده است. کسانی که پاسخ صحیح بدهند، به قرعه‌کشی راه پیدا می‌کنند، و به اشخاصی که قرعه به نام آنها اصابت کند، جوایزی می‌دهند. در آمد این برگه‌ها طبق اظهار مسئولین امر، صرف امور خیریه می‌گردد. خریداران این برگه‌ها سه دسته‌اند:

۱- کسانی که فقط برای شرکت در امور خیریه این برگه‌ها را می‌خرند.

۲- اشخاصی که فقط برای شرکت در قرعه‌کشی در این مسابقه شرکت می‌کنند.

۳- افرادی که چه قرعه به نامشان در آید و چه در نیاید، تفاوتی برای آنها نمی‌کند.

لطفاً حکم فروشنده، دست‌اندرکاران، و خریداران را بیان فرمایید.

در ضمن برگه‌های دیگری را همین شرکت برای کمک به سیل‌زدگان به مبلغ ۱۰۰۰ تومان می‌فروشد، و در بین تمام خریداران قرعه‌کشی می‌کند. با این تفاوت که دیگر سؤالی مطرح نشده، بلکه تمامی کسانی که بخرند می‌توانند در قرعه‌کشی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۱

شرکت کنند. حکم این برگه‌ها چیست؟

جواب: همه اینها از قبیل بخت‌آزمایی‌های سابق است، و شرعاً اشکال دارد؛ مگر این که همه افراد از قبیل گروه اول باشند؛ یعنی فقط به نیت کمک برگه‌ها را خریداری کنند. ولی می‌دانیم همه افراد چنین نیستند؛ بلکه بسیاری برای شرکت در قرعه‌کشی برگه‌ها را می‌خرند، و اگر بدانند که آنها را در قرعه‌کشی شرکت نداده‌اند، راضی نیستند. و صرف درآمد آن در امور خیریه، ماهیت مسأله را تغییر نمی‌دهد، و طرح سؤال نیز تأثیری در حل این مشکل ندارد. امید است برای کمک به نیازمندان راههایی انتخاب شود که با احکام شرعی، که مصلحت جامعه در آن است، سازگار باشد.

سؤال ۴۷۷- اخیراً طرح اقتصادی مشکوکی، که ظاهراً از کشورهای اروپایی اقتباس شده، با مجوز رسمی از سوی دولت در برخی از نقاط کشور اجرا می‌شود.

طرح مذکور بدین شکل است:

شخصی که قصد شرکت در این طرح را دارد برگه‌ای دریافت می‌دارد، که در پشت این برگه نام هفت نفر با مشخصات کامل و شماره حساب بانکی آنها، به همراه شماره حساب بانکی مجریان طرح درج شده است. گیرنده برگه برای شرکت در این طرح باید مبلغ پانصد تومان به حساب مجریان طرح و ۲۰۰ تومان به حساب نفراتی که در پشت برگه آمده واریز کند و سپس برگه فوق را به همراه قبض رسید بانکی و جوهی که واریز کرده، به آدرس دفتر طرح مذکور ارسال کند. پس از مدتی از سوی آن دفتر هفت برگه

دیگر برای او ارسال می‌شود که نام خود او در ردیف اول پشت برگه است. او موظف است برگه‌های مذکور را بین هفت عضو فعّال و پرکار توزیع کند، و دریافت کنندگان برگه‌ها، نیز به ترتیب فوق عمل می‌کنند، و این جریان به همین شکل ادامه پیدا می‌کند. آنها مدّعی هستند در نهایت به هر شرکت کننده مبلغ ۱۰۰۰ / ۴۰۰ / ۶۸۱ ریال خواهد رسید، و ده درصد وجوهی که به حساب دفتر طرح ریخته می‌شود صرف امور خیریه می‌گردد. لطفاً نظر مبارک خویش را در مورد این مسأله بیان فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۲

جواب: این گونه فعالیت‌های کاذب اقتصادی شرعاً جایز نیست، و نوعی کلاهبرداری زشت غربی است، و از نظر شریعت مقدّسه قابل تعقیب است، زیرا پولهای کلانی که به بعضی از افراد داده می‌شود، نه از طریق تولید به دست آمده و نه تجارت، بلکه اموال دیگران را با فریب گرفته، و قسمتی را به نفع شرکت و قسمتی را به مشترکین، و برای حفظ ظاهر احتمالاً قسمتی را به کارهای خیر اختصاص می‌دهند. این شگردهای اقتصادی از خارج آمده، و امیدواریم دست‌اندرکاران توجّه پیدا کنند، و فریب این گونه مسائل را نخورند. بر حکومت محترم اسلامی نیز لازم است که در این مسأله دخالت کند، و جلوی این فعالیت‌های اقتصادی ناسالم را بگیرد؛ زیرا در پایان که مشترکان و طلبکاران زیاد خواهند شد، و برنامه‌ها عملاً متوقّف می‌شود، و چیزی دستگیر عدّه زیادی از مشترکین نخواهد شد، ممکن است منجر به یک سر و صدای اجتماعی شود. مردم عزیز ما نیز باید هوشیار باشند، و در دام این گونه کارها نیفتند.

سؤال ۴۷۸- صندوق قرض الحسنه‌ای، با شرایط زیر و با هدف پرداخت وام ۷۰۰ هزار تومانی به افراد، تأسیس شده است.

۱- متقاضی بایستی برای ثبت نام اولیّه مبلغ سه هزار تومان به عنوان کار مزد به صندوق بپردازد.

۲- هر متقاضی باید سه نفر دیگر را که نیازمند وام هستند معرفی کند، و آنها نیز هر کدام مبلغ سه هزار تومان به عنوان کار مزد به صندوق بپردازند.

۳- این روند بایستی همچنان ادامه پیدا کند تا متقاضی اول به ردیف هفتم ارتقا یابد. در آن صورت وی می‌تواند برای دریافت وام اقدام نماید.

۴- یادآوری می‌شود صندوق قرض الحسنه به جز کار مزد یاد شده هیچ گونه بهره و سودی از دریافت کنندگان وام اخذ نمی‌کند.

عملیات اقتصادی مذکور از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در واقع شبیه به نوعی قمار و لا تار پیچیده است، و ریشه آن متأسّفانه از غرب می‌باشد، و نتیجه آن این است که در مرحله اول بیش از شش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۳

میلیون تومان کار مزد دریافت می‌شود، و هفتصد هزار تومان وام داده می‌شود، که آن هم به کیسه مؤسسه برمی‌گردد! کار مزد عبارتست از حق الزّحمه عادلانه کسانی که در آن مؤسسه کاری انجام می‌دهند، که به مقدار کارشان باید به آنها مزدی داد.

و نام کار مزد بر شش میلیون تومان گذاشتن در یک مرحله نوعی فریب است. و حتماً شما عزیزان مایل نیستید آلوده این مسأله غیر مشروع شوید.

سؤال ۴۷۹- به دنبال ترویج طرح «ارمغان بهزیستی» و امثال آن توسط صدا و سیما و برخی از مطبوعات، طرحهای مشابهی در بعضی شهرها و مراکز استانها نیز به اجرا در آمده است، که مجریان آن، هدف از جمع‌آوری وجوه مردم را تأسیس مراکز قرآنی و خیریه اعلام می‌کنند. اخیراً طرح جدیدی تحت عنوان «طرح ملی باقیات الصالحات» در یکی از استانها شروع به کار کرده، که بیست میلیون تومان جایزه برای خریداران برگه‌های منتشر شده از طریق این طرح در نظر گرفته است. نظر شما راجع به این گونه فعالیتها چیست؟

جواب: همه اینها حرام، و شبیه بلیطهای بخت آزمایی است. و گذاردن نامهای مقدّس بر آن، نه تنها از اشکال آن نمی‌کاهد، بلکه بیشتر می‌کند. و علی‌رغم ظاهر فریبنده‌ای که دارد، مفساد زیادی بر آن مترتب می‌گردد.

سؤال ۴۸۰- این جانب و عده‌ای از دوستان که در شرکتی به نام «گلد کوئیست» سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، شنیدیم جنابعالی کار این شرکت را حرام دانسته‌اید. بدین وسیله خواستیم توضیحاتی، که از اساسی‌ترین مطالب در مورد این کار است، و برای جنابعالی نگفته‌اند، به شرح زیر به اطلاع جنابعالی برسانیم:

تجارت شبکه‌ای کاری است که افراد از طریق شبکه اینترنت به خرید می‌پردازند، و تمام اجناس حتی اجناس خوراکی نیز از این طریق خرید و فروش می‌شود. مسأله مهم اینجاست که این شرکت‌ها، حتی شرکت‌های مواد غذایی، امتیازاتی برای مشتریان در نظر می‌گیرند، تا افراد از آنها خرید نمایند، و این مطلب را یک شهروند اروپایی یا آمریکایی به صراحت تصدیق می‌نماید. شرکت Goldquest، هم یکی از همین شرکت‌های تجاری است که برای بالا بردن فروش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۴

خود علاوه بر فروش آزاد، به مشتریان این امکان را می‌دهد که از شرکت به صورت قسطی نیز خرید کنند. مطلبی که در توضیحات افراد جا افتاده این است: هنگامی که وارد سایت شرکت شوید از شما سؤال می‌شود، شما قصد دارید تنها سکه طلا بخرید، یا علاوه بر خرید، قصد شرکت در کار بازاریابی را نیز دارید؟ و حتی شخص می‌تواند نام خود را بنویسد، و یک ماه بعد پول به حساب بریزد. نحوه به حساب ریختن پول از طریق کارت‌های اعتباری است، که کاملاً معتبر و بدون کلاهبرداری می‌باشد، و این کارت‌ها زمانی جای پول نقد را خواهد گرفت. بنابراین، کسی که نمی‌خواهد بازاریابی کند، یک خرید کامل انجام می‌دهد، و در حقیقت چون یکی از روش‌های زمان تورّم این است که پول نقد را به طلا تبدیل کنیم، پس این راه یک راه کاملاً عاقلانه به نظر می‌رسد. و چنین شخصی که خرید کامل انجام داده سکه طلایش را دریافت می‌کند، و اگر یک نفر را هم معرفی نکند هیچ تأثیری در خرید او ندارد. پس مسأله‌ای را که خدمت جنابعالی گفته بودند که تا اشخاصی را معرفی نکنید به شما پول نمی‌دهند، و طلا را دریافت نمی‌کنید، مخصوص زمانی است که شخص خودش علاقه‌مند است که برای شرکت بازاریابی کند. در این صورت نیم‌بها خرید می‌کند، و بقیه پول طلا را با بازاریابی و سهام شدن در سود شرکت پرداخت می‌کند. اگر قسمتی که باعث حرام شدن این تجارت می‌شود قسمت معرفی کردن اشخاص است، بنابراین کار بازاریابی نیز که افراد زیادی در حال حاضر به آن اشتغال دارند یک امر حرام و خارج از حکم شرع محسوب می‌شود، و اگر این قسمت که تا افرادی را معرفی نکنیم به ما وجهی پرداخت نشود باعث حرام شدن کار شرکت گلد کوئیست است باید عرض کنیم شرکت پس از ۶ ماه، اگر کسی نتوانست افراد را معرفی کند، به اندازه همان مقدار پول که پرداخت شده سکه یا طلائی را برای وی می‌فرستد، که قطعاً تا به این لحظه این مطلب برای شما گفته نشده بود. بنابراین اگر کسی نخواست دیگری را معرفی کند، بطور کامل خرید می‌کند و تمام پول طلا را می‌پردازد، و حتی در یک قسمت از سیستم می‌تواند نام و شماره خودش را مخفی کند، تا هیچ کس حتی اسم او را هم نداند. اجناسی را که این شرکت بفروش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۵

می‌رساند، چند خصوصیت بارز دارد که باعث می‌شود قیمت آن زیاد و حتی از ارزش وزنی‌اش بیشتر گردد! از جمله این که اولاً روی آن یک شکل ضرب شده. و ثانیاً توسط یک دولت پشتوانه مالی شده. و ثالثاً عیار آن ۲۴ است. رابعاً موارد ضرب آنها مُد روز است. که خصوصیت آخر باعث می‌شود وقتی سکه تمام شد کسانی که علاقه‌مند به داشتن این نوع سکه هستند این سکه را از ما بخرند، و قیمت آن چند برابر می‌شود. و گمان نمی‌کنم که در این سود نیز مسأله حرامی وجود داشته باشد، چون یک تجارت است و قیمت‌ها هم از طرف خود شرکت تعیین می‌شود، و چیزی است که اتفاق افتاده، و اکثر دوستان سکه‌ها یا طلاهایی را خریداری کرده‌اند که گران شده، و سود دوّمی نصیب آنها شده است. برخی می‌گویند: «چون انسان سریع به پول هنگفتی می‌رسد، پس

بدون تلاش است و حرام.» باید عرض کنم: «این کار آن قدر نیاز به تلاش دارد، و به قدری پرمشقت است که گاه حتی وقت خواب و خوراک را هم می‌گیرد!». با توجه به توضیحات بالا، لطفاً نظرتان را بیان فرمایید.

جواب: مشکل اصلی در اینجا دو چیز است، که ما کاملاً به آن توجه داریم، و دلیل حرمت این کار همین دو چیز است: اول این که سگ‌ها به قیمت واقعی بازار فروخته نمی‌شود، بلکه دو یا سه برابر قیمت واقعی فروخته می‌شود، که قسمتی از این مبلغ اضافه، نصیب آن شرکت و قسمتی نصیب ردیفهای اول می‌شود، و ردیفهای آخر به یقین گرفتار زیان می‌شوند. در واقع قسمت اضافی شبیه نوعی لا-تار است، و مشمول آیه شریفه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» * می‌باشد، و مسائلی از قبیل نقش سگ، و وضع آینده آن، پوشش‌های کاذبی است که به این کار خلاف داده می‌شود. دیگر این که، کسانی که در گردش این معاملات قرار می‌گیرند، نه صنعتی دارند، و نه کشاورزی، و نه تجارب مثبتی. پولهای کلانی که به جیب ردیفهای اول یا آن شرکت می‌ریزد از کجاست؟ اگر واقعاً از این طُرق بتوان ثروتمند شد، خوب است همه کارها را رها کنند، و دنبال این برنامه‌های کاذب بیفتند! و در یک کلمه، این کار شبیه لاتار و بخت‌آزمایی و قمار است و درآمدش

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۶

مشروع نیست. و تاکنون دهها نوع آن را برای ما نوشته‌اند و توضیح خواسته‌اند، و ما به همه جواب منفی داده‌ایم. شما می‌توانید پول خود را از آن مؤسسه بازپس بگیرید، و سزاوار افراد با ایمانی امثال شما نیست که آلوده این کار شوید.

سؤال ۴۸۱- عده‌ای از جوانان یک هیأت تصمیم گرفته‌اند که هر یک هزار تومان قربه‌الیه الله بدهند، و به قید قرعه از میان کسانی که پول داده‌اند یک نفر را به نیابت از کل هیأت به کربلا بفرستند. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: هر گاه به قصد قربت باشد، نه به قصد قرعه کشی، اشکالی ندارد.

سؤال ۴۸۲- مؤسسه‌ای بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده دارد، در جهت تدوین برنامه‌های علمی، آموزشی و تربیتی قرآن کریم، و همچنین ایجاد و گسترش کانون‌های حفظ، قرائت، تجوید، مفاهیم، تفسیر و معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهما السلام، برگزاری مسابقات قرآنی و فرهنگی، و شناساندن چهره‌های قرآنی و مفاخر ایران اسلامی، و برقراری ارتباط با مراکز علمی قرآنی داخل و خارج، و طراحی و برگزاری دوره‌های کوتاه مدّت قرآنی، و تأسیس و اداره کتابخانه‌های تخصصی و تحقیقاتی، و قبول هدایا و اعطای جوایز به اشخاص، فعالیت شاخصی در علوم معارف قرآنی در سطح کشور دارد. مؤسسه مذکور در این راستا قصد برگزاری طرحی با مشخصات ذیل را دارد:

۱- تهیه اوراقی محتوی سؤال و جواب علوم قرآنی، و پیام‌های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام.

۲- درج شماره‌ای بر روی اوراق جهت قرعه کشی.

۳- اهدای جوایز نقدی و غیر نقدی، و سفر زیارتی به سوریه و عتبات عالیات.

برگزاری این گونه مسابقات به این نحو است که علاقه‌مندان مبلغی به عنوان حق شرکت در مسابقه پرداخته، و پس از کسر هزینه‌های اجرایی و برگزاری مسابقات، بر اساس اولویت یا قرعه، جوایز اهدا، و ما بقی صرف فعالیت‌های فوق‌الذکر می‌گردد. نظر مبارک در مورد چنین مسابقه‌ای چیست؟

جواب: هر گاه وجهی که گرفته می‌شود در برابر خدماتی باشد که آن مؤسسه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۷

جهت تعلیم قرآن مجید انجام می‌دهد، دادن جوایز به شرکت کنندگان در قرعه کشی مانعی ندارد، و در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۴۸۳- دامنه فعالیت‌های انجمن حمایت از زندانیان در خصوص خانواده‌های زندانیان بسیار گسترده، و شامل تعلیم، تربیت،

اصلاح و ارشاد، نگهداری و سرپرستی، کمک به مسکن و اجاره ماهیانه، لوازم معیشت، بهداشت و درمان، مراقبت بعد از خروج، ایجاد اشتغال و تهیه فرصت‌های شغلی یا کمک مالی، ترغیب و تشویق به فعالیت‌های فرهنگی و مانند آن می‌باشد. لکن به لحاظ ضعف بنیه مالی قادر به انجام رسالت خویش نمی‌باشد.

به استناد مفاد اساسنامه و آیین‌نامه، مبنی بر جذب کمک‌های مردمی، اعم از نقدی و غیر نقدی، فعالیت‌های عام المنفعه، خیریه و اقتصادی، انجمن مجاز است به منظور سر و سامان بخشیدن به امور معیشتی و رفع معضلات این خانواده‌ها، که حجم وسیعی را در سطح کشور در برمی‌گیرد، تحت عنوان جذب کمک‌های مردمی مبادرت به فروش اوراق بهاداری به نام «امیدآوران ابتسام» به افراد خیر و نیکوکار نماید، و بخشی از وجوه حاصل از فروش اوراق را با اذن خریداران آن صرف اهدای جوایز به قید قرعه بین خریداران جهت ترغیب و تشویق افراد به این امر خیر نماید.

این امر مستلزم کسب مجوز شرعی است. نظر حضرت‌عالی در این مورد چیست؟
جواب: هر گاه کمک‌ها به طور کامل صرف امور خیر شود مانعی ندارد؛ ولی چنانچه بخشی از آن به صورت جایزه و قرعه کشی درآید، و انگیزه شرکت افراد در این امور گردد اشکال دارد.

۶- مجسمه‌سازی

سؤال ۴۸۴- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون مجسمه‌سازی پاسخ فرمایید:

الف) اگر برای بزرگداشت خاطره شهیدان در یکی از میادین شهر، نمادی از شهید ساخته شود، چه حکمی دارد؟

ب) آیا جایز است تندیس سربازی ساخته شود که در حال تیراندازی به سوی دشمن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۸

ج) آیا می‌توان برای نشان دادن تجاوز و دیو سیرتی استکبار (مثلاً نسبت به مردم شهر حلبچه، که مظلومانه توسط بمب شیمیایی از بین رفتند) به همان صورت با ساختن مجسمه‌هایی آن را بازسازی کرد؟

د) اگر انسانی که سر به سجده برده، و خدا را پرستش می‌کند ساخته شود، اشکال دارد؟

ه) آیا ترمیم آثار باستانی مانند نقوش برجسته، یا مجسمه‌هایی که از ادوار پیش باقی مانده، دارای اشکال است؟

جواب: ساختن مجسمه از نظر شرع اسلام اشکال دارد؛ ولی امور زیر را می‌توان استثنا کرد:

۱- نقوش برجسته که در گچ کاری و کنده کاری و قلمکاری و مانند آنها دیده می‌شود.

۲- عروسکها و آنچه جنبه بازیچه دارد.

۳- مجسمه‌هایی که برای فریب دشمن ساخته، و در مناطقی گذاشته می‌شود، و از نظر جنگی ضرورت دارد.

۴- مجسمه‌هایی که از قطعات متعددی تشکیل یافته، و در طب برای تعلیم مسائل مختلف به کار می‌رود، و در بسیاری از موارد جانشین تشریح بدن انسانها می‌گردد، و برای تعلیم این مسائل لازم به نظر می‌رسد.

۵- رباطهای کامپیوتری که جنبه سرگرمی و تفریح ندارند؛ بلکه در نیازهای زندگی بشری از آنها بهره‌گیری می‌شود.

سؤال ۴۸۵- مشاهده شده که در برنامه‌های تصویری، عروسکی شبیه انسان درست می‌کنند، که در برنامه‌ها یا فیلمهایی که انسان واقعی در آن نقش دارد و تکلم می‌کند، به عللی آن عروسک دارای تکلم وارد می‌شود، و همراه انسانهای واقعی نقش ایفا می‌کند، و شبیه آنها تصمیم می‌گیرد، و تکلم می‌نماید. ساختن چنین برنامه‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: مجسمه‌سازی اشکال دارد؛ ولی اگر از قبیل عروسک و بازیچه باشد، خواه نقشی بازی کند یا نه، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۶۹

۷- غیبت

سؤال ۴۸۶- آیا صحبت‌ها و سر و صداهای سیاسی، که نقل مجالس شده، و افراد دانسته یا ندانسته موضوعی را به این و آن نسبت می‌دهند، غیبت حساب می‌شود؟

جواب: نسبت دادن شایعات به یکدیگر نوعی تهمت است، فراتر از غیبت؛ آری اگر عیب پنهانی را بدون جهت آشکارا بگویند، غیبت است.

سؤال ۴۸۷- اگر گفته شود: «فلان اداره یا سازمان به مردم ظلم می‌کند، یا خیلی ایراد می‌گیرد» و امثال این گونه جملات، آیا چنین سخنانی حرام است؟

جواب: اگر ظلم آن آشکار باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۴۸۸- اگر غیبت کننده شخص غائب را نشانسد، ولی شنونده غیبت او را بشناسد، آیا غیبت محسوب می‌شود؟ مثلاً فردی جنسی را از مغازه‌داری خریده است. شخصی که مغازه‌دار را نمی‌شناسد عیوب جنس خریداری شده را تذکر می‌دهد، و جملاتی از این قبیل می‌گوید: «آن مغازه‌دار کلاهبردار است»، «خائن است»، «سرت کلاه گذاشته» آیا این کار مجاز است؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که عمل او ظاهر و آشکار، یا در مقام مشورت و رفع ظلم بوده باشد.

سؤال ۴۸۹- آیا در مواردی که هدف عقلایی در کار است، مثلاً در مقام مشورت دیگران، می‌توانیم سوء ظن خود را نسبت به شخصی بازگو کنیم؟ مثلاً در جایی دزدی یا قتل صورت گرفته، و ما احتمال می‌دهیم که دزد یا قاتل فلان شخص باشد. در این صورت چنانچه در مقام مشورت و بازجویی نیروهای انتظامی از ما، و یا حتی ابتداءً سوء ظن خود را نسبت به آن شخص بازگو کنیم، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که برای کشف جرم غالباً راهی جز این گونه تحقیقات وجود نداشته باشد، شرعاً جایز است. ولی باید کاری کرد که آبروی اشخاص در ظاهر کاملاً محفوظ باشد، و بدون اثبات جرم به کسی اهانت نشود.

۸- دروغ

سؤال ۴۹۰- امروزه از افراد زیادی دروغ می‌شنویم، و هنگامی که نهی از منکر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۰

می‌کنیم می‌گویند: «شوخی کردیم!» یا می‌گویند: «دروغ مصلحتی است!» لطفاً بفرمایید دروغی که به شوخی باشد چه حکمی دارد؟ و دروغ مصلحتی چیست؟

جواب: در صورتی که مخاطب بفهمد قصد جدی ندارد و شوخی می‌کند دروغ محسوب نمی‌شود. و دروغ مصلحتی آن است که دروغ، مصلحت مهمتری از راست گفتن داشته باشد؛ مانند دروغ گفتن برای اصلاح ذات البین.

سؤال ۴۹۱- هرگاه شخصی بدهی خود را پرداخته، یا طلبکار آن را بخشیده باشد، ولی پس از مدتی شکایت کند. آیا مدیون می‌تواند برای رهایی از ادعای آن شخص توریه نموده، یا قسم بخورد که اصلاً از او قرض نگرفته است؟

جواب: در فرض سؤال اگر راه منحصر به این باشد عیب ندارد.

سؤال ۴۹۲- توریه چیست؟ لطفاً با ذکر مثالی آن را توضیح بفرمایید.

آیا توریه اختصاص به موارد ضرورت دارد، یا در غیر آن هم جایز است؟

جواب: توریه آن است که انسان سخنی دو پهلو بگوید، و قصدش چیزی باشد، ولی مخاطب چیز دیگری بفهمد. مثل این که کسی پشت در خانه بیاید، و پرسد: آیا فلان کس در خانه است؟ و گوینده سخن در جواب بگوید: اینجا نیست، و منظورش از «اینجا» پشت در باشد، ولی شنونده خیال می‌کند شخص مورد نظر در خانه نیست. و این گونه توریه مشروط به حال ضرورت نمی‌باشد؛ هر چند بهتر رعایت ضرورت است.

۹- مواد مخدر

سؤال ۴۹۳- با عنایت به نیاز شدید جامعه اسلامی ایران نسبت به رفع ابهام حکم شرعی مواد مخدر، دانشگاه ما تصمیم به بررسی موضوع فوق نموده است، لطفاً حکم شرع را در این مورد بیان فرمایید.

جواب: بی‌شک استعمال مواد مخدر به هر مقدار و اندازه که باشد، حرام است. خواه مواد مخدر قدیمی باشد، یا آنچه در عصر ما به وجود آمده، یا بعداً به وجود می‌آید. و هر گونه کمک برای کشت، داشت، برداشت محصول، تهیه، استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۱

توزیع، خرید، فروش، نگهداری و مصرف آن نیز حرام است. و جوامع اسلامی باید به شدت با این بلاى خانمانسوز مبارزه کنند، و در امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی ننمایند.

سؤال ۴۹۴- نظر مبارک را در مورد استعمال تریاک برای معتادین، یا کشیدن تریاک به عنوان تفریح، اعلام فرمایید. شرکت در چنین مجالسی، و تهیه و آماده نمودن وسائل برای چنان اعمالی چه حکمی دارد؟

جواب: کشیدن تریاک، خواه تفریحی باشد یا غیر تفریحی، حرام است؛ مگر این که در حد ضرورت باشد. و افراد معتاد تا آنجا که می‌توانند برای ترک آن کوشش کنند. هم چنین تهیه تریاک، خرید، فروش، حمل و نقل آن جایز نیست.

سؤال ۴۹۵- آیا حرام بودن استعمال مواد مخدر در قرآن آمده است؟ و از آنجا که اعتیاد به آن، بلاى خانمانسوزی است که دامن جوانهای ما را گرفته، و حتی در سنین بالا و برخی از مؤمنین آلوده به آن هستند. و سر و صدای مبارزه با مواد مخدر متأسفانه نتیجه چندانی نداده، چرا به جز رساله شما، در رساله‌های علمای دیگر تحریم آن نیامده است؟

جواب: بسیاری دیگر از فقها نیز مواد مخدر را تحریم کرده‌اند، و دلیل آن حکم عقل به قبح آن است. علاوه بر این که آیه شریفه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» نیز چنین اشخاصی را شامل می‌شود. بعضی از روایات نیز اشاره به این معنا دارد، که استعمال اشیای مضر حرام است.

سؤال ۴۹۶- با توجه به عمومیت یافتن استفاده از مواد مخدر، و مفسد مترتب بر آن، نیاز است که احکام مربوط به این موضوع به صورت واضح مشخص شود، و در اختیار عموم قرار گیرد. مستدعی است در خصوص موارد زیر نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

۱- حکم استفاده از انواع مواد مخدر، مانند: تریاک، هروئین، مرفین، حشیش، چرس، ماری‌جوانا، ال، اس، دی، و موادی که اثراتی به مانند این مواد دارند، برای معتاد و غیر معتاد چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۲

۲- حکم خرید و فروش مواد مخدر چیست؟ آیا شخص در صورت فروش یا خرید مواد، مالک پول دریافتی، یا ماده خریداری شده می‌شود؟

۳- حکم شرکت در جلساتی که در آن از مواد مخدر استفاده می‌شود چیست؟ در مواردی که احتمال خطر معتاد شدن وجود داشته باشد چه می‌فرمایید؟

۴- ارتباط جوانان با افراد معتاد، به ویژه در مواردی که می‌تواند زمینه‌ای برای اعتیاد آنان باشد، چه حکمی دارد؟

- ۵- حکم ازدواج با افراد معتاد چیست؟ آیا سختگیری خانواده‌ها در خصوص شرط عدم اعتیاد مرد برای ازدواج، می‌تواند مجوز شرعی داشته باشد؟
- ۶- آیا بر افراد واجب است که از باب امر به معروف و نهی از منکر، افراد معتاد را به ترک اعتیاد وادار سازند؟
- ۷- آیا بودن مجوز پزشک، و به بهانه استفاده دارویی و با تشخیص شخصی، می‌توان از مواد مخدر استفاده کرد؟
- ۸- حکم استفاده تفننی و سرگرمی از مواد مخدر، به خصوص تریاک چیست؟ به ویژه که امروزه استفاده تفننی از این مواد، بیشترین کمک به فروشندگان این مواد است، و آنها را در گسترش آن یاری می‌کند.
- ۹- با نظر به این که شروع اعتیاد اکثر افراد معتاد به مواد مخدر از سیگار بوده، و علّت مُقَدِّمی آن برای اعتیاد به این مواد غیر قابل انکار است، حکم استفاده از سیگار، به خصوص برای نوجوانان و جوانان چیست؟
- جواب: بدون شک استفاده از تریاک و سایر مواد مخدر و خرید و فروش آن و شرکت در جلساتی که در آن از مواد مخدر استفاده می‌شود از گناهان کبیره است.
- و بر آحاد مردم و جامعه مسلمان و حکومت اسلامی لازم است که با استفاده از تمام وسائل جلوی این کار را بگیرند. و هر گونه کمک به کشت و فروش و حمل و نقل و استفاده از آن نیز از محرّمات واضح است. حتّی استفاده تفننی برای سرگرمی از آن جایز نیست، و تبلیغ آن برای افراد دیگر حرام است. استفاده خودسرانه از آن به عنوان دارو نیز جایز نمی‌باشد. حتّی کشیدن سیگار با توجّه به
- استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۳
- این که مقدّمه اعتیاد می‌باشد، و حتّی با قطع از نظر از این مطلب، به خاطر زیانهای فراوانی که دارد جایز نیست. خداوند همه مسلمانین، مخصوصاً جوانان را، از شرّ این بلاهای خانمانسوز محفوظ بدارد.
- ۱۰- استعمال دخانیات**
- سؤال ۴۹۷- اخیراً در محافل مختلف سخن از این است که جنابعالی سیگار را تحریم کرده‌اید، مایل بودیم توضیح بیشتری در این زمینه از حضرتعالی بشنویم.
- جواب: این جانب از چند سال پیش این فتوا را به صورت مشروط ذکر کرده بودم، و در رساله توضیح المسائل موجود است که: «اگر کشیدن سیگار (و سایر دخانیات) به شهادت اهل اطلاع ضرر مهمّی داشته باشد حرام است.»
- ولی اخیراً با شهادت و گواهی جمعی از پزشکان آگاه، و اساتید متعهد دانشگاه، و با توجّه به آمارهای تکان‌دهنده‌ای که از مرگ و میر ناشی از سیگار، و بیماری‌های خطرناکی که از آن نشأت می‌گیرد به ما رسیده، ثابت و مسلم شد که خطرات مهمّ دود سیگار یک واقعیت است، که حتّی فرزندان افراد سیگاری و معاشران آنها از آن در امان نیستند! لذا فتوای تحریم به طور مطلق را دادیم، و از خدا می‌خواهم همه مسلمانان جهان، مخصوصاً جوانان عزیز را که نخستین قربانیان این بلای خانمانسوز هستند، از شرّ آن حفظ کند، و با هوشیاری تمام مراقب خویش و اطرافیان و دوستان خود باشند. ان شاء الله زنده بمانیم و ببینیم که جامعه ما از لوٹ وجود این دود آلوده پاک شده است.
- در اینجا به مناسبت تقاضای مکرر فضلا اشاره کوتاهی به مدارک مسأله می‌شود:
- ۱- قرآن مجید در آیه ۱۹۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» طبق آمارهایی که از سوی پزشکان متخصص اعلام شده، مرگ و میر ناشی از دود سیگار در سال به پنج میلیون نفر می‌رسد! و آمار بیماری‌های خطرناک قلبی و تنفسی و سرطان ناشی از دود سیگار نیز بسیار بالاست. بنابراین، کشیدن سیگار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۴

مصدق إلقاء نفس در تهلکه است.

۲- قاعده

«لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»

مستفاد از روایات متعدد گرچه شأن ورودش اضرار به دیگران است، ولی می‌دانیم شأن ورود مفهوم عام، قاعده را محدود نمی‌کند، و اضرار به نفس را نیز شامل می‌شود.

۳- در حدیث معروف فقه الرضا علیه السلام آمده است:

«كُلُّ امْرٍ يَكُونُ فِيهِ الْفُسَادُ مِمَّا قَدْ نَهِيَ عَنْهُ فَحَرَامٌ ضَارٌّ لِلْجِسْمِ وَ فِسَادٌ لِلنَّفْسِ»

و در روایت تحف العقول نیز شبیه آن دیده می‌شود.

طبق این روایات هر چیزی که ضرر مهمی برای بدن داشته باشد حرام است.

(البته ضررهای جزئی که در همه چیز هست و قابل اجتناب نیست، از آن خارج و منظور ضررهای کلی است).

۴- بعضی عادت به خوردن گل دارند، که در روایات اسلامی به نوعی وسواس تعبیر شده، و از آن شدیداً نهی شده است. به خاطر

این که برای انسان ضرر دارد، در روایتی آمده است:

«أَنَّ الطِّينَ يُورِثُ السُّقْمَ فِي الْجَسَدِ وَ يَهَيِّجُ الدَّاءَ»

(خوردن گل سبب بیماری و تهییج درد است) لذا مرحوم شهید در کتاب مسالك نخستین دلیل تحریم آن را بما فيه من الاضرار الظاهر للبدن شمرده است، اینها نشان می‌دهد که حرمت اشیای مضره از مسلمات بوده است. حتی روزه واجب اگر ضرر داشته باشد باید ترک شود، و غسل و وضوی واجب در صورت ضرر تبدیل به تیمم می‌شود.

۵- از همه اینها گذشته طبق قاعده مسلم اصولی «كلما حكم به العقل حكم به الشرع» (هر چیزی که عقل قطعی به آن حکم کند، شرع هم به آن حکم خواهد کرد) مسأله حرمت سیگار و انواع دخانیات در عصر و زمان ما، که زیان‌های مهم آن بر همه دانشمندان ثابت شده، جای تردید باقی نمی‌گذارد. فتوای همه مراجع به حرمت مواد مخدر نیز از همین جا سرچشمه می‌گیرد. «۱»

(۱). نظرات آگاهان درباره زیانهای دخانیات

از آنجا که فقیه حکم را تعیین می‌کند و اهل خبره موضوع را، در اینجا رشته سخن را به جمعیت مبارزه با دخانیات که متشکل از گروهی از پزشکان معزب، اساتید محترم دانشگاه و خبرگان دیگر است می‌سپاریم:

* سیگار عامل اصلی و یا کمکی در پیدایش بیش از ۵۰ نوع بیماری و ۲۰ نوع سرطان در بدن می‌باشد.

* سالانه ۵ میلیون نفر به علت بیماری‌های ناشی از سیگار جان می‌سپارند. (یعنی بیش از تلفات جنگ جهانی اول! چون در طول چهار سال ۱۰ میلیون نفر در آن جنگ کشته شدند، ولی تلفات سیگار در دنیا در چهار سال به ۲۰ میلیون نفر می‌رسد!)

* در سال ۲۰۲۰ میلادی، ۱۰ میلیون نفر در سال به علت بیماری‌های ناشی از سیگار فوت می‌شوند. با این تفاوت که ۷ میلیون آن در کشورهای در حال پیشرفت، و ۳ میلیون آن در کشورهای پیشرفته‌اند!

* به علت سودآوری صنعت دخانیات برای کمپانی‌های چند ملیتی، به ویژه شرکت‌های آمریکایی، و با توجه به محدودیت‌های جدی در عرضه و مصرف سیگار در کشورهای غربی، به ویژه آمریکا، میزان مصرف در این کشورها روز به روز در حال کاهش است. و لذا با ترندهای مختلف به طور رسمی و غیر رسمی (قاچاق) بازار مصرف به سوی کشورهای فقیر و در حال توسعه سوق داده شده است!

* در کشور ایران نزدیک به ۱۰ میلیون سیگاری روزانه بیش از سه میلیارد تومان! خرج سیگار می‌کنند. (یعنی در هر سال بیش از یک هزار میلیارد تومان!)

* به طور متوسط دولت‌ها بیش از دو برابر مبلغ مصرف سیگار، صرف «هزینه بیماری‌ها و درمان عوارض ناشی از سیگار» می‌نمایند. یعنی رقمی نزدیک به ۶ میلیارد تومان در ایران در هر روز. (و در سال بیش از دو هزار میلیارد تومان)

* سالیانه ۵۴ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می‌شود، که نزدیک به ۱۲ میلیارد نخ آن تولید داخل و بقیه عمدتاً از طریق قاچاق وارد و توزیع می‌شود. (یعنی بیش از ۷۵ درصد پول سیگار به خارج می‌رود)

* جوانان کشور و نوجوانان (گروه‌های سنی ۱۰ تا ۱۵ سال) هدف اصلی برای ترغیب به کشیدن و اعتیاد به سیگار می‌باشند.

* سیگار در نوجوانان دریچه ورود به اعتیاد و سایر بزهکاری‌های اجتماعی است.

* افراد غیر سیگاری، به ویژه کودکان و همسران افراد سیگاری، به همان اندازه در معرض مضرات دود سیگار هستند. و این افراد بی‌گناه به طور اجباری سلامتی خویش را از دست می‌دهند.

* کمپانی‌های آمریکایی سالیانه بالغ بر ۶۰۰۰ / ۱۰۰۰ / ۱۰۰۰ / ۱۰۰۰ نخ سیگار تولید می‌کنند که نزدیک به ۳ درصد آن در آمریکا مصرف می‌شود، و مابقی آن (۹۷ درصد) به خورد مردم سایر کشورها، به ویژه کشورهای فقیر و در حال توسعه، داده می‌شود. و از این رهگذر بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار سود عاید شرکت‌های آمریکایی می‌گردد، که معادل ۲۰ سال فروش نفت ایران است!

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۵

۱۱- تراشیدن ریش

سؤال ۴۹۸- فردی یک بار ریشش را از ته می‌تراشد، و نعوذ بالله گناه می‌کند؛ لکن پس از این نمی‌گذارد ریشش بلند شود، و به حد «صدق ریش» برسد. یعنی هر مقدار که می‌روید، آن را می‌تراشد. لذا هیچ‌گاه ریشش به حد صدق ریش نمی‌رسد. آیا بر کار چنین شخصی ریش تراشی صدق می‌کند؟

جواب: این کار در نظر عرف ریش تراشی محسوب می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۶

۱۲- حیوانات حرام گوشت

سؤال ۴۹۹- همان‌طور که مطلقاً طبق نظر حضرات مراجع تقلید، حفظهم الله گوشت آبی‌زیان و حیوانات دریایی که دارای فلس هستند حلال، و آنها که فلس ندارند حرام است. آیا مطلقاً استفاده از آبی‌زیان فاقد فلس حرام است، یا برای استفاده‌های غیر خوراکی، یا در معرض استفاده غیر مسلمان قرار دادن اشکالی ندارد؟ هر چند به فروختن، یا معاوضه با چیزی، یا به عنوان حق اختصاص به غیر، در برابر وجه نقد یا جنسی باشد. نظر حضرت‌عالی در این مسأله چیست؟

جواب: هرگاه چنان آبی‌زیانی را به کسانی بفروشند که خوردن آن را حلال می‌دانند، یا برای مصارف غیر خوراکی بفروشند، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۰۰- خرید و فروش ماهیهای حرام گوشت چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه منافع حلالی، مانند تهیه غذا برای مرغدارها و مانند آن، داشته باشد جایز است. همچنین فروختن آنها به غیر مسلمانان، که خوردن آن را جایز می‌دانند اشکالی ندارد.

سؤال ۵۰۱- خرید و فروش بالهای ماهیهای حرام گوشت، در صورتی که منافع مباحی داشته باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

۱۳- احضار ارواح

سؤال ۵۰۲- نظر حضرت تعالی در مورد احضار ارواح چیست؟ آیا عقلاً این کار امکان پذیر است؟ و چنانچه ممکن باشد، آیا از دیدگاه شرع مجاز است؟
جواب: این کار عقلاً امکان پذیر است، ولی شرعاً جایز نیست، و مفساد زیادی به بار می آورد. «۱»

(۱) شرح این مطلب را در کتاب «ارتباط با ارواح» نوشته ایم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۷

عزاداری

سؤال ۵۰۳- آیا ذاکر اهل بیت می تواند برای ذکر فضائل و مصائب اهل بیت علیهم السلام اجرت طی کند؟
جواب: تعیین اجرت شرعاً اشکالی ندارد؛ ولی این کار در شأن ذاکران اهل بیت، که باید مظهر تقوا و پارسایی باشند، نیست.

سؤال ۵۰۴- حرکت زنان با وضع نامناسب به دنبال هیأت های عزاداری، که موجب بروز گناهان و آلودگی هایی می شود، چه صورتی دارد؟ برای عزاداری بانوان چه روشی را توصیه می فرمایید.

جواب: عزاداری خامس آل عبا علیه السلام و سایر معصومین علیهم السلام از افضل قربات است؛ ولی مردان و زنان باید طوری رفتار کنند که آمیخته با خلاف شرع نشود.

سؤال ۵۰۵- در مناطق ما، در فصل تابستان، مردم گاه ده روز و گاه ۵ روز مراسم عزاداری، برای سید الشهداء علیه السلام برگزار می کنند. آنها معتقدند: «هنگامی که حادثه کربلا رخ داد تابستان بود، بدین جهت ما هر سال علاوه بر محرم الحرام، در این ایام نیز مراسم عزاداری برگزار می کنیم.» آیا می توان این گونه مراسم را به عنوان ورود برگزار کرد، یا باید به عنوان رجا انجام شود؟
جواب: این مراسم را می توان به عنوان عزاداری مطلق، که در هر زمان و هر مکان مطلوبیت دارد، انجام داد.

سؤال ۵۰۶- لطفاً در مورد جلسات عزاداری به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- سرودن و خواندن شعرهایی که در آن از الفاظی نامناسب (مثل سگ و الاغ و رقاص و مانند آن) استفاده شده، و الفاظ مذکور را به ساحت مقدس ائمه اطهار علیهم السلام و خودشان نسبت می دهند چه حکمی دارد؟

۲- آیا تقلید صدای سگ، یا الاغ، یا کبوتر در موقع سینه زدن، جهت اظهار عجز در مقابل ائمه علیهم السلام جایز است؟

۳- سینه زدن و زنجیر زدن بر سینه و شانه به صورت نشسته، یا در حال ایستاده به طوری که بدن لخت باشد، و سینه انسان بسیار سرخ شود، یا خون بیاید، و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۸

همچنین هروله کردن و بالا و پایین پریدن در هنگام سینه زدن چه حکمی دارد؟

۴- آیا به کار بردن لفظ «خوسین» به جای «حسین» علیه السلام جایز است؟

۵- فریاد کشیدن، و کوبیدن سر به در و دیوار و زمین، در جلسات عزاداری چه حکمی دارد؟

جواب: عزاداری ائمه اطهار علیهم السلام، مخصوصاً خامس آل عبا علیه السلام، از افضل قربات است، و سرودن و خواندن اشعاری

که حاکی از مظلومیت و زحمات و فداکاری آن حضرات نماید کار بسیار خوبی است؛ ولی باید از هرگونه کاری که باعث هتک حرمت آن بزرگواران می‌شود، و موجب وهن مذهب در نظر دیگران می‌گردد، و به بدن آسیب می‌رساند پرهیز گردد. و تعبیراتی که در عرف توهین‌آمیز است، مانند نسبت سگ به خود دادن، یا صدای حیوانات در آوردن، هیچ کدام مناسب مجالس عزاداری نیست. و باید به همه نصیحت کنند که از این امور، که باعث وهن این مراسم بزرگ می‌شود، و موجب ناراحتی حضرت بقیه الله می‌گردد، پرهیز کنند.

سؤال ۵۰۷- حضور در مجالسی که به نام دین برگزار می‌گردد، آیا عموماً ریا و تظاهر و اهداف غیر دینی در آن مطرح است، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعاً بر شما ثابت شود که اهداف غیر دینی در آن حاکم است، در آن مجلس حاضر نشوید.

سؤال ۵۰۸- اگر کسی بگوید: «مصیبت‌هایی که من در طول زندگی دیده‌ام، کمتر از مصیبت‌هایی که مثلاً حضرت فاطمه علیها السلام دیده نیست؛ بلکه بیشتر است!» بنابراین دلیلی ندارد که برای آن بزرگوار به خاطر سیلی خوردن گریه کنم، پاسخ چیست؟
جواب: با توجه به مقامات والای آن بزرگواران، مصیبت‌هایی که بر آنها وارد شده بسیار مهم‌تر از مصائب دیگران است. آیا اگر یک فرد عادی را سیلی بزنند، یا یک عالم بسیار بزرگ متقی را سیلی بزنند، از نظر مصیبت یکسان است؟

شرایط خریدار و فروشنده

سؤال ۵۰۹- این جانب شاگرد مغازه کتابفروشی نسبتاً پرفروشی هستم، ولی درصد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۷۹

زیادی از مشتریان این مغازه را بچه‌ها تشکیل می‌دهند. در بسیاری از موارد گمان قوی دارم که اولیای بچه‌ها از معاملات آنها اطلاع ندارند. از آنجا که معامله با بچه نابلغ اشکال دارد، آیا جایز است که در این مغازه کار کنم؟ (ضمناً به خاطر اطاعت از صاحب مغازه، مجبورم هیچ کدام از آنها را رد نکنم.)

جواب: معمولاً اولیای بچه‌ها پولی در اختیار آنها می‌گذارند که وسائل مورد نیازشان را بخرند، و غالباً به این گونه معاملات آنها، مخصوصاً نسبت به کتاب و قلم و دفتر، راضی هستند. و لازم نیست از جزئیات معاملات آنها با خبر باشند؛ همان رضایت کلی کافی است.

سؤال ۵۱۰- شخصی مقداری جنس در خانه دارد. از آن جنس (مثلاً) صد کیلو به دیگری می‌فروشد؛ البته وزن نمی‌کند، و تحویل و تحویل صورت نمی‌گیرد. پس از مدتی همان جنس را که فروخته، با قیمت بالاتر از او خریداری می‌کند. آیا این معامله صحیح است؟

جواب: اگر هر دو معامله جدی باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۵۱۱- شخصی که احتیاج به پول دارد، خانه‌اش را به بیع شرط می‌فروشد.

(یعنی خیار فسخ می‌گذارد)، ولی قصد جدی بر فروش ندارد (چون معامله به قیمت بسیار نازلتر از متعارف صورت می‌گیرد). بلکه به خاطر برطرف کردن احتیاج، این معامله صوری و ظاهری را انجام می‌دهد، آیا چنین بیعی صحیح است؟

جواب: معاملات صوری و بدون قصد جدی، باطل است.

سؤال ۵۱۲- همان‌طور که حضرت‌عالی مستحضرید برای تحقق عقد بیع دو جزء، عوض (ثمن) و معوض (ثمن) لازم می‌باشد، که ضمن انجام فعل شرعی قبض و اقباض، اصالتاً و کالتاً صیغه شرعی مخصوصه نیز جاری می‌گردد. حال از حضور شریف استدعا دارد نظرتان را پیرامون دو سؤال زیر بیان فرمایید.

الف) هرگاه معامله‌ای با فرض عقد بیع انجام شود، لکن به صورت صوری، و برای آن ثمنی پرداخت نگردد حکم شرعی آن چیست؟

جواب: عقد باید جدی باشد، و عقد صوری فایده‌ای ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۰

ب) آیا صرف تنظیم قولنامه‌های مرسوم تأثیری در تحقق عقد بیع با فرض فقدان یک جزء آن (ثمن) خواهد داشت؟
جواب: در صورتی که قولنامه به معنای مبیعه‌نامه باشد، نه به معنای گفتگوهای مقدماتی، و ثمن و مثن هر دو معین، و یکی از آن دو نقد باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۱۳- در معاملاتی که جنس موجود است؛ ولی هم فروشنده و هم خریدار می‌دانند که این معامله فقط برای این است که درصدی روی پولی که به فروشنده داده می‌شود کشیده شود، و دوباره به او پرداخته شود، در صورتی که قیمت فروش اولیه از طرف فروشنده معلوم باشد، ولی قیمت فروش ثانویه، که از طرف خریدار به فروشنده اولیه داده می‌شود، بعد معین شود. آیا چنین معامله‌ای کلاه شرعی است، یا اشکالی ندارد؟

جواب: اگر هر دو معامله جدی باشد، و هیچ کدام مشروط به دیگری نباشد، اشکال ندارد.

ولایت فقیه

سؤال ۵۱۴- امروزه بحثی مهم، تحت عنوان ولایت مطلقه فقیه، یا غیر مطلقه مطرح است. و جنابعالی نیز در کتب فقهی خود به این بحث اشاره‌ای کرده، و فرموده‌اید معنای کلمه مطلقه باید معلوم باشد. بنده معنایی برای این کلمه عرض می‌کنم، و صرفنظر از این که شما این معنا را قبول، یا رد بکنید (هر چند در صورت عدم پذیرش، بسیار ممنون، بلکه خواهشمندم، دلیل آن را بیان فرمایید تا مزید هدایت باشد) آیا شما به این معنا ولایت فقیه را قبول دارید؟

مستحضر هستید که این بحث توسط امام راحل رحمه الله این چنین مبسوط مطرح شد. ولی ما در کتابی که ایشان در این زمینه دارند عنوان «ولایت مطلقه» را ندیدیم. آنچه ایشان می‌فرمودند این بود که ولایت فقیه از حیث دایره، همان اختیارات معصوم علیه السلام را دارد. پس این معنا بعد از ایشان یا در زمان ایشان (ولی نه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۱

توسط ایشان) مطرح شد. به هر حال، در این رابطه سه نظریه می‌توان اظهار کرد:

۱- ولایت فقیه همه اختیارات معصوم علیه السلام را دارد؛ الا ما خرج بالدلیل.

۲- ولایت فقیه همه اختیارات معصوم را ندارد، و در محدوده قانون اساسی هم نیست، بلکه تمام این حکومت در اختیار شخصیت حقوقی (فقهی و تقوایی) اوست.

و هر جا امر و نهی و اصلاحی لازم ببیند حق دخالت دارد.

۳- ولایت فقیه در چهار چوب قانون اساسی است.

نظریه سوم اشکالات عدیده‌ای دارد؛ ولی هم اکنون در عرصه سیاست سومی و اولی معمولتر است. لطفاً در مورد معنای مورد نظر، و این که چطور آن معنا از ادله استفاده می‌شود، توضیحاتی بفرمایید.

جواب: ظاهراً تمام کسانی که در رابطه با ولایت فقیه بحث کرده‌اند، حتی امام راحل قدس سره آن را مقید به رعایت مصالح مسلمین نموده‌اند. هیچ کس نمی‌گوید: «اگر مصلحت مسلمین جنگ است، فقیه حق دارد حکم به صلح کند، و اگر مصلحت مسلمین صلح است، فقیه حق دارد بر خلاف آن، دستور جنگ بدهد». اصولاً این ولایت برای حفظ مصالح اسلام و مسلمین است،

نه بر خلاف آن. وقتی این اصل را بپذیریم، محدوده ولایت فقیه مشخص می‌شود. و منظور از مطلقه، همان مطلقه در دایره مصالح اسلام و مسلمین است. حتی درباره معصومین علیهم السلام نیز مسأله غیر از این نیست. امام حسن علیه السلام به خاطر مصالح اسلام و مسلمین صلح کرد. و امام حسین علیه السلام به خاطر مصالح اسلام و مسلمین جنگید، و شهید شد. خداوند حضرت یونس علیه السلام را به خاطر ترک اولی، که به مصالح غیر واجب امت مربوط می‌شد، در شکم ماهی زندانی کرد. شرح بیشتر در این مختصر نمی‌گنجد.

سؤال ۵۱۵- در یکی از استفتائات، که در مورد ولایت فقیه صورت گرفته، حضرتعالی فرموده‌اید: «از مسائل عملی است» منظور از مسائل عملی چیست؟ با توجه به این که ولایت فقیه شأنی از شئون امامت است. آیا این بحث مربوط به علم کلام نمی‌شود؟
جواب: با توجه به این که ولایت فقیه به معنای بودن فقیه در رأس حکومت استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۲

است، و حکومت وظایفی دارد که مردم باید طبق آن عمل کنند، جنبه عملی به خود می‌گیرد. و حتی در مورد ولایت امام، بخشی جنبه عقیدتی دارد، و بخش دیگر- که مربوط به حکومت است- جنبه عملی دارد.

مقدار سود در معامله

سؤال ۵۱۶- کالایی را برای فروش (مثلاً) به قیمت صد تومان خریده‌ایم، که با ۲۰٪ سود آن را ۱۲۰ تومان می‌فروشیم. پس از مدتی همان کالا را باید ۱۵۰ تومان بخریم، که در این بین از اصل سرمایه ۳۰ تومان ضرر داده‌ایم، و اگر این روال ادامه داشته باشد، اصل سرمایه هم از کف خواهد رفت. حال چه کنیم که هم سود عادلانه داشته باشیم، و هم ضرر نکنیم؟
جواب: نرخ کالا را شخص فروشنده می‌تواند تعیین کند؛ ولی در این گونه موارد بهتر این است که اجناسی را که ارزان خریده‌اند، ارزان بفروشند (با سود عادلانه) و اجناسی که گران می‌خرند، گران بفروشند (با سود عادلانه).

سؤال ۵۱۷- لطفاً در مورد سود فروشندگان کالا به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- میزان سود برای کاسب و مغازه‌دار شرعاً و عرفاً چند در صد می‌باشد؟

جواب: سود میزان معینی ندارد و بستگی به رضایت طرفین دارد، مگر در کالاهایی که از سوی نظام اسلامی قیمت خاصی برای آن تعیین شده باشد. ولی رعایت انصاف در هر حال بسیار خوب است.

۲- با توجه به این که قانون و اتحادیه اطاق بازرگانی ۲۴٪ سود برای فروشندگان تصویب نموده، اگر کاسبی بیش از این مقدار سود از مصرف کنندگان دریافت کند، آیا حلال است، یا مقدار اضافی جایز نمی‌باشد؟

جواب: از قوانین و مقررات نظام اسلامی تخلف نکنید.

۳- مغازه‌دار، از تولیدی اجناسی ۲ ماهه و ۴ ماهه به قیمت بیشتر از نقد خریداری می‌کند. ولی در موقع فروش، همان قیمت نسیه که خریده به اضافه سود ۴۰٪ یا بیشتر، از مشتریان نقداً دریافت می‌نماید. این نوع معاملات چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۳

جواب: اشکالی ندارد، ولی اگر حکومت قیمتی برای آن تعیین کرده آن را رعایت کنید.

۴- می‌گویند که معامله به رضایت طرفین می‌باشد. با توجه به این که فروشندگان و مغازه داران قیمت جنس و سود دریافتی را به مشتری نمی‌گویند، آیا هر مقدار سود از مشتریان دریافت کنند جایز است؟

جواب: از جواب‌های قبل روشن شد.

۵- با توجه به مسائل فوق، این جانب برای تأمین مخارج زندگی‌ام در همین نوع فروشگاهها و مغازه‌ها مشغول بکار شده، و ماهیانه

مبلغی به عنوان حقوق دریافت می‌نمایم. با توجه به مراتب فوق، حقوق من حلال است؟
جواب: هرگاه کارهایی که انجام می‌دهید مشروع باشد، حقوق دریافتی شما اشکال ندارد.

معامله سلف

سؤال ۵۱۸- در کتابهای تحریر الوسيله، منهاج الصالحين، و مانند آن، معامله سلف به این صورت تعریف شده است: «ابتیاع کلی مؤجل بضمن حال» در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود:

الف) اگر در معامله‌ای مبیع شخصی باشد نه کلی، و ثمن کلی در ذمه باشد، و زمان تحویل هر دو (مبیع و ثمن) یک ماه بعد باشد. آیا چنین معامله‌ای از جهت شرعی درست است؟ لازم به ذکر است که این نوع معامله در بازار زیاد اتفاق می‌افتد.

جواب: منظور از معامله شخصی این است که جنس الان موجود، و توانایی بر تسلیم آن داشته باشد. در این صورت، اگر به خاطر پرداخت قیمت جنس را نگه دارد اشکال ندارد. و بهتر آن است که در این گونه موارد قبلاً مقداری از ثمن به عنوان بیعانه داده شود. ب) در تعریف مذکور، عبارت «ابتیاع کلی» آمده، که ظاهراً منظور از کلی «کلی فی الذمه» می‌باشد، آیا «کلی فی المعین» در اینجا حکم «کلی فی الذمه» را دارد، یا حکم شخصی؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۴

جواب: کلی در معین حکم عین شخصی را دارد.

سؤال ۵۱۹- شخصی یک واحد آپارتمانی را در طبقه سوم مجموعه‌ای که هنوز ساخته نشده، اما نقشه آن طرح‌ریزی شده، به دیگری واگذار می‌کند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا این معامله صحیح است؟

جواب: در صورتی که نقشه و مصالح و سایر مشخصات تعیین گردد، مانعی ندارد. و بدون آن جایز نیست.

ب) اگر باطل باشد، آیا می‌توان تحت عنوان عقد، یا قرارداد دیگری که الزام‌آور باشد، این کار را انجام داد؟

جواب: بهترین راه همان است که در بالا گفته شد.

نقد و نسبه

سؤال ۵۲۰- شخصی جنسی را به پول رایج وقت به طور نسبه می‌خرد؛ ولی قیمت آن را بر اثر سهل‌انگاری تا چند سال به تأخیر انداخته، و پرداخت نمی‌کند. اکنون که تقریباً بیست سال از آن معامله می‌گذرد، و ارزش کشور تغییر فاحشی پیدا کرده، می‌خواهد قیمت آن جنس را بپردازد. آیا به قیمت روز معامله حساب کند، یا قیمت روز ادا که تقریباً ده برابر بالا رفته است؟

جواب: باید به قیمت روز بپردازد؛ یعنی ترقی قیمت متوسط اجناس مختلف را در نظر بگیرد، و بدهی خود را بر طبق آن بپردازد.

سؤال ۵۲۱- نظر به این که این تعاونی قصد دارد اقدام به عقد فروش اقساطی با افراد نموده، که طی آن کالایی نقداً خریداری، و به اقساط فروخته شود. آیا این نوع معامله از نظر شرع مقدس اسلام شامل تمام کالاهایی که قابل خرید و فروش هستند (مثل کالاهایی

خانگی، خودرو، زمین، ملک، باغ، اشجار و مانند آن) می‌گردد، یا فقط در مورد مواد اولیه، یا کالاهای خاصی صدق می‌کند؟

جواب: تفاوتی در میان کالاها در مسأله فروش اقساطی به طرز فوق نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۵

خيارات:

۱- خیار شرط

سؤال ۵۲۲- شخصی با دیگری درگیر شده، و طرف مقابل را به قتل می‌رساند. در سال ۱۳۵۸ دیه قتل هیجده هزار پول افغانی تعیین می‌شود. ولی چون قاتل پول نقد نداشته، زمین خود را به بیع جائزی (جائز الفسخ) فروخت، که هر زمان پول مذکور را ادا کرد، زمینش را تحویل بگیرد. آیا قاتل حق دارد پول را تحویل داده، زمین خود را بازپس بگیرد؟

جواب: این گونه خیار شرط صحیح نیست. ولی اگر در وقت بیع مغبون بوده، می‌تواند از خیار غبن استفاده کند.

سؤال ۵۲۳- اگر خانه‌ای به صورت نسبه معامله گردد، و در ضمن عقد شرط شود که چنانچه خریدار از پرداخت ثمن در موعد مقرر خودداری نماید، فروشنده حق فسخ معامله را دارد. ولی مدت استفاده از این خیار مشخص نشده باشد. با توجه به ضرورت تعیین مدت خیار شرط در عقد، آیا چنین معامله‌ای شرعاً صحیح است؟

جواب: این معامله و این شرط اشکالی ندارد، و استفاده از حق مزبور در حدود عرف و عادت محل است. در ضمن باید توجه داشت که فاسد بودن شرط، سبب فساد عقد نمی‌شود.

سؤال ۵۲۴- معمول است که در برخی قراردادها- از جهت محکم کاری- مبلغی به عنوان وجه التزام از سوی متعاقدین پیش‌بینی می‌گردد. تا چنانچه متعهد از انجام تعهد استنکاف ورزید، یا تعهد را با تأخیر به انجام رسانید، مبلغ مزبور را به متعهد له پردازد. مثلاً در قرارداد بیع، شرط می‌گردد که چنانچه با بایع نسبت به انتقال رسمی مبیع اقدامی نمود، می‌بایست یک میلیون تومان به مشتری پردازد. یا در قرار داد ساخت آپارتمان توافق می‌شود که چنانچه پیمانکار در موعد مقرر آپارتمان را تحویل نداد، باید به‌ایزای هر ماه تأخیر یک صد هزار تومان به کار فرما پردازد.

یعنی در واقع طرفین از قبل، خسارت و میزان آن را مفروض و پیش‌بینی می‌نمایند. در حالی که ممکن است خسارت واقعی، کمتر یا بیشتر از مبلغ مذکور باشد، یا حقیقتاً خسارتی وارد نشده باشد. با عنایت به این که طبق مواد ۱۰ و ۲۳۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۶

قانون مدنی ایران اشترای چنین امری تجویز شده، لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) مشروعیت آن چگونه است؟

جواب: مشروعیت آن از دو طریق امکان‌پذیر است؛ نخست این که تخلفات باعث حق فسخ می‌شود، ولی خیار فسخ مشروط به پرداختن فلان مقدار به عنوان خسارت شده باشد. دوم این که معامله فسخ نشود، و با تأخیر انجام شود، و خسارت پیش‌بینی شده به عنوان شرط ضمن عقد ذکر شده باشد. در هر دو صورت گرفتن آن مبلغ جایز است.

ب) بر فرض مشروعیت شرط، اگر انتخاب انجام تعهد، یا پرداخت وجه التزام به متعهد تفویض گردد. یعنی توافق شده باشد که متعهد به تشخیص خود یا تعهد را به انجام رسانیده، یا به جای آن وجه التزام را پردازد. آیا این امر باعث مردد شدن موضوع معامله، و در نتیجه ابطال عقد نخواهد شد؟

جواب: این امر باعث تردید در معامله نمی‌شود، بلکه مفهومش این است که اگر معامله را فسخ کرد، باید در مقابل این حق فسخ، فلان مبلغ را پردازد.

ج) اگر متعهد ضمن عقد توافق نماید که چنانچه عدم انجام تعهد، یا تأخیر در اجرای آن، حتی منتسب به شخص ثالثی باشد، باز هم وجه التزام را شخصاً پردازد (یعنی به طور مطلق ضامن شود) حکم مسأله چیست؟

جواب: در دو فرض بالا تفاوتی بین سبب تأخیر و خسارت نیست.

د) اگر ضمن عقد شرط شود که در صورت امتناع متعهد از انجام تعهد، وی ملتزم باشد که هم تعهد را انجام دهد و هم وجه التزام

را بپردازد، چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که شرط مربوط به تأخیر بوده باشد، اشکالی ندارد.

ه) اگر به واسطه اوضاع و احوال زمان اجرای عقد، انجام تعهد متعذر گردد. یعنی اجرای آن برای متعهد غیر ممکن نبوده، ولی طاقت فرسا باشد. آیا باز هم در مقابل عدم اجرا، یا تأخیر در اجرای تعهد، وجه التزام باید پرداخت گردد؟ آیا در این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۷

صورت، حاکم حق تعدیل وجه التزام را دارد؟

جواب: اگر شرط مطلق بوده، و مطابق فهم عرف شامل چنین صورتی هم می‌شده، باید مطابق آن عمل گردد.

سؤال ۵۲۵- چنانچه معامله‌ای انجام شود، و مشتری در موعد مقرر ثمن معامله، یا قسمتی از آن را پرداخت نکند، و مثن را نیز به دیگری بفروشد، آیا بایع اول می‌تواند معامله را فسخ و مثن را از دست مشتری دوم، یا مشتریهای بعد از او بگیرد؟ اگر مشتری در معامله اول به بایع چک داده باشد، و چک در موعد مقرر پاس نشود، تفاوتی در حکم مسأله ایجاد می‌کند؟
جواب: در صورتی که شرط کرده که در فلان موعد بپردازد، و مشتری تخلف از شرط کرده، فروشنده خیار تخلف از شرط دارد. و اگر عین مال به دیگری منتقل شده، باید مشتری متخلف مثل، یا قیمت آن را، به بایع بازگرداند.

۲- خیار عیب

سؤال ۵۲۶- شش دانگ یک خانه مسکونی را با مشارکت همسرم بالمناصفه خریداری نمودیم. در بررسیهای اولیه هنگام معامله، هیچ گونه عیب اساسی از ظواهر خانه مشهود نبود. پس از بیست سال، به علت مرور زمان و استهلاک بنا، تصمیم تعمیرات رو بنایی، از قبیل سفید کاری مجدد گرفتیم. برای این کار تمام گچ کارهای اولیه را تخریب، و دیوارها و سقف خانه را به اصطلاح به آجر رساندیم.

وقتی آجرها نمایان شد، معلوم گردید که یک ضلع خانه به طول تقریباً ۱۷ متر پایه ندارد! بدین معنا که پایه از سطح زمین تا سقف زیرزمین آجر چینی شده، و ادامه آن متوقف گردیده، و از نقطه توقف تا زیر سقف به ارتفاع ۳/۵ متر بدون پایه مانده، و سر تیر آهنهای سقف روی پایه منزل همسایه قرار داده شده است! و فروشنده خانه، که خود سازنده آن بوده، از نقص پنهان بنا آگاهی داشته است. با توجه به این مطلب، آیا فروشنده شرعاً ملزم بوده که عیب و نقص بنا را به خریداران اعلان نماید؟
چنانچه پاسخ مثبت است، آیا وی مدیون ما می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۸

جواب: هرگاه از نظر اهل خبره محل، این عیب محسوب شود، و در برابر آن قیمتی قائل باشند، خریداران می‌توانند ما به التفاوت را بگیرند.

سؤال ۵۲۷- شخصی خانه‌ای را به دیگری می‌فروشد. مشتری پس از معامله متوجه می‌شود که منزل مذکور (مثلاً به علت عبور سیم فشار قوی برق) در طرح خرابی قرار دارد. طبق متعارف خسارت چنین خانه‌هایی مطابق قیمت کارشناسی توسط صاحب خانه پرداخت می‌شود. با توجه به این مطلب چنانچه ارزش خانه پایین‌تر از قیمت مورد معامله باشد، آیا معیوب محسوب می‌شود؟ اگر تفاوت قیمتی وجود نداشته باشد، با توجه به این که ممکن است برای صاحب خانه قدری دوندگی داشته باشد، آیا این امر عیب محسوب می‌شود؟

جواب: به هر حال این، جزء عیوب است.

سؤال ۵۲۸- اگر در مبیعه نامه‌ای طرفین کافه خیار را اسقاط نمایند، آیا خریدار می‌تواند به ادعای معیوب بودن مبیع، مطالبه

ارش نماید؟ به عبارت دیگر، آیا با اسقاط کافهٔ خيارات، علاوه بر سقوط خيار عیب، مطالبهٔ ارش نیز ساقط می‌شود؟
جواب: آری مطالبهٔ ارش نیز ساقط می‌شود.

سؤال ۵۲۹- دو نفر وسیلهٔ نقلیه (از قبیل اتومبیل، یا موتورسیکلت و مانند آن) معامله می‌کنند. فروشنده هرگونه ایراد و اشکال قانونی و شرعی در مورد مبیع را بر عهده می‌گیرد. بعداً مشخص می‌شود که شمارهٔ موتورسیکلت مورد معامله دستکوب است، و مأمورین آگاهی چنین موتورهایی را توقیف می‌کنند. مشتری از طریق قانون تقاضای استرداد ثمن مورد معامله را می‌کند، زیرا احتمال مسروقه بودن آن می‌رود.

لازم به ذکر است که هیچ‌گونه مالک معارضی در خصوص موتورسیکلت وجود ندارد، و مدعی مالکیت غیر مطرح نیست. با عنایت به این که ید در اینجا حاکم است، صرفاً دستکوب بودن وسیلهٔ مورد معامله موجب فسخ معامله، یا فضولی بودن معامله می‌شود یا خیر؟

جواب: خریدار در فرض مسأله حق فسخ معامله را دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۸۹

۳- خيار غبن

سؤال ۵۳۰- برخی افراد ملکی را می‌فروشند، و بر اساس مبایعه‌نامه متعهد می‌شوند که در موعد مقرر نسبت به انتقال رسمی ملک اقدام نمایند. و از زمان عقد مبایعه‌نامه تا زمان انتقال رسمی، طی چند قسط بخشی از ثمن معامله را در فاصلهٔ چند ماه به اراده و اختیار خود دریافت می‌نمایند. از طرفی خریدار پس از تحویل ملک نسبت به تغییر کاربری، تسطیح، قواره‌بندی و امثال آن اقدام می‌نماید. پس از فرا رسیدن موعد مقرر جهت انتقال رسمی، فروشنده مدعی «غبن» شده، و از انتقال رسمی استنکاف می‌ورزد. هرگاه عقد قرار داد مبایعه متعاقب برگزاری مزایده، و انجام کارشناسی رسمی بوده باشد، و ثمن معامله نیز بالاتر از قیمت مزایده و قیمت کارشناسی توافق شده باشد، آیا ادعای غبن از سوی فروشنده مسموع است؟

جواب: چنانچه این معامله در مزایده صورت گرفته، و مفهوم مزایده در عرف توجه به غبن و اسقاط آن است، فروشنده حق ادعای خيار غبن ندارد؛ ولی اگر معامله خارج از مزایده صورت گرفته باشد، و فروشنده بتواند اثبات کند که در زمان معامله مغبون بوده، خيار غبن دارد. و اگر نتواند اثبات کند، ادعای او پذیرفته نیست.

سؤال ۵۳۱- اگر کسی بدون اطلاع از نرخ روز، سهم الارث خود را به مبلغ پنجاه هزار تومان به برادرانش بفروشد، در حالی که سهم نامبرده بیش از ۵ میلیون تومان ارزش داشته است. چنین معامله‌ای چه حکمی دارد؟ ضمناً خریداران مذکور، برخی از علما و دیگران را شاهد گرفته، و خيارات را ساقط کرده‌اند. آیا این معامله صحیح است؟

جواب: هرگاه ثابت شود سهم او، در آن زمان چنین قیمتی داشته و او بی‌خبر بوده، اسقاط خيارات شامل آن نمی‌شده، و می‌تواند معامله را فسخ کند.

بیع فضولی

سؤال ۵۳۲- چند نفر به صورت مشترک مالک زمین دیمی هستند. دو نفر از شرکا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۰

سهم خود را به صورت مفروز با تعیین حدود آن به فردی فروخته‌اند. مورد معامله از قسمت مرغوب و بیشترین بخش ملک مورد معامله است. شریک دیگر نسبت به این معامله معترض است. آیا چنین معامله‌ای، که حقوق سایر شرکاء در آن لحاظ نشده، صحیح

است؟

جواب: معامله ملک مشاع تنها به صورت مشاع جایز است. و اگر بدون توافق با سایر شرکاء مفروز کرده باشند، معامله باطل است، مگر این که آنها رضایت دهند.

سؤال ۵۳۳- شخصی به دیگری و کالت داده که منزلش را بفروشد. و کیل خانه را فروخته، و بدون اطلاع مالک برای مشتری خیار فسخ قرار داده، و آن خیار موجب ضرر و زیان بایع گردیده است؟ آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟
جواب: در فرض سؤال، قرار دادن خیار فسخ فضولی، و منوط به اذن بایع است؛ ولی اگر بایع اجازه نداد مشتری حق فسخ دارد.

فروش اعتبار

سؤال ۵۳۴- اگر کسی با تلاش و کوشش و عرضه کالای خوب بتواند شهرت و اعتباری کسب کند، و پس از کسب اعتبار اجناس خود را به سهولت به فروش برساند. آیا می‌تواند این اعتبار را به دیگری بفروشد؟ پاسخ مسأله را در دو فرض ذیل بفرمایید:
الف) قسمتی از سرمایه خود را به دیگری واگذار کند، منتها به خاطر اعتبارش در خارج به بیش از قیمت متعارف بفروشد.
ب) فقط اعتبار خود را بفروشد، یعنی به دیگری اجازه دهد که کالای خود را با اسم و عنوان فروشنده بفروشد، و به خاطر این اجازه مبلغی از وی دریافت کند.

جواب الف و ب: هر دو صورت جایز است.

سؤال ۵۳۵- فردی مغازه‌ای دارد که در آمد قابل توجهی ندارد، لذا مغازه را به دیگری اجاره می‌دهد. مستأجر با تلاش و کوشش و صرف هزینه و احیاناً تغییر استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۱

کسب، به مغازه رونق داده، و اعتباری برای مغازه تحصیل می‌نماید. آیا مستأجر می‌تواند پس از اتمام مدت اجاره، ثمره کار و تلاش خود را به رایگان به موجر نهد، و با توجه به رونق حاصله، از صاحب مغازه مبلغی تقاضا کند؟
جواب: اگر از اول در عقد اجاره چنین شرطی کرده باشند جایز است؛ در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۵۳۶- آیا حق کسب و پیشه که این روزها مطرح است، و دادگاهها مالکین را ملزم به پرداخت وجهی تحت این عنوان به مستأجرین می‌کنند، مشروعیت دارد؟
جواب: دلیلی بر مشروعیت آن نداریم؛ هر چند بهتر آن است که طرفین با هم مصالحه کنند.

اوراق بهادار

سؤال ۵۳۷- امروزه علاوه بر سهام، اوراق بهادار دیگری در اغلب بورسهای بین المللی دنیا معامله می‌شود. انگیزه اصلی ایجاد سایر اوراق توسط مهندسان مالی را می‌توان ایجاد تنوع در فرصتهای سرمایه‌گذاری، و جدائیت این نوع سرمایه‌گذاریها، که فواید ارزنده‌ای را برای جامعه به ارمغان می‌آورد، دانست.

یکی از انواع این اوراق، «اختیار معامله» است. که به «اختیار معامله خرید» و «اختیار معامله فروش» تقسیم می‌شود. غالباً همه سرمایه‌گذاریها با عامل «ریسک» یا «مخاطره» همراه می‌باشد، که طبقات گوناگونی دارد. اما مخاطره‌ای که سرمایه‌گذار در اوراق بهادار با آن رو به رو است، عدم ثبات قیمت (افزایش، یا کاهش نامطلوب قیمت اوراق) است. برای جبران این خطر همانند قرار داد بیمه، (که شخص برای فرار از خطر حادثه و تصادف، خودروی خود را بیمه می‌نماید، و با پرداخت مبلغی به عنوان حق بیمه ریسک ضرر احتمالی ناشی از حادثه رانندگی را در آینده نامعلوم به بیمه‌گر منتقل می‌نماید.) با انعقاد قراردادی به نام اختیار معامله، و با

پرداخت مبلغی به عنوان «حق شرط» خود را در مقابل آن، بیمه می‌نماید. بر طبق این قرار داد، اگر قیمت سهام در سر رسید دو ماه دیگر مثلاً ۹۰۰

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۲

تومان شود. شرکت این سهام را از زید ۱۰۰۰ تومان می‌خرد، اما همانند بیمه، که فرد بیمه‌گذار مبلغی را به عنوان حق بیمه پرداخت می‌کند، در این حالت نیز مبلغی به عنوان حق شرط در هنگام خرید این قرار داد از زید اخذ می‌شود. در یک حالت ممکن است قیمت سهام در دو ماه آینده افزایش یابد و به ۱۱۰۰ تومان برسد، در این حالت و بر اساس این قرارداد هیچ ضرورتی ندارد که زید حتماً سهام خود را به قیمت ۱۰۰۰ تومان به شرکت بفروشد، بلکه می‌تواند آن را در بازار به قیمت ۱۱۰۰ تومان بفروشد، اما حق شرط را قبلاً پرداخت کرده است، همانند بیمه که یک سال پس از گذشت قرارداد بیمه اگر تصادفی هم اتفاق نیفتد، فرد حق بیمه را پرداخت کرده است. این قراردادها در بورس اوراق بهادار معامله می‌شود، و در دسترس همه مردم قرار دارد، و مردم می‌توانند در هر زمان آن را خریداری نموده، یا آن را بفروشند.

نوع دیگری از قراردادهایی که معمولاً در بورس اوراق بهادار بین المللی رایج است «قراردادهای آتی» است. قراردادهای آتی عبارتند از اسنادی که به موجب آن طرفین متعهد می‌شوند بر طبق توافقات مندرج در این اسناد در زمان مشخص شده، به طور معمول تسلیم و تأدیهای صورت گیرد. به عبارت دیگر، این قراردادها نوعی بیع است که با بیع و مشتری متعهد می‌شوند که فروشنده متاعی را در زمان آینده بپردازد.

نوع دیگری از اوراق بهاداری که غالباً در بورس‌های بین المللی خرید و فروش می‌شود «اوراق قرضه» است، که بر اساس آن مثلاً دولت، شهرداری، یا شرکت‌ها برای تأمین وجوه مورد نیاز خود اقدام به انتشار آنها می‌نمایند. در این نوع سرمایه‌گذاری سود حاصل از خرید این اوراق از پیش تعیین می‌شود (مثلاً ۱۷ درصد) که در موعد مشخص، مثلاً سه ماهه، به خریدار اوراق تسلیم می‌گردد، و در سر رسید آن نیز اصل مبلغ به سرمایه‌گذار بازگردانده می‌شود.

با عنایت به موارد مطروحه مذکور، حکم شرعی در خرید و فروش هر یک از این اوراق بورس‌های بین المللی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۳

جواب: قرارداد نوع اول که شباهت با بیمه دارد، در صورتی که زمان و مبلغ و طرفین معامله مشخص باشند اشکالی ندارد. قرار دارد نوع دوم (یعنی خرید و فروش آتی) که نه جنس موجود است و نه قیمت پرداخت می‌شود باطل است. قرارداد نوع سوم (اوراق قرضه) در صورتی صحیح است که تحت عنوان مضاربه درآید؛ یعنی روی آن سرمایه کاری انجام گیرد، و سود حاصل شده بیش از سود پرداختی باشد.

مالکیت زمانی

سؤال ۵۳۸- منزلی در مشهد مقدس برای مدت زمان محدودی از سال، مثلاً یک ماه یا یک فصل از سال، فروخته می‌شود. مثلاً به ۴ نفر، بدین ترتیب واگذار می‌گردد، که فصل بهار برای (الف)، فصل تابستان برای (ب)، فصل پاییز برای (ج) و فصل زمستان برای (د) باشد، و همه ساله این افراد در همان مقاطع زمانی مالک منزل باشند. لازم به ذکر است که اینجا بحث شراکت مشاعی، همراه با مصالحه بین افراد، برای تقسیم زمانها نیست. بلکه مالکیت زمانی است. حال با فرض مذکور به این سؤالات پاسخ فرمایید:

الف) آیا چنین بیعی با توجه به عمومات و اطلاقات، از جمله: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»،

«الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»

، «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ»، «تِلْكَ جَزَاءُ عَنْ تِلْكَ» صحیح است؟

ب) آیا تداوم مالکیت در همه فصلها و همه زمانها، جزء مقتضای عقد بیع است؟

ج) آیا می‌توان گفت این عقد چنانچه بر بنای عقلا (بما هم عقلا) استوار باشد، امضای نوعی شارع مقدس برای همه زمانها، برای حلیت آن وجود دارد؟

د) چنانچه جواب سؤالات (الف و ج) مثبت است، پس محدودیت تسلط مالک بر مالش چگونه توجیه می‌شود؟ توضیح این که چون حق غیر در فصلهای دیگر سال بر آن مال تعلق گرفته، و این مقتضای محدودیت تصرف است، قاعده «الناس مسلطون علی اموالهم» چگونه توجیه می‌شود؟

جواب: هرگاه چنین معامله‌ای در منطقه‌ای رایج شود، و جزء عقود عقلائی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۴

گردد، صحت آن را می‌توان با ادله‌ای که اشاره کرده‌اید اثبات کرد، و محدود بودن مالکیت از نظر زمان مشکلی ایجاد نمی‌کند.

پورسانت

سؤال ۵۳۹- با توجه به این که در بعضی از مشاغل، خریداران آنها به سازمانها، نهادهای دولتی، تعاونی‌های غیر خصوصی محدود می‌گردد، و اینان ناچار از ارتباط با خریداران غیر خصوصی می‌باشند (مانند خرید ماشین‌های اداری، یا ابزار آلات سنگین و مانند آن) و با توجه به این که بعضاً مسئولین خرید، از طرف قرارداد شرکتهای دولتی تقاضای پورسانت می‌کنند، به طوری که اگر ماشینی ۲۰ میلیون تومان قیمت دارد، آنها می‌گویند شما فاکتور ۲۱ میلیون تومان صادر کنید تا ما مبلغ ۲۱ میلیون تومان از طریق شرکت دولتی به شما پردازیم و دستگاه را ببریم و بعداً یک میلیون را به طور پنهانی دریافت کنیم. ما با علم به حرمت و بطلان چنین معامله‌ای از آن پرهیز می‌کنیم، ولی نتیجه آن بی‌رونقی و عدم کسب، حتی به قدر نیاز اولیه، می‌باشد. سؤال اینجاست که در این ماشین ۲۰ میلیون تومانی، به طور معمول یک میلیون تومان سود می‌بریم؛ حال اگر ما از سود خود گذشت کنیم، و قسمتی از آن را (مثلاً ۵۰۰ هزار تومان) به مأموران خرید پردازیم، تا عوض پورسانت آنها را راضی کنیم، آیا جایز می‌باشد؟

جواب: صورت اول مسأله مسلماً جایز نیست، اما صورت دوم که چیزی از سود خودتان را به طرف می‌دهید، اشکالی ندارد.

قاچاق کالا

سؤال ۵۴۰- با عنایت به این که در مناطق مرزی اجناس و کالاهای ضروری مردم، از قبیل نفت، بنزین، آرد و مانند آن، خارج از سیستم دولتی، و بدون مجوز قانونی، و به صورت قاچاق مورد معامله واقع، و از مرز به خارج از کشور منتقل می‌شود، و متأسفانه خشکسالی، مشکلات اشتغال و معیشت مردم نیز سبب شده که این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۵

موضوع به صورت فراگیر انجام پذیرد. علاوه بر این که بعضاً با واسطه، یا بی‌واسطه این کار توسط بعضی از محترمین و معتمدین و همچنین مسئولین منطقه انجام می‌پذیرد، و این امر سبب تنگنهایی برای عامه مردم شده است، به گونه‌ای که مجبور هستند اجناس مورد نیاز را به قیمت گزاف تهیه نمایند، لذا مستدعی است حکم شرعی سؤالات زیر را بیان فرمایید:

۱- خرید و فروش ارزاق و کالاهای ضروری به منظور قاچاق آنها چه حکمی دارد؟

۲- آیا صرف تعمیم موضوع، و اطلاع داشتن، و حتی دخیل بودن بعضی از مسئولین و موثقین منطقه، می‌تواند مجوز شرعی محسوب شود؟

۳- آیا در معاشرت‌های خانوادگی می‌توان از امکانات افرادی که کُل، یا قسمتی از درآمد آنها از طریق معاملات فوق تأمین

می‌شود، استفاده کرد؟

۴- چنانچه وجهی از این طریق جمع‌آوری شده باشد (که از مشکل شرعی آن بی‌اطلاع بوده‌ایم)، چگونه می‌توان آن را هزینه نمود؟ جواب ۱ تا ۴: اقدام به هرگونه قاچاق از نظر شرعی اشکال دارد، و تعمیم آن دلیل بر جواز نیست. بنابراین از جوهی که از این طریق بدست می‌آید باید پرهیز کرد.

سؤالات متفرقه بیع

سؤال ۵۴۱- طبق قاعده «تلف المبیع قبل قبضه من مال بايعه» اگر مبیع قبل از قبض تلف شود، ثمن به مشتری بازمی‌گردد. برخی از حقوقدانان معتقدند این قاعده بر خلاف اصل است. لطفاً بفرمایید اصل مذکور چیست؟

جواب: اصل آن است که بعد از اتمام معامله، مبیع منتقل به ملک مشتری می‌شود، و اگر بایع در حفظ آن کوتاهی نکرده باشد، به عنوان امانت‌دار، مسئول تلف آن نیست، و تلف از ملک مالک (یعنی مشتری) واقع خواهد شد. ولی شارع مقدس در اینجا اصل را شکسته، و بایع را ضامن شمرده است.

سؤال ۵۴۲- بذری به عنوان بذر شبدر خریده‌ام، ولی تماماً بذر علف درآمده است،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۶

آیا فروشنده ضامن تمام هزینه کشت و بذر می‌باشد، یا فقط به همان مقدار بذر، یا قیمت آن بدهکار است؟ در صورت اخیر، قیمت روز معامله، یا قیمت فعلی را باید پردازد؟

جواب: اولاً اگر معامله به صورت شخصی انجام شده باطل است، و باید پول آن را پردازد. و اگر فاصله زمانی و توڑم زیاد بوده، به قیمت روز باید پردازد. و اگر معامله به صورت کلی انجام شده، یعنی فلان مقدار تخم شبدر را فروخته، باید تخم شبدر را تحویل دهد. ثانیاً هرگونه خسارتی را که از این ناحیه متوجه کشاورز شده باید جبران کند، و یا با هم مصالحه کنند.

سؤال ۵۴۳- شخصی خانه‌اش را به قیمت معین می‌فروشد، سپس بایع و مشتری با تراضی معامله را فسخ می‌کنند. ولی در ضمن فسخ شرط می‌نمایند که اگر ثمن معامله، که باید طی چکی از بانک وصول گردد، وصول نشود معامله اولیّه بقوت خود است.

۱- آیا فسخ با شرط مذکور، صحیح است؟

۲- در صورت صحت، اگر چک وصول نشود، آیا فسخ بی‌اثر بوده، و عقد اول به حال سابق برمی‌گردد؟ یا فسخ صحیح، ولی شرط باطل است؟

۳- در صورت بطلان شرط و عدم وصول چک، بایع باید ثمن را مسترد نماید، یا این که مشتری باید از طریق چک طبق قانون اقدام نماید؟

جواب ۱ تا ۳: فسخ مشروط به شرط فوق مانعی ندارد، و اگر شرط حاصل نشد صاحب جنس می‌تواند جنس خود را پس بگیرد.

سؤال ۵۴۴- آیا می‌توان تملیک مورد معامله (مبیع) را به مدت زمانی (مثلاً دو ماه یا بیشتر) پس از زمان عقد موکول نمود، یا به محض انعقاد عقد تملیک مورد معامله نیز صورت می‌گیرد؟

جواب: تملیک را نمی‌شود موکول به بعد کرد؛ ولی تحویل را می‌توان مدتی بعد (مثلاً دو یا چند ماه بعد) انجام داد.

سؤال ۵۴۵- این جانب مقداری خرما به شرط تحویل در دفتر شرکت فروخته‌ام.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۷

مشتری آن را از ایران خارج کرده، و بعد از گذشتن چند ماه ادعا دارد که خرما از اول فاسد بوده، آیا این ادعا قابل قبول است؟

جواب: هرگاه فروشنده منکر وجود عیب در موقع فروش باشد، و خریدار دلیلی بر سخن خود نداشته باشد، قول فروشنده پذیرفته

می‌شود. اما خریدار حق دارد از او بخواهد نزد حاکم شرع قسم یاد کند.

سؤال ۵۴۶- در معامله ساختمانی نسبت به کابینت شرط خاصی نشده است. بعد از تحویل و تحویل ساختمان و بهای آن، نزاعی بین فروشنده و خریدار مبنی بر این که کابینت جزء ساختمان بوده یا نبوده، در گرفته است. حکم نهایی را ارجاع به عرف داده‌اند، و بعد از مراجعه به عرف با حضور شهود، حکم به بردن کابینت کرده‌اند.

اکنون خریدار می‌گوید: با مراجعه مجدد به عرف و نیز حکم شرعی، کابینت جزء لازم خانه است در حالی که در هر معامله‌ای که می‌شود کابینت و امثال آن، مثل آبگرمکن، کولر، پرده کرکره و مانند آن شرط می‌شود. از محضر حضرت تعالی تقاضا داریم نسبت به این مسأله حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: کابینت معمولاً روی منزل است؛ مگر آن که صریحاً خلاف آن را شرط کنند. بنابراین، فروشنده در صورتی که شرط خاصی نکرده، نباید کابینت را ببرد.

سؤال ۵۴۷- شرکت تعاونی تهیّه و توزیع خوار بار و لبتیات ملایر، در تاریخ‌های ۸۰/۶/۴ و ۸۰/۶/۱۳ مقدار کالای فروش آزاد، جهت توزیع در شبکه‌های تحت پوشش خریداری کرد. مقدار زیادی از کالاهای مذکور به فروش رسید، و ما بقی تا تاریخ ۸۰/۷/۱۱ موجود بود. با تغییراتی که در نرخ به وجود آمد، اداره بازرسی و نظارت این شهرستان اعلام نمود که ما به التفاوت افزایش قیمت به این اداره پرداخت گردد. لطفاً بفرمایید مبلغ ما به التفاوت مربوط به صاحب کالا (این شرکت) است، یا باید به اداره مذکور پرداخت گردد؟

جواب: در صورتی که گرفتن ما به التفاوت از ابتدا جزء مقررات آن اداره بوده متعلق به اداره اصلی می‌شود. و اگر چنین چیزی را شرط نکرده بودند، و جزء مقررات نبوده، متعلق به صاحب کالا است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۱۹۹

فصل هفدهم: احکام شرکت

سؤال ۵۴۸- مؤسسه‌سان شرکتی در زمان تأسیس شرکت، و برای ترغیب و تشویق مردم به خرید سهام آن، امتیاز خاصی به شرح زیر برای خریداران سهام در نظر می‌گیرند. «در صورتی که سهامداری مایل به فروش سهم خود باشد، مؤسسه‌سان خرید سهام وی را پس از ۶ ماه از تشکیل شرکت تضمین نموده، و علاوه بر پرداخت ارزش اسمی سهم سالانه، مبلغی معادل ۲۰٪ قیمت سهام به عنوان ارزش افزوده به وی پرداخت خواهند کرد.»

برخی از سهامداران به علت وجود چنین امتیازی، اقدام به خرید سهام شرکت مورد نظر می‌نمایند. با توجه به وجود شبهه شرعی برای برخی از مؤسسه‌سان (تضمین کنندگان ۲۰٪ ارزش افزوده) و خریداران سهام، خواهشمند است نظر مبارکتان را در خصوص پرسش‌های ذیل اعلام فرمایید:

۱- همان‌طور که در بالا آمد، مؤسسه‌سان شرکت، ۲۰٪ مورد نظر را تحت عنوان «ارزش افزوده» مطرح نموده‌اند. با توجه به این که هنگام پرداخت این مبلغ در مورد این موضوع که ۲۰٪ به ارزش سهم افزوده شده، یا نه؟ تحقیق و بررسی صورت نمی‌گیرد، و بر فرض انجام بررسی، نتیجه دیگری عاید می‌شود (بدین معنا که ارزش واقعی سهم کمتر از مجموع مبلغ اسمی سهم و ۲۰٪ مورد نظر می‌باشد)، تعهد مزبور از جهت شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این تعهد اشکالی ندارد، و لازم الوفاست.

۲- حکم شرعی پرداخت یا دریافت ارزش افزوده تضمین شده، بدون این که مبتنی بر معامله خاصی بوده و سود واقعی آن معامله محسوب شود، چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۰

جواب: هرگاه تعهد کرده‌اند آن سهام را به این قیمت خریداری کنند، باید به این تعهد عمل شود.

سؤال ۵۴۹- این جانب برای همسر خود امکانات کار، اعم از خرید چرخ صنعتی و وسائل مورد نیاز، محل کار، برق و غیره فراهم نموده‌ام، آیا در درآمد حاصل از کار خیاطی ایشان شریک هستم؟ آیا ایشان بدون رضایت بنده می‌تواند کار کند؟

جواب: در صورتی که آنها را به ایشان بخشیده‌اید، حقی در درآمد آن ندارید.

و اگر نبخشیده‌اید، باید طبق قرارداد عمل کند، و سهم شما را بپردازد.

سؤال ۵۵۰- دو شخص حقیقی یا حقوقی با سرمایه‌های مختلف، مثلاً ده به یک، می‌خواهند برای مدت معین و با شرایط زیر معاملات تجاری انجام دهند:

۱- سود احتمالی حاصل از معامله پس از انقضای مدت تنصیف شود.

۲- کار با سرمایه و نیز ضرر احتمالی را صاحب سرمایه کمتر متقبل شود.

چنین تجارتی چه حکمی دارد؟

جواب: شرکت مزبور اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۱

فصل هجدهم: احکام صلح

سؤال ۵۵۱- مادرم هم اکنون در سنین کهولت به سر می‌برد، و متأسفانه زمینگیر شده است. وی دارای املاک و مستغلاتی است که آن را در عوض بردن وی به سفر کربلا، و تأمین مخارج زندگی، و مصارف کفن و دفن، به خواهرزاده‌اش بخشیده، و فرزندان را از ارث محروم گردانیده است. و نیز شرط کرده تا زنده است بتواند از عائدات آن استفاده کند. ولی این آقا به بخشی از شرایط عمل نکرده، و تمام مصارف زندگی، و هزینه کفن و دفن را به عهده نمی‌گیرد. لطفاً حکم شرعی را بیان فرمایید.

جواب: هرگاه شخصی که اموال به او مصالحه شده به شرایط مقرر عمل نکند، آن زن می‌تواند مصالحه را فسخ کند. و در صورتی که آن زن از دنیا برود، و آن شخص از پرداختن مخارج لازم طبق قرار داد خودداری کند، ورثه می‌تواند مصالحه را فسخ کنند.

سؤال ۵۵۲- آیا مصالحه کالی به کالی، همانند بیع کالی به کالی، باطل است؟

جواب: اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۳

فصل نوزدهم: احکام اجاره

سؤال ۵۵۳- هرگاه شخصی با دیگری قرار دادی شفاهی به شرح زیر منعقد سازد:

«این تحقیق را انجام بده، ساعتی ۱۵۰ تومان می‌پردازم، و منظور از تحقیق، بازنویسی مطالب، دسته‌بندی، طبقه‌بندی جدید، با تکمیل و اصلاحات می‌باشد.»

طرفین می‌پذیرند که جهت رفع ابهامات، مرتب جلسه بگذارند. محقق پس از چند ماه کار، لیست کاری بیش از هزار ساعت ارائه می‌دهد، در حالی که سفارش دهنده کار مدعی است، کار آن‌طور که او خواسته صورت نگرفته، و قرار داد به صورت کامل اجرا نشده است. لطفاً بفرمایید:

۱- کار فرما چقدر بدهکار است؟

جواب: در صورتی که بر خلاف شرایط تصریح شده در عقد، یا مبنی علیه العقد، عمل شده باشد، اجرة المثل به او تعلق می‌گیرد؛ مشروط بر این که بیش از اجرة المسمی نباشد. ولی اگر در مقدار ساعات اختلاف دارند، اجیر باید با دلیل شرعی، مقدار ساعت را ثابت کند. مگر آن که طبق قرارداد، تعیین مقدار به او واگذار شده باشد.

۲- حقوق معنوی کار در قرارداد ذکر نشده است. آیا نام محقق به عنوان همکار باید همراه با نام صاحب اثر نوشته شود؟

جواب: اگر قراردادی برای نوشتن نام محقق نباشد، و عرف و عادت نیز صاحب اثر را ملزم به این کار نکند (که به صورت شرط مبنی علیه العقد در آید)، نوشتن نام محقق لازم نیست.

سؤال ۵۵۴- شانزده سال پیش یک باب مغازه به شخصی اجاره داده شده، و هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۴

سال پس از انقضای مدّت، اجاره تجدید گشته است. سه سال پیش صاحب ملک فوت کرد. و صاحب فعلی ملک سه نفر می‌باشند، و ۱۳ آن حقّ خود مرحومه می‌باشد.

بعد از فوت مرحومه، وصی و ورثه ایشان اجاره مغازه را تجدید کرده‌اند. ولی در حال حاضر، ورثه در خواست تخلیه مغازه را دارند. مستأجر می‌گوید: «من مغازه را خالی می‌کنم، ولی ممکن است به فرزندانم حقی تعلق بگیرد، که اگر به مالک بیخشم مسئول باشم». لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا این ادّعا صحّت دارد؟

جواب: در صورتی که مستأجر سرفعلی پرداخته حقی ندارد، و پس از پایان مدّت اجاره باید ملک را تخلیه کند. ولی بهتر آن است که نسبت به چیزی که در عرف حق کسب و پیشه شمرده می‌شود با یکدیگر مصالحه کنند.

ب) در صورتی که ایشان حقی داشته باشند و از آن بگذرند، آیا فرزندان می‌توانند ادّعایی کنند؟

جواب: اگر حقی داشته باشد و گذشت کند، فرزندان او نمی‌توانند ادّعایی کنند.

سؤال ۵۵۵- در خصوص موادّ ۱۷۴ و ۱۸۱ قانون دریایی جمهوری اسلامی ایران سؤالاتی مطرح است، لطفاً پاسخ بفرمایید. در ماده ۱۷۴ می‌خوانیم: «به هر نوع کمک و نجات که دارای نتیجه مفیدی باشد، اجرت عادلانه تعلق خواهد گرفت، ولی اگر عمل کمک یا نجات نتیجه مفیدی نداشته باشد، هیچ گونه اجرتی به آن تعلق نخواهد گرفت، و در هیچ مورد مبلغ پرداختی بیش از ارزش نجات یافته نخواهد بود.»

و در ماده ۱۸۱ آمده است: «اشخاصی که جان آنها نجات یافته، ملزم به پرداخت هیچ گونه اجرتی نخواهند بود. نجات دهندگانی که در عملیات کمک یا نجات مربوط به یک حادثه، خدماتی برای نجات اشخاص انجام داده‌اند، مستحق دریافت سهم متناسبی از اجرت پرداختی به نجات دهندگان کشتی و بار و سایر متعلقات آن هستند.»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۵

۱- این دو ماده در قالب چه نوع عقدی از عقود اسلامی می‌گنجد؟ و کدام یک از قواعد فقهیه را در بر می‌گیرد؟

جواب: در مورد ماده اول تنها در موردی می‌توانند مطالبه اجرة المثل کنند که در خواستی از سوی صاحبان کالا، یا صاحبان کشتی، صورت گرفته باشد. یا توافق و قرارداد کلی بین صاحبان کشتی‌ها و نجات غریق وجود داشته باشد. و در فرض درخواست از نجات غریق، می‌تواند اجرة المثل خود را بگیرد؛ هر چند اجرة المثل او بیش از قیمت کالا باشد، و این داخل در عقد اجاره، یا جعاله است. و در مورد ماده دوم، در برابر نجات انسان‌ها اجرتی لازم نیست، چون واجب است. مگر این که دولت گروهی را استخدام کرده باشد که به طور مرتب مراقب این امر باشند، که در این صورت حق دارند حقوقشان را بگیرند، ولی قرار دادن سهمی از اجرة المثل نجات کشتی و کالا- برای نجات دهنده انسانها وجه شرعی ندارد. مگر این که توافق و قرار داد کلی با صاحبان کشتی‌ها و سایر

دست‌اندرکاران صورت گرفته باشد. در مجموع تطبیق این دو ماده بر موازین فقهی مشکلات متعددی دارد.

سؤال ۵۵۶- آیا مالکین مشاع یک باب خانه، که دارای دو طبقه مجزاست، و هر طبقه در تصرف یک شریک می‌باشد، می‌توانند سهم خود را (که در آن زندگی نمی‌کنند)، به غیر شریک خود اجاره دهند؟ اگر یکی از شرکا مانع از اجاره دادن سهم شریک خود شود، ضرر و زیان آن متوجه کیست؟

جواب: هر یک از دو شریک می‌تواند سهم خود را به دیگری اجاره دهد، و شریک دیگر حق ممانعت ندارد، و گرنه ضامن است. مگر این که سبب ضرر و زیانی بر طرف مقابل شود.

سؤال ۵۵۷- مرحوم پدرم مقداری از املاک خویش را به کسی اجاره داده، تا درآمد آن بین وی و مستأجر بالمنصفه تقسیم شود. اکنون که پدرم مرحوم شده ورثه راضی به ادامه قرارداد نیستند. آیا قرارداد با موت مالک فسخ نمی‌شود؟

جواب: قرارداد مربوط به باغ و امثال آن، که مدتی برای آن در نظر گرفته شده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۶

تا پایان مدت معتبر است، و با موت مالک فسخ نمی‌شود، و ورثه باید تا پایان مدت صبر کنند.

سؤال ۵۵۸- آیا در مدت اجاره، مورد اجاره در ید مستأجر امانت محسوب می‌شود؟ در این صورت، آیا می‌توان آن را پس از انقضای مدت اجاره تحت عنوان استرداد امانت مطالبه نمود؟

جواب: در این مدت به منزله امانت است، و بعد از پایان مدت باید به مالک اصلی یا وکیل او بازگردانده شود.

سؤال ۵۵۹- فردی منزلی را به هزار تومان اجاره ماهانه، و یک میلیون تومان قرض الحسنه، رهن و اجاره می‌کند. حال می‌خواهد همین خانه را به شخص ثالثی به مبلغ پنجاه هزار تومان (بدون انجام کار خاصی در منزل، مثل سفید کاری) اجاره دهد. چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط آن است که چیزی در آن منزل اضافه کند، و لو سفید کردن، یا انداختن فرش اضافه، و مانند آن باشد.

سؤال ۵۶۰- این که فرموده‌اید: «فردی که منزلی را اجاره کرده و می‌خواهد به فرد ثالثی به بهای بیشتری اجاره دهد باید کار زائد در منزل انجام دهد» آیا این کار، شامل امور غیر ثابت (مثل نصب چند لامپ، یا گذاردن یخچال، یا فرش، یا تخت خواب، یا تلویزیون و مانند آن) نیز می‌شود؟

جواب: آری شامل آن نیز می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۷

فصل بیستم: احکام مضاربه

سؤال ۵۶۱- متن ماده ۱۷ قراردادهای مضاربه این تعاونی به شرح ذیل می‌باشد:

«پس از انجام قرارداد، یا فسخ آن، در صورتی که در نتیجه محاسبه طبق تشخیص شعبه زیانی متوجه تعاونی شده باشد، عامل ضمن عقد صلح مذکور در ماده این قرار داد، ملتزم و متعهد گردید معادل زیان مزبور را مجاناً از مال خود به تعاونی تملیک نماید، و در صورت تأخیر، علاوه بر التزام به انجام تعهد، روزانه مبلغ یک ریال برای هر سه هزار ریال بر ذمه عامل خواهد بود، و صرف اظهار نظر شعبه در مورد میزان خسارت وارده معتبر بوده، و عامل، ضمن عقد صلح مذکور حق هر گونه ایراد و اعتراض را در این مورد از خود سلب و ساقط نمود.»

با توجه به شرایط شرعی عقد مضاربه، آیا این ماده صحیح و خالی از اشکال می‌باشد؟

جواب: این گونه شرایط در عقد خارج لازم اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶۲- اخیراً این تعاونی با یک مؤسسه تولیدی تجاری قراردادی منعقد نموده، که بر اساس آن مبلغی وام در اختیار مؤسسه مذکور قرار دهد، و مؤسسه فوق نیز با اطمینان از سوددهی سالیانه حد اقل ۴۰٪ حاصل از به کار اندازی طرح تولیدی خود، ۳۰٪ این سود را به تعاونی اعتبار تخصیص می‌دهد. از طرفی تعاونی نیز حساب ویژه‌ای را برای همین منظور افتتاح نموده، و مبلغ مورد نیاز را از سپرده‌گذارانی جمع‌آوری می‌کند که در این حساب ویژه اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند.

بدیهی است برای جذب سپرده نیز این تعاونی از همان ابتدا مسأله را با سپرده‌گذاران خود این گونه مطرح می‌نماید که استفاده از این سپرده‌ها برای تعاونی ۳۰٪

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۸

سود تضمینی در بر داشته که تعاونی ۸٪ آن را به عنوان حق الزحمه بر می‌دارد و ۲۲٪ الباقی را به سپرده‌گذاران پرداخت می‌نماید. با توجه به این که این موضوع به طور قطعی تعیین می‌گردد، آیا اشکالی ندارد؟
جواب: در صورتی که سود آن مؤسسه بیش از این مقدار باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۵۶۳- شرکتی جهت تأمین بودجه مورد نیاز خود نیاز به مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی دارد. این اشخاص جهت همکاری در تأمین مشارکت، تضمین‌هایی معادل پرداخت سود، همانند بانکها و مشارکتهای دولتی را طلب می‌نمایند.

همچنین در خواست دارند که استرداد اصل سرمایه آنها نیز تضمین شود. نظر حضرت عالی در مورد تضمین‌های مذکور چیست؟
جواب: تنها راهی که برای این کار وجود دارد این است که مضاربه را بر اساس سهم منافع قرار دهند، ولی در عقد خارج لازم (معامله دیگری مثلاً خرید و فروش چند جلد کتاب) شرط کنند اگر در آن معامله مضاربه، سود کمتر از بیست درصد یا بیشتر از آن بود، جبران گردد. همچنین در مورد خسارت سرمایه.

سؤال ۵۶۴- چند نفر مقداری پول روی هم می‌گذارند، و به شخص می‌دهند تا با آن کار کند. شخصی که کار می‌کند، هر ماه سود پول را می‌دهد، و سهام داران قرعه می‌کشند، و هر ماه سود پول به یکی از سهام داران داده می‌شود. بعد از این که دوره تمام شد، و به همه سهام داران سود رسید، سهام داران پول خود را پس می‌گیرند.

این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه سود از طریق مضاربه به دست آمده، و با رضایت افراد به این صورت تقسیم شده، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۰۹

فصل بیست و یکم: احکام حجر

سؤال ۵۶۵- درباره رابطه بلوغ و رشد بفرمایید:

الف) آیا بین دو صفت بلوغ و رشد، شرعاً ملازمه‌ای وجود دارد؟

ب) در صورتی که جواب سؤال اول منفی است، آیا سن بلوغ می‌تواند اماره رشد قرار گیرد؟

ج) در صورت جدایی رشد از بلوغ، و لزوم اثبات رشد پس از بلوغ، آیا اثبات رشد تنها در امور مالی لازم است، یا در امور غیر مالی نیز باید رشد ثابت شود؟

د) در صورتی که رشد را در امور مالی لازم بدانید، آیا برای تصرف در تمامی اموال اثبات رشد لازم است، یا لزوم آن در خصوص اموالی است که در اختیار دیگران می‌باشد؟

جواب الف تا د: بلوغ و رشد ملازم یکدیگر نیستند، و غالباً رشد بعد از بلوغ است. رشد مراتبی دارد؛ رشد در امور مالی (گاه در اموال کم رشید است، و گاه در اموال زیاد)، رشد در امر ازدواج، و مانند آن. و تا رشد عقلانی به قدر کافی در هر مرحله نباشد،

تصرفات نافذ نیست؛ نه در شرع، و نه نزد عقلای عرف.

سؤال ۵۶۶- عقب مانده‌های ذهنی، علی رغم سن‌های بالا، از نظر درک و عقل گاه در حدّ کودکان ۱۲ ساله، یا پایین‌ترند. آیا تکلیف شرعی از آنها ساقط است؟

جواب: در صورتی که به اندازه کافی شعور و تمیز داشته باشند که بتوانند عبادات را انجام دهند، مکلف به تکالیف شرعی هستند.

سؤال ۵۶۷- آیا کودکان ناشنوا، به دلیل تأخیر در رشد اجتماعی (به واسطه کمبود گنجینه لغات)، دیرتر از افراد سالم به سنّ تکلیف می‌رسند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۰

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۵۶۸- آیا برای ممیز و غیر ممیز بودن کودکان، سنّ خاصی قائل هستید، یا تشخیص آن، معیار دیگری دارد؟ و آیا برای بچه‌های ممیز، احکام جزایی همانند افراد بالغ اجرا می‌شود. یا نحوه آن فرق دارد؟

جواب: سنّ تمیز سنّ معینی نیست، و افراد در آن متفاوتند؛ معیار آن است که خوب و بد را تشخیص دهند. تمیز نسبت به امور مختلف، متفاوت است، و نسبت به اطفال ممیز، احکام بالغ جاری نمی‌شود؛ بلکه احکام مخصوص به خودشان اجرا می‌گردد.

سؤال ۵۶۹- آیا در بلوغ، سنّ خاصی را معتبر می‌دانید؟ بر فرض اعتبار سنّ خاص، آیا معیار شناسنامه افراد است، یا از طرق دیگر نیز می‌توان آن را احراز کرد؟

جواب: در بلوغ سنّ خاصی معتبر است، و باید از طرق معتبر اثبات شود. البته بلوغ علائم دیگری نیز دارد.

سؤال ۵۷۰- حکم حجر شخصی از طریق دادگاه و گواهی کمیسیون روان پزشکی صادر شده، سپس به این رأی اعتراض می‌شود. محجور بار دیگر به کمیسیون روان پزشکی معرفی شده، و کمیسیون نظر می‌دهد که وی سابقه جنون دارد، اما به واسطه مصرف دارو الان در حال بهبودی است، ولی اگر دارو قطع شود تمکن اداره امور خود را ندارد. از نظر شرع مقدّس اسلام تکلیف چنین شخصی و قیم وی چیست؟ آیا در حال بهبودی به وسیله مصرف دارو احتیاج به قیم دارد، یا می‌تواند در اموال ممنوع خود تصرف کند؟

جواب: چنین کسی در حکم مجنون ادواری است، که در دوره افاقه، احکام عاقل بر او جاری می‌شود.

سؤال ۵۷۱- با توجه به قانون محکومیت‌های مالی، که بدهکار را بدون سقف زمانی معین زندانی نموده، و بدهکار ناتوان و بیچاره هم باید سالهای سال در حبس نگهداری شود، و اکثر طلبکاران با توجه به حمایت قانونی از آنها حاضر به رضایت نیستند، اگر شخصی بر اثر بدهکاری به چند نفر در حبس باشد، و بخاطر یکی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۱

بدهی‌هایش در دادگاه معسر شناخته شود، آیا حکم اعسار نسبت به بدهی‌های دیگر او مؤثر است؟

جواب: هنگامی که حکم اعسار ثابت شود برای تمام دیون کافی است؛ ولی در صورت تعدّد پرونده‌ها و تعدّد قاضی، اعسار برای هر یک از قضات باید ثابت شود.

سؤال ۵۷۲- لطفاً در مورد حجر به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- آیا مالک می‌تواند اموال مازاد بر مقدار مؤونه خود را اتلاف کند، یا در اختیار دیگری قرار دهد، تا وی اتلاف نماید؟

۲- در فرضی که مالک مدیون (محجور و غیر محجور) قصد اضرار به طلبکاران را داشته باشد چطور؟

۳- صحت عقد در اباحه اتلاف به غیر چگونه است؟

۴- علم و جهل مباح له به تمکن یا عدم تمکن مالک مدیون، از پرداخت دیون چه نقشی دارد؟

۵- دائن می‌تواند حق خود را به زور، یا با تقاص بگیرد؟

۶- آیا حکم به عدم جواز اتلاف مال از سوی مالک، با عموم قاعده تسلیط منافاتی ندارد؟

۷- تصرفات محاباتی، تبرعی، و به کمتر از ثمن المثل مدیون، با قصد اضرار و فرار از دین چگونه است؟

۸- مبنای حکم مزبور، قاعده لا ضرر است، یا هدف نامشروع (کیع العنب لیعمل خمراً)؟

۹- آیا مدیون مفلس، پیش از صدور حکم حجر از سوی حاکم، در تصرفات خویش مجاز است؟

۱۰- آیا اقرار مدیون قبل و بعد از صدور حکم حجر، مسموع است؟

۱۱- آیا عدم نفوذ، یا بطلان معاملات به قصد اضرار در معاملات معوض و مجانی، منوط به علم منتقل الیه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۲

۱۲- معاملات صوری مدیون با قصد فرار از دین، و یا اخفای اموال، چه وضعیتی دارد؟

۱۳- آیا معاملات حقیقی معوض و غیر معوض مدیون غیر محجور، با قصد اضرار نافذ است؟

۱۴- منظور از دین مستوعب در مدیون محجور، دیون عاجله است، یا آجله؟

۱۵- درآمد حاصل از کسب و کار محجور بعد از صدور حکم حجر متعلق به چه کسی است؟

جواب ۱ تا آخر: هیچ کس مجاز نیست اموال خود را تلف کند، یا به دیگری اجازه اتلاف بدهد. همچنین معاملات محاباتی، که سبب ضایع شدن حق طلبکاران می‌شود، نیز جایز نیست؛ و حتی صحت معامله در این صورت، مورد اشکال است. معاملات صوری نیز به یقین صحت ندارند. و دین مستوعب شامل دیون حال و آینده هر دو می‌شود. درآمد کسب و کار محجور بعد از صرف نفقات مورد نیاز، به طلبکاران داده می‌شود، بنابر احتیاط واجب.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۳

فصل بیست و دوم: احکام وکالت

سؤال ۵۷۳- نظر مبارک را در خصوص مشروع بودن یا نبودن ماده ۵۵ قانون وکالت، که متن آن به شرح زیر است، مرقوم فرمایید: «وکالی معلق و اشخاص ممنوع الوکاله، و به طور کلی هر شخصی که دارای پروانه وکالت نباشد، از هرگونه تظاهر و مداخله در عمل وکالت ممنوع است. اعم از این که عناوین تدلیس، از قبیل مشاوره حقوقی و غیره اختیار کند، یا این که به وسیله شرکت و سایر عقود، یا عضویت در مؤسسه‌سات، خود را اصیل دعوا قلمداد نماید. و متخلف از یک الی شش ماه به حبس تأدیبی محکوم خواهد شد.»

جواب: حکم مزبور برای کسانی که اجازه وکالت ندارند، ظاهراً جنبه تعزیری دارد. و مقید ساختن وکالت به اجازه، به خاطر عناوین ثانویه است. زیرا آزاد گذاشتن آن در شرایط فعلی، سبب سوء استفاده و مفسد عظیمی می‌شود. بنابر آنچه گفته شد، مشروعیت ماده مزبور بعید به نظر نمی‌رسد.

سؤال ۵۷۴- نظر حضرتعالی راجع به وکالت در دعاوی از طرف موکل نزد محاکم چیست؟

جواب: هر کس می‌تواند برای دفاع از خویشتن وکیل انتخاب کند، که برای اثبات حقش او را یاری دهد.

سؤال ۵۷۵- آیا در وکالت در دعاوی و محاکم، شرایط خاصی معتبر است، یا همانند سایر وکالتها می‌توان با تراضی طرفین اقدام کرد؟

جواب: می‌توان با رضایت طرفین اقدام نمود.

سؤال ۵۷۶- تکلیف محکمه در پذیرفتن وکیل از سوی طرفین دعوا چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۴

جواب: در عصر ما که قوانین پیچیده شده، و بسیاری از مردم آگاهی کافی از آن ندارند تا از خود دفاع کنند، وظیفه محاکم آن است که وکیل طرفین را بپذیرد.

سؤال ۵۷۷- آیا برای پذیرش وکالت شرایط خاصی لازم است؟

جواب: وکیل در صورتی می‌تواند از موکل خود دفاع کند که از محق بودن او آگاه باشد، و هرچه در دفاع از موکل خود می‌گوید به عقیده خودش صحیح و از نظر شرع جایز باشد.

سؤال ۵۷۸- چنانچه موکل حق عزل وکیل را در ضمن عقد خارج لازم به مدت پنجاه سال از خود سلب نماید، آیا چنین عزلی - که معمولاً در ذیل وکالتنامه‌های رسمی قید می‌شود - معتبر و نافذ می‌باشد؟

جواب: موکل نمی‌تواند حق عزل وکیل را از خود سلب کند؛ ولی می‌تواند ضمن عقد خارج لازم شرط کند که عملاً عزل نخواهد کرد، یا توکیل او بلاعزل خواهد بود. و در این صورت، باید به شرط خود عمل کند.

سؤال ۵۷۹- آیا وکلای فرد مریض، پس از بیهوشی موقت وی توسط پزشک، عزل می‌شوند؟

جواب: بیهوشی سبب عزل از وکالت نیست.

سؤال ۵۸۰- مؤسساتی در دنیا تأسیس شده، که واسطه خریدار و فروشنده می‌شوند. آنها به وکالت از خریدار، وجوه اجناس خریداری شده توسط وی را، به فروشنده بنابر توافق با وی می‌پردازند، سپس بنابر شرایطی که ضمن وکالت تعیین شده، آن وجوه را از خریدار دریافت می‌دارند. درآمد این مؤسسات عموماً از محل تخفیفی است که از فروشندگان می‌گیرند، و فروشنده این تخفیف را به خاطر این که مؤسسه وجه خریدار را می‌پردازد به آنها می‌دهد. از نظر حضرت‌تعالی این نوع واسطه‌گری و وکالت مشروع است؟

جواب: این نوع واسطه‌گری اشکالی ندارد؛ ولی اگر به صورت واسطه‌گریهای زنجیره‌ای درآید (مانند شرکت الماس و گلد کوئیست) حرام است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۵

فصل بیست و سوم: احکام دین و قرض

اشاره

سؤال ۵۸۱- پسری بالغ و متأهل، در جمهوری اسلامی ایران، بدون اجازه و رضایت پدر معاملاتی به این صورت انجام می‌دهد، که پول کارگران افغانی کشور ما را به قیمت معینی در مقابل پول رایج افغانستان می‌خریده، ولی قیمت آن را در اینجا نمی‌پرداخته، بلکه به طرفهایی که با آنها قرار داشته، در افغانستان حواله می‌داده است. اکنون طرفهای او ورشکست شده، و فرار کرده‌اند، و پسر نیز ورشکست شده، و فرار کرده است. این پسر هیچ‌گونه اموالی در نزد پدر ندارد، و حتی عائله‌اش را نیز پدر تکفل می‌کند. آیا طلبکاران حق مطالبه از پدر او را دارند؟

جواب: در فرض مسأله، که پسر مستقلاً و بدون اجازه پدر کار می‌کرده، پدر در برابر نتیجه کار او مسئولیتی ندارد.

سؤال ۵۸۲- بدهکار به حساب جاری طلبکار پول واریز کرده، و فیش آن را به طلبکار تحویل داده، ولی طلبکار آن را گم کرده است. طلبکار پس از مدتی جهت گرفتن پول به بانک مراجعه کرده، و بانک واریز شدن چنین پولی را انکار می‌کند، و می‌گوید اگر مدرکی دارید، ارائه دهید! در حالی که طلبکار و بدهکار به همدیگر اعتماد کامل دارند. حکم الهی در این مورد چیست؟

جواب: نظر به این که طلبکار فیش را گم کرده، و راه تحقیق را بر بدهکار بسته، به خود ضرر زده است. ولی چنانچه مسأله را از

طریق خصوصی دنبال کنند، شاید به نتیجه برسند.

سؤال ۵۸۳- میزان در حبس مدیون مدعی اعسار، طریقی است یا موضوعی؟ اگر قاضی مردّد باشد، می‌تواند او را در حبس نگهدارد؟ آیا قاضی می‌تواند تا رفع تردید استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۶ با ضمانت معتبر او را آزاد نماید؟

جواب: در صورت شک قاضی باید او را با وثیقه معتبر آزاد کند. و پس از تحقیق اگر معلوم شد معسر نیست می‌تواند او را به زندان بیندازد.

سؤال ۵۸۴- اگر زوج، زوجه را در منزلی که جزء مستثنیات دین نمی‌باشد طلاق دهد، و پس از آن حاکم او را حجر کند، آیا حقّ سکناى مطلقه رجعیه در این منزل بر حق غرما مقدم است؟
جواب: حقّ غرما مقدم است.

سؤال ۵۸۵- در فرض فوق، اگر طلاق پس از حجر باشد حکم آن چگونه است؟ در نفقه چطور؟
جواب: در این صورت نیز حکم همان است که در بالا گفته شد، ولی در مورد نفقه، اگر نفقه قبل از حجر بوده باشد زوجه جزء غرما محسوب می‌شود، و اگر نفقه روزمره باشد جزء مستثنیات دین است.

سؤال ۵۸۶- درباره تغییرات در ارزش پول، (اعم از کاهش و افزایش) گاه ممکن است در شرایط خاصی نرخ تورّم منفی شود، و بر مالیت پول افزوده گردد. در این صورت، آیا مدیون می‌تواند ما به التفاوت را در پرداخت لحاظ کند، و آن را کسر نماید؟
جواب: اگر تفاوت فاحشی صورت گیرد، می‌تواند کسر کند.

سؤال ۵۸۷- آیا منظور از دین مستوعب، دیون عاجله است، یا اعم از عاجله و آجله؟
جواب: اعم از تمام دیون است.

سؤال ۵۸۸- آیا درآمد حاصل از کار مدیون بعد از صدور حکم حجر، متعلّق به طلب کاران است؟
جواب: آری بعد از حکم حجر متعلّق به طلبکاران است

رَبای قرضی

سؤال ۵۸۹- شخصی مبلغی را با محاسبه سود تقریبی ۷٪ به این جانب پرداخت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۷

نموده، و در قبال آن چک گرفته است. در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرماید:

۱- با توجه به این که آن شخص در قبال وجهی که داده با محاسبه سود آن چک گرفته، و طبق قانون چک به منزله پول نقد و از جمله اسناد لازم الاجراست؛ آیا عمل آن شخص، حتّی اگر در قبال وجهی که پرداخته چک گرفته باشد، ربا محسوب می‌شود؟
جواب: مادام که چک را وصول نکند، ربا نگرفته است.

۲- چنانچه آن شخص در قبال وجهی که داده چک را با محاسبه سود آن گرفته باشد، و در خصوص چک هم اقدام نموده باشد، آیا با توجه به این که وی جهت اخذ سود محاسبه شده اقدام نموده، عمل وی رباخواری است؟

جواب: مادام که وجه را نگیرد، ربا محسوب نمی‌شود، و شرعاً نمی‌توان او را به عنوان رباخوار تعقیب کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۱۹

فصل بیست و چهارم: احکام رهن

سؤال ۵۹۰- شخصی به خاطر رفع احتیاج خانه یا مغازه‌اش را در مقابل مقداری پول گرو می‌گذارد. سپس با توافق همدیگر، رهن عین مرهونه را از صاحب پول کرایه می‌کند، و در نتیجه خانه یا مغازه در تصرف مالک می‌ماند، و ماهانه کرایه‌اش را به رهن می‌دهد. آیا این معامله صحیح است؟

جواب: شخص مرتهن مالک منافع عین مرهونه نیست، و نمی‌تواند آن را اجاره بدهد.

سؤال ۵۹۱- شخصی زمین صیفی کاری را نزد شخص دوم رهن می‌گذارد. طریقه رهن و معامله به این شکل است: «یک قطعه زمین رهن می‌گذارد به مبلغ صد تومان، ولی خود مالک اول، کشت می‌نماید. و سالی ده کیلو برنج از بابت وجه الاجاره به صاحب پول می‌پردازد.» آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟

جواب: این کار حرام است؛ زیرا منافع زمین رهنی متعلق به مالک اصلی می‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲۱

فصل بیست و پنجم: احکام ضامن شدن

سؤال ۵۹۲- شریک این جانب چند ماه قبل به من مراجعه کرد و یک برگ چک به مبلغ معینی ارائه داد، و خواهش کرد که به وسیله یکی از دوستان، آن را به وجه نقد تبدیل کنم. من از دوست دیگرم، که کاسب بازار است، خواهش کردم که این کار را انجام دهد. او چک را گرفت و پول داد. چندی بعد نامبرده به بانک مراجعه کرد، و چون وجهی در حساب مربوطه نبود، چک برگشت خورد. به شریکم مراجعه نموده، و از وی گله کردم، او گفت: «چک را بدهید، تا پول را تأمین کنم» دوستم چک را از روی اعتماد به من داد. من نیز از روی اعتماد و جوانمردی، چک را به شریکم دادم.

قرار شد تا ظهر آن روز پول را بدهد. ولی نه تنها پول را نداد، بلکه وقتی کار به شکایت رسید، گفت: «من پول را دادم، و چک را گرفتم» ولی بعد اقرار کرد که پولی نداده، و دروغ گفته است. شرعاً چه کسی بدهکار این پول است؟

جواب: هرگاه وساطت شما به معنای ضمانت بوده، هم شما مسئولید و هم شریک شما. و اگر مجرد وساطت بوده نه ضمانت، شریک شما ضامن است. و اگر دوست بازاری شما با آن شریک آشنایی نداشته، و به اعتبار شما پول داده، مفهوم اقدام شما ضمانت او است.

سؤال ۵۹۳- شرکتی در تاریخ ۱۱/۱۱/۷۵ نسبت به انعقاد قرارداد فروش اقساطی یک‌ساله با بانک اقدام می‌نماید، و طبق مقررات عملیات بانکی بدون ربا، رعایت مقررات شرعی و عقود اسلامی در اعطای تسهیلات بانکی الزامی بوده است.

بر اساس قرارداد، شرکت می‌بایست الیاف پلی‌پروپیلین خریداری نماید، و در قبال عقد مشارکت و معاملات نقد و نسیه، الیاف مورد نظر را برای تولید به مصرف برساند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲۲

پس از گذشت مدتی مشخص گردید که قرارداد غیر واقعی بوده، و با اخذ یک فقره فاکتور صوری به عنوان خرید الیاف مزبور، از بانک وام دریافت نموده‌اند، و صادر کننده فاکتور نیز صریحاً اعلام نموده که معامله فسخ، و در همان تاریخ مبلغ مربوطه عودت داده شده است، یعنی در حقیقت الیافی در بین نبوده است.

از جناب عالی در خواست دارد نظر خود را در این باره اعلام فرمایید که: آیا ضمانت چنین معامله‌ای که سبب آن تحقق نیافته، پابرجاست؟

جواب: این معامله باطل بوده، و باید وجوه مزبور به بانک بازگردد، و ضمانت اگر در مقابل اصل پول بوده، باید به آن عمل شود. و اگر در برابر سود بوده، با عدم تحقق معامله ضمانت معنایی ندارد، و سودی تعلق نمی‌گیرد.

سؤال ۵۹۴- شخصی با میوه‌فروشی در طی خرید و فروش میوه و تره بار آشنا می‌شود. بعد از مدتی، میوه‌فروش به آن شخص می‌گوید: «تازه ازدواج کرده، و برای دریافت وام ازدواج ضامنی نیاز دارم. و هیچ آشنایی ندارم» شخص اول، که آشنایی کاملی از آن میوه‌فروش نداشته، و صرفاً به خاطر این که دلش برای او سوخته، میوه‌فروش را نزد معلمی، که از آن بانک حقوق می‌گرفته و آشنایی دوری با او داشته، می‌برد. و او را به عنوان برادر خانم خود معرفی کرده، و آن معلم ضامن او می‌شود.

میوه‌فروش وام را گرفته و متأسفانه اقساط آن را پرداخت نمی‌کند. بدین جهت بانک اقساط را از حقوق ضامن برداشته است. اکنون ضامن، از شخصی که میوه‌فروش را معرفی کرده اقساط مذکور را مطالبه می‌کند. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- آیا شخص معرفی در قبال اقساطی که آن جوان پرداخت نکرده، و بانک از حقوق آن معلم برداشته، ضامن است؟

جواب: شخص معرفی ضامن است.

۲- با توجه به این که آقای معلم از میوه‌فروش مدارک کافی برای این که از طریق قانون حق خود را بگیرد دارد، آیا سزاوار است به شخص معرفی، که فقط از روی خامی و بی‌تجربگی این کار را کرده، فشار بیاورد و پول خود را طلب کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲۳

جواب ۲: گاهی افراد بی‌تجربه به خاطر بی‌اطلاعی کار دست خودشان می‌دهند، و این مورد از آن موارد است، و شرعاً مسئول است.

سؤال ۵۹۵- مشتری چکهایی را به بائع می‌پردازد، که صادر کننده آن شخص ثالثی است. در صورت عدم تبدیل چکهها به وجه نقد (به لحاظ عدم موجودی) آیا بائع حق رجوع به مشتری را دارد، یا این که با قبول چک شخص ثالث، ذمه مشتری بریء و ضمانت به ذمه صاحب چک (شخص ثالث) منتقل می‌شود؟ آیا بین موردی که شخص ثالث چک مذکور را بابت بدهی خود به مشتری داده، و جایی که صرفاً به عنوان امانت، یا تضمین، تحویل او داده تفاوتی وجود دارد؟

جواب: چک حواله‌ای بیش نیست، و ذمه خریدار تا چک وصول نشود، مدیون فروشنده است؛ مگر این که فروشنده در حین معامله بپذیرد که ذمه ثالث را به جای ذمه خریدار قبول کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲۵

فصل بیست و ششم: احکام کفالت

سؤال ۵۹۶- فردی متعهد انجام پروژه‌ای می‌شود. «متعهد له» برای تضمین اجرای آن، از «متعهد» کفیلی می‌خواهد؛ «متعهد» به بانک مراجعه نموده، تا بانک اسناد کفالتی صادر کند، تا در صورت عدم اجرای تعهدات متعهد در مهلت مقرر، و عدم پرداخت خسارت تعیین شده، بانک ضامن پرداخت خسارت گردد. آیا این تعهد بانک، که اصطلاحاً کفالت مالی نام دارد، جایز است؟ آیا بانک می‌تواند به ازای کفالت مزبور کارمزد معینی بگیرد؟ در صورت پرداخت خسارت توسط بانک، آیا بانک می‌تواند برای گرفتن مبالغ پرداختی به متعهد رجوع کند؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۲۲۵

جواب: قرار دادن ضمانت پرداخت بر عهده بانک، و گرفتن کارمزد از سوی بانک، مانعی ندارد. و بانک نیز می‌تواند وجه پرداختی

را از طرف مقابل بگیرد.

سؤال ۵۹۷- وثیقه‌ای که به عنوان تأمین کیفری از شخص ثالث اخذ می‌گردد، با فرض این که ماهیت آن علاوه بر تعهد بر حضور، تعهد بر دین نیز باشد، و با توجه به این که تحت هیچ کدام از عقود معین مانند ضمان، کفالت، و رهن قرار نمی‌گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: این کار در واقع ترکیبی از عقد کفالت و ضمانت است، و اشکالی ندارد.

سؤال ۵۹۸- چنانچه متهم محکوم به پرداخت دیه شده، و ضامن معتبر از قبیل کفیل یا وثیقه نداشته باشد، لکن هنوز در مهلت دو سال در غیر عمد، و یک سال در عمد باشد، آیا بازداشت وی قبل از مهلت مقرر شرعی، مجوز شرعی دارد؟

جواب: هرگاه بیم آن برود که متهم فرار کند، و هرگز دیه را نپردازد، و از طریق ضمانت و کفالت مشکل حل نشود، می‌توان او را بازداشت کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲۷

فصل بیست و هفتم: احکام ودیعه و امانت

سؤال ۵۹۹- اگر امانت‌دار ادعا کند که امانت را بازگردانده، و صاحب مال منکر باشد، قول کدام یک پذیرفته می‌شود؟

جواب: در صورتی که شخص امانت‌دار آدم متهمی نباشد، ادعای او درباره رد امانت پذیرفته می‌شود، ولی اگر متهم باشد پذیرفته نیست، و در این صورت با توجه به این که صاحب مال منکر است، امانت‌دار می‌تواند از او تقاضای قسم کند، و اگر منکر قسم بخورد، امانت‌دار باید مال را برگرداند.

سؤال ۶۰۰- در حق عضویت کتابخانه‌ها مرسوم است که فرد پولی را به وجه ضمانت ملک جهت می‌کند، که بعد از انصراف از عضویت به او پس دهند.

الف) آیا این کار مشروع است؟

ب) بعضی برای اصلاح آن فرموده‌اند: «پول را امانت و گرو بگذارید» که در جواب می‌گوییم: «چون پول مصرف می‌شود، به پولی که در حال گردش و تبدیل و تصرف است، صدق امانت شرعی نمی‌کند» اگر گویند: «اباحه است» می‌گوییم: «اباحه از نظر شرعی موجب ضمانت نمی‌شود!» نظر مبارک حضرت عالی چه می‌باشد؟

جواب: این در واقع از قبیل نوعی وثیقه کلی است با اجازه تصرف؛ و اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۲۹

فصل بیست و هشتم: احکام نکاح

مقدمات نکاح

سؤال ۶۰۱- در توضیح المسائل حضرت عالی آمده: «کسی که به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد، واجب است ازدواج نماید.» لطفاً بفرمایید که:

الف) آیا منظور از گناه فقط زناست، یا چشم چرانی، خود نمایی زن، عشوه و ناز زن برای مرد نامحرم، و مانند آن را نیز شامل می‌شود؟

جواب: شامل تمام این گناهان می‌شود.

ب) منظور از عبارت «به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد» کدام یک از این دو حالت زیر است؟
 اول: اگر به خاطر ازدواج نکردن مرتکب گناه شد، بعد از آن ازدواج بر او واجب می‌شود.
 دوم: وقتی به خاطر ازدواج نکردن میل شدیدی به گناه پیدا کرد، قبل از ارتکاب گناه ازدواج بر او واجب می‌شود.
 جواب: منظور احتمال دوم است.

ج) آیا این حکم (هر کسی که به خاطر ازدواج نکردن به گناه می‌افتد واجب است ازدواج کند) اعم از دائم و موقت است، یا فقط منظور ازدواج دائم است؟
 جواب: فرق نمی‌کند.

خواستگاری

سؤال ۶۰۲- آیا تحقیق کردن در مورد دختران، یا فکر کردن در مورد آنها، و یا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۰
 عاشق آنها بودن، اشکال دارد؟

جواب: عشقی که آمیخته به گناه نشود، و مقدمه ازدواج باشد مانعی ندارد؛ ولی در جایی که انسان قصد ازدواج ندارد نباید تحقیق کند.

سؤال ۶۰۳- اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد، و آن مشکل آشکار نباشد، آیا واجب است آن را به طرف مقابل بگوید؟
 جواب: واجب نیست؛ ولی خلاف آن را نگوید. اما اگر مشکل مهمی باشد، گفتنش بهتر است.

سؤال ۶۰۴- سختگیری‌های بیش از حدّ برخی والدین در مورد مسائل مقدماتی ازدواج (مهریه و مانند آن) موجب محروم شدن جوانان از ازدواج می‌شود، خواهشمند است بفرمایید عمل مذکور چه صورت دارد؟
 جواب: سخت‌گیری‌های بی‌مورد در امر مقدّس ازدواج جایز نیست؛ و چنانچه بر اثر این سخت‌گیریها برخی از ازدواج محروم شوند، و خدای ناکرده مرتکب گناهی شوند، کسانی که سخت‌گیری کرده‌اند نیز در این مورد مسئولند.

صیغه عقد

سؤال ۶۰۵- آیا عقد نکاح دائم، الفاظ معینی دارد، یا با هر لفظی که معنا و مفهوم آن را برساند جاری می‌شود؟
 جواب: عقد را با هر عبارتی که مفهوم آن را به وضوح برساند می‌توان جاری نمود؛ ولی اگر انسان به عربی آشنا باشد، احتیاط آن است که صیغه را عربی بخواند.

سؤال ۶۰۶- در اجرای صیغه عقد دائم، زوج باید مقدم شود، یا زوجه؟
 جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ ولی تقدّم زوجه بهتر است.

سؤال ۶۰۷- «نَكَحَ» در لغت چندین معنا دارد، و از الفاظ مشترکه است. هنگام قصد انشاء، کدام معنا را باید قصد کنیم؟ در حالی که «به زنی دائمی دادم» ... از معانی لغویّه آن نیست؟
 استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۱

جواب: معنای مشهور نکاح همان عقد ازدواج است؛ و اگر زمان خاصی در آن قید نشود، ظهور در عقد دائم دارد.

سؤال ۶۰۸- نکاح دائم چند رکن دارد؟ آیا صداق نیز از ارکان آن است؟

جواب: صدق از ارکان عقد دائم نیست؛ و اگر ذکر نشود باید مهر المثل پرداخت شود.

سؤال ۶۰۹- آیا در عقد نکاح، تقدّم ایجاب بر قبول لازم است؟

جواب: لازم نیست؛ ولی بهتر است ایجاب مقدم شود.

سؤال ۶۱۰- اگر روحانی سُنی عقد نکاح پسر یا دختر شیعه را بخواند، حکمش چیست؟

جواب: در صورتی که شرایط معتبره نزد شیعه در آن رعایت شود اشکالی ندارد.

سؤال ۶۱۱- صیغه محرمیت بین زن و مرد نامحرم (صیغه برادری و خواهری) چگونه است؟

جواب: چیزی به نام صیغه برادری و خواهری نداریم. و صیغه محرمیت یا به وسیله ازدواج دائم، و یا ازدواج موقت حاصل می‌شود؛ (البته با شرایطش) و غیر آن ممنوع است.

نکاح معاطاتی

سؤال ۶۱۲- دختر و پسری به هم علاقه‌مند بودند، ولی خانواده دختر با ازدواج آنان مخالف بود. آن دو برای این که خانواده دختر را مجبور کنند تا با ازدواج آنان موافقت کنند، به طور نامشروع مجامعت کرده، و دختر حامله شده، و طفلی به دنیا آورده است اکنون اظهار می‌دارند که چون روستایی بوده، نمی‌دانسته، و یا نمی‌توانسته‌اند صیغه ازدواج را جاری کنند، و به رضایت طرفینی اکتفا کرده، و آن را کافی دانسته‌اند:

۱- آیا توافق طرفین به عنوان صیغه عقد قابل قبول است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۲

جواب: توافق طرفین کافی نیست.

۲- همین که طرفین ادعای اجرای صیغه عقد نمایند برای ایجاد شبهه کافی است، یا باید صحت آن بررسی و اثبات شود؟

جواب: چنانچه احتمال دهیم ادعای آنها راست باشد، باید حمل بر صحت کرد.

۳- آیا در مسأله فوق حدوث شبهه، فقط موجب براءت از حدّ است، یا تعزیر را نیز منتفی می‌سازد؟

جواب: در فرض بالا حدّ و تعزیر هر دو ساقط می‌شود.

۴- بر فرض احصان مرد، حکم چیست؟

جواب: احصان مرد تفاوتی ایجاد نمی‌کند.

۵- آیا ازدواج آن دو با یکدیگر بلا مانع است؟

جواب: آنها می‌توانند با هم ازدواج کنند.

۶- آیا در فرض بکارت و عدم آن، حکم متفاوت است؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند.

شرایط مجاز و غیر مجاز

سؤال ۶۱۳- با توجه به این که در قانون مدنی، نکاح اعم از دائم و منقطع می‌باشد، در صورتی که زوج شروط مندرج در عقدنامه را پذیرفته باشد، و ازدواج مجدد (اعم از دائم یا منقطع) نماید، آیا زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند؟ آیا همسر دیگر، شامل نکاح موقت هم می‌شود؟ آیا در صورت اثبات و تحقق تخلف، دادگاه می‌تواند حکم فسخ نکاح را صادر نماید؟

جواب: شرط مزبور منصرف به ازدواج دائم است، و شامل عقد موقت کوتاه مدت نمی‌شود. ولی اگر عقد موقت برای مدت

طولانی، مثلاً چند سال باشد، زن (طبق شرایط عقدنامه) و کیل در طلاق خواهد بود.

سؤال ۶۱۴- دوشیزه‌ای بطور رسمی به عقد همسرش در آمد. زوج علاوه بر شروط

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۳

ضمن عقد نکاح، شرط زیر را نیز متعهد گردید:

«در ضمن عقد خارج لازم شرط شد که هر زمان زوج خانه ملکی تهیه نمود، دو دانگ آن را به طور رسمی به زوجه انتقال دهد.»
علی رغم مرسوم بودن چنین شرطی در محاضر، و کیل زوج ادعای باطل بودن آن را می‌نماید. لطفاً در این رابطه بفرمایید: با توجه به این که مشروط در عقد فوق ملک به عنوان عام نبوده، بلکه به صورت خانه بوده، و آن هم به صورت دو دانگ از شش دانگ تعیین شده است. آیا باز هم شرط مورد نظر مجهول و باطل است؟

جواب: با توجه به این که مشخصات خانه از نظر متراژ و قیمت و مانند آن تعیین نشده، شرط مجهول بوده و خالی از اشکال نیست. بهتر آن است طرفین در مورد خانه با هم مصالحه کنند.

سؤال ۶۱۵- اگر مردی قبل از جاری شدن صیغه عقد، و به هنگام گفتگوهای مقدماتی ازدواج، توافقنامه‌های شروط ضمن عقد کتبی با دختر امضا کند، که متضمن شروط رفتاری و فعلی باشد. یعنی در زندگی این کار را بکند یا نکند، و مخالف مقتضای عقد هم نباشد. از جمله «با دار و ندار شوهر بسازد» و «تا قبل از بچه‌دار شدن و سر و سامان گرفتن زندگی، ما بقی مهریه را از او مطالبه نکند» و دختر پس از گفتگو و مطالعه آنها، کتباً بنویسد: «من با تمام آنها موافقم» و امضا کند.

ولی این شرط در ذیل قبالة رسمی نوشته نشود. آیا این شروط اعتبار و سندیت دارد؟ اگر زن جهت فریب و جلب رضایت مرد آنها را قبول کرده، ولی پس از ازدواج تخلف و عهدشکنی کند، و آنها را به تمسخر بگیرد، و سه ماه بعد از عروسی مهریه خود را به اجرا بگذارد، با توجه به این که با عدم قبول شروط، عقد واقع نمی‌شود، وضعیت این عقد چگونه است؟ آیا زوجه تدلیس کرده است؟ آیا وی می‌تواند علی رغم این که سه دانگ از منزل مسکونی به نام وی شده، و مبالغ هنگفتی طلاجات و جواهرات و بقیه اقلام مهریه خود را گرفته، بقیه آن را طلب کند؟ آیا منزل مسکونی و محل کسب شوهر از مستثنیات دین و مهر زوجه محسوب می‌شود؟

جواب: هر گاه قبلاً توافق بر شروطی شده و طرفین آن را امضا کرده‌اند، سپس

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۴

عقد خوانده شده، این شروط لازم الاجرا است. و به اصطلاح فقهی از قبیل شروط مبنی علیها العقد است.

سؤال ۶۱۶- شخصی به شرط آن که همسرش بچه‌دار شود با وی ازدواج نموده، و تصریح می‌کند که در صورت تخلف او را طلاق

خواهد داد. آیا چنین شرطی صحیح است؟

جواب: با توجه به این که جلوگیری از بچه‌دار شدن امر حرامی نیست، این شرط هم شرط حرامی نمی‌باشد. ولی سزاوار است در غیر موارد ضرورت چنین شرطهایی نکنند.

اولیای عقد

سؤال ۶۱۷- در یک حادثه رانندگی بکارت دختری زایل شده، و با مراجعه به پزشک جراح ترمیم گردیده است. آیا چنین فردی

حکم باکره را دارد، و برای ازدواج اذن پدر شرط می‌باشد؟ اگر بر اثر تجاوز ازاله بکارت شود چطور؟

جواب: در هر دو صورت اجازه پدر شرط است.

سؤال ۶۱۸- برادر بزرگتر از خودم عاشق دختری است، ولی پدر و مادرم مانع از عشق او هستند. و دلیل آنها این است که پدر آن

دختر جزء اقوام یکی از قاتلین پسر عمه‌ام می‌باشد. آیا مطلب مذکور مانع ازدواج برادرم و آن دختر می‌شود؟
جواب: اگر در فامیلی یک نفر مرتکب خطایی شود، تمام آن فامیل بد نمی‌شوند. اگر واقعاً خانواده آن دختر خانواده خوبی است، ازدواج با او مانعی ندارد.

سؤال ۶۱۹- در رساله جنابعالی آمده: «اگر دختر عاقله بالغه رشیده نیاز به شوهر داشته باشد، و پدر او را از ازدواج با مردی که شرعاً و عرفاً کفو او است منع کند، اجازه پدر در اینجا شرط نیست.» آیا منظور، ازدواج دائم است یا شامل موقت هم می‌شود؟ اگر شامل ازدواج موقت می‌شود، هم کفو بودن در آن به چه معنایی است؟
جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ ولی معمولاً ازدواج موقت به مصلحت دختران باکره استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۵
نیست، و مخالفت پدر بجاست.

سؤال ۶۲۰- آیا در صورت لزوم، حکومت اسلامی می‌تواند مانع از تزویج افراد غیر بالغ (کودکان ممیز یا غیر ممیز) توسط اولیا، یا قیم آنها گردد؟
جواب: ما معتقدیم در عصر و زمان ما تزویج صغیر و صغیره به وسیله اولیا مطلقاً اشکال دارد؛ زیرا مطابق غبطه و مصلحت آنها نیست.

عیوب موجب فسخ

۱- عنن

سؤال ۶۲۱- اگر فردی در بعضی مواقع، به علت وضعیتی خاص جسمانی اش، قادر بر نزدیکی نباشد، ولی در بعضی مواقع، که کلیت شرایط فردی و محیطی مهیا باشد، و طرف مقابل نیز همکاری لازم را بنماید، موفق به این عمل شود، آیا این مشکل عنن محسوب شده، و موجب فسخ نکاح می‌شود؟
جواب: در صورتی که فراهم شدن این شرایط میسر باشد، عنن محسوب نمی‌شود.
سؤال ۶۲۲- اگر فردی از لحاظ جنسی در حالت عادی موفق به عمل نزدیکی نباشد، ولی با استفاده از داروهای موجود، که توسط پزشکان مورد تأیید و تجویز است، قادر به این کار باشد. آیا بیماری مذکور عنن محسوب، و موجب فسخ نکاح می‌شود؟
جواب: بیماری مزبور عنن محسوب نمی‌شود.

۲- جنون

سؤال ۶۲۳- دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصین و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیر ممکن است. آیا شوهر حق فسخ دارد؟ و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحق مهر المثل است، یا مهر المسمی؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۶
جواب: شوهر حق فسخ دارد؛ ولی اگر دخول واقع شده باید مهر المسمی را پردازد.

سؤال ۶۲۴- زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت

چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطلاع، ضمن مشورت با حقوقدانها، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق توسط کمیسیون پزشکی قانونی به صورت زیر تأیید گردد: «زوجه دارای سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حد اقل از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است.» در فرض مسأله آیا مرد حق فسخ دارد، و به زن مهریه‌ای تعلق می‌گیرد؟

جواب: سابقه بیماری روانی به تنهایی برای فسخ کافی نیست. و با توجه به این که چند سال با او زندگی کرده، و آثار محسوسی در این مدت نبوده، نشان می‌دهد که بهبودی نسبی یافته است. و وجود عوارض غیر محسوس، یا ضعیف گذشته، به تنهایی برای فسخ نکاح کافی نیست.

سؤال ۶۲۵- اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوجه وکالت دهیم که هرگاه عارضه‌ای پیش آمد، خود را مطلقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می‌تواند با استفاده از این وکالت، خود را مطلقه سازد، در حالی که علما می‌فرمایند: «وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می‌شود.»

جواب: درست است که وکالت با جنون باطل می‌شود؛ ولی یکی از مجوزات فسخ نکاح جنون است، هر چند بعد از ازدواج عارض شده باشد.

۳- تدلیس

سؤال ۶۲۶- پسر از دختری با تأکید بر باکره بودن وی خواستگاری کرده، و صیغه استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۷

عقد شرعی و دائمی زوجیت با شرط باکره بودن زوجه جاری گردیده است. پس از گذشت ده ماه از اجرای صیغه دائمی عقد، و قبل از برگزاری مراسم ازدواج، زوجه اعلام می‌دارد که پرده بکارت وی ازاله گردیده، (و این امر قطعی و اثبات شده است). ولی خود زوج اقدام به ازاله بکارت کرده، اما زوج با اتیان سوگند شرعی منکر ادعای زوجه می‌باشد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- آیا پسر، حق فسخ نکاح را دارد؟

جواب: در صورتی که زوج و زوجه قبل از عروسی با هم رفت و آمد داشته و خلوت می‌کرده‌اند، ادعای پسر پذیرفته نیست.

۲- آیا زوج باید اثبات کند که اقدامی نکرده است؟

جواب: آری تا ثابت نکنند، در فرضی که در بالا گفتیم، ادعای او پذیرفته نیست.

۳- در صورت فسخ نکاح، آیا زوج حق دریافت مهر المسمی، یا مهر المثل دارد؟

جواب: در فرض بالا زوج حق فسخ ندارد.

سؤال ۶۲۷- یک سال پیش با دختری آشنا شدم، که توسط فرد دیگری به طور نامشروع بکارت خود را از دست داده بود. با پرسش از دفتر بعضی مراجع، و رؤیت استفتائات ایشان، مبنی بر این که این جانب می‌توانم بدون اذن پدر، دختر را به صیغه موقت خود در آورم، با ایشان ازدواج موقت کردم. حال پس از گذشت یک سال، خواستگاری برای او آمده است. آیا این خانم، که به عنوان دختر باکره می‌خواهد با آن مرد ازدواج کند، لازم است بگوید باکره نیست؟

جواب: بر دختر لازم نیست وضع خود را به شوهر بگوید؛ اما اگر بعداً بر شوهر ثابت شد که دختر باکره نیست، حق فسخ نکاح را دارد.

سؤال ۶۲۸- خواهشمند است نظر خود را راجع به تدلیس ازدواج به طور مشروح بیان فرمایید. آیا پنهان نمودن نقص، مانند کچلی

کلی، یا موضعی، کم پشت، یا خالی بودن قسمتی از موهای سر، در زن موجب حق فسخ برای مرد می‌شود؟
جواب: هرگاه در موقع خواستگاری معایب خود را عمداً بپوشاند، و خود را
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۸

غیر از آنچه هست نشان دهد، مصداق تدلیس است، و شوهر پس از اطلاع حق فسخ دارد.

سؤال ۶۲۹- با توجه به این که یکی از راههای سرایت بیماری ایدز تماس جنسی است، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- همبستر شدن با همسر مبتلا به ایدز چه حکمی دارد؟

۲- آیا ازدواج با کسی که ایدز دارد جایز است؟

۳- آیا بیماری ایدز مبطل عقد است، یا مجوزی برای طلاق می‌باشد؟

جواب ۱ تا ۳: ازدواج با مبتلایان به ایدز باطل نیست؛ ولی چنانچه اطلاع نداشته قابل فسخ است. اما احتیاط آن است که زن با اجازه حاکم شرع خود را مطلقه کند. و در هر صورت، اگر نزدیکی کردن خطر ابتلا به ایدز داشته باشد جایز نیست.

سؤال ۶۳۰- جوانی دختر باکره‌ای را، مشروط بر صحت کامل طرفین، به عقد ازدواج دائمی خود در آورده است. در اولین فرصت بعد از ازدواج، که زوجین با هم تنها شده‌اند، زوجه متوجه می‌شود که ناحیه ی فوقانی بدن شوهر دچار ناراحتی مادرزادی، قیفی شکل، ناموزون و غیر طبیعی است. بدین جهت مواجهه‌ای صورت نگرفت. در این صورت:

۱- آیا زوجه اختیار فسخ نکاح را دارد؟

۲- در فرض جواز فسخ نکاح، و با توجه به این که زوجه مدخول بها نیست، آیا می‌تواند نصف مهریه و دیگر خسارات، از قبیل هزینه میهمانی و مانند آن، را از زوج مطالبه کند؟

جواب: این عیب از عیوب فسخ نکاح نیست؛ مگر این که قبلاً شرط صحت کامل کرده باشند. در این صورت زن حق فسخ از باب خیار تدلیس دارد، ولی در فرض مسأله که مواجهه صورت نگرفته مهر به او تعلق نمی‌گیرد. اما اگر خساراتی متحمل شده، می‌تواند آن را از زوج بگیرد.

سؤال ۶۳۱- چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیت کروموزومی شخص، خنثی را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۳۹

خنثای مذکر یا مؤنث معرفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب محسوب، و حق فسخ دارد؟
جواب: اگر در ظاهر علامت خلافی نمایان نیست، موجب فسخ نمی‌شود.

سؤال ۶۳۲- چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخص گردد که یکی از طرفین خنثای مشکل است، عقد چه حکمی دارد؟ آیا بهتر است طلاق داده شود، یا این که از اول باطل بوده، یا طرف حق فسخ دارد؟
جواب: اگر یکی از آن دو، یا هر دو خنثای مشکل باشند، نکاح باطل است.

سؤال ۶۳۳- اگر یکی از مجوزات فسخ نکاح قبل از عقد وجود داشته، لکن با عملیات پزشکی درمان شده، و عیب مزبور رفع گردیده باشد، آیا حق فسخ نکاح برای طرف دیگر پابرجا می‌باشد؟
جواب: حق فسخ ندارد.

سؤال ۶۳۴- آیا عیوبی که موجب فسخ عقد ازدواج دائم است، شامل عقد موقت نیز می‌شود؟

جواب: ظاهراً شامل عقد موقت هم می‌شود.

سؤال ۶۳۵- با توجه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحله حذف بیماری جذام است، آیا می‌توان جایگزینهای دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماریهای پوستی که مخل روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟

جواب: در صورتی که واقعاً مخلاً رابطه زناشویی باشد، حق فسخ ثابت است.

محارم

سؤال ۶۳۶- آیا زن یا مرد مسلمان، با مرتد شدن به محارم خود نامحرم می‌شود؟

جواب: نامحرم نمی‌شود؛ جز زن و شوهر که باید از هم جدا شوند.

سؤال ۶۳۷- اگر مردی دو زن به نام‌های فاطمه و زهرا داشته باشد، و از هر کدام دختری داشته باشد، و دختران آن مرد شوهر کنند، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا داماد آن مرد با هر دو زن او محرم هستند؟ مثلاً حسن داماد فاطمه، با زهرا هم محرم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۰

جواب: تنها به مادر زن خود محرم می‌شود.

۲- اگر شیر یکدیگر را خورده باشند، چطور؟ مثلاً لیلا، که دختر فاطمه است، شیر زهرا را هم خورده باشد. آیا حسن که با فاطمه،

مادر خانمش، محرم است، با زهرا که همسرش را شیر داده نیز محرم می‌شود؟

جواب: مادر زن رضاعی، محرم است.

۳- اگر داماد دومی پیدا شود؛ مثلاً حسین با سکینه ازدواج کند و سکینه فقط شیر مادرش را (که زهرا است) خورده باشد و شیر

فاطمه را نخورده باشد، آیا حسین با فاطمه محرم می‌شود؟

جواب: محرم نمی‌شود. □

سؤال ۶۳۸- مردی نعوذ بالله با زنی زنا می‌کند، و زن حامله می‌شود. قبل از این که بچه به دنیا بیاید، زن با مرد دیگری ازدواج

می‌نماید، پس از ازدواج پسر بچه‌ای به دنیا می‌آید، سپس همان زن از مردی که با او ازدواج کرده، صاحب دختری می‌شود.

آیا آن پسر و این دختر بر یکدیگر محرمند؟ اگر پسر دیگری که بالغ است، با آن پسر لواط کند، آیا دختر مذکور بر او حرام

می‌شود؟

جواب: آن دختر و پسر، که از یک مادر متولد شده‌اند، با هم محرمند؛ هر چند یکی از آن دو فرزند، نامشروع است، و آن خواهر بر

واطی حرام می‌شود، مشروط بر این که یقین به دخول داشته باشد.

سؤال ۶۳۹- می‌گویند زنازاده نه ارث می‌برد، و نه محرمیت برایش حاصل می‌گردد.

آیا این مطلب صحیح دارد؟

جواب: زنازاده ارث نمی‌برد، ولی محرمیت و سایر آثار را دارد.

سؤال ۶۴۰- آیا در بهشت محرم و نامحرم وجود دارد؟ اگر دارد به چه صورت است؟ و اگر ندارد، آیا محارم می‌توانند با هم

ازدواج کنند؟

جواب: در بهشت کسی هوس ازدواج با محارم و سایر کارهای ناپسند را نمی‌کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۱

زنانی که ازدواج با آنها حرام است

سؤال ۶۴۱- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر کسی با زن شوهردار زنا کند، ازدواج با آن زن بعد از طلاق یا فوت شوهرش چه صورت دارد؟

۲- آیا فرقی بین دخول در قُبُل و دُبُر هست؟

۳- آیا صورت علم به مسأله و جهل به آن تفاوتی دارد؟

۴- اگر ازدواج صورت بگیرد و صاحب اولاد شوند، حکم چیست؟

جواب ۱ تا ۴: ما دلیلی بر حرمت نیافته‌ایم؛ لذا در صورتی که ازدواج کرده باشند ازدواج آنها را بر هم نمی‌زنیم. ولی اگر ازدواج نکرده باشند، می‌گوییم احتیاط کنند. و فرقی بین علم و جهل، و دخول از طرفین نیست.

سؤال ۶۴۲- چنانچه شخصی با خنثای مشکل عمل شنیع از قُبُل یا دُبُر انجام دهد، یا خنثای مشکل با شخصی این کار را بکند، وضعیت حرمت نزدیکان آنها بر دیگری چگونه خواهد بود؟

جواب: در مواردی که حرمت مشکوک شود؛ بنا بر حلیت می‌گذارند.

سؤال ۶۴۳- بنده در تاریخ ۱۵/۶/۷۰ به عقد موقت فردی در آمدم. وی پس از آمیزش، بقیه مدّت را بخشید. قبل از گذشتن ۴۵ روز، یا دیدن دو حیض، به عقد دائم همسر فعلی‌ام درآمده، و بعد از عقد بلافاصله دخول انجام گرفت. اکنون با داشتن دو فرزند، متوجه شده‌ام که مدّت عدّه، ۴۵ روز تمام، یا دیدن دو حیض کامل می‌باشد، در حالی که من یک حیض بیشتر ندیده بودم. در ضمن ۴ سال پس از ازدواجمان، یک بار طلاق خلع گرفتم. و بعد از گذشت ۱۰۰ روز تمام، دوباره با همان شخص که از او صاحب دو فرزند هستم به صورت عقد موقت ازدواج کردم، که تاکنون (۲۷/۱۱/۷۸) ادامه داشته است، و بعد از متوجه شدن حکم، از هم جدا شده‌ایم.

وظیفه فعلی‌ام چیست؟ آیا دختری که از همسر اولم دارم به این آقا نامحرم است؟

آیا پسران این آقا که از همسر اولش هستند به من نامحرمند؟ آیا دو فرزندی که از این آقا دارم، حلال‌زاده‌اند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۲

جواب: دو فرزند شما به خاطر این که نمی‌دانسته‌اید حلال‌زاده‌اند. و دختری که از همسر اول دارید، با این مرد محرم، و پسران او نیز با شما محرمند.

سؤال ۶۴۴- سادات در کشور پاکستان از احترام فوق العاده برخوردارند؛ حتی سادات ناصالح؛ چون بزرگان سادات بوده‌اند که غیر سادات را با اسلام آشنا نمودند.

لذا غیر سادات جایز نمی‌دانند که دختران سادات را به عقد خود در آورند، و سادات هم بر این باورند که این عمل اهانت به خانواده پیامبر صلوات الله علیهم می‌باشد، و این مطلب در نزد آنها به قدری مهم است که اگر کسی از آن تخلف کند، بعضی جوانان، حتی بزرگان، احساساتی شده و در چنین مواردی شوهر آن دختر را به قتل می‌رسانند! همانطور که چند ماه قبل، این اقدام در لاهور انجام شد! و این حادثه در روزنامه‌های پاکستان با تیتربزرگ چاپ شد، و عموم مردم این عمل را ستایش کردند. و شکی نیست که اگر سیده با غیر سید ازدواج کند، مفاسدی بر آن مترتب است، و سبب بدنام نمودن مذهب شیعه و علمای مذهب هم می‌شود. چون برادران اهل سنت پاکستان در این مسأله متفق القول هستند، که عقد سیده با غیر سید جایز نیست. لطفاً بفرمایید:

۱- اگر در ازدواج سیده با غیر سید، مفسده‌ای باشد، و موجب اختلافات خانوادگی و بدنامی مذهب و مکتب اهل بیت علیهم السلام شود، آیا در چنین موردی این اقدام جایز است؟

۲- در صورتی که برای دختر سید، در فامیل خودش، یا دیگر خانواده‌های سادات کفوی موجود باشد، آیا آن دختر می‌تواند با غیر سید ازدواج کند، با این که جدش راضی نیست، و پدرش فوت کرده است؟

جواب: ازدواج دختران سادات محترم با غیر سادات ذاتاً اشکالی ندارد. و در زمان پیغمبر و ائمه معصومین علیهم السلام زیاد اتفاق افتاده که دختران سادات با غیر سادات ازدواج کرده، و معصومین هم از آن نهی نکرده‌اند. ولی اگر واقعاً مفسده اجتماعی بر آن

مترتب شود، باید از آن پرهیز نمود، و تدریجاً مردم را با این حکم اسلامی آشنا کرد. و قتل نفس مسلمان از گناهان بسیار بزرگ است، و قصاص دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۳

سؤال ۶۴۵- در بین عشایر عرب مرسوم است که چنانچه مردی با دختر، یا زن شوهرداری، دوست شود و بعد از محل فرار کنند، و رابطه نامشروع با هم برقرار نمایند، زمانی که به آنها دسترسی پیدا کنند، بعضاً آن زن یا دختر را به زانی می دهند. این مسأله چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد دختر هرگاه طرفین راضی باشند اشکالی ندارد. و در مورد زن شوهردار اگر با مرد بیگانه آمیزش جنسی کرده باشد، و بعد شوهرش او را طلاق دهد، ازدواج او با زانی پس از عده جایز است، هر چند احتیاط در ترک آن است.

سؤال ۶۴۶- حضرتعالی در استفتائات جدید جلد اول، سؤال ۷۰۶ فرموده‌اید که عقد هاشمیّه با غیر هاشمی در صدر اسلام و در زمان ائمه طاهرین علیهم السلام فراوان بوده است. لطفاً چند مورد آن را با ذکر مدرک مورد قبول مرقوم فرمایید.

جواب: یک نمونه روشن آن ازدواج زینب دختر عمه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با زید بن حارثه می باشد، که در قرآن مجید صریحاً آمده است. نمونه دیگر، ازدواج ضباعه نوه عبدالمطلب با مقداد است که در روایات آمده است. مخصوصاً در ذیل روایت تصریح شده که پیامبر فرمود: «من این کار را کردم تا مسأله ازدواج در میان مردم توسعه یابد، و قید و بندها بر چیده شود.» (۱) بسیاری از مراجع عصر ما مانند آیه الله خوئی و آیه الله گلپایگانی که از سادات بنی الزهراء هستند، نیز دختران خود را به غیر سادات داده‌اند.

سؤال ۶۴۷- در بین عشایر عرب خوزستان رسمی به نام «نهور» وجود دارد (اجبار دختر عمو به ازدواج با پسر عمو یا دیگر نزدیکان، و منع از ازدواج با دیگران)، چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: چنین رسمی بر خلاف شرع است، و باید از آن پرهیز کرد، مگر این که زوج و زوجه هر دو بدون اجبار رضایت دهند.

سؤال ۶۴۸- در بین عرب‌های خوزستان مرسوم است که خانواده قاتل در عوض

(۱) وسائل الشیعه، جلد ۱۴، صفحه ۴۵، باب ۲۶، حدیث ۱ و ۲ و ۵.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۴

خون بها، به خانواده مقتول دختر می دهند. چنین رسمی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ارباب دم بجای گرفتن دیه به این کار رضایت بدهند، و دختر و ولی دختر راضی به این امر باشند اشکالی ندارد.

احکام عقد دائم

۱- مهریه

سؤال ۶۴۹- در بعضی ازدواجها مهریه‌های سنگینی در نظر گرفته می شود، که عندالمطالبه نیز است. در حالی که مرد ۵۰۰ هزار تومان هم ندارد. ولی برای این که ازدواج سر بگیرد، مثلاً ۲۰ میلیون تومان مهر تعیین شده را می پذیرد، و شاید در طول عمر خود به این مبلغ دست نیابد، و از اول نیز محرز است که در صورت مطالبه، قادر بر پرداخت مهریه نخواهد بود. این نوع ازدواجها شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: این گونه مهریه‌ها با چنان قرائنی که ذکر شد جدی نیست. و جمله عند المطالبه را باید حمل بر عند القدرة و الاستطاعة کرد. بنابراین، به اجرا گذاشتن این گونه مهریه‌ها در صورت عدم قدرت جایز نمی‌باشد.

سؤال ۶۵۰- بکارت دختری در اثر تصادف زایل شده است. آیا ارش البکاره گرفته می‌شود، یا مهر المثل؟
جواب: باید مهر المثل پردازد.

سؤال ۶۵۱- شخصی ازدواج می‌کند، و در حین اجرای عقد عالماً و عامداً مهریه‌ای معین می‌کنند، که زوج فعلاً توانایی پرداخت آن را به هیچ وجه ندارد، و ممکن است مدت طولانی هم نتواند آن را پردازد. عرفاً هم این گونه مهریه‌ها را در ذمه زوج نسبه حساب می‌کنند، و زوجه هم در موقع اجرای عقد قصد مطالبه ندارد. آیا این گونه مهریه‌ها در شرع مقدس حلال است، یا مؤجل؟
جواب: در فرض سؤال این گونه مهریه‌ها مؤجل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۵

سؤال ۶۵۲- در مواردی که مهر المثل واجب می‌شود، آیا حد اقل یا حد اکثری وجود دارد؟

جواب: ظاهر این است که در مهر المثل حد معینی نیست، و الا مهر المثل صدق نمی‌کند، و روایاتی که خلاف آن را بگوید ظاهراً معمول بهای اصحاب نیست.

سؤال ۶۵۳- مرسوم است که در موقع ازدواج و در زمان عقد مهریه را دو قسمت می‌کنند؛ یک قسمت را به عنوان کمک به تهیه تجهیزات اخذ می‌کنند، و ما بقی در ذمه زوج می‌ماند. لکن در تمام دادگاهها با استناد به ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی که می‌گوید: «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده از ایفای وظایفی که در مقابل شوهر دارد امتناع کند، مشروط بر این که مهر او حلال باشد. و این امتناع مسقط حق نفقه نخواهد شد.» تمسک کرده، تمام مهریه‌ها را حال حساب می‌کنند. نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟
جواب: مهریه در صورتی که قید و شرطی نداشته باشد حلال است؛ ولی گاهی قرائنی وجود دارد که مهریه نسبه است. مثلاً مهریه سنگین است، و می‌دانیم شوهر یک جوان کارگر، یا یک جوان دانشجویست، و چیزی ندارد که فوراً بدهد. در این گونه موارد مهریه حلال نیست، و زوجه نمی‌تواند آن را مطالبه کند. همچنین اگر مهریه را دو بخش کنند؛ نقد و نسبه. در اینجا تنها نقد را می‌تواند مطالبه کند.

سؤال ۶۵۴- دختری، با جانبازی که قادر بر نزدیکی نیست، ازدواج می‌کند. یک هفته پس از تلقیح، کارشان به طلاق می‌کشد؛ در این مورد لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- مهریه دختر نصف است، یا تمام؟

جواب: در صورتی که تلقیح بوسیله شوهر انجام نشده باشد، مهریه کامل نمی‌شود.

۲- آیا برای ازدواج مجدد، بازهم اجازه پدر لازم است؟

جواب: پس از وضع حمل، اجازه پدر لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۶

۳- آیا این دختر نیاز به عده دارد؟ مدت عده وی چقدر است؟

جواب: عده او وضع حمل است.

۴- آیا می‌تواند با پدر آن جانباز ازدواج کند؟

جواب: جایز نیست.

۵- اگر زنی با چنان جانبازی ازدواج کند و پس از تلقیح جدا شود، دخترش می‌تواند با جانباز ازدواج کند؟

جواب: در صورتی که دخول از سوی جانباز حاصل نشده باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۶۵۵- اگر زنی قبل از عقد مهریه خویش را چه در نکاح دائم یا موقت ببخشد، آیا می‌توان صیغه عقد را بدون مهریه خواند؟
جواب: در عقد موقت لازم است مدت و مهریه هر دو معلوم باشد، اما در عقد دائم قرار ندادن مهریه ضرری نمی‌زند و عقد صحیح است. و بخشیدن مهریه قبل از عقد معنا ندارد.

سؤال ۶۵۶- در صورتی که زوجه دائمی شخصی، با مرد اجنبی فرار نموده و از کشور خارج شود. آیا زن می‌تواند شخصاً، یا با اعطای وکالت به غیر، نسبت به دریافت مهر خود اقدام قانونی نماید؟ آیا چنین زنی مستحق دریافت مهریه می‌باشد؟
جواب: با توجه به این که مهریه مربوط به سابق است حق گرفتن آن را دارد؛ ولی هر دو نفر از نظر قضایی قابل تعقیب هستند، و از نظر اسلام مجازاتشان شدید است.

سؤال ۶۵۷- اگر مردی در شب زفاف، به علت عنن، یا عامداً، به وسیله انگشت، یا شیء مناسب دیگری غیر از آلت رجولیت، بکارت همسرش را زایل نماید، بفرماید:

اولاً: آیا این عمل تعزیر دارد؟ ثانیاً: آیا این عمل در حکم دخول، و زوجه مستحق کل مهر است؟
جواب: در صورت عدم رضایت زوجه، تعزیر دارد. و زوجه مستحق کل مهر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۷

سؤال ۶۵۸- در صورت مطالبه مهریه از سوی زوجه قبل از عروسی، و عدم پرداخت آن از طرف زوج، بفرماید:

الف) آیا زوجه می‌تواند، تا زمان پرداخت مهریه از رفتن به خانه زوج خودداری کند؟

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانه شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

ج) آیا اعسار و عدم اعسار زوجه تأثیری در حکم مسأله دارد؟

د) آیا آگاهی یا عدم آگاهی زوجه در هنگام عقد نسبت به عدم توانایی زوج در پرداخت مهریه، تأثیری در حکم مسأله دارد؟
جواب الف تا د: زن نمی‌تواند رفتن به خانه شوهر را مشروط به دریافت مهریه کند؛ ولی می‌تواند قبل از دریافت مهریه تمکین نکند. مشروط بر این که قبلاً از اعسار زوج خبر نداشته باشد. و در فرض اعسار، اگر از سوی حاکم شرع قسطنبندی شود، و شروع به پرداختن اقساط کند، زن باید تمکین کند.

۲- تمکین

سؤال ۶۵۹- آیا وظیفه زن مسلمان صرفاً تمکین است؟ اگر چنین است، نگهداری از فرزندان، نظافت منزل، شستشوی ظروف و البسه، پخت و پز، وظیفه کیست؟

تقسیم کاری که رسول الله صلی الله علیه و آله بین دختر گرامی و داماد عزیزش انجام داد، که کار بیرون منزل را به علی، و کار درون منزل را به زهرا واگذار کرد، به چه معنایی است؟

اگر فلسفه ازدواج فقط رفع شهوت است، آیا بهتر نیست مرد با هزینه‌ای کمتر از آوردن زن به خانه به عنوان موجودی پرخرج، شهوتش را بیرون خانه به طریق شرعی (صیغه) رفع کند؟ اگر وظیفه زن صرفاً تمکین است، چرا مرد مخارج عروسی، خورد و خوراک، لباس، وسائل رفاهی، پزشکی، درمانی، مهریه، شیربها و مانند آن را بر گردن می‌گیرد؟ بهتر نیست مجرد و بی‌مسئولیت به کار و عبادت و زندگی خود پردازد، نه دغدغه خاطری، نه دلبستگی، نه ترس از دست دادنی، نه جنگ اعصابی، و نه نگرانیهای دیگر. لطفاً نظر تان را به طور صریح در این زمینه بیان فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۸

جواب: هدف از ازدواج، همان گونه که قرآن می‌گوید، آن است که زن و مرد در کنار یکدیگر زندگی آرامی داشته باشند

(لتسکنوا الیها) و این هدف بدون زندگی مشترک حاصل نمی‌شود. و زندگی توأم با تجرّد موجب بدبختی و انواع مشکلات و بیماری‌هاست، ولی زن نباید به صورت بردهٔ مرد درآید. و اگر کارهای خانه را انجام می‌دهد، باید با میل و رضایتش باشد. البته تقسیم کار بر اساس رضایت طرفین کار بسیار خوبی است.

سؤال ۶۶۰- عدم تمکین زن، در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که زن از تمکین خودداری نکند؛ ولی می‌تواند با اجازهٔ حاکم شرع از اموال او به مقدار نفقهٔ خود بردارد.

۳- اطاعت از شوهر

سؤال ۶۶۱- اگر مرد راضی نباشد که همسرش با مانتو در جامعه ظاهر شود، و از او بخواهد که با چادر بیرون رود، و زن امتناع نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: مرد نمی‌تواند زن را به پوشش خاصی مجبور کند، مگر این که حجاب اسلامی با آن پوشش مراعات نگردد. و مانتو در صورتی که تنگ و چسبان نباشد، و تمام بدن زن به جز گردی صورت و دستها تا مچ را بپوشاند، حجاب اسلامی محسوب می‌شود؛ هر چند چادر حجاب برتر است.

۴- مسکن

سؤال ۶۶۲- در صورتی که حق اختیار سکنی در قبالةٔ ثبتي کاملاً به زوجه تفویض شده باشد، آیا این حق علاوه بر شهر، شامل محل و منطقهٔ محل سکونت نیز می‌شود؟ با توجه به این که زوج و زوجه هر دو اهل و ساکن یک شهر بوده، و در زمان عقد نیز قصد زندگی در همان شهر را داشته‌اند، پاسخ سؤال را مرقوم فرمایید.

جواب: معمولاً هنگامی که می‌گویند اختیار سکنی با زن است، اشاره به شهر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۴۹

می‌باشد، مگر این که عبارت قبالةٔ دلالت بر بیشتر از این داشته باشد. و در صورت شک، تنها اختیار شهر با زوجه خواهد بود.

سؤال ۶۶۳- زوجهٔ باکره‌ای که تمکین را به وصول مهریهٔ عندالمطالبه اش موکول نموده، (و مطابق عرف هنوز در عقد است، و در منزل پدرش به سر می‌برد) آیا می‌تواند از سکنی در منزلی که زوج معین کرده خودداری کند؟ و اگر چنین کند، آیا ناشزه محسوب می‌شود، و حق نفقه ندارد؟

جواب: تا زمانی که طبق عرف عروسی نکرده، حق امتناع دارد.

سؤال ۶۶۴- اگر زوجه رفتن به خانهٔ شوهر را منوط به دریافت اجناس مورد توافق (غیر از مهریه) نماید، و زوج از تحویل آن امتناع ورزد، بفرمایید:

الف) آیا زوجه چنین حقی دارد؟

ب) در صورت خودداری از رفتن به خانهٔ شوهر، آیا استحقاق نفقه دارد؟

جواب: هرگاه شرایط مذکور در ضمن عقد، نه به عنوان مهریه، مطرح شده باشد، زوجه حق ندارد رفتن خود را به خانهٔ شوهر منوط به آن کند، هر چند حق مطالبه و الزام به آن را دارد.

۵- اجرة المثل

سؤال ۶۶۵- زنی حَقَّ الزَّحْمِه و اجرة المثل کارهایی که در ایام زناشویی در منزل شوهرش انجام داده را مطالبه کرده، ولی شوهر ادعا دارد که همسرش کارها را به قصد تبرع انجام داده است. در فرض مذکور قول کدام یک مقدم، و بینه بر عهده چه کسی است؟

جواب: در محیطهایی که عرف و عادت بر آن است که زن به قصد تبرع این کارها را انجام می‌دهد، ادعای زن بر خلاف آن مسموع نیست. مگر این که ثابت کند به شوهرش اعلام کرده قصد تبرع ندارد، و شوهرش نیز پذیرفته باشد.

سؤال ۶۶۶- همسر سابقم بعد از چندین سال زندگی و علی رغم دریافت نفقه، به عناوین مختلف، موجبات اذیت و آزار بنده را فراهم می‌نمود، و خودش نیز تقاضای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۰

طلاق خلع کرد. بعد از جاری شدن طلاق، کلیه حقوق خود را از بنده دریافت نمود، و طلاهایی را که برای ایشان خریده بودم، به یغما برد، (اکنون در حدود دو میلیون تومان ارزش دارد) و بنده را از خانه بیرون و مدت دو سال و اندی خانه بنده را غصب نموده است. ایشان ملتزم به دین مقدس اسلام نبوده، و بدون اجازه از خانه خارج شده، و از ادای وظایف خانوادگی شانه خالی می‌کرده، و اکنون اجرت المثل چندین ساله را از بنده مطالبه می‌نمایند. آیا اجرة المثل به ایشان تعلق می‌گیرد؟

جواب: زن به غیر از نفقه و مهریه، حَقَّ دیگری به نام اجرة المثل ندارد. مگر این که از اول ازدواج شرط کند که کارهای منزل را مجانی انجام نمی‌دهد. و در صورتی که چنین شرطی نکرده و عادت، و رسم محیط هم تبرع در این امور است، حَقَّ ندارد.

ازدواج موقت

سؤال ۶۶۷- یکی از مسلمات اسلام استحباب امر ازدواج است، و بر هر جوانی که در گناه می‌افتد واجب است به این امر مقدس اقدام نماید. اما امروزه شرایط ازدواج برای قشر وسیعی از جوانان به علل مختلف، از قبیل تحصیل، عدم بضاعت مالی، و پاره‌ای مشکلات دیگر مهیا نیست، و نمی‌توانند ازدواج کنند. از طرفی ترویج و اشاعه فساد اخلاقی در جامعه سبب شده جوانان به سختی خود را از گناهان بصری و سمعی و جسمی حفظ کنند، و گاه دچار ناراحتی‌های روحی و روانی شده، و گاه به گناهان زنا و لواط و مانند آن آلوده می‌گردند. حال سؤال بنده این است که با فرض مذکور:

(۱) ازدواج موقت برای جوانان مجرد به منظور جلوگیری از آلودگی به گناهان چه حکمی دارد؟

(۲) شیوع و ترویج متعه در جامعه و بین جوانانی که در گناه می‌افتند، یا مرتکب معاصی می‌شوند، چه حکمی دارد؟

(۳) این امر (متعه) برای قشر تحصیل کرده، مخصوصاً طلبان مجرد، چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۱

(۴) آیا راه حلّ مناسبی برای حلّ مشکلات ازدواج جوانان دارید؟

جواب ۱ تا ۴: نکاح موقت به یقین یک سنت اسلامی است؛ ولی اگر امروز تحت برنامه حساب شده‌ای قرار نگیرد منشأ مفاسد زیادی خواهد شد.

سؤال ۶۶۸- شخص مؤمن و متدینی برای تجارت به کشورهای مختلف سفر می‌کند، لکن بعضی از افرادی که با او همسفر هستند می‌خواهند از همه امکانات هتل استفاده کنند. در حالی که بعضی از آن نسوان شرایط ازدواج (مثل رعایت عده) را ندارند. لطفاً بفرمایید:

الف) آیا به مجرد این که آنها بگویند خالیه هستند، می‌توان با آنها ازدواج کرد؟

ب) اگر فحص از عده نشود، اشکال ندارد؟

ج) در صورتی که بگویند عده را رعایت کرده‌ایم، آیا قول آنها قبول است؟ (در حالی که ظن قوی بر عدم وجود عده است).

د) اگر اهل کتاب نباشند، آیا ازدواج موقت با آنها صحیح است؟

ه) در ضمن سن اکثر یا تمام این زنان، سن من تحیض می‌باشد، لکن با وسایل بهداشتی جدید از حاملگی جلوگیری می‌کنند. آیا شرایط ازدواج را در این سنین با فرض بر عدم عده دارا هستند؟

جواب الف تا ه: با توجه به این که در سن «من تحیض» هستند، عده به هر حال بر آنها واجب است، و ادعای آنها در صورتی پذیرفته می‌شود که متهمه نباشند. و ازدواج موقت با غیر کتابیه جایز نیست.

سؤال ۶۶۹- درباره ازدواج موقت، همان گونه که در رساله‌ها بیان شده، اجازه پدر، یا جد پدری، برای دختر شرط است. حال اگر شخصی قصد داشته باشد با دختری ازدواج موقت کند، و فقط از ناحیه دبر دخول کند، یا قصد آمیزش نداشته باشد، و فقط می‌خواهند لذتهای دیگر ببرند، آیا بازهم اجازه پدر، یا جد پدری، واجب است؟
جواب: بدون اجازه پدر جایز نیست.

سؤال ۶۷۰- زنی متعه شده، و مدت عقد و عده وی سپری شده است، ولی از همان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۲

مرد حامله شده، و فرزندی در شکم دارد. آیا همان شخص تا قبل از وضع حمل، می‌تواند دوباره او را صیغه نماید؟
جواب: شوهر اول می‌تواند مجدداً او را متعه کند، ولی شخص دیگری حق ندارد با او ازدواج کند تا وضع حمل کند.

سؤال ۶۷۱- یکی از موانع و مشکلات، و شاید مهمترین آنها در راه ترویج و کاربردی نمودن ازدواج موقت، وجوب عده پس از انقضا یا بذل مدت می‌باشد. که عملاً استفاده از آن را، در حدی که بتواند پاسخگوی نیازهای موجود باشد، غیر ممکن نموده است. بر علمای دین و زعمای امت اسلامی است که با تحقیق و تدبیر در منابع غنی اسلامی، و به ویژه با تمسک به فقه پویای تشیع، راه کارهای مناسب و عملی - که کاملاً منطبق بر اراده شارع مقدس باشد - در این راستا ارائه نمایند، و با ایفای نقش بسیار مهم خود از ارتکاب بسیاری از گناهان و مفسد فردی و اجتماعی جلوگیری نمایند. پیشرفتهای علمی، خارج کردن رحم را در برخی بیماریها، یا به دلیل انگیزه‌های شخصی ممکن ساخته، و شخص می‌تواند پس از این عمل بدون هیچ گونه مشکلی به زندگی آسوده ادامه دهد. اگر رحم زنی را خارج کرده باشند، وی بی‌شک توان بارداری نداشته، و دچار حالت قاعدگی نخواهد شد. سخن در این است که آیا چنین زنی در صورت طلاق، فسخ نکاح، انقضا، یا بذل مدت در نکاح منقطع، باید عده نگهدارد؟

جواب: از مجموع ادله شرعیّه استفاده می‌شود که نگه داشتن عده تنها به خاطر احتمال بارداری نیست، و این در واقع یکی از علل آن می‌باشد؛ نه تنها علت. و یکی از علل آن حفظ حریم زوجیت است؛ به همین دلیل اگر شوهر یک سال در مسافرت باشد و زنش را طلاق دهد، همه می‌گویند باید عده نگه دارد، در حالی که بعد از غیبت یک ساله، احتمال انعقاد ولد وجود ندارد. همچنین اگر شوهر در زندان باشد، یا بر اثر بیماری گرفتار عنن گردد، و یقین پیدا کنیم که شوهر برای همیشه عقیم شده، در تمام این فروض، عده بر زن لازم است؛ در حالی که احتمال انعقاد نطفه وجود ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۳

سؤال ۶۷۲- لطفاً پیرامون ازدواج موقت به پرسشهای زیر پاسخ دهید:

۱- آیا جواز متعه مربوط به دوره و شرایط خاصی از تاریخ اسلام بوده است؟

۲- آیا حکومت اسلامی در قبال قانونمندی، یا جلوگیری از گسترش آن در جامعه، وظیفه‌ای دارد؟

۳- در شرایط کنونی وظیفه روحانیت در ارتباط با ازدواج موقت چیست؟ آیا همچون سایر احکام مکلف به ترویج آن هستند؟

۴- در فتوای مشهور آمده است: «زن یا ئسه عدّه ندارد.» آیا کسانی که لوله‌های رحم خود را بسته‌اند، در حکم زنان یا ئسه هستند؟
جواب: مسأله متعه اختصاص به زمان معینی نداشته، و ندارد، ولی گاهی (مثل زمان ما) شرایط ایجاب می‌کند قیود و شرایطی برای آن قائل شوند، که افراد هوسباز از آن سوء استفاده نکنند. و تبلیغ از آن بدون فراهم شدن آن شرایط خالی از مشکلات نیست؛ و اما زنانی که لوله‌های خود را ببندند، مشمول یا ئسه بودن نیستند؛ بلکه در حکم «من لا تحيض فی سنّ من تحيض» می‌باشند.

سؤال ۶۷۳- در اختلاف بین عقد موقت و دائم حکم چیست؟ در صورت امکان دلایل آن را ذکر فرمایید:

جواب: ما در مسأله اختلاف در عقد دائم و موقت، به سراغ الفاظ نمی‌رویم، و معتقدیم تفاوت این دو عقد از قبیل اقل و اکثر است. قدر متیقن که اقل است را می‌گیریم، و اکثر را رها می‌کنیم؛ مگر این که دلیلی بر آن اقامه شود. و مسأله انقلاب عقد موقت به دائم را در فرض ترک ذکر مدت قبول نداریم، و قانون «العقود تابعه للقصد» را همه جا حاکم می‌دانیم.

احکام نگاه و نظر

سؤال ۶۷۴- اخیراً برخی از بانوان نسبت به ابرو یا دور لب، عملیات تاتو انجام می‌دهند، (پررنگ کردن دور ابرو و لب با خال کوبی) که طبعاً زینت تلقی می‌شود. و گاه پوشاندن آن نیز مقدور نمی‌باشد. لطفاً بفرمایید که این عمل مشمول آیه شریفه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۴

«وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» می‌باشد، یا نه؟ نگاه به صورت چنین زنانی چه حکمی دارد؟

جواب: آیه «لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ» با توجه به جمله «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» زینتهای موجود در صورت و دستها تا میچ را شامل نمی‌شود. ولی اگر این زینت تند و زننده باشد، و منشأ مفاسدی شود، جایز نیست.

سؤال ۶۷۵- نگاه کردن به اعضای بدن زن کافر غیر ذمی چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به اعضای که معمولاً در عرف آنها مکشوف است، بدون قصد لذت اشکالی ندارد.

سؤال ۶۷۶- آیا دیدن عکسها، یا فیلمهای سکس برای متأهلین که جهت تحریک برای آمیزش به آن نگاه می‌کنند، اشکال دارد؟

اگر اشکال دارد، برای کسانی که جهت تحریک جنسی ناچار از نگاه کردن آن فیلمها هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از این فیلمها جایز نیست، مگر در حال ضرورت. ضمناً توجه داشته باشید مشاهده این فیلمها تدریجاً نیروی جنسی را ضعیف می‌کند.

سؤال ۶۷۷- در بعضی از حمام‌های داخل شهر یک نفر کیسه می‌کشد، و موهای زائد بدن را زائل می‌کند. با توجه به این که نگاه

به عورت جایز نیست، آیا این کار جایز است؟

جواب: نگاه به عورت دیگری، خواه برای زائل کردن مو باشد، یا چیز دیگر، جایز نیست. ولی زایل کردن موهای زیر بغل و مانند

آن، به وسیله همجنس مانعی ندارد.

سؤال ۶۷۸- در سازمانهای نظامی کشور، اعم از ارتش، سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و برخی دیگر از سازمانهای دولتی از این

قبیل، برای استخدام نیروی جدید، ابتدا بایستی شخص را از هر جهت معاینه کامل بدنی نمایند، تا از سلامت جسمی شخص اطمینان

حاصل گردد. در این آزمایشات تمامی اعضای بدن، از جمله دستگاه تناسلی، مورد معاینه قرار می‌گیرد. آیا پزشک همجنس اجازه

دیدن و لمس آن قسمت از بدن را جهت معاینه و احراز سلامتی دارد؟

جواب: در مواردی که ضرورت دارد مجاز است. و منظور از ضرورت این

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۵

است که معاینه بدنی برای آن کار لازم است، و بدون معاینه بدنی استخدام نمی‌کنند، و شخص هم نیاز به استخدام دارد.

سؤال ۶۷۹- حکم نگاه کردن بدون ریبه به تصویرها و فیلمهایی که موضعی از بدن را نمایش می‌دهند که معمولاً پوشانده می‌شود، چیست؟

همچنین نگاه به تصویر و فیلم عورتین بدون ریبه چه حکمی دارد؟

آیا شناختن صاحب تصویر و فیلم، دخالت در حکم دارد؟

شناختن از نظر شرعی به چه معنا است؟ آیا صرف دانستن اسم و رسم کافی است؟

جواب: در مورد فیلم‌هایی که اعضای بدن را نشان می‌دهد چنانچه به قصد شهوت نگاه نکنند، و خوف مفسده‌ای نباشد، اشکال ندارد؛ ولی نسبت به عورتین مطلقاً جایز نیست. و اگر زنانی باشند که معمولاً خود را مستور می‌دارند، نگاه کردن به عکس‌های برهنه آنان مجاز نمی‌باشد. و منظور از شناخت، تنها شناخت اسمی نیست، بلکه مشخصات بیشتری لازم است.

پوشش

سؤال ۶۸۰- وظیفه خواهران مسلمان دانشجوی ترکیه را نسبت به «رعایت حجاب» در فرضهای ذیل بیان فرمایید:

۱- شرط طی کردن تمام ترمهای دانشجویی در دانشگاههای تحت مدیریت لایکها، رعایت نکردن حجاب شرعی است.

۲- شرط اتمام چند ترم باقیمانده از رشته خاصی در دانشگاه رعایت نکردن حجاب است.

جواب: با توجه به این که اگر دختران مسلمان و متدین دروس عالی را نخوانند تنها افراد بی‌بندوبار و لامذهب پست‌های مهم را اشغال می‌کنند، به افراد متدین اجازه داده می‌شود که مسأله حجاب را در خصوص مواردی که ضرورت دارد رعایت نکنند، ولی در غیر آن موارد حتماً رعایت نمایند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۶

سؤال ۶۸۱- لطفاً در مورد تزین زنان به انگشتر و حلقه نامزدی به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا در دست کردن حلقه نامزدی طلا (انگشتر) در جلوی مرد نامحرم جایز است؟

جواب: اشکال ندارد.

ب) اگر در مورد سؤال استعمال آن بی‌اشکال باشد، ولی همین عمل از نظر مرجع تقلید بنده (شوهر) جایز نباشد، آیا استفاده از آن

برای همسر منعی دارد؟

آیا لازم است از او بخواهم که استفاده نکند؟

جواب: هرکس باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند، و شما نمی‌توانید او را از این کار نهی کنید.

ج) زن از چه انگشتری می‌تواند در جلوی نامحرم استفاده کند؟

جواب: هر نوع انگشتری که منشأ مفسده خاصی نگردد اشکالی ندارد.

سؤال ۶۸۲- برخی مادران دختران نابالغ خود را با سر و پای برهنه در خیابانها و مجالس در حضور نامحرمان ظاهر می‌کنند. این کار

از نظر شرعی چه صورت دارد؟

جواب: بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را از زمان طفولیت با مسائل اسلامی آشنا کنند.

ارتباط زن و مرد

سؤال ۶۸۳- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا ارتباط نوشتاری و نامه‌نگاری دختر و پسر بالغ نامحرم از طریق کامپیوتر و شبکه اینترنت جایز است؟

ب) پس از آشنایی طرفین از طریق بالا، آیا ملاقات عمومی تعدادی دختر و پسر بالغ و نامحرم، در مکانی عمومی جایز است؟

ج) آیا مصاحبه و نگاه به چشم‌ها و صورت همدیگر جایز است؟

د) اگر موارد بالا جایز باشد، در چه مرحله‌ای اجازه پدر برای ادامه ارتباط دختر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۷

با پسر بالغ و نامحرم، حضوری یا نوشتاری، واجب است؟

جواب: با توجه به این که این گونه ارتباطها غالباً منشأ مفاسدی می‌شود، جایز نیست.

سؤال ۶۸۴- جوان مجردی در برخورد با نامحرم دچار مشکل است. این برخوردها و نگاه‌های غیر مستقیم و گاه مستقیم (که بنا به ضرورت و از روی ناچاری انجام می‌شود)، و حتی در برخی موارد شنیدن صدای نامحرم و صدای پای او، برایش نوعی لذت به همراه دارد. لازم به ذکر است محدود کردن خود و خانه‌نشینی برای فرار از مشکل مطرح شده، تنها برای مدتی او را از این صحنه‌ها دور می‌کند، امّا در برخوردهای بعدی، که به ناچار هر انسانی ناگزیر از آن است، اولاً: این حالتها در او تشدید می‌شود، به طوری که گاه حتی در برخورد با محارم نیز مشکل مطرح شده بروز می‌کند، ثانیاً: در درازمدت به علت قطع ارتباط با دیگران، و بیرون رفتن از منزل، و حتی ترک درس و تحصیل در دانشگاه، و چشم پوشیدن از تلویزیون و تصاویر و عکسها، و در یک کلام به انزوا نشستن، باعث بروز ناراحتیهای مختلف جسمی و روحی از جمله افسردگی و ناراحتیهای عصبی او خواهد شد. وظیفه شرعی چنین شخصی چیست؟

جواب: به هیچ وجه لازم نیست با مردم قطع رابطه کند، و خانه‌نشین شود.

همین اندازه که عمداً نگاه نکند مشکلی ندارد، حتی اگر قهراً و بدون اختیار برای او لذتی حاصل شود.

سؤال ۶۸۵- فیلم‌هایی ساخته می‌شود که زن و مرد نامحرم در آن بازی می‌کنند، و به مقتضای نقش محوّله، با هم شوخی کرده، و به یکدیگر نگاه‌های عاشقانه دارند.

بازی کردن آنها در چنین فیلم‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آداب عفت اسلامی را رعایت کنند مانعی ندارد.

سؤال ۶۸۶- متأسفانه روابط بین پسر و دختر در جامعه ما بسیار بد جا افتاده، و پدر و مادرها از آن به عنوان یک کار زشت از آن یاد می‌کنند. من به عنوان یک پسر جوان موارد زیادی از این روابط را دیده‌ام. اگر پسر و دختر در روابط خود، حدود را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۸

رعایت کنند، و بدون اطلاع پدر و مادرشان رابطه‌ای برقرار نمایند، و بین خودشان دوستی پایداری را برنامه‌ریزی کرده باشند، که به احتمال قریب به یقین به ازدواج آنها منتهی شود، آیا شرعاً مشکلی دارد؟

جواب: تجربه‌های مکرر در مکرر نشان داده که رابطه‌های دختران و پسران دام‌های شیطان است، و منجر به خلاف شرع می‌شود. بنابراین تنها در صورتی که قصد ازدواج داشته باشند، آن هم به مقداری که برای شناخت یکدیگر لازم است، می‌توانند تماس بگیرند.

احکام شیر دادن

سؤال ۶۸۷- اگر زن و شوهری، کودکی را که سنّ او کمتر از ۲ سال است به فرزندخواندگی بپذیرند، و زن با کمک و مشارکت شوهر، و با استفاده از روش خاصی، پستان خود را شیردار سازد، و کودک را با چنین شیری به طور مستقیم (از پستان) در حدّ نصاب تعیین شده (۱۵ مرتبه کامل، یا به دفعات در طی یک شبانه روز به صورت تغذیه انحصاری) شیر دهد، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا به این طریق رابطه خویشاوندی رضاعی میان کودک و زوجین مورد اشاره محقق می‌گردد؟

۲- در صورتی که پاسخ سؤال اول منفی باشد، آیا رابطه مادر و فرزندی رضاعی به صورت انحصاری میان مرضعه و مرتضع برقرار می‌شود؟

جواب: حکم رضاع در این مورد جاری نیست، و این مسأله از مسائلی است که در میان فقها کاملاً مشهور است، و مدارک معتبری دارد که شیر بدون ولادت، تأثیری در تحریم ندارد.

سؤال ۶۸۸- شخصی از خانمی، طبق شرایطی که در رساله‌های عملیه بیان شده، شیر خورده است. این زن پس از فوت همسرش، شوهر دیگری انتخاب نموده، و از هر دو شوهر دارای فرزندان است. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) آیا فرزندان که این خانم از هر دو شوهر دارد بر آن شخص محرم هستند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۵۹

جواب: آری محرمند.

ب) آیا فرزندان که از شوهر دوم دارد، می‌توانند با فرزندان این شخص که از خانم مذکور شیر خورده، ازدواج نمایند؟
جواب: نمی‌توانند ازدواج کنند.

سؤال ۶۸۹- دختر بچه شیرخواری، شیر خاله خود را می‌نوشد؛ ولی نه به اندازه‌ای که باعث حرمت شود. آیا پسر این خاله می‌تواند با آن دختر ازدواج کند؟

جواب: اگر به اندازه‌ای که باعث تحریم می‌شود، نخورده است، ازدواج آنان مانعی ندارد.

سؤال ۶۹۰- زن و شوهری به مسافرت رفته، و فرزند شیرخوار خود را به مادر آن زن می‌سپارند. او از شیر خود یک ماه تمام به آن بچه شیر می‌دهد. با توجه به این که تمام شرایط نشر حرمت حاصل شده، طبق فتاوی‌ای موجود، دامادش بر دخترش، نامحرم است، و باید از یکدیگر جدا شوند. لطفاً بفرمایید:

اولاً: اگر مادر زن به کلی نسبت به این حکم جاهل بوده، چه صورتی دارد؟

ثانیاً: در فرض ایجاد حرمت، اگر دختر با شوهرش همبستر شود و فرزندی منعقد گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: طبق فتوای اخیر ما این زن به شوهرش حرام نمی‌شود. هر چند خالی از کراهت نیست.

نشوز

سؤال ۶۹۱- در قرآن مجید آمده: «اگر زنان نافرمانی کردند، آنها را کتک بزنید؟!» و در جای دیگر می‌خوانیم: «مردها به خاطر این که نفقه می‌دهند، بر زنان تسلط دارند.» فلسفه این دو حکم الهی چیست؟

جواب: جواب هر دو سؤال در تفسیر نمونه جلد سوم، صفحه ۳۶۹ و ۳۷۳ نوشته شده است.

سؤال ۶۹۲- هرگاه زوجه از ایفای وظایف زوجیت خودداری نماید، ناشزه بوده و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۰

مستحق نفقه نخواهد بود. حال اگر شوهر از انجام وظایف زوجیت سرباز زند، به گونه‌ای که زوجه‌اش را معلقه قرار دهد، بفرمایید:

۱- آیا می‌توان حکم به نشوز زوج کرد؟

جواب: آری در این صورت زوج ناشز است، و زوجه می‌تواند به حاکم شرع شکایت کند، تا او را وادار به انجام وظیفه نماید، و در صورت لزوم تعزیر کند.

۲- آیا در این صورت زوجه می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق نموده، و دادگاه نیز بر این اساس حکم به طلاق زوجه دهد؟

جواب: در صورتی که زوج به هیچ وجه حاضر نباشد امساک به معروف یا تسریح به احسان کند، و زوجه در عسر و حرج قرار گیرد، حاکم شرع می‌تواند او را طلاق دهد.

سؤال ۶۹۳- با عنایت به آیه شریفه ۳۴ سوره نساء، آیا صدور افعال و رفتار زیر از زن دلیل بر کراهت و نشوز وی می‌باشد؟ راه اثبات آنچه بین زوج و زوجه رخ داده، چیست؟

۱- ابراز بی‌علاقه‌گی به زوج، و کراهت از نزدیکی، و جلوگیری از عزل.

۲- بگوید: «من شخص دیگری را می‌خواستم، و از تو خوشم نمی‌آید» و کراراً از همان اوایل ازدواج در خواست طلاق کند.

۳- به خواسته شوهر اهمیتی ندهد، بی‌اعتنایی و لجاجت کند، رفت و آمدها و تلفن‌های دیگران به منزل را که در غیاب شوهر انجام شده، از او کتمان نماید.

۴- بدون اجازه و اطلاع شوهر از منزل خارج شده، و به محافل اجتماعی خلاف شئون و میل شوهر برود.

۵- در غیاب شوهر و بدون اطلاع او، اموال با ارزش وی را از منزل خارج کند، و در حضور شهود تضمین برگشت بدهد، ولی عمل نکند. و تجهیزیه خود را نیز طبق سند کتبی تحویل گرفته و با خود ببرد، و بی‌اذن زوج پس از سه ماه زندگی را ترک کند.

۶- بر خلاف شروط ضمن عقد، ما بقی قبالة خود را به اجرا گذاشته، و به هیچ یک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۱

از توافقنامه‌ها و تعهدات طرفین، که توسط زوجه و پدرش امضا شده، عمل نکند.

۷- ادامه زندگی خود را منوط به دریافت کل قبالة، و حق مسکن، و دریافت سه فقره چک سفید امضا از شوهر و کسان او بنماید.

جواب: چنانچه موارد بالا ثابت شود، زن ناشزه است.

احکام اولاد

سؤال ۶۹۴- درباره اماره فراش و نفی ولد به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) آیا برای اجرای اماره فراش، احراز وقوع مطلق نزدیکی کافی است، یا نزدیکی باید به گونه‌ای باشد که احتمال حاملگی، هر چند به صورت ضعیف، وجود داشته باشد؟ مثلاً برخی از فقهای عظام وطی در دبر را، به ویژه در صورت عزل، یا عدم انزال، برای جریان اماره فراش کافی نمی‌دانند. نظر حضرت‌تعالی چیست؟

جواب: در تمام این موارد احتمال انعقاد فرزند هست، و اماره فراش محسوب می‌شود.

ب) با توجه به فرض فوق، اماره فراش در کدام یک از حالت‌های زیر جاری است؟

۱- عزل

۲- عدم انزال

۳- وطی در دبر

۴- نزدیکی در ایام عادت ماهانه

۵- استفاده یکی از زوجین، یا هر دو، از وسایل پیشگیری از حاملگی

۶- عقیم شدن زوج توسط عمل جراحی

۷- اثبات عقیم بودن زوج به وسیله آزمایشات پزشکی

۸- صغیر بودن زوج

۹- خصمی و محبوب بودن زوج

جواب: در تمام موارد بالا امارهٔ فراش موجود است؛ زیرا هیچ کدام دلیل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۲

قطعی عدم انعقاد فرزند نیست.

سؤال ۶۹۵- با توجه به این که از شرایط تحقق امارهٔ فراش، این است که از زمان وقوع نزدیکی تا هنگام تولد، کمتر از شش ماه، و بیش از حد اکثر مدت حمل نگذشته باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) اگر زمان وضع حمل به طور معمول نرسیده باشد، ولی با عمل جراحی طفل را زودتر متولد کنند، تا از حد اکثر حمل (۱۰ ماهه) تجاوز نکند، آیا امارهٔ فراش جاری، و طفل ملحق به شوهر است؟

جواب: در این صورت ملحق به فراش نیست.

ب) تاریخ نزدیکی و فاصلهٔ میان آمیزش و تولد به چه وسیله‌ای تعیین می‌شود؟

اگر چندین نزدیکی در طهر واحد انجام شود، مبدأ حمل کدام است؟ اگر زوجین با یکدیگر توافق کنند که از تاریخ نزدیکی تا زمان تولد، بیشتر از ده ماه یا کمتر از شش ماه گذشته، آیا چنین توافقی پذیرفته می‌شود، و نسب طفل نفی می‌گردد؟

جواب: منظور از فراش نزدیکی نیست که تاریخ آن را تعیین کنند، بلکه همین اندازه که زن در خانه شوهر باشد، که امکان نزدیکی دربارهٔ او می‌رود، امارهٔ فراش حاصل است.

سؤال ۶۹۶- آیا شرط حد اقل ۶ ماه، فقط مربوط به طفلی است که صحیح و سالم و زنده به دنیا بیاید، یا شامل طفل مریض، ناقص، یا طفلی که مرده به دنیا آمده نیز می‌شود؟

جواب: اطفال مریض و ناقص و مانند آن را نیز شامل می‌شود، مشروط بر این که انسان محسوب شود.

سؤال ۶۹۷- همان‌طور که مستحضرید برای امارهٔ فراش، احراز و اثبات وقوع نزدیکی در مورد زوجین لازم نیست. آیا احراز وطی برای جریان امارهٔ فراش در وطی به شبهه در مورد جریان امارهٔ فراش نسبت به وطی به شبهه نیز نیازی به احراز و اثبات نزدیکی نیست، یا از آنجا که نزدیکی به شبهه خلاف اصل است، باید احراز شود؟ یعنی آیا اجرای امارهٔ فراش در وطی به شبهه (مثلاً)

متوقف بر اقرار و اعتراف واطی به نزدیکی است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۳

جواب: در مورد وطی به شبهه احراز وطی لازم است.

سؤال ۶۹۸- خانمی اظهار می‌دارد که: «از مورّخهٔ ۷۶/۶/۳۰ تا ۷۷/۶/۳۰ در عقد منقطع مردی بوده، و فرزندش در تاریخ ۷۷/۵/۸ به دنیا آمده است.» مرد نفی ولد می‌کند، و می‌گوید: «عقد منقطع آنها از ۷۷/۱/۱۵ به مدت شش ماه بوده، و چون فرزند مذکور

در مدت کمتر از شش ماه از تاریخ عقد به دنیا آمده، متعلق به ایشان نیست.» لطفاً بفرمایید:

۱- با توجه به اختلاف طرفین در مبدأ عقد منقطع، و عدم ارائهٔ دلیل معتبر یا بینة شرعی بر صحّت اظهاراتشان، قول کدام یک مقدم است؟

۲- با توجه به نفی ولد از سوی زوج، آیا امکان الحاق فرزند مذکور به زوج وجود دارد؟

۳- زوجه می‌گوید: «سر دفتر ازدواج شمارهٔ فلان، صیغهٔ عقد منقطع را جاری نموده، و سر دفتر مذکور نیز ادعای زوجه را تأیید می‌نماید. ولی در دفاتر خود چیزی ثبت نکرده است. آیا با یک شاهد و قسم زوجه، ادعای وی ثابت می‌شود؟

جواب ۱ تا آخر: فرزند مذکور به زوج ملحق نیست.

سؤال ۶۹۹- آیا عقیقه برای میت نیز واجب است؟ آیا بچهٔ خردسال می‌تواند از گوشت عقیقه تناول نماید؟

جواب: عقیقه مطلقاً واجب نیست، ولی استحباب دارد. و در مورد میت باید به قصد رجا انجام شود. و بهتر آن است که بچهٔ

خردسالی که عقیقه برای او می‌شود، از آن نخورد.

سؤال ۷۰۰- آیا می‌توان به خانواده‌هایی که فرزند ندارند، فرزندى بدون سرپرست (مانند کودکان سر راهی) تحویل داد، و در مقابل پولی از آنها گرفت؟ اگر مبلغ اخذ شده بر اساس جنس طفل، یا ویژگیهای ظاهری او، متفاوت باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: فروختن فرزند به هیچ عنوان جایز نیست.

احکام وطی به شبهه

سؤال ۷۰۱- لطفاً در مورد وطی به شبهه به سؤالات زیر پاسخ دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۴

الف) آیا در تحقق شبهه، وجود ظن معتبر به استحقاق وطی شرط است؟ یا هر گونه ظنی برای تحقق شبهه کفایت می‌کند؟ یا اصلاً ظن لازم نیست، و احتمال استحقاق وطی کافی است؟

جواب: احتمال کافی نیست؛ و ظن اگر سبب شود که او خود را مستحق بداند کفایت می‌کند.

ب) آیا حلّیت وطی شرط تحقق شبهه می‌باشد، یا با حرمت وطی نیز شبهه محقق می‌شود؟

جواب: شبهه آن است که انسان آن وطی را برای خود مجاز بداند؛ هر چند بر اثر عوارض آن را حرام ببیند. مثلاً تصوّر کند که ازدواج شرعی واقع شده، ولی در ماه رمضان یا در زمان عادت با همسر خود نزدیکی کند. این هم مصداق وطی به شبهه است.

ج) آیا در مورد فرد جاهل قاصر و مقصر نسبت به مقدار عدّه و حکم آن، شبهه تحقق می‌یابد؟

جواب: در صورتی که باور کند آن وطی برای او حلال است، حکم وطی به شبهه جاری است.

د) آیا واطی به شبهه صاحب فراش محسوب می‌شود، یا تنها مؤاخذه نمی‌شود؟

جواب: واطی به شبهه صاحب فراش نیست. و اگر آن زن شوهری داشته باشد، فرزند به شوهر ملحق می‌شود.

ه) آیا واطی نائم و مجنون و مکره، و نیز واطی ناشی از نکاح فاسد، وطی به شبهه محسوب می‌گردد؟

جواب: هیچ کدام وطی به شبهه نیست، هر چند تکلیف از چنین اشخاصی برداشته شده است. ولی در نکاح فاسد، اگر خیال می‌کرده نکاح صحیح است، وطی به شبهه محسوب می‌شود.

حضانة

سؤال ۷۰۲- لطفاً فتوای خود را با شرایط فعلی زنان در جامعه، و با توجه به مهر و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۵

علاقه‌ای که خداوند در ضمیر آنان نهاده، در مورد اصلاح مدّت حضانة فرزندان در نزد مادران بفرمایید، تا با ارائه آن به مجلس و قانون‌گذاران بتوانیم این مادّه قانونی را اصلاح نماییم.

جواب: مشهور در میان فقهای ما این است که حضانة دختر تا هفت سال، و پسر تا دو سال، در اختیار مادر است؛ مگر این که عسر و حرج شدیدی برای مادر پیدا شود، که برای پدر نباشد، و بیش از این مقدار را ایجاب کند. ضمناً به این نکته توجه داشته باشید که قوانین اسلام- بلکه هر قانونی- ناظر به حال اکثریت است، و موارد نادر و اتّفاقی معیار نیست. بی‌شکّ مصلحت فرزندان غالباً ایجاب می‌کند که زیر نظر پدران باشند، و به خاطر همین بوده که اسلام چنین قانونی وضع کرده است، ولی چون شما تنها به موارد خاصی توجه کرده‌اید، تعجّب نموده‌اید. البتّه مسأله صلاحیت پدر، یا مادر در مورد حضانة شرط است، و اگر یکی از آن دو فاقد صلاحیت باشد، حقّ آنها سلب می‌شود.

سؤال ۷۰۳- پسر بچه‌ای دو سال دوران حضانت خود را نزد مادر سپری نموده است. اکنون با انقضای مدّت حضانت مادر، پدر قصد استرداد طفل را دارد. اما طفل و مادر آن چنان به یکدیگر وابسته و علاقه‌مند هستند، که جدا کردن آنها حتی هفته‌ای یک روز، با مشقّت صورت می‌گیرد. با توجه به این مطلب، در صورتی که متخصصین روانشناسی نظر دهند که جدا کردن طفل از مادر، به سلامت روحی و روانی و جسمانی کودک صدمه وارد می‌کند، و موجب مشقّت و فشار شدید روحی و روانی به مادر خواهد بود، تکلیف چیست؟ اگر پدر به دلیل اشتغال خارج از منزل، بلکه خارج از شهر محلّ سکونت، بخواهد طفل را به دیگری بسپارد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق گواهی کارشناسان خبره و متدین ثابت شود که جدا کردن پسر بچه دوساله از مادرش خطرات شدیدی برای مادر یا آن بچه به همراه دارد، نباید او را از مادرش جدا کرد.

سؤال ۷۰۴- حضانت طفل خنثای مشکل پس از اتمام مدّت شیرخوارگی با کدام استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۶

یک از والدین خواهد بود؟ و ملاک آن چیست؟

جواب: در صورتی که بتوانند با هم توافق کنند مشکل نیست؛ در غیر این صورت قرعه می‌زنند.

سؤال ۷۰۵- آیا کفر مانع حقّ حضانت به شمار می‌آید؟

جواب: در صورتی که خطر مادّی و معنوی بچه را تهدید نکند اشکالی ندارد؛ هر چند (بنابر احتیاط) در زمان حیات پدر مسلمان، حضانت آنها در اختیار اوست.

سؤال ۷۰۶- آیا مباشرت در حضانت ضروری است، و با عدم امکان آن، حقّ حضانت ساقط می‌شود، یا استنابت نیز جایز است؟

جواب: استفاده از کمک خادم، یا کمک کار با نظارت خودش مانعی ندارد، ولی سپردن به دیگری به طور کامل اشکال دارد.

سؤال ۷۰۷- در فرض سؤال بالا، در صورتی که استنابت در حضانت جایز باشد، آیا جواز مشروط بر عدم قدرت بر مباشرت می‌باشد، یا بطور مطلق جایز است؟

جواب: مشروط نیست.

سؤال ۷۰۸- در حکم دادگاه آمده: «چون برای نگهداری و حضانت طفل از محکمه اذن نگرفته، حقّ حضانت ندارد» این مسأله چه صورت دارد؟

جواب: در مدّتی که حضانت و وظیفه زن است، اجازه دادگاه شرط نیست.

سؤال ۷۰۹- طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، ولد زنا ملحق به زانی نیست، آیا می‌توان با در نظر گرفتن وضعیت این اطفال و آینده آنان، ولایت قهری پدرشان را بر آنان مقرر نموده، و از این باب آنان را ملزم به حضانت طفل و پرداخت نفقه و نگهداری از آنان نمود؟ و در صورت نبودن پدر، جدّ پدری، و در صورت فقدان وی، دیگر اقوام پدری را، با رعایت قاعده الأقرب فالأقرب، ملزم به این کار کرد؟

جواب: عدم الحاق ولد الزنا به زانی در مورد ارث است؛ ولی در نفقه و حضانت، زانی موظّف است آن را بر عهده بگیرد. به تعبیر دیگر، ولد الزنا احکام ولد را دارد، الا ما خرج بالدلیل.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۷

سؤال ۷۱۰- می‌دانیم که مادر، ۹ ماه فرزند را در شکم دارد، و بسیاری از قوت و نیروی او به این طریق از دست می‌رود، و به خاطر زایمان، نیز دچار بیماریهایی می‌شود. چرا با تمام این مشکلات، که یک زن در بزرگ کردن طفل خود و حتی شیر دادن او دارد، به هنگام جدایی زن و شوهر از یکدیگر، (جز در موارد معدودی) فرزند به پدر سپرده می‌شود؟

جواب: شکی نیست که مرد برای حمایت از فرزند خود قدرت بیشتری دارد، و موارد استثنایی نمی‌تواند حکم کلی را تغییر دهد.

نقحه

سؤال ۷۱۱- اگر طبق نظر پزشک، زوجه دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترک نماید، یا این که زوجه دائمی به علت ابتلای به جنون ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد. آیا چنین زنی در دو صورت مذکور حق نفقه دارد؟
جواب: در صورتی که زن مقصر نبوده باشد، احتیاط واجب آن است که مرد نفقه او را بپردازد.

سؤال ۷۱۲- زنی ادعا می‌کند شوهرش او را از منزل بیرون کرده، و نفقه‌اش را در مدت خاصی پرداخته است. شوهر ضمن اقرار به این که نفقه معوقه همسرش را پرداخت نکرده، ادعا می‌کند که همسرش ناشزه است، و بدون اجازه او منزل مشترک را ترک کرده، و از ادای وظایف زناشویی امتناع نموده، و در نتیجه استحقاق نفقه ندارد. در فرض مذکور، با توجه به این که زوجین جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند، قول کدام یک مقدم و بینه بر عهده چه کسی است؟
جواب: اگر جدا از هم زندگی می‌کنند، و زن مجوزی برای این کار ندارد، ناشزه است و حق نفقه ندارد.

سؤال ۷۱۳- زن و شوهری اختلاف پیدا می‌کنند، بدین جهت زن علیه شوهر استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۸

شکایت می‌نماید. پس از مراجعات زیاد، دادگستری دستور حل اختلاف را از طریق کدخدا منشی صادر می‌کند. جمعی به همراه زن و شوهر به محضر حاکم شرع محل می‌روند. پس از مشخص شدن حقوق شرعی زن (مهریه، نفقه، و مانند آن) حاکم شرع از شوهر و کالت شرعی گرفته، و اقرار نامه‌ای جهت اجرای صیغه طلاق تهیه، و به امضای زن و شوهر و حاضرین در جلسه می‌رساند. زن تمام حقوق شرعی خود، حتی اجرت انجام صیغه طلاق را از شوهر می‌گیرد. شوهر در این مورد و در این مدت نه به زن، و نه به حاکم شرع، رجوع نموده است. پس از گذشت ۷ سال، زن ادعای جاری نشدن صیغه طلاق را دارد، و نفقه و مخارج چند ساله خود را از شوهر مطالبه می‌نماید. حاکم شرع نیز اعتراف دارد که صیغه طلاق را اجرا نکرده است. در این مدت طولانی، اجرا نشدن صیغه طلاق به صورت یک راز بین زن و حاکم شرع پنهان بوده، و به شوهر اطلاع نداده‌اند! زن مجدداً علیه شوهر شکایت نموده، و شوهر محکوم به خسارات و مجازاتی می‌شود. حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: هرگاه شوهر تمام حقوق زن را پرداخته، و به کسی و کالت داده که صیغه طلاق زن را جاری کند، و او کوتاهی کرده و صیغه طلاق را جاری نکرده و به شوهر هم اطلاع نداده، شوهر ضامن نفقه زن در این مدت نمی‌باشد.

سؤال ۷۱۴- این که گفته می‌شود: «نفقه اقارب قضا ندارد.» شامل چه کسانی می‌شود؟ آیا شرط و شروطی دارد؟

جواب: منظور از اقارب پدر و مادر و فرزند است؛ و شرط و شروط خاصی ندارد. ولی نفقه همسر در هر حال باید پرداخته شود.

سؤال ۷۱۵- اگر شخصی زنی را صیغه کند، و آن زن بچه‌ای به دنیا آورد، و مرد منکر شود. در صورت اثبات نسب، هر چند پس از ده سال، آیا تمام حق و حقوق این زن از قبیل حضانت، اجرت شیر دادن، نفقه طفل و مانند آن به او تعلق می‌گیرد؟
جواب: حقوق شرعی این زن و بچه بعد از اثبات ازدواج و تولد، در هر حال ثابت است.

سؤال ۷۱۶- آیا شوهر دائمی در رابطه با قیمومت زوجه خود که دچار جنون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۶۹

ادواری، یا دائم شده، نسبت به پدر، جد پدری، مادر، و سایر اقارب زوجه، اولویت دارد؟

جواب: اولویتی ندارد.

اختلافات زوجین

سؤال ۷۱۷- در صورت اختلاف بین زن و مرد در وقوع و عدم وقوع طلاق، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: در صورتی که بیّنه شرعی بر طلاق نباشد، قول منکر طلاق مقدم است.

سؤال ۷۱۸- در صورت اختلاف بین زن و مرد در وقوع عقد نکاح، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: در صورت نبودن بیّنه شرعی یا قرائن قطعیه، قول منکر نکاح مقدم است.

سؤال ۷۱۹- در صورت اختلاف بین زوجین در دائم یا منقطع بودن عقد نکاح، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: قول مدعی عقد موقت مقدم است؛ ولی احتیاط آن است که در پایان مدت، صیغه طلاق نیز جاری گردد.

سؤال ۷۲۰- در صورت اختلاف زوجین در مورد وقوع و عدم وقوع نزدیکی، قول کدام یک مقدم است؟ توضیح این که زوجین بعد از عقد نکاح، قصد جدایی از هم را دارند، و زوجه مدعی است که به واسطه نزدیکی، مستحق کل مهریه است، و زوج با ادعای عدم نزدیکی، زوجه را مستحق نصف مهریه می‌داند. حق با کیست؟

جواب: قول عدم نزدیکی مقدم است (البته با قسم)، مگر این که مدتی بدون مانع با هم خلوت داشته باشند، که ظاهر حال واقعه باشد.

سؤال ۷۲۱- در صورت اختلاف زوجین، در این که رجوع صورت گرفته یا خیر، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: قول منکر رجوع، مقدم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۰

سؤال ۷۲۲- در صورت اختلاف زوجین در این که رجوع در زمان عدّه صورت گرفته یا بعد از آن، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: قول زوجه مقدم است.

سؤال ۷۲۳- در صورت اختلاف بین زن و مرد در مورد این که عقد نکاح سابق به قوت خود باقی است، یا به علل شرعی مانند طلاق و فسخ، زوجیت خاتمه یافته، قول کدام یک مقدم است؟
جواب: قول مدعی بقای زوجیت، مقدم است.

سؤال ۷۲۴- الف) اگر بخشی از مهریه زنی سه دانگ خانه بوده که به مبلغ صد میلیون ریال تقویم شده باشد، و مرد زمینی به همین مبلغ، یا بیشتر، بخرد و خانه‌ای در آن بنا کند، آیا در خصوص این بخش از مهریه زن برائت حاصل کرده است؟

ب) اگر بین زن و مرد اختلاف شود، و مرد مدعی باشد که زمین ساختمان را بابت مهریه زوجه تسلیم نموده، و زن مدعی شود که تحت عنوان هبه دریافت کرده، قول کدام یک مقدم می‌شود؟

ج) در فرض بالا کدام یک باید دلیل و بیّنه ارائه دهد؟

د) اصولاً کسی که مالی به دیگری می‌دهد، ظهور در تبرّع دارد یا عدم تبرّع؟

ه) اگر ثابت شود خانه‌ای که زوج ساخته، و به زن تسلیم کرده، و سند را هم به نام زوجه نموده، حد اقل سه برابر مبلغی است که مرد موقع اجرای صیغه عقد نکاح به عنوان بخشی از مهریه متعهد شده، آیا مرد مجاز است با بخش دیگری از مهریه زوجه، مثلاً وجه رایج، یا طلا و سکه مقدار اضافی را تهاتر نماید؟ یعنی آیا تعهدات دیگر زوج راجع به سایر اقلام مهریه در حد ارزش اضافی خانه ساقط می‌شود؟

و) اگر تهاتر نمی‌شود، آیا زوج حق دارد به اعتبار این که مقروض به زوجه نبوده، از مالی که به زوجه داده و تصور می‌کرده بابت دین خود داده، رجوع و آن را مطالبه و مسترد کند؟

جواب الف تا و: در صورتی که خانه را با مشخصاتی که در مهریه اشاره شده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۱

تهیه، و به عنوان مهریه به زن تحویل دهد براث ذمه از این نظر حاصل شده است.

و ادعای زن در مورد هبه بودن قبول نیست؛ مگر این که اقامه بینه شرعی کند. از این گذشته، در فرض هبه بودن، مرد حق رجوع در هبه را دارد (مگر این که زن و شوهر خویشاوند همدیگر باشند.) و در صورتی که قیمت خانه زائد بر مقدار توافق در مهریه باشد، اضافه را می‌تواند (در صورت موافقت زوجه) بابت بقیه حساب کند. و در صورت عدم موافقت زوجه می‌تواند اضافه را بازپس بگیرد؛ (مشروط بر این که مصالحه‌ای بر کل خانه انجام نشده باشد.)

سؤال ۷۲۵- شوهر زنی سه سال و نیم قبل فوت کرده، و از آن تاریخ تاکنون ادعایی در مورد دائمی بودن عقد ازدواج نداشته، بلکه قرائنی هم بر موقت بودن ازدواج ایشان وجود دارد. اخیراً مدعی دائمی بودن ازدواج خود با آن مرحوم شده است، ولی همسر اول و دائمی مرحوم منکر دائمی بودن رابطه زوجیت مدعی است. اگر قرار باشد که صحت و سقم موضوع با سوگند شرعی اثبات شود، قسم را باید همسر موقت که مدعی دائمی بودن است یاد کند، یا قسم متوجه همسر دائمی است که منکر ادعای مدعی است؟
جواب: همسر مدعیه باید برای اثبات ادعای خود بینه شرعی اقامه کند، و قسم کافی نیست، و منکر باید سوگند یاد کند که او همسر دائمی نیست.

سوالات متفرقه نکاح

سؤال ۷۲۶- شخصی به نام ابراهیم با این جانبه، که دوشیزه بودم، ازدواج دائم نمود.

سعی داشت این ازدواج به جهت داشتن همسر و فرزندان، که در خارج بودند کاملاً مخفی باشد. به همین دلیل به خاطر سن بالای من مانع فرزنددار شدن من می‌شد.

نامبرده خانه‌ای برای زندگی مشترک در تهران خریداری، و تا زمان فوت وی با یکدیگر زندگی می‌کردیم، و سالی دو سه بار به خارج رفت و آمد می‌کرد. در سال ۱۳۷۵ به منظور معالجه به خارج رفت، و در همان جا مرحوم شد. اکنون همسر و فرزندان او منکر زوجیت این جانبه شده‌اند، در حالی که زوجیت ما بر کسی پوشیده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۲

نیست. متأسفانه عقدنامه عادی نیز مفقود شده، اما فتوکپی آن موجود می‌باشد.

یکی از شهود عقد، و همچنین پدر و مادرم که شاهد عقد بودند، نیز در قید حیات هستند. لطفاً حکم مسأله را بیان فرمایید.

جواب: شما باید از طریق شهادت شهود، این مطلب را ثابت کنید. و شهادت پدر برای دختر، چنانچه ظاهر الصیاح باشد، مانعی ندارد. و چنانچه همسایگان نیز تأیید کنند که شما و ایشان سالها ظاهراً به صورت زن و شوهر زندگی می‌کرده‌اید، آن هم می‌تواند از قرائنی باشد که به علم قاضی کمک می‌کند.

سؤال ۷۲۷- شخصی هستم ۴۰ ساله که به دلایل زیاد، با همسر مشکل دارم، بدین جهت قصد ازدواج مجدد دارم، که همسر من نیز موافق است. ولی چون زن مورد نظر از آشنایان همسر من می‌باشد، و دو شوهر قبلی خود را به مرگ طبیعی از دست داده، می‌گویند بد قدم است. آیا این تفکر صحیح است؟

جواب: این تفکر درست نیست، و از نظر اسلام مبنایی ندارد.

سؤال ۷۲۸- مادر زن این جانب در امور زندگی بنده و همسر من دخالت مستقیم نموده، و به نصایح و نهی از منکر حقیر و دیگران توجه نمی‌کند. همچنین بدون رضایت این جانب به منزل آمده، از وسایل زندگی من استفاده می‌نماید. حکم شرع مقدس در این

مورد چیست؟

جواب: البته اگر بدون اجازه آمده باشد ضامن است؛ ولی شما هم نباید سخت بگیرید. بسیاری کسانی که به این مشکل مبتلا هستند، و با صبر و حوصله آن را حل می‌کنند.

سؤال ۷۲۹- طبق جواب حضرت تعالی، در خصوص ازدواج دوقلوهای به هم چسبیده، مسأله سه صورت خواهد داشت، که شما حکم دو صورت آن را ذکر فرمودید. به این نحو که دوقلوه‌ها یا هر دو پسر هستند، یا هر دو دختر، که حکم این دو صورت در جلد اول استفتاءات جدید، پاسخ سؤال ۸۷۴ ذکر گردیده است. حال اگر یکی از دوقلوه‌ها پسر و دیگری دختر باشد، و نیاز شدید به ازدواج داشته باشند، ازدواج آنها به چه شکل خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۳

جواب: در صورتی که ضرورتی نباشد باید از ازدواج صرف نظر کنند، و اگر ضرورت قطعی و غیر قابل اجتناب باشد، هر کدام می‌توانند همسری انتخاب کنند. ولی تا آنجا که ممکن است باید جهات مربوط به محرم و نامحرم را رعایت نمایند، و از آنجا که این گونه مسائل بسیار نادر است، طبعاً احکام آن هم عجیب به نظر می‌رسد.

سؤال ۷۳۰- آیا دین مقیاس عدالت است، یا عدالت مقیاس دین؟ به بیان دیگر، آیا دین به هر چه که عدالت باشد امر می‌کند، یا هر چه که دین به آن امر کند، عدالت است؟

و به بیان فنی، آیا عدالت در سلسله علل احکام است، یا در سلسله معلل آن؟

توضیح بیشتر این که: آیا انسانها، مصادیق بارز ظلم و عدالت را از طریق شریعت می‌شناسند، یا عدالت و ظلم برای همه روشن است، و توصیه‌های دین ارشاد به حکم عقل است؟

مستحضرید شیعه نیز مثل معتزله معتقد است که عدالت، مقیاس دین است، و اشاعره دین را مقیاس عدالت می‌دانند. حال سؤال این است که اگر شیعه عدالت را مقیاس دین می‌داند، چرا در استنتاجات فقهی به احکامی می‌رسد که هر عرفی آن را مصداق بین ظلم می‌داند. بعضی از احکام نکاح چنین است؛ توجه فرمایید:

۱- اجماعی است که طلاق به دست مرد است، و مرد می‌تواند هر گاه که اراده کند زنش را طلاق بدهد، هر چند هیچ عذر موجهی نداشته باشد! طلاق غیابی و بدون هیچ عذر موجه، در هر عرفی ظلم محسوب می‌شود.

۲- در بحث عیوب زوجین می‌گویند: «اگر مرد بعد از عقد بفهمد زنش کور یا شل است، خوره یا برص دارد، می‌تواند عقد را فسخ کند. ولی اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش یکی از این عیوب را دارد حق فسخ ندارد؛ باید بسوزد و بسازد!»

۳- مرد هر وقت تمایل داشته باشد زن باید خود را در اختیار او قرار دهد؛ حتی اگر وسط نماز باشد. ولی زن فقط سالی سه مرتبه حق آمیزش دارد، آن هم چنان کوتاه و مختصر که مجال بیان آن نیست!

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۴

۴- اگر مرد در شب عروسی همسرش را ترک کند و مسافرت برود، و بعد از ده سال برگردد (در صورتی که نفقه داده باشد)، زن حق اعتراض ندارد!

چگونه می‌توان با حفظ مبنای کلامی شیعه، این قبیل احکام را پذیرفت؟ آیا می‌گویید همه عقلاً اشتباه می‌کنند که می‌گویند طلاق مبنی بر هوس و بدون عذر موجه ظلم است؟ همه عقلاً که برای زن نیز (در شرایط تدلیس مرد در موارد فوق) حق فسخ قائلند اشتباه می‌کنند؟

جواب: بدون شک فقه شیعه بر اساس ادله اربعه بنا نهاده شده، که یکی از آنها دلیل عقل است. منتها عقل باید قطعی و جامع جمیع جهات باشد، و در مثالهایی که ذکر کرده‌اید متأسفانه اشتباهات فقهیه متعددی وجود دارد. مثلاً بند چهارم که نوشته‌اید: «اگر مرد در

شب عروسی همسرش را ترک کند و ده سال برنگردد...»

این مسأله از نظر موازین فقهی درست نیست. چنانچه زوجه در عسر و حرج بیفتد، و لو بعد از شش ماه بوده باشد، ما اجازه طلاق را می‌دهیم. و تاکنون چه بسیار زنانی که شوهرشان آنها را رها کرده، و از طریق همین فتوا آزادی خود را یافته‌اند.

و در مورد بند سوم، اولاً مرد نمی‌تواند در شرایط غیر متعارف مانند وسط نماز یا مواردی از این قبیل، از زن تقاضای تمکین کند، بلکه طبق عرف و عادت باید انجام شود. و ثانیاً در مورد زن نیز در صورتی که ترک آمیزش برای او خطر انحراف جنسی داشته باشد، یا مشکل مهمی ایجاد کند، هرگز انتظار چهار ماه کشیده نمی‌شود.

و در بند دوم، در صورتی که توافق طرفین به صورت ضمن العقد، یا شرط مبنی علیه العقد، بر سلامت بوده باشد، هر عیبی سبب حق فسخ می‌شود.

باقی می‌ماند بند اول، هم اکنون در بسیاری از جوامع بشری زن و مرد حق طلاق را دارند، و می‌توانند بدون عذر موجهی از هم جدا شوند. اگر در مورد زن ظلم محسوب می‌شود، در مورد مرد هم ظلم به شمار می‌آید. بنابراین ظلم طرفین را در میان عقلاً باید پذیرا باشید. از آن گذشته، همان گونه که در دادگاه‌های امروز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۵

هم دیده می‌شود، می‌توان جلوی طلاقیهای هوس‌آلود را گرفت. به علاوه با توجه به این که مرد به هنگام طلاق متحمل خسارات زیادی می‌شود فرضی که شما کرده‌اید یک فرض غیر واقعی است که مرد بدون هیچ عذری دست به طلاق بزند، حتماً عذری دارد؛ البته آنچه در بالا گفتیم اجمال مسأله است.

سؤال ۷۳۱- این جانب در نظر دارم مؤسسه‌ای «فرهنگی، اجتماعی» در خصوص همسر یابی جوانانی که به سن ازدواج رسیده‌اند، تأسیس نمایم. و با توجه به شرایط، موقعیت و سن و سال متقاضیان ازدواج، همسر مورد علاقه و مطلوبشان را به آنها معرفی نموده، و به این وسیله به جامعه و مردم خدمت کنم. همان‌طور که مستحضرید اخیراً آمارهای صادره از مراجع ذی صلاح، بیانگر افزایش طلاق در سنوات اول ازدواج است. و بدون هیچ گونه شک و تردیدی، عدم شناخت زوجهای جوان از یکدیگر، و تن دادن به ازدواجهای ناآگاهانه و ناخواسته، سبب شکست و ناکامی جوانان گردیده، و ادامه این روند سبب ورود ضرر و زیان‌های جبران‌ناپذیری به بنیانهای فرهنگی، اجتماعی و خانوادگی خواهد شد. آیا تأسیس چنین مؤسسه‌ساتی از نظر شرع انور اسلام جایز است؟

جواب: تا آنجا که اطلاع داریم تاکنون افراد یا گروههای متعددی اقدام به این کار کرده‌اند. بعضی موفق بوده، و بعضی با مشکلات مواجه شده‌اند، ولی به هر حال اگر این کار زیر نظر افراد مطمئن، و با رعایت تمام شئون اسلامی، و اخذ مجوز از مقامات ذی صلاح صورت گیرد، کار خوبی است، و ممکن است جلوی بسیاری از مشکلات ازدواجها را بگیرد. امّا با توجه به ظرافت و حساسیت‌های مسأله، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق دارد.

سؤال ۷۳۲- اگر یکی از فرزندان خانواده‌ای طلاق بگیرد، و در این هنگام برای فرزند دیگرشان خواستگاری بیاید، و پدر و مادر مجبور شوند از مهریه فرزند بزرگتر برای مخارج ازدواج فرزند دیگر هزینه کنند، چه حکمی دارد؟

جواب: بدون رضایت آن دختر از مهریه او نمی‌توان استفاده کرد. و اگر این کار را کرده‌اند، باید به شکلی رضایت او را جلب کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۷

شرایط طلاق

سؤال ۷۳۳- این که طلاق باید در طهر واقع شود، آیا باید زن غسل هم کرده باشد، یا پاک شدن از حیض کافی است؟
جواب: غسل لازم نیست.

سؤال ۷۳۴- در مورد عدالت دو شاهد هنگام اجرای صیغه طلاق، هرگاه مجری صیغه، اعتقاد به عدالت و دیگران علم به فسق شهود داشته باشند، آیا طلاق صحیح است؟
جواب: برای آنها که علم به فسق شهود ندارند کافیت.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۲۷۷

سؤال ۷۳۵- آیا عدم علم شاهد به فسق خودش در شهادت بر طلاق معتبر می‌باشد؟
جواب: خالی از اشکالی نیست.

سؤال ۷۳۶- آیا عدالت، که در شهود طلاق شرط است، شرط واقعی است یا شرط علمی و ظاهری؟ به تعبیر دیگر، هرگاه پس از اجرای صیغه طلاق، علم به فسق شاهدین پیدا کنیم، در حالی که به هنگام طلاق آنها را عادل می‌پنداشتیم، طلاق واقع شده چه حکمی دارد؟
جواب: طلاق مزبور صحیح است.

عده طلاق

سؤال ۷۳۷- در صورتی که زوج پس از عقد دخول نکرده باشد، ولی انزال شده و استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۸

نطفه به رحم زن منتقل شده باشد، و سپس طلاق واقع گردد. آیا زوجه باید عده نگه دارد؟ حکم مسأله را در صورت حامله شدن، و حامله نشدن زوجه بیان فرمایید.
جواب: آری زوجه باید عده نگه دارد.

سؤال ۷۳۸- زوجه‌ای - العیاذ بالله - از زنا حامله شده، و طلاق داده شده است. آیا عده او وضع حمل است، یا عده غیر حامله را دارد؟ حکم مسأله در صورتی که حاملگی از طریق وطی به شبهه باشد چیست؟
جواب: در صورتی که مسلم باشد حمل از زناست، و احتمال الحاق به زوج شرعی نباشد، عده‌ای برای حمل نیست، تنها عده طلاق دارد. و وطی به شبهه عده دارد، و در صورت حمل عده آن وضع حمل است.

سؤال ۷۳۹- مردی زوجه‌اش را طلاق می‌دهد، و پیش از تمام شدن مدت عده فوت می‌کند. آیا زوجه باید عده وفات نگه دارد، یا همان عده طلاق را تمام کند؟ آیا در این مسأله فرقی میان طلاق رجعی و بائن، یا طلاق حامله و غیر حامله وجود دارد؟
جواب: اگر عده رجعی بوده، نگه داشتن عده وفات لازم است. ولی در عده بائن، تکمیل همان عده کافی است.

سؤال ۷۴۰- لطفاً به دو سؤال زیر پیرامون عده پاسخ فرمایید:

الف) خانمی در عده طلاق یا وفات بوده، که با او وطی به شبهه می‌شود. آیا لازم است دو عده نگه دارد، یا تکمیل همان عده اول کافی است؟ و اگر دو عده لازم باشد، عده دوم (وطی به شبهه) از چه زمانی آغاز می‌شود؟
جواب: احتیاط واجب آن است که دو عده نگه دارد. و عده دوم پس از انقضای عده اول شروع می‌شود.

ب) در فرض فوق، اگر از زوج اول، یا از واطی به شبهه حامله شود، آیا عده حمل مقدم بر عده دیگری است؟
جواب: عده حمل مقدم است، و بعد عده دوم را آغاز می‌کند.

سؤال ۷۴۱- حدود ۱۵ سال پیش از شوهر اولم طلاق گرفتم، و پس از حدود یک استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۷۹

سال با مرد دیگری مجدداً ازدواج کردم. پنج ماه پس از ازدواج دوم، شوهر سابقم فوت نمود. اکنون بعد از گذشت حدود ۱۴ سال متوجه شدم که طلاق اولم باطل بوده، و به همین دلیل از شوهر دومم جدا شدم. آیا بنده، که یائسه نیز می‌باشم، باید بعد از ۱۴ سال برای شوهر اولم عده وفات نگه دارم؟

جواب: هرگاه تازه از فوت او آگاه شده باشید باید عده نگه دارید، ولی اگر قبلاً از فوت او با خبر شده‌اید، و مدت چهار ماه و ده روز گذشته باشد، عده منقضی شده است.

طلاق رجعی

سؤال ۷۴۲- هرگاه طبق ادعای زوج، زوجه مرتکب عمل منافی عفت شده، و زوج نسبت به وی ظنین باشد، و نگه‌داری وی تا پایان عده در منزل مشترک، احتمال تشنج و درگیری ما بین طرفین را به همراه داشته باشد، و زوج برای جلوگیری از این مشکل، متقبل هزینه مسکن جداگانه و اسکان همسرش در آن منزل شود. آیا در صورت صدور حکم طلاق رجعی توسط دادگاه صالحه، و اسکان زوجه در ایام عده در منزل جداگانه به هزینه زوج، اجرای صیغه طلاق و ثبت آن از نظر شرع انور اسلام مانع شرعی دارد؟
جواب: در فرض مسأله، چون احتمال خطر، یا ضرر، یا مفسده‌ای وجود دارد، عمل کردن به ترتیب فوق مانعی ندارد.

سؤال ۷۴۳- زوج و زوجه‌ای در اصل رجوع و انقضای مدت عده طلاق رجعی اتفاق نظر دارند، ولی در این که کدام زودتر واقع شده، اختلاف دارند. قول کدام یک مقدم است؟

جواب: در صورتی که تاریخ طلاق معلوم باشد، و تاریخ رجوع مجهول؛ رجوع بی‌اثر خواهد بود. و اگر بالعکس بوده باشد، رجوع مؤثر است. و اگر تاریخ هر دو مجهول باشد، رجوع فایده‌ای ندارد.

سؤال ۷۴۴- مردی زوجه‌اش را طلاق رجعی داده است. زوج مدعی رجوع به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۰

طلاق، و زوجه منکر آن است. حکم شرعی در دو فرض بالا در اثنای عده و پس از آن چیست؟

جواب: اگر در اثنای عده باشد، این کار خود رجوع محسوب می‌شود. و اگر بعد از عده باشد، بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود.

طلاق خلع

سؤال ۷۴۵- آیا طلاق خلع (با توجه به بذل مال) عقد است، یا ایقاع؟ اگر عقد است، الفاظ ایجاب و قبول آن چیست؟
جواب: نوعی عقد است، که الفاظ آن را در توضیح المسائل در بحث خود نوشته‌ایم.

سؤال ۷۴۶- لطفاً به سؤالات زیر در مورد طلاق خلع پاسخ دهید:

۱- آیا در تقاضای طلاق خلع، که از ناحیه زوجه مطرح می‌شود، کراهت و نفرت، باید کراهت ذاتی باشد، یا کراهت عرضی نیز موجب جواز طلاق خلع است؟

جواب: هرگونه کراهتی سبب طلاق خلع می‌شود.

۲- با عنایت به این که زن در عده طلاق خلع نفقه ندارد، آیا بذل نفقه ایام عده از سوی زوج به عنوان قسمتی از بذل، وجاهت

شرعی دارد؟ و آیا اساساً چیزی که هنوز واجب نشده، می‌تواند مورد بذل واقع شود؟

جواب: با توجه به این که در ایام عده در طلاق خلع نفقه وجود ندارد، چیزی برای بخشیدن محسوب نمی‌شود.

۳- قسمتی از مهریه نیز قبلاً توسط زوجه مطالبه و وصول شده است، حال زوجه مدعی بذل کل مهریه است، حکم شرع نسبت به مبلغ دریافتی زوجه چیست؟ آیا باید آن را بازگرداند؟

جواب: مال البذل در طلاق خلع تابع توافق طرفین است؛ بر هر چیزی توافق کنند همان کفایت می‌کند.

۴- آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیه زوج، شرط صحت طلاق خلع است؟ به عبارت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۱

دیگر، آیا اعلام قبول ما بذل از ناحیه زوج شرعاً ضرورت دارد؟ چنانچه زوج قبول ما بذل را اعلام ننماید، آیا می‌توان طلاق خلع را به صرف بذل از ناحیه زوجه انجام داد؟

جواب: در طلاق خلع شرط است که زوج ما بذل را در برابر اجرای طلاق بپذیرد.

سؤال ۷۴۷- آیا شرط حق رجوع به بذل در عده، یا شرط رجوع به نکاح در عده، بر فرض رجوع زن به بذل در زمان عده، مبطل خلع است؟

جواب: این دو موضوع احتیاج به شرط ندارد. و اگر هم شرط شود، تولید اشکال نمی‌کند.

سؤال ۷۴۸- درباره تعلیق در خلع، آیا تعلیق بر امر محتمل، یا امر مقارن محقق معلوم، ضرر دارد؟

جواب: تعلیق در انشاء، در هر صورت خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۴۹- آیا در خلع، رجوع به بذل صحیح و نافذ است؟ در هر حال، اگر رجوع به بذل حاصل شود، آیا احکام مطلقه رجعیه جاری می‌شود، یا احکام دیگری دارد؟

جواب: پاسخ این سؤال روشن است؛ رجوع به بذل جایز است. و بعد از رجوع به بذل، احکام مطلقه رجعیه جاری می‌شود.

سؤال ۷۵۰- اگر در طلاق خلع، شخصی اجنبی به ادعای وکالت از زوجه چیزی بذل نماید، سپس روشن شود که دروغ گفته، آیا طلاق خلع صحیح است؟ در صورت عدم صحت، آیا طلاق رجعی می‌شود؟ اگر زن بعداً راضی به آن بذل شود، و آن را اجازه نماید، آیا خلع محقق می‌شود؟

جواب: چنین طلاقی اشکال دارد؛ و باید از نو خوانده شود.

سؤال ۷۵۱- اگر زوجه در مرض موت، در حالی که شعور کافی دارد برای طلاق خلع چیزی بذل نماید، آیا خلع صحیح است؟ در صورتی که بذل زاید بر ثلث مال او باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: در هر حال اشکال ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۲

محلل

سؤال ۷۵۲- آیا نکاح محلل، هادم یک طلاق و دو طلاق نیز می‌باشد؟ یعنی پس از ازدواج محلل، زوج اول می‌تواند سه طلاق دیگر بدهد؟

جواب: آری هادم می‌شود.

سؤال ۷۵۳- در صورتی که محلل بعد از وطی مرتد شود، آیا تحلیل حاصل می‌شود؟ ارتداد پیش از وطی چطور؟ حکم مسأله در صورت ارتداد و اسلام مجدد زوجه، پیش از وطی و پس از آن چه می‌باشد؟

جواب: ارتداد بعد از وطی اثری ندارد، ولی قبل از وطی زوجیت را باطل می‌کند؛ بنابراین دخول اثری ندارد.
سؤال ۷۵۴- آیا در وطی معتبر در ازدواج محلل، وطی و دخول حلال شرط است، یا اگر دخول حرام واقع شده باشد (مانند وطی در ایام حیض، یا وطی در حال احرام) آن هم در تحقق حلّیت کافی است؟
جواب: کفایت می‌کند.

طلاق غیابی

سؤال ۷۵۵- در صورتی که شوهر خانمی غایب و مفقود الاثر باشد، و رفع امر به حاکم کرده باشد، و حاکم به مدت چهار سال با شرایط معتبر فحوص کرده و خبری از وی نیافته باشد، ولی زن پس از چهار سال بقای بر زوجیت را برگزیند، اما پس از مدتی (مثلاً دو سال) تصمیم به طلاق بگیرد، آیا ضرب الاجل و فحوص چهارساله، دوباره باید تجدید گردد، یا همان فحوص نخست کافی است؟
جواب: فحوص سابق کافی است.

سؤال ۷۵۶- مردی، که دارای دو عیال است، مفقود می‌گردد. یکی از همسرانش به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق می‌کند. دادگاه مدت چهار سال، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم، صبر می‌کند، و چون اثری از شوهر زن پیدا نمی‌شود، حکم بر طلاق، با ننگه داشتن عده و وفات می‌دهد. دو سال بعد، زن دیگر آن مرد به دادگاه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۳

مراجعه و تقاضای طلاق می‌دهد. آیا این زن هم، از تاریخ رفع مراجعه به حاکم باید چهار سال دیگر صبر کند، یا چون زن اول اقدام کرده، و مفقود الاثر بودن شوهر بر حاکم محرز شده، نیاز به این کار نیست؟
جواب: تحقیق و تفحص اول برای هر دو زوجه کافی است؛ مگر این که در این اثنا، آثاری بر وجود او آشکار شده باشد.
سؤال ۷۵۷- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- در صورتی که دادگاه به لحاظ عسر و حرج زوجه، یا مفقود بودن زوج، حکم طلاق را صادر کند، نوع طلاق چیست؟
جواب: اگر شوهر با خبر نمی‌شود و رجوع نمی‌کند، دادگاه می‌تواند طلاق رجعی بدهد؛ ولی در مواردی که احتمال رجوع شوهر است، طلاق خلعی جاری می‌کند. به این ترتیب که مال کمی از طرف زوجه به زوج در برابر طلاق خلعی می‌بخشد، سپس دادگاه یا کسی که از طرف او صیغه می‌خواند، آن بذل را از طرف زوج قبول می‌کند، و بعد صیغه طلاق را جاری می‌کند.

سؤال ۷۵۸- در مورد درخواست طلاق از سوی زوجه به خاطر عدم تأدیة نفقه از سوی زوج به مدت شش ماه، و عدم امکان الزام او به دادن نفقه، یا مواردی که دوام زوجیت به تشخیص دادگاه موجب عسر و حرج باشد، و زوج نیز با طلاق موافق نباشد، لطفاً بفرمایید:

اولاً: طلاق مذکور چه نوع طلاق است؟ ثانیاً: آیا زوجه در این صورت موظف به بذل کلیه حقوق خود در قبال طلاق است، یا حق مطالبه کل مهریه را دارد؟ یا در صورتی که آن را طلاق خلع بدانیم، برای تحقق آن می‌توان مثلاً ده درصد از مهریه را بذل نمود؟
جواب: در صورتی که حاکم شرع مطمئن باشد زوج از حق رجوع استفاده نمی‌کند، می‌تواند طلاق رجعی دهد. در غیر این صورت می‌تواند طلاق خلعی به مبلغ مختصری دهد؛ آن مقدار که حق و عدالت ایجاب می‌کند.

ثالثاً: در صورتی که قاضی بخواهد صیغه طلاق را اجرا نماید، مستدعی است

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۴

نحوه اجرای آن را به عبارت صحیح بیان فرمایید؛ زیرا قضاوت غیر روحانی در اجرا مشکل دارند.

جواب: بذلت عن قبل موکلتی کذا لزوجتها لیخلعها علیه و یطلقها به (به جای کذا ذکر بذل شود) سپس بگوید: «قبلت عن قبل

زوجها فلان، فهی علی ما بذلت طالق».

سؤال ۷۵۹- فردی که از جانب چند نفر و کیل در خواندن صیغه طلاق بوده، پس از اجرای صیغه‌های طلاق، (که برخی از آنها رجعی، و برخی بائن بوده)، یقین حاصل می‌کند که یکی از طلاق‌ها باطل بوده است. اگر نام آن زن و شوهرها را نداند، و آنها را نشناسد، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید احتیاط کند، و دوباره آنها را طلاق دهد. و اگر اسم آنها را نمی‌داند با اشاره آنها را مشخص کند. مثلاً بگوید: «اولین نفری را که قبلاً طلاق داده‌ام، الان به عنوان احتیاط طلاق می‌دهم؛ او از زوجیت خود یله و رهاست، فهی طالق» و اگر در نوع رجعی و خلعی شک دارد، برای هر کدام احتیاطاً دو طلاق، یکی رجعی و یکی خلعی بخواند.

سؤال ۷۶۰- اگر دادگاه حکم تمکین زوجه را صادر کند، و او تمکین نکند، با عنایت به آیات شریفه ۲۲۸ و ۲۲۹ سوره بقره، و اثبات موارد فوق، حکم طلاق خلع چیست؟ آیا مرد می‌تواند به ناچار از دادگاه در خواست صدور طلاق و استرداد مهریه نماید؟
جواب: چنانچه ثابت شود زوجه به وظایف خود پایبند نیست، و تنها می‌خواهد امتیازات و حقوق خود را بگیرد. حاکم شرع می‌تواند او را تحت فشارهای شدید تعزیراتی قرار دهد (تعزیرات جسمانی و مالی کلان) تا زوجه یا به وظایف خود عمل کند، یا تقاضای طلاق خلع نماید.

سؤال ۷۶۱- چندی قبل به سفارش برادر و پدرم، که روحانی هستند، و در کهولت سن به سر می‌برند، با خانواده دختری به قصد ازدواج آشنا شدم. قبلاً صحبت‌های لازم صورت گرفت، و حتی قبل از عقد، در جلسه‌ای که خود دختر و مادرش حضور استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۵

داشتند، برای اتمام حجت، آن قدر راجع به ویژگیهای خود، که گمان بود منفی به نظر برسد، صحبت کردم که هیچ چیز ناگفته نماند. با این حال، دختر هیچ گونه اعتراض یا سوالی نکرد، و عقد ازدواج با رضایت کامل طرفین صورت گرفت، و دختر حاضر شد با همه شرایط مطرح شده این جانب بسازد. اما هنوز یک ماه نگذشته بود که اختلافات شروع شد، ولی ما به خاطر حفظ شئونات خانوادگی در همان دوران عقد، می‌سوختیم و می‌ساختیم، تا این که شش ماه بعد از عقد، پدر و مادرش را در جریان این اختلافات گذاشتم. ابتدا پدر، نظر دخترش را پرسید. دختر گفت: من حاضر به ادامه این زندگی نیستم. سپس پدر و مادر دختر با خوش رویی گفتند: مانعی ندارد، شما بروید مراحل قانونی طلاق را انجام داده، کارها را آماده کنید، تا ما هم امضا کنیم. بنده با اعتماد به این قول، به قم آمدم و مراحل قانونی را انجام دادم، امّا موقعی که باید آنها درخواست توافق طلاق را امضا می‌کردند، استنکاف ورزیدند! البته بنده هم می‌توانستم قضیه را آن قدر مسکوت بگذارم که آنها هم مجبور به اقدام قانونی شوند. امّا با توجه به شئونات زندگی خانوادگی، و حفظ حرمت پدرم، نمی‌خواستیم بیش از این خاطر ایشان آزرده شود. و تقریباً مجبور شدم در خواست طلاق را بر خلاف میلم شخصاً پیگیری نمایم. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- با توجه به شرایط فوق الذکر، مبنی بر رضایت طرفین به طلاق، این، چه طلاقی محسوب می‌شود؟

جواب: اگر دختر حاضر به پرداخت وجهی در برابر طلاق باشد، هر چند مقدار کمی از حقوقش بوده باشد، طلاق خلعی می‌شود. در غیر این صورت، طلاق رجعی است.

۲- با توجه به این که هنوز عروسی واقع نشده، و دختر به خانه شوهر نرفته، آیا نفقه به او تعلق می‌گیرد؟
جواب: زوجه حق نفقه ندارد؛ ولی اگر از مهر خود صرف نظر نکند، می‌تواند نیمی از آن را با طلاق بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۶

سؤال ۷۶۲- زوج شیعه جعفری، و زوجه سنی شافعی است. زوج مدعی است که مطابق مذهب شافعی زوجه را سه طلاقه کرده، ولی زوجه منکر آن است. لطفاً بفرمایید:

۱- در فرض اثبات، آیا طلاق مورد ادعا صحیح است؟ به عبارت دیگر، آیا زوج شیعه مذهب می‌تواند زوجه خود را بر طبق مذهب شافعی سه طلاقه کند، یا رعایت شرایط طلاق از نظر فقه شیعه برای زوج شیعه مذهب در هر حال الزامی است؟
جواب: زوج شیعه موظف است طبق مذهب خود همسرش را طلاق دهد.

۲- آیا آثار طلاق یاد شده را می‌توان بر اساس قاعده الزام نسبت به زوجه مترتب ساخت؟
جواب: آری زوجه می‌تواند آثار طلاق مزبور را نسبت به خودش جاری سازد.

۳- آیا مجرای قاعده الزام تنها در فرضی است که زوج سنی مذهب باشد، یا در فرض شیعه بودن زوج و سنی بودن زوجه نیز قاعده الزام جاری می‌شود؟

جواب: قاعده الزام در هر دو صورت جاری می‌شود؛ هر چند رعایت احتیاط خوب است.

۴- به طور کلی در موارد ادعای وقوع طلاق، قول زوج مقدم است، یا زوجه؟
اثبات آن بر عهده کیست؟

جواب: هر کدام ادعای طلاق کنند، باید طبق موازین شرع ثابت نمایند.

سؤال ۷۶۳- مرد و زنی در اثر اختلاف، کارشان به طلاق منتهی شده است. زن در ازای طلاق، مهریه‌اش را بخشیده، و جهیزیه خود را برده، و صیغه شرعی طلاق جاری شده است. حال دو سؤال پیش آمده، مستدعی است پاسخ فرمایید:

۱- در طول مدت ۹ سال زندگی مشترک، کادوهایی از خانواده‌های طرفین به این زن و شوهر داده شده است. حال که این دو نفر از هم جدا شده‌اند، این کادوها، که بعضی توسط بستگان مرد، و بعضی توسط اقوام زن داده شده، شرعاً به کدام یک تعلق دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۷

جواب: کادوهایی که زنانه است به زن تعلق دارد، و آنها که مردانه است به مرد. و اگر به درد هر دو می‌خورد چنانچه از خانواده و یاران مرد آورده‌اند به مرد تعلق دارد، و اگر از خانواده و یاران زن آورده‌اند به زن تعلق دارد.

۲- در طول این مدت این زن و شوهر نیز کادوهایی به اقوام همدیگر داده‌اند (البته پول این کادوها را مرد پرداخت نموده است). تکلیف این کادوها چیست؟ آیا زن باید این کادوها را از فامیل خود گرفته، و تحویل مرد دهد؟ یا چون این کادوها در آن زمان داده شده، متعلق به گیرنده آن می‌باشد؟

جواب: در صورتی که کادوها موجود باشد مرد می‌تواند بازپس بگیرد، (به شرط این که با مرد خویشاوند نباشد؛ ولی این کار مکروه و ناپسند است.

سؤال ۷۶۴- هرگاه زن و شوهری توافق نمایند که زوجه با بذل مهریه و حقوق شرعی، و زوج با قبول آن، نسبت به اجرای صیغه اقدام نمایند، و بذل و قبول آن نیز محقق شود، ولی قبل از اجرای صیغه طلاق، زوج منصرف گردد. آیا چنین عدولی جایز است؟ در صورت عدم جواز، می‌توان زوج را مجبور به طلاق کرد؟

جواب: زوجه می‌تواند بذل خود را بازپس گیرد، و اجبار زوج به طلاق اشکال دارد.

سؤال ۷۶۵- اگر زوج، زوجه را تهدید به استفاده از حق طلاق کند، مثلاً به زوجه‌اش بگوید: «یا منزل شخصی‌ات را ملک من کن، یا تو را طلاق می‌دهم.» و زن برای جلوگیری از طلاق ملک را به نام شوهر بزند، آیا اکراه صدق می‌کند؟ حکم این انتقال چیست؟
جواب: آری عرفاً مصداق اکراه است.

سؤال ۷۶۶- با توجه به اطلاق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که می‌گوید: «مرد هر وقت بخواهد، می‌تواند همسر خود را طلاق دهد.»

بعضی از محاکم همان‌طور که طلاق بی دلیل زوجه را رد می‌کنند، در مورد درخواست زوج نیز همین حکم را صادر می‌نمایند. آیا این مطلب با اختیارات مطلق زوج طبق روایت مشهور نبوی «الطَّلَاقُ بَيْنِدِ مَنْ أَحَدَ بِالسَّاقِ» منافات ندارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۸

جواب: مطابق عنوان اولی اختیار طلاق به دست زوج است؛ هر زمان که بخواهد. ولی با توجه به عناوین ثانویه، که برگرفته از شرایط خاص اجتماعی امروز است، حاکم شرع می‌تواند اجازه طلاق مرد را به مواردی موقوف کند که عذر موجهی داشته باشد. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۸۹

فصل سی‌ام: احکام لعان

سؤال ۷۶۷- لطفاً نظر مبارک را درباره مسائل مطرح شده ذیل مرقوم فرمایید:

۱- آیا اجرای لعان نزد قضات مأذون، در صورت نبودن مجتهد جامع الشرائط، صحیح می‌باشد؟
جواب: اجرای آن اشکالی ندارد.

۲- اگر زن شاکی حاضر نباشد که قذف را ثابت کند، آیا مرد باید تقاضای لعان کند؟
جواب: لعان باید در حضور طرفین اجرا شود.

۳- در فرض بالا، آیا مرد می‌تواند برای اجرای حدّ زنا بر زن، ادعای اجرای لعان کند؟ یعنی لعان مرد می‌تواند حدّ زنا را برای زن ثابت کند؟
جواب: از جواب بالا روشن شد.

۴- زوجه شاکی نیست، و زوج نیز تقاضای لعان ندارد، و مسأله لعان را نمی‌داند.
آیا دادگاه وظیفه دارد از آنها بخواهد تا لعان انجام شود؟

جواب: در صورتی که زوج شکایت کند و شهود لازم را نداشته باشد، حاکم باید طریقه لعان را به او بیاموزد.
سؤال ۷۶۸- نظر به این که امام راحل، رحمه الله علیه، در جلد دوم تحریر الوسيله صفحه ۳۶۱ فرموده‌اند: «مراسم لعان باید در حضور حاکم شرع انجام شود، و احتیاط آن است که به اجرای این مراسم نزد نماینده خاص حاکم شرع، که فقط برای این مسأله وکالت دارد، نیز اکتفا نشود.»

آیا قاضی منصوب از ناحیه رئیس محترم قوه قضائیه، که اجازه ویژه دادرسی در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۰

محاکم خانواده را نیز دارد، می‌تواند در خصوص لعان وارد دادرسی، و عند الاقتضاء مبادرت به اجرای صیغه لعان نماید؟
جواب: آری می‌تواند ناظر بر اجرای صیغه لعان باشد.

سؤال ۷۶۹- آیا نفی ولد متعه هم، مانند فرزند نکاح دائم، تنها از راه لعان صورت می‌گیرد، یا در اینجا نفی ولد بدون لعان نیز ممکن است؟

جواب: در مورد متعه لعان جاری نیست، و بدون لعان نفی ولد ممکن است.

سؤال ۷۷۰- خواهشمند است پاسخ سؤالات زیر را مرقوم فرمایید:

الف) آیا نفی ولد شبهه بدون لعان ممکن است، یا تنها از راه لعان امکان پذیر است؟

جواب: نفی ولد شبهه، که شرعاً ملحق به فراش است، تنها از راه لعان ممکن است.

ب) در مورد اطفالی که پیش از شش ماه یا پس از ده ماه از تاریخ وقوع نزدیکی متولد می‌شوند اماره فراش جاری نیست؛ اما آیا نسب این اطفال خود به خود منتفی است، و نیازی هم به لعان ندارد؟ زیرا موضوع لعان جایی است که امکان لحوق وجود داشته باشد، و در اینجا الحاق طفل به زوج ممکن نیست. یا در مورد اطفال متولد پیش از شش ماه لعان لازم نیست، ولی در مورد طفل متولد پس از ده ماه، نفی ولد باید به وسیله لعان صورت گیرد؟ یا در مواردی که اماره فراش جاری نمی‌شود، زوج مخیر بین نفی ولد و اعتراف به ولد می‌باشد؟

جواب: در این گونه موارد ولد ملحق نیست، و نیاز به لعان ندارد.

ج) آیا اقرار به ابوت طفلی که پیش از شش ماه یا پس از ده ماه از تاریخ وقوع نزدیکی متولد شده، صحیح و نافذ است، و دعوای نفی ولد پس از آن مسموع نخواهد بود، یا اصولاً این اقرار از اصل باطل است؟
جواب: این اقرار باطل است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۱

فصل سی و یکم: احکام غصب

سؤال ۷۷۱- فردی با غصب چند هسته، یا دانه، یا بذر از دیگری آن را در ملکش کاشته، و آب داده، و پس از پرورش تبدیل به درخت کرده است. لطفاً بفرمایید که درخت‌ها و محصول آن متعلق به کیست؟ آیا غاصب فقط قیمت دانه‌ها را بدهکار است؟
جواب: او باید قیمت بذر را به صاحبش بپردازد؛ ولی زراعت و درخت مال اوست.

سؤال ۷۷۲- سیل، یا باد، بذر متعلق به فردی را به زمین شخص دیگری برده، و در آنجا روئیده است. گیاه روئیده شده و ثمره آن متعلق به چه کسی است؟

جواب: گیاه مذکور متعلق به صاحب بذر است؛ ولی باید مال الاجاره زمین را به صاحب زمین بپردازد.

سؤال ۷۷۳- فردی قلمه، یا شاخه، یا ریشه‌ای از درخت غیر را غصب نموده، و در ملک خود می‌کارد. در صورتی که رشد کند و تبدیل به درخت شود، چه کسی مالک آن درخت و میوه‌اش می‌باشد؟

جواب: مالک آن صاحب درخت و قلمه است؛ مگر این که صاحب قلمه رضایت داشته باشد.

سؤال ۷۷۴- اگر فردی، شاخه‌ای غصبی را به درخت خود پیوند زند، مالک میوه آن درخت، که از این شاخه پیوندی غصبی به دست می‌آید چه کسی است؟

جواب: باید قیمت آن شاخه را به صاحبش برگرداند؛ و ثمره تعلق به صاحب درخت دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۲

سؤال ۷۷۵- هر یک از اطاقهای مدارس علمیه به یک طلبه اختصاص داده شده است. بعضی از طلاب علوم دینی هر وقت دلشان خواست وارد اتاق دیگری شده، و به استراحت یا مطالعه می‌پردازند. آیا کسی که اتاقی به او می‌دهند، حق دارد دیگری را راه ندهد؟ آنها می‌گویند: «اتاق و مدرسه مال امام زمان علیه السلام است، و هر طلبه‌ای می‌تواند از آن استفاده کند»، آیا این سخن صحیح است؟

جواب: اتاقی که طبق مقررات به طلبه‌ای داده می‌شود، دیگران حق ندارند بدون اجازه او داخل شوند، و از این نظر حکم خانه او را دارد.

سؤال ۷۷۶- با توجه به این که هر یک از مالکان ملک مشاع، در جای جای آن ملک سهم مالکانه دارند، در مواردی که تمام ملک

مشاع مورد غصب قرار گرفته باشد، آیا هر یک از مالکان آن ملک می‌توانند به طور جداگانه نسبت به خلع ید غاصب از تمام ملک مشاع اقدام نمایند؟
جواب: آری می‌توانند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۳

فصل سی و دوم: احکام اموال مجهول المالک

سؤال ۷۷۷- اگر وسیله‌ای (مثلاً کیف) بخریم، و داخل آن چیز دیگری (مثلاً انگشتر) باشد، آیا می‌توان آن را تصاحب کرد، و با آن نماز خواند؟ نمازهای خوانده شده چه حکمی دارد؟
جواب: باید آن را به صاحبش برگردانید. و اگر به هیچ وجه صاحبش پیدا نمی‌شود، آن را بفروشید و قیمت آن را به مستحق بدهید.

سؤال ۷۷۸- اگر شخصی مال با ارزشی را در خیابان پیدا کند، و آن مال را بخاطر فرار از مسئولیت رها کند؛ آیا ضامن است؟ اصولاً نظر کلی حضرت تعالی در این مورد چیست؟
جواب: در صورتی که آن را بر ندارد، ضامن نیست.

سؤال ۷۷۹- هرگاه شخصی حیوانی بخرد، و در شکم آن مالی پیدا شود، متعلق به چه کسی است؟
جواب: باید از فروشنده حیوان سؤال کند که آیا چیزی گم کرده، یا نه؟ اگر نشانه‌هایی داد که منطبق بر آن بود، باید آن مال را به او بازگرداند. و اگر فروشنده اظهار بی‌اطلاعی کرد، احتیاط آن است که به مدت یک سال صبر کند، و در جستجوی صاحبش باشد، و اگر پیدا نشد می‌تواند تملک کند.

سؤال ۷۸۰- در صورتی که صاحب حیوان گمشده پیدا شود، یا بعد از یک سال پیدا نشود، و حیوان به فقیری داده شود، آیا می‌توان هزینه‌های نگهداری آن را با صاحب حیوان، یا فقیر حساب کرد؟
جواب: آری می‌تواند مخارج ضروری را از او بگیرد؛ مشروط بر این که در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۴
این مدت راهی برای پیدا کردن صاحب آن نداشته باشد.

سؤال ۷۸۱- برخی اوقات در مساجد یا اماکن عمومی کفشها جا به جا می‌شود، استفاده از کفش‌های بجا مانده چه صورت دارد؟
جواب: در صورتی که یقین به رضایت صاحبان آن داشته باشد اشکال ندارد.

در غیر این صورت، اگر کفشی را که برده‌اند قیمتش مساوی یا بیشتر از کفشی باشد که به جا گذارده‌اند، می‌توان به عنوان تقاص برداشت. و اگر کفش به جا مانده قیمتش بیشتر باشد، باید معادل مقدار اضافی را به شخص فقیری پرداخت کرد.

سؤال ۷۸۲- شغل شخصی تعمیر و فروش فلاکس و چتر می‌باشد. بعضی از اشخاص، وسائل خود را برای تعمیر به ایشان داده، و به یکی از علل زیر وسیله مورد نظر نزد تعمیر کار مانده است:

- ۱- در موقع مقرر برای پس گرفتن جنس مراجعه نکرده، و هنگامی که مراجعه کرده‌اند جنسشان پیدا نشده است.
- ۲- اصلاً مراجعه نکرده‌اند.

۳- در موقع مقرر مراجعه کرده، امّا به خاطر عدم تعمیر جنس، یا پیدا نشدن آن، تحویل داده نشده، و دیگر رجوع نکرده‌اند یا دفعات بعد که رجوع کرده، باز به همین طریق گذشته، و دیگر مراجعه نکرده‌اند، و بعد پیدا شده است.

۴- بعضی اجناس را تعمیر کار از مردم خریده، امّا به خاطر مخلوط شدن با اجناس مردم نمی‌داند این جنس امانت مردم است، یا

خودش صاحب آن می‌باشد.

۵- بعضی از اجناس چندین سال، و برخی بیشتر از یک سال، و بعضی کمتر از یک سال نزد ایشان مانده است. از سوی دیگر، ارزش بعضی از اجناس بیش از چهار هزار تومان، و بعضی کمتر از ۱۰۰۰ تومان، یا ۵۰۰ تومان، یا ۲۰۰ تومان می‌باشد.

با توجه به کوچک بودن مغازه، وجود اجناس مذکور در آنجا موجب گم شدن اجناس دیگران می‌شود. وظیفه تعمیر کار چیست؟ آیا می‌تواند اجناس مذکور را تعمیر نموده، و آن را فروخته، و دست مزد خود را کسر کرده، و بقیه را به صندوق صدقات بریزد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۵

جواب: در صورتی که از پیدا کردن صاحبان آنها مایوس باشد، می‌تواند مطابق آنچه ذکر شد عمل کند. ولی باید صندوق صدقات مورد اعتمادی را انتخاب کند.

سؤال ۷۸۳- حکم لقطه‌ای که مالکش پیدا شده، در حالی که رشد کرده، و هنگامی که نزد یابنده بوده رشد حاصل شده، چه می‌باشد؟ آیا حکم نماء متصل و منفصل یکی است؟

جواب: زیاده متعلق به مالک است، و اگر سال بر آن گذشته خمس دارد. و چنانچه یابنده برای حفظ آن هزینه کرده، می‌تواند از مالک آن بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۷

فصل سی و سوم: احکام سر بریدن و شکار حیوانات

احکام ذبح

سؤال ۷۸۴- یکی از دانشجویان ایرانی، که در مسکو به تحصیل اشتغال دارد، می‌گوید: در قصابی‌های تاجیک، که گوشت ذبح اسلامی می‌فروشند، از نظر بهداشتی در سطح بسیار پایینی قرار دارند. گوشت آنها دارای انگل و میکروب است، و هر لحظه امکان ابتلا به بیماری‌های مربوطه (عفونی و انگلی) می‌رود. از طرفی، گوشتهایی که با ذبح غیر اسلامی عرضه می‌گردد، از تمام جهات تمیز و بسته‌بندی شده، و امکان هیچ گونه آلودگی ندارد. حال در خرید گوشت کدام یک را انتخاب کنیم؟

جواب: در صورتی که واقعاً گوشتهای ذبح اسلامی خطرناک باشد، و استفاده از گوشتهای غیر ذبح اسلامی جنبه اضطرار داشته باشد، به مقدار لازم مانعی ندارد.

سؤال ۷۸۵- نظارت بهداشتی، بازرسی، معاینه بهداشتی گوشت در کشتارگاههای کشور به منظور پیشگیری و کنترل بیماریهای مشترک بین انسان و دام، و تهیه گوشت سالم و بهداشتی، از جمله وظایف سازمان دامپزشکی کشور است. و بر اساس قوانین جاری کشور، کشتار و ذبح هر نوع دام کشتاری در خارج از کشتارگاه، به استثنای روز عید سعید قربان، و مراسم مذهبی و ملی، ممنوع و غیر مجاز می‌باشد.

با توجه به مقدمه فوق لطفاً نظر شریف خود را در موارد ذیل اعلام فرمایید:

۱- کشتار غیر مجاز دام در شهرهای دارای کشتارگاه صنعتی، به منظور فروش و عرضه گوشت غیر بهداشتی به مصرف کنندگان چه حکمی دارد؟

۲- خرید و فروش گوشت فاقد مهر بهداشتی کشتارگاه، که از طریق کشتار غیر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۸

مجاز تهیه گردیده، و ممکن است موجب انتقال آلودگی و بسیاری از بیماریهای مشترک بین انسان و دام گردد، چه حکمی دارد؟

جواب: بر همهٔ مسلمانان لازم است که قوانین و مقررات نظام اسلامی را محترم بشمارند. از جمله، آنچه مربوط بر کشتار دامهاست، و با سلامت و تندرستی جامعه ارتباط دارد. و بر مسئولین امور کشتارگاهها لازم است بر ذبح اسلامی جامع الشرائط نظارت دقیق کنند، تا بهانه‌ای به دست افراد جهت ذبح خارج از کشتارگاه نیفتد.

احکام شکار

سؤال ۷۸۶- شخصی به هنگام غروب آفتاب به طرف شکار تیراندازی نموده، و آن را زخمی می‌کند. شکارچی از همان لحظه به دنبال یافتن شکار می‌رود (دنبال کردن شکار زخمی از ردّ خونی است که از او بر جا می‌ماند). بعد از لحظاتی شب فرا می‌رسد، شکارچی مجبور می‌شود شکار را رها نموده، و شب را در آن منطقه بخوابد.

روز بعد به جستجو ادامه می‌دهد، و بعد از مدّتی شکار را در حالی می‌یابد که به خاطر خون زیادی که از او رفته، مرده بود. آیا گوشت این شکار حلال است؟

جواب: در صورتی که می‌داند شکار به وسیلهٔ همان تیر از بین رفته، گوشت آن حلال است.

سؤال ۷۸۷- طبق قانون محیط زیست جمهوری اسلامی ایران، شکار قوانین مخصوص به خود را دارد، و یک شکارچی باید به آن پایبند باشد. از جمله آنها مراعات کمیّت و کیفیت شکار، داشتن سلاح مجاز، داشتن پروانهٔ شکار، شکار در فصل و روزهای مجاز، شکار در محلّ مجاز، و رعایت بعضی قوانین دیگر می‌باشد.

حال اگر یک شکارچی همه، یا یکی از قوانین مربوطه را رعایت ننماید، استفاده از شکار مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: گوشت آن شکار حرام نیست؛ ولی تخلف از قوانین حکومت اسلامی جایز نمی‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۲۹۹

سؤال ۷۸۸- طبق قوانین جمهوری اسلامی، نگهداری سلاح غیر مجاز جرم محسوب می‌شود. لطفاً بفرمایید:

اولاً: در صورتی که فردی اقدام به نگهداری اسلحهٔ غیر مجاز نماید، وظیفهٔ مسلمانان در مورد این گونه افراد چیست؟

ثانیاً: شکار با سلاح غیر مجاز شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: شکار حرام نمی‌شود؛ ولی نگه داشتن اسلحهٔ غیر مجاز جایز نیست.

سؤال ۷۸۹- در کتب فقهی شکار با سلاح غصبی شرایط مخصوص به خود را دارد، ولی بر اساس قانون، یک فرد تحت هیچ شرایطی (چه مجوز داشته باشد، و چه نداشته باشد)، نمی‌تواند از سلاح مجاز دیگران استفاده نماید. حال اگر فردی از سلاح دیگری در شکار استفاده کند (و لو با اجازهٔ صاحب سلاح)، حکم شرعی شکار چیست؟

جواب: شکار حرام نیست؛ هر چند کار خلافی کرده است.

سؤال ۷۹۰- مرسوم شده که افراد خوابگاه پرندگان حلال گوشت وحشی را شناسایی، و شب هنگام موقعی که حیوان در خواب است با ترفندها و ابزار آلات مختلف آنها را شکار می‌کنند. چنین شکاری با توجه به حدیث «حیوان در آشیانه‌اش در امان است.» چه حکمی دارد؟

جواب: چنین شکاری حلال نیست.

سؤال ۷۹۱- بعضی از مسلمانان، حیوانات حرام گوشت، از جمله خوک را شکار، و جهت مصرف صاحب ادیان دیگر به آنها می‌فروشند. شکار و خرید و فروش این گونه حیوانات از ناحیهٔ مسلمانها چگونه است؟

جواب: خالی از اشکال نیست.

سؤال ۷۹۲- مشاهده می‌شود که حیوانات وحشی، از جمله خوک، خرس، گرگ و مانند آن، به محصولات و احشام روستائیان

آسیبهای جدی وارد می‌کنند. اگر روستائیان بخواهند به حیوانات وحشی آسیب وارد کنند، توسط محیط زیست به دادگاه معرفی، و دادگاه آنها را جریمه می‌نماید. در صورتی که مقابله با حیوانات استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۰

وحشی از وظایف محیط زیست است، ولی به دلیل گستردگی محیط و امکانات کم این امر میسر نمی‌شود. لطفاً بفرمایید:

الف) تکلیف شرعی کشتن حیوانات موذی (که بر خلاف قانون است) چیست؟

ب) اگر اشکال ندارد، پس تعارض شرع با قانون چگونه حل می‌شود؟

جواب: اگر واقعاً حیوانات موذی هستند، و دولت قادر بر دفع آنها نمی‌باشد، مردم می‌توانند آنها را از بین ببرند.

سؤال ۷۹۳- با توجه به گسترش علم و تکنولوژی، در صورتی که شکار با سلاحهای الکترونیکی و لیزری صورت گیرد، به گونه‌ای که زخمی در شکار حاصل نگردد، شرعاً چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که زخم توأم با خونریزی در آن حاصل نشود، جایز نیست؛ هر چند تیز بودن گلوله از نظر ما شرط نمی‌باشد.

سؤال ۷۹۴- به سوی دسته‌ای از پرندگان تیراندازی نمودم. یکی از آنها فوراً مُرد.

اما هیچ گونه آثار جراحتهی، که حاکی از اصابت تیر باشد، ملاحظه نشد. سپس مشخص شد که بر اثر ترس مرده است. در فرض فوق، حکم آن چیست؟

جواب: گوشت آن حلال نیست.

احکام صید

سؤال ۷۹۵- بعضی از صیادان بعد از صید ماهی یا میگو برای این که ماهیها در ایام شکار فاسد نشود، آنها را به طور نیمه جان داخل گونی گذاشته، سپس آن را داخل آب می‌گذارند، که بعضی از آنها به واسطه جراحی، یا فشردگی محل، در داخل آب می‌میرند. حکم شرعی آنها چیست؟

جواب: حلال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۱

فصل سی و چهارم: احکام خوردنیها و آشامیدنیها

سؤال ۷۹۶- میزان و معیار شناخت حیوان حلال گوشت چیست؟

جواب: در آیات و روایات به نام آنها اشاره شده، و ضابطه خاصی ندارد؛ ولی معمولاً حیوانات گوشتخوار مأكول اللحم نیستند، و غالب حیوانات گیاهخوار مأكول اللحم هستند.

سؤال ۷۹۷- آیا حکم حیوانی که به غیر روش شرعی ذبح شده (غیر مذکی)، و حیوانی که به طور طبیعی مرده (میته) یکی است؟

جواب: تفاوت دارد. حیوان غیر مذکی پاک است، هر چند خوردن گوشت آن حرام می‌باشد. ولی میته هم حرام است، و هم نجس.

سؤال ۷۹۸- گوشت برخی از حیوانات حرام گوشت در معالجه بعضی از امراض مؤثر است؛ هر چند سند معتبر علمی و فقهی در این رابطه وجود ندارد. شکار و استفاده از گوشت یا خون این گونه حیوانات چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق تشخیص طبیب متدین تنها راه علاج نباشد، جایز نیست.

سؤال ۷۹۹- خوردن اشیای زیر چه حکمی دارد:

۱- کبد گوسفند، بُر، گاو

۲- دنبلان بُز، گوسفند، گاو

۳- گوشت صورت حیوانات حلال گوشت

۴- تخم مرغی که لکه قرمزی بر زرده آن باشد.

جواب: دنبلان هیچ حیوانی حلال نیست. و اگر لکه قرمز تخم مرغ به یقین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۲

خون بوده باشد، خوردن آن تخم مرغ اشکال دارد، مگر این که خون بیرون زرده باشد، و زرده را طوری بشویند که پاره نشود. و خوردن بقیه مانعی ندارد.

سؤال ۸۰۰- خوردن بعضی از مواد، میوه‌ها و غذاها برای برخی از بیماران ضرر دارد، مصرف چنین موادی برای آنها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرر مهمی داشته باشد، خوردن آن حرام است.

سؤال ۸۰۱- استفاده از سوسیس، کنسروها و مواد غذایی، که از کشورهای خارجی وارد می‌شود، چه صورت دارد؟

جواب: مواد گوشتی که از کشورهای خارجی غیر مسلمان آورده می‌شود حرام است.

سؤال ۸۰۲- خرید، فروش و استفاده از گوشت خرچنگ چه صورت دارد؟

جواب: جایز نیست؛ ولی فروختن آن به غیر مسلمین اشکالی ندارد.

سؤال ۸۰۳- در کتاب استفتائات جدید، جلد اول، سؤال ۹۹۳، گوشت خرگوش را مطلقاً حرام دانسته‌اید. علت علمی آن چیست؟

جواب: در بعضی از روایات آمده است که خرگوش شباهتی با حیوانات درنده دارد، و این مسأله از چنگال او نمایان است، و لذا گوشت آن تحریم شده است.

سؤال ۸۰۴- با توجه به این که از نظر پزشکی ثابت شده مصرف کم و کنترل شده مشروبات الکلی نه تنها ضرری برای بدن ندارد، بلکه مانند آشامیدنیهای دیگر مفید می‌باشد، و با در نظر گرفتن این که مشروبات الکلی نوعی از نعمتهای خداوند مانند سایر نعمت‌هاست، چه اشکال دارد برای استفاده از جنبه‌های مثبت و مفید آن، مانند بقیه نعمتهای خدادادی، با شرایط و مقدار مشخص مصرف شود؟

اگر کسی به حدی از درجه خودسازی و کنترل خویشتن رسیده باشد که در اثر مصرف کم و کنترل شده مشروبات الکلی به ورطه اعتیاد و حتی مستی کشیده نشود، آیا مجاز به مصرف کم و کنترل شده مشروبات الکلی می‌باشد؟

جواب: اولاً: هیچ کس نمی‌گوید مشروبات الکلی به مقدار کم ضرر ندارد، بلکه مقدار کم ضررش کمتر است. ثانیاً: هرگاه چنین اجازه‌ای به مردم داده شود،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۳

به هیچ وجه قابل کنترل نیست، و به زودی تمام جامعه آلوده می‌شود. به همین جهت شرع مقدس آن را به طور کلی ممنوع کرده است. ثالثاً: قانون جنبه عمومی دارد، و نمی‌توان اشخاص را به بهانه‌های مختلف استثنا کرد. سعی کنید ان شاء الله گرفتار وسوسه‌های شیطان نشوید.

سؤال ۸۰۵- تولید، فروش و استفاده از شربت ترک اعتیاد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعاً برای ترک اعتیاد است اشکالی ندارد.

سؤال ۸۰۶- کسی که دندان می‌کشد تا حدود ده ساعت اگر آب دهان خود را، که بعضاً با خون همراه است، بیرون بریزد، باعث تداوم خونریزی و ضرر به وی می‌شود.

لذا بیمار با گذاشتن گاز روی محلّ دندان کشیده شده، باید بزاق را، که احتمالاً با مقداری خون همراه است، فرو ببرد؛ تکلیف چیست؟

جواب: مادام که مجبور نباشد، خونابه را فرو نبرد. و اگر موجب شد و حرجی است، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۵

فصل سی و پنجم: احکام نذر و عهد

سؤال ۸۰۷- در ایام ماه مبارک رمضان، که برای تبلیغ به منطقه‌ای از روستاهای مرودشت شیراز رفته بودم، شاهد محرومیتهای بسیاری در این روستا بودم (از قبیل:

۱- نداشتن مسجد ۲- نداشتن جاده مناسب ۳- نداشتن دبیرستان، مخصوصاً برای دختران ۴- نداشتن حتی یک اتاق مخابراتی ۵- نداشتن محل مناسب ورزشی برای جوانان ۶- کمبود فضای آموزشی دبستان و راهنمایی) از طرفی ۲۰ تا ۳۰ نفر از اهالی روستا در ایام محرم، مخصوصاً دهه اول، هر کدام حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان خرج اطعام و پخت غذا می نمودند، و سفره‌هایی در حسیته انداخته می شد که نوعاً فقرای واقعی منطقه، یا به علت حفظ آبرو، یا به علت تراکم جمعیت در حسیته، و استفاده متمکین و متمولین و بستگان آنها، از خوردن طعامهای مربوطه محروم می شدند. به علاوه، بسیاری از غذاها دست نخورده و مصرف نشده دور ریخته می شد. با توجه به مشکلات موجود منطقه، آیا می توان وجوهاتی را که جهت روضه خوانی به شکل مذکور هزینه می گردد،

و منجر به اسراف نعمتهای الهی می شود، جمع آوری و با نظارت روحانی صرف نیازهای فوق و مصارف عام المنفعه کرد؟

جواب: چنانچه نذورات مزبور، نذورات مطلقه برای امام حسین علیه السلام است، می توان آن را برای حل مشکلات مردم استفاده کرد. ولی اگر نذر جهت طبخ غذا و اطعام است، باید فقط در همان راه مصرف شود. و اگر در آن ایام، یا در آن منطقه، قابل استفاده نمی باشد، می توانید در مناطقی دیگر یا در ایامی دیگر از آن برای اطعام استفاده کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۶

سؤال ۸۰۸- دخترم بر اساس عواطف لطیف دوره نوجوانی نذرهایی بر خلاف عرف کرده است؛ مثلاً نذر کرده که اگر نمازش حتی به طور غیر عمد قضا شود، همان روز بدون خوردن سحری روزه بگیرد، و در روز چند رکعت نماز مستحبی بخواند. قرآن را چندین بار ببوسد، و چند آیه از آن را حتماً بخواند. برای صلوات فرستادن حتماً با حجاب کامل باشد. علاوه بر این، وقتی شک می کند که آیا برای فلان امر نذر کرده یا نه؟ برای این که در انجام نذرهای کوتاهی نکرده باشد، حتی نذرهای مشکوک را هم بجا می آورد. و این نذرها به گونه‌ای افراطی دنبال می شود که مُخَلّ به زندگی عادی وی شده، و گاه مورد تمسخر و ریشخند برخی از اطرافیان نیز قرار می گیرد، که برای ادامه زندگی اجتماعی اش مخاطره آمیز است. از طرفی عدم انجام این نذرها تأثیر منفی بر روحیه اش می گذارد، و او را دچار نگرانی عواقب اخروی آن می کند. با توجه به توضیحات بالا لطفاً بفرمایید: ایشان تا چه حد ملزم به رعایت این گونه نذرهاست؟

جواب: نذرهای مذکور تا آنجا که مُخَلّ به زندگی، و موجب عسر و حرج، و باعث تمسخر نگردد معتبر می باشد، در غیر این صورت معتبر نیست؛ ولی نذرهایی مانند نذر روزه بدون خوردن سحری، اشکال دارد. همچنین در موارد شک هیچ مسئولیتی برای عمل به نذر ندارد. البته تمام این احکام در جایی است که صیغه نذر به صورت صحیح خوانده شده باشد، و مایه آزار پدر نباشد؛ در غیر این صورت عمل به نذر لازم نیست.

سؤال ۸۰۹- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) اگر فردی قادر به انجام نذر خود نباشد، آیا مرتکب معصیت شده است؟

ب) عدول از نذر بدون دلیل چگونه است؟

ج) آیا تأخیر در آن جایز است؟

جواب: در صورتی که نذر مطلق باشد، تأخیر در آن جایز است. و اگر بدون عذر مخالفت شود، کفاره دارد. و کفاره آن مانند کفاره ماه رمضان است.

سؤال ۸۱۰- اگر شخصی در شرایط مختلف زندگی، چه قبل از تکلیف و چه پس از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۷

آن، نذرهای متفاوتی نموده، و اکنون تعداد و موضوع آن نذرها را فراموش کرده باشد، وظیفه‌اش چیست؟

جواب: عمل به آنچه قبل از بلوغ نذر کرده لازم نیست. همچنین اگر صیغه نذر را، هر چند به زبان فارسی، به زبان نیاورده بلکه در دل نذر کرده باشد، عمل به آن واجب نیست. ولی آنچه را بعد از بلوغ نذر کرده، و صیغه آن را نیز خوانده باید به آن عمل کند. و در صورت شک، آن مقدار که یقینی است بجا می‌آورد. و در صورتی که مورد نذر مشکوک باشد و نتواند احتیاط کند، قرعه می‌زند و طبق آن عمل می‌نماید.

سؤال ۸۱۱- بیش از یک سال است که نذر کرده‌ام در صورت قضای حاجتم، یک رأس گوسفند، یا معادل مبلغ آن، جهت مراسم

عاشورا بدهم، و هنوز حاجتم کاملاً به اجابت نرسیده است. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

۱- دقیقاً یادم نیست که هنگام نذر، مشخص کرده باشم که مبلغ نذر را به حسیته خاصی بدهم. آیا می‌توانم مبلغ یا قیمت یک رأس گوسفند را بین ۲ یا ۳ حسیته تقسیم کنم؟

جواب: در صورتی که موقع نذر حسیته خاصی در نظر شما نبوده، می‌توانید بین چند حسیته تقسیم نمایید.

۲- هنگام نذر مشخص نکرده‌ام که گوسفند در چه حدی از نظر سن و وزن باشد، آیا می‌توانم حدّ متوسط را در نظر بگیرم؟

جواب: مانعی ندارد.

۳- آیا مادام که حاجتم برآورده نشده، می‌توانم مقدار و نوع و محلّ ادای نظر را تغییر دهم؟

جواب: اگر صیغه نذر خوانده‌اید جایز نیست.

۴- آیا قبل از اجابت نذر، می‌توانم آن را ادا کنم؟

جواب: واجب نیست.

سؤال ۸۱۲- در صورتی که بخواهم قیمت یک رأس گوسفند را یک جا به یک

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۸

حسیته بدهم، آیا باید به آنها بگویم که حتماً با این پول گوسفند بخرند، و گوشت آن را جهت مراسم اطعام عزاداران حسینی مصرف کنند؟

جواب: آری لازم است این مطلب را یادآوری کنید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۰۹

فصل سی و ششم: احکام وقف

سؤال ۸۱۳- موقوفه‌ای برای افطاری ماه مبارک رمضان وقف شده است. با توجه به این که در این ایام پخت‌وپز مشکل، و در آمد

موقوفه جوابگوی افطاری نیست، آیا می‌توان برنج و گوشت را به صورت خام بین اشخاص ضعیف و مستحق تقسیم کرد؟

جواب: در صورتی که پخت‌وپز ممکن باشد، مقدّم است. اگر ممکن نبود، به صورت خام مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۴- اگر شخصی زمین موقوفه‌ای را از متولی اجاره نماید، سپس چاه آبی در آن زمین حفر نماید. آیا مستأجر می‌تواند از آب زمین موقوفه به صورت مجانی استفاده نماید، یا باید برای آب هم اجاره بپردازد؟

جواب: چنانچه اجاره فقط برای زراعت بوده، حفر چاه و برداشت آب احتیاج به اجاره دیگری دارد. مگر این که در عرف محل اجاره زمین، همراه با اجاره حفر چاه و برداشت آب باشد.

سؤال ۸۱۵- با توجه به توضیحات ارائه شده، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- موضوع، وقف اولاد ذکور بطناً بَعْدَ بَطْنٍ و نَسْلاً بَعْدَ نَسْلِ است.

۲- موقوف علیهم در بطن فعلی، ده نفر می‌باشند.

۳- متولی موقوفه «اسن و ارشد» اولاد ذکور است.

۴- مورد وقف عبارتست از: ۳۶ ساعت آب و ۲۴ قطعه زمین.

۵- آنچه مورد سؤال است فقط زمینهاست؛ نه آب، آن هم زمینهایی که داخل محدوده مسکونی فعلی واقع شده، و قابلیت کشت و زرع ندارد، و یا کشت و زرع آن با حرج همراه است، و یا باعث نارضایتی ساکنین اطراف می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۰

۶- در متن وقفنامه تصریح شده که: «متولی آنچه لازمه سعی و ضبط و نسق املاک مزبور بوده، به عمل آورد.»

۷- از طرف دیگر تأکید شده که اعیان موقوفه مزبور را نخرند و نفروشند و مواد رهن و وثیقه دین نسازند.

حال سؤالاتی به شرح زیر مطرح است:

الف) در چنین مواردی که موقوف علیهم متعدّد بوده، و مقلّد چند مرجع می‌باشند، تکلیف متولی در اجرای احکام اختلافی وقف چیست؟

جواب: متولی باید طبق فتوای مرجع تقلیدش عمل کند.

ب) اگر در بین موقوف علیهم فرد جامع دو وصف «اسن و ارشد» وجود نداشته باشد، آیا متولی فرد اسن است، یا فرد ارشد، یا هر دو با هم؟

جواب: احتیاط این است که با نظر هر دو، کارها انجام شود.

ج) صفات اصلی برای صدق «ارشد بودن» به ترتیب اولویت چیست؟ آیا مفهوم «رشد» نسبت به موارد و موضوعات مختلف، دارای قیود اضافه تری می‌باشد؟ مثلاً در مورد سؤال، آیا خبره بودن در امر کشت و زرع را می‌توان در مفهوم رشد دخالت داد؟

جواب: ارشد در این گونه موارد، آگاه‌تر در مدیریت امور اقتصادی و اداره امر موقوفه است.

د) آیا می‌توان گفت که واقف، مورد مصرف زمینهای مذکور را منحصر در «کشت و زرع» کرده است؟ آیا از عبارت «آنچه لازمه سعی و ضبط و نسق املاک مزبور بوده» استفاده نمی‌شود که غیر از کشت و زرع، سایر مصارف صحیح شرعی و عرفی، مخصوصاً

اگر درآمد بیشتری داشته باشد، و اصل زمینها، یا عوض آنها باقی بماند، اشکال ندارد؟

جواب: مادام که زراعت در آن ملک مقرون به صرفه است تقدّم دارد. و اگر از این نظر مسلوب المنفعه یا منافعش بسیار کم شود، می‌توان آن را برای امور دیگر مانند خانه‌سازی و مانند آن اجاره داد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۱

سؤال ۸۱۶- صیغه وقف خانه‌ای مشروط به این که واقف عند الاحتیاج، حق استرداد عین را داشته باشد، جاری گردید. واقف پیش از وقف، مدت سی سال خانه را اجاره داده، و برای خود خیار فسخ قرار داده است، و باید در پایان سی سال، آن را تحویل موقوف

علیه دهد. در حال حاضر ۱۲ سال به پایان سی سال اجاره باقی مانده، و از طرفی، خانه در طرح توسعه اطراف حرم حضرت معصومه

سلام الله علیها قرار گرفته، و در آستانه تخریب می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا با پولی که شهرداری بابت تخریب عین موقوفه پرداخت می‌کند، باید خانه دیگری تهیه و بعد از پایان سی سال، در اختیار موقوف علیه قرار داد؟

۲- آیا اجاره مدت باقی مانده به وارث می‌رسد؟

جواب: وقف مزبور اشکال دارد، و آن مال مانند سایر اموال آن میت، در میان ورثه تقسیم می‌شود. و مال الاجاره باقیمانده مدت نیز تعلق به ورثه دارد.

سؤال ۸۱۷- شخصی خانه‌اش را وقف مسجد نموده، مشروط بر این که خودش تا آخر عمر در آن ساکن باشد، و اگر فرزندی از او به وجود آمد، او هم در همین خانه ساکن باشد. و معلوم نیست چه زمانی این خانه به تصرف مسجد در خواهد آمد. با توجه به این مطلب بفرمایید:

۱- آیا این وقف صحیح است؟

جواب: آری این وقف صحیح است، و باید مطابق آن عمل کرد.

۲- آیا می‌توان از اموال آن مسجد خرج این خانه کرد؟

جواب: هنگامی که خانه در اختیار مسجد قرار گرفت، می‌توان از درآمد مسجد خرج آن کرد.

۳- آیا بعد از فوت واقف این خانه متعلق به مسجد خواهد بود، یا مربوط به ورثه می‌باشد؟

جواب: بعد از فوت واقف و فرزندش، خانه برای همیشه متعلق به مسجد می‌شود.

سؤال ۸۱۸- گرفتن قرآنهای ممهور به مهر وقف از مسئولین عربستان سعودی چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۲

جواب: هرگاه خودشان آگاهانه به افراد اهدا کنند، مانعی ندارد.

سؤال ۸۱۹- تکلیف کسانی که مقداری از پرده کعبه را به عنوان تبرک کنده‌اند، چیست؟

جواب: کار خلافی کرده‌اند؛ ولی فعلاً تکلیف خاصی ندارند.

سؤال ۸۲۰- جوهری جهت خرید وسائل صوتی و مانند آن، برای مسجد جمع‌آوری شده است. بعد از خرید وسایل مذکور، عده‌ای می‌گویند: «قصدها این بوده که این وسایل منحصر به مسجد نباشد، بلکه از آن وسایل در اعیاد مذهبی و عزاداری در خارج مسجد نیز استفاده کنند.» و عده‌ای می‌گویند: «ما پول را فقط جهت خرید وسائل صوتی به عنوان وقف برای مسجد داده‌ایم.» حال کدام جهت مقدم است؟

جواب: با توجه به این که گروهی نظرشان وقف خاص بوده، باید طبق وقف خاص با آن رفتار کرد.

سؤال ۸۲۱- شخصی باغی را وقف نموده، تا با درآمد آن هم جلسه روضه‌خوانی برگزار شود، و هم به نام ابا عبد الله علیه السلام اطعام گردد. لکن درآمد باغ به اندازه هر دو مورد نیست. چگونه باید عمل کرد؟

جواب: اگر ممکن است، مجلس کوچکتر و اطعام محدودتری انجام دهند تا هر دو حاصل شود. و اگر ممکن نیست، به آن چیزی عمل کنند که اول ذکر شده است.

سؤال ۸۲۲- شرکت سهامی خاصی طبق ضوابط کشور تشکیل، و پس از مدتی سهام آن شرکت - که تعدادی از آن متعلق به یک مؤسسه عمومی بوده - بدون داشتن اموال متعلق سهام، توسط کلیه سهامداران مربوطه، و طبق اساسنامه و موازین قانونی مربوطه «وقف عام» شده، و عین موقوفه (سهام مزبور) به تصرف وقف (قبض متولی) داده شده است. پس از فعالیت‌های مشروع اقتصادی، اینک شرکت موقوفه دارای اموالی اعتم از منقول و غیر منقول می‌باشد. با توجه به این که عده‌ای معتقدند وقف سهام باطل بوده، و

اصولاً وقف محقق نشده، و کلیه اموال به دست آمده باید به سهامداران سابق بازگردد، لطفاً نظر شرعی خویش را راجع به صحت یا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۳

بطلان وقف سهام اعلام فرمایید.

جواب: در صورتی که شرکتی دارای سهامی باشد، و این سهام به صورت اموالی مانند کارخانه، ساختمان و امثال آن بوده باشد، وقف آن سهام مانعی ندارد.

و بعد از حصول وقف، بازگرداندن آن میسر نیست؛ حتی وقف سهم مشاع در اموال هم مانعی ندارد.

سؤال ۸۲۳- فقهای بزرگوار در تعریف وقف فرموده‌اند: «حِفْظُ الْعَيْنِ وَ تَسْيِيلُ الْمَنْفَعَةِ» با توجه به این که امروزه در اثر تحولات اساسی در اقتصاد کشور، پول رایج مملکت دارای جایگاه خاص خود می‌باشد، و چه بسا بسیاری از اشخاص مایلند بخشی از دارایی خود را برای منظور خیری وقف کنند، خواهشمند است راجع به سؤالات ذیل اعلام نظر فرمایید:

آیا وقف وجه نقد، که در حساب سپرده بانک قرار گیرد، و منافع آن در چارچوب بانکداری اسلامی صرف اجرای نظر واقف شود جایز است؟

جواب: با توجه به اشکالی که فقها در وقف وجه نقد دارند، احتیاط آن است که در این گونه موارد از وصیت استفاده شود. یعنی شخص در حال حیاتش مبلغی را به بانک یا صندوق قرض الحسنه بسپارد، و وصیت کند بعد از وفات آن را به همین صورت به جریان اندازند. (منوط به این که بیش از ثلث اموال نباشد، یا اگر بیش از ثلث اموال اوست، اجازه ورثه را در حال حیات بگیرد).

سؤال ۸۲۴- شخصی باغی را وقف کرده، و اکنون درختان آن به عللی خشکیده است. آیا زمین آن باغ جزء وقف حساب می‌شود؟ آیا واجب است به جای درختان خشکیده، درخت جدید کاشته شود؟

جواب: در صورتی که باغ را وقف کرده زمین آن هم وقف است، و باید از آن زمین به صورت باغ، یا مسکن استفاده شود، و در آمد سالانه آن در مورد وقف مصرف گردد.

سؤال ۸۲۵- آیا وقف لقطه جایز است؟

جواب: در صورتی که یابنده آن طبق شرایط شرعی آن را تملک کند، هرگونه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۴

تصرفی از جمله وقف عام یا خاص جایز است.

سؤال ۸۲۶- آیا می‌توان زمینهایی را که دیگران آباد کرده‌اند، وقف کرد؟

جواب: بدون اذن و رضایت کسانی که آن را آباد کرده‌اند، هیچ گونه تصرفی در آن جایز نیست.

سؤال ۸۲۷- آیا متولیان موقوفات می‌توانند اموال موقوفه را برای روضه‌خوانی صرف نمایند؟ در صورتی که روضه‌خوان نسبت به صحت و سقم حدیث یا روضه بی‌توجه باشد چه حکمی دارد؟

جواب: باید خطبایی دعوت کنند که منبر آنها مشروع باشد.

سؤال ۸۲۸- شخصی قطعه زمینی را بدون این که مقتید به «نَسِلاً بَعْدَ نَسْلِ» کند، بر اولاد ذکور خود وقف نموده است. اولاً: چنین وقفی چه صورت دارد؟

جواب: این در واقع عمری است، نه وقف. و تنها شامل نسل اول می‌شود، و سپس به ورثه او بازمی‌گردد.

ثانیاً: اگر اولین فرزند واقف سه فرزند، و دومی دو فرزند، و سومی یک فرزند داشته باشد، آیا سهم اولاد همان سهم پدرانشان می‌باشد، یا اینکه بین فرزندان بالسویه تقسیم می‌شود؟ مثلاً در فرض فوق اولاد اولاد، که جمعاً ۶ نفر هستند، هر کدام سهم مساوی می‌برند، یا سهم پدرانشان بین آنها تقسیم می‌شود؟

جواب: طبق آنچه در بالا- سؤال کرده‌اید، وقف فقط بر اولاد ذکور بوده است. و امّا در طبقه بعد طبق قانون ارث میان همه ورثه تقسیم می‌شود.

سؤال ۸۲۹- زمینی به کسی هبه شده، آیا هبه‌کننده می‌تواند آن زمین را بدون اذن هبه‌گیرنده وقف خاص کند؟ اگر وقف عام نماید چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در صورتی که هبه کرده و تحویل داده، ملک موهوب له می‌شود. ولی اگر موهوب له از خویشاوندان او نباشد، و هبه معوضه نیز نباشد، می‌تواند آن را بازپس گیرد، و وقف کند.

سؤال ۸۳۰- ماشینی وقف امور خیریه شده است. چنان چه سفری طولانی برای راننده‌ای که روی آن کار می‌کند، و نیازهای آن مرکز را برآورده می‌سازد پیش آید،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۵

آیا می‌تواند از آن وسیله استفاده نماید؟

جواب: استفاده شخصی از آن وسیله جایز نیست.

سؤال ۸۳۱- راههای جلوگیری از موقوفه خواری را بیان نمایید.

جواب: بهترین راه بالا بردن سطح فرهنگ عمومی از نظر مذهبی، و گماردن افراد امین بر موقوفات است.

سؤال ۸۳۲- در شهر ما، مجالس جشن عروسی، ختنه سوری و بعضی از مجالس شخصی دیگر، که مع الأسف در بسیاری از آن مجالس کارهای خلاف زیر صورت می‌گیرد، در حسینیّه برگزار می‌شود:

۱- افرادی حضور پیدا می‌کنند که لحظاتی قبل از ورود شرب خمر نموده‌اند!

۲- برای گرفتن فیلم، دامادها با کفش روی فرشهای هیأت راه رفته، و به این وسیله حرمت اهل بیت عصمت و طهارت را هتک می‌نمایند.

۳- تا اواخر شب، و بعضاً روزها، صدای صدها زن و مرد به ویژه جوانها و وسایط نقلیه آنها آسایش را از همسایه‌ها سلب می‌کند. امور مذکور باعث شده که همسایه‌ها یکی بعد از دیگری منازل شخصی خود را فروخته، و بعضاً به لحاظ آلودگی صوتی، به دستگاه ائمه اطهار علیهم السلام بد بین شوند. لذا نظر حضرتعالی را در مورد استفاده‌های مذکور از بیوت ائمه اطهار علیهم السلام خواستاریم.

جواب: برگزاری مجالس گناه و آلوده به معصیت در هیچ مکانی جایز نیست؛ و در مکانهای منسوب به اهل بیت گناه مضاعفی دارد، و باید از آن نهی کنید، و اگر هیئت شما با این کارها موافقت کنند باید معزول شوند. و اما استفاده‌های مشروع شخصی از وسائل هیأت تنها در صورتی جایز است که واقفین به هنگام وقف آن را وقف عام کرده باشند. مزاحمت برای همسایگان در هیچ صورت جایز نمی‌باشد.

سؤال ۸۳۳- عده‌ای از معتمدین محل، زمینی را از سازمان زمین شهری برای حسینیّه گرفته‌اند. اما نه سند آن به نام خورده، و نه از آن سازمان پیگیری شده است. حال اگر کسی، یا کسانی، پیگیری نمایند و این زمین را به عنوان حسینیّه به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۶

نام خود نمایند، ولی مورد استفاده دیگری مانند کتابخانه، یا باشگاه ورزشی، یا کلوپ، یا سینما، و مانند آن قرار دهند چه حکمی دارد؟

جواب: باید آن را در همان راه به کار گیرند که توافق بر آن شده است.

سؤال ۸۳۴- شخصی در سال ۱۳۶۲ زمینی را به شکل زیر وقف کرده است: «اگر این زمین را ساختند، به عنوان مسجد باشد، و اگر

آن را نساختند، همچنان متعلق به خودم باشد.» آیا وقف به این شکل صحیح است؟ در هر صورت، آیا می‌توان زمین مذکور را فروخت، و در جای دیگر زمینی برای مسجد خرید؟

جواب: این گونه وقف اشکال دارد، و می‌تواند از آن صرف نظر کند، ولی چنانچه موافقت کند از آن به نحوی برای مسجد در آنجا یا جای دیگر استفاده شود بهتر است.

سؤال ۸۳۵- استفاده از امکانات مسجد، اعم از ظروف آشپزخانه و مانند آن، در مراسم ختم افراد (چه در داخل مسجد و چه در بیرون مسجد) چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست؛ مگر این که نظر واقفین عام بوده باشد، یا عرف محل چنین اقتضا کند.

سؤال ۸۳۶- آموزش و پرورش مقداری از زمین مسجد را که در کنار زمین متعلق به خودش بوده، سهواً یا عمدتاً، تصرف کرده و ساخته است. حال اگر قرار بر تخریب باشد، کل ساختمان آموزش و پرورش ویران می‌گردد، یا ضرر فراوانی به مدرسه وارد می‌شود. اداره اوقاف و متولی، حاضرند آن مقدار زمین را به اجاره آموزش و پرورش درآورده، و سند اجاره تنظیم نمایند. آیا این امر مشروع است؟

جواب: چنانچه این کار عمدی نبوده باید سند اجاره تنظیم کنند، و وجه آن را صرف تعمیرات مسجد نمایند.

سؤال ۸۳۷- اموات مؤمنین طی سالیان متمادی در قطعه زمینی، بدون اعتراض از طرف کسی دفن شده‌اند. آیا این کار حکم وقف بر قبرستان را دارد؟

جواب: در صورتی که مالک آن زمین صریحاً اجازه دفن به عنوان وقف نداده، حکم وقف را ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۷

سؤال ۸۳۸- آیا می‌توان زمینی را که وقف خاص یک آبادی یا شهرک است، و در آن قبرستان بوده، تخریب کرد، و دوباره برای ساخت و سازهای شخصی استفاده نمود؟

جواب: در صورتی که وقف برای دفن اموات باشد نمی‌توان آن را تغییر داد؛ مگر این که دفن اموات در آن ممکن نباشد. در این صورت می‌توان برای کارهای خیر از آن استفاده کرد؛ مانند مسجد و مدرسه و درمانگاه.

سؤال ۸۳۹- آستان مقدس محمد هلال بن علی علیه السلام در آران کاشان، مانند امامزادگان سطح کشور، به صورت هیات امنایی اداره می‌شود. هیات امنای این امامزاده از ابتدا جهت ساخت و ساز و تأمین مخارج آستانه اقدام به فروش زمینهای اطراف نموده، و اهالی با حاصل دسترنج قالی‌بافی - کشاورزی و کارگری خود اقدام به خرید قسمتی از زمینهای مذکور جهت قبر بر اساس نیاز خود کرده‌اند، و در آن زمان به جای رسید قبور، فقط قبض نذورات تحویل خریداران می‌شد. در حال حاضر که طرح گسترش و نوسازی و بازسازی آستانه در حال اجرا می‌باشد، هیات امنای بدون در نظر گرفتن رضایت صاحبان قبور، اقدام به فروش مجدد تعدادی قبور از پیش فروخته شده، به متقاضیان جدید نموده است. و وقتی با اعتراض صاحبان اصلی روبرو شده، در جواب اظهار می‌دارند که آستانه هزینه‌هایی دارد، و جهت تأمین مخارج مذکور بایستی این قبور فروخته شود، علاوه بر این که معاملات قبلی اعتباری ندارد. با توجه به مطالب فوق لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- حکم فروش قبور به متقاضیان جدید بدون رضایت صاحبان اصلی چیست؟

۲- حکم استفاده از مبالغ بدست آمده (از فروش این گونه قبرها) جهت ساخت و ساز و مصارف دیگر در آستانه چیست؟

۳- در صورتی که صاحبان اصلی قبور رضایت نداشته باشند، نماز در صحن این آستانه چه حکمی دارد؟

۴- حکم مردگانی که در این قبور تازه خریداری شده از طرف صاحبان جدید خاکسپاری می‌شوند چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۸

۵- آیا صرف ادعای هیأت امنای مبنی بر این که می‌توان از قبور در چند طبقه استفاده کرد، (در حالی که در زمان فروش اولیه محدودیت طبقات وجود نداشته است)، می‌تواند دلیل شرعی برای اخذ تعدادی از قبور خریداران قبلی باشد؟

جواب ۱ تا آخر: خرید و فروش وقف جایز نیست، ولی اگر قبلاً پولی در برابر اباحت دفن گرفته‌اند، نمی‌توانند چیزی بر آن بیفزایند.

سؤال ۸۴۰- شایع است که فلان قطعه زمین وقف زردشتی است، و طبق اظهار نظر یکی از آگاهان زردشتی‌ها خیرخواهی زمین را وقف نموده تا هر سال در روز خاصی مردم را دعوت کنند، و موبد مراسم مذهبی را انجام دهد، و به کلیه زردشتیان آن محل ناهار دهند. آیا چنین وقفی معتبر است؟

جواب: وقف مزبور به شرحی که نوشته‌اید اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که تبلیغات ضد اسلامی نکنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۱۹

فصل سی و هفتم: احکام هبه

سؤال ۸۴۱- اگر مالکی تعهد نماید که ساختمانی را در ملک خود و با هزینه شخصی احداث، و آن را مجاناً به شخصی واگذار نماید، و آن شخص تعهد نماید که مصالح ساختمان را با استفاده از مجاری قانونی در اختیار صاحب ملک قرار دهد، اما بهای مصالح را صاحب ملک بپردازد. آیا به نظر حضرت عالی چنین تعهدی لازم الوفا است؟ اصولاً چنین تعهدی از نظر شرعی در قالب کدام یک از عقود اسلامی قرار می‌گیرد؟

جواب: این تعهد، نوعی هبه معوضه، و لازم الاجراست.

سؤال ۸۴۲- طلایی برای زینت زن خریداری و در اختیار وی قرار داده شده، ولی به او هبه نشده است. آیا در صورت فسخ نکاح طلا به ملک مالک اول یعنی زوج باقی است، و می‌تواند آن را مطالبه نماید؟

جواب: اگر به قصد عاریه به او داده، می‌تواند بازپس گیرد. و اگر به نیت هبه باشد، و آن طلا را تعویض نکرده باشد، نیز حق بازپس گرفتن دارد. ولی با توجه به این که معمولاً به قصد هبه می‌دهند، اگر طلا را تعویض کرده باشد، حق بازپس گرفتن ندارد. همچنین اگر زن و شوهر از اقوام همدیگر باشند.

سؤال ۸۴۳- اگر در هبه مشروط، موهوب له به شرط عمل نکند، و مال موهوبه را به دیگری منتقل نماید، آیا واهب حق رجوع دارد؟

جواب: آری واهب حق رجوع دارد، ولی بعد از رجوع باید مثل آن (در صورتی که مثلی باشد) و قیمت آن را (در صورتی که قیمی باشد) برگرداند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۱

فصل سی و هشتم: احکام احیای موات

سؤال ۸۴۴- در حومه شهر ما معادن عدیده‌ای وجود دارد. معادن یاد شده جزء معادن اکتشافی و زیرزمینی نیست، و نحوه بهره‌برداری از آنها بسیار سهل بوده، و مستلزم صرف هزینه سنگین نمی‌باشد. برای مثال جهت بهره‌برداری از خاک دولومیت، که به صورت کوهی طبیعی واقع شده، تنها با استفاده از ابزار آلات فنی عادی، نظیر لودر، یا بیل مکانیکی از آن بهره‌برداری می‌کنند. وضعیت این گونه معادن، که جزء منابع طبیعی شهرستان و روستاهای هم جوار است، از نظر مالکیت و جلب درآمد برای روستاها یا شهرستان مربوطه چگونه است؟ آیا ساکنین روستاها می‌توانند نسبت به عقد قرارداد با شرکتهای خصوصی یا دولتی دخالت نمایند و سهمی از درآمد آن را به عمران و سازندگی روستاهای خود اختصاص دهند؟

جواب: در صورتی که معدن در حریم روستا بوده باشد (منظور از حریم، زمینهایی است که برای احتیاجات مختلف روستا از قبیل بارانداز، محل جمع آوری خرمن و هیزم و مانند آن است). اهل روستا بر آن حق دارند، و در مقابل حَقشان می‌توانند چیزی دریافت دارند. ولی اگر خارج از حریم روستاست چنین حَقی ندارند؛ اما چنان چه معدن نزدیک روستاست سزاوار است ارفاقی به مردم آن روستا شود. و اگر معدن ضرر و زیانهایی برای اهالی روستا ایجاد کند، جبران آن نیز لازم است.

سؤال ۸۴۵- این جانب یک حلقه چاه عمیق در زمین اهدایی توسط یک نفر از اهالی، صرفاً به قصد تأمین آب لوله‌کشی روستا، با بودجه و سرمایه‌گذاری علی السویه خانوارهای موجود آن روستا، و با پروانه جهاد سازندگی، حفر نمودم. ولی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۲

مصلح و مخارج آن را (از قبیل منبع هوایی، لوله‌های آب، و برق، و دینامی که آب به وسیله آن خارج می‌شود) همه و همه را جهاد سازندگی داده است. لطفاً بفرمایید:

۱- در فرض سؤال مالک آب کیست؟ و کمک‌های دولتی تملیک است، یا اباحه؟

جواب: در صورتی که طبق مقررات دولتی پروانه باید به نام جهاد سازندگی باشد، و آنچه را مردم می‌دهند تملیک به جهاد می‌شود، تمام اموال مربوطه متعلق به جهاد و حکومت اسلامی است.

۲- آیا کمک‌های دولتی مخصوص خانوارهای زمان حفر است، یا شامل افراد و نسل‌های آینده هم می‌شود؟

جواب: بنا بر فرض بالا اختیار آن چاه به دست دولت خواهد بود.

۳- کسانی که از اولاد و بستگان حفران بثر در زمان حفر چاه نبوده، و قهراً در پرداخت هزینه‌های چاه هم شرکت نکرده، و بعدها صاحب منزل شده‌اند، (به فرض که کمک‌های دولتی شامل این‌ها هم باشد)، آیا می‌توانند به منزلشان لوله‌کشی نمایند؟ چنانچه پرداخت وجهی لازم باشد، آیا سهم هر نفر در زمان حفر معیار است، یا قیمت روز؟

جواب: در صورتی که چاه، مطابق آنچه در بالا ذکر شد، به دولت واگذار شده، اجازه آنها برای لوله‌کشی دیگران کافی است، و شرایط آن را در فرض بالا دولت تعیین می‌کند.

۴- اگر آب چاه تغییر یابد، و دیگر قابل شرب نباشد، و اهالی با توافق همدیگر بخواهند آب را در امور کشاورزی مصرف نمایند، آیا احکامی که در سؤالات سه گانه بالا آمد شامل این صورت هم می‌شود؟

جواب: با موافقت دولت مانعی ندارد.

سؤال ۸۴۶- لطفاً نظر مبارکتان را پیرامون حریم قنات، چشمه‌ها و چاهها، بیان فرمایید:

۱- آیا این حدود را مختص زمینهای مواتی می‌دانید که تازه احداث شده، که سابق از لا حق ممانعت می‌کند، یا حتی در املاک مجاور هم لازم می‌دانید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۳

جواب: ظاهر ادله این است که این احکام مربوط به زمینهای موات می‌باشد.

ولی در زمین‌های ملکی هم باید بهره‌برداری هر کدام از مالکین در حدی باشد که در عرف عقلاً معمول است، و زائد بر آن در صورتی که باعث ضرر بر دیگران شود، اشکال دارد.

۲- در هر دو فرض، آیا بعد از خشک شدن قنات، یا چشمه، یا چاه سابق، باز هم حکم باقی است؟

جواب: در صورتی که چاه خشک شود، و صاحبش از احیا آن صرف نظر کند، احداث قنات و چشمه دیگر مانعی ندارد.

۳- در فرض دو سؤال بالا، و وجود منع و لزوم رعایت حدود تعیین شده، اگر شخصی رعایت نکند، و در ملک یا منزل خود چشمه یا قنات یا چاهی حفر کند، و آب استخراج نماید، آیا این آب را مالک می‌شود، و برای او مباح است؟

جواب: در موارد ممنوع احتیاط آن است که بر آن آب حکم آب غصبی را جاری کنند.

۴- در فرض سؤال فوق، اگر از آب مذکور محصولاتی مثل سبزی و میوه و مانند آن به دست آورد، چه حکمی دارد؟ آیا این محصولات حرام است؟!

جواب: محصولاتی که از آن به دست می‌آید، حرام نیست، ولی احتیاط آن است که نسبت به پول آب با شخصی که ضرر به او وارد شده مصالحه کنند.

سؤال ۸۴۷- روستایی است که از سابقه تاریخی آن حدود هفتصد سال می‌گذرد.

این روستا دارای یک رشته قنات است که از داخل بعضی از خانه‌های مسکونی و باغها می‌گذرد، و برای کشاورزی در خارج از باغها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این سالهای خشک سالی، که مقداری از آب قنات کم شده، بعضی از کشاورزان مدعی هستند که مقداری از آب قنات در منازل بر اثر خرابی نهر قدیمی، و مقداری هم در باغها به خاطر ریشه‌ی درختان از بین می‌رود. لذا بنا دارند نهر این قنات را، که چند صد سال است از داخل خانه‌ها عبور می‌کرده، به خارج از محل انتقال دهند، و نهر داخل باغها را با سیمان اصلاح کنند، که این کار با مخالفت صاحبان منازل و مالکین

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۴

باغها روبرو شده است. چرا که آب داخل خانه‌ها قطع می‌شود، و درختان باغها، خشک خواهد شد. با توجه به مقدمه فوق لطفاً بفرمایید:

۱- آیا انتقال راه آب از منازلی که چند صد سال محل عبور آب بوده، به خارج از محل جایز است؟

۲- در صورتی که اصلاح نهر داخل منازل ممکن باشد، ولی مدعیان اصرار داشته باشند که نهر قدیمی را به خارج محل انتقال دهند، این کار چه حکمی دارد؟

۳- آیا سیمان کردن نهر داخل باغها بدون رضایت مالکین جایز است؟

۴- در صورتی که ممکن باشد نهر داخل باغ را با رضایت مالک به بیرون باغ منتقل کنند تا ضرری به درختهای باغ متوجه نشود، تغییر مسیر آب چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که از قدیم الایام آب در آن مسیرها جریان داشته، و مالکان آب و باغات و خانه‌های مسیر بر آن عملاً توافق داشته‌اند، تغییر دادن مسیر آب اشکال دارد. همچنین لوله گذاری یا سیمان کردن مسیر آب، بدون رضایت مالکین زمینها مشکل است، ولی اگر در مسیر خرابی وجود دارد صاحبان باغ باید آن را اصلاح کنند، و الا مالکان آب می‌توانند از هدر رفتن آب خود جلوگیری نمایند. و استفاده باغها از این آبها برای آبیاری باغ جایز نیست؛ مگر این که سهمی در آب داشته باشند.

سؤال ۸۴۸- هرگاه کافری، زمین موتی را در بلاد مسلمین احیا کند، آیا مالک آن می‌شود؟

جواب: در صورتی که با موافقت حکومت اسلامی باشد، و لطمه‌ای به مسلمین نزنند، مالک می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۵

فصل سی و نهم: احکام اقرار

سؤال ۸۴۹- گاه میان مقرّ و مقرّ له در مورد اقرار اختلاف پیش می‌آید. لطفاً حکم شرع انور، و فتوای مبارک را در هر یک از حالت‌های زیر بیان فرمایید:

الف) «مقرّ» و «مقرّ له» در اصل «اقرار» اختلاف دارند.

ب) «مقرّ» و «مقرّ له» در ماهیت «مقرّ به» اختلاف دارند.

ج) «مقرّ» و «مقرّ له» در مقدار «مقرّ به» اختلاف دارند.

د) «مقرّ» و «مقرّ له» در اوصاف «مقرّ به» اختلاف دارند.

جواب: در هر صورت قول قول مقرّ است، و اگر «مقرّ له» ادّعی دیگری دارد باید با بیّنه ثابت کند، و آنگاه با قسم مقرّ نزاع خاتمه می‌یابد.

سؤال ۸۵۰- درباره آثار اقرار برای شخص مردّد بفرمایید:

الف) آیا چنین اقراری صحیح است؟

ب) در صورت صحّت، تعیین «مقرّ له» بر عهده کیست، و چطور انجام می‌شود؟

ج) در صورت اختلاف بین مقرّ و مقرّ له، یا مخاطبین، اقرار بعد از تعیین، چه حکمی پیدا می‌کند؟

د) اگر شخص دیگری ادّعا کند که مقرّ له است، ادّعی او چه اثری دارد؟ آیا در این صورت بر مقرّ به، عنوان مدّعی و بر طرف دیگر، عنوان منکر صدق نموده، و در نتیجه حکم مخاصمه را پیدا می‌کند؟

ه) اگر علاوه بر مقرّ له، «مقرّ به» نیز مردّد و مبهم باشد، چه نتیجه‌ای پیدا می‌شود؟

و) اگر مقرّ از تعیین خودداری کرده، و ادّعی عدم معرفت نماید، و آن دو او را

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۶

تصدیق کنند، آیا الزام به تعیین می‌شود، یا حکم دیگری دارد؟

ز) اگر مقرّ از تعیین خودداری کرده، و ادّعی عدم معرفت نماید، و آن دو یا یکی از آنها ادّعا کند که مقرّ علم دارد، آیا با قسم ادّعایش پذیرفته می‌شود؟

ح) آیا تصدیق یا عدم تصدیق مخاطبین اقرار، نسبت به عدم علم مقرّ، تأثیری دارد؟

جواب: اقرار به مبهم جایز است، و حاکم شرع شخص مقر را ملزم به تفسیری مناسب برای اقرار خود می‌کند. و در صورت امتناع از تفسیر، می‌تواند او را حبس تعزیری نماید. و در هر حال قدر متیقّن اقرار مبهم او حجّت است، و می‌توان طبق آن عمل کرد، و اما اجراء حکم قسم در این گونه موارد مشکل است.

سؤال ۸۵۱- لطفاً در مورد تحصیل اقرار از طریق سؤال‌های تلقینی، یا اغفال، یا اکراه و اجبار متّهم، به سؤالات ذیل پاسخ فرمایید:

۱- اگر متّهم در اثر سؤالات مذکور به جرمی اقرار کند، آیا چنین اقراری دارای اثر و ارزش اثباتی می‌باشد؟

۲- در هر صورت، آیا طرّاح چنان سؤالاتی، مرتکب عمل خلاف شرع مقدّس شده، و مستحقّ مجازات است.

۳- در مورد ارزش اثباتی چنین اقراری، آیا بین صورتی که اقرار موجب علم و اقناع وجدانی شود، با صورتی که چنین نشود، تفاوتی وجود دارد؟

۴- در فرض سؤال، آیا بین حقوق الناس و حقوق الله تفاوتی هست؟ (یعنی در حقوق الناس دارای اثر اثباتی باشد، و در حقوق الله نباشد.)

۵- در صورتی که چنین اقراری ارزش اثباتی نداشته باشد، آیا در شمار امارات و قرائن قرار می‌گیرد؟

جواب ۱ تا ۵: اجبار و اکراه و توسّل به دروغ و خلافگویی برای گرفتن اقرار مجاز نیست، ولی استفاده از قرائن و شواهد گوناگون و بازجویی متّهم به گونه‌ای که نتواند از بیان واقعیت فرار کند، هیچ اشکالی ندارد. بلکه در حقوق الناس (نه حقوق الله) کار خوب و شایسته‌ای است، و آنچه درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۷

شده، همه از این قبیل است. این نکته نیز شایان ذکر است که گاه ممکن است در موارد حدّیّاس و مهم با ارباب از کسی اقرار

بگیرند؛ ولی به دنبال اقرارِ اربابی سرنخهایی پیدا شود که موضوع از طریق دیگر روشن گردد؛ به گونه‌ای که دلیل قاضی چیزهایی باشد که بعداً کشف شده است؛ نه آن اقرار.

سؤال ۸۵۲- فردی متهّم به بمب‌گذاری و عملیات تروریستی در یک مکان عمومی پرجمعیت، یا مثلاً در محلّ کار سران مملکتی، یا متهّم به مشارکت در باند آدم‌ربایی و فساد فی الارض است. هرگاه از شواهد و قرائن موجود در پرونده برای قاضی علم حاصل شود، یا متهّم اقرار نماید، و در نتیجه اتهام ثابت گردد، اما فرد مذکور از افشا نقشه بمب‌گذاری و زمان و مکان دقیق آن، و اسامی شرکای جرم خودداری نماید، آیا قاضی می‌تواند جهت کسب این اطلاعات مهم، و خنثی‌سازی عملیات تروریستی که در صورت تحقق خسارات فراوانی بر جای خواهد داشت، با استدلالاتی از قبیل «دفع افسد به فاسد»، «ترجیح اهم بر مهم»، «الضرورات تبيح المحذورات»، «اوجب بودن حفظ نظام»، دستور شکنجه متهّم را صادر کند، تا با توجه به فوریت قضیه در اندک زمان اقرار نماید؟ آیا چنین اقراری حجت است؟

جواب: شکنجه جایز نیست.

سؤال ۸۵۳- مردی ضمن عقد نکاح به زوجه و کالت بلا عزل با حقّ توکیل غیر داده که هرگاه بدون رضایت زوجه اول، همسر دیگری اختیار کند، یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود عدالت را رعایت ننماید، با رجوع و اخذ مجوز از دادگاه، پس از انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه کند. اکنون شهودی بر اقرار وی به عباراتی نظیر «زن گرفتم»، «ازدواج نمودم» و «تشکیل زندگی دادم» شهادت می‌دهند. به علاوه، زوج نزد قاضی تحقیق و نیروهای انتظامی، به همین عبارات اقرار نموده است. اکنون که زوجه تقاضای اذن اعمال و کالت نموده، زوج با قبول اقرار عنوان می‌نماید: «فی الواقع ازدواج نمودم، بلکه قصد من از بیان چنان مطالبی، تحریک همسر به تمکین بوده است.» آیا در چنین موردی اقرار نزد قاضی حاکم لازم است، یا اقرار وی نزد قاضی تحقیق، و شهادت بر اقرار کفایت می‌نماید؟ آیا در چنین موردی، مقرّ حقّ انکار اقرار را دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۸

جواب: با اقرار زوج، یا شهادت شهود به اقرار زوج در غیر محضر قاضی، حقّ طلاق در فرض مسأله هست، مگر این که قرائن معتبر قائم شود که قصد تحریک زوجه بر تمکین را داشته است.

سؤال ۸۵۴- در خصوص اقرار به نسب بفرمایید:

الف) اگر تحقّق نسب بر حسب عادت ممکن باشد، و کسی که نسب او اقرار شده نیز تصدیق کند، آیا میان «مقرّ» و «مقرّ به» توارث ایجاد می‌شود؟ یا عدم وجود ورثه برای مقرّ، شرط ایجاد توارث است؟

ب) در صورتی که مقرّ، ورثه مشهور و معلومی نداشته باشد، و «مقرّ به» نیز او را تصدیق نماید، آیا چنین اقراری موجب توارث می‌شود؟

ج) در صورتی که اقرار، وارثی را از ارث محروم نکند، آیا اقرار مقرّ به با تحقّق شرایط، مقبول است؟ آیا وجود ورثه، تنها مانع از اقراری است که موجب توارث بین مقرّ و مقرّ به می‌شود؟

جواب: در تمام این موارد اقرار مقبول است؛ ولی اگر پای وارث دیگری در میان باشد، تنها در مورد سهم اقرارکننده پذیرفته می‌شود؛ و از سهم سایر ورثه چیزی کاسته نمی‌شود.

سؤال ۸۵۵- در ماده ۱۱۶۱ قانون مدنی آمده است: «هرگاه شوهر صریحاً یا ضمناً اقرار به ابوت خود نموده باشد، دعوای نفی ولد از او مسموع نخواهد بود.» از طرفی در ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی آمده است: «انکار بعد از اقرار مسموع نیست، لکن اگر مقرّ ادعا کند که اقرار او فاسد، یا مبنی بر اشتباه، یا غلط بوده، شنیده می‌شود.

همچنین در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد...»

مستدعی است بفرمایید:

آیا در همه اقرار، مقرّ می‌تواند ادّعا کند که اقرار وی فاسد و مبنی بر اشتباه و غلط بوده، و دعوی او پذیرفته می‌شود، اما در مورد اقرار به نسب، حتّی دعوی فساد و اشتباه در اقرار نیز پذیرفته نمی‌شود، و به هیچ وجه دعوی نفی ولد مسموع نیست؟
جواب: انکار بعد از اقرار به ولد پذیرفته نیست، مگر این که واقعاً ثابت شود اشتباهی رخ داده؛ مثلاً بیگانه‌ای را به جای فرزند تصوّر کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۲۹

فصل چهارم: احکام شهادت

سؤال ۸۵۶- اگر زنی در دادگاه به نفع شوهر خود، و علیه شخصی شهادت دهد، و پس از مدّتی با شوهرش اختلاف شدید پیدا کند، و از شهادتی که به نفع او داده برگردد، آیا از نظر شرعی اثری دارد؟
جواب: در صورتی که آن اختلاف سبب عداوتی در میان آن دو شده باشد، عدول از شهادت اثری ندارد.

سؤال ۸۵۷- هرگاه اقرار متّهم به ارتکاب قتل، با شهادت شهود متعارض باشد حکم چیست؟
جواب: ولیّ دم اختیار دارد که نسبت به مورد شهادت قصاص کند، یا به مورد اقرار. و اگر نسبت به مورد شهادت قصاص کند، اقرارکننده باید نیمی از دیه را به اولیای شخص مورد شهادت بپردازد، و این مسأله منصوص و مفتی به است.

سؤال ۸۵۸- راه اثبات و احراز عدالت شهود و مانند آن برای دادگاه، با توجه به تراکم پرونده‌ها، عدم آشنایی با اصحاب دعوی و شهود، غیر بومی بودن قاضی، یا کثرت جمعیت شهرها چیست؟ آیا صرف ظاهر افراد و این که طرف مقابل شهود را جرح نماید، کفایت می‌کند؟

جواب: لازم است در این گونه موارد از اهل محلّ، یا دوستان آنها، تحقیقی شود، تا حسن ظاهر او و معاشرانش ثابت گردد، و همین مقدار کافی است.

سؤال ۸۵۹- آیا در حقوق اسلامی اصل بر عدالت هر شاهدی است که به محکمه قضا می‌آید؟ به تعبیر دیگر، آیا اثبات عدالت شاهد لازم است؟

جواب: اثبات عدالت شاهد لازم است؛ ولی به همین اندازه که کسی با او

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۰

معاشرت داشته باشد، و کار خلافی از او نبیند، عدالتش ثابت می‌شود.

سؤال ۸۶۰- طریقه حقوقی اثبات عادل بودن یک شاهد چیست؟ و مزگی کیست؟

جواب: طریقه حقوقی آن این است که شخص مورد اعتمادی با او معاشر باشد، و کار خلافی از او نبیند، یا در محیط خود معروف به پاکی و تقوی باشد.

مزگی فرد مورد اعتمادی است که از این امور درباره کسی خبر دهد، و او را توثیق و تعدیل کند.

سؤال ۸۶۱- گفته شده: «در مواردی که اطلاع مردان بر یک موضوع مشکل است، شهادت زنان به تنهایی مقبول است.» لطفاً بفرمایید محدوده این حکم چیست؟

مثلاً شهادت زنان در خصوص قتل عمد در یک حمام زنانه، چه چیزی را ثابت می‌کند؟ یا اگر زنان شهادت دهند که فردی جنین زنی را عمداً ساقط کرده، و ضمناً موجب مرگ خود زن هم شده، چه چیزی ثابت می‌شود؟

جواب: حکم مزبور شامل این گونه موارد نمی‌شود؛ بلکه منظور اموری است که به طور طبیعی فقط به وسیله زنان ثابت می‌شود.

سؤال ۸۶۲- در عرف عشایر رسم بر این است که اگر فامیلی قصد درگیری و نزاع با فامیل دیگری داشته باشد، و بخواهد از طرف مقابل کسی را بکشد، یا حتی مجروح نماید، با کلیه افراد فامیل خود مشورت نموده، و آنها را در جریان موضوع قرار داده، و سپس هم قسم می‌شوند، و چنین جرمی را انجام می‌دهند. با عنایت به مقدمه فوق به سؤال زیر پاسخ دهید: مقتول با کسانی بر اثر کینه و دشمنیهای قبلی اختلاف داشته، حتی چندین مورد ضرب و جرح بین فامیل مقتول و آنها به وجود آمده، و بارها مقتول توسط این فامیل مورد آزار و اذیت و تهدید و ارباب قرار گرفته بود، تا این که شبانه دو نفر از آنها به منزل وی حمله کرده، و او را جلوی چشم زن و فرزندان خردسالش به قتل رسانده، و متواری می‌شوند! زمانی که مقتول هنوز جان داشت، عمویش بر بالین او حاضر می‌شود. مقتول به عمویش می‌گوید: «فلانی مرا با اسلحه مجروح نموده است.» و از طرفی دو سه نفر از فامیل قاتل (برادر و پسر عموی قاتل) شهادت داده‌اند که قاتل این کار را انجام نداده است. آیا شهادت فامیل قاتل،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۱

که در برنامه‌ریزی قتل مشورت و مشارکت داشته، و از روی غرض شهادت می‌دهند، مورد قبول است؟

جواب: شهادت به قاتل نبودن فایده‌ای ندارد؛ هر چند شهود متهم نباشند، و در اینجا طبق آنچه در فرض مسأله آمده شهود متهم نیز می‌باشند، ولی شهادت مقتول نیز اثری ندارد؛ مگر این که قاضی از شهادت او و بستگانش (که حضور داشته‌اند) و قرائن دیگری از این قبیل، علم پیدا کند که شخص مذکور قاتل است.

سؤال ۸۶۳- آیا امر عدمی با شهادت شهود قابل اثبات است؟

جواب: در صورتی که شرایط شهادت در آن جمع باشد مانعی ندارد.

سؤال ۸۶۴- آیا شاهد موظف است تمام حقیقت را بگوید، یا همین که ملزم شود آن چه می‌گوید حقیقت است کفایت می‌کند؟

جواب: شاهد باید آنچه را از او می‌پرسند، اگر می‌داند بگوید.

سؤال ۸۶۵- آیا شهادت کسی که محاسنش را با تیغ، یا ماشین شبیه تیغ می‌تراشد، از نظر شرع پذیرفته می‌شود؟

جواب: هرگاه از کسی تقلید کند که این کار را جایز بداند، و از جهات دیگر نیز عادل باشد، می‌تواند شاهد قرار گیرد.

سؤال ۸۶۶- کدام یک از موارد زیر صحیح است؟

الف) شهادت اهل سنت علیه اهل تشیع در دعاوی مالی یا کیفری (چنانچه خواهان سنی مذهب، و خواننده شیعه باشد).

ب) شهادت اهل سنت علیه اهل سنت در دعاوی مالی یا کیفری (چنانچه خواهان و خواننده هر دو سنی باشند).

ج) شهادت اهل سنت در دعاوی مالی یا کیفری (چنانچه خواهان و خواننده هر دو شیعه باشند؛ لیکن شهودشان سنی باشد).

د) شهادت اهل سنت به نفع اهل تشیع (چنانچه خواهان شیعه، و خواننده سنی مذهب باشد).

ه) شهادت اهل کتاب له یا علیه مسلمانان.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۲

جواب الف تا ه: شهادت اهل سنت در صورتی که از نظر اعتقادی مستضعف، و از نظر جنبه‌های عملی عادل بوده باشند، و فسقی از آنها دیده نشود، در تمام صورتهای بالا پذیرفته می‌شود؛ «۱» ولی شهادت اهل کتاب له و علیه مسلمانان مقبول نیست. مگر در بعضی از موارد خاص، که در بعضی از آیات قرآن (آیه ۱۰۶ سوره مائده) به آن اشاره شده است.

(۱) آیه الله العظمی خویی رحمه الله در جلد اول مبانی تکملة المنهاج، صفحه ۸۰ به این مطلب اشاره کرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۳

سؤال ۸۶۷- شخصی وصیت کرده همسرش پس از مرگ وی ازدواج نکند، و اگر ازدواج کند حق مسکن در خانه معین ندارد. همسرش پس از مرگ او، ازدواج موقت کرد. اولاً: آیا این شرط صحیح است؟ و ثانیاً: ازدواج موقت هم مشمول وصیت مذکور می‌گردد؟

جواب: اگر ازدواج موقت برای مدت کوتاهی بوده، مشمول این وصیت نمی‌شود. ولی اگر برای مدت طولانی، یا به طور مکرر و در نتیجه طولانی باشد، مشمول خواهد شد. و وصیت مذکور در مورد حق الارث زن هیچ تأثیری ندارد، اما اگر چیزی اضافه برای او قائل شده، در صورتی می‌تواند از آن اضافه استفاده کند که به آن شرط عمل کند.

سؤال ۸۶۸- آیا وصیت به تقسیم ارث قبل از فوت جایز است؟ مثل این که زید وصیت کند که پس از فوتش، فلان باغش مال فلان پسرش، و فلان خانه‌اش مال فلان دخترش باشد. آیا چنین وصیتی نافذ است؟

جواب: چنین وصیتی باطل است.

سؤال ۸۶۹- شخصی وصیت کرده که از درآمد باغش، به ازای هر سال بعد از رسیدن به سن تکلیف، نماز و روزه خریداری شود. اکنون به اندازه سالهای مذکور عمل انجام شده است. آیا تکرار عبادت لازم است، یا به همین مقدار اکتفا شود؟

جواب: به همان مقدار قناعت می‌شود، و بقیه تعلق به ورثه دارد؛ مگر این که وصیت کرده باشد آن را در کارهای خیر صرف کنند.

سؤال ۸۷۰- شخصی وصیت به ثلث نموده، و در اثر تصادف ماشین فوت کرده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۴

است. وصی میت ادعای دیه نموده، و بابت آن چکی از قاتل دریافت نموده است.

پس از این جریان، بعضی از ورثه، رضایت داده، و بعضی سهمشان از دیه را گرفته‌اند. حکم سهم میت و وظیفه وصی چیست؟

جواب: در فرض مسأله، ثلث به دیه نیز تعلق می‌گیرد.

سؤال ۸۷۱- شخصی نصف باغ انگور خود را به عنوان ثلث قرار داده، و در وصیت نامه‌اش سفارش کرده که بعد از کم کردن مخارج باغ، وصی ما بقی محصول و سود آن را از طرف موصی احسان نماید. اکنون بعد از گذشت مدت زمانی، درآمد و منافع باغ مخارج خودش را کفایت نمی‌کند؛ یعنی مخارج کارگر بیشتر از درآمد باغ می‌باشد. آیا کسی که مسئولیت این باغ را دارد، می‌تواند آن را به طور اقساطی، یا به صورت نقدی بفروشد و پول باغ را در حق او احسان کند؟

جواب: باید آن را بفروشد و در جای دیگری ملکی، هر چند کوچک که منفعی داشته باشد، تهیه و وقف نماید، و منافع آن را در موارد وصیت مصرف کند.

سؤال ۸۷۲- در متن وصیتنامه‌ای آمده: «چنانچه ارحام موصی فقیر و پریشان شدند، از درآمد ثلث املاک، اول به آنان داده شود، و بعد عزاداری نمایند، و چنانچه ارحام از سادات باشند آنها را مقدم دارند.» لازم به ذکر است که وصی فعلی که نوه پسری موصی می‌باشد فاقد اولاد از صلب خود بوده، و نامبرده در زمانهای گذشته دختری را به فرزندی برداشته و از شیر خواهرش استفاده نموده، که محرم وصی گردد، و برای فرزند خوانده شناسنامه‌ای هم به عنوان فرزند گرفته است (عیال وصی غیر سید می‌باشد). آیا دختر خوانده و فرزندش از ارحام موصی محسوب می‌شوند؟

جواب: فرزند خوانده جزء نسل موصی حساب نمی‌شود، و وصیت‌نامه شامل حال او نمی‌گردد.

سؤال ۸۷۳- ۱۴ سال پیش پدر این جانبان، که ۴ برادر و دو خواهر می‌باشیم، به رحمت ایزدی پیوسته، و سالها قبل از فوت در دفتر اسناد رسمی وصیت کرده، و عیال دائمی (که اکنون ۸۸ سال دارند) و فرزند بزرگش سید جواد (یعنی بنده) را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۵

خصوص اداره امور صغار موصی، بعد از فوت وصی قرار داده، و متذکر شده پس از رشد و کبر، بقیه برادران شرکت در وصایت داشته باشند. در تاریخی که این وصیت‌نامه نوشته شده هنوز خواهر کوچکمان به دنیا نیامده بود، و ایشان از بدو تولد عقب افتادگی ذهنی داشته و دارد. اکنون که ایشان ۴۱ سال دارند، آیا برادران هنوز می‌توانند قیّم خواهر کوچک باشند؟ و آیا این وصیت‌نامه به قوّت خود باقی است؟

لازم به ذکر است که از زمان فوت پدر تاکنون، در این مدت ۱۴ سال، برادران از او به نحو احسن نگهداری کرده‌اند. جواب: در صورتی که وصیت‌نامه مطلق بوده، و قید و شرطی در آن نباشد، شامل قیّمیت فرزندهایی که عقل کافی پیدا نکرده‌اند می‌شود.

سؤال ۸۷۴- شخصی به شکل زیر وصیت می‌کند: «با اتّکال به خداوند متعال، و با توسّل به اثّیه اطهار، علیهم السلام در حالت صحّت نفس و سلامت کامل، و با رضا و رغبت، با در خواست شورای اسلامی و شهرداری شهر، و با رضایت قلبی خود و خانواده‌ام، وصیت می‌کنم که در زمین اهدایی آقای ... جهت قبرستان مؤمنین و مؤمنات، زیارتگاهی با هزینه خودم احداث، و هر زمان که خداوند تبارک و تعالی مقرر فرمودند در آن زمین به خاک سپرده شوم، و کلیه نذوراتی که از طرف مردم پرداخت می‌شود، ۵۰٪ سهم فرزندانم و ۵۰٪ به منظور هزینه امور فرهنگی، ساختمانی، مذهبی، اجتماعی و آموزشی، فضای سبز قبرستان و زیارتگاه در اختیار شهرداری قرار گیرد.

ضمناً زمینی به مساحت ۴۰۰ متر مربع جهت منزل یکی از فرزندانم به عنوان خادم زیارتگاه قرار داده شود، تا با هزینه شخصی خود اقدام به ساخت نماید.» آیا وصیت‌نامه مذکور شرعاً معتبر است؟

جواب: این وصیت‌نامه اعتباری ندارد، و باید از ساختن چنین زیارتگاهی پرهیز کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۷

فصل چهل و دوم: احکام ارث

طبقه دوم ارث

سؤال ۸۷۵- شخصی فوت نموده و ورثه حین الفوت وی عبارتند از: «سه خواهر ابوینی (پدر و مادری) جدّه پدری، و جدّ مادری» میزان دقیق سهم الارث وراثت یاد شده چه میزان بوده، و چگونه بین آنها تقسیم می‌شود؟
جواب: هر کدام از جدّ و جدّه ۱۶ می‌برند، و بقیه میان سه خواهر تقسیم می‌شود.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۳۳۷

سؤال ۸۷۶- در صورتی که ورثه متوفی عبارت باشند از: ۱- همسر دائم ۲- برادر ابوینی ۳ و ۴- یک خواهر و یک برادر امّی، سهم هر یک چه میزان است؟

جواب: شوهر در فرض مسأله نصف میراث زن را می‌برد (و اگر شوهر مرحوم شده باشد، زن یک چهارم میراث را در فرض سؤال می‌برد.) و باقیمانده سه قسمت می‌شود، دو قسمت به برادر ابوینی می‌رسد، و یک قسمت به برادر و خواهر امّی، که به طور مساوی بین خود تقسیم می‌کنند.

ارث زوجین

سؤال ۸۷۷- با توجه به این که در کتب تفسیر، آیه ۱۲ سوره نساء را به طور مطلق تفسیر کرده‌اند، دلیل فقهی ارث بردن زوجه از قیمت هوایی بناها و درختان چیست؟

جواب: دلیل این مسأله روایاتی است که از معصومین علیهم السلام رسیده، که آیات را تخصیص می‌زند، و تخصیص آیات ارث منحصر به این مورد نیست، بلکه این مطلب در موارد متعدّد در فقه شیعه و اهل سنت دیده می‌شود. برای آگاهی بیشتر استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۸
به جواهر الکلام جلد ۳۹ مراجعه کنید.

سؤال ۸۷۸- آیا همسر از چاه عمیق، قنات، آب جاری ارث می‌برد؟

جواب: در صورتی که آب در زمین مباح جریان دارد، مانند آب نهرهای بزرگ، زن از عین آن ارث می‌برد، و اگر فرضاً شوهر وی در هفته دو ساعت آب را مالک بوده، باید ۱۴ یا ۱۸ آن را به زن بدهند. و اگر در زمین ملکی آن مرد، قنات یا چاه آب وجود دارد، زن از عین آن ارث نمی‌برد، ولی باید چاه و وسائل آن قنات را قیمت کنند، و سهم زن را از قیمت آن بپردازند.

سؤال ۸۷۹- میان زوجه مطلقه‌ای، که همسرش فوت کرده، و ورثه شوهر وی در اصل طلاق اتفاق نظر، و در زمان آن اختلاف وجود دارد. زوجه مطلقه مدعی وقوع طلاق در مرض منتهی به مرگ زوج می‌باشد، و ورثه مدعی وقوع طلاق در زمان صحت وی می‌باشند. قول کدام یک مقدم است؟

جواب: زوجه باید اثبات کند که طلاق در مرض موت واقع شده، و گرنه حق ندارد، ولی بهتر این است که با ورثه بر مبلغی مصالحه کنند.

سؤال ۸۸۰- چنان چه مهریه خانمی سفر حج بوده، و آن خانم قبل از تشرف به حج، فوت نماید، آیا ورثه وی می‌توانند مهریه را مطالبه کنند؟ نحوه تقسیم یک سفر حج، بین چند وارث چگونه خواهد بود؟
جواب: آری می‌توانند مطالبه کنند، و هزینه یک حج به هنگام فوت آن مرحومه را از شوهر او می‌گیرند، و مانند سایر اموال زن بین همه ورثه تقسیم می‌کنند.

ارث کسانی که همزمان فوت کرده‌اند

سؤال ۸۸۱- متأسفانه پسر غلام عباس به اتفاق همسرش محدّثه، و فرزندش محمّد رضا، تصادف کردند. زن و شوهر بلافاصله از دنیا رفتند، و فرزند آنها با آمبولانس به درمانگاه منتقل شد، ولی او هم پس از یک ساعت فوت کرد. پدر و مادر غلام عباس زنده هستند. مادر محدّثه هم زنده است. لازم به ذکر است پدر آن خانم (محدّثه) که ده سال قبل از عروسی دخترش فوت نموده، اموالی دارد که محدّثه از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۳۹

آن سهم دارد، و جهیزیّه دختر، چون محلّ کارش نزدیک مادرش بوده، در منزل مادرش می‌باشد. کادوهای هم که روز سوّم عروسی و پس از زایمان به ایشان داده شده، در منزل پدر داماد است. لطفاً بفرماید:

۱- سهم هر یک از آنان چگونه پرداخت می‌شود؟

۲- طلاهایی که موقع عروسی برای عروس خریداری شده از آن کیست؟

۳- مقدار طلایی که اشخاص در روز عروسی آنها آورده‌اند و موجود است، به چه کسی باید داده شود؟

جواب: ۱۶ اموال مرحوم غلام عباس به پدر، و یک ششم به مادر، و یک هشتم به همسر، و بقیه به فرزندش محمّد رضا می‌رسد. ۱۶ سهم همسرش (محدّثه) به مادرش و بقیه به فرزندش محمّد رضا می‌رسد. ۱۶ از اموال محدّثه (همسر غلام عباس) به مادر، و یک

چهارم به شوهر، و بقیه به فرزندش محمد رضا می‌رسد. و یک چهارم سهم شوهر در میان پدر و مادر و فرزندش محمد رضا تقسیم می‌شود (پدر و مادر هر کدام یک ششم، و بقیه به فرزند می‌رسد). اموالی که طبق تقسیم بالا به پسر رسیده، دو سوم آن به جد و جدّه پدری (جد دو سهم، و جدّه یک سهم) و یک سوم آن به جدّه مادری می‌رسد. و اما جهیزیه دختر جزء اموال اوست، و همچنین کادوهایی که در موقع زایمان برای او آورده‌اند. طلاهایی که برای عروس خریداری شده، یا کادو آورده‌اند، نیز مال اوست.

سؤال ۸۸۲- برادرم به همراه همسر و پسرش همزمان در حادثه تصادف فوت نمودند، و تنها یک پسر از او به جای مانده است. با توجه به این که علاوه بر پسر مذکور، از طرف پدر، مادر بزرگ، و از طرف مادر، پدر بزرگ و مادر بزرگ هر دو در قید حیاتند، دیه و سایر اموال آنها چگونه تقسیم می‌شود؟

جواب: اول فرض می‌کنیم پدر قبل از همه فوت کرده، ارث او از جمله دیه‌اش را در میان مادر و همسر و دو پسرش تقسیم می‌کنیم، آنها که در حیاتند ارث خود را می‌گیرند، و سهم آن دو که فوت کرده‌اند (یعنی زن و پسر اول) به ورثه آنها که بعداً اشاره خواهیم کرد می‌رسد. سپس فرض می‌کنیم زن قبل از همه فوت کرده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۰

ارث او و دیه‌اش به پدر و مادر و شوهر و دو پسرش می‌رسد. آنها که زنده‌اند سهمشان را می‌گیرند، و سهم آن دو که فوت کرده‌اند (یعنی شوهر و پسر اول) به ورثه آنها می‌رسد. سپس فرض می‌کنیم که پسر قبل از همه فوت شده، ارث او دیه او فقط به پدر و مادرش می‌رسد، و از آنها به ورثه‌ای که قبلاً به آنها اشاره شد منتقل می‌شود. با توجه به این که مسأله پیچیده است، اگر نتوانستید عمل کنید به وسیله یکی از علمای محل بخوانید و پیاده کنید.

موانع ارث

سؤال ۸۸۳- آیا معاونت در قتل عمد، از موانع ارث به شمار می‌رود؟

جواب: در صورتی که معاونت به شکلی باشد که قتل به هر دو نسبت داده شود، هم قاتل و هم معاون، هر دو از ارث محرومند؛ اما اگر به این صورت نباشد، مثل این که سلاخی در اختیار قاتل قرار داده، یا جای مقتول را به او نشان داده، این گونه معاونت، مانع از ارث نیست.

سؤال ۸۸۴- در صورتی که خانمی از شوهرش، به اتهام ضرب و جرح، شکایت نماید، و پس از محکومیت زوج، زوجه فوت نماید، لطفاً بفرمایید:

الف) در فرض عدم انتساب فوت به شوهر، آیا زوج از دیه ضرب و جرح که خود مسئول پرداخت آن است، ارث می‌برد؟

ب) در صورت انتساب قتل به شوهر، در سه صورت عمد، شبه عمد و خطای محض، آیا حکم مسأله تفاوتی پیدا می‌کند؟

جواب: شخصی که جنایتی کرده خودش از دیه آن ارث نمی‌برد، بنابر احتیاط واجب، ولی اگر جنایت غیر عمدی باشد ارث می‌برد.

محروم کردن از ارث

سؤال ۸۸۵- مرحوم پدرم، به علت این که از مسائل شرعی آگاهی نداشت، و در وقت نوشتن وصیت‌نامه با اهل علم مشورت ننمود، اموال خود را طبق موازین شرع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۱

تقسیم نکرد. بلکه در بسیاری از موارد دخترانش را از ارث محروم کرده، و سهم آنها را به پسرانش داده است. حال می‌خواهیم

بدانیم که آیا:

۱- پدرمان مقصّر است، و عند الله مؤاخذه می‌شود؟ □

۲- وظیفه ورثه در مقابل این وصیت، که حقّ بعضی داده نشده، چیست؟

جواب: پدر نمی‌تواند هیچ یک از فرزندان را از ارث محروم کند؛ و اموال او طبق قانون خدا در میان دختر و پسر تقسیم می‌شود. فقط می‌تواند وصیت کند که به مقدار ثلث اموالش یا کمتر، به هر کس مایل است بپردازند.

سوالات متفرقه

سؤال ۸۸۶- در ماده ۱۰۱۸ قانون مدنی، که برگرفته از فقه نورانی شیعه است، آمده: «حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می‌شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده، مدّتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی‌ماند.» حال اگر شخص سی ساله‌ای غایب شود، و پس از دو سال ورثه تقاضای صدور حکم موت فرضی وی را نمایند، آیا محکمه می‌تواند با درخواست ورثه موافقت و مفقودیّت وی را در جرائد اعلام، و پس از انجام تحقیقات محلی، هرگاه خبری از حیات و ممات وی بدست نیامد، حکم فوت فرضی وی را صادر نماید؟

جواب: حکم به موت تنها در صورتی امکان دارد که یا یقین به مرگ غایب حاصل شود، یا مدّت زمانی بگذرد که عادتاً تا آن زمان زنده نمی‌ماند.

سؤال ۸۸۷- مردی در اثر قتل عمد، یا شبه عمد، یا خطای محض، فوت شده، و در هر حال توافق بر اخذ دیه می‌شود. آیا این دیه جزء ترکه محسوب می‌شود، که دیون به آن تعلق گیرد و بدواً پرداخت شود، سپس باقیمانده تقسیم گردد، یا دیون متوفی از آن استخراج نمی‌شود؟

جواب: در حکم اموال میت است، و دیون متوفی از آن تأدیه می‌شود.

سؤال ۸۸۸- خانم بیوه‌ای با داشتن چند فرزند شوهر می‌کند. پس از مدّتی شوهر جدید نیز فوت می‌نماید. نحوه ارث فرزندان زن از آن شخص به چه صورت است؟ در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۲

عکس مسأله آیا ورثه از نامادری ارث می‌برند؟

جواب: نه فرزند عیال از شوهر مادر ارث می‌برد، و نه شوهر از فرزندان او. و همچنین در عکس مسأله، یعنی بچه‌های مرد از نامادری ارث نمی‌برند.

سؤال ۸۸۹- هفتاد و پنج سال پیش دو برادر به نام سید سلیمان و سید خداداد فرزندان سید علی زندگی می‌کردند. بعد از فوت پدر، املاک و ترکه او را به طور مساوی بین خود تقسیم نمودند. سید خداداد به میل خود از منطقه کوچ کرده و به مکان دیگری می‌رود، بدون این که سهم خود را فروخته یا اجاره داده باشد. برادرش سید سلیمان با هماهنگی و همکاری شخصی به نام سید عبد الله (که در آن زمان در منطقه از نفوذ و شهرت مردمی برخوردار بوده)، و همدستی چند نفر دیگر، حصه سید خداداد را به شرط بیع قطعی می‌فروشند. سید خداداد وقتی مطلع می‌شود به منطقه آمده، سهم خود را مطالبه می‌نماید. برادرش و دیگران او را تهدید می‌کنند، و او به حقّ خود نمی‌رسد. از آن زمان تاکنون هیچ کس از ورثه سید خداداد نتوانسته به حقّ خود برسد. لطفاً بفرمایید آیا وارثین سید خداداد می‌توانند حقّ خود را مطالبه کنند؟

جواب: چنانچه برادران، حقّ آن مرحوم را ضایع کرده‌اند، ورثه او می‌توانند حقّ او را شرعاً بازپس بگیرند.

سؤال ۸۹۰- اخیراً خانمی به این جانب معرفی شده، تا وکالت او را برای وصول سهم الارث پدری‌اش بپذیرم. معرّف که شخص

محترم خارجی (و مسیحی) است، ضمن معزفی خانم، می‌گوید: «ظاهراً مشار الیها که مسلمان بوده مسیحی شده، و اکنون می‌خواهد سهم الارث پدری خود را که در تهران است (زمین و خانه و پول نقد) وصول کند. بدین جهت می‌خواهد به شما (به من) وکالت دهد.» این جانب ضمن ملاقات با خانم مذکور، بطور غیر مستقیم و ضمن صحبتی که پیش آمده بود، گفتم:

«بالاخره شما و ما مسلمان هستیم و تکالیفی داریم و... تا عکس العمل او را ببینیم، که آیا واقعاً مسیحی شده یا نه؟ خانم در برابر این سخن، نگفت من مسلمان نیستم و مسیحی شده‌ام، بلکه سکوت کرد. در چنین شرایطی برای من سؤالاتی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۳

پیش آمده که نظر مبارک مورد تقاضا است:

۱- آیا شرعاً تکلیف دارم بیش از این تحقیق کنم؟ آیا باید مطلب را صریحاً مطرح کنم و از دین او پرسیم؟

۲- آیا این مقدار که از معزف نقل کردم در اسلام او تردید ایجاد می‌کند؟ اگر آری، آیا باید اسلام او را استصحاب کنم، یا تکلیف دیگری دارم؟

جواب ۱ و ۲: چنانچه حالت سابقه او اسلام است، و دلیلی بر خلاف آن قائم نشده مشکلی ندارید.

۳- خانه‌ای که سهم الارث این خانم در آن بوده، (نصف آن) را به شخصی فروخته‌ایم و از محل ثمن، طبق توافقی که شده، حق الوکاله خود را برداشته‌ام. اگر بعدها معلوم شود این خانم واقعاً از اسلام خارج شده، و از پدرش که مسلمان بوده، اساساً ارث نمی‌برده، تکلیف خریدار چیست؟ حق الوکاله‌ای که از محل فروش خانه گرفته‌ام چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه ثابت شود که در حیات پدر مسیحی شده، ارث نمی‌برده، و هر چه شما یا دیگری از سهم او گرفته‌اید باید به سایر ورثه بازگردانید.

۴- آیا می‌شود در این خانه نماز خواند؟ آیا خریدار ضامن است که نصف خانه را به حاکم شرع (مقلد) بازگرداند، یا معامله‌وی محکوم به صحت است؟ اگر موکول به اجازه حضرت تعالی است، اجازه می‌فرمایید؟ یا در ازای ردّ مظالم باید اجازه شود؟
جواب: همان گونه که در بالا گفته شد، اگر خلاف ثابت شود باید به سایر ورثه برگردد و مسأله ارتباطی به مظالم ندارد تا نیاز به اجازه حاکم شرع داشته باشد.

۵- اگر بعداً معلوم شود که مسیحی شده بوده، وکالت برای کارها و اموال شخصی او (غیر از سهم الارث) چه صورتی دارد؟

جواب: در مورد اموالی که بعد از مسیحی شدن به دست آورده اشکالی ندارد.

سؤال ۸۹۱- آیا حقوق، مستمری، بیمه بازنشستگی و سایر مزایای کارمندان متوفی، جنبه ارث دارد؟ آیا آنچه دولت به بازماندگان متوفی می‌دهد طبق قانون ارث تقسیم می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۴

جواب: مصرف آن تابع مقررات دولت است؛ اگر فقط به همسر و فرزند او می‌دهد باید فقط در آن راه مصرف شود، و اگر مقررات طور دیگری است باید به همان ترتیب عمل شود.

سؤال ۸۹۲- آیا سرمایه بیمه عمر، و خسارت فوق ناشی از حوادث رانندگی، و دیگر بیمه‌ها، طبق قانون ارث تقسیم می‌شود؟ در صورتی که در قرارداد بیمه، شرط خاصی در این زمینه گنجانده شده باشد، آیا نافذ است؟

جواب: در مورد بیمه عمر باید طبق شرایط و مقررات بیمه مصرف شود، و اما در مورد خسارات رانندگی، خواه مالی باشد یا جانی، حکم سایر اموال میت را دارد.

سؤال ۸۹۳- آیا خنثای مشکل، طبیعت ثالثه غیر از زن و مرد است، یا حکم یکی از آن دو را دارد؟

جواب: خنثای مشکل در واقع یا مذکر است یا مؤنث.

سؤال ۸۹۴- در صورت تعدد طلبکاران، و عدم کفایت دارایی متوفی جهت ادای کل دیون، آیا شرعاً می‌توان بین انواع طلبکاران و دیون (به شرح ذیل) حق تقدم و اولویت قائل شد؟ در صورت امکان، ترتیب اولویت‌ها را مرقوم فرمایید:

۱- نفقه و مهریهٔ زوجه.

۲- نفقهٔ فرزندان صغیر.

۳- دیونی که از بابت آن مالی از بدهکار نزد طلبکاران رهن، وثیقه یا توقیف است.

۴- دستمزد و حقوق خدمه و کارگران منزل و محل کار متوفی.

۵- دستمزد و هزینهٔ بیمارستان و طبیب و داروخانه، جهت مداوای بیمار قبل از فوت.

۶- بدهکاری به حکومت اسلامی (از قبیل: مالیات، قبوض آب و برق و گاز و مانند آن).

۷- دیون شرعی (خمس و زکات) و گرفتن اجیر برای ادای نماز و روزه و حج واجب.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۵

۸- هزینهٔ کفن و دفن و مراسم ختم متعارف.

جواب: هزینه کفن و دفن متعارف مقدم بر همه چیز است، ولی مراسم ختم و یاد بود جزء واجبات نیست. همچنین نفقهٔ اولاد صغیر اگر قبلاً پرداخت نشده، جزء دیون محسوب نمی‌شود. هزینهٔ نماز و روزه را نیز نمی‌توان از اموال میت برداشت. بقیهٔ دیون در یک ردیف قرار دارند، و باید به نسبت برداشته شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۷

فصل چهل و سوم: امر به معروف و نهی از منکر

سؤال ۸۹۵- امر به معروف و نهی از منکر مرد نسبت به زن نامحرم، یا بالعکس چگونه باید صورت پذیرد؟

جواب: باید به صورتی باشد که خلاف شرعی در آن پیش نیاید، و به زبان خوش و منطقی انجام گیرد.

سؤال ۸۹۶- اگر کسی با راه رفتن یا صحبت کردن در مکان عمومی، موجب اذیت و آزار دیگران شود، چه حکمی دارد؟ بر فرض حرام بودن، آیا باید نهی از منکر کرد؟

جواب: کار خلافی انجام داده، و لازم است با زبان خوش او را نهی از منکر کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۴۹

فصل چهل و چهارم: احکام دفاع

سؤال ۸۹۷- در مورد صدمات وارده بر شخص در مقام دفاع بفرمایید:

الف) چنان چه شخصی در مقام دفاع از خود، مجبور به عملی شود که صدمهٔ بدنی به وی وارد کند، یا موجب مرگ وی گردد، مسئولیت مرگ مدافع، یا صدمات وارده بر عهدهٔ کیست؟ به عنوان مثال اگر برای فرار از تجاوز جنسی خود را به شیشه‌ای بزند و مجروح شود، یا در اثر پریدن از بلندی پای او بشکند، یا فوت نماید، چه کسی ضامن است؟

جواب: در صورتی که شخص مهاجم او را هل داده، یا سبب جراحت، یا سقوط از بلندی شده، او مسئول است، ولی اگر خودش برای نجات خود چنین کاری کرده، دیه یا قصاص بر کسی نیست؛ هر چند مهاجم تعزیر شدید دارد.

ب) در فرض فوق، آیا بین صورتی که راه فرار منحصر در آنچه انتخاب کرده بوده، و موردی که راه دیگری برای فرار وجود داشته، ولی شخص مورد هجوم در اثر ترس یا عجله از این طریق اقدام نموده، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: از نظر دیه فرقی نمی‌کند، ولی از نظر تعزیر تفاوت دارد.

سؤال ۸۹۸- اگر کسی که ربوده شده، در معرض مرگ باشد، و برای گریز از آن، راهی جز مقاتله نداشته باشد (مثل این که با ممانعت مسلحانه رباینده مواجه شده باشد)، تکلیف او چیست؟

جواب: می‌تواند از خود دفاع کند؛ هر چند بناچار مستلزم نابودی طرف گردد.

سؤال ۸۹۹- آیا مکروه بر امر حرامی مثل لواط یا زنا، خونش هدر است؟ اگر راهی جز کشتن وی وجود نداشته باشد چطور؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۰

جواب: در صورتی که راه منحصر به کشتن باشد، خونش هدر است.

سؤال ۹۰۰- اگر مرد مسلمانی نیمه شب به منزل مسکونی خود وارد شود، و بدون قصد قتل، و بی‌اطلاع از این که فردی اجنبی در داخل خانه است، با فردی مواجه شود که دو بار مزاحمت ناموسی برای همسرش داشته، و در دادگاه محکومیت پیدا کرده، و از شرایط موجود خانه، و وجود فیزیکی متجاوز، و دیگر قرائن معقول علم پیدا کند که برای تجاوز به ناموسش به حریم خانه او وارد شده، لذا با او درگیر شده و در یک وضعیتی خاص و بحرانی و غافلگیرکننده، که ترس فوت وقت و غلبه متجاوز بوده، و امکان توسل به نیروی انتظامی نداشته، و نتواند به طریق آسانتر متجاوز را دفع کند، و پس از درگیری کوتاهی ناچاراً با کارد آشپزخانه به دفاع از ناموس و جاننش می‌پردازد، که در نهایت منتهی به قتل زانی می‌گردد. سپس شخصاً به نیروی انتظامی رفته و خود را تسلیم قانون می‌کند. آیا دیه‌ای به شخص زانی و اولیای دم او تعلق می‌گیرد؟

جواب: در صورتی که دفاع به کمتر از قتل فرد اجنبی امکان‌پذیر نبوده، خونش هدر است و دیه ندارد.

سؤال ۹۰۱- علی خواهری ۲۲ ساله دارد. حسن چندین نوبت به خواستگاری وی رفته، ولی با مخالفت خانواده دختر روبرو گشته است. تا این که چند ماه پیش به منزل خانواده دختر رفته، و مجدداً از خواهر علی خواستگاری می‌کند، ولی باز هم پاسخ منفی می‌شود. سپس حسن مدعی می‌شود که به زور به خواهر علی تجاوز کرده است! علی با شنیدن این سخن، عصبانی شده، و به خاطر غیرت و تعصب، و با اسلحه گرم حسن را به قتل می‌رساند. این مطالب در مراحل مختلف تحقیق و دادرسی در مراجع انتظامی و دادگاه توسط قاتل بیان گردیده، و خواهر او نیز همین مطلب را با اندکی اختلاف تأیید کرده، و بر اظهارات حسن صحه گذارده است. حکم این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که قتل جنبه عمد داشته، در اینجا حکم آن قصاص است.

و در صورتی که بی‌اختیار شده و از حالت عادی بیرون رفته، یا خیال می‌کرده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۱

کشتن متجاوز شرعاً برای او جایز است، قصاص ندارد، اما دیه دارد. و اگر مشکوک باشد نیز دیه تعلق می‌گیرد، و قصاص نمی‌شود. سؤال ۹۰۲- دو نفر دست و پای جوان ۱۶ ساله‌ای را بسته، و سپس به او تجاوز کرده‌اند. متجاوزین پس از عمل زشت مذکور به خواب می‌روند. آن جوان از غفلت آنها استفاده کرده و در حین خواب، یکی را با آهن مضروب و در نتیجه به قتل رسانده، و دیگری را بعد از بیداری با آلت تیزی (کارد) به قتل می‌رساند. با توجه به این که متهم این اعمال را به عنوان دفاع از خود، و به تصور این که مقتولین مهدور الدم بوده‌اند، انجام داده، آیا محکوم به قصاص است؟

جواب: چنانچه ثابت شود قاتل این کار را به عنوان دفاع از خود، و از ترس این که مبادا مجدداً مورد تجاوز واقع شود، انجام داده، نه قصاص دارد و نه دیه؛ ولی در صورتی که ثابت شود تصور او این بوده که آنها مهدور الدم هستند، و حکم خدا را در مورد آنها اجرا می‌کند، قصاص ندارد ولی دیه دارد.

سؤال ۹۰۳- شخصی نیمه شب وارد خانه‌ای می‌شود. صاحب خانه به همراه همسرش بیرون از منزل بوده، و چهار نفر از فرزندانش

در خانه بودند. پسر ۱۸ ساله صاحبخانه با شنیدن صدایی از خواب بیدار شده، و به آشپزخانه رفته، و چاقویی بر می‌دارد. در تاریکی شب صدای بسته شدن در حمام را می‌شنود. با حالت ترس و چاقو در دست، به طرف حمام حرکت می‌کند، وقتی به آنجا می‌رسد می‌بیند کسی داخل حمام پنهان شده، و در را از داخل فشار می‌دهد تا بسته شود. او نیز در را از بیرون فشار می‌دهد تا آن را باز کند. ناگهان در باز می‌شود و شخصی ۲۹ ساله از داخل حمام به قصد فرار خارج می‌شود. در همین حین چاقوی پسر صاحبخانه درست به قلب وی اصابت، و منجر به فوت او می‌شود. حکم این مسأله چیست؟

اگر خواهر قاتل با مقتول رابطه‌ای داشته، و با دعوت وی وارد خانه شده، و قاتل از این امر اطلاعی نداشته باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که قاتل به تصور این که فرد مزبور مهاجم است، و برای دفاع از خویش و دیگر اعضای خانواده او را کشته، خون مقتول هدر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۲

سؤال ۹۰۴- درباره دفاع مشروع بفرمایید:

الف) اگر شخصی دیگری را مجروح کند یا بکشد، و ادعا کند که در مقام دفاع بوده، اما اولیای دم مدعی باشند از باب دفاع نبوده، آیا قصاص و دیه ساقط است؟

جواب: در صورتی که نتواند ادعای خود را با ادله شرعی ثابت کند قصاص می‌شود.

ب) آیا فرد می‌تواند در مقام دفاع از اقوام خویش یا افراد دیگر، مهاجمی را که به آنها تجاوز کرده به قتل برساند؟

جواب: در صورتی که هیچ راهی برای دفع متجاوز جز قتل او نباشد این کار جایز است؛ ولی چنان چه بعداً نتواند این مطلب را ثابت کند قصاص می‌شود.

ج) فردی به خیال این که دیگری مهاجم است، به سوی وی تیراندازی کرده، و او را می‌کشد. آیا قصاص می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال فقط دیه دارد.

سؤال ۹۰۵- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر فردی مورد تعرض و تهاجم قرار گیرد، ولی ناتوان از دفاع مشروع باشد، و ما به کمک او برویم، لکن با وجود این که جاننش در خطر است کمک ما را نپذیرد، بلکه رد کند، وظیفه ما چیست؟

۲- در فرض مسأله، اگر ما جهت کمک به او درگیر شده، و باعث قتل مهاجم شویم، چنانچه دفع خطر مهاجم، متوقف بر قتلش باشد، آیا در محکمه می‌توان به دفاع مشروع استناد نمود؟

۳- در فرض مذکور، یا در مورد تعرض به عرض و ناموس غیر، اگر نتوان از باب دفاع مشروع وارد شد، از باب امر به معروف و نهی از منکر تا چه میزان امکان کمک و اقدام وجود دارد؟ اگر منجر به قتل مهاجم شود، با فرض این که دفاع متوقف بر قتل او باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: توسل به دفاع مشروع در فرض مسأله، که جان کسی در خطر است، مانعی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۳

سؤال ۹۰۶- در موارد عدم جواز برخورد با جانی یا سارق، حکم قتل جانی یا سارق توسط مدعی دفاع چیست؟

جواب: باید ثابت شود که شخص مدعی دفاع واقعاً در مقام دفاع از خویشتن سارق را کشته، و برای حفظ جان یا مال خود راه دیگری نداشته است.

سؤال ۹۰۷- عملیات شهادت طلبانه مسلمانان فلسطینی، که به خود مواد انفجاری بسته و به مواضع دشمن حمله می‌کنند، از لحاظ

شرعی چه حکمی دارد؟ آیا ایرانیان نیز می‌توانند به آنجا بروند، و این کار را انجام دهند؟

جواب: در صورتی که مردم فلسطین برای دفاع از خود راهی جز این کار نداشته باشند، جایز است. و اقدام مردم سایر کشورها به این کار، بدون هماهنگی با حکومت‌هایشان جایز نیست.

سؤال ۹۰۸- هرگاه کفار بر یکی از کشورهای اسلامی مسلط شوند، و اظهار شعایر اسلامی در آن کشور مقدور نباشد، ولی امکان هجرت به کشوری که اظهار شعایر دینی در آن ممکن است، وجود داشته باشد، آیا هجرت واجب می‌شود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که هجرت کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۵

فصل چهل و پنجم: احکام حدود

مقدمت حدود:

الف) اقرار

سؤال ۹۰۹- در اثبات حدّ زنا و لواط تعدّد اقرار شرط است. آیا در صورت به عنف بودن امور فوق، نیز تعدّد اقرار شرط است؟
جواب: آری تعدّد اقرار شرط است.

سؤال ۹۱۰- آیا اقرار به جرم موجب حد، پس از توبه از آن جایز است؟ آیا آثاری از نظر مجازات بر این اقرار بار می‌شود؟
جواب: اقرار اشکال دارد، و اثری ندارد.

سؤال ۹۱۱- آیا اقرار به حقّ الناس، مثل قتل عمد و قذف، بر متهم واجب است یا حرام؟
جواب: اقرار واجب نیست، ولی باید به شکلی حقّ الناس را ادا کند.

سؤال ۹۱۲- در اثبات کلیه حدود، جز حدّ محاربه و افساد فی الارض، تعدّد اقرار شرط است. حال اگر متهم اقرار به کمتر از حدّ نصاب کند، آیا تعزیر می‌شود؟
جواب: تعزیر کردن در این صور اشکال دارد.

سؤال ۹۱۳- آیا قاضی مکلف است، به مقرّقا کند که از اقرارش عدول کند؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا در همه حدود، حتی حدودی که حقّ الناس است (مثل حد قذف و سرقت)، این وظیفه را دارد؟
جواب: قاضی مکلف به چنین امری نیست.

سؤال ۹۱۴- هرگاه کسی اقرار به زنا کند، سپس آن را انکار نماید، چنانچه حدّ وی قتل یا رجم باشد، با انکار بعدی حدّ رجم و قتل ساقط می‌شود، در غیر این صورت،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۶

با انکار بعد از اقرار حدّ ساقط نمی‌شود. آیا این حکم اختصاص به حدّ زنا دارد، یا در سایر حدود (مانند حدّ لواط) نیز جاری است؟
جواب: این حکم در حدّ لواط و مانند آن نیز جاری است.

ب) شهادت

سؤال ۹۱۵- در مورد اعتبار مشاهده در شهادت بر زنا، آیا دیدن مقدمات ملازم کافی است؟ یا تنها رؤیت ولوچ و إدخال معتبر

است؟

جواب: دیدن مقدمات کافی نیست.

سؤال ۹۱۶- آیا در اعتبار مشاهده در شهادت بر زنا، مشاهده مستقیم شرط است، یا مشاهده غیر مستقیم نیز کافی است؟ مثلاً اگر شهود از طریق آینه یا دوربین مدار بسته به صورت زنده و مستقیم صحنه را مشاهده کنند، آیا شهادتشان به عنوان بینة شرعی حجت است؟

جواب: از طریق آینه و دوربین مانعی ندارد.

ج) بلوغ و رشد

سؤال ۹۱۷- آیا همان گونه که در صحت معاملات علاوه بر بلوغ، رشد را نیز لازم می‌دانید، می‌توان «مسئولیت کیفری» را زمانی متوجه کودک دانست که علاوه بر برخورداری از بلوغ شرعی، دارای رشد جزایی نیز باشد؟

جواب: آری در این موضوعات نیز رشد کافی برای آنها لازم است.

سؤال ۹۱۸- آیا اجرای مجازات‌های اسلامی نسبت به فرد تازه به بلوغ رسیده (دختر ۹ ساله و پسر ۱۵ ساله) منوط به احراز رشد عقلانی آنها می‌باشد؟

جواب: آری منوط به احراز رشد عقلانی است.

سؤال ۹۱۹- با توجه به اختیارات دولت اسلامی، آیا می‌توان در مجازات پسر یا دختر کمتر از ۱۸ سال تخفیف قائل شد؟

جواب: در تعزیرات تخفیف به دست حاکم شرع است، و همچنین در مواردی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۷

که حد از طریق اقرار ثابت شود نه از طریق بینة، و مجرم نادم باشد.

سؤال ۹۲۰- در مواد قانونی سن بلوغ دختر ۹، و پسر ۱۵ سال (قمری) ذکر شده است. در حالی که این سن، مبنای اجرای احکام دینی است، نه مسائل کیفری. با توجه به این که میزان عقل در این سن کم است، و کودکان توسط افراد ناباب گول خورده و توان تحویل موارد کیفری را ندارند، لذا سن واقعی را برای مرز بین کودکی و بزرگسالی جهت اجرای احکام کیفری در مورد آنان (کودکان) مرقوم فرمایید.

جواب: در صورتی که رشد عقلی نسبت به این مسائل نداشته باشند، محکوم به کیفر نمی‌گردند، و تنها تأدیب می‌شوند.

د) توبه

سؤال ۹۲۱- هرگاه پس از احراز اتهام زنا، متهمه یا متهم مدعی توبه باشد، آیا تقاضای عفو، باید قبل از صدور حکم باشد، یا بعد از صدور حکم نیز چنین حقی دارد؟

جواب: در صورتی که بعد از صدور حکم، ادعای توبه کند و ثابت نشود، حد ساقط نمی‌شود، ولی اگر بتواند توبه قبل از دستگیری را اثبات کند، حد ساقط می‌شود.

سؤال ۹۲۲- با توجه به نظر مشهور فقهای امامیه، مبنی بر این که: «اگر کافر ذمی بعد از ارتکاب زنا با زن مسلمان اسلام آورد، حد از او ساقط نمی‌شود.» لطفاً بفرمایید:

آیا بر اساس این نظر، توبه وی بعد از پذیرش اسلام، می‌تواند مسقط حد باشد، یا حاکم شرع مجاز به عفو وی می‌باشد؟

جواب: در صورتی که گناه او از طریق اقرار ثابت شده باشد، حاکم شرع می‌تواند بعد از توبه او را عفو کند.

سؤال ۹۲۳- فقهای ما در بسیاری از حدود، مثل حدّ زنا، لواط و مساحقه، فرموده‌اند: «در صورتی که جرم با اقرار ثابت شده، و اقرار کننده پس از اقرار توبه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۸

نماید، امام (حاکم، ولی امر) معخیر بین عفو و اجرای حدّ است.» و در قانون مجازات اسلامی آمده: «دادگاه می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید.» در این رابطه سؤالات ذیل مطرح است:

۱- با توجه به این که قاضی پرونده معمولاً غیر مجتهد بوده، و بر اساس قوانین مدوّن حکم می‌نماید، آیا در چنین مواردی باید بعد از اثبات جرم و قبل از صدور حکم، تقاضای عفو نماید؟ (زیرا عدّه‌ای معتقدند که در صورت انشای حکم، جای درنگ نیست و حدّ باید جاری گردد.) یا می‌تواند انشای حکم نماید، و سپس بنا به تقاضای محکوم و با توجه به شرایط وی تقاضای عفو کند؟
جواب: تفاوتی بین انشای حکم و عدم انشای حکم نیست.

۲- در فرض سؤال، آیا تفاوتی بین توبه قبل از صدور حکم و بعد از صدور حکم وجود دارد؟ قلمرو زمانی توبه تا کجاست؟ با توجه به این که مطابق بعضی از روایات، تا وقتی نفس به گلوگاه برسد (مرگ انسان نزدیک شود)، توبه قبول می‌شود، آیا اینجا نیز چنین است؟ و حتی هنگام اجرای حکم نیز اگر توبه کند، حاکم اختیار عفو خواهد داشت؟
جواب: تفاوتی نمی‌کند.

۳- آیا بین اقرار شخص از روی ندامت و برای تطهیر از گناه، با اعترافی که در پی بازجویی‌ها به عمل می‌آید، و شخص چاره‌ای جز اقرار و اعتراف ندارد، از این حیث تفاوتی وجود دارد؟ و آیا اقرار نوع اول، که ظاهر در ندامت است، کفایت از توبه می‌کند، یا این که تصریح به توبه شرط جواز عفو است؟
جواب: توبه در هر صورت مجوّز عفو است.

۴- با توجه به این که شخص محدود مجازاتهای تبعی (احکامی چون محرومیت از بعضی مناصب، از قبیل منصب قضاوت، جمعه و جماعت و مانند آن) نیز دارد، اگر مستوجب حدّ به جهاتی مشمول عفو قرار گیرد، آیا احکام و مجازاتهای تبعی نیز برداشته می‌شود، یا آنها در ارتباط با ارتکاب جرم بوده و ثابت است؟ در این رابطه بین تائب و غیر تائب تفاوتی هست؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۵۹

جواب: مناصبی که مشروط به عدالت است، در صورت توبه و بازگشت ملکه عدالت، قابل بازگشت است.

سؤال ۹۲۴- در قانون مجازات اسلامی آمده که: «اگر زانی، یا زانیه قبل از ادای شهادت شهود توبه نماید، حدّ بر وی جاری نمی‌شود.» آیا این تخفیف شامل زانی به عنف نیز می‌شود؟
جواب: حدّ، که حقّ الله است، با توبه قبل از دستگیری ساقط می‌شود؛ ولی حقّ الناس، مانند پرداختن مهر المثل، در مقابل تجاوز به عنف با توبه ساقط نمی‌شود.

سؤال ۹۲۵- هرگاه متهم به زنا، در تمام مراحل تحقیقات، حتی نزد وکیل، اقرار و اعتراف نموده و ادّعی توبه کند، و از مقام معظم رهبری تقاضای عفو کرده، و قاضی مربوطه نیز تقاضای عفو ایشان را اعلام نماید. آیا در این صورت مجاز است صدور رأی را تا حصول جواب به تأخیر اندازد؟

جواب: در صورت ثبوت جرم، قاضی می‌تواند منتظر عفو بماند.

سؤال ۹۲۶- آیا توبه مجرم در جرایم تعزیری قبل از دستگیری و تسلط بر او (بر فرض احراز) موجب سقوط تعزیر می‌شود، یا این حکم اختصاص به حدود دارد؟

و بر فرض سقوط تعزیر، آیا حاکم می‌تواند مجرم را در جایی که عمل ارتكابی موجب اخلال در نظم شده، یا بیم تجزّی دیگران در بین باشد، یا خوف وسیعی ایجاد شده، به منظور بازدارندگی و دفاع از حقوق عمومی مجازات نماید؟

چنانچه پاسخ اخیر مثبت باشد، این مطلب به ذهن می‌آید: «همانطور که حدّ محاربه، و لو مستلزم عوارض منفی مذکور باشد، با توبه مرتکبان «قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ» ساقط می‌شود، پس مجازاتهای دون الحدّ نیز به طریق اولی ساقط می‌شود.»

آیا این مطلب صحیح است، یا قیاس مع الفارق است؟ همان گونه که سقوط حدّ الهی موجب سقوط حقّ عمومی نیست. بدین معنی که چون مردم ناگیرند برای تنظیم و تنسیق امور خود، نواهی و اوامری را (غیر از حرام و واجب خداوندی) بین خود مقرر نموده و برای آن ضمانت اجرا تعیین نمایند، لذا پذیرفته نیست که اخلال کنندگان در نظم، و در واقع اخلال کنندگان نسبت به حقوق عمومی، به واسطه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۰

سقوط حقّ الله از کیفر نقض مقرّرات اجتماعی رهایی یابند؛ مگر آن که متولی این حق (حاکم) به نمایندگی از مردم گذشت نماید. نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: تعزیرات نیز با توبه قبل از دستگیری ساقط می‌شود؛ ولی مشروط بر آن است که آثار توبه در عمل او مشاهده شود، و با توجه به این شرط، بسیاری از توبه کنندگان، که عمل آنها ندامت آنها را نشان نمی‌دهد، مشمول این قانون نخواهند شد. و مشکل اجتماعی مسأله را می‌توان از این طریق حل کرد، و عناوین ثانویه، مانند اخلال در نظم عمومی، به تنهایی نمی‌تواند مجوز تعزیر گردد.

ه) اجرای حد در ملأ عام

سؤال ۹۲۷- با توجه به آیه شریفه ی... «وَلْيَشْهَدْ عِدَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»: لطفاً به سؤالات زیر در مورد حدّ تازیانه پاسخ فرماید:

الف) منظور از «طائفه» چیست؟ آیا حضور چند نفر در یک محیط بسته کفایت می‌کند، یا باید در ملأ عام باشد؟

جواب: لازم نیست در ملأ عام باشد، ولی در مواردی که توده مردم از وقوع جرم با خبر شده باشند، و اجرای مجازات در ملأ عام اثر مطلوبی داشته باشد، اولی آن است که در ملأ عام صورت گیرد.

ب) «مؤمنین» چه کسانی هستند؟ ایمان به معنای خاص، یا به معنای عام؟

جواب: منظور ایمان به معنای عام است.

ج) آیا رعایت شروط فوق الذکر شرعاً واجب است؟ یا مستحب می‌باشد؟

جواب: حضور جمعی از مؤمنین الزامی است.

د) آیا حکم آیه شریفه مذکور، به شلاق تعزیری نیز سرایت می‌کند؟

جواب: در مورد شلاق تعزیری حکم به وجوب حضور طائفه مشکل است؛ ولی جواز آن در صورتی که برای تنبیه مردم مفید باشد، بی‌اشکال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۱

و) چگونگی کشف جرم

سؤال ۹۲۸- همان گونه که از اخبار و احادیث معصومین علیهم السلام استفاده می شود شارع مقدس در روابط نامشروع بنا بر افشا و رسوایی زن و مرد ندارد. لذا طریقه اثبات اعمال منافی عفت را چهار بار اقرار، یا شهادت چهار شاهد عادل قرار داده است؛ به همین جهت برخی از محاکم در این گونه جرائم بنا بر تفتیش و اثبات جرم ندارند. وظیفه محاکم هنگامی که پای شاکی خصوصی در میان است چیست؟ آیا در این گونه موارد بر قاضی واجب است به علم خود عمل کند، یا می تواند به علم خود عمل کند؟

جواب: شاکی حق شکایت دارد، و چنانچه بتواند ادعای خود را با دلیل شرعی اثبات نماید، حاکم باید طبق موازین شرع مقدس به وظیفه خود عمل کند، و قاضی در این گونه موارد تحقیقات لازم را جهت احقاق حق شاکی انجام می دهد، و چنانچه از مقدمات حسّی، یا قریب به حسّ، برای او علم حاصل شود، علم او حجّت است.

ز) تغییر نوع مجازات

سؤال ۹۲۹- با توجه به تبلیغات شدید رسانه‌های خارجی علیه حکومت اسلامی و دین مبین اسلام، اگر اجرای بعضی از حدود موجب وهن اسلام گردد، لطفاً بفرمایید:

اولاً: آیا می توان از اجرای آن صرف نظر کرد؟

ثانیاً: در صورت جواز، تشخیص موهن بودن به عهده چه فرد یا افرادی خواهد بود؟

و ثالثاً: چه مجازاتی جانشین حد اجرا نشده خواهد شد؟

جواب: در فرض مسأله، می توان آن را به صورتی که این اثر را نداشته باشد انجام داد، و تشخیص آن با حاکم شرع و مراجع تقلید است؛ ولی نباید در برابر هر شعاری از سوی مخالفین تسلیم شد.

سؤال ۹۳۰- در مواردی که شارع مقدس شیوه یا ابزار خاصی را در اجرای مجازات در نظر گرفته؛ مانند رجم، یا کشتن با شمشیر، لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۲

۱- آیا شیوه یا ابزار یاد شده موضوعیت دارد؟ به عبارت دیگر، آیا در این گونه موارد هدف شارع مقدس فقط از بین بردن مجرم است، و لو با استفاده از ابزار نوین باشد، یا انجام این کار به شیوه یا ابزار منصوص ضرورت دارد؟

۲- در صورت موضوعیت داشتن، چنانچه اجرای رجم یا مجازاتهایی نظیر مجازات لواط با شیوه‌های منصوص، در شرایطی خاص به مصلحت اسلام و نظام مقدس اسلامی نباشد (مثلاً موجب وهن اسلام و مسلمین گردد، یا چهره خشنی از اسلام یا نظام اسلامی نشان دهد). آیا می توان ضمن اجرای اصل حکم، شیوه اجرای آن را تغییر داد؟

جواب: ظاهر ادله موضوعیت است؛ ولی با عناوین ثانویه می توان آن را تغییر داد، و در بسیاری از شرایط در عصر و زمان ما انتخاب شیوه رجم یا حد لواط مشکل دارد.

اقسام حدود

۱- حد زنا

اشاره

سؤال ۹۳۱- در ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «زنا عبارتست از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است.» بعضاً

از این جمله چنین استفاده می‌شود:

«چنانچه مرد و زنی حرمت ذاتی در عمل زناشویی آنها نباشد، این زناشویی حرمت ندارد، و وقتی که حرمت نداشته باشد، رجم و جلد شامل آنها نخواهد شد.» و در ماده ۶۶ همان قانون، چنین می‌خوانیم: «هرگاه مرد و زنی که با هم جماع نموده‌اند، ادعای اشتباه و ناآگاهی کنند، در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور، بدون سوگند پذیرفته می‌شود، و حد ساقط می‌گردد.» مفهوم مخالف جملات اخیر چنین می‌شود: «در صورتی که احتمال صدق مدعی داده نشود، مدعی می‌تواند با اتیان سوگند، مبنی بر این که دچار اشتباه و ناآگاهی شده، خود را از اجرای حد نجات دهد.» آیا منظور از کلمات «اشتباه و ناآگاهی» که در ماده اخیر الذکر آمده، اعم از اشتباه موضوعی و حکمی است، یا فقط اشتباه موضوعی منظور است؟ لطفاً بقیه مواد مذکور را نیز توضیح دهید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۳

جواب: منظور از جمله «ذاتاً حرام است» خارج نمودن موردی است که بالعرض حرام شده است. مثلاً زن در حال حیض، یا ماه مبارک رمضان بر شوهرش حرام است که این حرمت ذاتی نیست، و لذا جماع آنها، زنا محسوب نمی‌شود؛ اما اگر با هم عقد زوجیت نخوانده باشند، ذاتاً حرام است. و اما منظور از جمله «بدون شاهد و سوگند»... این است که ادعای اشتباه کافی است، و لازم نیست او را وادار به سوگند کند، و اگر احتمال صدق وجود ندارد، سوگند بی‌فایده است. ادعای (اشتباه و ناآگاهی) نیز خواه در جهت حکم باشد یا موضوع، یکسان است.

زناى محصنه

سؤال ۹۳۲- زنی با داشتن همسر دائمی و شرعی، و تمامی شرایط یک زندگی سالم و آبرومند، و حق همخوابی با شوهر دائمی و رسمی خود، مرتکب عمل شنیع زنا می‌گردد، که این عمل با چهار بار اقرار نزد قاضی دادگاه، و گواهی سازمان پزشکی قانونی به اثبات می‌رسد. در حالی که شوهر این زن فقط یک شب (یعنی کمتر از ۲۴ ساعت) از همسر خود دور بوده، و شب قبل از سفر همخوابی داشته‌اند. حکم این مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که یک شب دور بوده، اجرای حد زناى محصنه درباره او مشکل است.

سؤال ۹۳۳- دختری به عقد مرد نابینایی در می‌آید، و مدتی (حدود ۴۵ روز) پس از عروسی و زندگی مشترک و تمکین از زوج، او را ترک می‌کند، دختر ادعا می‌نماید که آن مرد او را فریب داده، و برادرش را، که از نعمت بینایی کامل بهره‌مند است، در زمان عقد به عنوان زوج معرفی کرده است! و تقاضاهای متعددی تحت عنوان فسخ نکاح و طلاق به دادگاههای عمومی کشور تقدیم داشته که در یکی از پرونده‌ها، ادعای وی (فریب) مورد رسیدگی قرار گرفته و دادگاه حکم به رد دعوی وی و وجود علقه صحیح و شرعی زوجیت دائم بین نامبردگان صادر کرده است، و تقاضای طلاق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۴

وی نیز به دلیل امتناع زوج، و ایرادهای شکلی رد شده است. زوجه پس از انقضای حدود چهار سال با مرد دیگری ازدواج کرده، و مرتکب زنا شده است. زانی نیز متأهل و شرایط احصان را دارا بوده، و طبق تحقیقات انجام شده، از وضعیت زن (زانیه) آگاه بوده است. آیا مشارک الیها به لحاظ غیر محصنه بودن (دوری چهارساله از زوج البتّه به اختیار خود) مشمول حد زناى غیر محصنه است؟ آیا مرد با توجه به وضعیت فوق الذکر مشمول حد رجم است، یا به لحاظ شبهه، حد رجم از او درء می‌شود؟ و در صورت اخیر، آیا حد جلد، یا تعزیر در مورد وی جاری می‌گردد؟

جواب: در فرض مسأله زن به خاطر همان جدایی از شوهرش مشمول احکام محصنه نیست، و همچنین مرد، با توجه به این که متمسک به عقد ازدواج شده، و این خود یکی از دلایل شبهه می‌باشد، او هم مشمول حکم محصن نیست، ولی هر دو به خاطر تقصیر در سؤال از حکم مسأله، و ارتکاب کار خلاف، مستحقّ تعزیرند.

سؤال ۹۳۴- آیا زانی در موارد ذیل مستوجب رجم است؟

۱- به قصد فرار از تحقیق احصان، به مسافرت رفته و مرتکب زنا شده است.

۲- در شرایطی مرتکب زنا شده که همسر وی- زن یا شوهر- به علت بیماری، آمادگی جماع نداشته، گرچه سایر استمتاعات ممکن بوده است.

۳- زنا وقتی محقق شده که به علت اختلافات خانوادگی، یا انزجار همسر از او، جماع با وی ممکن نبوده است.

۴- ارتکاب زنا به هنگام روزه‌داری همسر بوده است.

۵- زن در ایام عده طلاق رجعی مرتکب زنا شده است. (با عنایت به این که حق رجوع ندارد.)

۶- مرد در ایام حیض یا نفاس همسرش مرتکب زنا شده است.

جواب: در هیچ یک از صور بالا زنا محصنه ثابت نیست، مگر در مورد روزه؛ زیرا مقدار ممنوعیت روزه ضرر به احصان نمی‌زند، هر چند مشهور در میان فقها این است که در عده رجعی از ناحیه مرد و زن، زنا محصنه محسوب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۵

می‌شود؛ ولی دلیل آنها قانع کننده نیست.

سؤال ۹۳۵- شخصی به خاطر ارتکاب عمل شنیع زنا با دختر کوچکی، محکوم به رجم شده، و مستند حکم قاضی اقرار خود شخص بوده که در مراحل مختلف دادرسی حاصل شده، و موجب علم قاضی شده است. مجرم به هنگام اجرای حکم، از گودال فرار می‌کند. با توجه به این که مستند حکم هم اقرار خود شخص و هم علم قاضی (احتمالاً ناشی از اقرار محکوم) بوده، آیا شخص محکوم دوباره به گودال برگردانده می‌شود، یا حکم اجرا شده تلقی می‌شود؟

جواب: اگر مستند تنها اقرار باشد، محکوم را باز نمی‌گردانند، و اگر مستند علم قاضی باشد (از هر طریقی حاصل شود) بازگرداندن بعید نیست، ولی چون مسأله از مصادیق تدرء الحدود بالشبهات است، احتیاط واجب ترک آن است.

تداخل حدّ و تعزیر

سؤال ۹۳۶- هرگاه شخصی متهم به زنا غیر محصن باشد، و در مرحله سوم و چهارم از اقرار خود عدول کند، و حکم تعزیر در مورد ایشان منظور شود، و همزمان در شعبه دیگری به همان اتهام محکوم گردد، حکم شرعی مسأله چیست؟

جواب: اگر در مورد دوم، حکم حدّ بر او ثابت شده، تعزیر ساقط می‌شود.

حکم زنا با محارم

سؤال ۹۳۷- اگر شخصی نعوذ بالله با محارم خود (مثلاً زن پدرش)، با علم به این که زنا در اسلام حرام است آمیزش کند، ولی علم به حرمت شدید زنا با محارم، و حکم آن (اعدام) نداشته باشد. با توجه به این مطلب، اگر چهار بار اقرار کند، آیا حکم آن همان اعدام است؟

جواب: آری، حکم او اعدام است.

سؤال ۹۳۸- خانمی همراه دختر ۲۰ ساله‌اش، و به طرفیت شوهرش، که اکنون زندانی است، جهت دفاع از خود به این جانب وکالت داده است. شوهر وی، که فردی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۶

پرخاشگر و در محیط خانه دیکتاتور و حاکم بی‌چون و چرا بوده، نعوذ بالله حدود ۸ سال با دختر خود همبستر می‌شده، که حاصل آن دخترک بی‌گناهی است که از این ارتباط نامشروع متولد شده، و اکنون ۷ ساله می‌باشد!! لطفاً حکم شرع را در مورد پدر و دختر، که تحت زور و فشار پدر در قبال خواسته‌های نامشروع وی تمکین نموده، و نیز وضعیت شرعی و حقوقی فرزند یاد شده بیان فرمایید.

جواب: چنانچه کار پدر ثابت شود، حکم او سه بار اعدام است؛ از جهت زنا با محارم، و از جهت زنا به عنف، و زنا محصنه. و دختر اگر تحت فشار بوده حد ندارد، ولی اگر زن نتواند این مطلب را اثبات کند، شوهر می‌تواند تقاضای حد قذف کند. فرزند مزبور از طرف پدر، نامشروع است و ارث نمی‌برد؛ اما نفقه و هزینه‌اش بر دوش اوست.

حکم زنا به عنف

سؤال ۹۳۹- طبق بند د ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی، زنا به عنف موجب قتل زانی می‌باشد. از طرفی مستحضرید که میان اکراه و اجبار تفاوت وجود دارد؛ زیرا اکراه زمانی محقق می‌شود که شخص مکره اراده انجام فعل دارد، ولی رضایت به انجام آن ندارد. ولی در اجبار، شخص اراده انجام فعل را نیز ندارد. مستدعی است درباره اکراه در زنا بفرمایید:

الف) آیا زنا با شخصی که در حالت مستی، یا خواب آلودگی، یا بی‌هوشی، یا معتقد به حلالت است، مصداق اکراه می‌باشد، تا زانی محکوم به قتل گردد؟

ب) آیا میان صورتی که زانی، زانیه را برای ارتکاب زنا، مست یا بی‌هوش نموده، و حالتی که زانی نقشی در مستی یا بی‌هوشی زانیه نداشته تفاوتی هست؟

ج) آیا مراد از عنف، اظهار نارضایتی است، یا منظور صرف نبودن رضایت است؟

جواب الف تا ج: در صورتی که زن حاضر به زنا نبوده، ولی مرد در حال مستی یا بیهوشی یا خواب به او تجاوز کرده، زنا به عنف محسوب می‌شود، و حکم اعدام دارد. و در این مسأله فرقی بین اقدام زانی و عدم اقدام او در مست

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۷

شدن، یا بیهوش شدن زن، و امثال آن نیست. تعبیر به زنا به عنف در روایات وارد نشده، بلکه تعبیر به غضب وارد شده که بر تمام این موارد صادق است.

سؤال ۹۴۰- آیا محصن بودن زانی در زنا به عنف، تأثیری در نوع مجازات دارد؟

جواب: در هر صورت حکم او اعدام است.

سؤال ۹۴۱- لطفاً در مورد زنا به عنف با دختر باکره به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا زنا به عنف با دختر غیر بالغه باکره، موجب ضمان مهر المثل می‌شود؟

جواب: آری موجب ضمان مهر المثل می‌شود.

۲- در صورت بلوغ دختر در دو فرض فوق، حکم چیست؟

جواب: از این جهت فرقی بین این دو نیست.

۳- چنانچه شخصی با وعده دروغین ازدواج، با دختر باکره‌ای زنا کند، با توجه به مکره نبودن دختر، آیا زانی ضامن مهر المثل است؟

جواب: ضامن مهر المثل نیست؛ ولی علاوه بر حد، برای فریب زن تعزیر هم دارد. و حاکم شرع می‌تواند به او پیشنهاد کند که اگر با آن دختر ازدواج کند تعزیر او را می‌بخشد، و الا تعزیر شدیدی درباره او جاری خواهد شد.

سؤال ۹۴۲- در صورتی که پزشک یا فرد دیگری هنگام بی‌هوشی بیمار برای عمل جراحی، با وی زنا کند. آیا زنا به عنف محسوب می‌شود؟

جواب: آری زنا به عنف است.

سؤال ۹۴۳- اگر در بیمارستانی، پزشک یا روانشناس، یا فرد دیگری با دختران جوانی که مشاعرشان کامل نیست، یا دچار اختلال روانی هستند مرتکب زنا شود، آیا زنا به عنف است؟

جواب: زنا به عنف محسوب نمی‌شود.

حکم زنا به غیر مسلمان

سؤال ۹۴۴- اگر زن و مردی، هر دو غیر مسلمان، در مملکت اسلامی مرتکب عمل زنا شوند، و از حرمت آن در شریعت اسلام نیز آگاه باشند. در صورت اثبات جرم از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۸

طرق شرعی و قانونی، حکم آن چیست؟

جواب: قاضی می‌تواند آنها را طبق قانون اسلام، یا قانون خودشان مجازات کند.

سؤال ۹۴۵- اگر مرد غیر مسلمانی با زن مسلمانی زنا کرده، و شرایط اجرای حد نیز فراهم باشد، لکن زانی مدعی باشد که مسلمان شده است. حکم قضیه و مجازات نامبرده در دو فرض زیر چه می‌شود؟

الف) بعد از اثبات جرم مسلمان شده باشد؟

ب) قبل از اثبات جرم مسلمان شده باشد؟

جواب: هرگاه قبل از دستگیر شدن مسلمان شود حد ساقط می‌شود؛ و اگر بعد از دستگیری و قیام بینه اسلام آورد حد ساقط نمی‌شود و حد او قتل است؛ مگر این که عنوان ثانویه در این گونه موارد مانع شود.

تبعید

سؤال ۹۴۶- مرد متأهلی قبل از دخول به زوجه‌اش مرتکب زنا شده، و به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یک سال محکوم گردیده است. واژه تبعید سؤالات متعددی را به ذهن انسان متبادر می‌سازد. لطفاً به بخشی از این سؤالات پاسخ دهید:

۱- چنانچه تبعید موجب فساد و انحراف بیشتر مجرم شود، باز هم می‌توان وی را تبعید کرد؟

جواب: در چنین فرضی تبعید جایز نیست.

۲- محکوم علیه از چه مکانی تبعید خواهد شد؟ محل اقامت، محل ارتکاب جرم، یا محل اجرای حکم؟

جواب: احتیاط آن است که او را به جایی تبعید کنند که نه وطنش باشد، و نه محلّ تازیانه خوردنش.

۳- فاصله تبعیدگاه تا محلّ تبعید چقدر باید باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۶۹

جواب: لازم است به مقداری باشد که عرفاً تبعید صدق کند، و به آسانی نتواند به محلّ وطن برگردد.

۴- اگر بدون اذن تبعیدگاه را ترک کند، چه واکنشی علیه او باید اجرا گردد؟

جواب: باید او را به محلّ تبعیدگاه برگردانند، و حاکم شرع می‌تواند او را تعزیر کند.

۵- اگر مجدداً در تبعیدگاه مرتکب چنان عملی گردد، آیا از آنجا نیز تبعید خواهد شد؟

جواب: چنانچه در آنجا حدّ بر او جاری شود، از آنجا نیز تبعید می‌شود.

۲- حدّ مساحقه

سؤال ۹۴۷- کیفیت اجرای حدّ مساحقه از حیث نحوه اجرای شلاق، مثل داشتن لباس متعارف و نداشتن آن، و شدت و ضعف زدن

شلاق و مانند آن، چگونه است؟

جواب: مانند حدّ زنا، زن نشسته و با لباس باید باشد.

۳- حدّ لواط

سؤال ۹۴۸- شخصی به جرم لواط ایقابی با طفلی خردسال، به حدّ قتل محکوم، و حکم صادره نیز در دیوان محترم عالی کشور

تنفیذ گردیده است. نظر به این که اجرای حکم صادره به طریق قتل با شمشیر، آتش زدن، پرت کردن از جای بلند، یا خراب کردن

دیوار بر روی محکوم علیه، ممکن است مورد بهره‌برداری سوء دشمنان اسلام، و تبلیغات علیه نظام مقدّس اسلامی گردد، آیا اجرای

حکم مذکور به طریق دار زدن، یا قتل با گلوله، امکان‌پذیر است؟

جواب: در فرض مسأله، که محذورات مهمّی بر اجرای حدّ به نحوی که ذکر کرده‌اید، مترتب می‌شود، می‌توان اعدام را به شکل

دیگری مانند دار زدن و قتل با گلوله انجام داد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۰

۴- حدّ قوّادی

سؤال ۹۴۹- آیا وحدت قصد بین قوّاد و طرفین برای زنا یا لواط لازم است؟

جواب: اگر منظور از سؤال این است که قوّاد مثلاً قصد واسطگی در زنا دارد، ولی طرفین قصد ازدواج موقت دارند، در چنین

مواردی عنوان قوّاد صادق نیست.

سؤال ۹۵۰- اگر پس از این که واسطه، طرفین را به یکدیگر مرتبط نمود، یکی از آنها پشیمان شد، امّا- العیاذ باللّه- عمل زنا یا

لواط به عنف صورت گرفت، آیا قوّادی محقق شده است؟

جواب: مورد از موارد شبهه است که در حدّ می‌شود.

سؤال ۹۵۱- اگر فردی دو یا چند نفر را برای روابط نامشروع، در حدّ تقبیل و مضاجعه و مانند آن، جمع نماید، ولی وضع به طوری

باشد که نوعاً و معمولاً نتیجه کار او زنا یا لواط می‌شود، آیا قوّادی محقق می‌شود؟

جواب: آری قوادی صدق می‌کند.

۵- حدّ قذف

سؤال ۹۵۲- اگر پدری فرزند نامشروع خویش را قذف کند، آیا حدّ قذف بر او جاری می‌شود؟
جواب: حدّ قذف ندارد.

۶- حدّ شرب خمر

سؤال ۹۵۳- با توجه به این که حدّ شرب خمر بر مردان باید بر بدن بدون ساتر (غیر از ساتر عورت) انجام گیرد، لطفاً بفرمایید:
الف) در صورتی که مجری حکم، حد جلد را از روی لباس زده باشد، آیا چنین حدّی مسقط حدّ شرب خمر می‌باشد، یا باید دوباره مجازات به شکل صحیح اجرا شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۱

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، حکم اجرای اولیه چه می‌شود؟ آیا مأمور اجرای حکم نسبت به آن قصاص می‌شود، یا حکم دیگری دارد؟

ج) در صورتی که قاضی تصریح کرده باشد که باید تازیانه بدون ساتر (غیر از ساتر عورت) زده شود، اگر احراز شود که مأمورین اجرا، عمدتاً یا به جهت اهمال و سهل انگاری، این گونه حکم را اجرا کرده‌اند، آیا می‌توان آنان را تعزیر نمود؟

د) چنان چه امور فوق احراز نشود، یا مشخص شود که این عمل از روی غفلت و قصور انجام گرفته، چه حکمی متوجه آنان خواهد شد؟

جواب الف تا د: احتیاط واجب آن است که افراد را مطلقاً برهنه نکنند؛ البتّه نباید پوشش آنها به قدری کلفت باشد که تأثیر شلاق را از بین ببرد.

سؤال ۹۵۴- با توجه به این که در برخی از روایات آمده که: «شدّت تازیانه در حدّ شرب خمر، شدیدتر از حدّ قذف است.» و در برخی دیگر از روایات آمده که «تازیانه‌های حدّ قذف معمولی زده می‌شود.» لطفاً بفرمایید که شدّت تازیانه‌ها در حدّ شرب خمر چگونه باید باشد؟ آیا همانند حدّ زنا باید اشدّ ضرب باشد، یا از نظر شدّت بین حدّ زنا و حدّ قذف می‌باشد؟
جواب: در حدّ شرب خمر باید شدّت ضرب در حدّ متوسط باشد.

سؤال ۹۵۵- در هنگام اجرای حدّ شرب خمر بر مرد، در بسیاری از موارد محدود پس از چند ضربه خود را روی زمین می‌اندازد، یا قادر بر ایستادن نیست، و بر زمین می‌افتد، آیا می‌توان باقیمانده تازیانه‌ها را در حال خوابیده بودن وی جاری کرد، یا باید به وسیله‌ای وی را سر پا نگهداشت (مانند بستن وی بر ستون و مانند آن) و حد را در حال ایستاده بر او جاری کرد؟
جواب: اجرای حد در حالی که خوابیده باشد جایز نیست.

سؤال ۹۵۶- در فرض سؤال فوق، چنانچه سر پا نگهداشتن وی به شکل متعارف ممکن نباشد، رعایت امری نزدیک به آن مانند نیمه ایستاده نگهداشتن، یا انداختن وی بر روی نرده، یا مبل و مانند آن، از حیث لزوم یا جواز، چگونه است؟
جواب: در صورتی که به قسمتی از پاها و رانها و مانند آن، که حالت ایستاده دارد، بزنند اشکالی ندارد.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۲

۷- حدّ سرقت

اشاره

احکام حرز

سؤال ۹۵۷- مراد از هتک حرز در سرقت مستوجب حد، چیست؟ آیا هتک حرز باید همراه با اِعمال فشار فیزیکی و شکستن حرز باشد، یا خارج کردن مال از حرز بدون اذن و اطلاع مالک (و لو با کلید) هتک حرز تلقی می‌گردد؟
جواب: این مورد و مانند آن نیز مصداق هتک حرز است.

سؤال ۹۵۸- هرگاه خزانه‌دار مؤسسه‌ای مالی، در خزانه را باز نماید تا شخصی موجودی صندوق را بازبینی نماید، و آن شخص مبادرت به سرقت وجوه داخل صندوق کند. در صورت عدم علم خزانه‌دار به قصد سرقت، آیا هتک حرز محقق شده است؟
جواب: هتک حرز محسوب نمی‌شود.

سؤال ۹۵۹- اگر مالی دو حرز داشته باشد، و سارق آن را از یکی خارج و در حرز دوم دستگیر شود، آیا در چنین موردی حد سرقت جاری می‌گردد؟ مثلاً اموالی را که در گاوصندوق منزل است، از گاوصندوق خارج کند، ولی در حیاط منزل دستگیر شود، آیا ربودن از حرز صدق می‌کند؟

جواب: در صورتی که در خانه باشد حرز محسوب می‌شود، و سارق هنوز از حرز خارج نشده و حد ندارد.

سؤال ۹۶۰- اگر سارق پیش از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود، آیا قابل تعزیر است؟

جواب: تعزیر دارد.

سؤال ۹۶۱- در فرض فوق، آیا مرتکب از جهت ورود غیر مجاز به ملک دیگری، یا ورود به عنف، یا شروع به سرقت، مجرم محسوب می‌گردد؟

جواب: آری مجرم محسوب می‌گردد.

سؤال ۹۶۲- یکی از شرایط اجرای حد سرقت این است که مال در حرز باشد. لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۳

الف) اگر فرزند، دوست، همسایه، اجیر، یا شخص دیگری، با اطلاع، یا بدون اطلاع صاحب مال، مال را در حرز قرار دهد؛ آیا ربودن این مال با وجود دیگر شرایط، سرقت حدی محسوب می‌گردد؟

جواب: چنانچه به امر و اطلاع صاحب مال باشد، سرقت حدی محسوب می‌شود. و در صورت عدم اطلاع او، احتیاط آن است که حد جاری نشود.

ب) اگر مال بدون اطلاع و دخالت مالک در حرز قرار گیرد و ربوده شود، آیا با وجود شرایط دیگر، حکم سرقت حدی دارد؟ مثلاً اگر حیوانی بدون اطلاع مالک به طویله رود و درب طویله بسته شود، سپس کسی حیوان را برباید، آیا سرقت حدی محسوب می‌شود؟ یا مثلاً فردی مالی را پیدا کند و در حرز بگذارد، و این مال ربوده شود، چه حکمی دارد؟

جواب: احتیاط عدم اجرای حد در این گونه موارد است.

ج) اگر صاحب مال آن را در حرز نگذاشته باشد، و راضی به حرز نباشد، و مال ربوده شود، آیا حد قطع با وجود سایر شرایط جاری می‌گردد؟

جواب: جاری نمی‌شود.

سؤال ۹۶۳- اگر کسی با هتک حرز، و به قصد دزدی وارد منزل دیگری شود، و در اتاق منزل لباس گران قیمتی بیابد که ارزش آن

از حد نصاب بیشتر باشد، و آن را بپوشد و از اتاق بیرون آید. سپس صاحبخانه از خواب بیدار شده، او را ببیند و سر و صدا کند، و دزد فرار کند، و صاحبخانه او را تعقیب کند، و سرانجام در بیرون از منزل او را دستگیر نماید، حکم آن چیست؟
جواب: احتیاط آن است که به تعزیر اکتفا شود.

سرقت در سرقت

سؤال ۹۶۴- دربارهٔ سرقت در سرقت بفرمایید:

الف) آیا سرقت در سرقت، منوط به مداخلهٔ اجرایی در سرقت است؟

جواب: آری منوط به مداخلهٔ اجرایی در سرقت است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۴

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ الف، آیا عملیات اجرایی سرقت تنها شامل بیرون آوردن مال و اخراج آن از حرز است؟ یا هر نوع همکاری که در تحقق سرقت مؤثر باشد (مانند شکستن حرز، یا باز کردن رمز گاوصندوق، و مانند آن) را نیز شامل می‌شود؟
جواب: در صورتی که همه با قصد معاونت بر سرقت این کار را کرده باشند (خواه به صورت مباشرت بوده، یا تسبیب) و شرایط دیگر در آن جمع باشد، همهٔ آنها سارق محسوب می‌شوند.

ج) آیا سرقت در سرقت در صورتی محقق می‌شود که شیء واحد ربوده شود، یا اگر هر نفر شیء جداگانه‌ای را بر باید نیز شرکت در سرقت محسوب می‌شود؟ مثلاً اگر دو نفر با هم وارد منزلی شوند، یکی جواهرات و دیگری تابلوهای گران قیمت را بر باید، آیا شرکت در سرقت تحقق یافته است؟

جواب: در صورتی که عرفاً همهٔ آنها یک سرقت محسوب شود، حکم واحدی دارد.

د) آیا شرعاً سارق تنها به فرد یا افرادی اطلاق می‌شود که مال را از مکان خود بیرون آورند، یا همکاران و همراهان آنها (هر چند در اخراج مال مباشرتاً دخالت نداشته باشند) نیز سارق محسوب می‌شوند؟ مثلاً اگر عده‌ای وارد منزلی شوند و یک نفر با اسلحه افراد داخل منزل را با قهر و غلبه تهدید کند، و زمینهٔ ورود دیگران را فراهم نماید، و دیگری گاوصندوق را باز کند، و شخص سوّم پول‌ها را جمع و در کیسه‌ای قرار دهد، و فرد چهارم پول‌ها را از منزل خارج کند. آیا تنها فرد اخیر سارق است، یا همگی سارقند؟
جواب: حد سرقت فقط بر کسانی اجرا می‌شود که هتک حرز کنند، و مال را از حرز خارج نمایند.

مستثنیات حد سرقت

الف) سرقت در سال قحطی

سؤال ۹۶۵- اگر سارق در سال قحطی، غنی و بی‌نیاز باشد، و در عین حال سرقت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۵

نماید، آیا حد بر وی جاری می‌شود؟

جواب: آری جاری می‌شود.

سؤال ۹۶۶- آیا قحطسالی در عدم اجرای حد سرقت موضوعیت دارد و چیزی جدای از اضطرار است، یا مصداقی از مصادیق اضطرار به شمار می‌رود؟

جواب: ظاهراً مصداقی از مصادیق اضطرار است.

سؤال ۹۶۷- آیا در قحطسالی بین حالتی که غذا و مواد خوردنی در بازار وجود داشته باشد ولی قیمت آن گران باشد، و بین حالتی که مواد خوراکی کمیاب یا نایاب باشد، فرقی هست؟

جواب: نسبت به افراد غیر متمکن گرانی بیش از حد با کمیابی تفاوتی نمی‌کند.

سؤال ۹۶۸- در صورت انحصار حکم حدّ سرقت به سرقت مأکول (مواد خوراکی) در سال قحطی، آیا مسروق باید مأکول بالفعل باشد، یا شامل مأکول بالقوه (هرچه صلاحیت خوردن دارد) نیز می‌شود؟

جواب: تمام مأکولات متعارف را شامل می‌شود.

سؤال ۹۶۹- آیا مراد از «عام المجاعه» سال قحطی است، یا دوران قحطی؟ به بیان واضح‌تر، اگر در طول سال وضع اقتصادی کشور و توان معیشتی مردم خوب باشد، ولی در مدّت کوتاهی (مثلاً یک ماه) اوضاع اقتصادی کشور خراب شود، و مردم در وضع معیشتی پائین باشند، و ارزاق عمومی کمیاب یا نایاب شود، آیا سال قحطی بر آن اطلاق می‌گردد؟

جواب: معیار همان یک ماه است.

سؤال ۹۷۰- آیا در سال قحطی تعزیر سارق نیز منتفی است؟

جواب: تعزیر هم ندارد.

ب) سرقت زن از شوهر

سؤال ۹۷۱- اگر زنی اموال و اجناس شوهر خود را به هر عنوان، بدون اطلاع و رضایت و اجازه او مصرف کند، یا به فروش برساند، سرقت محسوب می‌شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۶

جواب: سرقت محسوب نمی‌شود، ولی نوعی خیانت است و حرام، و باید جبران کند.

ج) سرقت در حال اضطرار

سؤال ۹۷۲- لطفاً در مورد مسأله اضطرار در حدّ سرقت به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

الف) با توجه به این که یکی از شروط اجرای حدّ سرقت عدم اضطرار است، آیا لازم است بین سرقتی که بر اثر اضطرار واقع می‌شود، و رافع اضطرار رابطه مستقیم وجود داشته باشد؟ به عبارت دیگر، آیا لازم است فعل مجرمانه مستقیماً اضطرار و ضرورت را برطرف کند؟ مثلاً اگر کسی برای رفع گرسنگی کالایی را به سرقت ببرد تا با فروش آن غذا تهیه کند، آیا مشمول احکام اضطرار می‌شود، یا اضطرار فقط در صورتی موجب رفع مجازات است که مضطرّ برای رفع گرسنگی، غذا یا متاع خوردنی سرقت نماید؟
جواب: تفاوتی نمی‌کند.

ب) آیا در فرض فوق، بین حالتی که امکان سرقت غذا و کالای دیگر جهت فروش و تهیه غذا یکسان است، و حالتی که یکی از دو طریق مذکور آسهل باشد، یا حالتی که تنها راه رفع اضطرار و به دست آوردن غذا، سرقت کالاهای دیگر و فروش آن و تهیه غذا باشد، فرقی هست؟

جواب: هرگاه دو طریق وجود دارد، و سارق به نیت رفع اضطرار به یکی از آنها دست می‌زند، حدّ ندارد.

د) سرقت پدر از فرزند

سؤال ۹۷۳- اگر سارق، پدر صاحب مال، یا جد پدری وی باشد، آیا سرقت مذکور تنها حد ندارد، یا هیچ مجازاتی، و لو تعزیر، بر وی جاری نمی‌شود؟

جواب: نه حد دارد و نه تعزیر؛ مگر این که عناوین ثانویه‌ای در اینجا مطرح گردد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۷

سؤال ۹۷۴- اگر زانی از اموال فرزند نامشروع خود سرقت کند، چه حکمی دارد؟

جواب: حد سرقت جاری نمی‌شود.

ه) سرقت اموالی که مالیت ندارد

سؤال ۹۷۵- چنانچه اموال به دست آمده از سارق، اقلامی باشد که مالیت دارد، لکن مالباخته از نظر قانونی صلاحیت استفاده از آن را نداشته باشد؛ مثلاً سارق اسلحه و مهمات، یا تجهیزات دریافت از ماهواره را سرقت کرده باشد. آیا سرقت شرعی محسوب می‌گردد؟ چنانچه سرقت محسوب گردد، آیا می‌توان حکم به رد مال نمود؟

جواب: چنانچه اشیاء مزبور مالیت ندارد (مانند ماهواره که در شرایط فعلی جزء وسائل فساد است) سرقت آن مشمول حد نیست؛ ولی اگر مانند اسلحه باشد ملک صاحبش می‌باشد (هر چند مالک آن مرتکب کار نامشروعی به خاطر مخالفت با قانون جمهوری اسلامی شده)، و در این صورت سرقت صادق است.

و) سرقت منافع

سؤال ۹۷۶- الف) آیا ربودن منافع، سرقت است و مجازات دارد؟ مثلاً فردی اتومبیل اجاره‌ای را در حرز قرار دهد، و دیگری آن را برآید، اگر مالک اتومبیل شکایت نکند، آیا مستأجر حق شکایت و مطالبه مال مسروقه را دارد؟

ب) آیا ربودن حق، سرقت محسوب می‌گردد و مثل اموال مجازات دارد؟ مثلاً فرد «الف»، از فرد «ب» تلفن همراهی اجاره می‌کند تا به مدت یک ماه از آن استفاده کند، و ده هزار تومان اجاره دهد. و فرد «ج» این فایده را از فرد «الف» می‌رباید. یعنی قصد سرقت عین (تلفن همراه) را نداشته بلکه می‌خواسته یک ماه از آن استفاده کند، سپس آن را به صاحبش بر می‌گرداند. آیا عمل فرد «ج»، سرقت حق مستأجر به حساب می‌آید و مجازات دارد؟

جواب الف و ب: سرقت منافع و حق، مشمول احکام سرقت اموال نیست؛ ولی تعزیر دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۸

ز) سرقت موقت

سؤال ۹۷۷- آیا قصد محروم کردن دائمی در سرقت شرط است؟

جواب: چنانچه یقین داشته باشیم که سارق به قصد تملک بر نداشته، بلکه قصد داشته موقتاً از آن استفاده کند و بازگرداند، احکام سرقت جاری نمی‌شود؛ ولی تعزیر دارد.

ح) سرقت از سارق

سؤال ۹۷۸- آیا سرقت مالی که قبلاً سرقت شده مجازات دارد؟ اگر بلی، چه مجازاتی دارد؟

جواب: اگر منظورتان این است که شخصی از سارق چیزی بدزدد، آیا مجازات دارد؟ جواب این است که حد شرعی ندارد، ولی به

خاطر تصرف در اموال مردم تعزیر دارد.

احکام دیگر سرقت

سؤال ۹۷۹- آیا حمل، نگهداری و مخفی کردن اموال مسروقه هر کدام جرم جدایی محسوب می‌شود، یا در حکم عمل واحد است؟

جواب: در صورتی که حدّ شرعی بر او جاری شود، چیز دیگری به خاطر این امور بر او نیست.

سؤال ۹۸۰- آیا پس از اجرای حدّ سرقت، یا محاربه، می‌توان به محکوم علیه اجازه داد تا با هماهنگی یک پزشک متخصص نسبت به پیوند اعضا جدا شده اقدام نماید؟!

جواب: سارق حق ندارد عضو قطع شده را پیوند بزند.

سؤال ۹۸۱- آیا مخارج درمان محکوم علیه پس از قطع، یا تحمّل ضربات شلاق، بر عهده دولت اسلامی می‌باشد؟ منظور مخارج متعارف، یا مخارج حتمی الوقوع؛ مثل پانسمان و مانند آن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۷۹

جواب: احتیاط آن است که مخارج قابل توجه از بیت المال پرداخته شود.

سؤال ۹۸۲- چنانچه متهم نزد مراجع انتظامی، یا قاضی دیگری غیر از قاضی صادر کننده رأی، اقرار به سرقت نموده باشد، و پس از آن پرونده با قرار عدم صلاحیت محلی، ذاتی و مانند آن، نزد این جانب به عنوان قاضی رسیدگی کننده ارسال شده باشد، و متهم منکر سرقت گردد، حکم چگونه خواهد بود؟!

جواب: هرگاه شاهد معتبر نزد قاضی دوم شهادت به اقرار متهم بدهند، حقوق مالی ثابت می‌شود؛ ولی حدّ و تعزیر ثابت نمی‌شود.

سؤال ۹۸۳- از زمان تصویب قانون مجازات اسلامی تاکنون، کمتر قاضی و محکمه‌ای را می‌توان یافت که اقدام به اجرای حدّ الهی سرقت نموده باشد. آنها در توجیه عمل خویش به احادیثی از ائمه اطهار و رسول گرامی اسلام «علیهم آلاف التحیه و السلام» استناد می‌کنند که مضمون آن احادیث چنین است: «چنانچه قاضی در عدم اجرای حدّ الهی دچار اشتباه گردد، بهتر است تا این که در اجرای آن دچار اشتباه شود.» عده‌ای دیگر در مقام توجیه به معضلات بیکاری و عواقب ناشی از تبلیغات سوء دشمنان اشاره می‌نمایند، و خلاصه هر کس به نحوی از اجرای حدود الهی، خصوصاً در سرقت و محاربه، شانه خالی می‌کند. و کار به جایی رسیده که گویا هیچ سرقت مشمول حدّ الهی در کشور صورت نمی‌گیرد! نظر حضرتعالی در این مورد چیست؟

جواب: در صورتی که شرایط حدّ سرقت جمع باشد، قاضی نباید وسوسه کند، و باید حدود الهی اجرا گردد. و لزومی ندارد حتماً در ملاء عام باشد، تا مخالفان روی آن تبلیغات منفی کنند.

سؤال ۹۸۴- در صورتی که سرقت جامع شرایط حدّ، با اقرار سارق نزد حاکم ثابت شود، سپس سارق توبه کند، آیا عفو وی توسط ولی امر جایز است؟

جواب: آری، جایز است.

سؤال ۹۸۵- اگر در مورد یک نفر هم سرقت واجد شرایط حدّ و هم سرقت فاقد شرایط حد ثابت شود، آیا اجراء حد کفایت از تعزیر می‌کند؟ یا به لحاظ سرقت واجد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۰

شرایط حدّ باید اجراء شود، و به لحاظ سرقت فاقد شرایط حدّ، تعزیر می‌گردد؟

جواب: در فرض مسأله که هر دو با هم ثابت شده (هر چند مربوط به دو زمان باشد) تنها حد کافی است.

۸- حدّ محارب

سؤال ۹۸۶- الف) شرایط صدق محارب و مفسد فی الارض در عصر حاضر چیست؟ اگر عدّه‌ای از مسیحیان در بعضی از کشورها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، با مسلمانان در حال جنگ باشند، آیا احکام محارب درباره آنها جاری می‌شود؟
ب) آیا برای تحقق عنوان محاربه، صرف تهدید با اسلحه کافی است، یا تحقق قتل یا سرقت نیز لازم است؟ چنانچه سرقت لازم باشد، آیا نصاب شرط است؟

ج) آیا در تحقق عنوان محاربه، مکان نیز دخالت دارد؟ مثلاً، آیا لازم است عمل ارتكابی در دار الاسلام باشد، یا در غیر دار الاسلام نیز صدق عنوان محاربه امکان‌پذیر است؟

جواب: محارب به کسی می‌گویند که با اسلحه مردم را تهدید کند و قصد جان یا مال یا ناموس مردم را داشته باشد، و در محیط اجتماع ناامنی ایجاد کند. مفسد فی الارض کسی است که منشأ فساد گسترده‌ای در محیطی شود؛ هر چند بدون توسل به اسلحه باشد، مانند قاچاقچیان موادّ مخدر و کسانی که مراکز فحشا را به طور گسترده ایجاد می‌کنند. و اگر در غیر کشور اسلامی، این کار در منطقه مسلمان‌نشین صورت گیرد، حکم محارب نیز جاری می‌شود.

سؤال ۹۸۷- اگر سه نفر به قصد کشتن شخصی و سرقت اموالش، سوار ماشین وی شوند، و در جاده او را کشته، و ماشینش را به سرقت ببرند. در حالی که از یک رشته طناب و یک اسلحه پلاستیکی استفاده کرده باشند. (بر فرض اثبات وقوع جرم قتل، و خفه کردن وی در اثر طناب، و سرقت ماشین)، آیا نامبردگان محارب محسوب می‌شوند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۱

جواب: چنین کسانی محارب نیستند، و احکام قاتل و مانند آن را دارند؛ مگر این که این عمل را تکرار کنند؛ به گونه‌ای که منشأ ناامنی گردد، و عنوان مفسد پیدا کنند.

سؤال ۹۸۸- اگر قاتل قصد داشته باشد که چنانچه از زندان آزاد شود بازهم شخص یا اشخاص دیگری را بدون هیچ دلیل بکشد، آیا مفسد فی الارض محسوب شده، و مهدور الدم می‌باشد؟

جواب: این نیت سبب نمی‌شود که مصداق مفسد فی الارض گردد؛ ولی اگر چنین نیتی احراز شود می‌تواند او را همچنان در زندان نگه دارند تا اصلاح شود.

سؤال ۹۸۹- لطفاً درباره مجازات محارب در فرض‌های زیر فتوای شریف را مرقوم فرمایید:

الف) اگر محارب فاقد دست یا پا باشد، آیا حاکم شرع می‌تواند مجازات قطع را انتخاب کرده، و به قطع عضو موجود اکتفا کند، یا باید مجازات‌های غیر قطع را برگزیند؟

ب) اگر حاکم شرع حکم به قطع بدهد و قبل از اجرای حکم، یک عضو یا هر دو عضو مورد حکم معدوم شود، آیا حدّ ساقط می‌شود، یا باید یکی دیگر از مجازات‌های محارب اعمال شود؟ اگر یک عضو محارب قطع شده، فقط به قطع عضو دیگر اکتفا می‌شود؟

جواب: چنانچه قاضی بین قطع دست و پا و مجازات دیگر مخیر باشد، باید مجازات دیگر را انتخاب کند. و اگر چنین نباشد، عضوی را که موجود است قطع می‌کند.

سؤال ۹۹۰- با توجه به بند الف ماده ۱۹۵ قانون مجازات اسلامی که درباره مجازات صلب می‌گوید: «نحوه بستن موجب مرگ مصلوب نگردد.» و با عنایت به بند ج همان ماده که در آن می‌خوانیم: «اگر محکوم به صلب پس از سه روز زنده بماند، نباید او را

کشت.» بفرمایید:

اگر مجری حکم، محکوم به صلب را به گونه‌ای ببندد که باعث مرگ وی شود، آیا ضامن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۲

جواب: اعتقاد ما در مورد دار زدن این است که، باید طوری دار بزنند که محکوم بمیرد؛ مانند آنچه در زمان ما مرسوم است. این همان چیزی است که از ادله شرعی استفاده می‌شود.

سؤال ۹۹۱- لطفاً در مورد «نفی بلد» به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:

الف) منظور از نفی بلد چیست؟ از بین بردن، تبعید کردن، آواره نمودن دائمی، یا معانی دیگر؟

ب) اگر نفی به معنای تبعید باشد، آیا مراد تحت نظر قرار دادن در محل تبعید است، یا زندانی کردن وی در آن محل؟

ج) اگر منظور تحت نظر قرار دادن باشد، در موارد خاصی که تبعید به مفاسد دیگری منتهی می‌شود (مانند تبعید زنان، قاچاقچیان و افراد شرور) آیا می‌توان تبعید را به حبس تبدیل نمود؟

د) اگر محارب از محل تبعید فرار کند، آیا حاکم شرع می‌تواند پس از دستگیری وی، تبعید را به یکی دیگر از مجازاتهای چهارگانه (جزای نقدی، حبس یا تعزیر) تبدیل نماید؟

ه) آیا حکم عدم جواز نفی بلد زن در باب زنا را می‌توان به تبعید زن در باب محاربه تسری داد؟

جواب: الف) منظور از نفی بلد همان تفسیر معروف آن یعنی تبعید کردن است. ب) کفایت در آن محل تحت نظر باشد، و زندانی کردن دلیلی ندارد.

ج) در مواردی که تبعید تنها مجازات مجرم است، اگر راه حل منحصر به زندان باشد، می‌توان او را در محل تبعید زندانی کرد.

د) در صورتی که بیم فرار مجدد باشد، می‌توان در محل تبعید او را زندانی کرد.

ه) آری می‌توان تسری داد؛ زیرا فقها به دلایلی استناد جسته‌اند که آن دلایل عمومیت دارد.

سؤال ۹۹۲- اگر نفی بلد به معنای تبعید باشد بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۳

الف) آیا می‌توان مدت محکومیت به تبعید را طی چند مرحله و به طور متناوب اجرا نمود؟

ب) مدت نفی بلد در مورد محارب و زانی بکر چقدر است؟

ج) در دو فرض معسر یا مؤسر بودن محکوم علیه، هزینه‌های ضروری وی در تبعید گاه بر عهده کیست؟

جواب: الف) جایز نیست.

ب) حد آن یک سال است.

ج) اگر مؤسر باشد بر عهده خود اوست، و اگر معسر باشد بر عهده بیت المال است.

۹- حد ارتداد

سؤال ۹۹۳- شخصی، که پدر و مادرش مسلمان بوده، از هنگام بلوغ هیچ گرایشی به اسلام نداشته و آن را انکار هم نمی‌کرده، اما بعضی از اعمال دینی را طبق عادت انجام می‌داده است. اکنون می‌خواهد تحقیق کند و با عقیده ثابت دین خود را انتخاب نماید، و

هیچ گونه سوء نیتی هم ندارد. اگر این فرد، دین دیگری غیر از اسلام انتخاب کند، حکم مرتد فطری دارد؟

جواب: در صورتی که از آغاز بلوغ اسلام را نپذیرفته، اجرای حکم مرتد فطری بر او اشکال دارد.

سؤال ۹۹۴- لطفاً، با ذکر مثال، تعریف دقیقی از «محکومات»، «ضروریات دین» و سایر اصطلاحات مشابه همچون؛ «محکومات فقه»،

«احکام ضروری اسلام»، «مسلمات مذهب» بیان فرمایید. ضمناً حکم انکار هر یک از آنها چه می‌باشد؟
 جواب: اولاً: منظور از «ضروریات دین» اموریست که همه، اعم از عالم و غیر عالم، می‌دانند جزء دین است؛ مانند مسأله نماز و روزه و حجاب. و «محکّمات» مسائلی است که به دلیل قطعی ثابت شده است؛ هر چند ضروری نباشد. و «احکام ضروری اسلام» همان احکام ضروری دین است. و «مسلمات» و «محکّمات»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۴

مذهب» اموری است که با دلیل قطعی در مذهب شیعه ثابت شده باشد. ثانیاً: اگر کسی ضروریات دین را انکار کند، و انکارش سبب انکار نبوت گردد، از اسلام خارج می‌شود، ولی انکار ضروریات مذهب تنها باعث خروج از مذهب است؛ نه اسلام.

سؤالات متفرقه حدود

سؤال ۹۹۵- درباره قاعده درء بفرمایید:

۱- آیا این قاعده اختصاص به باب حدود دارد، یا شامل ابواب قصاص، دیات و تعزیرات نیز می‌شود؟

جواب: شامل قصاص و تعزیرات نیز می‌شود.

۲- معیار در عدم اجرای حد چیست؟ آیا شک در حلیت، توهم جواز عمل، صّرف ظنّ به اباحه، (و لو ظنّ غیر معتبر) یا عدم علم به حرمت معیار است؟

جواب: دلیل ثبوت حدّ یا قصاص باید حدّ اقلّ حجّیت نباشد؛ بلکه دلیل، هر چند ظنّی باشد، باید دلیل محکمی محسوب شود؛ به طوری که عرفاً صدق شبهه نسبت به آن نکند.

۳- محلّ عروض شبهه در قاعده درء کیست؟ قاضی، مرتکب عمل، یا هر دو؟

جواب: معیار تشخیص قاضی است.

۴- آیا شبهات موضوعیه، حکمیّه، شبه عمد و غیر عمد، إکراه، إجبار، نسیان و مانند آن مشمول این قاعده می‌شود؟

جواب: قاعده درء شامل تمام این موارد می‌شود.

۵- در فرض شمول شبهات حکمیّه، آیا بین جاهل قاصر و مقصّر تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی وجود ندارد.

سؤال ۹۹۶- با توجه به جریان قاعده قرعه در شبهات موضوعیه، بفرمایید:

۱- آیا این قاعده اختصاص به شبهات حکمیّه دارد، یا شبهات موضوعیه در امور

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۵

جزایی را نیز در بر می‌گیرد؟ به عنوان مثال، در موردی که علم اجمالی به وجود قاتل بین دو یا چند نفر باشد، آیا می‌توان با تمسک به قرعه حکم قصاص یا دیه را اجرا نمود؟

جواب: در این گونه موارد به هیچ وجه، حکم قرعه جاری نمی‌شود، و باید دیه در میان دو یا چند نفر به طور مساوی تقسیم شود.

۲- در فرض جریان این قاعده در امور جزایی، آیا در تمام ابواب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات جاری است، یا به باب خاصی اختصاص دارد؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۹۹۷- چنانچه به تشخیص پزشکی قانونی اجرای حدّ (اعم از جلد، قطع ید و مانند آن) یا قصاص عضو بر فرد بیمار یا شخص

سالمی، که دچار ضعف شدید جسمانی است، باعث مرگ یا ابتلای وی به بیماری یا تشدید آن گردد، تکلیف چیست؟

جواب: اگر خطر مرگ یا بیماری فوق العاده‌ای وجود داشته باشد، اجرای حدود و قصاص ممنوع است. بنابراین، یا باید به تأخیر بیندازد، و اگر با تأخیر حل نمی‌شود در برابر قصاص باید دیه بپردازد.

سؤال ۹۹۸- آیا حکم تأخیر حدّ جلد، یا اجرای آن به صورت ضغث، که در حدّ زنا مطرح است، در تعزیرات و سایر حدود نیز قابل عمل است؟

جواب: در صورتی که شرایط آن یکسان باشد، قابل تسری است.

سؤال ۹۹۹- آیا هنگام اجرای حدود می‌توان موضع را بی‌حس کرد؟ آیا تفاوتی بین حدّ قطع در سرقت، با قطع در محاربه، و همچنین حدّ قطع با سایر حدود از قبیل: جلد، رجم و قتل وجود دارد؟

جواب: در حدود اشکالی ندارد؛ ولی بی‌حس کردن در جلد جایز نیست.

سؤال ۱۰۰۰- عضوی که در حدود یا قصاص قطع می‌شود، در اختیار چه کسی قرار می‌گیرد؟ آیا صاحبش حقّ فروش، یا اهدای آن را خواهد داشت؟

جواب: متعلق به صاحب آن عضو است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۶

سؤال ۱۰۰۱- آیا در شرایط فعلی (غیبت امام معصوم علیه السلام) «حدود» قابلیت اجرا دارند؟

جواب: ما معتقدیم اجرای حدود مخصوص زمان معینی نبوده، و گروه زیادی نیز با این رأی موافقند.

سؤال ۱۰۰۲- چنانچه از اهل کتاب (مسیحی، یا یهودی) مشروبات الکلی یا آلات قمار کشف شود، آیا شرعاً می‌توان حکم به معدوم نمودن آن اشیا نمود؟

جواب: اگر تظاهر به این امور نکنند، معدوم نمودن جایز نیست.

سؤال ۱۰۰۳- شخصی به علت ارتکاب سرقت ساده، سرقت مسلحانه، و قتل نفس به دو فقره حبس تعزیری (پنج سال و ده سال) و پنجاه ضربه شلاق، و قصاص نفس محکوم می‌گردد. با عنایت به قاعده جمع مجازاتها (مبنی بر این که اجرای هر کدام از مجازاتها

باید به نحوی باشد که موجب زوال زمینه اجرای مجازات دیگر نگردد) مجازاتهای فوق شرعاً چگونه باید اجرا گردد؟

جواب: در صورتی که بتوانند تعزیر را تبدیل به تعزیر مالی کنند، که قابل جمع با قصاص است، اولویت دارد. و در صورتی که ممکن نباشد، چنانچه اولیای دم راضی به تأخیر قصاص شوند، تعزیر زندان مقدم است. و اگر اولیای دم راضی نشوند، قصاص مقدم داشته می‌شود، و شلاق در هر حال باید انجام شود.

سؤال ۱۰۰۴- مهدور الدّم یعنی چه؟ ملاک در مهدور الدّم چیست؟ به طور کلی چه گروهها، یا اشخاصی مهدور الدّم می‌باشند؟ آیا ریختن خون اشخاص مهدور الدّم در هر شرایطی، حتی بدون اذن ولی امر و حاکم شرع جایز است؟

جواب: مهدور الدّم از نظر مفهوم لغوی و فقهی کسی است که ریختن خونس جایز است. و گروه‌های مختلفی مشمول آن هستند؛ مانند قاتل عمد، مفسدین فی الأرض، گروهی از محاربین و بعضی دیگر؛ ولی همیشه باید این کار با دقت کافی و بررسی لازم و اجازه حاکم شرع صورت گیرد.

سؤال ۱۰۰۵- لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) هزینه درمان و بهبود شخصی که در اثر اجرای حد یا قصاص اطراف، یکی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۷

از اعضای خود را از دست داده، بر عهده بیت المال است، یا محکوم علیه؟

ب) در صورتی که بر عهده بیت المال باشد، حکم اختصاص به معالجات اولیه دارد، یا معالجات بعدی را نیز در بر می‌گیرد؟

ج) آیا در حکم مذکور بین فقیر و غنی فرقی هست؟

د) آیا تفاوتی بین حد و قصاص وجود دارد؟

جواب الف تا د: با توجه به این که در ادله سخنی از این مطلب به میان نیامده، جز فعل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در بعضی از روایات، که آثار استحباب در آن نمایان است؛ حاکم شرع می‌تواند إرفاقاً هزینه‌ها را پردازد، ولی در مورد افراد نیازمند و فقیر باید این کار را انجام دهد.

سؤال ۱۰۰۶- آیا خسارات معنوی قابل مطالبه است؟ مثلاً کسی به دیگری تهمت دزدی یا بی‌عفتی می‌زند، و مفتی به مجازات جرم افترا محکوم می‌شود. آیا علاوه بر مجازات، کسی که مورد افترا قرار گرفته می‌تواند به خاطر این که اعتبارش در جامعه خدشه‌دار گردیده، یا اعتماد مردم نسبت به او کاسته شده، یا عفت وی لگه دار شده، ادعای جبران این خسارات معنوی را بنماید؟
جواب: در مورد سؤال و مانند آن تنها مجازات حد و تعزیر است، و شخص مجرم باید از مجنی علیه حلیت بطلبد.

سؤال ۱۰۰۷- آیا حدود الهی فقط در مورد مسلمانان جاری می‌گردد؟ به عنوان مثال، اگر یک مسیحی شرب خمر نماید، یا زنا کند، آیا حکم او با مسلمانان متفاوت است، و می‌بایست طبق آیین خود متهم مبادرت به صدور حکم نمود؟!
جواب: در مانند زنا و لواط اگر هر دو نفر غیر مسلمان باشند حاکم شرع مخیر است بین اجرای حکم به حسب دستور اسلام یا ارجاع ایشان به محاکم خودشان.

و اما اگر یک طرف مسلمان باشد، چنانچه زانی مسلمان است به حکم اسلام با او عمل می‌شود، و در مورد نفر دوم مخیر است که طبق احکام اسلامی عمل کند، یا به محاکم خودشان ارجاع دهد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۸

تعزیرات

سؤال ۱۰۰۸- گفته می‌شود: «استمنا به خودی خود ضرری ندارد، بلکه بر اثر تلقین افراد باعث ضررهایی می‌شود.» آیا این، سخن صحیحی است؟

جواب: با توجه به این که استمنا یک نوع ارضای غیر طبیعی است، زیانبار بودن آن امر واضحی می‌باشد. به علاوه، افراد متعددی به ما مراجعه کرده و گفته‌اند: «هرگز فکر نمی‌کردیم استمنا ضرری داشته باشد، ولی ناگهان خود را با آثار شوم آن روبه‌رو دیدم.» و این بهترین دلیل است بر این که ترس عامل اصلی این زیانها نیست؛ البته ترس آنها را تشدید می‌کند. این نکته نیز حائز اهمیت است که زیانهای استمنا، مخصوصاً در جوانان، پس از ترک آن تدریجاً از بین می‌رود.
مهم آن است که زود بیدار شوند و آن را ترک کنند.

سؤال ۱۰۰۹- چنانچه تعزیر از نظر شرعی مصادیقی غیر از تازیانه، نظیر حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و مانند آن، نیز داشته باشد، بفرماید:

۱- در مواردی که در شرع مقدس یا قانون، تعزیر با شلاق منصوص باشد، آیا می‌توان آن را به نوع دیگری از تعزیر تبدیل نمود؟

جواب: در صورتی که قاضی آن را اصلح بداند، تبدیل مانعی ندارد.

۲- در مورد تعزیرات غیر منصوص، آیا پس از صدور حکم شلاق، می‌توان آن را به تعزیری غیر از شلاق تبدیل کرد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۰۱۰- با توجه به این که کودکان و نوجوانان در سنین کمتر از ۱۸ سال رشد عقلی و فکری کافی ندارند، و به یک معنا مستحق توجه و کمک ویژه‌ای هستند تا بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند، و با توجه به وضعیت زندانهای فعلی که افراد در

این سنین مسلماً در معرض آسیب و تأثیرات منفی زندانیان قرار می‌گیرند، و با عنایت به این که امروزه دنیا با تهیّه کنوانسیون حقوق کودک، که مورد پذیرش بیش از ۱۸۶ کشور جهان قرار گرفته، و جمهوری اسلامی ایران نیز اخیراً با حق شرط به این قانون پیوسته، مسئولین به این فکر افتاده‌اند که نظام دادرسی ویژه‌ای استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۸۹

را برای افراد کمتر از ۱۸ سال اعمال نمایند، که در آن سیستم عمدتاً از نظام جایگزین استفاده می‌شود. به نظر حضرت‌عالی با توجه به وسعت اختیارات قضات، خصوصاً در تعزیرات، آیا می‌توان نظام دادرسی ویژه‌ای برای آنان ترتیب داد که در موارد تعزیراتی از یک نظام جایگزینی که در ترمیم شخصیت آسیب دیده آنها مؤثر است، استفاده نمود؟ مثلاً به تویخ شفاهی اکتفا نمود، یا متهم را به یک مؤسسه تخصصی، یا مربیان اجتماعی که برای این منظور در نظر گرفته شده، فرستاد. یا به یک مؤسسه پزشکی تربیتی بر اساس توصیه یک پزشک واجد شرایط برای انجام تربیت صحیح فرستاد، یا صرفاً به جریمه نقدی اکتفا کرد، یا کار اجباری بدون حقوق به نفع مؤسسات و انجمن‌های حقوقی عمومی زیر نظر و مراقبت قاضی محکوم کرد.

یا به هر شیوه جدیدی که در ساختار شخصیتی آنان نقش مؤثری داشته باشد و حالت بازدارندگی خود را نیز حفظ کند، محکوم کرد؟

جواب: کودکان هنگامی که به سن بلوغ شرعی می‌رسند، مشمول احکام اسلام هستند. مگر این که عدم رشد آنها ثابت شود؛ در این صورت در مسائلی که رشد در آن معتبر است، مشمول احکام نمی‌باشند. ولی با توجه به این که غالباً در نوجوانان زیر هجده سال عوامل مخففه وجود دارد، در تعزیرات می‌توان تخفیفات قابل ملاحظه‌ای به آنها داد، و اگر انتقال آنها به زندانهای عمومی دارای خطرات اخلاقی باشد، حکومت اسلامی موظف است جایگاه خاصی برای آنها در نظر بگیرد، یا شکل تعزیرات را درباره آنها عوض کند.

سؤال ۱۰۱۱- در مواردی که مجرم به سن بلوغ شرعی رسیده، ولی ثابت شود که: اولاً: تشخیص وی خام و ناکافی بوده است.

ثانیاً: ارتکاب جرم او یک اقدام کیفری جدی عامدانه و آگاهانه نبوده است.

ثالثاً: با توجه به اوضاع و احوال شخصی و خانوادگی، قصد مجرمانه‌ای از او در ارتکاب عمل به اثبات نرسیده است. آیا در این صورت فرد متهم دارای مسئولیت کیفری است، و باید به مجازات مقزّر برسد؟

جواب: در صورتی که وضع او طوری باشد که عنوان عمد بر آن صادق نباشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۰

مشمول احکام جرم عمدی نیست. و در مواردی که محکوم به تعزیر می‌شود، حاکم شرع می‌تواند شرایط فوق را به عنوان عوامل مخففه تلقی کند.

سؤال ۱۰۱۲- نظر حضرت‌عالی درباره نگهداری، حمل و استفاده شخصی، یا عمومی، از نوارها و دیگر اشیای مبتذل و مستهجنی که موجب فساد اخلاق و جریحه‌دار شدن عفت عمومی می‌گردد، چیست؟ آیا متخلف مستوجب تعزیر شرعی است؟

جواب: استفاده شخصی، یا عمومی، از نوارها و دیگر اشیای مبتذل، که موجب فساد اخلاق است، بلا اشکال حرام می‌باشد. و حتی نگهداری و حمل آن هم جایز نیست، و تخلف از آن موجب تعزیر است. منتهی برای جلوگیری از این مسائل، باید کارهای فرهنگی زیادی انجام گیرد، تا قانون الهی به صورت صحیحی پیاده شود.

سؤال ۱۰۱۳- چنانچه متهم از بیان حقیقت امتناع نماید، آیا قاضی می‌تواند جهت روشن شدن موضوع، نامبرده را چند روزی بازداشت نماید؟

جواب: جایز نیست؛ مگر در مواردی که مسائل مهمی از جامعه در خطر باشد، یا مرتکب خلاف دیگری شده باشد، که در این صورت می‌تواند به عنوان تعزیر او را بازداشت کند.

سؤال ۱۰۱۴- چنانچه قاضی محکمه تشخیص دهد جهت رعایت مسائل بهداشتی بازداشتگاه، و پیشگیری از بیماری‌های پوستی، و جلوگیری از وقوع جرم، بهترین شیوه اصلاح مجرم کوتاه کردن موهای وی می‌باشد، آیا این کار جایز است؟
جواب: اگر واقعاً راه منحصر در آن باشد، جایز است.

سؤال ۱۰۱۵- اگر شخصی به دیگری تهمت دزدی، یا رابطه نامشروع، یا جعل اسناد، یا امثال آن بزند، و نتواند ادعای خود را به اثبات برساند، یا در دادگاه بدوی محکوم شود، ولی در دادگاه تجدید نظر تبرئه و حکم دادگاه بدوی نقض شود، و در نتیجه مشتکی عنه علیه شاکی به عنوان افترا و تهمت، شکایت و تقاضای مجازات نماید، آیا چنین شخصی فقط در صورت احراز سوء نیت قابل تعزیر و مجازات می‌باشد، یا مطلقاً قابل تعزیر است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۱

جواب: در صورتی که شخصی عالماً و عامداً نسبت خلافی به دیگری داده باشد، قابل تعزیر است؛ به هر نیتی که باشد.

سؤال ۱۰۱۶- چنانچه در تعزیرات بنا به دلایل قانونی متهم چند روزی در بازداشت بماند، آیا می‌توان در مجازات شلاق وی تخفیف قائل شد؟ مثلاً شخصی که اقدام به ارتباط نامشروع در حدّ و اندازه زنا کرده می‌بایست ۹۹ ضربه شلاق بخورد، ولی چون ده روز تا زمان صدور حکم در بازداشت بوده، به تحمل پنجاه ضربه یا کمتر محکوم گردد؟!

جواب: کیفیت تعزیر و مقدار آن در اختیار قاضی است، و حتی می‌تواند در صورت مصلحت ایام بازداشت را به جای تمام تعزیر محسوب کند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۳۹۱

سؤال ۱۰۱۷- چنانچه فردی مورد ایراد ضرب سیلی و مانند آن، (از قبیل انداختن به زمین، هل دادن، دست به یقه شدن) با لحاظ سوء نیت و عنصر معنوی جرم قرار گیرد، ولی آثاری از قبیل جراحت، سرخی، کبودی، سیاهی، یا زوال منافی که موجب ديه یا ارش باشد مشهود نباشد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا مورد از مصادیق توهین و اهانت است؟

ب) آیا در توهین و اهانت علنی بودن، شرط تحقق آن است، یا در خلوت نیز ممکن است؟

ج) آیا مصادیق توهین عملی نسبت به اشخاص یا محل خاص و عرف سنجیده می‌شود؟ و در صورت مثبت بودن، تعزیر دارد؟

جواب: به یقین این امور هم ایذاء است و هم توهین، و به فرض که توهین نباشد، ایذاء مؤمن صدق می‌کند؛ و به هر حال تعزیر دارد.

سؤال ۱۰۱۸- اگر فردی به دیگری دشنامی (غیر از قذف) دهد که باعث اذیت شنونده شود، و شنونده مستحق تحقیر باشد، مثلاً بگوید: «تو خسیس هستی» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا چنین فردی مستحق مجازات است؟

ب) اگر مجازات دشنام دهنده مقید به عدم استحقاق باشد، ملاک تشخیص

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۲

مستحق تحقیر بودن یا نبودن چه کسی می‌باشد؟

جواب الف و ب: کسی حق ندارد به دیگری توهین کند، و اگر توهین کننده آگاهانه این کار را انجام دهد حاکم شرع می تواند او را تعزیر نماید، و اگر توهین شونده مستحق مجازاتی باشد باید به دست حاکم انجام پذیرد، و افراد عادی چنین حقی ندارند.

سؤال ۱۰۱۹- چنانچه فردی علیه دیگری شکایت نماید، که متهم اموالش را به سرقت برده، و شاکی شاهدهی نداشته باشد، و برای اثبات ادعای خود از متهم تقاضای سوگند نماید، و متهم قسم را به شاکی رد کند، آیا با سوگند شاکی می توان متهم را تعزیر کرد؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۰۲۰- چندی پیش رئیس قوه قضائیه فرمودند: «از دیدگاه فقه اسلام چک و دیون زندان ندارد.» و نیز فرمودند: «بسیاری از بازداشت‌های موقت، فاقد مبنای حقوقی و فقهی است.» چرا مراجع، علما و بزرگان دین در مقابل این گونه مسائل سکوت کرده‌اند؟ اگر مسأله‌ای فاقد دلیل فقهی و دینی است چرا اجرا می شود؟

جواب: مسأله بازداشت در مورد چکهای بی محل، دو مأخذ می تواند داشته باشد: اول این که احراز شود طرف اموالی دارد که می تواند از آن ادای دین کند (به استثنای مستثنیات دین) دوم این که حکومت اسلامی احراز کند که عدم برخورد با چکهای بی محل نظام اقتصادی جامعه را متزلزل می کند.

سؤال ۱۰۲۱- شخصی عالماً و عامداً ادعا می کند که: «من امام زمان هستم» البته کسی به او نگرویده است. حکم شرعی چنین شخصی چیست؟

جواب: چنین کسی منحرف است، و مستحق تعزیر، و بر حاکم شرع لازم است جلو او را بگیرد، ولی حکم اعدام ندارد، مگر این که بعداً عنوان مفسد فی الارض بر او منطبق شود.

سؤال ۱۰۲۲- اگر مردی اقدام به تقبیل، یا اعمال مشابه، نسبت به زوجه خود در انظار عمومی نماید، آیا این عمل گناه و موجب تعزیر است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۳

جواب: چنین عملی گناه محسوب نمی شود، و تعزیر ندارد. مگر این که قاضی تشخیص دهد این گونه اعمال سبب پرده دری و شیوع فساد در جامعه می شود؛ در این صورت تعزیر مناسب بجاست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۵

فصل چهل و ششم: احکام قصاص

مصادیق قتل عمد و شبه عمد

سؤال ۱۰۲۳- ترک فعل فردی، منجر به مرگ دیگری شده است. آیا می توان وی را به خاطر مجرّد ترک فعل، محکوم و مجازات کرد؟ به مثالهای زیر توجه کنید:

الف) مادری با علم به این که فرزندش به شیر نیاز دارد، عمداً از شیر دادن امتناع می ورزد، و طفل فوت می کند. آیا قتل عمد است، یا نوع دیگری از قتل محسوب می شود؟

ب) اگر سوزن بان قطار، که وظیفه دارد خطوط راه آهن را طبق برنامه معین شده جا به جا کند، با علم به وجود خطر از انجام این عمل خودداری نماید، و موجب برخورد دو قطار و مرگ مسافری شود، آیا قتل عمد محسوب می شود؟

ج) هرگاه پرستاری، که وظیفه رساندن دارو به بیمار در ساعت معینی را دارد، عمداً از انجام این کار خودداری کند، و بیمار فوت نماید، در صورتی که بداند خوراندن دارو برای بیمار حیاتی است؛ چه نوع قتلی محسوب می شود؟

د) نجات غریقی با مشاهده غرق شدن شناگری در استخر، از نجات دادن او خودداری می‌کند، و غریق فوت می‌نماید. آیا قتل عمد است؟

جواب الف تا آخر: در مواردی که اسناد قتل به چنین شخصی بدهند، و به تعبیر دیگر سبب اقوی از مباشر باشد، مانند مثال اول و دوم، قتل عمد صادق است، و احکام آن جاری می‌شود. و در مثال سوم و چهارم موارد مختلف است. سؤال ۱۰۲۴- اصل وقوع قتل برای دادگاه ثابت شده، ولی نوع آن مشخص نیست. بینه‌ای هم برای اثبات نوع قتل وجود ندارد. تکلیف دادگاه در این مورد چیست؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۶
جواب: حکم به شبهه عمد می‌شود.

سؤال ۱۰۲۵- اگر فردی در کنار دیگری بخوابد، و در هنگام خواب او را به قتل برساند، در صورتی که مسئله چیست؟ الف) در صورتی که احتمال می‌داده به هنگام خواب او را به قتل می‌رساند. ب) در صورتی که هیچ گونه احتمالی نمی‌داده است.

ج) در صورتی که یقین داشته او را به قتل می‌رساند، و به قصد قتل در کنارش خوابیده باشد. جواب: در صورتی که یقین داشته، یا احتمال غالب می‌داده که او را به قتل می‌رساند، قتل عمد محسوب می‌شود. در غیر این صورت قتل شبهه عمد است.

سؤال ۱۰۲۶- اگر فردی داروی خواب‌آور خورده، و در کنار فرد خاصی بخوابد، در حالی که علم دارد به هنگام خواب او را به قتل می‌رساند، در دو فرض زیر حکم چه می‌باشد: الف) همان فرد مورد نظر را به قتل برساند. ب) بر حسب اتفاق فرد مورد نظر برخاسته، و دیگری به جای او بخوابد، و کشته شود.

جواب: اگر یقین داشته، یا احتمال غالب می‌داده، که هر کس در کنار او بخوابد به قتل می‌رسد، قتل عمد محسوب می‌شود؛ مشروط بر این که خوابیدن شخص را در کنار خود می‌دانسته است.

سؤال ۱۰۲۷- خانم الف، که از حسن شهرت اخلاقی مناسبی برخوردار نبوده، توسط برادرانش مورد ضرب و جرح قرار گرفته، که آثار آن بر جسد وی ملاحظه گردیده است. سپس با تهیه مقدمات، و آویختن طناب از دار، و اجبار وی به خودکشی، وی خود را حلق آویز می‌نماید. آیا ضرب و جرح و فراهم نمودن شرایط به دار آویختن آن مرحومه، از مصادیق اکراه یا اجبار در قتل محسوب می‌گردد؟ حکم شرعی اکراه یا اجبارکنندگان چیست؟

جواب: هرگاه ثابت بشود که اکراه در حدی بوده که اقدام آن زن بر خودکشی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۷

به خاطر ترس از شکنجه‌های بیشتری انجام یافته، اکراه‌کننده کنندگان در حکم قاتل عمد هستند.

سؤال ۱۰۲۸- قتلی در منزل مشترک زن و شوهری واقع شده و متهمین، آن زن و شوهر و پسر عموی شوهرش می‌باشند. مقتول با متهمین کاملاً بیگانه بوده، و رابطه نسبی و سببی حتی در حد یک آشنایی ساده هم نداشته‌اند. متهمه ابتدا در محضر دادگاه، علت قتل را تأثرات ناشی از تجاوز به عفت مقتول به خویش اعلام می‌کند، و اقرار به مباشرت در قتل می‌نماید؛ لکن بعدها آن را تکذیب می‌نماید. شوهر متهمه می‌گوید: «هر چند شخصاً موفق به سلب حیات مقتول نشده، لیکن اعتقاد دارد چنین متجاوزی، شرعاً مستحق قتل می‌باشد.» متهم دیگر، منکر شراکت در قتل است.

با توجه به اظهارات متهمه، و انگیزه شرافتمندانه در قتل مذکور، آیا مورد از موارد قصاص است؟

جواب: چنانچه ثابت شود که قاتل آن زن است، تا ثابت نشود که انگیزه آن حفظ ناموس خویش بوده، باید قصاص شود. سؤال ۱۰۲۹- نفر اول به وسیله سنگ ضربه‌ای بر سر مقتول وارد آورده، و او را به زمین انداخته است. مضروب در حال مرگ بوده که همان شخص دوباره سنگی بر می‌دارد تا به او بزند. امّا نفر دوم سنگ را از ضارب اول گرفته، و دو دستی ضربه‌ای بر سر مضروب وارد می‌کند، و فرد مذکور بر اثر ضربه مغزی فوت می‌کند. و کیل اولیای دم در مورد ضربه دوم هنگام طرح شکایت خود گفته: «ضربه دوم آخرین رمق حیات را از متوفی سلب نموده است.» اگر فرضاً هر دو ضربه بر یک نقطه سر وارد شده باشد، لطفاً بفرمایید:

۱- آیا قتل عمد است یا شبه عمد، و قاتل کدام نفر است؟

جواب: این دو ضربه خواه بر یک نقطه وارد شده باشد یا دو نقطه، قتل عمد است. و هر دو مشترکاً قاتل محسوب می‌شوند.

۲- آیا ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی که می‌گوید: «هرگاه جراحی که نفر اول

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۸

وارد کرده، مجروح را در حکم مرده قرار داده، و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند، و در این حال دیگری کاری انجام دهد که به حیات او پایان بخشد، اولی قصاص می‌شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می‌پردازد.» در این مورد صدق می‌کند؟

جواب: آنچه را در بالا ذکر کرده‌اید مشمول آن ماده نیست؛ مگر این که واقعاً نفر اول کار او را تمام کرده باشد.

سؤال ۱۰۳۰- دو نفر در روستا به خاطر خرید یک گونی سبوس با هم درگیر می‌شوند. اهالی آنها را از یکدیگر جدا می‌کنند. بنابر اظهارات شهود و پدر مقتول، آنها در آن موقع هیچ گونه برخوردی با هم نداشتند. لکن پس از این که از هم جدا می‌شوند، مّتهم جلوی درب منزل مقتول، از فاصله حدود ۱۰ الی ۱۵ متری سنگی به سمت مقتول پرتاب نموده، که به گلوی وی اصابت می‌کند. پس از گذشت حدود سه ساعت از این ماجرا، مقتول به کلانتری مراجعه، و از آنجا به درمانگاه انتقال داده شده، و در آنجا فوت می‌نماید. پزشکی قانونی علت مرگ را اصابت جسم سخت به ناحیه گردن، و عوارض ناشی از آن بیان کرده است. ولی مّتهم در تمامی مراحل تحقیقات منکر پرتاب سنگ شده، و حتی خود او نیز جهت طرح شکایت علیه مقتول به کلانتری مراجعه کرده، و در آنجا دستگیر شده است. لطفاً حکم این مسأله را بیان فرمایید.

جواب: چنانچه طبق شهادت دو شاهد عادل ثابت شود که مّتهم آن سنگ را به گردن مقتول زده، و مرگ مستند به اصابت آن سنگ باشد، و مّتهم قصد قتل داشته، یا چنین سنگی در فاصله مذکور غالباً عامل مرگ باشد، قتل عمد محسوب می‌شود، و قصاص دارد. در غیر این صورت (و حتی در صورت شک) باید دیه بپردازد.

سؤال ۱۰۳۱- ایراد ضرب و جرح با رضایت مجنی علیه چه حکمی دارد؟ کشتن انسانی با رضایت خود او چگونه است؟

جواب: هیچ کدام از این امور جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۳۹۹

سؤال ۱۰۳۲- عده‌ای از روی خصومت به سوی یکدیگر تیراندازی کرده‌اند. پسر بچه ۱۲ ساله‌ای، که از آنجا عبور می‌کرد، به واسطه تیر شخص معینی به قتل رسد. چند تن از روحانیون مقدار دیه را تعیین کردند. مقداری از آن را بر عهده قاتل، و مقدار بقیه را بر عهده بعض دیگر از آن جمع گذاشته‌اند. این قضاوت شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که آن بچه را دیده و در عین حال به سوی او تیراندازی کرده، قتل عمد است؛ هر چند قصد کشتن خصوص او را نداشته باشد. و در صورتی که توافق بر دیه کنند، تمام دیه بر عهده قاتل است.

سؤال ۱۰۳۳- شخصی به سمت جمعی تیراندازی کرده، و پسر بچه ۱۴ ساله‌ای را بدون تقصیر به قتل رسانده است. با توجه به این که قاتل مدعی است قصد قتل او را نداشته، قتل مذکور چه نوع قتلی است، و حکم آن چیست؟

جواب: در صورتی که به سوی جمع تیراندازی کرده قتل عمد محسوب می‌شود؛ هر چند بگوید قصد قتل نداشتم.

سؤال ۱۰۳۴- چنانچه افرادی در خارج از کشور مرتکب جرایمی شده، و طبق قوانین آن کشور تعقیب و محاکمه گردیده، و کیفر مقرر برای جرم مورد نظر را گذرانده باشند، و سپس به ایران مراجعت کنند لطفاً بفرمایید:

الف) در جرایم مستوجب قصاص، در صورت درخواست اولیای دم آیا قابل تعقیب و مجازات هستند؟

جواب: در مواردی که قصاص تعلق می‌گیرد، اگر شاکی تقاضای قصاص کند حکم قصاص جاری می‌شود. و اگر به جای آن خسارتی گرفته و راضی شده، حکم قصاص ساقط است. و اگر راضی نشده، وجه خسارات را بازمی‌گرداند و تقاضای قصاص می‌کند.

ب) در جرایم حدی حکم چیست؟

جواب: در موارد حدود حد ساقط نمی‌شود؛ زیرا آنها صلاحیت اجرای حد را ندارند، و به علاوه قائل به حد نیستند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۰

ج) در جرایم تعزیری و بازدارنده چگونه است؟

جواب: با توجه به این که تعزیر بسته به نظر حاکم است چنانچه در آنجا تعزیر شده باشند، هر چند به صورت زندان، حاکم شرع می‌تواند تعزیر را در اینجا تخفیف دهد، و لو تعزیر او به صورت ملامت و سرزنش و اندرز بوده باشد.

سؤال ۱۰۳۵- محاربی در جریان محاربه، مرتکب قتل یا نقص عضو یا جرح دیگران می‌شود؛ آیا علاوه بر مجازات محاربه، قصاص نیز می‌شود؟

جواب: نخست قصاص می‌شود؛ سپس حد محارب جاری می‌گردد.

سؤال ۱۰۳۶- آیا ایجاد حق قصاص قبل از فوت شخص امکان‌پذیر است، تا مجنی علیه حق اسقاط آن را داشته باشد؟

جواب: این گونه موضوعات از قبیل اسقاط مال لم یجب نیست، و در جای خود آن را مشروحاً بیان کرده‌ایم.

سؤال ۱۰۳۷- آیا احراز قصد قتل حین ارتکاب عمل، شرط مشروعیت حکم قصاص است؟

جواب: آری احراز شرط است؛ هر چند به وسیله قرائن و شواهد باشد.

سؤال ۱۰۳۸- آیا اذن وارد ساختن جنایت از سوی مجنی علیه، موجب سقوط ارش یا دیه می‌گردد؟ به عبارت دیگر، اگر شخصی به

دیگری اجازه دهد که جنایتی بر او وارد کند. آیا پس از ایراد جنایت، مجنی علیه می‌تواند مطالبه خسارت نماید؟

جواب: این اذن از نظر تکلیفی مجوز ایراد جنایت نمی‌شود، و دیه نیز دارد؛ مگر این که مجنی علیه بعد از وقوع جنایت جانی را عفو کند.

شرایط قصاص

۱- مساوات در دین

سؤال ۱۰۳۹- با توجه به عدم جواز قصاص مسلمان در برابر کافر، لطفاً بفرمایید:

آیا اسلام آوردن قاتل پس از ارتکاب قتل، مانع از اجرای قصاص می‌شود؟ و بر فرض مثبت بودن پاسخ، آیا بین اسلام آوردن

ظاهری (به انگیزه فرار از قصاص) با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۱

اسلام واقعی قلبی تفاوتی وجود دارد؟

جواب: آری، در صورتی که مسلمان شود مانع قتل اوست. و ما مأمور به ظاهر هستیم، مگر این که یقین به دروغ گفتن او داشته باشیم.

سؤال ۱۰۴۰- با توجه به این که یکی از شرایط اساسی ایجاد حق قصاص نفس، کفایت در دین می‌باشد، لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- آیا ملاک کفایت، زمان ارتکاب قتل است، یا زمان اجراء حکم؟

جواب: در صورتی که کافری مسلمانی را کشته باشد، بعد مسلمان شود، قصاص از بین نمی‌رود. و اگر کافر، کافری را کشته باشد، قصاص از بین می‌رود، و تبدیل به دیه می‌شود؛ بنابراین معیار در اینجا، حال قصاص است.

۲- آیا پیروان فرقه اهل حق و علی‌اللهی‌ها، مسلمان محسوب می‌شوند؟

جواب: بعضی از آنها اظهار می‌دارند که به یگانگی حق، و نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایمان دارند؛ این گروه مسلمانند، هر چند انحراف دارند، ولی بعضی دیگر چنین نیستند.

۲- قاتل پدر مقتول نباشد

سؤال ۱۰۴۱- بسیاری از فقهاء می‌فرمایند: «پدر به خاطر قتل فرزند قصاص نمی‌شود، ولی مادر قصاص می‌شود.» دلیل این تفاوت چیست؟

جواب: مدرک عمده بر تفاوت بین پدر و مادر در این حکم، روایات فراوانی است که در این زمینه وارد شده است. بسیاری از این روایات کلمه «رجل» یا کلمه «اب» دارد. جالب این که تنها در سؤال راوی نیست، تا بگوییم راوی سؤال از محل ابتلای خود کرده، بلکه در کلام امام علیه السلام نیز وجود دارد، که خود دلیلی بر تفاوت می‌باشد. و به یقین حمل «رجل» یا «اب» بر مفهوم اعم، به حسب متفاهم عرب امکان ندارد، و تعبیر به «والد» نیز ظهور در همین معنا دارد، و حمل بر مفهوم اعم بسیار مشکل است، و با موازین فقهی نمی‌سازد. به علاوه، مسأله تقریباً اجماعی است و مخالفت با آن، با این همه اقوال و روایات، با ذوق فقه سازگار

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۲

نمی‌باشد. و تمسک به قاعده «درء» در اینجا بسیار مشکل است؛ زیرا عمومیت قانون قصاص از آیات و روایات عدیده استفاده می‌شود، و استثناء کردن از آن، دلیل محکمی می‌خواهد که در مورد مادر وجود ندارد. ضمناً این تفاوت، فلسفه نسبتاً روشنی هم دارد که شاید بر خوانندگان عزیز که اهل تحقیق هستند، پوشیده نباشد. خوب بود فکری برای گرفتن این امتیاز از پدر می‌کردید؛ نه این که این امتیاز را به مادر بدهید!!

سؤال ۱۰۴۲- اگر پدر فرزند نامشروع خود را به قتل برساند، آیا قصاص می‌شود؟

جواب: قصاص ندارد؛ ولی دیه دارد.

سؤال ۱۰۴۳- شخصی به نام نعیم، سه فرزند خود را به قتل رسانده، و چند نفر از آنان را به شدت مجروح نموده، که بعداً بهبود پیدا نموده‌اند. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا با وجود مادر فرزندان، عموها می‌توانند ادعای دیه کنند؟

جواب: دیه مقتولین بر پدر لازم است، و تمام دیه به مادر آنها می‌رسد، و دیه مجروحین به خود آنها پرداخت می‌شود. و در هر حال عموها و داییها در اینجا حقی ندارند.

۲- مخارج فرزندان باقیمانده بر عهده چه کسی است؟

جواب: اگر اموالی داشته باشند مخارج آنها از اموالشان برداشته می‌شود، و اگر نداشته باشند بر عهده مادر آنهاست.

۳- در صورتی که مادر مقتولین از ادامه زندگی با قاتل بیمناک باشد، آیا ملزم است با او زندگی نماید، یا می‌تواند توسط حاکم شرع طلاق بگیرد؟

جواب: در صورتی که احساس خطری نکند می‌تواند با او زندگی کند، و الا طلاق خود را به وسیله حاکم شرع خواهد گرفت.
سؤال ۱۰۴۴- با توجه به این که قتل کودکان توسط پدر، یا جد پدری قصاص ندارد، متأسفانه مدتی است که این امر در جامعه زیاد اتفاق می‌افتد! جهت تشدید مجازات این افراد چه حکمی صادر می‌فرمایید؟
جواب: این گونه پدران باید دیه پردازند، و می‌دانید که دیه بسیار سنگین استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۳

است، و می‌تواند کیفر مهمی محسوب شود. اگر حاکم شرع تشخیص دهد که این امر گسترش پیدا کرده، می‌تواند علاوه بر این، تعزیر سنگینی کند. البته اگر طفل به صورت جنین باشد، در هیچ حال قصاص ندارد و تنها دیه دارد.

۳- مساوات در عقل

سؤال ۱۰۴۵- چرا اگر عاقل عمداً مجنونی را بکشد قصاص نمی‌شود؟
جواب: اولاً: این مسأله اجماعی است، و روایت معتبری دارد.
ثانیاً: مساواتی در میان عاقل و مجنون نیست، به همین دلیل جایز نیست عاقل را به خاطر قتل مجنون قصاص کرد؛ ولی دیه ثابت است.

۴- مقتول محقون الدم باشد

سؤال ۱۰۴۶- چنانچه کسی با اعتقاد به این که فردی به لحاظ ارتکاب بعضی اعمال، یا داشتن برخی عقاید، واجب القتل است، اقدام به قتل وی نماید، در حالی که چنین اعمال و عقایدی شرعاً مجوز قتل نمی‌باشد، بفرمایید قتل واقع شده چه نوع قتلی می‌باشد؟
جواب: در فرض سؤال قتل شبه عمد محسوب می‌شود.

۵- مساوات در جنسیت

سؤال ۱۰۴۷- اگر مردی چندین زن محقون الدم را بکشد، و برخی از اولیای دم آنها خواهان قصاص، و بعضی طالب دیه باشند، به چه ترتیب عمل خواهد شد؟
جواب: هر گاه بعضی قصاص کنند (مثلاً اولیای دم یکی از مقتولین فاضل دیه را پردازد و قصاص کند) دیه بقیه از اموال قاتل پرداخته می‌شود.

لوث و قسامه

سؤال ۱۰۴۸- اگر درگیری طرفین دعوی محرز شود، ولی مدعی در مورد جراحات استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۴

وارد شده شاهد نداشته باشد، و فقط یک نفر اظهار نماید که من چاقو را در دست مدعی علیه مشاهده نمودم. آیا مورد از موارد لوث محسوب می‌شود، یا لازم است مدعی علیه به عنوان منکر قسم یاد نماید؟ آیا در صدمات جزئی نیز منکر و یا مدعی می‌توانند قسم

یاد نمایند؟

جواب: به مجرّد شهادت یک نفر، به صورتی که در بالا ذکر کرده‌اید، لوث ثابت نمی‌شود. در صدمات جزئی، مانند وقوع جنایت بر یک بند انگشت، نیز حکم قسامه جاری می‌شود.

سؤال ۱۰۴۹- برخی از فقها در لوث، شهادت جماعت زنان را قبول کرده‌اند؛ اما امام راحل قدس سرّه فرموده‌اند که لوث به شهادت زنان حاصل نمی‌شود. لطفاً بفرمایید: منظور از جماعت چیست؟ آیا با شهادت یک زن، در خصوص قتل عمد یا غیر عمد، لوث ثابت می‌شود؟ ضمناً اگر یک زن انجام قتل توسط یک فرد، و یک مرد به انجام قتل توسط فردی دیگر شهادت دهد، آیا لوث ثابت می‌شود؟

جواب: در صورتی که جماعتی از زنان، که مورد اعتماد باشند، شهادت دهند، لوث ثابت می‌شود.

سؤال ۱۰۵۰- چنانچه شخصی ادعا کند چند نفر او را زده‌اند، و پزشکی قانونی نیز گواهی نماید که چند نقطه از بدن وی مضروب و مجروح شده است. حال اگر به نظر دادگاه از موارد لوث باشد، و مدعی نتواند معین کند کدام جراحت یا ضربه را چه کسی به او وارد نموده، به چه شکل فصل خصومت می‌شود؟ به عبارت دیگر، آیا ظنّ اجمالی نیز از مواردی است که موجب لوث می‌شود؟

جواب: هرگاه مقدمات و امارات لوث حاصل شود، فرقی میان یک نفر یا چند نفر به عنوان علم اجمالی نیست.

سؤال ۱۰۵۱- شخصی در اثر تصادف با وسیله نقلیه (موتور) مصدوم شده، و علیه شخصی مثلاً زید به عنوان راننده شکایت نموده است. ولی زید مدعی است که وی راننده نبوده، بلکه رفیقش عمرو (که صاحب موتور تلقی، و موتور در اختیار وی بوده) راننده بوده است. از سوی دیگر عمرو می‌گوید: «درست است که موتور در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۵

اختیار من بود، ولی آقای زید به محض پیاده شدن این جانب، بر موتورسیکلت سوار و با سرعت رانندگی نمود، و در حین رانندگی با مصدوم تصادف کرد». عمرو جهت اثبات ادعای خویش چند شاهد معرّفی کرده، و شهود اظهار نمودند که قبل از تصادف آقای زید را در حین رانندگی مشاهده نموده، ولی اصل تصادف را ندیده‌اند.

لطفاً بفرمایید:

۱- آیا مورد نسبت به زید از موارد لوث محسوب، و در نتیجه با قسم مصدوم نامبرده محکوم به پرداخت دیه می‌شود، یا از موارد لوث محسوب نمی‌شود؟

۲- در صورت صغیر بودن مصدوم، آیا خود صغیر حق در خواست قسم، یا قسم یاد نمودن را دارد؟

۳- در صورت منفی بودن پاسخ، ولی قهری و یا قیم وی چنین حقی را دارند؟

۴- آیا لازم است در مقابل ادعای زید قسم یاد نماید؟

جواب: چنانچه شهود معتبر شهادت دهند که در زمان وقوع تصادف زید سوار بر موتور بوده، هر چند تصادف را ندیده باشند، مورد از موارد لوث است. و صغیر نمی‌تواند مطالبه قسم کند، بلکه ولی او این کار را می‌کند. و قسم تنها وظیفه کسی است که دعوی بر ضد او اقامه شده است.

سؤال ۱۰۵۲- مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، از جمله ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی، در مواردی که مجنی علیه ولی دم نداشته، یا شناسایی نشود، ولی دم او ولی امر مسلمین است. که ولی امر در این خصوص می‌تواند اختیارات خود را به رئیس قوه قضائیه، و به واسطه وی به رؤسای دادگستریها تفویض نماید. حال چنانچه در موارد قتل عمد، ولی دم وجود نداشته، یا شناسایی نشود، و رئیس دادگستری یا رئیس قوه قضائیه به نیابت از ولی امر مسلمین، تقاضای قصاص کند، و از طرفی دعوا داخل در باب لوث گردد، کیفیت اجرای مراسم قسامه چگونه خواهد بود؟

جواب: اگر قاضی از روی مبادی حسیه، یا قریب به حس، علم به وقوع قتل توسط کسی داشته باشد می‌تواند بر طبق علم خود عمل کند، و نیازی به قسامه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۶

نیست. در غیر این صورت، قسامه جاری نمی‌شود، و باید دیه از بیت المال پرداخته شود.

سؤال ۱۰۵۳- در یکی از پاسگاههای نیروی انتظامی، درجه داری با گلوله مصدوم، و پس از چند دقیقه فوت می‌کند. افسر نگهبان- که متهم پرونده است- می‌گوید: «به نزدیک مقتول رفتم، خواستم توپی کلت را جابجا کنم، که در این لحظه مقتول به سوی من برگشت، و دستش به اسلحه خورد، و ناگهان اسلحه شلیک شد، و این واقعه بوجود آمد» مسلمات پرونده به شرح زیر است:

۱- پزشک قانونی در بازسازی صحنه، که با حضور متهم انجام شده، با توجه به نقطه ورود گلوله (زیر بغل در زیر لبه تحتانی دنده چهارم سمت چپ قفسه سینه) و مسیر گلوله (که ریه‌ها و قلب را پاره کرده) و نقطه‌ای که گلوله در آن به دست آمده (زیر لبه تحتانی دنده پنجم سمت راست قفسه سینه) اعلام کرده که قول متهم مطابق با واقع نبوده، و قابل پذیرش نیست.

۲- مأمورین کشف جرایم، که در صحنه بازسازی حضور داشته، قول متهم را تأیید نکرده‌اند.

۳- متخصص اسلحه‌شناسی اعلام کرده که شلیک از فاصله‌ای کمتر از نیم متر انجام شده است.

۴- کسی غیر از متهم و مقتول در صحنه حضور نداشته، تا از مشاهدات او استفاده کنیم.

اولیای دم مدعی قتل عمد هستند، ولی متهم حتی حاضر به قبول شلیک به سمت مقتول نیست. سوالی که برای این جانب پیش آمده این است که در این مورد خاص، قاعده حق استحلاف اولیای دم و سوگند متهم را جاری سازیم (برای احراز نوع قتل) یا با توجه به مسلمات پرونده، مورد را از موارد لوث تلقی کرده، و از اولیای دم بخواهیم که پنجاه نفر را برای ادای سوگند (جهت اثبات قتل عمد) به دادگاه معرفی کنند؟

جواب: در صورتی که قاضی از قرائن مذکور یقین حاصل کند که قتل از سوی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۷

متهم صورت گرفته (خواه به صورت عمد باشد، یا به صورت خطا) می‌تواند مطابق آن حکم کند؛ زیرا علم قاضی در این مورد مستند به مبادی قریب به حس است و حجت می‌باشد. و اگر علم حاصل نشود، باید از لوث استفاده کرد؛ مشروط بر این که قسامه واقعاً علم به وقوع قتل عمد یا خطا داشته باشند. و اگر قسامه حاضر به قسم نشد، و یا علم نداشت، دیه بر بیت المال است.

سؤال ۱۰۵۴- آیا همان گونه که قسامه در جرائم بالمباشره (چنانچه از موارد لوث باشد) جاری است، در جرائم بالتسبیب نیز جاری و ساری است؟

جواب: فرقی بین سبب و مباشر در اینجا نیست؛ مشروط بر این که قتل به سبب نسبت داده شود، نه به مباشر.

سؤال ۱۰۵۵- آیا احراز عدالت در قسامه، همانند عدالت شهود، شرط است؟

جواب: احراز عدالت شرط نیست.

سؤال ۱۰۵۶- بدن نیمه جان انسانی در کنار جاده منتهی به روستا، در فاصله حدود ۳۰۰ متر مانده به روستا یافت شده، و در حال اعزام به بیمارستان فوت کرده است.

پزشکی قانونی آثاری از برخورد و تصادم اتومبیل، یا وسیله نقلیه‌ای در بدنش نیافته، و علت مرگ را ناشی از «یک ضربه به سر» اعلام می‌کند. اولیای دم، که فقط یک پسر و یک دختر بالغ می‌باشند، فقط علیه سه نفر از اهالی محل (که در روستا حضور داشته، و اتفاقاً یکی از آن سه اذعان می‌دارد که چند دقیقه قبل متوفی را دیده، که به همراه شخص ناشناس دیگری در مسیر جاده پیاده حرکت می‌کردند، و او که با موتورسیکلت در جهت مخالف حرکت می‌کرده، فقط متوفی را بر اثر تکان دادن دست شناخته، و

چند دقیقه بعد که بازگشته بدن خون آلودش را تنها دیده است) ادعای قتل عمد نموده، و مشخصاً یکی از آن سه را مباشر و دو تن دیگر را معاون در قتل پدرشان می‌دانند، لکن بینه‌ای ندارند، و با انکار متهمین نیز مواجه‌اند، و برای اثبات ادعای خود هر یک با قاطعیت و اصرار تمام، پنجاه سوگند می‌خورد. سایر بستگان نسبی ذکور متوفی، به لحاظ سکونت در شهرهای مختلف در مراسم قسامه شرکت مستقیم ندارند، اما به صدق گفتار و وثوق مدعیان قسم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۸

می‌خورند، و صرفاً بر مبنای ادعای مدعیان، متهمین را قاتل می‌دانند. با توجه به آنچه گذشت، به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا با اجرای قسامه، ادعای اولیای دم موصوف ثابت می‌شود؟

جواب: هرگاه شرایط لوث وجود داشته باشد، اینجا جای قسامه است.

۲- آیا مدعیان با فرض عدم شرکت سایر بستگان ذکور نسبی، می‌توانند قسمهای لازم را شخصاً به دفعات ادا نمایند؟

جواب: اگر سایر بستگان قسم نخورند، مدعیان می‌توانند قسمها را تکرار کنند.

۳- در صورت اجرای قسامه به کیفیت مذکور، در اثبات عنوان اتهامی هر یک از منکرین (از جهت مباشرت یا معاونت در قتل) تفاوتی وجود دارد؟

جواب: اجرای قسامه در مورد معاونت قتل محل اشکال است.

سؤال ۱۰۵۷- آیا در قسامه (چه در قتل، و چه در جرح) وارث فعلی معتبر است؟ یا از طبقات دیگر نیز می‌توانند قسم یاد کنند؟

جواب: وارث فعلی شرط نیست، حتی اگر از افراد قوم و قبیله بوده باشند نیز مانعی ندارد.

سؤال ۱۰۵۸- اگر ورثه با فرض علم آنان به موضوع، حاضر به قسم نباشند، آیا تکرار قسم مدعی کافی است؟

جواب: آری کافی است.

سؤال ۱۰۵۹- اگر قاضی محکمه از قرائن علم پیدا کند که ورثه دیگر علم ندارند، یا خود مدعی اظهار کند که منسوبین من یقین

ندارند، و در موقع ایراد ضرب و جرح شاهد درگیری نبوده‌اند، و فقط من یقین دارم، آیا بازهم احضار منسوبین لازم است؟

جواب: در صورتی که بقیه علم نداشته باشند، احضار آنها ضرورتی ندارد.

سؤال ۱۰۶۰- آیا کسانی که در زمان وقوع قتل عاقل نبوده، یا غیر بالغ بوده‌اند، اما هنگام اجرای قسامه عاقل و بالغ شده‌اند،

می‌توانند جهت ادای سوگند در این مراسم شرکت کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۰۹

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۰۶۱- آیا در صورت لزوم تعدد قسامه در جراحات، منسوبین نزدیک مدعی نیز لازم است قسم یاد نمایند، یا تکرار قسامه

توسط خود مدعی کافی است؟

همچنین در صورتی که مدعی علیه قسم یاد نماید بازهم تکرار وی یا تکمیل توسط منسوبین در صورت علم به موضوع لازم

می‌باشد؟

جواب: آری لازم است منسوبین مدعی در صورت علم قسم یاد کنند، همچنین در صورتی که مدعی علیه قسم یاد کند.

سؤال ۱۰۶۲- آیا قسامه در جراحاتی که موجب ارش است، یا عواملی غیر از جراحت که سبب ارش است، کارایی دارد؟

جواب: در این گونه موارد نیز قسامه ثابت است، مشروط بر این که ارش قابل ملاحظه‌ای باشد.

سؤال ۱۰۶۳- اگر جراحت یا سایر عوامل موجب دیه یا ارش، از ناحیه طفل یا مجنون یا حیوان باشد چه حکمی دارد؟

جواب: در مورد طفل و مجنون قسامه جاری است. و در مورد حیوان اگر جنبه تسبیب داشته باشد در آنجا نیز قسامه جاری است.

سؤال ۱۰۶۴- با احترام فتوای شریف را در خصوص قسامه در صدمات بدنی بیان فرمایید:

الف) آیا برای احراز قسامه، قسم مجروح به همراه سایرین لازم است؟

جواب: آری لازم است.

ب) در فرض «الف» در صورتی که مصدوم صغیر یا مجنون باشد، اجرای قسامه چگونه است؟

جواب: ولی او به جای او اجرای قسم می‌کند.

ج) در صورتی که در قسامه اعضا، جنایت وارده موجب ۱۶ دیه یا کمتر باشد، آیا قسم مصدوم به تنهایی کافی است؟

جواب: آری به تنهایی کافی است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۰

د) در فرض «ج» اگر مصدوم مجنون یا صغیر باشد، آیا قسم ولی قهری او کفایت می‌کند؟

جواب: آری کفایت می‌کند. در ضمن باید توجه داشت که قسامه در اعضا تنها موجب دیه است، نه قصاص.

سؤال ۱۰۶۵- اگر جانی و مجنی علیه هر دو صغیر باشند، آیا تقاضای قسامه عاقله مجنی علیه برای اثبات جنایت خطایی صغیر پذیرفته می‌شود؟ آیا در فرض فوق می‌توان عاقله جانی را محکوم به پرداخت دیه نمود؟

جواب: تقاضای قسامه از سوی ولی طفل خواهد بود؛ و احکام بر آن جاری می‌شود.

سؤال ۱۰۶۶- اگر مورد از موارد لوث نباشد که قسامه اجرا شود، و نوبت به قسم منکر برسد، و منکر قسم را به مدعی رد کند تا او

قسم یاد کند، آیا با این قسم قصاص ثابت می‌شود، یا صرفاً دیه اثبات می‌گردد؟

جواب: در این گونه موارد ادعا با قسم ثابت نمی‌شود.

سؤال ۱۰۶۷- آیا استماع سوگند حالفین در حضور جمیع حالفین و اولیای دم بلا مانع است؟ یا همانند استماع شهادت شهود باید

فارغ از تأثیر و تأثر روانی حضور اولیای دم و دیگر حالفین، و منفرداً نزد قاضی انجام پذیرد؟

جواب: انفراد در این مسأله شرط نیست.

سؤال ۱۰۶۸- نظر به این که قسامه به منظور تکمیل و تتمیم ظن و گمان حاکم دادگاه، و رافع تردید و شبهه وی برای رسیدن به

یقین می‌باشد، آیا استماع سوگند ۵۰ نفر به وسیله دو قاضی جداگانه شرعاً اشکال دارد؟ آیا صدور حکم به اعتبار گزارش و

صورت جلسه استماع سوگند به وسیله قاضی دیگر که در غیاب حکم دادگاه تنظیم شده جایز می‌باشد؟

جواب: قسامه باید به طور کامل در محضر یک قاضی اجرا شود.

سؤال ۱۰۶۹- در صورت مشکل بودن تجمع ۵۰ نفر در موعد اولیه دادگاه، آیا یک بار اخطار به اولیای دم کفایت می‌کند؟ در

صورت عدم توفیق در معرفی ۵۰ نفر، آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۱

نوبت به قسامه بستگان مدعی علیه می‌رسد، یا تجدید دعوت از اولیای دم متوفی مجاز می‌باشد؟

جواب: در صورتی که جمع کردن همه آنها در مجلس واحد مشکل باشد، مانعی ندارد در چند مجلس نزدیک به هم جمع شوند. و

از نظر ما لازم نیست قسم خورندگان همه از اقربای نسبی باشند، همین اندازه که از قوم و قبیله یا کسانی که در آن محله زندگی

می‌کنند باشند کافی است.

سؤال ۱۰۷۰- ثبت صورت جلسه استماع سوگند ۵۰ نفر متضمن زمان زیادی است، و معمولاً در یک جلسه میسر نمی‌باشد. آیا

اولیای دم می‌توانند عده‌ای را برای جلسه اول، و بقیه را برای جلسه یا جلسات بعد به دادگاه معرفی نمایند؟ در چنین وضعیتی، آیا

فاصله جلسات باید نزدیک به هم (مثلاً فردای جلسه اول) باشد، یا فاصله یک ماه یا بیشتر، که اولیای دم فرصتی برای معرفی افراد

دیگر داشته باشند معنی ندارد؟

جواب: اجرای قسامه در یک جلسه کار مشکلی نیست، و ثبت آن هم کار ساده‌ای است. اما اگر فرضاً میسر نشود، در دو یا چند جلسه نزدیک به هم مانعی ندارد، به طوری که مدعی به حسب معمول توان جمع‌آوری آنها را داشته باشد.

سؤال ۱۰۷۱- لطفاً درباره بحث قسامه بفرمایید:

الف) آیا مرد بودن سوگندخوردگان شرط است؟ آیا در این مورد میان مدعی و قوم او فرقی می‌باشد؟

ب) در صورت عدم اشتراط مرد بودن، چنانچه در میان مدعیان و قوم او به تعداد کافی مرد باشد، آیا زنی که یکی از مدعی‌ها است می‌تواند از جمله سوگندخوردگان به حساب آید؟ اگر به تعداد کافی مرد وجود نداشته باشد چطور؟

ج) در صوت جواز تکرار سوگند به وسیله قسم‌خوردگان، زنان مدعی نیز می‌توانند قسم را تکرار نمایند؟

جواب: قسامه نمی‌تواند زن باشد، بنابراین باید مردها (اگر به قدر کافی نباشند) سوگند را تکرار کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۲

سؤال ۱۰۷۲- در موارد لوث اگر مدعی از اجرای قسامه خودداری کند، بفرمایید:

۱- آیا در این صورت، اقامه قسامه قهراً به متهم (مدعی علیه) می‌رسد، یا این امر منوط به مطالبه مدعی است؟

جواب: مدعی می‌تواند قسم را به مدعی علیه رد کند، و در این صورت مراسم پنجاه قسم بر عهده اوست.

۲- در صورت لزوم مطالبه، اگر مدعی از چنین درخواستی سرباززند، یا به قسامه متهم راضی نباشد، وظیفه دادگاه برای فصل خصومت چیست؟

جواب: قاعده «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» جاری می‌شود.

۳- در فرض فوق تکلیف دیه مقتول چیست؟

جواب: در این فرض دیه بر کسی نیست.

سؤال ۱۰۷۳- در مورد قسامه، آیا تنها ادعای یکی از طرفین مبنی بر این که منسوبین به موضوع علم ندارند، در تکرار قسم کافی است، یا احضار منسوبین لازم است؟

جواب: لازم است منسوبین احضار شوند، و تحقیق به عمل آید.

اولیای دم

سؤال ۱۰۷۴- صاحب حق قصاص در قتل عمد چه کسی است؟ مجنی علیه، یا اولیای دم؟

جواب: مجنی علیه صاحب حق است، و از او به ورثه می‌رسد.

سؤال ۱۰۷۵- در صورتی که پدر، یا جد پدری، مرتکب ضرب و جرح فرزند صغیرش شود، چه کسی می‌تواند از او به حاکم شرع شکایت کند؟ آیا قصاص در این صورت ممکن است؟ در صورت محکومیت پدر، یا جد پدری، به دیه یا قصاص، دریافت دیه یا

استیفای قصاص با چه کسی است؟

جواب: در این گونه موارد حاکم شرع ولی صغیر است، که احقاق حق کند.

سؤال ۱۰۷۶- چنانچه ورثه مقتول صغیر باشند، بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۳

۱- آیا همواره اخذ دیه از سوی اولیای صغار، اصلح به حال صغار است، یا این که ولی صغیر حسب مورد می‌تواند جانی را عفو یا مطالبه قصاص کند؟

جواب: غالباً اخذ دیه به مصلحت صغار است؛ ولی موارد نادری پیدا می‌شود که ممکن است مصلحت صغار در عفو، یا قصاص باشد.

۲- آیا محدوده اختیارات ولی با قیّم، در این خصوص تفاوتی دارد؟

جواب: هر دو باید مصلحت صغیر را در نظر بگیرند.

سؤال ۱۰۷۷- هنگامی که اولیای دم همگی صغیر باشند، تکلیف چیست؟

جواب: در صورتی که مصلحت در صبر کردن باشد، باید صبر کنند، و قاتل را با ضمانت و کفالت کافی آزاد نمایند، تا صغیرها کبیر شوند و خودشان تصمیم بگیرند. و اگر ولی مصلحت ببیند (که غالباً مصلحت در همین است)، دیه می‌گیرد.

سؤال ۱۰۷۸- اگر مقتول مسلمان، اما ولی دم وی کافر باشد، چه باید کرد؟

جواب: حاکم شرع اولیای دم را حاضر می‌کند، و به آنها پیشنهاد اسلام می‌نماید؛ اگر پذیرفتند، اختیار قاتل را به دست آنها می‌دهد، قصاص کنند یا دیه بگیرند. و اگر اسلام را نپذیرفتند، حاکم شرع دیه می‌گیرد، و به بیت المال می‌دهد.

سؤال ۱۰۷۹- چنانچه ارتباط با اولیای دم فعلاً ممکن نباشد؛ ولی در آینده امکان دسترسی به آنان وجود داشته باشد، حکم چیست؟

جواب: باید صبر کنند تا دسترسی پیدا شود؛ ولی چنانچه زمان طولانی باشد، باید قاتل را با اخذ وثیقه و کفالت کافی آزاد نمایند.

سؤال ۱۰۸۰- در موارد قتل، که نوبت به ولایت حاکم می‌رسد، بفرمایید آیا ولی امر، همانند اولیای دم، علاوه بر درخواست قصاص یا اخذ دیه، حق عفو نیز دارد؟

جواب: ولی امر حق عفو ندارد؛ بلکه باید یا قصاص کند، یا دیه بگیرد، (هر کدام که به مصلحت مسلمین باشد).

سؤال ۱۰۸۱- آیا پدر می‌تواند نسبت به فرزند صغیرش، در خصوص جراحات و صدمات، اعم از عمدی و غیر عمدی، که از سوی غیر به وی وارد آمده، هم از دیه بگذرد و هم از قصاص صرفنظر نماید؟ از آنجا که در باب قصاص فتوی و قانون بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۴

این است که: «ولی صغیر حق ندارد قاتل را مجاناً عفو نماید.» آیا این موضوع به جراحات و صدمات موجب قصاص و دیه نیز سرایت می‌کند؟

جواب: تفاوتی نمی‌کند؛ ولی باید مصلحت صغیر را در نظر گرفت، و مصلحت صغیر غالباً اخذ دیه است.

سؤال ۱۰۸۲- نظر خود را در خصوص نحوه استیفای قصاص، در دو فرض زیر بیان فرمایید:

الف) چنانچه اولیای دم مقتول منحصر به فرزند صغیر یا صغار (از دو نفر بیشتر) باشد حکم چیست؟

جواب: در صورتی که مصلحت آنها در گرفتن دیه باشد، و قاتل نیز حاضر به پرداخت دیه گردد، باید دیه گرفته شود. و اگر مصلحت آنها در قصاص باشد، ولی دم می‌تواند قصاص کند. و در صورت ابهام قضیه، قاتل را با وثیقه معتبر آزاد می‌کنند، تا صغار کبیر شوند و تصمیم بگیرند.

ب) در صورتی که فرزند یا فرزندان اولیای دم جملگی مجنون باشند، حکم چیست؟

جواب: ولی باید مصلحت آنها را در نظر بگیرد و اقدام کند.

سؤال ۱۰۸۳- چنانچه اولیای دم، از انجام قصاص یا مطالبه دیه صرف نظر کنند، آیا بعداً حق دارند از نظر خود برگردند؟

جواب: بعداً نمی‌توانند تغییر نظر دهند.

سؤال ۱۰۸۴- در صورتی که اولیای دم تقاضای دیه کرده باشند، آیا قبل از دریافت آن می‌توانند از نظر خود رجوع، و تقاضای قصاص کنند؟ بعد از وصول دیه چطور؟

جواب: بعد از وصول دیه جایز نیست؛ و قبلاً هم اگر مصالحه شرعیّه بر دیه انجام شده باشد، تغییر آن جایز نیست.

سؤال ۱۰۸۵- اگر اولیای دم تقاضای قصاص کنند، آیا تا قبل از اجرای حکم فقط می‌توانند عفو کنند؟ یا امکان مطالبه دیه نیز وجود دارد؟ آیا در این حالت می‌توانند با قاتل مصالحه و چیزی زاید بر دیه مطالبه کنند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۵

جواب: می‌توانند قصاص را با رضایت قاتل به هر چیزی تبدیل کنند، ولی رعایت انصاف در هر حال خوب است.

سؤال ۱۰۸۶- پسر م با تحریکات شیطنت آمیز خانواده همسرش، که منجر به درگیری و فوت مادر زنش شد، به قصاص و دریافت فاضل دیه محکوم گردید. وراثت کبیر، و پدر صغار (اصالتاً و ولایتاً) با دریافت مبلغی بیش از دیه کامله رضایت دادند؛ هر چند در رضایت‌نامه کتبی و رسمی به گرفتن دیه اشاره‌ای نشده است. آیا پدر صغار می‌تواند از طرف صغار گذشت کند، یا با دریافت دیه رضایت دهد، یا باید منتظر رشد و بلوغ صغار شود؟ در صورت اخیر، آیا امکان آزادی موقت جانی، با سپردن وثیقه، تا رشد صغار وجود دارد؟

جواب: ولی صغار باید آنچه به نفع آنهاست، انجام دهد. اگر قصاص به نفع آنهاست، بگذارد آنها رشید شوند و قصاص کنند، و در این صورت، باید با وثیقه کافی جانی را آزاد کنند. و اگر دیه به نفع آنهاست، دیه بگیرد. و گذشت جز در موارد بسیار استثنایی به نفع صغار نیست.

سؤال ۱۰۸۷- چنانچه ولی قهری بخواهد صبر کند تا ولی دم صغیر بالغ شده و خود تصمیم بگیرد، مصالح مهم از وی تفویض می‌شود (مثل این که قاتل پیرمردی ۸۰ ساله و ولی دم پسر ۲ ساله‌ای باشد که اگر بخواهند صبر کنند تا وی بالغ گردد به احتمال زیاد قاتل می‌میرد، و حق ولی دم نسبت به قصاص و دیه از بین می‌رود). در چنین صورتی ولی قهری کدام از گزینه‌های زیر را بجا آورد؟

الف) تقاضای قصاص نماید.

ب) بر اخذ دیه مصالحه کند.

ج) بر اخذ کمتر از دیه مصالحه نماید.

د) قاتل را عفو کند.

جواب: در این گونه موارد غالباً غبطه و مصلحت صغیر در گرفتن دیه است؛ به هر مقدار که جانی حاضر و راضی شود.

سؤال ۱۰۸۸- چنانچه عده‌ای از اولیای دم خواهان قصاص باشند، آیا سهم الدیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۶

همسر در احتساب سهم الدیه سایر اولیای دم (اعم از صغار و کبار که تقاضای دریافت دیه نموده‌اند) تأثیرگذار است؟

جواب: زوجه سهمی در قصاص ندارد؛ ولی اگر تبدیل به دیه شود، سهم می‌برد.

سؤال ۱۰۸۹- فردی کشته شده، و از او یک زن باردار باقی مانده است. با توجه به این که زوجه ولی دم واقع نمی‌شود، آیا حمل او ولی دم در مسأله قصاص خواهد بود؟ اگر همراه این حمل وارث دیگری وجود داشته باشد، آیا وارث به تنهایی ولی دم خواهد بود؟

جواب: باید انتظار بکشند، چنانچه حمل زنده متولد شد در صورت انحصار فقط او ولی دم است. در غیر این صورت شریک در این امر خواهد شد.

استیفای قصاص

سؤال ۱۰۹۰- آیا اذن حاکم در قصاص شرط است، یا ولی دم می‌تواند بدون اذن حاکم مبادرت به استیفای قصاص نماید؟

جواب: اذن حاکم شرط است.

سؤال ۱۰۹۱- در صورت شرط بودن اذن حاکم در استیفای قصاص لطفاً بفرمایید:

آیا مبادرت به استیفای قصاص بدون اذن حاکم تعزیر دارد، یا فقط معصیت است؟

جواب: هم معصیت کرده، و هم تعزیر دارد.

سؤال ۱۰۹۲- استیفای قصاص توسط شخص ثالث و با اجازه ولی دم، اما بدون اذن حاکم، چه حکمی دارد؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۰۹۳- در صورتی که حاکم اذن در قصاص ندهد، تکلیف جانی (قاتل) چیست؟

جواب: حاکم نمی‌تواند اذن قصاص ندهد؛ مگر این که مفاسد مهم اجتماعی بر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۷

آن مترتب شود، در این صورت باید از قصاص خودداری کرد.

سؤال ۱۰۹۴- چنانچه شخص ثالث، مستحق قصاص را بدون اذن حاکم و همچنین بدون اذن ولی دم به قتل برساند. سپس، ولی دم

اول، اعلام رضایت کند، حکم چیست؟

جواب: مسأله از موارد شبهه، و مشمول قاعده درء است.

سؤال ۱۰۹۵- چنانچه شخصی مرتکب یک فقره قتل عمد، و دو فقره ایراد ضرب و جرح عمدی گردد، و اولیای دم مقتول خواهان

قصاص باشند، و قاتل مالی برای پرداختن دیه نسبت به دو نفر مجنی علیهما (مورد ضرب و جرح) نداشته باشد، آیا اجرای قصاص

قبل از پرداخت دیه امکان‌پذیر می‌باشد؟ در صورت منفی بودن، پرداخت دیه چگونه میسر می‌باشد؟

جواب: قصاص طبق تقاضای اولیای دم انجام می‌گیرد، و شخص جانی اگر مالی داشته باشد، دیه را از اموال او می‌پردازند، در غیر

این صورت به ذمّه میت می‌ماند. و اگر جنایت بر اعضا عمدی و قابل قصاص باشد، نخست آنها قصاص می‌کنند، بعد قصاص قتل

انجام می‌شود.

سؤال ۱۰۹۶- در شرایط کنونی وضعیت دادگاه‌ها و محاکم کشور به گونه‌ای است که مجرمین، حتی قاتلین، تا بیست سال هم

محاکمه نمی‌گردند! و با این همه فساد که در میان قضات وجود دارد، قصاص قاتل یک امر مشکل، و حتی غیر ممکن می‌باشد، و

در برخی مناطق دیگر که تقریباً خود مختار هستند مجازات قاتل به صورت اعدام نیست، بلکه حد اکثر چهار ده سال زندان

می‌باشد. اگر در چنین شرایطی اولیای دم اقدام به انتقام کنند، و قاتل را بکشند چه حکمی دارد؟

جواب: قصاص بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

سؤال ۱۰۹۷- آیا برای اجرای اعدام، در مواردی که شارع مقدّس نحوه آن را مشخص ننموده، واجب است حکومت نوعی را

انتخاب کند که حدّ اقلّ درد را برای محکوم به اعدام در برداشته باشد؟

جواب: انواع معمولی جایز است؛ و حکومت می‌تواند از طرق سهل‌تر استفاده کند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۸

سؤال ۱۰۹۸- آیا اجرای قصاص مقتید به زمان خاصی، مانند اول طلوع آفتاب است؟

جواب: قصاص مقتید به زمان خاصی نیست.

سؤال ۱۰۹۹- در مواردی که باید با شمشیر قصاص نمود، آیا قصاص با وسیله دیگر جایز است؟

جواب: آری با آلت قتاله معمول زمان، که مستلزم شکنجه خاصی نباشد، می‌توان قصاص کرد.

سؤال ۱۱۰۰- آیا می‌توان قصاص اعضا را به طریقی که مجرم درد را تحمل نکند انجام داد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۱۰۱- آیا می‌توان در موارد قطع اعضا، با برق و اشعه‌های پیشرفته عمل نمود، یا حتماً باید با ابزار منصوص در روایات باشد؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.

تأخیر قصاص

سؤال ۱۱۰۲- درباره لزوم تأخیر اجرای حد یا قصاص زن شیر ده، بفرمایید:

۱- آیا این حکم، مادر رضاعی را نیز شامل می‌شود؟

جواب: چنانچه قصاص از مادر رضاعی، حیات فرزند را به خطر بیندازد، یا سبب ضرر قابل ملاحظه‌ای شود، همان حکم جاری است.

۲- در فرض شمول، بین امکان و عدم امکان جایگزینی دایه‌ای دیگر، یا شیر خشک، یا شیر حیوان، تفاوتی وجود دارد؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۳- در صورت امکان جایگزینی، یافتن دایه و وظیفه حاکم شرع است، یا ولی طفل؟

جواب: حاکم شرع در این مسأله مسئولیتی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۱۹

تبدیل قصاص به دیه

سؤال ۱۱۰۳- اگر ولی دم در قتل عمد مطالبه دیه کند، و قاتل حاضر به پرداخت آن نشود، آیا می‌توان او را به پرداخت دیه محکوم نمود؟

جواب: دیه در قتل عمد تنها با توافق طرفین قابل وصول است، و نمی‌توان قاتل را اجبار کرد.

سؤال ۱۱۰۴- اگر قاتل عمد قبل از اجرای قصاص خودکشی کند، آیا دیه ساقط می‌شود؟

جواب: دیه از اموال او برداشته می‌شود.

سؤال ۱۱۰۵- هرگاه قاتل فرار کند و تا هنگام مُردن به او دسترسی نباشد، در این صورت تکلیف دیه چیست؟

جواب: می‌توان دیه را از اموال او برداشت.

سؤال ۱۱۰۶- شخصی زن برادر خود را کشته، و از سوی قوه قضائیه محکوم به قصاص شده است. مدتی از این حکم گذشته، و قاتل در زندان می‌باشد. دادگاه به پدر مقتول اطلاع داده که فاضل دیه را پرداخت کنید، تا حکم قصاص اجرا گردد.

ولی چون پدر مقتوله شخص بی‌بضاعت و فقیر و عائله‌مندی است، قادر به پرداخت فاضل دیه نمی‌باشد. لذا از افراد خیر و اقارب و عشیره کمک مالی می‌طلبد. آیا از نظر شرع مطهر، آنها می‌توانند به عنوان تبرّع و بلا عوض، یا به عنوان وجوهات شرعیّه به ایشان کمک کنند، تا او بتواند قاتل دختر خود را قصاص کند؟

جواب: هرگاه حاکم شرع تشخیص دهد که یک مصلحت مهم اجتماعی بر این مسأله مترتب می‌شود، می‌تواند این کار را انجام دهد. ولی قصاص‌هایی که برای اهداف شخصی صورت می‌گیرد، مشمول این حکم نیست. و چه بهتر که از قصاص صرف نظر شود، و به سراغ دیه بروند.

سؤال ۱۱۰۷- چنان چه اولیای دم علی‌رغم اصرار بر قصاص، قدرت پرداخت فاضل دیه را نداشته باشند، و از طرفی به طور عادی نیز امیدی به تمکّن آنان در آینده نباشد، بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۰

۱- آیا در این گونه موارد قصاص به طور قهری تبدیل به دیه می‌شود؟

جواب: در صورتی که امیدی به پرداخت فاضل دیه در آینده نزدیک نباشد، حکم قصاص تبدیل به دیه می‌شود.

۲- چنانچه پاسخ منفی است، در شرایطی که عدم قصاص، یا تأخیر آن، به مصلحت نباشد، و چه بسا عوارض سیاسی و اجتماعی شدیدی در بر داشته باشد، آیا می‌توان با پرداخت فاضل دیه از بیت المال قصاص را اجرا نمود؟

جواب: در صورتی که عدم اجرای قصاص واقعاً مشکل آفرین بوده باشد، پرداختن فاضل دیه از بیت المال بی‌مانع است.

۳- در فرض مسأله، آیا می‌توان بدون ردّ فاضل دیه، قصاص را اجرا نمود، و فاضل دیه به عنوان دین بر ذمه ولی دم باقی بماند؟
جواب: جایز نیست.

۴- اگر (آن گونه که برخی از فقها می‌فرمایند) در این گونه موارد، وظیفه صبر کردن تا زمان توانایی ولی دم باشد، در مواردی که ممکن است انتظار قصاص سالها به طول بکشد، و این امر برای قاتل و خانواده وی موجب عسر و حرج گردد، تکلیف چیست؟
جواب: در صورت احتمال یسار در آینده دور، تبدیل به دیه می‌شود.

قصاص اعضا

سؤال ۱۱۰۸- فردی که دستش قطع شده، دست فرد دیگری را به خود پیوند می‌زند، آنگاه این دست توسط دیگری قطع می‌شود، بفرمایید:

الف) چه مسئولیتی متوجه جانی است؟

ب) آیا بین صورتی که دست پیوند زده شده به طور کامل ترمیم یافته، و صورتی که به طور ناقص بهبود یافته، تفاوتی وجود دارد؟
جواب: در صورتی که آن دست به طور کامل ترمیم یافته، حکم دست اصلی را دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۱

سؤال ۱۱۰۹- در صورتی که شخص محکوم به قصاص، عضو مماثل نداشته باشد، بفرمایید:

۱- با توجه به این که عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می‌شود، آیا (مثلاً) چشم کسی که به حسب ظاهر سالم است، ولی بینایی ندارد، عضو ناسالم محسوب می‌شود، یا چنین فردی فاقد عضو به حساب می‌آید؟
جواب: آری، چشم سالم در مقابل چشم ناسالم قصاص نمی‌شود.

۲- اگر جانی فاقد بینایی چشم راست باشد، و چشم راست کسی را کور کرده باشد، آیا چشم چپ او به عنوان قصاص کور می‌شود؟

جواب: آری، چشم چپ او را قصاص می‌کنند.

۳- اگر سلب بینایی به کندن حدقه باشد، و حدقه چشمش سالم، ولی بینایی نداشته باشد، هنگام قصاص تکلیف چیست؟

جواب: چنانچه حدقه جانی بینایی نداشته باشد قصاص نمی‌شود؛ بلکه باید دیه بدهد.

سؤال ۱۱۱۰- با عنایت به این که اگر شخصی دست راست دیگری را قطع نماید، به هنگام قصاص چنانچه جانی فاقد دست راست باشد دست چپ او، و در صورت فقدان دست چپ، پای او قطع می‌گردد، بفرمایید: آیا این حکم در مورد پا و دیگر اعضای زوج بدن نیز قابل اجرا است؟ مثلاً اگر جانی پای راست ندارد، و پای راست دیگری را قطع کرده، آیا اینجا نیز ابتدا پای چپ وی و در صورت فقدان آن، دست او قطع می‌گردد؟

جواب: در صورت فقدان پای راست، می‌توان پای چپ را قصاص کرد، و همچنین بالعکس؛ اما دست راست را به جای پا نمی‌توان

قصاص کرد. در مورد سایر اعضای زوج نیز همین حکم جاری است، یعنی راست را به جای چپ و چپ را به جای راست (در فرض فقدان مساوی) می‌توان قصاص کرد.

عفو از قصاص

سؤال ۱۱۱۱- آیا مجازات معاونت در قتل عمد، همچون قتل عمد، حقّ الناس و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۲

قابل گذشت است؟ یا حقّ الله است، و عفو آن منحصراً در اختیار ولیّ امر می‌باشد؟

جواب: آری، حقّ الناس است، و در اختیار ولیّ دم می‌باشد.

سؤال ۱۱۱۲- در صورتی که مجنیّ علیه از زنده ماندن خود مأیوس شده باشد، آیا می‌تواند در مورد تبدیل قصاص نفس به دیه، یا مصالحه، یا عفو جانی، وصیّت نماید؟

جواب: او می‌تواند در حال حیات خود جانی را عفو کند، و نسبت به یک ثلث دیه نیز وصیّت نماید. اما نسبت به وصایای دیگر او، احتیاط آن است که ورثه (اگر صغیر در میان آنها نباشد) به آن عمل کنند.

سؤال ۱۱۱۳- لطفاً در مورد مجازات ممسک و ناظر در قتل عمد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) آیا مجازات حبس ابد برای ممسک، و کور کردن برای ناظر صحت دارد؟

ب) در فرض ثبوت، آیا تبانی و سبق تصمیم ممسک و ناظر با مباشر قتل لازم است، یا صرف وحدت قصد، و لو این که به طور اتّفاقی حاصل شود، (چنان که در منازعات دسته جمعی معمولاً اتّفاق می‌افتد) کافی است؟

ج) بر فرض ثبوت مجازاتهای مذکور، آیا این مجازاتها از حقوق الله است، یا از حقوق الناس که با عفو اولیای دم ساقط شود؟

د) بر فرض که از حقوق الناس باشد، آیا عفو قاتل به تنهایی برای عفو ممسک و ناظر کافی است، یا نیاز به عفو مستقلّی دارند؟

ه) حکم اختلاف اولیای دم در عفو ممسک و ناظر چیست؟

جواب: همانگونه که در استفتاءات جدید، جلد اول، پاسخ سؤال ۱۲۶۳ نوشته‌ایم، جواب سؤال شما چنین است: «چنانچه اولیای دم از ممسک و مکره صرف نظر کنند، اجرای احکام مربوط به آنها دلیلی ندارد، و شبیه حکم قصاص است. و حکم مکره و ممسک هر دو حبس است، و کور کردن فقط حکم رأیی (بیننده یا دیده بان) می‌باشد، و آن در صورت خاصّی است.» و تبانی شرط نیست. این مجازاتها همانطور که در بالا گفته شد، جنبه حقّ الناس دارد که با عفو از میان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۳

می‌رود، و هر کدام احتیاج به عفو مستقلّ دارند، مگر این که عبارت عفو شامل همه شود، و در صورت گذشت بعضی از اولیای دم، حبس ساقط می‌شود.

سؤال ۱۱۱۴- در کتب فقهی می‌خوانیم: «اگر کسی دیگری را بگیرد، و فرد دومی او را به قتل برساند، در حالی که سومی آنها را دیده بانی کرده تا جنایت را انجام دهند، قاتل محکوم به قصاص، نگهدارنده محکوم به حبس ابد، و چشمان دیده بان با میل سرخ شده یا نظیر آن، کور می‌گردد.» لطفاً بفرمایید:

الف) مجازاتی که برای «نگهدارنده» و «دیده بان» بیان گردیده، چه نوع مجازاتی است؟ حدّ یا تعزیر؟

جواب: این مجازات نه حدّ است و نه تعزیر، بلکه از فروع قصاص است، و به همین دلیل قابل گذشت می‌باشد.

ب) آیا می‌توان چند سال حبس یا تبعید را جایگزین مجازاتهای فوق الذکر (حبس ابد و کور کردن) نمود؟ (همانطور که در قانون مجازات اسلامی برای چنین جرایمی، تحت عنوان کلی «معاونت در قتل» مجازات ۳ تا ۱۵ سال حبس در نظر گرفته شده است).

جواب: در مواردی جایز است.

ج) آیا اولیای دم می‌توانند «نگهدارنده» و «دیده بان» را عفو نمایند، تا مجازات آنها ساقط شود؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۱۱۵- لطفاً دربارهٔ محکوم به قصاص که به درخواست اولیای دم حلق آویز شده و هنوز جان نسپرده، به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- اگر در این مرحله برخی از اولیای دم قاتل را عفو کنند، آیا باید اجرای حکم را متوقف کرد، یا متوقف کردن آن نیازمند به رضایت همه آنهاست؟

جواب: در صورتی که هنوز زنده است عفو مانع از حکم اعدام می‌شود. مگر این که بقیهٔ اولیای دم فاضل دیه را به اولیای قاتل بپردازند.

۲- در صورت توقف اجرای حکم و بهبود قاتل، اگر اولیا خواهان قصاص، سهم

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۴

الدیه عفو کنندگان را بپردازند، آیا می‌توان مجدداً وی را اعدام نمود؟

جواب: می‌توانند قصاص کنند؛ ولی با توجه به این که صدمات و جراحاتی که بر مجرم وارد شده تکرار می‌شود، و جنبهٔ عمد پیدا می‌کند، و احتمال قصاص وجود دارد، احتیاط آن است که با هم مصالحه کنند.

کفاره قتل عمد

سؤال ۱۱۱۶- کسی که در ماههای حرام مرتکب قتل عمد شده، علاوه بر پرداخت دیه باید کفاره جمع هم انجام دهد. آیا لازم است روزه‌های واجب کفاره در ماه حرام انجام شود، یا می‌توان در ماههای دیگر هم انجام داد؟

جواب: لازم نیست در ماه حرام انجام داد.

سؤالات متفرقه قصاص

سؤال ۱۱۱۷- فردی عمداً چشم کسی را از بین برده، و طبق شهادت شهود و تحقیق از طرفین، موضوع پرونده از موارد قصاص تشخیص داده شده است. ولی جانی قبل از صدور حکم تقاضای تبدیل قصاص به دیه را نموده، و مجنی علیه نیز موافقت کرده، و حکم به دیه صادر شده، ولی بعد از قطعی شدن حکم دادگاه بدوی و تجدید نظر، محکوم علیه مدعی اعسار شده است. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا تقاضای اعسار با توجه به این که قصاص با درخواست مصدوم به دیه تبدیل شده، قابل رسیدگی است؟

۲- اگر موافقت مجنی علیه مشروط به پرداخت دیه بوده، چه حکمی دارد؟

۳- اگر بدون شرط قبول کرده چگونه است؟

۴- اگر تقاضای تبدیل به دیه از طرف مجنی علیه بوده و جانی موافقت کرده باشد چه حکمی دارد؟

جواب ۱ تا ۴: در صورتی که شرایط شخص جانی تغییر نکرده، ادعای اعسار از او پذیرفته نیست؛ ولی اگر شرایط عوض شده، مثلاً در این اثنا ضرر و زیان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۵

مهمی به او رسیده، این ادعا با شهادت شهود از او پذیرفته می‌شود.

سؤال ۱۱۱۸- آیا محکومین به اعدام یا قطع عضو می‌توانند (قبل از اجرای حکم) اعضای بدن خود را به فروش رسانده، یا اهدا کنند؟

جواب: در صورتی که منافع عقلایی برای پیوند بر آن مترتب باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱۱۹- هرگاه مجرم محکوم به قصاص اعدام شود، آیا ولی دم می‌تواند مثلاً کلیه یا سایر جوارح او را مجاناً به دست آورد، چون او صاحب حق در مقابل متهم می‌باشد؟

جواب: ولی دم حقی در آن ندارد.

سؤال ۱۱۲۰- در صورت علم اجمالی به وجود قاتل در بین افراد محدود و معین، بفرمایید:

۱- آیا قاضی می‌تواند برای تعیین قاتل و اجرای قصاص از قرعه استفاده کند؟

جواب: قرعه در ابواب قصاص و حدود جاری نمی‌شود.

۲- در صورت منفی بودن پاسخ و لزوم پرداخت دیه، چه کسی باید دیه را پردازد؟ نحوه پرداخت آن چگونه خواهد بود؟

جواب: دیه در میان همه آنها به طور مساوی تقسیم می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۷

فصل چهل و هفتم: احکام دیات

موجبات ضمان

سؤال ۱۱۲۱- آیا مرتکبین جرایم زیر، با توجه به عدم حصول نتیجه مجرمانه مورد نظر، قابل مجازات هستند؟

۱- شخصی به قصد قتل دیگری، به سمت وی تیراندازی نموده، امّا به علت عدم مهارت در تیراندازی، گلوله به فرد مورد نظر اصابت نمی‌کند.

۲- فردی به قصد قتل دیگری، شبانه به محلّ اقامت وی رفته، و او را که ظاهراً خوابیده بوده با گلوله هدف قرار می‌دهد. حال آن که مجنیّ علیه قبل از شلیک وی، بر اثر سکنه قلبی فوت نموده است.

۳- شخصی به قصد سرقت کیف پول دیگری، دست در جیب وی می‌کند. امّا اتفاقاً جیب او خالی بوده است.

۴- شخصی به قصد قتل دیگری، گلوله‌ای به سمت او شلیک می‌نماید. امّا گلوله به محلی غیر حسّاس برخورد نموده، و مجنیّ علیه پس از مداوا، کاملاً بهبود می‌یابد.

قابل ذکر است که مورد اول مصداق «جرم عقیم» است، که فاعل عملیات مجرمانه را از آغاز تا پایان انجام داده، امّا اقدامات مجرمانه وی به علت وجود عاملی خارج از اراده و خواست او بی نتیجه مانده، و مورد دوم و سوم مصادیق «جرم محالند» که علی‌رغم طی مسیر مجرمانه از آغاز تا پایان، حصول نتیجه در آن به طور موقت (مورد ۳) یا دائم (مورد ۲) غیر ممکن است، و مورد چهارم مصداق جرم ناقص است، که موفقیت مجرم در حصول نتیجه کامل نبوده، و نتیجه خفیف‌تر از مطلوب مجرم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۸

آیا مجنیّ علیه در موقعیت‌هایی نظیر موارد ۱ و ۳ و ۴ می‌تواند خسارات زیر را از مجرم مطالبه نماید:

الف) خسارات معنوی از بابت اضطراب و تأثر ایجاد شده.

ب) خسارات مادی، مانند هزینه بیمارستان در صورت بستری شدن مجنیّ علیه به علت آسیب‌های جسمی ناشی از شدت هیجان وارده، یا مثلاً جراحات ناشی از جرم ناقص.

ج) خسارات معنوی، از بابت ایجاد نقص یا عیب دائمی در مجنی علیه به علت شدت هیجان وارده (مثل لرزش دائمی دست).
 جواب: در مواردی که جرم حاصل نشده، و اثر اضطراب موقتی بوده، حاکم شرع می‌تواند، مجرم را به خاطر انجام افعال مزبور تعزیر کند. و در مواردی که آثار اضطراب به صورت لرزش و مانند آن باقی مانده، در بعضی از موارد دیه، و در بعضی موارد ارزش دارد. و در مواردی که جنایت به صورت ناقص وارد شده، دیه خاص خود را دارد. و اگر هزینه ضروری درمان بیش از دیه باشد، مجنی علیه می‌تواند مازاد را از جانی بگیرد.

سؤال ۱۱۲۲- نظر مبارک در خصوص مبنای فقهی بند سوم ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی مبنی بر این که: «حوادث ناشی از عملیات ورزشی، مشروط بر این که سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد، و این مقررات هم با موازین شرعی مخالفت نداشته باشد جرم محسوب نمی‌شود.» که به عنوان یکی از عوامل موجهه جرم شناخته شده است (یعنی تحت آن شرایط یک فعل از حالت جرم بودن خارج می‌شود)، چه می‌باشد؟ مثلاً در ورزش فوتبال یک بازیکن به توپ ضربه‌ای می‌زند، که به صورت بازیکن دیگر اصابت کرده، و منتهی به جراحت یا شکستگی می‌گردد؛ ولی قوانین و موازین آن ورزش رعایت شده، و در نتیجه طبق قانون مذکور جرم نمی‌باشد. نظر حضرتعالی چیست؟

جواب: دلیل مسأله این است که هنگامی که افراد وارد بازی می‌شوند عملاً از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۲۹

یکدیگر نسبت به حوادثی که در طبیعت بازی احیاناً نهفته است، و حتی اگر طبق مقررات هم عمل کنند باز هم این حوادث پیش می‌آید، برائت ضمنی می‌جویند، شبیه برائتی که طیب لفظاً یا عملاً از مریض می‌گیرد، و این کار سبب برائت ذمه او می‌شود.
 سؤال ۱۱۲۳- لطفاً در مورد میزان ضمان اسباب به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- هرگاه چند سبب در فاصله زمانی متفاوت باعث ورود خسارت مالی یا معنوی به فردی شود، از دیدگاه فقهی چه راه حلی در کشف مسئول اصلی و جبران خسارت وجود دارد؟

۲- هرگاه چند سبب در فاصله زمانی هماهنگ باعث ورود خسارت مالی یا معنوی به فردی شوند، کدام یک مسئول است؟ و مسئولیت به چه نحو بین آنها تقسیم می‌شود؟

جواب ۱ و ۲: هر کدام از اسباب به مقدار تأثیری که در پدید آمدن آن حادثه داشته ضامن هستند. و در صورتی که میزان تأثیر هر یک مشخص نباشد، نخست به کارشناسان مورد اطمینان مراجعه می‌شود. اگر مشخص نشد، خسارت در بین همه آنها به طور مساوی تقسیم می‌گردد.

سؤال ۱۱۲۴- شخصی مبتلا به ایدز و مانند آن، دیگری را به گونه‌ای به آن آلوده کرده که نوعاً پس از مدتی سبب صدمات و مرگ وی خواهد شد. چنانچه ناقل زودتر از مجنی علیه فوت کند، دیه مجنی علیه و یا خسارات وارده بر او، پس از مرگ جانی، در هر کدام از فروض عمد، شبه عمد، و خطای محض، بر عهده چه کسی است؟

جواب: هرگاه ناقل سبب مرگ باشد، از اموال او بر می‌دارند.

سؤال ۱۱۲۵- اگر فردی به هنگام خواب، به اموال دیگری خسارت وارد کند حکم آن چیست؟

جواب: در هر صورت ضامن است.

سؤال ۱۱۲۶- آیا شخص زیان دیده، در صورت آگاهی و توانایی، مکلف است از ادامه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۰

خسارت جلوگیری نماید؟ در صورتی که جواب مثبت باشد و این کار را نکند، آیا زیان زنده ملزم به جبران خسارتی که زیان دیده، می‌توانسته از آن جلوگیری کند می‌باشد؟

جواب: در صورتی که شخص خسارت دیده بتواند جلو پیشرفت خسارت را بگیرد، و عمداً این کار را نکند، پیشرفت خسارت مستند به خود اوست، و آن شخص که ایجاد خسارت کرده در مقابل پیشرفت ضامن نیست. این مسأله را فقهای ما در کتاب قصاص، در مورد کسی که دیگری را در دریا یا رودخانه می‌اندازد، و طرف می‌تواند خود را نجات بدهد، ولی اقدام نمی‌کند عنوان کرده، و گفته‌اند: «شخص اول ضامن نیست.» و چون این حکم را بر اساس قواعد بیان کرده‌اند، در موارد دیگر از جمله اموال تسزّی داده می‌شود.

سؤال ۱۱۲۷- اگر کسی جهت زمینه‌سازی ارتکاب جرم، با خوراندن مسکرات، یا آنچه که موجب زوال عقل می‌شود، سبب بروز جنایتی شود، آیا ضامن است؟ اگر در این خصوص خودش تلف شود، آیا خودش هدر است؟
جواب: در صورتی که این کار را به منظور تحقق جنایتی کرده، یا می‌دانسته که این عمل غالباً سبب بروز جنایت می‌شود، هر چند نیت آن را نداشته، ضامن است. و در مورد خودش، خودش هدر می‌باشد.

سؤال ۱۱۲۸- اگر آموزگاری در تصحیح اوراق امتحانی، یا مسئولین مدرسه در انتقال نمرات سهل انگاری نمایند، و بر اثر این سهل انگاری دانش‌آموزی مردود گردد، آیا آموزگار یا مسئول مربوطه نسبت به خسارات مادی و معنوی دانش‌آموز در طول یک سال عقب افتادگی ضمانتی دارند؟
جواب: ضامن هستند.

سؤال ۱۱۲۹- طبق مقررات دولتی، پزشک و بیمارستان مکلف به پذیرش و درمان مصدوم می‌باشند. چنانچه پزشکی قبل از اتمام درمان مصدوم، وی را (با وجود آن که می‌دانسته نیاز به مراقبت‌های ویژه دارد) از بیمارستان مرخص کند، و مصدوم طبق نظر پزشکی قانونی در اثر بالا رفتن قند خون، و خون‌ریزی داخلی، چند روز استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۱
پس از ترخیص فوت کند، آیا پزشک یا بیمارستان در فرض سؤال ضامن پرداخت دیه هستند؟
جواب: کار بسیار بدی کرده‌اند، ولی دیه‌ای بر آنها نیست.

سؤال ۱۱۳۰- ممکن است با فن‌آوری بدل‌سازی (شبه‌سازی) چند نفر نسخه بدل یک اصل باشند. در صورتی که جرمی واقع شود، و از طریق اثر انگشت، یا دیگر آثار جسمی، یا علم قاضی، اثبات شود یکی از این افراد (اصل و فروع) مرتکب جرم شده‌اند، کدام نسخه محاکمه و مجازات خواهد شد؟
جواب: دیه در میان آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۳۱- آیا می‌توان مسئولیت را به تناسب درجه تقصیر تعیین نمود؟ مثلاً در حادثه ناشی از کار، دست کارگری قطع می‌شود. طبق نظر کارشناس (بازرس کار) کارگر ۳۰٪ درصد و کارفرما ۷۰٪ مقصّر شناخته می‌شوند. آیا در این صورت می‌توان دیه، یا خسارت را به تناسب تقصیر هر یک از آنها، تعیین نمود؟ یعنی کارفرما را به پرداخت ۷۰٪ دیه محکوم نمود، و کارگر ۳۰٪ دیه را عهده‌دار شود؟

جواب: آری هر کدام به تناسب مسئولند. مگر این که قرارداد خاصی در میان کارگر و کارفرما باشد.

سؤال ۱۱۳۲- آیا درجه تأثیر باید در تعیین مسئولیت ملاک عمل قرار گیرد، یا درجه تقصیر؟ مثلاً در یک پروژه گازرسانی، حفر کانال و خاک‌برداری بر عهده کارفرما، و نصب لوله گاز و راه‌اندازی بر عهده پیمانکار می‌باشد. پیمانکار پس از حفر کانال و خاک‌برداری، لوله فلزی (مثلاً ۸ متری) را بر روی خاکهایی که بیرون کانال انباشته قرار می‌دهد، ولی بالشتک و حفاظ مناسبی زیر لوله قرار نمی‌دهد. کارگری جهت تکمیل حفر کانال، داخل کانال شده، و لوله مذکور به داخل کانال سقوط، و با اصابت به سر کارگر موجب مرگ وی می‌شود. کارشناس، کارفرما را به لحاظ عدم رعایت ایمنی از جمله فراهم نکردن دستکش و کفش و

کلاه ایمنی (خصوصاً کلاه) ۶۰٪ درصد، و پیمانکار را به خاطر قرار ندادن حفاظ و بالشتک ۴۰٪ مقصر می‌داند. با توجه به این که در فرض مثال یقیناً تأثیر کار پیمانکار (عدم نصب حفاظ و نتیجتاً

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۲

سقوط لوله) بیش از درجه تأثیر کار کارفرما بوده، سؤال این است: آیا باید درجه تأثیر را ملاک در تعیین دیه و خسارت قرارداد، یا درجه تقصیر را؟

جواب: معیار تأثیر و استناد عرفی است.

سؤال ۱۱۳۳- در اجتماع سبب و مباشر، در صورتی که هر دو به طور مساوی مقصّر باشند، آیا می‌توان هر دو را مسئول و محکوم نمود؟ یا با وجود مباشر، نمی‌توان سبب را مسئول دانست و سبب صرفاً در جایی مسئول است که اقوی از مباشر باشد؟

جواب: معیار در مسأله سبب و مباشر اقوایت است. اگر سبب اقوی باشد استناد به او داده می‌شود، و اگر مباشر اقوی باشد استناد به او داده می‌شود، و اگر مساوی باشند هر دو ضامن هستند.

سؤال ۱۱۳۴- در حادثه‌ای سبب ۷۰٪ و مباشر ۳۰٪ مقصّر شناخته شده است. آیا سبب را با توجه به ۷۰٪ تقصیر، می‌توان اقوی از مباشر دانست؟

جواب: معیار اقوایت مسأله تأثیر است، و منظور در اقوایت عقل و اختیار است، اگر سبب عاقل و مختار و رشید، و مباشر غافل یا مجبور باشد، در اینجا سبب اقوی است، و حادثه به او نسبت داده می‌شود.

سؤال ۱۱۳۵- به نظر برخی از فقهای عظام چنانچه فرد تحت تعلیم رانندگی دقیقاً دستورات و فرامین معلّم خویش را اجرا نموده، و معلّم نیز از امکانات ترمز و کلاچ جهت هدایت اتومبیل بهره‌مند باشد، و در حین رانندگی حادثه‌ای رخ دهد، معلّم ضامن بوده، و فرد تحت تعلیم هیچ گونه مسئولیتی نخواهد داشت. خواهشمند است بفرمایید:

الف) نظر مبارک حضرت تعالی در این مورد چیست؟

جواب: در فرض سؤال با توجه به این که سبب اقوی از مباشر است، ضامن متوجه سبب یعنی معلّم می‌شود؛ نه مباشر.

ب) چنانچه در این حادثه معلّم و متعلّم هر دو فوت کنند، و مقصّر فرد تحت تعلیم باشد (البته دستورات معلّم را اجرا کرده است). حکم دیه آنها چگونه خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۳

جواب: در صورتی که متعلّم تمام دستورات را اجرا کرده باشد، مقصّر در واقع سبب یعنی معلّم است؛ نه مباشر.

ج) چنانچه در حادثه فوق- فرض ب- یکی از آنها (مرّبی، یا فرد تحت تعلیم) فوت نماید، و دیگری زنده بماند، حکم مسأله چیست؟

جواب: در صورتی که احراز شود کدامیک مقصّر بوده، او ضامن است. یعنی چنانچه مباشر دستورات را انجام نداده، مباشر ضامن است، و اگر معلّم کوتاهی کرده، او ضامن است، و اگر معلوم نشود کدام مقصّر بوده‌اند، دیه در میان آنها تنصیف می‌شود.

د) آیا می‌توان حکم مرّبی رانندگی را در مسأله فوق با مرّبی شنا یکی دانست؟

چرا که برخی از فقها معتقدند: «مرّبی شنا فقط در صورتی ضامن است که فرد تحت تعلیم صغیر بوده باشد. ولی در صورتی که متعلّم کبیر باشد، و مرّبی شنا نیز حاضر بوده، و متعلّم غرق شود، مرّبی ضامن نیست.» علت این فرق چیست؟

آیا وجود و عدم وجود قرارداد ضمانت برای مرّبی رانندگی یا شنا، تأثیری در حکم دارد؟

جواب: در شنا ظاهراً صور مختلفی است؛ اگر شناگر تحت تعلیم صغیر باشد مرّبی ضامن است، زیرا سبب اقوی است. و اگر کبیر باشد صور مختلفی دارد؛ در بعضی مرّبی ضامن است، و در بعضی خود شناگر.

سؤال ۱۱۳۶- معاون جرم تا چه مقدار در جبران خسارت ناشی از جرم سهیم است؟

جواب: در صورتی که جرم استناد به هر دو داشته باشد، به همان نسبت که استناد دارد، ضامن است.

سؤال ۱۱۳۷- شخصی در زمین خود چاه آب حفر کرده، و در عمق ۱۵ متری با سنگی مواجه گردیده است. بدین جهت با مواد منفجره، سنگ را منفجر می‌سازد.

بعد از انفجار، عابری به آن چاه رسیده، و جهت اطلاع از وضعیت آن سنگ، داخل چاه شده، و بر اثر تراکم گاز مواد منفجره فوت می‌کند. ضمناً صاحب چاه مانع از داخل شدن شخص متوفی نشده، و بنا بر شهادت شاهدان، از لحظه‌ای که شخص استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۴

متوفی داخل چاه می‌شود، هر چه کارگران اصرار می‌کنند که به اهالی اطلاع دهند، صاحب چاه مانع می‌شود. بعد از گذشت یک ساعت و نیم، اهالی قریه مطلع شده، و متوفی را از چاه خارج می‌کنند. آیا صاحب چاه، که متوفی را از خطر تراکم گاز در چاه مطلع نکرده، و نیز مردم قریه را خبر نکرده که فلان کس در چاه افتاده، مقصر و ضامن دیه می‌باشد؟

جواب: در صورتی که شخص عابر با میل خود وارد چاه شده، کسی مسئول دیه او نیست. و اگر صاحب چاه می‌توانسته در نجات او بکوشد و کوتاهی کرده مستحق تعزیر است؛ اما دیه بر او نیست. و اگر صاحب چاه از او دعوت کرده که در آن چاه وارد شود، و او از خطرات بی‌خبر، و صاحب چاه با خبر بوده و به او اطلاع نداده، مسئول است.

سؤال ۱۱۳۸- زید اتومبیل خود را در اختیار فرزندش عمرو گذاشته، و عمرو که با دختری به صورت غیر شرعی دوست بوده، اتومبیل را در اختیار او می‌گذارد. پدر عمرو، که دختر را در خیابان، در حال رانندگی مشاهده کرده، او را با اتومبیل خود تعقیب، و دختر که متوجه تعقیب وی شده بر سرعت خود می‌افزاید. در نهایت کنترل خود را از دست داده، و عابری را به قتل، و عابر دیگری را مصدوم می‌نماید.

کاردان فنی عنوان نموده که مقصر آن دختر است، ولی زید (پدر عمرو) نیز ۳۰٪ در وقوع تصادف مقصر می‌باشد. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا زید هم مقصر است و باید دیه بپردازد؟

جواب: در صورتی که هدف زید به دست آوردن مال خود بوده، تقصیری ندارد، و چیزی از دیه بر او نیست.

۲- نظر به این که آن دختر فاقد گواهینامه بوده، و عمرو اتومبیل را به شخص فاقد گواهینامه داده، و این کار از نظر قانون جرم است، آیا عمرو نیز نسبت به پرداخت دیه مسئولیتی دارد؟

جواب: او از نظر پرداخت دیه مسئول نیست؛ ولی به خاطر عملش مستحق تعزیر است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۵

سؤال ۱۱۳۹- راننده تریلی قبل از حرکت ماشین از نقص موجود در ترمز با خبر می‌شود، و علی‌رغم تذکر شاگرد مسامحه کرده، و برای تعمیر آن اقدام ننموده، و سفر را شروع می‌نماید. ترمز ماشین در یک سراسیمی از کار می‌افتد. راننده برای جلوگیری از سقوط در درّه، ماشین را به کوه می‌زند و زنده می‌ماند؛ ولی شاگرد از ترس تصادم با کوه، خود را بیرون می‌اندازد و زیر چرخ ماشین کشته می‌شود. آیا می‌توان دیه را از راننده گرفت؟

جواب: اگر چه راننده کار بدی کرده، ولی در فرض سؤال مسئول دیه نیست؛ زیرا در اینجا مباشر اقوی است.

سؤال ۱۱۴۰- راننده‌ای با کسی تصادف کرده است، کاردان فنی اعلام نموده که ۸۰٪ او و ۲۰٪ طرف مقابل مقصر است، و آن شخص به ۸۰٪ دیه محکوم می‌شود. حال اگر کاردان فنی اعلام نماید که آن شخص ۸۰٪ مقصر بوده، و ۲۰٪ هم لغزندگی جاده (بر اثر بارندگی) باعث تصادف شده، آیا در این صورت هم آن شخص به ۸۰٪ دیه محکوم می‌شود، یا باید تمام دیه را بپردازد؟

جواب: آن شخص باید تمام دیه را بپردازد.

سؤال ۱۱۴۱- شخصی در حیاط منزل خود چاه فاضلاب حفر می‌کرده، که متأسفانه بر اثر راه پیدا کردن فاضلاب مستراح به چاه جدید الإحداث، دچار خفگی می‌شود.

همسایگان با اطلاع از موضوع در محلّ ازدحام نموده، و رهگذری به قصد نجات آن شخص به داخل چاه می‌رود که او هم دچار خفگی شده، و فوت می‌نماید. بر فرض که شخص اخیر، به تقاضای صاحب چاه، یا به تقاضای شخصی که در درون چاه گرفتار بوده، داخل چاه شده باشد، یا بدون تقاضا و استمداد کسی و صرفاً به قصد احسان و نجات جان مسلمانی اقدام به این عمل نموده و فوت کرده باشد، چه کسی مسئول پرداخت دیه او است؟

جواب: کسی مسئول دیه او نیست؛ مگر این که این کار به پیشنهاد صاحب خانه صورت گرفته باشد، و شخص رهگذر به کلی از جریان چاه بی‌خبر باشد، و صاحب خانه به او اطلاع نداده باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۶

سؤال ۱۱۴۲- زنی در حین زایمان طبیعی، و به هنگام خروج جنین، دچار پارگی مقعد و در نتیجه بی‌اختیاری مدفوع شده است. به علت عدم تشخیص دکتر زایمان، و در نتیجه ترمیم نشدن به موقع، نقص مذکور بخوبی ترمیم نشده، و در حال حاضر ۴۰ تا ۵۰ درصد بی‌اختیاری دارد. آیا دکتر زایمان ضامن است، و بایستی دیه نقص ایجاد شده، را بپردازد؟ یا به علت عدم تشخیص، و اطلاع ندادن به پزشک مسئول شیفت، فقط تعزیر می‌شود؟

جواب: در صورتی که در مسأله زایمان خلافی از عامل (دکتر زایمان) سر نزده، ضامن نیست.

سؤال ۱۱۴۳- در حادثه سقوط اتومبیل، به لحاظ تغییر مسیر ناگهانی آن، راننده و سرنشین هر دو فوت نموده‌اند. با توجه به این که: اولاً: اولیای دم هر کدام، خواهان دیه هستند.

ثانیاً: اظهارات شهود در مورد این که کدام یک از متوفیان رانندگی اتومبیل را بر عهده داشته و کدام یک سرنشین بوده، با هم در تعارض می‌باشد.

ثالثاً: نظریه کاردان فنی تصادفات، کارشناس رسمی دادگستری، و هیأت‌های سه نفره و پنج نفره کارشناسان، در خصوص مورد مذکور مغایر همدیگر است. و در یک جمله قناعت وجدانی دادگاه را فراهم نیاورده است، مسئول پرداخت دیه کیست؟
جواب: دیه از هر دو طرف ساقط می‌شود.

سؤال ۱۱۴۴- شخصی در سنّ شش سالگی با بچه‌ها بازی می‌کرده است. شخص دیگری که ۱۷ ساله بوده، در حال بازی به نفت داغی که داخل ظرفی بوده پا می‌زند، نفت داغ به شخص مزبور ریخته و او آتش می‌گیرد. جانی برای خاموش کردن آتش، او را در داخل حوض آبی که کمی هم لجن داشته می‌اندازد. سپس به بیمارستان منتقل می‌گردد. پدر و مادر مجنی علیه مخارج زیادی را متحمل می‌شوند، که فقط چند درصدی از آن را پدر جانی می‌پردازد. آیا دیه‌ای به جانی یا پدر او تعلق می‌گیرد؟ در فرض تعلق دیه، آیا به قیمت آن روز محاسبه می‌شود، یا به قیمت امروز؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۷

جواب: در صورت ثبوت جنایت دیه به جانی تعلق می‌گیرد، و باید به قیمت امروز بپردازد. و اگر هزینه لازم برای درمان بیش از دیه باشد مقدار اضافی را نیز می‌تواند بگیرد، و معیار درصد از کار افتادگی است.

سؤال ۱۱۴۵- مینی با سرعت غیر مجاز در بلوار در حال حرکت بوده، که در همین حال موتورسیکلتی از فرعی وارد بلوار شده، و باعث وقوع تصادف می‌گردد، و در نتیجه راننده موتورسیکلت فوت می‌کند. کاردان فنی نظر داده که به علت ورود از فرعی به اصلی، عامل تصادف موتورسیکلت بوده، لکن سرعت مینی بوس نیز زیاد، و در تشدید تصادف مؤثر بوده است. آیا تمام دیه را باید راننده مینی بوس بپردازد، یا قسمتی از دیه را، یا هیچ مسئولیتی متوجه وی نیست؟

جواب: چنانچه وقوع قتل مستند به کار هر دو باشد، هر یک از آن دو به مقدار تأثیری که در وقوع قتل دارند، ضامن دیه هستند. بنابراین ملاک ضامن، سببیت در وقوع حادثه است، و هرگاه حادثه به دو نفر یا بیشتر استناد دارد، هر کدام به مقدار تأثیرشان ضامن هستند.

سؤال ۱۱۴۶- کودکی به نام جواد جهت روشن نمودن آتش، کلّیه و سایل از جمله کاغذ، کبریت، و بنزین را فراهم نموده، و بنزین را روی کاغذها ریخته، و مبادرت به کشیدن کبریت نموده، که در اثر وزش باد خاموش می‌شود. جواد به دلیل در دست داشتن ظرف بنزین، از کودک دیگری به نام مصطفی، در خواست می‌کند که کبریت را روشن کند. با زدن کبریت توسط مصطفی و ایجاد اولین جرقه، بنزین‌های از قبل ریخته شده توسط جواد، که در هوا متصاعد بوده آتش گرفته، و به ظرف بنزین که در دست جواد بوده سرایت می‌کند. جواد از ترس، ظرف مشعل را به طرف کودک ثالثی به نام سید حسین که در نزدیکی آتش نشسته بوده پرتاب می‌کند. بنزین به صورت وی ریخته، و باعث سوختگی سید حسین و نهایتاً فوت وی می‌شود. نظر حضرت عالی در مورد دیه طفل مرحوم چیست؟

جواب: در صورتی که تمام آنها نابالغ، یا تمام آنها بالغ باشند، کودکی که ظرف مشتعل را پرتاب کرده، و سبب سوختن دیگری شده، ضامن است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۸

سؤال ۱۱۴۷- فردی مقداری شراب با درصد بیش از حدّ متعارف الکل، به سه نفر فروخته است. یکی از خریداران بعد از مصرف فوت، دیگری نابینا، و سومی فلج شده است. در مورد میزان جرم، و مسئولیت فروشنده این سؤالات مطرح است:

الف) در صورت اطلاع فروشنده از میزان بالای الکل موجود در شراب، آیا جنایت عمدی است؟

ب) در صورت عدم اطلاع از مطلب فوق، تکلیف چه می‌باشد؟

ج) آیا علم و جهل مصرف کننده به بالا بودن میزان الکل تأثیری دارد؟

د) آیا علم مصرف کننده به حرمت شرب خمر و بطلان معامله، تأثیری در حکم دارد؟

جواب الف تا دال: در صورتی که گیرنده شراب، آگاه از بالا بودن درصد الکل و عوارض ناشی از آن بوده کسی مسئول قتل او نیست. و اگر آگاه نبوده، ولی فروشنده آگاه به این مسائل بوده، و می‌دانسته که این امر غالباً منشأ قتل یا نقص اعضا می‌شود، مصداق جنایت عمدی است. و اگر با خبر نبوده، او مسئول نیست.

ولی اگر سازنده آگاه بوده، یا سهل انگاری کرده، او مسئول است. و اگر هیچ کدام آگاه نبوده و سهل انگاری نکرده‌اند، و تصادفاً این مسأله پیش آمده، هیچ کدام مسئول نیستند. دانستن و ندانستن حکم این مسأله، تأثیری ندارد، ولی در مسأله حدّ شراب و مجازات آن مؤثر است، و به یقین این معاملات باطل و حرام است.

سؤال ۱۱۴۸- راننده‌ای به اتفاق شاگردش جهت شستشوی کامیون خود به یک واحد شستشوی وسایل نقلیه (کارواش) که فاقد پروانه کار و نکات ایمنی لازم بوده، (به دلیل عیب فنی دستگاه پمپ آب، و مجهز نبودن به سیم اتصال زمینی و فاقد استاندارد) مراجعه می‌نماید. متصدی آن واحد به دلیل مشغله کاری از پذیرش شستشو خودداری، ولی با اصرار آنها شستشوی کامیون را به خود آنها واگذار می‌کند. در حین انجام کار، کمک راننده دچار برق گرفتگی شده و فوت می‌نماید.

لطفاً بفرمایید:

الف) با توجه به این که واحد فوق فاقد پروانه بوده، و مسائل ایمنی در آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۳۹

رعایت نشده، چه کسی مسئول فوت نامبرده است؟

ب) آیا مباشرت آزادانه متوقّفی مؤثر در موضوع هست؟

جواب: در صورتی که دستگاه او معیوب و خطرناک بوده، و او خبر نداده، مسئول، صاحب مؤسسه است. و اگر این امر بر اثر ناآگاهی کمک راننده حاصل شده، مسئول خود اوست.

سؤال ۱۱۴۹- مسئول برگزاری اردوی دانش آموزی، اسلحه کلاشینکف خود را بدون خشاب و فشنگ در اختیار دیگر اعضا قرار می‌دهد. در همین اثنا که اسلحه دست یکی از اعضا بوده، وی متأسفانه بدون اطلاع مسئول اردو یک فشنگ جنگی که از قبل همراه خود داشته را داخل اسلحه به نحوی جای می‌دهد که اسلحه آماده شلیک می‌گردد. بناگاه ترقه‌ای صوتی در کنار مسئول برگزاری اردو منفجر می‌گردد، ایشان جهت برقراری نظم اسلحه را از دست فرد مزبور گرفته، خشابی را که نزد خود داشته به روی اسلحه سوار کرده، اسلحه را از ضامن خارج نموده، لکن هنوز مسلح نکرده، که اشتباهاً دست وی به روی ماشه رفته و موجب شلیک و اصابت گلوله به یک نوجوان بسیجی می‌گردد. علی‌رغم سعی و تلاش تیم پزشکی، مصدوم فوت می‌نماید. با توجه به توضیحات بالا چه کسی ضامن است؟

جواب: ظاهر این است که هر دو مشترکاً در برابر دیه ضامن هستند، و برای تعیین مقدار مسئولیت هر کدام باید نظر کارشناسان متعهد را بدست آورند. و در صورت شک، احتیاط آن است که این دو نفر با هم مصالحه کنند، و در هر حال این قتل جزء قتل خطا نیست؛ بلکه شبه عمد است.

سؤال ۱۱۵۰- بند دوم چهار انگشت کارگر سنگ‌بری با دستگاهی به نام قلّه‌بر بریده می‌شود. توضیح این که: چون تمیز کردن زنجیر قلّه بر، نیاز به دو نفر دارد. یکی پشت دستگاه دکمه را می‌زند تا زنجیر قلّه بر بالا- و پایین بیاید، و دیگری زنجیر را تمیز و پاک می‌کند. این شخص نیز یکی را به عنوان همکار دعوت می‌کند، و شخص مددجو فقط به عنوان آن که کمک کرده باشد طبق دستور داعی (شخصی که انگشتانش بریده شده) دکمه دستگاه را می‌زند، و آن اتفاق می‌افتد. آیا دیه‌ای تعلق استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۰

می‌گیرد؟ و در صورت تعلق، آیا بر عهده کارفرما است، یا شخص همکار؟

جواب: در صورتی که طبق دستور آن شخص فقط دکمه را زده و کار دیگری انجام نداده، و اشتباه و خطا از ناحیه شخص مصدوم بوده، دیه به کسی تعلق نمی‌گیرد. ولی اگر در هنگام استخدام طبق قانون کار یا قرار داد خصوصی، جبران هر گونه خطا و حادثه‌ای بر عهده کارفرما شرط شده است، باید به این شرط عمل شود.

سؤال ۱۱۵۱- مردی اجنبی به اتفاق زن بیگانه‌ای با موتورسیکلت، در جاده حرکت می‌کردند. از سوی مرد به آن زن پیشنهاد می‌شود که با دوستان وی نیز ارتباط برقرار نماید، زن که فقط به منظور ارتباط با موتور سوار خود را آماده کرده بود، از این موضوع ناراحت شده، با سعی و تلاش راننده را به ایست کامل جهت پیاپی شدن دعوت می‌نماید؛ لکن راننده نپذیرفته، و به مسیر خود ادامه می‌دهد. لذا آن زن خود را از موتور در حال حرکت پایین می‌اندازد، و همین امر باعث مرگ وی می‌گردد. آیا راننده ضامن است؟

جواب: در صورتی که راننده می‌دانسته، یا احتمال قوی می‌داده که اگر توقف نکند زن خود را از موتورسیکلت خواهد انداخت، نیمی از دیه او را باید بپردازد.

سؤال ۱۱۵۲- شخصی در کارگاهی کار می‌کرده، که به خاطر نداشتن کلید اتوماتیک و نواقص دیگر، پنج انگشت و مقداری از کف دست وی قطع می‌شود. دیه او بر عهده چه کسی است؟

جواب: در صورتی که کارگر از نقص دستگاه اطلاع نداشته، و صاحب کار در اطلاع‌رسانی کوتاهی کرده، مسئول صاحب کار است. و اگر اطلاع داشته و اقدام بر این کار کرده، دیه بر عهده خود اوست. مگر این که قانون کار، که بر مبنای آن استخدام

صورت گرفته، وظیفه‌ای برای کارفرما در این گونه موارد قائل شود.

سؤال ۱۱۵۳- پزشکی قانونی در تعیین علت فوت یک خانم باردار چنین نظر داده است: «چون ماما می‌بایست طبق مقررات زائو را به پزشک متخصص معرفی نماید، و این امر صورت نگرفته، ۲۰٪ مقصّر است.» آیا دادگاه مجاز به محکوم نمودن ماما به استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۱

لحاظ عدم راهنمایی زائو به پزشک متخصص به میزان فوق می‌باشد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا ماما باید دیه جنین را نیز به همان نسبت بپردازد؟

جواب: شخص ماما تنها مستحق تعزیر است؛ و ممکن است تعزیر مالی انتخاب شود.

سؤال ۱۱۵۴- آقای «الف» که شغلش جمع‌آوری ضایعات است، مقداری آهن آلات ضایعاتی از بیرون شهر جمع‌آوری کرده، سپس آن را برای فروش به مغازه‌ای، که خریدار این قبیل ضایعات می‌باشد، آورده است. آقای «ب» که کارگر مغازه است، پس از بازدید یک قطعه از اشیای مذکور را که مشکوک و غیر عادی بوده، جدا و به فروشنده تحویل داده، و بقیه آنها را می‌خرد. آقای «الف» پس از خروج از مغازه آن شیء مشکوک را با فاصله‌ای از مغازه به بیابان می‌اندازد. آقای «ج» پسر یازده ساله صاحب مغازه، که فاقد مسئولیت کیفری می‌باشد، قطعه آهن مشکوک را پیدا کرده، داخل پارک مخفی می‌نماید. بعد از مدتی موضوع را با یکی از دوستان هم سن خود، آقای «د» در میان می‌گذارد. با هم به پارک می‌روند، و بنا به تقاضای دوستش آن شیء را در اختیار او قرار می‌دهد. آقای «د» آن را با خود به منزل برده و کنجکاو می‌شود، که در اثر انفجار چهار انگشت دست راستش قطع می‌شود. پدر طفل مذکور «د» به ولایت از طرف فرزندش، بر علیه آقای «ج» و پدرش شکایت، و تقاضای دیه کرده است. مستدعیست بفرمایید:

۱- آیا آقایان «الف» و «ج» از باب سببیت مسئولیتی در بروز این حادثه دارند؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، میزان تقصیر هر یک چقدر می‌باشد؟

۲- اگر آقای «ج» بدون درخواست از سوی آقای «د» آن شیء مشکوک را به او سپرده باشد تا برای او نگهداری کند، سپس انفجار و قطع انگشت رخ داده چطور؟ آیا آقای «ج» از باب سببیت مسئولیتی دارد؟
جواب: اگر آن شیء ظاهراً چیز خطرناکی بوده، و آقای «الف» آن را در جایی رها کرده که ممکن است توجه دیگران را جلب کند، مسئولیت دارد. همچنین پسر صاحب مغازه، و بچه‌ای که شیء مزبور را کاوش و دستکاری کرده، آنها نیز استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۲

مسئولیت دارند. و درصد ضمان این سه نفر منوط به نظر کارشناسان مورد اعتماد است.

سؤال ۱۱۵۵- کارفرمایی وسیله نقلیه سنگین را در اختیار یکی از کارگران خویش، که فاقد گواهینامه راهنمایی و رانندگی بوده، قرار می‌دهد. در حین انجام کار فردی، و بر اثر عدم مهارت راننده کشته می‌شود، بفرمایید:

الف) در صورتی که کارگر مذکور ملزم به رعایت دستور کارفرما باشد، مسئولیت قتل بر عهده کارگر است، یا کارفرما؟

ب) آیا می‌توان هر یک را بر حسب درصد شرکت در قتل، مقصّر شناخت؟

ج) در صورتی که کارگر ملزم به عمل مذکور نبوده، ولی بر اساس قوانین و مقررات مربوط به کار، و به دلیل عدم اجرای مقررات و ضوابط فنی، کارفرما مقصّر شناخته شود، آیا از نظر شرعی کارفرما مسئولیت دارد؟

جواب الف تا ج: مقصّر در هر حال فقط کارگر مزبور است. ولی چنانچه طبق قوانین کار قراردادی با کارگر داشته، که خسارت او را در چنین فرضی بپردازد، لازم است طبق آن قرارداد عمل شود.

سؤال ۱۱۵۶- ممکن است یکی از طرفین در حین مشاجره به علت استرس ناشی از مشاجره سکنه قلبی نموده، و فوت نماید. چنانچه

جسد مورد معاینه دقیق قرار گرفته و کالبدگشایی شود، ممکن است علائمی به نفع بیماری قلبی عروقی یا سکتته‌های جدید یا قدیم قلبی مشاهده شود. قاضی معمولاً پرونده را به کمیسیون کارشناسی پزشکی ارجاع، و نظر آنان را در مورد میزان تأثیر استرس و هیجان ناشی از منازعه در تشدید بیماری زمینه‌ای و تسریع مرگ جویا می‌شود. لطفاً بفرمایید:

اولاً: هرگاه کسی به سبب استرس ناشی از مشاجره فوت نماید، آیا در صورت تشخیص پزشکی قانونی، می‌توان عامل آن را به دیه محکوم نمود؟

ثانیاً: آیا عامل مشاجره، که موجب عصبانیت و سکتته گردیده، مباشر در قتل است، یا این که به میزان تأثیر عمل (به استناد نظر پزشکی قانونی) باید دیه بدهد؟

جواب: اگر عامل مشاجره و فشار روحی شخص متوفی بوده، یا عوامل استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۳

بیرونی اثر داشته، کسی ضامن نیست؛ ولی اگر از قرائن حسّی یا قول اهل خبره معلوم شود که طرف مقابل عامل این کار بوده، به نسبت تأثیر ضامن است.

سؤال ۱۱۵۷- صاحب موتور عقب، و دوستش راننده موتور بوده است. راننده در سر چهار راه نتوانسته موتور را کنترل کند، و بدین جهت پس از برخورد به جدول فوت نموده، و نفر دوم مجروح می‌شود. اداره راهنمایی تأیید می‌کند که فرد فوت شده سرنشین (راننده) موتور بوده است. حکم شرعی این مسأله را بیان فرمایید.

جواب: خون سرنشین موتور بر گردن خودش بوده، و دیه شخصی که مجروح شده را باید از مال او (اگر مالی دارد) بدهند.

سؤال ۱۱۵۸- دو نفر عابر پیاده، بدون آشنایی با مقررات راهنمایی و رانندگی از اتوبان کرج- ساوه عبور می‌کردند، که با ماشین خاور تصادف نموده، و هر دو جان می‌سپارند. لطفاً بفرمایید دیه آنها بر عهده کیست؟

جواب: در صورتی که آنجا جای عبور و مرور نبوده، و رانندگان به طور معمول انتظار عابر پیاده‌ای را در آنجا ندارند، و آنها خودشان مرتکب بی احتیاطی شده‌اند، راننده مسئول نیست.

سؤال ۱۱۵۹- مؤسسه‌ای اقدام به ایجاد دریاچه‌ای برای پرورش ماهی نموده، و به علت عدم موفقیت در این کار، دریاچه را بدون حفاظ و ایجاد حصار و نصب تابلوی شنا ممنوع رها کرده است. چند تن از جوانان برای شنا به آن دریاچه رفته، که یکی از آنها غرق می‌گردد. آیا مؤسسه مذکور ضامن پرداخت دیه آن جوان می‌باشد؟

جواب: هرگاه غرق شدگان افراد بالغ و عاقلی بوده‌اند، کسی ضامن خون آنها نیست.

سؤال ۱۱۶۰- پیرمردی ۷۵ ساله به هنگام عبور از عرض خیابان توسط راننده یک دستگاه وانت بار مجروح شده، و پس از انتقال به بیمارستان فوت می‌نماید. در کالبد شکافی از جسد متوفی اعلام می‌گردد که پیرمرد مذکور دارای بیماری تنفسی بوده، و بر اثر آن فوت نموده است. لکن کمیسیون پزشکی پس از اعتراض به نظریه کالبد شکافی، اعلام می‌دارد که تصادف به میزان ۲۰٪ باعث تشدید فوت آن مرحوم شده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۴

است. با توجه به مراتب فوق، و این که اگر حادثه تصادف هم رخ نمی‌داد فوت حاصل می‌شد، آیا راننده‌ای که باعث بروز حادثه شده تنها مسئول ۲۰٪ دیه است، یا ضامن کل دیه یک مرد مسلمان می‌باشد؟

جواب: در صورتی که ثابت شود تصادف مزبور تنها ۲۰٪ تأثیر داشته، راننده فقط ۲۰٪ دیه را ضامن است.

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۴۴۴

سؤال ۱۱۶۱- موتور سواری در حال حرکت به سمت چپ منحرف می‌شود. اتومبیلی که در سمت مخالف جاده در حال حرکت بوده با موتور سوار برخورد نموده، و او را در مسیر قبلی‌اش قرار می‌دهد. در این حال اتومبیل دیگری با موتور سوار برخورد کرده، و باعث خسارت جانی و مالی به او گردد. حال اگر هم ماشین اول، و هم ماشین دوم، هر دو سرعت غیر مجاز داشته باشند، خسارت بر عهده کیست؟ اگر تنها اتومبیل اول، یا تنها اتومبیل دوم، دارای سرعت غیر مجاز بوده، پرداخت خسارت بر عهده کیست؟
جواب: در صورتی که اتومبیل اول خسارتی به او وارد نکرده، و تنها او را به مسیر اصلی بازگردانده، مقصّر محسوب نمی‌شود، و ضامن راننده اتومبیل دوم است؛ مشروط بر اینکه موتور سوار در مسیر خودش حرکت کرده باشد.

سؤال ۱۱۶۲- شخصی برای حفاظت از مزرعه‌اش در قبال حیوانات وحشی، دور تا دور آن را سیم خاردار می‌کشد، و از برقکاری می‌خواهد که سیمی را از شبکه برق سراسری به سیم خاردار مزبور وصل کند، که با کلیدی سیم مزبور متصل به برق شود. عصر یکی از روزها برادر صاحب مزرعه پس از انجام کار در مزرعه، و به دستور صاحب مزرعه، کلید را می‌زند و سیم خاردار برق‌دار می‌شود. شب همان روز در مزرعه‌ای پایین تر کشاورزی مشغول آبیاری بوده که ناگهان متوجه قطع جریان آب می‌شود. او برای پیدا کردن علت قطع آب به طرف سرچشمه به راه می‌افتد، و چون می‌بایست از مزرعه شخص اول بگذرد، پایش به سیم خاردار برخورد می‌کند، و در اثر برق گرفتگی می‌میرد. صاحب مزرعه در دادگاه اعلام می‌دارد که من به صاحبان مزارع اطراف، و از جمله کشاورز مزبور، هشدار داده بودم که شب هنگام سیم خاردار استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۵

دور مزرعه برق‌دار است. از طرف دیگر شبکه برق منطقه‌ای اعلان می‌کند که برق برق‌کشی مزرعه خلاف قانون، و بدون اجازه ما بوده است. لطفاً بفرمایید چه کسی ضامن خون کشاورز متوفی است؟
جواب: در صورتی که اتصال سیم خاردار مزرعه به برق بر خلاف قانون و عرف محل، و در مسیر عبور و مرور همسایگان بوده، صاحب مزرعه ضامن است.

سؤال ۱۱۶۳- نارنجکی که معلوم نیست از کجا و توسط چه کسی آورده شده، در دست یکی از بچه‌ها منفجر گردیده، و بر اثر انفجار آن دو پسر بچه کشته می‌شوند.

حال با توجه به این که هر کدام از اولیای دم، از طرف مقابل شاکی بوده، و مدعی است که فرزند او نارنجک را آورده، تکلیف چیست؟ آیا عاقله، با توجه به صغیر بودن مقتولین مسئولیتی دارد؟ بر فرض این که هیچ کس متهم نباشد، تکلیف دیه چه می‌شود؟
جواب: این مسأله چند صورت دارد: نخست این که یقین داشته باشیم یکی از آن دو بچه عامل قتل بوده، ولی شناخته نشود. در اینجا دیه یک انسان تقسیم بر عاقله طرفین می‌شود، و از عاقله یکی گرفته به ولی دم دومی داده می‌شود و بالعکس. دیگر این که احتمال داده شود این حادثه اتفاقی رخ داده، و هیچ یک عامل آن نبوده‌اند. در این صورت دیه‌ای ندارد. سوم این که یقین داشته باشیم شخص ثالثی عامل این کار بوده، و آن شخص مجهول باشد. در این صورت دیه در بیت المال است.

سؤال ۱۱۶۴- کارگر روز مزدی جهت تعمیر دیوار قدیمی و گلی، مشغول کندن دیوار می‌شود. ناگهان دیوار فرو ریخته و کارگر در زیر آن فوت می‌کند. وراثت وی مدعی هستند چون در حین کار چنین حادثه‌ای رخ داده، صاحب کار باید دیه را پرداخت نماید. از طرفی بنا می‌گوید: من به آن مرحوم گفتم: «فعلاً به دیوار دست نزن، تا من از بیرون برگردم.» ولی کارگر در جواب گفته: «به هنگام احداث این دیوار من کار کرده‌ام، می‌دانم دیوار محکمی است، و حادثه‌ای رخ نمی‌دهد.» من رفتم بیرون، وقتی آمدم، دیدم دیوار ریخته، و نامبرده فوت کرده است. آیا دیه بر عهده صاحب کار است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۶

جواب: صاحب کار ضامن نیست؛ مگر این که قانون کار چنین چیزی ایجاب کند و آنها بر اساس قانون کار اقدام کرده باشند.
سؤال ۱۱۶۵- فردی بچه‌اش را برای ختنه به بیمارستان برده است. دکتر مربوطه، اضافه بر عمل ختنه، یک غده چربی را بدون اذن پدر عمل کرده است. پزشکی قانونی اعلام نموده: «عمل مذکور لازم بوده، و در آینده هم برای بچه مشکلی ایجاد نخواهد شد.» ولی پدر بچه می‌گوید: «دکتر بدون اذن من اقدام به عمل کرده، و من شاکی هستم.» آیا دکتر ضامن است؟

جواب: هرگاه کار او موجب نقصی برای آن بچه نشده، ضامن نیست؛ ولی بدون اجازه نباید چنین کاری کند.
سؤال ۱۱۶۶- شخصی در سال ۱۳۶۳ بر اثر تصادف با تاکسی به قتل رسیده، ولی معلوم نیست با کدام ماشین و راننده تصادف کرده است. دادسرای زمان وقوع جرم، پس از بی‌نتیجه بودن تحقیقات به لحاظ این که متهم نامعلوم و مشخصات وی اعلام نشده، قرار منع پیگرد صادر نموده است. حال آیا موضوع قابل بررسی و پی‌گیری می‌باشد، و لازم است جهت احقاق حق، همه رانندگان تاکسی، یا غیر تاکسی شهر را احضار، و در صورت لزوم جلب، و از آنها بازجویی کرد، و در صورت انکار، موضوع با مراسم قسم حل و فصل شود؟ آیا لازم است، در صورت تبرئه افراد مظنون، دیه مقتول از بیت المال پرداخت شود؟ اگر احتمال برود که توسط راننده رهگذر و غیر بومی به قتل رسیده، تکلیف چیست؟

جواب: ولی دم می‌تواند تقاضای تحقیق از افراد مظنون کند؛ ولی تعقیب افراد عادی و غیر مظنون وجهی ندارد. و اگر چیزی ثابت نشد، دیه را از بیت المال می‌پردازند.

سؤال ۱۱۶۷- بنائی خانه‌ای ساخته، که متأسفانه ناگهان منهدم شده و چند نفر زیر آوار مرده‌اند. کارشناسان رسمی و ماهر تشخیص داده‌اند که خراب شدن خانه به علت نبود آگاهی در کار بنایی، و خیانت در مصالح ساختمانی، رخ داده است. آیا این مسأله، قتل عمد محسوب می‌شود، یا غیر عمد است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۷
جواب: اگر ثابت شود که ویرانی عمارت و کشته شدن بعضی از افراد به خاطر سهل انگاری و ندانم کاری آن بنا بوده، آن شخص قاتل غیر عمد محسوب می‌شود و دیه دارد.

سؤال ۱۱۶۸- سه نفر در حین درگیری به سوی یکدیگر تیراندازی نموده، ولی فرد دیگری بر اثر اصابت دو گلوله کشته می‌شود. بر اساس اعلام پزشک قانونی، علت تامه مرگ دو گلوله وارده در ناحیه شکم و باسن مقتول می‌باشد. لطفاً بفرمایید: الف) نوع قتل واقع شده چیست؟

ب) آیا ثبوت یا عدم ثبوت ادعای متهمین، مبنی بر تیراندازی به صورت بی‌هدف و زمینی، در نوع قتل تأثیر دارد؟

ج) آیا قتل به هر سه نفر منتسب است، یا به دو نفر؟

د) در صورت انتساب قتل به دو نفر، در فرض عدم امکان تعیین آن دو، حکم مسأله چیست؟

جواب الف تا د: حکم مسأله در هر حال پرداخت دیه شخص مقتول به اولیای دم است، و دیه میان هر سه نفر به طور مساوی تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۶۹- فردی از شخصی شکایت نموده، و حکم جلب او صادر شده است.

مأمور کلانتری برای جلب متهم، با ماشین شاکی نزد وی می‌رود. متهم از رفتن به پاسگاه امتناع نموده، و پس از حرکت ماشین، سنگی که حدود دو کیلو و پانصد گرم وزن داشته، به طرف ماشین پرت می‌کند. متأسفانه سنگ به سر شاکی اصابت کرده، و نامبرده بر اثر همین ضربه فوت می‌نماید. اولیای مقتول مدعی هستند که ضارب با این عمل قصد قتل مقتول را داشته، و ضارب مدعی است که قصد داشته سنگ را به سگی که در آن حوالی بوده پرتاب کند، و اتفاقاً به ماشین خورده است. از قراین خارجی، و امارات ظنی، و شهود واقعه، استفاده می‌شود که پرتاب کننده سنگ قطعاً قصد ضربه زدن به ماشین آنها را داشته، هر چند قصد

جنایت بر مجنی علیه قطعی نمی‌باشد، لکن مقرون به لوث می‌باشد. از طرفی احتمال قصد پرتاب سنگ به سگ، که مورد ادعای قاتل می‌باشد، غیر عقلایی به نظر می‌رسد. با توجه به شرح استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۸
 واقعه، آیا عمل جانی قتل عمد محسوب می‌شود؟
 جواب: در فرض سؤال، که نه قصد قتل عمد محرز است، و نه اخلیبت سبب، جانی باید دیه بپردازد.

ضمان جریره

سؤال ۱۱۷۰- با توجه به آنچه که در تبصره ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی آمده، «کسی که با عقد ضمان جریره، دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته، نیز عاقله محسوب می‌شود.» آیا ضمان جریره مطلقاً عاقله محسوب می‌شود، یا در ردیف عاقله است؟
 جواب: ضمان جریره در صورتی باید دیه را بپردازد که هیچ وارثی نداشته باشد. بنابراین بعد از عاقله است؛ نه در ردیف عاقله.
 سؤال ۱۱۷۱- ضمان جریره در کدام یک از طبقات ارث قرار می‌گیرد؟
 جواب: ضمان جریره در ردیف متأخر از طبقات سه گانه ارث است.
 سؤال ۱۱۷۲- با توجه به نظر برخی از حقوقدانان در مورد شخصی بودن جرایم و جنایتها، و با عنایت به وضع کنونی جوامع، یعنی عدم تمایل اقارب نسبی به پرداخت دیه خطای محض، بحث عاقله و ضمان جریره سالبه به انتفاء موضوع است.
 آیا صورتهای دیگری از ضمان جریره، با توجه به نیازهای کنونی جامعه قابل تصور است؟
 جواب: بیمه حوادث بی شباهت به نوعی ضمان جریره نیست؛ بنابراین نمی‌توان گفت که در دنیای امروز ضمان جریره وجود ندارد؛ ولی بیمه گر ارث نمی‌برد. چون در مقابل ضمان جریره، عوضی می‌گیرد.
 سؤال ۱۱۷۳- طبق آنچه در متون فقهی آمده ضمان جریره در صورتی ارث می‌برد، که مضمون وارث نسبی و آزادکننده نداشته باشد. با عنایت به مطلب فوق، اگر ضمان جریره دیه خطایی مضمون خود را پرداخت کند، و بعد از آن وارث نسبی لاحق شود، کدام یک ارث می‌برند؟
 استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۴۹
 جواب: در چنین صورتی ضمان جریره می‌تواند دیه را بازپس بگیرد؛ یعنی نه ارث می‌برد، و نه دیه را می‌پردازد.
 سؤال ۱۱۷۴- آیا شخص حقیقی می‌تواند با اشخاص حقوقی، به عنوان مثال با یک شرکت (مانند بیمه) اقدام به عقد ضمان جریره کند؟
 جواب: ضمان جریره هم در مورد شخص حقیقی ممکن است، و هم شخص حقوقی؛ چنانچه در بالا روشن شد.

جانی یا مجنی علیه مردد بین چند نفر معین است

سؤال ۱۱۷۵- دو یا چند نفر، شخصی را مورد ضرب و جرح قرار داده، و صدمات و جراحات متعددی، که موجب دیه است بر او وارد کرده‌اند، برای قاضی به علم اجمالی محرز است که صدمات و جراحات مذکور، توسط دو یا چند نفر مشخص ایجاد شده، ولی مصدوم نمی‌تواند معین کند که هر یک از صدمات و جراحات را کدام یک از ضاربین وارد کرده است. ضاربین نیز منکر هر گونه ایراد صدمه و جراحت بر مصدوم هستند، تکلیف پرداخت دیه چیست؟
 جواب: هر گاه مسلم باشد که جانان یکی از چند نفر معلوم و مشخص هستند، و هیچ یک از آنها اقرار نکند، دیه بالسویه بین آنها تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۷۶- در یک نزاع پنج نفره، یکی از شرکت کنندگان نقص عضو پیدا کرده، ولی معلوم نیست کدام یک از این پنج نفر نقص را وارد کرده است. اما علم اجمالی وجود دارد که خارج از این پنج نفر نیست. آیا مجنی علیه می‌تواند تقاضای دیه کند؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، دیه را چه کسی می‌پردازد؟

جواب: در فرض مسأله دیه بین آن چهار نفر به طور مساوی تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۱۷۷- با توجه به سؤال قبل، اگر تمام پنج نفر نقص عضو پیدا کرده باشند نحوه پرداخت دیه چگونه است؟

جواب: در فرض مسأله دیه هر یک از مجروحین بین چهار نفر دیگر به طور مساوی تقسیم می‌شود؛ مشروط بر این که مسلم باشد خودش جراحتی بر خود وارد نکرده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۰

سؤال ۱۱۷۸- در مواردی که قاتل معین، اما مقتول مردد بین دو نفر باشد، پرداخت دیه به اولیای دم چگونه خواهد بود؟

جواب: در صورتی که به هیچ وجه نتوان مقتول را مشخص کرد، باید دیه را میان وارثان آن دو تقسیم کرد.

سؤال ۱۱۷۹- دو پسر بچه مشغول سنگ پرانی به سوی هم بودند. فرد سومی هم در نزدیکی آنها مشغول بازی بوده، که ناگهان سنگی به چشم ایشان برخورد کرده، و ۸۰ درصد بینایی اش را از دست می‌دهد. وی از هر دو پسر شکایت، و درخواست دیه نموده است. در طی رسیدگی دقیقاً مشخص نشد که سنگ از ناحیه کدام یک از آن دو پرتاب شده، و خود مصدوم نیز نمی‌داند که کدام یک به طرف وی سنگ پرتاب کرده‌اند. ولی قطعاً سنگ را یکی از آن دو بچه پرتاب کرده است. دادگاه در مورد دیه به چه ترتیب عمل نماید؟

جواب: در فرض سؤال ارش بین آن دو نفر تنصیف می‌شود.

سؤال ۱۱۸۰- در صورتی که دو مرد مسلمان به طور عمد و مشترکاً دو مرد مسلمان دیگر را به قتل برسانند، و اولیای دم مقتولین خواهان قصاص هر دو نفر باشند؛ آیا در مقام استیفای قصاص، اولیای دم هر کدام از مقتولین بایستی فاضل دیه هر یک از قاتلین را پرداخت نمایند؟

جواب: در چنین فرضی فاضل دیه لازم نیست.

دیه زنان

سؤال ۱۱۸۱- با توجه به ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی، که اشعار می‌دارد: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامله برسد، که در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.» لطفاً به این سؤالات پاسخ دهید:

۱- آیا ارش در احتساب حد نصاب (ثلث دیه کامل) مؤثر است؟

جواب: ارش در این مسأله حکم دیه را دارد.

۲- در تصادفات رانندگی، که اعضای مختلف بدن مصدوم می‌گردد، آیا مجموع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۱

صدمات وارده به کلیه اعضا ملاک حد نصاب مذکور است، یا دیه هر عضو به تنهایی ملاک حد نصاب همان عضو محسوب می‌گردد؟

جواب: دیه عضو معیار است.

۳- با توجه به ماده فوق الذکر، و ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی (دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معین است، خمس آن می‌باشد) ... در مقام تعیین دیه معین اعضای بدن زن، موضوع ماده اخیر الذکر، چنانچه دیه آن عضو (قبل از

تخمیس) بیش از ثلث دیه کامله باشد؛ آیا نصف دیه آن عضو ملاک تخمیس قرار می‌گیرد، یا حاصل تخمیس ملاک حد نصاب موضوع ماده ۳۰۱ قانون مذکور قرار خواهد گرفت؟
جواب: حاصل بعد از تخمیس ملاک است.

سؤال ۱۱۸۲- با توجه به این که دیات اعضا در زن و مرد مساوی است، و زمانی که دیه زن به بیشتر از ثلث برسد به نصف تقلیل می‌یابد، حکم فروض مختلف ذیل را بیان فرمایید:

الف) در صورتی که بر یک عضو، با جنایات متعدّد صدمه وارد شود؛ ولی همه در یک عضو باشد، و مجموع دیات بیش از ثلث دیه باشد.

ب) در صورتی که جنایت بر یک عضو، یا با یک ضربه وارد شده، و صدمات متعدّدی در پی داشته که مجموع، مازاد بر ثلث باشد.

ج) در صورتی که با یک ضربه جنایات متعدّدی بر اعضای مختلف وارد شده، و مجموع دیات مقدّر به بیشتر از ثلث باشد.

د) در صورتی که با ضربات متعدّد، جنایت متعدّد، به اعضای مختلف وارد شود، و مجموع افزون از ثلث باشد.

جواب الف و ج و د: در تمام این سه صورت هر یک جداگانه محاسبه می‌شود.

جواب ب: در صورت تعدّد صدمات هر یک جداگانه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۱۸۳- دیه شکستگی استخوان پای زن، بر اساس ۴۵ از ۱۵، یا ۱۵ از ۱۲ دیه کامله

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۲

زن محاسبه می‌شود؟ یا بر اساس دیه مرد حساب می‌شود تا این که به ثلث دیه برسد، که در این صورت نصف دیه مرد خواهد بود؟
جواب: بر اساس دیه کامله مرد محاسبه می‌شود.

سؤال ۱۱۸۴- همان گونه که مستحضرید دیه زن در جراحات و اعضا تا ثلث، مساوی با دیه مرد است، و در بیش از آن به نصف تقلیل می‌یابد، با توجه به این مطلب لطفاً بفرمایید:

الف) آیا مجنی علیها (زن) می‌تواند، برای این که مقدار دیه بیش از ثلث نشود، نسبت به بعضی از جراحات و صدمات گذشت کند، و نسبت به بقیه تقاضای دیه نماید؟

جواب: این کار تأثیری در تغییر دیه ندارد.

ب) آیا بین صورتی که مجنی علیها از ابتدا نسبت به برخی از جراحات و صدمات شکایت و مطالبه دیه نکرده، و بین صورتی که مجنی علیها ابتدا نسبت به کلیه آنها شکایت و مطالبه دیه کرده، و سپس نسبت به برخی از جراحات و صدمات اعلام گذشت می‌کند، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی نیست؛ و تعلق دیه منوط به تقاضای مجنی علیها نیست، بلکه حکم شارع مقدّس است هر چند مجنی علیها حق گذشت دارد.

ج) آیا قاعده مذکور شامل قتل غیر عمد هم می‌شود؟

جواب: دیه قتل غیر عمد زن، نصف دیه مرد است.

دیه کفار

سؤال ۱۱۸۵- با توجه به این که طبق فتوای مشهور فقها، دیه اهل کتاب- کفار ذمی- هشت صد درهم است، آیا اقلیت زرتشتی نیز مشمول این حکم خواهند بود؟

جواب: احتیاط آن است که دیه اهل کتاب، و از جمله زرتشتی‌ها، را مساوی دیه مسلمانان بپردازند.

سؤال ۱۱۸۶- دیه مرد و زن غیر مسلمان چه مقدار است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۳

جواب: دیه ذمی و مستأمن و معاهد بنابر احتیاط دیه کامله است؛ و ولی دم می‌تواند با قاتل مصالحه کند، و کفار حربی مستثنی هستند. و دیه زنان نصف دیه مردان است.

سؤال ۱۱۸۷- آیا در مورد دیه فوق، بین این که قاتل یا ضارب مسلمان باشد، یا غیر مسلمان، فرقی هست؟

جواب: اگر قاتل غیر مسلمان باشد، حاکم شرع مختیر است طبق مذهب اسلام یا طبق مذهب خودشان حکم کند.

سؤال ۱۱۸۸- دیه جراحات وارده بر اهل کتاب چه مقدار است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که به اندازه مسلمان پرداخت شود.

سؤال ۱۱۸۹- کودکانی که از خانواده‌های دیگر ادیان الهی به دنیا آمده‌اند، در رابطه با قوانین کیفری هم سطح با کودک مسلمان

نیستند. با توجه به رأفت دین اسلام نسبت به کودکان، آیا امکان هم سطحی وجود دارد؟

جواب: به عقیده ما هر دو از نظر دیه یکسانند.

دیه اعضا

۱- دیه مو

سؤال ۱۱۹۰- زنی در جریان یک اختلاف، موی سر دختری را با قیچی کوتاه می‌کند، به طوری که موجب نقصان زیبایی وی

می‌شود. آیا به خاطر این نقص زیبایی ارش تعلق می‌گیرد، یا چون عنوان «کندن مو» صدق نمی‌کند و موها دوباره رشد می‌نماید،

چیزی تعلق نمی‌گیرد؟

جواب: چون نقص محسوب می‌شود، ارش دارد. و ارش آن معمولاً چیز مختصری است.

سؤال ۱۱۹۱- در بسیاری از جنایات و حوادثی که منجر به صدمه پوستی، یا کندن پوست می‌گردد، مسلماً علاوه بر صدمه پوستی،

عدم رویش مو نیز حادث می‌گردد.

آیا برای عدم رویش مو نیز دیه یا ارشی در نظر گرفته می‌شود؟ آیا تمام موهای بدن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۴

چنین است، یا این که اعضای بدن از نظر رویش و عدم رویش مو متفاوتند؟

جواب: هر دو دیه دارد؛ مشروط بر این که موها در موضعی باشد که فقدان آن عیب محسوب شود؛ مانند موی سر و ابروها و

صورت مردان و امثال آن.

سؤال ۱۱۹۲- آیا تراشیدن موی سر و صورت شخصی، بدون رضایت او دیه یا ارش دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا رویش

مجدد مو و عدم رویش آن، یا زن و مرد بودن مجنی علیه، تأثیری در حکم دارد؟

جواب: در سر و صورت مرد اگر طوری مو ازاله کند که نروید هر کدام یک دیه دارد، و همچنین در موی سر زن. و اگر بروید در

مرد احتیاط مصالحه به ارش است، و در زن دیه آن مهر المثل عادلانه است.

سؤال ۱۱۹۳- با توجه به این که از بین بردن موی سر و صورت و ابرو دیه معین دارد، چنانچه جراحی مثل متلاحمه یا موضحه سبب

از بین رفتن قسمتی از موی سر، یا صورت، یا ابرو شود؛ به گونه‌ای که دیگر نروید، به علاوه نقص زیبایی ایجاد شود. آیا هم دیه

جراحت، و هم دیه مو، و هم ارش زیبایی گرفته می‌شود؟
جواب: فقط دیه جراحت و دیه مو (البته به نسبت مقدار مو) پرداخته می‌شود.

۲- دیه چشم

سؤال ۱۱۹۴- کسی که دارای یک چشم سالم و بینا است، و چشم دیگرش به طور مادرزاد، یا در اثر بیماری، یا علل غیر جنایی دیگر نابیناست، اگر بر اثر ضربه‌ای، بینایی خود را از دست دهد، دیه آن چه مقدار است؟
جواب: بنابر احتیاط واجب دیه کامله تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۱۹۵- طبق اظهار نظر پزشکی قانونی در اثر شلیک یک گلوله جنایات زیر حاصل شده است:

۱- چشم چپ به طور کامل تخلیه گردیده است.

۲- کاسه چشم چپ در جمجمه دچار شکستگی (هاشمه) شده است.

۳- در پلکهای فوقانی و تحتانی نیز پارگی (دامیه) دیده می‌شود.

آیا دیه تخلیه چشم و شکستن کاسه چشم (جمجمه) و پارگی پلکها، هر کدام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۵

جدا پرداخت می‌شود، یا فقط یک دیه (دیه چشم چپ) واجب است؟

جواب: علاوه بر دیه یک چشم، دیه شکستن استخوان نیز باید پرداخته شود.

سؤال ۱۱۹۶- از بین بردن دو چشم نابینا دیه دارد، یا ارش؟ در صورتی که باید دیه پرداخت شود، چه مقدار است؟

جواب: دیه آن ۱۳ دیه کامله آن چشم است.

سؤال ۱۱۹۷- با توجه به این که فقهای عظیم الشان دیه مجموع چهار پلک دو چشم را دیه کامل ذکر کرده، و بین پلکهای بالا و پایین فرق قائلند. به این صورت که ثلث دیه کامل را برای پلکهای بالا، و برای پلکهای پایین نصف دیه کامل قرار داده‌اند، لطفاً بفرمایید:

اولاً: با توجه به امکانات جراحی امروزی در چشم پزشکی، و جراحی ترمیمی، می‌توان گفت که تقریباً همیشه امکان ترمیم پلکها

وجود دارد. آیا در این صورت نیز دیه کامل دارد، یا نظر اهل خبره در مورد ترمیم و عدم ترمیم، در تعیین مقدار دیه مؤثر است؟

ثانیاً: از نظر ارزش عضوی، و نحوه درمان، بین پلکهای بالا- و پایین اختلاف محسوسی با توجه به پیشرفت علم پزشکی مشاهده

نمی‌شود. آیا اختلاف دیه منصوص است و باید اطاعت کنیم، یا امکان تغییر بر مبنای نظریه پزشکی و خبرگان وجود دارد؟

ثالثاً: در صورتی که پلکهای بالا ثلث دیه داشته باشد، و پلکهای پایین نصف دیه کامل، تکلیف باقیمانده چه می‌شود؟

جواب: در صورتی که از طریق جراحی امروز، کاملاً ترمیم شود باید ارش پرداخت شود. و چنانچه نقصانی باقی بماند، باید به نسبت

محاسبه شود. در ضمن همان گونه که نوشته‌اید دیه پلک بالا ثلث، و پلک پایین نصف، و باقیمانده (یک سدس) ملغی است.

۳- دیه بینی

سؤال ۱۱۹۸- با توجه به ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی، مبنی بر این که: «دیه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۶

شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است، خمس آن می‌باشد، و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد، دیه آن

۴۵ دیه شکستن آن است»، ... و ماده ۳۸۲ همان قانون، مبنی بر این که: «اگر با شکستن، یا سوزاندن، یا امثال آن، بینی را فاسد کنند، در صورتی که اصلاح نشود، موجب دیه کامله است، و اگر بدون عیب جبران شود، دیه آن یک صد دینار می‌باشد» و نظر به رویه حاکم در اکثر محاکم، که هرگاه بینی در اثر صدمات عمدی یا غیر عمدی صرفاً دچار شکستگی شود، احتساب دیه را خارج از قاعده کلی ملحوظ در ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی دانسته، و مستند به ماده ۳۸۲ قانون مذکور، جانی در صورت اصلاح شکستگی، محکوم به پرداخت یک صد دینار می‌گردد، و در صورت عدم اصلاح، یک دیه کامله منظور می‌گردد. در حالی که به نظر می‌رسد موضوع این ماده فساد بینی می‌باشد، و شکستن، یا سوزاندن، یا امثال آن به عنوان اسباب فساد بینی مطرح گردیده، نه از مصادیق آن. لذا با عنایت به ابهام در مفهوم و مصادیق فساد بینی، بفرمایید:

اولاً: منظور از فساد بینی به طور مشخص چه می‌باشد؟ و چگونه جبران می‌گردد؟

ثانیاً: دیه شکستن بینی در صور مختلف چه مقدار می‌باشد؟

جواب: اولاً: منظور از فساد بینی آن است که بر اثر عفونت جنایت، یا پاشیدن اسید، یا مانند آن، کل بینی از بین برود. ثانیاً در صورت فساد کامل، دیه کامله دارد، و در صورت شکستن و فساد ناقص، اعم از این که جبران شود یا نشود، رجوع به ارش خواهد شد.

سؤال ۱۱۹۹- با توجه به نظرات فقهای بزرگوار شیعه مبنی بر این که: «اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی فاسد شود موجب دیه کامل است.» لطفاً بفرمایید: با عنایت به این که با پیشرفت علم پزشکی، امروزه شکستگی بینی به سادگی و با هزینه کم قابل درمان است، و معمولاً با شکستن بینی فاسد نمی‌شود، آیا بازهم دیه کامل باید پرداخت، یا اگر بدون عیب ترمیم شود، یکصد دینار باید داد، یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۷

این که با نظر خبرگان پزشکی، دست قاضی در تعیین دیه باز است؟

جواب: اگر به راحتی قابل درمان باشد مشمول حکم ارش است.

سؤال ۱۲۰۰- ضربه‌ای به بینی شخصی خورده، و خون دماغ شده است. این جنایت دیه دارد، یا ارش؟

جواب: ارش دارد.

سؤال ۱۲۰۱- فقها برای از بین بردن هر یک از سوراخهای بینی ثلث دیه کامل، و برای سوراخ کردن بینی (به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود، یا این که آن را سوراخ نماید) در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود ثلث دیه کامل، و اگر جبران و اصلاح شود خمس دیه کامل در نظر گرفته‌اند. لطفاً بفرمایید:

اولاً: منظور از سوراخ کردن بینی چیست؟ آیا منظور بسته شدن بینی، یا قطع شدن، یا تغییر شکل عضو آن می‌باشد؟

ثانیاً: آیا سوراخ کردن دیواره بین مجاری بینی، که از عوارض عملهای جراحی داخل بینی است، نیز مشمول این حکم می‌گردد؟

ثالثاً: با توجه به معالجات ترمیمی امروز تکلیف چیست؟ آیا همان دیه منظور است، یا می‌توان آن را کم یا زیاد نمود؟

جواب: منظور از سوراخ کردن این است که مثلاً با نوک خنجری از یک طرف بینی بزنند و از طرف مقابل بیرون آید. و در شرایط فعلی که به راحتی قابل ترمیم است، دیه تبدیل به ارش می‌شود.

۴- دیه گوش

سؤال ۱۲۰۲- با توجه به این که گوش شامل سه بخش خارجی، میانی و داخلی است، و با عنایت به این که فرموده‌اند: «از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد.»

اولاً: آیا لاله گوش دیه کامل دارد، یا از بین بردن هر سه قسمت مذکور دیه کامل دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۸

ثانیاً: در صورت از بین بردن قسمتهای میانی و داخلی تکلیف چیست؟

ثالثاً: منظور از فلج کردن گوش چیست؟ و دیه آن چه مقدار است؟

جواب: لاله هر دو گوش اگر از بیخ کنده شود دیه کامل دارد. و اما نسبت به بقیه، اگر شنوایی از کار بیفتد آن هم دیه کامل دارد. و منظور از فلج کردن گوش آن است که لاله چنان آسیب ببیند که خود را رها کند، و مانند یک قطعه گوشت آویزان شود. و دیه فلج کردن دو سوّم دیه کامله است.

۵- دیه گردن

سؤال ۱۲۰۳- از نظر پزشکی ستون فقرات از ۲۶ قطعه استخوان تشکیل شده، و شامل بخشهای دنبالچه، کمر، پشت و گردن می‌باشد. گردن شامل هفت عدد مهره و توده ماهیچه‌ای است، که شکستن گردن ناظر بر شکستن مهره‌های گردن است، و الا ماهیچه قابل شکستن نیست. شارع مقدّس و قانونگذار، در خصوص شکستن و نقص گردن، اقدام به تعیین دیه خاص و ارش نموده، و بدین طریق آن را از عنوان دیه احتسابی برای ستون فقرات خارج کرده است. لکن پزشکان محترم به اعتبار اطلاق عنوان کلی «ستون فقرات» بر مهره‌های گردن در اصطلاح پزشکی، و بدون توجه به تعیین دیه به صورت مستقل و جداگانه برای شکستگی گردن (مهره‌های گردنی) در متون فقهی و قوانین موضوعه، دیه شکستگی ستون فقرات را مبنای تعیین دیه شکستگی مهره‌های گردن قرار می‌دهند. با توجه به مقدمه فوق بفرمایید:

۱- آیا شکستگی گردن ناظر به شکستن مهره‌های گردن است؟

جواب: با توجه به این که برای گردن دیه جداگانه‌ای تعیین شده، و شکستگی مربوط به مهره است، حساب آن را باید از حساب ستون فقرات جدا کرد.

۲- در احتساب دیه شکستگی مهره‌های گردن یا ارش، دیه گردن مبنا و ملاک محاسبه قرار می‌گیرد، یا دیه ستون فقرات؟

جواب: مبنا دیه گردن است.

سؤال ۱۲۰۴- جراحت گردن دیه دارد، یا ارش؟ چنانچه جراحت در زیر چانه باشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۵۹

دیه سر و صورت تعلق می‌گیرد، یا ارش؟

جواب: جراحت در گردن دیه دارد، و مشمول احکام حارصه و دامیه در بدن است. و چانه در حکم صورت است.

۶- دیه دست

سؤال ۱۲۰۵- آیا در شکستگی دو استخوان مچ دست، به عنوان استخوان زند اعلیٰ و زند اسفل، و دو استخوان ساق، مجموعاً دیه شکستگی یک استخوان پا و دست در نظر گرفته خواهد شد، یا برای شکستگی هر استخوان عضو مذکور، دیه مستقل و جدا از هم تعیین می‌گردد؟ ضمناً نظر مبارکتان را در شکستگی استخوان کف دست و شست دست بیان فرمایید.

جواب: هر یک از آن دو استخوان کف دست و پشت دست، ارش دارد.

سؤال ۱۲۰۶- پزشکی قانونی در شکستگی استخوان کف دست و پشت دست دیه، یا ارش به نسبت تعداد استخوانها، در نظر

می‌گیرد. مثلاً در پنج استخوان موجود در کف دست، برای شکستگی هر استخوان بیست دینار ارزش تعیین می‌نماید، که در مجموع به اندازه یک پنجم دیه دست می‌شود. آیا این تقسیم‌بندی صحیح است؟

در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا در سایر اعضا نیز یک پنجم دیه شکستگی استخوان، به تعداد استخوانهای همان عضو تقسیم خواهد شد، یا برای شکستگی هر استخوان آن عضو همین یک پنجم ملاک عمل قرار خواهد گرفت؟ ضمناً دیه جراحات وارده بر کف دست و پشت دست با چه معیاری محاسبه خواهد شد؟ و در مورد تغییر رنگ پوست سر هم اظهار نظر فرمایید.

جواب: دیه تقسیم بر تعداد استخوانها می‌شود، و در سایر اعضا نیز تقسیم خواهد شد. مگر این که نقش یک استخوان با دیگر استخوانها تفاوت کلی داشته باشد، و جراحات وارده بر کف دست یا پشت دست به نسبت همان عضو، یعنی دست، سنجیده می‌شود. و در مورد تغییر رنگ پوست ارش لازم است.

سؤال ۱۲۰۷- شکستگی یکی از استخوانهای پنج‌گانه پشت دست یا پا، دیه دارد یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۰

ارش؟ چنانچه دیه معین داشته باشد، دیه آن بر اساس ۴۵ از ۱۵ از ۱۱۰ دیه کامله محاسبه می‌شود، یا بر اساس ۴۵ از ۱۵ از ۱۲ دیه کامله (در فرض بهبودی عضو بدون عیب) اندازه‌گیری می‌شود؟

جواب: دیه آن عضو تقسیم بر تعداد استخوانها می‌شود، سپس احکام شکستن استخوان بر هر کدام جاری خواهد شد. مثلاً اگر در دست ده استخوان ریز باشد، پانصد دینار تقسیم به ده قسمت می‌شود، و دیه هر استخوان پنجاه دینار است.

حال اگر آن استخوان بشکند و به حال اول برنگردد، باید یک پنجم آن را که ده دینار است بپردازد، و اگر مثل اول شود باید هشت دینار بپردازد.

۷- دیه انگشتان دست

سؤال ۱۲۰۸- دیه جراحات در انگشتان دست به نسبت دیه انگشت سنجیده می‌شود، یا به نسبت دیه دست؟

جواب: باید به نسبت دیه انگشت سنجیده شود.

سؤال ۱۲۰۹- لطفاً فتوای شریف را درباره سؤال‌های زیر مرقوم فرمایید:

الف) در مواردی که به دلیل ضرورت تشخیص هویت میت مجهول الهویه، قطع انگشتان وی تجویز می‌شود، آیا دیه نیز دارد؟

ب) در صورت ثبوت دیه، مقدار آن چه اندازه، و بر عهده کیست؟ و نحوه مصرف آن چگونه است؟

ج) در صورت ثبوت دیه بر مباشر قطع، آیا او می‌تواند ذمّه خود را بریء کرده، و آن را بر عهده کسانی که خواستار تشخیص هویت میت هستند، یا بیت المال بگذارد؟

جواب: قطع انگشتان در مواردی که شرعاً جایز است دیه ندارد.

سؤال ۱۲۱۰- همانطور که مستحضرید درباره دیه انگشتان، دو نظریه وجود دارد:

۱- تساوی انگشتان از نظر دیه؛ بر اساس این قول، که در بین قدماء و متأخرین شهرت یافته، و روایاتی نیز بر آن دلالت دارد، به هر یک از انگشتان ۱۱۰ دیه کامل تعلق می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۱

۲- تفاوت انگشت ابهام از نظر دیه با سایر انگشتان؛ معتقدان این نظریه گرچه بر سه دسته تقسیم می‌شوند، و هر کدام در تعیین دیه ابهام و سایر انگشتان نظری را برگزیده‌اند؛ ولی همگی بر متفاوت بودن دیه ابهام با غیر آن اتفاق نظر دارند.

با عنایت به این که در عصر حاضر، مشاغل متحول و دگرگون شده، و اشخاصی که دچار آسیب در ناحیه انگشتان شده، و دارای

مشاغل چون جراحی و خطاطی و مانند آن هستند، صدمه وارده، به شغل آنها آسیب جدی می‌رساند، لطفاً بفرمایید: الف) آیا می‌توان گفت، تفاوت مطرح شده در معتبره ظریف (میان ابهام و سایر انگشتان) به خاطر تفاوت در میزان کارآیی آنهاست؟

جواب: مشهور و معروف عدم تفاوت انگشتان است. و به فرض تفاوت داشته باشد، مسأله کارآیی و فن آوری جنبه حکمت دارد؛ نه علت.

ب) بر این اساس، آیا می‌توان از انگشت ابهام الغای خصوصیت کرد و این تفاوت را در مورد سایر انگشتان نیز تعمیم داد؟ یعنی دیه خسارت وارده بر انگشتان را با توجه به اهمیت شغل و ارزش هر انگشت تعیین کنیم؟
جواب: اگر قیاس منصوص العله بود، این سخن صحیح بود؛ ولی با توجه به این که حکمت حکم است نه علت آن، این تسریه صحیح نیست.

۸- دیه با

سؤال ۱۲۱۱- در پاسخ سؤالی در مورد شکستگی دو استخوان ساق یک پا، مرقوم فرمودید: «هر کدام از استخوانها دیه مستقلی دارد.» آیا هر کدام از استخوانهای فوق الاشعار یک پنجم دیه پا را (در صورت معیوب بودن) دارد، یا کمتر از یک پنجم؟ لطفاً مقدار دیه را مرقوم فرمایید.

جواب: دیه مزبور تقسیم به دو استخوان می‌شود؛ یعنی هر کدام نصف دیه شکستن استخوان پا را دارد.

سؤال ۱۲۱۲- پای شخصی در تصادف آسیب دیده، بدین جهت مجبور شده‌اند آن را قطع کنند، آیا دیه دارد؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۲

جواب: در صورتی که پای او طوری مجروح شده که به کلی از کار افتاده، و ناچارند آن را قطع کنند، باید دیه قطع پا را بدهند.

۹- دیه آلت تناسلی

سؤال ۱۲۱۳- پسرم توسط یک پزشک ختنه شد. به دلیل بی احتیاطی و عدم مهارت در عمل جراحی، خسارات ذیل بر ایشان وارد شد:

۱- از بین رفتن تمام پوست روی آلت.

۲- قطع قسمتی از آلت.

۳- تنگ شدن مجرای بول و کج شدن آلت.

۴- از بین رفتن توان مقاربت و لذت جنسی (به دلیل فقدان پوست طبیعی روی آلت) و عدم انزال، که نتیجه آن عدم تولید مثل و باروری است.

۵- عمل جراحی آلت و ترمیم پلاستیکی.

دیه ضایعات فوق چیست؟

جواب: نسبت به ضایعاتی که در پوست آلت و تنگی مجرا و کج شدن به وجود آمده، طبق تشخیص کارشناس ارش تعلق می‌گیرد. و در مورد عدم باروری، اگر بعد از معالجه مسأله حل نشود، آن نیز ارش دارد.

۱۰- دیه اعضای داخلی

سؤال ۱۲۱۴- آیا اعضای داخلی بدن دارای دیه مقرر و معین هستند، یا ارش دارند؟

جواب: این اعضا مشمول ارش می‌باشند؛ و قاعده وحدت و تعدد در این اعضا جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۲۱۵- اگر شخصی عمداً با چاقو یا مانند آن، جراحت جائفه‌ای به شخصی وارد کند، و در اثر آن ضربه، صدمه‌ای به طحال، یا قلب، یا سایر امحاء و احشاء وی وارد شود، که طبق نظریه پزشکی قانونی، نقص عضوی در داخل بدن ایجاد گردد، آیا علاوه بر ثلث دیه کامله، که دیه مقدر جائفه است، برای صدمات دیگر هم ارش در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۳

نظر گرفته می‌شود؟ اگر نقایص فوق به صورت شبه عمد، مثل تصادف باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: صدمات وارده بر اعضای داخلی علاوه بر دیه جائفه، ارش دارد.

دیه شکستگیها

سؤال ۱۲۱۶- هرگاه مقتول قبل از فوت دارای جراحاتی از قبیل شکستگی دست و بینی و سایر اعضای باشد، آیا این شکستگی‌ها یا جراحات، دیه جداگانه‌ای دارد؟

جواب: هرگاه آن جراحات منجر به فوت شده، دیه اضافی ندارد. و اگر عامل فوت ضربه خاصی بوده، جراحات اضافی دیه دارد.

سؤال ۱۲۱۷- دیه هر یک از دنده‌هایی که در پهلوی چپ واقع شده، و محیط بر قلب می‌باشد، ۲۵ دینار است. آیا دیه دنده‌های پهلوی راست که محیط بر قلب می‌باشد، نیز ۲۵ دینار است، یا ۱۰ دینار؟

جواب: در صورتی که محیط به قلب باشد، دیه آن ۲۵ دینار است.

سؤال ۱۲۱۸- آیا دیه ترک خوردن قسمتی از استخوان عضوی که دیه مقدر دارد، با دیه شکستگی (قلم شدن) آن یکی است؟ اگر مساوی نیست، دیه آن چگونه محاسبه می‌شود؟

جواب: ترک خوردن ارش دارد، و باید به نسبت دیه عضو محاسبه شود.

سؤال ۱۲۱۹- آیا استخوان کتف دست (غیر از استخوان ترقوه که دیه مشخص دارد) دیه معین دارد، یا ارش؟

جواب: ارش دارد.

سؤال ۱۲۲۰- چنانچه در شکستگی استخوان پا، یا دست، پزشکی قانونی اعلام نماید: «شکستگی توأم با نقص عضو بهبود یافته است.» و در توضیح بیشتر بگوید:

«استخوان درست جوش خورده، ولی بر اثر شکستگی صدماتی به عصب، یا سایر عضلات دست یا پا وارد گردیده، که موجب نقص عضو (محدودیت در حرکت) شده است.» دادگاه باید چه میزان دیه تعیین نماید؟ آیا علاوه بر دیه، ارش نیز تعلق می‌گیرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۴

جواب: اگر نقص عضو بین و روشن باشد، ارش دارد.

سؤال ۱۲۲۱- در مواردی که شکستگی دنده با نقص عضو بهبود یابد، آیا دادگاه می‌تواند بابت نقص عضو، علاوه بر دیه مقرر، ارش نیز تعیین نماید؟

جواب: مانند مسأله سابق است.

سؤال ۱۲۲۲- دیه شکستن لگن، که با نقص عضو بهبود یافته، یا بدون نقص عضو درمان شده، چه میزان است؟ آیا دیه استخوان لگن ارتباطی با استخوان پا دارد، یا مرتبط نمی‌شود؟

جواب: ارش دارد.

سؤال ۱۲۲۳- دیه شکستگی استخوان در صورت عدم بهبودی ۱۵ دیه آن عضو، و در صورت بهبودی، ۴۵ از این ۱۵ است. حال اگر به صورت کامل بهبود پیدا نکند، بلکه چند درصد بهبود پیدا کند (مثلاً ۵۰٪ یا ۹۰٪ که نوعاً هم به این شکل است)، آیا در این موارد، به همان نسبتی که بهبود پیدا کرده محاسبه می‌شود، یا این که تا بهبود کامل پیدا نکرده، حتی اگر ۱٪ هم ناقص باشد، باید دیه عدم بهبود را پردازد؟

جواب: معیار بهبودی کامل عرفی است. اگر حاصل نشود، دیه مزبور ثابت است.

سؤال ۱۲۲۴- آیا محاکم می‌توانند قبل از این که وضعیت بهبود یا عدم بهبود مجنی علیه مشخص شود، حکم صادر کنند؟ مثلاً انگشت شخصی شکسته، و پزشکی قانونی می‌گوید: «سه ماه دیگر در خصوص این که بهبود پیدا کرده یا نه، اظهار نظر می‌کنم.» آیا محاکم باید صدور حکم را به تأخیر بیندازند، یا اکنون می‌توانند دیه عدم بهبودی را تعیین کنند؟

جواب: محاکم می‌توانند نسبت به قدر متیقن دیه حکم کنند، و نسبت به بقیه باید منتظر نتیجه باشند.

سؤال ۱۲۲۵- استخوان کف دست و کف پا دیه معین دارد، یا باید ارش تعیین نمود؟

جواب: استخوان کف دست ۴۰ دینار، و استخوان کف پا ارش دارد. و چنانچه بعضی از استخوانهای کف دست بشکند، دیه مزبور تقسیم بر آنها می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۵

سؤال ۱۲۲۶- منظور از شکستن ستون فقرات چیست؟ آیا منظور شکسته شدن یکی از مهره‌هاست؟ یا منظور جدا شدن اتصال مهره‌ها از یکدیگر است؟ آیا شکسته شدن یک مهره از ستون فقرات سبب پرداخت دیه می‌شود، یا ارش؟ چنانچه پاسخ دیه باشد، نحوه محاسبه آن را مرقوم فرمایید.

جواب: منظور از شکسته شدن ستون فقرات، شکسته شدن یک مهره یا بیشتر است. و اگر مهره‌ها از هم جدا شود، آن نیز نوعی شکستگی است و دیه دارد.

سؤال ۱۲۲۷- آیا معیوب بودن در شکستگی استخوان، شامل کوتاه شدن عضو، و کاستن از قدرت و حرکت آن نیز می‌شود؟ یا تنها نحوه جوش خوردگی استخوان و کج بودن محل شکستگی منظور می‌باشد؟ و در نتیجه دیه نقص عضو، جدا از معیوب بودن در نحوه جوش خوردگی استخوان، تعیین و محاسبه می‌شود؟

جواب: معیوب بودن (عثم) شامل کوتاه شدن می‌شود؛ ولی نسبت به ناقص شدن کارآیی باید به سراغ ارش رفت.

سؤال ۱۲۲۸- چنانچه در اثر ضربه‌ای، یک مورد شکستگی حادث گردد، ولی به خاطر خون‌ریزی شدید، مجموعه مورد عمل جراحی قرار گیرد، آیا شکستگی ایجاد شده در استخوان مجموعه توسط طبیب، علاوه بر شکستگی ناشی از ضربه وارده، دیه جداگانه دارد؟

جواب: شکستگی به وسیله طبیب دیه جداگانه‌ای ندارد، ولی خون‌ریزی مغزی ارش دارد. و اگر هزینه درمان آن بیشتر شود، می‌تواند مقدار اضافی را نیز بگیرد.

سؤال ۱۲۲۹- کف دست تا مچ، و همچنین کف پا، از پنج استخوان تشکیل شده که هر کدام متصل به یکی از انگشتان است. آیا شکستگی یکی از آن استخوانها شکستگی دست، یا پا محسوب می‌شود؟

جواب: این موضوع حکم شکستگی دست و پا را دارد.

سؤال ۱۲۳۰- دیه شکستگی هر یک از دنده‌ها در صورت جوش خوردن به صورت سالم یا معیوب چقدر است؟ در صورتی که دنده کلاً از بین برود، دیه آن چه مقدار خواهد بود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۶

جواب: دیه شکستگی هر یک از دنده‌هایی که در اطراف قلب است بیست و پنج دینار و غیر آن ده دینار می‌باشد.

سؤال ۱۲۳۱- آیا شکستگی استخوان‌های کف دست و پا و قوزک زانو دیه دارد و جزء پا محسوب می‌شود، یا ارش تعلق می‌گیرد؟
جواب: استخوانهای کف پا و کف دست دیه دارند؛ یعنی دیه پا و دست تقسیم بر آنها می‌شود. و دیه شکستن کشکک زانو یکصد دینار است، و قوزک پا ارش دارد.

سؤال ۱۲۳۲- شکستگی استخوان لگن دیه دارد یا ارش؟ نحوه محاسبه دیه آن، در حالت بهبودی با عیب و بدون عیب، چگونه می‌باشد؟

جواب: دیه دارد و دیه آن مانند دیه شکستگی استخوان است، یعنی یک پنجم کل دیه می‌باشد. و اگر بهبود یابد چهار پنجم آن یک پنجم محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۳۳- همان‌طور که مستحضرید استخوان ساق پا از دو استخوان درشت نی و نازک نی تشکیل شده است، و در تصادفات رانندگی معمولاً شکستگی پا در اثر یک ضربه و برخورد می‌باشد. با توجه به این مطلب نظر حضرت‌عالی در موارد ذیل چیست؟
۱- در صورتی که در تصادف رانندگی استخوان درشت نی و نازک نی ساق یک پا، در یک موضع دچار شکستگی شود، نظر حضرت‌عالی در مورد دیه متعلقه از جهت تعداد و میزان دیه چیست؟

جواب: هر کدام از شکستگی‌ها دیه مستقلی دارد.

۲- در صورتی که هر یک از استخوان‌های درشت نی و نازک نی ساق یک پا در چند محل شکسته شود، و این مواضع در درشت نی و نازک نی منطبق بر هم نباشند، دیه متعلقه از جهت تعداد و میزان دیه چه مقدار است؟
جواب: دیه بر حسب تعداد شکستگی‌ها متعدّد می‌شود.

دیه منافع

سؤال ۱۲۳۴- طبق گواهی پزشکی قانونی، صدمات وارده بر مصدومی بر اثر تصادف

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۷

به شرح ذیل بوده است:

۱- شکستگی مهره پنجم گردن، که منجر به آسیب وسیع و قطع (نود درصد) نخاع گردیده است.

۲- از بین رفتن کامل قدرت مقاربت.

۳- عارضه بی‌اختیاری ادرار بر اثر آسیب عصبی.

۴- بی‌اختیاری کامل کنترل ضبط باد و مدفوع.

۵- فلج نسبی دو دست در حدود هفتاد درصد.

۶- فلج هر دو پا در حدود نود و پنج درصد.

با توجه به این که عوارض بندهای دوم تا ششم همگی از عوارض شکستگی مهره گردن و قطع نسبی نخاع می‌باشد، دیه صدمات فوق چه مقدار است؟

جواب: نسبت به از بین رفتن قدرت مقاربت و بی‌اختیاری ادرار و بی‌اختیاری مدفوع، هر کدام یک دیه کامل تعلق می‌گیرد. و در مورد فلج پا و دست، با توجه به این که شلال کامل ۲۳ دیه را دارد، باید نسبت را بسنجند و دیه را تعیین کنند. و در مورد شکستن یک مهره ارش دارد.

سؤال ۱۲۳۵- بر اثر تصادفی که منجر به شکستن دست و پای چپ این جانب گردیده، مدت یک سال است که خانه نشین شده‌ام، زیرا پایم از ناحیه زانو، که پزشکان پلاتین گذاشته‌اند، خم و راست نمی‌شود. و در دستم، به علت شکستگی زیاد پلاتین به کار رفته، و هیچ یک از انگشتانم خم و راست نمی‌شود. پزشکان نظر داده‌اند مدت دو سال باید پلاتین در بدنم باقی باشد. فردی که با این جانب تصادف نموده فوت کرده، و از نظر کارشناسان راهنمایی و رانندگی مقصر شناخته شده است. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا متوفی ضامن است؟

۲- اگر ارث، یا ملکی، از متوفی باقی مانده باشد، اولیای دم می‌توانند آن را به عنوان دیه پرداخت نمایند؟

۳- آیا اولیای دم نیز ضامن می‌باشند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۸

۴- دیه خسارات وارده بر من چقدر است؟

۵- علاوه بر دیه، پولی که این جانب تاکنون هزینه کرده‌ام نیز باید پرداخت شود؟

جواب ۱ تا ۵: در صورتی که طبق گواهی کارشناسان متدین و موثق راهنمایی و رانندگی، شخص متوفی مقصر شناخته شده، باید دیه شکستگی‌های شما را از اموال به جای مانده از او بردازند. و اگر هزینه‌های لازم و ضروری درمان بیش از دیه باشد، باید آن هم پرداخت گردد. و اگر میت مالی نداشته باشد، اولیای او مسئولیتی در برابر شما ندارند. و دیه فلج یک سوم دیه آن عضو است، و اگر ۸۰٪ فلج حاصل شده باشد، به همین نسبت از یک سوم محاسبه می‌شود. و اگر فلج بر طرف می‌شود دیه ندارد، بلکه ارش دارد، که به وسیله کارشناسان متدین و آگاه تعیین می‌شود.

سؤال ۱۲۳۶- آیا مغز به عنوان یک عضو حیاتی دارای ارش است، یا دیه؟ قسمت‌های مختلف و اعضای مرتبط با مغز، از قبیل سطح نخاعی، تحتانی، قشری و مانند آن، هر کدام دارای ارش یا دیه خاصی هستند؟

جواب: هر کدام دارای ارش هستند، و اگر آسیب به مغز سبب از میان رفتن منافع (مانند تکلم و گویایی و مانند آن) شود دیه منافع جاری است.

سؤال ۱۲۳۷- آیا ضایعات عصبی، حسی، فلج اعصاب دست، صدمات وارد به جمجمه، که منجر به صدمه عصبی هر یک از اعصاب دوازده گانه مغزی می‌شود، آسیبه‌های اعصاب کرانیال و محیطی، آسیبه‌های روانی متعاقب ضربه اختلالات بینایی و شنوایی بر اثر ضربه، ضایعات اعصاب و روان به هر دلیل، ضایعات اعصاب حسی و حرکتی، از بین رفتن حس بویایی و نورالژی، که تست قابل دسترس جهت تأیید آن وجود ندارد، کوما و عوارض ناشی از آن، دیه مقرّر دارد؟

جواب: در مواردی که در قانون شرع دیه برای آن تعیین نشده رجوع به ارش می‌شود. و تعیین ارش بر اساس درصد ضایعه‌ای است که به تصدیق اهل خبیره مورد اعتماد حاصل می‌شود.

سؤال ۱۲۳۸- هرگاه پزشک مرد یا زنی را عقیم کند، آیا باید دیه بردازد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۶۹

جواب: دیه ندارد. ولی اگر قابل بازگشت نباشد، شرعاً جایز نیست.

سؤال ۱۲۳۹- جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار و مدفوع در تمام ایام و تا پایان روز می‌گردد، هر کدام دیه کامله دارد، یا ریزش ادرار موجب دیه کامله، و ریزش مدفوع موجب ارش می‌گردد؟

جواب: در صورتی که با یک ضربه حاصل شده باشد، یک دیه دارد.

سؤال ۱۲۴۰- خانم جوانی که حامله بوده بنا به تشخیص دکتر معالج از طریق سزارین تحت عمل جراحی قرار گرفته، که متأسفانه بعد از عمل دچار ضایعه شده است. بنا به تشخیص پزشک قانونی، بیمار در حال حاضر با توجه به آسیب مغزی، و اختلال هوشیاری

بدون برگشت، به سطح هوشیاری قلبی در وضعیت نباتی به سر می‌برد، و هیچ گونه ارتباطی با محیط اطراف ندارد، و کلیه حس‌ها، اعم از بینایی، شنوایی، صوتی، چشایی، جنسی و بویایی را از دست داده است. سازمان نظام پزشکی علت حادثه را عدم امکانات و تجهیزات بیمارستان عنوان نموده، و مسئولیت حادثه را متوجه دکتر بی‌هوشی و پرستار بهبودی و مسئولین بیمارستان دانسته است. حال با توجه به این که مدت چهار سال و چهار ماه است که بیمار در چنین وضعیتی بسر می‌برد، و امکان دارد تا چند سال دیگر نیز این وضعیت به طول بیانجامد، سؤال این است که آیا برای هر کدام از اعضا و منافع باید دیه جداگانه پرداخت شود؟

جواب: چنانچه مرگ مغزی سرانجام منتهی به مرگ قطعی شود یک دیه بیشتر ندارد، که در میان کسانی که عامل آن بوده‌اند به نسبت تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۲۴۱- هرگاه در اثر جنایت حس بویایی، یا شنوایی، یا چشایی، یا بینایی، یا گویایی، یا عقل از بین برود، و پس از پرداخت دیه مجنی علیه بهبود یابد (حس یا قدرت مورد نظر برگردد)، تکلیف چیست؟

جواب: احتیاط واجب آن است که دیه را باز گردانند، و تبدیل به ارش کنند.

سؤال ۱۲۴۲- اتومبیل شخصی، که همراه با سرنشین دیگری در حال مأموریت بوده، در اثر بی‌احتیاطی و سرعت زیاد، با مانع وسط جاده برخورد کرده، و صدمات

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۰

عدیده‌ای به شرح ذیل بر سرنشین همراه راننده وارد شده است:

۱- شکستگی مهره هفتم گردن، و مهره چهارم سینه، که منجر به قطع نخاع کامل شده است (ضایعه دائم).

۲- فلج کامل و دائمی هر دو اندام تحتانی (پای راست و چپ).

۳- عدم کنترل دائم ادرار (سلس دائمی بول).

۴- عدم کنترل مدفوع.

۵- عدم توانایی مقاربت به طور کامل.

۶- فلج اندامهای فوقانی (دست راست و چپ)، حدود هشتاد درصد.

۷- بروز زخم «بستر» به علت عدم توانایی حرکت و خوابیدن طولانی مدت در بستر.

۸- بروز عفونتهای مکرر ادراری و کلیوی که قابل عود مجدد می‌باشد.

۹- تکرار زخم بستر و عفونتهای کلیوی و ادراری و عوارض روانی ناشی از بستری شدن طولانی. ضمناً طبق نظر کارشناسان، راننده

خودرو را در اثر سرعت غیر مطمئن و خستگی، مقصر شناخته شده است. اکنون با توجه به موارد فوق الذکر لطفاً بفرمایید:

۱- آیا بروز زخم که در اثر بستری شدن در بیمارستان و عدم توانایی حرکت و خوابیدن طولانی حادث شده، ارش جدای از دیات

معین شرعی دارد، یا چون اثر همان بیماری‌های اصلی است، ارش مجزا ندارد؟

جواب: ظاهراً ارش جداگانه‌ای ندارد.

۲- آیا عفونتهای ادراری و کلیوی که به صورت مکرر در اثر صدمات وارده بوجود می‌آید، دارای ارش جدایی است؟

جواب: در صورتی که نتیجه سرایت صدمات مذکور باشد، ارش جداگانه‌ای دارد.

۳- در فرضی که ضربه واحد در حادثه مذکور، باعث عدم کنترل ادرار و مدفوع به صورت دائمی شده، آیا هر کدام دیه و ارش

جدایی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۱

جواب: هر دو یک دیه دارد.

۴- آیا قطع نخاع، که نوعاً منجر به فلج قسمتی از اعضا می‌شود، و سبب دیه کامل انسان مسلمان است (مثل فلج اندامهای تحتانی و فقدان کنترل ادرار و مانند آن) هر کدام دیه مستقل دارد؟
جواب: احتیاط آن است که در تفاوت ارش و دیه کامله با هم مصالحه کنند، و اما آثاری که از آن حاصل می‌شود، دیه جداگانه دارد.

ارش

اشاره

سؤال ۱۲۴۳- در مورد تعیین ارش صدمات وارده بر اعضا بفرمایید:

الف) آیا محاسبه ارش باید نسبت به کل دیه همان عضو باشد، یا دیه کامل انسان؟

ب) در صورت محاسبه ارش نسبت به دیه کامل، آیا مقدار ارش صدمه وارده به عضو می‌تواند بیش از دیه آن عضو تعیین گردد؟
جواب الف و ب: در صورتی که فقط ضرری به عضو وارد شده، نسبت به عضو محاسبه می‌شود. و اگر فرضاً به کارآیی عضو ضرری نرسانده، ولی یک زیان کلی به بدن رسانده، باید نسبت به دیه کامل محاسبه شود؛ هر چند از دیه عضو بیشتر شود.

۱- ارش دررفتگی کتف

سؤال ۱۲۴۴- شخصی صدمه‌ای بر دیگری وارد نموده، که استخوان دست او از طرف کتف دررفتگی پیدا کرده، و شکسته بند آن را در جای خود قرار داده، و در مدت بیش از یک ماه بهبود یافته، و به حالت اول خود برگشته است. لطفاً بفرمایید: دیه دررفتگی آن چقدر است؟ اگر بهبودی کامل پیدا نکرده باشد، دیه آن چقدر خواهد بود؟

جواب: دررفتگی بدون شکستگی دیه ندارد، بلکه ارش دارد. در صورتی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۲

منتهی به نقص عضو نشود ارش آن کمتر، و اگر منتهی شود ارش آن بیشتر است. و ارش بر معیار درصد خسارت به نظر طیب حاذق متدین تعیین می‌شود.

۲- ارش بافت نرم عصبی دست

سؤال ۱۲۴۵- چنان چه بر اثر شکستگی استخوان دست، یا سایر اعضا که دیه معینی دارد، بافت نرم عصبی از بین برود. آیا علاوه بر دیه شکستگی، ارش نیز به مجنی علیه تعلق می‌گیرد؟ چنانچه شکستگی منجر به از بین رفتن بافت نرم عصبی شود، و آن عضو کارآیی اولیه خود را از دست بدهد، و دچار عوارضی مثل لنگیدن شود، آیا می‌توان علاوه بر دیه شکستگی، به نسبت عدم کارآیی آن عضو ارش در نظر گرفت؟

جواب: چنانچه آن عضو به کلی از کار بیفتد، دیه شلل که ۲۳ دیه عضو است دارد. و اگر به طور کامل از کار نیفتد، به همان نسبت از کار افتادگی از این دیه محسوب می‌شود.

۳- ارش نقص حاصل از استخوان معیوب

سؤال ۱۲۴۶- در مواردی که استخوان عضوی، مثل ساق پا، دچار شکستگی شده و به صورت معیوب جوش خورده، دیه خاصی در نظر گرفته شده است. حال اگر در اثر این عارضه، نقص عضوی نیز ایجاد شود، علاوه بر دیه تعیین شده جهت استخوان معیوب، تعیین ارش نقص عضو نیز موضوعیت دارد؟

جواب: هرگاه آن نقص عضو از لوازم عادی شکستن استخوان باشد، ارش اضافی ندارد؛ ولی اگر چیزی اضافه بر شکستن استخوان و جوش خوردن نادرست آن باشد، ارش دارد.

۴- ارش پارگی مقعد

سؤال ۱۲۴۷- اگر مردی با اکراه، یا اجبار، یا فریب، با مرد یا کودک نابالغی لواط کند، استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۳

و موجب پارگی مقعد گردد؛ آیا این جراحت ارش دارد؟

جواب: چنین موردی مشمول ارش است؛ یعنی دیه کامل را برای کل آن محلّ در نظر می‌گیرند، سپس ملاحظه می‌کنند آسیب وارده چند درصد ایجاد نقصان کرده، و به همان نسبت ارش می‌گیرند.

۵- ارش نقص راه رفتن

سؤال ۱۲۴۸- شکستگی استخوان، موجب نقص عضو (در راه رفتن) نیز شده است؛ آیا علاوه بر دیه مربوط به شکستگی، می‌توان برای نقص آن ارش تعیین نمود؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ارش نقص منفعت را نیز بپردازد.

۶- ارش البکاره

سؤال ۱۲۴۹- ازاله بکارت، ارش البکاره دارد یا مهر المثل؟ در صورت دوّم، اگر بکارت دختر غیر بالغی ازاله شود، مثلاً بکارت دختر سه ساله‌ای در جریان تصادف از بین برود، محاسبه مهر المثل نسبت به وی چگونه ممکن است؟ آیا در مهر المثل، حدّ اقلّ و حدّ اکثری وجود دارد، مثل این که از مهر السنّه کمتر نباشد؟

جواب: در افراد بالغ و مانند آن، معیار مهر المثل است. و در دختران کوچک باید ارش البکاره در نظر گرفته شود. ولی در صورتی که افراد بالغ از طریق تصادف و مانند آن چنین آسیبی ببینند، احتیاط آن است که نسبت به تفاوت مهر المثل و ارش البکاره مصالحه کنند. مهر المثل با مراجعه به افرادی که همانند آن دختر از نظر سنّ و سال و منزلت اجتماعی و جهات دیگر هستند، در نظر گرفته می‌شود. مثلاً خواهران، خواهرزاده‌ها، دختر عمه‌ها و دختر عموها، چنانچه از نظر عرفی شبیه هم باشند، با یکدیگر مقایسه می‌شوند.

سؤال ۱۲۵۰- زنی در اثر تفریح اجباری حامله شده، و بر اثر وضع حمل بکارت وی زائل گشته است. آیا دیه، یا ارش البکاره، یا مهر المثل، به وی تعلق می‌گیرد؟

جواب: تنها مهر المثل تعلق می‌گیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۴

سؤال ۱۲۵۱- آیا بین ازاله ناقص و کامل فرق است؟ پزشکی قانونی، پرده بکارت را به ۱۲ ناحیه، که اصطلاحاً به آن ساعت می‌گویند، تقسیم کرده، که از ۱ شروع و به ۱۲ ختم می‌گردد. پزشکان در گواهیهای خود مثلاً می‌نویسند: «پارگی در ساعت ۵ و ۶

وجود دارد.» به نظر می‌رسد که باید دید آیا پرده بکارت ناقص دارای ارزش است؟

مثلاً اگر کوزه‌ای بشکند خواه از یک قسمت بشکند، یا از چند قسمت، دیگر ارزش ندارد. اما اگر پارچه‌ای پاره شود، اگر از یک قسمت پاره شود، باقیمانده آن دارای ارزش است. حال باید دید که پرده بکارت از مثال اول است، یا دوم؟
جواب: در هر حال مهر المثل تعلق می‌گیرد.

سؤال ۱۲۵۲- آیا زنا به عنف نسبت به غیر باکره، مهر المثل دارد؟

جواب: آری مهر المثل دارد.

سؤال ۱۲۵۳- در مواردی که برای ازاله بکارت مهر المثل تعیین شده، مثل موردی که با انگشت ازاله بکارت گردد، چنانچه میزان مهر المثل از دیه کامله یک زن بیشتر باشد، آیا مجنی علیها به میزان دیه کامله استحقاق دارد، یا زائد بر دیه هم قابل مطالبه است؟ همانند موردی که هرگاه کسی موی زنی را از بین ببرد، ولی دوباره بروید، مقرر شده اگر مهر المثل بیشتر از دیه کامل باشد، فقط به مقدار دیه پردازد.

در مورد سؤال چگونه است؟

جواب: بیش از دیه استحقاق ندارد.

سؤال ۱۲۵۴- پسر و دختری با یکدیگر رابطه نامشروع برقرار کرده، و در نتیجه بکارت دختر زائل شده است. لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر عمل با رضایت دختر و بدون اغفال صورت گرفته باشد، حکم مسأله چیست؟

جواب: در فرض مسأله، ارش البکاره یا مهر المثل تعلق نمی‌گیرد.

۲- اگر عمل با رضایت ولی با اغفال دختر همراه بوده باشد، آیا ارش البکاره تعلق می‌گیرد؟

جواب: چنانچه منظور از اغفال این است که رضایت به مادون آمیزش داده،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۵

ولی او آمیزش کرده، باید مهر المثل او را بدهد. و اگر منظور از اغفال این است که پسر به او اطمینان داده که ازاله بکارت نخواهد شد، باید ارش البکاره پردازد.

سؤال ۱۲۵۵- لطفاً در خصوص ارش البکاره، در دو فرض بلوغ و عدم بلوغ زانیه، بفرمایید:

۱- آیا زانیه در موارد ذیل مستحق ارش البکاره می‌باشد؟

۲- زنا با رضایت و میل وی انجام شود.

۳- زنا در اثر اکراه یا عنف واقع گردد.

۴- زنا با فریب وی، مبنی بر وعده قطعی ازدواج و مانند آن، انجام پذیرد.

جواب: در صورت بلوغ و رضایت، ارش بکارت و مهر المثل مشروع نیست.

و در صورت عنف، یا عدم بلوغ، مهر المثل ثابت است. و با وجود مهر المثل، نوبتی به ارش بکارت نمی‌رسد.

سؤال ۱۲۵۶- اگر ازاله بکارت دختر با انگشت، یا شیء دیگر صورت گیرد، حکم ارش البکاره چیست؟ آیا رضایت یا عدم رضایت وی در حکم تأثیری دارد؟

جواب: مهر المثل تعلق می‌گیرد. ولی در صورت رضایت دختر، احتیاط مصالحه است.

سؤال ۱۲۵۷- چنانچه مردی یک بار اقرار به زنا کند، آیا می‌توان او را به پرداخت ارش البکاره، یا مهر المثل (در صورت تحقق شرایط آن)، محکوم کرد؟

جواب: احتیاط واجب آن است که اگر اقرار به تحقق زنا به عنف، یا ازاله بکارت به عنف کرده باشد، مهر المثل را بپردازد.
سؤال ۱۲۵۸- اگر زانیه باکره از زانی بخواند به قدری دخول شود که ازاله بکارت نشود، ولی زانی عمداً یا سهواً موجب ازاله شود، آیا ضامن ارش البکاره یا چیز دیگری هست؟
جواب: ضامن مهر المثل است.

شجاج

سؤال ۱۲۵۹- آیا جراحات و شکستگی استخوان فك بالا و پایین، و گوش و لب، از استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۶
مصادیق سر و صورت می باشد، یا چون این اعضا دارای عنوان خاص می باشند، از قاعده مذکور خارج، و با توجه به نسبت همین اعضا به شکستگی استخوان و جراحات، ارش تعیین خواهد شد؟
جواب: از مصادیق سر و صورت است، و مشمول احکام شجاج می باشد.
سؤال ۱۲۶۰- در جراحاتی مانند حارصه، و همچنین در تغییر رنگ مانند کبودی، آیا التیام یا سرایت موجب کاهش یا افزایش دیه می گردد؟

جواب: التیام تأثیری ندارد؛ ولی افزایش اگر نتیجه عادی و غیر قابل اجتناب جنایت باشد، تأثیر دارد.
سؤال ۱۲۶۱- در گواهی پزشکی قانونی عنوان شده: «متلاحمه ساعد دست راست، که منجر به آسیب دیدگی عضلات محل گردیده... آیا علاوه بر دیه متلاحمه، ارش آسیب دیدگی عضلات هم به آن اضافه می شود؟
جواب: در صورتی که نتیجه آن از کار افتادگی نسبی آن عضو باشد، باید محاسبه شود.
سؤال ۱۲۶۲- در گواهی پزشکی قانونی این جمله آمده است: «جنایت باعث کوفتگی و ضربدیدگی لگن شده است.» آیا صدمه مذکور دیه دارد، یا ارش، یا هیچ کدام؟
جواب: اگر تنها اثر آن درد محل بوده باشد دیه و ارش ندارد؛ اما اگر تغییری، هر چند برای مدتی، در عضو یا استخوان پیدا شود ارش دارد.

سؤال ۱۲۶۳- در گواهی پزشکی قانونی چنین ذکر شده: «دامیه در ریشه انگشت شست ایجاد شده است.» آیا ریشه انگشت شست جزء انگشت است، یا جزء دست؟
جواب: اگر عرفاً جزء انگشت باشد، حکم انگشت بر آن جاری می شود.

سؤال ۱۲۶۴- در مجموعه استفتائات جدید، جلد اول، صفحه ۴۰۰، سؤال ۱۳۳۵ فرموده‌اید: «جرح بر گردن در بعضی موارد، دیه و در بعضی موارد ارش دارد.» لطفاً بفرمایید: در چه مواردی دیه، و در چه مواردی ارش دارد؟ و آیا در مواردی که دیه دارد، دیه جراحات گردن در حکم سر و صورت است، یا در حکم بدن؟ نحوه محاسبه دیه آن چگونه است؟ حکم صدماتی که باعث تغییر رنگ در گردن می شود چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۷
جواب: انواع دیه حارصه و دامیه و سمحاق و مانند آن در مورد گردن نیز صادق است. ولی دیه آن مانند دیه بدن می باشد؛ نه مانند دیه سر و صورت، و در غیر موارد دیه ارش دارد.

سؤال ۱۲۶۵- شخصی بدن دیگری را گاز گرفته، و جراحات حارصه‌ای، مثلاً به طول دو سانتی متر، ایجاد کرده است. ولی از آنجا که بین دو دندانش فاصله بوده، در محل جراحات مذکور نیز به همین شکل فاصله افتاده است؛ آیا یک حارصه محسوب می شود، یا دو

حارصه؟

جواب: با توجه به این که زخمها نزدیک به هم است، عرفاً یک زخم محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۶۶- آیا جراحات وارده بر آلت تناسلی زن و مرد، و عانۀ آنها، دیه دارد یا ارش؟ اگر دیه دارد، نحوه محاسبۀ آن چگونه است؟

جواب: جراحات اعضای تناسلی، همانند سایر جراحات بدن است، که تقسیم به انواع مختلف حارصه و دامیه الی آخر می‌شود.
سؤال ۱۲۶۷- شخصی در جریان تصادف، سمت راست بدنش به زمین کشیده شده است، به شکلی که یک سمت صورت وی تماماً خراشیده شده، و عمق آن در حد حارصه است. آیا تمام این صدمه یک حارصه محسوب می‌شود، یا به نحو دیگری محاسبه می‌گردد؟

جواب: با توجه به اتصال عرفی زخم، یک حارصه محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۶۸- با توجه به قلت پوست و گوشت روی پیشانی، پشت دست، و پشت انگشت، آیا غیر از حارصه و دامیه جراحات دیگر در این نواحی قابل تصور است؟

جواب: افراد از این جهت مختلفند؛ در صورتی که گوشت کافی نداشته باشد ملتحمه و مانند آن تصور نمی‌شود، ولی سمحاق و موضحه و مثل آن قابل تصور است.

سؤال ۱۲۶۹- در موارد جراحات متلاحمه، که به فلج عضو می‌انجامد، ولی با درمان می‌توان از فلج شدن پیشگیری کرد؛ بفرمایید: استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۸

۱- آیا بر شخص مجروح واجب است خود را درمان کند؟

جواب: چنان چه درمان آن ساده باشد، به طوری که منتهی شدن به فلج عرفاً اسناد به مجروح داده شود، لازم است.

۲- در صورت درمان، آیا می‌توان هزینه‌های افزون بر مقدار دیه را از جانی گرفت؟

جواب: آری می‌توان گرفت.

سؤال ۱۲۷۰- با توجه به این که شکم از حیث عرض دارای دو لایه است (یکی پوست شکم، و دیگری شکمبه) اگر جراحی پوست شکم را پاره کند، اما شکمبه را پاره نکند، چه نوع جراحی است؟ و دیۀ آن چقدر است؟
جواب: چنانچه وارد فضای خالی داخل بشود، جائفه است.

سؤال ۱۲۷۱- فقها در تعریف «نافذه» فرموده‌اند: «نافذه جراحی است که در اعضاء بدن فرو رود.» و در تبیین ماهیت «موضحه» فرموده‌اند: «جراحی که از گوشت بگذرد، و پوست نازک روی استخوان را کنار زده، و استخوان را آشکار کند.» لطفاً بفرمایید فرق بین این دو جراحی چیست؟ آیا فرقی است که موضحه تا روی استخوان فرو می‌رود، اما نافذه علاوه بر آن از کنار استخوان هم عبور می‌کند؟ اگر چنین است، چنانچه فقط نیم سانت از کنار استخوان عبور کند، در اینجا تفاوت نافذه با موضحه فقط نیم سانت است؛ اما تفاوت دیۀ آن ۵ شتر است! زیرا دیۀ موضحه ۵ شتر، و دیۀ نافذه (در مرد) ۱۰ شتر است. این، چگونه قابل توجیه است؟

جواب: نافذه آن است که به مقدار کافی در بدن نفوذ کند؛ خواه مثل ماهیچه‌ها باشد، یا مواردی که استخوان است، و از کنار استخوان به مقداری که عرفاً نفوذ نامیده شود بگذرد. و در موارد شک حکم نافذه جاری نمی‌شود.

سؤال ۱۲۷۲- اگر چیزی از یک طرف وارد بدن و از طرف دیگر خارج گردد. (مثل این که تیری به بازوی شخص وارد، و از سمت دیگر خارج شود) دیۀ آن چقدر است؟

جواب: یک جنایت محسوب می‌شود.

سؤال ۱۲۷۳- آیا نافذه در کلیه اعضای بدن (دست، پا، گردن، ذکر، پستان، إلیتین،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۷۹

لب، زبان، انگشت، کف دست و دیگر اعضا) صادق است؟

جواب: قدر مسلم از نافذه مواردی است که آلت جارحه به مقدار قابل ملاحظه‌ای در بدن نفوذ کند؛ مانند نیزه، خنجر، چاقو و امثال آن. اما جراحت وارده به یک انگشت، یا لب، یا مانند آن، مصداق نافذه نیست.

سؤال ۱۲۷۴- هرگاه آلت ضرب یکی از اعضای داخلی بدن، از قبیل کبد، را مجروح کند، و جراحت بدون عیب التیام یابد؛ آیا علاوه بر ثلث جراحت جائفه، آن جراحت ارش نیز دارد؟
جواب: آن جراحت اضافی، ارش دارد.

سؤال ۱۲۷۵- آیا دیه جراحاتی که در اثر ضربه واحد بر سطح عضوی که دچار شکستگی شده حادث می‌شود، مانند حارصه، دامیه، تغییر رنگ، و امثال آن، بر دیه شکستگی افزوده می‌شود؟
جواب: آری دیه شکستگی جدا از دیه جراحت است.

سؤال ۱۲۷۶- سر شخصی را با سنگ شکسته‌ام. (البته قصد پرتاب داشته‌ام، نه شکستن.) و نمی‌دانم چه مقدار جراحت وارد شده، بلکه فقط می‌دانم از سر مجروح خونی آمده است. و اکنون شخص مجروح فوت کرده، و اصلاً دسترسی به ورثه و بستگان او نداشته، و نخواهم داشت. دیه آن چقدر است؟

جواب: در صورتی که فقط می‌دانید سر او زخم شده، و بیشتر از آن را یقین ندارید، دیه آن قیمت یک شتر است. و در صورتی که به مجنی علیه دسترسی ندارید، به یت او دیه‌اش را به فقیری صدقه می‌دهید. مگر این که یقین داشته باشید که او از شما راضی شده است.

سؤال ۱۲۷۷- در اثر تیراندازی با تفنگ ساچمه‌ای، مجنی علیه از ناحیه دست، یا سایر اعضا که دیه معین دارد، مجروح شده، و ساچمه در گوشت نفوذ کرده، و پزشک نوع جراحات وارده را دامیه و مانند آن اعلام نموده است. در این فرض، آیا هر یک از جراحات یک نافذه محسوب، و یک صد دینار دیه تعلق می‌گیرد؟ یا این که باید برای هر یک از جراحات دیه آن جرح، به نسبت به دیه آن عضو سنجیده شود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۰

جواب: هر یک از جراحات یک دیه دارد، ولی توجه داشته باشید اینجا از نوع نافذه و جائفه نیست؛ بلکه غالباً دامیه است. هر چند بهتر آن است که با یکدیگر مصالحه کنند.

سؤال ۱۲۷۸- اگر شخصی در نزاعی با خودکار به دست دیگری بزند. به طوری که مقداری از پوست دستش کنده شود و خون بیاید، چه حکمی دارد؟ ناگفته نماند نمی‌دانم چقدر از پوست دست وی جراحت دیده، فقط می‌دانم که پوست دستش کنده شده، و خون آمده است. و اصلاً از شخصی مجنی علیه و فامیلهایش اطلاعی ندارم، تا حلالیت طلب کنم.

جواب: این جراحت دامیه نام دارد، و دیه آن در غیر سر و صورت نصف قیمت یک شتر است، و در صورتی که به مجنی علیه دسترسی ندارید، دیه‌اش را به یت او به فقیری صدقه می‌دهید؛ مگر این که یقین داشته باشید که او از شما راضی شده است.

سؤال ۱۲۷۹- در نزاعی با پاشنه چکش به صورت شخصی زده‌ام. نمی‌دانم صورت شخص مجروح، سرخ شده است، یا کبود یا سیاه، و اصلاً به آن شخص و ورثه و بستگانش دسترسی ندارم، و بعد از این هم نخواهم داشت. خواهشمندم دیه آن را بیان فرمایید.
جواب: حد اقل دیه در اینجا دیه سرخ شدن است، که ۱۵ مثقال طلاست. (مثقال شرعی حدود ۱۸ نخود است، و مثقال معمولی ۲۴ نخود. بنابراین، اگر به حساب مثقال معمولی باشد ۱۴ از آنچه در بالا گفتیم کم می‌شود.)

سؤال ۱۲۸۰- چنانچه در اثر ضربه‌ای در پلک تحتانی و فوقانی کبودی ایجاد شود، آیا جانی باید سه دینار به مجنی علیه بدهد، یا شش دینار؟

جواب: اگر کبودی متصل واحدی بوده باشد، یک جنایت محسوب می‌شود. و اگر دو کبودی جداگانه از هم باشد، دو جنایت حساب می‌شود.

سؤال ۱۲۸۱- جراحی که به اعضای درونی انسان وارد شود بر اساس نوع عضو آسیب دیده در داخل بدن، متفاوت است. در حالی که دیه در تمام موارد آن در حد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۱

جائفه و یکسان است. (به طور مثال جائفه‌ای که منجر به پارگی روده می‌شود، با جائفه‌ای که تنها منجر به پارگی پرده صفاق و چادرینه (امنتوم) می‌شود از نظر سیر درمان و هزینه‌ها و نقص عضو به هیچ وجه یکسان نیستند، لکن دیه آن‌ها یکی است.) آیا می‌توان در حکم تفاوتی قائل شد؟

جواب: در این گونه موارد که علاوه بر دیه ایجاد یک جراحت جائفه، به اعضای درونی مانند روده‌ها صدمه وارد می‌شود، نسبت به آن مقدار اضافه باید ارش داده شود.

سؤال ۱۲۸۲- حکم شرعی جراحات یا لطماتی که به هنگام تنبیه و تربیت شاگردان به وجود می‌آید، در فروع زیر چیست؟

الف) شاگرد صغیر باشد.

ب) شاگرد بالغ باشد.

ج) با اجازه ولی باشد.

د) بدون اجازه ولی باشد.

ه) جهت جلوگیری از وقوع منکر باشد.

جواب: حتی الامکان نباید از تنبیهات بدنی استفاده کرد. و در صورت ضرورت، باید با اجازه ولی باشد، و سبب کبودی و سرخی و جراحت بدن نگردد.

سؤال ۱۲۸۳- بعضی از کودکان توسط پدر و مادر شدیداً مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند، و گاه آثار این شکنجه‌ها در بیمارستان دیده می‌شود، و متأسفانه قانونی جهت منع آن موارد وجود ندارد. حکم آن چیست؟

جواب: این گونه شکنجه‌ها محکوم به دیه و ارش است؛ و فرقی با جنایات دیگران ندارد.

سؤال ۱۲۸۴- آیا جراحی که در اثر ورود ساچمه شلیک شده از اسلحه کمرشکن شکاری به شخص وارد می‌شود، از مصادیق ماده ۴۸۳ قانون مجازات اسلامی است، که مقرر می‌دارد: «هرگاه نیزه یا گلوله و مانند آن، در دست یا پا فرو رود، در صورتی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۲

که مجنی علیه مرد باشد دیه آن یک صد دینار، و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است.» یا ساچمه، گلوله محسوب نشده، و جراحت مزبور مشمول ماده ۴۸۰ قانون مجازات اسلامی است که با توجه به نوع جرح (حارصه، دامیه، متلاحمه، سمحاق، موضعه، هاشمه، منقله، مأمومه، و دامغه) باید تعیین دیه شود؟

جواب: این حکم (حکم نافذه) شامل ساچمه نمی‌شود، و باید از عناوین دیگر که اشاره کردید برای دیه آن استفاده کرد.

سؤال ۱۲۸۵- دکتر مقداری از پوست بدن را برای ترمیم جراحت یا سوختگی، برداشته است. آیا برای این قسمت دیه یا ارش جداگانه‌ای در نظر گرفته می‌شود؟

جواب: دیه و ارشی برای این قسمت نیست.

سؤال ۱۲۸۶- همان گونه که مستحضرید جرم دامغه ديه و ارش دارد، ولی پزشکی قانونی ارشی هم تحت عنوان کاهش استحکام جوار استخوان ناشی از گرانبوتومی اعلان نموده است. آیا جانی این ارش را هم باید پردازد؟
جواب: تنها ارش پاره شدن پوسته مغز را، علاوه بر ديه مأمومه، باید پردازد.

ديه جنين

سؤال ۱۲۸۷- دختری از زنا حامله شده است. در صورت پی بردن خانواده، احتمال کشتن وی می‌باشد. آیا می‌تواند سقط جنین کند؟ حکم ديه آن چیست؟

جواب: در صورتی که واقعاً جان او در خطر باشد، و جنین به چهارماهگی نرسیده باشد، مجاز است سقط جنین کند، و ديه آن را به بیت المال پردازد.

سؤال ۱۲۸۸- چون افراد زیادی از جمله پزشک، فروشنده، خریدار، تزریق کننده، پدر و مادر جنین، در سقط به وسیله دارو نقش دارند. ديه سقط بر عهده کیست؟

جواب: ديه سقط بر عهده کسی است که دارو را مصرف می‌کند.

سؤال ۱۲۸۹- اگر شخص تزریق کننده از اثر داروی سقط جنین با خبر نباشد، ديه بر عهده چه کسی است؟

جواب: بر عهده کسی است که این دستور را به او داده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۳

سؤال ۱۲۹۰- اگر مادر آمپول را به خود تزریق کند، تا جنین نامشروع خود را سقط کند، ديه بر عهده چه کسی است، و به چه کسی تعلق می‌گیرد؟ اگر شوهر ببخشد چطور؟

جواب: ديه سقط در اینجا بر عهده مادر است. و ديه او به حاکم شرع می‌رسد، و در مصارف بیت المال مصرف می‌شود.

سؤال ۱۲۹۱- اگر درخواست از مادر و تزریق از پدر باشد، ديه بر عهده چه کسی است؟

جواب: ديه بر عهده هر دو می‌باشد؛ هر کدام به مقداری که در آن کار سهیم بوده‌اند.

سؤال ۱۲۹۲- چنانچه کسی با اسلحه و به قصد کشتن مادر و جنین، به طرف آنها شلیک کند، و هر دو کشته شوند. آیا پدر حمل حق درخواست قصاص نفس جانی را دارد، یا این که قتل عمد جنین فقط ديه دارد؟

جواب: قتل عمد جنین قصاص ندارد، بلکه فقط ديه دارد. ولی اولیای دم می‌توانند پس از اخذ ديه جنین، نصف ديه کامله را به خاطر قتل مادر به ورثه جانی پردازند، و او را قصاص نمایند.

عاقله

سؤال ۱۲۹۳- همان گونه که مستحضرید در مواردی که جانی اقرار به جنایت خطایی خود کند، عاقله ضامن نیست. حال اگر طفلی، که عمد او خطای محض تلقی می‌شود، اقرار به جنایت خود نماید، آیا خود طفل ضامن است، یا عاقله وی؟

جواب: اقرار طفل در هیچ حال معتبر نیست.

سؤال ۱۲۹۴- از آنجا که عاقله ضامن جراحت موضعه به بالا می‌باشد، مشروط بر این که خطای محض باشد. لطفاً بفرمایید:

۱- چنانچه جراحتی وارد شود که ارش دارد، و ارش آن معادل با موضعه یا بالاتر باشد، آیا عاقله ضامن است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۴

جواب: فرقی بین ارش و ديه در این جهت نیست.

۲- در جراحات متعددی که دیه مجموع آن معادل موضحه یا بیشتر، ولی منفرداً کمتر است (اعم از این که دیه مقدره داشته باشد، یا نداشته باشد) چگونه؟

جواب: جنایات مستقله که هر کدام دیه آن کمتر از موضحه است، مشمول حکم عاقله نیست.

۳- جراحاتی وارد شده که کمتر از موضحه دیه دارد، لکن عیبی از آن حاصل شده که دیه جراحات به همراه عیب معادل موضحه یا بیشتر می‌شود. در این صورت عاقله ضامن است؟

جواب: در این فرض که جنایت، جنایت واحده است، شامل می‌شود.

سؤال ۱۲۹۵- هرگاه قتل خطای محض با علم قاضی ثابت شود، دیه بر عهده چه کسی است؟ عاقله، یا خود جانی؟
جواب: احتیاط واجب آن است که خود جانی پردازد.

سؤال ۱۲۹۶- اگر مجنون یا صغیر، بر پدر خود ضرب یا جرحی که دیه آن بر عهده عاقله است وارد کند، مسئول پرداخت دیه کیست؟

آیا در این مورد خاص می‌توان سایر اقربای نسبی مجنون یا صغیر را که جزء ورثه فعلی او محسوب نمی‌شوند (مانند برادران) به ترتیب اقریب به جانی مسئول پرداخت دیه به عنوان عاقله دانست؟

جواب: آری دیه بر عاقله است، ولی سهمی از آن به صغیر یا مجنون نمی‌رسد.

سؤال ۱۲۹۷- در رابطه با کیفیت و شرایط مسئولیت عاقله پاسخ دهید:

الف) در مورد جنایات خطای محض عاقل بالغ، تنها دیه قتل و جراحات‌های موضحه و زیاده‌تر از آن بر عهده عاقله می‌باشد، و دیه جنایات کمتر از موضحه بر عهده خود جانی است. آیا این حکم در مورد نابالغ و دیوانه نیز صادق است؟ به عبارت دیگر، دیه جراحات کمتر از موضحه که نابالغ (ممیز و غیر ممیز) و یا دیوانه به دیگری وارد می‌کند، بر عهده کیست؟

جواب: آری این حکم درباره صبی و مجنون نیز جاری است، و مادون

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۵

موضحه از مال آنها پرداخته می‌شود.

ب) عاقله در چه مدتی باید دیه، یا ارش را پردازد؟

جواب: هرگاه دیه سنگین بوده باشد، باید مانند دیه عمد در أجل مناسب پرداخت شود، و الا جنبه فوری دارد.

ج) در صورتی که عاقله از پرداخت دیه استنکاف نماید، یا عاجز از پرداخت باشد، تکلیف چیست؟

جواب: هرگاه در آینده امید قدرت برای او هست، باید تأخیر انداخت. و اگر امیدی نیست، باید از بیت المال پرداخت شود. و اگر عمداً تأخیر اندازد و توانایی دارد، حاکم شرع می‌تواند او را مجبور سازد، و یا به زندان افکند.

سؤال ۱۲۹۸- در مورد جنایت صغیر، که در زمان دادرسی و صدور رأی بالغ و رشید شده، دیه متعلقه همچنان بر عهده عاقله است، یا خود جانی باید پردازد؟

جواب: دیه بر عهده عاقله است.

دیه جنایت بر میت

سؤال ۱۲۹۹- در خصوص جنایت بر میت بفرمایید:

الف) آیا سوزاندن کامل بدن میت دیه دارد؟

ب) در صورت مثبت بودن پاسخ، میزان آن چقدر است؟

ج) در فرض فوق، آیا جانی علاوه بر دیه، تعزیر نیز می‌شود؟

د) در موارد وجوب دیه، آیا بین عمدی و غیر عمدی بودن جنایت تفاوتی هست؟

ه) آیا در مقدار دیه، بین میت زن و مرد تفاوتی وجود دارد؟

جواب: ارش دارد؛ ولی ارش آن کمتر از دیه کامله جنایت بر میت (یک صد دینار) نیست. و فرقی بین زن و مرد نمی‌باشد؛ ولی در صورت عمد، تعزیر نیز دارد.

سؤال ۱۳۰۰- آیا پرداخت دیه جنایت بر میت به صورت حال است، یا مؤجل؟

جواب: دیه آن به صورت حال است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۶

سؤال ۱۳۰۱- دیه جراحات یا صدماتی که بر میت غیر مسلمان وارد می‌شود، چه مقدار است؟

جواب: احتیاط آن است که مانند دیه مسلمان عمل شود، یا مصالحه کنند.

سؤال ۱۳۰۲- اگر نیاز به عضوی از اعضای مرده باشد، و آن را از بدن او جدا کنند، آیا دیه دارد؟ دیه آن چه مقدار است؟ چه

کسی باید بدهد؟ به چه کسی تعلق می‌گیرد؟ در صورت ثبوت دیه، آیا بین مسلمان و کافر از یک طرف، و کافر ذمی و غیر ذمی از سوی دیگر، فرقی هست؟

جواب: در چنین صورتی احتیاط پرداخت دیه است. و باید دیه در راه خیرات برای آن میت صرف شود، و حربی دیه ندارد.

سؤال ۱۳۰۳- فردی را پس از قتل می‌سوزانند، به گونه‌ای که تمامی بدنش به جز چند قطعه استخوان، تبدیل به خاکستر می‌شود! با

توجه به این که تمامی بدنش از بین رفته، آیا باید برای تک تک اعضا و جوارح ظاهر و داخل ارش تعیین گردد؟ در صورتی که جواب مثبت باشد، ارش معینه چه میزان بیشتر از ارش دیه کامل جنایت بر مرده است؟

جواب: در صورتی که جسد را یکجا سوزانده باشند دیه آن تنها یک صد دینار است؛ ولی اگر آن را در چند مرحله سوزانده باشند، دیه اعضا اضافه می‌شود. و اگر عضوی دیه نداشته باشد، ارش به آن تعلق می‌گیرد.

موارد پرداخت دیه از بیت المال

سؤال ۱۳۰۴- هرگاه در قتل عمد، یا غیر عمد، یا صدمات دیگر، متهم شناسایی نشود، آیا لازم است دیه از بیت المال پرداخت

گردد؟ در صورتی که پاسخ مثبت باشد، آیا اعلان این مطلب و قید آن در حکم لازم است، مخصوصاً اگر اثر نامطلوبی در جامعه داشته باشد، و مورد سوء استفاده قرار گیرد؟

جواب: در صورتی که قاتل شناخته نشود، دیه را باید از بیت المال پرداخت. و لازم نیست این مسأله به طور آشکار اعلان شود، تا سبب سوء استفاده افرادی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۷

گردد. همچنین اگر قاتل واقعاً معسر شود، به طوری که امیدی برای آینده نیز نباشد.

سؤال ۱۳۰۵- در مواردی که می‌توان دیه مقتول را از بیت المال پرداخت، لکن اولیای دم جاهل به موضوع هستند، آیا قاضی مجاز به ارشاد و راهنمایی آنان می‌باشد؟

جواب: با توجه به این که ذی نفع در اینجا جاهل به حکم است، می‌توان او را به حکم شرع ارشاد کرد.

سؤال ۱۳۰۶- در صورتی که ضارب فرار کند، یا ناشناخته باشد، آیا می‌توان دیه جراحات و صدمات وارده بر مجنی علیه را از بیت المال پرداخت؟

جواب: در غیر قتل دلیلی بر گرفتن دیه از بیت المال یا خویشان جانی فراری نداریم.

سؤال ۱۳۰۷- فرزند ۱۲ ساله این جانب در کوچه به چیز مشکوکی برخورد نموده، مشغول بازی با آن می‌شود. در این هنگام شیء مذکور، که ظاهراً نوعی مواد منفجره شبیه گلوله خمپاره بوده، منفجر و منجر به فوت ایشان می‌گردد. بر اساس اظهارات چند نفر، موتور سوار ناشناسی آن شیء را در کوچه رها کرده است. با توجه به این که خون مسلم نباید هدر رود، آیا دیه فرزند این جانب بر بیت المال است؟

جواب: چنانچه ثابت شود شیء مزبور را موتور سواری آنجا رها کرده، و دسترسی به او حاصل نشود، دیه آن طفل باید از بیت المال پرداخته شود. ولی چنانچه کودک آن شیء را از داخل منزل برداشته، دیه او بر بیت المال نیست.

سؤال ۱۳۰۸- فرزندم، در حالی که بر ترک موتورسیکلت سوار بود، بر اثر تصادف با اتومبیل به شدت مجروح و مصدوم گردید. متأسفانه راننده متخلف و بی‌وجدان از صحنه تصادف گریخته، و تا این لحظه شناسایی نشده است. شدت آسیب‌های وارده بر فرزندم به حدی است که حواس خود را از دست داده، و ما اکنون سالهاست که همانند طفل یک ساله‌ای از او پذیرایی می‌کنیم. اگر در حکومت اسلامی صدمه‌ای به مسلمانی وارد شود، و متهم شناسایی نشود، پرداخت دیه بر عهده کیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۸

جواب: دیه بر عهده جانی است، و دلیلی بر گرفتن دیه در غیر قتل از خویشاوندان جانی یا بیت المال نداریم.

سؤال ۱۳۰۹- در موارد قسامه، که موضوع آن ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به مجنی علیه است، اگر برائت مدعی علیه ثابت شود، و ضارب یا جارح نیز مشخص نگردد، آیا مانند مورد قتل، دیه مجنی علیه مصدوم باید از بیت المال پرداخت شود؟ جواب: ظاهراً دیه آن بر کسی نیست.

سؤال ۱۳۱۰- در موارد اثبات اعسار جانی از پرداخت دیه، اعم از این که موضوع آن قتل یا ضرب و جرح عمدی، یا در حکم شبه عمد، یا شبیه عمد باشد و محکوم علیه معسر نیز در دسترس باشد، لکن جهت اعسار مذکور حتی در مدت طولانی نیز قادر به پرداخت دیه مورد حکم نباشد. آیا باید از بیت المال پرداخت نمود، یا بر عهده بستگان محکوم علیه (الاقرب فالاقرب) است، یا در این فرض کسی جز محکوم علیه معسر ضامن نمی‌باشد؟

جواب: در فرض سؤال چنان چه جنایت از قبیل قتل بوده باشد، دیه از بیت المال پرداخته می‌شود.

عفو از دیه

سؤال ۱۳۱۱- در مواردی که قصاص قاتل، مشروط به رد فاضل دیه از سوی اولیای دم است، سؤالاتی مطرح می‌شود. لطفاً پاسخ فرماید:

۱- فاضل دیه حق چه کسی است؟ قاتل یا ورثه وی؟

جواب: فاضل دیه حق قاتل است، و از او به ورثه می‌رسد.

۲- در صورتی که حق قاتل باشد، آیا می‌تواند از حق خویش گذشت کند؟

جواب: آری می‌تواند گذشت کند.

۳- آیا انگیزه قاتل در حکم فوق تأثیری دارد؟ مثلاً اگر انگیزه قاتل محروم کردن ورثه از دیه، یا خروج از بلا تکلیفی و نجات از زندان باشد، (به هنگامی که اولیای دم به دلیل اعسار، قادر به پرداخت فاضل دیه نیستند، و از طرف دیگر نه حاضر به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۸۹

دریافت دیه هستند، و نه قاتل را عفو می‌کنند.) آیا عفو در همه موارد صحیح است؟

جواب: انگیزه‌ها تفاوت نمی‌کند، و معیار عفو است.

سؤال ۱۳۱۲- اگر مقتول دیونی داشته، و برای پرداخت آن هیچ مالی غیر از دیه نداشته باشد، و اولیای دم مجنی علیه به خاطر این که پولی گیر طلبکاران نیاید، یا به هر دلیل دیگر دیه را ببخشند، آیا طلبکاران می‌توانند دعوی طرح نموده، و به عنوان شخص ثالث وارد دعوی شده، و دیون خود را مطالبه کنند؟

جواب: مطالبات میت بر هر چیز مقدم است، و اولیای دم در فرض مسأله حق بخشش ندارند.

سؤال ۱۳۱۳- به منظور قصاص قاتل دخترم، مبلغ ۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال (فاضل دیه) در وجه قاتل، و مبلغ ۲۶/۶۶۶/۶۷۰ ریال بابت ۵۶ دیه یک زن نیز به عنوان سهم الدیه صغیر به حساب دادگستری واریز نمودم، تا قاتل به قصاص رسید. از طرفی ضمن توافق شفاهی با قاتل، قرار شد ایشان از بابت دیه بدهی دیه فرزندان مقتول (پسر و دختر) که ثلث آن به این جانب می‌رسد، و برابر فاضل دیه می‌باشد، از سهم الدیه خود به نفع این جانب گذشت نماید. در حضور قاضی و مسئولین اجرای احکام قضایی، قاتل قبل از قصاص با خط خود نوشت: «این جانب محکوم به قصاص، از حق سهم الدیه خودم نسبت به ولی دم خانم ... گذشت می‌نمایم.» و قاضی و مسئولین اجرای احکام زیر آن نامه را تأیید نمودند. اکنون سؤال این است: آیا کل مبلغ فاضل دیه، که آن مرحوم به نفع این جانب گذشت نموده، به این جانب تعلق می‌گیرد؟ لازم به ذکر است که ورثه قاتل فقط یک فرزند صغیر و مادر او می‌باشند.

جواب: آنچه را قاتل به عنوان بدهی به شما (از بابت دیه فرزندان) گذشت کرده به شما می‌رسد، و شخص دیگری در آن حق ندارد.

سؤال ۱۳۱۴- آیا جد پدری، یا وصی، یا قیم صغار، هر چند مادر آنها باشد، حق دارد سهم الدیه صغار تحت کفالت خود را به کمتر از دیه شرعی با جانی مصالحه کند، یا به طور کلی آن را عفو نماید؟

جواب: جد پدری، یا وصی، یا قیم، حق ندارند دیه صغیر را ببخشند، یا به

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۰

کمتر از مقدار شرعی مصالحه کنند. مگر این که مصلحت خاصی در آنجا حاکم باشد، و منفعت صغیر ایجاب کند.

خسارت عدم النفع

سؤال ۱۳۱۵- نظر معظم له در رابطه با اخذ خسارت عدم النفع (از نوع منفعت قریب الحصول، یا متوقع الحصول) چه می‌باشد؟ لطفاً حکم مصادیق زیر را بیان فرمایید:

(الف) راننده‌ای با اتومبیل خود کار می‌کند. در اثر تصادف و خسارت وارده، نتوانسته به مدت ۴ ماه کار کند، و به نظر کارشناسان ۴ ماه هم برای تعمیر و راه‌اندازی خودروی مزبور وقت لازم است. آیا راننده اتومبیل می‌تواند علاوه بر هزینه تعمیر، خسارت عدم النفع متعارف این ۴ ماه را از مقصّر حادثه مطالبه نماید؟

(ب) هرگاه کسی که حرفه رسمی او طبابت، یا جراحی، یا هر شغل دیگری است، در اثر صدمه بدنی عمدی، یا غیر عمدی، از کار افتاده شود، و به تشخیص کارشناسان، تا آخر عمر توانایی کار کردن و کسب درآمد متعارف را از دست بدهد.

آیا می‌تواند علاوه بر دیه، درآمد ماهیانه‌اش را در حد متعارف از مقصّر حادثه طلب کند؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۴۹۰

(ج) شخصی با ارتکاب اعمالی نظیر آدم‌ربایی، طرح شکایت واهی منتهی به بازداشت، ارائه مدارک جعلی به دادگاه، و کسب مجوز

برای توقّف عملیات ساختمانی، و مانند آن، بدون آن که صدمهٔ بدنی به طرف وارد نماید، او را از کار و زندگی انداخته، و موجبات اضرار وی را فراهم نموده است. به گونه‌ای که دقیقاً قابل تقویم به مبلغ قابل توجهی می‌باشد. آیا متضرر می‌تواند بابت مدتی که نتوانسته کار کند، و بازداشت بوده، یا بابت مدتی که خانه دیرتر برای اجاره آماده شده، مطالبهٔ خسارت نماید؟

(د) آیا اولیای دم واجب النفقۀ مقتول که بعد از وقوع قتل از دریافت مستمری و نفقه محروم شده‌اند، می‌توانند تا مدت زمانی که عرفاً و قانوناً مستحقّ نفقه بوده‌اند،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۱

علاوه بر دیه، به میزان نفقهٔ معمول مطالبهٔ خسارت نمایند؟ مثلاً همسر مقتول تا زمانی که شوهر نموده، و فرزندان صغیر مقتول تا زمانی که بالغ و متمکن نشده‌اند، حقّ مطالبهٔ خسارت دارند؟

جواب: در مواردی که دیه گرفته می‌شود پرداختن خسارت دیگری لازم نیست، ولی در مواردی که اتومبیل کرایه خسارت دیده، یا شخص کارگر و کارمندی از کار بازداشته شده، یا ساختمانی بی‌جهت توقیف شده، در تمام این موارد باید اجرت المثل پرداخته شود.

تغلیظ دیه

سؤال ۱۳۱۶- شخصی ضربه‌ای در ماه مبارک رمضان بر دیگری وارد کرده، و مضروب در ماه ذی القعدة الحرام فوت نموده است. آیا تغلیظ دیه لازم است، یا چون ضربه در ماه غیر حرام وارد شده، دیه تغلیظ نمی‌شود؟

جواب: در صورتی که ضرب و قتل هر دو در ماه‌های حرام واقع شود، دیه تغلیظ می‌شود. در غیر این صورت، دلیلی بر تغلیظ دیه نیست.

سؤال ۱۳۱۷- اگر در ماه حرام، و در حریم خانهٔ خدا، قتلی رخ دهد، آیا چیزی به غیر از ۱۳، به دیه اضافه می‌شود؟

جواب: آری به هر دو عنوان تغلیظ و تشدید می‌شود.

سؤال ۱۳۱۸- دیهٔ زن مسلمان، اگر در ماه حرام به قتل رسیده باشد، چقدر است؟

جواب: نصف دیهٔ کامله به عنوان اصل دیهٔ زن، و یک سوم آن (که ۱۶ دیهٔ کامله می‌شود) به عنوان تغلیظ پرداخته می‌گردد، که مجموعاً ۴۶ دیهٔ کامله می‌شود.

سؤال ۱۳۱۹- جنایت در ماه ذی الحجّه واقع شده، و مجنی علیه در ماه محرم فوت گردیده است. مادهٔ ۲۹۹ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند که: «هرگاه صدمه و فوت هر دو در یکی از ماههای حرام واقع شود، سبب تغلیظ است.» آیا در مورد سؤال که صدمه و فوت در دو ماه واقع شده، حکم تغلیظ جاری می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال این مورد از باب تغلیظ است؛ زیرا هر دو در ماه حرام واقع شده است، و منظور از مادهٔ قانونی مذکور نیز همین است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۲

نحوهٔ پرداخت دیه

سؤال ۱۳۲۰- با توجه به این که در قتل خطا، در پایان سال اول، باید ۱۳ دیهٔ مقرر شرعی پرداخت شود، هرگاه نصف از ۱۳ در موعد مقرر پرداخت، و باقی ماندهٔ آن در سال بعد پرداخت گردد، لطفاً بفرمایید:

آیا نصف باقی مانده باید به قیمت سال جاری پرداخت گردد، یا به قیمت سال گذشته؟

جواب: باید به قیمت سال جاری پرداخت شود.

سؤال ۱۳۲۱- در مواردی نظیر قتل خطای محض، که بنا بر قول مشهور دیه ظرف سه سال و هر سال ثلث آن باید پرداخت شود، با عنایت به این که بر اساس فتوای برخی از فقها ملاک قیمت یوم الأداء می‌باشد، بفرمایید در محاسبه ثلث در صورت تعدد اعیان شش گانه، چگونه باید عمل کرد؟ آیا از ابتدا قیمت کل دیه بر اساس نرخ روز محاسبه می‌شود، و جانی در هر سال ملزم به پرداخت ثلث همان قیمت است، یا این که در پرداخت هر ثلث، قیمت یوم الأداء همان ثلث ملاک است، یعنی در هر سال باید با توجه به قیمت سوقیه همان سال، ثلث دیه را محاسبه و پرداخت نماید؟

جواب: در هر سال باید ثلث دیه را به قیمت روز محاسبه و ادا کند، مگر این که در ابتدا مصالحه‌ای روی قیمت صورت گرفته باشد. سؤال ۱۳۲۲- شخصی در حادثه تصادف رانندگی مرتکب قتل غیر عمد شده، و فوراً خود را به نیروی انتظامی معرفی نموده است. قاضی مربوطه، بعد از طی مراحل قانونی و با تعیین مقدار دیه، حکم آن را صادر کرده، ولی مسئولین اجرای احکام ابلاغ پرداخت آن را به مسئولین بیمه تأخیر انداخته‌اند؛ بدین علت سال بعد مقدار دیه افزایش یافته است. آیا متهم مدیون همان مقدار دیه‌ای است که قاضی آن را معین نموده، و حکمش را صادر کرده، یا اضافه سال بعد را هم باید بپردازد؟

جواب: هرگاه مسئول اجرای احکام در ابلاغ حکم کوتاهی کرده، ضامن مبلغ مازاد دیه می‌باشد.

سؤال ۱۳۲۳- اگر فرد مزبور بعد از وقوع حادثه فرار کند، و پس از چندین سال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۳

نیروی انتظامی او را دستگیر و به دادگاه تحویل دهد. به طوری که حکم دادگاه در سال افزایش مقدار دیه صادر شود. آیا جانی باید دیه سال وقوع حادثه را بپردازد، یا دیه سال صدور حکم را؟
جواب: باید دیه را به قیمت روز بپردازد.

سؤالات دیگر دیات

سؤال ۱۳۲۴- یکی از مسائل مورد ابتلا در محاکم دادگستری خسارات ناشی از صدمات بدنی وارد شده به افراد است. آیا صدمات بدنی، فقط شامل صدمات فیزیکی است، یا شامل صدمات روحی و روانی نیز می‌شود؟ با توجه به این که صدمات روحی و روانی به مراتب اثراتی بدتر از صدمات فیزیکی به دنبال دارد، و چه بسا ممکن است فردی به خاطر چنین اثرات روحی و روانی، تا آخر عمر رنج بکشد، و همچنین ممکن است فرد در مدتی که صدمه وارد شده، از کار و فعالیت (خصوصاً کارهای علمی) بازایستد، و به هدفی که مد نظر داشته نائل نشود، و مسیر دیگری را اجباراً در پیش گیرد. آیا چنین خساراتی شرعاً قابل جبران هست؟
جواب: با توجه به این که صدمات روانی قابل اندازه‌گیری نیست، و نمی‌توان حد و حدود آن را معین کرد، بنابراین تعیین خسارت برای آن مشکل است، و غالباً سبب دعوی می‌شود. همان چیزی که اسلام از آن به شدت پرهیز دارد؛ البته در بعضی از موارد، مانند از دست دادن هوشیاری کامل (جنون)، یا به مقدار کمتر که قابل اندازه‌گیری باشد، جبران خسارت آن در فقه اسلامی پیش‌بینی شده است.

سؤال ۱۳۲۵- در بین برخی از عشایر عرب رسم است که دیه مقتول را، اگر چه صغیر در بین ورثه باشد، بین تمام طائفه تقسیم می‌کنند. این تقسیم چه حکمی داد؟

جواب: دیه مقتول مانند سایر اموال اوست، و باید سهم صغیر را نزد قیم امین بپردازند تا برای او نگهداری کند، و بقیه طبق قانون ارث تقسیم می‌شود.

سؤال ۱۳۲۶- بیمه وسایل نقلیه در کشور، به منظور هدر نرفتن خون مقتولین و مجروحین تصادفات است. لکن بیمه برای پرداخت

خسارت مصدومین، موازین و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۴

مقرراتی دارد؛ مثلاً اگر ماشین راننده مقصّر بیمه شده باشد، اداره بیمه خسارت مقتولین و مجروحین را از حساب بیمه آن ماشین پرداخت می‌کند، و اگر ماشین راننده مقصّر بیمه نشده باشد، ولی ماشین راننده‌ای که مقصّر نیست، بیمه باشد، اداره بیمه خسارت مقتولین و مجروحین را از حساب بیمه آن ماشین پرداخت می‌نماید. در هر دو صورت، پرداخت کننده دیه، اداره بیمه است. حال اگر ماشین راننده مقصّر بیمه نباشد، و ماشین راننده بی‌تقصیر بیمه باشد، و اداره بیمه دیه مقتولین و مجروحین را از بابت بیمه ماشین راننده بی‌تقصیر پردازد، آیا ورثه مقتولین و مجروحین حق مطالبه چیز دیگری از راننده مقصّر دارند؟

جواب: در فرض سؤال، هنگامی که دیه از طرف بیمه پرداخته شود، ذمه راننده مقصّر پاک می‌شود.

سؤال ۱۳۲۷- اگر در قتل شبه عمد یا خطای محض هویت اولیای دم مشخص نباشد، یا دسترسی به آنان میسر نگردد، آیا می‌توان قاتل را ملزم به پرداخت دیه کرد و در صورت عدم پرداخت دیه، وی را حبس نمود؟
جواب: آری او ملزم به پرداخت دیه است. و چنانچه ولی دم نداشته باشد، دیه او به امام می‌رسد، و اگر دارد و دسترسی به او نیست، برای او نگه می‌دارند، و در صورت یأس، از طرف او به فقرا می‌دهند.

سؤال ۱۳۲۸- منظور از مصالحه در جمله «همسر از حق قصاص برخوردار نمی‌شود؛ مگر قصاص به دیه مصالحه شود.» چیست؟

جواب: منظور آن است که اولیای دم با قاتل توافق کنند که به جای قصاص دیه بگیرند؛ در این صورت همسر هم سهم می‌شود.

سؤال ۱۳۲۹- برخی از اولیای میت صغیر و برخی کبیرند. ورثه کبیر خواهان قصاص قاتل هستند، که در این صورت باید سهم صغار را از دیه پردازند. آیا ورثه کبیر می‌توانند نوع دیه را از نظر جنس و قیمت تعیین نمایند؟ یا برای رعایت غبطه صغار، قیم آنها، یا دادگاه، باید سهم الدیه صغار را از جنس گرانتر (مانند گاو و گوسفند) تعیین کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۵

جواب: تعیین نوع دیه به اختیار کسانی است که می‌خواهند دیه را به صغیر پردازند.

سؤال ۱۳۳۰- آیا اولیای دم می‌توانند خرج کفن و دفن، یا هزینه‌های دیگری که در خصوص مقتول انجام داده‌اند را از متهم دریافت کنند؟

جواب: غیر از دیه چیزی نمی‌توانند بگیرند.

سؤال ۱۳۳۱- از آنجا که مقتول دارای زن و فرزند می‌باشد، و آنها را از ماشینی که در تصادف از بین رفته تأمین می‌کرده، آیا اولیای دم می‌توانند خسارت کارکرد ماشین را که در این مدت خراب بوده، و کار نمی‌کرده، از متهم دریافت کنند؟

جواب: آنها می‌توانند خسارت ماشین، به اضافه خسارت کارکرد ایام لازم برای تعمیر را بگیرند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۷

فصل چهل و هشتم: احکام بانکها و صندوقهای قرض الحسنه

استخدام در بانکها

سؤال ۱۳۳۲- این جانب مقلد حضرت تعالی بوده و در یکی از بانکها مشغول به کار هستم. متأسفانه از سال ۱۳۷۳ به این طرف، ایجاد سیاست سودآوری بانک، و پرداخت تسهیلات به روش مانده، باعث گردید که چندان نظارتی بر عقود اسلامی انجام نگیرد. لذا برخی از عقدها، عمداً یا سهواً با اطلاع یا بدون اطلاع، به صورت صوری انجام می‌گیرد، و اثر وضعی این جریان در زندگی ما به

وضوح آشکار گردیده است. امروز که حقیر برای جنابعالی نامه می‌نویسم یقین دارم که درآمد بانک مخلوطی از حرام و مباح است، و حقوق ما نیز مستقیماً از درآمد همین تسهیلات پرداخت می‌شود. با توجه به این که برای این جانب هیچ چیز جز رضای پروردگار مهم نیست، و حتی در صورتی که گرفتن این حقوق کراهت داشته باشد، حاضر به ادامه کار نیستم، لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

اولاً: آیا صحیح است که با این وضعیت به کار در بانک ادامه دهم؟

ثانیاً: کار در مؤسسات وابسته به بانک، که درآمد و هزینه آن از محل دیگری تأمین می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: کار کردن در بخشی که سود را با عقود صوری می‌گیرند، جایز نیست؛ ولی در بخشهای دیگر اشکالی ندارد. و حقوقی که به شما می‌دهند، اگر در مقابل کار حلال باشد و یقین به حرام بودن عین آن حقوق نداشته باشید، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۳۳- در مورد حرام یا حلال بودن حقوق کارمندان بانک از حضرتعالی سؤالی پرسیده بودم، که در پاسخ مرقوم فرمودید: «بانک درآمدهای مختلفی دارد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۸

اگر در قسمت درآمدهای مشروع آن کار کنید اشکالی ندارد.» حال سؤال این است که:

اولاً: آیا بانک‌های دولتی هم درآمد نامشروع دارند؟

ثانیاً: شخصی که در قسمت دریافت و پرداخت پول به مردم مشغول به کار است، آیا دستمزدی که می‌گیرد حلال است؟ (قابل توجه این که تمام درآمدهای بانک، چه مشروع و چه نامشروع، از طریق تحویل داران وارد بانک می‌شود.)

جواب: همانطور که سابقاً هم اشاره کردیم در همه بانکها معمولاً درآمدهای مختلفی وجود دارد. اگر کار شما در آنجا کار حلالی باشد حقوقی که می‌گیرید اشکالی ندارد، هر چند نمی‌دانید این حقوق از حلال است یا از حرام؛ به خاطر این که پولها را با هم مخلوط کرده‌اند. و در صورتی که واقعاً ندانید بانک درآمد حرامی دارد، همه را حمل بر صحت کنید.

سؤال ۱۳۳۴- در پاسخ به سؤال این جانب در مورد استخدام در بانک فرموده‌اید: «کار در بخشهای حلال آن جایز است.» از جواب حضرتعالی چنین برمی‌آید که ممکن است بخشی وجود داشته باشد که کار کردن در آن جایز نباشد. حال سؤال این است:

با توجه به این که در بانکهای ایران سعی بر این شده که سیستم قدیمی (ربوی) حذف شود، و به جای آن عقود اسلامی مثل مضاربه و شرکت و غیره به اجرا درآید.

با این حال، آیا باز جای شبهه‌ای باقی می‌ماند؟ منظور این است که آیا باز هم ممکن است بخشی وجود داشته باشد که استخدام در آن مستلزم حرام باشد؟

جواب: در صورتی که به عقود اسلامی کاملاً عمل شود مشکلی نیست؛ ولی بعضی معتقدند در برخی از موارد طبق عقود اسلامی عمل نمی‌شود، و فقط قراردادهای صوری است.

سپرده‌ها

سؤال ۱۳۳۵- شخصی علم و اطلاع دارد که بانک به سپرده‌ها مبلغی بهره می‌دهد، به این منظور پولی به بانک می‌سپارد، ولی هیچ گونه قرارداد لفظی یا کتبی نمی‌بندد.

آیا بهره مذکور حرام است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۴۹۹

جواب: با توجه به این که سپرده‌ها به عنوان مضاربه گذارده می‌شود، سود مضاربه اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۳۶- افرادی به امید دریافت وام سپرده‌گذاری می‌کنند، و برای آنان فرقی ندارد که از پولشان در چه راهی استفاده شود، آیا می‌توان از این گونه وجوه، جهت برخی معاملات شرعی، یا پرداخت وام در قالب عقود اسلامی استفاده نمود؟
جواب: باید از صاحبان وجوه به صورت خاص یا عمومی، جهت این گونه تصرفات اجازه بگیرید.

سؤال ۱۳۳۷- آیا می‌توان از عموم اعضای صندوق قرض الحسنه دعوت کرد، تا مبلغی را به عنوان سپرده‌گذاری کوتاه مدت یا بلند مدت به صندوق بسپارند، که با آن پول معاملات شرعی انجام داده، و هر ماهه مبلغی- به صورت علی الحساب- به آنان پرداخت نمود، تا در پایان سال محاسبات لازم انجام، و سود قطعی آنان پرداخت شود؟
جواب: مانعی ندارد.

احکام وامها

سؤال ۱۳۳۸- با توجه به ایرادات وارده در بحث خرید دین، و تقاضاهای متعدّد در خصوص پرداخت وام، آیا محاسبه سود در قالب عقود اسلامی، و پرداخت آن به عنوان هدیه توسط درخواست کننده، خالی از اشکال است؟
جواب: در صورتی که قرار دادی در بین نباشد، و وام گیرنده به میل و رضای خود چیزی پردازد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۳۹- آیا شرط زیر جایز است: «به شما وام پرداخت می‌کنم، مشروط بر این که مبلغی به فلان مؤسسه خیریه یا کمیته امداد کمک کنید.»؟
جواب: با توجه به این که این وام سودی برای وام‌دهنده مطالبه نمی‌کند، بلکه منفعتی را برای مؤسسه خیریه یا مانند آن می‌طلبد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۰- این صندوق در جهت افزایش و تنوع ارائه خدمات خود در قالب استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۰
فروش اقساطی، اقدام به پرداخت وام جهت خرید جهیزیه می‌نماید. آیا هنگام عقد قرارداد و پرداخت وام باید نوع کالا و مبلغ آن دقیقاً مشخص و محرز گردد، یا صرف بیان خرید جهیزیه بدون ذکر نام کالا کافی است؟
جواب: تعیین نوع کالا لازم نیست.

سؤال ۱۳۴۱- برخی از بانکها وام مسکن می‌دهند ولی با توجه به این که وام اعطایی غالباً برای خرید خانه کفایت نمی‌کند، بین مردم مرسوم شده که در معامله‌ای صوری با دوستان و خویشان، مسکن آنها را می‌خرند و وام مورد نظر را می‌گیرند. آیا این کار جایز است؟
جواب: با توجه به این که این کار بر خلاف مقررات بانک می‌باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۳۴۲- شخصی به دیگری وام می‌دهد، و هیچ گونه شرطی در رابطه با سود مطرح نمی‌کند. اما بعد از این که پولش را پس می‌گیرد، به شکل واضح یا تلویحاً اشاره می‌کند، که خوب بود سودی پرداخت می‌شد، آیا در این صورت و بدون این که وام‌دهنده عددی را معین نماید، و فقط به خاطر این که گله و ناراحتی خود را ابراز کرده، وام گیرنده مجاز است مبلغی به او بدهد؟ آیا این پول در حکم ربا نیست؟

جواب: با توجه به این که شرطی نکرده‌اند، و مطلب تنها به صورت گله مطرح شده، و الزامی در کار نبوده، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۳- عده‌ای از مؤمنین (مثلاً ۲۰ نفر) توافق می‌کنند که در راستای مساعدت به همدیگر، و حل مشکلات مالی، به صورت سرانه هر ماه مبلغ مشخصی را یک جا جمع‌آوری نموده، و آن را به قید قرعه در اختیار یکی از اعضا به صورت وام قرض الحسنه بگذارند، و برای این که کلیه اعضا بتوانند از امتیاز اخذ وام بهره‌مند گردند، می‌بایست ۲۰ ماه متوالی مبلغ مقرر توافقی را پردازند.

در نتیجه افرادی که موفق به اخذ وام می‌گردند مبلغ مقرر شده را در هر ماه تحت عنوان قسط وام، و دیگر افراد مبلغ مذکور را برابر توافق قبلی جهت جمع‌آوری و ارائه وام به هر کسی که قرعه به نام وی اصابت نماید، پرداخت می‌کنند. در نتیجه یک نفر در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۱

اولین ماه موفق به اخذ وام می‌شود، ولی آخرین فرد در واقع پس‌انداز خود را دریافت می‌نماید. آیا پرداخت وام به شکل فوق مشکل ربا ندارد؟
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۴- این تعاونی در راستای اهداف خود، که کمک به اقشار آسیب‌پذیر و شرکت در کارهای عمرانی و اقتصادی است، اقدام به پرداخت وام جعله جهت تعمیر یا خرید خانه، و وام فروش اقساطی جهت معاملات می‌نماید. در صورت آگاهی از تغییر مورد مصرف وام (به هر علتی)، وظیفه این تعاونی چیست؟ آیا باید قرارداد قبلی فسخ و بر اساس موضوع جدید قرارداد منعقد شود، یا به دلیل گذشت زمان مسئولیتی متوجه این تعاونی نبوده، و سود دریافتی از محل عقد قرارداد اولیه بلا اشکال است؟
جواب: باید قرارداد را فسخ کنید، و قرارداد جدیدی منعقد سازید. و گرنه، سودی که می‌گیرید ربا است.

سؤال ۱۳۴۵- مرکز پشتیبانی شمال شرق، اقدام به تأسیس تعدادی شرکت‌های اقتصادی نموده، که عمدتاً سهامدار آنها پرسنل آن مرکز می‌باشند. از آنجا که در پرداخت وام توسط این تعاونی به شرکتهای مذکور موضوع سود شرعی مد نظر است، آیا گرفتن سود باید دقیقاً در قالب معاملات و عقود اسلامی باشد، یا مشمول حکم ربای پدر و فرزند می‌باشد که بدون اشکال است؟
جواب: حکم ربای پدر و فرزند در اینجا جاری نیست، و باید تحت یکی از عقود شرعی باشد.

سؤال ۱۳۴۶- کیفیت و شرایط یکی از وامهای رایج در بعضی از صندوقهای قرض الحسنه به شرح زیر است. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید:

«افراد با هر مبلغی که مایل باشند، با هر مدت زمان، به صورت حساب پس‌انداز بدون سود، حسابی افتتاح می‌نمایند. در پایان مدت، پس از استرداد مبلغ پس‌انداز، (و گاه با حبس مبلغ مذکور تا پایان اقساط)، همان میزان وام، با همان مدت زمان، با کارمزد معمولی به آنان تعلق می‌گیرد.»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۲

جواب: در صورتی که این سپرده‌ها برای اعطای تسهیلات بیشتر به سایر متقاضیان باشد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۴۷- آیا قرض گرفتن از بخش‌های خصوصی، یا دولتی که ربا می‌گیرند، به این ترتیب که بدون قبول سود فقط قرض را قبول کند، جایز است؛ هر چند سود را به زور از او می‌گیرند؟ همچنین در معاملات نسیه-فروش اقساطی- که در صورت تأخیر در تأدیه اقساط شرط سود دیر کرد می‌شود، آیا جایز است شرط دیر کرد را در نیت قبول نکرد، و اصل معامله را انجام داد؟
جواب: در صورتی که وام مشروط به سود بگیرد جایز نیست؛ هر چند قصد پرداخت سود را جز به اجبار نداشته باشد.

سؤال ۱۳۴۸- پرداخت وام‌های قرض الحسنه، با دریافت اقساط وامهای پرداختی ارتباط مستقیم دارد. و هر نوع رکود در دریافت اقساط وام، باعث مشکلاتی در پرداخت وام‌های آتی می‌گردد. لطفاً در این مورد به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:
الف) آیا اخذ چنین وامهایی برای آنان جایز است؟

ب) آیا می‌توان، مانند بانکهای دولتی، در برابر هر روز تأخیر در پرداخت قسط وام، جریمه‌ای با همان فرمول منظور نمود؟

جواب: تأخیر در پرداخت وام از سوی قرض‌گیرندگان جایز نیست؛ همان گونه که اخذ جریمه دیرکرد نیز مشروعیت ندارد.

سؤال ۱۳۴۹- در پرداخت وام به صورت عقود اسلامی (به غیر از قرض الحسنه) قرارداد کتبی منعقد می‌شود. اگر قرارداد کتبی منعقد نشود، و به قرارداد لفظی قناعت شود، کافی است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۵۰- با متقاضیان وام شرط می‌شود که برای دریافت وام حتماً حساب پس‌انداز باز کنند، و حد اقل مبلغی که برای افتتاح حساب پس‌انداز لازم است را برای چند ماه در پس‌انداز خود داشته باشند. آیا چنین شرطهایی برای پرداخت وام اشکال ندارد؟ استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۳

جواب: در صورتی که این شرط به نفع سایر وام‌گیرندگان باشد، اشکالی ندارد؛ ولی اگر برای استفاده وام‌دهندگان باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۳۵۱- افرادی از بانکهای جمهوری اسلامی وام دریافت کرده، و به علت ناآگاهی از حکم شرعی، آن را در غیر مورد قرارداد مصرف نموده‌اند. مثلاً وام کشاورزی دریافت کرده، ولی صرف خرید ماشین سواری نموده‌اند. لطفاً حکم شرعی آن را بیان فرمایید.

جواب: چنین وامهایی باطل است. باید آن را منطبق با عقود شرعی دیگری کنند، تا مشکل ربا پیش نیاید.

کارمزد

سؤال ۱۳۵۲- با توجه به برآورد هزینه‌های این صندوق، اعم از دستمزد پرسنل، چاپ اوراق، اجاره مکان، و مانند آن، مبلغی به عنوان کارمزد به شرح ذیل از متقاضیان وام دریافت می‌شود:

۱- وام قرض الحسنه به مدت یک ماه ۱٪ مبلغ وام.

۲- تا دو ماه ۲٪ مبلغ وام.

۳- بیش از دو ماه هر سال ۳٪ مبلغ وام.

لازم به ذکر است که اگر پرداخت وامها کم باشد، این مبالغ هزینه‌ها را پوشش نمی‌دهد؛ ولی اگر پرداخت زیاد باشد، ممکن است مبالغی هم اضافه بیاید. لطفاً بفرمایید:

۱- آیا دریافت کارمزد به این شکل جایز است؟

۲- هرگاه پس از کسر هزینه‌ها، مقداری از کارمزدها اضافه بماند، با توجه به این که مجدداً به پرداخت وام، یا پوشش هزینه‌ها در آینده اقدام می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: منظور از کارمزد، حق الزحمه‌ای است که به کارمندان بانک، یا صندوق قرض الحسنه، و مانند آن به عنوان حقوق در مقابل زحماتی که جهت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۴

حفظ حسابها و سایر خدمات انجام می‌دهند، داده می‌شود، و چنانچه مبلغ اضافی به همین نیت گرفته شود و به عنوان حقوق صرف کارمندان و هزینه‌های دیگر شود، مانعی ندارد، و بقیه نیز صرف کارمندان و هزینه‌های جاری می‌شود.

سؤال ۱۳۵۳- صندوقهای قرض الحسنه‌ای که یک درصد کارمزد می‌گیرند، کفاف هزینه‌های کارمندان را نمی‌دهد. آیا می‌توان درصد کارمزد را بالا برد؟

جواب: در صورتی که کارمزد قبلی کارکنان را اداره نمی‌کند، می‌توانند به مقدار لازم بر آن بیفزایند.

سؤال ۱۳۵۴- گاه وام‌گیرنده نمی‌تواند در موعد مقرر تمام اقساط را پرداخت نماید، بدین جهت تقاضای تمدید مدت سر رسید را دارد. با عنایت به این که پرداخت به موقع اقساط توسط وام‌گیرندگان موجب می‌شود، تا ضمن پرداخت وام به افراد دیگر، کارمزد دیگری نیز جهت پوشش هزینه‌ها اخذ گردد، آیا می‌توان به خاطر تمدید مدت وام، کارمزد مجددی دریافت نمود؟

جواب: در صورتی که مبلغ دریافتی صرف مصارف کارمزد شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۵۵- آیا کارمزد وام را می‌توان از اصل وام قرض الحسنه کسر کرد، و ما بقی را پرداخت نمود؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مشروط بر این که بیش از هزینه‌های صندوق نباشد.

سؤال ۱۳۵۶- اگر صندوق قرض الحسنه‌ای منحل گردد، آیا اموال و سرمایه آن، که از محل کارمزد یا سودهای معاملات اسلامی

است، را باید فروخت و بین اعضا تقسیم کرد؟ آیا این تقسیم برای آنان ایجاد مالکیت خواهد نمود؟

جواب: نسبت به سودها و کارمزدها از پاسخ سؤالات قبل روشن شد، و نسبت به بقیه اموال طبق اساسنامه عمل کنید.

دیگر احکام بانکها

سؤال ۱۳۵۷- در بانکهای پاکستان اوراق مخصوصی به نام «باند» فروخته می‌شود.

این اوراق حکم چک را داشته، و دارای قیمت ثابتی است. احياناً طبق حسابی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۵

دارند، دولت مبلغی به نام انعام یا عنوان دیگری به صاحبان آن می‌پردازد. خریدن این اوراق، و قبول کردن انعام آن چه صورت

دارد؟

جواب: با توجه به این که این اوراق مطابق پولی که پرداخته‌اند در هر حال ارزش دارد، و جوائز طبق قراردادی انجام نمی‌گیرد،

بلکه دولت از ناحیه خود می‌پردازد، بنابراین خرید آن اوراق و دریافت جوائز مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۵۸- آیا بانکها می‌توانند به نمایندگی از شرکتهای، سهام آنها را بفروشند و در قبال آن وجهی دریافت کنند؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳۵۹- خرید و فروش اوراق قرضه چه حکمی دارد؟ (اوراق قرضه اوراقی است که توسط مراجع قانونی به قیمت رسمی معین

و مدت دار صادر، و به قیمت کمتر از قیمت رسمی فروخته می‌شود، مشروط بر این که آن را سال بعد به همان قیمت رسمی بخرند.)

آیا بانک می‌تواند برای این کار کارمزد بگیرد؟

جواب: اوراق قرضه به صورتی که نوشته‌اید، اشکال دارد.

سؤال ۱۳۶۰- نظر حضرت‌عالی در مورد نحوه محاسبه تورم در بدهی‌های درازمدت چیست؟

جواب: برای محاسبه تورم باید نرخ متوسط اجناس مختلف را در نظر گرفت.

و شاید مراکزى مانند بانک مرکزی چنین محاسبه‌ای را در دست داشته باشد. در غیر این صورت، خودتان باید اجناس مختلف را

محاسبه کنید، و حدّ وسط را بگیرید.

سؤال ۱۳۶۱- نظر به این که شاغلین صندوق و ارباب رجوع آن، از مراجع مختلفی تقلید می‌کنند، و فتاوی آیات عظام در خصوص

سیستم بانکداری مختلف است، تکلیف ما نسبت به مسائل شرعی و نظرات متنوع مطرح شده چیست؟

جواب: گردانندگان صندوق موظف هستند طبق فتاوی مرجع خود عمل کنند، و فحص و جستجو درباره این که ارباب رجوع از چه

کسی تقلید می‌کنند، بر آنها لازم نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۷

فصل چهل و نهم: احکام پزشکی

تحصیل در رشته پزشکی

سؤال ۱۳۶۲- اکثر پزشکان مجاری ادرار و کلیه، مرد هستند؛ آیا گرفتن این تخصص جهت کم کردن ارتباطات غیر هم جنس، برای خانمها واجب است؟

جواب: با توجه به این که نگاه همجنس به غیر همجنس، در مورد عورت گناه سنگین تری دارد، لازم است به عنوان واجب کفایی گروهی از همجنسها این دوره را بگذرانند.

سؤال ۱۳۶۳- غالب پزشکان قلب را آقایان تشکیل می دهند، آیا به منظور کاهش ارتباطات با جنس مخالف اخذ مدرک تخصصی قلب برای خانمها واجب کفایی است؟
جواب: آری واجب کفایی است.

سؤال ۱۳۶۴- آیا تحصیل و تدریس رشته مامایی و مسائل مربوط به زنان (با توجه به این که معمولاً همراه با نظر و لمس موضع مخصوص می باشد)، برای مردان جایز است؟

جواب: در صورتی که دانشجوی دختر به اندازه کافی در این رشته وجود نداشته باشد، یا احتمال قابل ملاحظه‌ای داده شود که در آینده برای حفظ جان زنان مسلمان مورد نیاز آنها باشد، جایز است.

سؤال ۱۳۶۵- جهت تشخیص بیماریهای زنان بیشتر از سونوگرافی استفاده می شود، و متخصصین زن در آن کم است، آیا بر دانشجویان دختر واجب است که در این رشته تحصیل کنند؟

جواب: لازم است به عنوان واجب کفایی عده‌ای در این رشته تحصیل کنند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۸

ضمان طبیب

سؤال ۱۳۶۶- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- پزشکی به علت فقر مالی مریض، که قادر بر پرداخت هزینه عمل جراحی نیست، از معالجه و جراحی بیمار اورژانسی اجتناب نموده، و در نتیجه یا بیمار فوت می کند، یا عمل جراحی در روزهای دیگر به اندازه آن روز نمی تواند مفید باشد، آیا پزشک ضامن است؟

۲- اغلب بیمارستانها اول پول دریافت می کنند، سپس مریض را به پزشک ارجاع می دهند. در صورتی که تأخیر در این امر منجر به مرگ یا عوارض دیگر شود، آیا این کار غیر شرعی نیست؟

جواب: در فرض سؤال پزشک ضامن خون نیست؛ ولی گناه بزرگی مرتکب شده و قابل تعقیب است.

سؤال ۱۳۶۷- بعضی جراحان در حین عمل دچار اشتباهاتی می شوند، که موجب فوت یا نقص عضو می گردد. آیا دیه‌ای بر آنها واجب می شود؟ در صورتی که دکتر تضمین نکرده باشد، و احتمال فوت یا نقص عضو بدهد، چه حکمی دارد؟

جواب: موارد خطای دکترها دیه دارد. بهترین راه آن است که در این گونه موارد قبلاً از بیمار یا اولیای او (در صورتی که حال بیمار مساعد نباشد)، براءت و رضایت بگیرند، یا این که اطبا یا بیماران در برابر این گونه مسائل بیمه شوند.

سؤال ۱۳۶۸- ضمان نقص عضو، یا فوت بیمار به دلیل نبود وسائل، یا نبود خون در بیمارستان بر عهده کیست؟

جواب: چنانچه امکان تهیّه وجود داشته و اقدام نکرده‌اند، مسئولین آن بخش و مسئولین بیمارستان در برابر این حوادث مسئول خواهند بود.

سؤال ۱۳۶۹- گاه غرور پزشک، یا اطمینان وی به موفقیت در کارش، باعث فراهم نکردن وسائل و شرایط کافی برای انجام عمل جراحی است. اگر این موضوع به مرگ یا ضرر و زیان بیمار منجر شود، آیا پزشک ضامن است؟

جواب: در صورتی که پزشک سهل انگاری نکرده باشد، و براثت از بیمار یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۰۹

اولیای او بگیرد مسئول نیست.

سؤال ۱۳۷۰- کمی بی‌دقتی در اتاق عمل از طرف کارکنان، یا پزشکان، باعث خفگی بیمار، کم شدن شدید خون، پایین افتادن فشار خون، و احتمالاً مرگ بیمار می‌شود.

آیا «دقت کردن» در این امور برای چنین افرادی واجب است؟

جواب: سهل انگاری در این امور مسئولیت شدید دارد.

سؤال ۱۳۷۱- عدم استریل وسایل آندوسکوپی باعث انتقال بیماری به دیگر بیماران می‌شود. اگر چنین اتفاقی بیفتد چه کسی ضامن است؟

جواب: کسی که مباشر این کار بوده ضامن است.

سؤال ۱۳۷۲- ممکن است بیمار قلبی به هنگام تست ورزش دچار ایست قلبی منجر به فوت شود. در این حالت چه کسی ضامن است؟

جواب: در صورتی که این مسأله به مریض تفهیم شود که چنین خطری ممکن است در پیش باشد، و مریض راضی شود، یا وقوع چنین مطلبی بسیار نادر باشد، طیب ضامن نیست.

سؤال ۱۳۷۳- برخی از ابزار دندان پزشکی بدون استریل یا ضد عفونی، به صورت مشترک برای بیماران متعدّد مورد استفاده قرار می‌گیرد، و ممکن است بیماریها از این طریق منتقل گردد. آیا چنین کاری جایز، و در صورت انتقال بیماری پزشک گنهگار و ضامن است؟

جواب: در صورتی که احتمال انتقال، احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد، این کار جایز نیست. و ضامن بودن پزشک بعید به نظر نمی‌رسد.

سؤال ۱۳۷۴- عدم رعایت بهداشت توسط پزشک یا پرستار در هر بخش، ممکن است موجب ضرر و زیان به بیمار شود. آیا چنین کاری ضامن آور است؟

جواب: در صورتی که از حدّ معمول و متعارف پزشکی کمتر رعایت کنند، و بیم انتقال بیماری برود، موجب ضامن است.

سؤال ۱۳۷۵- اگر پزشک یا معاون پزشک، هنگام معالجه بیمار، لطمه یا ضربه‌ای بر عضو دیگر او وارد کند. از باب مثال، جهت احیای قلب، دنده‌های بیمار در حال

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۰

ماساژ بشکنند. یا جهت تحریک به عکس العمل، سیلی به صورت او بزنند، و پرده گوشش پاره شود. آیا پزشک ضامن است؟

جواب: در صورتی که این کار برای معالجه اجتناب‌ناپذیر باشد، و از مریض یا اولیای او اجازه گرفته باشد، ضامن نیست. در غیر این صورت ضامن است.

ویزیت

سؤال ۱۳۷۶- آیا به دلیل رفاقت و آشنایی، یا موقعیت اجتماعی، ملاقات پزشک خارج از نوبت و بدون در نظر گرفتن حق دیگران جایز است؟

جواب: باید در غیر موارد ضرورت از این کار پرهیز شود.

سؤال ۱۳۷۷- چنانچه ملاقات پزشک خارج از نوبت اشکال شرعی داشته باشد، مسئولیت آن متوجه کیست؟ پزشک، منشی، یا همه کسانی که در نادیده گرفتن حق دیگران نقش داشته‌اند؟
جواب: تمام کسانی که به این کار کمک کنند مسئولیت دارند.

سؤال ۱۳۷۸- در صورتی که پزشکان بتوانند با برنامه‌ریزی و نوبت قبلی جلوگیری از تلف شدن وقت مردم را در مراجعات به مطب بگیرند، آیا اتلاف وقت مردم جایز است؟
جواب: بهتر آن است برنامه‌ریزی کنند که وقت مردم تلف نشود.

سؤال ۱۳۷۹- برخی از پزشکان ادعا می‌کنند در صورت برنامه‌ریزی برای جلوگیری از اتلاف وقت مردم، ممکن است در مقاطعی پزشک بدون بیمار بماند. در تعارض بین هدر رفتن وقت مردم، و معطل شدن احتمالی پزشک، کدام ترجیح دارد؟
جواب: موارد مختلف است؛ گاه مشکل طیب مهم‌تر است، و گاه مشکل بیمار.

معاینه

سؤال ۱۳۸۰- پزشکان زن برای معالجه خانمهای بیمار به عورت آنها نگاه می‌کنند، این عمل چه حکمی دارد؟
جواب: این کار تنها در صورت ضرورت، و به مقدار ضرورت، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۱

سؤال ۱۳۸۱- لمس و نگاه بدن زن یا مرد کافر برای تشریح، توسط دانشجویان پزشکی چه حکمی دارد؟
جواب: تنها به مقدار ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۸۲- در صورتی که عمل جراحی، یا پانسمان، منوط به نظر یا لمس عورت باشد، آیا اولویت با هم جنس است؟
جواب: همجنس اولویت دارد.

سؤال ۱۳۸۳- بعضی از خانمها برای معالجه به دکتر مرد مراجعه می‌کنند. آیا دکتر با علم به این که این خانم قادر است به دکتر زن مراجعه کند، می‌تواند او را معالجه نماید؟

جواب: در فرض سؤال دکتر باید او را به طیب زن راهنمایی کند؛ مگر این که آن زن واقعاً اعتقادی به طیب زن نداشته باشد، و خود را ناچار بداند.

سؤال ۱۳۸۴- آیا پرستاران در صورت عدم ضرورت، می‌توانند پانسمان بیمارهای غیر همجنس را بررسی و تعویض نمایند؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۳۸۵- در مراکز بیمارستانی، یا مطب، یا رادیولوژی، یا سونوگرافی، که بعضاً بیمار باید بخشی یا همه بدن خود را عریان نماید، رفت و آمد پرسنل امری عادی است، و معمولاً چشمشان به بدن نامحرم می‌افتد. آیا این رفت و آمدها، که گاه ضروری و گاه ربطی به بیمار ندارد، جایز است؟

جواب: جز در موارد ضرورت جایز نیست.

سؤال ۱۳۸۶- سونوگرافی نسوج نرم، مثل بیضه‌ها، پستان، عروق دست و پا، نیازمند عریان شدن موضع است، و این مواضع در معرض دید متخصص سونوگرافی قرار می‌گیرد. با توجه به این که متخصص سونوگراف زن، بسیار کم، و در برخی از شهرها وجود ندارد، رجوع به مردان چه حکمی دارد؟

جواب: تنها در صورت ضرورت برای درمان جایز است.

سؤال ۱۳۸۷- در موارد فوق معمولاً غیر از محل مورد معاینه، اطراف آن نیز عریان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۲

می‌شود. عریان کردن اطراف، که در معرض دید قرار می‌گیرد، چه حکمی دارد؟

جواب: به مقداری که لازم است باید عریان شود.

سؤال ۱۳۸۸- آیا در سونوگرافی از شکم یا پستان خانمها، از نظر حرمت نگاه پزشک غیر هم جنس، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: تفاوتی میان این دو نیست.

سؤال ۱۳۸۹- بیمار در مواردی، برای رادیولوژی، باید عریان شود. این کار، گاه در مقابل غیر هم جنس اتفاق می‌افتد، مثل موارد

اورژانسی که هم جنس حضور ندارد، در این شرایط نگاه به بدن نامحرم چگونه است؟

جواب: تا ضرورت قطعی نباشد نگاه کردن جایز نیست.

سؤال ۱۳۹۰- در مواردی که رادیولوژی یا سونوگرافی شلوغ است، اگر متصدیان برای انجام خدمات منتظر پوشیدن لباس نفر قبلی

باشند متضرر می‌شوند، لذا قبل از این که فردی کاملاً لباس بپوشد، نفر بعد باید آماده شود. در این مواقع مشتریان چشمشان به بدن

یا موی نامحرم می‌افتد؛ چنین وضعیتی از نظر شرعی چه حکمی دارد؟ آیا متصدیان باید ضرر را متقبل شوند، تا گناه برای دیگران

اتفاق نیافتد؟

جواب: برای حفظ ارزشهای اسلامی گاه باید ضررهایی را متحمل شد.

سؤال ۱۳۹۱- برای تشخیص زمان زایمان، ماما باید دست را داخل رحم زن حامله کند، آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۹۲- آیا پزشک مرد متخصص زنان، مجاز به انجام آنچه در سؤال قبل آمد می‌باشد؟

جواب: در صورت دسترسی به پزشک زن، این کار برای پزشک مرد جایز نیست. و در صورت عدم دسترسی، تنها به هنگام

ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۹۳- آیا عدم منع آن در طول تاریخ توسط اقوام و ملل مختلف دلیل مجاز بودن چنین کاری نمی‌شود؟

جواب: در طول تاریخ نیز همیشه در موارد ضرورت این کار انجام شده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۳

سؤال ۱۳۹۴- فلسفه حرمت نگاه به عورت، جلوگیری از مفاسد اجتماعی عنوان شده است. آیا جنبه غیر اخلاقی این کار، و عدم

ورود به حریم خصوصی افراد، نیز نقشی در این تحریم دارد؟

جواب: آری این جنبه نیز مؤثر است.

سؤال ۱۳۹۵- آیا مشاهده چگونگی زایمان جهت آموزش پزشکان مجاز است؟ با توجه به این که ممکن است با آموزش زایمان در

آینده انسان یا انسانهایی از مرگ حتمی نجات یابند، این امر برای مردان چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض مسأله به عنوان ضرورت مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۶- آیا مشاهده چگونگی زایمان جهت آموزش از طریق فیلم ویدیویی یا سی دی کامپیوتری جایز است؟

جواب: با شرایطی که در بالا گفته شد جایز، و این مقدم بر مشاهده مستقیم است.

سؤال ۱۳۹۷- آیا لمس و نگاه مولاژ (مجسمه‌های آموزشی که از جنس پلاستیک و شبیه اعضاء بدن انسان ساخته شده) برای

دانشجویان یا اساتید غیر هم جنس، بدون قصد لذت جایز است؟

جواب: برای آموزش‌های لازم مانعی ندارد.

سؤال ۱۳۹۸- در معاینات مربوط به مئانه، باید آلت تناسلی شستشو و ضد عفونی شود. و با وارد ساختن دستگاهی در آن وضع مئانه

مشاهده گردد. آیا این کار توسط پرسنل اتاق عمل (هم جنس، یا غیر هم جنس) جایز است؟
جواب: تنها در صورت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۳۹۹- نگاه و لمس در اتاق عمل به ندرت شهوانی، بلکه امری کاملاً عادی است. آیا عادی شدن، حکم شرعی را تغییر می‌دهد؟

جواب: عادی شدن حکم شرع را تغییر نمی‌دهد؛ ولی این کار به مقدار ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۰- گاه برای انجام عمل جراحی یک اکیپ ده نفره لازم است، که همگی

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۴

در همهٔ مراحل آماده‌سازی بیمار، از تعویض لباس تا انجام امور دیگر حاضرند، و هم زمان هرکس کار مربوط به خود را انجام می‌دهد. آیا تعویض لباس در مقابل دیدگان گروه جایز است؟

جواب: تنها در مورد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۱- آیا لمس و نظر باطن بدن نامحرم، اعم از ریه‌ها، نای، مری، قلب، معده، روده، مثانه و رحم، حکم ظاهر را دارد؟

جواب: لمس و نظر به باطن حکم ظاهر را ندارد؛ ولی بهتر آن است تنها به موارد ضرورت قناعت شود.

سؤال ۱۴۰۲- بیهوش ساختن بیمار و کنترل علائم حیاتی وی در اتاق عمل، معمولاً توسط پرسنل مرد انجام می‌گیرد، و تا آخر عمل جراحی آنچه در معرض دید پزشک جراح است، معمولاً در معرض دید پرسنل اتاق عمل و گروه بیهوشی نیز هست. آیا مشاهدهٔ

بدن بیمار غیر هم جنس توسط این افراد جایز است؟

جواب: در صورت ضرورت اشکال ندارد.

سؤال ۱۴۰۳- آیا حکم لمس و مشاهدهٔ فرد بیهوش و باهوش، زنده و مرده، مسلمان و کافر متفاوت است؟

جواب: همهٔ اینها در حال ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۴- با توجه به این که برای بیمار بیهوش امکان پوشانیدن بدن وجود ندارد، آیا افراد دیگر، اعم از پزشک، پرسنل بیهوشی، جراح، تکنسین‌های اتاق عمل، کارمندان عادی بیمارستان، مکلف به پوشانیدن بدن او از نامحرم هستند؟

جواب: تا آنجا که می‌توانند و امکان دارد باید بدن او را پوشانند.

سؤال ۱۴۰۵- لمس بدن بیمار با دستکش پلاستیکی چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مفاسدی بر آن مترتب نشود اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۰۶- برای معاینه کلیه‌ها لمس مستقیم ضروری است، ولی از روی لباس نازک و بدون نگاه هم بیماری قابل تشخیص است.

آیا در این صورت لمس و نگاه بدون پوشش، یا با پوشش جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۵

جواب: با پوشش مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۰۷- ختنه کردن افراد بالغ چه حکمی دارد؟ با توجه به این که این کار بدون مشاهده و لمس امکان ندارد.

جواب: از بابت ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۸- در بسیاری از موارد در اتاق عمل، یا غیر اتاق عمل، نیاز به وصل سوند است، و این کار بدون نگاه و لمس آلت تناسلی امکان‌پذیر نیست. آیا نگاه و لمس برای این کار جایز است؟

جواب: آری در موارد ضرورت جایز است.

سؤال ۱۴۰۹- مراجعهٔ زنان نامحرم به دندان پزشکی که با دستکش پلاستیکی کار می‌کنند، و تماس دست آنان با صورت به وسیلهٔ

دستکش است، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که همجنس یافت نشود، جایز است.

احکام مختلف معالجه و درمان

سؤال ۱۴۱۰- برخی از بیماران عاقل و بالغ، که نیازمند عمل جراحی هستند، به علت ترس یا هر دلیل دیگری حاضرند درد و رنج را تحمیل نموده، ولی تن به عمل نمی‌دهند؛ همراهان بیمار نیز حاضر به این کار نیستند. این در حالی است که پزشک می‌داند در صورتی که عمل انجام نشود بیمار به زودی خواهد مُرد، یا دچار عوارضی خواهد شد که تا پایان عمر زمین گیر می‌شود. با این فرض، آیا پزشک می‌تواند دست به عمل جراحی بزند؟ اگر علی‌رغم مخالفت بیمار، کسان وی چنین اجازه‌ای دهند، تکلیف طیب چیست؟

جواب: در صورتی که جراحی سبب طول عمر شود، مریض می‌تواند به خاطر عوارض ناخوشایند جراحی، از آن صرف نظر کند؛ ولی اگر بدون جراحی در معرض مرگ باشد، طیب یا کسان مریض مجازند اقدام به جراحی کنند، هر چند بیمار راضی نباشد.

سؤال ۱۴۱۱- آیا پزشک معالج موظف است عوارض یا ضایعات احتمالی ناشی از عمل جراحی را برای بیمار تشریح کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۶

جواب: در صورتی که عوارض مهمی باشد، باید به بیمار بگوید. در غیر این صورت، لازم نیست.

سؤال ۱۴۱۲- استفاده از هیپنوتیزم در معالجه برخی بیماریهای روانی و جسمانی، نظیر آسم، چاقی مفرط، بیماریهای زنان، و مانند آن، توسط یک پزشک (غیر روانپزشک) چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که تجربه و آگاهی کافی داشته باشد، و آثار منفی یا خلاف شرعی بر آن مترتب نگردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۱۳- بعضی از زنان با مراجعه به پزشک در خواست دوختن یا ایجاد پرده بکارت به صورت جراحی ترمیمی دارند. این عمل از دیدگاه پزشکی یک اقدام طبّی همانند سایر موارد، نظیر اصلاح عیوب ظاهری بینی، صورت، شکم، و اندامها است، و از دیدگاه بیماران همانند کسانی که دارای یک اشکال در صورت، دست و سایر قسمتهای بدن می‌باشند، و از معالجه آن منتفع می‌گردند، می‌تواند برای فرد متقاضی منافع اجتماعی داشته باشد. با توجه به موارد مذکور، اشتغال به عمل فوق توسط پزشک، از نظر شرع مقدّس چگونه است؟

جواب: در صورتی که اشخاص مزبور واقعاً ضرورتی برای این کار احساس کنند، و قصد تدلیس نداشته باشند، جراحی فوق شرعاً اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۱۴- گاه به هنگام ختنه کردن در اتاق عمل، دست و پای بیمار را می‌بندند، یا در مواجهه با فریاد شدید بچه او را می‌زنند، یا دهانش را می‌گیرند. در حالی که با عمل بیهوشی به راحتی می‌توان آنها را ختنه نمود. در این موارد چه باید کرد؟

جواب: باید از طریقی که مشکلات آن کمتر است استفاده کرد، و این منوط به تشخیص اهل خبره است.

سؤال ۱۴۱۵- جداسازی اتاق عمل در بیمارستانها به طور کامل، مستلزم هزینه زیادی برای دولت است. آیا اجرای احکام شرع با هر هزینه‌ای واجب است؟

جواب: در صورتی که برای دولت موجب عُسر و حرج نشود، این کار لازم است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۷

سؤال ۱۴۱۶- آیا پزشکان می‌توانند برای تقویت اسپرم، خوردن اشیای نجس یا حرام (مثل دنبلان) را تجویز کنند؟

جواب: در صورتی که داروی منحصر به فرد باشد، و جایگزینی نداشته باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۱۷- آیا درآمدزا بودن سزارین، مجوز توصیه پزشک به بیماران جهت زایمان غیر طبیعی هست؟
جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۱۸- در صورت عدم جواز آنچه در مسأله بالا آمد، آیا پزشک ضامن ضرر جانی یا مالی بیمار خواهد بود؟
جواب: آری ضامن است؛ مگر این که بیمار را از این امر با خبر کرده، و اجازه گرفته باشد.

سؤال ۱۴۱۹- حضور شوهر بر بالین همسر به هنگام زایمان، نقش زیادی در آرامش وی دارد. آیا چنین کاری شرعاً نیز توصیه می‌شود؟

جواب: اگر واقعاً چنین اثری داشته باشد مانعی ندارد؛ ولی ظاهراً این اثر قابل تردید است.

سؤال ۱۴۲۰- در صورتی که پزشک بیماری را تشخیص ندهد، آیا با احتمال ضعیف می‌تواند دارو تجویز کند؟ در حالی که با ارجاع به پزشک حاذق‌تر احتمال درمان بیشتر است، و از هدر رفتن پول بیمار نیز جلوگیری می‌گردد؟
جواب: در صورت عدم تشخیص، لازم است او را به دیگری ارجاع دهد.

سؤال ۱۴۲۱- آیا بیمار حق دارد از درمان سرپیچی کند، حتی اگر وضعیت او بدتر شود، یا بمیرد؟

جواب: در صورت خطر مرگ، بیمار نمی‌تواند درمان را قطع کند. همچنین جایی که ضرر مهمی به او می‌رسد، و درمان آزار مهمی به او نمی‌رساند.

سؤال ۱۴۲۲- آیا بیماری که می‌داند بیماریش درمان‌ناپذیر است، حق دارد مرگ را انتخاب کند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۸

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۴۲۳- آیا بیمار می‌تواند در خواست کند که کلیه برنامه‌های درمانی او محرمانه انجام شود؟

جواب: در صورتی که افشا شدن آن لطمه‌ای به او بزند، حق دارد چنین درخواستی کند.

روان درمانی

سؤال ۱۴۲۴- آیا بستری کردن بیمار روانی، با توجه به این که هنوز امکان روان درمانی مناسب وجود ندارد، و بخش روانی گاه

همچون یک زندان جهت تجویز داروهای خواب‌آور و خواب بیشتر بیماران مورد استفاده قرار می‌گیرد، جایز است؟

جواب: در صورتی که راه درمان، یا راه پیشگیری از مزاحمت‌ها، منحصر به آن باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۲۵- تعدادی از مبتلایان به بیماریهای روانی به علت انجام کارهای خلاف اخلاق اجتماعی، یا منافی عفت، به آن گرفتار

شده‌اند. روان پزشک باید جهت درمان، یا دادن مشاوره، از آنها اطلاعاتی کسب کند. آیا تجسس در چنین مواردی برای پزشکان

جایز است؟ گاه بخشی از تجسس به دلیل حس کنجکاوی خود پزشک است، و نقش آن جهت درمان ضعیف می‌باشد، این نوع

تجسس چه حکمی دارد؟

جواب: تجسس‌های روان درمانی، که برای درمان ضروری به نظر برسد، جایز است.

سؤال ۱۴۲۶- افشای برخی از اسرار بیماران روانی ممکن است باعث جلوگیری از جرمهای قانونی شود. آیا انتقال چنین اطلاعاتی به

نیروهای امنیتی جایز، یا واجب است؟ با توجه به این که در صورت افشا، اعتماد مردم از آنها سلب می‌شود.

جواب: در صورتی که بتوانند به عنوان نهی از منکر اطلاعات کلی را برسانند، بی آن که نام اشخاصی فاش شود مانعی ندارد، بلکه

گاهی واجب است.

سؤال ۱۴۲۷- افشای بسیاری از اسرار بیماران، ممکن است موجب کاهش فساد یا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۱۹

فحشا گردد. آیا روان پزشکی مجاز به افشا و دادن اطلاعات به نیروهای انتظامی می‌باشد؟
جواب: مانند جواب سابق است.

پیوند اعضا

سؤال ۱۴۲۸- در صورتی که حیات رزمنده مسلمان متوقف بر پیوند اعضا باشد، لطفاً بفرمایید:

الف) آیا می‌توان اعضای میت غیر مسلمان را قطع، و برای پیوند استفاده نمود؟

ب) بر فرض جواز، آیا دیه لازم است؟ بر عهده بیمار است، یا قطع کننده؟

ج) آیا عضو پیوند شده برای نماز اشکالی ایجاد نمی‌کند؟

جواب: پیوند در چنین فرضی جایز، بلکه واجب است. و بعد از این که جزء بدن شد، برای نماز اشکالی ندارد. و در فرض مسأله دیه‌ای ندارد.

سؤال ۱۴۲۹- قطع عضو میت مسلمان، و پیوند آن، در صورتی که حفظ جان یا عضو مسلمان متوقف بر آن باشد، چه حکمی دارد؟ آیا اجازه قبل از فوت تأثیری در حکم دارد؟ اگر اجازه شخص موضوعیت دارد، آیا فرد می‌تواند در زمان حیات خود، عضوی از بدنش را برای استفاده پس از مرگ بفروشد؟

جواب: در صورتی که حفظ جان مسلمان یا حفظ عضو مهمی از آن منوط به پیوند باشد، جایز است. و در این صورت اجازه شخص متوفی، و اولیای دم او لازم نیست؛ هر چند گرفتن اجازه بهتر است. و احتیاط آن است که دیه را پردازد.

سؤال ۱۴۳۰- آیا خرید و فروش و پیوند مو جایز است؟

جواب: جایز است.

سؤال ۱۴۳۱- آیا جدا کردن عضو از بدن شخص زنده جهت پیوند جایز است؟ در صورت جواز، آیا تفاوتی میان اعضای رئیسی (مانند قلب) و غیر آن هست؟

جواب: تنها اعضایی را می‌توان با رضایت صاحب آن جدا کرد که فقدان آن (مانند کلیه) جان صاحبش را به خطر نیندازد، و برای نجات جان دیگری مورد استفاده قرار بگیرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۰

سؤال ۱۴۳۲- اگر پیوند اعضا بر بدن زنده جایز باشد، حکم طهارت و نجاست آن چگونه است؟

جواب: هنگامی که پیوند گرفت جزء بدن زنده می‌شود و پاک است.

سؤال ۱۴۳۳- پیوند اعضای حیوانات به انسان چه حکمی دارد؟

جواب: در موارد ضرورت اشکالی ندارد.

تغییر جنسیت

سؤال ۱۴۳۴- مسأله‌ای در مورد جنسیت یکی از دوستان داشتم:

«پس از ازدواج تا دو سال مشخص نشد که زن است؛ ولی این مطلب بعداً باعث طلاق شد. در این روستای کوچک همه با هم خویشاوند هستند، و ایشان با همه مردها روابط حسنه و دوستانه‌ای دارد. اکنون که با این مشکل مواجه شده، نمی‌تواند در روستا زندگی کند.» با این مشکل چه کند؟ نماز و روزه این شخص چگونه است؟ کدام حالت را رعایت کند؟ مرد باشد همان گونه که

در این مدت بوده، یا زن شود؟

جواب: چنانچه واقعاً جنسیت او زن است، و مرد بودن اشتباه بوده، باید فعلاً به وظایف زن عمل کند، و نسبت به گذشته که اطلاعی نداشته، گناهی مرتکب نشده است. البته ماندن او در آن محیط کوچک با این حال مشکل است، و مصلحت این است که از آنجا مهاجرت کند. شکی نیست که او گرفتار وضع دشواری است، اما به لطف خدا مشکل او حل می‌شود.

سؤال ۱۴۳۵- دو جنسی‌های کاذب از لحاظ پزشکی بر دو دسته‌اند: دسته اول دو جنسی‌های کاذب مؤنث‌اند، که از لحاظ کروموزومی مؤنث، ولی ظاهری کاملاً مردانه دارند. دسته دوم دو جنسی‌های کاذب مذکر هستند، که وضعیت کروموزومی آنان مذکر، ولی دارای ظاهری کاملاً زنانه هستند. ضمناً دو جنسی‌های حقیقی (که در فقه به آن‌ها خنثای مشکل می‌گویند) دارای دو گناد (بیضه و تخمدان) هستند، و ممکن است هر دو فعال باشد. (ممکن است تخمدان در یک طرف و بیضه‌ها در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۱

طرف دیگر باشد، یا مخلوطی از بافت بیضه و تخمدان در یک طرف، یا در هر دو طرف باشد. خلاصه دارای اندام تناسلی، به اشکال گوناگون هستند.) با توجه به مطالب بالا بفرمایید:

۱- آیا پزشک در دو جنسی‌های کاذب مؤنث، مجاز است، در صورت تمایل فرد و علی‌رغم ماهیت زنانه، اقدامی کند که ظاهر مردانه وی حفظ شود؟

جواب: جایز نیست.

۲- اگر دو جنسی کاذب مؤنث- که ماهیتش زنانه است- با زن سالم ازدواج کرده باشد، تکلیف شرعی پزشک در اقدام به عمل جراحی برای حفظ ظاهر مردانه وی چیست؟

جواب: باید سفارش کند آنها از هم جدا شوند، زیرا ازدواج آنها باطل است.

۳- اگر دو جنسی کاذب مؤنث هنوز ازدواج نکرده باشد، با توجه به این که اگر ازدواج کند- هر چند ظاهرش بر اثر عمل جراحی باقی می‌ماند- دو زن با هم ازدواج کرده‌اند، تکلیف پزشک در انجام عمل جراحی برای ظاهر مردانه چیست؟

جواب: جایز نیست.

۴- در مواردی که دو جنسی کاذب مؤنث با زن ازدواج کرده باشد، و پزشک متوجه دو جنسی بودن وی شود، وظیفه‌اش در کتمان یا افشای اسرار چیست؟ (کتمان سر، موجب ازدواج یا ادامه ازدواج دو زن می‌شود، و افشای سر نیز کار ناشایستی است چون صاحب آن راضی به افشا نیست.)

جواب: سزاوار است خود آنها را از نامشروع بودن این کار با خبر سازد.

۵- آیا پزشک مجاز است در مورد دو جنسی‌های کاذب مذکر، که علی‌رغم ظاهر زنانه از لحاظ ماهیت مرد هستند، برای حفظ ظاهر زنانه آنها، عمل جراحی انجام دهد؟

جواب: جایز نیست.

تلقیح مصنوعی

سؤال ۱۴۳۶- برخی از مراجع عظام تلقیح را در صورتی تجویز فرموده‌اند که:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۲

«نطفه شوهر بدون ایجاد مقدمات حرام، توسط خود شوهر در رحم زن تزریق گردد.» حال اگر به علت نداشتن تخصیص و آشنایی، این کار باعث عفونت ثانویه و احیاناً مرگ همسرش گردد، آیا شوهر ضامن است، یا ضامن متوجه افراد متخصیص بوده که بدون

دادن آگاهیهای لازم او را ترغیب به این عمل کرده‌اند؟

جواب: در صورتی که ضرورتی برای این کار احساس شود می‌توان از افراد متخصص استفاده کرد، تا خطری پیش نیاید.

سؤال ۱۴۳۷- در جایی که عمل تلقیح به طور شبهه صورت گرفته (مثل جایی که زن گمان می‌کرده نطفه از شوهرش بوده، و مرد نیز گمان می‌کرده زنی که نطفه وارد رحم او شده، همسر واقعی او می‌باشد، در حالی که این طور نبوده است). آیا احکام اولاد بر فرزندی که به دنیا خواهد آمد، جاری می‌شود؟

جواب: نسبت به صاحب آن نطفه و آن زن ولد شبهه است. و به شوهر آن زن نیز محرم است.

سؤال ۱۴۳۸- اگر علم در آینده آن قدر پیشرفت کند که اسپرم مرد را بدون ترکیب با نطفه زن در رحم مصنوعی پرورش دهند، حکم آن چه خواهد بود؟

جواب: آن مولود فقط منسوب به صاحب اسپرم است؛ ولی فرزند شرعی او محسوب نمی‌شود.

سؤال ۱۴۳۹- اگر علم تا آنجا پیشرفت کند که اسپرم و نطفه را از دانه‌ها و محصولات نباتی و مانند آن بگیرند و به زن تلقیح کنند، و نوزاد مصنوعی به عمل آورند، در این صورت کودک متعلق به چه کسی است؟

جواب: این کودک فقط با آن زن محرم است، ولی ارث بردن او از آن زن ثابت نیست.

سؤال ۱۴۴۰- اگر نطفه و اسپرم را از فرآورده‌های نباتی تهیه، و آن را در رحم مصنوعی پرورش دهند، و از آن کودکی به عمل آورند. نوزاد به چه کسی ملحق می‌شود؟

جواب: این نوزاد متعلق به کسی نیست؛ یعنی نه پدر دارد و نه مادر.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۳

سؤال ۱۴۴۱- روشهای باروری آزمایشگاهی (TVF) شکلهای مختلفی دارد. لطفاً حکم هر یک را بیان فرمایید:

۱- جدا کردن اسپرمهای فعال (سلولهای جنسی نر) از منی مرد در آزمایشگاه، و تزریق آن به رحم همسرش.

جواب: این کار ذاتاً اشکالی ندارد؛ ولی اگر مستلزم نظر و لمس نامشروع باشد، تنها در صورت ضرورت جایز است.

۲- مخلوط کردن منی شوهر با منی مرد اجنبی، و انتقال آن به رحم همسر مرد اول.

جواب: اگر انعقاد نطفه به وسیله منی شوهر باشد، اشکالی ندارد؛ هر چند منی شخص دیگر آن را تقویت کرده باشد. ولی اگر انعقاد نطفه با اسپرم مرد بیگانه باشد، حرام است.

سؤال ۱۴۴۲- خانمی بر اثر تزریق آمپول، از مرد بیگانه‌ای حامله شده، (و به اصطلاح رحم خود را اجاره داده)، و پس از وضع حمل، فرزند را به صاحب نطفه می‌دهد. حکم این مسأله چیست؟ و فرزند ملحق به کیست؟ و از نظر ارث، چگونه است؟

جواب: تزریق نطفه مرد اجنبی به زن اجنبی حرام است. و بچه‌ای که از ترکیب این دو نطفه متولد می‌شود، حکم فرزند نامشروع دارد. ولی اگر نطفه مردی را با نطفه همسر شرعی‌اش در خارج رحم ترکیب کنند، و در رحم زن دیگری پرورش یابد، فرزند مشروع و متعلق به صاحبان نطفه است. ولی این کار جز در موارد ضرورت، اشکال دارد.

سؤال ۱۴۴۳- لطفاً در مورد انتقال جنین تکوین یافته از اسپرم و تخمک زوج قانونی در خارج رحم، به رحم زن اجنبی (مادر جانشین) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- این کار از لحاظ تکلیفی چه حکمی دارد؟

جواب: این امر ذاتاً جایز است؛ ولی چون غالباً مستلزم نگاه و لمس حرام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۴

است، جز در موارد ضرورت جایز نیست.

۲- مادر طفل تولّد یافته کدام زن است؟ آیا می‌توان مادر جانشین را در حکم مادر رضاعی دانست؟

جواب: صاحبان اسپرم، پدر و مادر حقیقی فرزند متولّد شده هستند. و مادر جانشین در حکم مادر رضاعی است.

۳- آیا مجرّد یا متأهل بودن زن اجنبی (مادر جانشین)، علم و جهل مادر جانشین، میجانی یا غیر میجانی بودن رحم، تأثیری در احکام مربوطه می‌گذارد؟

جواب: هیچ کدام تفاوتی ندارد، ولی اگر مادر جانشین شوهر دارد، باید با اجازه شوهرش باشد.

سؤال ۱۴۴۴- آیا می‌توان اسپرم مرد و زن اجنبی را در لوله آزمایش قرار داد؟ اگر فرزندی متولّد شود متعلّق به کیست؟ آیا حکم ولد الزنا را دارد؟

جواب: این کار جایز نیست، و اگر فرزندی متولّد شود در بسیاری از احکام تابع صاحبان نطفه است؛ ولی از آنها ارث نمی‌برد.

سؤال ۱۴۴۵- زنی ۲۶ ساله هستم. قبل از ازدواج دردهای شدید ماهیانه داشتم.

دکترها گفتند: مشکلات با ازدواج و زایمان حل می‌شود. بدین جهت ۶ سال پیش ازدواج کردم، و چون درد زیادی متحمل می‌شدم، تصمیم گرفتم که زود بچه‌دار شوم، ولی متأسفانه ۹ ماه پس از ازدواج متوجّه شدم شوهرم به طور کامل عقیم است، و اصلاً بچه‌دار نمی‌شوم. من که این مسأله برایم خیلی مهم بود، بیش از پیش روحیه خود را از دست دادم. اکنون پزشکان می‌گویند تنها راه این است که: «اسپرم مرد بیگانه‌ای با سرنگ به شما تزریق شود.» من اول به این کار راضی نبودم، چون مقلّد شما هستم، و طبق فتوای شما این کار حرام است. ولی اکنون جانم به لب رسیده است. لطفاً بفرمایید: چه کنم که هم بچه‌دار شوم، و هم مرتکب گناهی نگردم؟

جواب: تنها راه مشروع آن است که شما از شوهرتان (هر چند به صورت مخفیانه و بدون اطلاع اطرافیان) طلاق بگیرید، و پس از گذشتن عده به عقد

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۵

موقت صاحب نطفه درآیید (هر چند همدیگر را هرگز نبینید)، سپس نطفه به شما تزریق شود، و پس از پایان عقد موقت و زایمان دوباره می‌توانید به عقد شوهر اول درآیید. در این صورت شما مادر آن بچه، و صاحب نطفه پدرش محسوب می‌شود. و به شوهر شما هم محرم است. ولی به اقوام شوهرتان محرم نیست. اما به اقوام شما محرم است. (۱)

جلوگیری

سؤال ۱۴۴۶- بچه‌دار شدن برای مبتلایان به بیماری ایدز مضرّ است، آیا در این حالت شوهر می‌تواند لوله‌های خود را ببندد؟

جواب: اگر زیان مهمّی داشته باشد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۴۷- بستن لوله زن و مرد جهت جلوگیری از بیماری چه حکمی دارد؟

تشخیص ضرورت بر عهده کیست؟

جواب: هر گاه طبق گفته اطّباءی مورد وثوق، خوف خطر وجود داشته باشد، این کار جایز است.

سؤال ۱۴۴۸- اگر حمل زن، موجب ناقص الخلقه شدن کودک گردد، آیا بستن لوله واجب نمی‌شود؟

جواب: هر گاه خوف ضرر و خطر قابل ملاحظه‌ای، هر چند نسبت به بچه وجود داشته باشد، جایز است.

سؤال ۱۴۴۹- برخی از روشهای جلوگیری باعث عقیم شدن می‌گردد. چرا در جامعه ما این کار به طور مکرّر و به صورت عادی انجام می‌شود؟

جواب: انجام کار حرام دلیل بر مشروعیت آن نیست.

سؤال ۱۴۵۰- پس از آزمایش معلوم شد فرزندان آینده زن و شوهری از نظر ژنتیکی تالاسمی مینور خواهند داشت. آیا به خاطر محبت زیاد با هم ازدواج نموده، مادام

(۱) شرح بیشتر را در کتاب «حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح» مطالعه فرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۶

العمر جلوگیری می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً احساس خطری برای فرزند کنند، جلوگیری مادام العمر مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۱- شخصی از نظر مرجع تقلیدش اطلاع نداشته، و اقدام به بستن لوله‌های خود نموده است. آیا پس از اطلاع از حرمت، باید جبران کند؟

جواب: لازم نیست.

سقط جنین

سؤال ۱۴۵۲- آیا در موارد زیر می‌توان سقط جنین کرد؟

(الف) مادر بیمار باشد، و ادامه حاملگی (با تشخیص پزشک، و وضعیتی که مادر دارد، و خودش نیز تشخیص داده)، باعث تشدید بیماری و وخامت حال مادر گردد.

(ب) بیماری فوق به درجه‌ای برسد که حیات مادر متوقف بر سقط جنین باشد.

(ج) مادر در کمال صحت و سلامتی است، و هیچ گونه خطری او را تهدید نمی‌کند، و جنین نیز سالم است، ولی دو سر دارد. یا سر جنین به شکل انسان نیست، و اگر با چنین حالتی متولد شود، طبق تشخیص پزشک، ممکن است چند روز پس از تولد از دنیا برود. یا ادامه حیات چنان فرزند برای خود او، و والدین و جامعه مشکلاتی خواهد داشت.

(د) در فروض فوق، حکم مسأله را قبل و بعد از ولوج روح بیان فرمایید.

(ه) در هر صورت، آیا مسئولیتی از نظر شرعی برای پزشک و زوجین وجود دارد؟

(و) چنانچه لازم باشد پزشک مرد اقدام به سقط جنین نماید، چه حکمی دارد؟

جواب: سقط جنین تنها در صورتی جایز است که جان مادر در خطر باشد.

همچنین اگر بیماری شدیدی مادر را تهدید کند، و جنین هنوز به مرحله دمیدن روح نرسیده باشد. و نیز اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین بگونه‌ای ناقص است که برای پدر و مادر و اطرافیان اسباب عسر و حرج شدید می‌شود، مشروط بر این که روح در آن دمیده نشده باشد. در این سه صورت، ختم حاملگی جایز

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۷

است، و اگر راه منحصر به طیب مرد باشد، در این صورت مانعی ندارد. و احتیاط آن است که پدر و مادر، طیب را نسبت به دیه تبرئه کنند.

سؤال ۱۴۵۳- نگهداری جنین مرده در شیشه، جهت آموزش چه حکمی دارد؟ آیا جهت دکور آزمایشگاهی، یا نگهداری در منزل جایز است؟

جواب: جهت دکور و امثال آن جایز نیست؛ ولی اگر ضرورتی برای آموزشهای لازم ایجاب کند، و چیزی جانسین آن نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۴- آیا زنی که سرطان رحم دارد می‌تواند بچه‌اش را سقط کند؟

جواب: اگر ناقص الخلقه شدن او قطعی و شدید باشد، و جنین در مراحل ابتدایی باشد، و راه درمان منحصر به سقط جنین باشد، پایان دادن به حاملگی جایز است.

سؤال ۱۴۵۵- تبلیغات زیاد باعث شده که افراد از داشتن فرزند احساس شرمندگی نموده، و مبادرت به سقط جنین نمایند، آیا چنین تبلیغاتی جایز است؟

جواب: جایز نیست.

خرید و فروش اعضای بدن

سؤال ۱۴۵۶- قاچاق میت غیر مسلمان، و خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از منظور قاچاق این است که بر خلاف مقررات حکومت اسلامی باشد، این کار شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۴۵۷- آیا فروش برخی از اعضای بدن قبل از مرگ، برای تحویل پس از مرگ، جایز است؟

جواب: در صورتی که سبب نجات جان مسلمان، یا درمان بیماری مهمی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۵۸- اجساد از کفار موجود است که برخی اعضای آن را، جهت کارهای تحقیقاتی یا پیوند و مانند آن، به مبالغ هنگفتی خریداری می‌کنند. آیا خرید و فروش این اعضا جایز است؟ آیا میان اجساد که شناسایی نشده و اولیایی ندارند، با دیگر اجساد تفاوتی وجود دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۸

جواب: هر گاه این کار برای حفظ جان افراد زنده، یا درمان بیماری مهمی ضرورت داشته باشد مانعی ندارد. و فرقی میان افراد شناخته شده و غیر آنها نیست.

کالبد شکافی و تشریح

سؤال ۱۴۵۹- امروزه کالبد شکافی دارای اهمیت فراوانی است، و مراکز مهم علمی و پژوهشی در این زمینه مشغول فعالیت هستند که عمدتاً برای اثبات نسب، کشف جرم، و هر هدف عقلایی دیگر، یا صرفاً به قصد آموزشهای پزشکی، اجساد را کالبد شکافی می‌نمایند. لطفاً نظر مبارک خود را در مورد جواز، یا عدم جواز این کار مرقوم فرمایید.

جواب: کالبد شکافی ذاتاً جایز نیست، جز در مواردی که هدف مهم دینی و اجتماعی بر آن مترتب شود، که تحت قاعده اهم و مهم قرار گیرد.

سؤال ۱۴۶۰- احترام میت مسلمان در صحنه قتل، یا در سالن تشریح، عمدتاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد، و از طرفی، در جهت ارتقای دانش پزشکی، و کشف علمی جرم، و بررسی صحنه قتل، و احقاق حق، تشریح ضروری به نظر می‌رسد. در این صورت تکلیف چیست؟

جواب: شرایط سه گانه جواز تشریح را برای مقاصد پزشکی، در آخر رساله توضیح المسائل نوشته‌ایم.

سؤال ۱۴۶۱- امروزه نظریه پزشکی قانونی به عنوان یکی از طرق مطمئن در مسائل قضائی به شمار می‌رود، و از جمله وظایف آنها تشخیص علت تامه مرگ است، که در اکثر موارد این کار فقط با کالبد شکافی مقدور است، و با انجام این عمل حقیقت کشف، و احقاق حق می‌گردد. لطفاً نظر مبارک را پیرامون این مسأله بیان فرمایید؟

جواب: هر گاه احقاق حقوق مهمه متوقف بر کالبد شکافی باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۲- در صورتی که قاضی پرونده تشخیص دهد تشریح جهت کشف حقیقت لازم و ضروری است، ولی اولیای دم راضی به تشریح نباشند، یا بعضی راضی باشند

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۲۹

و بعضی دیگر رضایت ندهند، یا میت بر عدم تشریح وصیت کرده باشد، تکلیف چیست؟

جواب: هرگاه تشریح جهت احقاق حقوق اولیای دم باشد، و آنها حاضرند از حق خود بگذرند و تشریح نشود، نباید تشریح کرد. ولی اگر پیشگیری از یک مشکل مهم اجتماعی متوقف بر آن باشد، رضایت آنها شرط نیست.

سؤال ۱۴۶۳- تشریح بدن جنین چه حکمی دارد؟ بر فرض جواز، آیا دیه دارد؟

جواب: در صورتی که برای پیشرفت علم جهت حفظ جان مسلمین ضرورتی داشته باشد تشریح جایز است، و دیه هم ندارد.

سؤال ۱۴۶۴- آیا خرید و فروش میت مسلمان جهت تشریح، در جایی که کافر در دسترس نباشد، جایز است؟

جواب: هرگاه آن تشریح برای فراگرفتن علم پزشکی جهت جان مسلمین ضرورت داشته باشد، و از غیر این راه دسترسی نداشته باشید، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۶۵- برخی از اساتید برای فراهم ساختن استخوان جهت تشریح، نمره در نظر می‌گیرند. آیا برای چنین کاری تشریح استخوانهای مکشوفه از قبرستان جایز است؟ آیا در این جهت، میان قبرهای قدیمی و جدید، استخوانهای زیر زمین و آنچه در سطح

قرار گرفته، زن و مرد، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: هیچ کدام جایز نیست.

سؤال ۱۴۶۶- نگاه کردن به دستگاه تناسلی مردان و زنان میت در حال تشریح چه حکمی دارد؟ آیا این حکم در مورد بدن مسلمانان و غیر مسلمانان یکسان است؟

جواب: جز در موارد ضرورت جایز نیست؛ و فرقی در میان آنها نیست.

سؤال ۱۴۶۷- جدا کردن اعضای مرده چه حکمی دارد؟ آیا در این حکم فرقی میان رضایت قبلی و عدم آن، یا رضایت ولی و عدم رضایت وی، تفاوتی وجود دارد؟

جواب: جز در موارد ضرورت برای تشریح، با شرایطی که در مسأله ۲۴۴۹ رساله توضیح المسائل گفته‌ایم، یا در مواردی که معالجات ضروری احیا بدون آن ممکن نیست، جایز نمی‌باشد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۰

پیشگیری

سؤال ۱۴۶۸- با توجه به مصیبت بار بودن بیماری ایدز، آیا آموزش گروههای مختلف سنّی در مورد راههای انتقال و نحوه پیشگیری از این بیماری را جایز می‌دانید؟

جواب: جایز است؛ ولی باید به شکلی باشد که بدآموزی یا مفسده دیگری بر آن مترتب نشود.

سؤال ۱۴۶۹- آیا توصیه به استفاده از کاندوم، برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردار آمیزشی، در رده‌های مختلف سنّی، بدون اطلاع از این که آموزش گیرنده مجرد است یا متأهل، جایز است؟

جواب: ممکن است این مطلب به صورتی که ذکر کرده‌اید سبب بدآموزی باشد، و مسأله فحشا یا سایر انحرافات جنسی را یک مسأله عادی جلوه دهد، لذا جایز نیست.

سؤال ۱۴۷۰- آیا تجویز داروی اعتیادآور خوراکی به جای داروی اعتیادآور تزریقی، جهت پیشگیری از بروز بیماریهای واگیردار

جایز است؟

جواب: در صورتی که هدف ترک اعتیاد باشد، و این معنا به طرف نیز تفهیم گردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۷۱- آیا توزیع سرنگ بین معتادین، برای پیشگیری از بروز بیماری‌های واگیردار مجاز است؟ (لازم به ذکر است که این روش تغییری در اعتیاد آنها ایجاد نمی‌کند).

جواب: در صورتی که به معتادان تفهیم شود که هدف کمک به اعتیاد آنها نیست، بلکه منظور جلوگیری از آلودگی به بیماری‌های خطرناک است، مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۷۲- با توجه به معضلات کنونی اجتماع که بعضاً نتیجه عدم آگاهی صحیح جوانان از مسائل جنسی است، آیا آموزش مسائل جنسی را در جامعه، برای پیشگیری از بیماری‌های واگیردار، با رعایت حریم خانواده، و با توجه به سن استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۱

نوجوانان و جوانان، و با استفاده از متون آموزشی مناسب مجاز می‌دانید؟

جواب: تجربه نشان داده که آموزش مسائل جنسی به سبک غربی، که فعلاً مطرح است، مفسد زیادی در بردارد، و در بسیاری از اوقات نتیجه معکوس می‌دهد.

پایان دادن به زندگی!

سؤال ۱۴۷۳- شخصی بر اثر تصادف دوازده سال است که در بیهوشی به سر می‌برد، یا بیماری پس از عمل جراحی به هوش نیامده است. آیا می‌توان با تزریق آمپول به زندگی وی پایان داد؟

جواب: این کار جایز نیست؛ ولی اگر بازگشت به حال طبیعی عادتاً امکان نداشته باشد، می‌توان از ادامهٔ معالجه خودداری کرد.

سؤالات دیگر پزشکی

سؤال ۱۴۷۴- آیا خرید و فروش داروهای غیر مجاز، یا تاریخ گذشته، جایز است؟

جواب: خرید و فروش داروهای غیر مجاز جایز نیست؛ و داروهایی که تاریخ آن گذشته، اگر مقدار قابل ملاحظه‌ای از آثار خود را داشته باشد، و به طرف اعلام شود اشکالی ندارد، در غیر این صورت جایز نیست.

سؤال ۱۴۷۵- آیا خرید و فروش داروهای دولتی خارج از سیستم نظارتی جایز است؟

جواب: در صورتی که برخلاف مقررات جمهوری اسلامی باشد، یا منشأ ضرر و زیانی شود، جایز نیست.

سؤال ۱۴۷۶- آیا برای انجام تحقیقات پزشکی، ضرر رساندن به حیوانات یا گیاهان جایز است؟

جواب: در مورد گیاهان اشکالی ندارد. و در مورد حیوانات، هرگاه تحقیقات برای منظور مهمی باشد جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۲

سؤال ۱۴۷۷- اگر دانشجوی پزشکی از اسرار استادش که پزشک است آگاه باشد، و فساد اخلاقی او را بداند، وظیفه‌اش چیست؟ در حالی که بقیه او را کاملاً مؤمن می‌دانند، و در مسائل بسیاری به او مراجعه می‌کنند.

جواب: او باید به وظیفه خود عمل کند، و کاری به دیگران نداشته باشد.

سؤال ۱۴۷۸- آیا پزشک در مسائلی که حکم آن را نمی‌داند، می‌تواند به اجتهاد خود عمل کند؟ در صورت اضطرار و نیاز به اقدام فوری چطور؟

جواب: اگر واقعاً اضطرار باشد، و دسترسی به شخص مطلع نباشد، می‌تواند به آنچه احساس ضرورت می‌کند عمل نماید.

سؤال ۱۴۷۹- نبود وسائل جراحی، یا کم بودن آن در اتاق عمل، ممکن است باعث مرگ بیماران شود. آیا تهیه این وسائل واجب است؟

جواب: بر حکومت اسلامی لازم است که وسائل را فراهم کنند، همچنین بیمارستانهای خصوصی هرگاه بیماری را پذیرش کنند، باید وسائل را فراهم سازند.

سؤال ۱۴۸۰- توالتهای سنتی ایران، برای برخی از بیماران از جمله بعضی بیماران قلبی مضر است، آیا استفاده از توالت فرنگی مجاز است؟

جواب: استفاده از توالت فرنگی برای همه جایز است.

سؤال ۱۴۸۱- آیا بستری نمودن بیمار جهت انجام شوک برقی (با وجود احتمال عوارض جانبی برای بیمار) به دلیل درآمدزا بودن آن مجاز است؟

جواب: جایز نیست؛ ولی اگر این کار از طرق درمان محسوب شود، و احتمال عوارضی برود و به بیمار گفته شود، و از او اجازه بگیرند مانعی ندارد.

سؤال ۱۴۸۲- بیمارانی به بیمارستان مراجعه می‌کنند که قادر بر پرداخت هزینه درمان یا عمل جراحی نیستند. آیا در این صورت مسئولیتی متوجه بیمارستان، دکتر جراح یا حکومت اسلامی هست؟ در صورت فوت یا نقص عضو، دیه‌ای بر ذمه آنها استقرار پیدا می‌کند؟

جواب: بر حکومت اسلامی واجب است در این گونه امور تدبیری بیندیشد، که مشکل این افراد حل شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۳

سؤال ۱۴۸۳- با تزریق آمپولی به نام «پرستودین» در سه ماهه اول حاملگی، معمولاً جنین پس از یک ساعت سقط می‌شود، این داروها گاه به شکل شیاف یا ژل نیز عرضه می‌گردد. آیا خرید و فروش چنین دارویی جایز است؟

جواب: خرید و فروش آن اشکالی ندارد، ولی باید حتماً با اجازه و نسخه پزشک متعهد باشد، تا از آن سوء استفاده نشود.

سؤال ۱۴۸۴- داروی مذکور به صورت قاچاق در بازار به وفور وجود دارد، آیا باید از خرید و فروش آن جلوگیری کرد؟ جواب: آری باید از خرید و فروش آن بدون شرطی که در بالا گفتیم جلوگیری شود.

سؤال ۱۴۸۵- در برخی از مسائل پزشکی پزشک مقلد یک مرجع، و بیمار مقلد مرجع تقلیدی دیگر است، و نظر آن مراجع متفاوت است. کدام نظریه باید ملاک عمل قرار گیرد؟

جواب: پزشک به وظیفه خود عمل می‌کند.

سؤال ۱۴۸۶- در بسیاری از مراکز آموزشی، درمانی و پزشکی، امکان جداسازی دانشجویان دختر و پسر وجود دارد. لکن برخی از مسئولین نسبت به این مسأله بی‌توجهی می‌کنند. نظر جنابعالی در این زمینه چیست؟

جواب: اگر امکان تفکیک باشد، تفکیک لازم است.

سؤال ۱۴۸۷- آیا مراجعه به دکتر متخصص غیر مسلمان جایز است؟

جواب: اگر مفسده خاصی بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۴۸۸- برخی از جراحان خارج از تعرفه تعیین شده از بیماران پول دریافت می‌کنند، و بیمار نیز به ناچار آن را می‌پردازد. آیا این کار مجاز است؟

جواب: در صورتی که طبیب استخدام دولت باشد، در برابر انجام وظیفه خود نمی‌تواند پول اضافی بگیرد، ولی اگر در استخدام نبوده باشد، هر قدر با بیمار توافق کند مانعی ندارد؛ ولی باید عدل و انصاف را رعایت کند.

سؤال ۱۴۸۹- کمبود خون و برخی مقررات دست و پاگیر برای استفاده از وسایل،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۴

ممکن است موجب مرگ بیماران در اتاق عمل شود. آیا اصلاح این مقررات واجب است؟

جواب: واجب است کاری کنند که جان مردم در اتاق عمل به خطر نیفتد.

سؤال ۱۴۹۰- آیا پزشک، یا پرستار، حق تحقیر کردن و ناسزا گفتن به زنان حامله، که فرزندان زیادی دارند، را دارد؟

جواب: تحقیر هیچ مسلمانی جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۵

فصل پنجاهم: مسائل متفرقه

۱- آسیب‌شناسی تربیت دینی

سؤال ۱۴۹۱- دنیای مدرن، تمام احساسات، عواطف، عقل و ذهن بشر را درنوردیده، و بر همه امکانات انسان سیطره یافته، و از انسان در حقیقت به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. در این میان تکنولوژی، که نقش اول را بازی می‌کند، رشد و توسعه فزاینده آن در عصر مدرن، تمام حقیقت انسان را به زیر سلطه خود درآورده است. تا آنجا که فکر و اندیشه بشر را جهت می‌دهد، و فرهنگ اجتماعی را دگرگون می‌سازد، و بر نوع اجتماعی شدن و جامعه‌پذیریش، تصمیم‌گیری می‌کند، و انسان را به یک موجود کژاندیش و هنجارکش مبدل ساخته است. در این راستا، اولین برنامه برای نوجوانان و جوانان طراحی شده است، چرا که آنان آماده جامعه‌پذیری و ایفای نقش‌های مهم اجتماعی هستند. و طراحان به این وسیله کشورها را زیر سلطه خود در می‌آورند، و یا از موجودیت و هویت اصلی خودشان ساقط می‌سازند. اکنون وزارت آموزش و پرورش با توجه به مأموریت خطیر خود، با همکاری دیگر نهادها، همایشی را تحت عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش» ترتیب داده، تا بدین وسیله ریشه‌ها، موانع و راه‌کارهای عملی جهت بازشناسی موانع و عوامل بازدارنده تربیت دینی را از طرف صاحب نظران در عرصه‌های مختلف شناسایی نماید. با عنایت به اهداف همایش، سؤالاتی طراحی شده، که انتظار می‌رود با پاسخگویی به آنها، ما را در این مهم یاری فرماید.

۱- آیا در حوزه تربیت دینی آسیبی برای جوانان و نوجوانان مشاهده می‌شود؟

اگر هست، این آسیبها در چه عرصه‌هایی رخ می‌نماید؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۶

جواب: بی‌شک آسیب‌هایی برای جوانان و نوجوانان در حوزه تربیت دینی وجود دارد، که در دو شاخه خلاصه می‌شود: آسیب‌های

اعتقادی، و آسیب‌های اخلاقی. که اگر روی آن کار جدی انجام نگیرد، در آینده شاهد مشکلات مهم دینی و اجتماعی و سیاسی

خواهیم بود.

۲- منشأ این آسیبها، و عوامل آسیب‌زا، چه چیزهایی است؟

جواب: منشأ این آسیبها را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

الف) وجود عوامل تشویق‌کننده به مفسدات اخلاقی، و اباحی‌گری؛ که از ویژگیهای عصر ماست.

ب) تفسیر نادرست از مسأله آزادی، و عدم توجه به این نکته که همیشه آزادیها در چهارچوب ارزشهاست.

ج) عدم اطلاع‌رسانی صحیح و بموقع، و محروم ماندن قشر جوان و نوجوان از آموزشهای مستمر و گسترده دینی.

د) از همه مهمتر، دستهای مرموز سیاست مخرب دشمنان است که برای دور کردن جوانان از حوزه تربیت و اعتقادات دینی از طرق مختلف فعالیت می‌کند، و معتقد است مانع اصلی نفوذ در عرصه سیاسی کشور ما، اعتقادات محکم مذهبی و پایبندی به اخلاق دینی است. و برآستی اگر آنها در کار خود موفق شوند، مانع مهمی بر سر راه نفوذشان باقی نمی‌ماند.

۳- راه کارهای اصلاح و تغییر در وضع آسیبها، و همچنین وضعیت مطلوب برای زدودن آسیبها را در چه چیزهایی ارزیابی می‌فرمایید؟

جواب: راه کارهای اصلاح نیز در امور زیر خلاصه می‌شود:

الف) آموزش مستمر با منطق و ادبیات خاص جوانان.

ب) حل مشکلات مربوط به تحصیل و کار و ازدواج جوانان.

ج) پاکسازی محیط از مراکز و عوامل فساد.

د) همکاری تنگاتنگ تمام رسانه‌های جمعی در این زمینه.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۷

۲- احکام اکراه

سؤال ۱۴۹۲- محدوده رفع حکم اکراهی تا کجاست؟ حق الله، حق الناس، یا کلیه محرمات؟

جواب: در صورت اکراه، همه احکام، جز ریختن خون بی گناهان، برداشته می‌شود. ولی این در صورتی است که اکراه نسبت به مکره علیه بر امر مهمی باشد.

سؤال ۱۴۹۳- آیا به واسطه اکراه اضرار به غیر نیز مجاز خواهد بود؟ در صورت جواز، آیا حدیث رفع با حدیث لا ضرر تعارض پیدا نمی‌کند؟

جواب: در صورت اکراه، اضرار به غیر جایز است، و ادله اکراه حاکم می‌باشد؛ زیرا بسیاری از موارد اکراه، مشتمل بر اضرار به غیر است؛ مانند اکراه بر قبول پستی از پستهای حکومت، ولی مسأله ضمان در جای خود محفوظ است.

سؤال ۱۴۹۴- آیا غیر قابل رفع بودن تهدید، شرط تحقق اکراه است؟ آیا در این شرط تفاوتی بین احکام وضعیه و تکلیفیه وجود دارد؟

جواب: در صورتی که کسی بتواند با تهدید مقابله کند، اکراه صدق نمی‌کند.

سؤال ۱۴۹۵- آیا یافتن راه فرار از عمل مکره علیه واجب است؟

جواب: در صورتی که از طریق توریه امکان خلاصی باشد، احتیاط آن است که از این راه استفاده کنند.

سؤال ۱۴۹۶- آیا تهدید به عدم النفع، در تحقق اکراه مؤثر است؟

جواب: اکراه در صورت عدم النفع صدق نمی‌کند.

۳- اعتقادات

الف) نبوت

سؤال ۱۴۹۷- چرا پیامبران فقط در بین النهرین و خاور میانه مبعوث شده‌اند؟ اگر علت، تمدن آنهاست، پس چرا برای تمدنهای بزرگی مثل یونان (فراموش نکنیم که حضرت عیسی علیه السلام در خاور میانه به دنیا آمده است) و مایاهای سرخ‌پوست، یا

تمدنهای بزرگ سیاهپوست، پیامبری فرود نیامد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۸

آیا می‌توان کنفسیوس (در چین)، بودا (در هند)، زردشت و کوروش (در ایران)، بقراط و سقراط (در یونان) را پیامبران الهی دانست؟

از آنجا که در منابع دینی ما آمده که: «برای هر دو نفر یکی را پیامبر قرار دادیم.»

پس باید برای اسکیموها و همه اقوام، پیامبرانی آمده باشد. و اگر جواب منفی است، پس این نظریه تقویت می‌شود که پیامبری هم با توجه به پیشرفت تمدن، و خداپرستی هم با توجه به شکوفایی‌های فکری مردم، به تکامل رسیده است! چرا که انسانها، نخست خورشیدپرست، ماه‌پرست، و مانند آن بودند، سپس با توجه به شکوفایی عقلی، خدای عینی را برگزیدند. نظر شما چیست؟

جواب: مورخان اتفاق نظر دارند که گاهواره تمدن انسانی در منطقه خاور میانه به حرکت درآمده است، و در آن زمان، نه یونان صاحب تمدنی بود، و نه جای دیگر، و از آنجا که پیدایش دین در این مناطق سبب گسترش آن به مناطق دیگر می‌شد، خداوند پیامبران را از این مناطق برگزید، تا آیین آنها از آنجا به سایر مناطق دنیا پخش شود.

سؤال ۱۴۹۸- در کتاب شریف «نهج البلاغه» در رابطه با دوران خردسالی حضرت علی علیه السلام چنین می‌خوانیم:

«آنگاه که کودک بودم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله مرا در کنار خود نهاد، و بر سینه خویشم جا داد، مرا در بستر خود می‌خوابانید، چنان که تنم را به تن خویش می‌سود، و بوی خوش خود را به من می‌بویاید. گاه بود که چیزی را می‌جوید، سپس آن را به من می‌خورانید» مگر نه این که خوابیدن دو نفر مذکر، و حتی مؤنث، در یک رختخواب از نظر اسلام، اشکال دارد. پس چگونه حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن حضرت را در رختخواب خویش جای می‌داد! او را بر سینه خود می‌کشید!؟ تنش را به تن او می‌مالید!؟

جواب: این مسأله در مورد بچه‌های کوچک (چندساله) اشکالی ندارد؛ همان گونه که معمول است مادران یا پدران بچه‌های کوچکشان را در کنار خود می‌خوابانند.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۳۹

سؤال ۱۴۹۹- آیا جمله مشهور و معروف:

«لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتُ الْاَفْلاَكُ»

که گفته می‌شود در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، حدیث است؟ مأخذ آن کدام کتاب است؟

جواب: مأخذ آن بحار الانوار، جلد ۵۲، صفحه ۱۹۸، و جلد ۱۵، صفحه ۲۸ است.

(ب) عصمت

سؤال ۱۵۰۰- مقام عصمت اختصاص به انبیا علیهم السلام و ائمه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام دارد، یا در مورد دیگران هم تصور می‌شود؟

جواب: قدر مسلم این است که این بزرگواران معصومند، ولی در مورد دیگران مسلم نیست، هر چند بعضی از آنها مقاماتی بسیار بالا و والایی دارند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۵۳۹

ج) عدل الهی

سؤال ۱۵۰۱- با این که برای خداوند امکان داشت که مرا به عنوان یک انسان در زمان یکی از چهارده معصوم علیه السلام به دنیا آورد، تا من موفق به زیارت وی شوم، ولی این کار را نکرد. در حالی که بسیاری از کافران که لیاقت دیدن معصومین را نداشته‌اند، در زمان آنها بوده، و موفق به زیارت برخی از آن بزرگواران شده‌اند. آیا این، با عدل الهی سازگار است؟

جواب: در بعضی از روایات آمده است: «آنها که بعد از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرات معصومین علیهم السلام به دنیا می‌آیند، و به آنها ایمان می‌آورند، مقامشان بالاتر از کسانی است که در عصر و زمان آنها زندگی می‌کردند.» اگر آنها امتیازی داشته‌اند، این گروه نیز امتیاز مهمی دارند، و به این ترتیب عدالت اجرا می‌شود.

د) سرانجام جاهلان قاصر

سؤال ۱۵۰۲- حضرت استاد! وقتی به مسائل و جریانات زندگی نظر می‌افکنم، می‌بینم هر کس مشی و مرام خود را حق می‌داند. سؤال بنده این است: وقتی کسی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۰ حق بر او مشتبه باشد، مثل خوارج که به نظرشان حق همان بود که آنها فکر می‌کردند، یعنی جاحد نبودند. اینها تکلیفشان از لحاظ ثواب و عقاب چطور است، آیا معذبند؟

جواب: اگر برای تشخیص حق، تلاش و کوشش لازم را به عمل آورده و در این راه مرتکب تقصیری نشده، حکم جاهل قاصر را دارد، و نه تنها در پیشگاه خدا معذب نیست، بلکه در برابر اعمالش پاداشی هم خواهد داشت.

ه) مقایسه ائمه با انبیا

سؤال ۱۵۰۳- آیا ائمه اطهار علیهم السلام از لحاظ معرفت به خدا، از پیامبران الهی علیهم السلام- به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله- بالاتر هستند؟

□

جواب: بهتر است که معصومین و اولیاء الله را با یکدیگر مقایسه نکنیم، همه بزرگوار و انوار الهی هستند.

و) ولایت

سؤال ۱۵۰۴- وقتی حادثه غدیر را همراه با توضیحات علمای شیعه مطالعه می‌نمایم، یقین پیدا می‌کنیم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن روز حضرت علی علیه السلام را برای آخرین بار به عنوان جانشین خود معرفی کرد. با این حال، چرا علمای اهل سنت این مطالب روشن را قبول ندارند؟ چرا شخصی که صاحب فکر است، و حتی مطالبی در مورد فضیلت حضرت علی علیه السلام دارد، شیعه نشده است؟ آیا ضعف از ادله و براهین شیعه است؟

جواب: دلایل شیعه بسیار قوی است؛ ولی غالباً تعصبها و ارتباطهای خانوادگی اجازه پذیرش نمی‌دهد.

سؤال ۱۵۰۵- با توجه به اهمیت مسأله ولایت اهل بیت علیهم السلام، که حقیقت ایمان و روح عبادات است، و هیچ عبادتی اعم از نماز و روزه و مانند آن بدون ولایت اهل بیت مقبول در گاه خداوند قرار نخواهد گرفت، و روایات در این زمینه در حد تواتر استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۱

است، آیا حضرت عالی نماز را فرع بر ولایت می‌دانید، یا ولایت را فرع بر نماز می‌دانید؟ از نظر اهمیت کدام یک از این دو مقدم بر دیگری است؟ عزاداری در مصائب ائمه علیهم السلام، خصوصاً خامس آل عبا، حضرت سید الشهداء علیه السلام که از افضل قربات است، و آثار همان ولایت و محبتی است که در اعماق وجود شیعیان و موالیان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام قرار دارد، چه نقشی در قبولی نماز و سایر عبادات دارد؟

جواب: پاسخ سؤال شما همان است که در حدیث معروف امام باقر علیه السلام آمده است: «اگر کسی تمام روزها را روزه بگیرد، و شبها را به عبادت مشغول باشد، و همه سال به حج برود، و تمام مالش را در راه خدا انفاق کند، اما ولایت اولیاء الله را نداشته باشد، و اعمال خود را به راهنمایی آنها انجام ندهد، بهره‌ای از این اعمال عائد او نخواهد شد».

ز) امام زمان علیه السلام

سؤال ۱۵۰۶- در بعضی از روایات، تصریح به نام مبارک امام عصر (عج) حرام یا مکروه شمرده شده است. بدین جهت برخی نام حضرت را جدای از هم (م ح م د) می‌نویسند. آیا این روایات شامل عصر و زمان ما نیز می‌شود؟
جواب: در جای خود گفته‌ایم که آن روایات شامل زمان ما نمی‌شود. و ادله آن را در آخر بحث تقیه از کتاب قواعد الفقهیه آورده‌ایم.

سؤال ۱۵۰۷- شخصی از مؤمنین ضمن ادعای ملاقات با امام زمان (عج) می‌گوید:

«امام عصر مرا مأمور بعضی کارها، مانند ساختن حسیه، مسجد، و مانند آن کرده است.» وی مردم را به اقتدا نکردن به بعضی از ائمه جماعات، و نپرداختن وجوه شرعی به آنها، تشویق می‌کند، و مدعی است که امام زمان علیه السلام چنین دستوری داده است. شخص مذکور صندوق چوبی در اختیار دارد که چند ورقه قدیمی و پارچه سبز رنگی در آن است. او ادعا می‌کند که آنها را امام عصر (عج) به او داده است! مردم برای تبرک جستن به این صندوق به خانه او می‌روند. به گمان این که واقعاً صندوق استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۲

از ناحیه آن حضرت است. بلکه برخی از مردم گمان می‌کنند که منزل این شخص، محل سکونت امام عصر است! وی حتی در نزد بعضی از علما ادعای مذکور را مطرح نموده، و می‌گوید: «می‌توانم سؤالات شما را به امام عصر (عج) برسانم!» آیا ادعاهای این شخص درست است؟

جواب: شکی نیست که این شخص انسان بسیار دروغگویی است، و بر همه مؤمنین لازم است او را تکذیب کنند، و هیچ یک از سخنانش را نپذیرند.

سؤال ۱۵۰۸- امام زمان (عج) پس از ظهور، چگونه با سلاحهای شیمیایی و بمبهای اتمی و سلاحهای سنگین دیگر مبارزه خواهند کرد؟

جواب: از بعضی قرائن استفاده می‌شود که آن حضرت وسائل و ابزاری ما فوق سلاحهای آنها در اختیار دارد، که آنها را از کار می‌اندازد.

ح) وظیفه منتظران

سؤال ۱۵۰۹- مهمترین وظیفه منتظران چیست؟ چه باید بکنند؟

جواب: مهمترین وظیفه منتظران حضرت مهدی (عج) انجام واجبات و ترک محرمات و آمادگی برای یاری آن حضرت، و تقویت

ایمان خود است.

سؤال ۱۵۱۰- مهمترین کارهایی که آن حضرت در زمان غیبت برای دین و دینداران می‌کند چیست؟

جواب: مهم‌ترین کارهای آن حضرت در عصر غیبت، نور افشانی به قلب‌های آماده، حمایت از اسلام و شیعیان خالص، و امیدبخشی به آن‌هاست. نور وجود او، مانند نور خورشید در پشت ابرها به ما می‌رسد.

سؤال ۱۵۱۱- آیا شرط ملاقات با حضرت، علم و تقواست، یا مصلحت و زمان و مکان؟

جواب: شرط اصلی لیاقت ملاقات با آن حضرت، تقوا در سطح عالی است.

ولی گاه به خاطر مصلحت اسلام و مسلمین، چهره نورانی خود را به افراد غیر لایق، حتی غیر شیعه و غیر مسلمانان، نیز نشان می‌دهد. استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۳

(ط) رجعت

سؤال ۱۵۱۲- رجعت در چه زمانی رخ خواهد داد؟ در زمان حیات و حکومت حضرت ولی عصر علیه السلام، یا بعد از شهادت آن حضرت اتفاق می‌افتد؟

جواب: مطابق روایات، رجعت پس از قیام و ظهور حضرت مهدی (عج) رخ می‌دهد، و رجعت امامان علیهم السلام یکی پس از دیگری بعد از شهادت حضرت مهدی (عج) است.

(ی) شفاعت

سؤال ۱۵۱۳- ما شیعیان بر این باوریم که در روز قیامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امامان معصوم علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام افرادی را شفاعت می‌کنند. بنده مدتی پیش که سوره بقره را تلاوت می‌نمودم، در آیه ۴۸ به این مضمون برخورد کردم، که خدا می‌فرماید:

«حذر کنید از روزی که در آن روز کسی بجای دیگری مجازات نبیند، و هیچ شفاعتی از کسی پذیرفته نمی‌شود.» خواهشمند است در این رابطه توضیح دهید.

جواب: فهم معنای این آیه منوط است به ملاحظه سایر آیاتی که در باب شفاعت در قرآن آمده است. که در آن آیات صریحاً شفاعت ثابت شده است؛ مانند آیه الکرسی «مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ» بنابراین نفی شفاعت در آیه‌ای که نوشته‌اید اشاره به این است که بدون اذن خداوند شفاعت پذیرفته نیست.

خداوند هم در جایی اذن می‌دهد که طرف لیاقت شفاعت داشته باشد، شرح بیشتر را در جلد اول تفسیر نمونه، ذیل آیه مذکور، مطالعه فرمایید.

(ک) جهان آخرت

سؤال ۱۵۱۴- اگر شب و روز و خواب در جهان آخرت وجود ندارد، پس گذر زمان در آنجا چگونه است؟

جواب: وضع جهان آخرت برای ما زندانیان عالم دنیا روشن نیست؛ همان گونه که وضع دنیا برای بچه‌های در شکم مادر. ولی می‌دانیم آخرت حق است، و یک زندگی برتر، شرح این مطلب را در جلد ۵ و ۶ پیام قرآن نوشته‌ایم.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۴

۴- بیت المال

سؤال ۱۵۱۵- در برخی از کشورهای اسلامی همسایه ایران مناطقی وجود دارد که صد در صد نظامی است. مردم آن مناطق، اشیای ضروری زندگی مثل نفت، سیمان، لباس، اسلحه و مواد خوراکی را به قیمت ارزان، یا به طور مجانی از کارمندان ارتش دریافت می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: اشکال دارد.

سؤال ۱۵۱۶- حکم جنابعالی در مورد کسانی که در انتخابات در راستای شناساندن خود به مردم از امکانات بیت المال استفاده کرده‌اند، چیست؟

جواب: بیت المال مصارف خاصی دارد، که باید در آن مصرف گردد.

سؤال ۱۵۱۷- اگر کسی مالی از بیت المال طلب داشته باشد و آن را ندهند، آیا می‌تواند معادل طلبش از امکانات بیت المال، استفاده کند؟

جواب: باید از حاکم شرع اجازه بگیرد.

سؤال ۱۵۱۸- استفاده شخصی از اموال حکومت‌های اسلامی (غیر ایران)، مثل ماشین سواری و مانند آن چه حکمی دارد؟ آیا استفاده از اسلحه و مانند آن، برای دفاع از مذهب شیعه اثناعشری جایز است، یا اجازه حاکم شرع ضروری است؟

جواب: با اجازه حاکم شرع و برای تقویت مذهب اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۱۹- این جانب مشغول خدمت مقدس سربازی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌باشم. در این ارتباط، یک اتومبیل پیکان در اختیار من قرار داده شده تا به امور رانندگی یکی از مسئولین سپاه پردازم. ایشان در خارج از وقت اداری از من و اتومبیلی که ذکر شد، در امور شخصی خود استفاده می‌کند. هنگامی که از علت این کار سؤال نمودم، پاسخ دادند: بعضی از مسئولین سپاه به دلیل موقعیت کاری که دارند، مجاز به این کار می‌باشند. تکلیف بنده در این رابطه چیست؟

جواب: در صورتی که ایشان اظهار می‌دارد که مجاز به این کار می‌باشد، برای شما اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۲۰- مشاهده می‌شود که برخی مدیران، مسئولان ادارات و نهادهای

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۵

دولتی، بنا به مصالحی از امکانات دولتی استفاده شخصی می‌کنند، یا برخی از امکانات را مثلاً به عنوان تشویق در اختیار عده‌ای از کارمندان خاص قرار می‌دهند.

این عمل شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: هرگونه تصرفی در اموال بیت المال خارج از حدود مقررات حرام است.

۵- بیمه

سؤال ۱۵۲۱- نظر مبارک خود را نسبت به سؤالات زیر بیان فرمایید:

۱- بیمه عمر، از عقود است یا ایقاعات؟ آیا از عقود و ایقاعات متعارف و دارای عنوان فقهی است، یا عناوین موجود منطبق بر آن نیست؟

۲- بیمه عمر، از نوع وصیت عهدی است، یا تملیکی؟

۳- با توجه به ماهیت بیمه عمر، آیا شخص بیمه شده می‌تواند مبلغی را که پس از فوت توسط بیمه محاسبه و پرداخت می‌شود،

سهم‌بندی نماید، و برای اشخاصی - اعم از وراث شرعی، و غیر آن - وصیت کند.

۴- در صورتی که بیمه شده، هیچ فرد و سهمی را مشخص ننماید، طبق قوانین موجود بیمه، مبلغ پرداختی توسط بیمه عمر به صورت مساوی به وراث قانونی پرداخت می‌گردد. آیا این نحوه تقسیم منطبق بر فتاوی فقہی حضرتعالی می‌باشد؟
جواب ۱ تا ۴: بیمه یکی از عقود مستحدثه است که در عرف عقلا - معمول است، و چنانچه شرایط عامه عقود در آن جمع باشد، شرعاً اشکالی ندارد، و باید طبق قرار دادی که بسته شده عمل شود، و می‌توان سهمیه افراد مورد نظر را به صورت درصدی، نه ریالی، تعیین کرد، و مشمول ادله وجوب وفا به عقد است.

۶- تبلیغ دین

سؤال ۱۵۲۲- جایگاه دولت در برنامه‌های گسترش فرهنگ دینی چیست؟ نقش حاکمیتی دولت در چه محورهایی است؟ در چه زمینه‌هایی دولت باید مستقیماً به تولید خدمات دینی پردازد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۶

جواب: دولت باید برنامه‌های اساسی و بنیادی و زیربنایی را در جهت گسترش فرهنگ دینی انجام دهد، و مردم باید دنبال آن را در جهات مختلف بگیرند.

سؤال ۱۵۲۳- آیا شیوه‌ها و روشهای انجام فعالیت‌های دینی با توجه به شرایط و مقتضیات دنیای کنونی، و ابعاد گسترده تهاجم فرهنگی، و اطلاع‌رسانی جهانی، نیاز به بازسازی و تجدید نظر ندارد؟ این وظیفه بر عهده چه نهادهایی است؟ چگونه می‌توان از روشهای نوین و کارآمد استفاده کرد؟ وظیفه حکومت در این مورد چیست؟
جواب: بی‌شک شیوه‌ها و روشهای فعلی انجام فعالیت‌های دینی کافی نیست.

برای کارایی بیشتر، باید از اسباب و وسائل موجود در دنیای امروز با برنامه‌ریزی صحیح و کار گروهی استفاده کرد.

سؤال ۱۵۲۴- بهترین الگویی که برای نحوه ارتباط و تعامل دولت و نهادهای دینی در گذشته و حال کشورهای اسلامی، حکومت‌ها و کشورهای مسیحی، یهودی، و در سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام وجود داشته و دارد چیست؟
جواب: دولت نباید استقلال نهادهای دینی را مخدوش کند، و بخواهد آنها را زیر چتر خود قرار دهد؛ ولی نظارت دائم و سازنده نسبت به آنها بسیار بجاست، تا خدایی نکرده انحرافی از مسیر صحیح پیدا نکنند.

سؤال ۱۵۲۵- نقش و میزان مشارکت مردم در شکل‌گیری حکومت دینی در نصوص قدسی، چگونه تعیین و تبیین گردیده است؟
جواب: مردم به عنوان حامیان حکومت، و بازوهای دولت اسلامی، و نیز به عنوان نظارت، و امر به معروف و نهی از منکر، و نصیحت و ارشاد، در حکومت نقش دارند.

سؤال ۱۵۲۶- جایگاه مردم در مستندات موجود (قانون اساسی، مذاکرات خبرگان، صحیفه نور) کجا ذکر شده است؟
جواب: جایگاه مردم در قانون اساسی پیش‌بینی شده است.

سؤال ۱۵۲۷- در حکومت‌های فعلی جهان، جایگاه مردم چگونه تعریف گردیده است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۷

جواب: در قانون اساسی آنها آمده است.

سؤال ۱۵۲۸- سخنرانی روحانی بر فراز منبر بهتر است، یا پشت تریبون؟

جواب: معمولاً استفاده کردن از روشهای سنتی در مساجد و حسینیه‌ها بهتر است؛ جز در مواردی که خطیب باید ایستاده سخن بگوید، مانند نماز جمعه که در آنجا استفاده از تریبون مانعی ندارد.

۷- تراست و کارتل

سؤال ۱۵۲۹- استدعا دارم حکم فقهی دو مورد ذیل را بیان فرمایید.

۱- کارتل، اتحادیه آزاد و اختیاری بین بنگاههایی است که در یک رشته اقتصادی مشغول به کار بوده، و مواد یا کالاهای مشابهی را تولید می‌نمایند. مقصود اصلی آنها از تشکیل کارتلها به دست گرفتن انحصار جهت فروش کالای خود می‌باشد.

۲- تراست، اتحادیه واحدهایی است که دارای هدف متمرکز در تولید و فروش با یکدیگر بوده، و دارای رهبری واحد می‌باشند. هدف از تشکیل تراست‌ها تنها انحصار نبوده، بلکه اهداف دیگری مانند بهره‌گیری از روشهای علمی تولید، کم کردن هزینه‌های تولید، بهره‌مند شدن از همکاری‌های گروهی شرکت‌های تشکیل دهنده اتحادیه و مانند آن را نیز دنبال می‌نمایند.

البته همان گونه که مستحضرید بین «کارتل» و «تراست» تفاوتی وجود دارد که مهم‌ترین آنها حفظ شخصیت اعضا در کارتل، و از بین رفتن استقلال و شخصیت اعضا در تراست است. لطفاً حکم شرعی تشکیل چنین اتحادیه‌های تجاری و صنعتی را در قالب کارتل و تراست مرقوم فرمایید.

جواب: در صورتی که حد و حدود اختیارات در هر دو قسمت روشن باشد، و ابهامی در شرایط وجود نداشته باشد، و در عین حال سبب ضرر و زیان قابل توجهی به جامعه نگردد، و مانع رشد اقتصادی نشود، مانعی ندارد، ولی در فرض ضرر و زیان تشکیل آنها جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۸

۸- تقلب

سؤال ۱۵۳۰- این جانب سال گذشته با مدرک کارشناسی رشته عمران در کنکور فوق لیسانس شرکت کرده، و متأسفانه با تقلب کامل (۱۰۰ درصد)، پرسشنامه را پر نمودم. کاری که هم اکنون خود نیز دلیل آن را نمی‌دانم! پس از اعلام نتایج، در شهریور امسال در مقطع فوق لیسانس پذیرفته شدم. با توجه به این که گزینش، بر حسب نمره علمی انجام می‌گیرد، حق یک نفر را ضایع و سلب نموده‌ام، بدین جهت دچار عذاب وجدان شدید گشته، و قصد انصراف از تحصیل را دارم. لطفاً بفرمایید وظیفه من چیست؟

جواب: در فرض مسأله، در صورتی که انصراف شما سبب شود فرد دیگری، که در نوبت است، پذیرفته شود، لازم است انصراف دهید، ولی اگر وقت آن گذشته، انصراف لازم نیست. اما سعی کنید در آینده مطلقاً به سراغ تقلب نروید، و خطای گذشته و حق ضایع شده را با اعمال صالح جهت صاحب حق جبران نمایید.

سؤال ۱۵۳۱- این جانب سال ۶۵ به جبهه رفتم. و نزدیک به ۳ ماه به صورت نیروی داوطلب خدمت کردم. با تحریک یکی از دوستان، خودم را به موجی زد و برگشتم.

(البته دقیقاً نمی‌دانم چرا این کار را کردم.) و به عنوان جانباز ۱۰٪ تشکیل پرونده دادم. پس از مدتی که مشغول خدمت در شغل مقدس معلمی بودم، آتش عشق پزشکی در من شعله‌ور گشت، و همین عشق باعث شد که سه روز مرخصی پزشکی جبهه را به ۳ ماه تغییر داده (که در کل شش ماه شد) و از این طریق با سهمیه رزمندگان قبول شدم. به این ترتیب به خاطر ۶ ماه جبهه و ۱۰٪ جانبازی ۲ گروه به حقوق (حقوق معلمی) اضافه شد، و در کل حقوق لیسانس را برایم منظور کردند.

همچنین از طریق ۱۰٪ جانبازی توانستم حکم مأمور به تحصیل گرفته، و به تحصیل ادامه دهم. لطفاً به سؤالهای من جواب دهید:

۱- آیا حقوق اضافی که منظور داشته‌اند، حرام است؟ اکنون باید چه کنم؟

۲- اگر حرام است، اضافه حقوقی که در این مدت گرفته‌ام را چگونه جبران کنم؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۴۹

۳- آیا به این ترتیب که در دانشگاه قبول شده‌ام، برای من مسئولیت شرعی دارد؟ برای پاک شدن گناهانم چه کنم؟
جواب: راه حلّ مشکل شما این است که از سهمیه جانبازان و رزمندگان استفاده نکنید، و آنچه را گرفته‌اید به صورت مطمئنی بازگردانید، و از گناه گذشته توبه کنید. ولی مدرک شما چنانچه از نظر امتحانات و غیره، مانند سایرین باشد، اشکالی ندارد.
سؤال ۱۵۳۲- در سال ۷۵ دخترم در دانشگاه آزاد اسلامی قبول شد، ولی ریاست دانشگاه از ثبت نام و ورود ایشان جلوگیری بعمل آورد. پس از حدود ۸ ماه مکاتبه و رفت و آمد جویای علت شدم. اعلام نمودند که بر طبق حساب احتمالات قبولی نامبرده تقلب محسوب می‌گردد. سؤال این است:

آیا حساب احتمالات در حقوق اسلامی جایگاهی دارد، و می‌تواند باعث حکمی گردد، و سرنوشت یک انسان را رقم بزند؟
جواب: اگر حساب احتمالات بر یک پایه متقن علمی استوار باشد، و موجب قطع و یقین گردد، می‌توان بر طبق آن قضاوت نمود، و اگر به این شکل نباشد، نمی‌توان کسی را به خاطر آن از نتیجه امتحانات محروم کرد.

۹- تکدی‌گری

سؤال ۱۵۳۳- با توجه به این که با «تکدی‌گری» به عنوان یک جرم برخورد قانونی نمی‌شود، بعضاً افرادی تحت عنوان فقیر و تهیدست در سطح شهر به تکدی‌گری مشغولند. و مردم خیرخواه با دیدن وضعیت ظاهری این افراد، از روی رأفت به آنها کمک می‌کنند. از آنجا که توافقی درباره جمع‌آوری متکدیان از سطح شهرها منعقد شده، و مسئول جمع‌آوری آنان شهرداری و نیروی انتظامی، و مسئول نگهداری آنها سازمان بهزیستی در مرکزی به نام هدایت است، و در مدت زمانی که متکدیان در این مرکز نگهداری می‌شوند تا به خانواده‌هایشان تحویل گردند، احتیاج به استحمام، غذا، لباس، اصلاح سر و صورت و مانند آن دارند، لطفاً بفرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۰

۱- طبق دستور العملی که از طرف سازمان به مرکز ابلاغ شده، برای نگهداری هر نفر در هر شبانه روز، ۱۵۰۰۰ ریال از آنها گرفته می‌شود. آیا گرفتن این مبلغ مشروع است؟ در صورت مشروع بودن، چنانچه مبلغی اضافه بر آن گرفته شده باشد، چه حکمی دارد؟ (لازم به ذکر است که این پول خرج خودشان یا متکدیان دیگر می‌گردد.)

۲- بعضی از متکدیان محجورند، و قوه عقلانی آنها زایل شده است، و بعضاً پول هنگفتی دارند، و خانواده‌های تعدادی از آنها نیز مشخص نیست، و چون ما برای همیشه نمی‌توانیم از آنها نگهداری نماییم، مجبوریم بعد از چند روز آنها را به شهرستان محلّ اقامتشان اعزام نماییم، و خوف این است که پولشان را از دست بدهند. آیا جایز است پول این افراد گرفته شود، و به سازمان بهزیستی تحویل گردد، تا مورد استفاده سایر مددجویانی که تحت پوشش هستند، قرار بگیرد؟

جواب: اولاً: با توجه به این که این مسأله از نظر شرعی پیچیده است، باید نسبت به آن با دقت و احتیاط عمل کنید، تا ان شاء الله مرتکب خلاف شرع نشوید.

ثانیاً: آن دسته از متکدیان که پول هنگفت دارند، اموالشان جزء مجهول المالک است؛ به استثنای هزینه یک سال که مال خود آنهاست، و مصرف کردن پولهای اضافی برای فقرای دیگر اشکالی ندارد. و آنها که پول کمی دارند متعلق به خودشان است، و می‌توان برای مخارج آنها از آن پول استفاده کرد. ولی مبلغ پانزده هزار ریال در یک روز، در مقابل خدماتی که به آنها داده می‌شود، مبلغ زیادی است. مگر این که واقعاً مریض باشند و به این مقدار در شبانه روز نیاز باشد.

ثالثاً: آنها که از کار افتاده هستند نباید اموالشان را صرف دیگران کرد؛ چرا که با گذشت سال بازهم گرفتار خواهند بود.

سؤال ۱۵۳۴- همان‌طور که مستحضرید، قانون مجازات اسلامی در مواد ۶۱۲ و ۶۱۳ «تکدی‌گری» را جرم دانسته، و برای آن مجازات حبس تعیین نموده است. لطفاً نظر شریف خود را در مورد وصف جزایی و حرمت شرعی آن بیان فرموده، و بفرمایید استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۱

مسئول پیشگیری، پیگیری و رسیدگی به آن، در نظام حکومت اسلامی، کدام مرجع قانونی است؟

جواب: کسی که نیاز ندارد، حرام است تکدی‌کنند، و حتی در صورت نیاز، حکومت اسلامی باید ترتیبی دهد که به طریق آبرومندی نیاز آنها تأمین گردد، و اجرای این دستور، بر عهده نیروی انتظامی و قضایی است، یا مقام دیگری، که از طرف حکومت تعیین می‌شود.

۱۰- جبران خسارت

سؤال ۱۵۳۵- سازمان بین‌الملل در جنگ عراق و کویت به عنوان خسارت مبالغی از دولت عراق گرفته و بابت پول نفت به کسانی که از کویت بیرون رفته، یا به اشخاصی که متضرر شده‌اند می‌پردازد. آیا گرفتن این پول، که حق مردم عراق است، مشروعیت دارد؟

جواب: در صورتی که خسارتی دیده‌اند، می‌توانند به مقدار خسارتشان دریافت کنند.

سؤال ۱۵۳۶- افرادی از کشور ما و کشورهای دیگر در بازار کویت کسب و کاری داشته، و به صورت نقد و نسیه معامله می‌نموده‌اند، که با شروع جنگ فرار کرده، طبعاً این مهاجرت اجباری ضررهایی در پی داشته است. در صورتی که به دولت کویت شکایت شود و پی‌گیری گردد، ممکن است این خسارات از عراق گرفته و به افراد مذکور داده شود. آیا گرفتن این پول مشروع است؟

جواب: مانند جواب سابق است.

سؤال ۱۵۳۷- در یک حادثه رانندگی، تاکسی فرد غیر مقصر متحمل خساراتی گردیده، که طبق نظر کارشناس یک ماه برای تعمیر آن وقت نیاز است. با توجه به این که راننده تاکسی ماهیانه مبلغ هشتصد هزار ریال در آمد داشته، آیا حق دارد علاوه بر خسارات وارده، مبلغ مذکور را نیز از راننده مقصر مطالبه نماید؟

جواب: به مقداری که برای تعمیر اتومبیل وقت لازم است، باید خسارت آن

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۲

مدت را نیز بپردازد. یعنی علاوه بر خسارات اتومبیل، مال الاجاره ماشین را نیز به او بدهد.

سؤال ۱۵۳۸- اگر کسی، دیگری را توقیف غیر قانونی کند، یا بر او آسیب رسانده، و وی را راهی بیمارستان کند، یا مال او را تخریب، یا تصرف غیر قانونی، یا غصب نماید، لطفاً بفرمایید:

۱- نظر حضرت‌عالی در مورد منافع کاری که مجنی علیه در مدت توقیف، یا بستری در بیمارستان، از آن محروم شده، یا منافع مالی که به خاطر ترمیم مال تخریب شده، یا تصرف غیر قانونی، یا غصب از بین رفته، و مالک از آن منتفع نشده چیست؟

۲- با توجه به مسائل فوق آیا از دست دادن منافع ممکن الحصول (عدم نفع) قابل جبران است؟

۳- آیا از دست دادن منافع ممکن الحصول (عدم نفع) ضرر است؟

۴- اگر این منافع را قابل جبران می‌دانید، بر اساس کدام قاعده قابل جبران است، و استدلال حضرت‌عالی در این مورد چیست؟

۵- آیا قاعده لا ضرر شامل ضرر عدمی هم می‌شود؟

جواب: در مواردی که عرفاً ضرر و زیان و خسارت صدق کند می‌توان از قاعده لا ضرر استفاده کرد، خواه درباره عبد باشد یا حرّ،

و ما معتقدیم که لا ضرر همان گونه که نفی حکم می کند، احکامی که جبران کننده ضرر است را نیز اثبات می نماید.

۱۱- حقوق

الف) حق الطبع

سؤال ۱۵۳۹- لطفاً به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱- آیا حقوق مالکیت‌های فکری، مانند حق تألیف، ترجمه، طبع و اختراعات، شرعی است؟

۲- راجع به انحصار تجارت در کالاهای اساسی، فتوای حضرتعالی چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۳

جواب ۱ و ۲: حق الطبع و حق التألیف، و همچنین حق استفاده از اختراعات، حقوق معتبری است که تجاوز به آن جایز نیست. ولی انحصار در تجارت اگر مثلاً از سوی یک کارخانه باشد که بگوید: «تولیدات خود را منحصراً در اختیار یک نماینده قرار می‌دهد» اشکالی ندارد، و اگر منظور این باشد که شخص یا گروهی منحصراً حق فروش چیزی را داشته باشند، و دیگران نداشته باشند، چنین چیزی نامشروع است، مگر این که حکومت اسلامی روی مصالحی چنین چیزی را لازم و ضروری بشمارد.

سؤال ۱۵۴۰- برخی از کتابها که در دانشگاهها به عنوان مرجع معرفی می‌شود، در کشورهای دیگر به چاپ رسیده، و برخی ناشران داخلی کشور بدون رعایت حق چاپ (که در عرف بین الملل جزء حقوق ناشر شناخته شده، و در ابتدای کتابها به این موضوع تصریح گردیده)، این کتابها را چاپ کرده، و با قیمت کمتر در اختیار عموم قرار می‌دهند. استفاده از این کتابها، یا نشریات، در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

الف) در رشته‌های فنی استفاده از این منابع ضروری، و عدم استفاده موجب مشقت است. مخصوصاً که قیمت کتاب اصلی بسیار زیاد است.

ب) نویسندگان این کتابها لزوماً کافر، یا کافر حربی نیستند؛ یا حد اقل ما اطلاع نداریم.

ج) تا آنجا که مطلع هستیم، کشور ما قانون حق چاپ را امضا نکرده است. اگر امضا کند، حکم چگونه خواهد بود؟

د) در صورتی که تهیه این کتب حرمت داشته، تکلیف ما در قبال کتابهایی که قبلاً تهیه کرده‌ایم چیست؟

ه) این حربه به عنوان اهرمی سیاسی علیه کشورهای اسلامی استفاده می‌شود، امیاً با توجه به این که نویسندگان این کتابها بعضاً دانشمندان بی‌طرفی هستند، که به تحصیل علم مشغولند در صورتی که استفاده از این کتابها مجاز باشد، تکلیف ما در برابر شخص نویسنده چیست؟

جواب: حق التألیف یک حق عقلایی و شرعی است، و باید آن را رعایت کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۴

مگر این که طرف جزء کفار حربی، یا کمک آنها باشد. در غیر این صورت، شخصی که آن را چاپ کرده، کار حرامی انجام داده، و شرعاً مدیون و بدهکار مؤلف است، ولی دلیلی بر این که خرید و فروش خود کتاب حرام باشد، نداریم.

سؤال ۱۵۴۱- اگر یک اثر علمی و هنری در مسابقات علمی، ادبی مشمول دریافت جایزه گردد، و در حال حاضر دسترسی به مؤلف آن ممکن نباشد، یا فوت نموده باشد، این جایزه متعلق به چه کسی است؟ آیا ناشری که امتیاز چاپ کتاب را گرفته، در جایزه سهیم می‌باشد؟

جواب: جایزه به ورثه او می‌رسد، و در صورتی ناشر شریک در آن خواهد بود که جایزه تنها تعلق به متن کتاب نگرفته باشد، بلکه

کیفیت نشر آن نیز مشمول جایزه شده باشد.

سؤال ۱۵۴۲- تکثیر نشریات و کتب علمی متعلق به دیگران، به همان زبان و شکلی که چاپ شده، و به قصد فروش و بهره‌برداری مادی از طریق چاپ و عکس‌برداری چه حکمی دارد؟ حذف یا تغییر نام مؤلف در چاپ اثر چگونه است؟

جواب: حقّ تألیف، و همچنین حقّ نشر، از حقوق عقلائیّه است، و عدم رعایت آن، در عرف عقلا ظلم محسوب می‌شود؛ بنابراین حرام است. و اگر نام مؤلف تغییر داده شود، علاوه بر گناه ناشی از ظلم متضمّن گناه ناشی از دروغ نیز می‌باشد.

سؤال ۱۵۴۳- آیا حقّ طبع و نشر، شرعی و قابل تملک و نقل و انتقال است؟

جواب: آری، حقّ طبع و نشر شرعی است. و قابل واگذاری با عوض یا بدون عوض می‌باشد.

سؤال ۱۵۴۴- آیا شرعاً می‌توان مطالب سخنرانی فردی را ضبط یا یادداشت نمود، یا خطبه‌ها و موعظه‌ها و دروسی که استاد تدریس می‌کند را جمع‌آوری کرد، و بدون ذکر مأخذ و منابع، و بدون اجازه صاحب اثر، آن را انتشار داد؟ اموالی که از این راه به دست می‌آید، چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال دارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۵

سؤال ۱۵۴۵- آیا از نظر شما حقّ تألیف، حقّ مشروع و قابل واگذاری است؟

جواب: حقّ تألیف از حقوق عقلائیّه است، که شارع مقدّس بر اساس عمومات کتاب و سنّت آن را امضا نموده است، زیرا در عرف عقلا، عدم رعایت آن نوعی ظلم محسوب می‌شود، و قابل واگذاری است.

سؤال ۱۵۴۶- آیا می‌توان تمام یا بخشی از کتابی که از بازار خریداری شده را بدون اجازه مؤلف به صورت نرم‌افزار کامپیوتری درآورد؟ در صورتی که پولی در مقابل عرضه این برنامه گرفته نشود، چه حکمی دارد؟

جواب: باید از مؤلف آن کتاب، در صورتی که در قید حیات است، و از ورثه او اگر رحلت کرده، اجازه بگیرد. این در صورتی است که نرم‌افزار را برای انتشار تهیه کند؛ نه برای استفاده شخصی.

(ب) کپی‌رایت

سؤال ۱۵۴۷- آیا می‌توان برنامه‌های کامپیوتری، که توسط مسلمانان یا کفار غیر ذمی تولید شده، را بدون جلب رضایت صاحبان اصلی آن تکثیر کرد؟

جواب: تمام افرادی که جان و مال آنها محترم است، حقّ امتیازات آنها نیز محترم است.

سؤال ۱۵۴۸- آیا در ضمن فروش برنامه‌های کامپیوتری می‌توان شرط عدم تکثیر کرد؟ آیا نوشتن این شرط در ابتدای این برنامه‌ها کفایت می‌کند، یا باید لفظاً و به هنگام فروش گفته شود؟

جواب: شرط در ضمن معامله به هر صورت باشد تفاوت نمی‌کند. بلکه همان گونه که در بالا گفته شد، بدون شرط نیز تکثیر جایز نیست.

سؤال ۱۵۴۹- آیا استفاده از برنامه‌های کاربردی کامپیوتری دیگران جهت تولید نرم‌افزارهایمان، و فروش برنامه‌های جدید مستلزم جلب رضایت و اذن آنها می‌باشد؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۵۵۰- سؤالی در رابطه با کپی کردن، یا به اصطلاح رایت، های

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۶

کامپیوتری دارم. توضیح این که: برنامه‌های کامپیوتری اعم از فیلم، برنامه‌های آموزشی و سرگرمی، که امروزه ساخته می‌شود، آنها را روی قطعه‌ای به نام، و یا دیسکت کامپیوتری پیاده می‌کنند. و شخص با صرف هزینه‌ای بعضاً گزاف اقدام به ساختن برنامه کامپیوتری می‌نماید. پس از ساختن برنامه، شخص برنامه ساز به چند صورت ممکن است عمل کند:

الف) روی خود برنامه کاری انجام می‌دهد، که به اصطلاح برنامه قفل شود، و نتوان از آن کپی برداشت، و فقط با اصلی بتوان از برنامه استفاده کرد. اما جدیداً با یک سری ترفندها می‌توان قفل را شکست، و از اصلی کپی کرد.

ب) بر روی برنامه قفل نگذارد، اما اعلام دارد که حق چاپ و تکثیر ممنوع است.

ج) نه قفل بگذارد، و نه اعلام کند که چاپ و تکثیر ممنوع است، و به عبارتی اعلام موضع نکند. با توجه به این توضیحات لطفاً بفرمایید:

۱- آیا شخص برنامه ساز می‌تواند چنین حقی را از خریدار یا دیسکت سلب کند؟ و در صورتی که جواب مثبت است، آیا این حق فقط برای برنامه ساز مسلمان است، یا غیر مسلمان و مجهول المذهب نیز همین حکم را دارد؟

جواب: کسی که برنامه‌ای را می‌سازد بدون رضایت او نمی‌توان از آن کپی کرد، مگر این که از کفار حربی باشد.

۲- آیا می‌توان گفت: «اگر برای استفاده شخصی باشد اشکال ندارد؛ اما اگر گپی برداری را منبع کسب خود قرار دهد اشکال دارد.»؟

جواب: فرقی نمی‌کند.

۳- آیا نوار کاست و نوارهای ویدویی، حکم‌های کامپیوتری را دارند؟

جواب: آری نوار کاست و ویدئو نیز حکم بالا را دارند.

ج) حق الاختراع

سؤال ۱۵۵۱- آیا مخترع نسبت به اختراع خود دارای حق خاصی است، به گونه‌ای که دیگران نتوانند از آن الگوبرداری و مونتاژ نمایند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۷

جواب: آری، اختراع نیز با شرایط خاصی در عرف عقلا، حقوقی برای مخترع می‌آورد که رعایت آن شرعاً واجب است.

د) حق همسایه

سؤال ۱۵۵۲- احداث درب به سمت ملک غیر، در ملک و دیوار اختصاصی، اما بدون قصد عبور از ملک غیر، چه حکمی دارد؟ در صورتی که قصد عبور داشته باشد، آیا می‌توان مالک را فقط به عدم عبور (مثلاً با گذاشتن مانع) ملزم نمود، یا می‌توان وی را به قلع درب احداثی الزام کرد؟ در این صورت هزینه قلع آن در، و ترمیم دیوار بر عهده کیست؟

جواب: جایز نیست، و باید به طور کلی بسته شود، و هزینه آن بر عهده کسی است که در را نصب کرده است.

سؤال ۱۵۵۳- زید و عمرو هر دو خانه مستقلی دارند، ولی دیوار این خانه‌ها در یک سمت مشترک است. اکنون زید قصد دارد خانه خود را بکوبد و از نو بسازد. لطفاً در این مورد به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- اگر بر اثر این کار خسارتی به ساختمان عمرو وارد شود، آیا زید ضامن خسارت وارده می‌باشد؟

۲- آیا زید حق دارد برای استیفای حق خود بدون اجازه و رضایت همسایه در دیوار مشترک تصرف کند؟

جواب: پایه‌های مشترک، که سقف هر دو خانه روی آن قرار دارد، متعلق به هر دو می‌باشد، و به صورت مشاع است، و باید با رضایت یکدیگر در آن تصرف کنند. و اگر می‌خواهند حق خود را جدا نمایند، با توافق طرفین صورت گیرد، و چنانچه در نحوه بهره‌گیری برای بازسازی، اختلافی پیش آید، باید با نظر دو کارشناس مورد اطمینان عمل شود.

سؤال ۱۵۵۴- اگر صاحب ملکی، از ملک خودش، برای رفتن به پشت بام، یا بهار خواب ملک خود دری باز کند، چه حکمی دارد؟ آیا تحصیل رضایت همسایه لازم است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۸

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که مزاحمتی برای همسایگان تولید کند.

سؤال ۱۵۵۵- آیا لازم است که ارتفاع ملک بالاتر از ملک همسایه نباشد؟

جواب: لزومی ندارد.

سؤال ۱۵۵۶- آیا ایجاد حصار، یا دیوار در اطراف ملک جهت اشراف نداشتن (صاحب ملک به ملک همسایه و بالعکس) نیاز به تحصیل رضایت همسایه دارد؟

جواب: در فرض مسأله تحصیل رضایت همسایه لازم نیست.

سؤال ۱۵۵۷- باز کردن پنجره به سمت حیاط همسایه در صورتی که به منازل اطراف اشراف کامل داشته باشد چه حکمی دارد؟ اگر مالک مقداری در زمین خود عقب‌نشینی کرده، و به همین خاطر چنین پنجره‌هایی را در چند طبقه گذاشته باشد، مجوز اقدام وی خواهد بود؟

جواب: در فرض مسأله که عقب‌نشینی کرده، اگر مزاحمتی ایجاد نکند، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۵۸- شهرداری شهر ما، بدون توجه به لزوم نگهداشت حریم حجاب اسلامی، مبادرت به صدور پروانه ساختمانهای چندین طبقه مشرف به منازل دیگر نموده، و این کار موجب زحمت خانمهای ساکن ساختمانهای فوق شده است. حکم شرع چیست؟

جواب: ساختمانها نباید طوری ساخته شود که همسایگان برای حفظ حجاب خود در منزل به زحمت بیفتند.

سؤال ۱۵۵۹- دیوار اختصاصی همسایه رو به خرابی است. و با خراب شدن آن، مالک مجاور متحمل ضرر می‌گردد. چنانچه وضع ویژه ملک به گونه‌ای باشد که دفع ضرر جز با تخریب و بازسازی دیوار ناممکن، یا مستلزم ضرری تحمل‌ناپذیر و هنگفت برای مالک مجاور باشد، آیا می‌توان همسایه را اجبار به تخریب دیوار و بازسازی آن نمود؟

جواب: اگر بر اثر ریزش دیوار همسایه، خسارتی بر همسایه دیگر وارد می‌شود، صاحب دیوار موظف است کاری کند که جلوی خسارت گرفته شود، و

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۵۹

اگر راه منحصر به تخریب و بازسازی باشد، می‌توان او را ملزم به این کار کرد.

سؤال ۱۵۶۰- اگر کسی بدون اذن و رضایت پدر، یا مادر، یا برادر، یا فرزند ذکور، یا پدر زن، یا مادر زن، یا شوهر دختر، یا شوهر خواهر خود، وارد خانه آنها شود، آیا کیفر او همان مجازات ورود به عتق است، که برای دیگران مقرّر گردیده یا تفاوت دارد؟

جواب: فرقی نمی‌کند.

ه) حقوق والدین

سؤال ۱۵۶۱- آیا اطاعت از پدر در ترک مستحب، یا انجام مکروه، واجب است؟

جواب: اگر مخالفت با آن، موجب ایدای وی گردد، واجب الإطاعة است.

سؤال ۱۵۶۲- عاق والدین به چه معناست؟ در چه شرایطی تحقق می‌یابد؟ آثار آن چیست؟

جواب: هر کاری که موجب ایذا و اذیت والدین گردد، به معنای عاق والدین است، مگر در مواردی که تکلیف واجب یا حرامی باشد، و به انسان دستور مخالفت با آن را بدهند.

سؤال ۱۵۶۳- مقام مادر بالاتر است، یا پدر؟ در مقام تعارض بین اطاعت امر پدر و مادر، کدام را ترجیح می‌دهیم؟

جواب: مقام هر دو والاست، و تا می‌توانید در میان آن دو جمع کنید، و در صورتی که امکان نداشته باشد، بر حسب اهمیت موارد باید عمل گردد، و آنچه مهم‌تر است، مقدم شود.

سؤال ۱۵۶۴- اگر مادری نوه‌اش را به قتل برساند، فرزندش (پدر مقتول) حق دارد قاتل را قصاص نماید. این در حالی است که طبق آیات قرآن و روایات اسلامی، فرزند حق کوچکترین اذیت نسبت به پدر یا مادر را ندارد، و اگر فرزند از مادرش برای قصاص شکایت کند، موجبات نارضایتی وی را فراهم می‌آورد. حال سؤال این است: آیا احکام فقهی با محرمات الهی در تعارض است؟ اگر در تعارض نیست، مثال بالا چگونه توجیه می‌گردد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۰

جواب: احقاق حقوق کردن در برابر ظلم پدر و مادر شرعاً اشکالی ندارد، و از آن قاعده مستثنی است؛ ولی هر قدر گذشت نماید بهتر است.

(و) حق فرزندان

سؤال ۱۵۶۵- پسرم پایبند به احکام شرع نیست، به گونه‌ای که تمام اعضای خانواده از کارهای او به ستوه آمده‌اند! عربده‌کشی‌های او باعث ناراحتی خانواده، و حتی همسایه‌هاست! در خانه نوارها و فیلم‌های مبتذل نگاه می‌کند، و سایر فرزندانم نیز گاهی به آن فیلمها نگاه می‌کنند! از هر طریقی با او برخورد کردم، به شکست انجامید. وظیفه من نسبت به ایشان چیست؟ آیا می‌توانم او را از خانه بیرون نموده، و از زمره فرزندانم خارج نمایم؟

جواب: بازهم از تأثیر سخن مایوس نشوید. سعی کنید از طریق تشویق و محبت و وعده و مانند آن در او نفوذ نمایید. یا بعضی افراد را سفارش کنید با او دوست شوند، و ببینند درد اصلی او کجاست؟ ای بسا مشکلی دارد که صریحاً نمی‌گوید، و از این طریق حل می‌شود. اگر همه این امور را انجام دادید، و به نتیجه نرسیدید، و پیوسته منشأ فساد بود، اخراج او از خانه مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۶۶- فرزند نامشروع از بعضی حقوق اجتماعی محروم است، در صورتی که کودک گناهی ندارد، بلکه گناه بر دوش مرد و زنی است که مرتکب این عمل شنیع و زشت شده‌اند، و آنان باید از حقوق اجتماعی محروم شوند، فلسفه این حکم چیست؟ جواب: حقوق اجتماعی، که ولد الزنا از آنها محروم است، بسیار محدود می‌باشد، و تأثیر چندانی در سرنوشت کودک ندارد.

(ز) حق الناس

سؤال ۱۵۶۷- آیا خیانت در امانت حق الناس و قابل گذشت است؟ یا حق الله است، و غیر قابل گذشت؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۱

جواب: در صورتی که خیانت در امانت سبب اتلاف عین، یا منفعت شده حق الناس است، و باید خسارت را به صاحب آن بدهد.

سؤال ۱۵۶۸- آیا معاونت در جرم، حق الناس است، یا حق الله تعالی؟

جواب: موارد مختلف است؛ گاه حق الله است و گاه حق الناس.

سؤال ۱۵۶۹- آیا تحقق جرم و وقوع معان علیه، شرط تحقق معاونت در جرم است؟

جواب: البته تا جرم محقق نشود، معاونت در جرم صدق نمی‌کند.

سؤال ۱۵۷۰- راه‌هایی از حق الناس چیست؟

جواب: اگر صاحب آن را می‌شناسید، حق او را بردارید، یا حلیت بطلید، و اگر نمی‌شناسید، معادل آن را از طرف صاحب اصلی به شخص نیازمندی بدهید.

سؤال ۱۵۷۱- ردّ مظالم یعنی چه؟

جواب: منظور اموال حرامی است که در دست انسان است، و صاحبان آن را به هیچ وجه نمی‌شناسد، که باید با اجازه مجتهد صرف فقرا شود.

سؤال ۱۵۷۲- کسی که مظالمی بر عهده دارد و چون صاحب آن را نمی‌شناسد باید صدقه دهد، اگر خود جنس (نه پول آن) را صدقه دهد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مظالم جنسی مانند روغن و حبوبات و امثال آن بوده، می‌توان مثل آن را به فقیر داد، ولی اگر پول بوده، باید پول صدقه داد.

ح) حق المازه

سؤال ۱۵۷۳- اگر انسان به باغی برود، و نداند که صاحب باغ نسبت به کندن میوه رضایت دارد یا نه، آیا می‌تواند از میوه‌های درختان باغ در حدّ نیاز استفاده نماید؟

جواب: در صورتی که باغ محصور نباشد، یا شاخه‌هایش بیرون آمده باشد، و به قصد عبور از آن راه برود نه به قصد باغ و چیدن میوه، در این صورت استفاده به مقدار نیاز خوردن (نه بردن) اشکالی ندارد.

سؤال ۱۵۷۴- استفاده از میوه‌های درختانی که در خیابانها و پیاده‌روها وجود دارد، تا چه حدّی مجاز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۲

جواب: استفاده از میوه‌هایی که در عرف و عادت محل برای همه مباح شده، مانند توت در بسیاری از مناطق، اشکالی ندارد، ولی غیر آن متعلق به صاحبان آن است، و اگر ملک بیت المال باشد متعلق به دولت است.

ط) حق ارتفاق

سؤال ۱۵۷۵- زید با رضایت و بطور میخانی و «بصورت مطلق» در ملک خود به عمرو حق ارتفاقی داده، و بعد از مدّتی پشیمان می‌شود. آیا حق ارتفاقی عمرو ساقط می‌گردد؟

جواب: حق ارتفاقی نوعی اباحت منفعت و قابل بازگشت است؛ مگر این که ضرر و زیانی برای صاحب حق گردد، که باید جبران شود.

۱۲- حکومت اسلامی

سؤال ۱۵۷۶- با توجه به روایات معتبر که می‌فرماید: «بر امام است که دین بدهکارانی که قادر به ادای آن نیستند، را بردارد.» لطفاً بفرمایید:

الف) آیا حکومت اسلامی وظیفه دارد دیون بدهکاران معسر را بپردازد؟

ب) در فرض تکلیف حکومت اسلامی، منبع پرداخت این دیون صرفاً صدقات و زکات است، یا در فرض کمبود صدقات، باید از بیت المال پرداخت شود؟

ج) آیا باید احراز شود که دین به واسطه انفاق بر عائله و در راه طاعت خدا بوده، نه بر اثر اسراف و صرف در معصیت؟ یا همین که معلوم نشود در چه راهی صرف نموده، و بتوان حمل بر صحت کرد کفایت می‌کند؟

جواب الف تا ج: در صورتی که حکومت اسلامی توانایی داشته باشد باید از محلّ زکات (اگر در اختیار دارد) دیون مدیونین را بپردازد، و کافی است که آنها ظاهر الصّلاح باشند.

سؤال ۱۵۷۷- در نظام اسلامی، مسائلی چون رأی دادن، شرکت در راه‌پیماییها، و امثال آن، از نظر فقهی چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۳

جواب: در بسیاری از اوقات واجب است.

سؤال ۱۵۷۸- رابطه حکم حکومتی با احکام اولیّه و ثانویه چیست؟ آیا احکامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام در خصوص نظم بخشیدن به امور اجتماعی زمان خود، و همچنین نصب افراد به مناصب مختلف حکومتی صادر می‌کردند، از مصادیق احکام حکومتی است؟

جواب: آنچه در بالا- نوشته‌اید از احکام حکومتی است، و احکام حکومتی عموماً به یک کبرای کلیه، که در زمره احکام عناوین اولیّه یا ثانویه است، بازمی‌گردد. به تعبیر دیگر، احکام حکومتی در طول احکام اولیّه و ثانویه است، نه در عرض آنها.

سؤال ۱۵۷۹- همان گونه که مستحضرید واردات خودرو به کشور، در این ایام ممنوع می‌باشد، و بهای فعلی اتومبیل پیکان بیش از ۵ میلیون تومان است. و حد اکثر وسع بنده در حال حاضر به زحمت حدود همان مبلغ است. بنده با جستجو در اینترنت متوجه شدم که می‌توانم یک اتومبیل نو یا دست دوم با حد اکثر ۴ سال کار کرد را به مبلغ ۲ تا ۴ هزار دلار بخرم. با احتساب قیمت آزاد دلار قیمت ماشین مذکور ۱/۶۰۰/۰۰۰ تا ۳/۲۰۰/۰۰۰ تومان می‌شود، که اگر دولت بخواهد حتی تا ۱۰۰٪ گمرکی روی آن اضافه کند، بهای آن به ۳/۲۰۰/۰۰۰ تا ۶/۴۰۰/۰۰۰ تومان می‌رسد که قابل تحمّل است. در ضمن امکان خرید قسطی واقعی، یعنی پرداخت ما بقی پول پس از تحویل ماشین به صورت ماهانه وجود دارد. خودروی مذکور از جهات مختلفی، همچون استحکام، مصرف بنزین، آلودگی هوا و مانند آن با پیکان قابل مقایسه نیست. با توجه به تمام این جهات اگر شخصی مجبور به خرید اتومبیل داخلی شود، در حالی که تمایل به خرید آن ندارد، مسئولیت شرعی حوادث و خطرات جانی احتمالی با چه کسی است؟

جواب: تمام کشورها برای ورود اجناس خارجی به کشور خود، جز در موارد محدود، شرایط و قیودی قائلند، زیرا باز بودن دروازه‌ها به طور مطلق، تمام امور اقتصادی یک کشور را به هم می‌ریزد. بنابراین باید برنامه‌ریزی کنند که ورود چه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۴

اشیایی و به چه اندازه در کشور مصلحت، و ورود چه اشیایی مصلحت نیست. اگر کارشناسان متعهد نظری دادند، حکومت اسلامی باید آن را دنبال کند و مردم هم باید آن را بپذیرند.

سؤال ۱۵۸۰- آیا تخلف از قوانین جمهوری اسلامی، مثل قوانین راهنمایی و رانندگی و مانند آن اشکال شرعی دارد؟

جواب: آری، اشکال شرعی دارد.

سؤال ۱۵۸۱- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون «مصلحت» پاسخ فرمایید:

۱- معنای لغوی، اصطلاحی و فقهی مصلحت چیست؟

۲- مصلحت عام یعنی چه؟ معیار و حدود آن کدام است؟

۳- آیا از منظر فقهی و قانونی می‌توانیم در صورت تعارض بین قانون و مصلحت عام، مصلحت عام را بر قانون ترجیح دهیم؟

۴- صورت فقهی و شرعی اقدامات و اعمالی که واضع، یا مجری قانون بر پایه مصلحت انجام می‌دهد، چیست؟

۵- آیا حکومت اسلامی می‌تواند بنا بر مصلحت عام در یک رابطه حقوقی، مانند قرارداد حقوقی، حق و حقوق شناخته شده اشخاص را نادیده انگارد؟ اگر این اقدام را انجام دهد، بر چه مبنایی است؟

۶- در اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مصلحت نظام اشاره شده است؛ معیار قانونی و حد و حدود و تعریف این مصلحت چیست، و با چه مبنایی شناخته می‌شود؟ آیا این مجمع می‌تواند بر پایه این مصلحت، قانونی را نسخ یا وضع نماید؟

جواب: مصلحت در فقه اهل سنت مفهومی دارد، و در فقه مکتب اهل بیت علیهم السلام مفهومی دیگر. آنچه از نظر فقه شیعه قابل توجیه است، در سه محور خلاصه می‌شود:

اول: آنچه مربوط به حفظ نظام و حکومت اسلامی است.

دوم: حفظ نظم جامعه؛ بر اساس این دو نوع مصلحت بسیاری از احکام مستحدثه شکل می‌گیرد؛ زیرا حفظ نظام و حفظ نظم جامعه از مهمترین اهداف اسلام است، که انحراف از آن جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۵

سوم: آنچه مربوط به تعارض اهم و مهم است؛ یعنی هرگاه دو مصلحت که مورد توجه و قبول فقه اسلام است، در مقابل یکدیگر قرار گیرند، باید مصلحت اهم را ترجیح داد و مهم را فدای آن کرد.

برای مثال در قسمت اول، می‌توان مسائل مربوط به انتخابات، شرایط ویژه رئیس جمهوری، و نمایندگان و انتخاب کنندگان را در نظر گرفت. و در قسمت دوم، مسائلی مانند نظام بانکداری، و بخش مهمی از نظام پولی، و مسائل اقتصادی امروز را، به عنوان مثال می‌توان ذکر کرد. و در قسمت سوم محدود کردن پاره‌ای از معاملات، و صادرات و واردات کشور، که سلطه مردم را بر اموالشان محدود می‌سازد، ولی اهداف مهمی را احیا می‌کند، مثال خوبی است.

سؤال ۱۵۸۲- اعتماد به حکومت اسلامی، در صورتی که به طور مکرر بی‌عدالتی و کذب از برخی مسئولین آن مشاهده شود، چگونه است؟

جواب: برای رسیدن به حکومت اسلامی ایده‌آل، راه درازی در پیش داریم.

باید همه سعی کنیم خلاف کاریها روز به روز کمتر شود.

سؤال ۱۵۸۳- آیا در حکومت اسلامی قوانین موجود می‌تواند بر شرع مقدس اولویت داشته باشد؟ آیا در این صورت لازم الاجرا است؟

جواب: با توجه به این که قوانین از شورای نگهبان می‌گذرد، معمولاً مطابقت آن با شرع مقدس ملحوظ می‌شود.

سؤال ۱۵۸۴- شهرداری املاک (محل کار و سکونت) مردم را بدون رضایت آنان در طرح قرار داده، و چندین خانوار را سرگردان نموده، و ناهنجاریهای زیادی در محیط خانوادگی و زندگی اجتماعی آنان به وجود آورده است. به گونه‌ای که اکنون سه خانوار با نه سرعائله سالهاست سرگردانند. حکم شرع چیست؟

جواب: جایز نیست دولت املاک کی را در طرح قرار بدهد، و تکلیف آنها را روشن نسازد. اگر واقعاً نیاز ضروری به آنها دارد، باید قیمت آنها را به نرخ روز بپردازد، و اگر نیاز ضروری ندارد باید طرح را از روی آنها بردارد. بلا تکلیف گذاشتن خلاف شرع است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۶

سؤال ۱۵۸۵- من در رانندگی موتور نسبتاً خبره هستم. ولی هنوز به سن گرفتن گواهینامه نرسیده‌ام. آیا می‌توانم در شهر با موتور رفت و آمد کنم؟

جواب: راندن وسایل نقلیه بدون گواهینامه رانندگی شرعاً اشکال دارد.

سؤال ۱۵۸۶- اگر، مثلاً، در یک منطقه دور افتاده، او امر و نواهی اسلام به طور کامل اجرا نشود، و مسائل رفاهی و حقوق مستضعفان و افراد بینوا پایمال شود، و هیچ نظم مذهبی وجود نداشته باشد، آیا در چنین جایی می‌توان هیئتی تشکیل داد تا ضمن مراعات قواعد و ضوابط، حتی از مخلین نظم عمومی جریمه بگیرد، و آن را صرف در امور تنظیم عمومی کند، و در صورت نیاز، متخلفین را تهدید و با آنها برخورد کند؟

جواب: این گونه امور باید زیر نظر مجتهد جامع الشرائط، یا کسی که از طرف او مأذون است، صورت گیرد.

سؤال ۱۵۸۷- در منطقه‌ای که نه از طرف دولت مورد توجه است، و نه از طرف سازمانهای دینی نظری به آن می‌شود، اگر یک زن غیر مسلمان فقط به قصد نجات مردم از بی‌سوادی بخواند مدرسی احداث، و در این مدارس از کتابهای همان دولت و مذهب و از معلمین همان منطقه استفاده کند، و هیچ غرض دیگری نداشته باشد، و از مردم فقط زمین مدارس را مجاناً بخواهد، آیا چنین کاری مشروع، و کمک کردن به چنان زنی جایز است؟

جواب: هر گاه مدرسه مزبور زیر نظر مسلمین اداره شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۸۸- معمولاً مردم در دهات برای حفظ نظام، قوانینی جعل می‌کنند. از جمله این که اگر کسی دامهای خود را در زمین، یا مزرعه دیگری بچراند، و به زراعت دیگران ضرر برساند، مبلغ معینی از صاحب دام می‌گیرند، در صورت امتناع از پرداخت مبلغ، همان دامی را که ضرر رسانده توقیف نموده، و چنانچه ظرف سه روز جریمه را پرداخت نکند، دام را فروخته، پول جریمه را برداشته، و آن را در موارد نیاز عمومی روستا خرج می‌کنند. اولاً: تعیین چنین قوانین و جرایمی در چنان مواردی مجاز است؟ و ثانیاً در صورت جواز، آیا به جای هزار تومان پول جریمه در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۷

صورت امتناع، می‌توانند دام او را بفروشند، و همه پول آن را در مورد نیازهای عمومی روستا مصرف کنند؟ البته باید توجه داشت که اگر در چنین جاهایی نظم و قوانینی وجود نداشته باشد، صد در صد نظام روستا از بین می‌رود، و حق ضعفا و یتیمان و بی‌سرپرستان پایمال می‌شود.

جواب: اگر حفظ نظم در آن محیط منوط به این گونه امور است، مانعی ندارد، به شرط این که زیر نظر مجتهد، یا کسی که از طرف او مأذون است، و با رعایت موازین شرع، انجام گیرد. و در هر صورت جرائم باید عادلانه باشد، و زاید بر آن را به صاحبش برگردانند.

سؤال ۱۵۸۹- این جانب دارای مغازه‌ای هستم که غیر از خودم، چند نفر دیگر از اعضای خانواده در آن شریک و سهیم هستند، و کار می‌کنند. به حمد الله از طفولیت اهل خمس و جوهات بوده، و همه سال و جوهات خود را نیز پرداخته‌ایم. بعد از انقلاب اسلامی هر از چندی به هر بهانه‌ای مبلغی را باید پرداخت کنیم. جوهات که یک سهم مشخص است، و بر هر مسلمانی واجب است آن را پرداخت کند، مالیات نیز سهم هر شهروند، و وظیفه ملی اوست و آن نیز باید پرداخت گردد. لکن هیچ دلیل و حجت شرعی برای پرداخت سهم تصاعدی و مانند آن نداریم. آیا جزای فعالیت بیشتر برای رونق کشور پرداخت جریمه است؟ اگر فعالیت نباید کرد و نباید زحمت کشید، چرا علما از قول معصومین این قدر ما را تشویق به فعالیت می‌کنند؟

جواب: مالیات، در صورتی که ضرورت حل مشکلات کشور ایجاب کند، باید به صورت عادلانه باشد، تا مردم را به کار بیشتر و تلاش زیادتر دعوت کند. و به طوری که شنیده شد، اخیراً برنامه‌هایی در دست مطالعه است که مالیاتهای تصاعدی که اثر نامطلوبی در فعالیت‌های اقتصادی دارد اصلاح شود.

سؤال ۱۵۹۰- در جمهوری اسلامی ایران چند میلیون دانش‌آموز اهل سنت وجود دارد، که متولی آموزش و پرورش آنها نظام

اسلامی است. معاونت پرورشی وزارتخانه برای قرآن و نماز و دین‌داری دانش‌آموزان شیعه در داخل و خارج مدرسه در ایام تعطیل و غیر تعطیل برنامه‌ریزی می‌کند. مثلاً در بخش اقامه نماز، کتابهایی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۸

پیرامون احکام پسران و دختران تألیف نموده، و به مسابقه می‌گذارد. و ممتازان را مورد تشویق قرار می‌دهد. امّا در مورد دانش‌آموزان اهل سنت تاکنون اقدامی صورت نگرفته است. با توجه به این که:

اولاً: مسئولیت این دانش‌آموزان متوجه نظام اسلامی است.

ثانیاً: تدوین برنامه برای آنها از سوی نظام، زمینه‌ساز اعتماد آنها به نظام و وحدت جامعه اسلامی است.

و ثالثاً: آنها با این کار از بسیاری از خطرهای مثل گرایش به وهابیت و مکاتب الحادی مصون می‌مانند.

به نظر حضرت‌عالی تدوین کتابهای احکام طبق فقه اهل سنت و به مسابقه گذاشتن آن بین دانش‌آموزان اهل سنت چه صورتی دارد؟

جواب: در جایی که خوف گرایشهای الحادی، یا وهابیت و مانند آن باشد، انجام این کار با حفظ احترام مکتب اهل بیت علیهم السلام مانعی ندارد.

سؤال ۱۵۹۱- ما روستاییان شهرستان شیراز سالهای زیادی است که به دامداری و کشاورزی مشغول هستیم. امّا از حدود یک سال پیش تا به حال با مشکل افزایش بسیار زیاد قیمت علوفه و مواد غذایی دام (گاو) روبرو شده‌ایم، و متأسفانه با وضعیتی که پیش آمده ادامه این شغل برای ما غیر ممکن است، مگر در صورت اختصاص دادن مقداری آرد به عنوان خوراک دامها. حال با توجه به این واقعیت که در صورت ادامه این روند، تقریباً باید این شغل را که جداً به وضعیت اقتصادی کشور کمک قابل توجهی می‌کند، از دست بدهیم، و پیدا کردن محلّ درآمد دیگر نیز برای مردم روستا بسیار مشکل می‌باشد لطفاً بفرمایید.

الف) حکم شرعی خود را در مورد مصرف آرد توسط دامها بیان فرمایید.

جواب: اگر منظورتان استفاده از آردهای دولتی مخصوص نان است، این کار جایز نمی‌باشد، ولی استفاده از آردهای آزاد اشکالی ندارد.

ب) حکم شرعی کسانی که این آردها را به دست دامدارها می‌رسانند، چیست؟

جواب: اگر این سهمیه مخصوص تهیه نان است، فروختن آن به دامداران برای استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۶۹

خوراک دام جایز نیست، و کسانی که این کار را بکنند مرتکب خلافی شده‌اند.

سؤال ۱۵۹۲- منزلی که در آن ساکنیم، و دارای سند رسمی است، به شش نفر ارث رسیده است. مدتی پیش سازمان میراث فرهنگی، یکی از اتاقهای این منزل را به عنوان آثار باستانی اعلام نموده، و گفته:

۱- حقّ تخریب خانه را ندارید.

۲- حقّ فروش خانه را هم ندارید. مگر این که اتاق مزبور را نفروشید.

با توجه به این که بعضی از ورثه قصد فروش سهم خود، و برخی دیگر هم قصد تخریب و نوسازی خانه را دارند، و سازمان هم به علت کسری بودجه نمی‌تواند آن را بخرد، تکلیف ما چیست؟

جواب: چنانچه سازمان میراث فرهنگی ضرورتی در حفظ آن اتاق می‌بیند، باید قیمت عادلانه آن را بپردازد. در غیر این صورت صاحبان خانه حقّ تصرف در ملک خود را دارند.

سؤال ۱۵۹۳- آیا دود کردن اسپند برای جلوگیری از چشم بد صحت دارد؟

جواب: صحت ندارد؛ ولی می‌گویند: «دود اسفند فضا را ضد عفونی می‌کند، و مفید است.»

سؤال ۱۵۹۴- نظر جنابعالی درباره فال حافظ چیست؟

جواب: فال اعتباری ندارد.

سؤال ۱۵۹۵- اگر فال قهوه برای کار مشروعی انجام شود، چه حکمی دارد؟ مثلاً از این طریق گمشده‌ای را پیدا نموده، یا گره‌ای را

باز کند. در این صورت پول حاصل از آن چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: فال قهوه و امثال آن از خرافات است، و شرعاً اعتباری ندارد، و گرفتن پول در مقابل آن جایز نیست.

سؤال ۱۵۹۶- اخیراً آتش بی بی سه‌شنبه، بی بی نور، بی بی حور، که نماز و آداب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۰

مخصوصی دارد، رایج شده است. نماز آن صبح سه‌شنبه قبل از اذان ظهر خوانده می‌شود، و یک حمد و سه قل هو الله دارد، که به صورت ۵ رکعتی خوانده می‌شود! ضمناً آرد و حلوا این سفره را نباید نامحرم و پسر نابالغ و آسمان، ببیند! نظر شما در این مورد چیست؟

جواب: اینها خرافات است؛ و عمل به آن خلاف شرع است. مردم را با زبان خوب مطلع کنید، تا این کارها را ترک کنند.

سؤال ۱۵۹۷- در بعضی از نقاط کشور، درختهایی از قبیل درخت گز و انگور مشاهده می‌شود، که عده‌ای از عوام نخهایی به آنها گره می‌زنند، و اعتقاد به تقدس، یا شفا گرفتن، یا روا شدن حاجت، و بعضاً شفاعت توسط آن درختان دارند! و می‌گویند: «در صورت کج اعتقادی و شک نسبت به درخت، حادثه ناگواری برای شخص پیش می‌آید!» عده‌ای درختان مزبور را متعلق به امام علی علیه السلام، یا حضرت أبو الفضل علیه السلام، یا دیگر اولیای الهی دانسته، و می‌گویند: «ما به این درختها معتقد بوده، و توسل جسته، و حاجت گرفته‌ایم. و کسانی که درختان مزبور را سوزانده‌اند، مصیبتی به آنها، یا فرزندان، یا بستگانشان رسیده، یا بیمار شده‌اند.» خواهشمند است بفرمایید:

اولاً: عقیده به تقدس این گونه درختها صحیح است، یا باطل؟

ثانیاً: گره زدن نخ، یا بستن پارچه به این درختها، و گرفتن حاجت از آنها جایز است؟

ثالثاً: آیا سوزاندن، یا از بین بردن چنین درختانی به عنوان مبارزه با خرافات، باعث گرفتاری و مصیبتی برای سوزاننده، یا بستگان او، خواهد شد؟

جواب: این اعتقادات قطعاً از خرافات است، و حاجت خواستن از آنها نوعی شرک می‌باشد، و بر همه لازم است نهی از منکر کنند، و پاداش خود را از خداوند بخواهند.

سؤال ۱۵۹۸- هر از گاهی ورقه‌ای به این مضمون پخش می‌شود که:

«شیخ احمد نامی در مدینه، پیامبر صلی الله علیه و آله را خواب دیده، و ستاره‌ای در آسمان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۱

ظهور می‌کند، و در توبه بسته می‌شود، و ... هر کس بنویسد این طور، و اگر بنویسد آن طور می‌شود.» آیا این اوراق اعتباری دارد، و باید به آنها توجه کرد؟

جواب: این اوراق مجعول و بی‌اساس است، و سالهاست که به دست افراد مرموزی پخش می‌شود.

سؤال ۱۵۹۹- اخیراً در یکی از روستاهای استان خراسان شخصی پیدا شده، که در حالت خاصی فرو می‌رود (خلصه مانند) و از عالم غیب خبرهایی می‌دهد، که با واقعیت مطابقت دارد! به عنوان مثال، آدرس جمعی از سارقین را می‌دهد، اتومبیلهای گم شده را

کشف می‌کند، بعضی از بیماریها را معالجه کرده، و بعضی از قتل‌ها را فاش نموده، و قاتلها را معرفی می‌نماید! با توجه به آیه کریمه: «لَا يَغْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ» لطفاً بفرماید:

الف) آیا آنچه درباره او گفته می‌شود حقیقت دارد، یا برنامه خاصی در میان است؟

ب) اگر خرافه است، چگونه با بعضی از واقعیات جور در می‌آید؟

ج) آیا ارتباط با ارواح میسر است؟

جواب: این گونه افراد ممکن است گاهی درست بگویند، ولی بسیار می‌شود که خلاف واقع خبر می‌دهند، و این مسأله به تجربه ثابت شده است. و ارتباط با ارواح ممکن است، ولی اینها که مدعی هستند غالباً در اشتباهند. در این زمینه می‌توانید به کتاب ما «عود ارواح و ارتباط با ارواح» مراجعه کنید.

سؤال ۱۶۰۰- در بعضی از نقاط استان ما، رسوم و عقائد غلطی وجود دارد، که مشکلات فراوانی برای مردم ایجاد کرده است. مثلاً ازدواج و اجرای صیغه عقد را در سیزده روز اول فروردین جائز نمی‌دانند، و معتقدند که چنین ازدواجی نحس است! همچنین این ایام را برای عروسی نحس می‌دانند! مورد دیگر، که اخیراً مشکلی را نیز برای خانواده خود ما پیش آورده، این است که می‌گویند نباید دو خواهر با دو برادر ازدواج کنند، زیرا این کار باعث می‌شود در شب اول که عروس به خانه داماد می‌رود، خواهر دوم، یا یکی از دو خواهر، از دنیا برود! نظر شما چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۲

جواب: آنچه در بالا نوشته‌اید، جزء خرافات است، و هیچ اعتباری ندارد.

توکل بر خدا کنید، و به این گونه مطالب اعتنا نکنید.

سؤال ۱۶۰۱- در یکی از نشریات از قول جنابعالی، که با بررسی ریشه تاریخی سیزده بدر، آن را یک مراسم خرافی معرفی کرده بودید، چنین آمده است:

«مراسم خرافی سیزده بدر را بررسی کردم، سرچشمه‌اش از نظر تاریخی به اصحاب الزّس، که در قرآن به آن اشاره شده، بر می‌گردد. به حالات اصحاب الزّس در تفاسیر اشاره شده، و در یکی از شروح نهج البلاغه نیز داستان مفصل آن را چنین یافتیم: دوازده شهر یا آبادی بود، که هر شهر و آبادی به یکی از ماههای سال خورشیدی نامیده شده بود؛ آیین مردم آن شهرها بت پرستی بود. درختان صنوبر را پرستش می‌کردند. زیرا صنوبر منبع درآمد خوبی برای آنها بود. روز اول سال، همه مردم از تمام دوازده شهر یا روستا در شهر فروردین جمع می‌شدند، و مراسم جشنی داشتند. فردا به شهر اردیبهشت می‌رفتند، و در آنجا مراسمی داشتند. روز سوم به آبادی خرداد می‌رفتند، ... تا به آبادی اسفند که می‌رسید، دوازده شهر تمام می‌شد؛ روز سیزدهم دسته جمعی از آبادیها خارج شده، به بیابانها می‌رفتند، و مراسم سیزده و جشن و پایکوبی و آلودگی به انواع مفاسد را در آنجا برگزار می‌کردند. بنابراین سیزده بدر سنتی بوده که از بت پرستان باقی مانده است، همانطور که مراسم شب چهارشنبه سوری، که احترامی برای آتش قائل می‌شوند، سنتی از آتش پرستان است.» خواهشمند است صحت و سقم این مطلب را بیان فرمایید.

جواب: آنچه از ما نقل شده اجمالاً صحت دارد.

سؤال ۱۶۰۲- چند سالی است حرکتی در برخی مساجد رواج یافته، که به نظر می‌رسد ترویج نوعی خرافه باشد. ماجرا بدین قرار است که در شب اول ماه ربیع الاول، از حدود نیمه شب تا اذان صبح، افرادی (که غالباً خانمها هستند) با در دست داشتن شمع، پشت درب مساجد تجمع نموده، و با کوبیدن درب مساجد به صورت آهسته، و خواندن اذکاری، توسل جسته و حاجات خود را طلب می‌نمایند. و این حال تضرع در هنگام اذان صبح به اوج خود می‌رسد. کسانی که به این شیوه عمل

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۳

می‌کنند، آن را مستند به شنیده‌های خود از بعضی خانمهای جلسه‌ای، و هدف از آن را رفع هم و غم، و برآورده شدن حاجات، و تسلی دل حضرت زهرا علیها السلام می‌دانند.
لطفاً بفرمایید:

۱- آیا اساساً چنین عملی مستند روایی دارد؟

۲- آیا چنین عملی (که در حال گسترش می‌باشد) می‌تواند به عنوان یک حرکت شایسته مورد تأسی دیگران قرار گیرد؟

۳- در صورتی که عمل فوق از جمله خرافات، و یا خدایی نکرده نوعی بدعت باشد، وظیفه ائمه جماعات و متدینین در این خصوص چیست؟

جواب: با توجه به این که این عمل در روایات معصومین علیهم السلام وارد نشده، انجام آن به عنوان یک امر مستحب شرعی جایز نیست، و سزاوار است ائمه محترم جماعات مردم را به سوی مراسم و توسیلاتی دعوت کنند که در روایات معصومین علیهم السلام وارد شده است، و گرنه ممکن است افراد منحرف برای وهن مذهب هر روز امر تازه‌ای اختراع نمایند، و ناآگاهان را به سوی آن دعوت کنند.

سؤال ۱۶۰۳- در تعطیلات نوروزی به کتابهایی برخوردم که در مورد نقوش و مانند آن بحث کرده بود، و حتی در مورد این که چگونه (بعنوان مثال) محبت کسی را به دل شخص دیگری بیندازیم، مطالبی آورده بود. یا مثلاً نقشی منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کشیده، و در ذیل آن نوشته بود: «اگر کسی در طول عمر، یک مرتبه به آن نگاه کند، بیمه می‌شود.» آیا این مطالب صحیح دارد؟

جواب: این گونه مطالب اعتباری ندارد، و در کتابهای معتبر نیست.

سؤال ۱۶۰۴- بعضی از خواهران در جلسه دعا، ختمی به نام حضرت جواد الائمه علیه السلام انجام می‌دهند. به این ترتیب که دعای توسل را قرائت نموده، و هنگامی که به نام امام نهم علیه السلام می‌رسند، حدود یکصد مرتبه «یا جواد الائمه ادرکنی» می‌گویند. سپس دعا را ادامه داده، و ذکر مصیبت می‌کنند. شالهای سبزی هم تهیه، و به صورت گرو در اختیار سایرین قرار می‌دهند. تا این ختم را نذر نموده، و به جا آورند، و حاجت بگیرند. صندوقی هم به این نام مبارک تهیه، تا به آن هیأت کمک شود. نظر مبارک را بفرمایید.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۴

جواب: این کار، کار صحیحی نیست. خواهران می‌توانند دعای توسل را از اول تا به آخر مطابق آنچه در کتاب دعا آمده بخوانند، و ان شاء الله نتیجه خواهند گرفت.

سؤال ۱۶۰۵- شخصی، که زندگی عادی خود را می‌گذرانده، ناگهان دچار مشکلات عدیده می‌گردد! یکباره افسردگی، ناراحتی‌های عصبی، کم خوابی و بی‌حوصلگی، نظم زندگی‌اش را از هم می‌پاشد! با مراجعه به چند پزشک متخصص اعصاب و روان، نه تنها هیچ گرهی از کار او گشوده نمی‌شود، بلکه روز به روز حالش بدتر می‌شود، تا بالاخره از مراجعه به پزشک ناامید، و به یک ساحر معروف مراجعه می‌کند. وی پس از سعی و تلاش زیاد، می‌گوید: «کسی تو را سحر کرده، شاید به زودی عمرت به سر آید!» ساحر معروف، با همدستی یک ساحر دیگر، چند عدد تعویذ و دعا را کشف می‌کند، که اسم آن شخص روی آن نوشته شده، و همراه با اشیای عجیب همچون فولاد، سوزن، استخوان و مانند آن، در یک جا قاب شده بود. ساحر با این که با آن شخص آشنا نیست، اسم کسی که این کارها را کرده به او می‌گوید، او هم به یقین رسیده که عامل این سرگردانی و بدبختی همان شخص است. حال با توجه به این که تمام زندگی وی از هم پاشیده (البته بعد از پیدا شدن و پاره شدن کاغذهای مذکور حالش بهتر شده است) و اگر کمک ساحران نبود تا چند روز دیگر رشته زندگی‌اش از هم پاشیده می‌شد. عامل این بدبختی‌ها و رنجهای وی چه

تاوانی باید بپردازد؟

جواب: قول ساحران اعتباری ندارد، به آن اعتنا نکنید. دستوری به شما می‌دهم، اگر عمل کنید حال شما ان شاء الله خوب خواهد شد: نمازها، مخصوصاً نماز صبح را اول وقت بخوانید، و بعد از نماز صبح دست راست را روی سینه بگذارید، و هفتاد مرتبه «یا فتاح» بگویید. سپس ۱۱۰ مرتبه صلوات بفرستید. در هر شبانه روز پنج مرتبه آیه الکرسی بخوانید، و به خود بدمید. و هر وقت گرفتار ناراحتی فکری شدید، ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» را بگویید. این برنامه را تا چهل روز ادامه دهید، ان شاء الله مشکل شما برطرف خواهد شد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۵

۱۴- دعاها

سؤال ۱۶۰۶- در برخی روایات پیرامون فضیلت خواندن برخی از دعاها، و تسیحات حضرت زهرا بعد از نماز، آمده است: «هر کس این دعاها و تسیحات را بخواند مثل این است که تازه از مادر متولد شده، و هیچ گناهی ندارد.» نسبت به کرم و بخشندگی خداوند هیچ شکی ندارم، ولی کسی که گناهان فراوانی دارد، آیا با خواندن این دعاها تمام گناهانش بخشیده می‌شود؟ اگر نمازهای قضای زیادی داشته باشد، آیا (مثلاً) با احیا گرفتن شبهای قدر، یا خواندن این دعاها، خداوند تمام گناهانش را می‌بخشد؟

جواب: این گونه روایات شامل حقّ النّیاس نمی‌شود، آنها باید پرداخته شود. و همچنین شامل گناهی که حدّ شرعی دارد نمی‌گردد، بلکه باید حدّ آنها شرعاً اجرا گردد، و شامل گناهی که جبرانی، مانند قضا و کفّاره دارد نیز نمی‌شود، چون قضا و کفّاره با این اعمال ساقط نمی‌گردد، و شمول آن نسبت به بقیه گناهان، با توجه به عفو و کرم خداوند، چیز بعیدی نیست.

سؤال ۱۶۰۷- در اثنای قرائت دعاهایی همچون دعای کمیل، ندبه، توسّل و مانند آن، خواننده، یا شرکت کنندگان جملاتی از آن را با خود زمزمه، و حتّی بعضی کلمات دعا را چند بار تکرار می‌نمایند، در حالی که در دعا تکرار نشده است. این کار چه حکمی دارد؟ نقل داستان و ذکر مصیبت در وسط دعا چگونه؟

جواب: بهتر است دعاها را به همان صورتی که از ائمه علیهم السلام رسیده بخوانند. و اگر قصد عزاداری و ذکر مصیبت دارند، قبل یا پس از اتمام دعا بخوانند. و چیزی از دعا را تکرار نکنند.

سؤال ۱۶۰۸- دعای توسّل در چه شب یا روزی باید خوانده شود؟

جواب: دعای توسّل شب و روز خاصی ندارد.

سؤال ۱۶۰۹- دعاهایی از ائمه علیهم السلام، بخصوص حضرت علی علیه السلام و امام سجّاد علیه السلام، نقل شده که مضمون آن چنین است: «خداوند! گناهی که باعث قطع باران، یا تغییر نعمت‌ها، و نزول بلاها می‌شود، ببخش و بیامرز.» یا دعاهایی که از ترس قبر و حساب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۶

و صراط سخن می‌گوید، و شبیه این مضامین. در حالی که ما عقیده داریم آنان مصون از هر گناهی هستند. این دو مطلب را چگونه می‌توان توجیه کرد؟

جواب: این سؤال دو پاسخ دارد؛ اول این که منظور، تشویق مردم، و بعد تعلیم آنان است؛ یعنی هنگامی که مردم مرتکب معاصی می‌شوند، و رحمت الهی قطع می‌شود، راه چاره چیست؟ دیگر این که منظور، اشاره به ترک اولی‌هاست. البتّه ترک اولی به این معنی نیست که کار حرام یا مکروهی انجام شده، بلکه ترک اولی ممکن است مستحبّ باشد، که نسبت به مستحبّ بالاتر، عنوان ترک اولی به خود می‌گیرد. شرح این مسأله را در جلد ۷ «پیام قرآن» صفحه ۱۰۳ به بعد آورده‌ایم.

سؤال ۱۶۱۰- فرموده‌اند: «اگر کسی بخواهد به کمالات معنوی برسد، باید ادعیه و اذکار را مانند دارو بداند، و آن را زیر نظر طبیب روحانی و مجتهد مصرف کند؛ زیرا ادعیه دارای مراتب روحی است.» آیا صحیح است؟
جواب: دعاهایی که از معصومین علیهم السلام رسیده، و گروهی خاص در آن ذکر نشده، برای همه مفید و مایه پیشرفت معنوی است.

سؤال ۱۶۱۱- آیا کتاب «جامع الدعوات» سند معتبری دارد؟
جواب: سند معتبری ندارد.

سؤال ۱۶۱۲- اخیراً در بعضی از محافل «ختم یا علی» معمول شده است. نظر مبارک حضرت عالی در این زمینه چیست؟
جواب: شکی نیست که توسل به معصومین علیهم السلام، مخصوصاً وجود مبارک امیر مؤمنان، علی علیه السلام، و شفیع قرار دادن آنها در درگاه خداوند متعال، از بهترین عبادات و سبب حل مشکلات است. ولی سزاوار است پیروان مکتب اهل بیت به سراغ دعاها و توسیلاتی بروند که در کتب معتبره از معصومین علیهم السلام نقل شده است؛ مانند دعای توسل که علامه مجلسی و دیگران آن را از کتب معتبره از ائمه معصومین علیهم السلام نقل کرده‌اند، و برای برآمدن حاجات بسیار مؤثر است.

۱۵- دعانویسی

سؤال ۱۶۱۳- آیا کار دعانویسها و فالگیرها منشأ اسلامی دارد؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۷
جواب: دعانویسی، و فالگیری حرفه‌ای جایز نیست.

سؤال ۱۶۱۴- اگر کسی جهت نوشتن دعاهایی که در بعضی کتب برای شفای سردرد و مانند آن آمده پول بگیرد، چه حکمی دارد؟
جواب: اگر دعاهایی باشد که در کتب معتبر نوشته شده، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۱۵- نظر شارع مقدس در مورد دعانویسی چیست؟ آیا در اسلام چیزی به نام دعانویسی وجود دارد؟
جواب: نوشتن دعاهایی که از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده، و در کتب معتبره موجود است، اشکال ندارد. و اما دعانویسی حرفه‌ای، که متداول افراد سودجوست، صحیح نیست.

سؤال ۱۶۱۶- گاه افرادی با عنوان دعانویسی اقدام به کلاهبرداری می‌کنند. برای این که بتوان تشخیص داد که کدام مورد کلاهبرداری و کدام مورد بر اساس دستورات اسلام است، چه راههایی وجود دارد؟
جواب: چنانچه افراد مزبور آدمهای با سواد و باتقوایی باشند، و از کتب معتبر استفاده کنند، دعانویسی آنها صحیح است. در غیر این صورت اعتمادی بر آنها نیست.

سؤال ۱۶۱۷- برخی دعانویسها دعاهایی به نام زبان بند، بخت‌گشایی، چله‌بری، جلب محبت، قفل کردن، کارگشا، بازشدن بسته شده، دفع بلیات، باطل السحر، و مانند آن به افراد می‌دهند. آیا چنین دعاهایی وجود دارد؟
جواب: اینها اعمال افراد سودجو، و احیاناً شیاد است.

سؤال ۱۶۱۸- آیا دعانویسی صرفاً نوشتن دعایی خاص در کاغذ، و نگه داشتن به همراه خود می‌باشد، یا دستور العملی هم دارد؟
مثل این که نوشته کاغذ را در آب حل کرده، و به کسی بخوراند! یا دعای خاصی را بسوزانند! یا در معرض باد قرار دهند! یا زیر سنگ بگذارند! یا آن را دفن کنند! یا در آب روان بیندازند. آیا این دستور العملها اعتباری دارد؟
جواب: سوزاندن دعا مطلقاً جایز نیست. ولی شستن، یا به آب انداختن، در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۸

بعضی از کتب در مورد بعضی از دعاها یا عریضه‌ها آمده است.

سؤال ۱۶۱۹- از آنجا که اکثر مراجعین به دعانویسها بانوان می‌باشند، که برای رفع مشکلات و ناراحتیهای خود اقدام به این کار نموده، و بعضاً افرادی تحت عنوان دعانویس اقدام به فریب آنان می‌کنند، چه توصیه‌ای برای روشنگری آنان دارید؟
جواب: باید خطر مراجعه به این گونه افراد را به همه بانوان گوشزد کرد، تا در دام آنها گرفتار نشوند.

۱۶- رؤیا

سؤال ۱۶۲۰- اگر کسی در رؤیا ببیند که صاحب قبری خود را نوه امام موسی بن جعفر علیه السلام و میرزا معرفی می‌کند، و خواب بیننده انسان محترم و ثقیل باشد؛ آیا امامزاده بودن صاحب قبر ثابت می‌شود؟ آیا به عنوان امامزاده می‌توان برای آن قبر و صاحبش نذر کرد؟ آیا می‌توان گنبد و بارگاه برای آن قبر ساخت؟ اگر در کتابی آمده باشد که به مقتضای رموز اعداد امامزاده‌ای در همان قبرستان مدفون است، آیا امامزاده بودن صاحب آن قبر ثابت می‌شود؟ آیا گره زدن نخ و پارچه، و قفل زدن به حرم امامان و امامزادگان وجه شرعی دارد؟

جواب: امامزاده بودن باید با دلیل معتبر ثابت شود. خواب و امثال کتابهایی که اشاره کرده‌اید، حجت نیست، و نباید به آنها ترتیب اثر داد. گره زدن و امثال آن به قبور امامان و امامزادگان معلوم النسب نیز کار درستی نیست، و باید به طور معقول زیارت خواند.

سؤال ۱۶۲۱- سنگی لب رودخانه بود. خانمی در خواب می‌بیند که این سنگ پنجه حضرت علی دارد، از خواب بیدار می‌شود، جریان را به مردم می‌گوید. مردم باور می‌کنند. سنگ مذکور را برداشته، و به شکل حجر الأسود در دیوار مسجد نصب می‌کنند! اکنون زن و مرد و دختر و پسر به زیارت آن سنگ می‌روند. لطفاً بفرمایید:

چنانچه خانمی در حال حیض، یا جوانی در حال جنابت باشد، آیا می‌تواند داخل مسجد شود و آن سنگ را لمس کند؟ آیا این کار نوعی سنگ پرستی نیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۷۹

جواب: خواب مزبور اعتبار ندارد، و واجب است مؤمنین محترم و عزیزان آن روستا اقدام کنند، و آن سنگ را ببرند، و در رودخانه بیندازند، و احترام به آن سنگ شرعاً جایز نیست، و توقف جنب و حائض در مسجد حرام است.

سؤال ۱۶۲۲- در جوار روستای ما، محلی است که اهالی منطقه از سالیان دور برای آنجا به عنوان مکان مقدس «قدمگاه» احترام قائل بوده‌اند، و آن گونه که نقل می‌کنند از حدود سی سال پیش تا به حال مکرراً اشخاصی به خواب اهالی آمده‌اند. پس از آن اهالی چندین بار آن محل و فضای اطراف را حفاری نموده، ولی نتیجه‌ای حاصل نشده است. اخیراً سیده‌ای به خواب یکی از اهالی آمده، و محل قبر را در عالم رؤیا مشخص کرده، که اهالی پس از حفاری آن محل، ساختمان مخروبه‌ای را که تا حدود یک متری دیوارها و ستونهای سالم داشت، آشکار گردید. ولی روز بعد که بنا بود کف ساختمان را (که ساروجی است) جهت یافتن قبر حفاری کنند، همان شخص به خواب یکی از اهالی آمده، و از ادامه حفاری منع کرده است. لطفاً نظر مبارکتان را در این زمینه اعلام فرمایید.

جواب: خواب نمی‌تواند مدرکی بر وجود امامزاده در آنجا باشد؛ مگر این که از طرق معتبر این مطلب ثابت شود.

۱۷- رسانه‌ها

سؤال ۱۶۲۳- مرز بین خبر و تبلیغ در اسلام چیست؟

جواب: در فقه اسلامی اصطلاح خاصی برای این دو موضوع نیست. اگر در کلمات فقها به کار رود، مراد همان معنی عرفی است. خبر واقعیتی را بیان می‌کند، ولی تبلیغ به منظور ترغیب و تشویق به چیزی یا کاری صورت می‌گیرد.

سؤال ۱۶۲۴- آیا خبر درجه‌بندی هم دارد؟ ترتیب نشر اخبار از بُعد اهمیت چگونه است؟

جواب: البته رسانه‌های جمعی در جامعه اسلامی، وظیفه دارند اخباری را که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۰

باعث پیشرفت و شکوفائی اسلام می‌شود، یا جلو ضرر و زیانهای محتمل (از داخل، یا خارج) را می‌گیرد، با نهایت دقت و بی‌کم‌وکاست در اختیار آنان بگذارند. و هر خبری تأثیر بیشتری در جهت فوق داشته باشد، اهمیت بیشتری دارد، و اخبار بر اساس همین معیار درجه‌بندی می‌شود.

سؤال ۱۶۲۵- آیا صدق و کذب خبر هم دارای انواعی است؟

جواب: آری، ممکن است خبری صد در صد کذب باشد، و خبری پنجاه درصد، یا کمتر، یا بیشتر. بنابراین در صدق و کذب، درجه‌بندی وجود دارد.

سؤال ۱۶۲۶- آیا در اسلام سانسور جایز است؟ اگر هست، چه حدودی دارد؟ چگونه می‌توان آن را در جامعه اسلامی پیاده کرد؟

جواب: هرگونه خبری که انتشار آن به حال جامعه مضر است، یا سبب بیداری دشمنان یا بهره‌برداری سوء آنان می‌شود، یا موجب تفرقه بین صفوف مسلمین می‌گردد، یا ایجاد یأس و وحشت و بدبینی می‌کند، یا تبعات دیگری مانند آنچه گذشت دارد، چنین اخباری نباید انتشار یابد. به همین دلیل در زمان جنگ، بسیاری از اخبار موقتاً مکتوم می‌ماند، و پس از برطرف شدن خطر، فاش می‌گردد.

شبهه این معنا، در موارد دیگر نیز کاملاً ممکن است.

سؤال ۱۶۲۷- خط قرمز شرعی ما به عنوان رسانه‌ها در کشور چیست؟

جواب: خط قرمز، که نباید از آن گذشت، همان است که نمونه‌های آن در بالا بیان شد.

سؤال ۱۶۲۸- در عرصه خبری، تساهل، تسامح، مدارا و مانند آن چه معنایی دارد؟

جواب: تسامح و مدارا معانی مختلفی دارد. اگر منظور سازش با مخالفان اسلام، و میدان دادن به دشمن برای ضربه زدن به دوست است، چنین چیزی جایز نیست؛ اما اگر منظور همزیستی مسالمت‌آمیز، با گروه‌های سالم، یا پیروان مذاهب دیگر باشد، به گونه‌ای که ضرری به حال مسلمین و آیین اسلام نداشته باشد، جایز است.

سؤال ۱۶۲۹- تحلیل در اخبار و گزارشها، مانند علم تفسیر در حوزه‌هاست. آیا

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۱

می‌شود برای تحلیل خبری و گزارش نیز چارچوبی تعیین نمود؟ آن چارچوبها کدامند؟

جواب: معمولاً برای تحلیل اخبار باید از قرائن و شواهد و سوابق موجود و مسائل مشابه استفاده کرد. اگر به نتیجه قطعی برسند، می‌توانند به طور قطع قضاوت کنند. در غیر این صورت، باید روی عنوان احتمالی بودن تکیه شود، تا مطلبی بر خلاف واقع نگفته باشند.

سؤال ۱۶۳۰- در مواقعی که خبری به ظاهر ضد اسلام، و در حقیقت به نفع نظام است، (مثلاً در بعد اقتصادی و مانند آن) خبرنگار

باید کدام را ترجیح دهد؟

جواب: با توجه به این که نظام بر اساس اسلام بنا شده، چنین تضادی متصور نیست. مگر کسانی که یا به مسائل اسلامی توجه

ندارند، یا به مصالح نظام.

سؤال ۱۶۳۱- یک خبرنگار همیشه در معرض قضاوت و اجتهاد است. حدّ و حدود این قضاوت و اجتهاد تا کجاست؟ (دروازه بانی خبر و عبور دادن خبرها از فیلترها).

جواب: از آنچه در پاسخ دو سؤال قبل نوشته شد، جواب این سؤال روشن می‌شود.

سؤال ۱۶۳۲- یک خبرنگار در مقابل ضدّ ارزشها چگونه می‌تواند امر به معروف و نهی از منکر کند؟

جواب: خبرنگار هم طبق ضوابط امر به معروف می‌تواند عمل کند؛ در جایی که احتمال تأثیر وجود دارد، و ضرری بر آن مترتب نمی‌شود، و منکر بودن آن مسلم است، باید به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل کند. مگر این که شغل او (که به عنوان یک واجب کفایی عمل می‌کند) به خطر افتد؛ در این صورت می‌تواند این کار را به طور غیر مستقیم انجام دهد؛ یعنی به وسیله دیگران.

سؤال ۱۶۳۳- یک خبرنگار چگونه می‌تواند با تهاجم، یا شیخون فرهنگی مقابله کند؟

جواب: خبرنگار از طریق اطلاع‌رسانی به افرادی که آماده انجام وظیفه در مورد این مبارزه هستند، و همچنین از طریق افشاگری در سطح جامعه، به ویژه

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۲

اطلاع‌رسانی درباره پیامدهای سوء و اثرات زیانبار این تهاجم، می‌تواند غیر مستقیم کمک کند.

سؤال ۱۶۳۴- دروغ مصلحت‌آمیز بهتر است، یا راست فتنه‌انگیز؟

جواب: راست اگر فتنه‌انگیز باشد و مفاسدی ایجاد کند باید از آن پرهیز کرد؛ خواه دروغش مصلحت‌آمیز باشد، یا بیهوده. و از آنجا که این مطلب به قاعده اهمّ و مهمّ بازمی‌گردد، باید ضررهای ناشی از دروغ و فواید آن را با یکدیگر مقایسه کرد، آنچه واجد اهمّیت بیشتری است، انجام داد. در ضمن اگر بتوان از دروغ به توریه پناه برد، توریه مقدّم است. و منظور از توریه سخنی است که تاب دو معنی داشته باشد؛ شنونده معنایی را از آن تصوّر می‌کند که خلاف واقع است و باور می‌کند، و مصلحت حاصل می‌شود، اما گوینده معنای دیگری را تصوّر می‌کند، که مطابق با واقع است.

سؤال ۱۶۳۵- مرز انتقاد کجاست؟ اگر انتقاد با پیشنهاد همراه نباشد، چه ضرری دارد؟ آیا خبرنگار در صورتی که پیشنهادی ارائه نکند، می‌تواند انتقاد کند؟

جواب: انتقاد اگر با پیشنهاد توأم باشد، به یقین بهتر است؛ ولی اگر انتقادکننده نتواند پیشنهادی مطرح کند، باز هم از باب امر به معروف و نهی از منکر باید وظیفه خود را انجام دهد.

سؤال ۱۶۳۶- کم‌فروشی در خبر و اطلاع‌رسانی چیست؟

جواب: کم‌فروشی معنی خاصی دارد، که در معاملات تصوّر می‌شود، و مفهوم عامی دارد، که هر کس از کار خودش کم بگذرد (و به اصطلاح بدزد) مصداق آن خواهد بود. و در مورد خبر، اگر خبر را به طور ناقص و دست و پا شکسته نقل کنند، یا اصلاً بعضی از اخبار را نقل کنند و بعضی را نقل نکنند، شبیه آن است که کم‌فروشی کرده‌اند.

سؤال ۱۶۳۷- آیا استفاده از خانمها در جمع‌آوری خبر و گزارشگری مجاز است؟

جواب: در صورتی که رعایت اصول عفت شود، همکاری زنان مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۳۸- استفاده از تصویر و چهره زنان مسلمان، اگر محجّبه باشند، چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۳

جواب: با شرایطی که ذکر کرده‌اید، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۳۹- با توجه به این که قرآن کلام خدا، و معجزه اوست، و بالطبع خداوند برای برقراری ارتباط با انسانها شیوه‌های بیانی متفاوتی دارد، که قطعاً کاملترین نیز می‌باشد، این شیوه‌های بیانی کدام است؟ چگونه می‌توان در عرصه خبر از آن استفاده کرد؟

جواب: برای پی بردن به شیوه‌های فصاحت و بلاغت قرآن، و استفاده از آن برای شیوه‌های خبرنگاری، می‌توانید به جلد هشتم پیام قرآن، بحث اعجاز قرآن از نظر فصاحت و بلاغت، صفحه ۸۷ به بعد، یا به کتاب «قرآن و آخرین پیامبر» نوشته ما، مراجعه فرمایید.

سؤال ۱۶۴۰- اشخاصی هستند که تفکرات التقاطی و سوابق فکری مغایر با نظرات اکثریت فقهای شیعه، و فقه حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی (نظیر بحث ولایت فقیه) دارند. آیا می‌توان دیدگاه‌ها و نظرات آنها را در جامعه انتشار داد، تا مردم با شنیدن اقوال مختلف بهترین آن را انتخاب کنند؟ در صورتی که پاسخ منفی باشد، آیه شریفه «فَبَشِّرْ عِبَادِ* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» را چگونه تفسیر می‌فرمایید؟

جواب: این کار در صورتی که موجب بدآموزی نگردد، کار خوبی است. و این مشکل عمدتاً از طریق نحوه بیان مناسب نظرات مخالفین تأمین می‌شود، به این معنی که نظرات آنها به صورت موزیانه و مخرب و توأم با دروغ و تهمت و جوسازی بیان نگردد. البته باید توجه داشت که مسائل مختلف است؛ بعضی از مسائل را می‌توان در سطح عموم مطرح کرد، و بعضی از مسائل باید در سطح حوزه و دانشگاه و محافل علمی مطرح گردد؛ زیرا احتیاج به آگاهی‌های تخصصی دارد. به یقین اشتباه این دو دسته از مسائل به یکدیگر، سبب بروز مشکلاتی در سطح جامعه می‌گردد.

سؤال ۱۶۴۱- یک خبر موثق دارای چه خصوصیتی است؟

جواب: خبر موثق را از چند طریق می‌توان شناخت: نخست از طریق وثاقت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۴

راوی؛ یعنی ناقل خبر شخص مورد اعتمادی باشد. دوم، از طریق مقبولیت عمومی، یعنی اگر چه راوی شناخته شده نیست، اما خبر در میان مردم چنان شهرتی دارد که موجب اطمینان می‌شود. سوم، از طریق محتوای خبر، یعنی مضمون خبر چنان مستدل و توأم با قرائن است، که خود گواه صحت خویش است.

سؤال ۱۶۴۲- آیا ناقلان اخبار و بیان کنندگان وقایع، شرایط خاصی دارند؟

جواب: آری شرایط خاصی دارند؛ وثاقت و امانت، هوش کافی برای فهم مطالب، و حافظه قوی برای نگهداری و حفظ مطالب، و از همه مهمتر، بی‌نظری و حسن نیت، و آلوده نکردن اخبار با سلیقه شخصی، از جمله این شرایط است.

سؤال ۱۶۴۳- یک خبرنگار تا چه حد می‌تواند در نقل خبر به گفته دیگران استناد کند؟ با توجه به این که نمی‌شود به تواتر رسید؟

جواب: تا آن جایی که خبر به حد تواتر نرسد، و محفوف به قرائن اطمینان بخش نباشد، باید آن را به صورت خبر محتمل ذکر کند؛ نه خبر قطعی.

سؤال ۱۶۴۴- یک خبرنگار، غیر از روش مشاهده، چگونه می‌تواند به صدق یا کذب خبر، یا واقعه خاصی، برسد؟ راههای شناخت این دو کدام است؟

جواب: از جوابهای بالا معلوم شد.

سؤال ۱۶۴۵- هرگاه خبرنگاری شاهد ماجرای نبوده، ولی می‌خواهد خبر آن را نقل کند، چند نفر شاهد لازم است تا خبرنگار به «راستی خبر» برسد؟

جواب: اگر یک فرد مورد وثوق خبر را نقل کند، کافی است. ولی احتیاط آن است که در اخبار مهم به قول یک نفر قناعت نکند.

سؤال ۱۶۴۶- آیا در نقل خبر، و شهادت بر وقوع حادثه‌ای، بین زن و مرد تفاوتی وجود دارد؟ آیا در این مورد باید همچون ادای شهادت در محاکم قضایی عمل کرد؟

جواب: در این مسائل فرقی میان زن و مرد نیست.

سؤال ۱۶۴۷- بسیاری از سخنرانی‌ها، بیانیته‌ها، مصاحبه‌ها و مانند آن دارای متونی طولانی است؛ در حالی که خبرنگار مجبور به خلاصه کردن آن می‌باشد. در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۵

خلاصه‌گیری، امکان فاصله گرفتن از مضمون، و احیاناً القای یک مفهوم دیگر وجود دارد. آیا این کار نیز خیانت در امانت محسوب می‌شود؟

جواب: در صورت تغییر محتوا، هم دروغ و هم تهمت محسوب می‌شود؛ ولی تلخیص کردن و نقل به معنی مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۴۸- آیا برای تهیه خبر مورد نیاز نظام، می‌توان رشوه داد؟

جواب: در صورتی که راه منحصر به آن باشد، و خبر مورد نیاز است، مانعی ندارد. و نام آن را نباید رشوه گذاشت.

سؤال ۱۶۴۹- چگونه می‌توان ثقه بودن خبرنگار را تشخیص داد؟

جواب: ثقه بودن مخبر، از طریق معاشرت، یا شهادت افراد مطلع و آگاه و ثقه استفاده می‌شود.

سؤال ۱۶۵۰- امام راحل قدس سره می‌فرمودند: «گاه می‌توان برای حفظ نظام، برخی از واجبات را نیز ترک کرد.» آیا این موضوع

در خبر هم صادق است؟ آیا خبرنگار نیز می‌تواند برای حفظ نظام به دروغ متوسل شود؟

جواب: اگر واقعاً مسأله به صورت اهم و مهم درآید، و مانند دروغ برای اصلاح ذات البین شود، مانعی ندارد. ولی چون ممکن است این حکم وسیله سوء استفاده قرار گیرد، و به هر بهانه‌ای خبرهای دروغ منتشر کنند، باید حتی الامکان از این کار پرهیز کرد.

سؤال ۱۶۵۱- گاه مجبوریم برای سرپوش نهادن بر یک عملیات، یک سناریوی اطلاع‌رسانی طراحی کنیم. تا اهداف خود را، که فقط تقویت نظام است، به پیش ببریم، و شاید هیچ کدام از مسائلی که طبق این سناریو منتشر می‌کنیم اساسی نداشته باشد. حد و حدود ما در این وضعیت چیست؟

جواب: باید مطابق قانون اهم و مهم رفتار شود.

سؤال ۱۶۵۲- آیا در پردازش اخبار می‌توانیم از شیوه‌های خبری غرب، که با ترکیب اطلاعات مختلف پیامهای خاصی را القا می‌کنند، و با واقعیت فاصله دارد، مانند شیوه‌های «انگاره‌سازی»، «برجسته‌سازی»، «چینش اطلاعات در کنار هم» استفاده

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۶

کرد؟ توضیح این که: «انگاره‌سازی» ارائه تصویری هدفدار از یک موضوع است، که هدف خاصی را دنبال می‌کند، مانند کلمه «بنیادگرایی» که غرب برای اسلام‌گرایان به کار می‌گیرد. «برجسته‌سازی» اولویت‌بندی در اطلاعات با اهمیت مورد نظر، که هدف خاص القای در پیام را دنبال می‌کند. «چینش اطلاعات» به کار گرفتن سوابق موضوعات دیگر، و چسباندن آن به موضوع جدید، برای ایجاد یک پیام جدید و القای یک فکر و تحمیل عقیده است. مثل این که هر انفجاری در هر جای جهان رخ می‌دهد، با ذکر سابقه انفجارهای دیگر که در آن برخی ایران را متهم کرده‌اند، القای اتهام جدید به ایران با این سابقه قطعی است.

جواب: در صورتی که هدف مشروع و مثبتی در این کار دنبال شود مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۵۳- همه ما مطمئن هستیم که بنگاههای خبرپراکنی استعماری برای خدشه‌دار کردن نظام جمهوری اسلامی به ترفندهای خبری و گزارشی متوسل می‌شوند؛ خبرها و گزارشهایی ساخته می‌شود که اصلاً بنیانی ندارد. آیا ما نیز می‌توانیم برای دفاع از حیثیت خود از چنین شیوه‌ای استفاده کنیم؟

جواب: در صورتی که راه دفاع منحصر به این کار باشد، و موجب وهن اسلام و جمهوری اسلامی نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۵۴- برخی اخبار به ضرر ماست؛ ولی بیان نکردن آن، موجب بی‌اعتمادی به نظام، و رسانه‌های خودی و توجه به رسانه‌های

خارجی می‌گردد. در این مواقع چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: هرگاه ضرر نگفتن بیش از ضرر گفتن باشد، لازم است آن خبر بیان شود.

سؤال ۱۶۵۵- مردم تا چه حد برای شنیدن خبرها محرم هستند؟ حدّ افشای یک خبر محرمانه تا کجاست؟

جواب: حدّ افشای آن تا آنجاست که تولید ضرر و زیانی برای جامعه نکند.

سؤال ۱۶۵۶- چه اخباری را می‌توان عادی، و چه خبرهایی را باید محرمانه تلقی نمود؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۷

جواب: اخباری که افشای آن سبب سوء استفاده افراد منحرف، یا آگاهی دشمن، یا ضرر و زیانی در سطح جامعه شود، یا آبروی

فرد یا گروهی را به خطر می‌اندازد، یا افشای اسرار خصوصی افراد را در پی دارد، جزء اخبار محرمانه به شمار می‌رود.

سؤال ۱۶۵۷- گاه بین دولتمردان، احزاب، جناحها و مانند آن، اختلافی رخ می‌دهد.

و از سویی یک خبرنگار باید با توجه به جایگاه خود اخبار و مسائلی را منتشر کند که مطابق خطّ اصلی نظام، و بدون گرایش باشد.

بر فرض که هر دو خط سیاسی مورد قبول نظام باشد، وظیفه خبرنگار در این گونه موارد چیست؟

جواب: باید اخبار واقعی را در مسیر مصلحت نظام منتشر کرد.

سؤال ۱۶۵۸- تا چه حد می‌توان خبر جعلی را مخابره کرد؟ آیا این گونه خبرها می‌تواند در نظام اسلامی جایگاهی داشته باشد؟

حتّی اگر رعایت مصلحت نظام، افراد، یا مانند آن مدّ نظر باشد؟

جواب: در این گونه امور باید مصلحت اهم نظام و جامعه در نظر گرفته شود.

سؤال ۱۶۵۹- یک خبرنگار تا چه حد می‌تواند نسبت به افراد افشاگری نماید؟ آیا در افشاگری بین مرد و زن تفاوتی وجود دارد؟

بین مسلمان و غیر مسلمان چطور؟

جواب: اسرار هیچ مسلمانی را نمی‌شود افشا کرد؛ مگر در مواردی که مصلحت مهم‌تر در کار باشد.

سؤال ۱۶۶۰- در جامعه ما کسانی هستند که نه مسلمان هستند، و نه انقلاب را قبول دارند. در قبال نشر مسائل و اخبار و نظرات آنان

چه وظیفه‌ای داریم؟

جواب: از آن چه موجب تضعیف نظام، یا تشویش اذهان عمومی است باید پرهیز شود، و می‌توان آنچه را مفید، و یا حدّ اقل فاقد

ضرر است، منتشر ساخت.

سؤال ۱۶۶۱- بیان اخبار نشاط‌آور برای جامعه چه حدودی دارد؟ آیا می‌شود برای ایجاد این نشاط به دروغهای مصلحتی نیز متوسّل

شد؟

جواب: ایجاد نشاط مجوّز دروغ گفتن نیست.

سؤال ۱۶۶۲- گاه نقل خبری از خارج مرتبط با عقاید مسلمانان است. اگر بیان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۸

چنین خبری موجب وهن عقاید ما گردد، بیان آن بهتر است، یا کتمان آن؟ اگر کتمان شود، آیا «بی‌خبری» از وجود چنین عقیده‌ای

مفسده‌آمیزتر نخواهد بود؟

جواب: در این گونه موارد باید از قانون اهم و مهم تبعیت نمود، و مصلحت و مفاسد کار را سنجید، و آن چه مهم‌تر است باید مورد

توجه قرار بگیرد.

سؤال ۱۶۶۳- آیا می‌توانیم اخبار رسانه‌های خارجی را پخش کرده، و پس از آن نظر خود را نیز بیان نماییم؟

جواب: تفسیر و تحلیل اخبار، که سبب بهره‌گیری صحیح و پرهیز از سوء استفاده می‌شود، نه تنها جایز بلکه گاه واجب است.

سؤال ۱۶۶۴- آیا حدس و گمان را می‌شود به عنوان یک خبر و نظر منتشر نمود؟

جواب: هرگاه در آن قید کنند که این خبر به صورت حدس و گمان است، و مفسده‌ای هم بر آن مترتب نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶۵- خبری (سیاسی، اقتصادی یا فرهنگی) منتشر کرده‌ایم که صدق و کذبش برایمان مشخص نبوده است، حکم آن چیست؟

جواب: در صورتی که به منبع خاصی اسناد داده شود، و صدق و کذبش بر عهده آن منبع واگذار گردد، و نشر آن مفسده‌ای نداشته باشد، اشکال ندارد.

سؤال ۱۶۶۶- اگر دولتی ظالم باشد، خبرنگار تا چه حد می‌تواند اسرار را فاش کند؛ هر چند خودش نیز شهروند همان دولت باشد؟

جواب: در صورتی که نشر آن اخبار موجب امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه با فساد باشد، هیچ اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۶۷- اگر خبررسانی را ابزاری برای اعمال نظارت در همه شئون (امور سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) جامعه بدانیم، که در مسیر تحقق

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

باشد، حدود این نظارت چیست، تا یک خبرنگار هم از مسیر قوانین شرعی و اخلاقی خارج نگردد، و هم وظیفه نظارت دقیق در همه ابعاد عملی شود؟

جواب: پاسخ این سؤال در لابه‌لای پاسخهای بالا آمده است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۸۹

سؤال ۱۶۶۸- «استخبارات» از نگاه لغت‌شناسی، چه تفاوتی با خبرنگاری ما در فارسی دارد؟

جواب: استخبارات به معنای جستجوگری و کارهای اطلاعاتی است، و اکنون در کشورهای عربی این واژه درباره وزارت اطلاعات به کار می‌رود. ولی خبرنگاری اشاره به شرح حوادثی است که آشکارا در سطح جامعه رخ می‌دهد.

سؤال ۱۶۶۹- گاه در قلب دشمن اقدام به گماشتن مخبرین می‌کنیم. طبعاً کاری که وی می‌کند، برای ما اطلاع‌رسانی، و از دید دشمن جاسوسی است. چه تفاوتی بین مخبری و جاسوسی هست؟

جواب: از جواب بالا روشن شد.

سؤال ۱۶۷۰- آیا انتساب القاب زننده و موهن، به دشمنان دین و انقلاب رواست؟

جواب: این گونه کارها، در شأن مؤمنان و علاقه‌مندان به اسلام نیست.

سؤال ۱۶۷۱- دشمنان ما در عرصه بین‌المللی به صورت دائم از طریق خبر، گزارش، تحلیل دروغ علیه ما تبلیغ می‌کنند، اگر ما هم مثل آنان عمل کنیم، چه تفاوتی با آنان داریم؟ آیا مجاز هستیم؟ حد آن چیست؟

جواب: لازم است از طریق صداقت و راستگویی اخبار را منعکس کنیم، و مراقب توطئه‌های آنها باشیم، و دروغهای آنها را افشا کنیم، و مطمئن باشید دروغ سرانجام فاش، و سبب بی‌اعتباری می‌شود.

سؤال ۱۶۷۲- رشوه دادن به خبرنگاران و نویسندگان خارجی برای درج مطلب به نفع نظام در رسانه‌های خارجی چه حکمی دارد؟

جواب: نام این کار را نمی‌توان رشوه گذاشت؛ بلکه حق الزحمه‌ای است که در مقابل کار مثبت و مفید و مشروع پرداخت می‌شود، و برای دهنده و گیرنده اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۷۳- استفاده از تصویر و چهره زنان اجنبی چه حکمی دارد؟

جواب: استفاده از چهره زنان بی‌حجاب و بدحجاب، در شأن جمهوری اسلامی نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۰

سؤال ۱۶۷۴- در انتشار خبرهایی که مربوط به کشورهای خارجی مسلمان است، چنانچه مخالف نظام جمهوری اسلامی ایران باشند، آیا می‌توان همانند کشورهای غیر مسلمان با آن برخورد کرد؟

جواب: بی‌شک کشورهای اسلامی مخالف، با کشورهای غیر اسلامی مخالف تفاوت دارند.

سؤال ۱۶۷۵- بعضی اوقات افرادی که محبوب مردم هستند، در مسیر دین عمل نمی‌کنند، و با نظام ناسازگاری دارند. آیا می‌توان برای منفور کردن آنان به تهمت متوسل شد، و آنان را منزوی کرد؟

جواب: توسل به تهمت و دروغ و مانند آن، در شأن خبرنگاران مسلمان و متعهد نیست.

سؤال ۱۶۷۶- برخی در بیان نظرات بسته عمل نموده، و فقط به نشر دیدگاههای خود بسنده می‌کنند. اما عده‌ای برای تنویر افکار جامعه نظر دیگران را (اگر چه بی‌دین، یا ضد نظام باشند) گرفته، و آن را نقد نموده، و به نوعی تضارب آرا می‌کنند. با توجه به سنت ائمه ما (همچون حضرت صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام و یارانشان در گفتگو با زنداقه و مانند آن) کدام روش به صلاح جامعه اسلامی است؟

جواب: مادام که طرح نظرات دیگران، و نقد و بررسی آن، سبب پیشرفت فکری و فرهنگی مسلمین است، باید از این روش استفاده کرد. و اگر در مواردی جنبه تخریبی پیدا کند، باید از آن پرهیز کرد.

سؤال ۱۶۷۷- خطر مخبر صادق ناآگاه بیشتر است، یا مخبر کاذب آگاه؟

جواب: هر دو خطرناک هستند.

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم، ۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۵۹۰

سؤال ۱۶۷۸- آیا بیان غیر واقعی چهره نظام، به منظور تقویت آن در مقابل دشمنان نظام جایز است؟

جواب: حتی الامکان باید برای هر کاری از صداقت بهره گرفت، که هم به شرع نزدیکتر است، و هم به عقل.

سؤال ۱۶۷۹- برخی افراد که مورد اعتماد نظامند، باید مطرح شوند. آیا می‌توان در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۱

مورد آنان قهرمان‌سازی کرد، تا آنان در سطح جامعه معرفی شوند؟ حد شرعی این کار تا کجاست؟

جواب: اگر منظور از قهرمان‌سازی مبالغه بی‌جا و بزرگ نمایی بی‌مورد است، جایز نیست. و اگر منظور معرفی چهره‌های ناشناخته گرانقدر با ایمان است، نه تنها کار خوبی است، بلکه لازم می‌باشد.

سؤال ۱۶۸۰- اگر خبرنگاری خبری را به صورت شفاهی از منبع موثقی دریافت، و آن را منتشر سازد، آنگاه آن منبع به دلیل منافع شخصی، یا سازمان خود، اصل خبر را انکار نماید، آیا این خبرنگار مسئول است، اگر چه اصل خبر واقعیت داشته باشد؟

جواب: خبرنگار مسئول نیست. و برای حفظ حیثیت خود باید واقعیت را فاش کند.

سؤال ۱۶۸۱- با توجه به ویژگیهای کار حرفه‌ای خبررسانی، که در آن «سرعت»، «دقت»، و «صحت» همزمان باید انجام شود. اگر از مجموعه سوژه‌های خبری، یا در هر سوژه از مجموعه اطلاعات واصله- که خبرنگار ناگزیر از گزینشگری است، و این گزینش بر اساس ملاکهای حرفه‌ای و تجربی کار صورت می‌پذیرد- اگر نسبت به سوژه خبری بی‌توجهی شود، و یا ارائه اطلاعات آن، به دلیل اهمیت در سرعت انتقال خبر، با نقص و ضعف صورت پذیرد، آیا خبرنگار مسئول است؟ و در صورت شکایت طرفهای ذی ربط، خبرنگار به عنوان متهم باید در دادگاه حاضر و پاسخگو باشد؟

جواب: چنانچه این امر بر اثر سهل انگاری بوده باشد، و سبب تزییع حقی گردد، خبرنگار مسئول است، ولی اگر از قبیل اشتباهاتی

است که به هر حال برای غیر معصومین پیش می‌آید، خبرنگار مسئولیتی ندارد. اما چنانچه سبب ضرر و زیان شود، باید از عهده ضرر و زیان برآید؛ زیرا در ضررهای جانی و مالی، عمد و خطا هر دو مسئولیت آفرین است. با این تفاوت که عمد مجازات هم دارد؛ ولی خطا مجازات ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۲

سؤال ۱۶۸۲- با توجه به این که رسانه‌های مکتوب، مخصوصاً مطبوعات به شکل فعلی (هم به لحاظ گستره و پهنه اطلاع‌رسانی، و هم تأثیرگذاری عمیق آن در آحاد مردم، و هم از جهت نقش نظارتی و کنترلی آن که رابط میان توده مردم با حکومت است)، زاده تحولات ماشینی قرون اخیر است. آیا پدیده‌ای واقعاً مستحدثه و مولود مدیته قرون اخیر است، یا حقیقتی قدیمی است، که به شکلی نو، ظهور مجدد کرده است؟

جواب: بی‌شک این موضوع پدیده‌ای نو می‌باشد؛ ولی از شمول عمومات و قوانین کلی اسلام خارج نیست.

ج) جرایم مطبوعاتی

سؤال ۱۶۸۳- آیا می‌توان به دلیل تمایزات ذاتی انتقال مطالب در مطبوعات با دیگر طرق شفاهی انتقال، جرایم مطبوعات را، با دیگر جرایم (علی‌رغم تشابه اسمی) دو نوع جرم تلقی کرد؟ مثلاً آیا شرایط احراز وقوع جرم توهین در روابط شخصی، با احراز وقوع جرم توهین نسبت به حکومت و نهادها و افراد وابسته یکسان است؟

جواب: توهین در هر صورت جرم است. البته با تفاوت اشخاص و زمان و مکان و گستره آن، تفاوت می‌کند.

سؤال ۱۶۸۴- با عنایت به این که در روایات تصریح شده که باید مرجع احراز وقوع جرم با صدور حکم واحد باشد، نظر حضرت‌عالی در خصوص مبنای شرعی تفکیک مذکور و احياناً مغایرت آن با اصول فقهی چه می‌باشد؟

جواب: ممکن است حاکم شرع در مسائلی که احتیاج به خبریّت دارد، برای احراز جرم تکیه بر نظرات اهل خبره کند، و پس از ثبوت موضوع انشای حکم نماید.

سؤال ۱۶۸۵- در صورت پذیرش مستحدثه بودن جرایم مطبوعاتی، آیا قوانین و مقررات آن از نوع قوانین حکومتی است؟ و در صورت عدم پذیرش، آیا حکومت اسلامی به لحاظ مصالح حکومتی می‌تواند قواعد خاصی برای این نوع جرایم وضع

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۳

نماید؟ مثلاً قائل به تفکیک میان مرجع احراز وقوع جرم و مرجع صدور رأی شده، یا تبعیت دادرس از نظر هیئت منصفه را الزامی بدانند. آیا این کار جایز است؟

جواب: همان گونه که در بالا گفته شد، موضوع از موضوعات مستحدثه است، ولی از چهارچوب قوانین کلی اسلام خارج نیست، و ثبوت موضوع به وسیله اهل خبره در اینجا چیز تازه‌ای نمی‌باشد، و ظاهراً عناوین اولیه برای تبیین احکام مربوط به جرایم مطبوعاتی کافی است، و اگر در شرایط خاصی کافی نباشد، می‌توان از عناوین ثانویه استفاده کرد.

سؤال ۱۶۸۶- در برخی از قوانین جمهوری اسلامی از عبارت «مقدّسات اسلامی» استفاده شده، و احکامی بر آن بار شده است. برای روشن شدن این قوانین و دست یافتن به یک چهارچوبه شفاف در سیاستهای فرهنگی، و پرهیز از افراط و تفریط، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) تعریف مقدّسات اسلامی چیست؟ آیا می‌توان برای آن معیاری تعیین کرد، و مصادیق مورد اختلاف را با آن معیار سنجید؟

جواب: البته تعبیر به مقدّسات اسلامی در هر مورد با ملاحظه قرائن موجود در کلام ممکن است تفسیر خاصی داشته باشد؛ ولی معمولاً هنگامی که این تعبیر گفته می‌شود، اشاره به اموری است که در نظر همه دینداران محترم است؛ مانند «خدا»، «پیامبر صلی الله

علیه و آله «ائمه هدی علیهم السلام»، «قرآن مجید»، «مساجد»، «کعبه»، «احکام مسلمة اسلام»، و امثال آن. ممکن است در پاره‌ای از موارد، مقدّسات اسلامی معنای گسترده تری داشته باشد.

ب) آیا مرجع تشخیص مقدّسات اسلامی عرف است، و با مراجعه به وجدان اهل عرف می‌توان مصادیق آن را شناخت، یا از اموری است که شناخت آن مستلزم خبریّت و کارشناسی است؟ واضح است در صورت اول، هیأت منصفه دادگاههای رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی، به عنوان نمایندگان افکار عمومی، صلاحیت تشخیص مقدّسات اسلامی را خواهند داشت، و در صورت دوم، ارجاع امر به کارشناس یا کارشناسان ضرورت خواهد داشت. لکن این سؤال مطرح است که در استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۴

صورت دوم، چنانچه موضوع، بین کارشناسان اسلامی مورد اختلاف باشد، تکلیف چه خواهد بود؟
جواب: مرجع تشخیص، عرف افراد دین‌دار و آشنا به مسائل اسلامی است، و ممکن است در موارد پیچیده، نیاز به استفاده از نظر دانشمندان و علمای دینی نیز باشد.

ج) آیا انتقاد از احکام و مفاهیم قرآن و عترت، یا سیره ائمه اطهار علیهم السلام، از مصادیق اهانت است؟ آیا نقد و بررسی آیات، روایات، سیره و احکام فقهی بر اساس روشهایی غیر از اسلوب متداول میان علمای دین، نوعی اهانت است؟ اصولاً نقد و بررسی این گونه امور در چه صورت اهانت به مقدّسات تلقی می‌شود؟ و در هر صورت، سوء نیت منتقد، یا عدم قصد اهانت وی، چه تأثیری در این امر دارد؟

جواب: اگر منظور از نقد و بررسی، ایراد به قانون و قانونگذار باشد، بی‌شک جزء مصادیق اهانت است، و اگر منظور، اشکال و ایراد به کسانی باشد که چنان حکمی استنباط کرده‌اند، و به تعبیر دیگر، استنباط زیر سؤال برود نه حکم الهی، مصداق اهانت به مقدّسات اسلامی نیست.

سؤال ۱۶۸۷- با توجه به اصل ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که مقرر می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر این که محلّ به مبانی اسلام، یا حقوق عمومی باشد.» لطفاً بفرمایید:

الف) مقصود از «إخلال» و «مبانی اسلام» چیست؟ آیا مبانی اسلام به معنای احکام زیر بنایی است، یا ضروریات دینی یا فقهی منظور می‌باشد، یا معنای دیگری دارد؟

جواب: منظور از «مبانی اسلام»، مسائل ضروری دینی است. خواه در مسائل اعتقادی باشد، مانند توحید و معاد و عصمت انبیا و ائمه معصومین علیهم السلام و امثال آن، و خواه در فروع دین و احکام و قوانین اسلام، و خواه در مسائل اخلاقی و اجتماعی باشد، و منظور از «إخلال» هر کاری است که سبب تضعیف مبانی فوق، یا ایجاد بدبینی و شک و تردید نسبت به آنها شود، خواه از طریق درج مقاله باشد،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۵

یا داستان، یا عکس و کاریکاتور، و یا غیر آن.

ب) آیا طرح سؤال، یا برداشتهای جدید نسبت به مسائل اسلامی، إخلال محسوب می‌شود؟

جواب: اگر منظور از سؤال، گرفتن جواب باشد، إخلال نیست. ولی اگر به منظور ایجاد شبهه در افکار مردم باشد، إخلال محسوب می‌شود. و منظور از برداشت، اگر صرفاً بیان یک احتمال علمی باشد که تحت مطالعه قرار گیرد، إخلال نیست؛ اما هرگاه به طور قطع روی آن تکیه شود، یا به طوری نشر گردد که در تضاد با مسائل ضروری اسلام محسوب گردد، إخلال به مبانی خواهد بود.

ج) آیا میان طرح سؤال و برداشتهای جدید در مجلات علمی و تخصصی، با طرح آنها در نشریات عمومی فرقی هست؟

جواب: بدون شک بین این دو تفاوت است. در نشریات عمومی گاه ممکن است شکل إخلال به مبانی اسلام به خود بگیرد، ولی

در نشریات خصوصی این چنین نیست.

د) فیلمها

سؤال ۱۶۸۸- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون فیلمها پاسخ فرمایید:

- ۱- ساخت انواع فیلمهای تخیلی، وحشت‌زا، خشونت‌آمیز، کمدی و جنسی، از نظر اسلام چه حکمی دارد؟
- ۲- بیان احساسات زن و مرد نامحرم در فیلم چه حکمی دارد؟
- ۳- اگر فردی نقش همسر دیگری را بازی کند، با توجه به این که محرّمیتی وجود ندارد چگونه است؟
- ۴- آیا پوشاندن کلاه گیس زنان از دید مردان در فیلم واجب، و حکم موی طبیعی را دارد؟
- ۵- تفاوت تماشای زنان اهل کتاب و زنان کافر در چیست؟
- ۶- تماشای فیلمهای کمدی (خنده‌دار) که فقط جنبه خنداندن دارد، چه حکمی دارد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۶

۷- تقلید صدا در فیلمها، مثل این که مردی صدای زنی را تقلید کند یا بالعکس، چه حکمی دارد؟

جواب: فیلم‌های بدآموز و زیانبار، مانند فیلم‌های جنسی و وحشت‌زا و امثال آن، حرام است، ولی فیلم‌های آموزنده یا لااقل سرگرم‌کننده بدون مفسده، نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه گاه بسیار مفید و مؤثر، و سبب پیشرفت اهداف اسلامی است. و بازی کردن مردی در نقش همسر بدون محرّمیت در صورتی که خلاف شرعی در آن نباشد ذاتاً اشکالی ندارد، و همچنین تقلید صدای جنس دیگر.

سؤال ۱۶۸۹- نشان دادن چهره کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه اطهار علیهم السلام در حالات زیر چه حکمی دارد؟

الف) نشان دادن چهره کامل بدون هیچ گونه تغییر در چهره‌پردازی؟

جواب: این کار خلاف آداب است.

ب) نشان دادن چهره کامل همراه با گریم، به گونه‌ای که تماشاگر با کمی دقت مصنوعی بودن آن را بفهمد.

جواب: این فرض نیز مانند فرض سابق است.

ج) استفاده از اشخاصی که در تمام مدت بازیگری خود فقط نقش ائمه علیهم السلام را بازی می‌کنند.

جواب: مانند جواب سابق است.

د) استفاده از بازیگرانی که فقط نقشهای مثبت را بازی می‌کنند.

جواب: مانند جواب سابق است، ولی اگر چهره‌ها را مبهم و نامشخص، و مثلاً غرق در نور نشان بدهند مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۰- تاکنون نسبت به وجود مقدّس حضرت حجّت بن الحسن (عجل الله فرجه الشریف)، و حضور و اطلاع و عنایت ایشان به مؤمنین و شیعیان، فیلمی مستند به روایات اهل بیت علیهم السلام تهیه و تدوین نشده است. ما تصمیم گرفته‌ایم در این زمینه حرکتی انجام دهیم، مستدعی است نظر مبارک خویش را نسبت به تهیه صحنه‌ای در مسجد مقدّس جمکران، که امام عصر (عجل الله فرجه الشریف) را در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۷

حال حرکت در کنار مردم و متدینین هستند بفرمایید؟ (البته بدون نشان دادن چهره و بدن به طور کامل، بلکه فقط از زانو به پایین؛ بدین شکل که امام عصر علیه السلام در حال گام برداشتن هستند.) فیلمبرداری از چنین صحنه‌ای چه حکمی دارد؟ یا در کنار مؤمنینی که مشغول دعا خواندن هستند، صحنه‌ای از امام زمان علیه السلام (بدون نشان دادن چهره و بدن به طور کامل، بلکه به

تصویر کشیدن دو دست امام علیه السلام در حال قنوت) فیلمبرداری گردد، حکمش چیست؟

جواب: چنانچه احترامات لازم رعایت شود، و این اشتباه برای بیننده حاصل نشود که گمان کند واقعاً شما امام را در این صحنه در مسجد جمکران و مانند آن دیده‌اید و فیلم برداشته‌اید، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۹۱- نظر حضرت عالی دربارهٔ تصویرسازی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم و یا انبیای الهی علیهم السلام چیست؟

جواب: هرگاه تصویر و عکس موجب اهانت به مقام آن بزرگواران نباشد، و نسبت قطعی به آنها داده نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۶۹۲- در صورت جواز، آیا ایفای نقش توسط غیر مسلمانان از اهل کتاب، یا غیر اهل کتاب جایز است؟ پیروان فرق و مذاهب اسلامی چطور؟

جواب: با در نظر گرفتن شرایط بالا، فرقی در میان تصویرسازان نیست.

سؤال ۱۶۹۳- معیار و ملاک صدق اهانت، یا عدم صدق اهانت در تصویرسازی چیست؟ پخش آن از طریق صدا و سیمای جمهوری اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: معیار آن است که در عرف آن را هتک بدانند، و در صورتی که اهانت آمیز باشد، جایز نیست.

سؤال ۱۶۹۴- اخیراً در خارج از کشور فیلمهایی رواج یافته که به ایفای نقش رسول اکرم صلی الله علیه و آله، یا امامان معصوم علیهم السلام یا یکی از انبیا علیه السلام، می‌پردازند. با توجه به این که احتمال می‌رود اغراض ناشایسته‌ای در کار باشد، نظر خویش را اعلام فرمایید.

جواب: باید در این گونه موارد بسیار دقیق بود. هرگاه پس از دقت کافی،

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۸

محدوره‌های بالا در آن نباشد، مانعی ندارد. ولی معمولاً ظاهر شدن اشخاص مستقیماً در نقش معصومین از نظر مردم با ایمان، مشکل آفرین است.

سؤال ۱۶۹۵- ساختن فیلمهای خنده‌دار و تفریحی سالم چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۶- ساختن فیلمهای ترسناک، به منظور به یاد مرگ انداختن مخاطبان، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیانی نباشد، جایز است.

سؤال ۱۶۹۷- فیلمبرداری از مساجد، که بازیگر باید در آن ایفای نقش کند، چه حکمی دارد؟ اماکن متبرّکه و امامزاده‌ها چطور؟

جواب: در صورتی که هتک احترام مسجد نشود، و مزاحم نمازگزاران نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۸- پوشیدن لباس روحانیون به وسیلهٔ بازیگران چه حکمی دارد؟

جواب: اگر احترام این لباس حفظ شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۶۹۹- در فیلمهای مستند، فیلمبرداری از مردگان و اجساد که در کفن هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه کفن را باز نکنند، و احترام میت حفظ شود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۰- اخیراً در منطقهٔ ما، کانال تلویزیونی جدیدی راه‌اندازی شده که هم برنامه‌های خوب و مشروع، و هم برنامه‌های حرام دارد. آیا همکاری با این کانال تلویزیونی جایز است؟

جواب: در صورتی که برنامه‌های حرام دارد، همکاری با آن جایز نیست.

سؤال ۱۷۰۱- ارائهٔ فیلمها و نقشهایی که- احیاناً- اهانت به مقدّسات اسلامی به شمار می‌آید، و لو در آن تصویرسازی معصومان

علیهم السلام نباشد، چه حکمی دارد؟ و اساساً تشخیص آن چگونه خواهد بود؟
جواب: به یقین چنین فیلمهایی جایز نیست. و معیار، فهم مردم آگاه و متدین است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۵۹۹

سؤال ۱۷۰۲- آیا در مسائل فوق میان فقهای شیعه و سنی اختلافی وجود دارد؟

جواب: اگر موجب اهانت شود، فرقی میان علمای اسلام نیست.

سؤال ۱۷۰۳- آیا حکم مذکور نسبت به حضرت أبو الفضل العباس علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام و مانند آن بزرگواران نیز جاری است؟

جواب: درباره تمام شخصیت‌های محترم اسلام، هر چیز که مایه اهانت گردد جایز نیست.

سؤال ۱۷۰۴- برای ارائه زندگی معصومان علیهم السلام از طریق فیلم و نمایش و سریال، با حفظ حدود فقهی چه راه حلی را ارائه می‌دهید؟

جواب: بهترین راه حل این است که معصومین علیهم السلام را به صورت مبهم یا در هاله‌ای از نور نشان دهند، تا مشکلی از این جهت ایجاد نشود. ولی درباره دیگران چنانچه احترامات لازم رعایت شود، نشان دادن آنها اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۰۵- نظر جنابعالی در مورد سینما چیست؟

جواب: در صورتی که سینما خالی از امور خلاف شرع باشد، و سبب آموختن مسائل اجتماعی، تربیتی و اخلاقی شود، یا لااقل جنبه سرگرمی سالم داشته باشد، مجاز است.

سؤال ۱۷۰۶- اگر مدرّسان معتقد در دسترس نباشند، آیا تحصیل دانش فیلمسازی از مدرّسان ضعیف الاعتقاد جایز است؟

جواب: در صورتی که مفسده‌ای بر آن مترتب نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۰۷- برای تحصیل دانش فیلمسازی، نگاه کردن به فیلمهایی که زنان بد حجاب در آن هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر تحصیل دانش فیلمسازی برای تحصیل اهداف مقدّسی باشد، و دیدن آن فیلمها منشأ فساد نشود، اشکال ندارد.

سؤال ۱۷۰۸- در امر ساختن فیلم آیا می‌توان از زن بازیگر استفاده کرد، با توجه به این که باید با بازیگر صحبت و تمرین کرد؟

جواب: اگر از حدود عفت خارج نشود، اشکالی ندارد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۰

سؤال ۱۷۰۹- یکی از عناصر فیلمسازی، چهره‌پردازی (گریم) است، آیا این کار جایز است؟

جواب: اگر به وسیله نامحرمان انجام نشود، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۱۰- تراشیدن ریش برای هنرپیشه‌های مرد، و نیز نمایان بودن زیر گلو و مقداری از مو و برآمدگیهای سینه و قسمتهایی از

پایین بدن برای هنرپیشه‌های زن، چه حکمی دارد؟

جواب: تراشیدن ریش بر خلاف احتیاط است؛ مگر این که ضرورتی ایجاب کند، و اما نمایان کردن قسمتهای مذکور برای زنان در مقابل نامحرم جایز نیست؛ مگر این که توسط فرد محرّمی فیلمبرداری گردد، آنگاه فیلم آن را نشان دهند. در این صورت اگر منشأ فساد خاصی نباشد جایز است.

سؤال ۱۷۱۱- اخیراً از سوی برخی مسئولان کشور، به بهانه عدم توانایی جلوگیری از ماهواره، زمزمه آزاد شدن استفاده از آن

سرداده می‌شود. با توجه به اثرات شوم و ویرانگر آن در محیط خانواده و جامعه، و عدم قدرت بر کنترل کامل آن، آیا به نظر حضرت‌عالی آزادی ماهواره جایز است؟ آیا عدم قدرت بر جلوگیری از آن در آینده، مجوز آزادی قانونی آن می‌باشد؟

جواب: بی‌شک وجود ماهواره در خانواده‌ها سبب در دسترس قرار گرفتن صحنه‌های فساد است، و اثر منفی غیر قابل انکاری

مخصوصاً بر جوانان خانواده دارد؛ بنابراین کسانی که برای تسهیل در امر آن می‌کوشند مرتکب گناه بزرگی می‌شوند.

ه) فیلم‌ها و تبلیغ کالا

سؤال ۱۷۱۲- آیا تبلیغ کالاهای خارجی جایز است؟

جواب: اگر موجب ضرر و زیانی بر مسلمین نگردد، مانعی ندارد.

سؤال ۱۷۱۳- آیا تبلیغ کالاهایی که سرمایه داران جهانی، و شرکتهای چند ملیتی را تقویت می‌کند، جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۱

جواب: با شرایط بالا اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۱۴- تبلیغ کالاهای مضر، مثل سیگار و مانند آن، چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۱۷۱۵- دروغهای تبلیغاتی برای مصرف کالا، در دو صورت زیر چه حکمی دارد؟

۱- دروغهای واضحی که همه از دروغ بودن آن آگاهند.

۲- دروغهایی که غیر از افراد خبره کسی از آن آگاهی ندارد.

جواب: دروغ جایز نیست؛ مگر این که قرینه‌ای بر جدی نبودن، یا معنای مجازی آن وجود داشته باشد.

سؤال ۱۷۱۶- آیا می‌توان برای تبلیغ کالا و به منظور ترغیب مخاطبان، از تصویر زنان استفاده کرد؟

جواب: این کار در شأن زنان و شخصیت آنان نیست.

سؤال ۱۷۱۷- آیا به کار بردن عبارتهای مبالغه‌آمیز تبلیغاتی، که مصداق دروغ نیست، اما از حالت اطلاع‌رسانی پا را فراتر گذارده، و

به قصد تشویق مردم به مصرف بیان می‌شود، جایز است؟

جواب: در صورتی که موجب گمراهی مردم شود، اشکال دارد.

و) نابود کردن فیلمهای فاسد

سؤال ۱۷۱۸- یکی از اموری که در عصر و زمان ما بیداد می‌کند، و جوانان ما را به کام نیستی می‌کشاند، مسأله فساد اخلاقی است،

که جنبه‌های گوناگونی دارد. یکی از جنبه‌های بارز آن، گسترش فیلم‌ها و نوارهای ویدیویی و کاست است که سهم بسزایی در از

بین بردن فرهنگ جامعه، و به انحراف کشاندن جوانان، ایفا می‌کند، و متأسفانه دستگاههای انتظامی و قضایی در این زمینه ضعیف

عمل می‌نمایند. آیا می‌توان این گونه وسایل را به دلیل این که فرهنگ اسلامی ما را از بین می‌برد، نابود کرد؟ آیا می‌توان وسایلی

مثل آنتن ماهواره و مانند آن، که همان تأثیر، و شاید

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۲

شدیدتر از آن را دارد، نابود کرد؟

جواب: البته وسایل فساد را می‌توان نابود کرد، و سبب ضمان نمی‌شود. ولی افراد مجاز نیستند خودسرانه این کار را انجام دهند؛

چون سبب هرج و مرج می‌شود. بلکه باید طبق برنامه و ضوابط، و زیر نظر حاکم شرع و مسئولین ذی ربط، انجام شود.

ز) فیلمها و طنزها

سؤال ۱۷۱۹- آیا می‌توان از برنامه‌های طنز و شوخی و خنده و تفریح و سرگرمی، در جهت ارزشهای اسلام و انقلاب و فقه اسلامی استفاده کرد؟

جواب: کاملاً امکان‌پذیر است؛ مشروط بر این که در محتوای آن دقت کافی شود.

سؤال ۱۷۲۰- آیا شرعاً می‌توان مطالب جدی و حقیقی را با لعاب نازک‌اندیشی و نازک‌گویی، ظریف‌کاری و لطیف‌پردازی، همراه با فکاهی و مطایبه طنز، ارائه کرد؟

جواب: هرگاه خالی از سخن خلافی باشد، و اهداف سازنده‌ای حاصل گردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۱- آیا در روایات طنز وجود دارد؟ آیا می‌توان طنز را به طنز قرآنی و روایی تقسیم کرد؟

جواب: در تواریخ اسلامی، و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، یا ائمه هدی علیهم السلام دیده می‌شود.

سؤال ۱۷۲۲- طنز و نقد مذموم، از طنز و نقد و مزاح ممدوح، با چه معیاری جدا می‌شود؟

جواب: معیار، رعایت موازین شرعی، و جدا کردن حلال از حرام است.

سؤال ۱۷۲۳- آیا تزیین اوقات مردم، در قالب فیلم، نمایشنامه، شعرخوانی و خاطره‌گویی از طریق برنامه‌های سرگرم‌کننده کم‌محتوی، و نمایشهای سبک و بی‌مغز شرعاً جایز است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۳

جواب: اگر صرفاً تزیین اوقات باشد، کار خوبی نیست، ولی اگر بدآموزی و خلاف شرع در آن باشد، حرام است.

سؤال ۱۷۲۴- به نظر شما ویژگی شرعی طنز دینی کدام است؟

جواب: طنز دینی آن است که اولاً: هدف صحیحی را دنبال کند. و ثانیاً: خالی از خلاف شرع باشد.

سؤال ۱۷۲۵- لطفاً به سؤالات زیر پیرامون طنز جواب فرمایید:

الف) دروغهایی که در برنامه‌های طنز و سرگرم‌کننده گفته می‌شود، چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه قرینه‌ای بر جدی نبودن وجود داشته باشد، اشکالی ندارد.

ب) استهزا و توهین به دیگران در برنامه‌های تفریحی طنز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر واقعاً توهین باشد، جایز نیست.

ج) لطیفه‌هایی که درباره اهالی برخی مناطق ایران گفته می‌شود، در چه محدوده‌ای مجاز، و در چه صورت حرام می‌باشد؟

جواب: در مواردی که باعث هتک اهالی آن منطقه شود، جایز نیست.

د) اگر طنز به گونه‌ای در جامعه ترویج یابد که دیگر هتک حرمت و توهین حساب نشود، یا به دلیل وجود قرائن حالتی یا مقالیه، باعث اذیت و ایذا نگردد، چه حکمی دارد؟

جواب: در چنین فرضی اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۲۶- لطیفه‌هایی که درباره ملل غیر مسلمان گفته می‌شود، چه حکمی دارد؟ در مورد ملل مسلمان چطور؟

جواب: در هر دو مورد باید ادب اسلامی رعایت شود، و هتک و توهینی به عمل نیاید. مگر ملت‌هایی که محارب با مسلمین هستند.

سؤال ۱۷۲۷- آیا می‌توان برای جذب مخاطبین در صدا و سیما، و فیلم‌ها و سریال‌ها و سینماها، با تمسک به عناوین ثانوی و رعایت

مصالح اهم، طنز را تجویز کرد؟

جواب: طنز به صورتی که در بالا گفتیم، احتیاج به عناوین ثانوی ندارد. و با

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۴

امکان استفاده از طنزهای مشروع، نیازی به طنزهای حرام نیست.

سؤال ۱۷۲۸- اگر نمایشهای طنزآمیز و خنده‌آور، بدآموزی داشته باشد، یا سبک و بی‌مغز و گمراه‌کننده باشد، چه حکمی دارد؟
جواب: در فرض بالا جایز نیست.

سؤال ۱۷۲۹- اگر در طنز قصد جدی بر دروغ و توهین و استهزا نباشد، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
جواب: هرگاه قرینه‌ای همراه آن باشد، و مایهٔ هتک و بی‌احترامی نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۷۳۰- آیا طنز در قرآن و سیرهٔ عملی اهل بیت علیهم السلام وجود دارد؟
جواب: آری؛ طنز به معنای بالا در کتاب و سنت وارد شده است.

سؤال ۱۷۳۱- آیا استفاده از صدای زنان، و رفتار و کردار آنان، در عرصه‌های هنری، در قالب طنز و ایجاد خنده و شادی جایز است؟

جواب: زنان باید در همه حال، وقار اسلامی خود را حفظ کنند.

سؤال ۱۷۳۲- آیا در برنامه‌های صدا و سیما و نمایش طنز، به مقتضای فضای شاد برنامه، خندیدن بازیگران و هنرمندان زن به صورت قهقهه، فریاد، آه و ناله جایز است؟ به عنوان ثانوی چطور؟
جواب: از جواب سابق معلوم شد.

سؤال ۱۷۳۳- اگر طنز و طنزپردازی به صورت شغل درآید، یا حرفهای بیهوده و لغو و سبک برای سرگرمی و ایجاد خنده در آن به کار رود، چه حکمی دارد؟
جواب: در چنین صورتی حرام است.

سؤال ۱۷۳۴- ماهیت طنز و مطایبه، با رعایت موازین شرعی چیست؟

جواب: طنز و مطایبهٔ شرعی همان سخنان نشاط‌انگیزی است که مشتمل بر یکی از محرّمات مانند توهین، هتک، غیبت، و فساد جنسی نباشد.

سؤال ۱۷۳۵- آیا تمسخر افرادی که متجاهر به فسق هستند، جایز است؟

جواب: در صورتی که راه نهی از منکر، منحصر به این کار باشد، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۵

۱۸- سؤالات سیاسی

سؤال ۱۷۳۶- با توجه به وضعیت کنونی مسلمانان فلسطین، و عدم امکان حضور فیزیکی و جهاد برای مسلمانان کشورهای دیگر، وظیفه ما در قبال این مسأله چه می‌باشد؟ به نظر حضرت‌عالی وظیفهٔ خاصّ دانشجویان چیست؟

جواب: مسألهٔ فلسطین یک مسألهٔ کاملاً جدی، و انتفاضه در شکل اخیر از هر زمان پرشورتر است، و شرایط بین‌المللی و کشورهای اسلامی نیز با گذشته تفاوت بسیار دارد، که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد. به همین دلیل باید اقدامات جدی تری صورت گیرد. ولی چون اقدامات پراکنده مخصوصاً در زمان ما، نتیجه‌بخش نیست، باید یک برنامه‌ریزی حساب شده با حضور نمایندگان ارگانه‌های مختلف انجام گیرد، و به دنبال آن حمایت‌های گوناگون از فلسطینی‌هایی که همه روزه آماج حملات دشمنان بی‌رحم و وحشی قرار دارند، صورت پذیرد.

تشکیل چنین جلسه‌ای را برای برنامه‌ریزی، واجب و لازم می‌دانیم.

سؤال ۱۷۳۷- نظر اسلام در مورد اعتصاب غذا، که بعضی از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی به عنوان اعتراض به وضع نامناسب زندان، و یا اعتراض به حکمی که دادگاه صادر کرده، به آن متوسّل می‌شوند چیست؟

جواب: در صورتی که باعث ضرر مهمی در جان یا بدن نشود، اشکال ندارد.

مگر این که زندانی در معرض خطری باشد که هیچ راهی برای رهایی از خطر جز اعتصاب غذا نباشد؛ که در این صورت نیز جایز است.

سؤال ۱۷۳۸- اعتصاب بعضی از کارمندان دولت ظالم، به عنوان اعتراض به احکامی که از سوی دادگاه صادر می‌شود، و حاوی توهین به دین و مذهب، یا موهن جلوه دادن دین می‌باشد، چه حکمی دارد؟ با توجه به این که گاه این اعتصابات به از دست دادن شغل آنها منجر می‌شود؟

جواب: موارد مختلف است؛ گاه مسأله‌ای که به خاطر آن اعتراض کرده، از نظر اسلام مهمتر است، مثل این که مقدّسات دین، یا بلاد مسلمین، یا خود مسلمین، در خطر باشند. و گاهی از اوقات آن مسأله نسبت به خطری که برای اعتصاب استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۶

کنندگان پیش می‌آید، کم اهمیت‌تر است. خلاصه این که حکم دایر مدار قاعده اهمّ و مهمّ است.

سؤال ۱۷۳۹- وظیفه مسلمانان، مخصوصاً کسانی که دارای موقعیت اجتماعی مهمی هستند، به هنگامی که اسلام از ناحیه بعضی از حکومتها مورد تعرض قرار می‌گیرد، چیست؟ لازم به ذکر است که این هجمه‌ها گاه مستقیم، و برخی اوقات غیر مستقیم انجام می‌شود، و اعتراض به آنگاه، منجر به زندان یا شکنجه و تبعید، و گاه نیز به قتل می‌انجامد؟
جواب: از جواب سابق روشن شد.

سؤال ۱۷۴۰- آیا تظاهرات آرام بر علیه سیاست حاکم ظالمی که وظیفه‌اش حکومت دینی است، جایز می‌باشد؟ با توجه به این که روشهای دیگر اعتراض مفید نبوده، و این روش نیز ممکن است خطر قتل به همراه داشته باشد. آیا این عمل نوعی جهاد دفاعی محسوب می‌شود؟

جواب: هرگاه اسلام در خطر باشد، و هیچ راهی برای دفاع از اسلام جز این راه نباشد، این کار پس از اجازه از حاکم شرع واجب است. ولی نباید خودسرانه دست به این کار زد، که مایه تفرقه و سستی می‌شود.

سؤال ۱۷۴۱- اخیراً عده‌ای خود را حسینی، و گروه دیگر را یزیدی می‌نامند، و هر یک از دین و مقدّسات مایه می‌گذارند. این امر سبب شده که این جانب نسبت به مسائل دینی سست شوم. راهی پیش رویم بگذارید که از این آفت دین زدگی رهایی یابم.
جواب: شما در اینجا باید به مضمون آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ»؛ «۱» سعی کنید وظیفه خود را خوب و خالصانه انجام دهید. خداوند شما را یاری خواهد کرد. از مطبوعات فاسد و مفسد پرهیز کنید، و وارد جزّ و بحثهای جناحی نشوید.

(۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید. اگر شما هدایت یافته باشید، گمراهی کسانی که گمراه شده‌اند، به شما زیان نمی‌رساند.» (سوره مائده؛ آیه ۱۰۵)

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۷

۱۹- صدقه

سؤال ۱۷۴۲- عده‌ای از برادران بسیجی در راستای اهداف خیرخواهانه اقدام به تأسیس مؤسسه امور خیریه‌ای نموده‌اند. لطفاً به سؤالاتی در این راستا پاسخ فرمایید:

الف) نظر حضرت‌تعالی درباره چگونگی صرف صدقه در امور زیر چیست؟

- ۱- صرف صدقه برای ساخت ساختمان مؤسسه خیریه. این ساختمان برای درمانگاه خیریه، ساختمان اداری، خدمات رفاهی، و قرض الحسنه مورد استفاده قرار خواهد گرفت، و سود حاصله متعلق به خیریه است.
- ۲- صرف صدقه برای خرید اقلام ضروری، مانند مواد غذایی، پوشاک، لوازم اداری و مانند آن.
- ۳- اختصاص دادن صدقه به صورت وام ضروری برای خانواده‌های تحت پوشش.
- ۴- صرف صدقه برای امورات تعاونی به نفع مؤسسه امور خیریه.
- ۵- هزینه کردن صدقه برای مدتی معین و مشخص، به عنوان موجودی اولیه صندوق قرض الحسنه، که زیر نظر مؤسسه اداره می‌شود، و استفاده از سود حاصله برای امورات خیریه.
- ۶- صرف صدقه برای سرمایه‌گذاری و استفاده بردن از سود آن به نفع امور خیریه.
- ۷- استفاده از صدقه برای حقوق کارمندان خیریه.
- ۸- صرف صدقه برای امور فرهنگی خانواده‌های تحت پوشش.
- جواب: صدقات فقط به نیازمندان می‌رسد؛ مگر این که مردم به قصد هر کار خیر بدهند.
- ب) دیدگاه حضرت تعالی در ارتباط با نحوه صرف صدقه چیست؟
- جواب: صدقه به نیازمندان می‌رسد.
- ج) نظرتان در ارتباط با فروش اجناس مازاد و اضافی متعلق به خیریه، و وسائلی که جمع‌آوری می‌شود، و مورد استفاده نیست، چه می‌باشد؟
- استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۸
- جواب: باید آن را بفروشند، و صرف همان مصارفی کنند که صدقه‌دهندگان در نظر داشته‌اند.
- سؤال ۱۷۴۳- صدقاتی در صندوق خیریه ریخته می‌شود. آیا متولّی صندوق می‌تواند آن پولها را عوض کند، مثلاً پول خورد را تبدیل به اسکناس نماید؟
- جواب: اشکالی ندارد.
- سؤال ۱۷۴۴- اگر فرد ثروتمندی کلیه حقوق واجب شرعی خود، نظیر خمس و زکات را ادا کند، ولی در جامعه اسلامی افرادی را مشاهده نماید که به دلیل فقر و گرفتاری دچار بیماری‌هایی نظیر سوء تغذیه‌اند، که به تدریج منجر به مرگ آنها می‌شود، یا بیمارانی را سراغ داشته باشد که به دلیل نداشتن هزینه درمان در معرض مرگ هستند، آیا وظیفه دارد بخشی از دارائیش را برای موارد فوق اشاره اختصاص دهد؟
- جواب: در صورتی که جان مسلمانان در خطر باشد، نجات آنها به مقدار تمکن واجب کفایی است. ولی اگر در رنج و زحمت باشند، نه خطر مرگ، رسیدگی به وضع آنها مستحب مؤکد می‌باشد.
- سؤال ۱۷۴۵- در فرض دیگر اگر برخی افراد ثروتمند و مرفه در حدّ اعلای رفاه، و از همه مواهب و نعمتهای مادی برخوردار باشند، و همزمان عده‌ای دیگر در نهایت عسر و حرج و مشقت در زندگی طاقت‌فرسایی بسر ببرند، و از حدّ اقل رفاه از نظر مسکن و تأمین معیشت روزانه و مانند آن محروم باشند، هر چند این عسر و حرج منجر به مرگ و هلاکت آنها نشود، آیا شخص ثروتمندی می‌تواند با این منطق که چون حقوق شرعی واجب خود را ادا نموده، از اعانت و کمک به مستمندان دریغ ورزد؟ آیا اساساً در این قبیل موارد تکلیف شرعی خاصی بر دوش ثروتمندان هست؟
- جواب: در چنین شرایطی حکومت اسلامی می‌تواند برای برقرار ساختن نظم اجتماعی از اختیارات خود استفاد کند؛ از طریق وضع مالیاتهای عادلانه، یا مشابه آن.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۰۹

سؤال ۱۷۴۶- در فرض سؤال قبل چنانچه از افرادی که در عسر و حرج قرار دارند، آگاهی تفصیلی و جزئی نداشته باشیم، ولی به طور کلی و به نحو اجمالی آگاهی وجود داشته باشد، آیا تحقیق و تفحص لازم است؟
جواب: چنانچه به صورت شبهه محصوره باشد، تفحص لازم است. اما اگر غیر محصوره باشد، لازم نیست.

سؤال ۱۷۴۷- برخی می گویند: «در این قبیل موارد حکم مولوی (نه ارشادی) ولی فقیه زمان مشخص کننده تکلیف خواهد بود.»
حال اگر در کشوری، اعم از اسلامی یا غیر اسلامی، مسلمین دارای رهبری دینی به نحو مذکور نبودند، وظیفه آنها چیست؟
جواب: به مجتهدین جامع الشرائط، و در نبود آنها به عدول المؤمنین آگاه از مسائل شرع و مسائل زمان و مکان، مراجعه می کنند.

۲۰- صلۀ رحم

سؤال ۱۷۴۸- آیا صلۀ ارحام، حقّ الله است، یا حقّ الناس محسوب می شود؟

جواب: نوعی حقّ الله است، که خداوند درباره رحم مقزّر فرموده است.

سؤال ۱۷۴۹- آیا صلۀ رحم هم مشمول قاعده «لا حرج» و «لا ضرر» می شود؟ مثلاً اگر صلۀ رحم با شخصی، مایه هتک آبرو یا آزار انسان گردد، آیا ترک آن جایز است؟

جواب: آری، در مواردی که ضرر یا مشقت مهمّی باشد، استثنا می شود.

سؤال ۱۷۵۰- در صورت بی حجابی ارحام، و عدم وجود شرایط نهی از منکر، بازهم صلۀ رحم واجب است؟

جواب: در صورتی که سبب امضای اعمال آنها نشود، باید صلۀ رحم را به جا آورد، و تا آنجا که ممکن است با زبان خوش، امر به معروف و نهی از منکر کرد.

سؤال ۱۷۵۱- چنانچه در همنشینی با اقوام نزدیک ترس آن باشد که خود انسان به غیبت مبتلا گردد، یا شاهد غیبت کردن دیگران باشد، و نهی از منکر را هم در آن مجالس به سخریه بگیرند، آیا می توان با آنان قطع رابطه کرد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۰

جواب: هرگاه امیدی به تأثیر نهی از منکر ندارید، و خوف آلودگی خودتان به آن گناه می رود، می توانید رفت و آمد نکنید. ولی تا می توانید سعی کنید صلۀ رحم را توأم با امر به معروف و نهی از منکر با زبان خوب ترک نکنید.

سؤال ۱۷۵۲- صلۀ رحم چیست؟ و چه کسانی جزء ارحام محسوب می شوند؟ و در چه مواردی اسلام دستور به قطع صلۀ رحم می دهد؟

جواب: صلۀ رحم یعنی پیوند با خویشاوندان، که گاه با دیدار آنها حاصل می شود، و گاه با نامه، یا تلفن، یا دعوت از آنان، یا طرق دیگر. و خویشاوندان خیلی دور را شامل نمی شود، و مادام که محذور و مانع شرعی و عرفی در کار نباشد، نباید قطع کرد.

۲۱- طئی الارض

سؤال ۱۷۵۳- انسانهایی که طئی الارض دارند (مثلاً در قم است، از خدا می خواهد که او را به مشهد، جهت زیارت حرم امام رضا علیه السلام برساند. چند قدم راه می رود، به یاری خداوند به حرم می رسد!) چگونه به این درجه نائل می شوند؟
جواب: این گونه کرامات بعد از تهذیب نفس و خودسازی کامل ممکن است حاصل شود.

سؤال ۱۷۵۴- انسان چگونه می تواند طئی الارض داشته باشد؟ می گویند: «کسی که چهل روز سکوت کند، چشم بصیرت او باز می شود!» نظر شما چیست؟

جواب: هر قدر انسان در طریق بندگی خدا و تقوا و پرهیز از گناه و خودسازی بیشتر پیش برود، چشم حقیقت بین او بیشتر باز می‌شود، و به اموری دست می‌یابد که افراد عادی دست نمی‌یابند.

۲۲- عید الزهراء

سؤال ۱۷۵۵- شیعیان در روز نهم ربیع الأول به مناسبت عید الزهراء علیها السلام مراسم جشن و سرور برپا می‌کنند. در برخی از این مراسم آنچه از سخنان رکیک، و حتی استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۱ خلاف می‌دانند، می‌گویند؛ بلکه گاه مردان، خود را به شکل زن در می‌آورند! و هنگامی که به آنان تذکر داده می‌شود، به روایت «رُفِعَ الْقَلَمُ» استناد جسته، و می‌گویند طبق این روایت، اعمال مذکور اشکالی ندارد. آیا این اعمال، جایز و موجب رضای خدا و اهل بیت عصمت و طهارت است؟ در صورت عدم جواز، توجیه روایت رفع قلم چیست؟

جواب: اولاً: روایتی با عنوان رفع قلم در آن ایام مخصوص، در منابع معتبر نداریم. ثانیاً: بر فرض، چنین چیزی باشد (که نیست) مخالف کتاب و سنت است، و چنین روایتی قابل پذیرفتن نیست، و حرام و گناه در هیچ زمانی مجاز نیست. همچنین سخنان رکیک و کارهای زشت دیگر. و ثالثاً: تولی و تبری راههای صحیحی دارد، نه این راههای خلاف.

۲۳- فراگیری فلسفه و علوم غریبه

سؤال ۱۷۵۶- عده‌ای از علما و مراجع گذشته قائل به حرمت فراگیری فلسفه، و عده‌ای (بنابر آنچه معروف است) قائل به وجوب خواندن فلسفه هستند. علامه مامقانی در کتاب مرآة الرشاد به پسرش چنین نصیحت می‌کند: «پسرم! تا وقتی که مجتهد نشده‌ای فلسفه نخوان» نظر حضرتعالی در این زمینه چیست؟

جواب: خواندن فلسفه با دو شرط اشکالی ندارد. نخست این که انسان قبلاً عقاید اسلامی را به قدر کافی فرا گرفته باشد. و دیگر این که نزد استاد متعهدی بخواند.

سؤال ۱۷۵۷- نظرتان در مورد فلسفه چیست؟ آیا با فلسفه نوین موافق هستید؟

منظور از ذکر این سؤال توضیح درباره فلسفه نیست، بلکه تجسس می‌باشد، چون مشاهده می‌شود که برخی از علما با فلسفه مخالف هستند.

جواب: فراگرفتن فلسفه برای کسانی که پایه‌های اعتقادی خود را محکم کرده‌اند نه تنها ضرری ندارد، بلکه کمک به پیشرفت فکری نیز می‌کند، ولی باید استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۲ آن را نزد استاد متعهدی فرا گرفت.

سؤال ۱۷۵۸- فراگرفتن علوم غریبه، مثل علم رمل و جفر و اسطرلاب، که هر یک فوایدی دارد، و بعضی از علمای بزرگ نیز رغبت به این علوم داشته‌اند، چگونه است؟

جواب: دستیابی به این علوم به طور صحیح مشکل است، و چه بهتر که از صرف وقت در آن پرهیزید.

۲۴- قرآن مجید

سؤال ۱۷۵۹- لطفاً توصیه‌ای جهت حفظ قرآن برای جوانان مملکت اسلامی، و حافظان کلام الله نورانی مرقوم بفرمایید.

جواب: حافظان قرآن باید سعی کنند به موازات حفظ قرآن، معانی آن را هم فراگیرند، و به موازات حفظ معانی، به آن عمل کنند، و به موازات عمل کردن، آن را منتشر سازند. که این وظایف چهارگانه، یکدیگر را تکمیل می‌کند.

سؤال ۱۷۶۰- اگر کسی توفیق حفظ تمام، یا قسمتی از قرآن را پیدا کند، و سپس آن را فراموش نماید، چه حکمی دارد؟ آیا سبب عقوبت او در آخرت خواهد بود؟

جواب: روایاتی در این زمینه داریم مبنی بر این که: «کسی که قرآن را حفظ نماید، سپس فراموش کند، عقوبت و مجازات دارد.» ولی ظاهراً این روایات شامل زمان ما نمی‌شود. بنابراین، اگر کسانی در عصر و زمان ما قرآن را فراگیرند، و بعد به واسطه گرفتاریهایی فراموش کنند، کار حرامی انجام نداده‌اند. البته چه بهتر که سعی کنند فراموش ننمایند.

سؤال ۱۷۶۱- چرا اکثر آیات قرآن خطاب به مردان است؟

جواب: در ادبیات عرب، صیغه‌های مذکر در بسیاری موارد، مفهوم عامی دارد، و شامل مرد و زن هر دو می‌شود.

سؤال ۱۷۶۲- اگر کسی عمداً قرآن را به زمین بزند، آیا کفاره دارد؟ اگر سهواً به زمین بیفتد چگونه است؟

جواب: در صورت عمد، گناه بزرگی انجام داده است، و چه بسا، کسانی که

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۳

این کار را می‌کنند، مرتد شوند، و باید توبه کنند، و آن کار بد خود را با اعمال نیک آینده جبران نمایند، و اما در صورت سهو گناهی نکرده، لکن در هر صورت باید خیلی مواظبت کند، و کفاره‌ای ندارد.

سؤال ۱۷۶۳- بسیاری از مردم به علت سخت بودن قرائت متون عربی و قرآن از یک سو، و از سوی دیگر از آنجا که برای دست زدن به قرآن حتماً باید وضو داشته باشند، تاکنون متأسفانه یک بار هم قرآن نخوانده‌اند! حال اگر شما و امثال شما، که امکانات نشر و چاپ کتاب را به صورت گسترده در اختیار دارید، ترجمه کامل قرآن را بدون متن عربی آن چاپ کنید، به طور حتم این کار گامی خواهد بود در جهت مطالعه بیشتر قرآن توسط مردم، که می‌تواند نقش مهمی در جهت بهبود اخلاق و شخصیت مردم در کل اجتماع ایفا کند. اگر ممکن است نظرتان را در این مورد بیان فرمایید.

جواب: چاپ ترجمه قرآن بدون متن عربی سبب می‌شود که تدریجاً اصل قرآن فراموش شود، و این خطر، ضایعه بزرگی برای اسلام خواهد بود. ولی قرآنهایی از ما و دیگران چاپ شده که هم متن عربی دارد، و هم ترجمه فارسی؛ سعی کنید تدریجاً به هر دو آشنا شوید، و اگر در ابتدا توأم با غلط بخوانید ضرری ندارد؛ تدریجاً درست می‌شود.

سؤال ۱۷۶۴- وقف غفران چیست؟ موارد آن را در قرآن مجید بیان فرمایید.

جواب: وقف غفران، مطابق فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آن است که هرگاه بر آن کلمه وقف شود، موجب مغفرت و آمرزش است. و آن در ده مورد به شرح زیر است، که در بعضی قرآن‌ها در بالا یا پایین کلمه، «غفران» نگاشته شده است:

۱- مائده / ۵۱، در کلمه «اولیاء».

۲- انعام / ۳۶، در کلمه «یسمعون».

۳- سجده / ۱۸، در کلمه «فاسقاً».

۴- سجده / ۱۸، در کلمه «لا یستون».

۵- یس / ۱۲، در کلمه «آثار هم».

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۴

۶- یس / ۳۰، در کلمه «علی العباد».

۷- یس / ۵۲، در کلمه «من مرقدنا».

۸- یس / ۶۱، در کلمه «أن اعبدونی».

۹- یس / ۸۱، در کلمه «أن یخلق مثلهم».

۱۰- ملک / ۱۹، در کلمه «یقبضن» (۱).

سؤال ۱۷۶۵- بعضی از قاریان قرآن، الفاظ قرآن را تغییر می‌دهند، مثل این که «موسی» را «موسی» و «عیسی» را «عیسی» و نیز «تَقْوَى» را «تَقْوَى» و «دنیا» را «دنی» تلفظ می‌نمایند، آیا چنین کاری درست است؟
جواب: گرچه این گونه قرائتها در میان عرب معمول بوده، ولی فعلاً خواندن آن به مصلحت اسلام و مسلمین نیست؛ طبق مشهور بخوانید.

سؤال ۱۷۶۶- هدیه دادن قرآن به یک مسیحی چه حکمی دارد؟ اگر شخصی چنین هدیه‌ای داده باشد، آیا باید پس بگیرد؟
جواب: در صورتی که امید هدایت او به وسیله آن باشد، اشکالی ندارد، در غیر این صورت اشکال دارد.

سؤال ۱۷۶۷- آیا در قرآن کلمات فارسی هم وجود دارد؟

جواب: بعضی از کلمات در قرآن هست، که گفته می‌شود اصل آن فارسی است؛ مانند «سَجِیل» که گفته می‌شود «سنگ گل» است.

سؤال ۱۷۶۸- آیا خواندن قرآن در مجالس به زبان غیر عربی جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی ثواب تلاوت قرآن را ندارد.

سؤال ۱۷۶۹- نظرتان در مورد قرائت قرآنی که همراه با خودنمایی است، چیست؟

جواب: ریا در هر عبادتی، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۰- آیه ۶۱ سوره نور در مورد خوردن غذا از خانه اقوام احکامی دارد که مسلماً برای تقویت نزدیکی و دوستی است. من به تفسیر آن بزرگوار مراجعه کردم،

(۱) سرّ البیان فی علوم القرآن، صفحه ۲۴۳.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۵

ولی شبهاتم بیشتر شد. لطفاً پاسخ فرمایید:

الف) آیا تحت هر شرایطی، می‌توان از غذای نامبردگان استفاده کرد؟

ب) آیا جلب رضایت آنها لازم نیست؟

ج) ما در خوابگاههای دانشجویی هستیم، آیا می‌توانیم بدون اجازه از غذای دوستان و هم‌اتاقی‌هایمان استفاده کنیم؟

د) منظور از جمله «کلیدشان به دست شماست» چیست؟

ه) اگر جلب رضایت واجب نباشد، و احتمال مفسده هم ندهیم، سپس مفسده‌ای پیش بیاید، غذای خورده شده چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که یقین یا اطمینان به عدم رضایت داشته باشید، جایز نیست، و اگر بعداً کشف خلاف شود، باید جبران کرد، و در مجموع منظور از آیه کسانی هستند که پیوند آنها با انسان به اندازه‌ای نزدیک است که علی‌القاعده راضی هستند.

۲۵- کاروانهای عروسی

سؤال ۱۷۷۱- گل کاری کردن ماشین، و بوق زدن در سطح شهر، اگر موجب جلب نظر نامحرم به داخل ماشین، یا باعث اذیت و

مزاحمت مردم شود، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر برای مردم تولید مزاحمت کند، اشکال دارد.

سؤال ۱۷۷۲- مدتی است که کاروانهای عروسی به آستان مقدس حضرت محمد بن موسی الکاظم علیه السلام- سبز قبا- می آیند. ولی متأسفانه به دلیل عدم رعایت حجاب و پوشش اسلامی کامل توسط عروس و دامادها، و این که بعضی از آنها تنها به فیلمبرداری و عکاسی و نماد قرار دادن ضریح متبرک ک قناعت می کنند، موجبات توهین و بی حرمتی نسبت به حریم مقدس آن حضرت را فراهم آورده اند. ممانعت از ورود کاروانهای عروسی به داخل اماکن مذهبی چه حکمی دارد؟

جواب: لازم است این کاروانها جهات شرعی و شئون آن اماکن متبرک را رعایت کنند، و مسئولین این اماکن مقدسه باید از طرق صحیح، از جمله نصب

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۶

پلاکاردهایی هشدار دهنده، و توزیع اوراق چاپی، و تذکرات پی در پی، به گونه ای که به درگیری و خشونت منتهی نشود، مسأله را دنبال کنند.

۲۶- کنوانسیون محو اشکال تبعیض علیه زنان

سؤال ۱۷۷۳- با توجه به مفاد کنوانسیون، آیا موارد تعارض این معاهده بین المللی با احکام اسلامی را به گونه ای ارزیابی می نماید که با حذف برخی موارد جزئی آن، به گونه ای که با روح کنوانسیون، یعنی رفع هرگونه تمایز، منافات نداشته باشد می توان موارد تعارض آن را با احکام اسلامی از میان برداشت و به این معاهده پیوست؟

جواب: تعارض مفاد این کنوانسیون، که در بالا- به آن اشاره شد، به حدی است که قابل تطبیق بر قوانین اسلامی نیست. ولی در بعضی از موارد راه حلهایی وجود دارد. امّا به طور کامل هیچ راهی برای آن موجود نیست. چه خوب است مسلمانان جهان برای حفظ مکتب خود با این گونه امور از موضع انفعالی برخوردار نکنند، و به جای خودباختگی در برابر این قراردادهای تحمیلی، علمای بزرگ آنها گرد هم بنشینند، و آنچه مورد اتفاق و اجماع است تبیین کنند، و موارد اختلافی را به اجتهاد مجتهدین واگذارند، و برای همیشه تحمیل کنندگان فرهنگها و مقررات بیگانه را از سازش به قیمت مخالفت با ضرورت اسلام مأیوس سازند.

سؤال ۱۷۷۴- از آنجا که برخی از مواد کنوانسیون مذکور از نظر فقهی قابل نقد است، مستدعی است نظر مبارک خود را نسبت به موارد زیر بیان نماید:

۱- بر اساس ماده یک این معاهده، باید هرگونه تمایز، استثنا و یا محدودیت بر اساس جنسیت در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، و یا هر زمینه دیگر لغو گردد.

با توجه به این ماده تفاوت زن و مرد در مواردی چون، میزان پوشش واجب بدن، نظر و لمس بدن جنس مخالف، ديه، قصاص، شهادت، ارث، طلاق، تعدد همسران، امامت جماعت، لزوم تمکین جنسی، ولایت بر فرزندان، سرپرستی خانواده، حق

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۷

حضانت، عیوب موجب فسخ نکاح، نشوز، لزوم سپری شدن عده برای ازدواج بعدی، مرجعیت و قضاوت؛ تبعیض تلقی می گردد، و باید از میان برداشته شود. آیا تساوی زن و مرد در موارد ذکر شده با احکام شرع مطابقت دارد؟

جواب: بی شک مساوات کامل، نه تنها مخالف ضرورت فقه شیعه، بلکه مخالف ضرورت اسلام و بر خلاف نص صریح قرآن و روایات متواتره است، و هیچ یک از علمای اسلام، نه در گذشته و نه در حال، اعتقاد به چنین مساواتی نداشته اند. اصولاً باید این معنی برای مجامع جهانی تبیین گردد که ملتها نمی توانند با فرهنگ و مذهب خود وداع کنند، و چشم و گوش بسته تسلیم مقرراتی

شوند که نه در تصویب آن حضور داشته‌اند، و نه از نظر وجدان و منطق قطعیت دارد.

ممکن است در بعضی از موارد جزئی، گفتگویی در میان علمای اسلام باشد، امّا مساوات کامل به صورتی که گفته شده هیچ موافقی ندارد.

سؤال ۱۷۷۵-۲- با توجه به این که ماده ۹ و ماده ۱۵ بند ۴ در مورد کسب، تردّد، تغییر و یا حفظ تابعیت خود و فرزندان، زن و مرد را مساوی می‌داند، آیا زن بدون موافقت همسر می‌تواند به تابعیت هر کشوری درآید، و یا در هر شهری سکنی گزیند؟
جواب: این یکی از مواردی است که در بالا- به آن اشاره شد، و با احکام و فرهنگ اسلامی سازگار نیست. به علاوه بدون شک سرچشمه مفساد زیادی در جوامع انسانی می‌شود، که نمونه‌های آن را در همان کشورهای صنعتی مشاهده می‌کنیم، و آمارها در مورد متلاشی شدن خانواده‌ها شاهد گویایی بر این مطلب است. آری اگر زن تابعیت کشور مورد نظرش را بپذیرد، ولی عملاً محل سکونت را با رضای زوج انتخاب کند اشکالی ندارد.

۲۷- گروههای منحرف

سؤال ۱۷۷۶- گروهی از مردم عقیده دارند که خداوند (نعوذ بالله) در حضرت علی علیه السلام حلول کرده، که در فارسی به «علی اللّهی» مشهور هستند، و به زبان ترکی آنها را استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۸

«گوران» می‌خوانند، و به بیان خودشان «اهل حق» گفته می‌شوند. این فرقه در شهر ما زیاد هستند، و با همه رفت و آمد دارند، و هفته‌ای یک بار در خانقاه جمع می‌شوند، و در آن جلسه یکی از کتابهای آنها برای سرسپردگان قرائت می‌شود.
علایم ظاهری آنها این است که سیل هایشان را اصلاً اصلاح نمی‌کنند، تا حدی که دهانشان را می‌پوشاند. در زمانهای قدیم به علت آگاهی دادن روحانیت، مردم چندان با اهل این فرقه معاشرت نداشتند، نه از آنها دختری می‌گرفتند، و نه به آنها دختری می‌دادند، و حتی قبرستان آنها از قبرستان دیگر مسلمانان جدا بود. ولی بعد از انقلاب اسلامی، به خصوص در چند سال اخیر، که صوفیگری را تبلیغ می‌کنند، به خود جرئت داده و تشکیلاتی کار می‌کنند، و عقاید خود را مرموزانه ترویج و اشاعه می‌دهند، و از مسلمانان کسانی هستند که آگاهانه و یا نا آگاهانه دختران خود را به پسران این فرقه می‌دهند، یا از افراد این فرقه فاسد برای آشپزی مراسمات مسلمان دعوت می‌کنند. نظرتان پیرامون این گروه و حشر و نشر با آنها چیست؟

جواب: با توجه به آنچه درباره عقیده طایفه گوران، که در آن منطقه هستند نوشته‌اید، آنها گروهی منحرف و دور از حقیقت اسلامند. آنها را تا می‌توانید توجیه و ارشاد کنید، و اگر از عقاید خود دست بردارند، از آنها دوری کنید.

سؤال ۱۷۷۷- با عنایت به این که در منطقه آذربایجان شرقی در ارتباط با «بابک خرم‌دین» و افکار وی، شبهاتی ایجاد شده، خواهشمند است نظر مبارک خود را در ارتباط با ایشان مرقوم فرمایید. ضمناً بفرمایید که صرف بیت المال در راستای اشاعه نام و یاد ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: نامبرده دارای انحرافات مهمی بوده، و سزاوار است به خاطر تعصبات قومی دنبال او را نگیرند، و صرف بیت المال و غیر بیت المال در این راه جایز نیست.

سؤال ۱۷۷۸- همه اهالی منطقه ما شیعیان دوازده امامی‌اند، اما از نظر علمی، فرهنگی (چه دنیوی و چه دینی) خیلی عقبند. و بخاطر اهمیت فراوان آن، سیاحان

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۱۹

شرق و غرب برای کوه‌نوردی وارد این منطقه می‌شوند، و با توجه به ضعف فرهنگی و نبودن امکانات و مدارس، افراد فوق برای

مردم مراکز فرهنگی تأسیس، و باغات احداث می‌کنند، و مردم ساده که از عواقب آن اطلاعی ندارند، تحت تأثیر قرار می‌گیرند. آیا در چنین مناطقی، زمین دادن به غیر مسلمانان برای احداث مراکز فرهنگی، و فرستادن فرزندانشان به آن مراکز، جایز است؟ جواب: با شرحی که نوشته‌اید، کمکهای این گروه مشکوک یا مقطوع الفساد است. مؤمنین باید از آنها بپرهیزند، و فریب نقشه‌های دشمنان را نخورند. ولی اگر از کشورهای مسلمان، یا بی‌طرف، یا مراکز جهانی کمکهای بی‌قید و شرط و آبرومندانه‌ای شود، پذیرش آن ضرری ندارد. ضمناً مردم می‌توانند از نصف سهم مبارک امام زیر نظر روحانیون معتمد محلّ به جای این گونه کمکها استفاده کنند.

۲۸- گناهن

الف) قاچاق

سؤال ۱۷۷۹- نظر به این که در مناطق مرزی، امر قاچاق کالا، از همه نوع، رواج فراوان داشته و دارد، و ضررهای جبران‌ناپذیری بر اقتصاد و فرهنگ زده و می‌زند، این جانب با همکاری تنی چند از دوستان، و ان شاء الله کمک شما بزرگواران، در حال تدارک برنامه‌ای برای مبارزه با امر قاچاق هستم. به همین جهت سؤالاتی طرح نموده، خواهشمندم پاسخ آن را مرقوم فرمایید.

۱- حکم قاچاق کالا به طور کلی، اعم از اشیایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم فساد آور است، از نظر شرع مقدّس اسلام چیست؟

۲- آیا قاچاق خیانت به کشور و مردم محسوب می‌شود؟ آیا قاچاقچیان، و کسانی که به هر وسیله‌ای به آنها کمک می‌کنند، در حکم منافقینند؟ آیا قرآن کریم یا احادیث، بیان خاصی در مورد این گونه افراد دارد؟

۳- استفاده افراد دیگر از اموال فرد قاچاقچی، در قبال پول یا مجانی چگونه است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۰

۴- اگر پول حاصل از قاچاق، توسط شخصی که آن را به دست آورده، یا اشخاص دیگر، در مسیر کارهای تولیدی، یا خدماتی و مانند آن از کارهای سالم قرار گیرد، اصل پول و درآمد حاصل از آن چه حکمی پیدا می‌کند؟

۵- اگر گذران زندگی به سختی انجام شود، اشتغال به قاچاق جایز است؟

۶- افراد جامعه در قبال قاچاقچیان، و به طور کلی پدیده قاچاق چه برخوردی باید داشته باشند؟

۷- متأسفانه امر رشوه توسط قاچاقچیان بین برخی ارگانهای دولتی شایع گشته است، چه توصیه‌ای برای این افراد دارید.

جواب ۱ تا آخر: قاچاق کالا (یعنی ورود غیر قانونی آن از مرزها) بر خلاف دستور شرع است، و باید از آن به شدت پرهیز کرد. مخصوصاً هنگامی که موجب ضرر و زیان جامعه می‌شود، و به اقتصاد کشور اسلامی لطمه وارد می‌کند، و کمک کردن به قاچاقچیان در امر قاچاق جایز نیست. و گرفتن رشوه در این زمینه گناه مضاعف دارد، و بر همگان لازم است امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکنند.

ب) خودکشی

سؤال ۱۷۸۰- متأسفانه چند سالی است که در شهر ما خودکشی شایع شده، و عده‌ای از جوانان و نوجوانان اقدام به این کار زشت می‌کنند. ولی بنظر می‌رسد که اگر جنبه شرعی و عواقب اجتماعی آن به صورت مشروح برای این گروه سنی تشریح گردد، بسیاری از آنها از عمل خود منصرف گشته، و حتی فکر آن را نخواهند کرد. با عنایت به این موضوع، لطفاً به سؤالات زیر پاسخ دهید:

الف) حکم شرعی قتل نفس چیست؟

ب) با توجه به این که بدن متعلق به خود شخص می‌باشد، نه به دیگری، و مسئولیت آن به خود شخص برمی‌گردد، چرا خودکشی حرام است؟

ج) افرادی که قتل نفس می‌کنند، در عالم برزخ چه وضعی خواهند داشت؟
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۱

د) فردی که خودکشی می‌کند، آیا اثر سوء این عمل در دادگاه خداوند متعال، گریبانگیر والدین او نیز می‌شود؟

ه) گرفتن مجالس سوگواری و دفن آنها در قبرستان مؤمنین چگونه است؟

و) در برخی موارد، خانواده‌های داغ‌دیده با این توجیه که این کار در حالت عادی صورت نگرفته، آداب و رسوم مرگ طبیعی را برای آنها اعمال می‌کنند، آیا این عمل صحیح است؟

ز) آیا افرادی که خودکشی می‌کنند از شفاعت اهل بیت برخوردار می‌گردند؟

ح) آیا احتمال بخشودگی در درگاه حق تعالی، با عنایت به فرمایشات معصومین علیهم السلام برای چنین افرادی، وجود دارد؟

جواب الف تا ح: خودکشی به یقین از گناهان کبیره است، و مالکیت انسان نسبت به نفس خویش، نمی‌تواند دلیل بر خودکشی شود. همان گونه که مالکیت انسان نسبت به اموالش، نمی‌تواند مجوز آتش زدن آن گردد. البته باید تمام مراسم را برای این گونه افراد مانند مسلمان عادی انجام داد، و برای نجات آنها دعا کرد، شاید مشمول عفو الهی واقع شوند.

سؤال ۱۷۸۱- با عنایت به این که در بعضی از مناطق خودکشی، مخصوصاً در بین زنان، زیاد شده، خواهشمند است حکم آن را بیان فرمایید.

جواب: خودکشی به هیچ وجه جایز نیست، و به حکم شرع حرام و از گناهان کبیره است. امام ششم علیه السلام می‌فرماید: «کسی که عمداً خودش را بکشد، برای همیشه در آتش جهنم می‌ماند، و برای او خلاصی نیست.»

ج) حقیر شمردن گناه

سؤال ۱۷۸۲- آیا کارهایی همچون حقیر شمردن، یا خوش‌حالی از گناه، یا آشکار کردن آن (چه کبیره و چه صغیره)، باعث مضاعف شدن مجازات جرم مورد نظر می‌شود، یا گناه کبیره مستقلی محسوب می‌گردد؟
جواب: این امور گناه دیگری محسوب می‌شود.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۲

د) اهانت

سؤال ۱۷۸۳- اهانت به چه معناست؟ آیا از کبایر است؟

جواب: اهانت به معنای توهین و تحقیر نمودن مسلمانان، و از کبایر است.

ه) سوء ظن

سؤال ۱۷۸۴- بنده در یک جلسه، که مردم جمع بودند، عرض کردم: «فلان جا هم جلسه‌ای هست، شرکت کنید.» چند روز گذشت. در خلوت، نه در انتظار دیگران، به شخصی عرض کردم: «چرا شما به این جلسه نمی‌آیید؟ نمی‌خواهم تجسس کنم، ولی چون می‌دانم نسبت به جلسات حساسیت دارید، و اهمیت می‌دهید؛ انتظار داشتم مردم را به این جلسه تشویق کنید.» آن شخص گفت:

«شما نسبت به من سوء ظنّ دارید!» آیا این طرز برخورد بنده از نظر شرعی سوء ظنّ محسوب می‌شود؟
جواب: این مقدار که گفته‌اید، سوء ظنّ نبوده و اشکالی ندارد.

(و) آشکار کردن گناه

سؤال ۱۷۸۵- آیا آشکار کردن گناه، در جایی که غرض عقلایی وجود دارد (مثل آشکار نمودن نزد طیب یا عالم) جایز است؟
جواب: در آنجا که ضرورتی داشته باشد، و بدون آن ضرورت برطرف نشود، اشکالی ندارد.

(ز) هجرت از محیط گناه

سؤال ۱۷۸۶- در شهر تهران فساد و منکرات و بدحجابی شایع گشته، و متأسفانه مسئولان نظام هم در خواب سنگینی فرو رفته‌اند. این جانب از دوران بلوغ، از لحاظ اجتماعی و مخصوصاً دینی با محیط تهران ناسازگارم، و به هیچ وجه تاب تحمل آن را ندارم. با توجه به دستور اکید خداوند متعال در قرآن کریم، سوره مبارکه نساء، آیه ۱۰۰، آیا برای نجات خود از این فساد، بهتر نیست به شهرهای مقدّسی چون قم یا استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۳ مشهد هجرت نمایم، تا هرچه زودتر از این نابسامانی روحی نجات پیدا کنم؟
جواب: در صورتی که هیچ راهی برای حفظ دین و ایمان خود جز هجرت نمی‌بینید، هجرت کار لازم و شایسته‌ای است؛ ولی این کار را با مطالعه بیشتر و موافقت پدر و مادر انجام دهید.

(ح) توبه از گناه

سؤال ۱۷۸۷- انسان بسیار گنهکاری هستم، و گناهان وحشتناکی مرتکب شده‌ام. از اعمال گذشته توبه کرده، و در اولین مرحله، پشیمان و نادم هستم. آیا خدا مرا می‌بخشد؟ چه کارهایی اجر بسیار زیاد دارد، که در ابتدا آنها را انجام دهم، تا آرامش یابم؟
جواب: بالاترین عمل، امیدواری به عفو و بخشش الهی، و پرهیز از آنچه خداوند در قرآن، و پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام در فرمایشاتشان فرموده، و علما و مجتهدین در رساله‌ها بیان کرده‌اند. سعی کنید با کارهای خوب آینده، مخصوصاً خدمت به مردم با دست یا زبان یا مال، اعمال بد گذشته را جبران کنید.
سؤال ۱۷۸۸- اگر انسان قبل از بلوغ گناهایی که مربوط به خودش باشد (نه حقّ الناس) را با علم و آگاهی مرتکب شده باشد، حکمش چیست؟
جواب: از جواب بالا معلوم شد.

۲۹- مراسم ولادت امام هفتم علیه السلام

سؤال ۱۷۸۹- سالروز ولادت امام هفتم علیه السلام، مقارن با ایام سوگواری حضرت سید الشهداء علیه السلام و یارانش می‌باشد، که جمع بین این دو در اذهان عمومی تا حدّی متناقض می‌نماید. در حالی که نسبت به میلاد حضرت زینب کبری علیها السلام که در ایام فاطمیه و در شعاع شهادت حضرت زهرا علیها السلام قرار گرفته، این مشکل به ذهن نمی‌آید.
در مقایسه این دو، نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱- فاصله زمانی ولادت امام موسی بن جعفر علیه السلام (هفتم صفر، بنابر تنها روایت

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۴

(موجود) از شهادت امام حسین علیه السلام حدود ۲۶ روز می‌باشد. در حالی که میلاد حضرت زینب علیه السلام (پنجم جمادی الاولی) با شهادت حضرت فاطمه علیها السلام (سیزده جمادی الاولی) هشت روز فاصله دارد.

۲- بی‌شک مقام و مرتبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که هفتمین امام شیعیان است، از حضرت زینب علیها السلام که از مقام امامت برخوردار نیستند، بالاتر است، و به همین نسبت، میلادشان نیز اهمیت بیشتری دارد.

۳- با توجه به احادیث معتبر، بر هیچ کس پوشیده نیست که در جمع معصومین علیهم السلام، شأن و منزلت بانوی محشر، مرکز اتصال نبوت به ولایت، امّ الائمه، حضرت زهرا علیها السلام نیز از فرزندش امام حسین علیه السلام والاتر است.

ولی با کمال تعجب محافل مذهبی در سالروز میلاد حضرت زینب علیها السلام به جشن و سرور پرداخته، لکن به زاد روز آن امام همام اهتمام نورزیده، و مع الاسف بی‌توجه از کنار آن می‌گذرند، بلکه عموم مذهبی‌ها در برخورد با مجلسی تحت عنوان بزرگداشت ولادت حضرتش، به طرح اشکال می‌پردازند. لطفاً در این راستا به دو سؤال زیر پاسخ فرمایید:

الف) نظر حضرت تعالی در مورد موضوع فوق چیست؟

جواب: با توجه به این که معمول شیعه آن است که عزاداری امام حسین علیه السلام را تا اربعین ادامه می‌دهد، و در پایان ماه صفر نیز وفاتهای متعددی است؛ به خاطر این جهات مختلف، کلّ دو ماه محرم و صفر در عرف پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به عنوان دو ماه سوگواری معروف شده است، به همین دلیل از برگزاری جشن عروسی در تمام این دو ماه اجتناب می‌کنند؛ از این جهت تولّد امام کاظم علیه السلام تحت الشعاع مصائب مختلف مجموع این دو ماه قرار گرفته است. در حالی که مسأله تولّد حضرت زینب علیها السلام در مقایسه با شهادت زهرا مرضیه علیها السلام این چنین نیست.

علاوه بر این، در بعضی روایات نیز آمده که بعد از واقعه کربلا تا چهل روز آثار عزای آن حضرت در طبیعت نیز بوده است. این نکته نیز فراموش نشود که طبق بعضی روایات معروف، روز هفتم ماه صفر، روز شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۵

است. به خصوص این که ولادت حضرت زینب علیها السلام قبل از شهادت زهرا مرضیه است.

ب) با عنایت به مقدمه مطوّل و موارد سه گانه فوق الذّکر، آیا برپایی محفل میلاد زاد روز حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، و ذکر میلاد آن بزرگوار، و ابراز سرور و شادی توسط محبّان آن حضرت، خلاف شرع است؟

جواب: خلاف شرع نیست؛ ولی اولی آن است که حرمت اربعین (چهل روز) شهادت، مقدّم داشته شود.

۳۰- مسائل عمومی مشاغل

سؤال ۱۷۹۰- اگر نگهبانی به وظیفه خود عمل نکند (مثلاً سر وقت در محلّ پست خود حاضر نشود) آیا پولی که می‌گیرد و غذایی که مصرف می‌کند، اشکال شرعی دارد؟

جواب: هر کارگر و کارمندی به وظیفه‌اش عمل نکند، حقوق او اشکال دارد.

سؤال ۱۷۹۱- شخصی ۱۴ الی ۱۵ سال است که در اداره‌ای خدمت می‌کند، و چون استخدام شده، باید مبلغ معینی به او بدهند تا از آنجا برود. آیا می‌توان او را اخراج کرد؟

جواب: آری در صورت تخلف و نپذیرفتن تذکرات، اخراج او بی‌مانع است؛ ولی حقّ و حقوق عرفی و قانونی او را باید پرداخت کرد.

سؤال ۱۷۹۲- بعضی ادارات به شاگردان ممتاز کارمندانشان مبلغی به عنوان جایزه می‌دهند. اگر یکی از این کارمندا کارنامه شخص دیگری (مثلاً برادرزاده‌اش) را ارائه دهد، استفاده از جایزه دریافتی چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که مخالف مقررات آن اداره باشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۳- ارگانهای دولتی افرادی را از طریق امتحان و مصاحبه و مانند آن، و تعدادی را نیز از طریق رابطه و پارتی‌بازی، گزینش و به کار می‌گیرند. به نحوی که اگر این رابطه نبود، افراد دیگری را از طریق امتحان و مصاحبه، جذب می‌کردند.
استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۶
حقوق و مزایای افرادی که از طریق پارتی‌بازی، جذب کار شده‌اند چه حکمی دارد؟
جواب: اصل این کار جایز نیست، و حقوقی که می‌گیرند اشکال دارد.

سؤال ۱۷۹۴- همان‌طور که مستحضرید امکانات و وسایل دولتی، نظیر خودرو، در صورتی که تمامی هزینه آن توسط بیت المال پرداخت گردد، خودرو خدمت محسوب می‌شود، و استفاده شخصی از آنها ممنوع است. آیا اجازه مقام مافوق مجوز استفاده شخصی از این وسایل می‌گردد؟ به عبارتی ساده‌تر، آیا مافوق می‌تواند اجازه دخل و تصرف در بیت المال را صادر کند؟
جواب: در صورتی که مطابق مقررات چنین اجازه‌ای نداشته باشد، استفاده از آن جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۵- ریختن اجناس زائد (میوه‌های فاسد، کارتن، بسته‌ها، و مانند آن) به داخل جوی آب چه حکمی دارد؟
جواب: ریختن آنها در جوی آب، و آنچه باعث اذیت و آزار و ضرر و زیان مردم می‌شود، جایز نیست، و بهتر است در مکانهایی که معمولاً برای آن کار در نظر گرفته شده ریخته شود.

سؤال ۱۷۹۶- طبق قانون ساعت ورود و خروج برای کلیه پرسنل ادارات (حتی رئیس و مدیر کل) یکسان می‌باشد. آیا صرف ریاست مجوز تخلف از قانون می‌شود؟

آیا رئیس یک اداره حق دارد هر زمان که اراده کرد وارد یا خارج شود، و ساعتی برای این کار ثبت نکند؟
جواب: تفاوتی بین رئیس و مرئوس از این جهت نیست. مگر این که مقررات اداره متبوعه، حق خاصی برای شخصی در نظر گرفته باشد.

سؤال ۱۷۹۷- در بعضی ادارات مزایایی به عناوین مختلف، که قبلاً واقعیت خارجی داشته، به رؤسا پرداخت می‌شود. مثل این که چون بازرسان اداره در مدت سکونت در شهر محلّ مأموریت به علت عدم وجود مهمانسرا، در منزل رئیس اداره پذیرایی می‌شدند، لذا مبلغی به عنوان حق سفره به آنها پرداخت می‌گردید، اما با توجه به این که در حال حاضر چنین مواردی به وجود نمی‌آید، و عناوین از بین رفته، و هر

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۷

اداره امکانات کافی برای امثال این امور تدارک دیده است، دریافت چنین مبالغی از بیت المال چه حکمی دارد؟
جواب: در صورتی که خلاف مقررات باشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۸- در بعضی ادارات دولتی، آخرین حد اضافه کاری ۱۲۰ ساعت است، که محاسبه آن به دقت توسط رئیس اداره انجام می‌شود. در حالی که برای خود رئیس اداره بدون انجام هیچ گونه محاسبه، و حتی انجام اضافه کاری، این حد لحاظ می‌شود. آیا دریافت این مبلغ بدون انجام کار، و حتی مبلغ نهایی به خاطر چند ساعت مجاز می‌باشد؟
جواب: در صورتی که خلاف مقررات باشد جایز نیست.

سؤال ۱۷۹۹- دیر آمدن و زود رفتن از محل کار چه حکمی دارد؟
جواب: باید وقت را شرعاً مراعات کنند.

سؤال ۱۸۰۰- هنگامی که به حضرت علی علیه السلام اعتراض کردند: «چرا در حقوق و تقسیم بیت المال فرقی نمی گذارید...» ایشان فرمودند: «در کتاب خدا که فرقی ندیدم، و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله را هم که خودتان دیدید!» پس تفاوت حقوق‌ها بر چه اساسی است؟

جواب: ظاهراً آنچه در آن حدیث و احادیث مشابه آن آمده، ناظر به مال الخراج است؛ زیرا اراضی خراجیه متعلق به همه مسلمین می‌باشد، و باید به طور مساوی تقسیم شود. به علاوه بعید نیست این سخن اشاره به امتیازاتی باشد که در زمان عثمان میان شرفای قبایل و زورمندان قائل می‌شدند. ولی اگر تفاوت به خاطر کثرت عائله، یا خدمت بیشتر، و فعالیت افزونتر در امور اسلامی باشد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۰۱- کارکنانی که در ادارات مشغول خدمت هستند، نوعی اضافه کار، یا حق الزحمه- به تناسب مشارکت در انجام برخی از فعالیتها- دریافت می‌کنند. اگر به هر یک از کارکنان به تناسب فعالیتی که انجام داده‌اند حق الزحمه‌ای بیشتر یا کمتر تعلق گیرد تکلیف چیست، و چه تکلیفی متوجه عامل تقسیم و کارمند مربوط است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۸

جواب: عامل تقسیم باید مطابق قانون و برنامه عمل کند، و حق کسی را ضایع نکند. و اگر خلاف کرد، کارکنان حق اعتراض دارند.

سؤال ۱۸۰۲- آیا مسئول حراست یک اداره می‌تواند فرد مسلمان نماز خوان شیعه دوازده امامی را جهت تست اعتیاد بالاجبار وادار نماید که به طور ایستاده و بدون آب و طهارت در شیشه‌ای ادرار نماید؟

جواب: آزمایش عدم اعتیاد نیازی به چنین کارهایی ندارد، و هیچ کس نباید دیگری را به این گونه کارها مجبور کند.

سؤال ۱۸۰۳- در نوبت کاری شب به افرادی که در این مرکز نگهداری می‌شوند غذای ساده‌ای می‌دهند. پرسنل، یا از غذای ظهر که مفضل تر بوده برای شام خود استفاده می‌کنند، یا از انبار، مواد اولیه می‌گیرند و برای خود غذای دیگری می‌پزند، که با غذای کسانی که در این مرکز نگهداری می‌شوند تفاوت دارد. لطفاً بفرمایید:

۱- خوردن غذایی که با غذای سالمندان متفاوت است، چه حکمی دارد؟

۲- خوردن غذا همراه و مانند سالمندان (از نظر نوع و طرز پخت) مخصوصاً هنگام افطار و سحر در ماه مبارک رمضان چه حکمی دارد؟

جواب: این کار اصولاً با روح آداب اسلامی سازگار نیست، و اگر برخلاف مقررات تغذیه آن محل باشد، حرام است.

سؤال ۱۸۰۴- شخصی مأمور خرید یک شرکت است، و از مغازه خاصی برای آن شرکت خرید می‌نماید. البته اجناس آن مغازه ارزان‌تر از جاهای دیگر است، و آن شخص در حد ممکن چانه می‌زند. بنابراین خرید از آن مغازه به نفع شرکت می‌باشد. ولی صاحب مغازه مبلغی به مأمور خرید می‌دهد، که همیشه از آن مغازه خرید کند.

گرفتن این پول چه حکمی دارد؟

جواب: هرگاه آن پول از محل درآمد صاحب مغازه باشد، و اثری روی قیمت اجناس خریداری شده نگذارد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۰۵- برخی از مؤسسات و دستگاهها به خاطر ارائه خدمات، از مردم پول دریافت می‌کنند، (و به منظور کمک به کارمندان و کارکنان آن مرکز، درصدی از

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۲۹

درآمد فوق میان اعضا تقسیم می‌شود) حال اگر کارمند یا کارمندانی برای افزایش درآمد مؤسسه، اقدام به گرفتن هزینه به ناحق از مراجعه کننده نمایند، تا از سهم بیشتری برخوردار شوند، آیا در صورت اطلاع از عمل فوق، دریافت پول از مرکز مربوطه (چه دولتی

و چه غیر دولتی) شرعاً و قانوناً مجاز است؟ (لازم به یادآوری است که درآمد مرکز مربوطه در یک محل جمع‌آوری شده، سپس میان اعضا تقسیم می‌گردد).

جواب: اگر چیزی بیش از مقررات آن مؤسسه دریافت دارند جایز نیست، و تقسیم آن نیز حرام است.

سؤال ۱۸۰۶- چنانچه یکی از کارکنان بانکها یا مؤسسات دولتی، با استفاده از اسم و عنوان و تخصص خود، در ساعات غیر اداری برای کسی که مشتری بانک یا مؤسسه است کار کند، و حقوق دریافت نماید، در صورتی که در بانک یا مؤسسه خود به تخصص او نیاز باشد و حاضر به انجام کار اضافی نگردد، حقوق دوم او چه وضعی دارد؟

جواب: کسی مجبور نیست تخصص خود را در خارج از دایره قراردادش در اختیار دیگری بگذارد.

سؤال ۱۸۰۷- چنانچه شرکتی، با این هدف که از موقعیت شغلی کارگزاران دولت، یا بانکها برای کسب امتیازات مالی و پشتیبانی از برنامه‌های خود بهره‌مند شود، کارمندی را به عنوان عضو هیئت مدیره شرکت معرفی، یا انتخاب نموده، و با واگذاری سهام در سرمایه شرکت شریک نماید، و آن شخص نیز به هر ترتیب از قصد شرکت آگاه باشد، آیا حقوقی که از طرف شرکت به وی پرداخت می‌شود، یا اصل سود سهامی که از طریق مذکور به نام او ثبت گردیده، برای گیرنده حلال است؟ حقوقی که شخص مذکور از مؤسسه اصلی متبوع می‌گردد چه حکمی دارد؟

جواب: چنانچه برنامه جدید مزاحمتی با کار قبلی نداشته باشد، و بر خلاف مقررات و تعهدات او نباشد، هر دو حقوق برای او حلال است.

سؤال ۱۸۰۸- آیا کار کردن نزد شخصی که درآمدش از پول حرام است، جایز می‌باشد؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۰

جواب: اگر یقین داشته باشید که مزد شما را از پول حرام می‌دهد، جایز نیست.

سؤال ۱۸۰۹- آیا تجمل‌گرایی در ادارات را به عنوان آبروی مملکت می‌دانید؟

جواب: اگر تجمل‌گرایی به معنای اسراف و تبذیر باشد، حرام است، و اگر اسراف و تبذیر نیست، بهتر ترک آن است.

سؤال ۱۸۱۰- از قدیم الایام کار در خارج خانه بر دوش مردان بوده است. اکنون به خاطر جهل بعضی از مردان، برخی از مشاغل اجتماعی را، که نیاز به بودن زن نمی‌باشد، به آنها محول کرده‌اند. آیا صحیح است که بعضی از زنان، مشاغل مردان را بدست بگیرند، در حالی که طبیعت برای هر یک از زن و مرد، مشاغل مختص به خود را قرار داده است؟

جواب: اشتغال زنان به کار، با حفظ جهات شرعی، حرام نیست. ولی بی‌شک مسأله تربیت فرزندان برای زنان مهمتر است.

۳۱- مشاغل خاص

الف) شغل روحانیت

سؤال ۱۸۱۱- هدف شما از طلبگی، و رمز موفقیتتان در این راه چه بوده است؟

جواب: در صورتی که نظم و پشتکار و خلوص نیت برای خدمت را رعایت کنید موفق خواهید شد.

سؤال ۱۸۱۲- آیا طلبه‌ای که لباس روحانیت می‌پوشد، باید همان موقع به تبلیغ برود؟ به نظر شما یک طلبه چه موقعی باید لباس بپوشد؟

جواب: بعد از اتمام لمعتین زمان مناسبی برای پوشیدن لباس روحانیت است.

و چه بهتر که از همان زمان تمرین تبلیغ را شروع کند، و سپس به تبلیغ برود.

سؤال ۱۸۱۳- به نظر شما متحجّر به چه کسانی گفته می‌شود؟

جواب: معمولاً این کلمه درباره‌ی کسانی به کار برده می‌شود که تأثیر شرایط و زمان و مکان را در مسائل شرعیّه درک نمی‌کنند.

سؤال ۱۸۱۴- نظر حضرت‌عالی در مورد سخن امام راحل قدس سرّه که فرمودند «هرکس در

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۱

مدرسه بماند و درس نخواند، حرام است.» چیست؟

جواب: اگر درس نخواند، استفاده‌ی او از مدرسه غاصبانه و حرام است.

سؤال ۱۸۱۵- اگر در حوزه علمیه‌ای، برای کنترل شهوت، در غذا کافور بریزند، با توجه به مضراتی که می‌تواند برای نطفه داشته

باشد، و امکان عقیم شدن انسان نیز می‌رود، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: اگر احتمال خطر و ضرر قابل ملاحظه‌ای باشد، جایز نیست، و معمولاً مقدار بسیار کمی می‌ریزند که ضرر و خطر نداشته باشد.

ب) خدمه‌ی هواپیماها

سؤال ۱۸۱۶- گرفتن غذاهای اضافی در پروازهای هوایی، برای خدمه و مانند آنها، در صورتی که امکان نگهداری برای پرواز بعد،

یا تحویل به کترینگ وجود دارد، و غذا فاسد نمی‌شود، چه صورت دارد؟

جواب: در صورتی که مقررات اجازه دهد، اشکالی ندارد.

ج) رفتگران

سؤال ۱۸۱۷- بعضی از رفتگرها با این که از شهرداری حقوق می‌گیرند، و فقیر و عاجز هم نیستند، از مردم نیز مطالبه اجرت

می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: در صورتی که دهندگان پول با میل خودشان به عنوان انعام چیزی به آنها بدهند، مانعی ندارد.

د) کارکنان کمیته‌ی امداد

سؤال ۱۸۱۸- هنگام برگزاری بعضی مراسمات در کمیته‌ی امداد حضرت امام رحمه الله، مانند جشن عاطفه‌ها، از کمک‌های

جمع‌آوری شده، مبالغی به عنوان پاداش به پرسنل برگزارکننده پرداخت می‌گردد. این کار چه حکمی دارد؟

جواب: تنها می‌توان اجرت زحمات آنها را از آن کمکها پرداخت کرد.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۲

ه) طلافروشان

سؤال ۱۸۱۹- خرید طلا از کسانی که احتمال داده می‌شود طلایشان سرقتی باشد، چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که احتمال قابل ملاحظه‌ای باشد اشکال دارد.

سؤال ۱۸۲۰- معاوضه‌ی طلا با عیار ۲۱، به طلای ۱۸ عیار، با تفاوت و زن چه حکمی دارد؟ مثلاً ده مثقال طلای ۲۱ عیار را، به هشت

مثقال طلای ۱۸ عیار معامله کنند.

آیا جایز است؟

جواب: جایز نیست؛ بهتر است دو معامله جداگانه انجام دهند.

سؤال ۱۸۲۱- طلا فروشان در هنگام خرید، نگین را از انگشتر یا گردنبند جدا می‌کنند، و در هنگام فروش طلا را با نگین می‌فروشند. این گونه معاملات شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که طبق توافق طرفین صورت گیرد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۲۲- نگاه کردن به دست و صورت خانمهایی که برای خرید طلا به مغازه مراجعه می‌کنند چه حکمی دارد؟ اگر ضرورت داشته باشد چه حکمی دارد؟

جواب: نگاه کردن به گردی صورت و دستها تا میچ، هرگاه بدون قصد لذت باشد و خوف وقوع در گناه نرود، اشکالی ندارد.

(و) کارمندان مخابرات

سؤال ۱۸۲۳- این جانب مدتی است که در یکی از باجه‌های مخابرات مشغول به کار هستم. کارفرمایم معتقد است که از نرخهای مخابرات بیشتر باید گرفت. کار دیگری که انجام می‌دهیم، خدمات فوری است؛ مثلاً کارهایی از قبیل خلایف ماشینها باید زود گرفته شود، ولی به دلایلی زود انجام نمی‌شود. وی می‌گوید: «ارباب رجوع را با دروغ بفرست تا بروند» حال اگر من دروغ بگویم، گناه کرده، و به خلق خدا نیز ظلم نموده‌ام، و اگر راستش را بگویم، ارباب رجوع با من درگیر شده، کارم را هم از دست می‌دهم. مشکل دیگر این است که اگر کسی تلفن بزند و مبلغ آن ۲۷ تومان شود، به خاطر نبودن پول خرد، مجبور هستم ۳۰ تومان بگیرم. حکم شرع درباره این مسائل چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۳

جواب: چنانچه نتوانید کارفرما را متقاعد کنید که طبق قوانین و مقررات عمل شود، آن کار را رها کنید، و به دنبال کار مشروعی باشید. ان شاء الله خداوند به شما کمک خواهد کرد.

(ز) دامپزشک

سؤال ۱۸۲۴- دامپزشکی هستم که امور درمانی حیوانات را انجام می‌دهم. با توجه به مسئولیت شغلی این جانب لطفاً بفرمایید: درآمد حاصل از درمان و معاینه سگ و گربه در صورتهای زیر چه حکمی دارد؟

۱- سگ‌ها و گربه‌های ولگرد.

۲- سگ‌ها و گربه‌های اهلی، که به طور عادی در کنار انسانهای زندگی می‌کنند و مشکلاتی می‌آفرینند.

۳- سگ‌ها و گربه‌های اهلی، که برای شکار یا کار دیگر از آنها استفاده می‌شود.

۴- سگ‌ها و گربه‌هایی که به جهت امور زینتی و جایگزین شدن عاطفه در خانه یا محل کار نگهداری می‌شود.

جواب: درمان سگها و گربه‌هایی که فایده مشروعی دارند، و گرفتن اجرت در مقابل آن مانعی ندارد. همچنین در مواردی که حیوانات ولگردی باشند که اگر کنترل نشوند مشکلاتی می‌آفرینند.

(ح) راننده تاکسی

سؤال ۱۸۲۵- سازمان تاکسیرانی جهت هر مقصدی مبلغی را به عنوان کرایه مشخص نموده است. حال اگر عرف جهت همان مقصد

مبلغی مغایر با نظر سازمان در نظر بگیرد، آیا می‌توان طبق عرف عمل کرد؟

جواب: چنانچه سازمان مذکور یک سازمان رسمی است، باید به نرخ آن عمل کرد.

سؤال ۱۸۲۶- آیا می‌توان کرایهٔ بین دو مسیر را طبق عرف محل گرفت، حتی اگر بالاتر از انتهای مسیری باشد که سازمان برای آن کرایه مشخص کرده است؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۴

جواب: در صورتی که مسیر فرق داشته باشد مانعی ندارد.

سؤال ۱۸۲۷- به هنگام گرفتن کرایه بطور ناخواسته و مکرر، دستم با دست زنان نامحرم برخورد می‌کند. حکم آن چیست؟

جواب: حرام نیست؛ ولی سعی کنید چنین اتفاقی نیفتد.

ط) معلمان

سؤال ۱۸۲۸- در برخی اوقات به موجب قانون، انجام خدمت معلمان در مدارس یا مراکز آموزشی مجوز قانونی ندارد. تعدادی از معلمان با علم به غیر قانونی بودن این عمل، با هماهنگی مدیران مدارس، به خدمت (که غالباً به صورت اضافه کار و حق التدریس است) ادامه می‌دهند، ولی حق الزحمهٔ چنین معلمان را به نام افراد دیگری که خدمت آنان منع قانونی ندارد، ثبت کرده، و سپس جمع مبلغ را به شخصی که عملاً فعالیت داشته پرداخت می‌کنند. اولاً: حکم کلی این امر چیست؟ ثانیاً: هر یک از افراد فوق (معلمان، مدیران و معلمان) که اجازهٔ استفاده از نام خود را برای پرداخت حقوق به دیگران می‌دهند چه تکلیفی دارند؟

جواب: اگر این کار با هماهنگی مسئولین بالا انجام گیرد اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۲۹- تعدادی از معلمان در ساعات کار و تدریس، به فعالیت‌های جنبی دیگر مثل بافتنی، خواندن روزنامه و مجلات غیر مربوط به درس و تدریس، و مانند آن می‌پردازند. این کار چه حکمی دارد؟
جواب: جایز نیست.

ی) جاسوسی

سؤال ۱۸۳۰- آیا انسان می‌تواند برای رهایی از تنگناهای شدید غیر قابل تحمل اقتصادی، جاسوسی کند؟ در صورت عدم جواز، اگر پذیرفته باشد چگونه؟
جواب: جایز نیست؛ مگر این که ضرر ناشی از ترک این کار بیشتر باشد. که در این صورت این شغل، اگر منجر به قتل دیگران نشود، جایز است.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۵

۳۲- نگهداری حیوانات

سؤال ۱۸۳۱- آیا برای نگهداری از حیوانات منعی وجود دارد؟ اگر فایده‌ای بر نگهداری حیوان مرتب نباشد، یا صرفاً برای زیبایی، یا صدای خوش آن باشد، (مثل قناری، یا مرغ عشق، یا مانند آن) نگهداری از آن چه حکمی دارد؟
جواب: نگهداری حیوانات مانعی ندارد. ولی سزاوار است افراد با ایمان هدفی از آن داشته باشند؛ هر چند استفاده از زیبایی و

صدای خوش آنها باشد؛ در ضمن باید این امر به اسراف کاری منتهی نشود.

سؤال ۱۸۳۲- امام صادق علیه السلام در حدیثی معروف می‌فرماید: «شایسته است انسان وقت خود را به چهار قسمت تقسیم کند، سپس توصیه می‌کند که یکی از آن چهار قسمت صرف تفریح شود.» این موضوع نشان می‌دهد که تفریح برای یک انسان، خصوصاً برای جوانان لازم است، و باعث می‌شود که دیگر وظایف خود را بهتر انجام دهد. نگهداری از حیوانات که در عین تفریح دارای جنبه‌های علمی و تحقیقی دربارهٔ دنیای آفرینش، تقویت روحیهٔ محبت، و نیز نظاره و دقت بر عجایب خلقت و قدرت خداوند متعال می‌باشد، به نظر جنابعالی چگونه است؟

جواب: نگهداری حیوانات برای اهدافی که در بالا ذکر شد، نه تنها مانعی ندارد، بلکه فواید معنوی و مادی نیز دربردارد. ولی طوری باشد که منتهی به اسراف یا آزار حیوانات نشود.

سؤال ۱۸۳۳- کشتن و آزار حیوانات غیر موزی چگونه است؟ محبت به آنان چه حکمی دارد؟

جواب: کشتن و آزار حیوانات غیر موزی اشکال دارد، و حمایت از آنان خوب است.

سؤال ۱۸۳۴- شکار، خرید و فروش حیواناتی که در حال انقراض می‌باشند، و از منابع طبیعی به شمار می‌روند، و متعلق به همهٔ مردم هستند، چگونه است؟

جواب: هرگونه عملی که سبب انقراض حیوانات شود، و از این ناحیه ضرر و زیانی به جامعه برسد، جایز نیست.

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۶

سؤال ۱۸۳۵- شکار حیواناتی که جنبهٔ تغذیه ندارند، و حرام گوشت هستند، چه حکمی دارد؟

جواب: هر کاری باید هدف مشروعی داشته باشد؛ از جمله شکار حیوانات.

سؤال ۱۸۳۶- نگهداری از حیوانات ماهانه مبلغی هزینه در پی دارد، مانند دانه‌ای که برای قناری یا طوطی می‌خرند، یا کاهو یا سبزی که برای خرگوش، خریده می‌شود. چنین هزینه‌هایی چه حکمی دارد؟

جواب: این هزینه‌ها مادامی که به اسراف منتهی نشود، ایرادی ندارد.

سؤال ۱۸۳۷- اگر محیط زندگی سگ خارج از اتاق باشد، مثلاً در حیاط، یا باغ، یا پشت بام، خانه‌ای برایش بسازند، و مسائل مربوط به طهارت و نجاست را مراعات کنند، نگهداری از آن چه حکمی دارد؟

جواب: اگر پاکی و نجاست رعایت شود، و بودن آن حیوان در خانه فایده‌ای داشته باشد، مانعی ندارد. ولی روشی را که غربی‌ها در مورد سگ دارند، اسلام هرگز نمی‌پسندد.

سؤال ۱۸۳۸- دست زدن به سگ و نوازش آن چگونه است؟ با توجه به این که در سایر نجاسات، مانند خون و مدفوع، دست زدن ایرادی ندارد؛ اما باید آن را تطهیر کرد، آیا می‌توان گفت در مورد حیوان مذکور نیز همین‌طور است؟

جواب: از جواب بالا معلوم شد.

سؤال ۱۸۳۹- معروف است که «تازی» (سگ شکاری) در احکام نجاست و طهارت با سگهای دیگر تفاوت دارد. شاید دلیلش این باشد که- طبق آنچه در تاریخ آمده- اعراب (پس از اسلام) از رفت و آمد تازی به خیمه‌ها ممانعتی نمی‌کردند، و تازی حق داشت

در خیمه با آنها بخوابد، و آن را هدیه‌ای از سوی خدا می‌دانستند. آیا تفاوتی میان تازی و سایر سگها در نجاست می‌باشد؟

جواب: تفاوتی از این جهت میان سگها نیست، و معمولاً مسلمانان از سگها برای سه منظور استفاده می‌کردند: پاسبانی خانه، پاسبانی باغ، و پاسبانی از گله. و در کتب فقهی ما دربارهٔ این سه نوع سگ بحث شده، و به عنوان «کلب الحارس»

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۷

و «کلب الماشیه» و «کلب الحائط» از آنها یاد شده است.

سؤال ۱۸۴۰- بازی با سگ، و نگهداری از آن در خانه‌ها، و همراه داشتن آن در ماشینها و خیابانها، که نوعی تقلید از بیگانگان است، چه صورتی دارد؟

جواب: ترویج این گونه فرهنگ غلط بیگانگان جایز نیست.

سؤال ۱۸۴۱- خشک کردن حیوانات، و نگهداری آن در منازل، و خرید و فروش آن، چه حکمی دارد؟

شیرازی، ناصر مکارم، استفتاءات جدید (مکارم)، ۳ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، دوم،

۱۴۲۷ ه ق استفتاءات جدید (مکارم)؛ ج ۳، ص: ۶۳۷

جواب: اگر هدف عقلایی داشته باشد، و موجب اذیت و آزار فوق العاده‌ای نگردد، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۴۲- برادرم کبوتر با ارزشی را در پارک گرفته، و به خانه آورده است.

اکنون آن کبوتر با کبوتر بنده جفت شده، و بچه‌دار شده‌اند. لطفاً بفرمایید:

الف) کبوتر مذکور حلال است، یا حرام؟

جواب: در صورتی که کبوتر صاحبی نداشته، یا مشکوک است، گرفتن آن اشکال ندارد.

ب) در صورت حرام بودن، چه کنم تا حلال شود؟

جواب: اگر قرائن نشان می‌دهد که صاحبی دارد، باید صاحبش را پیدا کنید، و چنانچه مأیوس شدید، معادل قیمت آن را به شخص نیازمندی بپردازید.

ج) بچه‌های بجا مانده از این کبوتر چگونه‌اند؟

جواب: در صورتی که کبوتر شما ماده است، جوجه متعلق به خود شماست.

۳۳- ورزش

سؤال ۱۸۴۳- با توجه به این که ورزش نیمی از جمعیت دنیا را به خود جذب کرده، و گاه در سیاست و حکومت نقش مهمی ایفا می‌کند، و در کشور ما نیز از مهمترین ابزارهای مقابله با تهاجم فرهنگی به شمار می‌رود، استدعا دارم نظر مبارک خود را پیرامون سؤالات ذیل بیان فرمایید:

۱- دیدگاه شرع مقدس درباره ورزش چیست؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۸

۲- اسلام درباره ورزش حرفه‌ای چه می‌گوید؟

۳- نظر اسلام در مورد کسی که شغل و کسب خود را ورزش قرار می‌دهد چیست؟

۴- شرع مقدس پیرامون ورزش قهرمانی چه نظری دارد؟

۵- مسابقات ورزشی با تعیین عوض (پولی که برای بنده در نظر می‌گیرند) چه حکمی دارد؟

۶- آیا پخش مستقیم مسابقات ورزشی با لباس مخصوص، و نگاه آن برای عموم (زن و مرد) جایز است؟

۷- شرط بندی در مورد پیش بینی نتیجه، توسط بازیکنان یا شخص ثالث چه حکمی دارد؟

جواب ۱ تا ۷: بی‌شک ورزش برای سلامت جسم و روح لازم، و در اسلام ورزش‌های هدفداری نیز پیش بینی شده است (مانند اسب سواری و شنا و مانند آن)، ولی شرط بندی تنها در مورد تیراندازی و اسب سواری اجازه داده شده است. متأسفانه ورزش در جهان کنونی، همان‌طور که اشاره کرده‌اید، در پاره‌ای از موارد از مسیر اصلی منحرف شده، و به افراط و تفریط گراییده، و گاه ابزار

مسائل تجاری سودپرستان، یا خودکامگی سیاست بازان واقع شده است، و اگر کار به همین وضع پیش برود، خطرات مهمی ورزش و علاقه‌مندان به آن را تهدید خواهد کرد. امیدواریم اندیشمندان برای پیشگیری از سوء استفاده‌های مختلف از ورزش چاره‌ای بیندیشند، و آن را در جایگاه اصلی خود قرار دهند، و از این که جمعی از جوانان عزیز ما قربانی انحرافات ورزشی شوند جلوگیری کنند.

سؤال ۱۸۴۴- ورزشکاری با پول بیت المال قهرمان شده، و اکنون تیمهای خارجی با دادن پولهای کلان او را استخدام می‌کنند. آیا این کار جایز هست؟

جواب: اگر قراردادی با بیت المال دارد، باید عمل کند، و اگر قراردادی نداشته باشد آزاد است؛ ولی انصاف آن است که به نفع کشور خودش عمل کند.

سؤال ۱۸۴۵- صدمات ناشی از برخی ورزش‌ها بسیار زیاد است، به طوری که در بسیاری موارد موجب جراحت، کبودی یا سرخ شدن و مانند آن می‌شود. این ورزش‌ها چه حکمی دارند؟

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۳۹

جواب: در صورتی که برای دفاع شخصی، یا دفاع از کشور و کیان مسلمین لازم باشد اشکالی ندارد. ولی طرفین قبل از شروع، باید از یکدیگر براءت بجویند، تا ضامن هم نباشند.

سؤال ۱۸۴۶- ورزش، یا بازی، با حیواناتی که در بسیاری از موارد منتهی به کشته شدن آن حیوانات به شکل فجیع می‌شود، چه حکمی دارد؟ مثلاً ورزشی که در آن سوارکاران با اسب به دنبال بُز می‌روند، و آن را گرفته و درصدد انداختن آن به نقطه‌ای هستند، که در بسیاری از موارد حیوان جان می‌سپارد. چنین ورزشهایی چه حکمی دارد؟

جواب: این نوع بازیها جایز نیست.

سؤال ۱۸۴۷- در جلسات تمرینی بعضی از ورزشها مثل «جودو»، «کونگفو»، «کاراته» و مانند آن، امکان دارد بدن شخص مقابل سیاه، قرمز، و یا حتی شکسته شود. لطفاً بفرمایید: آیا پرداختن به چنین ورزشهایی به منظور آمادگی‌های رزمی و بدنی در مقابل دشمن و مانند آن جایز است؟

جواب: در صورتی که واقعاً جنبه دفاعی داشته باشد، مانعی ندارد، و در صورتی که طرفین به آثار ناشی از آن رضایت داده باشند، موجب دیه نمی‌شود.

سؤال ۱۸۴۸- دو نفر برای قوی شدن و مهارت در ورزش، با رضایت خود مسابقه رزمی می‌دهند، و با ضربات لگد و مشت به هم می‌زنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که خطرناک نباشد، و موجب صدمه‌ای نشود، اشکالی ندارد.

سؤال ۱۸۴۹- ورزشهای سنگین، مثل بوکس، مخصوصاً در نظام اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: ورزشهایی که معمولاً خطرناک است، خالی از اشکال نیست.

۳۴- ورزش بانوان

سؤال ۱۸۵۰- لطفاً به سؤالات زیر در مورد ورزش بانوان پاسخ فرمایید:

استفتاءات جدید (مکارم)، ج ۳، ص: ۶۴۰

۱- فعالیت‌های ورزشی برای دختران مدارس ابتدایی، بدون رعایت حجاب اسلامی چه حکمی دارد؟

۲- ورزش بانوان با رعایت حجاب اسلامی در انظار عمومی (اجتماع مردان و زنان) چه حکمی دارد؟

۳- در ورزشهای انفرادی غیر تماسی (تنیس، بدمینتون و مانند آن) مسابقه یا تمرین خانمها با آقایان چه حکمی دارد؟

۴- آیا رعایت حجاب خانمها در سالنهای ورزشی مخصوص بانوان، لازم است؟

۵- موتور سواری و دوچرخه سواری خانمها با پوشش کامل اسلامی در خیابانها و معابر عمومی چگونه است؟

۶- آیا قبل از سن تکلیف، بازی کردن دختران با پسران مجاز است؟

۷- مربیگری مردان برای تعلیم بانوان تا چه حدی مجاز است؟

۸- حرکات هوازی و موزون زنان (که منجر به حرکات عضلات بدن می‌گردد)، بدون حضور نامحرم چه حکمی دارد؟

۹- ورزش کردن زنان با محارم خود چه حکمی دارد؟

۱۰- تماشای ورزش مردان توسط خانمها چه محدودیتهایی دارد؟

جواب ۱ تا ۱۰: شکی نیست که ورزش برای همه قشرها، اعم از مرد و زن، پیر و جوان لازم، و یکی از ضروری‌ترین کارها برای حفظ سلامت محسوب می‌شود.

از این گذشته، ورزش می‌تواند به عنوان سرگرمی سالم بسیاری از اوقات فراغت را پر کند، و انسان را از سرگرمی ناسالم بازدارد. ولی مسلم است که باید جهات شرعی هم در ورزش مردان و هم در ورزش زنان رعایت شود، و مسابقات ورزشی هرگز ایجاب نمی‌کند که ما فرهنگ اسلامی را رها کرده، دنبال فرهنگ دیگران برویم. به طور کلی زنان می‌توانند در محیطهایی که مخصوص به خودشان است، با استفاده از لباسهای مناسب، و با حفظ حجاب یا بدون حجاب شرعی، با توجه به این که جنس مخالفی در آنجا نیست، ورزش کنند. داوران و مربیان آنها نیز از میان خود زنان برگزیده شوند، همان گونه که در مردان چنین است، و از ورزشهایی استفاده کنند که آسیب و زبانی به آنها نمی‌رساند. «پایان

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و

رایانه‌ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

